

# تایخ نظم و نشر در ایران و در زمان فارسی

تألیف: دکتر سید علی حسینی  
۸۴۱۵







## دیباچه

در ۱۳۱۱ نخستین قسمت یادداشت‌های من به‌شنوان «تاریخچه مختصری از ادبیات ایران» در سالنامه پارس منتشر شد و پس از آن در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴ دنباله آن تا قسمتی از قرن دهم انتشار یافت. پس از آنکه سالنامه پارس تعطیل شد درصدد برآیدم در آن یادداشت‌های چاپ‌شده تجدید نظر کنم و بتکمیل آنها بپردازم و این کتاب بدین گونه فراهم شد. نام آنرا «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی» گذاشتم تا معلوم شود درین کتاب آنچه از آثار این زبان در ایران و آسیای مرکزی و افغانستان و هندوستان و قفقاز و خاک عثمانی (ترکیه) فراهم شده است تا جایی که آگاهی داشته‌ام گرد آورده‌ام و چون ممکن نبود در یک مجلد آنرا بزمان حاضر برسانم ناچار در پایان قرن دهم درنگ کردم. نمیدانم ناتوانی جان‌فروسی که چند پست گرفتار آنم مرا مجال خواهد داد دنباله کار را بگیرم و باین روزگاری که در آنیم برسانم یا نه؟ در هر حال گویا این کتاب نمونه‌ای برای دیگران شده باشد که اگر من کامیاب نشدم بپایان برسانم ایشان دنباله کار را بگیرند و حق این موضوع بسیار وسیع و بسیار دلنشین را ادا کنند. چون دامنه این کار بسیار وسیع بود و مطالبی که درین زمینه هست پراکنده در گوشه و کنار مانده است گاهی شده است که در یک جا مطلب ناقص مانده و در جای دیگر آنرا تکمیل کرده‌ام و در مناسبی که نخست بآنها رجوع کرده‌ام مطالب نادرستی بوده است که سپس در جای دیگر اصلاح کرده‌ام. برخی از سراینندگان و نویسندگان در پایان یک قرن و در آغاز قرن بعد زیسته‌اند و بهمین جهت ذکرشان در هر دو قرن رفته است و فهرست‌های پایان کتاب رفع این دشواری را خواهد کرد. تا پایان قرن نهم کتابهایی که درباره شاعران داریم بسیار محدودست و آنچه بر آن کتابها افزوده می‌شود ذکر است که با اشعارشان در سفینه‌ها و مجموعه‌ها و جنگها مانده است و چون اطلاعی از ایشان نیست درباره این دسته از سراینندگان تنها بذکر نامشان قناعت کرده‌ام. اما از قرن دهم ببعد کتابهای فراوان در احوال و اشعار سراینندگان به ما رسیده است و درباره همه ایشان پیش و کم آگاهی داریم. بهمین جهت هر چه درباره گوینده‌ای بدست آمده است در جای خود در متن یا در تکمله‌ها آورده‌ام.

بیداست که مقصود از این کتاب تنها شرح حال و آثار گویندگان و نویسندگانست و ناچار جای آن نبود که نمونه‌ای از اشعار هر سراینده‌ای را ضبط کنم. برای این مقصود کتاب بسیار مفصلی که شامل اشعار ایشانست فراهم کرده‌ام که بیش از یازده مجلد خواهد شد و نمی‌دانم با انتشار آن تا هستم کامیاب خواهم شد یا پس از من کسی بدین کار همت خواهد گذاشت.

درباره هر نویسنده‌ای کوشیده‌ام فهرست کامل از مؤلفات وی فراهم سازم و ناچار فهرست آثار بسیاری از ایشان که بدوزبان فارسی و تازی تألیف کرده‌اند شامل کتابهای هر دو زبانست. بیم آن دارم که رنجوری و فرسودگی دیگر مرا ازین گونه بهره جویی‌هایی که درهم نشینی با خوانندگان گرامی دارم بازدارد و شاید این سخنان باز پسین پیامهای شورانگیز من بپیشگاه ایشان باشد و بهر حال درخواست دارم هر لغزش و خطایی که درین صحایف ببینند کریمانه مرا از آگاهی بدان سپاسگزار کنند.

شهریور ماه ۱۳۴۳

فید نفیسی



## آغاز سخن

بسیار دشوار است کسی بتواند برای آثاری که از نظم و نثر فارسی درین هزار و صد و اتمسال که از آن میگذرد در جهان مانده است حدی معین کند. با همه کوششی که در متن این کتاب و تکمله پایان آن کردم که فهرستی از سراینندگان و نویسندگان و آثار این زبان گرد آورم باز در پایان کار متوجه شدم که برخی از نکات فروگذار شده با تازمه بدست آمده است. ارقامی که در هلالین پس از نامها گذاشته شده صحیفه یا صحایفی را که باید مطلب بر آن افزوده شود می رساند :

**قرن دوم :** میرسیدعلی حمدانی در کتاب اسراروحی این رباعی را که بابوسمید ابوالخیر نیز نسبت داده اند بنام فضیل عیاض ضبط کرده است :

با فاقه و فقر هم نشینم کردی      بی خویش و تیارو بی قرینم کردی  
این مرتبه مقربان در تست      آخر بچه خدمت این چنینم کردی ؟

مراد از فضیل عیاض ابوعلی فضیل بن عیاض فندی خراسانی معاصر هارون الرشید در گذشته در ۱۸۷ است که در جوانی جزو عیاران و راهزنان در میان آبیورد و سرخس بوده و در مکه در گذشته و از اصحاب امام جعفر صادق بوده و کتابی بنام مصباح الشریعه از او مانده است. تردید است که این رباعی از او باشد و از سخنان قرن دوم نیست.

**قرن سوم :** کتاب کوچکی بنثر از آثار متصوفه بدست است که در آغاز هر مطلبی نوشته شده و خواجه امام حداد، گفت و پیداست مراد از امام حداد عارف مشهور ابو حفص عمرو بن سلمه حداد از مردم روستاهای نیشابور است که او را از پیشوایان ملامتیان و مرشد ابو عثمان حیری و شاه شجاع کرمانی و معاصر احمد خضریه و پایزید بسطامی و شاگرد عبداللهمهدی یادردی دانسته اند و نوشته اند و نوشته اند که سفر حج کرده و در ۲۶۴ یا ۲۶۵ یا ۲۶۷ در گذشته است و چنان می نماید که ۲۶۴ درست تر باشد. روشن نثر این کتاب بزبان ابو حفص حداد و پایان قرن سوم نزدیک نیست و بنثر قرن هفتم می ماند و ممکن است که اصل آن بزبان تازی از ابو حفص حداد بوده و آنرا در قرن هفتم ترجمه کرده باشند.

**قرن چهارم :** قیر ابوعلی دقاق (۲۴) اینک در یک کیلومتری مغرب شهر نسای جدید در جمهوری ترکمنستان در آبادی که «آن باقر» میگویند معروف است.

قیر ابوسمید ابوالخیر (۲۴) در شهر کوچت میهنه یا میهنه در جمهوری ترکمنستان معروف است که در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شرقی عشق آباد و در جنوب ترکمنستان نزدیک مرز ایران و در میان آبیورد یا باورد و سرخس واقع شده است. اینک مردم محل بآن شهر «مانده» و مزار ابوسمید را «مانه بابا» میگویند و ساختمان کهنه ای دارد و این شهر میهنه جزو بخش فقهیه است و اینکه برخی مزاروی را در میهنه خراسان دانسته اند درست نیست.

زادگاه ابوالریحان بیرونی (۳۰) شهر بیرون شهر کوچکیست که اکنون در ازبکستان شوروی در سرزمین خوارزم در شمال شرقی اورگنج در سمت راست مجرای جیحون واقعست و تا پست رود فاصله بسیار دارد.

**قرن پنجم :** محمد عبده کاتب (۲۵) دبیر بترخان از پادشاهان سلسله خانی یا آل افراسیاب بوده است.

ابو حفص خوزی (۶۵) که نام وی را بخط ابوحفص عبداللہ بن یقظان خوزی نوشته اند از خاندان معروف آل پنجیر از سادات حسینی فارس بوده که چون نخست در روستای پنجیر در سه فرسنگی مشرق گاوکان در ناحیه کر بال فارس میزیسته اند بدین نام معروف شده اند. پدرش عبداللہ بن-

یقظان ایدچی خوزی از مشایخ بوده و وی در ۲۸۷ ولادت یافته و نخست پدر او را تربیت کرده و پس از مرگ او از اصحاب ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن زحمن مقاریضی و پس از مرگ او از اصحاب ابو حیان علی بن محمد توحیدی بغدادی شده و با وی پیچیده و دختر او را بزنی گرفته و اجازه ارشاد یافته است. مردی دانشمند و از مشاهیر متصوفه زمان خود بوده و کراماتی بوی نسبت داده اند و سفرهایی کرده و بدیدار ابو سعید ابوالخیر و ابو عبد الله علی بن محمد بن عبد الله با کوی معروف ببا با کوهی رسیده و در ۸۵ سالگی در ۴۷۲ درگذشته و کتابی بنام کنوز القلوب و رموز الغیوب در علوم غریبه داشته و چند قطعه شعر فارسی از او مانده است.

کتاب تحفة الملوك (۷۲) تألیف علی بن ابی حفص بن فقیه محمود اصفهانیست.

از شاعران قرن پنجم: عضدی مشکانی که منظومه‌ای داشته است بنام اهر او ستودن.

از نویسندگان قرن پنجم: ۱) ابو سعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی مؤلف زین الاخبار در تاریخ عمومی از آغاز تا پادشاهی عبدالرشید بن مسعود غزنوی (۴۴۱-۴۴۴). ۲) ابو جعفر محمد بن ایوب حاسب طبری از بزرگان علمای ریاضی و نجوم مؤلف کتابهای چند بفارسی و عربی از آن جمله رساله شش فصل در اسطرلاب که بنام ملک‌شاه سلجوقی در ۴۵۳ تألیف کرده و شمار نامه در حساب و رساله استخراج یا استخراجات.

**قرن ششم:** از شاعران ۱) طیان بومی کرمانی که بجز طیان مرغزی معروف بطیان ژازخای شاعر قرن پنجم بوده و چند قطعه شعر از او مانده است. ۲) مظفری مداح اسپهبد اسپهبدان شهر نوش ملک‌عاز دران. ۳) حسام‌نفسی از شاعران مداح رکن‌الدین طغاج‌خان از پادشاهان خانی یا آل افراسیاب در سمرقند.

از نویسندگان قرن ششم: ۱) خواجه ابویعقوب یوسف بن ایوب همدانی از بزرگان مشایخ طریقه خواجهگان که تاریخ ولادتش را بر خی ۴۴۰ و بر خی ۴۹۲ نوشته اند و تاریخ دوم درست است. وی در ماوراءالنهر میزیسته و خلیفه ابوعلی فارمدی طوسی بوده و عارف مشهور عبد الخالق خجندیانی خلیفه وی بوده است و رساله‌ای در مقامات وی بنام رساله صاحبیه نوشته است و او در پایان زندگی که از بخارا بیرون رفته در راه در روز پنجشنبه ۸ محرم ۵۳۵ در مرو درگذشته و اینک مزارش در محل معروف ببیرام علی در ۳۰ کیلومتری مرو کنونی در جمهوری ترکمنستان بنام خواجه یوسف زیارتگاه است. وی شرحی بر منازل السائرین عبدالله انصاری نوشته است.

۲) شهاب‌الدین یا مؤیدالدین محمد بن احمد بن علی بن محمد منشی نسوی زیدری از مردم خرنندز از توابع زیدرونسا و زیدبیران در بار جلال‌الدین خوارزمشاه بوده و تا ۶۲۸ در سفرها و لشکر کشیها با وی همراه بوده و سیرت جلال‌الدین مینکبری و نفثة المصدر ازوست و در صحیفه ۹۴ لقب وی اشتباها نورالدین نوشته شده است.

۳) نورالدین منشی پسر تاج‌الدین علی بن ابوالمعالی کسریم‌الشرق از دبیران دربار جلال‌الدین مینکبری و از مردم کدکن در ناحیه رخ از توابع نیشابور و زاوه که اکنون جزو ناحیه تربت حیدریست. پدرش وزیر غیاث‌الدین پیرشاه خوارزمشاهی در کرمان بوده و در ۶۱۸ بان شهر رفته و در اواخر ۶۲۴ یا اوایل ۶۲۵ در آنجا بدست براق‌حاجب کشته شده است. وی نیز در آن شهر از منشیان دستگاه غیاث‌الدین بوده و سپس بدربار جلال‌الدین رفته و با او سفرهای چند باذربایجان و بیلقان واران و تفلیس کرده و شعر را استادانه می‌سروده و کتابی بنام وسایل الرسایل و دلایل الغضایل شامل مکاتبات خود نوشته و نیز ترسلی داشته است.

۴) مؤیدالدین محمد منجب‌الدین علی بن احمد کاتب بدیع‌التابیک جوینی از دبیران معروف دربار سنجر و خالجد شمس‌الدین صاحب دیوان و عظاملک جوینی بوده است. از جوانی در مرو سکنی گرفته و از معدوحان انوری و از اعیان دربار بشمار میرفته و در زیحجه ۵۴۸ درگذشته است. وی مؤلف کتابیست بنام عتبه الکته که شامل منشآت اوست و بدستور ناصرالدین ابوالفتح طاهر بن فخرالملک مظفر بن نظام‌الملک وزیر سنجر گرد آورده است.



۵) شهریار بن بهمنیار فارسی مؤلف کتاب تجارب شهریار در صنعت که تقریباً ترجمه سرالاسرار تألیف محمد بن زکریا رازیست .

۶) ابوجعفر احمد بن علی بن ابوجعفر محمد بن صالح بیهقی معروف بوجعفرک یا جعفرک از بزرگان ادبای زمان خود و استاد در ادب نازی بوده و در ۵۴۴ در گذشته و مؤلف کتابیست در لغت نازی بفارسی بنام تاج المصادر .

۷) دیگر از کتابهای قرن ششم کتابیست در مقامات امیر کلال از بزرگان مشایخ طریقه خواجگان که مؤلف آن معلوم نیست .

**قرن هفتم :** ۱) نام خانقاه علاءالدوله سمنانی (۱۴۸ و ۷۳۳) را در صوفی آباد سکاکیه نوشته اند و گفته اند در ۱۶ سال که در آنجا بوده ۴۰ اربعین و ۱۳۰ خلوت متفرقه داشته و ۷۷ سال و دو ماه و چهار روز در جهان زیسته و در کنار قبر عمادالدین عبدالوهاب وی را بخاک سپرده اند .  
و دیگر از مؤلفات اوست قواطع السواطع و شرح رساله ذوالاعتبار و صحیح السنن .

۲) سعدی (۱۶۷) ضیاءالدین برنی در تاریخ فیروز شاهی (چاپ کلکته ۱۸۶۲ ص ۶۸) که در ۷۵۸ تألیف کرده است درباره خان شهید پسر مهتر غیاث الدین بلبن (۶۶۴-۶۸۵) پادشاه معروف هند که حکمران ملتان بوده و در ۶۸۴ کشته شده است چنین می نویسد : «خان شهید از وفور دانشی که داشت دو کورت از ملتان در طلب شیخ سعدی قاصداً و حامداً کسان و خرج در شیراز فرستاد و شیخ را در ملتان طلب کرد و خواست که بجهت او در ملتان خانقاه سازد و در آن خانقاه دهها وقف کند . خواجه سعدی از ضعف پیری نتوانست آمد و هر دو کورت یکان سفینه غزل بخط خود بر خان فرستاد و هذر نیامدن خود در قلم آورد . مولوی احمد علی در کتاب «قصر عارفان» که در ۱۲۹۱ تألیف کرده (در مجله اورینتال کالج میگزین چاپ چاپ لاهور شماره اگست ۱۹۶۵ ص ۳۲۹ چاپ شده) چنین آورد است : «خان شهید پسر کلان وی (غیاث الدین بلبن) که امارت ملتان داشت بسی قدر دان صاحب جوهر و اهل هنر بود . حضرت امیر خسرو با وی رفاقت داشت . سعدی شیرازی را چند بار از ملتان نقود و اجناس لایق بطریق تنحایف فرستاده ، استدعای قدوم رنجگی کرد . حضرت شیخ عنبر ضعف و پیری در تحریر آورد و تعزیف حضرت خسرو نگاشت و از تصانیف خود کتاب گلستان و بوستان و کریمیا و دیوان غزلیات و جمیع هزلیات بطور تحف فرستاد ، که در هند از وقت وی قبول خاص و عام یافت و نام نامی حضرت شیخ فروغ عالی گرفت . شیخ آذری در جواهر الانوار می آرد که حضرت شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بدیدن امیر خسرو در هند آمد ، الا از دیگر کتب ذکر این حال یافت نمی شود . پیداست که این واقعه مربوط بسالهای پیش از ۶۸۴ و کشته شدن خان شهید بوده است .

۳) سیف الدین باخرزی (۱۷۴-۱۷۵ و ۷۴۳) در فتح آباد بیرون شهر بخارا میزیسته و بهمین جهت بشیخ فتح آباد معروف شده بود . اینک مزار وی در نه کیلومتری شمال بخارا در همان روستاست که بمناسبت لقب وی که شیخ العالم بوده نام آن کالخورا هم شیخ العالم گذاشته اند . دیگر از آثار وی رساله عشق را باید دانست .

۴) ناصر یا ناصری (۱۷۷) سراینده فتوت نامه ناصری سیواسی از شاعران آسیای صغیر بوده و بجز فتوت نامه که در ۶۸۹ بیابان رسانده مشنوی دیگری بنام کتاب الاشراف در ۶۹۹ بیابان رسانده است .

چندتن از شاعران قرن هفتم تنها نامشان و برخی از اشعارشان در سفینه ای که محمد بن یغمور نام در آغاز قرن هشتم تدوین کرده آمده است بدین گونه : ابوالفتح ، الفضل الدین ، اوحد - طالقانی ، برهان الاسلام ، برهان الدین سمرقندی ، بهاء الدین بلخی ، حکیم جبایی ، جمال الدین فنونی ، جمال الدین سمرقندی عروسی ، جمال الدین شائقی ، جمال الدین قرشی ، حسام الدین نمبره ،

حمیدالدین ، حمیدسیمکش ، رشیدالدین ، زین‌الدین قدسی ، سراج‌الدین سیستانی ، سعدرضی ، سعیدالدین متطیب سمرقندی ، سعیدبابی ، سعیدنچاراوشی ، سیداحسیکتی ، شاه کریم سمرقندی ، شرف‌الدین ختلی ، شمس‌انوری ، ظهیرالدین ابونصر سگزی ، خواجدهبده ، علاءالدین زرگر ، علاءالدین شاه ، علاءزیارت ، علوی نسوی ، سیدعمادالدین ، خواص گنبدی ، فخرالدین جامدی ، فخرالدین خالدی ، فخرعالم ، محمد شمال ، محیی دهستانی ، مسعود وراق ، امام منصور کریمی ، نصرالله فنزوی ، نصیرالدین ادیب ، نظام‌الدین چندی ، نظام‌الدین دریندی ، نظام‌الدین کاتب ، ورتیجی .

از نویسندگان قرن هفتم : ۱) قاضی محمود بن عمر بن محمود بن منصور سگزی ربیعجانی مؤلف کتاب مذهب الاسماعدر لغت تازی بقارسی .

۲) عبدالله بن علی مؤلف سعادت‌نامه یا رساله الملکیه در صنعت انشا که در ۷۰۶ بنام سعدالدین ابن تاج‌الدین علی ساوجی تألیف کرده است .

**قرن هشتم :** شمس‌الدین محمد بن فخرالدین هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخبوانی (۱۸۴ و ۷۵۲) کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب را در ۷۶۱ پایان رسانده است .

شاه نعمه‌الله اولی (۱۸۷-۱۹۰ و ۷۵۳) اصل وی را از قهستان خراسان و رحلتش را در ۸۰ سالگی در سال ۸۲۷ نوشته‌اند و این مطلب درست نیست . کتابی بنام روح‌نامه نیز از ویست . فصیح‌الدین بن عبدالکریم نظامی (۲۶۲) مؤلف شرح اربعین محیی‌الدین ابوزکریا یحیی نووی .

میرسید شریف گرگانی (۱۹۰ و ۷۵۳) رحلت وی را در ۸۱۴ در ۷۶ سالگی نیز نوشته‌اند . میرسیدعلی همدانی (۱۹۵ و ۷۵۳) نام پدرش را شهاب‌الدین محمد بن یوسف بن شریف بن

محمد بن جعفر بن عبدالزاهد بن حسین الاصر بن امام زین‌العابدین نوشته‌اند . از مریدان شرف‌الدین محمود بن عبدالله مرقی بوده و رحلت او را در ۱۶ ذیحجه ۷۸۴ نیز ضبط کرده‌اند . در شعر علایی تخلص می‌کرده و مؤلفات دیگری بدین گونه است : شرح اسماعالله ، اسراروحی ، چهل حدیث وجواهر عقود وایمان ، اسرار النقطه ، رساله اعتقادیه ، رساله همدانیه ، رساله درویشیه ، رساله حل‌مشکل ، رساله مشیبیه ، رساله بهرامشاهیه ، رساله حقیقت‌ایمان ، رساله منامیه ، رساله داودیه ، رساله موجلکیه ، رساله حق‌الیقین ، رساله در باب علمای دین ، رساله صفت الفقراء ، مکتوبات ، غزلیات .

بهاء‌الدین نقشبند (۱۹۲ و ۲۲۰ و ۷۶۶) قبر وی در همان روستای قصر عارفان که مسکن وی در بیرون شهر بخارا بوده زیارتگاه و از ساختمانهای معروف اطراف بخارا است و اکنون در ۱۲ کیلومتری شهر واقع شده و آن بخش را بخش بهاء‌الدین می‌نامند و از توابع شهر کاگان بشمار می‌رود و تازادگاه وی که خانقاه او در آنجا بوده و هنوز بهمان نام قصر عارفان معروفست دو کیلومتر مسافت دارد .

خواجگرمائی (۲۰۰) نوشته‌اند که باعلاءالدوله سمنانی ملاقات کرده و مرگش را در ۷۴۲ نیز نوشته‌اند و این درست نیست .

ابن‌بعین فریومدی (۲۰۱) وی را مداح امیر محمود سربداری دانسته‌اند و رحلتش را در ۷۴۵ نیز ضبط کرده‌اند و گفته‌اند در فریومد در کنار پدرش وی را بخاک سپرده‌اند . سلمان ساوجی (۲۰۲) رحلت وی را در ۷۴۹ و ۷۷۷ نیز ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند در بغداد در گذشته و این نکات درست نیست و نیز گفته‌اند بیش از ۸۰ سال زیسته است .

حافظ شیرازی (۲۰۵-۲۰۶ و ۲۶۱ و ۷۶۲) در کتابخانه فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان در تاشکند نسخه‌ای از خمسة خسرو دهلوی بشماره ۲۱۷۹ هست که سه کتاب آن بخط حافظست : اسکندرنامه که در ۲۴ صفر ۷۵۶ و هشت بهشت که در دوشنبه ۱۶ ربیع‌الآخر ۷۵۶ و خسرو شیرین که در ۱۳ جمادی‌الاولی ۷۵۶ پایان رسانده و همه‌جا «محمد بن محمد بن محمد المقلب بشمس»

الحافظ الشیرازی» رقم کرده است و بخط پخته خوب نوشته است. نوشته‌اند که شمس‌الدین محمد بخاری معروف بمحمد معمایی که در دستگاه بایرین بایسنغر منصب صدارت داشته ساختمان‌های سرخاک وی کرده است.

لطف‌الله نیشابوری (۲۱۰ و ۷۶۳) در گذشتش را در ۷۸۴ نوشته‌اند و درست نیست. کمال‌الدین خجندی (۲۱۰-۳۱۱) نوشته‌اند چهارده سال در شهر سرای‌ماند و تاریخ مرگش را در ۷۹۳ نوشته‌اند و گفته‌اند در سرخاک مدفون شد.

محمد پارسا (۲۲۱) کتاب فصل الخطاب را در ۸۱۲ بیابان رسانده و رساله کشفیه ازوست.

**قرن نهم:** کمال‌الدین حسین خوارزمی (۲۴۲-۲۴۳) لقب پدرش رازین‌الدین نوشته‌اند. شرف‌الدین علی بن‌دی (۲۴۸-۲۴۹ و ۷۷۵) نام کتاب وی را در اثر مطبوعی کنز‌المراد نیز نوشته‌اند.

الغریبک (۲۴۹-۲۵۰) روز تولدش را یکشنبه ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند ساختمان مدرسه وی در سمرقند در ۸۲۸ و ساختمان رصدخانه در ۸۳۳ بیابان رسید و زیج خود را در ۸۵۳ بانجام رسانده است و تاریخ کشته شدنش را در ۸ رمضان بدست عباس نام که از خدمت گزاران پسرش عبداللطیف بوده است نیز ضبط کرده‌اند.

کمال‌الدین عبدالرزاق (۲۵۰-۲۵۱) رحلتش را در جمادی‌الاولی ۸۸۴ هم نوشته‌اند و این درست نمی‌نماید.

ابونصر پارسا (۲۸۱) در ذی‌قعدة ۸۶۵ در گذشته و کتابی بنام تحقیقات دارد. قاسم انوار (۲۹۱-۲۹۲ و ۷۸۶) رحلت وی را در اوایل ربیع‌الاول ۸۳۷ دانسته‌اند و او را از مردم سرخاک شمرده‌اند.

عصمت بخاری (۲۹۶) در گذشتش را در ۸۴۰ نوشته‌اند و تصریح کرده‌اند که در بخارا مدفون شده است.

طالب جاجرمی (۳۰۱) نوشته‌اند از شاگردان آذری بوده است. سید عماد‌الدین نسیمی (۳۳۵ و ۷۸۹) برخی وی را از مردم حلب دانسته‌اند و این درست نیست.

سعدالدین کاشغری (۷۸۴) رحلت وی را در هرات در روز چهارشنبه ۷ جمادی‌الآخره ۸۵۹ و یا ۸۶۰ نیز ضبط کرده‌اند.

عبدالقهار سمرقندی (۳۲۹) لقبش را شرف‌الدین هم نوشته‌اند. بایسنغر (۸۹۷-۷۹۸) ولادتش را در ۷۹۹ هم نوشته‌اند و تصریح کرده‌اند که در باغ سفید هرات در گذشته است.

جمال‌الدین عطاءالله مشهدی (۳۳۴) از شاعران و وزیران دربار سلطان حسین بایقرا نیز بوده است. نوشته‌اند در زمان شیبانی کاری نپذیرفت. رحلت وی را در روز یکشنبه دوم ربیع‌الاول ۹۵۷ در هرات نوشته‌اند و این درست نمی‌نماید. نیز نوشته‌اند که در مزار شیخ علی صوفی‌اورا بخاک سپرده‌اند.

شمس‌الدین محمد اتدجانی معروف بمیر میرهنه (۳۳۷) رحلتش را در هرات در ربیع‌الاول ۸۹۸ نیز نوشته‌اند.

میر حسین معمایی (۲۹۲-۲۹۳) نیشابوری بوده و در گذشت وی را در شعبان ۹۰۴ هم نوشته‌اند.

سلطان محمد بدخشانی (۳۰۶) بدخشی تخلص می‌کرده است.

معین‌الدین بن شرف‌الدین محمد فراهی (۲۴۲) بهر وی نیز معروف بوده و وفات وی را در ۹۰۹ هم ضبط کرده‌اند.

حسامی قراکولی (۳۱۸) از مردم خیوه ساکن قراکول و از مریدان عبیدالله‌احرار بوده

و مرگ وی را در ربیع الاول ۹۱۱ قمری نوشته‌اند .

عبد الغفور لاری (۲۵۵) آنچه بر شرح کافیّه نوشته حاشیه‌ایست که بر شرح جامی نوشته است و رحلت وی را در یکشنبه ۵ شعبان ۹۰۲ هم ضبط کرده‌اند .

ریاضی زاوی (۳۴۴) در زمان سلطان حسین بایقرا قاضی زاویه بوده و پس از آن وارد دربار شاه اسمعیل شده و شاه نظم فتوحات خود را از او خواسته و وی بدین کار آغاز کرده اما ناتمام مانده و در ۹۲۱ درگذشته است .

شهاب الدین عبدالله بن شمس الدین مروارید کرمانی (۲۵۹) از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان بدیع الزمان میرزا منصب صدارت داشته و سپس پسر شاه اسمعیل پیوسته و تاریخ سلطنت و بناام تاریخ شاهنشاهی بنظم آورده و خسرو و شیرین نیز نبوده است .

بنایی هروی (۳۱۰) پدرش استاد محمد سبز معمار نام داشته و تاریخ کشته شدنش را ۹۲۲ هم نوشته‌اند .

آصفی هروی (۳۰۸) جدش ملا عبدالعلی از وزرای تیمور و پدرش وزیر ابوسعید خان بن سلطان محمد بن میرانشاه بوده و نوشته‌اند ۷۰ سال عمر کرده و رحلتش را در دوم ماه برات ۹۲۳ هم ضبط کرده‌اند .

شاعران دیگر قرن نهم : ۱) مولانا محمد زاهد از شاعران پایان قرن هشتم و آغاز این قرن (۲۰) محمد قندهاری که رساله‌ای در معما بنام بایسنخ نوشته است (۳۰) قاضی خواجه خرد سمرقندی (۴) محمد بن عبدالغفار و صالی قزوینی پدر قاضی احمد مؤلف نگارستان .

نویسندگان دیگر قرن نهم : ۱) خواجه احمد مستوفی مؤلف تاریخ گزیده که بجز تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفیست (۲) جمال الدین علی بن حسین بن علی بن مهنا داودی حسنی کرمانی، جدش مهنا سیر کسی بوده که نام او را عتبه الاصرن یا عقبه یا عنبیه نوشته‌اند و بهمین جهت باین عنبیه یا ابن عقبه و یا ابن عنبیه معروف شده ولی ابن عنبیه درست ترست . وی از شاگردان علی بن محمد صوفی نسابه و ابونصر بن عبدالله بخاری نسابه بوده و در کرمان در ۸۲۷ یا در ۷ صفر ۸۲۸ درگذشته و مؤلف چندین کتاب بتازی و فارسی در انساب است از آن جمله عمده الطالب فی نسب آل ابی طالب عربی که در ۸۱۴ بنام تیمور بیابان رسانیده و بحر الانساب فارسی و الفصول الغریبه فی اصول البریه فارسی و تحفة الجالیه فی انساب الطالبیه بفارسی (۳) حسین بن حسن بن محمد حسینی حنفی دیار بکری آمدی متخلص بشریف در گذشته در حدود ۹۲۰ . که شاهنامه فردوسی را در مصر ببخار هزج بنام قانصوه غوری از مالیک در قاهره بشرکی ترجمه کرده و نسخه اصل که بخط اوست تاریخ دوم ذیحجه ۹۱۴ را دارد . ۴) ابوبکر ظهرانی اصفهانی مؤلف کتاب دیار بکریه در تاریخ اوزون حسن آق . قویونلو که در ۸۷۵ بیان رسانیده و گمان نمی‌رود همان ابوبکر ظهرانی مؤلف جهان آرا برای شاه طهماسب باشد (۸۴۲) که در ۹۳۰ یعنی ۵۵ سال پیش از آن تألیف کرده است .

**قرن دهم** ، فغانی (۳۱۵) در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات بود و پس از مرگ وی بمراق آمد و در پایان زندگی با شاه اسمعیل بخراسان رفت و در باورد ساکن شد و در آنجا مرد . حافظ تائیش (۴۸۸) نخست نخلی و سپس گرامی تخلص کرده است .

مولانا ابتری (۵۴۲ و ۸۳۳) مردی دانشمند و عاشق پیشه بود ، چندی در هرات زیسته و در زمان عبیدالله خان در بخارا بوده و در ۹۵۳ درگذشته است .

قاضی اختیار اندین حسن (۲۷۸) رحلتش را در ۹۲۷ هم نوشته‌اند .

ظهوری نبریزی (۵۲۵) ظاهراً ملا نیاز نام داشته و در تنه می‌زیسته است .

هلالی جغتایی (۴۰۹) تاریخ کشته شدنش را ۹۳۶ هم نوشته‌اند و گفته‌اند قاتل وی سیف‌الله نام داشته است .

شهاب‌معمايي (۳۴۵) مؤلف چندین رساله در معما بوده و در ۹۴۳ در گذشته است .  
عصام‌الدین ابراهیم بن عرب‌شاه اسقرایفی (۶۲۳) از بزرگان علمای هرات در زمان سلطان حسین بایقرا بوده و پس از استیلاي ازبکان بخارا رفت و عبیدالله خان وی را بسیار گرامی داشت و در آنجا بتدریس مشغول شد و برای رباعی که عبیدالله خان سروده بود ۶۵۶ معنی نوشت و در ۹۴۳ درگذشت . وی مؤلفات چند دارد از آن جمله حاشیه بر تفسیر بیضاوی و حاشیه بر شرح جامی و حاشیه بر شرح شمسیه .

احمد بن جلال‌الدین کاشانی (۴۰۰-۴۰۱) پدرش معروف بن خواجگی و این خانواده از مردم کاشان از توابع اندکان بوده‌اند و وی از مریدان مولانا قاضی و او مرید عبیدالله احرار و خود از مشایخ معروف تصوف ماوراءالنهر بوده و او را مخدوم اعظم خطاب می‌کرده‌اند . تاریخ رحلت وی را ۹۵۶ هم نوشته‌اند و مؤلفات دیگری بدین گونه است : تمییه الغافلین ، رساله بقائیه ، نصیحة السالکین ، رساله فنائیه ، رساله شیبیه ، شرح آیات ، بیان سلسله ، چهارگانه ، بطیخیه .

شیدای بلخی (۶۲۶ شماره ۹۷۸) در ۹۴۲ در گذشته است .  
خواجه کلان پخته سمرقندی (۵۹۰) کتابدار ابدال سلطان بن عبداللطیف خان ازبک بوده است .

ارسلان مشهدی (۴۱۹ و ۶۲۳) از مردم زیارتگاه در خراسان بود و عبدالؤمن خان ازبک او را ببلخ برد و پس از چندی بحدیج رفت و در بازگشت در دربار اکبر در هند ماند و ظاهر آ تا ۹۸۰ زنده بوده است .

زین‌الدین ابوبکر علی‌تایب‌ادی (۲۲۱ و ۷۶۶) بجزوی دیگری از مشایخ تصوف بنام ملازین‌الدین ابوبکر تایب‌ادی ساکن ماوراءالنهر بوده که در ۹۹۳ در گذشته و برخی این دورا بایکدیگر اشتباه کرده‌اند .

مشفقی (۵۶۸-۷۳۶ و ۵۶۹) در حکمت و هیئت و فن قرعه و حساب نیز دست داشته و پس از مرگ سلطان سعیدخان بخارا رفته و در آنجا در مزار شیخ جلال مدفون شده است و دیگر آثار اوست مشنوی حسن و دل .

میرعلی‌کاتب (۶۲۱-۶۲۲) در هرات متولد شده و در مشهد پرورش یافته و در خط از شاگردان زین‌الدین محمد کاتب بوده است . در ۹۲۵ ب ماوراءالنهر رفت و در ۹۵۳ در بخارا درگذشت و در مزار سیف‌الدین باخرزی مدفون شد .

شاه‌ظاهر دکنی (۳۶۷-۳۶۸ و ۸۰۲-۸۰۵) وفاتش را در ۹۵۳ هم نوشته‌اند .  
خواجه عبدالشهید (۷۸۲) نوشته‌اند که در ۹۵۴ در گذشته است اما درست نیست زیرا که در ۹۸۴ از سفر هند ب سمرقند بازگشته است .

نیازی بخاری (۵۵۶ و ۸۳۵) نام پدرش سید محمد بوده است .

ملا محمد امین مفتی (۶۳۳) کتابی بنام امینیه نوشته است .

محموی هروی (۳۴۷) بمحموی عطار معروف بوده است .

دیگر از نویسندگان قرن دهم: ۱) محمد قزوینی مؤلف در ابتدا نامه در تاریخ در بند و داغستان که بترکی هم ترجمه شده است . ۲) ملا عصمت‌الله سمرقندی پسر مهتر مولانا محمود بن مولانا نعمت‌الله از بازماندگان خواجه عارف ریوگری بخاری عارف مشهور و از دانشمندان نامی زمان خود بود . در سمرقند دانش آموخت و در حکمت و ریاضی استاد بود و در زمان عبیدالله خان ازبک بر همه دانشمندان برتری داشت . مردی پرهیزگار و دین‌دار بود و طلاب بوی بسیار محقق بودند . در ضمن شاعر زبردستی بود و غزل را نیکو می‌سرود و در سال ۱۰۰۰ درگذشت . مؤلفات بسیار دارد از آن جمله : نجات‌القاری در قرائت قرآن ، سؤال و جواب ، مسئله غریبه ، رساله راسته ،

## آغاز سخن

رساله حسینیة در آداب طهارت ، رساله در تحقیق سلسله جهریه ، حاشیه بر شرح ملاتا بحث فعل ، حاشیه بر شرح عقاید از عذاب قبر تا آخر . ۳ ) حسن چلبی ظریفی در گذشته در ۱۰۱۲ از اصحاب شیخ ابراهیم گلشنی دو گذشته در قاهره در ۹۰۴ مؤلف کاشف الاسرار و مطلع الانوار در شرح مثنوی که پیش از ۹۸۳ تألیف کرده است . ۴ ) عزالدین بن علی سرخسی مؤلف قوافی نامه شامل فهرست کلمات بترتیب حرف آخر شامل در قسمت عربی و فارسی که پیش از ۹۴۷ تألیف کرده است . ۵ ) درویش ادریس بن یوسف مؤلف شرح مشکلات گلستان سعدی شرح اشعار و جمله های عربی و فارسی و ترجمه لغات بترتیب حروف آخر . ۶ ) جمال الدین عزیزان از مشایخ تصوف قرن نهم و دهم ماوراءالنهر مؤلف کتاب المحامات در مقامات مرشد خود شیخ خداداد در گذشته در ۹۰۹ و مدفون در روستای عزیزه در دوفرسنگی سمرقند . ۷ ) شاه وجیه الدین بن نصر الله هندی از متصوفه هند مؤلف حقیقه المحمدیه . ۸ ) محیی الدین بن بدر الدین اناری از اخترشناسان مؤلف جامع القرانات .

چند شاعر دیگر قرن دهم : ۱ ) خواجه هاشم دیوان بیکی سمرقند ، پدرانیش از وزیران بودند و جدش وزیر محمدخان شیبانی بوده است . چندی در هرات می زیست و در آنجا آبادی بسیار کرد و در زمان عبداللہ سلطان دفتر دار سمرقند و در زمان عبداللہ خان دیوان بیکی آن شهر و در زمان عبدالؤمن خان دفتر دار و در زمان باقی محمدخان وزیر دیوان بود . ۲ ) مؤمن منشی کتابدار و منشی دربار عبداللہ خان و سپس مشرف دربار باقی محمدخان و از امیران دربار ولی محمدخان بود . ۳ ) قاضی پاینده ضامنی از مردم ضامن از توابع سمرقند و مردی دانشمند بود . در زمان ابدال سلطان قاضی ضامن شد . مدتی هم مصاحب عبدالؤمن خان بود و پس از مرگ او ببلخ رفت و در آنجا در ۱۰۰۸ درگذشت . مؤلف چند کتاب بوده است از آن جمله رساله ای در عروض و قافیه و صنعت شعر و شاعر توانایی بوده است . ۴ ) یا با صادق حلوائی از مردم سمرقند ساکن کابل ، محمد حکیم میرزا پسر همایون حکمران کابل در گذشته در ذیحجه ۹۷۳ در شعر شاگردوی بوده و در ۹۹۴ پس از حج بسمرقند بازگشته است . ۵ ) مولانا کمال الدین ابوالخیر بلخی متخلص به عاشق در حکمرانی کستن قرای از بک در بلخ می زیست و در ۹۵۷ درگذشت و در هزار احمد خضرویه مدفون شد و شاعر استادی بود . ۶ ) ملاحضوری بخاری در بخارا از شاگردان ملا مصطفی رومی از دانشمندان معروف ماوراءالنهر و در علوم شرعی از حدیث و تفسیر دست داشته و در ۹۶۶ رحلت کرده و وی بجز حضوری قومی بوده است . ۷ ) میرزا قاسم دیوان بیکی : نخست منشی دربار سلطان سعیدخان بوده و سپس در زمان عبداللہ خان دیوان بیکی سمرقند شده است . ۸ ) میر حاج از شاعران قرن دهم و یازدهم ماوراءالنهر بجز قطب الدین میر حاج انسی چنابدی شاعر قرن نهم بوده است . ۹ ) مولانا دوست میرک سمرقندی از دانشمندان قرن دهم و یازدهم و قصیده سرا بوده است . ۱۰ ) باقی درزی تا اوایل قرن یازدهم زنده بوده است . ۱۱ ) مولانا جلال قاسم در زمان محمد یار سلطان قاضی عسکر بوده است . ۱۲ ) مولانا کبک از مریدان خواجه گی کاشانی بوده است . ۱۳ ) فتحی بن سید ابراهیم اندکانی معروف بتاشکنندی . ۱۴ ) میر محمد امین منشی از شاعران دربار عبیدالله خان . ۱۵ ) مولانا محمد صادق مفتی شهر کریمه معاصر عبیدالله خان . ۱۶ ) قاضی پاینده رامیتنی . ۱۷ ) مولانا صالح واحد امین . ۱۸ ) والی بیک یمغورچی . ۱۹ ) مولانا حب الله . ۲۰ ) شفای مهدی . ۲۱ ) مولانا درویش مفتی . ۲۲ ) میرزا باقی بن میر علی کاتب . ۲۳ ) میر خرد خالیدی . ۲۴ ) قاضی عزالدین کسبی بخاری . ۲۵ ) میر - حیدر محمد کابلی از شاعران دربار همایون . ۲۶ ) مولانا قاسم کاتبی از شاعران ماوراءالنهر . ۲۷ ) دوستی مروزی ساکن گجرات . ۲۸ ) خواجه قاسم مذاقی از شاعران سند . ۲۹ ) قائمی کابلی که او نیز درسند می زیسته است . ۳۰ ) میر نظام الدین محمد قاضی از شاعران ماوراءالنهر . ۳۱ ) صدر الدین بن امیر سیف الدین در ماوراءالنهر . ۳۲ ) ملا درویش دیوانه در ماوراءالنهر . ۳۳ ) مولانا صادق از شاعران همان سرزمین . ۳۴ ) مولانا میخچه گر نیز از ماوراءالنهر . ۳۵ ) سیدا نیز از همان سرزمین .



زبان اوستا و خط زند - ادبیات ایران تاحدی که اطلاعات بدستست دوره‌ای نزدیک بدو هزار و ششصد سال را دربرمیگیرد. درین مدت چهار زبان عمده در ایران متداول بوده و بهر چهار زبان آثار مانده است: زبان اوستا: پارسی باستان، پهلوی، زبان دری یا فارسی امروز. قدیمترین زبانی که از آن آثاری مانده زبان اوستاست و ظاهراً این زبان در دوره‌ای معمول نژاد ایرانی بوده که هنوز پدران ما بایران امروز نیامده بودند. در باب ناحیه‌ای که نژاد ایرانی پیش از آمدن بایران امروز در آن زندگی کرده است اختلاف بسیارست و عقیده بهتر آنست که در شمال و جنوب جبال هند و کوش بوده اند و از آنجا در سه وهله مختلف بایران امروز آمده‌اند: یکبار در سه هزار و سیصد سال پیش و بار دیگر در دو هزار و هفتصد سال پیش و بار سوم در ۲۶۷۰ سال پیش. زبان پدران ما در آن زمانیکه هنوز بایران نیامده بودند زبانی بوده است که چون کتاب اوستا بان نوشته شده آنرا زبان اوستا نام گذاشته‌اند. این کتاب که امروز فقط پانزده نسک یعنی پانزده قسمت از ۲۱ قسمت آن باقی مانده و آنهم فقط دونسک کامل دارد و از قسمتهای دیگر آن مقداری از میان رفته کتاب مقدس دین زرتشت پیادبرست که از ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش ازین بوده است و این نسخه امروز اوستا را در میان قرن اول پیش از میلاد و قرن ششم بعد از میلاد نسخه کرده‌اند و در ضمن معلومست که تمام قسمتهای موجود اوستا را در یک زمان نوشته‌اند و در زمانهای مختلف برشته‌تحریر آمده زیرا سبک انشائولغات آن از حیث قدمت باهم اختلاف دارد. این کتاب تا قرن اول پیش از میلاد نوشته نشده بود و فقط آنرا در حفظ میداشتند و تنها در قرن اول پیش از میلاد بنوشتن آن شروع کردند و این کار فقط در زمان اردشیر بابکان و پسرش شاپور اول انجام گرفت و بعد در زمان شاپور ذوالاکتاف مؤبد بزرگ ایران «آذر پدمار سپند» برای نوشتن این کتاب از خط پهلوی خط مقطع منقصلی با

علامت اختراع کرد که برای تمام اصوات آن حروف داشته باشد و حرکات و اعراب جزو خط باشد و اوستایی را که بدین خط نوشتند «زند» نامیدند. بهمین جهت این خط را هم خط زند اسم گذاشته اند و بعد چون در قسمتی از ایران زبان دری رایج بوده اوستا را بزبان دری نقل کرده اند و این اوستای بزبان دری نقل شده را «پازند» نام کردند، قدیمترین نسخه ای که از اوستا موجود است در سال ۷۲۶ هجری نوشته شده، بعضی از قسمتهای اوستا شعر هجاییست یعنی شعری که بعروض عرب در نمی آید و بتقطیع هجایی موزونست و هنوز در موسیقی ایران آثار آن باقیست.

زمان مادها و پارسی باستان - پس از آنکه پدران ما بایران امروز آمده اند بدو طایفه بزرگتر منقسم گشته اند: یک طایفه با اسم «ماد» در جنوب و مغرب دریای خزر و طایفه دیگر با اسم «پارس» در شمال خلیج فارس اقامت گزیده اند و بمرور زمان در عادات و زبان ایشان اختلافی پدیدار گشته و گفته اند در آغاز تاریخ ایران هر یک ازین دو طایفه زبان مخصوصی داشته اند. از زبان مادها بهیچوجه اثری تا کنون پیدا نشده و زبان پارسیها فقط در زمانی که پادشاهان هخامنشی بسطانت رسیده اند در کتیبهها ظاهر گشته است و آنرا «پارسی باستان» یا «فرس قدیم» نامیده اند که زبان امروز ما بدو واسطه از آن بیرون آمده است، پارسی باستان از حیث صرف اسماء و ضمائر و صورت صرف و نحوی از زبانهای قدیم بشمار می آید و قدیمترین اثری که از آن هست کتیبه بیستون از داریوش بزرگست و غیر از آن نزدیک بیچهل کتیبه دیگر از پادشاهان هخامنشی مانده که در تمام آنها یکی از چند زبان همین پارسی باستانست. این کتیبهها اغلب بیچند زبانست و زبان آسوری و زبان عیلامی و زبان نبطی یا آرامی قدیم را هم که زبانهای ملل دست نشانده هخامنشیانست در آنها بکار برده اند. زبان پارسی باستان را همواره بخط میخی نوشته اند و این خط را که برای زبان کلدانی و آسوری اختراع کرده بوده اند ایرانیان برای نوشتن پارسی باستان قبول کرده اند منتهی آنرا سهل تر کرده اند چنانکه در خط آسوری و عیلامی برای دو و گاهی سه حرف يك علامت هست و خط عیلامی ۳۰۰ شکل و خط آسودی ۷۰۰ شکل مختلف دارد ولی در خط پارسی



زبان اشکانیان نیز در ایران معمول بوده است. گذشته از کتیبه‌ها سکه‌های هخامنشیان نیز باین خط و زبانست. چنان می‌نماید که مادها زبان مخصوصی نداشتند و اگر داشته بوده باشند بزبان پارسی بسیار نزدیک بوده است.

### زبان و خط پهلوی - در زمان تسلط یونانیان و مقدونیان بایران زبان پارسی

باستان از دربار ایران بر افتاد و زبان و خط یونانی رسماً در ایران معمول شد و بعد که اشکانیان پیادشاهی رسیدند مدت‌های مدید ایشان هم خط و زبان یونانی را معمول میداشتند و درین میان پارسی باستان فراموش شد و فقط از زمان فرهاد چهارم بعد در سکه‌های اشکانی خط و زبانی دیده میشود که آنرا خط و زبان پهلوی می‌نامند. زبان پهلوی همان پارسی باستانست که نوشته و در نتیجه آسان‌تر و بعضی‌ها نزدیکتر گشته است. گفته‌اند باین زبان اشکانیان در میان خود تکلم میکردند و اندولی فقط در اواخر سلطنت خود آنرا رسمی کرده‌اند. زبان پهلوی تا آخرین روز سلطنت ساسانیان بیگانه زبان رسمی و عمومی ایران بوده است، منتهی در دوره ساسانی بواسطه آمیزش با مللی که در مغرب ایران بزبان آرامی متکلم بوده‌اند بعضی کلمات از زبان آرامی بحالت خاصی در زبان پهلوی وارد شده و بهمین جهت گفته‌اند زبان پهلوی دو قسمست: پهلوی اشکانی که زبان خالصست و لغات بیگانه ندارد و پهلوی ساسانی که کلمات آرامی در آن داخل شده؛ این کلمات آرامی در پهلوی ساسانی بحالت مخصوصی که در هیچ زبان دیگر نظیر ندارد وارد بوده است باین معنی که بعضی الفاظ را با آرامی مینوشتند ولی در موقع خواندن بواسطه ترجمه‌ای که در ذهن خود میکردند کلمه ایرانی آنرا بزبان می‌آوردند و شماره این کلمات هر چه بعصر ما نزدیکتر میشود افزون میگردد. این کلمات را «هوزوارث» مینامند و چون زبان آرامی بزبان عرب بسیار نزدیکست و واج کلمات عربی را در زبان فارسی نباید نتیجه تسلط عرب بر ایران دانست و همانطور که کلمات پهلوی نوشته و بجای آن الفاظ فارسی امروز آمده است همانطور هم کلمات آرامی را نو کرده و بجای آن الفاظ عربی گذاشته‌اند، منتهی بمرور زمان عدّه کلمات عربی متداول در زبان فارسی خیلی پیش از عدّه کلمات آرامی متداول در زبان پهلوی گشته است. عقیده‌ای که تا کنون اظهار کرده‌اند که زبان پهلوی بیگانه زبان دوره اشکانی

و ساسانی بوده درست نیست. از دوره اشکانیان بعد زبان دیگری در ایران پیدا شده که همان زبان فارسی ادبی امروز باشد که بمرور زمان تکامل یافته و باین صورت در آمده است. نام این زبان همیشه زبان درّی بوده است. زبان درّی کلمات هوزوارش نداشته و زبان مشرق ایران بوده و زبان پهلوی که هوزوارش داشته در مغرب ایران معمول بوده است.

در زمان اشکانیان زبان پهلوی و درّی را بخط آرامی سریانی نوشته‌اند و این خط عیناً تا واسط ساسانیان معمول بوده است، سپس خط آرامی را که مقطع و منفصل بوده است کم کم بهم متصل کرده‌اند و در نتیجه این اتصال خط دیگری پیدا شده که آنرا خط پهلوی نامیده‌اند. در ابتدا این خط جدید را فقط برای نوشتن کتابها بکار میبردند و بعد بتدریج کتیبه‌ها را هم بآن خط نوشته‌اند. خط پهلوی یکی از مشکلترین خطوط عالم است زیرا که اغلب دو حرف متصل بیک حرف منفصل شبیه میشود و برای خواندن این خط لازمست که انسان هر کلمه‌ای را بداند و بقرینه بخواند.

از زبان پهلوی، گذشته از کتیبه‌ها و سکه‌های اشکانی و ساسانی، يك عده کتب نیز در دست است و این زبان تا مدت‌های مدید پس از فتح ایران بدست اعراب در میان ایرانیان متداول بوده و هنوز عده کثیری از زبانهای ولایتی و محلی ایران شباهت تامی بماصل پهلوی خود دارند و اشعاری که در ایران بلهجه‌های ولایتی سروده‌اند و در کتب ادبیات ایران با اسم «فهلویات» معروفست همه فروعی از زبان پهلویست.

بعضی از کتب پهلوی که امروز در میانست در دوره اسلامی ایران تألیف شده و معلومست که گذشته از زرتشتیانی که از ایران هجرت کرده‌اند بعضی ایرانیانی که در ایران مانده و مسلمان بوده‌اند تا مدت‌های مدید و حتی تا قرن ششم هجری این خط و زبان را میدانسته‌اند و باین زبان تألیفات میکرده‌اند. زبان پهلوی يك عده کثیر کتب و رسایل داشته است که بعضی از آنها عیناً باقی مانده و بعضی دیگر را بعربی یا فارسی ترجمه کرده‌اند و اصل آنها از میان رفته است و از بعضی دیگر فقط اسامی بما

شعر در دوره ساسانی نیز نخست مانند شعر اوستا هجایی بوده و از جمله آثار منظوم زبان پهلوی یکی کتیبه شاپور اول در حاجی آباد است و دیگر مناظره منظومی با اسم «درخت آسوریک» که مناظره ایست در میان نخل و بز و از آثار زبان دریست و دیگر منظومه یادگار زیران بزبان دربی و بعضی از سرودهای مانوی که آنها نیز بزبان دریست. بعضی از اوزان شعر پهلوی با اوزان عرب نیز تطبیق میشود و هنوز همان اوزان متداول است، منتهی چون بعروض عربی درمی آید و قابل تقطیع با فاعیل است تصور کرده اند که ما آن اوزان را از اعراب گرفته ایم. بدین گونه در دوره ساسانیان هم شعر هجایی در ایران معمول بوده است و هم شعر عروضی.

از حیث نشر زبان پهلوی منتهای شباهت را بفارسی قرن چهارم و پنجم دارد و در هر کتاب پهلوی اگر کلمات را تجدید کنیم و بجای آنها الفاظ نوینی از زبان امروز بگذاریم عیناً نثر فصیح بسبک قدیم بدست می آید. کتب مزبور را بدو دسته بزرگ میتوان تقسیم کرد: نخست کتب مذهبی که در احکام دین زردشت و تاویل و تفسیر و غیره نوشته شده، دوم کتب غیر مذهبی که در میان آنها کتب سیاست و اخلاق و کتابهای علمی و ادبی از قبیل داستانها و قصص و غیره بوده و حتی کتابهایی در باب قواعد شطرنج و سواری و تیراندازی و آیین جهاننداری و غیره بوده است. از جمله کتب موجود بزبان پلوی کتابهای بسیار مهم و محتوی مطالب بسیار مفید در تاریخ و عقاید قدیم اجداد ما است از قبیل کتاب «دین کرت» و «بوندهشن» و «دانستان دینیک» و «آرتای ویراف نامک» و «کار نامک ارتخشیر پاپکان» و «یاتکار زیران» و «دانستان ریدک و خسرو کواتان» و «شترنگ نامک» و غیره. از کتابهایی که فقط ترجمه آنها رسیده نخست کتاب «خوتای نامک» است که با اسم «سیر الملوک» و «خدای نامه» و «شاهنامه» ترجمه های بسیار بنظم و نثر عربی و فارسی داشته و از آنها فقط منظومه معروف فردوسی باقی مانده است. دیگر کتاب کلیده و دمنه که اصل آنرا از هندوستان در زمان انوشیروان بایران آورده اند و بزبان پهلوی ترجمه کرده اند و ترجمه های فارسی و عربی که امروز بدست ما است از روی همان ترجمه پهلویست.

در ادبیات پهلوی یکی از ارکان بنیاد مهم داستان سرایی و افسانه پردازی

بوده است و این ذوق افسانه سازی که در میان اغلب از شعرای بزرگ ایران همواره بوده است دنباله همان ذوق ادبای ایران در زمان ساسانیست و حتی بعضی از داستانهای معروف ما از قبیل « واقع و عذرا » و « ویس و رامین » و « اسکندرنامه » و « بوداسف و بلوهر » و « سلامان و ابسال » و « شیرین و فرهاد » و « خسرو و شیرین » و « بهرام نامه » و تمام داستانهایی که از حکایات کوچک شاهنامه تولید شده مانند « گرشاسب نامه » و « بهمن نامه » و « رستم نامه » و « سام نامه » و « شهریار نامه » و « جهانگیر نامه » و « فرامرزن نامه » و « برزون نامه » و « بهرام نامه » و « بختیار نامه » و غیره یا مستقیماً در زبان پهلوی نوشته شده بود و یا اینکه از یونانی و سریانی و غیره پهلوی ترجمه کرده بودند و از پهلوی بزبان فارسی در آمده است و حتی کتاب « الف لیلة و لیله » و داستانهایی که از آن بیرون آمده از قبیل داستان سند باد در اصل بزبان پهلوی بوده است و الف لیله ترجمه و تهذیب کتابیست که در اصل پهلوی « هزار افسانه » نام داشته و مترجم آن را بزبان عرب در آورده و بعضی اسامی اشخاص و اماکن را با اسامی عرب یا اماکن جدید تبدیل کرده است .

در زمان ساسانیان علوم و فنون نیز در ایران در منتهای کمال بوده است و تمام علوم متداول در آن زمان را پادشاهان ساسانی بایران آورده بودند ، مخصوصاً طب در ایران ترقی کامل داشت و طب یونانی را با طب هندی علمای ایران تألیف کرده بودند و حتی شاگردان ایشان تا قرن چهارم هجری در ایران بوده اند و همواره اطبای بزرگ ممالک اسلام تا قرن چهارم یهود یا نصاری ایران بوده اند و در نجوم نیز ایرانیان کمال معرفت را داشته اند و منجمین بزرگ ایرانی در قرون اول هجری شاگردان همان منجمین پیش از اسلام بوده اند . حکمت یونانی نیز بشوسط علمای آسیای صغیر بایران آمده بود و در زمان ساسانیان تمام علوم که بزبان سریانی در مغرب آسیا متداول بود بایران راه یافت و در مراکز علمی ایران که بیشتر در خوزستان و فارس بود رواج عمده گرفت و حتی بعضی از معلمین رأساً بزبان سریانی تدریس میکرده اند و علمای ایران بیشتر بزبان سریانی را میدانستند و سرانجام زمان علم و زبان دوم ایران شده بود . همه سقراط ، ارسطو ، اقلیدس ، پلاتو ،

بمتهای کمال رسیده بود و آنهم تألیفی از موسیقی یونان و موسیقی هندی بود و استادان بزرگ مانند باربد و نکیسا و بامشاد و رامتین و سرکش یا سرکب در ایران بوده‌اند و موسیقی امروز ما با اندک تصرفی همان موسیقی زمان ساسانیست. روی هم رفته تمام علوم و فنون متداول در آن زمان مانند طب و نجوم و حکمت و ریاضیات و موسیقی و عرفان و تاریخ و جغرافیا و هیئت و چوگان بازی و تیراندازی و فنون جنگی و سواری و مملکت داری و تعییهٔ اسلحه و بیطاری و پرورش حیوانات و شطرنج و غیره در ایران معمول بوده و کتب در آن می پرداختند و تدریس می کردند. بهمین جهت در زمانی که اعراب پس از استقرار با اسلام بخیال افتادند علوم متداول را بزبان خود جلب کنند بزرگترین سهم عاید ایرانیان شد و بهجز چند کتاب معدود که مردم آسیای غربی بزبان عرب ترجمه کرده اند تمام کتب علمی و ادبی که در آن دوره بزبان عرب ترجمه شده مستقیماً بتوسط ایرانیان بوده است که هنوز وارث علوم نیاگان خود بوده‌اند و علوم اسلام فی الحقیقه جز علوم ایرانی نیست که نخست ایرانیان آنرا بزبان عرب در آورده‌اند و سپس ایرانیان دیگر بتکمیل آن کوشیده‌اند. بهمین جهت زبان پهلوی و تمدن ساسانی در ادبیات و تمدن عرب منتهای نفوذ را داشته است.

نخستین ناحیه از ایران را که اعراب متصرف شدند ناحیهٔ بحرین بود که در سال هشتم هجرت بدست اعراب افتاد و آخرین ناحیه از نواحی ماوراء النهر در سال ۵۳ هجری بتصرف اعراب درآمد ولی باز تمام ایران ایشان را مسلم نشده بود، چنانکه مدت‌های مدید تا اواسط قرن دوم هجری بعضی از نواحی ایران مانند آذربایجان و طبرستان و گیلان و ماوراء النهر از پیروی تازیان سر می پیچیدند و درین میان گاهی آشکار عصیان می کردند و از دادن خراج و پذیرفتن عمال عرب شانه تهی می کردند و زمانی در پرده عمال تازی را بر مینداختند و خود را از فشار حکومت بیگانه خارج می کردند ولی بزرگترین سیاستی که برای رهایی از قید بیگانگان پیش گرفتند

نهیضت های مذهبی بود و از اواسط قرن دوم تا اوایل قرن چهارم که سلسله های ایرانی در اکناف ایران تأسیس شد و فشار بیگانه را بر انداخت چندین مذهب مختلف در نقاط متعدد ایران بتوسط ایرانیان بوجود آمد که گاهی اساس آن هتکی بر نفاق و تفرقه در میان مسلمانان و افتراق عقیده ایرانیان با سایر مسلمین بود تا بدینوسیله ایران از سلطه بیگانه رها شود و «شعریه» باصطلاح آن زمان جز ایرانیان نبوده اند و گاهی هم رجعت بسوی عقاید زردشتی و احیای ایران قدیم اساس نهیضتی را تشکیل میداد چنانکه در مدت صد و پنجاه سال نظیر نهیضت های ابو مسلم خراسانی در اوایل قرن دوم و بهافرید در همان زمان و ظهور غالیان و سنباذ در خراسان و جهیم بن صفوان در ترند و اسحق ترک در ماوراءالنهر و روندیه در عراق و جمعیت «اسب نوبتی» و ظهور «استادسیس» در هرات و بادغیس و سیستان و نهیضت مقنع و سپیدجامگان در ماوراءالنهر در سال ۱۵۹ و ظهور بابک خرم دین و اصحاب او با اسم «سرخ علم» در سال ۲۰۱ و پیروان او مانند «مازیار» و «افشین» و ظهور عبدالله بن کرام در خراسان و تأسیس مذهب کرامیه در اوایل قرن سوم و نهیضت قرمطیان در خوزستان و بحرین در همان زمان و اصحاب صاحب الزنج در سال ۲۵۵ در همان نواحی و زیدی شدن تمام مردم ظبرستان در سال ۲۵۱ و آغاز کار فرقه ای از صوفیه بتوسط حسین بن منصور حلاج در اوایل قرن سوم و نهیضت های دیگر شبیه باین همه برای آن بوده است که ایرانیان می کوشیده اند از فشار حکومت عرب خود را رها کنند و بهمین جهت مدت نزدیک بسیصد سال کشمکش دایمی در میان ایرانیان مغلوب و تازیان غالب در سراسر ایران در میان بوده و بهینچ وجه مجال نبوده است که مردم ایران بکارهای علمی و ادبی پردازند و بهمین جهت درین مدت سیصد و چند سال ایران از شاعر و نویسنده بزبان خود تهی مانده است و از طرف دیگر زبان فارسی که در نتیجه آمیزش زبان پهلوی و زبان دری با کلمات عربی بوجود آمده است هنوز کاملاً بصورت امروز ساخته نشده بود و در حال کمون بود زیرا از یک طرف زبان پهلوی را از دربار و مراکز دیوانی دور کرده بودند و از طرف دیگر ایرانیان تن بآن نمیدادند که حتی برای بیان احساسات خود زبان عرب را بکار برند و زبان ایرانی مخصوص بخود میخواستند و این زبان هم البته حساست نم و در زمان ساخته شود و زبان دری

کنونی بدین گونه فراهم شد. پس ناچار آثاری که پیش از پدید آمدن زبان کنونی فراهم شده چون دیگر کهنه و نامفهوم بوده از میان رفته است و نیز بخط و طوی بوده که بعد ها فراموش شده و قهراً متروک گشته است. لامحاله درین مدت نزدیک بسیصد سال جمعی کثیر ادبا و مولفین در ایران بوده اند که بهمان زبان عرب آثار از خود گذاشته اند باین معنی که از اواسط قرن دوم بعد اعراب و مخصوصاً خلفا احتیاج خود را بعلوم و معارف احساس کردند و چون از خود علمی نداشتند در آن زمان دولت بیشتر وارث علم نبود؛ نخست ایرانیان بودند که علوم قبطیان و کلدانیان و آسوریان و یونانیان و هندوان را فرا گرفته بودند و تمام علوم قدیم را اخذ کرده یا بزبان پهلوی و یا بزبان سریانی که در آن زمان زبان علمی آسیا بود ثبت کرده بودند. دوم مردم آسیای صغیر بودند که علوم یونانی از اسکندریه بایشان ارث رسیده بود و آنرا یا بزبان سریانی و یا بزبان یونانی حفظ کرده بودند. بهمین جهت نخست خلفای دمشق و سپس خلفای بغداد در زمانی که بتقل علوم بزبان عرب پرداختند باین دولت حاجت یافتند و در نتیجه عدّه کثیر از دانشمندان ایران که بیشتر آنها در مذهب یهود یا نصاری باقیمانده بودند و عده ای دین اسلام را پذیرفته و یکی چند نفر بهمان مذهب زرتشتی نیاگان خود مانده بودند و زبان عرب را میدانستند بنقل علوم و معارف و ادبیات از زبانهای قدیم چه پهلوی و چه یونانی و چه سریانی بزبان عرب مشغول شدند و ازین حیث شهرت یافتند؛ حتی عده ای کثیر از ایشان بعدی در زبان عرب استاد شده بودند که بنظم و نشر فصیح عربی نیز مشهور گشتند و از آن پس همواره علوم و معارف اعراب بدست ایرانیان بوده است و تمام بزرگان زبان عرب بجز عدّه قلیل چه از علمای صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و عروض و لغت و غیره و چه اطبا و حکما و متجمین و علمای ریاضی و طبیعی و چه مورخین و دبیران و شعرای معروف ایرانی بوده اند. بدرجه ای که اگر ایرانیان نبودند معارف عرب صد یک این معارف موجود نبود و حتی ایرانیان قرائت قرآن و تجوید و فقه و تفسیر و احادیث را که میبایست مختص اعراب باشد ترتیب داده اند و اغلب روای و جامعین اشعار جاهلیت عرب ایرانیان بوده اند، بطوریکه در تاریخ ادبیات عرب از هر ده اسم بلاشک شش هفت اسم از ایرانیانست. بدین جهت

درین مدت میصد سال اگر بزبان فارسی اثری از ادبای ایران نیست لااقل بزبان عرب آثار بسیار هست که جبران آنرا میکند .

قرن سوم - قرن سوم آغاز جلوه ادبیات فارسیست و آنهم بدین جهتست که سلسله های پادشاهان ایرانی بالاستقلال در بعضی از نقاط ایران پادشاهی کرده اند . ابوطیب طاهر بن حسین بن مصعب ملقب بذوالیمینین در سال ۲۰۰ حکمران خراسان شد و اولاد او تا سال ۲۵۳ در خراسان حکمرانی کردند و ایرانی بودند، صفاریان در سال ۲۵۳ در خراسان اساس سلطنتی گذاشتند که بعد سامانیان در ۲۷۹ و آل زیار در ۳۱۶ و آل بویه در ۳۲۲ از آن تبعیت کردند یعنی در بارهایی ترتیب دادند که دوباره تمدن ایرانی در آن پدیدار شد، مخصوصاً صفاریان و سامانیان در جزو سایر تعصب های ایرانی تعصب زبان نیز داشتند و آل طاهر هم تا درجه ای زبان فارسی دری را ترویج کرده اند و آل زیار و آل بویه چون بدر بار خلافت نزدیک تر بودند و از هر حیث با خلفای بغداد رقابت میکردند سیاست ایشان اقتضا میکرد که زبان عرب را از دست ندهند و بدبیران و شعرای زبان عرب پیش از خلفا وقع بگذارند تا اسباب سلطنت ایشان از حیث نظم و نثر زبان عرب کامل تر از خلفای بغداد باشد و در ضمن زبان قلمرو ایشان زبان پهلوی بوده که ادبیات آن در دوره بعد از اسلام در سراسر ایران انتشار نیافته است ولی بالعکس صفاریان و آل سامان چون دور تر بودند بدین رقابت حاجت نداشتند و زبان سرزمین ایشان زبان دری بود و با کمال آزادی زبان فارسی را ترویج میکردند و أحياناً از زبان عرب نیز از بودند . بدین جهت پیدا شدن ادبیات فارسی مرهون مساعی صفاریان و مخصوصاً سامانیانست . شعر فارسی که بمانسبیده در اوایل قرن سوم پیدا شده است، پیش از آن شعرایی بزبان امر و زقایل شده اند و اشعاری بنام ایشان ثبت کرده اند که از کلمات آنها کاملاً پیدا است که در قرون بعد ساخته شده مثلاً اولین شاعر این زبان را ابو حفص بن حکیم بن احوص سفدی دانسته اند که گویند در قرون اول هجری بوده و حال آنکه قطعاً در قرون چهارم میزیسته و معاصر رودکی بوده است . پس از اوعباس مروزی را ذکر کرده اند که در مدح مأمون در او آخر قرن دوم شعر فارسی گفته است و حال آنکه زبان و تالیفات آن اشعار مسلم میسازد که در قرون بعد سروده شده و بیشتر با شعر قرن ششم



شبهت . باسم شقیق بلخی عارف معروف همان زمان هم که در ۱۷۴ کشته شده اشعاری ذکر کرده اند و نیز باسم بایزید بسطامی عارف مشهور که یک قرن بعد از آن بوده و در ۲۶۱ رحلت کرده است نیز بعضی اشعار ضبط کرده اند و آن اشعار هم پیداست که در قرون بعد سروده شده است. قدیم ترین شاعری که از واری مانده حنظله بادغیسی است که ظاهراً در سال ۲۱۹ در گذشته و دیوان اشعار داشته است، ولی اینک از شعر او جز پنج بیت چیزی بدست نیست و ظاهراً او اول کسیست که در خراسان بزبان فارسی امر و شعر گفته است. در سیستان اول کسیکه شعر باین زبان شعر گفته محمد بن وصیف سکزیست که در سال ۲۵۳ در مدح یعقوب بن لیث صفاری شعر گفتند و او تا سال ۲۹۶ هم زنده بوده و بعد از او در همان سال ۲۵۴ باسم کرد و محمد بن مخلد سکزی شعر گفتن باین زبان شروع کرده اند؛ در بیهق نخستین کسیکه شعر فارسی گفته محمد بن سعید بیقهبی بوده است که او هم در قرن سوم بوده. در آذربایجان محمد بن بعیت بن جلیس که در سال ۲۳۵ رحلت کرده اول شعر فارسی را گفته است و در عراق ابوالاشعث قمی که در همین زمانها میزیسته اول شعر فارسی را در قم سروده است ولی از اشعار این سه تن اخیر چیزی تا کنون بدست نیامده است. اندکی پس از آن در قم شاعری بوده است موسوم بجعفر بن محمد بن علی العطار که در شعر شهرتی بسیار داشته و حتی از رودکی ویرا در شاعری بزرگتر میدانسته اند ولی از شعر او هم چیزی بدست نیست.

از طرف دیگر در سیستان در دربار صفاریان شعرای دیگری هم بوده اند: یکی فیروز مشرقی است که در سال ۲۸۱ رحلت کرده و از اشعار او هشت بیت در دست است، دیگر ابوسلیک گرگانی که در دربار عمرو بن لیث صفار (۲۶۵-۲۸۹) بوده است و از اشعار او ده بیت در میان هست. در همین زمانها شاعری دیگر در خراسان بوده است باسم مسعودی مروزی که داستانهای قدیم ایران یعنی شاهنامه را نظم کرده بود و آن منظومه وی بدرجه ای شهرت داشت که ایرانیان همه آنرا میخواندند و بدان فخر میکردند و برای آن تصاویر ساخته بودند، همچنانکه درین زمان برای شاهنامه فردوسی معمول است و از آن منظومه فقط سه بیت باوزان مختلف مانده است. این چند تن شاعر که در قرن سوم بوده اند بمنزله مهندس شعر فارسی میباشند که بعد از ایشان

تا هزار سال همواره در ایران درمتهای کمال مانده است ولی البته مانند آغاز کاری هنوز بدرجه کمال نرسیده بود و درجه کمال آن در قرن چهارمست. از نثر فارسی قرن سوم جز بعضی جملهای پراکنده که در کتب عربی مانده چیزی بدست نیست بهمین جهت نمیتوان دانست که نثر فارسی درین زمان چه حال داشته است.

### ۹ = نظم

**قرن چهارم:** در قرن چهارم شعر فارسی باوج کمال و فصاحت رسید و مقدمه دوره درخشنده قرن پنجم و ششم که منتهای بلندی و رواج نظم و نثر فارسیست در قرن چهارم فراهم آمد. گذشته از بازماندگان صفاریان که در قرن چهارم هنوز در سیستان بوده اند و پیروی از سامانیان میکردند امرای آل سامان نیز که بر خراسان و ماوراءالنهر و گرگان و قسمتی از عراق و کرمان فرمانروایی داشته اند در ترویج زبان فارسی از هیچ فروگذار نکرده اند و در حقیقت ادبیات فارسی در سایه پرورش آل سامان بمیان آمده است. از شعرای دربار صفاریان در سیستان فقط صانع بلخی درین دوره معروفست که معاصر بارودکی بوده و بجز یک رباعی چیزی از اشعار او بدست نیست، اما شعرای دربار سامانیان عده بسیار بوده اند مخصوصاً در دربار نصر بن احمد (۳۳۱-۳۰۱) که ملجاء تمام دانشمندان عصر بوده و این پادشاه کریم دانش پرور یکی از بزرگترین مروجین زبان فارسی بوده است. از شعرایی که در دوره اول سامانیان یعنی پیش از نصر بن احمد پدید آمده اند ابوالمثل بخارایی و ابوالمؤید رونقی بخارایی و سپهری بخارایی و معروف تر از همه ابوالمؤید بلخی بوده است که ظاهراً مؤیدی تخلص میکرده و شاعر و دبیر بسیار بزرگ بوده چنانکه گویا داستان یوسف و زلیخا را نظم کرده بود و در نثر دو کتاب داشته است یکی شامل داستانهای قدیم ایران مانند شهرنامه که مخصوصاً قسمتی از آن شامل داستانهای مربوط بکرشاسب منتهای اعتبار را داشته است و از میان رفته و دیگر کتابی در عجایب بلدان که نسخه آن اکنون موجودست و آنرا بنام نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) ترتیب داده و ازین قرار تا اواخر قرن چهارم زنده مانده است. ازین شعرا از هر یک چند بیت پراکنده مانده است.

اما شعرای دربار نصر بن احمد شماره ایشان بسیار بوده و آنچه بما رسیده است بدین قرار است : معروف تر و بزرگتر از همه ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی بود که در قریه پنج رودك یارودك از توابع سمرقند بوجود آمد و از آغاز جوانی در شعر و موسیقی معروف شد و مدت های مدید معروف ترین حکیم و ادیب عصر خویش بود و مهندس شعر فارسیست ، زیرا که تمام شعرای بزرگ ایران پیروی بوده اند و او را باستادی مسلم داشته اند . در شعر منتهای قدرت را داشته و یک میلیون و سیصد هزار شعر سروده است و پنج منظومه مثنوی داشته از آن جمله کلیله و دمنه و داستانهای سندباد را نظم کرده بود و شعری در نهایت تأثیر بود و بهمین جهت یکی از متنفذ ترین رجال زمان خویش شمرده میشود در اواخر عمر او را نابینا کردند و در سال ۳۲۹ رحلت کرد و در همان قریه موالد خویش وی را دفن کردند و مزار او تا مدت های مدید پس از زیارتگاه ایرانیان بود و اخیراً در همان جا استخوانهای وی را یافته اند . بعد از رودکی شعرای دیگر آن زمان بدین قرار بوده اند : ابو طیب مصعبی صاحب دیوان رسالت احمد بن اسمعیل و یکی از وزرای نصر بن احمد - ابو العباس ربیع بن خزارایی که تا ۳۳۱ هم زنده بود - خبازی نیشابوری که در ۳۴۲ رحلت کرد - ابو حفص حکیم ابن احوص سفدی که گذشته از شاعری در موسیقی قدرتی تمام داشت و در سال ۳۰۰ در بغداد آلتی اختراع کرد با سم شهرود که پس از وی دیگر کسی نتوانست آنرا بنوازد و کتابی در لغت فارسی تألیف کرده بود که درین فن قدیم ترین کتاب بوده است - ابو عبدالله فرالوی که از شعرای بزرگ زمان خویش بود - ابوشکور بلخی که او نیز شاعر بسیار بزرگی بود و چهار مثنوی نظم کرده بود که یکی از آنها در سال ۳۳۶ تمام شده و آفرین نامه نام داشت - ابو الحسن شهید بن حسین و راق بلخی از مشاهیر حکما و خطاطین و شعرای عصر خویش بود و در حکمت درجه ای داشت که با محمد بن زکریای رازی حکیم و دانشمند معروف آن زمان معارضه میکرد و درین فن تألیفات بسیار داشت و در سال ۳۲۵ رحلت کرده است - ابو الحسن محمد مرادی بخارایی که در شعر فارسی و عربی استاد بود و پیش از رودکی رحلت کرد - طخاری که از مردم طخارستان بود و از شعر او جز دو بیت نمانده است - رابعه قزداری دختر کعب زین العرب معروف

بیشت کعب که نخستین زنیست که بزبان فارسی شعر ازو مانده و در شعر فارسی نهایت قدرت داشته - ایرانشاه بن ابوالخیر که دامتانهای قدیم ایران را که در باب بهمن بوده است نظم کرده بود، ولی جز يك بیت از آن مانده است - ابوالعلاء ششتی که وی نیز شاعر معروف عصر خویش بشمار میرفت - ابواسحق جوینباری که وی نیز از شعرای معروف بود -

در دوره پس از نصر بن احمد یعنی از ۳۳۱ تا ۳۸۹ که متجاوز از پنجاه سال دیگر سامانیان سلطنت کرده اند شعرای دیگر نیز بوده اند که از ایشان نیز بیجز ایات پراکنده مانده است بدین قرار: ابوزرعه معمري گرگانی - امیر ابوالحسن انجلی که از شاهزادگان سامانی بود - ترکی کشی ایلاقی - ابوالحسن لوگری غزوانی معروف بلوگری چنگ زن که در شعر و موسیقی کامل بوده است - ابوطاهر خسروانی از معروف ترین شعرای قرن چهارم که در ۳۴۲ درگذشته - ابو عبدالله معروفی بلخی که شعر بسیار داشته است - ابو عبدالله نوایحی مروزی که از فضیله درجه اول عصر خود بود - ابو شعیب هروی که وی نیز از مشاهیر شعرا بوده است - ابو عمر و زجاجی نیشابوری که در ۳۴۸ رحلت کرده - ابوطیب سرخسی - استغنائی نیشابوری: در میان امرای آل سامان امیر ابو ابراهیم اسمعیل ابن نوح ملقب بمنتصر که در سال ۳۸۹ سلطنت رسید ولی در همان سال اسیر شد و در ۳۹۵ در بیابان مرو بقتل رسید نیز بزبان فارسی شاعر بوده است و نیز ابوعلی سیمجور از امرای دربار سامانی که در سال ۳۸۷ در حبس قلعه گردیز کشته شد و همچنین ماکان ابن کاکی از امرای معروف سامانیان و آل زیار بزبان فارسی شعر گفته اند .

از طرف دیگر در همین اوان در چغانیان امرای شاعر پرورده بوده اند بدین معنی که در سال ۳۲۱ نصر بن احمد سامانی سپهسالاری خراسان و حکمرانی چغانیان را با بوبکر محمد بن مظفر بن محتاج چغانی داد و پس از وی تا سال ۳۷۷ با استقلال در آن دیار حکمرانی کردند و چون تربیت یافته و مانوس با آداب دربار سامانیان بودند بمخدومین خود تاسی کردند و زبان فارسی را در دیار خود رواج دادند و شعرایی چند در چغانیان در دربار ایشان زیسته اند از آن جمله منجلیک ترمذی و فرخی سیستانی شعرای معروف قرن پنجم بوده اند که آغاز دوره شاعری خود را در چغانیان گذرانیده اند

ویکتن از امرای این سلسله ابوالمظفر طاهر بن فضل که در ۳۷۲ رحلت کرده خود بزبان فارسی شاعر بوده است ، از شعرای دربار چغانیان معروف ترا همه ابوعلی محمد ابن احمد دقیقی بلخی بود که یکی از بزرگترین شعرای ایرانست و پس از رودکی بزرگترین شاعر این قرن بشمار میرود ، دقیقی بنظم داستانهای قدیم ایران و تدوین شاهنامه شروع کرده بود که در سال ۳۴۱ کشته شد و از منظومه وی جز ۱۰۵ بیت که فردوسی در داستان گشتاسب و ارجاسب در شاهنامه خود نقل کرده دیگر چیزی بدست نیست و از سایر اشعار وی هم اندکی مانده است ، دیگر از شعرای چغانیان بدیع بلخی بوده که از شعرا و نیز اندکی مانده است.

در دربار پادشاهان آل زیار هم چندتن شاعر بوده اند بدینقرار : مخلصدی گرگانی - دیلمی قزوینی - قمری گرگانی - خسروی سرخسی که یکی از معروفترین شعرای قرن چهارم و بزرگترین شاعر دربار آل زیار بود - ابالیث گرگانی که در شعر لیث تخلص میکرده است - ادیب طبری - کفایی گنجه ای - کوسه فالی - پور کله و ازین سه نفر شعر نمانده است - شمس المعالی قابوس بن وشمگیر معروفترین پادشاه آل زیار که در سال ۴۰۳ کشته شد نیز بزبان فارسی شعر میگفته است .

در دربار آل بویه نیز شعرای بسیار بوده اند از آن جمله بوده است بختیاری اهوازی که گویا پس از ابوالمؤید بلخی و پیش از امانی داستان یوسف و زلیخا را در سال ۳۸۰ در جوانی نظم کرده است ولی از آن چیزی نمانده - دیگر منصور منطقی رازی که معروفترین شاعر دربار آل بویه بود و از شاگردان بدیع الزمان همدانی و در شعر فارسی و عربی منتهای شهرت داشت و از مختصان صاحب بن عباد بود و در شعر منطقی و منصور تخلص کرده است - بندار رازی که او نیز از مشاهیر عصر خویش و از بزرگان شعرای آل بویه بود و در سال ۴۰۱ رحلت کرد و کتابی در لغت باسم منتخب الفرس داشته است و هم بزبان دری و هم بزبان پهلوی در شعر بسیار ماهر بوده است - ابو عبدالله جنیدی که او هم در شعر فارسی و عربی معروف عصر خود بوده است - حکیم میسری شاعر صاحب منظومه ای در طب باسم دانش نامه یاطب منصوره که ظاهراً مطالب کتاب المنصوره تألیف محمد بن زکریای رازی را نظم کرده

و آنرا از سال ۳۵۸ تا ۳۷۰ در سن ۱۲ سالگی سروده است و باسم حسنویه بن حسین حکمران کردستان از جانب آل بویه پرداخته است و نسخه آن در دست است.

در قرن چهارم يك عده شعرای دیگر هم بوده اند که از علما و عرفای مشهور آن عصرند و بهیچ يك از دربارهای پادشاهان منسوب نبوده اند از آن جمله ابونصر فارابی حکیم معروف که یکی از بزرگترین حکمای شرق بوده و در ماه رجب ۳۳۹ بسن هشتاد سالگی در حلب رحلت کرد و صاحب مؤلفات بسیار است بزبان عرب و مخصوصاً در حکمت و موسیقی بزرگترین مرد ایران بوده است و شعر فارسی نیز بوی نسبت داده اند - دیگر شیخ ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی عارف مشهور آن زمان که در ۳۷۱ رحلت کرده است - امام ابوالقاسم بن بشر بن محمد بن یاسین از عرفای بزرگ مهنه که در ۳۸۰ درگذشت - ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر مهنه ای یکی از معروفترین عرفای ایران که صاحب مقامات معروفست و در شب جمعه چهارم شعبان سال ۴۰۴ در مهنه رحلت کرده است و عده کثیر رباعیات فارسی با خواص و آثار معروف بوی نسبت میدهند - طاهر عربان همدانی صاحب دو بیت های معروف بزبان پهلوی که از محترمین زهاد عصر خویش بوده و در سال ۴۱۰ در همدان در گذشته و در بیرون شهر همدان مدفونست - شیخ ابوالحسن خرقانی متوفی در سال ۴۲۵ که ری نیز از مشاهیر عرفای زمان خویش بوده و بوی نیز شعر فارسی نسبت داده اند - از ابوبکر واعظ سرخسی که از اصحاب ابوسعید ابوالخیر بوده و تا سال ۴۰۴ حیوة داشته است نیز دو بیت شعر فارسی مانده است - از ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالکریم قصاب آملی که از بزرگان مشایخ و اساطیر قرن چهارم بوده نیز اشعار فارسی روایت کرده اند. از شیخ ابوالهیثم احمد بن حسن گرگانی که از حکما و پزشکان معروف قرن چهارم بوده نیز قصیده جالبی در حکمت مانده است و نیز ابوعلی حسن بن محمد دقاق نیشابوری از بزرگان مشایخ صوفیه که در ذی قعدة ۴۰۵ در گذشته شعر فارسی می گفته است.

در قرن چهارم دوتن شاعر دیگر نیز بوده اند که معلوم نیست در کدام ناحیه زیسته اند یکی بشار مرغزیست صاحب قصیده ای معروف که پیداست شاعری در

کمال قدرت بوده است و دیگر طیان مرغزی که شاعری هزال بوده و ظاهرأ شعر بسیار داشته است.

در همین زمان ها يك عده بسیار شعرای دیگر بوده اند که فقط اسامی ایشان و چند بیت پراکنده از اشعار آنها در فرهنگ ها بشاهد لغات مهجور و مشکل مانده است که هر چند بعصر زندگی ایشان اشاره ای نشده ولی چون در کتب مؤلف در اوایل قرن پنجم اسمی از ایشان هست معلوم میشود که در قرن چهارم بوده اند و چون اطلاعات وافی در باب ایشان نیست نمیتوان معلوم کرد که بکدام يك از دربار های ایران اختصاص داشته اند و فهرست اسامی ایشان بدین قرار است : اشنانی یا اشامی - جوپباری - جلاب بخاری - حکاک مرغزی - خجسته سرخسی - خفاف - اسمعیل رشیدی - زرین کتاب - شاکر بخاری - شهرة آفاق - صفاری مرغزی - طاهر فضل - عبدالله عارضی یا عارض - ابوعلی الیاس - علی قرط اندکانی - غواص - قریع الدهر - مظفری - یوسف عروضی - احمد جامی - ملک احمد برهات - کیا حسینی قزوینی - ابومعید خطیری - سرودی - شاهسار - ابوشریف - ابو عاصم - عرتامی - حکیم غمناک - ابوالقاسم مهرانی - قصار امی - لمعانی عباسی - محمودی - مرصعی - مرواریدی - مشکور - مشفق بلخی - نجاد - شناس - ابوالحسن - ابوالخطیر گوزگانی - ابوالقاسم مؤدب - ابوعلی چاچی - ابونصر مرغزی - ابهری - برجیس - پندو - چرخعی - حصری - خباز قاینی - دفایه - طاهر خسروی - غیائی - فاخر - قایل - قریع القوس - عیوقی - فریدالدهر - قریحی - کشفی - کمال عزیزی - مجیر غیائی - محمد عبده - محمد بن عثمان - مظفری - معاشری - میزبانی بخاری - ابوالجوهر - ابوالحر - ابوالعباس اهامی - ابوالعباس بخارایی - ابوالعباس عباسی - ابوالعباس عنبر - ابوالعبیر عنبر - ابوذر - ابورافع - ابوعبدالله ادیب - ابومنصور - باذانی - برقعی - بنانی - پروین خاتون - پسررامی - پیروزی - حمزه عروضی - رافعی نیشابوری - سلمان - سهیلی - شمعی - صانع فضلوی - صیدلانی - ضمیری - ظهراالدین جدید .

چند شاعر دیگر هم بوده اند که قسمتی از عمر ایشان در اواخر قرن چهارم و قسمتی دیگر در اوایل قرن پنجم گذشته و واسطهٔ میان این دو قرن بوده اند بهمین جهت ایشان را هم از شعرای قرن چهارم و هم از شعرای قرن پنجم میتوان شمرد بدین قرار: ابو منصور عماد مروری که از شعرای اواخر سامانیان بوده و تا زمان سلطان محمود غزنوی در اوایل قرن پنجم هم زیسته و شاعری معروف و نیکو سخن بوده است.

کسانی مروری که در روز چهارشنبه بیست و هفتم شوال ۳۴۱ متولد شده و تا پنجاه سال بعد از آن یعنی تا ۳۹۱ هم حتماً زنده بوده و یکی از مشاهیر شعرای ایران و حکمای عصر خویش بشمارست و شعر بسیار داشته و از بزرگان طریقهٔ اسمعیلی بوده و ناصر خسرو زمان وی را درک کرده است - منجیک ترمذی که نخست از شعرای دربار چغانیان بوده و پس از برجیده شدن بساط پادشاهی آن خاندان در سال ۳۷۷ ظاهراً بسیستان رفته و از آنجا بدربار سلطان محمود غزنوی پیوسته است و در سلك شعرای وی در آمده - ابونصر احمد بن منصور اسدی طوسی پدر علی بن احمد اسدی صاحب فرهنگ و منظومهٔ گرشاسب نامه که در سال ۴۲۵ در گذشته است او را استاد فردوسی در شعر شمرده اند ولی این گفته بسیار سست می نماید -  
غضایری رازی که از بزرگان شعرای زمان خود بود و نخست در سلك شعرای آل بویه درری میزیست و سپس جزو مداحان سلطان محمود غزنوی شد و از ری مدایح برای او میفرستاد و بهمین جهت مورد بغض و معارضهٔ عنصری ملك الشعرای معروف دربار سلطان محمود واقع شد و ظاهراً عنصری دیوان او را شست و وی یکی از ارکان شعر فارسی در عصر خویش بشمار میرفت و در سال ۴۲۶ رحلت کرد - فرخی سیستانی یکی از بزرگترین شعرای شیرین سخن ایران و یکی از معاریف شعر فارسی که او هم مانند منجیک در دربار چغانیان بود و پس از برجیده شدن آن بساط بدربار محمود غزنوی رفت و با کمال احتشام در آن دربار میزیست و در سال ۴۲۹ در گذشت.



## ۶- نشر

نخستین اثری که از نشر فارسی تا جایی که ما اطلاع داریم باقی مانده از اوایل قرن چهارمست. پیش از آن تنها نشانه‌ای که به ما رسیده فقط یکی چندجمله است که مؤلفین ایرانی یا عرب در کتابهایی که بزبان تازی نوشته‌اند نقل کرده‌اند. چیزی که درین میان مسلمست اینست که حتماً در قرن دوم نشر فارسی بوده است زیرا که «بهافرید» پسر «ماه فروردین» که پیش از خلافت بنی‌العباس (در سال ۱۳۲) در خراسان دینی تازه آورده بود و از مردم حوالی نیشابور بود پیروان خود را هفت‌نماز بزبان فارسی مقرر داشت و برای این هفت نماز کتابی بزبان فارسی تألیف کرده بود. بعد از آن یکی از اطباء و مترجمین قرن دوم «منکه» نام یکی از کتب هندی را که باسم «کتاب شاناق» در نجوم بود، از هندی بزبان فارسی ترجمه کرده است و ابو خاتم بلخی در میان سالهای ۱۷۰ و ۱۷۷ آن کتاب را برای یحیی برمکی بخط فارسی نوشته است. ازین دو کتاب ظاهراً اثری باقی نمانده و نیز از کتبی که بزبان ما در قرن سوم تألیف کرده‌اند چیزی بدست نیست ولی تا جایی که اطلاع داریم در قرن چهارم در نتیجه تشویقات فوق‌العاده پادشاهان سامانی کتب بسیار بزبان فارسی تألیف شده است از آنجمله کتابی در لغت فارسی باسم «تاج المصادر» بابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی شاعر بزرگ ایران (متوفی در ۳۲۹) نسبت داده اند که در آن شکست ولی در همان زمان ابو حفص حکیم بن احوص سغدی کتابی در لغت فارسی تألیف کرده است که تا قرن یازدهم نیز فرهنگ نویسان آن را در دست داشته‌اند.

اما کتبی که بشر قرن چهارم اینک در دستت بدین قرارست: قدیم‌ترین نشر فارسی مدون که هنوز در میانست از سال ۳۶۶ هجریست و آن مقدمه ایست که بشر برای شاهنامه‌ها یعنی مجموعه‌های تاریخ ایران پیش از اسلام که در آن زمان بشر فارسی می‌نوشته‌اند ترتیب داده‌اند و نویسنده آن معلوم نیست ولی پس از آنکه

فردوسی این داستانها را نظم کرده همان مقدمه قدیم را در صدر منظومه فردوسی قرار داده اند و سپس مطالب دیگر در احوال فردوسی بر آن افزوده اند و این مقدمه بفرمان ابومنصور محمد بن عبد الرزاق طوسی حکمران طوس بتوسط چند تن از زرتشتیان ایران نوشته شده است و تا سال ۸۲۹ که بایسنقر میرزا از شاهزادگان آل تیمور دستور داده است مقدمه دیگری بر شاهنامه بنویسند (و این همان مقدمه ایست که در نسخه های متداول این زمان هست) این دیباچه ابومنصوری همواره در صدر شاهنامه معمول بود و هنوز در بعضی نسخ خطی قدیم متداول است و دو مقدمه دیگر هم پس از آن و پیش از دیباچه بایسنقری نوشته اند. پس از آن ابوالقاسم عیسی بن علی که پدرش علی بن عیسی بن داود الجراح وزیر مقتدر خلیفه عباسی بود و در سال ۳۳۴ رحلت کرد کتابی در لغت فارسی نوشته است که اینک بدست نیست.

در همین زمانها ابوالمؤید بلخی شاعر معروف دربار سامانیان بزبان فارسی تألیفات کرده است و از جمله مؤلفات او شاهنامه ای بوده است بشر فارسی که پیش از سال ۳۵۲ که ترجمه طبری تمام شده آنرا تألیف کرده بود و نیز ذکری از کتاب گرشاسب نامه او هست که معلوم نیست همین شاهنامه است یا کتابی دیگر بوده و فعلا تنها کتابی که از مؤلفات او باقیست کتاب کوچکیست در عجایب بلدان که در میان سنوات ۳۶۶ و ۳۸۷ آنرا پرداخته است.

بعد از آن کتاب دیگری که در دستت کتابیست با اسم «کشف المحجوب» در عقاید اسمعیلیه که در حدود سال ۳۴۰ یا پس از آن بتوسط ابو یعقوب سکزی تألیف شده و اینک موجود است ولی چنان می نماید که این روایت فارسی ترجمه ای باشد که در قرن بعد ناصر خسرو از آن کرده است.

پس در زمان نوح بن نصر پادشاه سامانی (۳۳۱ - ۳۴۳) تفسیر کبیر تألیف محمد بن جریر بن یزید طبری را که از معروف ترین کتب این فنست بفرمان این پادشاه بزبان فارسی ترجمه کرده اند ولی مترجم آن بتحقیق معلوم نیست و آن کتاب نیز موجود است.

کتابی دیگر از همین مؤلف در همان اوان ترجمه شده و آن تاریخ طبرستان که ظاهراً در سال ۳۵۲ ابوعلی محمد بن محمد بن عبیدالله بلعمی وزیر که شاعر نیز بوده است ترجمه کرده و از بهترین کتب متداول نشر فارسیست.

کتاب دیگری به همین دوره نسبت می دهند که «کتاب الابنیه عن حقایق الادویه» تألیف ابو منصور موفق بن علی هروی در مفردات طبست و یگانه نسخه ای که از آن موجودست بخط علی بن احمد اسدی طوسی شاعر معروف ایران در ماه شوال ۴۴۷ نوشته شده و ظاهراً قدیم ترین نوشته ایست که بخط فارسی موجودست ولی مسلم نیست که این کتاب در همین زمان تألیف شده باشد.

سه کتاب دیگری که درین زمان تألیف شده یکی کتاب بسیار جامع و بزرگست در طب بنام «هدایة المتعلمین» که ابو بکر ربیع بن احمد اخوینی بخارایی در میان سالهای ۳۵۰ و ۳۶۵ تألیف کرده است، دیگر کتابیست در عقاید از حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی فقیه معروف که در روز عاشورای سال ۳۴۳ در سمرقند در گذشته است، دیگر شرحیست که ابو ابراهیم اسمعیل ابن محمد بن عبدالله بن احمد بن سهل بن ارجح آملی بخارایی مستملی مذکر مسری متوفی در ۴۳۴ بر کتاب معروف «التعرف لمذهب التصوف» تألیف استاد خود ابو بکر محمد بن ابواسحق محمد بن ابراهیم بن یعقوب کلاباذی بخاری عارف مشهور در گذشته در ۳۸۰ در پایان قرن چهارم تألیف کرده است.

پس از آن کتاب دیگری که تألیف شد، کتابیست با اسم «کتاب البارع» در احکام نجوم تألیف ابونصر حسین بن علی قمی که در سال ۳۶۷ تألیف کرده است. در سال ۳۶۹ نوح بن منصور پادشاه سامانی بخواجه عمید ابوالفوارس قناوزی فرمان داده است که کتاب «سند باد نامه» را از زبان پهلوی بزبان فارسی ترجمه کند و آن ترجمه تا قرن ششم موجود بوده زیرا که ازرقی هروی شاعر بزرگ آن زمان آن کتاب را نظم کرده است و بهاء الدین محمد بن علی بن محمد بن عمر ظهیری

کتاب سمرقندی در همان قرن ترجمه قنآور را تهنیب کرده و بانشای تازه تر در آورده است. داستان سنبل باد یا سندباد نامه مجموع حکایات است که مانند کلیله و دمنه در زمان ساسانیان از هندوستان بایران آورده و بزبان پهلوی ترجمه کرده اند و از آنجا بزبان فارسی در آمده است.

پس از آن کتاب دیگری که مانده کتابیست با اسم «حدود العالم من المشرق الی المغرب» که در سال ۳۸۲ تألیف شده ولی نام مؤلف آن معلوم نیست.

در همین اواخر قرن چهارم مؤلف دیگری بوده است با اسم محمود وراق که در سال ۴۵۰ تاریخ بسیار مبسوطی تمام کرده و از آغاز تاریخ تا سال ۴۰۹ وقایع را در آن ضبط آورده و آن کتاب از میان رفته ولی ابوالفضل بیهقی مورخ معروف قرن پنجم از آن ذکر کرده و تا زمان او معمول بوده است. این محمود وراق ظاهراً شعر فارسی هم میگفته ولی او را با محمود بن حسن وراق شاعر عرب که در حدود سال ۲۳ رحلت کرده است اشتباه کرده اند. در همان اوان دیر بسیار بزرگی در دربار غزنویان بوده با اسم ابونصر احمد بن عبدالصمد مشکان که صاحب دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود بود و در سال ۴۳۶ رحلت کرد. این نویسنده بزرگ استاد ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی صاحب تاریخ معروف بوده و بیهقی آنچه از دهان او راجع بمشاهدات ایام عمروی شنیده است در کتابی با اسم «مقامات ابونصر مشکان» ضبط کرده بود که تا قرن نهم نیز متداول بود و ظاهراً از میان رفته است و از آثار این ابونصر آنچه مانده بعضی حکایات و رسای است که بیهقی در تاریخ خود بمناسبت ضبط کرده است.

نیز در همان زمان دانشمند بزرگ ابوالریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی که در سال ۴۳۰ در گذشته است بشر فارسی تألیفات کرده و دو کتاب باین زبان نوشته است یکی با اسم «المساهر فی اخبار خوارزم» در تاریخ دیار خویش که از میان رفته و فقط بیهقی بعضی مطالب آنرا در تاریخ خود نقل کرده است و دیگر کتابیست در علم نجوم با اسم «کتاب التفهیم فی صناعة التنجیم» که هم آنرا عربی و هم بفارسی نوشته است.

عالم بزرگ دیگری که در همین زمان میزیست پیشوای علمای جهان شیخ الرئیس ابو علی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سیناست که در سال ۴۲۸ رحلت کرده است. این دانشمند بزرگ رانیز چهار کتاب بزبان فارسیست که هر چهار بدستست: نخست رساله ایست که در شناختن نبض فرمان علاء الدوله کاکویه پادشاه معروف آل بویه (۳۹۸ - ۴۲۳) نوشته ، دوم رساله ای در ماهیت نفس که از مؤلفات خود که سابقاً بزبان عربی نوشته بود فرمان علاء الدوله کاکویه ابو جعفر محمد بن دشمن زیار (۳۹۸ - ۴۲۳) بفارسی ترجمه کرده است ، سوم کتاب بسیار جلیل القدری باسم «دانش نامه عالی» که فرمان همین پادشاه در دو قسمت نوشته: قسمت اول در منطق و قسمت دوم در حکمت و خلاصه بسیار مهمیست از تحقیقات معروف این بزرگترین دانشمند ایرانی در منطق و حکمت که درین دو علم قول او همواره حجتست . قسمت دوم را که خود مجال نکرده است بنویسد شاگرد معروف وی ابو عبید گوزگانی از مؤلفات دیگری که بتأیست ترجمه کرده است . چهارم کتاب کوچکیست باسم «ظفر نامه» که از آثار جوانی اوست و ترجمه فارسی نصایح انوشیروانست .

بجز این چهار کتاب چند کتاب دیگر بزبان فارسی بابن سینا نسبت داده اند که در انتساب آنها تردیدست و عبارتست از معراج نامه، رساله در مبدأ و معاد ، تشریح الاعضاء یا رساله حقایق وجود ، حکمة الموت ، جل المشکلات یا جل مشکلات معینیه ، رساله فی ذکر اثبات المبدأ و المعاد ، رساله تسلسل علل و مسببات یا رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب مسببات ، رساله جر ثقیل یا جر اثقال ، رساله جودیه ، شرح کتاب النفس ارسطو ، قراضه فی الطبیعیات ، کتاب المعاد و یا رساله المعاد ، کنوز المعزمین ، رساله فی ذکر اثبات المعاد ، رساله نبوت ، علم پیشین و برین ، شرح رساله الطیر ، منطق فارسی ، رساله عدل شاهی ، معیار العقول .

اینست آنچه از کتب نثر فارسی از چهار قرن اول هجرت تا امروز باقی مانده یا اثر آن در کتب بما رسیده است و البته ممکنست کتب دیگری باشد که مسود این اوراق را از آن آگاهی ترسیده است .

در قرن پنجم ادبیات ایران نسبت بقرن چهارم ترقی محسوس کرد. عموماً این ترقی را فقط نتیجهٔ ادب پروری و شاعر نوازی پادشاهان غزنوی و مخصوصاً بزرگترین شهریار این سلسله یعنی الدوله محمود بن ناصرالدین سبکتگین میدانند ولی نباید جهت ترقی را منحصر باین دانست، اگر چه هنر پروری این پادشاه در پیدایش دانشمندان و ادبا بسیار مؤثر بوده است و مخصوصاً ثروت بی حسابی که از هندوستان باخویش آورده و بخشش های شاهانهٔ او در حق برخی از شعرای دربار خویش در رواج ادبیات فارسی بسیار سودمند بوده است ولی بیشتر جهت اصلی و سبب واقعی ترقی ادب فارسی درین قرن آنست که در زمان سامانیان و در قرن چهارم پایهٔ ادبیات بر پی استوار و رکن حصینی نهاده شده بود و چنان این کاخ را از پی محکم ساخته بودند که قطعاً می بایست در قرون بعد باوج کمال برسد و کسانی مانند رودکی و دقیقی چنان احساسات سرشار و چنان شوری تولید کرده بودند که حتماً میبایست از میان فرزندان ایشان فردوسی و فرخی و عنصری بیرون آید، ادبیات همواره تابع احساسات و مقتضیات محیطست. در زمان سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر احساسات ایران دوستی و ذوق استقلال ذاتی و رهایی از قید عرب بمنتهای کمال خود رسیده بود و قهراً در میان آن احساسات شور انگیز ادبیات ایرانی خالص میبایست باقصری غایت برسد. معذک اگر پادشاهان غزنوی و آن نوازشهای ایشان از ادبای ایران نبود شاید نظم و نثر فارسی بدین درجه از ترقی نمی رسید. سبب عمدهٔ تشویق غزنویان از ادبیات اینست که در دورهٔ سامانیان این کار از مهم ترین وظایف دربارشاهی شده بود و شعرا از لوازم سلطنت و جزو شکوه و جلال تاج و تخت بشمار رفت و غزنویان که از هر حیث مقلد تمدن سامانی بودند دانسته یا نادانسته و خواهی نخواهی همان رسوم درباری را دنبال کردند. وانگهی برای کشورستانی حاجت بتحریک احساسات مردم ایران داشتند و شعر بهترین وسیلهٔ این تحریک بود. البتگین غلام ترک سامانیان از جانب عبدالملک بن نوح سامانی (۳۴۳ - ۳۵۰) حاکم خراسان

بود و در سال ۳۵۰ که این پادشاه سامانی در گذشت بر شهر غزنین استیلا یافت و قسمتی از جنوب شرقی خراسان را بر خود مطیع کرد و پس از شانزده سال حکمرانی مستقل در سال ۳۶۶ مردود امداد و ناصر الدین سبکتگین که او هم غلام زرخرید ترک بود جانشین وی شد و سلسله غزنویان را تأسیس کرد که پایتخت ایشان در غزنی یا غزنین و یا غزنه بود و بتدریج تمام خراسان و ماوراء النهر و گرگان و قسمتی معظم از عراق و کرمان را متصرف شدند و مملکتی که تقریباً سه برابر قلمرو سامانیان بود در ایران تأسیس کردند و تقریباً تمام قسمت غربی هندوستان و اراضی مواحل سند و پنجاب را تا ساحل رود گنگ گرفتند و تا سال ۵۸۳ یعنی مدت دو بیست و هفده سال چندی در ایران و مدت زمسانی در مغرب و شمال غربی هندوستان سلطنت کرده اند.

ناصر الدین سبکتگین از حیث عدل و مروّت و مردمی یکی از بهترین رجال تاریخ ایران بود و چون تربیت یافته دربار سامانیان بود بهمان سیاست ایرانی و هنر پروری ایشان عادت داشت و چون خود را وارث مستقیم سامانیان میدانست آداب دربار ایشان را از دست نداد و در نتیجه ادبیات نیز مورد توجه وی و فرزندان او بود و پس از مرگ او در سال ۳۸۷ پسرش اسمعیل بیادشاهی رسید ولی پسر دیگر محمود پس از اندک زد و خوردی او را خلع کرد و خود جانشین پدر شد. این پسر نیز بعضی از خصال پدر را ارث برده بود از آن جمله احترام بدانشمندان و ادب بود و در ضمن در طریقه حنفی اشعری تعصب بسیار داشت. در مدت سی و چهار سال که از ۳۸۷ تا ۴۲۱ پادشاهی کرد آنچه لازمه پرورش شعرا و نویسندگان دانشمندان دستگاه خود بود دریغ نکرد و مخصوصاً پس از ۴۱۰ که پای او به هندوستان باز شد و هر سال غنائم بسیار از هند میآورد شعرای دربار خویش را از آن غنائم سهم می بخشید و اغلب ایشان از توانگران زمان خود شدند. بهمین جهت هر ادیب و شاعر و دانشمندی که در آن زمان در هر نقطه از ایران بود یگانه آرزویی که برای نیک بختی خود می پخت این بود که بدربار این پادشاه راه یابد و از آن بخشندگیهای شاهانه او سهم بگیرد. از محمود گذشته رجال دربار وی مخصوصاً

برادر کوچک تر او امیر ابوعقوب یوسف عضدالدوله و پسرانش امیر ابو احمد محمد و امیر جلال الدوله مسعود و وزیر نامی او شمس الکفایت ابوالقاسم احمد بن حسن میمنندی و خواجه ابوالقاسم کثیر ندیم او و ابوبکر حصیری و ابوبکر قهستانی و ابوسهل حمدوی<sup>۱</sup> بزرگان دربار وی ادبا و شعرای زمانه را بسیار مینواختند و از آن مخدم خود سر مشق می گرفتند. چون دربار محمود برجیده شد اکثر آن دانش پروران در دربار پسرش مسعود باقی ماندند و همان آداب و سنن مملکت داری برقرار ماند. امرای مشرق ایران در آن زمان که دست نشاندگان و پرورش یافتگان دربار غزنوی بودند و از جانب ایشان به حکومت نواحی خراسان و ماوراءالنهر و بلاد هندوستان مامور میشدند بمخدومین خود تاسی میکردند و در جلب شعرا و دانشمندان مایل بودند و بعد که دست غزنویان از سلطنت مشرق ایران کوتاه شد و بهمان ممالک فتح کرده در هندوستان قناعت کردند این رسوم و آداب را با خود بهند بردند و تا سال ۵۸۳ که خسرو ملک آخرین پادشاه غزنوی در هند سلطنت میکرد پرورش شعرا و فضلا یکی از آداب کشور داری و جهان بینی غزنویان بود و از زمان ناصرالدین سبکتگین تا عهد خسرو ملک هرگز دربار غزنوی از شاعر و ادیب خالی نماند و اکثر شعرا و علمای مشهور قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم ایران یا مستقیماً نعمت پرورده یکی از شهریاران غزنوی بودند و یا تنعم یافته از امرای وابسته بایشان. اوج ادبیات در دربار محمود غزنوی بود چنانکه در شماره شعرای عصر او از چهارصد نیز تجاوز کرده اند و البته این رقم مبالغت آمیز برای رساندن فرط توجه او نسبت بعلم و ادب خود نمونه ایست.

۱- شعرای غزنویان - قدیم ترین شاعری که در قرن پنجم میتوان اسم برد ابوالحسن اورمزدیست که بهمین اسم در فرهنگها اشعاری از وثبت آمده و ظاهراً از شعرای اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بشمار میرفته است. در همین زمانها حکیمی بوده است که با اسم ناصر هرزدی ما بیژن آبادی نام از وثبت شده و از حکما و شعرای



زمان خود بوده و نسب او بنامانیان میرسیده است ، احتمال میرود که همین ابوالحسن اورمزدی باشد و شاید در نسب وی نیز خطا کرده باشند و از مرخم ماسور آباد از توابع گرگان بوده باشد. پس از ابوالفرج سکزی معروف بنسیمجوری بوده که ابوعلی سیمجور امیر معروف آن زمان و فرزندان ویرا مدح میگفته و او را استاد عنصری دانسته اند و او نیز در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم زندگی کرده است و از شعرا و هم اندکی باقی مانده است. اما شعراي دربار محمود بجز سیزده شاعر بزرگ که پس ازین ذکر خواهم کرد عده ای نیز شعراي درجه دوم بوده اند که اسامی ایشان با بعضی از اشعار آنها بما رسیده بدین قرار : امینی بلخی ، امیر ابوالمظفر ابراهیم ، بدری - غزنوی ، بهروز طبری ، حقوری یا حقوری هروی که معنی و قرائت این اسم معلوم نیست و بهر دو شکل ضبط کرده اند و احتمال می رود حقوری مرکب از کلمه «حق» و پساوند «ور» بمعنی حق دار باشد ، عطاردی خراسانی ، عبدالله بن محمد بلخی فرخاری ، محمد بن عثمان کاتب ، کویکی مروزی ، مظفر پنجدهی ، محسن فراهی ، معنوی - بخارایی ، هلیله که معنی اسم او و قرائت آن نیز معلوم نیست .

از سلطان محمود و وزیر او احمد بن حسن نیز شعر فارسی نقل کرده اند .

اما شعراي بزرگ این دوره که هر يك از ایشان فراخور ذکری جداگانه اند بدین قرارند .

۱- ابوالحسن بهرامی سرخسی که بزرگزاده بود و در سال ۵۰ رحلت کرد

و از مشاهیر شعراي زمان خود بشمار میرفت و سه رساله در عروض و قوافی با اسم او نوشته اند که ظاهراً هر سه از میان رفته است : رساله خجسته یا خجسته ناصری و یا خجسته نامه در عروض ، رساله غایة العروضین یا غایة العروضین و سوم رساله کنز القافیه ، از شعرا و جز اندکی نمانده و از همین اندک استادی او پیدا است .

۲- محمد بن محمود بدایعی بلخی که گویند اشعار مصنوع میسروده ولی ازین

قسم اشعار او چیزی در میان نیست و مهمترین اثری که از او مانده نظامیست که بیخبر متقارب از پندهای انوشیروان کرده ، در حدود دو بیست بیت ، که اصل آن بزبان پهلوی

بوده است و ترجمه‌ای بنثر از آن باین سینا نسبت می‌دهند با اسم ظفر نامه .  
**۳- ابو محمد محمود بن عمر جوهری زرگر هروی** که ظاهراً در اوایل عمر  
 گوهر فروش بوده و تازمان فرخزاد بن مسعود بن محمود غزنوی (۴۴۴-۴۵۱) نیز  
 حیات داشته و از اشعار او نیز اندکی مانده است .

**۴- زینبی علوی محمودی خراسانی** که اسم او را زینتی نیز ثبت کرده‌اند و از  
 بزرگان شعرای دربار محمود و پسرش مسعود بود و مخصوصاً سلطان مسعود صلوات-  
 گران بوی داده است، چنانکه يك بار يك پیل و هزار هزار درم و بار دیگر يك پیل و پنجاه  
 هزار درم بوی بخشیده است، از شعرا و نیز بعضی ایات مانده است .

**۵- عبدالعزیز بن منصور عمجدی مروزی** از شعرای نامدار دربار محمود و  
 از اقربان عنصری و فرخی بود و در اغلب سفرها در رکاب محمود رفته است، چنانکه در  
 فتح سوهنات قصیده‌ای سروده و صد هزار درم صلت گرفته و سپس در دربار مسعود نیز  
 زندگی کرده و در سال ۴۳۲ در گذشته است، دیوان شعر او نزدیک سه هزار بیت بوده  
 ولی اینک در دست نیست .

**۶- محمد بن علی غضایری رازی** ساکن شهر ری بود و در سال ۴۲۶ رحلت  
 کرد. در اوایل بدربار بهاءالدوله دیلمی (۳۷۹-۴۰۳) بستگی داشت و از نجبای دیار  
 خود بشمار میرفت، چنانکه او را کیاغضایری می‌خواندند. بعد که محمود اصفهان و  
 ری را گرفت خود را بدربار غزنویان پیوست و از ری مدایح با اسم محمود بغزنی  
 می‌فرستاد تا وقتی که قصیده‌ای در یکی از فتوح محمود در هندوستان سروده بود و  
 هزار درم صلح گرفت و قصیده دیگر در شکر گزاری گفت و در آن قصیده معروف محمود  
 را مخاطب ساخته و گفته است دیگر بس است که حوصله صلوات ترا ندارم و همین  
 باعث شد که عنصری ملک الشعراى دربار بر و خشم گرفت و جواب سخت بوی داد و  
 دیوان شعر او را شست و از میان برد و اینک جز دو قصیده و چند بیت دیگر چیزی از و  
 نمانده است .

**۷- سیدالشعراء لبیبی خراسانی** معروف بلیبی ادیب از بزرگان و معاریف

شعراى عصر خود بود و از مختصان امير ابو يعقوب يوسف عضد الدوله برادر محمود بشمار مى رفت. شعراى در زمان هاى قدیم بسيار رايج بود ولى درين زمان جز يك قصيده و بعضى اينيات چيزى از او نمانده است.

۸ - ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی از شعراى مقتدر و معروف عصر خود بود و در صنعت تلون يعنى شعری که بر دو وزن يا زياده خوانده شود مختصرى ساخته بود که خود شيدى شاعر آنرا شرح کرده بود ولى اينک آن از میان رفته و از ساير اشعار وى جز اينياتى چند نمانده است.

۹ - ابوالحسن على بن محمد ترمذى معروف بمنجيك يا منجيك چنگ زن از بزرگان شعراى قرن پنجم بشمار است، اصل وى از دهى بوده با اسم منجيك در مشرق ترمذ و بهمين جهت باين اسم معروف شد. در آغاز عمر شاعر دربار امير ابوالمظفر طاهر بن فضل چغانى امير معروف چغانيان بود که در سال ۳۷۷ رحلت کرده است و پيش از وى دقيقى و فرخى هر دو در آن دربار بوده اند، پس از مرگ اين امير بدربار سيستان رفته و بخدمت ابوالمظفر احمد و پسر او ظاهر بن احمد پذيرفته شد و سپس بدربار غزنويان شده است. منجيك شاعرى بذله گوى و فصيح بود، مخصوصاً در هجو قدرت بسيار داشت و در موسيقى و زدن چنگ استاد کامل بود، از شعرا و نيزاندى مانده است.

۱۰ - حكيم مجدالدین ابوالحسن اسحق كسابی هر روزى روز چهارشنبه ۲۷ شوال ۳۴۱ متولد شد و تا پنجاه سال بعد حتماً زنده بوده و مدح سلطان محمود غزنوى نيز گفته است، بهمين جهت بايد او را از شعراى او آخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم شمرد، وى در زمان خود از مشاهير حکما و شعراى ايران بود و در شعر در هر قسم مضمونى مهارت داشته چنانکه هم بسبك رودكى قصايد شاعرانه سروده و بشعر رودكى بسيار معتقد بوده و هم قصايد حکيمانه بلند داشته و ناصر خسرو و مروى قباديانى شاعر بزرگ قرن چهارم که زمان وى را درک کرده است درين قسمت از بسبك وى يروى کرده و چون او را بزرگى ياد مى کند احتمال همى رود اسمعيلی بوده باشد. دهنوان وى شامل سه هزار بيت بوده است که از میان رفته و فقط نزديك بدويست بيت

او بما رسیده که از آن جمله اشعار بسیار بلند قصید است .

۱۱ - ابونصر احمد بن منصور اسدی طوسی که در سال ۴۲۵ رحلت کرده است گویند از شاهیر شعراى زمان خود بود و پسرش علی بن احمد نیز از شعراى بزرگ است که در او اسطقرن پنجم می زیسته است، این ابونصر احمد اسدی را استاد فردوسی دانسته اند و حتی نوشته اند که سلطان محمود نظم شهنامه را از وی خواست و او پیری را عذر آورد و باین کار پرداخت ولی چون وی معاصر فردوسی و تقریباً با او هم سن بوده است بعید است که این حکایت اساسی داشته باشد و چون از شعرا و چیزی نماینده است محل و عصر زندگی او بدرستی معلوم نیست همین قدر بقراین میتوان دانست که از شعراى خراسان بوده و او را از نژاد ساسانیان شمرده اند ، چهار قصیده مناظره را که از پسرش هست بخط از او دانسته اند و از شعر او چیزی باقی مانده است .

۱۲ - ابوالقاسم حسن بن احمد عنصرى بلخى که در سال ۴۳۱ در گذشته یکی از بزرگترین شعراى زمان خود و از شاهیر گویندگان زبان فارس است . در دربار محمود مقام ملك الشعراء داشت و قصاید بسیار بلند در مدح این پادشاه سروده است و بمنتهای شوکت و جلال رسید ، چنانکه تمام شعراى بزرگ ایران که پس از او آمده اند بوی حسد برده اند و عنصرى را منظومات بسیار بوده که از آن فقط قسمتی از دیوان اشعار وی شامل نزدیک سه هزار بیت باقیست و چند مثنوی نظم کرده بود : سرخ بت و خنک بت ، عین الحیوة یا نهر و عین ، شاد بهر ، و امق و عذرا که اصل آن افسانه یونانیست و بزبان پهلوی ترجمه شده بود و ازین مثنویات بعضی ابیات پراکنده در فرهنگها باقی مانده است .

۱۳ - ابوالحسن علی بن جولوغ فرخى سیستانی که در سال ۴۲۹ رحلت کرده نیز از بزرگان شعراى ایرانست . نخست از وطن خود سیستان بچغانیان رفته و بدربار امیر ابوالمظفر احمد بن محمد چغانى پیوسته و سپس از آنجا بغزنی رفته و در سلك شعراى دربار سلطان محمود در آمده است و ظاهراً از شعراى دیگر محبوبتر بود و با وی بچنگ و سفر میرفت ، چنانکه در سفرهای هندوستان اغلب در کاب این پادشاه بوده است و امرا و عمال بزرگ دربار را با وی روابط بسیار بوده و با برادر و

پسران پادشاه پیوستگی داشته و ایشان را مدح میگفته است. گذشته از شاعری در موسیقی نیز دست داشته و کتابی در صنایع شعر با اسم ترجمان البلاغه باونسبت داده اند که ازو نیست و از محمد بن عمر را دریا نیست، چنانکه پس از بن خواهد آمد. دیوان شعرا که امروز در میانست نزدیک بده هزار بیت میشود.

۱۴ - ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی بزرگترین شاعر ایران، در نام و نسب او اختلاف بسیارست و معتبرتر از همه آنست که ثبت کرده ام. در قریه با از اقرای ناحیه طبران در خاک طوس در حوالی سال ۳۲۳ متولد شد و پدران او از نجیبای قدیم ایران بودند و در سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ رحلت کرد و نزدیک نود سال عمر یافت. این مرد بزرگ که بی انزاق یکی از بزرگترین رجال تاریخ ایرانست بهیچ درباری پیوستگی نداشت و اینکه معمولاً او را از شعرای دربار محمود غزنوی میشمارند ظلم فاحشست که در حق وی روا میدارند، زیرا که در نظم شاهنامه بهیچوجه توقع صله از کسی نداشته و مطلقاً محمود غزنوی در نظر او نبوده است، بلکه فقط بذوق طبیعی ایرانی و از راه تعصب نژادی خواسته است داستانهای تاریخی نیاگان خود را زنده نگاهدارد و پیرایه نظم بر آن ببخشد و فقط پس از اتمام این کار چون محمود غزنوی پیرو دش شعرا و ادبا معروف شده بود در صدد بر آمده است که توجه وی را نسبت بمنظومه خود جلب کند و نسخه سومی ازین منظومه ترتیب داده و بنام او پرداخته است. درین صورت شأن او اجل از آنست که ویرا در سلك شعرای دربار بشمارند. این مرد بزرگ دهقان زاده یعنی بزرگ زاده اصیل ایرانی بود که در شهر طوس املاکی از پدران داشت و از محصول آن املاک زندگی میکرد و تمام عمر خود را باین کار بزرگ یعنی نظم شاهنامه وقف کرد و تمام دارایی خویش را باین کار مصروف داشت. از سال ۳۷۷ در پی یافتن نسخه شاهنامه بود که اصل آنرا در زمان سامانیان بزبان پهلوی با اسم «خدای نامه» تدوین کرده بودند و پیش ازو بنظم و نشر عربی و فارسی ترجمه شده بود و چندین شاعر ایرانی بنظم آن شروع کرده ولی هیچیک بیایان نرسانده بودند و وی پس از مدتها کوشش و سفر برای بدست آوردن نسخه این کتاب عاقبت ترجمه آنرا بنثر فارسی بدست

آورد که آن ترجمه را در سال ۳۴۶ بفرمان ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی حکمران طوس و سپهسالار خراسان کرده بودند و او از روی همان ترجمه بنظم شهنامه شروع کرد و این واقعه سالها پیش از جلوس محمود غزنوی بتخت سلطنت خراسان بود تا اینکه در حدود سال ۳۸۴ نسخه اول منظومه خود را که خلاصه‌ای از آن کتاب بود تمام کرد و بعد در سال ۴۰۰ نسخه دیگری از شهنامه را پایان رسانیده، یعنی نسبت بنسخه اول و دوم چیزهایی بر آن افزوده است و سپس در صد برابر آمده است که توجه سلطان محمود غزنوی را نسبت بمنظومه خود جلب کند و بهمین جهت پس از سال ۴۰۲ نسخه چهارمی ازین کتاب ترتیب داده و بعضی ابیات در مدح سلطان محمود بر آن افزوده و امیدوار بوده است که سلطان محمود در پاداش این خدمت ویرا اجری ببخشد و معاش بازمانده عمر او را فراهم سازد، زیرا که درین میان املاک وی از میان رفته و تهیدست شده بود ولی سعایت بدخواهان و اینکه فردوسی شیعه و محمود حنفی اشعری متعصب بود سبب شد که محمود از وعده‌ای که ظاهراً درین باب کرده بود برگشت و انتظار فردوسی را بر نیآورد و بهمین جهت شاعر بزرگ ما در اواخر عمر خویش تهیدست و پریشان و نومید زندگی تلخ ناگواری داشت و در همین زمان نومیدی و ناکامی نسخه دیگری از شهنامه ترتیب داده است که آخرین آثار دوره زندگی شریف است و شکوه از نامآزگاری ایام رادر آن نسخه وارد کرده است. آن همه داستان‌هایی که در باب وی نقل کرده‌اند از قبیل اقامت در دربار محمود و مشاعره با شعراى غزنین و فرار کردن و تبدیل یافتن صلۀ محمود از شست هزار دینار پینجاه هزار درهم و غیره تمام افسانه و جعل است و حقیقت مسلم ندارد. قطع است که فردوسی را درین اقدام محرک دیگر جز تعصب نژادی و شورایرانی نبوده است. از شاهنامه فردوسی نسخهای بسیار در دست هست که شماره ابیات آنها تفاوت دارد. معمول تر از همه چهار نسخه است که یکی ۴۸ هزار و دیگری ۵۲ هزار و سومى ۵۵ هزار و چهارمى ۶۱ هزار بیت دارد ولی نسخه‌هایی که بیش از ۵۲ هزار دارد شامل اشعاریست که از دیگران بآن الحاق کرده‌اند و بیشتر از گرشاسب‌نامه اسدی اشعاری در شاهنامه داخل کرده‌اند. نزدیک بصد بیت هم اشعار مختلف شامل قطعات کوچک

و بزرگ بفردوسی نسبت می‌دهند که در انتساب آنها تردیدست. يك مثنوی یوسف و زلیخا نیز بفردوسی نسبت داده و گفته اند که در ۳۸۶ تمام کرده است اما چنانکه پس ازین خواهد آمد این مثنوی از امانی خراسانی از شاعران دوره سلجوقیست. گذشته ازین شعرا که در زمان محمود یا نزدیک بزمان وی رحلت کرده‌اند يك عده شعرای دیگر هم بوده‌اند که در زمان محمود زبسته‌اند ولی در ایام سلطنت جانشینان وی در گذشته‌اند. اولاد محمود نیز شاعر پرور و خردگستر بوده‌اند و از فرزندان وی مخصوصاً پسرش محمد پیر و زش شعر از غبت داشته و شعر فارسی را می‌پسندیده است. از و نیز بعضی اشعار روایت کرده‌اند. معروف‌ترین شعرایی که پس از محمود هم زنده بوده‌اند بدین قرارند:

۱- قصار امی که از اسم و نسب و احوال او اطلاعی نیست و احتمال می‌رود نام وی مرکب از دو جزء «قصار» بمعنی گذر و «امی» بمعنی کتابت نیاموخته باشد و از شعر او چند بیت در فرهنگها مانده است.

۲- ناصر بغوی که ظاهراً از علمای لغت در زمان خود بوده و از اشعار او جز يك رباعی نمانده است و درست‌تر آنست که نام وی ناصر بغوی بوده است و بغوی منسوب بیغشور از شهرهای خراسان در میان هرات و مروالرود است.

۳- امیر ابو الفتح عبدالکریم بن احمد حاتمی هروی که از امرای دربار غزنویان بود. نخست کاتب سلطان محمود و سپس صاحب برید شهر هری شد و کاتب و خوشنویس معروف عصر بود و بفارسی و عربی اشعار نیکو سروده است ولی از شعر فارسی او جز اندکی نمانده است.

۴- ابو منصور قمیم بن ابراهیم قاینی ملقب بیزرک مهر که از اعیان دربار مسعود بود و او نیز بهر دو زبان شعر خوب می‌گفته ولی از شعر فارسی او جز چند بیت بما نرسیده است.

۵- ابو الفضل مسرور بن محمد طالقانی معروف بمرو و خراسانی که از و نیز چند بیت مانده است.

۶ - امام مسعود رازی که از شعرا و علمای معروف خراسان بوده و در مذهب تشیع تعصب می ورزید و وی تا زمان مسعود زنده بود و در روز شنبه ۲۷ ذی الحجّه سال ۴۳۰ که سلطان مسعود بجهش مهرگان نشست و شعرا اشعاری در مدح او خواندند بسبب دو بیت شغری که مسعود رازی در حق او سروده بود وی نپسندید او را بحبس هندوستان فرستاد و از اشعار او اندکی بدست ما رسیده است .

۷ - ابو عبد الله روزبه بن عبد الله نکهتی که تخلص او را نکته نیز ضبط کرده اند ولی روایت اول صحیح ترمی نماید . نکهتی تا زمان سلطان ابراهیم غزنوی هم زنده بوده و از شعرای بزرگ زمان خویش بشمار می رفته ولی از شعرا و جز اندکی نمانده است .

۸ - ابوالنجم احمد بن عوض بن احمد منوچهری دامغانی که از بزرگترین شعرای ایران بشمار می رود ، از مردم دامغان و در آغاز کار شاعر در بار فلک المعالی منوچهر بن قابوس بود و در همان زمان که مسعود غزنوی از جانب پدر در ری و اصفهان حکمرانی داشت در یکی از سفرها او را از گرگان بری بخدمت خود خواند و بعد در سفری که در جمادی الاولی سال ۴۲۶ بطبرستان کرد او را از ساری با خود بغزنین برد و تا زمان مرگ خود در غزنی بود و در ۴۳۲ در غزنی رحلت کرد . قسمتی از دیوان اشعار وی که شامل اشعار بلند مخصوصاً در اوصاف طبیعت است نزدیک به چهار هزار بیت در دست است .

۹ - ابوالفرج بن مسعود رونی از مردم روم از توابع سیستان بود و چون مدتی در لاهور زندگی کرده بلاهوری نیز معروف شده است . ابتدای شاعری او در زمان مودود بن مسعود بود ولی بیشتر اختصاص بساطان ابراهیم غزنوی دارد و در سال ۴۶۹ که سلطان ابراهیم پسر خود جلال الدوله مسعود را به هندوستان فرستاد با وی بهند رفت و درین سفر با مسعود سعد سامان معاشر شد و مدتها با یکدیگر محشور بوده اند و در سال ۵۱۰ رحلت کرد . دیوان اشعار وی که شامل قصاید بسیار متین و پر معنیست در حدود چهار هزار بیت موجود است .



۱۰ - خواجه عمید ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب رازی معروف بنا کوك  
و عمید عطاء و عطاء یعقوب ، پسندان وی همه از بزرگان محررین عصر خود  
بوده اند و ثروتی بسیار داشته اند و او نیز دیر زبردست و شاعر توانا بود و مدت ها در دربار  
غزنویان مقام مهم داشت تا اینکه سلطان ابراهیم او را از شغل خود عزل کرد و بهندوستان  
بمحبس فرستاد و بیش از هشت سال در لاهور در زندان بود تا در ۴۷۱ در گذشت و بیش  
از ۸۰ سال عمر کرده بود ، از شعر او اندکی مانده است .

۱۱ - حکیم راشدی نیز از شعراى دربار سلطان ابراهیم بود و تا زمان مسعود بن  
ابراهیم زندگانی میگرد و در غزنین از معاریف شعر ا بود ولی از شعر او جز يك دو بیت  
باقی نمانده است .

۱۲ - جمال الدین ناصر بن شمس غزنوی معروف بکافرك غزنوی یا کافرك  
غزنین از شعراى زمان سلطان ابراهیم بود و در هزل و هیجا مهارت کامل داشت ولی  
از شعر او هم جز اندکی بدست ما نیست .

۱۳ - امیر مسعود بن سعد بن سلمان اصل وی از همدان بود ولی پدران او در  
لاهور نشو نما کرده اند و او نیز در لاهور متولد شده و قسمت اعظم عمر خود را چه بحکمرانی  
و چه در حبس در هندوستان گذرانده است . وی در زمان سلطان ابراهیم غزنوی بر شد  
رسیده و تا زمان بهرام شاه بن مسعود از عمال دربار غزنویان بوده است ، در اوایل عمر  
از لاهور بغزنی رفته و از آنجا بمصاحبت سیف الدوله ابوالقاسم محمود بن ابراهیم  
بهندوستان رفته و در جنگهای آن زمان در رکاب این پادشاه زاده بوده است ولی در  
سال ۴۷۲ بساطان ابراهیم خبر دادند که پسرش محمود در صد دست بعراق نزد ملک شاه  
سلاجوقی رود و او بر پسر خود خشم گرفت و او را با جمله امرای دربارش که از آن جمله  
مسعود سعد بود زندانی کرد و در و جیرستان در قلعه سو و قلعه دهک و سه سال دیگر در قلعه نای  
محبوس بوده است و بعد آزاد شد و بر سر املاک پدر بهندوستان رفت و در ۴۹۲ بحکومت  
چالندرا ایالات هندوستان منصوب شد ولی بزودی او را عزل کردند و بار دیگر بحبس  
فرستادند و هشت نه سال در حصار مرنج در سیستان بسر برد تا اینکه در حوالی سال

۵۰۰ آزاد شد و ازین قرار يك نيمه از عمر خود را در زندان گذرانده و پس از رهایی از حبس بغزنین رفت و از مشاغل دیوان کنار جست و در آنجا بسال ۵۱۵ رحلت کرد. مسعود سعد یکی از بزرگترین شعرای ایرانست که در فصاحت و تأثیر کلام کمتر کسی پایة وی رسیده و مخصوصاً قصاید بسیاری در زندان سروده که در اوج روانی و بلندیست و در هر خواننده‌ای اثر میکند. در زبان فارسی و عربی و هندی شاعر توانا بوده و دیوان فارسی او متجاوز از ده هزار بیت میشود که سنایی غزنوی آنرا در زندگی وی جمع کرده است.

۱۴ - قاضی ابوحنیفه اسکافی مروزی غزنوی از علمای نامی عصر خود بود و در غزنین میزیست و در زمان سلطان ابراهیم غزنوی شهرت کرد و از او اسط قرن پنجم تا اوایل قرن ششم زندگی میکرده ، در شعر فارسی مهارت داشته و چهار قصیده او که نماینده قدرت وی در شعر فارسیست در تاریخ بیهقی ضبط شده و بعضی اشعار پراکنده و قطعات از او مانده که روی هم رفته نزدیک دو بیست بیت می شود .

۱۵ - عیوقی نیز از شاعران این دوره است که از احوال وی چیزی بهمان رسیده و تنها اثری که از او باقیست داستان ورقه و گلشاه بیجر متقاربست که بنام محمود غزنوی پایان رسانیده و اسدی نیز در فرهنگ خود اشعاری از آن نقل کرده است. این داستان را که ظاهراً از داستانهای ایران قدیمست وی از زبان تازی گرفته و شرح معاشقات ورقه دختر همام از قبیله بنی شیبه در شام با پسر عمش گلشاه پسر هلالست که از کودکی با يك دیگر خو گرفته اند . داستان ورقه و گلشاه از داستانهای معروف ادب فارسیست و شاعران زبان ترکی جغتایی و ترکی عثمانی نیز آنرا از فارسی گرفته اند . شاعر دیگری که معلوم نیست که بوده و در کدام زمان می زیسته همین داستان را بوزن خسرو و شیرین نظامی بشعر فارسی در آورده که سابقاً رواج بسیار داشته و در آن این عاشق و معشوق را از مردم بنی شیبان در زمان پیامبر دانسته است .

۱۶- شیخ عمید نظام الدین یا مجد الدین ابوالفتح علی بن محمد بستنی مغربی ادیب معروف زبان تازی که از مشاهیر عصر خود بود، نخست از دبیران دربار نوح بن منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷) بود و چندی نیز در دربار امیران بست بوده و سپس چندی وزارت سبکتگین را داشته و پس از آن در دربار محمود نیز پایگاه بلند یافته و سرانجام در ماه شوال ۴۳۰ در بغداد درگذشت. ابوالفتح بستنی از بزرگان شاعران زبان عرب بشمار می رود و دیوان اشعار تازی او معروفست و چند رساله در انشای نوشته است از آن جمله کتاب «عادات السادات و سادات العادات» و در شعر فارسی نیز دست داشته و چند بیت از او مانده است.

۱۷- ایرانشاه بن ابوالخیر از شاعران توانای این دوره بوده و هشتوی بیهر متقارب شامل داستانهای مربوط ببهمن بنام بهمن نامه سروده است که تنها يك بیت از آن باقی مانده است.

۱۸- ابو منصور عبدالرشید بن احمد بن ابویوسف هروی معروف بابو منصور با یوسف که از مشاهیر دانشمندان هرات بوده است.

۱۹- ابو محمد عبدالله بن محمد بلخی معروف بروده از صدور خراسان که بیشتر در سرودن ابیات مفرد تخصص داشته است.

از محمود غزنوی و پسرانش محمد و مسعود و وزیر معروف او ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی نیز اشعار فارسی روایت کرده اند.

۴- شعرای آل زیار - پس از قوت گرفتن غزنویان خاندان آل زیار در گرگان تقریباً منقرض شدند و قلمرو ایشان در میان پادشاهان غزنوی و آل بویه متنازع بود و گاهی بدست پادشاهان غزنوی و گاهی بدست سلاطین آل بویه می افتاد، بهمین جهت شعرای بسیار در دربار آل زیار در قرن پنجم نبوده اند و اگر هم یکی چند تن مانند غضایری رازی و منوچهری دامغانی و لامعی گرگانی بوده اند، در دربار غزنویان و سلجوقیان پیوسته شده اند. یکی از آخرین امرای آل زیار که در ادبیات مقام رفیع دارد امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس است که داماد سلطان محمود

غزنوی بود ولی چون نوبت پادشاهی بوی رسید قلمرو او را آل بویه گرفتند و فقط غزنویان تا درجه‌ای از حمایت می کردند. عاقبت با ابوالسوار حکمران گنجه واران بچنگ گرجستان رفت و در آن جنگ زخم برداشت و پس از چندی مرد. این پادشاه در ادبیات فارسی مقام رفیع دارد و در نظم و نثر مهارت کامل داشته و کتاب قابوس نامه که در سال ۴۷۵ تمام شده و پس ازین ذکر آن خواهد آمد تالیف اوست و در شعر نیز قدرتی داشته و در آن کتاب بعضی اشعار خود را چه بفارسی و چه بزبان طبری آورده است و دیگر چیزی از گفته او بدست نیست. شاعری که بدربار وی اختصاص داشته فصیحی گر گانیست که هفت سال در ملازمت او بسر برده و مثنوی و امق و عذرا را نظم کرده ولی پس از انقراض این خاندان از نظم آن فارغ شده و آنرا باوزان مختلف سروده است و اینک تنها سه بیت از اشعار آن باوزان مختلف باقیست.

لامعی گر گانی شاعر معروف دربار سلجوقیان نیز که پس ازین ذکر او خواهد آمد در آغاز کار از شعرای آل زیار بوده است و فخرالدین اسعد فخری گر گانی نیز همین حال را داشته است.

### ۳- شعراى آذربایجان واران - در سال ۱۸۳ هارون الرشید یزید بن مزید شیبانی

را حکمرانی آذربایجان و شروان و دربند داد و اولاد وی گاهی با استقلال و زمانی از طرف بنی العباس تا ۴۴۰ در آن نواحی حکمرانی کردند و حکمرانی ایشان تا درجه‌ای عنوان سلطنت داشت.

از طرف دیگر هاشم بن سراقه حکمران دربند در سال ۲۵۵ دعوی استقلال کرد و تا سال ۴۵۷ اولاد او با اسم بنی هاشم در دربند حکومت داشتند. از یک طرف هم در سال ۳۴۰ سالار محمد امیر آذربایجان محبوس شد پیروان وی هر یک بنحیال پادشاهی افتادند و از آن جمله محمد بن شداد بود که تمام ناحیه اران یعنی نخجوان و دمیر قابو و گنجه و تفلیس را گرفت و سلسله شدادیان را تأسیس کرد که تا سال ۴۶۸ بر آن نواحی مسلط بودند. طایفه دیگر با اسم بنی مسافر یا بنی سالار در طارم و آذربایجان از سال ۳۰۳ تا سال ۴۲۰ حکومت داشته‌اند و مؤسس این سلسله سالار محمد بن

مسافر دیلمی بود. در گیلان و سواحل جنوب غربی بحر خزر نیز سه سلسله ایرانی حکومت داشته‌اند: یکی سلسله جستانیان که مؤسس آن مرزبان بن جستان در ۲۸۹ مستقل شد و تا سال ۳۰۷ فرزندان او حکمرانی داشتند، دیگر سلسله کنگریان بود که محمد بن مسافر در سال ۳۰۷ تاسیس کرد و تا ۴۵۴ در سلطنت بودند، سوم سلسله سالاریان که سالار مرزبان در ۳۰۳ تاسیس کرد و تا ۳۷۱ باقی بود. این سه سلسله اغلب بعضی از نواحی آذربایجان را بدست داشتند، بهمین جهت از اواخر قرن دوم تسلط عرب بر آذربایجان رو بزوال رفت و تعصب عربی در آن نواحی رو بضعف گذاشت و مخصوصاً چون جستانیان و کنگریان و سالاریان که هر سه سلسله ایرانی و دیلمی بودند بر آذربایجان مسلط شدند تعصب ایرانی از دیلمستان و گیلان با آذربایجان و از آن وقت و بهمین جهت در نیمه اول قرن پنجم زبان فارسی در شمال غربی ایران رواج عمده یافت و امرای این ناحیه بترویج ادبیات فارسی پرداختند. در سال ۴۴۰ سلجوقیان بر آذربایجان مسلط شدند و حکمرانان این سرزمین را دست‌نشانده خود کردند. سلجوقیان در خراسان بفرمانروایی آغاز کرده و کار گزاران دربار خود را از مردم خراسان و دانشمندان این سرزمین برگزیده بودند، بهمین جهت از نخست بزبان دری که زبان خراسان بود انس گرفتند و آنرا زبان دربار خود کردند و بهر جای از ایران که زبان آن زبان پهلوی بود رفتند آنرا با خود بردند؛ از آن جمله در آذربایجان نیز که زبان عامه مردم آن پهلوی بود زبان دری را انتشار دادند بهمین سبب از نیمه قرن پنجم زبان دری در آذربایجان رواج کامل یافت و درین دوره شعر فارسی در دربار امرای آذربایجان پسندیده بود و چندتن شاعر بزرگ در آن دیار بوده‌اند بدین قرار:

۱- ابونصر علی بن احمد بن منصور اسدی طوسى پسر اسدی شاعر که پیش ازین ذکر او رفت، این پسر نیز اسدی تخلص میکرده، آثاری که از وی مانده یکی نسخه‌ای از کتاب الانبیه عن حقایق الادویه است که در ماه شوال ۴۴۷ بخط خود نوشته، دیگر مثنوی گر شامسب نامه ببهر منتقارب بتقلید شاهنامه است که پس از

منظومه فردوسی بهترین نمونه ازین سبک شعر فارسیست و از ۴۵۶ تا ۴۵۸ بنظم آن مشغول بوده و آنرا بفرمان امیر ابودلف کرکری امیر اران از سلسله شیبانیان که مدتی در دربار وی بوده است و بتشویق وزیر او محمد بن اسماعیل نظم کرده و در حدود چهار هزار بیتست . سوم کتابی در لغت فارسی که پس از فرهنگ ابوحقص سعیدی قدیمترین کتاب لغت زبان ماست و آنرا برای شاگرد خود اردشیر بن دیلمسپار نهمی شاعر تالیف کرده و باسم لغت فرس یا فرهنگ اسدی معروفست .

۲- ابو منصور قطران بن منصور از دی ارموی تبریزی که اصلاً از مردم ارمیه (ارمیه) بود و از بزرگان شعراى درجه دوم ایرانست و در سال ۴۶۵ رحلت کرده ، بیشتر اوقات در تبریز بود و شاعر دربار امرای سلسله و هسودانیان آذربایجان بشمار میرفت که در طارم و سمیران و تبریز و مراغه حکومت داشتند و پنج تن از امرای این سلسله را مدح گفته است ولی معروفترین ممدوح او ابونصر محمد بن مسعود بن ممالانست که بابونصر ممالان معروف شده ، ناصر خسرو شاعر و حکیم معروف این زمان وی را در سال ۴۳۸ در تبریز دیده است . قطران مخترع سبک مخصوصیست در شعر فارسی که سراسر آن مصنوع و مسجع و مرصع می باشد و پس از وی دو شاعر بزرگ ایران در قرن ششم رشید و طواط و عبدالواسع جبلی غرjestانی ازو تقلید کرده اند . دیوان اشعار قطران شامل نزدیک هفت هزار بیت در دستست و بجز آن منظومه ای باسم کوش نامه دارد که از حکایات قدیم ایرانست مانند شهنامه فردوسی و نیز مثنوی و امق و عذرا و کتابی در لغت باسم تفاسیر باو نسبت داده اند که اینک بدست نیست . بعضی از بهترین اشعار قطران در ایران بخطا باسم رودکی معروف شده زیرا که اسم ممدوح قطران ابونصر ممالان را با اسم ممدوح عمده رودکی نصر بن احمد سامانی اشتباه کرده اند .

۳- دیباجی سمرقندی نیز از شعراى است که درین زمان در آذربایجان بوده است ، از احوال وی اطلاع کامل نیست و از شعر او نیز جز قصیده ای که در مدح امیر فضلون آخرین پادشاه سلسله هسودانیان سروده چیزی نمانده است .

۴- شعراى دربار سلجوقیان - در سال ۴۲۹ طغرل بیک سلجوقى که از نژاد ترك بود بر مسعود بن محمود غزنوى خروج كرد و بر بعضى از نواحى خراسان استيلا يافت و خود را پادشاه مستقل خواند و سلسهٔ بزرگى تشكيل داد كه مردان معروف در تاريخ ايران پرورده و وسيع ترين قلمرو تاريخ ايران را پس از هخامنشيان و ساسانيان داشته است. همچنانكه غزنويان تربيت شدگان دربار سامانى و بهمين جهت مانوس بادييات فارسى بودند سلجوقيان نيز با آداب دربار غزنوى انس گرفته بودند و چون بسلطنت رسيدند تمدن و ادبيات ايران را جزو آيين پادشاهى خود قرار دادند و پس از غزنويان بزرگترين خدمت را بزبان فارسى کرده اند زيرا كه همواره دربار ايشان مملو از شعرا و نويسندگان بزرگ بوده است و وزراى معروف ايشان مخصوصاً عميد الملك ابو نصر منصور بن محمد كندرى و نظام الملك ابو على حسن بن على بن احمد بن اسحق طوسى كه مؤسس واقعى سلطنت بزرگ سلجوقى بشمار ميروند اديب پرور و شاعر نواز بوده اند. از سال ۴۲۹ تا سال ۴۹۸ چهار تن پادشاه سلجوقى در ايران سلطنت کرده اند: طغرل، آلپ ارسلان، ملكشاه و بركيارق و سه نفر اول ايشان از بزرگترين رجال تاريخ ايران بوده اند و از سرحد هندوستان تا سواحل دريائى روم را در تصرف خود داشتند. در نيمهٔ دوم قرن پنجم عدهٔ كثير از شعرا در دربار پادشاهان سلجوقى در شهرهاى مختلف خراسان و عراق زندگى کرده اند، از بعضى از آنها مانند نسيمى و فرخى گرگانى و شجاعى نسوى و در فيروز فخرى و حقيقى و جعفر همدانى و امير عبدالله قرشى و احمد بديهى فقط اسمى مانده و شعرا ايشان بما نرسيده است. بعضى امراى آل سلجوق نيز خود بزبان فارسى شعر گفته اند مانند جلال الدين ملكشاه سومين پادشاه اين سلسله و برادر او طغانشاه بن آلپ ارسلان كه در زمان پدر حكمرانى خراسان داشت و در هرات حكومت ميكرد و پسر او محمد بن ملكشاه و امير حسام الدين بختيار بن زندگى بيبغوى سلجوقى كه از خواص بيبغو ملك حسام الدين حسن بن على طغاخان پادشاه مرغينان و كاشان در ماوراء النهر بود و بمناسبت نام او بيبغوى تخلص مى كرد و شاعرى زير دست بوده است و از شعرا و چند قطعه و قصيده باقىست. از نظام الملك قوام الدين ابو على حسن بن على بن احمد بن اسحق طوسى وزير معروف آلپ ارسلان و ملكشاه

و عمیدالملک ابونصر کندی وزیر نیز شعر فارسی نقل کرده اند. عموماً پادشاهان این سلسله در پرورش شعرا می کوشیده اند و مخصوصاً طغانشاه بن آلپ ارسلان شعرای بسیار را گرد خویش جمع کرده بود و از نوازش ایشان دریغ نمی کرد، ملکشاه نیز نسبت بشعرا رغبت مخصوصی نشان می داد.

اما شعرای که در قرن پنجم در دربار سلجوقیان بوده اند و از ایشان آثار مانده بدین قرارند: صفی الدین یزدی از شعرای طغانشاه که از چند بیت مانده، کافی خراسانی معروف بکافک که او نیز در دربار طغانشاه بوده و از او نیز چند بیت مانده است، افرعلی یوزی تکین که از احوال وی اطلاعی نیست و از شعرا و دو بیت به ما رسیده، ابونصر احمد بن ابراهیم طالقانی از مردم طالقان خراسان که از شعرای دربار ملکشاه و از خواص نظام الملک بود و از شعر او چند بیت باقیست شعرای بزرگ این دوره بدین قرار بوده اند:

۱- ابوالحسن بن محمد بن اسمعیل لامعی مگرسانی دهستانی که از مردم بکر-

آباد محله ای از شهر گرگان بود و در ماه رمضان سال ۳۹۲ یا ۳۹۳ متولد شد و تا شصت و چند سال پس از آن یعنی تا زمان سلطنت الب ارسلان نیز زنده بود. وی از حیث زمان نخستین شاعر دربار سلجوقیانست و یکی از بزرگان شعرای درجه دوم ایران بشمار میرود. در زمان خود شهرت بسیار داشت و تمام شعرای عصر بوی اقتدایمیکردند مخصوصاً معزی نیشابوری بزرگترین شاعر سلجوقیان همواره پیرو او بوده است و سبک وی را در شعر تکمیل کرده، دیوان لامعی در زمانهای قدیم بسیار مطایب بود زیرا که در انسجام و تشبیهات طبیعی و اوصاف بهار و خزان و غزل استاد بود، اینک دیوان وی بدست نیست و از شعر او فقط نزدیک هزار و پانصد بیت باقی مانده است. لامعی بیشتر اختصاص داشته است بخدمت خواجه عمیدالملک ابونصر کندی وزیر معروف و پس از مرگ او مدتی نیز مداح خواجه نظام الملک بوده است، می نویسند در جوانی از گرگان بخراسان رفت و در ملک شاگردان حجة الاسلام محمد غزالی در آمد ولی این نکته مشکوک می نماید.



۲- **جمالی مهریجردی** نیز از شعرای این زمان و معاصر بالامعی و برهانی بود ولی از احوال وی چیزی معلوم نیست و او را منظومه‌ای باسم بهمن نامه در داستانهای قدیم ایران بوده که اینک در میان نیست و بعضی ابیات آن در فرهنگها باقی مانده و از اشعار دیگر او هم چیزی بدست نیست ولی از همین مختصر پیداست که شاعر قادری بوده است.

۳- **امیر عبدالملک محمد برهانی نیشابوری** پدر معزی نیشابوری شاعر معروفست، اصلاً از مردم نسا بود ولی در نیشابور زندگی میکرد و در سلك شعرای دربار جلال‌الدین ملک‌شاه بود و چندان تقرب داشت که در سفرها با وی بود. عاقبت در سفری که در کاب این پادشاه بقزوین رفته بود در سن ۵۶ سالگی در اوایل سلطنت ملک‌شاه در آن شهر درگذشت. از احوال وی بیش ازین اطلاعی نیست و از شعر او جز يك قصیده مانده ولی در عصر خود از شعرای معروف بشمار میرفت.

۴- **ابوالمعالی نجاس اصفهانی** از اعیان دربار سلجوقی بود. چندی در خدمت آل‌بارسلان میزیست و سپس عارض سپاه ملک‌شاه شد و در دربار بر کیارق و محمد بن ملک‌شاه نیز همین مقام را داشت و چون میان این دو برادر اختلاف افتاد به‌جمله فرار کرد و حکمران آن دیار او را محترم داشت و از آنجا بمصر نزد المستنصر بالله خلیفه فاطمی رفت و مالی گزاف باورسید و پس از آن چندی در حبس بود و چون رهایی یافت بار دیگر بدربار بر کیارق رفت و در ضمن از خواص دادیك بن حبش بن آلتون‌تاق امیر خراسان بود که شعرای زمان را بسیار مینواخت و لامعی نیز او را مدح گفته است. عاقبت در سال ۵۱۲ رحلت کرد. وی از شعرای معروف عصر خود بوده و از شعر او جز چند قطعه چیزی بمانده است.

۵- **فخرالدین اسعد فخری سمرقانی** در اواخر عمر خود در سلك شعرای سلجوقیان درآمد و در سال ۴۴۲ رحلت کرد. نخست در گرگان می‌زیست و سپس از شعرای دربار طغرل و ملک‌شاه بود و در عراق و ری زندگی میکرد و از معاریف شعرای عصر خود بود. از اشعار دیگر او سه قطعه بیشتر باقی مانده ولی منظومه‌های ورامین از آثار او باقیست که یکی از شیواترین داستانهای عاشقانه شعرای ایرانست و

اشعار آن در نهایت سادگی و روانی سروده شده ، این منظومه را در اصفهان بنام خواجه عمید ابوالفتح مظفر بن محمد نیشابوری حکمران اصفهان در حدود سال ۴۴۶ تمام کرده و آنرا از اصفهان بهمدان نزد وی فرستاده است . این منظومه را از زبان پهلوی بفارسی آورده و ازین قرار وی پهلوی میدانسته و بعضی از مؤلفین بخطا این مثنوی را بنظامی گنجوی و نظامی عروضی نسبت داده اند. این مثنوی شامل نزدیک هشت هزار بیت است .

۶- ملك عماد زوزنى وودبارى از شعراى دربار طغانشاه بود و ازینقرار تا اوایل قرن ششم نیز زنده بوده و باعلی باخرزى شاعر معروف این زمان که ذکر او خواهد آمد مشاعره داشته است ، بیش ازین از احوال او اطلاعی نیست و از شعر او جز دو قصیده بدست نیست .

۷- ابوالعشایر ظفر بن محمد بن عبدالله کافی همدانى معروف بكافى ظفر همدانى از شعراى دربار ملكشاه بود که تا زمان سلطنت سنجر هم در اوایل قرن ششم زنده مانده . از بزرگان زمان خود بود و شعر عربی و فارسی را خوب می سرود . از احوال او جزین اطلاعی نیست و از شعرش جز سه قصیده و چند قطعه چیزی بمانده است .

۸- عبدالحمید عبهرى غزنوى از شعراى دربار اباسلان و ملكشاه بود و تا اوایل قرن ششم نیز زندگی کرده از اشعار وی هم جز یک قصیده و چند قطعه در دست نیست .

۹- رئیس شهید ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن ابی طیب باخرزى معروف بر رئیس علی حسن از بزرگان ادبای این قرن بود ، در جوانی کاتب طغرل بیك بود و در ری در جشن مهرگان قصیده ای در مدح او خواند و از همان روز بدربار او راه یافت و سپس در دربار ملكشاه میزیست ولی بمیل خود از خدمت دربار بیرون رفت و داخل در سلك عرفان شد و در همان اوان در سال ۴۶۷ در مجلس نوش خواری بدست والی ابخاز که در اسارت سلجوقیان بود کشته شد . وی در نظم و نثر فارسی و عربی مهارت بسیار داشته و در هر دو زبان دیوان شعر داشته است ولی دیوان فارسی او از میان

رفته و در شعر فارسی مجموعه‌ای از رباعیات بسیار او را بوده است با اسم طرب‌خانه که ظاهراً آنهم در میان نیست و دیگر از آثار وی کتاب *دمية القصر* و *عسرة اهل العصر* است که شامل احوال و اشعار شعرای ایران است که در آن عصر بزبان عرب شعر گفته‌اند و از کتب معروف ادبیات عرب بشمار میرود، اما از شعر فارسی او جز *یک قصیده* و چند قطعه چیزی بدست نیست.

۱۰- **عبدالرحمن عیاضی سرخسی** از شعرای اوایل و اواسط قرن پنجم بوده و

در آخر عمر در *مسلك* شعرای دربار سلجوقیان در آمده و در دربار *الپ ارسلان و طغرل و ملک‌شاه* بوده، از احوال او جزین اطلاعی نیست و از شعر او بیش از چند قطعه بمانده است.

۱۱- **شرف‌الزمان ابوالمحسن زین‌الدین ابوبکر جعفر بن اسماعیل ازرقی**

هر وی یکی از بزرگان شعرای او آخر قرن پنجم و از معاریف شعرای ایران بود، در شهر هرات سکنی داشت و پدرش ادیب اسماعیل و راق هر وی از معاریف فضلی آن شهر بود و از مریدان *خواجه عبدالله انصاری* بشمار میرفت، مدت‌های مدید شاعر دربار *طغان‌شاه بن الپ ارسلان حکمران خراسان* بود و سپس بکرمان رفت و در دربار *ایران‌شاه ابن قاورد نخستین پادشاه سلسله سلجوقیان کرمان* میزیست و در سال ۵۲۶ یا ۵۲۷ رحلت کرد. ازرقی مخصوصاً در تشبیهات بدیع و اوصاف طبیعت در میان شعرای ایران مقام ارجمندی دارد، دیوان اشعار وی شامل نزدیک دو هزار و شصت بیت در دست است و دیگر از آثار وی داستان *سندباد یاسندبادنامه* است که نظم کرده بود و آن مجموعه ایست از حکایات قدیم ایران مانند *الیف لیلہ و لیلہ* که ظاهراً از هندوستان بایران آورده‌اند و بزبان پهلوی ترجمه کرده بودند و دیگر کتاب *القیه و شافیہ* بوده است که برای *طغان‌شاه* پرداخته بود ولی این هر دو کتاب درین زمان باقی نیست.

۱۲- **امانی خراسانی** نیز از شاعران دربار سلجوقیان بوده که در خراسان

می‌زیسته و از احوال او اطلاعی نیست جز آنکه داستان *یوسف و زلیخا* را بنام *شمس‌الدوله طغان‌شاه بن ارسلان* برای شکرگزاری از وی که او را از زندان رها کرده بود سروده

است و این منظومه را بخط با فردوسی نسبت داده و بنام او چند بار چاپ کرده اند . درین منظومه گفته است که پیش از آن اشعار دیگری نیز سروده اما پیزی از آن نمانده است یوسف وزلیخا راپس از سال ۴۷۶ پیاپیان رسانیده است .

۱۳ - **کمال الملك ادیب ابو جعفر محمد بن احمد مختار زوزنی** معروف با دیب زوزنی یا ادیب مختار ، از بزرگان ادبای این دوره و از عمال نامی دربار سلجوقیان بود . در شوال ۴۷۶ که ملکشاه سعایت نظام الملك ریاست دیوان انشا و اشراف خود را از کمال الدوله ابورضا فضل الله بن محمد زوزنی گرفت و پسر او معین - الملك ابوالمحاسن سیدالروسا محمد را که از محمد و حان معزی بود کور کرد ریاست دیوان را نخست بمؤید الملك ابوبکر عیید الله پسر نظام الملك سپرد و اندکی پس از آن این کار را با دیب مختار رجوع کرد و او را کمال الملك لقب داد و بیش ازین از احوال وی اطلاع نیست . وی با بزرگان ادبای زمان خود محشور بوده و ایشان او را ستوده اند و خود شاعر توانایی بوده و یک قطعه از اشعار او مانده است .

۱۴ - **خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی** از حکما و دانشمندان معروف اسمعیلیه بوده و درباره وی اطلاع کامل بمانر سیده است و تنها اثری که از او مانده قصیده ایست در حکمت بتعبیر اسمعیلیه که ناصر خسرو آنرا بنام «جامع الحکمتین» و یکی از شاگردان وی که محمد بن سرخ نیشابوری نام داشته هر دو بقاری شرح کرده اند و ازین قصیده پیدا است که حکیمی دانشمند و شاعری توانا بوده است .

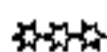
۱۵ - **فیلسوف ادیب ابوالعباس ثوگری** از دانشمندان نامی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم و از شاگردان بهمنیار بن مرزبان اعجمی آذربایجانی حکیم معروف در گذشته در ۴۵۸ بوده است که وی از شاگردان معروف ابن سینا بوده ، از مردم روستای لوکر از توابع شهر مرز بوده و بهر دو زبان فارسی و عربی شعر می گفته و دیوانی داشته است که اینک در میان نیست . وی از خاندانی اصیل و از بزرگان روزگار خود بشمار می رفته و نوشته اند که حکمت راوی در خر اسان انتشار داده و بسیاری از حکیمان خر اسان شاگرد او بوده اند از آن جمله حکیم اسعد میهنی و قطب الزمان محمد بن

ابوطاهر طیبسى مروزى و حسن بن قطان مروزى و قاضى عبدالرزاق تركى و افضل الدين غیلانى بوده اند و مولفات چند داشته مانند « بیان الحق بضمان الصدق » در منطق و حکمت و برخى رسایل و تعلیقات و در ضمن در نجوم از دانشمندان نامى بشمار مى رفته چنانکه در ۴۲۷ با امام عمر خیام و ابوالمظفر اسفزاری و میمون بن نجیب و اسطی مأمور زیج و تاریخ جلالی ملکشاهی شده است . از اشعار او قصیده‌ای مانده است بعنوان « اسرار الحکمه » شامل پنج قسمت در منطق و طبیعى و ریاضی و الهی و اخلاق که خود شرحی بفارسی بر آن نوشته است .

۱۶ - حقیقی که از شاعران دربار طغانشاه بن آلپ ارسلان بوده است .

۱۷ - ابونصر احمد بن ابراهیم طالقانی خراسانى که از مداحان خاص نظام الملك بوده است .

۱۸ - ناصر جعفرى نسوى از شاعران اواخر قرن پنجم و مداح ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵) بوده و ظاهراً تا اواسط قرن ششم زیسته است .



در قرن پنجم چند تن شاعر دیگر بوده اند که از اشعارشان اندکی باقی مانده است و از برخى ازیشان در فرهنگها اشعاری ضبط کرده اند و معلوم نیست بکدام يك از دربارهای این قرن پیوستگی داشته اند و نامهای ایشان بدین گونه است: ابالیث طبرستانی گرگانی - ابوالحسن بستى - ابوالحسن عراقى - ابوالحسن على بن عبدالحمید بن على دایة بیهقی - ابوالحسن یزدانى - ابوالفاتیح عبدالکریم بن احمد هروى - ابوالفضل بیهقی (بجز مورخ معروف این دوره) - ابوالمظفر عبدالجبار بن حسن یا حسین جمحی بیهقی - ابوالمعالی قومسى - سید ابوطالب بن جمال الساده ذواللسانین سیدالرئیس العالم ابوالحسن محمد بن على بن ابوعلى احمد بن ابوالحسن محمد بن ابومنصور الزبارة علوى حسینى بیهقی - امیر ابوعبدالله قرشى - خواجه ابوعلى سرخسى - ابونصر جوهرورى - امیر رئیس ابونصر هبة الله بن حسین بن احمد بن حسین الداریج بیهقی - خواجه احمد جموى - احمد واتگر - بارع فضلوى هروى - جعفر همدانى - حامدى - خواجه

حسین الداری - حسین ایلاقی - دهقان خوژی - دیلمی - ذوقی - ربیعی - زجاجی - شیخ سعید عبادیهقی - صایغ رازی - امیر سید ضیاءالدین محمد بن زین المعالی ابوالحسن علی بن حسین بن مظفر بن حسن بیهقی - خواجه شیخ العالم علی بن محمد شجاعی - فرخاری - کیا حسینی قزوینی - ابوشریف احمد بن علی مغاندی گرگانی که تخلص وی را بخط مجلذی هم نوشته اند - محمودی - مکی پنجمیری - موقری - نجاتی - هزل بستی - یوسف مامری .

۵- علما و عرفا - گذشته از شعراىی که در دربارهای مختلف ایران زیسته اند و ذکر ایشان گذشت در قرن پنجم عده ای از دشمنان و عرفا نیز بوده اند که بزبان فارسی شعر گفته اند و بهیچ درباری اختصاص نداشته اند معاریف ایشان بدین قرارند .

۱- بدیع الزمان ابو عبد الله حسین بن ابراهیم بن احمد ادیب نطنزی ملقب بذواللسانین یا ذوالبیانین از ادبای معروف عصر خویش بود، اصلاً از مردم نطنز بود ولی در کوچه ارزویه در محله حومان اصفهان زندگی میکرد و تمام عمر خویش را با آموزگاری و درس و بحث گذرانده است و از مردم سنت و دوستان ایشان بود و در زبان فارسی و عربی ادیب معروف بود بهمین جهت او را ذوالبیانین و ذواللسانین لقب داده اند و عاقبت در ماه محرم سال ۴۹۷ در اصفهان رحلت کرد و چند تألیف مهم از او مانده است یکی کتاب الخلاص در ادب و دیگری دستور اللغة و کتاب المرقاة که هر دو در لغت عربی بقاری است، در شعر فارسی نیز دستی داشته و مخصوصاً اشعار مصنوع میسروده ولی از شعر او جز چند قطعه چیزی بمانده است .

۲- شیخ ابو ذر بوزجانی از معاریف مشایخ خراسان بود که در اوایل قرن چهارم و اوایل قرن پنجم زندگی میکرد و معاصر سبکتگین و محمود غزنوی بود، از احوال وی بیش ازین اطلاعی نیست و از شعر فارسی او جز دو بیت نمانده است .

۳- شیخ ابو حفص عبدالله بن یقظان خوری وی نیز از مشاهیر مشایخ خراسان بود و با ابوسعید ابوالخیر معاشرت داشت و سفر بسیار کرده بود عاقبت در سال ۴۷۲ بسن هفتاد با هفتاد و پنج درگذشت و از او نیز دو بیت شعر فارسی

هائده است .

#### ۴- شیخ ابوالحسن علی بن جعفر خرقانی بسطامی معروف بشیخ خرقان

از مردم خرقان نزدیک بسطام بود و از معارف و شایخ ایرانست، بیشتر اوقات خویش را در مولد خود گذرانده و در طریقت شاگرد شیخ ابوالعباس آملی معروف بقصار بود و در شب سه شنبه عاشورای سال ۴۲۵ در خرقان در گذشت و هم آنجا مدفون شد و اکنون مزار او در همان موضع نزدیک بسطام زیارتگاهست، بعضی رباعیات فارسی باو نسبت می دهند و کتابی بفارسی در مناقب او بنام نورالعلوم نوشته اند .

۵- شیخ ابو عبدالله علی بن محمد بن عبدالله بن عییدالله شیرازی معروف باباکو یا ابن باکویا ابن باکویه، وی نیز از مشایخ این قرن بود و در شیراز ولادت یافت و در جوانی در سلك مریدان شیخ ابو عبدالله خفیف شیرازی عارف مشهور قرن چهارم در آمد و سپس ببصره رفت و از آنجا بنیشابور سفر کرد و با استاد امام قشیری عارف معروف زمان و ابو سعید ابو الخیر پیوست، سپس بنهاوند رفت و از آنجا بشیراز رجعت کرد و در بیرون شهر شیراز در دامنه کوهی که خانقاه او بود در آنروا میزیست و در همان جا در سال ۴۴۲ در گذشت و در آن محل مدفون شد که امروز باسم باباکوهی در خارج شهر شیراز گردش گاه و زیارت گاهست. وی بواسطه اقامت در همان کوه شمال شیراز باسم کوهی معروف شده و دیوان شعر فارسی که نزدیک دو هزار بیت شعرست بوی نسبت میدهند ولی درین اسناد تردیدست .

#### ۶- شیخ الاسلام خواجه ابواسمعیل عبدالله بن محمد انصاری هروی معروف

بعبدالله انصاری و پسر هرات از اولاد مت انصاری بود که در زمان خلافت عثمان باحنف بن قیس بهرات رفت و پدران وی همه در هرات بوده اند و او در روز جمعه ۲ شعبان ۳۷۶ در قهندز هرات متولد شد و از کودکی جوهرت ذهن بسیار بر او میداد چنانکه در مکتب شعر عربی بدیهه میگفت و از نوادر عصر خود بود و در آن زمان کسی را برای برابری باوی نبود و بیش از صد هزار شعر عربی در حفظ داشت و در حدیث و کلام و فقه بزرگترین مرد زمان خود بود و در قوه بیان نیز نادره زمان بشمار میرفت چنانکه در مواضع او همواره عده

کثیری حاضر بودند و ازارکان مذهب حنبلی بشمارست و در ضمن مایل بتصوف بود. بیشتر اوقات خود را در هرات گذرانده و در ضمن سفرهایی کرده است، عاقبت بسن ۱۰۵ سالگی در سال ۴۸۱ در هرات رحلت کرد و مراد او امر و زبیر است. **عبدالله انصاری** یکی از بزرگان ادبیات و تصوف ایرانست و در زبان فارسی و عربی و زبان هروی قدیم تسلط بسیار داشته و بیش از شصت هزار شعر عربی سروده است که اینک از میان رفته و چند کتاب عربی بسیار فصیح از او مانده یکی **منازل السائرين** در عرفان و سلوک، دیگر **انوار التحقيق**، **سوم رحل الرسول**، **چهارم رساله اربعین**، در زبان هروی قدیم شرح احوال عرفای مقدم بر خود را در ضمن در ضمن مجلس و عطا گفته است و مریدان وی نوشته و بنام **طبقات الصوفیه** جمع کرده اند و آنرا **عبدالرحمن جامی شاعر و عارف** معروف قرن نهم بزبان فارسی ترجمه کرده و احوال عرفای بعد از او را بآن افزوده و باسم **نفحات الانس** معروفست. در زبان فارسی رسایل بسیار بنثر بسیار فصیح باسجع و ترصیح تألیف کرده که معروفترین آنها **مناجات نامه اوست** و دیگر **رساله واردات**، **کنز السالکین**، **الهی نامه**، **دل و جان**، **قلندر نامه**، **محببت نامه**، **هفت حصار**، **تفسیر فارسی**، **نصایح خطاب بنظام الملك**، **مقامات یا مقولات**، **گنجنامه** و در اسناد برخی از آنها بوی تردیدست. **عبدالقادر رهاوی** کتابی در مناقب وی بنام **«المادح والممدوح»** بزبان تازی نوشته است. از اشعار فارسی او بعضی غزلیات و مقطعات و رباعیات بدستست که خود در رسایل خویش ثبت کرده است.

۷ - **حمیدالدین ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی شاعر و حکیم و**

نویسنده معروف این قرن در ماه ذی قعدة ۳۹۴ در قبادیان متولد شد و خاندان او در شهر بلخ می زیسته اند. او هم ظاهراً جوانی خود را در بلخ گذرانده و سپس در سلك اعمال چغریك سلجوقی وارد شده و مدتی از دبیران وی بوده تا اینکه در ماه جمادی الاخره ۴۳۷ در جوزجانان خوابی دید و همان خواب او را بسفر برانگیخت و بعزم حج از خراسان حرکت کرد و هفت سال در سفر بود و در جمادی الاخره سال ۴۴۴ بخراسان برگشت. درین سفر چهار بار حج کرد و در نواحی شمال شرقی و مغرب و جنوب غربی



و مرکز ایران و ارضبستان و آسیای صغیر و حلب و طرابلس شام و سوریه و فلسطین و جزیره العرب و مصر و قیروان و نوبه و سودان سفر کرد و سه سال در مصر مقیم بود و در قاهره در دربار خاندان فاطمی مصر راه یافت و مذهب اسماعیلی را پذیرفت و بدعوت از جانب ایشان مأمور شد و عنوان و لقب حجت بخود داد و در بازگشت بایران بتای دعوت مذهب اسماعیلی را گذاشت و چون او را دنبال کردند مجبور شد بیدخشان برود و مدت‌های مدید در غاری در اقصای بدخشان با اسم یمگان منزوی زندگی میکرد و طریقه خویش را در آن ناحیه رواج داد تا اینکه در همان غار در سال ۴۸۱ درگذشت و همانجا مدفون شد. ناصر خسرو از بزرگان نظم و نثر فارسیست و در زبان عربی و فارسی تسلط بسیار داشته، دیوان فارسی و عربی او در زمان وی معروف بوده ولی دیوان عربی وی بما نرسیده است، در زبان فارسی مؤلفات بسیار دارد از آن جمله دیوان اشعار وی که شامل نزدیک دوازده هزار شعر است، دیگر مثنوی روشنایی نامه که در سال ۴۳۷ تمام کرده و نزدیک ششصد بیت است، مثنوی سعادت نامه که بوی نسبت میدهد و سیصد بیت میشود، جامع الحکمتین در شرح قصیده ابوالهیثم جرجانی که ذکرش پیش ازین گذشت و نخست آنرا بشکل رساله‌ای در پاسخ نوویک سؤالی که در حکمت و منطق از او کرده اند در سال ۴۲۲ جواب نوشته است، رساله بستان العقول یا بستان العقل که ظاهر ادرمیان نیست، سفر نامه که شامل سوانح همان سفر سابق الذکر است که از ۴۳۷ تا ۴۴۴ کشیده است، زاد المسافرین در حکمت که در ۴۵۳ تألیف کرده، وجه دین در ذکر عقاید مذهب اسماعیلیه، رساله آفاق نامه در تصوف، کتاب خوان الاخوان، گشایش در هایش و ظاهر کتاب کشف المحجوب ابویعقوب سکزی راوی بقارسی ترجمه کرده است. بجز این آثاری که از او بدستست بعضی تألیفات دیگر هم بنام وی نوشته اند که تا کنون اثری از آنها ظاهر نشده بدین قرار: اکسیر اعظم در منطق و حکمت، قانون اعظم در علوم غریبه، کتاب المستوفی در فقه، دستور اعظم، تفسیر قرآن بنابر عقاید اسماعیلیه، رساله‌ای در علم یونان، کتابی در سحریات، کتاب کنز الحقایق، رساله‌ای هم با اسم سرگذشت ناصر خسرو بفارسی بوی نسبت داده اند که در اسناد آن بنام خسرو اشکال بسیار در میانست و گویند که نخست آنرا با اسم

رسالة الندامة الى زاد القیامة عبری نوشته است و بعد آنرا بفارسی ترجمه کرده اند و این  
از قراین پیداست که این رساله را جعل کرده اند .

۸- نصره الدین یاغیاث الدین ابو الفتح یا ابو حفص عمر بن ابراهیم خیام یا خیامی  
نیشابوری از بزرگترین علمای ایران و یکی از مشاهیر قرن پنجم بود، در میان سالهای  
۴۱۷ و ۴۴۰ متولد شده بیشتر عمر خویش را در نیشابور که مولد وی بوده است گذرانده  
و گاهی بسایر بلاد سفر کرده از آن جمله گاهی در بلخ و زمانی در اصفهان و بغداد بوده  
و ظاهراً سفری هم به حج رفته است و عاقبت در حوالی ۵۱۷ در نیشابور در خلت کرده و مزار  
در اینک در اطراف آن شهر در جوار امزاده محمد معروق باقیست . عمر خیام در اغلب  
علوم متداول عصر خود مخصوصاً در ریاضیات و نجوم و حکمت مسلط بوده است، در ماه  
رمضان سال ۴۶۸ بدستیاری میمون بن نجیب واسطی و امام ابوالمظفر اسفزاری و حکیم  
ابوالعباس لوکری و عبدالرحمن خازنی فرمان ملکشاه اصلاحی در تقویم ایران کرده  
است که تقویم جلالی از آن اصلاح بوجود آمد . عمر خیام در ریاضیات نیز معروف عصر  
خود بود و در حکمت معاصران رأی او را می پر سیده اند . ازین دانشمند بزرگ  
کتاب بسیار مهمی بزبان عربی در جبر و مقابله مانده و گذشته از آن رسایل کوچک  
بفارسی و عربی در مسایل حکمت و ریاضی از آثار او بمانده است که روی هم رفته  
عبارت از سیزده رساله کوچک است: رساله ای در شرح مشکلات اقلیدس عبری، رساله  
ای در طبیعیات، رساله فارسی در کلیات وجود که برای فخر الملک بن مؤید الملک نوشته،  
رساله در کون و تکلیف عبری، رساله در تعیین مقدار طلا و نقره در اجسام ساخته  
شده عبری، رساله لوازم الامکنه، رساله در بیان زیج ملکشاهی، ترجمه فارسی  
خطبه ابن سینا در توحید، رساله در حل بعضی از مسایل جبر و مقابله عبری، رساله  
وجود عبری، رساله در جواب سه سؤالی که عبری در حکمت از او کرده اند، رساله  
ضیاء العقلی عبری در حکمت، نود و دو نامه بفارسی . عمر خیام در نظم و شعر عربی و  
فارسی تسلط کامل داشته و از شعرا و نویسندگان بزرگ عصر خویش بشمار می رفته  
است . از شعر عربی او بعضی قطعات باقیست و در شعر فارسی رباعیات بسیار شیوا

می سروده است ولى عدنه اى كثير رباعيات از شاعران ديگر را بخطا با نسبت داده اند و نزديك هزار و پانصد رباعى بنام وى معروف شده كه از ان ميان آنچه متعلق باوست شايد از سيصد تجاوز نكند.

۹ - امام الحرمین ضياء الدين ابوالمعالی عبدالملك بن عبدالله بن يوسف

جوینی از بزرگان علمای شافعی ایران و پدرش نیز از بزرگان این طریقه بود. در ۱۸ محرم ۴۱۹ در بشتینکان دهی نزدیک نیشابور ولادت یافت و پیش از آنکه بیست سالگی برسد پس از مرگ پدر جانشین او شد. از پیروان طریقه اشعری بود و چون عمیدالملك کندی وزیر و ادب داشت اشعریان را تکفیر کنند وى با امام ابوالقاسم قشیری عارف و فقیه معروف از خراسان هجرت کرد و بیغداد و از آنجا در ۴۵ هجرت رفت و بیشتر در مکه و مدینه بود و بهمین جهت با امام الحرمین لقب دادند و پس از چهار سال که نظام الملك بوزارت رسید و اشعریان آزادی یافتند بخراسان بازگشت و ساکن نیشابور شد و نظام الملك مدرسه نظامیه نیشابور را برای تدریس او ساخت. در پایان زندگی که بیمار شده بود بدهی که در آنجا زاده بود رفت و در آنجا در ۲۵ ربیع الثانی ۴۷۸ درگذشت. امام الحرمین مؤلفات بسیار داشته باندازه ای که کثرت تألیف او را کرامتی می دانسته اند و معروف ترین مؤلفات وى کتاب البرهان فی اصول الفقه و کتاب الورقات فی اصول الفقه و کتاب نهایة المطالب فی درایة المذهب و کتاب الاسالیب فی الخلاف الغیابی و غیاث الخلق فی اتباع الحق و غیاث الامم فی الثبات الظلم و کتاب الارشادست و دوبیت فارسی نیز از او روایت کرده اند.

۱۰ - ابوسعید فضل الله بن ابی الخیر محمد بن احمد میهنی معروف بابو-

سعید ابوالخیر یکی از بزرگترین مشایخ تصوف ایران، در شهر کوچک میهنه در دشت خاوران در اول محرم ۳۵۷ ولادت یافت و پدرش نیز از متصوفه بود. نخست در زادگاه خویش دانش آموخت و سپس بهر و رفت و پس از ده سال که در آنجا شاگردی استادان معروف را کرد بسرخس رفت و در آنجا مجذوب شد و در حلقه مریدان ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی از خلفای ابونصر سراج عارف معروف در آمد و در بازگشت

بمیهنه هفت سال ریاضت کشید و باز نزد ابوالفضل سرخسی رفت و با اشاره او عازم نیشابور شد و از بیرون ابوعبدالرحمن سلمی عارف مشهور گشت و پس از آنکه خرقه ارشاد ازو گرفت بشهر خود باز گشت و بار دیگر مدتی ریاضت کشید و خانقاهی ترتیب داد و جمع بسیاری بدو گرویدند و در شهر خود بسیار نفوذ یافت و پس از مرگ ابوالفضل سرخسی بشهر آمل در کنار جیحون رفت و بخدمت ابوالعباس قصار آملی عارف مشهور رسید و در آنجا کار وی باندازه ای بالا گرفت که او را تکفیر کردند و بمحمود غزنوی ازوشکوه بردند و او کار را بدانشمندان نیشابور باز گذاشت و سرانجام بمیهنه برگشت و در آنجا در شب جمعه چهارم شعبان ۴۴۰ در ۸۳ سالگی درگذشت. ابوسعید از مردان بسیار بزرگ ایران بوده و در میان مشایخ تصوف شهرت بسیار دارد و دو کتاب مستقل در احوال وی نوشته اند: یکی اسرار التوحید فی مقامات ابی السعید تألیف نواده اش محمد بن المنور بن ابی سعید بن ابی طاهر بن ابی سعید بن ابی الخیر، دیگر رساله حالات و سخنان شیخ ابوسعید تألیف نواده دیگرش ابو روح لطف الله بن ابوسعید سعید بن ابوطاهر سعید بن ابی سعید. از زمانهای قدیم مقداری اشعار و مخصوصاً رباعیات بسیار فصیح و شیرین بنام او معروفست که برای برخی از آنها خواصی قایل شده اند و بیش از ۷۰۰ رباعی بنام او معروفست و می توان وی را مؤسس شعر فارسی در طریقه تصوف دانست.

امیرعین الدوله شمس الاعالی ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث امیر بدخشان که ناصر خسرو کتاب جامع الحکمتین را بنام وی نوشته نیز شعر فارسی سروده است.

#### ۴ = شعر

در قرن پنجم بهمان اندازه که شعر فارسی ترقی کرد شرفیز باوج کمال رسید. پیش از آن در قرن چهارم مؤلفان بیشتر آثار خویش را بزبان تازی می پرداختند و در قرن پنجم علمای ایران هر دو زبان را اختیار کردند و بهمین جهت شماره کتابهایی که در علوم مختلف درین قرن بزبان فارسی تألیف شده نسبت بقرن پیش تقریباً چهار برابرست، با آنکه چون این دوره بما نزدیک ترست از آن بیشتر کتاب بما رسیده است. گذشته از

عارقان نامی مانند عبدالله انصاری و علمای بزرگ چون عمر خیام و ناصر خسرو که ذکر ایشان گذشت عدد دیگری نیز بوده اند که کتابهای علمی ایشان بما رسیده است. از ادیبان معروف آن زمان نیز برخی کتابهای تاریخ و ادب مانده است. بزرگترین شر نویسان قرن پنجم بدین گونه اند:

۱ - عبدالرحمن خازنسی که از معاصران عمر خیام بود و در سال ۴۶۸ در اصلاح تقویم شرکت کرد و کتابی بنام زیج سنجری باسم سلطان سنجر نوشته است.  
 ۲ - شهرمان بن ابی الخیر رازی ساکن گرگان و استرآباد، در نجوم شاگرد ابوالحسن علی بن احمد نسوی بود و از علمای ریاضی و نجوم بشمار می رفت. دو تالیف مهم از او مانده است: یکی روضة المنجمین که در ۴۶۶ برای حکیم علی بن ابراهیم کرمانی نوشته و دیگر نزهت نامه عالی در کلیات علوم علوی و سفلی که پس از ۴۷۷ برای علاء الدوله ابو کالیجار گرشاسب کاکویه تالیف کرده است و دیگر کتاب البدایع. چنانکه گذشت در همین زمان شاعری بوده است که بزبان فارسی حکایات قدیم ایران را نظم کرده و ایرانشاه بن ابی الخیر نام داشته و تنها يك شعر از بهمن نامه او بما رسیده است و احتمال قوی می رود که برادر وی بوده باشد.

۳ - ابو نصر محمد بن محمد قاینی معروف بمناح، از ادبای معروف عصر خود بود و شعر عربی را نیکو می سرود و در حکمت نیز دست داشت و از آثار وی کتابی مانده است بنام قراضة طبیعیات در برخی از مسایل حکمت که بفارسی فصیح تالیف کرده است.

۴ - امام ابوالمعالی محمد بن عبیدالله علوی غزنوی از اولاد امام چهارم بود و در شهر غزنین می زیست و کتاب بیان الادیان را که درباره مذاهب مختلفست در سال ۴۸۵ تمام کرده و در دربار مسعود بن ابراهیم غزنوی زندگی می کرده و این کتاب قدیم ترین کتابیست که بزبان فارسی درباره مذاهب بما رسیده است.

۵ - احمد بن منصور خجندی که کتاب تکملة اللطایف تالیف ابو محمد عبدالعزیز بن عثمان جسری را در قرن پنجم بنام قصص الانبیا بفارسی ترجمه کرده است.

۶- اسحاق بن منصور بن خلف نیشابوری مؤلف کتاب دیگری بنام قصص الانبیاء که او نیز در قرن پنجم بوده است.

۷- محمد بن حسن دیندوژی که کتاب قصص الانبیاء تألیف ابوالحسن احمد بن عبیدالله یا محمد بن عبدالله کسایی را در همین قرن بنام نفایس العرایس بفارسی ترجمه کرده است.

۸- ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی معروف ترین نویسنده این عصر و یکی از بزرگان مورخان ایران. در سال ۳۸۵ در ناحیه بیهق نزدیک سبزوار امر و زمتولد شده و تقریباً همه زندگی خویش را در دربار محمود غزنوی و فرزندان وی تا زمان فرخزاد بن مسعود گذرانده است و از ذیران دیوان رسالت غزنویان بود و نزد استادش ابونصر مشکان تقرب بسیار داشت و در انشای فارسی و عربی و خط از معارف عصر خود بوده است. در سال ۴۱۲ در ۲۷ سالگی وارد خدمت دربار غزنوی شد و پس از مرگ ابونصر مشکان مدتی هم زیر دست ابوسهل زوزنی بهمان سمت خدمت کرد و در سال ۴۳۱ هنگامی که سلجوقیان بر مسعود غزنوی در جنگ داندانان چیره شدند جانش بنظر افتاد و خادمی او را نجات داد. درین مدت در سفرهایی که محمود و مسعود کرده اند بیشتر همراه بوده است و در سال ۴۴۴ که طغرل یاعنی بر عبدالرشید چیره شد وی را با دیگران از درباریان غزنوی زندانی کرد و یک سال در زندان ماند و در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوان کناره گرفت و سرانجام در ۴۷۰ درگذشت. ابوالفضل بیهقی مؤلف کتاب بسیار بزرگی بوده است شامل بیست و یاسی مجلد از آغاز سلطنت سبکتگین مؤسس این سلسله تا زمان سلطان ابراهیم یعنی از سال ۳۶۶ تا سال ۴۷۰ که زنده بوده است و وقایع صد و چهار سال را در آن ضبط کرده بود که سی و نه سال آنرا خود شاهد بوده و بازمانده را از کسانی که با وی معاصر بوده اند شنیده است. قسمت های مختلف این کتاب هر یک اسمی داشته است: قسمت اول بنام تاریخ ناصری یا طبقات ناصری در تاریخ سبکتگین، قسمت دوم بنام طبقات محمودی یا مقامات محمودی در تاریخ محمود، قسمت سوم بنام طبقات مسعودی

یا تاریخ مسعودی در تاریخ مسعود و معلوم نیست قسمت های پس از آن چه نام داشته است. مجموع این مجلدات را بنام جامع التواریخ یا جامع فی تاریخ آل سبکتگین یا تاریخ آل سبکتگین می نامیده اند. تنها قسمتی کوچک ازین کتاب که اندکی از مجلد پنجم و مجلدات ششم و هفتم و هشتم و نهم و قسمتی از مجلد دهم آنست و شامل طبقات مسعودیست به ما رسیده است که درین زمان بنام تاریخ بیهقی معروفست و ظاهراً برخی از اوراق آن از میان رفته و در بعضی جاها مطالب دنبال يك دیگر نیست و چنان می نماید که آنچه به ما رسیده یادداشت هایی بوده که مجال نکرده است در آنها دست ببرد و با این همه در اوج فصاحت و در رأس کتابهای شرفارسیست و پیدا است که مورخی بسیار استگور امین بوده است. ابوالفضل بیهقی را بجزین کتاب بزرگ کتاب دیگری بوده است بنام مقامات ابو نصر مشکان که آنچه از زبان استاد خود در وقایع دوره غزنویان شنیده بود در آن ضبط کرده است و نسخه آن تا قرن نهم در میان بوده و اینک تنها برخی از قسمت های آن در کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات تألیف محمد عوفی و کتاب آثار الوزراء تألیف سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی از مورخان قرن نهم باقی مانده است.

۹ - ابواسحاق علی بن ابوعلی عثمان جلابی هجویری غزنوی که در سال

۴۶۴ در شهر لاهور هندوستان رحلت کرده از عارفان نامی عصر خود بود و مؤلف

کتاب بسیار جالیست در تصوف بنام کشف المحجوب و کتاب البیان لاهل العیان.

۱۰ - قاضی ابوعبداللہ حمین بن احمد بن حسین زوزنی از ادبای بسیار معروف

زبان تازی در عصر خود بوده و در ۴۸۶ در گذشته است و شرح معروفی بمعلقات سبع

معروف ترین اشعار تازی در زمان جاهلیت نوشته است و نیز کتاب المصادر در لغت

تازی بفارسی از او مانده است.

۱۱ - امیر عنصر المعالی مولی امیر المؤمنین کیکاوس بن اسکندر بن قابوس

چنانکه پیش ازین گذشت هفتمین پادشاه از سلسله آل زیار بوده و از ۴۲۰ تا ۴۷۵

زنده بوده است. وی مؤلف کتاب بسیار فصیح شیواییست بنام نصیحت نامه و معروف

بقابوس نامه که برای پسرش گیلا نشاه نوشته و آنرا در سال ۴۷۵ چنانکه رسائیده است

و در شعر فارسی و زبان طبری نیز دست داشته است .

### ۱۲ - ابوعلی حسن بن علی بن اسحق نظام الملک طوسی وزیر معروف الپ

ارسلان و ملکشاه ، در سال ۴۱۰ در طوس بجهان آمد و در ماه رمضان ۴۸۵ نزدیک نهاوند بدست یکی از فداییان اسمعیلی کشته شد و در اصفهان وی را بخاک سپردند . وی یکی از بزرگترین مردان سیاسی تاریخ ایرانست و در تدبیر وزارت و جهاننداری و نیکوکاری و زیر دست نوازی و دانش پروری از نوادر روزگار بوده است . در سال ۴۸۴ ملکشاه از وزیران و کارگزاران خود که نظام الملک و شرف الملک و تاج الملک و مجد الملک پیشوایان ایشان بودند خواست کتابی در آیین سلطنت و جهاننداری بنویسند و هر یک چیزی نوشتند ، از آن جمله نظام الملک کتابی نوشت که بنام کتاب - السیاسة یا سیاست نامه و یا سیر الملوک و یا سیر خواجه نظام الملک معروفست و پس از کشته شدن وی محمد نامی که مامور کتابخانه پادشاه بوده نسخه آنرا مرتب کرده و یکی از بهترین نمونههای شرفصیح و شیوای زبان فارسیست و فواید تاریخی بسیار نیز در بردارد . کتاب دیگری هم بنام وصایای نظام الملک با نسبت داده اند که پیداست در قرن نهم نوشته شده است .

### ۱۳ - حجة الاسلام زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی

طوسی یکی از بزرگترین دانشمندان اسلام ، در سال ۴۵۰ در قرية غزال از خاک طوس بجهان آمد و صبح در شب ۱۴ جمادی الاخره سال ۵۰۵ در خانقاه خویش درگذشت . این مرد بسیار بزرگ یکی از مفاخر ایران و یکی از بزرگان اسلامست . در طریقه شافعی پیشوای فقیهان عصر خویش بود و در مقامات علمی و سیاسی محترمترین و نامآورترین دانشمندان روزگار بشمار می رفت . نخست در شریعت بسیار متعصب و با حکمت و تصوف مخالف بود و در پایان زندگی مجذوب طریقت شد و خانقاهی در طوس فراهم کرد و در آنجا روی از جهان در کشید . بارها در دشواریهایی که در میان خلفای بنی العباس و پادشاهان سلجوقی روی داده وی میانجی شده است و همه عمر خویش را بمجاهدت در ترویج اسلام بسر برده و مدتها در ایران و عراق و شام و حجاز و فلسطین و اسکندریه و قاهره



بتبلیغ و تدریس و ارشاد پرداخته و سفر کرده است و چندی نیز در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرده است. سرانجام در بیت المقدس عهد کرد که از خدمت پادشاهان و وزیران روی بتابد و بعزالت بنشیند و با آنکه ملکشاه و نظام الملک کمال دوستی را با شخص وی داشته‌اند دعوت ایشان را نپذیرفت و بخراسان بازگشت و در شهر طوس در همان مولد خویش در قریه طابران خانقاهی ساخت و از سال ۴۸۹ تا دم مرگ یعنی شانزده سال بعبادت و ارشاد مردم می‌کوشید و با فرزندان و مریدان و شاگردان خویش که شماره ایشان از صد و پنجاه تن افزون بود زندگی می‌کرد. این مرد بزرگ که یکی از بزرگان جهانست در میان این همه سفرهای دور و دراز که از خراسان تا افریقا کرده است و تقریباً در همه قلمرو اسلام در آن روزگار گشته است و دقیقه‌ای از تبلیغ و ارشاد مردم غافل ننشسته در ضمن تالیفات بسیار کرده است که برخی از آنها از مهم‌ترین مولفات عالم اسلامست. شماره کتابها و رساله‌هایی را که تألیف کرده ۹۹۹ دانسته‌اند و اگر هم این رقم می‌بالغه آمیز باشد باز عده بسیار از کتب و رسایل او عبری و فارسی به‌مارسیده است و از آن جمله بیش از شصت مجلد کتاب مهم بزبان تازیست که معروف‌ترین آنها بدین گونه است: احیاء علوم الدین، اخلاق الانوار، آفات اللسان، اثبات النظر، الاملاء علی مشکل الاحیاء یا الاجوبة المسکنه عن الاسئلة المبیحه، الاقتصاد فی الاعتقاد، اساس القیاس، الجوامع العوام عن علم الکلام، الانیس فی الوحده، الامالی، اسرار معاملات الدین، اسرار انوار الالهیه، آداب الصوفیه، اخلاق الابرار که گویا همان اخلاق الانوار سابق‌الذکر باشد، اختلاف الابرار و النجاة من الاشرار، اسرار علم الدین که شاید همان اسرار معاملات الدین باشد، اسرار اتباع السنه، الاشراف فی مسائل الخلاف، اسرار الحج که بفارسی نوشته و بعدها عبری ترجمه کرده‌اند، الاجوبة الغزالیه فی المسائل الاخریه، بدایة الهدایه، البسیط، بیان القوانین، بدایع الصنایع، تنبیه الغافلین، تلبیس ابلیس یا تدلیس ابلیس، تنزیه القرآن عن المطاعن، تهافت الفلاسفه، تعلیقه، تعصین الادله، تفسیر القرآن، التفرقه بین الاسلام و الزندقه، جواهر القرآن، جامع-الحقائق، حجة الحق، حقیقه الروح، حقائق العلوم لاهل المفهوم، حقیقه القولین،

الحكمة في مخلوقات الله ، خواص القرآن ، خلاصة التصانيف ، الدرّة الفاخرة في كشف علوم الآخرة ، الدرّج ، الذريعة إلى مكارم الشريعة ، رسالة الاقطاب ، رياضة النفس ، الرسالة الوعظية ، رسالة الطير ، روضة الطالبين وعمدة السالكين ، الرد على من طغى يا الرد على من طعن ، الرسالة القدسية ، الزهد الفاتح ، زاد الآخرة ، السر المصون ، شرح دایرة علمی بن ابی طالب بنام نخبه الاسماء ، شفاء الغليل في بيان مسألة التعليل ، عقيدة المصباح ، عقيدة اهل السنه ، عجائب صنع الله ، عقود المختصر ، الغاية القصوى ، غرر الدور ، غاية الفور في مسائل الدور ، الفتاوى ، فضائل القرآن ، فاتحة العلوم ، فضائح الاباحيه ، الفكرة والعبره ، فيصل التفرقة بين الاسلام والزندقة ، فواتح السور ، الفرق بين الصالح وغير الصالح ، فضائح الباطنية ، القانون الكلى ، قانون الرسول ، القرية الى الله ، القسطاس المستقيم ، القول الجميل في الرد على من غير الانجيل ، القواعد العشره ، كيمياء السعاده ، كشف علوم الآخرة ، كسر الشبهوتين ، كنز العده ، الكشف والتبيين في غرر الخلق اجمعين ، اللباب ، المنتحل ، المستصفي ، المنحول ، مقاصد الفلاسفه ، المتقذ من الضلال ، معيار العلم ، المرشد الامين الى موعظة اليقين ، الماخذ ، المبادئ و الغايات ، مكاشفة القلوب ، المظنون به على اهله ، مسلم السالطين ، منهاج المسترشدين ، معراج السالكين ، محاك النظر ، معيار النظر ، مشكوة الانوار ، منازل العارفين ، المستظهرى ، مواهم الباطنيه ، ميزان العمل ، المقصد الامنى في شرح اسماء الله الحسنی ، المنهج الاعلى ، معارج القدس ، منهاج العارفين ، الممكنون ، المعارف العقلية والحكمة الالهيه ، منهاج العابدين الى جنة رب العالمين ، مدخل السلوك الى منازل الملوك ، مفصل الخلاف ، نوادر الاخبار ، نور الشمعه ، الوجيز ، الوسيط ، الوقف و الابتداء ، ياقوت التاويل في تفسير التنزيل ، هداية المريد في شراء العبيد ، پنج كتاب ديگر نيز بغزالي نسبت داده اند که از نيست و عبارتست از السر المكتوم في اسرار النجوم و تحسين المظنون و النفخ و التسويه و المظنون به على غير اهله و سر العالمين و كشف ما في الدارين . بجزين كتابهاي که بزبان تازي نوشته است آنچه بزبان پارسي از زمانده بدین قرارست : اسرار الحج و تلبیس ابلیس که ذکر آنها گذشت ، کیمیای سعادت که مهم ترین کتاب اوبفارسیست و کتاب معروف احیاء علوم الدین

خود را در آن خلاصه کرده است و این کتاب را *الفصل الدین کاشانی حکیم معروف قرن هفتم* بنام چهار عنوان مختصر کرده است، *نصیحة الملوك* یا *نصایح الملوك* که پس از تالیف سیاست نامه *یاسیر الملوك* نظام الملک ظاهر برای محمد بن ملک‌شاه در پایان زندگی خود نوشته است و یکی از شاگردان وی آنرا بنام *التبر المسبوك فی نصایح الملوك* عربی ترجمه کرده است، رساله‌ای دارد در رد *بلا حده*، *نصیحت نامه* که در پاسخ یکی از شاگردان خود نوشته است، *اسرار المکنونه* که آن نیز بفارسیست. بجز این چند کتاب مستقل برخی مکاتیب فارسی از او مانده است که در کمال فصاحت و قدرت نوشته و خطاب بمعاصران او مانند پسران نظام الملک و پسران ملک‌شاهست و از آن جمله مکتوب بزرگ‌گیت که بمحمد بن ملک‌شاه نوشته و بنام *پند نامه در طهران چاپ* کرده‌اند. مجموعه مکاتیب فارسی او را برادرش احمد پس از مرگ وی در مجلدی بنام *فضایل الانام فی مکاتیب حجة الاسلام* گرد آورده است. امام غزالی در فقه و تفسیر و کلام و حکمت و تصوف بنابر اصول *طریقه شافعی* مؤلفات بسیار مهم دارد. در نظم و نظم عربی و فارسی منتهای قدرت را داشته است. بیشتر مؤلفات از بزبان تازیست و از شعر عربی او بعضی مقطعات مانده و برخی اشعار فارسی نیز باونسبت داده‌اند. اما در نشر فارسی یکی از زبردست‌ترین نویسندگانست و سرآمد همه دانشمندانست که باین زبان سخن رانده‌اند.

۱۴ - امام ابو الفتوح احمد بن محمد غزالی برادر کبیر حجة الاسلام غزالی

بود که چند سال پس از وی در همان حوالی شهر طوس بجهان آمد و از بزرگان عارفان عصر خود بشمار می‌رفت و همه عمر خویش را بعزالت و ارشاد گذراند و سرانجام در قزوین بسال ۵۱۷ یا ۵۲۰ در گذشت و در همان شهر مدفون شد. وی مؤلف کتاب بسیار شیرین شیواییست بمذاق تصوف بنام *کتاب السوانح فی معانی العشق* که برای ضیاء الدین عین القضاة همدانی عارف مشهور مرید خود نوشته است و نیز مکتوب مفصلی که رساله‌ای جداگانه است بنام *تأزیانه سلوک بهمان شیوه* بوی نوشته است که از بهترین آثار تصوفست. این عارف شهیر در شعر فارسی نیز استاد بوده و برخی از رباعیات خود را در رسایل خویش آورده است.

۱۵ - ابو نصر احمد بن محمد بن نصر قباوی که در سال ۵۲۳ کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی در سال ۳۳۲ برای نوح بن نصر سامانی نوشته است از عربی به فارسی بسیار فصیح ترجمه کرده و از شاعرکارهای زبان ماست. این کتاب را در سال ۵۷۰ محمد بن زفر بن عمر خلاصه کرده و اینک همان خلاصه در دست است.

۱۶ - محمد بن علی بن مالک بن ابو نصر حقایقی از منجمان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و زیجی بنام زیج یمنی بنام بهرامشاه غزنوی نوشته و خود در آن تصریح کرده است که: «ابتدای زیج از روز شنبه غره معرم سال بر پانصد و یازده از هجرت کردم».

۱۷ - محمد بن عمر رادویانی از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتاب بسیار جالیست در بدیع و محسنات کلام بنام ترجمان البلاغه که بخط آنرا از فرخی سیستانی شاعر معروف می دانستند و رشید و طواط تقریباً همه آنرا در کتاب حدائق السحر خود جای داد است و چون یگانه نسخه ای که از این کتاب هست ابو الهیجا اردشیر بن دیلم سپارنجمی قطبی شاعر در اواخر رمضان ۵۰۷ به پایان رسانیده و وی همان شاگردی طوسیست که فرهنگ خود را برای او نوشته و درین کتاب ذکری از شاعرانی که پس از قرن پنجم بوده اند نیست مسلمست که مؤلف آن در نیمه دوم قرن پنجم زیسته است.

۱۸ - ابو حاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری از دانشمندان معروف این روزگار بوده و در اصلاح تقویم با عمر خیام شرکت کرده و در مسایل مختلف علمی به فارسی و عربی مؤلفاتی از او مانده است از آن جمله رساله آثار علوی یا کائنات جو که برای فخر الملک بن نظام الملک نوشته و کتاب میزان الحکمه و اختصار اصول اقلیدس و رساله الشبکه که به فارسی برای برکیارق سلجوقی نوشته و منتخب کتاب الحیل.

۱۹ - استاد مختص ابو الحسن علی بن احمد نسوی - از بزرگان علمای زمان خود و از شاگردان ابن سینا و استاد شهردان بن ابی الخیر بود در شهرری در سال ۳۹۳ ولادت یافته و در حدود ۴۹۳ در گذشته است. بیشتر اختصاص داشته است

بدر بار آل بویه و در رشته‌های مختلف علمی مؤلفات چند داشته است که برخی از آنها باقیست از آن جمله الزیج الفاخر - المقنع فی الحساب الهندی - کتاب مرتضوی یا اختصار صور الکواکب ابو الحسن بن عبدالرحمن بن عمر صوفی - کتاب التجرید فی اصول الهندسه - رساله فی المدخل الی علم المنطق - مقاله فی عمل دائرة نسبتها الی دائرة مفروضه - تفسیر کتاب الماخوذات فی اصول الهندسه - کتاب الاشباع در شرح قضیه منلاوس - رساله در استخراج ضمیر - سلاح نامه عالی فی فارسی - بازنامه بفارسی .

۲۰ - ابوظاهر حسن بن علی بن موسی طوسی از جزئیات احوال او اطلاعی نیست و چهار کتاب بشر فارسی بسیار شیوا جامع دانستنیهای ایرانی از او مانده است یکی اسکندرنامه و دیگر داراب نامه و سوم قهرمان نامه و چهارم داستان قران - الحبشی و از روش انشای او پیداست که در نیمه دوم قرن پنجم می‌زیسته است . در برخی از نسخها نسبت او را طرسوسی نوشته اند اما پیداست که وی در خراسان می‌زیسته و این حکایات را در آن ناحیه فراهم کرده است و ظاهراً در کتابت طوسی را بطرسوسی تبدیل کرده‌اند .

گذشته ازین کتابهایی که نویسندگان آنها در قرن پنجم زیسته‌اند و در آن زمان نوشته یا ترجمه کرده اند چند کتاب دیگر به ما رسیده است که نام مترجم و نویسندگان آنها معلوم نیست اما از قراین پیداست که در قرن پنجم فراهم شده است . یکی ترجمه فارسی صور الاقالیم یا مسالك الممالک تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد اصطخری فارسی معروف بکرخسیت که اصل آن در قرن چهارم تألیف شده و کتابت در جغرافیا که بفارسی بسیار روان بانشای قرن پنجم ترجمه کرده‌اند .

کتاب دیگری که در همین قرن تألیف شده است شکارنامه خسرو است و تفصیل آن بدین گونه است که ملک‌شاه سلجوقی بکتابهای بازنامه و پرورش مرغان شکاری رغبت بسیار داشته است . وقتی بنظام الملک فرمان داد که آگاهان ازین فن را در دربار او گرد آورد تا کتابی درین فن بیرون آید و وی آنچه کتاب درین فن بود گرد آورد و آگاهان آن زمان را مانند ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری از نیشابور

و ابوالملك سهیل بلخی را از بلخ و ابوالعباس بن فضل را از ترمذ و عبدالله بن خالد را از مرو و تاشاه را از هرات و علی بن عبدالله را از خوارزم و حاجی بیک را از روم و خواجه زکی را از عراق عرب و افضل الدین را از فارس و خواجه محمدی را از تبریز و اسمعیل انال را از سیستان و سرباد را از هندوستان و تالش ترک را از ترکستان و خواجه زنگی را از اصفهان و عبدالعزیز را از مصر و فنوس را از مغرب (مراکش) خواند و ایشان از میان خود ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری را برگزیدند که آگاه تر از همه بود و چون او را آزمودند و برتری وی آشکار شد پادشاه ولایتی را باقطاع بوی داد و هزار دینار زر سرخ مرسوم او کرد و اسب و خلعت داد و دیگران را نیز هر یک چیزی بخشید و فرمان داد محمد بن قلیچ نظامی آنچه این استادان درباره پرورش مرغان شکاری بگویند بنویسد و محمد بن قلیچ بازنامه ای پرداخت و این کتاب را که بنام شکارنامه خسرو است همان ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری گرد آورده و نسخه آن در دست است.

کتاب دیگری هم باین قرن نسبت داده اند و آن کتابیست بنام تبصرة العوام در فرق اسلام و اثبات مذهب شیعه که آن را بسید مرتضی علم الهدی پیشوای معروف تشیع که در سال ۴۳۶ در گذشته است منسوب کرده اند ولی مسلم است که ازو نیست و از سید مرتضی داعی رازیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زیسته است.

کتاب دیگری نیز بدست بنام مجموعه سلطانی در مسائل فقه و عبادات طریقه حنفی که بدستور محمود غزنوی نوشته اند اما مؤلف آن معلوم نیست. کتاب دیگری بفارسی بسیار شیوا در پند و اندرز بنام تحفة الملوك از همین دوره در دست است که مؤلف آن معلوم نیست.

## قرن ششم

در قرن ششم در ادبیات ایران نسبت به قرن پنجم اندک تنزلی راه یافته است و آن ازین سبب بود که مردان بزرگی که در آغاز سلسله‌ای پیدامی شوند درین عصر نبودند و ناچار آن تشویق و ترویجی که از ادیبان و عالمان ایران میشد از میان رفت و چون دانش خریداری نداشت مردم کمتر بدان روی آوردند. با این همه در حد خود قرن ششم نیز یکی از دوره‌های بزرگ ادبیات ایران است زیرا که شاگردان دانشمندان و ادیبان نامی قرن پنجم درین زمان نیز بوده‌اند و مخصوصاً در رشته تصوف چون مشایخ بزرگ درین عصر زیسته‌اند ادبیات ایران ازین حیث بر دوره‌های دیگر برتری دارد. شاعران بزرگ در قرن ششم بسیار بوده‌اند، زیرا که پادشاهان سلجوقی هم چنان درین دوره از پرورش شاعران خودداری نمی‌کردند. برخی سلسله‌های دیگر که در ایران پادشاهی رسیده‌اند مانند سلسله خوارزمشاهان که در سال ۴۹۱ بدست قطب‌الدین محمد خوارزمشاه تأسیس شد و در سال ۶۲۸ در فتنه مغول منقرض گشت و سلسله اتابکان آذربایجان که در حوالی ۵۵۲ بدست اتابک ایلدگز تأسیس یافت و در ۶۲۲ منقرض شد و سلسله اتابکان فارس که در ۵۴۳ اتابک سنقر بن مودود آنرا تأسیس کرد و در ۶۶۴ منقرض شد و سلسله سلاطین غور معروف بملوک الجبال که در ۵۴۵ بدست علاءالدین حسین جهانسوز تأسیس یافته و در حدود ۶۰۲ منقرض شده است و سلسله اتابکان لرستان که در ۵۵۰ اتابک ابوطاهر محمد بن علی آنرا تأسیس کرده و در ۷۴۰ منقرض شده است هر یک در حد خود در پرورش ادیبان کوتاهی نکرده‌اند. برخی خاندانهای تاریخی ایران مانند آل صاعد که در عراق ریاست خنقیان را داشته‌اند و خجندیان که پیشرو شافعیان عراق بوده‌اند و بازماندگان نظام الملك طوسی در دربار سلجوقیان مخصوصاً در ترویج ادبیات کوشیده‌اند. اما در ضمن سراسر قرن ششم دوره انقلاب و زردخوردگی‌های فراوان بوده است، زیرا که سلجوقیان ضعیف شده بودند و کارگزاران ترک ایشان در هر ناحیه‌ای حکومت مستقلی ترتیب داده و دائماً با مخدومان خود یا با همسایگان خویش در زد و خورد بوده‌اند. از سوی دیگر تخم فتنه و فساد

که اسمعیلیه در ایران پاشیده و تعصب ایرانی بسیار سختی در برابر تازیان و ترکان داشته اند امن و آسایش را از مردم گرفته بود و هر کسی که با ایشان همدست نمی شد در خطر نابود شدن بود. بهمین جهت آن آسودگی و آرامشی که برای ادیبان لازمست در برخی از نواحی ایران نبود و گذشته از فتنه اسمعیلیه جنگ در میان شافعیان و حنفیان در ایران و مخصوصاً در نواحی مرکزی و گاهی نیز اختلاف در میان شیعه و اهل سنت روی می داد و گاهی کشتارهای خونین پیش می آمد و از دوسوی آسایش بهم می خورد. سرانجام همین فسادها و ناتوانی های روحانی و اختلافها بود که در آغاز قرن هفتم پای مغول را بایران باز کرد و آنچه نمی بایست بشود شد.

۱- نظم - شعر فارسی در قرن ششم رواج تمام داشته است و شماره شاعران بزرگ نسبت بسرایندگان قرن پنجم چند برابرست. شاعران قرن چهارم و پنجم و چندتن از سرایندگان قرن ششم را که معاریف ایشان سوزنی و عمیق و انوری و صابر ترمذی و معزی و سیدحسن غزنوی و مختاری و ازرقی و رشید الدین و طواط و عبدالواسع جبلی و سنایی و دیگران باشند شعرای خراسان یا ترکستان نامیده اند و همه شاعران بزرگ دیگر را، که درین قرن زیسته اند، شعرای عراق نامیده اند و تفاوتی در میان سبک ایشان هست. بزرگترین شاعران عراق در قرن ششم خاقانی و نظامی و جمال الدین عبدالرزاق و پسرش کمال الدین اسمعیل و ظهیر الدین فاریابی و مجیر الدین ییلقانی و سیف الدین اسفرنگ و شرف الدین شفروه و شمس الدین طبسی و مجد الدین همگرو رفیع الدین لنبانی و ابیر الدین اخیسکتی و نجیب الدین جرفادقانی و امامی هروی و فریدالدین احوال و بدرالدین جاجرمی بوده اند. تفاوت عمده ای که در میان سبک شاعران خراسان و عراق هست اینست که شاعران خراسان بصنایع شغری چه لفظی و چه معنوی چندان پای بست نبوده و شعر را بسیار ساده و طبیعی و درخور فهم هر شنونده ای میسروده اند و عراق و مبالغه در شعر ایشان بسیار کمترست و مضامین دور از فهم خواننده در آن وارد نمیگردند و عبارت دیگر شعر ایشان طراوت و شکفتگی و تازگی مخصوص بخود را دارد و دارای همان روش رئالیسم شاعران دوره سامانی و غزنویست. بالعکس.



شاعران عراق صنایع و پیرایه‌های بسیار شعر خود را می‌داده‌اند. برخی از ایشان درین هنر نمایی چندان مبالغه نکرده‌اند مانند جمال‌الدین عبدالرزاق و برخی دیگر که اکثریت نزدیک با اتفاق باشند در صنایع بدیع زیاده روی کرده و روی هم رفته روش ناتوالیسم را بکار برده‌اند.

بهمین جهت است که اگر شاعران قرون گذشته را نسبت بزمان و مکانی که در آن می‌زیسته‌اند تقسیم کنیم درین قرن باید شاعران را نخست بتاحیه‌ای که در آن زیسته‌اند قسمت کرد و سپس هر ناحیه را بدرباره‌های مختلف تقسیم کرد و بدین گونه سه قسمت بزرگ فراهم میشود:

شعراى خراسان ، شعراى آذربایجان و شعراى عراق و البته عدّه کثیر عارفاى را که درین زمان می‌زیسته‌اند باید دسته جداگانه دانست و ایشان پیرو روش سمبولیسم مخصوص تصوف ایران بوده‌اند.

۱) شعراى خراسان و ماوراءالنهر و هندوستان - در قرن ششم با زمانگان سلسله غزنوی تا سال ۵۸۳ در قسمتی از افغانستان امروز که در آن زمان جزو خراسان بود در شمال غربی هندوستان هنوز پادشاهی داشتند و بعبادت نیاگان خویش در پرورش شاعران کوتاهی نمی‌کردند. از سوی دیگر سلسله غوریان معروف بملوک الجبال در قسمت دیگر از جنوب غربی افغانستان امروز و در سیستان سلطنت کرده‌اند و ایشان نیز شاعر پروری را از غزنویان آموخته بودند. خوارزمشاهان نیز بر قسمت دیگر از خراسان یعنی ناحیه خوارزم حکمرانی کرده‌اند و پس از ضعف سلجوقیان تا حدود عراق پیش رفته‌اند. سلجوقیان نیز بنوبت خود برخی از نواحی خراسان را در دست داشته‌اند و در ماوراءالنهر سلسله خانیان یا آل خاقان یا آل افراسیاب که از نواد ترک بوده‌اند حکمرانی داشته‌اند اما زبان فارسی را دوست می‌داشتند و شاعران بسیار در دربار ایشان بوده‌اند.

۱- شعراى دربار غزنویان - در قرن ششم دربار غزنوی آن شکوه و جلالی را که در زمان محمود داشت از دست داده بود و آن دستگاہ بزرگ شاعران معروف چون

غیصری و فرخی و عسجدی و منجیک و لیبی و منوچهری و مسعود سعد سلمان و ابوالفرج  
 رونی برچیده شده بود. اما باز چندتن شاعر نامی در دربار ایشان بوده‌اند و معروف-  
 ترین یادشاهی که در پرورش شاعران کوشیده بهرامشاه بن مسعود است که از ۵۱۲ تا  
 ۵۴۸ حکمرانی کرده و از زمان او آثار مهم ادبی بما رسیده است.

۱- مجدالدین ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی - بزرگترین شاعر است  
 که درین زمان در قلمرو غزنویان زیسته است. در سال ۴۳۷ در غزنین ولادت یافت و  
 در زمان ابراهیم بن مسعود و بهرامشاه بن مسعود در غزنی می زیست و نخست شاعر دربار  
 ایشان بود و سپس روی از جهان بر تافت و گوشه نشین و عارف شد و باز میانده عمر را  
 بسرودن اشعاری در زهد و تصوف بسربرد و سرانجام در بامداد یکشنبه ۱۱ شعبان ۵۲۵  
 در همان شهر در گذشته و هزار او اکنون در آنجا معروفست. سنایی یکی از بزرگترین  
 شاعران ایران و معروفترین شاعر تصوف و قانونگذار این فنست. گذشته از دیوان  
 اشعارش که شامل نزدیک سیزده هزار بیت قصیده و غزل و قطعه و رباعیست هفت  
 مثنوی از او مانده است: ۱) حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه که مهمترین اثر منظوم  
 در تصوف ایرانست و آنرا قرآن تصوف دانسته‌اند و آخرین اثر اوست که در ۵۲۵ پایان  
 رسانیده است و بنام الهی نامه و فخری نامه نیز معروفست. هنگامی که این مثنوی  
 بنیان رسید در خراسان بر آن خرده گرفتند و سنایی نسخه‌ای از آن بی‌غداد فرستاد و  
 دانشمندان آن شهر گواهی دادند که مدلول آن کاملاً موافق شریعتست. منتخبی ازین  
 مثنوی شامل هزار بیت ترتیب داده‌اند بنام لطیفة العرفان. ۲) سیر العباد الی المعاد که  
 مثنوی کوچکیست در تصوف ۳) طریق التحقیق که آن نیز مثنوی کوچکی در تصوفست  
 و در برخی از نسخه‌ها تاریخ ۵۲۸ را دارد ولی درین تردیدست. ۴) کارنامه بلخ که آن  
 نیز مثنوی کوچکی و از آثار جوانی اوست. این چهار مثنوی همه بیک وزنست. ۵)  
 عشق نامه، ۶) عقل نامه، ۷) زاد السالکین. یک مثنوی دیگر بنام بهروز و بهرام نیز  
 بوی نسبت داده‌اند اما آنچه بنام سنایی انتشار دارد قسمتیست از مثنوی بهرام و بهروز  
 یا باغ ازم از کمال الدین شیرعلی هروی شاعر قرن نهم که نخست حالی تخلص میکرده

است و بمناسبتك شباكت تخلص وى با تخلص سنابى سنابى منسوب شده است . از سنابى مكاتبى چند بزبان فارسى مانده است كه توانابى وى را كه در نثر نيز مسلم مى كند .

۴- سراج الدين عثمان بن محمد مختارى غزنوى - در آغاز زندگى از شاعران دربار غزنويان بود و سپس نزد پادشاهان سلجوقى كرمان با آل قاورد رفت و بهمين جهت هم جزو شعراى غزنويان بايد بشمار آيد و هم جزو شعراى سلجوقيان . در آغاز مداح ارسلان بن مسعود و برادرش بهرامشاه غزنوى بوده و سپس ارسلان شاه بن كرمانشاه سلجوقى را مدح گفته است و مدتى نيز مداح ارسلانخان محمد بن سلیمان از ملوك خانیه ماوراء النهر بوده و سرانجام در ۵۳۴ يا ۵۴۴ يا ۵۵۴ در گذشته است . مختارى در تشبیهات بدیع و صنایع لفظی و معنوی یکی از بهترین شاعران این دوره است و بهمين جهت اشعار او را سبك خاصيست كه تقلید از آن بسيار دشوارست و ديوان او شامل پنج هزار بيت اينك در دستست . مثنوى بزرگى بنام شهریارنامه شامل داستانهاى قدیم ايران بنام مسعود بن ابراهيم غزنوى نيز سروده كه سه سال مشغول نظم آن بوده است و كتابى را كه بنشر بوده نظم کرده است .

۵- سيد اشرف الدين حسن بن محمد ناصر حسینی غزنوى از خاندانهاى محترم و معروف غزنين بود . وى نيز مانند مختارى هم از شاعران غزنويان و هم از شاعران سلجوقيان بوده است . او ايل عمر را در دربار بهرامشاه گذرانیده و سپس جزو شاعران دربار سنجر (۵۱۱-۵۵۲) و مسعود بن محمد سلجوقى (۵۲۹-۵۴۷) شده و سفرهاى متعدد کرده و بجزغ نيز رفته است و گذشته از شاعرى از دانشمندان معروف زمان خود بوده و در غزنين موعظه مى کرده است و پادشاهان زمانه همه وى را بزرگ ميداشته اند و سرانجام در ۵۵۷ در غزنين در گذشته است و هزار او در غزنين معروفست . سيد حسن غزنوى یکی از بزرگترين سرايندگان اين دوره است و شعرش در فصاحت و بلندی مقام از جمند دارد و ديوان وى نزديك پنج هزار بيت دارد و بجز آن مولفان ديگر داشته است كه درمیان

- ۴- ابو بکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی از شاعران دربار بهرامشاه بود و پس از آن نزد خواجه مشاهان رفت و قطب الدین محمد و علاء الدین اتسز را مدح گفته و از شعر او اندکی باقی مانده است .
- ۵- ابوالمعالی نصیر الدین نصر الله بن محمد بن عبد الحمید منشی شیرازی مترجم معروف کلیله و دمنه بفارسی که ذکر او پس ازین خواهد آمد . در دربار بهرامشاه بوده و شعر فارسی نیز گفته است .
- ۶- جمال الدین ابوبکر بن ساعد خسروی بخارایی ، مدتی در غزنین مداح نجسرو ملک آخرین پادشاه غزنوی ( ۵۵۵ - ۵۸۳ ) بوده و بیشتر در هندوستان می زیسته و از ونیز چندیتی به ما رسیده است .
- ۷- شهاب الدین شاه علی ابورجاء غزنوی ، از شاعران دربار بهرامشاه بود و تا زمان آخرین پادشاهان غزنوی نیز می زیست و در ۵۹۷ در گذشت ، از ونیز چندیتی باقی مانده است .
- ۸- فضل بن بخارایی ، از مردم بخارا بوده و نخست در ماوراءالنهر می زیسته و در جوانی همدرس محمد عوفی مولف لباب الالباب بوده و کتاب جامع الصغیر را از برداشته است و چون دانش وی را قدر ندانستند بشاعری افتاد و از بخارا بهند رفت و مداح ناصر الدین قباچه بود که از ۶۰۱ تا ۶۲۴ در مولتان و سند فرمانروایی کرده است و در زمان تألیف لباب الالباب در حدود ۶۱۸ زنده بوده و بدین گونه از شاعران اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است و از شعر او نیز اندکی باقیست .
- ۹- ازین شاعران بزرگ که بگذریم در دربار غزنویان در قرن ششم شاعران درجه دوم بشمار بوده اند و نامهای ایشان بدین گونه است : ابونصر محمد بن اسحاق قاینی - جمال الدین محمد بن علی سراجی خراسانی - محمد بن عثمان عتبی کاتب - یمنی غزنوی - امیر ثقة الدین یوسف بن محمد دربندی ، جمال الدین ابوالمعاسن یوسف بن نصر کاتب - قوام الملك نظام الدین ابونصر هبة الله فارسی وزیر ( در گذشته در ۵۰۹ یا ۵۱۲ ) ، قاینی و راق ، سید شمس الدین محمد مبارکشاه بن الاعز سگزی - سدید الدین علی بن عمر

معزى غزنوى ، ابوبديلى مجدالدين احمد بن محمد سجاوندى از علمای معروف زمان خود (در گذشته در حدود ۵۰۶) ، شهابالدين محمد بن ابورشدرشيد بن محتاج رئيس (در گذشته در ۵۹۸) ، جمالالدين محمد بن ناصر حسینی غزنوی برادر مهتر سينا حسن غزنوی ، علی بن محمد ترمذی ، فرزدق یمنی ، شهابالدين صاحب استيفایى ، مجدالدين ابن الرشيد غزنوی ، ابوسعيد گرگانى پسر مسعود سعد سلمان ، سعیدالدين مسعود نوکی غزنوی ، خفاف ، خورشیدی ، حمیدالدين مسعود بن سعدشالی کون ، حمیدی لاهوری ، احمد بن محمد الميم لاهوری ، واولی که نام وی را ديولى نیز نوشته اند ومعنى وضبط آن معلوم نیست ، بهاءالدين علی بن ابوبکر احمد جامجی ، ظهيرالدين نصير سگزی ، شمسالدين رضی نیشابوری ، سراجالدين محمد بن منهاج الدين عثمان بن ابراهيم بن عبدالخالق گوزگانى لاهوری ، خطيرالدين محمد بن عبدالملك گرگانى ، حمیدالدين علی بن محمود محمودی ، حمیدالدين قهندزی ، بهاءالدين محمد اوشی فرغانی ، ابو جعفر عمر بن اسحق واشی لاهوری ، ابو العباس امامی و از هريك از ایشان چند بيتى بما رسیده است . دو شاعر دیگر نیز درین دوره بودند که نام ایشان بما رسیده اما از شعرشان چیزی بدست نیست : یکی ابومسلم نیشازی و دیگری احمد خلفست .

بیشتر ازین شاعرانى که نام بر دم در دربار غزنویان در هند زندگى کرده اند و بهمین جهت جزو شاعران هند نیز باید بشمار آیند . گذشته از غزنویان امرای دیگر هند نیز در شاعر پروری کوشیده اند و معروف ترین ایشان درین زمینه ملک تاجالدين تمرانشاهست که از جانب غیاثالدين محمد بن سام غوری (۵۵۸ - ۵۹۹) حکمرانى تمران از ولایات غورد در دره های کوه اشک را داشته است و خود شعر فارسی می گفته و یکی از کنیزان وی که بنام دختر کاشغری معروف بوده است نیز بزبان فارسی شعر گفته است . گذشته ازین شاعران چند تن سراینده دیگر در هندوستان زیسته اند بدین قرار : طرطری ، قادری ، جمالالدين دکنی ، تاجالدين زبیری فارسی .

یکی از معروف ترین شاعران فارسی زبان ساکن هندوستان فخرالملک عمیدالدین است که بخطا برخی وی را از شاعران این دوره دانسته اند و چنانکه پس ازین بجای خود خواهد آمد وی در قرن هفتم زیسته است .

۲- شعراي دربار سلجوقيان - سلجوقيان در قرن ششم هجری در کمال قدرت پادشاهی کردند و تقریباً همه ایران امر در بدست ایشان بود، اما چیزی نگذشت که در میان شاهزادگان این سلسله دو گانگی افتاد وزیر دستانشان هر يك نیرو گرفتند و قلمرو ایشان تجزیه شد. بهمین جهت آن عظمتی که در زمان طغرل بيك و الب ارسلان و ملکشاه داشتند در قرن ششم باقی نماند. با این همه در پرورش شاعران کوتاهی نکردند و مخصوصاً سنجر بن ملکشاه که از برادران دیگر همدینی توانا تر بود و برادرانش ناصرالدین محمود (۴۸۵-۴۸۷) و رکنالدین ابوالمظفر برکیارق (۴۸۷-۴۹۸) و غیاثالدین ابوشجاع محمد (۴۹۸-۵۱۱) درین زمینه بسیار کوشیده‌اند. برخی از پادشاهان این سلسله خود بزبان فارسی شعر می‌گفته‌اند مانند معزالدین و ناصرالدین ابوالحارث احمد سنجر بن ملکشاه (۵۱۱-۵۵۲) و محمد بن ملکشاه و پسر او سلیمان بن محمد (۵۵۵-۵۵۶) و آخرین پادشاه این خاندان طغرل بن ارسلان (۵۷۱-۵۹۰). در سال ۴۷۰ سلیمان بن قلمش سلجوقی در آسیای صغیر سلسله‌ای تأسیس کرد که پای تخت آن در شهر قونیه بود و بنام سلجوقیان روم در تاریخ معروفند و تا سال ۷۰۰ در حکمرانی بوده‌اند. پادشاهان این سلسله چون بآداب ایرانی در ایران پرورش یافته بودند زبان فارسی را دوست می‌داشتند و مخصوصاً در فتنه مغول که دیارشان آسوده بود گروهی از بزرگان ایران از آن فتنه بایشان پناه بردند و شمس‌الدین تبریزی و مولانا جلال‌الدین بلخی و نجم‌الدین رازی عارفان معروف آن زمان ازین گروهند و کتاب راحة الصدور که پس ازین ذکر آن خواهد آمد در دربار ایشان نوشته شده و حتی یکی از پادشاهان این سلسله عزالدین کیکاوس که از ۶۰۷ تا ۶۱۶ پادشاهی کرده است بزبان فارسی شعر می‌گفته‌است. بهمین جهات سلسله سلجوقیان را یکی از بزرگ‌ترین مشوقان ادب فارسی در قرن ششم باید دانست و شاعرانی که بجز تختتازی و سید حسن غزنوی از ایشان پرورش یافته‌اند بدین گونه‌اند:

۱- اوحدالدین علی بن وحیدالدین محمد بن اسحاق انوری ایبوردی یکی از معروف‌ترین شاعران قرن ششم بود و برخی وی را از بزرگ‌ترین سرایندگان زبان

فارسی دانسته اند. در شهر ایپورد یا باورد در خاک خاوران که اینک جزو جمهوری شوروی ترکمنستان است در اوایل قرن ششم ولادت یافته است و جوانی بخود را در آنجا گذرانده و از علوم متداول زمان بهره کافى یافته و سپس بشهر بلخ رفته و قسمت عمده از زندگی خود را در آن شهر گذرانده و در ضمن سفرهایی بسرخس و مرو و خوارزم و اطراف دشت خاوران کرده و سفری نیز به عراق رفته است. در زمان خویش بشهرت بسیار رسیده بود و معاصرانش بوی احترام می کرده اند و از بدبانی ها و مهاجاتی حساب می برده اند و با همه امرای زمان خود و بزرگان آن عصر از وزیران و کازگزاران دیوان و دانشمندان روابط داشته و چندی در دربار سنجر در مرو بوده و گویا با وی سفرهایی کرده است. مهمترین ممدوحان وی پس از سنجر علاءالدوله اتسخوار از شاه و خاقان کمال الدین محمود بن بغراخان از پادشاهان سلسله خانیه یا آل خاقان و قطب الدین مودود شاه بن زنگی بن آق سنقر از اتابیکان موصل و غیاث الدین محمد بن سام غوری و علاءالدوله گرشاسب بن فرامرزین کاکویه اتابیک یزد و برخی از حکمرانان بلخ بوده اند ولی ممدوح عمده او رئیس مجددالدین ابوالحسن علی بن محمد عمرانی سرخسی و ناصرالدین ابوالفتح طاهر بن مظفر وزیر از بازماندگان نظام الملک و نظام الملک صدرالدین محمد از همان خانواده و نظام الملک ابوعلی حسن بن طاهر از همان خاندان و سید ابوطالب بن نعمه از سادات خراسان و ضیاءالدین و نظام الدین مودود بن احمد عصمی از بزرگان خراسان بوده اند. سرانجام در همان شهر بلخ در گذشته و وی را در جنب مزار احمد خضر و به عارف مشهور بخاک سپرده اند. تاریخ رحلت وی را در سالهای ۵۴۰ و ۵۴۴ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۹ و ۵۵۱ و ۵۵۶ و ۵۶۵ و ۵۷۴ و ۵۸۰ و ۵۸۵ و ۵۸۷ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۷ نوشته اند ولی درست تر از همه سال ۵۸۵ است. انوری یکی از زبردست ترین شاعران زبان فارسیست و کلمات را هر گونه که خواسته است گردانده و هر معنی که خواسته از آن بیرون آورده است. در ضمن شعر او پر از اصطلاحات و اشارات بمسائل علمی دقیق و حکمتست و بهمین جهت تنه شرح بر بعضی از اشعار وی نوشته اند یکی شرح داود بن محمد علوی شاد یا بادی و دیگر شرح ابوالحسن فراغانی حسینی که هر دو در قرن یازدهم در هندوستان نوشته اند و دیگر شرح محمد بن

عبدالرزاق ذنبلی که در قرن گذشته نوشته است. او را در شعر پیز و روتش ابوالفرج روتنی دانسته اند ولی وی را سبک خاصیت که بديگران نمی ماند و در مدح و هجاء و معارف و حکم در هرفنی مهارت داشته است. دیوان اشعار وی شامل چهارده هزار و هفتصد و چند بیت است. ترجمه ای از اشارات ابن سینا و شرحی بران بنام البشارات فی شرح الاشارات و کتابی در نجوم یا نسبت داده اند که تاکنون اثری از آن دیده نشده است.

## ۲- امام بذیع الزمان سید عبدالواسع بن عبدالجماع بن عمر بن ربیع جبلی

سلطانی غرجه تانی، از نجیب زادگان محترم عصر خویش بوده و زندگی وی در هرات و اطراف آن گذشته است و مداح سلطان سنجر و محمد بن ملک شاه و اتابیک یوسف شاه از اتابیکان لرستان و تاج الدین ابوالفضل نصر بن خلف پادشاه سیستان و ارسال شاه بن کرمانشاه از سلجوقیان کرمان بوده و گویا از دور ایشان را مدح کرده و بیشتر اختصاص داشته است. بمدح معین الدین ابوالمعالی عبدالصمد از وزیران سنجر و بهمین جهت باید او را از شاعران دربار سلجوقیان شمرد. شاعران روزگار همواره وی را بزرگ داشته اند و در سال ۵۵۵ در گذشته است. عبدالواسع که در شعر جبلی تخلص می کرده از مشاهیر شاعران قرن ششم ایرانست و مخصوصاً در کلام مصنوع و سرودن قصاید مرصع و مسجع زبردست بوده است و بیشتر اشعار وی بهمین سبکست و این همان روشیست که پیش از او قطران ارموی در آذربایجان پیش گرفته و در عصر وی رشیدالدین وطواط بلخی و گاهی عثمان مختاری ازان پیروی کرده اند. وی شعرتازی را نیز نیکو می سروده و منشی زبردستی بوده و از منشآت او چیزی باقیست. دیوان اشعار وی شامل شش هزار بیت بما رسیده است.

## ۳- عمادالدین عمادی شهریار - اصل وی از شهر یاری بود ولی چون اوایل

عمر را در خراسان و مخصوصاً در غزنین گذرانده بمبادهی غزنوی نیز معروف شده است. وی از شاعران معروف دربار سلجوقیان بوده و بیشتر اختصاص داشته است بمداحی سلطان طغرل بن محمد معروف بطغرل دوم و باوی در عراق می زیسته و پیش ازان مداح قطب الملوك عمادالدوله سیف الدین فرامر زین فخرالدوله رستم بن حسام الدوله شهریار -



ابن قارن بوده و نوشته اند که تخلص وی از نام این پادشاه آمده است مگر آنکه از لقب خود عمادالدین گرفته باشد. سرانجام در شهریار نزدیک طهران در ۵۹۳ در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده اند. عمادی یکی از بهترین شاعران قرن ششم ایران بوده و سبك بسیار جالبی دارد که در آن معانی دقیق را با سخنان دلنشین بهم آمیخته است و کنایات و استعارات بسیار بکار برده و بهمین سبب در زمان خود از مشاهیر شعرا بوده است و شاعران دیگر بوی حرمت می گذاشته اند. دیوان اشعارش نزدیک دو هزار و پانصد بیت در دست است.

۴- امیر الشعراء ابو بکر محمد بن عبدالملك معزى نیشابوری - پسر برهانی شاعر معروف قرن پنجم بوده و بزرگترین شاعر دربار سلجوقیان بشمار است و مدت مدیدی پادشاهان بزرگ سلجوقی ملکشاه و سنجر و وزیرای ایشانرا مدح گفته است. پدرش در آغاز پادشاهی ملکشاه در قزوین در گذشته و وی را بملکشاه سپرده است، اما ملکشاه بدو توجهی نمی کرد تا اینکه پس از مدتی امیر علاءالدوله علی بی فرامرز از امیران یزد که در دربار وی بود او را نزد ملکشاه مقرب کرد و از آن پس تا زمانی که مرد وی همیشه در دربار با منتهای جلال می زیست و یکی از متمولترین مردم روزگار شد چنانکه وی را درین زمینه تالی عنصری دانسته اند و از امیران آن دربار بشمار می رفت. پس از مرگ ملکشاه بخدمت پسرش سنجر پیوست و تا زنده بود با وی بود و در پایان زندگی که با سنجر باصفهان رفته بود در شکار گاه که سنجر تیری انداخت آن تیر بخطا بسینه معزى رسید و در سینه او ماند و مدتی بهمین حال می زیست تا آنکه در ۵۴۲ در گذشت. معزى یکی از بزرگترین شاعران ایران است و شعر او در منتهی درجه روانی و سادگی و شیرینیست و ازین حیث بر همه شاعران قرن ششم جز صابر ترمذی برتری دارد. مخصوصاً در اوصاف طبیعت و غزل سرایی مهارت تامی داشته و در مدح و مرثیه بیان مؤثر و کلام فصیح دارد. دیوان اشعار وی تقریباً شامل نوزده هزار بیت و یکی از مفیدترین کتابهاست که درباره امیران و وزیران و بزرگان دربار سلجوقی مانده و دریابست از هر گونه اطلاعات که مخصوصاً در تاریخ سودمند است.

۵- شهاب‌الدین صابر بن اسمعیل ترمذی - معروف با دیب صابر، گویند پدرش ادیب اسمعیل و زاق هروی معاصر فردوسی بوده است ولی این درست در نمی آید زیرا که میبایست نزدیک صد و بیست سال پیش از مرگ وی زیسته باشد. وی نیز از بزرگان شاعران قرن ششم بوده و در زمان خویش همه همکارانش بدو احترام می کرده‌اند. قسمت عمده عمر خود را در نیشابور گذرانده و جزو خاصان دستگاه مجدالدین ابوجعفر علی بن حسین قدامة موسوی رئیس خراسان بوده که از بزرگان منتقد زمان خویش بشمار میرفته است و او را صدر شرق و رئیس خراسان می گفتند و بوسیله او با سنجر روابط داشته و او را مدح می گفته است. در پایان زندگی بخوارزم رفته و چندی در آن دیار مانده و قصاید در مدح علاءالدوله اتسز خوارزمشاه سروده است و در همان دیار سال ۵۴۷ در نتیجه رقابتی که در میان اتسز و سنجر بوده وی را کشته‌اند. صابر ترمذی یکی از بزرگترین شاعران ایرانست و سخن او در فصاحت و شیرینی و لطافت در منتهای خوبیست. از شاعران خراسان کسی نزدیکتر از ویر و ش فرخی و سهل و ممتنع شعر نگفته و پیدا است که خود نیز همیشه در پی آن بوده است که مانند فرخی سخن بگویند. دیوانش شامل شش هزار بیت در دستست.

۶- فریدالدین کاتب نسوی خراسانی - معروف بفرید کاتب از دبیران دربار سنجر بوده و با اتوری رقابت داشته و در زمان مسعود بن محمد سلجوقی تا ۵۸۲ نیز زنده بوده است و از معاریف عصر خود بشمار میرفته اما از شعرا و جز چند بیت نمانده است.

۷- امیر شرف الشعراء بدرالدین قوامی رازی - از شاعران شیعه نیمه اول قرن ششم ساکن شهر ری بوده و درین شهر ناوایی می کرده و از مختصان قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی طغرای از وزرای سلجوقیان بوده و ظاهراً تخلص خود را از لقب او گرفته است و نیز عمادای بنام شرف‌الدین محمد نقیب‌النقبای ری (۵۰۴-۵۶۶) و قاضی حسن استرآبادی متوفی در ۵۴۱ و امیرعبادی دانشمند معروف متوفی در ۵۴۷ دارد و از شاعران درجه دوم این زمان بشمار می رود و دیوان او شامل نزدیک سه هزار بیت در دستست و با عمادی شهر یاری شاعر معروف زمان خود رابطه داشته است.

۸- مهستی گنجوی - معروفترین زنیست که بزبان فارسی شعر گفته است. زوجه امیر احمد گنجوی معروف باین خطیب گنجه از شاعران آن زمان بوده و در دربار سنجر میزیسته است و ظاهر آن دیران زمان بوده زیرا که در برخی از کتابهای قدیم نام وی را مهستی دبیر ضبط کرده اند. بیش ازین از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و همین قدر از آثارش پیداست که زن بسیار باذوق و زبان آورو گستاخی بوده و در دیدیه گویی دمستی داشته و تخصص او سرودن رباعیات در باره پیشه و ران و صنعت گران بوده است که اغلب بهزل و مزاح و گاهی با کلمات رکیک ادا کرده و نزدیک دو بیست رباعی و چند قطعه از او مانده است. ظاهرأ صدسال پس از وی کتابی بنسب فارسی بنام «داستان امیر احمد و مهستی» نوشته اند که آنرا بنحوا بنظامی گنجوی نسبت داده اند و آن داستان مفصليست از معاشقات و مناظرات و لطایفی که مهستی و شوهرش با یکدیگر داشته اند و همه رباعیات مهستی را در آن جاداده و برای هر يك شرحی نوشته اند و چنان وانمود کرده اند که این رباعیات را مهستی در پاسخ شوهر و دیگران سروده است و همه کسانی که ذکرشان درین کتاب رفته در پاسخ او رباعیات دیگری گفته اند که از شاعران مختلف زبان فارسی تا قرن

۹- کمال الدین عمید کمال کمالی بخارایی - از شاعران معروف زمان خود بوده و معاصرانش وی را بزرگ می داشته اند و در دربار سلطان سنجر میزیسته و از شعر او چندیتی بمانده است.

۱۰- ابوالمفاخر منجیک فاخر رازی از شاعران دربار محمد بن ملک شاه و پسرش مسعود بوده و در شهری میزیسته است و از وقصیده معروفی مانده است در مدح امام هاشم که در تشبیهات و صنایع معنوی و استعارات یکی از بهترین قصاید زبان فارسیست و شرحها بر آن نوشته اند از آن جمله شرحی از عبداللطیف شروانی معروف بافلاطون بنام «حل مایه نحل» که در ۹۶۷ نوشته است.

۱۱- امیر شمس الدین محمد بن مؤید حدادی بغدادی معروف بشمس خاله، از مردم بغدادك خوارزم و از امیران دربار سلجوقیان بوده، ظاهرأ برادر مجدالدین

بغدادی عارف مشهور این قرن بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی مؤلف کتاب التوسل -  
الی التوسل بوده زیرا که مجدالدین ابوسعید شرف بن مؤید بن محمد بن ابوالفتح و  
بهاءالدین محمد بن مؤید نام داشته و نام پدر هر سه مؤید و از مردم بغداد است که خود از زمره بوده اند، منتهی  
نام شمس الدین و بهاءالدین هر دو را محمد ضبط کرده اند و دور می نماید که دو برادر  
هر دو یک نام داشته باشند و ظاهراً در نام شمس الدین یا بهاءالدین اشتباه کرده اند. وی  
از امیران دربار سلجوقی و از بزرگان دستگاه سنجر بوده و در ضمن شاعری مشهور و  
در فن خود زبردست بوده و حدادی تخلص می کرده و از شعر او چند قصیده مانده است.

۱۲- **شمالی دهستانی** ، نیز از معاصران سنجر و از شاعران معروف عصر خود بوده  
و با شاعران بزرگ آن زمان مهاجرات داشته است و نیز مداح تاج الملوك نصره الدین از  
ملوك طبرستان بوده و از شعر او اندکی باقیست .

۱۳- **محمود بن علی سمایی مروزی** ، مدتی در ماوراءالنهر زیسته و با سوزنی  
مهاجرات بسیار داشته و مدتی نیز در دربار سنجر بوده است و از شاعران نامی زمان خود  
بشمار می رفته و از شعر او نیز اندکی بمانده است .

۱۴- **فخرالدین خالد بن ربیع مکی طولانی هروی** ، از دانشمندان قرن  
ششم بود و از شاعران معروف دربار محمد بن ملکشاه و برادرش سنجر بشمار می رفت و  
با شاعران مشهور عصر خود روابط داشت اما از اشعار او اندکی باقی مانده است .

۱۵- **روحی و لوالجی** نیز از شاعران ناماور عصر خود بود و در هجادمستی  
داشت و سفرهای بسیار کرده و از شاعران دربار سلجوقی بوده است و از او نیز چند شعر  
مانده است .

۱۶- **جوهری زرگر بخارایی** ، از شاعران دربار سلیمان بن محمد سلجوقی و  
شاعر بسیار توانایی بود و در زمان خود شهرت بسیار داشت و از شعر او تنها دو  
قصیده باقیست .

۱۷- **دهخدا ابوالمعالی رازی** نیز از شاعران دربار سلجوقیان بود و بمداحی  
مسعود بن محمد سلجوقی اختصاص داشت و در شهری می زیست و در ۵۴۱ درگذشت ،

از شعرا و نیز جز چند قصیده باقى نىست .

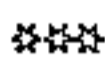
۱۸- سيد مهين الدين اشرف سمرقندى از مشاهير شاعران و دانشمندان قرن ششم بود. نخست در سمرقند از مداحان پيغمبر ملك بود و با وي از خراسان بعراق آمد و مدت مديدى در اصفهان ماند و با شاعران اين دياد روابط بسيار داشت و در همين زمان در سلك شاعران دربار اسلام بن طغرل سلجوقى در آمد و در پايان زندگى بسمرقند باز گشت و در آنجا بسال ۵۹۵ در گذشت. سيد اشرف از شاعران خوب قرن ششم بوده و در اقسام مختلف شعر مهارت كامل داشته و ديوان وي شامل دوهزار بيت در دست است .

۱۹- قاضى حميد الدين ابوبكر عمر بن محمود محمودى بلخى در گذشته در ۵۵۹ مؤلف مقامات حميدى كه در او اواخر جمادى الاخره ۵۵۱ پايان رسانيده است و ذكرش پس از اين خواهد آمد ، گذشته از مهارتى كه در شعر داشته در شعر نيز توانا بوده است و برخى از اشعار خود را در كتاب مقامات خويش آورده و با شاعران زمان و بيشتر از همه با انورى مربوط بوده است .

۲۰- اثير الدين فتوحى مروزى ، از سخن سرايان معروف دربار سنجر بوده و با گويندگان عصر خود روابط بسيار داشته و ايشان وي را محترم شمرده اند اما با انورى رقابت و گاهى دشمنى داشته است ، از شعرا و نيز اندكى بما رسيده است .

۲۱- موفق الدين ابوظاهر خاتونى ، از بزرگان ادب و شعراى زمان خود بود و در دربار محمد بن ملكشاه سلجوقى مى زيست و ظاهر اشيعه بوده و در نظم و نثر فارسى و تازى استاد بوده است. نخست در سلك ديبران زمان ملكشاه بود و سپس منشى و مستوفى مخصوص ديوان گوهر خاتون زن محمد ملكشاه شد و بهمين جهت بخاتونى معروف گشت و تا زمان مسعود بن محمد نيز زنده بوده است و كتابخانه معتبرى داشته كه بر جامع ساوه وقف کرده و در طاق رواقى كه نظير نداشته جاي داده است و در ۶۱۷ كه مغولان شهر ساوه را گرفتند آن كتابخانه را سوختند . وي از بزرگان اديبان زمان خود بوده و كتابى تاليف کرده بود بنام مناقب الشعراء كه گويان قديم ترين تذكره شاعران ايران بوده و

اینک از میان رفته است و یگانه اثری که از باقیست رساله ایست بزبان تازی بنام «تزویر الوزیر الزیر الخنزیر» که در مثالب ولعن نصیر الملک بن موید الملک بن نظام الملک نوشته است و عبارتست از نفرین هایی مقطع بشکل آیات قرآنی و جمل قصار که بتمام حروف تهجی از الف تا یا نوشته است و تسلط وی را در زبان تازی می رساند.



بعزین چند شاعر بزرگ و معروف دربار سلجوقیان در قرن ششم شاعران دیگری ازین خاندان پرورش یافته اند که نامهای ایشان بدین گونه است: ابوالبرکات فجیدالدین بیهقی، جمال الدین ابوبکر خال ترمذی، احمد بن منوچهر شنست کله که لقب وی را بخطا بمنوچهری دامغانی شاعر معروف قرن چهارم نسبت داده اند، اختیارالدین علی بن ابونصر روزبه شیبانی، اسمعیل بن ابراهیم غزنوی معروف بزریس، امیر احمد ابن خطیب گنجه شوهر مهستی، اصیل الدین روحانی، افضل الدین کرمانی، افضل الدین حسن بن احمد باققی، مجدالدین احمد بدیهی سجاوندی، بدیع الدین ترکوسکزی، ابوالحسن علی بهرامی سرخسی، اثابیک منتجب الدین بدیع کاتب جوینی که جزو نشر نویسندگان ذکر وی خواهد آمد، تاج الدین سرخسی آبی، تاج الدین راوندی خال محمد بن علی راوندی مولف راحة الصدور، تاج الدین اسمعیل باخرزی، جلال مادراء التهری، چاوش غوری، حسن بن علی شهابی، رفیع مروزی، دیحانی طوسی، زین الدین راوندی خال محمد ابن علی راوندی مولف راحة الصدور، سدیدالدین بیهقی، سعدالدین کافی بخارایی، سنجری خراسانی، زین الدین سعید طایسی، شهاب الدین ابوالحسن طلحة مروزی، ظهیر الدین نیشابوری مولف سلجوق نامه که ذکر وی خواهد آمد، ابوالفضل عثمان بن احمد هروی معروف بحاجی هریوه، علاء الملک شرف الدین میرک، غزالی مروزی، فقیهی مروزی، فخر الدین محمد بن محمود بن احمد نیشابوری، کافی بن ابوالفرج رونی پسر ابوالفرح شاعر معروف قرن پنجم، کمال الدین مزدقانی، کوهساری طبری، شمس الدین لاغری، مظفر جمعی گنابادی، نصیر الدین ابوالقاسم محمود بن مظفر بن ابی توبه وزیر،

عزالدين اصفهائى، محبى الدين محمد بن يحيى نيشابورى دانشمند معروف که در ۵۵۰ در فتنه غز کشته شد، رفيع الدين مرزبان فارسى، فخر الدين مسعود بن بهمن کرمانى، محمد بن على راوندى مؤلف راحة الصدور که ذکرش خواهد آمد، فخر الدين مسعودى مروزى، مؤيد الملك ابوبکر بن نظام الملك طوسى وزير، معين الدين سراجى باغى، ناصر جعفرى نسوى، قاضى هجيم آملى، کوشکى قاينى، معين الملك حسن بن على کاتب معروف بمعين الملك اصم، افضل الدين ابوحامد کرمانى مؤلف عقد العالى که ذکر او نيز خواهد آمد. از هريك از اين شاعران بيش و کم اشعارى مانده است. دو شاعر ديگر درين زمان بوده اند يکى نظامى اثيرى و ديگر نظامى منيرى که از نشان شعرى باقى نيست. زنى ديگر بوده است بجز مهستى بنام عايشة مقرية سمرقندى که شعراى خوب مى گفته و ظاهراً در دربار سلجوقيان بوده است.

۳ - شعراى دربار ملوک غور - دربار پادشاهان غوريا ملوک الجبال نيز شاعران بزرگ پرورده است. از ميان پادشاهان اين سلسله علاء الدين حسين ملقب بجهان سوز و معروف بملك الجبال که از ۵۴۴ تا ۵۵۶ پادشاهى کرده است شعر فارسى را خوب مى گفته و در پرورش شاعران مى کوشيده است. اميران ديگر اين خاندان هم چون وى بوده اند و بهمين جهت شاعرانى که از نشان نعمت ديده اند بسيارند و بزرگان ايشان بدین گونه اند:

۱ - شرف الدين فريدالزمان احمد بن ايزديار کافى معروف بفريد کافى،

صاحب ديوان انشای محمد بن سام و از دبيران بزرگ عصر خود بود و در انشای فارسى و عربى مهارت داشت، در شعر فارسى نيز کاملاً توانا بود اما از اشعار او اندکى مانده است.

۲ - فخر الدين مبارکشاه بن حسين سرورودى معروف بفخر مدبر از

نويسندگان و شاعران معروف قرن ششم بود و بوزارت سلطان علاء الدين و پسرش سيف الدين و سلطان غياث الدين و شهاب الدين رسیده و بيشتر عمر خود را در دربار سيف الدين ملك الجبال گذراند و در شوال ۶۰۲ در گذشت. وى را کتابيست که بيش از ۱۰۰۰۰ بيت در تاريخ هندوستان نوشته و بنام تاريخ فخر الدين مبارکشاه معروفست و اطلاعات جالبى درباره

طوائف ترك دارد. كتاب ديگرى هم بنام آداب الحرب والشجاعة نوشته كه از كتابهاى مهم زبان فارسىست و منظومه اى ببحر متقارب در تاريخ پادشاهان غور سروده و از اشعار ديگر وى چند بيتى بما رسيده است .

۳ - نظام الدين احمد بن عمر بن ابوالحسن على مكى نظامى عروضى سمرقندى مؤلف معروف مجمع النوادر كه بنام چهارمقاله معروف شده است. در آغاز زندگى مداح علاء الدين تكش خوارزمشاه بوده و سپس بدربار پادشاهان غور پيوسته و شاعر مخصوص قطب الدين محمد بن عزالدين حسين ملك الجبال بوده و در شعر و انشا و طب و نجوم دست داشته و چهارمقاله را در حدود ۵۵۰ تاليف كرده است . چند مثنوى نيز داشته كه از ميان رفته است و از اشعار او اندكى باقىست .

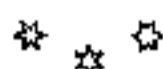
۴ - سيد ظهير الدين يحيى سرخسى ، نخست صاحب ديوان انشاي غياث الدين ابوالفتح بن سيف الدين بوده و سپس به هندوستان رفته و با تاج الدين تمرانشاه محشور شده است و شاعر توانايى بوده اما از اشعار او چند بيتى باقىست .

۵ - ابو نصر بدرالدين محمود بن ابو بكر بن حسين بن جعفر فراهى ، مؤلف نصاب الصبيان ، از بزرگان دانشمندان اين زمان بود و در دربار بهرامشاه بن تاج الدين حرب پادشاه سيستان كه با پادشاهان غور پيوستگى داشته مى زيست و كتاب نصاب الصبيان را كه در آن معانى كلمات عربى را بنظم آورده بفرمان نظام الملك حسن وزير بهرامشاه پيايان رسانيده و جامع صغير شيبانى را در ۶۱۲ نظم كرده اما از اشعارش بجز نصاب الصبيان چيزى باقى نيست . بر نصاب الصبيان شروع بسيار نوشته اند كه معروف ترين آنها بدین گونه است : شرح علامه ميرسيد شريف گرگانى دانشمند مشهور قرن هشتم (۷۴۰-۸۱۶) ، شرح نظام بن كمال بن جمال بن حسام هروى معروف بابن حسام در قرن نهم ، شرح قاضى محمد بن فصيح بن محمد بن محمد كريم الدين دشت بياضى ، شرح محمد حسين بن محمد رضا طالقانى ، شرح محمد بن جلال بن سليمان قمستانى ، شرح على اكبر بن حاج ميرزا محمد جعفر متطبب لغوى يزدى بنام درة الثمينه كه در ذى الحجة ۱۲۹۲ ق . پيايان رسانيده ، شرح عباس بن محمد رضا قمى بنام درة البتيمه فى تتمات درة الثمينه كه تكمله اى بر شرح سابق الذكر است و در ۱۳۱۶ ق . پيايان



رمانیده است .

۶ - جمال الدین محمد بن نصیر ، شاعر و دبیر زبردست بود و از مختصان غیاث الدین محمد بن سام بشمار می رفت و چندی وزیر او بود و رسالهٔ مجلس آرای شهبابی از مولفات او بوده است ، در شعر نیز قدرتی داشته ولی از گفتهٔ وی جز چند بیت چیزی نمانده است .



شاعران دیگری که در دربار پادشاهان غور بوده اند بدین قرارند : لطیف الدین زکی کاشغری معروف بزکی مراغی ، بهاء الدین عبدالکریم کریمی سمرقندی که در سیستان می زیسته ، شرف الدین محمد بن عمر فرقدی خراسانی ، شمس الدین محمد عجیبی گوزگانی ، ضیاء الدین عبدالرافع بن ابوالفتح هروری که نخست در دربار غزنویان بوده و پس از انقراض پادهی ایشان نزد پادشاهان غور رفته و رسالهٔ منظومهٔ جلالیه در تفسیر نوروزیه را نوشته است ، شمس الدین محمد بن نصیر سکزی که در سیستان در دربار تاج الدین یلدوز می زیسته و از پیوستگان پادشاهان غور بوده و کتابی نوشته است بنام مجمع البحرین ، شرف الدین احمد بن محمد فراهی از مختصان تاج الدین حرب ملك سیستان بود و مثنوی کارنامه را نظم کرده است ، ناصر الدین عثمان بن حرب سکزی پسر ملك تاج الدین حرب . از هر يك ازین سخن سرایان بیتی چند باقی مانده است و دو شاعر دیگر در دربار پادشاهان غور بوده اند یکی بنام علی صوفی و دیگری بنام ابوالقاسم رفیعی که از ایشان چیزی نمانده است .

۴ - شاعران دربار خوارزمشاهان - در میان خاندانهای که در قرن ششم در ایران پادشاهی کرده اند کمتر خاندانیست که مانند خوارزمشاهان با آنکه از ترک بوده اند بادیات ایران خدمت کرده باشد و ازین حیث با سامانیان و غزنویان برابری می کنند . در بارهای ایشان همیشه پناه گاه ادیبان و دانشمندان بزرگ ایران بوده است و کتابهای بسیار بنام ایشان پرداخته اند . شش تن از پادشاهان و شاهزادگان این سلسله خود بزبان فارسی شعر گفته اند : علاء الدین اتسز (۵۲۱-۵۵۱) ، سلطان شاه بن ایل ارسلان (۵۶۸-۵۸۹) ، علاء الدین تکش (۵۸۹-۵۹۶) ، پسرش تاج الدین علی شاه ،

قطب الدين محمد بن تكش (۵۹۶-۶۱۷)، جلال الدين خوارزمشاه (۶۱۷-۶۲۸) :  
دانشمندان بزرگ مانند زمخشرى وسيد اسمعيل گرگانى : مؤلف ذخيره خوارزمشاهى  
که در دربار ايشان زيسته اند بسيارند و شاعران نامدار که از اين خاندان پرورشها  
يافته اند نيز فراوان بوده اند :

۱ - رشيدالدين محمد بن محمد بن عبدالجليل عمري بلخى کاتب معروف  
بوطواط ، بزرگترين اديب ايرانىست که از اين خانواده بهره مند شده است . در بلخ  
ولادت يافت و جوانى را در فرا گرفتن ادبيات در آن شهر گذراند و سپس بخدمت  
علاءالدين اتسز برگزيده شد و سى سال در دربار او صاحب ديوان انشاى وى بود و در  
زمان خویش در نظم و نثر عربى و فارسى به منتهى درجه شهرت رسيد و همه دانشمندان  
روزگاروى را احترام مى کردند و حتى خاقانى از راه دور هدايى بنام وى سروده  
است و سرانجام در ۵۷۳ در خوارزم در گذشت و بيش از نود سال زيست . رشيد  
وطواط يکى از بزرگان ادب ايرانىست و در نظم و نثر فارسى و عربى مهارت تام داشته  
است . در شعر فارسى روش وى همان سبک قطران و عبدالواسع جبايىست و صنايع  
لفظى را بسيار مراعات کرده و قصايد وى همه مصنوع و مسجع و مرصعست ، منتهى  
شعر او روان تر از اشعار ديگرانىست . ديوان وى شامل هشت هزار بيت در دستست و  
نيز ديوان اشعار عربى از و مانده است . در زبان فارسى آنچه از و مانده يکى کتاب  
حدائق السحر فى دقايق الشعرست که بيشتر مطالب آنرا از کتاب ترجمان البلاغه تأليف  
محمد بن عمر رادويانى گرفته است و ديگر مجموعه منشآت فارسى اوست . ديگر از  
مؤلفات وى کتابىست بنام عقود الجواهر و نجوم الزواهر که در آن صد کلمه از هريك  
از خلفاى راشدين گرد آورده و آنها را بمقطعات فارسى ترجمه کرده و براى هر  
قسمتى نامى جدا گانه گذاشته است باين ترتيب : تحفة الصديق الى الصديق من كلام  
ابى بكر الصديق در کلمات ابوبکر ، فصل الخطاب فى كلام عمر بن الخطاب در کلمات  
عمر ، انس اللهفان من كلام عثمان بن عفان در کلمات عثمان ، مطلوب كل طالب من  
كلام على بن ابى طالب که بنام نثر اللئالى فى كلام امير المؤمنين على و صد کلمه على بن  
ابى طالب نيز معروفست . کتاب کوچکى نيز شامل ترجمه لغات عربى بفارسى بنام

نقود الزواهر و عقود الجواهر نوشته است . مؤلفات دیگر وی بدین گونه است: غرائب  
الكلم فی رغایب الحكم ، عقود اللثالی و سعود اللیالی ، هنیة المتكلمین و غنیة المتعلمین ،  
غرد الاقوال و درر الامثال ، الكلم الناصحه و الحكم الصالحه ، مفاتیح الكام و مصابیح الظلم ،  
جواهر القلاید و زواهر الفراید ، الفوائد العالیه ، رساله در تصنیفات ، ابدار الافكار  
فی الرسائل و الاشعار ، رسائل عربی که مجموعه منشآت او باین زبانست .

۲ - سیف الدین اعرج اسفرنگی معروف بعین اسفرفك ، اصل وی از شهر  
اسفرنك در ماوراء النهر بود و در سال ۴۸۱ ولادت یافت و در آغاز زندگی در ماوراء  
النهر می زیست و سپس در زمان ایل ارسلان خوارزمشاه بخوارزم رفت و در دربار  
خوارزمشاهان مرتبه بلند یافت و پیش از آن مدتی هم در دربار سنجر بوده است .  
سر انجام در پایان زندگی بماوراء النهر بازگشت و در بخارا در ۵۶۶ در ۸۵  
سالگی درگذشت و در همان جا مدفون شد . سیف اسفرنك را در فارسی روش  
خاصیست که در زمان وی بسیار جالب بوده است و همه شاعران عراق بدان سبك  
سخن گفته اند و كاملاً جنبه ناتورالیسم دارد بدین معنی که بیشتر در پی مضامین باریك  
و خیال بافی بوده اند و در پی کلام فصیح نگشته اند و اغراق و مبالغه بسیار در شعر  
خود آورده اند . بهمین جهت وی در روزگار خود بسیار معروف بوده است و جمع کثیری  
از سخن گویان آن زمان از وی پیروی کرده اند . دیوان اشعار وی شامل هشت هزار بیت  
در دستست .

۳ - قاضی شمس الدین محمد بن عبدالکریم طبری ، آخرین شاعر بزرگ  
این خاندانست . وی قاضی زاده طبرس بود و در هرات سکنی داشت و سپس ببخارا  
رفت و از آنجا بخراسان بازگشت و بخدمت صدرالدین نظام الملک وزیر جلال الدین  
خوارزمشاه پیوست و پیش از آن مدتی هم مداح علاء الدین تکش بوده است و سر انجام  
در ۶۲۶ در هرات درگذشت و در پایان زندگی قاضی هرات بود . وی نیز از شاعران  
بزرگ این قرن بوده و بهمان روش شاعران عراق و آذربایجان اما روان تر از ایشان  
شعری گفته و در میان اشعار وی و ظهیر الدین فاریابی شباهتی هست ، تنهائی از ظمیر  
فاریابی کمتر گرد مبالغه و معانی دقیق گشته است . دیوان وی شامل سه هزار بیت  
در دستست .

۴ - نورالدین محمد بن احمد بن علی بن محمد زیدری یا خرنندزی نسوی منشی، صاحب دیوان انشای جلال الدین خوارزمشاه بود و در همه سفرهای وی از آغاز فتنه مغول تا نابود شدن وی در ۶۲۸ با او همراه بوده است و در کتابهای خویش شرح این سرگردانیها را نوشته است. از وی دو کتاب مانده است یکی بنام نفثة المصدور بزبان فارسی و دیگری بنام سیرة جلال الدین منکبرنی بتازی که آنرا آقای محمدعلی ناصح اخیراً بفارسی ترجمه کرده است. در هر دو کتاب با نهایت استادی و بانشای مصنوع فصیح این وقایع را شرح داده و پیدا است که در هر دو زبان منشی زبردست بوده و در شعر فارسی نیز توانایی داشته و برخی اشعار از او مانده است.

۵ - بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی خوارزمی، از شهر بغدادك خوارزم و برادر کبوتر مجدالدین بغدادی عارف مشهور این قرن بوده و شاید برادر شمس الدین محمد بن مؤید بغدادی معروف بشمس خاله سابق الذکر نیز بسوده باشد. وی منشی دربار علاء الدین تکش و سلطان محمد بن تکش بود و در ۵۸۲ از سوی تکش نزد منگلی بیک رفت و وی او را زندانی کرد و تا ۵۸۵ سه سال در زندان بود و پس از آن رهایی یافت و دوباره بدربار خوارزمشاه پیوست و سرانجام در اواخر قرن ششم درگذشت. بهاء الدین محمد از دبیران زبردست زمان خود بود و دو کتاب فصیح بنثر از او مانده است یکی بنام «رسالة الحبسیه» که در زندان منگلی بیک نوشته و دیگری بنام «التوسل الی التوسل» که یکی از بهترین کتابها در انشاست و در شعر نیز مهارت داشته و برخی از اشعار او مانده است.



گذشته ازین شاعران نامدار که در دربار خوارزمشاهان بوده اند چندتن سراینده دیگر هم بوده اند مانند:

بدیع الزمان ترکوبدیعی سکزی، سعدالدین مسعود دولتیاری بخارایی، مجدالدین باهیری نسوی، ضیاء الدین بلخی، ضیاء الدین شاعر دربار محمد بن تکش، شمس بخارایی، شمس الدین محمد جوینی جد صاحب دیوان جوینی و عطاملک، شرف الدین پنجدهی، سراجی اسفراینی، سراج الدین عارفک بخارایی، علاء الملک

ضياءالدين ابوبكر احمد جامجى ، يوسف عروضى ، نجيبالدين ابوبكر خطاط  
ترمذى ، نجمالدين حسن كرماني ، نظامالدين احمد كاتب جامى ، مهذبالدين منصور بن  
على اسفزارى ، مجدالدين عيوقى ، محمد بن بديع نسوى ، ملاقبادى ، مجدالدين -  
نسوى ، شمسالدين محمد كاتب بلخى ، كمالالدين كوتاهپاي ترمذى ، قوامى خوافى ،  
سراجالدين قمرى آملى ، قوامالملك خراسانى ، فریدالدين محمود بن بشار هروى ،  
مجدالدين فهيمى بخاراىى ، فریدالدين على منجم سكرى ، فخرالدين محمد زندخانى  
سرخسى ، عجيبى خجندى ، فخرالدين بن عزالدين فرید مشرف ممالك خراسان ، فخرالدين  
خطاط هروى ، علاءالدين مسعود بن محمد بن على اندخودى ، عزیزالدين رافعى  
اسفراينى ، عمادالدين مؤيد بن احمد كاتب اسفراينى ، ضياءالدين محمد بن ابونصر بن  
ابوشهيد غزنوى ، ضياءالدين عمر بن محمد بسطامى ، ضياءالدين محمود كابللى ،  
ضياءالدين سكرى ، صفىالدين بستى ، صدرالدين عمر بن محمد خرم آبادى ، صدرالدين  
ملكالسادات نيشابورى ، مجدالدين ابوالشجرى صندلى غزنوى ، شمسالدين محمد  
منوكه نسوى ، شهابالدين محمد بن همام ، شهابالدين محمد بن الصائغ غزنوى ،  
قاضى شمسالدين محمد بن محمود زابى ، شمسالدين محمد بن علاءالدين مسعود بن  
محمد بن على اندخودى ، شمسى دهستانى ، شهر يارى خراسانى ، شمس حاسبى ، شمسالدين  
حاجى بچه بستى ، شمسالدين محمود بلخى ، سعدالدين خليفه ، سيفالدين دير ، سراجالدين  
علاء بلخى ، بديع الزمان على بن احمد سيفى نيشابورى ، زينالدين صاعد خبوشانى ،  
زينالدين ابوعلى وافر سكرى ، حميدالدين دهستانى ، حميدى اختيارى ، حميدالدين  
احمد بن حسين مستوفى كشانى ، سيد كمالالدين حسين حسنى حاجب غزنوى ، علاءالدين  
حارثى مروزى ، جمالالدين عباسى ، تاجالفضلاى نسوى ، تاجالدين جاجرمى ، تاجالدين  
سمرقندى ، برهانالدين اردلانى ، بدرالدين بن نورالدين هروى ، برهانالدين  
ابوسعيد محمد بن فخرالدين عبدالعزيز كوفى بخاراىى ، بهاءالدين محمد بن على جوینى  
جد چهارم شمسالدين صاحب ديوان ، اوحدالدين گرگانى يصادرگانى ، اصیلالدين  
نجيب سمرقندى ، اشرفى سمرقندى ، جلالالدين محمد ازهرى هروى ، فلكالدين  
ابراهيم سامانى ازبازماندگان آل سامان ، ابوبكر بن محمد ذاعظى بلخى ، ابوعلى بن

حسین مروزی ، رفیع الدین نیشابوری ، عزیزی مستملی ، خواجه هلال قاینی که از هر يك از ایشان برخی اشعار مانده است .

۵- شعراي ماوراءالنهر - سلسله خانیه ماوراءالنهر که ایشان را بنام خاقانیان و آل خاقان و ایلک خانیه و آل افراسیاب نیز می خوانند پس از انقراض سامانیان بر ماوراءالنهر دست یافتند و از حدود ۳۸۰ تا ۶۰۹ در آن دیار حکمرانی کردند و پای تختشان شهر سمرقند بود . چون وارث دیار سامانیان شدند همان تمدن ایرانی سامانیان در قلمرو ایشان باقی ماند و بهمین جهت بزبان فارسی مانوس بودند و شاعران را در دیار خود گرامی میداشتند . حتی دوتن از پادشاهان این خاندان بزبان فارسی شعر گفته اند : یکی جلال الدین ابراهیم بن حسین قلیج طمغاج خان و دیگری پسرش نصره الدین عثمان بن ابراهیم بن حسین قلیج ارسلان خاقان که در حوالی ۵۸۲ ولادت یافته و در ۶۰۹ خوارزمشاهان وی را کشته اند . دیگری از پادشاهان این سلسله خاقان کمال الدین محمود که دست نشانده سنجر بوده بشعر فارسی دلبستگی بسیار داشته و شاعران بزرگ مانند انوری و رشید و طواط او را بسیار مدح کرده اند . این پادشاهان از نژاد ترکان شرقی بوده اند و تاریخشان درست معلوم نیست و بسیار آشفته است . بهمین جهت دوازده شاعرانی که ستایشگر ایشان بوده اند برای تاریخ ایران اهمیت بسیار دارد و ممکنست بسیاری مطالب تازه بر آن بیفزایند . در زمان ایشان در دیار سمرقند همواره شاعران بزرگ زیسته اند و نیز جمعی از سرایندگان درجه دوم بایشان پیوستگی داشته اند :

۹) شهاب الدین عمیق بخارایی - شاعر دربار خضر خان بن طمغاج خان ابراهیم بن نصر بود که در ۴۷۴ بیادشاهی رسیده و بر همه شاعران زمان خویش مقدم بود و بسیار متمول و محتشم شده بود و در زمانی که مهملک خاتون دختر سنجر زن محمود بن محمد بن ملکشاه در حدود سال ۵۲۲ درگذشت سنجر از وی مرثیه خواست و وی مرثیه ای سرود که چند بیت از آن باقیست . سرانجام در پایان زندگی که عمر بسیار کرده بود نابینا شد و در ۵۴۳ درگذشت . عمیق یکی از شاعران بزرگ خراسانست و در زمان خویش منتهای شهرت را داشته و بجاه و جلال رسیده بود و شعر را در کمال بلندی و

روانی و لطافت میسروده و سبکی داشته است نزدیک بسبک عنصری و مسعود سعد سلمان. دیوان وی گویند شامل هفت هزار بیت بوده ولی اینک تنها نزدیک هزار بیت از او باقیست و گویند یوسف وزلیختایی سروده بود که بدو بحر خوانده میشد و آنهم از میان رفته است.

(۳) ابو محمد عبداللہ بن محمد رشیدی سمرقندی - از شاعران معاصر عمیق و از سرایندگان دربار خضرخان بود و با عمیق رقابت داشت و با مسعود سعد سلمان مربوط بود و در زمان خویش از بزرگان شعرا بشمار میرفت و در فن شعر چند کتاب نوشته است از آن جمله زینت نامه که ظاهراً مثنوی بیحرمتقارب بوده است و اینک از اشعار او تنها چند بیت باقیست.

(۴) سدیدالدین یانورالدین و یا جمال الدین محمد بن یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی بخارایی - از بزرگان دانشمندان ایران در قرن ششم بود. جدش از معاریف علمای زمان خود بشمار میرفت. وی در بخارا ولادت یافت و پس از فراغت از تحصیل در سال ۶۰۰ از ماوراءالنهر هجرت کرد و در بسیاری از نواحی ایران و هند مانند سمرقند و خوارزم و مرو و نیشابور و هرات و اسفزار و اسفراین و سیستان و فراه و غزنین و لاهور و دهلی سفر کرد و با دانشمندان معاصر خود محشور شد. پیش از آن صاحب دیوان انشای قلیج ارسالان خاقان نصره الدین عثمان بن ابراهیم بود و سرانجام در آغاز فتنه مغول به هندوستان رفت و در بلاد سند به دربار سلطان ناصرالدین قباچه و سلطان شمس الدین التمش راه یافت و پس از آن تا پایان زندگی در هندوستان بود و تا سال ۶۲۵ هـ می زیست. عوفی نویسنده بزرگی و مردی دانشمند و واعظی چیره بوده است و مؤلفات معروفی بزبان فارسی در هند فراهم کرده یکی کتاب لباب الالباب که قدیم ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانست که در حدود ۶۱۸ بیابان رسانیده و دیگر کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات که یکی از بهترین و سودمندترین کتابهای نشر فارسیست و بسا مطالب تاریخی مهم در آن هست و دیگر کتاب فرج بعد الشده تالیف قاضی ابوعلی المحسن بن علی بن محمد بن داود تنوخی متوفی در ۳۸۴ را بقاری ترجمه کرده و برخی از حکایات آنرا در جوامع

الحکایات نیز آورده است اما بازمانده آن از میان رفته است. در نثر فارسی نویسنده توانایی بوده و از اشعار وی نیز قطعاتی مانده که خود در دو کتاب خویشتن آورده است.

۴) شمس الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان سوزانی سمرقندی - یکی از بزرگان شاعران ایران بود. نسبش به سلیمان فارسی میرسید و در قریه کلاش سمرقند ولادت یافت و در بخارا دانش آموخت و همه زندگی را در نخشب و سمرقند و بخارا گذرانیده است و بشغل سوزن‌گری میپرداخته و به همین جهت سوزنی تخلص کرده است. از بزرگان شعرای دربار خاندان خانیه بشمار میرود و چندتن از شاهان این سلسله را مدح گفته است: شمس‌الملک علی بن حسین، علاءالدین محمد بن سلیمان، جلال‌الدین قدرطغان خان، ادراسلان خان بن محمد بن سلیمان، ولی بیشتر اختصاص داشته است به دربار رکن‌الدین مسعود بن حسن قلج طمغاج خان و در ضمن با سعدالملک فخرالدین مسعود بن اسعد بن محمود و نظام‌الدین محمد بن علی آل میران از وزیران این سلسله رابطه داشته است و مدایح بسیار در حق چند تن از بزرگان خاندان آل مازندران یا آل برهان که روسای حنفیان ماوراءالنهر بوده و در بخارا اقامت داشته‌اند سروده است و ازین خانواده مخصوصاً حسام‌الدین عمر بن عبدالعزیز بن مازندران و پسر وی شمس‌الدین محمد بن عمر و سیف‌الدین پسر شمس‌الدین مزبور را مدح کرده است و نیز از دور مدایحی برای اتسز خوارزمشاه و سنجر میفرستاده است و در هجا و هزل بسیار توانا بوده و درین فن مبالغه می‌کرده چنانکه اهاجی بسیار درباره معاصران خود و مخصوصاً شاعران آن زمان سروده است، اما در پایان زندگی که پیری رسیده بود ازین کار توبه کرده و قصایدی در معارف و حکم و پشیمانی از کارهای گذشته خود سروده است. سرانجام در ۸۰ سالگی در ۵۶۹ در سمرقند در گذشت و وی را در آنجا بخاک سپردند. سوزنی معروف‌ترین و زبردست‌ترین شاعر هزل‌زبان فارسیست و در هجا و هزل منتهای توانایی را داشته است. در ضمن در مدایح و غزلیات نیز شاعر توانایی بوده و سخن را فصیح و بلند میسروده است. بزبان ترکی شرقی آشنا بوده و نخستین شاعرینست که الفاظ ترکی در شعر فارسی آورده است و در ضمن کلمات بسیار از زبانهای ماوراءالنهر



در سخنان خود وارد کرده است بهمين جهت شعر او دشوارست و نسخهاى ديوانى  
وى که نزديک يازده هزار شعر دارد غلط بسيار دارد .

۵) **رضى الدين ابو جعفر محمد نيشابورى** - از شاعران زبردست اين دوره است.  
آغاز عمر را در بلخ بکسب دانش گذرانیده و چند نوبت به حج رفته و مدتى در نيشابور  
بوده ولى بيشتر در ماوراءالنهر مى زيسته و از شاگردان شرف الدين محمد بن مسعود  
مسعودى مروى بخارى حنفى دانشمند اين زمان بوده است و امام فخر الدين رازى در  
سفرى که در ۵۸۲ بماوراءالنهر کرده در بخارا وى را ديده است . وى بيشتر مداح قلج  
طمغاج خان ابراهيم بن حسين و پسرش نصره الدين قلج ارسلان خان عثمان مقتول در  
۶۰۹ بوده و چندی نيز در دربار ارسلان شاه بن طغرل سلجوقى بوده است . در پايان  
زندگى بگوشه نشينى و زهد پرداخته و در ۵۹۸ در گذشته است . وى نيز از شاعران  
بزرگ اين دوره است و شعر را فصيح و روان و پر مغز با معانى دقيق مى گفته و ديوانش  
شامل نزديک سه هزار بيت در دست است . کتابى نيز بفارسي بنام «مکارم الاخلاق» که  
بنام مجير الدين نجم بن محمد دهستانى نوشته و از کتابهاى فصيح درين رشته است  
از زمانده است .

۶) **حميد الدين محمود جوهرى مستوفى** - از کارگزاران بزرگ اين  
مخاندان در ماوراءالنهر بوده و با سوزنى معاشرت داشته است و در شعر فارسي توانا بوده  
اما از اشعار او تنها چند بيت بمانده است .



شاعران ديگرى که درين دوره در دربار ملوک خانيه ماوراءالنهر بوده اند  
بدين گونه اند :

شرف الدين ابوطاهر يهيمى بن طاهر بن عثمان عوفى جد محمد عوفى ، دهقان  
على شطرنجى سمرقندى ، شهاب الدين احمد بن مؤيد شهابى نسقى سمرقندى ، روحى  
شارستانى ، تاج الدين مسعود بن احمد بن عبدالعزيز بن مازة بخاراىى از خاندان معروف  
آل برهان يا آل مازة ، پسر وى تاج الدين عمر بن مسعود و نظام الدين محمد پسر تاج الدين  
عمر که وى نيز مانند پدر خود از روساى حنفيان ماوراءالنهر بوده است ، شهاب الدين

شهابى غزال خجندى ، فریدالدین چاچرمی ، مجدالدین محمد پاییزی نسوی ، نظام الدین محمد بن تاج الدین مسعود بخارایی ، سعدالدین بخاری سمرقندی ، مؤیدالدین نسفی ، مجد الدین محمد بن عدنان سرخکتی خال محمد عوفی که طیب حاذقی بوده و کتابی بنام تاریخ ترکستان داشته است ، قطب الدین سرخسی ، علاءالدین اوزجندی ، بهاء الدین محمد بن علی بن محمد ظهیری سمرقندی مؤلف سندباد نامه و اعراض السیاسه فی اعراض الریاسه و سمع الظهیر فی جمع الظهیر ، ظهیر الدین ولی نسوی ، صفی الدین عراقی ، ضیاء الدین دوغ آبادی ، شهاب الدین محمد نسفی ، شرف الدین محمد بن ابوبکر نسفی ، حسام الامه ، شمس الدین ولوالجی ، شمس الدین محمد بن علی کاشانی ، شمس الدین منصور بن محمد اوزجندی صدر الشریعه ، شمس الدین داعی حسینی نسفی ، شمس الدین باقلانی بلخی ، سعد الدین اسعد بن شهاب بخارایی ، رشید الدین محمد بن محمود بن مسعود اسفزاری ، رکن الدین مسعود بن محمد امامزاده ، روحی سمرقندی ، شمس الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مرورودی ، حمید الدین بخارایی ، جنتی بیای نخشیی ماوراء النهری که ازهریک ازیشان چند بیتى بما رسیده است .

عده دیگر شاعرانی در همین زمان در ماوراءالنهر بوده اند که از ایشان شعری بما نرسیده است و نامهای ایشان بدین گونه است : پسر اسفراینی ، پسر درغوش ، پسر تیشه ، سفندی ، علی سپهری ، علی بانیدی ، گلابی ، لؤلؤی ، نجیبی فرغانی ، نجار ساغرجی ، پسر خم خانه ، ملیح سرپلی بخارایی ، مسعود یا قوتی جولاهه ، جمالنی ، نظامی سامانی نیشابوری ، دهقان عمید کاسی ، قوامی ، جوهری ، مقبل الدین ، حنایی ، نشاطی .

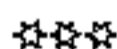
۲ - شعراى عراق و آذربایجان - در قرن ششم بیشتر شاعران بزرگ و نامی در عراق و آذربایجان زیسته اند و روش مخصوصی درین دوره در میان ایشان پدیدار شده است که آنرا سبک شعراى عراق نامیده اند و واسطه میان سبک خراسان و سبک شعراى هندوستانست بدین معنی که شعر فارسی نخست از سبک خراسانی بسبک عراقی بدل شده و از سبک عراقی بسبک هندی رفته است و پایه سبک هندی و بیشتر از خصوصیات آن نخست در گفتار برخی از شاعران عراق مخصوصاً کمال الدین اسمعیل

اصفهانى و كمال الدين خجندى و فخرالدين عراقى و شمس الدين حافظ گذاشته شده و اين روش را بايد سبك ناتوراليسم ايران دانست . درين روش شاعران بيشتر بمعانى دقيق و موشكافى پرداخته اند و تشبيهات نوين بكار برده اند .

(۱) شعراى عراق و فارس - شهرى و شهر اصفهان در زمان سلجوقيان در قرن ششم بمنتهى وسعت و آبادانى خود رسيد و دانشمندان بزرگ درين دوره كز ايران گرد آمدند . پادشاهان سلجوقى كه درين نواحى فرمانروايى داشتند پيروى دانشمندان و اديبان رغبت مى كردند و خاندانهاى ديگر كه درين دو شهر رياست داشته اند مخصوصاً خاندان صاعديان پيشواى حنفيان و خاندان خجنديان پيشواى شافعيان در اصفهان از تربيت دانشمندان کوتاهى نكرده اند . در فارس اتايبگان سلغرى نيز در حدود خود از هر گونه دستياري کوتاهى نورديده اند . اين سلسله در سال ۵۴۳ بدست اتايبك مظفرالدين سنقر بن مودود سلغرى تاسيس شد و تا سال ۶۶۴ در فارس با استقلال حكمرانى كرد . از پادشاهان اين خاندان اتايبك مظفرالدين سنقر بن مودود (۵۴۳-۵۵۶) و اتايبك ابوشجاع سعد بن زنگى (۵۹۹-۶۲۸) خود بزبان فارسى شعر سروده اند و گروهى از شاعران ازیشان برخوردار شده اند . بهمين جهات است كه در قرن ششم در عراق و فارس شاعران بزرگ بوده اند ، بدين گونه :

(۱) جمال الدين ابو محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانى معروف بجمال الدين عبدالرزاق بزرگ ترين شاعر عراق در قرن ششم بود . در اصفهان ولادت يافت و همه عمر خویش را در آن شهر گذراند و از جوانى بسخن سرايى آغاز كرد و از شاعران مخصوص خاندان صاعديان بود و در كنالدين ابوالعلاء سعد بن مسعود را مدح مى گفته و در ضمن مدايحى بنام ملك مازندران حسام الدين اردشير بن حسن (۶۰۲-۵۶۷) سروده است و اين مدايح را از دور بنام اومى ساخته و همى فرستاده است و نيز ملكشاه بن محمود و سليمان شاه بن محمد و ارسلان شاه بن طغرل بن ارسلان پادشاهان سلجوقى را مدح گفته است و سرانجام در اصفهان در ۵۸۰ در گذشت . جمال الدين يكى از شاعران بزرگ ايران است و قصايدغرا دارد كه بر روش خاصى كه هم سبك عنصرى و هم سبك مسعود سعد بن سلمان در آن پديدارست سروده و مخصوصاً قصايد بسيار بلند در

نصایح و معارف دارد و دیوان وی شامل هشت هزار بیت بدست .  
 (۲) شرف الدین عبدالمؤمن محمد بن فضل الله بن هبة الله بن محمد بن هبة الله بن حمزه شفروه اصفهانی، از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه بمناسبت نام جدشان بشفروه معروف بوده اند و این کلمه مرکب از دو جزء است و جزء دوم آن از «به» گرفته شده مانند روزبه و خرداذبه و دادبه و نظایر آن، از خاندان وی مردان دانشمند بسیار برخاسته اند که در اصفهان و قزوین و شیراز معروف بوده اند و تا قرن هفتم زیسته اند. وی از بزرگان ادبای روزگار خویش بوده و در زبان فارسی و عربی دست داشته است. نخست مدح پادشاهان سلجوقی گفته و پس از انقراض این خاندان بمداحی اتابیکان آذربایجان پرداخته است چنانکه مدایحی بنام ارسال بن طغرل و طغرل ابن ارسال و اتابک جهان پهلوان و پسرش قزل ارسال دارد و در ضمن واعظی معروف و ادیبی مشهور بوده است از جمله مؤلفات وی بزبان تازی کنایست ادبی و معروف بنام «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب» که بسیاق کتاب معروف «اطواق الذهب فی المواعظ و الخطب» تألیف جابر الله ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر زرخشری خوارزمی معتزلی (۴۶۷-۵۳۸) نوشته است و این کتاب که بزبان منشیانه فصیح نوشته شده قدرت وی را درین زبان مسلم می کند و دیوان اشعار وی شامل هشت هزار بیت باقیست .



ازین دو شاعر بزرگ که بگذریم در قرن ششم در عراق و فارس شاعران دیگر بوده اند بدین گونه : مجدالدین ابوالمجد عبد اللطیف بن هبة الله بن شفروه اصفهانی و عزالدین شفروه از همان خانواده شرف الدین شفروه و نظیر الدین عبدالله شفروه پسر عم او، زنگی شیرازی، جمال الدین علوی کازرونی، امیر سناء الدین ارقم فارسی، قاضی فخرالدین دمراچی، کمال الدین زیاده تهرانی، علاء الدین خوارزی، جمال الدین محمود خجندی و صدرالدین عبد اللطیف بن محمد بن ثابت خجندی مقتول در ۵۲۳ که هر دو از طایفه معروف خجندیان و پیشوایان شافعیان اصفهان بوده اند، شرف الدین فضل الله قزوینی مؤلف تاریخ منجم که ذکرش خواهد آمد، رضی الدین خشاب، یافعی شافعی، بدرالدین فارسی، بدرالدین کرمانی، حمیدالدین کازرونی، جمال نقاش اصفهانی

که برخی وی را با جمال‌الدین عبدالرزاق اشتباه کرده‌اند، جمال‌الدین ابهری قزوینی، جلال‌الدین فضل‌الله خواری و ازهریک از ایشان ایبائی مانده است. دانشمندی معروف این زمان اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری که مؤلفات معروف بفارسی و عربی دارد و ذکرش خواهد آمد نیز بزبان فارسی شعر گفته است.

۲- شعراى آذربایجان - در قرن ششم عدده کثیر شاعران بزرگ در آذربایجان زیسته‌اند و بیشتر بزرگان سرایندگان ایران درین ناحیه بوده‌اند. اتابیک ایلدگز که از غلامان مسعود سلجوقی بود حکمران آذربایجان شد و پس از چند سال استقلال یافت و چون در ۵۶۸ مرد پادشاهی آن دیار را برای فرزندان خود گذاشت و ایشان از ناتوانی سلجوقیان بهره‌مند شدند و برخی از نواحی را که جزو قلمرو آل سلجوق بود گرفتند و تا سال ۶۲۲ فرمانروایی داشتند و چون در بار ایشان با آداب دربار سلجوقی تشکیل یافته بود در ترویج زبان فارسی کوتاهی نکردند و بهمین سبب بیشتر شاعران معروف قرن ششم ایران چه در آذربایجان و چه در عراق از ایشان بهره‌مند شده‌اند بدین گونه :

۱- ابو بدیل افضل‌الدین ابراهیم بن ابوالحسن علی بن عثمان خاقانی شروانی، یکی از معروفترین شاعران درجه دوم ایرانست. در شهر شروان در حدود ۵۲۵ متولد شد و پدرش چهارمادرش از ترسایان نستوری بود که مسلمانان با سارت آورده بودند. پس از مرگ پدر چندی از دسترنج مادر می‌زیست و عمش کافی‌الدین عمر بن عثمان از او نگاهداری می‌کرد و بکسب دانش می‌پرداخت. در همان زمان بشاگردی ابوالعلائی گنجوی آغاز کرد و بشاعری پرداخت و نخست حقایقی تخلص کرد. در همین اوان بدر بار خاقان منوچهر شروانشاه که در حدود ۵۵۰ پادشاهی می‌کرده است راه یافت و در سلسله ستایش-گران دربار او پذیرفته شد و بهمین جهت خاقانی تخلص کرد. پس از مرگ وی نزد پسرش ابوالمظفر جلال‌الدین اخستان ماند و درین زمان دوبار بحج رفت و چون بار سوم اندیشه حج کرد و اخستان اجازه نمیداد از شروان گریخت، اما کسان خاقان وی را گرفتند و بند کردند و مدتی در زندان بود تا آنکه بشعاعیت سیف‌رروم رهایی یافت.

پس از آن از خدمت ممدوح خود کناره گرفت و بسفر حجاز رفت. وقتى نیز آهنگبرى و اصفهان و خراسان داشت اما بآنجا نرفته است. سرانجام در ۵۸۲ در تبریز درگذشت و در مقبرة الشعرا در محله سرخاب وی را بخاک سپردند. خاقانى یکی از دانشمندان زمان خویش بوده و بهمین جهت در شعر خود بمطالب علمى رایج آن زمان را بسیار آورده و ناچار شعروى از آن روانى و سادگى گفتار معاصرانش دور شده و فهم آن بر کسانی که از آن مطالب آگاه نباشند دشوار است. اما هر جا که گرد فضایل و معلومات نگشته و نخواسته است دعوى دانش بکند سخن روان و در منتهای فصاحت و شیوایی سروده است. وی در زمان خویش بسیار معروف بوده چنانکه بارشیدالدین و طواط شاعر معروف در بار خوارزمشاهان مشاعره داشته است. دیوان وی شامل بیست هزار بیت در دست است و گاهی اشعارى بزبان تازى هم گفته است. بجز آن مثنوى معروفى دارد بنام تحفة الخواطر و زبدة الضمائر معروف بتحفة العراقین که پس از بازگشت از سفر حج در شروان در حدود سال ۵۵۰ در شش مقاله سروده و خود دو مقدمه بنثر بر آن نوشته و شامل سه هزار بیت است و در هندوستان چند شرح بر آن نوشته اند یکی شرح مولوى ابوالحسن، دیگر شرح مولوى کریم الدین، سوم شرح مولوى عبدالبارى و چهارم شرح میر محمد اسمعیل خان ابجدى ملك الشعراى دربار و الاجاهى مدراس. برخى مکاتیب فارسى نیز از خاقانى مانده است و نیز شرحى بر قصاید و مقطعات او نوشته اند.

۲ - نظام! الدین الیاس بن یوسف بن زکى بن مؤید نظامى گنجوى، یکی از معروفترین شاعران زبان فارسىست و برخى وی را از تراز اول دانسته اند. در شهر گنجه در سرزمین ایران که اکنون از شهرهای آذربایجان شورویست و بکیرف آباد معروف شده است در حدود سال ۵۴۰ ولادت یافته و ظاهراً همه زندگی خود را در آن شهر گذرانده و تنها گاهی با طرف سفرهای کوتاه کرده است. اینکه برخى خاندان وی را از توابع قم و از روستای «تا» نزدیک تفرش دانسته اند درست نیست. شاید سفرى به حج کرده باشد و روابطى که با پادشاهان عصر خود داشته از دور بوده است. در اواسط زندگی بنظم مثنوى آغاز کرده است و بیش از ۴۵ سال مشغول نظم پنج مثنوى معروف

## شعراى قرن ششم تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی

خود بوده که پس از مرگ وی آنها را در مجلدی گرد آورده و بنام خمسه یا پنج گنج انتشار داده اند بدین گونه که در ۵۵۲ مخزن الاسرار را بنام ملك فخر الدین بهرام شاه حکمران اردنجان در ۲۴۰۰ بیت پایان رسانیده است. در ۵۷۶ بنظم خسر و شیرین آغاز کرده است نخست آنرا بخواش طغرل بن ارسلان سلجوقی آغاز کرده و چون درین ضمن وی در گذشته بودمی خواسته است بنام اتایک نصر الدین ابوبکر محمد پایان برساند و چون وی نیز در گذشته است پس از ۵۸۷ که آنرا پایان رسانیده بنام قرل ارسلان کرده است و این منظومه دارای ۷۷۰۰ بیت است. پس از آن لیلی و مجنون را در سال ۵۸۴ شامل ۵۱۰۰ بیت بنام خاقان ابوالمظفر اخستان شروانشاه و پسرش محمد پایان رسانیده است. سپس بهرام نامه یاهفت گنبد یاهفت پیکر را بنام علاء الدین کرب ارسلان آقسنقری چهار ساعت از روز رفته چهاردهم رمضان ۵۹۳ در ۵۶۰۰ بیت تمام کرده است. سپس بنظم اسکندر نامه شامل دو قسمت بنام شرف نامه و اقبال نامه آغاز کرده است. شرف نامه یا عقب نامه را که در هندوستان بنام اسکندر نامه بری معروف شده است در ۵۹۷ بنام جهان پهلوان نصره الدین مسعود بن اخستان پایان رسیده است. اقبال نامه نامه رانیز پس از آن بنام همان پادشاه پایان رسانیده و تاریخ اتمام آن معلوم نیست و در هندوستان بنام سکندر نامه بحری معروف شده است. در شرف نامه ذکرى از پادشاهی که عزالدین لقب داشته نیز هست و او را عزالدین مسعود اتایک موصل دانسته اند و نیز برخی نصره الدین ممدوح نظامی را درین کتاب نصره الدین ابوبکر پیشکین اتایک آذربایجان گفته اند. شرف نامه روی هم رفته ۷۱۰۰ بیت و اقبال نامه ۳۷۰۰ بیت دارد و مجموع اشعار نظامی در خمسه نزدیک ۳۱۶۰۰ بیت است. برخی ویس و رامین فخر الدین اسعد گرگانی را که ذکرش گذشت بخط بنظامی نسبت داده اند و نیز داستان امیر احمد و مهستی را که در آغاز قرن هفتم نوشته شده است بخط ازو دانسته اند. در تاریخ رحلت نظامی اختلاف بسیار است و در ۵۷۶ و ۵۹۲ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۲ و ۶۰۶ نوشته اند و برخی پس از آن گفته اند اما آنچه درست ترمی نماید سال ۵۹۸ است که اندکی پس از اتمام نظم اقبال نامه در گذشته است و

قرآینی هست که پس از مرگ خاقانی رحلت کرده باشد. مزار وی در بیرون شهر گنجه هنوز باقیست و از زمانهای قدیم معروف بوده است. دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات وی نیز شامل ۱۶۰۰ بیت است در دست است. نظامی در شعر از بزرگان ایران بشمارست و در فن خود که نظم داستانهای مختلف از روی روایات است که پیش از او ترتیب داده اند بر گروه بسیاری از شاعران ایران و هندوستان که از وی پیروی کرده اند برتری مسلم دارد. منتهی گاهی ترکیبات و تلفیقاتی در سخن خود آورده که مخصوص باوست و سخن سرایان پیش از وی بکار نبرده اند. در قصاید و غزلیات نیز سبک خاص بخود دارد که گاهی آمیخته بتصایح و معارفست و پیدا است که مردی دانشمند بوده است. در مخزن الاسرار خواسته است پیروی از شاعران متصوف پیش از خود بکند اما در آثار دیگر که پس از آن سروده دست ازین کار کشیده است.

۳- نجم الدین ابوالنظام محمد فلکی شروانی، در شهر شماخی در ناحیه شروان ولادت یافته و معاصر با خاقانی و نظامی بوده و با خاقانی روابط داشته است. همه عمر خویش را در دیار خود گذرانیده و بیشتر مداح ابوالهیجا شروان شاه منوچهر بن فریدون یکی از معدود حان خاقانی بوده و نیز در زمانی که گرجیان بر آن ناحیه دست یافته بودند مدایحی بنام طامار ملکه گرجستان (۵۸۰ - ۶۱۳) و دیمتری پسر داود مؤسس سلسله بقراتیان سروده است. سرانجام در سال ۵۷۷ در شماخی در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده اند. فلکی در علم نجوم دست داشته و بهمین جهت فلکی تخلص کرده و از بزرگان شاعران آذربایجان بوده و روش خاصی در شعر داشته است که معانی دقیق در آن بسیار بکار برده است. دیوان وی شامل سه هزار بیت باقیست.

۴- ظهیر الدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی، اصلاً از مردم فاریاب نیشابور بود و در جوانی با آذربایجان رفت و بدربار اتابکان آن سرزمین پیوست و همه عمر خود را در آنجا گذرانید و اتابک ایلدگوز محمد جهان پهلوان را مدح گفته و در ضمن سفری باصفهان کرده و با آذربایجان باز گشته و سرانجام در تبریز در ۵۹۸ در گذشته و در مقبره الشعراى سرخاب مدفون شده است. وی کاعلا سبک شاعران عراق و با اصول ناتوالیسم سخن می گفته و این روش در سخنان وی آشکارتر از دیگرانست و معنایی



دقیق و مبالغات شاعرانه را گاهی بعد کمال رسانیده است. دیوان او شامل هفت هزار بیت در دست است.

۵ - اثیرالدین اخیسکتی تورانی، از مردم شهر اخیسکت در سرزمین فرغانه بود. در آغاز زندگی بمهستان رفت و مدتی مداح پادشاهان آن دیار بود. سپس بدربار سلجوقیان در عراق راه یافت و مداح ارسلان بن طغرل سلجوقی شد و در ضمن از امیر سید فخرالدین علاءالدوله عربشاه رئیس همدان که خواهرش فاطمه همسر ارسلان بن طغرل بوده مدح گفته است و سپس باذربایجان رفت و ستایشگر اتابک ایلام گز و قزل ارسلان شد و سرانجام در خلخال درگذشت. در گذشت وی را در سالهای ۵۶۳ و ۵۷۷ و ۵۷۹ و ۵۸۰ نوشته اند و این گفته اخیر رجحان دارد. اثیر از میان شاعران عراق بیش از همه درین روش مبالغه کرده و بهمین جهت شعروى دشوارتر از دیگران شده و معانی دقیق در گفته او بیشتر است. دیوان وی شامل ۶۵۰۰ بیت باقیست.

۶ - مجیرالدین بیلقانی از مردم بیلقان شهری در جنوب شرقی شهر شوشی کنونی در سرزمین اران بوده که اینک ویرانه‌ای از آن بنام «بیلقان میلار» در آذربایجان شوروی باقیست. در آغاز زندگی بشروان رفته و مداح شروانشاهان بوده است. سپس مدتی از شاعران دربار ارسلان بن طغرل سلجوقی بوده و عاقبت باتابیکان آذربایجان پیوسته و اتابک جهان پهلوان و قزل ارسلان و ابوبکر بن محمد را مدح گفته است و چندی از سوی ایشان در اصفهان جزو کار گزاران دیوان بوده و با شاعران اصفهان مهاجرات داشته و سرانجام بتیریز بازگشته و در آنجا بسال ۵۹۴ درگذشته و در مقبره الشعرا مدفون شده است. مجیر بیلقانی در عصر خود در شاعری منتهای شهرت را داشته و کاملترین نمونه سبک شعراى عراق از زمانده است. بهمین جهت مضامین او از مضامین ظهیر فاریابی دقیق تر و مضامین اثیر اخیسکتی نزدیکتر از دیگرانست. دیوانش شامل پنج هزار بیت در دست است.

۷ - نظامالدین ابوالعلاى آنجوى، قدیم ترین شاعر آذربایجان در قرن ششم و استاد خاقانی بوده اما میان وی و خاقانی کدورتی روی داده است. در زمان ابوالهیجا منوچهر شروانشاه بر شعراى دیگر برتری داشت و خاقانی راوی بدربار شروانشاهان

راه داده است و شاعران آذربایجان همه از او درس سخن بیروی کرده اند و از اشعار او اندکی به ما رسیده است .

۸ - **فخرالدین قوامی مطرزی گنجوی** که برخی وی را به خطا برادر نظامی دانسته و نیز با قوامی رازی که ذکرش گذشت اشتباه کرده و گفته اند ناخواسته است . از شاعران دربار اتابک قزل ارسلان بوده و در سرودن اشعار مصنوع بیشتر مهارت داشته و قصیده مصنوع او بهترین اشعار است که بدین روش سروده شده و آنرا برشید و طواط نیز نسبت داده اند اما بعید است که از رشید و طواط بوده باشد و بجز آن از اشعار وی اندکی مانده است .

۹ - **امیرالدین مسعود مهندس نخبجویانی** ، از شاعران و منجمان این دوره است که از احوال وی جزین اطلاعی نیست که در قران ستارگان در سال ۵۸۲ در درباره محمد بن ایلدگزمی زیسته و از شعر او جز یک رباعی که در همین واقعه سروده چیزی به دست نیست .

گذشته ازین شاعران معروف چندتن شاعر دیگر در آذربایجان درین زمان زیسته اند بدین گونه : **مغیثی گنجوی** ، **محمد خلیل** ، **کمال الدین مراغی** ، **عزالدین شروانی** ، **خطیب گنجه** که ظاهراً پدر همان امیر احمد ابن خطیب گنجوی بوده است ، **اقطع الدین بیلقانی** و **ازهریک ازیشان** چند بیتی مانده است .

۳ - **عرفا و علما** قرق ششم ایران بکثرت عرفا و مشایخ بزرگ در تاریخ ایران امتیاز خاصی دارد و مشایخ بسیاری درین زمان می زیسته اند که بنظم و نشر آثار بزرگ از خود گذاشته اند ، چندتن از علمای معروف این قرن نیز بزبان فارسی شعر گفته اند :

۱ - **شیخ الاسلام ابونصر احمد بن ابوالحسن نامقی جامی معروف باحمد** ژنده پیل یا احمد جام از بزرگان مشایخ ایران بود و در سال ۴۴۱ در قریه نامق یا نامه از توابع جام ولادت یافت و در سن بیست و دو سالگی در کسوت تصوف در آمد و بارشاد مردم پرداخت و جمع کثیری از مردم روزگار را بطریقه خود هدایت کرد بهمین

جهت از بزرگترین مشایخ ایران بشمارست و مقام بسیار رفیعی دارد. عاقبت در سال ۵۳۶ بسن ۹۵ سالگی در همان دیار خود رحلت کرده و مزار وی هم اکنون در همان ناحیه که امروز باسم تربت خوانند می شود برپاست و زیارتگاهست و بهمین جهت آن محل را تربت شیخ جسام می خوانند. احمد جسام در نظم و نثر پارسی مهارت کامل داشته و چند تألیف از وی مانده است یکی رساله سراج السایرین که در سال ۵۰۳ تألیف کرده و دیوان شعری شامل سه هزار بیت بدست است و دو مثنوی از او باقیست یکی باسم محبت نامه و دیگری باسم سوز و گداز و دیگر از مؤلفات اوست: اعتقادات، انیس المذنبین، انیس التائبین، بحار الحقیقه، تذکیرات، روضه المذنبین که در ۵۲۶ بنام سنجز نوشته است، رساله سمرقندیه، زهدیات، فتوح الروح، کنوز الحکمه، مفتاح النجاة و ابوالمکارم بن علاء الملک از باز ماندگانش کتابی در مناقب او باسم خلاصة المناقب نوشته و سدیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی کتاب دیگری در مقامات وی نوشته است و بهاءالدین جامی از باز ماندگان وی ساکن شیراز مقامات او را نظم کرده است.

۲ - ابو محمد روز بهان بن ابی نصر بقلی فسوی شیرازی معروف بشطاح و یاشطاح فارس از مردم فسای فارس و از بزرگان عرفای عصر خود بود و در شهر شیراز نفوذ بسیار داشت و در جامع عتیق آن شهر وعظ می کرد و در ضمن سفرهای بسیار کرده است و عاقبت در نیمه محرم ۶۰۶ در شیراز در گذشت و قبرش هم اکنون زیارتگاهست. روز بهان در نظم و نثر فارسی توانایی بسیار داشته، از شعر او اندکی باقیست ولی چند کتاب بفارسی و عربی از تألیفات او مانده است از آن جمله لطایف الیغان در تفسیر، مشرب الارواح، منطلق الاسرار، تفسیر عرایس بعربی، کتاب الانوار فی کشف الاسرار، صفوالمشارب فی العشق، رساله شطیحات بفارسی و عربی، کتاب قدسیه که هر یک از آنها در حد خود از کتابهای مهم تصوفست.

۳ شمس الدین محمد بن طغان کرمانی از بزرگان عرفای قرن ششم خراسان بود و درهرات در خانقاه سلطانی معتکف بود و پیشوای صوفیان عصر بشمار می رفت و کتب چند در فن خود تألیف کرده و منظومه ای در تصوف سروده است و از شعرا و جز اندکی باقی نمانده است.

۴) شهاب الدین ابوالفتح یحیی بن حبیب بن امیرک سهروردی معروف بشهاب الدین مقتول و شیخ اشراق یکی از بزرگترین علمای قرن ششم بود، در سهرورد از توابع زنجان ولادت یافت و در پی دانش سفرهای بسیار کرد و در علوم ادب و صرف و نحو و اشتقاق و لغت و منطق و معانی و بیان و کلام و تصوف و حکمت یگانه روزگار خود بود، پس از سفرهای بسیار در شهر حلب اقامت کرد و بترویج عقاید خاص خود پرداخت بهمین جهت مردم شهر دودسته شدند و گروهی باختلاف برخاستند و عاقبت دشمنان او چیره شدند و وی را در سال ۵۸۷ هـ کشتند و درین زمان در عنفوان جوانی بود. شهاب الدین مقتول مبتکر حکمت اشراق در فلسفه است و این طریقه را وی بنانهاده و اولین کسیست که در میان حکمت یونان و تصوف ایران تألیف کرده است و بهمین جهت در عصر خویش مخالف بسیار داشت ولی بعدها طریقه وی در میان دانشمندان اسلام رواج تام گرفت، وی را بزبان عرب تألیفات بسیارست که از معتبرترین کتب حکمت بشمار می رود مانند حکمت اشراق و هیاکل النور و مظاهرات و تلویحات و شرح اشارات و اعتقاد الحکماء و الواح العمادیه و بارقات الالهیه و کتاب البروج و بوستان القلوب و کتاب البصیره و تنقیحات در اصول و دعوات الکو اکب و رمز الوحی و صندوق العمل و طوراق الانوار و رساله العشق و الغریبه الغریبه و لمحات و لوامع الانوار و کتاب المعارج و کتاب المقارومات و النغمات السماویه و النفعات فی الاصول الکلیه در تصوف و غیره، در زبان فارسی نیز قدرت بسیار داشته و در نظم و نثر توانا بوده و چند رساله در حکمت و تصوف بفارسی نوشته: مبدأ و معاد، آواز پر جبرئیل، صغیر سیمرغ، هیاکل فارسیه، یزدان شناخت و از شعر فارسی او اندکی بما رسیده

۵) عبدالخالق بن عبدالجلیل غجدوانی از مردم غجدوان دهی در شش فرسنگی بخارا و از مشایخ بزرگ سلسله نقشبندیه بود و پدرش عبدالجلیل امام از دانشمندان ساکن ملاحظیه روم و از اولاد مالک بن انس بود و بما وراء النهر رفت و وی در ملاحظیه بیجهان آمد و با پدر بدانجا رفت و از خلفای چهارگانه خواجه ابو یعقوب یوسف بن ایوب همدانی بشمار می رفت. همواره در دیار خود زیسته و در آنجا بسال ۶۱۷ در گذشته است و در

نظم و نثر فارسی مهارت داشته و بعضی کتب در تصوف و در طریقه خود تألیف کرده از آن جمله است رساله صاحبیه که در مقامات مرشد خود ابو یعقوب یوسف همدانی نوشته و رساله طریقت و از شعرا و چند بیت مانده است و کتابی بقسارسی در مقامات او نوشته اند .

۶) ضیاء الدین ابوالفضایل عبداللہ بن محمد میا نجفی همدانی ملقب بعین القضاة از بزرگان عرفای قرن ششم بود . اصلاً از مردم میانج آذربایجان بوده ولی همواره در همدان زیسته است و در زمانی که احمد غزالی در همدان بود دبوی ارادت و در زید و در سلك عرفا در آمده است و عمر خویش را بقضاوت و تدریس می گذرانده تا اینکه وی را بکفر متهم کردند و قوام الدین ابوالقاسم بن ناصر الدین حسن بن مظفر درگزینی وزیر سلطان سنجر فرمان داد تا وی را پوست کنند و بر در مدرسه ای که در همدان در آنجا درس میگفت آویختند ، این واقعه در سال ۵۳۳ روی داد . عین القضاة را تالیفات چند در تصوف بزبان فارسیست از آن جمله کتاب زبدة الحقایق معروف بتمهیدات و کتاب لوايح و کتاب تبیینات و یزدان شناخت و رساله جمالی در میان نسبت انبیا و قرآن و مکاتیب یا مکتوبات که همه را بفارسی فصیح و استادانه نوشته و احمد غزالی رساله سوانح فی معانی العشق و تازیانه سلوک را بخواش وی پرداخته است و در شعر فارسی و عربی نیز دست داشته است و بعضی از رباعیات از وی مانده که عده ای از آن ها را در کتاب زبدة الحقایق خود نقل کرده است . از مؤلفات او بزبان تازیست : شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان ، قری العاشی الی معرفة العوران و الاعاشی ، المتقلد من التصریف ، امالی الاشتیاق فی لیالی الفراق ، منیة الحیسوب فی عمل حساب الهندسی ، غایة البحت عن معنی البعث فی النبوه و ما یعلق بها ، صولة البازل الامون علی ابن اللبون ، نزهة العشاق و نهضة المشتاق ، المدخل الی العربیه و ریاضت علومها الادبیه ، تفسیر حقائق القرآن .

۷) عزیز الدین بن محمد نسفی نیز از بزرگان عرفای قرن ششم ایران و مرید سعد الدین حموی بوده و در زمان جلال الدین خوارزمشاه و در فتنه مغول نیز زیسته است و از سپاهیان مغول از خراسان و ماوراءالنهر بفارس گریخت و در ابرقوه ساکن شد و در

آن جا بسال ۶۱۶ رحلت کرد و او را نیز بزبان فارسى فصیح مؤلفات چندست از آن جمله منازل السائرین و مقصد اقصی و کشف الحقایق و اصول و فروع و رساله‌ای در ترقی روح انسانی و رساله‌مبدأ و معاد که خلاصه‌ای از آن با اسم زبدة الحقایق پرداخته است و درین کتابها منتهای قدرت خود را در نثر فارسى ظاهر کرده و بعضی اشعار خود را آورده است .

۸) امام فخرالدین ابو عبدالله عمر بن حسین قرشى بکری رازی معروف با امام فخر رازی و ابن خطیب و ملقب با امام المشککین، اصل وی از طبرستان بود و در شهری در ۲۵ رمضان ۵۴۴ متولد شد و خاندان وی همه از دانشمندان زمانه بوده‌اند. نخست نزد پدر خود بتحصیل علوم پرداخت و پس از مرگ او نزد مجدالدین گیلانی که از حکمای معروف عصر بود شاگردی کرد و با وی سفری بمراغه رفت و چون بعراق بازگشت از معارف دانشمندان عصر خود شد و پادشاهان خوارزمشاهی بوی حرمت بسیار کردند و او را نزد خود خواندند و مدتی مدید در خراسان و خوارزم اقامت کرد و چندی نیز در ماوراءالنهر بود و مجموعه مناظراتی را که در ۵۸۲ در بخارا کرده خود در کتابی گرد آورده است و بعضی از مؤلفات خود در خوارزم بنام پادشاهان این سلسله پرداخته است و در سال ۵۹۵ که در هرات اقامت داشت با کرامیه هرات مخالف و رزید و فتنه شدیدی در هرات برپا شد و بیشتر در دربار سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه زیسته است تا اینکه عاقبت در هرات روز دوشنبه عید فطر سال ۶۰۶ بسن ۶۲ سالگی رحلت کرد و در کوهی نزدیک قریه مزداخان از قرای هرات مدفون شد و مزار وی اکنون هم در آن ناحیه معروف و زیارتگاه است . امام رازی از بزرگان علمای ایرانست و در عصر خویش بمنتهی درجه شهرت بود و در تمام علوم متداول زمان دست داشته و تالیفات مهم در هر فنی کرده است ، مؤلفات وی بزبان عربی هریک در حد خود معروفترین کتاب فنست از آن جمله سرالمکتوم فی مخاطبة النجوم ، شرح اشارات ، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین ، رساله فی کیفیت حدوث الحروف ، رساله فی کیفیت المعاد ، رساله فی بیان ان النفوس هل هی متحدة فی الماهية والحقیقه ، مفاتیح الغیب معروف بتفسیر کبیر ، کتاب المحصول ، اختیارات سماویه ، کتاب الهندسه ، مصادرات اقلیدس ، کتاب

فى الرمل ، احكام الاحكام ، مباحث العماديه فى مطالب العماديه ، مباحث المشرقيه ، مطالب العالميه ، معالم فى الاصول ، معالم فى الكلام ، تفسير فاتحه ، تهذيب الدلائل ، حدايق الانوار فى حقايق الاسرار ، خمسين فى احوال الدين ، رساله الكامله ، تحصيل الحق فى الكلام ، لواضع الينيات ، محصل فى اصول الفقه ، احكام العلاميه فى اعلام السماويه ، رساله فى الاخلاق نهايه العقول ، منطق الكبير ، برهان فى قرائة القرآن ، بحر الانساب ، اسرار التنزيل ، انموذج العلوم ، اساس التقديس ، المحصول فى علم الاصول ، الاربعين فى اصول الدين ، نهايه الايجاز ، نهايه العقول ، القضاء والقدر ، الخلق والبعث ، القراسه ، البيان و البرهان ، الملخص فى الحكمة ، المسائل الخمسون ، رساله النفس ، رساله النبوات ، شرح سقط الزند ، مناقب الامام شافعى ، شرح اسماء الله الحسنی ، لباب الاشارات ، گذشته اذین کتابها ورسایل معروف که عربی پرداخته بزبان فارسی نیز مؤلفات بسیار دارد ، از آن جمله : اختیارات العلامیه فى احکام السماویه ، تعجیز الفلاسفه ، جامع العلوم معروف بستینی ، لطایف غیاتی ترجمه اسرار التنزیل . امام فخر رازی در شعر فارسی نیز استاد بوده و بعضی از مقطعات و رباعیات او بما رسیده است .

۹) فریدالدین بن جمال الدین سلمان دهلوی معروف بشکر گنج یا گنج شکر از معارف عرفای قرن ششم بود و از مشایخ بزرگ سلسله چشتیه بشمارست و از مریدان خواجه قطب الدین بختیار کاکی بود که سلسله ایشان با ابراهیم ادهم منبوی وند وى از نژاد فرخ شاه کابلی بوده و در قصبه کپتر بوال نزدیک مولتان ولادت یافته و از آنجا با قطب الدین بختیار دهلوی رفت و از آن پس در دهلوی میزیست تا در روز شنبه ۵ محرم سال ۶۰۸ ذر پنجاه رحلت کرد و همانجا مدفون شد و شیخ نظام الدین اولیا از مریدان وی بوده است ، فریدالدین شکر گنج شعراى فارسى را نیکومى سروده و بعضی رباعیات از و باقیست و نیز کتابی بنام راحة القلوب دارد .

۱۰) ابو حامد فریدالدین محمد بن ابی بکر ابراهیم بن مصطفی بن شعبان عطار نیشابوری از بزرگان عرفای ایران بود ، نسبت وی بابو ذرغفاری می رسد و بقول ضعیفی در ۶ شعبان ۵۱۳ در قریه کدکن از توابع نیشابور متولد شده و بیشتر عمر خود را در شهر نیشابور گذرانده و بعطاری و دوا فروشی و طبابت مشغول بوده است . گویند

در اوایل عمر چندی در شهر مشهد زندگی کرده و سپس مرقد هر دو ازده امام را زیارت کرده و مدتی در مکه معتکف بوده و کوفه و ری و خراسان و سواحل جیحون و سیحون را سیاحت کرده و از راه چین و ختا بترکستان و هندوستان رفته و عاقبت بنیشابور باز گشته و تا آخر عمر در آنجا مقیم بوده است و در اواخر عمر منزوی بوده و اوقات را بجمع آثار عرفا و تألیف و نظم اشعار می گذرانده است، در باب رحلت وی اختلاف بسیار است و یازده قول مختلف در کتابها میتوان یافت: ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۷، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۳۳ بر کتیبه ای که درین زمان بر سر قبر وی در نیشابور باقیست و در زمان سلطان حسین بایقرا بفرمان علیشیر نوایی ساخته شده تاریخ رحلت وی را ۵۸۶ نوشته اند و ظاهراً این قول معتبرترین اقوال نیست و گویا درست ترین تاریخ ۱۰ جمادی الاولی ۶۱۸ باشد. عطار را بزبان فارسی آثار بسیار است و بعضی آثار نیز بنام وی شهرت دارد که تردیدست ازو باشد، در نشر فارسی کتاب تذکره الاولیاء از وی مانده که یکی از سلیس ترین کتابهای فارسی و بهترین نمونه سبک انشای عرفای ایران در قرن ششمست، اما در نظم گویند نزدیک بدویست هزار شعر سروده است، دیوان قصاید و غزلیات شامل ده هزار و صد بیت، مجموعه رباعیات او با اسم مختار نامه و خود در مقدمه ای که بنثر بر آن نوشته میگوید که شش هزار بیت رباعی سروده بود و خود نزدیک هزار بیت آنرا شسته و از میان برده و باز مانده را درین کتاب که شامل نوزده بابست تدوین کرده، مثنوی جواهر الذات شامل دو هزار بیت، مثنوی مظهر العجایب شامل چهار هزار بیت که از ۵۸۴ تا ۵۸۵ مشغول نظم آن بوده، مثنوی وصلت نامه، مثنوی بلبل نامه یا گل و بلبل شامل هزار بیت، مثنوی مصیبت نامه شامل هشت هزار بیت، مثنوی الهی نامه شامل هفت هزار بیت، اسرار نامه شامل دو هزار بیت، منطق الطیر شامل شش هزار بیت که بعد از ظهر سه شنبه بیستم ذی حجه ۵۷۳ تمام کرده است، خسرو گل یا گل و خسرو و یا خسرو نامه شامل هفت هزار بیت، اشتر نامه شامل هزار بیت، معراج نامه شامل هزار بیت، جواهر نامه، شرح القلب، وصیت نامه، پند نامه شامل هزار بیت، هیلاج نامه، خیاط نامه، بیسر نامه شامل سیصد بیت، حیدر نامه یا حیدری نامه، لسان الغیب شامل سه هزار بیت، هفت وادی که قسمتی از منطق الطیرست، سیاه نامه،



جواب نامه ، پسرنامه ، لیلی و معجون ، محمود و ایاز، مفتاح الفتوح ، کنز الاسرار ، صدپند ، گل و هرمز. کتابی هم بنثر باسم اخوان الصفا جزو مؤلفات او اسم برده اند ، اما ازین میان قطع است که مفتاح الفتوح و کنز الاسرار از عطار نیست و در بعضی دیگر نیز شکست و آنچه قطاً ازوست دیوان و رباعیات و منطق الطیر و اسرارنامه و مصیبت نامه و الهی نامه و خسرو نامه است و نیز فتوح نامه منظوم کوچکی دارد .

۱۱) مجدالدین ابوسعید شرف بن موید بن ابوالفتح بن غالب خوارزمی بغدادی از مردم بغدادك خوارزم بود و بهمین جهة بیغدادی معروف شده است . وی نیز از بزرگان عرفای قرن ششم ایران بود . در ۵۴۴ ولادت یافت و از شاگردان مشهور نجم الدین کبری بشمار میرفت و با وی در خوارزم میزیست و گذشته از مقام تصوف مردی دانشمند و طیب ماهری بود و مدتی در دربار پادشاهان خوارزمشاهی زندگی کرده و برادرش بهاءالدین بغدادی کاتب تکش خوارزمشاه بوده و وی عاقبت شیخ الشیوخ خوارزم شد و چون در میان وی و یکی از سرداران ترك سلطان محمد خوارزمشاه که زن وی لیلی نام از مریدان شیخ بود دشمنی روی داد سلطان محمد بوی اجازه داد و را بسبب تهمتی که بشیخ زده بودند بکشد این واقعه در سلخ جمادی الاخره ۶۰۷ روی داد و وی را در خوارزم بنگاه سپردند و اینک مزارش نزدیک تربت نجم الدین کبری معروفست مجدالدین بغدادی در شعر فارسی دستی داشته و اشعار عارفانه را نیکو می سروده و بعضی از غزلیات و رباعیات او بما رسیده است و نیز برخی مکاتیب بفارسی و رساله سفر بفارسی از او مانده است .

۱۲) نجم الدین ابوالجناب احمد بن عمر خیوقی خوارزمی از مردم خیره خوارزم بود و چون در مباحثه بر همه کس غالب میشد او را طامة الکبری لقب داده بودند بهمین جهة بشیخ نجم الدین کبری معروف شده است و او را ولی تراش هم لقب داده بودند . وی بزرگترین عارف قرن ششم ایران بود و در زمان خویش منتهای حشمت و احترام را داشت و عده ای کثیر از بزرگان مشایخ ایران چون مجدالدین بغدادی و نجم الدین دایه رازی و سیف الدین باخرزی و سعدالدین حموی و رضی الدین علی لالا غزنوی و نورالدین عبدالرحمن اسفراینی و جمال الدین گیلی و بابا کمال جندی از

شاگردان و جانشینان وی بوده‌اند. عاقبت در فتنه مغول در زمانی که خوارزم بدست مغولان افتاد در سال ۶۱۸ کشته شد و در گرگانج خوارزم وی را بخاک سپردند. از نجم‌الدین کبری بعضی رسایل بزبان عربی در تصوف مانده است از آن جمله فوائج الجمال و فوائج الجلال و رساله الهائم و اصول العشره و رساله فی السلوک و رساله الطريق با اقرب الطرق الی الله و طول الع تنویر و لومه الدائم و هداية الطالبین و تفسیر در ۱۲ مجلد عربی و آداب المریدین و سکینه الصالحین و وصول الی الله و ده قاعده بفارسی و در شعر فارسی نیز توانایی داشته و بعضی رباعیات عارفانه بلند از وی به‌سازیده است. عبدالغفور لازمی از عرفای نامی قرن نهم رساله وی را در بیان طریق شطار بفارسی شرح کرده است.

(۱۳) سعدالدین محمد بن مؤید بن ابی بکر بن ابی الحسن بن محمد بن حمزه حموی از عرفای بزرگ قرن ششم ایران و از شاگردان درجه اول نجم‌الدین کبری و از مردم جوین بود و در آنجا بسال ۵۸۶ ولادت یافت، مدتی در خوارزم نزد نجم‌الدین کبری می‌زیست و از آن‌س با سیای صغیر رفت و در حلب و قونیه توقف کرد و با صدرالدین قونیوی و محیی‌الدین ابن‌العربی معشور بوده است و در عصر خویش از بزرگان مشایخ بشمار میرفته و پس از آنکه مدتی در سوریه در جبل قاسیون ده شق منزوی می‌زیست در اواخر عمر بخراسان باز گشت و در بحر آباد جوین اقامت گزید و در آنجا روز جمعه دهم ذی‌قعدة سال ۶۵۰ بسن ۶۳ سالگی رحلت کرد و همانجا مدفون شد. وی نیز در شعر فارسی زبردست بوده و رباعیات شیوا دارد و در تصوف کتابهای سکینه الصالحین و سجنجمل الارواح و کتاب‌المحجوب یا محبوب الاولیا و یا محبوب المحبین و مطلوب الواصلین را نوشته است که در آنها سخنان مرموز بکار برده است

۲ = قتی

نثر فارسی در قرن ششم از حیث اسلوب و کنایات و استعارات و مفردات و مرکبات تقریباً دنیاله نثر قرن پنجم بوده است. درین دوره یگانه روش تازه‌ای که در نثر فارسی معمول شده و در دوره‌های بعد نیز برخی از نویسندگان از آن پیروی کرده‌اند آنست که در نثریش از حد لزوم مفردات و مرکبات زبان تازی را بکار برده‌اند و بآیات و

احادیث و کلمات قصار و جمله‌ها و اشعار زبان عرب استشهاد کرده‌اند و کامل‌ترین نمونه آن درین دوره چنانکه پس ازین خواهد آمد در آثار احمد بن حامد کرمانی و زیدری و نصرالله بن عبدالحمید منشی شیرازی باقی مانده است. نویسندگان بزرگی این دوره بدین گونه‌اند:

(۱) ابو بکر عنیق بن محمد سور آبادی هروی از دانشمندان اوایل قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و یگانه اثری که از او باقیست تفسیریست از قرآن که بنام البارسلان سلجوقی پرداخته است.

(۲) محمد بن حسین هروی نیز از دانشمندان اوایل قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و یگانه اثری که از او باقیست کتابیست در تاریخ برمکیان یا براهکه بشر فارسی بسیار خوب و ظاهر آرا از کتابی که ابوالقاسم بن غسان بزبان تازی نوشته بود ترجمه کرده است و از روش انشای او پیدا است که درین زمان می‌زیسته است.

(۳) ابوالمعانی یا ابوالحسن محمد بن عبیدالله غزنوی از خاندان علویان خراسان بود و پدرانش بیشتر در بلخ می‌زیسته و نقابت خراسان را داشته‌اند و وی در پایان قرن پنجم و اوایل قرن ششم زندگی می‌کرده و در سال ۴۸۵ کتابی درباره مذاهب و ادیان بنام بیان الادیان نوشته است که قدیم‌ترین کتاب در ملل و نحل بزبان فارسیست که بمانده است.

(۴) ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی، از بزرگان علمای عصر خود بوده و در فنون مختلف دست داشته و در ۴۷۱ درگذشته است. وی مؤلفات چند بزبان فارسی و عربی دارد از جمله تألیفات او بزبان تازی التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن الفرق الهالکین و کتاب الاوسط در ملل و نحل و تفسیری از قرآن بزبان فارسیست، نام وی را گاهی شهفور هم نوشته‌اند که مخفف شاهفور یا شاهپور باشد.

(۵) ابوالمعالی نصیر الدین نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مشرف شیرازی غزنوی از بزرگان ادبای این قرن بوده و در غزنین در دربار پادشاهان غزنوی می‌زیسته و سمت مشرف داشته است و در پایان زندگی از وزرای خسرو ملک بوده است. نخست در زمان عبدالرشید بن مسعود غزنوی بترجمه کتاب معروف کلیله و دمنه از ترجمه عربی

عبدالله بن المقفع آغاز کرده و در حدود سال ۵۳۹ در زمان بهرامشاه آنرا پایان رسانیده و بهمین جهت بکلیه و دمنه بهرامشاهی معروف شده است. وی ظاهراً در پایان زندگی گرفتار شده و در زندان او را کشته‌اند و بزبان فارسی نیز شعری گفته است.

۶) محمد بن غازی ملطیوی، از مردم ملطیه در آسیای صغیر و از ادبای معاصر سلجوقیان روم در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است. از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتاب روضة العقول است که شامل داستانهایی بتقلید کلیله و دمنه و مرزبان نامه است و بزبان فارسی فصیح نوشته است.

۷) قاضی حمیدالدین ابوبکر بن عمر بن محمود بن محمودی بلخی، از مشاهیر زمان خود و ادبای معروف آن عصر و قاضی شهر بلخ و مردم تنفذی بوده و با انوری مناسبات بسیار داشته و انوری کراراً او را مدح کرده و در سال ۵۵۹ در همان شهر بلخ در گذشته است و مؤلف کتاب بسیار معروفیست بنام مقامات و معروف بمقامات حمیدی که بتقلید از مقامات بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری نوشته و در اواخر جمادی الاخره ۵۵۱ پایان رسانیده است و از کتابهای معروف ادبی زبان فارسیست.

۸) افضل الدین یا حمیدالدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی از بزرگان ادبای زمان خود بوده و در کرمان می زیسته و چندی نیز در خراسان بوده است و از تاریخ نویسان بزرگ زبان فارسی بشمار می رود و سه کتاب در تاریخ کرمان نوشته است یکی عقد العلی فی موقف الاعلی در تاریخ ملک دینار از فرمانروایان کرمان که در صفر ۵۸۴ پایان رسانیده، و دیگر بدایع الزمان فی وقایع کرمان که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ در آن ضبط کرده و اصل کتاب از میان رفته اما محمد بن ابراهیم نامی که معلوم نیست کیست در قرن یازدهم همه مطالب آنرا بزبان ساده تر در کتابی بنام تاریخ سلاجقه کرمان ضبط کرده است و نیز تاریخ نویسان قرن هفتم و هشتم و نهم که آنرا بدست داشته، اند قسمت‌هایی از آنرا عیناً نقل کرده‌اند و پس از آن کتاب دیگری پرداخته است بنام المضاف الی بدایع الزمان فی وقایع کرمان که شامل حوادث از ۶۰۲ تا ۶۱۲ است و بدین گونه تا اوایل قرن هفتم نیز زیسته است.

۹) شرف الدین انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی، از بزرگان تاریخ ایران

درین دوره بود. در کاشان در ۴۵۹ ولادت یافت و نخست چندی از ۵۱۷ وزارت محمود سلجوقی را کرد و سپس وزیر مسعود شده و پس از آن از ۵۲۶ تا ۵۲۸ وزارت مستر شد بالله خلیفه عباسی رسید و معاصرانش وی را بزرگ میداشتند و شعرای زمان مخصوصاً بزبان تازی وی را بسیار ستوده اند و سرانجام در ماه رمضان ۵۳۲ در گذشت و حریری کتاب معروف مقامات خود را بدعوت وی نوشته است انوشیروان بن خالد از وزیران بسیار دانشمند ایران بوده و در نظم و نثر فارسی و تازی استاد بشمار می رفته و کتابی بزبان فارسی داشته است بنام نفثة المصدور و فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور که عمادالدین ابوعبدالله محمد بن صفی الدین ابوالفرج محمد بن نفیس الدین ابوالرجا کاتب اصفهانی معروف بابن اخی العزیز یا عماد کاتب متولد در ۵۱۹ و متوفی در ۵۹۷ آنرا بنام نصره الفقرة و عصره الفطرة بزبان تازی ترجمه کرده و سپس قوام الدین فتح بن علی بن محمد بنداری از ادبای نیمه اول قرن هفتم ایران آنرا بنام زبدة النصره و نخبه العصره تلخیص کرده است. انوشیروان بن خالد کتابخانه مهمی در کاشان دایر کرده بود که تا سال ۶۷۴ باقی بود.

(۱۰) **ظهیر الدین نیشابوری**، از شاعران و مورخان این زمان بوده و تنها اثری که از او باقیست کتاب سلجوقنامه است که در حدود ۵۸۲ تألیف کرده و برخی از مولفانی که پس از او بوده اند آنرا تهذیب کرده و در کتابهای تاریخ خود آورده اند و نیز راوندی در راحة الصدور مطالب آنرا مکرر کرده است.

(۱۱) **نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همت راوندی** از مورخان این دوره است که از خاندان فضل و دانش بوده است. نخست در اصفهان زیسته و سپس در عراق و همدان بوده و سرانجام بدربار سلجوقیان روم رفته و در آنجا در سال ۵۹۹ کتاب معروف راحة الصدور و آية السرور را در دربار غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان سلجوقی و بنام وی بیابان رسانیده است که از کتابهای روان زبان فارسیست و در ضمن بزبان فارسی شعر گفته است.

(۱۲) **نظام الدین یا نجم الدین ابوالحسن احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی** سمرقندی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده که در فنون مختلف دست داشته است و سپس

بدر بار پادشاهان غور رفته و بیشتر بخدمت حسام الدین ابوعلی اختصاص داشته و چهل و پنج سال در خدمت این خاندان زیسته و در ضمن سفرهایی در خراسان کرده و با دانشمندان زمان خود مربوط بوده و از ۵۰۴ تا ۵۴۷ درین نواحی سفرهای متعدد کرده و در حدود سال ۵۵۰ کتاب جالب معروفی نوشته است بنام مجمع النوادر که چون شامل چهارمقاله در صفت دبیری و شاعری و نجوم و طبست بچهار مقاله معروف شده و از یکی کتابهای معروف و ممتاز و فصیح زبان فارسیست و در شعر فارسی نیز دست داشته است.

(۱۳) ابونصر احمد بن نصر قباوی از ادبای ماوراءالنهر و شاید ساکن بخارا بوده است و از جزئیات احوالش آگاهی نیست جز اینکه در ۵۲۳ کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشی در ۳۳۲ بنام نوح بن نصر سامانی نوشته بود وی بفارسی بسیار خوب ترجمه کرده و اینک تلخیصی از آن که محمد بن زفر بن عمر کرده و ذکرش پس ازین خواهد آمد در دست هست.

(۱۴) محمد بن زفر بن عمر از ادبای ماوراءالنهر بوده و ظاهراً در شهر بخارا می زیسته و از احوال وی اطلاعی نیست جز اینکه کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشی در ۳۳۲ بنام نوح بن نصر سامانی بزبان تازی نوشته و ابونصر احمد بن محمد بن نصر قباوی در ۵۲۳ بفارسی ترجمه کرده وی در ۵۷۰ تلخیص کرده است و این کتاب از کتابهای جالب و فصیح فارسی ازین دوره است.

(۱۵) بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی برادر مجدالدین بغدادی عارف مشهور این دوره است که ذکرش گذشت. در دربار خوارزمشاهان و بیشتر منشی علاءالدین تکش بوده و تا ۵۸۸ زیسته است و از دبیران معروف و زبردست زمان خود بوده و مجموعه منشآت وی بنام التوسل الی التوسل یا رسالات بهایی در دستست.

(۱۶) اسحق بن ابراهیم بن ابوالرشید از نویسندگان نیست که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زیسته و مؤلف کتابیست در حکایات بفارسی فصیح و روان بنام فرائد السلوک فی فضایل الملوک که در ۶۱ تألیف کرده است.

(۱۷) محمد بن محمد بن محمد زنگی بخاری، از احوال وی نیز اطلاعی

نیست و کتابی ازو بدستست در حکایات بنام ترهة العاشقین که از روش انشای آن پیداست در قرن ششم یا اوایل قرن هفتم نوشته است . .

۱۸) بهاء الدین محمد بن حسین بن احمد خطیبی بکری بلخی معروف ببهاءالدین ولد پدر مولانا جلال الدین از مردم بلخ بود و نسبش بابوبکر خلیفه می رسید و مادرش از خاندان خوارزمشاهان بود ، از دانشمندان و مخصوصاً واعظان معروف عصر خود بشمار می رفت و مدتی در خوارزم می زیست و بواسطه اختلافی که با سلطان محمد خوارزمشاه پیدا کرد در ۶۱۰ از آن سرزمین هجرت کرد. در راه در نیشابور با فرید الدین عطار دیدار کرد و درین سفر بیخدادت پس از گزاردن حج با سیای صغیر رفت و در شهرهای مختلف آن دیار مانند لارنده و ملاطیه و قونیه اقامت کرد و از ۶۱۷ بیعد در قونیه زیسته است و در آنجا در روز آدینه ۱۸ ربیع الثانی ۶۲۸ در گذشت . بهاءالدین ولد واعظ بسیار زبردست زمان خود بوده و سخن را فصیح و بایغ می گفته و مجموعه مواعظ او را بنام معارف یا کتاب المعارف جمع کرده اند .

۱۹) کمال الدین محمد بن جمال الدین ابو الروح لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر میهنی ، نواده ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور قرن پنجم بوده و در حدود ۵۴۰ کتابی در مقامات و مناقب جد خود نوشته که بنام حالات و سخنان شیخ ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر میهنی در دستست

۲۰) محمد بن منصور بن ابوسعید بن ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر ، نواده دیگر آن عارف شهیر بوده است و وی نیز کتاب دیگری در مقامات و مناقب جد خود بنام اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید در حدود ۵۷۴ تألیف کرده است که از شاهکارهای زبان فارسیست .

۲۱) فخر الدین مبارکشاه محمد بن حسن بن محمد بن منصور بن سعید ابن ابوالفرج مروودی معروف بفخر مدبر نسبش بچهارده پشت بابوبکر خلیفه می رسید ، از بزرگان و زرا و ادبای عصر خود بود و در دربار پادشاهان غور

مانند علاء الدین و پسرش سیف الدین و غیاث الدین و شهاب الدین بیایگاه بلند رسیده بود و در فصاحت و نظم و نثر و کرم و سخاوت در زمان خویش نامبردار بود. سرانجام در شوال ۶۰۲ در گذشت و در نظم و نثر فارسی آثاری داشته از آن جمله یک مثنوی ببحر متقارب در تاریخ سلطین غور و دو کتاب نثر از او مانده است یکی آداب الحرب و الشجاعة که در آن فواید تاریخی بسیارست و نیز کتابی در شجره خاندان خود دارد بنام شجره انساب که مقدمه آن دارای مطالب تاریخی جالبست و بنام تاریخ فخرالدین مبارکشاه چاپ شده و گویند آنرا در ۶۰۳ پایان رسانیده و این البته درست نیست زیرا چنانکه گذشت در ۶۰۲ در گذشته است و شاید در همان سال وفات تألیف کرده باشد.

(۲۲) نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد بن احمد بن اسمعیل بن محمد بن علی بن اقمان نسفی سمرقندی معروف بمفتی الثقلین از بزرگان علمای ماوراءالنهر ساکن سمرقند بوده در ۶۶۱ ظاهراً در شهر نسف یا نخشب ولادت یافته و در ۵۳۷ در سمرقند در گذشته است. وی از فقهای معروف حنفی در زمان خود بود و مولفاتی درین زمینه دارد از آن جمله منظومه‌ای در پانصد بیت و ده باب در اختلاف بین ائمه سنت و نیز رساله‌ای بفارسی در بیان اعتقادات اهل سنت و جماعت از او مانده است که در ماه رجب ۵۳۵ که سنجر بسمرقند رفته است از او خواسته‌اند و وی آنرا در کمال سلاست و فصاحت نوشته است و نیز کتاب القندی من علماء سمرقند ازوست که بفارسی نوشته است.

(۲۳) علی بن عبدالله بن معاذ حلیمی بخاری، از حکما و عرفای اوایل قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و یگانه اثری که از او بدستست کتابیست در اخلاق و معارف و تصوف بنام بحر المعانی و صفو الامانی که در حدود ۶۰۱ پایان رسانیده و در آن نظم و نثر فارسی بسیار جالب بکار برده

(۲۴) قاضی محمد بن محمد بن نصر و انکتی، از دانشمندان ماوراءالنهر بوده و از احوالش جزین خبری نیست که کتابی بسیار جالب و در کمال فصاحت و دارای



مطالب تاریخی مهم در معارف و سلوک و تصوف بنام زادالمقویین نوشته و از روش انشای آن کاملاً پیداست که در همین عصر می زیسته است .

( ۲۵ ) امام ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین بیهقی معروف بابن فندق نسبش بخزیمه بن ثابت ذوالشهادتین از یاران پیغمبر می رسید و از خاندان دانش بود، در بیهق در ناحیه سبزوار روز شنبه ۲۷ شعبان ۴۹۳ ولادت یافت و از دانشمندان جامع زمان خود بود که در علوم مختلف دست داشت و بزبان فارسی و تازی مؤلفات بسیار داشته است و در ۵۶۵ در گذشته است .

مؤلفات وی بزبان تازی بدین قرار است : مشارب التجارب و غوارب الغرائب در تاریخ زمان خود از سال ۴۱۰ تا ۵۶۰ که ذیلیست بر کتاب معروف تجارب الامم تألیف ابوعلی مسکویه ، اسئلة القرآن مع الاجوبه ، اعجاز القرآن ، الافاده فی کلمة الشهاده ، المختصر من الفرائض ، الفرائض بالمجدول ، اصول الفقه ، قرائن آیات القرآن ، معارج نهج البلاغه که یکی از قدیم ترین شرح برین کتابست ، نهج الرشاد فی الاصول ، کنز الحجج فی الاصول ، حلاء صداء الشک فی الاصول ، ایضاح البراهین فی الاصول ، الافاده فی اثبات الحشر و الاعاده ، تحفة الساده ، التحریر فی التذکیر ، الموقیعه فی منکر الشریعه ، تنبیه العلماء علی تمویه المشتبهین ، ازاهیر الریاض المریعه و تفسیر الفاظ المحاوره و الشریعه ، کتاب اشعار ، درر السحاب و درر السحاب فی الرسائل ، ملح البلاغه ، البلاغه الخفیه ، طرائق الوسائل الی حدائق الرسائل ، رسائل المتفرقه ، عقود اللئالی ، غرد الامثال و درر الاقوال ، الانتصار من الاشرار ، الاعتبار بالاقبال و الادبار ، وشاح دمیة القصر که ذیلیست بر کتاب دمیة القصر باخرزی در احوال و اشعار شاعران زبان عرب معاصر وی ، درة الوشاح تمة کتاب الوشاح ، اسرار الاعتذار ، شرح مشکلات المقامات الحریریة ، کتاب العروض ، ازهار اشجار الاشعار ، آداب السفر ، مجامع الامثال و بدائع الاقوال ، ذخائر الحکم ، شرح الموجز المعجز ، اسرار الحکم ، عرائس النفائس ، اطعمة المرضى ، المعالجات الاعتباریه ، کتاب السموم ، کتاب فی الحساب ، خلاصة الزیجد ، اسامی الادویه و خواصها و منافعها

معروف بتفاسیر العقاقیر ، جوامع الاحکام ، امثلة الاعمال النجومیه ، موامرات الاعمال النجومیه ، غرر الاقیسه ، معرفة ذات الحلق والکرة والاصطرب ، احکام القرانات ، ربیع العارفین ، رباحین العقول ، الاراحة عن شدائد المساحة ، المشتهر فی نقض المعبر دررد بر کتاب المعبر ابو البرکات بغدادی حکیم معروف ، بساتین الانس و دساتین الحدس فی براهین النفس ، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجاة کتاب معروف ابن سینا ، کتاب الامانات فی شرح الاشارات شرح کتاب دیگر ابن سینا ، رقیات التشبیہات علی خفایا المختلطات بالجداول ، شرح رساله الطیر رساله معروف ابن سینا ، شرح الحماسه ، الرساله العطاره فی مدح بنی الزناره ، تعلیقات فصول بقراط ، شرح شعر البحتری و ابی تمام ، شرح شهاب الاخبار ، تمه صوان الحکمه که ذیلیست بر کتاب صوان الحکمه ابو سلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سکزی در احوال حکمای قدیم و اسلام و این کتاب را ناصر الدین بن عمده الملک منتجب الدین منشی یزدی مورخ معروف قرن هشتم بنام درة الاخبار و لمعة الانوار بفارسی ترجمه کرده است . از مولفات او بزبان فارسی کتاب الرسائل و عقود المضاحک و نصایح الکبراء و حصص الاصفیا فی قصص الانبیا علی طریق البلاغ و کتاب جوامع احکام النجوم و کتاب معروف تاریخ بیهق که در ۵۶۳ تألیف کرده است و شرح نهج البلاغه و معارج نهج البلاغه نام دارد ، کتاب دیگری ازو باقیست بنام لباب الانساب .

( ۲۶ ) سید زین الدین ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسینی قزوینی یکی از معروف ترین پزشکان ایران در سال ۴۳۴ ولادت یافت و بیشتر زندگی خود را در دربار خوارزمشاهان گذرانیده و از زمان قطب الدین محمد تازمان اتسز طیب دربار این خاندان بوده و ریاست بیمارستان خوارزم را داشته و سرانجام در ۵۳۱ درگذشته است . وی نخست کتاب بسیار جالبی بنام ذخیره خوارزمشاهی شامل همه مباحث طب بزبان فارسی بسیار فصیح در سال ۵۰۴ نوشته است و سپس خلاصه ای از آن بعنوان اغراض الطیبه و مباحث العالمیه بنام اتسز و وزیرش مجدالدین ابو محمد صاحب بن محمد بخاری ترتیب داده و پس از آن کتابی که باز

مختصر ترست بنام خفی علائی یا الخفیة العلامیة پرداخته است .

( ۲۷ ) نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل بن ابوالحسین بن ابوالفضل قزوینی رازی از دانشمندان شیعه ساکن شهرری بوده و در رد کتابی که يك تن از اهل سنت بنام بعض فضائح الروافض در رد بر شیعه نوشته بود کتاب بسیار جالبی بزبان فارسی بسیار روان پس از سال ۵۵۶ بنام کتاب النقص یا بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض نوشته است که فواید بسیار دربردارد .

( ۲۸ ) شرفالدین محمد بن مسعود مسعودی مروزی بخاری حنفی ، از دانشمندان معروف مساوراء النهر درین دوره و ساکن بخارا و استاد رضی الدین نیشابوری شاعر معروف بوده است و از بزرگان علمای ریاضی و طبیعی و نجوم در زمان خود بشمار می رفته و کتابهای چند درین فنون نوشته است از ان جمله کتاب الکفایه فی علم الهیئه بزبان تازی که خود آنرا بنام جهان دانش بفارسی ترجمه کرده و در ۵۴۹ پیاپی رسانیده و نیز رساله ای بفارسی در آثار علوی دارد و شرحی بر خطبه غراء ابن سینا بزبان تازی و کتاب الهادی فی الفروع و کتاب المباحث والشکوک .

( ۲۹ ) ظهیرالدین ابوالمحمّد محمد بن مسعود بن زکی غزنوی ، وی نیز از دانشمندان نامی این عصر بوده و در نجوم دست داشته و کتابی بفارسی بنام کفایة - التعلیم فی صناعة التنجیم نوشته که از ۵۴۰ تا ۵۴۲ مشغول تألیف آن بوده و شرف بر سوی متوفی در ۶۳۶ آنرا بنام مفاتیح النجوم و مصابیح العلوم تلخیص کرده است .

( ۳۰ ) ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمد نیشابوری ، از متصوفه قرن ششم خراسان بوده و پس از سال ۵۵۰ رساله قشیریّه تألیف ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری عارف مشهور در گذشته در ۶۵۰ را که از معروف ترین کتابهای تصوفست ترجمه روان و دقیقی کرده است . این کتاب را نخست یکی از شاگردان مؤلف که ابوعلی بن احمد عثمانی نام داشته ترجمه کرده بود و چون ترجمه وی دقیق نبود وی باین کار همت گماشته است .

( ۳۱ ) ابن البلیخی ، از دانشمندان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم در فارس .

بوده که از احوال وی اطلاعی نیست و یگانه اثری که از وهست کتاب فارس نامه است که در دستگاه رکن الدوله خمارتگین والی فارس از جانب محمد بن ملک شاه سلجوقی که مستوفی دیوان او بوده پیش از سال ۵۱۱ تألیف کرده است .

(۳۲) امام محیی السنه ابو محمد حسین بن سعید قراء بغوی از مردم بغشور در میان مرو و هرات و از بزرگان فقههای خراسان بوده و در ۵۱۶ در گذشته است . وی مؤلفات چند در تفسیر و حدیث و فقه دارد از آن جمله تفسیر معالم التنزیل و کتابی در فقه بفارسی نوشته است بنام الکفایه فی فروع الشافعیه یا کفایة فی الفقه که از کتابهای رایج فقه شافعی بزبان فارسیست .

(۳۳) ابو الفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد شهرستانی شافعی اشعری ، از بزرگان حکمای متکلم زمان خود بود در ۴۶۷ ولادت یافت و از مردم شهرستان نزدیک نسا بود ، مدتی ساکن خوارزم و بغداد بود و در پایان زندگی در خراسان میزیست و چندی در دربار سنجر بود تا آنکه بزادگاه خود بازگشت و در آنجا بسال ۵۴۸ در گذشت . وی چند کتاب مهم بزبان تازی نوشته است یکی کتاب الملل والنحل که افضل الدین بن صدرالدین ترکه اصفهانی بفارسی ترجمه کرده و در ۸۴۳ پایان رسانیده است ، دگر کتاب المصارعه و این هر دو کتاب را بنام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات ترمذی تألیف کرده و دیگر تلخیص - الاقسام لمذاهب الانام فی علم الکلام ، کتاب العیون والانهار ، کتاب المناهج والآیات یا المناهج والبیان ویا المناهج والبینات ، کتاب الارشاد الی عقائد العباد ، دقائق الاوهام ، کتاب المبدأ والمعاد ، شرح سورة یوسف ، کتاب الاقطار فی الاصول ، غایة المرام فی علم الکلام ، قصة موسی والخضر ، اسرار العباد ، تاریخ الحكماء ، نهاية الاقدام فی علم الکلام ، مفاتیح الاسرار ومصایح الابرار در تفسیر ، رساله در علم واجب الوجود . از جمله آثار وی که بزبان فارسی مانده مجلس وعظیست که در خوارزم کرده است .

(۳۴) جلال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد رازی ، از دانشمندان بزرگ شیعه ساکن ری بوده و نسبش ببیدیل بن و رقاء خضاعی از صحابه می رسد و خانواده اش در نیشابور و بیهق و ری سکونت داشته اند و خود در ری از واعظان

معروف بوده و درین شهر در گذشته و مقبره‌اش اکنون در بقعه امامزاده حمزه در شاهزاده عبدالعظیم معروفست. وی مؤلفات چند داشته است از آن جمله شرح الشهاب شرح شهاب الاخبار ابو عبدالله محمد قضاعی و رساله یوحنا در رد مذاهب اربعه و رساله حسنیه در امامت و معروفترین کتاب او تفسیر بزرگیت بزبان فارسی بنام روض الجنان و روح الجنان که مهم‌ترین کتابیست که درین رشته بفارسی نوشته‌اند و این کتاب را در میان سالهای ۵۱۰ و ۵۵۶ تألیف کرده است.

۳۵) ابوعلی حسن بن علی قطان مروزی، از حکما و پزشکان معروف زمان خود بوده است. پدران او از مردم بخارا بوده‌اند و وی در ۴۶۵ در مرو ولادت یافته و همواره در آن شهر می‌زیسته و کتابخانه بزرگی داشته که در ۵۳۶ لشکریان اتسز خوارزمشاه غارت کرده‌اند و سرانجام در ماه رجب ۵۴۸ که ترکان غز بر خراسان استیلا یافتند بدست ایشان اسیر شد و چندان در دهانش خاک ریختند که هلاک گشت. وی بزبان تازی و فارسی مؤلفات چند داشته از آن جمله کتابی در عروض فارسی و دیگر مشجر نسب ابی طالب و کتاب الدوحه در انساب و رسائلی در طب و معروفترین اثر او کتاب کیهان شناخت در علم هیئتست که در میان سالهای ۴۹۸ و ۵۰۰ تألیف کرده است.

۳۶) ابوحاتم مظفر اسفزاری، از بزرگان علمای ریاضی و نجوم در زمان خود بود و در تنظیم تقویم جلالی با عمر خیام و دانشمندان دیگر همکاری کرده و میزان ارشمیدس را که برای تمیز غش و عیار فلزاتست برای سلطان سنجر ساخته اما سعادت خازن خزانهدار سنجر از بیم آنکه خیانت وی در خزانه سلطان آشکار شود آنرا خرید کرد و ابوحاتم از شدت تأثر درین واقعه در گذشت و پیش از سال ۵۱۵ در گذشته است. وی مؤلفات بسیار در ریاضی و آثار علوی و جبر افعال و علم حیل و حرکات ستارگان داشته و آنچه از او مانده اختصار اصول اقلیدس بتازی و رساله آثار علوی یا کائنات جو بفارسی و دیگر رساله الشبکه بفارسیست. رساله کائنات جو را برای فخر الملک پسر نظام الملک نوشته که در محرم سال ۵۰۰ بدست فداییان اسمعیلی کشته شده است و رساله الشبکه در باره گوهرهاییست که صورت آنها متشکک باشد و آنرا برای برکیارق

پسر ملک‌شاه سلجوقی نوشته است .

(۳۷) ابوسعید محمد بن محمد غانمی هروی نیز از دانشمندان مسلم زمان خود بوده و در هرات می‌زیسته و در علوم طبیعی و ریاضی دست داشته و مؤلفات چند داشته است یکی کتاب الالوان یا هوان الالوان و دیگر قراضة طبیعیات بفارسی که بشکل سؤال و جواب در مسایل طبیعی نوشته و بخط آنرا باین سینا نسبت داده‌اند .

(۳۸) شرف‌الدین ابوالفضل حبیش بن ابراهیم متطبیب تغلیسی ، از بزرگان دانشمندان این دوره بود و در علوم مختلف زبردست بوده است و در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌زیسته و در ۶۲۹ درگذشته است . وی را مولفات چندست بفارسی و تازی و ازان جمله کتاب کامل التعبير بفارسی که برای قلع ارسال بن مسعود از سلجوقیان روم ( ۵۵۱ - ۵۸۴ ) نوشته است و رایج‌ترین کتاب درین زمینه است و دیگر از مولفات اوست : بیان الطب بفارسی ، ملحة دانیال یا اصول الملاحم بفارسی ، کتاب القوافی بفارسی ، کفایة الطب بتازی ، بیان الصناعات در حیل و صنایع ، بیان التصریف بتازی ، قانون الادب در لغت عربی بفارسی ، بیان النجوم بفارسی و چند رساله دیگر .

(۳۹) بهاء‌الدین یا ظهیر الدین محمد بن علی بن محمد بن حسن ظهیری کاتب سمرقندی ، از بزرگان ادبای ماوراءالنهر و از وزیران خاندان خاتیه یا آل افراسیاب و مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین قلیج طمغاج خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بوده است و چند کتاب جالب نوشته است یکی اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة در آداب سلطنت که پس از ۵۵۲ نوشته است و دیگر سمع الظهیر فی جمع الظهیر و سندباد نامه که بنام همان قلیج طمغاج خان پرداخته است . این کتاب که از داستانهای معروفست ظاهراً از هند بایران آمده و در زمان ساسانیان پهلوی ترجمه شده و رودکی آنرا بنظم آورده است سپس در ۳۳۹ بفرمان نوح بن نصر سامانی ( ۳۳۱ - ۳۴۳ ) خواجه عمید ابوالفوارس فناووزی آنرا بزبان دری نقل کرده و سرانجام ظهیرالدین آنرا تهذیب کرده است .

(۴۰) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعدمنشی جرفاه‌قانی ، از ادبای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و در دربار جمال‌الدین الغباربیک آی ابه

از اتابکان لرستان می زیسته و در ۶۰۳ کتاب یمنی در تاریخ سبکتگین و محمود غزنوی تألیف ابونصر عتبی را بنام ابوالقاسم علی بن حسن وزیر بفارسی ترجمه کرده است .

(۴۱) بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب ، معروف باین اسفندیار از ادبای طبرستان در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و در دربار پادشاهان آل باوند می زیسته است . پیش از سال ۶۰۶ سفری ببغداد کرده بود و چون درین سال نصیرالدوله شمس الملوک رستم بن اردشیر باوندی کشته شد و مردم طبرستان بساطان محمد خوارزمشاه پیوستند از بغداد بری آمد و در کتابخانه مدرسه شهنشاه غازی رستم بن علی بن شهریار کتابی را که ابوالحسن بن محمد یزدادی بزبان تازی در قسمتی از تاریخ طبرستان نوشته بود بفارسی ترجمه کرد و آنرا اساس کار خود قرار داد که کتابی در تاریخ طبرستان بفارسی بنویسد . در همین هنگام نامه ای از پدرش رسید و او را بطبرستان خواند و وی بآمل رفت و چندی در دستگاه پادشاهان طبرستان بود و سپس بخوارزم رفت و چندی در آنجا ماند و پس از پنج سال اقامت در آن دیار در بازار صحافان مجموعه ای بدستش افتاد که ترجمه ای از نامه تنسر مؤبدان مؤبد زمان اردشیر بابکان بگشمنسب شاه پادشاه طبرستان در آن بود که عبدالله بن المقفع آنرا بزبان تازی ترجمه کرده بود ، آنرا نیز بفارسی ترجمه کرد و مقدمه تاریخ طبرستان خود قرار داد و بدین گونه کتاب خود را در حدود سال ۶۱۳ پایان رسانیده است که یکی از مهم ترین کتابهای تاریخ ایرانست . بیش ازین از احوال و آثار وی اطلاعی نیست .

(۴۲) شمس الدین محمد بن قیس رازی ، از ادبای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است . از مردم ری بود و مدتی در خراسان و خوارزم و ماوراء النهر می زیست و چندی در بخارا و مرو بود و در فتنه مغول از آنجا بعراق آمد و مدتی در دستگاه سلطان محمد خوارزمشاه و در جنگها همراه وی بود و سرانجام در حدود سال ۶۲۳ بفارس رفت و بخدمت اتابک سعد بن زنگی ( ۵۹۹ - ۶۲۸ ) پیوست و از ندیمان او شد و پس از مرگ وی همین سمت را در دربار پسرش اتابک ابوبکر داشت و دیگر از احوال وی اطلاعی نیست . وی در فنون ادب مؤلفات چند داشته است

از آن جمله کتاب الکافی فی العروضین والقوافی در عروض و قوافی فارسی و عربی ، دیگر حدائق المعجم و معروف ترین کتاب او کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم است که در ۶۱۴ در خراسان بتألیف آن آغاز کرده و در حدود ۶۳۰ در فارس پایان رسانیده است . اصل این کتاب نخست بزبان تازی بوده و سپس آنچه را که درباره عروض و قوافی و بدیع فارسی بوده بدین گونه که اکنون در دست است استخراج کرده است و مهم ترین کتاب درین زمینه بشمار می رود .

(۴۳) سید صفی الدین مرثضی بن داعی بن قاسم حسنی رازی ، از علمای شیعه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و از احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه کتابی در ملل و نحل بفارسی تألیف کرده است که معروف ترین کتاب درین زمینه است بنام تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام یا تبصرة العوام فی تفضیل مذاهب الملتین که آنرا بخط برخی بابوالفتوح رازی دانشمند معروف که ذکرش گذشت و برخی بسید شریف علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسین معروف بسید مرثضی عالم معروف شیعه (۳۵۵-۴۳۶) نسبت داده اند .

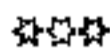
(۴۴) زین الدین عمر بن سهلان ساوجی ، از بزرگان حکمای ایران بوده است از جزئیات احوالش جزین اطلاعی نیست که نخست قاضی شهر ساوه بود سپس بنیشابور رفته و مدتی در آن شهر می زیسته و نسخهای کتاب شفای ابن سینا را بخط خود می نوشته و هر نسخه را صد دینار می فروخته و ازین راه زندگی می کرده است و کتابخانه ای معروف در شهر ساوه داشته که پس از مرگش برای سوکواری اوسوختند . بجزین از احوالش اطلاعی نیست و پیداست که پیش از سال ۵۶۵ که ابوالحسن بیهقی تلمه صوان الحکمه را نوشته در گذشته است . وی را در فتون مختلف حکمت و منطق و ریاضیات و نجوم بفارسی و عربی مؤلفات چندست از آن جمله کتاب البصائر النصیریه در منطق که از معروف ترین کتابهای این فنست و برای نصیر الدین ابوالقاسم محمود بن مظفر بن عبدالملک بن ابی توبه مروزی خوارزمی نوشته که در ۴۶۶ ولادت یافته و از ۵۲۱ تا ۵۲۶ وزیر سنجر بوده است ، دیگر شرح رساله طیر ابن سینا بفارسی ، تبصره در منطق بفارسی ، رساله نقیض مطلقه یا رساله فی تحقیق نقیض الوجود بفارسی ،



رساله در منطق بفارسی ، التوطئه ، الرسالة السنجریه فی الکائنات العنصریه بفارسی که برای سنجر نوشته است ، کتابی در حساب و مؤلفات دیگری هم داشته است که پس از مرگش سوزانده اند .

(۴۵) محیی الدین ابو محمد عبدالقادر بن ابوصالح عبدالله جنگی دوست بن ابو عبدالله بن یحیی الزاهد بن داود بن موسی بن عبدالله بن موسی الجین بن عبدالله المحض بن حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابوطالب جیلی گیلانی ، از بزرگان عرفای ایران ، در ده نیف در خاک گیلان در رمضان ۴۷۰ ولادت یافت و در ۱۸ سالگی برای کسب دانش به بغداد رفت و علوم متداول زمان را از دانشمندان معروف آن شهر فرا گرفت و در بغداد ساکن شد و از واعظان معروف آن شهر و در ضمن وارد حلقه تصوف شد و فرقه مخصوصی را تاسیس کرد که بمناسبت نام وی بطریقه قادری معروفست و هنوز در عراق و ترکیه و سوریه و شمال افریقا و هند و پاکستان و افغانستان پیروان بسیار دارد و مریدانش وی را « غوث اعظم » لقب داده اند . سرانجام در بغداد در ۱۱ ربیع الثانی ۵۶۱ در گذشت و قبرش از زیارتگاه های معروف بغدادست و اوقاف بسیار دارد و متولیان اوقاف آن بنام جیلی و جیلانی معروفند . وی در عصر خود شهرت و نفوذ بسیار داشته و جمعی کثیر پیرو طریقه او بوده اند و فرزندان متعدد داشته که بازماندگان ایشان تا مدت های دراز در تاریخ معروفند . وی مؤلفات بسیار دارد از آن جمله است : الغنیه لطالب طریق - الحق ، الفتح الربانی ، فتوح الغیب ، حزب بشائر الخیرات ، جلاء المخاطر ، المواهب - الرحمانیه و الفتوح الربانیه فی مراتب اخلاق السنیه و المقامات العرفانیه ، بواقیت الحکم ، الفیوضات الربانیه فی اوراد القادریه ، مجموعه مکاتیب و مواعظ او بفارسی نیز در دستست و دیوان اشعار فارسی او نزدیک هزار بیت غزل باقی مانده است . در مناقب و مقامات وی کتابهای بسیار بفارسی و عربی نوشته اند و تا کنون درباره هیچ یک از مشایخ تصوف تا این اندازه کتاب نوشته نشده ، آنچه بفارسیست عبارتست از کتاب حجة البیضا فی رداهل الطغی تألیف محمد مرید محیی الدین حنفی قادری نقشبندی پشاورى و کتاب ذهاب الصواب تألیف علی قادری و کتاب نسایم یا نسائم القادریه یا نسائم الغوثیه که مؤلف آن معلوم نیست و تفریح المخاطر فی مناقب عبدالقادر تألیف محمد صادق

قادری شهابی صدری که عبدالقادر بن محیی‌الدین اربلی قادری عربی ترجمه کرده و آنچه بزبان تازیست بدین گونه است: *قالند الجواهر* تألیف محمد بن یحیی تادفی حبلی، *بهجة الاسرار* و *معدن الانوار* تألیف نورالدین ابوالحسن علی بن یوسف بن جریر لخمی شطنوفی شافعی متولد در ۶۴۴ و متوفی در ذی‌الحججه ۷۱۳، *روضه الناظر* تألیف فیروز آبادی، *غیبه الناظر* تألیف شهاب‌الدین احمد ابن حجر عسقلانی، *انوار الناظر* تألیف ابوبکر عبدالله بن نصر بکری بغدادی، *انتهی المفاخر فی مناقب عبدالقادر* تألیف همان مؤلف، *در الجواهر* تألیف سراج‌الدین عمر بن علی معروف بابن‌الملقن، *نزهة الخاطر* فی ترجمه سیدی‌الشریف عبدالقادر تألیف ملاعلی بن سلطان محمد قاری متوفی در ۱۰۱۶، *در الفاخر* تألیف عبدالقادر یمنی، *نزهة الناظر* تألیف علی بن عبداللطیف بغدادی، *الشرف الباهر* و *مناقب الشیخ عبدالقادر* هر دو تألیف امام قطب‌الدین موسی متوفی در ۷۲۶، *روض البساتین فی اخبار مولانا السید عبدالقادر* تألیف محمد الامین تونسلی، *انهار المفاخر* تألیف محمد غوث‌الدین شافعی مدرسی، *الروض الظاهر فی مناقب عبدالقادر* تألیف ابوالعباس احمد قسطلانی. گذشته ازین کتابهای فارسی و عربی محمدعلی عینی نیز کتابی بزبان فرانسسه نوشته است. کتاب *فتوح الغیب* وی را شیخ عبدالعق معتمد دهلوی از دانشمندان معروف هند بفارسی ترجمه کرده است. *طریقه قادری* با همه رواجی که در خارج از ایران در همه کشورهای اسلام داشته در ایران بجز کردستان چندان رایج نشده است و سبب آن درست معلوم نیست.



بعزین کتابهای مهم زبان فارسی که درین دوره تألیف شده سه کتاب بسیار جالب نیز درین زمان نوشته شده است: نخست ترجمه کتاب *الفتوح* ابو محمد احمد بن اعثم کوفی متوفی در ۳۱۴ است که در تاریخ خلفای راشدین و فتوح ایشان نوشته شده است. این کتاب را نخست مؤید الملک قوام‌الدین وزیر در ۵۹۶ که در تایباد خراسان بود به محمد بن احمد بن ابوبکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر ضی‌الکاتب دستور داده است بفارسی ترجمه کند و چون وی قسمتی را از آن ترجمه کرده در گذشته است و پس از مرگ او

محمد بن احمد بن ابی بکر مابیزنابادی ترجمه آن را پایان رسانیده و از بهترین کتابهای نثر فارسیست .

دیگر کتابیست بنام مجمل التواریخ و التخصص که مؤلف آن معلوم نیست و در سال ۵۲۰ نوشته شده است و کتاب بسیار سودمند است در تاریخ عمومی تا زمان مؤلف که بزبان بسیار فصیح و روان نوشته شده و همین قدر معلومست که مؤلف وی از مردم همدان بوده است .

دیگر داستان سمک عیارست که فرامر زبن خداداد بن عبدالله کاتب ارجسانی حکایات آنرا جمع کرده و از زبان ابوالقاسم نامی گرد آورده و همه داستانهای آن ایرانیست و پهلوان عمده آن سمک عیار نام دارد و این داستانها را فرامر زبن خداداد از صدقه بن ابوالقاسم شیرازی نقل کرده است و در روز سه شنبه چهارم جمادی الاخره ۵۸۵ بگرد آوردن و نوشتن آن آغاز کرده است و از بهترین نمونههای نثر فارسی روان در قرن

در قرن هفتم یکی از ناگوارترین حوادثی که ممکنست برای ملتی پیش آید ملت ایران را روی داد و آن فتنه مغول بود که در سال ۶۱۶ ظاهر شد . سپاه چنگیز خان در غره ذیحجه ۶۱۶ شهر بخارا را قتل و غارت کرد و این نخستین شهری بود که از قلمرو ایران بدست سپاهیان خونخوار نامردم مغول افتاد . سلطان جلال الدین منکبرنی خوارزمشاه که تا سال ۶۲۸ هم زنده بود یارای برابری با سپاه مغول نداشت و همواره در جنگ و گریز بود و درین جنگها لشکریان چنگیز بتدریج تمام شهرهای خراسان و عراق را بخراب و خون کشیدند و سپاهی که حداقل آنرا هشتصد هزار دانسته اند از بخارا تا همدان را میدان ترکتازی و قتل عام قرار دادند و چندان مصایب در ایران روی داد که در تاریخ هیچ ملتی نظیر آن نیست . این گریز و فرار تا سال ۶۳۲ یعنی مدت شانزده سال کشید و درین مدت مردم دیار ما دقیقه ای آسایش و امان نداشتند . جمعی کثیر که کمترین شماره آنرا یک میلیون و ششصد و ده هزار

نوشته اند در خانه های خود بی گناه کشته شدند و شاید عده دیگر بهمین اندازه در میدانهای جنگ جان سپرده باشند و شهرهای بزرگ ایران که بیشتر آنها سابقه ششصد سال تمدن داشتند مانند بخارا و سمرقند و ترمذ و بلخ و غزنین و هرات و مرو و طوس و دامغان و ری و قم و قزوین و زنجان و همدان و مراغه و نیشابور و اصفهان با خاک و خون یکسان شدند و حتی در بعضی شهرها مانند نیشابور زنان و کودکان را هم کشتند. پس از آن تا سال ۶۵۰ بازمغول در ایران بکشتار و کشورگیری سرگرم بود و فقط درین سال هولاکو خان پادشاه مغول که خواست در ایران پادشاهی کند و بعمال ایرانی محتاج بود امن و آسایشی درین مملکت برقرار کرد و بهمین جهت مدت نزدیک پنجاه سال از اوایل قرن هفتم درین دار و گیر هولناک سپری شد و این حوادث رمق از مردم ایران گرفته بود، بهمین جهت ادبیات ایران تا مدتها در ضعف و انقراض بود، چه عده کثیری از دانشمندان ایران درین میان کشته شدند و آنان نیز که جان بدر بردند بخارج از ایران یعنی بهندوستان و آسیای صغیر که قلمرو سلجوقیان روم بود پناه بردند و ایران از مردم تهی شد. مخصوصاً ضرر بزرگی که متوجه ایران گشت این بود که در مدت چهارصد سال که از تمدن اسلامی ایران گذشته بود علوم و ادبیات باوج کمال خود رسیده بود و اگر وقفه پیش نمی آمد قطعاً بجای بالانتر میرسید چنانکه یکی از چند تن از ادبا و علمای ایران که بهندوستان و آسیای صغیر گریختند چنان اساسی گذاشتند که مدت هفتصد سال در هندوستان در دربارهای سلاطین مسلمان مخصوصاً در دربار پادشاهان بابری و در قلمرو عثمانی در دربار پادشاهان آل عثمان باقی ماند و حتی در زمانهایی که در ایران ضعف و فتوری پدیدار می گشت در آن ممالک جبران می شد. دوره ترقی ادبیات در ایران از اواسط قرن هفتم دوباره آشکار شد و سبب آن بود که جانشینان هولاکو برای کشوربانی بایرانیان محتاج بودند و اندکی بعد در ماه محرم ۶۸۱ که تگودار بجای پدرش ابقاخان پادشاه شد با اسم سلطان احمد مذهب اسلام را پذیرفت و عنصر ایرانی بر عنصر مغول غلبه یافت و از آن ببعد مغولانی که در ایران بودند از حیث آداب و رسوم و تمدن ایرانی

شدند. ابن تغیر مهم بواسطه مساعی خواجه نصیرالدین محمدطوسی ندیم هولاکو-  
خان و خاندان جوینیان مخصوصاً شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی وزیر ابقاخان  
حادث شد. بهمین جهتست که در نیمه اول قرن هفتم ضعیفی در ادبیات پدیدار  
است و بالعکس در نیمه دوم این قرن دوباره دوره تجدد و عظمتی ظاهر می شود و ادبا  
و علمایی که درین دوره دوم زندگی کرده اند چون مجدد علوم و ادبیات و محیی رسوم  
قدیم بوده اند مقام بسیار شامخی در ایران دارند.

### فتر فارسی در

نژاد مغول همواره بتاریخ اهمیت بسیار می داده و چون مغولان پیداشاهی  
ایران رسیدند تاریخ نویسان را تشویق بسیار کردند و در زمان ایشان یکی از  
شریف بن مشاغل شغل مورخ بود، بهمین جهت کتاب بسیار بنثر فارسی در تاریخ تألیف  
کردند و چون لازمه تاریخ نویسی سبک روان بی پیرایه است سبک نثر نویسی که در  
اواخر قرن ششم اندک اندک پیچیده و مغلق شده بود و رو بفساد میرفت دوباره روان  
و ساده شد و نثر به مراتب بیش از نظم ترقی کرد. نویسندگان بزرگ ایران درین دوره  
بدین قرار بودند:

(۱) ابو عمرو منهج الدین عثمان بن سراج الدین محمد بن منهج الدین  
عثمان بن ابراهیم بن عبدالخالق جوزجانی، متولد در ۵۸۹ و متوفی در ۶۹۸ نخست  
در غور ساکن بوده و در ۶۲۲ و ۶۲۳ بسفارت سیستان و سپس به هندوستان رفته است،  
مؤلف کتاب بسیار فصیح معتبر است باسم «طبقات ناصری» که در ۶۵۸ تمام کرده و شامل  
تاریخ هندوستان است از قدیم ترین زمان تا سلطنت ناصرالدین محمود شاه از پادشاهان  
غوری هند.

(۲) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد هندی جرفادقانی، مؤلف ترجمه کتاب  
تاریخ یمینی ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی که تاریخ غزنویانست و برای سلطان  
محمود غزنوی نوشته شده و وی آنرا بنام شمس الدوله غازی بیک ایدقمش از اتابکان  
لرستان و بدستور وزیر او ابوالقاسم علی بن حسن بن محمد بن ابوحنیفه تمام کرده است.

(۳) **خواجه عظاملك علاء الدين بن بهاء الدين محمد بن شمس الدين محمد جوینی** ، برادر كوچكتر شمس الدين صاحبديوان جوینی . خاندان وی یکی از معروفترین خانواد های وزرا و ادبای ایرانس است و پدران و برادر و برادر زادگان او در وزارت و دبیری و ادبیات معروفند . خود در سال ۶۲۳ متولد شد و در بیست و سه سالگی که پدر و برادرش از عمال دربار جلالالدین خوارزمشاه بودند وارد خدمت دربار شد و بعد از آنکه برادرش بخدمت هولاکو خان وارد شد وی نیز جزو عمال دربار مغول درآمد و در دربار ابقاخان و تگودار احمد و ارغون خان مقام رفی داشت، درین ضمن در سال ۶۵۷ که شهر بغداد جزو قلمرو مغول شد حکمرانی ایالت بغداد را بوی سپردند ولی چون تگودار احمد پیداشاهی رسید و میان وی و ارغون خان تقار بود و خاندان جوینی بارغون خان بستگی داشت در سال ۶۸۱ عظاملك از حکمرانی بغداد عزل شد و پس از مدتی زندگی در انزوا در روز یکشنبه چهار ذیحجه همان سال در آن وفات یافت . عظاملك جوینی از بزرگان مورخین نویسندگان ایرانس است و در نشر فارسی منتهای قدرت را داشته فقط در استعمال کلمات و جمل و ترکیبات عربی گاهی افراط کرده است . تاریخ جهان گشای که بجهان گشای جوینی معروفست مهمترین تألیف اوست که از ۶۵۰ تا ۶۵۸ طول کشیده و شامل سه مجلد است: مجلد اول در تاریخ چنگیزخان و فرزندان او تا کیوک خان، مجلد دوم در تاریخ خوارزمشاهان و مجلد سوم در تاریخ اسمعیلیان الموت ، گذشته از آن مؤلف رساله ایست باسم تسلیة الاخوان که در اواخر عمر خویش و در شرح مصایب خود نوشته است .

(۴) **بهاء الدين محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب** ، از مردم طبرستان بود . کتاب تاریخ طبرستان تألیف اوست که شامل وقایع این ناحیه از ایران تا سال ۱۱۳ است که در آن سال پایان رسیده و گذشته از آنکه قدیمترین کتاب در تاریخ طبرستان است که باقی مانده انشای بسیار فصیح دارد و فقط اندکی در کثرت استعمال لغت عربی افراط کرده است .

۵) خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن حسن طوسی ، پدرش از مردم ساده بود و در طوس اقامت داشت و وی در شهر طوس روز شنبه یازدهم جمادی الاولی ۶۰۷ ولادت یافت و در جوانی بواسطه حوادث خراسان بقمستان رفت و بدر بار ملک ناصرالدین ابو الفتح عبدالرحیم بن ابی منصور معروف بمحتشم حکمران قمستان پذیرفته شد و در آنجا کتاب اخلاق ناصری و رساله سیر و سلوک را بنام او پرداخت و سپس چندی در قمستان بزندان افتاد و چون ملک ناصرالدین نزد علاءالدین محمد پادشاه اسمعیلیه الموت رفت او را بهمان حال با خود برد و وی تا انقراض این سلسله در ۶۵۵ در محبس الموت بود و چون هولاکو خان این سلسله را منقرض کرد خواجه را بخدمت خود اختصاص داد و پس از آنکه مراغه را پایتخت خود قرار داد رصدخانه‌ای در آنجا ساخت و کتابخانه‌ای ترتیب داد و تمام کتابهایی را که سپاهیان مغول از هرجا آورده بودند و شماره آنها از چهارصد هزار هم بیشتر نوشته‌اند در آنجا جمع کرد و این مؤسسه علمی بزرگ را بخواجه سپرد و جمعی از علماء را بخدمت او گماشت و وظیفه بریشان مقرر کرد و وی هم چنان مشغول تألیف و تدریس بود تا اینکه در سفری که ببغداد کرده بود روز دوشنبه ۱۸ ذیحجه ۶۷۲ در ۶۵ سالگی رحلت کرد و وی را در کاظمین بخاک سپردند . خواجه نصیرالدین یکی از بزرگان علمای اسلام و یکی از مشاهیر ایرانست . در زمان خویش معروفترین علمای دوران بود و در ریاضیات و حکمت و نجوم و سلوک و تصوف و کلام یکی از معتبرترین علمای اسلامست . مؤلفات او بفارسی و عربی در علوم مختلف بیش از صد و شصت جلد کتاب معروفست و از جمله بعضی کتب عربی او در منتهی درجه شهرتست مانند تحریر اقلیدس ، تحریر معسطی ، تحریر الکرة لمانالاوس ، تحریر کتاب الاکثرنا و ذوسیوس ، تحریر کتاب الماخوذات ، تحریر کتاب المعطیات ، تحریر کتاب الکرة المتحرکه ، تحریر معرفة مساحة اشکال البسیطة و الکرویه ، تحریر کتاب اللیل و النهار یا کتاب الایام و اللیالی ، تحریر کتاب المناظر ، تحریر کتاب جرمی الثیرین و بعدیهما ، تحریر طلوع و غروب ، تحریر مطالع ، تحریر کتاب المقرورات ، تحریر کتاب ظاهرات الفلک ، تحریر کره و استوانه ، تحریر

كتاب المساكن ، الاسطوانات ، المخروطيات ، احوال خطوط منحنية ، كشف القناع عن  
 اسرار شكل القطاع ، تربيعة الدائره ، رسالة في انعطاف الشعاع وانعكاسه ، تسطيح الكرة  
 والمطالع ، ردبر مصادره اقليدس ، رسالة الشافيه عن الشك في الخطوط المتوازيه ، جامع  
 الحساب بالتمخت والتراب ، رساله در علم مثلث ، رساله در حساب جبر ومقابلته ، زبدة الادراك  
 في هيئة الافلاك ، تذكرة نصيريه ، تجريد منطق ، تجريد العقايد در كلام ، حل مشكلات  
 الاشارات ، قواعد العقايد ، مصارع المصارع ، تلخيص المحصل يا نقدا المحصل تهذيب  
 محصل افكار المتقدين والمتأخرين امام فخر رازي ، تعديل المعيار في نقد تنزيل الافكار ،  
 بقاء النفس بعد فناء الجسد ، رسالة در صدور خلق از حضرت حق ، اثبات جوهر  
 مفارق يا اثبات العقل ، رسالة الى نجم الكاتبى في اثبات واجب الوجود ، شرح  
 رسالة العلم ، مفاوضات ، مؤاخذات ، جواب امثلة شمس الدين محمد كيشنى ، امثلة  
 النصيريه ، جواب امثلة محيى الدين عباسى ، مسائل سبعة ، جواب اسئلة وردت  
 من الروم ، جواب امثلة سيد ركن الدين استرابادى ، جواب امثلة نجم الدين ديران ،  
 فوائد ثمانية ، آداب المتعلمين ، مقولات عشر ، ربط الحوادث بالقديم ، اثبات العقل  
 الفعال ، رسالة الاعتقاديه ، حواشى على كلييات القانون ، فوائد ، تجريد في الهندسه ،  
 اختيارات مسير القمر ، كتاب البارخ في التقويم ، مختصر كراة ارشميدس ، تحصيل في علم النجوم ،  
 تقويم العلائق ، نهاية الادراك في دراية الافلاك ، رسالة النصيريه ، رسالة المقنعه ، رسالة في  
 اصول الدين ، رسالة في اصول العقائد ، رسالة في مهية العلم والعالم والمعلوم ، رسالة المنتخبه  
 في معالم حقيقة النفس وما يتصل بذلك ، اقسام الحكمه ، سرية الاثر في انجاح المقاصد  
 وكشف الملمات ، رسالة في العلل والمعلولات ، اثبات اللوح المحفوظ ، نقطة القدسيه ،  
 آداب البحث ، اثبات الفرقة الناجيه ، رسالة في احكام الكتف ، شرح اصول كافى ،  
 كتاب المساطير ، شرح التهافت . گذشته ازين رسايل كوچك بسيار و مكاتبى كه در  
 پاسخ دانشمندان زمان خود نوشته از و بدستشست . در نظم و نثر فارسى مهارت بسيار  
 داشته و از جمله كتابهاى معروف او بفارسى اخلاق ناصرى در اخلاق و اوصاف



الاشراف در اخلاق و سلوك و معيار الاشعار در عروض و قوافی و تنسوق نامه ایلخانی و تذکره آغاز و انجام و رساله سیر و سلوك و رساله هفت باب بابا سیدنا و مطلوب المومنین هر دو در عقاید اسمعیلیه و فصول نصیریّه و رساله در نعمت‌ها و خوشی‌ها و لذت‌ها و جوامع گیتی نما و ترجمه ادب الصغیر ابن المقفع و ترجمه مسالك و ممالك و رساله خلق اعمال و رساله تولا و تبرا به مشرب تعلیمیان و روضه التسلیم یا کتاب التصورات و رساله در نفی اثبات و شرح مرموز الحکمه و رساله در اشارت بمکان و زمان آخرت و روضه القلوب و رساله تحفه در معرفت نفس و ترجمه زبدة الحقایق عین القضاة و منظومه اختیارات مسیر القمر و رساله در تقویم و حرکات افلاک و صد باب در معرفت اسطرلاب و اثبات واجب و رساله در احکام دوازده خانه رمل و نصیحت نامه و خلافت نامه و ترجمه کتاب اخلاق ناصرالدین محتشم و رساله در حساب و رساله معینیّه در هیئت و شرح معینیّه و حل مشکلات رساله معینیّه و زبدة الهیئه و منظومه مدخل در علم نجوم و ترجمه صور الکواکب عبد الرحمن صوفی و شرح ثمره بطلموس و زیح ایلخانی و رساله در بیان صبح کاذب و رساله در تحقیق قوس و قزح و رساله در موجودات و اقسام آن و جواب مسئله اثیرالدین ابهری و رساله فتح بغداد و رساله در رمل و رساله در جبر و اختیار و جوامع جهان نما و ادب الوجیز و بیست باب اسطرلاب و رساله رمل و تذکره نصیریّه و رساله در هیئت معروف بفارسی هیئت و معرفت تقویم و سی فصل و مدخل نجوم و اساس الاقتباس در منطقست و نیز کتابی در اخلاق با اسم مکارم الاخلاق بوی نسبت میدهند که از ویست.

۶) قاضی القضاة نصیرالدین یا ناصرالدین ابوالخیر یا ابوسعید عبدالله بن عمر ریضاوی، قاضی شیراز که در تبریز بسال ۶۸۵ رحلت کرده از بزرگان علمای این زمان بود. پدرش عمادالدین ابوالقاسم عمر در سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی قاضی القضاة فارس بود و پس از این منصب بیسرش رسید و وی پس از مدت‌ها اقامت در شیراز در اواخر عمر در تبریز زندگی میکرد و مؤلفات معروف بزبان عرب دارد که از آن جمله است تفسیر مشهوری. در زبان فارسی هم کتابی تالیف کرده

است با اسم نظام التواریخ که فهرست مختصری از تاریخ ایران از آغاز تاریخ تا زمان اوست و در سال ۶۷۴ تمام کرده است .

(۷) شمس‌الدین محمد بن قیس رازی ، از مردم ری بود و مدت‌ها در ماوراء - النهر و خوارزم و خراسان می‌زیست و در سال ۶۱۴ که آوازه هجوم مغول در خراسان برخاست با سلطان علاء‌الدین محمد بن تکش خوارزمشاه بعراق آمد و تا سال ۶۱۷ که این پادشاه از لشکریان مغول می‌گریخت از همراهان وی بود و پس از آن در حدود ۶۲۳ از عراق بفارس رفت و بدربار اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹ - ۶۲۸) راه یافت و ندیم آن پادشاه شد و پس از آن در دربار پسرش ابوبکر بن سعد نیز بود و وی مؤلف کتاب معروف المعجم فی معاییر اشعار العجمست که معروف ترین کتاب عروض وقوافی و محسنات شعر فارسیست و نخست در ۶۱۴ در شهر مرو طرح این کتاب را ریخته و در وقایع سال ۶۱۷ از میان رفته و پس از مدتی اوراق آن بتوسط دوستایبان کوه پایهای عراق بدست وی بازگشته و سپس در فارس در حدود سال ۶۳۰ آنرا تمام کرده است و نیز سه کتاب دیگر داشته است با اسم المعرب فی معاییر اشعار العرب و الکافی فی العروضین و القوافی و کتاب حدائق المعجم .

(۸) سعدالدین وراوینی از مردم آذربایجان بود و در اواخر دوره خوارزمشاهان زندگی می‌کرد و با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه معاصر بود . یگانه اثری که از وی مانده کتاب مرزبان نامه است . این کتاب را مرزبان بن رستم بن شروین باوندی از ملوک طبرستان بزبان طبری نوشته بود و وی بنام خواجه ابوالقاسم ریب‌الدین هارون بن علی بن ظفر دندان وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگ از اتابکان آذربایجان که جزو ملازمان وی بوده است ترجمه کرده و از کتابهای معروف زبان فارسیست ولی از حیث وفور استعمال لغات عرب ثقیل شده است .

(۹) نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهوراسدی رازی معروف بنجم‌الدین دایه از مردم ری بود و در جوانی بخوارزم رفت و در سلك مریدان و شاگردان نجم‌الدین کبری در آمد و هم چنان در خوارزم بود تا در ۶۱۸ در فتنه مغول

استاد وی کشته شد و او از آن دیار فرار کرد و عزم وطن خود داشت ولی لشکر مغول در پی اومی آمد تا چهار بهمدان رفت و از آنجا از راه اردبیل با آسیای صغیر رفت. نخست در شهر قیصریه و سپس در شهر ملطیه وارد شد و در آنجا به خدمت شهاب الدین سهروردی رسید و بوسیله او در حمایت ابوالفتح کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان روم درآمد و در شهر قونیه پایتخت او ساکن شد و در آنجا با صدرالدین قونیوی و جلال الدین بلخی معاشر بود و عاقبت پس از ۳۶ سال توقف در آن دیار در سال ۶۵۴ در بغداد رحلت کرد و در بیرون شهر بغداد در مزار شیخ سری و جنید بغدادی او را بخاک سپردند. وی از بزرگان نویسندگان متصوفه ایران در قرن هفتم بود و در شعر فارسی نیز دست داشت. معروفترین کتاب او در تصوف فارسی مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد است که روز دوشنبه اول رجب ۶۲۰ در شهر سیواس تمام کرده و کتابیست در منتهای فصاحت و در اوج اهمیت. دیگر از مؤلفات او بحر الحقایق و المعانیست در تفسیر بزبان عربی و رساله عشق و عقل بغارسی و منارات السائرین الی حضرت الله و مقامات الطائرین بالله.

(۱۰) شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بگری سهروردی متولد در سهرورد زنجان در ماه رجب ۵۳۹ از بزرگان مشایخ متصوفه ایران بود و از شاگردان و مریدان عم خویش نجیب الدین سهروردی بشمار می رفت. از وطن خود بیخدادت رفت و اکثر عمر خود را در بغداد و آسیای صغیر گذراند و در آنجا سرسلسله عرفا بود و مجالس ذکر و وعظ داشت و بصحبت عبدالقادر گیلانی عارف مشهور آن زمان رسید و ریاضات بسیار داشت و چندی نیز در شهر ملطیه متوقف بود و سپس شیخ الاسلام بغداد شد و خلیفه ناصرالدین الله یک بار او را بسفارت نزد علاءالدین کیقباد سلجوقی و بار دیگر نزد سلطان محمد خوارزمشاه فرستاد و مدتی هم در عبادان و در مکه اقامت داشته و دو تن از بزرگان شعرای ایران کمال الدین اسمعیل اصفهانی و سعدی بوی ارادت داشته اند و در سال ۶۳۲ بسن ۹۳ سالگی در بغداد رحلت کرد و مرقد او هم اکنون در محله وردیه بغداد زیارتگاه است. شهاب الدین سهروردی پیشوای سلسله ای از عرفای ایرانست که بنام سهروردیه معروف شده اند و در نظم و نثر عربی و فارسی توانایی بسیار داشته و

از جمله کتب معروف او عوارف المعارفست که در مفر مکه نوشته و عزالدین محمود بن علی کاشانی در ۷۳۵ بنام مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه بقاری ترجمه و شرح کرده است و دیگر رشف النصایح الایمانیه فی کشف الفصایح الیونانیه که معین الدین معلم یزدی در قرن هشتم بقاری ترجمه کرده است و اعلام التقی و اعلام الهدی و بجهة الاسراف فی مناقب الفوئیه ، رساله السیر و الطیر ، رساله فی السلوک ، الرحیق المختوم لذوی العقول و الفهوم ، بغیة البیان فی تفسیر القرآن .

( ۱۱ ) خواجه رشید الدین محمد فضل الله بن ابی الخیر عمادالدوله بن موفق الدوله علی همدانی نجداد وی از یهود همدان بودند و وی در همدان بسال ۶۴۵ متولد شد و در آغاز کار بطبابت مشغول بود تا اینکه طبیب ابقاخان شد و پس از آن بوزارت ادغون خان و بوزارت غازان و الجایتو محمد خربنده رسید ولی در زمان پادشاهی ابوسعید بهادر وزیر اوتاج الدین علیشاه در حق وی سعایت کرد که خواجه رشیدالدین محمد خربنده را مسموم کرده است و باین جرم وی را گرفتند و دارایی او را توقیف کردند و در تبریز بسال ۷۱۸ کشتند . رشیدالدین فضل الله یکی از بزرگان علما و وزرای نیکو کار ایران بود و گذشته از فضل بسیار و منتهای قدرت در زبان پارسی بمنتهی درجه دانش دوست بود و اموال هنگفت خود را صرف خیرات و آبادانی و استنساخ کتاب و بنای مدرسه و مسجد و مریضخانه و کتابخانه کرده بود و بدرجه ای موقوفات داشته که مجموعه وقف نامها و رقبات او خود کتاب قطور است و در تبریز یک محله تمام ساخته بود با اسم ربع رشیدی که تمام آنرا وقف کرده بود و از جمله کتابخانه بسیار بزرگ نفیسی بود و در نشر فارسی یکی از بزرگترین ادبای ایرانست و در شعر عربی نیز دست داشته است . مؤلفات عمده وی بدین قرار است : جامع التواریخ شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۷۰۳ که در سال ۷۰۰ با مرغازان خان شروع کرده و در سال ۷۱۰ از آن فارغ شده و در تدوین این کتاب چندتن از مورخین ایران شرکت داشته اند از آن جمله تاریخ چین و مغولستان را از روی اسناد چینی و مغولی نوشته و پیش از آن در زبان فارسی نظیر نداشته است . جامع التصانیف شامل نظامات و قوانین و

یاساهای مغول در ایران ، لطایف الحقایق در اخلاق و معارف و حکم ، سلطانیه در حکمت الهی ، مفتاح التفاسیر ، رساله توضیحات در اخلاق ، الاحیاء و الآثار ، بیان الحقایق ، مکاتبات رشیدی شامل مکاتیب او ، مجمع التواریخ که مجموعه ایست از همه متون تاریخ فارسی تا زمان او در میان هر یک که رابطه گسیخته شده ذیلی که خود نوشته قرار داده است .

۱۲) فخرالدین ابوسلیمان داود بن ابوالفضل محمد بناکتی از مردم بناکت یا فناکت بود که امر و زبانشکند معروفست و از مشاهیر شعرا و نویسندگان دربار غازان خان بود و در ۷۰۱ هـ ملک الشعراء لقب گرفت و برادرش نظام الدین علی بناکتی از عرفای معروف زمان بود و وی مؤلف تاریخ معروفست باسم روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب شامل تاریخ تمام عالم از زمان خلقت تا عصر مؤلف که آنرا در سال ۷۱۷ تمام کرده و خلاصه ایست از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله که با تکلفات منشیانه نوشته است .

۱۳) شمس الدین احمد افلاکی از شاگردان شیخ جلال الدین عارف نواده جلال الدین محمد بلخی بود و مؤلف کتابیست باسم مناقب العارفين در احوال جلال الدین بلخی و فرزندان و جانشینان وی و مشایخ این طریقه که بطریقه مولوی معروفست و در سال ۷۱۸ بتألیف آن شروع کرده و تا سال ۷۴۲ مشغول بوده و از حیث مطالب و روانی انشاء کتاب بسیار جالب توجه است .

۱۴) شهاب الدین عبدالله بن فضل الله شیرازی ملقب بوصاف الحضرة از مستوفیان دربار پادشاهان مغول و از مختصان خواجه رشیدالدین فضل الله بود و پس از گذشته شدن این وزیر پسرش غیاث الدین محمد پیوستگی داشت و در ۷۱۹ درگذشت ، مؤلف کتاب مشهوریست باسم تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار معروف بتاریخ و صاف که شامل وقایع سلطنت مغول از ۶۵۶ تا ۷۱۲ است و با تکلفات منشیانه بسیار نوشته ، بعدی که از سیاق زبان فارسی بسیار دورست و در نوع خود در میان کتابهایی که در آن بکثرت لغات عرب مقید شده اند منحصر مانده است ولی در نشر فارسی قدرت وی ازین

کتاب ظاهر می شود و وی در نظم فارسی و عربی نیز توانا بوده است .

(۱۵) حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی از خاندان معروف مستوفیان قزوین و جد او امین الدین احمد پس از آنکه مدتی در سلك مستوفیان بود در طریقه تصوف وارد شد و در فتنه مغول کشته شد و برادرش زین الدین محمد در وزارت خواجهدرشدالدین فضل الله تائب دیوان وزارت بود و خود نیز در سلك مستوفیان دربار می زیست . حمدالله مستوفی از جمله شعرا و نویسندگان زبردست زمان خود بود و از تالیفات او یکی تاریخ گزیده است که خلاصه ایست از تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ و آنرا از روی جامع التواریخ رشیدی پرداخته است. دیگر نزهة القلوب در طبیعیات و جغرافیا و در عجایب بلدان که در ۷۴۵ مشغول تألیف آن بوده و مهمترین کتاب جغرافیا در زبان فارسیست . سوم ظفر نامه که منظومه ایست ببحر متقارب و در آن وقایع ایران را پس از استیلای عرب تا زمان خود نظم کرده و دنباله شاهنامه فردوسی قرار داده است و شامل ۷۵ هزار شعرست دیگر تاریخ قزوین که آنرا نیز بانشای بسیار روان نوشته است .

(۱۶) شرف الدین ابوالفضل فضل الله راجی حسینی قزوینی در دربار اتابک نصره الدین احمد بن یوسف شاه (۶۴۹ - ۷۲۷) از اتابکان لرستان می زیسته و کتاب معروفی پرداخته است باسم کتاب المعجم فی آثار ملوک العجم که شامل احوال بعضی از پادشاهان پیش از اسلام ایرانست و آن نیز بواسطه وفود کلمات عربی از سیاق عادی زبان فارسی دور افتاده است .

(۱۷) سید مرتضی بن داعی حسنی رازی ملقب بعلم الهدی از علمای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و وی دو کتاب بنشر فارسی بسیار فصیح و منسجم پرداخته است یکی باسم تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام که در رد مذاهب مختلف و اثبات مذهب شیعه است و قدیم ترین کتاب فارسیست که بحث مذاهب مختلف در آن رفته ، دیگر ترجمه فارسی انساب نامه در ترجمه احوال ائمه که اصل آنرا در سال ۶۵۳ سید ابوتراب نامی بسایران آورده و وی ترجمه کرده است .

۱۸) افضل الدین محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن خوزمه رقی کاشانی معروف بیابا افضل از بزرگان علما و عرفای قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشته و دانشمندان عصر همه وی را تکریم می کردند و همواره در مولد خود ساکن بود و زمان را بدرس و بحث و تألیف می گذراند. رحلت او را باختلاف در ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ نوشته اند و لی ۶۰۴ درست تر می نماید و وی مؤلف یک عده بسیار رسائل فارسیست، در تصوف و سلوک و حکمت، که در منتهای فصاحت و شیوایی نوشته و در زبان فارسی منشی بسیار زبردستی بوده است و در شعر فارسی و نشر عربی نیز توانا بوده و در حکمت و منطق و کلام و تصوف و اخلاق معروف ترین کس در زمان خود بوده است، رسائل عمده وی بدینقرار است، المفید للمستفید، ساز و پیرایه شاهان پرمایه، منهاج المبین در منطق، مدارج الکمال، عرض نامه، جاوردان نامه، راه انجام نامه، مبادی موجودات، رساله نفس ارسطو، رساله تفاحه ارسطو و رساله زجر النفس یا نبیوع الحیوة ادریس که هر سه را ترجمه کرده است، رساله سوال و جواب، رساله چهار عنوان، شرح فصوص الحکم، آیات الصنعه بعربی، مجموعه رباعیات و یک عده مکاتیب و تقریرات.

۱۹) نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همه راوندی خاندان وی از خانواد های علمای عراق بودند و وی در راوند کاشان ولادت یافت و پس از قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان روی داد بعزم تحصیل سفرهای چند در اصفهان و همدان و شهرهای عراق کرد و از سال ۵۷۷ در دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و سپس بخدمت سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی مخصوص شد و بتعلیم پسران وی مأمور گشت و بیشتر ازین ایام را در همدان گذرانیده و پس از انقراض سلجوقیان ایران بروم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کین خسرو بن قلج ارسلان پذیرفته شد. وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ سلجوقیان با اسم راحة الصدور و آية السرور که در سال ۵۹۹ تألیف کرده و یکی از بهترین کتب نشر فارسیست و در نهایت فصاحت و روانی نوشته است و در ضمن شعر فارسی را نیکو می گفته است.

(۲۰) خواجه فقیه زاهد شیخ الاسلام ابو نصر طاهر بن محمد خانقاهی مغربی سرخسی از مشایخ متصوفه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران و از واعظ و ائمه زمان خود بوده و از احوال وی جزئیاتی بدست نیست. وی مؤلف کتابیست بنسب فارسی بسیار فصیح با اسم «گزیده» در تصوف که در منتهی درجه سلاست نوشته و این کتاب بزبان ترکی هم ترجمه شده است. دیگر از مؤلفات اوست کتاب خلاصه السلوک و کتاب هادی و کتاب تحفه.

(۲۱) عمادالدین زکریا بن محمود مکه‌فونی قزوینی، از مردم قزوین بود. نسبش بامام انس بن مالک می‌رسید و در جوانی بدمشق رفت و پس از تحصیل بعراق آمد و در ۶۵۰ قاضی حله شد و در ۶۵۲ قاضی واسط شد و تا آخر عمر درین مقام بود. و چندی هم در بغداد می‌زیست و در آنجا در ۶۸۲ رحلت کرد. وی از ادبای عالی مقام زمان خود بود و در شعر عربی و فارسی دست داشت و مؤلفات معروف گذاشته است از آن جمله تاریخ قاهره و کتاب آثار البلاد و اخبار العباد در جغرافیا و عجایب - المخلوقات و غرائب الموجودات که ظاهراً این هر دو کتاب را خود بفارسی ترجمه کرده و ترجمه فارسی آن در نهایت فصاحت و روانیست.

(۲۲) جمال‌الدین ابوالفضل محمد بن عمر الخالد قرشی، از دانشمندان ایرانی مقیم کاشغر و بسدرش حافظ بلاساعون در ماوراء سیحون بود و مؤلف ترجمه فارسی صحاح اللغة جوهریست که آنرا با اسم الصراح من الصحاح در شب سه شنبه ۱۶ صفر ۶۸۱ تمام کرده و بعد ذیلی عربی بر آن کتاب نوشته است با اسم ملحقات صراح که مطالب تاریخی مهم در آن بسیارست.

(۲۳) صفی‌الدین عبدالقوی ارموی، از فضلاء ارمیه و از خوشنویسان و علمای معروف موسیقی در زمان خود بود، در ۶۳۱ ولادت یافت و در جوانی بیغداد رفته و در مدرسه مستنصریه تحصیل کرده و در ادبیات و تاریخ و موسیقی و خط معروف شده و عود را در کمال خوبی می‌زده است و در دبستگاه مستعصم خلیفه منزلی یافت و کاتب و مغنی و ندیم او شد و پس از فتح بغداد در ۶۵۷ بخدمت خاندان جوینی اختصاص یافت و از جانب



ایشان کاتب انشاء دیوان بغداد شد ولی پس از برچیده شدن این خاندان چنان تپه دست شد که در برابر میصد دینار قرض محبوس شد و در آن حبس در ۱۸ صفر ۶۹۳ در گذشت و هشتاد سال عمر کرده بود. وی را مؤلفات چندیست از آن جمله رساله شرفیه در موسیقی که بنام شرف الدین هارون پسر صاحب دیوان جوینی پرداخته و بفارسی و عربی نوشته و بهترین رساله موسیقی قدیم ایرانست و دیگر کتاب ادوار که عبدالقادر مراغی در پایان قرن هشتم شرحی بر آن نوشته و شکر الله احمد اوغلی بترکی ترجمه کرده و نیز صفی الدین دوساز تازه اختراع کرده است یکی بنام «مغنی» و دیگری بنام «نزه».

۲۴) قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود بن مصباح گازرونی شیرازی ، معروف بعلاءه در ماه صفر ۶۳۴ در شیراز متولد شد و عم و پدرش طبیب بودند و وی نزد ایشان طب را آموخت و در نجوم نیز دست یافت و از جمله کسانی بود که در رصدخانه مراغه باخواججه نصیر الدین دستیاری می کردند و سپس بروم رفت و مدتی قاضی سیواس و ملطیه بود و از آنجا بشام رفت و در قونیه با صدر الدین قونیوی و جلال الدین بلخی معشور شد و در سلك تصوف در آمد و سپس بتبریز آمد و از خاصان پادشاهان مغول شد و در آنجا بسال ۷۱۰ در گذشت و در محله چرنداب مدفون شد. وی از علمای بزرگ قرن هفتم بود و در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و کلام و موسیقی و هنرهای دیگر کامل بود و در ظرافت طبع معروفست ، او را خال سعدی شاعر معروف ایران دانسته اند اما گویا این نسبت درست نباشد. در نشر و نظم پارسی و عربی مهارت بسیار داشته و کتب بسیار او در زبان عرب معروفست از کتابهای او بزبان تازی نهایتاً الادراک فی درایة الافلاک ، التحفة الشاهیه ، شرح حکمة الاشراف ، مفتاح المفتاح ، التحفة السعدیه ، شرح مختصر الاصول ابن حاجب ، فتح المنان فی تفسیر القرآن ، حاشیه بر الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری ، رساله فی بیان الحاجة الی الطب و آداب الاطبا و وصایاهم ، حاشیه بر حکمة العین نجم الدین دبیران و از جمله کتابهای معروف او بفارسی درة التاج لغرة الدباج است که کتابیست در تمام علوم و معروف

بانیان ملاقطب که برای اسحق وند امیره دباح از امرای مغرب گیلان که در فومن حکمرانی داشته است نوشته و دیگر از مولفات فارسی او تحفة شاهی و نهاية الادراك است که هر دو در علم هیئت باشد و نیز کتاب زیج سلطانی را بوی نسبت داده اند .

(۲۵) رکن الدین ابوالمکارم علاء الدوله احمد بن شرف الدین محمد بن

احمد بن محمد بیابانکی سمنانی ، از عرفای نامی ایران بود در ۶۵۹ متولد شد و در جوانی جزو عمال دیوان بود و پس از آن بحج رفت و در ۶۸۷ در سلك عرفا درآمد و از ۷۲۰ بعد در خانقاهی که خود بنام صوفی آباد نزدیک سمنان ساخته بود منزوی شد و در شب جمعه ماه رجب ۷۳۶ در گذشت . علاء الدوله سمنانی مولف يك سلسله رسالات بسیار فصیح شیرین در تصوف بزبان فارسیست و در نظام فارسی نیز دست داشته ، از جمله رسایل اوست : رسالة التصوف فی آداب الخلوة ، سرالبال فی اطوار سلوک اهل الحال (تألیف در ۷۰۱) ، سلوة العاشقین و سکنة المشتاقین ، ذکر خفی المستجلب لاجر الوفی ، کتاب الفلاح ، مصابیح الجنان ، مکاشفات ، عروة لاهل خلوة و جلوه (تألیف در صوفی آباد در محرم ۷۲۱) ، مقالات ، موارد الشوارد ، فصول الاصول یا فصول فی الاصول معروف بلا بدمنه ، فواید العقاید (تألیف در رجب ۶۹۹) ، مدارج المعارج فی الوارد الطارد بشبهة المارد معروف بالمدارج و المعارج ، نجم القران فی تاویلات القرآن ، عروة الوثقی ، الفتح المبین لاهل الیقین ، فرحة العالمین و فرجة الکاملین ، رسالة فی الفتوه . امیر اقبال سیستانی از اصحاب وی رساله ای در احوال و مناقب او نوشته است .

(۲۶) ملك الشعراء شمس الدین بن فخر الدین فخری اصفهانی معروف بشمس فخری از شعرا و ادبای معروف قرن هفتم بود و در جوانی از ۷۱۳ بعد در دربار اتابک نصره الدین احمد اتابک لرستان می زیست سپس بخدمت خواجه غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله رسید و از آن پس بخدمت شیخ ابواسحق اینجو درآمد و پدرش فخر الدین نیز از شعرای معروف عصر خود بوده است . شمس - الدین فخری مؤلف چند کتابست از آن جمله معیار نصرتی در فن عروض و قوافی که

در ۷۱۳ در ارستان تمام کرده و دیگر قصیده‌ی مصنوع معروفی باسم مخزن البحور و مجمع الصنایع که در ۷۳۲ در رقم در مدح خواجه غیاث‌الدین سروده و دیگر معیار جمالی و مفتاح ابواسحق شامل عروض و قافیه و بدیع و لغت که در ۷۴۵ باسم ابواسحق اینجو در فارس تمام کرده است و وی در عروض و قوافی و لغت و محسنات کلام در عصر خویش معروف بوده است.

(۲۷) ناصرالدین عمده الملك منتجب السدین یزدی منشی رئیس دیوان رسایل و انشای صفوة الدین پادشاه خاتون (۶۰۱-۶۹۴) از سلسله قراختایی کرمان بود و پدرش در ۶۵۰ از یزد بکرمان رفت و بدربار این سلسله راه یافت و وی اندکی بعد بکرمان رفت و در جزو عمال آن دربار شد و در جوانی در ۶۹۳ رئیس دیوان انشای رسالت شد و در کرمان اقامت داشت، وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ قراختاییان کرمان باسم سمط‌العلی للحضرة العلیا که بتقلید عقدالعلی نوشته و کتاب منشیانه قصیده‌یست که در ۷۱۶ تمام کرده است و نیز کتاب تتمه صوان الحکمة ابوالحسن بیهقی را بنام درة الاخبار و لمعة الانوار ترجمه و تکمیل کرده است و کتابی در احوال و ذرا بنام نسائم الاسحار دارد.

(۲۸) شهاب‌الدین ابوسعید کرمانی، از مورخین و نویسندگان قرن هفتم کرمانست از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتابیست باسم تاریخ شاهی در تاریخ قراختاییان کرمان.

(۲۹) امیر ناصرالدین حسین بن مجدالدین محمد آرجهان جعفری رعندی معروف بابن بی بی پدرش از سادات کور سرخ گرگان و مادرش بی بی منجمه دختر کمال‌الدین سمنانی رئیس شافعیه نیشابور بود و بهمین جهت بابن بی بی معروف شد و از جانب مادر از نژاد محمد بن یحیی عالم مشهور خراسان بود که در فتنه غز در قرن ششم در خراسان کشته شد و مادرش در ستاره شناسی معروف بود بهمین جهت در دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه قریب داشت و در سفرها با وی همراه بود و پس از کشته شدن این پادشاه این خانواده بدمشق رفت و علاء‌الدین کیقباد پادشاه سلجوقی روم ایشان را بقونیه نزد خود خواند، شوهرش کاتب حضورش و انشاء دیوان شد و پسر نیز در همان دربار مقام مهمی یافت و در آن دربار مقیم بود. ابن بی بی مؤلف کتابیست باسم الاوامر العلانیه

فی امور العلامیة که از ۶۸۱ تا ۶۸۴ بتألیف آن پرداخته و انشای بسیار فصیح منشیانه دارد و خلاصه‌ای از آن در دستت بنام سلجوقنامه که معلوم نیست از کیست.

(۳۰) صدرالدین محمد بن اسحق قونیوی ، از عرفای بزرگ قرن هفتم ایران بود که در شمس قونیه زندگی میکرد و جمع کثیری از معارف عرفای ایران در سلك شاگردان و مریدان وی بوده‌اند و در ۶۷۳ در گذشته است و مؤلف کتابهای معروفی است در تصوف بزبان عربی و فارسی از آن جمله اعجازالبیان فی تفسیرام القرآن یا فی کشف بعض اسرار القرآن، تاذیل السورة المبارکة الفاتحة، شرح الاحادیث الاربعینیه، شرح اسماء الله الحسنی ، الرسالة الهادیة ، النصوص فی تحقیق الطور المخصوص یا النصوص فی بحر التحقیق و جواهر الفصوص ، مراتب التقوی ، النفحات الالهیة القدسیة ، شعب الامام ، مفتاح الغیب، الرسالة المفصحة عن منتهی الافکار و سبب اختلاف الامم، الرسالة المرشدیة فی احکام صفات الالهیة ، لطایف الاعلام فی اشارات اهل الالهام ، نفثة المصدور و تحفة المشکور، النفحات الربانیة یا النفحات الرحمانیة و ثمرات التجلیات الاختصاصیة، دعاء التوحید، شرح حدیث، جامع الاصول در حدیث، کشف اسرار جواهر الحکم المستخرجة المورثة من جوامع الکلم در شرح حدیث الاربعین ، کشف السر و فکوک فی مستندات حکم النصوص و از جمله کتب فارسی از تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهی است .

(۳۱) اسمعیل بن محمد تبریزی ، از حکمای قرن هفتم ایران بود و در دربار اتابیک یوسف شاه بن البارسلان ارغون از اتابیکان لرستان می‌زیست و از عمال این دربار و همواره با وی همراه بود و در زبان فارسی کتبی چند در حکمت پرداخته است از آن جمله حیوة النفس و رسالة نصیریة .

(۳۲) قاضی سراج الدین ابوالثنا یا محمود بن ابی بکر ارموی ، از علمای معروف آذربایجان بود که در ۵۹۴ ولادت یافت و با سیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در دربار عزالدین کیکاوس بن کیخسرو بن کبچباد از سلجوقیان روم می‌زیست و در آن دیار در ۶۸۲ در گذشت و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله

مطالع الانوار در منطق و لطایف الحکمه در حکمت بفارسی که در ۶۵۵ تألیف کرده است .

(۳۳) ابو القاسم عبدالله بن علی بن محمد گاشانی ، از مورخان معروف قرن هفتم بود و از جمله کسانی بود که در تدوین جامع التواریخ با خواجه رشیدالدین فضل الله مساعدت میکرد و سپس خود کتاب مستقلی در تاریخ نوشت با اسم زبدة التواریخ که نخست کتاب کوچک تری شامل تاریخ سال بسال از پیشدادیان تا انقراض خلافت بنی العباس نوشته و سپس کتاب مفصلی در سال ۷۰۰ تمام کرده و وقایع تاریخ عالم را تا عصر خود رسانیده و یکی از مجلدات آنرا تاریخ الجایتو سلطان محمد خربنده نامیده است .

(۳۴) ابو نصر محمد قطان غزنوی ، یکی از نویسندگان و علمای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده ولی از احوال وی اطلاعی نیست و تنها کتابی ازو بدستست در احوال پیمبران بشر فارسی بسیار روان و فصیح با اسم سراج-القلوب که در منتهای استادی نوشته است .

(۳۵) محمد بن علی بن حمید بن ابی بکر کوفی ، از نویسندگان بزرگ هفتم هندوستان بود و کتاب منهاج المسالك تألیف محمد بن قاسم ثقفی را که بزبان عرب نوشته شده و شامل تاریخ چین بن سیلابج و فتح سند بدست اعرابست با اسم چین نامه یا تاریخ هند و یا فتح نامه در زمان معزالدین محمد بن سام و ناصرالدین قباچه فرمان عین الملک فخرالدین حسین بن ابی بکر اشعری وزیر بفارسی بسیار شیوا ترجمه کرده است .

(۳۶) بدرالدین نخشی رومی ، از دبیران دربار سلجوقیان روم در قونیه بوده و مولف کتاب بسیار خوبیست در صنعت انشا با اسم الترمسل الی التوسل که در اول ذی حجه ۶۸۴ تدوین کرده است .

(۳۷) نصیر الدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله سجستانی ساعتی هیکلی سیواسی ، معروف بر مال و معزم از علمای ایران بود که در روم اقامت داشت و در

هندسه و علوم غریبه و ریاضیات بسیار ماهر بود و چند تألیف درین باب پرداخته است: یکی کتاب دقایق الحقایق در علوم خفیه که در آقسرا در سال ۶۷۰ تمام کرده و دیگر هونس العوارف منظومه در معراج و معجزات و غرایب که در قیصریه بسال ۶۷۱ با اسم غیاث الدین کیخسرو دوم (۶۶۶-۶۸۲) از سلجوقیان روم با تمام رسانیده و در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته است.

(۳۸) **حسن نظامی نیشابوری**، از منشیان زبردست خراسان بود، در اوایل عمر بغزنین و سپس به هندوستان رفت و در دهلی در دربار پادشاهان هند مقیم شد و بخدمت قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتمش رسید و کتاب تاج المآثر را که در تاریخ این پادشاهان و از ۵۸۷ تا ۶۱۴ است در سال ۶۰۲ شروع کرد. این کتاب نیز از جمله کتابهاییست که در وفور کلمات عربی معروفست.

(۳۹) **محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن ابراهیم دنیسری**، نیز از منشیان و علمای مقیم روم بوده و مواف کتابیست با اسم نوادر التبادر در تمام علوم که در ۶۶۹ تمام کرده است.

(۴۰) **شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد مسعودی**، مولف کتاب الکفایة فی علم الیهیة که در ۶۴۳ بتألیف آن شروع کرده و در ۶۷۲ با تمام رسانده و سپس آنرا خود بفارسی با اسم جهان دانش ترجمه کرده است.

(۴۱) **حسن بن محمد نیشابوری قمی معروف بنظام**، صاحب کشف الحقایق در شرح زیج ایلخانسی خواجه نصیر الدین طوسی از جمله علمای نجوم قرن هفتم

(۴۲) **محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی معروف بسیف منجم بایزدوی**، مقیم شیرازی نیز از منجمین این عصر بود و در سال ۷۰۲ زیج اشرفی را تألیف کرده است.

(۴۳) **محمد بن منصور**، از دانشمندان زمان غازان خان (۶۹۴-۷۰۳) بود و کتابی در معرفت جواهر با اسم جواهر نامه پرداخته است.

( ۴۴ ) **محمدالدین سعید بن محمد بن احمد فرغانی** ، معروف بسعید فرغانی متوفی در ۶۹۱ از جمله عرفای این زمان بود و شرحی بفارسی بر قصیده تائیه ابن الفارض نوشته است

( ۴۵ ) **نجم الدین صابن الاسلام محمود بن صابن الدین الیاس بن سترباریک شیرازی** ، از اطباء نامی این زمان بود و کتاب غیاثه در طب از مؤلفات اوست .

( ۴۶ ) **شمس الدین محمد بن علی وابکنوی** ، از مردم وابکنه در سه فرسنگی بخارا و از بزرگان منجمین این زمان بود . چهل سال کواکب را رصد کرد و مدتی مقیم یزد بود و سفرهای بسیار کرد و تا اوایل قرن هشتم زنده بود ، از جمله مؤلفات او زیج سلطانیست که در ۶۹۴ تألیف کرده و دیگر زیج قطبی .

( ۴۷ ) **حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری استرآبادی** از علمای شیعه این قرن بوده و از احوالش جزین خبری نیست که در ۶۷۵ کتاب کامل بهایی را در عقاید شیعه بفارسی بنام شمس الدین صاحب دیوان جوینی و پسرش بهاء الدین تألیف کرده و مؤلفات دیگری ازین قرار است : تحفه ابرار و هدیه اخبار بفارسی ، مناقب الطاهرین ، منهج در عبادات ، اربعین معروف بربعین بهایی ، نقض معالم فخر الدین رازی .

( ۴۸ ) **شهاب الدین ابو عبدالله فضل الله بن تاج الدین ابوسعید بن حسین بن یوسف توران پستی** از بزرگان دانشمندان و فقهای قرن هفتم و از مردم توران پشت قریه ای از توابع یزد و ساکن شیراز بوده و در پایان زندگی بخواهش قتلغ ترکان خاتون قراخستایی بکرمان رفته و در ۶۶۱ در آنجا در گذشته است و بازماندگان وی تا مدتی در آن شهر بوده اند . وی از بزرگان علمای شافعی ایران بوده و کتابهای چند نوشته است از آن جمله شرحی بر مصابیح السنه تألیف امام حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی متوفی در ۵۱۶ و نیز کتابی بفارسی در اعتقادات بنام اتایک ابوبکر بن سعد بن زنگی و پسرش سعد در ولیعهدی وی بنام المعتمد فی المعتمد نوشته که بتحفه مظفری و تحفه سلغری نیز معروفست و مولوی اختر محمد خان راهپوری حنفی قادری نقشبندی مجددی آنرا بزبان اردو ترجمه کرده و وی شاعر توانایی هم بوده است .

( ۴۹ ) **عین الدین حسن بن غیاث الدین حسن حسینی سگزی** چشم از بزرگان مشایخ

طریقه چشتی در هندوستان بوده در ۵۳۷ در سیستان ولادت یافته و در جوانی از مریدان شیخ عثمان هارونی شده و نخست بسمرقند و بخارا و سپس بعراق عرب رفته و در بازگشت در قصبه هارون از توابع سبزوار از اصحاب شیخ عثمان هارونی شده و پس از بیست سال مصاحبت با او و سفرهای بسیار و دیدار با محیی الدین عبدالقادر گیلانی در گیلان و چند تن از مشایخ معروف آن عصر از بلخ بلاه و در رفته و از آنجا بدهلی و از آنجا بشهر اجمیر رفته و در آنجا ساکن شده و بهمین جهت باجمیری معروف شده است و طریقه چشتی را در هند رواج داده و جمعی از هندوان نیز با او گرویده اند و سرانجام در همان شهر در روز دوشنبه ششم رجب ۶۲۳ یا سوم ذی الحجه آن سال در گذشته و قول اول معتبر ترست و معروفی تا کنون در اجمیر زیارتگاهست. معین الدین سکزی یا سجزی که نسبت وی را اغلب بخطا منجری نوشته اند از بزرگان صوفیه زمان خود بوده و در باره وی کرامات بسیار آورده و کتابهای چند نوشته اند از آن جمله کتاب دلیل العارفين در ملفوظات او تألیف قطب الدین بختیار کاکلی اوشی عارف مشهور هند که از اصحاب وی بوده و کتاب وقایع شاه معین الدین چشتی تألیف بابو لال هندو و کتاب معین الاولیا تألیف قاضی سید امام الدین خان اجمیری و کتاب مونس الارواح تألیف جهان آرا بیگم دختر شاه جهان تألیف در ۱۰۴۹. معین الدین نیز بزبان فارسی مؤلفات دارد از آن جمله کتاب فواید الفوائد در مناقب و ملفوظات نظام الدین اولیا و کتاب دیگری در همین زمینه بنام فواید الفوائد که نیز باو نسبت داده اند و تردیدست از او باشد و چنان می نماید که از علاء الدین حسن سکزیست و دیگر رساله ای در تصوف و رساله ای در طریقه شطار و کتاب معنی المعانی. کتابی شامل هزار و صد بیت غزل بنام او در هندوستان رواج دارد اما این اشعار از وی نیست و از معین الدین هروی شاعر قرن نهمست که معین مسکین تخلص می کرده است.

۵۰) صدر الشریعه عبیدالله بن مسعود بن قاج الشریعه برهان الدین محمود بن صدرالد الشریعه احمد بن جمال الدین ابو المکارم عبیدالله محبوبی بخارایی از خاندان بسیار معروف از رؤسای حنفیان بخارا بود و جدش تاج الشریعه و پدر جدش



صدرالشریعه از مشاهیر فقهای این فرقه بودند و بهمین جهت وی بصدرالشریعه اصغر معروف بود. وی نیز مانند پدران خود در فقه و اصول و حدیث و نحو و لغت و ادب و منطق دست داشت و نزد معروف ترین دانشمندان خاندان خود و بزرگان آن عصر دانش آموخته بود و در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم در بخارا می زیست و در آنجا در ۷۴۲ در گذشت و در مقبره خانوادگی در شرع آباد بخارا مدفون شد و نیاگان و فرزندان وی همه در آنجا مدفونند. وی را در فنون شرعی بزبان فارسی و تازی مؤلفات چندست از آن جمله شرح کتاب الوقایه از مؤلفات جدش تاج الشریعه و مختصر همان کتاب بنام النقایه و کتاب التتبیح فی الاصول و شرحی بر آن بنام التوضیح و مقدمات الاربعه و تعدیل العلوم و کتاب الشروط و کتاب المعاضد و کتاب الوشاح و مختصر وقایه الروایه فی مسائل الهدایه بفارسی و برین کتاب اخیر سه شرح بفارسی نوشته شده: یکی شرح مختصر و قایه معروف بترجمه مختصر گورمیری از جلال الدین محمود بن ابوبکر سمرقندی معروف بگورمیری و دیگر شرح فارسی مختصری که بنورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف نسبت داده اند و شرح وقایه معروف بشهر ملا صالح که معلوم نیست مؤلف آن در کدام زمان بوده است.

( ۵۱ ) مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی از فقهای حنفی ماوراءالنهر بوده و مؤلف کتابیست در فقه و عبادات طریقه حنفی معروف بصلوة مسعودی که از روش انشای آن پیداست در قرن هفتم می زیسته است.

( ۵۲ ) امام زین الصالحین ابوالقاسم بن حسین ، از احوال وی اطلاعی نیست و پیداست که از پیشوایان حنفیه شاید در ماوراءالنهر بوده است و یگانه اثری که از او هست ترجمه فارسی مختصر القدوری در فروع حنفیه تألیف امام ابوالحسین احمد بن محمد قدوری بغدادی حنفی متوفی در ۴۲۸ است که بنام قدوری فارسی معروفست و از روش انشای آن پیداست که مترجم در قرن هفتم زیسته است.

( ۵۳ ) فریدالدین مسعود بن جمال الدین سلیمان بن شعیب بن محمود بن یوسف ابن شهاب الدین فرخشاه کابلی ابن فخرالدین محمود بن سلیمان بن مسعود بن عبدالله واعظ الاصفهانی ابوالفتح واعظ الاکبر بن اسحق بن ناصر بن عبدالله بن

عمر بن خطاب معروف بفریدالدین شکر گنج یا گنج شکر که در هندوستان بیشتر بنام بابا فرید معروفست. از بزرگان مشایخ طریقه چشتی در هندوستان بود. پدرش که وی را برخی خواهرزاده محمود غزنوی دانسته‌اند در زمان شهاب‌الدین غوری از کابل به هند رفته و وی در ۵۶۹ یا ۵۷۱ در قصبه کهووال از توابع ملتان ولادت یافته و جوانی را در ملتان گذرانیده و بخدمت شیخ بهاء‌الدین زکریا ملتانی رسیده و ارشاد از وی یافته و سپس در حلقه مریدان قطب‌الدین بختیار کاکی عارف مشهور در آمده و وی در دم مرگ او را از شهر هانسی نزد خود خوانده و وی را جانشین خود کرده است و از آن پس در قصبه اجودهن یا پک پتن نزدیک دیبالپور از توابع ملتان ساکن شده و در همان جادر ۵ محرم ۶۶۴ در ۹۶ سالگی در گذشته و مرقد او هنوز در آنجا زیارتگاهست و در همه سال در آن بسته است تنها در روزه محرم که روز درگذشت اوست در آن را باز می‌کنند و جمعی کثیر از آن در زیارت خاک او می‌روند و آن در تنگ را «بهبشتی دروازه» می‌گویند و عقیده دارند هر که از آن بگذرد ببهبشت می‌رود. در باره وی کرامات بسیار آورده‌اند از آن جمله گفته‌اند روزی که نزد مرشد خود قطب‌الدین بختیار می‌رفت گرسنه بود و در راه ناتوان شد و خاکی بر دهان گذاشت و آن خاک در دهانش بشکر تبدیل شد و بهمین جهت مرشد وی او را گنج شکر یا شکر گنج لقب داده است. در مقامات وی کتابهای چند بفارسی نوشته‌اند از آن جمله راحة القلوب در ملفوظات وی از نظام‌الدین اولیا عارف مشهور و اسرار الاولیا در مناقب او از بدرالدین اسحق بن علی دهلوی و جواهر فریدی تألیف علی اصغر چشتی. وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و برخی اشعار فارسی از او مانده و کتابی نیز از او باقیست بنام فواید السالکین که در ملفوظات مرشد خود قطب‌الدین بختیار کاکی نوشته است.

درین دوره دو کتاب مهم دیگر نیز بفارسی تألیف شده: یکی تاریخ سیستان است که ظاهراً اصل آن عربی بوده و در اوایل قرن پنجم در آغاز دوره سلجوقیان آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند و سپس در نیمه دوم قرن هفتم مولف دیگری حوادث سیستان را باختصار از اوایل قرن پنجم تا زمان خود بر آن افزوده و آنرا بنام ملک نصیرالدین

پادشاه سیستان و پسران او رکن‌الدین محمود و نصره‌الدین در میان سنوات ۶۷۵ - ۶۹۵ تکمیل کرده است .

کتاب دوم ترجمه فارسی کتاب الفتوح از احمد بن اعثم کوفیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم یکی از وزرای خوارزمشاهان مؤید الملک قوام‌الدین، منشی و شاعر معروف آن زمان رضی‌الدین سیدالکتاب امیرالشعراء محمد بن احمد بن ابی‌بکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر رضی‌الکاتب را بترجمه آن مأمور کرده ولی او را مرگ در رسیده و ناتمام مانده است و بازمانده آنرا بفرمان همان وزیر محمد بن احمد بن ابی‌بکر هابیزنابادی بانجام رسانده است و این ترجمه در نهایت فصاحتست .

در قرن هفتم تغییر اساسی در شعر فارسی پدیدار شد، اساساً سبک عراقی که در اواخر قرن ششم رواج کامل یافته بود و بواسطه برچیده شدن سلسله‌های پادشاهان ایرانی در خراسان متروک ماند و فکر تصوف که در دو قرن گذشته در میان خواص ایران رواج یافته، بود در نتیجه سختی‌ها و بدبختی‌های تسلط مغول بیش از پیش تعمیم یافت و در شعر کاملاً ریشه گرفت و از سوی دیگر روز بروز از شماره پادشاهان و امرایی که شعرا را بخود جلب میکردند و مدایح ایشان را می‌خریدند کاسته می‌شد و چون شاعر ممدوحی نمی‌یافت که حق او را بگزارد و مدایح او را صلت بخشد بغزل سرایی بیشتر می‌پرداخت و برای دل‌داری و آزادی خود جز تصوف راه‌گزینی نداشت. بهمین جهت اکثریت شعرای بزرگ قرن هفتم غزل عارفانه سروده‌اند و کسانی که هنوز بسبک عراقی قصیده‌سرایی می‌کردند با پادشاهان و امرای جزء بودند که در پیرامون استیلائی مغول باقی مانده و بودند بمحض آنکه ایشان از میان می‌رفتند و نابود میشدند دیگر کسی جای ایشان را نمی‌گرفت. در نتیجه نهضت خاصی در شعر ایران در قرن هفتم دیده می‌شود و سبک سمبولیسم درین دوره غلبه دارد. شعرای بزرگ ایران در قرن هفتم بدین قرار بودند :

(۱) کمال‌الدین ابوالفضل اسمعیل اصفهانی پسر جمال‌الدین عبدالرزاق شاعر

معروف قرن ششم بود. وی از بزرگان شعرای قرن هفتم بشمارست، تمام عمر خویش را در مولد خود گذرانده و مانند پدر مداح آخرین پادشاهان خوارزمشاهی و بزرگان خانواده صاعدیان بود که پیشوایان مذهب حنفی در اصفهان بودند و در آخر عمر شاهد وقایع ناگوار اصفهان بود یعنی جنگهای خوارزمشاهان با مغول و استیلای مغول بر اصفهان در ۶۳۳ و زرد و خوردهای شافعیان و حنفیان اصفهان در همان سال و کشتار مهیبی که در نتیجه آن روی داد. پس ازین واقعه کمال الدین اسمعیل در گوشه ای منزوی ماند و اندکی بعد در دوم جمیدی الاولی ۶۳۵ در انزوار رحلت کرد و سبب مرگ وی را چنین نوشته اند که بر حسب اتفاق بدست مغولی کشته شد. کمال الدین اسمعیل از شعرای بزرگ ایرانست و در جز و سخن سرایان درجه دوم بشمارست. در قصیده و غزل قادر بوده و پیشوای غزل سرایان عراق در قرن هفتم شمرده می شود. دیوان وی شامل هفت هزار بیتست. در اشعار خود مضامین دقیق و تازه بسیار آورده است و بهمین جهت او را «خلاق المعانی» لقب داده اند و سبک شعرای عراق را وی باوج کمال رسانده و رساله ای ادبی بزبان تازی بنام رساله القوس نوشته است.

۲) **ابیرالدین عبدالله اومانی** از مردم اومان نزدیک همدان بود و وی را از شاگردان خواجه نصرالدین طوسی شمرده اند. وی اختصاص داشته است بمدح اتابک مظفرالدین ازبک و سلیمان شاه بن پرچم ایوایی پیشوای یکی از خاندانهای کرد و بهمین جهت بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانده و بسال ۶۶۵ درگذشته است. ابیرالدین اومانی نیز از بزرگان شعرای قرن هفتم بود و بسبک شعرای عراق قصیده سرایی می کرد و معانی دقیق در اشعار خود بسیار می آورد و بهمین جهت در زمان خویش بسیار معروف بود، دیوان وی شامل پنج هزار بیتست و در میان آن اشعار مخصوصاً قطعات اخلاقی بسیار خوب دارد و درین سبک کاملاً استاد بوده است.

۳) **جلال الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسین حسینی خطیبی بکری** بلخی معروف بمولوی رومی یا ملای روم یکی از بزرگترین عرفای اسلام و از بزرگترین شعرای درجه اول ایران بشمارست. خانواده وی از خاندانهای محترم بلخ

بود و نسب ایشان بابو بکر خلیفه میرسید و پدرش از سوی مادر دخترزاده سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و بهمین جهت بهاءالدین ولد معروف بود. وی در سال ۶۰۴ در بلخ ولادت یافت. چون پدرش از بزرگان مشایخ عصر بود و سلطان محمد خوارزمشاه با این سلسله لطفی نداشت بهمین جهت بهاءالدین در سال ۶۰۹ با خانواده خود خراسان را ترک کرد و از راه بغداد بمکه رفت و از آنجا در الجزیره ساکن شد و پس از نه سال اقامت در ملاطیه سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی که عارف مشرب بود او را بیایتنخت خود شهر قونیه دعوت کرد و این خاندان در آنجا مقیم شد. هنگام هجرت از خراسان جلالالدین پنجساله بود و پدرش در سال ۶۲۸ در قونیه رحلت کرد و وی پس از مرگ پدر مدتی در خدمت سید برهانالدین ترمذی که از شاگردان پدرش بود و در ۶۲۹ بآن شهر آمده بود شاگردی کرد و تا سال ۶۴۵ که شمسالدین تبریزی رحلت کرد جزو مریدان و شاگردان او بود و سپس خود جزو پیشوایان طریقت شد و طریقه‌ای فراهم ساخت که پس از وی انتشار یافت و با اسم طریقه مولویه معروف شد و خانقاهی در شهر قونیه برپا کرد و در آنجا بارشاد مردم پرداخت و آن خانقاه کم کم بدستگاه عظیمی بدل شد و معظمترین اساس تصوف بشمار رفت و از آن پس تا این زمان آن خانقاه و آن سلسله در قونیه باقیست و در تمام ممالک شرق پیروان بسیار دارد و وی همواره با مریدان خود میزیست تا اینکه در پنجم جمادی الاخره سال ۶۷۲ رحلت کرد. جلالالدین بلخی یکی از بزرگترین شعرای ایران و یکی از مردان عالی مقام جهانست و در میان شعرای ایران شهرت وی بیای شهرت فردوسی و سعدی و عمر خیام و حافظ می رسد و از اقربان ایشان بشمار می رود و آثار وی بیسیاری از زبانهای مختلف ترجمه شده، این عارف بزرگ در وسعت نظر و باندی فکر و بیان ساده و دقت در خصال انسانی یکی از بزرگان دنیاست و شاعری دون مقام اوست و یکی از بلندترین مقامات را در ارشاد فرزند آدمی دارد و وی را باید در شمار اولیا دانست. سرودن شعر تاحدی تفنن و تفریح و یک نوع لفافه‌ای برای ادای مقاصد عالی او بوده و این کار را وسیله تفهیم قرار داده است. اشعار وی بدو قسمت منقسم میشود نخست

منظومه معروف اوست که از معروفترین کتابهای زبان فارسیست و آنرا مثنوی معنوی نام نهاده است. این کتاب که صحیحترین و معتبرترین نسخه‌های آن شامل ۲۵۶۳۲ بیت است بخش دفتر منقسم شده و آن را بعضی باسم صیقل الارواح نیز نامیده‌اند. دفاتر شش گانه آن همه بیک سیاق و مجموعه‌ای از افکار عرفانی و اخلاقی و سیر و سلوک است که در ضمن آیات و احکام و حکایات و امثال بسیار در آن آورده است و آنرا بخواش یکی از شاگردان خود حسن بن محمد بن اخی ترک معروف بحسام‌الدین چلبی که در ۶۸۳ رحلت کرده است نظم کرده و وی هنگامی که شوری و وجدی داشته چون بسیار مجذوب سنایی و عطار بوده است بهمان وزن و سیاق منظومات ایشان اشعاری با کمال زبردستی بدیبه می‌سروده است و حسام‌الدین آنها را می‌نوشته. نظم دفتر اول در ۶۶۲ تمام شده و درین موقع بواسطه فوت زوجه حسام‌الدین ناتمام مانده و سپس در ۶۶۴ دنباله آنرا گرفته و پس از آن بقیه را سروده است. قسمت دوم اشعار او مجموعه بسیار قطور است شامل نزدیک صد هزار بیت غزلیات و رباعیات بسیار که در موارد مختلف عمر خود سروده و در پایان اغلب آن غزلیات نام شمس‌الدین تبریزی را برده و بهمین جهت بکلیات شمس تبریزی و با کلیات شمس معروفست و گاهی در غزلیات خاموش و خموش تخلص کرده است و در میان آن همه اشعار که با کمال سهولت می‌سروده است غزلیات بسیار رقیق و شیوا هستند که از بهترین اشعار زبان فارسی بشمار تواند آمد.

جلال‌الدین بلخی پسری داشته است باسم بهاء‌الدین احمد معروف بساطان ولد که نام وی در جای خود خواهد آمد و جانشین پدر شد و سلسله ارشاد وی را ادامه داده است و از عرفای معروف قرن هشتم بوده و او مطالبی را که در مشافهات از پدر خود شنیده است در کتابی گرد آورده و «قیه‌ما فیه» نام نهاده است و نیز منظومه‌ای بهمان وزن و سیاق مثنوی بدست هفت که باسم دفتر هفتم مثنوی معروف شده و باو نسبت میدهند اما از وی نیست. دیگر از آثار مولانا مجموعه مکاتیب او و مجالس سبعه شامل مواعظ اوست.

(۴) ملک‌الشعراء پوربهای جامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم بود، در

اوایل عمر در خراسان می زیست و خاندان وی در ولایت حجام منصب قضا داشتند و وی از مداحان خواجه و جیه الدین زنگی بن خواجه طاهر فریومدی هستوفی خراسان بود و در زمانی که ارغون خان حکمران خراسان بود او را با ممدوح وی بتبریز برد و در آنجا پوربها را با شعرای آذربایجان که مختصان صاحب دیوان جوینی بودند ملاقات و مشاعره روی داد و وی در سلك ایشان داخل شد و تا آخر عمر در آذربایجان می زیست و در اواخر قرن هفتم در گذشت. پوربهای جمعی در قصیده سرایی زیر دست بود و دیوان اشعار او در دست نخستین کسیست که کلمات و اصطلاحات مغولی را در شعر خود آورده است.

۵) ملك الشعراء بهاء الدین احمد بن محمود قانع طوسی، نخست در خراسان می زیست و در سال ۶۱۷ از فتنه مغول گریخت و از راه دریا به عدن و مدینه و مکه رفت و سپس به بغداد آمد و بیاد روم رفت و در دربار سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی وارد شد «ملك الشعراء» او شد و سپس در دربار جانشینان وی غیاث الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس همین مقام را داشت و نزدیک چهل سال درین مقام باقی بود و در اواخر قرن هفتم در گذشت. قانع نیز در قصیده سرایی مهارت تام داشته و ازو هم جز بعضی اشعار نمانده است با آنکه مدت چهل سال شعر می گفته و وقایع پادشاهان سلجوقی روم را نظم می کرده و کتابی باسم سلجوقنامه در تقلید شاهنامه نظم کرده بود که شامل ۳۰ مجلد و ۳۰۰ هزار شعر بود و گذشته از آن کتاب کلیده و دمنه را هم نظم کرده بود ولی از آن همه چیزی بجز کلیده و دمنه بدست نیست.

۶) رضی الدین ابو عبد الله محمد بن عثمان امامی هروی از دانشمندان هرات بود و پادشاهان آل کرت را مدح می گفت و سپس بکرمان رفت و مدتی پادشاهان و امرای آن دیار را مدح می گفت و بعد باصفهان آمد و بازمانده عمر خود را در اصفهان گذراند و چون در زبان و ادبیات عرب مهارت بسیار داشت در زمان خویش بسیار معروف شد و حتی بعضی از معاصرین وی را بر سعدی ترجیح دادند و وی در اصفهان در ۱۷ محرم ۶۸۶ در قصبه لنجان رحلت کرد. امامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم ایران بود و در قصیده سرایی بسبک عراقی مهارت داشت. دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت

بدستت و در زبان عرب نیز مؤلفات دارد از آن جمله است شرحی که بر قصیده باغیه ذوالرمله شاعر معروف عرب نوشته است .

(۷) مجدالدین همگر یزدی شیرازی از بزرگ زادگان یزد بود ولی چون بیشتر در شیراز می زیسته است بشیرازی معروف شده و خود نسب خویش را بسامانیان میرساند ، مدتی در اصفهان می زیسته و سپس بفارس رفته و در خدمت اتابکان سلغری فارس زیسته و پس از انقراض این خاندان باصفهان بازگشته و از مداحان بهاءالدین محمد پسر شمس الدین صاحب دیوان حکمران اصفهان بوده است . در زمانی که در فارس بوده مدتی جزو مداحان اتابک سعدبن ابی بکر بن سعدبن زنگی ممدوح معروف سعدی بوده و خود می گوید که سمت وزارت ادرا داشته است و عاقبت در اصفهان در ۶۸۶ رحلت کرده است . مجد همگر در غزل و قصیده مهارت تام داشته و از بزرگان خوشنویسان و شعرای قرن هفتم بوده است . دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیتست و در آن میان اشعار لطیف بسیار دارد .

(۸) بدرالدین جاجرمی نیز از شعرای معروف قرن هفتم بود و بسبب عراقی قصاید می سرود و همواره در اصفهان می زیست و در اواخر عمر در سملک مداحان بهاءالدین محمد جوینی در آمد و بهمین جهت شمس الدین صاحب دیوان راهم مدح گفته است و وی نیز در ۶۸۶ در اصفهان در گذشته ، دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیتست و منظومه ای در اختلاجات سروده است .

(۹) خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد جوینی صاحب دیوان از خانواده معروف جوینیان بود که رجال بسیار از ایشان در اواخر قرن ششم و در قرن هفتم چه در دولت خوارزم شاهان و چه در دولت مغول مقامات مهم داشته اند و همه دبیر و مستوفی و وزیر بوده اند و وی برادر ارشد عظاملك جوینیست . پدرش بهاء الدین محمد در سال ۶۳۰ صاحب دیوان خراسان شد و در ۶۴۱ از جانب امیر ارغون نایب آورد آذربایجان و گرجستان دروم گشت و پسرش شمس الدین از جوانی در دربار مغول بود و از عمال هولاکوخان بشمار می رفت و پس از فتح بغداد در سال ۶۵۷ حکمران



آن ناحیه شد و در ۶۶۱ بوزارت هولاکوزسید و پس از مرگ هولاکو در زمان ابقاخان درین مقام باقی بود تا آنکه در میان وی و مجدالملک یزدی که از بر آوردگان او بود تقاری در گرفت و مجدالملک بنای سعایت را گذاشت و خاندان جوینیان را بخیانت متهم کرد و ابقاخان به رین خانواده بدگمان شد. به همین جهت نخست عظاملک را از حکمرانی بغداد عزل کرد و درین میان ابقاخان مرد و برادرش تگودار احمد بجای او نشست و او با صاحب دیوان چندان سخت نگرفت تا آنکه ارغون خان جانشین او شد و درین زمان صاحب دیوان فرار کرده بود و در اصفهان می زیست و میخواست به هندوستان بگریزد و چون پابند خانواده خود بود مصمم شد نزد ارغون رود و دل او را نرم سازد و با آنکه ارغون بخوش رویی او را پذیرفت پس از چندی فرمان داد که او را محاکمه کنند و قرار شد که جریمه دهد ولی مبلغی که از فروش املاک خود فراهم ساخته بود پسندیده نیفتاد و ارغون حکم کشتن او را صادر کرد و وی را عصر دو شنبه ۴ شعبان ۶۸۳ در نزدیک اهر در آذربایجان کشتند و هر کس را که از خانواده او یافتند نابود کردند. شمس الدین صاحب دیوان جوینی یکی از بزرگان تاریخ ایرانست و از حیث تدبیر و کاردانی و هروت و بزرگواری و زیر دست پروری و سخا و دانش گستری و لطف عام مقامی نظیر مقام نظام الملک طوسی دارد و از مردان بزرگ این دیار بشمار تواند آمد. در ادبیات قرن هفتم مقام بسیار رفیعی دارد زیرا که نویسندگان و شعرای بزرگ این دوره از نعم وی برخوردار شده اند و همه از وصلات گران گرفته در حق وی مدح های غرا گفته اند. شمس الدین خود در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته، بعضی از منشآت و مکاتیب او باقیست که قدرت وی را در انشای فارسی مسلم می کند و بعضی غزلیات و قصاید و قطعات که از او مانده ثابت میکند که از شعرای زبردست زمان خود بوده است.

(۱۰) فخرالدین ابراهیم بن یزید مهر بن عبدالغفار جو اقی همدانی متخلص بهراقی یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از بزرگان عرفای این دیارست. در سال ۶۱۰ در روستای کمیجان یا کمیجان در ناحیه اعلم یا المر در میان

همدان و اراک که در ۸۶ کیلومتری هر دو شهر است ولادت یافته است. در جوانی بسن ۱۷ سالگی شور تصوف در او پدید آمد و به همراهی چند تن از درویشان از همدان در حدود سال ۶۲۷ هجری همدان را ترک کرد و در مولتان جزو شاگردان شیخ بهاء الدین زکریا مولثانی عارف معروف قرن ششم جای گرفت و بیست و دو سال در خدمت او ماند و دختر او را نکاح کرد و پس از مرگ وی جانشین او شد ولی چون مریدان دیگر زیر بار او نرفتند از هندوستان بیرون آمد و بمکه و مدینه رفت و از آنجا به بلاد روم افتاد و در شهر قونیه به خدمت صدرالدین قونوی رسید و کتاب فصوص الحکم محیی الدین ابن العربی را که معروف ترین کتاب تصوف در آن زمان بود نزد وی درس خواند و در آن دیار معروف شد تا بعدی که معین الدین پروانه حکمران آن دیار معجذب وی گشت و برای او در شهر توقات خانقاهی ساخت ولی پس از مرگ معین الدین وی از روم هجرت کرد و به شام و مصر رفت و شیخ الشیوخ مصر شد و سپس در هشتم ذی قعدة سال ۶۸۸ در دمشق رحلت کرد و در صالحیه نزدیک قبر محیی الدین ابن العربی مدفون شد. فخرالدین عراقی یکی از شعرای بیست که غزل عارفانه را بسیار لطیف و طرب انگیز و سوزناک سروده است و شعر او وجود و شور خاصی دارد و در مثنوی درجه زیبایی غزل عارفانه است. دیوان قصاید و غزلیات او شامل چهار هزار و هشتصد بیت بدست است و بجز آن منظومه ای بر وزن حدیقه سنایی با اسم عشاق نامه یاده نامه برای شمس الدین صاحب دیوان سروده است. در تشریح فارسی کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است با اسم لمعات که در نهایت شور و لطف نوشته و انشای عاشقانه بسیار لطیفی دارد و آنرا پس از درس خواندن نزد صدرالدین قونوی نوشته و با استاد خود نموده و از اجازت انتشار گرفته است و این کتاب از اجلة مؤلفات متصوفه در زبان فارسیست و شرح متعدد بر آن نوشته اند از آن جمله است شرحی که عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم با اسم اشعة اللمعات در ۸۸۹ بر آن پرداخته است و شرح شاه نعمه الله ولی و شرح صابن الدین علی ترکیه اصفهانی متوفی در ۸۳۵ بنام «الضوء» و شرح شیخ یار علی شیرازی بنام اللمعات فی شرح اللمعات و شرح خاوری و شرح برهان الدین ختلائی متوفی در ۸۹۳ و شرح درویش علی بن یوسف کوکهری در آغاز قرن نهم، عراقی

رساله‌ای نیز در اصطلاحات تصوف تألیف کرده است. عراقی از دختر بهاء الدین زکریا پسری داشته است با اسم کبیر الدین .

### ۱۱) ضیاء الدین محمود بن جلال الدین مسعود خجندی معروف بفارسی

از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود. اصلاً از مردم خجند بود و پدرش در زمان قطب الدین محمد تکش خوارزمشاه از خجند بخوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهان بمقام عالی رسید تا بعدی که در زمان غیاث الدین بیرامشاه وزیر خراسان شد و پسر درین سفرها با وی همراه بود و چون پدر در فتنه مغول کشته شد ضیاء الدین جانشین پدر گشت و بوزارت خراسان رسید ولی پس از چندی از کار وزارت کناره گرفت و چندی نزد امام فخر رازی تحصیل علوم می کرد و سپس در جمع متصوفه داخل شد و از مریدان نجم الدین کبری گشت و نیز گفته اند که از مریدان ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی بود و عاقبت در هرات ساکن شد و در آنجا بسال ۶۲۲ در گذشت. ضیاء الدین فارسی مریدی دانشمند بوده و مؤلفات بسیار در تصوف و اصول و کلام داشته است. از آن جمله شرحی بر محصول امام فخر رازی نوشته است. شعر فارسی را نیز نیکو می سروده است و قصاید بسبک عراقی بسیار گفته و از شعرای معروف زمان خود بوده و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدستست .

### ۱۲) رفیع الدین مسعود لنبانی ، از مردم لنبان نزدیک اصفهان بود و همواره

در آن دیار زندگی میکرد ، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه عمرش طولانی نشده و در زمان خود در میان شعرای عراق بسیار معروف بوده است و در اصفهان در سال ۶۳۰ در گذشته و همانجا مدفون شده است . وی نیز از شعرای معروف سبک عراقیست و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیتست که در آن میان اشعار لطیف و مضامین تازه بسیار دارد .

### ۱۳) نجیب الدین جرفادقانی ، در جوانی بیغداد رفت و در فتنه مغول مدتی

در قلعه و شاق مقیم بود و امرای آن دیار را مدح میکرد و چون رکن الدین غورسانجی برادر جلال الدین خوارزمشاه عراق و کرمان را گرفت و عمادالملک ساوجی وزیر او

شد بواسطه روابطی که نجیب‌الدین با این وزیر داشت با او باصفهان رفت و نزد آن پادشاه قریبی یافت و جزو عمال دربار او در عراق شد و معروفست که درین موقع چون بدان منصب رسید پادشاه خلعت و جایزه نقد بوی داد و او از بلندی همت که داشت آن زر را از مجلس سلطان که بیرون می آمد بتنگی دستان داد و چون سلطان رکن الدین از عراق بری و فیروز کوه رفت و با سپاه مغول جنگ کرد و کشته شد نجیب‌الدین از کار خویش استعفا جست و بوطن خویش رفت و در آنجا بود تا در آنجا سال ۶۶۵ در گذشت. نجیب‌الدین جرفادقانی یکی از بهترین شعرای سبک عراقی در قرن هفتم بوده و مضامین بسیار بدیع در الفاظ رقیق دارد. دیوان اشعار وی شامل چهار هزار بیت قصیده بدستست و مثنوی بشر و هند نیز از دست که در همان قلعه و شاق سروده است.

۱۴) فرید الدین احوال اصفهانی، اصل وی از اسفراین بود ولی چون مدتی در اصفهان زندگی کرد باصفهانی معروف شد، در جوانی از خراسان به هندوستان و سپس بفارس رفت و بدربار اتابکان فارس در آمد و مدتی مداح سعد بن ابی بکر بن سعد زنگی بود و در ضمن بنظام الدین وزیر وی پیوستگی داشت و در میان وی و شعرای عراق و فارس که در آن زمان بودند رقابت افتاد و درین رقابت هر کدام قصیده‌ای نزد صدر الشریعه بخاری فرستادند و او امیر رکن الدین میر آب را که از ادبای معروف زمان بود با امتحان ایشان گماشت و درین امتحان برتری فریدالدین ثابت شد و سپس وی از شیراز باصفهان رفت و تا آخر عمر در اصفهان مقیم بود و در اوایل قرن هفتم در اصفهان رحلت کرد و بعضی هم مرگ وی را در بخارا نوشته‌اند. فریدالدین احوال نیز از شعرای معروف قرن هفتم ایرانست که بسبک عراقی قصاید نیکو می سروده ولی بیش از دیگران بصنایع لفظی و محسنات کلام دل بستگی داشته و بهمین جهت اشعار وی بسبک قطران و رشید وطواط و عبدالواسع جبلی نزدیک ترست و در عروض و قافیه و صنایع شعری مهارت تام داشته است. دیوان اشعار وی شامل سه هزار و یانصد بیت بدستست.

( ۱۵ ) مصلح‌الدین ابو محمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن مشرف سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۵ و ۶۰۶ هجری در شیراز متولد شده و پیش از استیلاي مغول بعزم تحصیل ببغداد رفته و در مدرسه نظامیه علوم متداول زمان خود را درك کرده و از استادان معروف آن زمان مانند شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف ابن قزاق و علی معروف بسبط ابن الجوزی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی بهره مند شده است و در اثر این تعلیمات عارف پیشه شده و پس از فراغت از تحصیل سفرهای چند در دربار اسلام کرده و ظاهراً باقصی نقاط آسیای غربی رفته است و پس از مدتی مدیدی بشیراز بازگشته و در دربار اتابکان فارس منزلتی یافته و بانایک سعد بن ابی بکر بن سعد بن زنگی در ولیمهدی او منتسب شده و تخلص خود را ازو گرفته و ظاهراً از همین زمان دوره شاعری او شروع شده است این اتابک سعد پس از مرگ پدر که در ۶۵۸ اتفاق افتاد بجای او نشست ولی دوازده روز بیشتر درین مقام نبود و چون هنگام مرگ پدر در شیراز نبود و در تفرش قم سکونت داشت موقعی که عازم بود در راه رحلت کرد ولی چون در زمان پدر اختیار کارها بدست او بود سعدی در همین دوره مداح او بوده است و این شاهزاده در پرورش شعرا و ادبا بسیار شایق بود و جمعی کثیر از بزرگان ادبای ایران از وی منتعم شده اند. پس از برچیده شدن دستگاه اتابکان فارس و استیلاي مغول بر آن دیار سعدی در سلك مداحان خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان و برادرش عظاملك جوینی درآمد و پس از مصایبی که برای این خانواده رخ داد دیگر سعدی بممدوح دیگری اقبال نکرد و بازمانده عمر خود را در پیروی در خانقاهی که در شیراز داشته است بانزو گذراند و قسمت اعظام از غزلیات خود را درین مدت سروده است. عاقبت در شیراز در شب سه شنبه ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۹۱ در حالی که بیش از هشتاد سال از عمر وی گذشته بود رحلت کرد و در همان محل اقامت خود مدفون شد. سعدی بی شک بزرگترین شاعر ایران و یکی از بزرگترین شعرای جهان است، تا کنون هیچ کس در زبان فارسی بروانی و لطف و سادگی و شیوایی و انسجام و فصاحت و فریبندگی الفاظ او شعر نگفته است و بهمین جهت غزلیهای او در زبان فارسی بی نظیر است و چون منتهای سادگی و روانی را در ساده‌ترین احساسات

طبیعی بکار برده بهر زبانی که ترجمه شود از زیبایی آن کاسته نمی گردد و بهمین سبب در تمام عالم معروف شده و در سلك بزرگان فرزندان آدمی در آمده است. در نظم و نثر و اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه و مثنوی و مدح و معاشقه و حکمت و نصیحت در منتهی درجه قادر بوده و سبك انشای او نیز در نثر فارسی همواره در هر طبقه ایران مطلوب بوده و نمونه بهترین نثر شمرده شده است. کلیات نظم و نثر او شامل چندین رساله و کتاب مستقل است: غزلیات او که بهترین نمونه سبك شعر او است و در نهایت لطف و شیوایی سروده شده است شامل چهار کتاب است: ۱ - غزلیات قدیم، طیبات، بدایع، خواتیم و هر قسمتی شامل غزلیات يك دوره از عمر او است. ۲ - بوستان یا سعدی نامه منظومه ایست ببحر متقارب تقریباً شامل دو هزار بیت که در ۶۵۵ بنام ابوبکر بن سعد نظم کرده و شامل حکایات و ابواب چند در معارف و اخلاق و حکم و سیر و سلوک و امثال است و از جمله معروفترین کتاب های نظم فارسی است. ۳ - گلستان که معروفترین کتاب نثر فارسی است و در سال ۶۵۶ بنام همان اتابك تمام کرده و معروف تر از آنست که بحد و وصف در آید. ۴ - قصاید فارسی و عربی و ترجیعات و ترکیبات و مقطعات و ابیات پراکنده (مفردات) و رباعیات که هر يك قسمت جداگانه ایست. ۵ - رسایل مختلف نثر شامل: مجالس پنج گانه، سؤال صاحب دیوان، رسایل عقل و عشق، رساله نصیحت ملوک، مضحکات و میزان در صرف افعال عرب و در ضمن دیباچه ای بر کلیات خود نوشته که آنهم رساله جداگانه است. ۶ - منظومات مختلف شامل: مثنوی کریم، سرانی، ملمعات، صاحبیه. کلیات سعدی از نظم و نثر تقریباً شامل نه هزار بیت است که علی بن احمد بن ابی بکر معروف بیستون در سال ۷۲۰ جمع کرده است.

(۱۶) خواجه همام الدین تبریزی از مشاهیر شعرای آذربایجان و یکی از بهترین

غزل سرایان قرن هفتم ایران بود و با خاندان جوینیان پیوستگی تام داشت و همواره در تبریزی زیست و در آن شهر ولادت یافته و در سال ۷۱۴ در همانجا در گذشته است. دیوان غزلیات او که اشعار بسیار روان دل انگیز در میان آن هست شامل نزدیک به هزار بیت است و مثنوی صحبت نامه نیز ازوست که بنام خواجه شرف الدین هارون

پسر صاحب دیوان جوینی سروده است .

(۱۷) امیر رکن الدین حسین بن عالم بن ابوالحسن حسینی هروی غوری  
فخر السادات معروف بامیر حسینی یا حسینی سادات از مردم شهر غزویو یا گزیو در  
کوهستان غور بود. از بزرگان عرفا و شعرا و نویسندگان قرن هفتم ایران بشمارست  
و بیشتر ایام خود را در شهر هرات می گذراند و بارشاد مردم می پرداخت و محله ای که  
وی در آن ساکن بوده هنوز در هرات بنام محله میر حسینی سادات معروفست و از  
پیروان بهاء الدین زکریای ملتانی و شهاب الدین سهروردی بود و در ۷۱۸ در هرات  
رحلت کرد. در تشریح کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است باسم نزهة الارواح  
که در ۷۱۱ تمام کرده و دیگر نزهة المجالس که در ۷۲۱ پایان رسانیده و دیگر  
روح الارواح و دیگر مصراط المستقیم و در نظم چند مثنوی او بدستست یکی زاد المسافرین  
و دیگری کنز الرموز که از جمله بهترین منظومات عرفای ایرانست .

(۱۸) سعد الدین یا نجم الدین محمود بن عبدالکریم شبستری متولد در ۶۸۷  
از مردم شبستر آذربایجان و از بزرگان مشایخ آن دیار بود و از علمای نامدار تبریز  
بشمار میرفت و اوقات خویش را در درس و بحث می گذراند و در سال ۷۲۰ در تبریز  
رحلت کرد. شیخ شبستری مؤلف مثنوی معروفیست باسم گلشن راز که شروع بسیار بر  
آن نوشته اند و از آن جمله شرح کمال الدین حسین اردبیلی متخلص باللهی در قرن  
دهم و شرح شاه داعی الی الله شیرازی بنام نسایم گلشن و شرح محمد بن یحیی بن علی  
لاهیجی تألیف در ۸۷۷ و شرح مظفر الدین علی شیرازی و شرح ادریس بن حسام الدین  
بدلیسی مورخ معروف قرن دهم ترکیه و شرح شیخ بابا نعمه الله بن محمود نخجوانی  
و شرح حاج محمد ابراهیم بن محمد علی شریعت مدار سبز وازی خراسانی و نیز شرحی  
بعبد الرحمن جامی نسبت داده اند که در دیدست از او باشد و این منظومه را بزبانهای  
انگلیسی و آلمانی ترجمه کرده اند و از معروفترین کتابهای عرفای ایرانست و در ماه شوال  
۷۱۷ امیر حسینی هروی سوائاتی از وی بنظم کرده و او جواب آنها را بنظم سروده و  
این مثنوی را ترتیب داده است. بجز آن دو مثنوی دیگر یکی باسم شاهد نامه و دیگر

باسم سعادت نامه سروده است و خود تصریح می کند که شاعر نبوده و این وسیله را برای اظهار مطالب خویش پیش گرفته است. در ثر نیز رسایل چند در تصوف تألیف کرده از آن جمله است حق الیقین و مرآت المحققین.

۱۹) سعدالدین نزاری قهستانی از غزل سرایان معروف قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و از اسمعیلیان قهستان بود به همین جهت در دیار خود هنروی می زیست و در قاین و بیرجند اقامت داشت و تخلص خود را از نام نزار بن مستنصر خلیفه اسمعیلی عصر گرفته بود که از ائمه اسمعیله ایران بشمار میرفت. وی در سال ۷۲۰ رحلت کرد. نزاری غزل را روان و لطیف می سروده و دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیت بدست است و نیز دو منظومه دستور نامه و سفر نامه را سروده است.

۲۰) امیر خسرو بن امیر سیف الدین محمود دهلوی پدرش لاجین نام از ترکان ختایی ترکستان بود و در استیلائی مغول از بلخ به هندوستان فرار کرد و در خدمت سلطان شمس الدین التمش در آمد و با امیر سیف الدین محمود شمس معروف شد و خسرو پسرش در سال ۶۵۱ در دهلی ولادت یافت و پس از مرگ پدر که در سال ۶۵۸ روی داد بسر پرستی خالش تربیت یافت و از آغاز جوانی در حمایت پادشاهان دهلی در آمد و مداح پنج تن از ایشان شد که نخستین ایشان معز الدین کیتباد (۶۸۶-۶۸۹) و آخرین ایشان سلطان محمد بن تغلق (۷۲۵-۷۳۰) بود و در همان سال جلوس این پادشاه در ربیع الاول ۷۲۵ در دهلی رحلت کرد و در بقعه نظام الدین اولیا مدفون شد. خسرو دهلوی بزرگترین شاعر ایرانی هندوستان است و به همین جهت او را سعدی هندوستان لقب داده اند. در اقسام مختلف شعر مانند مدح و غزل و مثنوی مهارت داشته ولی شاهکار او بیشتر غزل عارفانه است که الفاظ رقیق و معانی دقیق را با فکر تصوف آمیخته است و در تصوف پیرو عارف مشهور هندوستان نظام الدین اولیا بود. کلیات وی از حیث نظم و نثر دارای چندین مجلد کتابهای جالب توجه است. بدین قرار: ۱- تحفة الصغر شامل غزلیات و قصاید آغاز عمر او، ۲- وسط الحیوة شامل اشعار او اوسط عمر، ۳- غرة الکمال شامل اشعار از آخر عمر وی، ۴- بقية نقيه شامل اشعار پیری او، ۵- نهاية الکمال شامل اشعار



آخر عمر وی ۶ - مطلع الانوار در برابر مخزن الاسرار نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،  
 ۷ - شیرین و خسرو در برابر منظومه خسرو و شیرین نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،  
 ۸ - لیلی و مجنون در برابر منظومه نظامی که در همان سال تمام شده است ، ۹ - آینه  
 سکندری در برابر اسکندر نامه نظامی که در ۶۹۹ تمام کرده ، ۱۰ - هشت بهشت  
 در برابر هفت پیکر نظامی که در ۷۰۱ بانجام رسانده ، ۱۱ - قرآن السعدین بوزن مخزن -  
 الاسرار در شرح ملاقات معزالدین کیقباد و برادرش ناصرالدین بغراخان شاه بنگاله  
 در ۶۸۸ ، ۱۲ - مثنوی نه سپهر ، بنه وزن مختلف ، ۱۳ - مثنوی مفتاح الفتوح بوزن خسرو و شیرین  
 در فتوح جلال الدین فیروز شاه از ۶۸۹ تا ۱۴۰۶ ، ۱۴ - منظومه خضرخان و دولرانی یا عشقیه  
 در شرح معاشقات این دو تن که معاصر وی بوده اند ، ۱۵ - تغلق نامه در فتوحات  
 غیاث الدین تغلق شاه . مؤلفات وی در نشر عبارتست از : ۱ - خزاین الفتوح در تاریخ سلطان  
 علاء الدین محمد خلجی (۶۹۵ - ۷۱۵) که با اسم تاریخ علائی نیز معروفست و تقلید است  
 از تاج المآثر حسن نظامی ، ۲ - رسایل الاعجاز یا اعجاز خسروی در فن انشاء . ۳ - افضل -  
 الفوائد مجموعه ملفوظات نظام الدین اولیا ازین قرار ختمه نظامی را جواب گفته و  
 مثنویات پنج گانه آنرا که نزدیک هیجده هزار بیتست در سه سال نظم کرده و از همین  
 پیدا است که طبع او تا چه حد روان بوده است و نزدیک صد هزار شعر از و باقی مانده  
 و گذشته از شعر و عرفان و انشاء در موسیقی هم مهارت داشته و نیز از نخستین کسانیست  
 که بزبان هندی شعر گفته است .

( ۲۱ ) خواجه نجم الدین حسن بن علی سجزی دهلوی معروف بحسن  
 دهلوی از شاگردان و مصاحبین امیر خسرو دهلوی بود و از شعرا و عرفای معروف قرن  
 هفتم هندوستان بشمارست . مدتی در دربار سلطان محمد بن غیاث الدین بلبن و مدتی نیز  
 از مداحان علاء الدین محمد خلجی بود و در ضمن جزو مریدان شیخ نظام الدین اولیاء  
 بشمار میرفت و امالی و تعلیمات مرشد و استاد خود را جمع میکرد و در سال ۷۲۷ یا  
 ۷۳۱ در دولت آباد هندوستان و در دربار محمد بن تغلق شاه در گذشت . خواجه  
 حسن دهلوی از بهترین شعرای فارسی زبان هندوستانست و غزل عارفانه را نیکومی

سروده ، بهمین جهت او را نظیر حافظ در هندوستان دانسته‌اند و دیوان وی شامل نزدیک نه هزار بیت غزل و مثنوی در دست است .

(۲۲) سید سراج الدین سراجی سکزی از شعرای معروف قرن هفتم هندوستان بود نخست در سیستان مقیم بوده و در دربار پادشاهان آل خلف می زیسته و ملک نصرقه الدین ابوالخطاب خسرو شاه بن بهرام شاه را مدح می گفته است و پس از کشته شدن وی و بروز فتنه مغول از سیستان گریخته و به ربستان بمکه و بمدینه رفته است و از آنجا به هندوستان افتاده و بدربار شمس الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳) راه یافته و جزو مداحان وزیر وی نظام الملک قوام الدین محمد بن محمد جنیدی شده است . دیوان وی شامل پنج هزار بیت موجود است و وی در سبک قصیده خراستانی استاد کاملی بوده است و یکی از آخرین شعرا نیست که بدین سبک سخن گفته‌اند .

(۲۳) قاضی نظام الدین محمود قمری اصفهانی متخلص بقمر معروف بن نظام اصفهانی یا قاضی نظام الدین از شعرای معروف عراق در قرن هفتم بوده است و در اصفهان می زیسته و مدتی هم مداح اتابیک ابوبکر بن سعدزنگی بوده است و از مختصان خاندان خجندیان اصفهان بشمار می رفته و قصیده را بسبک عراقی با الفاظ رقیق و معانی دقیق خوب می گفته است و از جمله در سرودن اشعار ملمع دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدست است .

(۲۴) قاضی رکن الدین دعوی دارقمی از شعرای نامی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود . نخست در قم می زیست و از مداحان جسام الدوله اردشیر بن حسن ملک الجبال بیاوندی ( ۵۶۷ - ۶۰۲ ) بود و پس از انقراض این سلسله از خدمت این خاندان منفک شد و ظاهراً تا اوایل قرن هفتم نیز می زیست و در تبریز در گذشت . در نظم و شرفارسی مهارت داشته و قصیده را بسبک شعرای عراق نیکو می سروده و از اشعار او جز اندکی نمانده است .

( ۲۵ ) زراثشت بهرام بن پروذو از زرتشتیان مقیم هندوستان بوده و از احوال وی اطلاع چندانی نیست . در سال ۶۴۷ روایاتی را که در میان زرتشتیان راجع بر زندگی

زرتشت پیامبر معروف ایران متداول بوده است باسم زراتشت نامه ببحر متقارب نظم کرده و اشعار بسیار بلند در آن میانست که مقام وی را در شاعری مسلم می‌دارد و نیز کتاب ارادی ویرافنامه را که از متون معروف پهلویست بنظم آورده است .

(۲۶) اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری از حکمای معروف و علمای نامی قرن هفتم بود. نخست در عراق و اصفهان می‌زیست و از شاگردان امام فخر رازی بود و در استیلاي مغول از ایران گریخت و در بلاد روم ساکن شد و در آنجا بتعلیم و تألیف می‌پرداخت و عاقبت در ۶۶۰ رحلت کرد . اثیرالدین ابهری در منطق و ریاضیات و نجوم و حکمت مؤلفات معروف دارد از آن جمله است کتاب ایسا فوجی در منطق و هدایة الحکمه در منطق و طبیعیات و الهیات که شرح متعدد بر آن نوشته‌اند و در ضمن شعر فارسی را نیکومی سروده و در اوایل عمر با جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی مشاعره می‌کرده است ولی از شعر او چیزی بدست نیست .

(۲۷) اوحدالدین حامد بن ابی الفخر کرمانی از عرفای مشهور قرن هفتم بود و بیشتر از ایام عمر خویش را در سفر گذرانده چنانکه مدتی از جوانی خود را در اربل گذرانیده و آنجا معتقدان بسیار داشته و سپس چندی در دمشق و مدتی در بغداد بوده و جمعی کثیر از عرفای معروف آن زمان خدمت وی را درک کرده‌اند و وی از مریدان شیخ رکن‌الدین سجاسی بوده و با محیی‌الدین ابن‌العربی و شمس‌الدین تبریزی معاشرت داشته و فخرالدین عراقی و اوحدی مراغی و سیدجسینی از شاگردان وی بوده‌اند و در سال ۶۳۲ پیشوایی صوفیان بغداد در رباط مرزبانیه منصوب شد و در سال ۶۳۵ یا ۶۳۶ رحلت کرد . اوحدالدین کرمانی در شعر فارسی بمسلك عرفا بسیار توانا بوده و رباعیات وی در تصوف بسیار معروفست که بسیاری از آنها باسم عمر خیام معروف شده و نیز مثنوی مصباح‌الارواح را سروده است که یکی از بهترین منظومات عرفای ایران بشمار می‌آید و شامل ۱۱۸۰ بیتست .

(۲۸) امیر بهاء‌الدین مرغینانی از وزرا و منشیان و شعرای معروف قرن هفتم بود . از سوی پدر از خاندان شیخ الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان

حکمران فرغانه بود و نخست از مداحان قطب‌الدین انوشنگین خوارزمشاه بود و تا زمان ارغون خان نیز زنده ماند و عمیدالملک حبش وی را بخدمت پسر خود بیسو گماشت و وزارت بوی داد و عاقبت در سال ۶۴۹ حبش بروی بدگمان شد و او را کشت. بهاء‌الدین مرغینانی از شعرای معروف عصر خود بوده است ولی از شعر او جز اندکی باقی نمانده است.

(۲۹) سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی ذوالفقار شروانی از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود. در اوایل عمر معاصر خاقانی و فلکی و جمال‌الدین عبدالرزاق بود و در آذربایجان می‌زیست و سپس جزو مداحان اتابک یوسف شاه از اتابکان لرستان شد و بوسیله خواجه محمد تستری وزیر بدان در بار راه یافت و گویند در ۶۷۹ در تبریز رحلت کرد و در مقبره الشعرای سرخاب مدفون شد. اما چون قصیده‌ای در مدح سیورغتمش در ۶۸۳ سروده است پیدا است که تا این زمان زنده بوده و شاید در ۶۸۹ در گذشته باشد. سید ذوالفقار از بزرگان شعرای این عصر بود و در فن خویش مهارت و شهرت تام داشت و مخصوصاً در ساختن اشعار مصنوع بسیار زبردست بود و از جمله قصاید مصنوع اوست قصیده‌ای با اسم «مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام» که معروفست و در شعر ذوالفقار تخلص می‌کرد و دیوان وی شامل نه هزار بیت بدستست.

(۳۰) ملک‌رضی‌الدین بابای قزوینی از امرای محتشم قرن هفتم بسوده و بخاندان جوینیان اختصاص داشته است و باتکای ایشان به حکمرانی اربل و مسوول رسیده و از پروردگان شمس‌الدین صاحب‌دیوان بوده است و وی را مدح می‌گفته و در شعر فارسی مهارتی کامل داشته و از شعرای نامی زمان خود بشمار می‌رفته است ولی از اشعار او جز چند قصیده چیزی بدست نیست.

(۳۱) شیخ سیف‌الدین ابوالمعالی سعید بن مظفر فامندی باخرزی ملقب بشیخ‌العالم و معروف بسیف‌الدین صوفی متولد در ۵۸۶ از بزرگان مشایخ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران و از شاگردان نجم‌الدین کبری بوده و پس از شهادت وی در

فتنه مغول از خوارزم به ماوراءالنهر رفته و باز مانده عمر خود را در آن دیار گذرانده و از بزرگان عرفای خراسان بشمار می رفته و در بهار در شب یکشنبه ۲۴ ذی القعدة ۶۵۹ رحلت کرده است. وی در شعر فارسی نیز زبردست بوده و رباعیات معروفی سروده است که بعضی از آنها باقیست و رساله‌ای در عشق نوشته است.

(۳۲) سعدالدین سعیدهروی از شعرای معروف دربار مغول و نخست مداح خواجه عزالدین ظاهر فریومدی و وزیر خراسان بوده و سپس بدربار مغول راه یافته و مداح غازیان خان و البایتو بوده و تا سال ۷۱۶ که البایتو درگذشته نیز زنده بوده است و در ضمن بنخواجه زشیدالدین فضل الله وزیر اختصاص داشته و زمانی در اصفهان زیسته و هم اتایک نصره الدین احمد از اتایکان لرستان را مدح گفته است و در ۷۶۶ درگذشته و قصایدی بسبک شعرای عراق در منتهای خوبی می سروده ولی دیوان وی بدست نیست و از اشعار او چند قصیده مانده است.

(۳۳) شهابالدین بن جمال الدین بداونی معروف بشهاب هممره از مردم بداون در هندوستان بوده و از شعرای بسیار معروف آن دیار بشمار می رفته و شاعر دربار رکن الدین فیروزبن شمس الدین التتمش معروف بقیروزشاه (۶۳۳ - ۶۳۴) بوده است و در دربار این سلسله در دهلی زندگی می کرده و در شعر شهاب تخلص می کرده و قصیده را بسبک شعرای خراسان نیکو می سروده ولی از اشعار او جز اندکی نمانده است.

(۳۴) خواجه حکیم عمده الملك یا فخر الملك عمیدالدین لوبکی از مردم قصبه لوبک از توابع سنام در هندوستان بوده و در سال ۶۰۱ ولادت یافته و تا سن ۶۰ سالگی نیز زنده بوده یعنی تا ۶۶۱ هم زیسته است و برخی رحلت او را در سال ۶۸۳ آورده اند و در زمان سلطان نصیرالدین محمد بن بلبن معروف بخان شهید و مشهور بقا آن ملک شغل مشرفی داشته است و پس از آن چندی در بند افتاده و نیز مداح ناصرالدین محمود شاه (۶۴۴ - ۶۶۴) از سلاطین دهلی بوده است و عاقبت در همان ناحیه سنام درگذشت و همانجا مدفون شد. وی نیز از شعرای بسیار معروف هندوستان بود و اشعار وی را در فرهنگها بشاهد لغات بسیار آورده اند و قصیده را بسبک شعرای آذربایجان نیکو می سروده و در شعر عمید تخلص می کرد ولی دیوان وی نمانده و

بعضی از قصاید او بدست است .

(۳۵) ناصرالدین بجهای معروف بناصر شیرازی از غزل سرایان معروف قرن هفتم و از معاصرین سعدی بود. اصل وی از بجه بود که قصبه‌ای بود از متعلقات رامجرد در میان فارس و اصفهان باشد ولی بیشتر در شیراز می‌زیست و از احوال وی جزین چیزی بدست نیست . غزل عاشقانه را بسبک شعرای عراق و فارس در منتهای خوبی می‌سروده و درین فن بسیار شهرت داشته است ولی از غزلیات او جز اندکی چیزی نمانده است .

(۳۶) فخری غواصی از شعرای هندوستان درین زمان بوده ولی از زندگی او چیزی معلوم نیست بجز آنکه در دربار علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۶) می‌زیسته و فرهنگ نامه را بنام وی نظم کرده است .

(۳۷) لطیف‌الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد کلامی اصفهانی از شاعران این شهر و ساکن محله در دشت بوده و از مداحان پادشاهان و بزرگان دربار مغول بشمار می‌رفته، از احوال وی جزین اطلاعی نیست که کتابی شامل منتخب اشعار فارسی بنام مونس الاحرار فی دقایق الاشعار گرد آورده که در روز پنجشنبه اول ربیع الآخر ۷۰۲ پیایان رسانیده و برخی اشعار خود را در آن آورده است و این کتاب را بعدها محمد بن بدر جاجرمی بهمین اسم بنام خود کرده و اشعار وی را از آن حذف کرده و برخی از سخنان خود را در آن جای داده است .

(۳۸) جمال‌الدین خلیل شروانی از شاعران آذربایجان درین دوره بوده و تنها اثری که از او هست مجموعه ایست از رباعیات بعنوان نزهة المجالس که بنام شروانشاه علاءالدین فربرز (۶۲۲ - ۶۴۹) گرد آورده و برخی از اشعار خود را نیز در آن جای داده است .

(۳۹) نجم‌الدین ابوبکر محمد بن مودود ظاهری معروف بنجم‌الدین زرکوب از بزرگان عرفای قرن هفتم آذربایجان بود و از دانشمندان بزرگ شهر تبریز بشمار می‌رفت و از مریدان سعدالدین حموی بود و در ۶۴۰ که سعدالدین بتبریز رفته و نه‌ماه

در آن شهر مانده وی را مجذوب خود کرده است و خواجه رشید الدین فضل الله وزیر معروف باو بسیار احترام می کرده است. سرانجام در ۱۵ رجب ۷۱۲ درگذشته و مرقد وی در گورستان کجیل تبریز تا مدت ها معروف بوده است. نجم الدین زرکوب از شاعران متصوف زیر دست زمان خود بوده و اشعار صوفیانه را بسیار شیوا می سروده که برخی از آنها بدستست و در تصوف مؤلفاتی داشته است از آن جمله رساله ای در بیان فتوت بفارسی بنام کتاب الفتوه.

(۴۰) ناصر نیز از شاعران قرن هفتم بوده و تنها اثری که از وهست فتوت نامه منظوم است تقریباً در ۷۰۰ بیت بر وزن شیرین و فرهاد وحشی که در ۶۸۹ پایان رسانیده است و شاید وی همان ناصر بجه ای سابق الذکر باشد.



در قرن هفتم چند تن شاعر در آذربایجان و اران بوده اند که در تذکره ها و کتابهای رایج ذکری از ایشان نیست و تنها جمال الدین خلیل شروانی در کتاب نزهة المجالس سابق الذکر برخی رباعیات از ایشان نقل کرده است و نامهای ایشان بدین قرار است: ابن طلحه، ابوالفضل تبریزی، قاضی ابوالماجد، افضل اسفراینی، الیاس گنجه، الیاس میدانی، بانجیب عمر، بختیار شروانی، بدر تفلیسی، بدر قوامی، بدر مجرمی، بدیع بیلقانی، برادر یحیی، برهان الدین حسین، شیخ برهان الدین گنجه، بهاء شروانی، بهاء لاغری، پسر افضل، پسر حافظ، ابوالبقا، ابوشرف، پسر سلسله گنجه، پسر قاضی دربند، پسر قاضی قزوین، تاج الدین اشنوی، تاج الدین بخاری، تاج جیلانی، تاج زنگانی، تاج خالطی، تاج صالح، تاج قراسی قزوینی، تاج کاشی، تفلیسی شروانی، قاضی جمال الدین، جمال الملک، جمال بخاری، جمال چاچ، جمال حاجی شروانی، جمال خجندی، جمال خوبی، جمال سرخسی، جمال سقا، جمال عصفوری، جمال عمر، جمال غزنوی، حاجی جمال گنجه، جمال مجددی، جمال محمد، جمال محوی، جمال ملکشاه، جنید گنجه، جهان گشته، حدیثی، شیخ حسین سقا، حسین هزارمرد، حمید پسر رشید گنجه، حمید تبریزی، خطیر

ابو زید ، خطیر جربادقانی ، خلیل خراسانی ، خوفی ، راصد زنگانی ، رشید بیلقانی ،  
 رشید خواری ، رشید شروانی ، رشید گنجه ، رشید بروی ، امام رضی ، رضی گنجه ،  
 رکن پسر قاضی ، رکن خوبی ، ریسی ، زاهد ، زکی اکاف ، زکی کاشغری ، ساوی ،  
 موفق السراج ، سراج اسد آبادی ، سعد عد گنجه ، سعد سمرقندی ، سعد صفار ، سعد  
 گنجه ، سعید شروانی ، سعید گیلانی ، سلیمان شاه ایده ، سماوی ، سید اجل ، سید  
 بخاری ، سید شیرازی ، سید غزنوی ، سید قزوینی ، سیف الدین هارون تفلیسی ،  
 سیفی ، شرف الدین مرتضی ، شرف اعرج ، شرف بیلقانی ، شرف جربادقانی ، شرف  
 ساوی ، شرف صالح ، شرف محمد ، شرف مراغی ، شروانشاه ، شمس اسعد گنجه ،  
 قاضی شمس الدین اقطع ، شمس الدین الیاس میدانی ، شمس الدین مسعود ، شمس  
 الدین هروی ، شمس اهری ، شمس عمر گنجه ، شمس نجماشی ، شهاب اسفراینی ،  
 شهاب خواری ، شهاب دفتر خوان ، شهاب سرخسی ، شهاب کاغذی ، شهاب مؤید ، شهریار  
 روزنی ، شیخ کرمانی ، صالح بیلقانی ، صانعی ، صابن مراغی ، صدر الشریعه ، صدر خجندی ،  
 صدر زنگانی ، صدر کرمانی ، صدر لر بختیاری ، صدر مذهب الدین ، صفی بیلقانی ،  
 صفی جربادقانی ، صفی شروانی ، ظهیر الدین راصد ، ظهیر خواجه ، ظهیر طوسی ، عبدالرحمن ،  
 عبدالعزیز گنجه ، عبدالله قسری ، شیخ عبده ، عثمان مراغه ، عزاصفہانی ، عزالدین شهری ،  
 عزالدین شروانی ، عزیز شقروہ ، عزیز الدین شروانی ، عزیز بوالبقا ، عزیز علی شروانی ،  
 عزیز کمال ، عضدی ، ملک علاء الدین ، علاء الدین خواری ، علاء الدین کہود جامہ ،  
 علی بن الحسین ، علی حسن ، علی شروانی ، علیشیر خراسانی ، عماد الشرف ، عماد  
 بورضی ، عماد دبیر ، عماد شروانی ، عماد فارسی ، عماد گنجه ، عماد محمود ، امیر عمر  
 گنجه ، عیانی گنجه ، ملک فخر الدین ، فخر الدین ابوبکر ابهری ، فخر الدین مستوفی ،  
 فخر عبد المجید ، فخر غوری ، فخر قتلغ ، فخر گنجه ، فخر مراغه ، فخر نقاش ، فخر  
 هروی ، فرید خواری ، فرید دبیر ، قاضی تفلیسی ، قاضی مراغه ، قراچہ ، قطب  
 اهری ، کریم طوسی ، کریم نیشابوری ، قاضی کمال ، کمال ابن العزیز ، کمال اسعد  
 زیاد ، کمال الاسلام خجندی ، کمال الدین ابو عمر ابهری ، کمال تفلیسی ، کمال کامیار ،



کمال کمال ، کمال کنعانی ، قاضی کمال مراغه ، لطیف تفریسی ، لؤلؤ سمرقندی ،  
 مالو قزوینی (۴) ، قاضی مجد الدین بابکر ، مجد تاییدی ، مجد زندگی ، مجد طالع ،  
 مجد طایی ، مجد علوی ، مجد گیلابی ، محفوظ جرفادقانی ، محمد اردبیلی ، محمد  
 طیب اردبیلی ، سلطان محمد معین ، سید محمود ، مختصر گنجه ، سید مرتضی ، مشرف ،  
 مظفر تبریزی ، معین الدین بختیار ، معین طنطرائی ، مقرب باکو ، موفق الدین سراج ،  
 موفق عبدالجلیل ، مهذب شروانی ، مهذب کرخی ، مهذب نیشابوری ، ناصر ، قاضی  
 نجم ، نجم الدین حمید سیمگر ، نجم الدین عبدالعزیز ، نجم طرفی (۵) ، نجم گنجه ،  
 نجیب ترمذی ، نصیر گنجه ، نظامی بخساری ، نفیس شروانی ، نورید والی ، یحیی  
 تبریزی ، پمین سبط اصفهانی ، فقیه یوسف . در میان ایشان اشعار هفت زن نیز  
 هست بدین گونه : دختر حکیم کاو ، دختر خطیب گنجه ، دختر سالار ، دختر مستی ،  
 دختر سنجستانی ، رضیه گنجه ، فاضله سمرقندیه .



گذشته از شعرای معروف این قرن که ذکر ایشان گذشت در قرن هفتم يك عده  
 کثیر شعرای دیگر نیز بوده اند . در میان سلسله های جزء که در ایران شهر یاری داشته اند  
 شعر فارسی رواج بسیار داشته و حتی بعضی از امرای ایرانی در آن زمان شعر می سروده اند  
 از آن جمله در سلسله آل کورت که پادشاهان سیستان بوده اند چند تن از امرای در شعر  
 فارسی معروف بوده اند و از هر يك از ایشان اشعاری مانده است بدین قرار : ملك  
 شمس الدین محمد بن ابی بکر کورت ( ۶۴۳ - ۶۷۶ ) ، غیاث الدین محمد بن فخر الدین  
 ( ۷۰۶ - ۷۲۹ ) ، فخر الدین علی بن رکن الدین ( ۷۰۵ - ۷۰۶ ) و علاء الدین و فخر الدین محمد  
 کورت از شاهزادگان این سلسله . اما یکان فارس نیز بشعر فارسی شوق مفرط داشته اند  
 و گذشته از آنکه شعرای بسیار را پرورش داده اند خود نیز شعر می سروده اند و از چند  
 تن از ایشان اشعاری مانده است از آن جمله از سلجوق شاه بن سلغر ( ۶۶۱ - ۶۶۲ ) و از  
 سلغر شاه بن سعد بن زندگی برادر اتابک ابوبکر . از هلوک شهبانکاره ملك مظفر الدین  
 محمد بن مبارز ( ۶۲۴ - ۶۵۸ ) نیز شعر فارسی سروده است . از پادشاهان قراختایی کرمان

نیز از صفوةالدين يادشاه خاتون (۶۰۱ - ۶۹۴) هم شعر فارسی مانده است . امرای دیگر در پرورش شعر جدمی کرده‌اند از آن جمله اسپهبدشاه نصره‌الدين کبودجامه امیر گران که در ۶۸۹ کشته شده است و شهاب‌الدين مليمان شاه بن پرچم ایوایی از امرای کرد ، از وزرای این زمان نیز بجز کسانی که ذکر ایشان گذشت مجدالملک بن صفی‌الملک ابوالمکارم یزدی وزیر ابقاخان مقتول در چهارشنبه ۸ جمادی الاولی ۶۸۳ و خواجه شرف‌الدين هارون جوینی پسر شمس‌الدين صاصبديوان امیر بغداد مقتول در جمادی‌الآخره ۶۸۵ شعر فارسی سروده‌اند .

اما شعرای درجه دوم قرن هفتم که از احوال بیشتر ایشان اطلاع درستی نیست و از هریک چندیت مانده است بدین قرارند : حکیم ابوبکر بن محمد واعظی بلخی ، امام‌الدين ابوالقاسم بن ابوسعیدرافعی قزوینی (متوفی در ۶۳۳) ، شاه‌زین‌العباد یازین - العابدین عابد بیرمی لاری معروف بشاه زنده ، مظهر گجراتی معروف بمظهر هندی ، رضی‌الدين علی‌لالای غزنوی (متوفی در ۶۴۲) ، نجیب‌الدين ابوسعید علی بن بزغش شیرازی (متوفی در شعبان ۶۲۸) ، اصیل‌الدين زوزنی ، ابن موفق قمی ، فخر‌الدين بن معین معروف بابن معین ، ابن زنگی شیرازی ، افتخار‌الدين دامغانی ، شاهفور اشهری نیشابوری (متوفی در ۶۴۵) ، ابوالمحاسن (متوفی در ۶۳۵) ، منوچهر بن شرفشاه معروف بابن شرفشاه ، ابونصر مهنه ، مسعود بن نصرتی معروف بابن نصرتی ، ابن علاء ، ابن خیام ، جلال‌الدين بن حسام سرخسی معروف بابن حسام ، زین‌العابدین علی فقیه معروف بابن فقیه ، ابن عطار شیرازی ، نجیشی از وزرای فارس ، قاضی بهاء‌الدين زنجانی ، بدیع‌الدين شیرازی ، بدیع‌الدين فارسی ، خواجه بدرالدين دامغانی ، بهاء‌الدين خجندی ، بهاء‌الدين یزدی ، بدیعی کرمانی ، بدیعی طوسی ، شیخ‌عز‌الدين اسفراینی معروف بیورحسن ، تاج‌الدين ابوالقاسم ، تاج‌الدين بخاری ، مجدالدين ترمذی ، تاج‌الدين کرمانی ، تاج‌الدين زکی ، جلال‌الدين محمودشاه ، سیدجلال‌الدين جعفری ، جمال‌الدين اشهری ، جلال‌الدين شاه‌هروی ، جمال‌الدين سمرقندی ، جلال تبریزی ، جمال‌الدين بی‌بصر ، جلال‌الدين دهستانی ، جمالی سمرقندی ، جمال‌الدين

همدانی ، جمال‌الدین منشی ، جلال‌الدین اسکندر ، حاجی احمد بخاری ، سید حسن  
 نیشابوری ، حمید‌الدین کازرونی ، امیر حسن ترکمیر ، حدادی ، خلیل شیرازی ،  
 امام خالد ، خرمشاه کرمانی ، خازن ، امیر خسرو شاه هروی ، شرف‌الدین خضر یزدی ،  
 امیر رکن‌الدین میرآب ، رفیقی ، رفیع‌الدین ابهری ، رکن‌الدین قباھی ، رکنی ،  
 زیری ، زین‌الدین لسانی ، زوزنی ، سنایی روانسی ، سعد‌الدین ساوجی ، سعد‌الدین  
 احمد عزیز ، سیف‌الدین هروی ، سعد سعید نیشابوری ، سعد‌الدین وراق ، سیف -  
 السدین سمرقندی ، سعد‌الدین خلیفه ، سردوز ، سراج‌الدین حسن شیرازی ،  
 سدید‌الدین اعور کرماج ، سعد‌الدین محمد بن مؤید بن حسن بن محمد بن  
 حمویه حموی جوینی (متوفی در عید اضحی ۶۵۰) ، سلیمان شاه بن تیمور ملک ، سعد‌الدین  
 نظائری ، شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی ، شمس‌الدین عبدالکریم ابرقوهی ، شمس‌الدین  
 محمد خوجانی ، شمس اوحدی ، شهاب‌الدین خجندی ، شمس‌الدین سمرقندی ،  
 صابری ، صدر‌الدین ابهری ، صدر نظامی یا صدر نظام ، عبدالقادر نایینی پاریسی ،  
 عبدالرحمن حموی ، عز‌الدین علوی ، اوحد‌الدین عبدالله بن ضیاء‌الدین مسعود بلیانی  
 کازرونی (متوفی در ۶۷۳ یا ۶۸۳) ، قطب‌الدین عتیقی ، صدر علی شمس الکرچی ،  
 عز‌الدین بابویه ، عماد‌الدین یوسف لرفضالوی ، عباد دامغانی ، عبدالکافی ، عده تبریزی ،  
 عماد‌الدین اکرم ، امیر عز‌الدین یحیی ، خواجه عالم سمرقندی ، عزیز‌الدین ، عماد‌الدین  
 حروفی ، فخر‌الدین قلانسی ، فخر‌الدین گیلاتی ، فتح بلخی ، فصیح‌الدین ، قساری ،  
 قاضی عثمان ماکی قزوینی ، قمصری ، قطبی ، قتلوبغا ، کمال‌الدین زنجانی ،  
 کمال‌الدین ابرقوهی ، گسیل خراط ، گیتی شاه ، محمود منور ، خواجه مؤید مهنه ،  
 منبری ، شرف‌الدین ملکی ، خواجه معین‌الدین حسن سکزی معروف بپشتی ،  
 مجیر‌الدین دامغانی ، محمود خطاط ، مرشد‌الدین قاضی ، مجد‌الدین طیب کاشی ،  
 مطلعی ، موفق‌الدین یحیی ، نجم‌الدین منجم ، ناصر کاشانی ، ناصحی ، نظام‌الدین یحیی ،  
 نجم‌الدین کاتب ، نظام‌الدین ، خواجه نصیر ادیب ، ناصر‌الدین عین‌الملک ، نور‌الدین  
 بسطامی ، سیف‌الدین هندو ، خواجه عازم‌الدین هندو ، یحیی فیروز آبادی ، یزدی .

در قرن هشتم ادبیات ایران نسبت بقرون گذشته و مخصوصاً نسبت بقرن هفتم اندکی تنزل کرد و سبب آن بود که در اواسط این قرن قدرت پادشاهان مغول ایران تخفیف یافت و سلسله های جزء که بیشتر ضعیف بودند از تجزیة ممالک ایشان فراهم آمد و انقلاب حوادث دوباره آسایش را از مردم سلب کرد و وزیرای مقتدر که در قرن پیش می زیستند و مردم را در علم و ادب تشویق میکردند درین قرن بوجود نیامدند، تنها خاندانهای بزرگی که در پرورش علما و ادبای ایران درین زمان کوشیدند نخست خاندان آل مظفر در یزد و فارس و دوم خاندان جالیر در بغداد و عراق عرب بودند، معذک درین دوره نیز نویسندگان و شعرای بزرگ در ایران بسیار بوده اند.

### ۱ - نویسندگان بزرگ

در قرن هشتم نویسندگان بزرگ ایران همان اسلوب و سبک نویسندگان قرن هفتم را دنبال کرده اند و هم سبک روان فصیح و سیلس مورخین دوره گذشته و هم سبک مغلق بعضی از نویسندگان که در کثرت استعمال لغت عرب مبالغه می کرده اند هر دو رواج داشته است. فقط تفاوت محسوسی که درین دوره دیده میشود اینست که عرفان و تصوف از آن رواج و تداولی که در قرن گذشته داشت افتاده و بهمین جهت آثار بسیار بشر فارسی از عرفای ایران درین دوره پدیدار نشده است. نویسندگان بزرگ این قرن بدین قرار بوده اند:

۱) محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای از نویسندگان بسیار زبردست قرن هشتم بود و در انشای فصیح روان بسبک نویسندگان بزرگ قرن پنجم و ششم کمتر در ایران نظیر داشت و در ضمن از شعرای زمان محسوب می شد و از مداحان خواجه غیاث الدین بسره رشید الدین فضل الله بود و در حدود ۶۹۷ در یکی از محال شبانکاره ولادت یافت و تمام عمر خود را در نویسندگی و شاعری گذراند و در سال ۷۳۳ بتالیف تاریخ عمومی پرداخت و آنرا در سال ۷۳۵ با تمام رسانید و بخواجه غیاث الدین تقدیم کرد که از نظر ابوسعید آخرین پادشاه مغول بگذراند ولی پیش از آنکه این کتاب بنظر او برسد

در گذشت و این کتاب در همان اوان در ضمن غارت محله ربع رشیدی بتبریز از میان رفت و شبانکاره‌ای یازدیگر کتاب خود را از نو تألیف کرد و آنرا مجمع الانساب نامید و در سال ۷۳۵ با تمام رسانید. نخست کتاب کوچکتری ترتیب داد و سپس آنرا تکمیل کرد و هر دو نسخه آن بدستت و کتابیست در منتهای حسن انشاء و انسجام، شامل تاریخ عالم از آغاز تا آخر پادشاهی ابوسعید که در ضمن تاریخ بعضی از سلسله‌های جزء را دارد که در کتب دیگر نیست.

(۲) معین الدین آوی جوینی از عرفا و نویسندگان قرن هشتم بود که تا اواخر این قرن هم می‌زیست و از شاگردان سعدالدین یوسف بن ابراهیم حموی جوینی عارف مشهور بود و در زمان خود شهرت بسیار داشت و از او دو کتاب معروف مانده است یکی نگارستان که یکی از نخستین تقلیدهای نگارستان سعدیست و آنرا در هفت باب بسال ۷۳۵ تمام کرده است و اگر چه از حیث انشاء بیای سعیدی نمی‌رسد ولی دارای فواید تاریخی بسیارست و دیگر کتاب احسن القصص که در شرح سوره یوسف و داستان یوسف و زلیخا نوشته است.

(۳) شمس الدین محمد بن محمود آملی از علمای شیعه و از مدرسین مدرسه سلطانیه در زمان الحایق بود و پیوسته با علمای تسنن در معارضه بود از آن جمله با قاضی عضدالدین ایجی و تا اواخر قرن هشتم هم زنده بود و سفرهای بسیار کرد و در ضمن چون در زبان فارسی و عربی مهارت داشت بهر دو زبان تألیفات کرده است، از جمله مؤلفات مشهور او در زبان عرب شرح کلیات قانون ابن سیناست که در ۷۵۳ تمام کرده و شرحی بر مختصر الاصول ابن حاجب که قاضی عضدالدین ایجی بمذاق اهل تسنن شرح کرده بود و وی بمذاق شیعه شرح نوشته و در آن عقاید قاضی عضدالدین را رد کرده است. در فارسی تألیف بسیار معروفی دارد باسم نفایس الفنون فی عرایس العیون که شامل تمام علوم متداول و معروف آن زمانست و در سال ۷۳۶ شروع کرده و بعد از ۷۴۲ با تمام رسانیده و بنام شاه شیخ ابواسحق اینجوپرداخته است.

۴) هندو شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کیرانی نخجوانی از نویسندگان

زبردست قرن هشتم و از منشیان دربار مغول بود و در زمان وزارت صاحب دیوان جوینی وی و برادرش امیر سیف الدین محمود از عمال دیوان بودند و از آن جمله هندو شاه در ۶۷۴ بنیابت از جانب برادر حکومت کاشان داشت و در اواخر عمر پدر بار نصر الدین احمد بن یوسف شاه بن شمس الدین البارغون بن نصر الدین هزاراسب (متوفی در ۷۳۰ یا ۷۳۳) از اتابکان لرستان رفته و کتاب منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء معروف بالفخری تألیف صفی الدین محمد بن علی العلوی ابن الطقطقی را باسم تجارب السلف در سال ۷۲۴ ترجمه کرده است و ازین قرار تا اواسط قرن هشتم زنده بوده و این کتاب او یکی از بهترین نمونه های نثر فصیح منشیان قرن هشتم و از بهترین کتابهای فارسیست.

۵) محمد بن هندو شاه منشی نخجوان معروف بشمس منشی پسر هندو شاه

سابق الذکر بود و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله بوی پیوستگی داشته و سپس در دربار سلطان معز الدین اویس بهادر خان ایلخانان (۷۵۷ - ۷۷۷) راه یافته است و وی مانند پدر منشی زبردست بوده است و دو کتاب معروف از او مانده یکی صحاح العجم در لغت فارسی که باسم خواجه غیاث الدین تمام کرده و دیگر دستور الکاتب فی تعیین المراتب در فن انشاء و وظائف منشیان که بنا بر دستور غیاث الدین آغاز کرده ولی در عهد سلطان اویس پایان رسانیده است.

۶) معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی از علمای حدیث و از

معاریف زمان امیر مبارز الدین محمد و پسرش شاه شجاع آل مظفر بود. پدرش از عمال شیخ ابواسحاق و وی از شاگردان عضد الدین عبدالرحمن بود و در سال ۷۵۵ امیر مبارز الدین محمد او را بمدرسی در السیاده میبدا گماشت و چنان در دولت این خاندان معزز بود که شاه شجاع در درس او حاضر می شد و گاهی نیز مأموریت دیوانی یافته چنانکه در ۷۶۰ واسطه میان شاه شجاع و برادرش شاه محمود شد و ایشان را صلح داد و در ۷۸۹ رحلت یافت و در مسجدی که خود در یزد ساخته بود مدفون شد. وی هولف کتابیست باسم مواهب الهیه در تاریخ آل مظفر که در سال ۷۵۷ چند جزء آنرا

ترتیب داده و نزدیک اصفهان بر امیر مبارزالدین و شاه شجاع خوانده و سپس آنرا در سال ۷۶۶ یک سال پس از فوت مبارزالدین تمام کرده است. این کتاب در نهایت استادی نوشته شده ولی از فرط تکلف و کثرت استعمال لغت عرب بسیار ثقیل افتاده است و درین نوع یکی از کتب برجسته است و بهمین جهت در سال ۸۲۳ محمود گیتی یا کتبی آن را ساده کرده و دنباله و قایع را تا انقراض سلسله آل مظفر بر آن افزوده است. دیگر از آثار وی ترجمه فارسی رشف النصائح الایمانیه فی کشف الفضائح الیونانیة شهاب الدین سهروردیست.

۷) ضیاءالدین نخشبی از نویسندگان و حکیمان عارف مشرب قرن هشتم بود که در هندوستان در شهر بداون می زیست و روزگار را بزه و عبادت می گذراند و بسال ۷۵۱ در گذشت و درین میان در دربار پادشاهان خلجی هندوستان و مخصوصاً مبارکشاه خلج (۷۱۷ - ۷۲۱) راه داشته است. وی مؤلف یک سلسله کتابهای نظم و نثر فارسیست که اغلب آنها معروفست: طوطی نامه که از زبان سنسکریت در سال ۷۳۰ بفارسی نقل کرده و آن کتاب را پس از وی محمد غدیری تهذیب کرده است و از کتابهای معروف قصص بزبان فارسیست که بزبانهای اروپایی ترجمه شده است. دیگر از مؤلفات اوسلک السلوک، جزئیات و کلیات، عشره مبشره، داستان معصوم شاه معروف بگلریز و لذت النساء است. وی شعر فارسی نیز می گفته و در کتابهای خود اغلب اشعار خویش را آورده است و در شعر نخشبی یا ضیاء نخشبی تخلص کرده است.

۸) ضیاءالدین بن مؤیدالملک رجب برنی از مورخین و نویسندگان زبر دست هندوستانست که او را بیهقی هندوستان نامیده اند. وی در سال ۶۸۴ ولادت یافته و از مریدان نظام الدین اولیا و معاشرین خسرو دهلوی و حسن دهلوی بود در دستگاه سلطان محمد از پادشاهان تغلقی هند (۷۲۵ - ۷۵۲) می زیست و سپس بدربارجلال الدین فیروزشاه (۷۵۲ - ۷۹۰) رامیافت. از وی سه کتاب مانده است: یکی تاریخ فیروز شاهی که در ۷۵۸ تألیف کرده و وقایع سال ۶۴۴ بعد رادر آن آورده و از مشهورات

پدرش و پدر مادرش حسام‌الدین نقل کرده است و دیگر اخبار برمکیان که از کتاب عربی ابوالقاسم محمد طایفی ترجمه کرد است. دیگر فتوحات فیروز شاهی که پس از تألیف تاریخ فیروزشاهی بانجام رسانیده است.

۹) شمس‌الدین بن سراج الدین بن عقیف الدین معروف بشمس سراج عقیف وی نیز از مورخین و نویسندگان زبر دست در بار فیروز شاه سابق الذکر بود تاریخ فیروز شاهی او که پس از تاریخ ضیاء الدین برنسی تألیف یافته در سال ۸۰۱ تمام شده

۱۰) درویش توکلی بن اسمعیل بن حاجی توکلی اردبیلی معروف باین بز از نویسندگان زبردست این قرن بود و در حلقه مریدان صدرالدین موسی پسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی عارف مشهور این قرن میزیست که از ۷۳۵ تا ۷۹۴ زیسته و جانشین پدر بوده است و بهمین جهت کتابی در احوال صفی‌الدین اردبیلی باسم اسس المواهب السنیة فی مناقب الصوفیة معروف بصفوة الصفا نوشته که علاوه بر احوال شیخ صفی‌الدین مطالب بسیار مفید در طرز زندگی مردم اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم آذربایجان در آن هست و با انشای بسیار فصیح بسبک نویسندگان قرون پیش نوشته است و در زمان شاه طهماسب اول صفوی ابوالفتح حسینی آن کتاب را اصلاح کرده و نسخه جدیدی از آن منتشر ساخته است.

۱۱) حسین بن اسعد دهستانی الویری از نویسندگان زبر دست خراسان بود و کتاب فرج بعد الشدة الضیقه تألیف ابوالحسن علی بن محمد مدائنی را بنام عزالدین بن طاهر زنگی فریومدی که از جانب ارغون خان در خراسان و مازندران نیابت داشته است بفارسی بسیار روان و شیوا ترجمه کرده است.

۱۲) فیخرالدین ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی ملقب بمعین از نویسندگان مقتدر قرن هشتم بود و در زمان شاه شیخ ابو اسحق اینچور در شیراز میزیست و پس از سفر حج در سال ۷۴۴ کتابی در ذکر مشاهد شیراز و بزندگان این شهر پرداخته است باسم شیرازنامه که از حیث وقایع تاریخی چندان دقیق و معتبر



نیست و مأخوذ از اسناد سست ولی از حیث انشاء در نهایت خوبیست و وی کتاب دیگری داشته است در وقایع سلطنت ابو اسحق اینجو در دو مجلد که از میان رفته است.

(۱۳) **اولاء الله آملی** از علمای مازندران بود که در زمان ابوالمعالی فخرالدوله شاه غازی بن زیار بن کیخسرو استنبدار ملک مازندران میزیست و با این پادشاه روابط داشت بهمین جهت بفرمان وی کتابی پرداخته است با اسم تاریخ رویان که تا وقایع سال ۸۰۵ را در بردارد و گذشته از آنکه مطالب تاریخی تازه در آن بسیارست بانشای بسیار متین و فصیح نوشته شده است.

(۱۴) **محمد بن محمد بن عبدالله بن نظام حمینی یزدی وزیر** از منشیان دانشمند این زمان بوده و مؤلف کتابیست با اسم العراضه فی حکایات السلجوقیه در تاریخ سلجوقیان که مطالب آن را از کتابهای دیگر برداشته و حتی ذکری از مآخذ خود نکرده است و در ضمن انشای آن بواسطه کثرت استعمال لغات عرب و تکلف بيمورد بسیار ثقیلست و در عداد همان کتابهایست که از سیاق زبان فارسی خارجست.

(۱۵) **شرفالدین حسن بن محمد راهی تبریزی** از شعرای معروف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود. در اوایل عمر در مراغه بخدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسیده و سپس تا زمان سلطان اویس بهادرخان ایلیخانی (۷۵۷ - ۷۷۶) نیز زنده بود و بدو پیوستگی داشته و بنام وی دو کتاب تألیف کرده است یکی کتابی که در منتهای شهرتست با اسم انیس العشاق در تشبیهات شعرای ایران که کتاب بسیار شیواییست و دیگر حدایق الحقایق در شرح حدایق السحر رشیدالدین وطواط.

(۱۶) **سید نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن کمال الدین یحیی کوه بنانی کرمانی معروف بشاه ولی** موسس مشهور سلسله نعمت اللهی، یکی از بزرگترین عرفای ایران و بزرگترین متصوف قرن هشتم بود. پدرانش در شهر حلب ساکن بودند و پدرش بکیج و مکران آمد و بواسطه وصلتی که با امرای شبانکاره کرد در کوه بنان کرمان متوقف شد و شاه ولی در آنجا روز پنجشنبه ۲۲ رجب ۷۳۱

متولد شد و در جوانی نزد يك شيخ ركن الدين شيرازى و شيخ شمس الدين مكى و سيد جلال الدين خوارزمى و قاضى عضدالدين ادبيات و كلام و حكمت الهى و فقه را دريافت و سپس در سلك تصوف درآمد و بطريقه قادري داخل شد و پس از آن سفرهاى بسيار بمصر و ديار مغرب و مكه و مدينه و بلخ و ماوراءالنهر كرد و بگونه بنان بازآمد و سپس بكرمان رفت و در قصبه ماهان چندی مقيم شد و خانقاهى در آنجا ترتيب داد و سپس سفرى بشيراز كرد و باز بخانقاه كوه بنان بازگشت و در آنجا در روز پنجشنبه بيست و دوم رجب ۸۳۴ در سن صد و سه سالگى در گذشت و در آنجا مدفون شد و اينك مرقنوى زيارتگاه معروف است . شاه نعمه الله ولى يكى از مردان نامى و نادر ايران بود و در زمان خویش نفوذ عجيبي داشت و شهرت وى سراسر ممالك اسلام را فرا گرفته بود و كرامات بسيارى از وى نقل کرده اند و مقام وى تا كنون كمتر كسى رادست داده است . در نظم و نثر فارسى آثار وى بحدىست كه از طاقت مردم ديگر خارج است . ديوان اشعار وى كه قصايد و غزليات و اقسام مختلف شعر بمذاق اهل تصوفست حاوى نزديك يازده هزار بيت است و رسايل عديده بفارسى و عربى در طريقه تصوف و سير و سلوك و اخلاق و معارف و حكم نوشته است كه معروفترين آنها بدین قرار است : رساله اصطلاحات ، رساله قل هو الله احد ، مكاشفات ، تعريفات ، آداب خلوت ، مراتب ، برزخ ، حروب مقطعات قرآنى ، رساله در بودن حقيقت انسان مظهر الهى ، تحقيقات موسوم بلطائف التصوف ، رساله ذوق ، رساله ها ، رساله ديگر در ذوق ، شرح سؤال كميل از حقيقت ، مراتب و جون ، عينيه ، رساله وجود ، رساله نصيحت سيد برهان الدين خليل الله ( پسر خود ) ، رساله نصيحت سيد نور الله ( پسر سيد خليل الله ) ، رساله نصيحت خليفه و پادشاه عصر ، رساله نكات ، رساله نسبت خرقه خود و معنى اعيان ، رساله در توكل و بعضى تحقيقات ، رساله معنى هستى و نيستى ، رساله در بيان نفس ، رساله نور و مراتب آن ، رساله در بيان حقيقت مثال و خيال مقيده و كيفيت مراتب و مقامات رويا و درجات خلق در ادراك علوم و معانى ، رساله نفس و نكات ، ذوقيات ، فيوضات ، مجمع الاسرار ، مجموع اللطائف يا مجمع اللطائف ، سلب اوصاف ، رساله فى كلام الحق للمخلق والفرق بين الوحى والالهام

والحدیث القدسی ، هدایت ، رساله معنی الفقر فخری و کذا فقران یكون کفراً الهامات ،  
 سر اسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، رساله بیان اقطاب ، رساله انعام ، رساله حروف  
 و روح ، اصطلاحات صوفیه ، سلوک ، نوریه ، محبت نامه ، نصیحت نامه ، نصیحت نامه  
 دیگر ، تحقیق المراتب الالهیه ، خلوت ، خلیفه ، آفاق و انفس ، بیان خوش ، مفتاح الابواب ،  
 رساله بیان علم توحید ، اسماء کونیه ، شرح اصطلاحات و سیط شیخ کمال المله و الدین  
 بطریق ابجد ، رساله احیاء ، رساله بیان حروف ، رساله حروف اصلیه ، رساله تفصیل  
 اوایل سور ، رساله در بیان عدد حروف ، رساله عیون ، رساله نفح روح آدم ، رساله  
 معرفت روح ، رساله تجلیات ، رساله البیان ، رساله روح ، شرح لمعات ، رساله بشارت  
 نامه ، رساله معرفت ، رساله نفسیه ، رساله اشارات بحسب الحروف ، رساله منشآت ،  
 رساله تفسیر الله نور السموات ، رساله نکات ، رساله سؤال و جواب ، رساله سند خرقه و  
 سؤال و جواب سلطان سکندر ، رساله سؤال و جواب امام علی حکیم ترمذی ، رساله در  
 بیان اسرار کلمه و صلوة و حج و غیره ، رساله جواب سؤال از اسم اعظم و غیره ، رساله  
 حبیبیه ، تحقیق الایمان ، رساله اسلامیه ، رساله حورائیه ، رساله حورائیه دیگر ، رساله  
 حورائیه ابو سعید ابوالخیر ، شرح فصوص ، رساله واردات ، تفسیر سوره اخلاص ، رساله  
 در بیان حقیقت انه هو الاول والاخر بعربی ، رساله در بیان تجلی بعربی ، شرح اسماء  
 الله الحسنی بعربی ، نسبت خرقه احمد شاه بهمنی ، رساله مناقب بعربی ، رساله  
 کشف الاسرار ، رساله جنانیه ، رساله برازخ ، رساله کمیلیه ، رساله اشرف الاسماء ، رساله  
 بیان کلمه طیبه ، رساله بیان مذاهب در خلق افعال ، رساله بلوغات ، رساله توکل ،  
 رساله در کلمه سبحان الله ، رساله اشراط قیامت ، رساله در بیان سجدهات قرآن ،  
 رساله المشهوریه فی التصور و المتصور ، رساله نکات ، رساله نکات دیگر ، رساله نکات  
 عشر ، الرساله الشریفه النوریه ، رساله مکاشفه ، رساله مراتب ندیه ، رساله مراتب ، رساله  
 مراتب دیگر ، لوایح ، رساله تحقیقات ، رساله رموزات ، رساله جامع اللطایف ، رساله  
 مراتب فقر ، رساله الحقایق ، رساله بیان قلوب انسان . در نظم و نشر فارسی شاه نعمه الله  
 ولی بیان بسیار ساده و فریبنده و روان داشته است . در مناقب شاه ولی کتابهای چند

بفارسی نوشته‌اند بدین گونه: کتابی از عبدالعزیز بن شیرمک بن محمد واعظی که بنام علاءالدین احمدشاه دوم از سلسلهٔ بهمنی دکن (۸۳۰-۸۶۲) در هند نوشته است، کتاب دیگری تألیف سدیدالدین نصرالله بن برهان‌الدین خلیل‌الله طاوسی ابرقوهی که در ۹۰۶ بدستور نواده اش نعمه‌الله ثانی نوشته است، کتاب دیگری بنام تذکره تألیف عبدالرزاق ابن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی که پس از ۹۱۱ در کرمان بدستور نعمه‌الله ثانی نوشته است، کتاب دیگری بنام سوانح الایام فی مشاهدات العوام یا سلسله العارفين تألیف صنع الله نعمه‌اللهی که پس از ۱۰۶۶ تألیف کرده است. محمد مفید مستوفی یزدی در کتابی که بنام جامع مفیدی در تاریخ یزد نوشته شده است شرح حال مفصلی از شاه ولی از روی همان کتاب صنع الله نعمت‌اللهی ترتیب داده است.

(۱۷) **نجم‌الدین محمود بن صاین الدین الیاس طبیب شیرازی** از بزرگان دانشمندان شیراز در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از خاندان معروفی بوده که دانشمندان و مخصوصاً پزشکان معروف از آن برخاسته‌اند و وی مورد توجه خاص خواجه رشیدالدین وزیر معروف بوده و در طب و فقه دست داشته و ریاست بیمارستان دروازهٔ سلم شیراز با او بوده است که بیمارستان اتابکی نیز معروف بوده و خواجه رشیدالدین آنرا تعمیر کرده و ریاست آنرا بوی داده بود. تاریخ رحلت وی را برخی در ۶۹۰ نوشته‌اند ولی پیدا است که پس از آن تا اوایل قرن هشتم تا ۷۲۰ یا ۷۳۰ زیسته است و قبر او در محلهٔ باغ نوشیراز معروف است. وی شعر فارسی را نیکو می‌سروده و بزبان فارسی و تازی مؤلفات بسیار داشته است از آن جمله: الحاوی فی علم التداوی یعربی، غیایه در طب بفارسی، مختصر در طب، لطایف الرشیدیة یا الرشیدیة، تحفة الحکماء، کتاب التشریح یا الرسالة التشریحیه، کتاب الاغذیة والاشربه، رسالة الثلجیه، اسرار النکاح، شرح الفصول البقراط، رسالة فی الباه.

(۱۸) **سید شریف‌الدین علی بن محمد حسینی حنفی مگرگانی معروف بمیرسید**

شریف از معارف علمای قرن هشتم بود. در قصبهٔ طاقو نزدیک استرآباد در ۷۴ ولادت یافت و بعزم تحصیل بمصر رفت و در قاهره اخذ علم کرد و پس از بازگشت بایران شاه

شجاع وی را در شیراز بمدرسی گماشت و ده سال درین مقام باقی بود تا اینکه امیر تیمور گورکان در سال ۷۸۹ شیراز را گرفت و وی را مجبور کرد بسمرقند رود و تا مرگ تیمور در سال ۸۰۷ وی در سمرقند بود و دوباره بشیراز برگشت و در آنجا بسال ۸۱۶ رحلت کرد. وی را در اکثر از علوم متداول زمان تألیفات مهم و مشهورست که بزبان عربی و فارسی پرداخته و از آن جمله است: عوامل در نحو عربی، اصول المنطقیه، شرح تحریر القواعد خواجه نصیر الدین طوسی، کتاب التعریفات یا تعریفات العلوم و تحدیدات الرسوم، مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم، تحقیق الکیات، مراتب الموجودات، رساله فی قواعد البحث، تقسیم العلوم، شرح مختصر الاصول عضدی، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نظر الامانی فی مختصر الجرجانی، فن اصول الحدیث، تحریری از کتاب معروف ایساغوجی در منطق، فال السیر، ترجمان فی لغات الفهر آن از عربی بفارسی، حاشیه بر آداب البحث عضد الدین ایجی، حاشیه بر حکمة العین، شرح کافیة ابن حاجب بفارسی، شرح فرائض سراجیه سجاوندی، شرح تصور و تصدیق شمسیه، شرح تصریف عزیزی، حاشیه بر مطول تقنازانی، حاشیه بر شرح کافیة رضی الدین استرآبادی، حاشیه بر تفسیر کشف زمخشری، شرح موافق ضد الدین ایجی، حاشیه بر شرح تجرید، رساله در اصول دین، حاشیه بر شرح مطالع و از جمله مؤلفات او بفارسی دو کتابست در منطق یکی باسم کبری و دیگری باسم صغری و دیگر رساله‌ای در صرف افعال تازی معروف بصرف میر و دیگر فن المعما و اصوله و تصاریفه. بزبان فارسی شعر را نیز نیکو می‌سروده است.

(۱۹) عبدالجلیل بن نظام الدین یحیی بن عبدالجلیل بن محمد بن عبدالیاقی

یزدی از منشیان معروف زمان آل مظفر بوده و در زمان شاه شجاع ابوالفوارس (متوفی در ۷۸۶) میزیسته و مؤلف کتاب بسیار روان فصیحست باسم تواریخ آل برمک که پدرش بتألیف آن شروع کرده و ناتمام گذاشته بود و وی بیابان رسانده و در ماد محرم ۷۶۲ تمام کرده و باسم شاه شجاع پرداخته است.

(۲۰) بهاء الدین محمد بن محمد بخاری نقشبند مؤسس طریقه نقشبندیه در تصوف

از عرفای بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود و در زمان خویش شهرت بسیار و توجه عام داشت در سال ۷۲۸ در بخارا متولد شد در دوم یا سوم ربیع الاول ۷۹۱ در آن شهر در گذشت و تمام عمر خود را در مولد خویش گذراند و در ضمن تألیفات بزبان فارسی بسیار شیوا کرده است از آن جمله رساله ایست در تصوف باسم رساله قدسیه . در مناقب بهاء الدین نقشبند چند کتاب بفارسی نوشته اند : یکی رساله قدسیه تألیف ابوالفتح محمد بن محمد ابن محمود حافظی بخاری معروف بمحمد یار سا از مشایخ طریقه نقشبندی که بدستور علاء الدین محمد بن محمد بخاری معروف بعطار پیشوای معروف این طریقه نوشته است ، دیگر کتاب انیس الطالبین و عدة السالکین تألیف همان خواجه محمد یار سا ، دیگر کتابی بهمان اسم انیس الطالبین و عدة السالکین تألیف صلاح بن مبارک بخاری ، دیگر رساله بهائیه تألیف ابوالقاسم بن محمد بن المسعود ، دیگر کتابی تألیف ابوالمحسن محمد باقر بن محمد و دیگر کتابی که پس ازین ذکر آن خواهد آمد که آن هم انیس الطالبین نام دارد ، دیگر جامع المقامات تألیف ابوالبقاء ابن عالی که در محرّم ۲۶۰۱ بیان رسانیده است .

(۲۱) **خواجه حسام الدین یوسف حافظ بخاری** از شاگردان بهاء الدین نقشبند و از مریدان نامی او بود و مؤلف کتابیست در احوال استاد و مرشد خود باسم انیس الطالبین که یکی از بهترین کتابهای طریقه نقشبندیه است .

(۲۱) **عزالدین محمود بن علی کاشانی نظنری** متوفی در ۷۳۵ وی نیز از عرفای قرن هشتم بوده و کتاب معروف عوارف المعارف تألیف شهاب الدین سهروردی را که از کتابهای مشهور تصوفست بفارسی بسیار فصیح باسم صباح الهدایه و مفتاح الکفایه ترجمه کرده است و نیز شرحی بتازی بر قصیده تائیه ابن الفارض شاعر معروف مصری دارد بنام کشف وجوه الغر لمعانی نظم الدر .

(۲۳) **شمس الدین ابراهیم** نیز از عرفای این زمان بود و در ابرقوه از توابع یزد منصب محتسبی داشت و کتابی در تصوف با انشای فصیح شیوا باسم مجمع البحرین تألیف کرده است

( ۲۴ ) زین الدین علی بن حسین انصاری معروف بحاج زین الدین عطار از اولاد عبدالله انصاری بود و در سال ۷۳۰ در شیراز ولادت یافت و از اطبای نامی آن عصر بود و در دربار شاه شجاع آل مظفر می زیست و کتاب معروفی در مفردات طب پرداخته است با اسم اختیارات بدیعی که در سال ۷۶۷ با اسم عصمة الدین بدیع الجمال تألیف کرده و سپس در ۷۷۰ روایت دومی از آن انتشار داده است .

( ۲۵ ) عزیز بن اردشیر استرآبادی بغدادی در استرآباد متولد شده و قسمت اعظم عمر خود را در بغداد گذرانده و از منشیان زبردست زمان خود بوده و در نظم و نثر فارسی و عربی مهارت داشته است و مدتی هم در آذربایجان بوده است چنانکه در سال ۷۸۷ که نختامیش خان از راه دربند با آذربایجان آمد و تبریز را گرفت وی درین واقعه حاضر بوده و سپس در فتح تبریز بدست امیر تیمور و فرار سلطان احمد بن اویس جلایر از آنجا بی بغداد رفت و هفت سال عزلت و گوشه نشینی اختیار کرد و در همین زمان بخدمت قاضی برهان الدین ابوالفتح بن سلطان برهان الدین احمد بن محمد سیواسی پادشاه قیصریه رسیده است که از مادر از سلجوقیان روم بوده و از دست تشاندگان سلطان احمد جلایر بشمار می رفته و وی بهمین مناسبت بدربار سلطان احمد جلایر راه یافته و برهان الدین می خواست او را نزد خود ببرد و سلطان احمد نکذاشت و چون می خواست از بغداد برود سلطان احمد او را تحت الحفظ نگاه میداشت تا اینکه بهحیله از آن دربار گریخت و نزد برهان الدین رفت و پس از آنکه برهان الدین در ۲۸ شوال ۸۰۰ کشته شد وی بمصر فرار کرد و مدتی در قاهره بود تا آنجا از بام افتاد و مرد . عزیز بن اردشیر مؤلف کتابیست با اسم بزم و رزم و معروف بتاریخ قاضی برهان الدین سیواسی که منشیانه نوشته است ولی بواسطه کثرت استعمال لغت عرب مغلط شده و از حد طبیبعی زبان فارسی دور افتاده است .

( ۲۶ ) منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس از اطبای معروف قرن هشتم و از خاندان معروفی از پزشکان آن شهر و نواده برادر نجم الدین محمود بن الیاس سابق الذکر بود و زبان فارسی تألیفات دارد از جمله کتابیست با اسم تشریح البدن که برای میرزا ضیاء الدین بن محمد بهادر سردوم میرزا جهانگیر مقتول در ۸۰۹ نوشته

و مؤلفات دیگر او تشریح منصوری و کفایت مجاهدیه یا کفایت منصور است .

( ۲۷ ) محمد بن علی الناموس خواری از منشیان معروف زمان خود بوده نخست

در خراسان در خدمت جلال الدین ابویزیدزنگی بن طاهر فریوهندی می زیسته و سپس جزو منشیان دربار الجایتو بوده است و مؤلف کتابیست در صنعت انشاء با اسم جلالیه که برای جلال الدین ابویزید نوشته است .

( ۲۸ ) منوچهر ملقب بیدیع تبریزی از شاگردان کمال خجندی شاعر معروف

این زمان بود و در ضمن بتجارت می پرداخت و در سال ۷۹۴ بایندرش برای تجارت بروم سفر کرد و پس از مرگ پدر باردیبل و از آنجا بیزد رفت و از منشیان و شاعران آن عصر بشمار میرفت . مثنوی محبت نامه موسوم بانیس العارفین راسروده است و نیز کتابی تألیف کرده با اسم الاحیاء فی حل المعما که در یزد تمام کرده است .

( ۲۹ ) امیر بن خضر مالی قرمانی مؤلفی از علمای زمانه بود که در استانبول

توقف داشت و کتابی تألیف کرده است با اسم کنز التحف در موسیقی که در سال ۷۵۶ تمام کرده و آنرا با اسم سید غیاث الدین حسینی علوی پرداخته است .

( ۳۰ ) قاضی بدر محمد دهلوی ملقب بدهاروال از ادبا و شعرای هندوستان

بوده و در دربار قدرخان دلاور خان از شاهان غوری هندوستان می زیسته است و در شعر شاگرد قاضی برهان الدین و در لغت شاگرد شیخ زاده عاشق بوده و مؤلف کتاب مشهوریست در لغت فارسی با اسم ادات الفضلاء که در ۸۲۲ تمام کرده و بنام قدرخان مزبور پرداخته است

( ۳۱ ) حسین بن محمد بن عبد الرضا حسینی علوی از منشیان قرن هشتم عراق

بوده و برای کسب معاش باصفهان رفته است و در مدارس شهر منزل داشت و روزگار را بسختی میگذراند و برای توسل بامیر محمد پسر رشید الدین فضل الله وزیر در حدود سال ۷۳۰ کتاب محاسن اصفهان تألیف مفضل بن سعد بن حسین ما فروخی را که در قرن پنجم تألیف شده بود بفارسی بسیار روان فصیح ترجمه کرده است .

( ۳۲ ) زین الدین محمود بن محمد هروی از علمای خراسان و ماوراءالنهر



بوده و در زمان شاه شجاع آل مظفر در قندهار می زیسته است و درین زمان شرحی بر منطق سید شریف کرگانی تألیف کرده است .

( ۳۳ ) **امیر سید علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد حسینی همدانی معروف به علی ثانی** نسبش بامام چهارم میر سیده ، از معاریف عرفای این زمان بود در همدان در ۷۱۳ ولادت یافت و پس از سفرهای چند به هندوستان رفت و در ۷۸۱ در کشمیر مقیم شد و نفوذ بسیار در دربار سلطان قطب الدین بن علاء الدین (متوفی در ۷۸۶) در ختلان بهم رساند و بشاه همدان معروف شد و خانقاه معروفی در علاء الدین پوره در کشمیر ساخت و پسرش سید محمد که پس از او در کشمیر بوده است در ۱۷ ربیع الاول ۷۹۷ آنرا وقف کرده و وقف نامه آنرا سلطان سکندر شاه پسر قطب الدین سابق الذکر تصدیق کرده است . و پس از مرگ آن پادشاه در ختلان بسال ۷۸۶ در گذشت و از شاگردان شرف الدین محمود بن عبدالله فرغانی و تقی الدین علی دوستانی و علاء الدولة سمنانی بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت : رسایل متعدد در اخلاق و سلوک و عرفان تألیف کرده است از آن جمله ذخیره الملوك در اخلاق و سیاست ، مرآة التائبین ، رساله اورادیه ، اربعین ، رساله ذکریه ، اصطلاحات صوفیه ، مشارب الانواق در شرح قصیده میمیه ابن الفارض بفارسی ، رساله در علم قیافه ، رساله چهل مقام ، رساله عقبات ، رساله آداب سفره ، رساله فتوت یافتوت نامه ، واردات غیبیه ، کتاب عقلیه ، سیر الطالبین ، رساله در وجود . میر سید علی شعر فارسی را نیز نیکومی سروده و غزلیاتی از او بدست است .

( ۳۴ ) **ابو محمد سیستانی** از فضلاء سیستان بود و در آن دیار میزیست و در دربار ملک قطب الدین محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده (۸۰۶ - ۸۲۲) از پادشاهان سیستان اقامت داشت و تاریخ سیستان را که به عربی بوده درین زمان بفارسی ترجمه کرده است .

( ۳۵ ) **قطب الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر گیلانی** از عرفای معروف عراق بود و در ۸۲۶ رحلت کرد و نزدیک بیست رساله در تصوف تألیف کرده است از آن جمله است ناموس اعظم و انسان الکامل .

( ۳۶ ) **نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی** از بزرگان مشایخ

بوده و در زمان شاه شجاع آل مظفر در قندهار می زیسته است و درین زمان شرحی بر منطق سید شریف کرگانی تألیف کرده است .

( ۳۳ ) **امیر سید علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد حسینی همدانی معروف به علی ثانی** نسبش بامام چهارم میر سیده ، از معاریف عرفای این زمان بود در همدان در ۷۱۳ ولادت یافت و پس از سفرهای چند به هندوستان رفت و در ۷۸۱ در کشمیر مقیم شد و نفوذ بسیار در دربار سلطان قطب الدین بن علاء الدین (متوفی در ۷۸۶) در ختلان بهم رساند و بشاه همدان معروف شد و خانقاه معروفی در علاء الدین پوره در کشمیر ساخت و پسرش سید محمد که پس از او در کشمیر بوده است در ۱۷ ربیع الاول ۷۹۷ آنرا وقف کرده و وقف نامه آنرا سلطان سکندر شاه پسر قطب الدین سابق الذکر تصدیق کرده است . و پس از مرگ آن پادشاه در ختلان بسال ۷۸۶ در گذشت و از شاگردان شرف الدین محمود بن عبدالله فرغانی و تقی الدین علی دوستانی و علاء الدولة سمنانی بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت : رسایل متعدد در اخلاق و سلوک و عرفان تألیف کرده است از آن جمله ذخیره الملوك در اخلاق و سیاست ، مرآة التائبین ، رساله اورادیه ، اربعین ، رساله ذکریه ، اصطلاحات صوفیه ، مشارب الانواق در شرح قصیده میمیه ابن الفارض بفارسی ، رساله در علم قیافه ، رساله چهل مقام ، رساله عقبات ، رساله آداب سفره ، رساله فتوت یافتوت نامه ، واردات غیبیه ، کتاب عقلیه ، سیر الطالبین ، رساله در وجود . میر سید علی شعر فارسی را نیز نیکومی سروده و غزلیاتی از او بدست است .

( ۳۴ ) **ابو محمد سیستانی** از فضلاء سیستان بود و در آن دیار میزیست و در دربار ملک قطب الدین محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده (۸۰۶ - ۸۲۲) از پادشاهان سیستان اقامت داشت و تاریخ سیستان را که به عربی بوده درین زمان بفارسی ترجمه کرده است .

( ۳۵ ) **قطب الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر گیلانی** از عرفای معروف عراق بود و در ۸۲۶ رحلت کرد و نزدیک بیست رساله در تصوف تألیف کرده است از آن جمله است ناموس اعظم و انسان الکامل .

( ۳۶ ) **نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی** از بزرگان مشایخ

طریقه چشتی در هندوستان و از معانیف خلفای نظام الدین اولیا بود و در زمان خود مریدان بسیار داشت و کراماتی از او روایت کرده اند ، سرانجام در شب آدینه ۱۳ رمضان ۷۵۷ در دهلی در گذشت و در آن شهر مدفون شد و اینک مرقدوی از زیارتگاه های معروف آن شهر است . وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و برخی از اشعار از او مانده و از مؤلفات وی بنثر رساله صایف السلوکست که بفارسی فصیح و روان نوشته است .

( ۳۷ ) سید صدر الدین ابوالفتح محمد بن یوسف حمینی چشتی دهلوی

معروف بسید محمد گیسو شراز خواجه بنده نواز یاسید غریب نواز، معروف ترین خلیفه نصیر الدین چراغ دهلی و از بزرگان مشایخ طریقه چشتی در هندوستان بود و در زمان خود شهرت و اعتبار بسیار داشت ، در ۷۲۰ در دهلی ولادت یافت و پس از صد و پنج سال در آن شهر در ۸۲۵ در گذشت . سید محمد گیسو دراز از دانشمندان بسیار پر کار هندوستان بوده است و در نظم و نثر فارسی استاد بوده و کتابهای فراوان در تصوف بفارسی و عربی از او مانده است از آن جمله: شرح زبدة الحقایق عین القضاة همدانی معروف بشرح تمهیدات، شرح رساله فشریه که در ۸۰۷ پیاپی رسانیده است، شرح و ترجمه آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی که در ۸۱۳ با نام رسانیده ، مکاتیب یا مکتوبات ، حظایر القدس معروف بر رساله عشق حقیقی ، جواهر العشاق معروف بشرح رساله غوث اعظم، تفسیر سوره فاتحه بفارسی، برهان العاشقین معروف بقصه چهار برادر و مشهور بشکار نامه ، استقامت الشریعت بطریق الحقیقت ، رساله در مسئله رؤیت باری تعالی عز اسمه و کرامات اولیا، حدایق الانس، وجود العاشقین معروف بر رساله عشقید رساله توحید خواص، رساله مراقبه ، رساله از کار چشتیه ، شرح بیت حضرت امیر خسرو دهلوی علیه الرحمه، شرح فقه الاکبر ابوحنیفه ، برهان العاشقین . بر رساله برهان العاشقین او هفت شرح مختلف نوشته اند، شرح اوژو دوم که مولف آنها معلوم نیست و شرح دوم ناقص است، شرح سوم از ابوصالح ، محمد معروف بشیخ حسن محمد چشتی ، شرح چهارم از میر سید عبد الواحد بلگرامی ، شرح پنجم از میر سید محمد کامپوی، شرح ششم از محمد رفیع الدین محدث دهلوی، شرح هفتم از میرزا اقسام علی بیک حیدرآبادی متخلص بانسکر. دیوان

اشعار فارسی وی نیز در دست است. پسرش سید حسین معروف بسید محمد اکبر حسینی یا سیدبیری که کتاب العقاید و تبصرة الاصطلاحات الصوفیه را بفارسی تالیف کرده کتابی در مفاوظات پدرش نوشته است بنام جوامع الکلام.

(۳۸) شهاب الدین مسعود سیرجانی، از عارفان کرمان درین دوره بوده و کتابی در تصوف بنثر فارسی نوشته است بنام مرآة العارفين.

(۳۹) شاه شرف الدین ابوعلی بن سالار فخر الدین بن سالار حسن بن سالار عزیز بن ابوبکر غازی بن فارس بن عبدالرحمن بن عبد الرحیم بن محمد دانک بن ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن نعمان پانی پتی معروف بابوعلی قلندر از بزرگان شاخ طریقه چشتی هند و پدرش مردی عارف و مادرش بی بی حافظه جمال زن پرهیزگاری بود. در شهر پانی پت در ۶۵۲ ولادت یافت و در آنجا می زیست و پیرو طریقه قطب الدین بختیار کاکلی و نظام الدین اولیاء بود و پس از چندی بیرون شهر درجایی که اکنون معروف به «باگهولی» است رفت و در آنجا در ۱۳ رمضان ۷۲۴ در گذشت و اینک قبرش در همان جایارنگاه است. وی در نظم و نثر پارسی استاد بوده و مؤلفات چند در تصوف دارد از آن جمله رساله معروف بحکم نامه شیخ شرف الدین و مجموعه مکاتیبی که بمرید خود اختیار الدین نوشته و دیوان غزلیات شامل ۶۰۰ بیت که در آن شرف تخلص کرده است و مجموعه رباعیات و یک مثنوی شامل ۱۲۰۰ بیت بتقلید از مثنوی مولانا و مثنوی دیگر بهمان وزن شامل ۲۳۸ بیت و مثنوی سومی بهمان وزن شامل ۳۶۲ بیت.

(۴۰) محمد بن احمد بن محمد صوفی سمرقندی ساکن شیراز از دانشمندان این زمان بوده و از احوالش جزین اطلاعی نیست که کتاب معروف ربیع الابرار و مختار الاخیار تالیف زرخشری را در شیراز بنام شادشجاع آل مظفر بفارسی فصیح ترجمه کرده

(۴۱) ثقه الدین ابوالنصر عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی هروی مولف تاریخ هرات که از احوال وی اطلاعی نیست.

(۴۲) سیف الدین بن محمد بن یعقوب سیفی هروی متولد در ۶۸۱ از شاعران

و دبیران توانای زمان خود بوده و در شعر سیفی تخلص می کرده و تنها اثری که از او باقیست کتاب معروفیست در تاریخ آل کرت که بنام تاریخ نامه هرات نیز معروفست و در حدود ۷۲۱ آنرا بیابان رسانیده است.

(۴۳) عیسی بن عقیب الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد شیرازی از احوال او چیزی معلوم نیست جز آنکه کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار در مشاهد شیراز تألیف پدر خود را بنام هزار مزار بفارسی ترجمه کرده است.

در قرن هشتم شعر نسبت بدوره گذشته بهمان علی که ذکر شد اندکی تنزل یافت و باین همه عده کثیری از شعرای فارسی زبان چه در ایران و چه در هندوستان میزیسته اند و درین ضمن خاندانهای پادشاهان جزء که در نقاط مختلف سلطنت داشتند و از تجزیه دولت مغول فراهم آمدند در ترویج شعر فارسی همت گماشته اند چنانکه ابوسعید بهادر خان آخرین پادشاه مغول ایران (۷۱۶-۷۳۶) شعر فارسی می گفته است. خاندان جلایر نیز که در مغرب ایران سلطنت داشتند در پرورش شعر فارسی بسیار کوشیده اند و جمعی کثیر از شاعران بزرگ قرن هشتم از ایشان متنعم شده اند و دو تن از پادشاهان این سلسله مانند سلطان اویس (۷۵۷-۷۷۶) و سلطان احمد (۷۸۴-۸۱۳) نیز شعر فارسی گفته اند.

پادشاهان آل مظفر نیز درین راه کوشش بسیار کرده اند و از جمله ایشان عمادالدین احمد بن مبارزالدین (۷۶۰-۷۹۵) و شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶) و برادرش ابونزید بزبان فارسی شعر سروده اند و از امیر ابواسحاق اینجو نیز شعر فارسی مانده است. در ضمن شعر فارسی در هندوستان رواج کامل داشته و از میان پادشاهان آن دیار محمد تغلق شاه خلجی (۷۲۴-۷۵۲) شعر فارسی می گفته و شعرا را بسیار مینواخته است. در همین اوان زبان فارسی در قلمرو مملکت عثمانی رواج کامل یافت و از آن پس تا اواخر قرن سیزدهم بسیار متداول بود و پادشاهان آل عثمان اغلب شعر فارسی گفته اند، از آن جمله در قرن

هشتم ایلدیرم با یزیدخان عثمانیست (۷۹۲-۸۰۵) که شعر فارسی سروده است. از امرای جزء نیز ملک ضیاالدین کابلی که از جانب پادشاهان مغل امارت داشته باین زبان شعر گفته است. اما شعرای بزرگ قرن هشتم بدینقرارند:

۱) بهاءالدین احمد معروف بساطان واد یا ابن عارف رومی پسر جلال الدین محمد بلخی مولوی عارف مشهور بود که همواره با پدر خود زیسته و پس از مرگ وی در همان خانقاه قویه جانشین پدرشده و از مشایخ طریقه مولوی بوده و در شهر لارنده در ۲۵ ربیع الثانی سال ۶۲۳ ولادت یافته و در قویه در روز شنبه دهم رجب ۷۱۲ در گذشته است و وی نیز در نظم و نثر فارسی قدرتی داشته و مجالس و تقریرات و مشافهات پدر را در کتابی باسم فیه ما فیه جمع کرده است و کتابی خود در تصوف نوشته که بنام معارف سلطان ولد معروفست و نیز دفتر هفتم مثنوی را بخط باو نسبت میدهند و از منظومات اوسه مثنوی مانده است یکی باسم رباب نامه در دو مجلد و دیگری باسم ولد نامه که در ۶۹۰ بیابان رسانیده و دیوان اشعار وی شامل سیزده هزار بیت نیز در دست است که در آن ولد تخلص کرده است.

۲) رکن الدین یا اوحدالدین بن میر حسین اوحدی مراغی اصفهانی از مردم مراغه بود و گاهی در اصفهان اقامت داشت، از عرفا و شعرای معروف این قرن بود و از مریدان شاگردان اوحدالدین کرمانی بود و گویند بهمین جهت اوحدی تخلص کرده است و در اواخر عمر دو باره بآذربایجان برگشته و با خواجه وجیه ابن یوسف از فرزندان خواجه نصیرالدین طوسی مربوط بوده و بیشتر اختصاص داشته است بخدمت غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله وزیر و عاقبت در مراغه در نیمه شعبان ۷۳۸ در گذشته است. اوحدی مراغی را غزلیات عارفانه بسیار روان و شورانگیز هست و دیوان او شامل پنج هزار بیتست و مثنوی باسم ده نامه و ادره ۷۰۵ بنام همان وجیه الدین و مثنوی باسم جام جم را که بسیار معروفست در سال ۷۳۳ تمام کرده و بنام خواجه غیاث الدین پرداخته است.

۳) کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی بن محمود مسترشدی کرمانی

متخلص به خواجو یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از معارف گویندگان قرن هشتم بود. در کرمان شب یکشنبه ۲۰ ذیحجه ۶۸۹ ولادت یافت و از بزرگ زادگان کرمان بود و در جوانی بنای شاعری گذاشت و از همان اوان معروف شد و سفرهایی به شام و بیت المقدس و حجاز و عراق کرد و در آغاز شاعری بمداحی ابوسعید بهادرخان پرداخت و سپس جزو شعرای دربار شیخ اویس بن شیخ حسن ایلکان درآمد و سپس از مداحان شیخ ابواسحق اینجو شد و پس از آن بدربار امیر مبارزالدین محمد بن مظفر (۷۴۱-۷۶۵) پیوستگی یافت و درین میان جمعی کثیر از امرا و وزرای بزرگ را که بدین دربارها مربوط بوده اند مدح گفته است و در ضمن مسلك تصوف داشته و از شاگردان علاءالدوله سمنانی و امین الدین کازرونی بوده و عاقبت در شیراز بسال ۷۶۳ رحلت کرده و در آنجا در تنگ الله اکبر مدفون شده است. خواجو در نظم و نثر فارسی قدرت بسیار داشته و در نثر دو رساله از او مانده است. در نظم نزدیک بیست هزار شعر گفته است و کلیات نظم او شامل سه دیوان فصاید و مقطعات و غزلیات و غیره است که در سه مرحله از عمر خود تدوین کرده و شش مثنوی که از ۷۳۲ تا ۷۴۶ بنظم آنها مشغول بوده بدین قرار: ۱ - هما و همایون که در ۷۳۲ تمام کرده، ۲ - گل و نوروز که در ۷۴۲ با تمام رسیده، ۳ - روضه الانوار که در ۷۴۳ بپایان رسیده، ۴ - کمال نامه که در ۷۴۴ تمام شده، ۵ - گهر نامه یا گوهر نامه که در ۷۴۶ با تمام رسانیده است، ۶ - سام نامه که دو روایت مختلف از آن موجود است و آنرا بخواجو نسبت میدهند. خواجو گرمانی در غزل و مثنوی بزم و رزم و معاشقات استاد کامل بوده و درین دو فن او را باستانی مسلم میدارند. در غزل سبکی خاص دارد که حد وسط میان سبک سعدی و حافظ است و معاشقات را با تصوف آمیخته و الفاظ روان و معانی طبیعی بسیار دارد؛ در مثنوی سبک نظامی را دنبال کرده و در بسیاری از موارد از او روان تر سروده است. خواجو خود منتخبی از اشعار خود در ۲۸ باب برای امیر مبارز الدین ابوالمظفر محمد بن مظفر بنام مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب گرد آورده است.

۴ - امیر محمود بن امیر یمین الدین طغرائی فریومدی معروف بابن یمین

خاندان وی از مردم فریومد از ولایت جوین و پدرش امیر یمین الدین اصلائرک از قزاق

بود و در زمان سلطان محمد خربنده الجایتو باین نواحی آمد و در آنجا مقیم شد و در آنجا بسال ۷۲۴ در گذشت و پسرش ابن یمن در همان ناحیه ولادت یافت و تمام عمر خود را در همان دیار میگذراند و از عایدات املاک پدری خود معاش میکرد و مردی قانع و گوشه نشین بود و از دور مدایحی برای امرای خراسان و هرات و پادشاهان سربداری و کرت و طغانیسموریان میفرستاد و در زمان خویش بشاعری شهرت بسیار یافته بود و اقسام مختلف شعر از قصیده مدیحه و غزلیات و مقطعات میسرود و درین میان در تاریخ ۱۳ صفر ۷۴۳ در قندهار که در آن نواحی روی داد دیوان وی بغارت رفت و پس از آن اشعاری را که سروده بود بار دیگر تدوین کرد و در هشتم جمادی الاخره ۷۶۹ در همان اقامتگاه خود در گذشت و آنجا مدفون شد. شهرت عمده ابن یمن در شعر فارسی بواسطه مقطعات کوچک است که در مسایل اخلاقی با کمال سادگی و روانی سروده و در شعر فارسی بی نظیر است و کلیات اشعار او آنچه تا کنون به ما رسیده شامل نزدیک ده هزار بیت اقسام مختلف شعر است.

۵ - **خواجه نظام الدین عبیدالله زاکانی قزوینی** از خاندان زاکانیان قزوین بود که از خانوادهای قدیم این شهر بشمار میرفت و مردان بزرگ از آن برخاسته اند و نژاد ایشان اصلاً عرب بوده است و وی در قزوین ساکن بوده و از علمای معروف زمان خود بشمار میرفته و زمانی نیز وزارت یافته است و درین ضمن سفری چند کرده و بیغداد رفته و مدتی در شیراز در پناه شیخ ابواسحق اینجو زیسته و در ضمن مدح سلطان اویس جلایر و شاه شجاع آل مظفر گفته و عاقبت بسال ۷۷۱ یا ۷۷۲ در گذشته است. عبید زاکانی در نظم و نثر فارسی در کمال قدرت بوده دیوان وی شامل قصاید و مقطعات تقریباً حاوی دو هزار بیت است و بجز آن مثنوی عشاق نامه را در ۵۷۱ سروده است که شامل ۵۰۰ بیت باشد و منظومه معروف موش و گربه نیز از دست و رسایل متعدد نثر فارسی بسیار شیوا دارد از آن جمله فال نامه، اخلاق الاشراف که در ۷۴۰ تمام کرده، ده فصل یا تعریفات، رساله دلگشا، صد بند که در ۷۵۰ نوشته، ریش نامه، تعریفات ملادریازه.

عبید زاکانی در میان نویسندگان قرن هشتم مقام بسیار رفیعی دارد و آن اینست که نخست زبان فارسی را در نهایت شیرینی و لطف و انسجام ادا کرده و گذشته از آن در برابر خشکیها



و سالوسی های پیشوایان مذهب زمان خود قیام کرده و در تمام رسایل خویش بنظم و نثر دورویی و ظاهر پرستی ایشان را با کمال دلیری بمیان آورده است .

### ۶ - خواجه عمادالدین فقیه کرمانی معروف بعماد فقیه از معاریف

غزلسرایان عارف پیشه قرن هشتم بود و در کرمان میزیست و خاتقاهی داشت و مردم زمان بسیار بوی معتقد بودند و پادشاهان آل مظفر امیر مبارزالدین محمد و شاه شجاع نسبت بوی احترام بسیار میکرده اند و عاقبت در کرمان بسال ۷۲۳ رحلت کرده است . کلیات عماد فقیه شامل شانزده هزار بیت از غزل و مثنویست ، در غزل سبکی شبیه بسبک حافظ دارد و اشعار بسیار بلند میان آنها هست و مثنویهای متعدد سروده است از آن جمله محبت نامه بیدلان که در ۷۲۲ تمام کرده است و مونس الابرار که در ۷۶۶ پایان رسیده و صفانامه اتمام در ۷۷۶ و صحبت نامه اتمام در ۷۳۱ و محبت نامه در ۷۳۲ و طریقت نامه اتمام در ۷۱۶ و ده نامه وفایده الاخلاص .

### ۷ - خواجه جمال الدین سلمان بن علاء الدین محمد ساوجی از مردم ساوه

و پدرش از مستوفیان دیوان مغول بود و وی در شهر ساوه ولادت یافت و در جوانی بنای شاعری گذاشت و در سبک مداحان خواجه غیاث الدین محمد بن رشیدالدین وزیر در آمد و پس از برچیده شدن اساس سلطنت مغول بدر بار پادشاهان جلایری در آمد و مداح مخصوص امیر شیخ حسن ایلبکان و زوجه اش دلشاد خاتون شد و در بغداد پایتخت ایشان اقامت ورزید و از حدود ۷۴۰ تادم مرگ مداح ابن خاندان بود و سلطان اویس و سلطان حسین را نیز مدح گفته است و مدتی نیز مداح شاه شجاع بوده و از ۷۷۷ بعد که وی تبریز را گرفته است با او مر بوط شده و در او آخر عمر آنرا اختیار کرده و در ساوه گوشه نشین شد و آنجا در ۱۲ صفر ۷۷۸ در گذشت . سلمان ساوجی از شعرای مقتدر قرن هشتم بود و در انواع مختلف شعر مهارت کامل داشت مخصوصاً در مدیحه که آخرین شاعر بزرگ این سبک بشمار میرود و در غزل نیز سبکی شبیه بسبک حافظ داشته است و در مثنوی عاشقانه نیز مهارت داشته و دو مثنوی سروده است یکی جمشید و خورشید بسبک خسرو و شیرین نظامی که در ۷۶۳ با اسم سلطان اویس تمام کرده و دیگر فراقنامه ببحر متقارب

که در ۷۷۰ بنام همان پادشاه تمام کرده است و کلیات اشعار او شامل نزدیک ده هزار

۸ - **خواجه شمس الدین حاجی محمد عصار تبریزی** از شعرای دربار

شیخ اویس جلایر بود و در ضمن بمدح امرای دیگر میپرداخت و در عصر خویش بسیار معروف بود. عاقبت از مدیحه سرایی دلسرده شد و با تروا پرداخت و در آن حال مثنوی مهر و مشتری را در دهم شوال ۷۷۸ در ۵۶۰ بیت نظم کرده است که یکی از بهترین منظومات بزعمی و عاشقانه زبان فارسیست و عاقبت در سال ۷۹۲ رحلت کرده است. دیوان غزلیات او نیز در دست است که در آن محمد تخلص کرده است و نیز چندین کتاب در عروض و قافیه نوشته و از آن جمله رساله‌ای بنام وافی فی تعداد القوافی.

۹ - **روح الدین عطار** از شعرای قرن هشتم بوده و در عراق میزیسته و باسید

جلال الدین عضد یزدی معاصر بوده و در سلك شعرای آل مظفر بشمار میرفته ولی از احوال وی اطلاعی نیست و دیوان اشعار وی شامل نزدیک دو هزار بیت غزل بدست است که در آن روح عطار تخلص کرده است و بعضی غزلیات بسیار شورانگیز دارد.

۱۰ - **سید جلال الدین بن سید عضد یزدی معروف بجلال عضد** از شعرای

معروف دربار آل مظفر بود، پدرش سید عضد وزارت امیر مبارز الدین محمد بن مظفر (۷۴۱ - ۷۶۵) داشت و وی در یزد ولادت یافت و از کودکی مورد توجه پادشاهان این سلسله واقع شد و همواره بدیشان پیوستگی داشت ولی طبع وی بمدایح مایل نبود و تمام هنر شاعری خود را در غزل سرایی بکار میبرد و غزلیات بسیار روان منسجم از او مانده است و دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیت موجود است.

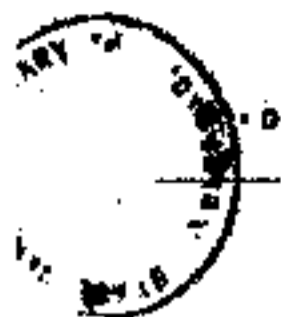
۱۱ - **بدر الدین چاچی** از مردم شهر چاچ ترکستان بوده ولی در هندوستان

در شهر دهلی میزیسته و شاعر مخصوص دربار غیاث الدین محمد بن تغلقشاه معروف بالغ خان سلطان محمد جونابن تغلقشاه بود که از ربیع الاول ۷۲۵ تا ۲۱ محرم ۷۵۲ سلطنت کرده و بدر چاچی همواره در دربار وی زیسته است و قصاید و مقطعات بسبک شعرای آذربایجان میسروده و آخرین شاعر بزرگ است که بدین سبک سخن سروده است و

دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت موجودست و شاهنامه ای بنام الغ خان سروده که نزدیک سی هزار بیت دارد. در لغز و کنایات و استعارات استاد بوده است و بهمین جهت اشعار وی دشواریهایی دارد و جواشی و شروح متعدد بر آن نوشته‌اند از آن جمله شرحی از محمد عثمان قیس پسر حافظ غلام شاه خان بن محمد شرف الدین خان افغانی بنام نسخه عثمان خان که در ۱۲۶۴ در دو مجلد بزرگ بیابان رسانده است. بدرالدین چاچی در شعر گاهی بدر چاچی تخلص کرده است.

۱۲ - محمد بن بدر جاجرمی پسر بدر جاجرمی شاعر معروف قرن هفتم است که در اصفهان و عراق تا اواسط قرن هشتم می زیسته و خود نیز شاعر بوده و جامع کتابیست باسم مونس الاحرار فی دقایق الاشعار که حاوی بهترین اشعار یک عده کثیر از شعرای بزرگ ایرانست تا زمان مؤلف و آنرا در ماه رمضان ۷۴۱ تمام کرده ولی چنانکه گذشت (ص ۱۷۶) آنرا از کتابی بهمین اسم تالیف لطیف الدین احمد بن محمد ابن احمد بن محمد کلامی اصفهانی که در ۷۰۲ گرد آورده گرفته و در آن اندک تصرف کرده و در ضمن بعضی از اشعار خود را در آن آورده است.

۱۳ - ابو اسحق حلاج شیرازی معروف یسحق اطعمه از شعرای معروف اواخر قرن هشتم بود و در شیراز میزیست و ظاهراً تا اوایل قرن نهم نیز در حیوة بوده است و دو سال ۸۳۰ رحلت کرده و قبر او در شیراز معروفست. در عصر خویش شهرت بسیار داشته ولی از جزئیات زندگی او چیزی بما نرسیده است. جز آنکه مورد توجه اسکندر بن عمر شیخ تیموری بود و وی مبتکر سبک خاصیت در شعر فارسی که همه جا اسامی غذاها و خوراکها را در میان آورده و بسیاری از غزلیات و قصاید شعرای سلف یا معاصر خود را جواب گفته و تقلید کرده است و این سبک را پس از او احمد اطعمه در قرن نهم و اشتهای اصفهانی در قرن سیزدهم و میرزا تقی خان دانش از معاصرین در دیوان حکیم سوری تقلید کرده‌اند و دیوان ابو اسحق که شامل نزدیک سه هزار بیت نظم و نثر و اقسام مختلف شعر بهمین سیاقست باسم دیوان اطعمه شهرت دارد و معروفست و فواید عمده آن آنست که بسیاری از اسامی غذاها را نگاه داشته است و یک مثنوی



در همین زمینه بنام کنز الاشتها و نیز مناظره اطعمه ای بنشر دارد.

۱۴ - **خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین حافظ شیرازی** معروف ترین شاعر قرن هشتم و یکی از چهار تن از بزرگترین شعرای ایران که معروف جهان شده اند پدران وی بشیراز هجرت کرده اند و وی در آن شهر ولادت یافته و در جوانی از مدارس و مجالس درس علمای زمان خود بهره مند شده و حافظ قرآن گردیده است به همین جهت در شعر حافظ تخلص کرده و از زمره شاگردان قوام الدین عبدالله (متوفی در ۷۷۲) عالم معروف آن زمان بوده است. نخست در سلك مداحان ابو اسحق اینجو درآمده و سپس پیادشاهان آل مظفر پیوسته و شاه شجاع و شاه منصور از امرای این خاندان را مدح گفته است و درین ضمن با پادشاهان ایلکانی جلایر که در مغرب ایران سلطنت داشته اند و شعرارا بسیار مینواخته اند از دورروابطی داشته و سلطان احمد بن شیخ اویس (۷۸۴ - ۸۱۳) را مدایح مینگفته است و عاقبت در شیراز بسال ۷۹۱ رحلت کرده و در آنجا مدفون شده است. حافظ در زمان زندگی خود از حاجی قوام الدین حسن شیرازی کلاقرشهر شیراز (متوفی در ۷۵۵) بیش از دیگران متنعم شده به همین جهت اغلب از وی یاد کرده است و با این همه مدایحی که در حق این معدوحین دارد بجز يك دو بیت نیست که در ضمن سخنان خود آورده است و وی را جزو شاعران مداح نمیتوان شمرد بلکه ظاهراً تمام عمر خود را در گوشه نشینی و عزلت گذرانده و در حیات خویش شهرت عظیمی داشته است. در زبان فارسی نظیر غزلیات حافظ که جامع بین اشعار عاشقانه و افکار عارفانه ایرانست نیست به همین جهت یکی از بزرگترین شعرای جهان شمرده میشود و از حیث نظم در لطف تر کیب و تلیق و در بی نیازی در فکر و استقلال در اندیشه بمنتهای اوج شاعری رسیده است. دیوان اشعار او بر آکه محمد گلندام یکی از معاصرین و همدرسان زمان کودکی او جمع کرده است باید در رأس کتابهای زبان فارسی قرار داد و به همین جهت همواره مورد اقبال عظیم از جانب تمام طبقات مردم ایران بوده است و آن شامل نزدیک چهار هزار بیت است و بر آن شرحهای چند نوشته اند از آن جمله: شرح محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی بنام شرح یوسفی یزبان اردودر ۱۳۰۷

مفتاح الکنوز علی حافظ الرموز از قطب الدین قندهاری ، بدرالشروح از بدرالدین اکبر آبادی ، شرح مشکلات دیوان حافظ از پیر مراد متخلص بمشفق ، شرح دیوان حافظ از افضل الله آبادی ، بحر الفراسه الالفاظی شرح دیوان حافظ از عبیدالله خویشکی چشتی متخلص بعبیدی . بزبان ترکی نیز سه شرح بر آن نوشته اند ؛ شرح مصطفی بن شعبان سروری در گذشته در ۹۶۹ ، شرح شمعی در گذشته در حدود سال ۱۰۰۰ ، شرح سودی بسنوی متوفی در حدود ۱۰۰۰ . دیوان حافظ یا منتخبات آنرا بیرخی از زبانهای اروپایی مانند فرانسه و آلمانی و انگلیسی و روسی و لهستانی و نیز ترکی و عربی ترجمه کرده اند .

( ۱۵ ) سراج الدین قهری قزوینی از شعرای معروف قرن هشتم بود و در دربار سلطان ابوسعید میزیست و با عبیدزاکانی و سلمان ساوجی مشاعره و معارضه داشته و در ۷۳۵ در گذشته است و دیوان اشعاروی که بیشتر قصاید و غزلیات بسبک شعرای عراقست شامل نزدیک دو هزار بیتست .

( ۱۶ ) جمال الدین محمد بن حسام هروی معروف بابن حسام اصلاً از مردم خواف بود و در هرات سکنی داشت و از شاعران مخصوص ملک شمس الدین کرت و فرزندان وی بود و ظاهراً در اواخر عمر در کرمان زیسته است و در عصر خویش در شاعری شهرت بسیار داشت و وی بجز جلال الدین بن حسام معروف بابن حسام سرخسیست که از شعرای قرن هفتم بوده و ذکر او گذشت و نیز بجز محمد بن حسام الدین مشهور بابن حسام قهستانیست که از شعرای معروف قرن نهم بوده و دیوان مدایح او معروفست و این ابن حسام خوافی هروی در سال ۷۳۷ در گذشته و بجز بعضی غزلیات از اشعار او چیزی نمانده است و غزل را بسیار نیک میسروده و درین فن معروف بوده و در غزل ابن حسام و محمد نخاس میکرده است .

( ۱۸ ) صدرالدین بن خطیب پوشنگی معروف بابن خطیب و متخلص بریعی از شعرای نامی قرن هشتم بود و مشهورترین شاعر سلسله آل کرت بشمار میرفت و در دربار ایشان در هرات میزیست . پدرش خطیب پوشنگ قصبه ای نزدیک هرات بود و خود در دربار

ملك فخرالدین بن رکن‌الدین بن شمس‌الدین آل‌گرت میزیسته که از ۶۹۵ تا ۷۴۰ شعبان ۷۰۶ حکمران هرات بوده و بدانشمندان و شعرا توجهی داشت و خود شعر فارسی میگفت و نزدیک چهل شاعر نامی در دربار او بودند و از آن جمله ربیعی بود و هفده سال در دربار این پادشاه بمداحتی او مانده است و سپس در سال ۷۰۲ بحبس افتاد و سبب آن بود که وی از خواص اندمای پادشاه بود و ماهی هزار دینار از خزانه او میگرفت و چون مردی عیاش بود هر چه مییافت صرف نوش خواری میکرد و باز زیاده بر آن میخواست و چون ملك فخرالدین ب‌شرب بنگ عادت داشت بسیار میشد که میان ایشان بسبب اختلاف مشرب مناقشه میشد و در نتیجه ربیعی از ملك فخرالدین بدگمان شد و ب‌قهستان رفت و در سلك ملازمان شاه علی بن ملك نصیرالدین سیستانی از آل‌خلف در آمد و روزی در مجلس شراب از فخرالدین بدگویی کرد، شاه علی ازو رنجید و باو دوست دینار داد و ویرا از دربار خود راند و گفت که مردی حق ناشناست و مدتی در دربار فخرالدین بوده و ازو بدگویی میکند باشد که با من نیز چنین کند. ربیعی از قهستان بنیشابور رفت و از آنجا عازم عراق شد. فخرالدین از ترس اینکه مبادا ربیعی نزد دیگران ازو بدگویی کند نامه ای باو نوشت و او را بخود خواند و ربیعی چون اطمینان نداشت جوابی منظوم نوشت و دعوت او را رد کرد، فخرالدین بخط خود امان نامه‌ای باو فرستاد و ربیعی بهرات برگشت و او را با احترام پذیرفتند ولی پس از چندی باز در مجلس شراب ربیعی با یاران خود بنای لاف‌زدن گذاشت و ازیشان بیعت گرفت که بمملکت گیری بپردازند و چون بامداد این‌خبر بفخرالدین رسید هفتاد کس ازیشان را دستگیر کردند و همه منکر شدند جز ربیعی که اقرار کرد و ملك فخرالدین بعضی ازیشان را کشت و مثله کرد و ربیعی را بحبس افکند و هر چه وی عنبر خواهی کرد بجایی نرسید و در قلعه خیصار در حبس ماند تا مرد و تاریخ رحلت او را در ۷۰۲ و در ۷۴۰ نوشته‌اند و ظاهراً قول اول معتبر ترست. ربیعی شاعر توانایی بوده و بفرمان ملك فخرالدین منظومه‌ای ببحر متقارب بسبك فردوسی باسم گرت‌نامه در تاریخ آل‌گرت سروده است و نیز در حبس قلعه خیصار منظومه‌ای باسم گرت‌نامه سروده است و قصاید

بسیار در مدح ابن پادشاه داشته است ولی اینک از اشعار وی جز بعضی آیات چیزی بدست نیست .

۱۸ - شیخ امین الدین کازرونی از عرفای معروف قرن هشتم فارس بود و در شیراز در زمان شاه شجاع میزیست و منصب شیخ الاسلامی فارس داشت و جمعی کثیر از بزرگان آن زمان مانند خواجه کرمانی و حافظ شیرازی بوی ارادت داشته اند و در سال ۷۴۵ در گذشت . وی شعر فارسی را نیکو میسروده است ولی از اشعار او اندکی باقیست .

۱۹ - خواجه عمیدالملک رکن الدین صاین هروی معروف برکن جهان یا رکن صاین از قاضی زادگان سمنان بود ولی مدتی در هرات میزیست و منصب پیش نمازی طغا تیمور خان را داشت و نزد او مقرب بود و طغا تیمور پیش او درس میخواند ولی بسبب بد کوی که از وی کرده بود رکن صاین را بزندان افکند و وی پس از رهایی از آن بند بدربار آل مظفر شتافت و از مختصان امیر مبارزالدین شد و در سلك وزراء درآمد و سپس در زمانی که شاه شجاع و شاه محمود بکشتن پدرشان امیر مبارزالدین قیام کردند وی در آن واقعه زخم برداشت و شفا یافت و ملازم شاه شجاع شد و با وی بیزد رفت و در همانجا رحلت کرد و فوت او را در سال ۷۶۵ نوشته اند . رکن صاین از معاریف شعرای آل مظفر بود و غزل را بسیار نیکو میسرود و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیت بدستست و وی در انشا نیز دست داشته و منشآت او معروف بوده است .

۴۰ - مظفر هروی اصلاً از مردم خواف و از قریه خضروان بود ولی در هرات میزیست و معاصر با ملک معزالدین حسین کورت بود و ویرا مدح میگفت و مردی بسیار مغرور و متکبر بود و خود را از شاعران دیگر از همه برتر میدانست چنانکه دیگران را قابل سخن خود نمی شمرد و هنگام مرگ دیوان اشعار خود را در آب انداخت و می گفت پس از من هیچکس قدر سخن مرا نخواهد دانست و نسبت باین جهان و اسباب آن بی اعتنا بود و بی تکلف میزیست و جامه چرکین میپوشید و چون او را منع میکردند

میگفت بزیبایی معنی نگرید و با آنکه صلت های وافر میگرفت در آرایش ظاهر نمی کوشید و عاقبت در سال ۷۶۷ در گذشت. مظفر هروی یکی از شعرای قادر زمان خویش بوده و قصیده مدیحه را بسبک شعرای عراق بسیار نیکو می سروده است، چنانکه او را خاقانی دوم لقب داده بودند ولی از اشعار وی جز اندکی نمانده است.

**۴۱ - حسن متکلم کاشانی یا نیشابوری** از شعرای معروف خاندان کرت بود و خود نسبت خویش را بسامانیان میرسانده و شاعر دربار ملک معزالدین حسین و ملک غیاث الدین پیر علی آخرین پادشاهان این سلسله و در شاعری شاگرد مظفر هروی بوده و در شعر عربی و فارسی دست داشته است و رساله های در صنایع شعر با اسم ملک غیاث الدین تألیف کرده بود و عاقبت در سال ۷۷۱ در گذشت. حسن متکلم در شعر فارسی بسیار قادر بوده و سبکی شبیه بسبک منوچهری داشته است ولی از اشعار او جز اندکی باقی نمانده است.

**۴۲ - میر کرمانی** از معاریف غزل سرایان قرن هشتم و از مشاهیر شعرای کرمان بود و در زمان سلطان اویس جلایر میزیست و در زمان خود شهرت بسیار داشت، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و دیوان او شامل نزدیک هشت هزار بیت بدستست و غزل عارفانه بسبک عماد فقیه و عراقی را در نهایت خوبی سروده و ازین حیث یکی از بهترین شعرای ایرانست و دو مثنوی بنام مجمع اللطایف در ۷۳۲ و درج اللئالی در ۷۲۶ سروده است.

**۴۳ - شاه ناصر یا درویش ناصر بخاری** نیز از معاریف شعرای این عصر بود و در سبک درویشان میزیست و سفر بسیار میکرد و قناعت پیشه بود و گاهی مدیحه با اسم سلطان اویس جلایر می سرود و در سال ۷۷۳ رحلت کرد. ناصر بخاری قصیده و غزل را بسبک شعرای عراق نیکو می سروده است کلیات او شامل چهار هزار بیت در دستست و بجز قصیده و غزل يك مثنوی بنام هدایت نامه بیجر متقارب سروده است.

**۴۴ - شمس الدین محمود شیرین مغربی** از معاریف شعرا و عرفای اواخر قرن هشتم بود. مولد وی نایین بود و سفری بدیار مغرب کرده ولی ظاهراً بیشتر ایام



خود را در تبریز گذرانده و بهمین جهت بتبریزی معروف شده است. در تصوف از شاگردان شیخ اسمیل سیسی سمنانی بوده و عاقبت در ۸۰۸ یا ۸۰۹ در سن ۶۰ سالگی در گذشته و بعضی مرفدوی را در محله سرخاب تبریز و بعضی در اصطهبانات فارس دانسته اند. مغربی غزل را بسبب مخصوص عرفای ایران در منتهای روانی می سروده و دو ترجیع بند بسیار معروف در توحید دارد که بسیاری ازو تقلید کرده اند. دیوان وی نزدیک دو هزار بیت غزلست که در آن میان غزلیات بسیار شورانگیز دارد.

**۳۵ - لطف الله نیشابوری** از شعرای معروف اواخر قرن هشتم بود و تمام عمر خود را در نیشابور گذرانده و در آنجا مدایحی بنام امیر تیمور گورکان سروده و بیشتر اختصاص داشته است بمداحی پسر وی امیرانشاه میرزا و در ضمن مردی زاهد و گوشه نشین بود و در قناعت میزیست و در اواخر عمر از نیشابور بقریه اسفزیس رفت که درین زمان بقدمگاه معروفست و در آنجا بسال ۸۱۰ یا ۸۱۶ در گذشت و همانجا مدفون شد. لطف الله نیشابوری در اقسام مختلف شعر مخصوصاً در قصاید و مدایح بسیار مهارت داشته و قصاید بسیار در نعت ائمه سروده است و دیوان وی نزدیک چهار هزار بیت بدستست.

**۳۶ - تاج الدین علی بن محمد معروف بتاج حلاوی** نیز از شعرای نامی قرن هشتم بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و مؤلف کتابیست در محسنات کلام و فن شاعری باسم دقایق الشعر که از جمله کتابهای معتبر و مفید این فنست.

**۳۷ - حسن** نیز از شعرای قرن هشتم بوده و از احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه منظومه‌ای ساخته است باسم بحر الصنایع در محسنات کلام و در فنون شاعری که در ۷۳۱ سروده و هرچند شعر آن سستست و پیداست که در شاعری مهارت نداشته از حیث مطلب کتاب او جالب توجهست.

**۳۸ - کمال الدین مسعود خجندی** از عرفا و شعرای بسیار معروف قرن هشتم بود و در خجند ولادت یافت و در جوانی بعزم حج از دیار خود بیرون رفت و در بازگشت ازین سفر بتبریز رسید و در آنجا اقامت کرد و جمعی کثیر شاگردان و

مریدان کرد او را گرفتند و چون تغمش خان پادشاه در بند تبریز را گرفت وی را گرفتار کرد و فرمان زن خان بدشت قبچاق بردند و در شهر سرای چهار سال از ۷۸۷ تا ۷۹۰ نگاهداشتند و در آنجا ویرا مریدان بسیار فراهم آمدند و درین سفر ویرا با عبیدالله شاشی عارف معروف صحبت رویداد و پس از چهار سال باز بتبریز برگشت و چون همواره با پادشاهان جلایر روابط داشت این بار سلطان حسین بن اویس جلایر برای او در تبریز خانقاهی ساخت و موقوفاتی برای خاتقاه او بر قرار کرد و پس از آن تا زمان تیمور گورکان هم زنده بود و با پسر وی امیرانشاه میرزا روابط داشت و عاقبت در تبریز سال ۷۹۲ یا ۸۰۳ رحلت کرده است و در باغی که زاویه او در آنجا بوده وی را بخاک سپرده اند و تاریخ دوم معتبرتر است. کمال خجندی غزل عارفانه را در نهایت روانی و خوبی میسر وده و ازین حیث یکی از بهترین شعرای ایران است. دیوانش شامل نزدیک هشت هزار بیت موجود است.

#### ۴۹ - ابن نضوح شیرازی معروف بفارسی از بزرگ زادگان فارس بود و در

زمان سلطان ابوسعید بهادر میزیست و با خواجه غیاث الدین محمد وزیر پسر رشید الدین فضل الله روابط داشت و در ۷۳۷ در گذشت. ابن نضوح شاعر توانایی بوده و دوشنوی دارد یکی باسم ده نامه که بنام غیاث الدین محمد سروده و دیگر باسم محبت نامه ولی اینک از اشعار او جز چند بیتی باقی نیست.

#### ۴۰ - صفی الدین ابوالفتح اسحاق بن امین الدین جبرئیل موسوی اردبیلی

عارف بسیار مشهور قرن هشتم وجد پادشاهان صفوی بود. نسب ویرا با امام موسی کاظم میرسانند. وی در سال ۶۵۰ ولادت یافته و بجز چند سفری که بفارس و گیلان کرده است همواره در قریه کلخوران نزدیک اردبیل اقامت داشته و در آذربایجان و موقان و اران مریدان بسیار داشته است و در زمان خود نفوذ عظیمی داشته است و خواجهرشید الدین وزیر در حق وی رعایت بسیار می کرده است و هر سال مبالغی هنگفت برای او میفرستاده است. شیخ صفی الدین نخست در اردبیل دانش آموخت و چون از دانشمندان آن شهر بی نیاز شد در پی پیری میگشت که او را ارشاد کند و چون شنید که شیخ نجیب الدین بزرگ

شیرازی در شیراز حلقهٔ تصوف دارد آهنگ شیراز کرد و چون بآنجا رسید شیخ نجیب الدین در ۶۷۸ در گذشته بود و چندی در حلقهٔ مریدان شیخ رکن الدین بیضاوی و امیر عبدالله که از مشایخ معروف آن زمان بودند درآمد و امیر عبدالله او را بشیخ تاج الدین ابراهیم بن روشن امیر بن بابک بن شیخ بندار کردی سنجانی گیلانی معروف بشیخ زاهد گیلانی عارف مشهور آن زمان که در گیلان میزیست هدایت کرد و شیخ صفی الدین چهار سال در پی شیخ زاهد میگذشت تا اینکه در روستای حلیه کران در ناحیهٔ خانبلی در گیلان باورسید و تا زمان مرگ شیخ زاهد بیست و پنج سال در حلقهٔ مریدان او بود و داماد او شد و پس از مرگ او در همان طریقه جانشین وی شد و در بن زمان گاهی در لاهیجان و گاهی در اردبیل زیسته است. در پایان زندگی بجهت رفت و پیش از رفتن پسرش صدرالدین را بجای خود گذاشت و در بازگشت ازین سفر بیمار شد و پس از دوازده روز بیماری در روز دوشنبهٔ دوازدهم محرم ۷۳۵ در اردبیل در ۸۵ سالگی در گذشت و فرزندان او مخصوصاً پادشاهان صفوی بر سر خاک او بنای بسیار باشکوهی ساختند که اینک بقعهٔ شیخ صفی الدین معروفست و از بناهای تاریخی باشکوه ایران بشمار میرود. شیخ صفی الدین زنی داشت بنام بی بی فاطمه که دختر شیخ زاهد بود و ازو سه پسر داشت محیی الدین که در سال ۷۲۴ پیش از پدر در گذشت و صدر الدین موسی که در ۷۹۴ در گذشت و جانشین پدر شد و پسر سومش ابوسعید نام داشت و زن دیگری داشت که دختر اخی سلیمان کلخورانی بود و ازو دو پسر داشت علاء الدین و شرف الدین و دختری که بشیخ شمس الدین پسر شیخ زاهد داد. شیخ صدرالدین پسر دوم شیخ صفی الدین نبای خاندان صفویست که بمناسبت لقب جد خود نام خاندان خویش را صفوی گذاشته اند. صفی الدین مؤسس طریقه ایست در تصوف که بنام صفوی معروفست و چون پیروان او کلاه سرخ دوازده تری بر سرخ میگذاشتند آنها را بزبان ترکی «قرل باش» یعنی سر سرخ مینامیدند و صفویه چون بیاری ایشان پادشاهی رسیدند همان کلاه را تاج سلطنت کردند. شیخ صفی الدین بزبان فارسی شعر میگفته و از اشعار او چند بیتی باقی مانده است.

(۳۱) مولانا حسن کاشی از شعرای نامی سدهٔ هشتم و مرد دانشمندی بود. پدران

از مردم کاشان بوده اند و وی در شهر آمل بجهان آمده و در آنجا پرورش یافته است و سفری بحج و زیارت بقاع متبرکه که عراق رفته و در پایان زندگی در شهر سلطانیه میزیسته و در آنجا در آغاز سده هشتم در گذشته است. اختصاصی که اشعار وی دارد اینست که بیشتر آنها را در ستایش ائمه سروده و وی یکی از نخستین شعرای فارسی زبانست که اشعاری در مدایح ائمه گفته اند و از آن جمله هفت بند معروف است که از معروف ترین اشعار در این زمینه است و ابن حسام هروی و نظام استرآبادی و محتشم کاشانی پیرو سبک او بوده اند.

۳۲- مولانا جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس طبیب خوافی شیرازی

برادر زاده نجم الدین محمود سابق الذکر (ص ۱۹۰) و از دانشمندان نامی و شعرای معروف فارس در سده هشتم بود. اصلاً از مردم خواف بوده و در شیراز در زمان پادشاهان آل مظفر حکیم و طبیب معروفی بشمار میرفته و شاعری زبردست بوده و مخصوصاً با شاه شجاع آل مظفر مناسبات داشته و در ۷۵۴ سفری بمصر کرده است. منظومه گل و نوز را در سال ۷۳۴ پیایان رسانده و آن منظومه در آن زمان چنان شهرت کرده بود که گویند نسیمی نیشابوری که خوشنویس بوده است در یکماه بیست نسخه از آن نوشته است و وی غزل را مخصوصاً خوب میگفته و در غزل گاهی طبیب و بیشتر جلال تخلص میکرده و دیوان غزلیات او شامل سه هزار و دوپست بیت بدست است و شعر تازی نیز بهیچ سروده است.

۳۳- شیخ کجج تبریزی از معارف دانشمندان و شعرای قرن هشتم در آذربایجان

بوده و در زمان شیخ جمال الدین ابوالحسن اویس جلایر (۷۵۷ - ۷۷۶) و پسرش جلال الدین حسنین (۷۷۶ - ۷۸۴) شیخ الاسلام تبریز بوده است و مردی بسیار محترم بشمار می رفته و خانقاه معروفی داشته و از زمان امیر تیمور کوزکان بازماندگان او در تبریز همان مقام زاده داشته اند و وی غزل را خوب میگفته و اشعار وی در زمان او شهرت بسیار داشته است.

۳۴- ابوالاحمد عماد الدین عبد الملك بن عصام بن ابوبکر بن محمد بن

عبد الرحیم بن ابوبکر بن علی صاحب الهدایه معروف بخواجه عبد الملك سمرقندی از بزرگان علمای سمرقند و از خاندان معروفی بود که همه در سمرقند از

دانشمندان نامی بوده‌اند و وی شیخ الاسلام سمرقند بوده و تا زمان امیر تیمور گورکان درین مقام بوده است و بازماندگان او تا قرن نهم از بزرگان سمرقند بوده‌اند و وی دانشمند کاملی بوده و در ماه شعبان ۷۸۲ به سفارت از سمرقند به فارس رفته و چندی در شیراز مانده است و شعر تازی و پارسی را خوب می‌گفته و در شعر عصامی تخلص می‌کرده و بساطی سمرقندی شاعر معروف از شاگردان او بوده است .

۳۵- سید شاه فضل الله نعیمی تبریزی از بزرگان مشایخ صوفیه و شعرای اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و از جمله مریدان امیر حسینی عارف مشهور بشمار میرفته و دانشمند کاملی بوده و شعر عارفانه را بسیار خوب می‌گفته از آن جمله ترجیع بند معروفی از او مانده است .

۳۶- شمس الدین تبریزی نیز از عرفای نامی قرن هشتم بوده و وی را با شمس الدین تبریزی عارف مشهور قرن هفتم که مرشد جلال الدین مولوی بوده اشتباه کرده‌اند و این شمس الدین تبریزی اشعار عارفانه خوب دارد از آن جمله ترجیع بندی که معروفست و منظومه‌ای بنام مرغوب القلوب که در ۷۵۷ نظم کرده است .

۳۷- حاجی ناصر الدین حسین بن هبة الله بن حسین خطیب معروف بناصر خطیب شغوی از دانشمندان و شعرای معروف شیراز در نیمه دوم قرن هشتم بوده و تا ۷۸۲ زنده بوده است و شعر فارسی را خوب می‌گفته و در ضمن ملمعاتی بزبان پارسی و تازی و لهجه شیرازی می‌گفته است .

۳۸- جلال الدین فریدون بن عکاشه نیز از نویسندگان و شعرای نامی همان زمان بوده و مداح جلال الدین مسعود شاه و شیخ ابواسحاق اینجو بوده و مخصوصاً دیر زبردست بشمار میرفته و در ساختن قصاید مصنوع و موشح دست داشته از آن جمله دو قصیده دارد یکی بنام ربیعیه و دیگری بنام رحیقیه که مقدمه‌ای منشیانه بنشر بر آنها نوشته است و شعر تازی و پارسی را خوب می‌گفته و در شعر عکاشه تخلص می‌کرده است .

۳۹- خواجه جلال الدین نعمان بن محمود بن اصیل از وزراء و ادبای نامی فارس در همان زمان بوده و در شیراز میزیسته و تا ۷۸۲ زنده بوده و شعر فارسی خوب

میگفته است .

۴۰- جمال الدین حاجی منشی نیز از ادبای شیراز بوده که تا ۷۸۲ زنده بوده و شعر فارسی را بسیار خوب میگفته است و کتابی نوشته است بنام غرایب الاخبار و نوادر الآثار .

۴۱- ابو اسحق فخر و فاضل که او نیز از شاعران و ادیبان نامی شیراز بوده و تا ۷۸۲ میزیسته و شعر فارسی را خوب میگفته است .

۴۲- سید عزالدین مطهر بن عبدالله بن علی حسینی نخست از شاعران آذربایجان و مداح شیخ اویس جلایر بوده و سپس بفارس رفته و از شعرای بسیار معروف فارس و از مداحان خاص شاه شجاع بوده و تا ۷۸۲ در آن جا میزیسته است و سپس به هندوستان رفته و از شاعران دربار تاج الدین فیروز شاه بهمنی بوده و در ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشته و دیوان اشعار او بدست است و غزل و قصیده را خوب میگفته است .

۴۳- نظام الدین حسن حسینی آملی که او نیز از شعرای نامی فارس در همان زمان بوده و تا ۷۸۲ در شیراز میزیسته است و غزل را بسیار خوب میگفته و حسن نخلص میکرده است .

۴۴- نجم الدین محمود مذهب نیز از شعرای نامی فارس در همان دوره بوده و تا ۷۸۲ در شیراز زندگی میکرده و انواع شعر را خوب میگفته است .

۴۵- شیخ الاسلام حاج معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن اسعد بن مظفر بن محمد بن مظفر بن روزبهان بن طاهر واعظ عمری ربهمی قرشی شیرازی که لقب او را بخط صدرالدین و نجم الدین و نام و نسبش را نیز بخط محمود بن محمد جنید ضبط کرده اند از بزرگان دانشمندان فارس و خطیب جامع عتیق شیراز بوده و خاندان وی همه دانشمندان معروف آن سر زمین بوده اند و وی سفری باصفهان کرده و پس از ۸۰۰ در گذشته و مؤلف کتاب بسیار معروفیست بزبان تازی بنام شد الاوزار فی حط الاوزار عن زوار المزار در مشاهده شیراز که بنام هزار مزار معروفست و پسرش عیسی آنرا بنام ملتئم الاحباء بفارسی ترجمه کرده و شاعری صوفی

مشرّب شیرین سخن با ذوق بوده و غزلیات شیوایی گفته که بغزلیات حافظ تا اندازه‌ای شبیهست و دیوان او شامل نهمصد بیت بدستست. پسر دیگر وی رکن الدین یحیی کتاب سیرت ابو عبدالله بن خفیف را بفارسی ترجمه کرده است.

۴۶ - شمس الدین محمد بن علی کاشانی از شعرای نامی اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در حدود ۷۳۰ در گذشته و وی منظومه‌ای در تاریخ مغول سروده که در زمان الجایتو (۷۰۳ - ۷۱۶) پایان رسانده و نیز تاریخ غازان خان را بنظم آورده است و دیوان اشعار او هم بدستست.

۴۷ - ناصر الدین خسرو اصفهانی معروف بناصر خسرو از شعرای صوفی مشرب قرن هشتم بوده و در ۷۳۱ در گذشته است و از جمله اشعار او ترجیع بند معروفست و او را برخی با ناصر خسرو قبادیانی حکیم و شاعر معروف قرن پنجم اشتباه کرده‌اند.

۴۸ - جهان ملک خاتون دختر جلال الدین مسعود شاه اینجو حکمران فارس که از ۷۳۶ تا ۷۴۰ پادشاهی کرده و در ۱۹ رمضان ۷۴۳ کشته شده است. مادرش سلطان بخت دختر دمشق خواجه پسر امیر چوپان و خواهر دلشاد خاتون بوده است و خود همسر خواجه امین الدین جهرمی ندیم شاه شیخ ابواسحق اینجو بوده است. معاصر مغیث الدین احمد جلایر (۷۸۲ - ۸۱۳) و از زنان معروف قرن هشتم بوده که شعر فارسی را بسیار خوب می‌گفته و دیوان او شامل چهارده هزار بیت بدستست و جهان تخلص می‌کرده است.

۴۹ - محمد یوسف گدا که او نیز از شعرای نامی قرن هشتم بوده و دیوان اشعاری داشته و از آن جمله قصیده‌راییه ایست بنام تحفة النصابیح که در روز آدینه ۱۰ ربیع الاول ۷۹۵ تمام کرده است.

۵۰ - علی شاعر که کتاب اشرف التواریخ قاضی عضدالدین ایچی را بنام زبدة التواریخ فی ترجمه اشرف التواریخ بفارسی ترجمه کرده و بیش ازین از احوال او اطلاعی نیست.

۵۱ - ابن عماد شیرازی از معارف شعرای فارس بوده که در ۸۰۰ در گذشته اصل وی از خراسان بوده ولی در شیراز می‌زیسته و بیشتر در مناقب ائمه شعر میگفته و غزل را هم خوب میسروده است و از آثار او دو مثنوی هم مانده است یکی بنام ده نامه که یکی از بهترین آثار ادبی قرن هشتم است و در ربیع الاول ۷۶۸ بیابان رسانده و دیگر بنام روضة المحبین که آنهم مثنوی شیواییست و آنرا در ۷۹۴ در ۷۶۰ بیت تمام کرده است .

۵۲ - امام فخرالدین یحیی بن معین شیرازی معروف بابن معین از ادبا و شعرای اواسط قرن هشتم فارس بوده و از ۷۴۱ تا ۷۸۲ آثار او هست و وی غزل را بسیار خوب میگفته و ابن معین تخلص میکرده است .

۵۳ - شاه رکن الدین محمود سنجانی خوافی معروف بشاه سنجان خوافی از بزرگان عرفای قرن هشتم ایران از سلسله چشتی بوده و از مشایخ نامی آن طریقه بشمار میرفته و خلیفه مودود چشتی بوده و چندی در چشت زیسته و در ۷۹۷ در گذشته است و وی شعر عارفانه مخصوصاً رباعی را خوب میگفته و بعضی رباعیات بنام او مانده است .

۵۴ - سید محمود بن علی حسنی گلمستانه از ادبای نامی قرن هشتم بوده و مؤلف کتابت بنام انیس الوحده و جلیس الخلوه که در آداب و اخلاق نوشته و از کتابهای سودمند زبان فارسیست و در آنجا برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده و پیدا است که شعر فارسی و تازی را خوب گفته است و در شعر محمود تخلص میکرده است .

۵۵ - حکیم یا حکیمی ترمذی از شعرای صوفی مشرب اواخر قرن هشتم و از پیروان شاه نعمه الله ولی بوده و غزل و ترجیع بند عارفانه را نیکو میگفته و دیوان اشعار او بخط پسرش علی بن حکیم ترمذی که در ۸۳۶ نوشته بدست است .

۵۶ - جلال الدین عتیقی تبریزی پسر قطب الدین عتیقی تبریزی از شعرای قرن هفتم بوده است و وی در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم میزیسته و باخواجه رشید الدین فضل الله وزیر مناسباتی داشته و او هم مانند پدر عتیقی تخلص میکرده و



از اشعار او اندکی مانده است .

۵۷- شیخ نظام الدین محمد بن علی بن دائیال دهلوی معروف بشیخ نظام اولیا،

از بزرگان عرفای قرن هشتم در هندوستان بوده و مردم آن دیار او را سلطان المشایخ میخواندند . جدش خواجه علی بخاری و جد مادریش خواجه عرب نام داشته اند و هر دو از بزرگان زمان خود بوده اند و با یکدیگر از ماوراءالنهر به هندوستان رفته اند و در سرزمین بداون از مضافات سنبل مسکن گرفته اند و در آنجا با یکدیگر وصلت کرده اند و باز مانند گانشان در هند میزیسته اند و نظام الدین در بداون در سال ۶۳۶ ولادت یافته و نسبش بدوازده پشت با امام هشتم میرسینده و سپس بدهللی رفت و در خردسالی پدرش در گذشت و شیخ فریدالدین دهلوی معروف بشکر گنج عارف نامی هندوستان که از خویشاوندان او بود وی را پرورش داد و از دوازده سالگی در خدمت او بود و چنان پرورش یافت که در ۲۰ سالگی معروف بود و در آن زمان از دهلی باجو دهن که از توابع دهلی و مسکن شیخ فریدالدین بود رفت و پس از چندی که اجازه ارشاد گرفت بدهللی بازگشت و همچنان در آن شهر در محله غیاث پور میزیست و مریدان بسیار داشت و مردی بسیار پرهیز کار بود و درباره او کرامات بسیار نوشته اند و سرانجام عصر چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۷۲۵ در ۹۴ سالگی در دهلی در گذشت و در مقبره شیخ فریدالدین شکر گنج که از بقاع متبرک معروف دهلیست او را بنحاک سپردند و مزار او تا کنون زیارتگاهست و روزهای چهارشنبه مردم بزیارت وی میروند . شیخ نظام الدین از بزرگان مشایخ طریقه چشتیست که از معروف ترین طریقه های تصوف در هندوستان بوده است و مولانا علاءالدین نیلی قاری سجزی دهلوی ملفوظات وی را بنام « فواید الفواد » در کتابی گرد آورده و دیگری از شاگردان او بیانات وی را که از ۶۸۹ تا ۶۹۰ کرده بنام راحة المحبین جمع کرده و وی شعر فارسی را بروش عرفا بسیار خوب میگفته است و کتابی بنام راحة القلوب در مناقب مرشد خود فریدالدین نوشته است .

۵۸- زین الدین محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن شعبان عطار همدانی

اصلا از مردم زنجان و از شعرای درجه دوم قرن هشتم بوده که در اواخر قرن هفتم

و اوایل قرن هشتم میزیسته است و چندان در شعر دست نداشته و در ۷۲۷ کشته شده است و ازو چهار مثنوی مانده است یکی مثنوی معروف بترجمة الاحادیث یا مواعظ که نزدیک دو هزار بیت دارد و احادیث نبوی را در آن ترجمه کرده و در ۶۹۹ تمام کرده است و دیگر کنزالحقایق که نزدیک ۸۰۰ بیت دارد و دیگر مفتاح الفتوح که نزدیک ۱۲۰۰ بیت دارد و آن را در ۱۵ ذی حجه ۶۸۸ بیابان رسانده است و آن نخستین اثر او در شاعریست و پیش از آن شعری نگفته است و دیگر کنزالاسرار که آنهم مثنوی کوچکیست و آنرا در ۶۹۰ یا ۶۹۹ بیابان رسانده و این عطار همدانی را با فریدالدین عطار نیشابوری شاعر متصوف معروف اشتباه کرده اند.

۵۹ - **خواجه معین الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن شهاب الدین اسمعیل بن قطب الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن معین الدین ابو نصر احمد جامی** نسبش پینج پشت بشیخ الاسلام احمد جامی میرسد و مادرش دختر ملک شمس الدین محمد که پسر ملک شمس الدین ابوبکر کرت از پادشاهان آل کرت بود و خود از بزرگان خراسان بشمار میرفت و با خال خود ملک غیاث الدین محمد کرت بحج و حجاز رفت و در جام در ۷۸۳ در گذشت و او را در مقبره شیخ احمد جام بخاک سپردند. معین الدین از ادبا و شعرای نامی زمان خود بشمار میرفت و در نظم و نثر فارسی دست داشت و از اشعار او اندکی مانده است. خواجه معین الدین سه پسر داشت که مهتر آنها ضیاء الدین یوسف و مادرش دختر ملک غیاث الدین محمد کرت بود و از شاگردان تفتازانی بشمار میرفت و دانشمند کاملی بود و در ۷۹۷ در تبریز در گذشت و جنازه او را بجام بردند و نزدیک پدرش بخاک سپردند.

۶۰ - **محمد هولا کاخکی** از دانشمندان نامی آذربایجان بود و در علوم منقول و معقول و نظم و نثر و جد و هزل از بزرگان زمان خود و از ندیمان میرزا میرانشاه گورکان بود و چون در ۸۰۲ امیر تیمور فرمان داد که ندیمان وی را بکشند او را هم در آن واقعه بدار کشیدند و وی شعر فارسی را نیکو میگفته و از اشعار او اندکی مانده است.

۶۱- **خواجه علی را میثی معروف بخواجه عزیزان** از مردم رامین قصبه ای در دو فرسنگی بخارا بوده و از بزرگان مشایخ طریقه نقشبندی بشمار میرفته و در رامین بیافندگی روزگار میگذرانده و در پایان زندگی بخوارزم رفته و در آنجا در ۲۸ ذیقعده ۷۲۱ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و ازودو پسر ماند که یکی محمد و دیگری ابراهیم نام داشت و محمد چهل روز پس از مرگ پدر در گذشت و ابراهیم جانشین او شد. علی رامینی شعر فارسی را نیکو میسروده و بعضی رباعیات عارفانه از او مانده و رساله ای در طریقه تصوف و کتاب دیگری بنام محبوب، العارفین نوشته است.

۶۲- **خواجه بهاء الدین محمد بن محمد بن سید جلال الدین بن سید برهان الدین بن سید عبدالله بن سید زین العابدین بخاری معروف بنقشبند** که ذکر او در نثر قرن هشتم (ص ۱۹۱ - ۱۹۲) نیز آمده است: نسبش بسیزده پشت با امام حسن عسکری می رسد و در بخارا در ۷۲۸ ولادت یافته و از بزرگان مشایخ تصوف ایران و معروف ترین عرفای طریقه نقشبندیست و این طریقه بنام او معروف شده و وی خلیفه میر سید کلال بوده و در کودکی خواجه بابا محمد سماسی او را بفرزندی برداشته و پرورده است و نیز از مریدان عبدالخالق غجدوانی و خواجه قشم و خلیل انا ترکی بوده و در بخارا میزیسته و دوسفر حج رفته است و پیشه او و پدرانش کمخاب بافی و نقش کردن آن بوده و بهمین جهت بنقشبند معروف شده است و سر انجام در روستای قصر عارفان در یک فرسنگی بخارا که مولد او بوده است در سوم ربیع الاول ۷۹۱ در گذشته و در همانجا مدفون شده. بهاء الدین نقشبند شعر فارسی را خوب میگفته و از اشعار او چند بیتی مانده است.

۶۳- **خواجه ابو الفتح محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری معروف بخواجه محمد پارسا** از بزرگان عرفای سده هشتم ایران و از مشایخ نامی طریقه نقشبندی و از خلفای خواجه بهاء الدین نقشبند بوده و از بهاء الدین نقشبند پارسا لقب یافته است و مردی بسیار دانشمند و پارسا و پرهیزگار بوده و مخصوصاً در حدیث دست داشته

و کرامات بسیار باو نسبت داده اند و نخست در بخارا میزیسته و دو بار به حج رفته و سفر اول با خواجه بهاء الدین نقشبند رفته و سفر دوم در سال ۸۲۲ از راه نسف و بلخ و هرات رفته است و چون بمکه رسیده بیمار سخت شده چنانکه او را در عماری گذاشته و طواف داده اند و چون بمدینه رفته در روز چهارشنبه ۲۳ ذی حجه ۸۲۲ در آنجا در گذشته است و رو بروی قبر عباس او را بخاک سپرده اند و از وی پرسی مانده است بنام ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه و جانشین پدر بوده است. خواجه محمد پارسا مؤلفات چند دارد از آن جمله کتاب معروفی بنام فصل الخطاب که در محاضرات و سلوک و تصوف بفارسی و تازی نوشته و رساله محبوبیه و رساله قدسیه در مناقب مرشد خود بهاء الدین و کتاب انیس الطالبین و عدة السالکین در همین زمینه نیز از اوست و گاهی شعر فارسی می گفته و بعضی از اشعار از وی مانده است.

۶۴ - زین الدین ابوبکر علی تایبادی از بزرگان عرفای قرن هشتم و از شاگردان

نظام الدین هروی و شیخ احمد جامی بوده و در تایباد خراسان که اکنون بطیبات معروفست میزیست و در علوم ظاهری شاگرد نظام الدین هروی بوده و در تصوف بر طریقه اویسی میرفت و امیر تیمور گورگان در حمله بهرات در تایباد بدیدن او رفت و نصایحی بتیمور داده که معروفست و سر انجام در همان تایباد در نیم روز آدینه سالخ محرم ۷۹۱ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و مزار او هم اکنون زیارتگاه معروفست. ابوبکر تایبادی گاهگاهی شعر فارسی گفته و از اشعار او اندکی مانده است.

۶۵ - مکتبی خراسانی از شاعران درجه دوم قرن هشتم بوده که بخط او را

با مکتبی شیرازی شاعر معروف قرن نهم اشتباه کرده اند و وی صاحب منظومه ایست بنام کلمات عالیة غرا که در ترجمه احادیث سروده و آنرا بنام ملک علی سربسرداری (۷۶۶-۷۷۸) پایان رسانده و از آن منظومه پیداست که شاعر زبر دستی بوده است.

۶۶ - عبدالحمید رایغانی از مردم دهی بنام رایگان در ناحیه قزوین بود و در

زمان ابقا خان (۶۶۳ - ۶۸۰) میزیست و تا اوایل قرن هشتم نیز زنده بوده است و از مختصان ملک افتخار الدین قزوینی بشمار می رفته و بزبان پهلووی قزوین برخی اشعار

ازومانده است .

۶۷ - **امیرکای قزوینی** نیز از شاعران همین دوره بوده و او نیز اشعاری بهمین

زبان سروده است .

۶۸ - **اویانج زنجانی** نیز از شاعران همین دوران بود و اشعاری بزبان پهلوی

زبجان ازو باقیست .

۶۹ - **خواجه بهاءالدین زنجانی** هم از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن

هشتم و مداح خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی بوده است .

۷۰ - **بهاءالدین ساوجی** از شاعران قصیده سرای همین دوره بوده است .

۷۱ - **جمال الدین رستق القطنی** از مردم محله رستق القطن قزوین و معاصر

ابقا خان و از شاعران معروف روزگار خود بوده و از اشعار او اندکی مانده است .

۷۲ - **جولاهه ابهری** نیز از شاعران این دوره است که بزبان پهلوی زبجان

اشعاری ازو در دستست .

۷۳ - **سید جمال الدین کاشانی** نیز از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن

هشتم بوده و ترجیع بندی ازو مانده است که باستقبال ترجیع بندی سعدی سروده است .

۷۴ - **رفیع الدین بکرانی** از مردم ابهر بوده و در کرمان در اواخر قرن هفتم

و اوایل قرن هشتم می زیسته و بزبان تازی و فارسی شعری گفته و برخی از اشعار او

مانده است .

۷۵ - **رکن الدین بکرانی** نیز از مردم ابهر بوده و در همین زمان می زیسته

و دیوانی داشته است و اینک اندکی از اشعار او باقیست .

۷۶ - **سعدالدین بن بهاءالدین معروف بسعد بهایی یا سعدالدین بهایی** یا

**سعد بهاء** معاصر الجاتیو بوده و تا اوایل قرن هشتم نیز زیسته و از شاعران معروف عصر خود

بوده و اینک اندکی از اشعار او باقیست .

۷۷ - **سید سراج الدین سکزی متخلص براجی** از شاعران زبردست قرن

هشتم و بیشتر مداح ناصرالدین محمود شاه دوم ( ۷۹۵ - ۷۹۷ ) از پادشاهان

سلسله تغلقی هندوستان و وزیر او نظام الملک نظام الدین ابوسعید محمد چندی و بزرگان دربار وی بوده و قصیده را بسبک فاتورالیم شعرای عراق بسیار خوب می گفته و دیوان قصاید وی شامل نزدیک ۵۶۰۰ بیت در دست است .

۷۸ - **سید مطهر گره** از شاعران معروف قرن هشتم هند و از مردم شهر گره در شمال هند بود و چندی در گجرات و بیشتر در دهلی می زیست . در ۷۱۶ ولادت یافت و در ۷۹۱ در گذشت . از شاعران دربار فیروز شاه بن ملک رجب از سلسله تغلقی هند بود که در ۲۲ محرم ۷۵۲ سلطنت رسیده و در ۱۸ رمضان ۷۹۰ در گذشته است . وی در ضمن از مریدان نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی عارف مشهور این زمان هند بود که در ۱۸ رمضان ۷۵۷ در گذشته است و قصیده را بسبک فاتورالیم عراقی با کنایات و استعارات فراوان نیکو سروده است و تشبیهات عالی و معانی دقیق دارد و دیوانش شامل پنج هزار بیت بدست است .

۷۹ - **فخرالدین فتح الله قزوینی** برادر حمدالله مستوفی مورخ معروف و در شعر استاد بوده و از روش اوحدی مراغی پیروی می کرده است .

۸۰ - **عزالدین کرچی** از خاندان کرچی قزوین و از شاعران نامی زمان خود بوده و از اشعار او اندکی باقیست .

۸۱ - **عزالدین همدانی** نیز از شاعران این دوره بوده است و برخی اشعار او بزبان پهلوی همدان بما رسیده است .

۸۲ - **عمادالدین فضلویه معروف بهماک** لُر از شاعران معاصر ابقاخان بوده که تا اوایل قرن هشتم زیسته است و از مختصان صاحب دیوان جوینی بشمار می رفته است .

۸۳ - **قاضی عثمان ماکی قزوینی** از مداحان خواجه فخرالدین مستوفی پسر عم حمدالله مستوفی بوده و شعر را روان می گفته و چون عم زاده اش رضی الدین در باره او تطاول کرده بود کتابی بنام رضی نامه در پنج هزار بیت درین زمینه ترتیب داده است و از شاعری مال بسیار فراهم کرده بود چنانکه سی چهل هزار دینار بار رسیده بود .

۸۴ - **ملک عماد الدین اسمعیل بخاری** نیز از شاعران نامی این دوره بوده

و در زمان ابو سعید بهادرخان (۷۱۶ - ۷۳۶) در سلطانیه در گذشته است و از اشعار او چند بیت باقیست .

۸۵ - زین الدین فاختر کاشانی مداح نجیب زادگان قزوین بود و کتابی بعنوان تصایح الاولاد نوشته و در شعر نیز استاد بوده است .

۸۶ - قنادی نیز از شاعران این دوره بوده است .

۸۷ - ابوالفرج احمد بن محمد کافی کرجی از مداحان مجدالدین عمادالدوله همدانی بوده و برخی اشعار او بزبان پهلوی شهر کرج باقی مانده است .

۸۸ - کمال الدین زنجانی از مداحان خواجه صدرالدین احمد خالیدی صاحب دیوان بوده است .

۸۹ - نجم الدین معروف بکرگس نیز از شاعران مدیحه سرای این دوره بوده و از شعر او اندکی مانده است .

۹۰ - محمود کوتوال از شاعران خراسان درین دوره بوده است .

۹۱ - ملک محمود تبریزی پسر ملک مظفرالدین نیز از شاعران این دوره بوده که اندکی از شعر او باقیست .

۹۲ - فردوس مطربه از زنان شاعران این دوره بوده و از اشعارش اندکی باقیست .  
۹۳ - بنت النجاریه نیز از زنان شاعر این دوره بوده و اندکی از اشعار او بما رسیده است .

۹۴ - شمس الدین بن ناصر الدین شیرازی معروف بشمس پسر ناصر از شاعران این دوره و غزل سرای توانایی بوده و بیشتر بزبان پهلوی شیراز شعر می گفته و درین زبان شمس پسر ناصر یعنی شمس پسر ناصر تخلص می کرده است و مقداری از اشعار او باین زبان در دستست .

۹۵ - پور فریدون از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از کردان فارس بوده و برخی دوبیتی ها بزبان پهلوی فارس ازو بما رسیده است .

۹۶ - سید شرفشاه گیلانی ، عصر زندگی او درست معلوم نیست اما از قراین

پیداست که از شاعران اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم بوده و مقداری دویستی بزبان کیلک ازو باقیست که سر مشق شاعران دیگر بوده و آنها را با آهنگی خاص می خوانند و آن آهنگ را شرفشاهی می گویند .

۹۷ - عصامی از شاعران این دوره در هندوستان و از خانواده معتبری بوده ، جدش فخرالملک عصامی از بغداد بهندرفته و وی در دهلی می زیسته و در ۷۱۱ در آنجا ولادت یافته و شاعر دربار محمد شاه بن تغلق بوده و در ۲۷ رمضان ۷۵۰ شروع بنظم شرح جنگهای وی بنام فتوح السلاطین ببحر متقارب کرده و در ۶ ربیع الاول ۷۵۱ بیایان رسانیده و شامل نزدیک دوازده هزار شعرست که استادی او را مسلم می کند .

\*\*\*

گذشته ازین شعرای درجه اول و دوم در قرن هشتم يك عده شعرای دیگر هم بوده اند که فهرست آنها بدین قرارست : غیبی شیرازی که شعر عارفانه گفته ، بهاء الدین حاجی ، صافی که در ۷۶۷ در گذشته ، ملک عمادالدین روزنی ، نسیمی نیشابوری که از شاعران و خوشنویسان بوده ، سید حسن اخلاطی از متصوفه ، خواجه شمال بخاری از عرفا ، سید ابوالمظفر از عرفا ، شرف الدین مقبل ، نظام الدین مرزوقی ، ابوعلی فالی ، رکن الدین ابهری ، سعدالدین نصیر ، حاج محمود کرمانی متخلص بمحمود ، شاه سیف الدین ، کمال الدین کاشی ، نجمی ، امیر صفادار ، بدر الدین دامغانی ، صدرالدین قیروانی ، عمادالدین بکرانی ، امین الدین تبریزی ، محمد جوهری ، ملک الشعراء تاج الدین بهاء که بیشتر هزلیات سروده است ، علا رکن الدین دعوی دار قمی ، سیف الدین اعرج که مداح ثقه الملك ابوبکر علی وزیر بوده ، سراج الدین ، ملک الشعراء شرف الدین تبریزی که مداح ملک سید عزالدین عبدالعزیز شیخ الجبال بوده ، نورالدین عبدالرحمن که او نیز مداح او بوده است ، ملک الشعراء صابن الدین شیرازی ، قاضی عمر ، برهان الدین بزاز که مداح ابوالمظفر اتلقمیش بوده ، عبدالمجید تبریزی ، کمال الدین کوتاه یا کونه پای ، شمس الدین درود ، صدرالدین علی کی ، نجم الدین ، مجید الدین ایگی ، عزیزمشکی که نام او را بخط اعزیز مستملی هم ضبط کرده اند ،



علی ، درویش فرهاد ، قاضی کریم الدین سیستانی ، کریم ، محمد قباپی ، محب ، محمد  
چرخگر هروی ، منوچهر ، مجید ، مجدالدین کرچی قزوینی ، مبارزالدین ، صوفی ،  
صفی عالی ، صاحبی ، شهابالدین بن کمال الدین سمنانی معروف بشهابالدین کمال  
یا شهاب کمال ، شمس الدین صابن محمود قاضی ، شمس الدین کاشی ، شمس کافی ،  
میرسراج الدین بردی سیستانی ، حافظ سعد ، سعد الدین بن شرف الدین  
متخلص بسعد و سعد شرف ، رضی الدین مؤید بن صالح ، حیدر ، ملک الشعراء جمال الدین  
کاشانی که بیشتر هزلیات میگفته ، بدیع ، بنده ، جمال ، زین الدین علی فقیه معروف  
و متخلص با بن فقیه ، آغا ، ابن جلال ، احمد حجازی ، احمد موسوی ، ملک افتخار  
الدین قزوینی ، اشرف گلستانی ، امین الدین کاکا متخلص بنوری ، قاضی صیرفی هندی ،  
جمشید خان ترکستانی ، رشید خان جغتایی متوفی در ۷۷۱ ، فتح ، امیر یمین الدین  
طغرای پدر ابن یمین متوفی در ۷۲۴ ، شهاب الدین مهمره ، ابو العلاء حسینی ، امیر  
اختیارالدین حسن سمرقندی که از مریدان شاه نعمت الله ولی بوده و اختیار تخلص می  
کرده است ، روح الامین امین الدین دادا که در شعر امین و روح الامین تخلص کرده  
است ، حاجی تبریزی ، حالی ، حیرانی ، رواس ، روحانی ، زکی مراغی ، سعد الهی  
سعد وراق ، سلطانی ، سهیلی ، شرف ، شمس الدین شرفشاه ، شمس الدین گلستانی ،  
شمس ساوجی ، شمسی اصفهانی ، شهاب الدین بلیانی ، شیخ زاده لاهیجی ، صدر الدین  
علی فخری شوشتری ، ظریفی ، عطایی ، علاء علوی تبریزی ، عنایت ، عوض ، قاضی عیسی ،  
فخرالدین رئیس محمود ، فخرالدین هندو شاه .

قرن نهم آخرین دوره مهم ادبیات ایرانست و تردیدی نیست که پس از آن  
دوره‌ای باین درجه از اهمیت تا کنون در تاریخ ایران بیش نیامده است و پس از آن  
ادب ایران دوره تنزل و انحطاط را مرتباً پیموده و اگر دوره های تجدید و احیایی  
هم پیش آمده باشد دوره های کوتاه بوده و نشده است دوره وسیعی را در بر بگیرد .  
گذشته از آن قرن نهم از حیث کثرت شعرا و نویسندگان و جنبش های ادبی

گوناگون یکی از مهمترین دوره‌های ادبی ایرانست و اگر هم در برخی از رشته‌های ادب انحطاط و زوالی پیش آمده باشد آن انحطاط نتیجه مستقیم ضعف و فتور است که در دوره پیش یعنی در قرن هشتم مقدمات آن فراهم آمده و رفته رفته نیرو گرفته و در قرن نهم نتیجه آن آشکار شده است. در هر حال تردید بردار نیست که قرن نهم از حیث بسیاری شعرا و نویسندگان، چه در ایران و چه در خارج از ایران، میزبانه‌اند یکی از پرترین و غنی‌ترین ادوار تاریخی ایران بشمار می‌رود و حتی با دو قرن دیگر که ازین حیث امتیاز دارند یعنی با قرن ششم و قرن هفتم نیز برابری میکند. اگر شماره نویسندگان و سرایندگان زبان فارسی را بدقت احصاء کنیم قطعاً يك نيمه آن سهم قرن ششم و هفتم و نهم و نيمه دیگر و بلکه کمتر سهم قرون دیگر خواهد بود. شاید سبب عمده این ثروت ادبی قرن نهم این باشد که درین دوره حوادث سخت و انقلابات شدید که سبب از میان رفتن آثار ادبی و سلب توجه مردم از ادبیات و برهم زدن آسایشی که لازمه پدید آوردن ادبیانست می‌شده درین قرن رخ نداده است و مردم در نتیجه آسایش و امنیت بضبط و نگاهداری آثار ادبی بیشتر همت کرده باشند.

در سراسر این قرن خاندان تیموری در نواحی فارسی زبان ایران و خارج از ایران پادشاهی میکرده‌اند. اگر کشور گشایی و خون ریزیهای تیمور بر ایران گران و ناهموار بوده است و دوره نیره پراز بیداد و ستمی را در تاریخ فراهم کرده کفاره آن نتیجه ادبی بسیار مهمیست که کشور ما از دوره حکمرانی فرزندان او برده است. دربار تیمور نیز مانند دربار ایلخانان مغول بآیین ایرانی فراهم شده بوه و کارها را کار گزاران ایرانی بدست داشتند.

ناچار فرزندان و بازماندگان این مرد خونخوار بیدادگر نیز زیر دست آموزگاران و راهنمایان ایرانی بآیین ایرانی پرورده شده‌اند و بهمین جهت که انس کامل و حتی شور و فوقی نسبت بادیات و علوم ایران و زبان فارسی و حتی هنرهای مخصوص نژاد ایرانی داشته‌اند و نکته بسیار مهم اینجاست که همه صنایع دوره صفوی

که مشهور جهان شده و در قرن دهم و یازدهم شاهکارهای جاودان فراهم ساخته چه معماری و کاشی سازی و نقاشی و چه صنایع دستی مانند بافندگی و صنایع فلزات و تذهیب و جلدسازی و نقاشی کتابها و کاغذگری و خوشنویسی همه دنباله مستقیم صنایع دوره تیموریست و راد طبیعی رشد و کمال خود را سپرده تا بزمان شاه عباس بزرگ و آن جلال و شکوه صنعتی مخصوص رسیده است.

برای نمونه همین کافیس در نظر بیاورید که نقاشی و تذهیب و خوش نویسی مخصوصاً در خط نسخ تعلیق که در بادی نظر بینندگانرا بیاد زمان شاه عباس میندازد محکم ترین پایه های آن در دوره تیموری در شهر هرات که یکی از پایتخت های این خاندان بوده است گذاشته شده و همه نقاشان و خوشنویسان دوره های بعد شاگردان مستقیم و تربیت شدگان استادان هرات بوده اند و نیز تا اواخر دوره صفویه بهترین کاغذها را در شهر سمرقند که آن هم پایتخت دیگر امرای این خاندان بوده است میساخته اند چنانکه کاغذهای خوب را هنوز در دوره صفویه کاغذ سمرقندی می گفتند و یا در شهر خوقند می ساختند و کاغذ خوقندی نیز معروف بود و دو خط ایرانی یعنی خط نسخ تعلیق و شکسته که در دوره صفویه باوج ترقی رسید نیز در دوره تیموری یا بمرحله کمال گذاشته است.

در ادبیات فارسی کلیاتی که در قرن نهم باید در نظر داشت اینست که درین دوره در شعر روح تصوفی که در قرن هشتم روز بروز بیشتر راه کمال می پیمود همچنان تا اندازه ای برقرار بود و شماره شاعران صوفی مشرب بسیارست. از طرف دیگر معما نیز که در قرن هشتم جسته جسته در آثار شعرا دیده میشود درین قرن بمنتهای رواج خود رسیده است و بسیاری از شعرای این دوره بوده اند که بجز معما چیزی نگفته اند و اشعارشان منحصر بمعما بوده و بیشتر آنها را بلقب «معمایی» میخوانده اند و این نوع از شعر همچنان تا قرن دهم رواج داشته است. فن دیگری که باز درین دوره در شعر ترقی کرده سرودن ماده تاریخها یعنی اشعار است که از شمردن حروف آنها بحساب ابجد تاریخ بدست می آید و این فن هم در قرن پیش اندک اندک در شعر پدیدار شده است و پیش از آن در

قرون پیشین اعداد را در شعر میآوردند. دیگر از خصایص آن دوره اینست که روز بروز از شماره سرایندگانی که قصاید بروش متقدمین در مدایح میسروده‌اند کاسته میشد و بر شماره غزل سرایان میفزود بدین معنی که سبک ناتورالیسم کمتر رواج داشت و سهولیسم را کم کم بامپرسیونیسم بدل می کردند چنانکه بسیاری از شعرای آن دوره جز غزل و اشعار عاشقانه چیزی نگفته‌اند و آن نیز دنباله همان سیر طبیعیست که شعر فارسی در قرن هشتم پیدا کرده بود و درین قرن رو بکمال رفت. امتیاز دیگر شعر آن دوره اینست که مدایح ائمه اثنی عشر در ضمن قصاید مخصوص روز بروز بیشتر دیده میشود و این مضمون جدید که در آثار برخی از شعرای قرن هشتم آغاز شده درین دوره بیشتر ترقی کرده و چندتن شاعری که اشعارشان منحصرأ در مناقب ائمه بوده است درین قرن دیده میشوند ولی البته در قرن دهم که دین شیعه دین عمومی اکثریت مردم ایران شده است این نوع از شعر ترقی کامل کرده است. دیگر از خصایص عمده شعر فارسی درین دوره اینست که آن روح مناعت و عزت نفس و خویشتن داری که در اشعار دوره های پیشین مخصوصاً قرن چهارم و پنجم و ششم کاملاً رواج داشته و در قرن هفتم بواسطه زبونی و خواری که از غلبه بیگانگان پیش آمده در ارکان آن شکستی وارد شده و در قرن هشتم نیز بیشتر رخنه در آن راه یافته بود درین قرن باز سست تر و ضعیفتر گشته است و شاعر ذلت و سرشکستگی و افکندگی خویش را در شعر بزبان میآورد چنانکه از قرن هفتم جسته جسته برخی از شعرا خویشتن را سبک دلدار و خاک راه او میخواندند و این روح عاجز و زبونی درین قرن تقریباً روح عمومی شده و باوج رواج خود رسیده است.

دیگر از خصایص شعر فارسی در قرن نهم اینست که روح تقلید و پیروی از سبک شعرای بزرگ که در نتیجه ناتوانی سرایندگان از پدید آوردن سبکهای خاص بخود در قرن هشتم رواج گرفته بود و مخصوصاً مقلدان سبک سعدی و نظامی در آن زمان روز افزون بودند درین دوره نیز شدیدتر شده و از آن جمله کسانی که از سبک نظامی پیروی کرده و بتقلید او مثنویاتی سروده‌اند هر روز بیشتر میشده‌اند و اینکه در قرون

بعد نیز این روش در شعر فارسی دوام دارد دنباله مستقیم ادبیات قرن نهمست در فترت این دوره نیز خصایص و امتیازات چند دیده میشود: نخست آنکه دامنه علوم ریاضی در نتیجه تشویق و قدردانی چند تن از شاهزادگان تیموری که خود عشق به علوم داشته‌اند در قرن نهم بسط کامل یافته و چون اندک اندک ایران استقلال علمی و ادبی خاصی بخود گرفت و رابطه آن با کشورهای تازی زبان گسیخته شد بتدریج از شماره کتابهای علمی که بزبان تازی در ایران نوشته میشد کاسته شد و بجای آن زبان فارسی را برای مؤلفات علمی بکار بردند و این خاصیت مخصوص قرن نهمست زیرا که در قرن دهم که مذهب شیعه در ایران رواج کامل یافت باز برای تعلیمات دینی زبان تازی را بر زبان فارسی ترجیح دادند و سبب عمده این بود که مؤسسان بزرگ نهضت شیعه در ایران در آغاز دوره صفوی کسانی بودند که از بحرین و لحسا و نواحی دیگر خلیج فارس و یا از جبل عامل و سرزمین های شیعه خیز سوریه و شام بایران میآمدند و چون زبان فارسی را نمیدانستند ناچار بزبان تازی تألیف میکردند و این روش تا پایان دوره صفویه باقیماند. بهمین جهت قرن نهم امتیاز خاصی که در ادبیات فارسی دارد اینست که هر روز از شماره کتابهایی که بزبان تازی نوشته میشد کاسته میگشت و بر شماره کتابهای فارسی میفزود و مخصوصاً در علوم دقیقه مانند ریاضیات و نجوم و طب شماره کتابهایی که بزبان فارسی نوشته شده از همه ادوار دیگر بیشترست. درین دوره همه اقبال و توجهی که از قرن هفتم بعد در تاریخ نویسی مخصوصاً بزبان فارسی پیدا شده بود و از یاد کارهای استیلای مغول بر ایرانست دوام داشت و بازماندگان تیمور نیز مانند ایلخانان مغول توجهی داشتند که تاریخ نویسان را بضبط وقایع زمان خود بزبان فارسی وادار کنند و بهمین جهت شماره کتابهای تاریخ که درین دوره بزبان فارسی نوشته شده یکی از مشروح ترین فصول تاریخ ادبیات را فراهم میکند.

درین قرن امتیاز خاص دیگری که در تاریخ نویسی دیده میشود اینست که توجه مخصوصی بتألیف یا ترجمه کتابهایی در تاریخ پیامبران یا سیرت رسول و یا احوال و مناقب ائمه داشته‌اند و این نیز فصل مشروحی از تاریخ ادبیات آن دوره است. در نتیجه

همین اوضاع توجه خاصی نیز در ترجمه کتابهای نویسندگان قدیم از زبان تازی بزبان فارسی در میان بوده است و در بسیاری از رشته‌ها کتب معروف و معتبر را بزبان فارسی نقل کرده‌اند و این توجه در اواخر دوره صفویه در دربار اصفهان دو باره پدیدار گشت و در آن زمان نیز کتابهای بسیار بفارسی ترجمه شده و در قرن دهم همین توجه در دربار پادشاهان تیموری در هندوستان در میان بوده است.

تردید نیست که یکی از اسباب عمده پیشرفت ادبیات درین دوره اقبال نام و توجه خاصیت که پادشاهان و شاهزادگان تیموری، که در نواحی مختلف سرزمینهای فارسی زبان پادشاهی یا حکمرانی داشته‌اند نسبت بادب ایران نشان داده‌اند. برخی از تاریخ نویسان متملق و از آن جمله علیشیر نوایی در مجالس النفایس تیمور را نیز صاحب ذوق ادبی و قوه شناسایی شعر فارسی شمرده‌اند و دیگران حتی وی را متمایل بتصوف و از پیروان طریقه ابوبکر تایبادی عارف معروف آن زمان دانسته‌اند. اگر ازین مبالغتهای گزاف آمیز بگذریم تردید نیست که فرزندان و یازماندگان او، که بمراتب بهتر از و پرورش یافته و یش از و درس خوانده بودند، قطعاً ذوق ادبی یا لااقل دوستداری ادبیات را داشته‌اند. معروفترین پادشاهان و شاهزادگان این سلسله که بادبیات ایران خدمت کرده‌اند ازین قرارند: عمر شیخ بن تیمور (۷۵۵-۸۰۷) که شوق مفرطی نسبت بشعر فارسی داشته. شاهرخ (۸۰۷-۸۶۳) که از میان پسران تیموریش از همه بادبیات دل بستگی داشت و مخصوصاً شیفته تاریخ بود و بسیاری از تاریخ نویسان را بنوشتن کتابهای سودمند گماشته است. سلطان خلیل بن میرانشاه (۸۰۷-۸۱۷) که وی هم شیفته ادبیات بوده و خود نیز شعر میگفته است. ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ (۸۱۲-۸۳۸) که شاهزاده بسیار با ذوق کریم بزرگوار هنرمند دانش دوستی بوده و مخصوصاً در زمانی که در مرکز ایران و لرستان و فارس حکمرانی داشته در ترقی ادبیات و ساختن بناهای مهم بسیار کوشیده و حتی برخی از بناهای مهم زمان او کتیبه‌هایی داشته که بخط بسیار زیبایی خود نوشته است. بایسنقر بن شاهرخ (۸۱۷-۸۳۶) که یکی از معروفترین خوشنویسهای خط نسخ ایران است و خط او نهایت امتیاز و شیوایی را دارد و شعر را هم خوب میگفته است. علاءالدوله الغریبک بن

شاهرخ (۸۵۰ - ۸۵۳) که یکی از بزرگترین دانشمندان ریاضی و نجوم ایران بشمار میرود و همه دانشمندان معروف این دوفن را در دستگاه خود گرد آورده بود و در سمرقند در ۸۲۴ رصدخانه بسیار با شکوهی فراهم کرده و زیج معروفی ترتیب داده که آخرین زیج نجومی معتبر ایران بشمارست و خود کتاب بسیار مشهوری در باره زیج نوشته و شعر را نیز خوب میگفته است. رکن الدین عبداللطیف بن الخ بیک (۸۵۳ - ۸۵۴) که او هم در شعر فارسی دست داشته است. ابوالقاسم بابر بن بایسنغر (۸۵۳ - ۸۶۱) که در شعر دوستی و شعر شناسی بر همه شاهزادگان تیموری برتری داشته و خود نیز شعر را خوب می سروده است. ابوسعید بن محمد بن میران شاه (۸۵۵ - ۸۷۵) که او هم در شعر فارسی دست داشته است. ابوالغازی سلطان حسین بن بایقرا (۸۶۳ - ۹۱۲) که بزرگترین محرك ترقی ادبیات درین قرن بشمار میرود و در ضمن عشق مفراطی بترقی صنایع مخصوصاً نقاشی و نذیب و خط داشته است و در باره وی در هر ات یکی از مهمترین دربارهای ایرانست و بسیاری از شعرای نامی قرن نهم در دربار او گرد آمده بودند و خود نیز شعر را خوب میگفته و دیوانی از اشعار فارسی و ترکی از او مانده که در آن حسینی تخلص کرده است و گذشته از آن کتابی بفارسی شیرین بنام «مجالس العشاق» باو نسبت داده اند که در ۹۰۹ و ۹۰۸ نوشته شده و چون مؤلف این کتاب مقید بوده است برای هر یک از بزرگانی که شرح حال آنها را نوشته معاشقاتی قایل شود از حیث مطالب تاریخی این کتاب اعتباری ندارد. بدیع الزمان میرزا پسروی (۹۱۲ - ۹۱۳) نیز شعر فارسی را خوب میگفته است. گذشته ازین شاهزادگان درجه اول که در نواحی مختلف ممالک فارسی زبان پادشاهی یا حکمرانی کرده اند چند تن از شاهزادگان درجه دوم این خاندان هم که حکمرانی مستقل نکرده اند شعر را خوب میگفته اند: ابوبکر میرزا، اسکندر میرزا، سید احمد میرزا، سلطان احمد میرزا، بایقرا میرزا، کیجیک میرزا، شاه غریب میرزا، فریدون میرزا، سلطان محمود میرزا، سلطان مسعود میرزا، محمد مؤمن میرزا، همایون میرزا، بایسنغر میرزا بن سلطان محمود میرزا، سلیمان شاه میرزا بن یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ.

دیگر از خصایص ادبیات دربار تیموریان اینست که چون در میان ایشان زبان ترکی

جغتایی نیز رواج داشته و ظاهراً زبان خانوادگی که در میان خود سخن میرانده‌اند. ترکی جغتایی بوده است درین دوره ادبیات ترکی جغتایی در ایران فراهم شده و پیش از آن سابقه نداشته است. گذشته از آنکه شاهزادگان تیموری هر يك که بزبان فارسی شعر می‌گفته‌اند بزبان ترکی هم اشعار می‌سروده‌اند و علیشیر نوایی که از امرای نامی دربار سلطان حسین بایقرا بوده معروفترین و بهترین شاعر زبان ترکی جغتاییست بسیاری از شعرای ایندوره حتی کسانی که ترکی زبان اصلی و خانوادگی شان نبوده است نیز بزبان ترکی اشعاری سروده‌اند. زبان ترکی جغتایی ظاهر از زبان خانوادگی و طبیعی و مائوس شخص تیمور بوده است حتی کتابی باین زبان بخود تیمور نسبت داده‌اند که بنام «تروک تیموری» یا «توزوک تیموری» معروف شده است و کلمه تروک (بضم اول) یا توزوک در زبان ترکی جغتایی تقریباً نظیر کلمه یاسا یا یاسه مغولی و بمعنی آیین کشوردار است و چنانکه در دوره ساسانیان معمول بوده است پادشاهان پادداشتهایی در رسوم جهانبانی خود پرداخته‌اند یا اینکه بآنها نسبت می‌دادند و آنها را آیین نامه مینامیدند پادشاهان مغول و ترک نیز آیینی بنام یاسا یا تروک از خود می‌گذاشته‌اند.

در باره این کتاب تروک تیموری که وانمود کرده‌اند بیانات خود نیمه‌ورست در میان محققان عقاید مختلف رواج دارد و برخی معتقدند که اصل آنرا بزبان ترکی جغتایی در زمان تیمور فراهم کرده‌اند یا اینکه گفتار او را نوشته‌اند و یا اینکه جمع کرده‌اند. این کتاب بزبان فارسی هم ترجمه شده و ترجمه آن بهمان نام اصلی یا بنام «ملفوظات تیمور» یا «واقعات تیمور» و یا «ملفوظات صاحب‌قران» رواج دارد و در باب این کتاب افسانه‌ای هم هست و آن اینست که نسخه ترکی جغتایی آنرا در عربستان بدست آورده‌اند.

در هر صورت ترجمه فارسی آن که اکنون رایجست ترجمه ایست که میر ابوطالب حسینی خراسانی در سال ۱۰۴۷ در هندوستان کرده است. کتاب دیگری بنام «منکوک و سچلات تیموری» بدست است که در ۸۰۶ نوشته شده و در ۱۰۱۱ در شهر



بلخ در فتح شاه عباس صفوی بدست آمده است. در هر حال زبان ترکی نجف‌تایی را بازماندگان تیمور به هندوستان هم برده‌اند و ظهیرالدین بابر نیز یادداشتهای خود را بهمین زبان نوشته و آن کتاب معروف «بابر نامه» است و سپس تا چند پشت در میان فرزندان او هم این زبان رواج داشته است.

دیگر از اسباب رواج ادبیات ایران در قرن نهم اینست که پادشاهان سلسله قراقوینلو تا ۸۷۳ در شمال غربی ایران و مخصوصاً در آذربایجان هنوز حکمرانی داشته‌اند و برخی از پادشاهان این سلسله مخصوصاً اسکندر بن یوسف (۸۲۳-۸۴۱) و بیشتر مظفرالدین جهان‌شاه بن یوسف (۸۴۱-۸۶۶) و پیر بداق بن یوسف (۸۶۶-۸۷۲) در انتشار ادبیات کوشیده‌اند. سلسله بایندری یا آق قوینلو نیز تا ۹۰۸ در همان نواحی حکمرانی کرده و بدست شاه اسمعیل صفوی منقرض شده است و چند تن از پادشاهان این سلسله هم مانند خلیل بن اوزون حسن (۸۸۳-۸۸۴) و مخصوصاً سلطان یعقوب بن اوزون حسن (۸۸۴-۸۹۶) که دربار وی نیز از مراکز مهم رواج ادبیات بوده است و بایسنغر بن یعقوب (۸۹۶-۸۹۷) و سلطان مراد بن یعقوب (۹۰۳-۹۰۸) در ترویج ادبیات کوشیده‌اند. سلطان یعقوب خود شعر فارسی را خوب میگفت و نسبت به شعر توجه بسیار داشت چنانکه حتی شعرای خراسان که از دربار حسین بایقرا و دستگاه علیشیر نومید میشدند با آذربایجان نزد او میرفتند و وی آنها را از صلوات خویش برخوردار میکرد.

در هندوستان نیز درین دوره ادبیات فارسی مانند قرن هشتم رواج داشته و برخی از خاندانهای شاهی هند در رواج آن میکوشیدند و پاره‌ای از پادشاهان و امیران آن سرزمین هم بزبان فارسی شعر گفته‌اند چنانکه شاه نظام نیای خاندان نظام شاهی که در احمد نگر پادشاهی داشته‌اند و شهر احمدآباد را ساخته‌اند بزبان فارسی خوب شعر میگفته و سپهری تخلص میکرده است و یکی از دانش‌دوست‌ترین پادشاهان هندوستان تاج‌الدین فیروز شاه هشتمین پادشاه سلسله بهمنی که در تاحیه کلبر که پادشاهی میکرده‌اند و از سال ۸۰۰ تا ۱۵ شوال ۸۲۵ در سلطنت بوده است شعر فارسی را خوب

میگفته و بادییات این زبان توجه بسیار داشته و چندین کتاب بزبان فارسی بنام او نوشته اند.

خصایص عمده شعر فارسی در قرن نهم اینست که سادگی و روانی را که در قرن هفتم و هشتم داشته از دست نداده ولی بتدریج صنایع معنوی و تشبیهات تازه و کنایات و استعارات نوین روز بروز بیشتر در آن راه یافته است و مقدمات سبک خاصی که در قرن دهم و یازدهم باوج ترقی خود رسید و بنام سبک هندی معروف شد که همان امپرسیونیسم باشد درین قرن فراهم آمده است و چندین از شعرای نامی قرن نهم مانند فغانی و کاتبی و اهلی شیرازی مؤسسان حقیقی سبک هندی بوده اند و نیز افکار عاشقانه رقیق و بیان سوزناک مؤثر در میان غزل سرایان و حتی مثنوی گوینان این دوره مخصوصاً در آثار هلالی جغتایی و شاهی سبزواری و فتاحی نیشابوری و همایون اسفرائینی و عصمت بخاری و بساطی سمرقندی و مکتبی شیرازی بسیار دیده میشود. از طرف دیگر غزل عارفانه نیز درین دوره بسیار گفته شده و شاعران توانایی درین زمینه چون قاسم انوار و جمالی اردستانی معروف بپیر جمالی و داعی شیرازی معروف بشاه داعی و شمس مغربی بوده اند. در نشر نیز قرن نهم اختصاصی که دارد اینست که نشر پر تکلف که در آن در استعمال کلمات و ترکیبات تازه زیاد روی میکردند و در قرن هشتم بسیار متداول بوده درین قرن متروک شده ولی در عروض در استعارات و کنایات در نشر هم راه افراط و مبالغه را پیموده اند و حتی برخی از تاریخ نویسان در شرح وقایع تاریخی این روش ناپسند را بکار برده اند و اینکه در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم این اصول تقریباً همیشه در نشر فارسی حکم فرما بوده یادگار نا مطلوبیست که ازین قرن در ادبیات فارسی مانده است.

نویسندگان معروفی که در قرن نهم میزیسته اند و آثاری ازیشان مانده است

بدین قرارند:

### ۱ - نشر

۱ - محمد بن فضل الله موسوی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی بنام اصح

التواریخ که وقایع را از آغاز آفرینش جهان بروش مورخان قدیم تا زمان تیمور

نوشته است .

- ۲ - عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوهی مؤلف نهایة المسؤل فی درایة الرسول که ترجمه ایست از کتابی در سیرة رسول تألیف سعدالدین محمد بن مسعود بن محمد کازرونی و آنرا بنام ابوالشرف محمد نامی از اعیان زمان خود بیابان رسانده است.
- ۳ - بهاءالدین کازرونی مؤلف کتاب دیگری در سیرة رسول که ترجمه ایست از کتاب ذروة الاولیای فی سیرة المصطفی و برای امیر علاءالدین پیر علی نوشته است .
- ۴ - سلام الله بن علی بگری مؤلف کتاب دیگری در همان زمینه بنام تحفة السلامیه فی الجواهر الاسلامیه که در ۸۶۳ بدرخواست بزرگان عراق بیابان رسانده و از روی کتاب تعریف تالیف شمس الدین جزری و کتابهای دیگر نوشته است .
- ۵ - تاج سلمانی که از مورخان نامی زمان خود بوده و در جمادی الاخره ۸۱۳ شاهرخ او را مأمور کرده است ظفر نامه نظام شامی را بیابان رساند و او ذیلی بر آن کتاب نوشته شامل وقایع از محرم سال ۸۰۷ تا ۸۱۷ در تاریخ سلطنت تیمور شاهرخ و الغ بیک .
- ۶ - شیخ تاج الدین محمد بن محمد بن ابراهیم کازرونی ملقب بحاج هراسی از عرفای قرن نهم فارس بوده و مؤلف کتابیست بنام بحر السعاده در اخلاق و سلوک و عبادات که در شعبان ۹۰۱ بیابان رسانده است .
- ۷ - مولی افضل الدین عبدالعزیز بن محمد مدعو بافضل شیرازی که مؤلف کتابیست بنام دستور الزایرین در مزارات شیراز و مطالب آنرا از کتاب معروف شدالازار تألیف جنید شیرازی گرفته است .
- ۸ - یحیی بن احمد بن عبدالله سیهرندی مؤلف تاریخ مبارکشاهی در تاریخ پادشاهان هندو سلاطین دهلی از زمان معزالدین محمد بن سام غوری و وقایع سال ۵۶۹ تا زمان معزالدین ابوالفتح مبارکشاه ( ۸۲۴ - ۸۳۸ ) دومین پادشاه از سلسله سیدهای دهلی و این کتاب را در حدود سال ۸۳۸ تألیف کرده است .
- ۹ - خسرو بن عابد ابرقوهی معروف بابن مهین از تاریخ نویسندگان زمان تیمور

وسلطان محمد بهادرخان بوده و مؤلف کتابیست بنام فردوس التواریخ که در ۸۰۸ بیابان رسانده است و سپس در ۸۱۵ که در فارس در دستگاه اسکندر بن عمر شیخ بوده آنرا تکمیل کرده است و وی در ضمن شاعر بوده و آثار دیگری داشته از آن جمله منظومه هادی الاسرار و طب منظوم و فرس فاعله منظوم و کتابی بنظم و نثر بنام شامل و کامل و کتابی در اخلاق و تیمور نامه در تاریخ فتح اصفهان و کتابی در ضوابط طب و موسیقی و در هنر و منظومه ای بنام ده دیوان .

۱۰- احمد بن محمود مدعو بمعین الفقراء و معروف بملازاده از خاندان مشایخ بخارا بود که بخاندان شارستانی معروف بوده اند و نوّه دختری مولانا رکن الدین عبدالرحیم بن احمد شارستانی و خواهر زاده مولانا جمال الدین محمد بن عبدالرحیم شارستانی بوده که از مشایخ معروف بخارا بشمار میرفته اند و وی مؤلف کتابیست درمشاهد بخارا که بنام «رسالة ملازاده» معروفست .

۱۱- جعفر بن محمد حسینی مؤلف کتابی در تاریخ عمومی تا وقایع سال ۸۱۷ که در ۸۲۰ آنرا تألیف کرده است .

۱۲- شهاب الدین عبدالله بن زین الدین نطف الله بن عبدالرشید بهدادنی خوافی هر وی معروف بحافظ ابروی یکی از بزرگترین مورخان ایران و یکی از معروف ترین تاریخ نویسان قرن نهم بود و درهرات ولادت یافت و در همدان دانش آموخت و در لشکر کشی های تیمور همراه او بود و سپس وارد دربار شاهزادگان نیموری شد و مخصوصاً از مقربان شاهرخ بود و نخست تاریخ وی را تا سال ۸۱۶ نوشته و در ۸۱۷ شاهرخ وی را مامور کرد که کتابهایی در تاریخ و جغرافیای ایران بنویسد و وی آن کتاب را در دو مجلد یکی در باب فارس و دیگر در باب خراسان پرداخته و در ۸۲۰ بیابان رسانده است و پس از آن همه اوقات وی صرف تحقیقات تاریخی شده و یک سلسله کتابهای مهم از خود گذاشته است و سرانجام در ماه شوال ۸۳۴ در گذشته است حافظ ابرو نخست از جانب شاهرخ مامور شده است کتابهای کاملی در تاریخ از آغاز خلقت تا زمان خود پردازد و وی کتابهای معتبری را که پیش از او نوشته بودند در نظر گرفته

و نواقص آنها را از خود نوشته بدین گونه که نخست ترجمه تاریخ طبری از ابوعلی بلعمی را گذاشته و سپس ترجمه یمینی و تاریخ بیهقی و سلجوقنامه و پس از آن جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل الله و سپس ظفرنامه تألیف نظام الدین شامی را جا داده و برای تکمیل این مجموعه این کتابها را خود تألیف کرده است: ذیل تاریخ طبری از معتدر نامعصم تاریخ آل کرت - تاریخ طغا تیمور - تاریخ امیر ولی بن شاه علی هندو - تاریخ سربداران - تاریخ امیر ارغون شاه ذیل جامع التواریخ رشیدی تا و قایع سال ۷۰۶ - تاریخ آل مظفر ذیل ظفرنامه نظام شامی اتمام در ۸۱۴ - تاریخ شهرخ تا و قایع سال ۸۱۹ و این سلسله کتابها روی هم رفته بنام مجموعه حافظ ابرو معروفست و شامل تاریخ جهان از آغاز آفریش تا سال ۸۱۹ است. پس از آن حافظ ابرو در صدد برآمده است کتاب جامعی که شامل همه این اطلاعات باشد خود بنویسد که آنرا در چهار مجلد بیابان رسانده و تا و قایع سال ۸۳۰ رسیده و آن بنام مجمع التواریخ یا زبده التواریخ معروفست و قسم اول آنرا در محرم ۸۲۹ و مجلد چهارم آنرا در زمان بایسنغر بیابان رسانده و بهمین جهت آنرا زبده التواریخ بایسنغری نام گذاشته است.

۱۳ - محمد بن فضل الله موسوی خراسانی مؤلف تاریخ خیرات یا اصح -

التواریخ که از آغاز تاریخ تا و قایع سال ۸۵۰ را نوشته است.

۱۴ - محمد بهامد خانی از مورخان هندوستان مؤلف تاریخ محمدی که از

آغاز تا و قایع سال ۸۴۲ را شاملست.

۱۵ - فصیح الدین احمد بن محمد فصیح خوافی در هرات در جمادی الاولی

۷۷۷ ولادت یافت و از کار گزاران دربار شاهرخ و بایسنغر بود و در ۸۴۵ که پیش از آن

مدتها در سرکار بود و در دیوان استیقا خدمت میکرد بواسطه رنجشی که گوهرشاد آغا

ملکه معروف و بانی مدرسه گوهرشاد مشهد از او پیدا کرده بود معزول شد و دیگر از

احوال وی اطلاعی نیست وی مؤلف کتاب بسیار سودمند است در تاریخ که و قایع را

سال بسال از آغاز هجرت تا سال ۸۴۵ نوشته و مجمل فصیحی نام گذاشته و در ضمن

شاعر بوده و فصیح تخلص میکرد اسب

### ۱۶ - حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج الدین یزدی معروف بابن شهاب

وی از شعرا و متجمان و تاریخ نویسان زبر دست زمان خود بوده و منظومه‌ای در تاریخ سلجوقیان بنام غیاث الدین ابوالمظفر محمد بن بایسنقر بن شاهرخ سروده و کنایی بنام جامع التواریخ حسنی نوشته که از آغاز تاریخ تا وقایع محرم سال ۸۵۵ را در بردارد و آنرا نیز بنام پادشاه مزبور نوشته است.

### ۱۷ - شکرالله بن امام شهاب الدین احمد بن امام زین الدین زکی رومی

از تاریخ نویسان معروف خاگ عثمانی و از مردم آناتولی بود و در دربار پادشاهان آل عثمان میزیست و مقام مهم داشت چنانکه از جانب سلطان مراد دوم بسفارت بدربارجهانشاه قراقوینلو آمد و سپس سلطان محمد فاتح نیز وی را بسیار محترم داشته است و در استانبول در ۸۹۴ در گذشته است. وی مؤلف کتابیست بنام بهجة التواریخ که شامل وقایع از آغاز تا سال ۸۵۵ است و در ۸۵۱ بتألیف آن آغاز کرده و در ۸۶۱ پایان رسانده است و وی مؤلف دو کتاب دیگرست: انیس العارفين و منهج الرشاد در حکمت.

### ۱۸ - سید محمد بن امیر برهان الدین خاندوشاه بن شاه کمال الدین محمود

بلخی معروف بمیر خواند یا میر خوند از خانواده‌ای از سادات معروف ماوراءالنهر بوده که از خاندان خاوندسید اجل بخاری بودند و نسبشان بزید بن علی بن حسین میر سیده است. پدرش سید برهان الدین خاوندشاه از بخارا ببلخ هجرت کرد و در آنجا در گذشت و میر خواند در آن شهر در سال ۸۳۷ ولادت یافت و در جوانی بهرات رفت و علیشیر نوایی در تربیت او کوشید و وی را بسیار عزیز میداشت و در خانقاه خلاصیه که آن امیر در هرات بر نهر جبل ساخته بود سکونت داشت و همانجا در دوم ذی‌قعدة ۹۰۳ در ۶۶ سالگی در گذشت. میر خوند نیز یکی از مشاهیر تاریخ نویسان قرن نهم ایرانست و مؤلف کتاب بسیار معروف و رایجیست بنام روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفا که بنام علیشیر نوشته و تاریخ جهان را از آغاز خلقت تا زمان خود رسانده است و چون مجلد هفتم آن که تاریخ سلطان حسین بایقرا و فرزندان او باشد بواسطه مرگ او ناتمام مانده است نوه اش خوند میر آنرا پایان رسانده و تا وقایع

سال ۹۲۹ را بر آن افزوده و خاتمه‌ای نیز در عجایب روی زمین و جغرافیا بر آن ضمیمه کرده است و سپس رضا قلی خان هدایت ادیب معروف قرن گذشته سه مجلد دیگر در تاریخ بعد از تیموریان تا زمان خود بر آن افزوده و روضة الصفاى ناصری را ترتیب داده است

۱۹ - خواجه غیاث الدین بن همام الدین بن جلال الدین بن برهان الدین

محمد شیرازی معروف بخوند میر یا خواند میر هر وی پدرش چندین سال وزیر سلطان محمود پادشاه سمرقند عم ظهیر الدین بابر بود و چون در هرات میزیست دختر میر خوند را گرفت و ازین زن خوند میر در حدود سال ۸۸۰ در هرات ولادت یافت و بیشتر از عمر خود را در آن شهر گذراند و در جوانی بدربار سلطان حسین بایقرا وارد شد و بهمین جهت از نزدیکان بدیع الزمان میرزا پسر وی و علیشیر نوایی بزرگترین امیر دربار او بود و چون بیشتر بخدمت بدیع الزمان میرزا اختصاص داشته با او سفرهایی کرده و در سال ۹۰۲ او را بمأموریت بقندهار فرستادند و نتوانست باین سفر برود و پس از آن که سلسله تیموریان منقرض شد وی همچنان در هرات بود و تا ۹۱۶ در آن شهر بوده است و سپس در ۹۲۰ در غرجهستان بوده و در ۹۳۳ باردیگر در هرات بوده ولی بواسطه پریشانی اوضاع خراسان از ایران هجرت کرد و در ۱۰ جمادی الاخره ۹۳۴ به هندوستان رفت و در روز شنبه چهارم محرم ۹۳۵ در شهر اکره وارد دربار بابر شد و در همان سال سفری با او بینگاله و سواحل رود گنگک کرده و پس از مرگ بابر در ۹۳۷ بدربار پسرش همایون راه یافت و سرانجام در اواخر سال ۹۴۲ در گذشت و بنا بر وصیتی که کرده بود او را در دهلی در جنب مزار نظام الدین اولیا بنحاک سپردند. خوند میر از تاریخ نویسان بسیار معروف و پرکار دوره تیموری بوده و آثار وی بواسطه روانی و سادگی که دارد رواج بسیار یافته است. گذشته از خاتمه روضة الصفا که پس از مرگ جد مادری خود میر خوند نوشته کتابهای چندتالیف کرده ازین قرار: خلاصه الاخبار فی احوال الاخیار تاریخ مختصر جهان از آغاز خلقت تا سال ۹۰۴ که در سال ۹۰۵ بنام علیشیر پایان رسانده. دستورالوزراء که شامل شرح

حال چند تن از وزرای پیش از اسلام و وزرای دورهٔ اسلامیست و در ۹۰۶ آنرا بیابان رسانده و در ۹۱۴ دو باره آنرا تکمیل کرده است. مکارم الاخلاق در اخلاق و آداب و تفصیل اشعار و مؤلفات و تعداد آثار امیر علیشیر . آثار الملوك در سخنان پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان که آنرا نیز بنام علیشیر نوشته است . حبیب السیر فی اخبار افراد البشر که مانند روضة الصفا تاریخ عمومی جهان از آغاز خلقت و یکی از رایجترین کتابهای تاریخی بزبان فارسیست و در ۹۲۷ بتألیف آن آغاز کرده و در ۹۳۰ بیابان رسانده است ولی هنگامی که در هندوستان بوده دوباره در آن نظر کرده و مطالبی بر آن افزوده و این کتاب را نخست برای خواجه حبیب الله ساوجی وزیر دوزمش خان حکمران هرات نوشته است . آثار الملوك والانبیاء که خلاصه‌ای از حبیب السیر است در ۹۳۱ بیابان رسانده است . قانون همایون یا همایون نامه که در مناقب همایون پادشاه هندوستان پس از ۹۳۷ نوشته است . دیگر از مؤلفات او کتابیست با اسم نامه نامی که مجموعهٔ منشآت دیوانی اوست . خوند میرپسری داشته است بنام میر محمود که او هم مورخ بوده و گویند ایران میزیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب که در سال ۹۵۰ یعنی ۱۵ سال پس از مرگ پدر نوشته است .

۲۰ - سلطان احمد بن خاوندشاه حسینی که ظاهراً برادر میر خوند بوده و فرمان سلطان ابوالفتح بدیع الزمان تیموری کتابی در تاریخ تیمور بنام ظفره هم پرداخته که خلاصه‌ای از ظفرنامهٔ شرف الدین علی یزدیست .

۲۱ - محمد بن حسین بن لطف الله از مورخین هندوستان در دربار سلطان محمود دوم بهمنی ( ۸۸۷ - ۹۲۴ ) بوده و مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود بنام صفوة الاخبار تا وقایع سال ۸۸۷ و خانمهٔ آنرا که در تاریخ سلسلهٔ بهمنیست سراج التواریخ نام گذاشته است .

۲۲ - عبدالکریم بن محمد نمیدهی نیز از تاریخ نویسان هندوستانست . نخست در جنوب ایران بوده و سپس به هند رفته و از ۸۷۸ در آن سرزمین زیسته و کتابی نوشته است در تاریخ عمومی بنام طبقات محمود شاهی تا وقایع سال ۹۰۵ که برای محمود شاه



دوم بهمنی نوشته است .

۲۳ - ملك القضاة فيض الله بن زين العابدين بن حمام بنبانی ملقب بصدر جهان که از معروفترین موزخان هندوستان بشمار میرود و مؤلف کتابیست بنام خلاصة الحکایات و تاریخی که از آغاز آفرینش تا زمان محمود شاه بن احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه نوشته و بتاریخ صدر جهان معروفست و وی در دکن میزیسته و در ۹۰۷ از جانب محمود شاه گجراتی (۸۶۳ - ۹۱۷) بمحمد آباد بسفارت رفته و از معارف زمان خود بوده است .

۲۴ - مهین الدین بن شرف الدین حاج محمد فراهی از بزرگان دانشمندان هرات بود و در سال ۹۰۰ بجای عمش نظام الدین محمد قاضی آن شهر شد ولی بیش از يك سال در آن مقام نماند و در سال ۹۱۰ یا ۹۱۶ در گذشت . وی از دانشمندان و وعاظ معروف زمان خود بوده و همه عمر را در راه دانش و حقیقت بکار برده و هر آینه در مسجد بزرگ هرات درس حکمت میداده و مؤلفات بسیار داشته از آن جمله بحر الدرر در تفسیر و روضة الواعظین و معارج النبوه فی مدارج القتوه در تاریخ رسول که در ربیع الاول سال ۸۹۱ بیابان رسانده است و نیز کتابی بنام تاریخ موسوی در احوال موسی پیمبر در ۹۰۴ نوشته است و کتاب معروفی دارد بنام احسن القصص در قصه یوسف و زلیخا که از روی روایات قرآن نوشته است و مؤلفات دیگر او بحر الدرر در تفسیر و معارج النبوه و شرایف الاوقات و قصص التنزیل و مجالس مرتبه در تذکیر و حقایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق در تفسیر و تفسیر سورة فاتحه و روضة الواعظین است و وی شعر نیز میگفته و در شعر معینی و معین و معین مسکین تخلص میکرده است و اشعاری در مناقب ائمه میسروده است .

۲۵ - شیخ امام کمال الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کبریوی از بزرگان عرفای قرن نهم، ظاهر اصولوی از کاشان اماوراء النهر بوده و در خوارزم میزیسته است و از مریدان خاص خواجه ابوالوفای خوارزمی عارف مشهور آن زمان بوده و نسب وی بنجم الدین کبری عارف مشهور قرن ششم میسریند و بهمین جهت بکبریوی یا کبرایی

معروف بوده و در ۸۴۰ در فتنه ازبکان در خوارزم کشته شده است. وی از معارف دانشمندان و واعظ و شعرای زمان خود بوده و مؤلفات بسیار دارد از آن جمله کتابی بنام مقصد الاقصی فی ترجمه المستقصی که ترجمه از کتاب مستقصی در سیرت رسول تألیف ابوالکرم عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن علی حجی فردوسی اندر سفانیست که از دانشمندان قرن ششم بوده و وی در ترجمه کتاب مطالب بسیار بر آن افزوده و آنرا در حدود ۸۳۴ پایان رسانده است و دیگر از مؤلفات اوست دو شرح مثنوی مولوی که یکی را بنام جواهر الاسرار و زواهر الانوار از ۸۳۵ تا ۸۳۹ و دیگری را بنام کنوز الحقایق فی رموز الدقایق نوشته و مخصوصاً مقدمه جواهر الاسرار در تعریف تصوف بسیار معروفست و نیز قصیده برده را شرح کرده و کتابی بنام یتبوع الاسرار فی نصایح الابرار نوشته و دیوان قصاید و غزلیات او باقیست که بخط آنرا بحسین بن منصور حلاج نسبت داده و بنام او چاپ کرده اند.

۲۶ - محیی الدین عبدالعزیز معروف بمحیی حصاری مؤلف کتابی در سیرت

رسول است بنام سیره النبی که در ۸۲۱ تألیف کرده است.

۲۷ - سید محمد بن نصیر الدین جعفر حمینی مکی از مشایخ معروف

هندوستان و خلیفه نصیر الدین محمود چراغ دهلی متوفی در ۷۵۷ عارف مشهور آن زمان بود و وی در ۸۹۱ در گذشته و مؤلف کتابهای چندست از آن جمله بحر المعانی در تصوف که در ۸۲۴ پایان رسانده و رساله در بیان روح و رساله پنج نکات و کتاب بحر الانساب در تاریخ خلفا و ائمه.

۲۸ - امیر سید اصیل الدین ابوالمفاخر عبداللّه بن عبدالرحمن بن عبداللطیف

حمینی دشتکی شیرازی شافعی هروی معروف باصیل الدین واعظ از خاندان بسیار معروف سادات دشتکی شیراز، از شیراز بهرات رفت و در آن شهر ساکن شد و بهمین جهت بهروی نیز معروفست. وی از بزرگان دانشمندان قرن نهم بوده و در همه علوم زمان خود دست داشته و واعظ معروفی بوده و هفتده ای یکبار در مدرسه گوهر شاد آنجا در خیابان هرات وعظ می کرده است و ابوسعید وی را از شیراز بهرات برده است و در آنجا در ۱۷

ربیع الثانی ۱۸۸۳ در گذشته و نزدیک مدرسه کوهر شاد آغا مدفون شده و وی مؤلف کتابهایی در فنون مختلف از آن جمله: رساله مزارات شیراز - کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی - کتاب المجتبی من کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی که خلاصه‌ای از همان کتاب سابق الذکرت و در ۸۳۰ برای جمال‌الدین ابراهیم معروف بابی کالیجار وزیر بیابان رسانده - درج الدرر و درج الغرر فی بیان میلاد سیدالبشر که خلاصه دیگری از آن کتابست و در ۶۸۰ پرداخته است - ترجمه فارسی عمدة الحض بنام غرقة الحض در ادعیه و اوراد که مجلد نخست آنرا در هرات در ۸۳۷ بیابان رسانده - معراج الاعمال در اوراد و عبادات - مقصد الاقبال السلطانیة و مرصد الاعمال الخاقانیة در مزارات هرات که در ۸۴۶ تألیف کرده است .

### ۲۹ - جمال‌الدین فضل‌الله احمد اردستانی معروف بپیر جمالی یا جمالی

از عرفای بسیار مشهور و بسیار پرکار قرن نهم بود و مؤسس طریقه معروفیست در تصوف که بنام او بطریقه پیر جمالیه معروف بوده و در ۸۷۹ در گذشته است . پیر جمالی کتابهای بسیار بنظم و نثر فارسی پرداخته: بیان الحقایق فی احوال سید المرسلین یا حقایق احوال المصطفی که مثنوی بزرگ است شامل هفت منظومه: ۱ - مصباح الارواح که در ۸۶۸ بیابان رسانده ۲ - احکام المحبین ۳ - نهاية الحکمه ۴ - بداية المحبه ۵ - هداية المعرفة ۶ - فتح الابواب که در آخر جمادی الاخره ۸۷۳ بیابان رسانده ۷ - شرح الواصلین که در ۸۷۶ تمام کرده است . مؤلفات دیگر او ازین قرارست: منظومه شرح الکنوز و کشف الرموز که در ۸۶۴ بیابان رسانده شامل سه قسم و قسم سوم آن بنام روح القدس - مرآت الافراد مجموعه ۴۹ رساله کوچک او - منظومه روح القدس - تنبیه الغفلین نظم و نثر - منظومه محبوب الصدیقین دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و غیره - مصباح الارواح که در ۸۶۸ بیابان رسانده است - شرح الواصلین - منظومه مهر قلوب - قدرت نامه - نصره نامه - فرصت نامه - مرآت الحیب - رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل التحقیق افضل‌الدین کاشانی - منظومه مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز - کنز الدقایق و میزان الحقایق - کشف الارواح یا یوسف وزلیخا در تفسیر سوره یوسف .

مدح الفقیر - معلومات اسرار القلوب و مفهومات انوار القلوب - فتح الابواب و تحقیقة الاداب در تصوف - مکانیب .

۳۰ - امیر سید جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی دشتکی شیرازی نیشابوری که او نیز از سادات خاندان معروف دشتکی شیراز بوده و از شیراز بهرات رفته و چندی در نیشابور بوده و شاگرد امیر اصیل الدین سابق الذکر بوده و در مدرسه سلطانیه هرات در زمان سلطان حسین میرزا وعظ میکرده و از واعظان مشهور آن زمان بوده است و در ۹۲۶ در گذشته و وی کتابهای چند تألیف کرده است از آن جمله روضة الاحباب فی سیرة النبی والار والاصحاب که از ۸۸۸ تا ۹۰۳ بدرخواست علیشیر نوشته و نیز کتاب تحفة الاحباء فی مناقب آل عبا و کتاب ریاض السیر ازوست .

۳۱ - احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرآبادی مؤلف کتاب آثار احمدی در سیرة رسول که مختصری از روضة الاحباب سابق الذکر است و در حدود سال ۹۰۰ تألیف کرده است .

۳۲ - محمد بن ابی زید بن عربشاه بن ابی زید حسینی علوی ورامینی مؤلف احسن الکبار فی معرفة ائمة الاطهار در تاریخ ائمه که در ۸۳۷ تألیف کرده است .

۳۳ - شهاب الدین بن شمس الدین عمر دولت آبادی متوفی در حدود ۸۴۹ مؤلف کتاب مناقب السادات .

۳۴ - نجیب الدین محمد بن محمود ایجی که در اواسط قرن نهم میزیسته و کتابی در سیرة رسول و خلفا نوشته است .

۳۵ - مهین الدین یا کمال الدین حسین بن علی کاشفی بهمنی هروی واعظ معروف بملاحسین کاشفی یکی از معروفترین دانشمندان قرن نهم و مؤلفان زبان فارسیست . در شهر سبزوار در ناحیه بیهق ولادت یافت و خاندان او همه از مردم بیهق بودند و وی نخست در شهر سبزوار میزیست و بوعظ و تذکیر مشغول بود و چون بانگی خوش و گیرنده و گفتاری فریبنده و حافظه سرشار و دانش بسیار داشت در فن خود معروف شد و مجالس ذکر و موعظه او بسیاری از مردم را بخود جلب میکرد . پس از چندی از

سبزوار عازم سفر شد و بنیشابور و از آنجا بمشهد رفت و در سال ۸۶۰ که در مشهد بود شبی سعدالدین کاشغری عارف مشهور را که در هرات میزیست بخواب دید که او را بخود میخواند و چون در پی او گشت و کاروانی از هرات رسید و پرسید معلوم شد که در همان زمان در روز چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ در گذشته است و کاشفی بهرات رفت و در سر خاک سعدالدین کاشغری بیدار جامی شاعر و نویسنده معروف آن زمان رسید و براهنمایی جامی در سلك طریقه نقشبندی درآمد. همچنان در هرات بذکر و موعظه مشغول بود و با شاهزادگان تیهوری مخصوصاً سلطان حسین میرزا و علیشیر مربوط شد و بدعوت ایشان کتابهای چند نوشته است ولی بیشتر با ابوالحسن میرزا پسر سلطان حسین مربوط بوده و برخی از کتابهای خود را برای او نوشته و بدینگونه چندین سال در شهر هرات زیسته و هر بامداد آدینه در دارالسیاده سلطانی و پس از نماز آدینه در جامع علیشیر و هر سه شنبه در مدرسه سلطانی و هر چهارشنبه در سرخاک خواجه ابوالولید احمد و عطف میکرده و چندی نیز در حظیره سلطان احمد میرزا مجلس و عطف داشته است و سرانجام در سال ۹۱۰ در هرات در گذشته است. کاشفی دانشمند بسیار پرکاری بود و چون در فنون مختلف دست داشته در بسیاری از آنها کتابهایی نوشته و در زبان فارسی و تازی دست داشته و نویسنده و شاعر خوبی بوده و در شعر کاشفی نخلص میکرده است. مؤلفات عمده او ازین قرار است: جواهر التفسیر لتحفة الامیر که برای علیشیر نوشته و مجلد نخست آنرا تاسوره آل عمران در ۸۹۰ بیابان رسانده و در ۸۹۲ بتألیف مجلد دوم آغاز کرده ولی بیابان رسانده است. جامع السنین در تفسیر سوره یوسف بتازی در شصت فصل - مختصر الجواهر در - تفسیر فارسی که خلاصه ای از همان جواهر التفسیر است - مواهب علیه در تفسیر بفارسی که بنام تفسیر حسینی معروف است و آنرا نیز برای علیشیر پرداخته و در غره محرم ۸۹۷ بتألیف آن آغاز کرده و در دوم شوال ۸۹۹ بیابان رسانده و روضه الشهداء که معروفترین کتاب فارسی در واقعه کربلاست و چون مدت‌های مدید آن را بر سر منبر میخواندند اصطلاح «روضه خوان» و «روضه خوانی» از نام همین کتاب آمده و آنرا در سال ۹۰۸ بنام میرزا مرشدالدین عبدالله نوه دختری

سلطان حسین میرزا نوشته شرح مثنوی که آنرا در هرات بیابان رسانده - لباب معنوی  
 فی انتخاب مثنوی - لباب مثنوی که انتخاب دیگری از مثنوی مولویست و روز شنبه  
 آخر ماه صیام ۸۷۵ بیابان رسانده است - اخلاق المحسنین معروف باخلاق محسنی که  
 یکی از رایج ترین کتابهای اوست و بنام ابوالحسن میرزا در سال ۹۰۰ بیابان رسانده -  
 مخزن الانشاء که برای سلطان حسین و علیشیر در جمعه ۹ ذیحجه ۹۰۷ بیابان  
 رسانده است - صحیفه شاهی که کتاب دیگریست در انشاء و آنرا بجدول نوشته و در  
 جمادی الاخره ۹۰۷ برای ابوالحسن میرزا بیابان رسانده - انوار سهیلی که تهنیتی  
 از کلیده و دمنه است و بنام شیخ احمد سهیلی از امرای و شعرای دربار سلطان حسین  
 نوشته است و آن نیز از مؤلفات معروف اوست - اسرار قاسمی در سحر و طلسمات و کیمیا  
 که در ۹۰۷ نوشته و پسرش فخرالدین علی آنرا خلاصه کرده است - لوایح القمر در  
 احکام ماه که در ۸۷۸ بنام شمس الدین محمد بیابان رسانده - میامن المشتري در احکام  
 مشتري - سواطع المريخ در احکام مریخ - لوامع الشمس در احکام خورشید - مناهج الزهره  
 در احکام زهره - منایح عطارد در احکام عطارد - مواهب الزحل در احکام زحل که در ۹۱۰  
 بیابان رسیده است - مرصد الانسی فی استخراج اسماء الله الحسنى - رساله العلویه که  
 برای شیخ نصیر الدین عبیدالله نقشبندی نوشته - تحفة العلیه - رساله در علم اعداد -  
 بدایع الافکار فی صنایع الاشعار در بیان اقسام صناعات شعری و بدیع - رساله در اوراد  
 و ادعیه - رساله حاتمیه در حکایات راجع بحاتم طایی که بنام سلطان حسین میرزا در  
 ۸۹۱ بیابان رسانده است - رساله العلیه فی احادیث النبویه شامل چهل حدیث - اختیارات  
 نجوم - فیض النوال فی بیان الزوال - مفاتیح الکنوز در کیمیا شامل بدست رساله از حکما -  
 میامن الاکتساب فی قواعد الاحتساب - آینه سکندری در حساب - مرآت الصفا فی  
 صفات المصطفی - فتوت نامه سلطانی در آیین فتوت - تحفة لصلوة در ادعیه روزانه که  
 در رمضان ۹۰۹ بیابان رسانده است - مالا بدمنه فی المذهب - مناهج الولا به در شرح  
 خطب نهج البلاغه - کاشفی پسری داشته است بنام فخرالدین علی متخلص بصفی و دختر  
 خواجه اکبر معروف بخواجه کلان پسر سعدالدین کاشغری را در سال ۹۰۴ پدرش برای

او گرفته و دختر دیگر زن جامی بوده و فخرالدین علی نیز مانند پدر در هرات میزیسته و از پیروان طریقه نقشبندی بوده و در ۹۳۹ در گذشت و او گذشته از تلخیص کتاب اسرار قاسمی پدرش مؤلفاتی دارد از آن جمله رشحات عین الحیوة که در احوال مشایخ نقشبندیه نوشته و در ۹۰۹ پایان رسانده و لطایف الطوائف در حکایات که در ۹۳۹ تألیف کرده و حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن و نیز مثنوی محمود و ایازی سروده است .

۳۶ - ابو الحسن طبری مؤلف مفاتیح العجم در تاریخ پیش از اسلام ایران که بفرمان علیشیر نوشته است .

۳۷ - شرف الدین علی بن شمس الدین علی یزیدی که از تاریخ نویسان مشهور این قرن بشمار میرود و از مشاهیر علمای زمان خود بوده پس از آنکه در نزد مقامات مختلف داشته در دربار شاهرخ و مخصوصاً در دستگاه پسرش ابراهیم سلطان مقام مهمی یافته است و پس از مرگ ابراهیم سلطان در ۷۳۸ مداح خاص یونس خان از خوانین مغول بوده است و سپس در سال ۸۴۶ که میرزا سلطان محمد حکمران عراق عجم شد او را از یزد بقم نزد خود خواند و سمت ندیمی خود را باو داد و چون در سال ۸۵۰ بنای سرکشی را گذاشت شاهرخ نسبت باو بدگمان بود و می پنداشت که وی محرک آن سرکشی شده و چون در جگ دستگیر شد و شاهرخ میخواست او را بکشد میرزا - عبداللطیف پسر الخ بیگ از وی شفاعت کرد و او را باخود بسمرقند برد و چون سلطان محمد پس از مرگ شاهرخ بر خراسان استیلا یافت در سال ۸۵۳ وی را رخصت داد که یزد باز گردد و وی در تفت ساکن شد و در آنجا بسال ۸۵۸ در گذشت و در مدرسه شرفیه که از بناهای او بود نزدیک مسجد جامع محله میرچماق در جنب مزار پدرش وی را بخاک سپردند . شرف الدین از دانشمندان متبحر زمان خود بوده و در بسیاری از فنون متداول زمان دست داشته و مؤلفات چند از او مانده است که مهمترین و رایج ترین آنها نظرنامه تیموریست و آنرا در سال ۸۲۸ در شیراز بنابر دستور ابراهیم سلطان در زمانی که در دستگاه او بوده پایان رسانده و چهارسال مشغول تألیف آن بوده و اطلاعات

خود را از ظفر نامه نظام شامی و مطالبی که روزنامه چیان زمان تیمور گرد آورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامعترین کتابهای تاریخ تیمورست رایجترین کتاب درین زمینه بشمار میرود. چندی پس از تألیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایل ترك و مغول و باصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که بتاریخ جهانگیریه یا مقدمه ظفر نامه معروف شده و بجز آن وی را مؤلفات دیگرست ازین قرار: حلال مطرز در فن معما و لغز که در کتاب دیگری آنرا خلاصه کرده و منتخبی از آن فراهم کرده است. شرح قصیده برده شرف الدین بوصیری - تحفة الفقیر و هدیة الحقیر مجموعه از اشعار فارسی و عربی - کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد در اریتماطیقی - رساله حساب عقد انامل - حقایق التهلیل مقدمه بر دیوان حافظ - کتاب اسطرلاب - منشآت - شرف الدین علی در شعر فارسی نیز دست داشته و شرف تخلص میکرده دیوان اشعار او باقیست و نیز منظومه‌ای بیحزب در فتوحات تیمور سروده که بتیمور نامه معروفست.

#### ۳۸ - محمد طراغای ملقب باغ بیک پسر شاهرخ شاه معروف تیموری

در ۱۹ جمادی الاولی ۷۹۶ در سلطانیه ولادت یافت و در ۸۱۲ حکمرانی سمرقند را باودادند و در ۲۵ ذیحجه ۸۵۰ پس از مرگ پدر جانشین او شد و در ۱۰ رمضان ۸۵۳ پسرش عبداللطیف او را کشت و بجای وی بسطانت نشست. الغ بیک نه تنها یکی از فاضلترین پادشاهان سلسله تیمورست بلکه یکی از دانشمندترین کسانیست که در ایران پیادشاهی رسیده‌اند و در فنون مختلف زمان خود احاطه داشته مخصوصاً در تاریخ و ریاضیات و نجوم تسلط داشته است و بهمین جهت از پرورش دانشمندان و فراهم آوردن وسایل ترقیات علمی هیچ دریغ نمیکرده و دانشمندان بزرگ زمان همه از او متنعم میشده‌اند و مهمترین کاری که در راه دانش کرده اینست که در سال ۸۴۱ در شمال شرقی سمرقند رصدخانه‌ای ساخت و همه علمای نجوم را در آنجا گرد آورد و زیج جدیدی که بنام زیج الغ بیک معروفست بدستیاری غیاث الدین جمشید کاشانی و صلاح الدین موسی معروف بقاضی زاده رومی متوفی در ۸۱۵ ساکن سمرقند و زین الدین یا



علاءالدین علی بن محمد فوشچی معروف بملاعلی فوشچی و معینالدین کاشانی خواهر زاده غیاثالدین جمشید که او را برای همین کار از کاشان خواسته بود و جلالالدین اسطرابلی ترتیب دادند و خود کتابی در باره این زیج نوشته که بزین الخ بیگ معروفست و رایجترین کتاب این فن بشمار میرود و بهمین جهت زیج او را کاملترین زیجها می دانند و دیگر از تألیفات او کتابیست بنام «الوس اربعة چنگیزی» در وصف طوایف مغول و نیز کتاب شجرة الترك که آن را بعضی بعبدالمقندر متوفی در ۸۳۱ نسبت میدهند و ازو هم می دانند.

#### ۴۹ - غیاثالدین علی بن جمال الاسلام یزدی مؤلف روزنامه غزوات هندوستان

که خود در سفر هند با تیمور همراه بوده و این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته است.

#### ۴۰ - نظامالدین عبدالواسع شامی یا شنب غازانی معروف بنظام شامی

اصلاً از مردم محله شام غازان یا شنب غازان تبریز بوده و در جوانی ببغداد رفته و در آنجا کتاب سلوان المطاع فی عدوان الاتباع تألیف فخرالدین ابوهاشم محمد بن محمد بن ظفر طغرایبی را که در حکایات بنام ریاض الملوك برای سلطان اویس جلایر ترجمه کرده است و نیز داستان بوداسف و بلوهر را از عربی بنام سلطان احمد جلایر ترجمه کرده است. در سال ۷۹۵ بدست لشکریان تیمور در آن شهر اسیر شده و از آن پس در دربار تیمور بوده است چنانکه در ۸۰۳ با او در حلب بوده و تیمور در سال ۸۰۴ او را مأمور کرد کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و وی کتاب ظفر نامه را از روی اطلاعات رسمی که در آن زمان باو میرسیده است نوشته و تا وقایع سال ۸۰۶ را در آن کتاب آورده است و در ضمن شاعر هم بوده است و اشعار خود را در ظفر نامه نقل کرده است.

#### ۴۱ - کمالالدین عبدالرزاق بن جمال الدین اسحق سمرقندی نیز از تاریخ

نویسان نامی قرن نهم بشمار میرود. در سال ۸۱۶ در هرات ولادت یافت پدرش بحکم وزارت قاضی عسکر و شیخ الاسلام سپاه شاهرخ بود و وی نیز در ۸۴۱ بدربار شاهرخ راه

یافت و در همان سال در ۲۵ سالگی جانشین پدر شد و در ۸۴۵ شاهرخ او را بجزوب هندوستان فرستاد و بدربار پادشاه بیجانگر رفت و در ۸۴۸ باز گشت و تفصیل این سفر را خود در مجلد دوم مطلع السعدین نوشته است و سپس در ۸۵۰ سفارت دیگری بکیلان رفت و بعد از مرگ شاهرخ جزو مختصان جانشینان او میرزا عبداللطیف و میرزا عبدالله و میرزا ابوالقاسم بابر و میرزا ابو سعید بود ولی در سال ۸۶۷ از خدمت دربار کناره گرفت و در سلك صوفیان در خانقاه شاهرخ در هرات معتکف گشت و در ۸۷۶ ابو سعید ریاست آن خانقاه را باو داد و سرانجام در ۸۸۷ در آنجا در گذشت. کمال الدین عبدالرزاق مؤلف کتاب معروفست بنام مطلع السعدین و مجمع البحرین در تاریخ نیموریان که از وقایع سال ۷۰۰ تا ۸۷۵ را در آن ضبط کرده است و در ۸۸۰ آنرا پایان رسانده است. این کتاب شامل دو مجلد است که مجلد اول از ولادت ابو سعید بهادر تا جلوس سلطان خلیل در سمرقند و مجلد دوم از جلوس ابوالغازی سلطان حسین را دربر دارد.

۴۲ - امین الدین ابوالخیر فضل الله بن روز بهان بن فضل الله خنجی اصفهانی شیرازی ملقب با مین و معروف بنخواجه ملا یا خواجه مولانا نخست از پیوستگان دربار آق قویونلو و سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز میزیست و چون شاه اسمعیل اصفهان را گرفت جان خویش را در خطر میدید بکاشان و از آنجا بماوراءالنهر گریخت و در ۹۱۸ در سمرقند بود و دیگر از احوال وی اطلاع نیست و ظاهراً پس از ۹۲۱ در ماوراءالنهر در گذشت است. وی مؤلف کتابهای چندست از آن جمله: تاریخ عالم آرای امینی در تاریخ خاندان آق قویونلو که از زمان سلطان یعقوب بن حسن بیک (متوفی در ۸۹۶) بتألیف آن آغاز کرده و در زمان بایسنغر (متوفی در ۸۹۷) پایان رسانده است - بدیع الزمان فی قصه حی بن یقطان که در ۸۹۲ بنام سلطان یعقوب بایندری نوشته - ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل معروف بابطال الباطل که رد بر کتاب نهج الحق و کشف الصدق تألیف علامه حلی است و قاضی نورالله شوشتری کتاب احقاق الحقایق خود را در اثبات حقیقت شیعه و رد بر

کتاب وی که رد بر شیعه است نوشته و این کتاب را در ۹۰۹ در کاشان بزبان تازی نوشته است - شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی - سلوک الملوك که در سمرقند در ۹۱۸ بنام ابوالغازی عیدالله خان ازبک آغاز کرده و در ۹۲۰ به پایان رسانده است - شرح قصیده برده شرف الدین بوصیری که در ۹۲۱ نوشته است - مهمان نامه بخارا شامل تاریخ سلسله شیبانی و جنگ آنها با ازبکان و مخصوصاً لشکرکشی سوم شیبانی خان بر ازبکان که در شوال ۹۱۴ در بخارا آغاز کرده و در جمادی الاولی ۹۱۵ در هرات به پایان رسانده است .

۴۳ - معین الدین محمد زمیجی اسفزاری هروی از متشیان معروف زمان خود بود - در ۸۷۳ بهرات رفت و در دربار سلطان حسین بایقرا بمقامات مهم نایل گشت چنانکه نشان شاهی را که مهر رسمی دربار سلطنت بود باو سپردند و بیشتر باقوام الدین نظام الملک خوافی وزیر معروف که در پرورش دانشمندان اختصاص داشت مربوط بوده و در ۹۰۳ در گذشته است . معین الدین مؤلف چند کتاب جالب توجه است از آن جمله رساله‌ای در انشاء و قوانین که در ۸۷۳ نوشته و در آن مکانیسی را که از جانب سلطان حسین نوشته است ثبت کرده و دیگر از مؤلفات او کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینة الہرات است که در ۸۹۷ بنام سلطان حسین میرزا تألیف کرده و شامل ۲۶ فصل است و در ضمن شاعر بوده و شعر را تا اندازه‌ای خوب میگفته است .

۴۴ - سید ظہیر الدین بن نصیر الدین مرعشی حنفی قوام الدین از مورخان معروف قرن نهم در حدود ۸۱۵ ولادت یافته و در دربار سلطان محمد کیای دوم در کارهای دیوانی و لشکری وارد بوده و مشاغل مختلف داشته است و سپس در دربار جانشین وی کار کیا میرزا علی (۸۸۱ - ۹۰۹) نیز بوده است و در حدود ۸۹۴ در گذشته و دو کتاب بسیار جالب توجه از او مانده است یکی تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تا وقایع سال ۸۸۱ و دیگر تاریخ گیلان و دیلمستان تا وقایع سال ۸۹۴ .

۴۵ - علی بن شمس الدین بن حاجی حسن لاهیجی مؤلف تاریخ خای شامل وقایع تاریخ گیلان که بنام سلطان احمدخان معروف بخان احمدخان پادشاه معروف

گیلان نوشته و در محرم ۹۲۱ آغاز کرده و دو صفر ۹۲۲ پایان رسانده و شامل وقایع از ۸۸۰ تا ۹۲۰ است .

۴۶ - جعفر بن حسین بن حسن جعفری یزدی از مورخان دوره شاهرخ (۸۱۲-۸۱۳)

(۸۵۳) بوده است و دو کتاب نوشته یکی تاریخ کبیر از آغاز خلقت تا وقایع ۸۴۰ و دیگر تاریخ یزد که بنام شاهرخ پایان رسانده است .

۴۷ - احمد بن حسین بن علی کاتب یزدی که او نیز از مورخان یزد بوده و کتابی

بنام تاریخ جدید نوشته که با اسم میرزا جهانشاه قزوینلو (۸۳۲-۸۵۲) بتألیف آن آغاز کرده و در ۸۶۱ پایان رسانده است .

۴۸ - زین الدین محمود بن عبدالجلیل و اصفی از دانشمندان خراسان بوده

و سفری از خراسان ب ماوراءالنهر کرده و در زمان عبیدالله خان شیانی در ۹۱۶ در سمرقند و در ۹۱۸ در بخارا بوده و در ۹۳۷ در گذشته و مؤلف کتاب بسیار گران بهایست بنام بدایع الوقایع که مشاهدات خود را در سمرقند و بخارا و تاشکند نوشته و اطلاعات بسیار سودمند درباره میرزا الغ بیک و علیشیر نوایی دارد .

۴۹ - محمد امین بن حاج خلیل قونیوی مؤلف کتابی در تاریخ پادشاهان

آل عثمان که بفرمان سلطان محمد دوم عثمانی (۸۵۵ - ۸۸۶) نوشته است و از تاریخ سلاجقه روم آغاز کرده است .

۵۰ - علی بن ملوک منشی که او نیز از تاریخ نویسان خاک عثمانی بوده و مؤلف

کتابیست بنام ظفر نامه در تاریخ فتوحات سلطان محمد دوم .

۵۱ - کمال الدین یا حکیم الدین ادریس بن حسام الدین علی بدلیسی

معروفترین مورخ قرن نهم خاک عثمانی از منشیان دربار سلطان یعقوب آق قوینلو متوفی در ۸۹۵ بوده و در ۸۹۰ نامه‌ای از جانب این پادشاه بایزید دوم پادشاه عثمانی نوشت و چون بایزید انشاء وی را پسندیده بود پس از برچیده شدن سلطنت آق قوینلو از ترس اینکه مبادا بدست شاه اسمعیل بیفتد نزد بایزید رفت و وی او را گرامی شمرد و در دربار عثمانی مقام مهم داشت و در دستگاه بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) و سلطان سلیم

اول (۹۱۸ - ۹۲۶) معزز بود، چنانکه در جنگ با شاه اسمعیل فرمانده سپاهیان کرد لشکر عثمانی بود و در جنگهای مصر نیز حاضر بود و در ۹۲۱ بمأموریت بکردستان آمد و سرانجام در ذیحجه ۹۲۶ درگذشت و در استانبول در محله ایوب نزدیک مسجد زینب خاتون او را بخاک سپردند و قبرش اکنون بنام «ادریس کوشکو» معروفست. وی از دانشمندان مسلط زمان خود بوده و در فنون مختلف دست داشته و بزبان تازی و پارسی در رشته های مختلف تألیف کرده از آن جمله: رساله فی الطاعون و جواز الفرار عنه - شرح گلشن راز - تفسیری که بنام بایزید نوشته - منشات - هشت بهشت شامل تاریخ هشت قرن از نخستین پادشاهان آل عثمان تا وقایع سال ۹۰۸ در سلطنت بایزید دوم که بنام صفات الثمانیه نیز معروفست و رایج ترین کتاب فارسی در احوال پادشاهان عثمانیست - سلیم نامه در تاریخ سلطنت سلطان سلیم اول از ۹۱۸ تا ۹۲۶.

۵۲ - عبدالکبیر بن اویس بن محمد متخلص بلطینی معروف بقاضی زاده.

از شاعران و تاریخ نویسان معروف خاندان عثمانی بوده و در سفر مصر در قاهره بسال ۹۳۰ در گذشته است و وی کتاب معروف و فیات الاعیان تألیف ابن خلکان را بنام سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) در دو مجلد بفارسی ترجمه کرده و مجلد نخست آنرا در ۹۲۶ و مجلد دوم را در ۹۲۸ در استانبول بیابان رسانده است و نیز مؤلف کتابیست بنام غزوات سلطان سلیم شامل تاریخ فتح مصر که در آن سفر همراه بوده و بفرمان امیر صدرالدین محمد و از روی اسنادی که در آن جنگ تهیه کرده اند نوشته است.

۵۳ - شهاب الدین دولت آبادی از تاریخ نویسان قرن نهم هندوستان بوده و در

۸۴۹ در گذشته است و وی مؤلف کتابیست در تاریخ مدینه که از کتاب خلاصه الوفا فی اخبار دارالمصطفی تألیف نورالدین علی بن عبدالله سمهودی ترجمه کرده است.

۵۴ - امیر محمد بن امیر مبارز از امرای سیستان و جد مادری مؤلف احیاء الملوك

در تاریخ سیستانست که با نظام الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان (۸۴۲-۸۸۵) معاصر بوده و کتابی در تاریخ سیستان نوشته است.

۵۵ - یوسف بن احمد بن محمد بن عثمان که در زمان محمود شاه اول بایقرا

پادشاه گجرات (۸۸۹-۸۹۵) کتاب وفيات الاعيان تأليف ابن خلکان و ابنام منظر الانسان في ترجمة و فيات الاعيان ترجمه کرده است .

۵۶ - **كمال الدين ابوالغازي حميد بن منصور بن بايقرا** ابن عمر شيخ بن تیمور پادشاه معروف سلسله تیموری که در ۸۴۲ ولادت یافته و از ۸۶۳ تا ۹۱۲ در خراسان پادشاهی کرده و بیشتر بنام سلطان حسين بايقرا یا بايقرا یا ابوالغازي سلطان حسين معروفست و یکی از معروفترین پادشاهان دانش پرور ایران بوده اورا برخی مؤلف کتابی دانسته اند بنام مجالس العشاق که در شرح احوال بزرگانی که عاشق بوده اند نوشته و چون ملزم بوده است که بجز احوال عشاق را ننویسد البته کتاب او اعتبار تاریخی ندارد و آنرا در میان سالهای ۸۰۹ و ۹۰۹ تألیف کرده است. این کتاب را بكمال الدين حسين کازر گاهی که از ادبای آن زمان و از دست پروردگان علیشیر بوده نیز نسبت داده اند و سلطان حسين در شعر فارسی و ترکی نیز دست داشته و حسینی تخلص میکرد و دیوان فارسی و ترکی او بدستست .

۵۷ - **امیر دولت شاه بن علاء الدوله بختی شاه غازی سمرقندی** پدرش علاء الدوله اسفراینی و پسر عمش فیروزبیک از امرای معروف دربار تیموری بوده اند و خود نیز از نجیب زادگان خراسان و از پیوستگان علیشیر بشمار میرفته است و در ضمن مرد زاهدی بوده و وی مؤلف کتاب بسیار رایجیست بنام تذکرة الشعراء و معروف بتذکرة دولت شاهی که در شرح احوال شعرا از آغاز شعر فارسی تا زمان خود نوشته و در سال ۸۹۲ بیابان رسانده است که در آن زمان نزدیک ۵۰ سال داشته است و این کتاب هر چند که شهرت بسیار دارد اما در باره شعرايي که بیش از زمان او پیش از قرن نهم بوده اند مطالب آن اغلب اعتبار ندارد .

۵۸ - **بدیع الدین عبدالغفور لاری** از دانشمندان و عرفای زمان خود و مشهورترین شاگردان جامی بوده و در هرات در ۹۱۲ درگذشته و نزدیک قبر جامی او را بخاک سپرده اند و وی در علوم زمان خود دست داشته و شرحها و حواشی چند بر کافیه تألیف ابن حاجب در نحو زبان نازی نوشته که تا تمام مانده است و معروفترین تألیف او

حاشیه‌ایست که بدرخواست ضیاءالدین یوسف پسر جامی بر تفحات الانس نوشته و بمنزله ذیل و متمم آن کتابست و دیگر از مؤلفات اوست شرح رساله نجم‌الدین کبری در بیان طریقه شطار .

۵۹ - حافظ محمد بن علی قوشچی پسر ملا علی قوشچی دانشمند معروف قرن نهم که وی نیز در همان قرن می‌زیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ آل چنگیز و تاریخ ختای که همان کتاب مجدالدین محمد بن عدنان مورخ قرن ششم را بزبان ترکی ترجمه کرده است .

۶۰ - محمد شیخ هروی مؤلف رساله‌ای در تفال دیوان حافظ .

۶۱ - نجم‌الدین طارمی که از اعیان دولت میرزا میرانشاه بن تیمور بوده و در انشاء تسلط داشته و بفرمان آن پادشاه کامل التواریخ تألیف ابن الاثیر را بفارسی ترجمه کرده است .

۶۲ - ابوظاهر بن علی بن حسن بن موسی طرسوسی که ظاهراً در خاک عثمانی می‌زیسته و کتابی بنثر فارسی بنام داراب نامه نوشته که شامل داستانهای قدیم ایران دوباره دارا بست .

۶۳ - عیسی بن جنید شیرازی پسر معین‌الدین ابوالقاسم جنید شاعر و مولف معروف قرن هشتم بوده و در نیمه اول قرن نهم می‌زیسته و کتاب شدالازار یا هزار مزار و یا کتاب المزارات پدرش را که درباب مزارات شیرازست بفارسی بنام ملتسم الاحیاء ترجمه کرده است .

۶۴ - سیف‌الدین بن حاجی بن نظام عقیلی از نویسندگان خوب قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست بنام آثار الوزراء که در شرح حال وزرای اسلام در حدود سال ۸۷۵ برای نظام الملک قوام‌الدین خوافی وزیر معروف سلطان حسین میرزا نوشته است .

۶۵ - محمد بن حاج کامران استرآبادی مؤلف کتابی در نسب سادات بنام جامع الامثال که برای مظفرالدین ابوالغازی شمس‌الدین بن کمال‌الدین محمد (۹۸۷-۹۰۵) از بلوک رستم‌دارمازندران نوشته است .

۶۶ - محمود گیتی نیز از مورخین این قرن بوده و در سال ۸۲۳ کتاب مواهب الهیه معین الدین یزدی را که در تاریخ آل مظفرست و در قرن هشتم نوشته شده خلاصه و تهذیب کرده و دنباله وقایع خاندان آل مظفر را تا پایان سلطنت ایشان نوشته و ذیلی بر تاریخ کزیده حمدالله مستوفی قراد داده است .

۶۷ - حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی که در سال های ۸۰۵ و ۸۰۶ کتاب تاریخ قم را که در ۳۷۸ حسن بن محمد بن حسن قمی بتازی تألیف کرده است بنام خواجه فخرالدین ابراهیم بن عمادالدین محمود بن شمس الدین محمد بن علی صفی وزیر ترجمه کرده است .

۶۸ - عبدالرزاق بن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی که در سال ۹۱۱ کتابی در احوال شاه نعمه الله ولی بنام تذکره نوشته است .

۶۹ - محمد بن داود بن محمد بن محمود شادیا بادی که ظاهراً از ادبای قرن نهم بوده و کتابی در شرح فصاید خاقانی تألیف کرده است .

۷۰ - محرابی کرمانی که از شعرای قرن نهم بوده و کتابی بنام تذکره الاولیاء در مشاهد کرمان تألیف کرده است و در حدود سال ۹۳۹ آنرا نوشته و ازین قرار در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم در کرمان میزیسته است و در آن کتاب برخی از اشعار خود را آورده است .

۷۱ - یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی که از ادبای قرن نهم بوده و در سال ۸۶۷ رباعیات عمر خیام را در کتابی بنام طربخانه در ده فصل جمع کرده و مقدمه ای بنثر بر آن نوشته و حکایاتی را که درباره عمر خیام رواج داشته است در آن کتاب آورده

۷۲ - فاضل هروی مؤلف کتاب ارشاد الزراعه در علم زراعت که در سال ۹۲۱ تألیف کرده است .

۷۳ - قاضی خان بدر محمد دهلوی ملقب بدهاروال که از ادبای هندوستان بوده و کتابی در لغت فارسی بنام ادات الفضلا نوشته که در ۸۲۲ بیابان رسیده است .



۷۴ - قوام‌الدین ابراهیم فاروخی که وی نیز از لغت نویسان قرن نهم هندوستان بوده است و کتابی در لغت فارسی بنام شرف نامه احمد منیری یا فرهنگ ابراهیمی نوشته که در محرم ۸۷۸ بیابان رسانده است و چون وی از مریدان شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری ساکن دهلی و پیشوای معروف طریقه چشتی متوفی در ۸۷۲ بوده است این کتاب را بنام مرشد خود شرف نامه احمد منیری نامیده و در زمان باریک شاه ابوالمظفر پادشاه بنگاله (۸۶۴-۸۷۹) میزیسته است .

۷۵ - محمود بن ضیاء الدین محمد متخلص به محمود که وی نیز از لغت نویسان هندوستان بوده و کتابی در لغت فارسی بنام تحفة السعاده یا فرهنگ اسکندری باسم سلطان سکندر نوشته و در دهم صفر ۹۱۶ بیابان رسانده است .

۷۶ - قاضی لطف‌الله بن ابویوسف حلیمی از لغت نویسان معروف خاک عثمانی و وی را تألیفات چندست از آن جمله کتاب القاسمیه یا فرهنگ حلیمی معروف بلغت حلیمی که ترکی بفارسیست و بحر الغرایب بنظم و نثر در لغت فارسی و عروض و قافیه و بدیع که قاسمیه خلاصه ای از آنست و نثار الملك شرح بحر الغرایب بنام بایزید بن سلطان محمد (۸۸۶-۹۱۸) نوشته و در ۸۷۲ بیابان رسانده است و وی در زبان فارسی شعر نیز می گفته و حلیمی تخلص می کرده است .

۷۷ - خطیب رستم مولوی از صوفیان ساکن قونیه از طریقه مولوی و از لغت نویسان خاک عثمانی بوده و شاعر نیز بوده است و از جمله مؤلفات اوست کتاب وسیلة المقاصد در لغت ترکی بفارسی که برای مولوی زادگان قونیه در ۹۰۴ تألیف کرده و نیز خلاصه ای در صرف و نحو فارسی بشعر ترکی نظم کرده است .

۷۸ - ابوالعلاء عبدالهؤمن جاروتی مشهور بصفی که وی نیز از فرهنگ نویسان خاک عثمانی درین زمان بوده و مؤلف کتابیست بنام مجموعة الفرس در لغت فارسی .

۷۹ - شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری معروف باحمد منیری ساکن دهلی از مشایخ معروف قرن نهم هندوستان و پیشوای طریقه چشتیه در زمان

خود بود و در ۸۷۲ در گذشت و وی مکاتب بسیار بزبان فارسی بسیار سلیس و فصیح بمریدان و اصحاب خود نوشته و در دو مجموعه آنها را گرد آورده اند که هر يك شامل صد مکتوبست و بمکاتیب احمد منیری معروفست و درین مکاتیب بسیاری از مسائل تصوف را بیان کرده است.

۸۰ - **خواجه عمادالدین محمود بن شیخ محمد کیلانی معروف بمحمود ققوان یا غوان** که بیشتر بلقب خواجه جهان معروف بود یکی از مشاهیر نویسندگان و ادبای قرن نهم بشمار میرفته ، پدرانش از مردم کیلان و از وزرای آن سرزمین بوده اند و وی تا ۴۳ سالگی سفر بسیار کرده و سپس بدربار علاءالدین احمد دوم پادشاه بهمنی دکن متوفی در ۸۶۲ رفت و در سال ۸۶۰ پادشاه مزبور او را بجنکی فرستاد و در ۸۶۲ همایون شاه منصب و کیلی باو داد و پس از آن نظام شاه (۸۶۵ - ۸۶۷) او را وزارت داد و تا زمان محمدشاه بهمنی در مقام وزارت بود و محمد شاه وی را خواجه جهان لقب داد ولی در ۸۸۶ او را گشت . خواجه محمود از مشاهیر زمان خود بوده و ثروت بسیار و دارایی هنگفت داشته و مرد بسیار بخشنده ای بوده چنانکه از هندوستان صلوات گران برای دانشمندان ایران و خاک عثمانی میفرستاده و بهمین جهت در عصر خویش در همه کشور های اسلامی منتهای شهرت را داشته است و در ضمن دبیر بسیار توانا و پر کاری بوده و کتابهای چند در صنعت انشاء نوشته که همه معروف و رایجست از آن جمله ریاض الانشاء که بمنشآت خواجه جهان معروفست و کتاب مناظر الانشاء که معروفترین کتاب اوست و کتاب دیگری دارد بنام قواعد الانشاء .

۸۱ - **خواجه شهاب الدین عبداللہ بن خواجه شمس الدین مروارید کرمانی متخلص ببیانی معروف بعبداللہ مروارید** زیرا که پدرش زمانی مروارید بسیار درشت گران بهایی برای یکی از پادشاهان تیموری هدیه برده است . پدرش از کار گزاران بزرگ دربار تیموری بود و وی نیز در دربار سلطان حسین بایقرا بمقامات بزرگ رسید تا اینکه بوزارت برگزیده شد و چنان مقرب بود که در همه جنگها همراه بود و پس از مرگ سلطان حسین در ۹۱۲ از کارهای دولتی اعراض کرد و گوشه

نشین شد ولی باصرار شاه اسمعیل وزارت او را پذیرفت و درین زمان بنوشتن تاریخ سلطنت او آغاز کرد و چون آن را پایان رساند در سال ۹۲۲ بیماری آبله در گذشت. عبدالله مروارید یکی از معروفترین نویسندگان دوره تیموریست و مخصوصاً در انشای دیوانی شهرت بسیار داشته و خط را بسیار خوب مینوشته و از خوشنویسان معروف بوده و چنان در خط تسلط داشته است که با دست چپ هم خوش نویسی می کرده و در موسیقی نیز دست داشته و در زمان خود قانون را بهتر از همه کس می زده است و وی را بجز تاریخ شاه اسمعیل بنام تاریخ شاهی مؤلفات چندست از آن جمله مونس الاحباب مجموعه‌ای از اشعار و منشآت او که معروفست و نیز کتاب معروف ترسل که سابقاً در دبستان کبودکان خطوط مختلف و نامه نویسی را از آن می آموختند و بسیار رایج بود نیز از مؤلفات اوست.

۸۲ - احمد بن علی بن احمد مؤلف کنز اللطائف در انشاء که در دهم ربیع الثانی

۸۹۸ پایان رسانده است.

۸۳ - شجاع شیرازی که از بنی اعمام شاه شیخ ابو اسحق اینجو پادشاه

معروف فارس بوده و در سال ۸۳۰ کتابی در حکمت عملی یعنی اخلاق و سیاست و تدبیر منزل بتقلید قابوس نامه و سیاست نامه بنام «انیس الناس فی الاخلاق» بنام معیث - الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ پایان رسانده و از شاگردان میر سید شریف کرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده است.

۸۴ - محمد بن عبدالخالق بن معروف مؤلف کنز اللغه یا کنز اللغات در لغت

عربی بفارسی که بنام سلطان محمد کیا بن ناصر کیا از پادشاهان گیلان (۸۵۱-۸۸۳) و پسرش کار کیا میرزا علی (مقتول در ۹۱۱) پایان رسانده است و یکی از رایجترین کتابهای لغت نازی بفارسیست.

۸۵ - شهاب الدین محمد علی بن جمال الاسلام ملقب بشهاب منشی

مؤلف همایون نامه در انشای فارسی که بنام خواجه غیاث الدین پیر احمد وزیر نوشته است.

- ۸۶ - سلیمان بن مظفر حسینی منشی مؤلف شجرة السینیه لثمرة الیقینیه در خواص حرف سین که بنام عایشیر نوشته است .
- ۸۷ - علی درویش بن عثمان شاشی که از عرفای ماوراءالنهر بوده و مؤلف مفتاح التوحید خلاصه مثنوی مولویست .
- ۸۸ - قطب الدین عبدالله بن محیی بن محمود شیرازی جهرمی انصاری خزر جی سعدی معروف بعبدالله قطب یا قطب محیی از عرفای نیمه دوم قرن نهم و مقیم شیراز بوده و پس از سال ۹۱۰ در گذشته و مجموعه بزرگی از مکاتیب از و مانده که باصحاب خود در مسایل مختلف تصوف نوشته و در نسخهای کامل شماره آنها به ۷۸۳ میرسد و بنام مکاتیب عبدالله قطب معروفست .
- ۸۹ - علی بن عماد الدین استر ابادی معروف بابن عماد مؤلف رساله منظومه در مخارج حروف که در ۸۰۹ تألیف کرده است .
- ۹۰ - محمد بن محمود بن علی سبط ناصر الدین سمرقندی مؤلف رساله در اختلاف ابی بکر بن عباس و حفص در قرائت و رساله دیگر در قرائت عاصم که شاعر نیز بوده و منظومه ای در تجوید ساخته است .
- ۹۱ - محمد بن میرزا علی که کتاب مصباح کفعمی را در ۸۹۵ بنام مونس العابدین ترجمه کرده و بترجمه نیک بختیه نیز معروفست .
- ۹۲ - غیاث الدین علی عمران بن غیاث الدین علی بن علی بن علی امیران حسینی اصفهانی ساکن بدخشان که در سال ۸۷۹ کتابی شامل همه علوم زمان بنام دانش نامه جهان تألیف کرده است .
- ۹۳ - ابوالحسن صاعد بن علی همرگانی متوفی در ۸۸۱ که کتابی در جغرافیا بنام مسائلک ممالک یا عجایب البلدان پس از مرگ شاهرخ ( متوفی در ۸۵۰ ) تألیف کرده است .
- ۹۴ - خواجه عبدالقادر بن غنی حافظ مراغی معروف بعبدالقادر گوینده مشهور ترین علمای موسیقی قرن نهم بود و آواز را بسیار خوب میخواند و بهمین جهت

بگوینده معروف شده و برخی از سازهارا بسیار خوب میزده و در ضمن از خوشنویسان معروف زمان خود بوده است. نخست در دربار سلطان احمد جلایری (مقتول در ۸۱۳) بوده و سپس بدربار تیموریان رفته و چندی در دستگاه تیمور و میرانشاه و شاهرخ و بایسنغر بوده است و چندین کتاب بسیار سودمند در موسیقی نوشته از آن جمله : جامع الالجان که در ۸۱۶ پایان رسیده و بنام شاهرخ نوشته و مقاصد الالجان که در ۸۲۱ پایان رسیده و خلاصه ای از کتاب جامع الالجانست و بنام بایسنغر نوشته و کتزالالجان و زبنة الادوار در شرح رساله ادوار تألیف صفی الدین ارموی و فواید عشره .

۹۵ - رستم بن سالار بن محمد بن سالار مؤلف خلاصه الادوار فی مطالب الاحرار

که در ۸۵۸ تألیف کرده است .

۹۶ - محمد منصور مؤلف گوهر نامه سلطانی در معرفت اجسام معدنی که بنام

سلطان حسن بهادرخان معروف باوزون حسن ( ۸۲۱ - ۸۸۳ ) تألیف کرده است .

۹۷ - فتح بن احمد بن محمود شهرستانی سبزواری مؤلف تحفة الائمة العلیه

فی الحکمة العملیه .

۹۸ - وحیدالدین ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن احمد معروف

به میرجان اسفر غابادی مؤلف حدائق الدقایق در تصوف و در شرح سخنان مرشد خود

جلال الدین محمود و کتاب روضة الاصحاب در احوال خلفای اربعه . وی نخست در ۹۰۷

در بغداد بوده و سپس بخراسان باز گشته و این کتاب دوم را در آنجا در ۹۴۴ تألیف

کرده است .

۹۹ - عبدالله بن عبدالحی بن علی حسینی اسحاقی مؤلف عین الشفاء یا

عجلة سماعیه در تصوف .

۱۰۰ - حسین بن اسمعیل قاسمی حسینی مؤلف شرحی بر گلشن راز .

۱۰۱ - امیر جعفر طغرائی مؤلف انیس العارفين در تصوف که بعدها آنرا برای

علی پاشا وزیر پادشاهان آل عثمان خود بشرکی ترجمه کرده است .

۱۰۲ - عبدالعزیز ابهری متوفی در حدود ۸۹۵ مؤلف شرح مصابیح السنة امام

بغوی بنام منهاج المشكاة که در ۸۹۱ بنام امیر علیشیر تألیف کرده است .

۱۰۳ - مولی شمس الدین محمد تبادگانی طوسی که از صوفیه معروف خراسان

بوده و در ۸۹۱ در گذشته و مؤلف در حیات بر منازل السائرین عبدالله انصاری بنام تستیم المغربین فی شرح منازل السائرین .

۱۰۴ - مولانا عبدالکریم که تا حدود ۹۰۰ زنده بوده و حاشیه‌ای بفارسی

بر شرح حکمة الاشراف تألیف علامه قطب الدین شیرازی نوشته است .

۱۰۵ - ابوالقاسم لیشی مؤلف شرح فارسی بر رساله فی الوضع تألیف عضدالدین

ایبجی که در ۸۸۸ پایان رسانده است .

۱۰۶ - شیخ ابراهیم بن حسین تنوری سیواسی متوفی در ۸۸۷ که از صوفیه

خاک عثمانی بوده و کتابی در تصوف بنام گلزار نامه نوشته است .

۱۰۷ - یار علی شیرازی که شرحی بر کتاب لمعات فخرالدین عراقی بنام

اللهمجات نوشته است .

۱۰۸ - عبدالغفار بن اسحق مؤلف رساله ای در حوادث طبیعی .

۱۰۹ - هبة الله حسینی معروف بشاه میر مولف کتاب آداب سلطنت که

از ۸۸۳ تا ۸۹۸ مشغول تألیف آن بوده است .

۱۱۰ - خواجه محمد موسی ده بیدی متوفی در ۸۰۵ از مشایخ طریقه نقشبندی

بوده و مؤلف رساله فی طریقه النقشبندیه و کتاب نوادر المعارف .

۱۱۱ - محمد جامی بن محمد بن شیخ محمد جامی که در حدود سال ۸۳۵

در زمان شاه رخ کتابی بنام ریاض الصالحین تألیف کرده و آن مجموعه ای از همه علوم متداول آن زمانست .

۱۱۲ - خواجه ناصرالدین عییدالله سمرقندی معروف بعیدالله احرار

یکی از بزرگترین مشایخ نقشبندیه در قرن نهم بوده و در باره او کرامات بسیار آورده اند و در روستای کماگران یا کوماگران نزدیک شهر سمرقند می زیست و در آنجا در ۸۹۵ در گذشت و قبرش هم اکنون در سمرقند زیارتگاهست و مولانا محمد قاضی که از اصحاب

او بوده کتابی در مناقب وی بنام سلسلة العارفين و تذكرة الصديقين نوشته است و وی را در تصوف تألیفات بسیارست از آن جمله کتاب تحفة الاحرار که از کتابهای معروف فن بشمار میرود و دو رساله در تصوف و رساله والديه و رساله حورائیه شرح رباعی ابوسعید ابوالخیر و رساله کلیات .

۱۱۳ - نظام نامی که داستان بوداسف و بلوهر را در ۸۱۰ بنام سلطان احمد جلایر بفارسی ترجمه کرده است .

۱۱۴ - اویس بن غیاث الدین محمد رستمذاری مؤلف گنجینه راز .

۱۱۵ - علی بن ابی سعید کهجی که از عرفای آرزمان بوده و در ۸۷۷ کتابی در احوال مشایخ صوفیه بنام «تذكرة المشایخ» تألیف کرده است .

۱۱۶ - محمد بن نصیر الدین جعفر حسینی مکی که از عرفای سلسله چشتیه بوده و کتابی در تصوف بطریقه خود بنام «بحر المعانی» نوشته که در ۸۲۴ و ۸۲۵ آنرا تألیف کرده است .

۱۱۷ - شیخ زین الدین ابوبکر خوافی از بزرگترین مشایخ و عرفای نامی ایران در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم و از پیشروان طریقه سهروردی و مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن قریشی مصری بوده و مرد دانشمند و عارف پارسایی بشمار میرفت و در پایان زندگی حال جذبه ای دروید آمد و همواره خاموش بود و سرانجام در سال ۸۳۳ یا ۸۳۴ و یا شب یکشنبه دوم شوال ۸۳۸ بطاعون در گذشت و نخست او را در قصبه بالین بخاک سپردند سپس جنازه او را بدروش آباد بردند و پس از آن نزدیک عید گاه هرات بخاک سپردند و خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی عمارت عالی بر سر خاک او ساخت . وی شعر فارسی را خوب می گفته و نیز مؤلفاتی در تصوف بزبان فارسی و تازی دارد و از آن جمله کتابی بنام نهج الرشاد .

۱۱۸ - یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد غزنوی چرخي معروف

بیعقوب چرخي نقشبندی از اصحاب بهاءالدین نقشبند و از پیشوایان معروف سلسله نقشبندیه بوده در دهی بنام چرخ نزدیک غزنین ولادت یافت و چندی در شیراز ساکن

بود و سرانجام در حصار شادمان در ۸۵۱ در گذشت و عبیدالله احرار عارف مشهور این قرن خلیفه و جانشین او بوده است و وی را در زبان فارسی تألیفات چندست از آن جمله تفسیری که بنام تفسیر یعقوب چرخ می‌معروفست و در ۸۵۱ بیان رسانیده و رساله انسیه در تصوف و کتاب روایح و شرح رباعیات .

۱۱۹ - شهاب الدین بن شمس الدین عمر زاوولی دولت آبادی از مردم

دولت آباد دکن بود و در جوانی در دهلی زیسته و در آنجا دانش آموخته است . سپس در زمان استیلای امیر تیمور به هندوستان از دهلی بجنوبپور رفت و در دیار ابراهیم شاه شرقی (۸۰۴ - ۸۴۴) اعتبار یافت و قاضی آن دیار شد و سپس بمقام ملک‌العلمایی رسید و در حدود ۸۴۹ در گذشت . وی را بزبان تازی و پارسی مؤلفات چندست از آن جمله حواشی بر کافیه بنام الارشاد و شرح اصول بزودی و بحر مواج در تفسیر فارسی که بنام همان پادشاه نوشته است .

۱۲۰ - جلال الدین محمد بن عبدالدین اسعد دوانی کازرونی معروف

بعلامه دوانی یکی از بزرگان علمای ایران و معروفترین دانشمندان قرن نهم بشمار میرفته و چون آخرین کسیست از بزرگان علمای این کشور که جامع همه علوم زمان خود بوده شهرت و امتیاز خاص دارد . پدرش قاضی دوان قصبه‌ای نزدیک کازرون بود و وی در آنجا بسال ۸۳۰ ولادت یافت و نخست نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود بشیراز رفت و در مدرسه مولانا محیی‌الدین گوشه کنار و مولا حسن شاه بقال معلومات خود را تکمیل کرد و نیز از شاگردان مولانا همام‌الدین گلباری مؤلف شرح طوابع بوده و در حدیث از شاگردان شیخ صفی‌الدین الچینی بوده است . در جوانی چندی وزیر یوسف بن جهان‌شاه شاهزاده قرا قوینلو بوده است و سپس در مدرسه بیگم که بعدها بنام دارالایتمام معروف شده است تدریس کرده و سالها مدرس آن مدرسه بوده و در ضمن سفرهایی بگیلان و کاشان و بین‌النهرین کرده و چون پادشاهان آق قوینلو فارس را گرفتند قاضی فارس شد و مخصوصاً احمد پادشاه وی را بسیار گرامی میداشت و سلطان محمد آل عثمان برای او هدایا و تحف می‌فرستاد و چون قاسم بیگ پرناک



بر فارس استیلا داشت بواسطه دشمنی که در میان او و احمد پادشاه بوده او را در بند افکند و مال بسیار از او گرفت و سر انجام از بند رها شد و در ۹۰۵ بلاروجرون رفت و چون ابو الفتح بیک بایندر شیراز را گرفت از آنجا بکازرون رفت و در راه در پل آبگینه باردوی ابو الفتح بیک رسید و او بوی احترام بسیار کرد و پس از چند روز در ماه رجب ۹۰۸ در ۸۷ سالگی باسهاال در گذشت و جنازه او را بنوان بردند و در جوار شیخ علی دوانی بنحاک سپردند و اکنون قبر او در دوان معروف و زیارتگاه است. تاریخ رحلت او را بخط ۹۰۷ و ۹۰۹ و ۹۲۰ هم نوشته اند ولی قطعاً در ۹۰۸ در گذشته است. علامه دوانی در همه علوم زمان خود دست داشته و در بسیاری مؤلفات در میان بزرگان ایران امتیاز دارد و شعر فارسی را نیز خوب می گفته و در نثر فارسی قدرت کامل داشته و یک سلسله کتاب و رساله بزبان فارسی و تازی در علوم مختلف نوشته که فهرست آنها بترتیب حروف هجا ازین قرار است: اثبات الواجب قدیم، اثبات الواجب جدید که در کیلان نوشته، انموذج العلوم یا موضوعات العلوم که در ده علم برای سلطان محمود نوشته است، بستان القلوب، تفسیر سورة التوحید، والاخلاص، تفسیر سورة قل یا ایها الکافرون که در ۹۰۵ در بندر جرون پایان رسانده، تفسیر آیه یا بنی آدم خنوا زینتکم عنه، تفسیر اسماء الحسنی، تعلیقه علی الانوار لعمل الابرار اردبیلی، تفسیر قلاقل (جمع قل زیرا که سورة الکافرون والاخلاص والمعوذتین را شرح کرده و این سه سوره را باهم قلاقل میگویند)، تعریف العلم، حاشیه بر شرح تجرید ملا علی قوشچی، حاشیه قدیم تجرید الکلام، حاشیه جدید تجرید الکلام، حاشیه اجد تجرید الکلام، حاشیه مطالع در منطق بر حاشیه میرسید شریف گرگانی، حاشیه شمسیه منطق دبیران، حاشیه انوار شافیه، حاشیه بر اشارات، حاشیه بر تهذیب منطق، حاشیه بر شرح عضد الدین ایجی بر منتهی السوال والامل ابن حاجب، حکمة العین، حواشی بر شرح آداب از شمس الدین محمد بن اشرف حسنی سمرقندی تألیف کمال الدین مسعود شروانی، حاشیه بر شرح تجرید، رساله در معنی عدالت بفارسی، رساله دیوان مظالم بفارسی، رساله عرض یا عرض نامه بفارسی، رساله در بعضی از سوانح وقت بفارسی معروف بصیحه و صدا، رساله در اثبات تکلم خدا،

رسالة فی معنی قوله انا النقطة تحت الباء، ردبر رساله در تحقیق محکوم علیه بودن حرف از ابواسحق قاضی شبانکاره، رساله فی اعتراضات عشره در تعریف مختار بعلم از خطیب زاده و جواب آن ازدوانی، رساله فی افعال العباد در جواب سؤالات سعدالدین محمد استرآبادی که در سفر کاشان نوشته، رساله افعال الله سبحانه و تعالی که در ۹۰۳ تألیف کرده، رساله فی ایمان فرعون، رساله فی التشبیحات الواقعه فی دعاء الصلوة، رساله جبر و اختیار، رساله التهللیه در شرح لا اله الا الله که بنام اوزون حسن (۸۷۱-۸۸۳) نوشته، رساله المحوراء والزوراء که در ۸۷۲ بیابان رسانده، رساله فی مسئله خلق الاعمال که بنخواست سعدالدین محمد استرآبادی در سفر کاشان نوشته، رساله العشریه که با مولی ابن المؤید نام برای سلطان بایزید آل عثمان فرستاده است، رساله فی علم النفس، رساله فی مسائل الفنون، رساله قلمیه، رساله در تعریف کلام موافق عضدالدین ایبجی، رساله الزوراء که در روضه امیر المؤمنین علی (ع) یکروز سر یا ایستاده و نوشته است، سواد العین، شرح هیا کل النور در حکمت اشراق، شرح بر زوراء، شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی، شرح رساله فی جوهر المفارق نصیرالدین طوسی، شرح عقاید العضدیه بفارسی که در ربیع الاول ۹۰۵ در جرون نوشته و آخرین تألیف اوست، شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی، شرح کلمتی الشهاده، شرح دیباچه طوابع الانوار بیضاوی، شرح قصیده الثائیه فی احوال النفس از ابوعلی بغدادی، شرح رباعیات، شرح غزلی از حافظ، شرح بیتمی از حافظ، شرح بیتمی از گلشن راز، طبقات الجلالیه شامل حواشی شرح جدید تجرید و حاشیه شرح مطالع و چند رساله در جوابهای میر صدرالدین شیرازی که در میان نشان ردوبدل شده، العشر الجلالیه رد بر میر غیاث الدین منصور بن محمد شیرازی در مجموعه الرسائل، نوامع الاشراق فی الحکمة العملیة والمنزلیة والمدنیة فی مکارم الاخلاق که برای نصره الدین حسن بیک (۸۷۱-۸۸۲) نوشته و بنام اخلاق جلالی معروفست و رایجترین کتاب فارسی او و در ضمن یکی از معروفترین کتابهای اخلاق بزبان فارسیست.

۱۲۱ - قاضی میر حسین بن معین الدین حسینی ترمذی میبدی متخلص

بمنطقیه معروف بقاضی میبدی مشهورترین شاگردان علامه دوانی و یکی از علمای

نامی قرن نهم ایران بوده و در جوانی در شیراز به تحصیل دانش اقامت داشته و سپس بعید نزدیک یزد و لادنکاه خود بازگشته و در آنجا منصب قضاوت یافته و سپس قاضی یزد شده و در ضمن متصدی اوقاف آن شهر بوده و سرانجام در سال ۹۰۹ شاه اسمعیل بواسطه اختلاف عقیده دینی که با او داشت وی را کشت و اینکه برخی رحلت او را در ۸۷۰ یا ۹۱۰ نوشته اند درست نیست. قاضی میبدی گذشته از اینکه شعر فارسی را خوب می گفته در نشر فارسی نیز نویسنده زبردستی بوده و یک عده مؤلفات معروف بفارسی و عربی دارد، معروف ترین تالیف او شرحیست که بر دیوان امام علی بن ابی طالب (ع) نوشته و بشرح دیوان حضرت امیر معروفست و در ماه صفر ۸۹۰ بیابان رسانده است و دیباچه مفصلی بمذاق صوفیه بر آن نوشته که گاهی آنرا جدا گانه نوشته اند و بنام «فوائج» نامیده اند. کتاب معروف دیگر او شرحیست بتازی بر هدایه اثیری که از کتابهای بسیار رایجست و دیگر از مؤلفات اوست: حاشیه شمسیه در منطق، شرح حکمة العین، حاشیه بر طوابع در کلام، رساله در فن غریب معنا، شرح کافیه فی النحو ابن حاجب بنام مرضی الرضی، شرح گلشن راز بفارسی، جام گیتی نما در حکمت بفارسی که در حلب بنام سلطان سلیمان آل عثمان (۹۲۶ - ۹۷۴) تالیف کرده است، معنیات، منشآت.

۱۲۲ - عبدالمؤمن بن صفی الدین بن عزیز الدین بن محیی الدین بن نعمت که نسبش بقاموس و شمگیر کرکائی پادشاه معروف آل زیار میرسیده از موسیقی دانان قرن نهم بود و کتابی در موسیقی تالیف کرده است بنام «بهجة الارواح».

۱۲۳ - علامه غیاث الدین جمشید بن مسعود بن محمود طبیب کاشانی یکی از معروفترین علمای ریاضی قرن نهم بوده و در ۸۲۹ مسطره ای برای مساحات و مهندسی اختراع کرده است و الخ بیک رصدخانه سمرقند را که ساخت و جمعی از علمای ریاضی را بآنجا جلب کرد وی را نیز بآنجا برد و در ۸۴۱ در تالیف زیج الخ بیک شرکت کرد ولی در همین اثنا در گذشت و اینکه برخی رحلت او را در سال ۸۳۲ نوشته اند با شبهه رفته اند. غیاث الدین جمشید بزبان تازی و فارسی مؤلفات بسیار در علوم

ریاضی دارد از آن جمله است: مفتاح الحساب که برای الغ بیك تالیف کرده، رساله در ساختن اسطرلاب، زیج، تلخیص المفتاح که مختصری از همان مفتاح الحساب است، رساله در ابعاد و اجرام سماوی، رساله استخراج جیب یکدرجه، زیج خاقانی، سلم السماء فی اشکال ما وقع للمنجمین فی الابعاد والاجرام، تزهة الحقایق در تقویم کواکب. ۱۲۴ - یعقوب بن محمد بن علی طاوس که از علمای ریاضی قرن نهم بوده و کتابی بنام کنه المراد فی وفق الاعداد تالیف کرده و سپس رساله حساب خود را بفارسی از آن استنباط کرده است.

۱۲۵ - فصیح الدین بن عبدالکریم نظامی متوفی در ۹۱۹ نیز از علمای ریاضی این قرن و از نزدیکان سلطان حسین بایقرا و علیشیر بود و چندین شرح بر کتب ریاضی و هیئت نوشته و از آن جمله است قطع الانوار، شرح بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی که بنام امیر علیشیر تالیف کرده است و رساله در اسطرلاب.

۱۲۶ - مولانا زین الدین یا علاء الدین علی بن محمد قوشچی معروف بملاعلی

قوشچی از بزرگان علمای هیئت و ریاضی قرن نهم و یکی از معروفترین علمای ریاضی ایران بوده است. پدرش از درباریان الغ بیك بوده و وی نیز از جوانی در خدمت وی بسیار مقرب بوده چنانکه او را پسر خطاب می کرده است و در دربار او منصب قوشچی داشته و بهمین جهت بملاعلی قوشچی معروف شده و در ریاضیات شاگرد صلاح الدین موسی معروف بقاضی زاده رومی عالم معروف ریاضی آن زمان بوده است و از سمرقند برای تحصیل دانش بکرمان رفت و شرح تجرید خواجه نصیر را درین سفر تالیف کرده است و چون بسمرقند باز گشت الغ بیك او را مامور رصدخانه آن شهر که در ۸۲۳ ساخته بودند کرد و درین زمان در حرکات قمر تحقیقاتی کرده است و پس از کشته شدن عبداللطیف از سمرقند بتهرین رفت و نزد سلطان حسین آق قوینلو مقرب یافت و از جانب او مأوریت بدربار سلطان محمد فاتح بخاک عثمانی رفت و در آنجا رساله هیئت خود را تالیف کرده و در ۸۷۹ در شهر استانبول در گذشته است و اینکه برخی رحلت او را در ۸۹۷ نوشته اند درست نیست. ملاعلی قوشچی یک عده کتب و رسایل در ریاضیات

و حکمت و غیره تألیف کرده که مهمترین آنها بدین گونه است :

رساله در حساب ، رساله در هیئت معروف بفارسی هیئت ، شرح تجرید العقاید  
 خواجه نصیرالدین طوسی که در کرمان بنام ابو سعید تألیف کرده ، رساله فی حل اشکال  
 القمر که در بازگشت از کرمان بمرقند برای الغ بیک هدیه برده است ، رساله ما  
 اناقلت من عبارات مطول ، رساله المحمدیه فی الحساب که بتوسط رسول سلطان محمد  
 فاتح از تبریز برای او فرستاده ، رساله فی موضوعات العلوم ، تعلیقه بر رساله الوضع  
 قاضی عضدالدین ایجی ، سلم السماء شرح زیج الغ بیک که معروفترین تألیف اوست ،  
 شرح شافیه ابن الحاجب بفارسی ، عنقود الزواهر فی نظم الجواهر در تشریح ، رساله  
 فتحیه یا مقتضیه بتازی در هیئت که در جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فاتح  
 تألیف کرده است ، قانون نامه چین و ختا که در سفری که از جانب الغ بیک بختای  
 رفته مشاهدات خود را نوشته است ، شرح کافیه فی النحو ابن حاجب بفارسی ، محبوب  
 الحمایل فی کشف المسایل ، مسرة القلوب فی دفع الکروب در هیئت .

۱۲۷ - نظام الدین عبدالقادر بن حسن رویانی لاهیجی از علمای ریاضی و

هیئت و از شاگردان ملاعلی قوشچی بود و جد اول زیج الغ بیک را بطول لاهیجان  
 تحویل کرده و نخست در گیلان می زیسته و سپس بدربار سلطان حسین بایقرا رفته  
 و از آن پس در هرات معلم مدرسه شاه بوده و همانجا در ۹۲۵ در گذشته است . وی  
 مؤلف چند کتاب در ریاضی و هیئت و نجومست از آن جمله : تحفه نظامیه در حساب که  
 بنام نظام الدین سلطان یحیی کیا در حدود ۸۷۰ تألیف کرده ، زیج ملخص میرزایی  
 که در ۸۷۹ بنام سلطان میرزا علی از پادشاهان گیلان ترتیب داده و آنرا  
 ملخص میرزایی نام گذاشته و سپس این زیج را در حدود ۸۹۱ پایان رسانده است .

۱۲۸ - حسین بن محمد زیدی حسینی از منجمان جنوب ایران بوده و مؤلف

کتابیست بنام دستور المنجمین که بنام نصره الدین ساغر شاه بن تورانشاه از ملوک هرمز  
 که از حدود ۸۴۰ تا ۹۲۷ پادشاهی کرده پایان رسانده است .

۱۲۹ - احمد بن حیدر بن محمد شیرازی مؤلف رساله در اسطرلاب که در

۸۶۷ تالیف کرده است .

۱۳۰ - محمد علی حسینی مؤلف قواعد العمل در حساب .

۱۳۱ - سید رکن الدین بن شرف الدین حسین حسینی آملی نیز از علمای ریاضی

و منجمان این قرن بوده و در روز پنجشنبه ۲۲ ذی حجه ۸۰۰ ولادت یافته و در سال

۸۴۲ در شیراز بوده و سپس بندر بار سلطان حسین بایقرا بهرات رفته و کتابهای چند

در ریاضیات و هیئت نوشته از آن جمله : پنجاه باب سلطانی در اسطرلاب که در هرات

در ۶ ربیع الاول ۸۶۰ پایان رسانیده و زیج جامع سعیدی در تنقیح زیج ایلخانی خواجه

نصیر الدین طوسی که در ۸۶۰ بنام ابو سعید گورکان پایان رسانیده است .

۱۳۲ - شمس المعالی محمد کیا گرگانی مؤلف رساله در رفع شبهه ممان

شدن زحل بکره ثوابت و مفتاح بیست باب اسطرلاب خواجه نصیر الدین طوسی که در

۸۱۷ تالیف کرده است .

۱۳۳ - بدر ظهیری مؤلف شرح سی فصل خواجه نصیر الدین طوسی که در ۸۲۴

تالیف کرده و حواشی بر اقلیدس .

۱۳۴ - عماد الدین بن جمال الدین بخاری از علمای ریاضی معاصر الخ بیک

بوده و کتابی در تسهیل قمر تالیف کرده است .

۱۳۵ - نظام الدین بن حبیب الله حسینی مؤلف شرح بیست باب خواجه نصیر الدین

طوسی در اسطرلاب که در ۸۷۳ تالیف کرده است .

۱۳۶ - حسین خطابی منجم و قطب که در نجوم و طب و حساب دست داشته

و مؤلف کتابیست بنام تحفة الحساب که در ذی قعدة ۸۹۵ بنام سلطان با یزید بن سلطان

محمد فاتح پایان رسانده است .

۱۳۷ - مولانا محمود بن محمد معروف بمیرم که مؤلف کتابیست بنام دستور

العمل فی تصحیح الجدول و آن شرحیست بر زیج الخ بیک که در رجب ۹۰۴ بنام سلطان

با یزید پایان رسانده است .

۱۳۸ - محمود بن محمد بن قوام اردستانی مؤلف غیاثیه در هیئت که برای

غیاث‌الدین سید احمد هروی تالیف کرده است .

۱۳۹ - محمد بن سلیمان بر سوی معروف با قزاقان از علمای ریاضی خاڪ

عثمانی بوده و مولف شرحیست بر بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی که بنام سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) نوشته است .

۱۴۰ - علاء کرمانی که وی نیز از علمای ریاضی خاڪ عثمانی بوده و رساله‌های

در تصنیع اسطرلاب بنام همان سلطان با یزید تالیف کرده است .

۱۴۱ - محمود بن قوام قاضی و الشثانی معروف بمحمود هروی

مولف کتابی در هندسه بنام فواید جمالی که برای سلطان جمال الدین حسین نوشته و آن ترجمه‌ایست از رساله عربی شمس الدین سید حکیم سمرقندی بنام اشکال - التاسیس که در ۵۹۳ تالیف شده و نیز رساله الغیایه را تالیف کرده و در حدود ۸۶۲ می زیسته است .

۱۴۲ - علی بن احمد قاضی شوشتری که فالنامه یا قرعه‌نامه منسوب بامام علی

ابن موسی الرضا را ترجمه کرده است .

۱۴۳ - ابن معین مولف فردوس التواریخ که در ۸۰۸ تالیف کرده است .

۱۴۴ - ابوالمحاسن حسین بن حسن گرغانی از علمای شیعه اواخر قرن نهم و

اوایل قرن دهم بوده و مولف تفسیریست بفارسی بنام جلاء الازهان که یکی از معروفترین کتابهای تفسیر بزبان فارسیست .

۱۴۵ - سیده مهین الدین محمد بن عبدالله بن محمد ایچی حسنی حسینی صفوی

که در ۸۳۲ در ایچ فارس متولد شده و در حدود ۹۰۵ در گذشته و دو کتاب بفارسی از او مانده است یکی شعب الایمان در اخبار و دیگر جامع البیان فی تفسیر القرآن .

۱۴۶ - فتح‌الله بن احمد بن محمود شهرستانی مولف تحفة الائمة العلیه فی

الحکمة العملیه .

۱۴۷ - خواجه محمد موسی ده‌بیدی نقشبندی از مشایخ طریقه نقشبندی

بوده و در ۸۰۵ در گذشته و تالیفات چند در تصوف دارد از آن جمله رساله فی بیان طریقه نقشبندیه و نوادر المعارف .

۱۴۸ - امیر جعفر طفرایی که از متصوفه خاك عثمانی بوده و مولف کتابیست در تصوف بنام انیس العارفین که بخواهرش علی پاشا از وزرای پادشاهان آل عثمان نوشته و خود آنرا بترکی ترجمه کرده است .

۱۴۹ - جمال الدین محمد بن محمود شهرستانی مولف رساله‌ای در منطق

۱۵۰ - قوام الدین یوسف بن حسن حسینی رومی معروف بقاضی زاده از دانشمندان مقیم خاك عثمانی که پس از ۹۰۰ در گذشته است و مولف کتابیست بنام احکام السلاطین .

۱۵۱ - مولی شکر الله بن احمد که وی نیز در خاك عثمانی مقیم بوده و در ۸۶۴ در گذشته و مؤلف کتابیست بنام منهج الرشاد که بنام سلطان محمد فاتح بیابان رسانده است .

۱۵۲ - امام عماد الدین ابوالمظفر بن ظهیر الدین محمد اسفراینی ملقب بشاهنور متوفی در ۸۷۱ مولف تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم .

۱۵۳ - میر شمس الدین محمد بن شریف حسینی گرگانی پسر میرزا سید شریف گرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده و در ۷۰۴ ولادت یافته و در شیراز می زیسته و در ۸۱۶ یا ۸۳۶ در گذشته و ظاهراً درست‌ترین تاریخ رحلت او ۸۳۶ است . وی از علمای نامی زمان خود بوده و در همه علوم متداول زمان دست داشته و کتابهای چند در فنون مختلف بزبان‌های تازی و پارسی نوشته است از جمله دو رساله پدرش را در منطق که بکبری و صغری معروفست بنام دره و غره بفارسی ترجمه کرده و دیگر از مولفات اوست: شرح هدایه اثیریبه ، حاشیه بر شرح قدیم تجرید ، شرح ارشاد الهادی تقی‌تازانی که در ۸۲۳ در شیراز تالیف کرده ، شرح فواید الغیایه قاضی عضدالدین ابیجی در معانی و بیان .

۱۵۴ - عبد الرزاق بن عبد الکریم بن عبد الرزاق طیب کرمانی مولف کتاب شفاء الاسقام در طب که بنام علیشیر تالیف کرده است .

۱۵۵ - محمود بن محمد دلشاد شروانی اصلاً از مردم آذربایجان بوده و بخاك عثمانی رفته و در آنجا ساکن شده و در طب و معنیات دست داشته و کتاب مختصری



در طب نوشته و نیز کتابی بنام کمال نامه که در ۸۴۱ بیابان رساننده و کتاب دیگری بتورکی در جواهر بنام تحفة مرادی که برای سلطان مراد آل عثمان بیابان رساننده است .

۱۵۶ - غیاث الدین محمد بن علاء الدین هبة الله سبزواری معروف بغیاث طیب مؤلف قوانین العلاج در طب که در ربیع الاول ۸۷۱ بیابان رساننده و سپس خلاصه‌ای از آن بنام زبدة قوانین العلاج پرداخته است .

۱۵۷ - نظام متشهی نیز از پزشکان قرن نهم بوده و کتابی در طب بنام گنج اسرار باسم مجیر الدین ابوالمعالی محمد بن معتز بن معتوش طاهر در ۸۲۶ تالیف کرده و رساله‌ای در حسن زنان نوشته است .

۱۵۸ - غیاث الدین بن محمد متطبب اصفهانی از پزشکان مقیم خاگ عثمانی مؤلف مرآت الصحه که بنام سلطان با یزید دوم آل عثمان در ۸۹۶ تالیف کرده است .

۱۵۹ - بهاء الدین بن میر قوم الدین قاسم نوربخشی رازی که لقب او را برخی بهاء الدوله نوشته اند ولی ظاهراً بهاء الدین درست ترست و چنان مینماید که وی پسر سید شاه قاسم نوربخشی پسر سید محمد نوربخش مؤسس معروف طریقه نوربخشی در تصوف بوده باشد که خلیفه و جانشین پدر بوده و در طریقت لقب فیض بخش را اختیار کرده و در سال ۸۸۱ در گذشته است و میر بهاء الدین مؤلف کتابیست در طب بنام خلاصه التجارب که در طرشت نزدیک ری (همان قصبه‌ای که در مغرب طهران بنام درشت معروفست) در سال ۹۰۷ تالیف کرده است .

۱۶۰ - خواجه صابن الدین علی تر که اصفهانی از مشاهیر حکمای صوفی مشرب قرن نهم بوده نخست در اصفهان می‌زیسته و بتدریس و تالیف می‌پرداخته و سپس قاضی یزد شده و در آن زمان بدخواهانش از برخی مطالبی که در تالیفات خود آورده است باو تهمت بد دینی زدند و بهمین جهت شاهرخ وی را بهرات خواند و علمای هرات نیز او را تکفیر کردند بجز رکن الدین داود خوافی مؤلف حاشیه بر شمسیه منطبق که

از شرکت درین کار بخود داری کرد و وی از ناچاری منکر گفتار خود شد و سرانجام در هرات در ۴ ذیحجه ۸۳۰ یا ۸۳۵ در گذشت و بازماندگان او که جزو علمای معروف بوده اند پس از وی تا قرن یازدهم در اصفهان می زیسته و بیشتر منصب قضاوت آن شهر را داشته اند. وی را بزبان فارسی در علوم مختلف و مخصوصاً در حکمت و تصوف مولفات بسیار است از آن جمله شرح فصوص الحکم و کتاب مفاحص و رساله اسرار الصلوة و شرح قصیده ابن الفارض وضوء اللامعات در شرح لمعات و اطوار صوفیه یا اطوار ثلاثه و منظومات صاینیه و رساله نقطه و جواب مکتوب امیر رضا.

۱۶۱ - صدرالدین امینی هروی از مورخان اواخر قرن نهم و اوایل قرن

دهم بوده و از شعرای نامی زمان خود بشمار میرفته و مؤلف کتابیست در تاریخ اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی که بنام «فتوحات امینی هروی» معروفست و ظاهر آثار قایم سال ۹۱۶ رادربرد دارد.

۱۶۲ - نظام بن کمال بن جمال بن حسام هروی نوۀ جمال الدین محمد بن حسام

هروی معروف با بن حسام شاعر معروف قرن هشتم بوده و وی نیز با بن حسام شهرت داشته است و مؤلف شرحیست بر نصاب الصبیان منظومۀ معروف ابونصر فراهی در لغت تازی پیارسی.

۱۶۳ - محمد بن جلال بن سلیمان قهستانی که وی نیز شرحی بر نصاب الصبیان

نوشته و ظاهراً در قرن نهم می زیسته است.

۱۶۴ - عبدالکریم محمد بن فصیح بن محمد دشت بیاضی که او نیز شرح دیگری

بر نصاب الصبیان نوشته و ظاهراً وی هم در قرن نهم می زیسته است.

۱۶۵ - حسن بن محمد شاه فناری از خاندان معروفی از دانشمندان خاندان عثمانی

بوده و چون جدش از مردم «فنار» محله یونانیان استانبول بوده است. خاندان او با این نام معروف شده اند و چندتن از دانشمندان معروف دربار عثمانی ازین خاندان بوده اند از آن جمله جدش شمس الدین محمد بن حمزه فناری متوفی در ۸۳۴ و پدرش محمد شاه ابن شمس الدین فناری متوفی در ۸۴۹ و برادرش زین الدین محمد بن محمد شاه بود.

علاء الدین علی بن یوسف بن شمس الدین و دو پسر او محیی الدین محمد بن علی بن یوسف بن شمس الدین و محیی الدین پیر محمد بن علاء الدین علی فناری ازین خانواده معروفند و وی بنام حسن چلبی نیز معروف بوده زیرا که از پیروان طریقه مولوی در استانبول بشمار میرفت و وی مردی دانشمند و پارسا بود و همه عمر خود را وقف دانش و عبادت کرده است و از شدت پارسایی جامه خشن می پوشیده و بر چهارپایان نمی نشسته و با تهی دستان و صوفیان نشست و برخاست داشته و نخست در شهر ادرنه ساکن و مدرس مدرسه حلبیه آن شهر بوده و برای تحصیل دانش از سلطان محمد دوم بتوسط پسر عمش مولی علی فناری که قاضی عسکر بوده اجازه گرفته و بمصر رفته است و سلطان محمد دوم او را دوست نمی داشت زیرا که حواشی کتاب التلویح خود را بنام پسر سلطان محمد با یزید نوشته بود و پس از سفر مصر بجهت رفت و دوباره بخاک عثمانی باز گشت و در مراجعت سلطان محمد برو برسر لطف آمد و نخست تولیت مدرسه ازبیک و سپس تولیت یکی از مدارس هشت گانه استانبول را باو داد و وی در یکی از حجره های آن مدرسه منزل داشت و همواره بمسجد می رفت و تاج بر سر می گذاشت و ردای خود را بر سر میکشید و سپس سلطان با یزید دوم چون بسطنت رسید هر روز هشتاد درهم بر او مقرر داشت و وی بشهر بروسه رفت و در آنجا ساکن شد ولی در همین میان در ۸۸۶ در گذشت. وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در علوم متداول آن زمان دست داشته و بزبان پارسی و تازی تالیف می کرده است از آن جمله حاشیه بر مطول و حاشیه بر تنقیح الاصول صدر الشریعه و حاشیه بر شرح موافق سید شریف گرگانی و حواشی بر تلویح تفتازانی و کتابی در مسایل روایت و کلام بزبان فارسی بنام «المطالب العالیه» از او مانده است.

۱۶۶ - حکیم شاه محمد بن حاج مبارک شاه کریم بن مبارک محمد قزوینی

معروف بحکیم شاه محمد از مشاهیر دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و نخست در شیراز می زیسته و از شاگردان علامه دوانی بوده است و چون پدرانش یزیدک بوده اند در علم طب دست داشته و سپس بمکه رفته و مدتی در آنجا مجاور بوده و

چون مولی ابن المؤید که از علمای معروف دربار با یزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) پادشاه عثمانی بوده است نزد آن پادشاه از وی تحسین کرده پادشاه مزبور وی را از مکه باستانبول خواسته و پزشک دربار خود کرده و روزی صد و بیست درهم برای او مقرر کرده است و ازین قرار پیش از سال ۹۱۸ از مکه باستانبول رفته و بهمین جهت از علمای زمان سلطان بایزید بشمار میرفته و در زمان سلطان سلیمان (۹۲۹ - ۹۷۴) در گذشته است. حاج خلیفه رحلت او را يك جا در حدود ۹۰۲ و جای دیگر در ۹۶۶ نوشته است و این هر دو تاریخ نادرستست زیرا که ۹۰۲ شش سال پیش از مرگ استادش علامه دوانیست و این ممکن نیست و ۹۶۶ هم ۵۸ سال پس از مرگ دوانیست و این نیز بسیار دور می نماید که شاگردی ۵۸ پس از مرگ استاد خود زنده مانده باشد و خود در ترجمه مجالس النقایس تصریح می کند که در ۹۲۴ در رکاب سلطان سلیم در مصر بوده و آن ترجمه را در سال ۹۲۷ بیان رسانده است و ازین قرار می بایست در اوایل قرن دهم و پس از ۹۲۷ در گذشته باشد. حکیم شاه محمد در همه علوم زمان خود دست داشته و بدو زبان تازی و فارسی تالیف می کرده از جمله مؤلفات اوست: تفسیر سورة النحل تا آخر قرآن، ربط السور والایات، حواشی بر تهافت مولی خواجه زاده، حواشی بر شرح العقاید العضدیة دوانی، شرح ایساغوجی، شرح کافیه، شرح الموجز فی الطب، حاشیه بر شرح العقاید نسفی، ترجمه حیوة الحیوان کمال الدین محمد بن موسی ابن عیسی دمیری متوفی در ۸۰۸ بنام حیوة الانسان که برای سلطان سلیمان ترجمه کرده است، ترجمه مجالس النقایس علیشیر نوایی که اصل آن تذکره شعرای فارسی زبان قرن نهم بزبان ترکیست و در ۸۹۶ تالیف شده و وی در ۹۲۷ و ۹۲۸ آن را ترجمه کرده و بر اصل کتاب شرح حال شعرای فارسی زبان پیش از علیشیر و شعرای معاصر خود را که در ایران و در دربار سلطان یعقوب در آن در بایجان و در خاک عثمانی می زیسته اند افزوده است.

۱۶۷ - سلطان محمد فخری بن امیری هروی که او نیز در اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم می زیسته و از ادبای خراسان بوده و همان کتاب مجالس النقایس را در زمان شاه اسمعیل

(۹۰۷ تا ۹۳۰) و حکمرانی خراسان سام میرزا که درمش خان ازجانب اونیابت داشته است بنام میرزا حبیب الله وزیر خراسان ترجمه کرده و آن ترجمه را «اطایف نامه» نام گذاشته و برخی مطالب از آن جمله مجلس نهم را از خود بر اصل کتاب افزوده است. دیگر از مؤلفات اوست جواهر العجایب در احوال شاعرات زبان فارسی که در سند بنام عیسی ترخان تألیف کرده است و تحفة الحبیب که مجموعه غزلیات است که شاعران از نیک دیگر استقبال کرده اند و بنام خوانچه حبیب الله وزیر خراسان پرداخته و دیگر بوستان خیال که فقط شامل مطلعهای غزلیات ایشانست و تا زمان شاه طهماسب نیز زیسته و چند مثنوی و دیوان غزلیات از او مانده است.

۱۶۸ - نجم الدین طارمی از ادبای دربار سلطان حسین بایقرا بوده و کتاب

کامل التاریخ تألیف ابن الاثیر مورخ معروف زبان تازی را بنام او ترجمه کرده است.

۱۶۹ - قاضی اختیارالدین حسن بن غیاث الدین حسینی تربتی معروف

بقاضی اختیار از دانشمندان نامی زمان خود و قاضی هرات بود و پدرش نیز سمت

قضاوت داشت. در جوانی از زاوه بهرات رفت و در آنجا دانش آموخت و در اندک زمانی

ترقی کرد و بقضوی پرداخت و در ضمن در انشا و شعر و معما دست داشت و در پایان

سلطنت سلطان حسین بایقرا نخست قاضی هرات شد و سپس بمنصب وزارت او رسید

و از فقهای نامی زمان خود و از دوستان بابر میرزا و آموزگار او بود و سپس در زمان

استیلائی محمد خانی شیبانی در مقام قضاوت باقی ماند و پس از گشته شدن وی بزواوه که

وطنش بود باز گشت و بکشاورزی می پرداخت تا اینکه در آغاز سال ۹۲۸ بیدماری

سوء القبیله در گذشت و در قصبه تربت در مقبره خانوادگی مدفون شد و وی بزبان فارسی

و تازی مؤلفات چند دارد از آن جمله کتاب اقتباسات و مختار الاختیار و اساس الاقتباس

در حدیث و امثال و حکم که در ۸۹۲ تألیف کرده و مقامات حسینی و اخلاق همایون که

در ۹۱۲ بیان رساننده و رسایل دیگر در فقه و تعجیذ.

۱۷۰ - شاه نظام الدین محمد خاموش متوفی در ۸۶۰ از مشایخ معروف سلسله

نقشبندی در ماوراء النهر و مرشد خواجه عبیدالله احرار و مؤلف کتاب مرآت الایمان بوده است .

۱۷۱ - شهاب الدین ابوالعباس یاشمس الدین ابو محمد احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن عربشاه دمشقی حنفی عجمی معروف بابن عربشاه یا عجمی از بزرگان دانشمندان قرن نهم اصلاً ایرانی بوده و در ۷۹۱ در دمشق ولادت یافته و در ۸۰۳ که امیر تیمور دمشق را گرفت و گروهی از مردم آنجا را بایران آورد وی را با خانواده اش بسمرقند برد و در آنجا نزد سید محمد گزگانی سمرقندی و محمد بخاری و جزیری و دیگران دانش آموخت و زبان فارسی و ترکی و مغولی را یاد گرفت و در ۸۱۱ از راه ختای بمغولستان رفت و از شرامی حدیث آموخت و سپس بخوارزم و از آنجا بدشت و سرای و حاجی طرخان رفت و در ۸۱۴ در حاجی طرخان بود و از آنجا از راه قریم بآدرنه در خاک عثمانی رفت و یکی از مقربان سلطان محمد بن بایزید شد و چند کتاب فارسی و تازی را برای او ترکی ترجمه کرد و متصدی مکاتبات سلطان بزبان تازی و ترکی و فارسی و مغولی بود . سپس در ۸۲۴ بحلب و در ۸۲۵ بدمشق رفت و آنجا از ابو عبدالله محمد بخاری که از دوستانش بود حدیث فرا گرفت . در ۸۳۲ بسفر حج و در ۸۴۰ بقاهره رفت و مخصوصاً با ابوالحسن ابن تغریبوردی رفت و آمد داشت در خانقاه صلاحیه در قاهره در ۸۵۴ در گذشت . ابن عربشاه بزبان ترکی و فارسی و تازی مؤلفات چند دارد که معروف ترین آنها کتاب عجایب المقدور فی نوائب تیمور یا فی اخبار تیمورست که مرتضی نظمی زاده بغدادی در ۱۱۱۰ بشرکی ترجمه کرده و شامل فتوحات تیمور و جانشینان اوست و اغلب مقاسد سلطنت او را با حقیقتی تام شرح داده و در ضمن اطلاعات گران بهایی در باره سمرقند و دانشمندان آن دارد و دیگر از مؤلفات اوست فاکهة الخلق و فاکهة الظرفا که در صفر ۸۵۲ تمام کرده و شامل ده فصل مانند کتاب کلیده و دمنه است و از مرزبان نامه تقلید کرده است ، دیگر کتاب التالیف الطاهر فی شیم الملك الظاهر ابی سعید جقمق و ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك و العجم و العرب و ترجمه ترکی جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی که بفرمان سلطان مراد

در زمانی که آموزگار او بود ترجمه کرده است ، ترجمهٔ نازمی مرزبان نامه ، ترجمهٔ ترکی تفسیر ابواللیث سمرقندی ، ترجمهٔ ترکی تعبیر دینوری ، ترجمهٔ ترکی منظوم تعبیر قادری ، جلوة الامداح الجمالیة فی حلتی العروض العربیة قصیده شامل ۱۸۳ بیت ، خطاب الذهاب الناقب و جواب الشهاب الثاقب ، مرآة الادب فی المعانی والبیان در حدود هزار بیت ، غرة السیر فی دولة الترك والتتر ، العقد الفرید فی علم التوحید منظومه ، عنقود النصیحة . دوپسروی حسن بن احمد و قاجالدین یا شهابالدین ابوالفضل عبدالوهاب متوفی در ۹۰۱ هـ که آن دونیز بابن عربشاه معروف بوده اند هم از دانشمندان نامی قرن نهم بشمار میروند .

۱۷۲ - افضل الدین عبدالعزیز بن محمد شیرازی مؤلف کتابیست در مزارات شیراز بنام دستور الزایرین که مطالب آنرا از کتاب شدالازار معروف بهزار مزار تألیف جنید شیرازی مؤلف مشهور قرن هشتم گرفته است .

۱۷۳ - خواجه جلال الدین محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری

معروف بخواجه محمد پارسا از اصحاب درجهٔ اول خواجه بهاء الدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار و پیشوای نقشبندیه و از مشاهیر عرفای این سلسله بود و در بخارا مسکن داشت و از رجال محترم زمان خود بشمار میرفت در محرم ۸۲۲ عازم حج شد و چون از رود جیحون گذشت بهر شهر و قصبه که میرسید سادات و علما و دانشمندان مقدم او را گرامی می شمردند و پس از رسیدن بمسکه گرفتار بیماری سخت شد چنانکه در عماری طواف کردو بهمان حال بمدینه رفت و در راه یکی از اصحاب خود را خواست و گفت بنویسد که ظهر روز شنبه ۱۹ ذیحجهٔ ۸۲۲ در موقع خروج از مسکه که با مرکب می رفتم در میان خواب و بیداری جنید را دیدم که مرا گفت زیارت تو پذیرفته است و من انجام روز چهارشنبه ۲۳ آن ماه بمدینه رسیدم و روز پنجشنبه در گذشت و شمس الدین فناری و اهل قافله بر او نماز گزاردند و شب جمعه او را در جوار مزار عباس بنخاک سپردند . خواجه محمد پارسا مؤلف کتب و رسایل بسیار در تصوف بزبان فارسی و تازیست که معروفترین و مهمترین آنها کتاب «فصل

الخطاب بوصول الاحباب که فارسی و عربی نوشته و در آن مطالبی برخلاف عقیده فرقه شیعه است و بهمین جهت کلمه «فصل الخطابی» را تاریخ رحلت او دانسته‌اند و دیگر از مؤلفات اوست رساله قدسیه در مناقب و کلمات بهاءالدین نقشبند که بدستور علاءالدین محمد بن محمد بخاری معروف بمطار پیشوای معروف نقشبندیه نوشته و تفسیر فارسی و الفصول الستة در حدیث و مسالك العارفين در مناقب نقشبندیه و طریقه آنها و نیز کتاب عقاید حکیم ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی دانشمند قرن چهارم را که ذکر آن گذشت (ص ۲۹) تهذیب کرده است. وی پسری داشته است بنام خواجه حافظ الدین ابونصر یارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه است و جانشین پدر شد و در ۸۶۵ در گذشت و در بلخ او را بخاک سپردند.

۱۷۴ - شیخ محمد مغربی از عرفای قرن نهم بوده و ظاهراً از پیروان طریقه نقشبندی بشمار میرفته و مؤلف رساله‌ایست در تصوف بنام جهان نما.

۱۷۵ - سید اسحاق حروفی از پیروان طریقه حروفی بوده و مؤلف کتابیست بنام منجم نامه که در روز چهارشنبه ۲۱ ربیع الاول ۸۲۸ پایان رسانده است.

۱۷۶ - خواجه عبدالله کاشغری ندایی از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رسایل چند در تصوف نوشته است از آن جمله: فقرات، رساله حقیقه، منظومه، مناجات.

۱۷۷ - محمود بن محمد قاضی زاده که از منجمان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۹۳۱ در گذشته و بجز موسی بن محمد بن محمود معروف بقاضی زاده رومی منجم معروف قرن نهم و عبدالکبیر بن اویس قاضی زاده و قوام الدین یوسف بن حسن قاضی زاده بوده است و مؤلف کتابیست در شرح زیج الخ بیک بنام دستور العمل که در ۹۰۴ تألیف کرده است و نیز رساله‌ای در ربیع مجیب نوشته است.

۱۷۸ - تاج الدین محمود اشنوی از مشایخ نقشبندی قرن نهم بوده و در رساله در تصوف از او مانده است یکی بنام غایة الامکان فی درایة امکان و دیگری بنام تاج نامه.

۱۷۹ - غیاث الدین سبزواری از پزشکان قرن نهم بوده و کتابی در قرابادین تألیف کرده است.



۱۸۰ - محمد بن یوسف طبیب هروی از مشاهیر پزشکان قرن نهم ایران بوده و در هرات میزیسته است و در پایان زندگی با ظهیرالدین بابر به هندوستان رفته و رساله غرایب و عجایب هندوستان را در آنجا تألیف کرده است و نیز کتابی در لغات و اصطلاحات طبیبی دارد بنام جواهر اللغه یا بحر الجواهر که نخست آنرا بنام جلال الدین ملک دینار از امرای زمان خود تألیف کرده و سپس روایت دیگری از آن انتشار داده است .

۱۸۱ - یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی پسر محمد بن یوسف سابق الذکر بوده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته است و با پدر به هندوستان رفته و در دربار ظهیرالدین بابر و همایون میزیسته و شعر نیز میگفته و یوسفی تخلص میکرده و بیشتر مطالب طب را بشعر در آورده است و به همین جهت آثار وی بسیار معروف شده و در قدیم مردم آنرا حفظ میکرده اند و از جمله آثار وی بزبان فارسیست : فواید الاخیار که در ۹۱۳ تألیف کرده ، قصیده در حفظ الصحه که در ۹۳۷ نظم کرده ، ریاض الادویه که در ۹۴۶ تألیف کرده است ، علاج الامراض ، جامع الفوائد ، طب یوسفی .

۱۸۲ - محمد بن شیخ هروی از ادبای قرن نهم ساکن هرات بوده و رساله‌ای در تنفال دیوان حافظ نوشته است .

۱۸۳ - نعمه الله بن محمود نخبجویی معروف بیابا نعمه الله از معارف عرفای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بود و در پایان زندگی بخاک تورکیه رفت و در آق شهر ساکن شده و به همین جهت به « علوان آق شهری » معروف شده و در آنجا در ۹۲۰ در گذشته و بزبان فارسی و تازی مؤلفات چند دارد از آن جمله تفسیری بنام فوائح الالیه و مفاتیح الغیبیه الموضحة للمکالم القرآنیة والحکم الفرقانیه که در ۹۰۲ پایان رسانده و حاشیه بر انوار التنزیل و اسرار التأویل تفسیر بیضاوی که در حدود سال ۹۰۰ تألیف کرده و شرح ممزوجی بر گلشن راز و رساله‌ای در وجود و هدایة الاخوان در تصوف .

۱۸۴ - اوحد الدین عبدالله حمینی بلیانی کازرونی از اولاد اوحد الدین عبدالله بلیانی کازرونی عارف مشهور قرن هفتم بوده و همان لقب و نام جدش را داشته و به همین جهت ویرا با جدش اشتباه کرده اند و او در قرن نهم میزیسته و در حدود سال ۹۰۰

در گذشته است و چند کتاب در علوم خفیه نوشته است از آن جمله ریاض الطالبین و مفتاح الکنوز در عمل .

۱۸۵- نظام الدین عبدالعلی بن محمد بن حسین بیرجندی از مشاهیر علمای ریاضی و منجمین اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بوده و در ۹۱۱ در گذشته و ویرا در فنون مختلف زبان، تازی و پارسی تألیقات بسیارست از آن جمله شرح تذکرة النصیریة ، شرح فواید البهائیه در حساب از عماد الدین بغدادی که در اواخر ذیحجه ۸۹۱ پربیان رسانیده است ، شرح منار الانوار حافظ الدین نسفی که بنام عبیدالله خان ازبک تألیف کرده است ، شرح آداب عضد الدین ایچی ، بیست باب در تقویم ، مسالك و ممالك فارسی که ظاهراً در ماه رجب ۹۰۹ پربیان رسانیده است .

۱۸۶- محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در ۸۸۵ از مریدان خواجه عبیدالله احرار شده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین را در مقامات وی نوشته است .

۱۸۷- طاهر الدین محمد بن شمس الدین ابراهیم بمی از مشایخ کرمان بوده و کتابی در مقامات پدرش که وی نیز از اولیای آن دیار بوده است در پایان قرن هشتم و آغاز قرن نهم تألیف کرده و کتاب دیگری داشته است بنام بم نامه در تاریخ بم .

۱۸۸- شمس الدین بن محمود بن علی چهارمی نیز از مشایخ این زمان بوده و کتابی در مقامات طاهر الدین محمد سابق الذکر در میان سالهای ۸۷۰ و ۸۸۰ تألیف کرده است . وی نخست از مریدان شاه نعمت الله ولی بوده و پس از آن در سالك پیروان طاهر الدین در آمده است .

۱۸۹- رکن الدین یحیی بن معین الدین جنید شیرازی از متصوفه فارس بوده و در قرن نهم کتاب سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف شیرازی عارف مشهور را که ابوالحسن دیلمی بتازی نوشته بود بفارسی روان و فصیح ترجمه کرده است .

۱۹۰- ابوبکر قطبی اهری از مورخان این دوره است که تاریخ شیخ اوئیس را در حدود ۸۶۰ تألیف کرده است .

- ۱۹۱ - معین الدین لطنزی مؤلف منتخب التوارخ معینی در تاریخ ملوک و شیخانگاره و هرمز و کرمان و یزد و لرستان و ایماخانان مغول تا بازماندگان تیمور که در سالهای ۸۱۶ و ۸۱۷ تألیف کرده است .
- ۱۹۲ - نجم الدین طارمی از عرفای قرن نهم بوده و در ۸۱۱ تذکره احوال ابو عبد الله محمد بن صدیق بن محمد کججانی یا کججی عارف مشهور متوفی در ۶۷۷ را که از مردم کججیان یا کجج از توابع مهرانرود تبریز بوده است و یکی از اصحاب وی تاج الدین حسن بن حمزه شیرازی پلاسی در همان قرن تألیف کرده بود بفارسی بسیار خوب ترجمه کرده است .
- ۱۹۳ - میر کمال الدین حسین بن مولانا شهاب الدین اسمعیل طبسی سمرقانی هروی از متصوفه قرن نهم بوده و برخی رسایل در تصوف و شرح منازل السائرین عبدالله انصاری را تألیف کرده و چنانکه گذشت ( ص ۲۳۲ و ۲۵۵ ) کتاب معروف مجالس العشاق را که در ۹۰۸ و ۹۰۹ تألیف شده است و برخی بساطان حسین بایقراسبت داده اند ازو می دانند .
- ۱۹۴ - برهان الدین عبدالله ختلائی از مشاهیر عارفان قرن نهم بوده و در ۸۹۳ در گذشته و چند کتاب در تصوف نوشته است از آن جمله کشف الحجاب و شرح لمعات فخر الدین عراقی .
- ۱۹۵ - درویش علی بن یوسف کوکهری نیز از عارفان این زمان بوده و کتابی در تصوف بنام زبدة الطریق در ۸۰۵ بیابان رسانیده و نیز شرحی بر لمعات نوشته
- ۱۹۶ - خاوری نام نیز شرحی بر لمعات عراقی نوشته و ظاهراً وی نیز در قرن نهم میزیسته است .
- ۱۹۷ - صلاح بن مبارک بخاری مؤلف انیس الطالبین و عدة السالکین در مقامات بهاء الدین نقشبند .
- ۱۹۸ - ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی که وی نیز در ۸۰۴ کتابی در

مقامات بهاء‌الدین نقشبند بیابان رسانیده است.

۱۹۹ - **فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی متخلص بصفی پسر ملا حسین**

کاشفی دانشمند معروف بوده و چنانکه گذشت (ص ۲۴۷ - ۲۴۸) در هرات می‌زیسته و از بیروان طریقه نقشبندی بوده و در ۹۳۹ در گذشته است و کتاب اسرار فاسمی پدرش را تلخیص کرده و بجز آن کتاب رشحات عین‌الحیات را در احوال مشایخ طریقه نقشبندی در ۹۰۹ بیابان رسانیده و کتاب لطایف الطوائف را در حکایات در ۹۳۹ نوشته و کتاب حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن نیز از وصت و دیوان غزلیات و مثنوی محمود و ایاز از او مانده است.

۲۰۰ - **اشرف بن شرف مذکر فاروقی مؤلف دانشنامه قدرخان در لغت فارسی**

که در ۸۰۷ در بخارا تألیف کرده است.

۲۰۱ - **شاه قلی میر آخور سلطان حسین بایقرا** که فرس نامه ای بنشر بنام

عبیدالله خان از بک تألیف کرده است.

۲۰۲ - **علی بن عبدالعالم کاتب** از دانشمندان ماوراءالنهر بوده و در بخارا در بیابان

قرن نهم و آغاز قرن دهم کتاب معروف مسالك الممالك یا اشکال العالم تألیف ابو عبدالله احمد بن محمد بن نصر جیهانی وزیر معروف سامانیان را در زمان عالی خواجه حکمران بخارا بفارسی بسیار فصیح ترجمه کرده است.

### ۳ - **شاهران**

چنانکه پیش ازین نیز اشاره رفت قرن نهم ایران بدلایلی که گفته شد از حیث

وفور شاعران فارسی زبان امتیاز دارد و بزرگان شعرای این زمان ازینقر ازند :

۱ - **عمادالدین یا نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن**

**شمس الدین محمد جامی** بزرگترین دانشمند و شاعر ایران در قرن نهم بود. پدرش از مردم محله دشت اصفهان بود و نسبش از یکسو بامام محمد شیبانی و از سوی دیگر بشیخ الاسلام احمد زنده پیل جامی عارف مشهور قرن پنجم میرسید. خانواده اش در خرجرد جام ساکن شده بودند و وی در ۲۳ شعبان ۸۱۷ در آنجا ولادت یافت و در جوانی که

پدرش از جام بهرات رفت با وی در آن شهر ساکن شد و در همان زمان بشاعری آغاز کرد و چندی دشتی تخلص میکرد و هم در همان زمان که بتحصیل علوم متد اول زمان مشغول بود مجذوب طریقه تصوف شد و در حلقه مریدان سعدالدین محمد کاشغری عارف مشهور و جانشین بهاءالدین نقشبند متوفی در ۸۶۰ در آمد و در ضمن نحو و صرف و منطق و حکمت مشایخی و حکمت اشراق و طبیعیات و ریاضیات و فقه و اصول و حدیث و قرائت و تفسیر و تصوف را فرا گرفت و درین زمان در مدرسه نظامیه هرات ساکن بود و نزد معروفترین دانشمندان زمان تحصیل علم کرد چنانکه مختصر تلخیص و شرح مفتاح و مطول و حاشیه آنرا از مولا ناسخید اصولی فرا گرفته و سپس بدرس خواجه علی سمرقندی از شاگردان سید شریف کرکانی و شهابالدین محمد جاجرمی از شاگردان سعدالدین تفتازانی رفتند و پس از آن بسمرقند رفته و در دروس قاضی زاده رومی و فتح الله تبریزی که در دستگاہ الغ بیک صدارت داشته است و ملا علی قوشچی حاضر شده است و پس از آن بهرات باز گشته و پس از مرگ سعدالدین کاشغری در حلقه مریدان خواجه ناصرالدین عبیدالله معروف بخواجه احرار در آمده و درین میان یک سفر بمر و سفر دیگری در ۸۷۰ بسمرقند و سفر دیگری در ۸۸۴ بسمرقند و فاراب و تاشکند و سفری در ۸۷۷ بحجاز و حج از راه خراسان و همدان و کردستان و بغداد و کربلا و نجف و مدینه و مکه و دمشق و حلب و تبریز کرده و این سفر از اواسط ربیع الاول ۸۷۷ آغاز شده و چند ماه کشیده است. جامی در جوانی که بشاعری آغاز کرده درین فن معروف شده و نخست میرزا ابوالقاسم بابر و پس از آن میرزا سلطان ابو سعید بوی توجه کرده اند و سپس مورد توجه خاص ابوالغازی سلطان حسین بایقرا و امیر معروف دربار وی علیشیر نوایی قرار گرفته و در بازمانده عمر خود در دربار سلطان حسین بسیار معزز و محترم بوده است و در ضمن شهرت وی در نواحی دیگر کشورهای اسلامی پیچیده و بااوزون حسن آق قویونلو و سلطان یعقوب و سلطان محمد فاتح پادشاه معروف عثمانی و سلطان بایزید دوم رابطه داشته است و درین میان همه اوقات او مستغرق در کسب دانش و تحقیق و تألیف بوده و مردی وارسته و دارای عزت نفس

و استغنا بشمار میرفته و زندگی بسیار ساده میکرده و در نیکو خواهی و ذوق و خوش طبعی و ظرافت و گشاده رویی و کرم در زمان خویش مشهور بوده است و در میان شاعران و دانشمندان زمانه از همه مشهورتر بوده و سرانجام در هرات روز هجدهم محرم ۸۹۸ در ۸۱ سالگی در گذشته است و در همان شهر در کنار مزار سعدالدین کاشغری او را بخاک سپردند و قبرش امروز معروف بتخت مزار است. عبدالرحمن جامی نه تنها یکی از بزرگان شعرای ایران بشمار است بلکه او را خاتم شعرای ایران دانسته اند زیرا که پس از وشاعری بدان بزرگی نیامده است. آثار وی در شهر نخست سبعة اوست که شامل هفت مثنویست و خود آنرا «هفت اورنگ» نامیده است؛ (۱) سلسلة الذهب که دفتر اول آنرا در میان سالهای ۸۷۳ و ۸۷۷ نظم کرده و دفتر دوم را در ۸۹۰ پایان رسانده و دفتر سوم را پس از آن نظم کرده است، (۲) سلامان و اقبال که در ۸۸۵ نظم کرده، (۳) تحفة الاحرار که در ۸۸۶ پایان رسیده، (۴) سیحة الابرار که در ۸۸۷ پایان رسیده، (۵) یوسف و زلیخا که در ۸۸۸ تمام کرده است، (۶) لیلی و معجون که در ۸۸۹ پایان رسانده است، (۷) خردنامه اسکندری که ظاهراً در حدود ۸۹۰ پایان رسانده است. قسمت دوم از اشعار وی دیوان قصاید و غزلیات اوست که سه نوبت آنها را جمع کرده و هر يك را نامی جداگانه گذاشته است؛ (۱) فاتحة الشباب که در ۸۸۴ تدوین کرده است، (۲) واسطة العقد که در ۸۹۴ جمع کرده، (۳) خاتمة الحیوة که در ۸۹۶ دو سال پیش از مرگ خود تدوین کرده است. گذشته ازین ده کتاب که مجموعه اشعار اوست در رشته های مختلف بزبان پارسی و تازی کتابها و رسایل بسیاری گذاشته است که فهرست آنها بترتیب حروف هجا بدین گونه است؛ (۱) اربعین، (۲) ارشادیه که برای سلطان محمد فاتح فرستاده است، (۳) اشعة المعات در شرح لمعات عراقی اتمام در ۸۸۶، (۴) اعتقادنامه، (۵) بهارستان تقلید گلستان که در ۸۹۲ برای پسرش ضیاءالدین یوسف تألیف کرده است، (۶) تاریخ صوفیان و تحقیق مذهب آنان، (۷) تاریخ هرات، (۸) تجنیس اللغات یا رساله تجنیس خط منظوم، (۹) ترجمه چهل حدیث یا ترجمه اربعین حدیث اتمام در ۸۶۶، (۱۰) تفسیر که ناقص مانده است، (۱۱) تفسیر

سورة فاتحه (۱۲) الحاشية القدسية بر کلمات قدسية بهاء الدين نقشبند (۱۳) جليلة الحلال  
 در معما اتمام در ۱۴۸۵۶ ( درة الفاخره در تحقيق مذهب صوفيه و حکما و متکلمين ، ۱۵ )  
 ديوان رسايل ، ۱۶ ) ذکر طريقه صوفيان بطريق خواجگان ، ۱۷ ) رساله ارکان الحج  
 اتمام در روز پنجشنبه ۲۲ شعبان ۸۷۲ در بغداد ، ۱۸ ) رساله في الاهليت ، ۱۹ ) رساله  
 في التصوف و اهلها و تحقيق مذهبهم ، ۲۰ ) رساله في النسلة النقشبندية ، ۲۱ ) رساله في الوجود ،  
 ۲۲ ) رساله في تحقيق الوجود ، ۲۳ ) رساله تحقيق مذهب صوفى و متکلم و حکيم ، ۲۴ )  
 رساله تهليليه ، ۲۵ ) رساله شرايط ذکر ، ۲۶ ) رساله صرف ، ۲۷ ) رساله عروض ، ۲۸ )  
 رساله عروه ، ۲۹ ) رساله قوافي يا رساله در فن قافيه ، ۳۰ ) رساله لا اله الا الله ، ۳۱ ) رساله معماي  
 صغير ، ۳۲ ) رساله معماي كبير ، ۳۳ ) رساله معماي متوسط ، ۳۴ ) رساله منطق ، ۳۵ ) رساله  
 منظومه ، ۳۶ ) رساله موسيقي ، ۳۷ ) رساله نور بخش در بيان حقيقت و طريقت مجاز ، ۳۸ )  
 رساله وجود و موجود ، ۳۹ ) رساله وحدت وجود ، ۴۰ ) سبحة في النصاب و الحكم که براي  
 سلطان حسين بايقرا تأليف کرده ، ۴۱ ) سخنان خواجه پارسا ، ۴۲ ) سؤايل و جواب  
 هندوستان ، ۴۳ ) شرح ابیات اول مثنوی معروف بر رساله النائيه يا نى نامه ، ۴۴ ) شرح  
 بيت قران السعدين خسرو دهلوی ، ۴۵ ) شرح بيتين از مثنوی مولوی ، ۴۶ ) شرح حال  
 عرفا ، ۴۷ ) شرح حديث ابی ذر العقبلي ، ۴۸ ) شرح حديث اربعين ، ۴۹ ) شرح رباعيات ،  
 ۵۰ ) شرح رباعيات وحدت وجود ، ۵۱ ) شرح رساله الوضع عضدالدين ، ۵۲ ) شرح فصوص  
 الحكم ابن العربي اتمام در ۵۳، ۱۸۹۶ ) شرح قصيده برده منظوم ، ۵۴ ) شرح قصيده عطار ،  
 ۵۵ ) شرح مائه عامل ، ۵۶ ) شرح مثنوی ، ۵۷ ) شرح مخزن الاسرار ، ۵۸ ) شرح  
 معميات مير حسين معمايي ، ۵۹ ) شرح مفاتيح الغيب صدر الدين قونيوي  
 منظوم و منشور ، ۶۰ ) شرح نفايه مختصر الوقايه صدر الشريعه حنفي بفرسي ، ۶۱ ) شواهد  
 النبوه لتقوية يقين اهل الفتوه اتمام در ۶۲، ۱۸۸۵ ) صد کلمه علمي بن ابيطالب با ترجمه  
 فارسي ، ۶۳ ) فوائد الضيائيه شرح كافيه في النحو از ابن حاجب که بشرح جامعي  
 معروفست و در روز شنبه ۱۱ رمضان ۸۹۷ براي پسرش ضياء الدين يوسف بيان  
 رسانده است ، ۶۴ ) کلمتي الشهاده ، ۶۵ ) گل و نوز ، ۶۶ ) لوايح شرح قصيده ميميه

ابن الفارض اتمام در صفر ۸۷۵، ۶۷) نوایح اتمام در حدود ۸۷۴، ۶۸) معنیات، ۶۹) مفتاح الغیب در تفسیر، ۷۰) مناسک حج منظوم، ۷۱) مناقب جلال الدین رومی، ۷۲) مناقب شیخ الاسلام عبدالله انصاری، ۷۳) منشآت، ۷۴) منظومه معما معروف بر سالة اصغر معما، ۷۵) نظم الدرر شرح قصیده نائیة ابن الفارض، ۷۶) نجات الانس من حضرات القدس تهذیب و تکمیل کتاب طبقات الصوفیة عبدالله انصاری بزبان هروی در احوال مشایخ عرفا که بنام علیشیر نوایی در ۸۸۳ بیان رسانده است، ۷۷) نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص اتمام در ۸۶۳. جامی بنا بر رسمى که در میان شاعران قرن نهم رواج داشته برخی از قصاید خود را نام گذاشته است چنانکه قصیده قافیه نون و شین (شینیه) را که استقبال از قصیده معروف خاقانی کرده و ۳۰ بیتست «جلاء الروح» نام گذاشته است. آثار جامی در خارج از ایران نیز رواج یافته است چنانکه برخی از مثنویات او از آن جمله سلمان و ابراهیم و یوسف و زلیخا و تحفة الاحرار و لوایح و رباعیات او بزبانهای اروپایی و مخصوصاً فرانسه و انگلیسی ترجمه شده است.

۲ - محمد بن احمد بن محمد جامی برادر مهتر نورالدین عبدالرحمن جامی بوده و از دانشمندان زمان خود بشمار میرفته و در علوم ظاهر دست داشته از آن جمله در علم ادوار و موسیقی کامل بوده و شعر را نیکو میسروده و پیش از برادر کهتر خود جامی در گذشته چنانکه جامی در باره او مرثیت گفته است.

۳ - میر نظام الدین علیشیر بن میر غیاث الدین گجکنه معروف با میر علیشیر نوایی معروفترین رجال قرن نهم و بزرگترین امیر دربار سلطان حسین بایقرا بود. اجدادش از مخصوصان میرزا عمر شیخ بن تیمور بودند. وی در ۸۴۴ در هرات ولادت یافت و در کودکی با پدرش سفری بیزد رفت و پس از آن در جوانی چندی در مشهد اقامت داشت و ملازم میرزا سلطان بابر بود و از همان زمان با سلطان حسین بایقرا مربوط شد. پس از مرگ بابر که سلطان حسین از مشهد بمر و رفت وی نیز با او همراه شد و در مرو با او همدرس بود و سپس در زمان سلطان ابو سعید بهرات رفت و چندی از ملازمان سلطان ابو سعید بود و سپس از خراسان بماوراء النهر رفت و چندی در



خانقاه خواجه فضل الله ابولیتی در سلك مریدان او بود و در ضمن بتکمیل دانش می کوشید و گاهی با امیر درویش محمد ترخان و امیر احمد حاجی که حکمرانان هاوراءالنهر بودند آمیزش داشت و پس از مدتی بخراسان بازگشت و پس از آن در زمانی که سلطان احمد میرزا پس از استیلای سلطان حسین بر خراسان از آنجا بصرقند رفت ویرا با خود برد و چون سلطان حسین میرزا در حکمرانی مستقر شد وی از امیر حاجی اجازه گرفت و بهرات بازگشت و در دربار سلطان حسین بواسطه روابطی که از جوانی با او داشت کارش بالا گرفت و کم کم بر همه امرا مقدم شد و سرانجام هنگامیکه سلطان حسین از استرایاد باز میگشت و وی باستقبال رفته بود در راه چون بسطغان حسین رسید حال ضعف درو پیدا شد و در همان شب سکنه کرد و پس از چند روز در روز یکشنبه ۱۱ جمادی الاخره ۹۰۶ در هرات در گذشت و ویرادرعید گاه هرات در گنبدی در شمال مسجد جامع دفن کردند و مزار او هنوز در آن شهر معروف است. علیشیر از مردان بزرگ تاریخ ایرانست و گذشته از توجه بسیاری که نسبت بادبیات داشته و یدشرف فوق العاده ادبیات قرن نهم همین اوست مرد بسیار افتاده خوشروی نیکو کار مهربان دانش دوست کریم و زیر دست نواز بوده و کمتر کسی در تاریخ ایران باندازه او خیرات کرده است، چنانکه ۳۷۰ بقعه را تعمیر کرده و ۹۰ رباط ساخته و از جمله آثار خیر وی که هنوز در ایران باقیست ایوان جنوبی صحن عمیق آستان رضوی و مزار شیخ فریدالدین عطار در نیشابور و آب نهر خیابان در مشهد و رباط سنگ بست و رباط دیز آباد و سد آجری روستای طرق و بقعه قاسم انوار در روستای لنگر درخرگرد جام و برخی ساختمانهای دیگرست. علیشیر در زبان ترکی جغتایی و فارسی نویسنده و شاعر زبردستی بوده و مقام مهمی که دارد اینست که مؤسس شعر جغتاییست و بهمین جهت معروفترین شاعر ازبکستان شوروی بشمار میرود و آثار او طلیعه ادبیات زبان ازبکست. در زبان جغتایی نوایی و در زبان فارسی فانی تخلص می کرده، اشعار وی در زبان جغتایی شامل خمسه ایست بنام خمسه المتحیرین که بتقلید از خمسه نظامی سروده و شامل پنج مثنویست: حیوة الابرار در برابر مخزن الاسرار،

فرهاد و شیرین ، لیلی و مجنون ، سبعة سیاره در برابر هفت گنبد ، سد سکندری در برابر سکندر نامه ، غزلیات و قصاید خود را در چهار دیوان که هر يك مجموعه اشعار يك قسمت از عمر اوست گرد آورده بدین ترتیب : غرایب الصغر ، نوادر الشباب ، بدایع الوسط ، فواید الکبر ، بجزین یکمده دیگر مؤلفات بنظم و نثر پارسی و ترکی دارد که فهرست آنها بترب حروف هجا ازین قرار است : اربعین منظوم ، تاریخ انبیا ترکی ، تاریخ ملوک عجم ، تحفة الملوک ، حالات پهلوان محمد ابوسعید ، حالات سید حسن اردشیر ، دیوان فارسی ، رساله معمای نود و نه بنام حضرت رسالت ، رساله معنیات فی اسماء الحسنی ، سراج المسلمین ، سیر الملوک ، عروض ترکی یا رساله عروضیه ، قصه شیخ صنعان ، لسان الطیر مثنوی ترجمه منطلق الطیر عطار ، لغات ترکی بفارسی ، مجالس النفایس تذکره شعرای معاصر وی که در ۸۹۶ بزبان ترکی تألیف کرده و سه بار بفارسی ترجمه شده است : یکبار در هرات بنام لطایف نامه بتوسط سلطان محمد بن محمد امیری هروی متخلص بفخری که دو حدود ۹۲۸ ترجمه شده ، بار دوم در استانبول بتوسط شاه محمد بن حاج مبارکشاه محمد قزوینی معروف بحکیم شاه محمد طبیب که از ۹۲۷ تا ۹۲۹ مشغول ترجمه آن بوده ، بار سوم در خراسان بتوسط شاه علی بن عبدالملی در اوایل قرن یازدهم ، محاکمه اللغتین در ترجیح زبان ترکی بفارسی که در ۹۰۵ بیابان رسانده است ، محبوب القلوب در اخلاق و غیره ، معنیات فارسی ، مفردات در فن معما ، مناجات نامه ، منشآت ترکی ، منشآت فارسی ، میزان الاوزان ترکی ، نسائم المحبه ترجمه ترکی نفعات الانس جامی ، نظم الجواهر ترکی . بجزین کتابها قصاید خود را در سال ۹۰۲ در عجم و عدای بنام ستمه ضروریه جمع کرده و خواند میر مؤلف حبیب السیر کتاب مستغنی در احوال و مناقب او بنام «مکارم الاخلاق» تألیف کرده که اخیراً بزبان ترکی ترجمه کرده اند .

۴ - سید معین الدین علی بن نصیر الدین هارون بن ابوالقاسم حمینی تبریزی معروف بقاسم انوار یا شاه قاسم انوار یکی از مشاهیر شعرای صوفی مشرب ایران و یکی از بزرگان قرن نهم بود ، در سراب نزدیک تبریز در ۷۵۷ ولادت یافت و جوانی را در

تبریز گذراند و بهمین جهت تبریزی معروف شد و در همان شهر دانش آموخت و در آغاز جوانی بطریقه تصوف درآمد و از مریدان شیخ صدرالدین موسی اردبیلی نواده شیخ صفی الدین عارف مشهور قرن هفتم و جد صفویه بوده و سپس سفری بمکه رفت و وارد در طریقه اوحیدالدین کرمانی و صدرالدین عالی یمنی شد و در بازگشت از حج نخست بکیلان و از آنجا بخراسان رفت و در هرات ساکن شد و در زمان تیمور و پسرش شاهرخ مریدان بسیار بهم زد و کارش بالا گرفت چنانکه شاهرخ در زمان سلطنت بدیدن او میرفت و سفری ببلخ و سمرقند کرد و باز بهرات برگشت ، پس از چندی بایستغری حیرزا باو تهمت زد و خواست ویرا بیازد و او بسمرقند رفت و بالغ بیک پناه برد و پس از چندی بخراسان بازگشت و در خرگرد یاخرجرد نزدیک جام در همان روستایی که مولد جامی بوده است ساکن شد و همانجا در ۸۳۷ درگذشت .

قاسم انوار که در شعر قاسم و قاسمی تخلص می کرده از بزرگان عرفای ایران و مردی بسیار دلیر و بیباک بوده و بهمین جهت گروهی از همعصرانش ویرا کافر می دانسته اند و میگفتند مریدان خود را از عبادت منع میکرده است و مسلکی اشتراکی و اباحی داشته و برخی هم ویرا پیرو طریقه حروفی دانسته اند و خود نیز گاهی باسرار حروف در آثار خویش اشاره کرده است . در هر صورت وی اصلا پیرو طریقه تصوف بوده و با خاندان صفوی خویشی داشته است و در زبان فارسی شاعر زبردستی بوده و گاهی بزبان ترکی و کیلیک هم شعر می گفته است و گذشته از دیوان غزلیات وی که معروفست بنظم و نثر آثار دیگری داشته از آن جمله است : مثنوی توجه نامه یا واقعه هرات که در ۷۷۹ بیابان رسیده است ، انیس العاشقین ، رساله وجود ، مکاتیب ، سؤال و جواب ، رساله الامانه که در ۷۷۹ بیابان رسیده است ، انیس العاشقین .

۵ - میر حسین بن محمد حسینی نیشابوری شیرازی معروف بمیر حسین معمای

معروفترین شاعر معماگوی قرن نهم بود ، در نیشابور ولادت یافت و در جوانی برای تحصیل دانش بهرات رفت و در آنجا در مدرسه اخلاصیه ساکن شد و علم آموخت و مردی نهی دست و پریشان روزگار بود و در هیچ کار کامیاب نشد و با اینهمه بسیار

در دستکار بود و جامی و علیشیر نوایی او را محترم می شمردند و همه وقت خود را در سرودن معما بکار می برد و سرانجام در ذیقعدة ۹۰۴ بیماری اسهال در گذشت و در کنبید مدرسه اخلاصیه او را بخاک سپردند. میر حسین چندین رساله در فن معما تألیف کرده است از آن جمله رساله ای بنام علیشیر، رساله دیگر بنام محمد مؤمن میرزا و رساله اولی را ضیاءالدین اردوبادی متخلص بشفیع و عبدالوهاب صابونی و جامی و سیفی بخاری شرح کرده اند.

۶ - سیفی عروضی بخاری از شاعران نامی قرن نهم بود. در بخارا ولادت

یافت و در جوانی بهرات رفت و از ملازمان علیشیر و مقربان دربار ساطع الحسین بود، پس از چندی به بخارا برگشت و در آنجا لله بایسنغر میرزا پسر دوم محمود میرزا حکمران بخارا شد و چون وی در ۱۸ سالگی در سال ۹۰۰ حکمران سمرقند شد با او بسمرقند رفت و پس از گذشته شدن بایسنغر میرزا در ۹۰۵ بدست امیر خسرو میرزا وی به بخارا برگشت و در آنجا سال ۹۰۹ در گذشت. سیفی در زمان خود تسلط در عروض معروف بوده و در ضمن مردی عجیب و میخوار و عربده جو بشمار میرفته و با اینهمه مردی دانشمند بوده و در مثنوی و اشعار اخلاقی و اشعاری در وصف پیشه‌وران نیز دست داشته و آثاری چند از او مانده از آن جمله رساله در معما، رساله در عروض، دیوان در اصطلاحات اهل صنایع و حرف، شرح معنیات میر حسین معمای دیوان قصاید و غزلیات.

۷ - شیخ جمال الدین علی حمزة بن علی ملک هاشمی آذری طوسی بهی

اسفراینی مروزی یکی از معارف شعرای این قرن بود. پدرش از اعیان ناحیه اسفراین بود و نسبش از یک سو بخاندان سرداران و از سوی دیگر بساحمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی صاحب الدعوة می رسد و بهمین جهت بمروزی و هاشمی معروف شده بود. چون چندی در طوس زیسته است او را طوسی هم گفته اند. در اسفراین در ماه آذر سال ۷۸۴ ولادت یافت و بهمین جهت آذری تخلص می کرد. در جوانی بشاعری آغاز کرد و بخدمت مداح شاهرخ و ملک اشعرازی دربار او بود. در همان موقع وارد طریقه

تصوف شد و نخست از مریدان شیخ محیی‌الدین غزالی طوسی بود و نزد او حدیث و حکمت آموخت و با اوسفری بحج رفت و در بازگشت ازین سفر شیخ وی در ۸۳۰ در حاب در گذشت و وی در حلقه مریدان شاه نعمه الله ولی وارد شد و با او هم سفری دیگر بحج رفت و از آنجا از راه حجاز به هندوستان رفت و در دربار احمد شاه ولی بهمنی پادشاه کلبر که ودکن اعتبار یافت و برای نظم بهمن نامه يك لك يعنى صد هزار و یاده هزار تنگه باو بخشید ولی چون نخواست در برابر او خم شود از خدمت او چشم پوشید و بایران باز آمد و پس از آنکه چندی در دربار محمد بایسنغر بود از کارهای دنیوی اعراض کرد و در اسفراین گوشدای گرفت و سی سال عبادت کرد و درین موقع همه بزرگان زمان باو احترام میکردند چنانکه میرزا بایسنغر در زمانی که بحکمرانی عراق میرفت و از اسفراین میگذشت بنحانه او رفت و برای سیاسکزاری از پندهایی که باو داده بود يك کیسه زر پیش او گذاشت و آورد کرد و سرانجام در اسفراین بسال ۸۶۶ در ۸۲ سالگی در گذشت و همه دارایی خود را وقف قبر خویش کرد و قبرش تا مدتی در آنجا زیارتگاه بود و از اوقاف وی طلاب در آنجا درس می خواندند و غذا می خوردند. آذری شاعر زبر دستی بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشت. دیوان قصاید و غزلیاتش نزدیک سی هزار شعر دارد و بجز آن مثنوی بهمن نامه را در سفر هند در دربار پادشاهان بهمنی در تاریخ این خاندان سروده و نیز مثنوی امامیه ازوست و در سفر حج کتاب معی الصفا را برای راهنمایی زوار نوشته و تاریخ کعبه را در محوطه کعبه تألیف کرده است و دیگر از مؤلفات اوست: طغرای همایون، غرایب الدنيا و عجایب الاعلا که قسمت دوم عجایب المناوقات قزوینی را ترجمه منظوم کرده و بنام عجایب الغرایب نیز معروفست، مثنوی ثمرات، جواهر الاسرار در اسرار حروف که در ۸۴۰ به پایان رسانده است، مفاتیح الاسرار در تصوف.

۸ - مولانا حسن شاه هروی معروف بحسن شاه هزال نیز از شاعران نامی

قرن نهم بوده و در هرات میزیسته و سالها در مدرسه گوهرشاد بیگم و اخلاصیه و مدرسه عباسیه درس میگفته و در جوانی ملازم میرزا سلطان محمد بوده است و از زمان شاهرخ

تا زمان سلطان حسین بایقرا در شمار شعرای نامی بوده است و در زمان سلطان حسین قدیمترین شاعر خراسان بشمار میرفته است و همه بزرگان زمان خود را مدح و مرثیه گفته است و در ضمن شاعر هزالی بوده و بیش از صد سال عمر کرده و سرانجام در ۹۰۵ در گذشته است و گذشته از شاعری در حکمت نیز دست داشته و شرحی بر کتاب حکمة العین نوشته است .

#### ۹ - شهابالدین علی ترشیزی متخلص بطوطی نیز از شاعران نامی قرن نهم

در زمان ابوالقاسم بابر میرزا بوده و از پزشکان معروف زمان خود بشمار میرفته و در هرات میزیسته و در همانجا در ۸۶۷ در گذشته است و وی قصیده را خوب میگفته و مردی ظریف و خوش منظر بوده است .

#### ۱۰ - لطفی هروی نیز از شاعران نامی این قرن بوده و پس از کسب دانش

وارد حلقه تصوف شده و از مریدان شیخ شهابالدین خیابانی بوده و مردم نیز بوی اعتقاد داشتند چنانکه علیشیر نوایی گوید که برای وی فائحه ای خوانده است و همه فتوحاتی که ویرا فراهم شده از آن فائحه بوده است و در شاعری نیز جزو مشاهیر عصر بود چنانکه در دم مرگ مطلع غزلی ساخته که مجال نکرده است بیایان رساند و جامی آنرا تمام کرده است و سرانجام در ۹۹۹ سالگی پیش از ۸۹۶ که تاریخ تألیف مجالس النفایس امیر علیشیرست در گذشته و در خانه ای که در کنار بیرون شهر هرات داشته است بخاکش سپرده اند . وی در زبان ترکی یکی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در شعر فارسی نیز دست داشته چنانکه همه قصاید مشکل استادان پیش را جواب گفته و ظفرنامه شرفالدین علی یزدی را نظم کرده و ده هزار شعر گفته ولی پاک نویس نکرده و ظاهراً از میان رفته است .

#### ۱۱ - مولانا سراج الدین بساطی سمرقندی نیز از شاعران نامی قرن نهم

بوده و در سمرقند معاصر سلطان خلیل بن امیرانشاه گورکان و نخست حصیر باف بوده و بهمین جهت در آغاز حصیری تخلص میکرده است و خواجه عصمت الله بخاری شاعر معروف چون او را دید گفت حصیری قابل بساط بزرگان نیست و او را تخلص بساطی داد و وی

در شعر پیر و سبک عصمة بوده و سبک کمال خجندی را افکار میکرده است و شبنی مغنیان در مجلس سلطان خلیل مطلعی از غزلیات او را خواندند و سلطان خلیل را خوش آمد و در پی او فرستاد و هزار دینار باو بخشید.

۱۲ - **خواجه فخرالدین عصمت‌الله بن مسعود بخاری** نیز از شاعران نامی و از خاندان معروف بوده و نسبت به جعفر بن ابیطالب میرسیده و از اعقاب خواجه حافظ کلان بوده و خواجه مسعود پدرش در بخارا احترام بسیار داشته و وی در شاعری معروف شده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و مرد دانشمندی بوده و تاریخ و ریاضیات را خوب میدانست و نخست مداح نصیرالدین سلطان خلیل بود و بهمین جهت نصیری تخلص میکرد و سلطان خلیل هم ویرا بسیار محترم میشد و همیشه همشین او بوده است تا بجاییکه بدخواهان میپنداشته‌اند که نسبت به سلطان خلیل نظری داشته و سلطان در شعر شاگرد او بوده است و وی در زمان شاهرخ از شعرای نامی بوده است و در زمان الغ بیک از شاعری چشم پوشید و الغ بیک اصرار کرد تا چند قصیده بمدح او گفت و پس از آن شاعری توبه کرد و همواره مجلس او مجمع شعرا و دانشمندان بود مانند بساطی سمرقندی و خیالی بخاری و برندق و خواجه رستم خوریانی و طاهر ابیوردی و پس انجام در زمان الغ بیک در ۸۲۹ در گذشت و در شعر پیر و سبک خسرو دهاوی بوده دیوانش بیست هزار شعر دارد و قصاید او در مدح سلطان خلیل و سلطان ابراهیم و لغ بیکست.

۱۳ - **شیخ جمال الدین ابواسحق احمد حلاج شیرازی** معروف بشیخ اطعمه یا بسحق اطعمه و یا احمد اطعمه از بزرگان شعرای زمان و از معاریف شیراز بوده و همیشه با بزرگان شهر حشر داشته و از ندیمان اسکندریین عمر شیخ کورگان بوده و ظاهراً پیشه او حلاجی بوده چنانکه گویند چندی نزد میرزا اسکندر رفت و پس از چند روز که نزد او رفت پرسید درین چند روز کجا بودی گفت یکروز حلاجی میکنم و سه روز پنبه از ریش بر می‌چینم و وی ریش بسیار درازی داشته و سر انجام در ۸۳۰ یا ۸۳۷ در گذشته است و مزار او اینک در تکیه چهل تنان شیراز معروفست.

سحق اطعمه مبتکر سبکیست در شعر فارسی که گفتار شعرای پیشین را تغییر داده و در آنها اسامی خوراکیها و طعامها را آورده است و بنظم و نثر نیز لطایفی درین زمینه دارد و مجموعه آثار وی درین زمینه شامل دیوان اطعمه و مناظره الاطعمه اوست.

۱۴ - **مولانا بهاء الدین برندق بخاری متخلص بنفدی می** نیز از مشاهیر شعرای زمان خود و مردی خوش طبع و هزل بوده و اقسام دیگر شعر را هم خوب می گفته و مداح و تربیت یافته بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور بوده و در بخارا و سمرقند با او زیسته و سپس با وی بخراسان و عراق آمده و زبان تند داشته و مردم از زبان او هراسان بوده اند و در زمانیکه بایقرا در بلخ بیادشاهی نشست در صله مدحی که گفته بود دستور داد پانصد دینار باو بدهند و پروانچی دو بست دینار نوشت و وی قطعه ای هزل آمیز گفت و میرزا بایقرا خندید و هزار دینار دیگر باو داد.

۱۵ - **خواجه نظام الدین رستم خوریانی** نیز از شعرای نامی و از مردم خوریان روستایی در خاک بسطام و مردی خوش طبع بود و عملداری می کرد و آنچه از عملداری بدست می آورد شب بخوش گذرانی صرف می کرد و در زمانیکه خواجه حافظ رازی وزیر عمر بن امیرانشاه بن تیمور بود پیشکار آن وزیر بود و وی عمل دهستان را باو سپرد و او با ببری در آنجا عیاشی میکرد و در قصیده و غزل دست داشته و دیوان او معروف بوده و در ۸۳۴ در گذشته است.

۱۶ - **مولانا بدر شروانی** از مشاهیر شعرای آذربایجان بوده و در شروان می زیسته و معروفترین شاعر دیار خود بوده است و در زمانیکه کاتبی بشروان رفته است با او مشاعر کرده و برخی در شاعری او را از کاتبی بالاتر می دانسته اند.

۱۷ - **مولانا علی در دزد استرآبادی** نیز از شعرای نامی آن زمان بوده و در ساری و آمل و کیلان شهرت بسیار داشته است و در طاعون سال ۸۴۰ زن او در گذشته و او را مرثیت گفته و ازینجا پیداست که تا آن زمان زنده بوده

۱۸ - **پهلوان شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری** ترشیزی یکی



از معروفترین شعرای زمان خود بود و در دوستای طرُق و راوش در میان خاك ترشیزی و خاك نیشابور ولادت یافته و بهمین جهت هم ترشیزی و هم نیشابوری معروف بوده است و نخست نیشابور رفته و شاگرد سیمی نیشابوری شاعر و خوشنویس معروف آن زمان بوده است و چون در خطاطی ترقی کرد تخلص خود را کاتبی گذاشت و چون در خط و شاعری زود ترقی کرده سیمی برورشك می برد و وی بهمان جهت بهرات رفت و قصیده‌ای بر دینف نر کس در مدح بایسنقر بسبك کمال الدین اسمعیل سرود و پس از چندی از آنجا باستراباد و کیلان و آذربایجان و شروان رفت و قصیده‌ای بر دینف گل در مدح شیخ ابراهیم پادشاه شروان گفت و ده هزار دینار شروانی صلت گرفت و وی آن پول را در کارونسرای شماخی در یکماه خرج کرد و بشاعران و نظریغان و درویشان بخشید چنانکه چند روز بعد بیک من آرد محتاج بود و سرانجام از آنجا باذربایجان رفت و قصیده‌ای در ستایش اسکندر بن قرا یوسف گفت و چون قدر شعرش را نشناخت قطعه‌ای در هجای او گفت و از تبریز باصفهان رفت و در حلقه مریدان صابن الدین تر که در آمد و کتابهای تصوف را پیش او خواند و پس از آن روی از جهان در کشید و اجازت گرفت و بکیلان رفت و از آنجا بطبرستان و استرآباد رفت و چندی در آن جا ماند و با دانشمندان شهر مشهور بود و در آن زمان باستقبال خمسة نظامی آغاز کرد و مرگ او را مجال نداد که بیایان رساند و در وبای عام سال ۸۳۹ در آن شهر در گذشت و در بقعه نه گوران او را بخاك سپردند. کاتبی از بزرگان شعرای زمان خود بوده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و گذشته از دیوان او که سه هزار بیت دارد آثار دیگر او بدین گونه است: کلشن ابرار در برابر مخزن الاسرار، مجمع البحرین یا ناظر و منظور، ده باب بتقلید بوستان سعدی، سی نامه یا محب و محبوب، دلبای، بهرام و گلندام، مثنوی حسن و عشق، ده نامه، حسن و گل، تجنیسات یا یا ده باب تجنیسات، کاتبی در ضمن ورزشکار هم بوده و بهمین جهت بیهلوان معروف بوده است.

خود بود و مردی محترم بشمار می رفت و با آندری مشاعره و مناظره داشت و بیشتر مداح محمد نجوکی میرزا بود و سفری با او بقندهار رفته و ساکن هرات بوده و مخصوصاً در قصیده سرایی دست داشته است .

۲۰ - مولانا سیمی نیشابوری نیز از شعرای نامی قرن نهم بود و از خوشنویسان مشهور زمان خود بشمار میرفت و در هر شش قلم دست داشت و در انشاء و ترسل و شعر و معما و نقاشی و ساختن کاغذ و مرکب و تذهیب نیز استاد بود و در ضمن مکتب دار و ادیب بود و نخست در نیشابور میزیست و سپس بمشهد رفت و چند تن از خوشنویسان زمان از آن جمله کاتبی شاعر معروف و مولانا عبدالحی خوشنویس از شاگردان وی بودند و وی از اقسام شعر تنها مطلع غزل و معما میگفت و در زمان میرزا علاءالدوله در مشهد در يك شبانروز سه هزار بیت گفت و بخط خوش نوشت و درین مدت در میان معرکه ای بود که مردم گرد آمده و دهل و نقاره میزدند و درین ضمن حتی بقضای حاجت برخاست و این ابیات شامل سه حکایت بوده و در میان آنها ابیات مصنوع هم بوده است و نیز در باره او نوشته اند که در شبانروز دوازده من طعام و میوه میخورد .

۲۱ - مولانا محمد یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری نیز از بزرگان شعرای این زمان بود و مردی دانشمند بشمار میرفت و در بیشتر از علوم دست داشت و در زمان شاهرخ از مشاهیر عصر خود بود و مخصوصاً در شعر و خط معروف بود و در ضمن مردی قانع و از ملازمت مردم گریزان بود و سرانجام در ۸۵۲ در گذشته است و وی بنظم و نثر آثار چند دارد از آن جمله : تعبیر نامه منظوم ، منظومه دستور عشاق معروف بحسن و دل که در ۸۴۰ پایان رسانده ، شبستان نکات و گاستان لغات که در ۸۴۳ تألیف کرده است ، کتاب اسرازی و خماری شامل اشعاری در اسامی اغذیه که از شعرای سلف تضمین کرده ، شبستان خیال نظم و نثر ، انشاء المصنوعه ، روضه بوستان ، خماریات ، رساله البسه ، اسرار نامه ، و بجزین چند دهنامه نظم کرده و دیوان اشعار او نیز بدست است .

۲۲ - کمال الدین حمین بن غیاث الدین محمد شیرازی فارسی معروف بکمال غیاث یا ابن غیاث یا ابن غیاث الدین از شعرای نامی فارس در قرن نهم بوده

و بقصه خوان معروف بوده است و با ابراهیم سلطان تیموری معاصر بوده و مردی خوش سخن و لطیف منظر بود و در شهر شیراز در میدان سعادت در وقت نماز دیگر بساط میفکند و بسخن کوی و بناقب خوانی مشغول میشد و ادویه میفروخت و از کتاب جاماسب نامه و احکام سخن میگفت و مردم باو معتقد بودند و هر روز ازین رهگذر مبلغی در آمد داشت و در ضمن از ورزشکاران و کشتی گیران زمان خود بود و در مناقب ائمه قصاید غرا میسروده است ولی با اینهمه تعصب نمیورزید و در ضمن مردی صوفی مشرب بود و اشعار عارفانه ازو مانده است و سرانجام در ۸۴۸ در گذشته و آنچه ازو مانده برخی غزلیات و قصایدیست که در مناقب ائمه و بمشرب عرفا سروده است و نیز منظومه‌ای بنام تشریح البدن گفته و ازینجا پیدا است که طبیب ماهر نیز بوده است.

۲۳ - مولانا بدخشی از جمله شعرای نامی ماوراءالنهر در قرن نهم بوده و در زمان الغ بیک در شهر سمرقند میزیسته است و پادشاه و بزرگان زمان او را در شاعری بر دیگران مقدم می‌شمردند و قصاید غرا در مدح الغ بیک سروده است و دیوان وی در ماوراءالنهر معروف بوده است.

۲۴ - مولانا احمد بن موسی خیالی بخاری نیز از شعرای نامی ماوراءالنهر و معاصر الغ بیک بود و چندی هم در هرات زیسته است و در شعر از شاگردان عصمت بخاری بشمار میرفته است و غزل را نیکو میسروده و دیوان غزلیات او در دو هزار بیت بدست است و نیز حاشیه‌ای بر تجرید الکلام نوشته و در ۸۷۰ در گذشته است.

۲۵ - مولانا سوذایی ایوردی معروف بیابا سوذایی از مردم ایورد در خاک خاوران بوده و بهمین جهت در آغاز خاوری تخلص میکرده و در ایورد دهی داشته بنام سنگان و همیشه در آنجا میزیسته است و مردی عارف مشرب و وارسته بود و با شاهرخ و با یسنغر معاصر بود و اشعاری در مدح ایشان سروده است و در نزد هر دو محترم بوده و عاقبت در همان روستای سنگان در ۸۵۳ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و درین موقع سن او بیش از ۸۰ بود. وی از شاعران صوفی مشرب بود و قصیده و غزل را خوب میگفت و مخصوصاً غزل او همه جا با افکار عارفانه آمیخته است و اشعاری هم در

مناقب ائمه سروده است .

۲۶ - مولانا طالب جاجرمی نیز از معاریف شعرای قرن نهم و از کدخدازادگان

جاجرم بود و در جوانی بفارس رفت و در شیراز شهرت یافت و بدستگاه عبدالله بن ابراهیم سلطان پیوست و مثنوی گوی و چوگان را بنام او سروده و از وصله و نوازش یافت و وی در شاعری شاگرد آزدی و مردی شیرین سخن و معاشر بود و صلاتی را که میگرفت باندک زمان از دست میداد و سی سال در شیراز ماند و در ۸۵۴ در گذشت و نزدیک مزار حافظ در مصلی او را بخاک سپردند و بجز مثنوی گوی و چوگان دیوان غزلیات او نیز معروفست .

۲۷ - امیر آق ملک بن جمال الدین فیروز کوهی شاهی سبزواری

یکی از بهترین غزل سرایان قرن نهم بود . اجدادش از امیران سربداری بودند و وی خواهر زاده خواجه علی مؤید از امرای این سلسله بوده و در زمان شاهرخ میرزا که این سلسله منقرض شد وی بخدمت بایسنغر میرزا پیوست و املاکش را که در انقراض سربداریان ضبط کرده بودند بوی پس دادند و ندیم خاص بایسنغر شد و با او بهرات رفت و در همان میان پس از چندی از خدمت وی اعراض کرد و بگوشه نشینی رفت و از حاصل مختصر ملکی که در سبزوارد داشت زندگی میکرد و در همانجا روزگار میگذراند و در زمان خود بسیار محترم بود و نیز مردی هنرمند بود چنانکه خوشنویس و نقاش زبردست بود و در موسیقی هم دست داشت و عود را خوب میزد و در معاشرت نیز معروف بود . سرانجام در زمان بابر میرزا که برای نقاشی کوشک گل افشان او را باسترآباد برده بودند در آنجا بسال ۸۵۷ در گذشت و سن او بیش از ۷۰ بود و جنازه او را از استرآباد بسبزواری بردند و در بیرون شهر در خانقاهی که سر راه نیشابور پندانش ساخته بودند و مرقدشان در آنجا بود بخاک سپردند . امیر شاهی یکی از بزرگترین غزل سرایان قرن نهم ایران بود و غزلیات عاشقانه بسیار خوب سروده است و دیوان غزلیات او نزدیک به هزار بیتست که خود از ۱۲ هزار شعر خویش انتخاب کرده است .

۲۸ - مولانا تاج الدین حسن بن علی سلیمی تونی سبزواری نیز از مشاهیر

شعرای قرن نهم بوده و مردی سلیم و نیکو نهاد بشعار میرفته و شاعری زبردست بوده و

در مدح ائمه قضاید غرا سروده است و مخصوصاً ولایت نامهای او معروفست و وی از مردم تون و ساکن سبزوار بوده و در آغاز کار عمل داری میکرد و روزی براتی بیجا بر بیوه زنی بنوشت، آن زن نزد او رفت و گفت: این برات تا موجه بحکم که بر من نوشته‌ای؟ گفت: بحکم سید فخرالدین وزیر، گفت: اگر روز رستاخیز دامت بگیریم و تو گویی که بحکم سید فخرالدین ظلم کرده‌ام خدا از تومی پذیرد؟ این سخن دردی در نهاد او افکند و قلم و دوات را زیر سنگ گذاشت و شکست و توبه کرد که گرد حرام خواری و عمل داری نکرد و از آن پس جزو صالحان و درویشان بود و بحج و زیارت اماکن مقدس رفت و سرانجام هنگامی که عازم مشهد بود در ولایت جهان وارغیان در ۸۵۴ در گذشت و جسد او را بسبزوار بردند و در آنجا بنخاک سپردند. سلیمی شاعر توانایی بوده و برخی قضاید او باقی مانده از آن جمله قصیده‌ایست که در راه مشهد در ۲۷ رجب ۸۴۷ سروده است و بتقلید قصیده حسن کاشیست.

### ۲۹ - محمد بن حمام الدین خوافی قهستانی معروف بابن حمام از معاریف

شاعران قرن نهم و مردی بسیار زاهد از مردم قهستان بوده و در قصبه خوسف در قهستان میزیسته و دهقانی میکرده و از آن راه گذران خود را اداره میکرده است و هر روز که بکشت زار میرفته از بامداد تا شام اشعاری را که می سروده بردسته بیل می نوشته و در ضمن از اصحاب صدرالدین محمد رواسی بوده و سرانجام در ربیع الاخر ۸۷۵ در همان قصبه در گذشته و اینک قبر او در روستای خوسف در قاین در کنار رودی و در میان دشت با صفایی معروفست. وی را دیوان قضایدیست در ستایش ائمه که در آن استادی او آشکارست و نیز مثنوی خاوران نامه را بیحرف و مقارب در شرح غزوات علی بن ابیطالب سروده و در ۸۳۰ پایان رسانده و بنام خاورنامه نیز معروفست و شعر عربی را نیز نیکو میسروده است.

### ۳۰ - مولانا محمود عارفی هروی نیز از شاعران نامی قرن نهم بوده و در

حدود سال ۷۹۱ ولادت یافته است و مدایح پادشاهان و امرای زمان خود را بسیار گفته اما بیشتر اختصاص داشته است بمدح خواجه پیر احمد بن اسحاق و از شاعران نامی زمان شاعر رخ بوده و در ضمن مردی عماد و یار سا بوده و بهمین جهت سلمان ثانی معروف

بوده است و در ضمن در طریقه حنفی تعصب داشته و در هرات بسال ۸۵۳ در گذشته است عارفی شاعر زبردستی بوده و در غزل و مثنوی مهارت داشته و گذشته از دیوان غزلیات آثار دیگری از او مانده است از آن جمله کوی و چو کان یا حالنامه که در ۸۴۲ پیایز رسانده و شامل ۸۰۰ بیت است که ۱۵ روزه سروده است ، منظومه‌ای در فقه حنفی شامل مالا بد مذهب امام ابوحنیفه ، ده نامه بنام خواجه پیر احمد بن اسحق .

۳۱ - **مولانا جنونی اند خودی** نیز از شعرای نامی زمان خود و اصلاً از مردان خود بوده ولی در هرات میزیسته است و از مردان ظریف و خوش طبع زمان خود بشمار میرفته و امرای زمان و مردم روزگار با او اقبالی داشته‌اند و مخصوصاً امیر غیاث الدین سلطان حسین بن فیروز شاه بدو معتقد بوده و وی بهزل بیشتر مایل بوده و با حافظ تربتی مهاجرات رکیک داشته و غزل را هم نیکو میسروده است .

۳۲ - **مولانا ضیاء الدین یوسف امیری بدخشالی** نیز از شعرای نامی زمان خود در ماوراء النهر و معاصر شاهرخ بود و همواره بعزت میزیسته و امرای و ارکان دولت او را محترم میداشته‌اند و قصاید غرا در مدح شاهرخ و فرزندان او از آن جمله بایسنغر سروده است ولی تخصص او در شعر ترکی بوده و پیش از ۸۹۶ که زمان تألیف مجالس النقایس باشد در بدخشان در گذشته و در ارهنگک و سر در خاک بدخشان او را بخاک سپردند .

۳۳ - **خواجه فخر الدین اوحید مستوفی سبزواری** از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و مخصوصاً در احکام نجوم و شعر و خط و استیفا و انشا و طب و تاریخ معروف بود و از اعیان سبزوار بود و خاندان او که بخاندان مستوفیان معروف بودند از مشاهیر آن شهر بشمار میرفتند و با اینهمه مردی درویش مسلک بود و با ظریفان معاشرت داشت و اوقات را بمباحث علمی میگذراند و هزار مجلد کتاب عربی و فارسی گرد آورده و آنها را بخط خود اصلاح کرده بود و امرای اطراف برای او هدایایی میفرستادند و او همه آنها را با مردم صرف میکرد و همیشه خانه او مجمع دانشمندان بود و سرانجام در ۸۱ سالگی بسال ۸۶۸ در گذشت و چون مجرد بود از وی فرزند نماند ، اما مولانا غیاث الدین محمد سبزواری که از دانشمندان زمان و از خویشاوندان وی بود در خانه او

همان زندگی را دنبال کرد. خواجه اوحد شاعر زبردستی بوده و در سرودن قصیده دست داشته و قصاید غرا در مدایح ائمه گفته است و در ضمن از شعرای مداح سلطان حسین بایقرا و میر علیشیر بشمار میرفته است.

۳۴ - **امیر امین الدین نزلابادی** نیز از شعرای قرن نهم و از مردم نزلاباد در خاک بیهق و مردی ظریف و خوش طبع بود و در شاعری با خواجه علی شهاب و کاتبی رقابت داشت و در قصیده و غزل و مخصوصاً مثنوی زبردست بود و چند مثنوی سروده است از آن جمله شمع و پروانه بنام مصباح القلوب و عقل و عشق بنام سلوة الطالبین و مثنوی فتح و فتوح و در شعر امین تخلص میکرده است.

۳۵ - **درویش قاسمی تونی** هم از شاعران نامی این قرن و شاعری شیرین سخن و وارسته بوده و همیشه در سفر بود و گرد مناصب نمیگشت و در بند شهرت نبود و در تون میزیست و غزل را نیکو میسروده است.

۳۶ - **صاحب شریفی بلخی** نیز از شاعران نامی زمان خود بوده و مردی دانشمند بشمار میرفت و در موسیقی و طب و جز آن دست داشت و در زمان سلطان ابوسعید میزیست و مداح پادشاهان بدخشان و سادات ترمذ و از آن جمله امیر سید علی اکبر ترمذی بود و شریفی تخلص میکرد و قصیده و غزل را نیکو میگفت و در ۸۶۰ درگذشت.

۳۷ - **خواجه منصور قرا بوقه طوسی** از شاعران نامی زمان خود و مردی خوش طبع بود و غزل را نیکو میگفت و در زمان شاهرخ ملازم علاءالدوله بود و از جانب او بعمل داری ولایات بزرگ میرفت و از اعیان طوس بود و همیشه از شاعران و ظریفان نگهداری میکرد و در ضمن مردی بدسرشت بود و پس از مرگ شاهرخ صاحب دیوان امیر محمد خدایداد شد و اختیار بسیار بهمزد. پس از چندی امیر محمد خدایداد بر و خشم آورد و او را در بند افگند و مصادره کرد و وی در زندان بیمار شد و رو بمرگ رفت و در دم مرگ بیستی برای امیر محمد فرستاد و وی بر سر بالین او رفت و عذرخواست اما فردای آنروز در سال ۸۵۴ درگذشت و وی در غزل دست داشت.

۳۸ - **مولانا عبدالله طوسی** نیز از شاعران غزلسرای معروف این زمان بوده

و در زمان بابر سلطان مشهور شد و آن پادشاه او را می نواخت و پس از مرگ او با آذربایجان و از آنجا بعراق آمد و امیر جهان شاه و پیر بوداق از او دستگیری کردند و مدتی مدیدترین نواحی بود و از آنجا بشیراز رفت و سرانجام در آن شهر در زمان سلطان حسین بایقرا بسال ۸۶۹ در گذشت و عمر او بصد رسیدگی بود. طوسی از غزل سرایان نامی زمان خود بوده و در غزلیات خود امثال بسیار بکار میبرد به همین جهت شعرش بسیار پسندیده بوده است و در ضمن مردی خوش طبع و خوش معاشرت بوده و بجز شزل چیز دیگری گفته و دیوان غزلیات او شامل هزار بیت بخطا یکبار در بمبئی و بار دیگر در طهران بنام خواجه نصیرالدین طوسی چاپ شده است.

۳۹ - **امیر شرف الدین رضا سبزواری** از مردم سبزواری و از خاندان معروف سادات عریضی بود و در زمان سربداریان و مخصوصاً در زمان حکمرانی خواجه علی مؤید پدران او وزارت داشته اند و خود در زمان شاهرخ در سبزواری مأموریت دیوانی داشته و بر همه کس مقدم بوده است و پس از آن بهرات رفت و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین پیر احمد وزیر سلطان حسین بایقرا تقصیری کرد و چندی در بند ماند و سرانجام در زمان حکمرانی امیر بابا حسن قوچین که موکلان او مبلغی از وی مطالبه می کردند بر دست آنها در ۸۵۶ کشته شد. شرف الدین رضا شاعر توانایی بوده و غزل را نیکو میسروده است.

۴۰ - **حافظ حلوائی** نیز از معاریف شعرای زمان شاهرخ بوده و غزل را نیکو میسروده و حافظ حلوائی تخلص میکرده است.

۴۱ - **مولا ناقبری نیشابوری** نیز از شاعران نامی این قرن و مردی عامی بوده اما در شاعری دست داشته و قصیده را نیکو میسروده است و قصاید بزرگان شعر را استقبال میکرده و مداح سلطان بابر بوده و در پایان زندگی چندی در مشهد و چندی هم در هرات ساکن بوده و پیش از تألیف مجالس النقایس یعنی پیش از ۸۹۶ در گذشته و در نیشابور او را بخاک سپردند.

۴۲ - **مولا ناظر بخاری معروف بشیخ زاده** هم از شاعران نامی این زمان



بوده و در زمان سلطان بابر بهرات رفته و با دانشمندان آن شهر محشور شده و مردی خوش طبع بوده و شعر و مخصوصاً غزل را نیکو میسروده چنانکه وقتی غزلی گفته بود که بسیار پسندیده افتاد و بیشتر شاعران آنرا استقبال کردند و سرانجام در ۸۶۹ در گذشته است.

۴۳- **طاهری ایوردی** نیز از شعرای نامی خراسان در قرن نهم و در زمان سلطان بایسنغر بوده و غزل را نیکو میسروده است.

۴۴- **مولانا ولی قلندر** هم از شاعران نامی خراسان درین زمان و از جمله شاعران دستگاه محمد بایسنغر و بابر میرزا بوده و در زمانی که پیر بدناغ میرزا بهرات رفته و شاعرانی چند را با خود بشیراز برده است وی نیز با ایشان همراه بوده و سرانجام پیش از تألیف مجالس النقایس یعنی پیش از ۸۹۶ در شیراز در گذشته و در همانجا مدفون شده است. میر علیشیر در مجالس النقایس گوید خیره و دلیر و بی حیا بود و شعرش بیدی شهرت داشت و شاعر غزل سرای بوده و در شعر ولی تخلص میکرده است.

۴۵- **امیر یار بیک سیفی** از امرای بزرگ دربار شاهرخ بوده که تا زمان سلطان حسین میزیسته و جدش امیر جهان ملک از امرای نامی دربار تیمور بوده است و تا زمان شاهرخ از امرای بزرگ بشمار میرفت و وی در زمان شاهرخ امارت موروثی یافت و در زمان بابر سلطان دست از کار دیوانی شست و گوشه گیر شد و همیشه با دانشمندان معاشر بود و سرانجام در ۸۷۰ در گذشت و شاعری توانا بود و غزل را نیکو میسرود و سیفی تخلص میکرد.

۴۶- **خواجه محمود برسه نیشابوری** نیز از شاعران نامی خراسان بوده و در زمان علاء الدوله میرزا در نیشابور میزیست و سپس به مشهد رفت و گویند مردی خود پسند بود و بهمین جهت شعرای زمان از وی زنجیده بودند و او را هجا میگفتند و ناچار از خراسان بیدخشان رفت و سلطان محمد بدخشانی که مردی دانش دوست و از شعرای با خبر بود او را نواخت و از صلاتی که باو داد مالدار شد و بیازرگانی پرداخت چندانکه در زمان سلطان ابوسعید در باغ زانغان هرات جشنی ترتیب داده بود و شعرا هدایحی برو میخواندند. او هم قصیده‌ای ساخته بود که پسندیده افتاد و سرانجام در ۸۷۲ در گذشت.

وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و ده نامه بنام علاءالدوله میرزا سروده که در آن صنایع شعری بکار برده است .

#### ۴۷- امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی جغتایی معروف بشیخ سهیلی

یاشیخ بیگ از معاریف رجال قرن نهم و پس از میرعلیشیر نوایی معروف ترین و محترم ترین امرای دربار سلطان حسین بایقرا درهرات بود و خاندان وی محترم ترین خانواده اوس جغتای بشمار میرفته و مخصوصاً در زمان شاهرخ کارهای مهم داشته اند و وی در جوانی از اعیان دربار سلطان ابوسعید بود و در شاعری در نزد آذری شاگردی کرده و از آذری خواسته است که وی را تخلص بدهد و آذری کتابی بدست داشته و با آن تغال کرده و در آغاز صحیفه سهیل آمده و بهمین جهت سهیلی تخلص کرده است و وی در دو زبان ترکی و پارسی غزل را نیکو می گفته و در هر دو زبان دیوان غزلیات دارد و در ضمن مردی افتاده و متواضع و درویش دوست و دانش پرور بوده و دانشمندان زمان از او بهره مند میشدند و حسین کاشفی کتاب معروف انوار سهیلی را بنام او پرداخته است و سرانجام در ۹۰۷ در گذشته است .

#### ۴۸- خواجه افضل الدین محمود بن ضیاء الدین محمد کرمانی از بزرگان

وزرای قرن نهم بشمار می رفت . پدر و نیا کانش از بزرگان کرمان بودند و وی در زمان سلطان ابوسعید با خواجه برهان عبدالحمید وزیر وصلت کرد و با او بس برد و بوسیله وی در دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و چون لیاقت وی پدیدار شد مستوفی دیوان شد و سرانجام در ۸۷۸ بوزارت رسید و علیشیر نوایی ازو پشتیبانی میکرد . سپس در ۸۹۲ که خواجه مجدالدین محمد در مرو بوزارت رسید و وی هر اسان شد بیهانه وصول مالیات باستر اباد نزد علیشیر رفت و علیشیر بوسیله خواجه غیاث الدین محمد دهمدار پیغام داد و ازو شفاعت کرد ولی مؤثر نیفتاد و مجدالدین در صدد کشتن او بود و سلطان حسین حکمی صادر کرد و او را از استر اباد خواست و افضل الدین راه عراق و آذربایجان را پیش گرفت و سلطان یعقوب بیگ بوی مهربانی کرد و وی چندی در تبریز ماند و سپس عازم حج شد و سلطان یعقوب امارت حج را باو داد و در ۸۹۳ بحج رفت و آنچه از اموال

خود از خراسان همراه برداشته و سلطان یعقوب باو داده بود همه را درین سفر خرج کرد و در بازگشت از حج باز چند سال در عراق ماند تا اینکه در ۹۰۳ هجری که سلطان حسین و میرعلیشیر یاد از وی می‌کنند و باوجود دشمنانی که داشت آهنگ هرات کرد و سرعت خود را بدان شهر رسانید و یکروز باعداد درباغ جهان آرای پدیدار شد و سلطان حسین و علیشیر شاد شدند اما نظام‌الملک خوافی وزیر باز قصد جان او داشت و علیشیر همچنان از و حمایت میکرد تا اینکه نظام‌الملک معزول شد و وی دوباره بوزارت رسید و پس از چندی باز بر مقام او افزوده شد و لقب اشرف دیوان را باو دادند و پس از آن جزو امرای دیوان شد و برادران و نزدیکانش نیز بمنصب امارت رسیدند از آن جمله پسرش ضیاء الدین محمد که همنام و لقب جدش بود در دستگاه میرزا مظفر حسین که پسر مهتر سلطان حسین بود رتبه امارت یافت و افضل الدین خود چندی با امیر مبارز الدین محمد که از امرای بزرگ دربار بود سازش داشت اما سرانجام در میانشان اختلاف افتاد ولی او هم چنان در مقام خود ثابت بود و کارش بدرجه‌ای رسید که چون مدرسه و خانقاهی در بیرون دروازه عراق در خارج شهر هرات ساخته بود روزی که بیایان رسید سلطان حسین و پسرانش میرزا بدیع الزمان و میرزا مظفر حسین و بزرگان شهر بدعوت او بدانجا رفتند و وی در آن روز نه تن از بزرگان شهر را بتدریس آن مدرسه گماشت و پس از آن یکبار هم سلطان حسین را بخانه خویش دعوت کرد و وی هم پذیرفت اما پیش از آنکه آن دعوت صورت بگیرد بیمار شد و در ۱۴ رجب ۹۱۰ از آن بیماری درگذشت و بدیع الزمان میرزا و مظفر حسین میرزا همه بزرگان شهر در جنازه او حاضر شدند و وی را در گازرگاه هرات نزدیک تربت خواجه عبدالله انصاری در مدرسه‌ای که خود ساخته بود بخاک سپردند و پس از مرگش هر چه داشت ضبط دیوان شد. خواجه افضل الدین مرد نیکوکار دانش پروری بود و همیشه در کسب دانش و پرورش دانشمندان کوشید و در هرات مسجد جامع و مدرسه و خانقاه ساخته است و در شعر نیز دست داشته و قصاید نیکو میسروده و در غزل نیز توانا بوده است.

۴۹ - خواجه آصف آصفی هروی شیرازی از مشاهیر شاعران این قرن

بود. پدرش خواجه نعیم الدین نعمه الله بن علاء الدین فهستانی هروی وزیر سلطان ابوسعید و جدش مشرف خزانة پادشاهان تیموری و مردی نیکو کار و نیکو خواه بود و وی از بزرگان زادگان محترم هرات و دربار سلطان حسین بشمار میرفت و سلطان حسین و علیشیروی را محترم میداشتند و در ضمن از شاگردان و مریدان جامی بود و چندی هم در شیراز مانده بهمین جهت بشیرازی هم معروفست و سرانجام در هرات در ۱۶ شعبان ۹۲۱ در گذشت. آصفی از شاعران زبردست زمان خود بود و قصیده و غزل و مثنوی را نیکو میسروده است و گذشته از دیوان قصاید و غزلیاتش که معروفست منظومه‌ای بتقلید مخزن الاسرار نظامی سروده است

۵۰ - امیر حسین جلایر از امیرزادگان و شعرای نامی دربار سلطان حسین بایقرا بود. پدرش امیر مبارزالدین علی بیگ جلایر نیز از امیران معروف سلسله جلایر از الوس جغتای بود و در زمان ابوالقاسم بابر رتبه امارت داشت و در زمان ابوسعید با هم ترقی بیشتر کرد و نیز در دستگاہ یادگار محمد میرزا صاحب اختیار بود ولی وی پیرامون کارهای خانوادگی نگشته و مردی وارسته و صوفی مشرب بود و در ضمن مردی دانشمند بشمار میرفته و در شاعری دست داشته و قصیده و غزل را نیکو میسروده و قصایدی در مدح سلطان حسین بایقرا گفته و در قصیده سرایی در زمان خود بر دیگران مقدم بوده است و سلطان حسین بیاس این مدایح حکمرانی برخی از ولایات را باو داد و وی در فرامین دربار مهر میزد و منصب پروانه و نایب گرفت و در شعر طفیلی تخلص میکرد.

۵۱ - ابوعلی حسین بن حسن مراغی متخلص با شرفه معروف بدرویش اشرف

از شاعران پرکار قرن نهم و معاصر بایسنغر و پسرش سلطان محمد بوده و ظاهراً در آذربایجان میزیسته است و سرانجام در ۸۵۴ در گذشته است و وی کتابهای متعدد بنظم فارسی پرداخته است از آن جمله دیوان قصاید و غزلیات وی شامل چهار مجلدست:

۱ - عنوان الشباب ، ۲ - خیر الامور ، ۳ - باقیات الصالحات ، ۴ - مجددات التجلیات و گذشته از آن چندین مثنوی سروده است : ۱ - ترجمه منظوم صد کلامه علی بن ابی طالب ، ۲ - منهج الابرار در برابر مخزن الاسرار که در ۸۳۲ به پایان رساده ، ۳ - شیرین و خسرو

اتمام در ۸۳۶ ، ۴ - لیلی و معجنون اتمام در ۸۴۲ ، ۵ - هفت او رنگی بنام عشق نامه ،  
۶ - باسکندر نامه یا ظفر نامه اتمام در ۸۴۸ .

۵۲ - عزیز الله زاهدی متخلص بعزیز نیز از شاعران این قرن بود و منظومه ای در معاشقات سروده است که در ۸۱۰ پایان رسانده و خود در مقدمه آن گوید که بهرات رفته است و این منظومه شامل هزار بیت است که در همه آنها تجنیس تام و ایهام و صنایع دیگر را رعایت کرده و همه ابیات را ذوقافیتین سروده است .

۵۳ - کمال الدین شیرعلی بنایی هروی از شاعران نامی این زمان است . پسر معماری از مردم هرات بود و بهمین جهت بنایی تخلص میکرد . در جوانی جزو شاعران دستگاه علیشیر نوایی در آمده بود و گویند علیشیر بر وی رشک میبرده است و چون هزال بود و مردم را بزبان هروی هجو میکرده علیشیر از ورنجیده و وی بدر بار سلطان یعقوب آق قویونلو رفته و پس از چندی بهرات باز گشته و با علیشیر آشتی کرده ، اما چندی نگذشته است که باز میانه ایشان بهم خورده و این بار بماوراء النهر رفته و در سمرقند نزد سلطان علی میرزا بن سلطان احمد میرزا بن سلطان ابوسعید رفته و قصیده ای بزبان مروزی بنام مجمع الغرایب در مدح او گفته و نزد وی مقرب شده و در آن دیار مانده است و زمانی هم مداح محمود سلطان بود و سپس که شیبک خان بسمرقند استیلا یافته او را زندانی کرده و پس از کشتن شیبک خان در خدمت تیمور سلطان پسر او بود و در زمان استیلای محمد خان شیبانی منصب ملک الشعرا بی دربار او را یافته و بهمین جهت سرانجام در ۹۱۸ که بهرات باز گشته بود در زمانی که امیر نجم ثانی بفرمان شاه اسمعیل صفوی قرشی را قتل عام کرد او هم در آن میان کشته شد . بنایی از شاعران زبردست زمان خود بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و نخست حالی تخلص میکرده و در آن موقع دیوان حافظ را استقبال کرده است و اینک دیوان قصاید و غزلیات او شامل شش هزار بیت بدست است و جز آن مثنوی باغ ارم یا بهرام و بهروز را بنام سلطان یعقوب در سفر آذربایجان که هنوز حالی تخلص میکرده سروده است و مثنوی دیگری بنام شیبانی نامه سروده است شامل فتوحات و مناقب محمد خان شیبانی و در پایان عمر

بموسیقی پرداخته و آهنگ ساز زبردستی شده است و نیز مشرب تصوف داشته و خوشنویس هم بوده است .

۵۴ - سید نظام الدین محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی معروف

بداعی الی الله یا شاه داعی و متخلص بداعی از بزرگان عرفای قرن نهم بود . در ۸۱۵ ولادت یافت و در جوانی بطریقه تصوف وارد شد و از پیروان معروف طریقه نعمه‌اللهی و از اصحاب شاه ولی بود و سفرهای چند کرد و سرانجام در ۸۶۹ در شیراز در گذشت و قبرش هم اکنون زیارتگاه است . وی مؤلف عدّه کثیری کتابها و رسایل بنظم و نثر فارسیست و از آن جمله است : مثنوی شاهد که در ۸۶۵ نظم کرده ، کلمات باقیه ، دیباچه جمال و کمال ، ترجمه رساله محیی الدین ، رساله او رادناج نامه ، شرح برخی از اشعار عطار بنام اصطلاحات در البحار فی معنی بیت العطار ، مثنوی چهل صباح ، مثنوی گنج روان ، مثنوی چهار چشمه زندگانی ، عشق نامه ، نسایم گلشن شرح گلشن راز ، کلیات قصاید و غزلیات که در ۸۶۰ جمع کرده است ، رساله خیر الزاد ، محاضر السیر فی احوال خیر البشر نظم و نثر ، بیان عیان فی الحقایق ، جواهر الکنوز در شرح رباعیات سعدالدین حموی ، نظام و سر انجام ، رساله الفراید فی نقل العقاید ، اشاره الثقال ، ترجمه الاخبار العلویه ، مرآت العلویه ، مرآت الوجود ، چهارمطلب لطایف راه روشن ، شرح مثنوی ، اسوة الکسوه ، تحریر الوجود المطلق ، تحفة المشتاق ، رساله شجریه ، التلویحات الحرمیه ، رساله اصطلاحات ، رساله اوراد ، رساله قللهانیه ، ثمره الحسیب ، جواهر الکنوز ، مثنوی چهار چمن ، رضائیه ، سلوة القلوب ، طراز الایاله ، قلب و روح ، کشف المراتب ، کمیلیه ، لمعه ، مثنوی مرشد الرموز ، مثنوی مشاهد ، معرفة النفس ، رساله ولایه و کلیات اشعار او باشش مثنوی شامل پنجاه هزار بیت است .

۵۵ - امیر همایون اسفراینی متخلص بهمایون از غزل سرایان معروف قرن نهم

بود . نخست در خراسان می زیست و سپس بآذربایجان رفت و در تبریز مداح قاضی عیسی و سلطان یعقوب بود و پس از مرگ سلطان یعقوب بکاشان رفت و در آنجا بسال ۹۰۲ در

گذشت . همایون از غزل سرایان زبردست قرن نهم بود و غزل را شیرین و سوزناک می گفت و دیوان غزلیات او در حدود دو هزار بیت است .

۵۶ - **فضل الله جمالی دهلوی** از معاریف شعرای متصوف هندوستان و از اصحاب

شیخ سماء الله دهلوی عارف متوفی در ۹۰۱ بود و خود در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیست و سفرهای بسیار کرد از آن جمله در هرات بدیدار جامی نایل شد و شرح این سفرها را در سفرنامه خود ثبت کرده است و در ضمن از مشایخ بزرگ زمان خود بشمار میرفته و در ۹۲۲ یا ۹۲۵ در گذشته و قبرش در جنوب شرقی قطب منار نزدیک دهلی هم اکنون زیارتگاه است و وی گذشته از سفرنامه آثار دیگر دارد از آن جمله : مثنوی بیان حقایق احوال سید المرسلین شامل دو قسمت : قسمت اول بنام مصباح الارواح و قسمت دوم بنام شرح الواصلین که در ۸۶۸ مشغول نظم آن بوده است و مرآت المعانی بوزن مثنوی .

۵۷ - **مکتبی شیرازی** از مشاهیر شعرای مثنوی سرای ایران بشمار میرود .

از جزئیات احوال وی اطلاع کامل نیست و همینقدر نوشته اند که در شیراز مکتب داری میکرده است ، اما آنچه از مقدمه لیلی و مجنون او برمیآید اینست که سفری به هندوستان کرده و در بازگشت از راه دریای فارس به ربستان و نجد رفته و در آنجا مرقده لیلی و مجنون را دیده و مصمم شده که این مثنوی را بسراید و در ضمن عزم داشته است مثنویهای دیگر نظامی را هم تقلید کند و لیلی و مجنون را در ۸۹۵ بیابان رسانده است و در مقدمه آن ممدوح خود را شاه قاسم بن منصور نام برده است و اینک مزار وی را در مسجد بردی در نزدیکی شیراز میدانند که کتیبه ای در آنجا بنام مظفرالدین ابونصر سلطان حسن بهادرست که تاریخ ۸۷۵ دارد . مکتبی ظاهراً غزلیاتی هم داشته که برخی از ابیات آنرا در تذکرهها ضبط کرده اند اما لیلی و مجنون او که یکی از بهترین منظومه های عاشقانه زبان فارسیست و ۳۱۶۰ بیت دارد معروفست و رحلت ویرا بسال ۹۰۰ یا ۹۱۶ نوشته اند .

۵۸ - **مانی کاسه گر مازندرانی مشهدی** نیز از شعرای نامی این زمان بوده

و پدرش کارخانه کاسه گری داشت و وی از مردم مازندران بوده ولی در مشهد و هرات

میزیسته است و از مداحان محمد حسن میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و در خدمت او بوده و سرانجام در هرات در ۹۱۳ بدست ازبکان کشته شده و دیوان وی که در آن غزلهای نیکو بسیارست اینک بدستست .

۵۹ - مولانا نظام الدین استرابادی از معارف شاعران قرن نهم بود که تا

اوایل قرن دهم نیز میزیست و از ناماوران استراباد بود . در جوانی کسب دانش کرد و بسرودن معما آغاز کرده بود و بهمین جهت بنظام الدین معمای معروف بود و در پایان عمر بواسطه تعصبی که داشت دست از آن کار کشید و جز اشعاری که در مدح ائمه میگفت چیزی نمیسرود و سرانجام در ۹۲۱ در گذشت . وی که در شعر نظام تخلص کرده شاعر زبردستی بود و مخصوصاً قصاید و ترجیعات او شامل چهار هزار بیت در مدایح ائمه امتیاز خاصی دارد و اغلب آنها بسیار معروفست و گذشته از آن مثنوی بلقیس و سلیمان هم سروده است .

۶۰ - مولانا ریاضی ساوجی مهولاتی تربتی از شاعران نامی قرن نهم و از

مردم زاو و مهولات بوده که درین زمان بترت حیدری معروفست و نخست فضای آن سرزمین را داشته و بواسطه شکایت کلاتران آن دیار معزول شده و پس از آن بشاعری پرداخته و مدتی نیز در ساوه میزیسته و بهمین جهت ساوجی هم معروف بوده است و سپس در هرات ساکن شده و از شعرای نامی دربار ابوالغازی سلطان حسین بوده و با اشاره وی فتوحات او را نظم کرده و چون در ۹۱۷ شاه اسمعیل صفوی خراسان را گرفت وی «امیر المؤمنین حیدر علی بن ابی طالب» را تاریخ آن واقعه یافت و نزد شاه اسمعیل مغرب شد و فتوحات وی را هم نظم کرد و سرانجام در ۹۲۱ در گذشت . میر علیشیر در مجالس النقایس گوید مردی مبدل الاحوال بود و کارهایی منافی قضا میکرد ، بهمین جهت معزول شد و در بند و مصادره افتاد و بسیار رنج دید و هر چه کرد نتوانست بکار خود باز گردد و در معزولی گاهی وعظ میکرد و بر سر منبر شعر خود را میخواند و از وجد و حال میگریست و وی بیش از ۸۰ سال عمر کرده است و در غزل سرایی شاعر زبردستی بشمار میرود .

۶۱ - مولانا کمال الدین عبدالواع نظامی باخرزی از منشیان معروف

دربار سلطان حسین بایقرا بود . پدرش جمال الدین مطهر باخرزی نیز از دانشمندان



زمان خود بشمار میرفت و وی در انشا و ترسل مهارت کامل داشت و از پیوستگان خواجه مجدالدین محمد وزیر بود. در آغاز پادشاهی سلطان حسین بتألیف تاریخ سلطنت او آغاز کرد اما چون تشبیهات و استعارات بسیار آورده بود سلطان حسین تألیف او را نپسندید و آن کار را بدیگران سپرد و سپس وی جزو خاصان دستگاه خواجه نظام الملك خوافی وزیر درآمده و خواجه کمال الدین حسین و خواجه رشید الدین عبدالملك پسران نظام الملك در انشا و ترسل شاگردان او بوده اند و وی ترسلی بنام ایشان تألیف کرده است و در ضمن شعر را نیکو میگوید و قصاید خوب سروده و نیز در هجاءم دست داشته است. میرعلیشیر در مجالس النقایس میگوید بغایت سبک روح بود و خواند میر گوید از شنیدن سخنان مزاح آمیز زود متغیر میشد.

۶۲- مولانا عبداللہ ہاتفی جامی از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم و خواهر زاده نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف بود. در قصبه خرچرد نجام ولادت یافته و همانجا چهارباغی ساخته و در آنجا ساکن شد و مردی گوشه نشین و پارسا بود. میرعلیشیر در مجالس النقایس گوید در خدمت جامی بوده و اگرچه در جوانی فاسق و پریشان بود مرد پخته ای شد. ازینقرار مدتی در هرات در کنف تربیت جامی زیسته است و سرانجام در ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از تصرف خراسان بعراق باز میگشته و از خرچرد می گذشته برای زیارت قبر شاه قاسم انوار در آنجا درنگ کرده و در ضمن گردش بآن باغ رسیده و در رابسته دیده و از شاخ درختی که سر از باغ بیرون کرده بود وارد باغ شده و هاتفی آگاہ گشته و با استقبال او رفته و شاه پس از دلجویی به خانه او رفته و از ماحضری که داشته خورده است و ازو شعر خواسته و وی دیوان خود را بناو نموده و شاه اسمعیل شعر او را پسندیده و بنظم فتوحات خود مأمور کرده و وی هزار بیت سروده و عمرش وفا نکرده و در محرم ۹۲۷ در گذشته است و وی را در همان باغ بخاک سپرده اند. هاتفی از شاعران زبردست زمان خود بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشت و بجز دیوان قصاید و غزلیات تقلید از خمسه نظامی کرده و پنج مثنوی گفته است: نمرنامه در فتوحات نیمور معروف بظفرنامه تیموری در برابر

اسکندر نامه نظامی که از روی ظفر نامه شرف الدین علی یزدی نظم کرده است ، هفت منظر در برابر هفت پیکر ، لیلی و مجنون ، شیرین و خسرو بنام میر علیشیر نوایی ، فتوحات شاهی در غزوات شاه اسمعیل معروف با اسمعیل نامه یا شاهنامه هانفی .

۶۳ - **ارجاسب اسدی طهرانی رازی** از مشاهیر شعرای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . پدرانش رئیس و کدخدای طهران بوده اند که در آن زمان قصبه ای از توابع ری بود و وی در جوانی برای کسب دانش بشیراز رفته و در زمرة شاگردان مولانا جلال الدین دوانی در آمده و علوم زمانه را فرا گرفته و بیشتر در طب دست داشته و پزشک حاذقی بوده و درین زمان نام خود را مسعود گذاشته و با بیشتر از ارکان دولت شاه اسمعیل صفوی مربوط بود و در پایان زندگی در طهران ساکن شد و در آنجا باغی ساخت و آنرا «باغ امید» نامید و بر سر همین باغ در میان وی و شیام قوام الدین نور بخش پیشوای نور بخشیان نزاع در گرفت و در ۹۲۹ شام قوام الدین بایندر اولاد را با جمعی شبانه بر سر او فرستاد و چند زخم باو زدند و او از آن زخمها در گذشت و در طرشت طهران او را به خاک سپردند . امیدی در قصیده و غزل دست داشته و درین دو فن از شاعران زبردست قرن نهم بشمار میرفته است و دیوان او باقیست .

۶۴ - **بابافغانی شیرازی** نیز از مشاهیر شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . نخست در شیراز میزیست و بکاردگری اشتغال داشت و پس از چندی با نذر بایجان بدر بار سلطان یعقوب رفت و کارش بالا گرفت و چون مردی صوفی مشرب بود او را بابای شعر الخطاب میکردند ، اما شرابخوار و بد مست بود و همیشه در میخانه هابسر میبرد . پس از مرگ سلطان یعقوب در زمان شاه اسمعیل بخراسان رفت و در شهر ابیورد ساکن شد و حکمران دیار هر روز يك من شراب و یکمن گوشت باو میداد و سرانجام کارش بجایی رسید که میخواران شرابخانه ها او را در پی کار خود باین سو و آن سو میفرستادند و با او هزل میکردند و بی از ناچاری تحمل میکرد تا آنکه بمشهد رفت و در آنجا بسال ۹۲۵ در گذشت . فغانی از شاعران زبردست زمان خود بود و قصیده و مخصوصاً غزل را بسیار خوب میگفته و در غزل سبک خاصی دارد که برقت الفاظ و شور انگیزی معانی

معروفست و قصاید وی در مناقب ائمه است و دیوان او شامل پنج هزار بیتست .

۶۵ - **خواجه مسعود قمی** از شعرای نامی زمان خود و از اعیان قم بود و

منصب قضا داشته و بهمین جهت بقاضی مسعود نیز معروف بوده است و در زمان سلطان حسین بهرات رفته و از ملازمان میر علی شیر نوایی شد و چون شاعر زبردستی بود و مثنوی را نیکو میساخت سلطان حسین از وی خواست که تاریخ سلطنتش را بنظم آورد و وی منظومه‌ای سروده است که عدد اشعار آنرا باختلاف دو هزار و دوازده هزار ضبط کرده‌اند و نیز منظومه یوسف و زلیخا و مناظره شمس و قمر و تیغ و قلم را سروده است و سرانجام در هرات پیش از تألیف مجالس النفایس یعنی سال ۸۹۶ در گذشته است و وی گذشته از مثنوی در غزل هم دست داشته و شاعر زبردستی بوده است .

۶۶ - **درویش دهکی** هم از شاعران نامی این زمان و اصلاً از مردم دهک

یکی از محلات شهر قزوین بود و نخست در قزوین جولاهی میکرد و در ضمن شعر میگفته و چون بشاعری معروف شده است سلطان یعقوب او را بآذربایجان نزد خود خوانده و در مجلس وی مطلعی خوانده است که بسیار پسندیده شده و از آن پس روز بروز بر پایه اش افزوده میشد تا اینکه از شعرای محترم شد . وی در غزل استاد بود و درین فن معروفست .

۶۷ - **اهلی ترشیزی خراسانی** نامش یوسف بن محمد بن شهاب و از مردم

ترشیز بود و در جوانی بشاعری آغاز کرد و نخست از مداحان شاهرخ بوده و تا زمان سلطان حسین نیز میزیسته و درین زمان عاشق فریدون میرزا شده است . در باره عشق او داستانهایی ساخته اند از آن جمله گویند از شدت عشق موی خود را گذاشته بود و دیوانه‌وار میزیست و پس از انقراض سلسله تیموریان تبریز رفت و چون در کمانداری بسیار زبردست بود جوانان تبریز پیش او مشق کمان کشی میکردند و سر انجام از شدت پیری گوشه گیر شد و هم در آن شهر در گذشت . اهلی ترشیزی که قسمتی از پایان عمر او با آغاز عمر اهلی شیرازی شاعر معروف قرن دهم مقارن بوده و بهمین جهت گاهی با یکدیگر مشتبه شده اند از غزل سرایان توانای قرن نهم بوده و گذشته

از آن در جوانی منظومه‌ای بنام تحفة السلطان فی مناقب النعمان بنام شاهرخ سروده است که ترجمه و نظم کتاب المواهب الشریفه فی مناقب ابی حنیفه تألیف امام ابو الحسن بیهقی دانشمند معروف قرن ششمست و آن را در شوال ۸۳۹ پیاپیان رسانده است و دیوان غزلیاتش شامل پنج هزار بیت است

#### ۶۸ - الف ابدال بلخی اصفهانی نیز از شاعران معروف زمان و اصلاً از مردم

بلخ بوده اما چون مدتی در اصفهان زیسته باصفهانی هم معروف شده است. نخست مطیعی تخلص می کرده اما پس از چندی بنام خود ابدال تخلص کرده و وی در آغاز کار در دربار سلطان یعقوب در آذربایجان می زیسته و چون مردی شیرین سخن بوده ظرایف او با سلطان یعقوب معروف شده است و پس از مرگ سلطان یعقوب باصفهان رفته و در زمانی که شاه اسمعیل اصفهان را گرفته است یکی از خدمتگزاران شاه اسمعیل که حبشی بود و او را کرزالدین می‌گفتند او را گرفته و زر از وی خواسته و هرچه وی را می زده است او در پاسخ می گفته که «الف چیزی ندارد» و چون این لطیفه را برای شاه اسمعیل گفتند و او را نزد خود خوانده و شاه اسمعیل لطایف و اشعار او را پسندیده و وی را وظیفه بر قرار کرده و ازین قرار تا اوایل قرن دهم می زیسته است و شاعری توانا بوده و مخصوصاً در هزل و هجا دست داشته است.

#### ۶۹ - مالی شیرازی نیز از شاعران معروف این زمان بوده و نخست برزگری

می کرده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده است و درین فن معروف شده و پس از آن در زی سپاهیان وارد شده و در زمان شاه اسمعیل بمراغ عالی رسیده ولی بسعادت امیر نجم زرگر در آذربایجان کشته شده و در تبریز او را بخاک سپردند و وی در غزل سرایی شاعر زبردستی بوده و غزل عارفانه را بسیار خوب می سروده است.

#### ۷۰ - حیدر کلیچه پز هروی نیز از شاعران معروف اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم بود. در اوایل در هرات کلیچه پزی می کرده و پس از آن بشاعری پرداخته ولی عامی بوده و بیشتر معنی سخنان خود را نمی فهمیده است و در ضمن درویش مملک بوده و گاهی برای تجارت به هندوستان میرفته است و قصیده و غزل می سروده

اما در غزل بیشتر دست داشته و دیوانش نزدیک ده هزار بیت می‌شده است .

۷۱ - **ضیایی ارده و بادی** از مشاهیر شعرای آذربایجان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در جوانی بخراسان رفته و از ملازمان دستگاه میر عالی شیر شده و در ۹۲۷ در گذشته و شاعر زبر دستی بوده و در قصیده و مخصوصاً در لغز دست داشته

۷۲ - **درویش حسامی قراکولی خوارزمی** نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و اصلاً از مردم خوارزم بوده اما در قراکول از توابع بخارا می‌زیسته و مردی درویش مشرب و وارسته بوده و در ۹۲۲ در گذشته و در آن زمان از بهترین شعرای ماوراءالنهر بود و غزل را نیکو می‌گفته است .

۷۳ - **مهدی استرابادی** نیز از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و برادر نظام الدین استرابادی شاعر معروف آن زمان و مرد بسیار فاضل و درویش مشرب و وارسته بوده و در ۹۲۴ در گذشته و شاعر غزلسرای زبر دستی بوده و در شعر مهدی تخلص می‌کرده است .

۷۴ - **محبی لاری** از دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از شاگردان علامه دوانی بود و گذشته از علوم دیگر در عروض و فنون شعر هم دست داشته و مخصوصاً غزل را نیکو میسروده و پیروی از سبک فغانی می‌کرده است .

۷۵ - **مجوی بسطامی** از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در هرات در دستگاه خواجه عبدالله مروارید می‌زیسته و غزل را نیکو می‌گفته است .

۷۶ - **میرمسیاه روی** نیز از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی نیکو مشرب و درویش مسلک بوده و در ضمن نوشخوار و خوش گذران بوده است و سرانجام بماوراءالنهر رفت و همانجا در گذشت و وی نیز از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده است .

۷۷ - **پیز کیا سیدعلاء الدین محمد بن محمد بن عبدالله موسوی معروف بسید**

محمد نوربخش از معاریف مشایخ تصوف ایران و از بزرگان رجال قرن نهم بشمار است و نسبش بهفده واسطه با امام موسی کاظم می‌رسید. در طریقت از اصحاب خواجه اسحق ختلائی بوده است و وی از خلفای میرسید علی همدانی بشمار می‌رفته و خواجه اسحق او را نوربخش لقب داده بود و وی طریقه جدیدی در تصوف فراهم ساخت که بمناسبت لقب او بطریقه «نوربخشیه» معروف شد. پدرش از وطن خود بقاین رفته بود و وی در آنجا در ۷۹۵ ولادت یافت و جوانی را در ختلان گذراند و پس از فوت شاهرخ از آن دیار بمشهد و سپس بری آمد و در شهر یار سناکن شد و قریه سنوالتان را آباد کرد و در آنجا خانقاهی ساخت و مزیدانش در همانجا بندو گرد آمدند و در روز پنجشنبه ۱۴ ربیع الاول ۸۶۹ در هفتاد و سه سالگی در گذشت و او را در باغ خود دفن کردند و پس از وی پسرش شاه قاسم فیض بخش و شمس الدین محمد بن یحیی که پس ازین ذکر او خواهد آمد جانشین او و پیشوای آن طریقه شدند. سید نوربخش یک سلسله کتابهای شیوا بنظم و نشر فارسی گذاشته است از آن جمله: شجره مشایخ، رساله در سلوک، رساله انوار، منظومه نجم الهدی، منظومه کشف الحقیقه فی بیان عوالم الکثرة والوحده، منظومه واردات، معاش السالکین، نور بخشیه. محمد بن حاج محمد سمرقندی که از اصحاب او بود کتابی در مناقب وی نوشته است.

۷۵ - شمس الدین محمد بن یحیی بن علی لاهیجی <sup>۳۴۱</sup>یلانی نوربخشی متخلص باسیری که پیش ازین ذکر او رفت از بزرگان مشایخ طریقه نوربخشیه بود. نخست در ری جزو اصحاب سید محمد نوربخش می‌زیسته و پس از مرگ او بشیراز رفته و در آنجا بطریقه خود ارشاد کرده و پیشوای نوربخشیان فارس شده و در شیراز خانقاه مجللی بنام «نوریه» داشته است و سرانجام در ۹۱۲ در شیراز در گذشته است و در تصوف مولفات معتبر دارد و از آن جمله کتاب معروف مفاتیح الاعجاز شرح گلشن راز است که معروفترین و رایجترین شرح این کتاب بشمار می‌رود و آنرا در روز دوشنبه ۱۹ ذی حجه ۸۷۷ بیابان رسانده است و دیگر از آثار اوست منظومه اسرار الشهود، دیوان غزلیات و قصاید، معاش السالکین.

۷۹ - مولانا نظام الدین محمود دین امیر احمد قاری یزدی از شاعران زبردست قرن نهم بوده و در شیراز میزیسته و وی مبتکر سبک مخصوصی در شعرست که تقلید از سبک بسحق اطعمه است منتهی وی در شعر نام لباسها و پارچه‌ها را آورده و بهمین جهت دیوان خود را دیوان البسه نام نهاده است .

۸۰ - عطار تونی نیز از شعرای قرن نهم بوده و ظاهراً فریدالدین محمد بن ابراهیم نام داشته و در نیشابور متولد شده و بهمین جهت آثار فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری شاعر معروف قرن ششم و قرن هفتم را بخود می بسته است و وی پیرو طریقه شیعه و ظاهراً ساکن نون و مشهد بوده و سفری هم بحج رفته است و هر چند که در شعر مهارت کامل نداشته چندین مثنوی سروده است که همه آنها را بنام عطار نیشابوری منتشر کرده اند و آثار وی ازین قرار است : ترجمه الاحادیث یا مواعظ ، اشتر نامه ، بلبل نامه ، بیسر نامه ، جواهر الذات ، خیاط نامه ، سی فصل ، لسان الغیب ، مظهر العجایب ، حلاج نامه ، وصلت نامه ، کنز الحقایق ، گل و هرمز ، معراج نامه .

۸۱ - حافظ علاف شیرازی از شاعران متصوف قرن نهم شیراز بوده و در زمان ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری تذکرة الاولیای عطار را بنام ولی نامه بنظم در آورده و شش سال مشغول نظم آن بوده و آنرا در ۲۴ هزار بیت در ۸۲۱ در جامع عتیق شیراز بیابان رسانده و اینکار را در نتیجه الهامی که باو شده آغاز کرده و ابراهیم سلطان هم در اثنا کار او را تشویق کرده است .

۸۲ - شهاب الدین امیر سید عبدالله برزش آبادی مشهدی از مشایخ تصوف قرن نهم و از مریدان خواجه اسحق ختلانی و از پیشوایان سلسله ذهبی بود و رشیدالدین محمد بید آوازی خلیفه و جانشین وی بود . وی مؤلف رساله کمالیه است و غزل را هم نیکو میسروده و عبدالله تخلص میکرده و دیوان غزلیات او در دستست .

۸۳ - شیخ رشیدالدین محمد بید آوازی چنانکه گذشت از خلفای شهاب الدین عبدالله سابق الذکر و از مشایخ طریقه ذهبی بود و او هم غزل را نیکو میسروده و رشید تخلص میکرده و دیوانش در دستست .

۸۴ - مولانا جلال الدین محمد آگهی قاینی از شاعران نامی قرن نهم و از معاصران سلطان حسین بایقرا و از جانب پدر نبیره مولانا جلال الدین محمد قاینی از علمای مشهور آن زمان و از جانب مادر از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی بوده است. در جوانی ملازم شاه فریب میرزا بوده و پس از چندندی این شاهزاده او را از خدمت معاف کرده و چندندی در خراسان سرگردان بود و چون شاه اسمعیل خراسان را گرفت وی بهرات رفت و آنجا ساکن شد و چون کسی با توجهی نکرد در ۹۲۶ قصیده شهر آشوبی ساخت و در آن از همه حکام و امرا و سادات و علما و اشراف و اعیان شهر بدگفت و چون آن اشعار را بامیر خان والی خراسان رساندند بسعایت بدخواهان دستور داد دست و زیاتش را بریدند و در همان سال ۹۲۶ در گذشت. وی در بیشتر از علوم دست داشته، مخصوصاً در شعر ماهر و از استادان شعر بسبک قدیم بوده و درجد و هزل مهارت داشته و دیوانش در دست است.

۸۵ - خواجه ابوالوفاء خوارزمی از بزرگان مشایخ قرن نهم بوده و در خوارزم میزیسته و در علوم ظاهری و باطنی و حتی در علوم غریبه و موسیقی هم دست داشته و از آغاز جوانی در طریقه تصوف سیر کرده است و سرانجام در خوارزم بسال ۸۳۵ در گذشته و همانجا مدفون شده است. وی چند رساله در تصوف و رساله ای در موسیقی تألیف کرده و برخی از رباعیات و ترجیعات از او مانده است.

۸۶ - سید قطب الدین میر حاج گنابادی متخلص بانسی از فرزندان زادگان شاه نعمه الله ولی بود و در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات میزیست و مردی گوشه نشین و منزوی بود و میر علیشیر نوایی و جامی باو احترام میکرده و بدیدن وی میرفته اند و سرانجام در همان شهر در گذشت. وی شاعر توانایی بوده و در غزل و قصیده دست داشته و مخصوصاً قصاید فراوان در نعت ائمه شیعه سروده است.

۸۷ - محبوبی علی حکیمی طبعی از مریدان سید نسیمی عارف و شاعر معروف قرن نهم بوده و وی نیز صوفی مشرب و شاعر زبردست بوده و غزل را نیکو میسروده است و در ۸۸۱ در طبرس در گذشته است.



۸۸ - بابا علی‌شاه ملقب بابدال نیز از عرفای نامی آن زمان بود و ذرهرات میزیسته و با جامی معاشرت داشته و شعر عارفانه را نیکو میسروده و در ضمن مردی وارسته و شوریده بوده است .

۸۹ - شیخ زاده فدایی لاهیجی پسر اسیری لاهیجی سابق الذکر است و وی نیز مانند پدر از مشایخ تصوف بوده و تا اوایل قرن دهم و پس از انقراض سلسله تیموری زنده بود و چندی جزو ملازمان شاه اسمعیل صفوی بوده است و برسالت بدر بار محمدخان شیبانی رفته و سرانجام گوشه نشین شده و در شیراز اتروا گزیده و همانجا در ۹۲۷ در گذشته است . فدایی از شاعران نامی زمان خود بوده و غزل عارفانه را خوب می‌گفته و دیوان او رایجست .

۹۰ - شیخ عماد الدین فضل‌الله بن علاء الدین علی برزش آبادی طوسی نیز از بزرگان مشایخ تصوف قرن نهم و از خلفای حاج شیخ محمد خوبوشانی بوده و از مشایخ سلسله نور بخشی بشمار میرفته و بدو واسطه سید محمد نور بخش رسید ، زیرا که شیخ محمد خوبوشانی مرید شیخ محمد لاهیجی و از مرید سید محمد نور بخش بوده است و سرانجام در ۹۱۴ در قنده از بکان در مشهد کشته شد است و ویرا در تصوف مؤلفات چندست از آن جمله شرحی بر لوایح جامی نوشته و شعر را هم نیکو میسروده است .

۹۱ - میر قوام الدین نصرالله قوامی خوافی نیز از مشایخ عرفای زمان شاهرخ بوده و در ۷۳۴ ولادت یافته است . نخست در کارهای دیوانی بوده و روزی که بر پیرزنی ستم کرده بود پیرزن بالحن عتاب آمیز بوی گفت : از خدا شرم نمیکنی که بر چون من عجزوزه ستم میرانی ؟ وی ازین سخن آشفته شد و قلم و دوات خود را در زیر سنگ شکست و بحلقه تصوف در آمد و از آن پس در اتروا میزیست تا اینکه در ۸۳۰ در گذشت و کتابی در تصوف بنام جنون المجانین نوشته و شعر را نیز خوب میسروده است .

۹۲ - خواجه مؤید مهنوی از بازماندگان ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور قرن پنجم بوده و در همان سرزمین میهنه که خالک پدراش بوده است میزیسته و از مشایخ

معروف زمان خود بوده و در ضمن واعظ زبر دستى بشمار ميرفته و در زمان خویش بسیار محترم بوده و در اواسط قرن نهم در گذشته و در همان گنبد جدش او را بخاک سپرده‌اند و وی نیز از شاعران توانای زمان خود بوده است .

۹۳ - **خواجه ناصرالدین ابو نصر مهنوی** از فرزندان خواجه مؤید سابق

الذکر و مانند پدر از بزرگان مشایخ خراسان بوده و سرانجام در فتنه شیعه و سنی در پایان قرن نهم در گذشته و او هم از شاعران عارف مشرب آن زمان بوده است .

۹۴ - **امیر سید احمد لاله** از عرفای سلسله زهبی و از خلفای امیر سید شهاب‌الدین

عبدالله برزش آبادی و شاعر بوده است .

۹۵ - **سید افضل بن سید نظام‌الدین سلطانعلی موسوی هروی** نیز از

مشایخ تصوف و مردی پارسا بود و چون برای مردم استخاره کرده و خواب میدیده به «میر خواب بین» معروف بوده است و سلطان حسین بایقرا بوی اعتقاد بسیار داشت ، بهمین جهت کارش بالا گرفت و در ۹۲۱ در گذشت و از شاعران نامی زمان خود بود .

۹۶ - **انوری هروی** از شاعران نامی زمان خود بود و تا پایان قرن نهم در

هرات میزیسته است .

۹۷ - **درویش بابا علی خوشمردان سبزواری** نیز از عارفان مشهور زمان

خود بوده و بیشتر در سبزواری میزیسته و شاعر توانایی بوده است .

۹۸ - **مولانا یوسف بدیعی اندجالی** از شاعران نامی زمان خود بوده و در

آغاز جوانی بسمرقند رفته و کسب دانش کرده و در ضمن شاگرد صفایی سمرقندی شاعر بود و سپس در هرات زیسته است و سرانجام در هرات مانده و در آنجا بسال ۸۹۷ در گذشته است . بدیعی از شاعران زبردست زمان خود بوده و رساله‌ای در معما تألیف کرده است .

۹۹ - **مولانا برهان‌الدین عطاءالله رازی هروی** نیز از شاعران زبردست

زمان خود بوده و دانشمند کاملی بشمار میرفته و مدتی مدید در مدرسه میرزا سلطان ابوسعید و خانقاه میر علیشیر در هرات تدریس میکرده و سرانجام در ماه رمضان ۹۰۲

در گذشته است و وی نیز از شاعران توانای زمان خود بوده و رساله‌ای در معما بنام جواهر الاسماء تألیف کرده است .

۱۰۰ - امیر برهان‌الدین عطاءالله نیشابوری وی نیز از دانشمندان زمان خود بوده و از نیشابور بهرات رفته و سالها در مدرسه اخلاصیه هرات تدریس میکرد و در پایان زندگی کور شد و از هرات بمشهد رفت و در آنجا در اواسط شوال ۹۰۹ در گذشت . وی نیز در عروض و صنایع شعر و معما دست داشته و رساله‌ای در قافیه و صنایع شعری نوشته است .

۱۰۱ - عطاءالله بن محمود بن حسین مشهدی متخلص بعطایی از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از مختصان میرعلیشیر نوایی بشمار می رفته و مداح مخصوص او بوده و مؤلف کتابهای بسیار در صناعت شعر است از آن جمله کتاب بدایع الصنایع که بنام علیشیر تألیف کرده و شامل فن عروض و قوافی و محسنات کلام است و در ۱۸۹۴ بتألیف آن آغاز کرده و در دهم جمادی الاخره ۱۲۹۸ پیاپی رسانیده و دیگر کتاب تکمیل الصنایع در معانی و اقسام شعر و محسنات کلام و معما و عروض و قافیه که پس از کتاب سابق الذکر تألیف کرده و دیگر رساله‌ای در قافیه که فصل آخر کتاب تکمیل الصنایع را بعدها خود باین رساله تبدیل کرده و بنام میرعلیشیر پیاپی رسانده، دیگر کتاب منتخب الصنایع و رساله دیگر در قافیه که از مقطع کتاب منتخب الصنایع استخراج کرده است ، رساله‌ای در فن شعر و قوافی ، کامل الصنایع در فن شعر ، تکملة الصنایع که در ۹۲۵ با تمام رسانده است .

۱۰۲ - خواجه علاءالدین علی باخرزی متخلص بصالحی از اشراف باخرز بود و خود را از خانواده برمکیان میدانست و در ضمن مردی کریم و لطیف طبع بود و در آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر او شد ، اما چون با زیر دستان بد رفتاری میکرد و وزرای دیگر از او رنجیده بودند مورد خشم واقع شد و شش سال در بند ماند و سرانجام در اوایل محرم ۸۹۱ او را در چهارسوی هرات بخلق کشیدند . صالحی با همه ستمگریها مردی بسیار دانشمند و شاعری توانا بوده است .

۱۰۳ - **سالك الدين محمد حموي يزدي** از اولاد سعدالدين حمويه عارف مشهور قرن هفتم بوده و پدراش در يزد ساکن شده‌اند و وی در آنجا پیش از ظهر شنبه ۲۱ رمضان ۸۴۷ ولادت یافته و مانند اجداد خود از مشایخ تصوف بوده و سفرهایی بخراسان و کرمان و مشهد و قزوین و شیراز و طبس و اصفهان کرده و تا ۹۱۵ زنده بوده است و دیگر پس از آن اثری از وی نیست و وی اشعاری عارفانه میسروده است.

۱۰۴ - **کاشف الدين ابوالمحمد محمد حموي يزدي** پسر سالك الدين سابق الذکر و مانند پدر از مشایخ تصوف يزد بوده و در سال ۹۱۰ کشته شده است، اما سبب کشته شدنش پیدا نیست و او هم مانند پدر اشعاری صوفیانه میسروده است.

۱۰۵ - **انظام الدين ابوالکرامه اسحق حموي** وی نیز از همان خاندان سعدالدين حمويه و از مشایخ قرن نهم و پدر سالك الدين محمد سابق الذکر بوده و در صفر ۸۵۲ در گذشته و او هم ساکن يزد بود و اشعاری عارفانه میسروده است و از مریدان فریدالدين ابو سعید عبدالباقي بن علی بن عبدالحق از اولاد عبدالله انصاری بوده که در آغاز قرن نهم در يزد میزیسته است.

۱۰۶ - **سید شريف معمایي** از مشاهیر شعرای معما ساز قرن نهم بوده و در دربار پادشاهان آل عثمان میزیسته و تا اوایل قرن دهم نیز زنده بوده است و مؤلف کتابهای بسیار در فن معماست از آنجمله کتاب «افکار الشریف» که در ۹۰۶ بنام بایزید دوم پادشاه عثمانی بیابان رسانده و «الفیه الشریف» که در ۹۰۸ بیابان رسانده و «مجمع القواعد» و «رسالة شریفیه» در معما که منظومه است و «تحفة الشریف» و «ایهام الشریف».

۱۰۷ - **میر مختوم نیشابوري مدني** از مشاهیر عرفای خراسان و جدش از مردم مدینه بوده و در خراسان ساکن شده و وی در نیشابور بجهان آمده و در همانجا ساکن بوده است و چون شاه قاسم انوار را از هرات راندند ویرا هم از نیشابور بیرون کردند و وی در ۸۳۰ یا ۸۶۲ در گذشته و از شاعران نامی زمان خود بوده و دیوان او رواج کامل داشته است.

۱۰۸ - **حافظ تاج الدين حسن استرآبادي صفایي دامغانی صدرالحفاظ**

از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته و در ضمن شاعر هم بوده است.

۱۰۹ - شاه تاج‌الدین حسن داعی از عرفای قرن نهم و از اصحاب شاه نعمه‌الله ولی

بوده و در ضمن شعر فارسی را نیکو میسروده است.

۱۱۰ - سید جعفر نوربخش پسر مهتر سید محمد نوربخش عارف مشهور بوده

و در زمان سلطان حسین بایقرا بهرات رفته و سلطان حسین بوی احترام بسیار کرده و رجال دربار او مستمری گران در باره او برقرار کرده‌اند ولی وی بواسطه علم و همت بدان راضی نشده و بهرستان رفته است و در ضمن شاعر توانایی بوده است.

۱۱۱ - حافظ علی غوریانی پسر نورالدین محمد غوریانی، خود و پدرش از

شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا بوده‌اند و وی چند سال صدارت و استادی ابو تراب میرزا شاهزاده تیمور را داشته است و خوشنویس بوده و در شعر دست داشته است.

۱۱۲ - مولانا حسنعلی روغن گرهروی نیز از شاعران دربار سلطان حسین

بایقرا بوده و در هرات ولادت یافته و از مداحان میر محمد یوسف بوده است.

۱۱۳ - مولانا شهاب‌الدین احمد حقیری هروی نیز از شاعران نامی دربار

سلطان حسین بوده و پس از انقراض سلسله تیموریان بمداحی میرزا حبیب‌الله وزیر خراسان پرداخته و در معما نیز دست داشته و رساله‌ای در توضیح قواعد معما نوشته است.

۱۱۴ - درویش صفایی کرمانی از شاعران صوفی مشرب زمان بوده و شعر را

روان میسروده است.

۱۱۵ - درویش زلالی کرمانی پسر صفایی سابق الذکر، وی نیز از شاعران قرن

نهم بوده و اشعار عارفانه میسروده است.

۱۱۶ - زلالی هروی از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا بوده وی و پدرش

هر دو درویش مشرب بوده‌اند و قصیده و غزل را نیکو میسروده و در ضمن مردی بسیار قانع بوده است.

۱۱۷ - نظام‌الدین سلطانعلی مشهدی از خوشنویسان معروف قرن نهم و یکی

از مشاهیر خطاطان نسخ تعلیق بشمار میرود و در خط شاگرد اظهر تبریزی متوفی در ۸۵۰ هجری بوده و اظهر شاگرد جعفر تبریزی و وی شاگرد میرعلی تبریزی واضع خط نسخ تعلیق بوده است. وی شاگردان بسیار داشته که خوشنویسان معروف زمان خود بوده‌اند و در زمان خود معروفترین خطاط بود بهین‌جهت او را «قبلة الكتاب» لقب داده بودند و مردی وارسته و بسیار نیکو سیرت و خوشرو بود و در دستگاه سلطان حسین بایقرا احترام بسیار داشت و در ۹۱۹ یا دهم ربیع الاول ۹۲۶ در مشهد در گذشت و وی در شعر نیز دست داشته است.

۱۱۸ - شرف معمایی نیز از معما سازان زبردست قرن نهم بوده و بزبان پارسی و تازی معما میسروده و مجموعه معميات او باقیست.

۱۱۹ - شرف الدین حاج محمد فراهی پدر معین الدین فراهی دانشمند و مورخ معروف این قرن است که شرح حالش پیش ازین آورده شده و وی نیز از دانشمندان شهر هرات بوده و شعر فارسی را خوب میسروده است.

۱۲۰ - شریف شیرازی از دانشمندان صوفی مشرب قرن نهم و ساکن شیراز و از شاگردان امیر محمد پسر میرزا سید شریف کرکانی بوده و کتابی در معاد بمشرب تصوف بنام «بیان الواقع» بنام زین الدین شیخ علی وزیر نوشته و شعر هم میگفته است.

۱۲۱ - سید شمس الدین محمد اندجانی معروف بمیر سر برهنه از اعیان زمان سلطان حسین بایقرا بوده و از جوانی جامه قلندران پوشیده و گاهی سر برهنه در کوی و برزن میگشته است و در ضمن از دانشمندان زمان خود و مردی شیرین سخن و هزالی بود نخست در ترکستان میزیست و سپس بهرات رفت و در دربار سلطان حسین نخست منصب شیخی و تولیت مزار شیخ لقمان پرنده را یافت که از بقاع متبرک هرات بود و بیست سال تولیت آن بقعه را داشت و به سعادت بدخواهان عزل شد و چون پنداشت که میر علیشیر نوایی در عزل او دست اندرکار بوده است با میر علیشیر کدورتی بهم زد؛ اما چندی بعد دو باره بامیر علیشیر دوست شد و منصب صدارت را باو دادند و پس از چندی از آن مقام استعفا داد و گوشه نشین شد و سرانجام در ۸۹۸ در گذشت. وی شاعر

زبردستی بوده<sup>۱</sup> -

۱۲۲ - **شمس الدین محمد تبادگانی** از عرفای نامی قرن نهم ساکن هرات و از خلفای شیخ زین الدین خوafi بود و از پارسایان معروف زمان خود بشمار میرفت و مریدان بسیار داشت و در ۸۹۱ در گذشت و پس از مرگش میرعلیشیر در سر قبر وی خانقاهی ساخت که حمیدالدین پسرش و مریدان وی در آنجا عبادت میکردند و تا ۹۱۷ که حمیدالدین زنده بود آن خانقاه رونق داشت. شمس الدین محمد تبادگانی از عرفای دانشمند بوده و بنظم و نثر آثار عمده داشته است و از آنجمله قصیده بردمرا مخمس کرده و شرحی بر منازل السایرین عبدالله انصاری نوشته و شعر فارسی راهم نیکو میسروده است.

۱۲۳ - **شمس الدین محمد عرب** نیز از عارفان نامی آن زمان بوده و با آنکه درویش مشرب بوده ریاست طلب هم بوده است و چون میرزا ابوالقاسم بابر بوی مهربی نداشته مردم را بسوی میرزا علاءالدوله جلب میکرد تا اینکه در ۸۶۰ سید عبداللہ نامی در شیوة سپاهیان بهرآة آمد و با وی بهمراهی میرزا علاءالدوله یار شد و بابر وی را گرفت و بیستان فرستاد و آنجا در غربت در گذشت. وی نیز در شعر فارسی دست داشته است.

۱۲۴ - **مولانا محمد عالم سمرقندی** از شعرای نامی قرن نهم و از علمای سمرقند بوده و در دربار الخ بیک مقام رفیعی داشته و از مدرسان معروف زمان خود بوده و چون دلیر شد و با الخ بیک گستاخانه سخن میگفت الخ بیک او را از سمرقند اخراج کرد و وی بهرات رفت و در دربار سلطان حسین بایقرا احترام داشت؛ تا اینکه در هرات در گذشت. وی در غزل است داشته و از غزل سرایان نامی زمان خود بشمار میرفته و دیوان غزلیات او رایج بوده است.

۱۲۵ - **بابا علی شاه هروی** از مشایخ معروف قرن نهم بود و از زمان شاهرخ تا زمان سلطان حسین در هرات میزیست و خوارق عادات ازو نقل میکردند و کارهای شگفت باو نسبت داده اند و در ضمن شعر فارسی را نیکو میسروده است.

۱۲۶ - **مولانا عبدالصمد مشهدی** از خوشنویسان معروف قرن نهم ساکن

هرات بوده و بیشتر خطوط را نیکو مینوشته و شعر را خوب میسروده است .

۱۲۷ - مولانا شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی برادر مهتر کمال‌الدین

عبدالرزاق مؤلف مطلع‌السعدین بوده و وی نیز از دانشمندان نامی زمان خود بشمار میرفته و از علمای زمان میرزا شاهرخ و سلطان ابوسعید بوده و در ۸۴۴ با شیخ بهاء‌الدین عمر و سعدالدین کاشغری و شمس‌الدین محمداسد و خواجه زین‌الدین جامی و قطب‌الدین ظهیری و تاج‌الدین حسن و سعدالدین فرخ و شهاب‌الدین اسمعیل حصارى که همه از بزرگان علمای خراسان بوده‌اند به حج رفته و سرانجام در رجب ۸۶۹ در هرات درگذشت و او را در مزار شیخ بهاء‌الدین عمر بخاک سپردند . وی نیز از شاعران زبردست زمان خود بوده است .

۱۲۸ - برهان‌الدین عبدالله ختالانی از مشاهیر عرفای قرن نهم بوده و در ۸۹۳

در گذشته و در تصوف مؤلفات چند دارد از آن جمله کشف‌الحجاب و شرحی که با ملامت فخرالدین عراقی نوشته و در ضمن شعر فارسی را نیکو میگفته است .

۱۲۹ - قاضی عبدالوهاب مشهدی از دانشمندان قرن نهم و معاصر با میرزا

ابوالقاسم بابر بوده و در نظم و نثر فارسی مهارت داشته است .

۱۳۰ - مولانا علاء شاشی از بزرگان دانشمندان سمرقند در زمان الخ بیک

بوده و گذشته از احاطه‌ای که در علوم متداول زمان خود داشته در شعر و معما نیز استاد بوده است .

۱۳۱ - سید علی واعظ قاینی از واعظان معروف خراسان و دانشمندان زمان

خود بوده و در سال ۸۰۳ که سلطان حسین بایقرا در آغاز پادشاهی خواست در خطبه نام ائمه را بیاورد ویرا که شیعی بود باینکار مأمور کرد ، اما شیخان هرات هجوم کردند و او را از منبر پایین کشیدند و بوی اهانت بسیار کردند . در هر صورت وی از معاریف شاعران زمان خود بوده و قصایدی در نعت ائمه شیعه میسروده است .

۱۳۲ - مولانا سعدالدین بن حاجی عیان متخلص بهیانی نیز از شاعران

معروف زمان خود بوده و غزل را نیکو میسروده است .



۱۳۳- میر اسلام غزالی بلخی از اولاد امام محمد غزالی و از مشاهیر شاعران

قرن نهم بوده و در طب و حکمت دست داشته و در قصیده سرایی ماهر بوده و در زمان امرای هزار اسبی در بلخ میزیسته و پس از آن در گذشته است.

۱۳۴- سید امیر غیاث الدین محمد بن عزیز الدین یوسف سیاهی حسینی

رازی هروی از بزرگان رجال قرن نهم و اصلی وی از مردم شکر آب ری بود و

پدرش در زمان سلطان حسین ازری بهرات رفت. وی در آنجا نشو و نما یافت و نزد بزرگان علمای آن شهر کسب دانش کرد و در دربار سلطان حسین ترقی کرد، تا بجایی که بمقام

صدارت و امارت رسید و مردی دانشمند و خوش طبع بود و در ضمن در طریقه تشیع

تعصب داشت و سرانجام در روز چهارشنبه ۸ رجب ۹۲۷ بدست امیرخان حکمران خراسان کشته شد و در شعر فارسی مهارتی داشت و اسانی ویرا بسیار مدح گفته است.

۱۳۵- مولانا فصیح الدین صاحب دارا استرآبادی از معارف علمای استرآباد

و ولایت کبود جامه بود و در فنون مختلف دست داشت و در فن شطرنج چه حاضر و

چه غایب معروف زمان بود و در نظم قصیده و معما نیز ماهر بود و از همتشینان نزدیک

میر علیشیر و چندی داروغه کتابخانه سلطان حسین بایقرا بود و سرانجام در ۹۱۷ در

استرآباد در گذشت.

۱۳۶- خواجه جلال الدین فضل الله ابو الیثی از اولاد فقیه ابواللیث سمرقندی

دانشمند معروف قرن چهارم مؤلف تمبید الغافلین و بستان العارفین بوده و در ماوراءالنهر

میزیسته و از دانشمندان نامی زمان الخ بیک بشمار میرفته و همواره بدرس و بحث

مشغول بوده و در سمرقند خانقاه داشته و گاهی هم شعر و معما می گفته است.

۱۳۷- سید کاظمی از اعران نامی زمان سلطان حسین بایقرا و مردی لطیف

طبع بوده و شیوه سپاهی داشته و از آغاز پادشاهی سلطان حسین در دربار او بوده و چندی

از جانب او نزد خواجه عماد الدین محمود کاوان معروف بخواجه جهان بگلبرگه

هندوستان بسقارت رفته و در بازگشت ازین سفر از راه دریا در شیراز ازمعلا در گذشته

و وی در قصیده سرایی بسبک سودایی استاد بود

۱۳۸ - **کمال الدین شاه حسین گامی اوبهی** نیز از شاعران نامی دربار

سلطان حسین و از مردم اوبه نزدیک هرات بوده و مولانا محمد بدخشی شاعر معروف آن زمان ویرا از خردی تربیت کرده و در کسب دانش سفری بعراق آمد و دوباره بهرات بازگشت و در پایان زندگی در همان قصبه اوبه از زراعت معاش میکرده و گوشه نشین بوده است و در اقسام شعر و معما دست داشته است .

۱۳۹ - **کمال الدین نصر الله بن خلیل الله ابرقوهی** از شاعران صوفی مشرب

قرن نهم و از اصحاب شاه نعمه الله ولی بوده و شعر را نیکو میسروده است .

۱۴۰ - **امیر کمال الدین حسین ابیوردی** از سادات خراسان و ادبای نامی زمان

خود بود و در جوانی از ابیورد بهرات رفت و به کسب دانش پرداخت و کیچک میرزا او را بمصاحبت خود برگزید و چون وی بحج رفت با او ترفقت ، اما پس از رفتن آن شاهزاده پشیمان شد و از پی او روان گشت و باو نرسید و از آن پس روابط ایشان قطع شد و از حج که بازگشت در تبریز جزو ملازمان سلطان یعقوب درآمد و چند سال در آذربایجان بود و سپس بخراسان بازگشت و جزو ملازمان میر علیشیر شد و وی بسفارت بدربار سلطان یعقوب فرستادش و در آن سفر بواسطه دروغی که گفته بود از نظر علیشیر افتاد و در پایان سلطنت سلطان حسین با او بیایح رفت و بدیع الزمان میرزا منصب شیخی آستانه شاهی را باو داد و در ۹۰۸ هجری رسیده و در همان سال که بدیع الزمان میرزا در هرات بود از آن شغل استعفا کرد و با بیورد رفت و در آنجا میزیست تا اینکه در ۹۱۴ هجری محمدخان شیبانی او را برسالت بدربار شاه اسمعیل فرستاد و شاه اسمعیل با او مهربانی کرد و در بازگشت ازین سفر باز در ابیورد ساکن شد تا آنکه در آنجا بسال ۹۲۰ در گذشت . وی از شاعران زبردست زمان خود هم بوده است .

۱۴۱ - **امیر کمال الدین حمین بن شهاب الدین اسمعیل طبسی خواهرزاده**

امیر رفیع الدین حسین و مادرش از سادات نیشابور بود و خود از دانشمندان زمانه بشمار میرفت و در جفر دست داشت و نیز در تصوف دانشمند کامل بشمار میرفت و در زمان سلطان یعقوب در راه کسب دانش از طبسی بعراق و آذربایجان رفت و سلطان یعقوب با وی

مهربانی بسیار کرد و فریبه بیابانک را که صد هزار دینار عایدی داشت بسپور غال باو داد و وی بواسطه مناعت طبع نپذیرفت و بخراسان باز گشت و در حلقه تصوف وارد شد و از مریدان جامی بود و بهرات رفت و سلطانحسین بایقرا تولیت موقوفات مزار عبدالله انصاری را باو داد و در ۹۰۴ منصب صدارت یافت و با اینهمه مردی صوفی مشرب و گوشه نشین بود و طریقه ملامتیه را داشت و مردی خوش طبع و دانشمند بود و مؤلفات چند دارد از آن جمله شرحی بر منازل السائرین عبدالله انصاری نوشته و رسایل دیگر در تصوف دارد و کتاب مجالس العشاق نیز از مؤلفات اوست که بخط آنرا بسطانحسین بایقرا نسبت داده اند و در شعر فارسی نیز استاد بوده است .

۱۴۲ - **کمال الدین مسعود شروانی** از دانشمندان نامی زمان و اصلش از شروان بود و برای کسب دانش بهرات رفت و سالها در مدرسه گوهر شاد آغا و مدرسه اخلاصیه میرعلیشیر تدریس میکرد و در کلام و منطق و حکمت از دانشمندان زمان خود و از شاگردان جامی بود و هر روز بیش از صد تن در درس او حاضر می شدند و پس از چندی تدریس مدرسه گوهر شاد را ترک کرد و در مدرسه غیاثیه بتدریس پرداخت و او را اعلم علمای خراسان می دانستند و در آن روز که در مدرسه غیاثیه بتدریس آغاز کرد میرعلیشیر نوایی و همه سادات و علمای هرات در درس او حاضر شدند و سرانجام در ۹۰۵ در گذشت و در هزار پیر سیصد ساله او را بخاک سپردند . کمال الدین مسعود را در فنون مختلف مؤلفات بسیار است از آن جمله حاشیه بر شرح طوابع و حاشیه بر شرح مواقف و حاشیه بر شرح حکمة العین و رسایل دیگر و در ضمن شعر فارسی را هم نیکو می سروده است .

۱۴۳ - **شیخ کمال تربتی** از معارف شعرای قرن نهم در خراسان بود و پدرش حافظ نام داشت و طبابت میکرد و وی در تربت و مشهد میزیست و مردی خوش طبع بود و غزلهای حافظ را تخمیس میکرد و سرانجام بزیارت حج رفت و در بازگشت از آن سفر در اواخر قرن نهم در تربت در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً در معما دست داشته است .

۱۴۴ - **سید کمال کجکولی** نیز از شاعران معروف قرن نهم بوده و در بلخ

می زیسته و سفر بسیار کرده بود و معروف بود که پانصد هزار شعر گفته بود و از آن جمله قصیده‌ای بوده است که هزار بیت مصنوع از آن بیرون می‌آمده و صوفی مشرب و از مریدان ابونصر پارسا بوده و در پایان قرن نهم در گذشته و بیش از ۹۰ سال عمر کرده است و او را در جوار میر سرخ در بلخ بخاک سپرده‌اند .

۱۴۵ - **کمال‌الدین محمود رفیقی مشهدی** از شاعران نامی خراسان بوده و مردی خوش طبع و خوشنویس بشمار میرفته است .

۱۴۶ - **مجنون مشهدی** نیز از شاعران نامی این قرن و پسر کمال‌الدین محمود رفیقی بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا میزیسته و مردی درویش مشرب بشمار میرفته و غزل و قصیده را روان میسروده و خوشنویس هم بوده است .

۱۴۷ - **مولانا محمد بدخشی** از شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا و از نزدیکان بابر بوده و سی سال در ملازمت میر علیشیر گذرانده و شاعری زبردست بوده و بیشتر بمعما رغبت داشته و کمال‌الدین شاه حسین کامی او بهی از خردی شاگرد او بوده و چندین رساله در معما تألیف کرده است .

۱۴۸ - **مولانا محمد طالب هروی** نیز از شاعران نامی دربار سلطان حسین بود و سالها ملازم سلطان بدیع‌الزمان میرزا بوده و منصب حدارت او را داشته و چون از خدمت او دست کشید بدستگاه ظهیرالدین محمد بابر رفت و نزد او مقرب بود تا اینکه در ۹۱۸ که در میان وی و عبیدالله خان در ماوراءالنهر جنگ در گرفت در آن جنگ کشته شد . وی رساله‌ای در معما نوشته و از اقسام شعر بمعما بیشتر مایل بوده است .

۱۴۹ - **مولا شمس‌الدین محمد بخاری معروف به مولانا محمد معمای** هم از شاعران معروف این زمان و مردی خوش طبع و شوخ و پیرو طریقه سنت بوده و بزرگان زمان او را محترم میداشته‌اند و در زمان ابوالقاسم بابر صدر معظم شد و سپس در مجلس پادشاهان دیگر از آن جمله میرزا ابوسعید هم جای داشت و در زمان اعتبار در شیراز بر سر خاک حافظ گتبدی ساخت و بابر میرزا را در آنجا ضیافت کرد و با میر علیشیر نوایی هم رفت و آمد داشته و سرانجام با سلطان محمد میرزا معروف

بکیچیک میرزاخواهرزاده سلطانحسین بحج رفت و در بازگشت ازین سفر در گذشت .  
وی نیز بیشتر بمعما مایل بوده است .

۱۵۰ - میر مرتاض هروی از بزرگان سادات و علمای هرات بود و از خریدی  
بکسب دانش پرداخته و در بیشتر علوم دست داشت و روز و شب بمطالعه میپرداخت  
و عبادت و ریاضت میکرد و بهمین جهت بمیر مرتاض معروف شده بود ، اما در بحث  
لجوج بود و در شطرنج نیز اصرار بسیار داشت و بهمین جهت مردم از بحث و شطرنج بازی  
با او گریزان بودند و خوشنویس هم بود و در حکمت و ریاضی کاملا استیلا داشت  
و در زمان شاه سلطان حسین مدرس مدرسه اخلاصیه هرات بود و در زمان استیلای  
محمدخان شیبانی در مدرسه سلطانی مدرس شد و بار دوم که شاه اسمعیل بهرات رفت  
بواسطه تعصبی که در تسنن داشت بقنדרهار گریخت و همانجا در گذشت . وی در شعر  
نیز مسلط بوده

۱۵۱ - منصور تیرگر هروی نیز از شاعران معروف هرات بوده اما تنگدست  
و نامراد زیسته و روزگار را بکسب میگذرانده و از اقسام شعر رباعی بیشتر مایل  
بوده است .

۱۵۲ - خواجه منصور بتکچی نیز از شاعران نامی هرات و اصلا از طایفه  
بتکچی گرگان بوده است و مدت مدیدی در دربار سلطانحسین بایقرا مأمور برسیدن  
مهم دادخواهان بوده است که از مناصب مهم آن زمان بوده و در ضمن غزل را خوب  
میسروده است .

۱۵۳ - خواجه منصور مشهدی از شاعران همین زمان بوده و مدتی در  
خدمت امیر خدای داد بسر برده است و سرانجام او را مصادره کرده و بپند افکنده اند  
و در همان حال در گذشته است و وی غزل را نیکو میسروده است .

۱۵۴ - درویش منصور سبزواری از شاعران نامی هرات و مردی پرهیزگار  
بشمار می رفته و ریاضت میکشیده و روزه بسیار میگرفته و در تصوف از اصحاب حافظ  
علی جامی و سنی مذهب بوده است و در عروض و صنایع شعری دست داشته و درین فن

شاگرد مولانا یحیی سبک فتاحی نیشابوری بوده و میرعلیشیر عروض را از وی یاد گرفته است و در علم عروض دو رساله تألیف کرده و قصیدهٔ مصنوع سلمان ساوجی را جواب گفته و شاعری توانا بوده است.

۱۵۵ - **خواجه مؤید دیوانه** از متصوفهٔ قرن نهم و از بازماندگان ابو سعید

ابوالخیر عارف مشهور بود ولی مردی پریشان فکر بود و دعوی پادشاهی داشت و خراسان را در میان مریدان خود تقسیم کرده بود و بهمین جهت بدیوانه معروف شده بود و در زمانی که در میان سلطان حسین بایقرا و سلطان ابو سعید میرزا اختلاف افتاد شعری بحمايت ابو سعید گفته بود که بسلطان حسین بر خورد و دستور داد در ۸۶۸ او را نهانی کشتند و وی در شعر فارسی استاد بوده است.

۱۵۶ - **مولانا نرگسی ابهری** از شاعران نامی قرن نهم و از مردم ابهر بوده

و در جوانی بسرو رفته است بهمین جهت بمروزی هم معروف شده است و وی از شیخزادگان ابهر بوده و پدرانش در آنجا بسیار محترم بوده اند. در جوانی شرارتی داشته اما بزودی وارسته و شکسته شده چنانکه بیشتر مشغول نماز و روزه بوده است و پس از برچیده شدن سلطنت تیموریان باخواجه حبیب الله ساوجی هروی وزیر خراسان مربوط شده و از معاریف غزل سرایان زمان خود بوده است.

۱۵۷ - **مولانا آیتی هروی** نیز از شاعران نامی این زمان بوده و در هرات

میزیسته و نخست تر کسی تخلص میکرده و سپس تخلص خود را آیتی گذاشته است و معاصرینش باو نسبت داده اند که هر جا مضمون باریکی در شعر دیگران می یافتند فوراً آنرا نظم میکرده و در هر صورت وی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و دیوان غزلیات او در دستت و بزبان ترکی هم شعر میگفته است.

۱۵۸ - **ابو سعید نسیمی حسینی شیرازی** یکی از معروفترین شاعران اوایل

قرن نهم و از سادات بسیار محترم و از متصوفهٔ فارس بود و در شیراز میزیست و در عقاید خویش بسیار بی پروا بود و گویند کلمات خلاف ظاهر میگفت تا اینکه متشرعین شهر بکشتن او فتوی دادند و در سال ۸۳۷ ویرا بدار کشیدند و سپس از دار فرود آوردند

و پوست کنندند و این واقعه بسیار معروفست و در ادبیات ایران عنوان مفصل دارد. نسیمی از شاعران نامی زمان خود بوده و بسیاری از شاعران زمانه شاگرد او بوده یا بسبب او رفته‌اند و خود غزلی عارفانه را بسیار خوب میسروده و در زبان ترکی نیز شاعر توانایی بوده و دیوان او شامل دوهزار بیت معروفست.

۱۵۹- نظام بن رضی نقاش از شاعران هنرمند زمان خود بوده و خوشنویس و شاعر و منشی و مذهب و نقاش و صحافزبردستی بوده و مخصوصاً در نظم و نثر توانا بوده است و اثری که از او باقیست نسخه‌ای از تاج المآثر حسن نظامی در تاریخ هندوستانست که بخط خود برای غیاث الدین عزت نام از وزیر زادگان قرن نهم نوشته و روز دوشنبه سیزدهم رجب ۸۲۸، بیابان رسانده و در خاتمه آن رسالتی متشیانه نوشته و اشعار خود را آورده و تصریح کرده است که خط و انشاء و تذهیب همه از دست اوست و در آغاز آن نسخه دو مجلس نقاشی خوب هم ساخته است.

۱۶۰- حاج نورالدین محمد کازرونی صوفی متخلص بنوری از شاعران صوفی مشرب و پرکار زمان خود بوده و آثار بسیار از او مانده است از آن جمله مجموعه رباعیات و منظومه‌ای بنام مولود نامه در سیرت رسول و غزوات و مراحل عمری که تقریباً سی هزار بیتست و آنرا در نیمه شب لیلة البرات ماه شعبان سال ۸۸۷ بیابان رسانده است و مثنوی دیگر در شرح معجزات رسول از روایت ابن مسعود شامل نزدیک ۱۵۰۰ بیت و مثنوی دیگر در فضیلت صلوات شامل نزدیک دو هزار بیت و منظومه دیگر در مولود رسول که در ۸۸۵ بنام سلطان یعقوب بیابان رسانده است.

۱۶۱- خواجه یوسف برهان حاجی از بازماندگان شیخ الاسلام احمد جام و از عرفای معروف قرن نهم بوده و در شعر و موسیقی دست داشته و برای اشعار خود آهنگ‌های موسیقی میساخته است و بیشتر از استادان زمان در موسیقی شاگرد او بوده‌اند و از آن جمله میر عایشیر نوایی هم موسیقی را از او فرا گرفته است و در جام می زیسته و همانجا در گذشته و در جوار جنبش احمد جام او را بخاک سپرده‌اند و از جمله آثار او ترسیمت که شامل منشآت نوسندگان پیش از او بوده است.

۱۶۲ - مولانا شهیدی قمی از شاعران نامی او آخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و در

جوانی مردی آشفته روزگار بود و دوبار از عراق بخراسان رفته و چندی در هرات مانده و بخدمت جامی رسیده است و حکیم شاه محمد قزوینی با او بسیار معاشر بوده و در سفری که از قزوین میگذشته یکسال در آنجا مانده و پادشاه کیلان سلطان میرزا اعلی هم در آن سال در قزوین بوده است و بسیار زرقند بشهیدی میداد و شهیدی بواسطه مناعت طبیعی که داشت آن زرهارا در کیسه نمیکذاشت و در گوشه خانه میریخت و هر کس از اصحاب او که احتیاج داشت از آن برمیکرفت و خرج میکرد و پس از آن مدتی در آذربایجان در دربار سلطان یعقوب بوده و سمت ملک الشعرا بی دربار او داشته است و پس از مرگ او به هندوستان رفته و در کجرات میزیسته و در دربار اسمعیل عادلشاه محترم بوده و نزدیک صد سال عمر کرده است و سرانجام در ۹۳۵ یا ۹۳۶ در گذشته و او را در سرکنج کجرات بنحاک سپرده اند. شهیدی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و دیوان او رایجست.

۱۶۳ - گلخنقی قمی یا تفرشی خواهرزاده شهیدی و از مردم تفرش بوده منتهی

در قم میزیسته و مردی زنده و هزال بوده چنانکه گویند روزی سلطان حسین بایقرا در بیماری بر تخت روان نشسته بود و میگذشت و در راه کاخنی را دید و حالش را پرسید گفت: «بحمدالله با دو پای روان سر میکنم». در زمانی که سلطان حسین میرزا در مستی محمد مؤمن میرزا را کشت و همه مردم هرات را ازینکار بد آمد و وی قطعه ای در هجو سلطان حسین گفت و چون از خشم او بیم داشت از هرات گریخت و سرانجام در سال ۹۰۰ در جنگهایی که در میان تیموریان و ازبکان در گرفته بود کشته شد. وی نیز از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و از شاعران نامی قرن نهم بشمار میرفته است.

۱۶۴ - محمود بن پیرگرد بن امیر شروانی ظاهراً از شاعران قلمرو آل

عثمان بوده و منظومه ای در مواعظ بنام کیمیاء القلوب سروده که در غرة ربیع الاول ۸۹۲ بمایان رسیده است.

۱۶۵ - لطیف شاعر مؤلف منظومه ای در امور دینی و اصول شعرو عروض بنام



لطایف فی الاصولین که برای ارشاد پسرش سروده است .

۱۶۶- کاشفی از شاعران مقیم خاگ عثمانی که منظومه‌های بنام غزائمه روم در تاریخ جنگ سلطان مراد دوم ( ۸۲۴- ۸۵۵ ) با دول اروپا یعنی جنگ معروف وارنه در ۸۴۸ بفرمان ابوالفضل احمد بن ولی الدین پاشا سروده است .

۱۶۷- مولانا زمان آملی پسر مولانا محمد آملی بود که او نیز از شاعران قرن نهم بشمار میرفت و وی نخست وفایی تخلص میکرد و چون شاعر دیگر امیر احمد جامی وفایی در آن زمان بود و وی نیز سلطان بدیع الزمان میرزا بستگی داشت او را و داشتند تخلص خود را تغییر بدهد . وی از مشاهیر غزل سرایان زمان خود بود .

۱۶۸- میر علی حسینی هروی خطاط از خوشنویسان معروف اوایل قرن نهم و اوایل قرن دهم بود و در هرات میزیست و در ۹۳۵ که عبیدالله خان از بک هرات را گرفت او را ببخارا فرستاد و وی در همانجا بود تا در گذشت . رحلت او را باختلاف در ۹۲۵ و ۹۴۰ ضبط کرده‌اند و ظاهراً تاریخ دوم درستست و در شعر استاد بوده است .

۱۶۹- کمال الدین بهزاد هروی نقاش معروف که از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان شاه اسمعیل مشغول کار بوده و چه در زمان خویش و چه پس از آن در فن خود اولین کس بوده است . مدتها در هرات در کتابخانه سلطان حسین بایقرا کار میکرد و پس از بر چیده شدن سلطنت تیموریان شاه اسمعیل در ۹۲۸ او را نزد خود برده و ریاست کتابخانه خود را باو داده است و او در خط و شعر نیز دست داشته است .

۱۷۰- ملا محمد ادایی شیرازی که نام او را بهاء الدین علی هم ضبط کرده‌اند ، وی از شاعران نامی قرن نهم بوده و سفر بسیار کرده و با دانشمندان زمان خود معاشرت بسیار و حافظه‌ساز داشته است و خوشنویس معروف زمان خود بود و نسخه‌های بسیار از شاهنامه و خمسه نظامی و خمسه امیر خسرو و دیوان کمال الدین اسمعیل و غیره نوشته بود و سرانجام بخاگ ترکیه رفت و در استانبول ساکن شد و در دربار سلطان سلیم اول و سلطان سلیمان محترم بود و از مداحان سلطان مصطفی پسر سلیمان و محمد صفلی پاشا وزیر اعظم بشمار میرفت و سر انجام در طاعون سال ۹۲۸ در استانبول در

گذشت . ادایی شاعر پرکاری بوده و در اقسام مختلف شعر مخصوصاً غزل و مثنوی دست داشته و دیوان وی رایجست و از جمله آثار او منظومه سلیم نامه در تاریخ سلطنت سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) است که بیحرمتقارب سروده است .

۱۷۱ - محمد بن ولی بن رضی الدین معروف بکاتب افقروی نیز از شاعران

خاک عثمانی بوده و منظومه‌ای بنام کاتبیه در لغت سروده است که در ۸۵۱ در مغنیسا باشاره سلطان محمد بن مراد آل عثمان در پانصد بیت پایان رسانده است .

۱۷۲ - مولانا آهی مشهدی از غزل سرایان معروف قرن نهم بوده و در اواخر

دوره سلطان حسین بایقرا در هرات میزیسته و خمسه‌ای سروده است .

۱۷۳ - عیشی شیرازی در زمان خود معروف بکل عیشی بوده زیرا که کچل

بوده است و از شاعران معروف شیراز و مردی خوش طبع و شیرین سخن بوده و بیشتر

مردم را هجو میگفته است و اهاجی او معروف بوده و در مثنوی نیز دست داشته است و

مثنوی عشرت نامه را بنام سلطان خلیل تیموری (۸۰۷-۸۱۲) سروده است .

۱۷۴ - مولانا ریاضی تربتی از مردم زاوه و مهولات و از شاعران نامی زمان

خود بوده است و مردی متلون المزاج بود و مدتی در مولد خود منصب قضا داشته و پس

از چندی او را معزول و مصادره کرده‌اند و از آن پس دیگر کاری باونسپرده‌اند و در ۸۸۴

در گذشته است و بجز دیوان غزلیاتی که از او مانده تاریخ کوچکی بنام « انتخاب

تواریخ » تا وقایع سال ۸۱۳ نوشته است . وی در ضمن واعظ هم بوده و گاهی بر سر منبر

اشعار خود را می خوانده است .

۱۷۵ - مولانا ریاضی سمرقندی از شاعران نامی ماوراءالنهر بود و گویند بد

خوی و خود فروش بوده است و در جوانی در آغاز قرن نهم در سمرقند در گذشته است .

۱۷۶ - شیخ عبدالله شهبازی از فرزندان شیخ محمود شبستری عارف مشهور

قرن هشتم و صاحب گلشن راز بود و وی از دانشمندان زمان خود بشمار میرفت و مخصوصاً

در ریاضی دست داشت و ساکن ماوراءالنهر بود ولی در ۹۲۶ بخاک عثمانی رفت و سلطان

سلیم وی را اعزاز بسیار کرد و هر روز سی آغچه باو میداد و هر دو یا سه ماه پنج هزار

آقچه برای او میفرستاد و درین سفر مثنوی شمع و پروانه را بنام آن پادشاه سرود و نیز رساله‌ای در معما نوشت که از همه مثالهای آن نام آن پادشاه بیرون می‌آید.

۱۷۷ - مولانا شمس الدین برده‌عی متخلص بجمدی و معروف بملازاده و

برده‌عی زاده از بزرگان شعرای فارسی زبان خاك عثمانی و از فرزندان مولانا محمد برده‌عی مؤلف حاشیه بر ایسا غوجی بوده و وی نیز در علوم متداول زمان دست داشته و حواشی چند بر تفسیر بیضاوی و شرح هدایه و آداب البحت مسعودی نوشته و در ۹۲۷ از خراسان بخاك عثمانی رفته و سلطان سلیم وی را گرامی شمرد و استادی غلامان خاص خود را باو داد و وی در شعر فارسی استاد بود و سلطان سلیم در مقابل قصیده مصنوع او سیصد اشرفی و یک پوستین سمور و هشتاد آقچه عثمانی علوفه هر روزه باو داده است.

۱۷۸ - مولانا فرخی نیز از شاعران نامی خاك عثمانی و مقیم استانبول بوده و از سادات دانشمند بشمار میرفته است و در اقسام شعر مخصوصاً قصیده مهارت بسیار داشته و از مداحان سلطان سلیم بوده است.

۱۷۹ - سید محمد بن عبدالباقی معروف بهیرزا مخدوم از اولاد میر سید

شریف کرگانی که از سادات محترم زهراخان خود بود، در نیشابور ولادت یافت و در جوانی برای کسب دانش بهرات رفت و سپس جزو مریدان شاه قاسم انوار درآمد و ریاضت بسیار کشید و از مشاهیر صوفیه زمان خود شد و تا اوایل قرن دهم نیز میزیست و وی در غزل عارفانه استاد بوده است.

۱۸۰ - امیر پازواری از سخن سرایان مازندران بوده که جزئیات احوال و

عصر زندگی او درست معلوم نیست و بیشتر احتمال می رود که در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته باشد و مجموعه‌ای از اشعار وی بزبان ظهیری یا مازندرانی در دست است.

۱۸۱ - بی نشان تخلص زنیست که از جزئیات احوال وی چیزی بدست نیست

و تنها نسخه‌ای از دیوان غزلیات او شامل هزار و پانصد بیت مانده است که در آن بی نشان تخلص کرده و چنان می نماید که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته و ظاهراً از دره فارس بوده است.

۱۸۲ - حکیم یا حکیمی ترمذی از اصحاب شاه نعمت‌الله ولی بوده و با وی مکاتبه داشته و شاه ولی رساله‌ای خطاب با او نوشته و نسخه‌ای از اشعار وی بخط پسرش علی بن حکیم ترمذی باقیست که در ظهر پنجشنبه غره محرم ۸۳۶ بیابان رسانیده است.

۱۸۳ - اردشیر بن حسن معاذی تبریزی از اولاد معاذ بن جبل بوده و بهمین جهت معاذی تخلص می کرده و در اواخر هشتم و اوایل قرن نهم زیسته و مداح شروانشاهان امیر هوشنگ بن کاوس بن کیقباد (۷۷۴-۷۸۴) و امیر شیخ ابراهیم بن سلطان محمد ابن کیقباد (۷۸۰-۸۲۰) بوده و چهل سال مداحی این خاندان را کرده و در آذربایجان و اران و گیلان می زیسته است و سپس مداح امیر میرانشاه بن تیمور شده و نیز ستایشگر حکمرانان لاهیجان و گیلان امیر سید رضی‌الدین و امیر سید رضا کیا متوفی در ۸۲۹ یا ۸۳۰ بوده است. در جوانی معاصر کمال خجندی و سلمان ساوجی و حاج محمدنصار تبریزی و بدیع تبریزی بوده و پیروی از سبک سلمان ساوجی می کرده است و دیوان وی شامل پنج هزار بیت قصاید و غزلیات مانده است.

۱۸۴ - اسیری نیز ظاهراً از سرایندگان قرن نهم بوده و شرحی بر گلشن راز ترتیب داده بدین گونه که پس از چند بیت از اشعار محمود شبستری اشعار دیگری از بزرگان شعرای صوفیه در همان زمینه و برای توضیح مطالب گلشن راز آورده و در پایان کتاب قطعه‌ای سروده که در آن اسیری تخلص کرده است.

۱۸۵ - کمال‌الدین جعفر خطاط تبریزی از خوشنویسان نایب قرن نهم و رئیس کتابخانه بایسنغر بوده و برای وی کتابت می کرده است و در همه خطوط زبردست بوده و خط نسخ تعلیق را بهتر از همه معاصران خود می نوشته است و مولانا شهاب‌الدین عبدالله آشپز و مولانا شیخ محمود خوشنویسان معروف آن زمان شاگرد او بوده‌اند و در ضمن شاعر توانایی بوده و قصیده را خوب می گفته و جعفر تخلص می کرده است.

۱۸۶ - مولانا زاهدی نیز از خوشنویسان کتابخانه بایسنغر و از شاعران آن آن دوره بوده است.

۱۸۷ - مولانا جلال کرمانی هم از خوشنویسان همان کتابخانه بوده و شعر را

نیکو می سروده است .

۱۸۸ - امیر جلال الدین یوسف متخلص باهیری نیز از خوشنویسان دستگاه

بایسنغر و از شاعران توانای این دوره بوده است .

۱۸۹ - مولانا لطفی نیز از خطاطان همان کتابخانه و شاعر توانایی بشمار

می رفته است .

۱۹۰ - مولانا ولی هم از خوشنویسان دستگاه بایسنغر و از شاعران این دوره

بوده است .

۱۹۱ - مولانا واحدی نیز از خوشنویسان و شاعران همان کتابخانه بوده است .

۱۹۲ - مولانا منشی هم در سلك خوشنویسان و شاعران دستگاه بایسنغر می

زیسته است .

۱۹۳ - مولانا زین الدین هم خوشنویس و شاعر کتابخانه بایسنغر بوده است .

۱۹۴ - مولانا محمد جرعه نیز شاعر و خوشنویس همان دستگاه بشمار می رفته است .



بجزین ۱۹۴ تن شاعر نامی قرن نهم که ذکرشان گذشت عدد کثیر شاعران دیگر

هم درین قرن زیسته اند و فهرست اسامی آنها بدین قرار است : آتشی شیرازی ، آرزویی ،

آفاق بیک جلابر ، آفتی مشهدی ، برهان الدین ابراهیم بن جلال الدین احمد بن

محمد مدنی خجندی متوفی در ۸۵۱ ، ابراهیم سلماسی ، ابراهیم سیستانی ، سلطانی

ابراهیم صدر ، ابراهیم قانونی ، شمس الدین معروف بابن حسام متوفی در ۸۷۵ ، ابن

عماد شیرازی متوفی در ۸۳۸ ، ابن لعلی شاه بدخشان ، ابواسحق مهنوی ، ابوالبرکات

نراقی متوفی در ۹۱۳ ، ابوالبرکات سمرقندی ، میرزا ابوالبقا پسر سلطان حسین ، حاج

ابوالحسن ترک ، ابوالخیر سمرقندی ، ابوالقاسم خوافی ، ابوالقاسم مهنوی ، ابوالمعالی

خوافی ، ابوالنصر مهنوی ، شیخ ابوالواجد ، میرزا ابوبکر بن جوکی شاه مقتول در ۸۵۲ ،

میرزا ابوبکر بن سلطان ابوسعید متوفی در ۸۸۵ ، ابوسعید مهنوی ، ابوطالب

بدخشانی ، ابوطاهر مهنوی ، انایی بلخی ، قطب الدین احمد جامی ، احمد

حاجی بیك كاشغری ، احمد سراج سبزواری ، نظام الدین احمد شیرین کار ،  
 رشیدالدین احمد کازرونی ، سید احمد میرزا ، حافظ احمد هروی ، میر اختیارالدین  
 متوفی در ۸۹۷ ، ادایی بخاری ، ارشد شیرازی ، ارشد کازرونی متوفی در ۹۲۰ ، میرارغون  
 هروی ، میر اسدالله ، اسمعیل شام غازانی ، اسمی هروی ، اسیری هروی ، میرزا اصغر  
 مشهدی ، اصیلی مشهدی ، سراج الدین اصیلی هروی ، ظاهر خطاط ، افسری هروی ،  
 امیر افضل ، الغ بیك میرزا ، الهی ، امان الله قهستانی ، امانی شیرازی ، امیر جان انسی  
 متوفی در ۹۲۳ ، امیری ، صدرالدین امینی متوفی در ۹۱۸ ، امینی هروی ، انصافی ،  
 انوری بخاری ، انوری بلخی ، انیسی خوارزمی ، انیسی کاتب ، انیس هروی ، ایبازی  
 هروی ، خواجه ایوب سمرقندی ، باباجان هروی ، باطنی بلخی ، بدر ، بدرالدین شیرازی ،  
 برهان الدین هروی ، برهان جامی ، بز می خراسانی ، بسمچی هروی ، بصیری عجمی ، بقایی  
 خوارزمی ، بقایی سمرقندی ، بقایی هروی ، بلالی بخاری ، بنایی هروی ، بوعلی هروی ،  
 مولانا بهاء ، خواجه بهاء الدین ، بهشتی حصاری ، بهشتی هروی ، بیاضی استرآبادی ،  
 بیاضی حصاری ، بیخودی سمرقندی ، بیدای لنک ، بیك قلی ، یرقوی شیرازی متوفی  
 در ۹۲۸ ، پناهی خراسانی ، پهلوان کاتب ، پیامی مروزی ، پیامی هروی ، پیر بداق بن  
 جهانشاه متوفی در ۸۲۲ ، پیر خموش ، تابعی هروی ، ترخانی اندخودی ، تسلیمی هروی ،  
 جادویی بلخی ، جانی جوزجانی ، جدیدی ، جر می بخاری ، بابا جزوی عراقی متوفی  
 در ۹۲۵ ، جعفر تبریزی ، جلال الدین مشهدی ، جلال الدین هروی ، جمالی ، جمشید معمای ،  
 جمشید منجم هروی ، جنتی خراسانی ، جوهری سمرقندی ، چاکری هروی ، حاجی سعیدی ،  
 مولانا حاجی مشهدی ، مولانا حاجی هروی ، حافظ حكاك کرمانی ، حافظ میر سینانی ،  
 حافظی کرمانی ، حاکمی خوافی ، مولانا حبیب ، میر حبیب الله ، حبیب الله قیزی ، حبیب  
 کاتب ، حریری ، حریمی سمرقندی ، حزینی استرآبادی ، حسن قاری ، حسابی جنابندی ،  
 حسامی قهستانی ، امیر حسن استرآبادی ، حسن طهسی ، حسعلی جلابر ، حسعلی  
 هروی ، کمال الدین حسین ، حسین اردستانی ، امیر حسین اردشیر ، میرزا شاه حسین  
 اصفهانی متوفی در ۹۲۹ ، حسین باوردی ، حسین کیرنگی ، حسین معمای ، میرك

حسین هروی ، حقیری هروی ، حقیری همدانی ، جهانشاه حقیقی ، سید حکیمی سمرقندی ، حلوائی سمرقندی ، حمدی ، حمید الدین تبادکانی ، حمید گل ، حمید هروی ، حیدر تونیانی ، میر حیدر مجذوب ، حیرانی ، حیرتی تونس ، حیرتی سمرقندی ، خاتمی هروی کوسوی ، خاصی هروی ، خاککی ، خالدی هروی ، خاوری سمرقندی ، سلطان حسین ختمی ، خرمنی هروی ، خزان سمرقندی ، امیر خسرو ، خواجه خسرو سمرقندی ، خسروی هروی متوفی در ۸۷۹ ، خصالی هروی ، خضر شاه استرآبادی ، خضری ، خلف تبریزی ، خلغی بخاری ، خلغی هروی ، خلوتی ، خلیلی صاحب تحفة العشاق که در غرة جمادی الاولی ۸۸۰ با تمام رسیده است ، سید خنجر جیجکتو ، ملاخواجه خیابانی ، خواجه خواند ابواللیثی ، خواجه کلان هروی ، داعی استرآبادی ، داعی سرخسی ، درویش بیک ، درویش روغنگر ، درویش سرخسی ، مولانا درویش مشهدی ، امیر قاسم دلداری ، دوایی دوست اسفزاری ، دوست حسین ، میر دوست طارمی جغتایی ، مولانا دوست هروی ، درانشاه ، حسین دیوانه ، دیوانه بلخی ، دیوانه نیشابوری ، شیخ عبدالله دیوانه هروی ، ذاتی هروی ، ذهنی کابلی ، رازی بغدادی ، رحیمی ، یاز محمد رخنه ، امیر رستم علی رشدی کازرونی متوفی در ۹۲۰ ، رشید کازرونی ، رضایی سبزواری متوفی در ۸۵۶ ، رفقی ، میر علی دوست رفیقی هروی ، روحانی ، زوی بخاری ، روحی یازری ، رهایی ماوراءالنهری ، ریاضی زاوی ، ریاضی سمرقندی متوفی در ۸۸۴ ، رئیس شاختی ، زاری هروی ، زاهدی ، زکریا کججی ، زلالی هروی ، زمانی آملی ، زیبایی هروی ، زیرکی هروی ، زین الدین صادق ، زین الدین صاعد ، زین الدین علی ، زین الدین کلاهشیرازی متوفی در ۸۷۲ ، زین کیسه دوز ، زینی سبزواری ، ساغری هروی ، ساقی نخشبی ، ساقی هروی ، ساکنی سمرقندی ، سالمی عراقی ، سامانی بخاری ، سامی دامغانی ، سایللی اسفراینی ، سایللی خراسانی ، سایللی عراقی ، سایللی قرشی ، میر بیغمورچی سپاهی ، سپهری هندوستانی ، سدید طبیب قزوینی ، سدید طبیب گیلانی ، سروری بیرجندی ، سروری خراسانی ، سری ترشیزی ، سری هروی ، حافظ سعد ، مولانا سعد ، سعدالله ، حافظ سعد گل متوفی در ۸۶۸ ، سعدی اردبیلی ، سعدی مشهدی ، نور سعید بیک خوارزمی ، سعید کابلی ، میر سعید

هروی ، سکاکی سمرقندی ، سلام الله کاشی ، سلامی خراسانی ، سلامی هروی ، سلطان  
 خلیل ، سلطانعلی اوبهی ، سلطانعلی قاینی ، سلطانعلی هروی ، سلطان محمد خندان ،  
 سلطان محمد هروی ، سلطان محمود بتکچی ، سلطان محمود میرزا ، امیر سلطان ولی ،  
 سلیمان ترکمان ، سلیمانی هروی ، باباسمایی متوفی در ۹۲۳ ، سوادی هروی ، سوسنی  
 هروی ، عبدالوهاب سہابی ، سید زاده منشی ، میرسید کابلی ، سیری هروی ، سیفی  
 خراسانی ، ثانی کاشانی متوفی در ۹۲۴ ، شاه شبلی ، شاه علی بن سلیمان کجالی ، شاه  
 قلی ایغور ، شاہک هروی ، ملاشاہ محمد ، شاه محمد قورچی ، شاه محمد هروی ، شاه  
 محمود جان ، شاه محمود طهرانی ، شاه ولدبیک ، درویش علی شجاع ، شراری استرآبادی ،  
 حافظ شربتی ، شربتی هروی ، شرف خیابانی ، امیر سید شریف ، شریفی شیرازی ،  
 شریفی مشہدی ، محمد علی شفایی ، امیر حسین شریفی معماہی متوفی در ۹۰۴ ، شکرالله  
 شروانی ، شکری هروی ، شمس الدین محمد حروفی ، شمسی بدخشانی ، شوریدہ هروی ،  
 شوقی جیبجک تونی ، شوقی هروی ، مولانا شہاب ، شہاب مدون ، شہاب معماہی ، شہاب  
 هروی ، شہودی متوفی در ۹۲۷ ، شیخ زاده انصاری ، شیخ زاده پورانی ، شیخی طیبی ،  
 شیرعلی هروی ، شیریں ، شیونی قلندر ، صابر ، صابری ، صاحب استرآبادی ، صاحب  
 بلخی ، صاحب کبودجامہ ، صادقی قاینی ، صاقدی توزپوش ، صافی کوه صافی ، محمد  
 صالح ، صالح خراسانی ، علاءالدین علی صناعی ، قوام الدین علی صابنی متوفی در ۸۳۰ ،  
 صبحی اوبہی ، صبری خوارزمی ، صبوخی شیرازی ، میر حیدر صبوخی ، صدایی ،  
 صدر ابہری ، صدرالدین رواسی ، مولانا صدر دیوانہ ، صدرکاتب هروی ، صدیقی هروی ،  
 صفاتی هروی ، صفایی خراسانی ، صفایی سمرقندی متوفی در ۸۴۰ ، صفی الدین بن مسیح الدین  
 فوشنگی متوفی در ۸۵۳ ، صفی بیہقی ، درویش صوفی ، مولانا صوفی اردستانی ، صوفی  
 استرآبادی ، صیرفی ، ضعیفی لنگک ، ضمیری ہمدانی ، ضیاء تبریزی ، ضیاء هروی ،  
 ضیایی ، محمد طالب ، طالبی سمرقندی ، طالعی سمرقندی متوفی در ۸۵۸ ، طالعی مشہدی ،  
 خواجہ طاہر محمد ، طاہری استرآبادی متوفی در ۹۲۹ ، طاہری هروی ، طاہری  
 استرآبادی ، طاہری زیارتگاہی ، طفیلی حساری ، ظریفی تونی ، عادل ختلانی ، عارف



بلوچ ، عارف فرکتی ، عاشقی هروی ، قاسم عاصم ، عاصمی هروی ، عاکفی ، عالم هروی ،  
 میر عبدالباقی کرمانی ، عبدالجلیل ، عبدالحق استرآبادی ، عبدالحق هروی ، عبدالرزاق  
 هروی ، عبدالصمد بدخشانی ، عبدالصمد مشهدی ، عبدالغفار تاشکنندی ، عبدالقهار  
 هروی ، ملا عبدالکریم نیشابوری ، سلطان عبدالله بخاری ، درویش عبدالله ترخان ،  
 عبدالله چشمه‌مالان ، عبدالله شطاری ، عبدالله قزوینی ، عبدالله کیلانی ، مولانا عبدالؤمن ،  
 عبدالواسع هروی ، عبدالوهاب اسفراینی ، عبدالوهاب سمرقندی ، عبدی نیشابوری ،  
 عبیدالله خان شیپانی ، عبیدی خراسانی ، عزیز کابلی ، عشرتی هروی ، میر عشقی ، عطایی  
 متوفی در ۹۲۵ ، علاء‌الملک سبزواری ، علمی خراسانی ، مظہر الدین علی ، حافظ علی ،  
 میر علی اصغر سمرقندی ، علی بخاری ، علی ترشیزی ، حافظ علی جامی ، علی خان میرزا ،  
 حاج علی خراسانی ، میرزا علی خلیج ، خواجہ علی خوشنویس ، بابا علی شادآبادال هروی ،  
 مولانا علی کلوی شوری بخاری ، شرف الدین علی مخدوم متوفی در ۸۵۸ ، میر علی هروی ،  
 سید عمادالدین عراقی ، عماد رازی ، عماد کاتب ، عماد لاری ، عماد موسوی مشهدی ،  
 عماد یزدی ، مرشدالدین عمری ، شاه عنایت‌الله ، عیانی استرآبادی ، میر عیانی شیرازی ،  
 قاضی عیسی ، مسیح الدین عیسی ساوجی متوفی در ۸۹۶ ، عیسی شیرازی صاحب عشرت‌نامه ،  
 غباری اسفراینی ، غباری هروی ، غریب سبزواری ، غرقی ، غضنفری ، امیر مقصود غلام ،  
 غمزه بخاری ، غیاث‌الدین صباغ ، غیاث‌الدین علی ، غیاث‌الدین مشهدی ، غیاث‌الدین  
 محمد نیشابوری ، غیاث‌الدین محمد هروی ، غیاث بلخی ، فارسی هروی ، فانی بخاری ،  
 فانی هروی ، معین الدین فتح‌الله ، فتح‌الله شیرازی ، فتح‌الله کاتب ، مولانا فتح‌الله  
 هروی ، فتحی اندجانی ، مولانا فخر ، فخرالدین هروی ، فخر خلخالی ، فدایی  
 تبریزی ، فراقی جوینی ، فروغی نیشابوری ، فرهادی ماوراء النہری ، فسونی ، فشاری ،  
 فصیح‌الدین ، فصیحی رونی ، فصیحی صاحب واقع و عذرا ، فضل‌الله شیرازی ، فضل‌الله  
 کرمانی ، فضلی هروی ، فقیری هروی ، امیر کمال‌الدین حسین فنایی ، فیضی تربتی ،  
 فیضی کار دگر ، فیضی هروی ، قابلی ترشیزی ، قاسم جنابدی ، میرزا قاسم ولدی ، میرزا  
 قاسم هروی ، قاسمی اصفهانی ، قاضی زاده ، قایمی ، قبولی ترشیزی ، قبولی رستم‌داری ،

قبولی قندزی ، قبولی هروی ، قدسی هروی ، قدیمی هروی ، سید قراضه شیرازی ،  
 قرشی سمرقندی ، قطب الدین اصفهانی ، سید قطب سمرقندی ، قطبی هروی ، فلاشی  
 هروی ، قل محمد شبرغانی ، میر قلندر ، قوسی اسفراینی ، قوسی هروی ، شاه حسین  
 کامی ، کاهی ، کلان معمای ، کمال تربتی ، کمال کوه صافی ، کوثری بخاری متوفی در  
 ۸۸۰ ، کوثری هروی ، کوچک بیگ ، کور لطیف ، کوکبی بخاری ، کوکبی مشهدی ،  
 گدایی هروی ، گلشنی ، لسانی شیرازی ، لطفی ناشکندی ، لطفی مشهدی ، شمس الدین  
 محمد لطیفی ، لطیفی هروی ، لعلی شاه بدخشان ، لقایی خراسانی ، لقایی سمرقندی ،  
 مانی تربتی ، مولانا مثالی ، مجدالدین کاشی ، مجرمی هروی ، میر شمس الدین محمد  
 مجلسی متوفی در ۹۲۷ ، مجلسی هروی ، مجنون بلخی ، مجیبی ، مجرمی استرآبادی ،  
 مجرمی هروی ، کمال الدین محمد ، محمد آملی ، پهلوان محمد ابو سعید ، قاضی محمد  
 امامی ، محمد امین بلخی ، محمد بن احمد نیشابوری ، شیخ محمد تبریزی ، محمد جعفر  
 کوکلتاش ، محمد خراسانی ، مولانا درویش محمد خراسانی ، محمد عالی تبریزی ،  
 مولانا محمد علی هروی ، حاجی محمد فوطه سمرقندی ، خواجه محمد کتف اندجانی ،  
 محمد مجاهد خراسانی ، محمد مذهب کرمانی ، محمد مؤمن میرزا ، میر محمد میر یوسف ،  
 محمد نایینی ، محمد نعمت آبادی ، ملا حاج محمد هروی ، محمد همام ، امیر محمد  
 یوسف ، جمال الدین محمود ، محمود پیرلاس ، محمود تربتی ، محمود زنگی ، محمود  
 سبزواری ، محمود کاتب هروی ، محمود کاخکی قهستانی ، محمود لنگرودی ، محمود  
 مشکلی تبریزی ، محنتی هروی ، محوی خراسانی ، محوی هروی متوفی در ۹۲۸ ،  
 مولانا محیی الدین ، محیی خوشنویس ، محیی شروانی ، محیی نیشابوری ، مدیحی هروی ،  
 خواجه مسعود ، مسعود ترکمان ، خواجه رکن الدین مسعود ترکه ، مسعودی هروی ،  
 مسلمی اسفراینی ، مسیب هروی ، مسیحی نوشنجی ، مشتری استرآبادی ، مشربی مشهدی ،  
 مشرقی ، مشهدی ، مشرقی هروی ، سید مظهر ، خواجه مظهر معمار ، مظهری ، معز الدین  
 خوافی ، معزی ، معزی لنگی ، معین شیرازی ، معینی شیرازی ، میر مفلسی مشهدی ، مقصود  
 کازرونی ، مقصود هروی ، مقیم کازرونی ، میرزا مقیم کیخسروی ، مقیمی بخاری ، مقیمی

فرشیزی ، مقیمی هروی ، ملک باخرزی ، منصور جرجانی ، موالی ، خواجه موسی هروی ،  
 مؤمن سمرقندی ، میر دلال ، میر زابیک ، میر سبزواری ، میرک تبریزی ، میرک شیرازی ،  
 خواجه میرک هروی ، میرمسیاه ، میلی حصاری ، نادری بخاری ، نادری مروزی ، نازکی  
 خراسانی ، نازنینی سبزواری ، ناصر الدین سمرقندی ، ناظری مشهدی ، نامی سبزواری ،  
 محمدعلی جلایر نزاری ، نجانی متوفی در ۹۱۴ ، نجم الدین اسکویی ، نجم الدین برکباف ،  
 نجم الدین ساوجی ، خواجه نجمی ، نجمی شروانی ، نجمی مشهدی ، نجومی هروی ،  
 فدایی نیشابوری ، فرگسی مروزی ، فرگسی هروی ، نسیمی فرخاری ، نسیمی هروی ،  
 نصیبی کیلانی متوفی در ۸۸۶ ، امیر نصیبی نوربخشی متوفی در ۹۱۴ ، نصیر لنگی  
 نیشابوری ، نظام الدین اردبیلی ، نظام الدین خراسانی ، نظام بدر نیشابوری ، نظام هروی ،  
 نظامی خراسانی ، نظیر الدین هروی ، نظیری ، بابا نعمة الله ، سید فضل الله نعیمی ،  
 نقیبی هروی ، نوایی خراسانی ، نوزالدین راغی ، نوزالله خراسانی ، نورالله ساوجی ،  
 نور هروی ، نوری دندانی هروی ، نوری مشهدی ، نوری هروی ، محمد یوسف نیازی ،  
 نیکی اصفهانی ، واحدی هروی ، زین الدین محمود اصفی ، واصلی ، وافی هروی ، والهی  
 سمرقندی ، والهی هروی ، وحدتی هروی ، وحیدی قمی ، وداعی بلخی ، وصالی کاشانی ،  
 وصفی سمرقندی ، وصفی هروی ، وصلی هروی ، وصلی سمرقندی ، وفایی ، شاه حسین  
 ولی ، ولی قلندر ، ویسی سمرقندی ، ویسی هروی ، خواجه هاشم بخاری ، هاشم هروی ،  
 سید هاشمی ، هاشمی بخاری ، میر هاشمی شاه جهانگیر ، هاشمی هروی ، هجری اندجانی ،  
 هجری جامی ، هرانی هروی ، هفت رنگی خراسانی ، هلاکی هروی متوفی در حدود  
 ۹۰۰ ، هماد الدین گلناری ، میر همایون ، همایون میرزا ، همایی سمرقندی ، همایی  
 عراقی ، همدمی مشهدی ، هوایی مشهدی ، هوشی خراسانی ، حافظ یاری ، یاری  
 استرآبادی ، یاری شیرازی ، یاری هروی ، یحیی سیستانی ، شیخ نجم یعقوبی ، یقینی  
 هروی ، یوسف شاه کاتب ، یوسف مروزی ، یوسفی خراسانی .



گذشته ازین ۸۹۵ شاعر بزرگ و کوچک در میان گویندگان قرن نهم چند

زن دیگر هم بوده اند که شعر فارسی را نیکومی سروده اند مانند آتونی و آقا بیگم و بیچا منجمه خواهر مولانا علاء الدین کرمانی که در هرات میزیسته و بیکی سلطان مشهدی و روزبه و لاله خاتون و مغول خانم همسر محترم خان سیستانی و مادر محمد رحیم سلطان که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته و آفاق دختر میر علی جلایر و خواهر امیر حسن جلایر و همسر امیر درویش علی کتابدار برادر امیر علیشیر که در بلخ میزیسته و نهانی خواهر خواجه افضل کرمانی وزیر سلطان حسین و بی بی عصمتی که از مردم خواف و زن برادر حاجی شاعر بوده و بیدای همسر شیخ عبدالله دیوانه هروی و نهانی شیرازی و فخر النساء که نسایی تخلص داشته و از خاندان سادات زاوه بود و خانزاده تربتی خواهر وی که هردو دختران امیر یادگار بوده اند و شاه ملک معروف بسید بیگم که از خاندان سادات کرگان و دختر سید حسن کار کیا بوده و ملکا تخلص میکرده و بی بی آرزو سمرقندی و ضعیفی و حیات که زن بقایی هروی بوده و لی قطعه از همه معروف تر و شیرین سخن تر شاعره معروف مهری بوده که در زمان شاه رخ میزیسته و از نزدیکان گوهر شاد بیگم شاهزاده مشهور و زن خواجه عبدالعزیز حکیم و از زنان زیبای زمان خود و بسیار شیرین سخن بوده و دیوان وی که غزلیات و رباعیات بسیار لطیف در آن هست مانده است و یکی از زنانیست که بهتر از دیگران بزبان فارسی شعر گفته است.

### ن دهم

در قرن دهم مهم ترین واقعه تاریخ جدید ایران روی داده که نه تنها جریان تاریخ را دگرگونه کرده بلکه اندیشه ایرانیان را نیز برای دیگری برده است. در روز رمضان سال ۱۹۰۲ اسمعیل که از سلطان حیدر پسر سلطان جنید و از حلیمه دختر اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو (متوفی در ۸۸۳) در ۲۵ رجب ۸۹۲ بجهان آمد و درین زمان شانزده سال و یک ماه و هفت روز از زندگی او میگذشت در تبریز بر تخت پادشاهی نشست و یکسال بعد یعنی در ۹۰۸ خود را بنام «شاه اسمعیل» خواند. این شاه هفده ساله نسبت به پنج پشت بشیخ صفی الدین اسحق اردبیلی (۶۵۰ - ۱۲ محر)

(۷۳۵) پیشوای معروف صوفیه آذربایجان میرسید که بنا بر نسب نامه رسمی سلسله صفوی که در اعتبار آن تردیدست بیست و هشت با امام موسی کاظم میرسیده است. سلطان حیدر که از خواجه بیکم خواهر اوزون حسن زاده بود در ۸۹۸ هنگامیکه پسر سومش اسمعیل شش ساله بود در گذشت و پس از مرگ او اداره مریدان خانندان و ریاست سلسله تصوفی که بمناسبت نام مؤسس آن بطریقه صفوی معروف بود پی در پی پسر نخستینش علی و پس از آن پسر دوم ابراهیم و سپس پسر سوم اسمعیل رسید و او نیز مانند پدران خود در اردبیل میزیست و اندک اندک جمعی از مریدان خانندان خود را مسلح کرد و برای امتیاز از سپاهیان دیگر کلاه سرخ بر سرشان گذاشت و بهمین جهت به « قزل باش » یعنی « سرخ سر » معروف شدند و بدستگیری ایشان از ناتوانی آخرین پادشاه آق قویونلو سلطان محمد پسر یوسف که پسر دایی او بود و از ۹۰۶ پیادشاهی آذربایجان نشسته بود بهره مند شد و نخست برخی از نواحی آذربایجان را گرفت و پس از چندی که دختر شیخ ابراهیم شروانشاه را بزنی گرفت بر نیرویش افزوده شد و بدین گونه توانست بر بزرگترین قسمت ایران استیلا جوید و دوباره ایران را از ملوک الطوائف رهایی دهد و حکم رانی واحدی فراهم سازد. پدران شاه اسمعیل همه شافعی بودند و او نیز درین طریقه بجهان آمده بود اما چون از شش سالگی تا چهارده سالگی هشت سال در دربار کار کیا میرزا علی پادشاه کیلان (۸۸۳-۹۱۰) میزیست و باو پناه برده بود و وی شیعه بسیار تند روی بود همینکه بساطنت رسید دین شیعه را اعلان کرد و در انتشار آن از هیچگونه سختی و خونریزی خودداری نداشت. با آنکه جانشیان او شیعه بودند شاه اسمعیل دوم که از ۲۷ جمادی الاولی ۹۸۴ تا ۳ ذی الحجّه ۹۸۵ پادشاهی کرد چون در تبریز نزد دست امیر سید ابوالفتح محمد بن عبدالباقی شریفی شیرازی معروف بمیرزا مخدوم نواده میر سید شریف کرگانی که از علمای معروف حنفی بود تربیت شده بود همینکه پیادشاهی رسید و او را وزارت داد بدستگیری او طریقه سنت را اختیار کرد و چون فتنه‌های روی نمود ناچار پس از اندکی وزیر را عزل کرد و خود بطریقه شیعه بازگشت. بهر حال شاه اسمعیل اول برای پیشرفت عقیده

خود خونریزی بسیار کرده و درین میان جمعی از ادبا و علمای نامی ایران که پیرو این عقیده نبوده‌اند کشته شده‌اند و عدّه کثیری از ایشان از ترس جان خود از ایران گریخته‌اند، چنانکه دانشمندان خراسان بماوراء النهر و هندوستان رفته و دانشمندان آذربایجان بخاک عثمانی پناه برده و حتی عدّه کثیر از دانشمندان فارس و کرمان و خوزستان بحرستان رفته‌اند و بهمین جهت در قرن دهم بعدّه بسیار دانشمندان ایرانی نژاد برمیخوریم که درین کشورها بوده و در همانجا در گذشته‌اند. شاه اسمعیل در سال ۹۰۸ آذربایجان را از سلطان مراد آخرین پادشاه آق‌قویونلو گرفت و مرکز ادبی مهمی که در قرن نهم در آن سرزمین و مخصوصاً در دربار سلطان یعقوب فراهم شده بود بهم خورد و همه ادبا و هنرمندانی که در آن ناحیه بودند بخاک عثمانی پناه بردند و ادبیات فارسی در آن سرزمین رواج فوق‌العاده یافت، چنانکه زبان فارسی زبان علمی و ادبی دربار عثمانی شد و گاهی هم مکاتبات رسمی را بزبان فارسی می‌نوشتند و شگفت اینست که شاه اسمعیل خود بزبان ترکی شعر میگفت و خطایی تخلص میکرد و نامه‌هایی را که پادشاهان آل عثمان مینوشت بزبان ترکی بود اما پادشاهان آل عثمان مخصوصاً سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) و پسرش سلطان سلیمان دوم (۹۲۶-۹۷۴) بفارسی باو جواب میدادند و بزبان فارسی شعر میگفتند و ناچار عدّه کثیر از دانشمندان دربارشان بزبان فارسی تألیف کرده و شعر گفته‌اند و نفوذ این زبان در دربار عثمانی تا سیصد سال یعنی تا اواخر قرن سیزدهم باقی بود. از طرف دیگر ظهیرالدین بابر شاهزاده معروف تیموری در ۱۵ شعبان ۹۳۲ بتخت سلطنت هندوستان نشست و سلسله مقتدری درین کشور فراهم کرد که نزدیک سیصد و پنجاه سال در آنجا فرمانروایی داشت. بابر خود در ایران بآیین ایرانی پرورش یافته و با آنکه زبان مادریش ترکی جغتایی (زبان امروز ازبکستان) بود بزبان فارسی که از کودکی بآن خو گرفته بود دلبستگی داشت و زبان رسمی دربارش تا استیلاي انگلیسها بهند زبان فارسی بود و بهمین جهت فارسی که از قرن پنجم و از زمان محمود غزنوی بهندوستان رفته بود بر رونق خود افزود و ازین بعد تا زمانی که آخرین پادشاه بابری سراج‌الدین ابوالمظفر بهادر شاه دوم تا

۱۳ شعبان ۱۲۷۴ در آن کشور پهناور پادشاهی میکرد زبان رسمی بود و در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم و قسمتی از قرن سیزدهم هموار معده نویسندگان و شاعران فارسی زبان که در هند میر بستند بیش از شماره کسانی بود که در ایران بودند و نه تنها دانشمندان و شاعران برای اینکه زندگی مرفه بدست آورند بپند میرفتند و در آنجا بثروت سرشاری میرسیدند و یا در پایان زندگی بایران باز میگشتند و یا در همانجا بتحاکی سپرده میشدند، بلکه مسلمانان و حتی هندوان بتپرست آن سرزمین هم مقصود علمی و ادبی خود را بزبان فارسی ادا میکردند و مخصوصاً در قرن دهم در دربار دوتن از جانشینان مستقیم ظهیرالدین بابر یعنی ناصرالدین جهانگیر (۹۳۷-۹۶۳) و پسر او جلالالدین ابوالفتح اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴) ادبیات فارسی بمنتهای رونق و رواج رسید و بمراتب انتشار آن در هند بیش از ایران بود. در ایران پادشاهان صفوی توجهی بادیات نداشتند زیرا که همه کوشش آنها متوجه انتشار طریقه شیعه و پیشرفت سیاست مذهبی و بستن سدی استوار در برابر استیلای ازبکان سنی ماوراءالنهر و عثمانیان سنی آسیای صغیر و فراهم کردن تعصب و کینه مذهبی بسیار شدید و دامن زدن آتش اختلاف بود و برای این کار تنها احتیاج بادیات عامیانه ای داشتند که در میان مردم زیر دست و خرده پا فراهم کنند مانند نوحه و تعزیه و امثال آن و گاهی شاعرانی را که درباره شهدای کربلا مرثی میسرودند تشویق میکردند و در انتشار علوم نیز توجهی نداشتند و تنها بنشر معارف شیعه همت میگماشند و چون برای این کار در ایران که اکثریت مردم آن پیش از پادشاهی ایشان سنی بودند شماره لازم دانشمندان نمی یافتند ناچار معده کثیری از پیشوایان شیعه کشور های قازی زبان مانند بحرین و لخصاء و جبل عامل و نواحی دیگر دمشق و سوریه را بایران آوردند و ایشانرا باین کار گماشتند و آنها هم فارسی زبان نبودند و تعلیمات خود را بزبان تازی میدادند و نتیجه این شد که زبان تازی که پس از برافتادن خلافت بغداد در اواسط قرن هفتم در ایران روز بروز ضعیفتر شده و آن استیلایی که بعنوان زبان علمی در نتیجه قدرت خلفای بغداد پیدا کرده بود از میان رفته و اندک اندک زبان فارسی در احتیاجات علمی جای آنرا گرفته بود بدستگیری این پیشوایان تازی که

از کشورهای بیگانه آمده بودند دوباره زبان علمی و دینی ایران شد و باز بنای تألیف را بزبان تازی گذاشتند و این اوضاع تقریباً تا اواخر سلطنت صفویه تا اوایل قرن دوازدهم باقی بود و شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) نخستین پادشاه صفوی بود که بترویج زبان فارسی همت گذاشت و دانشمندان زمان خود را واداشت برخی کتابها را از زبان تازی ترجمه کنند. در قرن دهم یگانه مرکزی که برای جلوۀ زبان فارسی در ایران مانده بود سرزمین گیلان بود که در قسمتی از آن امرای سلسله اسمحاقی پادشاهی کرده‌اند و آخرین امیر این خاندان محمد امین بن جمشید تا ۹۹۹ حکمرانی ضعیفی داشته است و در قسمتی دیگر سلسله سادات کیایی که از ۷۷۰ بنای پادشاهی را گذاشته بودند هنوز حکمرانی داشتند و آخرینشان خان احمد خان معروف نخست از ۹۴۳ تا ۹۷۵ و بار دیگر از ۹۸۵ تا ۱۰۰۱ پادشاهی داشته است. بیشتر از شاعران فارسی زبان که در قرن دهم در ایران پدید آمده و در ایران مانده و بهند نرفته‌اند پرورش یافته در بارهای امرای گیلان بوده‌اند. در نورو کجور مازندران نیز دو خانواده از امرای با دوسپانی که از سال ۴۰ هجری پادشاهی آغاز کرده بودند پس از نهمصد سال هنوز قدرتی داشته‌اند و در نور اویس پسر بیستون در حدود ۹۵۶ و در کجور ملک محمد بن جهانگیر تا حدود ۹۶۳ حکمران مستقل بوده‌اند، اما این هر دو خانواده دست نشانده شاه طهماسب بوده و استقلال کامل نداشته‌اند و بهمین جهت در ادبیات زمان خود کاملاً مؤثر نبوده‌اند. در قرن دهم در هندوستان اساس سبک مخصوصی در شعر گذاشته شد که بنام سبک هندی معروف شده است و این سبک از روش خاص شاعران سمبولیسم قرن هشتم مخصوصاً کمال خجندی و حافظ بیرون آمده و شاعران در استعمال کنایات و استعارات و معانی دقیق و نازک هندی و اشاره بامثال و اصطلاحات خاص بیش از اندازه زیاد روی کرده‌اند چنانکه فهم بسیاری از اشعارشان برای کسانی که با اینگونه مطالب آشنا با اینگونه از شعر مانوس نباشند دشوارست و چون بیشتر شاعرانی که بدین روش امپرسیونیسم سخن گفته‌اند در هندوستان میزیسته‌اند این روش بسبک هندی معروف شده است. ضماینی که در شعر قرن دهم بیشتر بکار رفته در تغزل است و معما که در قرن پیش منتهای رواج را



داست رفته رفته متر و نثر شده و چون شاعران دیگر ممد و حانی در پیش خویش نداشته‌اند که ایشانرا بمدح تحریک کنند بخودی خود قصیده سرایی و مدایح از میان رفته و تنها در میان شاعران معدودی که در دربار صفویه میزیسته‌اند سرودن مدایح ائمه و بیشتر هرائی شهیدان کربلا معمول بوده است و در هندوستان همچنان سرودن مثنویهای عاشقانه و تقلید از خمسه نظامی مانند قرن پیش رواج داشته است. اما در نثر بیشتر در ایران و کمتر در هندوستان سبک پر تکلف و پر استعاره و کنایه‌ای که در قرن نهم ابتکار کرده بودند روز بروز بیشتر رواج و توسعه یافته است و مخصوصاً در دربار صفویه یگانه سبک معمولی نثر فارسی شده و بمنتهای مبالغه و غلو درین روش کوشیده‌اند.

### ۱ - نثر

نویسندگان بزرگ قرن دهم بدین گونه بوده‌اند:

#### ۱ - قاضی احمد بن محمد بن عبدالغفار قزوینی غفاری یکی از بزرگان

تاریخ نویسان زمان خود بوده و در ضمن از اعیان دربار صفویه بشمار میرفته و برادرش قاضی ری بود و در پایان زندگی بحج رفته و در بازگشت ازین سفر در ۹۷۵ در هندوستان در گذشته است و وی مؤلف دو کتاب مهم در تاریخست نخست نگارستان که شامل قصص تاریخست و در ۹۵۹ تألیف کرده است و دیگر کتابی بنام «نسخ جهان آرا» که شامل فصول مستقل در تاریخ سلسله‌های مختلفست که در دوره اسلامی سلطنت کرده‌اند و در ۹۷۲ بنام شاه طهماسب بیابان رسانده است.

#### ۲ - امیر یحیی بن عبداللطیف حسینی سیفی قزوینی از سادات محتشم قزوین

و از رجال دربار صفویه بوده و در ذی القعدة ۸۸۵ ولادت یافت و چون از پیشوایان اهل سنت قزوین بود مورد خشم شاه طهماسب اول قرار گرفت و در اصفهان محبوس شد و در همان حال در رجب ۹۶۲ در ۷۷ سالگی در گذشت. وی مؤلف دو کتاب مختصر در تاریخ عمومست یکی بنام لب التواریخ که در ۹۴۸ بنام بهرام میرزا پسر چهارم شاه اسمعیل اول نوشته و دیگر بنام مختصر التواریخ که در ۹۶۲ بنام شاه طهماسب همان کتاب سابق را اندکی مفصل‌تر کرده است.

۳ - امیر حسن نواده امیر سلطان روم و معروف بحسن بیگ روملو وی

نیز از تاریخ نویسان نامی قرن دهم بشمارست. از رجال دربار صفویه بوده و در ۹۳۸ در قم ولادت یافته و در ۹۴۸ در جنگ دزفول در رکاب شاه طهماسب بوده و در ۹۵۳ بگرجستان و جنگ کردان اردلان رفته و سپس سفرهایی بشیراز و قزوین کرده و مؤلف کتابیست بنام احسن التواریخ که وقایع را سال بسال در آن ضبط کرده است و ظاهراً نتوانسته است مجلدات اول آنرا تألیف کند و تنها مجلد ۱ و ۱۲ آنرا بیابان رسانده که مجلد ۱۱ آن شامل وقایع قرن نهم از ۸۰۷ بعد و مجلد ۱۲ شامل قرن دهم تا سال ۹۸۵ است و ظاهراً درین سال در گذشته و کتاب او ناتمام مانده است.

۴ - مسعود بن عثمان کوهستانی از تاریخ نویسان ساکن ماوراءالنهر بوده

و در دربار ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان ازبک (۹۴۷ - ۹۵۹) میزیسته و بفرمان این پادشاه کتابی در تاریخ سلسله شیبانیان یا ازبکان ماوراءالنهر آغاز کرده که تنها شامل تاریخ سلطنت ابوالخیر خان بن دولت شیخ (۸۳۲ - ۹۰۵) مؤسس این سلسله است و بهمین جهت به «تاریخ ابوالخیر خانی» معروفست.

۵ - ابراهیم بن جریر نیز از تاریخ نویسان این زمان بوده و در دربار همایون

پادشاه معروف باری هندوستان (۹۳۷ - ۹۶۳) میزیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ همایونی که از ۹۳۵ بتألیف آن آغاز کرده و بوقایع سال ۹۵۸ منتهی میشود.

۶ - خورشاه بن قباد حسینی عراقی از تاریخ نویسان دربار برهان نظامشاه

دکنی پادشاه هندوستان بوده که از ۹۱۴ تا ۹۶۱ در احمدنگر پادشاهی کرد. سب و در ۹۵۲ از جانب او سفارت بدربار شاه طهماسب در قزوین آمده و بهمین جهت به «ایلچی نظامشاه» معروف شده است و در بازگشت ازین سفر در ۲۵ ذی القعدة ۹۷۲ در گلکنده در گذشت. وی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود که بنام «تاریخ ایلچی نظامشاه» معروفست.

۷ - مصلح الدین محمد بن صلاح بن جلال بن کمال بن محمد انصاری سعدی

عبادی شافعی لاری از بزرگان علمای قرن دهم بود و در شیراز نخست شاگرد

میر غیاث‌الدین منصور بن صدرالدین شیرازی متوفی در ۹۴۸ یا ۹۴۹ و میر کمال‌الدین حسین بن محمد بن فخر‌الدین علی لاری و سپس مدتی شاگرد علامه جلال‌الدین دوانی دانشمند معروف بوده و سپس چند سالی در هندوستان در دربار همایون زیسته و پس از مرگ این پادشاه در سال ۹۶۳ بسفر حج و از آنجا باستانبول رفته و با ابوسعود مفتی معروف آن زمان دوست شده و پس از چندی بآمد رفته و اسکندر پاشا حکمران آن شهر در ۹۶۷ تولیت مدرسه خسرو پاشا را که بهترین مدرسه آن شهر بوده باو داده و سرانجام در شهر آمد در ذی‌الحجه ۹۷۹ در گذشته است. مصلح‌الدین لاری در همه علوم زمان خود دست داشته و بزبان فارسی و تازی در فتون مختلف تألیف کرده از آن جمله شرح رساله زوراء تألیف استاد خود جلال‌الدین دوانی را بپایان رسانده و دیگر از مؤلفات اوست شرح رساله هیئت ملا علی قوشچی بفارسی و حاشیه بر شرح میبندی بر هدایة‌الحکمة اثرالدین ابهری و مرآت الادوار فی مرقات الاخبار که کتابیست در تاریخ عمومی و بنام سلطان سلیم بن سلیمان آل عثمان و در موقع ورود باستانبول برای محمد پاشای وزیر در ۹۷۴ نوشته است و شرح اربعین نووی و شرح ارشاد فی الفروع الشافعیه و تعلیقه بر تفسیر بیضاری و حاشیه بر مطول و حاشیه بر تهذیب المنطق و کلام فقها زانی و شرح شمائل النبی امام ترمذی که در ۹۴۹ بپایان رسانیده و سپس شرح دیگری بر آن کتاب بفارسی نوشته است و حاشیه بر طوابع الانوار بیضاوی و شرح فرائض سجاوندی و شرح کافیة ابن‌الحاجب و تعلیقات بر موافف عضدالدین ایبجی.

۸ - منشی بوداق قزوینی که از مورخین دربار شاه اسمعیل دوم بوده و کتابی در تاریخ عمومی بنام جواهر الاخبار تألیف کرده است که بسال ۹۸۴ منتهی میشود.

۹ - ملا احمد بن نصرالله دیلمی تتوی که پسر قاضی شهرتته و از دانشمندان دربار جلال‌الدین اکبر بود و در ۲۲ سالگی از شهر تته خارج شد و در کسب دانش و تحصیل طب و حکمت بمشهد و یزد و شیراز و قزوین آمد و مدتی هم در دربار شاه طهماسب بود و پس از مرگ شاه طهماسب در ۹۸۴ بمکه رفت و از آنجا در ۹۸۹ بدربار اکبر رفت و در ۹۹۳ اکبر او را مأمور کرد کتابی در تاریخ عمومی از آغاز دوره

اسلامی بنویسد و وقایع را سال بسال در آن ضبط کند و وی بدان کار شروع کرد و چون در ۹۹۶ در لاهور کشته شد آن کتاب ناتمام مانده بود و اکبر میرزا قوام‌الدین جعفر بیگ ملقب باصف خان را که از شاعران و سرداران دربارش بود مأمور کرد که این کتاب را پایان رساند و چند تن دیگر از دانشمندان دربار درین کار شرکت کردند مانند نفیس خان و شاه فتح‌الله متوفی در ۹۹۷ و حکیم هماد متوفی در ۱۰۰۴ و حکیم علی متوفی در ۱۰۱۸ و حاج ابراهیم سرهندی متوفی در ۹۹۴ و میرزا نظام‌الدین احمد مؤلف طبقات اکبر شاهی و عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ و این کتاب چون در سال ۱۰۰۰ پایان رسید آنرا «تاریخ الفی» نام گذاشتند و مبدأ تاریخ آن را از سال رحلت رسول اکرم گرفته‌اند.

۱۰ - **میر محمد شریف و قوعی حسینی نیشابوری** از سادات محترم نیشابور بود و در ۹۹۸ وارد دربار جلالت‌الدین اکبر شد و در ۱۰۰۲ در هندوستان در گذشت و وی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی بنام مجمع الاخبار که تا وقایع سال ۱۰۰۰ را در آن ضبط کرده است.

۱۱ - **محمد ظاهر بیزواری پسر خواجه عماد‌الدین حسن از اعیان دربار** اکبر در هندوستان بوده و در ۹۸۸ اکبر حکمرانی یکی از نواحی هند را باو داده است و برادر پسرش خواجگی سلطان احمد از شاعران دربار بوده و در ۹۸۷ بازا کبیر مأموریت دیگر باو رجوع کرده و در ۱۰۱۳ با گره و برهان پور فرستاده است و در ۱۰۱۵ با سلطان خرم که بعدها بنام شاه جهان سلطنت رسیده از اگره بدربار جهانگیر بلاهور رفته است و دیگر در بازه او اطلاعی نیست. وی از تاریخ نویسان نامی زمان خود بشمارست و کتابی در تاریخ عمومی بنام روضة الطاهرین تألیف کرده که تا وقایع ۱۰۱۴ در آن ثبت شده است.

۱۲ - **حسن بیگ بن محمد بیگ خاکی شیرازی** نیز از تاریخ نویسان دربار اکبر و یکی از خاندان‌های نجیب شیراز بوده که به هندوستان رفته‌اند و در ۱۰۰۷ منصب بخشی گجرات باو تعلق گرفته و سپس در ۱۰۱۹ جهانگیر ریاست دیوان صوبه بهار را

باو داده و سر انجام در صفر ۱۰۲۲ در پتنه در گذشته و وی مؤلف کتابیست بنام منتخب التورایخ یا احسن التورایخ در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۱۰۲۱ را در آن ضبط کرده است.

۱۳ - نظام سیاقی از تاریخ نویسان زمان شاه عباس اول بوده و در ۱۰۰۷ کتابی شامل دوازده سال اول سلطنت او بنام فتوحات همایون نوشته است.

۱۴ - امیر محمود بن امیر خوندمیر پسر خوندمیر مؤلف معروف حبیب السیر بوده و ظاهراً در هرات میزیسته و وی مؤلف کتابیست در تاریخ شاه اسمعیل و شاه طهماسب که در ۹۵۲ بیابان رسانده است.

۱۵ - محمود بن هدایت الله افوشه ای نطنزی از ادبای پر کار زمان خود بوده و در نظم و نثر پارسی دست داشته و مؤلف کتابیست در تاریخ صفویه بنام نقاوة الآثار فی ذکرا الاختیار که در ۹۹۸ بتألیف آن آغاز کرده و تا وقایع سال ۱۰۰۶ را در آن آورده است و از آن کتاب پیداست که در ۹۳۸ ولادت یافته و پنج دیوان داشته و دو دیوان غزلیات بنام «مجازیه» و «غایة المجاز» و یک دیوان مدایح ائمه بنام «حاصل الجنات» و دو دیوان مدایح پادشاهان بنام «اضطراریه» و «برائة القلم» و در شیراز میزیسته است.

۱۶ - سید نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی بکری متخلص بنامی از تاریخ نویسان و شاعران معروف زمان خود بوده و در ۷ رمضان ۹۴۴ در هندوستان در بقعه بکر که اینک بنام سکر قدیم معروفست ولادت یافته است. پدرانش از سادات ترمذ بوده اند و در قندهار میزیسته و تولیت مقبره بابا شیر قلندر را داشته اند و پدرش بهند رفته است و چون خانواده وی در دربار احترامی یافته بود او نیز از مردان محترم زمان خود بوده و پس از آنکه در موطن خود تحصیل کرده بکجرات رفته و در ۹۹۸ با خواجه نظام الدین احمد بخشی بدربار اکبر بلاهورفته و چون پدرش شیخ الاسلام بوده است در دربار اکبر احترام یافته و بیست سال در دربار وی بوده است و مناصب مختلف باو داده اند تا اینکه در ۱۰۰۳ بمنصب دو صد و پنجاهی رسیده و سپس سفری بقندهار کرده و در ۱۰۰۸ با اکبر بچنگک اسیر گره بد کن رفته

و درین سفر کتیبه های متعدد بدست خود در شرح فتوحات اکبر بر سنگ کنده است و سپس در ۱۰۱۰ بسفارت ایران مأمور شده و بدربار شاه عباس بزرگ آمده و در ۱۰۱۳ ازین سفر بازگشته و پس از آنکه چندی هم در دربار جهانگیر مقاماتی داشته است در روز آدینه ۶ ذی الحجه ۱۰۱۹ در شهر سکر در گذشته است. میر معصوم نامی از دانشمندان پرکار زمان خود بوده و در فنون مختلف تألیف کرده از آن جمله کتاب «طب نامی» و «مفردات معصومی» و کتابی در تاریخ سند معروف به «تاریخ معصومی» که در حدود ۱۰۰۹ تألیف کرده است و دیوان اشعار او نیز بدست است.

۱۷ - **سید علی بن عزیزالله طباطبایی حسنی** در جوانی از عراق به هندوستان رفته و از تاریخ نویسان زبردست در دربار محمد قلی قطب شاه (۹۸۹-۱۰۲۰) از سلسله قطب شاهیان گلکنده دکن بوده است و مؤلف کتابیست در تاریخ پادشاهان گلبرگه و دکن بنام «برهان مآثر» که در سال ۱۰۰۰ هجری بپایان رسانده است.

۱۸ - **خواجه نظام الدین احمد بن محمد مقیم هروی** از باز ماندگان عبدالله انصاری عارف مشهور و از معروف ترین تاریخ نویسان هند در قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در دربار اکبر نخست منصب بخشی کجرات داشته و سپس در سال بیست و نهم سلطنت او بخشی کل هندوستان شده و سرانجام در ۲۳ صفر ۱۰۰۳ در ۴۵ سالگی در گذشته است و وی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی هند بنام طبقات اکبری یا طبقات اکبر شاهی که در ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ تألیف کرده است.

۱۹ - **عبدالقادر بن ملوکشاه بن حامد بداونی متخلص بقادری** وی نیز از تاریخ نویسان معروف هندوستان بشمارست و در ۱۷ ربیع الثانی ۹۴۷ در توده ولادت یافته و نخست در سنبهل اقامت داشته و از شاگردان شیخ حاتم سنبهلی از دانشمندان هند بوده و در ۹۲۶ بیساور و سپس با گره رفته و در ۹۶۹ در طریقه تصوف شیخ مبارک ناکوری در آمده و سپس در خدمت حسین خان جاگیردار پتیالی داخل شده و پس از آن در ماه صفر ۹۸۲ در دربار اکبر منصب امامت بار داده اند و چون تحمل اوضاع دربار برودشوار بوده از آن کار دست کشیده، اما در سال ۹۸۷ دوباره بسمت منشی بدربار

بازگشته و در ضمن منصب‌هزاری باوداده‌اند و مأمور ترجمه کتابهای زبان سنسکریت و تألیف کتابهای دیگر شده، اما از عهده ترجمه کتاب اثر او دا بر نیامده و درین ضمن با مورخان دیگر دربار مأمورات تمام تاریخ‌الفی شده است. در تاریخ رحلت او اختلاف است، برخی در ۱۰۰۴ و برخی در ۱۰۰۶ و برخی هم در ۱۰۲۴ ضبط کرده‌اند. عبدالقادر بداونی از دانشمندان پرکار زمان خود بوده و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله کتاب الاحادیث که ترجمه احادیث نبویست و در ۹۷۸ بیابان رسانده و در ۹۸۶ نسخه‌ای از آن را بنام اکبر کرده است و نامه خرد افزا که ترجمه‌ای از کتاب «سینک هاسن تیبسی» از زبان سنسکریتست و در ۹۸۲ بفرمان اکبر مأمور ترجمه آن شده و در ۹۸۹ بیابان رسانده و در سال ۱۰۰۳ در آن نظر کرده و رزم نامه که ترجمه مه‌بهار نه‌است و در ۹۹۰ بیابان رسیده و ترجمه کتاب راماین یا راماینا که در ۹۹۲ بفرمان اکبر بدان آغاز کرده و در ۹۹۷ بیابان رسانده است و نجات‌الرشید که کتابیست در تصوف و اخلاق و در ۹۹۹ تمام شده و ترجمه تاریخ کشمیر که در ۹۹۹ بفرمان اکبر کتاب معروف «راجه ترنگینی» را ترجمه کرده است و دیگر ترجمه معجم البلدان یا قوت‌حموی که در ۹۹۹ بدان آغاز کرده و دیگر انتخاب جامع رشیدی که در سال ۱۰۰۰ مأمور شده است جامع‌التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله مورخ معروف قرن هفتم را مختصر کند و دیگر کتاب بحر الاسرار که شاعری از داستانهای هندیست و در ۱۰۰۳ ترجمه کرده است. امام‌هم‌ترین کتاب او کتابیست در تاریخ عمومی هندوستان بنام منتخب‌التواریخ معروف بتاریخ بداونی که از آغاز سلطنت غزنویان شروع کرده و بوقایع سال ۱۰۰۴ منتهی می‌شود.

۲۰ - شیخ رزق‌الله بن سعدالله دهلوی متخلص بمشتاقی از ادبای نامی زمان

خود و برادرزاده عبدالحق دهلوی بوده است و در ۸۹۷ ولادت یافته و در طریقه تصوف سیر می‌کرده و مرید چند تن از مشایخ زمان خود بوده و سرانجام در ۲۰ ربیع‌الاول ۹۸۹ در گذشته است. وی بزبان هندی و فارسی شعر می‌گفته و مؤلف کتابیست در تاریخ پادشاهان دهلی بنام واقعات مشتاقی.

۲۱ - عباس خان بن شیخ علی سروانی از رجال دربار اکبر و از مختصات خان خانان امیر معروف دربار او بوده و در حدود ۹۸۷ کتابی در تاریخ پادشاهان دهلی بنام تحفه اکبرشاهی نوشته که بنام تاریخ شیر شاهی نیز معروفست .

۲۲ - شیخ زین الدین وفایی خوافی از شاعران دربار ظهیرالدین بابر بوده و در ۹۴۰ در گذشته و در آگره مدفون شده و وی کتاب با برنامه را که خاطرات ظهیرالدین بابر پادشاه معروف متوفی در ۶ جمادی الاولی ۹۳۷ است و اصل آن بزبان ترکی جغتاییست بفارسی ترجمه کرده است و با برنامه شامل وقایع ۸۹۹ تا ۹۳۶ است .

۲۳-۲۴ - میرزا پاینده حسن غزنوی نیز از ادبای هندوستان بوده و او هم به راهی محمدقلی مغول حصارى در ۹۹۴ بدستور بهروزخان حکمران جوناگره ترجمه دیگری از با برنامه کرده است .

۲۵ - قهرمان میرزا عبدالرحیم خان خانان پسر بیرام خان خانان از امرای بسیار معروف هندست . پدرش نیز از امرای معروف و پسر سیف علی بیگ بود و نسبش بچهار یا پنج پشت بعلى شکر تر کمان می رسيد که از تر کمانان بهارلو بود و در همدان املاک بسیار داشت و پسر یا پسرزاده او بنام شیرعلی یا پیرعلی از عمال جهانشاه قراقوینلو بوده است و پس از انقراض این سلسله نخست بخراسان و سپس بکابل و از آنجا بشیراز رفته و در آنجا کشته شده و پسرش جان علی بیگ در بدخشان اقامت کرده و از عمال دربار بابر شده است و پسرش سیفعلی جانشین پدر گشته است و از آن پس این خانواده در دربار مغول بمقامهای مهم رسیده اند چنانکه بیرام خان در دربار بابر و همایون و اکبر کارهای عمده کرده و باعث شده که اکبر را بسلطنت اختیار کرده اند و بهمین جهت بوزارت اورسیده و سرانجام در جمادی الاولی ۹۶۸ در کجرات بدست مردی افغانی کشته شده و چون شیعه بوده است جنازه او را بمشهد آورده و در آنجا بخاک سپرده اند . وی بفارسی شعر میگفته اما پسرش میرزا عبدالرحیم خان از دختر جمال خان مواتی در ۱۴ صفر ۹۴۶ ولادت یافته و دختر دیگر جمال خان زن همایون بوده است و از جوانی در دربار هند مقام بلندی داشته ، چنانکه در ربیع



الثانی ۹۸۱ در یکی از جنگها جسارت فوق العاده بخرج داده و در ۹۸۴ حکمرانی کجرات و در ۹۸۸ منصب میرعرض باو داده اند و در ۳ محرم ۹۹۲ باز در جنگ دیگری شجاعت فوق العاده بخرج داده و بهمین جهت خان خافان لقب گرفته است و سپس در ۹۹۹ حکمران ملتان و پس از آن مأمورد کن شده و نزدیک سی سال در آنجا مأموریت داشته است و سرانجام در ۱۰۳۶ در گذشته است. عبدالرحیم خان در زبانهای تازی و پارسی و ترکی و هندی دست داشته و بهر چهار زبان شعر می گفته و رحیمی تخلص می کرده و دیوان اشعار او بندستست و بر خلاف پدر سنی بوده است و در نشر نیز دست داشته است و کتاب بابرنامه راوی نیز در ۹۹۷ و ۹۹۸ ترجمه کرده که اینک بنام تزوک بابری یا فتوحات بابری یا واقعات بابری نیز معروفست.

۲۶ - میرزا پیر خوردار بن محمود ترکمان فراهی از نویسندگان زبردست

دوره صفویه بوده و در فراه و مرو و هرات و مشهد و اصفهان می زیسته است و منشی زبردستی بشمار می رفته و منشآت او در زمان وی معروف و رایج بوده و گذشته از آن کتاب دیگری در اخلاق و سلوک بنام محفل آرا و با محبوب القلوب نوشته که چون در آن داستان یا قوت شاه و شمسه وزیر و قهقهه وزیر را جای داده است بنام شمسه و قهقهه نیز معروفست و در ۹۳۷ کتابی در تاریخ از آغاز تا زمان خود بنام احسن السیر بفرمان شاه اسمعیل اول نوشته

۲۷ - مهتر جوهر آفتابه چی - از دربانان همایون پادشاه هند بوده و در حوالی

۹۶۰ در دربار مقام مهمی داشته و آفتابه چی پادشاه بوده سپس در ۹۶۲ تحصیلدار مالیه هیبت پور شده و بعد خزانه چی پنجاب و مولتان بوده و خاطرات همایون را بفرمان وی گرد آورده و کتابی بنام تذکره الواقعات یا تاریخ همایون شاهی و یا تاریخ همایون فراهم کرده که در ۹۹۵ سی و دو سال پس از مرگ همایون بیابان رسانیده و الیهاد فیضی سر هندی پسر اسدالعلما علیشیر مؤلف تاریخ اکبری در مسودات او اصلاحات کرده و فهرست آنرا ترتیب داده است.

۲۸ - با یزید بیات - نیز از مورخان هندوستان و برادرش شاه بردی بیات از عمال

دربار بوده و وی در خدمت میرزا کامران برادر همایون میزیسته در ۹۵۲ و ۹۵۳ در کابل و قندهار بوده است و در ۹۹۹ کتابی در تاریخ سلطنت همایون بنام تاریخ همایون تألیف کرده که در سال ۱۰۰۰ آنرا تکمیل کرده است و شامل وقایع ۹۴۹ تا ۹۹۹ است.

۲۹ - گلبدن بیگم دختر ظهیر الدین بابر و مادرش دلدار بیگم نام داشت و همسر خضر خواجه جغتای امیر الامرای دربار همایون بود و در ۹۳۷ که پدرش در گذشت هشت سال داشت و در ۹۸۲ سفر حج رفت و سرانجام در ۶ ذی الحجه ۱۰۱۱ در ۸۲ سالگی در گذشت. وی مؤلف کتابیست که در آن خاطرات برادرش همایون را بنا بر آنچه او گفته گرد آورده و با اسم همایون نامه یا احوال همایون پادشاه معروفست.

۳۰ - شیخ ابوالفیض بن مبارک ناسموری متخلص بفیضی از بزرگان نویسندگان و شاعران قرن دهم بشمارست. پدرش شیخ مبارک از ادبا و عرفای نامی زمان خود بود و وی در ۹۵۴ در آگره ولادت یافت و از جوانی وارد دربار جلال الدین اکبر پادشاه معروف هندوستان و در ۹۸۷ مربی شاهزاده مراد پسر دوم اکبر شد و سپس مربی هر سه پادشاه یعنی سلطان سلیم و شاه مراد و شاهزاده دانیال بود و در زمانی که اکبر در صدد تحقیق مذاهب مختلف و اعلان مذهب جدید بنام «توحید الهی» یا «دین الهی» بر آمدنجمتی از هیجده تن از دانشمندان دربار خود فراهم ساخت که فیضی و برادرش ابوالفضل از اعضای آن انجمن بوده اند. سپس در سال ۹۹۹ از جانب وی بسفارت بدکن رفته و سال بعد باز گشته و درین میان پس از مرگ غزالی مشهدی بسمت ملک الشعرائی دربار ارتقا یافته و سرانجام در ۱۰ صفر ۱۰۰۴ بپیماری تنگ نفس در گذشته است. ابوالفیض که بیشتر فیضی تخلص میکرده و تنها در اواخر عمر تخلص خود را تغییر داده و یکی دو ماه تخلص «فیاضی» را پذیرفته از بزرگان شعرای فارسی زبان هند بوده و در غزل سبک هندی از استادان درجه اول بشمارست و در زبان نازی و سنسکریت نیز دست داشته و مرد بسیار مهربان و زبردست نواز و در دوستی راسخ و پایدار بود. امام معاصرینش او را دارای فکر آزاد و عقیده سست دانسته اند و حتی برخی گفته اند که وی سبب شده است که جلال الدین اکبر دست از مسلمانی شسته و دین جدید وضع کرده است. در ادبیات

هند وی یکی از پرکارترین و با ذوق ترین ادیبان زمان خود بوده و بجز منشآت و دیوان قصاید و غزلیات که از وی مانده در نظم پیروی از خمسه نظامی کرده و مراکز ادوار را در برابر مخزن الاسرار و سلیمان و بلقیس را در برابر خسرو و شیرین و داستان نل و دمن را که از داستانهای هندیست در ۹۹۳ در برابر لیلی و میجنون و هفت کشور را در برابر هفت پیکر و اکبر نامه را در برابر اسکندرنامه سروده است ولی برخی ازین کتابها نایب مانده و عمرش وفا نکرده است و برخی از آنها نامرتب بوده و پس از مرگ او ترتیب داده اند. در قنون دیگر مانند معما و عروض و قافیه و تاریخ و لغت و طب و تفسیر و خط نیز دست داشته و در آن رشتهها نیز رسایلی تألیف کرده و نوشته اند که صد و یک کتاب از او مانده است و از آن جمله ظفرنامه احمد آباد که منظومه ایست در فتح احمد آباد بدست جلال الدین اکبر و محمد حسین میرزا سپهسالار او و ترجمه لیلوتی که کتاب حسابیست بزبان سنسکریت و ترجمه مهابهارته کتاب معروف سنسکریت و تفسیر بی نقطه قرآن بنام «سواطع الالهام» که در ۱۰۰۲ بیابان رسانیده است.

۳۱ - ابوالفضل بن مبارک متخلص بعلامی برادر کهنر فیضی بود و در ۶ محرم ۹۵۷ در آگره ولادت یافت. کودکی و جوانی را در شهر آگره گذراند و در آنجا کسب دانش کرد. از پنج سالگی بمکتب رفت و در ۱۵ سالگی در علوم زمان خود احاطه یافت و از شاگردان خطیب ابوالفضل کازرونی از دانشمندان زمان بود و پس از آن مدت ۱۰ سال بآموزگاری کودکان مشغول بود. سرانجام در سال ۹۸۱ وارد دربار اکبر شد و چون برادرش فیضی پیش از او وارد دربار شده بود او را بپادشاه معرفی کرد و رساله‌ای را که در شرح آیه الکرسی نوشته و بنام وی تألیف کرده بود با او تقدیم کرد. وی نیز مانند برادر خود در تهیه «توحید الهی» یا «دین الهی» دست داشت و او را مانند برادرش درین کار متهم کرده اند و سرانجام در ۹۹۳ بمنصب هزاری رسید و در ۹۹۴ نیابت حکومت دهلی را باو دادند. در سال ۱۰۰۰ منصب دوهزاری را و در سال ۱۰۰۷ منصب چهارهزاری باو دادند و در ۱۰۰۸ بمأموریت دکن فرستاده شد و در آن مأموریت قلعه عظیم گره را متصرف شد و درین سفر پسرش شیخ عبدالرحمن افضل خان دستیار عمده او بود و چون

از دیر باز در میان وی و شاهزاده سلیم که بعدها بعنوان جهانگیر پادشاهی رسید دشمنی بود و سلیم وسیله رفتن این سفر را فراهم کرده بود که شاید در آن میان تا بود شود و نقشه او بجایی نرسید و بزودی فاتحانه بدربار باز میگشت وسیله فراهم ساخت که در راه در نزدیکی سبزوار او را کشتند و سرش را بالله آباد نزد سلیم فرستادند و این واقعه در ۱۰۱۱ ربيع الاول اتفاق افتاد و سرانجام سر بی تنش را در اقمري در ناحية گوالپور بخاك سپردند و اينك قبر او در آنجا معروفست. ابوالفضل علامی از نویسندگان زبردست و پرکار قرن دهم بود و مانند برادرش در زبان تازی و پارسی و سنسکریت دست داشته و مخصوصاً در انشای فارسی در زمان خود معروف بود و بیشتر احکام و فرامین و نامه‌ها را در دربار اکبر گاهی بفارسی روان و ساده وی مینوشته است و در فنون مختلف نیز مؤلفات بسیار دارد از آن جمله تفسیر آیه الکرسی و تفسیر سورة الفتح و کتاب اکبر نامه که مفصل‌ترین و معتبرترین تاریخ سلطنت جلال‌الدین اکبر است و در ۱۰۰۴ پیاپیان رسانده و سپس وقایع را تا سال ۱۰۱۰ بر آن افزوده است و مجلد سوم آنرا که شرح مملکت داری و سازمان کشورهای هندوستان در زمان اکبر است آیین اکبری نام گذاشته و نیز داستان‌های پید پای پاپیل پای یعنی کتاب کليلة و دمنه را از زبان سنسکریت بنام عیار دانش در ۹۹۶ ترجمه کرده و در ترجمه مها بهارته در ۹۹۵ و تألیف تاریخ الفی نیز شرکت کرده است و منشآت او در دو قسمت یکی بعنوان مکاتبات علامی که عبدالصمد بن افضل بن محمد از ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۵ جمع کرده و دیگر بعنوان انشای ابوالفضل یا مکاتبات ابوالفضل معروفست و کتابی در لغت بنام مجموع اللغات و رساله‌ای بی نقطه در اخلاق بنام موارد الکلم و کتابی در تصوف بنام جلال‌الدین اکبر بنام تحفه فتحیه یا اکبر نامه و نیز کتاب حیوة الحیوان تألیف کمال‌الدین ابوالبقاء محمد بن موسی بن عیسی بن علی دمیری مصری شافعی (۷۴۲-۸۰۸) مؤلف معروف تازی را بفارسی ترجمه کرده است و نیز ترجمه رامین را بخط باونسبت داده‌اند. وی در شعر فارسی هم دست داشته و غزل و قصیده و مثنوی را نیکو میسروده و علامی تخلص میکرده است.

دربار همایون و اکبر و از تاریخ نویسان هندوستان بوده و چندی در کجرات میزیسته و سپس سفر حج رفته و در بازگشت در ۹۸۵ در بهار ساکن شده و در آنجا در سال ۹۸۷ کتابی در تاریخ اکبر تا وقایع همان سال نوشته که بنام تاریخ اکبری یا تاریخ محمد عارف قندهاری معروفست .

۳۳- **الهدادین اسدالعلماء علی شير سر هندی متخلص بفيضي** نیز از دانشمندان

پرکار هندوستان بوده و در دربار اکبر میزیسته و از مریدان بخشى الملك شيخ فرید بخاری از مشایخ زمان خود بود و کتاب های چند تألیف کرده است . از آن جمله کتابی در لغت فارسی بنام مدارالافاضل که در ۱۰۰۱ بیان رسانده و نیز در تاریخ همایونشاهی تألیف جوهر مهتر آفتابچی تجدید نظر کرده و خود کتابی در تاریخ اکبر بنام اکبرنامه نوشته که تا وقایع سال ۱۰۱۰ را در آن آورده است .

۳۴- **ادراکی بیکری تتوی** از طایفه ارغون و از شاعران هند بود و گذشته از

اینکه منظومه ای بنام شنیرنامه در ۱۰۱۰ بیان رسانده کتابی هم باسم بیکرنامه در شرح احوال خان زمان امیر قاسم خان بن امیر سید قاسم بیکر از امرای هند که در دربار اکبر منصب ترخانی داشته در ۱۰۱۷ تألیف کرده است .

۳۵- **سید محمد ظاهر بن سید حسین تتوی متخلص بنیمانی وی** نیز از

شاعران و تاریخ نویسان هندوستان بوده و از عمال دستگاه میرزا غازی بیک متخلص بوقاری بوده که در دربار اکبر منصب ترخانی داشته و کتابی در تاریخ ناحیه نته در سر زمین سند بنام تاریخ طاهری نوشته که تا وقایع سال ۱۰۱۸ را در آن ثبت کرده است .

۳۶- **میر ابوتراب ولی پسر شاه قطب الدین شکر الله معروف بشاه ابوتراب**

**عریضی حسینی سلامی شیرازی** از سادات محترم زمان خود بود و جدش در ۸۹۸ از شیراز به هند رفته و در آنجا مقیم شده بود و وی در ۹۷۴ در کجرات در دستگاه چنگیزخان والی آن سرزمین وارد خدمت شده و از ۹۷۵ تا ۹۸۰ در وقایع مهم آن ناحیه دست اندر کار بوده و سپس وارد دربار اکبر شده است و در ۹۸۵ اکبر منصب میر حاج باوداده و در

۹۸۸ از اجازة گرفته و بکجرات باز گشته و در ۹۹۲ که اعتماد خان حاکم کجرات شده با منصب «امین صوبه» داده است و سرانجام در ۱۳ جمادی الاولی ۱۰۰۳ در گذشته و وی مؤلف کتاب تاریخ کجرات است که وقایع آن ناحیه را از زمان بهادرشاه از ۹۳۲ تا زمان مظفرشاه سوم در ۹۹۲ در آن کتاب ضبط کرده است .

### ۳۷ - شاه طاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی دکنی از معاریف

رجال هندوستان در قرن دهم بود . نسبش بخلفای اسمعیلی میرسید که خود را با اسمعیل بن جعفر الصادق نسبت میدادند و وی از خانواده معروف به «خواندیه» بود و نخست در کاشان میزیست و در آنجا کسب دانش کرده و از شاگردان شمس الدین محمد خفری دانشمند معروف آن زمان بود و پس از آنکه شاه اسمعیل بیادشاهی رسید بوی نزدیک شد و شاه اسمعیل با او احترام بسیار میکرد و بر سادات دیگری که در دربارش بودند برتری میداد . اما چون میر جمال الدین حیدر استرآبادی که در دربار شاه اسمعیل نفوذ بسیار داشت او را بید دینی متهم کرد و از نظر شاه انداخت ، شاه اسمعیل در صدد آزار او بود و میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل که بواسطه تمایل بتصوف که در عقیده با او مشترک بود ویرا ازین خطر آگاه کرد و او در ۹۲۶ با خانواده خود از کاشان آهنگ هندوستان کرد و در جزیره جرون بکشتی نشست و پس از یک هفته بیندر مصطفی آباد معروف بداهول کوه رسید و چون این خبر بشاه اسمعیل رسید چند سوار در پی او فرستاد که او را باز گردانند ، اما سواران با او رسیدند و پس از چندی شاه اسمعیل از بدخواهی نسبت باو پیشیمان شد و وی از راه بیجاپور بگلبرگه رفته و در آنجا ساکن شده بود و هر چه شاه اسمعیل او را ببازگشت دعوت کرد نپذیرفت و شاه طهماسب هم که بسطنت رسید ازو دلجویی کرد و خواست بایران بر گرداندش و او رضا نداد و پس از چندی توقف در گلبرگه خیال سفر حج کرد و چون بقصبة پرنده رسید دوستانش ویرا از آن سفر منع کردند و همانجا ماند و پس از چندی باحمد نگر و از آنجا بدکن رفت و در دکن ساکن شد و بهمین جهة بشاه طاهر دکنی معروف شد و در دکن کارش بسیار بالا گرفت و نخست برهان نظام شاه پادشاه دکن و کالت خود را باو داد و پس از چندی

باندازه ای درو نفوذ یافت که در ۹۲۸ آن پادشاه را به طریقه اثنی عشری دعوت کرد؛ با وجود اینکه برخی او را اسمعیلی میدانند و گویند سبب نفوذ او در دربار این بود که عبدالقادر پسر نظامشاه بیمار شده و بدعای او و نذری که بگفته او برای ائمه شیعه کرده بودند شفا یافته بود و چون نظامشاه دین شیعه را پذیرفت امرای دربارش از آنجمله نصیرالملک که در تسنن تعصب داشت بمخالفت او برخاستند و نظامشاه هم نصیرالملک را کور کرد و مخالفان را بدینگونه آرام ساخت و شاه طاهر هم در نتیجه بحث و استدلال مخالفان خود را قانع کرد و تفصیل مباحثات و مناظرات او با پیشوایان اهل سنت در دسترس معروفست و در کتابهای آن زمان بتفصیل آورده اند و از آن زمان شهر احمدنگر مرکز عمده طریقه شیعه در هندوستان شده و جمع کثیری از علمای شیعه از شهرهای ایران و هندوستان بدانجا رفته اند و شاه طاهر سرانجام در احمدنگر در ۹۵۲ در گذشته است. وی از بزرگان دانشمندان و ادیبان قرن دهم بوده و گذشته از آنکه در شعر فارسی دست داشته و قصیده را بسیار خوب میسروده در فنون مختلف هم مؤلفات دارد. از آنجمله حاشیه بر تفسیر بیضاوی و شرح تهذیب اصول و حاشیه بر الهیات شفا و رساله در معنی و شرح باب حادی عشر در کلام و شرح رساله جعفریه در فقه و رساله فارسی در احوال معاد و رساله انموذج العلوم و رساله در انشاء و فتحنامه که در فتح شولاپور بدست برهان نظامشاه نوشته است و مجموعه منشآت او هم بنام انشاء یا منشآت شاه طاهر معروفست.

### ۳۸ - رفیع الدین ابراهیم بن نورالدین توفیق شیرازی نیز از تاریخ

نویسان ساکن هندوستان بود در ۹۴۷ در شیراز ولادت یافته و در جوانی برای بازرگانی به هندوستان رفته و در ۹۶۷ در دهلی بدربار علی عادلشاه راه یافته و بمنصب خوانسالاری او رسیده و سپس منشی دربار او شده و پس از مرگ او در دربار برادر زاده اش ابراهیم عادلشاه نیز مقام بلند داشته و پس از چندی که افضل خان از اعیان دربار مغضوب و محسوس شد او را هم بزندان فرستادند و سرانجام در ۱۰۰۵ در موقعی که حاکم شهر بیجاپور بوده بسفارت باحمد نگر رفته است و در پایان زندگی در ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ بتألیف کتابی بنام تذکره الملوك در تاریخ سلسله عادلشاهیان بیجاپور مشغول بوده و وقایع را تا

آغاز سال ۱۰۲۰ در آن گرد آورده است .

۳۹ - ملاشاه محمد شاه آبادی نیز از تاریخ نویسان هند درین دوره بوده و در ۹۹۸ کتاب معروف تاریخ کشمیر را که « راجه نارانگی » یا « رازد ترنگی » و یا « راجه نارانگینی » نام دارد و منظومه ایست بزبان سنسکریت بفرمان جلال الدین اکبر ترجمه کرده و در ۹۹۹ عبدالقادر دریداوینی آنرا اختصار و تهذیب کرده است .

۴۰ - عبدالله مورخ هم از تاریخ نویسان هندوستان در قرن دهم بوده و مؤلف کتابیست بنام تاریخ داودی در تاریخ سلسله لودیها ( ۸۵۵ - ۹۳۰ ) و سلسله سوریها ( ۹۴۶ - ۹۸۸ ) که در سلطنت جهانگیر ( ۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ) در آغاز قرن یازدهم تألیف کرده است .

۴۱ - عبدالحق بن سیف الدین بن سعد الله ترك دهلوی بخاری صوفی محدث متخلص بحقی نیز از دانشمندان و متصوفه و تاریخ نویسان مشهور همان زمان هند بوده، در ۹۵۸ در دهلی متولد شده و در جوانی ادبیات پارسی و نازی را فرا گرفته ، در ۹۸۵ در سلك مریدان شیخ موسی بن حامد حسنی اچمی قادری صوفی وارد شده ، در ۹۹۵ به حج رفته و در بازگشت در احمدآباد کجرات ساکن شده و در ۹۹۶ بار دیگر به حج رفته و مدتی در مکه و مدینه مانده و در ۹۹۹ به هند بازگشته و روز دوشنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۰۵۲ در دهلی در گذشته است . وی مؤلف کتابهای سیار بفارسی و نازی در فنون مختلفست از آن جمله : لمعات التنقیح فی شرح مشکات المصابیح ، قلب الالیف ، اسماء الرجاز و الرواة المذکورین فی شرح المشکاة ، جامع البرکات فی متخذب شرح المشکاة ، مدارج النبوه و مراتب الفتوه در سیرت رسول بفارسی ، مطلع الانوار البهیة فی الحلیة الجلیلة النبویه ، ذکر اجازات الحدیث فی القدیوم و الحدیث ، اسماء الاسانذ ، فصول الخطب لنیل اعالی الرتب ، تنبیه العارف بما وقع فی العوارف در تصوف ، طریق الافاده فی شرح سفر السعادة فیروزآبادی بنام طریق القویم شرح صراط المستقیم ، جذب القلوب الی دیارالمحبوب تاریخ مدینه بفارسی ، احوال ائمة اثنی عشر تلخیص از فصل الخطاب ، زبدة الآثار منتخب بهجة الاسرار در مناقب عبدالقادر کیلانی ، مفتاح الفتوح لفتح ابواب



النصوص شرح فتوح الغيب عبدالقادر كيلاني ، انوار الجليليه فى احوال المشايخ الشاذليه ، زاد المتقين فى سلوك اليقين در مقامات مشايخ تصوف ، اخبار الاخيار فى احوال الابرار من اهل هذه الديار در احوال مشايخ صوفيه هندى بفارسي ، ذكر الملوك فى اخبار سلاطين الهند ، تحقيق الاشارة الى تعميم البشاره ، جمع الاحاديث الاربعين فى ابواب علوم الدين ، ترجمة الاحاديث الاربعين فى نصيحة الملوك و السلاطين ، مطلب الاعلى فى شرح اسماء الله الحسنى و صفاته العلى ، ترغيب اهل السعادات على تكثير الصلاة على سيد الكائنات ، الاجوبة الاثنا عشر فى توجيه الصلاة على سيد البشر ، توجيهات التشبيه الواقف فى الصلوات على النبى ، تحقيق مائت بالسنة من الامال من ابام السنه ، رساله النورية السلطانية فى بيان قواعد السلطنة و احكامها و اركانها و اسبابها و آلتها كه بر اى نور الدين جهات كبر نوشته است ، آداب الصالحين تلخيص احياء علوم الدين غزالى ، مرج البحرين الجمع بين الطريقتين در جمع شريعت و طريقت ، تكميل الايمان و تقوية الايقان بفارسي ، تحصيل التعرف فى معرفة الفقه و التصوف ، توصيل المرید الى المراد بين احكام الاحزاب و الاوراد ، تسليمة المصاب لنيل الاجر و الثواب فى الصبر ، شرح الصدر بتفسير آية النور ، در الفريد فى بيان قواعد التجريد ، بناء المرفوع فى ترصيص مباحث الموضوع در منطق ، درة البهيه فى اختصار الرسالة الشمسية در منطق ، شرح الشمسية ، حاشية الفوائد الضيائية و اتباع الهوى الصبائية ، افكار الصافية فى ترجمة كتاب الكافية ، منظومة فى آداب المطالعة و المناظره ، نكات العشق و المحبة فى تطيب قلوب الاحبه ، نكات الحق المحقيقه من باب معارف الطريقه ، صحيفة الموده ارجوزة فى المكاتبات الى اعزته و احبابه ، منتخب مثنوى معنوى ، حسن الاشعار فى جمع الاشعار ، ارسال المكاتب و الفضائل الى ارباب الكمال و الفضائل ، فتح المنان فى تايد مذهب النعمان در فقه و حديث ، ترجمة زبدة الاثار المنتخب من بهجة الاسرار كه بفرمان دار اشكوه از عربى بفارسي ترجمه كرده است ، رساله فى اقسام الحديث ، رساله فى ليلة البرائة ، رساله فى اسرار الصلوة ، رساله فى عقد الانامل ، رساله فى آداب اللباس ، رساله فى الرد على بعض اقوال الشيخ احمد بن عبد الاحد سر هندی ، رساله فى مبحث الوجود ، رساله فى الوظائف ، رساله

وصایا، شرح غنیة الطالبین و نیز مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی هندوستان بنام تاریخ حقی که در ۱۰۰۵ بیابان رسانده است.

۴۲- فخرالدین علی بن حسن زواری از دانشمندان نامی زمان شاه طهماسب اول و یکی از نخستین کسانیست که در طریقه شیعه کتابهایی بزبان فارسی تألیف کرده و یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود بشمار میرود و از شاگردان محقق کرکی و شیخ علی بن عبدالعالی و سید غیاث الدین جمشید زواری و سید امیر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی و استاد ملا فتح الله کاشانی مفسر معروف و متمایل بتصوف بوده و در اصفهان میزیسته و آنچه از مؤلفات او بمانده بدینگونه است: ترجمه الخواص در تفسیر قرآن که بتفسیر زواری معروفست و در ۹۴۶ بیابان رسانیده، شرح نهج البلاغه بفارسی بنام روضة الابرار که در اواخر شوال ۹۴۷ بیابان رسانده، ترجمه کشف الغممة بهاءالدین علی بن عیسی اربلی متوفی در ۶۹۲ بنام ترجمه المناقب که در ۹۳۸ بنام امیر قوام الدین محمد بیابان رسانیده، ترجمه مکارم الاخلاق تألیف رضی الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی بنام مکارم الکرام، ترجمه عدة الداعی احمد بن فهد حلی بنام مفتاح النجاح، ترجمه کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج تألیف ابو منصور علی بن ابوطالب طبرسی بنام کشف الاحتجاج که بفرمان شاه طهماسب بیابان رسانیده، ترجمه اعتقادات شیخ صدوق بنام وسیلة النجات، مجمع الهدی در تاریخ انبیاء بفارسی، لوامع الانوار الی معرفة الائمة الاطهار بفارسی که از کتاب احسن الکبار فی مناقب ائمة الاطهار تألیف محمد بن علی بن ابی زید دورامینی بنام شاه طهماسب تلخیص کرده و برخی مطالب بر آن افزوده است، تحفة الدعوات در اعمال سال و غیره بفارسی، ترجمه تفسیر امام حسن عسکری که نیز بنام شاه طهماسب بیابان رسانیده، مرآة الصفا بفارسی در زیارت اهل بیت، ترجمه کتاب طرایف فی معرفة مذهب الطوائف رضی الدین علی بن طاوس حسینی بنام طراوة اللطایف فی ترجمه کتاب الطرایف، ترجمه کتاب امان الاخطار تألیف علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن محمد طاوس حسینی بنام نشر الامان فی الامصار و الاوطان.

۴۳- فتحی حسینی نیز از تاریخ نویسان همین زمان بوده و کتابی در سیرت

رسول بنام زادالآخرة تألیف کرده است .

#### ۴۴ - سید عبدالاول بن علی الدین بن حسن حسینی زیدپوری از دانشمندان

هند و از یکی از خاندان های محترم دکن بود و در زیدپور نزدیک جوئیپور میزیست و بدعوت بیرام خان خان خاندان دهلی رفت و در آنجا ساکن شد و در ۹۶۸ در آنجا در گذشت . وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و مؤلف کتابهای چند در فنون مختلف و از آن جمله کتاب فیض باری در شرح صحیح بخاریست و کتابی در سیرت رسول دارد بنام سیر نبوی یا منتخب کتاب سفر السعاده که ظاهراً از کتاب سفر السعاده مجدالدین فیروزآبادی انتخاب و ترجمه کرده است .

#### ۴۵ - شیخ یعقوب بن خواجه حسن گنایبی عاصمی کشمیری متخلص بصرفی

از مشاهیر صوفیه حنفی قرن دهم بود و در نهمصد و هشت ولادت یافت و در هرات از شاگردان ملا محمد شاگرد عبدالرحمن جامی بود و او بوی \* جامی ثانی \* لقب داد و پس از آن بعبادت و ریاضت پرداخت و نخست بامیر سید علی همدانی ارادت میورزید و سپس در حلقه اصحاب شیخ کمال الدین حسینی خوارزمی در آمد و برای درك خدمت او از کشمیر بسمرقند رفت و بیرون دروازه شهر در خانقاه او اقامت کرد و پس از چندی که در خدمت او بود اجازه ارشاد و خلعت بوی داد و او را مأمور کشمیر کرد و پس از چندی که مردم را ارشاد میکرد دوباره بدیدار مرشد خود بسمرقند و از آنجا با او حج رفت و در بازگشت از آن سفر در مشهد بدیدار شاه اسمعیل رسید که در آن موقع در کشتن اهل سنت مبالغه میکرد و در برابر خواری عادتی که شاه از او دیدند و معتقد شد او و ویرا از کشتن مردم منع کرد و از آنجا بیغداد رفت و ابن حجر جبهه ابوحنیفه کوفی را باو داد و در آنجا با شیخ سلیم فتح پوری چشتی دیدار کرد و وارد طریقه چشتی شد و پس از سفرهای چند بکشمیر بازگشت و در واقعه فتح کشمیر بدست جلال الدین اکبر بیاری آن پادشاه برخاست و چون یعقوب خان چک حکمران کشمیر شیعه متعصب بود باردیگر عازم حج شد و پس از یکسال بازگشت و سرانجام در شب پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة ۱۰۰۳ پس از نماز عشا در گذشت . یعقوب صرفی در نظم و نثر فارسی از بزرگترین صوفیه هندوستان بوده ، در

شعر گذشته از دیوان غزلیات و مجموعه رباعیات و وامق و عذرا و لیلی و معجون تتبع  
 خمسة نظامی کرده و منظومه‌ای شامل فتوحات رسول بنام مغازی‌النبی سروده و در نشر  
 شرحی بر صحیح بخاری و کتابی در تفسیر و سلك الاخبار و مقامات مرشد و کتابی در مناسک  
 حج و حاشیه بر توضیح و تلویح و تفسیر دو جزء آخر قرآن و روایح شرع و رساله اذکار از او  
 مانده است .

۴۶ - عقیق‌الدین بن نورالدین کاشانی نیز از تاریخ نویسان این قرن بوده  
 و کتابی بنام مطالع الانوار در سیرت رسول و تاریخ خلفای راشدین و بنی امیه نوشته است.  
 ۴۷ - وحیدالدین ابوالحسن محمد بن زین‌الدین حاجی بن احمد اسفرغانی بادی  
 معروف به میرجان از مشایخ صوفیه قرن دهم و از اصحاب شیخ جلال‌الدین محمود از  
 مشایخ خراسان بوده و در ۹۰۲ در بغداد بوده و سپس بخراسان باز گشته و در آنجا در سال  
 ۹۴۴ کتابی در احوال خلفای اربعه بنام روضة الاصحاب تألیف کرده و نیز کتابی بنام  
 حقایق الحقایق در شرح سخنان شیخ جلال‌الدین محمود مرشد خود نوشته است .

۴۸ - ابوذر سلمان بن احمد شریف فالی از تاریخ نویسان شیعه ساکن  
 هندوستان بوده و در دربار برهان نظام‌شاه دردکن میزیسته و مدتها در صدد بوده است که  
 کتابی در مناقب مختار بن ابوعبیده ثقفی بنویسد تا اینکه کتابی بزبان تازی درین زمینه  
 بدست او افتاده و در سال ۹۴۶ آنرا بنام مختارنامه بفارسی ترجمه کرده است .

۴۹ - نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری از دانشمندان شیعه در قرن  
 دهم بوده و کتاب مکارم الاخلاق تألیف رضی‌الدین ابونصر حسین بن ابوعلی فضل‌بن‌حسین  
 طبرسی را بفرمان شاه طهماسب اول بنام محاسن الاداب ترجمه کرده است .

۵۰ - میر ابو الفتح بن محمد بن ابی شهید شریفی حسینی معروف بتاج سعیدی  
 نیز از دانشمندان شیعه همین دوره بوده و در ۹۵۰ در گذشته است . از دانشمندان نامی زمان  
 خود و از شاگردان موسی بن محمد قاضی زاده رومی بوده ، تا زمان شاه طهماسب هم  
 زیسته است و مؤلفات چند از او مانده از آن جمله کتاب صفوة الصفا تألیف این بزاز را  
 که در شرح حال صفی‌الدین اردبیلی جد صفویه است تهذیب کرده و بنام شاه طهماسب

اول بیابان رسانده و تفسیری بنام تفسیر شاهی و حاشیه‌ای بر حاشیه ملاجلال الدین دوانی در ۹۲۷ و حاشیه بر شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی نوشته و نیز رساله اعتقادیه یا اعتقادات صدوق ابن بابویه را بفارسی ترجمه کرده است .

۵۱ - ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی معروفترین کسیست که بزبان فارسی در طریقه شیعه تفسیر نوشته و از شاگردان درجه اول فخرالدین علی زواری سابق الذکر بوده و وی نیز مانند استاد خود مفسر بوده و برخی از کتابها را از زبان تازی ترجمه کرده است و در زمان شاه طهماسب میزیسته اما در تاریخ رحلت او اختلافست و در ۹۷۸ و ۹۸۸ و ۹۹۷ ضبط کرده‌اند و در کاشان مدفونست و این داستان در باره او رواج دارد که وقتی سگته برو عارض شده و او را مرده پنداشته و دفن کرده‌اند و چون بانگی از قبر او برخاسته او را از خاک بیرون آورده‌اند و تا مدتها زنده بوده و تفسیر خود را پس ازین واقعه و درین مدت تألیف کرده است . در هر صورت وی مؤلف دو کتاب در تفسیر بمذاق شیعه است یکی بنام منهج الصادقین فی الزام المخالفین که تفسیر بزرگ اوست و بعدها آنرا بنام خلاصه المنهج مختصر کرده است ، دیگر از مؤلفات او شرحیست بفارسی بر نهج البلاغه بنام تنبیه الغافلین و تذکره العارفین که در ۹۵۵ بیابان رسانده است و دیگر ترجمه قواعد الاحکام تألیف علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی و دیگر ترجمه‌ای از قرآن و تفسیری بزبان تازی که در ۹۷۷ بیابان رسانیده است و نیز کتاب کشف الاحتجاج را که ترجمه فارسی کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج تألیف ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی و از کتابهای معروف شیعه و منصوب باستادش فخرالدین علی زواری هم هست برخی باونسبت داده‌اند .

۵۲ - میر فخرالدین محمد بن حسین حسینی سماکی استرآبادی از معارف پیشوایان شیعه زمان شاه طهماسب اول و نخست شیخ الاسلام سبزواری بوده و سپس بدربار شاه طهماسب راه یافته و بمنصب صدارت رسیده و بزبان تازی و پارسی مؤلفات چند دارد از تألیفات معروف او بزبان تازی حواشی بر شرح هدایة الحکمة قضی میر حسین میبیدی و حواشی بر شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی از دوانی و حواشی بر شرح نجرید العقاید

نصیرالدین طوسی از ملاعلی قوشچیست که در ۹۵۲ بنام شاه طهماسب پیاپان رسانده و از مؤلفات فارسی او تفسیر آیه الکرسیست .

۵۳ - جلال الدین محمد بن محمود تهائیری چشتی از مشایخ معروف طریقه چشتی هندوستان و خلیفه عبدالقدوس بن اسمعیل کانگوی بوده و در زمان جلال الدین اکبر میزیسته و در ۹۸۹ در تهائیر در گذشته و مؤلف کتابیست در تفسیر سوره والطنین بزبان فارسی .

۵۴ - نورالدین محمد واعظ از دانشمندان مقیم ماوراءالنهر بوده و در زمان ابوالغازی عبدالله بهادرخان پادشاه شیبانی میزیسته که از ۹۴۶ تا ۹۹۱ پادشاهی کرده است و تفسیری بر آیه الکرسی بزبان فارسی بنام او نوشته است .

۵۵ - امیر غیاث الدین منصور بن امیر صدرالدین محمد شیرازی دشتکی معروفترین و جامعترین علمای زمان شاه طهماسب بود و به همین جهت او را ثالث معلمین میگفتند و از خاندان معروفی از دانشمندان شیراز بود . در ۸۶۶ ولادت یافت و نخست در شیراز بود ، شاه اسمعیل او را مأمور تعمیر رصدخانه مراغه کرد که در آن زمان یکسره ویران شده بود و وی از شیراز به مراغه رفت و این کار را انجام داد و سپس شاه طهماسب در آغاز سلطنت خود که صدارت را بامیر جلال الدین محمد استرآبادی داده بود او را بدربار خود خواند که در صدارت با وی شرکت کند و چون در ضمن مباحثاتی که با یکدیگر میکردند امیر جلال الدین مطایبه میکرد باو بر خورد و بشیراز برگشت تا اینکه در ۹۳۶ باردیگر در کار صدارت شریک شد و دو سال و اندی درین مقام بود و چون شیخ علی کرکی از عراق بایران آمد با امیر غیاث الدین بسیار مربوط شد و قرار گذاشتند که شیخ علی شرح تجرید قوشچی را نزد امیر غیاث الدین بخواند و او هم کتاب قواعد را از شیخ علی فرا بگیرد . امیر غیاث الدین گفت اینمقتله شما درس بخوانید و هفته دیگر نوبت من خواهد رسید و چون شیخ علی یکدرس خواند و هفته دیگر نوبت بامیر غیاث الدین رسید تمارض کرد و درس نخواند و چون امیر غیاث الدین وسواس بسیار سخت داشت و نمیگذاشت دستش بدست کسی برسد و بهر کس میرسید

ازو می پرسید بیمار شده است یا نه و بجایی ازو درد گرفته است یا نه و اگر کسی می گفت فلان جای من وقتی درد گرفته است دیگر با اوس سخن نمیگفت و با هر کس که مصافحه میکرد دست را از آستین بیرون نمیآورد و با آستین مصافحه میکرد بهمین دلایل میانه اتش با شیخ علی بهم خورد. بار دوم که شیخ علی از عراق بایران آمد و میر غیاث الدین منصب صدارت داشت چون معروف بود که میر غیاث الدین مقید بشرع نیست در میانشان دشمنی در گرفت تا اینکه سر انجام روزی در مجلس شاه طهماسب در میانشان بحث بجای بد کشید و شاه امیر غیاث الدین را عزل کرد و پس از چند روز که در اردوی او بود بشیراز رفت و چندی پس از آن در شب شنبه ششم جمادی الاولی ۹۴۸ در میان دو عشا در گذشت. امیر غیاث الدین از دانشمندان پرکار زمان خود بوده و بفارسی و تازی در فنون مختلف تألیفاتی ازومانده، از آن جمله است حاشیه بر شرح حکمة العین، محاکمات میان صدرالدین محمد صدرالعلماء (پدرش) و جلال الدین دوانی در حواشی شرح تجرید، محاکمات میان آن دو در حواشی شرح مطالع، محاکمات ایضاً در حواشی شرح عضدی، حاشیه بر حاشیه دوانی بر اوایل شمیسه، معیار الافکار، حاشیه بر تفسیر کشاف، رساله در صنعت تسطیح اسطرلاب، رساله فی الکمالات الالهیه، شرح طوابع الانوار، حاشیه بر شرح هندی بر کافیه فی النحو ابن حاجب، حجة الکلام رد بر غزالی، شرح هیا کل النور، تعدیل المیزان خلاصه منطبق شفا، حاشیه بر اشارات، اثبات واجب، اخلاق منصوریه، کفایه منصوریه در صفات محاکمات، حاشیه بر رساله زوراء، حاشیه بر تجرید، تفسیر سوره هل اتی، مرآت الحقایق، رساله در هیئت، لوامع در هیئت، ریاض رضوان، آمال الایمان در علم کلام، دلیل الهدی در کلام، جام جهان نادر اخلاق.

#### ۵۶ - سلطان محمد فخری بن محمد امیر امیری هروی از شاعران

نامی قرن دهم و پدرش نیز از شعرای معروف قرن نهم بوده و وی نخست در هراته میزیسته و سپس به هندوستان رفته و بازمانده عمر خود را در آنجا گذرانده و مؤلف چندین کتاب ادبی بسیار سودمند بزبان فارسیست از آن جمله روضة السلاطین در اشعار امرا و پادشاهان

که بنام ابوالفتح شاه حسین غازی پادشاه بنگاله متوفی در ۹۲۵ تألیف کرده، جواهر العجایب که تذکره زنان شاعره است و بنام جلال الدین محمد اکبر پرداخته و تحفة الحیب که مجموعه‌ای از غزلیات است که شاعران با استقبال یکدیگر سروده‌اند و در ۹۲۹ تألیف کرده است و نیز کتاب بوستان خیال را که شامل مطلع غزل‌های زبان فارسیست و مؤلف آن بکتاش قلی ابدال نام داشته و در ۹۱۱ بیابان رسانده است با و نسبت داده‌اند. فخری شاعر زبردستی بوده و غزل را خوب میگفته و نخست در هرات در دستگاه کریم الدین خواجه حبیب‌الله ساوجی وزیر سام میرزا صفوی و حکمران خراسان از جانب صفویه بوده و تا زمان شاه طهماسب در خراسان میزیسته و در پایان زندگی به حج رفته و از آنجا عازم هندوستان شده و در سند مورد توجه عیسی نر خان از امرای هندوستان گشته و پس از چندی که در سند مانده چون جلال الدین اکبر پادشاهی رسیده قصیده‌ای در تهنیت جلوس او گفته و کتاب جواهر العجایب را برای او نوشته است. دیگر از تألیفات او ترجمه تذکره مجالس النقایس امیر علیشیر نوابیست که اصل آن در ۸۹۶ بر زبان ترکی جغتایی نوشته و وی بنام لطایف نامه در زمانی که سام میرزا پسر شاه اسمعیل حکمران خراسان بوده و در مش خان شاملو از امرای قزلباش پیشکار او و خواجه حبیب‌الله وزیر او بوده‌اند این ترجمه را در ۹۲۸ با انجام رسانده است و چون تا جلوس جلال الدین اکبر زنده بود پیدا است که تا ۹۶۳ هم زیسته است و از آن پس دیگر از او خبری نیست.

۵۷ - سام میرزا صفوی متخلص بسامی پسر دوم شاه اسمعیل و برادر کهنتر شاه طهماسب بود و روز سه شنبه ۲۱ شعبان ۹۲۳ ولادت یافت و در زمان پدر و برادر نخست حکمران گیلان بود و سپس در ۹۲۸ حکمران خراسان شد و در مش خان از امرای قزلباش و کریم الدین میرزا حبیب‌الله ساوجی که از رجال بزرگ دربار بودند پیشکاری و وزارت او مأمور شدند و پایتخت او هرات بود. اما پس از چندی در ۹۳۰ پس از مرگ پدرش معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی که کرد در قندهار شکست خورد و از آنجا بطبرستان گریخت و رفت و شاه طهماسب بخط خود باو نامه نوشت و بدست قراسلطان شاملو حاکم طبرستان او را امان داد و نزد خود



خواند و چون بدر بار رسید شاه طهماسب او را بحرم برد و توازش کرد و دستور داد که سی تن از قورچیان ملازم او باشند و همیشه در اردو باشد و از مطبخ شاهی و بیوتات سلطنت خوراک و پوشاکش را بدهند و وی نزدیک دوازده سال بدینگونه میزیست تا وقتیکه برادر کهنرش القاص میرزادر ۹۵۵ طغیان کرد و بخاک عثمانی گریخت. در ۹۵۶ از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد و اجازه گوشه نشینی بدهد و شاه طهماسب در آنسال تولیت بقعه شیخ صفی الدین و حکمرانی اردبیل را باو داد و وی دوازده سال در اردبیل باینکار سرگرم بود و گروهی از ادبا و دانشمندان را گرد آورده بود و با آنها میزیست و سرانجام در ۹۶۱ که برای پسر خود رستم میرزا در ۱۶ سالگی زن گرفته و جشن بسیار با شکوهی برپا کرده بود و یکی از دختران شیخ اوندگان را برای او گرفته بود در همان حال ویس از زفاف آن جوان بیمار شد و از آن بیماری در گذشت و چون وصیت کرده بود نعش او را بمشهد ببرند و در محل معروف بقتلگاه بخاک سپارند و آن زمین را از پولی که از مزد کتابت قرآن بدست آورده بود بخرند و وقف کنند پدر بوصیت او عمل کرد و تختی و محجری بر سر خاکش ساخت و در ۹۶۵ از شاه طهماسب اجازه گرفت بر سر خاک پسر رود و با سوندوک بیک قورچی باشی افشار که به راه دنیال شاهزاده اسمعیل میرزا پسر شاه طهماسب میرفت بدر بار شاه و از آنجا بمشهد رفت و نزدیک یکماه در آنجا مهمان ابو الفتح سلطان ابراهیم میرزا برادر زاده اش حکمران خراسان در مشهد بود و سپس بدر بار شاه طهماسب برگشت و پیش از آنکه بدر بار برسد یکروز شاه طهماسب گفت ظاهراً سام میرزا از من با امام رضا شکوه کرده و امشب یکی از ائمه را بخواب دیدم که میگفت سام میرزا از تو شکایت دارد و به همین جهت چون بقزوین رسید دوباره او را باز در بیل روانه کرد و باز چندی دیگر در اردبیل میزیست تا اینکه در ۹۶۵ باردیگر طغیان کرد و چون این بار هم شکست خورد و دستگیر شد او را در قلعه قهقهه زندانی کردند و شش سال در حبس بود تا اینکه سرانجام در ۹۷۵ در گذشت. سام میرزا از شاهزادگان با نوق و دانشمند صفوی بوده و مخصوصاً در پرورش دانشمندان و هنرمندان مقام رفیعی دارد و گذشته از آنکه خود شاعر زبردست

بوده کتابی بنام تحفه سامی در احوال بزرگان ادبا و دانشمندان و هنرمندان زمان خود پرداخته که در اردبیل در ۹۵۷ از تألیف آن فارغ شده است .

۵۸- میر تقی الدین محمد بن شرف الدین علی حسینی کاشانی متخلص بدگری

در کاشان در حدود ۹۴۶ ولادت یافته و نخست در ایران میزیسته و از ادبای معروف زمان خود بوده و سفرهای چند در کشور خود کرده و سپس به هندوستان رفته و بازمانده عمر را در آنجا گذرانده و در ۹۷۹ بتألیف کتاب بسیار بزرگی در تذکره شعرای متقدمین و معاصرین خود درشش مجلد بزرگ آغاز کرده و در ۱۰۱۶ بنام خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار آنرا بیابان رسانیده است و در باره شعرای متقدم مقید بوده است برای هر يك داستان معاشقه‌ای بیاورد و بهمین جهت برای همه معاشقانی جعل کرده و بدینگونه داستان و افسانه‌ها با تاریخ و حقیقت آمیخته است ، اما منتهی‌بخت بسیار جامعی از شاعران در کتاب خود آورده و ازین جا پیدا است که کتاب بسیار داشته و تحقیق بسیار کرده و از قسمت شعرای متقدمین آن شیخ علینقی کمره‌ای شاعر دانشمند معروف قرن یازدهم انتخابی کرده یعنی حقایق تاریخی و منتخبات اشعار آنها را بیرون کشیده و از افسانه جدا کرده است و با اینهمه این کتاب یکی از سودمندترین کتابهای ادبیات فارسیست .

۵۹- تقی الدین محمد بن مهین الدین بن سعد الدین محمد حسینی ابوحدی دقاقی

بلیانی اصفهانی نسبش بشش پشت باوحدالدین عبداللّه بن مسعود بن محمد بن علی بن احمد بن عمر بن اسمعیل بن ابوعالی دقاق می‌رسیده است . در عصر چهارشنبه دوم محرم ۹۷۳ متولد شده و از مختصان و تربیت شدگان شاه طهماسب اول بوده و در دربار شاه اسمعیل دوم و شاه محمدخدا بنده هم مقامی داشته و سپس در زمان شاه عباس اول در اواخر عمر خود در آغاز قرن یازدهم به هندوستان رفته و ظاهراً در همانجا مانده و در گذشته است و در سال ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ در آن سرزمین تذکره‌ای که ظاهراً تلخیص و تقلیدی از همان خلاصة الأشعار سابق الذکر است بنام عرفات العاشقین تألیف کرده که آن نیز کتاب جامع و بسیار سودمند است . سپس انتخابی از آن بنام کعبه عرفان و انتخاب دیگری بنام انتخاب کعبه عرفان کرده است . وی شاعر بسیار پرکاری بوده و مجموعه‌های متعدد از اشعار

خود تدوین کرده است بدین گونه: هفت مثنوی یعقوب و یوسف، ساقی نامه بنام نشائه بی خمار، کعبه دیدار، سفینه السکینه، کعبه الحرمین، لوح محفوظ، قلم قدرت، دیوان قصاید و غزلیات، دیوان قصاید، تبصرة العارفين، دیوان غزل بنام تذکرة العاشقين، دیوان ترکیبات و ترجیعات، دیوان مقطعات و مطایبات و اهاجی، دیوان عین الحیات، دیوان امید آباد در جواب اشعار امیدی، دیوان آدمیت، دیوان غزل بنام بهرام دستان، دیوان قدمکر، دیوان جواهر زواهر، دیوان درغرر، کتاب نشر سرمه سلیمانی، کافیه الفایده، مفتاح مفاتیح، عینیہ، جفر اوحده و دیوان وحشی را هم او گرد آورده است.

۶۰ - محمد حیدر بن محمد حسین گورکان معروف بمیرزا حیدر دوغلت

پدرش محمد حسین گورکان از امرای تیموری و حاکم تاشکند بود که در ۹۱۴ درگذشت و وی در ۹۰۵ ولادت یافت و از جانب محمود بن محمد حیدر گورکان آخرین امیر کاشغر در خدمت پسر عمش سلطان سعید خان بود که از ۹۲۰ تا ۹۳۹ در کاشغر پادشاهی کرده است و پس از مرگ او بپدخشان و لاهور رفت و کامران میرزا پسر بابر او را در دستگاه خود پذیرفت تا اینکه سرانجام در تبت و کشمیر استقلال یافت و از ۹۵۲ بحکمرانی آغاز کرد و در ۹۵۸ کسانش بر او شوریدند و او را کشتند و وی مؤلف کتابیست بنام تاریخ رشیدی در تاریخ پادشاهان چنه و کاشغر از زمان تغلق تیمور خان تا حوادث سال ۹۵۲.

۶۱ - نورالدین محمد بن عبدالله بن پیر حسین بن شمس الدین قزوینی

از عرفای نقشبندی قرن دهم بوده و مؤلف کتابیست بنام سلسله نامه خواجگان نقشبند که در ۹۷۸ تألیف کرده است.

۶۲ - قاضی سید نورالله بن سید شریف الدین بن جمال الدین بن نورالله بن

شمس الدین محمد شاه حسینی مرعشی شوشتری معروف بقاضی نورالله از بزرگان علمای شیعه قرن دهم و دختر زاده سید شریف علامه کرگانی بود و اجدادش همه شیعه بوده اند و پدرش از پیشوایان شیعه و از شاگردان شیخ ابراهیم قطیفی بوده و وی

ظاهرآ در جوانی به هندوستان رفته و پیشوای شیعه آن سرزمین شده و در ۹۹۶ جلال الدین اکبر او را قاضی شهر لاهور کرده و چون کتاب احقاق الحق را نوشته و در آن نسبت باهل سنت بدگویی کرده بود مردم بدو خشمگین شده بودند و در ضمن جهانگیر پادشاه هندوستان هم حکم قتل او را داده بود بهمین جهت مردم بر او حمله بردند و در راه او را گرفتند و کشتند و بدن او را پاره پاره کردند و بوضع فجیعی از جهان رفت و بهمین جهت در میان شیعه بشهید سوم یا شهید ثالث معروف شد و بدینگونه در سال ۱۰۱۹ از جهان رفت و قبر او در شهر اکره هنوز زیارتگاه است. قاضی نورالله یکی از معروفترین مؤلفان شیعه است و بزبان تازی و پارسی کتابهای چند نوشته و معروفترین آنها کتاب مجالس المؤمنین است که در ۹۹۳ بتالیف آن شروع کرده و در سال ۱۰۱۳ پایان رسانده و کتابیست در احوال معارف شیعه در هر حرفه که بوده اند و چون درین کتاب مبالغه بسیار کرده و کسانی را که شیعه نبوده اند شیعه قلم داده او را شیعه تراش لقب داده اند. دیگر از مؤلفات او کتاب احقاق الحق است در اثبات حقایق شیعه و نخست علامه حلی کتابی در همین زمینه بنام نهج الحق نوشته و روز بهان خنجی اصفهانی مؤلف معروف قرن نهم که تعصب بسیار بر ضد شیعه داشته بر آن ردی بنام ابطال الباطل نوشته و قاضی نورالله احقاق الحق را در رد بر روز بهان نوشته است و دیگر از مؤلفات او است عشرة الكاملة در ده مسئله مشکل، عقاید الامامیه، رساله در تحقیق آیه الغار که در سال ۱۰۰۰ تالیف کرده، رساله فی تحریم صلوة الجمعة، صوارم المهرقه رد بر کتاب صواعق المحرقة ابن حجر هیثمی مکی، مصائب النواصب که در رجب ۹۹۵ پایان رسانده و محمد تقی حسینی در زمان شاه عباس اول بفارسی ترجمه کرده، رساله فی نجاسة ماء القلیل بالملاقات، حاشیه بر شرح مختصر العضدی، مجموعه ای مانند کشکول، حل العقول رد بر اشاعره، حاشیه بر تهذیب الاحکام بنام تذهیب الاکمام، حاشیه بر حاشیه بخاری بر تفسیر بیضاوی، کشف العوار.

۶۳ - امیر شرف الدین خان بن شمس الدین بدلیسی از امرای نامی کرد در

قرن دهم بود و هنگامی که پدرش در کره رود قم در عزلت میزیست در ۹۴۹ ولادت یافت

و از آغاز در دربار صفویه مقرب شد و شاه طهماسب او را در قصر خود بزرگ کرد و پرورش داد و چون در ۹۷۵ در جنگ کیلان خدمات مهمی کرده بود حکمرانی شروان قفقاز و ریاست طوایف کرد را باو داد و چون شاه اسمعیل دوم به سلطنت رسید او را خلع کرد و وی هم از صفویه روی گردانید و بدربار سلطان مراد سوم آل عثمان رفت و سلطان مراد در سال ۹۸۶ امارت و حکمرانی بدلیس را باو داده و وی در حکمرانی خود در سال ۱۰۰۵ کتابی بنام شرف نامه در دو قسمت تألیف کرده که قسمت اول آن تاریخ طوایف کرد و قسمت دوم تاریخ زمان اوست از آغاز جلوس صفویه تا روز تألیف کتاب .

۶۴ - **ظہیر الدین کبیر بن اویس بن محمد لطیفی اردبیلی معروف**

**بقاضی زاده** از دانشمندان ساکن خاگ عثمانی بوده و در زمان سلطان سلیم آل عثمان میزیسته و نخست ساکن تبریز بوده و در زمانی که سلطان سلیم آذربایجان را گرفته در مراجعت او را با خود از تبریز بخاگ عثمانی برده و روزی هشتاد درهم وظیفه برای او مقرر داشته و سرانجام در ۹۳۰ در مصر با احمد پاشا وزیر کشته شده است . وی مردی دانشمند و ادیب و شاعر و خوشنویس بود و کتاب **وفیات الاعیان ابن خلکان** را بفارسی ترجمه کرده و از ۹۱۸ تا ۹۲۶ مشغول ترجمه آن بوده است .

۶۵ - **امین احمد رازی** از ادبای نامی قرن دهم و پدرش **خواجہ میرزا احمد**

در زمان شاه طهماسب کلاتر شهر ری بود . وی درین شهر ولادت یافت و چون پسر عمش **خواجہ غیاث الدین بہندوستان** رفته و از رجال دربار **جلال الدین اکبر** شده بود وی نیز بہندوستان رفت و براهنمایی پسر عم خود که پسر **خواجہ شریف وزیر خراسان** و **اصفہان** و **یزد** متوفی در ۹۸۴ بود بدان دربار راه یافت و سرانجام **غیاث الدین اعتماد الدولہ** لقب گرفت و وزیر **جہانگیر** شد و دخترش بعقد **جہانگیر** درآمد که همان **نورجہان بیگم ملکہ** معروف **ہندوستان** باشد و وی هم در آن دربار ترقی کرد و مؤلف کتاب **معروفیست** بنام **ہفت اقلیم** که جغرافیای زمان خود را نوشته و در ذیل ہر شہر یا ناحیہ ای احوال بزرگان علما و شاعران آن ناحیہ را تألیف کرده و شش سال مشغول نوشتن آن بود و سرانجام در ۱۰۰۲ بمیان رسانده است .

- ۶۶ - اسکندر بن محمد ملقب به پنجه و اکبر از تاریخ نویسان هندوستان و از دوستان نزدیک جهانگیر بود و در خدمت میرزا عزیز کو که خان اعظم حکمران گجرات میزیست و مؤلف کتابیست در تاریخ گجرات بنام مرآت سکندری یا تاریخ سکندری که شامل وقایع آن سرزمین از زمان مظفر شاه اول تا مظفر شاه دوم در سال هزار هجریست و آنرا در ۱۰۲۰ بیابان رسانیده است .
- ۶۷ - مولانا حسین کره‌الایی قزوینی تبریزی ساکن دمشق که در ۹۷۵ کتابی در مشاهد تبریز بنام روضات الجنان و جنات الجنان تألیف کرده است .
- ۶۸ - محمد بن برهان معروف به محمد قاضی از مشایخ نقشبندی قرن دهم بوده و در ۹۱۰ کتابی در مناقب این سلسله بنام سلسله العارفین نوشته است .
- ۶۹ - عبدالستار بن قاسم از دانشمندان هندوستان و معاصر با جلال الدین اکبر بود و مؤلف کتابیست بنام تذکره الحکماء .
- ۷۰ - میرزا علاءالدوله بن یحیی صیفی حسینی قزوینی پسر امیر یحیی بن عبداللطیف سابق الذکر مورخ معروف این زمان و خود نیز از تاریخ نویسان قرن دهم بشمار میرفته و مؤلف کتابیست بنام نفایس المآثر در احوال شعرا که در ۹۷۳ بتألیف آن شروع کرده و تا وقایع جمادی الاولی ۹۷۹ را در آن آورده و نیز شاعر توانایی بوده و کامی تخلص می کرده است .
- ۷۱ - علی بن شمس الدین بن حاجی حسینی لاهیجی نیز از تاریخ نویسان قرن دهم بوده و مؤلف کتابیست در تاریخ کیلان و سلسله کیایی کیلان که برای خان احمد خان آخرین پادشاه این سلسله که یکبار از ۹۴۳ تا ۹۷۵ و بار دیگر از ۹۸۵ تا ۱۰۰۱ پادشاهی کرده نوشته است و بهمین جهت تاریخ خانی نام گذاشته و در نیمه مجرم ۹۲۱ بتألیف آن شروع کرده و در نیمه صفر ۹۲۲ بیابان رسانده است .
- ۷۲ - مجدالدین خوافی از ادیبان ساکن هندوستان بود و فرمان جلال الدین اکبر کتابی بتقلید گلستان بنام خارستان در ۱۶ باب نوشته و ظاهر آروضة خلد تألیف مجد خوافی را که در ۷۳۳ نوشته بنام خود کرده است .
- ۷۳ - فخر الدین علی بن حسین واعظ هروی متخلص بصفتی پسر ملاحسین

کاشفی مؤلف معروف قرن دهم و داماد خواجه اکبر معروف بخواجه کلان پسر سعدالدین کاشغری پیشوای معروف نقشبندیان بود که دختر دیگرش زن عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم بوده است و فخرالدین علی در ۹۰۴ این دختر را گرفته است. وی از مشایخ نقشبندی هرات بوده و در ۹۳۷ که از بکان آن شهر را محاصر کرده اند و عبیدالله خان شهر را گرفته و سپس شاه طهماسب هرات را متصرف شده و سام میرزا را بحکمرانی آن شهر گذاشته است وی یکسال در زندان بوده و پس از رهایی نزد سلطان محمد پادشاه غرjestان رفته است و سرانجام در ۹۳۹ در بیرون هرات در گذشته و پیکر او را بشهر برده و در آنجا بخاک سپرده اند. فخرالدین علی یک سلسله کتابهای جالب بزبان فارسی تألیف کرده از آن جمله رشحات عین الحیوة در احوال مشایخ نقشبندی که در ۹۰۹ بیابان رسانده، لطایف الطوائف در قصص و حکایات که در ۹۳۹ در دربار سلطان محمد پادشاه غرjestان تألیف کرده، حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن در ۱۲ باب، داستان حاتم طایی و نیز محمود و ایازی سروده و اسرار قاسمی تألیف پدرش را خلاصه کرده است.

#### ۷۴ - نظام الدین عبدالعلی بن محمد حسین بیرجندی از بزرگان علمای

ریاضیات و هیئت و نجوم قرن دهم بود و با این همه از احوال او اطلاع درستی نیست و همینقدر پیدا است که در ۹۱۱ یا ۹۳۴ در گذشته و وی مؤلف یک عده کتاب و رساله در فن خود بزبان تازی و پارسیست از آن جمله رساله ابعاد و اجرام که در ۹۳۰ تألیف کرده، رساله در هیئت، بیست باب تقویم، شرح بیست باب اسطرلاب خواجه نصیرالدین طوسی که در ۸۹۳ تمام کرده است، رساله تشریح در پرکار، رساله در ابعاد و اجرام و عجایب بلاد، شرح زیج جدید ساطعانی که در ۹۲۹ بیابان رسیده است، شرح تذکره النصیریة در هیئت تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که در ربیع الاول ۹۱۳ بیابان رسانیده، شرح تحریر مجسطی که در ۹۳۱ تمام کرده است، شرح زیج الغ بیک که در ۹۱۹ بیابان رسیده است، شرح نقایه مختصر الوقایه از صدر الشریعه عبیدالله بن مسعود حنفی، چهار رساله در فواصل کواکب، رساله در تقویم که در ۸۸۳ بیابان رسانیده،

شرح مشکلات چغمینی ، کتاب مسالك و ممالك فارسی که ظاهراً در رجب ۹۰۹  
 بیابان رسانیده است ، شرح فواید البهائیه در حساب از عماد الدین بغدادی اتمام در  
 اواخر ذیحجه ۸۹۱ ، شرح منار الانوار حافظ الدین تسفی که بنام عبیدالله خان ازبک  
 تألیف کرده است ، شرح آداب عضدالدین ایچی .

۷۵ - زین العابدین علی شیرازی نیشابوری متخلص بعدی و نویدی

از نویسندگان و شاعران معروف قرن دهم بوده و در ۹۸۸ در گذشته و در نظم و نثر  
 فارسی آناری ازومانده از آن جمله کتابی در تاریخ زمان خود بنام تکملة الاخبار که در ۹۷۸  
 برای پری جان خانم دختر شاه طهماسب اول نوشته و در شعر نیز دست داشته و به تخلص  
 بعدی سبعمای تریب داده بنام هفت اختر که یکی از منظومات آن خزاین ملکوت  
 و دیگر از منظومات آن بوستان خیال نام دارد و خمسه‌ای که یکی از منظومات آن  
 جوهر فرد و دیگری بنام دفتر دررست و نیز کتاب طرب نامه و کتاب شب تار از او  
 مانده است .

۷۶ - شمس الدین محمد بن احمد خفزی از دانشمندان نامی قرن دهم و از

شاگردان امیر صدرالدین محمد دشتکی بوده ، نخست در شیراز و سپس در کاشان میزیسته  
 و همانجا در ۲۸ صفر ۹۴۲ در گذشته و در آن شهر مدفون شده و از دانشمندان نامی  
 زمان خود در حکمت و ریاضیات و هیئت و نجوم بوده و بفارسی و تازی مؤلفات چند دارد  
 از آن جمله منتهی الادراک فی مدارک الافلاک در هیئت که در ۹۱۰ بیابان رسیده ، تکلمه  
 فی شرح التذکره شرح تذکره الهیة خواجه نصیرالدین طوسی که به تذکره خفزی  
 معروفست و در روز دو شنبه ۴ محرم ۹۳۲ تمام کرده و بر آن حواشی متعدد نوشته‌اند  
 از جمله حواشی ملا عبدالعلی بیرجندی سابق الذکر و حواشی ملا مظفر کنابادی  
 و حواشی ملا باقر یزدی ، رساله در حل مالاینحل ، حاشیه بر الهیات شرح تجرید ،  
 حاشیه بر اوایل شرح تجرید ، سوادالعین ، رساله اثبات واجب ، رساله در علم رمل ،  
 حواشی بر اوایل شرح حکمة العین و شاه طاهر دکئی سابق الذکر از شاگردان او  
 بوده است .



۷۷ - تقی الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی از دانشمندان نامی شیراز و از شاگردان غیاث الدین منصور دشتکی و شیعه بوده و در شیراز میزیسته و در فنون مختلف مخصوصاً ریاضیات دست داشته و بزبان فارسی و تازی درین رشته‌ها مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله صحیفه‌النور فی الحکمه ، طلیعة العلوم بزبان تازی که خود آنرا در رساله دیگری در ۹۷۹ مختصر کرده است ، حل التقومیم که در حدود ۹۷۱ تألیف کرده ، رساله در اسطرلاب ، طالع مسائل در جواب سؤالیهای راجع باسطرلاب ، طالع نامه ، منتخب حل التقومیم که از کتاب سابق الذکر خود انتخاب کرده و در ضمن بزبان فارسی شعر می‌گفته است .

۷۸ - خان احمد خان گیلانی دهمین و آخرین پادشاه سلسله کیایی و پسر سلطان حسن دوم نهمین پادشاه این سلسله و متوفی در ۹۴۳ بوده . جد نهم وی سید علی کیاپسر امیر کیا ملاطی حسنی در ۷۷۰ این سلسله را تأسیس کرده است و وی در ۹۴۳ پس از مرگ پدر بجای او نشست و نخست در ۹۶۴ بنای مخالفت با صفویه را گذاشت . پس از آن چندی پادشاه طهماسب صفوی مساعد بود اما در رمضان ۹۷۵ با او بنای مخالفت را گذاشت و سبب این بود که شاه طهماسب انتظار داشت بار او باط خانوادگی که در میان صفویه و این خاندان بوده است هنگامی که در قزوین پای تخت خود بوده وی نزدیک او برود چون او از شاه طهماسب اطمینان نداشت نزد او رفت و در ۹۷۴ شاه طهماسب حسینقلی بیگ یساول قور شاملورا نزد او فرستاد که فرستادگان شاه طهماسب را که نزد مظفر سلطان پادشاه بیه پس گیلان و اولاد او رفته بودند بر گرداند و میخواست درین کار او را امتحان کند و وی این کار را نکرد و حتی پسرش را بلاهیجان فرستاد که در آنجا سپاهی گرد آورد و چون پسرش بیمار شد و در گذشت خود بآنجا رفت و در بیه پس و ناحیه کسگر بجمع آوری سپاه پرداخت . شاه طهماسب کور حسن یساول را نزد او فرستاد که وی را منصرف کند نپذیرفت و باز کور شاهقلی روملورا فرستاد و فایده نکرد و شاه طهماسب در خشم شد و امیر سامان را با لشکری بکسگر فرستاد که وی را از آنجا برانند و احمدخان هم سعید سپهسالار خود را بجنگ فرستاد و امیر سامان شکست خورد و با همراہانش کشته شد و شاه طهماسب سید صدرالدین خان

صفوی و بایندر خان طالش را با لشکری برشت فرستاد ایشان کیارستم فرمانده لشکر احمدخان را گرفتند و بدربار شاه طهماسب فرستادند و پس از آن مدتی در میان خان احمد خان و شاه طهماسب جنگ بود و خان احمد خان نامهای گستاخانه باومینوشت و سرانجام شاه طهماسب باو وعده کرد که حکمرانی هر يك از ولایات عراق و فارس و کرمان را که بخواهد باو خواهد داد بشرط آنکه از کیلان برود و وی بیهانه اینکه کیلان ملك موروث اوست نرفت و شاه طهماسب عده بسیاری را برای دفع او بکیلان فرستاد و پس از زدوخوردهای طولانی در لاهیجان شکست خورد و از آنجا باشکور و جنگلهای کیلان با هجده سوار گریخت و شاه طهماسب کسانی را فرستاد که او را دستگیر کنند و چون زمستان سخت شده بود و راه فرار نداشت سرانجام روز سه شنبه ۲۲ جمادی الاخره ۹۷۵ با هجده سوار در سخت سر هنگام بر آمدن آفتاب در خواب دستگیر شد و روز سه شنبه ۶ رجب او را بدربار شاه طهماسب بقزوین آوردند و نزدیک سه ماه در بالاخانه دربار زندانی بود تا اینکه او را بقلعه قهقهه در ناحیه یافت در سرزمین قراجه داغ بردند و نزدیک نه سال در آنجا گرفتار بود و چون شاه طهماسب در ۹۸۴ در گذشت و شاه اسمعیل دوم بجای او نشست و پسرش محمودخان بود باو داد و وی بار دوم از ۹۸۵ تا ۱۰۰۱ در آن دیار حکمرانی کرد و سرانجام در ۱۰۰۱ بار دیگر میانه وی با پادشاهان صفویه بهم خورد و بر شاه عباس قیام کرد و چون نتوانست مقاومت کند از ایران گریخت و بدربار عثمانی پناه برد و چون سلاطین عثمانی با او یاری نکردند که دوباره بتاج و تخت خود برسد به عراق عرب آمد و در نجف ساکن شد و در ۱۰۰۵ بیغداد آمد که با ایران نزدیک شود و سرانجام در آنجا در گذشت و تاریخ رحلت او درست معلوم نیست و بیشتر احتمال می رود که در ۱۰۲۰ در گذشته باشد. خان احمدخان نه تنها از پادشاهان دانش دوست و ادب پرور زمان خود بوده و در ترویج و تشویق دانشمندان و ادیبان توجه خاصی داشته است بلکه خود نویسنده و شاعر زبردستی بوده و مخصوصاً قصیده را بسیار خوب میگفته و احمد نخلص می کرده و در نامه نویسی در قرن دهم معروف بوده و

منشآت او از کتابهای مشهور این قرن بشمار رفته است .

۷۹ - **علی اکبر خطایی** از دانشمندان قرن دهم بوده و نخست برای بازرگانی بچین رفته و بهمین جهت بخطایی معروف شده و پس از آنکه با قافله‌ای از مسلمانان بچین رفته با اجازه دربار چین در شهر پکن ساکن شده و پس از چندی باستانبول بازگشته و در ۹۲۲ مشغول تألیف کتابی در اوضاع شمال چین بنام خطای نامه شده و امیدوار بوده است که چون این کتاب را بیایان رساند بسططان سلیم آل عثمان تقدیم کند تا او را تشویق کند که بچین لشکر بکشد و آنجا را بگیرد و مردم آن سرزمین را مسلمان بکند ولی در ضمن تألیف کتاب سلطان سلیم مرده و وی کتاب را بسططان سلیمان تقدیم کرده و ازین قرار این کتاب را پس از ۹۲۶ که سلیمان بتخت نشسته تألیف کرده است .

۸۰ - **ملا محمود بن محمد قاضی زاده رومی معروف به مریم چلبی**

از دانشمندان نامی قرن دهم خاك عثمانی و از جانب پدر نواده قاضی زاده دانشمند معروف قرن نهم و از جانب مادر نواده ملا علی قوشچی دانشمند معروف دیگر همان زمان بوده و وی نخست در رصدخانه سمرقند کار کرده و پس از آن بخاك عثمانی رفته است . در آنجا در ذی القعدة ۹۳۲ در گذشته است . وی در فنون مختلف ریاضی و هیئت دست داشته و درین زمینه کتابهای چند بتازی و فارسی نوشته ، از آن جمله دستور العمل و تصحیح الجداول در شرح زیج الخ بیك که بنام سلطان بایزیدخان بن محمد خان در رجب ۹۰۴ بیایان رسانده ، رساله در ربع المقنطرت که بنام همان پادشاه تألیف کرده ، الربع المجیب باز بنام آن پادشاه و رساله در حساب .

۸۱ - **شمس الدین یا بدر الدین احمد بن محمود معروف بقاضی زاده مفتی**

وی نیز از دانشمندان قرن دهم خاك عثمانی بوده و در ۹۸۸ یا ۹۹۸ در گذشته است و ظاهراً پسر قاضی زاده سابق الذکر بوده است و کتابهای چند در فنون مختلف بزبان تازی و پارسی تألیف کرده از آن جمله حاشیه بر تجرید الکلام ، حاشیه بر شرح وقایع الروایة برهان الشریعه .

## ۸۲ - حبیب الله باغنوی شیرازی معروف بمیرزا جان از بزرگان دانشمندان

ایران در قرن دهم بود و در محله باغ نود شیراز میزیست بهمین جهت بیباغنوی معروف شده است . وی شاگرد جمال الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از شاگردان معروف علامه جلال الدین دوانی بوده و خود در همه علوم زمان و مخصوصاً در حکمت و منطق دست داشته و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران بشمارست و در ضمن پیرو طریقه اشعربان و شافعی متعصب بوده و در کلام و اصول نیز دست داشته و بسیار شیفته دانش بوده است ، چنانکه در باره او نوشته اند که بسیار شده است از آغاز شب تا باهداد بیدار مانده و بقرائت کتاب یا تألیف مشغول بوده و برای حوایج طبیعی بر نمیخاسته است و بهمین جهت بیمار سخت و مثانه وی مجروح شده است و سرانجام در ۹۹۴ در شیراز در گذشت . علامه میرزا جان در فنون مختلف بزبان تازی و فارسی مؤلفات دارد که برخی از آنها بسیار معروفست و از آن جمله است : تعلیقات بر شرح مختصر العضدی ، حاشیه بر شرح و حاشیه قدیم تجرید الکلام ، حاشیه بر شرح مطالع ، حاشیه بر حاشیه شرح مطالع ، حاشیه بر اثبات الواجب دوانی که در نیمه ذی الحجه ۹۸۳ پیاپیان رسانیده ، حاشیه بر محاکمات قطب الدین شیرازی بر شرح اشارات ، حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیر الدین طوسی ، آموزش الفنون ، حاشیه بر مطول ، حاشیه بر شرح حکمة العین میرک بخاری ، حاشیه بر مطالع الانوار سراج الدین ارموی ، حاشیه بر شرح عضد الدین ایبجی بر منتهی السؤل والامل ابن حاجب ، حاشیه بر شرح مواقف .

## ۸۳ - محمود بن عثمان بن علی نقاش لامعی برسوی از بزرگان شاعران

خاک عثمانی و از مشاهیر زمان خود بوده و جدش از مردم شهر بروسه بوده و در زمانیکه امیر تیمور گورکان بدانجا رفته ویرا که خردسال بوده با خود بمارا و النهر برده است و وی در آنجا نقاشی را از نقاشان معروف ایرانی دوره تیموری یاد گرفته و در بازگشت بخاک عثمانی این صنعت را در آنجا رواج داده و نخستین کسی بوده است که زین اسب را نقاشی کرده و لامعی از عمال مهم دربار عثمانی و حافظ دفتر در دیوان سلطنت بوده و در ضمن مایل بتصوف و از مریدان سید احمد بخاری بوده و از دربار سلطنت روزی

۳۵۰ درهم وظیفه میگرفته و در شهر بروسه ساکن بوده و سرانجام در همان شهر در سال ۹۳۹ در گذشته است. لامعی از شاعران زبردست روزگار خود بوده و در زبان ترکی و فارسی شعر را نیکو میسروده و کتابهای چند بفارسی و ترکی تألیف کرده و بسیاری از کتابهای مهم زبان فارسی را بترکی ترجمه کرده و از آنجمله چند کتاب مهم جامی را و مؤلفات عمده او بدینقرار است: ترجمه ترکی حسن و دل فتاحی نیشابوری، ترجمه سلیمان و اقبال جامی، ترجمه شواهد النبوة جامی، ترجمه نفحات الانس جامی بنام فتوح المشاهدين لترويح قلوب المجاهدين، شرح دیباچه گلستان سعدی، ترجمه ورس ورامین، گوی و چوکان منظوم فارسی، وامق و عذرای منظوم ترکی، شرف الانسان ترجمه رساله بیست و دوم اخوان الصفا، معنی اسماء الحسنی، ترجمه صد معمای میر حسن نیشابوری، مفتاح النجاة فی خواص السور و الایات، منشآت، عبرت نما، مجموعه اللطایف یا لطایف نامه، مناظره بهار و شتا، مناظره نفس و روح، دیوان قصاید و غزلیات شامل ده هزار شعر، منظومه اثر انگیز بروسه، ترجمه وامق و عذرای عنصری، فرهادنامه، هفت پیکر ترجمه هفت منظر هانفی، منظومه شمع و پروانه ترجمه ازاه و شیرازی، مقتل حضرت امام حسین منظوم، منقبت یا مناقب اویس قرنی منظوم، لامعی در انتشار ادبیات فارسی در خاک عثمانی بسیار مؤثر بوده و ازین حیث خدمت مهمی بایران کرده و مخصوصاً ترجمه وامق و عذرای عنصری که اصل آن از میان رفته اهمیت بسیار دارد. وی در شعر بسبک جامی بسیار معتقد بوده و از وی پیروی میکرده و بهمین جهت او را «جامی روم» لقب داده بودند و مانند جامی پیرو طریقه نقشبندی بوده است.

۸۴ - ابن الشیخ شبستری از معارف دانشمندان قرن دهم بوده که نخست در

آذربایجان میزیسته و سپس بخاک عثمانی رفته و سلطان سلیم روزی سی درهم وظیفه برای او معین کرده زیرا که در جلوس قصیده‌ای فارسی در مدح او درشت بیت سروده بود که از مصرع اول هر بیت آن تاریخ جلوس وی برمیآمد و از مصرع دوم آن تاریخ فتح جزیره رودس. وی مرد خوش سیمای بلند قد بسیار خوشرو و مهربانی بوده و در جوانی در گذشته و بزبان پارسی و تازی و ترکی تألیفات دارد، از آن جمله حواشی بر حاشیه

شرح تجرید میر سید شریف و حواشی بر حاشیه شرح مطالع میر سید شریف و رساله در معنی  
بفارسی که از همه شواهد آن نام سلطان سلیم استخراج میشود.

#### ۸۵ - مولانا محیی الدین محمد بن عبدالاول عبدی قزوینی تبریزی

از خاندان دانشمندانی بوده که نخست در قزوین سکونت داشته‌اند و سپس بتبریز رفته‌اند  
و پدرش قاضی حنفیان آذربایجان بوده و خود در خردسالی در تبریز بخدمت جلال الدین  
دوانی رسیده و نخست شاگرد پدرش بوده، سپس در حیوة پدر بخاک عثمانی رفته و بر اهنمایی  
ابن المؤید که از دانشمندان خاک عثمانی بوده و مانند وی از آذربایجان مهاجرت کرده  
و با او سابقه قدیم داشته است بدربار سلطان بایزید راه یافته و وی نخست منصب مدرسی  
و سپس منصب قضا باو داده و سپس تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر در کبکویزه  
و پس از آن تولیت مدرسه مغنیسارا باو رجوع کرده‌اند و سپس مدرس در استانبول  
و بعد از آن قاضی حلب و قاضی دمشق و قاضی استانبول شده و پس از آن عزل شده  
و روزی صد درهم وظیفه برای او معین کرده‌اند و سرانجام در ۹۶۶ در گذشته است. وی  
از دانشمندان کامل زمان خود بوده و در ادبیات عربی و شرعیات و مخصوصاً در انشای  
عربی و فارسی و ترکی دست داشته و در آوردن محسنات لفظی بیشتر اهتمام میکرده  
و همه خطوط را بسیار خوب مینوشته است و مؤلفات چند بفارسی و تازی داشته‌است  
از آن جمله رساله فی قطع الید که در ذی القعدة ۹۵۰ برای ابراهیم پاشای وزیر تمام کرده  
و حاشیه بر فرایض سجاوندی که در شعبان ۹۵۷ بیابان رسیده و حواشی بر امور عامه  
موافق عضدالدین ایچی که در رجب ۹۵۴ بیابان رسانده است.

#### ۸۶ - مولانا ابوالحسن بن احمد ایوردی معروف بدانشمند از معاریف

علمای قرن دهم و پدرش نیز از ادبا و شاعران آن زمان بود و وی در همه علوم زمان خود  
و مخصوصاً در ریاضیات دست داشت و معروفست که هجده مسئله در ریاضی از زمانهای  
قدیم مانده بود که کسی نمیتوانست حل بکند و خواجه نصیر الدین طوسی تنها شش  
مسئله از آنها را حل کرده بود و وی آن دوازده مسئله را هم حل کرد و درین زمینه  
رساله‌ای بنام حل لاینحل نوشته است و چنان با هوش و زودرس بود که در ۱۴ سالگی

شرح تجرید را با حواشی آن و در ۲۵ سالگی مجسطی را درس میگفت و حافظه اش چنان بود که هر کتاب را یکبار میخواند عبارات آنرا هرگز از یاد نمیبرد و نیز نوشته اند در پایان زندگی که مشغول بتصحیح کتابهای رجال و حدیث بود کتاب تهذیب را که هفتاد هزار بیت کتابت دارد از آغاز تا انجام بخط خود نوشت و همه احادیث و اسناد آنرا بیاد داشت و میتوانست از حفظ بنویسد. وی بیشتر در کاشان در مصاحبت خان میرزا پسر معصوم بیگ که از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان داشت میزیست و خان میرزا پیش او درس میخواند و سرانجام روز یکشنبه ۲۳ رمضان ۹۶۹ در گذشت و او را در اردبیل بخاک سپردند. مولانا ابوالحسن در الهیات و کلام و حکمت و ریاضیات استاد مسلم زمان خود بوده و درین فنون تألیفات بفارسی و نازی دارد از آنجمله کتاب حسنا در حکمت طبیعی و کتاب مشارق و مرآت الافلاک در حکمت ریاضی و حاشیه بر شمسیه و حاشیه تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی در منطق و رساله اثبات واجب بفارسی و اثبات واجب عربی و روضة الجنان در حکمت و شرح فرائض و در ضمن شعر فارسی را خوب میگفته است.

۸۷ - مصلح الدین مصطفی بن شعبان متخلص بسروری از ادبای نامی

خاک عثمانی و از مشاهیر زمان خود بود. در کلیپولی ولادت یافت و پدرش در آن شهر تجارت با آموزگاری میکرد و پس از اینکه تحصیلات خود را بی پایان رساند در ۹۴۴ در استانبول بمعاونت یکی از قضات منصوب شد و سپس مدرس مدرسه قاسم پاشا که تازه ساخته بودند گردید اما سال بعد ازین کار استعفا داد و بدعوت قاسم پاشا در خانقاه نقشبندیان بتدوین و شرح مثنوی مولانا جلال الدین بلخی پرداخت و در ۹۵۰ او را مأمور تربیت و آموزگاری سلطان مصطفی پسر سلطان سلیم کردند و چون در ۹۶۰ وی را کشتند او هم گوشه نشینی را پیش گرفت و سرانجام در ۷ جمادی الاولی ۹۶۹ در ۷۲ سالگی در استانبول در گذشت و در پشت مسجد کوچکی که خود در محله قاسم پاشا ساخته بود او را بخاک سپردند و بوصیت او نسخه های خطی همه مؤلفات او را در آن مسجد گذاشته بودند ولی اینک آن محل از میان رفته است. سروری که در زبان ترکی و فارسی شاعر

زبردستی و یکی از بزرگترین «روجان زبان و ادبیات فارسی در خاک عثمانی بوده و ازین حیث خدمت بسیار برجسته‌ای بادیات ایران کرده و خود زبان فارسی را بسیار خوب میدانسته و باین زبان هم مؤلفاتی ازومانده و مهم‌ترین تألیفات او ازین قرارست :

شرح بوستان سعدی بفارسی ، شرح دیوان حافظ بترکی که در ۹۶۸ بیابان رسانیده ، شرح مثنوی بفارسی ، شرح «مراح الارواح از احمد بن علی بن مسعود در صرف تازی ، ترجمه ترکی ذخیره الملوك میرسید علی همدانی ، ترجمه رساله چوب چینی علاءالدین نورالله بترکی ، شرح رساله معمای جامی بترکی که در ۹۴۱ بیابان رسانیده ، شرح رساله میر حسین معمای بترکی ، شرح رساله معمای علی کر بترکی ، شرح شبستان خیال فتاحی نیشابوری ، شرح گلستان سعدی بتازی که برای سلطان مصطفی درواوآخر ربیع الاول ۹۵۷ دراماسیه بیابان رسانده است ، بحرالمعارف درعروض وقوافی که در ۹۵۶ برای سلطان مصطفی تألیف کرده ، مختصر عجایب المخلوقات قزوینی ، شرح ایسا غوجی امیرالدین مفضل ابهری .

۸۸ - علامه سید حسن حسینی خلخالی از دانشمندان نامی قرن دهم ایران و از شاگردان میرزا جان شیرازی و جمعی دیگر از دانشمندان زمان بوده و عبدالکریم بن سلیمان بن عبدالوهاب کورانی از شاگردان او بوده است و در ۱۰۱۴ در گذشته و ازو مؤلفات چند بفارسی و تازی در رشته‌های مختلف مانده از آن جمله : رساله اثبات الواجب وحاشیه بر حاشیه عصام بر تفسیر بیضاوی و رساله فی مبدء الاول و صفاته وحاشیه عقاید عضدیه ایجی وحاشیه بر تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی .

۸۹ - علامه کمال الدین حسین بن عبدالحق ابهری اردبیلی هم از دانشمندان معروف قرن دهم و از شاگردان جلال الدین دوانی بوده و در ۹۴۰ یا ۹۵۰ در گذشته و در علوم مختلف زمان خود دست داشته و مؤلفات چند بزبان تازی و پارسی ازو مانده است از آن جمله : حاشیه بر تجرید الکلام و شرح رساله اثبات واجب دوانی و حاشیه بر شرح عضدالدین ایجی بر منتهی السؤل والامل ابن حاجب و تعلیقه بر حاشیه سید شریف بر همان کتاب .



## ۹۰ - مولانا نورالدین ابوالحسن علی بن سلطان محمد قاری هروی

معروف بملا علی قاری یکی از مشهورترین دانشمندان قرن دهم ایران بود و در زمان خود شهرت و احترام بسیار داشت، در هرات ولادت یافت و مدتی در آن شهر سکونت داشت و بیشتر بقرائت قرآن روزگار میگذراند و ظاهراً چون قاری حنفی متعصب و درین زمینه معروف بوده هنگامیکه صفویه بر هرات مستولی شده‌اند و جانش در خطر بوده است بحجاز مهاجرت کرده و تا پایان زندگی در مکه میزیسته و در آنجا از ابوالحسن وسید زکریا حسینی و شهاب‌الدین احمد بن حجر هیثمی و شیخ احمد مصری شاگرد قاضی زکریا و شیخ عبدالله سندی و علامه قطب‌الدین مکی که همه از دانشمندان معروف زمان بوده‌اند علم آموخته و سرانجام در مکه در شوال ۱۰۱۴ در گذشته و در معلاة او را بخاک سپرده‌اند و چون خبر مرگ او بمصر رسیده علمای مصر در جامع الازهر برونمازی گزارده‌اند که بیش از چهار هزار تن در آن حاضر بوده‌اند. ملا علی قاری یکی از آخرین علمای بزرگ ایران و جامع همه علوم زمان خود بوده و بزبان تازی و پارسی تألیفات بسیار در فنون مختلف دارد از آنجمله: شرح مشکوة بنام مرقاة المفاتیح لمشکاة المصابیح که اصل مشکاة المصابیح از ولی‌الدین محمد بن عبدالله خطیب تبریزیست و آن شرحیست بر کتاب المصابیح تألیف ابو محمد حسین بن مسعود فرابغوی، شرح شمایل، الناموس تلخیص قاموس اللغة فیروز آبادی، اثمار الجنیه فی اسماء الحنفیه، شرح ثلاثیات بخاری، نزہة الخاطر الفائر فی ترجمة السيد الشریف شیخ عبدالقادر، رسالة فی ارسال الید فی الصلوة، رسالة فی جواب شیخ محمد مکین، شرح فقه الاکبر ابوحنیفه، شرح الشفا الموضوع لبيان شرف المصطفی، کتابی در تفسیر، الحفظ الاوفی بالحج الاکبر، شفاء السالك فی ارسال مالک، شرح عقيلة اتراب القوائد فی اسنى المقاصد رانی بنام الهیات السنیه العالیة علی آیات الشاطبیه الرائیة فی الرسم، فتح الرحمن بفضائل شعبان، رد بر فصوص الحکم ابن العربی، فوام الصوام للقیام بالصیام، القول السدید فی خلف الوعد، شرح شرح نخبه الفکر فی مصطلح اهل الاثر ابن حجر بنام مصطلحات اهل الاثر علی شرح نخبه الفکر، شرح نقایه مختصر الوقایه صدر الشریعه بنام فتح العنایه شرح کتاب النقایه، شرح قصیده

يقول المبد في الكلام از سراج الدين على بن عثمان اوشى فرغانى حنفى ، مبین المعین فی شرح الاربعین ، شرح حصن الحصین من کلام سید المرسلین در ادعیه از شمس الدین جزری بنام الحرز الیمین ملخص الحصین که در نیمه دوم جمادى الآخرة ۱۰۰۸ بیابان رسانده است . ملا علی قاری در طریقه حنفی تعصب بسیار داشته و در کتابهای خود بر همه فرق و مخصوصاً بر شافعیان ایرادهای بسیار گرفته و بهمین جهت در میان فرق دیگر مخالف بسیار داشته است .

۹۱ - محمد بن میر علی برکلی حنفی از دانشمندان تامی قرن دهم خاندان عثمانی و اصلاً ایرانی بوده و ظاهراً چون حنفی بوده از نرس کشتار صفویه بآن سرزمین رفته ، از جزئیات احوالش اطلاعی نیست جز آنکه در ۹۸۱ یا ۹۸۲ در گذشته است و وی مؤلف کتابهای بسیار بزبان تازی و پارسیست که در فنون مختلف نوشته و ازینجا پیداست که در همه علوم زمان دست داشته و مؤلفات عمده او بدینقرار است : تعلیقه بر اصلاح الوقایه فی الفروع ابن کمال یاشا ، اظهار الاسرار در نحو ، انقاذ الهالکین که در ذی الحجّه ۹۶۷ تألیف کرده ، ایقاظ النائمین که در اواسط شوال ۹۷۲ بیابان رسانیده ، رساله فی عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة وعدم جواز وقف النقود ، جلاء القلوب که در ذی الحجّه ۹۷۱ بیابان رسیده ، صحاح عجمیه بفارسی ، فرائض و شرح آن ، کفایة المبتدی در صرف ، شرح حاشیه بر لب الالباب فی علم الاعراب ، شرح مختصر الکافیة از بیضاوی معروف بامتحان الاذکیاء ، شرح الوقایة برهان الشریعه .

۹۲ - عادل بن علی از ادبای قرن دهم بوده و عسادلًا تخلص میکرده و مؤلف کتابیست بنام عنوان الحکم در ترجمه و تفسیر و شرح قصیده نوبیه ابو الفتح بستی بفارسی .

۹۳ - ابو محمد با یزید بن عنایت الله بسطامی از دانشمندان متبحر قرن دهم بوده و در مشهد میزیسته و صوفی مشرب بوده است و بهمین جهت برخی رسایل بمذاق عرفا و برخی کتابهای فقهی نوشته است ، از آنجمله تحفة المرضیة للحضرة الرضویه در تسلیم که بر رساله تسلیم معروفست و در اواخر رجب ۹۷۹ بیابان رسانیده و رساله ای در قضا و قدر و نیز رساله فی اوقات الصلوة الخمس بتازی ازوست .

- ۹۴ - ملك محمد بن سلطان حسين اصفهانی از علمای ریاضی این دوره بوده و رساله‌ای در جبر و مقابله بفارسی و نیز شرح بهشتی را بزبان نازی تألیف کرده است .
- ۹۵ - قطب‌الدین عبدالله بن محیی بن محمود انصاری خزرچی مهدی شیرازی چهارمی معروف بعبدالله قطب متوفی در ۹۱۰ از مشایخ معروف صوفیه فارس بوده و مریدان بسیار داشته و مجموعه مکانیه ازومانده است که در پاسخ مریدان خود نوشته و مسائل تصوف را شرح داده است .
- ۹۶ - عطاءالله بن حسام واعظ هروی از واعظ‌شيعه ساکن هرات بوده و مؤلف کتابیست بنام روضة المجاهدین یا مختارنامه در شرح انتقامهایی که مختار بن ابی عبیده ثقفی از قاتلان حسین بن علی گرفته است و در ۹۸۱ در هرات تألیف کرده و این کتاب وقتی بسیار رایج بوده است .
- ۹۷ - شیخ عزالدین بن جعفر بن شمس الدین آملی که کتاب معروف نهج البلاغه را بفارسی ترجمه کرده و در جمادی الاولی ۹۷۲ پایان رسانیده است و نیز کتابی دارد بنام لعه در نکاح و متعه .
- ۹۸ - احمد بن محمد معروف بمقدس اردبیلی از پیشوایان معروف شیعه در قرن دهم بوده و در رجب ۹۹۳ در گذشته و مؤلف کتابهای بسیار بزبان فارسیست از آن جمله: حقیقة الشیعه ، رساله فی طهارة الخمر ، رساله حجیه در اعمال حج ، مجمع الفایده والبرهان در شرح ارشادالاذهان ، زبدةالبیان فی شرح آیات احکام القرآن ، شرح الهیات تجرید ، تعلیقات بر شرح مختصر عضدی ، تعلیقات بر خراجیه شیخ علی . وی همیشه ساکن نجف بوده و شاه عباس مکرر او را بایران دعوت کرده و پذیرفته است و در زمان خود بزهت و تقوی معروف بوده است .
- ۹۹ - محمد بن داود بن محمد بن محمود شادی آبادی از ادبای ایرانی ساکن هندوستان بوده و شرحی بر مشکلات دیوان انوری بنام سلطان نصیرالدین خلجی (۹۰۶-۹۱۶) پادشاه هندوستان نوشته که معروفست و نیز شرحی بر قصاید خاقانی دارد .
- ۱۰۰ - عبدالوهاب بن محمد حسینی معنوی متخلص بغنای

مؤلف شرحی بر مشکلات دیوان خاقانی که برای پسر خود صدرالدین محمد تألیف کرده است .

۱۰۱ - یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی که مؤلف کتابیست بنام طربخانه و مجموعه ای از رباعیات عمر خیامست و در ضمن برای برخی از آنها شرحی نوشته و شرح حالی از عمر خیام در آن کتاب آورده است .

۱۰۲ - معین الدین ابو محمد محمود بن محمد دهداد شیرازی متخلص بعیانی از دانشمندان اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در ۱۰۱۶ در شیراز در گذشته و مؤلفات بسیار در فنون مختلف بزبان فارسی پرداخته است از آن جمله : مفتاح الاستخراج در جفر ، زبدة الالواح در جفر ، ایجاز مفاتیح الاعجاز در شرح کلمش راز ، رساله در بیان شرف و فضیلت انسان ، رساله در خصوصیات ملکات انسانی ، رساله در ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی ، رساله در توحید ، نفایس الارقام ، کواکب الثواقب ، اشراق النیرین ، در بیتیم ، رساله در نسبت میان افراد ، الف الانسانیة ، دقائق الحقایق ، رساله در تصوف ، کنز الرموز ، مفاتیح المعالیک .

۱۰۳ - یار علی بن عبدالله تبریزی از ادبای ایندوره بوده و مؤلف کتابیست منشیاه بنام ریاض الافکار در توصیف خزان و بهار که در ۹۲۶ بیابان رسانیده است .

۱۰۴ - نواب عضد الدوله جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن اینجو از خانواده ای از علویان شیراز بوده که ظاهراً نسب خود را بشیخ ابواسحق اینجو پادشاه معروف فارس در قرن هشتم میرسانده است . وی نخست در خدمت امرای دکن بوده و سپس بدربار جلال الدین اکبر رفته و بفرماندهی ۹۰۰ تن مأمور شده و ۸۵۲۰۰ روپیه حقوق میگرفته است و در ۱۰۱۳ واسطه شد که عادلشاه دختر خود را بشاهزاده دانیال بدهد و پس از آن حکمران بهار شد و در ۱۰۲۷ عضد الدوله لقب گرفت و سرانجام در آگره در ۱۰۳۵ در گذشت و وی مؤلف کتابیست در لغت فارسی بنام فرهنگ جهانگیری که بنام جهانگیر نوشته است .

۱۰۵ - محمد قاسم بن حاج محمد سروری کاشانی نخست در اصفهان میزیسته

وسپس به هندوستان رفته و در ۱۰۳۶ در زمان شاه جهان در لاهور بوده و از آنجا بسفر حج رفته و در راه در گذشته است. وی نخست در ۱۰۰۸ کتابی در لغت فارسی بنام شاه عباس تألیف کرده که بنام فرهنگ سروری معروفست و سپس در ۱۰۲۸ آنرا تکمیل کرده و مجمع الفرس نام گذاشته است.

۱۰۶ - ابوالفضل منشی شیرازی از ادبای ساکن خاگ عثمانی بوده و مؤلفات بسیار دارد از آن جمله دستور السلطنه در اخلاق که بنام سلطان سلیمان آل عثمان متوفی در ۹۷۴ نوشته ، اخلاق شمسیه ، رساله در شرح کلمه توحید ، ضیاء الفلوب ، حرز الامان ، رساله در عقاید ، غرایب الانشاء ، تحفة الاحباب ، دستور الوزاره ، بدایع السحر فی صنایع الشعر ، منهج المحققین ، رساله شرفیه ، مرآت الرجال در عام فراست .

۱۰۷ - سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده در ۹۴۲ ولادت یافته و در ۱۰۰۶ در گذشته مؤلف کتابیست در غرایب بنام مجمع الغرایب که باسم عبدالله خان بن اسکندر خان شیبانی پادشاه سمرقند و بخارا و پیر محمد خان پادشاه بلخ نوشته است .

۱۰۸ - خلیل بن ابراهیم مؤلف مفتاح کنوز ارباب قلم در ریاضیات که بنام سلطان محمد بن مراد بن محمد آل عثمان نوشته است .

۱۰۹ - سلطانعلی خراسانی جنابدی طبیب از پزشکان معروف زمان خود بوده و چهل سال در خراسان و ماوراءالنهر مخصوصاً در سمرقند در دربار ابوالمنصور کوچ کانچی خان معروف بکچوم خان که پس از ۱۶ سال سلطنت در ۹۳۶ در گذشته طبابت کرده است و نیز مدتی در دربار ابوالغازی سلطان ابوسعید بهادر خان پسر منصور کوچ کانچی خان بوده که از ۹۳۶ تا ۹۳۹ پادشاهی کرده است و وی مؤلف چند کتاب بفارسی در علم پزشکیست از آن جمله دستورالعلاج که در ۹۳۳ بنام ابوالمظفر محمود شاه از پادشاهان همان خاندان نوشته و رساله علاجیه و رساله دیگر در طب که بنام مقدمه دستورالعلاج باسم ابوالغازی سابق الذکر تألیف کرده است .

۱۱۰ - یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی معروف بیوسفی از پزشکان

نامی هندوستان و معاصر با بابر و همایون بوده و کتابهای بسیار در طب بزبان فارسی نوشته و مخصوصاً فنون طبی را بنظم فارسی در آورده از جمله مؤلفات اوست: جامع الفوائد، شرح منظومه‌ای در طب بنام علاج الامراض که آن منظومه هم ازوست، قصیده در حفظ صحت که در ۹۳۷ بنام ظهیرالدین بابر بیابان رسانیده است، ریاض الادویه که در ۹۴۶ برای همایون نوشته است، دلایل النبیض، دلایل البول که در ۹۴۲ تألیف کرده، جواهر اللغه در لغات طبی که در ۹۲۴ بیابان رسانده است، منظومه فراید، منظومه بحر متقارب.

۱۱۱ - عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی از پزشکان نامی زمان خود بود

و در کودکی زیر دست پدرش که او هم طبیب حاذقی بود پرورش یافت. مدتی طبیب امیر عبدالله خان استاجلو حاکم شروان بود و سپس بدربار شاه طهماسب رفت و سپس بیست سال درهند میزیست و مؤلف کتابهای چند در طب بزبان فارسیست از آن جمله: رساله در طریق خوردن چوب چینی و فواید آن، مرکبات الشاهیه که بنام شاه طهماسب نوشته است، رساله در خواص و طبایع و منافع چوب چینی، رساله بیخ چینی که در ۹۵۴ بیابان رسانیده، رساله در مرض معروف بآتشک، رساله در سموم، افیونیه، سته ضروریه طبیه که بنام شاه قلی خان بن حمزه سلطان استاجلو در زمان شاه عباس نوشته است.

۱۱۲ - محمد باقر بن عمادالدین محمود سابق الذکر وی نیز از اطبای نامی

قرن دهم بوده و در دربار شاه عباس میزیسته و در ۱۰۱۱ با او بچنگ عثمانی بتبریز و نخجوان و ایروان رفته و در محاصره ایروان شاه عباس کتابی در کجالی از خواسته ووی تألیف کرده و از روی کتابهایی که همراه داشته نوشته و نیز کتابی در مرهم‌ها و معاجین پرداخته و رساله‌ای در طب دارد.

۱۱۲ - مظفر بن محمد حسینی شفایی اصفهانی معروف بحکیم شفایی

از شاعران و پزشکان نامی زمان خود بوده و اصلاً از مردم کاشان بوده است ولی در اصفهان میزیسته و در آنجا بسال ۹۶۳ در گذشته و کتابهای چند در طب نوشته از آن جمله کتابی در قرآبادین.

- ۱۱۴ - شاه بهاءالدوله حسن بن میر قوام‌الدین قاسم بن محمد نوربخش رازی از احفاد سید محمد نوربخش پیشوای طریقه معروف نوربخشیه و خود از مشایخ این سلسله بوده و در شهر ری میزیسته و در طب دست داشته بهمین جهت کتابی درین فن بنام خلاصه التجارب نوشته که در ۹۰۸ بیابان رسانیده و نیز کتابی بنام هدیه الخیر دارد.
- ۱۱۵ - منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه الیاس شیرازی نیز از پزشکان نامی این فرست و مؤلف کتابهای چندست در پزشکی از آن جمله شرح منصوری و کفایه مجاهدیه یا کفایه منصوری .
- ۱۱۶ - محمود بن الیاس شیرازی نیز از پزشکان این دوره و ظاهراً از همان خانواده بوده و رساله در طب و غیائیه و تحفة الحکما را نوشته است .
- ۱۱۷ - محمد بن علی نو انداکی از ادبای ماوراءالنهر بوده و شرحی بر رساله معمای امیر حسین نیشابوری بنام ابوالغازی عبدالعزیز بهادرخان پادشاه سلسله شیبانی در بخارا (۹۴۷ - ۹۵۷) نوشته است .
- ۱۱۸ - کمال‌الدین محمود بن علی بن عماد‌الدین غجدوانی از متصوفه ماوراءالنهر و از مریدان کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین حسین بن برهان‌الدین قلیچ انجدانی متولد در خوارزم عارف مشهور قرن نهم بوده است که ذکرش گذشت . در ذی‌القعدة ۹۲۳ در صدد بر آمده است کتابی در مقامات مرشد خود تألیف بکند ، در ۹۳۹ بتألیف آن آغاز کرده و در دهم رجب ۹۵۰ آنرا بنام مفتاح الطالبین در فیه قصر مسافر از توابع قصبه غجدوان در خاک بخارا بیابان رسانیده و در ۹۷۳ خلاصه‌ای از آن بنام جادة العاشقین ترتیب داده است .
- ۱۱۹ - سید احمد بن سید جلال‌الدین بن سید جمال‌الدین بن سید برهان‌الدین خواجهم بن میر دیوانه بن سید برهان‌الدین قلیچ بن سید کمال‌الدین بن سید جلال‌الدین بن شاه حسین بن شاه حسن بن سید محمد بن سید احمد بن عبدالله بن عبدالله الافضل بن عبدالله بن طائب بن امام علی بن موسی الرضا معروف بخواجگی احمد و منخدوم اعظام در کاشان فرغانه ولادت یافته و از بزرگان مشایخ نقشبندی ماوراءالنهر در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و عبیدالله خان شیبانی (۹۴۰ - ۹۴۶) بوی ارادت می ورزیده و در عصر خویش شهرت بسیار داشته و در وقت

چاشت روز شنبه بیست و یکم محرم ۹۴۹ در گذشته است. کتابهای چند در مقامات وی نوشته اند یکی بنام مقامات حضرت مخدوم اعظم که مؤلف آن معلوم نیست و دیگری بنام انیس الطالبین از قاسم بن محمد صفایی کاتب و دیگری بنام جامع المقامات که توهاش ابوالبقا بن خواجه بهاءالدین بن مخدوم اعظم نوشته و در محرم ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸ بتألیف آن آغاز کرده و این کتاب را پس از وفات مولانا دوست و حافظ ابراهیم و ملا قاسم کاتب سابق الذکر نوشته است. سید احمد کاشانی در تصوف رسایل بسیار بزبان فارسی نوشته است از آن جمله: اسرار النکاح، رساله سماعیه، رساله وجود، آداب السالکین، رساله النصیحه، رساله در شرح الفقر سواد الوجه فی الدارین، رساله در شرح اذقال ربك للملائكة انی جاعل فی الارض خلیفه، شرح الولد سراپیه، نفعات السالکین، رساله الذکر با رساله بیان ذکر، رساله در شرح کلم مولود یولدت علی القطره، رساله بیان سلسله خواجگان، بیان چهار کلمه، سلسله الصدیقین، رساله در شرح الدنيا مزرعة الاخره، رساله در شرح کنت کمنزاً متخفياً فاحببت ان اعرف، معراج العاشقین، رساله در تعریف کلمه صوفی، واقعة الحقایق، زبده السالکین، گل و نوروز، آداب الصدیقین، گنج نامه، رساله در شرح یا آدم اسکن و زوجک فی الجنة، رساله بابا آدم، رساله در تعریف عشق، رساله در شرح رباعی «احول نیم ای دوست یکی دو بینم»، رساله بکائیه، مرآة الصفا، رساله در بیان احوال علما و امرا، مرشد السالکین، تنبیه العلماء.

۱۲۰ - قاسم بن محمد صفایی کاتب از صوفیان ساوراء النهر و از مریدان احمد بن سید جلال الدین سابق الذکر بوده و چنانکه گذشت کتابی در مناقب وی بنام انیس الطالبین نوشته است.

۱۲۱ - مقصود علی هروی از ادبای ایرانی ساکن هندوستان بوده و در سال ۱۰۱۱ کتاب نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکماء المتقدمین و المتأخرین معروف بتاریخ الحکما تألیف شمس الدین محمد بن محمود شهر زوری را تحت اللفظ ترجمه کرده است.

۱۲۲ - حمین بن علی المشتهر بالشکافی کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار



را برای شجاع‌الدین امیر حسین یکی از امرای قرن دهم تألیف کرده و در ۶ محرم ۹۱۲  
بیابان رسانده است .

۱۲۳ - نورالدین علی بن حسام‌الدین بن قاضی عبدالملک بن قاضی خان

قرشی معروف بشیخ متقی متولد در ۸۸۵ در برهانپور و متوفی در شب سه شنبه وقت سحر  
دوم جمادی‌الاولی ۹۷۵ از مشایخ صوفیه هندوستان بود و رسایل بسیار بفارسی و عربی در  
تصوف نوشته است از آن جمله : التوکل علی الرزاق المختار فی ترک التدبیر والاختیار ،  
الجواهر الثمینة ، خلاصة الاوراد للمريد والمراد ، التوسل فی الیقین والتوکل ، پانزده  
مکتوب شیخ عبدالقادر جیلانی ، النصح الوافی للقلب الشافی ، العبارة الفصیحة فی الوعظ  
والنصیحة ، المقصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی ، البرهان الجلی فی معرفة الولی ،  
سلوک الرجال ، الباقیات الصالحات فیما یغنی عن البنین و یغنی عن البنات ، تنبیه الاحبه  
فی علامات المحبه ، الرتبة الفاخره فی سلطنة الدنيا والاخره ، اجر الثقیل فی سلوک المعیل ،  
سلوک الغزام ، تدارک النعم والمطایا فی الصبر والشکر علی الفقر والبلیا ، کفایة اهل الیقین  
فی طریق المتوکلین ، معرفة اهل الدنيا ، البرهان الاقوی فی شرف التقوی ، تبیین الرافه  
فیما لله من ضیافه ، نعم المعیار والمقیاس بمعرفة مراتب الناس ، رساله علامات مهدی  
موجود ، الکبریت الاحمر فی الکیمیاة الاکبر لمن ایقن بالقضاء والقدر ، العنوان فی  
سلوک النساء ، هداية ربي عند فقد المرید ، سلوک الطریق انا فقد الرفیق ، النصیحة التامه  
للخاصة والعامه ، التحذیر عن الوقوع فی الهلکة والبلیه لمن شرع فی علم الحقایق بلاهلیه ،  
غایة الکمال فی بیان افضل الاعمال ، رساله در ارشاد زنان و دست بیعت ایشان ، عجاله الناسک  
فی انتخاب المناسک ، رساله تحریم حشیشه ، التجربة الوافی للحبر الصافی .

۱۲۴ - محمد حسین بن احمد شاهی ساکن مشهد ظاهراً از دانشمندان قرن

دهم بوده و کتاب حیوة الحیوان دمیری را بفارسی ترجمه کرده است .

۱۲۵ - محمد صالح بن بدرالدین بن محمد جزوانی ساکن هرات مؤلف

شرح وقایه یا شرح مختصر وقایه بر کتاب وقایة الروایه فی مسائل الهدایه تألیف امام  
برهان الشریعه محمود بن صدر الشریعه اول عبیدالله محبوبی حنفی که برای نوه دختری

خود صدر الشریعہ ثانی نوشته است و این شرح معروف بشرح ملا صالح است که در هرات در ۹۳۷ تمام کرده است .

۱۲۶ - عبدالکریم منجم بلخی مؤلف تسهیل التقاویم که در حدود ۹۹۱ بنام امامقلی خان والی بخارا نوشته است .

۱۲۷ - زین العابدین بن علی بن عبدالمؤمن عبدی مؤلف کتاب صریح الملک در شرح املاک و رقبات و عمارات و ابنیة بقعة شیخ صفی الدین اردبیلی که بفرمان شاه طهماسب در ۹۷۵ پایان رسانیده است .

۱۲۸ - محمد عارف نقایی از شاعران بدخشان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۹۹۶ بتألیف کتابی در تذکره شاعران فارسی زبان تا زمان خود در اندکان آغاز کرده و سپس که به هندوستان رفته آنرا بنام مجمع الفضل در زمان جلال الدین محمد اکبر پایان رسانیده است .

۱۲۹ - نقیب الاشراف خواجه بهاء الدین سید حسن بخاری متخلص بنشاری از شاعران ماوراءالنهر بوده و در ۹۸۳ کتابی در تذکره شعرای فارسی زبان تا عصر خود بنام مذکر احیاب تألیف کرده است و محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص بملیح در ۱۰۹۳ ذیلی بر آن نوشته است بنام مذکر الاصحاب .

۱۳۰ - ملک محمد بن سلطان حسین مؤلف شرح رساله فارسی مولانا علی قوشچی در حساب شامل جبر و مقابله و حساب .

۱۳۱ - شاه جلال الدین شیرازی از عرفای قرن دهم بوده در زمان سلطان سکندر که به حج رفته بود به هندوستان رفته و در آنجا مشنوی مولانا جلال الدین را درس می گفته و در ۹۴۴ در گذشته و شرحی بر گلشن راز نوشته است .

۱۳۲ - عبداللطیف شروانی معروف بافلاطون مؤلف رساله ایست بنام حل مالاینحل در شرح قصیده معروف ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم که مولف بخط آنرا از امام فخرالدین رازی دانسته است .

۱۳۳ - محمد صالح بن امیر عبداللہ بن امیر عبدالرحمن بن شیخ خلیل اللہ

افزودنی بدخشی از ادبای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و رساله‌ای در احوال اکابر بلخ بنام عبدالؤمن خان ازبک پادشاه سلسله شیبانی ماوراءالنهر (۱۰۰۶ - ۱۰۰۷) نوشته است.

۱۳۴ - حسن بن روزبهان شیرازی مؤلف کتابیست در اخلاق بنام اخلاق شمسیه که آنرا در اصفهان برای یک تن از وزرا نوشته و چون پس از اخلاق محسنی ملاحسین کاشفی تألیف کرده پیداست که در قرن دهم بوده است و درین کتاب می‌گوید که در سال ۹۲۴ رساله فرست امام فخر رازی را ترجمه کرده و مطالبی بر آن افزوده و آنرا مرآة الانسان نام داده است.

۱۳۵ - حسین وفایی از لغت نویسان هندوستان درین دوره است و کتابی در لغت فارسی در ۹۳۳ تألیف کرده که بنام فرهنگ حسین وفایی معروفست.

۱۳۶ - حافظ اوبه‌ی دیگری از لغت نویسان هند درین دوره است و در سال ۹۳۷ کتاب تحفة الاحباب را در لغت فارسی بیابان رسانیده است.

۱۳۷ - قطب العالم عبدالقدوس بن اسمعیل بن صفی الدین حنفی گنکوهری

از متصوفه هندو از مریدان و خلفای شیخ محمد بن عارف بن احمد عبدالحق رودلوی بوده است. نخست در رودلوی می‌زیسته و در ۸۹۶ در زمان سلطان سکندر لودی بشاه آباد نزدیک دهلی رفته است. در ۹۳۲ هنگامی که بابر سلطان ابراهیم پسر سکندر لودی را در شاه آباد شکست داده وی بگنکوهر رفته و در ۹۴۴ یا ۹۴۵ در گذشته است. وی را در تصوف بزبان فارسی مؤلفات چندست از آن جمله: نور الهدی، قرۃ العیون، رشد نامه یا رساله رشدییه، مجموعه مکاتبات معروف بمکتوبات عبدالقدوس یا مکتوبات قدوسییه، لطائف قدوسییه، انوار العیون فی اسرار المکنون در مقامات احمد عبدالحق رودلوی.

۱۳۸ - حامد بن فضل الله جمالی کنبو دهلوی معروف بدرویش جمالی یا

شیخ جمالی و یا ملام جمالی از مشاهیر عرفای هند در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از پیروان طریقه چشتی بود؛ نام وی را برخی فضل الله دانسته و برخی فضل الله را نام پدر



وی دانسته اند. نویسنده و شاعر زبر دستی بوده، نخست جلالی تخلص می کرد و در ۹۰۱ مرشدش سماء الدین بوی تخلص جمالی داده است. سفرهای دراز بدیار مغرب و یمن و فلسطین و روم و سوریه و عراق و آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان کرده و از آنجا بدلهلی بازگشته و در هرات با عبدالرحمن جامی دیدار کرده و شرح این سفرها را در سفرنامه خود آورده است. نخست در نزد سلطان سکندر لودی مقرب بوده و سپس بابر و همایون نیز وی را بزرگ می داشته اند و سرانجام در ۱۰ ذی قعدة ۹۴۲ در دهلی درگذشته و قبرش در جنوب شرقی قطب منار در دهلی هم اکنون زیارتگاه است. وی از شاعران معروف زمان خود بوده و دیوان قصاید و غزلیاتش شامل نه هزار بیت در دست است. بجز آن يك مثنوی دارد بنام بیان حقایق احوال سید المرسلین شامل دو قسمت: قسمت اول بنام مصباح الارواح و قسمت دوم بنام شرح الواصلین که در ۸۶۸ مشغول نظم آن بوده است. منظومه دیگری دارد بوزن مثنوی مولانا جلال الدین بنام مرآت المعانی و مثنوی دیگری بنام مهر و ماه، دیگر از آثار وی کتاب سیر العارفين در احوال مشایخ چشتیست که در سلطنت همایون پایان رسانده و احوال چهارده تن از مشایخ طریقه خود را از معین الدین سکزی تاسمائه الدین مرشد خود در آن گرد آورده است.

۱۳۹ - حسین بن شیخ صابر سندی از عرفای هند درین دوره بوده است و در ۱۰۱۱ ترجمه ملخصی از کتاب قلائد الجواهر فی مناقب الشیخ عبدالقادر تالیف محمد بن یحیی بن یوسف ربیع نادفی حلبی حنبلی متولد در ۸۹۹ و متوفی در شعبان ۹۶۳ در حلب را بهمان نام قلائد الجواهر کرده است که از کتابهای رایج در مقامات عبدالقادر گیلانیست.

۱۴۰ - ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی مؤلف کتابیست در مناقب مشایخ تشبندی از بهاء الدین نقشبند تا عبیدالله احرار که در ۹۴۷ تألیف کرده است.

۱۴۱ - شمس الدین ابوالفتح محمد بن اسحق ولی الله بن شمس الدین محمد قادری ملتانی از صوفیه قادری همین دوره در هند بوده و کتابی بنام مخازن لقادریه در مناقب عبدالقادر گیلانی نوشته است.

- ۱۴۲ - حسین حافظ قزوینی کربلایی در سال ۹۷۵ در شهر دمشق کتاب مفصل و بسیار سودمندی در مزارات تبریز بنام *روضات الجنان و جنات الجنان* تألیف کرده که شامل شرح احوال بزرگان است که در تبریز مدفون بوده‌اند و کسانی که با ایشان مناسبات داشته‌اند و خود از متصوفه طریقه عبداللہیہ علویہ علاء دولویہ کبرویہ و مرید سید احمد حسینی حسینی موسوی باب الابوابی (در بندی) معروف بوده است .
- ۱۴۳ - نورالدین محمد بن حسین بن عبداللہ بن پیر حسین بن شمس الدین قزوینی - مؤلف سلسله نامه خواجهکان نقشبند که در ۹۷۸ تألیف کرده است .
- ۱۴۴ - بابا داود خاکی کشمیری سهروردی از شاعران و نویسندگان متصوف این دوره در هند از مریدان شیخ حمزہ کشمیری در ملتان بوده و در ۹۹۴ در گذشته و برخی آثار بنظم و نثر فارسی از او مانده است از آن جمله منظومه ورد المریدین در مناقب مرشد خود ، دستور السالکین که شرحیست بر آن منظومه ، قضیة جلالیہ ، رسالۃ الغسلیہ .
- ۱۴۵ - خواجه اسحاق قاری وی نیز از مریدان شیخ حمزہ کشمیری سابق الذکر بوده و کتابی در مناقب وی بنام *حلیۃ العارفین* در ۹۸۰ نوشته است .
- ۱۴۶ - من اللہ بن علی اللہ محمد حسینی مؤلف *خوارقات یا تبصیرات الخوارقات* و *یا تبصیرات الخوارق کیسو* دراز حسینی کتابی در کرامات سید محمد کیسو دراز عارف مشهور هند متوفی در ۸۲۵ و بازماندگان و خلفای وی که در ۹۸۱ پایان رسانده است .
- ۱۴۷ - حسین بن میر حسین حسینی سرخسی مؤلف کتاب *سعدیہ* در مناقب خواجه محمد اسلام جویناری از مشایخ طریقه جویناری ماوراء النہر که معاصر با عبید اللہ خان (۹۴۰ - ۹۴۶) و عبید اللہ خان (۹۴۶ - ۹۴۷) پادشاهان شیبانی بوده و خواجه سعد از مشایخ همان طریقه و این کتاب را در ۹۸۴ نوشته است .
- ۱۴۸ - سید مرشد درویش یسوی از صوفیان طریقه احمد یسوی عارف مشهور ترک متوفی در ۵۶۲ بوده و در ماوراء النہر و سوریه و مصر و مدینه و ایران و آسیای

صغیر سفرهای بسیار کرده و بنظم و نثر فارسی آثاری در تصوف پرداخته است از آن جمله کتاب تسلی القلوب در شرح سه بیت اول مثنوی مولانا جلال الدین که بنام مبارزالدین شروان گرای پسر ابوالمظفر محمد گرای خان بن دولت گرای خان پادشاه قریم (کریمه) (۹۸۵ - ۹۹۲) نوشته است و دیگر از آثار اوست مثنوی حجة الابرار که در ۹۹۶ در استانبول در مقامات مشایخ طریقهٔ یسوی بنام سلطان مراد بن سلیم آل عثمان (۹۸۲ - ۱۰۰۳) پایان رسانیده است.



گذشته ازین کتابهایی که مؤلفان آنها معروفند در قرن دهم چند کتاب دیگر بزبان فارسی نوشته شده است که مؤلفان آنها معروف نیستند، از آن جمله: شرح فارسی مختصر وقایه که بر وقایة الروایه فی مسائل الهدایه از کتابهای معروف حنفیان نوشته‌اند و آن تألیف امام برهان الشریعه محمود بن صدر الشریعه اول عبیدالله محبوبی حنفیست که برای نوادهٔ دختری خود صدر الشریعه ثانی تألیف کرده است. این شرح فارسی مختصر وقایه بنام عبیدالله خان شیبانی پادشاه ازبک (۹۴۰ - ۹۴۶) نوشته شده است و آنرا بخط دره‌اند بنام عبدالرحمن جامی دانشمند معروف قرن نهم چاپ کرده‌اند. دیگر کتاب بیان احوال حضرت مولانا محمد قاضی در مقامات محمد بن برهان الدین سمرقندی معروف بمولانا محمد قاضی. دیگر رساله در احوال حضرت کمال الدین خوارزمی در مقامات کمال الدین حسین خوارزمی سابق الذکر متوفی در ۹۵۸ که از پیروان طریقهٔ امیر سید علی همدانی بوده و این رساله را در ۹۷۲ تألیف کرده‌اند. دیگر کتابی بنام روضة الاولیا شامل احوال انبیا و خلفای راشدین و مشایخ صوفیه که در اواخر قرن دهم در حدود ۹۷۹ نوشته شده است.

از روزهای اول قرن دهم یعنی از سال ۹۰۷ پادشاهان صفوی در ایران بحکمرانی آغاز کرده‌اند و تقریباً تا سیصدسال پس از آن واقعه یگانه پادشاهان ایران بوده‌اند. صفویه میکوشیدند فرق مذهبی را که قرنهای پیش ازیشان در ایران بوده است از میان

ببرند و پیداست مردمی که چند قرن بعقایدی خو گرفته‌اند و آن عقاید ناچار در ادبیاتشان راه باز کرده‌است پس از آنکه خواهی نخواهی تغییر عقیده بدهند ادبیاتشان بیش از همه چیز متأثر میشود و این یکی از دلایل تنزل ادبیات ایران درین چهارصد و پنجاه سال اخیرست و میتوان گفت زندگی ایرانیان در مدت هفتصد سال سنن و نوامیس خاصی در ادبیات ایران آورده بود که ایرانیان بدان خو گرفته بودند و مخصوصاً شعر فارسی در میان همین سنن پدید آمده بود و این تغییر ناگهانی سبب شد که دنباله فکر سرایندگان ایران گسیخته گشت و آنچه را که از پدرانشان بدیشان رسیده بود از دست دادند. تصوف اندک اندک از قرن پنجم بیحد شروع کرده بود شعر ایران را بکلی بخود منحصر کند، چنانکه بسیاری از شاعران هم بودند که خود نمیدانستند صوفی‌اند ولی عیناً بیان صوفیان داشتند و افکار صوفیان را ادامیکردند. صفویه با آنکه خود صوفی‌زاده بودند و بیاری مریدان اجداد خود صفی‌الدین اردبیلی و صدرالدین موسی و سلطان خواجه علی و سلطان ابراهیم شیخشاه و سلطان جنید و سلطان حیدر که شافعی بوده‌اند پیادشاهی رسیده‌اند معلوم نیست چرا طریقه نیاکان خود را رها کرده و شیعه متشرع شده‌اند و حتی در آغاز کار که اختلاف در میان حیدریان یعنی پیروان طریقه قطب‌الدین حیدر زاوی متوفی در ۶۱۸ و نعمتیان یعنی مریدان نورالدین نعمه‌الله ولی متوفی در ۸۳۴ در گرفته ازین دو فرقه تصوف نعمتیان را ترجیح داده و از آنها پشتیبانی کرده‌اند و بعدها با این خانواده هم وصلت کرده‌اند. ناچار آن اصولی که در شعر ایران پیش از صفویه سنت شده بود از میان رفت و پادشاهان صفوی که بیشتر سرگرم سیاست مذهبی و اقتصادی و نظامی بودند با ادبیات توجه و عنایتی نداشتند و اگر در قرن دهم شاعرانی بوده‌اند همه از پادشاهان و امیران و اعیان هندوستان بهره مند شده‌اند. تنها در آغاز قرن دهم هنوز چند شاعر بزرگ و آنهم بیشتر در خراسان بوده‌اند که دست پرورده زمان تیموریان بودند و از پرورشی که ازیشان و مخصوصاً از دربار سلطان حسین بایقرا در هرات برده بودند هنوز دست از سخن سرایی بر نداشته و دنباله کار خویش را رها نکرده بودند. بهمین جهتست که شعر فارسی در قرن دهم نسبت بقرنهای گذشته و حتی

قرن نهم راه تنزل پیموده است و بهمین جهت هر چه بیایان قرن دهم نزدیک میشود باز هم از شماره شاعران بزرگتر کاسته میشود. شاعران نامی قرن دهم بدینگونه اند:

### ۱ - مولانا نورالدین هلالی جغتایی از بزرگان شعرای اواخر قرن نهم و

اوایل قرن دهم بود. پدراش از ترکان جغتای بوده‌اند و وی در استرآباد بجهان آمده و در جوانی بهرات رفته و در سلک شعرای دستگاه سلطان حسین بایقرا و علیشیرنوایی درآمده و همچنان در هرات مانده و پس از برچیده شدن دستگاه سلطان بایقرا هم در هرات بوده است تا اینکه در سال ۹۳۷ که عبیدالله خان ازبک شهر هرات را محاصره کرده بود وی اشعاری توهین آمیز درباره اش سروده بود اما چون در ۹۳۹ عبیدالله خان آن شهر را گرفت وی پشیمان شد و قصیده‌ای در مدح عبیدالله خان سرود و تزد او رفت که بر وی بخواند و چون عبیدالله خان مرد بد کینه‌ای بود او را عفو نکرد و در همان مجلس دستور داد او را یاره پاره کنند و ازبکان در مجلس وی را شکنجه بسیار دادند و سپس بیرون کشیدند و با سرو صورت خون آلود بچهارسوق هرات بردند و بدینگونه کشتند و با آنکه در میان شیعه معروف بوده که او سنیست عبیدالله خان بتهمت شیعه بودن وی را کشته است. هلالی در غزل عاشقانه شورانگیز بسیار توانا بوده و یکی از بهترین غزل سرایان زبان فارسی بشمار میرود و ۲۸۰۰ بیت غزل دارد و سه هفتوی سروده است یکی لیلی و مجنون و دیگر صفات العاشقین شامل ۱۲۰۰ بیت و دیگر شاه و درویش‌باشاه و گدا شامل ۱۳۰۰ بیت که آنها نیز از شاهکارهای شاعران این دوره است.

### ۲ - امیر ابو عبدالله محمد هاشم شاه کرمانی پسر میر محمد مؤمن عرشی

معروف بشاه جهان و شاه جهانگیر و متخلص بهاشمی از عرفای بسیار مشهور اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است. در ۸۷۳ ولادت یافته و از جانب پدر نسبت بچهارپشت بشاه قاسم انوار عارف مشهور قرن نهم و از طرف مادر نیز نسبت بشاه نعمه الله ولی میرسیده است. پس از آنکه مدنهادر کرمان ساکن بوده و از مشایخ معروف آن شهر بشمار میرفته سفری به هندوستان کرده و مدتی در دهلی بترویج طریقه خود مشغول بوده است و از ۹۳۵ چندی هم در سرزمین سندوبهکر مانده و میرزا شاه حسن نواده امیر ذوالنون ارغون که



از بزرگان آن دیار بود بوی احترام بسیار کرد اما سرانجام که خواست در سال ۹۳۸ بکرمان باز گردد چون بسرزمین کیچ و مکران رسید در ۹۴۶ راهزنان وی را کشتند و آنچه داشت غارت کردند. شاه جهانگیر هاشمی از معاریف شعرای متصوف زمان خود بوده و قصاید و غزلیات بسیار در زمینه تصوف سروده است و نیز مثنوی مظهر الآثار را بتقلید مخزن الاسرار نظامی در ۱۴۰۰ بیت سروده که از بهترین آثار عرفای قرن دهمست و در شهر تته از ۹۳۸ تا ۹۴۰ مشغول نظم آن بوده است.

۳ - میرزا محمد قاسم گونا بادی متخلص بقاسمی پسر میرسید از سادات گناباد و از مشاهیر شعرای قرن دهم بود. نخست در جوانی شاگرد هانفی شاعر معروف بوده، سپس در آغاز قرن دهم از مالازمان شاه اسمعیل شد و مدتی از شاعران دربار او بشمار میرفته است و سرانجام از دربار شاه طهماسب نزد سلطان محمود خان والی دیار بکر رفته و ظاهراً در آنجا مانده و همانجا روزگارش سپری شده است و چنان مینماید منظومه‌ای که در شرح فتوحات شاه طهماسب ببحر متقارب سروده مورد توجه آن پادشاه واقع نشده و بدین جهت با اعتراض از دربار وی رفته است. قاسمی همه توجه خود را صرف سرودن مثنویاتی کرده و آنچه از وی مانده نخست لیلی و مجنون و پس از آن منظومه ایست ببحر متقارب بنام شاهرخ نامه و منظومه دیگری بهمان وزن در شرح فتوحات شاه اسمعیل که بشاهنامه قاسمی و شاهنامه شاه اسمعیل معروفست و در ۹۴۰ در حدود ۴۰۰ بیت پایان رسانیده و منظومه دیگری در شرح فتوحات شاه طهماسب که در حدود ۹۶۷ پایان رسیده و منظومه دیگری باز بهمان وزن که در شرح فتوحات سلطان محمود والی دیار بکر از طوایف گردان مکر کومی حکار سروده است.

۴ - جنونی بدخشی معمایبی از معاریف شعرای دربار همایون پادشاه هندوستان بوده و بیشتر بسرودن قصاید مصنوع توجه داشته است چنانکه قصیده معروفی درسی و هشت بیت بمدح آن پادشاه سروده و صنایعی در آن بکار برده که ذوالفقار شروانی و سلمان ساوجی در قصاید معروف خود از آن غفلت کرده اند و حتی معما و اظهار مضمیر و تاریخ در آن بکار برده است و این قصیده را در فتح بدخشان در سال ۹۲۷ برای همایون پادشاه

سروده و ازین جا پیدا است که از آن زمان وارد دستگاہ وی شده است .

۵ - **شیخ زین الدین خوافی متخلص بوفایی** نیز از شاعران معروف دربار هندوستان بوده و نخست با ظہیر الدین بابر بدانجا رفته و در دربار وی مقام صدارت داشته است و دراکرہ شہر معروف ہند مسجدی ساخته و در آن سوی آب جون ہم مدرسہای بنا کردہ و در شعر مخصوصاً بدیہہ سرایی و معما بسیار زبردست بودہ و عنشی قابلی بشمار میرفتہ و در ضمن تاریخی در شرح فتوحات بابر در ہند نوشتہ و تا زمان ہمایون ہم زندہ بودہ و سرانجام در ناحیہ چنہار در سال ۹۴۰ در گذشتہ و در مدرسہای کہ دراکرہ ساخته بود وی را بخاک سپردہ اند .

۶ - **مولانا دردی سمرقندی** نیز از شاعران نامی دربار ہمایون بودہ و در قصیدہ و غزل دست داشتہ و معمارا ہم نیکو میسرودہ است و سرانجام در سال ۹۶۶ در گذشتہ است .

۷ - **شیخ ابوالواجد فارسی شیرازی** نیز از شاعران آیندورہ است کہ در جوانی از فارس بہ ہندوستان رفتہ و از شاعران دربار ہمایون شدہ است و در ضمن مرد بسیار گوشہ گیر و صوفی مشربی بودہ و از شیرین زبانان عصر خود بشمار میرفتہ و با شیخ زین الدین خوافی متخلص بوفایی سابق الذکر با ہم بہ ہندوستان رفتہ و در آغاز کار ہردو تنگدست بودہ اند و وی نیز در ہمان سال ۹۴۰ در گذشتہ و در ہمان خانقاہی کہ در مسجد شیخ زین الدین دراکرہ بودہ است اورا نیز بخاک سپردہ اند .

۸ - **جاہنی بخارایی** با لقب تیمان معروف بودہ زیرا کہ پدرش از اعیان شہر بخارا بودہ و در آنجا منصب مهمی داشتہ است کہ مردم بخارا تیمان میگویند و نخست در کابل جزو ملازمان بابر شدہ و با وی بہ ہند رفتہ و از شاعران معروف دربار او شدہ اما شاعری بسیار ہجو و بد زبان بودہ از آن جملہ وقتی ترکیب بندی در ہجو شاہ محمدخان شاپور از اعیان دربار بابر سرودہ بود کہ چون برای بابر خواند صلہ خوبی باو داد و سرانجام در ۹۵۶ غلامی کہ داشت زہری در خوراکش ریخت و اورا کشت .

۹ - **حیدر تونوی** نیز از شاعران این دورہ و در دربار ہمایون بودہ ، گذشتہ از شاعری در موسیقی بسیار زبردست بودہ و آواز را خوب میخواندہ و مدتہای مدید در

هندوستان زیسته است و مخصوصاً پرده نازهای در پنجگانه ساخته بود که در آن زمان معروف بوده و تا آخر قرن دهم در دربار هندوستان میزیسته است .

۱۰ - **خواجه ایوب بن خواجه ابوالبرکات** از بزرگان زادگان ماوراءالنهر

بوده و با این همه خود و پدرش بی بی قیدی معروف بوده اند و وی مدتی در کابل بوده و سپس به هندوستان رفته و همایون در باره او توجه بسیار داشت و از بس مایل بصحبت او بوده یکی از زنان حرم خود را بعقد او در آورده بود ولی با این همه وی دست از بی قیدی برنداشت و همچنان میزیست تا اینکه روزی در مجلس پادشاه بی ادبی کرد و چون همایون در خشم شد از او اجازه حج گرفت و دیگر نتوانست بدر همایون باز گردد و مدتی در احمدآباد و چندی در دکن بود و در آنجا نظامشاه باو مهربانی بسیار کرد ولی با او نیز نساخت و روزگار را بهمین پریشانی بیایان رساند - خواجه ایوب با این همه شاعر توانایی بوده و غزل را نیکو میسروده و گاهی ایوب و گاهی هم عراقی تخلص میکرده است .

۱۱ - **مولانا سجایی استرآبادی نجفی** از مشاهیر شعرای قرن دهم ایران

بوده ، پدرانش از مردم استرآباد بوده اند . وی در شوشتر ولادت یافت و در جوانی بنجف رفته است و بهمین جهت با استرآبادی و نجفی هر دو معروفست و گاهی نامش را شیخ سجایی هم ضبط کرده اند . وی مردی متشرع و منقی بوده و چهل سال در نجف زیسته است و از فقیهان زمان خود بشمار میرفته و اوقات را در مجاورت مرقد امام بیحس و درس می گذرانده و در ضمن از سخنانش بر می آید که مردی صوفی مشرب بوده است و پیداست که در قرآن بسیار دست داشته زیرا که در اغلب از رباعیات خود اشاراتی بمطالب قرآن دارد و سرانجام در ۱۰۱۰ در نجف در گذشته است . وی شاعر توانایی بوده ، دیوان غزلیاتش شامل ۲۸۰۰ بیت در دستست ولی رباعیاتش بیشتر معروفست و مجموعه رباعیات او شامل بیست هزار رباعیست و درباره او نوشته اند که وقتی بکنار آبی رسیده و پای او در آب فرورفته است و با خود گفته این بواسطه تعلقست و چون مرا بهیچ چیز بجز شعر تعلق نیست باید آنرا هم بشویم و همانجا نسخه دیوان خود را در آب انداخته و آنچه اینک از او مانده است

پس از آن تاریخ سروده است . در میان رباعیات او اشعار بسیار معروفی هست که برخی از آنها را با امام عمر خیام هم نسبت داده اند .

۱۲ - ملازمانی یزدی از شاعران ساکن اصفهان بوده و در زمان شاه عباس صفوی میزیسته و از آنچه در باره او نوشته اند پیداست که بشاعری خود بسیار مغرور بوده چنانکه عقیده داشته که روح نظامی درو حلول کرده است و بقاعده تناسخ خود را نظامی می دانسته و نیز گفته اند که وقتی سراسر غزلیات حافظ را استقبال کرده و در مقابل هر غزل او غزلی سروده بود و نسخه ای از آن نزد شاه عباس فرستاد و نامه ای نوشت که در عصر شما کار من بجایی رسید که جواب حافظ را داده ام و معروفست که شاه عباس در بالای آن نسخه بخط خود نوشت « مولانا درین معامله جواب خدا را چه خواهی داد ؟ » . تاریخ رحلت او را هم ۱۰۱۷ و هم ۱۰۲۱ ضبط کرده اند و اینکه از اشعار او آنچه مانده برخی غزلیاتست و برخی اشعار بوزن لیلی و مجنون ازومانده و پیداست که لیلی و مجنون نظامی را تقلید کرده و غزل را نسبت به نمی گفته است .

۱۳ - مولانا وجه الدین نسف آقاشانی تگلو از شاعران معروف دربار شاه عباس صفوی بوده و در اصفهان به خدمت او رسیده و از آن بعد در بیشتر سفرها با وی همراه بود چنانکه در سال ۱۰۰۰ در قزوین در مجلسی که سفیران روم و ازبک در دربار حاضر بودند شاه عباس برای اینکه تعصب خود را در دین شیعه بآنها نشان دهد دستور داد در حضور ایشان قصیده ای را که در مناقب علی بن ابی طالب سروده بود بخواند و چون پایان رسید دستور داد ترازو آوردند و او را در بیک کفه ترازو گذاشتند و در کفه دیگر آن قدر زر رایج ریختند تا با او برابر شد و این زر را با او بخشید . در پایان زندگی از دربار رفته و در مشهد گوشه نشین شده و از دربار سالی بیست تومان وظیفه در باره اش مقرر کرده بودند و بهمین حال در سال ۱۰۲۳ در گذشت .

۱۴ - آقا رضی اصفهانی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و سفری هم به هندوستان رفته و پس از بازگشت از آن سفر در ۱۰۲۴ در اصفهان در گذشته است .

۱۵ - زکی همدانی نیز از غزل سرایان معروف اصفهان درین زمان بوده و

با شکوهی شاعر معروف آن زمان در حوزة درس میرزا ابراهیم همدانی حکیم معروف آن عصر که در ۱۰۲۶ در گذشته درس حکمت می خوانده است و سرانجام در همان شهر در گذشته و در تاریخ رحلت او اختلاف است هم در ۱۰۲۵ و هم در ۱۰۳۰ ضبط کرده اند و در هر صورت از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم اصفهان بوده است .

۱۶ - **ابو تراب فرقتی جوشقانی** وی نیز از شاعران نامی این زمان بوده و

در کاشان نشو و نما یافته و از شاعران دربار شاه عباس شده است و سرانجام در ۱۰۲۶ در گذشته و در غزل استاد بوده است .

۱۷ - **سید محمد حسین لاهیجی متخلص بفقهور** از دانشمندان زمان خود

بوده مدتها در ایران می زیسته و پس از چندی به هندوستان رفته و در پایان زندگی ملازم شاهزاده پرویز پسر جهانگیر پادشاه معروف هند شده و سرانجام در الله آباد سال ۱۰۲۸ در گذشته است . وی مرد بسیار دانشمندی بوده و در طب و شاعری و خوشنویسی معروف بوده و شعر را نیکو میسروده ، تا در ایران بوده رسمی تخلص میکرده و چون بهند رفته بفقهور تخلص کرده و در غزل استاد بوده است .

۱۸ - **مولانا غزالی مهدی** از شاعران نامی قرن دهم بوده نخست در ایران

می زیست و در دربار شاه طهماسب بود و در سال ۹۵۸ خواجه امیر بیک کججی وزیر خراسان که از میر صدرالدین محمد پدر میر غیاث الدین منصور شیرازی تسخیر کواکب و مخصوصاً آفتاب را یاد گرفته بود در شیراز باین کاربرد اخت و چون شاه طهماسب در خشم شد و فرمان داد او را در صندوقی بکنند و دستهایش را از سوراخی که در صندوق کرده بودند بیرون بیاورند و بند بر دستش بزنند تا نتواند با انگشتان خود سحر بکند درین موقع غزالی در اردوی شاه طهماسب بود و شاه او را نزد وی فرستاد که اشعاری در سرزنش وی بگوید پس از آن که بتهمت بد مذهبی خواسته اند او را آزار دهند به هندوستان رفته و نخست درد کن و سپس چندی نزد خان زمان از اعیان هند بوده و پس از کشته شدن اوبا گره و بدر بار جلال الدین اکبر رفته و در دستگاه وی بمقام ملک الشعرا پی رسیده است و معدوحان اوصالات گران باومی داده اند چنانکه خان زمان وقتی که او

را نزد خود خوانده هزار روپیه خرجی برایش فرستاده است و سرانجام در شب جمعه ۲۷ رجب ۹۸۰ بفجاء در احمدآباد در گذشته و اکبر فرمان داده است پیکرش را در سر کنج در مقبره پادشاهان و مشایخ بخاک سپرده‌اند. غزالی از شاعران زبردست زمان خود بوده و مردی عارف مشرب بشمار میرفته و نزدیک پنجاه هزار شعر گفته است از آن جمله مثنویاتی سروده و یکی از آنها را نقش بدیع نام گذاشته و برخی شماره اشعارش را تا صد هزار هم نوشته‌اند.

### ۱۹- سید نجم الدین ابوالقاسم محمد میانکالی معروف بملاقاسم کاهی کابلی

نیز از شاعران نامی دربار اکبر بوده و او را قاسم میانکالی کابلی می‌گفته‌اند، در جوانی در هرات بوده و در آنجا بخدمت جامی رسیده در حلقه تصوف وارد شده و در دوره بابریان نخست از ۹۳۵ تا ۹۵۶ و بار دوم از ۹۶۱ تا ۹۸۸ به هندوستان رفته و در آنجا از شاعران معروف دربار اکبر بوده است و در موسیقی مهارت بسیار داشته و آوازه‌ها و پرده‌های متعدد ساخته بود و در تفسیر و هیئت و کلام و تصوف و معما و تاریخ نیز مرد دانایی بوده و در ضمن مردی وارسته و بی‌قید بوده چنانکه او را برخی ملحد و زندیق دانسته‌اند و هر چه داشته با قلندران می‌خورده و حتی از معاشرت با سگان هم پرهیز نمی‌کرده است و در ادبیات مرد منصفی بوده چنانکه نوشته‌اند اگر با او ایراد می‌کردند که مضامین اشعار تو از دیگرانست میگفت من ملتزم نشده‌ام که همه از من باشد و هر چه را نمی‌خواهید بتراشید. در سال ۹۷۴ که اکبر بکجرات رفته بود در اردوی او معروف شد که قاسم کاهی مرده است و غزالی که در اردو بود قطعه‌ای در تاریخ مرگ او گفت اما بعد معلوم شد که این خبر درست نبوده و ازین قرار چندی پس از ۹۷۴ هم زنده بوده و در آنجا در ۲ ربیع الثانی ۹۸۸ در گذشته است و نوشته‌اند که صد و بیست سال عمر کرده است. کاهی از شاعران زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل و مثنوی را خوب میگفته دیوانش شامل ۱۷۰۰ بیتست و منظومه‌ای در بحر متقارب بتقلید بوستان سعدی گفته که گل افشان نام گذاشته و گویند در آن مثنوی همه جاقوافی سعدی را مکرر کرده است و نیز منظومه‌ای در معما بوزن حدیقه سروده و برای هر قسم از معما مثالی بهمان وزن از خود آورده و آنرا در ۹۶۴ بیان

رسانده است .

۲۰- **خواجه حسین مروزی**، در جوانی مدتی در کابل بوده و از آنجا به پندرفته است و در آگره نخست از شاعران دربار همایون بوده و سپس از سرایندگان محترم دربار جلال‌الدین اکبر شده و از خاندان محترم و وزیر زاده بود و نسبش به الاءالدوله سمنانی میرسیده و در جوانی معقول را نزد ملا عصام‌الدین ابراهیم وفقه را نزد ابن حجر مفتی عربستان فرا گرفته بود و ازین قرار در جوانی در سرزمین عربستان زیسته است. در دربار اکبر مقام بلندی داشت و بیشتر تخصص او قصاید مدح بود و منحصراً در سرودن داده تاریخ مهارتی داشت چنانکه قصیده‌ای ساخته است که از هر بیت آن نام سلطان سلیم و تاریخ ولادت او که ۹۶۰ باشد بیرون می‌آید و قصیده دیگری دارد که از هر بیت نام شاه مراد و تاریخ ولادت او ۹۸۴ بیرون می‌آید و نیز قصیده‌ای سروده که از هر مصرع اول آن جلوس اکبر و ۹۶۳ و از هر مصرع دوم آن ۹۷۷ تاریخ تولد سلیم بیرون می‌آید و گذشته از شعر در صنعت انشاء و فنون ادب دست داشته سرانجام در سال ۹۷۹ از اکبر اجازه گرفت و بکابل رفت، در آنجا میرزا محمد حکیم باو احترام بسیار کرد اما بواسطه آنکه در مجلس اوهدایایی را که از هند آورده بود يك يك می‌گفت نام و بهای آنها را می‌نوشتند بر میرزا محمد حکیم گران آمد و از مجلس برخاست و رفت و کسانی آن هدایا را غارت کردند و وی هم اندکی پس از آن واقعه در کابل در گذشت. **خواجه حسین** از قصیده سرایان خوب این دوره بوده است .

۲۱- **خواجه حسین شهدی متخلص بشنایی**، در آغاز زندگی مدتها در ایران می‌زیسته و در همان زمان شهرت شاعریش به پند رسیده بود سرانجام از مشهد به هندوستان رفت و در سلك شاعران دربار اکبر در آگره درآمد، اما کارش آن‌چنان که انتظار میرفت بالا نگرفت و در غیاب وی قدرش را بیشتر میدانستند و با آنکه قصیده را بسیار خوب می‌گفته و یکی از توانا ترین قصیده سرایان زمان خود بوده نوشته‌اند که معلومات کافی نداشته است و بهمین جهت در اشعار او معانی عالی و نصایح و معارف نبوده است دیوانش که بیشتر شامل قصایدست دوهزار بیت دارد و مثنویات را هم خوب می‌سروده

وازان جمله ساقی نامه معروفی دارد .

۲۲ - سید جمال الدین محمد عرفی شیرازی ، از بزرگترین شاعران قرن دهم

بود ، نام پدرش را خواجه بلوسا کن مجله کوچه سختویه در شیراز دانسته اند . در شیراز ولادت یافت و قسمتی از زندگی را در آنجا گذراند و تا سال ۹۸۹ در وطن بود و سپس از آنجا بیندر جرون و از آنجا در ۹۹۰ بدکن رفت و از آنجا عازم فتح پور شد و در آنجا با فیضی شاعر معروف آشنا گشت و چون گمنام بود فیضی او را در خانه خود نگاه داشت و منتهای مهربانی را درباره اش کرد و بوسیله او با مسیح الدین حکیم ابوالفتح که از دانشمندان معروف بود آشنا شد و پس از مرگ او بخدمت عبدالرحیم خان خانان سپهسالار معروف هندوستان پیوست و چندی با او در حیدرآباد بود و سپس بدربار جلال الدین اکبر رفت و تعلق خاطری نسبت بشاهزاده سلیم معروف بجهانگیر پسر پادشاه یافت و سرانجام در ۹۹۹ در گذشت و درباره مرگش اختلافست بعضی نوشته اند باسهال رفت و برخی گفته اند بواسطه همان روابطی که با شاهزاده سلیم داشت زهرش دادند و بدینگونه در لاهور در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و پس از چندی که درویشی میخواست جسد دیگری را که در کنار مرقد عرفی بود از خاک در بیاورد و بنجف ببرد اشتباهاً جسد او را بنجف برد و در آنجا بخاک سپرد و این واقعه در سال ۱۱۹۴ یعنی ۱۹۵ سال پس از مرگش روی داده و گفته اند که مرقد اردر بنجف معروف بوده است . عرفی یکی از معروفترین شاعران قرن دهم و یکی از مبتکران سبک معروف بسبک هندیست و بهمین جهت دیوان اشعار وی همواره در ایران و هندوستان و ترکیه رواج فوق العاده داشته و عده کثیری از شعرای سبک هندی از قصاید و غزلیاتش تقلید کرده اند و قطب الدین نامی از مؤلفان هندش برقصاید او نوشته است و نزدیک پنج هزار بیت قصیده و غزل دارد در ضمن مشغول تقلید خمسة نظامی شده اما مرگ مجالش نداده و تنها پنج مثنوی ناتمام یکی بتقلید مخزن الاسرار بنام مجمع الابدکار و دیگری فرهاد و شیرین بتقلید خسرو و شیرین از ومانده است و نیز ساقی نامه ای دارد و روی هم رفته مثنویاتش شامل دوهزار بیتست ولی درین سبک شعر او در درجه دومست و غزلیات وی قطعاً بر سایر اقسام شعرش ترجیح دارد . نوشته اند



که مردی خودخواه بود و بشعر خود اعتقاد بسیار داشت و دیگران را چه از پیشینیان و چه از معاصران با قدر و قیمت نمی دانست .

۲۳ - مولانا شیرازی لاهوری ، اصلاً از شیخ زادگان پنجاب و از دهی بود بنام کوکروال در پنجاب و پدرش از جماعت ساجیان بود که قبیله‌ای معروف بودند و مادرش سید زاده بود و پدرش ملا یحیی نام هم شاعر بوده و غزل را خوب می گفته است و وی چندی در سیالکوٹ میزیسته و سپس بدربار اکبر رفته است و بیشتر مداح شمس‌الدین محمد خان آنکه ملقب به خان اعظم و پسر او میرزا عزیز کوکلتاش بوده که او نیز خان اعظم لقب گرفته و هر دو از اعیان معروف هند بوده‌اند و کتابی در مدح این پسر و پدر بنام جهان افروز پرداخته که نزدیک سه هزار بیت مقطعات منظوم دارد و در انواع شعر دست داشته و طبعش بسیار روان بوده چنانکه خود دعوی می کرده است که شبی سی غزل میسروده ولی مهارت عمده او در قطعه و قصیده و بیشتر اشعار شکایت آمیز بوده است و زمانی هم او را بترجمه کتاب معروف مهابهارته از زبان سنسکریت مأمور کرده‌اند و سرانجام در کوهستان یوسف زئی در ۹۹۴ در گذشته است .

۲۴ - مولانا قیدی شیرازی از شاعران نامی این قرن بوده، نخست در ایران می زیسته و بامید اینکه از شاه طهماسب تشویقی ببیند از شیراز بقرابن رفت اما چون مأیوس شد آهنگ سفر حج کرد و پس از ادای حج به هندوستان رفت نخست در دربار پادشاهان دکن بود و پس از آن جزو شاعران دربار اکبر شد و از ملازمان نزدیک او بود چنانکه با او سفری بکابل رفت اما روزی که در مجلس وی از ناراحتی مردم شکایت کرد از نظر افتاد و دیگر کرد خدمت دربار نگشت و بقناعت می گذرانند تا اینکه بفتح پورسیکری رفت و در آنجا گرفتار بواسیر شد و مرد شیادی بعنوان طبابت رگهای بواسیرش را برید و بدان علت جان سپرد . قیدی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده است .

۲۵ - مولانا یادگار حائلی افره‌ای پسر و الهی از شاعران نامی هندوستان اصلاً از طایفه جغتای و از سپاهیان دربار جلال‌الدین اکبر بوده و خود را از بازماندگان

سلطان سنجر می دانسته و از غزل سرایان خوب زمان خود بشمار میرفته و پسری داشته است محمد حسین نام که بقایای تخلص می کرده و او هم شاعر بوده اما در حال جنون پدر خود را از هر داده و کشته است .

۲۶ - **قاسم مهدی متخلص با رسلان** ، نیز از شاعران نامی دربارا کبر در آگره بوده و خود را از بازماندگان ارسلان جاذب از عمال معروف دربار محمود غزنوی می دانسته و بهمین جهت ارسلان تخلص می کرده و وی از مردم طوس بوده و در ماوراءالنهر نشو و نما یافته و سپس به هند رفته و در آنجا بشاعری پرداخته است و در ضمن خوشنویس بوده و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشته و در فن تاریخ ماهر بوده و نیز مردی خوش مشرب بشمار میرفته است و سرانجام در ۹۵۵ که با پادشاه بلاهور رفته بود در آنجا در گذشت . ارسلان در اقسام شعر خصوصاً در غزل و ماده تاریخ ماهر بوده است .

۲۷ - **شیخ رهایی خوافی** ، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور بوده و به هندوستان رفته و در سلك شاعران دربارا کبر در آگره می زیسته است و مردی صوفی مشرب بوده و خمسه نظامی را تقلید کرده و غزل را نیکو می سروده است .

۲۸ - **میرسلطان بایزید هروی متخلص بدوری** از هنرمندان معروف دربارا کبر در آگره و از خوشنویسان درجه اول خط نسخ تعلیق در هندوستان بشمار می رفته و کاتب الملك لقب داشته و ظاهراً در جوانی از هرات به هندوستان رفته است و در پایان زندگی سفری به حج رفته و از غزل سرایان زبردست زمان خود بشمار می رفته است .

۲۹ - **سید محمد جامه باف متخلص بفکری** از معاریف شاعران قرن دهم بوده نسبت او را هم از مشهد و هم از هرات و هم از تربت دانسته اند و برخی تصریح کرده اند که از بزرگان سادات مشهد بوده، در هر صورت در آغاز جوانی در مشهد ساکن بوده است و در پایان زندگی در سال ۹۶۹ به هندوستان رفته و در دربارا کبر نعمت فراوان یافته و سرانجام در سفر جونپور در سال ۹۷۳ در گذشته است. وی در شعر تنها بر باغی مایل بوده و جز رباعی چیزی از او نمانده و بهمین جهت معاصرانش هم او را میر رباعی لقب داده بودند و در باره اش نوشته اند که صورت و خلقت او را تر کیبی خاص بوده است و از آنچه يك تن

از شعرا گفته معلوم میشود مردی لاغر و زرد چهره و بسیار بلند بالا بوده و چشمان درشت داشته است .

۳۰ - میر حیدر معمایی کاشانی متخلص برفیعی ، وی نیز از شاعرانیست که يك قسمت از عمر خود را در ایران و قسمت دیگر را در هند گذرانده و چون در اشعاروی مرثیه‌ای برای شاه طهماسب هست که در ۹۸۲ سروده و ذکری از وقایع ۹۸۵ هم هست پیدا است که پس ازین تاریخ بهند رفته است و در دربار جلال‌الدین اکبر در آگره از شاعران معروف بشمار میرفته و در شعر تنها در فن معما و تاریخ دست داشته و بهمین جهت باو معمایی می‌گفته‌اند . سرانجام در پایان زندگی با خواجه حبیب‌الله از اعیان هند که از کجرات بلاهور آمده بود همسفر شد که بایران برگردد و اموال بسیار که در مدت اقامت در هند بدست آورده بود با خود برداشت و بکشتی نشست و عازم ایران شد اما نزدیک سواحل کیج و مکران کشتی شکست و هر چه داشت بتاراج رفت و بدین حال در گذشت . میر سنجر کاشانی از شاعران نامی همین زمان پسر او بوده است .

۳۱ - میر سنجر کاشانی پسر میر حیدر معمایی کاشانی سابق الذکر متخلص برفیعی است وی ظاهراً با پدر بهند رفته و پس از بازگشت او در همانجا مانده است زیرا که از شاعران دربار جلال‌الدین اکبر بشمار میرفته و قصاید بسیار در مدح وی و پسرانش سروده است و حتی امیران دربارش را مدح گفته است و با میرزا جانی والی سرزمین تنه نیز مربوط بوده و میرزا غازی راهم مدح گفته است و در پایان سلطنت اکبر از دربار او بسرزمین بیجاپور رفت و از شاعران دربار ابراهیم عادلشاه شد و نخستین بار که نزد عادلشاه رفت خلعت خاص و انگشتری زمرد بسیار گرانبها باو داد و پس از آنکه مدتی در دربار وی بود نامه‌ای از شاه عباس رسید و او را بایران احضار کرد و پیش از آنکه بایران باز گردد در رسال ۱۰۲۱ در همان سرزمین بیجاپور در گذشت . میر سنجر برخلاف پدر در اقسام مختلف شعر دست داشته و مخصوصاً قصیده و غزل را نیکو می‌سروده و یکی از بهترین شاعران این سبک در قرن دهم بشمار میرود . دیوان قصاید و غزلیاتش شامل چهار هزار بیتست و ساقی‌نامه‌ای بنام خم خانه دارد شامل ۴۰۰ بیت و مثنوی دیگر بر وزن خسرو و شیرین

شامل ۶۰۰ بیت .

۳۲ - میرزا محمد قلی تگلو میلی هر وی بیشتر بنام میرزا قلی معروف بوده از معاریف شاعران قرن دهم بشمار میرفته و اصلاً از نژاد ترك بوده است چنان می نماید که در آغاز زندگی در تبریز و عراق و یزد و شیراز زیسته است زیرا که گاهی وی را تبریزی یا عراقی یا یزدی یا شیرازی دانسته اند و چون مدایحی بنام ابراهیم خان ابن محمد بیک بن امیر علاء الملک بن جهان شاه پادشاه لار که در ۹۴۸ سلطنت رسیده است دارد پیداست که چندی هم در دربار وی بوده و نوشته اند که مدتی هم در مشهد زیسته و در آنجا تربیت یافته است. در آغاز کار در دستگاه سلطان محمد خدا بنده و سلطان ابراهیم میرزا بوده و سرانجام در ۹۷۹ به هندوستان رفته و مدتها در خدمت نورنگ خان از اعیان هند بوده و قصاید فراوان در مدح او سروده است و در همین زمان در سلك شاعران دربار اکبر بوده است و سرانجام نورنگ خان بر او بدگمان شد و دستور داد زهر در خوراکش کردند و بدین گونه از جهان رفت . چنان می نماید که پس از مرگ پیکرا او را بمشهد آورده و در آنجا بخاک سپرده اند زیرا که قبرش در مشهد است و بر سنگ قبرش تاریخ رحلت او را ۹۸۵ نوشته اند . میلی در قصیده و غزل از شاعران زبردست زمان خود بوده و مخصوصاً در غزل بیان رقت انگیز و سوزناک دارد .

۳۳ - ملا طریقی ساوچی از شاعران درجه دوم دربار اکبر در هندوستان بوده و در باره اش نوشته اند که پیر فاسق و مسخره ای بوده و بزور بی حیایی کارش از پیش می رفته است و سرانجام به حج رفته است و در همان سفر در گذشته و وی از غزل سرایان زمان خود بوده است .

۳۴ - ملا مشفق بخاری اصلاً از مردم مرو بوده و چندی در بخارا زیسته و سپس به هندوستان رفته و در جزو شعرای دربار اکبر بوده است و پس از چندی بدیار خود باز گشته و بار دیگر سفری به هند کرده و باز بر گشته است و وی در جلد و هزل شاعری استاد بوده و در قصیده دست داشته است .

۳۵ - ملا صبوچی کابلی از نژاد جغتای و از شاعران دربار جلال الدین اکبر

بوده و مدت‌های مدید در دربار وی زیسته است و می نویسند مردی بسیار بی قید و لاابالی بوده است و در ۹۷۲ یا ۹۷۳ در آگره در گذشته و در همانجا ساکن بوده و غزل را نیکو می سروده است .

۳۶ - میر محمود منشی متخلص بمحوی از شاعران نامی دربار اکبر و از منشیان زبردست زمان بوده و نزدیک ۲۵ سال منشی ممالک هندوستان بوده است و دخترش زن نقیب خان از اعیان آن سرزمین بوده و نخست در کجرات بخدمت میرزاخان خانان رسیده و بدین وسیله بندر بار راه یافته بود و سفری هم بحجاز رفته و در غزل استاد بشمار میرفته است .

۳۷ - مغیث محوی همدانی وی نیز محوی تخلص می کرده و از شاعران نامی دربار اکبر و مردی مجرد بوده و چنان می نماید که از ایران به هندوستان رفته و در غزل سرایی دست داشته است .

۳۸ - ملا لطفی منجم از دانشمندان و منجمان معروف زمان خود بود و از شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و چندی هم با میرزا نظام الدین احمد در کجرات بوده و بسعی او دارای بسیار بهم زده و سفر دریا کرده است و مردی خوش معاشرت بود و اشعار متقدمین را بسیار بیاد داشت چنانکه نوشته اند که شبی هزار بیت بمناسبت می توانست بخواند و بدیبه را خوب می گفت و مقلدی هم می کرد و در ضمن در غزل سرایی دست داشت .

۳۹ - روغنی ، نیز از شاعران این دوره بوده و در دربار اکبر می زیسته ، نوشته اند مسخره پیشه‌ای بی حیا بوده و هزل او بیش از جدش بوده و سرانجام در ۹۸۰ که با اردوی شاهی بکجرات می رفت در پای قلعه ابوگره در گذشت و همانجا بخاکش سپردند و دیوان وی سه هزار بیت می شده است .

۴۰ - نویدی نیشابوری ، از شاعران دربار اکبر بوده و معلومات متوسطی داشته و در ۹۷۳ که بحج میرفته در راه شهر اجین در خالك مالوه در گذشته و وی از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است .

#### ۴۱ - ملا محمد رضا بن خواجه عبدالله اصفهانی متخلص بشکیبی

از بازماندگان خواجه عبدالله اعمامی عارف و از اولاد خواجه امین الدین حسن معاصر حافظ بوده و در ۹۶۴ در اصفهان ولادت یافت و در اصفهان و شیراز کسب دانش کرده و سپس با کشتی به هندوستان رفته و در بندر چیول پیاده شده و از آنجا آهنگ خدمت خان خانان را کرده که در آن زمان در گجرات بوده است و چون وی بگجرات رسید خان خانان با گره رفته بود، او نیز با گره رفت و بخدمت خان خانان پیوست با او بسند و دکن رفت و در ۱۰۰۶ از خدمت خان خانان روی در کشید و بشهر سرویج در خاک مالوا رفت و در آنجا سخت بیمار شد و نذر کرد اگر شفا یابد بزیارت حرمین برود و چون شفا یافت در ۱۰۱۲ باین سفر رفت و پس از سه سال از راه سورت برگشت و در برهانپور با خان خانان مصادف شد و بار دیگر بخدمت او پیوست و در ۱۰۱۸ از خدمت وی کناره جست و خان خانان سیورغالی در حقش برقرار کرد و صدارت دهلی را از جهانگیر برای او خواست و مدتی در دهلی میزیست تا اینکه در ۱۰۲۳ در آن شهر در گذشت، بشکیبی از شعرای معروف زمان خود و مردی دانشمند و نیک خو بوده و در شعر هم استاد بوده است و ساقی نامه‌ای برای خان خانان سروده و ده هزار روپیه صلۀ آن را گرفته است.

#### ۴۲ - میر فارغی شیرازی از سادات شیراز و برادر شاه فتح الله شیرازی از اعیان

دربار اکبر بوده قسمتی از عمر خود را در شیراز گذرانده و يك بار که به هندوستان رفته بیرون خان خانان با او گفته است که چون فارغی تخلص شیخ ابوالواجد خوافی شاعر معروفست و من با او معتقدم بهتر اینست که تخلص را فائقی بگذاری و وی تا در هند بود چنان می کرد و چون بایران باز گشت همان تخلص سابق را بکار برد و بار دیگر سفری به هند کرد و این بار در هندوستان در گذشت و پسرش میر تقی که در هیئت و نجوم دست داشت جانشین عم خود شاه فتح الله شد و پسردیگری بنام میر شریف داشت که او هم مردی دانشمند و وارسته بود و بجز این دو برادر و عمشان شاه فتح الله افراد دیگر این خاندان همه شیعه متعصب بوده اند و وی در غزل استاد بوده است.

#### ۴۳ - یوقلی بيك الیسی شاملو نام او را برخی علیقلی بيك هم ضبط کرده اند

وی از تر کمانان بوده و نخست درهرات در خدمت علی نقی خان از اعیان آن سرزمین می زیسته و پس از کشته شدن وی بهند فرار کرده است و مدتها جزو دستگاه خان خانان بوده و در ضمن جزو شاعران دربار جلال الدین اکبر هم بوده است و سرانجام در شهر برهانپور هند در ۱۰۱۳ یا ۱۰۱۵ در گذشت. انیسی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در غزل و مثنوی دست داشته و بنظم محمود و ایاز آغاز کرده بود که عمرش وفا نکرد ولی آنچه اوساخته معروفست و از شاهکارهای شاعران قرن دهم بشمار می رود.

۴۴ - **پادشاه قلی متخلص بجدایی پسر شاه قلی خان نارنجی** از کردان

حوالی بغداد بوده و در جوانی بهند رفته و در دربار جلال الدین اکبر احترامی بهم رسانیده و در ضمن شاعر خوبی بوده و غزل را نیکومی سروده است.

۴۵ - **امیر نید علی مصور تبریزی متخلص بجدایی پسر میر منصور**

از نقاشان هنرمند ساکن هندوستان بود و در جوانی از تبریز بدانجا رفت و در دربار جلال الدین اکبر کارش بالا گرفت و مردی بسیار هنرمند بود چنانکه نوشته اند قصه امیر حمزه را در شاترزه جلد مصور پایان رسانیده بود که هر جلدی يك صندوق و هر ورقی يك ذرع در يك ذرع می شد و در هر صفحه صورتی ساخته بود و در ضمن غزل سرای مقتدری بوده است.

۴۶ - **ملاقدری شیرازی**، نخست از شاعران مقیم شیراز بود و در جوانی بسوداگری

بهند رفت و چندی در هندوستان ماند و از شاعران دربار اکبر بود و چندی درد کن اقامت داشت و در پایان این سفر که بایران برمی گشت در دریا غرق شد و از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است.

۴۷ - **تشبیهی کاشانی**، از شاعران مقیم ایران بوده و سه سفر بهندوستان رفته

و چندی در دربار اکبر مانده و نوشته اند که از پیروان طریقه بساخوانی یا بسخوانی و از اصحاب محمود بساخوانی بوده و مردم را بدان طریقه دعوت می کرده است و دعوی اجتهاد داشته و بایو الفضل بن مبارک متوسل شد و قصیده ای که در مدح اکبر ساخته بود بوسیله او بپادشاه رسانید و درین قصیده از اکبر خواسته بود تقلیدیان را براندازد تا حق

بهر کز خود باز گردد و توحید خالص بماند و رساله‌های هم بنام شیخ ابوالفضل نوشته بود و در آن عقاید اهل نطق و حروف را شرح داده بود ولی در ضمن مرد مجرد بی قیدی بوده و در شعر دست داشته و گذشته از غزل مثنوی ذره و خورشید را سروده است .

۴۸ - میر محمد شریف و قوعی نیشابوری از خویشان شهاب‌الدین احمدخان از اعیان دربار اکبر بوده و او را کافر میدانسته‌اند و می گفته‌اند گاهی خود را جزو بسخوانیان و گاهی جزو صباحیان معرفی میکرده است ولی جزو هیچ یک نبود و بادوار و قناسخ عقیده داست و با این همه قصاید در مناقب ائمه می گفته و در خط و انشاء بسیار ماهر بود و در کتابهای تاریخ بزبان نازی دست داشت و سرانجام در سال ۱۰۰۲ در گذشت و کتابهای نفیس داشت که بعد از مرگش باقی ماند .

۴۹ - نورالدین قراری گیلانی برادر کهتر حکیم ابوالفتح و حکیم همام از معاریف دانشمندان دربار اکبر بود و فضایل بسیار داشت از آن جمله خوشنویس و شاعر زبردست بود و بوسیله برادرانش بدربار اکبر راه یافت اما پس از چندی او را بینگاله فرستادند و در آنجا در گذشت . او هم از غزل سرایان خوب این دوده بوده است .

۵۰ - ملاغیرتی شیرازی ، از شاعران ساکن ایران بوده و سفری هم به هند رفته و چندی در دربار اکبر مانده و باز بایران باز گشته و در جوانی از پهلوانان زمان خود بوده و در کمان کشی و تیراندازی مهارت کامل داشته و در بازگشت از هند چندی در کاشان مانده و گرفتار عشق یکی از بزرگ زادگان آن شهر شده و چون تحمل نداشته بشیراز رفته و در آنجا در گذشته است .

۵۱ - ملاحیاتی گیلانی از شاعرانیست که در جوانی از ایران به هندوستان رفته و بوسیله حکیم ابوالفتح در دربار اکبر راه یافته و با آنکه چندین در علوم دست نداشته در شعر ماهر بوده است و مردی بسیار راست و درست و منصف بوده و غزل را خوب می سروده است .

۵۲ - میر خسروی گنابادی ، خواهرزاده میرزا قاسم گنابادی بوده و چون در قاین ولادت یافته بود برخی او را قاینی دانسته‌اند و وی از شاعران معروف و مقرب دستگاه جلال‌الدین اکبر بوده و از سفر حجاز به هندوستان رفته و بیشتر ملازم پسر بزرگ



اکبر بوده و او نیز از غزل سرایان خوب این دوره بشمار میرفته است .

۵۳ - **ملا فهمی طهرالی رازی** ، از شاعرانیست که ساکن ایران بوده و سفری

به هند رفته و چندی در دربار اکبر مانده و بایران باز گشته و غزل را نیکومی سروده است .

۵۴ - **ملا سهمی بخاری** ، پدرش تیر گربود و وی نیز این شغل را اختیار کرد

و به همین جهت سهمی تخلص میکرد و از شاعران دربار اکبر بود و نخست از پیوستگان

میرزا عزیز کو که از اعیان آن دربار و چندی نیز در دستگاه خان اعظم بود و مردی

متعصب بود و غزل را خوب می گفت .

۵۵ - **میر حزنی اصفهانی** ، از شاعران مقیم ایران بوده است و در پایان زندگی

عازم هندوستان شده ولی بدربار اکبر نرسیده در راه در گذشته است و او هم از غزل سرایان

زبردست این دوره است .

۵۶ - **مولانا مظهري کشمیری** ، از مشاهیر شعرای قرن دهم هندوستان بود

و در جوانی که سرگرم عیش و عشرت بود بایران آمد و پس از آنکه چندی در ایران

گذرد و سفر میکرد به هند باز گشت و به کشمیر رفت و در جزو شاعران دربار اکبر وارد شد

و چون آن پادشاه کشمیر را گرفت منصب امیر البحری را که از مناصب مهم بود باو داد

و پس از چندی معزول شد و هم چنان در کشمیر می زیست و او هم از غزل سرایان زبردست

این دوره بوده است .

۵۷ - **شیخ حسین صوفی دهلوی متخلص بچشتی** از متصوفه هندوستان و از

پیروان طریقه چشتی بوده و به همین جهت چشتی تخلص می کرده و از مریدان شیخ سلیم

چشتی از صوفیه معروف زمان خود بوده و در خانقاه فتح پور سیکری میزیسته و مؤلفات

چند داشته از آن جمله منظومه دل و جان را بتقلید حسن و جان فتاحی شاعر معروف

پر داخته و بجز آن اشعار فراوان سروده است .

۵۸ - **درویش بهرام سقا** از نژاد ترك و از قوم بیات بوده و ادعا داشته است

که بصحبت خضر رسیده بود و به همین جهت سقایی میکرد و ازین راه گذران میکرد

و لباس صوفیان می پوشید و پس از چندی که در دربار اکبر بود بسر ندیب رفت و آنجا

در گذشت و او نیز غزل را نیکو میسروده است .

۵۹ - حاج مولانا حیدری تبریزی ؛ از شاعران نامی آذربایجان و شاگرد

لسانی و شریف تبریزی شاعران معروف این زمان بود و دو سفر به هندوستان رفته و مدتی در سلك شاعران دربار اکبر بوده است و از شاعران زیر دست زمان خود بوده و دیوان وی نزدیک چهارده هزار بیت میشده و در برابر کتاب « سهو اللسان » که استاد وی شریف تبریزی در نکوهش از لسانی استاد دیگری پرداخته وی کتابی بعنوان « لسان الغیب » نوشته است .

۶۰ - محمد صالح دیوانه کابلی متخلص بفارغی پدرش بمالای کتابدار معروف

و کتابدار پادشاهان بابر بود و وی از خردی در دستگاه جلال الدین اکبر پرورش یافت و بیشتر در کابل میزیست و از دربار هند وظیفه میگرفت و مردی وارسته و سوخته بود و کارهای دیوانه وار میکرد بهمین جهت بدیوانه معروف شده بود، چنانکه مدتی قرار گذاشته بود تا پنج شش طبق خوراک در دریا یا چشمه یا حوضی برای خضر نمیریخت خود چیزی نمیخورد و یکی از ملازمان او که قاسم هندی نام داشت و شاعر و پسر فیلبانی بود همیشه او را فریب میداد و آن طعامها را که بر میداشت بیرون میبرد و باو باش که مانند وی بودند میداد تا بخوراند و چون بر میگشت و محمد صالح از او میپرسید خواجه یعنی خضر را دیدی ؟ میگفت دیدم و آن طعام را بشوق و ذوق خورد و ترا دعا کرد و ازین گونه دروغها باو میگفت و این دیوانه باور میکرد . در هر صورت وی شاعری غزل سرای و درین روش استاد بوده است .

۶۱ - مولانا محمد هاشم ؛ برادرزاده مولانا شاه محمد انسی از شاعران نامی

این دوره و از خدمتگزاران بیرم خان خان خانان بوده و در جزو شاعران دربار اکبر بشمار میرفته گاهی سمایی و گاهی وافی تخلص میکرده و در پایان زندگی هاشم تخلص کرده است و خان خانان بشعرا و بسیار معتقد بود چنانکه در برابر یک غزلش يك لك تنگه بار داده و در شهر لاهور در ۹۷۲ در گذشت و غزل را خوب میگفت .

۶۲ - هاشم قصه خوان متخلص بمحترم ؛ وی نیز از شاعران غزل سرای

دربار اکبر بوده و بخدمت خان خانان میرزا خان اختصاص داشته است .

۶۳ - **ملا بقایی** ؛ از شاعران ایران بوده که در جوانی به هند رفته و مدتی در دکن بوده و با ملک قمی شاعر معروف با هم میزیسته اند و از آنجا بکجرات رفته و در خدمت میرزا نظام الدین احمد بوده و در آن زمان مشغولی تخلص میکرده و چون میرزا نظام الدین این تخلص را نمی پسندیده او را بقایی تخلص داده است و پس از چندی که ملازم خان خانان بوده از وی جدا شده و مدتی در آگره و مدتی در لاهور میزیسته و شاعر خوش ذوق با حالی بوده و زندگی مرفه داشته است .

۶۴ - **ملا غنی امینی** ؛ نیز از غزل سرایان خوب دربار اکبر بوده و مدتی در کجرات در خدمت میرزا نظام الدین احمد بوده و خوبی تخلص میکرد، میرزا نظام الدین تخلص او را هم تغییر داد و امینی تخلص داد و سپس ملازم پسر مهتر جلال الدین اکبر شده و از شاعران جوان دربار اکبر بوده است .

۶۵ - **شریف سرمدی اصفهانی** ؛ از غزل سرایان دربار اکبر بود، چندی منصب چو کی نویسی داشت و سپس با شریف آملی مأمور خدمتی در بنگاله شد. نخست فیضی تخلص میکرد و چون در حضور پادشاه با شیخ ابوالفیض فیضی شاعر معروف معارضه افتاد تخلص خود را تغییر داد .

۶۶ - **شریف متخلص بفارسی** ؛ پسر خواجه عبدالصمد شیرین قلم مصور از خوشنویسان معروف دربار اکبر بود و وی نیز مانند پدر در نقاشی و خط مهارت داشت و تربیت شده بود و بهمین جهت اکبر باو مهربانی میکرد و وی در هنرهای مختلف دست داشت چنانکه گویند پدرش در یک طرف یک دانه خشخاش سوره اخلاص را تماماً و در طرف دیگر چیزی بهمان اندازه نوشته بود و وی در یک دانه خشخاش هشت سوراخ باریک کرده و از هر سوراخی تازی گذرانده و در دانه برنجی صورت سواری مسلح و جلوداری در پیش او ساخته بود و حتی تیرو سپر و چوگان آنرا نقش کرده بود و در غزل نیز توانا بوده است .

۶۷ - **تقی الدین محمد ششتری** ؛ از دانشمندان ایران بوده که به هندوستان

رفته و در دربار جلال‌الدین اکبر میزیسته و در علوم عقلی و نقلی دست داشته و در نظم و نثر ماهر بوده و از منشیان دربار بشمار میرفته است .

۶۸ - میر غازی رازی متخلص باسیری ، برخی نام وی را میر قاضی نوشته‌اند و پیداست که درست نیست از شاعران ساکن ایران بوده که سفری به هند رفته و مدتی جزو سپاهیان دربار اکبر بوده و مردی دانشمند بشمار میرفته و چند سال شاگرد حکیم‌الملک از دانشمندان آن دیار بوده و چون سرانجام آب و هوای هند با او سازگار نبوده است بایران بازگشته و در شهری رحلت کرده است .

۶۹ - حاج ملا محمد حسین نظیری نیشابوری ؛ یکی از معروف ترین غزل‌سرایان دربار اکبر و شاعران قرن دهم هندوستان بود . در جوانی از نیشابور به هندوستان رفت و قصاید غرا در مدح خان خانان گفت و صلوات گرانمایه گرفت و بدین وسیله بدربار اکبر راه یافت و در آنجا نیز محترم بود . هنگامی که در دستگاه خان خانان بود شاعر دیگری هم بود که او هم نظیری تخلص میکرد و چون هیچیک حاضر نمی‌شدند تخلص خود را تغییر دهند سرانجام قرار گذاشتند نظیری نیشابوری که مالدارست هزار روپیه بدهد و آن دیگری نظیر تخلص کند و بهمین گونه رفتار کردند . در اواخر عمر سفر حج رفت و در بازگشت ازین سفر در احمدآباد در خاک کجرات ساکن شد و مردی درویش مشرب و صوفی منش و وارسته بود و در پایان زندگی اشعار صوفیانه میگفت و درین زمان زبان نازی را آموخت و شیخ محمد سند وی متخلص بغوثی مؤلف کتاب گلزار ابرار استاد او بود و در ده دوازده سال بازمانده عمر که در احمدآباد بود علوم دینی و تفسیر و حدیث را فرا گرفت و استاد او درین فن مولانا حسین جوهری بود و سرانجام در ۱۰۲۳ در احمدآباد در گذشت و در تاج پوره احمدآباد جسدش را بخاک سپردند و بنایی بر سر خاکش ساختند که زیارتگاه شد . نظیری از معارف شاعران غزل سرای سبک هندیست و سخن شورانگیز پر مغز فراوان دارد و دیوان وی شامل ۶۰۰۰ بیتست .

۷۰ - محمد حسین بقایی اگهری پسر مولانا یاد کارحالی سابق الذکر است و از شاعران دربار اکبر بوده و چنانکه گذشت مبتلابچنون شده و پدر خود را زهر داده

و کشته است و او را مجازات کرده‌اند و با این همه در غزل استاد بوده است .

۷۱ - **وفایی اصفهانی** از شاعرانیست که از ایران به هندوستان رفته و در دربار

اکبر راه یافته و بیشتر بخدمت زین خان کو که اختصاص داشته و چندی در کشمیر بوده و سپس بلاهور رفته است و در آغاز مجرد میزیست و سپس علایقی بهم زد و از غزل سرایان خوب این دوره است .

۷۲ - **فنائی جغتایی** از نجیب زادگان دربار اکبر بوده و سفر بسیار کرده و

بعج رفته است و نخست از سپاهیان بوده و پس از چندی معزول شده و مدعی بوده است که در شمشیر و شعر و شطرنج کسی از او برتر نیست و مدتی در بند بود و چون رهایی یافت دیوانه شد و دیگر کسی از او خبری نیافت و وی نیز از غزل سرایان زبردست زمان بوده است .

۷۳ - **ملاخره زرگر متخلص بفنائی** وی نیز از غزل سرایان دربار اکبر و در

آغاز از نوکران میرزا عسکری بوده است .

۷۴ - **میر عزیزالله عزیزی سیفی حسنی قزوینی** از خانواده معروف سادات

سیفی حسنی قزوین بود و به هندوستان رفته در دربار پادشاهان هند بمقاماتی رسیده بود . چندی منصب دیوان سعادت داشت و چون کروریان در دربار استیلا پیدا کردند وی مأمور مالیات ناحیه سنهبل شد و چندی نیز منصب دیوان صدارت را داشت و سرانجام برای پس دادن حساب او را بحبس و شکنجه کشیدند و چند سال در زندان ماند و هر چه داشت از او گرفتند و بهمان حال در گذشت . وی از مردم دانشمند زمان خود بوده و در فن سیاق و انشاء مهارت داشته و علوم غریبه را هم میدانسته و در شعر نیز استاد بوده و از روش شعرای قرن نهم پیروی میکرده و منظومات چند سروده است از آن جمله گل و مل و وجه القناعه و منظومه رمل و صحیفه العشاق و شهر آشوب ، دیوان غزلیات هم داشته است .

۷۵ - **میر شریف امامی اصفهانی هروی** نخست در اصفهان می زیسته و از

آنجا بهرات و سپس با بابریان به هندوستان رفته و بهمین جهت با اصفهانی و هروی معروف شده و مدتها نیز در کابل زیسته است و از شاعران نامی دربار جلال الدین اکبر بوده

ویست سال در هندوستان مجرد زیسته و غزل را نیکو می سروده است .

۷۶ - ملاغریبتی **حصاری بخاری** از شاعران ماوراءالنهرست که بهندوستان

رفته و در جوانی از مریدان و اصحاب حسین خوارزمی صوفی معروف قرن نهم بوده و درین زمان کسب دانش می کرده و سپس دوبار بهندوستان رفته و از شاعران دربار اکبر شده و در ۹۶۶ در شهر آگره در جوار مدرسه شیخ فرید در گذشته و در همانجا مدفون شده است و از غزلسرایان خوب این دوره بشمار می رود .

۷۷ - ملا بابا طالب **اصفهانی** از اصفهان بهند رفته و هشت سال در کشمیر

اقامت داشته، نخست قلندر منش بوده و سپس وارد خدمت دربار جلال الدین اکبر شده و اکبر او را از کشمیر بسفارت نزد حاکم تبت خرید علی رای فرستاد و در بازگشت ازین سفر رساله‌های درغرایب و نوا در آن سرزمین نوشت که نسخه آنرا با هو الفضل علامی داد و وی هم در اکبر نامه گنجانید و گذشته ازین در غزل سرایی هم استاد بوده است .

۷۸ - **میر اشکی قهی** از سادات طباطبایی بوده و در جوانی از ایران بقندهار و

و از آنجا بهند رفته و مدنی از شاعران دربار جلال الدین اکبر بوده و سرانجام در آگره در گذشته و دردم مرگی مجموعه اشعارش را که ده هزار بیت می شده بمیر جدایی ترمذی سپرده است که منظم کند، وی هم آنچه شعر جالب در آن بوده بنام خود کرده و بازمانده را بآب انداخته است و اشعار او شامل دو دیوان غزل و یک دیوان قصاید و یک دیوان اهاجی بوده و در شعر از روش آصفی شاعر معروف قرن نهم پیروی می کرده است .

۷۹ - **امیر بیک پیروی ساوجی** نیز از شاعران است که از ایران بهندوستان

رفته و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در نقاشی استاد بوده است و منظومه‌ای بنام «صورت و معنی» سروده و در غزل نیز زبردست بوده است .

۸۰ - **جعفر بیک قزوینی ملقب باصف خان** برادرزاده میرزا غیاث الدین

علی از اعیان دربار اکبر بوده و خود نیز در آن دربار منصب میربخشی یافته و سپس داخل درجرت که بخشیان عظام شده و مردی دانشمند و باذوق و بذله گوی و شیرین سخن بود و در بتکچی گری دست داشته و تا عمش زنده بود بواسطه آنکه مردم از او دل خوش

نداشتند ترقی نکرد و پس از مرگ وی به مقام بلند رسید و در شعر بر بسیاری از معاصران خود ترجیح داشته است .

۸۱ - شیخ ساقی جزایری از نژاد نازی و پسر شیخ ابراهیم جزایری از پیشوایان شیعه مشهد بود و وی در آن شهر ولادت یافت و سفری به هند کرد و چندی در دکن و چندی در بنگاله اقامت داشت و جزو شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و غزل را نیکو میگفت .

۸۲ - محمد میرک صالحی هروی نسب خود را بنظام الملک طوسی میرسانده و چندی به هندوستان رفته و از شاعران و منشیان دربار اکبر بوده و سپس بوطن خود باز گشته است و در شعر و انشا دست داشته و جزو شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و خط را خوب می نوشته و مردی دانشمند بوده است .

۸۳ - صرفی ساوجی از شاعران است که از ایران به هند رفته و چندی در کجرا ب با خواجه نظام الدین احمد بوده و سپس بلاهور رفته و در آنجا درزی درویشان زندگی میکرده است و در زمانی که فیضی شاعر معروف را از دربار اکبر مأمور دکن کرده اند وی هم جزو شاعران دربار اکبر بوده، با او رفته و در آنجا در گذشته است و مردی درویش مسلک و مجرد بوده و قصید و غزل را نیکو میسروده است .

۸۴ - سید محمد عتایی نجفی از ایرانیان ساکن نجف بود و مدتی در ایران زیسته و شاگرد میر حضوری قمی شاعر معروف آن زمان بوده و سپس به هندوستان رفته و نخست در دربار علی عادل شاه پادشاه دکن وارد شد و پس از مرگ وی جانشینانش با او مهربان بوده اند، اما پس از چندی در الله آباد بدربار اکبر رفته و درباره اش گفته اند که شاه فتح الله را درد دکن هجو کرده و وی منکر بود در اشعارش گشتند و اهاجی بسیار یافتند و او را از فتح پور سیکری بگو الیار بردند و در قلعه گوالیار که از قلاع استوار هند بوده وی را در حبس افکندند و هر چه در زندان اشعاری سروده کارگر نیفتاده و ده سال در بند مانده است و سرانجام بشفاعت شاهزادگان او را آزاد کرده و هزار روپیه خرج سفر بوی داده اند که بحج رود اما چون پول را از قلیج خان گرفت و از آن قلعه بیرون آمد در راه از بندرسورات فرار کرد و دوباره بدکن رفت و بخدمت

برهان الملك وزیر پیوست و با وی در احمدنگر ساکن بود و تا پایان زندگی در آنجا میزیست. وی مردی تندخوی و بد زبان بوده و هجو بسیار می‌گفته اما در دوزبان تازی و پارسی شاعر توانا بوده و در انشا و خط نیز دست داشته است و در زبان فارسی غزل را مخصوصاً خوب می‌گفته است.

#### ۸۵ - امیر علاءالدوله بن یحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی حسنی متخلص

بگامی از خانواده معروف سادات سیفی حسنی قزوینی و پسر امیر یحیی قزوینی مورخ معروف قرن نهم مؤلف لب التواریخ و مختصر التواریخ است که در رجب ۹۶۲ در گذشته و وی پس از مشکلاتی که بواسطه سنی بودن برای خانواده اش در قزوین پیش آمد به هندوستان گریخت و در دربار جلال الدین اکبر مورد توجه شد و از شاعران محترم دربار وی بود و سرانجام در ۹۸۲ در گذشت وی در غزل سرایی دست داشته و گذشته از آن مؤلف کتابیست در تذکره شاعران قرن دهم و مخصوصاً شعرای دربار اکبر که از ۹۷۳ تا ۹۸۱ مشغول تدوین آن بوده و نقایس المائر نام گذاشته و عبدالقادر بداونی در منتخب التواریخ فصل مهمی که در تذکره شعرای دربار اکبر در پایان کتاب دارد از همین تذکره گرفته است.

#### ۸۶ - گامی سبزواری نیز از شاعران قرن دهم بوده که از ایران به هندوستان

رفته و در دربار اکبر میزیسته و در غزل دست داشته است.

#### ۸۷ - ملامک قمی در جوانی بشاعری آغاز کرده و از قم بکاشان رفته و در آنجا

سخن آموخته است و سپس چندی در قزوین مشغول کسب کمال بود و سرانجام در رمضان ۹۸۷ آهنگ هندوستان کرد و نخست وارد دکن شد و مرتضی نظامشاه دیوانه حکمران احمدنگر و پس از او برهانشاه باو احسان بسیار کردند و در بیجاپور مدتی در دربار برهان نظامشاه و ابراهیم عادلشاه میزیست و از ایشان احسان بسیار دید و در آنجا با ظهوری ترشیزی شاعر معروف مربوط شد و دختر خود را بوی داد و در تألیف کتاب نورس که ظهوری بنام عادلشاه بیابان رسانیده دست داشته است و فیضی در سفری که از جانب اکبر بدربار برهانشاه با احمدنگر رفته در آنجا ملک و ظهوری را دیده و با هر دو دوستی بهم



زده است و در دربار عادلشاه حرمت بسیار داشته و او را ملك الکلام می گفتند و مردی بسیار متواضع و درویش مشرب بوده چنانکه نوشته اند کمتر میشده که چشمش از اشک خالی بوده باشد و در ضمن مرد دانشمندی بوده و سرانجام درد کن سال ۱۰۲۴ در گذشته است. ملك قمی از شاعران معروف این دوره هندوستان بوده و بسبب سخن سرایان قرن نهم شعر میگفته و شاعران زمان بشعر او بسیار معتقد بوده اند چنانکه فیضی در سفر احمدنگر نسخه دیوان ویرا با خود بدربار اکبر برده و بسیار پسندیده افتاده است.

#### ۸۸ - ملانوعی خوبشانی اصلا از مردم خوبشان یا خوجان یعنی قوچان امروز

بوده و خود را از بازماندگان شیخ حاجی محمد خوبشانی عارف معروف میدانست و چون مدتی در مشهد میزیسته بمشهدی معروف شده و از آنجا به هندوستان بدربار اکبر رفته، نخست در دستگاه شاهزاده دانیال معروف بشاهزاده خرد پسر اکبر بوده است و سپس وارد دستگاه خان خاتان سپهسالار شده و مدایح بسیار در باره او گفت و صلوات فراوان از او گرفت؛ چنانکه يك باره هزار روپیه نقد و خلعت و يك فيل و يك اسب عراقی باو داد و سپس از شاعران دربار جهانگیر شد و سرانجام در برهان پور در ۱۰۱۹ در گذشت. وی مردی شوخ و درغزل و مثنوی استاد بود و گذشته از دیوان غزلیات مثنوی و امق و عنذرا و مثنوی سوزناکی بنام سوز و گدازه شامل دو هزار بیت دارد و شرح آن اینست که جوان هندویی شب زفاف سقف بازار بر سرش فرود آمده و مرده و عروس جوان زیبایش را هر چه پند داده اند نپذیرفته و خود را باشوهر خویش بعبادت هندوان سوخته است.

#### ۸۹ - وحشی بافقی از معروفترین شاعران قرن دهم و اصلا از مردم بافق بود که

در میان یزدو کرمان واقع شده و گاهی تابع حکومت یزدو گاهی از آنجمله در زمان وحشی تابع حکومت کرمان بوده بهمین جهت وحشی را برخی از تذکره نویسان از مردم یزدو برخی هم از مردم کرمان دانسته اند. از اشعار وی پیداست که سفرهایی بعراق و کاشان کرده اما بیشتر در یزد ساکن بوده است و چون مزار او نیز درین شهرست پیداست که در آنجا در گذشته است. از جزئیات احوال وی اطلاع درستی نیست و در اشعار او مدایحی بنام شاه طهماسب اول و برخی از رجال دربار وی مانند عبدالله خان اعتماد الدوله صدر

اعظم و نواب محمد ولی سلطان حکمران کرمان و میرغیاث الدین محمد معروف بمیر میران حکمران یزد از باز ماندگان شاه نعمه‌الله ولی دیده میشود. از آنچه تذکره نویسان درباره او آورده‌اند معلوم میشود مرد عاشق پیشه‌ای بوده و سرانجام در سال ۹۹۱ در یزد رحلت کرده و همانجا ویرا بخاک سپرده‌اند و در زمانهای اخیر بر سر خاک او بنایی ساخته‌اند. وحشی یکی از بهترین شاعران قرن دهم ایرانست و سخن را بسیار عاشقانه و سوزناک می‌سروده و در غزل و مثنوی مهارت بسیار داشته و به همین جهت سبک خاصی ابتکار کرده و پس از وی بسیاری از شاعران از آن تقلید کرده‌اند اما هیچیک بیای او نرسیده‌اند. بجز دیوان قصاید و غزلیات و ترجیعات و ترکیبات و مسمطات و مقطعات و رباعیات شامل ۱۵۰۰ بیت سه مثنوی نیز از او مانده‌است: نخست خلد برین بر وزن مخزن الاسرار نظامی در ۵۰۰ بیت، دوم ناظر و منظور بر وزن خسرو شیرین نظامی شامل ۷۰۰ بیت که در ۹۶۶ پایان رسیده و سوم شیرین و فرهاد در ۸۰۰ بیت بهمان وزن که شاهکار او بشمار میرود و یکی از بهترین مثنویات عاشقانه زبان فارسیست اما مجال نکرده است آنرا بیایان برساند و چون ناتمام بوده است وصال شیرازی شاعر معروف قرن سیزدهم در سال ۱۲۶۵ قمری آنرا بیایان رسانده است.

۹۰ - ملاحسین یزدی متخلص بمؤمن از شاعران نامی قرن دهم بوده که تا اوایل قرن یازدهم هم زیسته است و از فقهای مشهور زمان خود بشمار میرفته و در یزد میزیسته و از شاگردان نامی میرزا جان شیرازی دانشمند معروف قرن دهم بوده است و دویسر داشته که هر دو از دانشمندان معروف زمان خود در یزد بوده‌اند: نخست میرزا ابوالحسن که در جوانی در گذشت و دیگر میرزا ابوالهادی که در زمان شاه صفی بهند رفته و بدر بار شاه جهان شهاب‌الدین محمد پذیرفته شده و از مهر بانی دیده و سپس بحیدرآباد بدر بار عبدالله قطب شاه رفته و از مهر بانی دیده و پس از چندی در ۱۰۲۸ در آنجا در گذشته و امیر محمد سعید میر حمله جنازه ویرا بنجف فرستاده و او پسری داشته میرزا محمد صفی نام که از سوی مادر از خاندان امیر معزالدین محمد شیخ الاسلام یزد بوده و در یزد میزیسته است. ملاحسین در میان شاعران زمان خود بیشتر بنام ملا مؤمن حسین معروف بوده و شاعر توانایی بشمار میرفته اما جز رباعی چیزی نسروده است.

### ۹۱- مولانا وجیه‌الدین عبداللہ لسانی شیرازی نیز از معاریف شعرای زمان

خود بوده، پدرش میر محمد مشک فروش شیرازی بوده و وی در جوانی ببغداد و از آنجا بتبریز رفته و در زمان حکمرانی امیر نجم ثانی در تبریز متوطن شده، بهمین جهت برخی از تذکره نویسان او را تبریزی دانسته اند. درباره وی نوشته‌اند که در پیری مبتلای بعشق شد و چون معشوق مبالغه کزافی از وی خواست قصیده ای در مدح امیر نجم ثانی سرود و هنگامی که امیر در گرمابه بودند نزد او رفت و قصیده را بروی خواند و امیر جایزه ای گران باو بخشید و وی آن زر را برداشت و نزد معشوق رفت و معشوق وی که این جوان مردی را دیدر زرا از او نگرفت. تذکره نویسان گویند مردی پارسا و قانع و شوریده بوده است و در ۹۴۱ در تبریز در گذشت. دیوان اشعار وی نزدیک دوازده هزار بیت دارد و در اشعارش پست و بلند بسیارست، برخی نوشته‌اند شریف تبریزی شاعر که از شاگردان وی بود با او غرض داشت و پس از مرگش مجموعه‌ای از اشعارست بنام او انتشار داد و آنرا «سهو اللسان» نام گذاشت و وانمود کرد که این مجموعه را از سخنان سنت او گرد آورده است. لسانی مبتکر سبک نازه‌ایست در شعر و آن اینست که مجعوعه ای از رباعیات در وصف شهر تبریز و وصف عشق و دل و ساقی و پیشه و ران شهر دارد که «شهر آشوب» نام گذاشته و چندان از شاعرانی که پس از او آمده‌اند از او تقلید کرده‌اند.

### ۹۲- محمد بن سلیمان بغدادی متخلص بفضولی از نخستین شعرای زبان

ترکی آذربایجانی که در ضمن شاعر زبر دستی بزبان فارسی هم بوده است، اصلاً کرد بوده ولی در بغداد میزیسته و زبان ترکی و فارسی را هم خوب میدانسته است. در ۹۴۶ که ابراهیم یاشا وزیر اعظم سلطان سلیمان آل عثمان بغداد را گرفته قسایدی در مدح سلطان و وزیر وی سروده و در پاداش آن مستمری درباره او برقرار کرده‌اند و سرانجام از بیماری طاعون در ۹۶۸ یا ۹۷۰ در گذشته است. فضولی در شعر ترکی آذربایجانی اهمیت بسیار دارد و پس از شاه اسمعیل اول صفوی که خطایی تخلص میکرده و نخستین شاعر این زبانست وی بر دیگران تقدم دارد و بهمین جهت ترکان عثمانی که ویرانگرترین شاعر زبان خود میدانند با آثار وی اهمیت بسیار میدهند. وی در شعر ترکی تقریباً همه جا

مضامین و حتی کنایات و استعارات و تلفیقات شعرای ایرانرا ترجمه کرده و غزلیات وی عیناً تقلید از غزلیات فارسیست و نیز در ۹۴۲ لیلی و مجنونی ترکی سروده که کاملاً مطابق با لیلی و مجنون نظامیست. گذشته از دیوان غزلیات و لیلی و مجنون مثنوی دیگری بنام «بنگ و باده» ساخته و بنام شاه اسمعیل اول پیاپی رسائیده است و کتاب معروف روضة الشهداء تألیف ملاحسین کاشفی را بزبان ترکی بنام «حدیقة السعداء» ترجمه کرده است و نیز رساله‌ای بنام «شکایت نامه» بزبان ترکی خطاب سلطان سلیمان نوشته و در آن از پرداخته نشدن مستمری که درباره وی برقرار کرده بود شکوه کرده است. در زبان فارسی نیز غزلیات و اشعار متفرقه سروده است و ساقی نامه‌ای هم شامل ۳۳۰ بیت دارد و نیز رساله‌ای شاعرانه با افکار صوفیه بنام لطایف المعارف یا مرآت الحق نوشته که مناظره‌ایست در میان روح و عشق و بنام «سفرنامه روح» نیز معروفست و نیز منظومه‌ای بنام «صحت و مرض» و رساله‌ای بعنوان «رند و زاهد» دارد.

۹۳ - بابا فغانی شیرازی از بزرگترین شاعران غزل سرای قرن دهم بوده.

نخست در شیراز میزیسته و نزد برادرش کارد گری میکرده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده و نخست سکاکی تخلص میکرده است اما پس از اندک مدتی فغانی تخلص کرده و مدتی در شیراز برندی و می خوارگی روزگار گذرانده و در حدود سی سالگی از شیراز بیرون رفته، نخست چندی در هرات زیسته و با جامی و شاعران آن زمان محشور شده و چون اقبالی باو نکرده‌اند از خراسان عازم آذربایجان شد و پیش از آن چندی هم در مشهد و نواحی دیگر خراسان مانند نسا و ابیورد ساکن بوده‌است. در آذربایجان سلطان یعقوب آق قویونلو که پادشاه ادب پروری بود او را بر کشید و بر شاعران دیگری که در دربارش بودند ترجیح داد و در جنگها نیز ویرا با خود میبرد چنانکه در یکی از جنگها نسخه دیوانش بغارت رفت. اما فغانی هم چنان شوریده و لا اقبالی بود و بجاء و جلال پایست نمیشد تا اینکه سلطان یعقوب در ۸۹۶ در گذشت و چون جانشینان وی دیگر بشعر توجهی نداشتند فغانی پس از آنکه تقریباً ۱۷ سال در تبریز مانده بود بشیراز برگشت و پس از چندی باز بخراسان رجعت کرد و در مشهد ساکن شد و در

آنجا از زندگی و باده گساری توبه کرد اما در پایان زندگی مفلوج شد و پس از چندی در سال ۹۲۲ یا ۹۲۵ در مشهد در گذشت. فغانی در اقسام مختلف شعر دست داشته است. قصاید فراوان در مدح ائمه اثنی عشر و مخصوصاً امام هشتم سروده ولی مهارت او بیشتر در غزلست و غزل را رندانه و عاشقانه و بسیار سوزناک و روان میسروده و وحشی بافقی غزل سرای معروف سبک خود را از روش خاص وی اقتباس کرده است. دیوانش شامل چهار هزار بیتست.

۹۴ - سلطان محمد فخری هروی پسر امیر محمد متخلص بامیری نیز از

شاعران نامی قرن دهم بوده و پدرش هم از شعرای معروف قرن نهم بشمار میرفته است. بیشتر درهرات میزیسته و مداح کریم الدین خواجه حبیب الله ساوجی وزیر سام میرزا صفوی در حکومت خراسان بوده است که خوندمیر نیز حبیب السیر را بنام او تألیف کرده است و از مشاهیر وزرای زمان شاه اسمعیل و مردی ادب پرور بوده است. در پایان زندگی در زمان شاه طهماسب بحج رفت و در بازگشت از حج عازم هندوستان شد و در سرزمین سند مورد توجه عیسی ترخان از امرای آن سرزمین واقع شد و درین میان جلال الدین محمد اکبر پادشاه معروف هند بساطنت نشست و وی قصیده‌ای در تهنیت او سروده و کتاب جواهر العجایب را در تذکره زنان شاعره بنام وی تألیف کرده است و ظاهر آدره‌مین اوان در گذشته و دیگر اثری از وی نیست. فخری هروی بجز جواهر العجایب دو کتاب دیگر هم تألیف کرده: نخست کتاب مجالس التفاضل علی شیرنویسی را که تذکره شاعران معاصر اوست و در ۸۹۶ بترکی جغتایی تألیف کرده بنام لطایف نامه بفارسی ترجمه کرده و این کتاب را در زمان شاه اسمعیل و هنگامی که پسرش سام میرزا حکمران خراسان و درمش خان شاملو از امرای قزلباش پیشکار او و خواجه کریم الدین حبیب الله ساوجی وزیر خراسان بوده بنام این خواجه ترجمه کرده و در ۹۲۸ از ترجمه آن فارغ شده است. کتاب دیگری که از آثار او باقیست مجموعه‌ایست از غزلیاتی که شاعران باستقبال یکدیگر سروده‌اند و آنرا «تحفة الحبيب» نام نهاده و در ۹۲۹ بیابان رسانیده است. کتاب جواهر العجایب را هم در ۹۶۳ در سال جلوس جلال الدین اکبر بنام «ماه» که ظاهر آهمسرا این پادشاه بوده بیابان رسانیده و ازین قرار

تا ۹۶۳ زنده بوده است . برخی از تذکره نویسان کتاب « بوستان خیال » را که شامل مطلع های غزلیانیست که باستقبال یکدیگر سروده اند بوی نسبت میدهند اما این کتاب از « بکتاش قلی ابدال » است و در ۹۰۱ پیایان رسانیده است . در شعر نیز در مثنوی و غزل دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیتست .

۹۵ - عارف ایچی از مردم ایچ یا ایک از توابع دارا بگرد فارس بود و پس از سفرهای بسیار در هندوستان ساکن شده و از غزلسرایان معروف و زبردست قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده است .

۹۶ - قاضی شرف جهان قزوینی از رجال بزرگ دربار شاه طهماسب و از دانشمندان و ادیبان نامی قرن دهم ایران بود . پدرش قاضی جهان نیز از معاریف زمان خود و قاضی قزوین و از خاندان قاضی سیف الدین حسینی قزوینی بود و این خانواده پشت در پشت مدتها قاضی قزوین بوده اند . قاضی جهان پدرش صبح پنجشنبه ۱۲ محرم ۸۸۸ در قزوین ولادت یافت و پس از ۸۲ سال زندگی غروب جمعه ۱۷ ذی الحجه ۹۶۰ شب عید غدیر در زنجان در گذشت و وی دو پسر داشت نخست میرزا شرف جهان و سپس میرزا عبدالباقی که در جوانی در گذشت . میرزا شرف جهان روز چهارشنبه ۲۸ ربیع الثانی ۹۱۲ در قزوین متولد شد و در جوانی کسب دانش کرد و از شاگردان خواجه جلال الدین محمود شیرازی شاگرد علامه جلال الدین دوانی بود و مدتها در سفر و حضر با این دانشمند معروف معاشر بوده و همه دانشمندان معروف آن زمان مانند مولانا ابوالحسن بن احمد باوردی عالم معروف بفضل او گواهی داده اند و در خط و انشاء نیز دست داشته و بروش خواجه عبدالحی منشی معروف آن زمان چیزی نمی نوشته است . پس از مرگ پدرش در ۹۶۰ قاضی قزوین شد و در آن زمان قزوین پایتخت صفویه بود و به همین جهت وی از رجال دربار صفوی بود و پس از آنکه نه سال درین مقام مهم بود عاقبت در روز یکشنبه ۱۷ ذی القعدة ۹۶۹ هنگام چاشت در ۵۷ سالگی در روستای درس در کوهپایه قزوین در گذشت و جنازه اش را بشهر بردند و در مزار شاهزاده حسین بخاک سپردند . میرزا شرف جهان که شرف نخلص میکرد از شاعران زبردست زمان خود بشمار میرفته

وقصیده و غزل را نیکو میسروده است .

۹۷ - درویش محمد دهکی معروف بدرویش دهکی از مردم محله دهک

قزوین بود و نخست در قزوین جولاهگی میکرد و مدتی نیز خشت می پخت و سرانجام در زمان سلطان حسین بایقرا بهرات رفت و مدتی در دربار اومیزیست و با علیشیر نوایی ، جامی محشور بود و پس از برچیده شدن آن دستگاه مدتها نیز در اوایل قرن دهم زند بوده و از شاعران غزلسرای زبردست زمان خود بشمار میرفته است .

۹۸ - مولانا محمد اهلی شیرازی نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم بود. در جوانی از شیراز بهرات رفت و چندی در دربار سلطان حسین بایقرا بود و قصیده مصنوعی در مدح علیشیر نوایی سروده که معروفست و پس از برچیده شدن آن دستگاه بآذربایجان نزد سلطان یعقوب آق قویونلو رفت و قصیده مصنوعی دومی در مدح او سروده و مثنوی شمع و پروانه را در ۸۹۴ بنام وی ساخته است و پس از جلوس شاه اسمعیل بدربار وی یدوسته و قصیده مصنوعی سومی بستایش وی گفته و مثنوی سحر حلال را بنا، وی بیایان رسانیده و در دربار شاه اسمعیل احترام بسیار داشته و بر شاعران دیگر مقدم بوده است و با این همه مردی فقیر مشرب و گوشه نشین بود و پس از مرگ شاه اسمعیل بشیراز باز گشت و در آن شهر منزوی بود تا اینکه در آنجا بسال ۹۳۳ یا ۹۴۲ در گذشت و این تاریخ دوم درست ترست و در کنار مزار حافظ او را بخاک سپردند و مرقد او، اکنون در آنجا معروفست. اهلی شیرازی در غزل و مثنوی دست داشته و دیوان و قصاید غزلیات وی شامل شش هزار بیت و مثنوی شمع و پروانه او در ۵۰۰ بیت از آثار جالب شاعران قرن دهمست و سحر حلال وی در ۲۵۰ بیت مثنوی مصنوعیست با اشعار پر تصنع و ذوق بحرین و ذوق فیتین .

۹۹ - اهلی ترشیزی نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود،

او هم در جوانی مدتی در هرات و در دربار سلطان حسین بایقرا میزیسته، بهمین جهت برخی او را اهلی هروی و برخی هم اهلی خراسانی دانسته اند. از احوال وی اطلاع درستی نیست جز اینکه گویند مردی عاشق پیشه بود، چنانکه در خراسان بواسطه دل بستگی بفریدون حسین میرزا شاهزاده نیموری از پا درآمد و مجنون آسا و ژولیده موی میگشت

تا اینکه شاهزاده اورا نزد خود خواند و سرانجام پس از برچیده شدن دستگاہ تیموریان او هم بتبریتز بندر بار سلطان یعقوب رفت و چون در کمانداری زبردست بود کارش بالا گرفت و در آنجا بسال ۹۳۴ در گذشت. اهلی ترشیزی غزل سرای زبردستی بوده و ۳۵۰۰ بیت غزلیات سوزناک و شورانگیز دارد و همیشه اشعار ویرا بر شعر اهلی شیرازی ترجیح داده اند.

۱۰۰ - ارجاسب امیدى رازى از بزرگان شعراى قرن دهم ایران بود و از

شاگردان معروف علامه دوانى بشمار مى رفت و در طهران میزیست اما چون مردى حکیم بود با صوفیه نور بخشی که در آن زمان در شهر ری و اطراف نفوذ بسیار داشتند در افتاد و پیشواى ایشان شاه قوام الدین بن شاه شمس الدین بن شاه قاسم نور بخشی مریدان خود را تحریک کرد ویرا در ۹۲۵ یا ۹۲۹ کشتند و این واقعه بر مخالفان این طریقه بسیار گران آمد چنانکه شاه طهماسب اول چون در جمادى الاخره ۹۴۳ در طهران بود هنگامى که زیارت امامزاده عبدالعظیم مى رفت مردم از شاه قوام الدین و ستمهای فراوانى که کرده بود بوى شکوه بردند و وی فرمان داد گرفتارش کردند و بمجلس وی بردند و قاضى محمد ورامینى که از بزرگان ری بود در آن مجلس با او خطاب کرد و گناهاش را يك يك گفت و لشکر گرد آوردن و قلعه ساختن او را برای جنگ با صفویه فاش کرد و کسانی را که بکشتن آنها فرمان داده بود يك يك نام برد و چون بامیدى شاعر رسید وی منکر شد اما شاه طهماسب باو پر خاش کرد که چرا ویرا کشتى و املا کشر را بردى و اورا بزندان فرستاد و شب که دوباره اورا بمجلس شاه آوردند باز بداد خواهى از کشته شدن امیدى بروخشم راند و دستور داد مشعل افروخته را زیر ریش او نگاهدارند و ریشش را بسوزند. امیدى از شاعران توانای قرن دهم بوده و مخصوصاً در قصیده دست داشته و ساقى نامه‌ای هم سروده و دیوان وی شامل ۱۵۰۰ بیتست.

۱۰۱ - هلا احمد ایوردی از مشاهیر حکما و دانشمندان قرن دهم بود در

جوانى از خراسان بماوراء النهر رفت و در حلقه متصوفه بخارا وارد شد و برداشتن خویش افزود، سپس بعراق آمد و در کاشان اقامت گزید و بتدریس حکمت پرداخت اما چون امیر جمال الدین استرابادى بوزارت نشست بسعایت بدخواهان و طیفه ویرا برید و وی



چیزی نگفت و بقناعت روزگار میگذرانید تا اینکه روزی بازرگانی کيسه زری تزداد و برد و گفت این زر را نذر امام اول کرده بودم و سه شبست که در خواب بمن میگوید چون وظیفه ملا احمد را قطع کرده اند تزد او بیر، اما درین میان امیر جمال الدین استرآبادی وزیر شاه طهماسب بواسطه دشمنی که با او داشت چون دید که قطع وظیفه بر او گران نیامده است ویرا بکار زشتی متهم کرد و کس فرستاد او را برای عقوبت بیاورد و وی پیش از آنکه آن مأمور برسد در گذشته بود. ازین قرار وی بعد از سال ۹۳۰ رحلت کرده است. ملا احمد گذشته از آنکه مردی حکیم و دانشمند بوده در شعر نیز دست داشته و از شاعران زبردست زمان خود بشمار میرفته و پسری داشته بنام ابوالحسن ایبوردی که او هم از حکیمان و شاعران معروف این زمان بوده است.

۱۰۲ - ملا ابوالحسن دانشمند ایبوردی چنانکه گذشت پسر ملا احمد سابق -

الذکر و از مشاهیر حکما و شاعران قرن دهم بوده و مخصوصاً در ریاضیات مهارت بسیار داشته چنانکه گویند از زمان قدیم هیچده نکته در علم ریاضی مانده بود که هیچکس نگشوده بود و تنها شش نکته از آنرا خواجه نصیرالدین طوسی حل کرده بود و وی دو آزرده نکته دیگر آنرا گشود و باندازه ای فرجه ننداشت که در ۱۴ سالگی شرح تجرید را که از متون مشکل حکمتست با حواشی آن درس می گفت و در ۲۵ سالگی کتاب مجسطی را درس گفته است و چنان حافظه نیرومند داشت که هر کتاب را یکبار می خواند عبارات آنرا هرگز فراموش نمی کرد و خود گفته است که اگر نسخهای کتابی از میان برود عبارات آنرا چنان از بر بخوانم که خلاقی پدیدار نشود و نیز آورده اند که حافظه او باندازه ای بود که در پایان زندگی که مشغول تصحیح کتابهای رجال و حدیث بود کتاب تهذیب در حدیث را که هفتاد هزار بیتست از آغاز تا انجام بخط خود نوشته بود و همه احادیث و اسناد آنرا بیاد داشت و میتوانست بی آنکه باصل کتاب رجوع بکند بنویسد. با این همه مردی خوش مشرب و عاشق پیشه بود و در کاشان بیشتر در مصاحبت خان میرزا پسر معصوم بیك که از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان را داشت میزیست و خان میرزا پیش او درس میخواند و سرانجام روز یکشنبه ۲۳ رمضان ۹۶۶ در گذشت و جنازه او را بار دیل

بردند و آنجا بخاک سپردند. ملا ابوالحسن در علوم مختلف دست داشت و در همه رشتها مؤلفات دارد از آنجمله «حل مالاینجل» در حل دوازده مسئله ریاضی که پیش ازین بدان اشاره رفت و کتاب «حسنا» در حکمت طبیعی و «مشارق» و «مرآت الافلاک» در حکمت ریاضی و حاشیه بر شمسیه و بر تهذیب در منطق و رساله اثبات واجب بفارسی و اثبات واجب بعربی و «روضه الجنان» در حکمت و شرح فرائض و در شعر فارسی نیز استاد بوده و غزل را مؤثر و رقت انگیز می سروده است.

۱۰۳- مولانا کمال الدین محتشم کاشانی پسر خواجه میر احمد متوفی در

۹۶۲ از اعیان زادگان کاشان و اصلاً از مردم نراق و یکی از معروفترین شاعران قرن دهم ایران بوده و در زمان خود شهرت بسیار داشته و چون در تشیع معروف بوده پادشاهان صفوی و مخصوصاً شاه طهماسب بوی احترام بسیار می کرده اند و شاعران زمانه نیز او را بسیار محترم میداشته اند و از مشاهیر زمان خود بوده و همواره در کاشان می زیسته است، با این همه از جزئیات احوال او اطلاع کامل در دست نیست و از مدایحی که در دیوان اوست پیداست که مداح شاه اسمعیل و شاه طهماسب و شاه محمد خداپنده و سلطان حمزه میرزا پسر شاه طهماسب و پیری جان خانم دختر وی بوده و در ضمن مدایحی در باره محمد شاه پادشاه دکن و مرتضی نظام شاه بحری پادشاه دکن و جلال الدین محمد اکبر و یوسف عادل شاه پادشاهان هند دارد ولی چون بهندرت یافته است پیداست که از دور ایشان را مدح کرده و این مدایح را برایشان فرستاده است. پادشاهان صفوی و وظیفه‌ای در باره وی برقرار کرده بودند و بهمین جهت زندگی مجللی داشت و شاعران زمانه همه باو احترام بسیار میکردند و وزیر ملک الشعرا خطاب میکردند و سرانجام در ربیع الاول ۹۹۶ در گذشت و مزار او در کاشان معروفست. محتشم در قصیده و غزل و مرثیه و تاریخ سازی از شاعران زبردست زمان خود بوده و درین انواع مختلف اشعار بسیار دارد که از دوازده هزار بیشترست، مخصوصاً در مدایح ائمه سخنان بسیار دارد و ماده تاریخ او در زمان وی بسیار پسندیده بوده است و دوازده بندی که در مرثیه شهیدان کربلا سروده معروفترین اشعار درین زمینه است و درین فن او را بر همه ترجیح داده اند. وی در شاعری شاگرد

مولانا صدقی استرآبادی بوده اما از استاد خویش بسیار پیشتر رفته است. آثار وی را پس از مرگش پنا بروصیت اوتقی الدین محمد حسینی کاشانی که از شاگردانش بوده تدوین کرده و مقدمه‌های بر آن نوشته و مجموعه آثار وی را در پنج کتاب شعر و دو کتاب نظم و نثر گرد آورده است بدین گونه: شبیه شامل اشعار پیری، شبیه شامل اشعار جوانی، صبائیه شامل اشعار کودکی، جلالیه نظم و نثر، نقل عشاق نظم و نثر، ضروریات شامل ماده تاریخها، معنیات، جلالیه و نقل عشاق دو کتاب است که در شوریدگی درباره دو تن از معشوقان خود پرداخته و شامل نثر شاعرانه پر کنایت و استعارت و غزلیات است که درباره آن دو تن سروده است. وی با شاعران عصر خویش مانند حیرتی و تاجری و میرحالی کیلانی و مونا مجاهد الدین خوانساری و امیر شمس الدین محمد کرمانی از سادات صدور زمانه و میرزا سلمان جابری اصفهانی از اعیان دولت صفویه و مولانا فصیح سلمانی و ضمیری اصفهانی و میر معز الدین محمد خوشنویس و عشقی کاشانی و حامدی و میر حیدر حسین معمای و نعمتی و ملاحسینی و حیرتی روابط نزدیک داشته و با آنها مشاعره کرده است و از آن جمله مولانا مظفر الدین حسرتی از شاگردان او بوده که نزدیک ده سال مصاحب او و بهترین شاگردش بوده است و پس از مرگ وی عده کثیر از شاعران ایران و مخصوصاً عراق و اصفهان و بر امرتیت گفته‌اند.

۱۰۴ - **زین العابدین علی** اصلاً از مردم شیراز بوده و در جوانی بنیشابور رفته و در آنجا ساکن شده و بهمین جهت هم بشیرازی و هم بنیشابوری معروف شده است و نخست نویدی و سپس عیدی تخلص کرده است. از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه در ۹۸۸ در گذشته و شاعر بسیار پر کاری بوده و آثار بسیار از او مانده از آن جمله مثنوی بوستان جنان که در ۲ ربیع الاول ۹۶۱ بیابان رسانیده و سیمه‌ای نیز دارد بنام خزاین ملکوت که در شعبان ۹۶۸ بیابان رسانده و شامل هفت منظومه است: صحیفه لاریب، لوح مسطور، بحر مسجود، منشور شاهی، مروج الاوراق، مهیج الاشواق، نهایت الاعجاز.

۱۰۵ - **بدرالدین بن عبدالسلام بن ابراهیم حسین کشمیری** از شاعران

پرکار هندوستان بوده و تا پایان قرن دهم هم زنده بوده است و کتابهای فراوان بنظم فارسی از او باقی مانده از آن جمله دیوان غزلیات وی که در ۹۸۸ تدوین کرده است ، اسکندرنامه معروف بقصه ذوالقرنین ، شمع دل افروز بر وزن خسرو و شیرین نظامی انعام در ۹۷۶ ، معراج الکاملین انعام در ۹۸۱ ، روضة الجمال انعام در ۹۸۳ ، سراج الصالحین انعام در ۹۸۶ ، بحر الاوزان انعام در ۹۸۸ ، مجمع الاشعار تقلید از مخزن الاسرار نظامی ، مائمه سرای تقلید از منطق الطیر عطار ، زهره و خورشید بر وزن حدیقه الحقیقه سنایی ، مطالع الفجر بر وزن سبحة الابرار جامی ، لیلی و مجنون ، رسل نامه بتقلید از بوستان سعدی .

۱۰۶ - **مولانا مانی شیرازی** از شاعران نامی قرن دهم ایران بوده ، در اوایل عمر از فارس باصفهان رفته ونخست زرگری میکرده و از همت بلندی که داشت بدین کارن ساخت و بسپاهی گری پرداخت و در آن کار ترقی کرد تا اینکه بدرجه امیری رسید ولی از آن کار هم دست کشید و بشوریدگی و عاشقی گرایید و در پایان عمر بملازمت شاه اسمعیل اول مشغول بود تا اینکه بدست میرنجم زرگر معروف بنجم ثانی که از اعیان دربار صفوی بود بتبری کشته شد و در تاریخ این واقعه اختلافست و برخی در ۹۱۳ و برخی دیگر در ۹۲۷ ضبط کرده اند و ظاهراً تاریخ اول درست ترست . مانی شیرازی از غزلسرایان خوب قرن دهم بوده و اشعار بلند و شورانگیز بسیار دارد .

۱۰۷ - **مولانا نورالدین محمد ظهوری ترشیزی** از معاریف شاعران مقیم هندوستان در قرن دهم و یازدهم بوده ، در جوانی سفرهایی در عراق و فارس کرد و از آنجا بهند رفت و در دکن وارد دربار ابراهیم عادلشاه شد و در آنجا دختر ملاملک قمی شاعر معروف را گرفت و در دکن ساکن شد و در دربار ابراهیم عادلشاه نعمت فراوان یافت و بیشتر آثار خود را بنام او پرداخته است و سرانجام در دکن در ۱۰۲۵ در گذشته است . ظهوری در نظم و نثر فارسی دست داشته و آثار فراوانی در هر دو فن دارد در نظم گذشته از دیوان غزلیات شامل ده هزار بیت ساقی نامه او در ۴۵۰۰ بیت معروف و از بهترین منظومات درین فنست - در نثر سبک مصنوع پر کنایه و استعاره دارد و آثار مهم او درین زمینه خوان

خلیل و کازار ابراهیم و سه نثر و پنج رقعه او معروفست .

۱۰۸ - میر نظام دست غیب شیرازی از شاعران نامی اواخر قرن دهم و اوایل

قرن یازدهم بوده و همواره در شیراز میزیسته ، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه در ۳۰ سالگی بسال ۱۰۲۹ در گذشته و در حافظیه شیراز در جوار خواجه حافظ شیرازی او را بنخاک سپرده اند . وی از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده و ۳۰۰۰ بیت غزلیات شورانگیز شیوا دارد .

۱۰۹ - مولانا نظام الدین استرآبادی وی بجز نظام استرآبادی شاعر معروف

قرن نهمست که اشعار او منحصر بمدایح ائمه اثنی عشری و بسکی از معروفترین شاعران این سبکست زیرا که اشعار وی تنها شامل مدایح امرای دربار سلطان حسین بایقرا مانند علیشیر نوایی و مظفر حسین میرزا و سیف الدین مظفر بتکچی و عمر معدی کرب سلطان و غیاث الدین علی بتکچی و امیر جمال الدین محمد شیرنگی و امیر شاه حسین اصفهانی و امیر یوسف علی کو کلتاش و سید زین العابدین صادق و مرثی علیشیر نوایی و امیر بابا و خواجه مجدالدین ابوعلی و خواجه شمس الدین محمد بتکچی و غیره است و نسخه‌های که از دیوان او در دستت تاریخ ۹۹۴ دارد و پیش از آن تاریخ در گذشته است . اشعار وی منحصر بقصاید و مقطعات و مرثیست و شعر را روان و شیوا میگفته است .

۱۱۰ - ضمیری اصفهانی از شاعران زبردست و معروف اواخر قرن دهم و اوایل

قرن یازدهم و رمال بوده و بهمین جهت شاه عباس اول تخلص ضمیری را بساوداده بود . مدتی شاگرد میر غیاث الدین منصور بوده و همواره در دربار شاه عباس زیسته و رمال باشی دربار شده و شاعری توانا و از مشاهیر زمان خود و مورد توجه خاص شاه عباس بوده است و شعر بسیار داشته که نزدیک بصد هزار میرسیده چنانکه دیوان بسیاری از شعرای بزرگ را جواب گفته بود و در همان زمان وی شاعر دیگری هم بوده است ضمیری همدانی که نباید با وی اشتباه کرد و این ضمیری اصفهانی غزل را مخصوصاً خوب میگفته است .

۱۱۱ - ابوالخیر محمد بن محمد فارسی از دانشمندان قرن دهم بوده و در ضمن از

شاعران آن زمان بشمار می‌رفته و کتاب مختصری در اصطلاحات و تعریف علوم بزبان

تازی بنام طلیعة العلوم نوشته و در نیمه اول این قرن میزیسته است .

۱۱۲ - مهرزا ابوطالب طباطبایی کاشانی پسر امیر رفیع الدین حیدر معماپی شاعر معروف این زمان بوده و خود از سرایندگان معروف کاشان در نیمه دوم قرن دهم بشمار می رفته است .

۱۱۳ - قاضی احمد سیستانی از شاعران معروف سیستان بوده و چون در آن زمان قاضی احمد دیگری هم بوده است برای امتیاز از دیگری ویرا قاضی لاغر می گفته اند و وی از شاعران نامی زمان ملک سلطان محمود پادشاه سیستان و معاصر شاه اسماعیل بوده و در سیستان مسند قضاوت داشته و پسرش قاضی جلال نیز از شاعران معروف آن زمان بوده است . وی بر ادبی داشته است بنام نصیر که ذکرش خواهد آمد .

۱۱۴ - میرزا ابراهیم ادهم کاشانی از شاعران معروف کاشان در قرن دهم بوده در پایان زندگی پس از مدتی سیاحت بهرینز رفت و در آنجا بسال ۹۶۹ کشته شد و بیشتر اشعار وی رباعیست .

۱۱۵ - ارشد گازرونی از شاعران معروف شیراز و اصلا از مردم گازرون بوده و غزل را بسیار خوب میسروده است .

۱۱۶ - خلیفه اسدالله اصفهانی از خاندانی معروف از سادات اصفهان بوده و از رجال معروف دربار شاه طهماسب بشمار می رفته است . نخست در اصفهان میزیست و در آنجا کسب دانش کرد و سپس بدربار صفویه راه یافت و سرانجام بمنصب خلافت دربار رسید که از مناصب مهم آن عصر بود و در پایان زندگی تولیت آستان رضوی را باو دادند و بهمین جهت چندی در مشهد بود و از بیشتر دانشمندان مشهد در علوم نقلی و عقلی برتری داشت و در ضمن مردی پارسا و پرهیزگار بود و بهمین جهت شیخ الاسلامی مشهد را هم باو دادند و ده سال که ساکن مشهد بود در منزل معروف بیالین گاه سکنی داشت و چون در مالکیت آنجا تردید داشت هرگز در آنجا نماز نگزارد و همواره در بقعه هزار نماز میکرد و نیز بواسطه احتیاط و پرهیزی که داشت از آب قنات سناباد که در صحن جاریست وضو و غسل نکرد و هرگز از طعامی که در آستانه می پختند نخورد و معاش او از محصول

ملکی بود که در اصفهان داشت و برایش میفرستادند و نیز مردی بسیار نیکو سیرت و خوش روی بوده و در ضمن کارهای دیگر مرتباً درس میگفت و حفظ او باندازه‌ای نیرومند بود که همه کتبه‌های درسی متداول را از برداشت و خود گفته است وقتی در کاشان بامولانا محمد ابیوردی دانشمند معروف زمان خود مبحث علت و معلول را مباحثه می کرده، اتفاقاً نسخه‌ای که در آن بحث می کردند کم شده و وی همه مندرجات آنرا از آغاز تا انجام از بر نوشته است و چون با نسخه دیگر مقابله کردند چیزی از میان نیفتاده بود و سر انجام در میان شست و هفتاد سالگی در ۹۶۸ در مشهد در گذشت و در مدفنی که در پایین پای برای خود ساخته بود بخاکش سپرده‌اند و در ضمن شاعری توانا بوده است.

۱۱۷- امیر معین الدین اشرف شیرازی معروف بمیرزا مخدوم و متخلص باشرف پسر امیر سید شریف بساقی شیرازی متخلص بشریفی بسوده و بهمین جهت بمیرزا مخدوم شریفی مشهور شده بود و از مشاهیر دانشمندان و مدرسان نیمه دوم قرن دهم فارس بوده و در زمان شاه طهماسب در شیراز بتدریس مشغول بوده و در زمان شاه اسمعیل دوم حشمت و جلالی تمام یافت و چون کارهای این پادشاه رو باختلال رفت از دربار وی در قزوین بیغداد رفت و چهار روزه خود را بیغداد رساند و بواسطه شهرت علمی فوق‌العاده‌ای که داشت در خاک عثمانی اقبال عظیمی باو کردند و قاضی عسکر دربار عثمانی شد ولی پس از چندی از آن کار کناره گرفت و ببحر رفت و سالها در مکه بود و منصب قاضی القضاة مکه را داشت و سر انجام در آنجا در گذشت. وی در ضمن شاعری زبردست بوده است.

۱۱۸- خواجه افضل الدین محمد ترکه معروف بافضل ترکه از دانشمندان معروف قرن دهم بود و در زمان شاه طهماسب و شاه اسمعیل دوم و شاه محمد خدای بنده می زیست و از خاندان مشهوری بود که بنام خاندان ترکه معروف بوده‌اند و در اصفهان می زیسته‌اند و بیشتر از دوپست سال در ایران شهرت داشته‌اند و چون جدشان از مردم خجند تر کستان بوده و از آنجا بایران آمده و ترك زبان بوده باین

نام معروف شده اند. نخستین کسی که ازین خاندان معروفست خواجه صدرالدین ابو حامد محمد تر که است که معاصر با غازان خان و سلطان محمد خربنده و خواجه رشیدالدین فضل الله مورخ معروف قرن هفتم بوده و با او مکاتبه داشته و خواجه در حدود ۷۱۲ نامه ای باو نوشته و پسرزاده اش صابن الدین علی بن محمد بن محمد که کتاب قواعد التوحید جد خود را بنام تمهید القواعد شرح کرده در مقدمه آن می گوید جد من ابو حامد مشتهرتر که مولفات بسیار دارد مانند رساله در وجود مطلق و حکمت المنیعه و حکمت الرشیدیه و کتاب الاعتماد الکبیر و قواعد التوحید و از علمای عصر خویش بود و پس از مدتی وارد سلك عرفا شد و در عرفان هم تالیفات مهم کرد و پیدا است که کتاب حکمت الرشیدیه را بنام خواجه رشیدالدین فضل الله نوشته و او دو پسر داشته است یکی خواجه ضیاء الدین محمد و دیگر خواجه افضل الدین محمد معروف بافضل الدین صدر تر که که از دانشمندان زمان خود بود و در خانه پدری و در محله نیماروت یا نیما رود در اصفهان می زیست و در اوایل سال ۸۵۰ سلطان محمد میرزا پسر شاهرخ گورکان که از پدر حکمرانی قم و ری داشت برای کشور ستانی باصفهان رفت و درین میان سعادت بیک پسر امیر خواند شاه که فرمان حکمرانی اصفهان از دستگاه شاهرخ بنامش رسیده بود چون خبر آمدن سلطان محمد میرزا را شنید گریخت و با سیدعلی گلباری که از روسای شهر بود از راه رودشتین آهنگ هرات کرد و چون خبر بسطان محمد میرزا رسید بدنبال او رفت و او را با سید علی گرفت و بشهر آورد و سیدعلی را کشت و سعادت بیک را چوب زد و در قفس کرد و در قلعه شهر آویخت و مردم را بخود خواند و شاه علاءالدین محمد نقیب را در کار دخالت داد و نیز با لشکری بسوی شیراز رفت و چون این خبر بشاهرخ رسید متوجه عراق شد و سلطان محمد میرزا سوی لرستان رفت و شاهرخ باصفهان رسید و گروهی از روسای شهر را که با سلطان محمد میرزا همدست می دانست گرفت و با خود بساوه برد و از آن جمله قاضی امین الدین فضل الله و خواجه افضل الدین محمد تر که و شاه علاءالدین محمد و مولانا عبدالرحمن برادرزاده قاضی امین الدین و خواجه امیر احمد چوبان



بودند که هر يك را بيكي از دروازه‌های ساوه بخلق آویخت و برخی مانند خواجه محمود حيدر و شاه قوام‌الدين نقیب و شاه نظام گلستانه از هر يك جستند و این واقعه بر شاهرخ شوم بود چنانکه گویند پس از هشتاد روز در گذشت و نیز گفته‌اند دو بار ريسمان خواجه افضل پاره شد و فریاد می کرد بشاهرخ بگویند این عقوبت برای ما لحظه‌ای بیش نیست اما پنجاه ساله نام نيك خود را ضایع مکن و گویند دست گوهر-شاد بیگم زوجه‌اش درین کار بوده است و بدین گونه خواجه افضل‌الدين محمد در اواسط رمضان ۸۵۰ که این واقعه اتفاق افتاده کشته شده است و اثری که از او مانده ترجمه کتاب ملل و نحل تألیف ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹-۵۲۸) است بنام تنقیح الادلة والملل فی ترجمه کتاب الملل والنحل و در روز یکشنبه ۱۳ رجب ۸۴۳ در اصفهان پایان رسانیده است و جنازه او را از ساوه باصفهان بردند و در محل معروف به «درب آستان» بخاک سپردند. خواجه ضیاء‌الدين محمد دو پسر داشت یکی خواجه جمال‌الدين و دیگر خواجه حبیب‌الله که در راه مکه کشته شده است و از دو پسر مانده است: افضل‌الدين محمد و ضیاء‌الدين علی. ضیاء‌الدين علی بن محمد بن صدرالدين محمد پسری داشته است بنام صاین‌الدين علی بن محمد بن تر که که از بزرگان و متصوفان زمان خود بوده و در همه علوم زمان مخصوصاً حکمت و فقه و تصوف و کلام و علم نقطه و حروف و اعداد و جفر دست داشته و در هر يك از آن‌ها چیزی نوشته، وی را تیمور گورکان پس از فتح اصفهان با برادرانش جبراً بسمرقند برده و پس از آن که بدان شهر رسیده اند برادر مهترش را بقضای سمرقند گماشته و صاین‌الدين خود سفری بحج رفته و مدتی در شام و مصر و حجاز بسر بسزده و در آنجا بخدمت صوفیه رسیده و چون بعراق باز گشته خبر مرگ تیمور را شنیده و باصفهان رفته و حلقه درسی فراهم ساخته و در حدود ۸۰۸ و ۸۰۹ که پیر محمد پسر شاهرخ حکمران فارس شد او را با خود از اصفهان بشیراز برد و پس از کشته شدن پیر محمد که مقام او بمیرزا اسکندر رسید صاین‌الدين وارد دستگاه او شد و پس از آنکه میرزا اسکندر طغیان کرد و گرفتار شد و شاهرخ فارس و اصفهان را گرفت وی نزد او شد، اما هم

چنان بد خواهان در پیش شاهرخ از و سعایت می کردند و وی برای برائت خود بخراسان رفت و مورد نظر شاهرخ قرار گرفت و قضای یزد را باو داد ولی بد خواهان همچنان او را رها نمی کردند و مشرب تصوف او را سبب تهمت قرار داده بودند و وی برای تبرئه خود دو رساله نوشت که هر دو نفی المصدور نام دارد و در آنها می گوید که در جوانی پیرو تصوف بوده و اینک از آن عقیده بازگشته است و چنان می نماید که شاهرخ وی را بهرات خوانده و او این دو رساله را درهرات نوشته باشد و سپس در ۸۲۹ رساله ای در اعتقاد نوشته و درین میان احمد لار نامی بر در مسجد جامع هرات کاردی بشاهرخ زد که کارگر نشد و صوفیان را درین کار متهم کردند و از آنجمله شاه قاسم انوار شاعر عارف مشهور و صابن الدین علی را هم متهم کردند، چنان که بامدادی که صابن الدین نشسته و با شاگردانش کتاب صحیح بخاری را می خواند خبر رسید که ایلچی آمده و او را بحضور شاه می خواند و هر کس را که در آن خانه بود گرفتند و خانه را مهر کردند و وی را در قلعه شهر بند افکندند و همه اسناد املاکش را گرفتند. پس از چند روز گرفتاری آزادش کردند و سرانجام در ۸۳۶ در گذشت. صابن الدین علی مولفات بسیار دارد از آن جمله تمهید القواعد، کتابی در علم حروف، مناظره عقل و عشق که در محرم ۸۰۸ بپایان رسانیده، رساله ای در اصرار صلوة که در روز پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۰ تمام شده، شرح لمعات فخر الدین عراقی بنام ضوء اللمعات که در ۸۱۵ با تمام رسانیده، رساله در تحقیق انا نقطه التي تحت الباء، رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن، شرح فصوص الحکم، شرح گلشن راز، رساله در شق القمر، کتاب مفاحص، رساله در اصرار الصلوة، شرح قصیده نائیه ابن الفارض. خواجه جمال الدین سری داشته بنام خواجه علاء الدین و ظاهرا این خواجه افضل الدین محمد ترک که دوم و ضیاء الدین علی که او هم در قرن دهم می زیسته پسران خواجه حبیب الله ترک که اصفهانی بوده اند که در زمان شاه طهماسب قاضی اصفهان بوده و پس از مرگ او قضاوت پسرش افضل الدین محمد رسیده و وی مدتی قاضی عسکر در بار صفویه هم بوده و در زمان شاه طهماسب متصدی شرعیات شد و پس از مرگ شاه طهماسب ناظر و کلید دار و خادم

باشی و مدرس آستان رضوی شد و در ۹۹۱ که پادشاه محمد خدا بنده از هرات بقزوین می رفت در راه در امامزاده عبدالعظیم ری بیمار شد و در منزل اندرمان در اوایل ذی الحجه آن سال در گذشت و پیکرش را با امامزاده عبدالعظیم بردند و در آنجا بخاک سپردند و وی و برادرش ضیاء الدین علی هر دو شاعران زبردست بوده اند .

۱۱۹- **خواجه ضیاء الدین علی تر که** چنانکه گذشت برادر خواجه افضل الدین محمد تر که سابق الذکر و از خاندان معروف تر که در اصفهان بود و وی نیز چون برادرش شاعر توانایی بوده است .

۱۲۰- **علافتی** از شاعران قرن دهم هندوستان در دربار جلال الدین اکبر بوده و بخدمت زین خان کو که از امرای دربار وی اختصاص داشته و وی بجز الفتی یزدیست که در همان زمان در هند می زیسته است .

۱۲۱- **الفتی یزدی** چنانکه گذشت وی بجز الفتی سابق الذکرست و نخست در یزد می زیسته و سپس به هندوستان رفته و بخدمت خان زمان که از رجال بزرگ دربار هند بوده پیوسته است و در ریاضی مهارت کامل داشته و شاعری غزل سرای توانا بوده و در برابر يك بيت از ممدوح خود هزار رویه هندی صلت گرفته است .

۱۲۲- **الفتی عراقی** وی نیز بجز دو الفتی سابق الذکرست و او هم در همان زمان در هندوستان می زیسته و از شعرای دستگام میرزا یوسف خان از بزرگان هند و ساکن کشمیر بوده و شهر آشوبی درباره کشمیر سروده است .

۱۲۳- **قلج خان الفتی** وی نیز از شاعران قرن دهم هندوستان و از طایفه ترکان جانی قربانی بوده و در علوم مختلف و حکمت دست داشته و داخل امرای پنج هزاری دربار هند بوده و مردی پاکدین بشمار می رفته و چندی منصب جملة الملکی داشته و سپس منصب دارایی کابل را باو داده اند و شاعر غزل سرای توانایی بوده است .

۱۲۴- **الناصر میرزا صفوی** از شاهزادگان معروف صفوی و از پسران شاه اسمعیل اول بود. بر برادرش شاه طهماسب در سال ۹۵۴ قیام کرد و از ایران گریخت و نزد سلطان سلیمان عثمانی رفت و او را بجنگ با ایران برانگیخت و بالشکریان عثمانی

بایران آمد و آذربایجان را متصرف شدند و اصفهان را هم گرفتند، اما درین میان القاص میرزا باسر کردگان لشکر آل عثمان بهم زد و ازیشان جدا شد و پیرادرش پیوست و شاه طهماسب هم او را بمشهد فرستاد و ساکن آن شهر شد تا اینکه در ۹۸۴ در آن شهر در گذشت. وی از شاعران خوب این زمان بشمار می رفته و غزل را نیکو می سروده است.

۱۲۵- **میر امانی بابل** معروف به **منججه** از سادات کابل و از شعرای مقیم هندوستان بوده و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در ۹۸۱ در جونپور از اسب افتاده و در گذشته است. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوانی فراهم کرده است.

۱۲۶- **میر شریف امانی اصفهانی** وی نیز از شاعران نامی قرن دهم بوده و از اصفهان به هند رفته و بیست سال در سرزمین هند زیسته و مجرد بوده و غزل را نیکو می سروده است.

۱۲۷- **انسی قندهاری** از شاعران نامی قرن دهم هندوستان بوده و با بابر از قندهار به هند رفت و نخست سمت واقعه نویسی داشته و پس از مرگ بابر در دربار جانشینان وی نیز بمقامات مهم رسیده و در ۹۷۳ در لاهور در گذشته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۱۲۸- **اوجی کشمیری** نیز از غزل سرایان خوب قرن دهم هندوستان بوده است.

۱۲۹- **نصیر سیستانی** از غزل سرایان زبردست قرن دهم بوده و در چهار سالگی کور شده بود و برادر قاضی احمد سابق الذکر بود.

۱۳۰- **محمد سعیدخان ازبک** ملقب به **بهادر خان** پسر سلطان حیدر بیک ازبک و برادر کبیر علیقلی خان ملقب به خان زمان و متخلص به سلطان بود و از امرای دربار نصیر الدین محمد همایون پادشاه هند بود و در ۹۷۵ طغیان کرد و در آن واقعه کشته شد و جزئیات احوال وی در شرح حال برادرش خواهد آمد. وی نیز مانند برادرش شعر زبردست بوده است.

۱۳۱- **علیقلی خان ازبک** ملقب به **خان زمان** و متخلص به **سلطان** چنانکه گذشت

پسر سلطان حیدربک و از امرای دربار همایون بود و در اواخر قرن دهم در هند می‌زیست. پدرش در جنگ جام با طاعت قزلباش در آمد و امارت یافت و در زمانی که همایون از سفر عراق و ایران بر می‌گشت این دو برادر ملتزم او شدند و با وی بقندهار رفتند و در جنگها شجاعت بسیار کردند، مخصوصاً در جنگ هیمود، پس از آن جنگ همایون حکمرانی ولایت سنبهل را بایشان داد و در آنجا با افغانها جنگهای چند کردند و فیروز شدند و تا سرزمین بهارپیش رفتند و بیاس این خدمات همایون حکمرانی جونپور را بایشان داد ولی پس از چندی در افغانستان طغیان کردند و همایون بدفع ایشان رفت، اما خان زمان مادر خود را بشفاعت نزد پادشاه فرستاد و ازو زنده‌گرفت و پس از چندی باردیگر طغیان کردند و این بار همایون عازم جاپور شد و در ۹۷۰ در سکر اول از توابع الله‌آباد که اینک معروف بفتح پورست بر هر دو برادر دست یافت و در ۹۷۵ ایشان را کشت. علیقلی خان نیز مانند برادرش شعر فارسی می‌گفته است.

۱۳۲ - بدیع الزمان میرزا صفوی پسر سوم بهرام میرزا برادر کبتر شاه

طهماسب و پسر زاده شاه اسمعیل بود؛ در ۹۶۵ شاه طهماسب حکمرانی قندهار را برادر مهترش سلطان حسین میرزا و حکمرانی سیستان را بوی داد و او را بآن سرزمین فرستاد و تیمورخان استاجلو را که از اعیان دربارش بود پیشکاری وی مقرر کرد و وی آنجا بود تا اینکه شاه اسمعیل دوم بسطانت رسید و تیمورخان مزبور فرمان داد که وی و پسر خردسالش بهرام میرزا را کشت و بدین گونه در ۹۸۴ کشته شد. این شاهزاده مردی دانش دوست و ادب پرور بود و خود شعر را نیکو میسروده است.

۱۳۳ - بهرام میرزا صفوی پسر شاه اسمعیل اول و برادر کبتر شاه طهماسب

و پدر بدیع الزمان میرزا سابق الذکر بود. از جانب برادر حکمرانی همدان داشت و در ۹۵۴ که الفاص میرزا بر شاه طهماسب طغیان کرد وی با او یاری نکرد و نسبت بشاه طهماسب وفادار بود؛ اما سال بعد در ۹۵۵ در جوانی در گذشت و ازو سه پسر ماند: سلطان حسین میرزا سابق الذکر که شاه طهماسب در ۹۶۵ حکمرانی قندهار را باو داد و ابراهیم میرزا که داماد شاه طهماسب بود و بدیع الزمان میرزای سابق الذکر. بهرام

میرزا از خوشنویسان و شاعران بانوق معروف زمان خود بوده است.

۱۳۴ - **امیر محمد صالح جغتایی** از امیر زادگان نامی دستگاه سلطان

حسین بایقرا و پسر امیر نور سعد و از بازماندگان امیر شاه ملک بوده که از امیران دربار تیمور بشمار می رفت و خود در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و مردی دانشمند و دانش پرور بوده و غزل را نیکو می سروده و در ۹۴۱ در گذشته است.

۱۳۵ - **نواب محمد پیرام خان یا پیرام خان و با پیرامعلی خان بهارلو**

ملقب بخان خانان از معروفترین رجال قرن دهم هندوستان در دربار همایون و جلال الدین اکبر بوده، پدرش یوسف علی بیگ بن یار بیگ بن پیرقلی بیگ بن علیشکر بهارلو و خاندان وی از خانواده های مجتشم قرن نهم بوده اند. علیشکر بیگ حکمرانی همدان و دینور و کردستان و توابع را داشت و نام آبادی علی شکر از نام اوست که اکنون بخط «الیشتر» یا «الشتر» هم می نویسند. وی از بازماندگان بهارلو از امرای قراقرم و لو بود؛ پیرقلی پسر علیشکر در زمان حسن یا شا بحصار شادمان رفت و چندی در خدمت سلطان محمود میرزا ماند و پس از آن در شیراز باوالی فارس در افتاد و منتهزم شد و امرای سلطان حسین میرزا او را کشتند. پسرش یار بیگ در زمان شاه اسمعیل اول با پسر خود یوسف قلی بیگ از عراق بیدخشان و از آنجا بقندز رفت و در خدمت امیر خسرو شاه بود. پس از مرگ او بخدمت ظهیرالدین بابر پادشاه معروف هند پیوست. پیرام خان در بدخشان ولادت یافت و پس از پدر ببلخ رفت و در آن شهر کسب دانش کرد و در ۱۶ سالگی وارد خدمت نصیرالدین محمد همایون پادشاه باری هند شد و در آن دربار ترقی کرد و بمصاحبت پادشاه رسید. در زمانی که همایون متوجه هند شد او در گجرات بود و پس از دو سال که در سختی و عسارت گذرانید بدربار همایون راه یافت و با او بایران آمد و شاه طهماسب در آن سفر لقب خانی و طبل و علم که از مناصب مهم دربار صفویه بود باو داد و در بازگشت ازین سفر او را بحکمرانی فندهار فرستاد و چون بهند بازگشت سپهسالاری قشون هندوستان را باو دادند و در جنگهای ماجواره و فتح سپرند شجاعت های فراوان کرد و بهمین جهت همایون بر عزت او افزود و او را فرزند خطاب می کرد و خان خانان

لقب داد و وکیل سلطنت او شد و در اواخر آن دولت وی را خان با با خطاب می کردند. پس از جلوس جلال الدین محمد اکبر تا پنج سال که آن پادشاه جوان بود. کارهای سلطنت هند همه بدست او بود تا اینکه در ۲۰ جمادی اولی ۹۶۷ تقاری در میان او و شاه روی داد و وی از اکره پایتخت اکبر بدلهلی رفت و شهاب الله خان او را در قلعه ای متوقف نگاه داشت ولی چون لشکریان شوریدند و در دهلی ازدحام کردند وی را وادار کردند از آنجا برود و او آنچه همراه داشت بتوسط حسین بیگ ذوالقدر بدربار فرستاد و از راه ماکو بسوی گجرات رفت که در آنجا بحجج برود، اما فسخ عزیمت کرد و بعزم جنگ بدامن کوه لاهور رفت و در آن جنگ شکست خورد و بانزدیکان خود گریخت و بکوه لاهور پناه برد. جلال الدین محمد اکبر او را امان داد و چند تن را در پی او فرستاد و اجازت داد که بحجج برود و چون در راه بنهر واله در خاک گجرات رسید بر کشتی نشسته بود و بر روی نهری بنام سهرنگ گردش می کرد که مبارک خان توخالی که پدرش را بیرام خان در یکی از جنگها کشته بود با انتقام بر سر او تاخت و بختجرا او را در سال ۹۸۶ کشت بیرام خان از معروفترین رجال تاریخ هندوستانست و مورخان هند بنام خان اعظم و خان خانان در بزرگداشت وی سخن بسیار رانده اند. گذشته از مردی و دلادری بسیار دانش دوست و هنر پرور بوده و شاعران زمانه را تشویق فراوان کرده و شیعه معتقدی بسوده و هر کس از خراسان به هندوستان می رفته رعایت بسیار از وی کرده و بیشتر شاعران و هنرمندانی که در قرن دهم از ایران به هند رفته اند برای بهره جویی از او بوده است و همیشه هدایا و نذرهای بسیار گران بها برای آستان رضوی می فرستاده، در شعر فارسی نیز دست داشته و بیرم تخلص می کرده و دیوانی شامل ۸۰۰ بیت از او مانده است. وی پسری داشته بنام عبدالرحیم خان معروف بعبدالرحیم میرزا خان و یا میرزا عبدالرحیم خان و یا میرزا خان که در موقع کشته شدن پدر چهار ساله بوده ولی بسیاری از صفات بزرگ پدرش با وارث رسیده بود و در سه سالگی هند جانشین پدر شد و او را خان خانان لقب دادند و از مشاهیر قرن یازدهم هندست و او هم شعر خوب می گفته و رحیمی تخلص می کرده است و ذکرش پیش ازین (ص ۳۶۱-۳۶۲) گذشت.

۱۳۶ - مولانا بیکی سجاوندی از مردم سجاوند از توابع شهر اوگر در خاک غزنین بوده و بهمین جهت بغزنوی هم معروفست . نخست در کابل در خدمت میرزا محمد حکیم می زیسته و سپس بحج واز آنجا بهندوستان رفته است و برخی از کتب احادیث مانند مشکوٰۃ و شمایل النبی را پیش میر مرتضی شریفی درس خوانده و چون پیرشده بود عازم وطن خودشده ، اما در راه در پیرشاور در سال ۹۷۳ در گذشت . وی از از شاعران توانای زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

۱۳۷ - مولانا بیکی شوشتری وی نیز از شاعران قرن دهم بوده و از دیار خود بهرات رفته و سی سال در آنجا ساکن بوده است و با شاعران آن سرزمین محشور بود . سرانجام مبتلا بجنون شد و در آن حال در گذشت و وی از غزل سراپان خوب زمان خود بوده است .

۱۳۸ - صادق بیک افشار تبریزی متخصص بصادقی از معارف هنرمندان و شاعران قرن دهم و از نجیب زادگان ایل خدا بنده لو بود . پدرانش در آغاز سلطنت شاه اسمعیل اول از سرزمین شام بآذربایجان و عراق آمدند و وی در ۹۴۰ در تبریز در نزدیکی محله ورجو یا ویجویه ولادت یافت و در ۲۰ سالگی پدرش کشته شد و امیرخان موصالوی حکمران همدان وی را از قلندری خارج کرد و بخدمت خود پذیرفت و مدتی نیز در خدمت بدرخان و اسکندر خان افشار بود و در زمان شاه اسمعیل دوم وارد خدمت کتابخانه صفویه شد و شاه عباس اول منصب کتابداری را باو داد ، بهمین جهت بصادقی کتابدار معروف شده است . از تذکره مجمع الخواص او معلوم میشود که سفرهای بسیار از آن جمله بحلب و یزد و کبلان و لاهیجان و بغداد و عسبات و ابرقوه و استرآباد و همدان کرده است و چون در دستگاه صفویه بوده ناچار در قزوین و اصفهان هم مدتی زیسته است و تا اوایل قرن یازدهم زنده بوده و از مشاهیر شاعران و نقاشان زمان بشمار می رفته و در نظم و نثر فارسی و ترکی جغتایی دست داشته و در ۱۰۱۰ مجه و مه های از مؤلفات خود ترتیب داده که شامل منظومه های در نقاشی در بحر خسرو و شرین بنام قانون الصور و مجموعه ای از قصاید حمد و نعت و منقبت بنام زبده الکلام و مثنوی فتحنامه عباس نامدار شامل فتوحات



شاه عباس معروف بجنک نامه در بحر متقارب و مقالات و حکایات بتقلید بوستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی و مثنوی سعد و سعید ببحر خسرو شیرین و دیوان غزلیات فارسی و ترکی و منشآت فارسی و ترکی و تذکره الشعراء شامل رباعیات که بنام شاعران متقدم و متأخر و معاصر خود تنظیم کرده و حظیات بتقلید رساله لذات معینی استرآبادی باشد .

معروف ترین اثر او تذکره مجمع الخواص در شرح احوال شاعران معاصر اوست که بزبان ترکی بختیابی نوشته و آقای دکتر عبدالرسول خیام پور استاد دانشگاه تبریز اخیراً بفارسی ترجمه و چاپ کرده است . صادقی نقاش و طراح زبردستی بوده و از بهترین شاگردان مظفر علی پسر مولانا حیدر علی نقاش معروف آن زمان خواهرزاده بهزاد بشمار می رود و نمونهایی که از نقاشیها و صورت سازیهای او مانده است مهارت کامل او را می رساند .

۱۳۹ - میرزا محمد ولی دشت بیاضی متخلص بوئی از مردم دشت بیاض در

خاک فاین و از شاعران نامی قرن دهم بود . در زمان شاه اسمعیل اول باخواججه زاده ای که از سادات نجیب مولدوی بود بدر بار آمد و مدتها در آن دستگاه در قزوین با شاعران معروف آن زمان مانند ضمیری اصفهانی و محمد قلی مبللی و وحشی بافقی و خواججه حسین ثنایی مشهدی و مجتهد کاشانی محشور بود و نیز چندی در سیستان زیست تا اینکه در زمان شاه طهماسب بخراسان رفت و آنجا ماند و در همان جادر سال ۹۹۹ در زمانی که یتیم سلطان از بک بخراسان تاخت چون وی شیعه بود کشتندش و می نویسند که سبب کشتن وی را ازو پرسیدند گفت چون از من آزرده شده بود مبادا مرا هجومی گفت و کسی از مردم خراسان که حاضر بود گفت کدام هجو بالانرا ازین که چنین کسی را بکشی و وی گوینده این سخن را نیز کشت . ولی از شاعران نامی زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان او باقیست .

۱۴۰ - ملک طیفور انجدانی متخلص بملک از شاعران نامی معاصر شاه

طهماسب بود و از دیار خود بقزوین رفت و در مدارس آن شهر سکنی داشت و مردی عاشق پیشه و عیاش بود و با این همه استغنائی کامل داشت و در تنگدستی می زیست و بنان جوین می ساخت و پس از چندی از آنجا بکاشان رفت . داعی انجدانی برادر او بوده و وی غزل را

خوب می گفته است. ظاهراً این دو برادر اسمعیلی بوده اند.

۱۴۱- مولانا داعی انجدانی برادر ملک طیفور سابق الذکر و ظاهراً او هم

اسمعیلی بوده و او نیز مانند برادر مردی قانع و درویش مشرب بوده و گاهی در کاشان زیسته و شاعر توانایی بوده است.

۱۴۲- میر و الهی قمی از سادات قم و از شاعران معاصر پادشاه طهماسب و مردی

عاشق پیشه بود، دلباخته جوانی از طایفه شاملوشده بود و کسان جوان می خواستند بکشندش و چون برو دست یافتند تنها گوش و بینی او را بریدند. در ضمن هجو بسیار می گفته و مردم از هجای او بسیار رنجیده بودند و غزل را نیکومی سروده و از روش شریف قزوینی و قاضی نور اصفهانی پیروی می کرده. دیوانش شامل شش هزار بیت بوده و در موسیقی نیز دست داشته است.

۱۴۳- مولانا فهمی کاشانی از شاعران معروف کاشان بود و پس از محتشم او را

بر دیگران برتر می شمردند و کرباس فروشی می کرد و سفری هم بعثبات کرده است. در اقسام مختلف شعر دست داشته و غزل را هم نیکومی سروده است.

۱۴۴- فهمی هرموزی از مردم جزیره هرمز یا هرموز بوده و در قرن دهم میزیسته

و رباعی را نیکومی سروده است.

۱۴۵- مولانا حاتم کاشانی از شاعران معروف کاشان و مردی بسیار سبز چهره و

کندم کون بوده بهمین جهت ظرفای کاشان همه جا در حضور او سخن از هندوستان می گفتند و او می رنجید. روزی که چاقشور سیاهی پوشیده بود یکی از ظرفان برو بگذشت و گفت مگر مولانا پاچه تنبان را ورمالیده است و وی تا ۹۹۶ سال مرگ محتشم زنده بوده و او را مرثیه گفته و در اقسام دیگر شعر مخصوصاً غزل هم دست داشته است. پدرش سمسار بوده و وی نیز بدین کار می پرداخته است.

۱۴۶- میر عزیز الله حضوری قمی از سادات محترم قم بود و سالها در عثبات

درس خوانده و مردی متقی بود و پس از مدتی سکونت در نجف بایران باز گشت و چندی در قزوین زیست و شاه طهماسب با او معاشرت داشت و تا مرگ شاه طهماسب و جلوس شاه

اسمعیل دوم در قزوین بود و در آنجا احترام بسیار داشت و از پیران محترم بود و سرانجام دوباره بنجف باز گشت و در آنجا در اواخر سال ۱۰۰۰ در گذشت. وی از شاعران زبردست بوده و غزل را خوب می گفته و دیوانش سه هزار بیت می شده است.

۱۴۷- **میر روزبهان صبری اردستانی** از سادات اردستان بود ولی در اصفهان می زیست و بهمین جهت باصفهانی معروفست و در زمان شاه طهماسب امام مسجد جامع اصفهان بود و در موسیقی و شطرنج مهارت داشت و در شعر نیز استاد بود و نخست فارس تخلص می کرد و سپس صبری تخلص کرد و در زمان خود شهرت بسیار داشت تا اندازه ای که او را شاهی ثانی می گفتند، دیوان او در دستست.

۱۴۸- **میرزا سلیمان حسابی نطنزی اصفهانی** از نجیب زادگان نطنز بود اما در اصفهان سکونت داشت و بهمین جهت بیشتر باصفهانی معروف بوده و مردی دانشمند و هنرمند و عارف مشرب بود. مخصوصاً در موسیقی مهارت کامل داشته و ترانها و تصنیف های او بر سر زبانها بوده است. از نزدیکان محمد قاسم مستوفی از اعیان دربار شاه طهماسب و در زمان وی جوان بوده و در قزوین می زیسته و عاشق پیشه بوده و پس از مرگ شاه طهماسب نیز زنده مانده زیرا که قطعه ای در تاریخ رحلت او سروده است و در غزل شاعر زبردستی بشمار می رفته است.

۱۴۹- **قاضی نورالدین محمد نوری اصفهانی** از مردم اندانان از روستای براهان اصفهان و نخست در اصفهان طلبه بود، سپس بقزوین رفت و مدتی شاگردخواجه افضل الدین تر که و میر فخر الدین سماکی بود و در زمان شاه طهماسب از ملازمان مسیب خان بن محمدخان نکلو بود و سپس منصب قضاوت باو دادند و تنها در اواخر عمر بشاعری شهرت کرد و در سال ۱۰۰۰ در گذشت. قاضی نور از شاعران زبردست زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان مختصری از او مانده است.

۱۵۰- **مولانا هلاکی همدانی** از شاعران معروف معاصر شاه طهماسب و مردی امی بود بهمین جهت هر شعری که می گفت در کوی و بازار بهر که می رسید ازو التماس می کرد که آنرا بنویسد. پیش از سلطنت شاه اسمعیل دوم قصیده ای در ستایش

وی گفته بود و اتفاقاً همان روزها وی بساطت رسید و بهمین جهت دوازده هزار تومان صلح باو داد و شاعران دیگر که این خبر را شنیدند قصاید بسیار در مدح او گفتند و چیزی بایشان نرسید. وی بیشتر در خدمت سلطان حسین میرزا و مردی درویش مشرب بوده و اقسام مختلف شعر را نیکو می سروده است .

۱۵۱ - مولانا فروغی عطار قزوینی از شاعران زبردست قزوین در زمان شاه طهماسب بوده و در انواع مختلف شعر دست داشته است .

۱۵۲ - مولانا طبخی قزوینی نیز از شاعران نامی قزوین در زمان شاه طهماسب بوده و دکان آشپزی داشته و دیوان همایون اسفرائینی را جواب می گفته و غزل رانیکو می سروده است .

۱۵۳ - سلطان فخرای قزوینی نیز از شاعران نامی قزوین در زمان شاه طهماسب بود. نخست صراف می کرد و مردی درویش مشرب بود . سفری بهند رفت و در بازگشت وارد دربار شاه طهماسب شد و مورد توجه او گشت و چون خواست در مشهد سکنی گیرد شاه طهماسب برای او در آنجا وظیفه ای برقرار کرد و بدانجا رفت و همانجا در گذشت. وی در شعر پیروی از سبک حافظ می کرده و دیوان خواجه را جواب می گفته و در غزل سرایی مهارتی داشته است .

۱۵۴ - کاکای قزوینی نیز از شاعران معاصر شاه طهماسب بوده و در قزوین میزیسته، مردی سیه چرده و خوش قیافه بوده و بطوافی و بقالی روزگار می گذرانده و در سال ۹۸۰ در گذشت و غزل را نیکو می سروده است .

۱۵۵ - مولانا شرمی قزوینی نیز از شاعران قزوین در زمان شاه طهماسب بوده و در آن شهر خیاطی می کرده و پدرش هم خیاط بوده است و غزل را بروش حافظ صابونی می سروده و شاعر زبردستی بوده است .

۱۵۶ - میرزا سلمان جابری اصفهانی پسر میرزا علی جابری از نجیب زادگان اصفهان و از خاندانی بود که نسبت خود را بجابر بن عبدالله انصاری می رساندند. پدرش چند سال وزیر ابراهیم خان ذوالقدر حکمران فارس بود و وی جوانی را در شیراز گذراند

و در آنجا کسب دانش کرد و وارد خدمات دربار شاه طهماسب شد و نخست در زیر دست میرزا عطاء الله وزیر آذربایجان کار می کرد و وقتی که از جانب او بدربارشاه طهماسب رفت مورد توجه شاه واقع شد و پس از گرفتاری آقا جمال کرمانی نظارت بیوتات خاصه را که با او بود بوی دادند و از نزدیکان شاه طهماسب شد و تامل آن پادشاه بر سر این کار بود و چون شاه اسمعیل دوم به سلطنت رسید از و پشتمانی بسیار کرد و شاه اسمعیل باندازه ای نسبت باو مهربان بود که دستور داد برای هیچ کس از وزرا بر نخیزد و پس از مرگ شاه اسمعیل در زمان شاه محمد خدا بنده وزیر و اعتماد الدوله شد و بعالی ترین مقامات رسید و دختر خود را بشاه داد و پسر مهترش میرزا عبدالله پیشکار عباس میرزا ولیعهد و پسر دوشمیرزا نظام نیز اعیان دربار بود ولی در میان او و امرای ترک دربار و سرکردگان قزلباش رقابت سخت بود و قلی بیگ قورچی باشی و شاهرخ خان مهر دار و محمد خان ترکمان مخصوصاً با او دشمن بودند. سرانجام در سال ۹۸۸ شاه محمد را برانگیخت که بسوی هرات بتازد و باوی بدانجا رفت و چون غوریان را گرفتند غروری درو پدید آمد و با اعیان دربار گرفتاری می کرد و چون ایشان می ترسیدند که سرانجام بر آنها غالب شود با یکدیگر همدست شدند و در پی فرصت مناسب می گشتند که روزی برای گردش بگازرگه هرات مصمم شد و اسباب جشن و سرور را با جمعی از مطربان و ندیمان بدانجا فرستاد که در آن جشن با او شرکت کنند. دشمنانش پسران و برادران و برادرزادگان خود را برانگیختند که آنجا بروند و وی را بکشند و روز دیگر که میرزا سلمان براه افتاد عده ای که سر کرده آنها یوسف خان پسر قورچی باشی و ولی جان خان پسر محمد خان و خلیل سلطان برادرزاده شاهرخ خان بودند از راه دیگر رهسپار شدند و کسی که ازین کار خبر داشت او را آگاه کرد و وی شتابان بشهر هرات بازگشت و آن جوانان که آنجا رسیدند و او را ندیدند. کسانی را روانه کردند که اگر در راه ببینند بکشندش. وی نزد شاه رفت و او را خبر داد و او هم امر را خواست و سبب پرسید، ایشان نخست منکر شدند و خود را بری کردند، اما درین میان گروهی از لشکریان در مدرسه میرزا در هرات گرد آمده و شورش و فوغا کردند و عزل او را

خواستند و کس نزد شاه فرستادند و امیرانی که در مجلس حاضر بودند نیز تأیید کردند. میرزا سلمان که کار را سخت دید راضی شد هر چه دارد بدهد تا آسوده اش بگذارند. شاه هم رضا داد تا فردا دربارش تصمیمی بگیرد. روز دیگر وی را در خانه قورچی باشی زندانی کردند و اموالش را گرفتند و میرزا عبدالله و میرزا نظام پسرانش را هم بند کردند و چند روز دیگر هم او را نگاه داشتند و سرانجام طهماسب قلی بیگ موصو یوزباشی نخستین زخم را باوزد و دیگران او را از پای در آوردند و بدین گونه در ۹۸۸ کشته شد و جسدش را که مدتی در راه افتاده بود بدرخواست علما بمشهد بردند و در آستانه رضوی بخاک سپردند و باصرار امر را شاه دخترش را طلاق داد و اموالش را بایشان بخشید. وی مرد بسیار کارآمد و دانشمند و با ذوق بوده ولی با زیردستان و مخصوصاً ترکان قزلباش بد رفتاری می کرده و در ضمن هنرهای دیگر شاعر زبردستی بوده و مخصوصاً در بدیهه سرایی با اندازه ای دست داشته که جواب نامه های ارباب حاجت را بنظم می داده است.

۱۵۷ - میر شمس الدین خبیصی متخلص بفهمی از سادات محترم و دانشمند خبیص کرمان (شهادت امروز) و از مشاهیر علمای قرن دهم بود و گذشته از علوم شرعی در ریاضیات و هیئت و رمل و نجوم و ادبیات هم دست داشت و در زمان شاه طهماسب منصب صدارت یافت و تا پایان عمر درین مقام بود و با اندازه ای محترم بود که شاه طهماسب در مسایل شرعی کلاً بدستور او می رفت و در ضمن مرد بسیار بخشنده ای بود چنانکه در دوسه سال منصب صدارت خود نزدیک صد هزار تومان آن وقت زرقه و خاک فیروزه ای را که از عواید اوقاف و نذرهای شاه طهماسب باورسیده بود و خمس معادن فیروزه را که در خزانه داشت بسادات و دانشمندان و طلاب بخشید و سرانجام در ۹۳۳ که شاه محمد خدا بنده مشغول محاصره تبریز در برابر ترکان عثمانی بود او را با خود برده بود در آنجا بیماری سوء الغنیه در گذشت. وی شاعر زبردستی بوده و فهمی تخلص می کرده است.

۱۵۸ - فروغی تبریزی از شاعران درجه دوم قرن دهم و شیعه بوده و سفری بعبات کرد و غزل را نیکومی سروده است.

۱۵۹ - میر علی حسینی هروی معروف بمیر علی سلطانی یا کاتب السلطانی

و کاتب السلطان از معروف ترین خوشنویسان خط نسخ تعلیق بود. نخست در هرات شاگرد زین الدین محمود خوشنویس و سپس در مشهد شاگرد سلطانعلی مشهدی بوده، اما از هر دو در فن خط پیش افتاده در جوانی در دستگاہ سلطان حسین بایقرا بوده و کاتب السلطان لقب گرفته، سپس عبیدالله خان ازبک که هرات را گرفته در ۹۳۵ هجری او را ببخارا برده و آنجا مانده و ظاهر آذر ۹۶۰ در همانجا در گذشته و در فتح آباد بخارا بخاکش سپرده اند. وی گذشته از خط در انشا و شعر و معما نیز دست داشته و منظومه‌ای در خط بعنوان «مداد الخطوط» نوشته و مردی عارف مشرب بوده از شاگردان معروف او محمود بن اسحق سیارستانی شهابی و میرسید احمد مشهدی بوده اند.

۱۶۰ - ضیاء الدین میرم کرمانی متخلص بضیایی از شعرای معروف قرن

دهم بوده، در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات سکونت داشت و پدرش خواجه علاء الدین برادر مهتر خواجه افضل الدین محمد کرمانی بود و سالها وزارت پادشاهان را داشت و از جانب مادر برادر امیر سلطان ابراهیم امینی هروی شاعر معروف این زمان بوده و در پایان زندگی بدربارشاه اسمعیل راه یافته است و مردی لطیف طبع و با هوش و خرده بین بوده و در علم سیاق و شعر دست داشته و تا اواسط قرن دهم زنده بوده است.

۱۶۱ - مولانا خلیل الله منجم کاشانی از دانشمندان و شاعران خوش طبع قرن

دهم بوده و در دربار شاه طهماسب می زیسته است.

۱۶۲ - خواجه امیر بیک مهر دار از رجال محترم دربار شاه طهماسب بوده

و سرانجام در زمانی که غازی خان حکمران هرات بود وی سمت وزارت آن شهر را داشت و در جنگهایی که صفویه با عبیدالله خان ازبک می کردند دست اندر کار و بسیار مؤثر بوده و در ضمن شاعری توانا بشمار می رفته است.

۱۶۳ - الامطان محمد ساقی استرآبادی از شاعران نامی قرن دهم و از

دانشمندان زمان خود بوده و بجز دیوان قصاید و غزلیاتی که از او مانده شرحی بر مطالع نوشته و در ماه رجب ۹۵۲ در گذشته است.

۱۶۴ - شریف تبریزی از شاعران نامی قرن دهم بوده و در اقسام مختلف شعر

دست داشته و در ۹۵۵ در گذشته و دیوان قصاید و غزلیاتی از او مانده است .

۱۶۵ - مولانا ولی حیرتی کاشانی نیز از شاعران نامی قرن دهم و اصلاً از

مردم مرو بوده ولی بیشتر در کاشان می زیسته و بهمین جهت بکاشانی معروف شده و از شاعران متعصب در تشیع بوده است. مدتی هم در قزوین در دربار شاه طهماسب بوده و در سیروسلوک نیز شهرت داشته و سرانجام در کاشان روز چهارشنبه ۱۴ صفر ۹۶۱ از بام افتاده و در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و شعر بسیار گفته و چهل هزار بیت قصیده در مدایح ائمه سروده و نیز منظومه بهجة المباحج را در هزار بیت سروده است .

۱۶۶ - مولانا صیرفی نیز از شاعران قرن دهم ایران و در دربار شاه طهماسب

بوده و در سفرها نیز با وی همراهی می کرده، چنانکه در سفر ۹۶۴ در آذربایجان با او بوده است .

۱۶۷ - حکیم پرتوی شیرازی از دانشمندان نامی قرن دهم و با علامه جلال الدین

محمد روانی معاصر بوده و علامه وی را بسیار می ستوده و مردی وارسته و صوفی مشرب بوده و سرانجام در ۹۲۸ در گذشته و در جوار مرقد شیخ سعدی بخاکش سپرده اند. وی شاعری توانا بوده و در غزل و مثنوی دست داشته و ساقی نامه ای هم از او مانده است .

۱۶۸ - میرزا جعفر یک قزوینی ملقب باصف خان برادرزاده میرزا غیاث الدین

علی آصف خان میربخشی و خود نیز بخشی و از رجال محتشم دربار جلال الدین اکبر در هندوستان بوده و تا اواخر قرن دهم در شهر آگره پای تخت آن پادشاه می زیسته و شعر فارسی را نیکو می سروده و جعفر تخلص می کرده و مرد دانشمندی بوده است .

۱۶۹ - قاضی جلال سیستانی پسر قاضی احمد سیستانی که او نیز از شاعران

نامی قرن دهم بوده و این پدر و پسر در زمان ملک سلطان محمود پادشاه سیستان می زیسته اند و معاصر شاه اسمعیل اول بوده اند و هر دو شعر را خوب می گفته اند .

۱۷۰ - شیخ جمالی دهلوی از بزرگان شاه جهان آباد یعنی دهلوی و از مشاهیر

صوفیه قرن دهم هندوستان بوده و کشف و کراماتی بوی نسبت داده اند و مردی وارسته بوده چنانکه بسنگی و پوست نختی بسنده کرده بوده و در طریقت مرید خال خویش



وی را یا مولانا ادھم منشی در بویا پیچید و پس از چند روز بویا را آتش زدند و بدین گونه او را کشتند. وی شاعری فحل بوده است.

۱۸۳ - **شاهدی مولوی** از صوفیة قرن دهم و ظاهر از مشایخ طریقه مولوی بوده و منظومہای دارد بنام گلشن توحید که در ۹۳۷ بیابان رسانیده و ۳۰۴۰ بیت دارد و پیش از آن ۶۰۰ بیت از مثنوی مولانا جلال الدین را انتخاب کرده که در میان مردم رواج بسیار یافته بود و چون آن ابیات پراکنده بوده و مطالب آن ارتباطی بهم نداشته بر آن شده است که ابیات را بهم پیوسته کند لهذا در میان هر دو بیت پنج بیت از خود سروده و بدین گونه معنی هر دو بیت را بهم ربط داده و مفردات هر مجلدی از مثنوی را جداگانه ثبت کرده است و این مثنوی گلشن توحید را در شش فصل بیابان رسانیده است.

۱۸۴ - **مولانا شرف الدین علی بافقی** از مردم قصبہ بافق در میان یزد و کرمان بوده و بهمین جهة گاهی او را از شاعران یزد و گاهی هم از شاعران کرمان دانسته اند. نخست در شیراز می زیسته و در آنجا کسب دانش کرده و در دربار شاه طهماسب محترم بوده و گوشش گران بوده است و سرانجام در ۸۰ سالگی در ۹۷۸ در قزوین در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و در قصیده و غزل دست داشته و قصاید بسیار در مدح شاه طهماسب سروده است و از بازماندگان شرف الدین علی یزدی مورخ معروف قرن نهم و مؤلف ظفرنامه

۱۸۵ - **خواجگی شرف شیرازی** از شاعران قرن دهم هند بوده و تا اوایل قرن یازدهم زنده بوده است و از ندیمان امرای دکن بوده و در نظم و نثر دست داشته و غزل را نیکو می سروده است.

۱۸۶ - **امیر سید شریف باقی شیرازی متخلص بشریفی** پسر امیر سید شریف ثانی بوده که دخترزادہ میر سید شریف الدین کرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده است و این خاندان در اواسط قرن نهم از کرگان بشیراز و عراق رفته اند و وی در شیراز ولادت یافته و در زمان شاه طهماسب نخست بوزارت عراق رسید و سپس کلاتری

شیراز را باو دادند ولی میانهاش با ابراهیم خان والی فارس بهم خورد و وی را از کلاتری خلع کردند و وزارت بلوک دارا بچرد را باو دادند و پس از چندی وزیر شاه طهماسب شد و ابراهیم خان را عزل کردند و بزندان افکند و خود نیز بزودی در گذشت. وی از مردان نامور دربار شاه طهماسب بوده و مرد بسیار بخشنده‌ای بشمار می‌رفته و ازو دو پسر مانده یکی امیر معین‌الدین اشرف معروف بمیرزا مخدوم و متخلص باشرف که از علما و مدرسان معروف زمان خود بود و دیگر میرزا امیر که در زمان شاه محمد خدا بنده چندی در قلعه استخر زندانی بود و در موقع فرار بسوی ری در راه در گذشت. امیر سید شریف خود شاعری توانا بوده و غزل را نیکو می‌سروده است .

۱۸۷ - شوقی یزدی از شاعران توانای قرن دهم و مردی خوش گوی بوده و خط نسخ تعلیق را نیکو می‌نوشته و در انشاء دست داشته و بهمین جهت مدتی منشی سام میرزا صفوی بوده است و در شعر نیز مهارت داشته و قصیده را بهتر می‌سروده و غزل هم می‌گفته است .

۱۸۸ - میرزا ابوالقاسم شوکتی دهلوی پسر شیخ محمود ملقب بمیرزا کامران و از شاهزادگان بآبروی هند بود و در دربار همایون پادشاه احترام داشت اما در جوانی در قلعه کوالیار هند در گذشت و وی غزلسرای ماهری بوده است .

۱۸۹ - امیر صافی بهمی از امرای قرن دهم کرمان و از مردم بهم و عم زاده امیر فاضلی بهمی بوده که نام وی را فاضلی هم ضبط کرده‌اند و احتمال می‌رود که عم زاده خویش را کشته باشد و وی در خراسان مسی‌زیسته و از نژاد ترک بوده و شعر را نیکو می‌سروده است .

۱۹۰ - امیر فاضلی بهمی که در برخی از نسخها نام وی را فاضلی هم ضبط کرده‌اند، وی نیز از امرای قرن دهم بهم و ظاهراً از نژاد ترک و ساکن خراسان بوده و در سال ۱۰۰۱ در میان وی و عم زاده‌اش که ظاهراً همان امیر صافی سابق الذکر باشد بر سر مال نزاعی در گرفته و وی در آن نزاع کشته شده است و او مردی نیکو سیرت بوده و شعر را نیکو می‌سروده است .

۱۹۱ - **شیخ یعقوب صرفی کشمیری** از مشایخ معروف صوفیه هندوستان و خلیفه شیخ حسین خوارزمی پیشوای معروف طریقه نقشبندی بوده و سفر بسیار کرده و بسیاری از مشایخ آن زمان را دیده بود و از ایشان رخصت هدایت گرفته و مریدان بسیار در همه جا و مخصوصاً در کشمیر داشت و در آگره خانقاه او در زمان جلال الدین محمد اکبر رونق بسیار داشت و همایون پادشاه و اکبر بوی بسیار احترام می کردند و سرانجام در ۱۲ ذی القعدة ۱۰۰۳ در گذشت و تاریخ رحلت وی را « شیخ امم » یافته اند. وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در شعر مهارت کامل داشته و خمسه ای ساخته و رسایل چند در معما نوشته و رباعیات و شرح رباعیات در تصوف دارد و نیز تفسیری بزبان فارسی نوشته است و در غزل هم دست داشته است.

۱۹۲ - **مولانا عالمی دارا بگری** از شعرای معروف قرن دهم فارس بوده و در شیراز می زیست و همانجا در ۹۷۵ در گذشت. وی مردی خوش صحبت بوده و غزل را شورانگیز و عاشقانه می سروده است.

۱۹۳ - **مولانا عبیدی ابرقوهی** از مردم ابرقوه در میان یزد و شیراز و از شاعران زبردست قرن دهم بوده است و غزل را شیرین و شورانگیز می گفته است.

۱۹۴ - **عبیدی کنابدی** نیز از شاعران قرن دهم و از مردم کنابد یا گناباد و یا گون آباد خراسان بوده و در برخی از کتابها بخطا تخلص وی را عهدی ضبط کرده و اصل او را از توران دانسته اند. وی با سلطان ابراهیم میرزا شاهزاده معروف صفوی متخلص بجاهی بسیار مربوط بوده و از شاعران متعصب در طریقه تشیع بشمار می رفته و بیشتر اشعارش در مدح ائمه شیعه است و در ضمن غزل و مثنوی هم می گفته و تا آخر قرن دهم زنده بوده است.

۱۹۵ - **عشرتی یزیدی** نیز از شاعران غزل سرای ماهر قرن دهم بوده است.

۱۹۶ - **مولانا عشقی کاشانی** از سخنوران نامی این قرن و از شاگردان میر مقبول قمی بوده و در کاشان می زیست و مردی درویش و پارسا بود و در ۹۶۰ در گذشت و او هم غزل سرای زبردستی بوده است.

۱۹۷ - قاضی عطاءالله ورامینی رازی برادر قاضی محمد رازی و از قضاة

نامی زمان شاه طهماسب اول بود و در دربار وی در قزوین می زیسته و تا اواخر قرن دهم زنده بود و شاعر توانایی بشمار می رفته است.

۱۹۸ - عبدی رازی یا عهدی شیرازی زیرا که در کتابهای مختلف تخلص

و نسبت او را بهر دو شکل نوشته اند ، از شاعران قرن دهم ساکن هند بوده و در اقسام غزل و قصیده دست داشته ، مدتی در کجرات بامیرزا نظام الدین احمد می زیسته و چون بدهلی رفته است پس از عزل قاضی محمد که شیعه متعصبی بوده در سال هزار هجری حکیم عین الملک در لاهور در صدد بر آمده است وی را بجای او بگمارد اما نتوانسته است پیش برود .

۱۹۹ - عبدی بیک شیرازی وی شاعر دیگر است بجز عبدی یا عهدی سابق الذکر

و او هم در قرن دهم ظاهراً در هند می زیسته و در ترسل و سیاق دست داشته و پیشه اش نویسندگی بوده و در فراغت شعر می گفته ، دوبار تابع خمسة نظامی کرده است و دیوانش بیش از ده هزار بیت میشده است .

۲۰۰ - شاه طهماسب اول ، پسر مهتر شاه اسمعیل اول و دومین پادشاه سلسله

صفوی . در ۹۱۹ ولادت یافت و در ۹۳۰ در ده سالگی پس از مرگ پدر به سلطنت رسید . تا بسن بلوغ نرسیده بود دستخوش امرای قزلباش بود اما چون بالغ شد کفایت و کاردانی خود را نشان داد و از تسلط ایشان بیرون آمد . در آغاز پادشاهی وی ازبکان بشمال شرقی ایران تاخته و تا تربت شیخ جام در خراسان آمده بودند . شاه طهماسب در ۹۳۴ ایشان را در آنجا شکست داد و وادار کرد بسرزمین خود باز گردند . در ۹۳۶ نوالفقار سر کرده ترکمانان موصلو بیاری طوایف کلهر قیام کرده و عراق را بترکان عثمانی تسلیم کرده بود بهمین جهت شاه طهماسب بیغداد لشکر کشید و هنگامی با آنجا رسید که نوالفقار را برادرانش کشته بودند و این فتنه فرو خفته بود . پس از آن چون بار دیگر ازبکان بقلمرو ایران تاخته و هجده ماه بود شهر هرات را گرفته بودند شاه طهماسب بدانجا تاخت و چون نزدیک هرات رسید ازبکان آن شهر را رها کردند . در ۹۴۰ لشکر بان

عثمانی بین النهرین و آذربایجان را گرفتند و وارد تبریز شدند و سلطان سلیمان آل عثمان با لشکریان خود به سلطانیه رسید و از آنجا از راه کوهستان عازم جنوب شد که بغداد را بگیرد و چهار سال بعد شروان را هم تصرف کرد. در سراسر این مدت لشکریان ایران در حال دفاع بودند. در ۹۴۸ همایون پسر ظهیرالدین بابر پادشاه تیموری هندوستان که پس از مرگ پدر جانشین وی شده و مخالفانش او را از سلطنت بازداشته بودند بایران پناه آورد. شاه طهماسب پذیرایی بسیار گرمی از او کرد و اصراری داشت که وی بطریقۀ شیعه بگردد و سرانجام لشکریانی بیاری او گماشت و او به هندوستان بازگشت و تاج و تخت را بدین وسیله بدست آورد. در ۹۵۴ القاص میرزا برادرش بتحریک ترکان عثمانی قیام کرد و لشکریان عثمانی که بیاری وی آمده بودند آذربایجان و اصفهان را گرفتند اما چون میانۀ القاص میوزا با ترکان عثمانی بهم خورد ازین کار نتیجه ای نگرفت و گرفتار شد و بقتل رسید. در ۹۶۱ شاه طهماسب با پادشاهان آل عثمان متار که ای برقرار کرد و سال بعد عهدنامه صلح باعضا رسید. سپس با یزید پسر سلطان سلیمان آل عثمان که بر پدر قیام کرده بود در ۹۶۳ بایران پناه آورد و پس از دو سال گفتگو در میان دربار عثمانی و دربار ایران شاه طهماسب در برابر چهارصد هزار سکه زر وی را گشت با آنکه سبب گشتن او را فراهم کرد. در پایان سلطنت شاه طهماسب باردیگر در ۹۷۹ از بکان بخراسان تاختند و شاه طهماسب ایشان را عقب نشاند ولی در نتیجه این لشکر کشی قحطی سخت و پس از آن طاعون روی داد. در ۹۸۴ مادر حیدر نام سر کرده طوایف استاجلو شاه طهماسب را زهر داد و پس از پنجاه و دو سال و نیم پادشاهی او را گشت. شاه طهماسب بیش از پادشاهان دیگر خاندان خود در ادبیات فارسی نام گذاشته است. شعر فارسی را تا اندازه ای خوب می گفت و عادل تخلص می کرد. کتابی در خاطرات و شرح زندگی خود تا حوادث سال ۹۶۹ که با یزید را تسلیم ترکان عثمانی کرده نوشته است که بنام تذکره شاه طهماسب معروفست و یکی از بهترین اسناد برای تاریخ دوره پادشاهی اوست.

۲۰۱ - شاه اسمعیل دوم پسر چهارم و جانشین شاه طهماسب اول و سومین پادشاه

سلسله صفوی . در ۱۵ صفر ۹۸۴ که پدرش هلاک شد نخست طوایف ترکان استاجلو و هواخواه سلطنت حیدر میرزا برادر وی بودند ولی پری خان خانم خواهرش که با وی مخالف بود پناه گاه وی را در حرم سلطنتی در قزوین بدشمنانش نشان داد و ایشان وی را گرفتند و کشتند و بدین گونه جنگ در میان دو دسته در گرفت . شاه طهماسب چون اسمعیل را بی رحم و بیاداد گر می دانست او را بجانشینی خود برگزیده بود و نوزده سال و نیم بود که در قلعه قهقهه زندانی بود و سران قزلباش مجلسی تشکیل دادند و سلطنت او را ی دادند و وی را از آن زندان آوردند و روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الاولی ۹۸۴ در قزوین بتخت نشاندند . وی مرد بسیار لثیمی بود و هدایایی را که برای جلوس او آوردند همه را در صندوقها پنهان کرد و پاداشی به هدیه آوردند گان نداد و حتی از دیدار مادر پیر خود که بیقریه شاهزاده عبدالعظیم نزدیک طهران پناه آورده بود خود داری کرد . در ۹۸۵ بهانه همدستی درویشانی که از خاک عثمانی آمد بودند شاهزادگان خاندان خود را کشت و چون در جوانی بتحریرک امیر سید ابوالفتح محمد بن عبدالباقی شریفی شیرازی معروف بمیرزا مخدوم نواده میر سید شریف گرگانی که از علمای معروف حنفی بود طریقه حنفی را پذیرفته بود همین که به پادشاهی رسید او را بوزارت برگزید بدستیاری او طریقه سنت را برگزید و مردم را از بدگویی بخلفای راشدین منع کرد و چون فتنه ای روی داد از آن کار برگشت و آن وزیر را عزل کرد و سرانجام در ۳ ذی الحجه ۹۸۵ در قزوین در گذشت و بیش از دو سال و چند روز پادشاهی نکرد . سبب مرگ وی این بود که شب مقدار کثیری معجون مخلوط با تریاک که بآن حب فلونیامی گفتند و مخلوطی از تریاک و بنگ و مواد مخدر دیگر بود و پری خان خانم خواهرش بدستیاری سران قزلباش آنرا بزهر آلوده بود خورد و از آن مسموم شد . شاه اسمعیل نیز مانند پدر در شعر فارسی دست داشته و عادلانی تخلص می کرده است .

۲۰۲ - شاه محمد خدا بننده پسر مهتر شاه طهماسب بود ، در ۹۳۸ ولادت یافت ،

مادرش از طایفه موصلوی تر گمان و معروف بسلطانم بود و با شاه اسمعیل دوم از یک مادر بود . هنگامی که برادر کبوترش شاه اسمعیل دوم بسطانت رسید و شاهزادگان خاندان

خود را کشت می خواست وی و عباس میرزا پسرش را که بنام شاه عباس اول سلطنت رسید نیز بکشد ولی چون شاه محمد نزد مادرشان بسیار گرامی بود از کشتن او چشم پوشید و او را در شیراز نگاه داشت تا با کسی رفت و آمد نداشته باشد. پس از چندی در صدر کشتن هردو بر آمد اما خود مسموم شد و از میان رفت. پس از مرگ شاه اسمعیل هم چنان برای برگزیدن جانشین اودر میان سران سپاه اختلاف بود و چون شاه محمد کور بود او را سزاوار پادشاهی نمی دانستند و سرانجام پس از گفتگوها بشیراز فرستادند و او را بقزوین آوردند و در همان سال ۹۸۵ سلطنت بر داشتند و چون پری خان خانم با پادشاهی او همداستان شده بود قرار برین شد که اسم پادشاهی با او باشد اما کارها را خواهرش انجام بدهد. همسرش خیرالنساء بیگم معروف بمهد علیا مادر شاه عباس که از حیلله گریهای پری خان خانم نگران بود سبب شد وی را بدستور شاه بخانه خلیل خان افشار که در زمان شاه طهماسب سرپرست او بود بردند و در آنجا در شب نهم ذالحجه ۹۸۵ در سن سی سالگی وی را خفه کردند و شاه محمد چون کور بود پارس گشته و فرسوده شده بود اختیار کارها را بهمسرش باز گذاشت و حمزه میرزا پسر بهتر خود را بنیابت سلطنت برگزید. در زمان وی یک سلسله جنگهای با پادشاهان آل عثمان در گرفت و لشکریان عثمانی در ۲۶ صفر ۹۸۶ با بران تاختند و این جنگها تا پایان سلطنت شاه محمد کشید. درین میان بد رفتاری مهد علیا با سران قزلباش ایشان را خشمگین کرد و بهانه آنیکه با عادل گرای خان تاتار پادشاه قریم رابطه دارد در روز یکشنبه اول جمادی الاخره ۹۸۷ بحرم پادشاهی تاختند و مهد علیا را کشتند. پس ازین واقعه کار شاه محمد پریشان شد و پی در پی انقلابهایی روی می داد. سرانجام امرای خراسان برو برخاستند و در ۹۸۹ شاه عباس را در خراسان بیادشاهی برگزیدند. شاه محمد پس از برکناری از سلطنت چندی کوشید که دوباره تاج و تخت را بدست بیاورد اما پیش نبرد و سرانجام شاه عباس بادستیاران خود در روز دهم ذی القعدة ۹۹۶ قزوین پای تخت پدران خود را گرفت و دیگر مانعی در برابر او نماند و در مجلس تاج گذاری پدرش را در کنار تخت نگاه داشتند. از آن پس در آنروز می زیست. اینک در سال ۱۰۰۴ در سلطنت پسرش شاه عباس در گذشت. در سبب اینک

چراوی بلقب خدا بنده معروف شده است در میان تاریخ نویسان اختلاف است. برخی گفته اند که از کودکی این لقب را باو داده اند و برخی دیگر گفته اند که چون کور شد بیشتر بعبادت می پرداخت و این لقب از آنجا است. شاه محمد مردی بلند طبع و بخشنده و نیکو رفتار و دانشمند بوده و در شعر نیز دست داشته و فهمی تخلص می کرده است.

۲۰۳ - نصیرالدین همایون پادشاه پسر مهتر ظهیرالدین بابر مؤسس سلسله

بایری یا تیموری هندوستان و دومین پادشاه این خاندان بود. در قلعه کابل در ۴ ذی القعدة ۹۱۳ بجهان آمد. مادرش ماهم بیگم نام داشت که از خانواده ای از دانشمندان ایران بود و با سلطان حسین بایقرا پادشاه معروف تیموری ایران خویشاوندی داشت. در کودکی و جوانی در راه کسب دانش کوشیده و مخصوصا بر ریاضیات دلبستگی فراوان داشت اما مردی سست رای بود و بافیون عادت کرده بود. در زمان پدر در تسخیر گجرات دلاوری خود را نشان داده بود، پس از آن نتوانست از عهد برادران خود بر آید و خویشتر داری کند. چون پدرش در گذشت در ۹ جمادی الاولی ۹۳۷ پادشاهی باو رسید و تادم محرم ۹۴۷ که از شیر شاه سوری شکست خورد درین مقام بود. پس گرفتار مخالفت برادرانش میرزا سلیمان و میرزا کامران شد و پس از آنکه کامران را شکست داد کور کرد بینگاله رفت و چندی روزگار را آنجا بیطالت گذارند و چون باردیگر از شیر شاه سوری شکست خورد در ۹۴۸ بایران پناه آورد. مدتی از مهمان نوازی و مهربانی شاه طهماسب صفوی برخوردار شد تا اینکه بیماری او به هندوستان برگشت و در ۴ رمضان ۹۶۲ باردیگر پادشاهی نشست و این کامیابی را مدیون شاه طهماسب بود. در ضمن بیرام خان خان خاقان سپهسالارش که مردی بسیار کاردان بود شرح حالش گذشت در کار او بسیار مؤثر شد و در ۹۶۲ که سکندر سوری آخرین مدعی سلطنت خود را شکست داد بر تخت استوار شد. سرانجام در روز ۱۴ ربیع الاول ۹۶۳ در دهلی از بام کتابخانه خود افتاد و در گذشت. همایون از پادشاهان بسیار دانش دوست و ادب پرور هندوستان بود و پسرش جلال الدین اکبر را نیز از خردی باین دو خصالت خوری داده است. در باروی یکی از جالب ترین در بارهای جهان برای پناه دادن بدانشمندان و سخنوران بوده است و خود بدو زبان ترکی و فارسی شعر



می گفت و خواهرش گل بدن بیگم کتابی بعنوان همایون نامه بفرمانوی در شرح زندگی او نوشته است .

۲۰۴- میرزا کامران پسر دوم ظهیرالدین بابر و برادر کهنتر همایون پادشاه بود . در حدود سال ۹۱۵ در کابل ولادت یافت . مادرش گلرخ بیگم نام داشت . از برادرش همایون با هوش تر و کارآمدتر اما بی رحم و بدخوی بود . پس از مرگ پدر مدعی سلطنت برادر شد و مدتها با او در زد و خورد بود و در ۹۵۰ رسماً ادعای سلطنت کرد و سرانجام گرفتار شد و در ۹۶۰ او را کور کردند و ناچار دست از دعوی خود برداشت . در ۹۶۱ بزیارت حج رفت و در ذی الحجه ۹۶۴ در عربستان در گذشت . درین سفر واقعه بسیار جالبی که برای او روی داده اینست که همسرش چبیچک بیگم ارغون دختر شاه حسن پادشاه سند که در ۹۵۳ بعقد وی درآمده بود اصرار داشت بکشتی که او را به حج می برد بنشیند و با او برود . پدرش وی را ازین سفر منع کرد و وی گفت که پدری را در زمانی که کامران مرد توانایی بوده است بزنی او داده و اینک که ناتوانست نمی تواند ازو دست بشوید و سرانجام با او همسفر شد و چندماه پس از مرگ شوهر در شهر مکه در گذشت . میرزا کامران در زندگی پدر حکمران قندهار بود و چون برادرش همایون بتخت نشست حکمرانی پنجاب را باور داد . هنگامی که همایون در ایران می زیست وی با برادرش میرزا عسکری بر افغانستان که در آن زمان جزو قلمرو بابریان بود استیلا داشتند و درین زمان وی در ترویج ادبیات فارسی در افغانستان کوتاهی نکرده است . خود نیز شاعر زبردستی بود و اقسام مختلف شعر فارسی را نیکو می سرود و دل بستگی بسیار بشعر فارسی داشت و محمود بن اسحاق شهابی را که از خوشنویسان زبردست خط نسخ تعلیق درهند بود گماشته بود کتابهای ادبی فارسی را بخط بسیارخوش برای وی بنویسد . مجموعه اشعار فارسی او شامل نزدیک ۱۵۰ بیت باقیست . پسرش میرزا ابوالقاسم نیز شاعر توانایی بوده است .

۲۰۵- سلطان سلیم آل عثمان که ترکان باو یاوز لقب داده بودند و در زبان

ترکی بمعنی سخت گیر و سنگین دست . پسر بایزید دوم و نهمین پادشاه این خاندان

بود. در ۸۷۲ یا ۸۷۵ ولادت یافت. در زمان پدرش حکمرانی طرابوزان را داشت و پدر او برادرش احمد را بجانشینی خود برگزیده بود و سلیم که در میان لشکریان بیشتر نفوذ داشت در آرزوی سلطنت بود. بهمین جهت بنای نافرمانی نسبت به پدر را گذاشت و جنگ در میان ایشان در گرفت و پس از چندی پدرش از زود خورد با او چشم پوشید. چون باردیگر بنای سرکشی را گذاشت در جنگ با لشکریان پدر شکست خورد و بقریم گریخت و بمتکلی گرای خان حکمران آن شبه جزیره پناه برد که پدرزنش بود. درین میان سپاهیانی که هواخواه وی بودند پدرش را در ۸ صفر ۹۱۸ خلع کرده بودند و وی را بسلطنت برداشتند و پدرش يك ماه بعد در گذشت. سلطان سلیم در سال اول سلطنت برادران و برادرزادگان را که بیم از ایشان داشت کشت. سپس روابط دوستانه با جمهوری و نیز ودولتهای مجارستان و روسیه برقرار کرد و در صدد بود که در آسیا پیشرفت کند و تواناترین رقیب او شاه اسمعیل صفوی بود که هنگام اختلاف وی با برادرش احمد پشیمان از احمد کرده بود. اختلاف شیعه و سنی را بهانه کرد و بنای کشتار شیعیانی را که در خاک عثمانی بودند گذاشت و تاریخ نویسان ترك نوشته اند که چهل هزار تن از ایشان را کشت و مسموم کرد. سپس در تاریخ ۲۳ محرم ۹۲۰ از شهر ادرنه با عده ای از لشکریان خود براه افتاد و يك ماه بعد همه آنها را درینکی شهر جمع کرد و درین میان اعلان جنگی بشاه اسمعیل داده بود که معروفست و نامهای نوهین آمیز چندم نوشته است، تا جایی که شاه اسمعیل ناچار شده بود گاهی آورندگان آن نامها را بکشد. از سوی دیگر عبیدالله خان از بك را که او هم سنی حنفی و دشمن صفویه بود تحریك کرده بود که از مشرق بخراسان بتازد. بدین گونه سلطان سلیم از راه قونیه و قیصریه و سیواس بسرخند ایران نزدیک می شد و بحریه عثمانی برای رساندن آذوقه خود را بطرابوزان رساند. در ارزجان لشکریان وی از دشواری این سفر و خستگی راه زمزمه نافرمانی آغاز کردند و سلیم ایشان را بحیله آرام کرد تا اینکه بدشت چالدران در میان ارومیه و تبریز رسیدند و در آنجا در روز دوم رجب ۹۲۰ جنگ در گرفت. لشکریان ایران بواسطه برتری توپخانه سپاه عثمانی شکست سختی خوردند و شاه اسمعیل از میدان جنگ

گریخت و حرم او که مادر و همسرش نیز در میان ایشان بودند اسیر شد. سلیم روز ۱۵ رجب وارد تبریز شد و روز ۲۳ پس از آنکه شهر را یکسره تاراج کرده و ثروت سرشاری از هر چه بردنی بود بدست آورده و حتی جمعی کثیر از هنرمندان و پیشه‌وران را بزور و ادار به همراهی خود و عده بسیاری را اسیر کرده بود از آن شهر رفت که زمستان را در سرزمین قراباغ در آن سوی رود ارس بگذراند ولی ینکی چریان که لشکریان وی بودند وی را ناگزیر کردند با ناتولی بر گردد و از راه قارص و بیبرت با ماسیه رفت و زمستان را در آنجا ماند و چون ینکی چریان باز در اندیشه سرکشی بودند و از تنگی آزرغده می‌نالیدند ایشان را باستانبول فرستاد. سپس در سال ۹۲۱ قسمت شرقی اناطولی و کردستان را تصرف کرد. درین میان اختلافی با سلطان مصر بهم زد و در صدد تهیه بحریه ای برای حمله بمصر بر آمد و در ۹۲۲ جنگ در میان ایشان در گرفت. درین جنگ مصریان شکست خوردند و مصر بدست عثمانیان افتاد. پس ازین پیروزی که از بسیاری از کشورهای جهان فرستادگانی بتبریک بدرباروی رفتند برکات شریف مکه نیز پسر دوازده ساله خود محمد را بدرباروی فرستاد و تن بدست نشانده گی وی در داد و بدین گونه نواحی مکه و مدینه نیز در ۹۲۳ جزو قلمرو آل عثمان شد. پیشرفت‌های سلیم در آسیا و افریقا دول اروپا را نیز از وی نگران کرده بود و پاپ لئون دهم دولتهای اتریش و انگلستان و فرانسه را تحریک کرد که در برابر ترکان عثمانی متحد شوند اما تا سلیم زنده بود دست بکاری نزدند. در ۹۲۶ سلیم از آدرنه باستانبول رفته بود و بحریه نیرومندی آماده کرده بود که جزیره رودس را تصرف کند اما ناگهانی در ۷ شوال آن سال در گذشت. درین هنگام در راه استانبول با آدرنه بود و چندی پیش زخمی در پیکر او پیدا شده بود که بآن شیرینجه می‌گفتند و نوعی از سرطان می‌دانستند و آن زخم در راه اوزا از یاد آورد. مرگ وی را نا هنگامی که جانشین وی سلطان سلیمان از استانبول برسد پنهان کردند و پیکرش را بر روی تپه‌ای در شمال غربی استانبول بخاک سپردند و پسرش سلیمان بر روی خاک او مسجدی بنام وی ساخت که در محرم ۹۲۹ ساختمان آن بیابان رسید. سلطان سلیم مرد کافی توانا و در ضمن چنانکه با واقف داده اند سخت گیر

وسنگین دل و بی باک بوده است . درباره وی بسیار بحث کرده اند و ترکان عثمانی وی را از قهرمانان ملی خود شمرده اند . از نظر ادبی یکی از بزرگترین مردان خانواده آل عثمانست مخصوصاً زبان فارسی را خوب می دانسته و غزلیات فارسی او تا اندازه ای جالب توجهست و بزبان ترکی تنها يك بيت از او روایت کرده اند . در شعر فارسی سلیم و سلیمی تخلص می کرده و دیوان غزلیاتش شامل نزدیک دوهزار بیت دردستست .

۲۰۶ - سلطان سلیمان آل عثمان ، معروف بسلیمان اول یا سلیمان دوم زیرا که برخی از تاریخ نوپسان سلیمان پسر با یزید اول عم وی را که دعوی سلطنت داشته است پادشاهی پذیرفته اند و برخی دیگر پادشاهی او را رسمیت نداده اند ، بهمین جهت دهمین یا یازدهمین پادشاه این خاندان بشمار می رود . ترکان عثمانی وی را قانونی سلطان سلیمان لقب داده اند و از نظر کشورداری و رعیت پروری او را بزرگترین پادشاه آل عثمان می دانند . پسر سلطان سلیم سابق الذکر بود ، در سال ۹۰۰ ولادت یافت و مادرش عایشه سلطان دختر منگلی گرای خان پادشاه قریم بود که زیبایی شهرت داشت . در سلطنت پدر حکمرانی مغنیسا را داشت که کار بسیار مهمی نبود و هشت روز پس از مرگ پدرش که در ۷ شوال ۹۲۶ در گذشته بود با سلطنت نشست . از يك سوی مرد بسیار آرام و دادگری بوده و از سوی دیگر شوری در کشور ستانی داشته ، با اندازه ای که سیزده جنگ بزرگ ، ده جنگ در اروپا و سه جنگ در آسیا کرده و در زمان وی قلمرو آل عثمان وسیع تر شده است . نخستین جنگ وی جنگ بلگراد است که بالشکریان مجارستان در ۹۲۷ کرد . در سال بعد جزیره رودس را گرفت . در ۹۳۲ با ریدگر باروپا تاخت و لشکر یان مجارستان را شکست داد و لوی پادشاه معروف مجارستان درین جنگ کشته شد و ترکان شهر بود پای تاخت مجارستان را گرفتند . پس از آن باز در بوسنه و دالماسی و سلاونی جنگهای دیگر کرد که منتهی بمحاصره معروف شهر وین شد . در ۹۳۸ بالشکریان اسپانیا و اتریش جنگ کرد . جنگ ششم وی جنگ او با ایرانست زیرا که ترکان عثمانی مدعی فرمانروایی بر بتلیس و بغداد بودند . سلیمان وزیر اعظم خود ابراهیم پاشا را مامور جنگ با ایران کرد . وی در محرم ۹۴۱ وارد تبریز شد و سلطان خود دو ماه بعد باین شهر آمد . لشکر یان

عثمانی از تبریز از راه همدان رهسپار بغداد شدند و شاه طهماسب نتوانست در برابر ایشان ایستادگی کند و چون لشکریان ایران از عهده دفاع آن شهر بر نیامدند ابراهیم پاشا شهر را گرفت و چند روز پس از آن سلیمان با جاه و جلال در تاریخ ۲۳ جمادی الاولی ۹۴۱ وارد شهر شد. چهار ماه در آنجا ماند و دستور داد ساختمانهای بر سر خاک ابوحنیفه بکنند و سفرهای زیارتگاه های نجف و کوفه و کربلا کرد. چون از سوی دیگر لشکریان ایران برخی نواحی را که ترکان تصرف کرده بودند پس گرفته بودند سلیمان از راه اربل و مراغه خود را به تبریز رساند. شاه طهماسب هم چنان می کوشید با وی روبرو نشود و به همین جهت عثمانیان آذربایجان و عراق را تصرف کردند و تنها هنگامی که قسمتی از لشکریان عثمانی بر می گشتند در وان جنگی در گرفت و پس از آن دیگر زد و خوردی روی نداد. در ۹۴۳ بر سر جزیره کوردفوجنگ با دولت ونیز در گرفت. سال دیگر ترکان سرزمین مولداوی را تصرف کردند. در ۹۴۸ و ۹۵۰ سلیمان دو جنگ دیگر با دولت مجارستان کرد. پس از آن در ۹۵۵ جنگ دوم با ایران در گرفت و محرك این جنگ القاصر میرزا برادر شاه طهماسب بود که بخاک عثمانی گریخته بود. سلیمان از ارزروم وارد تبریز شد و شاه طهماسب با او برابری نکرد. اما چون لشکریان ایران بسرحدات عثمانی تاخته بودند ترکان ناچار شدند تا دیار بکر عقب نشینی کنند. سلیمان زمستان را در حلب ماند و سال بعد را در آراش گذراند ولی احمد پاشا وزیر اعظم او برخی از نواحی گرجستان را گرفت. پس از آن باز سلیمان یک سلسله جنگهایی در ترانسیلوانی با دولت مجارستان و دولت اتریش کرد. در جنگ سوم ایران که در ۹۶۰ روی داد سلیمان خود وارد نشد و رستم پاشا سر عسکر خود را امامور این کار کرد. در بین میان رستم پاشا با او خبر داد که یکی چربان بتحریر یک پسرش مصطفی حکمران اماسیه اندیشه سرکشی دارند و ناچار در ۱۸ رمضان ۹۶۰ با پسرش سلیم رهسپار شد و در راه مصطفی را کشت. در ۹۶۱ جنگ با ایران بمنتهای شدت رسید. ترکان نخست شهرهای نخجوان و ایروان و قراباغ را در آن سوی رود ارس ویران کردند. در ماه ذی القعدة ۹۶۱ نمایندگان دو کشور در ارزروم برای صلح گرد آمدند اما عهدنامه صلح تنها در دهم رجب ۹۶۲ در شهر اماسیه امضا شد و این نخستین عهدنامه صلح بود که در

میان ایران و عثمانی با مزارسید. جنگ سیزدهم و آخرین جنگ سلیمان با اتریش در ۹۷۴ روی داد اما سلیمان در میدان جنگ در شب ۲۱ صفر ۹۷۴ در گذشت و برای اینکه لشکر یانش نافرمانی نکنند مرگ وی را تا سه هفته پنهان کردند تا پسرش سلطان سلیم برسد ورشته کار هارا بدست بگیرد و سپس پیکرش را با ستانبول بردند و در مسجد سلیمانیه بخاک سپردند. سلیمان مرد بسیار پر کار و کار آمدی بوده است و یکی از توانا ترین پادشاهان حاندان خود بشمار می رود و حتی برخی او را بزرگترین مرد این خانواده می دانند. با آنکه مرد جنگ جوی بود و درین زمینه افراط می کرده است هشت نسخه قرآن بخط او یافته اند که بر سر خاکش گذاشته اند و در اشعار خود گرازان صبر دینی نشان داده است. بشکار نیز بسیار مایل بوده و بجاه و جلال در بازی بسیار اهمیت می داده است و جشن های بسیار مجالل برای ختنه سوران پسران خود و زناشویی خواهران خویش برپا می کرده است از آن جمله جشن معروفیست که بمناسبت نکاح خرم سلطان معشوقه خود گرفته است که در جوانی در جمادی الاخره ۹۶۵ در گذشت و نفون بسیار حتی در کار های دیوانی داشت. سلیمان قوانینی را که برای اداره کردن کشور نیاکان وی وضع کرده بودند تکمیل کرد و مجموعه ای بعنوان قانون نامه فراهم آورد و به همین جهت وی را بیشتر پس از مرگش قانونی لقب دادند. این قوانین بیشتر شامل مقررات نظامی و امتیازات فرماندهان سپاه و مالکیت و مقررات شهر بانی و کیفر های خلاف کاریها و نظایر آنها بود و مقررات وی تا اندازه ای مساعد بحال اتباع غیر مسلمان خاک عثمانی بوده است ولی پیدا است که شهرت فوق العاده وی در میان ترکان بیشتر بواسطه کامیابی های او در میدانهای جنگ و کشورستانی های اوست که همه گونه امتیاز حتی قانون گذاری را برای او فراهم کرده است. در جهان ادب وجود او بی اثر نبوده و نه تنها خود شعر می گفته و محبتی تخلص می کرده و شعر فارسی او نیز تا اندازه ای جالبست بلکه از تشویق ادیبان نیز خودداری نکرده است و به همین جهت بنام وی کتابهای بسیار نوشته اند و قصاید بسیار سروده و حتی چندین شاهنامه شامل فتوحات او باقی گذاشته اند. در ضمن در ساختمان بناهای مهم نیز بیش از دیگران همت گذاشته است.

### ۲۰۷ - شاه اسمعیل اول - نخستین پادشاه و مؤسس سلسله صفویه پسر شیخ حیدر بن

شیخ جنید بن شیخ ابراهیم معروف بشیخ شاه بن خواجه علی بن صدر الدین موسی بن صفی الدین اسحاق اردبیلی پیشوای معروف صوفیه متولد در ۶۵۰ و متوفی در روز دوشنبه ۱۲ محرم ۷۳۵ که بنا بر اسناد رسمی این خانواده نسبش بیست پست یا بیست و پنج پست با امام موسی کاظم میرسیده است . مادرش حلیمه خاتون دختر اوزن حسن پادشاه معروف آق قویونلو در گذشته در ۸۸۳ بوده و وی در ۲۵ رجب ۸۹۲ بجهان آمد . دو برادر مهتر بنام علی و ابراهیم داشت که پس از مرگ پدرش شیخ حیدر در ۸۹۸ پی در پی جانشین پدر در مسند ارشاد طریقه صفوی شدند و چون ایشان در گذشتند مسند ارشاد بوی رسید . در کودکی چندی با دو برادر مهتر خود بدستور سلطان یعقوب پسر اوزن حسن که نمی خواست خواهر زادگان خود را بکشد در استخر فارس یادر جزیرهای در دریاچه وان زندانی بود و پس از مرگ سلطان یعقوب آزاد شد و باردبیل بخانه نیاگان خود رفت . چون دشمنان خاندانش در پی کشتن او بودند مریدان خاندانش او را پنهانی برشت و از آنجا بلاهیجان بردند و کار کیا میرزا علی (۸۸۳ - ۹۱۰) پادشاه سلسله حسینی کیا بیان کیلان که با این خانواده بستگی داشت وی را چندسال در دربار خود پناه داد . چون شیخ صفی الدین در طریقه تصوف جانشین شیخ ابراهیم زاهد کیلانی شده بود پیروان طریقه شیخ زاهد نیز از مریدان این خانواده بودند و پشتیبانی ازیشان کردند . پس از مرگ اوزن حسن ترکان ساکن آذربایجان و موقان واران که بهفت طایفه استاجلو و شاملو و تکلو و بهارلو و ذوالقدر و قاجار و افشار تقسیم می شدند و مریدان این خانواده بودند ازیشان پشتیبانی کردند و شاه اسمعیل که از کیلان با آذربایجان رفت هفت هزارتن ازیشان را با خود یار کرد و سپاهی فراهم ساخت که چون دستار سرخ بر سر می گذاشتند بنام « قزل باش » خوانده میشدند و چون هنگام اقامت در کیلان در دستگاه خاندان کار کیا که شیعه بودند ب مذهب شیعه گرویده بود این مذهب را در میان ایشان انتشار داد . بدین وسیله در ۹۰۸ شروان و آذربایجان و عراق عجم را گرفت

و خود را شاه خواند و سلسله صفوی را بدین گونه تشکیل داد. سپس نواحی دیگر شمال شرقی ایران را هم بر قلمرو خود افزود و در ۹۱۴ در مشرق تا هرات و در مغرب تا دیار بکر و بغداد را فرمان گزار خود کرده و مذهب شیعه را در همه این نواحی انتشار داده بود. بهمین جهت پادشاهان ماوراءالنهر که حنفی بودند و سلاطین آل عثمان که دست نشاندگان شان نیز بیشتر پیرو طریقه حنفی بودند سخت هراسان شدند. نخست جنگی در میان ابوالفتح محمد شیبانی بن شاه بوداق معروف بشیبانی خان (۹۰۵-۹۱۶) دومین پادشاه سلسله شیبانی از ازبکان ماوراءالنهر در ۹۱۶ در گرفت و شیبانی خان در آن جنگ کشته شد و شاه اسمعیل بر سراسر خراسان استیلا یافت و تنها ناحیه خوارزم برای ازبکان باقی ماند که در شهر خیوه فرمانروایی داشتند. پس از آن شاه اسمعیل متوجه مغرب شد زیرا که پادشاهان آل عثمان بنای تجاوز را با ندر با بجان گذاشته بودند و چنانکه پیش ازین در باره سلطان سلیم گفته شد (ص ۴۷۲) در روز دوم رجب ۹۲۰ جنگی بالشکریان سلطان سلیم در دشت چالدران در میان ارومیه و تبریز در گرفت و سوار نظام ایران از پیاده نظام عثمانی که توپخانه مجهزی داشت شکست سخت خورد. تاج تخت و خانواده شاه اسمعیل که در میدان جنگ با او بود بدست لشکریان عثمانی افتاد و خود با ممدودی از سپاهیان خویش گریخت. سپاهیان ترک شهر تبریز پای تخت وی را گرفتند و بین النهرین و مغرب ارمنستان که تابع ایران بود تا موصل بدست ترکان افتاد. با این همه شاه اسمعیل گرجستان را گرفت. و از آنجا رابطه‌ای با برخی از پادشاهان اروپا بر قرار کرد تا بیاری ایشان از ترکان عثمانی انتقام بگیرد. در نتیجه گفتگوهای در سال ۹۲۳ پاپ لئون دهم (۱۵۱۳ - ۱۵۲۱ = ۹۱۹ - ۹۲۷) و یا مکسیمیلیان Maximilien اول امپراتور آلمان و اتریش (۱۴۹۳ - ۱۵۱۹ = ۸۹۹ - ۹۲۵) بر آن شدند که با شاه اسمعیل باری کنند و بر قلمرو عثمانی بتازند و کینه دیرینه را از ترکان عثمانی بستانند. سپس شارل پنجم معروف بشارل کن Charles - Quint پادشاه اسپانیا و امپراتور آلمان و اتریش (۱۵۱۶ - ۱۵۵۸ = ۹۲۲ - ۹۶۶) همین اندیشه



را داشت اما چون در آن زمان راه در میان اروپا و ایران بسیار دراز و دشوار بود این کار بسر انجام نرسید و نامه‌ای که شاه اسمعیل بشارل کن درین زمینه نوشته بود شش سال در راه مانده بود. شاه اسمعیل بجز جنگ‌هایی که در شرق و غرب ایران با همسایگان خود کرده است جنگ‌های متعدد در نواحی مختلف ایران با مخالفان خود در باکو و شرور و یزد و ابرقوه و سمنان و خوار و فیروزکوه و عراق عرب و دیار بکرو کاشان و خراسان و قندهار و بلخ و شیراز و کازرون و استرآباد و همدان و بغداد و خلات (یا اخلاط) و بتلیس و ارجیش و هویزه و دزفول و شوشتر و لرستان و قصر زرفارس و شروان کرده است و تقریباً همه دوران سلطنت خود را در میدان‌های جنگ گذرانده است. سرانجام در روز دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ هنگامی که در اردبیل بود در ۳۸ سالگی پس از ۲۴ سال پادشاهی در گذشت و بیکرش را در بقعه جدش شیخ صفی‌الدین بخاک سپردند. از وی چهار پسر ماند: شاه طهماسب که جانشین او شد، القاص میرزا، سام میرزا، بهرام میرزا و پنج دختر: خانیش خانم، پری خان خانم، مهین بانو سلطانم، فرنگیس خانم و زینب خانم. شاه اسمعیل قطعاً از پهلوانان بزرگی تاریخ ایران بشمارست و ملوک الطوائفی را که پیش از او در هر گوشه از ایران بحکمرانی پرداخته بودند و گروه بسیار سرکشان آن روز کار را بر انداخت و شاهنشاهی بزرگی در ایران تشکیل داد که پس از شاهنشاهی ساسانیان بزرگترین دولت ایران بوده است و بهمین جهت جانشینان وی تا ۲۴۹ سال پس از آغاز پادشاهی او توانستند در ایران فرمان‌روایی کنند. وی در زبان ترکی غربی معروف بشرکی آذربایجانی شاعر توانایی بوده و در شعر ترکی «خطایی» تخلص می‌کرده و یکی از نخستین کسانیست که باین زبان شعر گفته‌اند و دیوان اشعار وی یکی از مهم‌ترین آثار ادبی این زبان است. گاهی هم بزبان فارسی شعر گفته و چند بیت از او باقیست.

۲۰۸ - نالک - معروف بیابانانک یا گورونانک، که گورو بمعنی پیشو است،

مؤسس مذهب سیخها در هند و سیخ بمعنی آموزنده و پیروست. در ۸۷۴ از طایفه ختری در شهر تلودی شهر کوچکی نزدیک لاهور ولادت یافت که اینک بمناسبت نام وی نانکانه

خواننده میشود. از آغاز جوانی افکار مخصوص بخود داشت و مجذوب بنظر می آمد و چندان دانا نبود. از هر گونه کاری بیزار بود و پدرش بدشواری توانست وی را وادار کند بسلطان پور که اینک درس زمین کیپور تاله است برود و در دستگاه نواب دولت خان لودی حکمران آن ناحیه بکاری مشغول شود. نواب وی را بپیشکاری خانه خود گماشت و چندسال این کار را بخوبی انجام داد و مخدومش را خرسند کرد. هنگامی که بیکار بود بچنگل می رفت و در آنجا بمراقبت می پرداخت. پیروان وی معتقدند که در یکی ازین مراقبه ها کشف وشهودی باو دست داد و با خدا روبرو شد و مامور شد رسالت خود را بجهانیان اعلام کند و بگوید «تنها يك خداست که نام او راستست و آفریدگارست و از قرص و کینه بیگانه است. جاودانیست و تزاده است و هستی او ازوست و بزرگ و پر از مهرست». از آن پس از خدمت نواب کناره گرفت و در سی سالگی با بلاغ رسالت خود پرداخت. سفرهای چند کرد و بهمه جای هند رفت و مخصوصاً بعبادتگاه های هندوان و مسلمانان می رفت. همه جا بابیشوایان هند و مسلمان گفتگو کرد و گفت که افکار و آیین و مراسم ایشان باطلست و مردم را بایشان و از خود گذشتگی دعوت می کرد و درست رفتاری و راست گویی را ترویج می کرد. پیروانش گفته اند که در ایران نیز سفر کرد و بمکه و بغداد هم رفته است و در ایران و افغانستان عبادتگاه هایی مخصوصاً در بوشهر و کابل فراهم ساخته است. برخی از تاریخ نویسان مسلمان هند گفته اند که شرایع اسلام را از سید حسن نامی فرا گرفته است ولی درین نکته تردیدست و در هر صورت زبان فارسی می دانسته است. در ده سال پایان زندگی خود در روستایی بنام کرتارپور که یکی از پیروان بسیار متهول او برای وی در کنار رودراوی آباد کرده بود می زیست و مذهب خود را در میان بسیاری از مردم که بدیدار وی می رفتند تبلیغ می کرد. سرانجام در سال ۹۴۶ در همان روستا در گذشت. پیروان بسیار و دوپسر گذاشت که یکی از ایشان بنام «سری چند» طریقه اوداسی را که یکی از طریقه های این مذهبست تأسیس کرده است. نانک اندکی پیش از مرگ خود «انگد» نام را که از اصحاب نزدیک وی بود بجاننشینی برگزید. پیروان او اینک بهفت طریقه

منقسمند و جایگاه اصلی ایشان سرزمین پنجاب و مراکز عمده ایشان شهرهای امرسر ولودیانه و فیروز پورست و در نواحی دیگر مانند پتیاله و ناهبه و جنید و فرید کوت بزم هستند. رویمرفته نزدیک چهارمیلیون می شوند. در کتابهای مذهبی ایشان بعضی از فصول و حکایات بزبان فارسی نوشته شده که بخط گورموخی از خطوط هندی می نویسند و بهمین جهت توجهی نسبت بزبان فارسی دارند. نانک خود بزبان فارسی شعر می گفته و دیوان اشعار وی که بیشتر آنها مثنویانست نزدیک هزار بیت در بر دارد.

۲۰۹ - ابوالغازی عبیدالله خان اوزبک یا ازبک ، پسر محمود سلطان بن شاه

بوداغ سلطان بن ابوالخیرخان بن دولت شیخ اغلق بن ابراهیم بن پولاد بن منگوتیمور بن بداکول بن چوچی بغابن بهادر بن شیبان بن جوجی بن چنگیز و پنجمین پادشاه سلسله شییبایی ماوراءالنهر بود. نسبش بسیزده پشت پچنگیز می رسید. این سلسله را جددومش ابولخیر در ۸۳۲ در سمرقند تأسیس کرد و در نواحی بخارا و سمرقند و بلخ حکمرانی کردند و سرانجام در ۱۰۰۹ بدست خاندان جانیان استراخان منقرض شدند. بیشتر از امیران این خاندان که از همان نژاد از بکان امروز بوده اند در طریقه حنفی تعصب شدید داشتند و با پادشاهان صفوی که شیعه بودند سخت دشمن بودند بهمین جهت بارها که نیرو یافته اند برشمال شرقی ایران تاخته اند و با صفویه جنگهای سخت کرده اند. وی نخست در ۹۱۸ حکمران بخارا شد و در لشکر کشیهای خاندان خود با ایران شریک بود از آن جمله در ۹۳۰ و ۹۳۱ تا ۹۴۰ که پس از مرگ مظفرالدین ابوسعید کوچونجو بن ابوالخیر عم پندرش بیادشاهی با استقلال رسید چندین بار با شاه اسمعیل و شاه طهماسب جنگ کرد و از ۹۴۰ تا ۹۴۶ نیز در دشمنی با ایران پایدار بود و سرانجام در ۹۴۶ پس از بیماری سخت در بخارا در گذشت. عبیدالله خان در تاریخ ایران یادگارهای تلخ گذاشته و خونریزیهای وی هنگام تسلط بر نواحی ماوراءالنهر و خراسان معروفست. این که در زبان فارسی کلمه ازبک برای مردم بی رحم و شریر مثل شده از همان دوران تاخت و تازهای او در خراسانست. با این همه مرد خوش ذوقی بوده و زبان فارسی را که در آن زمان هنوز زبان اکثریت

مردم ماوراء النهر بوده خوب می دانسته و در انواع شعر دست داشته و شعر فارسی او تا اندازه ای خوبست .

۲۱۰- ابوالغازی عبدالله خان از بک ، معروف بعبدالله خان دوم یازدهمین پادشاه سلسله شیبانی پسر اسکندر خان بن جانی بیک بن خواجه محمد بن ابوالخیر خان و معروف ترین و تواناترین پادشاه این سلسله . در ۹۴۰ در آفرین کنت در ناحیه میان کال که جزیره ای در میان دوشعبه از رود زرافشانست ولادت یافت. پدرانش مردان متوسطی بودند و جدش جانی بیک در ۹۱۸ هنگامی که این خانواده ماوراء النهر را در میان خود قسمت کردند حکمرانی کرهینه را یافت. عبدالله خان در ۹۵۸ وارد کار شد زیرا که نوروز احمد خان حکمران تاشکند و عبداللطیف خان حکمران سمرقند بر قلمرو پدرش تاخته بودند و پدرش از رود جیحون گذشته و از برابر ایشان گریخته بود . وی بجای پدر وارد جنگ شد و ایشان را شکست داد . در ۹۵۹ از طرف مغرب سرزمین بخارا و از طرف جنوب غربی بناحیه قرشی و شهر سبز تاخت و کاری از پیش برد . در ۹۶۳ حتی مجبور شد قلمرو پدران خود را ترك کند و بشهر میمنه پناه ببرد. در ذیقعدۀ همان سال دشمن توانای وی نوروز احمد خان سر کرده ازبکان که از ۹۵۹ تاشکند را تصرف کرده بود در گذشت . عبدالله خان فوراً کرهینه و شهر سبز را گرفت و در ماه رجب ۹۶۴ بخارا را متصرف شد و آن شهر را پایتخت خود کرد . در آنجا عم خود پیر محمد خان را خلع کرد و در شعبان ۹۶۸ واداشت پدرش اسکندر خان را که مرد ناتوانی بود بر کردگی ازبکان نصب کنند و خود کارها را بدست گرفت. در ۹۹۱ پس از مرگ پدر رسماً بیادشاهی نشست . پیش از آن پس از زد و خوردهای بسیار با کسانی که در خانواده اش مخالف او بودند در ۹۸۱ باخرا و در ربیع الثانی ۹۸۶ سمرقند را و در ۹۹۰ تاشکند و واحی شمال رود سیحون را گرفته بود و در ۹۹۱ فرغانه را متصرف شد . در ضمن در نیمه اول سال ۹۹۰ بدشت الغ طاغ لشکر کشید. در ۹۹۶ مردم سرزمین تاشکند بر او شوریدند و وی ایشان را سر کوبی کرد . در جنوب شرقی سرزمین بدخشان را گرفت و بسوی مشرق تاسخت و در خراسان و گیلان و سرنجام در ۱۰۰۲ و ۱۰۰۴ دو بار در خوارزم

ناخت و تاز کرد. سپس بتر کستان شرقی لشکر کشید و بجز قتل و غارت در نواحی کاشغر و یار کند نتیجه ای نگرفت. در سالهای آخر زندگی مشغول زد و خورد با پسر یگانه اش عبدالؤمن خان بود که در پایان سال ۹۹۰ از جانب پدر حکمرانی بلخ را یافته بود. پسرش می خواست هم چنانکه پدر در زمان پدر خود اسکندر صاحب اختیار بوده است وی نیز مختار باشد و عبدالله خان تن در نمی داد. سرانجام شفاعت علمای ماوراءالنهر سبب شد که پدر و پسر صلح کردند. در ضمن چادر نشیتان از بک اختلاف میان پدر و پسر را غنیمت شمرده و قیام کرده بودند و سرزمین تاشکند و سمرقند را گرفته و لشکریان عبدالله خان را شکست داده بودند. عاقبت در ۴ رجب ۱۰۰۶ عبدالله خان در ضمن لشکر کشی در شهر سمرقند در گذشت و پسرش عبدالؤمن را که بجای او نشسته بود شش ماه بعد در باریابش کشتند. پس از مرگ وی خوارزم و قسمتی از خراسان را که این خاندان گرفته بودند از دست دادند و در ۱۰۰۹ سلسله جانیان استراخان پیر محمد دوم پسر سلیمان که جانشین عبدالؤمن شده بود شکست دادند و قلمرو این سلسله را گرفتند و این خاندان منقرض شد. عبدالله بزرگترین پادشاه این سلسله بود؛ مردی کاردان و کشور دار بود و اصلاحات فراوان کرد از آن جمله پول را که تنزل کرده بود اصلاح کرد و سکه تازه زد و وضع اقتصاد را درست کرد و پلها و کاروانسراهای چند ساخت و کاریهایی کند و بهمین جهت هنوز در آن نواحی هر بنای مهمی را یا بوی و یا بامیر تیمور گور کن نسبت می دهند. کتاب مخصوصی بزبان فارسی درباره قسمتی از تاریخ سلطنت او تا سال ۹۹۶ تالیف حافظ تانیش از نویسندگان از بک فارسی زبان بنام شرفنامه شاهی نوشته شده که بیشتر بنام عبدالله نامه معروفست. خود نیز در زبان فارسی دست داشته و بترکی و فارسی شعر می گفته و «عوض غازی» تخلص می کرده و شعر فارسی او تا اندازه ای خوبست.

۲۱۱ - حافظ تانیش از بک، چنانکه گذشت از تاریخ نویسندگان فارسی زبان در

ماوراءالنهر بوده و مؤلف کتابیست بنام شرفنامه شاهی در تاریخ سلطنت عبدالله خان سابق الذکر تا وقایع سال ۹۹۶ که بیشتر بنام عبدالله نامه معروفست و بزبان فارسی روان

نوشته است

۲۱۲- برهان نظامشاه ، دومین پادشاه سلسله نظامشاهیان دکن که در احمد نگر در جنوب هندوستان پادشاهی کرده اند . وی پس از پدرش مؤسس این سلسله ملک احمد بحری پسر نظام الملک بحری که در ۸۹۶ این سلسله را تأسیس کرد در ۹۱۴ بتخت نشست و از همه پادشاهان هند بیشتر با ایران رابطه داشت بهمین جهت در سال ۹۴۴ بر اهنمایی شاه طاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی چنانکه پیش ازین گذشت (ص ۳۶۷ - ۳۶۸) بمذهب شیعه گروید و تاچندی مذهب رسمی دربار وی بود . برخی از بزرگان دربارش با وی مخالفت کردند و در صدد برآمدند برادرش جاجی را بجای وی سلطنت بنشانند و از عهده برنیامدند . برادرش بناحیه برار گریخت و چون علاءالدین عمادشاه از سلسله ، پادشاهیان در برارناحیه پاطری را که زادگاه نیاکان وی بوده هنگامی که هنوز برهن بودند در تصرف داشت و وی میخواست باو واگذار کند با وی جنگ کرد و آن ناحیه را گرفت . سپس در صدد برآمد ناحیه شالاپور را که در میان پادشاهان احمدنگر و پادشاه بیجاپور متنازع بود تصرف کند و برای اینکار با « سواشیواریه » پادشاه هندوی ناحیه و بیجیانگر متحد شد و بدین گونه پادشاه هندو ناحیه رایچوردو آب را گرفت و وی هم قلعه شالاپور را تصرف شد . سرانجام در ۹۶۱ در گذشت و پسرش حسین نظامشاه بجای او نشست . برهان نظامشاه توجه خاصی بزبان فارسی داشته و یکی از مهمترین عوامل انتشار این زبان در ناحیه دکن بوده است . خود نیز در شعر فارسی دست داشته و سپهری تخلص می کرده است .

۲۱۳- شاه جمشید خان اسحاقی ، چهارمین پادشاه سلسله اسحاقی گیلان پسر سلطان محمود خان بن مظفر . امیر دیباج مظفر سلطان این سلسله در ۹۲۳ تأسیس کرد و تا ۱۰۲۸ حکمرانی کردند . وی در روز پنجشنبه ۱۷ ربیع الاول ۹۷۵ جانشین پدر شد و درین سال پس از خلع کار کیا احمد پادشاه شاه طهماسب حکمرانی قلمرو وی را نیز باو داد و در ۹۹۱ کشته شد . برخی از تذکره نویسان درباره وی بخطا رفته اند و او را جمشیدخان ترکستانی نامیده اند . وی نیز شاعر توانایی بوده و غزل را خوب می سروده

است. در رشت خلیل زرگر از شاعران معاصر وی منظومه‌ای درباره‌ی وی بنام جمشید نامه سروده است.

۲۱۴- غازی گرای خان دوم، پانزدهمین پادشاه سلسله گرایان قرم (کریمه)

پسر دولت گرای خان اول که بواسطه دلاوری و جنگ جوی او را «بورا» لقب داده بودند که در ترکی بمعنی توفانست. پس از دو برادر خود محمد گرای و اسلام گرای بیادشاهی رسید. پیش از پادشاهی از دست نشاندگان پادشاهان عثمانی بود و در جنگ با ایران شرکت کرد و اسیر شد و هفت سال در قلعه معروف فقهه زندانی بود تا آنکه آزاد شد و از آنجا باستانبول رفت و جلب توجه سلطان مراد سوم آل عثمان را کرد و باین وسیله در ۹۹۶ بیادشاهی رسید و بهمین عنوان در ۹۹۹ برای تصرف مسکولشکر کشید و درین جنگ از روسها شکست خورد و زخمی شد. سال بعد برادرش فتح گرای را که ولیعهد بود بار دیگر بجنگ روسها فرستاد و درین جنگ روسها عده کثیر از لشکریانش را اسیر کردند. پس از آن در لشکر کشی پادشاهان عثمانی بمجارستان شرکت کرد. در ۱۰۰۵ مورد خشم سلطان محمد سوم آل عثمان قرار گرفت و او را خلع کردند و فتح گرای برادرش را حکمرانی دادند. وی بشهر سینوپ (سینوب یا سنوب) در عثمانی رفت و از سلطان دلجوئی کرد و فرمان حکومت قرم را ازو گرفت و چون بسرزمین خود بازگشت با آسانی بار دیگر بر تخت نشست و برادرش را کشت. درین زمان از ناتوانی سلطان محمد سوم برخوردار شد و بیش از پیش استقلال یافت و در اندیشه آن بود سلطنت خود را استقلال کامل بدهد و در خاندان خود موروث کند. در رین میان در شوال ۱۰۱۶ در گذشته و پسرش تقتمش بجای او نشست اما پادشاهان عثمانی او را برسمیت نشناختند و فرمانروایی را برادر غازی گرای یعنی سلامت گرای دادند. غازی گرای یکی از معروفترین پادشاهان این سلسله است. چندی پایتخت خود را از شهر باغچه سرای بشهر «گوزلو» برد. در ضمن پادشاهی باذوق و هنرمند بود و در موسیقی دست داشت و چند ساز را خوب می‌زد. در زمانی که در ایران بود فارسی را خوب یاد گرفته بود و بزبان فارسی شعر می‌گفت و برخی اشعار خوب از او مانده است.

۲۱۵ - محمدی خان کرد، دهمین فرمانروا از سلسله سوم اتابیکان لرستان یا بنو خورشید که با اتابیکان لر کوچک معروف بوده‌اند و ایشان را هم کردهم لر نوشته‌اند و از ۷۱۶ در لرستان فرمانروایی داشته و پایتختشان شهر خرم آباد بوده است و سرانجام بمقهور صفویه شده‌اند. تا سال ۸۱۰ تاریخ این خاندان تا اندازه‌ای روشنست و از آن پس دیگر اطلاع درستی نیست. محمدی خان یا محمد بیک کرد یا لر پسر جهانگیر بن رستم بود و پس از برادر خود رستم بن جهانگیر بحکمرانی رسیده است. تاریخ آغاز و انجام حکمرانی او درست معلوم نیست و بیشتر دست نشاندۀ صفویه بوده است. پدرش جهانگیر را در سال ۹۴۹ فرمان شاه طهماسب گشتند و پس از نخست رستم و سپس محمدی بیک بحکمرانی رسیدند و چون از پادشاهان صفوی هر اسان بود پس از مرگ شاه اسمعیل دوم از ایران بخاک عثمانی رفت و بساطان مراد سوم آل عثمان پناه برد و گویا در خاک عثمانی ماند و با ایران بازنگشت و از آن پس دیگر آگاهی از او در کتابها مانده است. وی غزل را نیکو می‌سروده و برخی از اشعار او مانده است.

۲۱۶ - سلطان ابراهیم میرزا صفوی، پسر بهرام میرزا پسر شاه اسمعیل اول و برادر زاده شاه طهماسب و داماد او بود. شاه طهماسب حکمرانی خراسان را باو داده بوده و پس از مرگ وی که در سرسلطنت در میان شاهزادگان صفوی اختلاف در گرفت وی از کسانی بود که شاه اسمعیل دوم را یاری کرد و در قزوین ساکن بود و درین زمان ایشک آقاسی باشی دربار شاه طهماسب بود. شاه اسمعیل برای اینکه برادرش سلطان حسین میرزا حکمران قندهار بود و می‌ترسید اگر با او بدرفتاری بکند برادرش در خراسان زحمت فراهم کند ظاهراً با او خوشرفتاری می‌کرد و سمت مهرداری خود را باو داد. اما بزودی از او برگشت و در آغاز سلطنت خود در ۹۸۴ که فرمان دادش تن از شاهزادگان خاندان خود را که در قزوین بودند بکشند چر کسان که مامور این کار شده بودند بخانه وی ریختند و او را از کنار زرش بیرون کشیدند و طناب انداختند. و بدین گونه از جهان رفت. سلطان ابراهیم میرزا یکی از هنرمندترین و داناترین شاهزادگان این سلسله بود. گذشته از آنکه شعر را خوب می‌گفت و جاهی



تخلص می کرد خط نسخ تعلیق را بسیار خوب می نوشت و نقاش زبردستی بود و در موسیقی شاگرد مولانا قاسم قانونی موسیقی دان معروف آن زمان بود و چند ساز را خوب می زد و نیز در نجاری و ساز تراشی و خاتم بندی زبردست بود. دستگاه وی پناهگاه جمعی کثیر از ادیبان و هنرمندان بود و کتابخانه بسیار مجللی از آثار خوشنویسان و نقاشان معروف فراهم کرده و چینی خانه ای شامل بهترین ظرفهای چینی و نفایس فراوان داشت. زنی که از گذشته شدن وی بسیار متأثر شده بود برای اینکه نفایس وی بدست شاه اسمعیل نیفتد کتابها و نقاشیهای او را در آب انداخت و چینی ها را شکست و نفایس دیگر او را آتش زد و خود در همان ماه که شوهرش را کشته بودند از شدت تأثر در گذشت.

۲۱۷ - سلطان حسن میرزا صفوی ، فرزند ارشد سلطان محمد خدا بنده و

و برادر مهتر شاه عباس، مادرش دختر میر عبدالعظیم سیفی حسینی از امرای کیلان و خود داماد قاضی جهان بود. در ۹۶۶ ولادت یافت. عمش شاه طهماسب در کودکی او را از هرات خواست و چندی پیش خود در قزوین نگاه داشت و پس از چندی حکمرانی نصف مازندران را باو داد و میرک دیو را که از طایفه دیو سالاران مازندران بود بوکالت و پیشکاری او مأمور کرد. چون میرک از سلطان حسن میرزا و کار گزاران او فرمان برداری نمی کرد بی اطلاع شاه طهماسب او را کشت و طایفه دیو سالاران مازندران قیام کردند. شاه طهماسب خشمگین شد و باو گفتند که سلطان حسن این کار را بتحریک میر عزیزخان یسر میر عبدالله خان خال خود کرده است. شاه فرستاد و همه کاغذهای او را بدر بار آوردند و چون برو مسلم شد میر عزیز را زندانی کرد و بقلعه اصطخر فرستاد. پس از مرگ شاه طهماسب چون سلطانم مادر شاه اسمعیل دوم که جد او بود این شاهزاده جوان را بسیار دوست می داشت با امید آنکه جدش پشیمان او خواهد شد بی دستور شاه اسمعیل از مازندران بیرون آمد که بدر بار برود. چون بتهران رسید شاه اسمعیل خبر شد و اجازه نداد بقزوین برود ولی چون پدرش سلطان محمد خدا بنده و یکی از برادرانش در شیراز در میان طایفه ذوالقدر و برادر دیگرش در هرات در میان طایفه استاجلو نفوذ بسیار می داشتند و می ترسید که اگر باو آسیبی برساند دوچار

دشواری شود نزد او فرستاد و پیغام داد که مادرم در قم هست و من عجالة مشغول تهیه آتم که او را با احترام نزد خود بیاورم ، چون ازین کار فارغ شدم ترا هم نزد خود خواهم آورد و چون وضع خوشی نداری اکنون در طهران بمان . اما در آوردن مادر و احضار او بهانه می آورد ، تا اینکه درصدد برآمد طریقه اهل سنت را مذهب درباری خود بکنند و بدخواهان باو گفتند قزلباشان شیعه که ازین کار رنجیده اند در صددند سلطان حسن را بیادشاهی برسانند . شاه اسمعیل هم مسیب خان شرف الدین اعلی تکلو را که خواهر زاده سلطانم مادرش و خاله زاده او و سلطان حسن بود مأمور کرد بطهران بیاید و او را بکشد . وی باین کار تن در نمی داد و دست بدست می کرد تا اینکه بشاه اسمعیل خبر رسید که سلطان حسن از طهران بیرون آمده و بتائی راه می پیماید و بکرج ساوجبلاغ رسیده است . کوسه علیقلی و امرای ترکمان را با چهل پنجاه تن از قورچیان خود فرستاد که هر بیست و دو تن ازیشان سر طناب را بدست بگیرند و او را بدین گونه خفه کنند . مسیب خان که در راه بود ازین کار خشنود شد و باز گشت . آن گروه بطهران رسیدند و درخانه ای را که سلطان حسن در آن بود قفل کردند که از آنجا نگریزد . سلطان حسن ترکش و کمان خود را برداشت و بر روی بسام رفت و مصمم بود تا می تواند پایداری کند . کوسه علیقلی خدعه کر و او را فریب داد و گفت آمده ایم ترا ببریم و قرآنی بدست گرفت و بدروغ سوگند خورد . سلطان حسن اعتماد کرد و با ایشان رو برو شد و ایشان گردش را گرفتند و طناب بگردنش بستند و او را خفه کردند و بدین گونه وی در پایان سلطنت شاه اسمعیل دوم در همان سال ۹۸۴ که بسیاری از شاهزادگان صفوی بفرمان شاه اسمعیل کشته شدند ازین جهان رفت . این شاهزاده از جوانان دلیر و زیبا و کریم و بخشنده و بزرگوار خاندان خود بوده و شعر را نیکومی سروده است .

۲۱۸ - سلطان مصطفی میرزا صفوی ، پسر پنجم شاه طهماسب اول از مادر گرجی در ۹۶۴ ولادت یافت . از کودکی در میان امرای استاجلو بزرگ شده بود . در جوانی در جنگ باخان احمدخان پادشاه کیلان پدرش وی را با امیرخان ترکمان و فوج خلیفه مهرداد و نظر سلطان استاجلو لله وی بناحیه بیه پیش کیلان فرستاد و

سلطان زیاد اغلی حاکم کسگر و میرزا کامران کوهدمی و احمد سلطان بیه پسی و کیل جمشیدخان را از کیلان مأمور کرد که با ایشان همدست شوند و در کن السلطنه معصوم بیگ صفوی را هم از قزوین مأمور آن جنگ کرد. پس از آنکه نظر سلطان استاجلو لله او مرد پدرش حسین بیگ پسر حسن بیگ یوزباشی را که از ارکان دولتش بود پیشکاری او گذاشت. از میان برادرانش که نه تن بودند با برادر دوم سلطان حیدر میرزا دل بستگی کامل داشت. بهمین جهت پس از مرگ پدر که درباره جانشینی او اختلاف در گرفت وی طرفدار سلطنت سلطان حیدر بود و با سلطنت برادر اول شاه اسمعیل دوم مخالف بود. پس از کشته شدن سلطان حیدر وی از قزوین بجایگاه ایل بیات رفت. شاه اسمعیل بواسطه نفوذی که وی در میان طوایف استاجلو داشت نخست در کشتن وی تردید داشت و سرانجام دستور داد حاجی او پس سلطان بیات او را بگیرد و بقزوین ببرد و پیره محمدخان استاجلو بسپارد و قبض بگیرد و او چند روز در خانه پیره محمدخان در انتظار مرگ بود و عبادت می کرد و چون امرای استاجلو صلاح خود را در کشتن وی می دانستند شبی بنخواستگاه او رفتند و او را خفه کردند و بیکر او را با بیکر سلطان سلیمان میرزا برادر مهترش که پسر چهارم بود و در همان روز کشته بودند در بقعه امامزاده حسین در قزوین بخاک سپردند. بدین گونه وی در سال ۹۸۴ با شاهزادگان دیگر خانواده اش کشته شد. پیاداش این خدمت دختر پیره محمدخان را که نامزد شاه اسمعیل بود در همان روزها بعقد شاه درآوردند. پس از چندی دختر سلطان مصطفی میرزا بهم سری شاه عباس درآمد. این شاهزاده جوان هوشیار و زیبا و از شاهزادگان کارآمد و هنرمند خاندان صفوی بوده و غزل را خوب می گفته است.

۲۱۹- مسیب خان تکلو، پسر محمد خان شرف الدین اغلو تکلو که لله شاه

محمد خدا بنده پیش از سلطنت و حکمران هرات بود. در ضمن خواهرزاده سلطنت دختر موسی سلطان موصلوی تر کمان زن شاه طهماسب و خاله زاده شاه اسمعیل دوم و شاه محمد خدا بنده بود و از بزرگان دربار شاه اسمعیل دوم و شاه محمد بشمار می رفت. پس از مرگ شاه طهماسب از موافقین سلطنت شاه اسمعیل بود و بهمین جهت شاه اسمعیل

حکمرانی ری را باو داد اما در کشتن شاه اسمعیل با امرای دربار وی همدست شد و چون شاه محمد بسطنت رسید وی را در حکمرانی ری نگاه داشت و تا پایان سلطنت وی درین سمت بود و در ضمن سمت ریش سفیدی او یماق تکلو را باو دادند. درین میان در جنگهای آذربایجان با پادشاهان عثمانی و عادل گرای خان تاتار شرکت مؤثر کرد و در جنگ صاین قلعه با حمزه میرزا پسر شاه محمد خدا بنده اسیر شد و حمزه میرزا او را عفو کرد ولی با مخالفان وی در کشتن او همدست شد و تا ۹۹۲ حکمران ری بود. در ضمن مردی هنرمند و ادب پرور بود و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و در موسیقی دست داشت و تصنیف هایی ساخته بود که معروف بود. در شعر فارسی نیز دست داشته است.

۲۲۰- مرادخان فکاری، پسر تیمور خان یا نمر خان حکمران سیستان در زمان شاه طهماسب و لله بدیع الزمان میرزا، از امرای استاجلو و از اعیان دربار شاه طهماسب بود که در پایان سلطنت وی را بجنگ ملک جهانگیر رستم داری پسر ملک سلطان محمد حکمران کجور و رستم دار فرستاد و وی قلعه کجور را چهار ماه محاصره کرد. درین میان شاه طهماسب مرد و او پس از کشته شدن سلطان حیدر میرزا از کجور بلاهیجان نزد پیره محمد خان استاجلو رفت و دست از محاصره قلعه کجور برداشت. چون شاه اسمعیل دوم پادشاهی رسید می ترسید که وی با سلطنت او مخالفت کند و هواخواه پادشاهی برادرش امامقلی میرزا گردد. علی خان بیگ تر کمان داروغه دفترخانه خود را نزد پیره محمد خان فرستاد و باو دستور داد که مرادخان را کور کند تا نتواند کاری از پیش ببرد. مرادخان از مردان نامی روزگار خود و سر کرده طبقة سلطان حیدریان در دربار صفویه بوده و شعر را نیکو می سروده و فکاری متخلص می کرده است.

۲۲۱- محمد امین سلطان تر کمان، از امرای تر کمان دربار صفویه و از خانواده مادری شاه اسمعیل دوم بود و مردی دلیر و بخشنده بشمار می رفت و تا زمان شاه عباس اول می زیست و شعر نثر کی و فارسی را خوب می گفت.

۲۲۲- شاهویردی چمدان اوغلی متخلص بغیوری، از امرای ترک دربار

صفویه در زمان شاه طهماسب و شاه عباس اول و مردی صوفی مشرب بود و غزل را نیکو می‌سرود .

۲۲۳- محمد پاشا، پسر اسکندر پاشا روملی بودند حکمران یمن از جانب پادشاهان آل عثمان که در ۹۳۰ بدین سمت برگزیده شده است . از مردان با ذوق و دانشمند زمان خود بود و ترکی و عربی و فارسی را بسیار خوب می‌دانست و بهر سه زبان شعر می‌گفت .

۲۲۴- محمد بیگ مذاقی یا مذاقی، از کارگزاران دربار شاه محمد خدا بنده و نواده قراجه سلطان تکلو بود . در سال ۹۸۸ که خدا بنده در آذربایجان و قفقاز با ترکان عثمانی در جنگ بود مرشد قلی خان استاجلو که در خراسان بود برخی از سران را از خود رنجانیده بود از آن جمله شاه قلی سلطان قارنچه اوغلی استاجلو از آنجا رهسپار لشکر گاه شاه شده بود در راه در خاک ورامین این محمد بیگ که سر کرده جماعت تکلو ملازمان مسیب خان شرف الدین اغلی سابق الذکر بود با سیصد سوار برو و کسان او تاخت و جنگ در میانشان در گرفت و محمد بیگ شکست خورد و خدا بنده فرمان داد طایفه تکلورا که در ناحیه ری بودند سر کوبی کنند امام مسیب خان این کار را مصلحت ندید . چندی نیز حکومت کیلان را داشت و در آن ناحیه چهارصد پانصد تن از قزلباشان را بدست مردم کیلان بکشتن داد و جزین دیگر از احوال وی اطلاعی نیست . وی شعر فارسی را خوب می‌سروده و ظاهراً مذاقی تخلص می‌کرده است .

۲۲۵- مهدیقلی خان قادیورقایی معروف بقادیورقالی، از سرکردگان قزلباش در زمان شاه محمد خدا بنده و شاه عباس و در میان قزلباشان به « سولاخ » معروف بود و در زمان شاه عباس درجه امیری یافت و سفر بسیار کرده بود و شعر فارسی را خوب می‌گفت .

۲۲۶- پهلوان بیگ قمری ، از مردم طایفه قمری و از سران سپاه صفویه در زمان شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده بود و در خراسان دلاوریهای بسیار کرد و بهمین جهت در زمان خدا بنده بدرجه امیری رسید و در موسیقی و شعر دست داشت .

۲۲۷- محمد بيك امانی ، ازترکان بایبورت درشمال شرقی آسیای صغیر بود و مردی پرهیزگار بشمار می رفت . در دستگاه صفویه وارد خدمت شد و حکمرانی یزد یافت و بیشتر بترکی شعر می گفت و امانی تخلص می کرد .

۲۲۸- رستم بيك ، معروف بکوسه رستم نیز از کارگزاران دستگاه محمد خدا بنده و شاه عباس بود و حکمرانی ناحیه هزارجریب را یافت و مردی دلیر و بخشنده بود و بیشتر بترکی شعر می گفت .

۲۲۹- جمالی بن حسن شوشتری ، از شاعران اوایل دوره صفویه تا زمان شاه اسمعیل دوم بوده ، از احوال او جزین اطلاعی نیست که در ۹۹۴ متظومه ای شامل تاریخ صفویه بنام فتوح العجم بپایان رسانیده است .

۲۳۰- میرزا مخدوم شیرازی ، پسر میر عبدالباقی و نواده میر شمس الدین محمد پسر میرسید شریف شیرازی و دختر زاده قاضی جهان شیرازی وزیر . از سادات سیفی حسینی قزوین بود و نسبش بمیرسید شریف کرگانی دانشمند معروف می رسد . نامش میرزا محمد علی و بمیرزا مخدوم معروف بوده است . در جوانی وارد دربار شاه طهماسب شد و در ۹۸۴ وزیر او شد و چون از پیشوایان اهل سنت بود و شاه طهماسب در طریقه شیعه تعصب بسیار داشت کار مهمی باو رجوع نمی کرد . اما چون در قزوین همسایه پری خان خانم دختر شاه طهماسب بود باو نزدیک شد . پس از مرگ شاه طهماسب که بر سر جانشینی وی اختلاف در گرفت وی با پری خان خانم همدست و از هواخواهان سلطنت شاه اسمعیل دوم شد . بهمین جهت شاه اسمعیل يك نیمه از کارهای صدارت خود را باو داد و چون در پادشاه نفوذ فوق العاده یافت وی را تحریك کرد که از طریقه شیعه برگردد و بتسنن بگردد . وی را وادار کرد درین راه بکوشد و شاه می خواست دختر خود را باو بدهد . نیز شاه اسمعیل را برانگیخت شاهزادگان صفوی را بکشد تا در پادشاهی و در خاندان خود رقیب نداشته باشد و شاهزادگان سران قزلباش را بمخالفت او برنیکیزند . در ضمن چندتن از سران قزلباش را هم بدین بهانه کشتند . پس ازین واقعه بزرگان کشور و سران لشکر نامه ای بشاه نوشتند که اگر بتاج و تخت

خود دلبستگی دارد باید میرزا مخدوم را بکشد و این نامه را در خوابگاه وی انداختند. شاه اسمعیل چون دید که در خوابگاه وی نیز رخنه کرده اند و از مخالفان خود در آنجا هم در امان نیست ناچار بهمان بهانه سنی بودن میرزا مخدوم را عزل کرد و بزندان افکند و از آن پس دیگر از مذهب تسنن هواداری نکرد. وی همچنان در زندان بود که شاه اسمعیل را کشتند و او بدستیاری پری خان خانم که همچنان پشتیبان وی بود در فتنه ای که پس از کشته شدن شاه روی داده بود نهانی از زندان در سال ۹۸۵ گریخت و بخاک عثمانی پناه برد. نخست بیماری درویش پاشا حکمران دیار بکر و سعدالدین معلم سلطان مراد سوم قاضی القضاة دیار بکر شد و سپس قاضی طرابلس شام بود و سپس یاسه تا نبول رفت و در ۹۸۹ قاضی بغداد شد و پس از آن قاضی مکه شد و سه سال در آنجا بود و در ضمن تقیب الاشراف بود. سپس قاضی عسکر آناتولی و بعد از آن قاضی عسکر روملی شد و بار دیگر بمکه رفت و همچنان در دستگاه پادشاهان آل عثمان بود تا در مکه در ۹۹۵ درگذشت. میرزا مخدوم از دانشمندان زبردست زمان خود بوده و در حدیث و تفسیر دست داشته و بسیار زبان آور و بذله گوی بوده و از واعظان زبردست زمان خود بشمار می رفته و سالها در قزوین در مسجد حیدریه نزدیک خانه خود وعظ می کرده و جمع کثیری در مجالس وعظ او گرد می آمدند. شعر فارسی و مخصوصاً غزل را خوب می گفته و شرف تخلص می کرده است و در ۹۸۷ کتاب النواقض فی رد علی الروافض را در رد بر شیعه نوشته است.

۲۳۱- میر راستی تبریزی، از کار گزاران نامی دربار شاه طهماسب و شاه محمد

خدا بنده و محتسب ممالک بحر و سه بوده و از سادات محترم بشمار می رفته است. پسرش میرجعفر محتسب الممالک که جانشین او شده نیز از مردان محترم بوده است. این خانواده از سادات طباطبایی حسینی بوده اند و با سادات عبدالوهابیه خویشاوندی داشته اند. پسرش تا پایان زندگی همان منصب را داشت و در آغاز سلطنت شاه عباس درگذشت. میر راستی از شاعران زبردست این دوره بوده و شعر را روان و فصیح می سروده است.

۲۳۲- خواجه حبیب الله ترکه، از مردان نامی خاندان معروف ترکه بود و

بیشتر در اصفهان می زیست و چنانکه پیش ازین گذشت (ص ۴۵۱) در زمان شاه طهماسب

قاضی اصفهان بود و پس از مرگ او قضاوت آن شهر پسرش افضل‌الدین محمد (مذکور درص ۴۴۸-۴۵۲) رسید و پسرانش خواجه افضل‌الدین محمد تر که دوم و خواجه ضیاء‌الدین علی هر دو از شاعران زبردست و از مشاهیر این روزگار بوده‌اند. خواجه حبیب‌الله نیز شاعر توانایی بوده و بیشتر رباعی می‌گفته است.

۲۳۳- میرزا محمد منشی اردوبادی، از مردم اردوباد آذربایجان و مردی آراسته بود. نخست در دربار شاه طهماسب بود و شاه اسمعیل دوم چون پادشاهی رسید درباره او توجه بسیار داشت و سرانجام شاه عباس بسبب او را گشت. وی نیز از شاعران توانای این روزگار بوده است.

۲۳۴- مهرعلی اکبر مشهدی، پسر میرهادی محتسب الممالک دربار صفویه و مردی دلیر و بخشنده بود، چنانکه سالی بیش از صد تن وظیفه خوار او بودند و از سرایندگان زبردست زمان خود بود و قصیده را خوب می‌گفت.

۲۳۵- قاضی عبدالله رازی، پسر قاضی محمد از معاریف ری و خود و پدرش قاضی این شهر بودند و نزد شاه محمد خدابنده بسیار مقرب بود و اغلب با وی شوخی می‌کرد. در موسیقی دست داشت و تصنیف‌هایی استادانه ساخته بود و در شعر نیز استاد بود.

۲۳۶- میرمحمد هاشم متخلص بهرده‌می، از سادات مشهد بود و مدتها در آستان رضوی سمت منشی‌گری داشت و مدتی نیز درهرات در دستگاه علیقلی خان شاملو بوده و در ۹۹۷ با او گشته شد و شاعر خوش طبع شیرین سخن بشمار می‌رفت.

۲۳۷- مولانا کامی لاهیجانی، از دانشمندان و شاعران نامی کیلان در روزگار خود و مردی دانشمند بود و از منشیان دربار خان احمدخان بشمار می‌رفت و خوش طبع بود و غزل را نیکو می‌سرود.

۲۳۸- قاضی عطاءالله رازی، برادر قاضی محمد و عم قاضی عبدالله رازی سابق‌الذکر و وی نیز از قاضیان شهرری بود و از خاندان محترمی بشمار می‌رفت و مانند برادر زاده‌اش نزد شاه محمد خدابنده مقرب بود و مردی خوش طبع و نیکو سخن بود.

۲۳۹- ملاحسین یزدی متخلص بمؤمن، از معاریف شعرای قرن دهم و از



شاگردان میرزا جان شیرازی دانشمند معروف بود. پدرش در دفتر خانه شاه نعمت الله باقی کتابدار بود و وی از مشاهیر دانشمندان یزد بشمار میرفت و مردی صوفی مشرب بود و روزگار را بتدریس و تعلیم میگذراند و در سال ۱۰۱۰ در یزد در گذشت. وی شاعر توانایی بوده و رباعیات بسیار سروده است و بیشتر بمولانا مؤمن حسین معروف بود زیرا که مؤمن تخلص می کرد.

۴۴۰ - سیف الدین محمود اصفهانی متخلص برجایی ، از بزرگ زادگان اصفهان و در دفتر خانه شاه محمد خدا بنده کاتب رسمی بود و از شاعران توانای روزگار خود بشمار می رفت و بیشتر قصیده سرا بود.

۴۴۱ - مولانا محمد شرقی متخلص بنیازی ، پیشکار شاه نعمت الله یزدی معروف بباقی نواده شاه نعمت الله ولی و ساکن یزد بود و از غزل سرایان خوب این دوره بشمار میرفت.

۴۴۲ - احمد بیک مشرف ، از فرزندان خواجه سیف الملوك طهرانی معروف باقاسیف الملوك از اعیان دربار صفویه و از کار گزاران دستگاه شاه محمد خدا بنده و از نویسندگان آن دربار و مردی دانشمند بود و شاعر توانا بشمار میرفت.

۴۴۳ - طهماسب قلی بیک متخلص بهرشی ، ساکن شهر یزد و از کار گزاران دستگاه شاه خلیل الله پسر میر میران کاکلتاش نواده شاه نعمت الله ولی در یزد بود و مردی شاعر پیشه و خوش گذران بشمار میرفت و غزل را نیکو می سرود.

۴۴۴ - خان میرزا ، پسر معصوم بیک صفوی ، خود و پدرش از اعیان دربار صفویه در زمان شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده بودند و در هیئت و معما دست داشت و از شاعران پر کار زمان خود بشمار میرفت و غزل را خوب می گفت و چندی از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان داشت.

۴۴۵ - قاسم بیک قسمی ، پسر عباس سلطان افشار از امرای دربار شاه طهماسب و از امیرزادگان کرمان بود و مرد کریم و بخشنده و داتش پرور بشمار میرفت و در ضمن عاشق پیشه بود و بدست خواجه زادش کشته شد و باوحشی بافقی شاعر معروف بسیار

معاشرت داشته و غزلسرای زبردستی بوده است .

۴۴۶ - سلطان محمود خان، پسر امیر خان کلابی از امرای ترکمان دربار صفویه و خود معاصر شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده و مردی بی باک و بی پروا بوده و غزل را خوب می گفته است .

۴۴۷ - علی خان میرزا ، برادر کبوتر مراد خان فکاری سابق الذکر از بزرگ زادگان دربار صفویه و مردی خوش گذران و قانع بوده و سفری هم بگیلان رفته است . بزبان فارسی و ترکی از هر گونه شعر می گفته و صادق تخلص می کرده است .

۴۴۸ - مراد بیگ ، پسر شاهقلی سلطان حکمران کرمان و از نجیب زادگان این دوره بود و در نتیجه پیشامدهای بدی که بروی رخ داده بود از خدمت دیوان کناره گرفته و بقاشق تراشی روزگار می گذراند . در محاصره سبزوار بدست حمزه میرزا خلفاوغلی نامی او را کشت . وی شعر را خوب می گفته و رباعیاتی از او مانده است .

۴۴۹ - محمد مؤمن بیگ ، برادر محمد امین سلطان ترکمان و او نیز از بزرگ زادگان دربار صفویه بود و در ضمن مردی دلیر و بخشنده بشمار می آمد و بفارسی و ترکی اشعار فراوان داشته است .

۴۵۰ - یادگار بیگ ، پسر حسن سلطان و از بزرگ زادگان و مردی مہذب بود و از کار دست کشیده بحدی رفت و غزل را نیکو می سروده است .

۴۵۱ - میرزا نظام الملک ، پسر میرزا سلمان جابری اصفهانی سابق الذکر و مردی خوش نفس و بخشنده بود و او نیز غزل را خوب می گفته است .

۴۵۲ - میرزا ابراهیم ، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی و از بزرگ زادگان بوده و مردی خوش خوی بشمار می رفته و غزل را خوب می گفته است .

۴۵۳ - امیر نورالله شوشتری ، پسر برادر کبوتر امیر اسدالله صدر از اعیان دربار صفوی و شاعر زبردستی در غزل سرایی بوده است .

۴۵۴ - عباس بیگ ، پسر فرخزاد بیگ ترکمان و از بزرگ زادگان دربار صفویه بوده و شاعر توانایی بشمار میرفته و غزل را نیکو می سروده است .

۴۵۵ - محمد صالح بیک ، پسر مقصود بیک وزیر و مرد خوش اندامی بوده و غزل را خوب می گفته است .

۴۵۶ - قاسم بیک هجری ، پسر اژدها سلطان افشار بوده و هجری تخلص می کرده و ترکیب بند مسدسی سروده که معروف بوده است و نیز غزل را خوب می سروده است .

۴۵۷ - محمد بیک خلیفه الخلفایی ، پسر مهتر میر رفیع الدین محمد خلیفه معروف بتخلیفه سلطان بن میر شجاع الدین محمود اصفهانی از وزرای شاه عباس بود ، مردی افتاده و آرام بشمار میرفت و در نقاشی استاد بود و خط نسخ تعلیق را بسیار خوب می نوشت و طنبور و پنج تنار را هم خوب می زد . در ضمن مردی دلاور و بخشنده بود و شعر را خوب می گفت و برخی رباعیات از او مانده است .

۴۵۸ - میر صنعی نیشابوری ، از سادات نیشابور و مردی درویش مشرب و مرتاض بود و از دانشمندان مسلم بشمار میرفت و گروهی از شاگردان او بوده اند . نوشته اند با آنکه نود سال داشت سه سال سر بیابین نگذاشت . در تبریز دلداده شاگرد عطاری شد و از خانه خود تا جایگاه او که يك ميل راه بود در رفت و آمد بود . در علاقه بندی و گل دوزی استاد بود و کاغذهای رنگ و افشان را بسیار خوب می ساخت و نیز در شستن سرنج و سفیداب و لاجورد زبردست بود و غزل را بسیار خوب می سرود .

۴۵۹ - میر محمد مؤمن استرآبادی ، خواهر زاده میر فتح الدین سماکی از دانشمندان مشهور آن زمان بود و خود نیز مردی دانا و معلم سلطان حیدر میرزا بود و شاعر توانایی در غزل بشمار میرفت .

۴۶۰ - میر سلیمان رازی ، پسر قاضی محمد رازی و برادر زاده قاضی عطاء الله و رامینی رازی سابق الذکر بوده است . پدرش از قضاة معروف بشمار می رفت . مردی نیکو فطرت و لایبالی بوده و در موسیقی و شعر دست داشته و شعر شناس زبردستی بوده است .

۴۶۱ - میر ابو تراب علوی ، در شهر همدان بطبابت می پرداخت . در آغاز زندگی

بامولانا حیرتی هر وی معاشر بود. روزی در کنار رود «بوله کناره» که شست و شوی می کرده حیرتی موقع را غنیمت شمرده و همه اشعاری را که وی در مدت عمر گفته بود در آب انداخته و هر چه اومی گوشد نمیتواند آن اوراق را از آب بگیرد. در هر حال از شاعران درجه دوم زمان خود بوده است.

۲۶۲ - میر محمد کسکنی ، از بزرگان سبزوار و مردی دلاور بوده و تاجحدود ۹۱۱ می زیسته است و اقسام شعر مخصوصاً غزل را خوب می گفته است .

۲۶۳ - میر حیدر گره رودی ، پسر علاءالدین منصور از رجال نامی در بارصفویه بوده ، خوش نویس و غزلسرای خوبی بوده است .

۲۶۴ - میر حیدر کاشی ، مردی کوتاه قد و خرد اندام بوده و در شاعری مخصوصاً در معما دست داشته است .

۲۶۵ - میر قربی ، مردی درویش مشرب بوده و مدتی در ابرقوه زیسته است و در آنجا دلدادۀ مقصود نامی شده است و غزل و معما را خوب می گفته است .

۲۶۶ - میر منهی ، از سادات زواره اردستان و در شعر شاگرد حاتم کاشانی بوده است و مردی بلندپرواز بشمار میرفته و غزل را خوب می سروده است .

۲۶۷ - میر حزمی تبریزی ، بعطاری روزگار میگذرانده و او نیز غزل می سروده است .

۲۶۸ - میر بزمی همدانی ، پسر میرزا ابوتراب علوی سابق الذکر و مرد خوشرویی بوده و غزل را خوب می گفته است .

۲۶۹ - میر ابوتراب محروم رازی ، برادر قاضی غازی اسیری رازی سابق الذکر بوده و در علوم ظاهری دست داشت و مردی لا ابالی بود . غزل را خوب می گفت .

۲۷۰ - میر حزینی یزدی ، بازرگان بود و مردی امین و باذوق بشمار می رفت و غزل را خوب می سرود .

۲۷۱ - میرزا صادق اردوبادی ، مردی دانایی بوده است . در زمان شاه طهماسب بمشهد رفت و چون سادات آن شهر را هجو کرد او را از آنجا بیرون کردند

و سپس بهند رفت و در دکن ساکن شد. از اشعار وی برخی رباعیات مانده است.

۴۷۳ - میر ابراهیم دردی ، از مردم «سرکان» در ناحیه تویسرکان از توابع همدان و مردی بسیار مہذب بوده . در جوانی برای کسب دانش بهمدان رفت و در فن شعر و نقاشی ماهر شد و سپس بکرمان رفت و در بقعه شامعنة الله ولی گوشه نشین شد و غزل سرای زبردستی بود .

۴۷۴ - میر قربی لاهیجانی ، در اقسام خطوط ماهر بود و مخصوصاً در خط غبار دست داشت و از اقسام شعر معما و غزل را خوب می گفت .

۴۷۵ - میر فریبی سمنانی ، از خاندان قاضی سمنان بود و مرد دانشمندی بشمار می رفت و در موسیقی دست داشت و غزل را نیکو می سرود .

۴۷۶ - میرزا خلیل ، برادر میر ابراهیم قاضی زاده همدان بود که سرآمد دانشمندان زمان خود بشمار میرفت و وی از لشکریان و مردی دلیر بود. سرانجام آهنگ هندوستان کرد و در راه درگذشت و غزل را خوب می گفت .

۴۷۷ - میرشاه مرتضی ، از مردم ارتیمان از توابع همدان و دانشمند بود و لایالی و رباعیاتی از او مانده است .

۴۷۸ - میر معزالدین کاشانی ، مردی خوش روی و خوش طبع بود و نسخ تعلیق را خوب می نوشت و غزل را نیکو می سرود .

۴۷۹ - میر امینی استرآبادی ، از ناحیه «استرآباد ستاق» و مردی عارف پیشه و غزل سرا بوده است .

۴۸۰ - میر یحیی خیاط ، از مردم قم و مردی نیک نفس و شاعری غزل سرا بوده است .

۴۸۱ - میر جعفری ، در تبریز موزه دوزی می کرد و همت عالی داشت و غزل و رباعی می سرود .

۴۸۲ - میر نجدی ، از سادات صحیح النسب یزد و مردی متواضع بود. سفرهایی چند به هندوستان کرده و باز بایران بازگشته است و غزل را خوب می گفته است .



۲۸۲- میر ابوالبقایایی ، از مردم تفرش و مردی مہذب بود و شوخ طبع و غزل

را خوب می سرود .

۲۸۳- میر قدسی ، نیز از مردم تفرش و غزل سرای زبردستی بوده

۲۸۴- میر صدرالدین محمد ، پسر میر شامیر وزیر کرمان و مردی مہذب

و دلیر و بخشنده بود و غزل و رباعی می سروده است .

۲۸۵- محمود بیک سالم ، از بزرگان طایفه ترکمان پسر ابوالفتح بیک از

بزرگان تبریز و از بازماندگان مظفرالدین جهانشاہ بن یوسف قراقویونلو بود . مرد

بسیار آرام و مہذبی بود و از شاعران نامی زمان خود بشمار میرفت و در سرودن مثنوی

دست داشت و یوسف وزلیخا را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده است و نیز داستان لیلی

و مجنون را نظم کرده است و گذشته از آن مثنوی مهر و وفا بوزن مخزن الاسرار و دیگر

شاهنامه شاه طهماسب و دیوانش بیش از هشت هزار شعر دارد .

۲۸۶- حسن بن شکر اوغلی متخلص بمقیم می ، از بزرگان زادگان تبریز ، از

سوی پدر نبیره علیشکر بیک معروف از سران ایل بہارلو بود و از سوی مادر نسبش

بجهانشاہ قراقویونلو می رسیده است . در شعر و خوشنویسی و موسیقی دستی داشته و در

زمان جلال الدین محمداکبر بہندرفت و بفرمان عبدالرحیم خان خانان مامور دکن

شد و در ہماجا در آغاز قرن یازدهم در گذشت . وی غزل را نیکو می سروده و دیوانش

شامل ہزار بیت بوده است .

۲۸۷- مولا ناشانی تکلو ، از اویماق تکلو ساکن مشہد بوده و گاہی در ری

و گاہی در ہمدان زیستہ است و از شاعران معروف دربار شاہ عباس اول بشمار می رفتہ و

شیعہ متعصبی بوده است ، چنانکہ این بیت معروف را در حق امام اول سروده بود :

اگر ساغر کشد دشمن و گر دوست

بطاق ابروی مردانہ اوست

و شاہ عباس چنان این شعر را پسندید کہ دستور داد ہموزن اوسکہ طلا یا بقول دیگر

سکہ نقرہ باو دادند . در پایان زندگی بمشہد برگشت و در آنجا در سال ۱۰۲۳ در گذشت .

شانی از شاعران توانای روزگار خود بوده و در اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه دست داشته است .

۴۸۸ - امامقلی بیک فسونی ، از طایفه استاجلو و مردی محبوب و فروتن بوده و شعر خود را برای کسی نمی خوانده است و با این همه غزل را خوب می گفته است .

۴۸۹ - امیرخان بیک ، از خوشنویسان اسکندر خان بکیشلو از اعیان دربار صفویه بوده و خود مردی وارسته و صوفی مشرب بوده و در ضمن دلاوری و سخاوت داشته است و سر انجام در یزد در گذشت و در همانجا وی را بخاک سپردند و در غزل سرایی استاد بوده است .

۴۹۰ - پیری بیک دوگر ، از ترکمانان بوده و مردی مہذب بشمار می رفته و در موسیقی دست داشته و ترانه های بسیار ساخته است و در شعر فارسی و ترکی استاد بوده است .

۴۹۱ - کلبی ذوالقدر ، از طایفه معروف ذوالقدر بوده و در پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم می زیسته و غزل را خوب می سروده است .

۴۹۲ - قاسم بیک رغمی ، برادرزن علیقلی خان بیکلاریبکی معروف هرات بوده و او نیز در پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم می زیسته و غزل را خوب می گفته است .

۴۹۳ - مقصودعلی شکیبی ، ساکن تبریز بوده و پیشه زرکشی داشته است و در زمان خود بشاعری معروف بوده است . در زمان شاه طهماسب بقزوین رفته و در آنجا غزلی باستقبال غزل حسن دهلوی سروده و خواجه سعید کیلانی از درباریان دو بست مقال زریا و جایزه داده است . می نویسند چون تخلص خود را شکیبی گذاشت پدرش از آن ناراضی بود و می گفت من نام آدمی زادگان را باور داده ام و او نام « گربه » را اختیار کرده است و مقصود او این بوده است که در ترکی جغتایی گربه را « بیشیک » می گویند و بیشیکی را فرینه شکیبی آورده است . مردی خوش سلیقه و خوش طبع بود و در پایان زندگی به تبریز برگشت و در همان جا در سال ۹۷۱ وفات یافت و پیکرش را در گورستان

معروف سرخاب بخاک سپردند و اینکه برخی نوشته‌اند که در شیراز در گذشته است درست نیست .

۲۹۴ - خوش طبع بانی ، از طایفه تکلو و از لشکریان بوده و در استرآباد که با لشکریان بدرخان از سرداران معروف صفویه رفته بود در جنگ کشته شده و رباعی را خوب می گفته است .

۲۹۵ - مشربی تکلو ، از خانواده نجبای تکلو بوده و مردی لاابالی بشمار می رفته و دلیر و بخشنده بوده و گاهی در زمره لشکریان بوده است و در غزل دست داشته است .

۲۹۶ - میرمحمد ایواغلی ، از مردم ایواغلی یا ایواغلی از توابع شهر خوی بوده و از قورچیان سلطان حمزه میرزا پسر شاه طهماسب و خوشنویس بوده است و اشعار فارسی و ترکی را خوب می گفته و در ضمن مرد دانایی بشمار می رفته و مهذب بوده است و در تذهیب نیز دست داشته و اشعار خود را با طلا و لاجورد تذهیب می کرده است .

۲۹۷ - امیر بیک امیری ، از طوایف افشار بوده و امیری تخلص می کرده و مردی بیک نفس بشمار می رفته و غزل را خوب می گفته است .

۲۹۸ - دردی افشار ، از طوایف افشار و در روزگار خود از شاعران معروف آذربایجان بشمار می رفته است و غزل می سروده است .

۲۹۹ - پیرقلی بیک استاجلو ، از خویشاوندان یوسف بیک استاجلو از اعیان دربار صفویه و در زمان شاه طهماسب لاه و مریدی سلطان حسین میرزا پسر بهرام میرزا سابق - الذکر حاکم قندهار و پسر شاه اسمعیل شد و مرد متهولی بود و شعر فارسی و ترکی را خوب می گفت و دیوان او در دست بوده است .

۳۰۰ - تنهایی بیک ، از مردم ارسبار آذربایجان که ظاهراً تنهایی تخلص می کرده است ، مرد خوش روی شیرین زبانی بوده و ترکی و فارسی شعر می گفته است .

۳۰۱ - میرزا قاسم جنابندی ، از مردم جنابند یا جناباد همان کتاباد و کون آباد امروز خراسان بوده است ، در شعر قاسمی تخلص می کرده و نام وی محمد



قاسم بن عبدالله بود و در جناب متولد شده ، از بازماندگان امیرسید جنابدی بوده و نسبش بشاه قاسم انوارمی رسیده است . پدراننش کلانتر جنابد بوده اند و وی ازین مقام دست کشیده و این منصب را برادر خود باز گذاشته است و مردی ظریف و بخشنده و صوفی مشرب بود و املاک خود را که دوهزار تومان در آن زمان ارزش داشته و وقف آستان رضوی کرده و برادرش امیر ابوالفتح نیز مردی وارسته بوده است . خود نیز مردی دانشمند و از شاگردان غیاث الدین منصور دشتکی دانشمند معروف بوده است . شاه اسمعیل وی را محترم می داشت و نزد شاه طهماسب نیز مقرب بود و سرانجام در ۹۸۲ در گذشت . قاسمی از شاعران نامی و زبردست آن روزگار بوده و مخصوصاً در مثنوی قادر بوده است از آن جمله شهنشاه نامه در باره شاه طهماسب که شامل نه هزار بیتست در دو دفتر که اولی را در ۹۴۰ و دومی را در ۹۵۰ بیابان رسانده است ، دیگر مثنوی لیلی و مجنون که آنرا نیز بنام شاه طهماسب در ۲۵۴۰ بیت در ۹۷۸ تمام کرده دیگر مثنوی کارنامه است که آنرا نیز بنام شاه طهماسب در ۹۴۷ نظم کرده و ۱۵۰۰ بیت دارد ، دیگر مثنوی خسرو و شیرین که بنام سام میرزا پسر شاه اسمعیل در ۳۰۰۰ بیت در ۹۵۰ بیابان رسانیده است .

#### ۳۰۴ - ولی دشت بیاضی ، از نجیب زادگان دشت بیاض در خاک قاین و از

شاعران معروف عصر خود بود . چندی در قزوین در دربار شاه طهماسب بسود و سپس بخراسان بازگشت و بتیم سلطنت اوزبک چون وی شیعه بود در صدد آزارش برآمد و سرانجام او را کشت . تاریخ کشته شدنش را ۹۹۹ نوشته اند . وی از شاعران بسیار زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل را خوب می گفته و دیوانش در دستست .

#### ۳۰۴ - مولانا نزاری تبریزی ، از شاعران معروف آذربایجان بود . در جوانی

بخراسان رفت و سپس بقزوین آمد و بیست سال در آن شهر در دربار صفویه بود و محترم می زیست . سپس با امیر نقی الدین محمد نبیره امیر جمال الدین محمد صدر بکاشان رفت . وی را با غازی احمد غفاری با آنجا برد و در کاشان در میان او و محتشم زنجشی روی داد و بکدیگر را هجو کردند . نزاری غزل سرای زبردستی بوده و بروش فغانی و امیرشاهی غزل می سروده و دیوان او در دست بوده است .

**۴۰۴ - شجاع کاشانی**، از مردم متوسط کاشان و نایبنا بوده و بهمین جهت بشجاع کور معروف بوده است و در ضمن آنکه مرد دانشمندی بوده لاابالی هم بوده است و غزل را نیکو می سروده است .

**۴۰۵ - ملا عزالدین علینقی بن شیخ ابوالعلاء هاشم طغایی کمره ای** فراهانی شیرازی اصفهانی ، معروف بشیخ علینقی کمره ای ، از بزرگان علمای زمان خود بود در ۹۵۳ ولادت یافت و در کاشان و در شیراز و اصفهان از بزرگان دانشمندان عصر خود از آن جمله از شیخ بهایی عاملی دانش آموخت و چندی قاضی شیراز بود و سپس شیخ الاسلام اصفهان شد و پادشاهان صفوی وی را بسیار محترم می داشتند . تاریخ در گذشت وی را در ۱۰۶۰ نوشته اند و اگر در ۹۵۳ ولادت یافته باشد صد و هفت سال عمر کرده است ولی چنان می نماید که یکی ازین دو تاریخ درست نیست . وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل را بسیار خوب می گفته و دیوان او اکنون در دست است . قسمت متقدمین خلاصه اشعار و زبدة الافکار تألیف تقی الدین محمد ابن شرف الدین علی حسینی کاشانی متخلص بذکری را تلخیص کرده و حشو و زوائد آنرا انداخته و بدین گونه تذکره ای از شعرای متقدم فراهم کرده و ظاهراً در جمادی الاولی ۱۰۳۳ بپایان رسانیده است .

**۴۰۶ - مولانا طوفی تبریزی** ، از شاعران نامی روزگار خود بوده و نخست سراجی می کرده و سپس بزرگری پرداخته و در پی کیمیاگری رفته و همه دارایی خود را بر سر این کار از دست داده است . در قصیده و غزل دست داشته و دیوانی ترتیب داده و نیز تذکره ای از شاعران نوشته و رساله ای در فن کیمیاگری هم داشته است و در غزل پیروی از ضمیری اصفهانی می کرده است .

**۴۰۷ - فصیحی تبریزی** ، از شاعران مشهور زمان شاه طهماسب بوده و در تبریز بتکمه بندی روزگار می گذراند و میرزا شرف جهان سیفی درباره او توجه بسیار داشت و فصیحی از مصاحبان او بود و در پایان زندگی بتبریز برگشت و در ۹۵۶ در آن شهر در گذشت . دیوان قصاید و غزلیات او دوهزار بیت می شده است .

**۴۰۸ - قاضی احمد قناری سبزواری ، خواهرزاده امیر حسین کربلایی و**

از دزباریان شاه طهماسب بوده و در ضمن مردی دانشمند بشمار می رفته و مدتی در قزوین می زیسته و غزل را خوب می سروده است .

**۴۰۹ - فکری اردوبادی ، از شاعران آذربایجان و مردی وارسته بوده و غزل**

را خوب می گفته است .

**۴۱۰ - ملکی بیک سرگانی ، از شعرای توی سرکان و مردی دانشمند و وارسته**

و پرهیز کار و غزل سرای زبردستی بوده است .

**۴۱۱ - حیرانی همدانی ، از مردم شهر قم بوده و چندی در کاشان دلدادۀ**

جوانی بوده و قاضی شهر او را از آنجا رانده است و چون در همدان می زیسته به همدانی معروف شده است . از شاعران زبردست بوده و گفته اند حافظه اش چندان بود که صد هزار بیت بیاد داشت و نخست از ندمای سلطان یعقوب در آذربایجان بوده و در ۹۰۳ در گذشته است . در اقسام مختلف شعر دست داشته و مثنوی بهرام و ناهیده و مناظرۀ آسمان و زمین و مناظرۀ سیخ و مرغ و مناظرۀ شمع و پروانه ای سروده است و قصیده ای در هجو قاضی محمد کاشانی سروده که بسیار معروف بوده است .

**۴۱۲ - ضمیری همدانی ، پسر حیرانی سابق الذکر ، در همدان ولادت یافته**

و بیشتر در تبریز در دستگاه بهرام میرزا می زیسته و در قصیده ای که باقتضای امیدی رازی در مدح آن شاهزاده سروده بود دوبیت نامناسب آورده بود و بهرام میرزا بر آشفت و دستور داد او را تخته کلاه کردند و رویش را بسیاهی اندودند و در سراسر شهر تبریز گرداندند . سرانجام بهمدان باز گشت و در آن شهر در گذشت و پیکرش را در آستانۀ امامزاده اسمعیل در آن شهر بخاک سپردند . وی قصیده و غزل می سروده و شعر او متوسط است .

**۴۱۳ - حافظ صابونی قزوینی ، از شاعران معروف پایان قرن نهم و اوایل قرن**

دهم بوده و در پیری بسیار پر نشاط بوده است . بیشتر بلهجه قزوینی شعر می گفته و قصیده ای در مدح خان احمدخان کیلانی بهفت لهجه ساخته بود که معروف شده بود و در اقسام شعر دست داشته و برخی از شعرای آن زمان از روش وی پیروی کرده اند .

**۴۱۴ - مولانا سایل نهاوندی** ، اصلاً از مردم آه از توابع دماوند بوده ولی در نهاوند می زیسته که در آن زمان از توابع همدان بوده و بهمین جهت بهمدانی نیز معروف شده است و در جوانی بهمدان رفته است و در پایان عمر بیماری دماغی مبتلا شده و در ۹۴۰ در گذشته است . مردی دانشمند و منشی و شاعر توانایی بوده و غزل را خوب می گفته است .

**۴۱۵ - غزالی چنگ مشهدی** ، وی بجز غزالی مشهدی شاعر معروف این دوره است که ذکرش گذشت و بیشتر در هندوستان می زیسته است . اصلاً از مردم هرات بوده و چندی در مشهد می زیسته و در جوانی عاشق پیشه بوده است و چون کارش بالا گرفت بعراق آمد و با مادر خود بنحانه بزرگان دربار رفت و آمد می کرد و چون تخلص وی با تخلص غزالی مشهدی شاعر معروف یکسان بود قرار گذاشتند که اگر غزل خوب بسازد همان تخلص را نگاه دارد و وی غزالی شیوا گفت .

**۴۱۶ - زین الدین مسعود نیکی اصفهانی** ، پسر علی حلاج از شاعران نامی زمان خود و مردی درویش مشرب و کم سخن و مهذب بود و روزگار را بیزار گانی می گذراند و نزد شاه طهماسب محترم بود و مقرری برای او برقرار کرده بود . دیوان خود را بر کاغذ سلطانی بخط جلی نوشته بود و بدان میاهات می کرد . ترکیب بند مسدسی سروده بود که کودکان در مکتب از بر می کردند و غزل را خوب می گفت .

**۴۱۷ - قاضی عبدالله یقینی لاهیجانی** ، عم قاضی یحیی از شاعران این دوره که ذکرش پس ازین خواهد آمد و خواهرزاده شیخ احمد لاهیجی از دانشمندان این دوره و خود نیز مرد دانا و صوفی مشرب بوده و از پیروان طریقه نوربخشی بشمار می رفته و غزل و رباعی عارفانه را خوب می گفته است .

**۴۱۸ - مولانا یحیی گیلانی** ، یا قاضی یحیی لاهیجانی ، برادرزاده قاضی عبدالله یقینی سابق الذکر و مردی دانشمند بوده و از مشایخ نوربخشیه لاهیجان بشمار می رفته است . چندی در کاشان اقامت داشته و از آنجا بدهلی رفته و در بازگشت ازین سفر در کاشان در ۹۵۳ در گذشته و غزل سرایی استاد بوده است .

**۳۱۹ - عبدی جنابدی** ، از شاعران خراسان و مردم جنابد بوده و در مصاحبت ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا صفوی متخلص بجاهی می زیسته و در سرودن مثنوی زبردست بوده است .

**۳۲۰ - مولانا یمینی سمنانی** ، تخلص وی را گاهی بخطا « یمنی » نوشته اند ، پیشه شمشیرگری داشته و در سمنان می زیسته است و مردی خوش طبع و خوش سلیقه بشمار می رفته و غزل را نیکو می سروده است .

**۳۲۱ - خواجه غیاث الدین نقشبند شیرازی** ، معروف بغیاث شیرازی . وی را از بازماندگان سعدی دانسته اند و در فنون مختلف مانند نقشبندی و شعر بافی زبردست بوده و هنر او خواستار بسیار داشته و در چابکی و کمان گیری نیز استاد بوده و مورد مهربانی نیز بشمار می رفته و بسیار بخشنده بوده و نیز عابد و شب زنده دار بوده است و تا زمان شاه عباس اول می زیسته و گاهی هم ساکن یزد بوده است . طبع بسیار روانی داشته چنانکه گاهی صد بیت بدیبه پی در پی می گفته و کسی متوجه نمی شده که بدیبه سرایی می کند و در غزل سرایی ماهر بوده است .

**۳۲۲ - حسن نیک عبجری تبریزی** ، از سرایندگان نامی زمان خود در تبریز و مردی بسیار بلند قد بوده و با صبوری و وقوعی شاعران زمان خود معاشرت داشته و مردی شیرین زبان بوده و غزل را بسبک فغانی خوب می سروده است .

**۳۲۳ - مولانا کمالی سبزواری** ، معروف بکمالی افصح ، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در دربار شاه عباس جلوه ای داشته و عباس نامه منظوم را در شرح فتوحات وی سروده و در غزل نیز دست داشته و در ۱۰۲۰ در گذشته است .

**۳۲۴ - مولانا حدادی تبریزی** ، وی از شاعران این دوره است که نگری از وی در تذکره ها نیست ، تنها درباره یسرش وقوعی که نگرش پس ازین خواهد آمد با اشاره کرده اند .

**۳۲۵ - مولانا محمد شریف وقوعی تبریزی** ، پسر حدادی سابق الذکر و از

شعراى معروف آذربایجان بوده و مردى مهذب و تیزهوش بشمار مى رفته و سفرهاى چند کرده از آن جمله بعثیات رفته است و در آنجا در ۱۰۱۸ در گذشته و همانجا مدفون شده است . وی از غزل سرايان معروف زمان خود بشمار مى رفته است .

**۴۴۶ - غازی قلندر** ، ساکن سمنان بوده و غزل را نیکومی سروده و بیش از این از احوالش آگاهی نیست .

**۴۴۷ - مظهري کشمیری** ، از شاعران هند بوده و مدتی در کشمیر مقامات دیوانی داشته و سفرى بایران کرده و شاه عباس او را محترم داشته و در بازگشت در دربار جلال الدین محمد اکبر نیز تقریبی یافته و سمت میربحری باو داده اند و سرانجام در ۱۰۱۷ یا ۱۰۲۶ در گذشته و از بهترین شاعران غزل سرای هند بوده است .

**۴۴۸ - مولانا نسبتی مشهدی** ، مردى خوش خوی و تنگ دست و بخشنده بود . از زادگاه خود بآذربایجان رفت و مدتی در اردبیل زیست و در همان جا در گذشت و مدفون شد و غزل را خوب مى گفت .

**۴۴۹ - فریبی طهرانی** ، خواجه شاپور پسر خواجگی و برادرزاده میرزا محمد شریف هجری پدر اعتمادالدوله جهانگیری از اعیان هندوستان و از بازماندگان امیدى رازى شاعر معروف بوده است . در شعر گاهی بنام خود شاپور و گاهی فریبی تخلص کرده است و مرد کم سخنی بوده و سرانجام در ۱۰۴۸ در گذشته و در قصیده و غزل استاد بوده و دیوان وی در دست است .

**۴۴۰ - خواجه محمد شریف هجری طهرانی** - برادر زاده امیدى رازى شاعر معروف و پدر اعتمادالدوله جهانگیری از اعیان دربار جهانگیر در هند و جدنور جهان بیگم ملکه معروف هندوستان بوده است . مدتی وزارت خراسان و نزد اصفهان را داشته است و از اعیان دربار شاه طهماسب بوده است . پسرش میرزاغیاث بیگ اعتماد - الدوله پدر نور جهان بهندوستان رفته و وزیر نورالدین محمد جهانگیر شده و از آن پس بازماندگانش در هندوستان بوده اند . سلامی و کلامی دو برادر که هر دو مداح او بوده اند قصایدی در مدح او سروده اند و سرانجام در ۹۸۰ یا ۹۸۴ در گذشته است . غزل را خوب مى

گفته و دیوانش شامل پنج هزار بیتست .

۴۳۱- سلامی اصفهانی ، برادر کلامی که پس ازین ذکرش خواهد آمد ، از شعرای

زمان شاه طهماسب و قاضی اردوبازار بوده و بخوردن افیون عادت داشته و هنگامی که خواجده محمد شریف هجری سابق الذکر وزیر اصفهان بوده قصاید در مدح او سروده و غزل هم می ساخته است .

۴۳۲- کلامی اصفهانی ، برادر سلامی سابق الذکر و از شاعران همان دوره بوده

و مانند برادرش هنگامی که میرزا محمد شریف هجری وزیر اصفهان بوده قصایدی در مدح او سروده و غزل هم می گفته است .

۴۳۳- محمود بیگ بن عبدالله فسونی تبریزی ، نخست ساکن تبریز و از

اعضای دفتری بوده و در علم سیاحت مهارت کامل داشته و مردی مہذب بوده است . از سال ۹۹۸ درین فن و خوش نویسی و اختر شناسی و شاعری معروف شده و شوهر خواهر چلبی بیگ علامه بوده است . در زمان جلال الدین محمد اکبر بهندوستان رفته و خان خاقان وی را محترم شمرده و بیاری او جزو منجمین دربار شده و سپس بمقام مستوفی- الممالکی رسیده و سپس دیوان بیوتات شاهزاده پرویز را باو سپردند و در ۱۰۲۷ در الله آباد در گذشته است . وی رساله ای در علم حساب نوشته و نیز فرهنگی بزبان پارسی بنام مفتاح المعانی تألیف کرده است .

۴۳۴- حکیم شرف الدین حسن بن حکیم ملای اصفهانی متخاص بشفایی ، از

دانشمندان بسیار معروف زمان خود بوده و معروف ترین پزشک دربار صفویه در اصفهان بشمار میرفته است . علم طب را از پدرش حکیم ملا و برادرش حکیم نصیر فرا گرفته و در فنون دیگر نیز دست داشته و مرد خوش طبع شیرین زبانی بوده و شاعر توانایی بشمار می رفته است . در حدود سال ۹۶۶ در اصفهان ولادت یافته است . بر در مسجد جامع اصفهان مطب داشته و بمعالیجه می پرداخته است . در نزد شاه عباس بسیار مقرب بوده چنانکه نوشته اند که روزی در راه بشاه عباس برخورد و شاه خواسته است با احترام او از اسب پیاده شود وی مانع شده است اما همه امرایی که در رکاب شاه بوده اند پیاده

شده‌اند تا او بگذرد. چون هجو بسیار می سروده است میر محمد باقر داماد حکیم معروف گفته است که شاعری فضیلت او را پوشانیده است، اما در پایان زندگی از مهاجرات توبه کرده است. در رمضان ۱۰۳۷ بسن ۷۱ سالگی در اصفهان در گذشت. شقایب از شاعران زبردست و پیر کار روزگار خود بوده و کلیات اشعارش در حدود پانزده هزار بیتست شامل قصاید و غزلیات و ترکیب بندها و ترجیع بندهای متعدد و مقطعات و رباعیات و شهر آشوب و سه مثنوی دیده بیدار در برابر مخزن الاسرار و مهر و محبت در برابر خسرو شیرین نظامی و نمکدان حقیقت بر وزن حدیقه الحقیقه سنایی و فرمان شاه عباس مثنوی حیدرتلبد را از ترکی ترجمه کرده است و نیز کتابی در قرا با دین نوشته که از بهترین کتابها درین زمینه است.

**۴۳۵ - مولانا شجاع الدین غضنفر قمی**، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا بشاعری آغاز کرد و بیشتر در کاشان می زیست و غزل را خوب می گفت.

**۴۳۶ - مولانا غضنفری کله جاری یا گلجاری**، از مردم کله جار نزدیک کاشان و از شاعران معروف کاشان بوده و با محتشم شاعر مشهور رابطه داشته است چنانکه پس از مرگ محتشم او را مرثیه گفته و در ضمن غزل را نیز خوب می سروده است. در پایان زندگی نابینا شده بود و با این همه دست از تدریس و تعلیم برنداشت.

**۴۳۷ - ظهوری شیرازی**، از شاگردان وحشی بافقی بوده و در غزل دست داشته و بیش ازین از احوالش آگاهی نیست.

**۴۳۸ - مولانا امیر مالک دیلمی**، برخی اصل وی را از تبریز و برخی از قزوین دانسته‌اند. مردی بسیار دیندار و خوش روی بوده، در اقسام خط مخصوصاً در خط نسخ تعلیق استاد بوده و از دانشمندان بشمار می رفته و در موسیقی نیز دست داشته است و غزل را نیز نیکو می سروده است.

**۴۳۹ - نذری کاشانی**، از طایفه شاملو و مردی تندخوی بوده چنانکه وقتی با حسن بیگ عجزی سابق الذکر نزاع کرده حسن بیگ عجزی سر او را شکافته است



وغزل را خوب میگفته است .

**۴۴۰ - مقصود خرده فروش کاشانی** ، مردی دانشمند و خوش طبع و برادر باقر خرده فروش بوده و در علم سیاق دست داشته ، شاگرد میرحیدر معمای و مصاحب میرغیاث الدین منصور بوده و غزل سرا بوده است و در ۹۸۳ در گذشته است .

**۴۴۱ - ملا باقر خرده فروش یا خرده یی کاشانی** ، برادر مقصود خرده فروش سابق الذکر ، ظاهراً این دو برادر ازدهی از توابع کاشان بنام خرده بوده اند و این کلمه را بخرده فروش تحریف کرده اند . مرد متمولی بوده و مرید محمود نامی از متصوفه خرده بوده که او را متهم بالحداد کردند و فتوی بقتل او دادند و چون فرمان شاه عباس او را کشتند می خواستند ملا باقر را هم بکشند و وی فتوایی از فقهای خراسان در بی گناهی خویش گرفت و از کشته شدن نجات یافت . وی نیز غزل را نیکو می سروده است .

**۴۴۲ - مولانا نامی اردوبادی** ، برخی تخلص او را بخط ناجی ضبط کرده اند . نخست ساکن تبریز بوده و سپس بهند رفته و در آنجا در گذشته است . در شعر تسلط داشته و از قصیده معروف «شتر گربه» کاتبی نیشابوری تقلید کرده و کلمه «پیشه» را هم بر آن افزوده است و غزل نیز می سروده است .

**۴۴۳ - مولانا خواری تبریزی** ، از شاگردان لسانی و از شاعران دوره شاه طهماسب بود . اصلش از هرات بود و در تبریز می زیست . مردی خوش گذران و عیار پیشه بوده و خط نسخ تعلیق خفی را بسیار خوب می نوشته و در ۹۷۴ در گذشته و غزل سرای بوده است .

**۴۴۴ - مولانا صحیفی شیرازی** ، از بازماندگان صوفی خلیل یکی از امرای ذوالقدر بوده ، شیعه متعصبی بوده و از خوشنویسان بشمار می رفته و کتابخانه بسیار خوبی در سه تنان مسجد جامع اصفهان تزیین داده بود و مردی عاشق پیشه بود و بیشتر در اصفهان می زیست و چون خط ثلث و کتیبه را خوب می نوشت بیشتر کتیبه های مساجد و الواح قبور بخط او بوده است و در ذیل آنها نام خود را می نوشته است . بیش از هشتاد

سال عمر کرد و چون پسرش ابوعلی در هند در گذشت از شدت تأثر از جهان رفت و در سال ۱۰۲۲ در گذشت. در دو زبان ترکی و فارسی شعر را خوب می گفته و بیشتر سخنانش در مدح ائمه شیعه بوده است.

**۴۴۵ - ذوالفقارخان جعفری ساوجی** ، مردی مہذب و قانع بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و مخصوصاً در غزل استاد بوده و با صرفی ساوجی شاعر معروف این زمان خویشاوند بوده و نسب هر دو با سلمان ساوجی می رسیده است.

**۴۴۶ - اقدسی مشهدی** ، از شاعران نامی زمان خود بوده ، در سبزوار ولادت یافته و از آنجا بمشهد رفته و بیشتر در مشهد می زیسته و بهمین جهت باقدسی مشهدی معروف شده است . سفری بزیارت کربلا و نجف رفته و از آنجا از راه بصره و شیراز و کاشان بقزوین رسیده و در دربار شاه عباس اول بوی احترام بسیار کرده اند و مورد توجه شاه شده است اما در جوانی در ۲۶ سالگی در سال ۱۰۰۲ در گذشته و همانجا مدفون شده است . اقدسی از شاعران توانای زمان خود بوده و در قصیده و غزل استاد بوده و ساقی نامهای نیز سروده و در تشیع متصعب و در ضمن صوفی مشرب بوده است و با شاعران زمان خود از جمله جنونی قندهاری و شفایی اصفهانی مشاء-ره و مهاجری داشته است .

**۴۴۷ - مولانا وحشی جوشقانی کاشانی** ، از شاعران معروف زمان خود و شاگرد محترم کاشانی بود و در ۹۹۹ بشیراز رفت و با ابوتراب بیک فرقتی دوستی بهم زد و از آنجا بهند رفت و مدتی در سرزمین دکن در شهر کلکنده در هندوستان می زیست و سر انجام در آنجا در سال ۱۰۱۳ در گذشت و در غزل سرایی استاد بوده

**۴۴۸ - ابوتراب بیک فرقتی جوشقانی** ، پسر خواجه زین الدین علی بیک انجدانی ، از مردم نواحی انجدان یا انگدان در میان قم و کاشان ، پدرش وزیر کاشان بود و وی در قزوین ولادت یافت و جوانی را در کاشان گذراند و سپس بدربار شاه عباس رفت و وزیر مقصود بیک ناظر بیوتات شد و در رکاب شاه عباس بشیراز رفت . مردی

دانشمند و شاعری توانا بود اما در پایان زندگی بافیون معتاد شده بود و کمتر شعر می گفت و سر انجام در شب جمعه چهارم شعبان ۱۰۲۵ در گذشت . وی از غزل سرایان خوب این دوره بوده و دیوان وی شامل دوهزار بیت باقیست که میرزا عبدالکریم کاشانی نامی بر آن مقدمه ای نوشته است .

۴۴۹ - محمد قاسم کسری کاشانی ، معروف بکسری گربه ، از بازماندگان اهلی خراسانی شاعر معروف قرن نهم بوده و در کاشان می زیسته و غزل متوسط می گفته است .

۴۵۰ - غریبی کاشانی ، در کیلان می زیسته و ملک الشعرا ی دربار خان احمد خان بوده و در غزل پیروی از روش لسانی کرده است .

۴۵۱ - مولانا معین الدین استرآبای متخلص بمعینی ، از دانشمندان معروف زمان خود بوده ، از مردم استرآباد بود و در مشهد می زیست . در ۹۷۶ با معصوم بیگ و کیل مطلق دربار شاه طهماسب که با سیصد سوار و پیام صالح بدربار سلطان سلیم آل عثمان فرستاده شده بود رهسپار استانبول شد و از آنجا عازم حج گشت ، در راه در میان معصوم بیگ و امیرالحاج عثمانی اختلاف افتاد و جنسک در گرفت و معصوم بیگ و جمعی از همراهانش کشته شدند . وی و میرجعفر برادر میرحیدر معما بی از راه بیابان گریختند و بکشتی نشستند که به هندوستان بروند و در راه کشتی غرق شد و ایشان هلاک شدند . مولانا معین در ضمن آنکه مردی دانشمند بود هزال نیز بوده است و رساله ای درین زمینه بنام رساله لذات نوشته است که بر سائله لذت هم معروفست و بیشتر رباعیات از او مانده و در درباد یادشاهان صفوی محترم بوده است .

۴۵۲ - خواجه غیاث الدین محمد بزمی استرآبای ، که تخلص وی را بخط برقی هم ضبط کرده اند ، از نجیبای استرآباد و مردی مذهب بوده ، در اواسط قرن دهم در جنگ با افغانان کشته شده و غزل و رباعی را خوب می سروده است .

۴۵۳ - ملا محمد علی قسمتی استرآبادی ، از ملازمان میرزا بیگ فندرسکی پسر میرضیاء الدین از اعیان استرآباد بوده ، به هندوستان رفته و در سر زمین دکن

ساکن شده و غزل و رباعی و مثنوی را خوب می سروده و مثنوی و امق و عنذرا گفته است.

**۴۵۴ - مخلصی سبزواری**، از غزل سرایان خوب این دوره بوده است و جزین

از احوالش اطلاعی نیست .

**۴۵۵ - مولانا عیانی هروی**، بیشتر در ری می زیسته و بهمین جهت برازی

معروف بوده است و از ایل تکلو بوده و ظاهراً در شهر ری در «جماعت خانه» کسی بنام

حیدر چرخ می بوده است . خمسه ای در برابر خمسه نظامی سروده و نیز غزل می گفته

است .

**۴۵۶ - حشمتی رشتی**، بیشتر بحشمتی کیلانی معروف بوده و مردی لا ابالی

و شاعر پیشه و تمکک دست بوده و غزل را خوب می گفته است .

**۴۵۷ - رامی اردوبادی**، از شاگردان خوب وحشی بافقی بوده و ازین جا

پیدا است که از مردم آذربایجان بوده اما در عراق می زیسته و این تخلص را از وحشی

گرفته و غزل سرای خوبی بوده است .

**۴۵۸ - مولانا عبدالغفور لاهیجی**، از مردم لاهیجان بوده و در کیلان می زیسته

و مردی سپاهی و از سران لشکریان پادشاهان کیلان بوده و مردی خوش خوی بشمار

می رفته و در موسیقی تصنیف های فراوان ساخته و در غزل استاد بوده و بیشتر در رشت

می زیسته است .

**۴۵۹ - مولانا رحیمی لاهیجی**، وی نیز از شاعران کیلان بوده و در لاهیجان

می زیسته و مرد نپکی بشمار می رفته و بزرگشی روزگار می گذرانده و غزل را خوب

می گفته است .

**۴۶۰ - چهره می اردبیلی**، از شاعران تنگدست این دوره بوده و مردی ظریف

بوده و غزل را خوب می سروده است و تخلص وی را گاهی بخطا محرمی نوشته اند .

**۴۶۱ - مولانا کلبعلی راغب تبریزی**، راغب تخلص می کرده و از دانشمندان نامی

تبریز بوده و بترکی و فارسی شعر را بسیار خوب می گفته و مرد شیرین زبانی بوده

است . بعد از قتل عام تبریز نزد خان احمدخان بگیلان رفت و چون انتظاری که از او

داشت بر آورده نشد قصیده‌ای در هجو او گفت و سرانجام بعثیات رفت و در ۱۰۰۲ در آنجا در گذشت .

**۳۶۳ - کلبعلی تبریزی** ، شاعر دیگری در همین دوره بوده که او نیز از دانشمندان بوده است و در زمان جلال‌الدین اکبر به هند رفته و دیگر از احوال او آگاهی نیست و رباعیات از او مانده است .

**۳۶۴ - شیخ کمال‌الدین ابوالفضل تبریزی معروف بچلبی بیک علامی** ، از بزرگ‌زادگان تبریز بود و پدرش میرزا علی بیک در زمان شاه طهماسب کلاقرآن شهر بود و مرد مذهب دادگری بشمار میرفت . پس از چندی از آن کار دست کشید و آهنگ هندوستان کرد و در قندهار فرزندانش بهرام میرزا صفوی باو احترام کردند و در آنجا ماند . چلبی بیک در آغاز در تبریز دانش آموخت و برای تکمیل علم بشیراز رفت و از شاگردان خوب میرزا جان شیرازی دانشمند معروف شد و حاشیه تجرید را پیش او خواند و چون استادش وی را بسیار می ستود شاگردان دیگر برورشک بردند و او را پیاده کساری متهم کردند و وی از آنجا بقره‌بن رفت و با دانشمندان این شهر محشور شد و کتاب شفا و کتاب اشارات را خواند و از شاعران نامی زمان خود شد و در شطرنج بازی حریف نداشت . چون آوازه شهرت او بجلال‌الدین اکبر رسید او را به هندوستان دعوت کرد و وی به هند رفت و در دربار آن پادشاه بسیار جاوه کرد و قصاید فرا در ستایش وی گفت و سرانجام از او اجازه بازگشت بایران خواست و در ۱۰۰۱ بپلاهور رفت و در راه در شهر لاهور در گذشت . تاریخ رحلت وی را باختلاف در ۱۰۰۱ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۴ نوشته‌اند . وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و بهمین جهت بعلامی معروف شده است . در شعر در آغاز شیدا تخلص می کرده و سپس فارغ تخلص کرده است و در اقسام شعر استاد بوده و کتابی بنام ردالقبوه نوشته است و نیز از شاگردان خواجه افضل‌الدین ترکه اصفهانی دانشمند معروف آن زمان بوده است .

**۳۶۵ - خلیل زورگر رشتی** ، در رشت صراف می کرد و از شاعران دربار شاه شاه جمشیدخان اسحاقی پادشاه سابق الذکر کیلان بود و مثنوی جمشیدنامه را بفرمان

وی سروده و از شاعران درجه دوم بوده است .

۴۶۵ - قامتی گیلانی ، مردی بسیار بلند قد بوده و بهمین جهت قامتی تخلص می کرده و در گیلان می زیسته و غزل سرا بوده است .

۴۶۶ - مولانا مشکی اصفهانی ، مردی سیاه چرده بوده و بهمین سبب مشکی تخلص می کرده و در درگاه مسجد جامع اصفهان بعنوان پنهان فروشی تفریح گاهی تریب داده بود و غزل را خوب می گفت .

۴۶۷ - مولانا غنی لاهیجی ، از بزرگان زادگان شهر لاهیجان بوده و با این همه بمسکری روزگاری گذرانده و از ملازمان خان احمدخان هم بوده و غزل و رباعی می سروده است .

۴۶۸ - مولانا عنایت لاهیجی ، وی نیز از غزلسرایان آن سرزمین و مردی تنگ دست بوده و در لاهیجان بهله یعنی دستکش پوستی برای شکار افکنان می دوخته و ازین راه گذران می کرده است .

۴۶۹ - مولانا تذهیبی اصفهانی ، مردی نیک خو شیرین سخن و بذله گوی بوده و در تذهیب و جدول کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری سازی بسیار هنرمند بوده است و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

۴۷۰ - حیاتی کاشانی ، از شاعران نامی روزگار خود بود . در آغاز بشغل سقایی می پرداخت و بهمین جهت سقایی تخلص می کرد . بطریقه نقطویان گروید و دلدادۀ صراف پسری شد و با او از کاشان بقزوین رفت و در آنجا نیز با نقطویان محشور بود . تا آنکه گروهی از نقطویان را با چند مجلد از کتابهای ایشان گرفتند و نزد شاه طهماسب بردند و وی دستور داد ایشان را زندانی کنند و وی دوسال در زندان ماند و چون رهایی یافت بشیراز رفت و مدتی در آنجا ماند و در سال ۹۸۶ بکاشان بازگشت و از طریقۀ نقطوی توبه کرد و برگشت و از کاشان بهند رفت و در دکن فرود آمد و در شهر احمدنکر می زیست که آوازه او بگوش جهانگیر رسید و او را بدربار خود خواند . حیاتی بدانجا رفت و مقرب شد و در ۱۰۱۹ نسخه ای از مثنوی تغلق نامه خسرو دهلوی نزد جهانگیر

بردند که بسیارستندید و چون يك مبحث از آن کم شده بود دستور داد شاعران دربارش آن قسمت را بسرایند و هر که بهتر بسراید باو پاداش بدهد . نظم حیاتی پسندیده تر افتاد و دستور داد حیاتی را بزرسرح و سفید بسنجند و بوزن او بوی بدهند و شش خریطه در کفه ترازو گذاشتند که هر خریطه هزار اشرفی و روپیه داشت . حیاتی از شاعران توانای عصر خود بوده و در اقسام شعر دست داشته است . در همان زمان شاعر دیگری بنام حیاتی گیلانی بوده است و گاهی این دورا با هم اشتباه کرده اند .

**۳۷۱ - وجهی سنجاری ،** ظاهراً از مردم سنجار از شهرهای جزیره نزدیک موصل بوده و مرد دانشمندی بشمار می رفته و غزل عارفانه را خوب می گفته است .

**۳۷۲ - مولانا مشربی قمی ،** از غزلسرایان این دوره تا زمان شاه عباس اول در اصفهان میزیسته و غزل را خوب می گفته است .

**۳۷۳ - همتی اصفهانی ،** مردی تنگ دست و مذهب بوده و در اصفهان از کار گزاران دفتر خانه یوسف خان افشار از اعیان دربار صفویه بوده و غزل را نیکو می سروده است .

**۳۷۴ - مولانا مایلی اردبیلی ،** مرد دانشمندی بوده و در موسیقی دست داشته و طنزورونی را خوب می نواخته و از کار گزاران اعیان شیخاوند بوده و غزل را خوب می سروده است .

**۳۷۵ - عتیقی شروانی ،** در شماخی تولد یافته و سفری ببغداد کرده و از قلندران بکتاشی بوده و ترکی و فارسی غزل را خوب می گفته است .

**۳۷۶ - سرودی خوانساری قمی ،** بخوانندگی روزگاری گذرانده ، نخست ایمنی تخلص می کرده و سپس بهمین جهت تخلص خود را تغییر داده و از استادان موسیقی زمان خود بوده و غزل را نیکو می سروده است .

**۳۷۷ - خلف فراش ،** از فراشان دربار شاه محمد خدا بنده و بی سواد بوده و بهمین جهت اشعاری را که می سروده از نومی دانسته اند و غزل را بوده است .

**۳۷۸ - مولانا سوزی اصفهانی ،** از مردان نیک زمان خود بشمار می رفته و در

غزلسرای شاعری توانا بوده است .

**۳۷۹ - مولانا کلامی اصفهانی**، مرد مہذب بوده و سفری بایر قوه رفته و بیشتر

رباعی می سروده است . وی برادر سلامی اصفهانی بوده که ذکرش پس ازین خواهد آمد و نوشته اند که این هر دو برادر مردمان بخیل و حریصی بوده اند .

**۳۸۰ - سلامی اصفهانی** ، برادر کلامی سابق الذکر ، قابض اردو بازار بوده و

در خوردن افیون افراط می کرده و او را مانند برادر بخیل می دانسته اند و غزلسرا خوب می سروده است .

**۳۸۱ - میرزا بیک سپهری زوارچی یا زوارهای** ، از مردم زواره و برادر

خواجه امین الدین معروف بخواجه امینا ملقب بخواجه جهان وزیر جلال الدین محمد اکبر شاه بوده و بهمین جهت بهندوستان رفته و در آنجا در ۹۷۹ در گذشته است . وی مردی دانشمند بشمار می رفته و در نجوم و ریاضیات دست داشته و غزل را خوب می سروده و دیوانش ده هزار بیت می شده است .

**۳۸۲ - مولانا فضایی همدانی** ، مردی عاشق پیشه و عارف مشرب بوده و از

شاگردان ملا روحی هروی و ملا کامی سبزواری بود و چندی در عراق می زیست و از استادان صادقی افشار بوده و بیک مثنوی بحر رمل سروده است .

**۳۸۳ - مولانا قاسم صیرفی همدانی** ، در همدان بصرافی روزگاری گذراند

و بهمین جهت صیرفی تخلص می کرد . مردی شجاع و در کمان گیری استاد بود و پیروی از امیر شاهی و کاتبی ترشیزی می کرد و اشعار خود را با طمطراق می خواند و غزلسرای بود .

**۳۸۴ - مولانا هوشی سنغری دینوری** ، از مردم سنغر در روستای دینور بود .

در همدان می زیست و مکتب داری می کرد و مرد دانشمندی بشمار می رفت و در معما دست داشت . صوفی مشرب و پیرو طریقه نسنب بود . در هجو زبردست بود و قصیده ای بترکی در هجو قرابیک زوالقدر گفته بود که معروف شده بود و بترکی و فارسی غزل را خوب می سرود .



۳۸۵ - ملا محمد رضا رضایی مشهدی ، نخست کفش دار آستانه رضوی

بود. در قدرت قزلباش بهرات رفت و چندی در آنجامی زیست و در حدود سال ۹۸۸ به هندوستان رفت و غزل را خوب می گفت .

۳۸۶ - مولانا غیاث الدین معروف بغیاث یا غیاثی استرآبادی ، سفرهای

بسیار کرده بود و در استرآباد می زیست و مردی شیرین زبان و مهربان بود و اقسام مختلف شعر را نیکو می گفت .

۳۸۷ - یتیمی هروی ، در مدرسه میرزا در هرات ساکن بوده و با مردم معاشرت

نمی کرده ولی مردی شیرین سخن بوده و غزل را خوب می سروده است .

۳۸۸ - حکیم عمادالدین یارک طیب قزوینی ، از مردم قزوین بوده و در

هرات می زیسته و مردی افتاده و فروتن بوده و غزل می سروده است .

۳۸۹ - خواجه آقا میر همدانی ، از بزرگ زادگان همدان و مردی وفادار و

مهربان بود و در ضمن نویسنده خوبی بشمار می رفت و از اقسام شعر بیشتر رباعی می گفت بهمین جهت بنخواجه رباعی معروف شده بود .

۳۹۰ - مولانا اسیری تربتی ، از شاعران زمان شاه طهماسب بود . مردی

تنگ دست و درویش مشرب و بسیار قانع بوده و مثنوی و امق و عنقا سروده و غزل نیز می گفته است .

۳۹۱ - خواجه عبدالعزیز نقاش ، از کارگزاران کتابخانه شاه محمد خدابنده

در قزوین و در تصویر نقاشی استاد و شاگرد بهزاد نقاش معروف بوده است . میرزا محمد پسر خواجه قباح جراح وی را با يك دوتن از نقاشان دستگاه صفویه بر می دارد و عازم هندوستان می شود . در راه مهر شاه محمد خدابنده را تقلید کرده و يك برات صدتومانی می سازند . هنگامی که چهار دانگ و دو دانگ این پول را دریافت می دارند قورچی و میعاد در بار آگاه می شود و خواجه عبدالعزیز را با مولانا علی اصغر صورتگیر می کنند و بدر بار می برند . هنگامی که شاه می خواسته است ایشان را عفو بکند خواجه قباح سراسیمه از اندرون شاهی بیرون می آید و می گوید دستور داده اند که گوش و بینی

خواجه عبدالعزیز و مولانا علی اصغر را ببرند و بی درنگ ایشان را بدینگونه سیاست می کنند . خواجه عبدالعزیز از بس در نقاشی استاد بود بینی مصنوعی برای خود ساخته بود . وی شاعری غزل سرای بوده است .

**۳۹۳- مولانا مظفر علی نقاش تربتی** ، از مردم تربت و پسر مولانا خیدر علی و خواهرزاده بهزاد نقاش معروف و خود از نقاشان زبردست بوده و صادقی افشار در نقاشی شاگرد او بوده است . مرد بسیار هنرمندی بود چندان که شاه محمد خدا بنده کارهای او را بر کارهای بهزاد ترجیح می داده است . در ضمن خوشنویس ماهری بود چندان که خط مولانا میر علی و خط مولانا سلطان علی خوشنویسان معروف را چنان خوب تقلید می کرد که کسی تشخیص نمی داد و باو اجازه داده بودند که نقاش شاهی امضا بکند و شطرنج صغیر و کبیر را حاضرانه و غایبانه بسیار خوب بازی می کرد . در قزوین در گذشت و پیکرش را در قبرستان شاهزاده حسین بخاک سپردند و غزل سرای بود .

**۳۹۴- استاد حسن مذهب بغدادی** ، پسر استاد قوام الدین مذهب بغدادی و پسر و پدر از هنرمندان معروف این فن بوده اند . مردی کوتاه قد و با این همه شریر بود و حتی مهر شاه اسمعیل اول او را تقلید کرد و رسوا شد . صادقی بیک افشار در مجمع الخواص شرارتهای وی را ضبط کرده است . با اینهمه شعر را خوب می سروده و رباعی ازو مانده است .

**۳۹۴- غزالی تبریزی** ، مردی رند و لاابالی بود و بنحاسی و ابریشم فروشی روزگار می گذراند و چون زشت روی بود او را میمون شعرا می گفتند و غزل سرای بود .

**۳۹۵- حسنی اصفهانی** ، از معر که گبران معروف زمان خود بود و غزل را خوب می گفت .

**۳۹۶- حکیم ظهوری تبریزی** ، مرد مذهب و دانشمندی بوده و ظاهراً بهندوستان رفته و غزل سرای بوده است .

**۳۹۷- حکیم بدیعی تبریزی** ، از دانشمندان و پزشکان معروف تبریز بوده و با مظفر علی نقاش که ذکرش پیش ازین گذشت دوستی داشته است . مردی فاضل و

خوش طبع و خوش مشرب بوده است . بترکی و فارسی شعر می گفته و غزلهای خوب دارد .  
حیدر تبریزی وی را هجو کرده و دیوان غزلیات او باقیست . منظومه مثلثات لغت را  
برخی از او دانسته اند .

۴۹۸- مولانا ابوالهادی قزوینی ، خواهرزاده مالک دیلمی از خوشنویسان  
معروف آن زمان بوده و وی نیز خوش نویس و خوش طبع بود و در موسیقی بسیار دست  
داشت و در مقام حسینی آوازی ساخته بود که رواج بسیار یافت . در قزوین در گذشت  
و پیکرش را در گورستان شاهزاده حسین بخاک سپردند و غزل را خوب می گفت .

۴۹۹- میر محمد باقر طوسی متخلص باقر ، خواهرزاده خواجه سین ثنایی  
مشهدی شاعر معروف این دوره بوده و چون ثنایی در هندوستان می زیسته و در آنجا  
کارش بالا گرفته بود وی نیز بدانجا رفته است و بیش ازین از احوالش آگاهی نیست و  
شاعری غزل سرا بوده است .

۴۰۰- مولانا حزین گونا بادی ، از غزل سرایان خوب این دوره بوده و از  
بازرگانان بشمار می رفته و تخلص او را گاهی بخطا حزنی نوشته اند .

۴۰۱- شیخ احمد خان خالی ، وی نیز از غزل سرایان خوب این دوره بوده است  
و از دانشمندان بشمار می رفته و گویا همیشه در شهر خود زیسته است .

۴۰۲- فصیحی یزدی ، روزگار را با بزرگانی می گذرانده و غزل سرا بوده است .

۴۰۳- محمد امین غباری هروی ، اردانشمندان زمان خود بوده و در انشا و  
علم هیئت دست داشته و غزل را خوب می سروده است .

۴۰۴- مولانا شاه محمود رهی مشهدی ، نقاش بوده و در مشهد می زیسته و  
رباعیاتی از او مانده است .

۴۰۵- ابراهیم بیک شیرازی در نویسندگی استاد بوده و از همه رباعیات مانده است .

۴۰۶- مقصدی ساوجی ، از پزشکان شهر ساوه و برادر مهتر عهدی بوده است  
که ذکرش پس ازین خواهد آمد و غزل را خوب می سروده است .

۴۰۷- عهدی ساوجی ، برادر کهنتر مقصدی سابق الذکر و از شاعران دوره شاه

طه‌مناسب بوده و غزل سرایی می‌کرده است .

۴۰۸- شیخ رباعی مشهدی ، از شاعران نامی زمان خود بوده و چون همیشه

رباعی می‌سروده بشیخ رباعی معروف شده بود . مردی درویش و ریاضت‌کش بود و مورد توجه سلطان ابراهیم میرزا صفوی بود . ظاهراً در زمان جلال‌الدین محمد اکبر سفری بهند کرده است .

۴۰۹- مولانا خادمی قزوینی ، در قزوین بسر تراشی روزگار می‌گذرانده و

مردی تنگ دست بوده و معاصر کسبی شاعر این دوره بوده و از رباعیات مانده است .

۴۱۰- کسبی قزوینی ، از شاعران این دوره است که تنها درین مورد که خادمی

سابق‌الذکر دربارهٔ عشق او با کور کن اوغلی شعر گفته است نام او را برده‌اند و ازین جا پیداست که در همین دوره در قزوین می‌زیسته است .

۴۱۱- صیقلی بروجردی ، ساکن بروجرد بوده که در آن زمان از توابع

همدان بشمار می‌رفته و با کاردگری روزگار می‌گذرانده است . جوانی شکفته و در دوستی با وفا بوده و بزبان لرستان اشعار بسیار سروده که در آن زمان معروف بوده‌است .

۴۱۲- افجی درگزینی ، از نجیب‌زادگان درگزین و مردی خوش طبع و

خوش معاشرت بود و غزل را خوب می‌گفت .

۴۱۳- مولانا محمد امین مشهدی ، در مشهد بطیابت روزگار می‌گذرانده و

مردی مہذب بشمار می‌رفته و در معاصرودن دست داشته است و رباعی نیز از او مانده‌است .

۴۱۴- مولانا شعوری نیشابوری ، بیشتر در مشهد می‌زیسته و مردی خوش طبع

بشمار می‌رفته و غزل را خوب می‌گفته است .

۴۱۵- مولانا صیرفی تبریزی ، معروف بصیرفی کور از نجیب‌زادگان

آذربایجان بوده و در تبریز نزدیک میدان کشتی گاه دکان صرافی داشته و یک چشمش

عیب داشت بهمین جهت باو صیرفی کور می‌گفتند . شاعران دردگان او گرد می‌آمدند

و مشاعره می‌کردند و بهمین جهت پیشوای شاعران آن شهر شده بود و از جمله شاعران

معاشر با وی میر صنعی تبریزی و مولانا فانی و مولانا معروف بوده‌اند و در شعر پیروی از

روش آصفی می کرده و بیشتر بر ریاضت و عبادت می پرداخته است و شعر او را معاصرانش بسیار می پسندیده اند .

۴۱۶- میرصنعی تبریزی ، از شاعران این دوره تبریز بوده و تنها در موردی که پیش ازین گذشت ذکرش آمده است .

۴۱۷- مولانا فانی تبریزی ، از محترمان تبریز بوده و بیشتر با جوانان ساده محشور بوده و تمول بسیار داشته چنانکه يك بار هزار تومان بر رئیس میریوسف اصفهانی يك جا فرض داده بود و درین میان وی مرد و چون این خیر یغانی رسید او هم جان سپرد . نزدیک هزار بیت غزل سروده و از روش درویش دهکی پیروی می کرده است .

۴۱۸- مولانا معروف تبریزی ، در تبریز بر مالی روزگار می گذرانده و غزل سرا بوده است .

۴۱۹- بیانی تبریزی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده ، در آغاز پیشه زرکشی داشته و سپس بکاغذ بری و نقاشی پرداخته و غزل سرا بوده است .

۴۲۰- امانی همدانی ، مردی تنگ دست بوده و بگل کاری روزگار می گذرانده و غزل می سروده است .

۴۲۱- ملك سلطان محمد قمی متخلص بسلاطان ، پسر رئیس شهاب الدین معروف بشهاب الدین معمایی قمی و مرد خوش طبع بوده و غزل و رباعی را خوب می سروده است .

۴۲۲- قاضی حسن توایی ، از مردم فریه توی (تویسرکان) بوده که در آن زمان جزو توابع همدان بوده است و مردی خوش طبع و خوش صحبت بوده و فضایل بسیار داشته و عاشق پیشه بوده است و ازو رباعیات مانده است .

۴۲۳- مولانا اسدجانی همدانی ، از همدان بوده و جانی تخلص می کرده و بسیار خوش روی و مهربان بوده و اقسام خط را خوب می نوشته و غزل و معما را خوب می گفته است .

۴۲۴- ملاحسنعلی سوزی ساوجی ، از مردم ساوه بوده اما در زمان شاه طهماسب در اصفهان می زیسته و بهمین جهت باصفهانی معروف شده بود و از کتابت روزگار

می گذرانده و شاعر پیشه و نابینا بوده است. در آغاز جفاکش تخلص می کرد و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و گویند تا سی هزار بیت شعر گفته و غزلیهای خوب سروده و در سال ۱۰۰۲ یا ۱۰۱۴ در اصفهان در گذشته و تخلص او را گاهی بخطا سوایی ضبط کرده اند.

۴۲۵- **بیدلی همدانی**، مردی درویش و تنگدست و قانع و نویسنده صباغ خانه بوده و گاهی هم غزل را خوب می سروده است.

۴۲۶- **مولانا کمتری شیرازی**، مردی تنگدست بوده و بکفش دوزی روزگار می گذرانده و غزل را یکومی گفته است.

۴۲۷- **مولانا انیس همدانی**، مردی پاکطینت و دیندار و خوش طبع بوده و در همدان پیشه خطیبی داشته و مرد باذوقی بشمار می رفته است.

۴۲۸- **مولانا پناهی همدانی**، پسر خواجه میرمبیک کلاتر همدان بوده و از خاندان نجیبی بشمار می رفته و خانواده اش دانش پرور و هنر دوست بوده اند و لسانی شاعر معروف ازین خانواده احسان دیده است، وی غزل سرای زبردستی بوده است.

۴۲۹- **روحی انارجانی**، از شاعران نیمه دوم قرن دهم آذربایجان و ساکن تبریز بوده و مؤلف رساله ایست در عقاید و رسوم مردم تبریز که بر رساله روحی انارجانی معروفست و نمونه هایی از زبان پهلوی مردم تبریز را در آن دوره با برخی از اشعار خود ضبط کرده است و چون در مقدمه آن نامی از سلطان محمد خدا بنده و پسرش ابوالمظفر سلطان امیر حمزه میرزا برده که در ۲۲ ذی الحجه ۹۹۴ کشته شده و وی از آغاز سال ۹۹۲ تا رمضان ۹۹۳ در تبریز بوده پیدا است که این رساله را در همین مدت نوشته است.

۴۳۰- **روحی حكاك تبریزی**، نیز از شاعران این دوره بوده و ممکنست همان روحی انارجانی سابق الذکر بوده باشد و غزل سرا بوده است.

۴۳۱- **مولانا میرك داعی اصفهانی**، پسر ضمیری اصفهانی از شاعران مشهور این دوره و مردی مذهب و بی قید و مانع پدروارسته بود و غزل را خوب می گفت.

۴۳۲- **میرزا محمد امنی تبریزی**، مردی مذهب و بظاهر خود مقید بود و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفت و دیوان غزلیانش گرد آمده بود، تخلص

ویدا برخی بخط امین ضبط کرده‌اند.

۴۳۳- صلاح‌الدین صرفی ساوجی، معروف بصرفی ژولیده‌وی، مردی وارسته و درویش مشرب و بی‌قید بود و در پایان زندگی به هندوستان رفت. چندی در کجرات بود و از آنجا بلاهور رفت و در ۹۹۹ با فیضی شاعر معروف بدکن رفت و در آنجا در گذشت. وی از غزل‌سرایان توانای این زمان بوده است.

۴۳۴- مولانا سلامی اردبیلی، وزیر پسر صدرالدین خان معصوم بیک و بظاهر خود مقید بوده و با حزین کیلانی و صادقی کتابدار محشور بوده و غزل می‌سروده است.

۴۳۵- مولانا کوثری اردبیلی، مردی درویش مشرب و از طریقه نقطوی و از پیروان محمود پسیخانی مؤسس این طریقه بود که در میان شاعران این دوره پیروان چند داشته است مانند تشبیهی کاشانی و فهیمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو که در پایان قرن دهم ایشان را تکفیر کردند و برخی از ایشان را کشتند از آن جمله درویش یوسف ترکش دوز معروف به احمد که در سال ۱۰۰۰ که شاه عباس از قران ستارگان بیمناک بود ظاهراً نام سلطنت را در قزوین بر او گذاشت و چون قران گذشت او را کشتند. وی از سران نقطویان بود و او را جانشین و خلیفه محمود می‌دانستند و مریدان بسیار داشت و غزل را نیکو می‌گفت.

۴۳۶- مولانا عهدی بغدادی، چندی هم در ایران زیسته و در غزل‌سرایی دست داشته است.

۴۳۷- صبحی ساوجی، از درویشان ریاضت کش و تنگ‌دست زمان خود بوده و باقیون عادت داشته و هر روز یک مثقال از آن بکار می‌برده و در غزل دست داشته است.

۴۳۸- یحیی خان طالب کیلانی، از مشاهیر کیلان در زمان خود و وزیر خان احمدخان پادشاه معروف کیلان بود و معروف‌ترین شاعر آن سرزمین در زمان خود به‌شمار می‌رفت و دیوانش رواج داشت و غزل را خوب می‌گفت.

۴۳۹- مولانا فروغی قزوینی، نخست در قزوین عطاری می‌کرده و سپس به هند

رفته و باثروتی باز گشته و در همان شهر دکان جواهر فروشی باز کرده است. در ضمن رفتار متضادی داشته و در غزل سرایی استاد بوده است.

۴۴۰- **سدید طبیب گیلانی** ، پسر نعمت طبیب معروف بسدید کیلک ، مردی تنگدست و دانشمند و شاعری در غزل استاد بوده است.

۴۴۱- **میر عزیز کمانچه‌ای یا کمانچه کش** ، از خانواده‌ای از استادان موسیقی زمان خود بوده و استاد زیتون موسیقی‌دان معروف آن عصر برادر کهنتر وی بوده است . مردی تنومند بود و ساز بسیار خوب می‌زد و تصنیف‌های بسیار ساخته بود و مرد دانشمندی بشمار می‌رفت و از هیئت و نجوم آگاه بود و مدتی در دستگاه امیرخان تر کمان از امیران آن عهد بود و پس از چندی که آهنگ سفر اصفهان داشت در حادثه عجیبی راهزنان وی را کشتند. در غزل سرایی نیز استاد بوده است.

۴۴۲- **جتونی قندهاری قالی‌پوش** ، مردی درویش مشرب و قلندرپیشه بود و مؤی سر را رها کرده و گلیم بردوش می‌کشید و بهمین جهت بقالی‌پوش معروف شده بود و خود را از خاندان قدیم می‌دانست و دعوی کیمیا گری داشت و عده‌ای با او معتقد بودند و هلاکی همدانی گفته است که در جوانی نیز در قندهار بدین گونه می‌زیسته است. پس از سفری بایران دوباره بشهر خود باز گشت و در غزل سرایی استاد بود.

۴۴۳- **مولانا حقیری تبریزی** ، از معاریف شعرای زمان خود بشمار می‌رفت و در نواحی مختلف ایران سفر کرده. از آن جمله بمشهد و کاشان رفته و در آنجا بامحتشم و شاعران دیگران محشور بوده و مردی پارسا و عابد بود و در ۹۸۱ هـ از کاشان بخراسان رفت و از راه قزوین بتبریز برگشت و در ۹۹۴ هـ که لشکریان عثمانی وارد تبریز شدند وی بدست ایشان کشته شد. حقیری که برخی بخط انخلص وی را فقیری ضبط کرده‌اند از غزل سرایان زبردست زمان خود بشمار می‌رفته و دیوان غزلیاتش بیش از شش هزار بیت می‌شده و در تبریز بموینه دوزی روزگاری گذرانده است.

۴۴۴- **حسن منخلصی بینسی** ، از مردم بینیس از روستاهای آذربایجان بوده و کارش منحصر بنوشتن و دوختن قبا‌ی فتح برای سپاهیان بوده از آن جمله وقتی قبا‌ی فتح



برای میرزا محمد وزیر آذربایجان دوخته است و در اقسام شعر از آن جمله در غزل دست داشته است.

۴۴۵- وفایی گور اصفهانی ، پسر مولانا ضمیر فی و خواهرزاده نیکی اصفهانی

و بجز وفایی دیگر است که ذکرش پیش ازین (ص ۴۳۰) رفت و وی نیز غزل سرای بوده است.

۴۴۶- خواجه نصیرالدین معروف بنصیرای همدانی ، پسر خواجه مسعود

ابن خواجه حسن بیک بروجردی و از خاندان معروفی بود که حکمرانی بروجرد داشته اند و پس از عزل ساکن همدان شده و بهمدانی معروف شده اند. وی سرانجام با امید کامیابی به هندوستان رفت و مدتی در دربار جلال الدین محمد اکبر بود و سپس بدربار قطب شاه حکمران دکن رفت و پیش ازین از حواش اطلاعی نیست. وی از شاعران و نویسندگان زبردست روزگار خود بوده ، غزل را خوب می سروده و منشآت وی نیز بعنوان منشآت نصیرای همدانی از آثار ادبی معروف آن زمان بشمار می رفته است.

۴۴۷- مولانا حزینی گیلانی ، از شعرای شیعه و درین زمینه معروف بود و قصاید

فراوان در مدح امام اول سروده است .

۴۴۸- فسونی ، ظاهراً وی بجز محمود بیک بن عبدالله فسونی تبریزی از غزل

سرایان این دوره بوده است که ذکرش پیش ازین (ص ۵۱۴) رفت و او هم غزل را استادانه می گفته است.

۴۴۹- عبدی بیک شراری همدانی ، برادر کبوتر مولانا رشکی و خواهرزاده

هلاکی بوده است که ملازم سلطان حسین میرزا پسر بهرام میرزا صفوی بود . در ۹۶۴ در همدان ولادت یافت و نیاکان وی از شکر اعلی و قمر کمان بوده اند . از جوانی بزهد و عبادت پرداخته و مرد بسیار مہذب بوده و هفت بار از ایران به هند سفر کرده و بد کن نیز رفته است و هر نوبت یکی از بزرگان آن سرزمین مانند ابوالفضل بن مبارک و خان خانان عبدالرحیم خان بوی نیکی کرده اند از آن جمله در ۱۰۲۴ از دکن با گره رفته و از آنجا بایران بازگشته است . قصاید فراوان در مدح خان خانان سروده و از هند سفری بحج نیز رفته است دیگر سفریست که در ۹۹۸ به هند رفته و مولانا شکیبی اصفهانی او را بخان

بخانان معرفی کرده و در ۱۰۰۱ از و اجازة بازگشت بایران گرفته است و رویهمرفته ظاهراً آخرین سفروی در ۱۰۲۵ روی داده که در اجمیر بوده است. وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً در غزل دست داشته و دیوانش شامل سه هزار بیت بوده است.

۴۵۰- قاضی اعرجی مراشی ، از دانشمندان مراغه و مردی لنگ بوده و بهمین جهت بقاضی لنگ معروف شده بود و اعرجی تخلص می کرد و ظاهراً در آن شهر منصب قضاوت داشته است و بیشتر بترکی بشعر می گفته و غزلسرا بوده و مردی بی قید و آزاد مشرب بشمار می رفته است.

۴۵۱- سیری استرابادی ، در استراباد پیشه سمبچه چی داشت و سالی یکبار برای دریافت پروانه کار خود وشکایت از دیوانیان بدر بارصفویه می رفت و چون شیعه متعصبی بود شاه محمد خدا بنده نسبت باومهربان بود و بهمین جهت مردم استراباد هم باوا احترام می کردند و در غزلسرای بی مهارت داشت.

۴۵۲- تابعی دماوندی ، از بزرگ زادگان دیار خود و مردی مہذب بود و از جوانی بشاعری معروف شد و غزل را خوب می سرود.

۴۵۳- صنعتی مشهدی ، در مشهد بقالب تراشی روزگار می گذراند و در غزل ماهر بود .

۴۵۴- فرقی هروی ، مرد مہذب دانشمندی بود و از پزشکان بشمار می رفت و غزل را نیکو می سرود.

۴۵۵- مولاناثری گیلانی ، از قصه سرایان زبردست زان خود بشمار می رفت و مردی سست عقیده بود و گویا بهمین جهت بدست پسر مختار سلطان شرف الدین کشته شد و غزل را خوب می گفت.

۴۵۶- دوایی سبزواری ، از غزل سرایان این دوره و مردی افتاده بوده و ظاهراً پزشک بوده و بهمین جهت دوایی تخلص می کرده است .

۴۵۷- حافظ حاجی بیک قزوینی ، بملاحاجی بیک نیز معروف بوده و درکاشان می زیسته و تا زمان شاه عباس زنده بوده و از معاصران وحشی و محتشم و شجاع و غضنفر و

شاعر غزلسرا بوده است.

۴۵۸- مولانا شمسی بغدادی ، از مردم بغداد و شیعه متعصبی بوده و اشعار بسیار گفته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۴۵۹- گرمی بروجردی ، از مردم بروجرد بوده که در آن زمان از توابع همدان بشمار می‌رفته و مردی شوخ و خوش معاشرت بوده و غزل می‌سروده است.

۴۶۰- زلالی گیلانی ، نیز از غزل سرايان این دوره و مرد نیکی بوده و دیگر درباره او آگاهی نیست.

۴۶۱- رفیعی یزدی ، مردی بی‌فید و لاابالی و قمار باز و در شعر شاگرد میرصفی بوده و خود را شاعر توانایی می‌دانسته و غزل سرا بوده است.

۴۶۲- مولانا غباری یزدی ، مرد خوش صحبت و ظریفی بوده و خط غبار را خوب می‌نوشته و گویا بهمین جهت غباری تخلص می‌کرده و در غزل دست داشته است.

۴۶۳- میرمحمد یوسف خلقی ، اصلاً از سادات و از مردم شکراب ری بوده و پدرش امیر معزالدین یوسف در زمان سلطان حسین میرزا بهرات رفته و وی در آنجا نشو و نمایافته و بهمین جهت بطهرانی و هروی و خراسانی و مشهدی معروف شد. زیرا که مدتی هم در مشهد بوده است در هرات کسب دانش کرده و بمراتب علمی رسیده و در زمان شاه اسمعیل در خراسان بمنصب صدارت و امارت رسیده است و سرانجام بدستور امیرخان حاکم خراسان برخی از مفسدان در روز چهارشنبه ماه رجب سال ۹۲۷وی را کشته‌اند و دردم مرگ شعری درین زمینه برای امیرخان فرستاده است. وی شاعر توانایی بوده و غزل را خوب می‌سروده است.

۴۶۴- محمدحسین زینتی مشهدی ، مردی مذهب و در بنایی و معماری در عصر خود برتری داشته و مردی افتاده و درویش مشرب بوده و اقسام شعر مخصوصاً ماده تاریخ را خوب می‌گفته است.

۴۶۵- میرزا محمدامین ، کلانترزاده قصبه توی در خاک تویسرکان بوده که در آن زمان از توابع همدان بشمار می‌رفته است. در همان روستای خود می‌زیسته و مرد

مهدب صاحب جمالی بوده و غزل را خوب می سروده است.

۴۶۶- مظفر یك رنگرز کرمانی ، مردی آراسته بشمار می رفته و غزل و رباعی را استادانه می گفته است.

۴۶۷- ابوالوفای قلندر کرمانی ، از صوفیه طریقه شاه نعمت الله ولی در کرمان و غزل سرا بوده است .

۴۶۸- مولانا حاجی هردمی کاشانی ، مردی مهدب و عاشق پیشه بوده و غزل خوب می گفته است.

۴۶۹- مولانا مجدی همدانی ، از مردم همدان بوده اما در خراسان نشوونما یافته و مردی دانشمند بشمار می رفته و شاعر مسلک بوده و غزل می سروده است.

۴۷۰- نازکی نهاوندی ، طبع بسیار روانی داشته و در بدیهه سرایی استاد بوده و شست و یک کتاب نوشته است که ظاهراً همه آنها منظوم بوده است.

۴۷۱- مولانا وجهی اصفهانی ، مردی دانشمند و صوفی مشرب بوده، و از اقسام شعر بیشتر رباعی مایل بوده است.

۴۷۲- مولانا حامدی، گوپا از مردم قزوین و بسیار بلند پرواز بوده چنانکه شعر خسرو دهلوی را پست تر از اشعار خود می دانسته و غزل می سروده است .

۴۷۳- قاضی وافی تبریزی، از نجیب زادگان این شهر بوده و از کودکی بکسب دانش آغاز کرده و در علوم مختلف سرآمد شده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده و درین فن شهرت بسیار یافته و اشعارش در آذربایجان و عراق منتشر شده است . در پایان زندگی از علاقه و کدخدایی دست کشیده و بعیش و عشرت پرداخته و در خانه خود در حوالی سال ۹۹۲ بدست جوانی کشته شد و غزل را نیکو می سروده است.

۴۷۴- جسمی همدانی ، از شاگردان مولانا کمال الدین هلاکی همدانی و از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بود که تا ۱۰۲۴ زنده بود . در همدان دکان ابریشم فروشی داشت ولی سرمایه اش از دست رفت و زندگی آشفته ای پیش گرفت و بسیار لالابالی و بی قید شد. غزل را نیکو می سروده و دیوانش نزدیک سی هزار بیت داشته است.

۴۷۵- خونی همدانی ، مردی تنگدست بوده و بشمشیر گیری روزگار می -

گذراننده و غزل را خوب می گفته است.

**۴۷۶.** باذنی ساوجی ، پسر مولانا امیری ، مرد مہذب افتاده‌ای بوده و از خوش نویسان معروف زمان خود بشمار می رفته و نسخ تعلیق را خوب می نوشته و غزل را نیز نیکو می سروده است .

**۴۷۷.** بیکسی شیرازی ، از شاعران نامی زمان خود در شیراز بوده و هنگامی که غزالی مشہدی بشیراز رفته وی در آن شهر بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .  
**۴۷۸.** علی فراش حریقی ساوجی ، مردی عاشق پیشه بوده و در جوانی مبتلای عشق جوانی ترک شده و ملازم ترکان شده بود . در پایان زندگی خدمت گزار یکی از امرای دربار شاه طہماسپ شد و با آنکه زبانش را بریدند باز سخن می گفت . رحلت وی را باختلاف در ۹۶۷ و ۹۷۱ و ۹۹۱ ضبط کرده اند و غزل را خوب می سروده است .

**۴۷۹.** محمود بیک ظریفی ساوجی ، نام وی را ظاهراً بخط محمد و تخلص وی را ظریفی ضبط کرده اند . از شاعران نامی زمان شاه طہماسپ بود و سپس بہند رفت و در دربار جلال الدین محمد اکبر راه یافت و چون مردی بی باک بود بسیاری از شاعران را در آن دربار جای داد و در پایان زندگی عازم حج شد و در راه در گذشت . وی نیز غزل را خوب می گفته است .

**۴۸۰.** عارضی قمی ، از شاعران اواخر قرن دهم بوده و تا سال ۱۰۰۰ می زیسته و مردی شاعر پیشه و بی قید و در دربار صفویہ بوده و در غزل دست داشته است .

**۴۸۱.** خضری قزوینی ، مردی دردمند بوده و غزل را شورانگیز و سوزناک می سروده و مجرد می زیسته است .

**۴۸۲.** غباری گیلانی ، از کمانداری روزگاری گذرانده و در موسیقی دست داشته و ساز را خوب می زده و در ضمن خوش نویس بوده و خط غبار را خوب می نوشته و بہمین جهت غباری تخلص کرد و در غزل ہم استاد بوده است .

**۴۸۳.** رضایی کاشانی ، روزگار را بکتابت می گذرانده و مردی نکته سنج و عاشق پیشه بود و در ضمن قاری بود . در ۹۸۰ یا ۹۹۵ از وطن بخراسان رفت و در رفتنہ عبداللہ

خان از يك كشته شد و غزل را بسيار خوب مي سروده است . گویا نارنج كشته شدن وی ۹۹۵ درست تر باشد .

۴۸۴- مير حسين شهودي ، اصلاً از مردم سبزوار بوده و چندی در اصفهان زیسته و بهمين جهت بخراسانی و اصفهانی معروف شده است. دررمل بسيار استاد بوده و گویند بیشتر احکام وی دررمل درست درمی آمده. عمر را به عشق بازی گذرانیده و بیش از هفتاد سال زیسته و مرد دانشمند خوش مشربی بوده و غزل و رباعی می سروده و از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده است .

۴۸۵- مولانا فراقی طالقانی ، حافظ قرآن بوده و آواز خوش داشته و در موسیقی و غزل رابی هم استاد بوده است.

۴۸۶- ملامحمد صوفي مازندرانی ، از معاریف شعرای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بود. در آمل بجهان آمد و در جوانی بنای جهانگردی را گذاشت . نخست بشیر از رفت و چندی در فارس ماند و نیز بکازرون رفت و بصحبت شیخ ابوالقاسم کازرونی که از مشایخ معروف آن زمان بود رسید و سپس بمکه رفت و پانزده سال در آنجا می زیست و هر سال زیارت مرقد پیامبر می رفت و دوباره بمکه بازمی گشت. پس از سفرهای دیگر سرانجام به هندوستان رفت و در نواحی مختلف هند نیز سفر کرد و میرسید جلال الدین صدر متخلص برضایی که از بزرگان احمدآباد کجرات بود و در زمان شاه جهان منصب شش هزاری و صدارت دهلی را داشت و در ۱۰۵۷ در گذشت وی را نزد خود خواند و ازو دانش آموخت. درین میان در سال ۱۰۲۴ سفری باجمیر کرده و زیارت خاک معین الدین حسن سکزی اجمیری عارف مشهور نایل شده است. درین سفر ملا عبدالنبی فخر الزمائی قزوینی مؤلف تذکره می خانه او را در اجمیر دیده و بار دیگر در ۱۰۲۵ سفری باجمیر کرده است. تقی الدین اوحدی وی را در احمدآباد دیده است و در آنجا با نظیری نیشابوری شاعر معروف معاشرت داشته و سرانجام ازورنجیده و در ۱۰۲۵ که نظیری در گذشته بتشییع جنازه وی نرفته است . سیف خان صوبه دار کجرات نیز از معتقدان او بوده است و سرانجام ظاهراً در همان احمدآباد کجرات در ۱۰۳۵ در گذشته است. ملامحمد صوفي مرد بسیار وارسته

قانع پرهیزگار و صوفی مشرب بوده و در اقسام شعر دست داشته و نزدیک چهار هزار بیت شعر از او مانده است از آن جمله ساقی نامه‌ای که از شاهکارهای اوست . در احمدآباد تذکره‌ای از شاعران فارسی زبان بنام بت‌خانه نوشته که یکی از بهترین مؤلفات درین زمینه است و عبداللطیف بن عبدالله عباسی که از ادیبان معروف هند در قرن یازدهم بوده پس از مرگ وی مقدمه‌ای بر آن نوشته و چون وی از مردم احمدآباد بوده پیدا است که ملا محمد صوفی این کتاب را در آن شهر بیابان رسانیده و مجال نکرده است مرتب بکند و ملا عبداللطیف این کار را کرده است و می گوید که در تألیف این کتاب با وی همکاری داشته است. در اصل کتاب تنها شامل منتخبات اشعار بوده و تراجم شعر را ملا عبداللطیف بر آن افزوده است . ملا محمد صوفی مرد آزاد روشی بوده و بهمین جهت برخی از معاصرانش وی را کافر می دانسته‌اند. میرزا غازی ترخان حکمران قندهار هنگامی که وی در احمدآباد بوده است او را بقندهار دعوت کرده و وی در نامه‌ای که نوشته پیری و ناتوانی را بهانه کرده و دعوت او را نپذیرفته است .

**۴۸۷- شیخ عبدالسلام پیمایی** ، ظاهراً پدیران وی از مردم جبل عامل بوده‌اند و خود در کرمان زیسته است ، زیرا که وی را هم کرمانی و هم جبل عاملی دانسته‌اند. از ایران بهند رفته و در دربار پادشاهان نظام شاهی دکن در احمدنگر درجه امارت یافته و در جنگ کشته شده و مرد دانشمندی بوده و غزل و رباعی را خوب می سروده است.

**۴۸۸- میرحسین قدسی ابطحی کربلایی سبزواری**، پدرش از مردم کربلا بود و سبزواری رفت و در آنجا ماند و وی در سبزواری ولادت یافت و بهمین جهت بکر بلایی و سبزواری معروف بوده است . از سبزواری بهرات رفت و در دستگاه محمد خان حکمران آن شهر مقرب شد. نجیب زاده‌ای آراسته و مردم‌مذهب پرهیزگاری بوده و غزل را خوب می گفته است .

**۴۸۹- سامری تبریزی** ، پسر حاج مولانا حیدری تبریزی سابق الذکر ، ظاهراً با پدر به هندوستان رفته و در آنجا تجارت می کرده و مورد توجه خان خانان بوده و غزل سرا بوده است.

۴۹۰- نادری ترشیزی، از غزل سرایان این دوره بوده و از احوالش اطلاعی نیست.

ظاهراً سفری به هندوستان کرده است.

۴۹۱- مولانا ملک احمد دخی اصفهانی، پسر ملک مقصود علی مالک قریه

ویر کویای اصفهان و خواهر زاده شیخ ابوالقاسم امری شیرازی از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و تا ۱۰۲۵ هجری زیسته است. در زمان جلال الدین محمداکبر از اصفهان به هند رفته و در دربار جزو احدیان شاهی که یکی از مناصب آن زمان بوده وارد شده و معاصر شریف سرمدی بوده و از رباعیاتی مانده است.

۴۹۲- غیوری حصاری، از شاعران دربار جلال الدین محمداکبر در هندوستان

بوده و جزین از احوال او اطلاعی نیست و غزل سرای بوده است.

۴۹۳- قاسم قاسمی مازندرانی، ظاهراً نامش قاسم بوده و قاسمی تخلص می کرده

و به همین جهت به روشکلی ضبط کرده اند، از شاعران دربار جلال الدین محمداکبر در هند و غزل سرای بوده است.

۴۹۴- خواجه جان رهی نیشابوری، نیز از شاعران آن دربار و مردی مذهب

بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست و در غزل سرایی استاد بوده است.

۴۹۵- مالکی همدانی، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و ظاهراً

ساکن هند و در دربار جلال الدین محمداکبر بوده و در ۱۰۴۰ در گذشته و غزل می سروده

۴۹۶- صافی اصفهانی، از سادات اصفهان و از غزل سرایان این دوره بوده است

و جزین از احوالش خبری نیست.

۴۹۷- میرسید علاءالدین اودهی، از مشایخ تصوف هندوستان در قرن دهم بوده

و کرامات بسیار بوی نسبت داده اند و مریدان فراوان داشته و در ضمن شاعر زبردستی بوده و غزلیات و ترجیع بندی از او مانده است.

۴۹۸- شیخ عبدالواحد بلگرامی، وی نیز از مشایخ معروف هند در قرن دهم و

از مردم بلگرام در سرزمین قنوج بوده و مردی دانشمند و صاحب کرامات بوده است و در



موسیقی نیز دست داشته و غزل فارسی را استادانه می گفته و در تصوف مؤلفات چند داشته است از آن جمله شرحی بر تذهبه الارواح و چند رساله در اصطلاحات صوفیه و کتاب سنابل.

**۴۹۹- شیخ گدایی دهلوی کنبو**، پسر شیخ جمالی شاعر مشهور و از دانشمندان

زمان خود در هند بود و چون بیرام خان خان خاناں دوستی داشته صدارت هند را باو داده اند و چند سال درین مقام بود و شاعر توانائی بود و غزل را بفارسی خوب می گفت و در موسیقی نیز دست داشت و چندی در دهلوی می زیست و سرانجام در ۹۷۶ در گذشت.

**۵۰۰- شیخ ابوالمعالی**، از مشایخ تصوف هندوستان در قرن دهم بوده است. در

احوالش نوشته اند که برادر زاده و داماد و جانشین میان شیخ داود بوده و گویا مراد شیخ داود کرمانی چونی دال از مشایخ این دوره است که از مشایخ طریقه قادری هند بوده و در ۹۸۲ در گذشته است. شیخ ابوالمعالی در ۹۶۱ بجهان آمده و در اقسام مختلف شعر فارسی دست داشته است.

**۵۰۱- بابا داود خاکی کشمیری**، از مشایخ معروف طریقه سهروردی در هند بوده

و در کشمیر می زیسته است. از خردی دانش آموخته و پس از فراغت از تحصیل مجذوب شیخ مخدوم حمزه مرشد خود شده و بعبادت پرداخته و منزوی بوده است و نیز از سید احمد کرمانی و مولانا شیخ محمد مخدوم قادری و میر سید اسمعیل شاهی قادری خرقه گرفته است و چون قاضی موسی قاضی کشمیر را بدستور پادشاه کشمیر کشتند وی از ماندن در کشمیر بیزارشده و گفت تا وقتی که این مرد بیدادگر زنده است بآنجا بر نخواهد گشت و از کشمیر بملتان و اچ رفت و پس از چندی که لشکریان جلال الدین اکبر بفرماندهی قاسم خان میر بحری کشمیر را گرفتند با ایشان بدیار خود باز گشت و همان سال یعنی ۹۹۴ در گذشت و در اسلام آباد پیکرش را بخاک سپردند و پس از چندی مریدانش پیکر او را از اسلام آباد بشهر بردند و در حظیره مرشدش دفن کردند. بابا داود خاکی که ظاهراً خاکی تخلص می کرده مرد دانشمند و شاعر توانائی بوده و از جمله مؤلفات او کتاب ورد المریدین و شرح آن معروف بدستور السالکین و رساله عالییه است و قصیده معروفی داشته است بنام قصیده جلالیه.

**۵۰۳- ملك محمود پيارو كجراتي** ، از دانشمندان قرن دهم هند بوده و از بازماندگان پادشاهان كجرات بشمار می رفته و پدرش ملك پيارو نام داشته و وی نزد جلال الدین محمد اکبر بسیار مقرب بود و تولیت بقعه معین الدین سکنزی چشتی را باو داده بود و از مریدان مخدوم شاه عالم بخاری بشمار می رفت و بیشتر در احمدآباد در جوار اوسی زیست و چندی هم ساکن اجمیر و فتح پور بوده و در شعر فارسی در غزل سرایی دست داشته

**۵۰۴- صدر جهان پھانی** ، از دانشمندان قرن دهم هند و از مردم پھانی دهی از توابع قنوج و از سادات و مردی دانشمند بوده و از اعیان دربار بایران بشمار می رفته است. چندین سال مفتی ممالک هند بوده و همراه حکیم همام بسمت سفارت بماوراءالنهر رفته و در بازگشت منصب صدارت را باو دادند و غزل فارسی را خوب می سروده است.

**۵۰۴- حکیم سیف الملوك دماوندي متخلص بشجاعی** ، از پزشکان حاذق زمان خود بود و از ایران بهند رفته در آنجا می زیست و بیرام خان خانان وی را گرامی می داشت و چون اتفاقاً بعبادت هر کس می رفت آن بیمار می مرد او را سیف الحکما لقب داده بودند و پس از چندی از هند بایران بازگشت و شاعری توانا بود و مخصوصاً در هجا دست داشته و مهاجرات معروف از و مانده است.

**۵۰۵- حکیم عین الملک دواپی شیرازی** ، از جانب مادر از فرزندان علامه دوانی حکیم معروف و از پزشکان حاذق هند در قرن دهم بوده و مرد بسیار دانشمند مهدپی بشمار می رفته و چندی در لاهور بوده و سرانجام در شهر هندیه در پایان قرن دهم در گذشته و در غزل سرایی استاد بوده است.

**۵۰۶- حکیم ابو الفتح گیلانی** ، پسر ملا عبدالرزاق از پزشکان معروف هندوستان و از مشاهیر دربار جلال الدین اکبر بود و نزد پادشاه چندان مقرب بود که دیگران همه بروحسد می بردند و در باره اش نوشته اند که مرد بی دینی بود و همیشه ببزرگان نیش میزد و در ضمن در شعر دست داشت و برادر کهنترش حکیم همام نیز با او در هند می زیسته است و این دو برادر ظاهراً هر دو در جوانی از ایران بهند رفته و هر دو در پایان قرن دهم در گذشته اند

و نیز برادر دیگری داشته اند بنام قراری کیلانی که او هم در هند می زیسته است.

**۵۰۷- آتشی قندهاری** ، از شاعران دربار ظهیرالدین بابر در هند بوده و با او از

افغانستان بهند رفته و واقعه نویس دربار بوده است و پس از آن مناصب مهم یافته است و در ۹۷۳ در لاهور در گذشت و غزل را خوب می گفت.

**۵۰۸- اشرفی خان میرمنشی** ، از سادات حسینی مشهدی بود و هر هفت قلم را

بسیار خوب می نوشت و از امرای دربار بابر بیان در هند بوده و غزل و رباعی را خوب می سروده است .

**۵۰۹- ابتری بدخشی** ، از مردم بدخشان بوده ولی در هند می زیسته و مردی

صوفی مشرب بوده و فتوحات المکیه و فصوص الحکم را درس می داده و چون درباره ایمان فرعون بحث می کرده او را و کیل فرعون لقب داده بودند و شاعری غزل سرای بوده است.

**۵۱۰- باقر کولابی** ، از سرایندگان قرن دهم هند بوده و ظاهراً از ماوراءالنهر

بدانجا رفته و مدتی در هند می زیسته تا در ضمن حوادث قیام معصوم کابلی کشته شده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۱۱- بیاضی اگرهی** ، از شاعران قرن دهم بوده و مردی وارسته بشمار می رفته

و معاصر قاسم کاهی و غزالی مشهدی بوده و غزل و رباعی می سروده است.

**۵۱۲- ملانورالدین محمد ترخان سفید و فی متخلص بنوری** ، چون چندی

حکمرانی سفیدون در ناحیه سر هند هندوستان با او بود سفیدونی معروف شده بود. مردی دانشمند بوده و در ریاضیات و حکمت و نجوم دست داشته و از درباریان محترم بود و خطاب

ترخانی با او داده بودند و مردی کریم و بخشنده و خوش روی بود. یکبار در میدان چوگان

بازی فتح پور فیلی با او آسیبی رساند و چندی دردمند بود. در حکمرانی خود نهری از آب

چون برای آبیاری مسافت پنجاه گروه تا کر نال و از آن بالا تر ساخت که مردم و کشاورزان

از آن بسیار بهره بردند و چون بنام شاهزاده سلطان سلیم ساخته بود و جوی و نهر را بزبان

هندی «نی» می گویند آنرا شخونی نام گذاشت که در ضمن ماده تاریخ کندن آن نهر یعنی

سال ۹۶۶ می شود. در سال ۹۸۹ که جلال الدین محمد اکبر بجننگ حکیم میرزا رفت

وی از پنجاب بی اجازه برگشت و بهمین جهت مورد خشم قرار گرفت تا باز گشت از آن سفر در فتح پور تا چند سال مورد مؤاخذه بود و درین حال در سال ۹۹۴ که اکبر بانک می رفت او را متولی مقبره پدر خود کرد و بدلهای فرستاد و همانجا در گذشت. وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوانی از او مانده است.

**۵۱۳- شیخ محمد کنبو** ، از شاعران دربار جلال الدین محمد اکبر در هند بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است و بجزین از احوالش اطلاعی نیست.

**۵۱۴- تروی بیک خان روده** ، از شاعران ماوراءالنهر ساکن هندوستان و از امرای جغتایی یا چغتیه و در دستگاه میرزایان الخ میرزا بوده و تا ۹۸۲ که وی قلعه بهروج را گرفته زنده بوده است و دیگر خبری از او نیست.

**۵۱۵- محمد منوهر توسنی** ، پسر لون کون راجه سانبهر بوده که چون اسلام آورده نام خود را محمد منوهر گذاشته و نام وی در هندی منوهر بوده و سپس لقب میرزا منوهر باو داده اند و غزل را نیکومی سروده است.

**۵۱۶- تذروی ابهری**، خواهرزاده مولانا ر کسی ابهری سابق الذکر بوده است. ظاهراً نخست از ایران بخاک عثمانی رفته و سپس در دوره فرمانروایی بیرام خان خانانان از آنجا بهند رفته و نزد او مقرب شده و در جنگ دامن کوه بدست خان اعظم آنکه خان اسیر شده و پس از چندی آزادی یافته و سرانجام در ۹۷۵ شبی بدست دزدان کشته شده و در خانه ای که در آگره برای خود ساخته بود او را بخاک سپرده اند. تذروی شاعر توانایی بوده و لطف طبع داشته و غزل و مثنوی را خوب می گفته است. در زمانی که گرفتار آنکه خان بوده یک مثنوی بوزن خسرو و شیرین بنام حسن یوسف برای یوسف محمد خان پسر خان اعظم آنکه خان سروده و نیزه نامه ای در برابرده نامه ابن عماد گفته است.

**۵۱۷- علی اکبر ثانی خان هروی** ، از امرای دربار هند بوده و مردی کارآمد و دانشمند بشمار می رفته و در باره اش نوشته اند که رسائل ملحدانه نوشته و موافق علم نقط جلال الدین اکبر و خود را آن معبود منتظری می دانسته که در ۹۹۰ می بایست ظهور کند. ازین قرار پیرو مذهب نقطوی بوده است و نوشته اند در آخر عمر ظاهراً از شعر نوبه کرده

بود و دیوان غزلیات از زمانده و رساله‌ای نیز در تصوف بنظم آورده است.

**۵۱۸- جمیلی کاپی وال**، پسر شیخ جلال خلیفه شیخ محمد غوث از مشایخ تصوف

هند بود. برادر هترش شیخ فضیل در زبان عرب بسیار ماهر بوده و قصاید غرا باین زبان گفته و توفیق نثر و نظم بزبان تازی بر تفسیر شیخ فیضی نوشته است و هر دو برادر بسیار سیه چرده و از مردم لاهور بوده‌اند و چندی در دربار هند زیسته‌اند. جمیلی شاعر توانایی بوده و گاهی اشعار مضحك می‌سروده و بیشتر غزل و رباعی گفته است.

**۵۱۹- جعفر هروی**، از شاعران ساکن هند و میر بخشی آنکه خان و از مداحان

میرزا عزیز کو که بوده و غزل و معما را خوب می‌گفته است.

**۵۲۰- حیایی گجراتی**، از شاعران ساکن گجرات در دستگاه میرزا نظام الدین

احمد بوده و غزل می‌سروده است. نام وی در طبقات اکبری (ج ۲ ص ۵۱۳) بخطا ملاحظاتی یا جانی یا خانی یا جانی (!) چاپ شده است.

**۵۲۱- والهی اگری**، پدر حالتی اگری شاعر این دوره و غزل‌سرای بوده و

جزین از حوالتش آگهی نیست.

**۵۲۲- آنکه خان خان اعظم**، میر شمس الدین محمد غزنوی از رجال معروف دربار

بابریان در هند و شوهر ماهم دایه جلال الدین اکبر بوده است. در شکست جوسا از شیر شاه که همایون پادشاه در رود گنگ افتاده بود چیزی نمانده بود غرق بشود وی که از همراهانش بود او را از آن خطر نجات داد و بهمین جهت بسیاره قرب شد و بمقامات عالی رسید و در دربار جلال الدین محمد اکبر هم چنان کارهای مهم داشت و وکیل مطلق بود تا آنکه بتحریک شهاب الدین احمد خان و منعم خان خان خانان بدست ادهم خان در ۱۲ رمضان ۹۶۹ کشته شد و پیکرش را در جوار نظام الدین اولیا بخاک سپردند. وی شاعر زبردستی بوده و غزل را خوب می‌سروده است.

**۵۲۳- یوسف محمد خان**، پسر خان اعظم آنکه خان سابق الذکر بوده و بیشتر

رباعی می‌گفته است. چنانکه گذشت تذوی ابهری مثنوی حسن یوسف را بنام او سروده

**۵۴۴- خنجریك جغتایی یاچفته** ، از امرای جغتایی یاچفته ماوراءالنهر و از خویشان تردی بیک خان روده سابق الذکر بوده که در هند در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در فنون جنگی و خوشنویسی و شعر و معما و اسطرلاب و نجوم و وفق امتداد مشهور بوده و مصنفات درین رشتهها دارد و در موسیقی ایرانی و هندی نیز استاد ماهر بود و هنگامی که خان زمان و بهادر خان قیام کردند وی با ایشان همدست شد و بسوی بنگل رفت و در همان جا فرمان یافت. وی شاعری توانا بوده و دیوانی از او مانده و مثنوی و غزل را خوب می سروده و خنجری تخلص می کرده است.

**۵۴۵- خواجه ابراهیم حسین احدی بلوطی** ، از بزرگان زادگان شهر بلوط در هند و از خویشان نزدیک شیخ عبدالرحمن لاهوری بلوطی از مشایخ معروف زمان خود بوده است. وی نیز صوفی مشرب و خوش نویس زبردست و در خط شاگرد میردوری سابق الذکر بوده و در ماه صفر ۱۰۰۲ در جوانی در گذشته است.

**۵۴۶- دانهی نیشابوری** ، از مردم دانه یکی از روستاهای نیشابور بود و بهمین جهت بدانهی معروف شده بود. در آغاز در زادگاه خود کشاورزی می کرد و سرانجام به هند رفت و بیشتر بهمان زبان روستایی خود شعر می گفت و بزبان ادبی نیز غزل می سرود و پیش ازین از احوال او آگاهی نیست. تخلص وی را والهی نیز نوشته اند و چنان می نماید که یکی تحریف دیگر است.

**۵۴۷- زین خان کوکه** ، از امیران نامدار دربار جلال الدین محمد اکبر در هند بود و در نوآختن سازهای هندی و دف رقیب نداشت و بسیاری از شعرای زمان از او برخوردار شده و متنعم شده اند. و خود نیز گاهی غزل می سروده است.

**۵۴۸- سلطان محمد سلطان سبکی** ، از مردم سبک یا سبک از روستاهای قندهار بوده و به هندوستان رفته و چون بزبان هندی چلیپاسه را سبکلی می گویند وی را سبکلی می نامیده اند. مردی قلندرو آزادمنش بود. علیقلی خان از بیک خان زمان سیستانی از امرای دربار جلال الدین محمد اکبر که ذکرش پیش ازین گذشت و او نیز سلطان تخلص می کرد معاصرویی بود و وی قصیده ای در ستایش او گفت، او هزار روپیه و خلعت برایش فرستاد

و پیغام داد که از آن تخلص چشم پیوشد. وی آن جایزه را رد کرد و گفت سلطان محمد نامیست که پدر بمن داده است و نمی توانم آنرا تغییر بدهم و چند سال پیش از شما باین تخلص شعر گفته ام. خان زمان باو گفت که اگر ازین تخلص نگذری ترا زیر پای پیل می اندازم و دستور داد فیلی برای این کار آوردند تا او را بترساند. وی گفت زهی سعادت که من درین راه شهید شوم. سرانجام مولانا علاءالدین لاری که آخوند خان زمان بود قرار برین گذاشت از دیوان جامی غزلی را باید اختیار کرد اگر وی بدیهه جواب داد باید از سراو گذشت. از دیوان جامی بتفأل این غزل آمد :

دل خطت را رقم صنع الهی دانست      بر سر ساده رخان حجت شاهی دانست  
وی بالبداهه غزلی گفت باین مطلع :

هر که دل را صدف سر الهی دانست      قیمت گوهر خود را بکماهی دانست

خان زمان را خوش آمد و بر صله خود افزود و وی صلاح را در آن دید که دیگر در آنجا نماند و از آنجا بیداون رفت و سپس رهسپار دکن شد و در سالی که چهار پادشاه دکن همدست شدند و سرزمین بیجانگر را گرفتند و بت خانه معروف آنجا را ویران کردند سلطان محمد که با ایشان بود غنیمت بسیار یافت و دیگر جزین از احوال وی اطلاعی نیست. سلطان محمد شاعر توانایی بوده و در غزل سرایی مهارت داشته است.

۵۳۹- قاضی سیری سجاوندی غزنوی، نبیره خان اعظم کوکه اکبری و از

مردم سجاوند نزدیک غزنین بوده بهمین جهت بسجاوندی و غزنوی معروف بوده و قاضی پرهیز کار و مردی دانشمند بود. بعد از سفر عتبات و حج به هندوستان نزد خان اعظم رفت و در ۹۷۹ درگذشت. وی شاعری توانا بوده و در عروض و قوافی و معما زبردست بوده است و غزل و رباعی را نیکومی سروده است.

۵۴۰- سیاقی دهلوی، از ملازمان بیرام خان خان خانان بود و در سیاق و حساب

مهارت داشت بهمین جهت سیاقی تخلص می کرد و برخی بخطا تخلص او را سیاقی ضبط کرده اند. وقتی بیرام خان هفت هزار رویه نذر آستان رضوی کرد و باو داد بمشهد ببرد و خرج بکنند و درین سفر بدستور شاه طهماسب گرفتار و زندانی شد و پس از چندی رهایی

یافت و سرانجام در ۹۷۴ در گذشت و شاعری غزلسرای بود.

۵۴۱- خدادوست سپاهی انجدانی ، نبیره خواجه کلان بیک از بزرگان

اندجان بود و شاعر توانایی بشمار می رفت. در ۹۷۸ یا ۹۷۹ در گذشته و رباعیات از او مانده است .

۵۴۲- سید شاهی متخلص بسیدی، از سادات گرمسیر هندوستان و ساکن کالیپی

بوده و مردی صوفی مشرب و خوش طبع و خوش معاشرت بود و از مریدان شیخ اسلام چشتی بشمار می رفت. چندی در دربار می زیست و سپس بمصاحبت امرایر داخت و سرانجام در کابل در دستگاه قلیچ محمدخان بود و غزل را خوب می سرود.

۵۴۳- شاه ابوالمعالی، از شاعران خوش طبع صوفی مشرب هندوستان در زمان

جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل را خوب می گفته است.

۵۴۴- شعوری تربتی، از شاعران این دوره بوده که در عهد جلال الدین محمد

اکبر از هندوستان بایران رفته و غزلسرای بوده است.

۵۴۵- ملا صادق حلوابی سمرقندی، از مشاهیر دانشمندان ماوراءالنهر بوده

و چندین سفر به هندوستان رفته و بار آخر در ۹۷۸ از راه هند به حج رفت و در بازگشت میرزا محمد حکیم او را در کابل نگاه داشت و بتدریس گماشت و پس از چندی بزادگاه خود رفت و بسیار محترم و در غزلسرای استاد بود .

۵۴۶- صادقی قندهاری، اصلاً از مردم هرات بوده و چون بیشتر در قندهار

می زیسته بقندهاری معروف شده و مدتی در هندوستان زیسته و ظاهراً در همان جا در گذشته و غزل و رباعی از او مانده است.

۵۴۷- صبوری همدالی، از شاعران است که ظاهراً نخست در ایران می زیسته

و سپس به هند رفته و در دستگاه خان زمان می زیسته و با او اسیر شده و ظاهراً در هندوستان در گذشته و غزل می سروده است.

۵۴۸- صالح دیوانه، مردی مجذوب بوده و بهمین جهت بدیوانه معروف شده

و چندی در دربار جلال الدین اکبر می زیسته است و پس از چندی او را از دربار رانده اند و



بکابل رفته و بهند باز گشته و بار دیگر رخصت گرفته و بکابل رفته است و چنان می نماید که اصلاً از مردم افغانستان بوده است. در باره اش نوشته اند که جلال الدین اکبر او را غافل خطاب می کرد و هر روز خورا کهای لذیذ بنام خضر پیامبر بکشاردریا می فرستاد و پرتدگان یا قلندران آنها را می خوردند و خود را مقبول و وکیل خضر می دانست و غزل سرای بود.

**۵۳۹- ملا علی طارمی محدث**، چنان می نماید که از دانشمندان ایران و از طارم بوده بهمین جهت طارمی تخلص می کرده یا اینکه بنسبت طارمی معروف بوده است. در زمان جلال الدین محمد اکبر بهندوستان رفته و در ۹۸۲ ظهراً در آنجا در گذشته و از دانشمندان ممتاز زمان خود بوده و در عربستان علم حدیث را فرا گرفته بود و بسیار پرهیز کار بود و برادرش ملا صادق نیز از دانشمندان معروف بوده است و وی غزل را خوب می گفته است.

**۵۴۰- طالعی یزدی**، چنان می نماید که در جوانی از ایران بهند رفته و در شهر آکره بصحافی روزگاری گذرانده و خط نسخ تعلیق را بسیار خوب می نوشته و در غزل نیز دست داشته است.

**۵۴۱- طفلی فتح پوری**، پسر ملا درویش فتح پوری و برادرزاده ملا صالح مدرس خانقاه فتح پور و از خاندان علم بوده است. خود نیز کسب دانش کرده بود و شاعر توانایی بشمار می رفت و در دستگاہ شاهزاده بزرگ می زیست و این تخلص را از ویافته بود و در اقسام شعر دست داشت.

**۵۴۲- ملا عالم عارف کابلی**، مردی بسیار شیرین سخن و بذله گوی بوده و در هند می زیسته و از دانشمندان بوده و کتابهای چند نوشته از آن جمله شرح مقاصد و تجدید در مقابل شرح تجرید و دو حاشیه بر مطول و کتابی در احوال مشایخ هند بعنوان فواتح الولایه. از جمله درباریان جلال الدین محمد اکبر بود و چون دید که شیخ ابوالفضل علامی وقاضی خان و دیگران از ملایب بامیری رسیده اند گفت داخل سپاهیان می شوم. اکبر پذیرفت اما چون کارهای شکفت میگرد چندان ترقی نکرد. چون زادگاه وی

روستای گل بهار از توابع کابل بود نخست بهاری تخلص می کرد و چون بهاری بیشتر نام کنیزان بود چندی ربیعی تخلص کرد و سرانجام عارف تخلص کرد و در برابر سلسله الذهب جامی مثنوی بنام صلصلة الجرس سروده و غزل نیز می گفته است.

**۵۴۳- میر عبدالحی مهدی**، از دانشمندان ایران بوده که در جوانی به هند رفته و وی و برادرش میر عبدالله قانونی که ظاهرآ موسیقی دان بوده از ندیمان خاص نصیرالدین همایون بوده اند و وی چندی منصب صدارت داشته است و هر دو برادر مردمان پرهیزگاری بوده اند و خط بابری را که ظهیرالدین بابر اختراع کرده بود و قرآنی بآن نوشته و بمکه فرستاده بود و کمتر کسی می دانست او خوب می خواند و در شعر نیز استاد بود.

**۵۴۴- عییدی لاهوری**، در جوانی بشاعری آغاز کرد و حکیم ابوالفتح که اشعار وی را می پسندید او را بدربار جلال الدین محمد اکبر برد و غزل سرای بود.

**۵۴۵- عشقی خان ترك**، از پیرزادگان ترك بود که در هند در دربار اکبر می زیست و در علم سیاق دست داشت و چندی میر بخشی دربار بود. دیوانی از قصاید و غزلیات ترتیب داده و يك مثنوی مانند مثنوی خنجریك سروده است. پسرش رحمن قلی سلطان در سرودن ماده تاریخ استاد بوده است.

**۵۴۶- میر مرتضی علمه**، از سادات دوغلباد در هند و از امرای معتبر دستگاه خان زمان بود و چندی حکمرانی بداون را داشت و مردی فاضل و خوش طبع بشمار می رفت و غزل سرای بود.

**۵۴۷- میرزا عزیز گو که یا گوگلتاش ملقب باعظم خان یا خان اعظم**، پسر شمس الدین محمد اتکه غزنوی از امرای بزرگ هند در دربار جلال الدین محمد اکبر و حکمران گجرات بود. مردی بود دانشمند و دانش پرور و ازین حیث بر معاصران خود برتری داشت و در ضمن مرد بلند همتی بود و باغ جهان آرا را در اکره ساخت و در ۱۰۰۱ سفری به حج رفت و تجمّل و بخشش بسیار درین سفر بکار برد و معروف شد و در ۱۰۳۴ در گجرات در گذشت در ضمن شاعری توانا بود و غزل و رباعی از او مانده است.

**۵۴۸- عنایت الله کاتب شیرازی**، از شاعران و خوشنویسان ایران بوده که در هند

در دربار اکبر می زیسته و در کتابخانه وی سمت کتابداری داشته و طبع روان او در غزل سرای  
جلوه می کرده است.

۵۴۵- میر محمد خان کلان غزنوی، از اعیان دربار اکبر و مردی دانش دوست  
و شاعر پرور بود. ظاهراً در اصل از مردم غزنین بوده و به همین جهت غزنوی تخلص می کرده  
یا بدین نسبت معروف بوده است. چندی حکمران سنبل یا سنبل بود و برخی از شاعران  
زمان از آن جمله امافی مداح او بوده اند و وی اشعار سراینده گان بزرگ را طرح می کرده  
که شاعران از آنها استقبال کنند و خود نیز غزل را بسکومی سروده است.

۵۵۰- میان جمال خان ناصحی بداولی، پسر میان منگن بداولی از شعرای  
جوان عهد جلال الدین اکبر بوده و از کار گزاران دستگاه میر محمد خان کلان غزنوی  
بشمار می رفته است. در روز عید قربان سال ۹۷۷ که در نماز گاه سنبل قبق می زده است در  
همان حال بی هوش شده و جان سپرده است. وی در غزل دست داشته است.

۵۵۱- قاسم علی خان غباری اگری، پسر حیدر بقال از اعیان دربار جلال الدین  
اکبر بود که نوشته اند از خاندان پست بود و پدرش در آگره دکان بقالی داشته و میوه و  
معجون می فروخته و خود نسب خویشش را بقریش می رسانده است. نخست در مجلس اکبر  
خوانندگی می کرد و پس از چندی ترقی کرد و منصب خلافت گرفت و در سال ۱۰۰۰ یا  
۱۰۰۱ در گذشت. نوشته اند که چندان دانا بوده و غزل می سروده است.

۵۵۲- فهمی سمرقندی، پسر نادری سمرقندی از شاعران ماوراءالنهر بوده که  
سفری به هند رفته و بزادگاه خود باز گشته و در معما و غزل استاد بوده است.

۵۵۳- نادری سمرقندی، پدر فهمی سابق الذکر از دانشمندان زمان خود و  
شاعری توانا بوده و دلدادگی کسی بنام نظام شده و اشعاری در ستایش وی سروده و سپس از  
ناسازگاریها دلگیر شده و به هند رفته و قصاید غرا در مدح همایون سروده و پیش آن پادشاه  
مقرب شده و سرانجام در هندوستان در ۹۶۶ در گذشته و قصیده و غزل را بسکومی سروده است.

۵۵۴- فسونی یزدی، از سادات یزد بوده که ظاهراً در جوانی به مغرب هندوستان  
بسرزمین تنه رفته و از آنجا بدربار اکبر راه یافته و قصه خوان بوده و غزل را خوب می گفته است.

۵۵۵- فیروزه کابلی ، خانه زاد میرزا محمد حکیم از پزشکان هند و اصلاً از طایفه لنگاه بوده و در یکی از جنگ‌ها بدست مردی سپاهی اسیر شده و از آنجا وارد دربار جلال‌الدین محمد اکبر شده و خط و سواد داشته و در موسیقی نیز تا اندازه‌ای استاد بوده و طنبور می‌زده و از پتینه بهمراهی قاضی خان بدخشی در جونپور وارد خدمت دربار شده و مدعی بوده است که اکثر دیوانهای متقدمین و متأخرین را جواب گفته و غزل‌سرای بوده است .

۵۵۶- فهمی استرآبادی ، از شاعران مستعد دربار اکبر بوده و ظاهراً در جوانی از ایران بهند رفته و در دهلی می‌زیسته و غزل و رباعی از او مانده است .

۵۵۷- قوسی ، از شاعران قرن دهم هند بود و در خدمت خان کلان می‌زیست و در تراشیدن خلال و شانه و چیزهای چوبی مانند نداشت و خوش خط بود و غزل خوب می‌گفت .

۵۵۸- قندی، از شاعران ماوراءالنهر بوده که بهند رفته و در زمان بیرام خان با گره رفته است و مردی دانشمند بوده و غزل را خوب می‌سروده است .

۵۵۹- افضل خان کلاهی ، در فنون ادب دست داشته و از دکن شمال هند رفته و چندی بکارهای شرعی می‌رسید و چون میرزا مقیم و میر حبیب را بفتوای ملا عبداللہ لاهوری بتهمت شیعه بودن و رافضی بودن کشتند وی پر خاش کرد و بدکن باز گشت و در آنجا فرمان یافت . وی غزل را خوب می‌سروده است .

۵۶۰- کلامی جغتایی ، اصلاً از طوایف چغتای بود و در سند می‌زیست و بانیازی شاعر همیشه اختلاف داشت و از بکر بشمال هند رفت و چندی در آگره بود و غزل را بروش شاعران ماوراءالنهر می‌گفت .

۵۶۱- کامی قمی ، در جوانی از ایران بهند رفته و باز گشته و جزین از احوالش اطلاعی نیست و غزل را خوب می‌گفته است .

۵۶۲- لقایی استرآبادی ، از شعرای ایران ساکن هندوستان و مردی مهذب و دانا بوده و چندی در دستگاه خان زمان روزگار می‌گذرانیده و غزل را خوب می‌سروده است .

**۵۶۳- پیرزاده لوائی سبزواری**، وی نیز از شاعران ایرانی مقیم هند و مدتی در دربار جلال‌الدین محمداکبر بوده و در ۹۹۵ در لاهور که تندیادی و زبیده دیواری را بر سر وی ویران کرده و از آن صدمه در گذشته و غزل را خوب می‌گفته است.

**۵۶۴- میرزا لعل‌بیک اعلی بدخشی**، پسر شاه قلی سلطان بدخشی و از نجبای بدخشان بوده و در هندوستان می‌زیسته و حسن صورت و سیرت داشته و بسیار مہذب بوده است. چندی درد کن‌زیسته و ملازمت شاهزاده سلطان مراد می‌کرده و از دربار جلال‌الدین محمداکبر او را بلاهوردعوت کرده‌اند. مردی دانشمند بوده و در قاریخ و سیر دست داشت و غزل را نیکو می‌سرود.

**۵۶۵- لطفی منجم**، مردی دانشمند و ندیم پیشه بوده و شعر بسیار بیاد داشت چنانکه می‌توانست شہی هزار بیت بتقریب بخواند و تقلید خوب می‌کرد. چندی با میرزا نظام‌الدین احمد در کجرات می‌زیست و امولی بهم‌زد و از هندرفت و دیگر در باره اش اطلاعی نیست. غزل را خوب می‌گفته است و مردی شیرین‌سخن بوده و در نجوم دست داشته است.

**۵۶۶- میر مرتضی شریفی شیرازی**، نبیره میر سید شریف کرگانی دانشمند معروف و خود از دانشوران نامی قرن دهم بوده و در علوم مختلف مخصوصاً در ریاضیات و اقسام حکمت و منطق و کلام دست داشته است. در آغاز از شیراز به حج رفته و از ابن حجر دانشمند معروف علم حدیث را فرا گرفته و از آنجا بدکن و ازدکن با گره رفته و بازمانده عمر را در هند گذرانده و مشغول تدریس بوده است تا آنکه در ۹۷۴ در گذشت. بیکرش را نصرت در جوار امیر خسرو دہلوی بخاک سپردند و پس از چندی بازماندگانش استخوانهایش را بمشهد بردند. وی گاه گاهی اشعار خوب می‌سروده است.

**۵۶۷- میر محسن رضوی مشہدی**، از دانشمندان ایرانی مقیم هند و از کارگزاران محترم دربار جلال‌الدین محمداکبر بوده و غزل و معمارا خوب می‌گفته است.

**۵۶۸- قاسم خان موجی بدخشی**، از امرای نامی در باره‌ما یون در هندوستان بوده و در پایان زندگی ترک سپاهی‌گری کرد و منزوی شد و در اگره در ۹۷۹ در گذشت. شاعر توانایی بوده و دو مثنوی یوسف و زلیخا و لیلی و همچون سروده و غزل نیز می‌گفته است.

۵۶۹- میرزاده علی خان ، پسر محترم بیک و از امرای نامی دربار همایون بود و مردی مذهب بشمار می رفت. در ۹۹۶ که یعقوب پسر یوسف خان کشمیری در کشمیر بر محمد قاسم خان میر بحر شبیخون زد در جنگ مغلوبه گشته شد . وی نیز غزل سرا بوده است .

۵۷۰- معزی هروی ، از سادات طباطبایی و ساکن هندوستان و در کودکی با کامران میرزا هم سبق بوده و نزدیک پنجاه سال در هندوستان زیسته و در ۹۸۲ در آنجا در گذشته و غزل را نیکومی سروده است.

۵۷۱- مرادی استرآبادی، از سادات استرآباد بود و به هندوستان رفت و در ۹۷۹ در آنجا در گذشت و غزل را خوب می گفت.

۵۷۲- مدامی بدخشی ، از شاعران بدخشان بود که بهندرفت و چندی در ملازمت میرزا عزیز کو که بود و پیش ازین از احوالش اطلاعی نیست و غزل سرا بوده است.

۵۷۳- ملا مقصود قزوینی ، پسر ملا فضل الله متخلص بفضلی از سرایندگان ایرانی ساکن هند بوده و ظاهراً با پدر خود بآن سرزمین رفته و ستایشگر قاضی یحیی قزوینی جد نقیب خان از اعیان دربارا کبر بوده و در آگره در ۹۷۷ در گذشته و قصیده و غزل می سرود.

۵۷۴- ملا فضل الله فضلی قزوینی ، پدر ملا مقصود سابق الذکر و از شاعران ایرانی ساکن هند و مردی مذهب و محترم بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۵۷۵- محنتی حصاری ، از مردم ماوراء النهر ساکن هندوستان و مردی دانشمند بود و در مدرسه دهلی تدریس می کرد و مورد توجه اکبر قرار گرفت و تنخاص محنتی را باو داد و منصب قضای سرهند را بوی و اگذار کرد و در همانجا در گذشت و غزل سرا بود.

۵۷۶- موسوی مشهدی ، از شاعران ایرانی مقیم هندوستان در زمان اکبر بود و غزل می سرود.

۵۷۷- خواجه معظم ، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل و خال جلال الدین محمدا کبریا شاه بابر هند بود و بهمین جهت در دربار اومی زیست. گرفتار جنون شد و زن خود را بی گناه کشت و بهمین جهت اکبر در ۹۷۱ فرمان بکشتن اوداد. وی غزل را

خوب می گفت.

**۵۷۸- موزون اگری** ، پسر شیخ پیرا گره که از هندوان بود و هر هفت خط را بسیار خوب می نوشت و گاهی در پشاور بود و پسرش نیز مردی هنرمند و خوش نویس بود و شاعر نج صغیر و کبیر را خوب بازی می کرد و در معما نیز دست داشت و غزل را خوب می گفت.

**۵۷۹- محمد یوسف کابلی** در جوانی از کابل به هندوستان رفت و خوشنویس و در خط شاگرد اشرف خان میر منشی بود و در جوانی در ۹۸ در محاصره قلعه سورت در گجرات جان سپرد و غزل را خوب می گفت.

**۵۸۰- منظری سمرقندی**، از شاعران زبردست ماوراءالنهر بوده که به هندوستان رفته و ملازم بیрам خان خان خانان شده و در صدد برآمده است شاهنامه ای شامل فتوحات وی بسراید و چند داستان از آنرا بیایان رسانیده از آن جمله جنگ با اسکندر سوری و شرح شجاعت های محمد حسین خان بوده و در پتیالی این اشعار را بنظر بیرام خان رساند و وی در آن اصلاحات کرد و شرح واقعه را از آغاز تا انجام برای وی گفت و در یک شب آن سیصد چهارصد بیت را اصلاح کرد و وی فردای آن روز آن اشعار را در مجلس خواند و صله گرانی یافت و ظاهر آن منظومه را بیایان رسانیده و غزل را نیکومی سروده است.

**۵۸۱- مدامی همدانی**، از شاعران ایرانی ساکن هند بوده و در آنجا بحیدری شهرت داشته و قصاید خوب در مدح میر محمد خان کلان از اعیان هند سروده است و در باره اش نوشته اند که بدخوی بوده و همیشه با مردم اختلاف داشته و ازین حیث در آزار بوده و قصیده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۸۲- مقیمی سبزواری**، چنان می نماید که نامش محمد مقیم بوده باشد زیرا که در شعر گاهی مقیم و گاهی مقیمی تخلص کرده است و مردی افتاده و صوفی مشرب بود و باخان اعظم اکبری خویشاوندی داشت و در دستگاه او بود و پس از فتح گجرات بایران باز گشت.

**۵۸۳- میررکن الدین زیارتگاهی**، پسر قاضی ابوالمعالی و مردی مذهب و صوفی

مشرّب بوده و در هندوستان می زیسته و در جوانی در لاهور بیماری بواسیر در گذشته و غزل را خوب می گفته است. برادری معصوم نام داشته که شاعر بوده و پس ازین ذکر او خواهد آمد

**۵۸۴ - محوی**، از سرایندگان ایران بوده که بهندرفته و از ملازمان خان خانان پسر بیرام خان بوده و سفری بحج کرده و بجزین از احوالش اطلاعی نیست. در رباعی نظیر نداشته و رباعیاتی از او مانده است.

**۵۸۵ - شیخ محمد دهلوی**، از بزرگ زادگان هند و مردی بسیار دانشمند بوده و چندی در قصبه باری در هند می زیسته و از معاصران جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۸۶ - نویدی تربتی**، از شاعران ایرانی ساکن هند و ملازم بیرام خان خان خاقان بوده و ترجیع بندی در هجو کوچک بیک که بخشی دستگاہ بیرام خان بوده سروده است که بسیار معروف شده بود و بنظم و نثر وی را هجو کرده بود و واحدالعین بود و در انواع نعر دست داشت و دیوانی ترتیب داده است.

**۵۸۷ - مولانا علی احمد نشانی دهلوی**، پسر مولانا حسین نقشی دهلوی، پدر پسر هر دو در حکاک کی و مهر کنی استاد زبردست بوده اند و بهمین جهت پدر نقشی و پسر نشانی تخلص کرده است و پدرش استاد شاهزاده بزرگ بود. وی چنان در فن خود ماهر بود که کارهای او در ایران و ماوراءالنهر نیز خریدار داشت. در ضمن مردی مہذب و دانا بود و در بار اکبر مقام مهمی داشت و در همه خطها استاد بود و در انشاء و املا نیز زبردست بشمار می رفت. در اقسام مختلف شعر از غزل و قطعه و ماده تاریخ و مثنوی و قصیده استاد بوده است.

**۵۸۸ - مولانا حسین نقشی دهلوی**، پدر نشانی سابق الذکر و مانند پسر حکاک مهر کن زبردست بوده و از عرفای زمان بشمار می رفته و در ۱۴ جمادی الآخره ۹۸۸ در گذشته غزل را خوب می گفته است.

**۵۸۹ - نهانی آفرهی**، از شاعران هند ساکن آگره بوده و پسری جعفر نام داشته که در کشمیر مقامی یافته و از ملازمان میر بحری بوده و وی غزل می سروده است.



۵۹۰- نجاشی فیلابانی ، از شاعران ایرانی بوده که بهندرفته و در همانجا در گذشته است و بیشتر غزل و معما می سروده است.

۵۹۱- ملا نویدی ، از شاعرانیست که از جوانی ملازم خان خانان بوده و غزل می سروده و جزین از حالش آگاهی نیست.

۵۹۲- نیازی بخارایی ، مردی دانشمند بوده و در شعر و عروض و معما و تاریخ دست داشته و درین زمینهها تألیفات داشته است. اما چنان که در باره اش نوشته اند مرد بد زبان و ناسازگاری بوده و در مجلس همایون که او را بدانجا برده بودند بایبکسی و میر عبدالحمی صدروخواجه حسین مروزی که در آن مجلس بوده اند در افتاده و سبب این که از ماوراءالنهر بهندرفته این بوده که در مقطع غزلی بجای می احترامی کرده بود و سرانجام در تهمه در گذشت و در غزل سرایی ماهر بود.

۵۹۳- میر محمد شریف نوایی کر بلایی ، برادر میر قدسی کر بلایی بوده و بهند رفته و در دربار جلال الدین محمدا کبر وارد شده و بزودی در همان سرزمین در گذشته و غزل را خوب می سروده است.

۵۹۴- نظمی تبریزی ، از شاعران ایران بوده که در هند می زیسته و جواهر فروش بوده و دیوانی ترتیب داده و غزل را خوب می گفته است.

۵۹۵- وداعی هروی ، از هرات بهندرفت و در همان جا در گذشته و مرد دانشمندی بود و غزل می گفت.

۵۹۶- ابن علی واقعی هروی یا وائقی ، وی نیز از هرات بهندرفته و از ملازمان خلیفه زمان بوده و غزل را خوب می سروده است.

۵۹۷- میر عبدالله وصفی ، خوشنویس بسیار توانا و از شاگردان شاه فیاض و مولانا راقمی خوشنویسان معروف بوده و هر هفت خط را خوب می نوشته و از سوی مادر از خوشاوندان میرزا نظام الدین احمد بوده و غزل را خوب می گفته است.

۵۹۸- وصلی عراقی ، از شاعران ایران بوده و مؤلفان هندی نوشته اند از ولایت عراق یعنی از ایران بوده است و در کشتی گیری توانا بوده ، بحج رفت و از راه دریا بهند

رفت و کشتی گرفتار توفان شد و همسفران وی غرق شدند و او نجات یافت و درد کن بدر بار قطب شاه دکنی راه یافت و یکی از کشتی گیران را مغلوب کرد و بروحسد بردند و زهری در کامش کردند و در ۹۷۷ در گذشت. وی غزل را نیکومی سروده است.

۵۹۹ - میر واعظ وقوفی هروی ، اصلاً از مردم بدخشان بود و ازهرات بهند رفت و واعظ بسیارزبردستی بود و غزل را استادانه می گفت.

۶۰۰ - میرزا برخوردار همدمی ، معروف بخان عالم پسر همدمیك از امرای معروف دربار همایون و مردی مہذب بود و دیوانی ترتیب داده بود و غزل را خوب می گفت .

۶۰۱ - هجری جامی ، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل بود ، از ایران بهندوستان رفت و مردی بسیارستوده و مہذب بود و غزل را خوب می گفت و دیوان وی شامل پنج هزار بیت بوده است.

۶۰۲ - محمد مؤمن لنگ ، از ملازمان خان خانان بوده و غزل را نیکومی سروده

۶۰۳ - ایقایی ، تنها جایی که ذکر ازوهست درطبقات اکبریست (ج ۲ ص ۴۹۳) و در آنجا نام وی «انقاما» چاپ شده و چون این کلمه معنی ندارد ممکنست که دراصل ایقایی بوده و چنین تحریف کرده باشند. در هر صورت از شاعران دستگاه زین خان کو که بوده و غزل می سروده است.

۶۰۴ - میرزا حسن ، از جوانی بشاعری آغاز کرده و در تاریخ دست داشته و از غزل سرایان دوره جلال الدین محمد اکبر در هند بوده است.

۶۰۵ - سید محمد نجفی ، بهندوستان رفته و در آنجا ساکن شده و بسواسطه نامه‌واری دو سال در قلعه کوالیر یا کوالیار در هند زندانی بوده و سرانجام اکبروی را بخشیده و آزاد شده و غزل را خوب می گفته است.

۶۰۶ - ملاهاشم قندهاری ، از ملازمان خان خانان و از غزل سرایان ساکن هند بوده است.

۶۰۷- **خواجه هجری** ، مردی دانشمند بوده و بیشتر ملازمت میرزا هندال را داشته و در پایان زندگی بدربارا کبرراه یافته و دیوانی ترتیب داده و غزل و رباعی را خوب می گفته است.

۶۰۸- **ملانیازی سمرقندی** ، از شاعران ساکن هندوستان در دربار اکبر بوده و بیشتر در هند می زیسته و در فنون شعر استاد بوده و مؤلفاتی درین زمینه دارد و غزل در اینکو می سروده است.

۶۰۹- **شیخ حسن چشتی دهلوی** ، از مریدان شیخ سلیم پیشوای چشتیان هند و خود نیز از مشایخ بود و شعر را تا اندازه ای خوب می گفت. نام وی را چنانکه گذشت شیخ حسن صوفی دهلوی هم ضبط کرده اند.

۶۱۰- **ملادوست محمد حالی سبزواری**، از شاعران نیمه اول قرن دهم خراسان بوده و مردی آراسته و وارسته و قانع بشمار می رفته تا جایی که چیزی از کسی نمی پذیرفت و مورد توجه سلطان حسین بایقرا بود و از مداحان میرغیاث الدین محمد معروف بمیر محمد یوسف بود و در هرات می زیست و در آنجا در ۹۳۹ در گذشت. وی از قصیده سرایان زبردست این دوده بشمار می رفت و تخلص وی را گاهی بخط جانی ضبط کرده اند و نسبت وی را اسفرائینی هم نوشته اند.

۶۱۱- **ملاواقی** ، از شاعران هند و مدتی ملازم معصوم پسر خواجه معین خان بود و غزل می سرود.

۶۱۲- **محمد رضا**، مردی دانشمند بود و علم نجوم میدانست و در جوانی از ملازمان خان خانان بود و از غزل سرایان هند بشمار می رود.

۶۱۳- **میر معصوم زیارتگاهی** ، پسر قاضی ابوالمعالی و برادر میر کن الدین زیارتگاهی سابق الذکر بوده و او نیز مانند برادر غزل سرا بوده است.

۶۱۴- **ملا پیروز** ، از غزل سرایان هند بوده و بیشتر در ملازمت نورنگ خان از اعیان دربار اکبر می زیسته است.

۶۱۵- **قراری** ، ظاهراً وی بجز قراری گیلانی سابق الذکر و شاگرد ملا قاسم گاهی

بوده و غزل و رباعی را خوب می گفته است.

### ۶۱۶- والهی دانهی ، از مردم دانه درخراسان بوده و چنانکه پیش ازین گذشت

تخلص می را دانهی نیز نوشته اند و چنان می نماید که یکی ازین دو کلمه تحریف دیگری باشد. در هر حال از شاعران ساکن هند بوده است.

### ۶۱۷- امیر سلطان جلال الدین قرغانی ، از سادات صحیح النسب فرغانه بوده

و پدرانش در سرزمین مرغینان پشت در پشت مقام شیخ الاسلامی داشته اند و وی نیز این پایگاه را داشته و از زمان عمر شیخ میرزا این مقام در خاندان وی بوده است و وی مرد باذوق مذهب بود و اقسام مختلف شعر می سروده و تا ۹۳۵ زنده بوده است.

### ۶۱۸- مولانا منیر مرغینانی ، از دانشمندان فرغانه بوده و چندی منصب شیخ-

الاسلامی مرغینان را داشته و غزل را خوب می سروده است.

### ۶۱۹- زین الدین محمود بن عبدالجلیل واصفی تاشکندی هروی، در تاشکند

ولادت و نشوونمایافته و ظاهراً در جوانی بهرات رفته است و از جای شاعر بزرگ بهره مند شده و چنانکه خود گفته است در ۹۱۳ در دربار محمد شیبانی خان چندین از شاعران مانند مولانا بنایی و خواجه آصفی و محمد بدخشی و ریاضی و نوایی و امامی و هلالی و اهلی و فضلای و دیگران گرد آمده بودند و از شعر کاتبی سخن می گفتند و شعری از او را که در آن تیغ و آب را با هم آورده خواندند و گفتند محالست که کسی بتواند این دو کلمه را در شعر جمع کند. وی پنج غزل بینج وزن و قافیه سروده که در هر بیتی تیغ و آب را آورده و آنها را خمسة متحیره نام گذاشته است. پس از چندی که در هرات مانند ظاهر ابواسطه اینک که سنی متعصب بوده و از پیشرفت صفویه در آن سرزمین بیم داشته در حدود سال ۹۱۸ از هرات بیرون آمده و با اورا والنهر باز گشته و از ملازمان دستگاه پادشاهان ازبک شده و با ایشان سفرهای متعدد در آن نواحی کرده و بیشتر ساکن تاشکند بوده و قصاید مصنوع بسیار در ستایش پادشاهان این سلسله گفته و کتابی بنام بدایع الوقایع پرداخته که سرگذشتها و مشاهدات و مسموعات خود را در آن یادداشت کرده و از سال ۹۱۸ تا ظهر روز پنجشنبه ۲۲ رمضان ۹۵۸ که تاریخ مرگ پسرش فریدون محمدر را در تاشکند در پایان این کتاب یادداشت

کرده مشغول آن بوده است و درین صورت تاریخ مرگی وی که در ۹۳۱ نوشته‌اند درست نیست و بدین گونه پس از ۹۵۸ از جهان رفته است چنانکه تاریخ وفات زیرکی را که غلام وی بوده و پس ازین شرح حالش خواهد آمد ۹۸۲ نوشته‌اند و ممکن نیست که وی ۵۰ سال پس از مرگ خداوند خود زیسته باشد، و اصفی نویسنده و شاعر پرکار توانایی بوده و ثرا را ساده و بی‌پیرایه و گاهی با اصطلاحات محلی خاص می‌نوشته و در شعر بیشتر بقصاید و غزلیات مصنوع متمایل بوده و قصاید بسیاری را که در ستایش پادشاهان از بک ماوراءالنهر سروده در کتاب بدایع الوقایع آورده است.

**۶۴۰- زیرکی تاشکندی**، غلام مولانا و اصفی سابق الذکر بوده و طبع سرشاری داشته و پس از آزادی از غلامی ظاهراً در ۹۳۱ از تاشکنند ببخارا رفته و دانش آموخته و با بزرگان آن شهر مأیوس شده و دلدادۀ جوانی شده و خود را با او فروخته و دو سال زر خرید او او بوده و چون خداوندش دانسته که مرد دانای هنرمندیست وی را آزاد کرده و سپس وی از اورگنج ببخارا و از آنجا ببلخ رفته و بشاهزاده میرزا ابراهیم بن سلیمان پادشاه بن خان میرزا از بازماندگان تیمور که اسیر پیرمحمد خان بن جانی بیک سلطان شده و در بلخ بوده پیوسته است. چون عبدالله خان بن سکندر خان بن جانی بیک سلطان شهر بلخ را گرفته زیرکی از درون قلعه بیرون آمده و قصیده‌ای در ستایش وی سروده و پانصد تنگۀ خانی جایزه گرفته و چند روزی پس از آن در ۹۸۲ در گذشته است.

**۶۴۱- مولانا جانی بخارایی**، پسر نیم‌بانی بوده و در آغاز همان پیشۀ پدر را داشته و چون وی کسب دانش کرده از آن کار دست کشیده و بشاعری پرداخته و درین فن ترقی بسیار کرده و در زمان ظهیرالدین محمد بابر بکابل رفته و در آن شهر در دربار بابر کارش بالا گرفته و با اعیان آن دربار آشنا شده و در زمان همایون در ۹۵۵ در گذشته است. وی از استادان غزل در عصر خود بوده است.

**۶۴۲- خواجه رحیمی خواجه زاده کابلی**، در جوانی از کابل بسمرقند رفته و در آنجا کسب دانش کرده و چون در هوش و فراست بر همه برتری داشته و بسیار بلند همت و بی‌نیاز بوده و با مردم رفت و آمد نداشته مورد رشک و حسد اقران خود قرار گرفته و

ارویی درکامش کرده‌اند که فکر وی را پریشان کرده یا آنکه بعزت کثرت مطالعه و خیال پردازی گرفتار این بیماری شده است و سرانجام با همین بیماری بکابل بازگشته در ۹۵۴ در آنجا در گذشته است. وی نیز از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده است.

۶۲۳- مولانا زاده فکری تاشکندی ، پسر مولانا عبدالغفار از اعیان تاشکند

بوده که در ماوراءالنهر معروف و از دانشمندان بوده است ، وی نیز مرد دانشمندی بوده نوشته‌اند تا شرح مواقف را نخوانده بود علم او تراوش نمی کرده و پس از آن ترقی کرده و از دانشمندان زمان خود برتری یافته و در ضمن غزل را استادانه می سروده است.

۶۲۴- غزالی سمرقندی ، مردی دانشمند و از غزل سرایان خوب ماوراءالنهر

درین دوره بوده و بجزین دیگر از احوالش اطلاعی نیست.

۶۲۵- امیر فریدون کرمانی ، از سادات کرمان و از غزل سرایان زبردست این

دوره بوده است .

۶۲۶- مولانا نامی تبریزی هروی ، اصلاً از مردم تبریز بوده و چون در هرات

می زیسته به هروی معروف شده و از حوادث بهرات پناه برده بود و در فنون مختلف شعر و بیشتر در غزل استاد بوده است.

۶۲۷- مولانا حریمی کرمانی هروی ، اصلاً از مردم هرات بوده و ظاهراً در

کرمان می زیسته و از اقران امیر فریدون سابق الذکر بوده و وی نیز در غزل سرایی زبردست بوده است.

۶۲۸- مولانا قاسم ضیایی بخارایی ، مردی وارسته و قانع و گوشه نشین بوده

و بسیار مہذب و ستوده بشمار می رفت و در نظر مردم بسیار محترم بوده و غزلهای شورانگیز عاشقانه می سروده است .

۶۲۹- نادری بیک هروی سمرقندی ، از مردم هرات بوده که در ماوراءالنهر

نشو و نما یافته و بسمرقندی معروف شده و مردی دردمند و هنرپیشه بوده و در آغاز پیشه پیکر داشت اما پس از چندی از آن کار دست کشیده و پس از کسب دانش در جزو دانشمندان درآمده و در ۹۵۶ در گذشته و غزل را نیکو می سروده است .

۶۳۰- مولانا بی قیدی ، از شاعران ماوراءالنهر و مردی لاابالی و ندیم پیشه

بود ، گاهی خود را بصورت قلندران می آراسته و گاهی در استغنا می زیسته و غزل را خوب می سروده است.

۶۳۱- آکھی خراسانی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و

درهرات می زیسته و در زمان سلطان حسین بایقرا در سلك منشیان دربار بوده و مهر ارکان دولت را ساخته بود و او را عفو کردند تا آنکه مولانا احمد طبسی معروف باحمد انون هنگامی که از دربار شاه اسمعیل بهرات رفت پیش اعیان آن شهر شکایت کرد که آکھی ایشان را هجو کرده است . چون این تهمت ثابت شد دست و زبان وی را بریدند. نوشته اند که خود گفته است که پس ازین واقعه شبی آستان امام هشتم را بخواب دیده و هنگامی که از دست و زبانش خون میرفته کسی با هیبت باو گفته است این آستان مرا بیوس. وی گفته است چگونه بیوسم که از خون آستان آلوده می شود. آن کس باز بخشم گفته است بیوس و چون بوسیده است فوراً از خواب بیدار شده و دیده است که خون دست و زبان وی ایستاده است . نوشته اند که پس از آن واقعه زبان وی از پیش گویا تر شده و روان تر سخن می گفته و بادست چپ خطی می نوشت که از خط دست راست بهتر بود و پس از واقعه دست و زبان بریدن چهار سال در جهان ماند تا آنکه در ۹۳۲ در گذشت. بیشتر بدان می ماند که شیعه بوده باشد و درین دوره که سنیان و شیعیان هرات با یک دیگر سخت دشمن بوده اند وی شاید بدان جهت که از سنیان بدگویی می کرده بدین عاقبت و خیم گرفتار شده باشد. درباره اش نوشته اند که بخوردن شراب میل مفرط داشت و مردی خبیث بوده و او را درهرات بخاک سپردند . وی شاعر زبردستی بوده و در اقسام شعر مخصوصاً در قصیده دست داشته و قصیده ای در برابر قصیده دریای ابرار خسرو دهلوی درباره شهر هرات سروده است .

۶۳۲- مولانا شهودی مروزی ، ساکن هرات بوده و در جوانی در مزارات شهر

می گشته و بی وضو یا بر زمین نمی گذاشته و چون سنش از پنجاه گذشت با لوندان و می گساران معاشر شد و در پایان زندگی که در سمرقند بود دلدادۀ جوانی شد .

چون بآن جوان گفتند که او را در عشق بیازماید روزی که بر بام بلندی نشسته بود و شهودی از راه رسید و نشست باو گفت خود را از بام فرو افکن . وی برخاست و بلب بام رسید و در پاسخ آن جوان که گفت چرا خود را نیفکندی گفت عشق ما تا همین جا بود و در پایان زندگی نتوانست در ماوراءالنهر بماند و بهرات بر گشت و آنجا در گذشت . وی مردی شوخ و نااندازه ای مقلد بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۶۴۳- مولانا رهایی هروی** ، پدراش از ماوراءالنهر بوده اند و در نتیجه حوادث از آنجا بشروان رفته اند و وی در جوانی دلداده سلطان خلیل شروانی شده و پس از چندی که وی بکهولت رسیده او بهرات رفته و با پسران سلطان حسین بایقرا آمیزش بهم زده ولی هر چند خواسته اند وی را بملازمت اختیار کنند و وزارت یکی از شاهزادگان را باو بدهند نپذیرفته است . وی در اقسام شعر استاد بوده و طبع روانی داشته است .

**۶۴۴- مولانا قطب سمنگانی** ، از مردم سمنگان از توابع ایلوغ در ناحیه اندکان و مردم هذب خردمند و روش مشربی بوده ، هنگامی که ظهیرالدین بابر بر آن ناحیه استیلا یافته بود بدر باروی راه یافت .

**۶۴۵- مولانا خزانی هروی** ، از مردم هرات بوده و در بلخ نشو و نما یافته و در آغاز زندگی مردی بی قید و پیریشان روزگار بوده و در پایان زندگی گوشه نشین شده و غزل خوب می گفته است .

**۶۴۶- شاه حسین گاهی هروی** ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۸۶۳ ولادت یافته و پدراش از اعیان هرات بوده اند . در جوانی بکسب دانش پرداخته و در پیری استغفار کرده و بتصوف گرویده است و در ۹۴۰ در ۷۷ سالگی در گذشته و چون خاندان وی از مردم اوبه از توابع هرات بوده اند وی را در آنجا بخاک سپرده اند . وی در فنون شعر و معما دست داشته و غزل را استادانه می سروده است .

**۶۴۷- مولانا واصلی هروزی** ، در جوانی بکسب دانش مشغول شده ، پس از چندی دست از آن کار کشیده و دروش قلندران را پیش گرفته ، در منتهای استغنا زیسته و مورد احترام مردم شده و از مریدان شیخ حاج محمد قوچانی عارف مشهور آن زمان شده



وزمستان و تابستان زیارت مزارها می رفته و بجا نوران خوراک می داده است . در پایان زندگی بماوراءالنهر رفته و با بزرگان تصوف و دانشمندان آن دیار دیدار کرده و بیشتر بملازم مولا محمد امین زاهد پیشوای صوفیه بوده است . سپس از بلخ بهرات رفته و پس از آن در قزوین باشاه ظهیر ماسب ملاقات کرده و شاه از وی خواسته است از شعر خود بخواند و وی غزلی خوانده که پسندیده افتاده است . در آن مجلس شاه خلعت گران بها و زر بسیار باو بخشیده و وی از کثرت استغنا که داشته تنها دوسکه شاهی برداشته و بیش از آن نخواسته است . از ایران بهند رفته و ملازم نصیرالدین محمد همایون شده و مورد توجه وی قرار گرفته و پس از سفر حجاز و حج بماوراءالنهر برگشته و در آنجا از جهان رفته است . وی در غزل سرایی از شاعران زبردست ماوراءالنهر بوده است .

**۶۳۸- فغانی قراکولی**، از مردم قراکول از توابع بخارا بوده و در بدیه سرایی شهرت بسیار داشته و مردی تیز زبان بوده و از رفت و آمد با مردم پرهیز می کرده و خود را در شاعری بر دیگران مقدم می دانسته و شعر دیگران نمی راپسندیده و غزل را عاشقانه می سروده است .

**۶۳۹- مولانا فصیحی شیرازی**، از غزل سرایان زبردست این دوره بوده و مردم بوی بسیار معتقد بوده اند .

**۶۴۰- مولانا خوشی تاشکنندی**، در زمان نوروز احمدخان در تاشکنند مقام وزارت داشته و در معزولی گوشه نشین شده و با مردم رفت و آمد نداشت و غزل را خوب می گفت .

**۶۴۱- انسی کرمانی**، از اعیان کرمان و مردی بخشنده و مہذب بوده و غزل را خوب می سروده است .

**۶۴۲- شیخ عابد خیر آبادی**، از مردم خیر آباد از توابع بخارا بوده و مردی بسیار مہذب و درویش نهاد بشمار می رفته و از دانشمندان بوده و او را بسیار محترم می داشته اند و گاهی دهه و اربعین بر ریاضت می پرداخته و در مجالس سماع غزلیات شورانگیزی سروده است .

**۶۴۳- خواجه کلان مجروحی ماوراءالنهری**، از شاعران ماوراءالنهر و در

جراحی زبردست بوده و بیشتر ازین راه گذران داشته و غزل را خوب می گفته است .

**۷۴۴- مولانا ترابی حصارى**، پدرانش از مردم ماوراءالنهر بوده اند و بهندوستان

رفته اند و وی در پر کنه سکری متولد شده و در هندوستان می زیسته و بزبان هندی و فارسی شعر می گفته و غزل فارسی او امتیاز دارد .

**۶۴۵- قادری بخارایی** ، مردی تیزهوش و چرب زبان و جراف بسوده و بهمین

جهت معاشرانش وی را «بابای بدلا» لقب داده بودند و غزل را خوب می سروده است.

**۶۴۶- شیخ عمادالدین فضل الله والهی برزش آبادی**، پسر خواجه علاءالدین

علی بن خواجه کمال الدین نعمه الله برزش آبادی طوسی، پدرش از اعیان خراسان بوده ، وی

در ۱۶ سالگی در اواسط ذی قعدة ۸۹۷ در سلك مریدان شیخ حاجی محمد قوچانی یا خبوشانی

عارف مشهور در آمده و بزودی اجازه ارشاد از وی یافته و کراماتی برای او قایل شده اند از

آن جمله گفته اند اطوار سبعه را در دوازده روز طی کرده و نیز نوشته اند در خانقاه خود

در هرات هر روز با اصحاب خود مانند جوانان خاک پلك بازی می کرده و مردم شهر از

شیخ الاسلام هرات خواسته اند برود و او را ازین کار منع کنند و وی با گروهی نزد او رفته در حالی

که بهمان بازی سر گرم بوده است و چون از آمدن ایشان آگاه شده بخانقاه رفته و بر

سجاده خود نشسته و اصحاب نیز هر يك در جای خویش قرار گرفته اند. شیخ الاسلام پیش

از آنکه نزد وی برود محتاج بغسل شده بود و غسل نکرده بدانجا رفته بود . چون از

در خانقاه وارد شد و سلام کرد وی در جواب گفته است: عليك من بكسی باد که از حدث

پاك باشد. شیخ الاسلام این کرامت را ازودیده و از پیش او رفته است و مخالفان وی بهجاب

شده اند . چنانکه گذشت در اواسط ذی قعدة ۸۹۷ در مهنة اجازه ارشاد یافته است .

سرانجام شاه بيك خان در حوالی چهل دختران در ۹۱۴ وی را کشته است و پیکرش را در

آستانه مشهد بخاک سپرده اند. وی نیز غزل را استادانه می گفته است.

**۶۴۷- مولانا هجری بخارایی** ، از قنون شعر کاملاً آگاه بوده و مردی مذهب

و ندیم شیوه و شیرین سخن و همیشه دلدادۀ معشوقان خود بوده و در غزل سرایی استاد

بوده .

۶۴۸- مولانا عبدالعلی حاصلی خیر آبادی، در ظاهر مردی کریمه منظر و ناپسند بوده ولی بسیار دانشمند و در نزد معاصران خود محترم بوده و در ضمن حرکات عجیب از وی سر می زده ، در خوارزم نشو و نما یافته و همان جا در گذشته و غزل را خوب می گفته

۶۴۹- شاه حبیب شیرازی ، در جوانی پس از کسب دانش به هند رفته و در آنجا معذب و مرتاضان هندی گشته و بسروروی خود خاک می مالیده و با ایشان می زیسته تا اینکه بد کن رفته و نزد والی آن سرزمین مقرب شده ولی بزودی از اعتبار افتاده و از مردم کناره گرفته و در شهر انکر که از پای تخت های دکن بوده است منزوی بوده، به همین جهت بد کنی معروف بوده و از معاصران شاه طاهر و بیشتر مداح نصیرالدین محمد همایون بوده و قصاید خوب در ستایش وی سروده است.

۶۵۰- مولانا ایوبی کر بلایی ، مردی دانشمند و مذهب بوده و غزل را خوب می سروده است.

۶۵۱- میرزا صادق ترکمان ، از امیرزادگان الوس ترکمان بوده و در خوشنویسی و معما در زمان خود معروف ولی در ضمن متکبر بوده و غزل را خوب می گفته است.

۶۵۲- مولانا باقی کره بخارایی ، مرد دانشمندی بوده، پس از چندی با برادرش مولانا پاینده به هندوستان رفته و در دربار جلال الدین محمد اکبر کارشان بالا گرفته و پس از آن بسرزمین کجرات رفته و ملازم میرزا شرف الدین حسین بن خواجه معین الدین احراری شده اند . وی در آن زمان از اکبر روی بر گردانده و با میرزا محمد حسین و برادرانش که از اولاد سلطان حسین بهادر بوده اند طغیان کرده و کجرات را گرفته بود. این دو برادر را بسیار گرامی داشته است. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۶۵۳- مولانا پاینده بخارایی ، وی نیز مانند برادرش مولانا باقی کره دانشمند بود و با او به هند رفته و در دربار اکبر و پس از آن در دستگاه میرزا شرف الدین حسین سابق- الذکر گرامی بوده و او هم در اقسام مختلف شعر استاد بوده است.

۶۵۴- طفیلی حصارى ، از مردم حصارشادمان بوده اما بطالقانی معروف شده بود. شاید بدان جهت که مدتی در طالقان ماوراءالنهر زیسته است. نوشته‌اند که شاعری پردعوی بوده و در هر حال غزل را خوب می گفته است.

۶۵۵- میرزا بیاضی جغتایی ، از اعیان الوس جغتای و معاصر قاسم گاهی و شاگرد غزالی مشهدی بوده و بیشتر غزل را بر روش جامی می سروده و رباعی نیز گفته است.

۶۵۶- عرب طویلی بلخی ، در هند نشو و نما یافته و شاگرد قاسم گاهی بوده و در سرعت فهم معروف بوده و از ورباعی مانده است.

۶۵۷- مولانا وقاری حصارى، از شاعران ماوراءالنهر بود که در زمان نصیرالدین محمد مایون بهند رفته و قصایدغرا در مدح آن پادشاه سروده ، اما نتوانسته است باو بدهد و ازو متنعم بشود و بهمین جهت از هند رفته است.

۶۵۸- مولانا لطفی بلخی ، مردی دانشمند بوده و خود را بسیار دانا و زیرک می دانسته و همیشه در پی آن بوده که لطیفه‌ای بگوید و ساکن هند و قصیده سرای بوده است.

۶۵۹- مولانا وصفی هروی ، از شاگردان هلالی جغتایی و مردی مہذب و تیزفہم بوده و غزل را خوب می سروده است.

۶۶۰- مولانا مامی میانکالی ، اصل وی از میانکال ماوراءالنهر بوده و در هرات نشو و نما یافته و مردی ندیم شیوه و شیرین حرکات بوده و در ۹۷۳ در هرات در گذشته و پیکرش را در مزار عبدالله انصاری بخاک سپرده‌اند و غزل را خوب می گفته

۶۶۱- مولانا قدری ماوراءالنهری ، از شاعران ماوراءالنهر و حافظ قرآن و بسیار خوش آواز بوده اما همواره فکر پیریشان داشته و غزل سرا بوده است.

۶۶۲- مولانا ناطقی مازندرانی ، مردی دانشمند و سخنمدان بوده و در قزوین نشو و نما یافته و غزل را بسیار روان می سروده است.

۶۶۳- مولانا وحیدی قمی ، در شروان می زیسته و با حیرتی تونی سابق الذکر نزاع داشته و یکدیگر را هجو کرده‌اند و در سفری که بشیریز رفته شهر آشوبی برای آن

شهر سروده و در ۹۴۲ در شروان در گذشته ، وی در سرودن مثنوی و غزل استاد بوده است .  
**۶۶۴- مولانا ساعدی خاجی ،** از مردم قصبه خاج از توابع سیرام نزدیک  
 ترکستان بوده اما خود را هروی می دانسته و تا اندازه ای دانشمند بوده و غزل را روان  
 می گفته

**۶۶۵- مولانا عبدالرحمن مشفق بخارایی ،** اصلاً از مردم مرو بوده و در جوانی  
 بخارا رفته و کسب دانش در آنجا کرده و علوم دینی را فرا گرفته ، اما بشاعری پرداخته  
 و درین فن شاگرد مولانا کتوکبی بوده است . در سلطنت برهان خان بن عبدالرحیم سلطان  
 معروف شد و در ۹۶۵ که عبدالله خان بن اسکندر خان بن جانی بیک سلطان بخارا را محاصره  
 کرده وی که از نزدیکان محرم دستگاہ برهان خان بوده از وی روی بر گردانده و ملازم  
 عبدالله خان شده و درین میان برهان خان کشته شده است . پس از فتح بخارا وی بمرقند  
 رفت و ملازم سعیدخان شد و وی او را گرامی داشت و سمت کتابداری خود را باو داد  
 تا وی زنده بود در آن سمت بود . در ۹۸۱ که سلطان سعیدخان در گذشت و برادر کهنترش  
 جوانمرد علی خان والی سمرقند شد مشفق در دستگاہ وی نیز بود و همان منصب را داشت .  
 در ۹۸۵ در میان فرزندان جوانمرد علی خان یعنی ابوالخیر خان و مظفر خان جنگ در گرفت .  
 ابوالخیر خان که پسر مهتر بود پناه بعبدالله خان برد و با لشکریان وی سمرقند را فتح  
 کرد و جوانمرد علی خان را گرفتند و بقلعه نوقار فرستادند و عبدالله خان حکمرانی سمرقند  
 را با ابوالخیر و برادرانش داد و خود متوجه تاشکند و ترکستان شد و چون تاشکند را  
 گرفت بدرویش خان که سابقاً والی آنجا بود واگذار کرد و خود باز گشت و در حدود  
 شاهرخیه که رسید فرمان داد ابوالخیر خان و برادرانش را بکشند و عبدالله سلطان و  
 اسپندیار سلطان جشنی آراستند و بدین گونه در ۹۸۶ ایشان را کشتند و قبرشان در شاهرخیه  
 است . دوستوم نام قورچی سر ابوالخیر خان را برید . پس ازین واقعه مشفق نتوانست در  
 سمرقند بماند و بهند رفت و در ۹۸۷ بلاهور رسید . گذارش بچهارباغ اقتاد میرزا علمجن  
 که از امیرزادگان هند بود از وی پذیرایی کرد . درین هنگام جلال الدین محمد اکبر در  
 فتح پور بود و خبر آمدن مشفق را باور دادند اما بدخواهان گفتند که وی در هجا دست دارد

واگریباید همه را هجوع خواهد کرد . بدین گونه وی بدان دربار راه نیافت . اما اکبر جوایزی برای او فرستاد و اجازه رفتن باو داد و او در ماوراءالنهر در ۹۸۸ قصیده‌ای غرا در مدح عبدالله خان گفت و از ملازمان دربار او شد و روزی سه تنگه خانی وظیفه برای او مقرر کردند و قید کردند هر قصیده‌ای که بگوید پانصد مثقال زر صله بگیرد و سمت ملک الشعرا بی دربار را باو دادند . سرانجام در ۹۹۵ در بخارا در گذشت . وی شاعری توانا بوده و در همه اقسام شعر دست داشته مخصوصاً در هجا توانا بوده و برخی از معاصران خود مانند فانی و نکویی و دانشی را هجوع کرده و نیز هزلیات فراوان دارد . سه دیوان قصاید و غزلیات خود را که بیش از پنجاه هزار بیت دارد چند بار املا کرده و دانشمندان عصر نوشته‌اند . خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشت و معما را خوب می‌سرود . دیوان خود را در زمان جوانی در علی خان جمع کرده و مثنوی گلستان ارم را که بروش نظامی سروده در همان زمان بیابان رسانیده و در علم عروض و قوافی نیز دست داشت . قصاید وی بیشتر بمدح عبدالؤمن خان و عبدالله خان و مظفر سلطان و جوانمرد خان و سلطان ابوسید خان و قاسم شیخ از مشایخ صوفیه در سمرقند است .

### ۶۶۶- خواجه محمد هاشم ، از بزرگان مشایخ ماوراءالنهر و پسر خواجه

ابوالفیض بود که او نیز از مشایخ بشمار می‌رفت و چهار پسر داشت : اول خواجه محمد یحیی ، دوم خواجه محمد هاشم ، سوم خواجه فیضی ، چهارم خواجه غریب و هر چهار دانشمند و پیشوای مردم بودند . خواجه محمد هاشم از مریدان خواجه عبدالشهید از بازماندگان خواجه عبیدالله احرار بود و در هندوستان در خانقاه وی ریاضت‌های بسیار کشیده بود و علوم دینی و کتابهای متداول را فرا گرفته بود و چون خواجه عبدالشهید در ۹۸۳ از هند بسمرقند بازگشت و وی نیز با او بود شازده روز پس از ورود در گذشت و پس از چندی در خواب باو اشارت کرد که طالبان را دعوت کند . وی اقدام نکرد و سه شب پی‌درپی در خواب مأثور شد و چون در پاسخ اظهار عجز کرده بود روح خواجه باو گفته بود ای محمد هاشم گفته ما را قبول نمی‌کنی . آخر بضر ب سیلی قبول خواهی کرد . چون از خواب بیدار شد در پشت سر خود بصورت سیلی چیزی بر آمده دید و تا سه روز وی را آزار بسیار

می داد. بر سر خاک خواجه عبدالشهید رفت و بدعوت طالبان پرداخت و در همان روز آن ورم تر کید اما تا سه ماه بستری بود و در بستر مردم را دعوت می کرد. ازین گونه کرامات درباره وی نوشته اند. وی در ضمن شاعری توانایی بوده و غزل را نیکو می سروده است.

**۶۶۷- مولانا قدسی سنگ زوری**، از مردم سنگ زور از توابع حصارشاهمان بوده و در آغاز جوانی بمصاحبت جامی پیوسته و شاگردی وی را کرده و در ضمن بکسب علوم دینی پرداخته و هنگامی که بشاعری آغاز کرده جامی وی را تشویق کرده و بک سیر نیات مصری باو داده است. در پایان زندگی بحدیج رفته و در بازگشت ازین سفر در وطن خود بزراعت مشغول شده و بیش از صد سال عمر کرده و در ۹۹۳ در گذشته است. وی از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده و بروش جامی شعر می گفته بهمین جهت معاصرانش وی را جامی ثانی گفته اند.

**۶۶۸- نویدی کلنگ**، ظاهرأ از مردم بلخ بوده و در ماوراءالنهر می زیسته و مدتی در سمرقند بوده است، در لطافت طبع و شیرین زبانی در عصر خود بسیار معروف بوده و بهمین جهت همه کس حتی پادشاهان خواستار صحبت وی بودند. در شعرها کرد شهاب معماپی بوده و نخست روزگار را بی قیدی می گذرانده و چون در باصره اش نقصی پیدا شد از آن کارهای ناپسند توبه کرد و درسك مریدان مولانا محمد امین زاهد از مشایخ معروف در آمد و از مسکرات استغفار کرد و در خانقاه وی جای گرفت ولی گاه گاه بنک می خورد و درویشان ازین کار او بشیخ شکوه کردند. شیخ باو گفت بویی از شما ظاهر می شود، در بیرون خانقاه خانه ایست که درویشان در آنجا نیستند بآنجا بروید. وی فوراً برخاست و گفت: درین خانقاه کسی که از روی بویی می آمد و بی کیفیت نبود ما بودیم و ما هم رفتیم. گویند در جوانی که هنوز توبه نکرده بود در سمرقند در بین الطاقین جوان معرکه گیری هنگامه برپا کرده بود و مردم بسیار گرد آمده بودند. وی در پشت جوانی ایستاده بود و باو توجه داشت یکی از دانشمندان او را دید و شورش را خگری آورد و در کفش وی انداخت و فوق او را اعلام کرد. چون وی کفش خود را پوشید پایش سوخت و در بدیهه بیاران خود گفت: دست و پا سوختن را واقعه آن بود که دست آن یاری که آتش آورده بود نیز سوخته بود. در

سال ۹۵۱ از سمرقند بخارا رفت و داداده جوان بازرگانی شد و چون آن جوان به حجاز می‌رفت وی نیز با او راهی شد و چون بقزوین رسید بیمار شد و هنگامی که قافله آهنک رفتن داشت وی نامه‌ای بشاه طهماسب نوشت و چون شاه از حال او آگاه شد قافله را از رفتن بازداشت و پزشکی بمعالجه او فرستاد و چون بهبود یافت او را بخود خواند و خلعت فاخر و زر بسیار بخشید و وی از آن زرها تنها دوسکه شاهی برداشت و اجازه رفتن گرفت و چون بمکه رسید طواف نکرد و چون ازو پرسیدند که چرا طواف نکردی و حج بجا نیاوردی گفت من بنیت طواف حج بیرون نیامده بودم بسبب عاشقی و گرفتاری آمدنم. چون بماوراءالنهر برگشت پس از دوسال باردیگر به حج رفت و در بازار گشت درهند ماند و با نصیرالدین محمد همایون دیدار کرد و بماوراءالنهر بازگشت، دردم مردن یاران ببالین وی رفته بودند و ازو پرسیدند که پس از مرگ او در کجا بخاک سپارند؟ گفت بهر چه دانید مرده‌ای بگور برید. باز پرسیدند که در نه پای مرشد بخاک سپاریم؟ گفت چه می‌کنید در نه یا نگذارید و بدین گونه در ۹۷۰ درگذشت و قبرش در بازارچه بلخ در حظیرهای بوده در مشرق مزار مولانا محمد امین زاهد و درخت سروی نزدیک قبر او بوده و پس از مرگش نظری نام مردی از طایفه دوزان که بوی معتقد بود اشعار او را بترتیب نوشته بود و چون چندان سوادى نداشت و جلد نکرده بود اوراق را این سو و آن سو می‌انداخت و ناچیز می‌شد و بدین گونه اشعار وی از میان رفت و اندکی باقی ماند. وی از غزل سرایان توانای عصر خود بوده است.

**۶۶۹- محرمی بخارایی**، در آغاز کسب دانش کرده و بیشتر کتب را فرا گرفته اما آنچه خوانده فراموش کرده و مردی بسیار خوش خوی و شیرین زبان و از معاصران مشفقى بوده و باوی تعصب داشته و او هم هزال بوده و هزل بسیار گفته و در ضمن غزل را نیکو می‌سروده است.

**۶۷۰- مولانا فتح‌الله فتجی هروی**، از شاعران هرات و معاصر مشفقى و درویش بهرام سقا بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و جزین درباره اش اطلاعی نیست.

**۶۷۱- سلطان سعیدخان کوهکن شیبانی**، پسر ابوسعیدخان بن کوچکونجی یا



کوچک و بیجو خان بن ابوالخیر خان از سلسله شیبانی ماوراءالنهر متخلص بکوهکن، پس از مرگ پدرش در ۹۴۰ در سمرقند بتخت نشست و خطبه و سکه را بنام خود کرد. در ۹۵۹ نوروز احمدخان بن سنجوق بن ابوالخیر خان از تاشکند و ترکستان بالشکر ابووه آمد و سمرقند را گرفت و وی را بقراغوظاق در سرزمین کاشغر فرستاد و مدتی در آنجا حیران بود. گفته اند خضر وی را راهنمایی کرد و نیز گفته اند شیخ حسین خوارزمی عارف مشهور راهنمای وی شده است. در هر صورت از آنجا بیار کند نزد محمد رشیدخان حکمران آن سرزمین رفت و چون خبر مرگ نوروز احمدخان در ۹۶۳ باورسید از محمد رشیدخان یاری خواست. وی با اویازی کرد و در ۹۷۵ بار دیگر بسمرقند رفت و بیادشاهی نشست تا آنکه در ۹۷۹ درگذشت. وی پادشاهی صوفی مشرب بوده و از مریدان شیخ حسین خوارزمی بشمار می رفته و شعر ترکی و فارسی می گفته و غزل فارسی او تا اندازه ای جالب بوده است.

**۹۷۳- جوانمرد علی خان شیبانی متخلص بدیری،** نیز پسر ابوسعید خان سابق الذکر و ظاهراً پسر کهنتر بوده و پس از مرگ برادرش در ۹۷۹ در سمرقند خطبه و سکه را بنام خود کرد و هفت سال و سه ماه و چهارده روز تا ۹۸۶ در حکمرانی بود تا آنکه در میان فرزندانش ابوالخیر خان و مظفر خان اختلاف افتاد و وی طرفداری از مظفر کرد و با ابوالخیر پسر مهمتر جنگ کرد و ابوالخیر یارای برابری نداشت. بعدالله خان بن اسکندر خان پسر عم خود پناه برد و با لشکریان وی سمرقند را محاصره کرد و در نهم ربیع الاول ۹۸۶ سمرقند را گرفت و پدر خود جوانمرد علی خان را بقلعۀ نوقار فرستاد و بدین گونه عبدالله خان حکمرانی سمرقند را با ابوالخیر خان واگذار کرد و خود بتاشکند رفت و در همان زمان در همان قلعۀ نوقار جوانمرد علی خان را کشتند. وی مردی باذوق بوده و ترکی و فارسی شعر می گفته و در فارسی معما و غزل را خوب می سروده است.

**۹۷۴- ابوالخیر سلطان شیبانی متخلص بیزمی،** پسر جوانمرد علی خان سابق الذکر، چنانکه پیش ازین اشاره رفت در نهم ربیع الاول ۹۸۶ بیاری عبدالله خان سمرقند را از پدر و برادر خود گرفت و درین زمان بسیار جوان بود. در ۹۷۴ با معدودی از

لشکریان از رباط خواجه سمرقند آهنگ شهر کش معروف بشهر سبز کرد و با سائی آنجا را گرفت . اما خسروسلطان حکمران آن شهر از قرشی بروناخت و قلعه را محاصره کرد و نتوانست آنرا بگیرد . ناچار بقرشی باز گشت و بار دیگر تاخت و این بار شهر را گرفت و باوی نیکی کرد و گذاشت بسمرقند برود و وی خود را زحمت بدانچارسانید و هنوز يك ماه ازین واقعه نگذشته بود که ابوالخیر بابا خان را با پادشاهان تاشکند و سلطان سعید خان و برادران با خود یار کرد و با سپاه فراوان شهر سبز را محاصره کرد و در سال ۹۷۵ آن شهر را گرفت و خسروسلطان را کشت . پس از آن باز در میان فرمانروایان سمرقند و تاشکند و عبدالله خان که همه از خاندان شیبانی بودند اختلاف افتاد و عبدالله خان سمرقند را گرفت و با ابوالخیر سلطان و برادرانش داد و خود بتاشکند رفت و درویش خان را در آنجا بتخت نشاند و باز گشت و چون بنواحی شاهرخیه رسید بعبادالله سلطان پسر خسروسلطان دستور داد ابوالخیر سلطان را بکشد و بدین گونه وی بدست دوستم نامی که سرش را برید در ۹۸۶ کشته شد و بیکرش را در شاهرخیه بخاک سپردند . وی نیز شعر ترکی و فارسی گفته و در شعر فارسی در غزل و معما دست داشته است .

**۶۷۴ - مظفر سلطان شیبانی** ، پسر کهتر جوانمرد علی خان و برادر ابوالخیر سلطان سابق الذکر ، پس از کشته شدن برادرش ابوالخیر سلطان در ۹۸۶ با برادران خود بدشت قبیچاق رفت و سپاهیان بسیار با خود برد و در ۹۸۷ بخون خواهی برادر با بوزه خور سلطان بن محمد سلطان که ذکرش پس ازین خواهد آمد و برادران کوچکتر از خود تاخت و سمرقند را گرفت و شانزده روز در سمرقند حکمرانی کرد . چون لشکریان عبدالله خان از خانقاه اور گنج باز گشتند وی با و حمله برد و وی از سمرقند بجانب ترکستان رفت و بار دوم که عبدالله خان در نواحی تاشکند مشغول محاصره طاهر سلطان و عبدالغفار سلطان بود در ۹۸۹ بار دیگر بسمرقند تاخت و آنجا را گرفت و نوزده روز در آن شهر فرمانروایی کرد و چون اسفندیار سلطان با سپاهیان بسیار بسمرقند تاخت وی از شهر بیرون رفت و بجانب دز زک رفت و در نواحی دز زک با اسفندیار سلطان جنگ کرد و بسمرقند باز گشت و ظاهراً در ۹۹۰ در قبادیان حصار گرفتار لشکریان اوزبک خان شد

و کشته شد . وی مردی شجاع و بیخشنده بوده و در اقسام شعر مهارت داشته است .

**۶۷۵- بوزه خور سلطان شیبانی** ، پسر محمد سلطان بن ابوسعید خان و محمد

سلطان پسر سوم ابوسعید خان بود . چنانکه گذشت در ۹۸۶ پس از کشته شدن ابوالخیر سلطان با مظفر سلطان و شاهزادگان دیگر بترکستان و دشت قبیچاق رفت و چند بار با ایشان بسمرقند تاخت و با لشکریان عبدالله خان در افتاد و نتیجه‌ای نگرفت تا آنکه در ۹۹۲ بدست شاهم نام قورچی در قلعه سیرام کشته شد و پیکرش را در سیرام بخالد سپردند . وی نیز غزل می‌سروده است .

**۶۷۶- میرزا ابراهیم بن سلیمان شاه تیموری متخلص بوفایی** ، جدش خان

میرزا بن سلطان محمود بن سلطان ابوسعید کورگانی از شاهزادگان تیموری بوده که در نواحی مختلف ماوراءالنهر حکمرانی داشته‌اند . وی ظاهراً در بدخشان فرمانروایی داشته و در ۹۶۷ در صدد برآمدن است بلخ را بگیرد و با لشکریان خود بدانجا تاخته و با پیر محمد خان بن بجانی بیک سلطان حکمران بلخ جنگ کرده و بدست لشکریان اوزبک افتاده و در ۹۶۷ کوراک نامی از ازبگان وی را کشته است . وی مردی بلند همت و دلیر و خوش طبع و دانش دوست و شعر شناس بوده و شعر ترکی و فارسی می‌سروده و از شعر فارسی اورباغیات مانده است .

**۶۷۷- خواجه یونس ختایی (خطایی)** ، اصلاً از مردم سرزمین ختای بوده و

در سمرقند بجهان آمده و در آنجا نشو و نما یافته و نیاکان وی مردمی محتشم و ازبازرگانان مالدار بوده‌اند . وی با پادشاهان و فرمانروایان و اشراف و دانشمندان روزگار خود معاشر و نزد ایشان گرامی بوده و غزل را نیکو می‌سروده و ظاهراً ختایی تخلص می‌کرده است .

**۶۷۸- مولانا مسیحی بلخی** ، از معاصران نویدی کلنگ بلخی و از شاعران

ماوراءالنهر بوده است . مردی بسیار افتاده و درویش و کم‌آزار بشمار می‌رفته و مولانا ابوالخیر وی را «فاضل معنوی» می‌گفته و عزیز می‌داشته است . در شعر شاگرد مولانا کوکبی و مولانا ابوالخیر بوده و در ۹۷۶ که بیش از هشتاد سال داشته در گذشته و پیکرش

را در محلی معروف به «خواجه روشنایی» در بلخ به خاک سپردند و از غزل سرایان زبردست این زمان بوده است.

**۶۷۹- مولانا فکری سمرقندی**، در ۹۱۱ ولادت یافته و از معاصران مشفق و

مردی درویش مشرب و بی آزار بوده و در تیزفهمی معروف بود و در ضمن مردی فقیر و در سلوک آزموده بود اما چون بگو کنار عادت کرد از افکار دقیق بازماند و در پایان زندگی شعر وی بسیار تنزل کرده بود و در ضمن مرد قانعی بشمار می رفت و در سال ۹۹۸ در ۸۷ سالگی در گذشت و از استادان غزل روزگار خود بود.

**۶۸۰- خواجه جان سمرقندی**، معروف به خواجه جان جهود زیرا که بینی

بسیار بزرگی داشت. مرد هنرمندی بود و خطوط را بسیار خوب می نوشت و منشی توانایی بود و در علم رقوم و میاق نیز زبردست بود. در زمان سلطان سعیدخان چندی وزیر سمرقند بود اما بزودی معزول شد و بواسطه جرمی که کرده بود وی را زندانی کردند و بکنده کشیدند و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۶۸۱- مولانا فضلی نوشادی**، از شاعران معروف بلخ و از معاصران مشفق

بوده و بابت دیگر مشاعر و مطایبه داشته اند و وی کل تیمورتاش برادر مشفق را بیحرطوایل هجو کرده و آن اشعار بسیار معروف شده بود و در ضمن غزل سرای ماهری بوده و بترکی نیز شعر می سروده است.

**۶۸۲- میرفهمی بدخشی**، از مردم بدخشان بوده اما در سمرقند نشو و نما یافته

و نیاگانش از سادات محتشم بدخشان بوده اند و خود مرد دانشمندی بود. در زمان سلطان سعیدخان سمرقند رفت و در آن شهر وی را بسیار گرامی داشتند. روزی در خانه میرمخدوم پدر شیخ حسین خوارزمی عارف مشهور گروهی از دانشمندان گرد آمده بودند وی و مشفق هم در آن جمع بودند و چون مشفق از اشعار وی خواسته او دیوان خود را از بغل بیرون آورده و پیش او انداخته و گفته که دیوان من اینست. بهمین جهت مردم از اشعار او اقبالی نکرده اند و وی زبان بهجا گشوده و اشعارر کیک بسیار گفته و سرانجام از ماوراءالنهر به هندوستان رفته و از ما زمان دستگاه منعم خان شده اما بزودی در حجره

هزالان درآمده و بخواری در آن دیار در گذشته و غزل را نیز نیکو می سروده است .  
**۶۸۳- مولانا نورالدین عهدی قراکولی** ، از مردم قراکول از توابع بخارا و از شاعران معاصر حاضری و دیگران بوده و در معما و عروض و قافیه و فنون دیگر دست داشته و در سرعت فهم معروف بوده و در ضمن مردی بسیار وجیه و شیرین سخن و ظریف بوده است . در زمان اسفندیار سلطان شهر سبز رفت و قصیده‌ای در ستایش وی گفت و صلت خوبی گرفت و بدیار خود باز گشت و اندک مدتی پس از آن در ۹۸۹ در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر ماهر بوده است .

**۶۸۴- مولانا والهی بلخی** ، از معاصران مسیحی و از دانشمندان نامی بلخ بوده و مردی سالك و خوش خوی و شیرین سخن بشمار می رفته و خود را شاگرد مولانا و اصلی می دانست و در پیری بشاعری آغاز کرد و با نویدی کلمنگ تعصب می ورزید و نویدی اشعار وی را نمی پسندید . نشو و نهامی وی در بلخ در روزگار پیر محمد خان بوده و در ۹۷۷ در گذشته و دیوان اشعار خود را خود ترتیب داده بود .

**۶۸۵- نقیب الاشراف خواجه سید بهاء الدین حسین بخاری متخلص**  
 بنشاری ، از مشاهیر سادات و بزرگان ماوراءالنهر در زمان خود بوده و وی راه فخر السادات می گفتند . از خاندان محترم بود . نسب پدرش بسید انا از پیشوایان معروف تصوف ماوراءالنهر می رسید و از جانب مادر از بازماندگان خواجه بهاء الدین نقشبند عارف مشهور بود . در علوم ظاهر و باطن بسیار کوشیده بود و پادشاهان و فرمانروایان و بزرگان وی را بسیار محترم می شمردند و مرد بسیار مهربانی بود و سرانجام در ۱۰۰۵ در گذشت و در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند وی را بخاک سپردند . وی گذشته از آنکه غزل را نیکو می سروده و با مشفق مشاعر داشته در ۹۸۳ کتابی در تذکره شاعران فارسی زبان نازمان خود بنام مذکر احباب تألیف کرده که مخصوصاً درباره شاعران ماوراءالنهر اهمیت بسیار دارد و محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص بمایح در ۱۰۹۳ بنام مذکر الاحباب ذیلی بر آن نوشته است . از آثار ادبی او که مشهور شده هشتاد و هشت و چهار در چهار خواجه عبدالله بخاری را تتبع کرده است .

**۶۸۶- میر دیوانه محنتی بخارایی** ، از سادات صحیح‌النسب بخارا بود و در

محلی بنام ساجمون از توابع بخارا ولادت یافت. از مریدان خواجه ابواسحق جویناری از مشایخ ماوراءالنهر بوده و با مشقتی مطایبه بسیار می‌کرده و قصیده و قطعه و رباعی و مثنوی بسیار درین زمینه سروده که در آن زمان بسیار معروف شده است و گاهی هم دیگران اشعاری درین زمینه می‌سروده و با او می‌بسته‌اند. در زمان عبدالله خان نشوونما یافته و قصاید غرادرستایش وی سروده و نوازش و انعام وافر یافته است و سرانجام در ۹۹۲ در گذشت و دیوان قصاید و غزلیات خویش را خود ترتیب داده بود.

**۶۸۷- مولانا حقیری بخارایی** ، از کشاورزان بخارا و از معاصران میردیوانه

متخلص بمحنتی و مردی بسیار درویش‌نهاد و کم‌آزار و صاحب‌دل بود و کم‌معاشرت داشت و از مردم گریزان بوده و قصیده را بروش و اصلی خوب می‌سروده است.

**۶۸۸- مولانا جنونی حصاری** ، از مردم حصار ماوراءالنهر بوده و در جوانی

بکسب دانش می‌پرداخت. پس از چندی بشاعری آغاز کرد و افکار پسندیده داشت و مردی بسیار شیرین سخن و ظریف طبع بود. در زمان محمد هاشم سلطان در سرزمین حصار بسپاهی گری روزگاری گذراند و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است.

**۶۸۹- مولانا شهرتی ورغزی تاشکندی** ، از مردم ورغز در روستای آهنگران

از توابع تاشکند بود. در جوانی بکسب دانش پرداخت و زیارت حرمین رفت و از مریدان مولانا لطف‌الله جوینی که از خلفای مولانا خواجگی کاشانی بود شد و مدتی مدینه از ملازمان او بود و ریاضت و مجاهدت بسیار کشید و نیز بملازمت مولانا محمد معروف بن خواجه کلان خواجه پسر مولانا خواجگی نایل شد و چندی مقام ارشاد داشت و در سال ۱۰۱۰ در پایان زندگی بسفر حجاز رفت و در شام در گذشت و پیکرش را بتاشکند بردند و در کوه میدان نزدیک مزار شیخ حسین خوارزمی بخاک سپردند. وی از غزل سرایان زبردست روزگار خود بوده است.

**۶۹۰- شاه فنایی بدخشی** ، از اعیان بدخشان و مردی مستغنی بوده و شاهانه

رفتار می‌کرده و بسیار خودپسند بوده و غزل خوب می‌سروده است.

- ۶۹۱- قلیچ محمد خان بلخی، از مردم محله ده شیخ شهر بلخ و از اعیان آنجا و مردی دانشمند و مدرس بود. در جوانی از بلخ به هندوستان رفت و وارد سپاه جلال الدین اکبر شد و بمنصب پنج هزاری با علم و تقاره رسید و از امرای بزرگ شد و شاهزاده دانیال پسر شاه دختر او را گرفت و در ضمن شاعر توانایی بوده و غزل می سروده است.
- ۶۹۲- میرزا جعفر قزوینی، از خاندان محتمشی بوده و در فتنه‌ای که منتهی بجلوس شاه عباس شد از ایران به هند رفت و وارد دربار جلال الدین اکبر شد. نخست منصب بخشی احدیان باو دادند و سپس با عنوان آصف جاهی وزیر اکبر شد و بمنصب پنج هزاری با علم و تقاره رسید. مردی دانشمند بود و غزل و رباعی و مثنوی را استادانه می سرود و نیز داستان خسرو شیرین را نظم کرده است.
- ۶۹۳- شریف کاشانی، از بزرگواران کاشان بود و به هند رفت و در دربار اکبر جزو طبقه امرا شد و مردی سخن سنج و ظریف بود و غزل را خوب می گفت.
- ۶۹۴- میرزا قاسم شوکتی، از اعیان طایفه جغتای بود و در هند در ملازمت میرزا کامران می زیست و نزد او بسیار مقرب بود و از غزل سرایان این دوره بوده است.
- ۶۹۵- مولانا عبداللطیف مسجایی اورا تپه‌ای، از مردم مجلی بنام مسجایی در اورا تپه و از شاعران ماوراء النهر و مردی دانشمند و مدرس بود و نیز غزل سرا بوده است.
- ۶۹۶- مولانا رعدی اورا تپه‌ای، وی نیز از شاعران ماوراء النهر بوده و در کاشغر و بار کند می زیسته و به همین جهت بکاشغری معروف شده بود و از دانشمندان و در شعر شاگرد مولانا واصفی بود و در اقسام شعر دست داشت و هشت در هشت خواجیه عمصت الله بخاری را جواب گفته و قصاید غرا در ستایش قریش خان از امرای کاشغر سروده و منصب ملك الشعرایی دربار وی را یافته و نیز هشت در هشت دیگری در ستایش وی سروده است. هنگامی که در تاشکند می زیسته بواسطه دلدادگی نسبت بمعشوقی با مولانا عبداللطیف مسجایی سابق الذکر رقابت بهم زده و چون نتوانسته است در آنجا بماند باندجان رفته و اشعاری در هجو عبداللطیف سروده و بکاشغر رفته است و در قصیده و غزل دست داشته

و بترکی و فارسی شعر می گفته است .

۶۹۷- مولانا خلقی بلخی ، در شعر شاگرد اصلی بوده و پدرانش طباطبائی بوده‌اند

و وی نیز همین پیشه را داشته و غزل می سروده است .

۶۹۸- قاسم کوه بر صبری ، اصلاً از مردم خیرآباد از توابع شهر سبزماوراءالنهر

بوده است . در جوانی بکسب دانش پرداخت و در نتیجه دلدادگی با جمعی دشمنی بهم

رساند و چون نتوانست در وطن بماند بهند رفت و در دربار جلال‌الدین اکبر ترقی کرد و

از امر او لقب خانی گرفت و سرانجام در بنگاله در گذشت . داستان خسرو و شیرین را

بنام اکبر نظام کرده است .

۶۹۹- نالی سمرقندی ، مرد زیبارویی بود و در جوانی در ۹۸ در گذشت و غزل

را نیکومی گفت .

۷۰۰- میرزا بیک هروی ، اصلی از هرات بوده و در بخارا ولادت یافته و پدرانش

از وزیران بوده‌اند و وی نیز در زمان عبدالعزیزخان وزیر بخارا شده و در انشا و علم سیاق

دست داشته و خطوط را خوب می نوشته و تا ۹۲۷ که قطعه‌ای در تاریخ ولادت اسفندیار بن

سلطان خسرو بن سلطان یار محمد بن جانی بیک سلطان از شاهزادگان ازبک سروده زنده

بود ، است و ازین قرار اقسام مختلف شعر می سروده است .

۷۰۱- مولانا ناظمی تربتی ، از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و جزین

از احوالش اطلاعی نیست .

۷۰۲- غباری نیشابوری ، مردی بسیار دانشمند و از غزل سرایان خوب زمان خود

بوده و جزین آگاهی درباره اش نیست .

۷۰۳- غباری هوی تاب عراقی ، پدرانش هوی تاب بوده‌اند و او هم همین پیشه

را داشته و در غزل سرایی استاد بوده است .

۷۰۴- خلقی قلندر بلخی ، وی بجز خلقی بلخی سابق الذکر است و در شعر شاگرد

اصلی مروزی بوده و مانند قلندران می زیسته و شاعر توانایی بوده است . در آغاز سی سال

در بسیاری از کشورها سفر کرده و بحج رفته و سرانجام در نجف ساکن شده و در آنجا در



۹۸۳ در گذشته و غزل سرا بوده است .

۷۰۵- قاسم ارسلان بخارایی ، وی ظاهراً بجز قاسم ارسلان مشهدی سابق- الذکرست . از مردم بخارا بوده ، نخست طالب علم بود و پس از چندی در سلك سپاهیان جای گرفت و سرانجام از بخارا بهندرفت و در دربار جلال الدین اکبر وارد شد و در هند در گذشت . وی در اقسام شعر دست داشته و هزلیات و غزلیات از او مانده است .

۷۰۶- دوستی بدخشی ، از مردم بدخشان بوده اما در حصار می زیسته و ساکن ماوراءالنهر بوده و در شعر از شاگردان قدسی بشمار می رفته و غزل سرا بوده است .

۷۰۷- حیرانی نیشابوری ، مردی عابد بوده و همیشه بر ریاضت روزگاری گذرانده و در شعر شاگرد امیدی بوده و غزل می سروده است .

۷۰۸- زایری تربتی ، از معاصران ولی دشت بیاضی و از غزل سرایان زبردست خراسان بوده است .

۷۰۹- میرزا حسابی تبریزی ، پسر مهتر قاضی جهان تبریزی و برادر شرف تبریزی بوده که نکرش پس ازین خواهد آمد و نسبش با امام دوم حسن بن علی می رسیده و از خاندان محتشمی بوده و در اقسام مختلف شعر از آن جمله در معما و غزل دست داشته است .

۷۱۰- میرزا شرف تبریزی ، برادر کهتر میرزا حسابی و پسر قاضی جهان تبریزی سابق الذکر بوده و در همت و بخشندگی و دلاوری معروف و در ضمن کر بوده و چندی در دربار شاه طهماسب زیسته و در اقسام مختلف شعر از آن جمله در غزل استاد بوده است .

۷۱۱- مولانا صیفی تبریزی ، در حدت فهم و سرعت طبع معروف و غزل سرا بوده است .

۷۱۲- علی هروی کاشانی متخلص بنقی ، از مردم هرات اما بکاشانی معروف و مردی دانشمند بوده و غزل را خوب می سروده است .

۷۱۳- مولانا صالح مشهدی ، مردی دانشمند اما بسیار خودپسند بوده و غزل

می سروده است

۷۱۴- میرزا طاهر موسوی مشهدی، نسبش باعام علی بن موسی الرضامی رسیده  
و بهمین جهت موسوی نخلص می کرده و غزل می سروده و ظاهر آوی بجز موسوی مشهدی  
سابق الذکر

۷۱۵- شجاع تبریزی ، مردی تیزفهم و تند گفتار بوده و در سلك سپاهیان در  
ایران می زیسته و غزل را نیکو می سروده و دیوانش در آذربایجان شهرت داشته است .  
۷۱۶- نویدی نیشابوری ، ظاهر آوی بجز نویدی نیشابوری دیگر است که در  
هند می زیسته و او در ایران در زمان شاه طهماسب بشاعری آغاز کرده و مردی صاحب طبع  
سلیم و هوشمند بوده و در زمان خود شهرت بسیار داشته و بیشتر مثنوی می سروده و دو  
مثنوی نظم کرده است یکی در داستان خسرو شیرین و دیگر بتقلید از حدیقه الحقیقه  
سنایی .

۷۱۷- مولانا باقی مشهدی ، مردی بسیار شیرین سخن و مہذب و قانع بوده و  
غزل را خوب می گفته است .

۷۱۸- خواجه طبعی سمرقندی ، مردی مہذب و بسیار خوش خوی و شیرین-  
زبان و زودفهم بوده و غزل را استادانه می سروده است .

۷۱۹- حزینی ، ظاهر آ از شاعران ماوراءالنہر و بجز حزینی استرآبادی و حزینی  
کونا بادی و حزینی کیلانی و حزینی یزدی و غزل سرا بوده است .

۷۲۰- مولانا میر خرد میانکالی ، از مردم میانکال ماوراءالنہر و مردی مہذب  
و معروف بوده و قبول عام داشته و در بخارا هنگامی که کسب دانش می کرده دلدادہ کسی  
شده و درین زمینہ اشعاری سروده و سرانجام به حج رفته و در مکه ساکن شده و در همان جا  
در گذشته است .

۷۲۱- شاهقلی خلخال ، از اعیان اولوس ترکمان و ظاهر آ از مردم ماوراءالنہر  
و تیزفهم و دارای طبعی تند بوده و غزل می سروده است .

۷۲۲- سپهری هروی ، غزل را شور انگیز می گفته و جزین در باره اش

## آگاهی :-

۷۲۳- واقفی هروی ، نوشته‌اند مردی خودپسند و متکبر و ملحد بوده ولی مشرب بلند داشته و بسیار شیرین سخن بوده و غزل می‌سروده است .

۷۲۴- قاضی نوری هروی ، از اعیان هرات و چندی قاضی آن شهر و مردی شیرین سخن بوده و در زمان شاه اسمعیل معروف شده و از ملازمان مقرب او بوده و قصاید بسیار درستایش وی سروده است .

۷۲۵- مولانا یحیی کیلانی ، ظاهراً بجز مولانا یحیی کیلانی یا قاضی یحیی لاهیجانی سابق الذکرست ، از اعیان زادگان کیلان بوده و در هرات نشوونما یافته و پس از مدتی از هرات بکیلان رفته و غزل را نیکو می‌سروده است .

۷۲۶- اسکندر هروی ، از اعیان هرات بوده و پدرانش بسیار محترم بوده‌اند اما در تبریز نشوونما یافته و منشی و خوشنویس زبردست بوده و غزل را خوب می‌گفته است .

۷۲۷- رضایی کابلی ، از مردان محترم زمان خود و مردی مذهب و شیرین سخن و در ضمن معتاد بمسکرات و عاشق پیشه بوده و غزل را استادانه می‌سروده است .

۷۲۸- امیر محمد تقی خراسانی ، از سادات صحیح النسب و مردی مذهب و درویش مشرب و شیرین سخن بوده و رباعیات از او مانده است .

۷۲۹- محمد نمکین هروی ، در هرات نشوونما یافته و مردی بسیار دانشمند بوده و در سرودن رباعی بر اقران خود برتری داشته است .

۷۳۰- قدری سبزواری ، مردی شیرین سخن و از دوستان اسکندر هروی بوده و در هرات با وی می‌زیسته ، پس از چندی بر سر عشق جوانی با هم دشمن شده‌اند و غزل را خوب می‌گفته است .

۷۳۱- مولانا حالتی طرفائی ، از مردم طرفان از توابع یار کند بوده اما در یار کند نشوونما یافته و در شعر شاگرد رعدی اورانپه‌ای سابق الذکر و غزل سرا بوده است .

**۷۴۳- مولانا لیکي کابلی** ، در زمان فرمانروایی میرزا ابراهیم پیدخشان رفته و در آنجا نشوونما یافته و در اقسام شعر و بیشتر در غزل دست داشته و در شعر شاگرد جانی تیمبان بوده است .

**۷۴۴- مولانا غیوری حصارى** ، ظاهراً بجز غیوری حصارى دیگرست که ذکرش پیش ازین گذشت. در زمان حکمرانی محمد حکیم میرزا در کابل نشوونما و دانش یافته و از مقر بان حکمران سابق الذکر و تزداد و کستاخ و از سپاهیان بوده و چند بار در جنگها کارهای نمایان کرده و با بزرگان روزگار معاشر بوده و روی زشت داشته و در جوانی که هنوز بیچهل سالگی نرسیده بود در سال ۹۹۹ در گذشت و غزل را خوب می سروده است.

**۷۴۴- فقیری بخارایی** ، از معاصران مشفقى شاعر معروف و مردی افتاده و درویش مشرب بود و همیشه بازاهدان و درویشان رفت و آمد داشت و از کشاورزی روزگار می گذرانید و در ضمن با بزرگان عصر آشنا بود و با مشفقى مطایبه بسیار کرده و در ۹۸۰ در گذشت و غزل می سرود .

**۷۴۵- مولانا یتیمی تبریزی** ، ظاهراً وی همان یتیمی هرویست که سابقاً ذکر مختصری از او رفته است. اصل وی از تبریز بوده اما در هرات نشوونما یافته و مردی بسیار دانشمند بوده و پس از فتح هرات بدست صفویه ببلخ رفته و در آنجا ساکن شده اما پس از اندک زمانی هنگامی که سنش از هشتاد گذشته بود در ۹۹۵ در بلخ در گذشت و همانجا مدفون شد و شاعری زبردست در غزل سرایی بوده است .

**۷۴۶- میرزا شاه بیک لنگ حصارى** ، از شاعران ماوراءالنهر و از اولوس اعیان ازبکان بود . نخست در ملازمت محمد هاشم سلطان تقرب یافت و از امرای دستگاه او بود. سپس از آن کار کناره گرفت و گوشه نشین شد و بفارسی و ترکی شعر می گفته است.

**۷۴۷- شیخ علاءالدوله خوارزمی** ، از فرزندان شیخ حسین خوارزمی عارف مشهور و مردی مذهب و دانشمند و درویش مشرب و وارسته بود و نیز فهم و غزل سرای توانایی بود .

**۷۴۸- میر ابو الخیر رامی هروی** ، از سادات صحیح النسب و اصلاً از مردم هرات

بود اما در سمرقند ولادت یافته و غزل را خوب می‌سروده است .

۷۳۹- میرزا محمد امین ازبک، از امرای ازبک و از اولوس قوشچی بود و پدرانش

مردمان محترم بودند . وی نیز در دربار پادشاهان ازبک مقام مهم داشت و در تاریخ و معما و انشا دست داشت و در شجاعت و همت نیز معروف بود . در پایان زندگی به هندوستان بدربار جلال‌الدین اکبر رفت و در آنجا کارش نگرفت تا آنکه در ۹۸۳ در هند در گذشت و از معنیات مانده است .

۷۴۰- خواجه میرک خوارزمی ، از فرزندان شیخ حسین خوارزمی عارف

معروف و مردی بسیار دانشمند بود و در فنون مختلف دست داشت و غزل را خوب می‌گفت .

۷۴۱- مولانا بیغمی ترمذی ، شاعری زبردست و شعر شناس بود و غزل را

نیکو می‌سرود .

۷۴۲- بدخشی قاتقانی ، از مردم تالقان بدخشان بود و در اقسام مختلف شعر

مخصوصاً در غزل و غزل ماهر بود .

۷۴۳- مولانا مهجوری سمرقندی، از شاعران شیرین سخن و غزل سرایان استاد

زمان خود بوده است .

۷۴۴- قاضی سعید ایسکی باغی ، از مردم ایسکی باغ در ناحیه خزار دره و اراءالنهر

و قاضی آن ناحیه بوده و مردی دانشمند بشمار می‌رفته و مرید شیخ خردکاشانی از مشایخ صوفیه آن ناحیه بوده و سعید تخلص می‌کرده و در ۱۰۰۲ در گذشته و دیوان غزلیات داشته است .

۷۴۵- مولانا واهی سجاوندی ، از مردم سجاوند از توابع غزنین بوده و در

خردسالی بفرغانه رفته و در مرغینان ساکن شده و در آنجا نشو و نما یافته و دانش آموخته و از مریدان مولانا درویش محمد مرغینانی از خلفای مولانا لطف‌الله جوینی از مشایخ تصوف شده که وی مرید مولانا خواجگی و وی مرید مولانا محمد قاضی و او مرید خواجه عبیدالله احرار بوده است . واهی خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشت و از کتابت گذران می‌کرد و از معاصران مولانا محمد شریف اندجانی بوده و غزل را خوب می‌گفت .

**۷۴۶-** محمدشیرخان فرقتی تولکی ، از اووس تولکی و از ترکان بدخشان و از ملازمان میرزا شاهرخ بن میرزا ابراهیم و از اعیان زمان خود بوده و مدتی حکمران کامرد بود تا آنکه لشکریان عبدالله خان بدخشان را گرفتند و وی بدست ایشان گرفتار شد و پس از چندی رهایی یافت و در ۹۹۲ هجری رفت و در راه درگذشت . وی نیز غزل سرا بوده .

**۷۴۷-** میررستم سمرقندی ، پسر خواجه نظام‌الملک از اعیان آن دیار بود و مدتی در دستگاه سلطان سعیدخان در سمرقند منصب انشادداشت و چون وی درگذشت و جوانمرد علی خان والی سمرقند شد از سمرقند بیخ رفت و بوزارت خواجه جان پارسا رسید و پس از مرگ وی بهند رفت و مدتی در آن دیار سرگردان بود تا آنکه در ۱۰۰۵ در سرزمین مالوه درگذشت . وی خوش نویس و منشی زبردست بود و غزل را نیکو می‌سرود و رستم تخلص می‌کرد و دیوانی داشته است .

**۷۴۸-** میربدیع قاضی هروی ، پسر قاضی اختیار هروی و از مشاهیر آن شهر بوده است . پس از ظهور صفویه از هرات به اوردان و آنجا رفته و برادرش میرمحمدشفیع مدتی قاضی شهر سبز بوده و پس از مرگ وی این مقام را باو داده‌اند . در طب و حکمت دست داشت و مانند پدر در جمع مال حریص بود و با مساک معروف شده بود . کتاب اقتباسات مختارالابرار را تألیف کرده و در پایان زندگی یک مثنوی شامل پنج هزار بیت به عنوان عدن و حور سروده و غزل نیز می‌گفته است .

**۷۴۹-** غازی قلندر هروی ، ظاهراً وی بجز غازی قلندر دیگرست که ذکرش پیش ازین گذشت . وی نخست با مردم رفت و آمد داشت و در پایان زندگی قلندرانسه می‌زیست و گوشه‌نشین بود و از معاصران وحشی بود و غزل می‌سروده است .

**۷۵۰-** مجوی بخارایی ، از معاصران میردیوانه محنتی ساجمونی بوده و نوشته‌اند که بسیار پرطمع و کد اطمع بوده و همواره منتظر آن بود که کسی بمیرد و برای او تاریخ یا مرثیه بسراید و بهمین جهت در بخارا شاعران از آشنایی با وی خودداری می‌کردند و تا سال ۹۸۵ زنده بود و اقسام شعر می‌سروده است .

۷۵۱- میرزا قاسم ساغرچی متخلص بمنشی و انشایی ، پسر خواجه محمد صالح ساغرچی و از خاندان محترم بود و در انشا و سیاق ماهر بود. در زمان عبداللطیف خان و سلطان سعید خان چندی وزیر سمرقند بود و چندی هم از منشیان دربار بود. بسیار متمول بود و فرزندان فراوان داشت. نزد عبدالله خان و پادشاهان دیگر این خاندان مقرب بود. پس از مرگ پدرش منشی سلطان سعید خان شد و پس از مرگ وی ملازم جوانمرد علی خان و منشی دستگاه او گشت و در نهم ربیع الاول ۹۸۶ که عبدالله خان والی سمرقند شد قصیده غزایی در ستایش او گفت و با هدایای نفیس نزد وی برد و از او بر خوردار شد. برادرش میرزا مومن نیز مقرب دستگاه عبدالله خان بود. پس از آنکه چندی ملازم عبدالله خان بود بوزارت سیونج محمد سلطان رسید و تازنده بود وزارت ساغرچ را داشت. خوش نویس نیز بود و در شعر شاگرد مشفق بوده ، نخست منشی تخلص می کرده و سپس انشایی تخلص کرده است و در اقسام شعر دست داشته و انواع موشح و مشجر و مطرد و اظهار و مضمر می سروده و در تاریخ سرودن نیز زبردست بوده و قطعانی که در تاریخ می سروده معروف شده است و بفارسی و ترکی نیز قصیده و غزل را نیز نیکو می گفته و دیوان قصاید و غزلیات خود را گرد آورده و داستان خسرو و شیرین نیز سروده و در ۱۰۰۵ در گذشته است.

۷۵۲- یادگار دیک ترکمان ، از اولوس ترکمان و غزل سرای بوده است و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۷۵۳- مولانا میرزا جان رومی شیرازی ، بجز حبیب الله با غنوی معروف بمیرزا جان شیرازی دانشمند معروف سابق الذکر است . وی نیز مردی دانشمند بوده و در علوم زمان خود دست داشته و چون در طریقه سنت تعصب داشته در پایان زندگی در آغاز دوره صفوی از ایران باموراءالنهر بدربار عبدالله خان رفته و وی و اعیان دربارش مخصوصاً امیر قلی بابا کو کلتاش با وی بسیار مهربانی کرده اند و در مدرسه خان که در سرخیابان در شهر بخارا بود بتدریس پرداخته و شاگردان بسیار داشته و سرانجام در ۹۹۸ در بخارا در گذشته و غزل را خوب می گفته و رومی تخلص می کرده است .

۷۵۴- میرزا جوجک ، ازترکان اولوس پیرک و مردی دانشمند و در سرودن معما استاد بوده و نیز منشی زبردستی بشمار می رفته و از مختصان خسروسلطان بوده و پس از مرگ وی گوشه نشین شده و در شهر سبزسکونت گرفته و در آنجا در ۹۹۴ در گذشته و رساله‌ای در معما تألیف کرده است .

۷۵۵- مولانا خاکي بلخي ، از معاصران نویدی بوده و بیست سال با وی هم‌خانه و از مریدان مولانا محمد امین زاهد از مشایخ آن زمان و حافظ قرآن بوده و بمکتب داری روزگار می گذرانده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و مردی درویش مشرب بود. چندی خاکي تخلص می کرد و سپس سروشی تخلص کرده است. چند مثنوی آینه و طوطی، گل و بلبل، قاصد و مقصود، اسکندرنامه، ذره و آفتاب، شمع و پروانه و بعضی رسایل در فقه نوشته و چهار دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و مقطعات خود را ترتیب داده است .

۷۵۶- شیخ الشیوخ آقا ابن یمین شبرغانی، از مردم شبرغان از توابع بلخ بوده است . در جوانی کسب دانش کرده و سپس وارد حلقه تصوف و مرید مولانا خردکاشانی شده و ریاضت و مجاهدت بسیار داشته و پس از مرگ مرشد خود جانشین وی شده و خوارق عادات بوی نسبت می داده‌اند و بسیار محترم بوده و مریدان فراوان داشته و پادشاهان و امیران او را محترم می داشته‌اند و در ۱۰۰۵ در گذشت و در شبرغان مدفون شد. وی غزل را خوب می گفته و ابن یمین تخلص می کرده است .

۷۵۷- مولانا صادق سمرقنایی ، پدرش در سمرقند حلواگر بود و وی دانش آموخت و از دانشمندان نامی زمان خود شد و مدتی در کابل معلم محمد حکیم میرزا بود و وی را بسیار محترم می شمردند . پس از مرگ وی بجاوراءالنهر بازگشت و در سمرقند بدربار عبدالله خان راه یافت و احترام بسیار یافت و بتدریس در طاق‌اعالی مدرسه الغ بیك مشغول شد و نیز تدریس مدرسه شاه بیك خان را باو دادند و در ۱۰۰۵ در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر از آن جمله در غزل و معما دست داشته و دیوان خود را ترتیب داده است .

۷۵۸- حافظ ابراهیم بخارایی، از کودکی حافظ قرآن شده و درین فن معروف



بوده و سپس خطیب مسجد جامع بزرگ بخارا شده و در دربار عبدالله خان محترم بوده و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی شده است. پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحق جوینیاری بوده و ریاضت و مجاهدت داشته و با آنکه سنش از هشتاد گذشته بود قرآن را بسیار خوب می خواند و فرزندان فراوان داشت و در ۱۰۰۴ در گذشت. وی در قصیده و غزل و رباعی و قطعه و تاریخ استاد بوده و یک مثنوی در طریقه سلسله خواجگان سروده و سه دیوان ترتیب داده است.

۷۵۹- عرضی بخارایی، مردی پیشه ورتا اندازه ای دانشمند بود و در زمان عبدالله خان متهم شد و آلت وی را بریدند و بهمان جهت در ۹۷۹ در گذشت و در شعر استاد بوده است.

۷۶۰- غلامی، از شاعران ماوراءالنهر و مردی بسیار دانشمند بود و غزل را خوب می گفت.

۷۶۱- سالم بیک ترکمان، از ترکمانان ایران بوده و پس از چندی از خراسان به هند رفته و از احدیان دربار جلال الدین محمد اکبر شده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و از آن جمله غزل می سروده و شاهنامه ای شامل فتوحات شاه عباس سروده است.

۷۶۲- نوروز صفایی سمرقندی، در جوانی مرد زیبا رویی بود و بخوردن گو کنار و افیون عادت کرد و غزل را نیکو می سرود.

۷۶۳- حزنی هروی، عراقی نیز معروف بوده و برخی بخطای وی را از شاگردان ولایت بیاضی دانسته اند و در غزل سرایی استاد بوده است.

۷۶۴- سنگ لوند مهدی، نام وی را به همین صورت ضبط کرده اند و در غزلی که از او مانده لوند تخلص کرده و نوشته اند بسیار خوش طبع بود اما بسیار بلند مشرب و آزاده بود و بهیچ مذهبی توجه نداشت و غزل می سرود.

۷۶۵- میرزا ذوالفقار بخارایی، پسر بابای میرک ترکستانی بوده اما در بخارا ولادت یافته و دانش آموخته و از دانشمندان نامی زمان خود شده و در ۹۹۷ عبدالله خان تدریس طاق اعلائی مدرسه الغ بیک را در سمرقند با و رجوع کرده و در ۹۹۸ در گذشت

و غزل را خوب می گفت .

۷۶۶- آدهمی ، از شاعران ماوراءالنهر و دارای حدت طبع و سرعت فهم بوده و

غزل می سروده است .

۷۶۷- مولانا زلفی بلخی ، از مردم گذرد و آبه بلخ و مردی دانشمند بوده و غزل

می گفته است .

۷۶۸- مولانا دوری بلخی ، عمر خود را در سوداگری می گذراند و در شعر شاگرد

ابوالخیر لنگ بود و از معاصران مسیحی بلخی بشمار می رفت و همواره در بلخ می زیست

و غزل را خوب می گفت .

۷۶۹- خاصی هروی ، اصلاً از مردم هرات بود اما در تاشکند نشو و نما یافت

و از فنون شعر بسیار آگاه بود و غزل را نیکو می سرود .

۷۷۰- طرزی یزدی ، در جوانی بسیار زیباروی و مردی مذهب بود و بواسطه

خوردن گو کنار دگر کون شد . چندی سوداگری می کرد و ازین کار دست کشید و

بسیاحت پرداخت و در غزل سرایی استاد بود .

۷۷۱- عربی قندزی ، از قندز از توابع بدخشان بود و غزل خوب می گفت .

۷۷۲- مولانا ناظری بخارایی ، مردی دانشمند بود ، در آغاز با مردم بی باک

هم نشین بود و سپس از معاشرت با ایشان دست کشید و با اعیان شهر معاشر شد و در پیروی

در علم سیاق مهارت یافت و در دستگاہ عبدالله خان ترقی کرد و از وزیران او شد و سپس بوزارت

چهره در گاه عبدالله خان رسید و تا زنده بود این مقام را داشت و از معاشران مشفق بود

و غزل را خوب می گفت .

۷۷۳- میر جمال الدین خادمی هروی ، اصلاً از مردم هرات بود اما در بلخ

نشو و نما یافت و خود را از خویشاوندان جامی شاعر معروف می دانست و از مریدان مولانا

محمد امین زاهد و داماد وی بود . شاهنامه ای در فتوحات عبدالله خان بنام عبدالله نامه

سروده و صله وافر یافته و در غزل سرایی نیز ماهر بوده است .

۷۷۴- مولانا مظنی بدخشانی ، از مردم محلی بنام خندان از توابع دره یون

بدخشان و از قاضی زادگان آن سرزمین و مردی دانشمند بود و در سخن گفتن بسیار تند و سخت گوی بود و غزل را خوب می گفت .

**۷۷۵- مولانا صالح مخلصی بدخشانی**، در جوانی برای کسب دانش از بدخشان

بماوراءالنهر رفته و از دانشمندان نامی زمان خود شده و بتدریس پرداخته و در پایان زندگی بحج رفته و غزل را استادانه می سروده است .

**۷۷۶- صدقی بدخشانی** ، شاگرد مطلق سابق الذکر و مرد متکبری بود و

غزل می سرود .

**۷۷۷- شیخ بابای طبیب فرغانی** ، از مردم کند بادام از توابع فرغانه و مردی

دانشمند و حکیم و طبیب حاذق بوده و در معما دست داشته و عاشق پیشه بوده است .

**۷۷۸- مولانا تگهای کابلی** ، پیشه وری روزگار می گذرانده و تا اندازه ای

دانشمند بوده و غزل را خوب می سروده است .

**۷۷۹- مولانا نکویی بخارایی** ، از معاصران ناظری و در علم سیاق استاد بوده

و در زمان عبدالله خان منصب دیوان چهره داشت و با مشفق مطایبه می کرد و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است .

**۷۸۰- خواجه کلان پخته سمرقندی**، از مردم ناحیه شادوار در بخش کمان کران

از توابع سمرقند بود و بکشاورزی روزگار می گذراند . چون در پایان نام وی کلمه

«پخته» را آورده اند که در زبان تاجیکان بمعنی پنبه است احتمال می رود که پنبه کار بوده باشد . در هر صورت مرد دانشمندی بوده و حدیث طبع و سرعت فهم داشته و در زمان سلطان

سعید خان چندی قاضی فلغز از توابع سمرقند بوده و پس از آن عزل شده و مقام او را

بمحافظ مسجایی داده اند و در ۹۸۸ از سمرقند سفری بشهر سبز کرده و قصیده ای در مدح سلطان اسفندیار گفته و صلوة کران گرفته و بسمرقند باز گشته و غزل نیز می سروده است .

**۷۸۱- خواجه حامد تاشکندی** ، از اعیان تاشکند و مردی بسیار خوش فهم و

شیرین سخن و خوش رفتار و از دانشمندان بوده و غزلیات را استادانه می سروده است .

**۷۸۲- مولانا ابوالحی فتیلی سمرقندی**، از ناحیه سرپل سمرقند و از دانشمندان

زمان خود بوده و بحدت طبع و سرعت فهم و سخندانی و خوش خوئی معروف شده بود .  
سرانجام مدرس مدرسه شاه بیک خان شد و شاگردان بسیار داشت و در ضمن غزل سرای  
توانایی بود .

**۷۸۴- میرزا شریف شریفی سمرقندی** ، پسر خواجه زینل بوده که در دربار  
پادشاهان از بک سمت دیوانی داشته است . پدرش از مردم هرات ساکن سمرقند بوده و  
وی در سمرقند بجهان آمده و پدرش در ۹۷۲ وزیر سمرقند شده است . وی مردی گوشه نشین  
و درویش مشرب بوده و در زمان عبدالله خان مستوفی ولایت سمرقند شده و در جوانی در  
هرات در گذشته است . در علم سیاق و انشا و معما و غزل دست داشته و خوش نویس هم  
بوده است .

**۷۸۴- میرحسین کفری هروی** ، از سادات صحیح النسب هرات بوده اما در  
قربت ولادت یافته و مرد دانشمندی بشمار می رفته و سپس بهند رفته و در دستگاه شاهزاده  
دانیال وارد شده و از معاصران نوعی خبوشانی بوده و غزل و رباعی را نیکو می سروده است .  
**۷۸۵- عبیداله بیک تاشکندی** ، پدرش از تاشکند بهند رفته و وی در آنجا بجهان  
آمده و نزد عبدالرحیم خان خان خانان مقرب بوده و در حدت طبع و سرعت فهم معروف  
بود اما بسیار متکبر و خودپست بود و بهمین جهت دانشمندان زمان باو «دختر انوری»  
می گفتند و سرانجام در حدود سال ۱۰۰۰ در سرزمین برادر خاك دکن از جهان رفته و در  
غزل و رباعی استاد بوده است .

**۷۸۶- حاجی بابا اسمی بخارایی** ، از بخارا بهند رفته و در سلك سپاهیان وارد  
شده و مردی خوش طبع و نیز فهم بوده است . چندی در ملازمت میرزا کوچک علی بلخی  
حکمرانی و سرداری پر کنه مندلیکره در ناحیه چتور را داشته و در سال ۱۰۰۰ هندوان آن  
پر کنه بر سر وی ریخته و او را کشته اند و در همان پر کنه او را بخاك سپرده اند و غزل  
را خوب می گفته است .

**۷۸۷- میرزا قاسم مرجان سمرقندی** ، از اعیان آن شهر و مردی دانشمند بوده  
و از مدرسان دانا بشمار می رفته و محترم بوده است . از سمرقند بشهر سبز بدر بار ابوالخیر

سلطان رفته و معنیات از او مانده است .

**۷۸۸- مولانا بابای صبری میانکالی** ، از شاعران ماوراءالنهر و مردی دانشمند

بوده و بر است طبیعی و نیز فهمی شهرت داشته و در سلك سپاهیان می زیسته و سپس از ملازمان ازبك خان شده و منصب شیخ الاسلامی یافته و در غزل روش خاصی داشته و دیوانی ترتیب داده است .

**۷۸۹- وداعی حصارى** ، از مردم حصار ماوراءالنهر بوده و در هند نشو و نما یافته

و مردی درویش مشرب بوده و پس از آنکه در هند رنج بسیار دیده ب ماوراءالنهر و از آنجا بکابل رفته و از آنجا بحجاز رفته و درین سفر در گذشته و در عروض و قافیه و معما و اقسام شعر استاد بوده است .

**۷۹۰- شهدی بدخشانی** ، از ترکان چادر نشین آن سرزمین و در شعر استاد

بود و غزل را خوب می گفت .

**۷۹۱- قاضی محنتی و عیشی میانکالی** ، از مردم میانکال بود اما در سمرقند

دانش آموخت و بیشتر در هند می زیست و در دربار جلال الدین اکبر بسیار محترم بود و قضاوت قصبه سر هند را باو دادند و در ۱۰۰۲ در سر هند در گذشت و در آنجا مدفون شد . نخست محنتی تخلص می کرد و بیشتر اشعار خود را باین تخلص سروده و در پایان زندگی جلال الدین اکبر تخلص عیشی را باو داده و باین تخلص کمتر شعر گفته است و دیوان غزلیات خود را ترتیب داده است .

**۷۹۲- مولانا باقی بخارایی** ، پدرش درزبگر بود و خود دانش آموخت و درین

رشته نامور شد و مدرس مدرسه عبدالله خان در بخارا شد که در جمله سرخیابان بود و در اقسام مختلف شعر دست داشت .

**۷۹۳- مولانا صابری تاشکندی** ، وی نیز از دانشمندان و از فقهای زمان خود بود

و بر احکام فقهای دیگر ذیل نوشته و در زمان درویش خان در تاشکند با مولانا جمله در افتاد و اهاجی بسیار در باره وی گفت و سپس از تاشکند ب سمرقند رفت و از مفتیان آن شهر شد و اقسام مختلف شعر از آن جمله غزل را نیکو می سروده است .

**۷۹۴- آدمی و گدایی سمرقندی** ، از جامعه باقی روزگار می گذراند و خط و سواد و طبع موزون داشت و از شاگردان مشفق بود و نخست گدایی تخلص می کرد و مشفق تخلص آدمی را بار داد و در شاعری ترقی بسیار کرد و در پایان عمر از سمرقند بعزم سفر حجاز بهند رفت و در سورت بندر کجرات در سال ۹۹۷ در گذشت و غزل را بسیار خوب می گفت .

**۷۹۵- مولانا نیازی مثالی بدخشی** ، پسر مولانا وصالی بدخشی بود و نخست در بدخشان می زیست و در انقلابات آن سرزمین بهند و بدر بار جلال الدین اکبر رفت و در سلك سپاهیان جای گرفت و چون از وی جریمه ای سرزد مدتی گرفتار بود و آهنگ حج کرد اما مدتی در هند بی سروسامان بود و در دکن می گشت تا آنکه در سال ۱۰۱۰ بان سفر رفت و در همان جا در گذشت . وی شاعری زبردست بود و پیروی از شاعران سلف می کرده و در معما و عروض و قافیه استاد بوده و غزل را نیکو می سرود و مثالی تخلص می کرد .

**۷۹۶- مولانا وصالی بدخشی** ، پدر نیازی مثالی سابق الذکر و از شاعران زبردست پرخیال بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

**۷۹۷- مولانا ریاضی و صولتی بدخشی** ، پسر وصالی سابق الذکر و برادر نیازی مثالی سابق الذکر بود و و صولتی تخلص می کرد و مرد بسیار کم سخنی بود و تا ۱۰۱۳ زنده بوده است .

**۷۹۸- میرزا باقی انجمی بخارایی** ، پسر میرخلیفه و از اولوس شیرین بود و از دانشمندان بشمار می رفت و در شعر شاگرد مشفق بوده و عارف مشرب و شیرین سخن بود . در آغاز پس از مرگ پدر از سپاهیان دربار عبدالله خان شد و چون جریمه ای از او بوجود آمد مردود شد و ملازمت شاهزاده اسفندیار سلطان را برگزید و نزد او ترقی کرد و قصاید غرا در مدح او گفت و بزودی از آنجا نیز رانده شد و از اندجان بکاشغر رفت و چندی آنجا بود و باز بماوراءالنهر برگشت و از آنجا بهند بدر بار جلال الدین محمد اکبر رفت و مقرب شد و روزی يك اشرفی و وظیفه برایش معین کردند و جزو اعیان دربار شد و با اکبر بدکن رفت و در محاصره قلعه ای که پای تخت پادشاه خاندیش بود باسهال مبتلا

شد و چون بگو کنار عادت کرده بود بیماری وی درمان پذیر نشد و از آن کبر اجازه گرفت و با گره رفت و چون بکنار آب نریده در سر حدهند در ناحیه مالوه رسید در ۱۰۰۸ در گذشت و در همانجا بخاک رفت و در غزل استاد بود.

**۷۹۹- میرک وصالی بلخی**، از مردم طغای بوغله از ناحیه شهر آستانه از توابع

بلخ و از خاندان سادات معروف بسادات معین بود، طبع سلیم و سرعت فهم داشت و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت. در زمان پیر محمد خان بن جانی بیک سلطان قاضی آستانه علی بن ابی طالب یعنی مزار شریف امروز را هجو کرد و مهاجرت او معروف شد و چون عبدالله خان فرمانروای بلخ شد قصاید بسیار در مدح او گفت و انعام و افریافت و باعیان دستگاہ او پیوست و تا سال ۹۸۰ زنده بود. در آغاز در شعر شاگرد نویدی کلنگ و سپس شاگرد مشفق بوده و غزل را نیز نیکو می سروده است.

**۸۰۰- مولانا نقدی حصاری**، از ترکان چادر نشین حصار بوده و در زمان

فقیر سلطان وزیر او شده و سپس بسمرقند رفته و در سلك سپاهیان جوان مرد علی خان وارد شده و در انشا و سیاق دست داشته و در شعر شاگرد مشفق بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۰۱- فدایی بلخی**، اصلاً از مردم باخ بوده و در کابل نشو و نما یافته و مردی دانشمند

و شاگرد قاسم گاهی بوده و غزل را نیکو می سروده است.

**۸۰۲- میر محکم حصاری**، از سادات صحیح النسب حصار ماوراءالنهر و مردی

مجنوب و شاعری توانا بوده و در شعر شاگردی قدسی را کرده و غزل می سروده است.

**۸۰۳- مولانا شرحی جامی**، از مردم جام بوده اما در ماوراءالنهر نشو و نما

یافته و در آغاز دوره صفویه از خراسان در زمان عبدالله خان با آنجا رفته و کارش در آنجا نگرفته و در ۹۹۵ از سمرقند بفرغانه رفت و در دستگاہ سلطان اسفندیار بوسیله محمد عارف لقابی اندکانی راه یافت و پس از یک سال اجازه گرفته و بکاشغر رفته و در دستگاہ امرای آن سرزمین مقرب شده و پس از چندی با جمعی اتفاق کرده و بسرزمین تبت ناخته و در سرما از یاماند و معلول شده و ناچار در آنجا ماند و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۸۰۴- مولانا فانی بخارایی** ، مردی دانشمند بوده و در جوانی منظور مولانا حاضری اشتر لب شاعر شده و در ۹۹۷ از بخارا باندجان رفت و در آنجا کارش گرفت و بکاشغر رفت. در شعر شاگرد حاضری بوده و بیشتر با شاعران معاصر درمی افتاده و در اقسام شعر دست داشته و غزل را نیکو می سروده است .

**۸۰۵- مولانا صالح ندایی بخارایی** ، در شعر شاگرد مشفق و مردی دانشمند بود و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت. در تذهیب و جدول سازی و معما استاد بود و مبحث « تنازع الفعلان » و صرف هوایی و داستان خس و شیرین را بنام خواجه حسن خالدار سروده بود و بکابل رفت و از نو نوازش بسیار یافت و بیشتر در کابل می زیست . پس از مرگ محمد حکیم میرزا بیدخشان رفت و اکابر و اشراف آن سرزمین و میرزا شاهرخ بوی احترام گذاشتند. چون عبدالله خان بدخشان را گرفت قصیده ای در مدح امیر بابا کو کلتاش سرود و دو بیست تنگه خانی صله گرفت و چندی در بلخ بود و از آنجا به هند رفت و در پایان زندگی که سنش از پنجاه گذشته بود از راه سورت به حج رفت و درین سفر در ۱۰۱۱ در گذشت . در جوانی بسیار بی باک بود و چون از مریدان خلیفه صدرالدین از خلفای مولانا محمد امین زاهد شد دست از بی باکی برداشت و از او اجازه ارشاد گرفت .

**۸۰۶- میرچوچک علمی سرپلی** ، از مردم سرپل از توابع بلخ و از سادات نجیب آن ناحیه و برادر میرباهر بوده که پس ازین ذکر از او خواهد آمد و مردی دانشمند بود و میرزا تنگری بر دی بلخی که پس ازین ذکرش خواهد آمد شعر او را نمی پسندیده و غزل و رباعی می سروده است .

**۸۰۷- میرزا تنگری بر دی بلخی** ، از کار گزاران دستگاه عبدالمومن خان بوده و چون بغضب وی گرفتار شده بینی او را بریده اند و جزین از احوالش اطلاعی نیست و از او رباعی مانده است .

**۸۰۸- میرباهر سرپلی** ، چنانکه گذشت برادر میرچوچک سابق الذکر بوده و از دانشمندان بشمار می رفته و غزل می سروده است .

**۸۰۹- مولانا امیری یار گندی** ، از اولوس مغول و از معاصران رعدی بوده ،



در سال ۹۹۷ از جانب والی یار کند بدر بار عبدالله خان بماوراءالنهر رفته و پس از دو سال بکاشغر بازگشته و اندک مدتی بعد از آن تائینا شده و بهمان بیماری در ۱۰۱۳ در گذشته است.

**۸۱۰- میر دوستی سمرقندی**، از خاندانی از سادات معروف آن شهر و مرد دانشمند و درویش مشرب و شاگرد مشفق بوده و نوشته‌اند که بسیار بی‌انصاف بوده است و در ۱۰۱۰ به حج و در ۱۰۱۲ به هند رفت و از آنجا بماوراءالنهر بازگشت و بسمرقند رجعت کرد و غزل و رباعی را نیکو می‌سروده است.

**۸۱۱- قاضی پاینده شتل کینی بخارایی**، از دانشمندان و از شاگردان مولانا باقی درزی بود. پس از آنکه عبدالله خان خراسان را گرفت منصب غزای غوریان را باو داد و پس از چندی به هند رفت و دو سال در آنجا ماند و در ۱۰۰۸ به حج رفت و به هندوستان بازگشت و در قصبه پاتری در ناحیه برار در سرزمین دکن از ملازمان شیرخواجه سیدانای فرمانروای آن ناحیه شد و پس از چندی در ۱۰۱۰ شعبان ۱۰۱۰ در همان جا در گذشت و نزدیک قلعه مقرب آن قصبه وی را بخاک سپردند و اقسام مختلف شعر می‌سروده است.

**۸۱۲- میر اشرف رموزی سمرقندی**، از سادات و دانشمندان آن شهر بود و در علم رموز بسیار ماهر بود و در سلك پیش نمازان و معرکه گیران بود و گاهی سقایی می‌کرد و اشعار بسیار از برداشت و در معما و موشح و تاریخ و قافیه و عروض دست داشت. اما در پایان زندگی در نتیجه خیالات بسیار خفلی در دماغ وی راه یافت و دیوان خود را می‌نوشت و بمردم تحفه می‌داد و التماس زرمی کرد و تا ۹۹۴ که امیر قل با باکو کلتاش وارد سمرقند شد زنده بود.

**۸۱۳- مولانا نجمی کشمیری**، از شاگردان مولانا قاسم گاهی و مردی مجذوب و دیوانه‌وش و بی‌قید بود و بینک عادت کرده بود و با این همه خوش مشرب بود و حکایات شیرین بیاد داشت و در ۹۸۸ از کشمیر بماوراءالنهر رفت و در شهر سبزاکن شد و هفت ماه در آنجا ماند و قصیده غزایی در مدح عبدالله خان سرود و در شهر قرشی نزد او برد و خلعت فاخر و نوازش بسیار یافت و دو مست تنگه‌خانی صله گرفت و گاهی در یک شب پنجاه بیت می‌سرود.

۸۱۴- دیوانه بیاضی بلخی ، مردی مجذوب بود و غزل می سرود و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۸۱۵- مولانا رحیمی هروی ، اصل وی ازهرات بود و در سمرقند نشو و نما یافت و چون بینی بزرگ داشت او را رحیمی جهود می گفتند . مردی دانشمند و شاکرد مشفق بود و همیشه با اکابر و اشراف هم نشین بود . از سمرقند آهنگ سفر هند کرد و چون بقصبه ده نو در سرزمین حصار رسید یار محمد سلطان بن رستم سلطان فرمائروای آن ناحیه وی را از آن سفر بازداشت و کتابداری خود را باو داد و از مقریان او شد و با او بمیانکال رفت و در آنجا در ۹۹۸ در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً غزل استاد بوده است .

۸۱۶- محرومی ، از شاعران مادراءالنهر بوده و غزل را خوب می گفت و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۸۱۷- فاضل منشی کابلی ، مردی دانشمند بوده و در سیاق و انشا زبردست بشمار می رفت و خطوط و مخصوصاً خط تعلیق را خوب می نوشت . در دستگاه محمد حکیم میرزا سمت منشی داشت و پس از مرگ وی بدر بار جلال الدین محمد اکبر رفت و مقام واقعه نویسی دربار را باو دادند و غزل را خوب می گفت .

۸۱۸- بیاضی سمرقندی ، از شاگردان مشفقی بود و مضامین غریب می گفت و در پایان زندگی حواس او مختل شده و پیریشان می گفت و غزل سرا بوده است .

۸۱۹- خواجه توالک باقی گراهی سمرقندی ، از اعیان آن شهر و مردی دانشمند بود و در انشا و علم سیاق و خطوط مختلف دست داشت و مخصوصاً نسخ تعلیق و تعلیق و ثلث را خوب می نوشت و در مهر کنی و زرگری و علاقه بندی و کوفت گری و خاتم بندی دست داشت . مدتی از ملازمان محمد هاشم سلطان فرمائروای حصار و از مقریان او بود و چون وی بدست عبدالله خان کشته شد کارش پیریشانی کشید و پس از چندی از ملازمان شاهزاده سلطان اسفندیار شد و چندی در فرغانه سمت وزارت او را داشت و چندی هم وزارت مرغیتان را یافت و هنگامی که سلطان اسفندیار در جنگ با اقوام قرقیز فتح کرد با او

بشهر اوش رفت و از او رخصت گرفت و با صوفی عوض بانندجان رفت و در اقسام مختلف شعر دست داشت .

۸۴۰- میرزا محمود سیاقی هروی ، پسر خواجه کمال الدین حسین هروی و پدرش از مشاهیر متصوفه زمان خود و از سادات صحیح النسب هرات بود . در انشا و سیاق و خطوط مختلف دست داشت . پدرش در آغاز کار چندی وزیر سیونج محمد سلطان بود و پس از مرگ او وزیر خسرو سلطان شد و درین زمان که در شهر سبز می زیست در نیم روز که هوا بسیار گرم بود و از خانه بیرون آمد دید که مردی بر در سرای او نشسته است . از او پرسید از کجایی و بچه کار آمده ای و چرا این جا نشسته ای ؟ گفت عمرم از هشتاد گذشته و نیروی کار در من نمانده و مرا باین جا حواله زرداده اند تا از شر شریکان خود رهایی یابم . وی گفته است بنشین تا من بدرون خانه بروم و احوال ترا بخواجه بگویم و ترا از رنج شریکانت رها کنم . بدرون خانه رفته و پروانه آزادی بنام وی نوشته و مهر کرده و درهم پیچیده و با اندک مایه زر باوداده و آن شخص در باره اش دعای خیر کرده است . چند روز بعد تعمیری در حال وی رخ داده و ترک وزارت کرده و در حلقه مریدان شیخ حسین خوارزمی وارد شده و خود می گفته است که چون بخانقاه وی رفتم و وارد طریقه کبروی شدم هر روز مرا حال دگرگون می شد و چون چند روز گذشت دیدم بیشتر شبها در خانقاه چراغ نیست و صوفیان در تاریکی بسر می برند . بردلم گذشت که مردی باین بزرگی بچراغ نیاز مندست . چون این خیال مکرر شد وی بدان پی برد و مرا خواست و در حضور من آب دهان خود را بر خاک انداخت و غلوله ای ترتیب داد و در کاغذ سرخی پیچید و ریسمان بر آن بست و بمن داد که بسمرقند ببر و بفلان خواجه جوهری بنمای که بهای آن چیست . با آنکه دیدم آن غلوله از گِل بود بسمرقند بردم و بآن جوهری که گفته بود نشان دادم . وی ریسمان را گشود دیدم که یاقوت گران بهایی در آن میان هست . آن مرد جوهری بهای آنرا گفت و من نتوانستم خودداری کنم . آن کاغذ را از او گرفتم و از حال رفتم . سپس از سمرقند تا تکاب هندوان که از توابع شهر سبزست و وی در آنجا بود دیوانه وار رفتم و چون پایش را بوسیدم آن یاقوت را باو دادم و آنچه جوهری گفته بود مکرر کردم .

تبسمی کرد و یاقوت را از کاغذ بیرون آورد و انگشتان خود را بر آن مالید و دوباره خاک شد و بر زمین ریخت . سپس مرا نزدیک خواند و گفت : ای خواجه کمال الدین حسین ، اگر ما بتو اهیم همه سنگهای صحرا را جواهر می کنیم ، اما شیوه درویشان این نیست . سرانجام شیخ حسین خوارزمی در میتن کلان که از توابع هندوان در ناحیه شهر سبزست که با آنجا رفته بود خانقاهی ساخت و خواجه کمال الدین حسین را در آنجا بر مستند ارشاد نشانید و چون در ۹۷۱ در گذشت و وی را در همان ناحیه میتن در برابر آن خانقاه بنساک سپردند خواجه از وزارت دست کشید و پسر مهتر خود میرزا حسن را بجای خود نشانید و وی سی سال وزیر خسرو سلطان و پسرش اسفندیار سلطان بود و او نیز در پایان زندگی وزارت را بپدرش میرزا محمود سپرد و وی تا اسفندیار سلطان زنده بود در فرغانه وزارت او را داشت و در خط و انشا و معما و عروض و قافیه دست داشت و مردی بسیار خوش خوی بود و در اقسام شعر تسلط داشت و تا سال ۹۷۹ که اسفندیار سلطان از طاعون در گذشت وی زنده بوده و اقسام مختلف شعر را خوب می گفته است .

#### ۸۴۱- مولانا فرخشاه منشی هروی ، اصلا از مردم هرات بوده و در سمرقند

بجهان آمده و خود را از فرزندان شاه شجاع کرمانی می دانست . پدرش میرزا حسن در علاقه بندی و بندبافی استاد بود و وی دانشمند بود و در خط و انشا و معما دست داشت و علم سیاق را می دانست و نسخ تعلیق را خوب می نوشت . چندی در دستگاه ابوالخیر سلطان سمت منشی داشت و چون وی در ۹۸۷ در گذشت از ملازمان سلطان اسفندیار شد و کم کم اختلال حواس یافت و در اشعار وی نیز این اختلال ظاهر شد . اما پیش از آن که منشی تخلص می کرد غزل را خوب می گفت .

#### ۸۴۲- میر ابوالمناخر شاه محمد حسینی بکری مکی ، پسر کمال الدین

اسمعیل بن غیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحی بکری مکی بود . نصیر الدین عبدالحی از مکه بعراق عجم آمد و در زنجان ساکن شد و غیاث الدین پس از مرگ پدر بهند رفت و کمال الدین اسمعیل در آنجا تولد یافت و میر شاه محمد در شاه آباد از توابع دهلی بجهان آمد و نسب این خاندان بابو بکر صدیق و از طرف دیگر با امام جعفر صادق

وی از شاگردان وجیه‌الدین علوی کجهرانی و شیخ علیم‌الله و شیخ مبارک پدر ابوالفضل علامی و فیضی بوده و بهمین جهت از آغاز با ایشان معاشرت داشته و در ضمن غزل‌سرایی زبردستی بوده و حسبی تخلص می‌کرده است .

**۸۴۳- مولانا کمالی شبرغانی** ، از ترکان صحرائنشین شبرغان از توابع بلخ بود . نوشته‌اند که بسیار خودپسند بود و از بلخ به هند رفت اما کارش در آنجا نگرفت و چون در صدد بازگشت به ماوراءالنهر شد بینج هزار روپیه نیازمند بود و چون اعیان‌هند که وی را می‌شناختند خواستند در میان خود این مبلغ را فراهم کنند و بوی بدهند نپذیرفت و تمی‌دست به ماوراءالنهر بازگشت و در آنجا نیز مردم با وی آمیزش نداشتند و چندی در سمرقند بود . وی در اقسام مختلف شعر از آن جمله در غزل و معما دست داشته است .

**۸۴۴- نظر شهر سبزی** ، از مردم شهر سبز ماوراءالنهر بوده‌اند و اندک سواد داشت و با ستغنا می‌زیست . سرانجام از ماوراءالنهر به هند رفت و در آنجا سامانی نیافت و در ۱۰۰۹ در گذشت و اقسام مختلف شعر سروده است .

**۸۴۵- مولانا محزونی سمرقندی** ، از شاگردان مشفق بوده و در عروض و قافیه دست داشته و مرد دانشمندی بشمار می‌رفته و بحدت طبع و سرعت فهم معروف بود . از ماوراءالنهر بهزم سفر حج به هند رفت و چون با ستغنا می‌زیست در آنجا با کسی ملاقات نکرد و در هند ماند و چندی حکمرانی قصبه باران از توابع رای تنبور را باو دادند و سرانجام در آنجا در ۲۸ رجب ۱۰۰۵ با ستسقا در گذشت و در همان قصبه در کنار تالابی که در جنوب آنجاست وی را بنخاک سپردند . دیوان خود را ترتیب داده بود و شامل دو هزار بیت بود و غزل را خوب می‌گفت .

**۸۴۶- مولانا دخلی گیلانی** ، در کیلان دانش‌آموخت و از آنجا به هند رفت و در حدت طبع و سرعت فهم نیز ممتاز بود . نخست در سلك احدیان دربار جلال‌الدین محمداکبر وارد شد و سپس از احدی‌گری بمنصب داری ارتقا یافت و مردی بسیار خوش‌خوی و شیرین‌سخن بود و در تاریخ مهارت داشت و غزل را نیکو می‌سروده و در ۱۰۰۳ چندی در لاهور زیسته است .

**۸۲۷- درویش علی ابن چنگی هروی**، پسر میرزا علی چنگی از موسیقی دانان معروف زمان خود بود و در میان کال بخارا ولادت یافت و دانش آموخت و بیشتر سازها مانند چنگ و غچک و قانون و دوتار و روح افزا را خوب می نواخت و در علم ادوار و موسیقی و تقاره بسیار دست داشت و درین علم کتابهای چند نوشت و آهنگهای چند ساخته است مانند «پیشرو» و «عمل» و «صوت» و «مخمس» و «نقش باس» که استادان فن همه پستندیده بودند و در فنون دیگر مانند سراجی و طراحی نیز استاد بوده است. در آغاز از ملازمان دستگاه عبدالله خان بود و در پایان زندگی بدبار سلطان اسفندیار رفت و نزد او تقرب بسیار یافت و در شعر ابن چنگی تخلص می کرد و غزل را خوب می گفت.

**۸۲۸- عمری سمرقندی**، از شاگردان آدمی و مردی دانشمند بود و در بندبافی و علاقه بندی استاد بود و در ۹۹۵ در تاشکند بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۲۹- عوض محمد خان رفعتی قبادیانی**، اصل وی از قبادیان بوده و در بلخ می زیسته و در جوانی کسب دانش کرده و از بلخ به بدخشان رفته و در شهر قندز نیز دانش آموخته و مورد توجه شاهزاده شاهرخ شده و لقب خانی باو داده است. در حدت طبع و سرعت فهم امتیاز داشته و مردی خوش خوی و شیرین سخن بوده و رفعتی تخلص می کرده و در غزل استاد بوده است.

**۸۳۰- مولانا باقی مهدی**، ظاهراً وی بجز باقی مهدی سابق الذکر است. از ایران بهند رفته و در سلك ملازمان میرزا عزیز کو که معروف به خان اعظم جای گرفته و شاگرد ضمیری اصفهانی بوده و از رباعیات مانده است.

**۸۳۱- مولانا مدحی بدخشانی**، مردی دانشمند بوده و بسیار درویش مشرب و کم آزار بشمار می رفته اما به خوردن مسکر میل بسیار داشت و در پایان زندگی از بدخشان بهند و از آنجا به حج رفت و در بازگشت در کجرات ماند و بی سرو سامان می گشت تا در گذشت و غزل می سروده است.

**۸۳۲- نور محمد اختری اندجانی**، از مردم اندجان بوده اما در هند ولادت یافته و مردی دانشمند بوده و در آغاز در شاعری شاگرد قاضی عیسی بوده و سپس از ملازمان

ابوالفضل علامی شده و غزل را نیکومی سروده است.

**۸۴۳- مولانا خواجه محمد ارباب درویشی** ، از مردم دوریست. از توابع مرغینان بوده است. نخست بکسب دانش پرداخته و پس از چندی مقدم و پیشوای بزرگان مرغینان شده و سی سال روزگار را در اربابی گذرانده و طبع مستقیم داشته و تا ۹۹۹ زنده بوده و از مقطعات تاریخ مانده است.

**۸۴۴- ملا عبوری گندمدانی** ، از مردم گندمدان از توابع مرغینان و شاگرد باقی انجمنی از شاعران ماوراءالنهر بود و مردی دانشمند بشمار می‌رفت و در عروض و قوافی و معما دست داشت و شعر را خوب می‌خواند. نوشته‌اند بسیار خودپسند بود و غزل را روان می‌سرود.

**۸۴۵- مولانا فیضی بلخی** ، اصلاً از مردم بلخ بود و در مشهد نشوونما یافته و در بیشتر از علوم مانند صرف و نحو و عروض و قوافی و معما دست داشت و اقسام شعر را خوب می‌گفت و دیوانی شامل قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات و تاریخها ترتیب داده و نیز يك مثنوی سروده است. در جوانی بهند رفت و در آنجا کارش نگرفت.

**۸۴۶- عشقی سوخی فرغانی** ، از مردم سوخ در ناحیه آب شیرین در خاک فرغانه و پدرش از بزرگان آن سرزمین بود. وی مردی دانشمند بشمار می‌رفت و نوشته‌اند در خیانت در میان اقران ممتاز بود و در شعر شاگرد مولانا صالح بدخشی بوده و اقسام مختلف شعر می‌سروده و از رباعیات مانده است.

**۸۴۷- دیوانه قیامت عراقی** ، نام وی بهمین صورت آمده و از شاعران ایران و از معاصران طرزی یزدی و فرقی یزدی بوده و بهمین جهت احتمال می‌رود از مردم یزد بوده باشد. بر دی بسیار فهیم و خوش طبع بوده و عمر خود را بسیاحت گذرانده و از ایران بهند رفته و با امیران و بزرگان آن سرزمین روابطی بهم‌زده و در نوارینخ و شاهنامه بسیار آگاه بوده و از رباعیات مانده است.

**۸۴۸- دیوانه شهدی غولنگانی** ، از مردم غولنگان از توابع مرغینان و بستایی زاده و مردی مجذوب و درویش‌نهاد بود و با بزرگان سرزمین خود رفت و آمد داشت و خود را شاگرد مولانا واهی می‌دانست و غزل می‌سرود.

۸۴۹- قاضی ابوالفیض آنی کولی، پسر قاضی عبدالعزیز کولی از مردم کول در هندوستان بود. پدرش از فرزندان قاضی قطب‌الدین کاشانیست که نسبش بابوبکر صدیق می‌رسید. وی شاگرد مولانا عبدالصمد از علما و عرفای آن زمان هندوستان بوده که نحوی تخلص می‌کرده است و خود بسیاهی گری روی آورد و از سپاهیان شاهزاده دانیال شد و از مریدان میرشاه محمود حسبی سابق‌الذکر بود و غزل را خوب می‌گفت و آنی تخلص می‌کرد.

۸۴۰- مولانا عبدالصمد نحوی، از دانشمندان و عارفان نیمه اول قرن دهم هندوستان بوده و چنانکه گذشت نحوی تخلص می‌کرده و قاضی ابوالفیض آنی سابق‌الذکر از شاگردان وی بوده و ازین قرار مرد دانشمندی بشمار می‌رفته و شاگردان بسیار داشته است.

۸۴۱- میرهاشم قندهاری، وی ظاهراً بجز ملاحاشم قندهاری سابق‌الذکر است. اصلاً از مردم قندهار بوده و در لاهور ولادت یافته و در عالم نجوم بسیار ماهر بوده و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر تقرب بسیار داشته و شاعری زبردست بوده و در قصیده‌سرایی استاد شمار می‌رفته.

۸۴۲- میر فروغی اندخودی، از سادات اندخود از توابع بلخ و مردی دانشمند بود. از ماوراءالنهر به هند رفت و با بزرگان آنجا محشور شد و در اقسام شعر تسلط داشت. روز چهارشنبه ۱۹ ذی‌قعدة ۱۰۱۹ در شاه‌پیر از روستای ماندل در سرزمین چتور درگذشت.

۸۴۳- عیانی کابلی، مردی دانشمند بوده و در حدت طبع و سرعت فهم شهرت داشت و به هندوستان رفت و در جنگ سهیل‌خان فرمانده لشکر عادل‌شاه با عبدالرحیم‌خان خان‌خانان بزخم کویان دره ۱۰۰۵ کشته شد و غزل را خوب می‌سرود.

۸۴۴- خواجه محمد قاسم وقاری بدخشانی، از اعیان ناحیه کشم بدخشان و مردی مہذب بود و در نجوم دست داشت و غزل‌سرا بوده و پسرش صدیق که ذکرش پس ازین خواهد آمد نیز شاعر بوده است.

۸۴۵- خواجه صدیق صدیقی و هدایت کشمی بدخشانی، پسر خواجه محمد



قاسم وقاری سابق الذکر و در قصیده و غزل استاد بوده و گاهی هدایت و گاهی صدیق تخلص کرده است . مردی دانشمند بوده و چندی در هندوستان در سلك سپاهیان زیسته است .

۸۴۶- محمد ایوب ایوب تاشکندی ، مردی زیباروی و از اهل صلوة و تکبیر بوده و در ریسمان بازی مهارت داشته و کارهای شگرف می کرده و پس از چندی از آن کار دست کشید و بکسب دانش پرداخت و در شعر شاگرد نقابی اندکالی بوده و در غزل ایوب تخلص می کرده است .

۸۴۷- ظهیر سمرقندی ، پدرش قصاب بود و وی کسب دانش کرده بود و پس از چندی شغل پدر را پیش گرفت و حدت فهم و سرعت طبع داشت و خوش خوی و شیرین زبان و در شعر شاگرد مشفق بود و غزل می سرود .

۸۴۸- عبداللطیف خان شیبانی ، پسر کوچک و نجی خان بن ابوالخیر خان بن دولت شیخ بن ابراهیم بن پولاد بن منکو تیمور بن بداکول بن جوجی بوغان بن بهادر بن شیبان بن جوجی بن چنگیز هفتمین پادشاه از سلسله ازبکان ماوراءالنهر معروف بشیبانی . در سال ۹۴۷ در سمرقند پس از برادرش عبدالله خان بتخت نشست و در ضمن آنکه پادشاه جباری بود تا اندازه ای دانشمند بود و در بعضی از علوم دست داشت و از آن جمله در تاریخ و در علم نجوم و با دانشمندان مهربانی می کرد و در سمرقند آبادانی بسیار کرده و سرانجام در ۹۵۹ در گذشته و گاه گاهی بفارسی و ترکی شعر می گفته اما شعر ترکی او بیشترست .

۸۴۹- ابوالمظفر رستم بهادر خان شیبانی ، پسر جانی بیك سلطان بن خواجه عوام سلطان بن ابوالخیر خان از همان خاندان ، مدتی حکمران بلخ بوده است . جزئیات حوالتش را ضبط نکرده اند و همین قدر نوشته اند که مردی درویش مشرب و از مریدان نمس الدین معروف بشمس خلف از مشایخ ماوراءالنهر بوده و نیز از مریدان شیخ عزیزان یگری از مشایخ آن دیار بشمار می رفته که در سرزمین سغد می زیسته و او مرید شیخ خداپاداخر سنکی مرید شیخ جمال الدین مرید شیخ خادم مرید شیخ مودود مرید شیخ

علی مرید آل آقا مرید صدر آقا مرید زنگی آقا مرید حکیم آقا مرید خواجه احمد بنویسوی بوده است و سرانجام در ۵۴ سالگی در جنگک سف زخمی برداشته و از همان جراحت در گذشته است. وی گذشته از آنکه مرد مذهب و خوش رفتاری بوده در فنون جنگی از دلاوران نامی زمان خود بشمار می رفته و شعر فارسی و ترکی را خوب می گفته و در شعر رستم تخلص می کرده است.

۸۵۰- شمس الدین معروف بشمس خلف، از مشایخ نیمه اول قرن دهم ماوراءالنهر بوده، از جزئیات احوالش اطلاعی نیست و غزل را خوب می گفته و در شعر شمس خلف تخلص می کرده است.

۸۵۱- ابو الغازی عبدالعزیز خان عزیز شیبانی، پسر عبدالله خان ششمین پادشاه این سلسله بود. در ۹۱۶ ولادت یافت و در ۹۴۷ از جانب پدر حکمران بخارا شد و در آنجا دعوی پادشاهی داشت و با خاندان خود بیشتر در زد و خورد بود و سرانجام در روز چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۹۵۷ در بخارا در گذشت و در کنار مرقد بهاء الدین نقشبند او را بخاک سپردند. نوشته اند که مردی درویش مشرب و از مریدان شیخ جلال عارف مرید مولانا محمد روحی مرید عبدالرحمن جامی بوده و کسب دانش کرده و خط نسخ را نیکو می نوشت و از همه افراد خاندان خود شعر فارسی را بهتر می گفت و غزل می سرود و عزیز تخلص می کرد و نیز از شاگردان ناصر الدین محمد بن قوام الدین عبدالله هروی از اصحاب جامی بوده است.

۸۵۲- شیخ جلال عارف، از مشایخ تصوف نیمه اول قرن دهم هرات و از مریدان مولانا محمد روحی مرید عبدالرحمن جامی عارف و شاعر معروف بود. از جزئیات احوالش اطلاعی نیست بجز آنکه مرد مذهب شین بن سخن و وارسته ای بود و در تصوف دست قوی داشت و سرانجام که سنش از هفتاد گذشته بود در هرات در گذشت و وی را در خیابان هرات خاک سپردند. وی رباعی عارفانه را خوب می گفته است.

۸۵۳- ظهیر الدین محمد بابر پادشاه، مؤسس سلسله بابر در هندوستان، پسر بهتر عمر شیخ میرزا، نواده میرانشاه پسر تیمور گورکن، مادرش قتلخ نکار از بازماندگان

جنگهای سردوم چنگیز بود. در ۸۸۷ ولادت یافت و در دوازده سالگی در پنجم رمضان ۸۹۹ در فرغانه بجای پدر بتخت نشست. در ۹۰۳ سمرقند را گرفت و پیش از صدروز نتوانست آنجا بماند، از آنجا بخوقند و سپس بمرغینان رفت و در ذیقعده ۹۰۴ اندیجان را گرفت و هنگامی که شیبانی خان ازبک در ۹۰۶ سمرقند را گرفت همه این نواحی از دستش رفت. سپس بی مقدمه بار دیگر سمرقند را گشود و در جنگ بزرگی که با شیبانی خان در سریل کرد باز این نواحی را از دست داد و تزد عمش بتاشکند رفت. چون شاهزادگان خاندانش مزاحم وی بودند مصمم شد از هندو کش بگذرد و در ۹۰۹ شهر کابل را محاصره کرد و آنرا گرفت و از آنجا آهنگ هندوستان کرد. نخستین حمله او منتهی بتاخت و تاز در سواحل رود سند و زردو خورد با طوایف افغان بود. چون ازبکان از خراسان رفته بودند میخواست زمستان را در آنجا بگذراند اما چون مردم کابل بروقیام کرده بودند در صدمه شد از هندو کش بگذرد و چون برف بسیاری در آنجا باریده بود بزحمت فراوان در ۹۱۲ از آنجا گذشت. پس از چندی خود را دست نشانده شاه اسمعیل صفوی کرد و بیاری او ازبکان را که پس از مرگ شیبانی خان ضعیف شده بودند شکست داد و بخارا و سمرقند را گرفت. اما سال بعد که لشکریان شاه اسمعیل که از ویاری می کردند بایران باز گشتند بار دیگر ازبکان برو تاختند و نخست در بخارا و سپس در نخبندوان شکست خورد و ناگزیر شد در ۹۲۰ بکابل باز گردد. ازین پس مصمم شد دیگر از راه شمال به هندوستان نواز و در ۹۲۸ قندهار را گرفت. ابراهیم لودی سلطان دهلی که با افغانان در برابر وی همدست بود با او در افتاد و بابر در ۹۳۰ شهر لاهور را گرفت و در جنگ پانی پت در روز آدینه ۸ رجب ۹۳۲ همه متصرفات ابراهیم لودی را گرفت و وی درین جنگ کشته شده بود. سپس آکره را پای تخت خود کرد و باز مدتی گرفتار زردو خورد با سر کرده راجپوت رنسنک فرمانده چیتور و افغانان ناحیه جونیور پادشاه بنگاله بود. سرانجام در ۶ جمادی اول ۹۳۷ در آکره در گذشت و چون دلبستگی مفرط بشهر کابل داشت پیکرش را با آنجا بردند و بخاک سپردند و امروز کوروی در باغی که از گردشگاه های معروف شهر کابلست مورد توجه مردم آن شهرست. بابر مرد بسیار دلیری بود و کارهای بسیار شگفت کرده است

چنانکه باردوم با ۲۴۰ تن سمرقند را گرفته و عبور وی در زمستان از هندوکش نیز از کارهای شگرفست. کتابی شامل شرح زندگی خود بنام بایرنامه بتر کی جغتایی که زبان خانوادهاش بوده نوشته است و عبدالرحیم خان خان خانان در ۹۹۷ و ۹۹۸ آنرا بفارسی ترجمه کرده است و بنام تزوک بابری یا فتوحات بابری و واقعات بابری نیز معروفست و ازین کتاب پیدا است که مردی مطلع و کنج کاو بوده و در برخی از فنون دست داشته است. این کتاب بزبان انگلیسی و فرانسه نیز ترجمه شده است. شعر فارسی و ترکی را نیز خوب می گفته و یک مثنوی بزبان ترکی جغتایی بنام مبین و دیوان اشعار ترکی و فارسی از او مانده است. در رساله مبین برخی از مسایل فقهی را بمیان آورده و نیز رساله ای در عروض

**۸۵۴- میرزا محمد عسکری**، پسر دوم ظهیرالدین بابر و برادر مهتر همایون دومین پادشاه این سلسله بود. در زمان پدرش حاکم قندهار بود و پس از مرگ او بابر ادرش همایون در افتاد و هنگامی که همایون بایران آمد تا از شاد طهماسب یاری بخواهد ادعای پادشاهی داشت و میرزا کامران برادر کبوترش که آخرین پسر بابر بود نیز با او همدست بود. چون همایون بهند بر گشت و تاج و تخت را بدست آورد وی بقندهار گریخت و همایون آهنگ او را کرد و چون بناحیه بگرد رسید او امان خواست و گرفتار شد و همایون می خواست وی را از میان ببرد اما او را عفو کرد و حکمرانی کابل را باو داد. پس از چندی باز در آنجا قیام کرد و بار دیگر گرفتار شد و چندی در زندان بود تا آنکه از آنجا گریخت و بیایخ رفت و از آنجا آهنگ حج کرد و در بیابان میان شام و مکه در ۹۶۱ در گذشت. وی در زبان فارسی دست داشته و غزل را نیکو می سروده و عسکری تخلص می کرده است.

**۸۵۵- ابو نصر میرزا محمد هندال**، پسر اول بابر و برادر مهتر همایون بود. در ۸۷۹ ولادت یافت. پس از مرگ پدر وی نیز مدعی سلطنت بود و با برادران دیگر درین ادعا شرکت داشت و چون همایون بیاری شاه طهماسب پادشاهی رسید وی نیز مغلوب شد و همایون وی را عفو کرد و در جنگ با افغانان میوات با او همراه بود. درین

جنگ که افغانان با میرزا کامران برادر دیگر همدست شده بودند در شبیخونی که زدند در ۲۱ ذی‌قعدة ۹۵۸ در محلی بنام چرباز کشته شد. وی نیز در شعر فارسی دست داشته و غزل و رباعی می‌سروده است.

**۸۵۶- میرزا سلیمان پادشاه تیموری**، پسر یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ بن ابوسعید بن الغ بیک از شاهزادگان تیموری، از احوالش چندان آگاهی نیست. همینقدر نوشته‌اند که از بازماندگان میرخاموش از مشایخ تصوف ماوراءالنهر و از پیروان طریقه چشتی بوده و در آغاز جوانی در هند وارد این طریقه شده و چنان می‌نماید که در جوانی در هندوستان می‌زیسته است و نوشته‌اند که گاهی یک‌روز تمام در حال جذب بوده و هنگام نماز مشتمل می‌شد و پس از آن بحال طبیعی برمی‌گشت و بابر که از بنی‌امام وی بوده حکمرانی بدخشان را باو داده و در جنگی که کرده پسرش ابراهیم میرزا کشته شده و تا ۹۷۴ زنده بوده است و جزین از احوال وی آگاهی نیست و غزل را خوب می‌گفته است.

**۸۵۷- میرزا ابوالقاسم باهری**، پسر میرزا کامران و پسرزاده بابر و از شاهزادگان دانشمند و زیباروی این خانواده بود و بواسطه اختلافی که پدرش با همایون داشت مدتی در قلعه گوالیار زندانی بود و جزین از احوال وی اطلاعی نیست و غزل را استادانه می‌سروده است.

**۸۵۸- مولانا کمال الدین ابراهیم شیروانی**، از دانشمندان نامی ماوراءالنهر بوده و مدتی در بخارا تدریس کرده و از آنجا بمرقند رفته و ببخارا باز گشته و شاگردانش از دانشمندان نامی شده‌اند و در پیروی بحفظ قرآن پرداخته و غزل را نیکو می‌سروده است.

**۸۵۹- خواجه محمد حیدر افضلی بخارایی**، صدر و معلم عبدالله خان و از دانشمندان معروف و مردی مذهب بود و مخصوصاً در هیئت دست داشت و رساله‌ای در شرح رساله علامه قوشچی در تفصیل فوس‌اللیل و فوس‌النهار نوشته است و در اقسام شعر ماهر بوده و نسبش با یوبکر صدیق می‌رسیده است.

**۸۶۰- مولانا شوقی بخارایی**، از شاعران دانشمند مشهور زمان خود و نیز فهم بود و اقسام شعر مخصوصاً معما را خوب می‌گفت و پس از مرگ در بخارا مدفون شد.

**۸۶۱- خواجه والهی بخارایی** ، وی نیز از سرایندگان معروف بوده و غزل را بسبک آصفی می سروده است.

**۸۶۲- مولانا مجلسی بخارایی** ، در اقسام شعر مهارت داشته و قصیده و غزل را نیکو می سروده است. وی قصیده‌ای در ستایش بابر ساخته بود و چون برای وی خواند بسیار پسندید و می خواست هفت هزار تنگه باو صله بدهد. وی برای اینکه بیشتر جلب توجه بابر را بکند رباعی را که میر محمد صالح شاعر دیگر در هجو مفتی سروده بود بخود بست و برای بابر خواند. بابر در خشم شد و می خواست او را بکشد. چون شفاعت کردند گفت هفت هزار تنگه صله این قصیده معین کرده بودم و آنرا خون بهای وی قرار دادم.

**۸۶۳- مولانا روحی طبیب بخارایی** ، مردی دانشمند و از پزشکان حاذق بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۶۴- مولانا میرشادی بخارایی** ، از مردم روستای جوینار بخارا و شاعری زبردست بوده و کتاب سیرالنبی را شعر در آورده و قصیده را نیز خوب می سروده است.

**۸۶۵- مولانا قبولی بخارایی** ، مردی شپزین سخن و از ندیمان شیبانی خان بوده است. در جوانی در پی هوی و هوس بحصار رفت و در آنجا باو اقبال فراوان کردند و بازنی که الاخ نام داشته و در شاعری زبردست بوده مشاعره کرده است.

**۸۶۶- مولانا قاسم ساکنی بخارایی** ، معاصرانش بوی غمزه لقب داده بودند. مردی آزادمنش و درویش مشرب بود و از کتابت روزگار می گذرانده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۶۷- مولانا جاهی بخارایی** ، از بازماندگان حاجی نوکلی از مشایخ ماوراءالنهر و خود مرید شیخ شاه از بزرگان صوفیه بوده و سفری بحج رفته و در بازگشت در بخارا ساکن شده و غزل سرا بوده است.

**۸۶۸- دیوانه حسامی خیوقی** ، از مردم خیوه و ساکن بخارا بوده و از قلندران بی قید بشمار می رفته است. نوشته‌اند در سفر حج یکی از فرمانروایان خواسته است که

دیوانه چیزی از او بنخواهد. وی گفت مرا بپیز تو حاجت نیست، حکم کن که مگسان بر من نشینند. آن حاکم گفت که مگس حکم مرا نمی پذیرد. گفت کسی که مگس حکم او را نشنود بکسان چه می تواند بدهد؟ در اقسام شعر از قصیده و غزل استاد بوده و قصاید در مدح خلفای راشدین می گفته و در قرا کول مدفون شده است.

۸۶۹- مولانا صادق ختایی (خطایی)، از مردم ختا بوده و اسلام آورده و

بزودی در علوم دینی از دانشمندان شده و بزبان عربی و فارسی و ترکی شعر می گفته و غزل می سروده است.

۸۷۰- مولانا کثیری بخارایی، پیشه وی نجاری بوده و درین فن مهارت

داشته است. در نود سالگی در گذشته و در روستای دیمون مدفون شده و غزل می گفته است.

۸۷۱- مولانا قدسی بخارایی، مردی بی فید بوده و بهمین جهت شاعران زمان با

او مطایبه می کرده و او را می آزوده اند و شعر متوسط می گفته است.

۸۷۲- حسین علاءالدینی بخارایی، از تاجران معتبر آن شهر بوده و بایادشاهان

دادوستد داشته است. از آن جمله وقتی چهار هزار تنگه از عبدالله خان طلب کار بود و برای مطالبه آن یک رباعی سروده که عبدالله خان را از آن خوش آمده و طلب او را پرداخته و هزار تنگه با وصله داده است.

۸۷۳- مولانا مایلی سراج بخارایی، در سراجی بسیار ماهر بوده و زینتهایی

را که وی می ساخته همه جا می بردم اند و بپیری رسیده و غزل را استادانه می سروده است.

۸۷۴- شیخ حاج محمد خبوشانی، از بزرگان مشایخ ساکن ماوراءالنهر بوده

و پیشوای کبرویان و فرقه زهبی در زمان خود بشمار می رفته و خوارق عادات از او روایت کرده اند و او را از مشایخ طریقه نوربخشی نیز دانسته اند. از جزئیات احوالش اطلاع درست نداریم و بیشتر در خوارزم می زیسته و در شهر وزیر خوارزم مدفون شده است. سلسله

طریقت وی بچهار واسطه بمیر سیدعلی همدانی می رسیده و سی و هفت تن از مشایخ معروف خلفای وی بوده اند از آن جمله شیخ عمادالدین فضل الله بن علاءالدین علی برزش آبادی طوسی و دیگر مولانا محمدزاهد که سالها در بلخ زیسته و خلیفه صدرالدین هروی ساکن

بلخ و شیخ نورالدین محمد خوافی و نبیره وی شیخ عبداللطیف نیز از مشایخ معروف زمان خود بوده است. وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و غزل را نیکومی سروده و حاجی تخلص می کرده است.

**۸۷۵- میر ابوالوفای سمرقندی هندی،** از سادات سمرقند بوده و پس از چندی از اعیان آن شهر رنجیده و بپند رفته و همایون بوی احترام بسیار کرده و بهمین جهت بهندی معروف شده است. سپس با همایون بسرزمین سند رفته و هنگامی که در کشتی بوده در حمله‌ای که کرده‌اند تیری باو خورده و جان سپرده است. پیکرش را بسمرقند برده‌اند و در کنار خواجه عبیدالله احرار بخاک سپرده‌اند. وی در شعر فارسی نیز دست داشته است.

**۸۷۶- خواجه ضیاءالدین یوسف جامی،** پسر مولانا عبدالرحمن جامی شاعر معروف که تا اوایل قرن دهم می زیسته است. وی مردی مهذب و زیباروی بوده و پدرش او را بسیار دوست می داشته و دو کتاب خود یعنی بهارستان و فواید الضیائیه را بنام وی نوشته است. در کودکی بیمار شده و نوشته‌اند بواسطه کرامت خواجه عبیدالله احرار شفا یافته است. پس از مرگ پدرش پادشاهان ماوراءالنهر بوی بسیار احترام می کرده‌اند و وی مرد بسیار کریم و بخشنده‌ای بوده و در ضمن غزل را خوب می گفته است.

**۸۷۷- شیخ بایزید پورانی،** از بزرگان هرات و از خاندان معروفی بود و پدرانش از مشایخ نامور بوده‌اند. هفت خط را خوب می نوشت و از خراسان بسرزمین سند رفت و در آنجا کارش بالا گرفت و ثروت بسیار بدست آورد و بسیار محترم شد و در همان جا در گذشت و مدفون شد. وی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده است.

**۸۷۸- شاهزاده طیب هاشمی،** از شاعران نامی هرات و از سادات آن شهر و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفته و با خواجه هاشم صدیقی که او هم هاشمی تخلص می کرده مناقشه داشته است.

**۸۷۹- خواجه محمدعلی ظهوری،** از شاعران ماوراءالنهر و از بازماندگان شیخ خاوند ظهور از مشایخ آن سرزمین بوده و در ضمن با خواجه عبیدالله احرار عارف



مشهور خویشاوندی داشته و خود نیز صوفی مشرب بوده و غزل می سروده است.

**۸۸۰- خواجه ابوالبرکات ایوب فریقی شهرسبزی ، از بزرگان این شهر بوده ،**

در جوانی بهرات رفته و مردی بی قید بشمار می رفته و در ضمن خوش طبع و بیشتر هزل بوده است. از جانب پادشاه خواجه بسفارت بگجرات رفته و در آنجا روزگار را بعشرت می گذرانیده تا اینکه پس از فتح گجرات گرفتار شده و او را در قفس کرده اند و پس از چندی رهایی یافته و غزل را خوب می گفته و گاهی فریقی و گاهی ایوب تخلص می کرده است .

**۸۸۱- مولانا زاده عبدالغفار تاشکندی ، مدتی منصب قضا داشته و پس از**

چندی که او را عزل کرده اند گوشه نشین شده و فرایض را بشعر در آورده و غزل را نیز خوب می سروده است .

**۸۸۲- بابا عین الملک ، از مشایخ معروف ماوراءالنهر و مردی مجذوب بوده و**

مردم بوی بسیار معتقد بوده اند و رباعیات از او مانده است .

**۸۸۳- مولانا محمدعلی کاشانی ، از مشایخ تصوف کاشان در سرزمین فرغانه و**

از اصحاب ملاخواجه کی از پیشوایان معروف آن سرزمین بوده و مرد دانشمندی بشمار می رفته و در کاشان مدفون شده و غزل را خوب می گفته است .

**۸۸۴- مولانا حمیدالدین شاشی ، مردی دانشمند و درویش مسلک و لطیف طبع**

بوده و در تاشکند در گذشته و همانجا مدفون شده و غزل را شورانگیز می سروده است.

**۸۸۵- قاضی سعدی شهرسبزی ، مدتی در آن شهر منصب قضا داشته و پس از**

ممزولی در آن شهر گوشه نشین شده و غزل را خوب می سروده است .

**۸۸۶- خواجه کلان بیک ، از مردم اندجان و از امرای معتبر ماوراءالنهر بوده**

و سپس به هندوستان رفته و از آنجا بحکمرانی غزنین مأمور شده و مدتی هم در کابل می زیسته است و هنگامی که کامران پادشاه قندهار را محاصره کرده در آنجا بوده و شعر ترکی و فارسی را خوب می گفته

**۸۸۷- رئیس شهاب الدین معمای قمی ، از بازماندگان ابوبکر صدیق بوده**

ومردی دانشمند و در دربار همایون مقرب بوده و در انشا و شعر مخصوصاً معما زبردست بوده است و قواعد معما را بنظم و نثر تدوین کرده و قصاید خوب نیز می سروده است و پسرش ملك سلطان محمد قمی متخلص بسطان که ذکرش گذشت نیز شاعر خوبی بوده است.

۸۸۸- مولانا قاضی اندجانی، از دانشمندان معروف زمان خود و نزدیک شاهان عصر مقرب بوده و سرانجام بهند رفته و در آنجا در گذشته و مدفون شده و غزل را خوب می گفته است.

۸۸۹- همایون عراقی، ظاهر آوی بجز همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم بوده و در ماوراءالنهر می زیسته و غزل را خوب می گفته است.

۸۹۰- مولانا قاضی برهان الدین گرمینی، از بزرگان شهر گرمینه در ماوراءالنهر و از دانشمندان معروف بوده و مدنی منصب قضا داشته و در همان شهر در گذشته و مدفون شده و شعر فارسی و ترکی می سروده است.

۸۹۱- امیر ناطقی، از سادات ماوراءالنهر و مردی مجرد و وارسته و قانع بوده و روزگار را بکسب علم می گذرانده و سرانجام وارد طریقه تصوف خواجگان و مرید مولانا خواجگی شده و غزل را خوب می گفته است.

۸۹۲- میر گیسو، وی نیز از سادات ماوراءالنهر بوده و در غزل دست داشته است.  
۸۹۳- حافظ میراثی حفظی، از دانشمندان ماوراءالنهر، در دربار عبیدالله خان سمت امامت داشته و قرائت سبعة را بسیار خوب می دانسته و خط کنایه را خوب می نوشته و در جنگ جام کشته شد و غزل را خوب می سروده و حفظی متخلص می کرده است.

۸۹۴- مولانا صالح صالحی ماوراءالنهری، از مردان مذهب زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۸۹۵- مولانا کمال الدین فیضی خیابانی، از مردم خیابان هرات و از شاعران معروف زمان خود بود و در معقول و منقول دست داشت و از شاگردان مولانا عبدالغفور لاری و از مریدان مولانا شمس الدین روجی از مردم قریه روج هرات بوده و غزل را نیکو

می سروده<sup>۱</sup>

- ۸۹۶- مولانا طالعی تیرگر ، ظهراً درهرات می زیسته و در تیرگری استاد و در موسیقی زبردست بوده و غزل را خوب می گفته است .
- ۸۹۷- درویش حمامی سمرقندی ، از مریدان شیخ خواجگی بوده و متخمس را نیکو می گفته و شعر را خوب می خوانده است .
- ۸۹۸- شیخ جمال هندی ، از مشایخ هندو نزد پادشاهان محترم بوده و کراماتی باو نسبت می دادند و غزل را خوب می گفته است .
- ۸۹۹- مولانا نصیبی اندجانی ، مردی مجرد و وارسته و دانشمند بود و بسال خوردگی رسیده و غزل را نیکو می سروده است .
- ۹۰۰- دیوانه نیشابوری ، از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و ظهراً درهرات می زیسته و از غزل سرایان معروف زمان خود بوده است .
- ۹۰۱- مولانا احمدی خراسانی ، ساکن هرات و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است . نوشته اند مردی بسیار خوار بوده و سرانجام بامتلادر گذشته و در اقسام شعر ماهر بوده است .
- ۹۰۲- مولانا فردی تربتی ، درهرات می زیسته و مرد دانشمندی بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و تا ۹۲۸ زنده بوده است .
- ۹۰۳- حافظ کمال تربتی ، پسر حافظ طبیب تربتی و ساکن هرات بوده و پزشک حاذقی بشمار می رفته و در مطایبه دست داشته و مقطعات شیوا می سروده است .
- ۹۰۴- مولانا نویدی تونی ، بنقادی معروف بوده و سفر بسیار کرده بود و کشتی داشت و با آن در دریاها سیر می کرد و غزل را خوب می گفت .
- ۹۰۵- میرزا ابراهیم اندجانی ، از امیران دربار ظهیرالدین بابر بود و نخست اعتباری داشته و پس از آنکه از اعتبار افتاده بهرات رفته و شعر فارسی و ترکی می سروده است .
- ۹۰۶- مولانا ناجی کرمانی ، از خویشاوندان خواجه عبدالله مروارید وزیر

معروف بوده و درهرات می زیسته و در موسیقی دست داشته و سپس باذربایجان رفته و هنگامی که لشکریان عثمانی با نجا رفته اند وی را با خود بخاک عثمانی برده اند و غزل را خوب می گفته است .

۹۰۷- کمال الدین قاسم ضیایی ، مردی درویش مشرب بوده و غزل را پر شور و رقت انگیز می گفته است .

۹۰۸- میرزا هندو ، از امیرزادگان ازبک و از درباریان عبدالله خان بوده و غزل را خوب می سروده است .

۹۰۹- میرزا قاتل ، پسر امیر تولوم از ترکمان ماوراءالنهر بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۹۱۰- میرزا نمدی ، پسر توغمی خان از ترکمان ماوراءالنهر بوده و غزل می گفته است .

۹۱۱- میرم سیاه ، از مردم خراسان و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و درهرات می زیسته و غزل را خوب می گفته و بیشتر مایل بهجا بوده است .

۹۱۲- مولانا محمد جامی ، برادر مولانا عبدالرحمن جامی شاعر معروف بوده و پیش از مرگ برادر در جوانی در گذشته و غزل را خوب می سروده است .

۹۱۳- شیخ ابوالواجد فارغی خوافی ، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور بوده و درهرات می زیسته و چندین در دربار ظهیرالدین بابر مقرب بوده و غزل را خوب می گفته است .

۹۱۴- زین الدین خوافی معروف بشیخ زین ، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور و ظاهراً نواده او بوده و مردی دانشمند و مہذب به شمار می رفته و طبع سلیم داشته و در دربار ظهیرالدین بابر می زیسته و هفته ای دو شب معراج و شب قدر درس می داده و در هندوستان خانه بسیار زیبایی ساخته بود .

۹۱۵- نورالدین محمد میرک ، پسر قاضی برهان الدین محمد صدره روی بود . پس از مرگ پدر صدر الصدور سلطان حسین بایقرا شد و منصب قضا یافت و در دوره شیبانیان

بایشان پیوست و در اختلاف میان شیعه و سنی درهرات در پیوست و یکسالگی کشته شد .  
بحدت فهم و فراست معروف بوده و لغز و معما را خوب می گفت .

۹۱۶- شاه قیام الدین ، در طرشت (درشت) ری می زیسته و از سادات نوربخشی  
بوده و در اقامتگاه خود آبادی بسیار کرده بود و در پایان زندگی بتیریز رفته و در آنجا  
بفرمان حکمران شهر کشته شده و غزل را نیکو می سروده است .

۹۱۷- شاه عادل لاری ، از خاندان پادشاهان لار بوده که نسب خود را بگرگین  
میاد و پسرش ایرج می رسانده اند و ظاهراً نام درست وی انوشیروان بن محمد شاه بن هارون  
ابن علاء الملک بن جهان شاه بن قطب الدین بن مبارز الدین بن گرگین شاه علاء الملک بن  
سیف الدین یا کالیجار بن علاء الملک بن قطب الدین محمد بن یا کالیجار بن قطب الدین مؤید  
ملقب بیاغوی بوده است که تا زمان صفویه در لارستان استقلال داشته اند و نواده اش  
ابراهیم خان بن میرزا نورالد هر خان بن ابراهیم خان بن عادل معروف با ابراهیم خان ثانی  
تا زمان شاه عباس استقلال داشته و در جنگ با شاه عباس بندهست الله وردی خان حاکم فارس امیر  
شده و حکمرانی این خاندان پایان رسیده و این ابراهیم خان ثانی نیز شاعر بوده است .  
ابراهیم خان پسر محمد بیگ بن امیر علاء الملک بن جهان شاه در ۹۴۸ سلطنت رسیده  
است . ظاهراً شاه عادل جانشین او بوده و نوشته اند که در زمان وی قاضی شهر بزن دهقانی  
دل سپرده بود و بفرمان وی زن را از دهقان گرفته و بقاضی سپرده اند و دهقان که ازین  
پیش آمد دلگیر شده مدتی سر بیابان گذاشته بود تا اینکه روزی وی از مسجد جامع  
بیرون می آمد و دهقان کاردی بگلوئی او کشید و وی را کشت و تاریخ کشته شدن او را  
در ۹۵۰ ضبط کرده اند . وی مردی خوش طبع و شجاع و چابک سوار و کماندار و تیراندازی  
زبردست بود و خاندان ایشان را خانواده هزارساله می دانسته اند . غزل را خوب می گفت  
و عادل نخلص می کرده است . برخی لارستان فارس را با جزیره لار اشتباه کرده اند و این  
خانواده را پادشاهان آن جزیره دانسته اند . قطب الدین مؤید مؤسس این سلسله در حدود  
۵۹۴ بحکمرانی آغاز کرده و برخی آخرین کس ازین خانواده را ابراهیم خان دانسته اند  
که در ۹۴۸ بحکمرانی آغاز کرده و در ۹۷۳ شاه طهماسب وی را خلع کرده

- ۹۱۸- مظفر برلاس ، از امرای ترك خراسان بوده و صورت خوش و سیرت نیکو داشته و با شاعران بسیار مهربان بوده و جز بن از احوالش اطلاعی نیست و غزل را خوب می گفته است .
- ۹۱۹- امیر حیدر ترکمان ، از خویشاوندان علیشیر نوایی و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی مذهب و درویش مشرب بشمار می رفته و بزبان فارسی و ترکی شعر می گفته و بیش از ده هزار بیت غزل و مثنویاتی در مقابل خمسه نظامی ترکی شامل سی هزار بیت سروده است و در زبان فارسی نیز استاد بوده و قصیده ای در استقبال قصیده دریای ابرار خسرو دهلوی گفته و غزل و رباعی نیز می سروده است .
- ۹۲۰- علی بیگ ، از درباریان سلطان حسین بایقرا در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و غزل را خوب می سروده است .
- ۹۲۱- محرم کوکه ، از کوکلتاشان همدان که مران پادشاه بوده و وی نیز غزل را خوب می گفته است .
- ۹۲۲- میرزا الغ بیگ ، پسر امیر صالح و در دربار شیبانی خان اعتبار بسیار داشته و حکومت شهر نسا را باو داده بود و در شعر فارسی و ترکی دست داشت .
- ۹۲۳- سیدشاه کسبی ، از مردم روستایی بنام کسبی در ماوراءالنهر بوده و او نیز شعر فارسی و ترکی را خوب می سروده است .
- ۹۲۴- ملازاده لاهیجانی ، از اشراف لاهیجان و از خانواده علم و مردی دانشمند بوده و بیشتر در معما سرودن استاد بوده است .
- ۹۲۵- مولانا نجم الدین کوکبی ، از موسیقی دانان زبردست زمان خود بوده و رساله ای در موسیقی بنام عبدالله خان نوشته و تألیف و ایقاع را در آن شرح داده و ابعاد و اجناس دوازده مقام را بیان کرده که از ضرب طبقه اولی که هفت باشد در طبقه ثانیه که سیزده است حاصل می شود و شش آواز نظم کرده و در ضمن آواز خوش داشته و هنگامی که از راه هرات ببخارا بازمی گشته در راه مشهد کشته شده و غزل را نیز نیکو می سروده است .

- ۹۲۶- مولانا سنگی ، از مردم فرغانه و درغزل‌سرایی استاد بوده است .
- ۹۲۷- مولانا هجری بلخی ، برادر قاضی بلخ بوده و در اقسام شعر دست داشته است .
- ۹۲۸- مولانا هجری مروزی ، مردی درویش مشرب بوده و بهندوستان هجرت کرده و از آنجا باذربایجان رفته و در تبریز در گذشته و در پشته سرخاب مدفون شده و غزل را خوب می گفته است .
- ۹۲۹- مولانا شوقی اندخویی ، وی نیز درغزل‌سرایی زبردست بوده است .
- ۹۳۰- عبدالوهاب ، از شاعران ماوراءالنهر و غزل‌سرا بوده است .
- ۹۳۱- مولانا واقعی مروزی ، بیشتر بترکی شعر می گفته و شعر فارسی هم سروده است .
- ۹۳۲- شیخ صفی‌الدین صفی نوربخش ، از سادات شهرری و از صوفیه طریقه نوربخشی بوده و شعر بسیار داشته و دیوان خود را تریب داده بود و غزل را خوب می گفت .
- ۹۳۳- مولانا مجدی ترمذی ، مردی مجذوب و وارسته بود و اقسام شعر سروده است .
- ۹۳۴- مولانا طالبی ، از شاعران ماوراءالنهر و درویش مشرب و غزل‌سرا بوده است .
- ۹۳۵- قاضی رضایی هروی ، درهرات کسب‌دانش کرده و مدتی قاضی خوارزم بوده و در زمان خود بغزل‌سرایی معروف بوده است .
- ۹۳۶- شوخی کفشدوز ، وی نیز ازغزل‌سرایان این دوره بوده است .
- ۹۳۷- خواجه جلال‌الدین هاشمی بخارایی ، از بزرگان بخارا و نوه خواجه حافظ‌الدین هاشمی کبیر شیخ‌الاسلام آن شهر بوده که پشت در پشت این منصب را داشته‌اند . وی از ادبای معروف زمان خود بوده و با جامی مکاتبه و مشاعره داشته و در بخارا در گذشته و در نیه بغرابگرد در کنار جدش مدفون شده و غزل را خوب می سروده است .

۹۳۸- مولانا محمد امین زاهد ، از مشایخ بخارا و مردی وارسته بود و بیشتر بمطالعه علوم دینی می پرداخت و از آغاز گوشه نشین بود و سرانجام که عبیدالله خان باو معتقد شد با او روابطی بهم زد و چون در گذشت در جوار خواجه بهاءالدین نقشبندی را بخاک سپردند و غزل را خوب می گفته است .

۹۳۹- مولانا شمس الدین محمد قهستانی ، ساکن بخارا و از دانشمندان محیط و معروف بوده و مخصوصاً در فقه استاد بوده است . پیوسته بتدریس و تالیف مشغول بوده و روایات عجیب بیاد داشت و با دانشمندان روزگار مجادله و مباحثه می کرد و در مزار خواجه بهاءالدین نقشبند مدفون شده و منظومه مقدمه الصلوة را سروده است .

۹۴۰- میر سید ثیاب هروی ، از سادات معروف و بسیار متنفذ هرات بود و در شهر آبادی بسیار کرده و باغها و کاربزارها و کشتزارهای فراوان آباد کرده است . در آغاز دوره صفویه از آنجا ببخارا و بدربار عبیدالله خان رفت و بسیار مقرب شد و برای او نیز باغی ترتیب داد و هر گونه درخت در آن کاشت و مردی نیکو کار و بخشنده بود و چون در گذشت در خیابان بخارا پیکرش را در جوار خواجه ملا اصفهانی بخاک سپردند و در باغیات ازو مانده است .

۹۴۱- خواجه منصور ناصری مهنه ، از بزماتدگان عارف مشهور ابوسعید ابوالخیر بود و طبع سلیم و ذهن مستقیم داشت . مدتها شیخ الاسلام مهنه بود و غزل را خوب می گفت و ناصری تخلص می کرد .

۹۴۲- میر شیخ پورانی ، پسر شیخ نورالدین پورانی هروی و از دانشمندان محیط زمان خود بوده و در رشته های مختلف تالیف کرده و منشی زبردست و خوشنویس بود و از آن جمله خط نسخ و ریحان و غبار را خوب می نوشت و ببخارا رفت و در مسجد چهارسوق تدریس می کرد و عمرش از هفتاد گذشته بود که در گذشت و در خیابان بخارا در جوار قبر خواجه ملا اصفهانی مدفون شد . وی شاعر توانایی بوده و غزل را استادانه می سروده است .

۹۴۳- شیخ مؤید مهنه ، ظاهر آوی بجز خواجه مؤید مهنوی بوده است که نکرش



در قرن نهم گذشت و چنان می نماید که نوّه او و از همان خاندان ابوسعید ابوالخیر بوده و از طرف دیگر نسبش بسادات مشهد می رسیده و در بخارا می زیسته و مرد دانشمندی بوده و در مدرسه سلطان تدریس می کرده و غزل را خوب می گفته است .

۹۴۴- مولانا غیاث الدین بحر آبادی ، از دانشمندان نامی و ساکن بخارا و در حکمت و فلسفه متبحر بود و تالیفاتی درین زمینه داشته و همه اوقات خود را بکارهای علمی می گذرانیده و در بخارا در گذشته و در جوار خواجه بهاء الدین نقشبند مدفون شده و در شعر استاد بوده است .

۹۴۵- خواجه عبدالله مهنه ، از بزم اندکان عارف مشهور ابوسعید ابوالخیر بود و پدرش خواجه ابوالفضل مهنه و عمش خواجه ابوالقاسم مهنه نیز از مشاهیر قرن نهم بوده اند و وی در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ظاهراً در هرات و بخارا می زیسته و ضعف بهر داشته و غزل را خوب می سروده است .

۹۴۶- مولانا محمد مزید طیب ، از پزشکان حاذق و دانشمند بخارا بوده و در بیشتر از علوم دست داشته و مردی قانع و وارسته بشمار می رفت و بیشتر پزشکان زمان شاگرد وی بوده اند ، از آن جمله سید بهاء الدین حسن نقاری بخاری بوده است . در ضمن مردی صوفی مشرب بوده و در اقسام شعر خاصه تاریخ دست داشته و گاهی بیروی از روش مولانا سیفی می کرده و در نود سالگی در گذشته و در جوار مزار شیخ جلال از مشایخ بخارا مدفون شده است .

۹۴۷- مولانا خوش محمد عزیزان ، از مشایخ طریقه جهریه و از مریدان شیخ خداداد پیشوای این طریقه و مردی وارسته بود و ترکان بسیار مریدش بودند . در آغاز برندی معروف بود و پس از چندی وارد حلقه تصوف شد و در روستای عرشی نزدیک بخارا خانقاهی داشت و چون در گذشت وی را در باغ آن خانقاه بخاک سپردند و غزل را خوب می گفت .

۹۴۸- شیخ عابد ترک ، از مشایخ ترک و از اصحاب مولانا محمد فلغزی بود . نخست کسب دانش می کرد و از آن کار دست کشید و وارد حلقه تصوف شد و نزدیک

هفتاد سال زیست و در غجدوان در گذشت و همان جا مدفون شد و مقطعات خوب می سروده است .

**۹۴۹- حافظ کلان قاری ،** از حافظان معروف سمرقند و در دربار پادشاهان

شیبانی محترم بود و شاگردان بسیار داشت و چندی خطیب دربار بود و در مظایبه دستی داشت و غزل را خوب می گفت و قاری تخلص می کرد و بیش از هشتاد سال عمر کرد .

**۹۵۰- سلطان علی اوبهی ،** از دانشمندان معروف و از سادات صحیح النسب و اواخر

قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . از مردم اوبه از توابع هرات بود و نخست در آن شهر می زیست و ظاهر آدرفته هرات و غلبه صفویه چون سنی بوده بماوراءالنهر رفت و در بخارا زیسته است . از حافظان و خوشنویسان معروف زمان خود بوده و با مولانا سلطانعلی مشهدی ملك الكتاب خوشنویس معروف رقابت داشته و پادشاهان شیبانی او را محترم می داشته اند و از مریدان خواجه عبیدالله احرار بوده و در خانقاه وی در صد و نه سالگی در گذشته و رساله ای در مصافحه نوشته و قطعه و رباعی را خوب می سروده است .

**۹۵۱- حافظ میر احمد خطیب ،** از حافظان معروف زمان خود و شاگرد حافظ

کلان قاری سابق الذکر بود و مردی دانشمند بشمار می رفت و در بیشتر علوم دست داشت ، مخصوصاً در علوم قرآنی مهارت داشت و آثار امام محمد شاطبی را درس می گفت و هر هفته خطبه بلغی انشا می کرد و بیش از شصت سال زیست و در فتح آباد بخارا در گذشت و همان جا مدفون شد و در اقسام شعر استاد بود .

**۹۵۲- میر علی کاتب هروی ،** معروف ترین خوشنویس زمان خود بود و از

سادات و بنیاد گذاران خط نسخ تعلیق بشمار می رفت . پدرش ذوالکمالین میر محمد باقر نیز از خوشنویسان بوده است و وی شاگرد سلطانعلی بود . نخست در هرات می زیست و شاگردان بسیار در آنجا تربیت کرد . پس از انقراض سلطنت تیموریان و ظهور صفویه چون سنی متعصب بود از هرات بماوراءالنهر رفت و در دربار پادشاهان شیبانی و مخصوصاً عبیدالله خان ترقی بسیار کرد و بمقام وزارت رسید و در ۹۵۱ که سن وی بهفتاد نزدیک شده بود دشمنانش وی را کشتند . وی بجز آنکه مرد هنرمندی بوده و او را ملك الكتاب

لقب داده‌اند در شعر نیز دست داشته و اقسام مختلف شعر را نیکو می‌سروده است.

**۹۵۳- مولانا افسری کرمانی** ، از مردم کرمان در ماوراءالنهر و مدت درازی از

مقربان عبیدالله خان بوده و در اقسام شعر دست داشته و از آن جمله در غزل و معما استاد بوده و در غزل پیروی از شاهی سبزواری می‌کرده و نزدیک بهشتاد سال زیسته است.

**۹۵۴- مولانا رفیع بخاری** ، پسر مهتر مولانا محمد مزید طبیب سابق الذکر

و خود از دانشمندان بوده و در بیشتر از علوم دست داشته و پزشک حاذق بوده است . در خط نسخ تعلیق شاگرد مولانا سلطانعلی و از خوشنویسان معروف زمان خود بوده و در موسیقی استاد بشمار می‌رفته و پس از خواجه عبدالله مروارید وی را درین فن از همه برتر می‌دانسته‌اند و قانون را خوب می‌زده و هفتاد سال زیسته و در جوار پندرش مدفون شده و در شعر هم استاد بوده است .

**۹۵۵- مولانا ابوالقاسم حکیم** ، پسر مولانا درویش حسین طبیب و برادرزاده

درویش علی طبیب که پزشک علیشیر نوایی بوده است . مردی دانشمند و پزشکی حاذق بود و در فنون دیگر نیز دست داشت . ظاهراً خاندانش از مردم هرات بوده‌اند و وی در بخارا می‌زیسته و هفتاد سال عمر کرده و در حوالی نمازگاه بخارا مدفون شده و غزل را خوب می‌گفته است .

**۹۵۶- مولانا خواجه کمال مجریدی** ، از دانشمندان نامی بخارا بوده و در علوم

غریبه نیز دست داشته و غزل را خوب می‌سروده است .

**۹۵۷- خواجه محمد قناد** ، از پزشکان حاذق بخارا و از مریدان خواجه عبیدالله

احرار بوده و نزدیک به عمر طبیعی رسیده و غزل را نیکو می‌گفته است.

**۹۵۸- قاضی محمود** ، از دانشمندان بخارا و از شاگردان مولانا ابراهیم شیروانی

بوده و در جوار مزار خواجه بهاءالدین نقشبند مدفون شده و از رباعی مانده است .

**۹۵۹- ملا عینی سروی خوشتری** ، از اعیان قریه خوشتری از توابع بخارا

بوده و در مدرسه میرزا کسب دانش کرده و در علوم مختلف دست داشته و از حافظان زیارتگاه بشمار می‌رفته است . قامت بلند داشته و بهمین جهت سروی تخلص می‌کرده

و تا ۹۶۲ زنده بوده و غزل و تاریخ می سروده است.

۹۶۰- مولانا حسن کوکبی بخارایی ، از دانشمندان و شاعران معروف روزگار خود بود و در موسیقی دست داشت و مؤلفاتی داشته است و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و رباعی از او مانده است .

۹۶۱- خواجه نظام الدین عبدالهادی پارسا ، پسر خواجه ابونصر ثانی ، نسبش سه پشت بخواجه محمد پارسا پیشوای معروف نقشبندیان می رسیده . از آغاز جوانی بکسب دانش پرداخت و مدتی قاضی شهر بلخ بود و بیشتر در بخارامی زیست و مورد توجه عبیدالله خان بود . باندک بیماری در گذشت و در جوار جدش خواجه محمد پارسا و وی را بخاک سپردند و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۹۶۲- ملا عصام الدین ابراهیم ، از دانشمندان معروف زمان خود بود و شاگردان بسیار داشته ، از آن جمله خواجه حسین مروزی شاعر معروف بوده است . در بیشتر از علوم مصنفاتی داشته و مخصوصاً در ادبیات عرب استاد و نویسنده زبردستی بوده است . نوشته اند که عبیدالله خان پس از نماز پیشین یک رباعی را که سروده بود برایش فرستاد و وی تا نماز شام یک رساله بزبان تازی درباره آن نوشت و برای یک مصرع آن ۵۶۰ معنی یافت . همه اوقات شبانروزی خود را بتعلیم می گذراند . نخست در هرات می زیست و از آنجا بسمرقند رفت و پس از اندک مدتی در آنجا در گذشت و وی را در جوار مزار عبیدالله احرار بخاک سپردند . از جمله کتابهایی که نوشته تفسیر سوره یوسف بوده و در شعر نیز دست داشته است .

۹۶۳- مولانا صفی الدین مصطفی رومی ، از دانشمندان نامی آسیای صغیر در قرن دهم بوده و از اعیان آن سرزمین بشمار می رفته است . پس از کسب دانش در دیار خود بزیرات حرمین رفته و در مکه مدتی در فرجه اعلا تدریس می کرده و مصابیح و تفسیر درس می داده و در ریاضیات و حکمت و اصول و فروع استاد بوده و طبیب حاذقی بشمار می رفته و مردی قانع و مهذب بوده است . در پایان زندگی بماوراءالنهر رفته و مدتی در بخارا حدیث درس می داده و مورد توجه دانشمندان شده و شاگردان بسیار داشته

است ، از آن جمله سید بهاءالدین حسن نثاری بوده است و بزبان پارسی و تازی شعر را نیکو می سروده است .

**۹۶۴- مولانا کمال الدین عاشق بخارایی** ، وی نیز از دانشمندان مسلم این دوره

بوده و در علوم منقول و منقول دست داشته و پادشاهان شیبانی وی را بسیار احترام می کرده اند . طبع لطیف داشت و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و در شعر استاد بود و قصیده و غزل و رباعی را خوب می گفت و عاشق و تخلص می کرد و نوشته اند که چون هلالی جغتایی مثنوی شاه و گدا را بیایان رساند و برای وی خواند برخی ابیات را که در آن حین ارتجالا سرود در آن داخل کرد . در پایان زندگی در بلخ می زیست و در آنجا در ۹۵۸ در گذشت و در جوار مزار احمد خضرویه وی را بخاک سپردند .

**۹۶۵- میر عابد هروی** ، از سادات هرات بود و در آنجا کسب دانش کرده ،

بماوراءالنهر رفته بود و مردی شیرین سخن بود و پادشاهان شیبانی وی را محترم می داشتند و بر سر کی و فارسی غزل را نیکو می سرود .

**۹۶۶- خواجه قاسم مودودی** ، از بازماندگان عارف مشهور مودود چشتی بود

و بیشتر اوقات را در سفر می گذراند و مری قانع بود . چندی در بلخ بوده و شاعری زبردست بشمار می رفته و ازو رباعیات مانده است .

**۹۶۷- شیخ مفضل مهنه** ، اصلا از مردم مهنه بود و در ماوراءالنهر می زیسته و

مردی بسیار خوش مشرب و خوش روی بشمار می رفته و بیشتر اندیشمند بوده و سرانجام در شهر نسف (نخشب) در گذشته و غزل و رباعی را نیکو می سروده است .

**۹۶۸- مولانا کمال الدین میر محمود نجفی** ، از مردم روستای نجفی در ناحیه

تبادکان و ارداک از توابع مشهد بوده ، مردی بسیار دانشمند و درویش مشرب بشمار می رفته و در موسیقی دست داشته و از شاگردان ملا عبدالعلی شاگرد علی شاه جامی از استادان موسیقی زمان خود بوده است و همه سازها را می نواشید و عصای سرخمی داشت که يك تار بر آن بسته بود و هرزده نغمه اصلی را که همه نغمات و مقامات منشعب از آنست بسا آن می نواخت و همه ابعاد و اجناس را در آن جمع می کرد و در پایان زندگی در بلخ می زیست

و همواره بتدریس مشغول بود و در آن شهر از اندک بیعاری در گذشت و غزل را استادانه می گفت .

۹۶۹- شیخ رکن الدین مهنته ، از مردم میهنه بود و در ماوراءالنهر می زیست و تا وقتی که عبدالعزیز خان شیبانی لشکر ببلخ کشید در آن سرزمین می زیست و از آنجا بحدج رفت و در راه مدینه در گذشت و غزل را خوب می گفت .

۹۷۰- شیخ علاءالدوله خبوشانی ، پسر شیخ حاجی محمد خبوشانی عارف مشهور و خود از مشایخ تصوف و مردی وارسته و مہذب بود و مدتی کسب دانش کرده و مطول را بیاد داشت و در انشا و فنون شعر استاد بود و بیش از هفتاد سال زیست و غزل را نیکو می سرود .

۹۷۱- مولانا محرمی خراسانی ، چندی در ماوراءالنهر می زیست و چون طالب ریاست بود از آنجا بهند رفت و برسالت ببلخ رفت و با لباس هندی بآنجا رفت و بهند باز گشت و در آنجا رحلت کرد و مردی دانشمند بود و در آغاز بکسب دانش پرداخته و سپس آنرا ترک کرده بود و غزل می گفت .

۹۷۲- مظفر ترک ، از امرای آذربایجان در دربار سلطان یعقوب بود سپس بماوراءالنهر رفت و مدتی ملازم عبیدالله خان بود و تافح خوارزم و قلعه هزاراسب در دربار وی بود و سپس بهند رفت و در آنجا در گذشت . مردی شیرین سخن و خوش روی بود و در انشاد دست داشت و غزل را خوب می سرود .

۹۷۳- کمال الدین تاشکنندی ، ظاهراً از شاعران قرن دهم بوده و از متصوفه زمان خود بشمار می رفته و ازو جزین اطلاعی نیست که مثنوی شمع و پروانه سروده است .

۹۷۴- امیر همایون ، ظاهراً وی بجز همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم و همایون عراقی سابق الذکر بوده و در ماوراءالنهر می زیسته و در زمان خود بسیار معروف بوده است و مردی وارسته و طبیب حاذق بوده است و در ادبیات عرب و علم نجوم و فنون شعر و معما و عروض دست داشته و غزل و معما را بسیار خوب می گفته است .

۹۷۵- ملاهلالی ماوراءالنهری ، پسر ملا سائل ، بجز هلالی جغتایی شاعر

مغروفت. در ماوراءالنهر در دربار شیبانی خان می زیسته و بیشتر در سمرقند بوده و در آنجا در گذشته و مدفون شده و غزل را خوب می گفته است.

**۹۷۶- ملا خاوری سمرقندی**، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم

بوده و در دستگاه عادلشاه سلطان از سلسله شیبانی می زیسته و با وزرای آن زمان مباحثه و مجادله داشته و ایشان را هجومی کرده و چندی در بلخ بوده و در اقسام شعر دست داشته است.

**۹۷۷- مولانا میر حسین بخارایی**، از اعیان بخارا بوده و در تاریخ گفتن مهارت

داشته و تا سال ۹۳۶ زنده بوده و در انشا دست داشته و مدتی متولی اوقاف بوده و نزدیک بود سال عمر کرده و اقسام مختلف شعر می سروده است.

**۹۷۸- مولانا شیدای بلخی**، از نزدیکان مولانا قوام الدین بلخی و در علوم

نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می کرده و شاگردان بسیار داشته از آن جمله سید بهاء الدین حسن نثاری بخارایی در هیئت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته و در جوانی در گذشته است.

**۹۷۹- مولانا شیدای بلخی**، بجز شیدای سابق الذکر و مقدم بر او بوده، در

نظم و نثر فارسی دست داشته و کتابی در تقلید گلستان سعدی نوشته و پیروی از سعدی می کرده و در اقسام مختلف شعر مهارت داشته است. مردی بسیار خوش روی و خندان بوده و با عبدالعزیز خان رابطه داشته و در هجا نیز استاد بوده است.

**۹۸۰- مولانا عبدی بلخی**، در نظم و نثر استاد بوده و در ۹۶۱ در بلخ خانه مجملی

ساخته بود و در بلخ در گذشت و همان جا مدفون شد و نثر کی و فارسی اقسام مختلف شعر می سروده است.

**۹۸۱- خواجه میرک صدیقی بلخی** شیخ الاسلام، پسر هتر خواجه هاشمی

صدیقی شیخ الاسلام بلخ بود. مردی خوش سیمما و مذهب بشمار می رفت. در جوانی پس از مرگ پدرش شیخ الاسلام بلخ شد و در چهل سالگی در گذشت و در جوار پدرش مدفون شد. وی شاعر توانایی بوده و اقسام مختلف شعر می سروده از آن جمله قصیده در ربای

ابرار خسو و دهلوی را جواب گفته و بینخارا فرستاده و هیچ‌یک از شعرای آن دیار از عهده او بر نیامده‌اند و غزل را نیز بسیار خوب می‌سروده است.

۹۸۴- **خواجه قاضی فتح‌الله غجدوانی**، قاضی غجدوان بوده و این منصب از قدیم با پدران و نیاکان وی بوده است. طبع سلیم داشت و مردی فروتن و افتاده بود. در پایان زندگی ترك قضاوت کرد و بدرویشی روزگار می‌گذرانده و سرک خود را پیش بینی کرده بود و در غجدوان در گذشت و همان جا مدفون شد. وی غزل را استادانه می‌سروده است.

۹۸۴- **میرجان محمد جامی ثانی**، از امیرزادگان نیمان بود و صورت و سیرت نیکو داشت و تیزفهم بود و در جوانی در گذشت و غزل می‌سرود.

۹۸۴- **عبدالواسع نوری**، از اعیان نور بخارا و مردی زیباروی بود و در جوانی در گذشت و در مزار خواجه ابوفیض وی را بخاک سپردند و در غزل سرایی استاد بود.

۹۸۵- **مولانا قضایی هروی**، پسر مولانا بقایی معروف بکمانگر بوده است. بقایی خود گفته است که با مظفر برلاس بهرات رفته و در دکان کمانگران در حلقه استادان گوشه‌ای گرفته و کمان خود را در آنجا بسته بود و علیشیر نوایی از آنجا گذشته و وی را دیده و در مجالس المنفیس او را کمانگر دانسته است. قضایی مرد بسیار خوش طبعی بود و مدتی از ملازمان عبیدالله خان بشمار می‌رفت و شعر فارسی و ترکی را خوب می‌گفت و در غزل استاد بود و مشغول ناز و نیاز را بوزن حدیقه سروده است. چندی منصب شیخی مزار ترك در بخارا با او بوده و او را بجرم می‌خواری از آن کار عزل کرده و ساقی شاعر را بجای او گذاشته‌اند و در بلخ در گذشته و در مقبره خواجه احمد خضرویه مدفون شده است.

۹۸۶- **مولانا روحی بخاری**، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی شیرین سخن بود و پیش پادشاهان اعتباری داشت و در جوانی در گذشت و غزل را خوب می‌گفت.

۹۸۷- **مولانا زینی بخاری**، مردی خوش طبع و نقاشی هنرمند بود و غزل را



نیکو می سرود و در جوانی در گذشت .

۹۸۸- مولانا کلامی بخارایی ، بنساجی روزگار می گذراند و بشطرنج بازی علاقه بسیار داشت و مدنی از کاتبان دیوان بود و در چهار گنبد مدفون شد و غزل را شورانگیز می گفت .

۹۸۹- شیخ عبداللطیف جامی ، از بازماندگان شیخ احمد جام ژنده پیل و از مریدان حاج شیخ محمد خبوشانی بود و مدت مدید مجاهدت و ریاضت داشته و جانشین وی درمند ارشاد شده و از ایران بحج رفته و در راه با سلطان سلیم آل عثمان ملاقات کرده و مورد احترام بسیار او شده و چندی در دربار او زیسته و در بازگشت از سفر حج در ازبک در گذشته و در آنجا مدفون شده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۹۹۰- سید معصوم خواجه ، از فرزندان شیخ محمد صادق بن ابوالحسن شیخ بن الیاس شیخ بن محمد شیخ بن خدای قلی شیخ عشقی و از خاندان مشایخ ماوراءالنهر بود . پدرش از دانشمندان معروف بشمار می رفت و مردی پرهیزکار و حافظ قرآن و مفسر و ازائمه بود و سخاوت بسیار داشت و چندی در شهر کش بوده است . پسرش نیز مردی دانشمند بود و بسفر حج که می رفت چندی در بخارا زیست و درین سفر درمکه جان سپرد و شاعر فحلی بود و غزل بسیار خوب می گفت .

۹۹۱- امیر محمد مهدی بن قاضی محمود حسینی ، مردی آراسته و از سادات صحیح النسب و از پیروان طریقه کبروی و دانشمند بود و در مدرسه خواجه کمال الدین در بخارا تدریس می کرد و مرد زیبارویی بود . حسن بانگندی نامی باغراض نفسانی وی را در شب ماه رمضان گشت و شعر را خوب می گفت .

۹۹۲- میر سوداوی ، از سادات ماوراءالنهر و از سرایندگان آن سرزمین و منشی قابل بود و در بلخ در گذشت و در آنجا مدفون شد و غزل سرا بوده است .

۹۹۳- خواجه محمد وزیر خراسانی ، در ماوراءالنهر می زیست و مدتی ساکن مرو بود و سرانجام گوشه انزوا گزید و غزل را خوب می گفت .

۹۹۴- میرزا قالی ، از شاعران ماوراءالنهر و مردی نیکو سیرت و صورت بوده

و مورد توجه مردم بشمار می‌رفته و دانشمند بوده است. در جوانی در گذشته و غزل می‌سروده است.

۹۹۵- مولانا جامی ماوراءالنهری، مردی بی‌قید و لایابالی بوده و مدت مدیدی در هندوستان زیسته و در همانجا در گذشته و رباعیات از او مانده است.

۹۹۶- مولانا عزمی ماوراءالنهری، از شاعران نامی زمان خود بوده و پیوسته درسفر بوده است و درسفر در گذشته و غزل می‌سروده است.

۹۹۷- ملا فریبی ماوراءالنهری، مردی بی‌قید بوده و در عشق مجازی مبالغه می‌کرده و درسفری که ببلخ می‌رفته در راه دزدان وی را کشته‌اند و غزل سرا بوده است.

۹۹۸- ملا شعوری بخارایی، از معاشران سید بهاءالدین حسن نثاری بخاری بوده و آهنگ سفر مرو کرده و با آنکه نثاری وی را ازین سفر منع کرده با آنجا رفته و بیمار برگشته و پس از سه روز از آن بیماری در گذشته و در غزل سرایی زبردست بوده است.

۹۹۹- خواجه نظام‌الدین هاشمی، پسر خواجه هاشم صدیقی، مدتی مدید شیخ الاسلام بخارا بوده است. نوشته‌اند که صفات ناپسندیده داشته و این مقام را چون در خاندانش بوده بوی داده‌اند و غزل می‌سروده است.

۱۰۰۰- خواجه عبدالعزیز نامی معروف بخواجه خمری، از خوبشاورندان خواجه نظام‌الدین هاشمی و خواجه هاشم صدیقی سابق‌الذکر بوده و مدتی در بخارا منصب قضاوت داشته و مرد محترمی بوده است. در ضمن مرد دانشمند و دارای طبع سلیم و ذهن مستقیم بوده و در عروض مهارت داشته و غزل و رباعی را بسیار خوب می‌گفته است.

۱۰۰۱- شیخ وحیدالدین ابوالحسن محمد بن زین‌الدین حاجی بن احمد اسفرغابادی معروف به میرجان، که ذکرش پیش ازین در ضمن نثر نویسان این دوره گذشت. ملقب سلسله زینتی از طرق تصوف ماوراءالنهر بوده و سلسله وی بدین گونه بوده است: شیخ میرجان، شیخ احمد اسفرغابادی، شیخ زین‌الدین خوافی، شیخ عبدالرحمن عراشی، شیخ تاج‌الدین حسن گورانی، شیخ محمود اصفهانی، شیخ عبدالصمد بصری، شیخ برغش شیرازی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، شیخ ابوالخیر سهروردی، شیخ

دینوری، شیخ احمد غزالی، شیخ ابوبکر نساج، شیخ ابوالقاسم کرگانی، شیخ ابوعلی کاتب، شیخ جنید بغدادی، شیخ سری سقطی، شیخ معروف کرخی، شیخ داود طایبی، شیخ حبیب عجمی، شیخ حسن بصری. این طریقه از زمان شهاب‌الدین سهروردی بطریقۀ سهروردی معروف شده و از زمان شیخ زین‌الدین خوافی بطریقۀ زینی مشهور شده است و از آن پس پیروان آن بیشتر در ماوراءالنهر بوده‌اند. وی در بیشتر از علوم متداول دست داشته و مردی افتاده و مہذب بوده و از واعظان معروف بشمار می‌رفته و مریدان بسیار داشته است. در ۹۷۳ یک رباعی معروف شده بود که دختری آنرا سروده است و شرط کرده است هر کس آنرا شرح کند بعقد وی درآید و او در شرح آن رباعی رساله‌ای نوشت و دیگران هم شرح کردند. بعد معلوم شد که این دختر وجود خارجی نداشته است. وی بجز مؤلفاتی که پیش ازین شرحها آنها گذشت در شعر هم دست داشته و انیسی نخلص می‌کرده است.

۱۰۰۴- مولانا حسین ترکستانی، از دانشمندان جامع معقول و منقول و از شاگردان مولانا عصام‌الدین ابراهیم بود. مخصوصاً در ادبیات عرب دست داشت. در مدرسۀ الغیبیک در سمرقند تدریس می‌کرد و شاگردان بسیار داشت. در عروض و موسیقی نیز دست داشت و قصیده و معما را خوب می‌گفت و از مداحان همایون پادشاه بود.

۱۰۰۳- مولانا کبیر ترکستانی، وی نیز از دانشمندان و از مریدان مولانا خواجگی بوده و مرد وارسته‌ای بشمار می‌رفته و مریدان بسیار داشته و پسرش محمد طاهر نیز از دانشمندان بود که در ۱۵ صفر ۹۴۴ ولادت یافته و خود در اقسام شعر دست داشته است.

۱۰۰۴- مولانا عبدالصمد تربتی، ساکن ماوراءالنهر بوده و مدتی در تاشکند زیسته و از دانشمندان بوده و تدریس می‌کرده و به حج رفته و در بازگشت باز در تاشکند ساکن شده و سپس بکاشغر رفته و پس از آن در بخارا ساکن شده و در مدرسۀ حافظ دیوان بتدریس پرداخته و درین سفرها رنج بسیار برده و غزل می‌سروده است.

۱۰۰۵- مولانا دوست محمد، از دانشمندان جامع منقول و معقول بوده و در

مدرسه میر عرب در بخارا تدریس می کرده و غزل می سروده است .

۱۰۰۶- حافظ ابراهیم کره‌بینی، از مردم کره‌میننه و از حافظان معروف زمان خود بود . در جوانی وارد طریقه خواجهگان شد و در مجالس ایشان سماع می کرد و عبدالله خان آواز وی را بسیار می پسندیده و سپس رتبه امامت یافته و پس از آن خطیب دربار شده و غزل را خوب می گفته است .

۱۰۰۷- مولانا جلال‌الدین قاسم علوی، از سادات علوی ماوراءالنهر . مرد دانشمندی بود و سمت محاسب داشت و در زمان محمد یار سلطان قاضی عسکر شد و تا ۹۲۶ زنده بود و اقسام مختلف شعر می سرود .

۱۰۰۸- مولانا قاسم مفتی، از دانشمندان ماوراءالنهر بود و تا ۹۲۵ می زیسته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

۱۰۰۹- میر محمد منشی، از سادات ماوراءالنهر در زمان عبیدالله خان بوده و تا جلوس وی در سال ۹۴۰ زنده بوده و قصیده‌ای درین زمینه سرود است .

۱۰۱۰- مولانا شمس‌الدین ماوراءالنهری، مردی صالح و از پیشوایان طریقت بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۰۱۱- مولانا نظام قاضی، از قضاة ماوراءالنهر بوده و در فنون شعر مخصوصاً معما دست داشته و شرحی بر رساله معمای میر حسین و رساله‌ای در قواعد معما نوشته و با شاعران زمان خود ملا محمد نونداکی و ملا خواجه‌گی بلخی و ملا جنونی مشاعره

۱۰۱۳- مولانا سرودی، پسر حافظ میراثی حفظی سابق الذکر و واقعه نوری دربار عبیدالله خان بود و منشی و خوشنویس زبردست بشمار می رفت و نزد عبیدالله خان بسیار مقرب بود . و حاسدان باو گفتند که رفتن وی بجایی که بحرم نزدیک باشد مناسب نیست و وی ازین بدخواهی بسیار آزردده شد و از کار کناره گرفت و بفارسی و ترکی اقسام شعر را خوب می سروده است .

۱۰۱۴- مولانا صفایی کرمانی، وی بجز درویش صفایی کرمانی سابق الذکر است .

از کرمان برای کسب دانش بهرات رفته و در آنجا چینی سازی آموخته و سفر لاط را بهتر از همه کس می یافته و درین دو صنعت معروف شده و سپس بماوراءالنهر رفته و غزل و معما را بسیار خوب می گفته است .

**۱۰۱۴- شیخ زکریا یسوی**، از بازماندگان شیخ احمد یسوی عارف مشهور ترک قرن ششم بوده است. ظاهراً در شهر یسی یا یاسی در جمهوری کازاخستان (قزاقستان) امروز بجهان آمده که نام آنرا درین اواخر ترکستان گذاشته اند و در ماوراءالنهر می زیسته و مردی وارسته بوده و پادشاهان باو احترام می کرده اند و بیشتر در سمرقند بوده و غزل می سروده است .

**۱۰۱۵- خواجه فاضل**، پسر مولانا عصمت الله کوفی، از دانشمندان ساکن سمرقند بوده و در دربار ازبکان بمناصب عالی رسیده و نزد پادشاهان محترم بوده و بدخواهان بروی حسد برده اند .

**۱۰۱۶- میرکای بخاری**، پسر حافظ کلان و در دربار محمد سیونج خان منصب صدارت داشته و پس از مرگ وی از ناسازگاری اوضاع بهندوستان رفته و مرد مذهبیه بوده و شعر را خوب می گفته است .

**۱۰۱۷- حافظ میرک حالی**، از مردم روستای سمعی ظاهراً از توابع هرات و ساکن بخارا بوده و پدرش از ملازمان و محرمان جامی شاعر معروف بشمار می رفته و او نیز حافظ قرآن بوده است. وی در علوم متداول هم دست داشته و در حکمت از شاگردان مولانا غیاث الدین بوده و غزل را نیکو می سروده و حالی تخصص می کرده است.

**۱۰۱۸- مولانا صالح مفتی**، از دانشمندان ماوراءالنهر و از پیران مساک جبریه بوده و علوم دینی را درس می گفت و اقسام شعر از آن جمله غزل و تاریخ را نیکو می سروده و معاصر با عبیداله خان بوده است .

**۱۰۱۹- میرفهمی بخارایی**، از سادات بوده و مرد دانشمندی بشمار می رفته و سرانجام بقندهار رفته و در آنجا ساکن شده و غزل را خوب می گفته است.

**۱۰۲۰- امیر دوست محمد حاجی**، پسر امیرخان و از بزرگان امرای سلیمانی

واز ملازمان شیبانی خان بود و پادشاهان بوی بسیار حرمت می گذاشته اند ، بحج رفت و در بازگشت باز امارت را باو تکلیف کردند و پذیرفت و غزل را خوب می گفت .

**۱۰۲۱- شیخ محمد طاهر ،** از اولاد خواجه محمد طاهر انصاری و ظاهر آ از بازماندگان عبدالله انصاری بوده است . از هرات بخارا و از آنجا بهندرفته و غزل می سروده است .

**۱۰۲۲- سید محمد باقر ،** پسر شریف عبدالله یمنی مشهور بمیرعرب و از سادات بوده است . خاندانش از مردم حضرموت بوده اند و در آنجا حکمرانی داشته اند . پدرش را ناگه جذبهای روی داده و از منصب خود دست شسته و جزو مریدان خواجه عبیدالله احرار شده و بماوراءالنهر رفته است . عبدالله خان پسرش را که خردسال بوده تربیت کرده و وی کسب دانش کرده است و در بخارا بتدریس پرداخته و غزل را نیکو می سروده و یمنی تخلص می کرده است .

**۱۰۲۳- امیر صدرالدین ،** پسر امیر صفی الدین ابوالصفا ، در جوانی نزد پدر خود دانش آموخته و پس از مرگ او از دانشمندان دیگر بهره مند شده و فقه آموخته و سپس بتدریس پرداخته و تفسیر درس می داده و در هر ماه رمضان قرآن را ختم می کرده و مردی بسیار پرهیزگار و یارسانا بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

**۱۰۲۴- سید هادی نقشبندی ،** پسر خواجه محمود نقشبندی بود و نسبش بینج یشت بهاءالدین نقشبند می رسید ، مرد محترمی بود و خط را خوش می نوشت و در بخارا می زیست و غزل را خوب می گفت و هادی تخلص می کرد .

**۱۰۲۵- سید ابراهیم بخاری ،** وی نیز از بازماندگان خواجه بهاءالدین نقشبند بود و منصب صدارت داشت و مرد دانشمندی بود و غزل را خوب می گفت .

**۱۰۲۶- مولانا محمد امین مفتی ،** از جوانی بکسب دانش پرداخت و هدایه و وقایه و شرح مغنی را آموخت و در بخارا بفتوی آغاز کرد و در علوم دیگر نیز دست داشت و اقسام مختلف شعر را نیکو می گفت .

**۱۰۲۷- عبدالحکیم طیب بخاری ،** پسر سلطان محمود طیب از پزشکان دانشمند

زمان خود بود و وی پزشکی را از پدرش آموخت و پزشك حسافقی شد و غزل را نیکو می‌سرود .

۱۰۲۸- میرزا مشهدی، از اخلاف امیر علی ترخان و باسادات ترمذ خویشاوندی داشت و با منصب ایالت درویش مشرب بود و غزل را خوب می‌گفت .

۱۰۲۹- میرزا احمد سمنانی، از اولاد علاءالدوله سمنانی بود و پدرانش پشت در پشت منصب وزارت داشته‌اند و خود در بخارا می‌زیسته و مرده مهدبی بود و خط نسخ تعلیق را بسیار خوب می‌نوشته و در ۱۷ جمادی‌الثانی ۹۶۸ نسخه‌ای از تفحات الانس جامی را بیابان رسانیده است .

۱۰۳۰- مولانا میر مفتی بخاری، از فقهای معروف زمان خود بود و باسادات عوطغری خویشاوندی داشت و در علوم شرع دست داشت و تا ۹۸۱ زنده بود و اقسام مختلف شعر می‌گفت .

۱۰۳۱- خواجه مولانا بخاری، برادر مولانا میر مفتی سابق الذکر و از دانشمندان زمان خود بوده و تا ۹۳۰ زنده بوده و وی نیز اقسام مختلف شعر می‌سروده است .

۱۰۳۲- خواجه عبدالسلام بخاری، از وزیرزادگان قدیم بوده و در دستگاه عبدالقدوس سلطان شیبانی منصب کتابداری داشته و اقسام مختلف شعر ترکی و فارسی را خوب می‌گفته است .

۱۰۳۳- مولانا حبیب‌الله بخاری، وی نیز از غزل‌سرایان زبردست این دوره بوده است .

۱۰۳۴- شیخ زین‌الدین وفایی خوافی، ظاهر آوی بجز شیخ زین‌الدین خوافی معروف بشیخ‌زینست که ذکرش گذشت و چنان می‌نماید که وی نیز مانند او از نوادگان زین‌الدین خوافی عارف مشهور قرن نهم بوده باشد. در پایان زندگي در هند می‌زیسته و در ۹۴۰ در آگره مدفون شده و در نظم و نثر فارسی دست داشته و قسمتی از بابرنامه را از ترکی جغتایی بفارسی ترجمه کرده است .

۱۰۳۵- مولانا قاصری، پسر مولانا عنایت، از شاعران ماوراءالنهر و کاتب

معروف و صلاحیت مشهور و از پیروان طریقه کبرویه بوده و نوشته اند که واقعات شگفت نقل می کرده و از آن جمله روزی گفته است که در مجلس شیخ شانه خضر را در بیداری دیده و سخن او را شنیده است و در سخن گفتن از اعتدال تجاوز می کرد و غزل می سرود. ۱۰۳۶- مولانا محرمی ماوراءالنهری، مردی دانشمند بوده و بیشتر از کتابت گذران می کرده و طبع سلیم و ذهن مستقیم داشته و در مرثیه و غزل سرایی ماهر بوده است.

۱۰۳۷- مولانا یقینی جو بیاری، پسر خواجه میر شاه جو بیاری و مردی درویش مشرب بود و همیشه با درویشان می زیست و اقسام شعر را خوب می گفت.

۱۰۳۸- مولانا نخلی، وی نیز از شاعران ماوراءالنهر درین دوره بوده و مردی مذهب بشمار می رفته و در غزل استاد بوده است.

۱۰۳۹- نجاتی تاشکنندی، برای کسب دانش بخارا رفته و وی نیز غزل را خوب می گفته است.

۱۰۴۰- مولانا دانشی بخارایی، مشك فروش بوده و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفته است.

۱۰۴۱- مولانا سروری بخارایی، وی نیز از سخن سرایان معروف عصر خود بوده و غزل را نیکو می سروده است.

۱۰۴۲- مولانا صوفی بخارایی، در زمان عبیداله خان چندی مؤذن مسجد ارك بخارا بود و سپس از لشکر یان شد و مردی خوش آواز بود و غزل را خوب می گفت.

۱۰۴۳- خواجه حسین هروی، وی بجز میرك حسین هروی سابق الذکر و پسر خواجه میر دوست دیوان بوده است. مدتی در بخارا کسب دانش کرد و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و پادشاهان شیبا بی وی را گرامی می داشتند. سپس بهند رفت و در دربار همایون مقرب شد و بدرجات عالی رسید و در دربار جلال الدین محمدا کبر نیز مقام بلند داشت و قصیده و غزل را خوب می سرود و قصیده ای بقافیه الف سروده که در هر بیت عدد از یک تا صد را آورده است.



- ۱۰۴۴- میرزا باقی، پسر مولانا میرعلی کاتب معروف بوده و مانند پدر از خوشنویسان زمان خود بشمار می رفته و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشته و در دربار عبدالعزیزخان شیبانی می زیسته و اقسام مختلف شعر می سروده است.
- ۱۰۴۵- مولانا قبولی کرمانی، از امیرزادگان کرمانه بوده و علوم دینی را فرا گرفته بود و مفتی دیار خود بود و غزل می سرود.
- ۱۰۴۶- میرزا دوست محمد، بجز مولانا دوست محمد سابق الذکر و پسر حافظ قنکر بوده است. صورت و سیرت نیکو داشته و بسیار بخشنده و خوش مشرب بوده و غزل را خوب می گفته است.
- ۱۰۴۷- میرزا حریمی، از فرزندان قاسم کوه بر صبری بوده که ذکرش گذشت. در موسیقی استاد بوده و سازی مرکب از عود و رباب اختراع کرده بود و نغمات دلکش می ساخت و پس از کسب دانش به حج و زیارت حرمین رفت و ببخارا بازگشت و غزل را خوب می سرود و بیشتر در پی مضمون می رفته است.
- ۱۰۴۸- ملا نیازی، وی از شاعران ماوراءالنهر و بجز مولانا محمدشرفی نیازی و مولانا نیازی منالی بدخشی و نیازی بخارایی و نیازی سمرقندی و نیازی دیگر و پسر مولانا سیدعلی بوده است و در جوانی بهند رفته و غزل را خوب می سروده است.
- ۱۰۴۹- قاسم ارسلان مشهدی، وی بجز قاسم ارسلان بخارایی سابق الذکر و پسر ارسلان مشهدی و مصاحب درویش روغگری بوده و سفری به ماوراءالنهر رفته و اقسام مختلف شعر می گفته است.
- ۱۰۵۰- ملا قاسم بخارایی، در جوانی شاگرد سید بهاءالدین حسن نقاری بخارایی بوده و طبع سلیم داشت اما در کسب دانش ترقی نکرد و بکتابت پرداخت و خوشنویس شد و مردی خوش روی بود. پس از مرگ پدرش زر بسیار باورسید و همه را با عبدالعلی خوش نویس قمار کرد. غزل را بسیار خوب می گفت.
- ۱۰۵۱- مولانا عزمی بخارایی، وی بجز عزمی ماوراءالنهری سابق الذکر و مردی صالح و درویش مذهب بوده و او نیز غزل می سروده است.

۱۰۵۲- مهر میرزا، نواده میر کلان از مشایخ ماوراءالنهر بوده و بیشتر در سرمزار جدش در بخارا می زیسته و در آنجا بتلقین می پرداخته و مواظبت می کرده و بکار دنیا کمتر می پرداخته و وارسته بوده است و گاهی غزل می گفته است.

۱۰۵۳- خواجه محمد، پسر امین الدین ابوالخیر فضل الله بن روزبهان بن فضل الله خنجی اصفهانی شیرازی معروف بخواجه ملایا خواجه مولانای اصفهانی بوده که ذکرش گذشت. با پدرش بماوراءالنهر رفته و مرد بی قیدی بوده و پدر هرچه وی را بعبادت وادار می کرده پیروی نمی کرده است و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۰۵۴- مولانا یاری خراسانی، ظهراً وی بجز یاری هروری و یاری استرآبادی و یاری شیرازی سابق الذکر بوده و از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بشمار می رفته و اشعار بسیار سروده و دیوان خود را مرتب کرده و در غزل استاد بوده است.

۱۰۵۵- خواجه معین الدین، پسر خواجه خاوند محمود بن خواجگی خضر بن خواجه عبیدالله احرار بوده و بیشتر در بخارامی زیسته و سپس بهند رفته و مصاحب همایون شده و در بازگشت بماوراءالنهر بکاشغر رفته و پادشاهان آنجا وی را گرامی داشته اند و رشیدخان بوی بسیار مهربانی کرده و غزل را خوب می سروده است.

۱۰۵۶- مولانا قاسم کابلی، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و سفری بماوراءالنهر رفته و در موسیقی استاد بوده و غزل را خوب می گفته و کابلی تخلص می کرده است.

۱۰۵۷- مولانا منصور تبریزی، اصلاً از مردم ساوه بوده و در تبریز زیسته و بهمین جهت بتبریزی معروف بوده است. بهندوستان رفته و بیزام خان خانانان وی را گرامی داشته و مدتی در بداون زیسته و دیوان خود را ترتیب داده و بیشتر غزل می سروده و شاعر توانایی بوده است.

۱۰۵۸- مولانا سیفی سنّامی، نوشته اند که از مردم شام بوده اما چنین می نماید که شام تحریفی از سنّام در ماوراءالنهر بوده باشد. مردی دانشمند بوده و غزل را خوب می سروده است.

- ۱۰۵۹- مولانا نهانی ماوراءالنهری، روزگار را بشانه تراشی می گذرانده و مردی درویش مشرب و نیکواعتقاد بوده و غزل را خوب می گفته است.
- ۱۰۶۰- قدسی فرغانگی، از شاعران فرغانه و در غزل سرایی استاد بوده است.
- ۱۰۶۱- مولانا فروغی سمرقندی، از شاعران معروف زمان خود و از استادان غزل بوده است.
- ۱۰۶۲- مولانا بیخودی بلخی، وی نیز از غزل سرایان زبردست بشمار می رفته است.
- ۱۰۶۳- مولانا رونقی بدخشانی، او هم از غزل سرایان این دوره بوده است.
- ۱۰۶۴- قاضی سعید خزازی، از پیروان سلسله عشقیه از طرق تصوف ماوراءالنهر و مردی دانشمند بوده و بیشتر خاموش می مانده و غزل می سروده است.
- ۱۰۶۵- ملا نورالدین محمد عهدی، از شاعران ماوراءالنهر بوده و در قصیده و غزل استاد بوده است.
- ۱۰۶۶- ملا ظاهر قاضی، وی نیز از شاعران آن سرزمین و غزل سرا بوده است.
- ۱۰۶۷- مولانا پیرمحمد، نیز از غزل سرایان این دوره بوده است.
- ۱۰۶۸- مولانا شکری، بجز شکری هروی سابق الذکر و از غزل سرایان ماوراءالنهر بوده است.
- ۱۰۶۹- مولانا ناظری، وی نیز بجز ناظری بخارایی و ناظری مشهدی بوده و غزل می سروده است.
- ۱۰۷۰- خواجه حسن نقشبندی، از بازماندگان خواجه بهاءالدین نقشبند و مردی مذهب و وارسته بوده و با جاه و جلالی که داشته فروتن بوده است و سفری بکابل رفته و در آنجا بوی احترام بسیار کرده اند و بیشتر در بخارا می زیسته و غزل را خوب می گفته است.
- ۱۰۷۱- میرباقی کاشانی، از سادات کاشان ماوراءالنهر بوده و غزل می سروده است.

- ۱۰۷۳- محمد شریف صدر اندجانی، از دانشمندان متبحر زمان خود بوده و منصب صدارت داشته و از اعیان دربار شیبانیان بوده و اقسام مختلف شعر را خوب می گفته و قصیده مصنوع سلمان ساوجی را استقبال کرده است.
- ۱۰۷۳- مولانا هدایت گیلانی، صورت و سیرت خوش داشته و بیازر گانی روزگار می گذرانده و سفری بماوراءالنهر کرده و غزل را خوب می گفته است.
- ۱۰۷۴- میر بدخشانی، در اقسام مختلف شعر دست داشته است.
- ۱۰۷۵- مولانا یوسف ختایی (خطایی)، از دانشمندان معروف ماوراءالنهر و در غزل سرایی استاد بوده و یوسف تخلص می کرده است.
- ۱۰۷۶- مولانا بابای بلخی، در بلخ می زیسته و هم در آنجا مدفون شده و در غزل سرایی استاد بوده است.
- ۱۰۷۷- عبدالله حلوائی مشهدی، وی نیز غزل سرای بوده است.
- ۱۰۷۸- غزالی ماوراءالنهری، ظاهراً وی بجز غزالی بلخی و غزالی چنبک مشهدی و غزالی تبریزی و غزالی سمرقندی و غزالی مروزی بوده و غزل می سروده است.
- ۱۰۷۹- خواجه عبدالوهاب عارف، پسر سلیمان خواجه از مشاهیر مشایخ تصوف ماوراءالنهر بوده و از تربیت شدگان و خاقای پدرش بوده و وی مرید پدر خود خواجه یحیی مرید پدر خود هارون خواجه مرید پدر خود شیخ صدر خواجه مرید پدر خود زنگی انا و او مرید حکیم انا بوده است. زنگی انا پس از مرگ حکیم انا بخوارزم رفته و همسر حکیم انا را که عنبر انا نام داشته و دختر بغراخان از پادشاهان خانیه ماوراءالنهر بوده بزنی گرفته و بازماندگان این خانواده از نسل او بوده اند و بیشترشان در خوارزم زیسته اند و عنبر انا نیز از مرشدان این سلسله بوده و سید انا که خلیفه چهارم زنگی انا بوده از وی اجازه داشته است و خود مرید حکیم انا بوده است. سید انا پسر و مرید تاج خواجه بوده که وی مرید پدر خود عبدالملک خواجه و او مرید پدر خود منصور انا و او مرید پدر خود ارسلان بابا بوده است. طریقه ایشان با حمد یسوی می رسیده است. خواجه عبدالوهاب را پدرش در جوانی بخدمت امیر عبدالله برزش آبادی

هدایت کرده است . سپس در خدمت پدر ریاضت کشیده و از خلفای او شده و از مشایخ معروف زمان خود بوده و در ضمن از مریدان مولانا حسین خوارزمی بشمار می رفته و بتدریس مشغول بوده و در هشتادسالگی در سرزمین نسا در روستای سفرزان در گذشته و در آنجا وی را در کنار پدرش به خاک سپرده اند . وی شعر فارسی و ترکی را خوب می گفته و بفارسی بیشتر غزل سروده و عارف تخلص کرده است .

۱۰۸۰- شیخ علی خواجه شوقی ، فرزند مہتر خواجه عبدالوہاب سابق الذکر

و از مشایخ طریقت خاندان خود و از خلفای پدر بوده و از مریدان شیخ حاج محمد خبوشانی نیز بوده و در خانقاه وی ریاضت کشید و اجازت ارشاد از او داشته است . مردی مہذب و وارسته بود و نوشته اند خرقت رسول از مادرش که از بازماندگان میر جلال الدین کرمانی بود باو رسیده بود و پادشاهان نزد او زیارت آن می رفتند و معلوم نبود که از کدام پارچه دوخته شده است . افراد اولوس صابین خان مرید او بوده اند و او بیشتر در میان ایشان می زیسته است . در ۶۳ سالگی در اوغرجه در گذشته و نوشته اند که چون وی را بخاک سپرده اند و مردم پراکنده شده اند دوسوار سفیدجامه بر سر خاک او آمده و ذکر گفته اند و از قبر وی نیز ذکر شنیده اند و آن دوسوار سفیدپوش گفته اند که از نیاگان او هستند . وی غزل را خوب می گفته و شوقی تخلص می کرده است .

۱۰۸۱- پادشاه خواجه ، پسر خواجه عبدالوہاب عارف و برادر شیخ علی خواجه

شوقی سابق الذکر بوده و خود گفته است در کودکی رسول را بہ خواب دیده که دست خود را بر سینہ او سوده و گفته است می خواهی ترا از مشاہیر بکنم ؟ پس از چندی کپک میرزا که در اندیشہ تسخیر اولوس صابین خان بوده چون بیشتر مردم آن اولوس از مریدان وی و پدراش بوده اند و وی وسیلہ تسخیر خواهد بود منصب صدارت را باوداده و در ضمن منصب شیخ الاسلامی و جملة الملکی را باو واگذار کرده است . پس از چندی از منصب شیخ الاسلامی کناره گرفته و بعبادت پرداخته و مولانا خواجگی کاشانی و میرزاشاه نقشبندی از مریدان وی بوده اند و میرزاشاه که در سفر و حضر صاحب وی بوده گفته است که شبی در بیماری بیش از چهل بار وضو گرفته و پس از هر وضویی دو رکعت

نماز شکر گزارده است. وی در بیشتر از علوم مخصوصاً در فن شعر و انشاد مست داشته و نامه‌هایی که بخواند کار روم (سلاطین عثمانی) می‌نوشتند از انشای او بود و آن نامه‌ها را پادشاهان عثمانی در خزانه خود نگاه می‌داشتند و قصاید مصنوع را خوب می‌سروده و در مدح عادلشاه قصیده مصنوعی سروده است که بیشتر صنایع مشکل را مانند اظهار مضر و مقلوب مستوی و معما در آن آورده و بفارسی و ترکی انواع مختلف شعر و مخصوصاً غزل می‌سرود و دیوان فارسی و ترکی از او مانده و اشعار ترکی خود را برای ظهیرالدین بابر می‌فرستاده و در غزل خواجه تخلص می‌کره و مثنوی مقصد اطوارا در برابر مخزن الاسرار نظامی سروده است. در ۶۷۲ سالگی در گذشت و در جوار خواجه بهاءالدین نقشبندی را بخاک سپردند.

۱۰۸۳ - باباجان خواجه، پسر شیخ علی خواجه شوقی سابق الذکر و نسوه خواجه عبدالله عارف بود. مرد دانشمند و ارسته و مهدبی بود و وی نیز در میان مریدان خاندان خود در اولوس صابین خان می‌زیست و تا فتح هرات بدست پادشاهان از بک زنده بود و در پیری در گذشت و در جوار پدرش او را بخاک سپردند و بترکی و فارسی شعر می‌گفته است.

۱۰۸۳ - میرم خواجه، پسر دیکر شیخ علی خواجه شوقی سابق الذکر بود و وی نیز مردی صالح بشمار می‌رفت و بیشتر در مصاحبت پدر می‌زیست و پادشاهان زمانه وی را بزرگ می‌داشتند. مادرش از بازماندگان سید عثمان خواجه سید اتایی از مشایخ بزرگ آن سرزمین بوده که فرزندان خود را بفرج‌دوان فرستاده بود و وی در جوار خال خود سید ولایت خواجه مدفون شده و اقسام مختلف شعر می‌سروده است.

۱۰۸۴ - عبدالسلام خواجه، پسر پادشاه خواجه سابق الذکر و مردی دانشمند و ملازم پادشاهان بوده و منصب شیخ الاسلامی داشته و بیشتر در دستگاه رستم خان بوده و اقسام مختلف شعر می‌سروده است.

۱۰۸۵ - ولی الله خواجه، پسر میرم خواجه سابق الذکر و مردی سپاهی و در شجاعت و جلالت معروف بود و است. هنگامی که بایکی از امیرزادگان بازی می‌کرد

کاری بخطاباورسیده و از آن کشته شده و خویشاوندانش آن امیرزاده را با انتقام کشته اند. وی غزل را خوب می گفته است.

۱۰۸۶ - شاه محمد خواجه، پسر پادشاه خواجه سابق الذکر بوده و از کودکی

بکسب دانش پرداخته و دانشمندی کامل و مردی مهذب شده و تا سال ۹۷۴ زنده بوده و غزل را نیکو می سروده است.

۱۰۸۷ - انیسی قندهاری، واقعه نویس دربار ظهیرالدین بابر بوده و در ۹۷۳

در گذشته و غزل را استادانه می گفته است.

۱۰۸۸ - میر سید جابر بردی، از نقاشان معروف دربار همایون بود و نادرالملک

لقب داشت و در زمان جلال الدین محمد اکبر بجمع رفت و غزل را خوب می گفت.

۱۰۸۹ - میرزا قوام الدین محمد جعفر بیک مروستی آصف خان، از

دانشمندان نامی زمان خود بوده و در زمان جهانگیر مامور دکن شد و در زمان جلال الدین محمد اکبر برتبه وزارت رسید و در ۹۹۶ که ملا احمد بن نصر الله دیبلی تموی که مأمور تألیف تاریخ الفی بود کشته شد اکبر وی را مأمور کرد که دنباله کار را بگیرد. وی از نویسندگان و شاعران زبردست زمان خود بوده و آصف خان لقب داشته و غزل را خوب می سروده است.

۱۰۹۰ - آتون هروی، همسر ملا بقایی و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن

دهم بوده در موسیقی دست داشته و بهند رفت و دربار همایون بوده است. بیشتر با شوهر خود مشاعره داشته و رباعیانی در جواب یک دیگر سروده اند.

۱۰۹۱ - عزیزالدین سامی قزوینی، از خانواده جلیله قزوین و از غزل سرایان

خوب این دوره بوده و در ۹۵۶ در گذشته است.

۱۰۹۳ - میر سید علاء الدین علاء اودی، از مردم خراسان بود و بهند رفت و در

سرزمین اوده ساکن شد و بهمین جهت بعلاء الدین اودی معروف شد. از مشایخ معروف زمان خود بود و در موسیقی دست داشت و بیشتر مناجات می کرد و همیشه گرز آهنین با خود می داشت و خوارق عادات بار نسبت داده اند. در نود سالگی شبی دزدان بخانه اش تاختند و وی با همان گرز آهنین دفاع می کرد و تکبیر می گفت تا آنکه بتیرگی از

دزدان در ۹۹۸ کشته شد. وی غزل را نیکو می سروده و ترجیع بند معروفی گفته و علاوه  
تخلص می کرده است.

۱۰۹۳ - قاسم خان غباری اردستانی، ظاهراً وی بجز قاسم علی خان غباری  
اگرهی بوده و چنان می نماید که از ایران بهند رفته و از شاعران دربار جلال الدین  
محمد اکبر بوده و غزل می سروده است.

۱۰۹۴ - قاسم قاسمی اردستانی، از سادات اردستان بوده و در اصفهان می زیسته  
و صوفی مشرب و گوشه نشین و دانشمند بوده و در ۹۸۶ یا ۹۸۹ در گذشته است. وی از شاعران  
زبردست زمان خور بوده و غزل و مثنوی را نیکو می سروده و دیوان غزلیات و مثنوی ایس  
العارفین از او باقی مانده و گاهی قاسم و گاهی قاسمی تخلص می کرده است.

۱۰۹۵ - ملا مراد قزوینی، اقسام مختلف شعر و بیشتر هجا سروده و در ۹۴۳  
در گذشته است.

۱۰۹۶ - خواجه هدایت الله رازی ظهرانی، مشرف اصطبل شاه عباس بوده  
است. نوشته اند روزی شاه باو دستور می دهد که قطعه ای بی معنی بر وزن اسکندرنامه  
نظامی بسراید، وی می گوید يك قطعه چه معنی دارد و می تواند خمسه ای بی معنی بسازد  
که در برابر هر بیت آن که بی معنی باشد يك سکه عباسی باو بدهند و در برابر هریتی  
که معنی داشته باشد يك دندان وی را بکنند و در سرش بکوبند. وی در اندک مدتی  
آن خمسه بی معنی را سروده و چون آنرا خوانده اندسه بیت آن معنی داشته و سه  
دندانش را کنده و در سرش فرو برده اند و در برابر هر شعر بی معنی يك عباسی باو جایزه  
داده اند.

۱۰۹۷ - آقایی یزدی، اقسام مختلف شعر و بیشتر غزل و قصیده و هزل می سروده  
و مداح میر میران یزدی بوده و دیوانش نزدیک چهار هزار بیت می شده است.

۱۰۹۸ - مولانا آهی جغتایی هروی، از امرای اولوس جغتای در پایان قرن  
نهم و آغاز قرن دهم و مصاحب شاه غریب میرزا پسر سلطان حسین بایقرا بوده و در ۹۲۷  
یا ۹۳۸ در گذشته و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفته است.



- ۱۰۹۹- حرفی اصفهانی ، خواهر زاده نیکو شاعر - مدنی در مشهد زیسته و سفری بقزوین رفته و هفت بند معروف ملاحسن کاشانی را در آنجا جواب گفته و شاه طهماسب صله گرانى بوى داده و سفرى نیز بگیلان کرده و در آنجا درباره مذهب زیدیه بدگویی کرده و زبانش را بریده اند و سرانجام در مشهد در ۹۷۱ در گذشته است . وی مردی دانشمند و هنرمند و در عروض و قافیه استاد بوده و نیز منشی زبردست و خوشنویس بوده و غزل را خوب می سروده است .
- ۱۱۰۰- ملا تقی الدین محمد حزنی اصفهانی ، مردی دانشمند بسوده و در هرات می زیسته و از آنجا بدربار جلال الدین محمد اکبر رفته و در راه در لاهور در ۹۷۷ در گذشته و غزل را نیکو می گفته است .
- ۱۱۰۱- خلاصی کاشانی ، از معاصران و صاحبان محتشم و غزل سرا بسوده و دیوانی نزدیک هزار بیت داشته است .
- ۱۱۰۲- زلالی خوارزمی ، ظاهراً وی بجز زلالی هروی بوده و تا ۹۲۸ در هرات می زیسته و مرد دانشمند و غزل سرا بوده است .
- ۱۱۰۳- نصیر الدین ساقی قزوینی ، نوشته اند از غزل سرا یان خوب این دوره بشمار می رفته و در ۹۵۰ در گذشته است ولی اشتباه کرده اند و همان عزیز الدین سامی مذکور در شماره ۱۹۰۱ است .
- ۱۱۰۴- سنجر میرزا بن نعمة الله ، پسر شاه نعمت الله یزدی نواده شاه نعمت الله ولی و مادرش خانم بیگم دختر شاه طهماسب بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۰۵- سمرقندی ، نام وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و نوشته اند زنی بوده است از سمرقند و چنان می نماید که در قرن دهم می زیسته و غزل را نیکو می سروده است .
- ۱۱۰۶- فاضل بیک سپاهی ، از شاعران هندوستان بوده و با سفیر هند بایران آمده و با صائب تبریزی معاشر بوده و در ۹۷۷ در گذشته و غزل می سروده است .
- ۱۱۰۷- میر عبد الواحد حسینی واسطی شاهی بلگرامی ، ظاهراً وی بجز شیخ عبد الواحد بلگرامی سابق الذکر است . از مشایخ تصوف زمان خود بوده و در

۱۰۱۷ در گذشته و غزل را بسیار خوب می گفته است .

۱۱۰۸- شاهي کالبي، از سادات کالبي در هند و از متصوفه مریدان شيخ سليم چشتي بوده و چندی در دربار جلال الدین محمد اکبر بوده است و پس از آن بدستگاه قليج خان ناظم کابل رفته و غزل می سروده است .

۱۱۰۹- شريف خواجگي شیرازی، از شاعران زبر دست دربار جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل می سروده است .

۱۱۱۰- امير محمد صالح جغتایی کابلي، از شاعران پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم و از احفاد شاه ملک از امرای دربار تیمور بوده و در جوانی معاصر با جامی بوده است و در بخارا در ۹۴۱ در گذشته و غزل را نیکو می گفته است .

۱۱۱۱- صابر اصفهانی، از خویشاوندان میرزا سایمان جابری وزیر شاه محمد خدا بنده بوده و غزل می سروده است .

۱۱۱۲- شيخ نظام ضمیری بلگرامی، در کودکی پدرش در گذشته و عمش شيخ سلیمان وی را تربیت کرده و از بلگرام بدربار جلال الدین محمد اکبر رفته و امرای دربار وی را گرامی می داشته اند و سرانجام منزوی شد و در روستای سفیدون از نواح دهلی در ۱۰۰۳ در گذشت . وی مرد دانشمندی بوده و غزل را خوب می گفته و دیوان خود را تربیت داده است .

۱۱۱۳، طوسی خراسانی، از غزل سرایان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و تا زمان ظهیر الدین بابر می زیسته و غزل را خوب می گفته و دیوان غزلیات او دو بار بخطا بنام خواججه نصیر الدین طوسی چاپ شده است .

۱۱۱۴- شمس الدین محمد علمی لاری، برادر صدر الدین محمد کلامی و ملقب با فضل خان بوده است . نخست قاضی طرشت ری بوده و سپس بزیارت حرمین رفته و از آنجا رهسپار هندوستان شده و بسرزمین بهکر رفته و چندی در دکن زیسته و در ۹۷۵ در گذشته و غزل می سروده است . ظاهراً چون قاضی طرشت بوده می بایست از مردم لار حوالی طهران بوده باشد .

۱۱۱۵ - صدرالدین محمد کلامی لاری دکنی ، برادر شمس الدین محمد علمی سابق الذکر بوده و وی نیز افضل خان لقب داشته و چون وی نیز درد کن می زیسته بد کنی معروف شده است و چنان می نماید که دو برادر یا هم بد کن رفته و در آنجا ساکن شده اند . نامش را برخی بخطا کالائی ضبط کرده اند و نیز کالاهی نوشته اند و متأسفانه در صحیفه ۵۵۱ این اشتباه منعکس شده است . وی در تفسیر و کلام دست داشته و در دهلی نزد جلال الدین محمد اکبر رفته و او بوی افضل خان لقب داده و با مخدوم الملك ملا عبدالله سلطان پوری مناظره کرده و باز بد کن برگشته و در آنجا در ۹۷۷ در گذشته است و این تاریخ را اشتباهاً برخی تاریخ مرگ برادرش دانسته اند . وی نیز غزل سرا بوده است .

۱۱۱۶ - عبدالغنی همدانی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به تجارت بهند رفته و چندی از ملازمان او بوده و غزل می سروده است .

۱۱۱۷ - خواجه محمد رحیم عهیدی بدایونی ، از معاصران عبدالقما در بدایونی بوده و در دهلی در ملازمت حکیم عین الملك روزگاری گذرانده و در سهرند منصب فوجداری یافته و بکابل نیز رفته و غزل را خوب می سروده است .

۱۱۱۸ - فطرتی کشمیری ، از شاعران قصیده سرای در بار جلال الدین محمد اکبر بوده و یک بار اکبر برای دوبیت از قصیده ای که در ستایش وی سروده بود دوازده هزار روپیه باوصله داد .

۱۱۱۹ - ملک سعید کامل خلخالی ، از متصوفه زمان خود و مردی وارسته و مذهب بوده و صالحان دراز در شیراز می زیسته و در ۱۰۱۶ در آنجا در گذشته و غزل و رباعی عارفانه را خوب می سروده است .

۱۱۲۰ - گلشنی کاشانی ، از سادات کاشان بوده و در جوانی بهند رفته و در آنجا ثروت مند شده و در ۹۷۲ در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۱۲۱ - سلطان محمود شاه بهمنی ، پسر ابوالنصر سلطان محمد دوم و وی پسر سلطان نظام شاه چهاردهمین پادشاه سلسله بهمنی کلبر که در دکن بود . در ماه صفر

۸۸۷ بجای پدر درس ۱۲ سالگی بتخت نشست و در نتیجه کاردانی نظام الملك بحری و قوام الملك و ملك قاسم که از ارکان دربار پدرش بودند پادشاهی او قوام گرفت. غلامان هندو و ترك را بر کارها مسلط کرد و فتنه‌هایی در کشورش روی داد و امرای دربارش بایک دیگر در افتادند و سرانجام پس از ۳۷ سال پادشاهی در ۴ ذیحجه ۹۲۳ در گذشت. وی پادشاه دانشمندی بود و در طریقه شیعه تعصب داشت و شعر فارسی می گفت و قرآن را خوب خواند و خط را خوب می نوشت .

۱۱۲۲- عبدالؤمن مؤمن هروی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هرات و بر سر مزار جامی مجاور بوده و غزل می سروده است .

۱۱۲۳- نوعی اصفهانی ، اتو کش بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته و غزل را خوب می سروده و دیوان خود را ترتیب داده است .

۱۱۲۴- بابانصیبی گیلانی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده ، در جوانی بتبریز رفته و فغانی شیرازی اشعار وی را پسندیده و او را بدبار سلطان یعقوب برده و در ۹۴۴ در گذشته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

۱۱۲۵- ملا کلوج وحید ، نام وی را بهمین شکل ضبط کرده اند و گفته اند از شاعران زمان شاه اسمعیل بوده و غزل می سروده و دیوانش شامل هفت هزار بیت بوده است .

۱۱۲۶- سلطان اسمعیل عادلشاه وفایی ، دومین پادشاه از سلسله عادلشاهی بجا پور ، پسر سلطان یوسف عادلشاه کنی ، در ۹۱۶ پس از پدر بسلطنت نشست و پادشاهی شجاع و کریم و عادل و دانش دوست بود و با دانشمندان و هنرمندان نیکی بسیار می کرد . در کودکی بیادشاهی رسید و پادشاه کاردان توانایی بود و در بیشتر هنرها مانند تیزگری و نقاشی و خاتم بندی استاد بود و در موسیقی و شاعری نیز دست داشت و در ۱۶ صفر ۹۴۱ در گذشت و غزل را خوب می گفت و وفایی تلخیص می کرد .

۱۱۲۷- امیر شمس الدین محمد هاشمی اصفهانی ، از سادات بود و نخست حرفه کوفتگری داشت ، از ایران بدکن رفته و دربار عادلشاه ترقی کرد و لقب صدر جهان باو دادند و غزل را خوب می سروده است .

- ۱۱۳۸- امیرنظام الدین هاشمی کاشانی؛ از شاعران معروف دوره شاه طهماسب بوده و چندی در اصفهان زیسته و با کلامی و سلامی مشاعره و مناظره داشته و در ۹۹۱ بدربار شاه محمد خدابنده رفته و ملک الشغرای دربار او شده و سرانجام در نواحی سمنان در گذشته و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۳۹- آیتی اصفهانی؛ مکتب دار بوده و غزل می سروده است .
- ۱۱۴۰- غضنفر کابلی ، ظاهرآ از شاعران قرن دهم بوده و رباعیات از او مانده است .
- ۱۱۴۱- میرغیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحی بکری؛ پدر کمال الدین اسمعیل وجد میرابوالمفاخر شاه محمد حسبی بکری سابق الذکر بوده و نسبت او را بخطا فکری ضبط کرده اند . وی پس از مرگ پدر که از مکه بعراق عجم و زنجان رفته بود از زنجان به هند رفت و در آنجا ساکن شد . نسبش از یک سو بابوبکر و از سوی دیگر با امام جعفر صادق می رسیده و بهمین جهت نسبت او بکری بوده است و از دانشمندان زمان خود بشمار می رفته و غزل را نیکو می سروده است .
- ۱۱۴۲- ماهری کشمیری ، تخلص وی را ماهر هم نوشته اند و از شاعران دوره جلال الدین محمد اکبر و غزل سرا بوده است .
- ۱۱۴۳- ملا مذاقی اصفهانی؛ از شاعران معاصر شاه عباس بوده و کرباس فروشی می کرده و در موسیقی دست داشته و رندانه زندگی می کرده و از پهلوانان بشمار می رفته و در ۹۸۷ در گذشته و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۴۴- ابن علی مروی؛ نام وی را چنین ضبط کرده اند و از ملا زمان جلال الدین محمد اکبر و غزل سرا بوده است .
- ۱۱۴۵- ملا محمد امین مستغنی کشمیری؛ پسر ملا علی صیرفی کشمیری، در لاهور ولادت یافت و بیشتر در دکن می زیست و غزل را خوب می گفت .
- ۱۱۴۶- موالی لاری ، از دانشمندان فارس و از شاگردان علامه جلال الدین دوانی بود . نسبتش را برخی بخطا لاهوری نوشته اند . از خوشنویسان زمان خود بود و سفری به هندوستان رفت و در شعر استاد بود و همه دیوان حافظ را از بر داشت و مورد

سرودن هر غزلی را می دانست و خود نیز غزل نیکومی سرود .

۱۱۳۷- خواجه شاه سیدناصرالدین ترمذی ، معروف بنام ترمذی پسر خواجه قطب الدین سرخسی واصل وی از سادات ترمذ بوده و در جوانی در زمان جلال الدین محمداکبر بهند رفته و در دستگاه خان زمان سیستانی صاحب طب و علم شده و هنگام طغیان وی با او کشته شده و پیرو طریقه شیعه بوده و بفارسی شعر می گفته است .

۱۱۳۸- مولانا احمد کمانچه ، معروف بامیر قاضی برادر قاضی بیک والی دکن بوده و هر دو برادر از ایران بهند رفته اند . وی در موسیقی استاد بوده و کمانچه را بسیار خوب می زده و بهمین جهت با احمد کمانچه معروف شده بود . نخست درد کن می زیست و از آنجا بدربار جلال الدین محمداکبر رفت و پس از چندی بدکن باز گشت . چون برادرش با او ناسازگار بود بایران برگشت و ملازم شاه عباس شد و در ۹۷۲ در گذشت . ازو رباعیات خوب مانده است .

۱۱۳۹- ادایی سمرقندی ، از شاعران ماوراءالنهر بوده که بهند رفته و در آنجا در ۱۰۰۴ در گذشته و در غزل سرایی استاد بوده است .

۱۱۴۰- حاجی اسمعیل قزوینی ، از شاعران معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .

۱۱۴۱- محمد قاسم اسیری ، از درباریان جلال الدین محمداکبر و مورد توجه عبدالرحیم خان خانان بوده و در ۱۰۱۰ در گذشته و او نیز غزل سرای بوده است .

۱۱۴۲- اعظم علی خان اعظم ، پسر حسن خان شاملو که از امرای بزرگ دربار شاه طهماسب و وی نیز از بزرگان آن دربار بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۱۴۳- بیغمی نطنزی ، از سادات و از ملازمان حمزه میرزا صفوی بوده و نسبت او را بخطا نظیری ضبط کرده اند . در ۹۹۴ در جنگ با ترکان عثمانی کشته شده و غزل می سروده است .

۱۱۴۴- آدینه قلی بیک تابعی ، از شاعران معاصر و مردی امی بوده اما غزل را خوب می گفته و در ۱۰۱۸ در گذشته است .

- ۱۱۴۵- جلالی ، ظاهراً از شاعران مقیم هندوستان و معاصر با همایون پادشاه بوده و غزل می سروده است .
- ۱۱۴۶- محمدشریف جیم مشهدی، در هندوستان در دستگاہ میرزا جعفر آصف خان اکبری ترقی بسیار کرده و در زمان شاه جهان رتبه امارت یافته و در جنگ جہام در رکاب وی کشته شده و غزل سرا بوده است .
- ۱۱۴۷- حامدی قمی ، از شاعران غزل سرای زمان شاه طهماسب بوده است .
- ۱۱۴۸- حسرتی کاشانی ، از شاگردان محتشم بوده و قصیده و غزل می سروده
- ۱۱۴۹- قاضی حسن قزوینی ، از شاعران مقیم هند و در زمان جلال الدین محمد اکبر صوبہ دار گجرات بوده و غزل می گفته است .
- ۱۱۵۰- حسینی کاشانی ، از سادات کاشان و خواهرزادہ میرحیدر معمایمی بوده و غزل و رباعی می سروده است .
- ۱۱۵۱- مولوی حمیداللہ حمید اردبیلی ، تا سال ۱۰۰۰ چندی در شیراز زیسته و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۵۲- قاسم بیک حیاتی قزلباش ، نوشته اند در عصر شاه طهماسب می زیسته و غزل می سروده و احتمال می رود کہ مراد قاسم بیک حالتی تر کمان سابق الذکر باشد کہ نام وی را بدین گونه تحریف کرده باشند .
- ۱۱۵۳- حیدر تونیایی ، از شاعران و موسیقی دانان هند بوده و در سیوی در سرزمین سند در دامن کوهی در محرم ۹۶۶ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است .
- ۱۱۵۴- میرزا خاکسی شیرازی ، از شاعران زمان شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .
- ۱۱۵۵- خصالی کاشانی ، از شاگردان محتشم و غزل سرا بوده است .
- ۱۱۵۶- خواجوزادہ کابلی ، نام وی را برخی بہمین شکل نوشته و گفته اند

که از شعرای زمان همایون و جلال‌الدین محمد اکبر بوده و غزل می‌سروده و احتمال می‌رود همان خواجه رحمی خواجه زاده کابلی سابق الذکر بوده باشد.

۱۱۵۷- داعی سرخسی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم خراسان

بوده که تا زمان شاه اسمعیل نیز زیسته و غزل می‌سروده است .

۱۱۵۸- شیخ ذوالنون خیارجی ، از مردم خیارج از توابع قزوین و برادرزاده

مولانا ادهم منشی و در طب از شاگردان مولانا علاء‌الدین احمد بوده و پزشک حاذقی

بشمار می‌رفته و در سال از ملازمان سام میرزا بوده و سه رساله یکی در حفظ صحت و دیگری

در بحران و سومی در معما بنام وی نوشته و در فتنه طوایف تکلو ناپیدا شده و کسی خبر

از وی نیافته و در اقسام شعر استاد بوده است .

۱۱۵۹- رازی اصفهانی ، برادر کبوتر محمد شریف هجری بوده و در زمان

شاه طهماسب وزیر اصفهان شده و غزل می‌سروده است .

۱۱۶۰- ثانی خان ، از امرای دربار همایون و اکبر در هند بوده و غزل را خوب

می‌گفته است .

۱۱۶۱- میر محمد خان غزنوی ، از امرای دربار اکبر بوده و غزل می‌سروده

و شعر خود بسیار معتقد بوده و دیوان بزرگی ترتیب داده و ظاهراً غزنوی تخلص

می‌کرده است .

۱۱۶۲- رشیدی ، از شاعران زمان شاه طهماسب بوده و جزین از احوالش اطلاعی

نیست و غزل می‌سروده است .

۱۱۶۳- رفیقی آملی ، مردی دانشمند و در معما و تاریخ استاد بوده و غزل نیز

می‌سروده است. بزیارت حرمین و از آنجا بسرزمین دکن رفته و پس از چندی در اکبر آباد

ملازم جلال‌الدین محمد اکبر شده است .

۱۱۶۴- رکن‌الدین رازی ، ظاهراً از غزل‌سرایان قرن دهم بوده و از احوالش

اطلاعی نیست

۱۱۶۵- محمد قاسم ناری مشهدی ، از دانشمندان زمان بشمار می‌رفته و در سیر



و تاریخ دست داشته و غزل را خوب می سروده و در ۹۷۹ در میدان اصفهان بدست دزدان کشته شده است .

۱۱۶۶- زجری ، از احوالش اطلاعی نیست ، همین قدر نوشته اند معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .

۱۱۶۷- سلطانعلی بن محمد مشهدی ، یکی از معروفترین خوشنویسان پایان و شاگرد حافظ حاجی محمد قرن نهم و آغاز قرن دهم کاتب بوده و در هرات می زیسته و بسیاری از خوشنویسان معروف از آن جمله میرعلی حسینی هروی شاگرد وی بوده اند و سرانجام در مشهد در دهم ربیع الاول ۹۲۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و در غزلسرایبی نیز دست داشته و منظومه ای در خط سروده است .

۱۱۶۸- سمایی کجبال ، از احوالش جزین اطلاعی نیست که در ۱۰۰۱ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۱۶۹- سیرایی اکبر آبادی ، از غزلسرایان هند در زمان جلال الدین محمد اکبر بوده است .

۱۱۷۰- سیری ظهرانی ، از احوالش اطلاعی نیست ، همین قدر نوشته اند از خویشان ملا محمد قمی و معاصر با شاه طهماسب بوده و غزل می گفته است .

۱۱۷۱- قاضی محمد شریف شریف ، پسر عبدالصمد خان مصور از نقاشان معروف هند و خود نیز خوشنویس و نقاش زبردست بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر می زیسته و نوشته اند که در هر طرف يك دانه خشخاش يك صورت می ساخته و يك دانه خشخاش را هفت سوراخ می کرده و از هر سوراخ هفت رشته باریک می گذرانیده و بر يك دانه برنج يك سوار مسلح را با سلاح و جلودارش چنان می ساخته که همه بخوبی محسوس بوده و شاعر زبردستی نیز بوده و از وی رباعیات مانده و ظاهراً شریف تخلص می کرده است .

۱۱۷۲- شعوری کاشانی ، از شاگردان محتشم و در تاریخ و غزل استاد بوده و نزدیک شش هزار شعر داشته است .

۱۱۷۳- شوقی یزدی ، ظاهراً وی بجز شوقی یزدی سابق الذکر و از بازماندگان

خواجه رشید وزیر بوده و بیشتر درهرات می‌زیسته و در ۹۶۳ در آن شهر در گذشته و در مزار عبدالله انصاری مدفون شده و ازو رباعیات مانده است .

۱۱۷۴- شوقی تهریزی ، ازشاعران دستگامه سام میرزا صفوی بوده و پس از گرفتاری آن شاهزاده از بیم شاه طهماسب به هندوستان گریخته و در دربار همایون راه یافته و از آنجا بکابل رفته و در اوایل قرن دهم در آنجا در گذشته و رباعی ازو مانده است .

۱۱۷۵- شوقی دارابجردی ، وی نیز از شاعران قرن دهم بوده و غزل می‌سروده است .

۱۱۷۶- محمد صادق خان صادق ، از امیران دربار جلال‌الدین محمد اکبر و غزل‌سرا بوده و صادق تخلص می‌کرده است .

۱۱۷۷- مولانا محمد صادق سمرقندی ، چنان می‌نماید که وی بجز مولانا صادق سمرقندی سابق‌الذکر و از بازماندگان شمس‌الائمه حلواوی و از شاگردان مولانا احمد جندی و دانشمند بوده و مرد مهذبی بشمار می‌رفته است و سفری به حج رفت و در بازگشت در هندوستان ماند و مورد توجه پیرام خان خانان شد و در لاهور بتدریس پرداخت و بار دیگر به حج رفت و در بازگشت مأمور تعلیم خان اعظم میرزا عزیز کو که شد و سپس از هند بکابل رفت و تعلیم میرزا محمد حکیم را به عهده گرفت و در آنجا کارش بالا گرفت و در پایان زندگی بسمرقند بازگشت و غزل را خوب می‌گفت و صادق تخلص می‌کرد .

۱۱۷۸- صانعی ، از احوالش جزین اطلاعی نیست که در صنایع شعری دست داشته و معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می‌سروده است .

۱۱۷۹- صبوحی جغتایی ، از شاعران مقیم هندوستان بوده و سفری به حج کرده و می‌خواهره نیز بوده و در ۹۷۳ در گذشته و غزل را خوب می‌سروده است .

۱۱۸۰- مولانا سلطان محمد صدقی استرآبادی ، ساکن کاشان و در شعر استاد محترم بوده و از دانشمندان بشمار می‌رفته و در ۹۵۲ در گذشته و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است ، نام وی را بخطایندوی هم ضبط کرده‌اند که پیدا است درست نیست .

- ۱۱۸۱- شیخ محمدصغی شیرازی ، مردی دانشمند بوده و در عام حساب و سیاق دست داشته و بد کن رفته و در آنجا در ۹۷۴ در گذشته و رباعی از او مانده است .
- ۱۱۸۲- تقی ضمیر حلوانی ، از شاعران ایران بوده و میرصدیدی با او مطایبه داشته و سقری بهند رفته و با نروت بسیار بازگشته و غزل می سروده است .
- ۱۱۸۳- محمدبیک ظریفی فارسی ، از شاعران فارس و معاصر با شاه طهماسب بوده و در زمان جلال الدین اکبر بهند رفته و غزل می ساخته است .
- ۱۱۸۴- عابد اصفهانی ، از احوالش جزین چیزی معلوم نیست که معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .
- ۱۱۸۵- عارف اصفهانی ، وی نیز از غزل سرایان قرن دهم بوده و در اصفهان بیماری فلج در گذشته است .
- ۱۱۸۶- عارف شیرازی ، پسر دایی عرفی شیرازی بوده و جامه درویشان می پوشیده و در اصفهان بقناعت زندگی می کرده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۸۷- ابوالخیر عاشق سمرقندی ، مردی دانشمند و در نزد پادشاهان محترم بوده و در ۹۵۷ در گذشته و رباعی از او مانده است .
- ۱۱۸۸- عرفی که مانگر تبریزی ، در کهانگری و شاعری استاد بوده و ۱۳۰ قصیده در مدح شاه طهماسب سروده و مثنوی گوی و چوگان ساخته است .
- ۱۱۸۹- عزیزی مشهدی کاشانی ، از سادات مشهد بوده و ظاهراً در کاشان می زیسته و رباعی از او مانده است .
- ۱۱۹۰- میر عزیز عزیزی قزوینی ، از سادات قزوین و از مختصان قاضی شرف جهان بود و در شعر از شاگردان درویش دهکی بوده و در ۹۶۹ در گذشته و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۹۱- جعفر علی بابا ، نام وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و نوشته اند آموزگار کودکان بوده و در ۱۰۰۲ یا ۱۰۲۰ در گذشته و رباعیات از او مانده است .
- ۱۱۹۲- علی ، نام وی را نیز بهمین گونه ضبط کرده اند و نوشته اند از مردم ایران

ومعاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .

۱۱۹۳- میرزا علی بدخشی ، از مردم بدخشان بوده و در هند از منشیان دربار جلال

الدین محمد اکبر و بیشتر مداح شاهزاده سلیم بوده و قصیده و رباعی می گفته است .

۱۱۹۴- عهدی تورانی ، نوشته اند از مردم توران بوده و در کوب آباد بجهان

آمده و از ملزمان سلطان ابراهیم میرزا جاهی صفوی بوده و در مدح ائمه اثنی عشره قصاید غراسروده و غزل نیز می گفته است .

۱۱۹۵- غریبی خراسانی ، در زمان همایون به هندوستان رفته و از ملازمان او

شده و غزل را خوب می سروده است .

۱۱۹۶- غیاث الدین محمد کججی ، برادر امیر بیک مهر دار و از محاسبان دربار

شاه طهماسب و از غزل سرایان بوده است .

۱۱۹۷- وردی جان بیک غیوری کابلی ، پسر علی قلی بیک ذوالقدر و از اعیان

دربار همایون بود و مردی سخنی و شجاع و با ذوق بود و خط غبار را خوب می نوشت . نخست در کابل در دستگاہ محمد حکیم میرزا پسر همایون بود و سپس به هندوستان بدربار جلال الدین محمد اکبر رفت و منصب قورباشی یافت و در یکی از جنگها کشته شد و غزل می سرود .

۱۱۹۸- شیخ ابوالوجد فارسی هروی ، پسر شیخ وجیه الدین از مشایخ هرات

و عم زین الدین خوافی بود و باوی از هرات آهنگ هندوستان کرد و در کابل بدربار همایون راه یافت و چون همایون از شاه محمدخان خسر خود رنجش داشت و وی اشعاری در هجو او سروده بود همایون را خوش آمد و صلته و افری باو داد و بیرام خان خانان نیز وی را گرامی می داشت و در ۹۴۰ هجری در گذشت و وی اقسام شعر را خوب می گفته است .

۱۱۹۹- خواجه احمد فانی شیرازی دهدار ، مغروف باحمد دهدار از

مشاهیر دانشمندان صوفی مشرب زمان خود بود و در معقول و منقول دست داشت و از شاگردان شاه فتح الله شیرازی بود . به هندوستان رفت و در دربار علی عمادشاه کارش بالا گرفت و آن پادشاه را وادار کرد که شاه فتح الله را بدربار خود بخواند و وی زربسیار

فرستاد و او را دعوت کرد . پس از فوت علی عادلشاه شاه فتح الله بدر بار جلال الدین محمد اکبر رفت و خواجه احمد با حمد نگر رفت و در دربار رهان نظامشاه اعتبار بسیار یافت و نظر سلطنت او شد و از مریدان شیخ حسن نجفی شد که در آنجا بود و در زمرة شاگردان وی در تصوف بدرجه کمال رسید و در سلطنت نیرة نظامشاه حکومت صوبه برار را باو دادند و پس از مرگ او مجرد و منزوی شد و بسورت رفت و در ۶۹ سالگی در سال ۱۰۱۰ در گذشت . وی مؤلفات فراوان دارد از آن جمله شرح گلشن راز و حواشی بر تفحیات الانس و حواشی بر فصل الخطاب و شرح خطبة البیان و دیوان اشعار و غزل و رباعی را خوب می سروده است . ظاهراً ابو محمد محمود دهدار که از دانشمندان قرن دهم و یازدهم بشمار می رود از همین خانواده بوده است .

۱۴۰۰- فرج الله ، از جزئیات احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در قرن دهم می زیسته و غزل می سروده است .

۱۴۰۱- آقا شاه بیگی فناپی ، از دبیران دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .

۱۴۰۲- ملا علی اصغر فناپی مشهدی ، در زمان جلال الدین اکبر به بند رفته و مدتی در آنجا زیسته و بایران باز گشته و غزل و رباعی می سروده است .

۱۴۰۳- شاه قاسم فرهی قزوینی ، پسر عزیزالدین سامی سابق الذکر و از طایفه جبلیه قزوین بوده دور ۹۹۹ در گذشته و اقسام شعر می سروده است .

۱۴۰۴- فیضی تربتی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به بند رفته و در بیشتر از شهرهای آن دیار سفر کرده و قصاید بسیار در مدح اکبر سروده و صلوات فراوان گرفته و اقسام مختلف شعر می گفته است .

۱۴۰۵- میر محمد قاسم قاسم رازی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به بند رفته و آصف خان وزیر وی را بملازمت خود برگزیده و پس از چندی بایران باز گشته و غزل می سروده است .

۱۴۰۶- قاسمی خوافی ، از شاعران معاصر ولی دشت بیاضی و معارض او بوده ، نخست در هرات می زیسته و از آنجا بیستمان رفته و در فرامه در گذشته و از رباعی مانده است .

- ۱۴۰۷- قتیلی بخارایی ، از مشاهیر شاعران بخارا در زمان خود بوده و در دستگاه عبدالعزیزخان تقرب داشته و غزل می سروده است .
- ۱۴۰۸- میر قوام الدین قوامی اصفهانی ، از سادات اصفهان بود و در دربار شاه طهماسب منصب صدارت داشت و پس از ۹۵۰ در گذشت و غزل را خوب می گفت .
- ۱۴۰۹- میر قوام الدین قوامی شیرازی ، نیز از غزل سرایان زبردست این دوره بشمار می رفته است .
- ۱۴۱۰- کاتبی یزدی ، در ۹۳۰ ولادت یافته و پس از چنددی بهند رفته و در لاهور در ۷۰ سالگی در سال ۱۰۰۰ در گذشته و غزل می سروده و کاتب و کاتبی تخلص می کرده است .
- ۱۴۱۱- کافی اردوبادی ، از منشیان دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .
- ۱۴۱۲- کامل کاشانی ، خواهرزاده تقی الدین اوحدی بوده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۴۱۳- میر حسین کفری تربتی ، از سادات تربت و در خط شکسته استاد بود ، بهند رفت و خان خانان وی را گرامی داشت و در آنجا در ۱۰۱۷ در گذشت و غزل را خوب می سرود .
- ۱۴۱۴- گلچهره بیکم ، دختر ظهیرالدین بابر بود . برخی نام وی را گلرخ بیکم و گلچهره بیکم هر دو ضبط کرده اند و حال آنکه گلرخ نام مادرش بوده است . وی در ۱۰۰۶ در گذشته و غزل می سروده است .
- ۱۴۱۵- حسن بیک لالی همدانی ، در جوانی در ۱۰۰۲ در گذشته و غزل را خوب می گفته است و چنان می نماید که همان حسین بیک لذتی باشد که ذکرش پس ازین می آید .
- ۱۴۱۶- حسین بیک لذتی همدانی ، وی نیز غزل سرا بوده و در زمان جلال الدین محمداکبر بهند رفته است و چنان می نماید که همان حسن بیک لالی سابق الذکر باشد .
- ۱۴۱۷- ماهی خانم تهریزی ، خواهر ملائذاری تبریزی سابق الذکر و از خاندان جلایر بوده و غزل را خوب می سروده است .

- ۱۴۱۸- مرتضی قلی بیگ مجرم شاملو ، پسر سلطان حسن از موسیقی دانان و خوشنویسان زمان خود بود و به هندوستان رفت و در آنجا در سال ۱۰۲۰ در گذشت. غزل را خوب می گفت و تقی الدین اوحدی بوسیبت وی دیوانش را فراهم کرده است .
- ۱۴۱۹- مجلسی اصفهانی ، از شاگردان محتشم بوده و دلدادۀ کسی شد و در پی او به هندوستان رفت و با او بسرزمین دکن رسید و در آغاز قرن یازدهم با معشوق خود بربک روز در گذشت و غزل می سرود .
- ۱۴۳۰- مجیبی بهبهانی ، از سادات بهبهان و از غزل سرایان قرن دهم بوده است .
- ۱۴۳۱- محبعلی ، از دانشمندان هند در زمان جلال الدین محمد اکبر و غزل سرا بوده است .
- ۱۴۳۲- محمد هاشم محترم سمرقندی ، از شاعران مقیم هندوستان و از ستایشگران جلال الدین محمد اکبر بود و حافظه ای چنان سرشار داشت که کتاب بهابهارت را در اندک مدتی از بر کرد و در اقسام شعر دست داشت .
- ۱۴۳۳- محسن فانی رازی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هند رفته و در آغاز قرن یازدهم در بنارس در گذشته و مثنوی شیرین و خسرو سروده و رباعیات نیز از او مانده است .
- ۱۴۳۴- محسن همدانی ، وی نیز در زمان اکبر به هند رفته و در احمد آباد کجرات در گذشته و غزل می سروده است .
- ۱۴۳۵- محمد حاجی کابلی ، از شاعران مقیم هندوستان و ملازم دربار هما یون وده و غزل می گفته است .
- ۱۴۳۶- خواجه محمد ، از شاعران زمان شاه طهماسب بوده و همیشه مدایح ائمه نبی عشر را می سروده و در ضمن غزل هم می ساخته است .
- ۱۴۳۷- ملا محمد رستم داری ، از دانشمندان رستم داران و ساکن مشهد در حکمت ریاضی و طبیعی استاد بود و در زمان شاه طهماسب می زیست و رباعی از او مانده است .

- ۱۲۲۸- میرزا محمد شیرازی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .
- ۱۲۲۹- خواجه محمود خطاط ، از خوشنویسان زمان شاه طهماسب و شاکرد میرعلی بوده و خط خفی و جلی را خوب می نوشتند و غزل می سروده است .
- ۱۲۳۰- میر حسن سهوی تبریزی ، مرد پارسا و پرهیزگار بود و به حج رفت و در زمان شاه عباس در استیلائی ترکان عثمانی از آذربایجان بکاشان رفت و در ۱۰۰۳ در گذشت . وی خوشنویس بوده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۲۳۱- محمود مرشدی ، برادر سهوی سابق الذکر بوده و در طریقت و شریعت دست داشته و در ۱۰۰۸ در گذشته و رباعیات از او مانده است .
- ۱۲۳۲- محمود گیلانی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هندوستان برای سیاحت رفته و رباعی می سروده است .
- ۱۲۳۳- محوی اصفهانی ، از شاعران زمان شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .
- ۱۲۳۴- شاه محمود مخلص نیشابوری ، از شاعران همان دوره و او هم غزل سرایی می کرده است .
- ۱۲۳۵- مرادی بافقی ، برادر مهتر وحشی بافقی وری و برادرش شاکردان شرف الدین علی بافقی بوده اند و مرادی غزل را خوب می گفته است .
- ۱۲۳۶- مرتضی سمنانی ، از سادات سمنان بوده و در زمان اکبر به هندوستان رفته و غزل می سروده است .
- ۱۲۳۷- مسعود اصفهانی ، نوشته اند که از خویشاوندان ملا نیکی اصفهانی و او هم بنیکی معروف بوده اما پیدا است که درست نیست زیرا که نیکی زین الدین مسعود نام داشته و مقصود ازین مسعود اصفهانی هم اوست .
- ۱۲۳۸- ملا نجم الدین مسعود هروی ، از دانشمندان زمان نصیر الدین همایون و ساکن هندوستان بوده و رباعی از او مانده است .
- ۱۲۳۹- شیخ مکرم سنبله ای ، از مردم سنبله نزدیک مراد آباد بود و در زمان جلال الدین محمد اکبر در دهلی می زیست و غزل و رباعی می سرود .



۱۲۴۰- مظفر گوناپادی ، از غزل سرایان زبردست قرن دهم بوده است .

۱۲۴۱- معین الدین دقاقی حسینی بلیانی ، پدر نقی الدین اوحدی مؤلف

عرفات العاشقین و مردی دانشمند و پارسا بود . شاه طهماسب بوی معتقد بود و در مجالس وعظ او حاضر می شد . پس از چندی از قزوین بشیراز و از آنجا به هندوستان رفت و در آنجا ساکن شد و در ۹۷۹ در آنجا در گذشت و غزل را خوب می گفت .

۱۲۴۲- ملکی نویسرکائی ، مردی دانشمند بود و از کشاورزی گذران می کرد .

در زمان اکبر به هندوستان رفت و بوسیله فیضی بدر بار راه یافت و منصب بخشی گری بنگاله را باو دادند و پس از چندی دیوان کشمیر شد . در تاریخ در گذشت وی اختلاف است : برخی ۱۰۴۰ و برخی ۱۰۴۱ و برخی ۱۰۰۲ در کربلا نوشته اند و چون وی معاصر با اکبر بوده چنان می نماید که ۱۰۴۰ درست نباشد . نام وی را بخطا برخی ملکی بیگ سرکائی ضبط کرده اند و همین اشتباه در صحیفه ۵۱۰ منعکس شده و وی در غزل استمداد بوده است .

۱۲۴۳- ملیحی بافقی ، از غزل سرایان این دوره بشمار می رفته است .

۱۲۴۴- منصور ، از شاعران هند و معاصر با جلال الدین محمداکبر بوده و غزل

می سروده و جزین دیگر از احوالش اطلاعی نیست .

۱۲۴۵- رای منوهر ، ظاهراً وی بجز محمد منوهر توسنی سابق الذکر و از

مخصوصان جلال الدین محمداکبر بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۴۶- حاجی محمد مولوی سیستانی ، از شاعران معاصر ولی دشت بیاضی

بوده و با او مشاعره و مهاجرات داشته و اقسام مختلف شعر می سروده و ظاهراً مولوی تخلص می کرده است .

۱۲۴۷- مؤمن سبزواری ، جزین درباره وی آگاهی نیست که از شاعران قرن

دهم بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۴۸- مونس ، نیز از شاعران این دوره بوده که بسیاحت به هندوستان رفته و

غزل می سروده است .

- ۱۲۴۹- میرزا میرک هروی، پدرش وزیر بدیع الزمان میرزا و خود هروی دانشمند و خوشنویس بوده و در ۹۳۲ کشته شده و در هرات وی را بخاک سپرده‌اند و غزل و رباعی را استادانه می‌سروده است و ظاهراً میرک تخلص می‌کرده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته است.
- ۱۲۵۰- آقا میرک نقاش اصفهانی، از سادات اصفهان و از نقاشان زبردست دربار شاه طهماسب صفوی بوده و بجز امیر روح‌الله هروی معروف بمیرک خوشنویس و مذهب معروف شاگرد مولانا ولی‌الله از سادات کمانگر هرات و کتابدار سلطان حسین بایقرا بوده که تا ۹۳۵ در هرات می‌زیسته است. بدین گونه وی تا اواخر قرن دهم زنده بوده و غزل می‌سروده است.
- ۱۲۵۱- ناجی کاشانی، پسر ملاحسن واعظ کاشانی و ظاهراً از سرایندگان قرن دهم و غزل سرا بوده است.
- ۱۲۵۲- محمد ناصر میرزا ناصری تیموری، از بازماندگان بایسنغر در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و در ۹۰۶ در گذشته و ناصری تخلص می‌کرده و غزل می‌سروده است. برخی وی را ناصر میرزا فرزند عمر شیخ دانسته و بایدادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ اشتباه کرده‌اند.
- ۱۲۵۳- ناطق دهلوی، از غزل سرایان زمان جلال‌الدین محمد اکبر بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست.
- ۱۲۵۴- تقی نثاری اصفهانی، پیشه‌وی عساری بوده و در زمان اکبر به هندوستان رفته و پس از چندی که مالدار شده بزادگاه خود باز گشته و غزل می‌سروده است.
- ۱۲۵۵- نشاطی دهلوی، وی نیز از غزل سرایان معاصر اکبر بوده است.
- ۱۲۵۶- امیر سید حسین نصیبی نوربخشی یزدی، معروف بسعدالحق از سادات نوربخشی نطنز در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و در یزد می‌زیسته است. در جوانی برای کسب دانش بشیراز رفته و از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی شده و در آنجا دلدادۀ مغنی پسری محمود نام شده و پس از رحلت دوانی در ۹۰۸ یزد باز گشته

و در ۹۱۴ در آنجا در گذشته و در غزل سرایی استاد بوده است .

۱۲۵۷- حکیم نظام الدین علی کاشانی ، از اعیان کاشان و از پزشکان

خانق دربار شاه طهماسب بوده و در سال ۱۰۰۰ در گذشته و رباعیات از او مانده و حکیم رکن الدین مسیح یا مسیحی کاشانی شاعر معروف قرن یازدهم پسروی بوده است .

۱۲۵۸- نصیب خان قزوینی ، از بازماندگان دولت شاه سمرقندی مؤلف تذکره-

الشعراء و از امرای دربار جلال الدین اکبر بوده و در تاریخ دست داشته و ازو رباعی مانده و گاهی نام وی را بخط نقیب خان نوشته اند .

۱۲۵۹- تقی نیازی اصفهانی ، نوشته اند که عصار بوده و در زمان اکبر بهند

رفته و ناکام از آنجا بوطن بازگشته است و پیداست که مراد همان کسیست که فاعش را تقی نزاری ضبط کرده اند و پیش ازین باو اشاره رفت و این دو نام و تخلص تحریف يك دیگرست .

۱۲۶۰- نورالدین محمد گیلانی ، برادر حکیم ابوالفتح دانشمند معروف این

زمان بوده و باوی در دهلی می زیسته و غزل می سروده است .

۱۲۶۱- میر نورالله رازی ، از بزرگ زادگان ری در زمان شاه طهماسب

بوده و در مجاورت بقعه شاه عبدالعظیم می زیسته و غزل سرا بوده است .

۱۲۶۲- قاضی نورالدین نورالله نوری حسینی مرعشی شوشتری ، پسر

شریف الدین بن شمس الدین و از خاندان معروف دانشمندان شیعه بود و در پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم می زیست . برای تبلیغ طریقه شیعه بهند رفت و جلال الدین اکبر بوی احترام بسیار کرد و قضاوت شهر لاهور را باو داد . پس از مرگ اکبر بدر بار جهانگیر رفت و نوشته اند که جهانگیر چون از مذهبش پرسید تقیه کرد و گفت پیرو طریقه نسنتست . جهانگیر پرسید که اگر قاضی دروغگو باشد حکم شرع درباره او چیست؟ گفت باید او را عزل و تعزیر کرد . جهانگیر فرمان داد او را بتازیانه خاردار بزنند و همان فتوی را که داده بود درباره اش مجری کنند . چون سه ضربه باو زدند بی هوش افتاد و از همان آسیب در سال ۱۰۱۹ در گذشت و پیکرش را در کبرآباد اکره در

بجاوردت باغ قندهاری بخاک سپردند که اکنون زیارتگاهست و شیعة هندوستان بنامی  
باشکوهی بر سر خاکش ساخته‌اند. قاضی نورالله در طریقه تشیع تعصب بسیار داشته و  
کتابهای چند درین زمینه نوشته که برخی از آنها بسیار معروفست از آن جمله کتاب  
سوارم المهرقه در اثبات دین شیعه در پاسخ کتاب صواعق المحرقة ابن حجر و کتاب  
احقاق الحق در پاسخ کتاب ابطال الباطل فضل الله بن روزبهان اصفهانی و مصالب النواصب  
و اسامی و ضاعی الحدیث و احوالهم و امر العصمه و انس الوحید فی تفسیر آیه العدل و التوحید  
و الانفعالیه و انموذج العلوم و البحر الغزیر فی تقدیر الماء الكثير و بیان انواع الحكم و تحفة  
العقول و تحقیق آیه غار و تهذیب الاکمام فی شرح تهذیب الاحکام و تشبیه اقوال اهل  
الخلافة بالشبهات المشهورة عن ابلیس و تفسیر آیه انما المر کون نجس و تفسیر آیه  
الرؤیا و تفسیر آیه سبع بقرات سمان و تفسیر آیه فمن یرد الله ان یردیه بشرح صدره  
الاسلام و جواب شبهات ابلیس و حاشیه اعراض و حاشیه الهیات و حاشیه امامت و شرح  
تجرید قوشچی و حاشیه انموذج العلوم دوانی و حاشیه تحریر اقلیدس و حاشیه تفسیر  
بیضاوی و حاشیه تهذیب الاصول علامه حلی و حاشیه تهذیب المنطق دوانی و حاشیه جواهر  
شرح تجرید قوشچی و حاشیه حاشیه مطول خطابی و حاشیه خلاصة الاقوال علامه حلی  
و حاشیه شرح جامی و حاشیه شرح چغمینی و حاشیه شرح خطبه موافق و حاشیه شرح  
شمسیه و حاشیه شرح هدایه مبینی و حاشیه قواعد علامه و حاشیه مطول تفنازانی و  
حاشیه معاد شرح تجرید قوشچی و حاشیه مختصر عضدی و حل العقال و خیرات حسان  
و دافعة الشقاق و دفع القدر و رد تصحیح ایمان فرعون و رد الشیطان و رد مقدمات ترجمه  
الصواعق و رد نفی عصمة الانبیاء و رکنیة السجدةین و سبعة سیاره و سحاب المطر و شرح  
اثبات الواجب دوانی و شرح تشریح الافلاک شیخ بهایی و شرح خطبة العضدی قزوینی و شرح  
دعاء الصباح و المساء حضرت امیر و شرح رباعی ابوسعید ابوالخیر و شرح مبحث  
حدوث العالم انموذج دوانی و شرح مختصر عضدی و العشرة الكاملة و العقائد الاعامیه و  
غسل الجمعة و کشف العوار و کشکول و گل و سنبل و گوهر شاهوار و لبس الحریر و اللعنه  
فی صلوة الجمعة و المسح علی الرجلین و غسلها و موائد الانعام و نجاسة الخمر و النظر السليم

والنور الانور ونور العين و منشآت که بیشتر آنها بزبان تازیست و رساله ای در حرمت نماز جمع  
در ایام غیبت و رساله در تحقیق آیه نورو کتاب عشره کامله و نهایت الافدام و شرحش دفتر منتهوی  
مولانا جلال الدین . معروف ترین کتاب او بزبان پارسی مجالس المؤمنینست که در آن  
بسیاری از بزرگان را که معلوم نیست شیعه بوده باشند شیعه وانمود کرده است و بهمین جهت  
وی را شیعه تراش لقب داده اند و در ضمن اقسام شعر می سروده و نوری نخلص می کرده و دیوان  
او مانده است .

۱۳۶۳ - نوری بیک خان نوری لاهوری ، از غزل سرایان قرن دهم بوده

و جزین از حواش آگاهی نیست .

۱۳۶۴ - نویدی ظهرانی رازی ، از غزل سرایان معاصر شاه طهماسب بوده

۱۳۶۵ - نویدی کیلانی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده و در زمان اکبر

بهند رفته است .

۱۳۶۶ - نهانی اکبر آبادی ، از زنان شاعره هند و مادر محمدجعفر اکبر آبادی

از مردم اکبر آباد آکره بوده که در دربار اکبر منصب میربحری کشمیر را داشته و وی  
نیز غزل می سروده است .

۱۳۶۷ - واتقی فیسابوری ، وی نیز از غزل سرایان بوده و چهل سال در نجف

می زیسته و سرانجام بتبریز رفته و در آنجا در ۹۴۰ در گذشته است .

۱۳۶۸ - واحدی ، ظاهراً وی بجز دو واحدی سابق الذکر و گویا از شاعران

ایرانیان بوده که در زمان اکبر به هند رفته و تا کام از آنجا بازگشته و غزل می سروده است .

۱۳۶۹ - ابن علی واقعی طوسی ، نام وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و

نوشته اند که از ملازمان جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل می سروده است و بگمانم

مراد همان ابن علی واتقی یا واقعی هروی سابق الذکر بوده باشد .

۱۳۷۰ - وجهی هروی تفرشی ، پدرانش از مردم تفرش بوده اند و خود در هرات

می زیسته و از آنجا در زمان اکبر به هند رفته و رباعی از او مانده است .

# تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی

تالیف استاد محمد تقی میرزا

سعدی  
نفسی

تاریخ

نظم و شعر در ایران و در زبان فارسی

تا پایان قرن دهم هجری

جلد دوم



**حق چاپ برای کتابفروشی فروغی محفوظ است**

این کتاب بسمایه کتابفروشی فروغی در یک هزار و پانصد نسخه در اسفندماه ۱۳۴۴ در چاپخانه میهن

پایان رسیده



## دیباچه

در ۱۳۱۱ نخستین قسمت یادداشت‌های من بعنوان (تاریخچه مختصری از ادبیات ایران) در سالنامه پارس منتشر شد پس از آن در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ - و ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ دنباله آن تا قسمتی از قرن دهم انتشار یافت. پس از آنکه سالنامه پارس تعطیل شد در صدبرآمدم در آن یادداشت‌های چاپ شده تجدید نظر کنم و بشکلی آنها بپردازم و این کتاب بدین گونه فراهم شد. نام آنرا (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی) گذاشتم تا معلوم شود درین کتاب آنچه از آثار این زبان در ایران و آسیای مرکزی و افغانستان و هندوستان و قفقاز و خاگن عثمانی (ترکیه) فراهم شده است تا جایی که آگاهی داشته‌ام گرد آورده‌ام و چون ممکن نبود در یک مجلد آنرا بزمان حاضر برسانم ناچار در پایان قرن دهم درنگ کردم. نمیدانم تا توانی جان فرسای که چندیست گرفتار آنم مرا مجال خواهد داد دنباله کار را بگیرم و باین روزگار که در آنم برسانم یا نه؟ در هر حال گویا این کتاب نمونه‌ای برای دیگران شده باشد که اگر من کامیاب نشدم بیایان برسانم ایشان دنباله کار را بگیرند و حق این موضوع بسیار وسیع و بسیار دلنشین را ادا کنند. چون دامنه این کار بسیار وسیع بود و مطالبی که درین زمینه هست پراکنده در گوشه و کنار مانده است گاهی شده است که در یک جا مطلب ناقص مانده و در جای دیگر آنرا تکمیل کرده‌ام و در منابعی که نخست بآنها رجوع کرده‌ام مطالب نادرستی بوده است که سپس در جای دیگر اصلاح کرده‌ام. برخی از سراینندگان و نویسندگان در پایان یک قرن و در آغاز قرن بعد زیسته‌اند و بهمین جهت ذکرشان در هر دو قرن رفته است و فهرست‌های پایان کتاب رفع این دشواری را خواهد کرد. تا پایان قرن نهم کتابهایی که درباره شاعران داریم بسیار محدودست و آنچه بر آن کتابها افزوده میشود ذکر است که با اشعارشان در سفینه‌ها و مجموعه‌ها و جنگها مانده است و چون اطلاعی ازیشان نیست درباره این دسته از سراینندگان تنها بذکر نامشان قناعت کرده‌ام. اما از قرن دهم ببعده کتابهای فراوان در احوال و اشعار سراینندگان بما رسیده است و درباره همه ایشان پیش و کم آگاهی داریم. بهمین جهت هر چه درباره گوینده‌های بدست آمده است در جای خود در متن یا در تکمله‌ها آورده‌ام.

پیدا است که مقصود ازین کتاب تنها شرح حال و آثار گویندگان و نویسندگان است و ناچار جای آن نبود که نمونه‌ای از اشعار هر سراینده‌ای را ضبط کنم. برای این مقصود کتاب بسیار مفصلی که شامل اشعار ایشانست فراهم کرده‌ام که بیش از یازده مجلد خواهد شد و نمی‌دانم با انتشار آن تا همس کامیاب خواهیم شد یا پس از من کسی بدین کار همت خواهد گذاشت.

درباره هر نویسنده‌ای کوشیده‌ام فهرست کامل از مؤلفات وی فراهم سازم و ناچار فهرست آثار بسیاری از ایشان که بدو زبان فارسی و تازی تألیف کرده‌اند شامل کتابهای هر دو زبانست. بيم آن دارم که رنجوری و فرسودگی دیگر مرا از این گونه بهره‌جویی‌هایی که در هم نشینی با خوانندگان گرامی دارم باز دارد و شاید این سخنان باز پسین پیامهای شورانگیز من پیشگاه ایشان باشد و بهر حال درخواست دارم هر لغزش و خطایی که درین صحایف ببینند کریمانه مرا از آگاهی بدان سپاسگزار کنند.

اسفندماه ۱۳۴۴

سایت نفیسی



۱۲۲۱- قاضی محمد وصالی رازی ، قاضی شهر ری بوده و نوشته‌اند در جوانی دلدادۀ پسر میرزا صادق نام شده و در ۹۳۲ در گذشته و اقسام مختلف شعر می‌گفته است .

۱۲۲۲- وفایی هروی ، از شاگردان ملافصیحی هروی بوده و در زمان اکبر سیاحت بهند و از آنجا باصفهان رفته و در آنجا در گذشته و ظاهراً در اصفهان می‌زیسته و غزل می‌سروده و گویا بجز دو وفایی دیگرست که ذکرشان پیش ازین آمده است .

۱۲۲۳- میر محمد هادی هادی بروجردی ، نسبت وی را برخی بخطا یزدجردی نوشته‌اند و چون چندی در کاشان زیسته او را کاشانی هم دانسته‌اند. پزشک حاذقی بوده و شاه طهماسب احتساب ممالک ایران را باو داد . نخست مردی عاشق پیشه بود و چون نوبه کرد مأمور تولیت آستان رضوی شد و در آنجا بعبادت پرداخت و در ۹۵۰ در گذشت و غزل را نیکو سعی سرود و هادی تخلص می‌کرد .

۱۲۲۴- هاشمی کاشانی ، وی نیز از غزل سرا یان زمان شاه طهماسب و دره شاعره و مناظره هم استاد بوده است .

۱۲۲۵- میرزا مراد همدم کوسه ، برادر رضاعی میرزا کامران پسر چهارم بابر بوده و بهمین جهت باو کوسه و کوسکلتاش می‌گفتند که بمعنی برادر رضاعی باشد. از اعیان دربار همایون بوده و غزل را نیکو می‌سروده و همدم تخلص می‌کرده است .

۱۲۲۶- یمینی گرجی ، از درباریان شاه طهماسب و غزل سرا بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۱۲۲۷- میرزا یوسف خان یوسف دهلوی ، از درباریان زمان جلال‌الدین محمد اکبر بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۲۸- خواجه علی آزادی استرآبادی ، از ملازمان فریدون حسین میرزا تیموری درباریان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و در ۹۰۱ در گذشته و رباعی از او مانده است .

۱۲۲۹- آفتی قزوینی ، از منشیان دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .

۱۲۸۰- اسیر ابدال اصفهانی ، نخست عطاری می‌کرد و سپس وارد حلقه

قلندران شد و بدخواهان نزد شاه اسمعیل ازو سعایت کردند و شاه او را معذور داشت و سرانجام در ۹۳۰ در قندهار کشته شد یا بر گه طبیعی در گذشت و غزل را نیکو می سرود و ظاهراً تخلص وی اسیر بوده است .

۱۲۸۱- امیرسلطان ابراهیم امینی هروی، از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در ۹۴۱ هنگام استیلا از بکان در آن شهر کشته شد . ظاهراً از کسانیست که در هرات بدستگاه شاه اسمعیل پیوسته و بهمین جهت وی را کشته اند زیرا که کتابی در تاریخ شاه اسمعیل بعنوان فتوحات شاهی نا حوادث سال ۹۱۶ نوشته و نیز ترجمه دیوان علی بن ابی طالب ازوست و مناظره مهر و مکتوب سروده و غزل نیز می گفته است .

۱۲۸۲- ابراهیم میرزا تیموری بدخشی ، پسر میرزا سلیمان پادشاه تیموری سابق الذکر بوده و چون با پدرش در بدخشان می زیسته بدخشی معروف شده است . در ۹۴۱ ولادت یافت و در ۹۶۷ در جنگی که بیاری پدر کرده کشته شده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۲۸۳- ابوالفتح جنابندی ، از پزشکان زمان شاه اسمعیل بود و در ۹۳۲ در گذشت و غزل می سرود .

۱۲۸۴- ابوالقاسم اصفهانی ، پسر شیخ شهاب الدین از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده است .

۱۲۸۵- شیخ ابوالقاسم کازرونی ، هردی دانشمند و صوفی مشرب و از شاگردان میرزا جان شیرازی بوده و دیوانی شامل سه هزار بیت ترتیب داده و انواع مختلف شعر می سروده است .

۱۲۸۶- ملا احمد استرآبادی ، از دانشمندان زمان خود و در کاشان مدرس بوده و در ۹۵۲ در گذشته و ساقی نامه گفته است .

۱۲۸۷- احمد نیشابوری ، از شاعران زمان شاه اسمعیل بوده و نوشته اند هنگامی که در ایران قحطی سخت روی داده قحطزدگان وی را برده و گوشتش را بریان کرده و خورده اند و غزل سرا بوده است .

۱۲۸۸- اسیر ترك ذوالقدر ، پسر قلیچ خان و از طوایف نوالقدر بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۲۸۹- میرزا اسد بیک اشک قزوینی ، پسر و خان لقب داشت و در زمان جلال الدین محمدا کبر بهند رفت و غزل می گفت .

۱۲۹۰- اصدقا همدانی ، نیز از شاعران این دوره بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۹۱- علیقلی خان اعظم شاملو ، پسر سلطان حسین خان و نواده دورمش خان یکی از سرداران بزرگ دوران صفویه و از خاندان معروف و از سران قزلباشی بود . پدرانش از آغاز درد دربار صفویه بسیار محترم و مقنن بوده اند . وی نخست در دربار شاه مظفر صاحب در بیشتر جنگها منصب سپهسالاری داشته و مدتها بیکلر یکی هرات و سپس لاله شاه عباس در خراسان شده و بهمین جهت بلله معروف شده بود و در سلطنت شاه عباس ایشیک آقاسی دربار بود و چون دیوان عدالت را تشکیل دادند وی دیوان یکی شد . در پایان زندگی که در خراسان بود چون با مرشدقلی خان استاجلو رقابت داشت برای اینکه وی را گرفتار حریفی زورمندتر از او بکند سفیری بینگارا نزد عبدالله خان ازبک فرستاد و او را بگرفتن خراسان برانگیخت عبدالله خان در آغاز سال ۹۹۶ بخراسان تاخت و علیقلی خان که ازین کار پشیمان شده بود با او در افتاد و عبدالله خان در قلعه هرات و در محاصره کرد و او تسلیم شد اما بتحریک عبدالؤمن خان پسر عبدالله خان در باغ زاغان هرات در او آخر ربیع الاول ۹۹۷ ازبکان او را بخیانت کشتند . علیقلی خان و زنش جان آغا خانم که خواهر محمد زمان سلطان و دختر مراد بیک بایندرتر کمان بوده از آغاز مریدی شاه عباس بوده اند و در وفات بسیار داشته اند و وی مرد باذوقی بوده و غزل را خوب می گفته و دیوانی شامل دو هزار بیت ترتیب داده و اعظم تخلص می کرده است .

۱۲۹۲- افضل بیک لاهیجی ، از شاعران معاصر همایون و ملازم بیرام خان خانان بوده و غزل را خوب می سروده است .

۱۲۹۳- جلال الدین ابوالفتح محمدا کبر بابر تیموری ، سومین پادشاه و یکی از معروفترین پادشاهان سلسله بابر بایموری هند در ۵ رجب ۹۴۹ در اومر کوت

در سرزمین سند ولادت یافت. مادرش حمیده بانو بیگم از بازماندگان احمدشاه جام نده پیل و پسر سوم همایون بود. پدر مادرش از دانشمندان ایران و از ملازمان شاهزاده هندال پسر بابر و عم وی بود. پس از مرگ همایون در تاریخ دوم ربیع الثانی ۹۶۳ پیادشاهی رسید و در ۹۹۲ که سال سیام سلطنت وی بود این روز را مبدأ تاریخ الهی از روز جلوس وی گرفتند. در قصبه کلان نورا توابع لاهور در پنجاب بتخت نشست و درین زمان چهارده سال داشت. در زمان وی راه پیشرفت در هند باز شده بود و مردم در جستجوی یافتن حقیقت بودند. وی پیشوای این جنبش شد و بهمین جهت او را بزرگترین پادشاه آن روزگار دانسته اند و هر چند که خواندن و نوشتن نمی دانسته در پرورش دانشمندان و هنرمندان و سرپرستی از ادبیات و هنر یکی از بزرگترین مردان تاریخ بشمار می رود زیرا که پندران و خرمشاوندان وی همه مردم دانشمند دانش پرور بوده اند و این خصیلت خوی خانوادگی او شده بود و مخصوصاً زتن سلیمه سلطان و عمه اش گلبدن بیگم بیش از همه محرک وی درین کار بوده اند. پدرش چون مردمی بود در تربیت وی در کودکی اهمال کرد اما چون وی بسن رشد رسید در سلطنت خود در نتیجه معاشرت با دانشمندان جبران این نقص را کرد و مخصوصاً مثل مغربدک حقیقت و مطالعه در ادیان و مذاهب داشت و هر چه درین زمینه فرا گرفته بود از شنیدن گفتار دانشمندان بود. در سلطنت خود جنگهای فراوان کرد و همه جا کامیاب و فیروز شد و بر قلمروی که پدرش همایون برای وی گذاشته بود بسیار افزود. در ماه صفر ۹۶۲ از کابل با پدرش غازم هند شد و در فتح سهرند و شکست سکندر سورلودی شرکت داشت و در دوم شعبان آن سال پدرش آگره و دهلی را گرفت. پس از جلوس بیام خان خانان بهارلو که سپهسالار وی بود سکندر را در پنجاب شکست داد و سراسر آن ناحیه را متصرف شد. سپس نواحی آگره و دهلی و کابل را نیز فتح کرد. در سال ۱۰۱۴ که از کشور کشایی فارغ شد سراسر هند شمالی را که شامل کابل و کشمیر و بهار و بنگاله و اریسا و قسمتی از سرزمین دکن بود برای سلیم پسر و جانشین خود گذاشت. مقام وی در کشورداری کمتر از مقام او در کشور کشایی نیست. با وجود همه دشواریها در اوضاع اقتصادی کشور خود اصلاحات فراوان کرد و مردم بسیار دادگری بود و همه مردم کشور

خود را برابر می‌دانست و مانع از تعصب و اجحاف مسلمانان در برابر هندوان که اکثریت مردم کشور را فراهم می‌کردند شد و بهمین جهت هندوان همواره پشتیبان وی بوده و مسلمانان تندرو وی را کافر می‌دانسته‌اند. بهمین سبب در صدر آمد دین تازه‌ای اعلان کند که آنرا «توحید الهی» نام گذاشت تا اساس آن توحید مشترک در میان همه ادیان باشد. برای این کار نمایندگان همه مذاهب را بدربار خود خواند و ایشان هر يك كوشیدند بر ترقی دین خود را ثابت کنند. می‌خواست خورشید و آتش را که مظهر آن در روی زمین می‌دانست شعار این مذهب قرار دهد و هر گونه مراسم مذهبی را از میان ببرد و تنها بتصفیه باطن امر کند. معلوم نیست این عقیده در خارج از دربار وی تا چه اندازه پیشرفت کرده است و تنها نام هجده تن از درباریان وی را که بدین آیین گرویده‌اند ثبت کرده‌اند که بیشترشان دانشمندان و ادبای دربارش بوده‌اند و از آن جمله عزیزخان کو که از بزرگان دربار وی بوده است. تحریک وی را درین کار و انحراف از اسلام را نتیجه تبلیغات شیخ مبارک نا کوری و درپس وی ابوالفضل بن مبارک‌علامی و ابوالفیض فیضی شاعر معروف می‌دانند زنی از طوائف راجپوت گرفت که مادر سلیم پسرش بود و پسرش در نه‌لبمان برهمنان - کتابهای هندوان پرداخت و دستور ترجمه آنها را بزبان فارسی داد. صوفیه نیز در دربار وی و درین زمینه نفوذ بسیار داشته‌اند و دانشمندان ایرانی که در دربارش فراوان بوده‌اند نیز کوشش بسیار کرده‌اند. نوشته‌اند نسبت بیارسیان و زردشتیان آفتاب پرست هندوستان نیز توجه بسیار داشته است و نیز بقایید طوائف راجپوت که خود را فرزندان آفتاب می‌دانسته‌اند متوجه بوده است. اما شخصاً توجهی که نسبت بمذهب کاتولیک داشته بیش از توجه او درباره ادیان شرق بوده است. ابوالفضل بن مبارک‌علامی مورخ بزرگ دربار وی کتاب خاصی درین زمینه بعنوان «آیین اکبری» شامل اصلاحاتی که وی در سلطنت خود کرده پرداخته است. سرانجام وی در شهر اگرا در ۱۳ جمادی الاخره ۱۰۱۴ در گذشت. جلال‌الدین محمد اکبر قطعاً بیش از هر پادشاه دیگر بادییات فارسی توجه داشته و در زمان وی زبان فارسی باوج ترقی و توسعه خود رسیده و در دربار وی بیش از هر دربار دیگر نویسندگان و شاعران فارسی‌زبان گرد آمده و از توجه وی و بزرگان

دربارش بهره‌مند شده‌اند و این توجه تا سالیان دراز در دستگاه بازماندگان وی باقی مانده و سنت دیرین پادشاهان بآبیری تا آخرین روز پادشاهی ایشان شده است. خود نیز شعر فارسی را تا اندازه‌ای خوب می‌گفته و غزلیاب و رباعیاتی از او مانده و بنام وی ثبت کرده‌اند.

**۱۳۹۳- الهی قندهاری**، از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و تا زمان بابر می‌زیسته و غزل می‌سروده است.

**۱۳۹۵- ملاحسین الهی اردبیلی**، از شاعران همین دوره و نخست از ندیمان علیشیر لوایی در هرات بوده و سپس پندربار شاه اسمعیل راه یافته و ناسج المناقب ائمه اثنی عشر را بنام شاه اسمعیل بیابان رسانیده و در ۹۳۷ در گذشته و اقسام مختلف شعر می‌سروده است.

**۱۳۹۶- الفتی بدخشی**، از متصوفه این قرن و مردی دانشمند بوده و خصوصاً الحکم و فتوحات مکیه ابن العربی را درس می‌داده و با دانشمندان عصر خود در اثبات ایمان فرعون مناظره و مباحثه کرده و بهمین جهت او را وکیل فرعون لقب داده بودند و در سال ۱۰۰۷ در گذشته و غزل می‌سروده است.

**۱۳۹۷- امامقلی رازة قاینی**، از هنرمندان زمان خود و معمار زبردستی بوده و بهمین جهت برازه معروف شده بود که در ترکی بمعنی معماریت و در دستگاه مظفر حسین میرزا تیموری در قندهار می‌زیسته و طرح عمارت باشکوهی را که وی در ازگی قندهار ساخته بود او انداخته است و نوشته‌اند که دلدادۀ فراگونه نامی بوده و در فراق وی دیوانه شده و بهمین حال در گذشته و غزل می‌گفته است.

**۱۳۹۸- قاضی امام‌الدین محمد امامی اصفهانی**، از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده و ظاهراً در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم می‌زیسته است.

**۱۳۹۹- امیر صدرالدین محمد اسکویی**، از مردم اسکو در آذربایجان و از امرای دربار شاه طهماسب بوده و در صرف و نحو و خط تعلیق استاد بشمار می‌رفته و غزل سرا نیز بوده است.

**۱۴۰۰- امیر نظام‌الدین احمد اسکویی**، برادر سوم امیر صدرالدین سابق الذکر



ووی نیز از اعیان دربار شاه طهماسب و متصدی کتابخانه وی بوده است.

۱۳۰۱- مولانا انوار همدانی، در ۹۳۳ در گذشته و از غزل سرایان بوده است.

۱۳۰۲- حیدر بیگ انیس تبریزی، پسر استاد شیخی تویچی تبریزی و از

خواص القاص میرزا و از دوستان قاضی محمد بن قاضی مسافر کرد بود که شاه طهماسب وی را مأمور پاسبانی آذربایجان و شهر تبریز کرده بود و چند سال این مأموریت را داشت و سرانجام در ۹۶۴ که شاه طهماسب بتبریز رفت مردم از وشکایت کردند و شاه وی را بقلعه الموت فرستاد و در آنجا زندانی بود تا در ۹۶۵ در گذشت. حیدر بیگ نیز مانند پدر تویچی بوده و در دربار شاه طهماسب همین سمت را داشته و با قاضی محمد گرفتار شده و در زندان در همان اوان در گذشته و غزل می سروده است.

۱۳۰۳- خواجه باقی بالله دهلوی، پسر مولانا قاضی عبدالسلام از دانشمندان

نامی زمان خود و از پیشوایان طریقه نقشبندی بود. در ۹۷۲ در کابل ولادت یافت و از بابا صادق حلوانی دانش آموخت و در جوانی بجهان گردی آغاز کرد و در ایران و عراق سفر کرد و در حلقه مریدان خواجه محمد امکنکی از مشایخ تصوف درآمد و خلیفه او شد و سپس بدهلی رفت و در آنجا ساکن شد و بهمین جهت بدهلوی معروف گشت و در جمادی الاخره ۱۰۱۲ در چهل سالگی در گذشت و رباعی و غزل می سروده است.

۱۳۰۴- میرزا اسمعیل بحشی قزوینی، از شاعران غزل سرای زمان شاه

طهماسب بوده و تخلص وی را بخطایحیی نیز ثبت کرده اند.

۱۳۰۵- ابوالفتح بدیع الزمان میرزا تیموری، پسر سوم سلطان حسین باقرا

و زش دختر نوالتون از پادشاهان سلسله ارغون درمند بود. در زمان پدر در هرات با نویسندگان و شاعران و هنرمندانی که در آن شهر می زیسته اند احسان بسیار کرده است. چون پدرش در محرم ۹۱۲ در گذشت با برادر مهتر خود مظفر حسین میرزا در سلطنت شریک شد و بزودی از ازبکان شکست خورد و بایران آمد و بشاه اسمعیل پناه برد و در دربار شاه اسمعیل می زیست تا آنکه در ۹۲۰ که سلطان سلیم آل عثمان شاه اسمعیل را شکست داد و وارد تبریز شد و وی در تبریز بود او را جزو ملازمان خود کرد و با خود باستانبول

برد و در آنجا در ۹۲۷ بطاعون در گذشت و پیکرش را در قبرستان ابویوب اصفاری بخاک سپردند. اینک که رحلت وی را در ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۲۰ نوشته اند درست نیست. پسرش محمد زمان میرزا پس از شکست پدر به هندوستان رفت و در ۹۴۶ در جنگ با شیر شاه کشته شد. بدیع الزمان میرزا گذشته از آنکه شعر دوست و ادب پرور بوده خود نیز غزل را خوب می سروده است.

۱۳۰۶- بذلی اصفهانی، از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست.

۱۳۰۷- بساطی شوشتری، از زادگاه خود به اورا و النهر و بدر بار عبدالله خان از بک رفته و سمت منادمت یکی از اعیان آن دربار را یافته و در آنجا در ۹۵۵ در گذشته و اقسام شعر می سروده است.

۱۳۰۸- بسملی کله پز سبزواری، در قزوین دکان کله پزی داشته و به همین جهت بقزوینی معروف بوده و در ۹۵۵ در گذشته و غزل سرا بوده است.

۱۳۰۹- بهاری اصفهانی، برادر ملا ادایی اصفهانی و از شاعران زمان شاه طهماسب بوده و در ۹۵۰ در گذشته و غزل می سروده است.

۱۳۱۰- بهرام بیک جرفادقانی، از غزل سرایان نیمه اول قرن دهم بوده است.

۱۳۱۱- میر معصوم بیغم کاشانی، پسر میر حیدر معمای کاشانی متخلص بر فیعی و برادر میر سنجر کاشانی بوده است که ذکر هر دو گذشت و با پدر و برادر در اواخر قرن دهم به هند رفته و پس از چندی بایران باز گشته و جزین از احوالش آگاهی نیست. ظاهراً تا اوایل قرن یازدهم می زیسته و غزل را خوب می گفته است.

۱۳۱۲- بیقینی بدخشی، وی نیز غزل سرا بوده و در ۹۵۰ در گذشته است.

۱۳۱۳- پیامی جبل عاملی، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در زمان نظام شاه بهمنی (۸۶۵-۸۶۷) به هندوستان رفته، درد کن زیسته و دارای بسیار بهم زده و غزل می سروده است.

۱۳۱۴- پیری اصفهانی، از مصاحبان ضمیری اصفهانی و غزل سرای بوده

و دیوان غزلیات خود را بعنوان سفینه مراد گرد آورده است.

۱۳۱۵- میرزا پیشرو بیك ، از نسق چیان دربار شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است.

۱۳۱۶- تاج الدین تاجی کاشانی، مردی دانشمند بود و در سرخس تدریس می کرد و بسیار محترم بود و بهمین جهت باو تاج الرؤسا می گفتند و در ضمن مردی خوش گذران بشمار می رفت و سفری بهندرفت و در آنجا مال بسیار یافت و در ۹۳۵ در گذشت و اقسام مختلفه شعر می سرود.

۱۳۱۷- میر تقی الدین محمد هروی ، پسر امیر جمال الدین حیدر هروی که در دستگاه سام میرزا در هرات منصب صدارت داشت. وی بسفر حرمین رفت و در آن سفر در ۹۴۴ در گذشت و غزل سرا بود.

۱۳۱۸- توسنی تبریزی ، در زمان جلال الدین محمدا کبر بهند رفت و غزل می سروده و جزین از احوالش آگاهی نیست.

۱۳۱۹- علی اکبر ثابت هروی، از اعیان دربار همایون و اکبر بود و ثابت خان لقب داشت. نوشته اند از بسکه از مردم آزار دیده بود اگر کسی خواستار دیدارش می شد شرط می کرد که در باره اش سخنان بدخواهان و او باش را نپذیرد و در ضمن مرددانشعبدی بود و در ۱۰۱۵ در گذشت و کتابی در صرف نوشته و غزل می سروده است.

۱۳۲۰- جدیدی اصفهانی ، از امیرزادگان تر کمان یوده و در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم تا زمان شاه طهماسب می زیسته و غزل می سروده است.

۱۳۲۱- جدیدی اصفهانی، پسر عالی خان از امرای دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است.

۱۳۲۲- مجنون چپ نویس هروی، ذکروی تنها بعنوان چپ نویس در تذکره ها آمده و پیدا است که این کلمه شهرت وی بوده و از خوشنویسان بسیار معروف هرات و معاصر با سام میرزا صفوی بوده و غزل می سروده است و این که باو چپ نویس گفته اند بدین جهتست که هم بادیست چپ و هم از چپ بر است می نوشته است.

۱۳۳۳- **حالتی تبریزی**، ظاهراً وی بجز قاسم بیگ حالتی تبریزی سابق الذکر

بوده و در سال ۱۰۰۰ در گذشته و غزل می سروده و دیوانش شامل هزار بیت بوده است.

۱۳۳۴- **حجایی استرآبادی**، از شاعران قرن دهم و دختر هلالی استرآبادی

شاعر معروف بوده و غزل می سروده و بجزین از احوالش اطلاعی نیست.

۱۳۳۵- **امیر حسن حزنی استرآبادی**، تخلص وی را بخط حزینی هم ضبط کرده اند

وی قاضی شهر هرات و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و ظاهراً شیعه بوده

است زیرا که عبدالله خان از بک بجرم هواخواهی صفویه وی را در ۹۳۹ هنگام استیلای

بر خراسان کشته و غزل می سروده است.

۱۳۳۶- **میرزا محمد حسین کرمانی**، پسر میرزا ابراهیم و نبیره میر-

شمس الدین از دانشمندان و رجال معروف زمان خود بوده و در بیست سالگی از کسب دانش

فارغ شده و پدرش در زمان شاه طهماسب منصب صدارت داشته و وی در جوانی کشته شده

و غزل می سروده است.

۱۳۳۷- **حصاری اکبر آبادی**، از غزل سرايان زمان جلال الدین محمد اکبر

بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست.

۱۳۳۸- **حنجری همدانی**، از ندیمان سام میرزا صفوی و در موسیقی استاد

بوده و آواز را بسیار خوب می خوانده و بهمین جهت حنجری تخلص می کرده و غزل

می سروده است.

۱۳۳۹- **حیدر سبزواری**، در تیر اندازی بسیار زبردست و از ملازمان شاه طهماسب

و غزل سرا بوده است.

۱۳۴۰- **حیدر طهماسبی کاشانی**، نوشته اند که چون شاه طهماسب کلامی

اختراع کرد دستور داد که همه مردم کشور آن کلاه را برسر گذارند و هنوز آن کلاه

بکاشان نرسیده بود که وی آنرا برای خود درست کرد و برسر گذاشت و بهمین جهت

اورا مردم طهماسبی لقب دادند و بهمین نسبت معروف شد و چون خبر بشاه طهماسب رسید

اورا نزد خود خواند و انعام و خلعت فاخر باو داد. وی نیز غزل می سروده است.

۱۳۳۱- حیدر کاشانی، وی بجز حیدر طهماسبی و حیدر کاشانی سابق الذکر بوده و نقاش زبردستی بشمار می‌رفته و از وطن خود بهند رفته و در دربار یوسف عادلشاه (۹۱۵-۹۱۶) مؤسس سلسله عادلشاهی دکن در بیجاپور می‌زیسته و ازین قرار از غزل‌سرایان پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده است.

۱۳۳۲- حیرتی بخارایی، نخست در بخارا می‌زیسته و چون بطریقه شیعه گرویده از قریب جان از بخارا بایران و بدربار شاه طهماسب گریخته است و چون پیش شاه طهماسب مقرب شد شاعران بروحسد بردند و هنگامی که شاه دستور داده بود باده نوشی را ترك کنند و می‌خانهها را ببندند حیرتی در غزلی این بیت را سروده بود:

از حسد امروز زاهد منع ما از باده کرد

ورنه کی آن نامسلمان را غم فردای مانست

بدخواهان این شعر را برای شاه خواندند و گفتند مقصود وی از زاهد و نامسلمان شاهست. شاه در خشم شد و فرمان داد زبانش را ببرند. وی گفت من از طریقه سنت دست بسته و تشیع در آمدم ام اگر زبانم را ببرند این را از کرامت خلفای ثلثه خواهند دانست و خواهند گفت زبانی که ایشان را لعن و طعن می‌کرد بریده شد. شاه این عذر را پذیرفت و از گناه او در گذشت. حیرتی در غزل استاد زبردستی بوده است.

۱۳۳۳- خلیل عطار کاشانی، از غزل‌سرایان قرن دهم بوده و جزین در باره اش اطلاعی نیست.

۱۳۳۴- خواجه محمد حسین قزوینی، از ملازمان جلال‌الدین محمد اکبر و از غزل‌سرایان بوده است.

۱۳۳۵- محمد رضا دانشی مشهدی، از شاعران قرن دهم بوده و رباعی از او مانده است.

۱۳۳۶- آقا بابا درکی جولکی، از مردم جولک روستایی از توابع اهوند بوده و پدرش را شاه اسمعیل وزارت همدان داده بود و وی شیعه متعصب بوده و اقسام شعر می‌سروده است.

۱۳۳۷- ملادرویش حسین شیرازی ، از مذهب ان زبردست زمان خود بوده و در زمان اکبر بهندرفته و رباعی از او مانده است.

۱۳۳۸- شاه دعایی دهلوی ، از متصوفه زمان جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل و رباعی می سروده است.

۱۳۳۹- دوائی گیلانی ، در زمان اکبر به هندوستان رفته و بمعرفی خان اعظم کوکلتاش در دربار اراکین یافته و غزل می سروده و از تخلص وی برمی آید که یزشک بوده است.

۱۳۴۰- دولت سمرقندی ، از ترکان قاشقال بوده و در زمان اکبر از ماوراءالنهر به هند رفته و در دربار مرتبه امیری یافته و غزل می سروده است.

۱۳۴۱- ذوقی تونی ، غزل سرا بوده و در ۹۷۵ در گذشته و دیگر درباره اش آگاهی نیست.

۱۳۴۲- رحیم فراش دهلوی در دربار اکبر فراشی می کرده و غزل می سروده است.

۱۳۴۳- رحیمی غزنوی ، وی نیز از غزل سرا یان زمان اکبر بوده است.

۱۳۴۴- محمد رشید رشیدی اصفهانی ، از غزل سرا یان معاصر شاه طهماسب بوده است .

۱۳۴۵- حکیم شاه رضا فارسی ، در زمان اکبر به هند رفته و در آنجا ترقی کرده و ظاهراً یزشک بوده و رباعی از او مانده است.

۱۳۴۶- رمزی اصفهانی ، مردی دمال و از سادات اصفهان در زمان شاه طهماسب بوده و در قم در گذشته و غزل می سروده است.

۱۳۴۷- قاضی روح الله قزوینی ، برادر قاضی شرف جهان قاضی معروف دربار شاه طهماسب بوده و وی نیز سمت قضاوت داشته و در ۹۴۸ در گذشته و غزل سرا بوده است.

۱۳۴۸- روشنی همدانی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هند رفته و غزل می گفته است .

۱۳۴۹- رهایی سبزواری ، نیز از غزل سرا یان قرن دهم بوده است .

۱۳۵۰- زینتی بلیاتی ، از دانشمندان بوده و در استرآباد کسب دانش کرده بود

بهمین جهت باسترابادی معروف شده بود و غزل می‌سرود.

۱۳۵۱- زینتی سبزواری ، از غزل‌سرایان و از ملازمان محمد ظهیرالدین بابر بوده است.

۱۳۵۲- زین‌خان کوه‌که یا کوه‌کلناش ، از امیران معروف دربار اکبر و مادرش دایه آن پادشاه و خود هم‌شیروی بود و بهمین جهت با کوه‌که و کوه‌کلناش می‌گفتند که در زبان ترکی بنام هم‌شیرست و چون بیشتر در اکبرآباد می‌زیست با اکبرآبادی‌معروف شده بود و در آن شهر آبادی بسیار کرده بود که هنوز برخی از آنها باقیست. وی در نواختن سازهای هندی و دف استاد و مرد شعر دوست شاعر پروری بوده و خود غزل و رباعی را خوب می‌ساخته است.

۱۳۵۳- زین‌الدین محمود اصفهانی ، از معاریف حکمای ایران در زمان خود بود و در دوران اکبر بهند رفت و چندی در آنجا ماند و باز گشت و از رباعیات خوب مانده است.

۱۳۵۴- حاج فریدون سابق اصفهانی ، از سرایندگان دوره شاه اسمعیل بوده که تا اوایل قرن یازدهم نیز می‌زیسته و در زمان عالمگیر به هندوستان رفته و غزل را خوب می‌گفته است.

۱۳۵۵- محمد قاسم ساحری تونی ، از سرایندگان قرن دهم بوده و او نیز غزل می‌سروده است.

۱۳۵۶- میرزا شاه حسین ساقی اصفهانی ، نخست میوه‌فروش و از معماران دستگاه سلطان حسین بایقرا در هرات بوده و وارد دربار شاه اسمعیل شده و ترقی کرده و بمقام وزارت رسیده و چون در مطایبه مبالغه می‌کرد و نزرگان دربار از وی می‌رنجیدند یکی ازیشان که شاه قلی بیگ نام داشت بهمین سبب وی را بنخجر گشت و او هم غزل‌سرا بوده است.

۱۳۵۷- سپهری اصفهانی ، از غزل‌سرایان زمان شاه طهماسب بوده است.

۱۳۵۸- میرزا ابوظالب سخی کاشانی ، پسر میر شرف‌الدین حسین طباطبایی

از مقربان دربار شاه طهماسب بود و در جوانی در گذشت و غزل می سرود.

۱۳۵۹- **سعدالدین الاله** ، شهرت وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و ممکنست که همان کلمه لاله باشد که آلاله نیز آمده است و ظاهراً از شاعران قرن دهم بوده و اقسام مختلف شعر سروده است .

۱۳۶۰- **سعیدی بدخشی**، از غزل سرایان مقیم هندوستان و از ملازمان میرام خان خان خانان بوده است .

۱۳۶۱- **سیدعلی سبزواری** ، نیره میرشمس الدین محمد کلاثر سبزواری و از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بود.

۱۳۶۲- **شیخ سیف الدین دهلوی** ، پسر سعدالله ترك دهلوی بخاری و پدر شیخ عبدالحق محدث دهلوی دانشمند معروف که ذکرش گذشت. وی نیز از دانشمندان و عرفای زمان خود بوده و از مریدان شیخ امان الله یانی پتی بشمار می رفته و در نظم و نثر دست داشته و در ۲۷ شعبان ۹۹۰ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۳۶۳- **شاه صدر دیلمی** ، پسر شاه عنایت الله دیلمی از اعیان زمان خود بوده و در ۹۵۵ در گذشت و غزل می سرود.

۱۳۶۴- **ابوالفتح محمد شیبانی خان یا شیبک خان ازبک** ، مؤسس سلسله شیبانی ازبکان ماوراءالنهر، نام وی را شاهی بیک ازبک نیز نوشته اند اما نام وی در حقیقت شاه بنخت بوده و این نامیست که جدش ابوالخیر خان باو داده بود و آنرا بشیبک تحریف کرده و سپس بشیبانی تبدیل کرده اند و بازماندگان وی را از سلسله شیبانی دانسته اند. پسر شاه بداق خان بود که در ۸۷۳ یونس خان پادشاه مغولستان که بیاری قزاقان بجنگ او آمده بود وی را کشت و سرش را برید. وی در ۸۵۵ ولادت یافت و مادرش آق کوزی بیکم نام داشت. وی در پی چندتن از بزرگان خاندانش یعنی ایغورخان و امیر قراچین بیک و قاسم خان و امیر استرخان در زمان جدش ابوالخیر خان او را تربیت کردند و در صدد برآمدن انتقام خون پدرش را بگیری. نخست بایر که سلطان در افتاد و او را کشت. در جنگ با ایراتیجی پسر جانی بیک در سیران شکست خورد و بیخارا و از آنجا بسمرقند رفت. موسی خان



سر کرده منگیت‌ها حکمرانی قبیچاق را باو وعده کرد ولی از وعده خود برگشت و بهانه آورد که مردم خواستار وی نیستند. سپس در جنگک با برندق سر کرده قزاقان پیروز شد و از محمود سلطان پسر جانی بیگ شکست خورد و عبدالخالق فیروز شاه حکمران خوارزم او را پناه داد. در اختلافی که در میان احمد میرزا فرمانروای مغولستان و محمود سلطان در گرفت با احمد میرزا یاری کرد و در ۸۹۳ از محمود سلطان در جنگک شیر شکست خورد و باو پیوست و وی حکمرانی شهر تترکستان را بوی داد و بار دیگر با برندق جنگ کرد و در محاصره شهر اورگنج یا خیوه شکست خورد. مردم سمران بر وی قیام کردند و محمود برادرش را بجای او نشاندند و او را بقزاقان که شهر را محاصره کرده بودند تسلیم کردند. محمود گریخت و پیرادریوست که شهر یاسی را محاصره کرده بود و مزید نذر خان حاکم آن شهر اسیر شد. مزید که سابقاً باوی همدست بود پس از آزادی با قزاقان متحد شد. با برندق که شهر اترار را محاصره کرده و با محمد تیمور پسر محمود سلطان می جنگید صلح کرد و وصلتی در میانشان منعقد شد. سرانجام شیبانی در سال ۹۰۰ تقریباً سراسر ماوراءالنهر و خراسان را گرفت و در ۹۰۶ پیادشاهی این نواحی رسید. در سال ۹۰۴ یایسنغر میرزا پادشاه تیموری سمرقند ازو در جنگک با بابر یاری خواسته بود و وی بیاری آورد اما چون بابر توانا تر ازو بود برگشت و بالشکریان مزدور فراوان آمد و سمرقند را که بابر و سلطان علی برادر یایسنغر در ۹۰۶ تخلیه کرده بودند گرفت. ظاهر آ زهره بیگم مادر سلطان علی باو وعده کرده بود که اگر وی را به مسری بپذیرد شهر را باو واگذار کند. وی بشهر حمله برد و خواجه یحیی حکمران شهر را با پسرانش کشت و سلطان علی نیز کشته شد. بروایت دیگر سلطان علی باوی حيله کرده و گفته اند در حادثه ای از میان رفته است. بابر بیاری مردم شهر بارشادت خاصی دوباره سمرقند را گرفت. مردم آن نواحی قیام کردند و از بکان را کشتند و شیبانی که تنها ناحیه بخارا فرماندار او بود تهیه دینو چند ماه بعد وارد جنگک شد. قراکول و دبو سی را گرفت و در سرپیل با برادر شکست سخت داد و سمرقند را محاصره کرد و چون شهر گرفتار سختی شد مردم باو تسلیم شدند و فرار گذاشتند که خانزاده بیگم خواهر بابر به مسری وی زد آید. در ۹۰۸ که شیبی با محمود

سلطان پشتیبان خود اختلاف پیدا کرد در نواحی شاهرخیه و تاشکند تاخت و تاز کرد و پیش از رسیدن بابر از آنجا رفت. پس از زرد و خوردی با اوراتیپا با سلطان احمد تمبل که بر محمود سلطان قیام کرده بود همدست شد وی حکمرانی فرغانه را باو داد. لشکریان مخالف از برابر وی گریختند و شیبانی در نزدیکی اخشی ایشان را پراکنده کرد. بابر گریخت اما محمود سلطان و برادرش احمد گرفتار شدند و شیبانی با ایشان خوش رفتاری کرد و تاشکند و شاهرخیه را باو واگذار کردند و سی هزار تن از لشکریان وی وارد سپاه او شدند و در میان دو خانواده چندین وصلت برقرار شد. محمود سلطان که بقلمرو خود بازگشت بزودی در گذشت و گفته اند که شیبانی وی راز کرده است. در همان سال چند جنگ دیگر در جنوب ماوراءالنهر کرد و خسرو شاه فرمانروای قبیچاق که چند شهر را گرفته بود شکست خورد. بدیع الزمان میرزا تیموری بلخ را محاصره کرده بود، احمد تمبل باندیجان گریخت و چون خواست تسلیم شود برادرش وی را کشتند و مانع از تاراج شدند. خسرو شاه بی آنکه جنگ بکند گریخت و شیرین چهره را گذاشت پس از مقاومت دلیرانه ای در شهر قندز که در آنجا برای بیست سال آزرغه فراهم کرده بودند از پا درآمد. در ۹۱۱ شیبانی با سی هزار تن لشکریانی که از سپاهیان محمود سلطان و مردمان شریری بودند بخوارزم حمله برد و کوشید در میان فرمانروایان آنجا اختلاف بیندازد. شهر اورگنج را که چین یا حسین صوفی دلیرانه دفاع کرد پس از ده ماه محاصره بشیانت گرفت. خسرو شاه که دیر بیاری ایشان رسیده بود با ۷۰۰ تن از همراهان خود کشته شد و حکمرانی خوارزم را بکیچیک بی دادند و شیبانی خویشاوندان خود را در آنجا بکارهای مهم گماشت. در سال بعد قزاقان را شکست داد در آن زمان سرزمین قبیچاق بدست دو تن بود یکی برندق که اسماً فرمانروا بود و او را بسمرقند تبعید کردند و در آنجا هر دو دیگری قاسم بیگ که رسماً حکمرانی داشت. وی با اندازه ای بدلاوری معروف بود که چون از بکان خبر رسیدن او را شنیدند هر اسان شدند. در پایان سال ۹۱۲ شیبانی بهرات حمله برد. سلطان حسین با بقر از پسران خود یاری خواست و بجز مظفر حسین میرزا همه بیاری او آمدند ولی بزودی در گذشت. بابر بیاری تیموریان آمده بود

ولی چون اختلافی در میان بود از آنجا رفت. شیبانی از رود جیحون گذشت و اردانند خود شد و شاه منصور بخشی شهر را باو تسلیم کرد و شیبانی با باخاکی و فوالنون ارغون را شکست داد روی را کشت. تیموریان بهرات گریختند و پس از چند ساعت رفتند و حرم خانه و خزایشان در قلعه اختیارالدین بدست شیبانی افتاد. شیبانی در ۱۱ حرم ۹۱۳ وارد شهر شد و صد هزار تنگه از مردم غرامت گرفت اما با ایشان بدرقتاری نکرد. دو یا سه هفته بعد وارد کاخ پادشاهی شد. دیوانه وار عاشق خاتزاده خانم زن مظفر حسین میرزا شد و بزور و برخلاف شرع او را بهمسری خود درآورد. لشکریان خود را بهر سو فرستاد و تیموریان را در هر کجا یافتند کشتند. تنها بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین با یقرا توانست بشاه اسمعیل پناه ببرد. پس از آن دو سال دیگر مشغول جنگ با قزاقان بود و ساخت و تازی بکابل کرد و ناصر میرانشاهی را در قندهار محاصره کرد و کاری از پیش نبرد. سپس شاهزادگان دوغلات یعنی سعیدخان جغتایی و محمودخان و شش پسر او و محمد حسین میرزا و دیگران را کشت. این واقعه در ۹۱۴ روی داد. پس از آن خود را پشیمان اهل سنت معرفی کرد و سال بعد شاه اسمعیل را تهدید کرد که دست از دین شیعه بردارد. چون شاه اسمعیل باین کار تن در نداد و در برابر تاخت و تاز ازبکان ایستادگی کرد برای تحقیر او یک کشکول درویشی فرستاد و باو گفت بهتر اینست که کارپردازان خود را در پیش بگیرد. شاه اسمعیل بعنوان زیارت آستان رضوی رهسپار مشهد شد. در آن زمان شیبانی مشغول زدو خورد با سرکشان فیروز کوه بود. قرقیزان نیز پسرش محمد تیمور را شکست داده بودند و وی بشهر مرو پناه برده بود. در آنجا نامه طنزآمیز ویر کتایه از شاه اسمعیل باو رسید و او را دعوت کرده بود باوی بروی و شود. سرانجام در کنار رود مرغاب جنگ در گرفت. هفده هزار تن از لشکریان ایران که پلها را شکسته بودند ازبکان را محاصره کردند و نیمی از ایشان در میدان جنگ از پا درآمدند. شیبانی خود زخم برداشته بود و بروستای و برای پناه برد و در آنجا در گذشت. درباره تاریخ مرگ وی اختلافست و آنچه درستتر بنظر می رسد ۲۹ شعبان ۹۱۵ بوده است. گفته اند که شاه اسمعیل استخوان سرش را زرنشان کرده بود و در آن شراب می خورد و پوست سرش را گاه اندود برای با یزید دوم

سلطان عثمانی و دست راستش را برای آقارستم حکمران مازندران که همیشه در انتظار یآوری او بوده اند فرستاده است. قیروی در مدرسه‌ای که چندماه پیش از مرگش در سمرقند ساخته بود تا بازماندگانش فرمانروایی داشتند زیارتگاه بود. تاریخ نویسان عموماً شیانی را مردی خونخوار و درنده دانسته‌اند و اندیشه‌ای جز کشورستانی نداشته و درین راه از هیچ کاری دریغ نمی‌کرده است. اما چنانکه برخی نوشته‌اند مردی بی‌سواد و بیابانی نبوده است و تردیدی نیست که زبان تازی و پارسی را خوب می‌دانسته و آثار جالبی ازو بزبان ترکی مانده و خود شعر پارسی می‌سروده است. چندتن از شاعران معروف آن زمان از ان جمله بنایی هروی در دربارش بوده‌اند و ازو برخوردار شده‌اند و با دانشمندان و هنرمندان نیکی کرده و چند مدرسه ساخته است. وی مؤسس سلسله معروف ازبکان یا شیانیان بوده که از ۹۰۵ تا ۱۰۰۷ در نواحی مختلف ماوراءالنهر فرمانروایی داشته‌اند و باعث تسلط ازبکان برین نواحی شده است. از طرف دیگر زبان بسیاری که وی رسانده اینست که محرك عمدتاً اختلاف در میان سنی و شیهه بوده و بیش از همه این آتش را دامن زده است.

۱۳۶۵- شرف زردوز تبریزی، از شاگردان وحشی بافقی و از غزل سرایان استاد بوده است.

۱۳۶۶- شریف مهدی همدانی، نوشته‌اند دعوی مهدویت داشته و بهمین جهت باو شریف مهدی می‌گفته‌اند و نیز بهمین سبب در ۹۵۱ بدست متعصبان کشته شده و غزل می‌سروده است.

۱۳۶۷- میر مرتضی شریفی، نبیره میر سید شریف کرکالی دانشمند معروف و مردی دانشمند و شاگرد ابن حجر عسقلانی بوده و از حکمای نامی بشمار می‌رفته و در پایان زندگی بهند رفته و در آنجا سرآمد دانشمندان شده و در ۹۶۴ در آنجا در گذشته و پس از چندی پیکرش را بمشهد برده‌اند و غزل می‌سروده است.

۱۳۶۸- شعوری کاشانی، بجز شعوری کاشانی دیگر سابق الذکر شاگرد محتشم و باوی معاصر بوده و غزل می‌گفته است.

۱۳۶۹- قاضی شمس‌الدین لاهیجانی ، آموزگار فرزندان شاه‌طهماسب بوده و بیش از نودسال زیسته و غزل‌سرا بوده است.

۱۳۷۰- ملاشهاب‌الدین هروی، از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و با ظهیرالدین بابر به هندوستان رفته و نزد وی مقرب بوده و در معمارست داشته و در ۹۴۳ در گذشته و غزل ایز می‌سروده و ظاهراً وی بجز رئیس شهاب‌الدین قمی معروف بمعنایی سابق الذکر بوده است .

۱۳۷۱- میرزا محمد علی شهودی یزدی ، در زمان جلال‌الدین محمد اکبر به هند رفته و امرای دربارش وی را بزرگ داشته‌اند و یک مثنوی بوزن حدیقه بنام عدم نامه سروده است.

۱۳۷۲- شاه ابوالمعالی شهیدی کاشغری ، در دربار همایون بسیار مقرب بوده و پادشاه وی را فرزند خود خطاب می‌کرده و در زمان اکبر مصدر فتنه و فساد شد و در کابل استیلا یافته و میرزا سلیمان وی را گرفتار کرده و بمحمد حکیم میرزا سپرده و وی او را بفصاح قتل مادر خود در ۹۷۹ کشته است و نسبت وی را برخی بخطا مشهدی نوشته و با شاه ابوالمعالی دیگری که ذکرش پس ازین خواهد آمد اشتباه کرده‌اند و وی غزل‌سرا بوده است.

۱۳۷۳- شاه ابوالمعالی مشهدی ، چنانکه پیش ازین گذشت برخی وی را با شاه ابوالمعالی شهیدی کاشغری سابق الذکر اشتباه کرده‌اند و حال آنکه وی از شاعران ایران در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و مشرف اصطلح شاه بوده و وی نیز غزل می‌سروده است.

۱۳۷۴- شیخی سیانکوتی ، در لاهور بشالی کوبی روزگار می‌گذرانده و باغزالی مشهدی مشاعره داشته و اقسام مختلف شعر گفته است.

۱۳۷۵- استاد صابر عودنواز ، در موسیقی و نواختن عود دست داشته و در زمان شاه‌طهماسب درین فن معروف بوده و غزل می‌سروده است.

۱۳۷۶- خواجه جلال‌الدین محمد صاعدی اصفهانی ، از خاندان معروف

- صاعدیان پیشوای شافعیان اصفهان بوده و در ۹۴۲ در گذشته و غزل سرا بوده است.
- ۱۳۷۷- صبایی ، از مداحان شاه طهماسب بوده و بهند رفته و ستایشگر امرای دربار اکبر شده و اقسام مختلف شعر می سروده است.
- ۱۳۷۸- صباحی هروی ، در زمان اکبر بهند رفته و ملازم بیت الانشای دربار شده و در انشا دست داشته و پس از مدتی بزادگاه خود بازگشته و غزل سرا بوده است.
- ۱۳۷۹- صبری اصفهانی ، از خویشاوندان ضمیری بوده و نخست فارس تخلص می کرده و عاشق پیشه بوده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۳۸۰- صدایی کرمانی ، نام وی را صدای کرمانی ضبط کرده اند و چنان می نماید که باید تخلص وی صدایی بوده باشد. در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته و غزل می سروده است.
- ۱۳۸۱- صفای سهرندی ، از غزل سرايان هند در زمان جلال الدین محمد اکبر بوده است .
- ۱۳۸۲- صفیا اصفهانی ، مردی درویش مشرب و از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بود و در زمان اکبر بهند رفت و در دوران جهانگیر کارش بالا گرفت و رباعی از او مانده است.
- ۱۳۸۳- صفی الدین خراسانی ، پسر ملاحسین کاشفی دانشمند معروف و برادر فخر الدین علی معروف بخطاط و صفی و مرید خواجه ناصر هروی بوده است. چنان می نماید که در لقب وی اشتباه کرده باشند زیرا که فخر الدین علی مؤلف معروف که ذکرش گذشت و پسر ملاحسین کاشفی بوده بصفی معروف بوده است و یا ممکنست مراد همان فخر الدین علی بوده باشد که درباره اش اشتباه کرده اند . در هر صورت غزل و رباعی بنام وی ضبط کرده اند .
- ۱۳۸۴- صفر قلی بیگ چرکس ، پسر ذوالفقار خان در زمان شاه طهماسب حکمران قندهار بود و در پایان زندگی دیوانه شد و او را کشتند و غزل را خوب می سرود .

۱۳۸۵- حسن بیک صلاهی اسفرائینی ، بخراسانی نیز معروف بوده و چون چندی در کاشان زیسته بکاشانی هم معروف شده و در زمان اکبر بهندوستان رفته و غزل و رباعی می گفته است .

۱۳۸۶- ملاشاه ضیاءالدین کرمانی ، در زمان سلطان محمد خداپنده وزیر اصفهان و از اعیان دربار بوده و در ۹۸۸ یوسفخان نامی وی را کشته و از و رباعی مانده است .  
۱۳۸۷- میرزا حسن طالب ترمذی ، از سادات بوده و در زمان اکبر بهند رفت و غزل می سرود .

۱۳۸۸- طاهر تفرشی ، از درباریان شاه عباس بوده و با سفیر ایران بهند رفته و غزل سرا بوده است .

۱۳۸۹- خواجه محمد طاهر طاهر رازی ، پسر امیدی رازی شاعر معروف و غزل سرا بوده و جزین در باره اش اطلاعی نیست .

۱۳۹۰- حکیم عنایت‌الله طبعی اصفهانی ، بحکیم خباز معروف و از پزشکان زمان خود بوده و در ۹۴۴ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۳۹۱- میر مظفر طبیبی کاشانی ، وی نیز پزشک بوده و غزل می سروده و در ۹۳۰ در گذشته است .

۱۳۹۲- عاشقی تربتی ، نوشته اند که عاشق پیشه بود و در نود سالگی بسخن سرودن آغاز کرد و با آنکه امی بود شعر خوب می گفت و چنان حواسش در پی شعر گفتن بود که دنبال جنازه برادرش هم در فکر شعر بود و در ۹۴۵ در نر بت در گذشت و غزل می سروده و دیوانش پاترده هزار بیت بوده است .

۱۳۹۳- عبدالباقی قهاوندی ، مردی دانا و خوشنویس بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته و از دوستان عبدالرحیم خان خان خاقان شده و غزل می سروده است .

۱۳۹۴- عبدمناف قمی ، از غزل سرا یان ساکن اصفهان بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست .

- ۱۳۹۵- حکیم عبدی زامینی ، ظاهراً از شاعران ماوراءالنهر بوده و تخلص وی را برخی بخطا عهدی ضبط کرده اند . در زمان اکبر از زامین بهند رفته و حکیم ابوالفتح کیلانی وسیلهٔ راه یافتن وی بدربارا کبر شده و چون وی در شعر از روزگار خود می نالیده است شاه را خوش نیامده و وی را از دربار خود رانده و غزل سرا بوده است .
- ۱۳۹۶- میر عبداللہ عبدی اصفهانی ، پسر میر محمد علی طبعی اصفهانی بوده و مثنوی آدم و پیری را بنام شاه طهماسب سروده و غزل سرا نیز بوده است .
- ۱۳۹۸- مولانا شمس الدین عجیبی گرجانی ، از مداحان سام میرزا صفوی بوده و اقسام مختلف شعر می سروده و جزین از احوالش آگاهی نیست .
- ۱۳۹۸- میرزا عرب مشهدی ، از ندیمان حمزه میرزا صفوی و مردی بذاته گوی بوده و اقسام شعر می سروده است .
- ۱۳۹۹- سید عزیز قلندر کاشانی ، مردی هزال و از معاصران شاه طهماسب بوده و زاش نیز شعر می گفته و با هم مشاعر داشته اند .
- ۱۴۰۰- شیخ عبدالکریم عطایی جونپوری ، برادر شیخ عبدالعزیز و از شعرای دربار اکبر بوده ، نخست معنوی تخلص کرده و غزل و رباعی را خوب می گفته است .
- ۱۴۰۱- امیر علی عرب کربلایی ، برادر امیر حسین کربلایی و غزل سرا بوده و در ۹۵۴ درگذشته است .
- ۱۴۰۲- میر عماد الدین شیرازی ، از سادات شیراز بود و در خراسان می زیست و از نزدیکان سلطان حیدر میرزا پسر شاه اسمعیل بود و غزل را خوب می گفت .
- ۱۴۰۳- قاضی عبدالرزاق عهدی خراسانی ، برخی تخلص وی را عبدی ضبط کرده اند . در زمان اکبر بهندوستان رفته و بتوسط قاضی نورالله شوشتری بدربارا راه یافته و منصب فضای کنبایت را باو داده اند و پس از چندی که دلننگ شده بخراسان باز گشته و غزل سرا بوده است .
- ۱۴۰۳- میرزا عبدالغنی بیک غنی همدانی ، از مردم اسدآباد همدان بوده و بهند رفته و از هوستان یادگار خان برادر یوسف خان مشهدی بشمار می رفته و چون با وی



بکشمیر رفته هنگامی که او طغیان کرده یک رباعی در تهنیت او سروده و چون جلال‌الدین محمد اکبر او را شکست داد بگشتن غنی فرمان داد ، وی در غزل و رباعی استاد بوده است .  
**۱۴۰۵- غواصی خراسانی یایزدی ،** جزین از احوالش آگهی نیست که از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده است .

**۱۴۰۶- فاضلی علایی کرهرودی ،** قاضی کرهرود بوده که در آن زمان از مضافات قم بشمار می‌رفته و در ۹۳۶ در گذشته و غزل می‌سروده است .

**۱۴۰۷- خواجه ایوب فراقی هروی ،** پسر خواجه ابوالبرکات که نسبت وی را بخطا سمرقندی هم نوشته‌اند، از بزرگ زادگان دیار خود و مردی دانشمند بشمار می‌رفت و به هندوستان رفت و در دیار همایون اعتبار یافت اما کرد مناهی می‌گشت و سرانجام توبه کرد و اجازه رفتن بحج گرفت . از راه دهلی بگجرات رفت و آنجا ماند و سلطان احمد گجراتی وظیفه‌ای برایش مقرر کرد و غزل را نیکومی گفته است .

**۱۴۰۸- فریدون خان دهلوی ،** از شعرای زمان همایون در هند و غزل سرا بوده است .

**۱۴۰۹- فضل مولی خان لکهنوی ،** از درباریان مقرب جلال‌الدین محمد اکبر بود و وحیدالمصر ممتازالزمان باو خطاب می‌کرد و از دوستان قاضی اختر بود و در گوالیار و کلکنه باهم می‌زیسته‌اند و در نظر پدر دست داشته است .

**۱۴۱۰- شیخ احمد فنایی خلخالی ،** نبیره شیخ ابویزید خلخالی و مردی دانشمند و از شاگردان میرغیاث‌الدین بوده و در غزل سرایی دست داشته است .

**۱۴۱۱- ملا فیض لاهوری ،** برادر ملا منیر لاهوری و مردی درویش مشرب بود و در ۱۰۰۷ در گذشت و غزل می‌سرود .

**۱۴۱۴- میر معزالدین محمد فیضی اصفهانی ،** از سادات صحیح‌النسب و در معقول و منقول متبحر بوده . شاه اسمعیل منصب صدارت باو داد و در پایان زندگی بمشهد رفت و در آنجا بتدریس پرداخت و در ۹۵۲ عازم حج شد و در راه در بصره در گذشت و پیکرش را بکربلا بردند و در غزل استاد بوده است .

۱۴۱۳- قاضی سنجانی ، عنوان وی را بهمین گونه ضبط کرده‌اند و پیداست که نام او از قلم افتاده و قاضی لقب و اشاره بشغل او بوده و شاید قاضی تخلص کرده باشد. نوشته‌اند که از بازماندگان شاه سنجان عارف مشهور و مردی دانشمند بوده و در نود سالگی دلداره مغ بیچهای شده و در ۹۶۱ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده و مثنوی منظر الابصار را در برابر مخزن الاسرار ساخته است .

۱۴۱۴- قاضی عبدالله رازی ، پسر قاضی مسعود ، بجز قاضی عبدالله رازی پسر قاضی محمد بوده که ذکرش پیش ازین (ص ۴۹۹) گذشت . در زمان اکبر شاه بهند رفته و ظاهراً نسبت او را بخطا راضی ضبط کرده‌اند و وی غزل و رباعی را استادانه می سروده است .

۱۴۱۵- قدرتی یزدی ، وی نیز در زمان اکبر بهند رفته و زندگانی خوش داشته و در اکبر آباد در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۴۱۶- حکیم قدسی گیلانی ، پزشک بوده و در زمان اکبر بهند رفته و در رقاء زیسته و غزل می سروده است .

۱۴۱۷- قنبری نیشابوری ، از شاعران پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و مدتی در هرات زیسته و سرانجام بمشهد رفته و منزوی شده و در همان جا در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۴۱۸- قوسی تبریزی ، مردی دانشمند و از شاگردان آقا حسین خوانساری در اصفهان بوده و در زمان اکبر بهند رفته و از مصاحبان خان اعظم شده و او نیز غزل می سروده است .

۱۴۱۹- قوام الدین عبدالله کامل شیرازی ، وی نیز در زمان اکبر بهند رفته و تمتع یافته و غزل سرا بوده است .

۱۴۲۰- کامله بیگم ، از زنان شاعرهند بوده و در مرثیه فیضی يك رباعی سروده است .

۱۴۲۱- کمال الدین حسین فانی خوارزمی ، وی بجز کمال الدین حسین

خوارزمی عارف مشهور قرن نهم بوده است. ظاهراً از مردم قصبه قسا در خوارزم یا از کاشان ماوراءالنهر بوده که نام آنرا قاسان هم نوشته‌اند و گویا فانی تخلص می‌کرده است. در خوارزم منصب قاضی داشته و سرودی دانشمند بشمار می‌رفته و در ۹۵۳ در گذشته و مؤلفات چند دارد از آن جمله شرح شواهد مفتی اللیبب و شواهد مطول و حاشیه شرح تجرید و شرح مطالع و غزل نیز می‌سروده است.

۱۴۲۲- محبتی حصاری، از شاعران ماوراءالنهر بوده که در دهلی بطیابیت روزگار می‌گذرانده و جلال‌الدین اکبر این تخلص را باو داده که برخی محبتی ضبط کرده‌اند و متأسفانه در صحیفه ۵۵۳ نیز باین صورت منعکس شده است. سپس قاضی مهراند شد و در همان جا در گذشت و غزل می‌سرودست.

۱۴۲۳- میر محمود محوی هندوستانی، داماد نقیب خان و از زمان همایون تا عصر جلال‌الدین اکبر منشی الممالک هند بوده و در ۹۸۰ در گذشته و غزلیات و اشعار مصنوع می‌سرود است.

۱۴۲۴- مشفق کاشانی کرباس فروش، از غزل سرایان قرن دهم بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست.

۱۴۲۵- ناکام بخارایی، از سادات آن سرزمین و از مقربان امام قلی خان حکمران بخارا بود و رباعی از او مانده است.

۱۴۲۶- ملا افضل نامی طهرانی، از شاگردان امید ریازی و غزل سرا بوده و جزین در باره اش آگاهی نیست.

۱۴۲۷- نثاری تونی، ساکن جناباد یا کتاباد بوده و در ۹۶۸ در گذشته و اقسام مختلف شعر می‌سروده از آن جمله مثنوی سرو و غنچه را ساخته است.

۱۴۲۸- خواجه عبدی بیک نویدی اصفهانی، بیشتر ساکن شیراز بوده و بهمین جهت بشیرازی نیز معروف شده بود. از دبیران دربار شاه طهماسب بود و در حساب و سیاق استاد بشمار می‌رفت و خمسه نظامی را تتبع کرده و از آن جمله مثنوی جام جم را بر وزن خسرو و شیرین سروده است.

۱۴۲۹- میرزا غازی بیک وقاری تنوی ، پسر میرزا جانی پسر میرزا محمد باقی پسر میرزا عیسی ترخان . جدش میرزا محمد باقی حکمرانی مستقلی در سرزمین تته در ناحیه سند فراهم کرد و پدرش میرزا جانی جانشین او شد و عبدالرحیم خان خان خانان را اکبر مامور گرفتن آن ناحیه کرد و میرزا جانی را بدربار اکبر برد و جزو امرای آن دربار شد و حکمرانی تته را باو دادند و از ملازمان اکبر بود تا آنکه پس از فتح آمبر در برهانپور در ۱۰۰۸ در گذشت و پسرش میرزا غازی مامور فرمانروایی سرزمین سند شد و در ضمن در دربار اکبر منصب ترخانی داشت و در زمان جهانگیر گذشته از حکمرانی تته و سند فرمانروایی قندهار را نیز داشت و پنج سال درین سمت بود تا آنکه در ۱۰۲۱ عبداللطیف نام یکی از غلامانش او را زهر داد . وی مردی دانش دوست و هنر پرور و شاعر نواز بوده و چند تن از شاعران از آن جمله طالب آملی و مرشد بروجری ازو برخوردار شده اند و خود نیز غزل و رباعی می سروده است .

۱۴۳۰- هاشمی بخارایی ، شیخ الاسلام بخارا پسر خواجه عصمت الله و نبیره خواجه محمد پارسا عارف مشهور و ظاهرأ بجز خواجه جلال الدین هاشمی بخارایی سابق الذکر بوده و در دربار عبدالله خان ازبک در بخارا تقرب داشته و اقسام شعر می سروده است .  
۱۴۳۱- آثمی تبریزی ، بسوزنگری روزگار می گذرانده و غزل می سروده و جزین در باره اش اطلاعی نیست .

۱۴۳۲- ابراهیم تبریزی ، در بیشتر از خطها خوشنویس بوده و در شعر و موسیقی و تذهیب نیز دست داشته و در معما هم استاد بوده است .

۱۴۳۳- ابوالهادی تبریزی ، از غزل سرا یان قرن دهم بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۱۴۳۴- افلاکی تبریزی ، وی نیز غزل سرا بوده و جزین در باره اش آگاهی نیست .

۱۴۳۵- کمال الدین حسین الهی اردبیلی ، پسر خواجه شرف الدین عبدالحق از بزرگان دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است . در جوانی از اصحاب

سلطان حیدر صفوی نبیره شیخ صفی الدین اردبیلی بسوده و از جانب وی مامور ارشاد بشیر از شده و در آنجا نزد علامه جلال الدین دوانی و امیر غیاث الدین شیرازی و امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله دانشمندان معروف دانش آموخته و در ۸۹۲ اجازة روایت از دوانی گرفته و سپس مدنی درهرات ندیم علیشیر نوایی و غریب میرزا پسر سلطان حسین بایقرا بوده و پس از مرگ سلطان حسین در ۹۰۲ بمراق و از آنجا بآذربایجان باز گشته و در اردبیل در بقعة شیخ صفی الدین تدریس کرده و در ۹۵۰ که بیش از ۷۰ سال داشته در آنجا در گذشته است . وی دانشمندی عارف مشرب بوده و بیش از سی کتاب و رساله بفارسی و تازی و ترکی نوشته از آن جمله شرح اثبات الواجب دوانی و شرح نهذیب الاصول علامه و شرح اشکال التاسیس سمرقندی و حواشی و تعلیقات بر شروح هدایه و موافق و شروح شمسیه و مطالع و تذکره و چغمینی و رساله بیست باب خواجه نصیر الدین طوسی و تحریر اقلیدس و مهج الدعوات سید بن طاوس را بفارسی ترجمه کرده و بزبان پارسی رساله ای در علم قافیه و بحر کی رساله ای در امامت نوشته و مهم ترین کتابهای او تاج المناقب فی فضایل الائمة و منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه است که هر دو را بنام شاه اسمعیل پرداخته و نیز تفسیر عربی و فارسی بر قرآن نوشته و تفسیر فارسی را در چند مجلد نوشته و تفسیر عربی تنها شامل سوره بقره است و نیز شرحی بر گلشن راز نوشته است . در شعر فارسی نیز دست داشته و غزل و رباعی می سروده و دیوان وی شامل دوهزار بیت شعر بوده است .

۱۴۴۶- میر الهی شروانی ، وی نیز ظاهراً از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

۱۴۴۷- امامی خلخالی ، در کرد آوردن اشعار و سرودن شعر اهتمام بسیار داشته

و رباعی از او مانده است .

۱۴۴۸- خواجه امیر بیک کججی شهر دار ، پسر امیر ابراهیم بن امیر زکریا

کججی بوده و خاندانش از مردم کجج یا کججان در ناحیه مهرا نرود در دو فرسنگی تبریز بوده اند . سر دفتر او ارچه نویمان و مستوفیان و مهرداد دربار شاه طهماسب بوده و در حساب و سیاق دست داشته و در علم اعداد و حروف و تسخیر کواکب نیز مدعی بوده است . در آغاز دو سال در بغداد وزیر غازی خان تکلو مهرداد بود و سپس که غازی خان

لله بهرام میرزا شد با او بهرات رفت و چهار سال از ۹۳۶ تا ۹۳۹ در آنجا بود. سپس مدتی بشرکت خواجه غیاث الدین علی شیرازی وزیر دیوان شاه طهماسب بود. در ۹۵۷ که در آنجا بایجان بود چون شاه آنجا رفت بکفر کارهای نامناسبی که کرده بود او را محزول و محبوس کرد و آقا محمد شروانی را بجای او گذاشت. پس از چندی او را بشیراز فرستاد و چنانکه در شرح حال غزالی مشهدی آمده است در ۹۵۸ که وی از میر صدرالدین محمد پدر میر غیاث الدین منصور شیرازی تسخیر کواکب و مخصوصاً آفتاب را یاد گرفته بود در شیراز باین کاربرد اخت و چون شاه طهماسب خشمگین شد فرمان داد او را در صندوقی کردند و دستهایش را از سوداخی که در صندوق کرده بودند بیرون آوردند و بند بردستش زدند تا تواند با انگشتان خود سحر بکند و درین موقع غزالی در اردوی شاه بوده و شاه وی را نزد او فرستاد که اشعاری در سرزاش وی بگوید. سپس که ازین گرفتاریها آزاد شده دستور داده اند چندی در کرمان بماند و پس از آن توایت آستان رضوی و سپس وزارت خراسان را باو داده اند و چون باز بنای ستمگری را گذاشته و برخی کارهای نامناسب از آن جمله پروردن کوساله زرد بر سطح مرتفع و آلودن روی خود بزعفران و جامه زرد پوشیدن پیش گرفته است شاه یکی از فورچیان خود را فرستاده و وی را گرفته نخست در قلعه فهقه و سپس در قلعه الموت زندانی کرده اند تا آنکه در ۹۸۳ در آن قلعه در گذشته است. وی شاعری توانا بوده و اقسام مختلف شعر سروده است.

۱۴۳۹- میرزا محمد امینی زرتگری تبریزی، ظاهراً وی بجز میرزا محمد امینی

تبریزی سابق الذکر بوده که تخلص وی را امین هم نوشته اند. در تبریز بزرگتری مشغول بوده و خود را در شعر قرین سعدی و خسرو دهلوی می دانسته و قصیده ردیف آفتاب را جواب گفته اما از عهد بر نیامده و در مطلع آن تزریق روی داده و نتوانسته است اصلاح بکند و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۴۴۰- مولانا ایرج تبریزی، از دانشمندان معروف زمان خود بوده و تا زمان

شاه طهماسب نیز می زیسته و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۴۴۱- ملا بختی تبریزی، مردی دانشمند بوده و تا ۱۰۱۵ در شیراز می زیسته

و غزل سرا بوده است .

**۱۴۴۲- بزمی اردبیلی**، مردی بازرگان بوده و سفر بسیار کرده و نخست بهند و از آنجا بحج رفته است و سه سال در مکه مانده و از راه دریا به عراق بازگشته و چندی در کاشان مانده و سپس باردیگر رفته و از آنجا در اندیشه رفتن بخاک عثمانی بوده و وسایل سفر را آماده کرده بود که تخومشانش بطمع مالشبی بر سر او ریخته و او را در ۹۸۷ خفه کرده اند و ازو رباعی مانده است .

**۱۴۴۳- مولانا برغمی تبریزی**، مردی مذهب و لطیف طبع بود . سرانجام از تبریز بمحلات رفت و چون فکری محلاتی با او دشمن شده بود او را بکاره هلاک کرد و فکری نیز در اندک مدتی در گذشت . وی در غزل سرایی استاد بوده و دیوان خود را ترتیب داده بوده است .

**۱۴۴۴- فکری محلاتی**، چنانکه پیش ازین گذشت ساکن محلات بوده و در نتیجه دشمنی با برکمی تبریزی سابق الذکر وی را بکاره در آن شهر کشته است و جزین در باره اش آگاهی نیست .

**۱۴۴۵- پناهی تبریزی**، پدرش بسیراب پزی روزگار می گذراند و وی غزل سرای بود و جزین دیگر اطلاعی ازو نیست .

**۱۴۴۶- شاه محمود نیشابوری معروف بزرین قلم**، خواهرزاده و شاگرد عبدی نیشابوری خوشنویس معروف و خود نیز از خوشنویسان نامی این عصر بوده است . در جوانی بندر شاه طهماسب راه یافته و در کتابخانه شاهی کتابت می کرده و هنگامی که در تبریز بوده در مدرسه نصریه در بالاخانه شمالی آن می زیسته و چون پس از چندی شاه طهماسب دیگر بکتابخانه خود توجهی نداشت وی اجازه گرفت و مشهد رفت و در مدرسه قدیمگاه نزدیک چهارباغ مجاور شد و بعبادت می پرداخت و بیست سال در آنجا شاگردان را تربیت می کرد و همواره مجرد زیست . تاریخ رحلت وی را ۹۷۲ نوشته اند اما برخی از خطوط که اعضای او را دارد از ۹۷۶ و ۹۸۲ و ۹۸۹ است و در هر صورت نوشته اند که نزدیک ۸۸ سال عمر کرده است . وی گذشته از آنکه از استادان مسلم خط نسخ و علیق

بوده و چند تن از خوشنویسان معروف مانند سلیم نیشابوری و حاج محمد تبریزی و محمد باخرزی و سلطان محمود تربتی و قطب الدین یزدی شاگردان وی بوده اند در شعر نیز دست داشته و اقسام مختلف شعر سروده و نزدیک ۵۰۰ بیت شعر از او مانده است .

۱۴۴۷- میرزا علی بیله آریهلو ان تبریزی ، از شاعران دستگناه سام میرزا

سنوی و مردی عامی و پهلوان زبردستی بوده و غزل می سروده است .

۱۴۴۸- ملایاری یزدی ، در نزد دکاندار و مردی بد زبان بود و با وحشی بافقی

مهاجرات داشت و وحشی نیز اشعاری در هجو وی سروده است . نوشته اند وقتی بکشتن کسی متهم شده بود و حکم قتل او را داده بودند که فردای آن روز او را بکشند ، وی این مطلع را گفت :

از قتل ما خواهد شدن فردا تماشای دگر

چیزی نماند از عمر ما ، ما بیم و فردای دگر

و همین شعر باعث رهایی او شد و سرانجام در ۹۵۲ در گذشت . وی بیشتر غزل و

رباعی می سروده است .

۱۴۴۹- تزریقی اردبیلی ، در شماخی روزگار را بدلائی می گذرانده و در صنعت

تزییق در شعر دست داشته و به همین جهت تزریقی تخلص می کرده و غزل نیز می سروده است .

۱۴۵۰- ثباتی اردوبادی ، ظاهراً از شاعران غزل سرای قرن دهم و مردی

نیکوسیرت و صورت بوده و در نواریخ دست داشته و در معما نیز استاد بوده است .

۱۴۵۱- جانبی تبریزی ، بگل کاری اشتغال داشته و از شاعران معروف زمان

خود بوده و غزل می گفته است .

۱۴۵۲- میرزا جعفر بیك تبریزی ، پسر ابوالقاسم بیك و پسر عم حاتم بیك

اعتماد الدوله و از خاندان محتشم بود . نخست وزیر قزوین بود و در حکمرانی نجف قلی

خان وزیر ایروان شد و در همان شهر در گذشت غزل را نیکو می سرود .

۱۴۵۳- میر جعفر جعفری تبریزی ، ظاهر آوی بجز میر جعفری سابق الذکر است .

از سادات تبریز و مردی خوش طبع و نکته سنج بود و با جنون قندهاری که مردی ژولیده



موی و سیاه چرده بود، در افتاده و او را هجو کرده و اقسام مختلف شعر می سروده است.  
**۱۴۵۴- خواجه جلال الدین محمد تبریزی**، از بزرگان دربار صفویه بود و در املا و انشا دست داشت. پس از کشته شدن میرزا شاه حسین اصفهانی در ۹۲۹ وزیر شاه اسمعیل بود و تا پایان زندگی او این سمت را داشت. سپس وزیر شاه طهماسب شد، اما دیوسلطان که آله شاه طهماسب و وکیل وی بود وسیله گرفتاری او را فراهم کرد و سرانجام در ۹۳۰ پس از چند روز او را از زندان بیرون آوردند و در بروجرد پیچیدند و سوختند و پس از وی نظارت دیوان را بقاضی جهان فروینی دادند. وی شاعری غزل سرا بوده است.

**۱۴۵۵- خانزاده خانم جمالی تبریزی**، دختر امیر یار کاز و زنی زیبا و خوش ذوق و از سخن سرا بیان او آخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و او و خواهرش فخر النساء که نسایی تخلص می کرده هر دو غزل را استادانه می سروده اند. خاندان ایشان را تربتی نیز دانسته اند و ممکنست که تربتی بشیریزی یا برعکس تحریف شده باشد.

**۱۴۵۶- جیشی ترکمان**، از مردم آذربایجان و از غزل سرا بیان زمان شاه اسمعیل بوده است.

**۱۴۵۷- حافظ چرگر فراقی تبریزی**، از خوانندگان بوده و به همین جهت باو چرگر می گفته اند که به معنی خنیا گریست. در آواز استاد بوده و در هجا نیز مهارت داشته و مولانا زینی شاعر معاصر خود را هجو کرده و غزل را نیکو می سروده است.

**۱۴۵۸- حاجی اردبیلی**، از غزل سرا بیان این دوره بوده و دیگر درباره اش اطلاعی نیست.

**۱۴۵۹- حاجی تبریزی**، از دانشمندان زمان خود بوده و برای کسب دانش بشیراز رفته و از شاگردان میرزا جان شیرازی دانشمند معروف در گذشته در ۹۰۲ بوده و غزل را استادانه می گفته است.

**۱۴۶۰- حاصلی تبریزی**، در تبریز نوزده گری روزگار می گذرانده و اقسام

شعر می سروده است.

۱۴۶۱- حافظ مجاری تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و حافظ قرآن بوده و

آواز خوش داشته و شرف و قانون را که از سازهای متداول آن زمان بوده خوب میزد و غزل نیز میگو می گفته است .

۱۴۶۲- مولانا حالی آذربایجانی ، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن

یازدهم بوده و نخست در شامی چندان شهرتی نداشته است . در سال ۱۰۰۱ بکاشان رفته و اسدخان پسر حکیم ابوالفتح تبریزی معروف به حکیم کوچک که از دانشمندان آن زمان بوده باعث رونق کار او شده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۱۴۶۳- حبیبی برکشادی ، از مردم برکشاد قصبه‌ای در گوی آذربایجان

بوده ، نخست در دربار سلطان یعقوب می زیسته و سپس بدربار شاه اسمعیل رفته و ملك الشعراى دربار او شده و بهزل او را گرز الدین بيك لقب داده بودند . سرانجام در زمان بایزید بخاله عثمانی رفته و در آن جا سیر و سیاحت بسیار کرده و در زمان سلطان سلیم (۹۱۸-۹۲۶) در آنجا در گذشته است . درباره وی نوشته اند که در آغاز کار گوسفند تربیت می کرد . روزی سلطان یعقوب او را در چراگاه دید و کسی را نزد او فرستاد که از و پرسش بکند . آن مرد نزد وی آمد و پرسید این بره ها از کیست؟ گفت از گوسفندان است . سپس پرسید که بزرگان ده شما که هستند؟ گفت کاروان . گفت آنها را نمی گویم چون کسی وارد ده می شود چه کسانی زودتر پیش مردم می آیند؟ گفت سگان ده . سلطان یعقوب که این حاضر جوابی ها را ازو شنید او را نزد خود برد و تربیت کرد . حبیبی بفارسی و ترکی غزل را استادانه می سروده است .

۱۴۶۴- مولانا قطب الدین شده بافی یزدی ، در یزد بیافتن شده که کلاه ریشه

دار مانند عامه بوده است روزگار می گذرانیده و اقسام مختلف شعر می سروده و تا سال ۹۹۱ زمان در گذشت و حسی زنده بوده است .

۱۴۶۵- حجانی اردبیلی ، از غزل سرايان زردست این دوره بشمار می رفته

است .

۱۴۶۶- حاج محمود حفظی تبریزی ، ظاهراً از شاعران قرن دهم و غزل سرا

بوده است .

۱۳۹۷- مولانا محمدالله اردبیلی ، از دانشمندان وارسته و مہذب زمان خود

بوده و در پایان قرن دهم چندی در شیراز زیسته و رباعیات از او مانده است .

۱۳۹۸- حلیمی اردبیلی ، روزگار را بسیاحت می گذرانده و سرانجام در اصفهان

ساکن شده و غزل می سروده است .

۱۳۹۹- حلیمی شروانی ، از شاعران ایرانت است که در نیمه اول قرن دهم در سوریه

و در ترکیه می زیسته و اقسام مختلف شعر از او مانده و دیوانش در دست است .

۱۳۷۰- حیرتی تبریزی ، از شاعران درجه دوم روزگار خود بوده و غزل می سروده

است .

۱۳۷۱- خاتمی تبریزی ، روزگار را بکتاب فروشی می گذرانده و غزل سرا

بوده است .

۱۳۷۲- خان میرزا ، پسر معصوم میرزا از خاندان صفوی بود . پدرش حدیثها

در دربار شاه طهماسب سمت وکالت داشت . وی در علوم متداول و مخصوصاً در فقه از

دانشمندان بود و غزل نیز می سروده است .

۱۳۷۳- خالصی تبریزی ، مردی زر دوست بوده و در نود سالگی در گذشته و

غزل سرا بوده است .

۱۳۷۴- خرامی تبریزی ، مردی دانشمند و حافظ قرآن و بحسن گفتار معروف

بوده و غزل می سروده است .

۱۳۷۵- خلقی تبریزی ، از شیخ زادگان النجق و مردی بسیار مہذب بوده و

برای کسب دانش بہرات رفته و با بدیع الزمان میرزا مصاحب شده و رباعی از او مانده است .

نام وی را برخی خلف تبریزی ضبط کرده اند و پیدا است کہ یکی ازین دو تعریف

دیگر است .

۱۳۷۶- خلیل تبریزی ، مردی دانشمند بوده و مسجدی در تبریز ساخته بوده و

غزل می سروده است .

- ۱۳۷۷- خلیل نخبجوانی ، در آغاز بزرگاری روزگار می گذراند ، سپس در دستگاه ترکان مقام وزارت یافت و پس از آن کلاتر نخبجوان شد و در آبادانی آن شهر بسیار کوشید و از وی آثار بسیار در آن شهر مانده است ، سرانجام نایبنا شد و دوبار وزارت مکه رفت و در معما سرودن استاد بوده است .
- ۱۳۷۸- عیسی تبریزی ، از شاعران درجه دوم زمان خود بوده و غزل می سروده
- ۱۳۷۹- دیوانه نقاش تبریزی ، از ندیمان دستگاه سلطان یعقوب بوده و غزل را استادانه می سروده است .
- ۱۳۸۰- زهنی تبریزی ، پدرش سیراب پز بوده و وی غزل را خوب می گفته است .
- ۱۳۸۱- رحمتی تبریزی ، از خوشنویسان زمان خود بوده و سیاه خط نسخ و ثلث را خوب می نوشته است . چندی در شیراز می زیسته و از آنجا به هند رفته و در آگره در ۱۰۲۵ در گذشته و هفت هشت «زاریت دیوان از او مانده است .
- ۱۳۸۲- رفیعی تبریزی ، در شهر خود بمطربی روزگار می گذراند و آهنگهای موسیقی متعدد ساخته بود ، اما مرد بدخویی بود و غزل نیز می سروده است .
- ۱۳۸۳- زلالی تبریزی ، مردی نیکوسپرت و صورت و غزل سرای بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .
- ۱۳۸۴- زین العابدین میرزا صفوی ، از شاهزادگان این خانواده و در غزل سرایی استاد بوده است .
- ۱۳۸۵- سموی تبریزی ، ظاهراً از غزل سرایان این دوره بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست .
- ۱۳۸۶- سیف الدین تبریزی ، از شاعران آغاز قرن دهم و غزل سرای بوده است .
- ۱۳۸۷- شاه حسین اردوبادی ، از شعرای معروف آذربایجان در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از آذربایجان بخراسان رفته و در هرات در مجلس عایشیرنواپی

وارد شده و جلب توجه او را کرده و قصیده و غزل می سروده است .

۱۴۸۸- سید معین الدین محمد شریفی تبریزی ، از خوشنویسان معروف زمان

خود و شاگرد میرعلی هرزی در گذشته در ۹۵۱ بوده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۴۸۹- شعوری تبریزی ، در فن سیاق مهارت داشته و از غزل سرایان بوده است .

۱۴۹۰- ملاشمس الدین تبریزی معروف بشمسای صغیر ، از غزل سرایان

نکته سنج زمان خود بوده است .

۱۴۹۱- شمس الدین قواس تبریزی ، نیز از شاعران این دوره بوده و رباعی

از زمانده است .

۱۴۹۲- شمس شروانی ، روزگار را بسراجی می گذرانده و مردی عاشق پیشه

بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۴۹۳- قاضی شهاب مرندی ، نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۴۹۴- خواجه حاتم بیک اعتماد الدوله صافی اردوبادی ، از اعیان دربار

صفویه و عم زاده میرزا کافی اردوبادی بوده است . در آغاز وزیر بکتاش خان حکمران

کرمان بود و چون شاه عباس بکتاش خان را برانداخت کاردانی وی را پسندیدند و

استیفای ممالک محروسه را باو داد و پس از عزل میرزا لطفی منصب وزارت را باو دادند

و سرانجام در شب آدینه ششم ربیع الاول ۱۰۱۹ که با آذربایجان رفته بود در پای قلعه دمدم

ارومیه بفجائت در گذشت و پیکرش را بتبریز و از آنجا بمشهد بردند و در پای مرفد امام

هشتم بخاک سپردند . وی مرد بسیار کاردان و مذهب و دانشمندی بوده و باشاعران زمان

خود روابط نزدیک داشته و شیخ علی نقی کمره ای و میرزا ملک مشرقی شاعران معروف

آن زمان وی را مدح کرده اند و خود نیز گاه گاهی غزل می سروده است .

۱۴۹۵- صافی تبریزی ، مردی قلندر و همیشه سرگرم سیاحت بوده و از

در یوزه گری روزگار می گذرانده و در ضمن مرد قانعی بوده و غزل می سروده است .

۱۴۹۶- میرزا صالح تبریزی ، خود و پدرانش شیخ الاسلام تبریز بوده اند و

مردم شهر بوی و خاندانش احترام بسیار می کرده اند و در ضمن مرد عابدی بوده و شعر

فارسی و ترکی را خوب می گفته و در زمان خود بدین صفت معروف بوده و بقاری غزل می گفته است .

۱۴۹۷- محمد حسین صبوری تبریزی ، پسر فرایک زرگرو از نقاشان هنرمند

زمان خود بوده و مرد بسیار مهربانی بشمار می رفته و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است .

۱۴۹۸- صدر خیابانی تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و حافظ قرآن بوده و در

موسیقی نیز دست داشته و قانون و شتر قورا بسیار خوب می زده و غزل را نیز خوب می گفته است .

۱۴۹۹- صفایی تبریزی ، در تبریز نشو و نما یافته و در حدود سال ۹۹۳ که

ترکان عثمانی آن شهر را گرفته اند با عده ای از مردم آن شهر بقزوین گریخت و در

آنجا در ۱۰۱۶ در گذشت و در همان شهر مدفون شد . وی در قعه استاد بود و در قرائت

قرآن یزدست داشت و خط نسخ را بسیار خوب می نوشت و با این همه هنر از دلاکی

پرویز کار می گذراند و دکان وی مرجع دانشمندان بود و بی پاداش خدمت ایشان را

می کرد و شبها قرآن می نوشت و هر قرآنی را که تمام می کرد بقاریان و حافظان مستعد

می داد . در ضمن شاعر توانایی بود و غزل را استادانه می سرود و دیوان اشعار خود را ترتیب

نداده است .

۱۵۰۰- حکیم ابوطالب تبریزی ، از بزرگان زادگان آن شهر بوده و در قزوین

پیشگی روزگار می گذرانده و پس از مدتی بتبریز باز گشته و از آنجا بنحاک عثمانی رفته

و در بازگشت بتبریز در دستگاه جنفریاشا که در استیلائی ترکان عثمانی حکمران تبریز

شده بود مقرب شده و در مجلس او از صفویه بد گفته است بهمین جهت در ۱۰۱۵ که شاه

عباس تبریز را از ترکان گرفت بدستور وی او را کشتند و وی غزل می سروده است .

۱۵۰۱- طرزی شبستری ، از غزل سرایان این دوره بوده و جزین در باره اش

اطلاع نیست .

۱۵۰۲- طفیلی آذربایجانی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره در آذربایجان

و از مملوکان جهان شاه فراقونیلو بوده و بدستار بندی روزگار می گذرانده است .

- ۱۵۰۳- محمد کاظم ظاهر اردبیلی ، ظاهراً از قزل‌سرایان قرن دهم بوده و  
ببرزگری روزگار می‌گذرانیده‌است .
- ۱۵۰۴- ظریفی تبریزی ، وی نیز از قزل‌سرایان این دوره بوده و بخرده‌فروشی  
روزگار می‌گذرانیده‌است .
- ۱۵۰۵- قاضی عبدالله خویی ، پسر قاضی سعدالله خود و پدرش قاضی خوی و  
سلماس بوده‌اند و وی مرد دانشمندی بوده و در خط تعلیق مهارت داشته و در نظم و نثر  
فارسی و ترکی و عربی استاد بوده ، نخست در دیوان صدارت مثال نویس بود و سپس از  
منشیان دربار شد و نامه‌های ترکی را اومی نوشت و رساله‌ای در واجبات ترکی نوشته‌است .  
در بازگشت سلطان محمد خدا بنده و حمزه میرزا از مشهد در حوالی سبزوار در شوال  
۹۹۱ در گذشته‌است .
- ۱۵۰۶- درویش عبدی تبریزی ، مرد شوریده‌ای بوده و غزل می‌سروده‌است .
- ۱۵۰۷- عبدی شروانی ، خوش‌نویس و در شطرنج استاد و صوفی مشرب بوده و غزل  
را بسبک اهلی شیرازی استادانه می‌سروده و در حدود سن ۴۰ سالگی در ۹۷۵ در تبریز  
در گذشته‌است .
- ۱۵۰۸- ملا ادهم عزلتی خلخالی ، از واعظان معروف زمان خود بوده و باب  
حادی عشر علامه حلی را بنام لوازم الدین بشعر فارسی بدوزن لیلی و مجنون نظامی  
ترجمه و تفسیر کرده‌است .
- ۱۵۰۹- سلطان محمد عزمی تبریزی ، مردی مقدس و مذهب بوده و قصاید بسیار  
در نعت رسول و خاندان وی سروده‌است و بسیار مالدار بوده و بیشتر به تجارت و سفر می‌گذرانده  
و پیش از سن چهل سالگی در ۱۰۱۰ در گذشته‌است .
- ۱۵۱۰- عشقی تبریزی ، روزگار را بکتاب نویسی می‌گذرانده و اقسام مختلف  
شعر و بیشتر معما می‌سروده‌است .
- ۱۵۱۱- میرزا عنایت تبریزی ، برادر میرزا صالح سابق الذکر شیخ الاسلام  
تبریز و مردی دانشمند بوده و غزل می‌سروده‌است .

- ۱۵۱۴- حافظ عندلیب تبریزی ، حافظ قرآن و خواننده زبردست بوده و از اخبار و قصص آگاهی بسیار داشته و غزل را نیکو می گفته است .
- ۱۵۱۳- عهدهای باکویی ، خوشنویس بود و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و از باکو بکابل و سپس بگیلان رفت و مورد توجه خان احمد خان قرار گرفت و در ۹۶۵ در گذشت و غزل می سرود .
- ۱۵۱۴- عهدهای تبریزی ، از شاعران توانای زمان خود بوده و در سرودن اشعار مصنوع دست داشته و ظاهراً در ماوراءالنهر می زیسته است .
- ۱۵۱۵- فایقی تبریزی ، نوشته آند مریدی حریص و زر دوست بوده و غزل می سروده است .
- ۱۵۱۶- فتحی شروانی ، مریدی درویش و صوفی مشرب بوده و اقسام مختلف شعر می گفته است .
- ۱۵۱۷- فدایی تبریزی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از خواجه زادگان تبریز بوده و غزل را استادانه می سروده است .
- ۱۵۱۸- فردی اردبیلی ، مرد مهندهی بوده و از دانشمندان بشمار می رفته و در اواخر قرن دهم سفری بکاشان کرده و رباعی از او مانده است .
- ۱۵۱۹- فردی تبریزی ، نخست بعلاقه بندی روزگار می گذرانید و پس از چندی مجذوب شد و سرودها برهنه می گشت و بشاعری آغاز کرد و غزل می سرود .
- ۱۵۲۰- فصیحی تبریزی ، در تبریز بشکمه بندی روزگار می گذرانده و در زمان شاه طهماسب بشاعری معروف و مورد توجه میرزا شرف جهان سیفی شد و سرانجام بتبریز بازگشت و در ۹۵۶ در آنجا در گذشت و غزل می سرود .
- ۱۵۲۱- فضل خلخالی ، برادر مولانا شیخ احمد و مرد دانشمندی بود و سالها در مصاحبت میرزا شرف جهان می زیست و در علوم معقول دست داشت و در ۹۵۴ در گذشت و بیگانش را بقزوین بردند و در کنار مرقد جدش بایزید خلخالی بخاک سپردند و وی نیز غزل سرا بوده است .



- ۱۵۲۲ - امیر قمرالدین محمود اسکویی ، برادر دوم امیر صدرالدین محمد اسکویی سابق الذکر و برادر امیر نظام الدین احمد سابق الذکر و پسر امیر ابوالقاسم اسکویی و مرد دانشمندی بوده و با کیسوان بلند می رقصیده و غزل نیز می سروده است .
- ۱۵۲۳ - امیر ابوالمحمود اسکویی ، برادر چهارم امیر صدرالدین محمد و امیر قمرالدین محمود و امیر نظام الدین و پسر امیر ابوالقاسم اسکویی سابق الذکر بوده و نوشته اند مردی متکبر بوده و برادرانش بواسطه وی به عذاب گرفتار شده اند و در چوگان بازی و قیق اندازی زبردست بوده و او نیز غزل می سروده است .
- ۱۵۲۴ - قرداش تبریزی ، روزگار را بچینی فروشی می گذرانده و مردی خوش صحبت و زبان آور بوده و غزل می سروده است .
- ۱۵۲۵ - میرزا کافی ، از یازماندگان خواجه نصیرالدین طوسی بوده و پدرانش در آذربایجان قاضی و حاکم شرح بوده اند ، وی نیز مردی دانشمند خوش نویس بوده و تعلیق و شکسته نسخ تعلیق را خوب می نوشته و پس از غزل خواجه محمدی بیك منشی دربار صفویه شده و رتبه نسیبمی نیز داشته و در ۹۶۹ در قزوین در گذشته و در مشهد مدفون شده است . غزلیات بسیار سروده است .
- ۱۵۲۶ - کلیمی تبریزی پنبه دوز اوغلی ، از شهرت او پیدا است که پسر پنبه دوز و مردی تنگ دست بوده و بفارسی و ترکی غزل می سروده است .
- ۱۵۲۷ - گرامی تبریزی ، پسر مولانا سموی خوشنویس و برادر رفعتی بوده و سفری به هند رفته و بازگشته و غزل می سروده است .
- ۱۵۲۸ - شیخ ابراهیم بن محمد بن حاجی ابراهیم بن شهاب الدین گلشنی بردعی ، در ۸۳۰ در شهر بردع یا بردعه تولد یافته و عم وی سیدعلی او را تربیت کرده و از آنجا بتبریز رفته و از مریدان دده عمر روشنی از خلفای معروف سیدیحیی شروانی در گذشته در ۸۹۲ شده و تخلص خود را که هبیتی بوده بگلشنی تبدیل کرده و پس از مرگ وی جانشین او شده است . پس از تأسیس سلسله صفویه ظاهراً بواسطه آنکه سنی متصب بوده بقاهره رفته بوده و در قبه المصطفی بارشاد طریقه گلشنی پرداخته و در مصر و خاگ

عثمانی مریدان بسیار بهم زده است . در ۹۲۲ که سلطان سلیم آل عثمان مصر را گرفته بوی احترام بسیار کرده و رو بروی مؤبدیه جایی را باو بخشیده و وی هم از مریدان خود مبالغه گزافی گرفته و در آنجا در ده سال خانقاه مجملی ساخته و شهرت وی بسطان سلیمان رسیده و وی را بخاک عثمانی دعوت کرده و وی که در آن زمان ۱۰۵ سال داشته است بآنجا رفته و در آنجا در سال ۹۴۰ در گذشته است . گلشنی از بزرگان مشایخ تصوف قرن دهم بشمار می رود و طریقه وی هنوز در ترکیه و مصر رواج دارد . در تفسیر و حدیث و کلام و تصوف مردی دانشمند بوده و شعر تازی و پارسی را استادانه می سروده است و دیوان اشعار تازی و پارسی و ترکی او و چند مثنوی از او مانده است از آن جمله مثنوی معنوی الخفی شامل چهل هزار بیت که در ۹۱۲ بروزن مثنوی مولانا جلال الدین سروده و دوپسر داشته است که ذکرشان پس ازین خواهد آمد .

۱۵۳۹ - شیخ احمد گلشنی زاده خیالی بردعی ، پسر مهتر گلشنی سابق الذکر بوده و پس از مرگ پدر جانشین وی شده و در ۹۷۷ در گذشته و اشعاری از او مانده است .

۱۵۳۰ - سیدعلی صفوتی بردعی ، پسر کهتر گلشنی و برادر خیالی سابق الذکر بوده است . در ۹۷۷ پس از مرگ برادر جانشین وی شد و در ۱۰۰۵ در گذشت و پس ازو شیخ حسن پسر خیالی برادر زاده اش پیشوای طریقه گلشنی بود . وی نیز شعر فارسی می سروده است .

۱۵۳۱ گلشنی شبستری ، در تبریز بو کالت و نیابت قاضی روزگار می گذرانیده و غزل می گفته است .

۱۵۳۲ - محمد قلی ماهر اردبیلی ، از چادر نشینان صحرائی مقان بوده و در اردبیل به عطاری روزگار می گذرانده و دیوان کوچکی شامل غزلیات از او مانده است .

۱۵۳۳ - متینی تبریزی ، از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۵۳۴ - محمد حنفی تبریزی ، از دانشمندان مسلم زمان خود بوده و ظاهراً در آغاز دوره صفویه چون سنی معتصب بوده از آذربایجان به اورا والنهر هجرت کرده

و در بخارا در گذشته و در بیماری وی، عبدالله خان بعیادتش رفته و از او خواسته است دربارهٔ فرزندانش بوی وصیتی بکند. وی در رشتهای مختلف مؤلفات چند داشته است از آن جمله حواشی بر مطالع و شرح آداب البحت عضدالدین ایچی بعنوان میزان الادب و وجیزهٔ آداب البحت را درده سطر بیان کرده و شعر فارسی نیز می سروده و در بخارا حصن حصین و شمایل ترمذی و تفسیر بیضاوی را درس می داده است .

۱۵۳۵ - محنتی اردبیلی، از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

۱۵۳۶ - مسیحی تبریزی، از بازرگانان عیسوی تبریز بوده و رباعی از او

مانده است .

۱۵۳۷ - علاءبیک مشکی تبریزی، بمشک فروشی روزگاری گذرانده و غزل

سرا بوده است

۱۵۳۸ - میر محمود مشکی تبریزی، در قصیده و غزل استاد بشمار می-

رفته است .

۱۵۳۹ - مقصود بناتبریزی، پسر عبدالسلام بنا و معمار تبریزی و مردی

قانع و افتاده بوده و قصیده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۵۴۰ - میرزا زین العابدین منشی اردوبادی، پسر میرزا عبدالحسین منشی

الممالک دربار صفویه و پسر عم حاتم بیک اعتمادالدوله بوده و شاعر زبردستی بشمار

می رفته و بیشتر غزل می سروده و نیز منظومه‌ای دربارهٔ آمدن جنجال اوغلی باذربایجان

و جنگهای شاه عباس با ترکان عثمانی در ۱۰۱۴ سروده است .

۱۵۴۱ - هیللی تبریزی، روزگار را بتکلنه و دوزی می گذرانده و درین فن استاد

بوده و غزل می سروده است .

۱۵۴۲ - نازکی تبریزی، بتاج دوزی گذران می کرده و غزل سرای

بوده است .

۱۵۴۳ - نامی تبریزی، بجز نامی تبریزی هر وی سابق الذکر و برادر قوسی

تبریزی بوده و قصاید بسیار سروده و در ضمن غزل هم می سروده است .

- ۱۵۴۴ - **نباتی تبریزی** ، روزگار را بتقاشی و لاجوردشویی می گذرانده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۵۴۵ - **مولانا حیدر نجاتی تبریزی** ، از مردم خیابان تبریز و در خطنسخ تعلیق استاد بوده و غزل می سروده است .
- ۱۵۴۶ - **نجمی شروانی** ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی بی قید و غزل سرای بوده است .
- ۱۵۴۷ - **قاضی محمد نصیری اردو بادی** ، اقسام مختلف شعر می سروده است .
- ۱۵۴۸ - **نوری تبریزی** ، برادر قوسی بوده و در تابستان سقایی و در زمستان عسل فروشی می کرده و غزل بسیار گفته است .
- ۱۵۴۹ - **واری اردبیلی** ، از نجیبزادگان و مرد مہذب بوده و در عراق و خراسان سفر بسیار کرده و در ۹۸۹ باستراباد رفته و جزین از احوالش اطلاعی نیست . وی در غزل استاد بوده است .
- ۱۵۵۰ - **واصلی تبریزی** ، با بریشم فروشی روزگار می گذراند و سپس بازارگانی پرداخت و در جوانی در گذشت و غزل می سرود .
- ۱۵۵۱ - **سید حسن واعظ فیضی شروانی** ، مردی دانشمند و واعظی خوش بیان و در بیشتر از خطوط خوشنویس و در غزل نیز استاد بوده است .
- ۱۵۵۲ - **ملانصرالله واقف خلخالی** ، پسر محمد عمر خلخالی و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در حکمت دست داشته و چون شافعی و سنی متعصبی بوده از اصفهان بخاک عثمانی گریخته و مدتی در مدرسهٔ عسرونیه در حلب تدریس کرده و مرد پارسا و افتاده‌ای بوده و در ۹۶۱ در گذشته است . وی حواشی و تعلیقاتی بر رسالهٔ اثبات الواجب علامه دوانی و شرحی بر هدایهٔ میبیدی و کتابی بنام مجموعه الحساب نوشته و در ضمن در شعر فارسی استاد بوده و بیشتر اشعار نظامی و مولانا جلال‌الدین را از بر می خوانده و خود در غزل استاد بوده و دیوان کلانی از او مانده است .
- ۱۵۵۳ - **ملاعلیقلی واقف خلخالی** ، خواهرزادهٔ ملا نصرالله سابق الذکر

بوده و تخلص وی را نیز واقف ضبط کرده‌اند و اقسام مختلف شعر می‌سروده و آرزو نیز دیوانی مانده است .

۱۵۵۴- وحیدی تبریزی، ساکن قم بوده و بهمین جهت بقمی نیز معروف شده است و با مولانا حیرتی مهاجرات بسیار داشته است . نوشته‌اند مردی مہذب بوده و عروض و قافیه را خوب می‌دانسته و رساله‌ای درین فن نوشته که بمختصر و حیدی معروفست و از رایج‌ترین کتابهای این فنست و نیز مفتاح البدایع را در لغت فارسی نوشته است . در پایان زندگی بگیلان رفته و در ۹۴۲ در آنجا درگذشته است . وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و شهر انگیزی برای مردم تبریز سروده که معروف بوده است و دیوان اشعار وی مانده است .

۱۵۵۵- سلطان محمد وصالی تبریزی ، مردی دانشمند بوده و خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشته و در جوانی سفری بکاشان کرده و از آنجا به بندر رفته و غزل را نیکو می‌سروده است .

۱۵۵۶- وفایی اردبیلی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۵۵۷- یاری تبریزی ، نوشته‌اند مردی عامی بوده و روزگار بخردم فروشی میگذرانده و غزل می‌سروده است .

۱۵۵۸- یعقوب اردبیلی ، مردی دانشمند بوده و در ضمن آداب سپاهی گری را خوب میدانسته و بچند زبان ازان جمله فارسی و پهلوی آذر بایجان و ترکی شعر میگفته است .

۱۵۵۹- یقینی شروانی ، در شیراز می‌زیسته و شعر بسیار سروده و غزل سرا بوده است .

۱۵۶۰- خاطری کاشانی ، از متصوفه بوده و پس از سیاحت‌های بسیار در هندوستان در گذشته و رباعی از او مانده است .

۱۵۶۱- عبداللہ بن حسین بن صالح بن بایزید بن عامر بن دینار طالبی زنجانی ،

از شاعران درجه دوم این دوره بوده که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است

- ۱۵۴۴ - نباتی تبریزی ، روزگار را بنقاشی و لاجوردشویی می گذرانده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۵۴۵ - مولانا حیدر نجابتی تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و در خط نسخ تعلیق استاد بوده و غزل می سروده است .
- ۱۵۴۶ - نجمی شروانی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی بی قید و غزل سرای بوده است .
- ۱۵۴۷ - قاضی محمد نصیری اردو بادی ، اقسام مختلف شعر می سروده است .
- ۱۵۴۸ - نوری تبریزی ، برادر قوسی بوده و در تاپستان سقایی و در زمستان غسل فروشی می کرده و غزل بسیار گفته است .
- ۱۵۴۹ - وارثی اردبیلی ، از نجیب زادگان و مرد مہذب بوده و در عراق و خراسان سفر بسیار کرده و در ۹۸۹ باستر آباد رفته و جزین از احوالش اطلاعی نیست . وی در غزل استاد بوده است .
- ۱۵۵۰ - واصلی تبریزی ، با پریشم فروشی روزگار می گذراند و سپس بازار گانی پرداخت و در جوانی در گذشت و غزل می سرود .
- ۱۵۵۱ - سید حسن واعظ فیضی شروانی ، مردی دانشمند و واعظی خوش بیان و در بیشتر از خطوط خوشنویس و در غزل نیز استاد بوده است .
- ۱۵۵۲ - ملا نصر الله واقف خلخالی ، پسر محمد عمر خلخالی و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در حکمت دست داشته و چون شافعی و سنی متعصبی بوده از اصفهان بخاک عثمانی گریخته و مدتی در مدرسه عصر و نیه در حلب تدریس کرده و مرد پارسا و افتاده ای بوده و در ۹۶۱ در گذشته است . وی حواشی و تعلیقاتی بر رساله اثبات الواجب علامه دوانی و شرحی بر عهد ایة میبیدی و کتابی بنام مجموعه الحساب نوشته و در ضمن در شعر فارسی استاد بوده و بیشتر اشعار نظامی و مولانا جلال الدین را از بر می خوانده و خود در غزل استاد بوده و دیوان کلانی از او مانده است .
- ۱۵۵۳ - ملا علیقلی واقف خلخالی ، خواهرزاده ملا نصر الله سابق الذکر

بوده و تخلص وی را نیز واقف ضبط کرده‌اند و اقسام مختلف شعر می‌سروده و از و نیز دیوانی مانده است .

۱۵۵۴- وحیدی تبریزی ، ساکن قم بوده و بهمین جهت بقه‌ی نیز معروف شده است

و با مولانا حیرتی مهاجرات بسیار داشته است . نوشته‌اند مردی مہذب بوده و عروض و قافیه را خوب می‌دانسته و رساله‌ای درین فن نوشته که بمختصر و وحیدی معروفست و از رایج‌ترین کتابهای این فنست و نیز مفتاح البدایع را در لغت فارسی نوشته است . در پایان زندگی بگیلان رفته و در ۹۴۲ در آنجا درگذشته است . وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و شهر انگیزی برای مردم تبریز سروده که معروف بوده است و دیوان اشعار وی مانده است .

۱۵۵۵- سلطان محمد و صالی تبریزی ، مردی دانشمند بوده و خط نسخ

تعلیق را خوب می‌نوشته و در جوانی سفری بکاشان کرده و از آنجا به بندر رفته و غزل را نیکو می‌سروده است

۱۵۵۶- وفایی اردبیلی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۵۵۷- یاری تبریزی ، نوشته‌اند مردی عامی بوده و روزگار بخرده فروشی

میگذرانده و غزل می‌سروده است .

۱۵۵۸- یعقوب اردبیلی ، مردی دانشمند بوده و در ضمن آداب سپاهی

گری را خوب میدانسته و بچند زبان از ان جمله فارسی و پهلوی آذر بایجان و ترکی شعر میگفته است .

۱۵۵۹- یقینی شروانی ، در شیراز می‌زیسته و شعر بسیار سروده و غزل سرا

بوده است .

۱۵۶۰- خاطری کاشانی ، از متصوفه بوده و پس از سیاحت‌های بسیار در هندوستان

در گذشته و رباعی از او مانده است .

۱۵۶۱- عبداللہ بن حسین بن صالح بن بایزید بن عامر بن دینار طالبی زنجانی ،

از شاعران در جہدوم این دوره بوده که از احوال‌ش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است

که در خاک عثمانی میزیسته و در ۹۵۵ دیوان بحر المعادفی ارشاد العباد را که مثنوی بوزن لیلی و مجنون نظامیست بنام سلطان سلیمان عثمانی پایان رسانیده است.

۱۵۶۲ - **خوارزمی** ، نیز از شاعرانیست که نامش را در جایی ضبط نکرده اند

و وی نیز ظاهراً در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته و پس از سفری بشام در ۹۱۴ مثنوی کوچکی در حدود ۵۰۰ بیت بنام محبت نامه برون شیرین و فرهاد و حسی بترکی و فارسی سروده و بهمان وزن غزلیاتی از خود گنجانیده و تا اندازه‌ای در شعر توانا بوده است .

۱۵۶۳ - **ابوالقاسم میرزا بابری** ، پسر میرزا کامران پسر درم ظییرالدین

بابر بود و در ۹۶۴ که پدرش پس از ناکامی از دعوی سلطنت از جهان رفت همایون فرمان داد وی را کشتند . وی در شعر فارسی استاد بوده است .

۱۵۶۴ - **شاه زین العباد عابد بیری** ، معروف بشاه زنده از مردم بزم در سر

زمین لار فارس و از دانشمندان و مشایخ محترم و از سادات بوده و کرامات از و نقل کرده اند و کتابی در مقامات وی نوشته اند و غزل را نیکو می سروده و ظاهراً عابد تخلص میکرده است .

۱۵۶۵ - **ابوالمعالی غربتی لاهوری** ، ظاهراً از صوفیه معروف قرن دهم

هندوستان بوده و غزل را استادانه می گفته است .

۱۵۶۶ - **غیری کرمانی** ، از طوایف ترک کرمان و مردی صوفی مشرب بوده

و سفر بسیار کرده و سرانجام در ۱۰۱۷ کشته شده و رباعی از او مانده است .

۱۵۶۷ - **قیری بغدادی** ، از احوالش اطلاعی نیست ، همین قدر نوشته اند که

از مشایخ زمان خود بوده و ظاهراً در قرن دهم می زیسته و رباعیات از او مانده است .

۱۵۶۸ - **لولی هندوستانی** ، از احوال وی نیز اطلاعی نیست و چنان می نماید

که در قرن دهم میزیسته و مردی صوفی منش بوده و غزل می سروده است .

۱۵۶۹ - **ملا محمد مرشدی زواره‌ای** ، وی نیز مردی صوفی مشرب و برادر

مولانا سپهری زوارجی بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته و غزل و رباعی می گفته است .



۱۵۷۰ - نیازی کرمانی ، از احوال اطلاع درستی نیست و همین قدر پیدا است که يك مثنوی بر روش مخزن الاسرار نظامی و بهمان وزن سروده و ظاهراً در قرن دهم می زیسته است .

۱۵۷۱ - شیخ نجم الدین یعقوبی ساوجبی ، از کار گزاران دربار سلطان یعقوب و از مردم اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و بواسطه انتساب بسطان یعقوبی تخلص می کرده و عم قاضی مسیح الدین عیسی بوده و از دانشمندان بشمار میرفته و چندی نیز در مقام وزارت بوده و غزل می سروده است .

۱۵۷۲ - یوسف تبیینی ، از مردم سرزمین تبیین در هندوستان و مردی دانشمند و غزل سرای بوده است .

۱۵۷۳ - ابوسعید کالیبی ، از متصوفه هند و مردی مرتاض بوده و در زمان اکبر میزیسته و شعر فارسی می گفته است .

۱۵۷۴ - شیخ ابوالقاسم امری شیرازی ، مردی دانشمند بوده و در علوم مغریه دست داشته و بهمین جهت بطریقه نقطوی گرویده بود و حکم قتل او را صادر کردند اما شاه طهماسب فرمان داد وی را در ۹۳۲ کور کردند و بدان حال میزیست تا آنکه در ۹۹۹ در شیراز عوام وی را کشتند . وی را مولفاتیست از آن جمله رساله ذکر و فکر و جواب مرآة الصفا و با خواجه محمود دهمدار دوستی داشته و اقسام شعر را نیکومی سروده است .

۱۵۷۵ - امیر محمد امین ذوقی کاشانی ، از تر کمانان بوده و در کاشان کسب دانش کرده و در حکمت از شاگردان میرزا جان شیرازی و معاصر شاه طهماسب بوده و پس از مدتی سیاحت منزوی شده و در ۹۶۹ در گیلان در گذشته و غزل می سروده است .

۱۵۷۶ - حکیم شاه رضا شیرازی ، از دانشمندان زمان خود بوده و در زمان جلال الدین اکبر بهندرفته و در همان جا در گذشته و رباعیات از او مانده است .

۱۵۷۷ - علمی قلندر هندی ، معروف بشاه علمی ظاهراً از متصوفه و غزل

سرایان قرن دهم بوده

۱۵۷۸ - مجد الدین طالعیه ، از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر نوشته اند که

مردی نکته‌دان بوده و ظاهراً در قرن دهم میزیسته و غزل می‌سروده است .

۱۵۷۹ - وقوعی سمنانی ، مردی دانشمند و مہذب و از شاعران دربار حلال

الدین محمدا کبر بوده و خط شکسته را خوب مینوشته و رباعی از او مانده است .

۱۵۸۰ - غریبی بلیانی کازرونی ، از بازماندگان شیخ اوحدالدین عبدالله

کازرونی مؤلف رساله دایره بوده و ظاهراً در قرن دهم میزیسته و مرد دانشمندی بوده و

در علوم غریبه مخصوصاً جغرافیه و اعداد دست داشته و ساقی نامه و دیوان غزل از او مانده

است .

۱۵۸۱ - امیر جلال الدین حسن اصفهانی ، از اشراف اصفهان و اعیان دربار

صفویه بوده و در پایان زندگی مدتی صدارت اصفهان را داشت و در حوالی شروان در

۱۰۱۴ در گذشت و اقسام مختلف شعر سروده است .

۱۵۸۲ - کمالی زیمانی . ظاهراً از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

۱۵۸۳ - مبارکشاه خاتمی ، وی نیز ظاهراً از شاعران قرن دهم بوده و رباعی

از او مانده است .

۱۵۸۴ - علامه چلبی بیگ تبریزی ، از اعیان و دانشمندان آن شهر بوده و

در حدود سال ۱۰۰۰ به بند رفته و همان جا در گذشته و غزل می‌سروده است .

۱۵۸۵ - مولانا خزانی شیرازی ، مردی فقیر بوده و در شیراز بمکتب داری

روزگار میگذرانده و غزل سرا بوده است .

۱۵۸۶ - نظام الدین علی سیاقی ، از کارگزاران نامی دربار صفویه بوده

است ، نخست مستوفی کوه گیلویه و کازرون بوده و سپس وزارت کل فارس را باو

داده اند و مردی دانشمند بشمار میرفته و در تاریخ و علم سیاقی و موسیقی بر دیگران

برتری داشته و کتاب فتوحات شاهی را نوشته و غزل را نیکو می‌سروده و سیاقی

تخلص می‌کرده است .

- ۱۵۸۷ - امیرشاهکی اصفهانی ، از اعیان اصفهان بوده و غزل را نیکو می سروده است .
- ۱۵۸۸ - احمد میرک مشهدی ، برادر محمدنصیرکمالصالحی مشهدی ووی نیز شاعر بوده است .
- ۱۵۸۹ - مولانا ضیاءالدین کاشانی ، در کاشان مدرس بود و حکمت و علوم عقلی درس میداد و غزل و رباعی را نیکو می سرود .
- ۱۵۹۰ - میرزا ضیاءالدین جابری ، ظاهرا از شاعران قرن دهم اصفهان و غزل سرا بوده است .
- ۱۵۹۱ - عارف گیلانی - در حدود ۹۷۵ در شیراز می زیسته و او هم غزل می سروده است .
- ۱۵۹۲ - امیر عبدالغنی تفرشی ، مردی مہذب و با ذوق بوده و چندی در شیراز علوم عقلی آموخته و مدتی هم در همدان بوده و او هم غزل می سروده است .
- ۱۵۹۳ - قاضی علایی کرهرودی ، از مردم کرهرود قم و منشی و دانشمند بوده و غزل میگفته است .
- ۱۵۹۴ - قاسم تونی ، نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .
- ۱۵۹۵ - لطفی شیرازی ، در حدود سال ۹۹۰ در اصفهان بوده و رباعی از او مانده است .
- ۱۵۹۶ - امیر نصیبی ، بجز نصیبی گیلانی و نصیبی اندجانی و نصیبی نوربخشی یزدی و غزل سرا بوده است .
- ۱۵۹۷ - قاصی نورالدین اندمانی اصفهانی ، اصلا از مردم اندمان بوده و در قزوین و اصفهان نشو و نما یافته و در علوم عقلی شاگرد افضل الدین محمدثرکه بوده و تا ۹۹۲ زیسته و در اقسام شعر استاد بوده است .
- ۱۵۹۸ - مولانا همدی جهرمی ، مردی تنگ دست بوده و تا ۹۹۰ می زیسته و رباعی از او مانده است .
- ۱۵۹۹ - یحیی آملی ، ظاهرا از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

در هدی که این کتاب در زیر چاپ بود پیوسته بنکاتی برمی خوردم که در گرد آوردن مطالب این کتاب فرو گذار شده بود و اینک آنها را بعنوان تکمله برین کتاب می افزایم. در آغاز هر مطلبی ص اشاره بصحیفه و ش اشاره بشماره ایست که این مطلب باید بر آن افزوده شود.

ص ۱۸ : درباره عباس مروزی که وی را از شاعران قرن دوم دانسته اند و برخی نام او را ابوالعباس ضبط کرده اند این نکته را آورده اند که اشعاری در مدح مأمون خلیفه عباسی سروده است ، چنان می نماید که آن قطعه از شاعری در مدح ابوالعباس مأمون خوارزمشاه پادشاه خوارزم بوده باشد که از ۳۹۰ تا ۴۰۷ در خوارزم پادشاهی کرده است و آنرا از ابوالعباس در مدح مأمون خلیفه دانسته باشند .

ص ۱۸-۲۰ : درباره شعرای قرن سوم این نکته را باید افزود که تذکره نویسان ذکر از شاعری کرده اند بنام محمود وراق هروی و گفته اند که معاصر طاهریان و صفاریان بوده و تاریخی نیکو نوشته و کنیزکی داشته زیبا و محمد بن طاهر طالب آن شده با دوهمیان زر بخانه او رفته و چون دانست که خواجه و کنیزک بیکدیگر دلبستگی دارند از آن کار باز گشته وزرها را بخواجه بخشیدند و بیرون رفته و وی در ۲۲۱ در گذشته است و این اشعار ازوست :

نگارینا ، بنقد جانت ندم      گرانی در بها ، ارزانت ندم  
گرفتم بجان دامن وصلت      نهم جان از کف و دامانت ندم

درین زمینه اشتباهی کرده اند و آن اینست که محمود وراق دیگری بوده است بجزوی که ظاهر اُتال و ایل قرن پنجم می زیسته و کتابی در تاریخ نوشته که ابوالفضل بیهقی پیروی از او کرده و او وقایع را بسال ۴۰۹ رسانیده و بیهقی از آن پس را نوشته

وازین قرار تا ۴۰۹ زنده بوده است و کسی که معاصر طاهریان و صفاریان بوده است نمی‌توانسته تا ۴۰۹ زنده مانده باشد .

امام محمود و راق شاعر دوره طاهریان، منہاج الدین بن سراج الدین جوزجانی در طبقات ناصری ( چاپ عبدالحی حبیبی ج ۱ ص ۲۳۴ ) درباره محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر پنجمین پادشاه سلسله طاهری که از ۲۴۸ تا ۲۵۹ حکمرانی داشته چنین نوشته است : « سخاوت محمد طاهر عبدالله ، علیه الرحمہ : از روایت افاضل چنین روایت می‌کنند که : در نیشابور شخصی بود از افاضل عصر ، که او را محمود و راق گفتندی ، کنیز کی داشت بر بطنی ، در غایت لطف بکمال . حدیث جمال آن کنیزک و طبع راست و نظم او بسمع محمد طاهر رسیده بود که : خود غزل می‌گوید و می‌سازد و بر بطن می‌زند . بسبب این اوصاف دل محمد طاهر بوصل او میل کرد و بکرات آن کنیزک را از محمود و راق درخواست کرد ، بی‌پای تمام و بی‌پنج وجه میسر نمی‌شد ، که محمود و راق به عشق آن کنیزک گرفتار بود و این کنیزک را «راتبه» نام بود . چون مدتی بر آمد و تمام اموال و ثروت محمود و راق بعشرت و بذل بآن کنیزک راتبه نام صرف شد و هیچ باقی نماند ، محمود و راق بخدمت امیر طاهر کس فرستاد که : عنایت فرمای و بیا ، که کنیزک بتوفروشم . چون این پیغام بمحمد طاهر رسید بغایت شادمانه شد و خرم گشت . بفرمود تا چهارده بدره سیم بیاوردند و بخادم داد و خود برخاست و از راه حرم بخانه محمود آمد و چون بنشست و سیم و زر در نظر محمود و راق افتاد ، محمود و راق چون آن حال مشاهده کرد راتبه را گفت : ای راتبه ، جامه در برپوش و استعداد خدمت امیر کن ، که ترا بوی بفروشم . چون کنیزک آن سخن بشنید گریه بروی مستولی شد ، چنانکه آواز او امیر محمد طاهر شنید . محمود گفت : ای راتبه ، موجب بکا و تضرع چیست ؟ گفت : یا مولای هذا آخر امری و آخر امرک . آخر کار من و تو این بود که در آخر کار مرا از خود جدا کنی ؟ محمود گفت : این همه از عشق تومی کنم . که چون در دست من از مال چیزی باقی نماند ، تا تو آسوده باشی ، ترا بحرم امیر می‌فرستم ، که تا باقی عصر

در راحت گذاری . کنیزك جواب داد: اگر برای من می کنی مکن . قبول کردم .  
باقی عمر برای تو مال ، بکسب آنچه لایق عورات باشد ، از متاع و دامنی بافتن  
حاصل کنم و خود را و ترا بدارم . محمود و راق گفت : اگر چنینست من ترا آزاد  
کردم و بزنی بنورده دینار و نیم مهر عقد کردم . چون محمد طاهر این مذاکره عشق  
وراق و کنیزك راتبه بشنید برخاست و دست بدامن جامه خود زد و گفت :  
هر چهار بنده سیم شما راست و قال : مالکما ان افعالتما ذلك ، فان المال لکما .  
کل این مال شما را بخشیدم ، باقی عمر را در راحت بگذرانید و یازگشت و ذکر  
سخاوت او باقی ماند...»

چنان می نماید که این مطالب را منهاج الدین بن سراج الدین از زبان تازی  
ترجمه کرده باشد و درباره این محمود و راق شاعر که اشعاری بزبان تازی ازو  
مانده است در کتابهای ادب تازی مطالبی نظیر این هست و اشعاری از وضبط کرده اند  
از آن جمله در کتاب الشعر و الشعراء ابن قتیبه (چاپ قاهره ۱۳۶۶- ج ۲ ص ۸۴۴)  
و کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی (چاپ قاهره ۱۳۳۷ ج ۱۴ ص ۱۹۷-۱۹۸) و در طبقات  
الشعراء فی مدح الخلفاء والوزراء تألیف عبدالله بن معتر (چاپ اوقاف گیب  
ص ۱۷۴-۱۷۵) . در نهایت الارب نویری (ج ۳ ص ۸۵) در باره او چنین آمده است :  
«محمود الوراق ، هو محمود بن الحسن البغدادی مولی بنی زهره و یکی ابوالحسن» .  
نسبت بغدادی شاید بدان جهت بوده باشد که چندی در بغداد زیسته است و چون  
پای تخت طاهریان و محمد بن طاهر نیشابور بوده و منهاج الدین بن سراج الدین نیز  
تصریح کرده که در نیشابور بوده است باید گفت که ابوالحسن محمود بن حسن  
وراق نیشابوری معاصر محمد بن طاهر بوده است . در طبقات الشعراء تاریخ رحلت  
وی حدود ۲۳۰ نوشته شده و تذکره نویسان فارسی چنانکه گذشت ۲۲۱ ضبط کرده اند  
اما چنانکه گذشت محمد بن طاهر از ۲۴۸ تا ۲۵۹ حکمرانی کرده است و شاید روابط  
وی با محمود و راق پیش از حکمرانی وی در نیشابور بوده باشد . بدین گونه می توان  
گفته تذکره نویسان را درباره ابوالحسن محمود بن حسن و راق نیشابوری در

گذشته در ۲۲۱ که از شاعران دوره طاهریان در آغاز قرن سوم بوده است پذیرفت. از اشعار تازی وی در عقد العزید و کتابهای جاحظ و کامل مبرد نیز هست.

ص ۲۳ : در گذشت بندار رازی را در ۴۳۳ هم ضبط کرده‌اند.

ص ۲۴ : درباره ابوالقاسم بشر بن محمد بن یاسین : رحلت وی را در ۳۰۸ یا

در ۳۸۱ در نیشابور یا در مهنه نیز ثبت کرده‌اند.

درباره طاهر عربان همدانی باید افزود که کلمات قصاری بزبان تازی بدو منسوبست که شرحی بتازی بر آن بعین القضاة همدانی نسبت داده اند و شرح عربی دیگری هست که شارح آن معلوم نیست و عماد السلطان علی گنابادی نیز دو شرح فارسی و عربی بر آن نوشته است

ص ۲۵ : شاهسار، بگمانم در اصل شاه‌شار بوده باشد و مراد از آن شار ابو نصر محمد بن اسد از خاندان فریغونیا است که در ۴۰۵ محمود غزنوی وی را اسیر کرد و در ۴۰۶ در هرات در گذشت و وی بیشتر بلقب خانوادگی خود «شاه‌شار» معروف بوده است.

ص ۲۵ : لمغانی عباسی ، بگمانم لمغانی بوده است ، منسوب بلمغان ناحیه‌ای در میان افغانستان و سرزمین سند ، بدین گونه می‌بایست نام درست این شاعر عباسی لمغانی بوده باشد .

ص ۲۶ ، در پایان مبحث شاعران قرن چهارم این نکات را باید افزود :

در يك نسخه از یوسف وزلیخای منسوب بفردوسی در مقدمه برخی اشعار الحاقی هست که معلوم نیست از کیست و در آن اشعار گفته شده است که پیش از نظم این نسخه‌ای که بفردوسی نسبت داده‌اند ابوالمؤید بلخی و بختیاری اهوازی که در هیچ‌جای دیگر اثری ازو نیست داستان یوسف وزلیخا را بنظم آورده‌اند . این مطلب را برخی باور کرده‌اند و حال آنکه کاملاً نادرست و مجعولست .

در کتابخانه ملی پاریس کتابی هست شامل طب منظوم بنام منصوره که میسری نام شاعر و پزشکی در ۶۶۷ بنظم آن آغاز کرده و در ۶۷۰ پایان رسانیده

و کاتب این نسخه که در ۸۵۲ آنرا نوشته ششصد را چنان نوشته است که سیصد هم خوانده می شود بهمین جهت برخی پنداشته اند که این منظومه از ۳۶۷ تا ۳۷۰ سروده شده و این درست نیست .

دیگر آنچه از آثار نظم فارسی در قرن چهارم باقی مانده است منظومه مولود زردشت از کیکاوس پسر کیخسرو و سردار از مردم شهر ری است که در حدود ۳۶۵ آنرا نظم کرده است و چون نسخهای که از آن بدست آمده بخط زراشتت بهرام بن پژدو در قرن هفتم بوده است بخط ازو دانسته و تاریخ نظم آنرا ۶۴۷ پنداشته اند .  
ص ۲۹ : درباره کتاب هدایه المتعلمین باید این نکته را افزود که مؤلف شاگرد ابوالقاسم مقامعی و او در طب شاگرد محمد بن زکریای رازی بوده و این کتاب را برای پسرش تألیف کرده است .

ص ۲۹ : درباره کتاب عقاید ، این کتاب بنام سواد الاعظم بزبان تازی از ازا بوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی معروف بحکیم سمرقندی در گذشته در عاشورای ۳۴۲ و مدفون در قبرستان چاکر دیزه سمرقند در عقاید حنفیان بوده که بفرمان اسمعیل بن احمد سامانی (۲۷۹-۲۹۵) نوشته و مترجمی که نام آن معلوم نیست در زمان نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۲) بفارسی ترجمه کرده و این ترجمه را خواجه محمدپارسا پیشوای معروف نقشبندیان در ۷۹۵ تهذیب و از نو تحریر کرده و این تهذیب اکنون در دست است .

ص ۲۹ : درباره ابواب ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی : در ۱۶ ذیقعدة ۴۳۴ در بخارا در گذشته است .

ص ۳۱ : درباره آثار ابن سینا: رساله حی بن یقظان وی را یکی از شاگردانش بفارسی ترجمه کرده است .

### قرن پنجم

ص ۳۹ ش ۱۴ : فردوسی ، ولادت وی را از ۳۲۳ تا ۳۲۹ حساب کرده اند .  
ص ۴۱ : یوسف وزلیخای منسوب بوی از شاعر دیگری در قرن پنجم است که



در يك نسخه خطی تخلص وی امانی خوانده می شود و در نسخه دیگر شمسی، چنانکه پس ازین خواهد آمد .

ص ۴۴ ش ۱۵ : آنچه درست ترست اینست که عیوقی داستان ورقه و گلشاه را بنام محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی (۵۱۱-۵۲۵) سروده است .

ص ۴۵ ش ۱۲ : ایرانشاه بن ابوالخیر ، احتمال می رود وی برادر شهردان ابن ابوالخیر بوده باشد و چنان می نماید که از بهمن نامه او نسخه ای باقی مانده است .  
ص ۴۸ ش ۱ : اردشیر بن دیلمسپار نجمی شاعر که اسدی فرهنگ خود را برای او نوشته است همان کسیست که یگانه نسخه موجود ترجمان البلاغه تألیف محمد بن عمر رادویانی را در اواخر رمضان ۵۰۷ پایان رسانیده و در آنجا نام خود را ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار نجمی قطبی شاعر نوشته است .

ص ۵۲ ش ۹ : تاریخ کشته شدن ابوالحسن علی بن حسن باخرزی را در ماه ذیقعده ۴۶۷ ضبط کرده اند .

ص ۵۲ ش ۵ : ابو عبدالله علی بن محمد بن عبدالله باکویه : باکویه نام جدش بوده است . تولد وی در حدود سال ۳۳۶ روی داده و از آثاری که بزبان تازی از او باقی مانده کتاب اخبار الغافلین و رساله بدایة حال الحسین بن منصور الجلاج و نهایته است . در نیشابور با ابوسعید ابوالخیر و در شیراز با ابو عبدالله محمد بن خفیف دیدار کرده است . رحلت وی را در ۴۲۸ هم نوشته اند . این که در شیراز با باکوهی معروف شده و سعدی نیز در بوستان نام وی را چنین آورده است با باکوهی می بایست تحریفی از باکویه بوده باشد .

ص ۵۸ ش ۶ : عبدالله انصاری : ساختمان مقبره وی را در گازر گاه هرات فرمان شاه رخ تیموری در ۸۲۹ آغاز کرده و در ۸۳۰ پایان رسانیده اند . کتاب طبقات الصوفیة وی بنام طبقات المشایخ نیز معروفست . دیگر از آثار وی بزبان فارسی رساله صد میدانست . تفسیر وی را ابوالفضل رشیدالدین میبیدی در کتاب کشف الاسرار و عدة الابرار که در ۵۲۰ تألیف کرده جا بجا نقل کرده است . کتابهای

دیگری که در مناقب وی نوشته اند کتابیست تألیف ابو عبدالله حسین کتبی از اصحاب او و کتاب المثنور من الحکایات و السؤالات تألیف محمد بن طاهر حافظ متوفی در ۵۰۷ که وی نیز از اصحاب او بوده است . بر کتاب منازل السائرین وی شرح چند نوشته اند از آن جمله مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد و ایاک نستعین تألیف ابو عبدالله محمد بن ابوبکر بن ایوب معروف با بن قیم الجوزیه و شرح میر کمال الدین حسین بن شهاب الدین اسمعیل طیبی گازر گاهی هروی و شرح ابو یعقوب یوسف همدانی بفارسی و شرح کمال الدین عبدالرزاق کاشانی و شرح زین الدین خوافی و شرح عبدالرؤف مناوی و شرح یوسف بن عبدالله کورانی و شرح عقیف الدین سلیمان بن علی تلمسانی و شرح ابراهیم حنبلی و شرح شمس الدین ششتیری و نسیم المقرین تألیف شمس الدین محمد بن طاهر قاضی تهاذکانی و مرآة الناظرین تألیف جمال الدین یوسف بن داود فارسی و شرح سدید الدین ابو محمد عبدالمعطی بن ابوالثنا محمود بن عبدالمعطی لخمی اسکندری و شرح محمود بن حسن بن محمد فرکاوئی قادری .

ص ۶۰ ش ۷ : رساله التدامه الی زاد القیامه در بنام ندامت نامه ظاهر ادرد بخشان بفارسی ترجمه کرده اند و در آن رساله نسب نامه مجعول ناصر بدین گونه است : ناصر بن خسرو بن حارث بن علی بن حسین بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا و لقب او را سید معین الدین نوشته اند .

ص ۶۲ : دیگر از آثار منظوم قرن پنجم یوسف و زلیخا بیست که بخطا بهردوسی نسبت داده اند و در یک نسخه تخلص سراینده آن شمسی آمده است و این داستان را از روی کتابی شامل قصه یوسف بنام تاج القصص یا احسن القصص نظم کرده اند که در ۴۶۵ یا ۴۷۵ فراهم شده و ناچار نظم این داستان پس ازین تاریخ بوده است . دیگر بهمن نامه شهردان بن ابوالخیر را باید دانست .

ص ۶۴ ش ۶ : نام درست مؤلف قصص الانبیا ابواسحق ابراهیم بن منصور بن خلف بوده است .

ص ۶۶ ش ۱۳ : کتاب احیاء العلوم امام غزالی رامجدالدین ابوالمعالی مؤید ابن محمد جاجرمی معروف بملک مؤیدالدین جاجرمی برای شمس الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳) سلطان دهلی بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۷۲ : از کتابهای دیگری که در قرن پنجم تألیف شده :

۱- ابومحمد حسن آذری : مؤلف مختصر در طبقات ملوک در اخبار ملوک عجم و خلفا که مجدول نوشته و در خلافت قائم بامر الله (۴۲۲-۴۵۰) پایان رسانیده است .

۲- ابوروح محمد بن منصور بن ابوعبدالله گرغانی ، مؤلف نورالعیون در کحالی بفارسی که در ۴۸۰ بنام ملکشاه بن محمد سلجوقی پایان رسانیده است . کتاب دیگری که درین دوره فراهم شده ترجمه فارسی تذکرة الکحالیین تألیف علی بن عیسی کحال نصرانی بغدادیست که در حدود سال ۴۰۰ تألیف کرده و مترجمی که نامش معلوم نیست آنرا در قرن پنجم ترجمه کرده است .

### قرن ششم

ص ۸۴ ش ۵ : در گذشت ادیب صابرا در ۵۴۲ نیز ضبط کرده اند .

ص ۸۷ ش ۱۸ : در باره سید معین الدین اشرف باید افزود که وی معین الدین حسن اشرف یا اشرفی نام داشته و از مردم کاشان ماوراء النهر بوده و در سمرقند می زیسته و متصدی کارهای شرعی بوده و برای امتیاز از سید حسن اشرف غزنوی باو اشرف ثانی می گفته اند و مداح پادشاهان سلسله خانی ترکستان از آن جمله الغ قدرخان احمد و محمودخان و علاء الدین پیغو ملک و خسرو ملک بوده است .

ص ۹۰ ش ۳ : نظامی عروضی سمرقندی، رحلت وی را در ۵۱۹ ضبط کرده اند و این درست نیست زیرا که چهار مقاله را پس از آن نوشته است .

ص ۹۳ ش ۲ : سیف الدین اسفرنکی ، در گذشت وی را در ۶۵۲ و محرم ۶۶۰ نوشته اند و این نیز درست نیست .

ص ۱۰۴ ش ۱ : نام گورستانی را که در محله سرخاب تبریز بوده و خاقانی و

دیگران را در آنجا بخاک سپرده‌اند « حظیره الشعرا » یا « حظیره القضاة » هم نوشته‌اند .

ص ۱۰۶ ش ۴ : ظهیرالدین فاریابی ، در گذشت وی را در ربیع الاول ۵۹۸ ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که در حظیره القضاة در کنار خاقانی وی را بخاک سپرده‌اند .  
 ص ۱۰۸ ش ۱ : درباره احمد جام ژنده پیل ، نسب وی را چنین ضبط کرده‌اند :  
 ابونصر احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد بن جریر بن عبدالله بن لیث بجلی ، نسبش جریر بن عبدالله بجلی از صحابۀ رسول می‌رسیده است . پدراننش برزگر بوده‌اند و وی در جوانی می‌بوده است و در نوش خواری و میگساری افراط می‌کرده و سرانجام در ۲۲ سالگی توبه کرد و وارد حلقۀ تصوف شد و ۱۲ سال در کوه نامق و ۶ سال در کوه بیزد در خاک جام بخلوت نشست و سپس بنای ارشاد را گذاشت . نخست در سرخس و استاد و زور آباد بود و در ضمن سفرهایی بهرات و نیشابور و بوزجان و مرو و باخرز و بسطام کرد و بحج رفت و سرانجام بروستای معد آباد در سرزمین جام رفت و در همان جا در گذشت و در بیرون دروازه معد آباد وی را بخاک سپردند و ساختمانی که بر سر خاکش هست ملک غیاث الدین محمد کرت در ۷۱۹ ساخته است . نخست مرید ابوطاهر کرد بوده و با بزرگان متصوفۀ زمان خود مانند عبدالله انصاری و خواجه مودود چشتی و امام محمد منصور سرخسی ممدوح سنایی دیدار کرده و با سنجر روابط نزدیک داشته و نیز از مریدان ابوطاهر پسر ابوسعید ابوالخیر بوده است و ابوطاهر کرد را نیز از مریدان ابوسعید دانسته‌اند . از مؤلفات او مفتاح النجاة تألیف شده در آخر شعبان ۵۲۲ و سراج السائرین در ۵۰۳ یا ۵۱۳ و بحار الحقیقه در ۵۲۷ و اعتقاد نامه و تذکیرات و فتوح القلوب را باید دانست . فرزندان وی تا قرن نهم در خراسان و هند معروف بوده‌اند زیرا که از هشت زن ۳۹ پسر و سه دختر پیدا کرد و پس از مرگش چهارده پسرش زنده بودند : رشیدالدین عبدالرشید ، صفی‌الدین یا اصیل‌الدین محمود ، جمال‌الدین ابوالفتح ، قطب‌الدین محمد ، فخرالدین ابوالحسن ، نجم‌الدین ابوبکر ، برهان‌الدین نصر ، ضیاء‌الدین یوسف ، علاء‌الدین عبدالرحیم ،

شمس الدین مطهر ، بدرالدین صاعد ، حمید الدین عبدالله ، ظهیر الدین عیسی ، شهاب الدین اسمعیل . در مناقب وی کتابهای متعدد نوشته اند بدین گونه : نور الحقایق تألیف پسرش ظهیر الدین عیسی ، رساله در اثبات بزرگی شیخ احمد جام از کوچکترین پسرش شهاب الدین اسمعیل ، مقامات ژنده پیل از خواجه سدید الدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی از اصحاب وی که در حدود سال ۶۰۰ تألیف کرده است ، خلاصة الحقایق از عماد الدین فاریابی در گذشته در ۶۰۷ که در ۵۹۷ تألیف کرده است ، مقامات تألیف امام رضی الدین علی بن ابراهیم بن الیاس تایبادی ، مقامات تألیف شیخ احمد ترخستانی از اصحاب وی ، مقامات تألیف درویش علی بوزجانی در ۹۲۹ ، مقامات تألیف تاج الدین محمود بوزجانی ، خلاصة المقامات تألیف ابوالمکارم بن علاء الملک از بازماندگان وی تألیف در ۸۴۰ ، منظومه ای از بهاء الدین جامی از بازماندگان وی که ساکن شیراز بوده و در قرن نهم می زیسته است . کتاب عامیانه ای نیز بنام «سبز پری» باو نسبت داده اند که حتماً ازو نیست و در انتساب اشعاری که در دیوانش هست تردیدست .

ص ۱۰۹ ش ۲ : روزبهان شهاب الدین لقب داشته و در ۵۲۲ ولادت یافته ، مرید شیخ سراج الدین محمود بن خلیفه بوده و سلسله ارشاد وی بابوعبدالله محمد ابن خفیف شیرازی عارف مشهور در گذشته در ۳۳۱ می رسیده است . نخست در فسا رباطی داشته و در آنجا بخدمت تهی دستان می پرداخته و سپس ساکن شیراز شده و بیست سال در آن شهر موعظه می کرده است . شرف الدین ابراهیم بن روزبهان ثانی پسر فخر الدین احمد بن روزبهان بقلی نواده اش کتابی در مناقب وی بنام تحفة العرفان در سال ۷۰۰ نوشته است . از جمله مؤلفات وی تفسیر عرائس که عنوان درست آن را عرائس البیان فی حقایق القرآن باید دانست ، دیگر : مکنون الحدیث ، حقایق الاخبار ، کتاب الموشح فی المذاهب الاربعه ، کتاب العقاید ، کتاب الارشاد ، کتاب المناهج ، لوامع التوحید ، مسالك التوحید ، كشف الاسرار و مكاشفات الانوار ، شرح الحجب و الاستار فی مقامات اهل الانوار یا کتاب الاعانه ، سیر الارواح ، کتاب العرفان فی

خلق الانسان ، رسالة الانس في روح القدس معروف بقديسيه يا رسالة القدس ، غلطات السالكين ، سلوة العاشقين ، تحفة المحبين ، عبر العاشقين ، سلوة القلوب ، ديوان المعارف ، منهج السالكين ، مقاييس السماع و نام كتاب صفوا المشارب في العشق راصفوة مشارب العشق هم نوشته اند . نواده ديگرش عز الدين مسعود بن روزبهان ثاني كه در ۷۵۰ در گذشته نيز از مشايخ بوده است .

ص ۱۰۹ ش ۳ : مثنوی مصباح الارواح را كه با وحد الدين كرماني نيز منسوبست برخي از شمس الدين محمد بن طغان بردسيري كرماني يا محمد بن ايل طغان كرماني دانسته اند .

ص ۱۱۰ ش ۴ : تاريخ ورود شهاب الدين سهروردي مقتول را بحلب در ۵۸۷ ضبط کرده اند و حكم كشتن وي را ملك ناصر صلاح الدين يوسف بن ايوب پادشاه معروف ايوبي (۵۶۴ - ۵۸۹) بپايه زندقه داده است .

ص ۱۱۰ ش ۵ : تاريخ در گذشت عبدالخالق غجدواني را در ۵۷۵ نيز ضبط کرده اند و اين درستست . گذشته از رساله صاحبيه كه در مقامات مرشد خود ابو يعقوب يوسف بن ايوب همداني متولد در ۴۴۰ و متوفى در پنجشنبه ۸ محرم ۵۳۵ نوشته سه كتاب ديگر از و مانده است بنام جامع الكلم و مسلك المتقين و وصايا و ابوالخير فضل الله بن روزبهان اصفهاني رساله‌اي در شرح وصاياي وي نوشته است . ص ۱۱۱ ش ۶ : كنيه عين القضاة را ابوالمعالي نيز ضبط کرده اند و نسب او را چنين آورده اند : عبدالله بن محمد بن علي بن حسن بن علي . در همدان در ۴۹۲ ولادت یافته و درست ترين تاريخ كشته شدنش ۵۲۵ است .

مهم ترين مؤلفات وي زبدة الحقايق بزبان تازي و تمهيدات بزبان پارسيست و بجز آنچه ذكر شده رساله علائيه و شرح كلمات قصار بابا طاهر عريان را بايد در نظر داشت . تمهيدات وي را سيد محمد گيسودراز بقارسي شرح کرده است و شرح كلمات بابا طاهر و لوايح و يزدان شناخت ترديدست از و بوده باشد .

ص ۱۱۱ ش ۷ : عزيز الدين نسفي ، وي حتما در قرن هفتم مي زيسته و تا پايان اين قرن زنده بوده است . نخست در شهر نخشب يا نسف بوده و از آنجا

ببخارا رفته و تارحج ۶۷۱ در بخارا بوده و چون همه کسانش کشته شده‌اند از ماوراءالنهر بخراسان آمده و چندی در اصفهان و شیراز زیسته و از ۶۸۰ بعد در ابرقوه ساکن شده و تا پایان قرن هفتم در آنجا می‌زیسته و پیش از سال ۷۰۰ در آنجا در گذشته است. وی پزشک نیز بوده و در طریقت از اصحاب سعدالدین حموی بشمار می‌رفته و از مؤلفات دیگر وی انسان الکامل شامل ۲۲ رساله است که ظاهراً در ۶۶۰ در بخارا بتألیف آن آغاز کرده و در ۶۸۰ در شیراز پایان رسانیده و دیگر کتاب‌التنزیل و بیان‌التنزیل و کشف‌الصراط را نوشته و برخی از رسایل و کناپهای خود را بدرخواست سید تاج‌الدین ابرقوهی در کوه ابراهیم ابرقوه پایان رسانده است.

ص ۱۱۲ ش ۸ : دیگر از مؤلفات امام فخرالدین رازی کتاب براهین-

الهائله است.

ص ۱۱۳ ش ۹ : دیگر از مؤلفات فریدالدین شکر گنج رساله وجودیه را

باید دانست.

ص ۱۱۳ ش ۱۰ : فریدالدین عطار را در طریقت از اصحاب شیخ جمال‌الدین

محمد بن حسن نغندری طوسی معروف بامام ربانی دانسته‌اند که سلسله او بشیخ شرف‌الدین رواد و ازو بنخال وی شیخ صلاح‌الدین احمد استاد و ازو بشیخ نورالدین منور و ازو بنخواجه ابوالفتح‌ظاهر نواده ابوسعید ابوالخیر می‌رسیده است. چنان می‌نماید که مراد از نورالدین منور پدر محمد بن منور بن ابوسعید بن ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر مؤلف اسرارالتوحید بوده باشد.

ص ۱۱۵ ش ۱۱ : درباره مجدالدین بغدادی باید افزود که ولادت وی را در

۲۱ جمادی‌الآخره ۵۵۶ و تاریخ کشته شدنش را در ۶۱۱ و ۶۱۳ و ۶۱۶ هم نوشته‌اند و دیگر از مؤلفات او بزبان تازی کتاب تحفة‌البرره است.

ص ۱۱۵ ش ۱۲ : درباره نجم‌الدین کبری، نسب وی را احمد بن عمر بن

محمد بن عبدالله و ولادت وی را در ۵۴۰ یا ۵۴۵ ضبط کرده‌اند و از مؤلفات وی

بزبان تازی رساله الفکر و بزبان فارسی رساله السائر و نصيحة الخواص و چهارارکان و آداب المریدین را باید دانست و قواعد عشره یا اصول العشره وی را میر سید علی همدانی عارف مشهور بنام ده قاعده بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۱۱۶ ش ۱۳ : نسب سعدالدین حمویه را چنین هم ضبط کرده اند : سعد الدین محمد بن معین الدین مؤید بن معین الدین ابوبکر عبدالله بن نجم الدین ابوالحسن علی بن جمال السنه معین الدین محمد بن حمویه جوینی .

وی نخست از نجم الدین کبری عارف مشهور اجازه یافته و در خانقاه وی با سیف الدین باخرزی صیغه برادری خوانده و سپس در ۶۱۶ در مسجد اقصی در قبه صخره از دست پسر عم خود شیخ صدرالدین خسرکه پوشیده و سفرهای بسیار کرده است از آن جمله در سال ۶۱۶ حج رفته و با شهاب الدین سهروردی و اوحد الدین کرمانی و مجدالدین ابهری همسفر بوده ، در ۶۲۳ بآمل و طبرستان و از آنجا بعراق و دیار بکر و حجاز و شام و مصر رفته و هفده سال درسفر بوده ، سپس در ۶۲۹ از مکه و مدینه بیغداد رفته و در ۶۳۴ بدمشق و در ۶۴۰ بتبریز رفته است و در ۶۴۱ از آمل ببحرآباد جوین که پدرانش از آنجا بوده اند رفته است و در آنجا در گذشته و مدفون شده است . رحلت وی را در ۶۴۹ و ۶۶۵ هم ضبط کرده اند و آن درست نیست . دیگر از آثار وی کتاب قلب المتقلب بزبان تازیست که صلاح الدین حسن بلغاری عارف مشهور در ۶۷۲ آنرا بکرمان برده و در آنجا بفارسی ترجمه کرده اند . کتابی بنام مقاصد السالکین درملفوظات سعدالدین تألیف محمد بن احمد بن محمد هست که ظاهراً از اصحاب وی بوده و درباره او نوشته است .

ص ۱۱۶ بر فهرست شاعران قرن ششم این چند تن را باید افزود .

۱۴ - شاه رکن الدین محمود سنجانی خوافی ، از مردم قریه سنجان در سرزمین خسواف و از بزرگان مشایخ طریقه چشتی و از خلفای مودود چشتی در گذشته در ۵۲۷ بوده است و مرشدش وی را شاه و سلطان خطاب می کرده و



بهمین جهت بشاه سنجان و سلطان سنجان و شیخ سنجان معروف شده بود . مدتی در چشت ساکن بود و سرانجام بزادگاه خود بازگشت و در آنجا در ۵۹۳ یا ۵۹۷ یا ۵۹۹ در گذشت و ۵۹۷ درست تر می نماید . مرقدش در همان ناحیه درروستای بالچ در تربت حیدریه امروز زیارتگاه است . وی در شعر فارسی دست داشته و رباعیاتی چند از او مانده است .

۱۵ - سید حسن عزیزی حسینی ، از شاعران این دوره است و جزین در باره اش اطلاعی نیست که دیوانی داشته و يك مثنوی سی نامه سروده است .

۱۶ - ضیاءالدین ابوالنجیب عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی ، از بزرگان مشایخ قرن ششم و خال شیخ شهاب الدین سهروردی عارف مشهور و مرشدوی بوده و نسبش بدوازده پشت بابوبکر می رسیده است . در ۴۹۰ ولادت یافته و از خلفای ابوالفتوح احمد غزالی بوده و بیشتر در بغداد می زیسته و در آنجا در ۵۶۱ یا ۵۶۲ یا ۵۶۳ در گذشته و ظاهراً ۵۶۳ درست تر است . مؤلفات چند داشته که معروف ترین آنها کتاب آداب المریدینست و آنرا سید محمد گیسو دراز عارف مشهور هند در ۸۱۳ و شرف الدین احمد بن یحیی منیری عارف هندی ترجمه و شرح کرده اند .

۱۷ - جمال الدین عمیری ، از شاعران ساکن آذربایجان بوده و در سال ۶۰۰ در تبریز در گذشته و وی را در گورستان محله سرخاب بخاک سپرده اند .

۱۸ - معین الدین محمد بن رمضان فقیه زاهد ، از بزرگان تبریز بوده و در ۵۹۲ در گذشته و در گورستان کجیل او را بخاک سپرده اند و رباعی از او مانده است .

۱۹ - فرخی شروانی ، از شاعران دربار شروانشاهان بوده است .

۲۰ - زکی مراغی ، از شاعران دربار معزالدین محمد بن سام غوری (۵۶۹ - ۶۰۲) بوده است .

۲۱ - نرگسی مراغی ، در کاشغر ولادت یافته و از مداحان سنجر بوده است .

۲۲ - صفی الدین محمد اصلهانی ، از دانشمندان و شاعران زمان خود

بشمار می رفته است

۴۳ - حکیم علی بن محمد فتیحی غزنوی ، وی را ترمذی هم دانسته‌اند و او نیز از دانشمندان و شاعران این زمان بوده است .

۴۴ - بهاء‌الدین اوشی ، از شاعران دربار قطب‌الدین ایبک (۵۸۹ - ۶۰۲) در هند بوده است .

۴۵ - شیخ احمد بدیلی ، از بزرگان مشایخ قرن ششم در خراسان بوده و در سبزوار می‌زیسته است . در ۵۶۷ که تکش خوارزمشاه با سلطان‌شاه اختلاف داشت مردم سبزوار وی را بشغاعت نزد سلطان‌شاه فرستادند و چون برخی از مردم با متصوفه مخالف بودند تیری بسوی وی پرتاب کردند و پباشنه پای او خورد و وی اعتنا نکرد و هم‌چنان نزد سلطان‌شاه رفت و سلطان‌شاه بوی احترام بسیار کرد و دست از محاصره سبزوار برداشت و او از آنجا بمرورفت و اشعار عارفانه می‌سرود و رباعی از او مانده است .

۴۶ - محمد نسوی ، از دانشمندان نامی زمان خود بوده و خوارزمشاهان و پادشاهان مازندران بوی بسیار احترام می‌کرده‌اند و عمادالدین زنگی ریاست دیوان انشای خود را باو تکلیف کرد و وی پذیرفت و از خدمت او کرانه گرفت و بانزوا پرداخت و وی نیز شاعر بوده است .

۴۷ - عیوقی ، داستان ورقه و گلشاه را ببحر متقارب نظم کرده و او را بخطا معاصر محمود غزنوی دانسته‌اند و حال آنکه این مثنوی را بنام محمود بن محمد بن ملک‌شاه (۵۱۱ - ۵۲۵) نظم کرده است . رجوع کنید بصحیفه ۴۴ .

۴۸ - سعادت پسر مسعود سلمان را نیز از شاعران این دوره باید شمرد .

۴۹ - سلیمان اینانج بیگ، از کارگزاران دربار غزنویان بوده و با مسعود سعد سلمان مشاعره داشته و قصیده‌ای که برای مسعود سروده است در دست است .

درباره نویسندگان قرن ششم این مطالب را باید افزود :

ص ۱۱۷ ش ۴: شاهفور اسفراینی، وی از نویسندگان قرن پنجم بوده است،

نام و نسب وی را ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی و عمادالدین

ابوالمظفر طاهر بن محمد اسفراینی ملقب بشاهفور نوشته‌اند و از مختصان نظام الملک طوسی بوده و در ۴۷۱ در گذشته است و کتاب تفسیر وی تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم نام دارد و بتفسیر طاهری نیز معروفست . ازین جا پیداست که نام وی طاهر و شاهفور یا شهفور معرب شاهپور و شهپور لقب و شهرت او بوده است .  
ص ۱۱۸ ش ۹ : انوشیروان بن خالد در ۵۱۵ وزیر مسعود بن محمد بن ملکشاه و در ۵۱۷ وزیر محمد بن محمد شده و از ۵۲۰ بعد بار دیگر وزیر مسعود بن محمد سلجوقی بوده و پس از ده ماه از وزارت استعفا کرده و تاریخ در گذشت وی را در صفر ۵۲۲ نیز نوشته‌اند .

ص ۱۲۱ ش ۲۱ : فخرالدین مبارکشاه ، نام و نسب وی فخرالدین مبارکشاه محمد بن حسن بن محمد بن منصور بن سعید بن ابوالفرج بن خلیل بن احمد بن ابونصر بن خلف بن احمد بن شعیب بن طلحة بن عبدالله بن عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق مرورودیست . نوشته‌اند مهمانخانه‌ای ساخته بود و وسایل شطرنج بازی و کتابخانه در آنجا فراهم آورده بود و دانشمندان برای خواندن کتاب و بازی شطرنج بآنجا می‌رفتند .

ص ۱۲۳ ش ۲۵ : امام ابوالحسن بیهقی ، بر فهرست مؤلفات وی باید افزود :  
تتمة المواهب الشریفه جامع اصحاب ابی حنیفه و جامع اصحاب الشافعی .  
ص ۱۲۴ ش ۲۶ : سید اسمعیل گرگانی ، مؤلفات دیگر وی طب الملوکی ، یادگار ، کتابی در رد بر فلاسفه ، تدبیر یوم و لیله ، وصیت‌نامه ، تذکرة الاشرافیه فی الصناعات الطبییه ، کتاب فی القیاس ، کتاب فی التحلیل ، کتاب المنبه ، زبدة الطب را باید دانست .

ص ۱۲۸ ش ۳۸ : حبیب بن ابراهیم ، دیگر از مؤلفات وی کتاب وجوه قرآن را باید دانست .

ص ۱۳۱ ش ۴۵ : عبدالقادر گیلانی ، تاریخ ولادت وی شب اول رمضان ۴۷۰ است . درباره مزارش نوشته‌اند که در بغداد در درب قبر قبر در داخل سور او را بخاک سپرده‌اند . دیگر از کتابهایی که در مناقب وی نوشته‌اند : تحفه القادریه فی

مناقب حضرت غوثیه محبوبیه تألیف محمدصادق شهابی سعدی قادری و کتاب دیگر بنام تحفة القادریه تألیف ابوالمعالی محمدمتخلص بمسلمی را باید دانست . کتاب فتوح الغیب وی را شیخ ممدوح نام بعنوان غنیة الطالبین بساردو ترجمه کرده است .

بر فهرست نویسندگان قرن ششم در صحیفه ۱۳۲ این چند تن را باید افزود:

۴۶ - **ظهیرالدین عیسی** ، پسر سیزدهم احمد جام ژنده پیل در ۵۷۷ کنایی

بعنوان سرالبدایع بنام سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری (۵۵۸ - ۵۹۹) پایان رسانیده است .

۴۷ - **محمد بن یوسف ایلاقی** ، از بزرگان دانشمندان قرن ششم و از

شاگردان ابوالعباس فضل بن محمد لوگری مؤلف بیان الحق و خود در حکمت و طب و علوم مختلف دست داشته و در فلسفه و طب و ریاضی کتابهای چند نوشته است از آن جمله کتاب اللواحق و دوست نامه و سلطان نامه در حکمت و فصول در پزشکی و در ۵۳۶ در گذشته است .

۴۸ - **فخرالدین محمد بن محمود بن احمد نیشابوری** ، خود و پدرش

امام بیان الحق محمود نیشابوری از دانشمندان نامی خراسان بوده اند ، پدرش تفسیر بزرگی در صد دفتر تألیف کرده است و وی در زمان بهرامشاه غزنوی از دانشمندان معروف غزنین بود و در ۵۲۹ که سلطان سنجر بغزنین رفته میانجی گری کرده و در نظم و نثر استاد بوده و دیوان شعری داشته است و دیگر از آثار وی بصائر یمینی یا البصائر فی التفسیر بفارسیست که تاریخ تألیف آنرا ۵۵۲ یا ۵۷۷ نوشته اند و رای آرای یا رای جهان آرای که ترجمه غروسیر بوده است و صحیفه الاقبال در معارضه تیغ و قلم .

۴۹ - **معین الدین محمد بن عبدالغالب میرهنی** ، مؤلف دستور دبیری .

۵۰ - **محمد بن نجیب بکران** ، مؤلف جهان نامه در جغرافیا که در ۶۰۵

بنام محمد خوارزمشاه پایان رسانده است .

۵۱ - **رشیدالدین ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد بن مهریزد مهدی**

یزدی ، مؤلف تفسیر معروف کشف الاسرار و عده الابرار که در ۵۲۰ پیاپی رسانیده و تفسیر عبدالله انصاری را جا بجا در آن گنجانیده است .

۵۲ - ابو عبدالله مسعود بن علی بن عمر الصراف، از شاگردان نورالدین احمد بن محمود بن ابوبکر صابونی بخاری حنفی در گذشته در ۵۸۰ کتاب کشف الغوامض فی احوال الانبیا یا عصمة الانبیا تألیف استاد خود را بنام حصص الاتقیاء فی قصص الانبیا بفارسی ترجمه کرده است .

۵۳ - شمس الدین ، از دانشمندان آذربایجان و نویسنده و شاعر بوده و کتابی بروش کلبله و دمنه بنام فرائد السلوک برای اتابیک ازبک از ۶۰۷ تا ۶۱۰ تألیف کرده است .

۵۴ - عبدالکافی بن ابوالبرکات، وی از ادیبان خراسان درین زمان بوده و اسکندرنامه‌ای که بشر بسیار شیوا نوشته ازومانده است .

۵۵ - قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی ، از بزرگان فقها و ادبای شیعه در زمان خود بوده و ظهر چهارشنبه ۱۴ شوال ۵۷۳ در قم در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده‌اند و مؤلفات چند بزبان تازی ازومانده است از آن جمله کتاب الجرائح فی معجزات الائمة الاطهار و شرح نهج البلاغه و کتاب الدعوات و ضیاء الشهاب فی شرح الشهاب شرح شهاب الاخبار تألیف قاضی ابو عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون مغربی قضاعی در گذشته در ۴۵۴ شامل کلمات قصار رسول اکرم و نشرالثالی در شرح کلمات قصار علی بن ابی طالب و نیز شرح صد کلمه آن امام که می نویسد جا حظ تألیف کرده است .

بجزین کتابها که بشر فارسی در قرن ششم فراهم شده است دو کتاب دیگر نیز باقیست : یکی کتابیست بنام بحر الفوائد در انواع علوم که مؤلف آن معلوم نیست و در میان سالهای ۵۳۰ و ۵۵۵ تألیف شده و در زمان مقتفی بالله خلیفه عباسی و محمد بن بزرگ امید اسمعیلی (۵۳۲ - ۵۵۷) نوشته است . دیگر کتابیست در عقاید اسمعیلیه بنام هفت باب سیدنا که آنرا بحسن صباح در گذشته در ۲۶ ربیع

الثانی ۵۱۸ نسبت داده اند اما ازو نیست زیرا که مؤلف خود تصریح می کند که در سال ۱۲۱ ملکشاهی بیایان رسانده است که مطابق با ۵۹۶ یا ۵۹۷ هجری بوده است . از حسن صباح تنها مکاتیب باقی مانده است .

### قرن هفتم

ص ۱۳۵ ش ۱ : منهاج الدین بن سراج الدین جوزجانی از ۶۴۴ بعد در دربار ناصرالدین محمود بن شمس الدین التتمش در دهلی بوده است .

ص ۱۳۶ ش ۳ : عطا ملک جوینی ، نخست نایب سونجاق از امرای مغول بوده است . پس از عزل از حکمرانی بغداد او را بزندان بردند و بند دو شاخه کردند و در بغداد گردانند و شکنجه کردند تا هر چه دارد ازو بگیرند . تاریخ کشته شدن وی را در شب شنبه نیز نوشته اند و سپس در سال ۶۸۸ دو پسر وی مجدالدین و منصور را که بجله رفته بودند ببغداد آوردند و در آنجا کشتند و پیکر شان را بر سر یکی از پلهای آن شهر آویختند .

ص ۱۳۷ ش ۵ : خواجه نصیرالدین طوسی ، تاریخ بنای رصد خانه مراغه را در ۶۵۶ ضبط کرده اند و مؤیدالدین عربی و فخرالدین مراغی و فخرالدین خلایطی و نجم الدین دبیران قزوینی که از دانشمندان نامی آن روزگار بوده اند در آن رصد خانه با خواجه همکاری داشته اند . دیگر از مؤلفات وی اخلاق محتشمی و گشایش نامه و مقاله فی فضائل امیر المومنین علی و رساله در تولد او تبرا را باید دانست . از و سه پسر مانده است یکی صدرالدین علی که تا ۶۸۱ زنده بوده و دیگر اصیل الدین که در بغداد در ۷۰۴ در گذشته و سوم وجیه الدین یوسف که در آذربایجان می زیسته است .

ص ۱۳۹ ش ۶ : قاضی ناصرالدین بیضاوی ، تاریخ رحلت وی را در ۶۹۱ نیز ضبط کرده اند و در چرنداب تبریز مدفون شده است . دیگر از مؤلفات وی کتابهای منهاج و مصباح الارواح و طوابع را باید دانست .

ص ۱۴۰ ش ۹ : نجم الدین رازی ، تولد وی را در ۵۷۳ و در گذشته را در ۶۴۱ نیز ضبط کرده اند .

ص ۱۴۱ ش ۱۰ : شهاب‌الدین سهروردی، نسب وی را چنین ضبط کرده‌اند:  
 ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن سعد بن حسین بن قاسم بن  
 بصیر یا نصر بن قاسم بن محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابوبکر.  
 در سال ۵۵۵ به بغداد رفته و در ۵۶۶ وارد طریقه تصوف شده و در ۵۷۷ خلیفه ناصر لدین الله  
 او را برسالت نزد سلطان‌شاه محمود ایل ارسلان خوارزمشاه فرستاده و در ۶۱۶  
 به حج رفته و با سعدالدین حموی و اوحدالدین کرمانی و مجدالدین ابهری که از  
 بزرگان مشایخ آن روزگار بوده‌اند همسفر بوده است. تاریخ درگذشت وی را  
 چهارشنبه غره محرم یا ماه رجب ۶۳۲ نوشته‌اند. دیگر از مؤلفات اوست :  
 اسرار العارفین و سیر الطالبین که ابوالخیر محمد بن احمد مراد آبادی فاروقی نقشبندی  
 مجددی در هند بقاری ترجمه کرده است.

ص ۱۴۲ ش ۱۱ : رشیدالدین فضل‌الله، نام پدرش را ابوالخیر العالی نیز  
 ضبط کرده‌اند. در ۶۹۸ بوزارت ارغون رسیده و در ۷۱۷ وی را عزل کرده‌اند و  
 در ۱۷ جمادی‌الاولی ۷۱۸ وی را در تبریز کشتند و پس از چندی پسرش خواجه  
 عزالدین ابراهیم را نیز در همان سال کشتند. وی پسری داشته است بنام عمادالدین  
 عبدالؤمن که در ۲۷ شعبان ۷۰۳ ولادت یافته و در ۸ شوال ۷۳۴ در سلطانیه درگذشته  
 و در خانه خود در رشیدیه مدفون شده است. پسران دیگرش : غیاث‌الدین محمد  
 در ۷۲۷ وزیر شده و در ۱۵ رمضان ۷۳۶ وی را با برادر دیگرش پیرسلطان در سه  
 گنبدان مراغه کشته‌اند. دیگر شرف‌الدین احمد درگذشته در ۲۱ ربیع‌اول ۷۳۴  
 و رکن‌الدین محمود متولد در میدان سلیمان‌شاه در میان همدان و بغداد در روز  
 دوشنبه ۱۳ جمادی‌الآخره ۷۰۹ و درگذشته در ۷۴۴ در یزد و مدفون در کرمان  
 و ضیاء‌الدین عبداللطیف درگذشته در ۷۴۴ و جمال‌الدین که پسرش کمال‌الدین حسین  
 در ۲۸ ربیع‌الاول ۷۱۲ در سلطانیه ولادت یافته است.

ص ۱۴۳ ش ۱۲ : فخرالدین بنا کتی، پدرش تاج‌الدین ابوالفضل محمد  
 ابن محمد بن داود بنا کتی مؤلف کتاب المیسور در شرح مصابیح و مصباح الضمیر من

صاحح التفسیر تیسیر در گذشته در ۶۷۲ و برادرش سید نظام الدین علی در گذشته در ۶۹۹ هر دو از دانشمندان زمان خود بوده اند .

ص ۱۴۵ ش ۱۸ : افضل الدین کاشانی ، برخی وی را خال خواجه نصیر الدین طوسی دانسته اند و در گذشت وی را در حدود ۶۱۰ ضبط کرده اند . از جمله آثار وی بزبان تازی رساله فی مدارح الوجود و معارج الحدود و مدارج الکمال و آیات الصنعه یا مطالب الهیه سبعة را باید دانست . مدارج الکمال را خود نخست بتازی نوشته و سپس بتازی نیز نوشته است .

ص ۱۴۶ ش ۲۱ : زکریا بن محمود قزوینی ، نسب او را ابو یحیی زکریا ابن محمد بن محمود نوشته اند . در ۶۰۰ ولادت یافت و در ۶۳۰ بدمشق رفته و آثار البلاد را نخست در ۶۶۱ پایان رسانیده و در ۶۷۴ روایت دومی از آن انتشار داده و عبدالرشید بن توری با کوبی خلاصه ای از آن بنام تلخیص الآثار و عجایب الملك القهار ترتیب داده است .

ص ۱۴۶ ش ۲۳ . صفی الدین ارموی ، نام و نسب وی صفی الدین ابوالمفاخر عبدالؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی ، در ۶۱۳ ولادت یافته است . بر بطن را خوب می نواخت و مستعصم خلیفه سالی پنج هزار دینار وظیفه برایش مقرر کرد . پس از فتح بغداد وارد دربار هولا کوشد و وی دو برابر آن وظیفه برایش قرارداد . در خط از شاگردان معروف او شمس الدین سهروردی و علی ستایی و حسن زامر و حسام الدین قتلغ بوغا بوده اند . رساله الشریفه فی النسب البالیفیه را در ۶۷۴ پایان رسانیده و معروف ترین کتاب موسیقی اوست . بر رساله الادوار فی حل الاوتار او شرح های متعدد نوشته اند و بفارسی ترجمه کرده اند از آن جمله است شرح شهاب الدین صیرفی و شرح لطف الله سهرقندی . دیگر از مؤلفات اوست رساله الايقاع بفارسی که شکر الله بن احمد اوغلی در اوایل قرن نهم بترکی ترجمه کرده است .

ص ۱۴۷ ش ۲۴ : قطب الدین شیرازی ، تاریخ وفاتش را روز یکشنبه ۱۷ رمضان ۷۱۰ نوشته اند و گفته اند که در جوار قاضی ناصر الدین بیضاوی مدفون



شده است .

ص ۱۴۸ ش ۲۵ : علاءالدوله سمنانی ، زادگاه وی در بیابانک که اکنون در ۱۲ کیلومتری جنوب سمنانست و ایستگاه راه آهن پیش از سمنان در آنجاست ، در نیمه رمضان ۶۸۵ از کار دیوانی روی بر گرداند و بسمنان رفت . در ۶۸۷ رهسپار بغداد شد که بخدمت شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی پیوندد ، در راه در سلطانیه سلطان محمد خدا بنده وی را از رفتن ببغداد بازداشت و او بی اجازه ایلخان مغول بسمنان بازگشت و از آنجا خلی شرف الدین نامی را نزد نورالدین اسفراینی روانه کرد و او خرقة ملامع برایش فرستاد . در ۶۸۸ عازم بغداد شد و از آنجا با اجازه نورالدین بحج رفت و در سلح محرم ۶۸۹ با او ببغداد بازگشت و در ۷۰۵ الجایتو محمد خدا بنده با او آغاز خوش رفتاری را گذاشت و در ۷۱۴ وی از ملک غیاث الدین محمد کورت نزد محمد خدا بنده شفاعت کرد و پذیرفته شد و تاریخ رحلت وی را شب جمعه ۲۱ یا ۲۲ رجب ۷۳۶ دانسته اند و حال آنکه ۲۱ و ۲۲ رجب ۷۳۶ سه شنبه و چهارشنبه بوده است . دیگر از مؤلفات او مناظر المحاضر للمناظر الحاضر در مناقب علی بن ابی طالب را باید دانست و کتاب عروه لاهل خلوة و جلوه را در روز سه شنبه ۲۳ محرم ۷۲۱ پایان رسانده است .

ص ۱۴۹ ش ۲۷ . ناصرالدین بن عمدة الملک ، پدرش منجب الدین عمدة الملک در ۶۰۵ بشرکت خواجه فخرالدین شرف الملک محمد شاه بن حاجی زوزنی خوانی و خواجه ظافرالدین ظهیر الملک بوزارت قطب الدین محمد پادشاه قراختایی کرمان رسید . پسرش خواجه ظافرالدین نیز از کار گزاران این سلسله بوده و پسر وی نصیرالدین یوسف نیز از کار گزاران دیوان بوده و در ۶۹۴ بفرمان صفوة الدین پادشاه خاتون وی را کشته اند . در گذشت ناصرالدین را در ۵۳۵ و وی را مدفون در سرخاب تبریز دانسته اند و این هر دو مطلب نادرستست . نسایم الاسحار من لطایم الاخبار را در ۷۲۵ پایان رسانده است .

ص ۱۵۱ ش ۳۳ . ابوالقاسم کاشانی ، در مقدمه تاریخ الجایتو سلطان می گوید

که در شوال ۷۰۴ خواجه رشیدالدین فضل‌الله جامع‌التواریخ را که وی تألیف کرده بود بنام خود پادشاه عرضه داشته‌است و این نکته درست نیست زیرا که خواجه رشیدالدین از مؤلفات خود و از آن جمله از جامع‌التواریخ نسخهای متعدد در همان زمان فراهم کرده و بکشورهای دیگر نزد دانایان فرستاده و در ایران نیز برای دانشمندان زمان خود فرستاده و نسخهای فراوان را برای مساجد و مدارس و کتابخانه‌ها و زیارتگاهها وقف کرده است و چگونه ممکن بوده است تألیف دیگری را تا این اندازه بنام خود بکند و انگهی روش انشای جامع‌التواریخ با کتابهای دیگری که وی تألیف کرده و کسی مدعی آنها نیست یکسانست و حال آنکه روش آن با روش زبدة‌التواریخ و تاریخ‌الجایتو تألیف ابوالقاسم کاشانی تفاوت دارد و درین میان یگانه نکته‌ای که درستست اینست که وی با خواجه رشیدالدین همکاری کرده است. کتاب دیگری که ازو باقیست جواهر‌العرایس و اطایب‌التفایس بفارسی در جواهر‌شناسیست .

ص ۱۵۳ ش ۴۷ : حسن بن علی طبری ، نام و نسب او بدین گونه است :  
 عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن حسن طبری مازندرانی  
 آملی ، از ۶۵۶ تا ۶۹۶ درباره او اطلاعاتی هست و دیگر از مؤلفات وی کتاب  
 معتقدالامامیه است که ترجمه فارسی ملخص غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع  
 تألیف سید شریف طاهر عزالدین ابوالاکرم حمزة بن زهرة حلبی متولد در ۵۱۱  
 و متوفی در ۵۸۵ در فقه شیعه باشد .

ص ۱۵۴ ش ۵۰ : صدرالشریعه عبیدالله بن محمود ، جدش تاج‌الشریعه ابو عبیدالله  
 عمر در گذشته در کرمان در ۲۱ ربیع‌الثانی ۶۰۹ و پدر جدش صدرالشریعه  
 عبیدالله بن محمود محبوبی بخاری از دانشمندان نامی زمان خود بوده‌اند و این  
 خاندان محبوبیان که بیشتر در بخارا می‌زیسته‌اند از معاریف پیشوایان حنفیان در  
 ماوراءالنهر بوده‌اند و پسرش برهان‌الشریعه محمود در گذشته در کرمان در ۷۳۰  
 و پسر دیگرش صدرالشریعه بخاری در گذشته در اواخر جمادی‌الآخره ۷۴۷ در

بخارا نیز از دانشمندان معروف بوده‌اند .

ص ۱۵۶ ش ۵۳ : فریدالدین شکر گنج ، راحة القلوب در ملفوظات وی را  
نظام‌الدین اولیا در چهارشنبه ۵ رجب ۶۵۵ پایان رسانیده است .  
بر صحیفه ۱۵۶ بعد پس از شماره ۵۳ این چندتن از نویسندگان قرن هفتم  
را باید افزود :

۵۴- شهاب‌الدین مسعود سیرجانی ، از متصوفه ساکن هندوستان و از اصحاب  
قطب‌الدین بختیار کاکی اوشی عارف مشهور بوده و کتابی در تصوف بنام «آة العارفين»  
نوشته و شعر عارفانه نیز می‌سروده و مسعود تخلص می‌کرده است .

۵۵- اشرف بن محمد اشرف قبایی ، مؤلف رساله جلالیه در فراست که  
بنام جلال‌الدین منکبرلی ( ۶۱۷ - ۶۲۸ ) هنگامی که از ترکستان برمی‌گشته  
نوشته است .

۵۶- ابوبکر محمد بن عبدالکریم بن علی بن سعد ، مؤلف کتابی در سیرت  
ابواسحق ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن فیروز کازرونی عارف مشهور که در  
۴۲۶ در گذشته است .

۵۷- امام ضیاءالدین ابومسلم عبدالسلام بن احمد بن محمود کازرونی ،  
از بزرگان ادیبان و فقیهان ساکن شیراز بوده و در ریاط امینی در آن شهر تدریس  
می‌کرده و همواره در شوق بوده و شعر تازی را نیکو می‌سروده و در ذیحجه ۶۲۶  
در گذشته است . وی کتاب اشارات و تشبیهات ابن سینا را بفارسی ترجمه کرده است .  
۵۸- فخرالدین مبارکشاه غوری ، مؤلف رحیق التحقیق .

۵۹- احمد بن احمد بن احمد دماغینی سیواسی ، از مردم دماغین در  
آسیای صغیر و از دانشمندان روم بوده و مؤلف کتابیست بنام مجمل الافوال فی الحکم  
و الامثال که در غره ربیع الاول ۶۹۳ پایان رسانیده است .

۶۰- شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی ، عارف مشهور که  
مولانا جلال‌الدین بلخی مجنوب او شده و بیشتر غزلیات خود را بنام وی پایان

رسانیده است. از جزئیات احوالش اطلاعی نیست، همین قدر پیداست که از پیشوایان بزرگ تصوف در عصر خود در آذربایجان و آسیای صغیر و از خلفای رکن الدین سجاسی و پیرو طریقه ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی بوده است، برخی دیگر وی را مرید شیخ ابوبکر سلمه باف تبریزی و بعضی مرید با با کمال جندی دانسته‌اند. در هر حال سفر بسیار کرده و همیشه نمد سیاه می پوشیده و همه جا در کاروانسرا فرود می آمد و در بغداد با اوحد الدین کرمانی و نیز با فخر الدین عراقی دیدار کرده و در ۶۴۲ وارد قونیه شده و در خانه شکرریزان فرود آمده و در آن زمان مولانا جلال الدین که هنوز جوان و طلبه بوده بدیدار وی رسیده و مجذوب او شده است تا آنکه در سال ۶۴۵ شبی که با مولانا خلوت کرده بود کسی باو اشارت کرد و برخاست و بمولانا گفت مرا برای کشن می خواهند و چون بیرون رفت هفت تن که در کمین ایستاده بودند با کارد برو حمله بردند و وی چنان نعره زد که آن هفت تن بی هوش شدند و یکی از ایشان علاء الدین محمد پسر مولانا بود و چون آن کسان بهوش آمدند از شمس الدین جز چند قطره خون اثری نیافتند و از آن روز دیگر ناپدید شد. در باره ناپدید شدن وی توجیحات دیگر هم کرده‌اند از جمله نوشته‌اند کفوی را در چاهی انداخته بودند و سلطان ولد پسر مولانا این واقعه را در خواب دید و پیکرش را نیم شبان از چاه بیرون آوردند و در مدرسه مولانا در قونیه در کنار مزار مولانا بهاء الدین ولد بخاک سپردند. در هر حال زندگی وی بسیار تاریکست چنانکه برخی ناپدید شدن وی را در ۶۴۳ دانسته‌اند و برخی در گذشت وی را در ۶۷۲ ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که در خوی مدفون شده است. در هر صورت وی از بزرگان متصوفه زمان خود بوده و مجموعه تقریرات وی بنام مقالات موجودست که مریدان وی ملفوظات او را جمع کرده‌اند.

۶۱ - سید برهان الدین محقق حسینی ترمذی، از سادات ترمذ و از مشایخ

آن سرزمین و تربیت شده مولانا بهاء الدین ولد بود و در خراسان و ترمذ بسید سردان (رازدان) معروف بود زیرا که بر خاطرها اشراف داشت و پس از هجرت

بهاء الدین ولد و رفتن او از خراسان بخاک روم وی در ترمذ ماند و همان روز که بهاء الدین ولد در قونیه در گذشت وی از مرگ او آگاه شد و گفت دریغا که استاد و شیخم ازین عالم رحلت کرد و پس از چند روز برای تربیت مولانا جلال - الدین بقونیه رفت و نه سال در مصاحبت مولانا زیست و نخستین مرشد وی بود و درین سفر با شهاب الدین سهروردی در خاک روم دیدار کرد و وی را بزرگ داشت و سرانجام در شهر قیصریه در گذشت و در دارالفتح آن شهر وی را بخاک سپردند و ظاهراً در ۶۳۸ در گذشته و کنایی از او مانده است بنام کتاب معارف .

۶۲ - عبدالرحیم بن محمد شیرازی، مؤلف رساله‌ای در قواعد خط که بنام خواجه غیاث الدین محمد رشیدی نوشته است .

۶۳ - شرف الدین ابراهیم بن روز بهان ثانی، نواده روز بهان بقلی عارف مشهور مؤلف تحفة العرفان در مقامات جدش روز بهان که در حدود سال ۷۰۰ پایان رسانیده است .

۶۴ - ابوحنیفه عبدالکریم بن ابوبکر، مؤلف کتاب مجمع الرباعیات که برای محیی الدین پسر قلج ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرده است .

۶۵ - ابوالمعالی مطهر بلخی، مؤلف کتابی در تصوف بنام حدیقة الحقیقه که در ۶۴۱ پایان رسیده است .

۶۶ - مولانا احمد رومی، از اصحاب مولانا جلال الدین مؤلف دقایق - الحقایق در تصوف و اعمال و فرائض .

۶۷ - محمد بن احمد بن محمد، مؤلف مقاصد السالکین در ملفوظات سعد الدین حموی که مرشد وی بوده است .

۶۸ - عبدالهادی، از دانشمندان دربار ایلخانان مغول بوده و در ۶۹۰ غازان خان وی را بترجمه کتاب مناقع الحیوان تألیف ابوسعید عبیدالله بن جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع طبیب گماشته است .

۶۹ - قطب الدین ابوالفتح محمد بن شمس الدین ابوالمعالی مطهر بن احمد جام زنده پیل، مؤلف حدیقة الحقیقه در تصوف که در ۶۴۱ و ۶۴۲ تألیف

کرده است .

۷۰ - ابرانشاه بن علی نیشابوری ، درخوزستان می زیسته و مؤلف کتابیست

در احکام قرانات .

۷۱ - ابوعلی حسین بن ابراهیم بن ابوبکر سلماسی ، از دانشمندان

و خوشنویسان ساکن اصفهان بوده و در ۶۲۴ و ۶۲۵ مجموعه‌ای بخط خوش خود ترتیب داده که شامل رساله الشرفیه فی تقاسیم العلوم الیقینیه است که خود بنام شرف‌الدین ابوالحسن علی بن اسمعیل اصفهانی تألیف کرده و دیگر قابوسنامه یا پندنامه عنصرالمعالی کیکاوس و دیگر ترجمه تقویم الصحه تألیف ابن بطلان بغدادی که برای همان شرف‌الدین نوشته و دیگر ترجمه رساله الذهبیه که امام‌علی بن موسی الرضا بمامون نوشته و برای همان شرف‌الدین ترجمه کرده است و دیگر ترجمه الرساله السیاسیه در وصایای بقراط حکیم و حکمای یونانی دیگر که از تازی برای همان شرف‌الدین ترجمه کرده است و دیگر مختصری در منتخبات امثال و اشعار تازی که او برای همان شرف‌الدین گرد آورده است .

۷۲ - قاضی حمیدالدین محمد بن عطاءالله محمود ناصوری ،

از بزرگان مشایخ چشتی در هند، اصلش از مردم بخارا بوده و پدرش در زمان سلطان معزالدین سامغوری از بخارا بدلی رفت و در آنجا در گذشت و وی در آن شهر دانش آموخت و در جوانی مجذوب شد . بغداد رفت و از مریدان شهاب‌الدین سهروردی شد و یک سال بود تا از واجازه ارشاد یافت و در آنجا با قطب‌الدین بختیار کاکی اوشی معاشر بود و سپس بمدینه رفت و سه سال در آنجا ماند و بحج رفت و سپس بدلی باز گشت و بطریقه چشتی گروید و جانشین معین‌الدین حسن سکزی شد و در دهلی در دهم ربیع الثانی یا نهم رمضان ۶۷۸ در گذشت . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و شعر را خوب می گفته و کتابهای متعدد نوشته است از آن جمله طوابع شمس در شرح اسماء حسنی و راحة القلوب و عشق نامه .

۷۳ - فریدون بن احمد سپهر - سالار ، چهل سال از اصحاب مولانا جلال‌الدین بود و

پس از درگذشت وی رساله‌ای در احول او و مشایخ طریقه اش در میان سالهای ۷۱۹ و ۷۲۹

نوشته که بر سالة فریدون بن احمد معروفست .



در قرن هفتم چند کتاب دیگر بثر فارسی تألیف کرده اند که مؤلفان آنها معروف نیستند و بدین گونه است :

(۱) بازنامه‌ای باسم دولت نامه که در ۶۸۰ در هند بنام جلال الدین فیروز شاه خلجی (۶۸۹-۶۹۴) تألیف کرده اند .

(۲) ترجمه دیگری از احیاء العلوم امام غزالی بجز آنکه در صحیفه ۷۱۹ بدان اشاره رفته است و در حدود ۶۲۱ آنرا نیز در هند ترجمه کرده اند .

(۳) ترجمه دیاتسارون چهار انجیل که در زمان ایلخانان مغول در ایران ترجمه کرده اند .

(۴) داستان امیر احمد و مهستی شامل معاشقات و مشاعره و معاشرت مهستی گنجوی شاعره معروف قرن ششم باشوهرش امیر احمد پسر خطیب گنجه معروف باین خطیب گنجوی یا پسر خطیب گنجه .

(۵) ترجمه فضایل باخ که در ۶۱۰ بزبان تازی نوشته شده و در ۶۲۶ بدستوز قاضی فخرالدین ابوبکر نام بفارسی ترجمه کرده اند و نام مؤلف و مترجم معلوم نیست .

(۶) جوامع اللغات و لوامع المصطلحات در لغت عربی بفارسی که در ۶۴۱ تألیف شده و مؤلف آن معلوم نیست و بنام امیر اسفیسالار یمین الملك فخرالدین الغ بلکا اعظم همایون باریک ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المومنین که ظاهراً از امرای سلجوقیان روم بوده پایان رسیده است .

در باره شاعران قرن هفتم نیز این نکات را باید افزود :

ص ۱۵۷ ش ۱ : کمال الدین اسمعیل ، نسب درست وی بدین گونه است :

کمال الدین ابوالفضل اسمعیل بن جمال الدین ابو محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی . وی بیشتر ستایشگر مردان نامی خانواده صاعدیان روسای حقیان اصفهان بوده است از آن جمله ابوالعلا صاعد بن محمد بن عبدالرحمن قاضی که

در سال ۶۰۲ وی را در مسجد جامع عتیق اصفهان کشته‌اند و رکن‌الدین ابوالعلا صاعد بن مسعود معروف بصدر جهان و پسرش رکن‌الدین مسعود بن صاعد بن مسعود که او را نیز صدر جهان می‌گفته‌اند. تاریخ در گذشت وی را در ۶۲۶ نیز نوشته‌اند و چنین آورده‌اند که در فتنه جرماغون نویان در اصفهان کشته شده است زیرا که مال بسیار داشته و بطمع مال وی را نابود کرده‌اند و درین زمینه دو روایت هست یکی آنکه در آن فتنه ماجری جوینان اصفهان بسیاری از مردم را کشته‌اند و وی نیز در آن میان کشته شده است. روایت دیگر اینست که جرماغون نویان آوازه شهرت وی را شنیده بود و خواستار دیدار او شده بود و هنگام فتنه کسی را نزد وی فرستاد که ازو پاسبانی کند و او را با خود ببرد. چون وی مال بسیار در خانه داشت قبری در خانه ساخته بود و زر و سیم و جواهر آنچه داشت در آنجا گذاشته بود و بهمین جهت نزد جرماغون نویان فرستاده بود کسی نزد وی بفرستد و خانه‌اش را از غارت نگاه دارد تا فتنه فرونشیند و نزد او برود. وی فرماندهی از لشکر خود را فرستاد که ازو و خانه‌اش پاسبانی کند. چون وارد سرای شد و آن قبر را دید پرسید این قبر درین سرای بدین خوبی چرا ساخته‌اند. گفت بزرگی از نزدیکان من در گذشته وی را درین جا بخاک سپرده‌ام. آن مرد باخود گفت که درین جا باید دفینه‌ای باشد، قبر را شکافت و مالها را که در آنجا بود برداشت و از ترس آنکه کمال‌الدین ماجری را بجرماغون نویان بگوید و مال را ازو بستانند وی را کشت.

ص ۱۵۸ ش ۳: مولانا جلال‌الدین بلخی، تولدوی را در بلخ در ۸ ربیع‌الاول

۶۰۴ ضبط کرده‌اند.

ص ۱۶۱ ش ۴: پوربهای جامی، تا سال ۶۶۶ که زلزله‌ای در نیشابور روی

داده و وی قصیده‌ای درین زمینه سروده زنده بوده است.

ص ۱۶۱ ش ۶: امامی هروی، مدتی در یزد زیسته و از ستایشگران شمس-

الدین محمد تازیگوی از کار گزاران دستگاه شمس‌الدین صاحب‌دیوان بوده است.



ص ۱۶۲ ش ۹ : شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی ، جدش خواجه شمس‌الدین جوینی معروف بخواجه شمس‌الدین موی دراز و مستوفی‌دیوان محمد خوارزمشاه و جلال‌الدین مینکبرلی بوده و نسب ایشان با امام الحرمین عبدالملک جوینی پیشوای معروف شافعیان می‌رسیده است. پسرانش نخست بهاء‌الدین محمد حکمران اصفهان که در ۱۷ شعبان ۶۷۸ در آن شهر در گذشته است و وی پسری داشته است بنام علی که در ۶۸۹ بدستور ارغون‌وی را در اصفهان کشته‌اند. پسر دیگر هارون که وی را نیز در ۶۸۵ بفرمان ارغون کشته‌اند و دو پسر دیگر مسعود و فرج‌الله که هر دو را در ۶۸۹ بدستور ارغون در میدان تبریز کشته‌اند .

ص ۱۶۴ ش ۱۰ : فخرالدین عراقی ، بهاء‌الدین زکریا بن محمد بن زکریا ابن ابوبکر بن علی ملتانی مرشد وی که دو دختر او را پی در پی گرفته است در ۵۶۵ ولادت یافته و بعد از ظهر پنجشنبه ۷ صفر ۶۶۴ یا ۶۶۶ در گذشته و از مریدان شهاب‌الدین سهرودی بوده است . عراقی پس از سفر مکه و مدینه ببغداد هم رفته و از آنجا ببلاد روم رهسپار شده است. کشته شدن معین‌الدین پروانه را در ۶۷۶ یا محرم ۶۸۶ ضبط کرده‌اند. پسر بهاء‌الدین زکریا صدرالدین محمد که در ۶۸۲ در ۶۳ سالگی در گذشته سه پسر داشته است : شمس‌الدین فضل‌الله و عماد‌الدین اسمعیل و رکن‌الدین ابوالفتح در گذشته در ۷۳۵ در ۸۶ سالگی نیز از مشایخ معروف هند بوده‌اند. برهان‌الدین ختلانی شارح کتاب لمعات عراقی عبدالله نام داشته است .

ص ۱۶۵ ش ۱۱ : ضیاء‌الدین خجندی ، در ۵۷۰ ولادت یافته و در ضمن مداح ملک بیغو بوده و در زمان محمد ایلدگزمتمکفل کارهای شرع شده و تا ۶۳۷ که در اشعار خود بدان اشاره کرده زنده بوده است .

ص ۱۶۷ ش ۱۵ : سعدی ، تاریخ رحلت وی را ۱۷ ذی‌حجه ۶۹۱ نیز نوشته‌اند و مدفن او را در محله کت شیراز ضبط کرده‌اند .

ص ۱۶۸ ش ۱۶ : همام تبریزی ، در باره سبب مرگش چنین نوشته‌اند که

در ۲۵ صفر آن سال در ۱۱۶ سالگی در تبریز بگرما به رفت و بر تخته‌ای که بالای آخور گرم بود نشست و غش کرد و افتاد و چون وی را بیرون آوردند مرده بود .

ص ۱۶۹ ش ۱۷ : حسینی هروی، وفات وی را در ۱۶ شوال ۷۱۸ ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که در محله صرح در مشرقیه سادات مدفون شده است . دیگر از آثار وی سی‌نامه یا عشق‌نامه و قلندر نامه و دیوان قصاید و غزلیات و پنج‌گنج را باید دانست . کنزالرموز را در ۷۱۱ پایان رسانیده و نزهة الارواح وی را در الواحد ابراهیم حسینی بلگرامی شرح کرده است .

ص ۱۶۹ ش ۱۸ : محمود شبستری ، شرح گلشن راز شاه داعی شیرازی بنام نسائم الاسحار نیز خوانده شده است . شرح دیگر از کمال الدین حسین بن شرف الدین عبدالحق اردبیلی متخلص بالهی در گذشته در ۹۵۰ است . شرح شمس الدین محمد بن علی اسیری لاهیجی در گذشته در ۹۱۲ مفاتیح الاعجاز نام دارد و معروفترین شرح این منظومه است . شاه مظفرالدین علی شیرازی شارح دیگر در ۸۸۶ در گذشته است . ادریس بن حسام الدین بدلیسی شارح دیگر در ۹۳۰ وفات یافته است . شارح دیگر شیخ بابا نعمة الله بن محمود نخجوانی در ۹۰۴ در گذشته است . بجز شرحهایی که بر شمرده‌ام چند شرح دیگر بدین منظومه معروف نوشته‌اند بدین گونه: شرح امین الدین تبریزی که از شاگردان شبستری بوده است ، شرح شیخ زاده لاهیجی در گذشته در ۹۲۷ ، شرح صاین الدین علی بن افضل الدین محمد بن صدر الدین ابو حامد محمد ترکه ، شرح شجاع الدین کربالی ساکن تبریز ، شرح شاه نعمت الله ولی در گذشته در ۸۳۴ ، شرح سید یحیی خلوتی شروانی در گذشته در ۸۶۸ ، شرح خواجه معین الدین محمد بن محمود شیرازی معروف بدهدار و متخلص بفانی در گذشته در ۱۱۰۶ ، شرح احمد بن موسی ، شرح عبدالرحیم خلوتی در گذشته در ۸۵۹ ، شرح علامه جلال الدین دوانی متوفی در ۹۰۸ که برخی از ابیات مشکل آنرا شرح کرده است قاضی حسین میبیدی دانشمند معروف

در گذشته در ۹۰۹ نیز شرحی بطرز سؤال و جواب بر آن نوشته و شاعری متخلص بشیرازی در ۸۲۹ آنرا بنظم شرح کرده است . ترجمه آلمانی آن با متن فارسی در ۱۲۵۲ نخستین بار در وین چاپ شده است .

ص ۱۷۲ ش ۲۵ : زراتشت بهرام بن پژدو ، چنانکه در صحیفه ۷۱۶ گذشت منظومه زراتشت نامه که بنام وی رواج یافته است از نویست و منظومه ایست در مولود زردشت از کیکاوس پسر کیخسرو پسر دارا از مردم شهرری ، که در حدود سال ۳۶۵ آنرا نظم کرده و چون نسخه‌ای که از آن بدست آمده بخط زراتشت بهرام بن پژدوست که در ۶۴۷ نوشته است ازو دانسته‌اند و بنام وی انتشار یافته است .

ص ۱۷۳ ش ۲۶ : اثیرالدین ابهری ، دیگر از مؤلفات وی کتاب تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار را باید دانست .

ص ۱۷۳ ش ۲۷ : اوحالدین کرمانی ، در ۶۱۶ بحج رفته و با شهاب‌الدین سهروردی و سعدالدین حموی و مجدالدین ابهری همسفر بوده است . وفات وی را در ۳ شعبان ۶۳۴ نیز نوشته‌اند . مثنوی مصباح الارواح را که برخی ازو دانسته‌اند بعضی از شمس‌الدین محمد بن طغان یا شمس‌الدین محمد بن ایل طغان بردسیری کرمانی دانسته‌اند . کتابی در مناقب اوحالدین کرمانی در دست است که مؤلف آن معلوم نیست .

ص ۱۷۴ ش ۳۱ : سیف‌الدین باخزری ، نام و نسب او را سعید بن مطهر بن سعید بن علی و تولد وی را در شعبان ۵۷۶ نیز نوشته‌اند . در ۶۱۶ از نجم‌الدین کبری اجازت یافته و نیز از تاج‌الدین محمود اشنوی یا اشهبی از مشایخ نامدار هرات خرقه گرفته و فقه و تفسیر و لغت را در هرات آموخته و در حدیث شاگرد شهاب‌الدین سهروردی بوده است . در ۶۵۸ بحج رفته و در بازگشت که از راه کرمان ببخارا برمی‌گشته قتلغ ترکان ملکه کرمان بوی احترام بسیار کرده است . در گذشت وی را در ذیقعدة ۶۴۲ در بخارا نیز ضبط کرده‌اند و این درست نیست زیرا چنانکه گذشت در ۶۵۸ بحج رفته است . بازماندگان وی در بخارا زیسته‌اند

از آن جمله یکی از پسرانش جلال‌الدین محمد که در ۶۶۰ در بخارا در گذشته است.



ص ۱۷۷ بر فهرست شاعران قرن هفتم این چند تن را باید افزود :

۴۹ - **امیر روحانی بخارایی**، در فتنه مغول از بخارا پهنه رفته و تا ۶۲۴

که شمس‌الدین التمش قلعه مندو و سرزمین سواک را گرفته در دربار وی و مداح او بوده است .

۴۳ - **ملک تاج‌الدین ریزه**، از دیران نامی زمان خود در هندوستان بوده،

نخست در دربار شمس‌الدین التمش و در فتح قلعه گوالیار بدست وی اورا مدح گفته است و سپس دیر دربار رکن‌الدین فیروزشاه بن التمش شده و در ۶۳۳ که وی در دهلی بتخت نشسته قصیده‌ای در ستایش وی سروده است .

۴۳ - **مجدالدین ابونصر احمد بن محمود بن علی نظامی**، از شاعران

قرن هفتم بوده که تا اوایل قرن هشتم نیز می‌زیسته و نسبش بنظامی گنجوی می‌رسیده و در کابوی در خاک آذ. بایجان می‌زیسته و از کار گزاران دیوان ایلخانان مغول بوده است .

۴۴ - **صلاح‌الدین حسن بلغاری نخبجوانی**، اصلاً از مردم نخبجوان

بوده و در ۶۰۳ در آن شهر ولادت یافته و در ۶۱۰ ترکان بلغار که بر آن شهر تاخته‌اند وی را با سارت برده‌اند و چندین سال اسیر بلغاریان بوده و بهمین جهت بلغاری معروف شده است. وی از بزرگان مشایخ تصوف زمان خود و از اصحاب ابوالنجیب سهروردی بوده و پس از آزادی از اسارت از آذربایجان بنواحی دیگر رفته و در ۶۷۲ وارد کرمان شده و مدتی در آنجا مانده است تا آنکه در جمادی‌الاولی از کرمان بتبریز رفته و در همان سال ۶۷۲ یا ۶۹۸ در تبریز در گذشته و در محله سرخاب مدفون شده است . نوشته‌اند که سی سال اسیر بلغاریان بوده و از آنجا بشهر بخارا گریخته و از آنجا بتبریز رفته و خرقه از دست شمس‌الدین تبریزی عارف مشهور که در خوی مدفون شده گرفته است. وی رساله قلب‌المنقلب

سعدالدین حمویه را باخود بکرمان برده و در ۶۷۲ در آنجا آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند و خود اشعار صوفیانه می‌سروده است .

**۴۵ - شمس‌الدین محمد بن ایل طغان بردسیری کرمانی ، برخی نام و**

نسب وی را محمد بن طغان ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که از عارفان قرن هفتم بوده و مثنوی مصباح‌الارواح را که از اوحدالدین کرمانی نیز دانسته‌اند بنام وی ضبط کرده‌اند .

**۴۶ - عرب‌شاه یزدی ، که يك مثنوی بنام مونس‌العشاق در تصوف از او**

مانده است .

**۴۷ - حکیم اوحدالدین طیب‌رازی ، وی نیز از متصوفه این زمان و شاعر**

بوده و ذیلی بر سیرالعباد الی‌المعاد سنایی سروده است .

**۴۸ - سعدالدین نطنزی ، نیز از شاعران قرن هفتم بوده که کویا از آثارش**

تاکنون چیزی بدست نیامده است .

**۴۹ - جمال‌الدین زنجانی آذر بایجانی ، از اقران امامی و ائیرالدین اوهمانی**

و از سرایندگان درجه دوم قرن هفتم بوده و در ۶۸۷ در گذشته است .

**۵۰ - زکی‌الدین عبدالله بن ابوتراب بن بهرام بن زکی بن عبدالله بنجیری**

شیرازی ، از خاندان معروف آل بنجیر (بضم با و سکون نون) که خانواده‌ای

نامور از سادات شیراز بوده‌اند . وی از دانشمندان نامی زمان خود بشمار میرفته

و قاضی ناصرالدین بیضاوی و قطب‌الدین علامه شیرازی و ظهیرالدین عبدالرحمن بن

بزغش از شاگردان وی بوده‌اند و مردی عارف مشرب بوده و کرامات در باره‌اش نوشته‌اند .

گفته‌اند پس از مرگ زنده شد و فتوای علمای مصر را جواب نوشت و بهمین

جهت باو ذوالموتین گفته‌اند . در ۶۷۷ در گذشته و شعر را استادانه می‌سروده است .

**۵۱ - شیخ نورالدین ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن محمد کسرفی**

اسفراینی ، از بزرگان مشایخ طریقه کبروی از مریدان شیخ جمال‌الدین احمد

جو زقانی و او مرید شیخ رضی‌الدین علی لالاغزنوی بود . در کسرف از توابع

اسفراین در ماه شوال ۶۳۷ یا ۶۳۹ ولادت یافته و در پایان زندگی بیشتر در بغداد می‌زیسته و در آنجا در شب یکشنبه ۱۴ جمادی‌الاولی یا یکشنبه ۲۷ جمادی‌الاولی سال ۷۰۰ در گذشته و همان‌جا مدفون شده و شعر فارسی را استادانه می‌سروده است.

**۵۴ - شیخ رضی‌الدین علی بن سعید بن عبدالجلیل لالا غزنوی ،**  
وی نیز از بزرگان مشایخ طریقه کبروی و مرید نجم‌الدین کبری بوده است .  
برخی وی را پسرزاده سنائی غزنوی دانسته‌اند و نیز گفته‌اند مصاحبت احمدی‌سوی و خواجه یوسف همدانی و بسیاری از مشایخ دیگر را دریافته و نوشته‌اند از ۱۲۴ شیخ خرقه داشته و در علوم ظاهر و باطن مسلط بوده است . سفری به هندوستان کرده و بمصاحبت ابوالرضا رتن از مشایخ هند رسیده که در تبته از توابع حصار فیروزه مدفون شده است و وی شایسته رسول را که محاسن خود را بدان شانه می‌کرده بوی بخشیده است . سرانجام در ۳ ربیع‌الاول ۶۴۲ در گذشته است ، ظاهراً در غزنی وفات یافته زیرا که قبر وی در آن شهر در میان روضه‌ای که محمود غزنوی را در آنجا بخاک سپرده‌اند معروف بوده و این که نوشته‌اند در اسفراین در گذشته است درست نیست .  
وی نیز در شعر فارسی استاد بوده است .

**۵۴ - شیخ نجیب‌الدین ابوسعید علی بن بزغش بن عبدالله شیرازی ،**  
از بزرگان مشایخ طریقه سهروردی بوده است . نوشته‌اند که پدراش از مردم شام بوده‌اند و وی در شیراز ولادت یافته و در آن شهر می‌زیست و از آغاز مصاحبت درویشان بود و از جامهای فاخر و خوراکیهای خوش‌گوار پدر روی برگردان بود و پشمینه می‌پوشید و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی بوده و بدین گونه می‌بایست مدتی در بغداد زیسته باشد . سرانجام در روز آدینه از ماه شعبان ۶۷۸ در شیراز در گذشته و در آنجا مدفون شده و بازماندگان وی تا مدتی در آن شهر معروف بوده‌اند .  
وی رسایلی در تصوف نوشته و در شعر فارسی نیز توانا بوده است .

**۵۴ - ظهیرالدین عبدالرحمن بن علی شیرازی ،** پسر نجیب‌الدین علی  
ابن بزغش سابق‌الذکر و جانشین پدر و از بزرگان طریقه سهروردی بود و با

صفی‌الدین اردبیلی و سعدی مناسباتی داشته و در ۲۵ رمضان ۷۱۴ یا در ۷۱۶ در گذشته و وی نیز در شیراز مدفون شده و او هم در شعر دست داشته است.

**۵۵ - شیخ زین‌الدین نسوی**، نیز از عارفان مشهور این عصر و از مردم شهر نسا و از مشایخ سلسله کبروی بوده و در دشت خاوران مریدان بسیار داشته و شعر را استادانه می‌سروده است.

**۵۶ - سیف‌الدین ابوالمحمّد محمد فرغانی**، ظاهر آدر آسیای صغیره میزیسته و از آنجا مدایحی برای ایلخانان مغول بایران می‌فرستاده و از آن جمله مداح غازان خان بوده و مدایحی برای او بتبریز فرستاده و با سعدی نیزه شاعره داشته و سیف و سیف فرغانی تخلص می‌کرده و کلیات اشعار وی اینک در دست است.

**۵۷ - خواجه علی بادامیاری**، از مردم بادامیزار از نواحی دهخوارقان آذربایجان و ساکن آنجا و از مشایخ تصوف زمان خود و مرید خواجه یوسف دهخوارقایی بوده و در ۶۹۹ در زادگاه خود در گذشته و در دهخوارقان مدفون شده و در شعر علی تخلص می‌کرده است.

**۵۸ - حکیم میسری**، مؤلف ازین مکان قرن هفتم بوده و در ای در طب از او مانده است بنام دانشنامه که تقریباً ۴۴۰۰ بیت دارد و بر زبان و در شیرین نظامی امراض و معالجات را نظم کرده است. دیگرانه نسخه در ای منظومه در پاریس هست کاتب تاریخ آغاز نظم آنرا ۳۶۷ و پایان نظم را ۴۲۰ میند است اما پیدا است که کاتب از روی نسخه‌ای نقل کرده که نتوانسته است در سر بخواند و در اصل ۶۶۷ و ۶۷۰ بوده است زیرا که زبان این اشعار بزبان قرن نهم اندک شباهتی ندارد و بیشتر بزبان قرن هفتم است. وانگهی تخلص یا نسبت میسری در قرن چهارم بسیار بعید می‌نماید. خود در پایان نسخه می‌گوید که چهل و شش سال دارد و اگر تاریخ اتمام آن ۶۷۰ بوده باشد درین موقع ۴۶ سال داشته و در ۶۲۷ ولادت یافته است. این منظومه را برای ناصرالدین نامی پایان رسانیده که وی را از شاهان ایران دانسته و پیدا است که یکی از امیران این دوره بوده است.

۵۹ - کریم الدین نیشابوری : از شاعران این قرن و از مریدان اوحدالدین کرمانی بوده است و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۶۰ - خواجه قطب الدین بختیار اوشی کاکلی : نسب کامل وی را چنین ضبط کرده اند : بختیار بن کمال الدین احمد بن موسی بن احمد بن کمال الدین محمد بن احمد بن اسحق بن حسن بن معروف بن احمد بن رضی الدین بن حسام الدین بن رشیدالدین بن امام جعفر صادق . از بزرگان مشایخ هند از طریقه چشتی بود در اوش از توابع فرغانه در سرزمین اندجان ولادت یافت . نوشته اند که در دهلی همسایه زنی بود که برای گذران خود از او وام می گرفت و خوراک خود را می ساخت . روزی که این زن او را سرزنش کرد غیرتش بر نداشت و دیگر چیزی از او نگرفت و پس از آن هنگام حاجت بطاقتی که در حجره اش بود دست می برد و یک قرص نان کاک از آنجا می گرفت و برای این کرامت که از او سر میزد او را کاکلی لقب دادند و به همین جهت نامدتی مدید بر سر خاکش که در سه فرسنگی دهلیست از آن نان کاک می پختند و بزازان و مجاوران می دادند . اما چنان می نماید که این نسب بدان جهت بوده است که وی یایکی از پدراش کاک می پخته اند . وی نخست در زادگاه خود مرید شیخ ابو حفص اوشی بوده و در ۱۷ سالگی از مریدان معین الدین سکزی پیشوای معروف طریقه چشتی و سپس خلیفه او شده و بفرمان وی بدلهلی رفته و در آنجا مانده است . سفری نیز بملتان کرده و بابهاء الدین زکریا و نیز باحمید الدین ناگوری مشایخ معروف آن زمان دیدار کرده است . فریدالدین شکر گنج عارف مشهور از اصحاب وی و خلیفه او بوده و کتاب فواید السالکین را در مقامات و مناقب او نوشته است . در حال سماع که شعری از احمد جام ژنده پیل در خانقاه می خواندند حالش دگرگون شد و از هوش رفت و او را بخانه اش بردند و یک شبانه روز بهمان شعر سماع کرد و در آن حال در روز دوشنبه ۱۴ ربیع الاول ۶۳۳ یا ۶۳۴ در گذشت و ۵۲ سال داشت . وی نیز در شعر فارسی استاد بوده و مجموعه اشعارش باقیست و نیز کتابی بنام دلیل العارفین در مناقب و ملفوظات مرشد خود معین الدین سکزی



نوشته است .

۶۱- **خواجه شرف الدین مقبل کرمانی**، ازدبیران و شاعران نامی زمان خود بوده و در ۶۵۰ سلطان قطب الدین محمد پادشاه کرمان ریاست دیوان انشاء را بوی داده است .

۶۲- **ملك افتخار الدین قزوینی**، از کار گزاران محتشم دستگاه شمس الدین صاحب دیوان جوینی و فرمان او حکمران قزوین و برخی از نواحی عراق بوده و در ۶۷۸ در گذشته و شعر را نیکو می سروده است .

۶۳- **علاء الدین علی بن محمد بن احمد بن خلف خیام خراسانی** ، از شاعران نامی زمان خود بوده و در خراسان و آذربایجان شهرت داشته و دیوانی شامل اشعار بسیار داشته که گویا از میان رفته است .

۶۴- **صدر الدین علی بن خواجه نصیر الدین طوسی**، از پسران این دانشمند معروف و از نزدیکان خاندان شمس الدین صاحب دیوان و بردارش عظاملك جوینی بوده و تا ۶۸۱ می زیسته و شاعر بوده است .

۶۵- **ملك محمود تبریزی**، پسر ملك ظفر الدین از خاندان محتشم آذربایجان از مردم زنوز و پدرانش مالك آن روستا بوده اند و رشید الدین فضل الله زنوز را از و برادرانش خریده و وی شاعر بوده است .

۶۶- **محبی الدین محبی بن محمد نیشابوری** ، پسر زاده امام محمد محبی نیشابوری دانشمند معروف که در فتنه غز شهید شد و خود نیز از دانشمندان نامی بوده و رباعی از او مانده است .

۶۷ **عبدالله بن ابو عبدالله منجی الثانی بن ابو حفص منجی الماضي بن عبدالله بن یقظان ایندجی خوزی**، از مشایخ تصوف ایران مناصر ابن العربی که مؤلف طراز الذهب در فضایل ائمه و شاعر بوده است .

۶۸- **رکن الدین کرجی** ، نیز از شاعران این دوره بوده است که از احوالش

اطلاعی نیست .

۶۹- تاج‌الدین محمود حداد اشنوی یا اشنه‌بی، از مشایخ معروف زمان خود و مرید شمس‌الدین محمد بن عبدالملک دیلمی و از مشایخ سیف‌الدین باخرزی و ساکن هرات بوده و در آن شهر در گذشته و در زیر گنبد مجدالدین طالبه وی را بـخاک سپرده اند و آثاری از او مانده از آن جمله کتاب غایة الامکان فی درایة المکان در مزارات هرات و تاج نامه در تصوف و شعر نیز می‌سروده است.

۷۰- مجدالدین طالبه، نیز از متصوف هرات درین زمان بوده و مردی نکته‌دان بشمار می‌رفته و مزار وی در هرات از زیارتگاه‌های معروف بوده و غزل را استادانه سروده و در صحیفه ۷۱۰ این کتاب بخط نام وی جزو شاعران قرن دهم آمده است.

۷۱- شمس‌الدین محمد بن حکیم کیشی، از بزرگان دانشمندان قرن هفتم و در حکمت و ادب ناماور بوده است. از مردم جزیره کیش در خلیج فارس بوده اما سفرهایی کرده از آن جمله چندی در اصفهان بوده و از آنجا نامه‌ای بنحو اوجه نصیر-الدین طوسی نوشته و پریشی چند در مسائل حکمت از او کرده است. سپس در ۶۵۵ به بغداد رفته، در مدرس مدرسه نظامیه شده و پس از آنکه زمانی باصفهان نزد بهاء‌الدین محمد بن زاهد اندیشمند جوینی حکمران آن شهر باز گشته زیرا که با خاندان جوینی پیوستگی داشت و سرانجام در ۶۹۴ درگذشت است. آثار وی بجز نامه‌ای که بنحو اوجه نصیرالدین نوشته و این پاسخ داده شرح فارسی دعای «قتلونی یا ثقاتی ان فی قتلنی حیوتی» از حسین بن منصور حلاج و روضة المناظره در شرح رساله نفس الامر خواجه نصیرالدین و شرح حدیث الناس ینام و در ضمن شاعر زبردستی بوده و اشعار شیوا از او مانده است.

۷۲- ملک‌عزالدین بن جمال‌الدین کیشی، وی نیز از حکما و از مردم جزیره کیش بوده و در کرمان می‌زیسته و در ۶۹۲ در گذشته و شعر فارسی می‌سروده است و برادرش ملک‌شمس‌الدین در ۷۳۴ یا ۷۳۵ در گذشته است.

۷۳- جلال‌الدین درگانی، از شاعران دربار سلجوقیان روم بوده و اشعاری از او در مدح پادشاهان این سلسله در دست است. وی از واعظان معروف زمان خود بوده و در فقه و تفسیر و حدیث دست داشته است.

**۷۶- شمس‌الدین محمد اصفهانی، وزیر غیاث‌الدین کیخسرو (۶۱۰-۶۱۵)**

و عزالدین کیکاوس (۶۱۵-۶۳۴) از سلجوقیان روم بوده و از ادیبان نامی زمان خود و مردی کافی بشمار می‌رفته و سرانجام بدستور رکن‌الدین قلج‌ارسلان چهارم ظاهراً در ۶۶۴ کشته شده و بزبان تازی و فارسی شعر را نیکومی سروده است.

**۷۵- ناصرالدین برکیارقشاه، گویا پسر قلج‌ارسلان سوم (۶۱۰-۶۱۵) از**

پادشاهان سلجوقی روم بوده و در شعر فارسی دست داشته و منظومه‌ای بعنوان قصه حورزاد و پریزاد ببحر هزج سروده است.

**۷۶- امیر حکیم عمادالدین یوسف فضلوی متخلص به‌عماد، از طایفه**

فضلویه از مردم لرستان و یکی از معروف‌ترین شاعران دربار سلجوقیان روم و بیشتر مداح ملک غیاث‌الدین مسعود بن کیکاوس (۶۸۳-۷۰۲) بوده است و به‌عماد لرنیز معروف بوده است.

**۷۷- دختر حسام‌الدین سالار، نام وی را جایی ضبط نکرده‌اند همین**

قدر پیدا است که پدرش حسام‌الدین سالار از کارگزاران محتشم دربار سلجوقیان روم و شاید از جانب ایشان حکمران موصل بوده است و وی از موصل قصیده‌ای در مدح عزالدین کیکاوس (۶۱۵-۶۳۴) پادشاه سلجوقی روم فرستاده است.

**۷۸- جلال‌الدین فیروزشاه خلجی، دوازدهمین پادشاه از سلسله پادشاهان**

دهلی از نژاد افغان و از طایفه خلج یا غلج (غلزایی) بود. نخست در سلطنت غیاث‌الدین بلبن ترقی کرد و بدرجه بلند رسید و حکمران سامانه شد. هنگامی که معزالدین کیقباد بیمار شد وی را برای سرپرستی کارها بدلهلی خواندند ولی امیران ترک دربار با وی سازگار نبودند و چون بر ناتوانی کیقباد افزود پسر نابالغش شمس‌الدین کیومرث را پادشاهی برداشتند. وی این اتساق را پذیرفت اما دست ترکان را از کار کوتاه کرد و چون کیقباد را کشتند مقاومتی نکرد و بزودی در ۳ جمادی الاخره ۶۸۹ آن کودک را هم از میان برداشتند و وی پادشاهی رسید. چون وی از نژاد

افغانی بود مردم دهلی تن در نمی دادند و ملک چاجو برادرزاده غیاث الدین بلبن نیز سرکشی می کرد و مدعی تاج و تخت بود . وی چون مردی نیک نفس بود بخوشروبی و مهربانی دشواریها را از میان برد اما همین ملایمت وی سبب رنجش امیران دربارش شد . دسیسه ای که دربارش کرده بودند کشف شد و وی سرکشان را عفو کرد اما درویشی که سیدی ملا نام داشت و در صدد برآمده بود فیروزشاه را بکشد بوضع فجیعی کشته شد . فیروزشاه علاءالدین برادرزاده و داماد خود را حکمرانی سرزمین کره داده بود و وی که مردی ماجری جوی بود چون از ثروت دوگیری در سرزمین دکن آگاه شد با آنجا لشکر کشید و غنیمت بسیار با خود بدهلی آورد اما ببهانه این که از خشم اوهراسانست و بی اجازه وی این لشکرکشی را کرده است بدیدار عم خود نرفت . فیروزشاه که درین مورد نیز سستی آشکار کرد با آنکه وی را ازین کار بر حذر داشتند برای دیدن برادرزاده اش بکره رفت و در آنجا بدستور علاءالدین در ۱۶ شعبان ۶۹۵ او را بکارد کشتند و علاءالدین بسطنت نشست . فیروزشاه مردی خوش خوی و مهربان و ادب پرور بوده و آبادانی بسیار کرده و شعر فارسی را نیز خوب می سروده است .



### قرن هشتم

ص ۱۸۴ ش ۴ : هندوشاه ، باید افزود که از سال ۶۷۸ قطعه شعری از او مانده است .

ص ۱۸۴ ش ۵ : محمد بن هندوشاه ، در ۶۸۷ در نخب جوان ولادت یافته و صحاح الفرس را در ۷۲۸ و دستورالکاتب را در ۷۶۰ پایان رسانیده است .

ص ۱۸۴ ش ۶ . معین الدین یزدی در جمادی الاخره ۷۵۴ امیر مبارزالدین محمد ابن مظفر در کرمان نزدیک قلعه مولانا صدرالدین خوافی در محله سرمیدان دارالسیاده ای ساخت و وی را هامور تدیس در آنجا کرد و در ۷۶۳ شاه شجاع او را برای مصالحه نزد محمود شاه برادرش فرستاد و وی ایشان را صلح داد .

ص ۱۸۲ ش ۱۶: شاه نعمت‌الله ولی، سلسله مشایخ وی را چنین ضبط کرده‌اند:  
 شیخ محمد بن عبدالله یافعی، شیخ صالح ترمذی، شیخ کمال‌الدین کوفی، ابوالفتح  
 سعیدی، ابومدین مغربی، ابوسعود اندلسی، ابوالبرکات بغدادی، ابوالفضل -  
 بنداری، ابوالفتوح احمد غزالی، ابوبکر نساج طوسی، ابوالقاسم گرگانی،  
 ابوعثمان مغربی، ابوعلی کاتب، ابوعلی رودباری، جنید بغدادی، سری سقطی،  
 معروف کرخی، داود طایی، حبیب عجمی، حسن بصری. در ۸۰۷ که در میان  
 پیرمحمد بن عمر شیخ و برادرش اسکندر تیموری با امیر ایدکو جنگ در گرفت  
 ایدکو وی را بشفاعت فرستاد و ایشان با احترام وی صلح کردند و بشیر از باز گشتند.  
 رحلت وی در ماهان روی داده است.

ص ۱۹۰ ش ۱۸: سید شریف گرگانی، مؤلفات دیگر وی بفارسی: رساله  
 برای امیرزاده اسکندر حاکم شیراز تألیف در ۸۱۰، جواب سؤالات امیرزاده اسکندر  
 حاکم شیراز، رساله در علوم ثلاثه، رساله در بیان معنی ایمان اسلام، رساله برای  
 امیرزاده پیرمحمد حاکم شیراز در اقوال فلاسفه و بتازی: رساله ترتیب اثر بر فعل،  
 رساله حرف، رساله فی مراتب الوجودات، رساله فی تفسیر السلطان ظل الله فی -  
 الارض، فنوح القدس در تفسیر سوره فاتحه، شریفیه در شرح سراجیه. پسرش امیر  
 شمس‌الدین محمد در ۸۳۸ در شیراز در گذشته است.

ص ۱۹۶ ش ۲۶: منصور بن محمد، تشریح البدن یا تشریح منظوم را در  
 ۷۹۸ نوشته است.

ص ۱۹۵ ش ۳۳: میرسید علی همدانی، از مشایخ طریقه کبروی و از اصحاب  
 محمود مزدقانی شافعی متمایل بشیعه بوده و بهمین جهت بعلی ثانی معروف بوده  
 است. رحلت وی در ۶ ذی حجه ۷۸۶ بوده است. مزار وی هم اکنون در گولابدر  
 تاجیکستان امروز و بروی رستاق شهر افغانستان و در ۱۵۰ متری گولابوزیارتگاهست  
 و بنای آن از تیمور گورکانست و سنگ یشم سیاهی مانند همان سنگی که بر قبر  
 تیمور در سمرقندست دارد. دیگر از مؤلفاتش شرح فصوص الحکم و ترجمه قواعد

عشره یا اصول العشرة نجم الدین کبری بنام ده قاعده است . در مقامات وی یکی کتاب خلاصة المناقب تالیف نورالدین جعفر بدخشیش است که در ۷۸۷ درختلان نوشته است ، دیگر کتابیست تالیف ابوبکر طوسی و دیگر منقبت الجواهر معروف بمستورات از حیدر بدخشی از اصحاب سید عبدالله برزش آبادی ذهیبی .

ص ۱۹۵ ش ۳۵ : قطب الدین عبدالکریم مؤلف انسان الكامل فی معرفة الاواخر والاولی در ۷۶۱ ولادت یافته است .

ص ۱۹۵ ش ۳۶ . نصیر الدین چراغ دهلی ، نام و نسب و نصیر الدین محمود بن یحیی بن عبداللطیف ، نسبش بامام حسن بن علی می رسیده . جدش عبداللطیف یزدی از خراسان بلاهور رفت و در آنجا ماند و پدرش از لاهور باوده رفت و بازرگان پشم بود . چون مرد وی کودک بود و مادرش او را تربیت کرده و در ۲۵ سالگی ترك دنیا کرد و بجنگل رفت و هشت سال با درویشی در جنگل می گشت و ریاضت می کشید و سرانجام بدلهلی رفت و مرید نظام الدین اولیاشد و سپس نزد مادر باوده رفت و چون او مرد بدلهلی باز گشت و نظام الدین او را خلیفه خود کرد و مانند مرشد خود بسماع بسیار می پرداخت . در ۷۵۴ قلندری تراب نام که با او دشمن بود او را در حجره ای تنها یافت و کارد زد و وی از آن جراحت مرد . حمید قلندر ملفوظات وی را بعنوان خیر المجالس و مولانا محب الله بنام مفتاح العاشقین گرد آورده اند .

ص ۱۹۶ ش ۳۷ : سید محمد گیسودراز ، نسبش بامام جعفر صادق می رسیده است . نوشته اند این که وی را گیسودراز لقب داده اند بدین سبب بوده است که روزی بامریدان پالکی مرشد خود را برداشت و کیسویش در پای پالکی ماند و از شدت استغراق در بند رهایی گیسوی خود نیفتاد و بهمان وضع پالکی را تا مسافت بسیار برد و از کرامات مرشدس گیسوی وی چنان دراز شد که آسیبی باو نرسید . پس از رحلت مرشد خود بد کن رفت و در آنجا در گذشت و مرقدش اینک در گلبرگه زیارتگاهست . ملفوظات وی را محمد نام یکی از اصحابش گرد آورده است .

بر صحیفه ۱۹۸ بر نویسندگان قرن هشتم این چندتن را باید افزود :

(۴۴) محمود طاهر غزالی معروف بن نظام ، مدرس مدرسه جلالی مؤلف رساله  
معرفة المذاهب .

(۴۵) حمیدالدین محمود بن عمر نجانی نیشابوری ، از دانشمندان و ادبای  
نامی زمان خود بوده است و بتازی و پارسی آثاری از او مانده است از آن جمله بستان  
العلما در شرح یمینی تالیف ابونضر عتبی تاریخ معروف غزنویان و رساله پیروزی  
و مقاله نوروزی در پاسخ غیاث الدین بن رشید الدین فضل الله همدانی و شرح قصیده  
بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار از جمال الدین مطرزی که در ۷۲۱ تالیف کرده است .  
(۴۶) فرامر زبن خداداد بن عبدالله کاتب ارجانی ، مؤلف داستان سمک عیار  
از روایت صدقه بن ابوالقاسم شیرازی .

(۴۷) تاج الدین محمد بن صدر الدین احمد بن علاء الدین حسن دبیر عبدوسی  
معروف بملک اخیستان هندی ، مؤلف بساتین الانس بنام سلطان محمد بن تغلقشاه  
پادشاه دهلی که در ۵۷۲ پایان رسانیده و در ضمن بها عماد فقیه کرمانی شاعر معروف  
مکتبه داشته و مکتوبی از او مانده است که می رساند منشی زبردستی بوده است .  
(۴۸) قاضی صدر الدین اسمعیل ابر قوهی ، مؤلف تعبیر سلطانی که  
بنام شاه شجاع آل مظفر در ۷۶۳ پایان رسانده است .

(۴۹) مسعود بخارایی ، از مردم روستای بک از توابع بخارا ، مرد دانشمندی  
بوده و پس از سیاحت های بسیار بدلهی رفت و از مریدان نصیر الدین چراغ دهلی  
عارف مشهور شد و مدتی در خانقاه وی ریاضت کشید و نویسنده و شاعر بوده و سه کتاب  
در تصوف نوشته است : نور العیون و ام الصفایح و مرآة العارفين .

(۵۰) امیر حسن بن علاء سکزی ، مؤلف فواید الفواد در مقامات و ملفوظات  
نظام الدین اولیا عارف مشهور که پس از ۷۰۷ تالیف کرده است .

(۵۱) محمد بن محمد ، مؤلف فرسنامه ای که بنام مظفر الدین باکلی خار  
در ۷۶۷ پایان رسانیده است .

۵۲) **عبدالمحسن بن محمد حسینی**، مؤلف اخلاق معزی که بنام معز السلطنه امیرانشاه تیموری در آذربایجان تألیف کرده و در روز آدینه ۱۲ ذی الحجه ۷۷۸ بپایان رسانیده است .

۵۳) **فیروز بن رجب**، از درباریان محمد بن تغلق شاه مؤلف فتوحات فیروزشاهی در تاریخ فیروزشاه تغلق .

۵۴) **معین الدین عباسه شهرستانی**، از منشیان دربار شاه شجاع آل مظفر بوده و نویسنده زبردستی بشمار می رفته و منشآت او در دستت و برخی وی را با معین الدین یزدی مؤلف مواهب الهیه اشتباه کرده اند .

۵۵) **ابوالقاسم محمود**، مؤلف خلاصه الکلام در ادب که در ۷۵۵ تألیف کرده است .

۵۶) **سید اشرف الدین جهانگیر سمنانی سامانی نوربخشی نوری چشتی**، از مشایخ متصوفه ساکن هند وده ووی را از بازماندگان پادشاهان سمنان دانسته اند و احتمال می رود مراد این باشد که از بازماندگان علاءالدوله سمنانی بوده است . در قریه پندره در بنگاله مرید علاءالدین از مشایخ آن سرزمین شد و سپس مقیم روح آباد کچهوچیه نزدیک لکنهو بود . سفرهای چند کرد از آن جمله بشیراز رفت و با حافظ شیرازی دیدار کرد . سفر اول را در ایران و عربستان و سفر دوم را در فاسطین و عربستان کرد و با نصیرالدین روشن چراغ یا چراغ دهلوی در گذشته در ۷۵۷ نیز دیدار کرده و سرانجام در ۸۰۸ در گذشت و در روستای کچهوچیه مدفون شد . وی مؤسس طریقه ای بوده است که بمناسبت نام وی بآن طریقه اشرفی گفته اند و هنوز در هندوستان رایجست . حاج شیخ نظام الدین غریب یمنی از اصحاب وی که در ۷۵۰ در یمن مرید وی شده و سی سال با او بوده کتابی در مقامات وی بنام لطائف اشرفی نوشته است مجموعه مکاتیب وی را نیز بعنوان مکتوبات اشرفی گرد آورده اند که مجلد اول آنرا همان حاج نظام الدین غریب یمنی در ۷۸۷ گرد آورده و مجلد دوم را مرید دیگرش که عبدالرزاق حسنی حسینی نام داشته در ۸۶۹ فراهم



کرده است .

(۵۷) **حاج بکتاش ولی بن سلطان ابراهیم بن موسی** ، که تاسیس فرقه بکتاشی آسیای صغیر و ترکیه و سوریه و مصر را باونسبت می‌دهند و آنچه درباره وی گفته‌اند مشکوکست از آن جمله وی را از مردم نیشابور دانسته‌اند و از اصحاب احمد یسوی شمرده‌اند که در ۵۶۲ در گذشته و می‌گویند معاصر اورخان (۷۲۶-۷۶۱) مؤسس سلسله آل عثمان بوره و در ۶۴۶ ولادت یافته و در ۶۹۷ یا ۷۴۰ در گذشته و کتابی بنام مقالات بوی نسبت داده‌اند و کتابی بنام ولایت‌نامه در مناقب او نوشته‌اند . در هر صورت اگر نیشابوری بوده باشد می‌بایست نام ایرانی بجز بکتاش داشته بوده باشد . پیروان وی در خاک عثمانی بسیار بوده‌اند و بیشتر ازینی چریان لشکریان پادشاهان آل عثمان بکتاشی بودند و هنگامی که ایشان را برانداختند بسیاری از بکتاشیان کشته شدند .

(۵۸) **ابوالوفا بن سعید بن محمد بن یوسف بن محمود** ، مؤلف لب الالباب در بیان عبارات و استعارات عرفا و مخصوصاً داود قیصری شارح قصص الحکم ابن‌العربی .

(۵۹) **نظام تبریزی** ، از دبیران و شاعران زمان خود بوده و در ۷۶۸ کتاب سلوان المطاع ابن ظفر را که در سلوک و ادب در ۵۵۴ تألیف شده است بنام ریاض الملوك فی ریاضات السلوك برای سلطان اویس جلایر ترجمه کرده است .

(۶۰) **عبدالعزیز کاشی** ، مؤلف روضة لناظر و نزهة الخاطر مجموعه اشعار تازی و پارسی که نسخه‌ای از آن بخط او هست که در ۷۷۷ نوشته است .

(۶۱) **امام ابو منصور مظفر بن اردشیر عبادی** ، از مشایخ نامی تصوف در زمان خود بود و در کتاب در تصوف نوشته است یکی کتاب التصفیه فی احوال المتصوفه که در ۷۵۷ پایان رسانیده و دیگر مناقب الصوفیه که در ۷۸۸ تمام کرده است .

(۶۲) **فخرالدین محمد بن محمود پوشنگی متخلص بمسیحی** ، مؤلف عبرة الناظرین در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۸۰۷ رساند

۶۳) محمد بن اسعد بخاری ، مؤلف مسالك العارفين در تصوف .

۶۴) ابوسلیمان محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف آل بنجیر سادات علوی شیراز، مؤلف اخبار الاخیار در احوال بزرگان خانواده اش که پسرش رکن الدین یحیی بنام مقاله الابرار در آغاز قرن نهم تلخیص و تہذیب کرده است .

۶۵) حاج شیخ محمد بن احمد بن علی بن محمد طاهری بیغمی ، مؤلف داراب نامه .

۶۶) احمد نخجوانی ، مؤلف مصباح الارواح در تصوف .

۶۷) نصرالله بن عبدالمومن سمرقندی ، مؤلف کتاب منشات کہ بنام ناصرالدین عمر وزیر پایان رسانیده است .

۶۸) کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ، از بزرگان مشایخ طریقه سهروردی و خلیفه نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی و وی از اصحاب شیخ نجیب الدین علی ابن بزغش شیرازی بوده و ظاهراً در شیراز می زیسته و در آجا در ۳ محرم ۷۳۶ در گذشته و در خانقاه زینی ماستری داخل شهر در جوار مسجد جامع اورا بنجا سپرده اند . تاریخ رحلت وی را ۷۳۰ و ۷۳۵ نیز نوشته اند . وی از بزرگان مؤلفان صوفیه در زمان خود بوده و تألیفات مهم بزبان تازی و پارسی دارد از آن جمله شرح منازل السائرین عبدالله انصاری کہ در ۲۲ رجب ۷۳۱ پایان رسانیده و شرح فصوص الحکم کہ در ۷۲۰ تمام کرده و اصطلاحات الصوفیه و تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان در آیین فتوت کہ نخست بتازی نوشته و سپس خود پیارسی تحریر کرده و فوت نامه بزبان فارسی کہ پس از آن دو کتاب نوشته است .

۶۹) مجد خوافی ، از واعظان دانشمند زمان خود بوده و در نظم و نثر فارسی دست داشته و سفرهای چند در خراسان و کرمان کرده و مؤلفات چند از او مانده است یکی دیوان اشعار ، دیگر ترجمه منظوم جواهر اللغه زمخشری ، دیگر کتاب کنز الحکمه و دیگر روضه خلد کہ تقلیدی از گلستان سعدیست و در بهار ۷۳۳ آنرا پایان رسانیده و سپس تکمیل کرده و روایت دیگری در ۷۳۷ انتشار داده است .

۷۰) نظام الدین احمد بن محمد بن احمد ، معروف بشجاع الدین درودباشی

بیهقی مؤلف جامع الهدایه فی علم الرمایه در تیر اندازی که در ۱۵ جمادی الاخره ۷۱۸ پس از کتاب نظام الملک حسن بن اسحق بیهقی نوشته است .

(۷۱) محمود بن عثمان ، مؤلف فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه در مناقب ابواسحق ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن فیروز کازرونی عارف شهیر که در ۷۲۸ تألیف کرده است .

(۷۲) تاج سلمانی ، مؤلف کتابی در تاریخ بنام شمس الحسن که در محرم ۷۶۵ پایان رسانده است .

(۷۳) سید محمد بن سید مبارک بن محمد علوی کرمانی معروف بامیر خرد ، از سادات علوی کرمان بود . جدش بهندرفت و از مریدان فریدالدین شکر گنج شد و با نظام الدین اولیا معاشرت داشت . پدرش سید مبارک نیز از متصوفه بود خود در آغاز بر ریاضت پرداخت و دانش آموخت و سپس مرید نصیرالدین چراغ دهلی شد و در ۷۹۰ در گذشت . معاصر فیروز شاه تغلقی در گذشته در ۷۱۱ و مؤلف سیر الاولیا فی محبة الحق جل و علا در احوال صوفیه .

(۷۴) فتح الله بن احمد بن محمود شهرستانی ، که اشتباها در صحیفه ۲۷۲ نام وی در قرن نهم ضبط شده است ، مؤلف تحفة الائمة العلیه فی الحکمة العملیه و رساله در اصول و قواعد خط و اخلاق ظهیری یا اخلاق ظهیری که در حدود ۷۵۰ برای سلطان محمد بن تغلق شاه بن غیاث الدین تغلق معروف بسطان محمود جوته نوشته است .

(۷۵) فیروز شاه تغلقی ؛ از پادشاهان دهلی ، پسر ملک رجب و برادر غیاث الدین تغلق ، پسر عمش محمد بن تغلق در گذشته در ۲۱ محرم ۷۵۲ او را تربیت کرد و ترقی داد و پس از مرگ وی بتخت نشست و پریشانی هایی را که در کار روی داده بود جبران کرد . در ۷۵۴ و ۷۶۱ دو بار ببنگاله و در ۷۶۱ باوریه و در ۷۶۲ بنگر کوت و در ۷۶۳ بته لشکر کشید . پس از آن بیشتر از عمر خود را بساختن و شکار و تفریح می گذراند و آبادانی بسیار کرد و شهرها و کاخها و مزارها و کاریزها و مساجد و مدارس بسیار ساخت و باندازه ای نرم بود که باتبه کاران نیز مدارامی کرد

ودوتن از پسرانش را در سلطنت شریک کرد و خراجهای بسیار را بخشید و بهمین جهت زیر دستانش وی را بسیار دوست می‌داشتند و سرانجام پس از هشتاد سال عمر در ۲۹ شعبان ۷۹۰ در گذشت. وی مردی دانش دوست بوده و سیدمطهر کره شاعر مداح وی بوده و شمس سراج عقیق و ضیاء الدین برنی دو کتاب بعنوان تاریخ فیروز شاهی در شرح سلطنت او نوشته‌اند. خود نیز در زبان فارسی دست داشته و شرحی از لشکر کشیهای خود نوشته که بفتوحات فیروز شاهی معروفست.



گذشته از کتابهای نثر که پیش ازین بدانها اشاره رفت در قرن هشتم چند کتاب دیگر بزبان فارسی نوشته شده که مؤلف آنها معلوم نیست. یکی رساله در اعتقادات مذاهب شامل معتقدات هفتاد و سه ملت، دیگر مورخی که نام خود را نیاورده در ۷۳۷ در اصفهان برای محمود بن جمال الدین وزیر اصفهان نسخه‌ای از ترجمه تاریخ طبری ابوعلی بلعمی فراهم کرده و سپس تاریخ جهان گشای جوینی را گذاشته و در میان آنها مختصری در تاریخ صفاریان و سامانیان و غزنویان و ملوک غور و آل سلجوق در سه صحیفه بقطع رحلی نوشته است. دیگر کتابیست در جغرافیا که مؤلف آن معلوم نیست و بنام مبارزالدین محمد بن مظفر نوشته و در ۷۴۸ پایان رسانیده و بنام صورالاقالیم یا مسالك ممالك معروفست و دیگر کنایی در اخلاق و سلوک بنام تحفه.



در باره شاعران قرن هشتم این مطالب را باید افزود :

ص ۱۹۹ ش ۱ : بهاء الدین سلطان ولد، تولد وی در ۶۲۲ و وفاتش را در ۲۱ رجب ۷۱۲ هم ضبط کرده‌اند.

ص ۱۹۹ ش ۲ : اوحدی حتما از مردم اصفهان بوده و در آن شهر نشو و نمایافته و چون مدتی در مراغه بوده بمرانگی معروف شده است.

ص ۱۹۹ ش ۳ : خواجو، وفات وی را در ۷۵۰ نیز ضبط کرده‌اند و این درست نیست.

ص ۲۰۰ ش ۴: ابن یمن، وی فخرالدین لقب داشته و دیوانش در جنگ ملک معزالدین ابوالحسین محمد کرت باخواججه وجیه‌الدین سربدار و شیخ حسن جویری در میان زاوه و خواب از میان رفته است .

ص ۲۰۲ ش ۶ : عماد فقیه . خانقاهی در کرمان ساخته است که تاریخ بنای آنرا ۶۶۶ نوشته‌اند و پیداست که درست نیست شاید در اصل ۶۹۶ بوده باشد . وی در زمان خویش شهرت بسیار داشته چنانکه تاج‌الدین محمد معروف بملک اخستان هندی سابق الذکر از هند با و نامه نوشته است .

ص ۲۰۵ ش ۱۴ : حافظ : ممدوح وی حاجی قوام‌الدین حسن شیرازی که بصاحب عیار معروف بوده در ۷۵۲ نایب قلم‌امیر مبارزالدین محمد بن مظفر و در ۷۵۳ از جانب او حکمران کرمان شده و در گذشت وی را در جمعه ۶ جمادی الاخره ۷۵۴ نیز ضبط کرده‌اند . مدفن او را در شیراز در محله کت نوشته‌اند . برخی حافظ را از متصوفه دانسته‌اند چنانکه بعضی وی را از پیروان قوام‌الدین ابواسحق ابن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری در گذشته در ۷۶۴ و شمس‌الدین ابو محمد عبدالله بنجیری در گذشته در ۷۸۲ دانسته‌اند که ذکرشان پس ازین خواهد آمد و برخی وی را از مریدان شیخ محمود عطار شمرده‌اند که در باره اش اطلاعی نیست . نوشته‌اند که حافظ کتاب کشف کشف را نزد قوام‌الدین خوانده‌است . در تاریخ فرشته چنین آمده است که محمود شاه بن علاء‌الدین حسن کانکوی بهمینی از پادشاهان سلسله بهمینی دکن در هندوستان که ذکرش پس ازین خواهد آمد مردادب پرور بخشنده‌ای بود و چون آوازه وی بحافظ رسید وی نیز رانگب سفر دکن شد اما بواسطه برخی از موانع نتوانست برود . این خبر بمیر فیض‌الله انجو که منصب صدارت وی را داشت رسید و وی اندک زاد و راه‌ای برای حافظ بشیراز فرستاد که اگر بآنجا رود مقدم وی را گرامی خواهند داشت و وی را بشیراز باز پس گردانند . حافظ بیش از پیش خواستار این سفر شد و از آنچه میر فیض‌الله فرستاده بود برخی بخواهر زادگان خود و زنان بی‌شوی بخشید و برخی را برای گزاردن و امه‌ای خود بکار برد و سامان راه

کرد و از شیراز بیرون رفت و چون بلار رسید آنچه داشت یکی از آشنایان غارت زده بخشید و تهی دست شد. خواجه زین العابدین همدانی و خواجه محمد کازرونی که از ازرگان مالدار بودند و آهنگ سفر هند داشتند بعهده گرفتند خرج راه وی را دهند و حافظ را با خود بهر موز مردند اما در برخی از کارها کوتاهی کردند و وی را از خود رنجانیدند و با این همه حافظ بکشتی محمود شاه که از دکن آمده بود نشست و از قضا موز کشتی براه نیفتاده بود که باد مخالف فوزیدودریا شورید. حافظ یکسره از آن سفر تضرع شد و بیاران خود گفت با برخی از دوستانم که در هر موز ندو دعانکرده ام می روم ایشان را ببینم و در ساعت باز می گردم و بدین بهانه از کشتی بیرون رفت و غزلی را که مطلعش اینست :

دمی باغم بسر بردن جهان یکسر نمی اززد      بمی بفروش دل قما کزین بهتر نمی اززد  
 سرود و بدست یکی از یاران نزد میر فیض الله انجو فرستاد و خود بشیراز رفت. چون این غزل بمیر فیض الله رسید روزی بتقریبی آن داستان را بمحمود شاه گفت. شاه گفت چون حافظ باندیشه رسیدن بما قدم در راه نهاده بود بر ما واجبست که او را محروم نکنیم. سپس بملاقاسم مشهدی که از دانشمندان دربارش بود هزار سکه طالاداد که انواع کالای هند بخرد و برای حافظ بشیراز ببرد.  
 ص ۲۰۸ ش ۱۸: امین الدین کازرونی، نام و نسب وی بدین گونه است: امین-الدین محمد بن علی بن ضیاء الدین مسعود، از مریدان شیخ اوحد الدین بن ضیاء الدین مسعود پسر عم خود بوده و در ۱۱ اذی قعد ۷۴۵ در کازرون در گذشته است.  
 ص ۲۰۸ ش ۱۹: رکن الدین صاین، نسب وی بدین گونه است رکن الدین صاین بن شمس الدین محمود بن رکن الدین صاین هروی. وی لقب و نام جد خود را داشته که او نیز از مردان محتشم دربار ایلخانان مغول بوده و در ۷۰۰ بفرمان غازان خان کشته شده است. وی در ۷۰۸ ولادت یافته و در ۷۴۸ وزیر فارس شده است.

ص ۲۰۹ ش ۲۴: شمس مغربی، نام و نسب وی بدین گونه است محمد

ابن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی ملقب به محمد شیرین متولد در ۷۴۹ .  
 درباره زادگاه وی اختلافست برخی در روستای امند ، برخی در امند در بلوک  
 رودقات تبریز نوشته اند و برخی نام آنرا انبندات و ابندات ضبط کرده اند . تاریخ  
 در گذشت وی را ۸۰۷ و ۸۱۹ نیز نوشته اند اما ۸۰۹ درست ترست . برخی نوشته اند در  
 در حظیرة با بایزید در محله سرخاب مدفونست و اینک قبر وی در اصطهبانات معروفست .  
 آثار وی بجز دیوان اشعارش ؛ نزهة السانیه (!) ، مرآة العارفین در تفسیر سوره  
 فاتحة الكتاب ، در در الفرید فی معرفة التوحید ، جام جهان نمایا کلیات علم توحید  
 یا مراتب وجود ترجمه و تلخیص از مشارق الدراری الزهر فی کشف حقایق نظم-  
 الدر از سعد الدین سعید فرغانی که شرح خمیه ابن فارض است و جام جم شروح  
 متعدد دارد از آن جمله شرح وجیه الدین علوی و نعمة الله نام بنام مدام جان فزا  
 و شرح احمد بن موسی رشتی استادی شاگرد وی و سه شرح دیگر که مؤلف آنها  
 معلوم نیست .

ص ۲۱۰ ش ۲۵ : لطف الله نیشابوری ، در سال ۸۰۸ که در نیشابور زلزله آمده  
 وی در آنجا بوده و اشعاری درین زمینه سروده است .

ص ۲۱۰ ش ۲۶ : تاج الدین حلاوی ، نسبت او را حلوائی هم نوشته اند .  
 ص ۲۱۳ ش ۳۳ : شیخ کجج تبریزی ، نام و نسب او بدین گونه است : خواجه  
 شیخ غیاث الدین محمد متخلص بکجج پسر خواجه ابراهیم بن خواجه صدیق  
 کججانی از مردم کججان یا کجج در بلوک مهران رود تبریز . خواجه محمد  
 کججانی از مشاهیر زمان خود بوده و در زمان ملک اشرف و سلطان اویس و  
 سلطان حسین جلایر شیخ الاسلام بوده است . در ۷۶۰ که اخوی جوق و علی پیل تن  
 قصد سلطان اویس را کردند وی خبر شد و او را آگاه کرد در نتیجه بد رفتاری  
 سلطان حسین از آذربایجان رفت و مدتی در بغداد و دمشق و مصر ساکن بود و در مصر  
 احترام بسیار بوی کردند و سرانجام در ۷۷۸ در گذشت . وی شعر بسیار گفته و  
 دیوانش نزدیک ده هزار بیت می شده و اقسام مختلف شعر سروده است . ظاهراً

پسری داشته است بنام شمس‌الدین کججی که در ۸۰۹ که سلطان احمد جلایر از بغداد بتبریز رفته بود وی را بریاست دیوان خود گماشت .

ص ۲۱۴ ش ۳۵ : فضل‌الله نعیمی استرآبادی ، اطلاعاتی که در باره او هست چندان روشن نیست ، برخی نام و نسبش را شاه فضل‌الله بن ابومحمد نعیمی تبریزی ، برخی شهاب‌الدین فضل‌الله بن بهاء‌الدین حسن بن محمد یمانی علی بن حسین بن محمد بن هاشم بن حسن بن علی بن هاشم بن محمد بن جعفر بن امام موسی کاظم و برخی ابوالفضل عبدالرحمن فضل‌الله و پدرش را ابومحمد تبریزی دانسته‌اند و نوشته‌اند که بسید فضل‌الله حلال‌خوار معروف بود زیرا که بسیار پرهیزگار بود و هرگز از خوراک هیچ کس نخورد و از طاقیه‌دوزی گذران می‌کرد و پدرش قاضی القضاة استرآباد بود و وی خردسال بود که او در گذشت . در سال ۷۴۰ یا ۷۴۲ ولادت یافته که دو سال پس از مرگ حاجی بکتاش ولی باشد که طریقه بکناشی باو منسوبست و چون چندی در مشهد ومدتی در تبریز می‌زیسته بمشهدی و تبریزی نیز معروف شده است . سفرهای چند کرده از آن جمله در ۷۷۱ باصفهان و در ۷۷۵ بحج رفت و نیز بسمیرم فارس و خوارزم و آذربایجان و باکو و شروان و نخجوان رفته است . در ۷۸۸ طریقه حروفی را اعلان کرده بهمین جهت او را تکفیر کردند و تیموریان با او در افتادند و او را در باکو و شروان زندانی کردند و سرانجام میرانشاه پسر تیمور دستور داد وی را از شروان بنخجوان بردند و بفتوای فقها بپناه کفر و الحاد در روز پنجشنبه یا جمعه ۶ ذی‌قعدة ۷۹۶ بسن ۵۶ سالگی او را بدست خود کشت و پیکرش را ریسمان بستند و در شهر نخجوان گردانند و سپس در النجه یا النجق ویا النجک در خاک نخجوان ب خاک سپردند . اما روز ششم ذی‌قعدة ۷۹۶ روز چهارشنبه بوده است . چنان می‌نماید که در ۸۰۴ پیکرش را بدستور تیمور از خاک بر آورده و سوزانیده‌اند . وی مرد دانشمندی بوده و در علوم غریبه از جفر و علم حروف و اسماء و حکمت دست داشته و قصیده و غزل می‌سروده است و نعیمی تخلص می‌کرده . آثاری که از او مانده کتاب نوم‌نامه است که حوادث زندگی خود را از سال ۷۶۵ تا



۷۹۶ در آن نوشته است و آن ذیل جاودان نامه اوست ، دیگر جاودان کبیر که در ۷۹۶ در زندان شروان نوشته و دیگر کتاب جاودان صغیر ، رساله در اصول حروفیه ، ذیل جاودان نامه ، عرش نامه ، محبت نامه و نیز وصیت خود را در زندان با کون نوشته است . وی نه خلیفه انتخاب کرده بود که چهار تن محرم اسرارش بودند و پس از کشته شدنش چند تن از خلفایش مانند ابوالحسن علی الاعلی و سید عمادالدین نسیمی با سیای صغیر گریختند و عقاید خود را در میان بکاشیان انتشار دادند و بسیاری ازیشان آن عقاید را پذیرفتند . دختر فضل الله و یکی از مریدانش یوسف نام در زمان جهانشاه دوباره در تبریز بنای دعوت را گذاشتند ولی ایشان و مریدانشان گرفتار شدند و نزدیک پانصد تن ازیشان را کشتند . این دختر شاعر بوده است . پیروان طریقه حروفی در ایران در خفا می زیسته اند تا آنکه در دوره صفویه برخی ازیشان طریقه نقطوی را پذیرفته اند .

ص ۲۱۴ ش ۳۶ : فریدون بن عکاشه ، رساله رباعیه را در ۷۳۷ نوشته است

ص ۲۱۵ ش ۴۵ : جنید شیرازی ، وی برادری داشته است بنام جمال الدین ابواسحق بن جلال الدین محدث کازرونی معروف بشیخ ابواسحق شیرازی که از خلفای ابواسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی بوده و در روز چهارشنبه ۱۳ ذیقعدة ۸۲۸ در هرات در گذشته و در گازر گاه مدفون شده است .

ص ۲۱۷ ش ۵۱ : ابن عماد ، نام و نسب وی را حافظ علاء الدین محمد بن حافظ عمادالدین هروی ضبط کرده اند و نوشته اند که مادرش دختر حاج قوام الدین صاحب عیار ممدوح معروف حافظ بوده و وی در شیراز ولادت یافته و سرانجام بهرات رفته و در آنجا در ۸۳۸ از بیماری و با در گذشته و شعر تازی و پارسی می سروده و در فرائد استاد بوده و دیوان اشعار و خلاصة التزیل در قرائت از او مانده است . چنان می نماید ۸۳۸ تاریخ وفات او درست نباشد زیرا که ۷۰ سال پس از اتمام ده نامده ۴۴۴ سال پس از اتمام روضة المحبین اوست .

ص ۲۱۷ ش ۵۴ : محمود گلستانه ، نسب کامل او محمود بن محمود بن علی

گلستانه است .

ص ۲۱۸ ش ۵۷ : نظام‌الدین اولیا ، کتاب فواید الفوائد را که شامل ملفوظات اوست برخی تالیف علاء‌الدین نیلی قاری سجزی و برخی تالیف میرعلاء‌الدین حسن دانسته اند اما درست‌تر اینست که مؤلف آن امیر حسن بن علاء سکزی نام داشته و پس از ۷۰۷ تالیف کرده است . کتاب راحة القلوب را وی در چهارشنبه ۱۵ رجب ۶۵۵ پیاپیان رسانیده است .

ص ۲۲۰ ش ۶۲ : بهاء‌الدین نقشبند ، از مؤلفات اوست : رساله اسبیه و رساله قدسیه که عبدالرحمن جامی شرحی بر آن نوشته است بعنوان الحاشیه القدسیه بر کلمات قدسیه بهاء‌الدین نقشبند . کتابهایی که در مناقب وی نوشته اند یکی رساله قدسیه از خلیفه او خواجه محمد پارساست و دیگر کتابی بنام جامع المقامات تالیف ابوالبقا ابن عالی که در محرم ۱۰۲۶ تمام کرده و معلوم نیست در مقامات او یا مقامات بهاء‌الدین دیگرست و خواجه محمد پارسا کتاب مفصل‌تری در مقامات وی نوشته است با اسم انیس الطالبین و عدة السالکین .

ص ۲۲۰ ش ۶۳ : خواجه محمد پارسا ، شمس‌الدین لقب داشته است ، وی رادر قبرستان بقیع بخاک سپرده اند ، از مؤلفات اوست رساله عقاید و رساله فی طریق ذکر الخفی و انیس الطالبین سابق‌الذکر و عبدالرحمن جامی رساله‌ای دارد بعنوان سخنان خواجه پارسا .

ص ۲۲۱ ش ۶۴ : ابوبکر تاییادی ، از کرامات وی نوشته اند که در سال ۷۸۰ ملک غیاث‌الدین پیر علی کورت شهر بندنوه‌رات را می‌ساخت . وی پیغام داد که بدین دیوار بالای خدایانگاه نتوانی داشت مردم را زحمت مده او پاسخ داد که ائمه را با کار ملک چه کار ؟ وی خشمگین شد و ازهرات رفت و گفت ملک را عزل کردند و ملک وی را بترکی که درپایش عیبی هست دادند و بزودی تیمور سلطنت خاندانش را منقرض کرد . پادشاهان کورت و تیموری بوی بسیار احترام می‌کرده‌اند . رحلتش را بجای روز آدینه روز پنجشنبه هم ضبط کرده‌اند اما سلخ محرم ۷۹۱ روز آدینه بوده است .



بر صحیفهٔ ۲۲۵ بر شاعران قرن هشتم این چند تن را باید افزود :

( ۹۸ ) **صاحب دیبائکاری**؛ از شاعران دربار ملوک شبانکاره بوده و منظومه‌ای به بحر متقارب در تاریخ شاهان این سلسله بنام دفتر دلگشای سروده که در اردی بهشت ۷۲۰ بپایان رسانیده و پیداست که شاعر زبردستی بوده است و این منظومه در حدود یازده هزار شعر دارد و تا وقایع سلطنت شاه مظفر شبانکاره می‌رسد .

( ۹۹ ) **صدرالدین موسی**، پسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی در روز عید فطر سال ۷۰۴ ولادت یافت و پس از مرگ پدر جانشین او شد و حظیرهٔ پدر را در اردبیل ساخت و ده سال مشغول ساختمان آن بود و در ۵۹ سالگی در ۷۹۴ در گذشت و غزل می‌سرود .

( ۱۰۰ ) **خواجه علاءالدین محمد بن محمد بخاری**، معروف بعلاءالدین عطار، در بخارا ولادت یافت و از کودکی در حلقهٔ اصحاب بهاءالدین نقشبند در آمد و سپس از خلفای او شد و بیشتر در سرزمین چغانیان می‌زیست و در شب چهارشنبه ۴ رجب ۸۰۲ در گذشت . مزارش اکنون در خاک تاجیکستان در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر ده نوست که تا دوشنبه پای تخت تاجیکستان نزدیک ۳۰۰ کیلومتر فاصله دارد و زیارتگاهست . از وی اشعار خوبی مانده است . وی پسری دانتته است بنام کمال‌الدین حسن که در ۸۲۷ که از شیراز به بهبهان سفر حج می‌رفته در راه در گذشته است .

( ۱۰۱ ) **شرف‌الدین یعقوب قاضی یزدی**؛ از معاریف شهر یزد بوده و شعر تازی و پارسی می‌گفته و شرف تخلص می‌کرده و پسری بنام مجدالدین فضل‌الله داشته است .

( ۱۰۲ ) **امیر شمس‌الدین محمد بن امیر جلال‌الدین خضر شاه بن امیر قطب‌الدین مسعود یزدی** ، از خاندانی معروف از اعیان یزد . پسرش قطب‌الدین خضر شاه و برادرزاده اش قطب‌الدین مسعود نیز از ارای یزد بوده‌اند و خود شاعر توانایی بشمار می‌رفته است .

( ۱۰۳ ) **معین‌الدین جمال‌الاسلام محتسب یزدی**، نیز از مشاهیر آن شهر و

شاعر بوده و تا سال ۷۱۹ می زیسته است

( ۱۰۴ ) **شرف الدین حضر یزدی** ؛ از مشایخ نامی یزد بود و پادشاهان آل مظفر وی را گرامی می داشتند و در ۷۵۵ خانقاهی در یزد ساخته و در ۷۶۰ در گذشته است . پسرش ظهیرالدین محمد نیز مردی دانشمند و زاهد بوده و شرح پنابیع را تا آداب قضا نوشته و او را نیز در کنار پدر در محله بین الدارین بخاک سپرده اند . شرف الدین شاعر زبردستی بوده است .

( ۱۰۵ ) **غیاث الدین همتی بلخی** ؛ از منشیان و شاعران زمان خود بوده است .  
 ( ۱۰۶ ) **محمد و دثاه بن علاء الدین حسن کانکوی بهمنی** ؛ از پادشاهان سلسله بهمنی دکن که از ۷۸۰ تا ۲۱ رجب ۷۹۹ پادشاهی کرده ، مرد بسیار مہذب بوده چنانکه نوشتند در شادی و غم خودداری می کرده و در سراسر زندگی جز بایک زن معاشرت نداشته و در ضمن مردی دانشمند بود و قرآن را از برداشت و خط را خوب می نوشت و از علوم متداول آگاه بود و فارسی و عربی را خوب می دانست و بسیار شاعر نواز بود در زمان وی شعرای عرب و ایران بدر بارش می رفتند و از بخشش او برخوردار می شدند چنانکه حافظ را دعوت کرد و یک تن از شاعران ایران که بد کن رفته بود قصیده ای بتوسط میر فیض الله انجو که منصب صدارت وی را داشت فرستاد و وی در مجلس اول یک هزار تنگ طلا که عبارت از هزار توله پول آن روز هند باشد باوداد و او بایران بازگشت . وی غزل را استادانه می سروده است .

( ۱۰۷ ) **ملک ضیاء الدین مشہدی** ، از امرای دربار سلطان فیروزشاه تغلقشاهی در هند و شاعر توانایی بوده و تا ۷۶۰ می زیسته است .

( ۱۰۸ ) **اعزاز الدین خالدخانی** ؛ نیز از شاعران آن روزگار بوده و کتابی در حکمت طبیعی و شگون و مقالات بنظم آورده که دلایل فیروزشاهی نام گذاشته است و شامل اقسام حکمت علمی و عملی بوده است .

( ۱۰۹ ) **سلطان محمد بن تغلقشاه** ، معروف بسطان محمد چونه از پادشاهان نامی هند از سلسله تغلقی بوده و در ربیع الاول ۷۲۵ پادشاهی نشسته و در محرم ۷۵۲

در کنار رود سند نزدیک شهر تته در گذشته است. وی پادشاه داد گستر نیکو سیرتی و مردی دانشمند بوده و بذله گوی و سخن سرای بشمار می رفته و شعر فارسی را استادانه می سروده و شاعران نامی آن زمان از آن جمله خسرو دهلوی و بدرالدین چاچی در دربار وی بوده اند و از بخشش هایش بر خودار شده اند و ضیاءالدین برنی مورخ معروف هند نیز در دربار وی بوده است.

(۹۱۰) عارف اردبیلی، از شاعران نامی آذربایجان، نخست در دربار سلطان اویس جلایر بوده و سپس بدعوت شروانشاه کیکاوس بن کیقباد (۷۴۵-۷۷۴) بشروان رفته و آموزگار پسر وی شده و در آنجا مثنوی فرهاد نامه را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده و در آخر تابستان ۷۷۱ پایان رسانده است.

(۹۱۱) سیدعلاء الدین خراسانی؛ ساکن هند و از مریدان نظام الدین اولیا و شاعر بوده است.

(۹۱۲) شهابی، از شاعران قرن هشتم بوده و یک مثنوی در اخلاق بنام عروۃ الوثقی از او مانده که بوزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۵۹ شامل پنجهزار بیت پایان رسانیده و در هند می زیسته است.

(۹۱۳) حاج جلال لارندی، از شاعران قصیده سرای این دوره بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست.

(۹۱۴) شیخ ضیاءالدین آهریزی، از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در چرنداب مدفون بوده و از ورباعی مانده است.

(۹۱۵) ابو محمد شمس الدین عبدالله بننجیری؛ از خاندان معروف سادات آل بنجیر در شیراز و از مشایخ نامی زمان خود بوده است. چنانکه در احوال حافظ گذشت وی را از مریدان او دانسته اند و نیز قوام الدین ابواسحق که ذکرش پس ازین خواهد آمد و شیخ زین الدین علی کلاه را که نیز پس ازین مذکور خواهد شد از مریدان او شمرده اند و امیر مبارزالدین محمد بن مظفر نیز مرید او بوده و شعر عربی و فارسی را نیکومی سروده است.

(۱۱۹) قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابوالاعالی بنجیری ، از همان خاندان آل پنجیر و از شاگردان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۶۴ در گذشته و مردی دانشمند بوده و حافظ کشف کشاف را نزد او درس خوانده و شاعر نیز بوده و قوام تخلص می کرده است .

(۱۱۷) شیخ زین‌الدین علی کلاه‌شیرازی ؛ از دانشمندان نامی شیراز بوده و چون در شیراز رنگ سیاه را کلاه می گفته‌اند و وی دستار سیاه بر سر می گذاشته این لقب را باو داده بودند. وی از مریدان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۸۰ در گذشته و در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بوده و کارهای شگرف از وحاکایت کرده‌اند و در شعر نیز دست داشته است .

(۱۱۸) شهاب‌الدین مظفر بن ابی ذرقبزدانی خوافی معروف بمظفر خوافی ، از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و از شاعران نامی بشمار می رفته و در ربیع‌الثانی ۷۸۱ در گذشته و در دم مرگ اشعار خود را که شامل قصاید و رباعیات بوده شسته و از میان برده است .

(۱۱۹) جلال‌الدین محمود زنگی عجم قلندر کرمانی ، از دانشمندان و مشایخ محتشم زمان خود بوده و باو شیخ‌المشایخ می گفته‌اند و در نزد تیمور مقرب بوده و در یکی از سفرهای وی که با اردوی او همراه بوده در ۸۰۶ در گذشته است . وی شاعر توانایی بوده و دیوان اشعار خود را فراهم کرده بود و یک مثنوی در باره برخی از وقایع تاریخ تیمور سروده است .

(۱۲۰) پهلوان محمود قتالی خوارزمی معروف بپوربای ولی ؛ شهرت وی را بخط پوریار نوشته و برخی بوریار ولی را نام پدرش دانسته‌اند اما پیدا است که این کلمه در اصل پوربای بوده و بای همان کلمه بیگ در زبان ترکی تر کمانانست که سروسر کرده معنی می دهد . وی از عارفان معروف قرن هشتم بوده و ظاهراً در شهر خیوه می زیسته و در ضمن پهلوان نامداری بوده و هنوز ورزشکاران ایران نام او را بر زبان می رانند و ایشمارش را در زورخانها می خوانند و در ۷۲۲ در گذشته و قبرش در شهر خیوه یا خیوق هنوز زیارتگاه است . وی شاعر زبردستی بوده و در ۷۰۳ مثنوی

کنزالحقایق را پایان رسانیده است .

۱۴۱) **خواجه معین الدین محمد معینی جوینی**؛ نسب خود را بسنجر می‌رسانیده و از دانشمندان صوفی مشرب بوده و در ۷۸۳ در گذشته و ظاهراً در شعر معینی تخلص می‌کرده است .

۱۴۲) **ابوالحسن**؛ از شاعران پیرو طریقه حروفی بوده و در ۷۷۱ در نوزده سالگی در اصفهان بخدمت شاه فضل الله نعیمی حروفی رسیده و در ۸۰۲ جاودان نامه وی را بنظم آورده است .

۱۴۳) **ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد نخجوانی معروف بابن الساوجی**، خوشنویس و شاعر بوده و منظومه‌ای بنام درة المعانی سروده و نسخه‌ای از ترجمه فارسی مسالك و ممالك تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری در دست است که در ۷۲۶ نوشته و بهمین جهت بخطای وی را مترجم آن کتاب دانسته‌اند .

۱۴۴) **معروف بغدادی**، از هنرمندان نامی زمان خود بوده و از خوشنویسان زبردست بشمار می‌رفته و در ضمن در موسیقی استاد بوده و شعر را خوب می‌گفته است. نخست در بغداد می‌زیست . چون سلطان احمد بن اویس جلایر در ۷۸۴ بغداد را گرفت بخدمت او پیوست و وی که در موسیقی و خط و شعر دست داشت وی را بکتابت در دستگاه خود گماشت و چون مردی تند خوی بود معروف از بغداد باصفهان رفت و وارد دستگاه میرزا اسکندر گورکانی شد و کاتب او بود . نوشته‌اند که يك بار سه روز بکتابت پرداخت و چون متعهد شده بود که روزی پانصد بیت بنویسد و همیرزا اسکندر از او بازخواست کرد پذیرفت که کار سه روزه را در يك روز بکند . میرزا اسکندر دستور داد که در میدان اصفهان سایبان و بارگاه برپا کردند و او نشست و يك تن از شاگردانش قلم می‌تراشید و او می‌نوشت و تا نماز دیگر هزار و پانصد بیت در منتهای خوبی نوشته بود . در سال ۸۱۷ که شاهرخ باصفهان آمد و حکمرانی آنجا را به میرزا ابوالقاسم داد هنگام بازگشت بهرات معروف را با خود برد و درین سفر شمس الدین هروی خوشنویس معروف که استاد بایسنقر بوده

نزد وی شاگردی کرده است . نوشته‌اند که مردی بسیار قانع و بلند همت بوده است چنانکه يك بار بایسنغر مقداری کاغذ نزد او فرستاد که وی نسخه‌ای از خمسة نظامی برایش بنویسد و وی پس از چندی آن کاغذها را نانوخته پس فرستاد . سرانجام در سال ۸۳۰ که احمد لر از پیروان فضل‌الله حروفی شاهرخ را کاردزد چون با چندتن از دانشمندان معاشرت داشته و ایشان گرفتار شده‌اند معروف راهم دستگیر کردند و در قلعه اختیارالدین هرات او را زندانی کردند و اندک زمانی پس از آن در زندان در گذشت . معروف در حوالی سالهای ۷۸۰ و ۷۹۰ دو مجموعه از اشعار فارسی بخط خود برای سلطان احمد جلایر نوشته که سپس آنرا بمیرزا اسکندر داده و اینک در کتابخانه سلطنتی در طهرانست . مجموعه دوم را کنزاللالی نام گذاشته و این دو مجموعه شامل اشعار برگزیده بسیاری از شاعرانست از آن جمله چند تن از شاعران قرن هشتم‌اند و کسانی که نامشان در کتابهای رایج نیست بدین گونه‌اند : ابن بنا ، ابن منور ، ابن همگر (شاید مجد همگر بوده باشد) ، ابوالفراش ، ادیب کاشی ، امرء القیس ، بدیع‌الدین ، بدیع‌الزمان ، بهشتی آملی ، حسن شهرویه ، رفیع ابهری ، رفیع نسوی ، سحر آفرین ، سراج بلخی ، سعد بها ، شاه اسفرنگی ، شرف‌الدین مقبل ، صاحبی ، صدر بلخی ، صفی نیشاپوری ، عبدالعزیز ، عزشروانی ، فتح مستوفی ، سلطان محمود بخاری .

( ۱۲۵ ) احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری ، از بزرگان متصوفه هندوستان ، نوشته‌اند که بشیرخان معروف بوده و از خویشاوندان فیروز شاه سلطان دهلی بوده و از جانب وی در بخارا حکمرانی داشته و بهمین جهت بخاری معروف شده است . پس از چندی انقلابی در نهاد وی رخ داده و دارایی خود را ترک کرده و از مریدان شیخ رکن‌الدین بن شهاب‌الدین امام از مشایخ زمان خود و وارد طریقه چشتی شده و بسیار مجذوب بوده و نوشته‌اند که سخنان مستانه می‌گفته است که برخی از آنها با شریعت سازگار نبوده است و بهمین جهت وی را در سال ۸۰۰ کشتند و در دهلی مدفون شد . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و در شعر



مسعود تخلص می کرده و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیاتش معروفست و بیشتر قصایدی در مدح مرشد خود دارد. دیگر از آثار وی در تصوف کتاب تمهیداتست که بتقلید از تمهیدات عین القضاة همدانی نوشته و دیگر کتاب مرآة العارفين که از مهم ترین کتابهای صوفیه هندست.

**۱۳۶) سلطان احمد جلایر**، از پادشاهان نامی خاندان جلایر، پس از مرگ پدرش سلطان اويس بن شيخ حسن نویدان در ۱۱ صفر ۷۸۴ برابرش سلطان سلطان حسین قیام کرد و بر و مسلط شد و آذربایجان را گرفت و در تبریز او را کشت و در آنجا بتخت نشست سپس بغداد را از کار گزاران شاه شجاع آل مظفر گرفت و آن شهر را پای تخت خود کرد و عراق و فارس نیز خراج گزار او شد و از ۷۸۴ تا ۷۸۸ بر آذربایجان و بین النهرین و عراق استیلا داشت. در ۷۹۵ تیمور آذربایجان را از او گرفت و او در برابر سپاهیان تیمور بمصر گریخت و تا سال ۸۰۷ در آنجا بود و پس از مرگ تیمور دوباره از مصر بعراق آمد و با تیموریان در افتاد و تا ۸۱۳ در آنجا مشغول تاخت و تاز بود تا آنکه در روز آدینه ۲۸ ربیع الثانی ۸۱۳ در دو فرسنگی تبریز در جنگ باقرا یوسف شکست خورد و در مجرای آب باغی پنهان شد و همان روز او را یافتند و کشتند. وی مرد بخشنده و شعر دوست و هنر پرور بوده و عبدالقادر گوینده موسیقی دان معروف و معروف بغدادی خوشنویس در درباره وی بوده اند و حافظ وی را مدح کرده و خود نیز شعر را نیکومی سروده است.

**۱۳۷) سید محمد بن علی همدانی**، پسر میر سید علی همدانی عارف مشهور بود. ظاهراً پس از مرگ پدر و نوشته اند در ۲۲ سالگی باششصد تن در زمان سلطان سکندر بن قطب الدین بکشمیر رفته و این پادشاه مرید وی شده و بسنت نام وزیر و سپهسالارش بدست وی اسلام آورده و ۱۲ سال در آنجا مانده و در ۷۹۷ سلطان سکندر خانقاهی برای وی ساخته که در سال ۸۰۰ تمام شده و چند دهکده وقف بر آن کرده است. سپس بحج رفت و در بازگشت در گولاب در گذشت. وی نیز مانند پدر نویسنده و شاعر بوده و رساله ای در تصوف و شرح شمسیه از منطق از او مانده است.

## قرن نهم

ص ۲۳۷ ش ۱۲ : حافظ ابرو، در گذشت وی در روز یکشنبه ۴ شوال ۸۳۸ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان در سرجم در خاک زنجان روی داده و پیکرش را در زنجان نزدیک مزار ابوالفرج زنجانى بجاك سپرده اند . مجموعه تاریخی خود را مجمع التواریخ سلطانی نام گذاشته و قسم اول زبدة التواریخ را در ۶ محرم ۸۲۹ پایان رسانیده است .

ص ۲۳۸ ش ۱۵ : فصیح خوانی، نسب خود را چنین آورده است: فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد بن نصیر الدین یحیی بن علاء الدین محمد بن ظهیر الدین ابوالقاسم محمد بن جلال الدین محمد بن نصیر الدین ابوالقاسم بن ظهیر الدین محمد ابن ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن جلال الدین محمد بن احمد بن ابونصر علی بن محمد بن علاء الدین عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد ابن محمد بن قتیبة بن ابوامامه صدی عجلان بن وهب باهلی . از ۸۰۷ تا ۸۱۲ از کار گزاران دربار تیموریان بوده و چندی زندانی شده و سفرهای چند کرده است . روز پنجشنبه غره جمادی الاولى ۷۷۷ در هرات ولادت یافته است .

ص ۲۴۲ ش ۲۳ : فیض الله صدر جهان، نسبت او را گاهی بنیانی و گاهی بنیانی نوشته اند ، شاید در اصل بلیانی بوده باشد که بدین گونه تحریف کرده اند . تاریخ خود را در زمان همان محمود شاه پادشاه گجرات که بمحمود شاه بیگاره معروف بوده نوشته است .

ص ۲۴۳ ش ۲۹ : اصیل الدین واعظ : در زمان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) از شیراز بهرات رفته است . تاریخ در گذشتش را در جمادی الاخره ۸۸۳ نیز نوشته اند و پس از مرگش پادشاه سیورغالهای وی را بفرزندانش بخشیده است . کتاب مقصد الاقبال را برای ابوسعید گورکان نوشته و کتاب دیگری در مزارات هرات دارد و دیگر ازه و لقات او شرح شفای قاضی عیاض را باید دانست .

ص ۲۴۴ ش ۲۹ : جمالی اردستانی ، مصباح الارواح را در ۲۰ صفر ۸۶۸ پایان

رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : مشکوة المحیین ، استقامت نامه ، نور اعلی نور ، ناظر و منظور .

ص ۲۴۵ ش ۳۵ : ملاحسین کاشفی ، در گذشت وی را در ۹۰۶ ضبط کرده اند و این درست نیست .

ص ۲۴۸ ش ۳۷ : شرف الدین علی یزدی ، نام و نسبش را شرف الدین علی ابن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند ، از خاندان معروفی بوده ، برادرش مجدالدین حسن در گذشته در ۷۸۷ و پسران او ضیاء الدین محمد و شمس الدین ابوبکر و از بازماندگان مجدالدین حسن شاه معز الدین محمد رضی و میرزا مجدالدین حسن که در قرن یازدهم می زیسته اند در تاریخ معروفند . وی در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و دیگر از مؤلفات وی بجز دیوان اشعارش کتاب موطن را باید دانست .

ص ۲۵۱ ش ۴۲ : فضل الله بن روز بهان ، شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی را در ۹۱۸ نوشته اند .

ص ۲۵۳ ش ۴۶ : جعفری یزدی ، نام و نسب او بدین گونه است : سید جلال الدین جعفر بن محمد بن حسن متخلص بجعفری از سادات حسینی یزدی ، تاریخ یزد را در حدود ۸۵۰ بنام ضیاء الدین مسعود وزیر شاهرخ تألیف کرده و در ۸۴۵ بتألیف تاریخ کبیر آغاز کرده و در ۸۵۰ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات او تاریخ واسط تا حوادث سال ۸۱۷ می رسد و وی شاعر هم بوده است .

ص ۲۶۳ ش ۵۱ : ادریس بدلیسی ، دیگر از مؤلفات او کتابیست بنام مرآة الجمال .

ص ۲۵۵ ش ۵۸ : عبدالغفور لاری ، لقب او را رضی الدین هم ضبط کرده اند و از بازماندگان سعد عباده از اصحاب رسول بوده است . در خاتمه حاشیه تفحات الانس شرح حال مفصل و دقیقی از جامی دارد .

ص ۲۵۶ ش ۶۱ : نجم الدین طارمی ، تذکره اوصاف خواجه محمد کججانی

تالیف محمدحسن پلاسی شیرازی را نیز بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۲۵۸ ش ۷۹ : شرف الدین منیری ، بلقب شرف جهان معروف بوده و در منیر (بکسر میم و سکون نون و فتح یا) از توابع دهلی ولادت یافته ، مکاتب خود را بیشتر به حاج رکن الدین نام از مریدان خود نوشته و بهمین جهت آنرا فواید رکنی نام گذاشته و دیگر از تألیفات اوست ارشاد السالکین و شرح آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی .

ص ۲۵۹ ش ۸۰ : محمود قاوان ، نوشته اند در ۸۰۸ در روستای قاوان یا کاوان در گیلان ولادت یافته و بهمین جهت بمحمود قاوان معروف شده بود . پدرانش وزیران پادشاهان گیلان بوده اند و یکی ازیشان در رشت پادشاهی کرده و بدست شاه طهماسب سلطنت او منقرض شده است . چون مادرش از خاندان مشایخ گیلان بود و وی را در خطر می دید او را بسفر و ادار کرد و درین میان در عراق و خراسان وزارت را بوی پیشنهاد کردند نپذیرفت . در ۴۳ سالگی بعزم بازرگانی سفر هندوستان کرد و از راه دریا وارد بندر دابل شد و از آنجا بدکن رفت و سپس برای دیدار شاه محب الله و مشایخ دیگر آن زمان و برای تجارت با احمدآباد بیدرفت و خواست بدیدار مشایخ دهلی برود علاء الدین احمد بهمنی پادشاه دکن نگذاشت و همایون شاه باو لقب ملک التجار داد . سپس وزیر شمس الدین ابوالمظفر محمدشاه بهمنی ( ۸۶۷-۸۸۷ صفر ) شد و مناصب دیگر یافت و ده هزار سوار مغول خدمتگزار وی بودند . سلطان حسین بایقرا سید کاظم نام را از هرات و از راه قندهار و لاهور نزد او بدکن فرستاد و او را دعوت کرد . محمدشاه اجازه بازگشت بایران را باو نداد و وی سید کاظم را با تحف و هدایای بسیار بخراسان برگرداند و نامه ای بسطان حسین نوشت و ازو عنبر خواست . سید کاظم در بازگشت از راه دریا بفارس رفت و در شیراز ماند و در آنجا در گذشت و آن هدایا بمقصد نرسید . سرانجام در ۵ صفر ۸۸۶ در ۷۸ سالگی کشته شد . ملا عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمودشاهی که شاعر نیز بوده و از شاگردان و مریدانش بشمار می رفته کتابی در احوال او نوشته است .

مرد دانشمندی بوده و در علوم نقلی و عقلی مخصوصاً در ریاضی و طب و حساب و نظم و نثر فارسی دست داشته و دیوان اشعار و کتاب روضة الافشای تألیف خود را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده و جامی با او مکاتبه داشته و قصیده‌ای در ستایش وی سروده است. در ضمن مرد نیکوکاری بوده و درد کن آبادی بسیار کرده از آن جمله در شهر احمدآباد پیدر دو سال پیش از کشته شدن خود مدرسه‌ای یا مسجد و بازار بزرگ و چهارطاقی ساخته که تا اوایل قرن یازدهم باقی مانده است. ص ۲۵۹ ش ۸۱: عبدالله مروارید، تاریخ درگذشت وی را در ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۸ نیز نوشته‌اند و این درست نیست. کتابی هم در صنعت انشا نوشته است و منشآت او رساله شرفیه نام دارد.

ص ۲۶۱ ش ۹۳: صاعد بن علی گرگانی، کتاب مسالك ممالك يا عجایب البلدان او بیشتر متکیست بر کتاب مسالك والممالك ابن خرداذبه.

ص ۲۴۱ ش ۹۴: عبدالقادر مراغی، لقب وی راهم کمال‌الدین و هم نظام‌الدین و کنیه اش را ابوالفضایل نوشته‌اند. نام پدرش راهم غنی و هم عینی و هم غیبی ضبط کرده‌اند اما در نسخه‌ای از کتاب مقاصد الاحیان که بخط خود در ۱۲ رمضان ۸۲۱ نوشته و در کتابخانه آستان رضویست نام خود را عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی و نام پدرش را آنکارا غیبی نوشته است. در ۲۰ ذی‌قعدة ۷۵۴ متولد شده، در ۴ سالگی بمکتب رفته و در ۸ سالگی حافظ قرآن شده و در ۱۰ سالگی از فرا گرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافته است. نخست در دربار شیخ اویس جزایر (۷۵۷-۷۷۶) بوده و سپس ملازم سلطان احمد شده و درین مدت در تبریز و بغداد می‌زیسته. در ۷۹۵ تیمور او را از بغداد بسمرقند برد و سپس در آن شهر در دستگاه میرانشاه و شاهرخ بوده و در ۸۳۷ در هرات از بیماری و با درگذشته و این که برخی تاریخ درگذشتن را در ۸۳۸ نوشته‌اند درست نیست. جامع الاحیان را برای پسرش نورالدین عبدالرحمن نوشته و مقاصد الاحیان را در پنجشنبه ۱۲ رمضان ۸۲۱ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست: لحنیه و کنز الاحیان و شعر فارسی و ترکی می‌گفته و

عبدالقادری تخلص می کرده است .

ص ۲۶۳ ش ۱۱۲ : عبیدالله احرار، نسب او عبیدالله بن محمود بن شهاب الدین بوده است . در رمضان ۸۰۶ در روستای باغستان از توابع تاشکند ولادت یافت . پدرش نیز از مشایخ تصوف بود. نخست در شهر شاش می زیست و سفرهایی بسمرقند و بخارا کرد و مرید و خلیفه بهاءالدین نقشبند شد . در شب شنبه سلخ ربیع الاول ۸۹۵ در گذشت . وی را در خانقاهی که در شهر سمرقند داشت بخاک سپردند و بازماندگانش نیز در آنجا مدفونند و آخرین کس که از ایشان در آنجا بخاک رفته نیازخواجه در گذشته در ۱۲۲۹ است و ایشان فرزندان خواجه محمد یحیی پسروی بوده اند . گذشته از سلسله العارفین که محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در سیرت او نوشته عبدالحمی بن ابوالفتح حسینی نیز که از مریدانش بوده رساله ای در مناقب او و اعقابش تألیف کرده است . دیگر از مؤلفات وی انفاس نفیسه و فقرات الخطیره یا فقرات و مجموعه مکاتبات و افادات را باید دانست .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۷ : زین الدین خوافی، نام و نسب وی ابوبکر بن محمد بوده و در خواف در ۷۵۷ ولادت یافته و نیز از مریدان تاج الدین حسن شمشیری بوده است . در ۸۱۲ قطب الدین علی بن ملک محمود و شاه محمود پادشاهان سیستان وی را بشفاعت بدربار تیمور فرستادند و شفاعت او کارگر شد و در ۸۱۵ قطب الدین علی ابن ملک محمود بشفاعت او از سیستان بهرات رفت . در عید گاه هرات در گذشت . دیگر از مؤلفات اوست : وصایا القدسیه و تقریرات و رسایل و وصیه العارفین بزبان تازی .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۸ : یعقوب چرخچی، نسب او را سروری هم نوشته اند . قبر وی اینک در کالخور لنین دره کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان در وادی چغانیان در جایست که سابقاً شهر حصارشادمان در آنجا بوده و بعد بحصارات معروف شده و اینک اثری از آن شهر نیست و تنها یک حمام و دو مزار از آن مانده است . قبر پسرش یوسف چرخچی که جانشین پدر شده تقریباً در ۴۰ کیلو متری دوشنبه است

درجایی که اینک بنام چرتک معروفست و ساختمانی بسبک قبر تیموردارد و در آنجا در کمر کوه خاتقاهی بسیار بزرگ کنده‌اند و اندرون آن چند حجره است .

ص ۲۶۵ ش ۱۱۹ : شهاب‌الدین زاوی ، دیگر از مؤلفات اوست حواشی بر تفسیر بیضاوی .

ص ۲۶۵ ش ۱۲۰ : جلال‌الدین دوانی ، شرح هیاکل النور او شواکل الحور نام دارد و آنرا در زاویه مظفریه تبریز هنگام عزیمت بدیار بکر در شب پنجشنبه ۱۱ شوال ۸۷۲ پایان رسانده است .

ص ۲۶۷ ش ۱۲۱ : میرحسین میبیدی ، دیگر از مؤلفات اوست شرح صد کلمه علی بن ابی طالب . وی شعر فارسی نیز می‌سروده است .

ص ۲۶۸ ش ۱۲۲ : عبدالؤمن بن صفی‌الدین ، لقب وی را ضیاء‌الدین و لقب جدش را بجای عزیزالدین عزالدین و نام کتابش را بهجة الروح نیز نوشته‌اند .  
ص ۲۶۱ ش ۱۲۳ : غیاث‌الدین جمشید ، دیگر از مؤلفات اوست رسالته فی العمل با سهل آله من قبل النجوم .

ص ۲۷۲ ش ۱۴۴ : ابوالمحاسن گرگانی ، جلاءالاذهان او بنام تفسیر گازر نیز معروفست .

ص ۲۷۴ ش ۱۶۰ : صابن‌الدین ترکه ، نام و نسب او بدین گونه است :  
صابن‌الدین ابومحمد علی بن افضل‌الدین محمد بن صدرالدین ابوحامد محمد ترکه ، رحلت وی را در دوشنبه ۴ ذیحجه یا ۱۴ ذیحجه ۸۳۵ نیز ضبط کرده‌اند .  
۴ ذیحجه آن سال شنبه و ۱۴ سه‌شنبه بوده و ممکنست شب پیش از ۱۴ در گذشته باشد .  
اسرار الصلوة را در پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۱ وضوء اللمعات را در ۱۵ پی‌ایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : شرح قواعد التوحید جدش صدرالدین ابوحامد محمد بنام تمهید القواعد و کتابی در علم حروف و مناظره عقل و عشق که در ۸۰۸ نوشته و رساله در تحقیق انا نقطه التي تحت الباء و رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن و شرح گلشن راز و رساله در شوق القمر و منشآت .

ص ۲۸۳ ش ۱۸۶ : محمد بن برهان‌الدین از ۸۸۵ تا ۱۲ سال مرید عبیدالله  
احرار بوده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفين خود را نوشته است .  
ص ۲۸۵ ش ۱۹۹ فخرالدین علی صفی ، از مریدان خواجه ناصر هروی  
بوده است .



برصحیفه ۲۸۵ از نویسندگان قرن نهم این چندتن را باید افزود :  
(۳۰۴) یارعلی شیرازی ، مؤلف شرحی برلمعات فخرالدین عراقی بنام  
اللهمات فی شرح اللمعات .

(۳۰۴) رکن‌الدین یحیی بن محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف  
آل بنجیر سادات علوی شیراز مؤلف مقاله الابرار در احوال بزرگان خاندان خود  
که تلخیصی از کتاب اخبار الاخیار تألیف ابوسلیمان محمد شیرازی مورخست .  
(۳۰۵) رکن‌الدین محمد خوافی ، در گذشته در ۸۳۴ مؤلف تذکره الشعراء .  
(۳۰۶) علی بن طیفور بسطامی ، ظاهراً از متصوفه قرن نهم بوده و کتاب  
انوار التحقیق را فراهم کرد که تلخیص و مجموعه‌ای از رسایل مختلف عبدالله  
انصاریست .

(۳۰۷) سید خلیل‌الله بن سید محمود زیارتگاهی هروی ، مؤلف شرح  
جوهر الاسلام در عقاید از مولانا نظام‌الدین شریف هروی که در ۸۴۴ پایان  
رسانده است .

(۳۰۸) ملا داود بیدری ، از مورخان هند مؤلف تحفة السلاطین در تاریخ  
سلسله بهمنی دکن که بنام تاج‌الدین فیروزشاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۰) نوشته است .  
(۳۰۹) عبدالله بن محمد بن گیاه‌اندزانی ، که رساله فلکیه را در علم  
سیاقت در حدود سال ۸۶۵ تألیف کرده است .

(۳۱۰) شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی ، بجز شرف‌الدین علی  
مورخ معروف و از دبیران زبردست زمان خود بوده و کتابی در فقه حنفی بنام شقایق



دقایق نعمانی نوشته و منشآت او نیز در دستت و برادرش قوام الدین محمد نیز شاعر بوده است .

(۴۱۱) امیر حسن بن منوچهر بن جمال الدین ابوظاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی ، مؤلف منشور مبارک یا رساله انسانیه در انساب پادشاهان طبرستان که برای مرشد الدین شاه عبدالله معروف بسید میرزا و پسر او محمد برکت علاءالدوله نوۀ دختری سلطان حسین بایقرا نوشته است .

(۴۱۲) عبدالحی بن ابوالفتح حسینی ، از مریدان خواجه ناصر الدین عبیدالله احرار بوده و رساله‌ای در مناقب وی و خاندانش نوشته است و نیز کتاب سلسله عالییه را در همین زمینه تالیف کرده است .

(۴۱۳) تاج الدین محمد بن ابراهیم کازرونی ، از مشایخ متصوف زمان خود بوده و در ۹۰۱ در گذشته و کتابی در تصوف بنام بحر السعاده نوشته است .

(۴۱۴) شیخ الاسلام زکریا بن محمد انصاری ، وی نیز از مشایخ تصوف بوده و در ۸۹۳ در گذشته و شرحی بر رساله قشیریه بنام احکام الدلاله نوشته است .

(۴۱۵) عبدالرؤف هروی ، مؤلف رساله صید که برای بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا فراهم کرده است .

(۴۱۶) قاسم علی قاینی ، از دانشمندان زمان خود بوده و رساله ای در اسطراب نوشته است .

(۴۱۷) قاضی شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر آجاد کانی طوسی ، مؤلف نسیم المقربین شرح منازل السائرین عبدالله انصاری که در ظهر پنجشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۸ پایان رسانیده است .

(۴۱۸) احمد مدون بن محمد نیشابوری ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و با جامی معاشرت داشته و مؤلف کتابیست بنام آیه الایات الفرقانی در کشف الایات که در ۸۸۵ بتالیف آن آغاز کرده و در ۸۹۱ در هرات پایان رسانیده است .

(۴۱۹) جلال الدین یوسف جامی ، از دانشمندان معاصر شاهرخ مؤلف فواید غیائی شامل مکاتب تاریخی از آغاز اسلام تا زمان مؤلف .

(۲۴۰) نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی ، پسر عبدالقادر مراغی موسیقی‌دان معروف که پدرش کتاب جامع الالحان را در ۸۱۶ برای او نوشته و او هم در موسیقی استاد بوده و در خاک عثمانی می‌زیسته و کتاب مقاصد الادوار را در موسیقی بنام بایزید آل عثمان (۸۸۶ - ۹۱۸) نوشته است .

(۲۴۱) مولانا عبدالرحیم مشهدی ، مؤلف کتابی در جغرافیا بنام مسالك الممالك .

(۲۴۲) خواجه عبدالشهید خاوند محمود بن خواجه‌گی خضر بن عبیدالله احرار ، مافند پدران خود از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رساله‌ای در تصوف ازومانده است .

(۲۴۳) میرعلی حسینی، وی بجز میرعلی حسینی خوشنویس معروف قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست در تصوف بنام ریاحین القلوب .

(۲۴۴) علی بن محمد معروف بن نظام شامی، وی نیز بجز نظام الدین عبدالواسع مورخ مشهور معروف بن نظام شامی و از متصوفه زمان خود بوده و مختصر منہاج العابدین در تصوف ازوست .

(۲۴۵) امام‌الدین محمد بن ابوطالب تبریزی معروف به امام طبیب ، در ۷۳۳ ولادت یافته و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در هیئت وطب و ریاضیات دست داشته و مؤلفات چند ازومانده است از آن جمله کتاب الارشاد فی معرفة الاعداد بفارسی که بنام شیخ ابراهیم بن سلطان محمد بن کیقباد نوشته و شرح تلخیص محمود ابن محمد چغمینی که در ۷ جمادی الاخره ۸۲۴ در ۹۱ سالگی پایان رسانیده است .

(۲۴۶) حکیم محمود بن محمد بن عبدالله ، مؤلف تحفه خانی در طب که در ۹۰۲ تمام کرده است .

(۲۴۷) برهان مسکین ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و مؤلفات چند ازومانده است از آن جمله کتاب ارشاد المسلمین شرح عقاید اهل الاسلام نجم الدین نسفی که در هرات در ۹۱۴ پایان رسانیده است و انیس الواعظین اربعین در احادیث رسول در دو دفتر یکی شرح احادیث و دیگر شرح آیات و روضة الاتقیاء فی ذکر

الاولیا و انیس العابدین در عبادات و سراج المتعلمین در نحو و اوراد الاوقات و کنوز الاعمال در ادعیه و اذکار و خلاصه الاوراد .

(۴۲۸) احمد بن محمد بن حسن معروف بخلیفه نیشابوری ، مؤلف ترجمه ملخص تاریخ نیشابور تألیف امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد ابن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف بحاکم ابو عبدالله بن الیبیع مؤلف مستدرک و تاریخ نیشابور از اکابر علمای حدیث که در ۳۲۱ ولادت یافته در ۴۰۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و کتاب تاریخ خود را نخست در رمضان ۳۸۹ پایان رسانیده و سپس در ۴۰۲ آنرا تکمیل کرده است و درین ترجمه حوادث سال ۸۳۲ را ضبط کرده است .

(۴۲۹) ابوالمکارم بن علاءالملک ، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل که در ۸۴۰ کتابی در مقامات وی بنام خلاصه المقامات تألیف کرده است .

(۴۳۰) سیدیحیی بن بهاءالدین شروانی ، در شهر شماخی ولادت یافت و پدرش مردی مالدار بود و در جوانی خوش صورت بود ، روزی که با جوانان گوی بازی می کرد پیرزاده پسر شیخ حاج عزالدین خلوتی از مریدان شیخ صدرالدین خلوتی و از پیشوایان خلوتیان برو گذشت و چون او را پسندید دعوتش کرد و وی پذیرفت و وارد طریقه خلوتی شد که یکی از فروع نقشبندیان بوده است . سپس از شماخی بها کورفت و در آنجا ماند و بارشاد مردم پرداخت و نوشته اند نزدیک ده - هزارتن برو گرد آمدند و مریدش شدند و خلفای خود را باطراف فرستاد و در ۸۶۸ در باکو در گذشت . وی از بزرگان طریقه خلوتی بوده و در باکو مسجد و مدرسه و خانقاه داشته و خلفای معروف او مولانا یوسف مخدوم و قاضی ضیای شروانی و و شه قباد شروانی و عبدالمجید شروانی بوده اند . از مؤلفات چند هم مانده است مانند اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الوحی و شرح گلشن راز .

(۴۳۱) ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی ، از بررگان متصوفه زمان خود بوده و در ۸۵۸ در گذشته و کتابهای چند بفارسی و عربی در

تصوف نوشته است از آن جمله مناهج التوسل و شمس الافاق والادعیه و الفواتح المسکیه که در ۸۴۴ بیابان رسانده و ظاهراً شرح فتوحات المکیه ابن العربیست .  
**(۲۳۲) عبدالکریم همدانی** ، در دکن می زیسته و مرید و شاگرد خواجه محمد قاوان دانشمند معروف این زمان بوده و کتابی در تاریخ دکن بنام تاریخ محمودی برای خواجه محمود نوشته و کتاب دیگری در احوال خواجه محمود پرداخته است .

**(۲۳۳) سعدالدین کاشغری** ، نخست جامه فروش بود، از بزرگان مشایخ نقشبندی در زمان خود و از مریدان نظام الدین خاموش در گذشته هنگام نماز آدینه چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ و مدفون در خیابان هرات بوده و بسیاری از متصوفه آن زمان از آن جمله عبدالرحمن جامی باو معتقد بوده اند و در هرات می زیسته است . در ۸۴۴ با گروهی از دانشمندان بحج رفته و هنگام نماز پیشین چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۷۰ در هرات در گذشته است. دودختر پسرش خواجه اکبر معروف بخواجه کلان یکی زن عبدالرحمن جامی و دیگری زن فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی بوده اند. اصحاب وی ملفوظات او را بنام تقریرات گرد آورده اند.

**(۲۳۴) محمود پسیخانی** ، از مردم پسیخان گیلان و نخست پیرو طریقه حروفی و از شاگران فضل الله حروفی بود و فضل الله او را طرد کرد و در سال ۸۰۰ طریقه نقطوی را اعلان کرد . درباره اش اطلاع کامل نیست و بهمین اندازه معلومست که طریقه وی تا پایان قرن دهم در برخی از نواحی ایران رایج بوده و منتشرین آنرا کفر می دانسته اند و بسیاری از پیروانش را بهمین جرم کشته اند. معارف پیروان وی تشبیهی کاشانی و فیهمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجبی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو و یوسف ملحد معروف بترکش درز بوده که در سال ۱۰۰۰ که اختر شناسان قران نحسین را پیش بینی کرده و خطری متوجه شاه عباس می دانستند وی را برای فریب ستارگان بتخت نشانند و نام سلطنت باو دادند و پس از گذشتن قران وی را کشتند . این طریقه

در هندوستان نیز تا اندازه ای رواج یافته است . نوشته‌اند که محمود ۱۷ مجلد کتاب و هزارویک رساله در نقطه و اعداد و بیان طریقه خود تألیف کرده است .

**(۲۲۵) شیخ حسن بن ظاهر بهاری** ، پدرش نیز مرد دانشمندی بود و برای کسب دانش از ملتان به بهار رفت و وی در آنجا تولد یافت و برای دانش آموختن بجانپور رفت و سپس بدعوت سکندر شاه لودی با گره و از آنجا بدلهلی رفت و در ۹۰۹ در گذشت . وی از متصوفه دانشمند زمان خود بوده و مؤلفاتی در تصوف و سلوک و توحید دارد از آن جمله کتاب مفتاح الفیض .

**(۲۳۶) جلال الدین ابو محمد محمد بن نجم الدین محمد قاینی** ، جدش شهاب الدین عبیدالله بن حسام الدین بن عماد الدین عمر بن کمال الدین صمصام بن شمس الدین محمد بن نجم الدین نسفی از بازماندگان نجم الدین نسفی دانشمند معروف و خود از فقهای زمان خود بوده و در روز سه شنبه ۱۰ ذی قعدة ۸۳۸ در گذشته و کتابی بفارسی بنام تبیان الکبایر در گناهان کبیره از او مانده است .  
**(۲۳۷) قوام** ، از ادیبان این قرن بوده و در حدود سال ۸۷۸ مجموعه‌ای از منشیات دیران معروف قرن هشتم و نهم تدوین کرده است .

**(۲۳۸) ابوالکریم بن علی اشکذری** ، مؤلف تحفه نصرتی شامل قواعد و دستورانشا و ترسل که برای نصرة الدین شاه یحیی آل مظفر (۷۸۹ - ۷۹۵) تألیف کرده است .

**(۲۳۹) نصرالله بن حسنعلی بن مجد الدین حسن نافجی** ، از اصحاب فضل الله حروفی بوده و کتابی بنام خواب نامه نوشته که جزئیاتی از احوال فضل الله در آن هست .

**(۲۴۰) ابوالیقین غیاث الدین محمد بن حسین بن محمد حسین خراسانی** استرآبادی ، وی نیز از پیروان طریقه حروفی بوده و کتابی در عقاید حروفیان بنام استوانه پس از رمضان ۸۴۶ نوشته است .



دوباره شاعران قرن نهم این مطالب را باید افزود :

ص ۲۹۱ ش ۵ : قاسم انوار، در ۲۳ ربیع الثانی ۸۲۹ که شاهرخ روز آدینه پس از نماز از جامع هرات بیرون می آمد احمد لدر که از مریدان فضل الله استرآبادی حروفی بود او را کارد زد و وی را در همان حال کشتند و در ضمن قاسم انوار را با وی همدست دانستند و از هرات بیرون کردند و با امیر مخدوم نیشابوری نیز همین معامله را کردند.

ص ۲۹۳ ش ۷ : آذری طوسی، در جوانی در مشهد جلب توجه الغ بیک گورکان را کرده و از انعام او بهره مند شده و سپس از اسفراین بسفر حجاز رفته و حج اکبر کرده و از آنجا به بند رفته و در ۸۳۲ ملازم دربار احمد شاه بهمنی (۸۲۰-۲۸ رجب ۸۳۸) شده و از وی بسیار متنعم گشته و منصب ملک الشعرا را دربار او داده اند. پس از چندی آرزوی وطن کرده و اجازه بازگشت بایران را خواسته است. درین زمان بدستور احمد شاه بنظم بهمن نامه آغاز کرده بود و آنچه را که سروده بود برای او خواند.

احمد شاه گفت از مرگ سید محمد گیسو دراز دلگیرم و نمی توانم دوری ترا نیز تحمل کنم. وی ناچار فرزندان خود را از خراسان بدکن خواست. اما باز اجازه بازگشت خواست و شاه او را نزد خود خواند و دستور داد چهل هزار تنگه سفید که هر تنگه يك توله نقره بوده است باو داده اند. چون آذری آن تنگه ها را دید گفت : «لایحمل عطایا کم الامطایا کم». شاه خندید و گفت بیست هزار تنگه هم خرج راه باو بدهند و در همان مجلس خلعت خاص باو داد و پنج غلام هندی باو بخشید و باو اجازه رفتن داد. وی دردم رفتن عهد کرد که تا زنده است از اتمام بهمن نامه غافل نباشد و تا زنده بود در خراسان اشعاری بر آن می افزود و هر سال هر چه گفته بود بدکن می فرستاد و با این همه ناتمام ماند و تا داستان سلطان همایون شاه بهمنی از آذریست و قسمت های بعد را نظیری و سامعی و شاعران دیگر تا پایان دولت بهمنی سروده اند و برخی ازیشان خطبه آن کتاب را تغییر داده و اشعار آذری را هم بنام خود کرده اند. آذری در زادگاه خود آبادی بسیار کرده و بقاع و رباط های چند ساخته است.

ص ۲۹۶ ش ۱۲ : خواجه عصمت‌الله بخاری ، دیوانش را خود در ۸۱۵ گرد آورده است

ص ۲۹۹ ش ۲۰ : سیمی نیشابوری ، درباره هنرش در نویسندگی و شاعری آورده اند که روزی در میدان‌ی که جمع بسیاری گرد آمده بودند دو هزار بیت بدیبه گفت و نوشت و در روز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۸۲۴ صد و بیست مکتوب بلیغ نوشت که هر يك ده سطر داشت. سپس روز چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۸۲۵ در حضور جمع از بر آمدن تا فرورفتن آفتاب چهار حکایت در چهار ورق بزرگ در چهار بحر خمسة نظامی روی هم رفته دو هزار بیت در کمال سلاست سرود و بخط نسخ تعلیق خوب نوشت در حالی که سازندگان و خوانندگان و تقارح‌چیان معر که را گرم کرده بودند و در ضمن نماز پیشین و پسین راهم بشرايط خواند. نیز نوشته‌اند که بسیار پر خوار بوده چنانکه روزی دو حریف با يك دیگر شرط بسته بودند که بیست من خرما را می‌توان خورد یا نه. بیست من خرما نزد او بردند و وی با آن که بیمار و بستری بود دست از زیر لحاف بیرون آورد و همه را خورد. سپس پرسید شما با هسته شرط بسته بودید یا بی‌هسته؟ گفتند خرما را کسی باهسته نمی‌خورد. گفت من باهسته خوردم که با يك دیگر نزاع نکنید .

ص ۳۰۲ ش ۲۹ : ابن حسام خوافی ، خاوران‌نامه شامل بیست و دو هزار بیتست .

ص ۳۰۹ ش ۱۵ : درویش اشرف ، کتابهای نظم او بقرکی و فارسیت و خمسة او بزبان ترکیست و خسرو و شیرین او ریاض‌العاشقین نام دارد .

ص ۳۱۱ ش ۵۴ : شاه داعی شیرازی ، نسایم گلشن را که شرح گلشن‌راز باشد نسایم‌الاسحار نام گذاشته است. مثنوی چهار چشمه زندگانی بنام چشمه زندگانی نیز معروفست ، شرح مثنوی را بدرخواست یکی از مریدان خود سید ابوالوفا نوشته است . دیگر از آثار اوست : رساله‌الشدد متعلقة بالعدد ، رساله فی‌المحبه .

ص ۳۱۲ ش ۵۶ : فضل‌الله جمالی دهلوی ، رجوع کنید بآنچه در صحایف

- ۴۰۴ و ۴۰۵ آمده است و آنچه درباره شاعران قرن دهم در تکمله خواهد آمد.
- ص ۳۱۳ ش ۵۹ : نظام الدین استرابادی ، دختری داشته که شعر را خوب می سروده و قطعه ای در مرثیه او گفته که بر سنک قبرش کنده اند .
- ص ۳۱۷ ش ۶۸ : الف ابدال بلخی ، تازمان شاه طهماسب می زیسته است .
- ص ۳۱۷ ش ۷۰ : حیدر کلیچه پز ، نامش را حیدر کلوج هم ضبط کرده اند .
- ص ۳۱۸ ش ۷۱ : ضیایی اردوبادی ، برخی او را اردبیلی دانسته اند . در خراسان مداح غریب میرزا بوده است و پس از ضعف گورکایان با آذربایجان بازگشته و در ۹۰۲ قصیده ای در جلوس احمد بیک بن اغورلو محمد بن حسن پادشاه سروده و در تبریز در گذشته و در آنجا بخاک رفته است .
- ص ۳۱۸ ش ۷۲ : حسامی قراکولی ، شست سال بقناعت روزگار گذرانده و درین مدت تنها دو کپنک داشته است . محمدخان شیبانی باو احترام بسیار کرده و هنگام لشکر کشی بخراسان بدینار وی رفته اما او بوی اعتنا نکرده و هم چنان مشغول وصله دوختن بکپنک خود بوده است .
- ص ۳۱۸ ش ۷۴ : محیی لاری ، از شاعران دربار سلطان یعقوب بوده و تازمان شاه طهماسب می زیسته و بزیاارت حرمین رفته و مثنوی فتوح الحرمین را درین سفر برون مخزن الاسرار نظامی بنام سلطان مظفر بن محمود شاه سروده و نیز شرحی بر قصیده نائیه ابن الفارض نوشته است .
- ص ۳۱۸ ش ۷۷ : سید محمد نوربخش ، جدش از مردم احساو پدرش از مردم قطیف بوده اند . در زمان شاهرخ گرفتار شد و برادرش را کشتند . دیگر از مؤلفات اوست : رساله الهدی بزبان تازی ، مکارم الاخلاق ، کتاب الاعتقاد بزبان تازی و معراجیه . معاش السالکین او بنام رساله المعاش نیز معروفست .
- ص ۳۲۱ ش ۸۵ : ابوالوقا خوارزمی ، از مریدان شیخ ابوالفتح پسر بهاء الدین نقشبند و در ضمن از مشایخ سلسله کبروی بوده و از بس خوی خوش داشته و را فرشته روی زمین لقب داده بودند . کمال الدین حسین خوارزمی عارف مشهور شاگرد وی بوده و یکی از مؤلفات او رساله کنز الجواهرست .



ص ۳۲۲ ش ۸۹ : شیخ زاده لاهیجی ، پدرش میرشمس الدین محمد لاهیجی متخلص باسیری بوده است . در شیراز دانش آموخته و در لاهیجان می زیسته است . رحلتش را بجای ۹۲۷ در جای دیگر ۹۲۷ ضبط کرده اند و این درست نیست زیرا که پدرش در ۹۱۲ در گذشته و اگر در ۹۷۷ رحلت کرده باشد ۶۵ سال پس از پدر زنده بوده است و این دشوار می نماید و اگر در ۹۲۷ در گذشته باشد ۱۵ سال پس از رحلت کرده است . وی شرحی بر گلشن راز نوشته است .

ص ۳۳۰ ش ۱۳۳ : میراسلام غزالی ، نام وی را شیخ الاسلام برهان الدین میراسلام غزالی ضبط کرده اند و وی بجز غزالی مشهومی شاعر معروف قرن دهم بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست که تا ۸۴۴ زنده بوده است .

ص ۳۳۰ ش ۱۳۷ : سید کاظمی ، نام وی را سید کاظم هروی نیز ضبط کرده اند . تحف و هدایایی که خواجه محمود قاوان بتوسط وی برای سلطان حسین بایقرا فرستاده بود چون وی در راه در گذشت بمقصد نرسید و وی شهر آشوبی سروده است .

ص ۳۳۴ ش ۱۵۱ : مقصود تیرگر هروی ، در پایان زندگی در بخارامی زیست و نزدیک مسجد جامع بیکم خانه محقری داشت و در ۹۰ سالگی در گذشت و در همان شهر مدفون شد .

ص ۳۳۵ ش ۱۵۶ : نرگسی ابهری ، ابوالمکارم نام داشته و بمبرک معروف بوده و بیشتر در هرات می زیسته است . در پایان زندگی بقندهار رفته و در ۹۲۸ در ۶۰ سالگی در آنجا در گذشته و در مزار ایوب انصاری وی را بخاک سپرده اند . دیوان غزلیات از او مانده و یک مثنوی بتقلید مخزن الاسرار نظامی سروده که ناتمام مانده است .

ص ۳۳۵ ش ۱۵۸ : نسیمی شیرازی ، نام درست وی سید عمادالدین یانسیم الدین ابوسعید ، از مریدان نزدیک سید شاه فضل الله نعیمی حروفی بوده و در شیراز در خارج زرقان وی را بخاک سپرده اند و دیوانش روی هم رفته شامل سه هزار بیت است . برخی نوشته اند در ۸۲۱ در حباب او را کشته و پوستش را کنده اند .

ص ۳۳۷ ش ۱۶۲ : شهیدی قمی، درباره اش نوشته اند که پادشاه بوی اجازه داده بود بخزانه برود و هر چه زر می خواهد بردارد. وی ناتوانی خود را عند آورده بود و با این همه دو بار بخزانه رفت و هر بار همیانی که ۲۵ هزار من (۱) زر داشت گرفت و شاه که این داستان را شنید خندید و گفت حق داشته که خود را ناتوان می دانسته است.

ص ۳۳۹ ش ۱۷۶ : عبدالله شبستری، در اوایل سلطنت سلطان سلیمان آل عثمان در گذشته و دیگر ازمؤلفات اوست : دو حاشیه بر حواشی شرح تجرید سید شریف گرگانی و حاشیه شرح مطالع و حاشیه بر کافیه.

بر صحیفه ۳۴۲ و بر شاعران قرن نهم این چندتن را باید افزود :

۱۹۵) مغیث الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان، از پسران شاهرخ و از معارف شاهزادگان تیموری بوده، در ۸۱۲ ولادت یافته و چون پدرش در ۸۱۷ فارس را گرفته پس از چندی وی را بحکمرانی آن سرزمین فرستاده و سپس حکمرانی لرستان و نواحی مرکزی ایران را هم بوی داده و سرانجام در جوانی در ۸۳۸ در گذشته است. وی شاهزاده ای با ذوق و هنرمند و دانش دوست و بسیار کریم و بزرگوار بوده و در قلمرو خود مخصوصاً در فارس آبادانی بسیار کرده و ساختمانهای مجللی از وی باقی مانده و در برخی از آنها کتیبه هایی بخط نسخ بسیار زیبای او هست و در پرورش دانشمندان و شاعران و فراهم کردن نسخه های بسیار ممتاز از کتابهای ادب مخصوصاً دواوین شعرا کوشش بسیار کرده و عصمه بخاری شاعر مداح وی بوده و شرف الدین علی یزدی ظفر نامه را بدستور وی نوشته و خود شاعر و نویسنده توانایی بوده و منشآت او در دست است و کتابی در تاریخ تیمور داشته است.

۱۹۶) قوام الدین محمد بن ابوبکر بن علی یزدی، برادر شرف الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی سابق الذکر بوده و او نیز دبیر و شاعری توانا بشمار می رفته و از اشعار و منشآت او چیزی مانده است.

۱۹۷) ابوالحسن علی الاعلی، نخستین خلیفه فضل الله حر و فی بوده و

برای تبلیغ طریقه وی بخاک روم رفته و در آنجا ساکن شده و در بیان این طریقه چند مثنوی سروده است : یکی بشارت نامه ببحر رمل و وزن مثنوی مولانا جلال الدین که در حدود ۸۰۳ پایان رسانیده ، دیگر کرسی نامه بهمان وزن که در روز چهارشنبه ۱۰ جمادی اولالی ۸۱۰ تمام کرده است ، دیگر قیامت نامه ببحر هزج که در ۸۱۴ پایان رسانیده ، دیگر توحید نامه بوزن مثنوی و نیز کتابی بشر بنام محشر نامه از زمانده است .

(۱۹۸) سید اسحق استرآبادی ، وی نیز از اصحاب فضل الله حروفی بوده و مرشد خراسان لقب داشته است و در ۷۷۱ ولادت یافته و بنظم و نشر آثاری در بیان عقاید حروفیان نوشته است از آن جمله کتاب محرم نامه که در ۸۳۱ نوشته و کتاب تراب نامه که برخی بخط نام آن را شراب نامه ضبط کرده اند و سه مثنوی سروده است یکی بشارت نامه ، دیگری اشارت نامه که در ۸۰۷ پایان رسانیده و دیگری نامه نامی که آنرا نیز در ۸۰۷ تمام کرده است .

(۱۹۹) ملا احمد کشمیری ، از شاعران دربار سلطان زین العابدین ( ۸۲۳ - ۸۷۳ ) پادشاه کشمیر بوده و تاریخ کشمیر را از زبان کشمیری بفارسی ترجمه کرده است .

( ۴۰۰ ) سید ظاهر استرآبادی ، از شاعران دربار همایون شاه بهمنی در دکن بوده و در اواسط قرن نهم می زیسته و تا ۸۶۴ زنده بوده است .

( ۴۰۱ ) میرمخدوم بن سید محمد بن بهاء الدین نیشابوری ، نام وی را چنانکه در صحیفه ۳۲۵ آمده مختوم هم ضبط کرده اند اما کلمه مختوم در نامهای اشخاص سابقه ندارد . چنانکه گذشت از مشاهیر عرفای خراسان و جدش امیر سید بهاء الدین از سادات مدینه بزیارت بمشهد رفته و در بازگشت در نیشابور مانده و بازماندگانش در آن شهر بوده اند و وی نیز در آنجا بجهان آمده و بیشتر در آن می زیسته و سرانجام بهرات رفته است و در آن شهر با شاه قاسم انوار محشور بوده است . در ۱۳ ربیع الثانی ۸۲۹ که احمدلر از پیروان فضل الله حروفی شاهرخ را

هنگام بیرون آمدن از مسجد کارد زد کسانی را که با او محشور بودند گرفتار کردند و وی را نیز بزندان بردند و تا ۸۳۳ زندانی بود در آن سال او را از زندان بیرون آوردند و از شهر بیرون کردند و روغن گداخته بر فرقش ریختند و روشنی شمع را بکثرت روغن خاموش کردند و بدین وسیله کشتند. پس اینکه تاریخ در گذشتش را ۸۳۰ و ۸۶۲ نوشته اند درست نیست. وی از مشاهیر زمان خود بوده است و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان غزلیات او فراهم شده و مشنوی محبت نامه را برای امیر غیاث الدین علی ترخان سروده است.

**(۳۰۲) قبولی سیروزی**، از شاعران خاك عثمانی و مداح سلطان محمد آل عثمان معروف بسطان محمد فاتح و پس از آن مداح بایزید دوم بوده است. در ۸۴۱ ولادت یافته و در ۸۸۳ در گذشته و پیرو طریقه مولوی بوده و با جامی روابط داشته و از پادشاهان عثمانی صلوات گران گرفته و چندی در اماسیه زیسته و ظاهراً از ایران بخاك عثمانی رفته است. دیوان اشعار خود را در ۳۹ سالگی تمام کرده و در ۸۸۰ جمع کرده است و شعر ترکی و فارسی می سروده و احتمال می رود همان قبولی یزدی بوده باشد.

**(۳۰۳) حامدی اصفهانی**، از شاعران متصوف پیرو طریقه دولوی بوده است. در جوانی در اصفهان دانش آموخته و در همان شهر بشاعری آغاز کرده و پس از مرگ برادرانش بجهانگردی پرداخته و سی سال سفر کرده و کسب دانش کرده تا آنکه بخاك عثمانی رسیده و بدربار سلطان محمد فاتح راه یافته و صلوات گران بها از آن جمله پنج تن غلام زر خرید باو داده اند و در ۸۸۱ در دربار وی بوده است. نخست سمت شیخی مزار خونکار را باو می دهند که مراد تربت مولانا جلال الدین درقونیه باشد. وی باصر این کار را می پذیرد زیرا که می پنداشته است بدخواهان وسیله فراهم کرده اند او را از دربار برانند و در آنجا سی تن حافظ قرآن زیر دستش بوده اند و پس از چندی که بتهمت می خوارگی او را از مقام شیخی عزل کرده بودند با سلطان محمد بجهاد رفت و پس از آن سفر از استانبول بشهر برسه رهسپار شد و

زندگی گوشه نشینی را پیش گرفت . چون مشاهره اش را قطع کرده بودند تنگ . دست می شود و شیخی مزار میردامیردش را باو می دهند . بجز دیوان اشعاری که از زمانده مؤلفات دیگر دارد و اشعاری در پاسخ معماهای جامی سروده و پسر می محمود نام داشته که در ۸۷۵ بجهان آمده و زایجه ای برای او بفارسی شامل ۳۲ سؤال وضع کرده و در پاسخ هر سؤال يك یا دو بیت فارسی سروده و آنرا جام سخن گوی نام گذاشته و نیز ۳۵۳ غزل حافظ را تضمین کرده و برخی از غزلیات او را استقبال کرده است . در ضمن خوشنویس بوده چنانکه مفردات ابن بیطار و دلائل الاعجاز را بخط خوش برای سلطان نوشته است .

**۴۰۴) خواجه سلطان علی بن صدرالدین موسی، معروف بخواجه علی سیاه پوش نواده صفی الدین اردبیلی و از مشایخ طریقه صفوی . پس از مرگ پدر جانشین او شد و ۳۸ سال پس از مرگش این طریقه بود در پایان زندگی بیت المقدس رفت و در آنجا در روز سه شنبه ۱۸ رجب ۸۳۰ در گذشت و قبرش در آنجا بزار سید علی عجم معروف بوده است . دیوان غزلیات او از کتابهای معروف طریقه صفوی بوده و در شعر علی تخلص می کرده است .**

**۴۰۵) سلطان یعقوب آق قویونلو، ششمین پادشاه این سلسله پسر امیر حسن بيك علی بن قرا عثمان یا قرا یولغ معروف باوزون حسن پادشاه معروف بود که پدراش در زمان اغوزخان از ترکستان چین آمده ساکن دیار بکر شده بودند و سپس در دشت قبیچاق در ماوراء قفقاز می زیسته اند . وی نخست حاکم دیار بکر بود و پس از مرگ پدر و جلوس برادرش سلطان خلیل باذر بایجان آمد و با او در افتاد و وی را در روز چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۸۸۳ در حوالی خوی در جنگ کشت و بتخت نشست و سرانجام در ۸۹۶ در گذشت . وی پادشاه دانش دوست و هنر پروری بوده و ازین حیث بر همه فرمانداران عصر خود برتری داشته و عده کثیر از دانشمندان و سخن سرایان چنانکه در شرح حالشان آمده است از پادشاهای وی برخوردار شده اند و در بارش میعاد بزرگان عصر بوده و خود شعر فارسی را استادانه**

می سروده است .

۴۰۶ ) مظفرالدین جهان‌شاه قراقویونلو، سومین پادشاه این خاندان پسر قرایوسف مؤسس سلسله، پس از مرگ برادرش میرزا اسکندر و کشتن برادرزاده اش قباد در ۸۳۹ در آذربایجان بتخت نشست و شاهرخ وی را بدین سمت شناخت . در ۸۵۶ عراق را گرفت و در فارس و کرمان کشتار کرد و در ۸۶۲ بر خراسان استیلا یافت و هرات را پای تخت خود کرد . چون پسرش حسن که او را زندانی کرده بود در آذربایجان از زندان گریخته و قیام کرده بود و ابوسعید تیموری نیز با وی بجنگ برخاسته بود با او صلح کرد و خراسان را باو باز گذاشت و با شتاب بسیار که بسیاری از چهارپایان را تلف کرد با آذربایجان رسید و پسر را اسیر و تبعید کرد . پس دیگریش پیر بندق که وی را از حکمرانی فارس بواسطه بدرفتاری عزل کرده و بغداد تبعید کرده بود در ۸۶۹ قیام کرد و يك سال در محاصره بود و سرانجام بحيله وی را گرفتار کرد و کشت و پسردیگر محمد میرزا را بجای او گماشت . در ۸۷۱ در اندیشه لشکر کشی بدیار بکر بود که زمستان مانع شد و در بازگشت ازین سفر در شکار گاه اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو او را بغفلت گرفت و هنگامی که فرامی کرد گرفتار شد و در ۱۲ ربیع الثانی ۸۷۲ در ۷۰ سالگی و ۳۲ سال پادشاهی در آذربایجان و عراقین و کرمان و سواحل دریای عمان کشته شد و پیکرش را در تبریز در عمارت مظفریه که در کنار مسجد معروف خود ساخته بود بخاک سپردند . وی در ضمن آنکه مردی جنگجو بوده بدانش و هنر و آبادانی توجه داشته و برخی از ادیبان و دانشمندان و هنرمندان زمانه از بخششهایش برخوردار شده اند و خود شعر فارسی را نیکومی سروده و نسخه ای از دیوان خود را برای جامی بهرات فرستاده است . از آثار مهم وی مسجد بزرگ و زیبای بیست که در تبریز در کنار کاخی که ساخته و آنرا بمناسبت لقب خود مظفریه نام گذاشته بود بنا کرده و چون ایوان باشکوهی پوشیده از کاشیهای کبود دارد بگونه مسجدیام مسجد معروف شده و در ربیع الاول ۸۷۰ بپایان رسیده و سپس از زلزله خراب شده و اینک یکی از طاقهای باشکوه آن

باقیست و از بناهای جالب قرن نهم بشمار می رود . وی در شعر حقیقی تخلص می کرده است .

(۲۰۷) **خواجه عبدالرحیم بن شمس الدین محمد اقطایی مشرقی خلوتی** تبریزی ، پندش که در ۸۱۲ در گذشته از مشاهیر عرفی زمان خود بوده است ، وی مردی دانشمند و هنرمند بشمار می رفته و در نوشتن شش خطسر آمد خوش نویسان زمان خود بوده و خطاطان آذربایجان شاگردان وی یا شاگردان شاگردانش بوده اند و در غره محرم ۸۵۹ در گذشته و در حظیره با پامزید وی را بخاک سپرده اند . گذشته از آنکه شاعری توانا بوده و خلوتی تخلص می کرده مؤلفات چند از و مانده است از آن جمله مفاتیح الغیب و حاشیه بر اصطلاحات صوفیه عبدالرزاق کاشانی و شرح رباعی حورائیه ابوسعید ابوالخیر و تعلیقات بر گلشن راز .

(۲۰۸) **قطب الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن احمد جام** ، نواده عارف مشهور و از مشایخ زمان خود بوده و در غزل سرایی دست داشته و گاهی ابن مطهر و گاهی قطب تخلص کرده است .

(۲۰۹) **تاج الدین فیروز شاه بن داود شاه بهمنی** ، هشتمین پادشاه از سلسله بهمنی دکن و بروز افزون شاه معروف بود و در گلبرگه پادشاهی می کرد . در سال ۸۰۰ بتخت نشست و در روز دوشنبه ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشت . وی پادشاهی دانشمند و دانش پرور بوده و چندین کتاب بنامش نوشته اند و مخصوصاً بادییات توجه خاص داشته و غزل را خوب می سروده و گاهی فیروزی و گاهی عروجی تخلص کرده است .

(۲۱۰) **لطفی شیرازی** ، مردی مجرد و از تربیت شدگان میرزا بایسنقر بوده و بیشتر بسیاحت می پرداخته و در ایران و هند سفر بسیار کرده و در هند در گذشته و غزل سرای بوده است . وی بجز لطفی شیرازی بوده که در قرن دهم می زیسته است .

(۲۱۱) **سامعی** ، از شاعران دربار محمد شاه بهمنی در دکن و مداح و ندیم خواجه محمود قانان وزیر معروف بوده و قسمتی از بهمن نامه را که آذری ناتمام

گذاشته بود وی سروده و تا ۸۸۲ زنده بوده است .

(۴۹۲) دده عمر روشنی بردعی ، از معاریف مشایخ صوفیه در قرن نهم و از خلفای سید یحیی شروانی و مؤسس طریقهٔ روشنی در تصوف بوده که پیروان آن هنوز در مصر و ترکیه هستند وی برادر علاءالدین خلوتی از مشایخ معروف طریقهٔ خلوتی بوده و مدت‌ها در گنجه و بردعه یا بردع و شروان بدعت و ارشاد می‌پرداخته و از آنجا باردبیل و سپس تبریز رفته و سلطان حیدر صفوی و اوزون حسن او را محترم شمرده اند و جمعی از مردم آذربایجان از آن جمله سلجوق خاتون مادر سلطان یعقوب آق قویونلو مرید او شده‌اند و خانقاهی در زاویهٔ مظفریه در تبریز برای او ترتیب داده‌اند و همان جادر ۸۹۲ در گذشته و در محلهٔ مقصودیه تبریز مدفون گشته و پسرش نعمهٔ الله روشنی زاده قاضی مدینه جانشین او شده است . وی شعر عارفانه را نیکو می‌سروده است .

(۴۹۳) بابا علی شاه ابدل عراقی هروی ، از مشایخ تصوف ساکن هرات بوده و با جامی ملاقات کرده و او نیز شعر عارفانه را خوب می‌گفته است .

(۴۹۴) هند و ترکستانی ، نوشته‌اند از شیخ زادگان ترکستان و از مریدان خواجه عیدالله احرار و از شاعران صوفی مشرب بوده است .

(۴۹۵) بهاء الدین احمد جامی ، از بازماندگان احمد جام زنده پیل عارف مشهور بوده و در شیراز می‌زیسته و منظومه‌ای بر وزن لیلی و همچون نظامی در مقامات جدش بنام ابوالفتح سلطان ابراهیم تیموری سروده است .

(۴۹۶) سید شرف الدین رضا ، از دانشمندان زمان خود و از کارگزاران خراسان در زمان شاهرخ بوده و پس از چندی از کار دیوان کناره گرفته و شاعر بوده است .

(۴۹۷) قاضی مسیح الدین عیسی ساوجی ، در آغاز کار مدتی در قزوین بوده و سپس وزیر سلطان یعقوب آق قویونلو شده و در دربار وی می‌زیسته و در ۸۰۶ در گذشته و شاعر بوده است .



(۳۱۸) حافظ نصرالله، از شاعران خراسان بوده و تا اواسط قرن نهم می زیسته و جزین دیگر درباره اش آگاهی نیست.

(۳۱۹) شهاب الدین محمود شاه بهمنی، چهاردهمین پادشاه از سلسله بهمنی دکن، پس از مرگ پدرش محمد شاه سوم در اول صفر ۸۸۷ در ۱۲ سالگی پادشاهی رسید و در مدت ۳۶ سال سلطنت همیشه قیم داشت مخصوصاً وزیرش قاسم برید - الممالک ترک از ۸۹۵ و پسرش امیر علی که در ۹۱۰ جانشین پدر شد و حکمرانان جنارو برار که دست نشاندۀ اش بودند بروقیام کردند و مستقل شدند و چند جنگ در میان وی و ایشان در گرفت تا آنکه در ذیحجه ۹۲۴ در گذشت. وی پادشاهی سست رای و خوش گذران بوده و در ضمن شعر فارسی را خوب سروده است.

(۳۲۰) غیاث الدین بایسنغر میرزا تیموری، پسر شاهرخ و نوۀ تیمور از شاهزادگان معروف این خاندان، در ۸۰۱ تولد یافت و در ۸۲۰ در جوانی پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را باو داد و در صفر ۸۳۵ پس از مرگ قرا یوسف مأمور گرفتن آذربایجان شد و تبریز را گرفت. در صفر ۸۳۵ حکمران استراپاد شد. درین موقع چون اختر شناسان پیش گوئی کرده بودند که بیش از چهل سال نخواهد زیست وی بمی گساری و نوش خواری و عیاشی پرداخت و بهمین جهت سخت ناتوان و بیمار شد و در روز دوشنبه ۷ جمادی الاولی ۸۳۷ در هرات در گذشت و پیکرش را در مقبره گوهرشاد بخاک سپردند. وی شاهزاده باذوق هنرمند هنر - پروری بوده و یکی از مؤثرترین کسان در پرورش سخن سرایان و هنرمندان بشمار می رفته است. خود در نقاشی و تذهیب دست داشته و از خوشنویسان زبردست زمان خود بشمار می رفته و در خط شاگرد شمس الدین هروی خوش نویس معروف آن زمان بوده و هنوز اوراق بسیار جالب از قرآنهاییکه که بخط بسیار جلی نوشته در دست است. میرعلی خوشنویس معروف واضح خط نسخ تعلیق و عده کثیر از خوشنویسان مشهور روزگار در کتابخانه وی کار می کرده و برای او کتاب می نوشته اند نسخه ای از شاهنامه بدستور وی فراهم کردند و مقدمه ای بر آن نوشتند که بدیباچه بایسنگری معروفست و نسخه اصل آنرا بهزاد نقاش نامی آن عصر مصور کرده است و شکی نیست

که در ترقی خط و نقاشی وجودش بسیار مؤثر بوده و در شعر فارسی نیز دست داشته و پس از مرگش عده کثیر از شاعران آن زمان که برخی از ایشان خوشنویس هم بوده اند برای وی مرثیه سروده اند از آن جمله کمال الدین جعفر تبریزی خوشنویس معروف، زاهدی، جلال کرمانی، جلال الدین یوسف امیری، لطفی، ولی، آصفی هروی، واحدی، منشی، زین الدین طیب، محمد جرده. بسیاری از دانشمندان عصر هم کتابهایی بنام وی پرداخته اند. در پایان زندگی که بمی خواری و عیاشی مشغول بود بی رحم و مردم آزار شده بود و درین دوره کارهای ناشایسته کرده است.

(۲۲۱) **مولانا نظیری**، وی بجز نظیری نیشابوری شاعر معروف قرن دهم و ظاهراً از مردم مشهد بوده و در هندوستان در سرزمین دکن در دربار همایون شاه بهمنی معروف بهمایون شاه ظالم (۸۶۲-۸۶۴) می زیسته و از تربیت شدگان خواجه محمود قانان وزیر معروف بوده و چندی زندانی بوده و تا ۸۶۵ می زیسته است و چون آدری شاعر معروف در گذشت و بهمن نامه او ناتمام ماند وی قسمتی از آنرا که شامل تاریخ پادشاهان بهمنیست سروده است.

(۲۲۲) **رزق الله دهلوی**، عم شیخ عبدالحق محدث دهلوی دانشمند معروف بوده و در ۸۹۷ در گذشته و بزبان هندی و فارسی شعر می گفته، در هندی رنجن و در فارسی مشتاقی تخلص می کرده است.

(۲۲۳) **عمرانی شیرازی**، از یهود ایران ساکن شیراز بوده و اشعاری بزبان فارسی سروده که مطابق معمول دانشمندان یهود در ایران آنها را بخط عبری نوشته اند.

(۲۲۴) **امینا**، وی نیز از یهود ایران بوده و اشعاری ازو بخط عبری مانده است.

(۲۲۵) **نورالدین شاه خلیل الله**، پسر شاه نعمه الله ولی عارف مشهور در کوبنان کرمان نیم ساعت از روز گذشته آدینه ۱۱ شعبان ۷۷۵ ولادت یافت. پس از مرگ پدر جانشین او شد و در ضمن بدعت شاهرخ از کرمان بهرات رفت و هدایای بسیار گران بها که بزرگان زمانه برای پدرش فرستاده بودند نزد او برد

و شاهرخ باو بسیار احترام کرد . در پایان زندگی به هندوستان نزد مریدان پدرش بدکن رفت و در آنجا در ۲۳ شوال ۸۵۳ که ۷۸ سال و دو ماه و دوازده روز از عمرش گذشته بود در گذشت و در آنجا وی را بخاک سپردند و مزارش بنام خلیفه از زیارتگاهها بوده است . وی نیز اشعار عارفانه سروده است .

( ۲۳۹ ) ناصرالدین کوسویی ، از مشایخ تصوف و از مردم کوسویه از توابع هرات و از اصحاب زین الدین ابوبکر تایبادی بوده و در ۸۲۸ در گذشته و او را در هرات در حظیره امام فخرالدین رازی بخاک سپرده اند و شعر عارفانه می سرده است .

( ۲۴۲ ) ابوالفتح محمد فاتح آل عثمان ، هفتمین پادشاه این سلسله ، در رجب ۸۳۲ ولادت یافت و در سلطنت پدرش سلطان مراد دوم حکمران مغنیا بود و پس از مرگ برادرش علاء الدین در ۸۴۸ ولیمه پدر شد . پیش از آنکه رسماً بتخت بنشیند دو بار دعوی سلطنت کرده و در آدرنه بتخت نشسته بود بدین معنی که پس از استعفای سلطان مراد در صفر ۸۴۸ که ده سال بود ترکان عثمانی با مجارستان صلح کرده بودند و با این همه با مجارستان و متحدین آن وارد جنگ شدند مراد از مغنیا وارد میدان جنگ شد و در ۲۸ رجب ۸۴۸ در وارنا فتح کرد . سپس مراد بار دیگر استعفا کرد اما شورش بنی چریان خلیل پاشا وزیر اعظم را ناگزیر کرد وی را دوباره بسلطنت بخواند و بار دیگر حکمرانی اناتولی را بسلطان محمد دادند و پس از مرگ پدرش در ۷ محرم ۸۵۵ وارد آدرنه شد و بتخت نشست . نخست چندی پادشاه صلح جویی بنظر می آمد و پدرش مراد نیز با کنستانتین پالئولوگ امپراتور قسطنطنیه مدارا کرد بود . اما وی در ۸۵۵ قلعه روملی حصار را ساخت و بنای محاصره شهر قسطنطنیه را گذاشت و توپخانه مهمی آماده کرد و آن شهر را در ۹ جمادی الاولی ۸۵۷ مطابق با ۲۹ مه ۱۴۵۳ گرفتند و این واقعه باندازه ای در تاریخ آن زمان اهمیت داشت که آنرا مبدأ تاریخ دانستند و وی را سلطان محمد فاتح لقب دادند . سال بعد در سرستان فتح کرد و آخرین امپراتور خانواده پالئولوگ از شکست

خورد . در ۸۶۰ باردیگر در سرستان جنگ کرد و در کنار دریای اژه شهر آینوس و جزیره لمنوس را گرفت. در همان سال شهر بلگراد را محاصره کرد و نتیجه نگرفت اما در ۸۶۳ و ۸۶۴ سر تاسر سرستان جزو قلمرو خاک عثمانی شد و در ۸۶۳ سمندره را گرفت و در آن سال و سال بعد بموره لشکر کشید و در ۸۶۴ با اسکندر بیک در آلبانی عهد نامه ای امضاء کرد . در ۸۶۵ آماسارا (آماستریس) را از کار گزاران جمهوری ژن گرفت و در مشرق شهر سینوپ را از آخرین بازمانده خاندان اسفندیار اغلو گرفت و سپس طرابوزن را گرفت و چون اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو با پادشاهان یونانی اناطولی خویشی داشت و با ایشان متحد بود در میان وی و سلطان محمد اختلاف در گرفت . در ۸۶۶ ولاد دراکول را که والاشی بنای جنگ را گذاشته بود شکست داد و در پایان آن سال فرمانروایی مردم ژن بر لسبوس پایان رسید . در ۸۶۷ و ۷۶۸ سر زمین بوسنه را گرفت و بنای جنگ با دولت ونیز را گذاشت که ۱۷ سال کشید و در دریای اژه هم جنگهای دریایی کرد . در ۸۶۸ ابراهیم قرمان اوغلو آخرین امیر این خاندان در گذشت و محمد سرزمین ایشان را هم گرفت و در همان سال در آلبانی هم فتح کرد. در ۸۷۵ جزیره نگرپون (اوبه) را گرفت و در همان سال با بازماندگان ابراهیم قرمان اوغلو که اوزون حسن از ایشان یاری می کرد جنگید و با ناوگان دول نصاری در دریای اژه جنگ کرد و چون اوزون حسن بحال تعرض در آمد و شهر توقات را گرفت تهیه بسیاری دید و در ۸۷۸ ارزنجان را گرفتند . اما تا ۸۸۵ همه حواس وی متوجه اروپا بود چنانکه در ۸۷۵ قلعه سا با کس (بوگوردلن) نزدیک بلگراد را گرفتند و سپس لشکریانش بنای تاخت و تاز در مجارستان را گذاشتند و بمرزهای اتریش رسیدند . جنگ با جمهوری ونیز هم تا ۸۷۹ دوام داشت . در ۸۸۰ شهر کافارا را از مردم ژن گرفتند و خانهای قریم (کریمه) درین سال دست نشانده دولت عثمانی شدند . در ۸۸۱ باز در مولداوی فتح کرد اما در سالهای بعد در جنگ با دولت ونیز و آلبانی در جنوب مور چندان پیشرفتی نکرد و سرانجام در ۸۸۳ خود با آلبانی

در کنار رود سند نزدیک شهرتته در گذشته است. وی پادشاه داد گستر نیکو سیرتی و مردی دانشمند بوده و بذله گوی و سخن سرای بشمار می رفته و شعر فارسی را استادانه می سروده و شاعران نامی آن زمان از آن جمله خسرو دهلوی و بدرالدین چاچی در دربار وی بوده اند و از بخشش هایش بر خودار شده اند و ضیاءالدین برنی مورخ معروف هند نیز در دربار وی بوده است .

( ۱۱۰ ) عارف اردبیلی ، از شاعران نامی آذربایجان ، نخست در دربار سلطان اویس جلایر بوده و سپس بدعوت شروانشاه کیکاوس بن کيقباد (۷۴۵-۷۷۴) بشروان رفته و آموزگار پسر وی شده و در آنجا مثنوی فرهاد نامه را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده و در آخر تابستان ۷۷۱ پایان رسانده است .

( ۱۱۱ ) سید علاء الدین عراقی ؛ ساکن هند و از مریدان نظام الدین اولیا و شاعر بوده است .

( ۱۱۲ ) شهابی ، از شاعران قرن هشتم بوده و يك مثنوی در اخلاق بنام عروۃ الوثقی ازومانده که بوزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۵۹ شامل پنجهزار بیت پایان رسانیده و در هند می زیسته است .

( ۱۱۳ ) حاج جلال لارندی ، از شاعران قصیده سرای این دوره بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

( ۱۱۴ ) شیخ ضیاء الدین تبریزی ، از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در چرنداب مدفون بوده و از ورباعی مانده است .

( ۱۱۵ ) ابو محمد شمس الدین عبد الله بن جیری ؛ از خاندان معروف سادات آل بنجیر در شیراز و از مشایخ نامی زمان خود بوده است . چنانکه در احوال حافظ گذشت وی را از مریدان او دانسته اند و نیز قوام الدین ابواسحق که ذکرش پس ازین خواهد آمد و شیخ زین الدین علی کلاه را که نیز پس ازین مذکور خواهد شد از مریدان او شهرده اند و امیر مبارز الدین محمد بن مظفر نیز مرید او بوده و شعر عربی و فارسی را نیکومی سروده است .

(۱۱۶) قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری ، از همان خاندان آل بنجیر و زشاگردان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۶۴ در گذشته و مردی دانشمند بوده و حافظ کشف‌کشاف را نزد او درس خوانده و شاعر نیز بوده و قوام تخلص می‌کرده است .

(۱۱۷) شیخ زین‌الدین علی کلاه‌شیرازی ؛ از دانشمندان نامی شیراز بوده و چون در شیراز رنگ سیاه را کلاه می‌گفته‌اند و وی دستار سیاه بر سر می‌گذاشته این لقب را باو داده بودند. وی از مریدان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۸۰ در گذشته و در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بوده و کارهای شگرف از وحکایت کرده‌اند و در شعر نیز دست داشته است .

(۱۱۸) شهاب‌الدین مظفر بن ابی ذر قبز دانی خوافی معروف بمظفر خوافی ، از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و از شاعران نامی بشمار می‌رفته و در ربیع‌الثانی ۷۸۱ در گذشته و در دم مرگ اشعار خود را که شامل قصاید و رباعیات بوده شسته و از میان برده است.

(۱۱۹) جلال‌الدین محمود زنگی عجم قلندر کرمانی ، از دانشمندان و مشایخ محترم زمان خود بوده و باو شیخ‌المشایخ می‌گفته‌اند و در نزد تیمور مقرب بوده و در یکی از سفرهای وی که با اردوی او همراه بوده در ۸۰۶ در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و دیوان اشعار خود را فراهم کرده بود و یک مثنوی در باره برخی از وقایع تاریخ تیمور سروده است .

(۱۲۰) پهلوان محمود قتالی خوارزمی معروف ببوربایولی ؛ شهرت وی را بخط پوریار نوشته و برخی بوریارولی را نام پدرش دانسته‌اند اما پیدا است که این کلمه در اصل پوربای بوده و بای همان کلمه بیک در زبان ترکی تر کمان است که سروسر کرده معنی می‌دهد . وی از عارفان معروف قرن هشتم بوده و ظاهراً در شهر خیوه می‌زیسته و در ضمن پهلوان نامداری بوده و هنوز ورزشکاران ایران نام او را بر زبان می‌رانند و اشعارش را در زورخانها می‌خوانند و در ۷۲۲ در گذشته و قبرش در شهر خیوه یا خیوق هنوز زیارتگاه است . وی شاعر زبردستی بوده و در ۷۰۳ مثنوی

کنزالحقایق را بیابان رسانیده است .

۱۳۱) **خواجه معین الدین محمد معینی جوینی**؛ نسب خود را بسنجری می‌رسانیده و از دانشمندان صوفی مشرب بوده و در ۷۸۳ در گذشته و ظاهراً در شعر معینی تخلص می‌کرده

۱۳۲) **ابوالحسن**؛ از شاعران پیرو طریقه حروفی بوده و در ۷۷۱ در نوزده سالگی در اصفهان بخدمت شاه فضل الله نعیمی حروفی رسیده و در ۸۰۲ جاودان نامه وی را بنظم آورده است .

۱۳۳) **ابوالحسن محمد بن محمد نخجوانی معروف بابن السارچی**، خوشنویس و شاعر بوده و منظومه‌ای بنام درة المعانی سروده و نسخه‌ای از ترجمه فارسی مسالك و ممالك تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری در دست است که در ۷۲۶ نوشته و بهمین جهت بخطای وی را مترجم آن کتاب دانسته‌اند .

۱۳۴) **معروف بغدادی**، از هنرمندان نامی زمان خود بوده و از خوشنویسان زیر دست بشمار می‌رفته و در ضمن در موسیقی استاد بوده و شعر را خوب می‌گفته است. نخست در بغداد می‌زیست . چون سلطان احمد بن اویس جلایر در ۷۸۴ بغداد را گرفت بخدمت او پیوست و وی که در موسیقی و خط و شعر دست داشت وی را بکتابت در دستگاه خود گماشت و چون مردی تند خوی بود معروف از بغداد باصفهان رفت و وارد دستگاه میرزا اسکندر گورکانی شد و کاتب او بود . نوشته‌اند که يك بار سه روز بکتابت پرداخت و چون متعهد شده بود که روزی پانصد بیت بنویسد و میرزا اسکندر از او بازخواست کرد پذیرفت که کار سه روزه را در يك روز بکند . میرزا اسکندر دستور داد که در میدان اصفهان سایبان و بارگاه برپا کردند و او نشست و يك تن از شاگردانش قلم می‌تراشید و او می‌نوشت و تا نماز دیگر هزار و پانصد بیت در مستهای خوبی نوشته بود . در سال ۸۱۷ که شاهرخ باصفهان آمد و حکمرانی آنجا را بمیرزا ابوالقاسم داد هنگام بازگشت بهرات معروف را با خود برد و درین سفر شمس الدین هروی خوشنویس معروف که استاد بایسنقر بوده

نزد وی شاگردی کرده است . نوشته‌اند که مردی بسیار قانع و بلند همت بوده است چنانکه يك بار بایسنغر مقداری کاغذ نزد او فرستاد که وی نسخه‌ای از خمسة نظامی برایش بنویسد و وی پس از چندی آن کاغذها را نانوشته پس فرستاد . سرانجام در سال ۸۳۰ که احمد لُر از پیروان فضل‌الله حروفی شاهرخ را کاردزد چون با چندتن از دانشمندان معاشرت داشته و ایشان گرفتار شده‌اند معروف راهم دستگیر کردند و در قلعه اختیارالدین هرات او را زندانی کردند و اندک زمانی پس از آن در زندان در گذشت . معروف در حوالی سالهای ۷۸۰ و ۷۹۰ دو مجموعه از اشعار فارسی بخط خود برای سلطان احمد جلایر نوشته که سپس آنرا بمیرزا اسکندر داده و اینک در کتابخانه سلطنتی در طهرانست . مجموعه دوم را کنزاللالی نام گذاشته و این دو مجموعه شامل اشعار برگزیده بسیاری از شاعرانست از آن جمله چند تن از شاعران قرن هشتم‌اند و کسانی که نامشان در کتابهای رایج نیست بدین گونه‌اند : ابن بنا ، ابن منور ، ابن همگر (شاید مجد همگر بوده باشد) ، ابوالفراس ، ادیب کاشی ، امرء القیس ، بدیع‌الدین ، بدیع‌الزمان ، بهشتی آملی ، حسن شهرویه ، رفیع ابهری ، رفیع نسوی ، سحر آفرین ، سراج بلخی ، سعد بها ، شاه اسفرنگی ، شرف‌الدین مقبل ، صاحبی ، صدر بلخی ، صفی نیشابوری ، عبدالعزیز ، عزشروانی ، فتح مستوفی ، سلطان محمود بخاری .

( ۱۲۵ ) احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری ، از بزرگان متصوفه هندوستان ، نوشته‌اند که بشیرخان معروف بوده و از خویشاوندان فیروز شاه سلطان دهلی بوده و از جانب وی در بخارا حکمرانی داشته و بهمین جهت بخاری معروف شده است . پس از چندی انقلابی در نهاد وی رخ داده و دارایی خود را ترک کرده و از مریدان شیخ رکن‌الدین بن شهاب‌الدین امام از مشایخ زمان خود و وارد طریقه چشتی شده و بسیار مجذوب بوده و نوشته‌اند که سخنان مستانه‌می گفته است که برخی از آنها با شریعت سازگار نبوده است و بهمین جهت وی را در سال ۸۰۰ کشتند و در دهلی مدفون شد . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و در شعر



مسعود تخلص می کرده و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیاتش معروفست و بیشتر قصایدی در مدح مرشد خود دارد . دیگر از آثار وی در تصوف کتاب تمهیداتست که بتقلید از تمهیدات عین القضاة همدانی نوشته و دیگر کتاب مرآة العارفين که از مهم ترین کتابهای صوفیه هندست .

**۱۳۹ ( سلطان احمد جلایر ،** از پادشاهان نامی خاندان جلایر ، پس از مرگ پدرش سلطان اويس بن شيخ حسن نویان در ۱۱ صفر ۷۸۴ برابرش سلطان سلطان حسین قیام کرد و بر و مسلط شده آذربایجان را گرفت و در تبریز او را کشت و در آنجا بتخت نشست سپس بغداد را از کار گزاران شاه شجاع آل مظفر گرفت و آن شهر را پای تخت خود کرد و عراق و فارس نیز خراج گزار او شد و از ۷۸۴ تا ۷۸۸ بر آذربایجان و بین النهرین و عراق استیلا داشت . در ۷۹۵ تیمور آذربایجان را ازو گرفت و او در برابر سپاهیان تیمور بمصر گریخت و تا سال ۸۰۷ در آنجا بود و پس از مرگ تیمور دوباره از مصر بعراق آمد و با تیموریان در افتاد و تا ۸۱۳ در آنجا مشغول تاخت و تاز بود تا آنکه در روز آدینه ۲۸ ربیع الثانی ۸۱۳ در دو فرسنگی تبریز در جنگ باقرا یوسف شکست خورد و در مجرای آب باغی پنهان شد و همان روز او را یافتند و کشتند . وی مرد بخشنده و شعر دوست و هنر پرور بوده و عبدالقادر گوینده موسیقی دان معروف و معروف بغدادی خوشنویس در دربار وی بوده اند و حافظ وی را مدح کرده و خود نیز شعر را نیکومی سروده است .

**۱۳۷ ( سید محمد بن علی همدانی ،** پسر میر سید علی همدانی عارف مشهور بود . ظاهرا پس از مرگ پدر و نوشته اند در ۲۲ سالگی باششصد تن در زمان سلطان سکندر بن قطب الدین بکشمیر رفته و این پادشاه مرید وی شده و بسنت نام وزیر و سپس ادرش بدست وی اسلام آورده و ۱۲ سال در آنجا مانده و در ۷۹۷ سلطان سکندر خاتقاهی برای وی ساخته که در سال ۸۰۰ تمام شده و چند دهکده وقف بر آن کرده است . سپس بحج رفت و در بازگشت در گولاب در گذشت . وی نیز مانند پدر نویسنده و شاعر بوده و رساله ای در تصوف و شرح شمسیه از منطق ازو مانده است .

## قرن نهم

ص ۲۳۷ ش ۱۲ : حافظ ابرو، در گذشت وی در روز یکشنبه ۴ شوال ۸۳۸ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان در سرجم در خاک زنجان روی داده و پیکرش را در زنجان نزدیک مزار ابوالفرج زنجانی بخاک سپرده‌اند . مجموعه تاریخی خود را مجمع التواریخ سلطانی نام گذاشته و قسم اول زبدة التواریخ را در ۶ محرم ۸۲۹ پایان رسانیده است .

ص ۲۳۸ ش ۱۵ : فصیح خوافی . نسب خود را چنین آورده است : فصیح‌الدین احمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین یحیی بن علاء‌الدین محمد بن ظهیرالدین ابوالقاسم محمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین ابوالقاسم بن ظهیرالدین محمد ابن ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن جلال‌الدین محمد بن احمد بن ابونصر علی بن محمد بن علاء‌الدین عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد ابن محمد بن قتیبة بن ابوامامه صدی عجلان بن وهب باهلی . از ۸۰۷ تا ۸۱۲ از کار گزاران دربار تیموریان بوده و چندی زندانی شده و سفرهای چند کرده است . روز پنجشنبه غرة جمادی الاولى ۷۷۷ در هرات ولادت یافته است .

ص ۲۴۲ ش ۲۳ : فیض‌الله صدر جهان ، نسبت او را گاهی بنبانی و گاهی بنیانی نوشته‌اند ، شاید در اصل بلیانی بوده باشد که بدین گونه تحریف کرده‌اند . تاریخ خود را در زمان همان محمود شاه پادشاه گجرات که بمحمود شاه بیگانه معروف بوده نوشته است .

ص ۲۴۳ ش ۲۹ : اصیل‌الدین واعظ : در زمان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) از شیراز بهرات رفته است . تاریخ در گذشتش را در جمادی الاخره ۸۸۳ نیز نوشته‌اند و پس از مرگش پادشاه سیورغالم‌های وی را بفرزندانش بخشیده است . کتاب مقصد الاقبال را برای ابوسعید گورکان نوشته و کتاب دیگری در مزادات هرات دارد و دیگر ازه و لغات او شرح شفای قاضی عیاض را باید دانست .

ص ۲۴۴ ش ۲۹ : جمالی اردستانی ، مصباح الارواح را در ۲۰ صفر ۸۶۸ پایان

رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : مشکوة المحبین ، استقامت نامه ، نوراعلی نور ، ناظر و منظور .

ص ۲۴۵ ش ۳۵ : ملاحسین کاشفی ، در گذشت وی را در ۹۰۶ ضبط کرده اند و این درست نیست .

ص ۲۴۸ ش ۳۷ : شرف الدین علی یزدی ، نام و نسبش را شرف الدین علی ابن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند ، از خاندان معروفی بوده ، برادرش مجدالدین حسن در گذشته در ۷۸۷ و پسران او ضیاء الدین محمد و شمس الدین ابوبکر و از بازماندگان مجدالدین حسن شاه معز الدین محمد رضی و میرزا مجدالدین حسن که در قرن یازدهم می زیسته اند در تاریخ معروفند . وی در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و دیگر از مؤلفات وی بجز دیوان اشعارش کتاب موطن را باید دانست .

ص ۲۵۱ ش ۴۲ : فضل الله بن روز بهان ، شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی را در ۹۱۸ نوشته اند .

ص ۲۵۳ ش ۴۶ : جعفری یزدی ، نام و نسب او بدین گونه است : سید جلال الدین جعفر بن محمد بن حسن متخلص بجعفری از سادات حسینی یزد ، تاریخ یزد را در حدود ۸۵۰ بنام ضیاء الدین مسعود وزیر شاهرخ تألیف کرده و در ۸۴۵ بتألیف تاریخ کبیر آغاز کرده و در ۸۵۰ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات او تاریخ واسط تا حوادث سال ۸۱۷ می رسد و وی شاعر هم بوده است .

ص ۲۶۳ ش ۵۱ : ادریس بدلیسی ، دیگر از مؤلفات او کتابیست بنام مرآة الجمال .

ص ۲۵۵ ش ۵۸ : عبدالغفور لاری ، لقب او را رضی الدین هم ضبط کرده اند و از بازماندگان سعد عباده از اصحاب رسول بوده است . در خاتمه حاشیه صفحات الانس شرح حال مفصل و دقیقی از جامی دارد .

ص ۲۵۶ ش ۶۱ : نجم الدین طارمی ، تذکرة اوصاف خواجه محمد کججانی

تالیف محمدحسن پلاسی شیرازی را نیز بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۲۵۸ ش ۷۹ : شرف الدین منیری ، بلقب شرف جهان معروف بوده و در منیر (بکسر میم و سکون نون و فتح یا) از توابع دهلی ولادت یافته ، مکاتیب خود را بیشتر بحاج رکن الدین نام از مریدان خود نوشته و بهمین جهت آنرا فواید رکنی نام گذاشته و دیگر از تألیفات اوست ارشاد السالکین و شرح آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی .

ص ۲۵۹ ش ۸۰ : محمود قاوان ، نوشته اند در ۸۰۸ در روستای قاوان یا کاوان در گیلان ولادت یافته و بهمین جهت بمحمود قاوان معروف شده بود . پندراش وزیران پادشاهان گیلان بوده اند و یکی ازیشان در رشت پادشاهی کرده و بدست شاه طهماسب سلطنت او منقرض شده است . چون مادرش از خاندان مشایخ گیلان بود و وی را در خطر می دید او را بسفر و ادار کرد و درین میان در عراق و خراسان وزارت را بوی پیشنهاد کردند پذیرفت . در ۴۳ سالگی بعزم بازرگانی سفر هندوستان کرد و از راه دریا وارد بندر دابل شد و از آنجا بدکن رفت و سپس برای دیدار شاه محب الله و مشایخ دیگر آن زمان و برای تجارت باحمدآباد بیدرفت و خواست بدیدار مشایخ دهلی برود علاء الدین احمد بهمینی پادشاه دکن نگذاشت و همایون شاه باو لقب ملک التجار داد . سپس وزیر شمس الدین ابوالمظفر محمدشاه بهمینی ( ۸۶۷ - ۸۸۷ صفر ) شد و مناصب دیگر یافت و ده هزار سوار مغول خدمتگزار وی بودند . سلطان حسین بایقرا سید کاظم نام را از هرات و از راه قندهار و لاهور نزد او بدکن فرستاد و او را دعوت کرد . محمد شاه اجازه بازگشت بایران را باو نداد و وی سید کاظم را باتحف و هدایای بسیار بخراسان برگرداند و نامه ای بسطان حسین نوشت و ازو عذر خواست . سید کاظم در بازگشت از راه دریا بفارس رفت و در شیراز ماند و در آنجا در گذشت و آن هدایا بمقصد نرسید . سرانجام در ۵ صفر ۸۸۶ در ۷۸ سالگی کشته شد . ملا عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمود شاهی که شاعر نیز بوده و از شاگردان و مریدانش بشمار می رفته کتابی در احوال او نوشته است .

مرد دانشمندی بوده و در علوم نقلی و عقلی مخصوصاً در ریاضی و طب و حساب و نظم و نثر فارسی دست داشته و دیوان اشعار و کتاب روضة الانشای تالیف خود را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده و جامی با او مکاتبه داشته و قصیده‌ای در ستایش وی سروده است . در ضمن مرد نیکوکاری بوده و درد کن آبادی بسیار کرده از آن جمله در شهر احمدآباد بیدر دو سال پیش از کشته شدن خود مدرسه‌ای بامسجد و بازار بزرگ و چهارطاقی ساخته که تا اوایل قرن یازدهم باقی مانده است .  
ص ۲۵۹ ش ۸۱ : عبدالله مروارید ، تاریخ درگذشت وی را در ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۸ نیز نوشته‌اند و این درست نیست . کتابی هم در صنعت انشا نوشته است و منشآت او رساله شرفیه نام دارد .

ص ۲۶۱ ش ۹۳ : صاعد بن علی گرگانی ، کتاب مسالك ممالك يا عجایب البلدان او بیشتر متکیست بر کتاب مسالك و الممالك ابن خردادبه .

ص ۲۴۱ ش ۹۴ : عبدالقادر مراغی ، لقب وی راهم کمال الدین و هم نظام الدین و کنیه اش را ابوالعضایل نوشته‌اند . نام پدرش راهم غنی و هم عینی و هم غیبی ضبط کرده‌اند اما در نسخه‌ای از کتاب مقاصد الاحسان که بخط خود در ۱۲ رمضان ۸۲۱ نوشته و در کتابخانه آستان رضویست نام خود را عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی و نام پدرش را آشکارا غیبی نوشته است . در ۲۰ ذیقعده ۷۵۴ متولد شده ، در ۴ سالگی بمکتب رفته و در ۸ سالگی حافظ قرآن شده و در ۱۰ سالگی از فرا گرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافته است . نخست در دربار شیخ اویس جلاپور (۷۵۷) بوده و سپس ملازم سلطان احمد شده و درین مدت در تبریز و بغداد می‌زیسته . در ۷۹۵ تیمور او را از بغداد بسمرقند برد و سپس در آن شهر در دستگاه میرانشاه و شاهرخ بوده و در ۸۳۷ در هرات از بیماری و با درگذشته و این که برخی تاریخ درگذشتن را در ۸۳۸ نوشته‌اند درست نیست . جامع الاحسان را برای پسرش نورالدین عبدالرحمن نوشته و مقاصد الاحسان را در پنجشنبه ۱۲ رمضان ۸۲۱ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : لحنیه و کنز الاحسان و شعر فارسی و ترکی می‌گفته و

عبدالقادر تخلص می کرده است .

ص ۲۶۳ ش ۱۱۲ : عبیدالله احرار، نسب او عبیدالله بن محمود بن شهاب الدین بوده است . در رمضان ۸۰۶ در روستای باغستان از توابع تاشکند ولادت یافت . پدرش نیز از مشایخ تصوف بود . نخست در شهر شاش می زیست و سفرهایی بسمرقند و بخارا کرد و مرید و خلیفه بهاءالدین نقشبند شد . در شب شنبه سلخ ربیع الاول ۸۹۵ در گذشت . وی را در خاتقاهی که در شهر سمرقند داشت بخاک سپردند و بازماندگانش نیز در آنجا مدفونند و آخرین کس که از ایشان در آنجا بخاک رفته نیازخواجه در گذشته در ۱۲۲۹ است و ایشان فرزندان خواجه محمد یحیی پسروی بوده اند . گذشته از سلسله العارقیین که محمد بن برهان الدین معروف بمحمدقاضی در سیرت او نوشته عبدالحی بن ابوالفتح حسینی نیز که از مریدانش بوده رساله ای در مناقب او و اعتقایش تألیف کرده است . دیگر از مؤلفات وی انقاس نفیسه و فقرات الخطیره یا فقرات و مجموعه مکاتبات و افادات را باید دانست .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۷ : زین الدین خوافی، نام و نسب وی ابوبکر بن محمد بوده و در خواف در ۷۵۷ ولادت یافته و نیز از مریدان تاج الدین حسن شمشیری بوده است . در ۸۱۲ قطب الدین علی بن ملک محمود و شاه محمود پادشاهان سیستان وی را بشفاعت بدربار تیمور فرستادند و شفاعت او کارگر شد و در ۸۱۵ قطب الدین علی ابن ملک محمود بشفاعت او از سیستان بهرات رفت . در عید گاه هرات در گذشت . دیگر از مؤلفات اوست : وصایا القدسیه و تقریرات و رسایل و وصیه العارقیین بزبان تازی .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۸ : یعقوب چرخی، نسب او را سروری هم نوشته اند . قبر وی اینک در کالجوز لنین در ۵ کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان در وادی چغانیان در جایبست که سابقاً شهر حصارشادمان در آنجا بوده و بعد بحصارات معروف شده و اینک اثری از آن شهر نیست و تنها یک حمام و دو مزار از آن مانده است . قبر سرس یوسف چرخی که جانشین پدر شده تقریباً در ۴۰ کیلومتری دوشنبه است

درجایی که اینک بنام چرتک معروفست و ساختمانى بسبك قبر تیموردارد و در آنجا در کمر کوه خانقاهی بسیار بزرگ کنده‌اند و اندرون آن چند حجره است .

ص ۲۶۵ ش ۱۱۹ : شهاب‌الدین زاوی ، دیگر از مؤلفات اوست حواشی بر تفسیر بیضاوی .

ص ۲۶۵ ش ۱۲۰ : جلال‌الدین دوانی ، شرح هیاکل النور او شواکل الحور نام دارد و آنرا در زاویه مظفریه تبریز هنگام عزیمت بدیار بکر در شب پنجشنبه ۱۱ شوال ۸۷۲ پایان رسانده است .

ص ۲۶۲ ش ۱۲۱ : میرحسین میبدی ، دیگر از مؤلفات اوست شرح صد کلمه علی بن ابی طالب . وی شعر فارسی نیز می‌سروده است .

ص ۲۶۸ ش ۱۲۲ : عبدالمؤمن بن صفی‌الدین ، لقب وی را ضیاء‌الدین و لقب جدش را بجای عزیزالدین عزالدین و نام کتابش را بهجة الروح نیز نوشته‌اند .  
ص ۲۶۱ ش ۱۲۳ : غیاث‌الدین جمشید ، دیگر از مؤلفات اوست رساله فی العمل باسهل آله من قبل النجوم .

ص ۲۷۲ ش ۱۴۴ : ابوالمحاسن گرگانی ، جلای‌الاذهان او بنام تفسیر گازر نیز معروفست .

ص ۲۷۴ ش ۱۶۰ : صاین‌الدین ترکه ، نام و نسب او بدین گونه است :  
صاین‌الدین ابومحمد علی بن افضل‌الدین محمد بن صدرالدین ابوحامد محمد ترکه ، رحلت وی را در دوشنبه ۴ ذیحجه یا ۱۴ ذیحجه ۸۳۵ نیز ضبط کرده‌اند .  
۴ ذیحجه آن سال شنبه و ۱۴ سه‌شنبه بوده و ممکنست شب پیش از ۱۴ در گذشته باشد .  
اسرار الصلوة را در پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۱ و ضوء اللمعات را در ۸۱۵ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : شرح قواعد التوحید جدش صدرالدین ابوحامد محمد بنام تمهید القواعد و کتابی در علم حروف و مناظره عقل و عشق که در ۸۰۸ نوشته و رساله در تحقیق اناقطة التي تحت الباء و رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن و شرح گلشن راز و رساله در شق القمر و منشآت .

ص ۲۸۳ ش ۱۸۶ : محمد بن برهان‌الدین از ۸۸۵ تا ۱۲ سال مرید عبیدالله  
احرار بوده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفين خود را نوشته است .  
ص ۲۸۵ ش ۱۹۹ فخرالدین علی صفی ، از مریدان خواجه ناصر هروی  
بوده است .



بر صحیفه ۲۸۵ از نویسندگان قرن نهم این چندتن را باید افزود :  
۴۰۳) یارعلی شیرازی ، مؤلف شرحی بر لمعات فخرالدین عراقی بنام  
اللمعات فی شرح اللمعات .

۴۰۴) رکن‌الدین بهیمی بن محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف  
آل پنجیر سادات علوی شیراز مؤلف مقاله الابرار در احوال بزرگان خاندان خود  
که تلخیصی از کتاب اخبار الاخیار تألیف ابوسلیمان محمد شیرازی مورخست .  
۴۰۵) رکن‌الدین محمد خوافی ، در گذشته در ۸۳۴ مؤلف تذکره الشعراء .  
۴۰۶) علی بن طیفور بسطامی ، ظاهراً از متصوفه قرن نهم بوده و کتاب  
انوار التحقیق را فراهم کرد که تلخیص و مجموعه ای از رسایل مختلف عبدالله

۴۰۷) سید خلیل‌الله بن سید محمود زیارتگاهی هروی ، مؤلف شرح  
جواهر الاسلام در عقاید از مولانا نظام‌الدین شریف هروی که در ۸۴۴ پایان  
رسانده است .

۴۰۸) ملا داود بیدری ، از مورخان هند مؤلف تحفة السلاطین در تاریخ  
سلسله بهمنی دکن که بنام تاج‌الدین فیروز شاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۰) نوشته است .  
۴۰۹) عبدالله بن محمد بن کیا هازندرانی ، که رساله فلکیه را در علم  
سیاحت در حدود سال ۸۶۵ تألیف کرده است .

۴۱۰) شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی ، بجز شرف‌الدین علی  
مورخ معروف و از دبیران زبردست زمان خود بوده و کتابی در فقه حنفی بنام شقایق



دقایق نعمانی نوشته و منشآت او نیز در دستت و برادرش قوام الدین محمد نیز شاعر بوده است .

(۲۱۱) امیر حسن بن منوچهر بن جمال الدین ابوطاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی ، مؤلف منشور مبارک یا رساله انسانیه در انساب پادشاهان طبرستان که برای مرشد الدین شاه عبدالله مهرورف بسید میرزا و پسر او محمد برکت علاءالدوله نوه دختری سلطان حسین بایقرا نوشته است .

(۲۱۲) عبدالحمی بن ابوالفتح حسینی ، از مریدان خواجه ناصر الدین عبیدالله احرار بوده و رساله ای در مناقب وی و خاندانش نوشته است و نیز کتاب سلسله عالییه را در همین زمینه تالیف کرده است .

(۲۱۳) ناج الدین محمد بن ابراهیم کازرونی ، از مشایخ متصوف زمان خود بوده و در ۹۰۱ در گذشته و کتابی در تصوف بنام بحر السعاده نوشته است .

(۲۱۴) شیخ الاسلام زکریا بن محمد انصاری ، وی نیز از مشایخ تصوف بوده و در ۸۹۳ در گذشته و شرحی بر رساله قشیرییه بنام احکام الدلاله نوشته است .

(۲۱۵) عبدالرؤف هروی ، مؤلف رساله صید که برای بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا فراهم کرده است .

(۲۱۶) قاسم علی قاینی ، از دانشمندان زمان خود بوده و رساله ای در اسطرلاب نوشته است .

(۲۱۷) قاضی شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر آچادکانی طوسی ، مؤلف نسیم المقرین شرح منازل السائرین عبدالله انصاری که در ظهر پنجشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۸ پایان رسانیده است .

(۲۱۸) احمد هدون بن محمد نیشابوری ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و باجمعی معاشرت داشته و مؤلف کتابیست بنام آیه الایات الفرقانی در کشف الایات که در ۸۸۵ بتالیف آن آغاز کرده و در ۸۹۱ در هرات پایان رسانیده است .

(۲۱۹) جلال الدین یوسف جامی ، از دانشمندان معاصر شاهرخ مؤلف قزاید غیائی شامل مکاتیب تاریخی از آغاز اسلام تا زمان مؤلف .

(۴۲۰) نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی ، پسر عبدالقادر مراغی موسیقی‌دان معروف که پدرش کتاب جامع‌الآلحان را در ۸۱۶ برای او نوشته و او هم در موسیقی استاد بوده و در خاک عثمانی می‌زیسته و کتاب مقاصد‌الادوار را در موسیقی بنام یازید آل عثمان (۸۸۶ - ۹۱۸) نوشته است .

(۴۲۱) مولانا عبدالرحیم مشهدی ، مؤلف کتابی در جغرافیا بنام مسالك الممالك .

(۴۲۲) خواجه عبدالشهید خاوند محمود بن خواجگی خضر بن عبیدالله احرار ، مانند پدران خود از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رساله‌ای در تصوف از او مانده است .

(۴۲۳) میرعلی حسینی ، وی بجز میرعلی حسینی خوشنویس معروف قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست در تصوف بنام ریاحین القلوب .

(۴۲۴) علی بن محمد معروف بن نظام شامی ، وی نیز بجز نظام الدین عبدالواسع مورخ مشهور معروف بن نظام شامی و از متصوفه زمان خود بوده و مختصر منهاج العابدین در تصوف ازوست .

(۴۲۵) امام‌الدین محمد بن ابوظالب تبریزی معروف به امام طبیب ، در ۷۲۳ ولادت یافت و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در هیئت و طب و ریاضیات دست داشته و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله کتاب الارشاد فی معرفة الاعداد بفارسی که بنام شیخ ابراهیم بن سلطان محمد بن کیقباد نوشته و شرح تلخیص محمود ابن محمد چغمینی که در ۷ جمادی الاخره ۸۲۴ در ۹۱ سالگی پایان رسانیده است .

(۴۲۶) حکیم محمود بن محمد بن عبداللّه ، مؤلف تحفه خانی در طب که در ۹۰۲ تمام کرده است .

(۴۲۷) برهان مسکین ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله کتاب ارشاد المسلمین شرح عقاید اهل‌الاسلام نجم‌الدین نسفی که در هرات در ۹۱۴ پایان رسانده است و انیس‌الواعظین اربعین در احادیث رسول در دو دفتر یکی شرح احادیث و دیگر شرح آیات و روضة الاتقیاء فی ذکر

الاولیا و انیس العابدین در عبادات و سراج المتعلمین در نحو و اوراد الاوقات و کنوز الاعمال در ادعیه و اذکار و خلاصة الاوراد .

(۲۲۸) احمد بن محمد بن حسن معروف بخلیفه نیشابوری ، مؤلف ترجمه ملخص تاریخ نیشابور تألیف امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد ابن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف بحاکم ابو عبدالله بن ابیج مؤلف مستدرک و تاریخ نیشابور از اکابر علمای حدیث که در ۳۲۱ ولادت یافته در ۴۰۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و کتاب تاریخ خود را نخست در رمضان ۳۸۹ پایان رسانیده و سپس در ۴۰۲ آنرا تکمیل کرده است و درین ترجمه حوادث سال ۸۳۳ را ضبط کرده است .

(۲۲۹) ابوالمکارم بن علاء الملك ، از بازماندگان احمد جزم ژنده پیل که در ۸۴۰ کتابی در مقامات وی بنام خلاصة المقامات تألیف کرده است .

(۲۳۰) سیدیحیی بن بهاء الدین شروانی ، در شهر شماخی ولادت یافت و پدرش مردی مالدار بود و در جوانی خوش صورت بود . روزی که با جوانان گوی بازی می کرد پیرزاده پسر شیخ حاج عزالدین خلوتی از مریدان شیخ صدرالدین خلوتی و از پیشوایان خلوتیان برو گذشت و چون او را پسندید دعوتش کرد و وی پذیرفت و وارد طریقه خلوتی شد که یکی از فروع نشیبندیان بوده است . سپس از شماخی ببا کورفت و در آنجا ماند و بارشاد مردم پرداخت و نوشتداند نزدیک ده هزار تن برو گرد آمدند و مریدش شدند و خلفای خود را باطراف فرستاد و در ۸۶۸ در باکو در گذشت . وی از بزرگان طریقه خلوتی بوده و در باکو مسجد و مدرسه و خانقاه داشته و خلفای معروف او مولانا یوسف مخدوم و قاضی ضیای شروانی و وشه قباد شروانی و عبدالمجید شروانی بوده اند . از مؤلفات چند هم مانده است مانند اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الوحی و شرح گلشن راز .

(۲۳۱) ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی ، از بزرگان متصوفه زمان خود بوده و در ۸۵۸ در گذشته و کتابهای چند بفارسی و عربی در

تصوف نوشته است از آن جمله مناهج التوسل و شمس الافاق والادعیه و الفواتح المسکیه که در ۸۴۴ بیان رسانده و ظاهراً شرح فتوحات المکیه ابن العربیست .  
**(۲۳۲) عبدالکریم همدانی** ، در دکن می زیسته و مرید و شاگرد خواجه محمد قاوان دانشمند معروف این زمان بوده و کتابی در تاریخ دکن بنام تاریخ محمودی برای خواجه محمود نوشته و کتاب دیگری در احوال خواجه محمود پرداخته است .

**(۲۳۳) سعدالدین کاشغری** ، نخست جامه فروش بود، از بزرگان مشایخ نقشبندی در زمان خود و از مریدان نظام الدین خاموش در گذشته هنگام نماز آدینه چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ و مدفون در خیابان هرات بوده و بسیاری از متصوفه آن زمان از آن جمله عبدالرحمن جامی باو معتقد بوده اند و در هرات می زیسته است . در ۸۴۴ با گروهی از دانشمندان حج رفته و هنگام نماز پیشین چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۷۰ در هرات در گذشته است. دودختر پسرش خواجه اکبر معروف بخواجه کلان یکی زن عبدالرحمن جامی و دیگری زن فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی بوده اند. اصحاب وی ملفوظات او را بنام تقریرات گرد آورده اند.

**(۲۳۴) محمود پسیخانی** ، از مردم پسیخان گیلان و نخست پیرو طریقه حروفی و از شاگردان فضل الله حروفی بود و فضل الله او را طرد کرد و در سال ۸۰۰ طریقه تقطوی را اعلان کرد . در باره اش اطلاع کامل نیست و بهمین اندازه معلومست که طریقه وی تا پایان قرن دهم در برخی از نواحی ایران رایج بوده و متشرعین آنرا کفر می دانسته اند و بسیاری از پیروانش را بهمین جرم کشته اند. معارف پیروان وی تشبیهی کاشانی و فهمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو و یوسف ملحد معروف بترکش دوز بوده که در سال ۱۰۰۰ که اختر شناسان قران نحسین را پیش بینی کرده و خطری متوجه شاه عباس می دانستند وی را برای فریب ستارگان بتخت نشانند و نام سلطنت باو دادند و پس از گذشتن قران وی را کشتند . این طریقه

ازبک (۹۹۱-۱۰۰۶) در ماوراءالنهر بار دیگر مجالس التقایس علیشیر نوآ  
از ترکی جغتایی به فارسی ترجمه کرده است .

۱۸۵) عبدالصمد بن افضل محمد، از صوفیه عند مؤلف اخبارالاصفیا در  
احوال مشایخ که در ۱۰۱۴ تألیف کرده است .

۱۸۶) عبدالوهاب بن جلال الدین محمد همدانی ، نیز از متصوفه این  
زمان بوده و در ۹۷۴ مناقب العارفين افلاکی را بنام ثواقب تلخیص کرده است .

۱۸۷) محمد بن برهان الدین سمرقندی ، معروف به محمد قاضی ، از  
مریدان عبیدالله احرار پیشوای معروف نقشبندیان بوده و در ۹۲۱ در گذشته و  
تذکرة الاولیا وسلسلة العارفين دو کتاب در احوال مشایخ نوشته است .

۱۸۸) ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی ، مؤلف تاریخ سلسله نقشبندی  
که در ۹۴۷ نوشته است .

۱۸۹) معین الدین منیری ، از مردم منیر از توابع دهلی و از متصوفه اواخر  
قرن دهم مؤلف ریاض الاولیا .

۱۹۰) محمد صالح بن امیر عبدالله قادر ، معاصر عبدالؤمن خان ازبک  
بوده و تاریخ مزارات بلخ را در ۱۰۰۶ پایان رسانده است .

۱۹۱) عبیدالله نقشبندی ، مؤلف سراج السالکین و لطایف العارفين در  
مقامات شیخ لطف الله چشتی در گذشته در ۹۷۹ و کتاب صوفیه نقشبندی که در ۹۸۱  
نوشته است .

۱۹۲) محمد امین حشری تبریزی ، نویسنده و شاعر بوده و در ۱۰۱۱ کتابی  
بنام روضه اطهار در مزارات تبریز تمام کرده است .

۱۹۳) عبدالکریم بن محمود قاضی معروف بقاضی اختیار . در ۱۰۰۹  
سفرهایی در ماوراءالنهر و خراسان کرده و سفرنامه خود را بنام عوالم الاسرار  
فی غرایب الاسفار نوشته است .

۱۹۴) مولانا شمعی ، از دانشمندان خاك عثمانی بوده و از احوالش اطلاعی

نیست و در حدود سال ۱۰۰۰ در گذشته و شرحی بر دیوان حافظ نوشته است .

**۱۹۵) سودی بسوی**، از مردم سرزمین بسنه یا بوسنه و یا بوسنی در بالکان بوده که در آن زمان جزو مستعمرات عثمانیان بشمار می رفته است و از جزئیات احوالش اطلاعی نیست جز آنکه در حدود ۱۰۰۶ در گذشته است. وی ترکی و تازی و پارسی را نیکو می دانسته و دو شرح مختصر و مفصل بر دیوان حافظ نوشته است .  
 بر صحیفه ۴۰۷ درباره کتابهای قرن نهم که نویسندگان آنها معلوم نیست این کتابها را هم باید افزود : شرح اشعار امام علی بن ابی طالب که مؤلف آن معلوم نیست و شاگرد نظام الدین عبدالحق بوده و پس از شرح میر حسین میبیدی این شرح خود را بنام امیر سید علی که در قاین و سیستان بوده تألیف کرده است .  
 دیگر کتابی بنام قانون نامه چین و ختا در تاریخ اقوام ترک که در ۹۲۲ تألیف کرده اند.



درباره شعر قرن دهم نخست بر صحیفه ۴۰۸ این نکته را باید افزود : نام و نسب قطب الدین حیدر زاوی بدین گونه است : قطب الدین حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن سلطان شاه بن سلطان خان سالتوری در گذشته در ۱۱۰ سالگی که تاریخ در گذشت وی را هم ۶۱۳ و هم ۶۱۸ نوشته اند. اما در باره حیدریان تردید دارم فرقه ای از صوفیه که در زمان صفویه با نعمتیان یعنی پیروان نعمه الله ولی در افتاده اند پیروان او بوده باشند زیرا که دشوار می نماید تا سیصد و چند سال پس از مرگش این همه پیروان در مرکز ایران داشته بوده باشد . بگمانم مراد از حیدریان پیروان طریقه صفوی و اتباع سلطان حیدر نواده صفی الدین اردبیلی یعنی حیدر بن جنید بن ابراهیم ابن علی بن صدر الدین موسی بن صفی الدین اردبیلی بوده باشند که پیش از شاه اسمعیل شافعی بوده اند و قهراً می بایست با صوفیه نعمه الهی که شیعه بوده اند اختلاف داشته باشند .

سپس این مطالب را درباره شاعران قرن نهم باید افزود :

ص ۴۱۲ ش ۱۱ : سجایی استرآبادی ، تاریخ در گذشت وی را برخی ۱۰۱۶ و شماره رباعیاتش را هفتاد هزار نوشته اند و پیدا است که مبالغه است .

ص ۴۱۵ ش ۱۹ : قاسم کاهی ، نخست در ۱۵ سالگی ببدخشان بدر بار عسکری میرزا رفته است . در دربار اکبر سمت ملك الشعرايي یافته و يك بار هزار تنگه صله يك غزل باو داده است . وفاتش را در ۹۸۳ و ۹۸۴ نیز ضبط کرده اند و نوشته اند که صده وده یاصد و بیست سال عمر کرده است و او را معتاد بیاده خواری دانسته اند . در فتح پور در گذشته و سپس پیکرش را با گره برده و در آنجا بخاک سپرده اند . در علم ادوار نیز دست داشته است .

ص ۴۱۶ ش ۲۰ : حسین مروزی ، در حج تفسیر و حدیث را از ابن حجر مکی فرا گرفته و فیضی با او معتقد بوده است . سال در گذشتش را برخی ۹۷۹ و برخی ۹۹۹ نوشته اند و این روایت دوم درست نمی نماید . وی غزل را نیز نیکو می سرده است .

ص ۴۱۶ ش ۲۱ : حسین ثنایی ، در دربار اکبر زیسته و تا ۹۷۸ زنده بوده است . ص ۴۱۷ ش ۲۲ : عرفی شیرازی ، دیگر از آثار وی رساله نفسیه را باید دانست . ص ۴۱۸ ش ۲۳ : شیری لاهوری ، نام وی یا پدرش شیخ عبدالحی بوده که مردی دانشمند و قاضی شرع بوده است و خود از مداحان اکبر بوده و در جنگ افغانان با راجه بیریر یا بیریل که همراه وی بوده در افغانستان در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است .

ص ۴۱۸ ش ۲۴ : قیدی شیرازی : تا ۹۸۴ زنده بوده است .

ص ۴۱۹ ش ۲۷ : زهائی خوافی ، نام وی ملا سعدالدین بوده و چون در هرات زیسته به روی نیز معروف بوده است . مثنوی منظوم آنظار را در برابر مخزن الاسرار بنام اکبر سروده است .

ص ۴۲۰ ش ۳۰ : میر حیدر معمای رفیعی ، نام وی میر رفیع الدین حیدر طباطبایی بوده و پسردیگری داشته است میر ابوطالب کاشانی که ذکرش بجای خود

آمده است .

ص ۴۲۱ ش ۳۲ : میلی هروی ، در مالوه در گذشته است .

ص ۴۲۲ ش ۳۷ : محوی همدانی ، اصل وی از اسدآباد همدان بوده و مدتی

در نیشابور زیسته و بحج و از آنجا به بند رفته و نزد خان خانان مقرب بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته است .

ص ۴۲۲ ش ۳۹ : روغنی ، باسترآبادی و هروی معروف بوده و پیداست که از

مردم استرآباد بوده و در هرات زیسته است . قلعه مالوگره که وی در روز آدینه ۲۳ جمادی الاولی ۹۸۰ در آن جا در گذشته از توابع سروین در گجرات است .

ص ۴۲۲ ش ۴۰ : نویدی نیشابوری ، با امیر قریش خویشاوندی داشته است .

ص ۴۲۳ ش ۴۱ : شکیبی اصفهانی ، از مریدان خواجه علاءالدین عطار نقشبندی

بوده و در نجوم و رمل دست داشته است .

ص ۴۲۳ ش ۴۲ : فارغی شیرازی ، در دربار جلال الدین محمد اکبر بوده

و نام پدرش را میر مرتضی نیز نوشته اند .

ص ۴۲۳ ش ۴۳ : انیسی شاملو ، کتابدار علینقی خان بوده و پس از کشته

شدن او بدست عبدالله خان از بک به بند گریخته است . تاریخ درگذشت وی را نزدیک ظهر شنبه ۲۴ صفر ۱۰۱۶ نیز نوشته اند و گفته اند که در برها نپور مدفون شده است .

ص ۴۲۴ ش ۴۵ : جدایی تبریزی ، نخست از نقاشان کتابخانه شاه طهماسب بود

و رنجشی پیدا کرد و از پای تخت بعراق و از آنجا به بند رفت و در آنجا باغزالی مشهدی

در افتاد و یک دیگر را هجو کردند . در هندوستان منصب امارت یافت و نادر الملک

لقب گرفت و سفری بزیارت حرمین رفت و به بند باز گشت .

ص ۴۲۵ ش ۴۸ : وقوعی نیشابوری ، از سادات اسحق آباد نیشابور بوده و

در زمان اکبر به هندوستان رفته و خان خانان یک بار بصله یک رباعی سه هزاره محمودی

باو داده است . خط شکسته را خوب می نوشته و در لاهور در گذشته است .

ص ۲۴۵ ش ۴۹ : قراری گیلانی ، نام و نسب وی نورالدین محمد بس



عبدالرزاق معروف بصدر گیلان و خود نیز از کار گزاران مقرب خان احمد خان و از شاگردان افضل الدین محمد تر که بود . هنگامی که خان احمد خان باصفویه در افتاد وی بقزوین رفت و ظاهراً پس از آن با برادرش امیر همایون بهند رفته است . ص ۴۲۵ ش ۵۰ : غیرتی شیرازی ، از سادات شیراز بوده و دوبار بهند رفته ، یار اول بمصاحبت امیر نورالدین محمد قراری و امیر همایون پسران مولانا عبدالرزاق صدر گیلان رفته و قصیده و غزل می سروده است .

ص ۴۲۵ ش ۵۱ : حیاتی گیلانی ، نخست در گیلان می زیسته و در آنجا میلی شاعر شمشیری بدست راست او زد و مجروحش کرد و وی عفو کرده و بکاشان و از آنجا بهند رفته است . در پایان زندگی نزد خان خانان بسیار مقرب شد و ثروت بسیار بهم زد و خان خانان يك بار او را بخزانة خود برد که هر اندازه اشرفی می خواهد بردارد . سرانجام از ملازمان شاهزاده دانیال و سپس نورالدین جهانگیر شد و در ۱۰۱۵ هـ مرد . ص ۴۲۶ ش ۵۳ : فهمی طهرانی ، نامش طهمااسب قلی و از درباریان شاه طهماسب بوده است .

ص ۴۲۶ ش ۵۴ : سهمی بخاری ، در دستگاه پیرم خان خان خانان نیز بوده است . ص ۴۲۶ ش ۵۸ : درویش بهرام سقا ، برخی او را از مردم بخارا و برخی از مردم بلخ دانسته اند ، مردی سالك و مجتوب بود . نخست طالب علم بود و سپس وارد حلقه تصوف شد و بسقایی گرد جهان می گشت تا بهندوستان رسید . نیت کرده بود پسرندید برود و در آنجا بماند . چون در تانده یکی از قصبات کور بصحبت شیخ بابویکی از بزرگان مشایخ هند رسید وی او را از رفتن بدانجا بازداشت و گفت باید در بردوان بمانی و در آنجا مدفون شوی . وی ببردوان رفت و جایی را که شیخ بابو با و نشان داده بود یافت و در آنجا ماند تا در ۹۸۲ در آنجا در گذشت . درویش محمد نام از مریدانش که بر خاکش مجاور بود گفته است از ما و راءالنهر با او آمد و تازنده بود با او بودم و بمن دستور داد بر سر قبرش باشم و می گفت سبب شعر گفتن من

این بود که شبی قاسم انوار را در خواب دیدم که بر لب حوض مزار قثم بن العباس در سمرقند نشسته است و چون مرادید گفت دریش چیزی بخوان . من اشعاری خواندم . گفت : از خود بخوان . چون بیدار شدم در بدیبه غزلی سرودم و شاعر شدم و حال آنکه پدران من از اعیان بودند . مزارش در قصبه بردوان در ناحیه اوریسه بر سر راه بنگاله و سرندیب در زیر درخت املی بزرگ یعنی تمر هندی و در نزدیکی تالابی زیارتگاه است . وی در شعر فارسی و ترکی دست داشته و روزی که در حال جذب بوده دیوان فارسی و ترکی خود را در آب انداخته است . بیش از سی هزار بیت غزل عارفانه بسبک غزلیات مولانا جلال الدین و قاسم انوار سروده و سقا تخلص می کرده

ص ۴۲۷ ش ۵۹ : حیدری تبریزی ، نخست تاج دوزی می کرد و با آنکه در هند توانگر

شده بود در بازگشت از هند از آن کشور بدمی گفت . وحشی با او در افتاده و یک دیگر را هجو کرده اند . سه بار بهند رفته است و اکبر در برابر یک قصیده ده هزار روپیه و خلعت واسب با وصله داده است . تا پایان قرن دهم می زیسته و پسری داشته که سامری تخلص می کرده است و دیوان او شامل شانزده هزار بیت بوده است .

ص ۴۲۸ ش ۶۵ : شریف سرمدی اصفهانی ، نام درست وی ملا شریف و از سادات

و در هند از ملازمان راجه مان سنگه بوده و در ۱۰۱۵ در گذشته است .

ص ۴۲۸ ش ۶۷ : تقی الدین محمد ششتری ، اکبر او را مأمور کرده است

داستانهای شاهنامه را بنشر بنویسد اما عمرش باین کار وفا نکرده است .

ص ۴۲۹ ش ۶۸ : اسپری رازی ، پسر قاضی مسعود سیفی حسینی بوده و در

۹۸۲ در گذشته است

ص ۴۲۹ ش ۶۹ : نظیری نیشابوری ، از خان خانان یک باریک لك روپیه

صله گرفته است . استادانش شیخ محمد سندوی و ملا حسین جوهری بوده اند و دیوانش را شامل نه هزار بیت نیز دانسته اند .

ص ۴۳۰ ش ۷۴ : عزیززی قزوینی ، باپه‌ری نیز معروف بوده و در ۹۸۸ در گذشته است .

ص ۴۳۱ ش ۷۷ : طالب اصفهانی ، در ۱۰۳۰ رحلت کرده است .

ص ۴۳۱ ش ۷۸ : میراشکی قمی ، برادر میرعزیزالله حضوری قمی بوده و دو دیوان داشته و یکی از آنها را بطریق طرد و عکس پایان رسانده است .

ص ۴۳۲ ش ۸۲ : صالحی هروی ، بمشهدی نیز معروف بوده و نخست از منشیان دربار سلطان محمد خداپنده بشمار می‌رفته است .

ص ۴۳۳ ش ۸۵ : علاء الدوله کامی قزوینی ، از خاندان معروف سیفی‌سادات حسنی قزوین بوده که مدت‌های مدید دانشمندان نامی از آن برخاسته اند . پدرش میریحیی که در ۹۶۲ درگذشت و جدش میرعبداللطیف در طریقهٔ تسنن تعصب بسیار داشته‌اند و بدین صفت معروف بوده‌اند . برادرش نیز میرزا عبداللطیف نام داشته است . پدرش میریحیی چون شاه اسمعیل بسلطنت رسید مادهٔ تاریخ جلوس او را « مذهب ناحق » گفت و چون شاه از او بازخواست کرد گفت من « مذهبنا حق » گفته‌ام . پس از آن شاه طهماسب در صد آزار وی و خاندانش بر آمد و يك قورچی از آذربایجان بقزوین فرستاد که میریحیی و پسرش میرعبداللطیف را که پیشوایان اهل سنت در قزوین بودند دستگیر کند و بآذربایجان بفرستد و خانواده‌شان را باصفهان بفرستد . میرعلاء الدوله که در آذربایجان بود بشتاب قاصدی نزد پدر و برادر فرستاد و ایشان را آگاه کرد . میریحیی را که یحیای معصوم می‌گفتند قورچیان گرفتند و يك سال و نیم در زندان اصفهان ماند و در ۷۷ سالگی در رجب ۹۶۲ در زندان مرد . میرعبداللطیف از زندان گریخت و چندی در کوه‌های گیلان سرگردان بود و از آنجا بجلال‌الدین اکبر متوسل شد و او اجازه داد بهند برود و با برادرش میرعلاء الدوله در ۹۶۳ بهند رسید و هر دو برادر در دربار اکبر احترام بسیار یافتند و کبردیوان حافظ و کتابهای دیگر را نزد میرعبداللطیف درس می‌خواند و در ۵ رجب ۹۸۱ در فتح پور درگذشت و در بالای قلعهٔ اجمیر در کنار قبر میرسید

حسین خنگ سوارپیکرش را بخاک سپردند . برادرش علاء الدوله ظاهراً در ۹۸۲ در گذشته و وی را نیز در همان جا دفن کرده‌اند و دیگر از مؤلفات او صحیفه الارقام در علم خط و رساله در صنایع شعر را باید دانست .

ص ۴۳۳ ش ۸۷ : ملك قمی ، ملك الشعراى دربار نظامشاه بوده و بیشتر در احمدنگرمی زیسته است . در ۱۰۰۳ که اکبر دکن را گرفت وی در حصار احمدنگر بود و پس از چند روز بیرون آمد و باشاه مراد کبر و عبدالرحیم خان خان خانان مربوط شد و دستایش ایشان قصایدی سرود و بار دیگر گرفتار شد و چون ایشان بسرزمین برار رفتند وی از زندان بیرون آمد و بشهر بیجاپور نزد عادلشاه رفت و ملك الشعراى دربار او شد . بسیار کم سخن می‌گفت و تاریخ را خوب می‌دانست و يك مثنوی در برابر مخزن الاسرار نظامی سروده است .

ص ۴۳۴ ش ۸۸ : نوعی خوبشانی ، نام و نسب وی محمد رضابن محمود بوده است . در ۹۷۰ در خوبشان ولادت یافته و چون چندی در مشهد زیسته بمشهدی معروف شده و پس از ویرانی اورگنج و هرات از مشهد بباورد رفته و چندی در آنجا بوده و بهمین جهت برخی او را باوردی دانسته‌اند . در جوانی با پدر خود بکاشان رفت و در آنجا بشاعری آغاز کرد و محتشم او را گرامی می‌داشت . سپس برای دیدار خواجه ابوالقاسم سیری از خوبشانندان خود که مرد محتشمی بوده است با پدر بگجرات رفت . پس از چندی با پدر بمشهد برگشت و پدرش در آنجا درگذشت . وی در اندک زمانی میراث پدر را بخوش گذرانی تمام کرد و بار دیگر بهندرفت و در لاهور مصاحب میرزا یوسف خان رضوی از سادات مشهد و از اعرای چهار هزاری دربار اکبر شد و با وی بکشمیر رفت . در کمانداری بسیار ماهر بود چنانکه در يك روز پنج بار هدف را بتیر بود و بهمین جهت شاهزاده دانیال پسر خرد اکبر که در جوانی در ۱۰۱۳ در گذشت و شهرت او را شنیده بود وی را از میرزا یوسف خان خواست . دیوان وی شامل چهار هزار بیت و ساقی نامه اش شامل ۷۰۰ بیت است که خان خانان در برابر آن ده هزار روپیه صله داده است و سوزو گداز شامل ۵۰۰

بیت در بازه سنی شدن یعنی خود را سوزاندن زن هندو که دلدادۀ شوهر خویش بود در لاهور یا اکبر آباد بخواہش شاهزادہ دانیال سروده شدہ است .

ص ۴۳۴ ش ۸۹ : وحشی بافقی، نام وی کمال الدین محمد بوده است، وی را برخی از شاگردان شرف الدین علی یزدی دانسته اند و از دوستان محتمم بشمار می رفته و هنگام اقامت در کاشان با وی محشور بوده است . سبب مرگ وی را برخی حمای محرقہ دانسته اند و برخی گفته اند کہ بدست معشوقش کشته شدہ است و این درست نیست . تاریخ رحلت وی را ۹۶۱ و ۹۹۲ و ۹۹۷ نوشته اند و حتماً در ۹۹۱ در گذشتہ است . دیوان وی شامل ۵۳۰۰ بیت ، خلدبرین شامل ۵۹۲ بیت، ناظر و منظور شامل ۱۵۶۹ بیت و شیرین و فرهاد کہ ظاهراً در ۹۶۱ ناتمام مانده شامل ۱۰۲۰ بیتست . دنبالۀ آنرا کہ وصال شیرازی سروده نیز ناتمام مانده و آقا مهدی صابر شیرازی در گذشتہ پس از ۱۲۸۰ آنرا تمام کرده است .

ص ۴۳۶ ش ۹۱ . لسانی شیرازی ، لقب وی را کمال الدین ہم نوشته اند . نخست در خراسان ملازم سام میرزا صفوی بوده است . نوشته اند اشعارش با اندازه ای بود کہ نمی توانست ضبط کند و بہر شاعری کہ نزد اومی رفت از اشعار خود می بخشید تا بتخلص خود بخواند . روزی کہ دوستان را بطعام دعوت کرده بود پس از طعام ازیشان بحلی خواست و همان شب در صحبت ایشان در گذشت و در قبرستان سرخاب مدفون شد .

ص ۴۳۶ ش ۹۲ : فضولی بغدادی ، در گذشت وی را در ۹۷۶ نیز نوشته اند . در زبان تازی نیز دست داشته و رسالہ ای باین زبان بنام مطلع الاعتقاد نوشته است . ص ۴۳۸ ش ۹۴ : فخری هروی، مدتی نیز در دربار شاه حسن ارغون حکمران سند و تہ (۹۳۰ - ۹۶۱) بوده و کتاب صنایع الحسن و روضۃ السلاطین را در تذکرہ پادشاهان شاعر بنام وی نوشته و نیز چند مثنوی سروده است .

ص ۴۳۹ ش ۹۶ : قاضی شرف جهان ، از خاندان معروف سیفی قزوین و در ضمن از شاگردان غیاث الدین منصور و از دوستان و خویشاوندان میر عماد خوشنویس

روف و مردی نیکوکار بوده و آبادی بسیار کرده از آن جمله نهری در کربلا خته و دیوانش نزدیک ده هزار بیت بوده است .

ص ۴۴۱ ش ۱۰۱ : ملا احمد ایبوردی، وی در سمرقند از شاگردان ملا احمد می دانشمند معروف آن زمان و در هرات از شاگردان جامی بوده و از پیروان طریقهٔ نبندی بشمار می رفته است . کیسه زری که بازرگان نزد او برده محتوی ده هزار از بوده و گفته است که در سفر دریا نذر امام علی بن ابی طالب کرده بود . گذشت وی در ۹۵۰ سه روز پیش از رسیدن قورچی که از قزوین مأمور عقوبت او بود روی داده است . وی قصاید و غزلیات بسیار سروده است .

ص ۴۴۲ ش ۱۰۲ : ابوالحسن دانشمند ، کتاب مشارق را در هیئت نوشته و دیگر از مولفات او حاشیه بر هدایهٔ اثیریه است .

ص ۴۴۵ ش ۱۰۶ : مانی شیرازی ، نقاش ماهری بوده است ، نوشته اند دلدادۀ اسماعیل بوده و بهمین جرم کشته شده و دوستانش شفاعت کردند و شاه ازو شت اما دیر شده بود و در تبریز کشته شده و در سرخاب او را بخاک سپرده اند .

ص ۴۴۵ ش ۱۰۷ : ظهوری ترشیزی ، در صلهٔ ساقی نامه ابراهیم عادلشاه فیل و مقداری نقد و جنس با او بخشیده است . ملک قمی داماد وی بوده و با عرفی به و مشاعره داشته و نیز نوشته اند در بیجاپور در گذشته است .

ص ۴۴۶ ش ۱۱۰ : ضمیری اصفهانی ، نامش کمال الدین حسین بوده است .  
ص ۴۴۷ ش ۱۱۳ : قاضی احمد سیستانی ، معما و تاریخ را خوب می گفت و ۹۰ در گذشت .

ص ۴۴۷ ش ۱۱۶ : خلیفه اسدالله ، ملولی تخلص می کرد و خلیفه سلطان او بود .

ص ۴۵۲ ش ۱۲۳ : القاص میرزا ، در ۹۳۲ شاه طهماسب حکمرانی شروان داد . در ۹۵۵ بالشکریان عثمانی بایران آمد . پس از اقامت در مشهد در ۲۲

ربیع الاول ۹۵۶ در الموت زندانی شد . نوشته اند پس از شش روز دو سه تن که پدرانشان را کشته بود بقصاص وی را از آن قلعه بزرگ انداختند و کشتند ، اما این روایت درست نمی نماید زیرا که وی ظاهراً در ۹۸۴ در مشهد در گذشته است .

ص ۴۵۳ ش ۱۲۷ : انسی قندهاری ، نامش محمد شاه بوده است .

ص ۴۵۴ ش ۱۳۳ : بهرام میرزا صفوی ، ظهیرالدین لقب داشته و در ۹۳۶

حکمران هرات شده است . در گذشت وی را در ۳۳ سالگی در شب سه شنبه ۱۹ رمضان ۹۶۵ نیز نوشته اند . شاهزاده ای دانشمند و خوشنویس و دانش پرور بوده و امیر یحیی بن عبداللطیف قزوینی لب التواریخ را بنام وی نوشته است .

ص ۴۵۵ ش ۱۳۵ : بهرام خان ، نام وی را بیرم خان نیز نوشته اند .

ص ۴۵۷ ش ۱۳۸ : صادقی بیک افشار ، مثنوی قانون الصور او در قواعد نقاشی

و شامل ۲۱۰ بیت است .

ص ۴۵۸ ش ۱۳۹ : ولی دشت بیاضی ، چندی هم در قزوین زیسته است .

ص ۴۵۸ ش ۱۴۰ : طیفور انجدانی ، نوشته اند که یک بیت او را بملک قمی

نسبت می دادند و بنام وی معروف شده بود چون ملک قمی بهند می رفت وی در پی او براه افتاد و در لار باو رسید و ازو سند گرفت که آن بیت ازو نیست .

ص ۴۵۹ ش ۱۴۳ : فهمی کاشانی ، بامحتشم مهاجده کرده است .

ص ۴۶۳ ش ۱۵۷ : فهمی خبیصی ، در ۹۷۸ که شاه عباس در زمان پدرش

از هرات بشیراز می رفت در راه در خبیص نزد او رفت و مورد توجه شاه عباس شد و باو وعده کرد که از پدرش شاه محمد خدا بنده بخواهد منصب صدارت خود را باو بدهد و بهمین جهت او را از شیراز بدر بارخواستند و منصب صدارت را باو دادند . مردی دانشمند و بسیار پارسا بود و در ریاضیات و نجوم و رمل دست داشت و نویسنده و شاعر زبردست بود و بسیار بخشنده بود چنانکه نوشته اند نزدیک صد هزار تومان پول نقد و بهای خاک فیروزه را که از درآمدهای اوقاف و نذرها و خمس معادن فیروزه و جز آن در خزانه خود داشت در دوسه سال بسادات و علما و پرهیزگاران و تنگستان و طلاب

داد و مردی درویش مشرب بود و شعر خوب می گفت .

ص ۴۶۴ ش ۱۶۴ : شریف تبریزی ، شاگرد لسانی بوده و زندگی را بتنگ دستی گذرانیده و در پایان زندگی در اردبیل ملازم سام میرزا بوده است . وقتی قصیده‌ای در ستایش خواجه غیاث الدین علی معروف بکهره و کبود چشم مستوفی دیوان شاه طهماسب که چشمان کبود و موی و روی زردداشته سروده بود و چون صله باو نداده بود ترکیب بندی در هجو او ساخت و شاه بخشم آمد و دستور داد او را بکشند . وی اجازه خواست آن اشعار را برای شاه بخواند و سپس هر حکم که روا باشد بکند . شاه چون آن ترکیب بند را شنید پسندید و از کشتن او گذشت بشرط آنکه از خواجه غیاث الدین دلجویی بکند . وی نیز اشعاری در هجو شاه نعیم الدین نعمه الله ثانی نواده شاه نعمه الله ولی و داماد شاه طهماسب سروده است . دیوانش را شامل نه هزار بیت دانسته‌اند . نوشته‌اند در ۹۵۶ باردیبل رفته و در آنجا بوبادر گذشته و در آنجا مدفون شده است . در زمان خود بسیار مشهور بوده و اشعار سست لسانی را مخمس کرده و مجموعه آنها را سهو اللسان نام گذاشته و وحید تبریزی بنام لسان الغیب پاسخی بر آن نوشته است .

ص ۴۶۵ ش ۱۶۵ : حیرتی کاشانی ، منظومه بهجه المباحج او شامل ۲۱۶۰۰ بیت بوزن خسرو و شیرین نظامی در شرح غزوات رسول و معجزات اوست که بنام شاه طهماسب در ۹۴۴ پایان رسانیده و آنرا کتیب معجزات نیز نام گذاشته است .

ص ۴۶۶ ش ۱۷۲ : حالتی ترکمان ، چندی در تبریز زیسته و در سال ۱۰۰۰ در گذشته است .

ص ۴۶۶ ش ۱۷۳ : حیرتی تونی ، مورد توجه شاه عباس و می‌خواهره بوده است .

ص ۴۶۷ ش ۱۷۸ : رشکی همدانی ، پسر حسن بیك لنگ اردو آبادی و از بزرگ زادگان همدان و مردی لایبالی بوده و عسش باشی تبریز شده و او پاش او را کشته‌اند .



ص ۴۶۷ ش ۱۸۲ : میرزا شاه حسینی اصفهانی ، پسر میرزا شاه بیك ، جدش امیر ذوالنون ارغون از جانب سلطان حسین بایقرا حکمرانی قندهار داشته و وی پس از کشته شدن نجم ثانی بوزارت رسیده است .

ص ۴۶۸ ش ۱۸۳ : شاهی مولوی ، تاریخ اتمام گلشن توحید را برخی در ۹۴۰ نوشته اند .

ص ۴۶۸ ش ۱۸۴ : شرف الدین علی بافتی ، ندیم سام میرزا صفوی بوده و بنام وی رساله‌ای در معما و رساله‌ای در حفظ الصحه و رساله‌ای در بحران نوشته است . برخی وفاتش را در ۹۷۴ ضبط کرده اند .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۱ : یعقوب صرفی کشمیری ، در ۹۶۴ با شیخ سلیم پیشوای چشتیان هندوستان به حج رفته و درین سفر از ابن حجر مکی مفتی مکه اجازه روایت حدیث گرفته است . خمسۀ او بنام پنج گنج شامل مثنویهای مقامات پیرو و امق و عنذرا و لیلی و مجنون و مغازی النبی و مسالك الاخیار در برابر مخزن الاسرار است و دیوان اشعار خود را نیز فراهم کرده است .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۲ : عالمی دارا بگردی ، میرزا سهراب نام داشته است .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۶ : عشقی کاشانی ، عزالدین محمود نام داشته و از دوستان محتمم و عاشق پیشه بوده است .

ص ۴۷۱ ش ۱۹۹ : عبدی شیرازی ، نخست مفرد نویس دربار شاه ظهاسب و در سیاق و ترسل معروف بوده است .

ص ۴۷۵ ش ۲۰۳ : نصیرالدین همایون ، تاریخ در گذشت وی را هفتم ربیع - الاول نیز نوشته اند .

ص ۴۹۱ ش ۲۱۶ : سلطان ابراهیم میرزا ، ظهیرالدین ابوالفتح لقب داشته و تا ۹۷۹ حکمران خراسان بوده است . شمخال سلطان بدستور شاه اسماعیل دوم در روز شبۀ ۵ ذیحجه آن سال وی را با یازده تن دیگر از شاهزادگان صفوی کشته است . وی شاهزاده‌ای بسیار دانشمند بود ، در قرائت و تجوید شاگرد شیخ

حسنعلی طبسی و پسرش شیخ فخرالدین بوده و در علوم ادبی و منطق و معانی بیان و حکمت و رجال و حدیث و تاریخ و ریاضیات دست داشته و در موسیقی استاد بوده و چند آهنگ ساخته است و شعر فارسی و ترکی را خوب می سروده و سه هزار بیت دیوان داشته و تذکره ای بنام قزهننگ ابراهیمی نوشته است و خواجه حسین ثنائی و انیسی شاملو و قاسم قانونی موسیقی دان معروف دست پروردگان او بوده اند .

ص ۴۹۸ ش ۲۳۱ : راستی تبریزی ، نخست تولیت نصریه را داشته است .  
ص ۵۰۰ ش ۲۴۰ : رجایی اصفهانی ، از بازماندگان کمال الدین اسمعیل شاعر معروف بوده و در حساب و هندسه دست داشته و در ۹۶۲ در مشهد بدست یکی از اشرار کشته شده است .

ص ۵۰۰ ش ۲۴۳ : طهماسب قلی بیگ عرشی ، از کردان یزد یا از امیر زادگان افشار کرمان و پسر دایه شاه اسماعیل دوم بود و از کار گزاران دربار شاه طهماسب بشمار می رفت . نخست عهدهی و سپس عرشی تخلص کرده و در ۹۸۹ کشته شده و در شعر شاگرد وحشی بافقی بوده و دوازده هزار بیت قصیده و اقسام دیگر شعر سروده است .

ص ۵۰۲ ش ۲۵۹ : محمد مؤمن استرآبادی ، پسر میرعلی حسینی استرآبادی ، ۲۵ سال وکیل شاه طهماسب بود و پس از مرگ سلطان حیدر بدکن رفت و محمد قلی قطب شاه پادشاه گلکنده وی را بسیار گرامی داشت و منصب صدارت را باو داد و در ۱۰۳۴ درگذشت . اشعارش را در ۱۰۰۷ بدستور محمد قلی قطب شاه جمع کرده و رساله ای در اوزان و مقادیر نوشته که بنام رساله مقداریه معروفست .

ص ۵۰۳ ش ۲۶۲ : میرمحمد کسکنی ، داماد میرشمس الدین علی از مشاهیر سادات سبزوار بوده و از کار گزاران دربار شاه طهماسب بشمار می رفته و در پایان زندگی توبه کرده است .

ص ۵۰۳ ش ۲۶۶ : میرمنهی ، در زمان اکبر بهند رفت و ملازم شاهزاده محمد سلیم جهانگیر شد .

ص ۵۰۳ ش ۲۷۱ : صادق اردوبادی ، برادر زاده میرزا کافی از اهلیان دربار صفویه و چندی ساکن مشهد بوده و چون سادات آن شهر را هجو کرده او را از آنجا بیرون کرده‌اند و در ۹۷۰ بهند رفته و مرتضی نظامشاه درد کن منصب جاگیری باو داد و هنگام استیلای اکبر برد کن در گذشت .

ص ۵۰۴ ش ۲۷۲ : معزالدین کاشانی ، از سادات کاشان بوده و در زمان اکبر بهند رفته و در موسیقی دست داشته و دلدادۀ نانوا پسری بوده است .

ص ۵۰۵ ش ۲۸۲ : میرابوالبقای ، تذکره‌ای از شاعران نوشته است .

ص ۵۰۵ ش ۲۸۶ : مقیمی ، برخی شکر اوغلی را نام جایی نزدیک مازندران نوشته‌اند و این درست نیست و نام طایفه است . وی تا ۹۸۰ در قزوین بوده و در ۹۹۸ وارد هندوستان شده و عبدالرحیم خان خان‌خانان با او خویشاوند بوده و یوسف و زلیخایی سروده است .

ص ۵۰۷ ش ۲۹۵ : مشربی تکلو ، در زمان شاه محمد خدا بنده بامسیب خان بدر بار اکبر رفت و در هند در گذشت .

ص ۵۰۹ ش ۳۰۴ : شجاع کاشانی ، چون حکمران کاشان از هجوی که در باره اش سروده بود خشمگین شد وی از کاشان گریخت و در ۹۸۱ کسان حاکم وی را در اصفهان کشتند .

ص ۵۰۹ ش ۳۰۶ : طوفی تبریزی ، چندی در گیلان زیسته است و عجزی و صبوری و حکیم ابوطالب از شاعران زمانه شاگرد او بوده‌اند و دیوانش نزدیک بیست هزار بیت میشده

ص ۵۱۰ ش ۳۰۸ : فگاری سبزواری ، قاضی قزوین بوده و بهمین جهت بقزوینی معروف شده است و اینکه برخی وی را سبزواری دانسته‌اند ظاهراً درست نیست . مرد شیرین سخن حاضر جوابی بوده و تا ۹۸۴ در قزوین می‌زیسته و در پایان زندگی در مشهد معتکف شده و شاه محمد خدا بنده وظیفه برایش معین کرده است . در گذشت وی را در ۹۷۵ و ۹۸۹ نوشته‌اند و چون تا ۹۸۴ در قزوین بوده پیدا است که در ۹۸۹ باید

در گذشته باشد. برخی وی را باقاضی احمدغفاری قزوینی مؤلف نگارستان و نسخ جهان آرا اشتباه کرده اند.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۴: سایر نپاوندی، برخی بخط او را دماوندی دانسته اند.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۶: نیکی اصفهانی، در نظنر ولادت یافته و در اصفهان نشو

ونما کرده است. نخست حلاج بوده و سفر بسیار کرده و مدتی بامیرزا شرف جهان

ولسانی معاشر بوده و در رمضان سال ۱۰۰۰ در صد سالگی در سجده نماز بفجائده در گذشته

است. مثنوی زبده الاسرار را در برابر مخزن الاسرار سروده است.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۸: یحیی گیلانی، در هند منصب کتابداری را باو داده اند و

در گذشت او ۱۰ در ۹۵۲ نیز نوشته اند.

ص ۵۱۲ ش ۳۲۰: یمینی سمنانی، معاصر شاه طهماسب بوده و در ۹۸۱ در گذشته

ص ۵۱۲ ش ۳۲۲: عجزی تبریزی، دیوان فغانی شیرازی را جواب گفت

و شاه عباس در پاداش این کار وظیفه در حقتش برقرار کرد.

ص ۵۱۲ ش ۳۲۵: وقوعی تبریزی، دیوانش راده هزار بیت دانسته اند.

ص ۵۱۳ ش ۳۲۷: مظهری کشمیری، دیوان خود را ترتیب داده است.

ص ۵۱۳ ش ۳۳۰: هجری طهرانی، دو برادر سلامی و کلامی مداحان او

بوده اند.

ص ۵۱۴ ش ۳۳۳: فسونی تبریزی، از سلسله خاکیه تبریز و نویسنده و

مستوفی فرمانروایان فارس بوده است.

ص ۵۱۵ ش ۳۳۸: مالک دیلمی، تا ۹۶۹ که خطوطی از او باقی مانده زنده

بوده است.

ص ۵۱۶ ش ۳۴۰: مقصود خرده فروش، برخی وی را از مردم قریه خرده

درکشان دانسته اند اما چنان می نماید که کلمه خرده فروش را بدین گونه تحریف

کرده باشند. باغیث الدین منصور بحج رفته و در یزد شبی دزدان بطمع مال در ۹۸۷

اورا کشته‌اند و تاریخ در گذشت وی در ۹۸۳ درست نیست .

ص ۵۱۷ ش ۴۳۷ : وحشی جوشقانی ، رحلت وی را در ۱۰۱۲ هم نوشته‌اند .

ص ۵۳۰ ش ۴۳۸ : طالب گیلانی ، طبیب بوده و در ۹۶۷ از گیلان بسفارت

بدر بار شاه طهماسب رفته و از خود معالجه ناروا کرده و در همانجا در گذشته است .

ص ۵۳۶ ش ۴۸۳ : رضایی کاشانی ، با محتشم و ضمیری محشور بوده است .

ص ۵۳۷ ش ۴۶۸ : صوفی مازندرانی ، در آذربایجان و عراق و فارس هم سفر کرده و

چون بکفر متهم شده بود از ایران بهند رفت . در گذشتش را در ۱۰۳۲ هم نوشته‌اند .

ملا عبداللطیف عباسی گجراتی که تراجم شعر ارا بر تذکره بت‌خانه افزوده در ۱۰۲۱

این کار را کرده است .

ص ۵۴۰ ش ۴۹۹ : گدایی دهلوی ، نخست در بازار ابراهیم لودی صدرالصدور

بود و سپس بدر بار بابر رفت و با پیرام‌خان بسیار دوست شد و پس از کشته شدن او در

جیل میرساکن شد و در دهلی در گذشت .

ص ۵۴۱ ش ۵۰۶ : ابوالفتح گیلانی ، در ۹۸۳ با حکیم همام و نورالدین قراری

وارد هند شده و در ۲۷ رمضان ۹۹۷ در راه کابل در حسن ابدال در گذشته است .

ص ۵۴۲ ش ۵۰۷ : آتشی قندهاری ، رحلتش را در ۹۷۶ هم نوشته‌اند .

ص ۵۴۲ ش ۵۰۹ : ابتری بدخشی ، بدهلوی نیز معروف شده و معاصر جلال‌الدین

محمد اکبر بوده است .

ص ۵۴۲ ش ۵۱۱ : بیاضی گرهی ، با کبرآبادی نیز معروف بوده و ظاهراً

بیاضی استرآبادی بوده است .

ص ۵۴۲ ش ۵۱۲ : نورالدین نوری ، نخست ندیم همایون بوده است .

ص ۵۴۳ ش ۵۱۴ : تردی بیکروده ، نام وی را ملا تردی روده سمرقندی نیز

ضبط کرده‌اند . مردی دانشمند بوده و در زمان اکبری چندی ملازم امرای گجرات

شده و چندی درد کن‌زیسته و سفری بحج رفته است . قصیده‌ای در مدح الدهم‌خان

اکبری از رجال دربارا کبر سروده بود و وی اورا مختار کرد هر قدر صله می خواهد بگوید وی يك لك تنگه خواست . الهم خان گفت پست همتی کرد ، اگر يك کرور می خواست می دادم . در گذشت وی را در ۹۷۷ هم ضبط کرده اند .

ص ۵۴۵ ش ۵۱۸ : جمیلی کالپی وال : ظاهرا نامش جمیل بوده است .

ص ۵۴۷ ش ۵۲۴ : خنجر بيك جفتایی ، در هندسه نیز استاد بوده است .

ص ۵۴۶ ش ۵۳۰ : سیاقی دهلوی ، مردی بسیار دانشمند و در عروض و معما و

قافیه بی نظیر بوده و اقسام مختلف شعر سروده است .

ص ۵۴۸ ش ۵۳۹ : علی طارمی ، نخست ندیم همایون بوده و در گذشت وی

را در اکبر آباد در ۹۸۱ هم نوشته اند و از مولفات او شرح مشکوة المصابیح و شرح فقه الاکبر را باید دانست .

ص ۵۴۸ ش ۵۴۲ : عارف کابلی ، برخی اورا هروی دانسته اند .

ص ۵۴۹ ش ۵۴۵ : عشقی خان ترك ، از بازماندگان اسمعیل تاش بوده و

مشوی خود را بر وزن حدیقه سروده و ده دیوان داشته و در ۹۹۱ در گذشته است

ص ۵۵۲ ش ۵۶۳ : پیر زاده لوایی ، رحلت وی را در ۹۷۶ و ۹۷۹ نیز ضبط

کرده اند .

ص ۵۵۳ ش ۵۶۹ : میرزاده علی خان ، نامش را میرزاد نیز ضبط کرده اند و ظاهرا

میرتخلص می کرده است .

ص ۵۵۳ ش ۵۷۰ : معزی هروی ، در گذشت وی را در ۹۸۰ هم نوشته اند .

ص ۵۵۳ ش ۵۷۱ : مرادی استرآبادی ، دارایی بسیار بهم زده و در سفر حج در

راه در گذشته است .

ص ۵۴۴ ش ۵۷۹ : محمد یوسف کابلی ، نام درست وی محمد یوسف بيك پسر

شاه بيك خان بود و در تاریخ رحلت اورا ۹۵۹ نیز نوشته اند .

ص ۵۵۵ ش ۵۸۷ : نشانی دهلوی ، از اعیان دربار اکبری و جهانگیر بوده و تاریخ درگذشت وی را باختلاف ۱۰۱۸ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۵ نوشته اند و گفته اند در مجلس سماع در حضور جهانگیر آهی کشید و جان سپرد .

ص ۵۵۶ ش ۵۹۲ : نیازی بخارایی ، نامش سید حسن و از سادات بخارا بوده و در دربار اکبر نیز می زیسته است .

ص ۵۵۶ ش ۵۹۴ : نظامی تبریزی ، نامش نظام الدین علی بوده و نوشته اند مردی ساده لوح بود و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته است .

ص ۵۵۷ ش ۹۰۶ : هاشم قندهاری ، برادرزاده محمد شاه انسی بوده و پیرام خان در برابر غزلی هشت هزار تنگه باو داده و چهل هزار دیگر بر آن افزوده است . برخی نوشته اند در ۹۶۹ در اگره و برخی دیگر در ۹۷۰ در لاهور و برخی گفته اند در ۹۶۹ در اکبر آباد در گذشته است . نخست بسملی و سپس وافی و سرانجام هاشم تخلص کرده است .

ص ۵۵۸ ش ۶۱۰ : حالسی سبزواری ، برخی در گذشت وی را در ۹۳۷

ص ۵۵۸ ش ۶۱۳ : میر معصوم زیارتگاهی ، در لاهور می زیسته و بهمین جهت بلاهوری معروف بوده است و در آن شهر در گذشته و قبرش در آنجا زیارتگاه بوده است .

ص ۵۶۰ ش ۶۲۱ : جانی بخارایی ، رحلت وی را در ۹۸۵ هم نوشته اند و گفته اند که غلامش وی را زهر داده است .

ص ۵۶۲ ش ۶۳۱ : آگهی خراسانی ، در پایان زندگی گرفتار قرقس بوده است .

ص ۵۶۳ ش ۶۳۷ : واصلی مروزی ، در کابل می زیسته و بهمین جهت بکابلی معروف بوده است . در مرو با ملاحانی معاصر خود در افتاده و جانی مدعی بوده که واصلی اشعارش را دزدیده است . حکمران مرو می خواسته است وی را سیاست

کند و وادار کند آب نمک بخورد اما ازو شفاعت کرده اند و در ۹۶۸ در گذشته

ص ۵۶۸ ش ۶۶۵: مشفق بخارایی . در گذشتش را در ۹۹۶ نیز نوشته اند و علم  
نیوم و رمل را خوب می دانسته است.

ص ۵۷۴ ش ۶۷۶: میرزا ابراهیم تیموری ، در ۹۴۱ ولادت یافته است.

ص ۵۸۰ ش ۷۰۵: قاسم ارسلان ، تا ۹۷۴ زنده بوده است .

ص ۵۸۰ ش ۷۱۳: صالح مشهدی ، نامش محمد میرک بوده است .

ص ۵۸۵ ش ۷۴۸: میربدیع هروی ، نامش میرمحمد بدیع بوده و خاندانش

از سادات عریضی بوده اند و قاضی هرات بود و مدتی در شهر کش در دارالسیاده تدریس  
کرده و تا ۹۶۷ زنده بوده است .

ص ۵۹۲ ش ۷۹۱: قاضی محنتی عیسی میانکالی ، بعیشی حصاری نیز معروف

بوده است.

ص ۵۹۶ ش ۸۱۳: نجمی کشمیری ، مداح سلطان اسفندیار نیز بوده است .

ص ۶۱۶ ش ۹۱۷: شاه عادل لاری ، برخی تاریخ کشته شدنش را در ۹۹۲ ضبط

کرده اند و درست نیست .

ص ۶۱۸ ش ۹۳۷: هاشمی بخارایی ، نزد عبداللّه خان ازبک مقرب بوده و در ۹۴۵

در گذشته است .

ص ۶۲۴ ش ۱۰۳۴: وفایی خوافی، ساکن اگره بوده و بهمین جهت با کبر

آبادی معروف شده و در دربار بآبرو همایون می زیسته و در معما و تاریخ استاد

بوده و تاریخ فتح هندوستان و نوادر آن زمان را نوشته و در کبر آباد در کنار رود

جمن مدرسه و مسجد عالی ساخته که هنوز هست و وی را در آنجا خاک سپرده اند .

ص ۶۴۲ ش ۱۰۹۲: علاءالدین اودی ، ترکیب بندوی چون در مصرع اول

مبارت «مامقیمان» آغاز می شده بما مقیمان معروف شده است و از متون فارسیست

که در مدارس هند درس می داده اند.



ص ۶۴۶ ش ۱۱۱۶ : عبدالغنی همدانی ، امیر عبدالغنی از سادات اسدآباد همدان در ۱۰۱۱ دزهد گشته شده است .

ص ۶۴۸ ش ۱۱۳۶ : موالی لاری ، بخراسان خان خراسانی معروف بوده است .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۶۲ : سلطانعلی مشهدی ، دوسطری را که در باره وی آمده است چنین تصحیح کنید : یکی از معروف ترین خوش نویسان پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم و شاگرد حافظ حاجی محمد کاتب و درهرات می زیسته .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۷۰ : سیری طهرانی ، عمزاده ملا فیهمی بوده است .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۷۳ : شوقی یزدی ، مداح اعتمادالدوله حاتم بیگ و در تاریخ گوئی ماهر و صاحب دیوانی شامل شش هزار بیت از اقسام مختلف شعر بوده است .

ص ۶۵۳ ش ۱۱۷۴ : شوقی تبریزی ، از بازماندگان خواجه رشیدالدین فضل اللوزیر و استاد خط نسخ تعلیق بوده و در کابل در ۹۵۴ در گذشته و دیوانش شامل چهار هزار بیت می شده و دیوان علی بن ابی طالب را بنام سلطان یعقوب در ۸۸۵ بنظم فارسی ترجمه کرده است .

ص ۶۵۵ ش ۱۱۹۹ : احمد دهدار فانی ، نام وی را بخط محمد بن محمود نوشته اند . رجوع شود بشرح حال ابو محمد محمود دهدار در صحایف ۲۹۷ و ۶۵۵-۶۵۶ و ۷۴۲ دیگر از مولفات اوست حاشیه بر رشحات .

ص ۶۵۶ ش ۱۲۰۲ : فنایی مشهدی ، از سادات رضوی بوده است .

ص ۶۵۹ ش ۱۲۳۰ : میر حسین سهوی ، مولانا که ال الدین میر حسین در خط شاگرد مولانا محمد حسین خطاط بود . در ۲۰ سالگی بحج رفت . نخست در تبریر بود و در استیلای تر کمان عثمانی از آنجا رفت و در ۹۹۷ در کاشان بود و دوازده سال در آنجا می زیست . سپس بهند رفت و در آنجا در گذشت .

ص ۶۵۹ ش ۱۲۳۶ : مرتضی سمنانی ، نسبت او را برخی بخط سیوستانی ضبط کرده اند .

ص ۶۶۵ ش ۱۲۷۲ : وقایع هروی ، تخلص وی را برخی وفاضبط کرده اند .  
برخی نوشته اند در زمان اکبر در اکبر آباد می زیسته و برخی گفته اند در زمان شاه  
جهان از راه دریا وارد بنگاله شده است .

ص ۶۷۰ ش ۱۲۹۵ : حسین الهی ادرییلی ، کمال الدین لقب داشته است .

ص ۶۷۰ ش ۱۲۹۹ : صدرالدین اسکویی ، پسر مهتر امیر ابوالقاسم اسکویی از  
سادات حسینی آذربایجان و از دانشمندان بوده است .

ص ۶۸۲ ش ۱۳۶۵ : شرف زردوز تبریزی ، چندی در شیراز و چندی در یزد  
زیسته است .

ص ۶۸۷ ش ۱۴۱۰ : احمد فنایی خلخالی ، از شاگردان غیاث الدین منصور  
و احمد ابیوردی و شمس الدین خفری و کمال الدین لاری در گذشته در ۹۸۵ بوده است .

ص ۶۸۸ ش ۱۴۱۸ : قوسی تبریزی ، نخست کمانگر بوده و در تبریزی زیسته  
و سپس باصفهان رفته و در پایان زندگی شکسته شده بود و عاشق پیشه بشمار می رفت  
و شش هزار بیت دیوان ترکی و فارسی از او مانده است .

ص ۷۰۷ ش ۱۵۵۴ : وحیدی تبریزی ، رساله دیگری بنام جمع مختصر  
نوشته است .

ص ۷۱۰ ش ۱۵۷۸ : مجدالدین طالبه ، از مشایخ قرن هفتم بوده است ،  
رجوع شود بصحیفه ۷۵۰ .



بر صحیفه ۷۱۱ و بر شاعران قرن دهم این چندتن را باید افزود :  
(۱۶۰۰) سکندر لودی ، پسر بهلول شاه از نژاد افغان و دومین پادشاه این  
سلسله بود که پس از پدر در ۸۹۴ بتخت سلطنت نشست . سلطنت خاندان خود را  
قوام داد چنانکه از یک طرف تا پنجاب و اوده و جانیپور و بهار تا بنگاله و از طرف  
دیگر تا ناگور قدرت بسیار بهم زد و مردی بسیار کار آمد و مدبر و دانش دوست و هنر-

پرور بود و بسیاری از دانشمندان از او برخوردار شدند . در ۹۲۳ در گذشت و زبان فارسی را بسیار دوست می داشت و آنرا رواج داد و در شعر فارسی استاد بود و مانند شعرای قدیم شعر استادانه فصیح می گفت و گلرخ تخلص می کرد .  
 (۱۶۰۱) **مجدالدین هابری** . از شاهران نیمه اول قرن دهم هندوستان بوده و از شعرا و اندکی مانده است .

(۱۶۰۲) **دونگرمل** ، هندو بوده و شعر فارسی می سروده و بیشتر غزل سرا بوده و از شعرا و نیز کم مانده است .

(۱۶۰۳) **بهادر شاه گجراتی** ، پسر دوم مظفر شاه دوم بود . پس از زردخوردی با پدرش بدر بار ابراهیم سلطان لودی آخرین پادشاه سلسله لودی رفت و در لشکر کشی پانی پت همراه او بود . پس از مرگ پدرش و جلوس برادرزاده پترش سکندر بگجرات بازگشت و در راه خبر کشته شدن برادرش باو رسید . در زیقعه ۹۲۲ در گجرات به سلطنت نشست و چنان در انتقام خون برادرش سختگیری کرده است که بابر در بر نامه وی را خون خوار و دیوانه دانسته است و در هر حال مردی سخت گیر و سریع العملی بود . در جنگ با همایون در ۹۴۰ شکست خورد و پرتغالیان را بیاری خود خواند و چون همایون از گجرات رفت و وی دوباره به سلطنت رسید از آن کار پشیمان شد و کوشید پرتغالیان را از سر خود باز کند . نایب السلطنه پرتغال ناوگان خود را ببندر دیو برد و بهانه بیماری حاضر نشد پیاده شود و باوی دیدار کند . وی دلیرانه تصمیم گرفت بکشتی برای دیدار نایب السلطنه برود . روز سوم رمضان بود و بهادر شاه شاید روزه دار بوده است و چون در می خوارگی افراد می کرد شاید در خمار می خوارگی شب پیش بوده باشد . چون دید بیماری نایب السلطنه بهانه بوده است خواست از کشتی برود اما پرتغالیان نگذاشتند و زردخوردی در گرفت و در آن میان بهادر شاه و در ۹۴۳ کشته شد و پیکرش بندریا افتاد و پرتغالیان بندر دیو را که مردم از آنجا رفته بودند تصرف کردند و

تاریخ کشته شدن وی را «سلطان شهیدالبر لبحر» یافتند. وی با آنکه مرد سخت گیر خونخواری بوده است چون در پایان زندگی این دلاوری را به خرج داد مردم گجرات وی را محترم شمردند. وی زبان فارسی را خوب می دانسته و باین زبان شعر می گفته است.

(۱۶۰۴) نصیرمنشی همدانی، شاعر و خوشنویس خط نستعلیق بوده و از خطوطی که از مانده بر می آید که تا ۹۴۸ زنده بوده است.

(۱۶۰۴) خواجه محمد یحیی، بسه واسطه نواده عبیدالله احرار پیشوای نقشبندیان و مردی دانشمند و طبیب معروف و خوشنویس بوده و شعر فارسی می گفته است.

(۱۶۰۶) درویش پاشا، پسر بایزید آقا از مردم شهر موستار در هرزک (هرز-گوین)، در کشور خود بنام درویش پاشا بایز اغیج یعنی پسر بایزید آقا معروف بوده است. در زمان سلطان سلیمان دوم که کشورش مستعمره آل عثمان بود با دسته ای که بنام عجم اغلان معروف بود بدر بار عثمانی رفت و نزد سودی شارح معروف دیوان حافظ و دانشمندان دیگر در سرای آت میدان درس خواند و ترکی و فارسی و عربی را موخت با اندازه ای که فرمان سلطان مراد منظومه ای از فارسی بترکی ترجمه کرد و در ۹۹۵ بدین کار آغاز کرد. مدتی هم حکمرانی سرزمین بوسنه را داشت و از کار گزاران محتشم در بار آل عثمان بود و سرانجام در جنگ بامجارستان و مراصره بود اوست در ۱۰۱۲ دلیرانه کشته شد. وی شعر ترکی و فارسی را خوب می سروده است.

(۱۶۰۷) بهاء الدین ابن تاج گیلانی، شعر را بروش قدما بسیار خوب می گفته و ابن تاج و ابن تاج گیل تخلص می کرده و چند غزل از مانده است.

(۱۶۰۸) قاضی صفی الدین عیسی قزوینی، پسر دوم میر یحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی حسینی مورخ معروف و برادر مهتر امیر علاءالدوله کامی شاعر بوده

و در ۹۷۶ وارد هند شده و مانند برادرش از بهر فتاریهای صفویه با اهل سنت گریخته و بهند پناه برده و در اگره در ربیع الاول ۹۸۰ در گذشته است پسرش غیاث الدین علی احمد ملقب بنقلیب خان داماد میر محمود محوی و از ندیمان مقرب جلال الدین محمد اکبر بوده است . قاضی صفی الدین شعر فارسی را استادانه می سروده است .

(۱۶۰۹) **میر شکرالله شگری** ، پسر قاضی صفی الدین عیسی سابق الذکر متولد در ۹۴۲ که بیش ازین از احوالش آگاهی نیست نیز شاعر بوده است .

(۱۶۱۰) **حکیم شمس الدین محمد محقق خفری**، از مردم خفر فارس ساکن کاشان و از شاگردان صدر الدین شیرازی و فقیه و حکیم معروف زمان خود بوده و در علوم دیگر نیز دست داشته و تا ۹۴۰ زنده بوده است . از جمله مؤلفات اوست: رساله در اثبات واجب ، منتهی الادراک در هیئت ، رساله در علم رمل ، رساله الهیات و شعر نیز می سروده است .

(۱۶۱۱) **امیر سید عبدالله برزش آبادی** ، پسر سید محمد عبدالحی بن سید علی طوسی و مرید ابو عبدالله حسام الدین حسین بن حیدر اصفهانی و او مرید رکن الدین حبشی بوده است . از مشایخ معروف زمان خود بوده و در خاک ختلان می زیسته و شعر عارفانه را استادانه می گفته و جزین از احوالش آگاهی نیست .

(۱۶۱۲) **درویش محمد بن دوست محمد بخاری** ، از اصحاب خواجبه عبیدالله احرار در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ذیحجه ۹۰۹ منتخبی از مثنوی مولانا جلال الدین فراهم کرده است .

(۱۶۱۳) **غنائی**، از شاعران ماوراءالنهر بوده و در ۹۶۰ ولادت یافته و جزین در باره اش آگاهی نیست و منظومه ای در تاریخ ماوراءالنهر از او مانده است .

(۱۶۱۴) **امیر سلطان محمد رشتی** ، از شاهزادگان گیلان بوده و در زمان شاه طهماسب و بدستور وی چندی فرمانروای رشت بوده و غزل را استادانه می سروده است .

دیگر از آثار منظوم قرن دهم که سراینده آن معلوم نیست مثنوی میرووزیر  
بروزن خسرو شیرین نظامی شامل ۵۵۰ بیت است که در ۹۵۱ پایان رسیده است .



بر صحیفه ۷۸۵ درباره نویسندگان قرن دهم این نکته را باید افزود :  
ابوبکر طهرانی از تاریخ نویسان این دوره تاریخ جهان آرا را بنام شاه طهماسب  
تا حوادث سال ۹۳۰ نوشته است .



## فاطمنامه

صحیفه	سطر	نادرست	درست
۲۴	۹	ابو لقاسم بن بشر	ابو لقاسم بشر
۵۵	۳	۴۲۷	۴۶۸
۵۶	۵	بخط	بخطا
۶۰	۳	ابو حفص	ابو حفص
۶۰	۱۰	ابو المظفر	ابو حاتم مظفر
۷۱	۷	ابو طاهر حسن	ابو طاهر محمد بن حسن
۷۶	۲۴	حالی	حالی و سپس بنایی
۹۴	۵	منکبرنی	منکبرلی
۹۹	۲	رض	رضی
۱۰۵	۲	۵۵۲	۵۵۹
۱۰۵	۱۲	نامہ راکہ	نامہ کہ
۱۱۱	۱۲	زبدۃ الحقایق معروف بتمہیدات	زبدۃ الحقایق بعربی و تمہیدات فارسی
۱۱۱	۲۰	البازل	البادل
۱۲۹	۲	ابو نصر	ابو نصر
۱۳۳	۱۸	منکبرنی	منکبرلی
۱۴۱	۱۴	نجیب الدین	ضیا الدین ابو النجیب
۱۵۲	۱۵	۶۴۳	۵۴۳
۱۵۲	۱۵	۶۷۲	۵۴۹
۱۵۳	۱۸	قراختنانی	قراختنایی
۱۵۳	۲۵	جسہ	جشتی
۱۵۴	۲۳	صدرالہ	صدر
۱۶۹	۵	نزهۃ المجالس	طرب المجالس
۱۷۰	۱۶	۷۳۰	۷۵۲

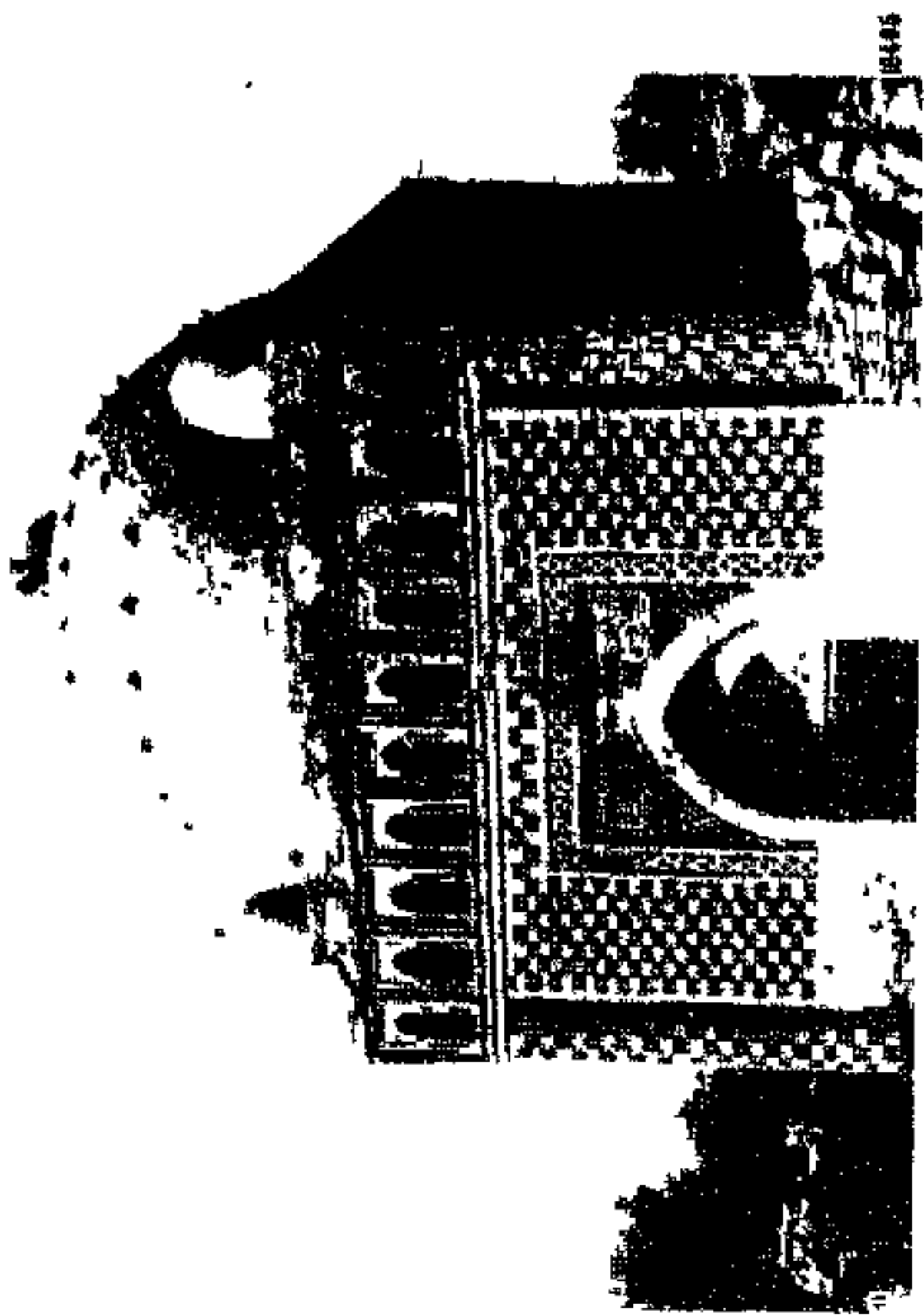


صحیفہ	سطر	تادریست	درست
۱۷۴	۲۲	مظفر	مظہر
۱۷۵	۶	ظاہر	طاہر
۱۶۹	۹	پہین	یمین
۱۶۹	۲۱	سلجوقشاہ	سلجوقشاہ
۱۸۴	۱۰	نخجواذ	نخجوانی
۱۸۶	۲۲	اینجور	اینجو
۱۸۷	۴	اولہ ماہ	اولیاء
۱۹۲	۱۷	نظنری	نظنری
۱۹۶	۵	صایف	صحایف
۱۹۸	۲۴	یمقوب	یمقوب
۱۹۹	۲۱	وادر	رادر
۲۰۴	۱۶	دوسال	درسال
۲۰۵	۱۳	متوقی	متوقی
۲۰۹	۲۳	محمود	محمد
۲۱۰	۱۸	حن	حسن
۲۰۲	۱۶	پشر	پسر
۲۰۲	۲۰	برسرخ	برسر
۲۱۵	۱۰	ودرہ	کہ در دوشنبہ ۱۵
۲۱۷	۱۲	۷۹۷	۵۹۷
۲۲۰	۱۵	نیزاز	پیر و طریقہ
۲۲۱	۱۱	تایباد	تایبادی
۲۳۲	۲	۸۲۴	۸۴۲
۲۳۲	۱۶	۹۱۲	۹۱۲ یا
۲۳۷	۵	مووسر نامہ	بوسہ نامہ
۲۳۷	۷	اجمد	احمد
۲۳۹	۱۳	خاوندشامن	خاوندشاہ بن
۲۴۰	۱۲	۹۲	۹۱۲
۲۴۰	۲۳	لاخبار	الاخبار
۲۴۲	۲۲	امادراء	ماوراء
۲۴۸	۹	شہور	شہور
۲۴۸	۱۶	حک	جنک
۲۴۸	۲۰	جماق	چقماق
۲۴۹	۲۱	۸۴۱	۸۴۱

صحیفہ	سطر	نادرست	درست
۲۵۱	۲۱	یقطان	یقطان
۲۵۲	۳	آغار	آغاز
۲۵۲	۱۱	داشتہ	داشته
۲۵۲	۱۳	مکاتلیز	مکاتلیبر
۲۵۳	۸	۸۶۱	۸۲۶
۲۵۶	۱۵	ددربارہ	دربارہ
۲۶۱	۶	مجی	محبی
۲۴۲	۲۴	ور	در
۲۴۳	۴	المغربین	المغربین
۲۶۹	۱۹	۸۲۳	۸۴۲
۳۰۴	۲۱	رمصادرہ	ومصادرہ
۳۱۰	۲	باسکندر	اسکندر
۳۱۵	۴	اسدی	امیدی
۳۱۹	۱۴	تور بخشید	نور بخشید
۳۴۶	۲۰	دیلمی	دیلمی
۳۵۸	۱۷	سکھر	پھکر
۳۸۱	۱۳	روزبھان	فضل الہ بن روزبھان
۳۸۵	۸	پری جان	پری خان
۳۸۵	۱۱	درست	در دست
۳۹۹	۲۱	مظفر بن	مظفر بن
۴۰۳	۸	لقایی	بقایی
۴۲۲	۲۰	ابوگرہ	مالوگرہ
۴۳۲	۱۰	گجرات	گجرات
۴۳۹	۳	۹۱	۹۱۱
۴۴۳	۱۴	پری جان	پری خان
۴۵۳	۵	باہلی	کاہلی
۴۵۶	۱۲	۹۸۶	۹۶۸
۴۶۳	۱۹	۹۳۳	۹۹۳
۴۶۸	۲۱	امرسد	امیرسید
۴۷۵	۱۷	۹۶۲	۹۵۳
۴۷۶	۳	دوم	چہارم
۴۷۶	۹	چیچک	ہاہ چیچک
۴۹۱	۱	جک	جنک

صحیفہ	سطر	فادرست	درست
۴۸۶	۱۲	سرا انجام	سرا انجام
۴۸۷	۲۴	سرا انجام	سرا انجام
۴۸۸	۱۰	درباریا پیش	درباریا پیش
۴۷۹	۲۰	سلسلہ	سلسلہ دا
۴۹۴	۱۱	انتظار	انتظار
۵۰۸	۲۲	غازی	قاضی
۵۱۰	۲	درباریان	درباریان
۵۱۰	۲	درضمن	درضمن
۵۱۰	۱۲	ناہیدہ	ناہید
۶۱۸	۲۰	استراپای	استراپادی
۵۵۷	۱۴	ایقایی	ایقانی
۵۵۷	۱۶	ایقایی	ایقانی
۵۵۸	۹	حسن	حسین
۵۶۱	۱۸	قاسم	قاسم
۵۶۹	۱۲	جو انمرد	جو انمرد علی
۵۶۹	۱۲	ابوسید	ابوسعیدہ
۵۹۴	۲۲	لقایی	بقایی
۵۹۵	۲۴	امیری	امینی
۵۹۹	۶	۹۷۱د	در ۹۷۱
۶۰۳	۵	محمود	محمد
۶۰۴	۶	لقایی	بقایی
۹۰۶	۲۱	جو نپور پادشاہ	جو نپور پادشاہ
۶۰۸	۴	میرزا	میرزا
۶۱۳	۵	مونا	مولانا
۶۲۴	۱۴	مری	مردی
۶۲۷	۱	خسرو	حسرو
۶۴۱	۱۱	عبداللہ	عبدالوہاب
۵۴۵	۲۱	رفنہ	رفنہ
۶۵۹	۴	میر حسن	میر حسین
۶۶۰	۹	۱۰۴۰	۱۰۰۴
۶۶۳	۱۱	اللہ سلام	تہ سلام
۶۶۳	۱۱	امامت و شرح	امامت شرح

صحیفہ	سطر	فادرست	درست
۶۶۸	۱۳	متل	میل
۶۷۱	۱۶	میرا	میررا
۶۷۹	۲۱	فرماندار	فرمان سردار
۶۷۹	۲۳	سیبی	شلیک
۶۸۰	۲۰	قیچاق	قیچاق
۶۸۴	۲۰	سیلی	سیری
۶۷۴	۲۲	صفر قلی	صفی قلی
۶۰۳	۱۱	سرح	سرع
۷۰۸	۱۲	نقل	نقل
۷۰۹	۱۰	کالیسی	کالیپی
۷۰۳	۱۴	امیر طاہر	امیر محمد طاہر
۷۱۸	۲۱	سهران	ایران شاہ
۷۲۶	۱۰	سرور	سروار
۷۲۳	۶	حدابندہ	حربندہ
۷۲۳	۸	سلح	سلخ
۷۳۳	۹	حدابندہ	حربندہ
۷۲۳	۱۱	حدابندہ	حربندہ
۷۳۴	۱۶	ملخص	ملخص
۷۳۶	۷	حانہ	حان
۷۴۲	۱۷	تدیس	تدیس
۷۵۲	۲۳	تدیس	تدیس
۷۵۲	۱۷	ص ۱۹۶	ص ۱۹۳



اسم ل م دھارا



۲۰ - تصویر رودکی که گراسیموف دانشمند شوروی  
از روی چمچه اوساخته است



۲۔ تصویر رومی کی کندہ کاری روی چوب کاری کی از هنرمندان تاجیک



۴- تصویر خیالی رودکی از آقای حسین بهزاد



۵- وضع کتونی قهیر رود کی در پینج روه ک نزدیک پنج کت در تاجیکستان





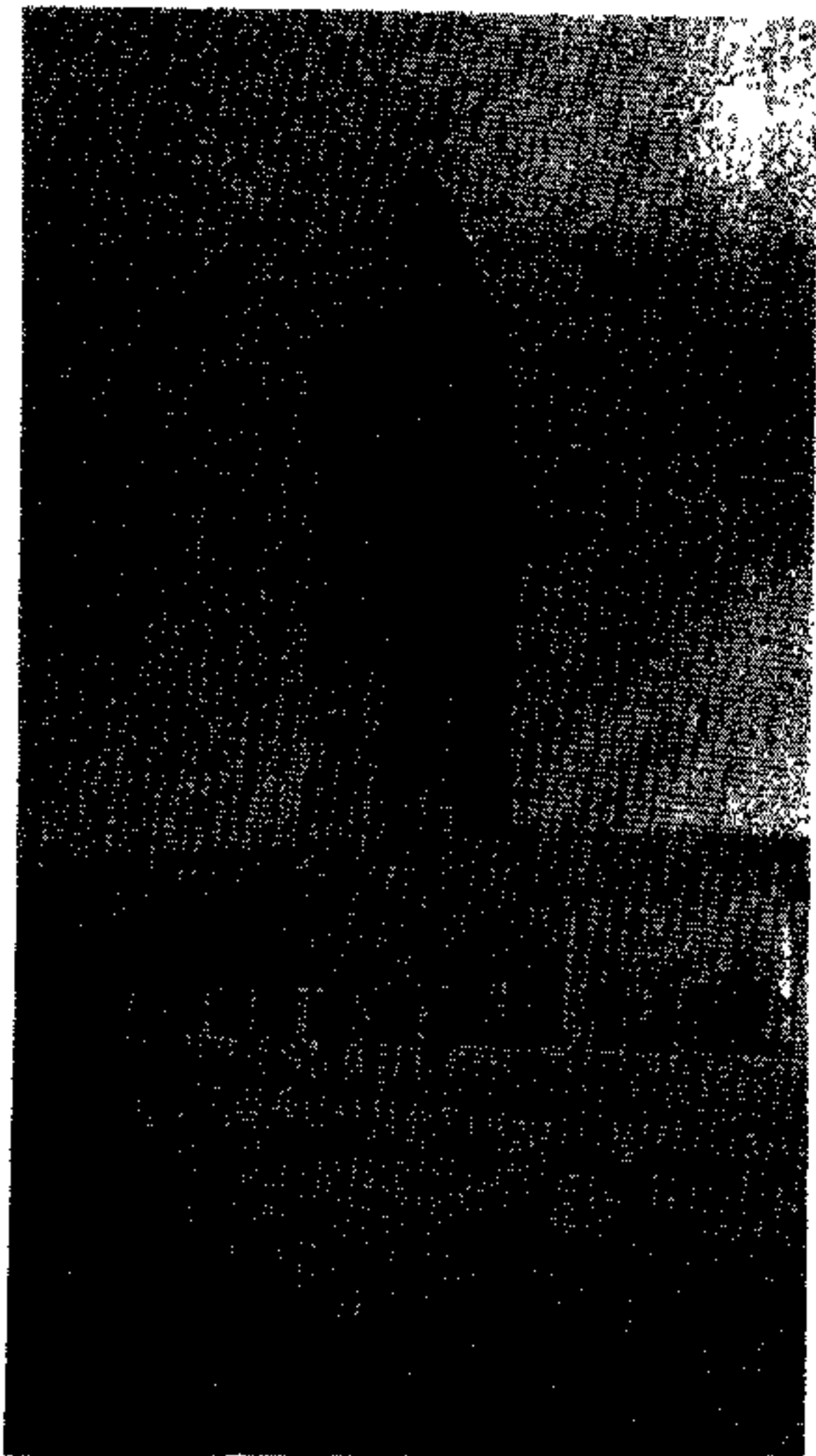
- قسراپوسعيد ابوالخير در شيرميچنه در ترکمنستان



۷- قهیر باباطاهر، عریان دره، دندان عکس از آقای مرتضوی، سته‌هی



۸- قبر ابوعلی دقاقدر محل معروف بمقبره بیرون شور نسا در ترکمنستان



۹- گنبد قابوس - قبر قابوس بن وشمگیر



۱۰- چوچه ابن سینا که در قبر وی در همدان پائنه اند

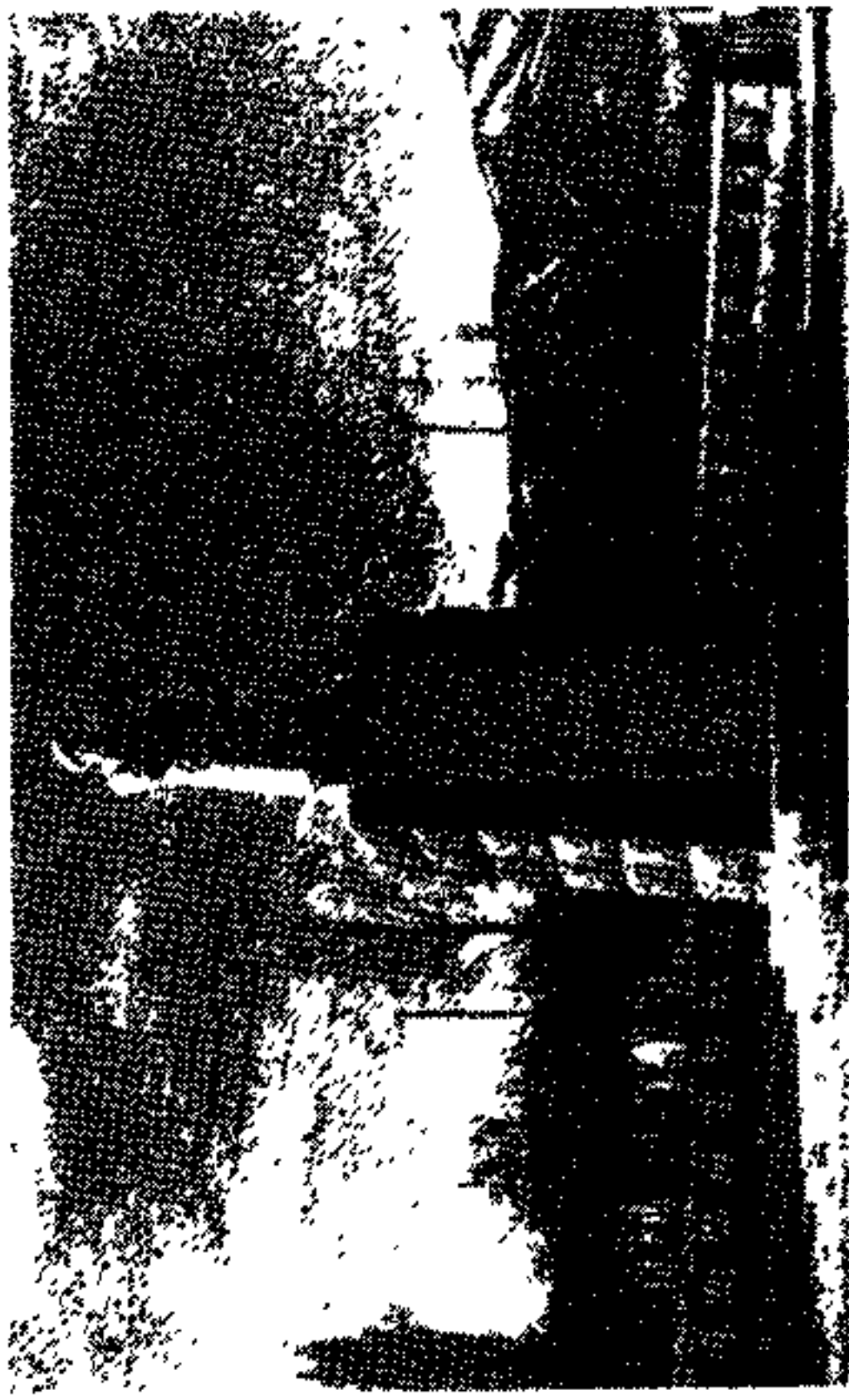


۱۱ - تصویر ابن سینا که گراسیموف دانشمند شوروی  
از روی مجسمه او ساخته است



۱۲- تصویر خیالی ابن سینا از آقای ابوالحسن صدیقی





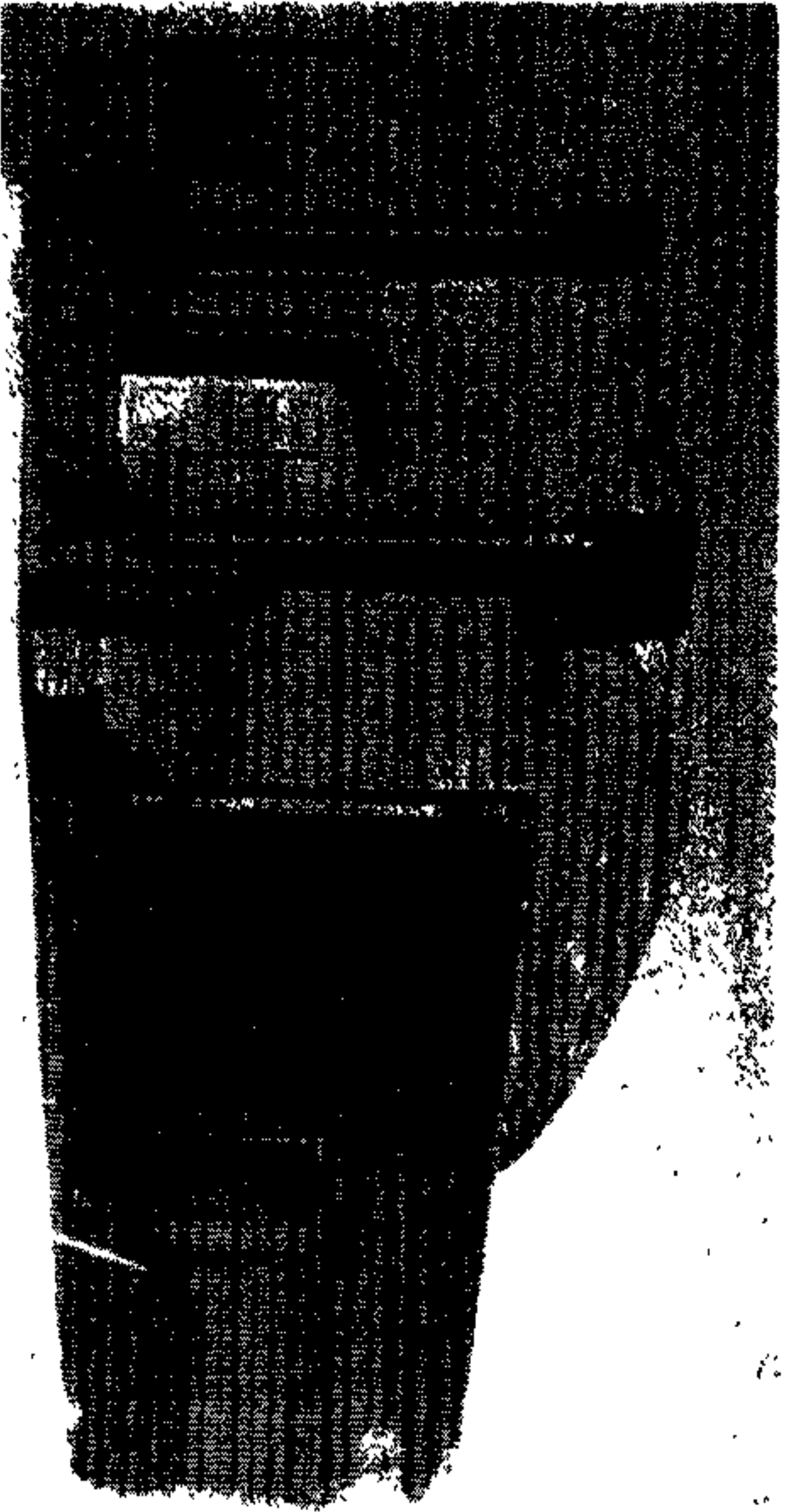
۱۳ - مسجد ابن سینا در همدان

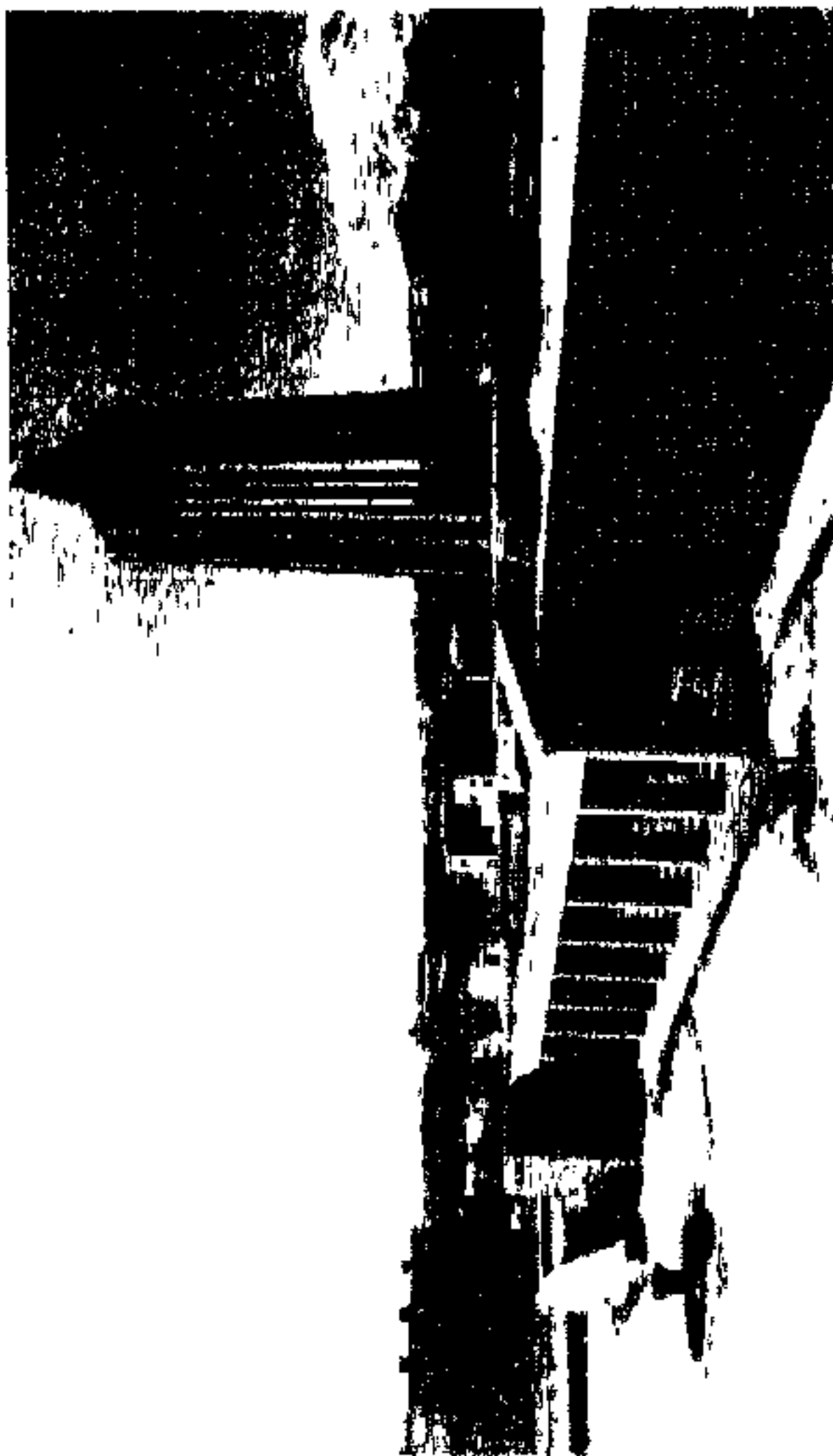


۱۴- گنبد معروف به مدرس ابن سینا در محله در دشت اصفهان



۴ - وضو سابق قبر ابن سینا در مشهد





۱۷- وضع تکنوی قسرا نسا در همدان



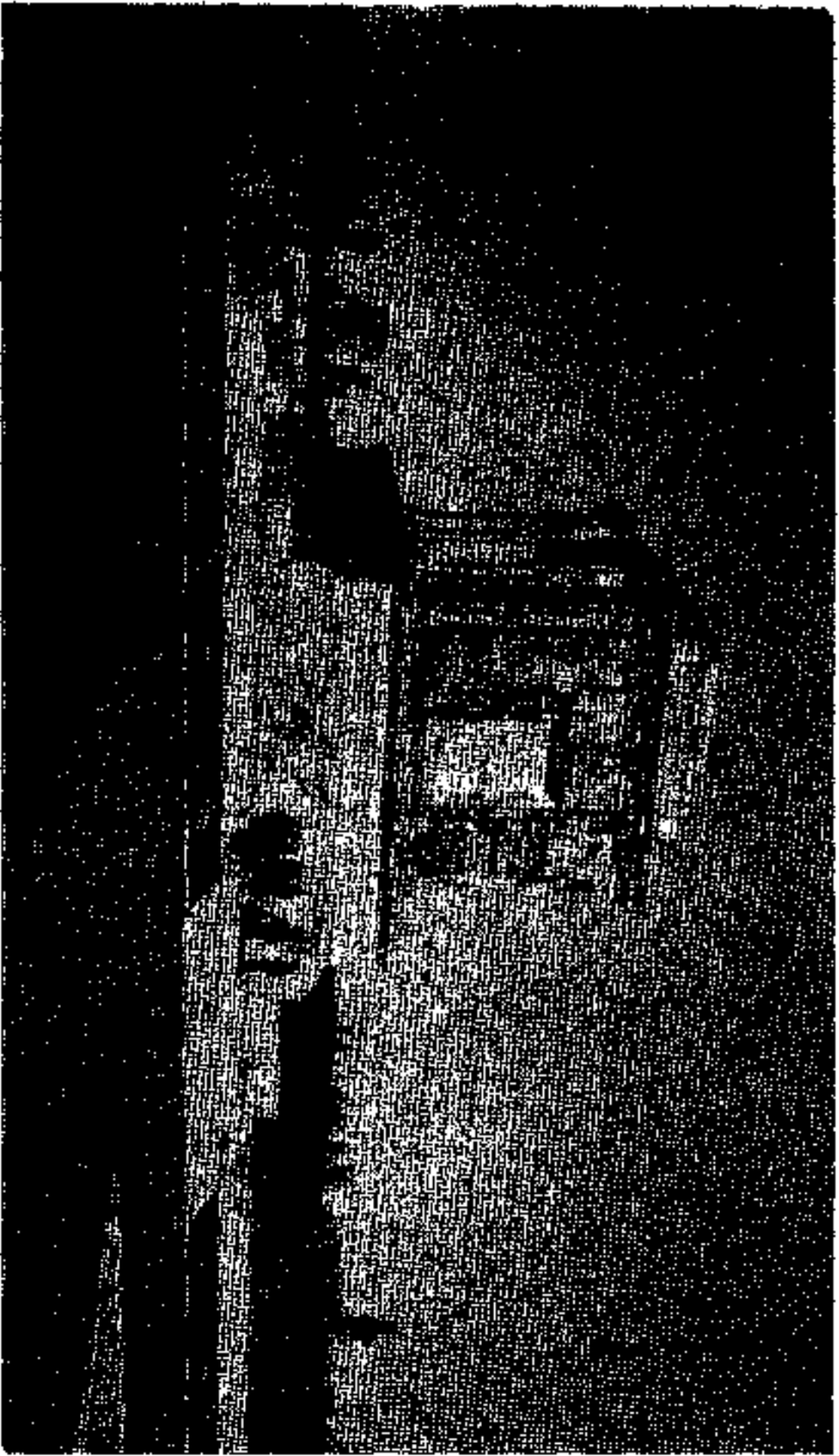
ترکیه ۱۳۵۴

۱۸ - تصویر خیالی فردوسی از آقای جوادی پور



۱۹ - مجسمه فردوسی کار آقای رسام ارژنگی

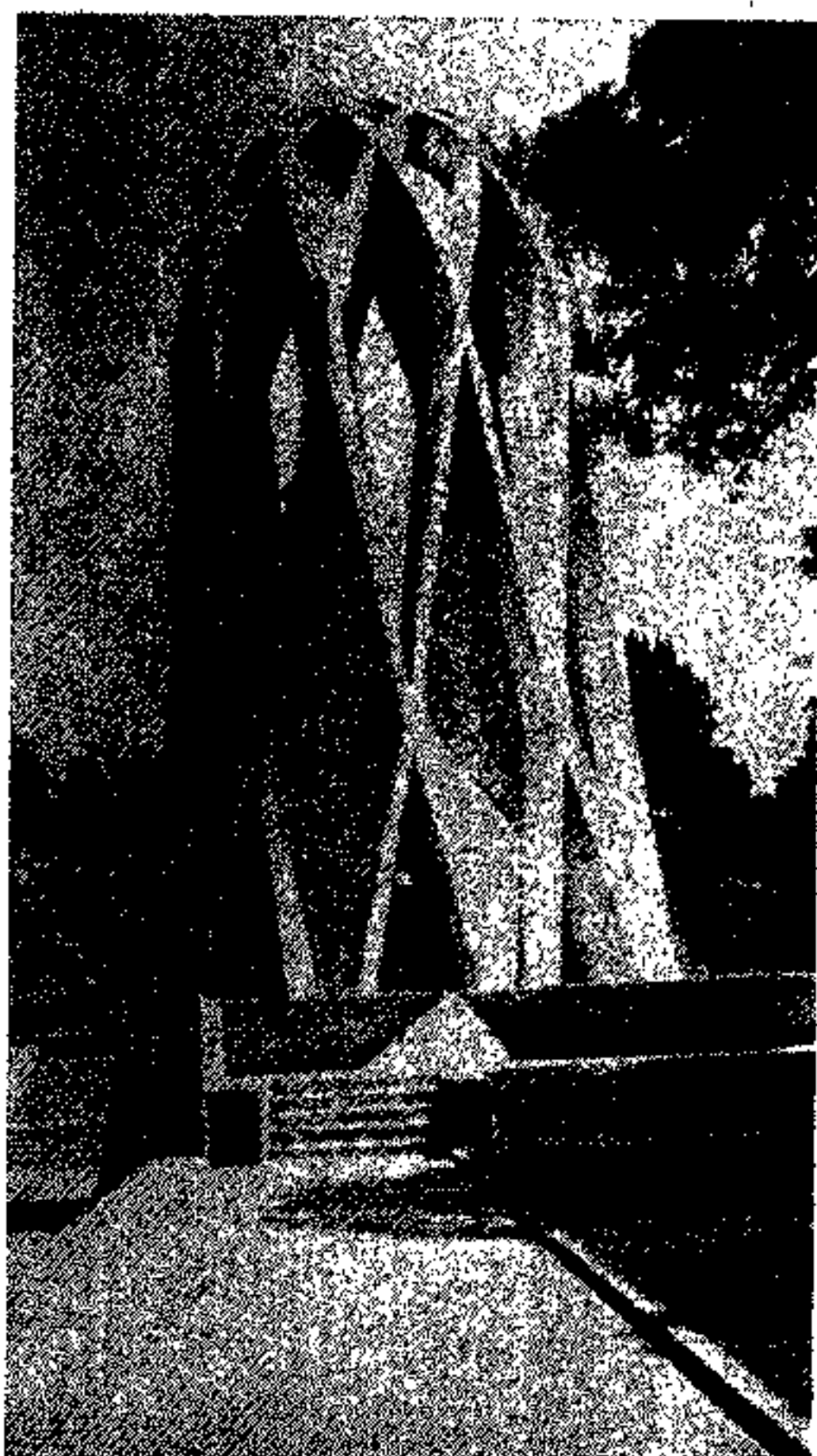
۲۰- وضع کنونی قبر فی دوسی







۱۳۱ - بقعة مسرووف بهما کوهی در بیرون شهر



۲۲- وضع کنونی قبر عمر خیام



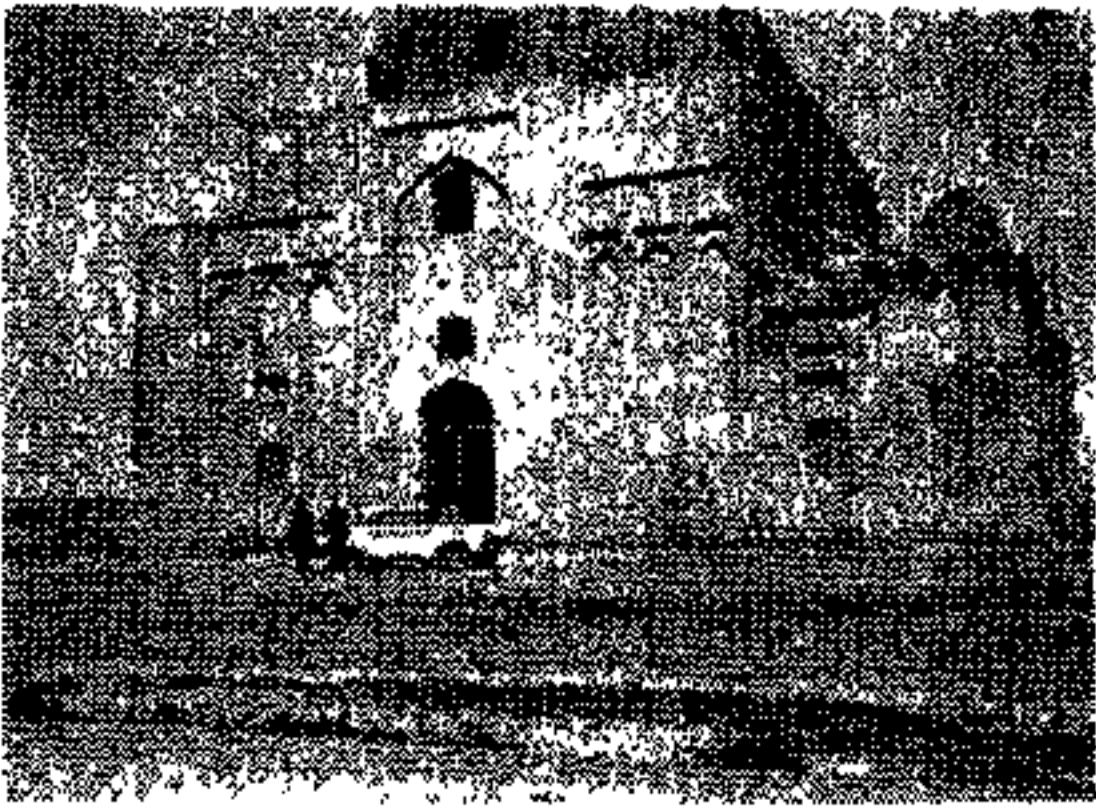
۲۳- قس نظام الملک سلجوقیان در اصفهان



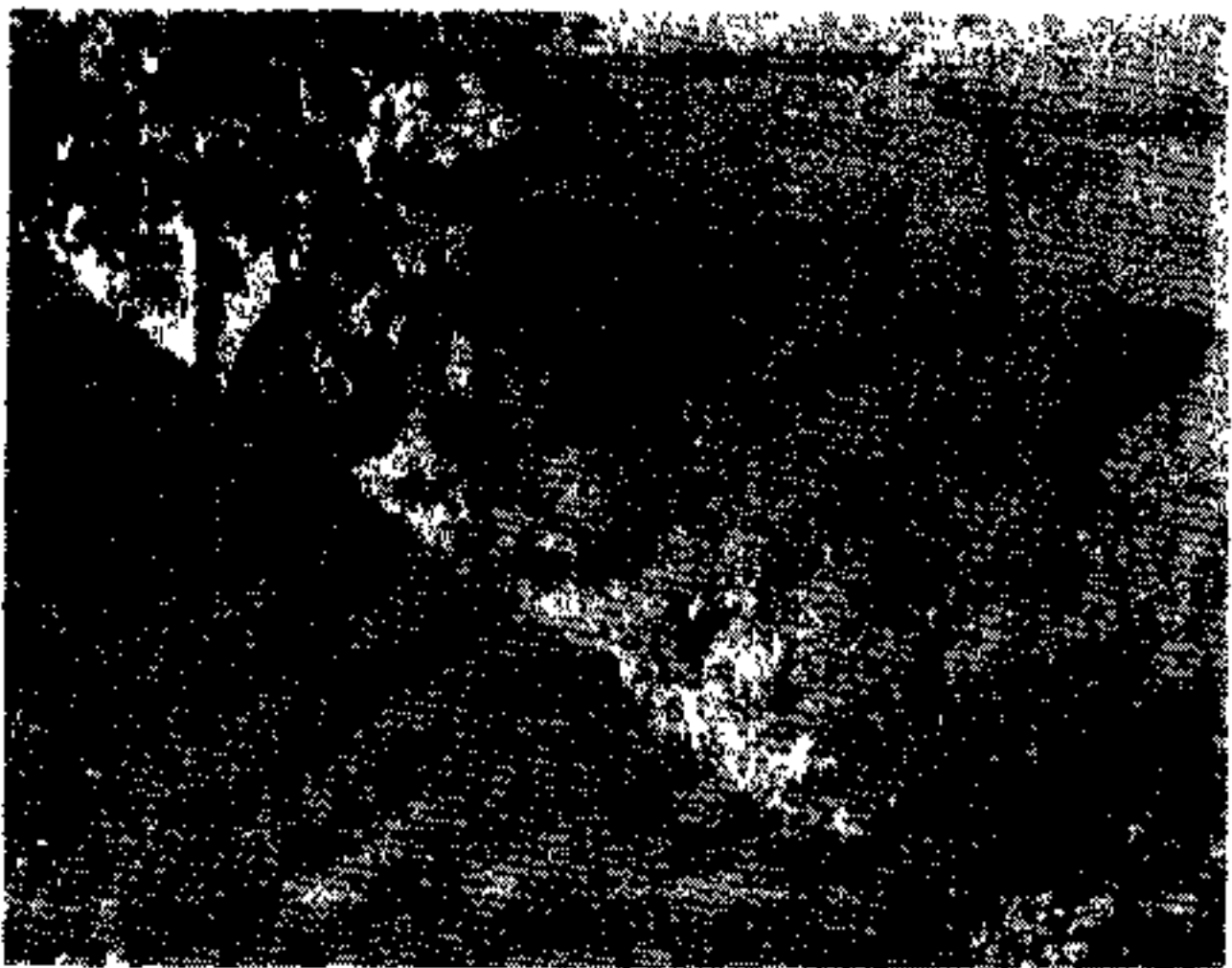
۲۴- سنگ قبر نظام الملک در اصفهان



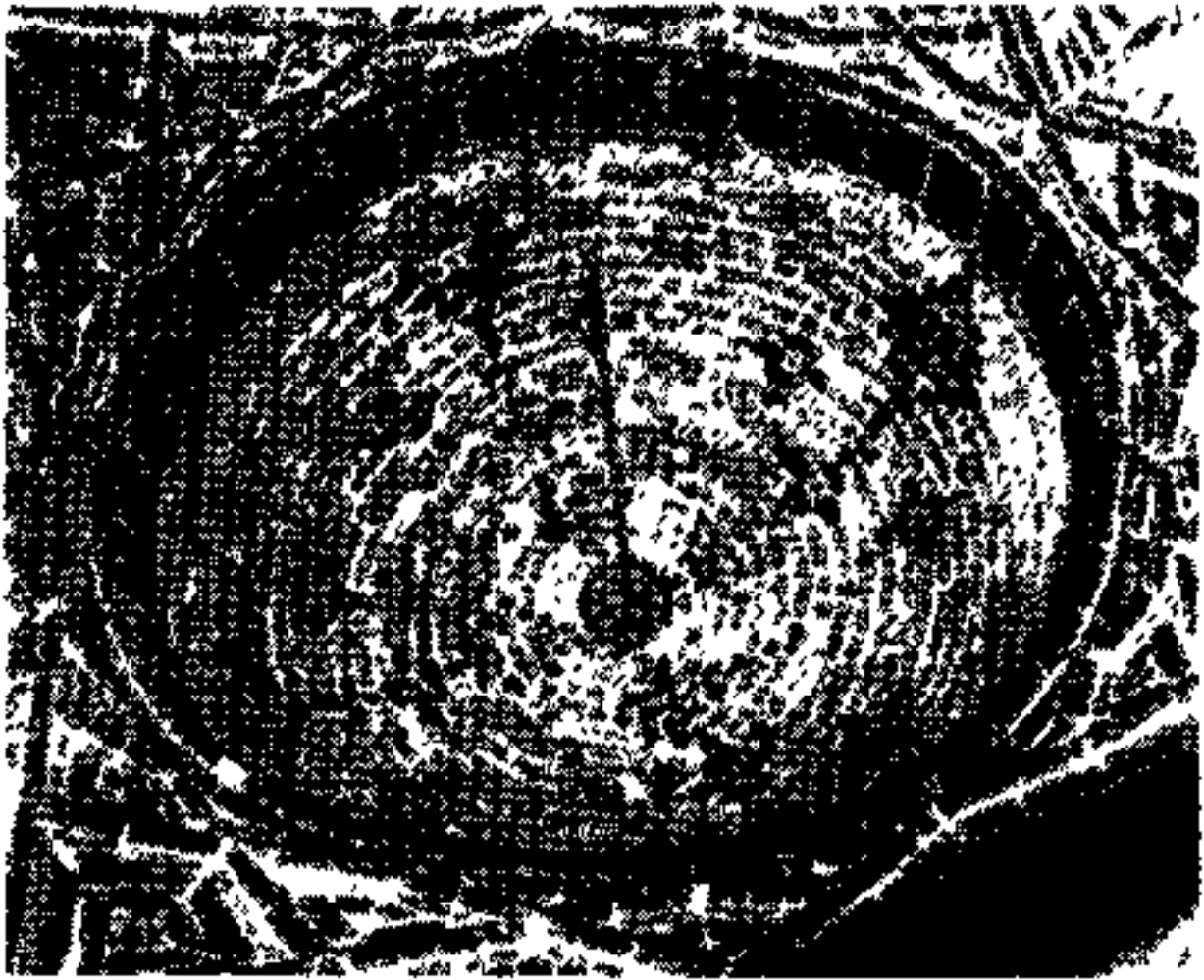
۲۵- تصویر خدای امام غزالی از جبران خلیل جبران شاعر معروف لبنانی



۲۶- ساختمانی از شهر طوس که احتمال می‌رود خانقاه امام غزالی بوده باشد



۲۷- نمای قبر احمدغزالی در قزوین عکس از آقای مرتضی رستمی



۲۸- اندرون گنبد قبر احمد غزالی در قزوین عکس از آقای مرتضی دستغیب





۲۹- گوشه‌ای از قبر احمدغزالی در قزوین عکس از آقای مرتضی رستمی



۳۰- قبر احمد غزالی در قزوین عکس از آقای مرتضی دستمعی



۱۳۱- قبرستانی در شیراز



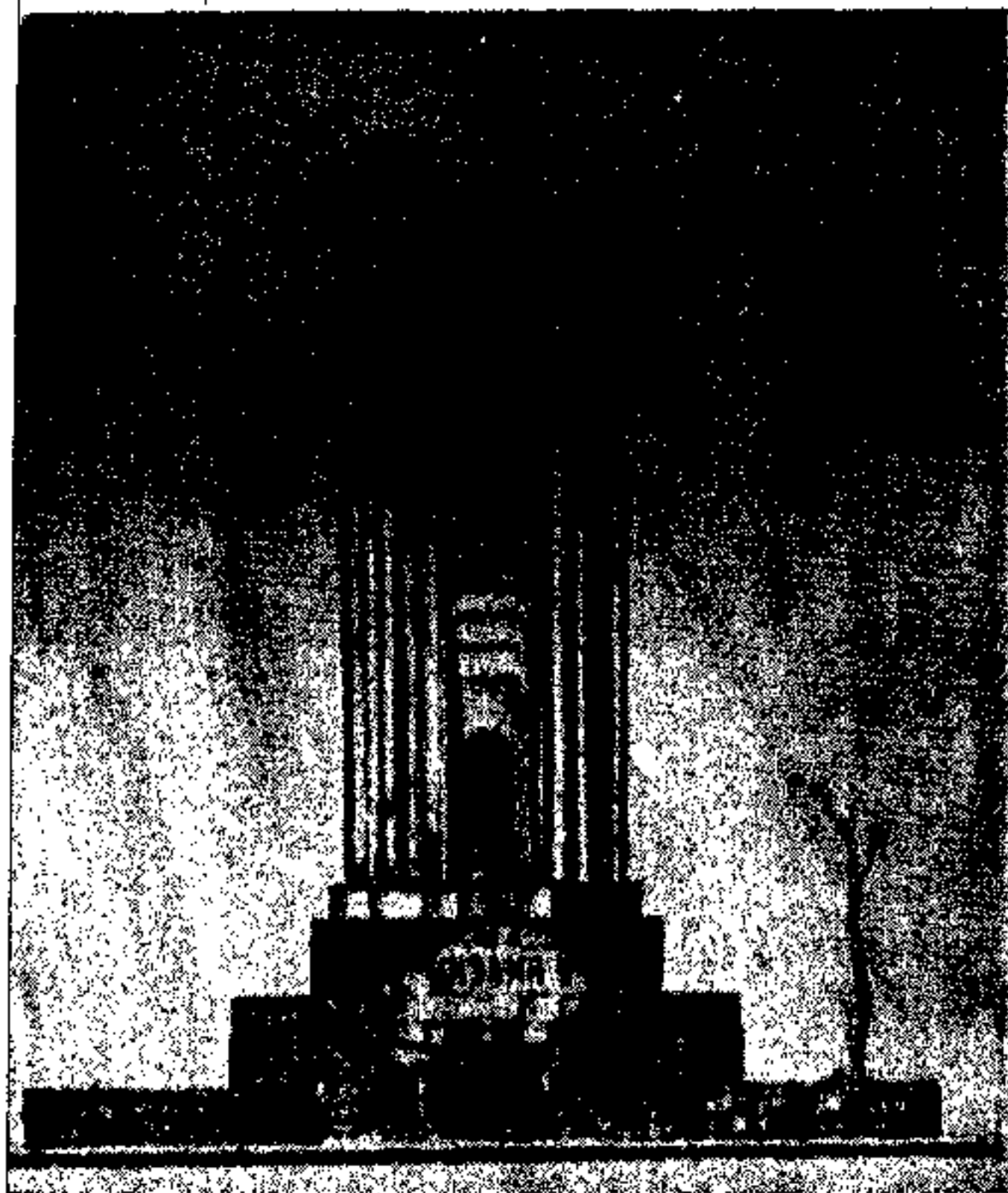
۳۲- قبر طغرل در محل شهری



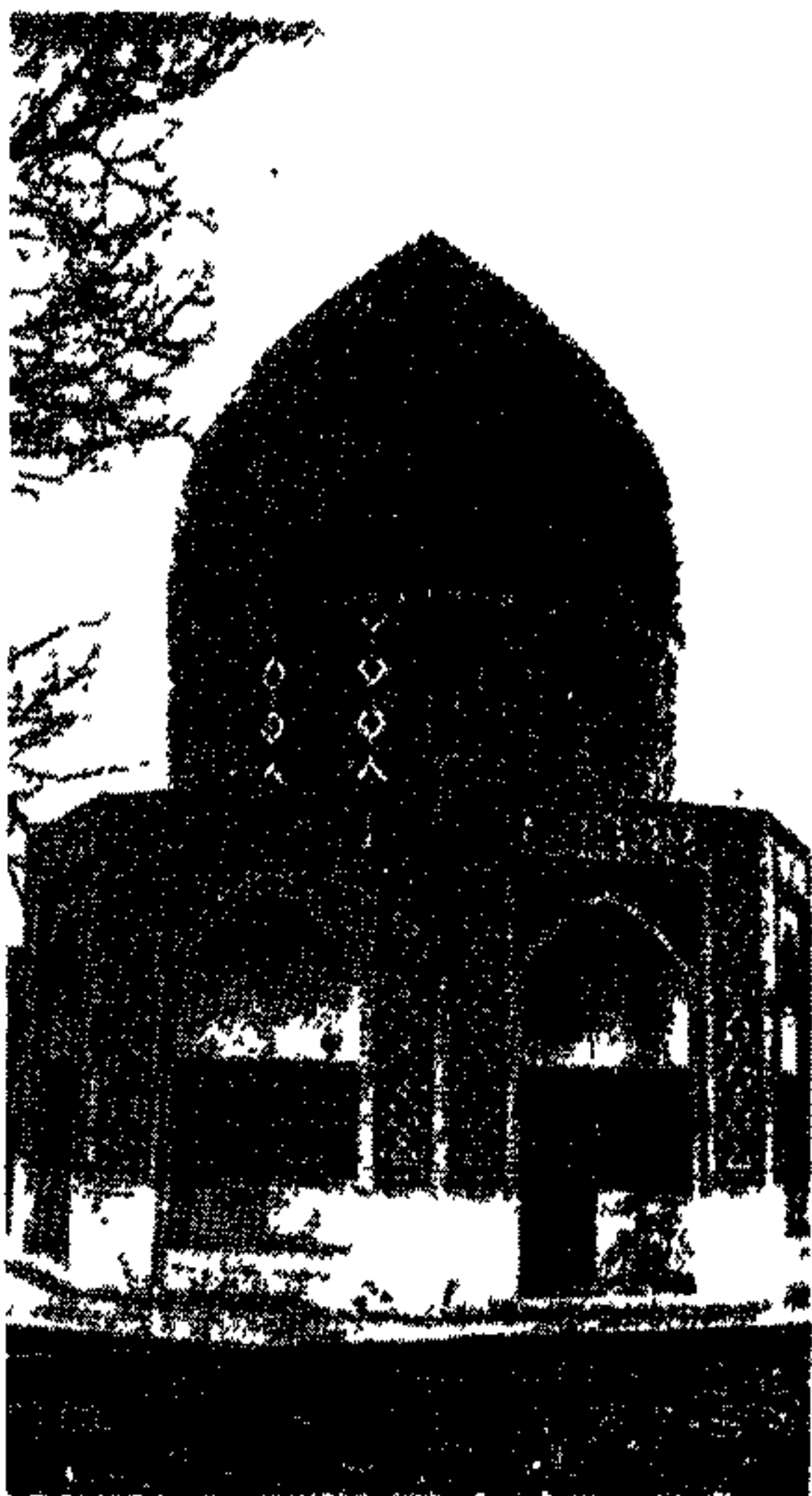
۳۳ = تصویر خیالی نظامی در دوره نظامی در شهر باکو



۳۴ - مجسمہ نظامی در شیر پاکو



۳۵- ساختمان کنونی قبر نظامی در بیرون شهر گنجه



۳۵ - وسیع آد - لار - د شانور - عکس از آقای مرتضی رستمی





00-215 15 05 Jul 68 00 - 177



۳۸ - قریب عید القادر گیلانی و شہزاد الہدین سہووردی در پشداد  
مکس از آقای مر تفتی رستمی



۳۹- تصویر خیالی خواجه نصیرالدین طوسی از آقای ابوالحسن صدیقی



۳۰ - مرحمد اللّه مستوفی در وروین



۴۱- قمرانصل الدین کاشانی درمرق کاشان



۴۲- تصویر خیالی صفی‌الدین ارموی از آقای حسین بهزاد



۴۳۳. خانقاه علاءالدوله سمنانی در صوفی آباد سمنان  
عکس از آقای مرتضی رستمی



۴۴- تصویر خیالی مولانا جلال‌الدین آرقای حسین بهزاد





۴۵- قبر مولانا جلال الدین در قوبره



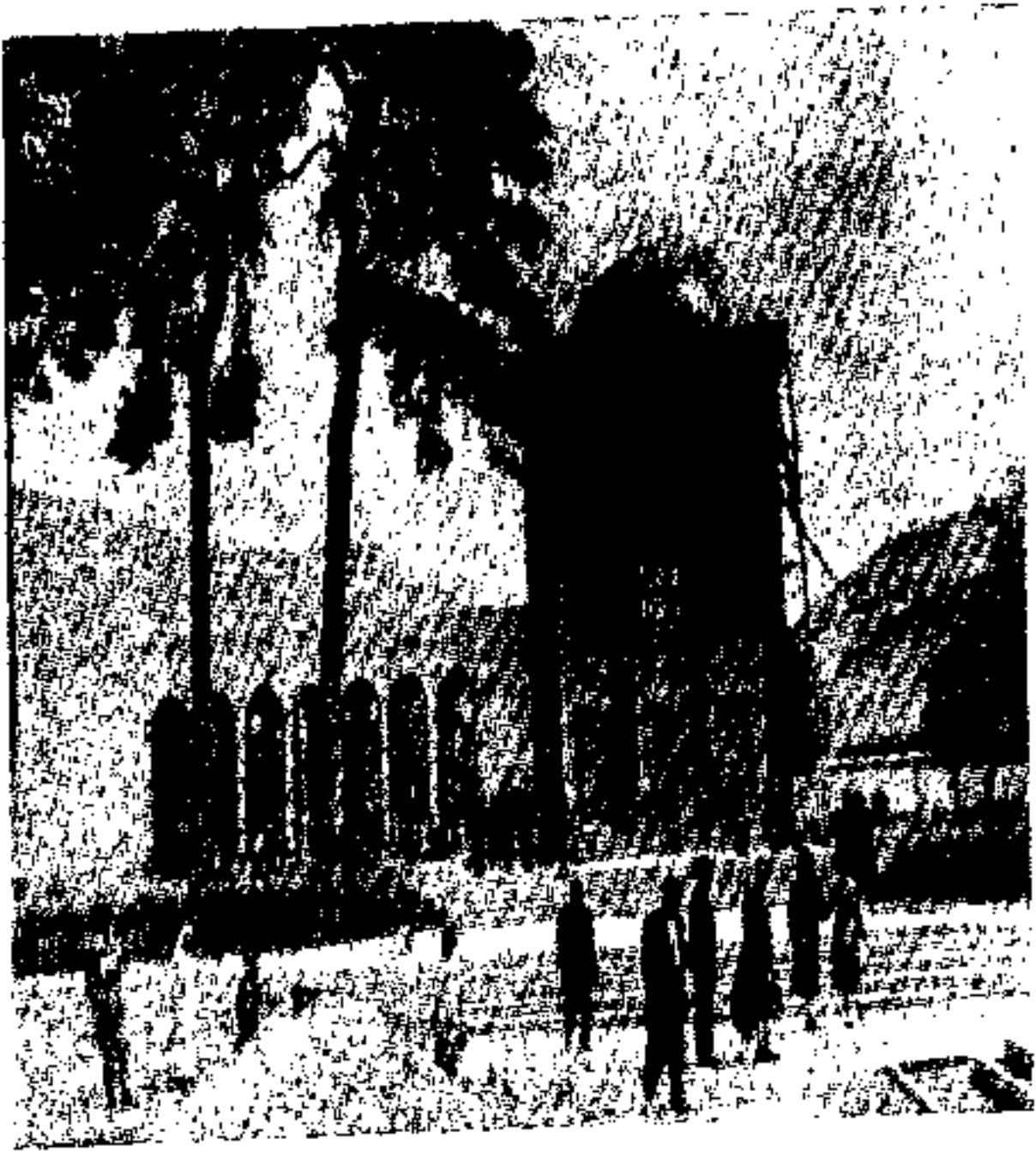
۴۶- تصویر خیالی سندی کارمکی از نقاشان سابق



۴۷- تصویر خیالی سعدی از آقای جوادی پور

۷۴۸- وضع سابق قبرستان





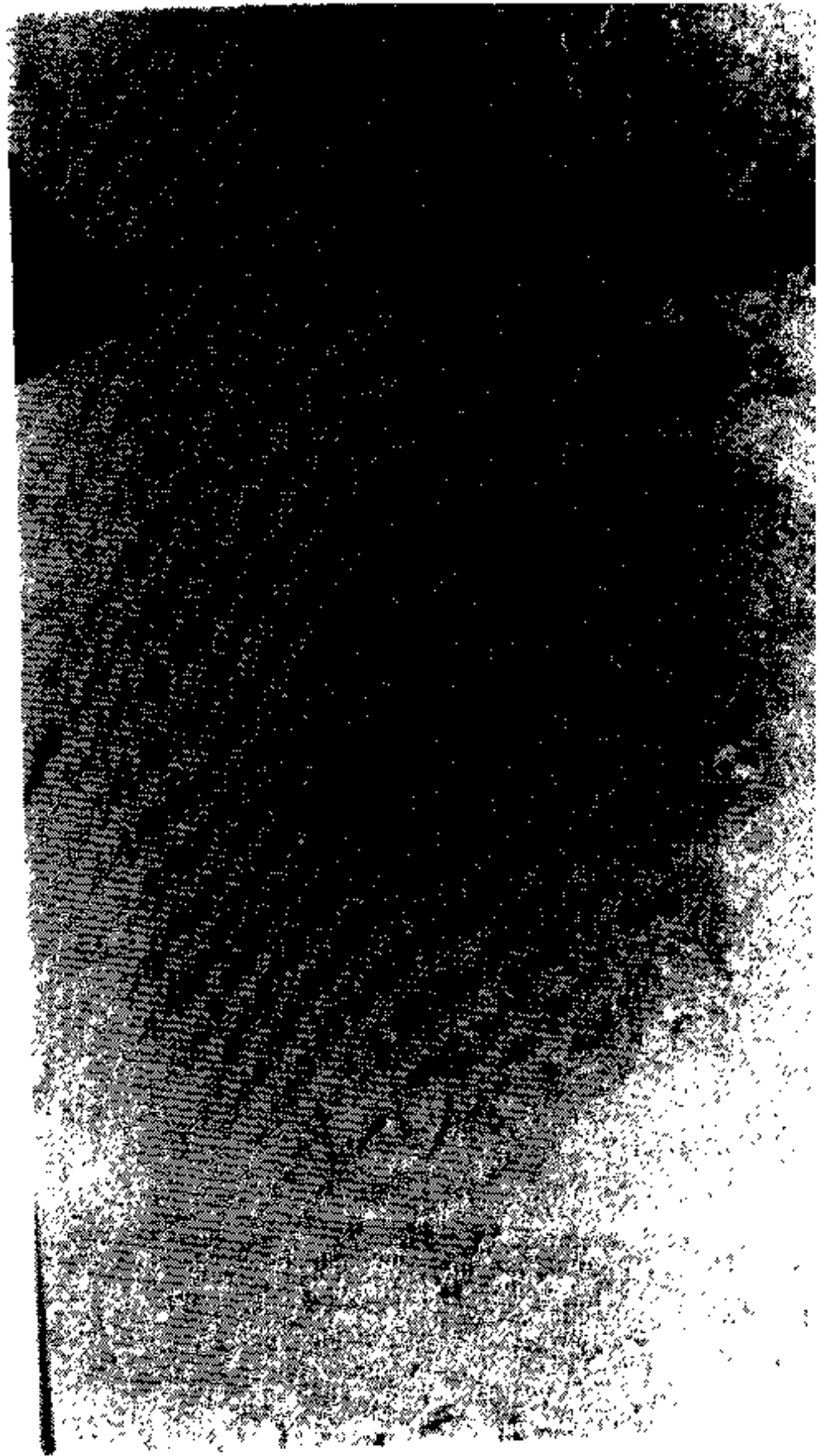
۴۹- وضع کنونی قمر سہتی



۵۰- تصویر حای شاه نعمت‌الله‌ولی



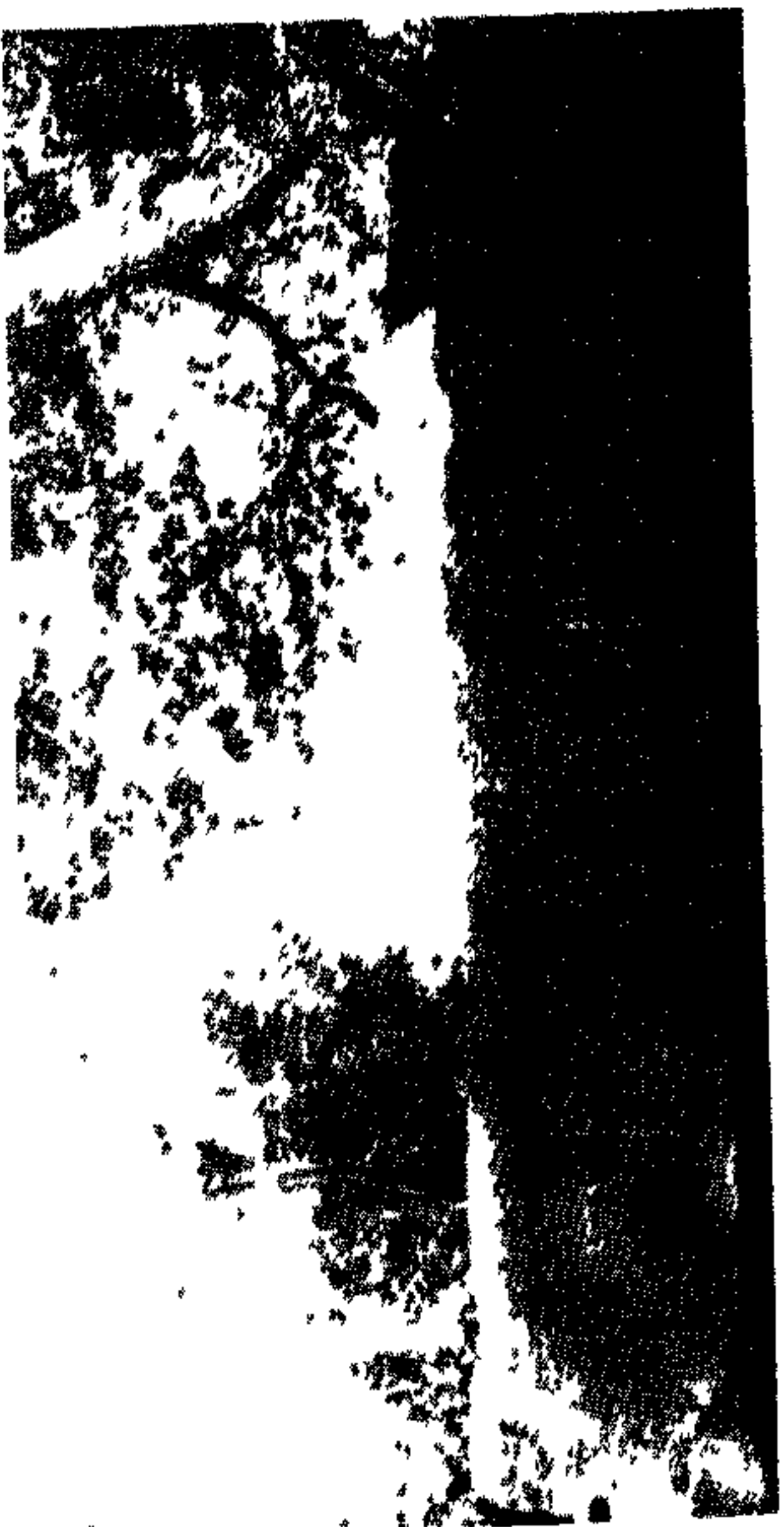
۱۰۰ - قبرستان حضرت زین العابدین (ع) در قم







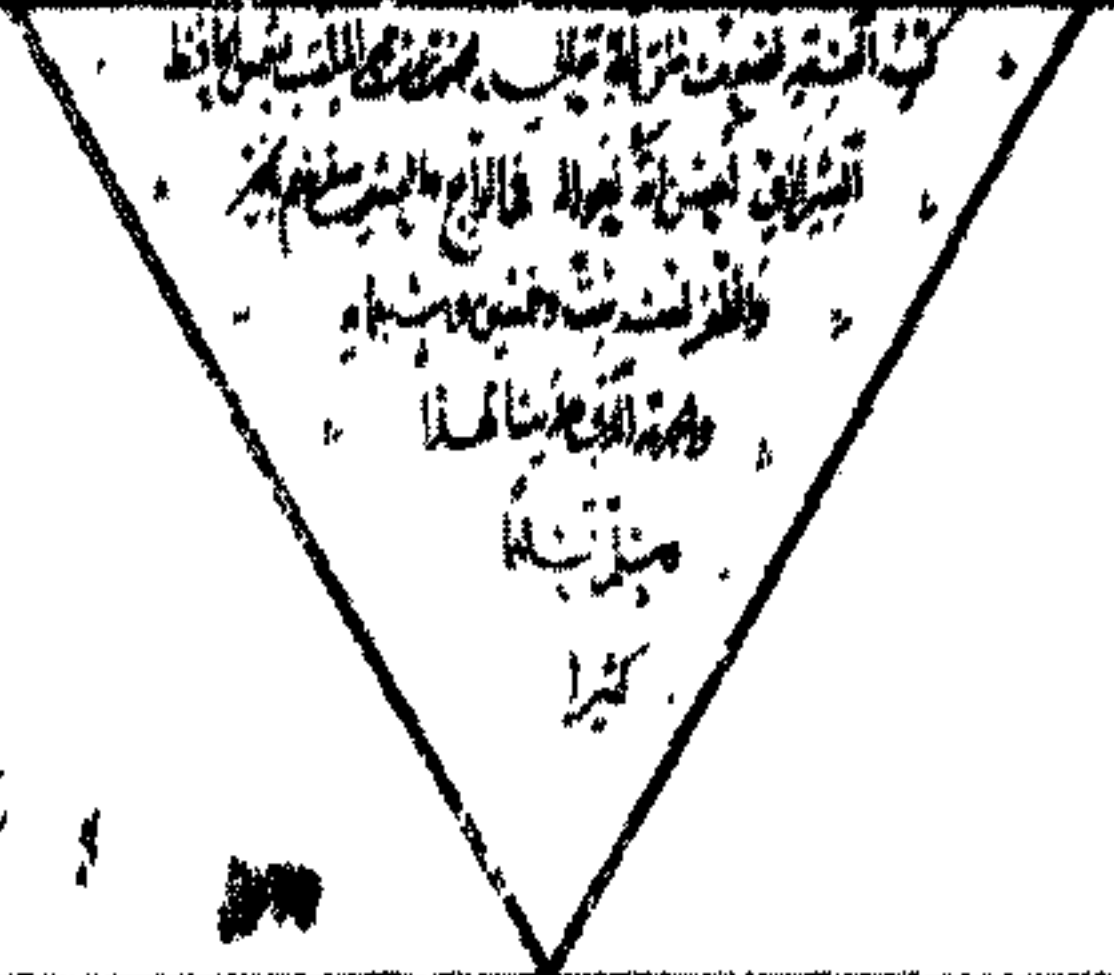
۵۳- قبر حواجو در تملک الله اکبر شیراز



۵۳- - کک و جواجو در سبک الله اکبر و شمس از آفتاب می بوی درسته

تداوت من شوقم      ان لانا قلوبكم علم      بوزاری شود خانی کیم غیر      کوی بر در خاک خرد بر  
 یا سالی آن کلام خسته      درین مکر و خور و علم هست      بر این خاوه من نورش      بر جان بدو او ش  
 یا سالی آن کلام خسته      عودان در این مکر و خور      و سالی آن کلام خسته      یک مکر کن کار او ما

أربع العناج من اصبنا غریب و صفا و هنی فی طسیرنا المتعنا      المصنوع من  
 صدی یون فیہ عن اقبالی الطایف الازدی فی غیاوتنا      المصنوع من ولقب قلبی  
 اینها و حکایتی عشق ام من سدا لانا غریب و لانا غریب



سکر  
 ۱۳۰۲

۱۳۰۲



آوردی بجز غم و درد  
تو ای بلبل غمناک  
بشدت کز غم بمان  
و بکن خاطر زین سهرمان  
خدا یا خاکی ز من جدا نشود  
بجز سگای جبر و جورم فرد

بمادان از جامه های سرد  
بوی کوی کنت بر زان  
نور و کبودی در من مان  
خامی که کنت غم ز من مان  
من و کوی غم ز من  
نور و کوی بلبلان سرد  
چو بکنند فرادون باز  
چو بکنند سر آمد ز کانی

غریبانه کز خنک بمان  
پوش از آن کوی مشک  
نه است و آن کوی مشک  
من از جنس دین طهرم باز  
نه در خود غم ز من  
جان کن هست تمام کز  
بسی از این باغچه باز  
کاش می توانی تو را نی

کاش می توانی تو را  
که بماند این کوی مشک  
یا کلام شوم و شورم  
خاشاک در با او در با  
تو را می توانم از کوی  
یا با شادانیاست بخت آنکه

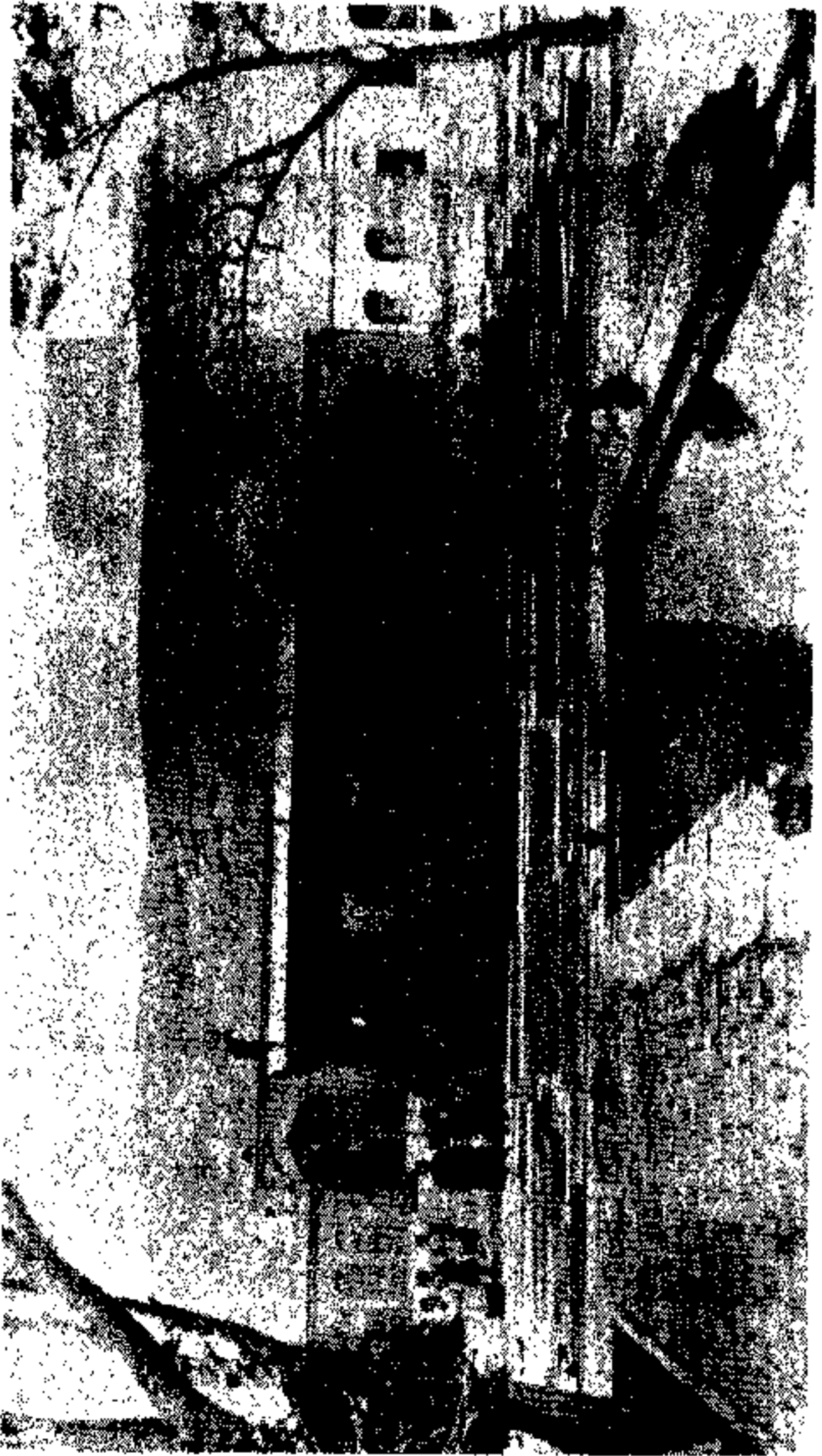
کتاب اینست و همین هم  
فانالت مشی بعد الالک خدمت و خدمت  
ما بکنند ما کثیرا و سلم  
بشیران

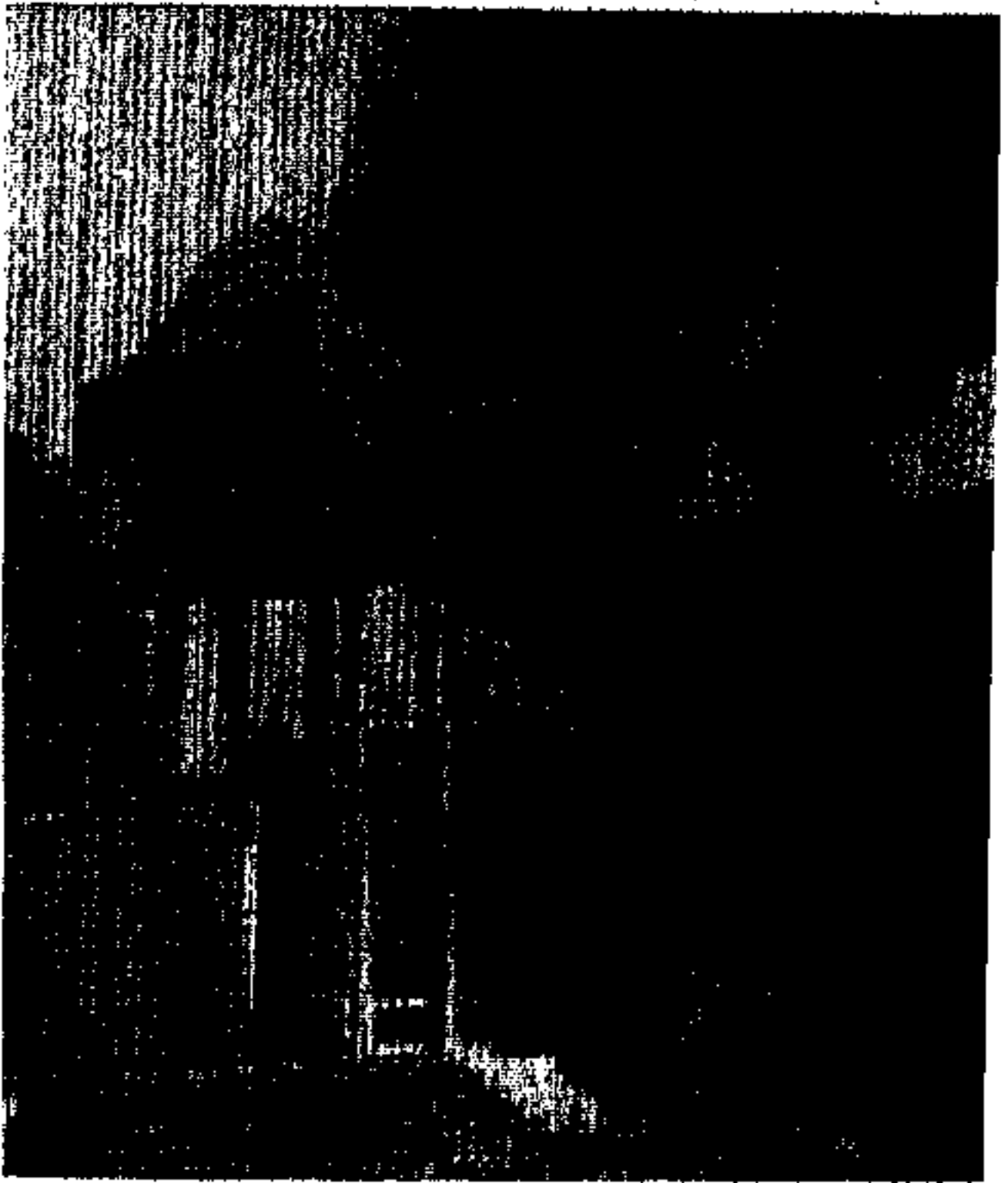
کتاب اینست و همین هم  
فانالت مشی بعد الالک خدمت و خدمت  
ما بکنند ما کثیرا و سلم  
بشیران

۴۴ ورق بر دست در اینجا



۵۸- وضع قبر حافظ در ۱۵۰ ساله





۶۰- وضع کنونی قبر حافظ



۶۱- خرد شیخ صفی الدین اردبیلی درموزه جهلستان اصفهان

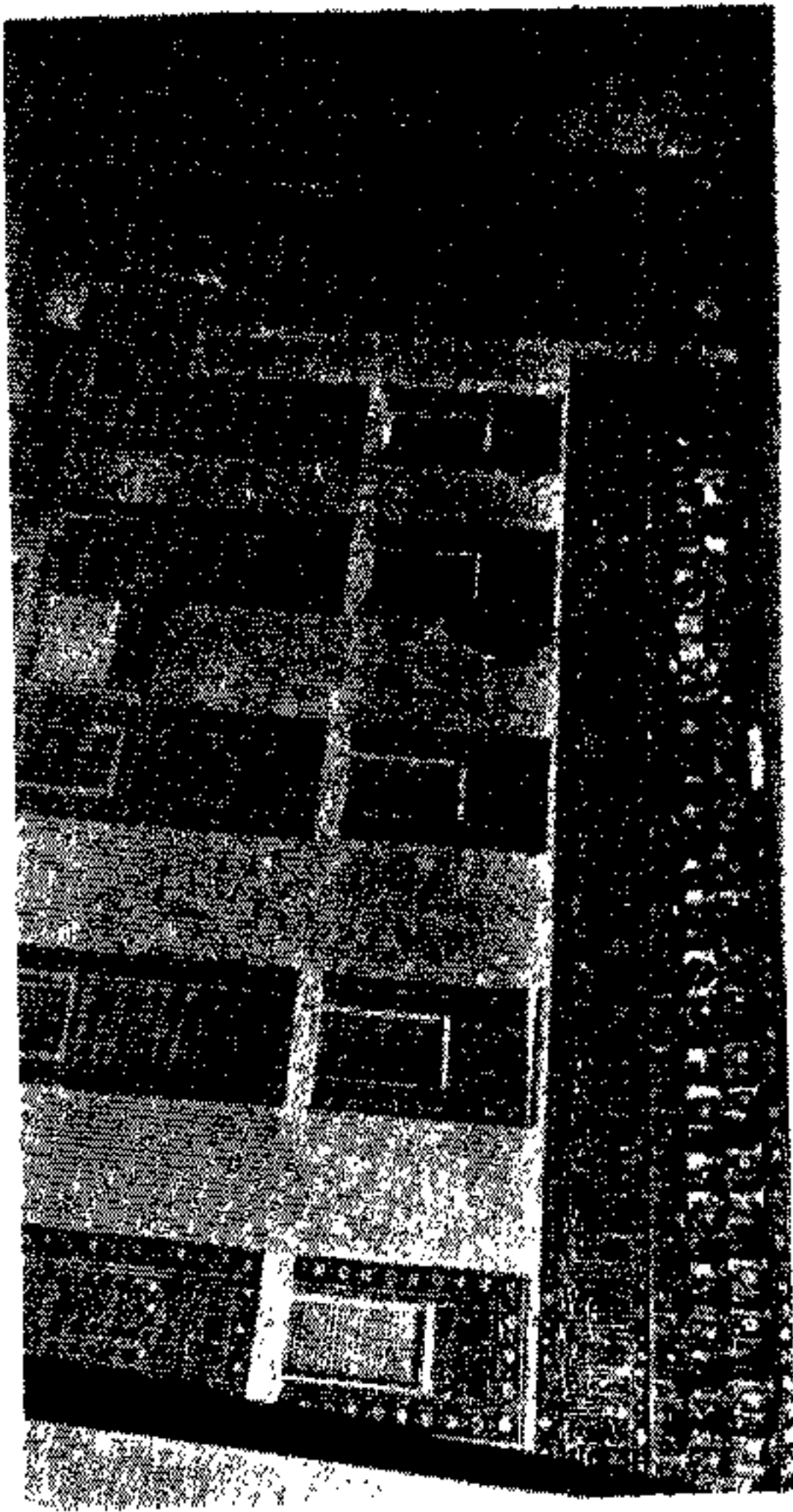


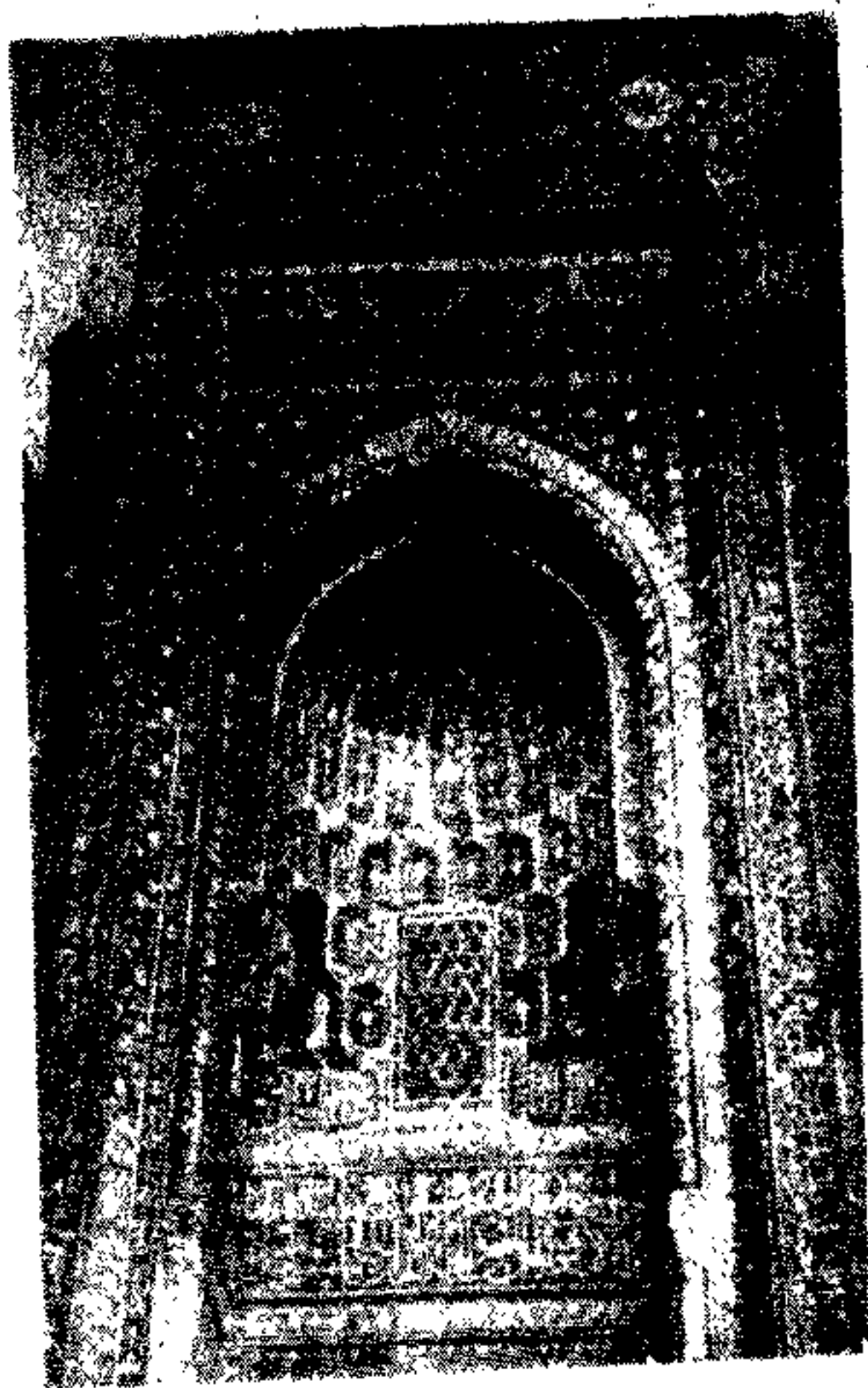
۳-۶-۱۳۵۷: کهنه‌ساز، شیخ صمی‌الدین، در اردبیل، عکس از آقایان نصی رستمی



۶۳ - کسبه فرشچ صهیال‌الدین در اردمیل عکس‌آوی مرتضی‌رستمی

۶۳- نمای بیرونی قصر شیخ صفی‌الدین در اردبیل عکس از آقای من تفسیر رسالتی

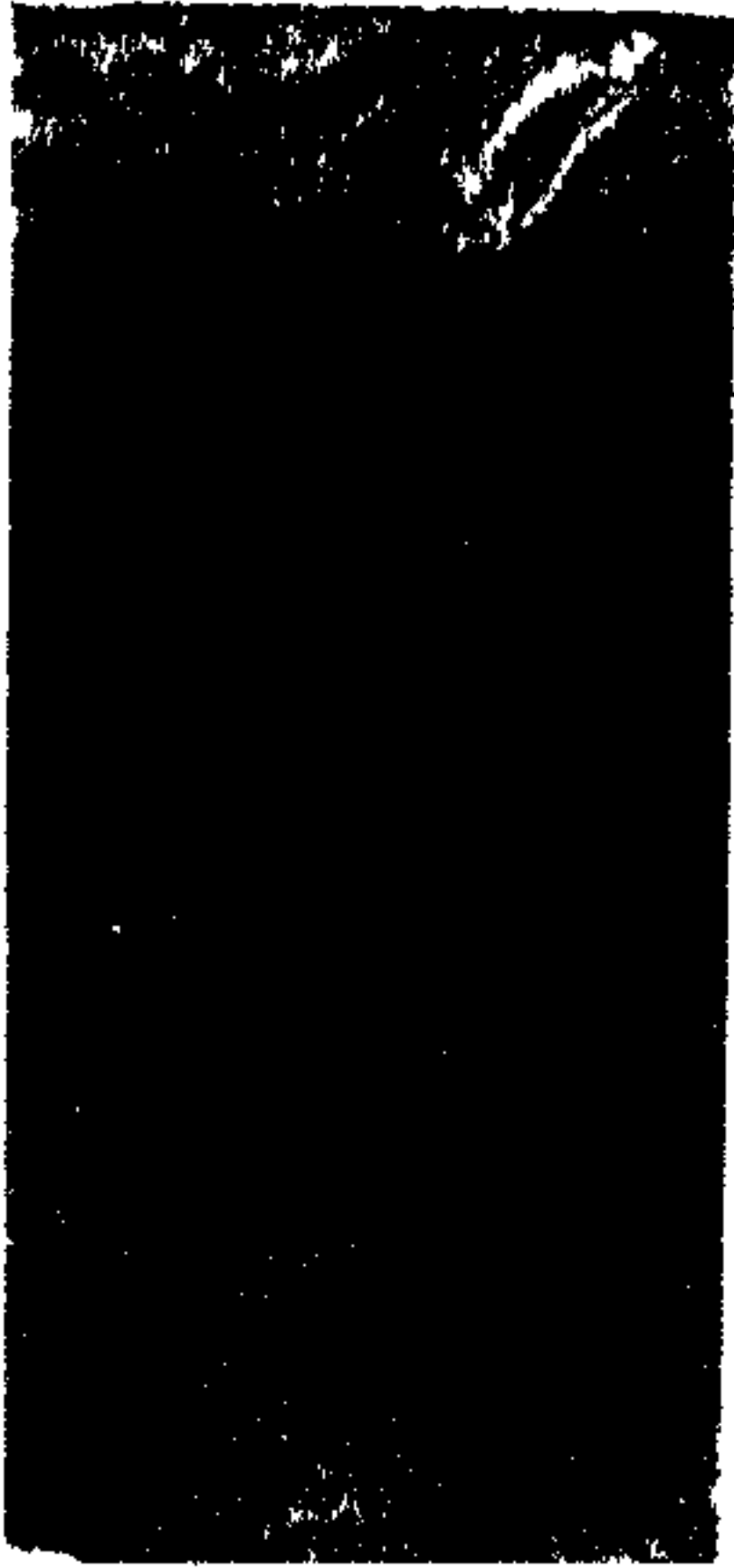




۶۵- محراب مقبره شیخ صفی الدین در اردبیل

تعداد عرض غار معدوم است  
 نام شخصی در میان دلائل است  
 از اجزای منزل القبول بشمار است  
 او احادیث کرده و آنقدر خوانده است  
 تمهید کرده چون سلطان کرده است  
 دارد و بعضی از اینها را در دست  
 بعضی جاها در دست امیر و امیر  
 که منقول است در این کتاب است  
 اینها که خالصا لوجه الله است  
 در راه الحضره السلطانه نوعی سازند  
 این مسلمانان که با سب و داری روی  
 میشوند و چون در راه سعادت

معانی  
 احادیث  
 اصناف



۶۷۔ سویر عبدالرحمن حامی کار یکی ارنقاشان معاصرش



۶۸- قبر جامی در هرات

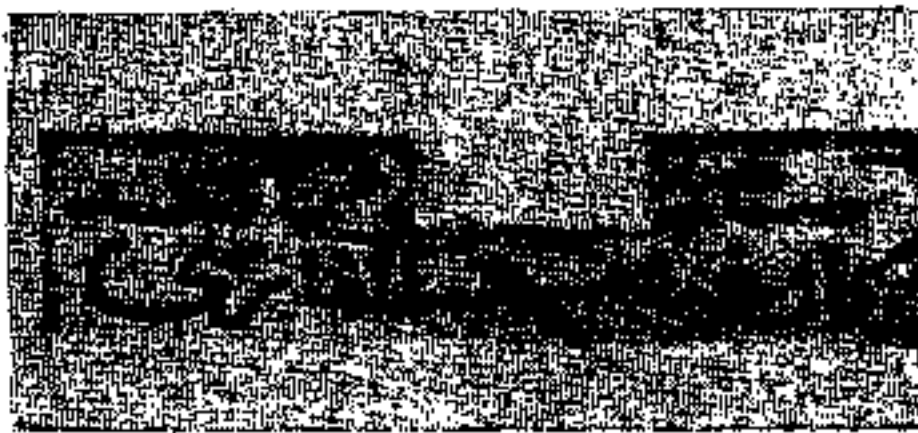


طراستنایی با تو اکر در پیش نماش  
 سندی پیش گرفت و کب نام نیک  
 شمار خویش ساخت بسیار فرزندان  
 خیر از روزگار یاد کاره نه یکی از فرزندان  
 این ایستانت که نو باوند بوستان جان  
 و دیگر دوستان تانت شرح منظوم

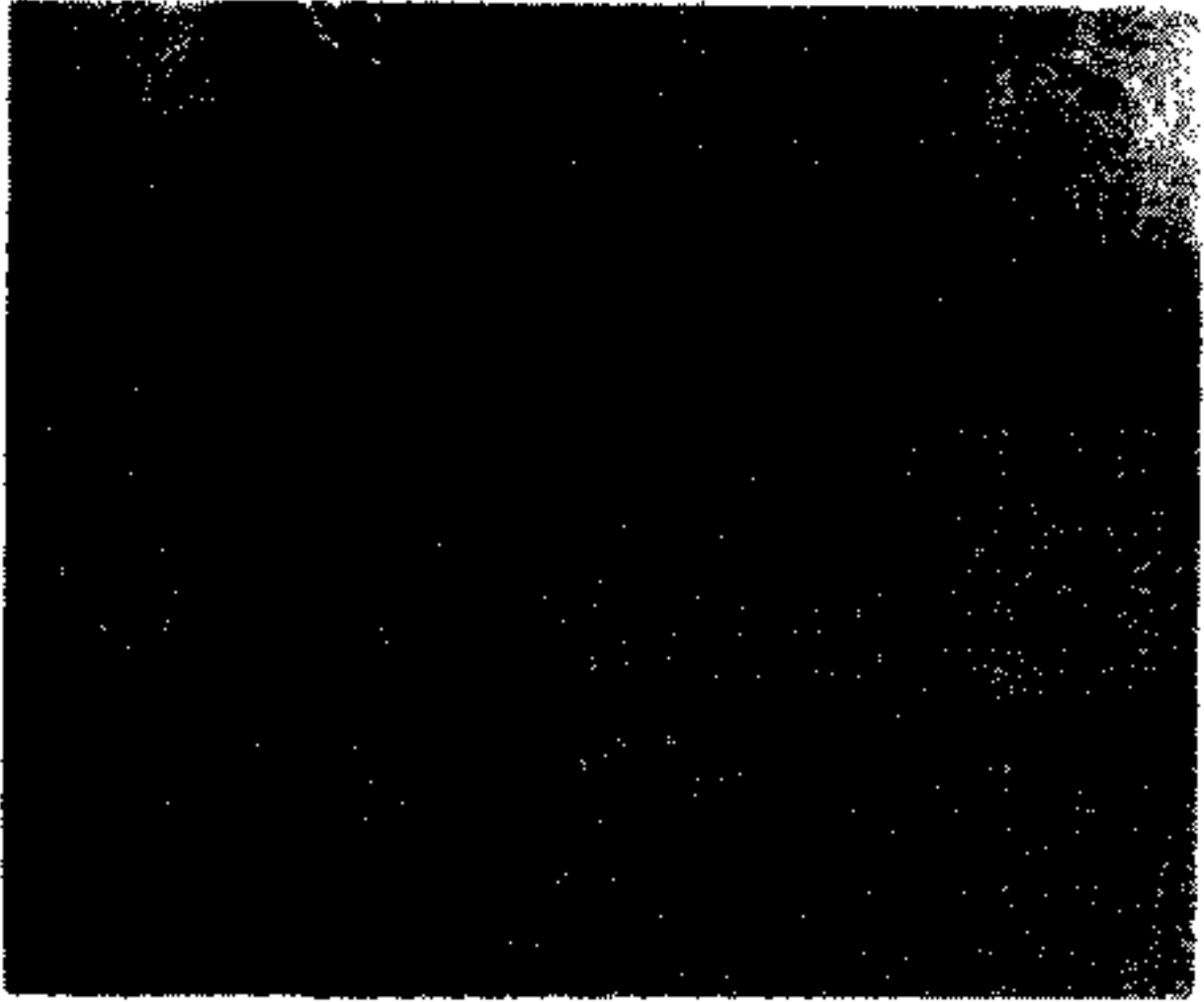
---

دستور اقل ایبا دشتانی  
 میثابوری و الحمد لله  
 سوز پاکت  
 ۱۳۰۹

۱۳۰۹



۷۰ — خط کمال غیاث شیرازی



۲۱- سنگ قبر شاه داعی الی الله در شیراز



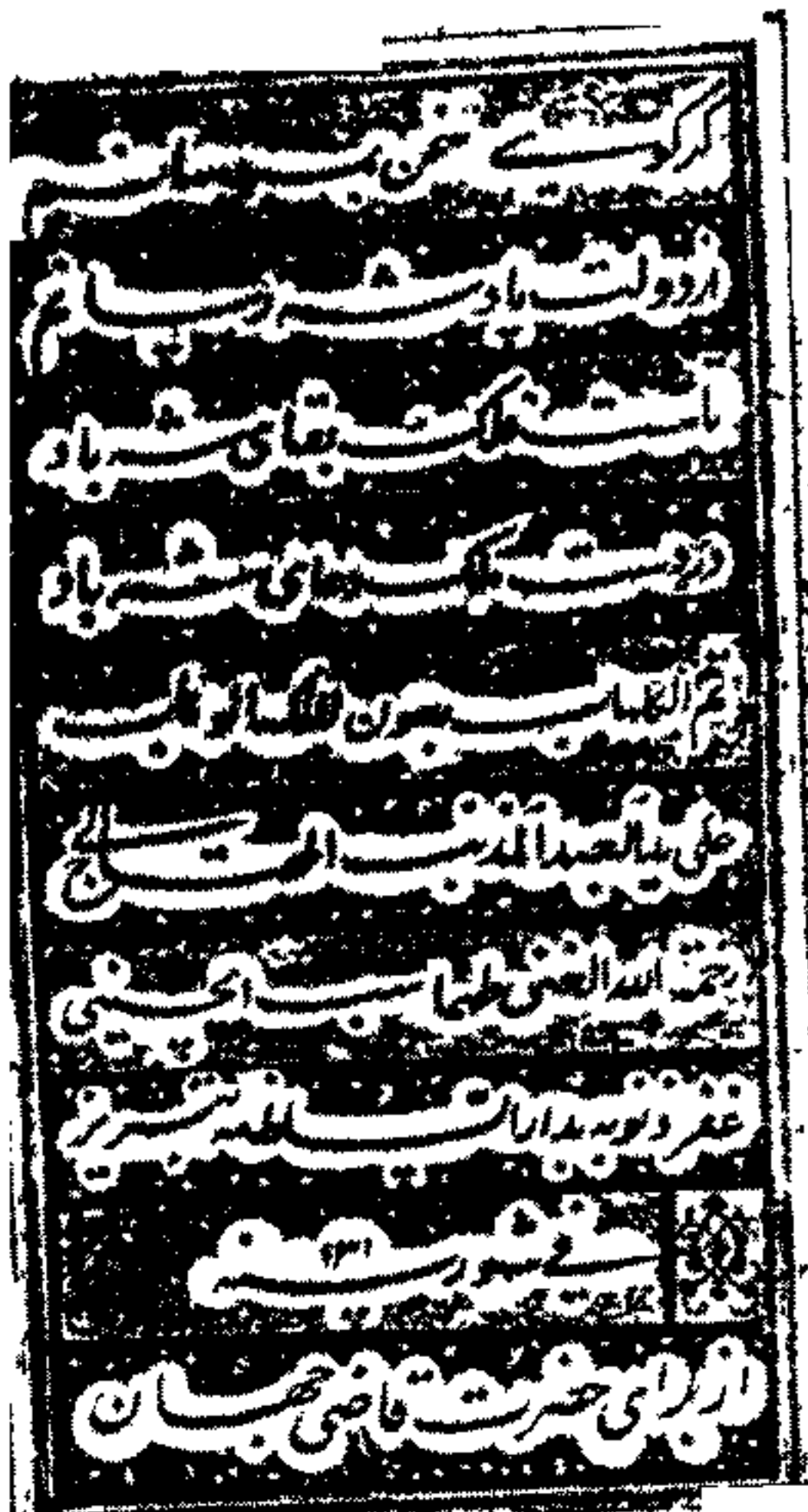
۷۲- قمر مکتبی در شیراز



۷۳- تصویر آصف‌خان کارناد در الزمان نفاش‌هندی در سوره جنگاه ملل  
آسیانایع فرهنگستان علوم شوروی در لنین‌گراد



۷۴- سنگ قمر اهلی در شیراز



۷۵- خط شاه طهماسب اول در کتابخانه سالتیکوف  
شچدرین در لنین گراد



۲۶ تصویر شاه اسمعیل صفوی از یک نقاش ایتالیایی



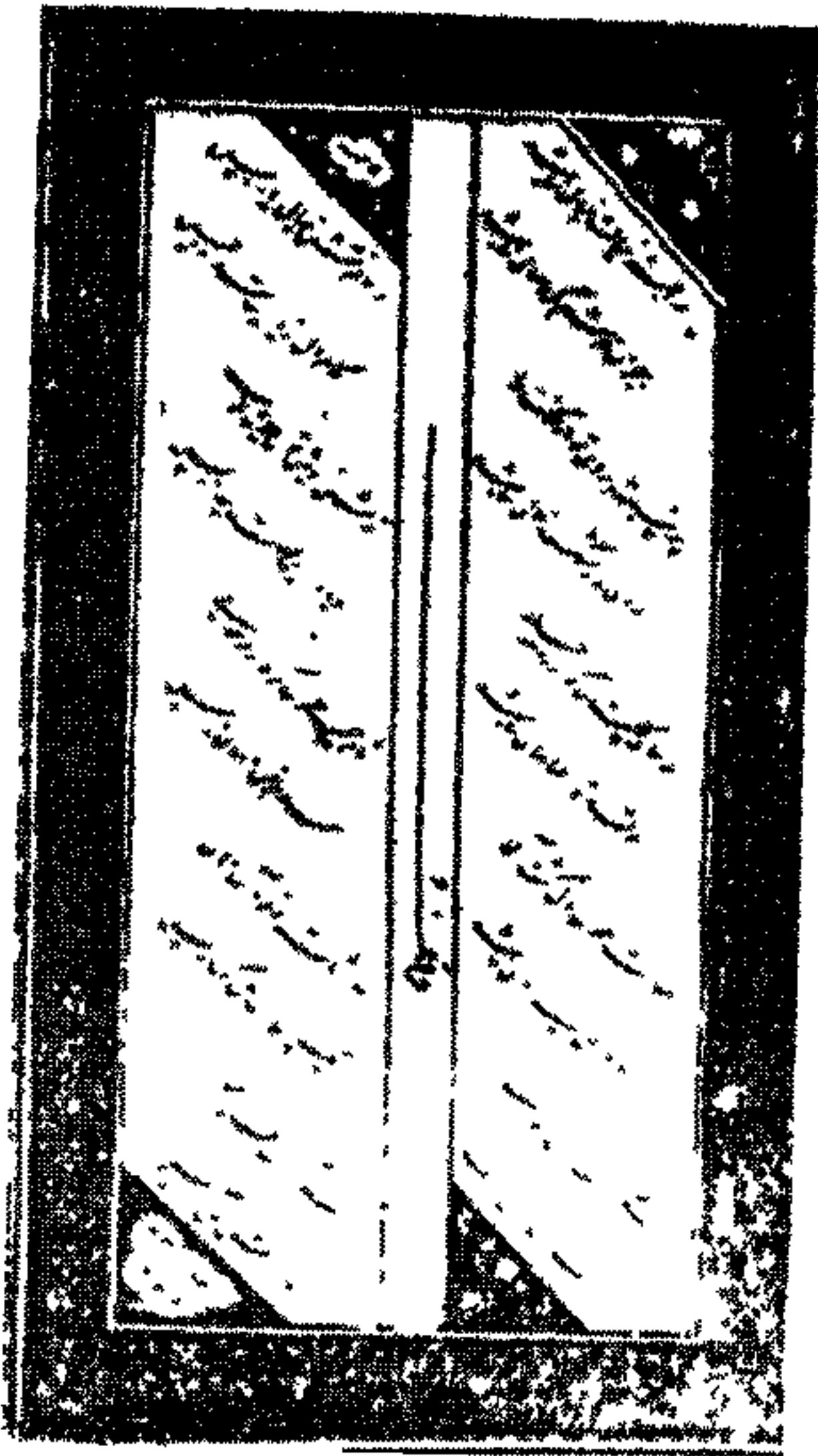
مجموعه کتب نفیسه	
تالیف	مؤلف
اسباب نفروایت	
مؤلف	مترجم
روزبه مقین و استاد کمالی	
پونته دیت مارکس	
اسباب نفروایت	
مؤلف	مترجم
روزبه مقین	مترجم



۷۸- جلال‌الدین اکتی باوک تنار دره بجان نقاشی‌شدهی درموزه  
سکاه مرآه تاجیکستان قزوین روی درلنیزگر اد



۷۹ - خط شاه محمود نیشاپوری در کتابخانه سالتیکوف  
شجره‌ی درلین‌گراد



۸۰ - خط شاه محمود بيشاپوری در کتابخانه سالتیکوف  
شهر ری در لیبی ۳۱۰۰

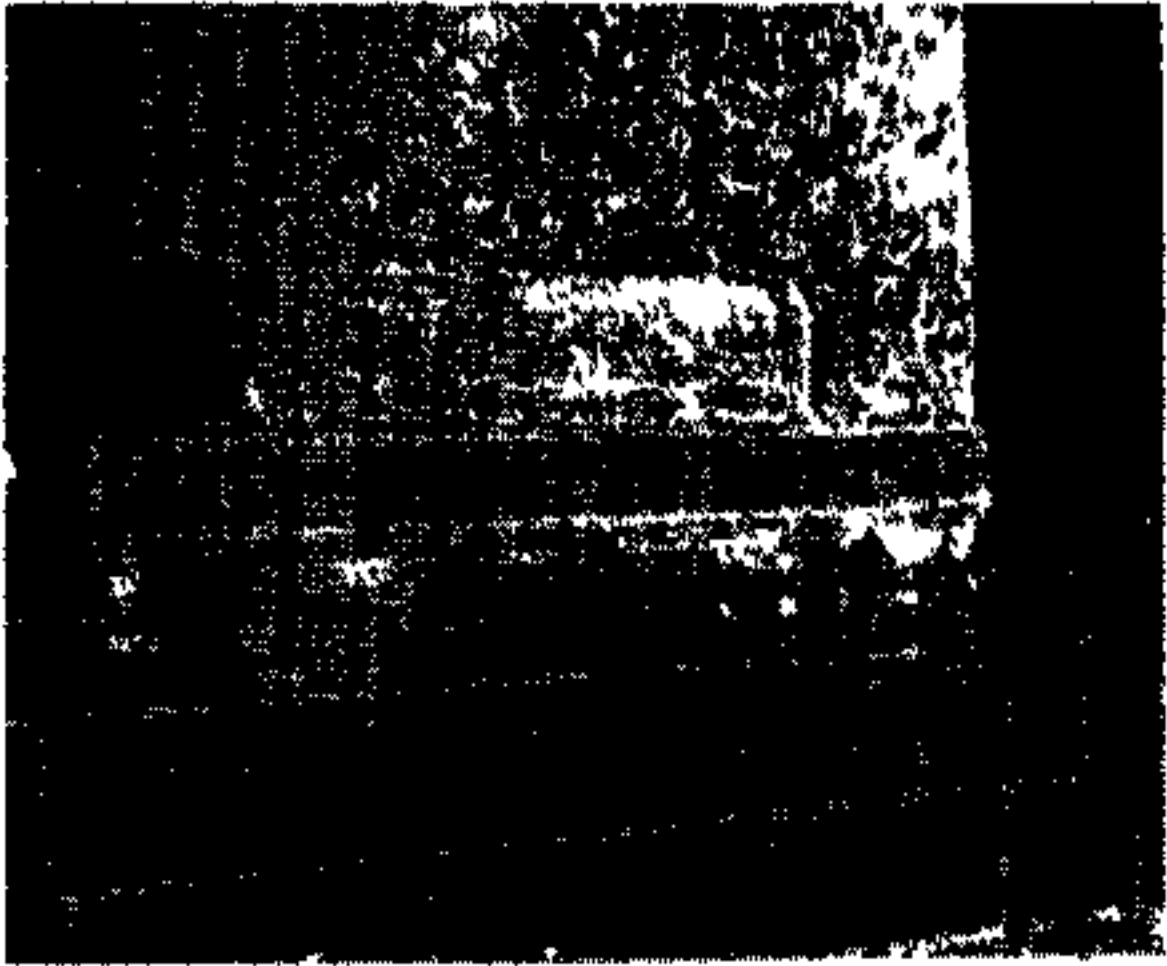


۸۱- قمر پهلوان محمود قتالی در حیوه





۸۳- اندرون مقبره ییلوان محمود قتالی در حیوه

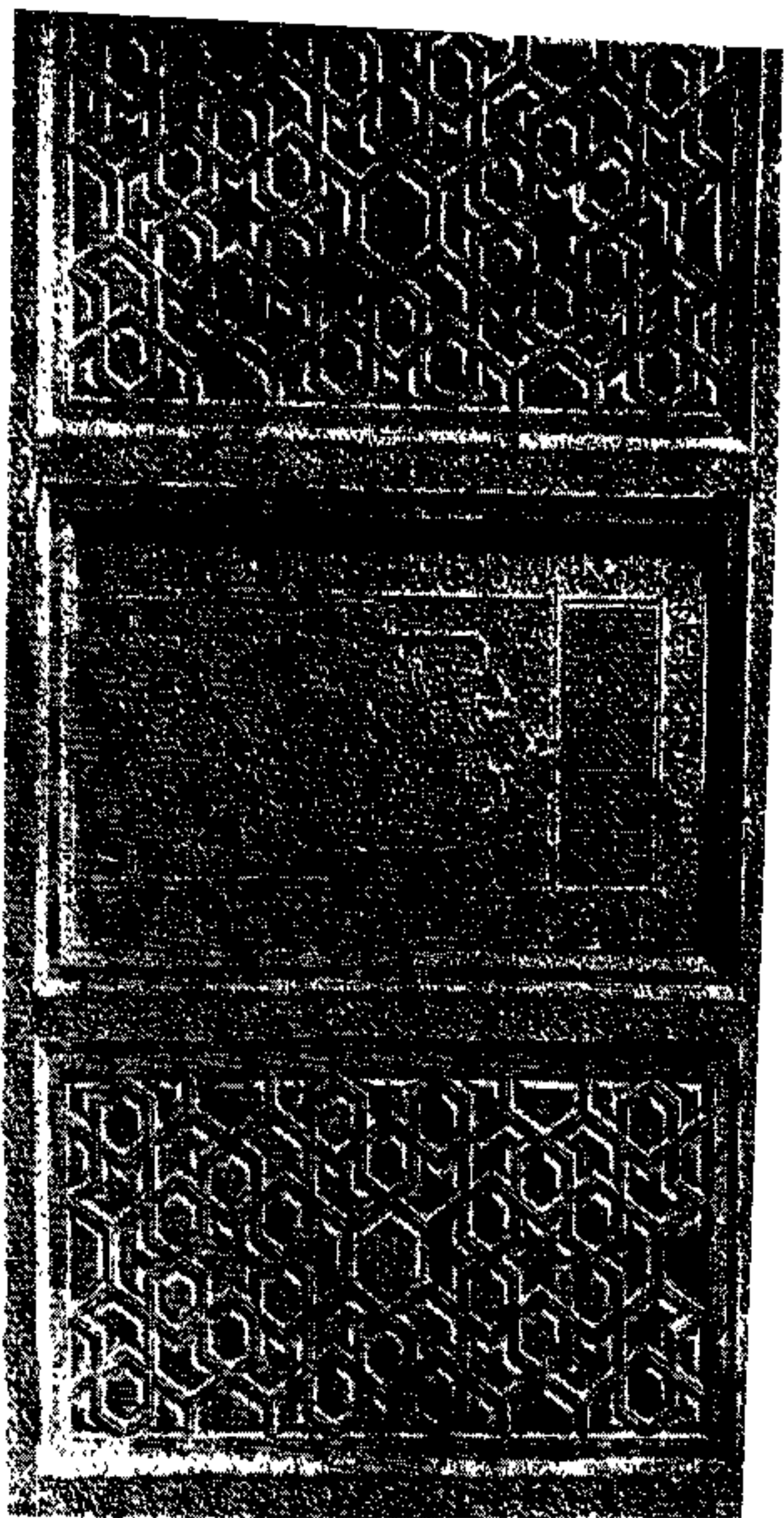


۸۴- سنگ قبر پهلوان محمود قتالی در حیوه





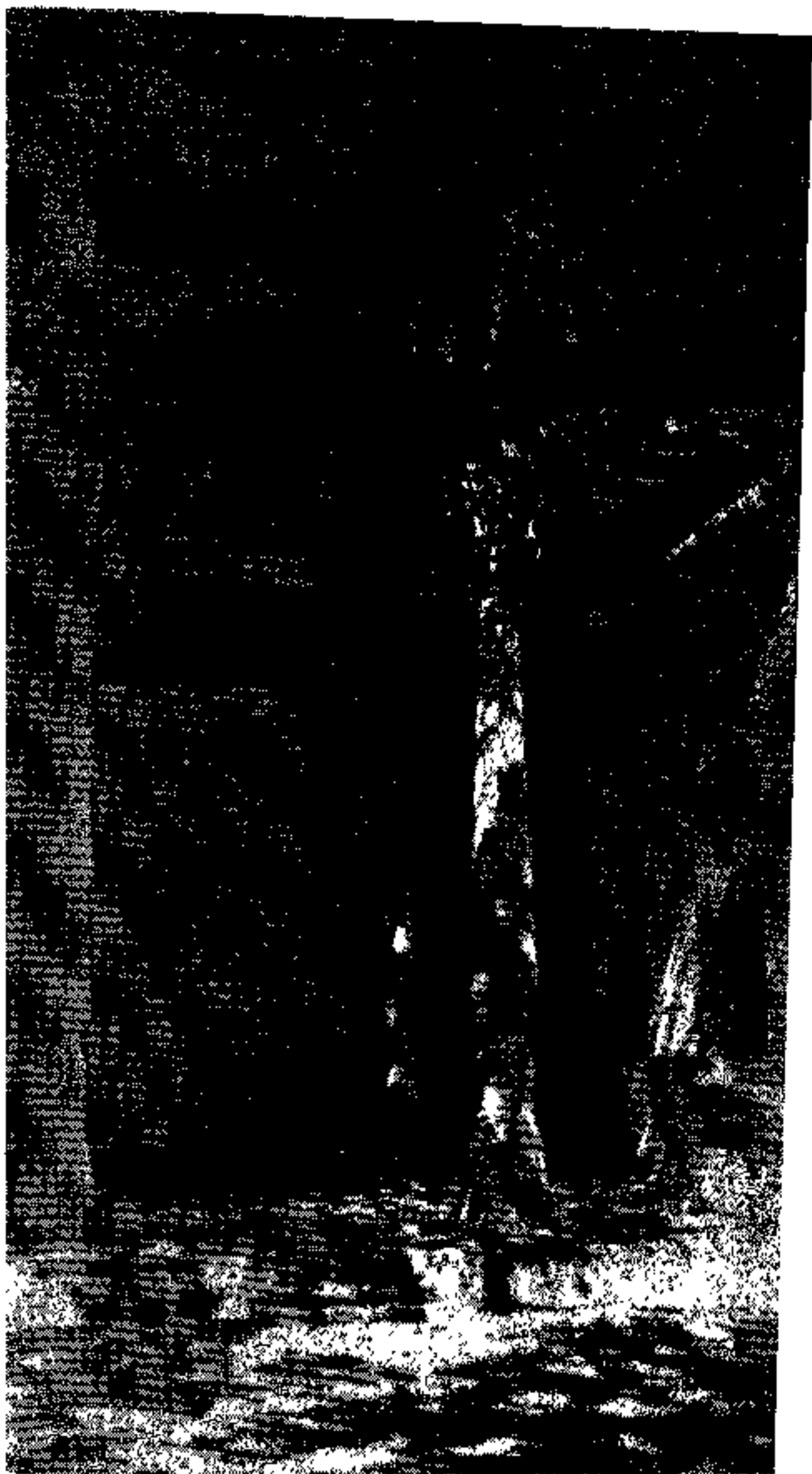
۸۵- قبر چندانه انصاری در مرآت



۸۴ — سنوڭ قىز سېھسالدىن باغئىزى دەپنارا



۸۷۔ رصدخانه الف، ز. م. ن.



۸۸- خانقاه و قبر عبيدالله احرار در سمرقند

## فهرست نامهای کسان و نسبت‌ها

<p>آقارستم ۶۸۲</p> <p>آقازاده (محمد بن سلیمان بر سوی) ۲۷۲</p> <p>آقاسیف الملوك ۵۰۰</p> <p>آقاشاه بیگی فنا بی ۶۵۶</p> <p>آقامیرك فغان صغهانى ۶۶۱</p> <p>آقامیر همدانی ۵۲۴</p> <p>آق قویونلو ۴۹۶، ۲۳۴، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۵، ۳۵۰-۳۵۱، ۴۸۲، ۷۹۴، ۸۰۰</p> <p>آق کوزی بیگم ۶۷۸</p> <p>آق ملک بن جمال الدین فیروز کوهی شاعی سنزواری ۲۳۵، ۱، ۳۰۱، ۸۱۳، ۵۲۳، ۵۰۰</p> <p>۶۲۳</p> <p>آگه ابن یمین شبرغانی (شیخ الشیوخ) ۵۸۷</p> <p>آگهی (جلال الدین محمد) ۳۳۱</p> <p>آگهی تبریزی ۶۹۰</p> <p>آگهی خراسانی ۸۳۵، ۵۶۲</p> <p>آگهی یزدی ۶۴۳</p> <p>آل افراسیاب ۱-۲</p> <p>آل بارسان ۴۹-۵۱، ۵۲، ۶۶، ۸۰، ۱۱۷</p> <p>آل باوند ۱۲۹</p> <p>البرهان ۵۹۰</p> <p>سیر ۷۴۵، ۷۵۸، ۷۶۹، ۷۷۰</p> <p>۸۱۳، ۷۸۰</p> <p>آل بویند ۱۱۸، ۲۳، ۲۶، ۳۱، ۳۵، ۴۶-۷۰</p> <p>آل تیمور ۲۸</p> <p>آل خان ۷۲، ۲۰۷</p> <p>آل زیار ۲۲، ۱۸-۲۲، ۲۳-۴۵، ۴۶-۴۸، ۶۵</p> <p>آل سامان ۹۵</p> <p>آل طاهر ۱۸</p> <p>آل عثمان ۱۳۴، ۱۹۸، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۶۲</p> <p>۲۷۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۵۱، ۳۵۲</p> <p>۳۷۲، ۴۷۴، ۴۷۸-۴۸۳، ۴۷۹</p> <p>۴۹۰-۴۹۱، ۴۹۶-۴۹۸، ۶۲۸</p> <p>۷۵۷، ۸۰۱، ۸۱۱، ۸۴۰</p> <p>آل قاورد ۷۷</p>	<p>۱</p> <p>سی سیرازی ۳۴۲</p> <p>آنشی قندهاری ۸۳۳، ۵۴۲</p> <p>آتون هروی ۶۴۲</p> <p>آتونی ۲۴۹</p> <p>آدمی (وگدایی) سمرقندی ۵۹۳، ۶۰۱</p> <p>آدینه قلی بیگ تابعی ۶۴۹</p> <p>آذربیدار اسپند ۹</p> <p>آذری طوسی بیهقی (جمال الدین علی - حمزة بن ملك هاشمی) ۵۰۳، ۲۹۳- ۲۹۹، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۷۸۶، ۷۹۸، ۷۹۵</p> <p>آرامی ۱۰-۱۲</p> <p>آرزو سمرقندی (بی بی) ۳۴۹</p> <p>آرزوی ۳۴۲</p> <p>آزادی استرابادی (خواجده علی) ۶۶۵</p> <p>آسوری ۱۰</p> <p>آسوریان ۱۷</p> <p>آصف آصفی هروی شیرازی ۸۰۶، ۳۰۸- ۳۰۹، ۴۳۱، ۵۲۸، ۵۵۹، ۶۰۹</p> <p>۷۹۸</p> <p>آصف جاهی ۵۷۸</p> <p>آصف خان (میرزا قوام الدین محمد جعفر بیک قزوینی مروستی) ۳۵۷، ۴۳۱، ۴۶۵، ۶۴۲، ۶۵۰</p> <p>آصف خان وزیر ۶۵۶</p> <p>آصفی هروی آصف آ- ۲۲۶</p> <p>آخاجی (ابو الحسن) ۲۲</p> <p>آفاق ۳۴۹</p> <p>آفاق بیگ جلایر ۳۴۲</p> <p>آفتی قزوینی ۶۶۵</p> <p>آفتی مشهدی ۳۴۲</p> <p>آقا بابا در کی جوانکی ۶۷۵</p> <p>آقا بیگم ۳۴۹</p> <p>آقا جمال کرمانی ۴۶۲</p> <p>آقا خان محلاتی ۸۰۳</p>
---	---

بدیل (۱۰۶، ۱۰۶-۱۰۳، ۹۲، ۷۳)  
۱۰۷، ۱۷۴، ۲۸۹، ۳۹۶-۳۹۷، ۷۱۹-۷۲۰

ابراہیم بن امیر زکریا کجی ۶۹۱  
ابراہیم بن بزرگ مہر بن عبدالنقار  
جو الیقی عراقی ہمدانی (فخر الدین)  
۱۰۱، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۷۳، ۲۰۹،  
۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۲۹، ۳۵۱،  
۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۱

ابراہیم بن جریر ۳۵۵  
ابراہیم بن جلال الدین احمد بن محمد مدنی  
خجندی (برہان الدین) ۳۶۲  
ابراہیم بن حسین تنوری سیواسی ۲۶۳  
ابراہیم بن حسین قلیچ طمناج خان (جلال-  
الدین) ۹۹، ۹۶

ابراہیم بن حیدر صفوی ۴۸۲  
ابراہیم بن رشید الدین فضل اللہ (عزالدین)  
۷۳۱

ابراہیم بن روزبہان ثانی (شرف الدین)  
۷۲۱، ۷۲۷

ابراہیم بن روشن امیر بن بابک بن شیخ  
بندار کردی سنجانی زاہد گیلانی  
۲۱۲، ۴۸۲

ابراہیم بن سکندر لودی ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۹، ۸۰۹،  
۸۱۳، ۸۳۳، ۸۳۹

ابراہیم بن سلطان محمد بن کیقباد (امیر-  
شیخ) ۲۴۱، ۷۸۲

ابراہیم بن سلیمان بن خان میرزا فانی  
تیموری (میرزا) ۵۶۰، ۵۷۴، ۸۳۶  
ابراہیم بن شہر یار بن زادن فرخ بن فیروز  
کازرونی (ابواسحق) ۷۳۵، ۷۵۹،  
۷۶۵

ابراہیم بن صدیق کجانی ۷۶۳  
ابراہیم بن عربشاہ اسفراینی (عصام الدین)  
۱۶۰، ۶۲۳، ۶۳۰، ۸۱۵

ابراہیم بن علی رامیثی ۲۲۰  
ابراہیم بن عماد الدین محمود بن شمس الدین  
محمد بن علی صفی (فخر الدین)  
۲۵۷

۲۱۶، ۲۶

حازہ ۹۸-۹۹

آلہانی ۱۶۹، ۲۰۶، ۷۳۳

آب مظفر ۱۲۳، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵-۱۹۱

۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸-۲۰۱

۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۵۹

۷۶۸

آنجلوویچ ۸۰۱

آنی کولی (قاضی ابو الفیض) ۶۰۳

آہر جنتابی ہروی ۶۴۳

آہی متہدی ۳۳۹

آیایہ (جمال الدین الخباریک) ۱۲۸

آیتی اصفہانی ۶۴۸

آیتی ہروی ۳۳۵

ا

ابالیت طمرستانی گرگانی ۵۵، ۲۳

ابتری بدخشی دہلوی ۵۴۲، ۸۳۳

ابدان (بکناش قلی) ۳۷۷، ۴۳۹

ابدان اصفہانی ۶۶۵

ابدان سلطان بن عبداللطیف خان ازبک ۲-۸

ابدان عراقی ہروی (بابا علیشاہ) ۳۲۲-

۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۶، ۷۹۶

ابراہیم (ابوالمظفر) ۳۵

ابراہیم (حافظ) ۴۰۱

ابراہیم (شمس الدین) ۱۹۲

ابراہیم (شیخ) ۲۹۸

ابراہیم (عصام الدین) ۶۱۶، ۶۲۳،

۸۱۵، ۶۳۰

ابراہیم (میرزا) ۵۸۳

ابراہیم ابو کالیجار (جمال الدین) ۳۴۴

ابراہیم (دہ) ۱۱۳

ابراہیم (دشم کاشانی) ۴۴۲

ابراہیم (صطحری) (ابواسحق) ۷۷۱، ۷۷۱

ابراہیم امینی ہروی (امیر سلطان) ۴۶۴،

۶۶۶

ابراہیم اندجانی ۶۱۶

ابراہیم بخاری (حافظ) ۵۸۷

ابراہیم پوری (سید) ۶۳۳

ابراہیم بن ابوالحسن علی بن عثمان

- ابراهیم بن محمد اصطخری (ابواسحق) ۷۷۱، ۷۱  
 ابراهیم بن محمد بن حاج ابراهیم بن شهاب -  
 الدین گلشنی بر دعی ۷۰۳، ۷۰۴ -  
 ابراهیم بن مسعود غزنوی ۷۶  
 ابراهیم بن منصور بن خلف (ابواسحق) ۷۱۸  
 ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ۵۰۱  
 ابراهیم بن نصر (خضر خان بن طمناج -  
 خان) ۹۷، ۹۶  
 ابراهیم بن نورالدین توفیق شیرازی  
 (رفیع الدین) ۸۰۵، ۳۶۸  
 ابراهیم بن ولی الله استرآبادی ۸۱۴  
 ابراهیم بیک شیرازی ۵۲۶  
 ابراهیم پاشا ۳۹۱، ۳۳۶، ۳۷۹، ۳۸۰ -  
 ابراهیم تبریزی ۶۹۰  
 ابراهیم جزایری ۳۳۲  
 ابراهیم حسین احدی بلوطی (خواجه) ۵۴۵  
 ابراهیم حسینی بلگرامی (عبدالواحد) ۷۳۲  
 ابراهیم خان بن محمد بیک بن امیر علاء -  
 الملك بن جهان شاه ۶۱۶، ۴۲۱  
 ابراهیم خان بن میرزا نورالدین هر خان بن  
 ابراهیم خان بن عادل ۶۱۶  
 ابراهیم خان ثانی ۶۱۶  
 ابراهیم خان ذوالقدر ۳۶۱  
 ابراهیم خان والی فارس ۴۶۹  
 ابراهیم خلیلی ۸۱۸  
 ابراهیم دردی (میر) ۵۰۴  
 ابراهیم زاهد گیلانی (شیخ) ۲۱۲، ۳۸۲  
 ابراهیم سامانی (ملك الدین) ۹۵  
 ابراهیم سرهندی (حاج) ۳۵۷  
 ابراهیم سلطان بن شاهرخ (منیث الدین  
 ابوالفتح) ۲۳۱، ۲۴۸، ۲۶۰،  
 ۲۷۶، ۳۰۰، ۳۲۰، ۷۹۶  
 ابراهیم سلطان تیموری (ابوالفتح) ۴۸،  
 ۲۳۱، ۲۴۸، ۲۶۰، ۲۹۶، ۳۰۰،  
 ۷۹۶، ۷۹۰، ۳۲۰
- ابراهیم سلطانی ۳۴۲  
 ابراهیم سیستانی ۳۴۲  
 ابراهیم شاه شرقی ۲۶۵  
 ابراهیم شروانشاه (شیخ) ۳۵۰  
 ابراهیم شیخ شاه ۴۰۸  
 ابراهیم شیروانی (کمال الدین) ۴۰۸،  
 ۶۲۲  
 ابراهیم صدر (سلطان) ۳۴۲  
 ابراهیم عادل شاه ۲۶۸، ۳۲۰، ۳۳۳ -  
 ۴۳۴، ۴۴۵، ۴۵۰، ۸۲۶  
 ابراهیم غزنوی ۴۲ - ۶۴، ۴۴  
 ابراهیم فاروقی (قوام الدین) ۲۵۸  
 ابراهیم قاضی زاده همدانی (میر) ۵۰۴  
 ابراهیم قانونی ۳۴۲  
 ابراهیم قرمان اوغلو ۸۰۰  
 ابراهیم قطفی ۳۸۰  
 ابراهیم کرمانی (میرزا) ۶۷۴  
 ابراهیم کرهینی (حافظ) ۶۳۱  
 ابراهیم گلشنی (شیخ) ۷۰۳، ۷۰۴ -  
 ابراهیم لودی ۳۰۳، ۳۰۴، ۶۰۹، ۸۱۳،  
 ۸۳۳، ۸۳۹  
 ابراهیم میرزا بن بهرام میرزا ۴۵۴  
 ابراهیم میرزا بن میرزا سلیمان تیموری  
 بدخشی ۶۰۸، ۶۶۶  
 ابراهیم میرزا جاعی صفوی (ظہیر الدین  
 ابوالفتح سلطان) ۳۷۸، ۳۲۱، ۴۷۰،  
 ۴۹۱، ۵۱۲، ۵۲۷، ۶۵۵، ۸۲۹  
 ابراهیم همدانی ۴۱۴  
 ابقا خان ۱۳۴ - ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۶۳، ۱۸۰،  
 ۲۲۱ - ۲۲۳  
 ابلیس ۶۶۳  
 ابن اثیر ۲۵۶، ۲۷۸  
 ابن اخیمر العزیز ۱۱۹  
 ابن اسفندیار (بها الدین محمد بن حسن بن  
 اسفندیار کاتب) ۱۲۹، ۱۳۶  
 ابن عثم کوفی (ابو محمد احمد) ۱۳۲،  
 ۱۵۷  
 ابن البلخی ۱۲۵  
 ابن الساجی (ابو الحسن محمد بن سعد بن

ابن حسام هروی (جمال الدین محمد بن -  
 حسام) ۲۷۵، ۲۱۳، ۲۰۶  
 ابن حسام هروی (نظام بن کمال بن جمال بن  
 حسام) ۲۷۵، ۹۰  
 ابن خرداذبه ۷۷۷  
 ابن خطیب (امیر احمد گنجوی) ۸۸، ۸۵  
 ۲۳۹، ۱۰۸، ۱۰۵  
 ابن خلکان ۲۵۴-۳۸۲، ۲۵۵  
 ابن خیام ۱۸۰  
 ابن رشید غزنوی (مجدالدین) ۷۹  
 ابن زنگی شیرازی ۱۸۰  
 ابن سینا ۲۱، ۲۶، ۵۳، ۷۰، ۱۲۴-۱۲۵،  
 ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۸۳، ۷۳۵  
 ابن شرفناه (منوچهر) ۱۸۰  
 ابن شهاب (حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج  
 الدین یزدی) ۲۳۹  
 ابن طلحه ۱۷۷  
 ابن ظفر ۷۵۷  
 ابن عارف رومی ۱۹۹  
 ابن عربشاه (شهاب الدین ابوالعباس یا  
 شمس الدین ابو محمد احمد بن محمد -  
 ابن عبدالله بن ابراهیم بن عربشاه دمشق  
 حنفی عجمی) ۲۷۹  
 ابن عربشاه (محمد بن ابوزید بن عربشاه -  
 ابن ابوزید حسینی علوی ورامینی)  
 ۲۴۵  
 ابن عطار شیرازی ۱۸۰  
 ابن عقبه ۶  
 ابن خالوا ۱۸۰  
 ابن علی هروی ۶۴۸  
 ابن علی واقفی یا واقفی هروی ۵۵۶، ۶۶۴  
 ابن عینی واقفی طوسی ۶۶۴  
 ابن علی واقفی یا واقفی هروی ۵۵۶، ۶۶۴  
 ابن عماد (علی بن عماد الدین استرابادی)  
 ۲۶۱  
 ابن عماد شیرازی (حافظ علاء الدین محمد  
 ابن حافظ عماد الدین) ۲۱۷، ۲۴۲،  
 ۷۶۵، ۵۴۳

ابن شیخ شبستری ۳۹۰  
 ابن الطقطقی (سغوی الدین محمد بن علی  
 علوی) ۱۸۴  
 ابن العربی (یحیی الدین) ۱۱۶، ۱۶۴،  
 ۱۷۳، ۲۸۸، ۳۹۳، ۶۲۰، ۷۳۹  
 ۷۸۳، ۷۵۷  
 ابن العزیز (کمال) ۱۷۸  
 ابن العارض ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۷۵، ۲۸۹،  
 ۷۸۸، ۷۶۳  
 ابن الغبیه (زین العابدین علی) ۱۸۰، ۲۲۶  
 ابن الملقن (سراج الدین عمر بن علی) ۱۳۲  
 ابن المؤید ۳۹۱  
 ابن المزید (مولی) ۲۶۷، ۲۷۷  
 ابن بابویه (صدوق) ۳۷۴  
 ابن باکویه ۲، ۵۷، ۷۱۷  
 ابن براز ۱۸۶  
 ابن بطارن بغدادی ۷۳۸  
 ابن بنی ۷۲۲  
 ابن نبی (ناصر الدین حسین بن مجدالدین  
 محمد ترجمان جعفری زغدی) ۱۴۹  
 ابن بیطار ۷۹۳  
 ابن تاج گیلانی (بیاض الدین) ۸۴۰  
 ابن تاج گیلان ۸۴۰  
 ابن جلال ۲۲۶  
 ابن چنگی هروی (درویش علی) ۶۰۱  
 ابن حاجب ۱۴۷، ۱۸۳، ۱۹۱، ۳۵۵،  
 ۲۶۵-۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۸۸،  
 ۳۵۶، ۳۷۶، ۳۸۹، ۳۹۳، ۷۹۰  
 ۱۰۲  
 ابن حجر ۳۷۲، ۳۵۲، ۵۵۲، ۶۶۳  
 ابن حجر شمس ازنی ۱۳۲، ۶۸۲  
 ابن حجر مفتی عربستان ۴۱۶، ۸۲۹  
 ابن حجر عینی منکی ۳۸۱، ۳۹۴، ۸۱۹،  
 ۸۲۹  
 ابن حسام شمس الدین ۳۴۲  
 ابن حسام خوانقانی محمد بن حسام الدین  
 ۲۰۶، ۲۱۲، ۳۰۲، ۳۸۷  
 ابن حسام عربی اجلا الدین بن حسام



ابو ابراهیم اسمعیل بن نوح منصور سامانی	ابن عنبسه ۶
۲۲	ابن عنبه ۶
ابو احمد عبدالملک بن عصام بن ابوبکر	ابن قیث (حسین بن قیث الدین محمد)
ابن محمد بن عبدالرحیم بن ابوبکر	۲۹۹
علی صاحب الهدایه سمرقندی ۲۱۴-	ابن فقیه (زین العابدین علی فقیه) ۱۸۰.
۲۲۵، ۲۱۴	۲۲۶
۳۱، ۳۴.	ابن فندق (ظہیر الدین ابوالحسن علی بن
۴۵	ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین
ابو اسحاق ابراهیم اصطخری ۷۷۱، ۷۷۱	بیہقی (۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۷، ۳۱۷،
ابو اسحاق ابراهیم بن شہریار بن زادن	۷۲۷
فرخ بن فیروز کازرونی ۷۳۵، ۷۵۹.	ابن قتیبه ۷۱۴
۷۶۵	ابن قیم الجوزیه (ابو عبد اللہ محمد بن ابوبکر
ابو اسحاق ابراهیم بن محمد اصطخری	بن ایوب) ۷۱۸
فارسی معروف بکرخی ۷۷۱، ۷۷۱	ابن کمال پاشا (شمس الدین احمد بن سلیمان
اسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف	کمال پاشا زادہ) ۳۹۵، ۸۱۰-۸۱۱
۷۱۸	ابن لعلی شاہ بدخشان ۳۳۲
ابو اسحاق احمد حلاج شیرازی (جمال الدین)	ابن مسعود ۳۳۶
۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷، ۲۲۰	ابن مطہر ۷۹۵
ابو اسحاق اینجو (شیخ) ۱۴۸-۱۴۹،	ابن معین (خسر بن عابد برقوی) ۲۳۶،
۱۸۳-۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵،	۲۷۲
۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱-۲۰۵،	ابن معین (فخر الدین یحییٰ بن معین شیرازی)
۲۱۴، ۲۱۶، ۲۶۰، ۳۹۷	۲۱۷، ۱۸۰
ابو اسحاق بن ابوطاہر بن ابوالمعالی	ابن مفتح ۱۳۹
بتجیری شیرازی (قوام الدین) ۷۶۱،	ابن منور ۷۲۲
۷۶۹-۷۷۰	ابن موفق قمی ۱۸۰
ابو اسحاق بن جلال الدین محدث کازرونی	ابن نصرتی (مسعود) ۱۸۰
(جمال الدین) ۷۶۵	ابن نصوح شیرازی فارسی ۲۰۱
ابو اسحاق جوہبازی ۲۲	ابن ہمگر ۷۷۲
ابو اسحاق جوہبازی (خواجہ) ۵۷۷،	ابن زین شہرستانی (شیخ الشیوخ آگہ)
۵۸۸	۵۸۱
ابو اسحاق حلاج شیرازی ۲۰۳، ۲۹۶-	ابن زین فیروزی، فخر الدین محمود بن
۲۲۰، ۲۹۷	یمین الدین ۴۰۰، ۴۰۱-۲۲۶،
ابو اسحاق شیرازی ۲۶۵	۷۶۱
ابو اسحاق علی بن ابو عنی عثمان جلابی	ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن بن محمد-
عجویری غزنوی ۶۵	ابن احمد حسینی گرجانی (سید زین-
ابو اسحاق فخر و فادری ۲۱	الدین) ۹۲۱، ۹۳۴، ۱۳۷۱
ابو اسحاق قاضی شیانکار ۲۶۲	ابو بن علی اسمعیل بن محمد بن عبد اللہ بن
ابو اسحاق قہستانی ۱۰۶	احمد بن سہیل بن روح آمی بخاراوی
ابو اسحاق میتوی ۳۴۲	مستدل ہند برہمیری ۲۹، ۲۱۶

ابوالجناب احمد بن عمر بن محمد بن  
عبدالله خیوقی خوارزمی (نجم الدین  
کبری) ۱۱۵-۱۱۶، ۱۴۰، ۱۶۵،  
۱۷۴، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۲۲-۲۲۴،  
۷۵۴، ۷۴۶، ۷۴۳

ابوالجوارج علی بن محمد نیشابوری ۷۱-  
۷۲

ابوالجوهر ۲۵  
ابوالحارث احمد بن سنجریں ملکشاہ  
(ناصر الدین) ۸۰

ابوالحر ۲۵  
ابوالحسن ۲۵

ابوالحسن ر. اوس  
ابوالحسن (میرزا) ۴۳۵

ابوالحسن آغاچی ۲۲  
ابوالحسن بیوردی (دانشمند) ۳۹۱، ۴۴۲-  
۴۴۳

ابوالحسن احمد بن عمر بن علی نظامی  
سمرقندی عروسی (نظام الدین یا  
نجم الدین) ۵۱، ۹۰، ۱۱۹، ۷۱۹

ابوالحسن احمد بن محمد قنوری بغدادی  
۱۵۵

ابوالحسن اسحاق کسائی مروزی (مجدد-  
الدین) ۲۶، ۳۷

ابوالحسن اورمزدی ۲۳-۲۵

ابوالحسن بستی ۵۵

ابوالحسن بن احمد بیوردی (دانشمند)  
۳۹۱-۳۹۲، ۴۴۲-۴۴۳، ۸۲۶

ابوالحسن بن احمد باوردی ۴۳۹

ابوالحسن بن احمد جام (فخر الدین)  
۷۲۰

ابوالحسن بن تغریبوردی ۲۷۹

ابوالحسن بن محمد بن اسمعیل لامعی  
گرگانی دهستانی ۴۵-۴۶-۵۰-۵۱

ابوالحسن بن محمد یزدادی ۱۲۹

ابوالحسن بهرامی سرخسی ۳۵، ۸۸  
ابوالحسن بیهقی (ظہیر الدین علی بن  
ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین)

هروی ۵۲، ۵۷-۵۸، ۶۳، ۱۹۳

۲۶۲، ۲۸۴، ۲۸۹، ۳۰۸، ۳۲۵

۲۲۸، ۲۳۲، ۲۵۲، ۳۵۹، ۵۶۷

۶۳۳، ۶۵۳، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۹

۷۵۸، ۷۸۰-۷۸۱

ابوالاشعث قسی ۱۹

ابوالبرکت بغدادی ۱۲۴، ۷۵۳

والبرکات عبدالرحمن بن نظام الدین  
احمد بن شمس الدین محمد جامی  
(عماد الدین یا نور الدین) ۵۸، ۱۵۵،

۱۶۳، ۱۶۹، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۵،  
۲۸۵-۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲،

۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۱-  
۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۷، ۳۲۷، ۳۸۴،

۳۹۰، ۳۹۳، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۵،  
۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۶۶، ۵۴۶،

۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۷، ۵۶۹-  
۵۷۰، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۱۵-

۶۱۸، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۴۵، ۶۴۷،  
۶۶۳، ۶۷۷، ۷۶۶، ۷۷۵، ۷۷۷،

۷۸۱، ۷۸۴، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶،  
۸۲۶

البرکات مجد الدین بیهقی ۸۸

ابوالبرکات نراقی ۳۴۲

ابوالبرکات هروی ۶۸۷

ابوالبرکات ایوب فریقی شهرسبزی ۶۱۲

ابوالبرکات سمرقندی ۳۴۲

ابوالبقا ۱۷۷

ابوالبقا بقایی ۵۰۵، ۸۳۱

ابوالبقا بن خواجہ جهان الدین مخدوم اعظم  
۴۰۱

ابوالبقا بن سلطان حسین میرزا ۳۴۲

ابوالبقا بن عالی ۱۹۲، ۷۶۶

ابوالبقا عزیز ۱۷۸

ابوالبقا محمد بن موسی بن عیسی بن علی  
دمیری مصری شافعی (کمال الدین)  
۲۶۵، ۲۷۷  
والثنا یا محمود بن ابوبکر ارموی

۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۷۱، ۲۲۷

ابوالحسن ترك (حاجی) ۳۴۲

ابوالحسن حروفی ۷۷۱

ابوالحسن حسینی ۳۹۴

ابوالحسن خرقانی ۵۷، ۲۴

ابوالحسن دانشمندا بیوردی ۳۹۱-۳۹۲،

۸۲۶، ۴۴۲

ابوالحسن دیلمی ۲۸۳

ابوالحسن شهید بن حسین وراق بلخی ۲۱

ابوالحسن صاعد بن علی گرگانی ۲۶۱،

۷۷۷

ابوالحسن طبری ۲۴۸

ابوالحسن طلحه مروزی (شهاب الدین) ۸۸

ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر صوفی ۷۱

ابوالحسن عراقی ۵۵

ابوالحسن علی الاعلی ۷۶۵، ۷۹۰

ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن محمد

ابن حسین بیهقی ابن فندق (ظهیر الدین)

۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۷۱، ۲۲۷

ابوالحسن علی بن اسمعیل اصفهانی

(شرف الدین) ۷۳۸

ابوالحسن علی بن احمد نسوی (استاد

مختص) ۶۳، ۷۰

ابوالحسن تلی بن جعفر خرقانی بسطامی

۵۷، ۲۴

ابوالحسن علی بن جولوغ فرخی سیستانی

۲۲، ۲۶، ۳۲، ۳۶-۳۸، ۷۶، ۷۰

۸۴

ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن ابوطالب

باخرزی (رئیس شهید) ۵۲، ۱۲۳،

۷۱۷

ابوالحسن علی بن عبدالحمید بن علی دایه

بینقی ۵۵

ابوالحسن علی بن محمد عمرانی سرخسی

(رئیس مجد الدین) ۸۱

ابوالحسن علی بن محمد مدائنی ۱۸۶

ابوالحسن علی بن محمد منجیك ترمذی

۲۶، ۲۷، ۳۷

ابوالحسن علی بن یوسف بن جریر لخمی

شافعی (نور الدین) ۱۳۲

ابوالحسن علی بهرامی سرخسی ۳۵، ۸۸،

ابوالحسن فراهی ۵۵

ابوالحسن کسائی مروزی (مجد الدین)

۳۷، ۴۶

ابوالحسن لوگری غزوانی ۲۲

ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی ۲۸۴

ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن

احمد انیسی اسفر غابادی (وحید الدین

میرجان) ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹-۶۳۰

ابوالحسن محمد بن علی بن ابوعلی احمد

ابن ابوالحسن محمد بن ابومنصور-

الزبارة علوی حسینی بیهقی ۵۵

ابوالحسن محمود بن حسن بشادادی ۷۱۴

ابوالحسن محمود بن حسن وراق نیشابوری

۳۰، ۷۱۲-۷۱۳

ابوالحسن یزدانی ۵۵

ابوالحسن محمد کورت (معز الدین) ۷۶۱

ابوالحسن محمد مرادی بخاراوی ۲۱

ابوالحسن قتیلی سمرقندی ۵۹۰

ابوالخطاب خسرو شاه بن بهرام شاه (ملك

نصرة الدین) ۱۷۲

ابوالخیر گوزگانی ۲۵

ابوالخیر (مولانا) ۵۷۴

ابوالخیر عالی ۷۳۱

ابوالخیر بلخی عاشق (کمان الدین) ۸

ابوالخیر خان ۴۸۶

ابوالخیر خان بن جوان مرد علی خان شیبانی

۵۶۸، ۵۷۲-۵۷۳، ۶۷۸

ابوالخیر خان بن دولت شیخ ۳۵۵، ۶۷۸،

ابوالخیر دامی هروی ۵۸۳

ابوالخیر سلطان بزمی شیبانی ۵۷۲، ۵۹۱-

۵۹۹، ۵۹۲

ابوالخیر سمرقندی ۳۴۲

ابوالخیر مهر وردی ۶۲۹

ابوالخیر عاشق سمرقندی ۶۵۴

ابوالخیر عبدالننه بن صمر بیضاوی (ناصر-

الدین یا نصیر الدین یوسعید) ۱۳۹،

۳۹۵، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۵

ابوالعباس غنبر ۲۵  
 ابوالعباس فضل بن محمد لوکری ۵۴  
 ۷۲۸، ۶۰  
 ابوالعباس قصاب آملی ۲۴  
 ابوالعباس قصاب آملی ۶۲، ۵۷  
 ابوالعباس لوکری ۷۲۸، ۶۰، ۵۴  
 ابوالعباس مامون خوارزمشاه ۷۱۲  
 ابوالعباس مروزی ۷۱۲  
 ابوالعباس غنبر ۲۵  
 ابوالعباس ظفر بن محمد بن عبدالله کافی  
 همدانی ۵۲  
 ابوالعباس محمود بن علی بن محمود  
 مسترشدی خواجو کرمانی (کمال-  
 الدین) ۱۹۹، ۴-۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۰، ۲۶۰  
 ابوالعلاء حسینی ۲۲۶  
 ابوالعلاء شتری ۲۲  
 ابوالعلاء صاعد بن محمد بن عبدالرحمن  
 قاضی ۷۳۹  
 ابوالعلاء صاعد بن مسعود (رکن الدین) ۱۰۱،  
 ۷۳۰  
 ابوالعلاء عبدالؤمن چاروتی ۲۵۸  
 ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب رازی ناکوک  
 عمید عطاء یعقوب ۴۳  
 ابوالعلاء گنجوی (نظام الدین) ۱۰۳، ۱۰۷  
 ابوالغازی سلطان ابوسعید بهادرخان بن  
 منصور کوچ کانی ۳۹۸  
 ابوالغازی سلطان حسین بایقرا  
 بایقرا  
 ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان  
 ازبک ۳۵۵، ۳۸۷، ۴۸۶، ۵۸۶، ۶۰۴  
 ابوالغازی شمس الدین بن کمال الدین  
 محمد (مظفر الدین) ۲۵۶  
 ابوالغازی عبدالعزیز بهادرخان عزیز  
 شیانی ۴۰۰، ۵۷۹، ۶۰۵  
 ابوالغازی عبدالله بهادرخان ازبک ۷-۸،  
 ۳۷۵، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۳۶-  
 ۵۲۷، ۵۶۰، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۲-  
 ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵، ۵۹۷، ۶۰۱،  
 ۶۰۴-۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۵،

حنجی اصفهانی شیرازی معروف  
 بحواجه ملایاخواجه مولانا اصفهانی  
 (امین الدین) ۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹،  
 ۵۲۳، ۶۱۹، ۶۲۷، ۶۶۳، ۷۲۲،  
 ۷۷۵  
 ابوالخیر لنگ ۵۸۹  
 ابوالخیر محمد بن احمد مراد آبادی  
 فاروقی نقشبندی مجددی ۷۳۱  
 ابوالخیر محمد بن محمد فارسی (قتی الدین)  
 ۳۸۶، ۴۴۶  
 ابوالرشید عبدالعلیل بن ابوالحسین  
 ابن ابوالفضل قزوینی رازی (نصیر-  
 الدین) ۱۲۵  
 الرضارتن ۷۴۶  
 ابوالریحان محمد بن احمد بیرونی  
 خوارزمی ۳۰، ۱  
 ابوالسوار حکمران تنجه ۳۶  
 ابوالشجرى مستدلی غزنوی (مجد الدین)  
 ۹۵  
 ابوالشرف محمد ۲۳۶  
 ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی  
 جرفاد قانی ۱۲۸، ۱۲۵  
 ابوالصفا (امیر صفی الدین) ۶۲۳  
 ابوالعباس آملی قصاب ۶۲، ۵۷  
 ابوالعباس احمد بن ابوالخیر زرکوب  
 معین (فخر الدین) ۱۸۶  
 ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالکریم  
 قصاب آملی ۲۴  
 ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالله بن  
 ابراهیم بن عربشاه دمشقی حنفی  
 عجمی بن عربشاه (شهاب الدین ی  
 شمس الدین) ابو محمد ۲۷۹  
 ابوالعباس احمد قسطنطنی ۱۳۲  
 ابوالعباس امامی ۷۹، ۲۵  
 ابوالعباس بخاراوی ۲۵  
 ابوالعباس دینجی بخاراوی ۲۱  
 ابوالعباس بن فضل ۷۲  
 ابوالعباس شهاب الدین ابن عربشاه ۲۷۹

۹۰	۶۷۲، ۶۶۷، ۶۲۳، ۶۳۱، ۶۱۷
ابوالفتح بن صدرالدین محمد (رکن الدین)	۸۳۶، ۸۲۰، ۶۹۰، ۶۷۴
۷۴۱	ابوالغازی عبیدالله خان ازبک ۶-۸-۲۵۲
ابوالفتح بن محمد بن ابوسعید شریفی	۲۵۳، ۲۸۵، ۲۳۳، ۳۳۸، ۳۴۶
حسینی قاج سعیدی ۲۷۲	۳۸۴ - ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۰۶ -
ابوالفتح بیک بایندر ۲۶۶	۴۰۷، ۴۰۹، ۴۶۴، ۴۷۷، ۴۸۶
ابوالفتح بیک ترکمان ۵۰۵	۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۵
ابوالفتح تیریزی (حکیم) ۶۹۶	۶۲۷، ۶۳۱، ۶۲۲، ۶۲۵، ۷۰۵
ابوالفتح جنا بدی ۶۶۶	ابوالفاتح طاهر ۷۲۲
ابوالفتح حسینی ۱۸۶	ابوالفتح عبدالکریم بن احمد هروری ۵۵
ابوالفتح سعیدی ۷۵۳	ابوالفتح (امیر) ۵۰۸
ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا صفوی	ابوالفتح (حکیم مسیح الدین) ۴۱۷
۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱، ۵۱۲	۴۲۵، ۴۶۱، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶
۸۲۹، ۶۵۵، ۵۲۷	۸۳۳
ابوالفتح شاه حسین غازی ۳۷۷	ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ
ابوالفتح طاهر بن فخرالملک مظفرین	(منیت الدین) ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۶۰
نظام الملک (ناصر الدین) ۸۱، ۲	۲۹۶، ۳۰۰، ۳۲۰، ۷۹۰، ۷۹۶
ابوالفتح طاهر بن مظفر وزیر (ناصر الدین)	ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری ۴۸
۸۱، ۲	۲۳۱، ۲۶۰، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۲۰
ابوالفتح عبدالرحیم بن منصور محتشم	۷۹۶، ۷۹۰
قہستان (ملک ناصر الدین) ۱۳۷	ابوالفتح ابراهیم میرزا صفوی (ظہیر -
۱۳۹	الدین) ۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱
ابوالفتح عبدالکریم بن احمد حاتمی هروری	۵۱۲، ۵۲۷، ۶۵۵، ۶۲۹
(امیر) ۴۱	ابوالفتح اسحق بن امین الدین جبرئیل
ابوالفتح علی بن محمد بستی ۳۹۵، ۴۵	موسوی اردبیلی (صفی الدین) ۱۸۶
ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری	۲۱۱ - ۲۱۲، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۸
(نصرۃ الدین یا غیاث الدین ابو حفص)	۴۸۱، ۴۸۴، ۶۹۱، ۷۴۷، ۷۶۷
۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹	۸۱۸، ۷۹۳
۴۱۳، ۳۹۷، ۲۵۷، ۱۷۳	ابوالفتح بدیع الزمان میرزا بن حسین
ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان بن مسعود	یا قرا تیموری ۲۳۲، ۲۴۰ - ۲۴۱
(غیاث الدین) ۱۴۵، ۱۱۹	۳۰۸، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۸، ۶۶۱
ابوالفتح کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان	۶۷۱ - ۶۷۲، ۶۸۰ - ۶۸۱، ۶۹۷
۱۴۱	۷۸۱
ابوالفتح گیلانی (حکیم) ۴۲۵، ۴۱۷	ابوالفتح بستی (علی بن محمد) ۳۹۵، ۴۵
۸۳۳، ۶۸۶، ۶۶۲، ۵۴۹، ۵۴۱	ابوالفتح بن احمد جام (جمال الدین)
ابوالفتح مسار کشاه (عمر الدین) ۲۳۶	۷۲۰
ابوالفتح محمدنا کبر بابری تیموری (جلال الدین)	ابوالفتح بن برهان الدین احمد بن محمد
۶۶۷، ۶۶۷، اکبر و جلال الدین	سیواسی (برهان الدین) ۱۹۳
ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم	ابوالفتح بن سیف الدین (غیاث الدین)

- ابو الفتوح حسين بن علي بن محمد رازی  
(جلال الدين) ۱۲۶، ۱۳۰
- ابو الفتوح عبدالرحمن بن محمد نيشابوری  
۱۲۵  
ابو الفرائی ۷۷۲
- ابو الفرج احمد بن محمد کافی کرجی  
۲۲۴
- ابو الفرج اصفهانی ۷۱۴
- ابو الفرج بن مسعود رونی ۸۲، ۷۶، ۴۲،  
۸۸
- ابو الفرج زنجانی ۷۷۴
- ابو الفرج سگزی سيمجوری ۳۵
- ابو الفضائل عبدالقادر بن غیبی مراغی  
(كمال الدين يا نظام الدين) ۱۴۷،  
۷۸۲، ۷۷۸، ۷۷۷، ۷۷۳، ۲۶۱
- ۸۱۴
- ابو الفضائل عبدالله بن محمد عین القضاة  
همدانی میاتجی (ضیاء الدين) ۶۹،  
۷۲۲، ۷۱۵، ۱۹۶، ۱۳۹، ۱۱۱
- ۷۷۳
- ابو الفضل احمد بن محمد بن احمد بن  
مهریزدمیدی یزدی (رشید الدين)  
۷۲۸، ۷۱۷
- ابو الفضل احمد بن ولی الدين پاشا ۳۳۸
- ابو الفضل اسمعیل بن جمال الدين ابو  
محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی  
(كمال الدين) ۷۴، ۱۰۰، ۱۴۱،  
۱۵۷-۱۵۸، ۲۳۹، ۲۹۸، ۷۳۹
- ۸۳۰، ۷۴۰
- ابو الفضل بن مبارک علامی ۳۶۳-۳۶۵،  
۴۲۴-۴۲۵، ۴۳۱، ۵۳۲، ۵۴۸
- ۶۶۹، ۶۰۲، ۶۰۰
- ابو الفضل بنداری ۷۵۳
- ابو الفضل بیهقی ۵۵
- ابو الفضل تبریزی ۱۷۷
- ابو الفضل تبریزی معروف بوجلی بیك  
علامی (شیخ كمال الدين) ۵۲۰
- ابو الفضل حبیب بن ابراهیم متیب تفلسی  
(شرف الدين) ۷۲۷، ۱۲۸
- ابن ابوبکر احمد نهرستانی شافعی  
اشرفی ۱۲۶، ۳۵۰
- ابو الفتح محمد بن اسحاق ولی الله بن شمس  
الدين محمد قادری ملتانی (شمس-  
الدين) ۴۰۵
- ابو الفتح محمد بن شمس الدين ابو المعالی  
مطهر بن احمد جام زنده پیل (قطب-  
الدين) ۷۹۵، ۷۳۷
- ابو الفتح محمد بن عبدالباقی شریفی  
شیرازی میرزا مخدوم (امیر سید)  
۴۷۳، ۳۵۰
- افتح محمد بن  
بخاری پارسا (شمس الدين يا جلال-  
الدين) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-  
۷۶۶، ۷۱۶، ۶۲۳، ۴۸۰، ۲۲۱
- ابو الفتح محمد بن یوسف سیبی پ  
دهلوی کیسودراز و خواجہ بندہ نواز  
(سید صدر الدين) ۱۹۶، ۱۰۶، ۷۲۲،  
۷۵۴، ۷۲۵
- ابو الفتح محمد شیبانی بن شاء بوداق  
معروف بشیبانی خان ۶۷۸، ۴۸۳، ۵
- ابو الفتح محمد شیبانی خان یا شیبك خان  
ازبک ۶۷۸، ۴۸۳، ۵
- ابو الفتح محمد فاتح آل عثمان ۲۳۹،  
۲۶۹-۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۶، ۲۸۷-  
۸۰۱-۷۹۹، ۷۹۲
- ابو الفتح (مسیح الدين حكيم) ۴۱۷،  
۴۲۵، ۵۴۱، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶
- ۸۳۳
- ابو الفتح مظفر بن محمد نيشابوری (خواجہ  
عمید) ۵۲
- ابو الفتح نصر بن خلف (تاج الدين) ۸۲
- ابو الفتح یحیی بن حبش بن امیرك  
سهروردی شیخ اشراق (شهاب الدين)  
۱۱۰
- ابو الفتوح ۳
- ابو الفتوح احمد بن محمد غزالی ۶۹،  
۷۵۳، ۷۲۵، ۶۳۰، ۱۱۱
- ابو الفتوح بن بباء الدين نقشبند ۷۸۸

- ابوالفضل حسن بن فضل طبرسی (رضی-  
الدين) ۳۷۱، ۳۷۳  
ابوالفضل رشیدالدین هیبندی ۷۱۷،  
۷۲۸  
ابوالفضل طاهر بن محمد فارابی (ظہیر-  
الدين) ۷۴، ۹۳، ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۷، ۷۲۰،  
۸۰۳  
ابوالفضل عبدالرحمن فضل اللہ ۷۶۴  
ابوالفضل عبدالوہاب (شمس الدین یا  
تاج الدین) ۲۸۰  
ابوالفضل عثمان بن احمد مروی حاجی  
مروہ ۸۸  
ابوالفضل علامی ۳۶۳-۳۶۵، ۴۴۴-  
۴۲۵، ۴۳۱، ۵۳۲، ۵۴۸، ۶۰۰،  
۶۶۹، ۶۰۲  
ابوالفضل فضل اللہ راجی حسینی (شرف-  
الدين) ۱۴۴  
ابوالفضل کازرونی ۳۶۴  
ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی ۶۱-  
۶۲  
ابوالفضل محمد بن حسین بیہقی ۳۰، ۶۴-  
۶۵، ۱۸۵، ۷۱۲  
ابوالفضل محمد بن داود بناکتی (تاج-  
الدين) ۷۳۱  
ابوالفضل محمد بن عمر خالد قرشی  
(جمال قرشی) ۱۴۶  
ابوالفضل مسرور بن محمد طالقانی مسرور  
خراسانی ۴۲  
ابوالفضل منشی شیرازی ۳۹۸  
ابوالفضل مہتہ (خواجہ) ۶۲۰  
ابوالفوارس فناوزی ۲۹-۲۹، ۱۲۸،  
۴۰  
ابوالفیض (خواجہ) ۵۶۹  
ابوالفیض آنی کولی (قاضی) ۶۰۳  
ابوالفیض بن مبارک ناگوری ۳۶۳  
ابوالفیض فیضی ۳۶۳-۳۶۴، ۴۱۷،  
۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۶۶، ۵۳۰،  
۵۴۴، ۶۰۰، ۶۶۰، ۶۶۹، ۶۸۸،  
۸۱۹، ۸۰۳  
ابوالقاسم (تاج الدین) ۱۸۰
- ابوالقاسم (راوی) ۱۳۳  
ابوالقاسم (میرزا) ۴۷۶، ۷۷۱  
ابوالقاسم احمد بن حسن ہیمندی شہ  
الکفاۃ ۳۴-۳۵، ۴۵  
ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل  
ابراہیم بن زید سمرقندی (حکیم)  
۲۹، ۲۸۱، ۷۱۶  
ابوالقاسم اسکویی (امیر) ۷۰۳  
ابوالقاسم اصفہانی ۶۶۶  
ابوالقاسم امری شیرازی ۵۳۹، ۷۰۹  
ابوالقاسم یار (ظہیر الدین) ۲۳۴، ۲۴۰،  
۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶-۲۹۵،  
۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۸-۳۲۹،  
۳۲۳، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۱، ۳۶۳،  
۳۹۹، ۴۰۴-۴۰۵، ۴۱۱، ۴۲۵،  
۴۵۳، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۵۴۲،  
۵۴۹، ۵۶۰، ۵۶۳، ۶۰۵-۶۰۹،  
۶۱۴-۶۱۵، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۵،  
۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۰،  
۶۷۷، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۳، ۷۰۸،  
۸۰۸-۸۰۹، ۸۲۳، ۸۲۵-۸۲۶،  
۸۳۹  
ابوالقاسم بابر ۷۰۸  
ابوالقاسم بشر بن محمد بن یاسین ۲۴،  
۷۱۵  
ابوالقاسم بن ابو حامد بن نصر بلخانی انصاری  
کازرونی ۸۱۳  
ابوالقاسم بن ابوسعید راقی قزوینی  
(امام الدین) ۱۸۰  
ابوالقاسم بن عثمان ۱۱۷  
ابوالقاسم بن کامران بابر (میرزا) ۷۰۸  
ابوالقاسم بن محمد بن المسعود ۱۹۲  
ابوالقاسم بیک تبریزی ۶۹۴  
ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن  
اسعد بن مظفر بن محمد بن مظفر بن  
روزبہان بن طاهر واعظ عمری ربیع  
قرشی شیرازی (معین الدین) ۲۱۵،  
۲۳۶، ۲۵۶، ۲۸۰، ۷۶۵  
ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی ۲۶،

۵۶،۴۷،۴۱-۲۸،۳۲،۲۸،۱۹،۶  
 ۷۱۸،۷۱۶-۷۱۵،۲۰۷،۱۵۹،۸۳  
 ابوالقاسم مؤدب ۲۵  
 ابوالقاسم مهرانی ۲۵  
 ابوالقاسم مهنوی ۲۴۲  
 ابوالقاسم مهنه (خواجه) ۶۲۰  
 ابوالقاسم میرزا بابری ۷۰۸  
 ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی طفرایی  
 (قوام الدین) ۱۱۱، ۸۴  
 ابوالقاسم هارون بن علی ظفر دندان  
 (ربیب الدین) ۱۴۰  
 ابوالکرم عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن  
 علی ۲۴۳  
 ابوالکریم بن علی اشکندری ۷۸۵  
 ابواللیث سمرقندی ۲۳۰  
 ابواللیثی (خواجه جلال الدین فضل الله)  
 ۳۳۰، ۲۹۰  
 ابواللیثی (خواجه خواند) ۲۴۴  
 ابوالماجد (قاضی) ۱۷۷  
 ابوالمثل بخارایی ۲۰  
 ابوالمجد مجدود بن آدم ستایی (مجدد الدین)  
 ۴۴۵، ۱۶۰، ۷۷-۷۶، ۷۴، ۴۴  
 ۷۴۶-۷۴۵، ۷۲۰، ۵۱۵  
 ابوالمجدد عبداللطیف بن هبة الله بن شفروه  
 (مجدد الدین) ۱۰۲  
 ابوالمحاسن ۱۸۰  
 ابوالمحاسن تغریبیدی ۸۱۱  
 ابوالمحاسن جعفر بن اسمعیل ازرقی  
 هروی (شرف الزمان زین الدین)  
 ۷۳، ۵۲  
 ابوالمحاسن حسین بن حسن گرگانی  
 ۷۷۹، ۲۷۲  
 ابوالمحاسن سید الروسا (مبین الملك) ۵۴  
 ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد بن خجوانی  
 ابن الساوجی ۷۷۱  
 ابوالمحاسن یوسف بن نصر کاتب (جمال-  
 الدین) ۷۸  
 ابوالمعتمد اسکویی (امیر) ۷۰۳  
 ابوالمعتمد محمد بن مسعود بن زکی غزنوی

۹۷، ۸۳، ۷۶، ۳۸، ۳۶-۳۵، ۳۲  
 ۳۹۰، ۱۰۱  
 ابوالقاسم حکیم (مولانا) ۶۲۲  
 ابوالقاسم خوافی ۳۴۲  
 ابوالقاسم رفیعی ۹۱  
 ابوالقاسم سیری (خواجه) ۸۲۴  
 ابوالقاسم شوکتی دهلوی (میرزا) ۴۶۹  
 ابوالقاسم ضیایی (کمال الدین) ۶۹۵  
 ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد کاشانی  
 ۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱  
 ابوالقاسم علی بن حسن بن محمد بن ابوال-  
 حنیفه ۱۳۵  
 ابوالقاسم علی بن حسن وزیر ۱۲۹  
 ابوالقاسم علی بن حسین (شریف علم الهدی)  
 ۱۳۰  
 ابوالقاسم علی قتیب السادات ترمذ  
 (مجدد الدین) ۱۲۶  
 ابوالقاسم عمر بیضاوی (عماد الدین)  
 ۱۳۹  
 ابوالقاسم عیسی بن علی ۲۸  
 ابوالقاسم کازرونی (شیخ) ۶۶۶، ۵۳۷  
 ابوالقاسم کاشانی ۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱  
 ابوالقاسم کثیر ۲۴  
 ابوالقاسم گرگانی ۷۵۳، ۶۳۰  
 ابوالقاسم لیثی ۲۶۲  
 ابوالقاسم محمد طایفی ۱۸۶  
 ابوالقاسم محمد میان کالی (نجم الدین)  
 ۴۱۵  
 ابوالقاسم محمود ۷۵۶  
 ابوالقاسم محمود بن ابراهیم غزنوی  
 (سیف الدوله) ۴۲  
 ابوالقاسم محمود بن عبدالملك بن ابوتوبه  
 مروزی خوارزمی (نصیر الدین) ۸۸،  
 ۱۳۰  
 ابوالقاسم محمود بن مفضل بن عبدالملك  
 ابن ابوتوبه مروزی خوارزمی (نصیر-  
 الدین) ۱۳۰، ۸۸  
 ابوالقاسم مقامی ۷۱۶  
 ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی



- (ظہیر الدین) ۱۲۵  
ابوالمحامد محمد حموی یزدی (کاشف  
الدین) ۳۲۵  
ابوالمحامد محمد فرغانی (سیف الدین)  
۷۴۷  
ابوالمحامد محمود بن عمر جوهری زرگر  
ہروی ۳۶  
ابوالمحسن محمد باقر بن محمد ۱۹۲  
ابوالمحسن محمد باقر بن محمد علی ۸۱۷  
ابوالمحسن میرزا بن حسین باقر ۲۴۶-  
۲۴۷  
ابوالمظفر (باریک شاہ) ۲۵۸  
ابوالمظفر (سید) ۲۲۵  
ابوالمظفر ابراہیم ۳۵  
ابوالمظفر اتلقیش ۲۲۵  
ابوالمظفر احمد بن محمد چغتائی (امیر)  
۳۸  
ابوالمظفر احمد حکمران سیستان ۳۷  
ابوالمظفر اخستان بن منوچہر شروانشاہ  
(جلال الدین) ۱۰۳، ۱۰۵  
ابوالمظفر بکیارقی (رکن الدین) ۴۹-  
۱۲۷، ۸۰، ۷۰، ۵۰  
ابوالمظفر بن ظہیر الدین محمد اسفراینی  
شاهفور (امام عماد الدین) ۱۱۷،  
۷۲۶، ۲۷۳  
ابوالمظفر بہادر شاہ (سراج الدین) ۲۵۱-  
۲۶۷، ۳۵۲  
ابوالمظفر رستم بہادر خان شیبانی ۶۰۴-  
۶۰۵  
ابوالمظفر سلطان حمزہ میرزا ۵۰۷، ۵۲۹،  
۴۴۳، ۴۷۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۷،  
۵۲۹، ۶۸۶، ۶۴۹، ۷۰۱  
ابوالمظفر شاہفور بن طاہر بن محمد  
اسفراینی ۱۱۷، ۷۲۳، ۷۲۶  
ابوالمظفر شاہفور یا شہفور بن طاہر بن  
محمد مظفر اسفراینی ۱۱۷، ۲۷۳،  
۷۲۶  
ابوالمظفر طاہر بن فضل چغتائی ۲۳، ۳۷  
ابوالمظفر طاہر بن محمد اسفراینی شاہفور
- (عماد الدین) ۱۱۷، ۱۸۰، ۲۷۳،  
۷۱۷، ۷۲۶، ۷۲۷  
ابوالمظفر عبدالجبار بن حسن یا حسین  
جمعی بیہقی ۵۵  
ابوالمظفر گرای خان بن دولت گرای خان  
۴۰۷  
ابوالمظفر محمد شاہ بہمنی (شمس الدین)  
۲۵۹، ۷۷۶  
ابوالمظفر محمود شاہ ۳۹۸  
ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی سبط ابن-  
الحوزی (شمس الدین) ۱۶۷  
ابوالمعالی (شاہ) ۵۴۷  
ابوالمعالی (شیخ) ۵۴۰  
ابوالمعالی خوافی ۳۴۲  
ابوالمعالی رازی (دہخدا) ۸۶  
ابوالمعالی زیارتگاہی (قاضی) ۵۵۴،  
۵۵۸  
ابوالمعالی سعید بن مظہر فامندی باخرزی  
(سیف الدین) ۳، ۷، ۱۱۵، ۱۷۳،  
۷۲۴، ۷۴۳، ۷۵۰  
ابوالمعالی شامغازی بن کینسرو استندار  
ملک مازندران (قصر الدولہ) ۱۸۷  
ابوالمعالی شہیدی کاشغری (شاہ) ۶۸۳  
ابوالمعالی عبدالصمد (معین الدین) ۸۲  
ابوالمعالی عبداللہ بن محمد بن علی بن  
حسن میانجی ہمدانی عین القضاة  
۶۹، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۲۲،  
۷۷۳  
ابوالمعالی عبدالملک بن عبداللہ بن یوسف  
جوینی امام الحرمین (ضیاء الدین)  
۶۱، ۷۴۱  
ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث (شمس-  
الاعالی) ۶۲  
ابوالمعالی غربتی لاہوری ۷۰۸  
ابوالمعالی قومی ۵۵  
ابوالمعالی محمد بن عبید اللہ علوی غزنوی  
۶۳، ۱۱۷  
ابوالمعالی محمد بن معتز بن معنوش طاہر  
(مجد الدین) ۲۷۴

ابوالنصر سلطان محمد دوم بهمنی ۶۴۶  
 ابوالنصر مهنوی ۳۴۲  
 ابوالنظام محمد فلکی شروانی (نجیب الدین)  
 ۱۰۶  
 ابوالمؤید بلخی ۲۸،۲۳،۲۰  
 ابوالمؤید رونقی بخاراوی ۲۰-۱۹  
 ابوالواجد (شیخ) ۳۴۲  
 ابوالواجد فارغی، خوافی ۶۱۵،۴۲۳  
 ابوالواجد فارغی شیرازی ۴۱۱  
 ابوالواجد فارغی هروی ۶۵۵،۴۴۶  
 ابوالوفا (سید) ۷۸۷  
 ابوالوفا بن سعید بن محمد بن یوسف بن  
 محمود ۷۵۷  
 ابوالوفای خوارزمی ۷۸۸،۳۲۱،۲۴۲  
 ابوالوفای سمرقندی هندی ۶۱۱  
 ابوالوفای قلندر کرمانی ۵۳۵  
 ابوالهادی (میرزا) ۳۳۵  
 ابوالهادی تبریزی ۶۹۰  
 ابوالهادی قزوینی ۵۲۶  
 ابوالهیثم احمد بن حسن گرگانی ۵۶،۲۴،  
 ۵۹  
 ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار نجفی قطبی  
 ۷۱۷،۷۰،۴۸  
 ابوالهیجا منوچهر بن فریدون شروانشاه  
 ۱۰۳، ۱۰۶، ۰۷-  
 ابوالیقین غیاث الدین محمد بن حسین بن  
 محمد حسین خراسانی ۷۸۵  
 ابویوب انصاری ۶۷۲  
 ابوبدیل ابراهیم بن ابوالحسن علی بن  
 عثمان خاقانی شروانی (افضل الدین)  
 ۱۰۳، ۹۲، ۷۴-۱۰۶، ۱۰۶-۱۰۷،  
 ۱۷۴، ۲۸۹، ۲۹۶-۳۹۷، ۷۱۹-  
 ۷۲۰  
 ابوبدیل احمد بن محمد سجاوندی (مجدد)  
 الدین) ۸۸، ۷۹، ۴۹  
 ابوبکر ۷۲۵، ۶۳۸  
 ابوبکر (قاضی فخر الدین) ۷۳۹  
 ابوبکر ابهری (فخر الدین) ۱۷۸  
 ابوبکر احمد جامعی (علاء الملک ضاء -

ابوالمعالی محمد مسلمی ۷۲۸  
 ابوالمعالی متهدی (شاه) ۶۸۳  
 ابوالمعالی مطهر بلخی ۷۳۷  
 ابوالمعالی مؤید بن محمد جاجرمی (ملک  
 مؤید الدین جاجرمی) ۷۱۹  
 ابوالمعالی نحاس اصفهانی ۵۱  
 ابوالمعالی نصر الله بن محمد بن عبدالحمید  
 شیرازی (نصیر الدین) ۷۸،  
 ۱۱۷  
 ابوالمفاخر رازی ۳۰۳، ۸۵  
 ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمن بن  
 عبداللطیف حسینی دشتکی شیرازی  
 شافعی هروی و اعظ (اصیل الدین)  
 ۷۷۴، ۲۴۵، ۲۴۳،  
 ابوالمفاخر عبدالؤمن بن یوسف بن فاخر  
 ارموی (صفی الدین) ۱۴۶-۱۴۷،  
 ۸۱۴، ۷۳۲، ۳۶۳  
 ابوالمفاخر منجیک فاخر رازی ۳۰۳، ۸۵  
 ابوالمفاخر میرشاه محمد بن کمال الدین  
 اسمعیل بن غیاث الدین منصور بن  
 نصیر الدین عبدالجلی حسینی بکری  
 ۵۹۹-۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۸،  
 ابوالمکارم احمد بن شرف الدین محمد بن  
 احمد بن محمد بیابانکی سمنانی  
 علاء الدوله (رکن الدین) ۱۴۸، ۴-۳،  
 ۱۹۵، ۲۰۰، ۴۱۶، ۶۳۴، ۷۲۱،  
 ۷۸۳، ۷۵۶، ۷۳۳  
 ابوالمکارم بن علاء الملک ۱۰۹  
 ابوالمکارم حمزة بن زهره حلبی (سید شریف  
 طاهر عز الدین) ۷۳۴  
 ابوالمکارم میرک ترکسی ابهری هروی  
 ۷۸۹، ۵۴۳، ۳۳۵  
 ابوالمنک سبیل بلخی ۷۲  
 ابوالمنصور کوچ کاتبی خان ۳۹۸  
 ابوالنجم احمد بن عوض بن احمد منوچهری  
 دامغانی ۲۰۹، ۸۸، ۷۶، ۴۵، ۴۲  
 ابوالنجیب عبدالقاهر بن عبدالله بهروردی  
 (ضیاء الدین) ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۹۶،  
 ۷۷۶، ۷۴۴، ۷۲۶، ۷۲۵

الدين) ۹۳-۹۵

ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المؤمنین  
(بعین الملک فخر الدین الخ بلکا اعظم  
هما یون باریک) ۷۳۹

ابوبکر بن احمد جام (نجم الدین) ۷۲۰  
ابوبکر بن جوکی شاه (میرزا) ۳۳۲  
ابوبکر بن ساعد خسروی بخارا ایسی  
(جمال الدین) ۷۸

ابوبکر بن سعد بن زنگی (اتابیک) ۱۲۹،  
۱۳۹-۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۲،  
۱۶۶-۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۹

ابوبکر بن سلطان ابوسعید (میرزا) ۳۳۲  
ابوبکر بن مجد الدین حسن یزدی (شمس-  
الدين) ۷۷۵

ابوبکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی  
۷۸

ابوبکر بن محمد خوافی (زین الدین)  
۲۶۳، ۳۲۱، ۳۲۸، ۴۱۹، ۶۱۵،  
۶۲۹-۶۳۰، ۶۳۴، ۷۱۸، ۷۷۸،  
۸۰۹

ابوبکر بن محمد شروانشاه ۱۰۷  
ابوبکر بن محمد واعظی بلخی ۱۸۰، ۹۵  
ابوبکر بن نظام الملک (مؤید الملک) ۵۴،  
۸۹

ابوبکر پیشکین (نصرة الدین) ۱۰۵  
ابوبکر تایبادی ۲۲۱، ۲۳۱، ۷۹۹، ۷۶۶  
ابوبکر تایبادی (ملا زین الدین) ۷

ابوبکر ثقه الملک وزیر ۲۳۵  
ابوبکر جعفر بن اسمعیل ازرقی هروی  
(ابوالمحاسن شرف الزمان زین الدین)

۷۴، ۵۳

ابوبکر حصیری ۳۴  
ابوبکر خال ترمذی (جمال الدین) ۸۸  
ابوبکر خطاط ترمذی (نجیب الدین) ۹۵

ابوبکر خلیفه ۱۵۹  
ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخارا ایسی ۲۹  
ابوبکر سعد بن زنگی (اتابیک) ۱۰۱،  
۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۳

ابوبکر سلمه باف تریزی ۷۳۶  
ابوبکر صدیق ۹۳، ۱۲۱، ۱۵۹، ۵۹۹

۶۱۲، ۶۰۸، ۶۰۳

ابوبکر طوسی ۷۵۴  
ابوبکر طهرانی ۸۴۲، ۶  
ابوبکر طهرانی اصفهانی ۶

ابوبکر عبداللہ بن محمد بن شامور اسدی  
رازی (نجم الدین دایه) ۱۱۵، ۸۰،  
۷۳۰، ۱۴۰

ابوبکر عبداللہ بن نصر بکری بغدادی ۱۳۲  
ابوبکر عین اللہ (مؤید الملک) ۸۹، ۵۴  
ابوبکر عتیق بن محمد سور آبادی ۱۱۷

ابوبکر علی تایبادی (زین الدین) ۲۲۱، ۷،  
۲۳۱، ۷۶۶، ۷۹۹  
ابوبکر علی وزیر (ثقه الملک) ۲۳۵

ابوبکر عمر بن محمود محمودی بلخی  
(قاضی حمید الدین) ۱۱۸، ۸۷  
ابوبکر قطبی اهری ۲۸۳

ابوبکر قهستانی ۳۴  
ابوبکر کرت (ملک شمس الدین) ۲۱۹  
ابوبکر محمد (اتابیک نصره الدین) ۱۰۵

ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی ۲۹  
ابوبکر محمد بن ابواسحق محمد بن ابراهیم  
ابن یعقوب کلابادی بخاری ۲۹

ابوبکر محمد بن جعفر فرسخی ۱۲۰، ۷۰  
ابوبکر محمد بن عبدالکریم بن علی بن سعد  
۷۳۵

ابوبکر محمد بن عبدالملک معزی نیشابوری  
۵۰-۵۱، ۵۴، ۷۴، ۸۳

ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن  
احمد بن حسین بن حمه راوندی (نجم-  
الدين) ۸۸-۸۹، ۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵

ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان سوزنی  
سمرقندی (شمس الدین) ۹۸

ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج چغانی  
۲۲  
ابوبکر محمد بن مودود ظاهری (نجم-  
الدين) ۱۷۶-۱۷۷

ابوبکر میرزا تیموری ۲۳۲  
ابوبکر نساج طوسی ۷۵۲، ۶۳۰

ابوبکر نصره الدین پیشکین ۱۰۵

۲۹۰-۲۹۱، ۳۲۰، ۳۴۵، ۷۲۳  
 ابو حامد محمد غزالی (زین الدین) ر.  
 زین الدین  
 ابو حفص اوشی ۷۴۸  
 ابو حفص خوزی ۱، ۵۶، ۷۴۹  
 ابو حفص حکیم بن احوص سفدی ۱۸، ۲۱،  
 ۴۸، ۲۷  
 ابو حفص عبدالله بن یقظان خوزی ۱، ۵۶،  
 ۷۴۹  
 ابو حفص عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری  
 (نصرة الدین یا غیاث الدین ابوالفتح)  
 ۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹،  
 ۳۱۳، ۳۹۷، ۲۵۷، ۱۷۳  
 ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بکری  
 سمروردی (شهاب الدین) ۱۴۱، ۱۶۷،  
 ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲، ۴۲۹-۴۳۰،  
 ۶۲۹، ۷۲۲، ۷۲۴-۷۲۵، ۷۳۱،  
 ۷۳۷-۷۳۸، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶  
 ابو حفص عمر مفتی الثقلین (نجم الدین)  
 ۱۲۲  
 ابو حفص عمرو بن سلمه حدادی  
 ابو حنیفه ۱۹۶، ۳۹۴، ۴۸۰، ۷۲۷  
 ابو حنیفه اسکافی مروزی غزنوی (قاضی)  
 ۴۴  
 ابو حنیفه عبدالکریم بن ابوبکر ۷۲۷  
 ابو حنیفه کوفی ۳۷۲  
 ابو حیان علی بن محمد توحیدی بغدادی ۲  
 ابو دلف کرکری ۴۸  
 ابو ذر ۲۵  
 ابو ذر بوزجانی ۵۶  
 ابو ذر سلمان بن احمد شریف فالی ۳۷۳  
 ابو ذر غفاری ۱۱۳  
 ابو رافع ۲۵  
 ابو رجاء علی غزنوی (شهاب الدین شاه) ۷۸  
 ابو رضا فضل الله بن محمد زوزنی (کمال-  
 الدوله) ۵۴  
 ابو روح لطف الله بن ابوسعید اسعد بن  
 ابوطاهر سعید بن ابوسعید ۶۲  
 ابو روح محمد بن منصور بن ابو عبدالله

ابوبکر نصره الدین محمد (اتابک) ۱۰۵  
 ابوبکر واعظ سرخسی ۲۴  
 ابوتراب (سید) ۱۴۴  
 ابوتراب بیک فرقتی جوشقانی ۵۱۷، ۴۱۴  
 ابوتراب عریضی حسینی سلامی شیرازی (شاه)  
 ۳۶۶  
 ابوتراب علوی (میر) ۵۰۲-۵۰۳  
 ابوتراب علوی (میرزا) ۵۰۳-۵۰۲  
 ابوتراب فرقتی جوشقانی ۵۱۷، ۴۱۴  
 ابوتراب محروم رازی (میر) ۵۰۳  
 ابوتراب میرزا ۳۲۶  
 ابوتراب ولی (میر) ۳۶۶  
 ابو جعفر احمد بن علی بن ابوجعفر محمد  
 ابن صالح بیهقی ابو جعفر ک یا جعفر ک ۳  
 ابو جعفر علی بن حسین قدامه موسوی صدر  
 شرق رئیس خراسان (مجدالدین) ۸۴  
 ابو جعفر عمر بن اسحاق و اشی لاهوری ۷۹  
 ابو جعفر محمد بن احمد مختار زوزنی  
 (کمان الملك) ۵۴  
 ابو جعفر محمد بن ابوب حاسب طبری ۲  
 ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (خواجه-  
 نصیر الدین) ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۵۲،  
 ۱۵۸، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۶۷،  
 ۲۶۹-۲۷۱، ۲۷۵، ۳۰۵، ۳۸۴-  
 ۳۸۵، ۴۴۲، ۳۹۱، ۳۸۹، ۴۴۵،  
 ۶۹۱، ۷۰۳، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۵۰  
 ابو جعفر محمد بن دشمن زیار (تلا الدوله  
 کاکویه) ۳۹  
 ابو جعفر محمد نیشابوری (رضی الدین)  
 ۱۲۵، ۹۹  
 ابو حاتم بلخی ۲۷  
 ابو حاتم مظفر امقرزی ۵۵، ۶۰، ۶۰، ۷۰، ۱۲۷،  
 ابو حامد احمد بن حامد کرمانی (فضل الدین)  
 ۸۹، ۱۱۷-۱۱۸  
 ابو حامد صدر الدین محمد ترکه (خواجه)  
 ۴۴۹، ۷۷۹  
 ابو حامد محمد بن ابوبکر بن مصطفی بن  
 شعبان عطار نیشابوری (فرید الدین)  
 ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰، ۲۱۹

فالب بغدادی خوارزمی (مجدالدین)	گرگانی ۷۱۹
۸۵-۸۶، ۹۴، ۱۱۵، ۱۱۶-۱۲۰،	ابوریحان بیرونی ر. ابوالریحان
۷۲۳	ابوزرعه معمري گرگانی ۲۲
ابوسعید عبدالباقی بن علی بن عبدالحق	ابوزکریا یحیی نووی (محبی الدین) ۴،
(فریدالدین) ۳۲۵	۳۵۶
ابوسعید عبدالحق بن ضحاک گردیزی ۲	ابوزید (خطیر) ۱۷۷-۱۷۸
ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی (قاضی- ناصرالدین یا نصیرالدین ابوالخیر)	ابوسعید محمد بن محمد فائمی هروی ۱۲۸
۷۴۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵، ۱۳۹	ابوسعید ۳۵۶
ابوسعید عبیدالله بن حیر قیل بن عبیدالله بن	ابوسعید اتدلسی ۷۵۳
یختیشوع طبیب ۷۳۷	ابوسعید ۲۴۳
ابوسعید علی بن بزغش بن عبدالله شیرازی	ابوسعید (سلطان) ۱۴۲، ۱۸۲-۱۸۳،
(تجرب الدین) ۱۸۰، ۲۱۱، ۲۱۲،	۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۵۱،
۷۵۸، ۷۴۶	۲۸۹، ۲۸۶، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۹،
ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر محمد بن-	۳۹۸
احمد میهنی ۱-۲۴، ۵۶، ۵۷-۶۱،	ابوسعید ابوالخیر ۱-۲، ۲۴، ۵۶-۵۷،
۶۲، ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۶۴، ۳۲۲،	۶۱-۶۲، ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۶۴، ۳۲۲،
۳۳۵، ۳۴۲، ۶۱۹-۶۲۰، ۶۶۳،	۳۳۵، ۳۴۲، ۶۱۹-۶۲۰، ۶۶۳،
۷۹۵، ۷۲۳، ۷۲۰، ۷۱۷	۷۹۵، ۷۲۳، ۷۲۰، ۷۱۷
ابوسعید کالبی ۷۰۹	ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی
ابوسعید کرمانی (شهاب الدین) ۱۴۹	۳۷
ابوسعید گرگانی ۷۹	ابوسعید بن شیخ صفی الدین اردبیلی ۲۱۲
ابوسعید محمد بن فخرالدین عبدالعزیز	ابوسعید بن محمد بن میرانشاه ۳۳۲
کوفی بخارایی (برهان الدین) ۹۵	ابوسعید بهادرخان (سلطان ابوالغازی)
ابوسعید محمد بن محمد چندی (نظام- الملك قوام الدین) ۱۷۲، ۲۲۳،	۱۴۲، ۱۸۲-۱۸۳، ۱۹۸، ۲۰۰،
ابوسعید مهنوی ۳۴۲	۲۱۱، ۲۲۴، ۲۵۱، ۲۸۶، ۲۸۹،
ابوسعید نسیمی حسینی شیرازی (عماد- الدین یارکن الدین) ۳۲۱، ۳۳۵-۳۳۶	۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۹۸،
۷۸۹، ۷۶۵، ۳۳۶	ابوسعید بهادرخان بن منصور کوچگانجی
ابوسعید نسیمی شیرازی (عمادالدین یا نسیم الدین) ۳۲۱، ۳۳۵-۳۳۶،	۳۹۸
۷۸۹، ۷۶۵	ابو-مید تیموری (سلطان) ۲۵۱، ۲۷۰-
ابوسلیک گرگانی ۱۹	۲۷۱، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۹۴،
ابوسلیمان داوود بن ابوالفضل محمد بن کتی	ابوسعیدخان بن سلطان محمد بن میرانشاه
(فخرالدین) ۱۴۳، ۷۳۱،	۶
ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سگزی	ابوسعیدخان بن کوچونجو (یا کوچکو- نجی یا کوچکونجو) بن ابوالخیر-
۱۲۴	حان شیانی ۳۹۸، ۴۸۶، ۵۷۱-
ابوسلیمان محمد حسینی شیرازی ۷۵۸،	۵۷۲، ۵۷۴
	ابوسعیدخان شیانی ۵۰۹
	ابوسعید خطیری ۲۵
	ابوسعید شرف بن مؤید بن ابوالفتح بن

ابو عبد الله رحمن سلمی ۶۲  
 ابو عبد الله احمد بن محمد بن نصر جیهانی  
 ۲۸۵  
 ابو عبد الله ادیب ۲۵  
 ابو عبد الله بن البیع (حاکم) ۷۸۳  
 ابو عبد الله بن خفیف شیرازی ۲۱۶، ۵۷، ۲۴  
 ۷۲۱، ۷۱۷، ۲۸۳  
 ابو عبد الله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی  
 ۱۸-۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۸  
 ۱۲۸  
 ابو عبد الله جنیدی ۲۳  
 ابو عبد الله حسین بن ابراهیم بن احمد ادیب  
 نظری (بدیع الزمان) ۵۶  
 ابو عبد الله حسین بن احمد بن حسین زوزنی  
 ۶۵  
 ابو عبد الله حسین بن حیدر اصفهانی (حسام-  
 الدین) ۸۴۱  
 ابو عبد الله حسین کتبی ۷۱۸  
 ابو عبد الله خفیف شیرازی ۵۷  
 ابو عبد الله روزبه بن عبد الله نکستی ۴۲  
 ابو عبد الله علی بن محمد بن عبد الله بن عبید الله  
 باکویه شیرازی ۲، ۵۷، ۷۱۷  
 ابو عبد الله عمر (تاج الشریعہ) ۷۳۴  
 ابو عبد الله عمر بن حسین قرشی بکری  
 رازی (امام فخر الدین) ۹۹، ۱۱۲-  
 ۱۱۳، ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳،  
 ۴۰۳-۴۰۴، ۴۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱  
 ۷۹۹  
 ابو عبد الله فرالوی ۲۱  
 ابو عبد الله فضل الله بن تاج الدین ابوسعید  
 حسین بن یوسف توران پستی (شهاب  
 الدین) ۱۵۳  
 ابو عبد الله قرشی ۵۵  
 ابو عبد الله محمد بخاری ۲۷۹  
 ابو عبد الله محمد بن ابوبکر بن ایوب ابن  
 قیم الجوزیه ۷۱۸  
 ابو عبد الله محمد بن خفیف شیرازی ۲۴،  
 ۲۱۶، ۲۸۳، ۷۱۷، ۷۲۱  
 ابو عبد الله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی-

۷۸۰  
 ابوسهل حمدوی ۴۴  
 ابوسهل زوزنی ۶۴  
 ابوشجاع سعد بن زنگی (انابیک) ۱۰۱،  
 ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۳  
 ابوشجاع محمد بن ملک شاه بن الپارسلان  
 (قیات الدین) ۴۹، ۵۱، ۶۹، ۸۰  
 ابوشرف ۱۷۷  
 ابوشریف ۲۵  
 ابو شریف احمد بن علی منجندی گرگانی  
 ۵۶، ۲۳  
 ابوشعیب هروی ۲۲  
 ابوشکور بلخی ۲۱  
 ابوصالح محمد معروف بشیح محمد حسن  
 چشتی ۱۹۶  
 ابوطالب (حکیم) ۸۳۱  
 ابوطالب بدخشانی ۳۴۲  
 ابوطالب بن ابوالحسن محمد بن علی بن  
 ابوغلی احمد بن ابوالحسن محمد بن  
 منصور الزبارة علوی حسینی بیهقی ۵۵  
 ابوطالب بن نعمه ۸۱  
 ابوطالب تبریزی (حکیم) ۷۰۰  
 ابوطالب حسینی خراسانی ۲۳۳  
 ابوطالب سخی کاشانی ۶۷۷  
 ابوطالب طباطبایی کاشانی ۴۴۷، ۸۱۹  
 ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر ۷۲۰  
 ابوطاهر بن علی بن حسن بن موسی طرسوسی  
 ۲۵۶  
 ابوطاهر حسن بن علی بن موسی طوسی ۷۱  
 ابوطاهر خانونی (موفق الدین) ۸۷  
 ابوطاهر خسروانی ۲۲  
 ابوطاهر کرد ۷۲۰  
 ابوطاهر محمد بن علی (انابیک) ۷۳۱  
 ابوطاهر مینوی ۳۴۲  
 ابوطاهر یحیی بن ماهر بن عثمان توهی  
 (شرف الدین) ۹۹  
 بوخیب سرخی ۲۲  
 بونیب مصعبی ۲۱  
 بوغاصد ۲۵

ابن حکمون مغربی قضاعی ۷۲۹

ابو عبداللہ محمد بن صدیق کججانی ۲۸۴

ابو عبداللہ محمد بن صفی الدین ابوالفرج

محمد بن نفیس الدین ابوالرجا کاتب

اصفہانی (عماد الدین) ابن اخی -

العزيز ۱۱۹، ۳۴۶

ابو عبداللہ محمد بن عبدالرحمن مقاریضی ۲

ابو عبداللہ محمد بن عبداللہ بن محمد بن

حمدویہ بن نعیم بن حکم صنمی (حاکم

ابو عبداللہ ابن الیبع) ۷۸۳

ابو عبداللہ محمد بن عثمان امامی هروی

(رضی الدین) ۷۴، ۱۶۱، ۷۴۰،

۷۴۵

ابو عبداللہ محمد قضاعی ۱۲۷

ابو عبداللہ محمد ہاشم شاہ کرمانی ۴۰۹

ابو عبداللہ مسعود بن علی بن عمر الصراف

۷۲۹

ابو عبداللہ معروفی بلخی ۲۲

ابو عبداللہ نوابی مروزی ۲۲

ابو عبید گوزگانی ۳۱

ابو عثمان حیری ۱

ابو عثمان مغربی ۷۵۳

ابو علی (حسام الدین) ۱۲۰

ابو علی (خواجہ مجد الدین) ۴۴۶

ابو علی المحسن بن علی بن محمد بن داود

تنوخی ۹۷

ابو علی الیاس ۲۵

ابو علی بندادی ۲۶۷

ابو علی بلعی ۲۹، ۲۳۸، ۷۶۰

ابو علی بن احمد عثمانی ۱۲۵

ابو علی بن حسین مروزی ۹۵-۹۶

ابو علی بن صحیفی شیرازی ۵۱۷

ابو علی تنوخی ۹۷

ابو علی چاچی ۲۵

ابو علی حسام الدین ملک فور ۱۲۰

ابو علی حسن بن طاهر نظام (الملک) ۸۱،

۹

ابو علی حسن بن علی بن احمد بن اسحق -

طوسی (قوام الدین نظام الملک) ۴۹ -

۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۶۶، ۶۷،

۶۹-۷۱، ۷۲، ۱۲۷، ۱۶۳، ۴۲۲،

۷۲۷

ابو علی حسن بن علی قطان مروزی ۱۲۷

ابو علی حسن بن محمد دقاق نیشابوری ۱،

۲۴

ابو علی حسین بن ابراهیم بن ابوبکر

سلماسی ۷۳۸

ابو علی حسین بن حسن مراغی (درویش

اشرف) ۳۰۹، ۷۸۷،

ابو علی حسین بن عبداللہ بن حسن بن -

علی بن سینا (ابن سینا) ۷، ۳۱،

۳۶، ۵۴، ۷۰، ۱۲۴ - ۱۲۵،

۱۲۸، ۱۳۰، ۱۸۳، ۷۳۵

ابو علی دقاق (اوحد الدین عبداللہ بن

مسعود بن محمد بن علی بن احمد بن

عمر بن اسمعیل) ۳۷۹

ابو علی دقاق (حسن بن محمد نیشابوری)

۲۴، ۱

ابو علی رودباری ۷۵۳

ابو علی سرخسی ۵۵

ابو علی سیمجور ۲۲، ۳۵

ابو علی سینار، ابو علی حب

ابو علی فارمدی طوسی ۲

ابو علی فالی ۲۲۵

ابو علی فضیل بن عیاض فتدینی خراسانی ۱

ابو علی قلندر (شرف الدین) ۱۹۷، ۷۲۷،

ر، شرف الدین ابو علی ملار

ابو علی کاتب ۶۳، ۷۵۳

ابو علی محمد بن احمد دقیقی بلخی ۲۳،

۲۷، ۳۲

ابو علی محمد بن محمد بن عبید اللہ بلعی

۲۹، ۲۳۸، ۷۶۰

ابو علی مسکویہ ۱۲۳

ابو علی واقر اسکزی (زین الدین) ۹۵

ابو عمر ابهری (کمال الدین) ۱۷۸

ابو عمرو چاچی نیشابوری ۲۲

ابو محمد عبدالله بن محمد رشیدی سمرقندی  
۹۷

ابو محمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن -  
مشرف سعیدی شیرازی (مصلح الدین)  
۱۶۱، ۱۵۹، ۱۴۷، ۱۴۱، ۸۳

۱۶۷، ۱۶۲ - ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶،  
۱۸۳، ۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۳۹۰،  
۳۹۳، ۴۱۵، ۴۴۵، ۴۶۵، ۵۱۲،  
۶۲۶، ۶۹۲، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸  
۸۱۱

ابو محمد عبدالمطی بن ابوالخنا محمود -  
امن عبدالمطی لخمی اسکندری  
(سدید الدین) ۷۱۸

ابو محمد علی بن افضل السدین محمد بن  
صدر الدین ابو حامد ترکه اصفهانی  
(صاحب الدین) ۱۶۴، ۲۷۴، ۲۹۸،  
۳۴۹ - ۳۵۱، ۴۴۲، ۷۷۹

ابو محمد محمد بن نجم الدین محمد قایتی  
(چال الدین) ۷۸۵

ابو محمد محمود بن محمد دهدار عیانی  
سیرا رحار معین الدین (۳۹۷، ۶۵۶،  
۷۰۹، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۳۷)

ابو مدین مغربی ۷۵۳

ابو مسلم بشاری ۷۹

ابو مسلم خراسانی ۱۶

ابو مسلم عبد السلام بن احمد بن محمود  
کازرونی (ضیاء الدین) ۷۳۵

ابو معین ناصر خسرو قبادیانی مروزی  
(حمید الدین) ۲۸، ۳۷، ۴۸، ۵۴،  
۵۸ - ۶۲، ۶۳، ۲۱۶، ۲۱۸

ابو منصور ۲۵

ابو منصور عبد الرشید بن ابو یوسف  
احمد مروزی ۴۵

ابو منصور عمی بن ابوطالب طبرسی (۳۷،  
۳۷۴

ابو منصور شماره مروزی ۲۶

ابو منصور قسیب بن ابراهیم بزرگ هیر

ابو عمرو عثمان بن سراج الدین محمد بن

منهاج الدین عثمان بن ابراهیم بن  
عبد الخالق جوزجانی (منهاج الدین)  
۷۱۳، ۷۱۴ - ۷۳۰

ابو فیض (خواجہ) ۶۲۷

ابو کالیجار (جمال الدین ابراهیم) ۲۳۴

ابو کالیجار گرشاسب کاکویه (علاء الدوله)  
۸۱، ۶۳

ابو گوویج ۸۰۱

ابو محمد محمود بن عمر جوهری زرگر  
هروی ۳۶

ابو محمد احمد بن احمد کوفی ۱۳۲، ۱۵۷

ابو محمد احمد بن محمد بن عبدالله بن  
ابراهیم بن سریشاه دمشقی حنبل  
حنفی (شهاب الدین ابوالعباس یسا  
مسجد الدین) ۲۷۹

ابو محمد بسطامی (بایزید بن عنایت الله)  
۳۹۵

ابو محمد نسیزی ۷۶۴

ابو محمد حسن آذری ۷۱۹

ابو محمد حسین بن مسعود فراء بسوی  
(محبی السنه) ۱۳۶، ۳۹۴

ابو محمد روزبهان بن ابونصر بقلی بسوی  
ازری شطاح یا شطاح فارس ۱۰۹،  
۲۱۵، ۲۲۱، ۷۲۷

ابو محمد سیستانی ۱۹۵

ابو محمد سید الرحمن بن محمد بن محمد  
کسر قی اسفراینی انور الدین (۱۹۵،  
۷۳۳، ۷۴۵)

ابو محمد عبد العزیز بن عثمان جبری ۶۳

ابو محمد عبد القادر بن عبد القادر بن  
ابو صالح

ابو محمد عبد بن عبد رزاق اصفهانی  
(جمعه الدین) ۷۴ - ۷۵، ۱۰۹، ۱۵۲،  
۱۷۳ - ۱۷۴

ابو محمد عبد بن محمد بن محمد معروف  
برود ۴۵



ابونصر علی بن احمد بن منصور اسدی  
 طوسی ۲۶، ۲۹، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۷۰،  
 ۷۱۷  
 ابونصر فارابی ۸۱۴، ۲۳  
 ابونصر فراہی ۲۷۵، ۹۰  
 ابونصر محمد بن اسحاق قاینی ۷۸  
 ابونصر محمد بن اسد (شار) ۷۱۵  
 ابونصر محمد بن محمد قاینی مناخ ۶۳  
 ابونصر محمد بن مسعود مملان ۴۸  
 ابونصر محمد قطان غزنوی ۱۵۱  
 ابونصر محمود بن ابوبکر بن حسین بن  
 جعفر فراہی (بدرالدین) ۲۷۵، ۹۰  
 ابونصر مرغزی ۲۵  
 ابونصر مشکان (احمد بن عبدالصمد) ۳۰،  
 ۶۴-۶۵  
 ابونصر مملان ۴۸  
 ابونصر منصور بن محمد کندری (عمید)  
 الملك ۴۹-۵۰  
 ابونصر مہنہ ۱۸۰  
 ابونصر مہنوی (خواجہ ناصرالدین)  
 ۳۲۳، ۳۲۲  
 ابونصر میرزا محمد ہندال ۶۰۷، ۵۵۸،  
 ۶۶۸  
 ابونصر ہبہ اللہ بن حسین بن احمد بن حسین  
 الداریج بیہقی (امیر رئیس) ۵۵  
 ابونصر ہبہ اللہ فارسی (قوام الملك -  
 نظام الدین) ۷۸  
 ابونصر عقی ۱۲۹، ۱۳۵، ۷۵۵  
 ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی ۱۲۹،  
 ۷۵۵، ۱۳۵  
 ابویحیی زکریا بن محمد بن محمود قزوینی  
 ۷۳۲، ۱۴۶  
 ابویزید خلخالی ۶۸۷  
 ابویزید زنگی بن طاهر فریومندی (ر-  
 الدین) ۱۹۴  
 ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی  
 بسطامی ۷۸۳  
 ابویعقوب سگزی ۵۹  
 ابویعقوب یوسف بن ایوب ہمدانی ۱۱۰، ۲-

قاینی ۴۱  
 ابومنصور قطران بن منصور ۴۸، ۸۲،  
 ۱۶۶، ۹۲  
 ابومنصور محمد بن عبدالزاق طوسی ۲۸،  
 ۴۰  
 ابومنصور مظفر بن اردشیر عبادی ۷۵۷  
 ابومنصور موفق بن علی ہروی ۲۹  
 ابونصر احمد بن ایراہیم طالقانی خراسانی  
 ۵۵، ۵۰  
 ابونصر احمد بن ابوالحسن بن احمد بن  
 محمد بن جریر بن عبداللہ بن لیث  
 بجلی نامقی جامی احمد جام زندہ پیل  
 ۱۰۸-۱۰۹، ۲۸۵، ۳۲۶، ۵۵۳،  
 ۵۵۷، ۶۲۸، ۶۶۸، ۷۲۰-۷۲۱،  
 ۷۴۸، ۷۸۳، ۷۹۶، ۸۱۵  
 ابونصر احمد بن عبدالصمد مشکان ۳۰، ۶۴-  
 ۶۵  
 ابونصر احمد بن محمود بن علی نظامی  
 (مجدالدین) ۷۴۳  
 ابونصر احمد بن منصور اسدی طوسی ۲۶،  
 ۲۹، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۷۰، ۷۱۷  
 ابونصر احمد بن نصر قباوی ۷۰، ۱۲۰  
 ابونصر بن عبداللہ بخاری نسابہ ۶  
 ابونصر بن محمد یارسا (حافظ الدین) ۵،  
 ۲۲۱، ۲۲۱، ۲۸۱، ۳۳۳  
 ابونصر یارسا (حافظ الدین) ۵، ۲۲۱،  
 ۲۸۱، ۳۳۳  
 ابونصر ثانی (خواجہ) ۶۲۳  
 ابونصر جو سوری ۵۵  
 ابونصر حسن بہادر (مظفر الدین) ۳۱۲  
 ابونصر حسین بن ابوعلی فضل بن حسین  
 طبرسی (رضی الدین) ۳۷۱، ۳۷۳  
 ابونصر حسین بن علی قمی ۲۹  
 ابونصر سراج ۶۱  
 ابونصر سگزی (ظہیر الدین) ۴  
 ابونصر طاہر بن محمد خاتقہی مغربی  
 سرخسی (خواجہ فقیہ شیخ الاسلام)  
 ۱۴۶  
 ابونصر عبدالرحمن بن عبدالجبار قامی  
 ہروی (ثقة الدین) ۱۹۷  
 ابونصر عتبی ۱۲۹، ۱۳۵، ۷۵۵

۷۴۸  
 احمدی بلوطی (ابراہیم حسین) ۵۴۵  
 احمد (آل عثمان) ۴۷۷  
 احمد (ابوالمظفر حکمران سیستان)  
 ۳۷  
 احمد (اتاپیک نصرۃ الدین) ۱۷۵، ۱۴۸  
 احمد (الخ قدر خان) ۷۱۹  
 احمد (خواجگی) ۴۰۰، ۳۵۷  
 احمد (خواجگی سلطان) ۴۰۰، ۳۵۷  
 احمد (خواجہ میر) ۸۰۶، ۴۴۳  
 احمد (خواجہ میرزا) ۴۴۳، ۳۸۲  
 احمد (علاء الدین) ۶۵۱  
 احمد (میرزا نظام الدین) ۴۲۲، ۳۵۷  
 ۵۵۶، ۵۵۲، ۵۴۴، ۴۳۷، ۴۲۸  
 ۸۰۸  
 احمد ابن خطیب گنجوی (امیر) ۸۸، ۸۵  
 ۷۳۹، ۱۰۸، ۱۰۵  
 احمد ابیوردی ۴۴۱-۴۴۲، ۸۲۸، ۸۲۶  
 احمد اتون ۵۶۲  
 احمد اردستانی (جمال الدین فضل اللہ پیر  
 جمالی) ۲۳۵، ۲۳۴، ۷۷۴، ۸۰۹  
 ۸۲۶  
 احمد استاد (صلاح الدین) ۷۲۳  
 احمد استراپادی ۶۶۶  
 احمد اسفر فاپادی ۶۲۹  
 احمد اسکوی (نظام الدین) ۷۰۳، ۶۷۰  
 احمد اطعمہ حلاج شیرازی ۲۰۴، ۲۹۶-  
 ۲۲۰، ۲۹۷  
 احمد اقلکی (شمس الدین) ۸۱۷، ۱۳۳  
 احمد القائم ۸۰۳  
 احمد امامی ۸۲۶  
 احمد بحری (ملک) ۴۸۹  
 احمد بخاری (حاجی) ۱۸۱  
 احمد بخاری (سید) ۳۸۹  
 احمد بحشی (خواجہ نظام الدین) ۳۵۸  
 احمد بدیلی ۷۲۶  
 احمد بدیبی سجاوندی (مجدالدین) ۴۹  
 ۸۸، ۷۹  
 احمد بزمک (ملک) ۲۵  
 احمد بن ابراہیم طالقانی خراسانی

۷۴۶، ۷۲۲، ۷۱۸، ۱۱۱  
 ابو یقوب یوسف بن سبکتگین (عبدالدولہ)  
 ۳۷، ۳۴  
 ابهری ۲۵  
 ابهری اردبیل (کمال الدین حسین بن  
 عبدالحق) ۲۹۳  
 ابی تمام ۱۲۴  
 ابی کالیجار (جمال الدین ابراہیم) ۲۴۴  
 اتا (سید) ۶۳۹، ۵۷۶  
 اتا (صدر) ۶۰۵  
 اتاپیکان آذربایجان ۱۰۷، ۱۰۲، ۷۳، ۱۰۷،  
 ۱۴۰  
 اتاپیکان سلغری ۱۶۲، ۱۰۱  
 اتاپیکان فارس ۱۶۶-۱۶۷، ۱۷۹  
 اتاپیکان لرستان ۱۲۵، ۱۲۹، ۸۲، ۷۳  
 ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۷۴، ۱۷۵-۱۸۴  
 ۴۹۱  
 اتاپیکان لر کوچک ۴۹۱  
 اتاپیکان موصل ۸۱  
 اتاترکی (خلیل) ۲۲۰  
 اتای (شیرخواجہ) ۵۹۶  
 اتایی بلخی ۲۴۲  
 اتسز خوارزمشاہ (علاء الدولہ علاء الدین)  
 ۱۲۴، ۹۸، ۹۲-۹۱، ۸۲، ۸۱، ۷۸  
 ۱۲۷  
 اتکھ خان اعظم (امیر شمس الدین محمد  
 غزنوی) ۵۴۳، ۴۱۸-۵۴۹، ۵۴۴  
 اتقمیش (ابوالمظفر) ۲۲۵  
 اتقی شری ۳۶۸  
 اثیر الدین اخسیکتی ۱۰۷، ۷۴  
 اثیر الدین عبداۃ اومانہ ۷۴۵، ۱۵۸  
 اثیر الدین فتوحی مروزی ۸۷  
 اثیر الدین مفضل بن عمر ابهری ۱۰۳  
 ۷۴۳، ۳۹۳، ۳۵۶، ۱۷۳، ۱۳۹  
 اجر (سید) ۱۷۸  
 اجر بخاری (سید) ۲۳۹  
 اجمیری (میرالدین حسن بن غیاث-  
 ندین سکزی) ۱۵۳-۱۵۴، ۱۸۱  
 ۷۳۸، ۵۴۱، ۵۳۷، ۴۰۵، ۳۰۷

(ابو نصر) ۵۵،۵۰  
 احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد بن  
 جریر بن عبداللہ بن لیت بجلی نامی  
 جامی ژندہ بیل (ابو نصر) ۱۰۸-۱۰۹،  
 ۲۸۵، ۲۳۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸،  
 ۷۶۸، ۷۲۱-۷۲۰، ۷۳۸، ۷۸۳،  
 ۸۱۵، ۷۹۶  
 احمد بن ابوالخیر زر کوب معین (فخر-  
 الدین ابوالعباس) ۱۸۶  
 احمد بن احمد بن احمد دہامینی سیواسی  
 ۷۳۵  
 احمد بن اسحق (خواجہ پیر) ۳۰۲-۳۰۳،  
 ۳۰۵  
 احمد بن اسمعیل سامانی ۲۱  
 احمد بن اعثم کوفی (ابو محمد) ۱۱۳۲،  
 ۱۵۷  
 بن ایزدیار (شرف الدین قرید الزمان)  
 ۸۹  
 احمد بن بایزید آل عثمان ۳۷۷  
 احمد بن تاج الدین حسن استرآبادی (سیف-  
 الدین) ۲۳۵  
 احمد بن جلال الدین بن سید جمال الدین-  
 ابن برهان الدین خواجہ بن میر  
 دیوانہ بن برهان الدین قلیج بن کمال-  
 الدین بن جلال الدین بن شاه حسین  
 بن شاه حسن بن محمد بن احمد بن  
 محمد بن احمد بن عبداللہ الافضل بن  
 عبداللہ بن طالب بن امام علی بن موسی-  
 الرضا مغدوم اعظم ۷، ۵۷، ۳۵۷، ۳۰۰-  
 ۴۰۱  
 احمد بن جلال الدین  
 یحیی بن علاء الدین محمد بن ظہیر-  
 الدین ابوالقاسم محمد بن جلال الدین  
 محمد بن نصیر الدین ابوالقاسم بن  
 بہیر الدین محمد بن ابوالقاسم محمد  
 ابن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن  
 جلال الدین محمد بن احمد بن ابو  
 نصر بن علی بن محمد بن علاء الدین  
 عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد

ابن محمد بن قتیبہ بن ابوامامہ صدی  
 جلال بن وھب باھلی خوانی (فصیح-  
 الدین) ۲۳۸، ۲۷۳  
 احمد بن حامد کرمانی (ابو حامد) ۸۹،  
 ۱۱۷-۱۱۸  
 احمد بن حجر عسقلانی (شہاب الدین) ۱۳۲،  
 ۶۸۲  
 احمد بن حجر ہیثمی (شہاب الدین) ۳۸۱،  
 ۳۹۴، ۸۱۹، ۸۲۹  
 احمد بن حسن گرگانی (ابوالہیثم) ۲۴،  
 ۵۹، ۸۴  
 احمد بن حسن مہندی (شمس الکفاة-  
 ابوالقاسم) ۳۳-۳۵، ۳۵  
 ، بزدی ۲۵۳  
 احمد بن حسین مستوفی کشانی (حمید-  
 الدین) ۹۵  
 احمد بن حیدر بن محمد شیرازی ۲۷  
 احمد بن خاوند شاه حسینی (سلطان)  
 ۲۴۱  
 احمد بن رشید الدین فضل اللہ (شرف الدین)  
 ۷۳۱  
 احمد بن روز بہان بقلی (فخر الدین)  
 ۷۲۱  
 احمد بن سلیمان بن کمال یا شا کمال یا شا زادہ  
 یا ابن کمال یا شا (شمس الدین) ۳۹۵،  
 ۸۱۰-۸۱۱  
 احمد بن سنجریں ملکشاہ (ناصر الدین-  
 ابوالحارث) ۸۰  
 احمد بن شرف الدین محمد بن احمد بن  
 محمد بیا بانکی سمٹانی (رکن الدین  
 ابوالمکارم علاء الدولہ) ۳-۱۴۸، ۴،  
 ۱۹۵، ۲۰۰، ۳۱۶، ۶۳۴، ۷۲۱،  
 ۷۳۳، ۷۵۶، ۷۸۳  
 احمد بن شیخ 'ورس چڑیر' سلطان معیت-  
 الدین) ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۶،  
 ۲۶۴، ۲۶۴، ۷۶۴، ۷۷۱-۷۷۲  
 احمد بن عبدالاحد سرھندی مسجد الف  
 ثانی ۳۷۰، ۸۱۲  
 احمد بن عبدالعزیز مشکان ('ابو نصر) ۳۰،

الدین ابوالعباس یا شهاب الدین  
ابوالفتح (۲۷۹)

احمد بن محمد بن نصر جیهانی (۲۸۵)

احمد بن محمد چغانی (ابوالمظفر) (۳۸)

احمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی (۲۹۳)

احمد بن محمد سجاوندی (مجدالدین ابو-  
بدیل) (۸۸، ۷۹، ۴۹)

احمد بن محمد غزالی (ابوالفتوح) (۶۹،  
۷۵۲، ۷۲۵، ۶۳۰، ۱۱۱)

احمد بن محمد فراهی (شرف الدین) (۹۱)

احمد بن محمد فصیح خوافی (فصیح الدین)  
۷۷۴، ۳۳۸

احمد بن محمد قدری بندادی (ابوالحسن)  
۱۵۵

احمد بن محمد کافی کرجی (ابوالقراج)  
۲۲۴

احمد بن محمد مقدس اردبیلی (۳۹۶)

احمد بن محمد مقیم هروی (نظام الدین)  
۸۰۲، ۴۷۱، ۳۶۶، ۳۵۹، ۳۵۷

احمد بن محمد منشوری سمرقندی (ابو-  
سعید) (۳۷)

احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری  
۷۷۳-۷۷۲

احمد بن محمود بن ابوبکر صابونی حنفی  
بخاری (نور الدین) (۷۲۹)

احمد بن محمود بن علی نظامی (مجدد-  
الدین ابونصر) (۷۴۴)

احمد بن محمود قاضی زاده مفتی (شمس-  
الدین یا بدر الدین) (۲۸۸)

احمد بن محمود معین القفا (۲۳۷)

احمد بن منصور اسدی طوسی (ابونصر) (۲۶،  
۷۱۷، ۷۰، ۴۷، ۳۴، ۳۸، ۲۹)

احمد بن منصور حجتی (۶۳)

احمد بن منوچهر شست کله (۸۸)

احمد بن موسی (۷۴۲)

احمد بن موسی خیالی بخارایی (۲۹۶،  
۳۰۰)

احمد بن موسی رشتی امشادی (۷۶۳)

احمد بن مؤید شهابی نسوی سمرقندی (شهاب-  
الدین)

احمد بن علی بن ابوجعفر محمد بن صالح  
بیهقی بوجعفر کینا جعفر ک (ابوجعفر)  
۳

احمد بن علی بن احمد (۲۶۰)

احمد بن علی بن مسعود (۸۱۲، ۲۹۳)

احمد بن علی مخلدی گرگانی (ابوشریف)  
۵۶، ۲۳

احمد بن عمر بن ابوالحسن علی مکی  
نظامی هروی سمرقندی (۹۰، ۵۱،  
۷۱۹، ۱۱۹)

احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله خیونی  
خوارزمی (نجم الدین ابوالجناب  
کبری) (۱۱۵-۱۱۶، ۱۱۶، ۱۳۰، ۱۶۵،  
۱۷۴، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۲۳، ۷۲۴-  
۷۲۴، ۷۴۶، ۷۴۳)

احمد بن عوض بن احمد عنوچیری دامغانی  
(ابوالنجم) (۴۲، ۴۵، ۷۶، ۸۸،  
۲۰۹)

احمد بن فضل الله جمالی دهلوی (۸۰۹-  
۸۱۰)

احمد بن فهد حللی (۳۷۱)

احمد بن مبارز الدین (عماد الدین) (۱۹۸)

احمد بن محمد المیم لادوزی (۲۹)

احمد بن محمد بن احمد بن محمد کلامی  
اصفہانی (الطیغ الدین) (۲۶، ۲۰۴)

احمد بن محمد بن احمد بن میر یزد میبندی  
یزدی (رشید الدین ابوالفضل) (۷۱۷،  
۷۲۸)

احمد بن محمد بن احمد بن جرج زرود پاشی  
بیدری (نظام الدین) (۷۵۸)

احمد بن محمد بن حسن خلیفه نیشابوری  
۲۱۳

احمد بن محمد بن سید ابوالفضل غفاری قزوینی  
۸۳۲، ۵۰، ۳۵۴، ۶

احمد بن محمد بن سید انکریم قصاب آمی  
ابوالعباس (۲۴)

احمد بن محمد بن سید ابوالعباس  
بن شاه دمشق حنفی عجمی (شمس-  
الدین)

الدين) ۹۹

احمد بن نصر الله ديبلى تنوى ۲۵۶

احمد بن نصر قباوى (ابو نصر) ۱۷۰، ۱۷۰

احمد بن ولى الدين ياشا (ابو الفضل) ۳۳۸

احمد بن يحيى منيرى (شرف الدين) ۲۵۸،

۷۷۶، ۷۲۵

احمد بن يوسف بن الياس طبيب خوافسى

(جلال الدين) ۲۱۲

احمد بن يوسف شاه بن البارغون بن نصر -

الدين بن هزار اسب (نصرة الدين)

۱۸۳، ۱۴۳

احمد بهمنى (علاء الدين) ۷۷۶، ۲۵۹

احمد بيك بن اقورلوم محمد بن حسن يادشاه

۷۸۸

احمد بيك مشرف ۵۰۰

احمد يادشاه ۲۶۵-۲۶۶

احمد يادشاه (كاركيا) ۴۸۹

احمد ياشا ۳۸۲، ۴۸۰، ۸۰۶

احمد ترخستانى ۷۲۱

احمد تفتازانى (سيف الدين) ۸۰۹، ۸۰۶

احمد تگودار (سلطان) ۱۳۴، ۱۳۶،

۱۶۳

احمد تمبل (سلطان) ۶۸۰

احمد جام ژنده پيل ۱۰۸-۱۰۹، ۲۸۵،

۳۳۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸، ۶۶۸،

۷۲۰-۷۲۱، ۷۲۸، ۷۸۳، ۷۹۶،

۸۱۵

احمد جامجى (علاء الملك ضياء الدين ابو -

بكر) ۹۴-۹۵

احمد جامى ۲۵

احمد جامى (امير) ۲۹۰

احمد جامى (بياء الدين) ۱۰۹، ۷۹۶،

احمد جامى (شيخ الامام) ۲۱۹، ۲۲۱،

احمد جامى (قطب الدين) ۳۴۲

احمد جامى وفايى ۳۳۸

احمد جلايبرى (سلطان) ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۵،

۲۱۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۷۷۱، ۷۶۴ -

۷۷۷، ۷۷۳

احمد جندى ۶۵۳

احمد جوزقانى (جمال الدين) ۷۳۵

احمد چوپان (خواجه امير) ۴۴۹

احمد حاجى بيك كاشغرى ۳۴۲-۳۴۳

احمد حجازى ۲۲۶

احمد حسيني حسنى موسى باب الابوابى

در بندي ۴۰۶

احمد حقيرى هروى (شهاب الدين) ۳۲۶،

۳۴۳

احمد حكمران سيستان (ابو المظفر) ۳۷

احمد حلاج شيرازى (جمال الدين ابو اسحق)

۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷، ۲۲۰،

احمد حموى (خواجه) ۵۵

احمد خالدى (صدر الدين) ۲۲۴

احمد خان (خان) ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۸۲، ۳۸۶ -

۳۸۷، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۱۰، ۵۱۸ -

۵۱۹، ۵۲۱، ۵۳۰، ۲۰۵۳، ۷۰۲، ۸۲۶

احمد خان (سلطان) ۲۵۲

احمد خان (شهاب الدين) ۴۲۵، ۵۴۴

احمد خضرويه ۸۰۱، ۸۰۸، ۶۲۴، ۶۲۷

احمد خطيبى (حافظ مير) ۶۲۱

احمد خلخالى (شيخ) ۵۲۶، ۷۰۲

احمد خلف ۷۹

احمد خوافى (غيث الدين) ۴۶۰، ۲۶۴

احمد دخلى اصفهانى (ملك) ۵۳۹

احمد دوم يادشاه بهمنى (علاء الدين) ۱۹۰،

۲۵۹، ۷۷۶

احمد دهدار (احمد فاني شيرازى) ۳۹۷،

۶۵۵-۶۵۶، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۳۷

احمد دينورى ۶۲۹-۶۳۰

احمد درومى ۷۳۷

احمد ژنده پيل جامى ۱۰۸-۱۰۹، ۲۸۵،

۳۳۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸، ۶۶۸،

۷۲۰-۷۲۱، ۷۴۸، ۷۸۳، ۸۹۶،

۸۱۵

احمد سراج - جزوارى ۳۴۳

احمد سر هندى محمد الفانى ۳۷۰، ۸۱۲

احمد سلطان بيده پسى ۴۹۴

احمد سلطان وند (بياء الدين) ۱۶۰، ۱۹۹،

۷۳۶، ۲۶۰

احمد مستوفی ۶	احمد مستوفی (امین الدین) ۱۳۳	احمد مستوفی (میر سید) ۴۶۴	احمد مصری ۳۹۴	احمد منیری (شرف الدین) ۷۲۵، ۲۵۸	احمد موسوی ۲۲۶	احمد میرزا ۶۷۹	احمد میرزا (سید) ۳۴۳	احمد میرزا تیموری (سلطان) ۲۵۸، ۲۳۲	احمد میرزا (میر سید) ۷۱۱	احمد نخبجویانی ۷۵۸	احمد نیشابوری ۶۶۶	احمد و انگریز ۵۵	احمد هروی (حافظ) ۳۴۳	احمد هروی (غیاث الدین سید) ۲۷۲	احمدی خراسانی ۶۱۴	احمد یسوی ۶۰۵، ۴۰۶، ۶۳۹، ۶۳۳	احمد بن قیس ۵۷	اختر (قاضی) ۶۸۷	اختر محمد خان رامپوری حنفی قادری	نقشبندی مجددی ۱۵۳	اختیار (عبدالکریم بن محمود قاضی)	اختیار (قاضی حسن بن غیاث الدین) ۶	اختیار الدیر (میر) ۲۴۳	اختیار الدین حسن سمرقندی ۲۲۶	اختیار الدین علی بن ابونصر روزبه شیبانی	اخستان بن منوچهر شروانشاه (ابوالمظفر)	اخستان دندی (قاجار الدین محمد بن صدر)	الدین احمد بن علاء الدین حسن	دبیر عبدالوسی ملک ۷۶۱، ۷۵۵	اخسیکتی (ائیر الدین) ۱۰۷، ۷۴	احگر (میرزا قاسم علی بیگ حیدرآبادی)	احمدستانی ۶۳۴	احمد سہیلی جنتاوی (نظام الدین) ۲۳۷	سیستانی (قاضی) ۴۶۵، ۴۵۳، ۴۴۷	احمد شاہ بہمنی ۷۸۶، ۲۹۴، ۱۸۹	احمد شاہ دوم (علاء الدوٹہ) ۲۵۹، ۱۹۰	احمد شیرین کار (نظام الدین) ۳۴۳	احمد طبسی ۵۶۲	احمد عبدالحق رودلوئی ۴۰۴	احمد علی (مولوی) ۳	غزالی (ابوالفتح احمد بن محمد)	احمد غفاری قزوینی ۸۳۲، ۵۰۸، ۳۵۴	احمد فانی شیرازی دھدار ۶۵۵، ۳۹۷	احمد فکاری سہروردی قزوینی ۵۱۰	احمد فناوی خلخالی ۸۳۸، ۶۸۷	احمد قاسمی طوسی (بیہا الدین) ۱۶۱	احمد قسطلانی (ابوالعباس) ۱۳۴	احمد کاتب جامی (نظام الدین) ۹۵	احمد کازرونی (رشید الدین) ۳۴۳	احمد کاشانی منہج ماعظم (میر سید) ۳۵۷	احمد کرمانی ۵۴۰	احمد کشمیری ۷۹۰	احمد کہنہ میر قاضی ۶۴۹	دعوتی (مفتی) ۶۸۷	دکھنی زادہ خیر بردعی ۷۰۴	احمد گجوی (ابن خطیب) ۸۰۸، ۸۰۸، ۸۰۸	احمد دغری سیستانی قاضی ۴۵۳، ۴۴۳	حردانی (میر سید) ۳۳۳	حماد اعرجی ۵۱۱	حماد علی (میر سید) ۷۹۰، ۶۰۵، ۷۰۴
---------------	------------------------------	---------------------------	---------------	---------------------------------	----------------	----------------	----------------------	------------------------------------	--------------------------	--------------------	-------------------	------------------	----------------------	--------------------------------	-------------------	------------------------------	----------------	-----------------	----------------------------------	-------------------	----------------------------------	-----------------------------------	------------------------	------------------------------	---	---------------------------------------	---------------------------------------	------------------------------	----------------------------	------------------------------	-------------------------------------	---------------	------------------------------------	------------------------------	------------------------------	-------------------------------------	---------------------------------	---------------	--------------------------	--------------------	-------------------------------	---------------------------------	---------------------------------	-------------------------------	----------------------------	----------------------------------	------------------------------	--------------------------------	-------------------------------	--------------------------------------	-----------------	-----------------	------------------------	------------------	--------------------------	------------------------------------	---------------------------------	----------------------	----------------	----------------------------------

اردلان (کرخان) ۳۵۵	اخگری آندجانی (نورمحمد) ۶۰۱
اردو (زبان) ۷۲۸، ۲۰۵، ۱۵۳	اخوان الصفا ۳۹۰
ارسطو ۳۱	اخى جوق ۷۶۳
ارسلان (قاسم مشهدى) ۴۱۹، ۲، ۵۸۰، ۶۳۶	اخى سليمان گلخورانى ۴۱۲
ارسلان پاپا ۶۳۹	اخى شرف الدين ۷۳۳
ارسلان بخاراىى (قاسم) ۵۸۰، ۶۳۶	ادايى اصفهانى ۶۷۲
۸۳۶	ادايى بخارى ۳۶۳
ارسلان بن طغرل سلجوقى ۱۰۱، ۹۹، ۸۷	ادايى سمرقندى ۶۳۹
۱۰۷، ۱۰۲	ادايى شيرازى (بهاء الدين على) ۳۳۸
ارسلان بن مسعود غزنوى ۷۷	ادايى شيرازى (ملا محمد) ۲۳۸-۲۳۹
ارسلان چاذب ۴۱۹	ادراكى بيگلرلى تنوى ۳۶۶
ارسلان خان بن محمد بن سليمان ۷۷	ادريس ۱۴۵
۹۸	ادريس بن حسام الدين بدلىسى ۱۶۹، ۲۵۳
ارسلان شاه بن کرمانشا ۸۲، ۷۷	۷۷۵، ۷۴۲
ارسلان مشهدى (قاسم) ۴۱۹، ۷، ۵۸۰	ادريس بن يوسف (درويش) ۸
۶۳۶	ادهم خان ۸۲۳، ۵۴۴-۸۳۳
ارشد شيرازى ۳۳۳	ادهم عزلتى خلخالى ۷۰۱
ارشد کازرونى ۴۴۷، ۲۴۳	ادهم کاشانى (ميرزا ابراهيم) ۴۴۷
ارشميدس ۱۲۷، ۱۲۸	ادهم منشى ۴۶۸، ۶۵۱
ارغون ۴۰۹، ۳۶۶، ۶۷۱	ادهمى ۵۸۹
ارغون (امير ذوالنون) ۴۰۹، ۶۷۱	اديب صابر ترمذى ۸۲، ۷۴-۸۳، ۷۱۹
۸۲۹، ۶۸۱	اديب طبرى ۲۳
ارغون (جيجك بيگم) ۴۷۶	اديب کاشى ۷۷۲
ارغون (شاه حسن) ۸۲۵	اديب نطنزى (بديع الزمان ابو عبدالله
ارغون (طايفه) ۳۶۶	حسين بن ابراهيم بن احمد) ۵۶
ارغون خان ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۲ - ۱۶۳	ارجاسب ۲۳
۷۴۱، ۷۳۱، ۱۸۶، ۱۷۴	ارجاسب اميدى رازى طهرانى ۳۱۵، ۳۸۰،
ارغون هروى ۳۴۳	۴۴۱، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۸۰، ۶۸۵
ارقم فارسى (امير سناة الدين) ۱۰۲	۶۸۹
اروپايى ۲۸۹	اردشير (امير حسين) ۳۴۳
ازبک ۴۰۷، ۴۱۳، ۴۸۶، ۴۸۸، ۵۵۹	اردشير استرابادى پختيارى (عزيز -
۵۶۰، ۵۷۹، ۵۸۴، ۵۹۱، ۶۱۵	الدين) ۱۹۳
۸۰۸، ۶۴۱	اردشير بابکان ۱۲۹، ۹
ازبک (اتابيك مظفر الدين) ۱۴۰، ۱۵۸	اردشير بن حسن معاذى تبريزى ۳۴۱
۷۲۹	اردشير بن حسن ملك مارندران (حسام -
ازبکان ۲۴۳، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۱۳، ۳۲۲	الدين) ۱۹، ۱۷۲
۳۳۷، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۸۴، ۴۰۹	اردشير بن ديلمسپار فجمى قطبى (ابو -
۴۷۱، ۴۷۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷	الهيچا) ۴۸، ۷۰، ۷۱۷
۵۷۴، ۵۸۳، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۳۲	

اسحق بن منصور بن خلف قیساپوری ۶۴  
 اسحق ترک ۱۶  
 اسحق حروفی ۲۸۱، ۲۹۱  
 اسحق ختلانی ۳۱۹-۳۲۰  
 اسحق قاری ۴۰۶  
 اسحق کسائی (مجدالدین ابوالحسن) ۲۶  
 ۳۷  
 اسحق کشمیری ۸۱۳  
 اسدالله (میر) ۳۴۲  
 اسدالله صدر (امیر) ۵۰۱  
 اسدالله ملولسی اصفهانی (خلیفه) ۴۴۷،  
 ۸۲۶  
 اسدالله اعلی شیر ۳۶۲  
 اسدبیک اشک قزوینی ۶۶۷  
 اسدجانی همدانی ۵۲۸  
 اسدخان ۶۹۶  
 اسدی طوسی (ابونصر احمد بن منصور)  
 ۲۹، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۷۰، ۷۱، ۷۶  
 اسعد بن شهاب بخاری (سعدالدین) ۱۰۰  
 اسعدزیاد (کمال) ۱۷۸  
 اسدگرگانی (فخرالدین) ۴۶، ۵۱-  
 ۱۰۵  
 اسعدمیهنی ۵۴  
 اسعدیار اغلو ۸۰۰  
 اسعدیار بن سلطان خسرو بن سلطان یار  
 محمد بن جانی بیک سلطان ۵۷۹  
 اسعدیار سلطان ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۹۰،  
 ۵۹۳-۵۹۴، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۱-  
 ۸۲۶  
 اسکافی (ابوحنیفه) ۴۴  
 اسکندر (جلال الدین) ۱۸۱  
 اسکندر بن عمر شیخ تیموری (میرزا-  
 اسکندر) ۲۰۴، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۹۶،  
 ۴۵۰، ۷۵۲، ۷۷۱  
 اسکندر بن محمد ۳۸۳  
 اسکندر بن یوسف قراقویونلو ۲۳۴، ۲۹۸،  
 ۷۹۴  
 اسکندربیک ۸۰۰  
 اسکندر پاشا حکمران آمد ۳۵۶

۶۶۶-۶۶۷، ۶۷۱، ۶۷۸، ۶۸۲-  
 ازبکان ماوراءالنهر ۳۵۵  
 ازبک بن محمد بن ایلدگز (انابیک) ۱۴۰،  
 ۱۵۸  
 ازبک خان ۵۹۲  
 ازرقی هروی (شرفالزمان ابوالمحاسن  
 زین الدین ابوبکر جعفر بن اسمعیل)  
 ۷۴، ۵۳  
 ازهری هروی (جلال الدین محمد) ۹۵  
 ازدها سلطان افشار ۵۰۲  
 ام نوبتی (جمعیت) ۱۶  
 اسپندیار سلطان ۵۶۸، ۵۷۳  
 اسپهبد اسپهبدان شهر نوش ملک مازندران  
 ۲  
 اسپهبد شاه نصره الدین کبود جامه ۱۸۰،  
 ۳۴۵  
 استاجلو ۳۷۲-۳۷۳، ۳۸۲، ۳۹۲-۳۹۵،  
 ۵۰۶  
 ستاد مختص  
 ۷۰، ۶۳  
 استادی احمد بن موسی رشتی ۷۶۲  
 استاوسین ۱۶  
 استراپادی ۶۷۷  
 ا شرحن (امیر) ۶۷۸  
 استغنائی قیساپوری ۲۲  
 استغاقی (سلمه) ۴۸۹  
 استغاقی (عبدالله بن عبدالحی بن علی حسینی)  
 ۲۶۲  
 اسحق استراپادی ۲۸۱، ۲۹۱  
 اسحق بن ابراهیم بن ابوالرشید ۱۲۰  
 اسحق بن امین الدین جدریل موسوی  
 اردبیلی اصفی الدین ابوالفتح ۱۸۶،  
 ۲۱۱-۲۱۲، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۸-  
 ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۹۱، ۷۴۷، ۷۶۷-  
 ۸۱۸، ۷۹۳  
 سحت بن شری دهموی (ب-اندین) ۱۵۶  
 سحت بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن  
 رید - مصر قندی (ابو القاسم) ۲۹،  
 ۷۱۶، ۷۸۱



اسمعیل بن غیاث الدین منصور بن نصیر -  
 الدین عبدالحی بکری مکی (کمال-  
 الدین) ۵۹۹، ۶۴۸  
 اسمعیل بن لطف الله باخرزی ۸۱۴  
 اسمعیل بن محمد بن عبدالله بن احمد بن  
 سهل بن ارجح آملی بخارا این مستملی  
 مذکور سری (ابو ابراهیم) ۷۱۶، ۲۹  
 اسمعیل بن محمد تبریزی ۱۵۰  
 اسمعیل بن ناصر الدین سبکشین ۳۳  
 اسمعیل بن نوح منتصر (ابو ابراهیم) ۲۲  
 اسمعیل تاش ۸۳۴  
 اسمعیل حماری (شهاب الدین) ۳۲۹  
 اسمعیل دوم صفوی (شاه) ۳۵۶، ۳۷۹، ۳۸۲،  
 ۳۸۷، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۰،  
 ۴۶۲، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۴،  
 ۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۹ - ۸۰۲،  
 ۸۲۹ - ۸۳۰  
 اسمعیل رشیدی ۲۵  
 اسمعیل سیسی ممثانی ۲۱۰  
 اسمعیل شام غازانی ۲۴۳  
 اسمعیل شامی قادری ۵۴  
 اسمعیل صفوی (شاه) ۲۳۴، ۲۴۱،  
 ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۸،  
 ۲۷۵، ۲۷۷، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۵،  
 ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۴،  
 ۳۳۸، ۳۴۹ - ۳۵۱، ۳۵۴،  
 ۳۵۸، ۳۷۲، ۳۷۵، ۳۷۷،  
 ۴۱۰، ۴۲۸ - ۴۳۶، ۴۴۰،  
 ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۴ -  
 ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴ - ۴۶۵،  
 ۴۶۷، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۶،  
 ۴۹۱، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۲۵، ۵۳۴،  
 ۵۶۲، ۵۸۲، ۶۰۶، ۶۴۷، ۶۵۱،  
 ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۱ - ۶۷۷، ۶۷۸،  
 ۶۸۱، ۶۸۶ - ۶۸۷، ۶۹۱، ۶۹۵،  
 ۶۹۶، ۸۰۳ - ۸۰۴، ۸۱۴، ۸۱۸،  
 ۸۲۳، ۸۲۶  
 اسمعیل تادلشاه وفاپی (سلطان) ۲۳۷،  
 ۶۴۷

اسکندر یا شاروملی لوند ۴۹۶  
 اسکندر خان افتاد ۴۵۷  
 اسکندر خان بکیشلو ۵۰۶  
 اسکندر خان بن جانی بیک بن خواجہ محمد  
 ابن ابوالخیر خان ۴۸۷ - ۴۸۸  
 اسکندر گورکانی (میرزا) ۲۰۴، ۲۳۲،  
 ۲۳۷، ۲۹۶، ۷۵۳، ۷۷۱، ۷۷۲  
 اسکندر لودی ۴۰۴ - ۴۰۵، ۴۶۸، ۷۸۵،  
 ۸۰۹، ۸۱۲ - ۸۱۳، ۸۳۸  
 اسکندر هروی ۵۸۲  
 اسلام ۱۴ - ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۷، ۶۶ - ۶۷،  
 ۷۲، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۷،  
 ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۸۸، ۲۴۱، ۲۴۸،  
 ۲۵۶  
 اسلام خزالی بلخی (برهان الدین) ۲۳۰،  
 ۶۲۹، ۷۸۹  
 اسلام گرای ۶۹۰  
 اسلامی ۱۳، ۱۳۴، ۲۴۱، ۲۵۹، ۳۵۴،  
 ۳۵۷  
 اسمعیل ابرقوهی (صدر الدین) ۷۵۵  
 اسمعیل اقبال ۷۲  
 اسمعیل باخرزی (تاج الدین) ۸۸  
 اسمعیل بختی قزوینی ۶۷۱  
 اسمعیل بخاری (ملک عماد الدین) ۲۲۳  
 اسمعیل بکری (کمال الدین) ۵۹۹، ۶۴۸  
 اسمعیل بن ابراهیم غزوی زریس ۸۸  
 اسمعیل بن احمد جام (شهاب الدین) ۷۲۱  
 اسمعیل بن احمد سامانی ۷۱۶  
 اسمعیل بن جعفر الصادق ۳۶۷  
 اسمعیل بن جمال الدین ابو محمد عبدالله بن  
 عبدالرزاق اصفهانی (کمال الدین  
 ابوالفضل) ۷۴، ۱۰۰، ۱۴۱، ۱۵۷ -  
 ۱۵۸، ۲۳۹، ۲۹۸، ۷۳۹ - ۷۴۰،  
 ۸۳۰  
 اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسینی،  
 گرگانی (زین الدین ابو ابراهیم) ۹۲،  
 ۱۲۴، ۷۲۷  
 ل بن صدر الدین محمد (عماد الدین)  
 ۷۴

غزنوی ۷۹،۷۷،۷۴-۷۱۹،۸۰	اسمعیل قزوینی (حاجی) ۶۴۹
اشرف بن شرف‌مذاکر فاروقی ۲۸۵	اسمعیل گرگانی (سیدزین الدین ابوالبراهیم)
اشرف بن محمد اشرف قباوی ۷۳۵	اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد
اشرف ثانی ۷۱۹	حسینی (۷۲۷، ۱۲۴، ۹۲۲)
اشرف خان میرمنشی ۵۵۴، ۵۴۲	اسمعیل میرزا پسر شاه طهماسب ۳۷۸
اشرف ره‌وزی سمرقندی (میر) ۵۹۶	اسمعیل وراق هروی ۸۴، ۵۳
اشرف سمرقندی (معین الدین) ۷۱۹، ۸۷	اسمعیلی ۸۰۴، ۵۴۹
اشرف شیرازی (معین الدین) ۴۶۹، ۴۴۸	اسمعیلی (صدرالدین) ۸۰۵
اشرف گلستانی ۲۲۶	اسمعیلیان الموت ۱۳۶-۱۳۷
اشرف نوری سمرقندی ۵۹۶	اسمعیلیان قهستان ۱۷۰
اشرفی (سکه) ۸۲۱	اسمعیلیه ۷۴، ۶۶، ۵۹، ۵۴، ۳۷، ۲۸، ۲۶
اشرفی (طریقه) ۷۵۶	۸۰۵، ۷۲۹، ۳۶۸، ۱۳۹، ۱۲۷
اشرفی سمرقندی ۹۵	۸۱۶
اشعری ۶۲	اسمعیلیه ایران ۱۷۰
اشعریان ۳۸۹	اسمی بخارا (حاجی بابا) ۵۹۱
اشکانی ۱۱-۱۲	اسمی هروی ۳۴۳
اشک قزوینی پیشروخان (میرزا اسدالله)	اسیر ابدال اصفهانی ۶۶۵
بیک ۶۶۷	اسیر ترک ذوالقدر ۶۶۷
اشکی قمی ۸۲۳، ۴۳۱	اسیری ۳۴۱
اشنانی جوئیباری ۲۵	اسیری (محمد قاسم) ۶۴۹
اشهری (جمال الدین) ۱۸۰	اسیری (میرغازی بن قاضی محمود سیفی)
اشهری نیشابوری (شاه‌غور) ۱۸۰	حسینی (۸۲۲، ۵۰۳، ۴۲۹)
اصدق‌آهندانی ۶۶۷	اسیری تربتی ۵۲۶
اصطحری (ابو اسحاق ابراهیم) ۷۷۱، ۷۱	اسیری‌راری (قاضی عازی) ۵۰۳، ۴۲۹
اصغر مشهدی ۳۴۳	۸۲۲
اصفهان‌نی ۵۳۷	اسیری لاهیجی گیلانی نوربخشی (شمس-)
اصیل الدین ابوالمفاخر عبدالله بن عبد-	الدین محمد بن یحیی بن علی (۱۶۹)
الرحمن بن عبداللطیف حسینی دشتکی	۷۸۹، ۱۱۶۲-۷۴۱، ۳۲۲، ۳۱۹
شیرازی شافعی هروی واعظ ۲۴۳،	اسیری هروی ۳۴۳
۷۷۴، ۲۴۵	اشتر ۳۸۱
اصیل الدین بن نصیر الدین طوسی ۷۲۰	شمس جویدری ۲۵
اصیل الدین روحانی ۸۸	شتهدی استی ۲۰۴
اصیل الدین زوزنی ۱۸۰	شرف (دیوش) ۷۰۳، ۳۰۵
اصیل الدین محمود بن احمد جام (یا صفی-)	شرف‌امت ۷۶۳
نندن ۷۲۰	شرف (میرزا محمد) ۴۶۹، ۴۴۱، ۳۵۰
صیر الدین حیدر سمرقندی ۹۵	۸۱۵
اصل زین واعظ ۷۷۴، ۲۴۵، ۲۴۳	شرف (میرزا) سگبر سندی ۸۰۵، ۷۰۳
صیری مشهدی ۳۴۳	حش‌چش ۳۶
صیل هروی (سراج الدین) ۳۴۳	شرف (میرزا) حسن محمد ۸۰۵، ۷۰۳، ۳۵۰

افضل الدين ۷۲۰۳	اطعمه (ابو اسحق احمد حلاج شرازی)
افضل الدين ابو بدیل ابراهیم بن ابواسحق	۲۲۰، ۲۹۷-۲۹۶، ۲۰۴
علی بن عثمان خاقانی شروانی ۷۲۰	اظہر تبریزی ۳۲۷
۱۰۳، ۱۰۴-۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۴، ۲۸۹، ۳۹۶-۳۹۷، ۷۱۹-۷۲۰	اظہر خطاط ۳۴۳
افضل الدين ابو حامد احمد بن حامد	اعتماد الدوله ۴۶۲
کرمانی ۱۱۸-۱۱۷، ۸۹	اعتماد الدوله (عبدالله خان) ۴۳۴
افضل الدين بن صدر الدين ترکه اصفهانی	اعتماد الدوله چھانگیری ۵۱۳، ۲۸۲
۱۲۶، ۳۳۸-۳۳۹، ۴۶۰، ۴۶۹	اعتماد الدوله حاتم بیگ صافی اردوبادی
۷۱۱، ۵۲۰	۶۴۹، ۶۸۴، ۶۹۳، ۶۹۹، ۷۰۵، ۸۳۷
افضل الدين ترکه ۸۱۳	اعتماد الدوله صافی اردوبادی (خواجہ
افضل الدين حسن بن احمد بافتی ۸۸	حاتم بیگ) ۶۴۹، ۶۸۳، ۶۹۳، ۶۹۹، ۷۰۵، ۸۳۷
افضل الدين صدر ترکه ۱۲۶-۳۳۸-۴۶۹	اعتماد الدوله غیاث الدین ۵۱۳، ۳۸۲
۷۱۱، ۵۲۰، ۴۶۰، ۴۹۹	۸۰۶
افضل الدين غیلانی ۵۵	اعتماد الدوله غیاث بیگ رازی ۵۱۳، ۳۸۲
افضل الدين کشانی (محمد بن حسن بن حسین	۸۰۶
ابن محمد خوزمرفی بابا) ۱۳۵، ۶۹	اعتماد خان ۳۶۷
۷۲۲، ۴۵۰-۴۴۹، ۲۳۳	اعراب ۱۲-۱۵، ۱۳-۱۵، ۱۷، ۱۵۱
افضل الدين کرمانی ۸۸	اعرجی مراغی (قاضی) ۵۳۳
افضل الدين محمد بن	اعزالدین خالد خان ۷۶۸
محمد خوزمرفی کاشانی (بابا) ۶۹	اعظم (اعظم علی خان) ۶۴۹
۷۲۲، ۴۵۰-۴۴۹، ۲۳۳، ۱۴۵	اعظم خان (میرزا عزیز کوک) ۳۸۳، ۳۲۶، ۴۲۶
افضل الدين محمد ترکه ۱۲۶، ۴۴۸	۵۴۳، ۵۴۹، ۵۵۳، ۶۰۱، ۶۵۳
۴۴۹، ۴۶۰، ۱۹۹، ۴۶۰، ۷۱۱، ۸۲۱	۶۶۹
افضل الدين محمد ترکه دوم ۴۵۱-۴۵۲	اعظم شاملو (علیقلی خان) ۴۹۹، ۶۶۷
۸۲۱، ۵۲۰، ۴۹۹، ۴۶۰	اعظم علی خان اعظم ۶۴۹
افضل الدين محمد کرمانی ۴۶۴	افروز خان ۷۹۳
افضل الدين محمود بن ضیاء الدین محمد	افتخار الدین دامغانی ۱۸۰
کرمانی ۳۰۷-۳۰۸	افتخار الدین قزوینی (ملک) ۲۲۱، ۲۲۶
افضل الله آبادی ۲۰۶	۷۴۹
افضل بن سید نظام الدین سلطانعلی موسوی	افراسیاب ۸۰۱
هروی ۳۲۳	افراسیاب (آل) ۱-۲
افضل بيگ لاهیجی ۶۶۷	افسری کرمانی ۶۲۲
افضل ترکه ۴۴۸، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰	افسری هروی ۳۴۳
افضل حان (شمس الدین محمد علی لاری)	افشار ۴۸۲، ۵۰۷، ۸۳۰
۶۴۵-۶۴۶	افشین ۱۶
افضل خان (صدر الدین محمد کلامی لاری)	افضل (امیر) ۳۴۳
۶۴۶	افضل اسفراینی ۱۷۷
افضل حان کلاشی ۵۵۱، ۴۴۶	
افضل شیرازی (عباس العزیز بن محمد) ۲۳۶	
۸۷۹	

اکبر آبادی ۶۷۷، ۸۳۶	۲۸۰
اکبر آبادی (بدرالدین) ۲۰۶	افضل کشتانی (بابا) ۱۴۵، ۶۹ ۴۴۹، ۴۴۳
اکرم (عمادالدین) ۱۸۱	۷۳۲، ۴۵۰
الاقانہ ۶۰۵	افضل کرمانی ۳۴۹
الانخ ۶۰۹	افضل نامی طهرانی ۶۸۹
الاله (سعدالدین) ۶۷۸	افضل بخارایی (خواجہ محمد حیدر)
الب تکین ۳۲	۶۰۸
التمش (شمس الدین) ۱۵۲، ۹۷، ۱۷۰	افنان ۸۳۸، ۷۵۱، ۶۰۶
۷۴۴، ۱۷۱۹، ۱۷۲	افنانان ۸۱۹، ۶۰۸، ۶۰۶، ۵۱۸
الجایقو ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۴	افانیا ۴۵۴
۲۰۱، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۳	افغانی ۷۵۱، ۳۶۱
الغ باربیک آی به (جمال الدین) ۱۲۸	اولاطون (عبداللطیف شروانی) ۴۰۳، ۸۵۱
الغ بلکا اعظم هما یون باربیک ابوبکر بن ابو	افلاکی (شمس الدین احمد) ۸۱۷، ۱۴۳
فصرو لی امیر المؤمنین (بمین الملک	افلاکی تبریزی ۶۹۰
فخر الدین) ۷۳۹	اقبال سیستانی ۱۴۸
الغ بیک (میرزا) ۳۴۲-۶۱۷	افدسی مشهدی ۵۱۷
الغ بیک بن شاهرخ (علاء الدوله) ۵، ۲۳۱،	اقطابی مشرقی (خواجہ عبدالرحیم بی -
۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۶۸، ۲۷۱ -	شمس الدین محمد خلوتی تبری
۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۲۸ -	۷۹۵، ۷۴۲
۳۳۰، ۳۴۳، ۵۸۷ - ۵۸۸، ۶۳۰	اقطع (قاضی شمس الدین) ۱۷۸
۷۸۶	اقطع الدین بیلغانی ۱۰۸
الغ خان سلطان محمد جونابن تغلق شاه	اقلیدس ۶۶۳
(محمد بن تغلق شاه) ۲۰۳	اکلف (زکی) ۱۷۸
الغ قدر خان احمد ۷۱۹	اکبر (جلال الدین ابوالفتح محمد) ۲۵۲، ۷
الغ میرزا ۵۴۳	۳۵۶-۳۶۱، ۳۶۳-۳۶۶، ۳۶۹
الف ابدال بلخی اصفهانی ۷۸۸، ۳۱۷	۳۷۲-۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱-۳۸۳
الغتی ۴۵۲	۴۵۲-۴۵۳، ۴۵۵-۴۵۶، ۴۶۵
الغتی (قلج خان) ۴۵۲	۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۷۵، ۵۰۵، ۵۱۳
الغتی بدخشی ۶۷۰	۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۳، ۵۲۰، ۵۲۷، ۵۳۲
الغتی عراقی ۴۵۲	۵۳۶، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۷ - ۵۵۳
الغتی یزدی ۴۵۲	۵۵۵-۵۵۸، ۵۶۶، ۵۶۸ - ۵۶۹
الغص میرزا صفوی ۳۷۵، ۴۵۲ - ۴۵۴	۵۷۵-۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۸، ۵۹۲
۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۷۱، ۶۲۶	۵۹۴، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۳۵
الغوردی خان ۶۱۶	۶۴۱-۶۴۲، ۶۴۴-۶۴۶، ۶۶۴
الغجو ۶۹۶	۶۶۵-۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۳ - ۶۷۷
الغوس اربعه جنگیزی ۲۵۰	۶۸۳-۶۹۰، ۶۹۰، ۷۰۹ - ۷۱۰، ۷۴۴
الغوس جغتای ۲۴۹، ۳۰۷، ۳۰۹، ۵۶۷	۸۱۵-۸۱۹، ۸۲۰ - ۸۲۲، ۸۲۴
نهاد بن اسد العلماء علی شیر سهندی ۳۶۲	۸۳۰-۸۳۳، ۸۳۵ - ۸۳۸
۸۰۳، ۳۶۶	کمر احوال ۷۸۴، ۳۸۴، ۳۵۷

امامی (عبدالله) ۴۲۳	الهدا دفیضی سرهندی ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۰۳
امامی (قاضی محمد) ۳۴۷	الهی ۳۴۳
امامی اصفهانی (امام الدین محمد) ۶۷۰	الهی (دین) ۳۶۳-۳۶۴
امامی اصفهانی هروی (میر شریف) ۴۳۰	الهی اردبیلی (کمال الدین حسین بن شرف
امامی خلخالی ۶۹۱	الدین عبدالحق) ۱۶۹، ۲۵۵، ۳۴۳،
امامی هروی (رضی الدین ابو عبدالله محمد	۲۹۳، ۶۷۰، ۶۹۰، ۷۴۲، ۸۳۸
ابن عثمان) ۱۶۱، ۷۴، ۷۴۰، ۷۴۵	الهی ساری (عبدالله) ۸۱۴
امان الله یاس پتی ۶۷۸	الهی شروانی ۶۹۱
امان الله قهستانی ۳۴۳	الهی قندهاری ۶۷۰
امانی ۲۳، ۵۵۰، ۷۱۷	الیاس (ابوعلی) ۲۵
امانی (محمد بیگ) ۴۹۷	الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی
امانی اصفهانی (میر شریف) ۴۵۳	گنجوی در نظامی
امانی خراسانی ۴۱، ۵۳	الیاس گنجه ۱۷۷
امانی شیرازی ۳۴۳	الیاس میدانی (شمس الدین) ۱۷۸
امانی کابلی معروف بمینچوه ۴۵۳	امام الحرمین ابوالعالی عبدالملک چوینی
امانی حمدانی ۵۲۸	۶۱، ۷۴۱
امیر سیونیسیم ۲۲۹، ۲۳۵، ۳۵۳	امام الدین ابوالقاسم بن ابوب
امیر القیس ۷۷۲	قزوینی ۱۸۰
امری شیرازی (ابوالقاسم) ۷۰۹، ۵۳۹	امام الدین خان اجمیری ۱۵۴
امنی تبریزی (محمد) ۵۲۹	امام الدین محمد امامی اصفهانی ۶۷۰
امیدی رازی (ارجاسب یا مسعود) ۳۱۵،	امام المشککین ۱۱۲
۳۸۰، ۴۴۱، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۸۰	امام اول ۴۴۲، ۵۰۵، ۵۳۲
۶۸۹، ۶۸۵	امام چهارم ۱۹۵، ۶۳
امیدی طهرانی رازی (ارجاسب) ۳۱۵،	امام حداد ۱
۳۸۰، ۴۴۱، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۸۰	امام ربانی (جمال الدین محمد بن حسن
۶۸۹، ۶۸۵	نندوری طوسی) ۷۲۳
امیر (حضرت) ۶۶۳	امامزاد حسین ۴۹۴
امیر (میرزا) ۴۶۹	امام فخر رازی ۱۱۲، ۹۹-۱۱۳، ۱۱۳،
امیرالدین مسعود میندس ننجوانی ۱۰۸	۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳، ۴۰۳-۴۰۴،
امیرانشاه میرزا بن تیمور (عزالسلطنه)	۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۹۹
۲۱۰-۲۱۱، ۷۵۶	امامقلی بیگ قسوتی ۵۰۶
امیر ا. ا.	امامقلی خان والی بخارا ۳۰۳، ۳۰۴، ۶۸۹
امیر بیگ امیری ۵۰۷	امامقلی رازة قاینی ۶۷۰
امیر بیگ پیروی ساوچی ۴۳۱	امامقلی میرزا صفوی ۴۹۵
امیر بیگ کججی میسردار ۴۱۴، ۴۶۴،	امام هشتم ۸۵، ۲۱۸، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۳۸، ۵۶۲،
۴۵۵، ۶۹۱	۶۹۹
امیر یازواری ۳۴۰	امامی ۵۵۹
امیرجان انسی ۳۴۳	امامی (ابوالعباس) ۲۵، ۷۹
امیر حسینی ۱۶۹، ۲۱۴، ۷۴۲، حسینی	

اصفہائی ۲۵۱، ۳۸۱، ۴۲۹، ۵۲۳،  
 ۷۲۲، ۶۶۳، ۶۳۷  
 امین الدین احمد مستوفی ۱۴۴  
 امین الدین تبریزی ۷۴۲، ۲۲۵  
 امین الدین چہر می ۲۱۶  
 امین الدین حسن ۴۲۳  
 امین الدین خواجہ جهان ۵۲۳  
 امین الدین دادا (روح الامین) ۲۲۶  
 امین الدین کاکانوری ۲۲۶  
 امین الدین محمد بن علی بن ضیاء الدین  
 مسعود کازرونی ۷۶۲، ۲۰۸، ۲۰۰  
 امین الدین تزلابادی ۳۰۴  
 امین بن احمد ۸۰۶، ۳۸۲  
 امین تبریزی (میرزا محمد) ۶۹۲، ۵۳۰  
 امین سلطان ترکمان (محمد) ۵۰۱، ۴۹۵  
 امینی استرابادی ۵۰۴  
 امینی بلخی ۳۵  
 امینی تبریزی (محمد) ۶۹۲، ۵۳۰  
 امینی خوفی (غنی) ۴۲۸  
 امینی زرگر تبریزی (میرزا محمد) ۵۳۰،  
 ۶۹۲  
 امینی هروی (امیر سلطان ابراہیم) ۴۶۴،  
 ۶۶۶  
 امینی هروی (صدر الدین) ۳۴۳، ۲۷۵  
 امینی یارکنندی ۵۹۵  
 انجمی بخاراہی (میرزا باقی) ۶۰۲، ۵۳۹  
 انس بن مالک ۱۴۶  
 انسی (امیر جان) ۳۴۳  
 انسی (قطب الدین میر حاج گنابدی) ۳۲۱، ۸  
 انسی (مولانا شاہ محمد) ۴۲۷  
 انسی چنابدی (قطب الدین میر حاج) ۳۲۱، ۸  
 انسی قندھری (محمد شاہ) ۸۲۷، ۴۵۳،  
 ۸۳۵  
 انسی کرمان ۵۶۴  
 انیس (میرزا قائم ساغرجی منشی) ۵۸۶  
 انیس ۳۴۳  
 انیس ۵۵۷  
 انیس ۴۰۵

سادات  
 امیر خان ۶۳۲  
 امیر خان میک ۵۰۶  
 امیر خان ترکمان ۵۳۱، ۴۹۳  
 امیر خان حاکم خراسان ۳۳۰، ۳۲۱،  
 ۵۳۴  
 امیر خان کلابی ۵۰۱  
 امیر خان موصلو ۴۵۷  
 امیر خرد (سید محمد بن سید مبارک بن  
 محمد علوی کرمانی) ۷۵۹  
 خواندشاہ ۴۴۹  
 امیر دیباج مظفر سلطان ۴۸۹  
 امیر سلطان روحلو ۳۵۵  
 امیر صفادار ۲۲۵  
 امیر قاضی احمد کمانچہ ۶۴۹  
 امیر قلی بابا کوکناش ۵۸۶  
 امیر کای قزوینی ۲۲۲  
 امیر کلان ۳  
 امیر کیا ملاطی حسنی ۳۸۶  
 امیر مالک دیلمی ۸۲۲، ۵۲۶، ۵۱۵  
 امیر معزی نیشابوری ۵۰-۷۴، ۵۴، ۵۱،  
 ۸۳  
 امیر نجم قانی ۸۲۹، ۴۴۵، ۴۳۶، ۳۱۰  
 امیری ۳۴۳  
 امیری (امیر دینک) ۵۰۷  
 امیری (امیر محمد) ۴۳۷  
 امیری (جلال الدین یوسف) ۷۹۸، ۳۴۲  
 امیری بدخشانسی (ضیاء الدین یوسف)  
 ۳۰۴  
 امیری - وجہ ۵۳۶  
 امین ۲۵۱، ۲۷۱، ۴۴۹، ۵۲۳، ۶۳۱،  
 ۷۲۲، ۶۶۳  
 امین (خواجہ) ۷۹۸، ۵۲۳  
 امین احمد - زری ۸۰۶، ۳۸۲  
 امین (امیر) (خواجہ) ۴۴۹، ۳۸۱، ۲۵۱،  
 ۲۲۳، ۶۶۳

۱۷۳، ۱۹۹، ۲۹۲، ۷۷۲، ۷۲۴	انوار ہمدانی ۶۷۱
۷۳۱، ۷۳۶، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۸	انوری (شمس) ۴
اوحد الدین درگانی ۹۵	انوری ایبوردی (اوحد الدین علی) ۸۰، ۲
اوحد الدین طبیب رازی ۷۴۵	۳۹۶، ۱۱۸، ۹۶، ۸۷، ۸۱
اوحد الدین عبداللہ بن ضیاء الدین بلیانی	انوری بخاری ۳۴۳
کازرونی ۱۸۱، ۲۸۲، ۷۱۰	انوری بلخی ۳۴۳
اوحد الدین عبداللہ بن مسعود بن محمد	انوری ہروی ۲۲۳
ابن علی بن احمد بن عمر بن اسمعیل	انوشنگین خوازمشاہ (قلب الدین)
ابوعلی دقاق ۳۷۹	۱۷۴
اوحد الدین علی بن وحید الدین محمد	انوشیروان ۳۵، ۳۱
ابن اسحاق انوری ایبوردی ۸۰، ۲-۸۱	انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی
۳۹۶، ۱۱۸، ۹۶، ۸۷	(شرف الدین) ۱۱۸-۱۱۹، ۷۲۷
اوحد الدین کرمانی ۱۷۳، ۱۹۹، ۴۹۲	انوشیروان بن محمد شاہ بن ہارون بن
۷۲۲، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۶، ۷۳۳	علاء الملک بن جہا نشاہ بن قلب الدین
۷۴۵، ۷۴۸	ابن مبارز الدین کرگین شاہ علاء الملک
اوحد الدین گرگانی ۹۵	ابن سیف الدین بسا کالیجار بن
اوحد طالقانی ۳	علاء الملک بن قطب الدین محمد بن
اوحد مستوفی سبزواری (فخر الدین)	با کالیجار بن قطب الدین ملقب
۳۰۳-۳۰۳	بباغوی ۶۱۶
اوحدی اصفہانی مراغی ۱۷۳، ۱۹۹، ۲۲۳	انیس تمریزی (حیدر بک) ۷۷۱
۷۶۰	انیسی (شیر و وحید الدین ابو الحسن محمد)
اوحدی بلیانی اصفہانی (تقی الدین محمد)	ابن زین الدین حاجی احمد اسفر
۲۷۹، ۵۳۷، ۶۵۷ - ۶۵۸، ۶۶۰	غبادی معروف بمیرجاں) ۲۶۲
۸۰۵، ۸۰۲	۶۳۰-۶۲۹، ۳۷۳
اوداسی ۴۸۵	انیسی خوارزم ۳۴۳
اوراتیپ ۶۸۰	انیسی شاملو (حقیقی بیک) ۴۲۳
اورجان ۷۵۷	انیسی شاملو (وانی بیک) ۴۲۳-۴۲۴
وزہردی ('ابو الحسن) ۳۴-۳۵	۸۳۰، ۸۲۰
اوزبک ۵۷۴	انیسی قندرہزی ۶۴۲
اوزبک خان ۵۷۳	انیسی کاتب ۳۴۳
وزون حسر ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۸۶	انیسی ہروی ۳۴۳
۳۴۹-۳۵۰، ۴۸۲، ۷۹۳-۷۹۴	انیسی ہمدانی ۵۲۹
۸۰۰، ۸۹۶	اوجی دہ گرینی ۵۲۷
وشی ورتانی (بیات الدین محمد) ۷۹	وچی کشمیری ۴۵۳
۷۲۶	اوحد الدین بن حسین اوحدی اصفہانی مراغی
وشی ورتانی حنفی امرتسار الدین حنفی بن	۱۷۳، ۱۹۹، ۲۲۳، ۷۶۰
عشہ ۳۹۵	اوحد الدین بن ضیاء الدین مسعود کازرونی
ووس اربک ۵۸۳	۷۶۲
ووس پیرک ۵۸۷	اوحد الدین حامد بن ابوالنجر کرمی

ایرانی ۱۴۰۹-۱۸، ۲۷، ۲۹، ۳۱-۳۳، ۳۹-۴۹، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۹۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۲، ۱۷۰، ۱۷۹، ۲۲۷-۲۲۸، ۲۷۹، ۳۵۱، ۳۸۹، ۳۹۵، ۵۵۲، ۵۵۳-۵۵۵، ۵۵۶، ۷۵۷، ۸۱۳، ۹۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۱۳۴، ۳۴۹، ۴۰۷، ۴۳۲، ۶۱۶، ۶۹۲، ۶۷۸، ۵۵۷، ۵۱۱، ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۳-۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۵۲، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۷، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۶۲، ۱۹۹، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۸، ۱۰۸، ۲۰۵، ۵۲۲، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۶-۴۴۶، ۴۷۰، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۷۰، ۷۴۹، ۸۱۳، ۳۶۸، ۷۲۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۳-۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۶۰، ۲۹۷، ۳۱۲، ۷۸۹، ۴۱۲، ۶۰۴، ۳۴۳، ۴۱۲، ۶۸۷، ۶۱۲

الوس ترکمان ۵۸۶، ۵۸۱  
 اولوس تولکی ۵۸۵  
 اولوس جغتای ۶۴۳  
 اولوس شیرین ۵۹۳  
 اولوس صابن خان ۶۴۰-۶۴۱  
 اولوس قوشچی ۵۸۴  
 اولوس مغول ۵۹۵  
 اولیاء الله آملی ۱۸۷  
 اومانی (ائیرالدین) ۱۵۸، ۲۴۵  
 اوپانچ نجاتی ۲۲۲  
 اوس بن بیستون ۳۵۳  
 اوس بن شیخ حسن نوبان جلایر (سلطان جمال الدین ابوالحسن) ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۳-۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۵۲، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۷  
 اوس بن غیاث الدین محمد رستم داری ۲۶۴  
 اوس بهادر خان ایلتخانی (مزالدین) ۱۸۴، ۱۸۷  
 اوس سلطان بیات (حاجی) ۴۹۴  
 اوس قرنی ۳۹۰  
 اوسی (طریقه) ۲۲۱  
 اویماق تکلو ۴۹۵  
 اهلی ترشیزی خراسانی (یوسف بن محمد ابن شهاب) ۳۱۶، ۳۴۰، ۴۴۱، ۵۱۸، ۵۵۹  
 اهلی شیرازی ۲۳۵، ۳۱۶، ۳۹۰، ۴۴۰-۴۴۱، ۴۴۱  
 اهلی هروی ترشیزی ۴۴۰  
 ایازی هروی ۳۴۳  
 ایبک (قطب الدین) ۱۵۲، ۷۲۶  
 ایدقمش (شمس الدوله قاضی بیک) ۱۳۵  
 ایدکو (امیر) ۷۵۳  
 ایرانچی ۶۷۸  
 ایرانشاه بن ابوالخیر ۲۲، ۴۵، ۶۳، ۷۱۷-۷۱۸  
 ایرانشاه بن علی نیشابوری ۷۳۸  
 ایرانشاه بن قاوردد ۵۳



ایوبی ۷۲۲

ایوبی کر بلائی ۵۶۶

بابای صبری میانکالی (مولانا) ۵۹۲

بابای طبیب فرغانی (شیخ) ۵۹۰

بابای میرکتر کستانی ۵۸۸

بابر (میرزا سلطان) ۲۸۹

بابرین بایستقر (ابوالقاسم) ۵، ۲۳۲، ۳۶۱

بابر یادشاه ۶۰۵-۶۰۶ ر. بابر میرزا

بابر میرزا (ظهیرالدین ابوالقاسم) ۲۳۴،

۲۳۰، ۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶،

۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۸-

۳۲۹، ۳۳۳، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۶۱،

۳۶۳، ۳۹۹، ۴۰۴-۴۰۵، ۴۱۱،

۴۲۵، ۴۵۳، ۴۷۲، ۴۷۵-۴۷۶،

۴۴۲-۴۴۳، ۴۶۰، ۴۹۱، ۵۴۲-

۶۰۹، ۶۱۴-۶۱۵، ۶۴۱-۶۴۲،

۶۴۵، ۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۷-۶۶۸،

۶۷۰، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۳، ۷۰۸،

۸۰۸-۸۰۹، ۸۳۳، ۸۳۵-۸۳۶،

۸۳۹

بابری (پادشاهان) ۴۲۷، ۴۶۹، ۴۷۵،

۵۵۳، ۶۰۵-۶۰۶، ۶۶۷، ۶۷۰،

بابری (خط) ۵۴۹

بابریان ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۷۶، ۵۴۱-۵۴۲،

۸۱۵، ۵۴۴

بابک خرم دین ۱۶

بابکر (قاضی مجدالدین) ۱۷۹

بابو (شیخ) ۸۲۱

بابولال هندی ۱۵۴

بادوسپانی ۳۵۳

باخرزی (علی بن حسن) ۵۲، ۱۲۳، ۷۱۷،

بازلی سارجی ۵۳۶

بارانی ۲۵

باربد ۱۵

باریک ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المؤمنین

(یمین الملك فخرالدین الخ بلكا)

۷۳۹

باریک شاه (ابوالمظفر) ۲۵۸

بارع فضلوی هروی ۵۵

باسوندوک بیک قورچی باشی افشار ۳۷۸

بابا اسمی بخارایی (حاجی) ۵۹۱

بابا افضل کاشانی ۶۹، ۱۴۵، ۲۴۴، ۴۴۹-

۷۳۲، ۴۵۰

باباجان خواجہ ۶۴۱

باباجان هروی ۳۴۳

بابا حسن قوجین (امیر) ۳۰۵

بابا خاکی ۴۰۶، ۴۰۴، ۶۸۱،

باباخان ۵۷۳

بابا داود خاکی کشمیری سهروردی ۳۰۶،

۶۸۱، ۵۴۰

بابا درکی جولکی (آقا) ۶۷۵

بابا سودایی ایوردی ۳۰۰

باباشیر قلندر ۳۵۸

باباطالب اصفهانی (ملا) ۳۲۱، ۸۲۳،

باباطاهر حریان همدانی ۲۴، ۷۱۵، ۷۲۲،

باباعلی خوشمردان سبزواری (درویش)

۳۲۳

باباعلی شاه ابدال عراقی هروی ۳۲۲-

۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۶، ۷۹۶،

باباعلی شاه هروی ۳۲۲-۳۲۳، ۳۲۸،

۷۹۶، ۳۴۶

بابا فرید شکر گنج ۱۵۶ ر. فریدالدین

شکر گنج

بابا فغانی شیرازی ۲۳۵، ۳۱۵، ۴۲۷-

۴۳۸، ۵۰۸، ۵۱۲، ۶۴۷، ۸۲۲،

بابا قزوینی (رضی الدین) ۱۷۳

بابا کمال جندی ۱۱۵، ۷۲۶،

بابا کوکلتاش (امیر) ۵۹۵

بابا کوهی ۵۷۰، ۷۱۷،

بابا فانک ۴۸۴، ۴۸۶،

بابا نعمة الله بن محمود نخجوانی ۱۶۹،

۲۸۲، ۳۴۸، ۷۳۲،

بابا نعمة الله علوان آق شهری ۲۸۲

بابای بدلا ۵۶۵

بابای بلخی (مولانا) ۶۳۹

بازنید آل عثمان ۲۶۷، ۳۹۱، ۴۷۲  
 ۷۸۲، ۴۷۶  
 بازنید اول ۴۷۹  
 بازنید بسطامی ۱۹، ۱  
 بازنید بن سلطان محمد فاتح ۲۵۸، ۲۷۱،  
 ۲۷۶  
 بازنید بن عنایت الله بسطامی (ابو محمد)  
 ۳۹۵  
 بازنید بیات ۸۰۲، ۳۶۲  
 بازنید پورانی (شیخ) ۶۱۱  
 بازنید خان (ایلدرم) ۱۹۹  
 بازنید خان محمد خان (سلطان) ۳۸۸  
 بازنید خلخالی ۷۰۲  
 بازنید دوری هروی (میر سلطان) ۴۱۹،  
 ۵۴۵  
 بازنید دوم عثمانی ۲۵۳-۲۵۴، ۲۷۲،  
 ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۶، ۳۲۵، ۴۷۶،  
 ۷۹۲، ۶۸۱  
 باسنغر بن شاهرخ ۲۳۱  
 باسنغر بن یعقوب بن اوزون حسن ۲۳۴،  
 ۲۵۱  
 باسنغر میرزا تیموری (خیابان الدین)  
 ۵-۲۸۱، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۸،  
 ۲۶۲-۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۰-  
 ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۴۱-  
 ۳۴۲، ۶۶۱، ۶۷۹، ۷۷۱-۷۷۲،  
 ۷۹۷، ۷۹۵  
 بایقرا ر. حسین بایقرا  
 بایقرا میرزا تیموری ۲۳۲، ۲۹۷  
 بایندری ۳۸۲  
 بایندری ۲۳۴  
 ببری (سید محمد اکبر حسینی) ۱۹۷  
 بتکچی (طایفه) ۳۰۰  
 بحثری ۱۲۴  
 بحثی قزوینی (میرزا اسمعیل) ۶۷۱  
 بحری (میر) ۵۵۵  
 بخاری ۷۷۲  
 بخاری (سید) ۱۷۸  
 بختی تبریزی ۶۹۲  
 بختیار (معین الدین) ۱۷۹

باطنی بلخی ۳۴۳  
 باغنوی (حبیب الله میرزا جان) ۳۸۹،  
 ۳۹۲، ۳۳۵، ۵۰۰، ۵۲۰، ۵۸۶  
 باقر (میر محمد باقر طوسی) ۵۲۶  
 باقر خرده فروش یا خرده بی کاشانی ۵۱۶  
 باقر یزدی ۳۸۵  
 باقی (میرزا) ۶۳۶  
 باقی (نعمه الله) ۵۰۰  
 باقی انجمنی بخارا ای ۶۰۲، ۵۹۳  
 باقی با شهدای (خواجه) ۶۷۱  
 باقی بخارا ای ۵۹۲، ۵۹۶  
 باقی بن میر علی کاتب (میرزا) ۸  
 باقی تتوی (میرزا محمد) ۶۹۰  
 باقی درزی ۸  
 باقی شیرازی (امیر سید شریف) ۴۴۸، ۴۴۸،  
 ۴۶۹، ۴۹۲  
 باقی کاشانی (میر) ۶۳۸  
 باقی کره بخارا ای ۵۶۶  
 باقی کولابی ۵۴۲  
 باقی گرامی سمرقندی (خواجه تولک)  
 ۵۹۷  
 باقی لاری ۵۹۶  
 باقی محمد خان ۸  
 باقی مشهدی ۶۰۹  
 باقی مشهدی (مولانا) ۶۰۱، ۵۸۱  
 باکلی خار (مظفر الدین) ۷۵۵  
 باکوبه ۷۱۷  
 بالیث طبری (ابالیث طبرستانی گرگانی)  
 ۵۵، ۲۳  
 بالی (خوش طبع) ۵۰۷  
 باهشاد ۱۵  
 بانجیب عمر ۱۷۷  
 بانیدی (علی) ۱۰۰  
 باوردی ۸۲۴  
 باوند (آل) ۱۲۹  
 باهر سر پلی (میر) ۵۹۵  
 باهری نسوی (مجدالدین) ۹۴  
 بازنید (سلطان) ۳۹۱، ۶۹۶، ۸۱۰  
 بازنید آقا ۸۴۰

بدرطبری ۲۷۱  
 بدرقوامی ۱۷۷  
 بدرمجرمی ۱۷۷  
 بدرمحمد دهلوی (قاضی خان دهاروال)  
 ۲۵۷، ۱۹۴  
 بدرنیشابوری (نظام) ۳۴۸  
 بدری، فزتوی ۳۵  
 بدلا (بابای) ۵۶۵  
 بدیع ۲۲۶  
 بدیع اتابیک جوینی (مؤیدالدوله منتجب)  
 الدین علی بن احمد کاتب (۸۸، ۲)  
 بدیع الجمال (عصمت الدین) ۱۹۳  
 بدیع الدین ۷۷۲  
 بدیع الدین ترکو سگری ۹۴، ۸۸  
 بدیع الدین شیرازی ۱۸۰  
 بدیع الدین عبدالغفور لاری ۲۵۵، ۱۱۶  
 ۷۷۵، ۶۱۳  
 بدیع الدین فارسی ۱۸۰  
 بدیع الزمان ۷۷۲  
 بدیع الزمان ابو عبد الله حسین بن ابراهیم  
 ابن احمد ادیب نطنزی ۵۶  
 بدیع الزمان ترکو بدیمی سگری ۹۴، ۸۸  
 بدیع الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع بن  
 عمر بن ربیع جبلی سلطان عزجستانی  
 ۱۶۶، ۹۲، ۸۲، ۷۴، ۶۸  
 بدیع الزمان علی بن احمد سیفی نیشابوری  
 ۹۵  
 بدیع الزمان میرزا بن حسین بایق  
 (ابوالفتح) ۲۴۰، ۲۳۲، ۶، ۲۴۱-۲۴۰  
 ۳۰۸، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۳۸، ۳۳۸  
 ۶۷۱-۶۷۲، ۶۸۰، ۶۸۱-۶۹۷  
 ۷۸۱  
 بدیع الزمان میرزا صفوی ۴۵۴، ۴۹۵  
 بدیع الزمان همدانی ۱۱۸، ۲۳  
 بدیع بلخی ۲۳  
 بدیع بن ورقا خضاعی ۱۲۶  
 بدیع بیلقانی ۱۷۷  
 بدیع تبریزی ۳۴۱  
 بدیع تبریزی (منوچهر) ۱۹۴  
 بدیع کاتب جوینی (اتابیک منتجب الدین)

بختیار بن ژنگی بینوی سلجوقی (امیر  
 حسام الدین) ۴۹  
 بختیار شروانی ۱۷۷  
 بختیار کاکلی اوشی (قطب الدین) ۱۱۳،  
 ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۷، ۷۳۵، ۷۲۸،  
 ۸۰۹، ۸۰۵، ۷۴۸  
 بختیاری (صدر ل) ۱۷۸  
 بختیاری (عزیز الدین اردشیر استرابادی)  
 ۱۹۳  
 بختیاری اهوازی ۷۱۵، ۲۳  
 بخش (خواجہ نظام الدین احمد) ۳۵۸  
 بخش الملک شیخ فرید بخاری ۲۶۶  
 بداق بیک استاجلو ۷۸۴، ۵۳۰  
 بداق خان (شاه) ۶۷۸  
 بدایمی بلخی (محمد بن محمود) ۳۵  
 بدخشی (سلطان محمد بدخشانی) ۳۰۶، ۵  
 بدخشی (میرزا علی) ۶۵۵  
 بدخشی تالقانی ۵۸۴  
 بدر ۳۴۳  
 بدر الدین احمد بن محمود قاضی زاده مفتی  
 (یاشمس الدین) ۳۸۸  
 بدر الدین اسحاق بن علی دهلوی ۱۵۶  
 بدر الدین اکبر آبادی ۲۰۶  
 بدر الدین بن عبدالسلام بن ابراهیم حسین  
 کشمیری ۴۴۴  
 بدر الدین بن ثور الدین هروی ۹۵  
 بدر الدین جاجرمی ۲۰۴، ۱۶۲، ۷۴  
 بدر الدین چاچی ۷۶۹، ۲۰۳  
 بدر الدین دامغانی ۲۲۵، ۱۸۰  
 بدر الدین شیرازی ۳۴۳  
 بدر الدین صاعد بن احمد جام ۷۲۱  
 بدر الدین فارسی ۱۰۲  
 بدر الدین کرمانی ۱۰۲  
 بدر الدین محمود بن ابوبکر حسین بن  
 جعفر فراهی (ابونصر) ۲۷۵، ۹۰  
 بدر الدین فخبشی رومی ۱۵۱  
 بدر تغلیسی ۱۷۷  
 بدرخان ۵۰۷، ۴۵۷  
 بدر شروانی ۲۹۷

برندقی بخاری (بهاالدین ندیمی) ۲۹۶-  
 ۲۹۷  
 برندق قزاق ۶۷۹-۶۸۰  
 برهان (آل) ۹۹  
 برهان الاسلام ۳  
 برهان الدین (قاضی) ۱۹۳  
 برهان الدین ابراهیم بن جلال الدین  
 احمد بن محمد مدنی خجندی ۳۴۲  
 برهان الدین ابوالفتح بن سلطان برهان-  
 الدین احمد بن محمد سیواسی (قاضی)  
 ۱۹۳  
 برهان الدین ابوسید محمد بن فخر الدین  
 عبدالعزیز کوفی بخاری ۹۵  
 برهان الدین اردلانی ۹۵  
 برهان الدین اسلام فزالی بلخی ۶۳۹، ۳۳۰،  
 ۷۸۹  
 برهان الدین بزازی ۲۲۵  
 برهان الدین ترمذی (سید) ۱۵۹، ۷۳۶  
 برهان الدین حسین ۱۷۷  
 برهان الدین خاوندشاه ۲۳۹  
 برهان الدین سمرقندی ۳  
 برهان الدین شاه خلیل الله ۱۸۸  
 برهان الدین عبداللہ ختانی ۱۶۳، ۲۸۴،  
 ۷۴۱، ۳۳۹  
 برهان الدین عطاءالله رازی هروی ۳۲۳  
 برهان الدین عطاءالله نیشابوری ۳۲۳  
 برهان الدین گرمینی (مولانا قاضی) ۶۱۳  
 برهان الدین گنجه ۱۷۷  
 برهان الدین محقق حسینی ترمذی (سید)  
 ۷۳۶، ۱۵۹  
 برهان الدین محمد صدر هروی ۶۱۵  
 برهان الدین میراسلام فزالی ۶۳۹، ۳۳۰،  
 ۷۸۹  
 برهان الدین نصر بن احمد جام ۷۲۰  
 برهان الدین هروی ۳۴۲  
 برهان الشریعہ ۲۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۷،  
 ۷۳۴  
 برهان الشریعہ محمود ۳۸۸، ۳۹۹، ۴۰۲،  
 ۷۳۴، ۴۰۷  
 برهان الشریعہ محمود بن صدر الشریعہ

۸۸۲  
 بدیع هروی (قاضی محمد بدیع) ۵۸۵،  
 ۸۳۶  
 بدیعی اندجانی (یوسف) ۳۲۳  
 بدیعی تبریزی (حکیم) ۵۲۵  
 بدیعی سکزی (بدیع الدین یا بدیع الزمان  
 ترکو) ۹۴، ۸۸  
 بدیعی طوسی ۱۸۰  
 بدیعی کرمانی ۱۸۰  
 بدیلی (احمد) ۷۲۶  
 بدیهی (احمد) ۴۹  
 بدیهی سجاوندی (مجدالدین احمد) ۴۹،  
 ۸۸، ۷۹  
 بذلی امشھانی ۶۷۲  
 برادر بیحی ۱۷۷  
 برافق حاجب ۲  
 برجیس ۲۵  
 برخوردار بن محمود ترکمان فرامی ۳۶۲  
 برخوردار همدانی خان عالم ۵۵۷  
 بردری سیستانی (میرسراج الدین) ۲۲۶  
 بردعی زاده (شمس الدین حمدی ملازاده)  
 ۳۴۰  
 بردی بلخی (میرزا ننگری) ۵۹۵  
 برسه نیشابوری (خواجہ محمود) ۳۰۶  
 برسوی (محمد بن سلیمان آقازاده) ۲۷۲  
 برغش شیرازی (شیخ) ۶۲۹  
 برقمی ۲۵  
 برقی استرآبادی ۵۱۸  
 برکات شریف مکه ۴۷۸  
 برکباف (نجم الدین) ۳۴۸  
 برکلی (محمد بن پیر علی) ۸۱۲  
 برکه سلطان ۶۷۸  
 برکیارق (رکن الدین ابوالمظفر) ۴۹-  
 ۱۲۷، ۸۰، ۷۰، ۵۰  
 برکیارقشاه (ناصر الدین) ۷۵۱  
 برگی تبریزی ۶۹۳  
 برلاس (مظفر) ۶۲۷، ۶۱۷  
 برمکیان ۳۲۱  
 برندق ۲۹۶-۲۹۷

- عبيدالله محبوبی حنفی ۳۸۸، ۳۹۵،  
۷۳۴، ۴۰۷، ۴۰۲  
برهان الملك ۴۳۳  
برهان جامی ۳۴۳  
برهان خان عبدالرحیم سلطان ۵۶۸  
برهان شاه ۴۳۳  
برهان عبدالمجید (خواجه) ۲۰۷  
برهان مسکین ۷۸۲  
برهان نظام شاه دکنی ۳۵۵، ۳۶۷-۳۶۸،  
۸۰۴، ۶۵۶، ۴۸۹، ۳۷۳  
برهانی ۸۳، ۵۱  
برهانی نیشابوری (عبدالملك محمد) ۵۱،  
۸۳  
برهن ۴۸۹  
برهنان ۶۶۹  
بريد الممالك ترك (علی بن قاسم) ۷۹۷  
بزرگ (شاهزاده) ۵۴۸  
بزرگ مهر قاینی (ابومنصور قیس بن-  
۴۱، ۵۱، ۴۱)  
بزمی اردبیلی ۶۹۳  
بزمی استرآبادی (غیاث الدین) ۵۱۸  
بزمی خراسانی ۳۴۳  
بزمی شیبانی (ابوالخیر سلطان) ۵۷۲،  
۵۹۱-۵۹۹  
بزمی همدانی ۵۰۳  
بساخوانی ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-۷۸۵  
بسحوانی و بسیخانی و محمود بسیخانی  
بساطی سمرقندی (سراج الدین) ۲۱۴،  
۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶  
بساطی شوشتری ۶۷۲  
بسام کرد ۹  
بسحق اطعمه (جمال الدین ابواسحق احمد  
حلاج شیرازی) ۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷،  
۳۲۰  
بسحوانی (محمود) ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-  
۷۸۵، بساخوانی و بسیخانی و  
بسیخانی  
بسخوانیان ۴۲۵  
بسمجی هروی ۳۴۳  
بسملی قندهاری (ملاهاشم) ۸۳۵
- بسملی کله پز سبزواری ۶۷۲  
بسنت ۷۷۳  
بشار مرغزی ۲۴  
بشار هروی (فریدالدین محمود) ۹۵  
بشر بن محمد بن یاسین (ابوالقاسم) ۳۴،  
۷۱۵  
بصیری عجمی ۳۴۳  
بطلیموس ۱۳۹  
بغدادی ۷۱۴  
بغراخان (خاقان کمال الدین محمود) ۱،  
۸۱  
بغراخان (ناصر الدین) ۱۷۱، ۶۳۹  
بقایبی (ملا) ۴۲۸  
بقایبی (میر ابوالبقا) ۵۰۵، ۸۳۱  
بقایبی اگرهی (محمد حسین) ۴۲۹  
بقاری خوارزمی ۳۴۳  
بقاری سمرقندی ۳۴۳  
بقایبی کمانگر ۶۲۷  
بقایبی مشغولی اندکانسی (محمد عارف)  
۴۰۳، ۴۲۸، ۵۹۴، ۶۰۴، ۸۰۸  
بقایبی هروی ۳۳۳، ۳۴۹، ۶۲۷، ۶۴۲  
بقراط حکیم ۱۲۴، ۷۳۸  
بقراطیان ۱۰۶  
بکتاش خان ۶۹۹  
بکتاش قلی ابدال ۳۷۷، ۴۳۹  
بکتاش ولی بن سلطان ابراهیم بن موسی  
(حاج) ۷۵۷، ۷۶۴  
بکتاشی ۵۲۲، ۷۵۷، ۷۶۴  
بکتاشیان ۷۵۷، ۷۶۵  
بکری (میرغیاث الدین منصور بن نصیر-  
الدین عبدالحمی) ۵۹۹، ۶۴۸  
بلالی بحاری ۳۴۳  
بلبن (غیاث الدین) ۷۵۱، ۳-۷۵۲  
بلعمی (ابوعلی محمد بن محمد بن عبیدالله)  
۲۹، ۲۳۸، ۲۶۰  
بلغار (ترکان) ۷۴۴  
بلغاری ۷۴۴  
بلغاریان ۷۴۴  
بلو (خواجه) ۴۱۷

بهاءالدوله حسن بن مير قوام الدين قاسم بن  
محمد نوربخش رازی (شاه) ۲۷۴،  
۳۰۰

بهاءالدوله دیلمی ۳۶

بهاءالدین (امیر سید) ۷۹۱

بهاءالدین (امیر) ۲۷۴

بهاءالدین (خواجه) ۳۴۳

بهاءالدین ابن تاج گیلانی ۸۳۰

بهاءالدین احمد (سلطان ولد) ۱۶۰، ۱۹۹،  
۷۳۶، ۷۶۰

بهاءالدین احمد جامی ۱۰۹، ۷۹۶

بهاءالدین احمد قاضی طوسی ۱۶۱

بهاءالدین اوشی ۷۲۹، ۷۲۶

بهاءالدین برندق بخاری ندیمی ۲۹۶ -  
۲۹۷

بهاءالدین بلخی ۳

بهاءالدین بن شمس الدین جونی ۱۵۳،  
۱۶۲، ۷۵۰

بهاءالدین جامی ۷۲۱

بهاءالدین حاجی ۲۲۵

بهاءالدین حسن بخاری نقیب -  
الاشرفی خواجه) ۴۰۳، ۵۷۶، ۶۲۰،  
۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶

بهاءالدین حسن بن میر قوام الدین قاسم  
نوربخش رازی ۲۷۴، ۳۰۰

بهاءالدین خجندی ۱۸۰

بهاءالدین زکریا بن محمد بن زکریا بن  
ابوبکر بن علی مولتانی ۱۵۶، ۱۶۳ -  
۱۶۵، ۱۶۹، ۷۳۱، ۷۴۸

بهاءالدین زنجانی (خواجه) ۲۲۲

بهاءالدین زنجانی (قاضی) ۱۸۰

بهاءالدین ساوجی ۲۲۲

بهاءالدین سلطان ولد ۱۶۰، ۱۹۹، ۷۳۶،  
۷۶۰

بهاءالدین عبدالکریم سمرقندی کریمی  
۹۱

بهاءالدین علی ادایی شیرازی ۳۳۸

بهاءالدین علی بن ابوبکر احمد جامی  
۷۹

بلوطی (عبدالرحمن لاهوری) ۵۴۵

بلیانی ۷۷۴

بنا (عبدالسلام معمار تبریزی) ۷۰۵

بنانی ۳۵

بنایی هروی اشیر علی بن استاد محمد سبزی  
۷۶، ۱۰۷، ۳۱۰، ۳۴۳، ۳۴۵، ۵۵۹،  
۶۸۲

بنبانی ۷۷۴

بنت النجاریه ۲۲۴

بنت کعب (رابعه قزداري دختر کعب دین -  
الرب) ۲۱-۲۲

بتجیر (آب) ۷۴۵، ۷۵۸، ۷۶۹، ۷۸۰،  
۸۱۳

بتدار رازی ۷۱۵، ۲۳

بتداری (ابوالفضل) ۷۵۳

بند ۲۲۶

بند نواز (خواجه) ۱۹۶ ر. محمد گیسو دراز  
بنو خورشید ۴۹۱

بنی امیه ۳۷۳

بنیانی ۷۷۴

بنی زهره ۷۱۴

بنی سالار ۴۶۶

بنی شبان ۴۴

بی شبیه ۴۴

بنی عباس ۲۷، ۴۶، ۶۶، ۱۵۱

بنی مسافر ۴۶

بنی هاشم (اولاد هاشم بن سراقه) ۴۶

بو جعفرک (ابو جعفر احمد بن علی بن  
ابو جعفر محمد بن صالح بیهقی جعفرک)  
۳

بوداق قزوینی (منشی) ۳۵۶

بورا (دولت گرای خان) ۳۹۰

بوریار ۷۷۰

بوزمخور سلطان بن محمد سلطان شبیان  
۵۷۳-۵۷۳

بوعلی هروی ۳۴۳

بوگو یویچ ۸۰۱

بهاء (تاج الدین ملک الشعراء) ۲۲۵

بهاء (مولانا) ۳۴۳

- بهاء الدین علی بن عیسیٰ اربلی ۳۷۱  
 بهاء الدین عمر ۳۲۹  
 بهاء الدین کازرونی ۲۳۶  
 بهاء الدین کهنو (شیخ) ۴۶۶  
 بهاء الدین محمد ارشی قرغانی ۷۲۶، ۷۹  
 بهاء الدین محمد بخاری، نقشبند ۱۹۱، ۴-  
 ۱۹۲ ر بهاء الدین نقشبند  
 بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار  
 کاتب ۱۳۶، ۱۲۹  
 بهاء الدین محمد بن علی بن  
 ظهیری کاتب سمرقندی ۱۰۰۰، ۲۹،  
 ۱۲۸  
 بهاء الدین محمد بن علی جوینی ۹۵  
 بهاء الدین محمد بن شمس الدین صاحب دیوان  
 جوینی ۷۵۰، ۱۶۲، ۱۵۳  
 بهاء الدین محمد بن محمد بن سید جلال-  
 الدین بن سید برهان الدین بن سد-  
 عبدالله بن سیدزین العابدین بخاری  
 نشیند ۱۹۱-۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱،  
 ۲۶۴، ۲۸۰-۲۸۱، ۲۸۴-۲۸۶،  
 ۴۰۵، ۵۲۶، ۶۰۵، ۶۱۹، ۶۲۰،  
 ۶۲۲، ۶۳۳، ۶۳۸، ۶۴۱، ۷۶۶-  
 ۷۸۸، ۷۷۸، ۷۶۷  
 بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی ۸۶،  
 ۱۲۰، ۱۱۵، ۹۴  
 بهاء الدین محمد جوینی ۷۴۱  
 بهاء الدین مرغینانی (امیر) ۱۷۳-۱۷۴  
 بهاء الدین نقشبند ۱۹۱، ۴-۱۹۲، ۲۲۰-  
 ۲۲۱، ۲۶۳، ۲۸۰-۲۸۱، ۲۸۴-  
 ۲۸۶، ۴۰۵، ۵۷۶، ۶۰۵، ۶۱۹-  
 ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۳۳، ۶۳۸، ۶۴۱،  
 ۷۶۶-۷۸۸، ۷۷۸، ۷۶۷  
 بهاء الدین تقیب الاشراف حسن بخاری  
 ۴۰۳، ۵۶۷، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۶،  
 ۶۳۶، ۶۲۹  
 بهاء الدین ولد ۱۲۱، ۱۵۹، ۷۳۶-۷۳۷  
 بهاء الدین یزدی ۱۸۰  
 بهاء شروانی ۱۷۷  
 بهاء لاغری ۱۷۷
- بهادر ر. ابوسعید و عبدالعزیز و عبدالله  
 بهادر خان ۵۴۵  
 بهادر خان (محمد سعید خان ازبک) ۴۵۳  
 بهادر شاه دوم (سراج الدین ابوالمظفر)  
 ۳۵۱-۳۵۲، ۳۶۷  
 بهادر شاه گجراتی ۳۶۷، ۳۸۹  
 بهارلو ۴۵۵، ۴۸۲، ۵۰۵  
 بهاری اصفهانی ۶۷۲  
 بهاری کابلی ۵۴۹  
 بهافرید ۱۶، ۲۲  
 بهایی (سعد الدین) ۲۲۲، ۲۷۲  
 بهایی عاملی ۵۰۹، ۶۶۳، ۸۰۶، ۸۱۰،  
 ۸۱۲  
 بهرام بیک جرفادقانی ۶۷۲  
 بهرام سقا (درویش) ۴۲۶، ۵۷۱، ۸۲۱  
 بهرامشاه (فخر الدین) ۱۰۵  
 بهرامشاه بن تاج الدین حرب ۹۰  
 بهرامشاه بن مسعود غزنوی ۴۳، ۷۰، ۷۶-  
 ۷۸، ۱۱۸، ۲۲۸  
 بهرام میرزا صفوی (ظهیر الدین)  
 ۳۵۴، ۴۵۴، ۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۰،  
 ۵۲۰، ۵۳۲، ۶۹۲، ۸۲۷  
 بهرامی سرخسی (ابوالحسن علی) ۳۵،  
 ۸۸  
 بهروز خان حکمران جوناگروه ۳۶۰  
 بهروز طبری ۲۵  
 بهزاد هروی (کمال الدین) ۳۲۸، ۴۵۸،  
 ۵۲۴-۵۲۵، ۷۹۷  
 بهشتی ۳۴۳  
 بهشتی آملی ۷۷۲  
 بهشتی حصاری ۳۴۳  
 بهشتی هروی ۳۴۳  
 بهلول شاه افغان ۸۲۸  
 بهمنی (سلسله) ۲۳۴، ۳۴۱، ۳۵۹، ۲۹۴،  
 ۶۴۶، ۷۶۱، ۷۶۸، ۷۸۰، ۷۹۵،  
 ۷۹۷-۸۹۸  
 بهمنیار بن مرزبان اعجمی آذربایجانی  
 ۵۴  
 بهوه هندو (میان) ۸۱۲-۸۱۳

بیات ۴۹۴

۷۳۰ ، ۷۰۵ ، ۶۶۳ ، ۳۹۵ ، ۳۸۱

۷۷۹

بینم کاشانی (میر معصوم) ۶۷۲

بینمی (محمد بن احمد بن علی بن محمد

طاهر ی) ۷۵۸

بینمی ترمذی ۵۸۴

بینمی طنزی ۶۴۹

بیغوملک (حسام الدین حسن بن علی طغنا-

خان) ۷۴۱ ، ۱۷۳ ، ۸۶ ، ۴۹

بی قیدی (مولانا) ۵۶۲

بی قیدی بدخشی ۶۷۲

بیگسی ۵۵۶

بیگسی سجاوندی ۴۵۷

بیگسی شوشری ۴۵۷

بیگسی شیرازی ۵۳۶

بیگ فلی ۳۴۳

بیگم (سید) ۳۴۹

بیگی سلطان مشهدی ۳۴۹

بیلدار پهلوان تبریزی (میرزا علی) ۶۹۴

بی نشان ۳۳۰

بیہقی (ابوالحسن) ۱۲۳ ، ۱۳۰ ، ۱۴۹

۷۲۷ ، ۳۱۷

بیہقی (ابوالفضل) ۶۴ ، ۳۰ ، ۶۵ ، ۱۸۵

۷۱۲

بیہقی هندوستان ۱۸۵

پاپ لئون دهم ۴۷۸ ، ۴۸۳

پادشاه خاتون (صفوة الدین) ۱۳۹ ، ۱۸۰

۷۳۳

پادشاه خلجی هندوستان ۱۸۵

پادشاه خواجہ ۶۱۲ ، ۶۴۰ ، ۶۴۲

پادشاه قلی جذبی ۴۲۴

پارسا ر. محمد پارسا

پارسا (خواجہ جان) ۵۸۵

پارسا (خواجہ نظام الدین) ۶۲۳

پارسیا ۱۰

پارسی ۳۲۷ ، ۲۵۴ ، ۱۴۷ ، ۱۴۲ ، ۶۸

۳۴۰ ، ۳۶۲ ، ۳۸۱ ، ۳۸۴ ، ۳۸۸

بیات (بایزید) ۸۰۲ ، ۳۶۲

بیاضی استراپادی ۸۳۳ ، ۳۴۲

بیاضی اگری اکبر آبادی ۸۳۳ ، ۵۴۲

بیاضی بلخی (دیوانہ) ۵۹۷

بیاضی جغتایی (میرزا) ۵۶۲

بیاضی حصاری ۳۴۳

بیاضی سمرقندی ۵۹۷

بیان الحق محمود بن احمد نیشابوری

۷۲۸

بیانی تبریزی ۵۲۸

بیانی کرمانی (عبدالله مروارید) ۲۵۹-

۷۷۷ ، ۶۲۲ ، ۶۱۴ ، ۳۱۸ ، ۲۶۰

بی ہسر (جمال الدین) ۱۸۰

بی بی آرزو سمرقندی ۳۴۹

بی بی حافظہ جمال ۱۹۷

بی بی عصمتی ۳۴۹

بی بی فاطمہ دختر شیخ زاهد گیلانی ۲۱۲

بی بی منجمہ ۱۴۹

بیچہ منجمہ ۳۴۹

بیخودی بلخی ۶۳۸

بیخودی سمرقندی ۳۴۳

بیدلی ۳۴۹

بیدلی لنگ ۳۴۳

بیدلی ہمدانی ۵۲۹

بیرام خان خان خانان بہار لو ۳۶۵ ، ۳۶۱

۳۶۵ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۶۱

۳۶۵ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۶۱

۳۶۵ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۶۱

۳۶۵ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۶۱

۳۶۵ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۶۱

۳۶۵ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۶۱

بیرام شاہ (غیاث الدین) ۱۶۵

بیرام علی خان بہار لو ۴۵۵

بیرم خان خان خانان ۴۵۶ ، ۴۲۷ ، ۴۲۳

۸۲۷ ، ۸۲۱ ، ۵۴۰

بیرم محمد خان ر. بیرام خان

بیرونی ر. ابوالریحان

بیریر (راجہ) ۸۱۹

بیریل (راجہ) ۸۱۹

بیضوی (قاضی) ۱۳۹ ، ۳۵۶ ، ۳۴۰



۷۷۶، ۲۸۴  
 پناهی تبریزی ۶۹۳  
 پناهی خراسانی ۳۴۳  
 پناهی قزوینی ۳۳۲  
 پناهی همدانی ۵۲۹  
 پند دوز اوغلی (کلبی تبریزی) ۷۰۳  
 پورانی (شیخ) ۶۱۹  
 پوربای ولی (پهلوان محمود قتالی خوارزمی)  
 ۷۷۰  
 پوربهای جامی ۱۶۰، ۷۴، ۱۶۱-  
 پورحسن (عزالدین اسفراینی) ۱۸۰  
 پورخطیب گنجه ۸۵، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۸،  
 ۷۳۹  
 پور فریدون ۲۲۴  
 پور کله ۲۳  
 پور یار ۷۷۰  
 پهلوان بیگ قمری ۴۹۶  
 پهلوان تریزی (میرزا علی بیلدار)  
 ۶۹۴  
 پهلوان کاتب ۳۴۳  
 پهلوان محمد ابوسعید ۳۴۷  
 پهلوان محمود قتالی خوارزمی پوربای  
 ولی ۷۷۰  
 پهلوی ۱۶-۱۸، ۱۲۸، ۱۷۳، ۵۲۹  
 پهلوی آذربایجان ۷۰۷  
 پهلوی زنجان ۲۲۲  
 پهلوی شیراز ۲۲۴  
 پهلوی فارس ۲۲۴  
 پهلوی قزوین ۲۲۱  
 پهلوی کرخ ۲۲۴  
 پهلوی همدان ۲۲۳  
 پیارو (ملک محمود) ۵۴۱  
 پیامبر ۴۴، ۱۲۳  
 پیامی جبل عاملی ۵۳۸، ۶۷۲  
 پیامی کرمانی جبل عاملی (شیخ عبدالسلام)  
 ۶۷۲، ۵۳۸  
 پیامی مروزی ۳۴۳  
 پیامی هروی ۳۴۳  
 پیر احمد بن اسحق (خواجه) ۳۰۲-۳۰۴،

۵۱۴، ۴۳۳، ۶۲۴، ۶۹۱، ۶۸۲،  
 ۷۶۵، ۷۵۸، ۷۵۵، ۷۲۲، ۷۰۴  
 ۸۱۸، ۸۱۴-۸۱۳، ۸۱۱، ۷۶۷  
 یارسیان ۶۶۹  
 یازواری (امیر) ۳۴۰  
 یائولوگ (کنستانین) ۷۹۹  
 یانکوویچ ۸۰۱  
 یابنده بخارایی ۵۶۶  
 یابنده حسن غزنوی ۳۶۱  
 یابنده حسین غزنوی ۸۱۶  
 یابنده رامیتنی (قاضی) ۸  
 یابنده شتل کیفی بخارایی ۵۹۶  
 یابنده ضامنی (قاضی) ۸  
 یابیزی نسوی (مجدالدین محمد) ۱۰۰  
 یخته سمرقندی (خواجه کلان) ۵۹۰  
 ۲۵  
 یرتغالیان ۸۳۹  
 یرتوی شیرازی ۴۶۵، ۳۴۳  
 یرلاس (محمود) ۳۴۷  
 یرواه (معین الدین) ۱۶۴، ۷۴۱  
 یروین سرجهانگیر ۴۱۶، ۵۱۴  
 یروین خاتون ۲۵  
 یری خان خانم ۳۸۵، ۴۴۲، ۴۲۳-۴۲۴،  
 ۴۹۸-۴۹۷، ۴۸۴  
 یسرافراینی ۱۰۰  
 یسر افضل ۱۷۷  
 حافظ ۱۷۷  
 یسرخطیب گنجه ۸۵، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۸،  
 ۷۳۹  
 یسر خم خانه ۱۰۰  
 یسر درغوش ۱۰۰  
 یسر رامی ۲۵  
 یسر سلسله گنجه ۱۷۷  
 یسر قاضی دریند ۱۷۷  
 یسر قاضی قزوین ۱۷۷  
 یسرخانی (محمود) ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-  
 ۷۸۵  
 یسرخوانی و بستخوانی  
 یسراسی (قاجالدین حسن بن حمزه شیرازی)

پیری بیک دو کر ۵۰۶	۳۰۵
پیشدادیان ۱۵۱	پیر احمد خوافی (خواجہ غیاث الدین)
پیشرو بیک (میرزا) ۶۷۳	۲۶۴، ۲۶۰
پیشرو خان (میرزا اسد بیک اشک قزوینی)	پیراگرہ (شیخ) ۵۵۴
۶۶۷	پیر بناغ ۳۱۶، ۳۰۵
پینو ملک (علاء الدین) ۷۰۹	پیر بدایق بن جہاں شاہ ۷۹۴، ۳۴۳
ت	پیر بدایق بن یوسف قراقریو نلو ۲۳۴
تابعی (آدینہ قلی بیک) ۶۴۹	پیر بوداق ۳۱۶، ۳۰۵
تابعی دعاوندی ۵۳۲	پیر جمالی اردستانی (جمال الدین فضل اللہ احمد) ۸۰۹، ۷۷۴، ۲۴۴، ۲۳۵
تابعی ہروی ۳۴۳	۸۲۶
تاج الدین ابرقوہی ۷۲۳	پیر جمالیہ (طریقہ) ۲۴۴
تاج الدین ابوالفتح نصر بن خلف ۸۲	پیر خموش ۳۴۳
تاج الدین ابوالفضل عبدالوہاب (یا شہاب الدین) ۲۸۰	پیرزادہ پسر حاج شیخ عزالدین خلوتی
تاج الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن داود بناکتی ۷۳۱	۷۸۳
تاج الدین ابوالقاسم ۱۸۰	پیرزادہ لوایی سزواری ۸۲۴، ۵۵۲
تاج الدین اسمعیل باخرزی ۸۸	پیر سلطان بن رشید الدین فضل اللہ ۷۳۱
تاج الدین اشوی ۱۷۷	پیر شاہ خوارزم شاہی (غیاث الدین) ۲
تاج الدین بخاری ۱۷۷، ۱۸۰	پیر علی (امیر علاء الدین) ۲۳۶
تاج الدین بہا (ملک الشعرا) ۲۲۵	پیر علی کرت (ملک غیاث الدین) ۲۰۹، ۲۰۹
تاج الدین تاجی کاشانی ۶۷۳	۷۶۶
تاج الدین تمار شاہ ۹۰، ۷۹	پیر قلی بیک استاجلو ۵۰۷
تاج الدین جاجرمی ۹۵	پیر قلی پسر علی شکر ۴۵۵
تاج الدین حاج محمد ابراہیم ہراسی	پیرک (ارلوس) ۵۸۷
کازرونی ۷۸۱، ۲۳۶	پیر محمد (مولانا) ۶۳۸
تاج الدین حرب ۹۱	پیر محمد بن علاء الدین علی فتاری (محبی- الدین) ۲۷۶
تاج الدین حسن ۳۲۹	بن عمر شیخ ۷۵۳
تاج الدین حسن استرابادی ستایی دامغانی	پیر محمد پسر شاہ رخ ۴۵۰
صدر الحفاط ۳۲۵	پیر محمد خان ۴۸۷-۴۸۸
تاج الدین حسن بن حمزہ شیرازی پلاسی	پیر محمد خان بن جانی بیک سلطان ۳۹۸، ۵۹۴، ۵۷۶، ۵۷۴، ۵۶۰
۷۷۶، ۲۸۴	پیر محمد دوم پسر سلیمان ۴۸۸
تاج الدین حسن بن علی سلیمی تونی سیزواری	پیر مراد مشفق ۲۰۶
۳۰۲-۳۰۱	پیروز (ملا) ۵۵۸
تاج الدین حسن داعی (شاہ) ۳۲۶	پیروزی ۲۵
تاج الدین حسن شمشیری ۷۷۸	پیروی ساوجی (امیر بیک) ۴۳۱
تاج الدین حسن گورانی ۶۲۹	پیرہ محمد خان استاجلو ۴۹۴-۴۹۵
تاج الدین حلواپی ۷۶۳	پیری اصفیانی ۶۲۲

تاج الدین راوندی ۸۸  
 تاج الدین ریزه (ملک) ۷۴۴  
 تاج الدین زکی ۱۸۰  
 تاج الدین زیری فارسی ۷۹  
 تاج الدین سرخسی آبی ۸۸  
 تاج الدین سمرقندی ۹۵  
 تاج الدین علی بن ابوالمعالی کریم الشرق  
 ۲  
 تاج الدین علی بن محمد معروف بتاج حلاوی  
 ۷۶۳، ۲۱۰  
 تاج الدین علیشاه ۱۴۲، ۹۱  
 تاج الدین علیشاه بن علاء الدین تکتش  
 خوارزمشاه ۱۴۲، ۹۱  
 تاج الدین عمر بن مسعود بن احمد بن  
 عبدالعزیز بن مازہ بخارایی ۹۹  
 تاج الدین فیروز شاه بن داریوش بهمنی  
 ۷۹۵، ۷۸۰، ۲۳۴، ۲۱۵  
 تاج الدین کرمانی ۱۸۰  
 تاج الدین محمد بن داود بناکتی ۷۳۱  
 تاج الدین محمد بن صدر الدین احمد بن  
 علاء الدین حسن دبیر هندوسی ملک  
 اخستان هندی ۷۶۱، ۷۵۵  
 تاج الدین محمد بن محمد بن ابراهیم  
 کازرونی حاج مرآسی ۷۸۱، ۲۳۶  
 تاج الدین محمود اشوی ۷۴۲، ۲۸۱،  
 ۷۴۹-۷۵۰  
 تاج الدین محمود بوزجانی ۷۲۱  
 تاج الدین محمود حداد اشوی یا اشوی  
 ۷۴۲، ۲۸۱، ۷۴۹-۷۵۰  
 تاج الدین مسعود بن احمد بن عبدالعزیز بن  
 مازہ بخارایی ۹۹  
 تاج الدین بلدوزی ۹۱  
 تاج الرؤسا ۶۷۳  
 تاج الشریعہ ۱۵۴-۱۵۵  
 تاج الشریعہ ابو سعید الله عمر ۷۳۴  
 تاج الفضلای نسوی ۹۵  
 تاج الملک ۶۰  
 تاج الملوک (نصره الدین ملک طبرستان)  
 ۸۶

تاج جیلانی ۱۷۷  
 تاج حلاوی (تاج الدین علی بن محمد) ۲۱۰،  
 ۷۶۳  
 تاج خلاطی ۱۷۷  
 تاج خواجہ ۶۳۹  
 تاجری ۴۴۴  
 تاج زنگانی ۱۷۷  
 تاج سعیدی (میر ابوالفتح بن محمد بن  
 ابوسعید شریفی حسینی) ۲۷۲  
 تاج سلمانی ۲۵۹، ۲۳۶  
 تاج صالح ۱۷۷  
 تاج قراسی قزوینی ۱۷۷  
 تاج کاشی ۱۷۷  
 تاجیکان ۵۹۰  
 تاجی کاشانی (تاج الدین) ۶۷۳  
 تاریخ الهی ۶۶۸  
 تازی، ۱، ۳-۶، ۴، ۶، ۲، ۶۸، ۶۸، ۷۴، ۸۲، ۸۸،  
 ۱۱۶، ۹۴-۱۱۹، ۱۱۷-۱۱۹، ۱۲۰-۱۲۲،  
 ۱۲۵-۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۵، ۲۱۳-  
 ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۰-۲۳۱،  
 ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۵-  
 ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰-۲۷۲، ۲۷۲-  
 ۲۷۵، ۲۸۰-۲۸۲، ۲۸۷، ۳۵۲-  
 ۳۵۴، ۳۶۲-۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۹-  
 ۳۷۰، ۳۷۳-۳۷۶، ۳۸۱، ۳۸۶-  
 ۳۸۸، ۳۹۲، ۳۹۵-۳۹۶،  
 ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۲-۴۳۳، ۴۳۷،  
 ۵۴۴-۶۲۳، ۶۲۴، ۶۶۴، ۶۸۲،  
 ۶۹۱، ۷۰۴، ۷۱۴-۷۱۷، ۷۲۲-  
 ۷۲۴، ۷۲۹، ۷۳۲، ۷۳۵، ۷۳۸-  
 ۷۳۹، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۵، ۷۵۷-  
 ۷۵۸، ۷۶۵، ۷۶۷، ۷۸۸، ۸۰۵  
 ۸۱۱، ۸۱۳-۸۱۴، ۸۱۸، ۸۲۵  
 تازیان ۱۶  
 تاشاه ۷۲  
 تاش ترک ۷۲  
 تانیس ازبک (حافظ) ۴۸۸  
 تانیس فخلی و گرامی (حافظ) ۴۸۸، ۶  
 تایبادی (ایوبکسر) ۲۲۱، ۲۳۱، ۷۶۶،

ترکمان (اولوس) ۵۸۶  
 ترکمان ۵۸۶، ۵۸۱، ۵۶۶، ۵۰۵، ۵۰۱  
 ترکمانان ۴۲۴، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۶، ۵۳۲، ۵۸۸  
 ۷۷۰، ۷۰۹، ۵۸۸  
 ترکمانان بهارلو ۳۶۱  
 ترکمانان موصلو ۳۷۱  
 ترکمیر (حسن) ۱۸۱  
 ترکو بدیعی سگری (بدیع الدین) ۸۸، ۹۴  
 ترکو بدیعی سگری (بدیع الزمان) ۸۸، ۹۴  
 ترکو سگری (بدیع الدین) ۹۴، ۸۸  
 ترکو سگری (بدیع الزمان) ۹۴، ۸۸  
 ترکه (خاندان) ۱۲۶، ۱۶۴، ۲۷۳، ۲۹۸، ۳۴۷، ۳۴۸، ۴۵۱، ۴۶۰، ۴۹۸-۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱، ۷۴۲، ۸۱۳، ۸۲۱  
 ترکه (افضل) ۴۴۸-۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰  
 ترکه (افضل الدین) ۸۱۳  
 ترکه (افضل الدین صدر) ۱۲۶، ۴۴۸-۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱  
 ترکه (افضل الدین محمد) ۸۲۱  
 ترکه (خواجه جمال الدین) ۴۵۰-۴۵۱  
 ترکه (خواجه حبیب الله) ۴۵۱-۴۹۸، ۴۹۹  
 ترکه (خواجه رکن الدین مسعود) ۳۴۷  
 ترکه (خواجه ضیاء الدین) ۴۵۱-۴۵۲، ۴۹۹  
 ترکه (خواجه علامه الدین) ۴۵۱  
 ترکه (صدر الدین ابو حامد محمد) ۴۴۹، ۷۷۹  
 ترکه اصفهانی (افضل الدین بن صدر الدین) ۱۲۶، ۴۴۸-۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۷۱۱، ۵۲۰  
 ترکه اصفهانی (خواجه صابن الدین) ۱۶۳، ۲۷۳، ۲۹۸، ۴۴۹-۴۵۱، ۷۴۲، ۷۷۹  
 ترکی ۶-۷، ۱۴۶-۱۴۷، ۲۰۶، ۲۵۵-۲۵۶

۷۹۹  
 تیریزی ۷۶۴، ۶۹۵، ۲۱۰  
 تختامیش خان ۱۹۳  
 نذروی ابهری ۵۴۳-۵۴۴  
 تذهیبی اصفهانی ۵۲۱  
 راب قلندر ۷۵۴  
 تراپی ۲۸۴، ۵۲۰  
 تراپی حصاری ۵۶۵  
 تربتی ۶۹۵  
 ترخان دهلوی (نور الدین) ۵۴۲  
 ترخان سفید و فی متخلصینوری (نور الدین محمد) ۸۳۳، ۵۴۲  
 ترخانی آند خودی ۳۴۳  
 تردی میک خان رود ۸۳۳، ۵۴۵، ۵۴۳  
 تردی رود سمرقندی (ملا) ۵۴۵، ۵۴۳، ۸۳۳  
 ترمایان ۸۱۰  
 ترمایان نستوری ۱۰۳  
 ترک ۹۰، ۴۹۹-۹۱، ۹۸، ۹۱، ۱۱۵، ۲۰۰، ۲۴۹، ۴۰۶، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۳۸، ۵۳۶، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۱۷، ۵۹۲، ۵۴۹، ۶۴۷، ۶۷۶، ۷۵۱، ۷۰۸، ۶۷۶، ۶۴۷، ۸۱۸، ۷۹۷  
 ترکان ۷۴-۷۵، ۴۶۲-۴۶۳، ۴۶۹، ۴۷۶-۴۷۷، ۴۷۹، ۴۷۷، ۴۸۲، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۲۶، ۵۸۵، ۵۹۴، ۶۰۰، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۹۸، ۷۵۱، ۷۰۰، ۸۰۱  
 ترکان استاجلو ۴۷۳  
 ترکان بایبورت ۴۹۷  
 ترکان بلغار ۷۴۴  
 ترکان جانی قربانی ۴۵۲  
 ترکان جغتای ۴۰۹  
 ترکان خاتون قراختایسی (قتلغ) ۱۵۳، ۷۴۳  
 ترکان ختا ۱۷۰  
 ترکان عثمانی ۴۳۶، ۴۶۳، ۴۷۱-۴۷۲، ۴۷۸-۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۶، ۶۴۹، ۶۵۹، ۷۰۰، ۷۰۴، ۷۹۹، ۸۳۷  
 ترکان غز ۱۲۷

۱۹۵، ۱۹۲ - ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۸۲  
 ، ۲۱۲ ، ۲۱۰ ، ۲۰۰ - ۱۹۹، ۱۹۷  
 - ۲۴۲ ، ۲۳۱، ۲۲۱ - ۲۲۰ ، ۲۱۸  
 - ۲۷۲ ، ۲۶۵ - ۲۶۱، ۲۵۹، ۲۴۳  
 ، ۲۸۶ ، ۲۸۴ ، ۲۸۲ - ۲۸۰ ، ۲۷۵  
 - ۳۱۹ ، ۳۱۱ ، ۲۹۸، ۲۹۵ - ۲۹۲  
 ، ۳۲۹ ، ۳۲۵ ، ۳۲۳ - ۳۲۲ ، ۳۲۰  
 ، ۳۶۰ - ۳۵۹، ۳۳۴، ۳۳۲ - ۳۳۱  
 ، ۳۸۹ ، ۳۷۱ - ۳۶۹، ۳۶۷، ۳۶۵  
 - ۴۰۷ ، ۴۰۴ ، ۴۰۲ - ۴۰۱، ۳۹۶  
 - ۵۲۹ ، ۴۵۱، ۴۱۵، ۴۱۰، ۴۰۸  
 ، ۵۷۶ ، ۵۶۴ - ۵۶۳، ۵۴۴، ۵۴۰  
 ، ۶۱۳ - ۶۱۲، ۶۰۸، ۶۰۵، ۵۸۷  
 ، ۶۳۹ - ۶۳۸، ۶۲۹، ۶۲۵، ۶۲۰  
 ، ۷۲۰ ، ۷۰۴ ، ۶۷۱، ۶۵۶، ۶۴۴  
 ، ۷۴۷ - ۷۴۴، ۸۳۷ - ۷۳۵، ۷۳۱  
 ، ۷۷۸ ، ۷۵۸ - ۷۵۷، ۷۵۰ - ۷۴۹  
 ، ۷۹۹ ، ۷۹۶ ، ۷۸۵، ۷۸۲ - ۷۸۱  
 ۸۱۶ - ۸۱۵، ۸۱۲

تعلیمیان ۱۳۹  
 تفتیش خان ۲۱۱  
 تغلق (غیاث الدین) ۷۵۹، ۱۷۱  
 تغلق تیمور خان ۳۸۰  
 تغلقشاه (غیاث الدین) ۷۵۹، ۱۷۱  
 تغلقی ۷۶۸، ۲۲۳  
 تفتازانی ۳۷۴، ۳۵۶، ۲۸۶، ۲۱۹، ۱۹۱  
 ۶۶۳، ۳۹۳ - ۳۹۲  
 تغلیسی (قاضی) ۱۷۸  
 تغلیسی شروانی ۱۷۷  
 تفتیش ۴۹۰  
 تقلیدیان ۴۲۴  
 تقی (امیر) ۴۲۳  
 تقی الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی  
 ۴۴۶، ۳۸۶  
 تقی الدین علی دوستانی ۱۹۵  
 تقی الدین محمد (امیر) ۵۰۸  
 تقی الدین محمد بن شرف الدین علی حسینی  
 ذکر کاشانی ۳۷۹ ، ۴۴۴ ، ۵۰۸ -  
 ۸۰۵، ۵۰۹

، ۲۷۷ ، ۲۷۴ - ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۵۸  
 ، ۳۰۳ ، ۲۹۵ ، ۲۹۲ - ۲۹۱، ۲۷۹  
 - ۳۹۱، ۳۶۲، ۳۵۱، ۳۳۶ - ۳۳۵، ۳۰۷  
 ، ۴۷۶ - ۴۷۵ ، ۴۳۷ - ۴۳۶، ۳۹۳  
 - ۴۹۵ ، ۴۹۰ ، ۴۸۸، ۴۸۴، ۴۷۹  
 ، ۵۱۵ ، ۵۰۷ - ۵۰۶، ۵۰۱، ۴۹۷  
 ، ۵۲۶ ، ۵۲۳ - ۵۲۲، ۵۱۹، ۵۱۷  
 ، ۵۸۳ ، ۵۷۹ ، ۵۷۵ - ۵۷۲، ۵۳۳  
 ، ۶۱۰ ، ۶۰۷ ، ۶۰۵ - ۶۰۴، ۵۸۶  
 ، ۶۲۴ ، ۶۱۸ - ۶۱۷، ۶۱۴ - ۶۱۲  
 - ۶۴۰ ، ۶۳۴، ۶۳۱، ۶۲۷ - ۶۲۶  
 ، ۶۹۱ ، ۶۸۲ ، ۶۷۷، ۶۷۰ ، ۶۴۱  
 ، ۷۰۴ - ۷۰۳، ۷۰۱ - ۷۰۰ ، ۶۹۶  
 ، ۷۷۷ ، ۷۷۰ ، ۷۲۲، ۷۰۸ - ۷۰۷  
 ، ۸۱۸ ، ۸۱۱ ، ۸۰۲، ۷۹۲، ۷۸۷  
 ۸۴۰ ، ۸۳۸، ۸۳۰ ، ۸۲۲  
 ترکی (قاضی عبدالرزاق) ۵۵  
 ترکی آذربایجان ۴۳۶، ۴۸۴  
 ترکی ترکمانان ۷۷۰  
 ترکی چغتایی ۴۵۷ - ۴۵۸ ، ۵۰۶ - ۵۰۷  
 ۸۱۷ - ۸۱۶، ۶۳۴  
 ترکی شرقی ۹۸  
 ترکی عثمانی ۴۴  
 ترکی غربی ۴۸۴  
 ترکی کشی ایلاقی ۲۲  
 ترمذی ۷۲۶، ۷۰۵  
 ترمذی (امام) ۳۵۶  
 تزریق اردبیلی ۶۹۶  
 تسلیمی هروی ۳۴۳  
 تنس ۴۹۸ - ۴۹۷، ۳۶۸، ۳۳۴، ۱۸۳  
 ۸۲۳، ۶۶۲، ۵۲۳  
 تشبیهی کاشانی ۴۲۴، ۷۸۴، ۵۳۰  
 تشیع ۴۶۵، ۴۴۳، ۳۳۰ - ۴۶۶ ، ۴۷۰  
 ۶۷۵، ۶۶۲، ۵۱۷  
 تصوف ۵۸، ۷ - ۵۹، ۶۱ - ۶۲، ۶۶، ۶۹  
 - ۱۲۲ ، ۱۱۶، ۱۰۸، ۷۶ - ۷۵، ۷۳  
 ، ۱۴۱ ، ۱۳۷ ، ۱۳۱، ۱۲۵، ۱۲۳  
 ، ۱۵۹ ، ۱۵۷ ، ۱۵۴، ۱۴۹ - ۱۴۴  
 ، ۱۷۳ ، ۱۷۰ - ۱۶۹، ۱۶۵ - ۱۶۴

تقی الدین محمد بن معین الدین بن سعد  
الدین محمد حسینی اوحدی دقانی  
بلیانی ۶۵۷، ۵۳۷، ۳۷۹ - ۶۵۸،  
۸۰۵، ۸۰۲، ۶۶۰

تقی الدین محمد حزنی اصفهانی ۶۴۴  
تقی الدین محمد حسینی کاشانی ۴۴۴، ۳۷۹  
تقی الدین محمد شوشتری ۴۲۸، ۸۲۲  
تقی الدین محمد هروی ۶۷۳  
تقی د ۲۰۴

تقی ضمیر حلوانی ۶۵۴  
تقی نزاری اصفهانی ۶۶۱-۶۶۲  
تکلی خوارزمشاه (علاء الدین) ۹۰-۹۱،  
۹۳-۱۱۵، ۱۲۰، ۷۲۶

تکلو ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۵ - ۴۹۶، ۵۰۵  
۵۰۷، ۵۱۹، ۶۵۱  
تگودار (سلطان احمد) ۱۳۴، ۱۳۶،  
۱۶۳

تعل (سلطان احمد) ۶۸۰  
تغرائشاه (تاج الدین) ۷۹، ۹۰  
تغرخان ۴۹۵

تسر مؤبدان مؤبدان ۱۲۹  
تتکری بردی بلخی (میرزا) ۵۹۵  
تنوخی (قاضی ابوعلی) ۹۷  
تنهای بیلیک ۵۰۷

توحید الهی ۲۶۳-۲۶۴، ۶۶۹  
توسنی (محمد منوهر) ۵۴۳، ۶۶۰  
توسنی تهریزی ۶۷۳

توشمی خان ۶۱۵  
توکللی (حاجی) ۶۰۹  
توکللی بن اسمعیل بن حاج توکللی اردبیلی  
ابن یزاز (درویش) ۱۸۶، ۲۷۳

تولک یاقی گرامی سمرقندی (خواجه)  
۵۹۷  
تولکی (اولوس) ۵۸۵

تولوم (امیر) ۶۱۵  
تیهانگیری جشتی (جلال الدین محمد بن  
مود) ۳۷۵  
تیمور (آ) ۲۸

تیاثر (کلی) ۵۷۵

تیمور خان ۴۹۵

تیمور خان استاجلو ۴۵۴

تیمور سلطان بن شیبک خان ۳۱۰

تیمور گورکان ۱۹۲، ۱۹۳ - ۲۱۰

۲۱۱، ۲۱۲-۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۱

۲۲۷، ۲۳۰-۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷

۲۴۱، ۲۴۹-۲۵۰، ۲۶۲، ۲۶۵

۲۷۹، ۲۸۴، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۸۹

۳۵۰، ۴۵۵، ۴۸۸، ۵۶۰، ۶۰۵

۶۴۵، ۷۵۳، ۷۶۳، ۷۶۶، ۷۷۰

۷۷۳، ۷۷۷-۷۷۹، ۷۹۷

تیمور گورکن ۴۸۸

تیموری ۲۲۷-۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۶

۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۹-۲۶۱، ۳۰۹

۳۲۲، ۳۲۶، ۳۵۱، ۳۸۰، ۳۸۹

۴۴۰، ۴۷۲، ۴۷۵، ۵۷۳، ۶۰۸

۶۷۹

تیموریان ۲۴۰، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۳۷

۳۳۸، ۳۰۸، ۴۴۱، ۶۲۱، ۶۸۰

۶۸۱، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۷۳ - ۷۷۴

۷۹۰

ثابت خان ۶۷۳

ثابت هروی (علی اکبر) ۶۷۳

ثانی خان ۶۵۱

ثانی خان هروی (علی اکبر) ۵۴۳

ثباتی اردو بادی ۶۹۴

ثقة الدین عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی

هروی (ابونصر) ۱۹۷

ثقه الدین یوسف بن محمد دربندی ۷۸

ثقه الملك ابوبکر علی ۲۲۵

ثبابی مشهدی (خواجه حسین) ۳۱۶

۴۵۸، ۵۲۶، ۸۱۹، ۸۳۰

### ج

جابر بن عبدالله انصاری ۴۶۱

جاندی (میرزا ضیاء الدین) ۷۱۱

جاندی اصفهانی (میرزا سلمان) ۴۴۴

۷۰۹	۶۴۵،۵۰۱،۴۶۳-۴۶۱
جان علی بیگ ۳۶۲	جاجرمی (بدرالدین) ۲۰۴،۱۶۲،۷۴
جان محمد جامی ثانی ۶۲۷	جاجی ۴۸۹
جانی (ملا) ۸۳۵	جاحظ ۷۲۹،۷۱۵
جانی اسفرائینی ۵۵۸	جادویی بلخی ۳۴۳
جانیان استراخان ۴۸۸،۴۸۶	جار بردی (میرسید) ۶۴۲
جانی بخارایی ۸۳۵،۵۶۰	جاروتی (ابوالعلاء عبدالؤمن) ۲۵۸
جانی بیگ ۶۷۹-۶۷۸،۴۸۷	جامی (قطب الدین احمد) ۳۴۲
جانی بیگ سلخان بن خواجه عوام سلطان بن	جامی (نورالدین عبدالرحمن) ۵۸،۶
ابوالخیر خان ۶۰۴	۱۵۵، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۴۸،
جانی ثنوی ۶۹۰	۲۵۵، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۱-
جانی تیم بان ۵۸۳	۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۶،
جانی جوزجانی ۲۴۲	۳۲۱-۳۲۲، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۲،
جانی سبزواری ۵۵۸	۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۰۵، ۴۰۷،
جانی قربانی ۴۵۲	۴۱۵، ۴۲۷، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۶۶،
جانی گجراتی ۵۴۴	۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۷،
جانی همدانی (اسد) ۵۲۸	۵۶۹-۵۷۰، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۱۱،
جامی بخارایی ۶۰۹، ۴۱۱	۶۱۵، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۳۴، ۶۴۵،
جامی صفوی (ابوالفتح سلطان ابراهیم	۶۴۷، ۶۶۳، ۶۷۷، ۷۶۶، ۷۷۵،
میرزا) ۴۹۱، ۴۷۰، ۴۲۱، ۳۷۸،	۷۷۷، ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۹۲، ۷۹۴،
۸۲۹، ۶۵۵، ۵۲۷، ۵۱۲	۸۲۶، ۷۹۶ ر. عبدالرحمن
جاهلیت ۶۵	جامی ثانی (صرفی) ۶۲۷، ۳۷۲
جاببی (حکیم) ۳	جامی ثانی (قدسی سنک زوری) ۵۷۰
جبریه ۶۳۲	جامی ثانی (میرجان محمد) ۶۲۷
جبل عاملی ۵۳۸	جامی روم (لامعی برسوی) ۳۸۹-۳۹۰
جبلیه (خانواده) ۷۵۶، ۶۴۲	جامی ماوراء النهری ۶۲۹
جدایی (امیر سید علی مصور تبریزی)	جان (حبیب الله باغنوی میرزا) ۳۸۹،
۸۲۰، ۴۲۴	۳۹۳، ۴۳۵، ۵۰۰، ۵۲۰، ۵۸۶،
جدایی ترمذی ۴۳۱	۶۶۶، ۶۹۵، ۷۰۹
جدیدی اصفهانی ۶۷۳، ۲۴۳	جان آقا خانم ۶۶۷
جدیبی (پادشاه قلی) ۴۲۴	جانانسی (امیر) ۳۴۳
جدیبی اصفهانی ۶۷۳	جاننئی تبریزی ۶۹۴
جردقانی ر. نجیب الدین و ابوالشرو	جان پارسا (خواجه) ۵۸۵
جرماغون نویان ۷۴۰	جان جهود سمرقندی (خواجه) ۵۷۵
جرمی بخارایی ۳۴۳	جان رومی شیرازی (میرزا) ۵۸۶
جریر بن عبدالله بجلی ۷۲۰	جان رهی نیشابوری (خواجه) ۵۳۹
جزایری (ابراهیم) ۴۳۲	جان سمرقندی (خواجه) ۵۷۵
جزری ۲۷۹	جان شیرازی (میرزا) ۳۸۹، ۳۹۳، ۴۳۵،
جزمی تبریزی (میر) ۵۰۳	۵۰۰، ۵۲۰، ۵۸۶، ۶۶۶، ۶۹۵،

جعفری (سید جلال الدین) ۱۸۰  
 جعفری (میر) ۶۹۴، ۵۰۴  
 جعفری تبریزی (میر جعفر) ۵۰۴، ۶۹۴  
 جعفری ساوجی (ذوالفقار خان) ۵۱۲  
 جعفری نسوی (ناصر) ۸۹، ۵۵  
 جعفری یزدی ۷۷۵، ۲۵۳  
 جفال اوغلی ۷۰۵  
 جغتای ۷، ۲۴۹، ۳۰۷، ۳۱۸، ۴۲۱، ۴۴۳، ۵۴۳، ۶۰۶، ۵۷۸، ۵۶۷، ۵۵۱، ۵۴۵  
 ۸۱۷-۸۱۶، ۶۴۳  
 جغتای (اولوس) ۶۴۳  
 جفته ۵۴۵، ۵۴۳  
 جفاکش ساوجی (ملاحسن علی سوزی) ۵۲۸-  
 ۵۲۹  
 جلاب بخاری ۲۵  
 جلابی هجویری غزنوی (ابو اسحق علی بن  
 ابو علی عثمانی) ۶۵  
 جلال (شیخ) ۶۲۰، ۵۴۴، ۷  
 جلال (قاضی) ۴۴۷  
 جلال الدوله مسعود بن ابراهیم غزنوی  
 ۷۷، ۶۳، ۴۲  
 جلال الدین ر. ابن حسام  
 جلال الدین (حسن) ۸۰۲  
 جلال الدین ابراهیم بن حسین قلیچ طمماج-  
 خان ۹۹، ۹۶  
 جلال الدین ابوالفتح محمد بن محمد بن  
 محمود حافظی بخاری یارما (یا  
 شمس الدین) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲  
 ۲۲۰-۲۲۱، ۲۸۰، ۶۲۳، ۷۱۶  
 ۷۶۶  
 جلال الدین ابوالمظفر آخستان بن منوچهر  
 شروانشاه ۱۰۳، ۱۰۵  
 جلال الدین ابومحمد محمد بن نجم الدین  
 محمد قایتی ۷۸۵  
 جلال الدین ابویزید زنگی بن طاهر فریو-  
 مندی ۱۹۴  
 جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس طبیب  
 خوانی شیرازی ۲۱۳

جزوی عراقی (بابا) ۳۴۳  
 جستانیان ۴۷  
 جسی همدانی ۵۳۵  
 جعفر (میر) ۵۱۸  
 جعفر بدخشی (نور الدین) ۷۵۴  
 جعفر بن ابی طالب ۲۹۶  
 جعفر بن اسمعیل ازرقی هروی (شرد-  
 الزمان زین الدین ابوالمحاسن)  
 ۷۴، ۵۳  
 جعفر بن حسین بن حسن جعفری یزدی  
 ۲۵۳  
 جعفر بن محمد بن حسن جعفری یزدی  
 (جلال الدین) ۷۷۵، ۲۵۳  
 جعفر بن محمد بن علی الطار ۱۹  
 محمد حسینی ۲۳۷  
 محمد رودکی سمرقندی (ابو-  
 عبدالله) ۱۸-۲۱، ۲۳، ۲۷، ۲۲، ۲۷، ۲۷  
 ۱۲۸، ۴۸  
 جعفر بن فتائی اگرهی ۵۵۵  
 جعفر بیک تبریزی (میرزا) ۶۹۴  
 جعفر بیک قزوینی هروستی آصف خان  
 (قوام الدین میرزا) ۴۳۱، ۲۵۷  
 ۶۵۰، ۶۴۲، ۴۶۵  
 جعفر پاشا ۷۰۰  
 جعفر سیریزی (کمال الدین) ۳۴۱، ۳۲۷  
 ۷۹۸، ۳۴۳  
 تبریزی (میر) ۶۹۴  
 جعفر خطاط تبریزی ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۳  
 ۷۹۸  
 جعفر صادق (امام) ۱، ۵۹۹، ۶۴۸، ۷۵۴  
 جعفر طبرایی ۲۲۳، ۲۶۲  
 جعفر علی بابا ۶۵۴  
 جعفر قزوینی (میرزا) ۵۷۸  
 جعفرک (ابو جعفر احمد بن علی بن ابو جعفر  
 محمد بن صالح بیبکی نو جعفرک) ۳  
 جعفر محتسب الممالک (میر) ۴۹۸  
 جعفر نور بخش (صفی الدین) ۶۱۸، ۳۳۶  
 جعفر هروی ۵۴۳  
 جعفر همدانی ۵۵، ۴۹



جلال الدین خوارزمشاه ۲۰۹۲-۹۳، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۶۵، ۷۴۱، ۷۳۵  
 جلال الدین خوارزمی (سید) ۱۸۸  
 جلال الدین درکافی ۷۵۰  
 جلال الدین دوانی کازرونی (محمد بن سعد-  
 الدین اسعد) ۲۶۵-۲۶۷، ۲۷۶-  
 ۲۷۷، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴،  
 ۳۷۶، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۳۹،  
 ۴۶۵، ۴۶۸، ۴۶۹، ۶۶۳،  
 ۷۰۶، ۷۲۹، ۷۴۲، ۷۰۶، ۶۹۱  
 جلال الدین دهستانی ۱۸۰  
 جلال الدین رومی ر. جلال الدین بلخی  
 جلال الدین زنگی بن طاهر فریومندی (ابو-  
 یزید) ۱۹۴  
 جلال الدین شاه هروی ۱۸۰  
 جلال الدین شیرازی (شاه) ۳۰۳  
 جلال الدین صدر متخلص برضایی ۵۲۷  
 جلال الدین عارف ۱۳۳  
 جلال الدین عبدالجلیل بن عبدالجمیل  
 صافی ۸۱۵  
 جلال الدین عبدا لجلیل بن محمد صافی ۸۱۵  
 جلال الدین عتیقی تسریزی ۲۱۷  
 جلال الدین فرغانی (امیر سلطان) ۵۵۹  
 جلال الدین فریدون بن عکاشه ۲۱۳، ۲۶۵،  
 جلال الدین فضل الله ابواللیثی ۲۹۰،  
 ۳۳۰  
 جلال الدین فضل الله خوارمی ۱۰۳  
 جلال الدین فیروزشاه خلجی ۱۷۱، ۱۸۶،  
 ۷۳۹، ۷۵۱، ۷۵۲  
 جلال الدین قاسم علوی ۶۳۱  
 جلال الدین قدر طغان خان ۹۸  
 جلال الدین قلیچ طمغاج خان ابراهیم بن  
 صین ۹۹، ۹۶  
 جلال الدین کاشانی (خواجگی) ۵۱۳، ۷  
 جلال الدین کرمانی ۵۴۰  
 جلال الدین محمد آگهی ۳۲۱  
 جلال الدین محمد ازهری هروی ۹۵  
 جلال الدین محمد امیر آبادی ۷۳۵

(ابوالمظفر) ۱۰۵، ۱۰۳  
 جلال الدین اسطرلابی ۲۵۰  
 جلال الدین اسکندر ۱۸۱  
 جلال الدین اکبر (ابوالفتح محمد) ۷،  
 ۳۵۶، ۳۵۲-۳۶۱، ۳۶۳-۳۶۶،  
 ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱-  
 ۳۸۳، ۴۵۲-۴۵۵، ۴۵۶-  
 ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۵، ۵۰۵،  
 ۵۱۳-۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۲۷،  
 ۵۲۲-۵۲۹، ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۴۷-  
 ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۸-۵۶۶، ۵۶۸،  
 ۵۶۹، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۸،  
 ۵۹۲-۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۳،  
 ۶۳۵-۶۴۱، ۶۴۲-۶۴۴، ۶۶۲،  
 ۶۶۴-۶۶۵، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۳-  
 ۶۷۷، ۶۸۳، ۶۹۰-۷۰۹، ۷۱۰-  
 ۷۴۴، ۸۱۵، ۸۱۹-۸۲۰، ۸۲۲-  
 ۸۲۴، ۸۳۱-۸۳۳، ۸۳۵، ۸۳۸  
 جلال الدین بلخی (مولانا) ۸۰، ۱۴۱،  
 ۱۶۳، ۱۴۷، ۱۵۸-۱۶۰، ۱۹۹،  
 ۲۱۴، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۴۰۷،  
 ۴۶۸، ۵۳۲، ۶۶۴، ۷۰۴، ۷۰۶،  
 ۷۳۵-۷۳۸، ۷۴۰، ۷۹۲، ۸۰۳،  
 ۸۴۱، ۸۲۲  
 جلال الدین بن حسام (ابن حسام سرخسی)  
 ۲۰۶، ۱۸۰  
 جلال الدین بن حسام سرخسی ۲۰۶، ۱۸۰  
 جلال الدین بن سید تصدق زیدی ۲۰۳  
 جلال الدین جعفر بن محمد  
 زیدی ۲۵۳، ۷۷۵  
 جلال الدین جعفری (سید) ۱۸۰  
 جلال الدین حسن اصفهانی (امیر) ۷۱۰  
 جلال الدین حسین بن اویس جلایر (سلطان)  
 ۲۰۲، ۲۱۹، ۲۱۳  
 جلال الدین حسین بن علی بن محمد رازی  
 (ابوالفتوح) ۱۳۰، ۱۳۶  
 جلال الدین حسین بن فخر الدین حسن اینجو

جلال‌الدین محمد کبیر (ابوالفتح) ۳۵۲،  
 ۳۵۶-۳۶۱، ۳۶۲-۳۶۶، ۳۶۹،  
 ۳۷۲-۳۸۱، ۳۷۷، ۳۷۵، ۳۷۲،  
 ۴۵۲-۴۵۵، ۴۵۶-۴۶۵،  
 ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۵، ۵۰۵، ۵۱۳-  
 ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۷، ۵۲۲،  
 ۵۳۶-۵۳۹، ۵۴۷-۵۵۳،  
 ۵۵۵-۵۵۸، ۵۹۲-۵۹۷،  
 ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۱-۶۱۲،  
 ۶۴۴-۶۴۶، ۶۶۲-۶۶۴،  
 ۶۶۵-۶۶۷، ۶۶۹-۶۸۳،  
 ۷۰۹-۷۱۰، ۷۴۴، ۸۱۵، ۸۱۹-  
 ۸۲۰، ۸۲۲-۸۲۴، ۸۲۰-۸۲۱،  
 ۸۳۳-۸۳۵، ۸۳۸  
 جلال‌الدین محمد بلخی ر. جلال‌الدین  
 بلخی  
 جلال‌الدین محمد بن سعد الدین اسعد دوانی  
 کازرونی (علامه) ۲۶۵-۲۶۷، ۲۷۶-  
 ۲۷۷، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴،  
 ۳۷۶، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۳۹،  
 ۴۶۵، ۴۶۸، ۴۶۱، ۴۶۳،  
 ۶۹۱، ۷۰۶، ۷۴۲، ۷۷۹  
 جلال‌الدین محمد بن سیف‌الدین باخرزی  
 ۷۴۴  
 جلال‌الدین محمد بن محمد بن محمود  
 حافظی بخاری پارسا (یاشمس‌الدین)  
 ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱،  
 ۲۸۰، ۲۲۳، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
 جلال‌الدین محمد بن محمود تها نیسری  
 چشتی ۳۷۵  
 جلال‌الدین محمد بن نجم‌الدین محمد قایسی  
 (ابومحمد) ۷۸۵  
 جلال‌الدین محمد پارسا ر. جلال‌الدین  
 محمد بن محمود  
 جلال‌الدین محمد تبریزی (خواجه)  
 ۶۹۵  
 جلال‌الدین محمد دوانی کازرونی (علامه)  
 ۲۶۵-۲۶۷، ۲۷۶-۲۷۷، ۳۱۵،  
 ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۹

جمال الدين ابوبكر بن ساعد خسروى  
بخاراى ۷۸  
جمال الدين ابوبكر خال ترمذى ۸۸  
جمال الدين ابومحمد عبدالله بن عبدالرزاق  
اصفهانى ۷۳-۷۵، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵  
۱۷۳-۱۷۴  
جمال الدين ابهرى قزوینى ۱۰۳  
جمال الدين احمد جوزقانى ۷۴۵  
جمال الدين استرابادى (امير) ۴۴۱-  
۴۴۲  
جمال الدين اشهرى ۱۸۰  
جمال الدين الغياربىك آى ابه ۱۲۸  
جمال الدين بخارى ۸۱۳  
جمال الدين بن رشيد الدين فضل الله ۷۳۱  
جمال الدين بن بصر ۱۸۰  
جمال الدين ترکه (خواجه) ۴۵۰-۴۵۱  
جمال الدين جاجى منشى ۲۱۵  
جمال الدين حسن اينجو ۳۹۷  
جمال الدين حسين (سلطان) ۲۷۲  
جمال الدين حسين بن فخر الدين حسن  
اينجو (عضد الدوله) ۳۹۷  
جمال الدين حيدر استرابادى ۳۶۷  
جمال الدين حيدر هروى ۶۷۳  
جمال الدين خادمى هروى ۵۸۹  
جمال الدين خليل شروانى ۱۷۶-۱۷۷  
جمال الدين دكتى ۷۹  
جمال الدين رستق القطنى ۲۲۲  
جمال الدين سلمان بن علاء الدين محمد  
ساوجى ۲۰۲، ۲۰۶، ۳۳۵، ۳۴۱،  
۴۱۰، ۵۱۷، ۶۲۹  
جمال الدين سمرقندى ۱۸۰  
جمال الدين سمرقندى عروضى ۳  
جمال الدين شاقى ۳  
جمال الدين عباسى ۹۵  
جمال الدين عبدالرزاق (ابومحمد عبدالله  
ابن عبدالرزاق اصفهانى) ۷۴-۷۵،  
۱۰۱، ۱۰۳، ۱۵۷، ۱۷۳-۱۷۴  
جمال الدين عيهرى ۷۲۵  
جمال الدين عزيزان ۸

جلال بن احمد سيستانى (قاضى) ۴۴۷،  
۴۶۵  
جلال تبريزى ۱۸۰  
جلال خان متخلص بجلالى ۸۰۹  
جلال سيستانى (قاضى) ۴۶۵  
جلال عارف (شيخ) ۱۴۳، ۶۰۵  
جلال عضد ۲۰۳  
جلال قاسم (مولانا) ۸  
جلال كى مانى ۷۹۸، ۳۴۱  
جلال لارندى (حاج) ۷۶۹  
جلال ماوراءالنهرى ۸۸  
جلال هروى ۸۱۶  
جلالى ۴۰۵  
جلالى ۶۵۰  
جلالى (جلال خان) ۸۰۹  
جلالير (آفاق بيك) ۳۴۲  
جلالير (امير حسن) ۳۴۹  
جلالير (خاندان) ۱۸۲، ۱۹۸، ۲۱۱،  
۳۰۹، ۷۷۳  
جلالير (مير على) ۳۴۹  
جلاليرى ۲۰۲  
جمال ۲۲۶  
جمال (بى بى حافظ) ۱۹۷  
جمال الاسلام محتسب يزدى (معين الدين)  
۷۶۷  
جمال الدين ر. ابن حسام  
جمال الدين (شيخ) ۶۰۴  
جمال الدين (قاضى) ۱۷۷  
جمال الدين ابراهيم ابى كاليچار ۴۴۴  
جمال الدين ابواسحق احمد حلاج شيرازى  
(بسحق اطعمه) ۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷،  
۳۲۰  
جمال الدين ابواسحق بن جلال الدين  
محدث كازرونى ۷۶۵  
جمال الدين ابوالحسن اويس بن شيخ  
حسن ر. اويس  
جمال الدين ابوالفتح بن احمد جام ۷۲۰  
جمال الدين ابوالفضل محمد بن عمر الخالد  
قرشى ۱۴۶  
جمال الدين ابوالمحاسن يوسف بن نصر  
كاتب ۷۸

- جمال الدين عطاء الله بن فضل الله (امير) ۶۹۱  
جمال الدين عطاء الله بن محمود بن حسين  
مشهدى عطائى ۳۲۴، ۵  
جمال الدين علوى كازرونى ۱۰۲  
جمال الدين على بن حسين بن على بن مهنا  
اوردى حنى كرماني ۶  
جمال الدين على بن حمزة بن ملك هاشمى  
آذرى طوسى بيهقى ۲۹۳، ۵، ۴-  
۷۹۸، ۷۹۵  
جمال الدين فضل الله بن احمد جمالى اردستاني  
(پير جمالى) ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۷۴،  
۸۲۶، ۸۰۹  
جمال الدين فنونى ۳  
جمال الدين قرشى ۳  
جمال الدين كاشانى (سيد) ۲۲۲  
جمال الدين كاشانى (ملك الشعراء) ۲۲۶  
جمال الدين كيلي ۱۱۵  
جمال الدين محمد بن حسام هروى ۲۰۶،  
۲۷۵، ۲۱۳  
جمال الدين محمد بن حسن نندرى طوسى  
(امام ربانى) ۷۲۳  
جمال الدين محمد بن على سراجى خراسانى  
۷۸  
جمال الدين محمد بن عمر خالد قرشى  
(ابوالفضل) ۱۴۶  
جمال الدين محمد بن محمود شهرستاني  
۲۷۳  
جمال الدين محمد بن  
۷۹  
جمال الدين محمد بن نصر ۹۱  
جمال الدين محمد تيرنگى (امير) ۴۴۶  
جمال الدين محمد صدر (امير) ۵۰۸  
جمال الدين محمد عرفى شيرازى ۴۱۷،  
۸۲۶، ۸۱۹، ۶۵۴  
جمال الدين محمود ۳۸۹، ۳۴۷  
جمال الدين محمود حندى ۱۰۲  
جمال الدين طهرزى ۷۵۵
- جمال الدين مطهر باخرزى ۳۱۳  
جمال الدين منشى ۱۸۱  
جمال الدين ناصر بن شمس كافرگ غزنوى  
۴۳  
جمال الدين هروى خادسى ۵۸۹  
جمال الدين همدانى ۱۸۱-۱۸۰  
جمال الدين يوسف بن داود فارسى ۲۱۸  
جمال الملك ۱۷۷  
جمال بخارى ۱۷۷  
جمال چاچ ۱۷۷  
جمال حاجى شروانى ۱۷۷  
جمال خان مواتى ۳۶۱  
جمال خان ناصحى بدوانى (ميان) ۵۵۰  
جمال خجندى ۱۷۷  
جمال خوبى ۱۷۷  
جمال سرخسى ۱۷۷  
سقا ۱۷۷  
جمال صفورى ۱۷۷  
جمال صمر ۱۷۷  
جمال فزنوى ۱۷۷  
جمال قرشى ۱۴۶  
جمال كرماني (آق) ۴۶۲  
جمال گنج ۱۷۷  
جمال مجددى ۱۷۷  
جمال محمد ۱۷۷  
جمال محوى ۱۷۷  
جمال ملكشاه ۱۷۷  
جمال نقاش اصفهاني ۱۰۳  
جمال هندى ۶۱۴  
جمالى ۳۴۳، ۱۰۰  
جمالى (شيخ) ۴۰۴  
جمالى (م) ۴۰۵  
جمالى اردستاني (جمال الدين فضل الله بن  
احمد پير جمالى) ۲۳۵، ۲۴۴،  
۸۲۶، ۸۰۹، ۷۷۴  
جمالى بن حسن شوشترى ۴۹۷  
جمالى تبريزى (خانزاده خانم) ۶۹۵  
جمالى دهلوى (احمد بن فضل الله) ۸۰۹-  
۸۱۰

جمالی دهلوی (شیخ فضل الله) ۳۶۵، ۳۱۲، ۸۱۰-۸۰۸، ۷۸۷، ۵۴۰  
 جمالی سمرقندی ۱۸۰  
 جمالی کنبوه (حامدین فضل الله) ۴۰۴-  
 ۸۱۰-۸۰۴-۸۰۵  
 جمالی مهری جردی ۵۱  
 جمشیدبن مسعودبن طبیب کاشانی (علامه  
 غیاث الدین) ۷۷۹، ۲۶۸، ۲۵  
 جمشیدخان ۴۹۴  
 جمشیدخان اسحقی (شاه) ۵۲۰، ۴۸۹  
 جمشیدخان ترکستانی ۴۸۹، ۲۲۶  
 جمشیدزواری (غیاث الدین) ۳۷۱  
 جمشیدکاشانی (غیاث الدین) ۲۶۸، ۲۵، ۷۷۹  
 جمشید معمای ۳۳۳  
 جمشید منجم هروی ۳۴۳  
 جمشیدی (محمد شریف) ۶۵۰  
 جمیل حمیلی گالی وال ۸۳۴، ۵۴۴  
 جمیلی گالی وال (جمیل) ۸۳۴، ۵۴۴  
 جنتی بیای نخشی ماوراءالنهری ۱۰۰  
 جنتی خراسانی ۳۴۳  
 جنونی (ملا) ۶۳۱  
 جنونی اندخودی ۳۰۳  
 جونی بدخشی معمای  
 جنونی حصاری ۵۷۷  
 جنونی قندهاری ۶۹۴، ۵۱۷، ۴۶۶  
 جنونی قندهاری قالی پوش ۵۳۱  
 جنید (سلطان) ۴۰۸، ۳۴۹، ۲۸۰  
 اصولی ۲۸۶  
 بغدادی ۷۵۳، ۶۲۰، ۱۴۱  
 اسعدبن مظفر  
 ابن محمدبن مظفر بن روزبهان بن طاهر  
 واعظ عمری ربیع شیرازی (معین الدین)  
 ۷۶۵، ۲۸۰، ۲۵۶، ۲۳۶، ۲۱۵  
 جنید گنجه ۱۷۷  
 جوانمرد علی خان شیبانی دیری ۵۶۸-  
 ۵۸۶ - ۵۸۵، ۵۷۳-۵۷۲، ۵۶۹  
 ۵۹۴  
 جوجک (میرزا) ۵۸۷

جوسوری (ابونصر) ۵۵  
 جولانه اهری ۲۲۲  
 جوهر مهتر آفتابیه چی ۳۶۶، ۳۶۲  
 جوهری ۱۰۰  
 جوهری (حسین) ۸۲۲، ۴۲۹  
 جوهری (محمد) ۲۲۵  
 جوهری (مؤلف صحاح اللغه) ۱۴۶  
 جوهری زرگر بخارایی ۸۶  
 جوهری زرگر هروی (ابوالمخاض محمد محمود  
 ابن عمر) ۲۶  
 جوهری سمرقندی ۳۴۳  
 جویباری (ابواسحق) ۲۲  
 جویباری (خواجه ابواسحق) ۵۸۸، ۵۷۷  
 جویباری (خواجه میرشاه) ۶۳۵  
 جویباری (طریقه) ۴۰۶  
 جوینی (خاندان) ۱۳۵ - ۱۳۶، ۱۴۶  
 ۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۸، ۱۷۴، ۷۵-  
 جهان (شاه) ۵۲۷، ۳۹۸، ۳۵۷، ۴۳۵، ۵۲۷، ۸۳۸، ۶۵۰  
 جهان آرا بیگم ۱۵۴  
 جهان پنهانی (صدر) ۵۴۱  
 جهان پهلوان (اتابیک نصره الدین مسعود بن  
 ارسلان) ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲  
 جهان پهلوان (محمد) ۱۰۶  
 جیان تریزی (قاضی) ۵۸۰  
 جهانسوز (علاء الدین حسین) ۸۹، ۷۳  
 جهانشاه (امیر) ۳۰۵  
 جهانشاد بن یوسف قراقریونلو (مظفر الدین)  
 ۲۳۴-۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵  
 ۷۹۵-۷۹۴، ۷۰۰، ۵۰۵، ۳۴۴  
 جهان شیرازی (قاضی) ۴۹۷، ۴۹۲، ۴۳۹  
 جهان قزوینی (قاضی) ۶۹۵  
 جهان گشته ۱۷۷  
 جهانگیر (شاهزاده محمد سلیم) ۳۶۵، ۳۶۳  
 ۴۱۶-۴۱۷، ۸۳۰  
 جهانگیر (نور الدین) ۱۹۳، ۳۵۷، ۳۵۲  
 ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۹، ۳۷۰  
 ۲۸۱-۲۸۳، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۷  
 ۴۲۲، ۴۳۴، ۵۱۳، ۵۲۱، ۶۴۲

چشتيه ۲۱۷، ۱۱۳-۲۵۸، ۲۶۴، ۸۲۹، ۵۵۸  
 چننه ۵۴۵  
 چنر بيك سلجوقى ۵۸  
 چننه ينى ۸۰۷، ۷۸۲، ۶۹۱، ۶۶۲  
 چلبى (حسام الدين) ۱۶۰  
 چلبى بيك تبريزى (علاءه) ۷۱۰  
 چلبى بيك علاهه ۵۱۴  
 چلبى بيك علامى (شيخ كمال الدين بو-  
 الفضل تبريزى) ۵۲۰  
 چلمه (مولانا) ۵۹۲  
 چنك مشهدى (غزالي) ۶۳۹، ۵۱۱  
 چنگيز خان ۶۰۶، ۴۸۶، ۱۳۶، ۱۳۳  
 چنگيز خان والى گجران ۳۶۶  
 چوپان (امير) ۲۱۶  
 چوپان (خواجه امير احمد) ۴۴۹  
 چوچك علمى سرپلى (امير) ۵۹۵  
 چونى دال (داود كرماني) ۵۴۰  
 چيچك بيك ارغون ۴۷۶  
 چين صوفى ۶۸۰  
 چيني ۱۴۲

حاتم بيك اعتماد الدوله صافى اردوبادى  
 ۷۰۵، ۶۹۹، ۶۹۴، ۶۸۴، ۶۴۹  
 ۸۳۷  
 حاتم منبھلى (شيخ) ۳۵۹  
 حاتم طايى ۲۴۷  
 حاتم كاشانى ۵۰۳، ۴۵۹  
 حاتمى (مؤيدزاده) ۸۱۱  
 حاتمى هروى (امير ابوالفتح عبدالكريم بن  
 احمد) ۴۱  
 حاج (مير) ۸  
 حاج انسى جنابدى (قطب الدين مير) ۸،  
 ۳۲۱  
 حاج خليفه ۲۷۷  
 حاج مولانا حيدرى تبريزى ۴۲۷، ۵۳۸،  
 ۷۲۲  
 حاج هراسى (محمد بن محمد بن ابراهيم

۸۴۱، ۸۰۸، ۶۹۰، ۶۸۴، ۶۶۲  
 ۸۳۵  
 جهاننگير بن رستم ۴۹۱  
 جهاننگير رستعدارى (ملك) ۴۹۵  
 جهاننگير سمنانى سامانى نوربخشى توري  
 چشتى (اشرف الدين) ۷۵۶  
 جهاننگير هاتمى (شاه) ۴۰۹، ۳۴۸-  
 ۴۱۰  
 جهان ملك (امير) ۳۰۶  
 جهان ملك خاتون ۲۱۶  
 جهريه (طريقه) ۶۰۲، ۷  
 جهم بن صفوان ۱۶  
 چكتو (سيد خنجر) ۳۴۴  
 در كمان ۶۹۵  
 جيلانى ۱۳۱  
 جيلى ۱۳۱  
 جيبانى (ابو عبد الله)  
 ۲۸۵

### چ

چاجو (ملك) ۷۵۲  
 چاكرى هروى ۳۴۳  
 چاووش غورى ۸۸  
 چپ نويس هروى (مجنون) ۶۷۳  
 چچ بن سيليج ۱۵۱  
 چراغ دهلى (تصير الدين محمود اودهى)  
 ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴  
 ۷۵۹، ۷۵۶  
 چرخى ۲۵  
 چرخى (حيدر) ۵۱۹  
 ، نقشبندى (يعقوب بن عثمان)  
 ۷۷۸، ۲۶۴  
 چركسان ۴۹۱  
 چرگر فراقى تبريزى (حافظ) ۶۹۵  
 چشتى ۲۱۷، ۱۹۷-۱۹۶، ۱۵۶، ۱۵۴،  
 ۴۲۶، ۴۰۴، ۳۷۵، ۳۷۲، ۲۱۸  
 ۸۱۶، ۷۴۸، ۷۳۸، ۷۲۴، ۶۰۸  
 چشتى (شيخ حسين صوفى دهلوى) ۴۲۶،  
 ۵۵۸

د'مغانی صدرالحفاظ ۳۲۵  
 حافظ تانیش ازبک نخلی و گرامی ۳۸۸،۶  
 حافظ تربتی ۳۰۳  
 حافظ چرگر فرافی تبریزی ۶۹۵  
 حافظ حاجی بیک قزوینی ۵۳۳  
 حافظ حاجی محمد کاتب ۸۳۷،۶۵۲  
 حافظ حکاک کرمانی ۳۴۳  
 حافظ حلوائی ۳۰۵  
 حافظ رازی (خواجہ) ۳۴۴،۳۰۵،۲۹۷  
 حافظ سعید ۳۴۴،۲۲۶  
 حافظ سعد کل ۳۴۴،۲۲۶  
 حافظ شریبی ۳۴۵  
 حافظ شیرازی (خواجہ شمس الدین محمد)  
 ۴-۱۰۱، ۱۵۹، ۱۷۲، ۲۰۰،  
 ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۵۶-  
 ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۸۲، ۳۳۲ - ۳۳۳،  
 ۳۳۵، ۳۹۳، ۴۱۳، ۴۲۳، ۴۶۱،  
 ۴۶۶، ۷۵۶، ۷۶۱ - ۷۶۲، ۷۶۵،  
 ۷۶۸ - ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۹۳، ۸۰۲،  
 ۸۱۸، ۸۲۳، ۸۴۰  
 حافظ صابونی ۶۶۱  
 حافظ صابونی قزوینی ۵۱۰  
 حافظ طیب تربتی ۶۱۴  
 حافظ علاف شیرازی ۳۲۰  
 حافظ علی ۳۴۶، ۳۳۴  
 حافظ علی جامی ۳۴۶، ۳۴۴  
 حافظ علی غوریانی ۳۲۶  
 حافظ قنکر ۶۳۶  
 حافظ کربلائی (درویش) ۸۱۰، ۴۰۶  
 حافظ کرمانی ۳۴۳  
 حافظ کلان (خواجہ) ۶۳۲، ۲۹۶  
 حافظ کلان قاری ۶۲۱  
 حافظ مجلسی تبریزی ۶۹۶  
 حافظ میراثی حفلی ۶۳۱، ۶۱۳  
 حافظ میر احمد خطیب ۶۲۱  
 حافظ میر سینایی ۳۴۳  
 حافظ میرک حالی ۶۳۲  
 حافظ نصر اللہ ۷۹۷  
 حافظہ جمال (بی بی) ۱۹۷

کازرونی) ۷۸۱، ۲۳۶  
 حاجی (شیخ حاج محمد خبوشانی) ۳۲۲،  
 ۴۳۴، ۵۶۲، ۵۶۵، ۶۱۰، ۶۱۱ - ۶۱۱،  
 ۶۴۰، ۶۲۸  
 حاجی اردبیلی ۶۹۵  
 حاجی اویس سلطان بیات ۴۹۴  
 حاجی بچہ ہستی (شمس الدین) ۹۵  
 حاجی بن نظام عقلی (سیف الدین) ۶۵،  
 ۲۵۶  
 حاجی بیک ۷۲  
 حاجی بیک (ملا) ۵۳۳  
 حاجی بیک قزوینی (حافظ) ۵۳۳  
 حاجی تبریزی ۶۹۵، ۲۲۶  
 حاجی سعیدی ۳۴۳  
 حاجی شروانی (جمال) ۱۷۷  
 حاجی کابلی (محمد) ۶۵۸  
 حاجی مردمی کاشانی ۵۳۵  
 حاجی مشہدی (مولانا) ۳۴۳  
 حاجی منشی (جمال الدین) ۲۱۵  
 حاجی ہروی ۳۴۳  
 حاجی ہرویہ (ابوالفضل عثمان بن احمد  
 ہروی) ۸۸  
 حارثی مروزی (علاء الدین) ۹۵  
 حاسب طبری (ابوجعفر محمد بن ایوب)  
 ۲  
 حاصلی تبریزی ۶۹۵  
 حاصلی خیر آبادی (مولانا عبدالعلی)  
 ۵۶۶  
 حاضری اشتر بخارایی ۵۹۵، ۵۷۶  
 حافظ ابراہیم ۴۰۱  
 حافظ ابرو (شہاب الدین عبداللہ بن زین -  
 الدین لطف اللہ بن عبدالرشید بھادانی  
 خوانی ہروی) ۲۳۷ - ۲۳۸، ۲۳۴  
 حافظ الدین ابونصر بن خواجہ محمد یار سا  
 ۲۲۱، ۲۸۱، ۳۳۳  
 حافظ الدین نسفی ۳۸۵، ۲۸۳  
 حافظ الدین ہاشمی کبیر (خواجہ) ۶۱۸  
 حافظ اوبھی ۴۰۴  
 حافظ تاج الدین حسن استرا آبادی سنایی

حافظ یاری ۳۴۸	الله باغنوی (میرزا جان شیرازی)
حافظی کرمانی ۳۴۳	۴۳۵، ۳۹۲، ۳۸۹، ۵۰۰، ۵۲۰
حاکم ابو عبدالله بن البیج ۷۸۲	۲۰۹، ۶۹۵، ۶۶۶، ۵۸۶
حاکمی ۳۴۹	عبیب الله بخاری (مولانا) ۶۳۳
حاکمی خوافی ۳۴۳	عبیب الله ترکه اصفهانی (خواجه) ۴۵۱
حالتی اگرهی (مولانا یادگار) ۴۱۸	۴۹۹-۴۹۸
۳۲۹	عبیب الله حسینی (نظام الدین) ۲۷۱
حالتی تبریزی ۶۷۴	عبیب الله سارجی (خواجه کریم الدین)
حالتی ترکمان (قاسم بیگ) ۴۶۶، ۶۵۰	۴۳۸، ۳۲۰، ۳۷۷، ۳۲۵، ۲۴۱
۸۲۸، ۶۷۴	۳۵۰
حالتی طرفانی ۵۸۲	عبیب الله قیزی ۳۳۳
حالتی گجرانی ۵۴۲	عبیب الله کاتب ۳۴۳
حالی ۲۲۶	عبیب شیرازی (شاء) ۵۶۶
حالی (حافظ میرک) ۶۳۲	عبیب عجمی ۶۳۰، ۷۵۳
حالی آذربایجانی ۶۹۶	عبیب کاتب ۳۴۳
حالی اسفرائینی ۵۵۸	حبیبی (عبدالحمی) ۷۱۳
حالی سبزواری (ملادوست محمد) ۵۵۸	حبیبی برکشادی ۶۹۶
۸۳۵	حبیبی بن ابراهیم متطیب تفلیسی (شرف- الدین ابوالفضل) ۱۲۸، ۷۲۷
حالی گیلانی (میر) ۴۴۴	حجابی اردبیلی ۶۹۶
حالی هروی (شیرعلی بنایی) ۳۴۵، ۲۶	حجابی استرآبادی ۶۷۳
حامد بن ابوالفخر کرمانی (اوحد الدین)	حداد (امام) ۱
۱۷۲، ۱۹۹، ۴۹۲، ۷۲۲، ۷۲۳	حدادی ۱۸۱
۷۳۱، ۷۳۶، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۸	حدادی تبریزی (مولانا) ۵۱۲
حامد بن فضل الله جمالی کنیودهلوی ۴۰۴-۴۰۵	حدیثی ۱۷۷
۸۰۹-۸۰۸، ۴۰۵	حرب (تاج الدین) ۹۱
حامد تاشکندی (خواجه) ۵۹۰	حربی (میرزا) ۶۳۶
حامدی (قرن ۵) ۵۵	حرفی اصفهانی ۶۴۳
حامدی (قرن ۱۰) ۴۴۴	حروفی (شمس الدین محمد) ۳۴۵
حامدی (فخر الدین) ۴	حروفی (عماد الدین) ۱۸۱
حامدی (مولانا) ۵۳۵	حروفی (طریقه) ۲۸۱، ۲۹۲، ۲۶۴، ۷۶۵-۷۶۵
حامدی اصفهانی ۷۹۲، ۸۰۲	۷۷۱، ۷۸۴، ۷۸۵
حامدی قمی ۶۵۰	حروفیه ۲۸۱، ۲۹۲، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۱
حب الله (مولانا) ۸	حریری ۳۴۳
۱ (عمد الملک) ۱۷۴	حریری (صاحب مقامات) ۱۱۸-۱۱۹
(میر) ۵۵۱	حرفی ساوجبلی (علی فراش) ۵۳۶
حبشی ۳۱۷	حربمی سمرقندی ۳۴۳
حب (مولانا) ۳۴۳	حربمی کرمانی هروی ۵۶۱
حب الله (امیر) ۳۴۳	حزنی استرآبادی (امیر حسن) ۶۷۳
حب الله (میرزا) ۲۷۸، ۳۲۶	



حسرتی کاشانی ۶۵۰  
 حسن (تاج الدین) ۳۲۹  
 (خواجہ امین الدین) ۴۲۳  
 حسن (سید) ۴۸۵  
 حسن (شاه) ۴۷۶  
 حسن (عماد الدین) ۳۵۷  
 حسن (گویندہ بحر الصنایع) ۲۱۰  
 حسن (میرزا) ۵۵۷  
 زاشاہ ۴۰۹  
 حسن (نظام الملک) ۹۰، ۸۱  
 حسن آذری (ابو محمد) ۷۱۹  
 اخلاطی (سید) ۲۲۵  
 ارغون (شاه) ۸۲۵  
 استرآبادی (امیر) ۳۴۳  
 حسن استرآبادی (قاضی) ۸۴  
 حسن استرآبادی سنایی دامغانی صدر۔  
 الحفاظ (حافظ تاج الدین) ۳۲۵  
 حسن اشرف غزنوی (سید) ۷۹، ۷۷، ۷۴۔  
 ۷۱۹، ۸۰  
 حسن اشرف یا اشرفی (سید معین الدین)  
 ۷۱۹، ۸۰-۷۹، ۷۷، ۷۴  
 ناصقہانی (امیر جلال الدین) ۷۱۰  
 حسن المرتضیٰ ۸۰۳  
 حسن ایلکان (امیر شیخ) ۲۰۲  
 حسن اینجو (جمال الدین) ۳۹۷  
 حسن بانکنندی ۶۲۸  
 حسن بخاری (تقیب الاشراف خواجہ بہاء۔  
 الدین) ۶۲۴، ۶۲۰، ۵۷۶، ۴۰۳،  
 ۶۳۶، ۶۲۹، ۶۲۶  
 بن بصری ۷۵۳، ۶۳۰  
 بن بلغاری فنجوازی (صلاح الدین)  
 ۷۴۴، ۷۲۴  
 بن بن احمد باقی (افضل الدین) ۸۸۱  
 بن بن احمد بن اسحق طوسی نظام الملک  
 (قوام الدین ابو علی ار حسن بن علی  
 بن بن احمد بن عربشاه ۲۸۰  
 حسن بن احمد عنصری بلخی (ابو القاسم)  
 ۸۳، ۷۶، ۳۸، ۳۶-۳۵، ۳۲، ۲۶  
 ۳۹۰، ۱۰۱، ۹۷  
 حسن بن اسحق بیہقی (نظام الملک) ۷۵۹  
 حسن بن جلالی دہلوی ۸۰۹

حزنی اصفہانی (تقی الدین محمد) ۶۴۴  
 حزنی اصفہانی (میر) ۴۲۶  
 حزنی گونا بادی ۵۸۱، ۵۲۶  
 حزنی ہروی عراقی ۵۸۸  
 حزنی استرآبادی ۶۷۴، ۵۸۱، ۳۴۳  
 حزنی گونا بادی ۵۲۶  
 حزنی گیلانی ۵۸۱، ۵۳۲، ۵۳۰  
 حزنی ماوراء النہری ۵۸۱  
 حزنی بزدی ۵۸۱، ۵۰۳  
 حسابی تبریزی (میرزا) ۵۸۰  
 حسابی چنابادی ۳۴۳  
 حسابی ظنزی اصفہانی (میرزا سلیمان)  
 ۴۶۰  
 حسام الاثمہ شرف الدین محمد بن ابوبکر  
 نسفی ۱۰۰  
 حسام الدین ابوعلی ۱۲۰  
 حسام الدین اردشیر بن حسن ۱۷۲، ۱۹  
 حسام الدین مختیار بن زنگی بینوی سلجوقی  
 (امیر) ۴۹  
 حسام الدین چلبی ۱۶۰  
 حسام الدین حسن بن علی طغاخان بینو ملک  
 ۷۳۱، ۱۷۴، ۸۶، ۴۹  
 حسام الدین حسین بن حیدر اصفہانی  
 (ابو عبد اللہ) ۸۴۱  
 حسام الدین سالار ۷۵۱  
 حسام الدین عمر بن عبدالعزیز مازہ ۹۸  
 حسام الدین قتلغ بوغا ۷۳۲  
 حسام الدین نبیرہ ۳  
 حسام الدین یوسف بخاری (خواجہ) ۱۹۲  
 نسفی ۲  
 حسامی خبوقی (دیوانہ) ۶۱۰-۶۰۹  
 حسامی قراکولی خوارزمی (درویش) ۵،  
 ۷۸۸، ۳۱۸  
 حسامی قہستانی ۳۴۳  
 حسبی بکری سکی (شاه ابوالمفاخر محمد۔  
 ابن کمال الدین اسمعیل بن غیاث الدین  
 منصور بن نصیر الدین عبدالحی)  
 ۶۴۸، ۶۰۳، ۶۰۰-۵۹۹  
 حسرتی (مولانا مظفر الدین) ۴۴۴

حسن بن علی طغاخان (بیگ و ملک حسام الدین)  
 ۷۴۱، ۱۷۴، ۸۶، ۴۹  
 حسن بن علی قطان مروزی (ابوعلی) ۱۲۷  
 حسن بن علی کاتب معروف بمعین الملک اصم  
 (معین الدین) ۱۶۵، ۸۹  
 حسن بن غیاث الدین حسن حسینی سگری  
 چشتی اجمیری (معین الدین) ۱۵۳-  
 ۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۲۷،  
 ۷۴۸، ۷۳۸، ۵۶۱  
 حسن بن غیاث الدین حسینی تربتی (قاضی  
 اختیار الدین) ۵۸۵، ۲۷۸، ۶  
 حسن بن غیاث الدین حسینی قرشی (قاضی  
 اختیار) ۵۸۵، ۲۷۸  
 حسن بن فضل طبرسی (رضی الدین ابو-  
 الفضل) ۳۷۳، ۳۷۱  
 قطان مروزی ۵۵  
 امام الدین چلبی  
 ۱۶۰  
 حسن بن محمد بن حسن قعی ۲۵۷  
 حسن بن محمد بن فخر الدین علی لاری  
 (کمال الدین) ۳۵۶  
 حسن بن محمد بن ناصر حسینی غسزوی  
 (اشرف الدین) ۷۹، ۷۷، ۷۴ - ۸۰،  
 ۷۱۹  
 دقاق نیشابوری (ابوعلی) ۱  
 ۲۳  
 سن بن محمد رامی تبریزی (شرف الدین)  
 ۱۸۷  
 سن بن محمد شاه فناری (حسن چلبی)  
 ۲۷۶-۲۷۵  
 سن بن محمد ناصر حسینی غزنوی (سید-  
 اشرف الدین) ۷۹، ۷۷، ۷۴ - ۸۰،  
 ۷۱۹  
 سن بن محمد تیازی بخاراوی (سید) ۷،  
 ۸۳۵، ۶۳۶، ۵۵۶  
 سن بن محمد نیشابوری قعی معروف بن نظام  
 ۱۵۲  
 سن بن منوچهر بن جمال الدین ابوطاهر  
 ابن عمار بن عمران بن موسی بن امام

سن جهان شاه فراقویونلو ۷۹۴  
 سن حکیم ملای اصفهانی شفاوی (حکیم  
 شرف الزمان) ۵۱۴-۵۱۵، ۵۱۷  
 رازی پلاسی (تاج الدین)  
 ۷۷۶، ۲۸۴  
 زیهان شیرازی ۴۰۴  
 زین شکر اوغلی مقیمی ۸۳۱، ۵۰۵  
 حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج الدین  
 یزدی (ابن شهاب) ۲۲۹  
 حسن بن ضیاء الدین حسین یزدی (مجدد  
 الدین) ۷۷۵  
 حسن بن طاهر (نظام الملک ابوعلی) ۸۱،  
 ۹۰  
 حسن بن طاهر بهاری (شیخ) ۷۸۵  
 حسن بن علاء الدین عطار (کمال الدین)  
 ۷۶۷  
 حسن بن علاء سگری ۷۶۶، ۷۵۵  
 حسن بن علی (امام) ۷۵۴، ۵۸۰  
 حسن بن علی بن احمد بن اسحاق طوسی  
 (ابوعلی قوام الدین نظام الملک) ۴۹-  
 ۵۴، ۵۵-۵۸، ۶۱، ۶۶-۶۷،  
 ۶۹-۷۱، ۷۳، ۱۲۷، ۱۶۳، ۴۳۲  
 ۷۲۷  
 حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی  
 ۲۵۷  
 حسن بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن  
 حسن طبری استرابادی مازندرانی  
 آملی (عماد الدین) ۷۲۴، ۱۵۳  
 حسن بن علی بن موسی طرسوسی (ابوطاهر)  
 ۲۵۶  
 حسن بن علی بن موسی طوسی (ابوطاهر)  
 ۷۱  
 حسن بن علی سگری دهلوی (نجم الدین)  
 ۱۷۱  
 حسن بن علی سلیمی توفی سبزواری (تاج-  
 الدین) ۳۰۱  
 حسن بن علی شهابی ۸۸

حسن دهلوی (۱۷۱، ۱۸۵، ۵۰۶)  
 حسن دهلوی (نجم الدین حسن سگزی)  
 ۱۷۱  
 حسن زامر ۷۳۲  
 حسن سگزی (علاء الدین) ۱۵۴، ۷۶۶  
 سگزی (نجم الدین) ۱۷۱  
 حسن سگزی اجمیری (معین الدین) ۱۵۳-  
 ۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷  
 ۷۴۸، ۷۳۸، ۵۴۱  
 حسن سلطان ۵۰۱  
 حسن سمرقندی (امیر اختیار الدین)  
 ۲۲۶  
 حسن سهوی تبریزی (میر) ۶۵۹، ۷۰۳  
 ۸۳۷  
 حسن شاملو (سلطان) ۶۵۸  
 شاه بقال ۲۶۵  
 شاه هروی (حسن شاه هزال) ۲۹۴  
 حسن شاه هزال (حسن شاه هروی) ۲۹۴  
 حسن شمشیری (تاج الدین) ۲۷۸  
 حسن شهرویه ۷۷۲  
 آزی (سراج الدین) ۱۸۱  
 آزی صاحب عیار (قوام الدین)  
 ۱۲۶، ۲۰۵، ۷۶۱، ۷۶۵  
 حسن صباح ۷۲۹-۷۳۰  
 حسن طالب ترمذی (میرزا) ۶۸۵  
 حسن طبسی ۳۴۳  
 حسن عزیز حسینی ۷۲۵  
 ی (امام) ۲۲۰، ۳۷۱  
 حسنعلی جلایر ۳۴۳  
 نعلی روغنگر هروی ۲۲۶  
 حسنعلی سوزی ساوجی ۵۲۸-۵۲۹  
 حسنعلی طبسی ۸۲۹-۸۳۰  
 حسنعلی هروی ۳۴۳  
 حسن غزنوی (سید اشرف الدین حس-  
 محمد ناصر حسینی غزنوی) ۷۴، ۷۷،  
 ۷۹-۸۰، ۷۱۹  
 سن قاری ۳۴۳  
 سن قزوینی (قاضی) ۶۵۰  
 سن قوچین (امیر بابا) ۳۰۵

محمد تقی (امیر) ۷۸۱  
 حسن بن میر قوام الدین قاجار  
 بخش رازی (شاه بهاء الدوله) ۲۷۴،  
 ۴۰۰  
 حسن بن یوسف بن مطهر حلی (علامه) ۳۷۴،  
 ۷۰۱، ۶۶۳  
 بهادرخان (اوزون حسن) ۲۶۲،  
 ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۸۶، ۳۱۲، ۳۴۹-  
 ۳۵۰، ۴۸۲، ۷۹۳-۷۹۴، ۷۹۶،  
 ۸۰۰  
 حسن بیک (نصرة الدین) ۲۶۷  
 حسن بیک بن محمد بیک خاکی شیرازی  
 ۳۵۷، ۶۵۰  
 حسن بیک روملو ۳۵۵، ۸۰۲  
 حسن بیک صالای اسفراینی ۶۸۵  
 حسن بیک سجزی تبریزی ۵۱۲، ۵۱۵،  
 ۸۳۱-۸۳۲  
 حسن بیک علی بن قرا عثمان یاقرا بولغ ۷۹۳  
 حسن بیک لالی همدانی ۶۵۷  
 حسن بیک لنگ اردو بادی ۸۲۸  
 حسن بیک یوزباشی ۳۹۴  
 حسن پاشا ۴۵۵  
 (شیخ) ۷۰۴  
 حسن ترکمیر ۱۸۱  
 حسن تونی (قاضی) ۵۲۸  
 حسن جلال الدین ۸۰۳  
 حسن جلایر (امیر) ۴۴۹  
 حسن (یا حسین) جمعی بیعتی (ابوالمظفر  
 عبد الجبار) ۵۵  
 حسن جویری (شیخ) ۷۶۱  
 حسن چشتی دهلوی ۵۵۸  
 حسن چلبی (حسن بن محمد شاه فناری)  
 ۲۷۵-۲۷۶  
 چلبی ظریفی ۸  
 استرا بادی (امیر) ۶۷۴  
 مینی آملی (نظام الدین) ۲۱۵  
 خلخالی (علامه سید) ۳۹۳  
 حسن خالدار (خواججه) ۵۹۵  
 حسن خان شاملو ۶۴۹  
 حسن داعی (شاه تاج الدین) ۳۲۶  
 حسن دوم (سلطان) ۳۸۶

حسین کار کیا (سید) ۳۴۹  
 حسن کاشی ۶۴۴، ۳۱۴، ۳۰۲  
 حسن کرمانی (نجم الدین) ۹۵  
 حسن کوکبی بخارایی ۵۷۴، ۵۶۸، ۳۴۷، ۶۲۳  
 حسن گورانی (ناج الدین) ۶۲۹  
 حسن متکلم ۲۰۹  
 چشتی (ابوصالح محمد) ۱۹۶  
 حسن مخلصی بینسی ۵۳۱  
 حسن منتهب بندگان (استاد) ۵۲۵  
 حسن میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۲ - ۴۹۳  
 حسن تشاری (بهاء الدین نقیب الاشراف بخاری) ۶۲۴، ۶۲۰، ۵۲۶، ۴۰۳، ۶۳۶، ۶۲۹، ۶۲۶  
 زنجفی ۶۵۶  
 حسن نظامی نیشابوری ۳۳۶، ۱۷۱، ۱۵۲  
 نقشبندی (خواجہ) ۶۳۸  
 بن فیازی بخارایی (سید) ۵۵۶، ۷، ۸۳۵، ۶۳۶  
 نیشابوری (سید) ۱۸۱  
 حسن نیشابوری (میر) ۳۹۰  
 حسن واعظ فیضی شروانی (سید) ۷۰۶  
 حسن واعظ کاشانی (ملا) ۶۶۱  
 حسنویہ بن حسین ۲۴  
 حسن ہروی (میرزا) ۵۹۹  
 حسن ہروی علاقہ بند (میرزا) ۵۹۹  
 حسین امیر کیا ملاطی ۳۸۶  
 حسنی اصفہانی ۵۲۵  
 (عبدالرزاق) ۷۵۶  
 حسن یزدی (مجدد الدین) ۷۷۵  
 سن سارول (کور) ۳۸۶  
 حسنی گلستانہ (سید محمود بن علی) ۲۱۷، ۷۶۵  
 حسین (امیر ربیع الدین) ۳۳۱  
 حسین (برہان الدین) ۱۷۷  
 حسین (خواجہ کمال الدین) ۳۱۴  
 حسین (سلطان جمال الدین) ۲۷۲  
 حسین (شاهزادہ) ۴۳۹

بن (شجاع الدین امیر) ۴۰۲  
 (کمال الدین) ۳۴۳  
 حسین آق قویونلو (سلطان) ۲۶۹  
 حسین ابھری اردبیلی (علامہ کمال الدین) ۱۶۹، ۲۵۵، ۳۴۳، ۳۹۳، ۶۷۰  
 ۸۳۸-۸۳۷، ۷۴۲، ۷۱۸، ۶۹۰  
 حسین ابیوردی (امیر کمال الدین) ۳۳۱  
 حسین اخلاطی (سلطان) ۷۷۵  
 حسین اردستانی ۳۴۳  
 حسین اردشیر (امیر) ۳۴۳  
 حسین اردو بادی (شاہ) ۶۹۸  
 حسین اصفہانی (میرزا) ۸۰۳-۸۰۴  
 حسین اصفہانی (میرزا شاہ) ۳۴۳، ۳۶۷، ۴۴۶، ۴۶۷، ۵۰۱، ۶۹۵  
 حسین الداری (خواجہ) ۵۶  
 حسین الہی اردبیلی (کمال الدین حسین - ابن شرف الدین عبدالحق) ۲۵۵، ۱۶۹، ۳۴۳، ۳۹۳، ۶۷۰، ۶۹۰، ۷۱۸  
 ۸۳۸-۸۳۷، ۷۴۲  
 حسین انجذانی (کمال الدین حسین بن شہاب الدین حسین بن برہان - الدین قلج) ۴۰۰  
 حسین ایلافی ۵۶  
 حسین باوردی ۳۴۳  
 حسین بایقرا (ابوالغازی سلطان) ۵-۷، ۱۱۴، ۲۳۲-۲۳۴، ۲۳۹-۲۴۰، ۲۴۵-۲۴۷، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۵۵-۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۹-۲۷۱، ۲۷۸، ۲۸۴-۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۰-۲۹۳، ۲۹۵-۳۰۴، ۳۰۹-۳۱۳، ۳۱۴-۳۱۶، ۳۲۲-۳۲۴، ۳۲۶-۳۳۵، ۳۳۷-۳۳۹، ۳۴۹، ۴۰۸-۴۰۹، ۴۴۰، ۴۴۶، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۷۵، ۵۱۵، ۵۲۴، ۵۵۸، ۵۶۲-۵۶۳، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۴۳، ۶۶۱، ۶۶۶، ۶۷۱، ۶۷۷، ۶۸۰-۶۸۱، ۶۹۱، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۹  
 ۸۲۹  
 حسین بخارایی (مولانا میر) ۶۲۶

۴۰۰ ر. حسین خوارزمی  
 حسین بن شیخ صابر سنه ۴۰۵  
 حسین بن صدرالدین علی ذوالفقار شروانی  
 (قوام الدین) ۱۷۴، ۳۱۰  
 حسین بن عالم بن ابوالحسن حسینی هروی  
 غوری (امیر رکن الدین) ۱۶۹،  
 ۲۱۴، ۲۴۲  
 حسین بن عبدالحق ابهری اردبیلی  
 (کمال الدین) ۳۹۳  
 حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا  
 (ابوعلی) ۷، ۳۱، ۳۶، ۵۴، ۷۰،  
 ۱۲۴-۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۸۳،  
 ۷۳۵  
 حسین بن علی (امام) ۳۹۶  
 حسین بن علی المشتهر بالشکافی ۴۰۱  
 حسین بن علی بن محمد رازی (ابوالفتوح  
 جلال الفتوح و جلال الدین) ۱۲۶،  
 ۱۳۰  
 ابن علی قعی (ابونصر) ۲۹  
 علی کاشفی بیهقی هروی واعظ  
 (معین الدین یا کمال الدین) ۲۴۵-  
 ۲۴۶، ۲۸۵، ۳۰۷، ۴۰۳، ۴۰۴-  
 ۳۲۲، ۶۸۴، ۷۷۵، ۷۸۴  
 حسین بن غیاث الدین محمد شیرازی فارسی  
 ابن غیاث (کمال الدین) ۲۹۹  
 حسین بن فخرالدین حسن اینجو (عضد-  
 الدوله جمال الدین) ۳۹۷  
 حسین بن فیروزشاه (امیر غیاث الدین)  
 ۳۰۳  
 حسین بن مجدالدین محمد ترجمان جعفری  
 رغدی (امیر ناصر الدین ابن بی بی)  
 ۱۴۹  
 حسین بن محمد بن عبدالمرضا علوی حسینی  
 ۱۹۴  
 حسین بن محمد حسینی نیشابوری شیرازی  
 ۲۹۲-۲۹۳، ۳۷۳  
 ۲۷۰  
 حسین بن مسعود فراء یعقوبی (محبی السنه  
 ابو محمد) ۱۲۶، ۳۹۴

بن بن ابراهیم بن ابوبکر سلما  
 (ابوعلی) ۷۳۸  
 بن بن ابراهیم بن احمد ادیب نظری  
 (بديع الزمان ابو عبدالله) ۵۶  
 ابوبکر اشعری (عین الملک  
 فخر الدین) ۱۵۱  
 بن بن ابوعلی فضل بن حسین طبرسی  
 (رضی الدین ابونصر) ۳۷۱، ۳۷۳  
 مدین حسین زوزنی (ابو عبدالله)  
 ۶۵  
 بن بن اسعد دهستانی الویری ۱۸۶  
 قاسمی حسینی ۲۶۲  
 حسین بن اویس جلایر (سلطان جلال الدین)  
 ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۳  
 حسین بن بایقرا (سلطان ابوالغازی) ر.  
 حسین بایقرا  
 حسین بن جمال الدین بن رشید الدین فضل الله  
 (کمال الدین) ۷۳۱  
 حسین بن حسن بن محمد  
 بکری آمدی شریف ۶  
 حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کبروی  
 (کمال الدین) ۲۴۲  
 بن گرگانی (ابوالمحاسن)  
 ۲۷۲، ۲۷۹  
 بن مراغی (درویش اشرف)  
 ۳۰۹، ۷۸۷  
 حسین بن حیدر اصفهانی (ابومعید الله  
 حسام الدین) ۸۴۱  
 حسین بن خواجه مبین الدین احراری  
 (میرزا شرف الدین) ۵۶۶  
 حسین بن شرف الدین عبدالحق ابهری  
 الهی اردبیلی (کمال الدین) ۱۶۹،  
 ۲۵۵، ۳۶۳، ۳۹۳، ۶۷۰، ۶۹۰  
 ۸۱۸، ۷۴۲، ۸۳۷-۸۳۸  
 حسین بن شهاب الدین اسمعیل طبسی گازر-  
 گاهی (امیر کمال الدین) ۲۵۵،  
 ۴۸۴، ۳۳۱، ۷۱۸  
 حسین بن شهاب الدین حسین بن برهان-  
 الدین قلج انجذانی (کمال الدین)

حسین خوارزمی (کمال الدین حسین بن  
زین الدین حسن کاشانی خوارزمی کبروی)  
۴۷۰، ۴۳۱، ۴۰۷، ۳۷۲، ۳۴۲، ۵  
۵۸۴ - ۵۸۳، ۵۷۷، ۵۷۵، ۵۷۲  
۵۹۸ - ۵۹۹، ۶۴۰، ۶۸۸، ۶۸۹،  
۷۸۸

حسین خوانساری (آقا) ۶۸۸  
یوانه ۳۴۴

حسین سادات ر. حسین بن عالم  
حسین ساقی اصفهانی (میرزا شاه) ۶۷۷  
حسین مالک شیرازی (درویش) ۴۶۷  
حسین سقا (شیخ) ۱۷۷  
حسین سهوی تبریزی (کمال الدین میر)  
۸۳۷، ۷۰۳، ۶۵۹

معمایی (امیر) ۳۴۵

حسین شهودی ۵۲۷  
حسین سیرازی (درویش) ۶۷۵  
حسین صوفی ۶۸۰  
صوفی دهلوی متخلص بچشتی ۴۲۶،  
۵۵۸

اسی (کمال الدین)  
۵۲۹، ۵۰۹، ۴۵۸، ۴۴۶، ۴۴۴  
۸۲۶، ۶۸۴، ۶۷۲، ۶۰۱، ۵۳۲  
۸۳۳

حسین طباطبایی (شرف الدین) ۶۷۷  
حسین طبیب (درویش) ۶۲۲  
حسین علاء الدین بخاراوی ۶۱۰  
حسین غازی (شاه ابو الفتح) ۳۷۷  
حسین فانی خوارزمی (کمال الدین) ۶۸۸ -  
۶۸۹

حسین فنایی (کمال الدین) ۳۴۶  
حسین قدسی ابطحی کربلایی سبزواری  
۵۵۶، ۵۳۸ (میر)

حسین قزوینی (خواجه محمد) ۶۷۵  
حسینقلی بیگ یساول قور شاملو ۳۸۶  
حسین قنوی (کمال الدین) ۸۰۶  
حسین کاشفی (ملا) ۲۴۵ - ۲۴۶، ۲۸۵،  
۴۰۷، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۳۷، ۶۸۴،  
۷۸۴، ۷۷۵

نالدین حسینی قرمذی میبندی  
منطقی (قاضی میر) ۲۶۷ - ۲۶۸،  
۸۱۸، ۷۷۹، ۷۴۲، ۷۰۶، ۶۶۳  
بن بن ملک فیات الدین محمود سیستانی  
(شاه) ۸۱۳

بن بن منصور بن بایقرا بن عمر شیخ بن  
تیمور (کمال الدین ابوالنازی) ر.  
حسین بایقرا

بن بن منصور حلاج ۱۶، ۲۴۳، ۷۵۰،  
بن بن مولا شهاب الدین اسمعیل طبسی  
گازرگاهی هروی (کمال الدین)  
۷۱۸، ۳۳۱، ۲۸۴، ۲۵۵

بن بیک یوزباشی ۴۹۴  
سرخسی ۴۰۶

بن بن میرزا شاه بیک حسینی اصفهانی  
(میرزا شاه) ۴۴۶، ۳۶۷، ۳۴۳،  
۸۲۹، ۵۰۱، ۴۶۷

هبه الدین حسین خطیب (حاجی)  
ناصر الدین ناصر خطیب شفقوی  
۲۱۴

بن بن یوسف هروی (رفیع الدین) ۸۰۸  
سین بهادر (سلطان) ۵۶۶  
سین بیک ذوالقدر ۴۵۶  
سین بیک لذتی همدانی ۶۵۷  
سین ترکستانی ۶۳۰

سین کنایی مشندی (خواجه) ۴۵۸، ۴۱۶،  
۸۳۰، ۸۱۹، ۵۲۶

سین جلایر (سلطان) ۲۰۹، ۷۷۳، ۷۶۳،  
هری ۸۲۷، ۴۲۹

سین جهانسوز (علاء الدین) ۸۹، ۷۳  
سین حافظ قزوینی کربلایی ۴۰۶، ۳۸۳،  
۸۱

سین نوی (کمال الدین)  
۹۵

بن خان جاگیر دار پتیالی ۳۵۹  
بن خان شاملو (سلطان) ۶۶۷  
بن ختمی (سلطان) ۳۴۴

منجم ۲۷۱  
سوار (میرمید) ۸۲۴

هزار مرد ۱۷۷  
 حسینی (حسین بایقرا) ۲۵۵  
 حسینی (مسلک) ۴۸۲  
 حسینی (محمد اکبر) ۱۹۲  
 سببی (محمد علی) ۲۷۱  
 حسینی (ملا) ۴۴۴  
 حسینی (نظام الدین حبیب الله) ۲۷۱  
 حسینی اسحاقی (عبدالله بن عبدالحی بن علی) ۲۶۲  
 صفهانی (میرزا شاه حسین بن میرزا شاه بیک) ۳۴۳، ۳۶۷، ۴۴۶-۴۶۷، ۸۲۹، ۵۰۱  
 ینی دلیانی (معین الدین دقاقی) ۶۶۰  
 سینی ترمذی (سید برهان الدین محقق) ۷۳۶، ۱۵۹  
 سینی خلخالی (علامه سید حسن) ۳۹۳  
 سینی خوارزمی (جمال الدین) ۳۷۲-۳۷۳  
 حسین حواری  
 رازی (قاضی مسعود سیفی) ۸۲۲  
 سین یسزدی (مؤمن) ۴۲۵، ۴۹۹-۵۰۰  
 سینی سادات ۱۶۹، ۲۱۴، ۲۷۴۲-۲۷۴۳  
 بن عالم  
 حسینی علوی (سید غیاث الدین) ۱۹۴  
 حسینی قزوینی (قاضی سیف الدین) ۴۳۹  
 حسینی قزوینی (کیا) ۵۶، ۲۵۱  
 حسینی کاشانی ۶۵۰  
 حشری تبریزی (محمد امین) ۸۱۷  
 حشمتی رشتی ۵۱۹  
 حشمتی گیلائی ۵۱۹  
 حصاری اکبر آبادی ۶۷۴  
 حصری ۲۵  
 (ابوبکر) ۳۴  
 حضوری بخاری ۸  
 حضوری قمی (میر عزیز الله) ۴۳۲، ۸  
 ۸۲۳، ۴۵۹  
 حفطی (حافظ میراثی) ۶۳۱، ۶۱۳  
 حفطی تبریزی (حاج محمود) ۶۹۶  
 حفوری هروی ۳۵

بن کامی اوبوی (جمال الدین شاه) ۳۳۱، ۳۳۳  
 حسین کامی هروی (شاه) ۵۶۳، ۳۴۷  
 حسین کتبی (ابو عبدالله) ۷۱۸  
 سین کر بلائی (امیر) ۶۸۶، ۵۱۰  
 حسین کر بلائی قزوینی تبریزی ۳۸۳، ۸۱۰، ۴۰۶  
 حسین کفری تربتی ۶۵۷  
 هروی (میر) ۵۹۱  
 حسین کیرنگی ۳۴۳  
 گازرگاہی (جمال الدین) ۲۵۵  
 ۷۱۸، ۳۳۱، ۲۸۴  
 مروزی (خواجہ) ۴۱۶، ۵۵۶، ۸۱۹، ۶۲۳  
 حسین مشهدی (فناپی) ۴۱۶، ۴۵۸، ۵۲۶، ۸۲۰، ۸۱۹  
 حسین معمای نیشابوری (حیدر) ۲۹۲، ۵-۲۹۲  
 ۶۳۱، ۴۴۴، ۳۴۳، ۲۹۳  
 ن مؤمن یزدی (ملا) ۴۲۵، ۴۹۹-۵۰  
 (قاضی میر)  
 الدین) ۲۶۷-۲۶۸، ۶۶۳، ۷۰۶، ۸۱۸، ۷۷۹، ۷۴۲  
 زامفوی (سلطان) ۴۶۱، ۴۵۴، ۵۳۲، ۵۰۷، ۴۹۱  
 ن صیبی نوربخشی یزدی (امیر سید) ۷۱۱، ۶۶۱، ۳۳۸، ۳۴۶  
 بن نظام شاه ۴۸۹  
 نقشی دهلوی ۵۵۵  
 نیشابوری (امیر) ۴۰۰  
 حسین واعظ کاشفی ۲۴۵-۲۴۶، ۲۸۵، ۲۰۷، ۳۰۳، ۴۰۴، ۴۳۷، ۶۸۴  
 ۷۸۴، ۷۷۵  
 حسین وفایی ۴۰۴  
 حسین ولی (شاه) ۳۴۸  
 حسین هروی (خواجہ) ۶۳۵  
 حسین هروی (خواجہ جمال الدین) ۵۹۸-۵۹۹  
 حسین هروی (میرک) ۶۳۵، ۳۴۴

حلالخوار (سید فضل اللہ) ۷۶۴  
 حلمی اردبیلی ۶۹۷  
 حلمی بخارایی (علی بن عبداللہ بن معاذ)  
 ۱۲۲  
 حلوائی (تاج الدین) ۷۶۳  
 حلوائی (حافظ) ۳۰۵  
 حلوائی (صادق) ۶۷۱، ۸  
 حلوائی سمرقندی ۲۴۳  
 حلوائی سمرقندی (صادق) ۶۷۱، ۵۴۷  
 حلوائی مشہدی (عبداللہ) ۶۳۹  
 حلی (علامہ) ۳۸۱، ۳۷۴، ۲۵۱  
 حلیمہ ۳۴۹  
 حلیمہ خاتون ۴۸۲  
 حلیمی ۲۵۸  
 حلیمی (قاضی لطف اللہ بن ابویوسف) ۲۵۸  
 حلیمی شروانی ۶۹۷  
 حمامی سمرقندی (درویش) ۶۱۴  
 حمد اللہ اردبیلی ۶۹۷  
 حمد اللہ بن ابوبکر بن ا۔  
 قزوینی ۲۵۷، ۲۲۳، ۱۴۴، ۶  
 حمدی ۳۴۴  
 حمدی (شمس الدین بردعی ملازادہ و بردعی  
 زادہ) ۳۴۰  
 حمزہ (امامزادہ) ۱۲۷  
 حمزہ (شیخ مخدوم) ۸۱۳، ۵۴۰  
 حمزہ بن زہرہ حلبی (سید شریف طاہر  
 عزالدین ابوالمکارم) ۷۳۴  
 حمزہ عروسی ۲۵  
 حمزہ کشمیری ۴۰۶  
 حمزہ میرزا صفوی (ابوالمظفر سلطان)  
 ۵۰۷، ۵۰۱، ۴۹۵، ۴۷۴، ۴۴۳  
 ۷۰۱، ۶۸۶، ۶۴۹، ۵۲۹  
 حموی (عبدالرحمن) ۱۸۱  
 حمید اردبیلی (مولوی حمید اللہ) ۶۵۰  
 حمید اللہ بن ۳۲۸، ۴  
 حمید اللہ بن ابوبکر عمر بن محمود محمودی  
 بلخی (قاضی) ۱۱۸، ۸۷  
 حمید اللہ بن ابومعین ناصر خسرو قبادیانی  
 مروزی ۲۸، ۳۷، ۴۸، ۴۸، ۵۴، ۵۸، ۵۹

حقایقی (خاقانی شروانی) ۱۰۲  
 حقایقی (محمد بن علی بن مالک بن ابو۔  
 نصر) ۷۰  
 حقوری هروی ۳۵  
 حقی (عبدالحق دہلوی) ۱۲۲، ۳۶۰  
 ۸۰۵، ۷۹۸، ۶۷۸، ۳۶۹  
 حقیری بخاری ۵۷۷  
 حقیری تبریزی ۵۳۱  
 حقیری هروی (شہاب الدین احمد) ۳۲۶،  
 ۳۴۴  
 حقیری ہمدانی ۲۴۴  
 حقیقی ۵۵، ۴۹  
 حقیقی (جہان شاہ قراقریونلو) ۲۳۴۔  
 ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵، ۳۴۴  
 ۷۹۵-۷۹۴، ۷۰۰، ۵۰۵  
 حکاک کرمانی (حافظ) ۳۴۲  
 حکاک مرغزی ۲۵  
 حکمای یونانی ۷۳۸  
 حکیم اتا ۶۳۹، ۶۰۵  
 حکیم الملک ۴۲۹  
 حکیم بن احوص سندی سمرقندی (ابو حفص)  
 ۴۸، ۲۷، ۲۱، ۱۸  
 حکیم (یا حکیمی) ترمذی ۲۱۷، ۳۴۱  
 حکیم چبایی ۳  
 حکیم خباز ۶۸۵  
 حکیم سمرقندی ۲۹، ۲۸۱، ۷۱۶  
 حکیم سمرقندی (سید شمس الدین) ۲۷۲  
 حکیم غمناک ۲۵  
 حکیم کوچک ۶۹۶  
 حکیم ملا ۵۱۴  
 حکیم میرزا ۵۴۲  
 حکیم میسری ۷۱۵، ۷۴۷  
 حکیم نصیر ۵۱۴  
 حکیم ہمام ۳۵۷، ۴۲۵، ۵۴۱، ۸۳۳  
 ۸۵۷  
 حکیمی (یا حکیم) ترمذی ۲۱۷، ۳۴۱  
 حکیمی سمرقندی ۳۴۴  
 حکیمی طبسی (محبوب علی) ۳۲۱  
 حلاج شیرازی ر. ابواسحق احمد اطعمہ



حنفیان ۱۰۱،۹۸-۷۳۹،۷۱۶  
 حنفیان آذربایجان ۳۹۱  
 حنفیان بخارا ۱۵۴  
 حنفیان ماوراءالنهر ۷۳۴،۱۵۵،۹۹  
 حنفی تبریزی (محمد) ۷۰۴  
 حیات ۳۴۹  
 حیاتی دهلوی (عبدالحی بن جلالی) ۸۰۹-  
 ۸۱۰  
 حیاتی قزلباش (قاسم بیگ) ۶۵۰  
 حیاتی کاشانی ۵۲۱-۵۲۲،۵۲۳-۷۸۴،۵۲۰  
 حیاتی گجراتی ۵۴۴  
 حیاتی گیلانی ۴۲۵،۵۲۲،۸۲۱  
 حیدر ۲۲۶  
 حیدر (سلطان) ۸۳۰،۴۰۸  
 حیدر استاجلو ۴۷۲  
 حیدر استرا آبادی (میر جمال الدین) ۳۶۲  
 حیدر اسمعیلی ۸۰۵  
 حیدر افضلی بخارایی (خواجہ محمد)  
 ۶۰۸  
 حیدر بدخشی ۷۵۴  
 حیدر بقال ۵۵۰  
 حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن سلطان شاه  
 ابن سلطان خان سالوری (قطب الدین)  
 ۸۱۸،۴۰۸  
 حیدر بن سلطان جنید (سلطان) ۳۴۹-  
 ۸۱۸،۷۹۶،۶۹۱،۴۸۲،۳۵۰  
 حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراہیم معروف  
 بشیخ شاه بن خواجہ علی بن صدر الدین  
 موسی بن صفی الدین اسحق اردبیلی  
 (شیخ) ۳۴۹-۳۵۰، ۴۸۲، ۶۹۱،  
 ۸۱۸، ۷۹۶  
 ازبک (سلطان) ۴۵۳-۴۵۴  
 حیدر بیگ امین تبریزی ۶۷۱  
 حیدر تبریزی ۵۲۶  
 حیدر ترکمان (امیر) ۶۱۷  
 حیدر تلبہ ۵۱۵  
 حیدر تونی ۴۱۱  
 حیدر تونیانی ۴۴۳، ۶۵۰  
 حیدر چرخ ۵۱۹

۶۲-۷۱۸،۷۱۶،۶۳  
 حمید الدین احمد بن حسین مستوفی کاشانی  
 ۹۵  
 حمید الدین بخارایی ۱۰۰  
 الدین تبادکانی ۳۴۴  
 حمید الدین دہستانی ۹۵  
 حمید الدین شاشی ۶۱۲  
 حمید الدین عبداللہ بن احمد جام ۷۲۱  
 حمید الدین علی بن محمود محمودی ۷۹  
 حمید الدین عمر بن محمود محمودی بلخی  
 (قاضی ابوبکر) ۱۱۸، ۸۷  
 حمید الدین قہندزی ۷۹  
 حمید الدین کازرونی ۱۰۳، ۱۸۱  
 حمید الدین محمد بن عطاء اللہ محمود ناگوری  
 (قاضی) ۷۴۸، ۷۳۸  
 حمید الدین محمود بن عمر نجاتی نیشابوری  
 ۷۵۵  
 حمید الدین محمود جوہری مستوفی ۹۹  
 الدین مسعود بن سعد شالی کوب ۷۹  
 حمید الدین ناگوری ۷۴۸، ۷۳۸  
 حمید اللہ حمید اردبیلی (مولوی) ۶۵۰  
 حمید پسر رشید گنجہ ۱۷۷  
 حمید تبریزی ۱۷۷  
 حمید سیمکش ۴  
 حمید سیمگر (نجم الدین) ۱۷۹  
 حمید قلندر ۷۵۴  
 حمید کل ۳۴۴  
 حمیدہ با تو بیگم ۶۶۸  
 ہروی ۳۴۴  
 حمیدی اختباری ۹۵  
 حمیدی لاہوری ۷۹  
 حنایی ۱۰۰  
 حنبلی ۵۸  
 حنجری ہمدانی ۶۷۳  
 حنظلہ یادغیسی ۱۹  
 حنفی ۷۳-۷۴، ۱۵۸، ۱۲۲، ۳۰۳، ۳۵۰،  
 ۳۹۴، ۳۷۲-۳۹۵، ۴۷۷، ۴۲۲، ۳۹۵  
 ۷۸۰، ۴۸۶، ۴۸۳  
 حنفی اشعری ۴۰، ۳۳

ایبی (میر) ۲۹۲ - ۲۹۳،

۶۳۱، ۳۴۴، ۳۴۳

حیدر دو قلت (میرزا) ۳۸۰

حیدرزای (قطب الدین) ۸۱۸، ۴۰۸

حیدر سبزواری ۶۷۴

(میر) ۳۴۵

حیدر طهماسبی کاشانی ۶۷۴-۶۷۵

حیدر علی (مولانا) ۵۲۵، ۴۵۸

حیدر کاشانی ۶۷۵

حیدر کاشی (میر) ۶۷۵، ۵۰۳

حیدر کرهرودی (میر) ۵۰۲

حیدر کلوج ۷۸۸، ۳۱۷

حیدر کلیچه پزهرودی ۷۸۸، ۳۱۷

حیدر مجذوب (میر) ۳۴۴

حیدر محمد کابلی (میر) ۸

حیدر معیایی طباطبایی رفیعی کاشانی

(امیر رفیع الدین) ۴۲۰، ۴۴۷،

۸۱۹، ۶۷۲، ۶۵۰، ۵۱۸، ۵۱۶

حیدر میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۴، ۴۷۲-

۶۹۰، ۶۸۶، ۵۰۲، ۴۹۵

حیدر نجاتی تبریزی (مولانا) ۷۰۶

حیدر هرودی (امیر جمال الدین) ۶۷۳

حیدری ۵۵۴

حیدریان ۸۱۸، ۴۰۸

حیدریان (سلطان) ۴۹۵

حیدری تبریزی (حاج مولانا) ۴۲۷،

۸۲۲، ۵۳۸

انی ۳۴۴، ۲۲۶

انی نیشابوری ۵۸۰

حیرانی همدانی ۵۱۰

حیرتی ۴۴۴

حیرتی (مولانا) ۷۰۷

حیرتی بخارایی ۶۷۵

حیرتی نسرینی ۶۹۷

حیرتی تونی ۸۲۸، ۵۶۷، ۴۶۶، ۳۴۴

حیرتی سمرقندی ۳۴۴

حیرتی کاشانی (مولانا ولی) ۸۲۸، ۴۶۵

حیرتی هرودی ۵۰۳

حیفی ساوجی ۴۶۶

ح

خاقمی (مبارک شاه) ۷۱۰

خاقمی تبریزی ۶۹۷

خاقمی هرودی کوسوی ۴۶۶، ۳۴۴

خاتونی (موفق الدین ابوطاهر) ۸۷

خادم (شیخ) ۶۰۳

خادمی قزوینی ۵۲۷

خادمی هرودی (میر جمال الدین) ۵۸۹

خازن ۱۸۱

خازنی (عبدالرحمن) ۶۳، ۶۰

خاصی هرودی ۵۸۹، ۳۴۴

خاطری کاشانی ۷۰۷

خاقان منوچهر شروانشاه ۱۰۳، ۱۰۶ -

۱۰۷

خاقانی دوم (مظفر هرودی) ۲۰۹

خاقانی شروانی (افضل الدین ابوبدیل

ابراهیم بن ابوالحسن علی بن عثمان)

۱۰۷-۱۰۶، ۱۰۴-۱۰۳، ۹۲، ۷۳

۷۳، ۱۰۷-۱۰۶، ۱۰۴-۱۰۳، ۹۲، ۷۳

۷۱۹-۷۱۸، ۳۹۷-۳۹۶، ۲۸۹، ۱۷۴

۷۲۰

خاکی ۳۴۴

خاکی (بابا) ۶۸۱، ۵۰۴، ۴۰۶

خاکی بلخی ۵۸۷

خاکی شیرازی ۶۵۰، ۳۵۷

خاکی کشمیری مهروردی (بابا داود)

۶۸۱، ۵۴۰، ۴۰۶

خاکیه (سلسله) ۸۳۲

خالد (امام) ۱۸۱

خالد بن ربیع طولانی مکی هرودی (فخر -

الدین) ۸۶

خالدی (صدر الدین احمد) ۲۲۴

خالدی (فخر الدین) ۴

خالدی (میر خرد) ۸

خالدی هرودی ۳۴۴

خالصی تبریزی ۶۹۷

خاله (شمس الدین) ۸۵-۸۶، ۸۴

خاموش (میر) ۶۰۸

۵۵۷	خاموش (نظام الدین) ۷۸۴، ۲۷۸
خان عالم پسر همدم کو که کو کلتاش ۴۶۶	خان احمد خان گیلانی ۲۸۳، ۲۵۳، ۲۵۲
خان کلان ۵۵۱	۳۸۶-۳۸۷، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۱۰
خان کلان قزقوی (میر محمد) ۵۵۰	۵۱۸-۵۱۹، ۵۲۱، ۵۳۰، ۷۰۲
خان میرزا ۶۹۷، ۳۹۲	۸۲۱
خان میرزا بن سلطان محمود بن سلطان	خان اعظم ۶۸۸، ۴۲۶، ۴۱۸
ابو سعید گورکانی ۵۷۴	خان اعظم (آنکه خان) ۵۴۴-۵۴۳، ۴۱۸
خان میرزا بن مصوم بیک صفوی ۴۴۲	۵۴۹
۵۰۰	خان اعظم (خان خانان) ۴۵۶
خانهای قریم (کریمه) ۸۰۰	خان اعظم (میرزا عزیز کو که) ۴۲۶، ۳۸۲
خانیان (سلسله) ۷۷، ۷۵	۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۳، ۶۰۱
خانیش خانم ۴۸۴	۶۶۹، ۶۵۲
خانی (سلسله) ۲-۱	خان اعظم اکبری ۶۷۶، ۵۵۴، ۵۴۶
خانی گجراتی ۵۴۴	خان اعظم کو کلتاش ۶۷۶، ۵۵۴، ۵۴۶
خانیه (سلسله) ۱۲۸، ۹۹-۹۸، ۹۶، ۸۱	خان اعظم کو که اکبری ۵۵۴، ۵۴۶
۷۱۹، ۶۳۹	۶۷۶
خاوری ۲۸۴	خان خانان ۴۲۳، ۳۶۱ - ۴۲۴، ۴۲۹
خاوری سمرقندی ۶۲۶، ۴۴۴	۴۳۴، ۴۵۶، ۵۱۴، ۵۳۸، ۵۵۵-
خاوند (خاندان) ۲۳۹ ر. خواندیه	۵۵۸، ۶۵۷، ۸۰۸، ۸۱۵، ۸۲۰-
خاوند شاه (سید برهان الدین) ۲۳۹	۸۲۴، ۸۲۲
خاوند ظهور رشیخ ۶۱۱	خان خانان (بیرام خان) ۴۵۵
خاوند محمود بن خواجگی خضر بن خواجه	خان خانان (بینم خان) ۵۴۴
عبیدالله احرار (خواجه) ۶۳۷	خان خانان (خان اعظم) ۴۵۶
۷۸۲	خان خانان (میرزا خان) ۴۲۸
خاوندیان (خاندان) ۸۰۳ ر. خواندیه	خان خانان عبدالرحیم خان ۳۶۱-۳۶۲
خباز قایتی ۲۵	۴۱۷، ۴۵۶، ۵۰۵، ۵۳۲ - ۵۳۳
خیازی نیشابوری ۲۱	۵۹۱، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۴۹، ۶۸۵
ختایی (خواجه یونس خطایی) ۵۷۴	۶۹۰، ۸۰۲، ۸۲۴، ۸۳۱
ختایی (صادق خطایی) ۶۱۰	خاندان خاوندیان ۸۰۳
ختایی (مولانا یوسف خطایی) ۶۳۹	خاندان رسول ۷۰۱
ختری ۴۸۴	خانزاده بیکم ۶۷۹
ختمی (سلطان حسین) ۳۴۴	خانزاده تریچی ۳۴۹
خجسته سرخسی ۲۵	خانزاده خانم جمالی تبریزی ۶۹۵
خجندیان ۱۰۲-۱۰۱، ۷۳	خانزاده خانم زن معطر حسین میرزا ۶۸۱
خجندیان اصفهان ۱۲۲	خان زمان سیستانی (علینقی خان ازبک)
خدا بنده ر. محمد خدا بنده	۴۱۴، ۴۵۲، ۴۵۴-۴۵۵، ۵۴۷
خدا بنده لو ۴۵۷	۵۴۹، ۵۵۱، ۶۴۹
خداداد (شیخ) ۸، ۶۲۰	خانش بیکم ۶۴۴
خدادوست سیاهی انجدانی ۵۴۷	خان شهید ۳
	خان عالم (میرزا برخوردار همدمی)

۷۶۹،۶۹۲،۶۲۶،۶۱۷،۵۶۲	خداوندیان ۸۰۳
خسروسلطان ۵۹۹-۵۹۸،۵۸۷،۵۷۳	خداوندیه ۸۰۴-۸۰۳
خسرو سمرقندی ۳۴۳	خدای بخش ۸۰۵
خسروشاه ۶۸۰	خدای داد (امیر محمد) ۳۳۴،۳۰۴
خسروشاه (امیر) ۴۵۵	خدایداد خرسنگی ۶۰۴
خسروشاه بن بهرامشاه (ملك نصره الدين ابوالخطاب) ۱۷۲	خراسان خان خراسانی موالی لاری ۶۴۸، ۸۲۷
خسروشاه هروی (امیر) ۱۸۱	خراسانی ۶۸۵،۵۳۷،۵۳۴
خسرو ملك ۷۱۹،۱۱۷،۷۸،۳۴	خرامی تبریزی ۶۹۷
زا تیموری ۲۹۳	خر بنده ر. محمدخر بنده الجایتو
خسروی (طاهر) ۲۵	خرد (دانیال) ۴۳۴
خسروی بخاراوی (جمال الدین ابوبکر بن ساعد) ۷۸	خرد خالیدی (میر) ۸
وی سرخسی	خردزر گرفتاری ۴۳۰
خسروی گنابدی ۴۲۵	خرد سمرقندی (خواجه) ۶
خسروی هروی ۳۴۴	خرد علی رای ۴۲۱
خصالی کاشانی ۶۵۰	خرد کاشانی ۵۸۷،۵۸۴
خصالی هروی ۳۴۳	خرد میانکالی ۵۸۱
خضر ۶۳۵،۵۷۲،۵۴۸،۴۲۷-۴۲۶	خرقانی (شیخ ابوالحسن) ۵۷،۲۴۴
خضر بن مالی قرمانی مولوی (امیر) ۱۹۴	خرم (سلطان) ۳۵۷
خضر خان بن طمناج خان (ابراهیم بن نصر) ۹۷-۹۶	خرم سلطان ۴۸۱
خضر خواجه جغتای ۳۶۳	خرم شاه کرمانی ۱۸۱
خضر شاه استرآبادی ۳۴۳	خرمی هروی ۳۴۳
خضر شاه یزدی (قطب الدین) ۷۶۷	خزانی سمرقندی ۳۴۴
خضرویه (احمد) ۸۱	خزانی شیرازی ۷۱۰
خضری ۳۴۳	خزانی هروی ۵۶۳
خضری زدی (شرف الدین) ۷۶۸، ۱۸۱	خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین ۱۲۳
خضری قزوینی ۵۳۶	خسرو (امیر) ۳۴۴
خطابی منتطب منجم (حسین) ۲۷۱	خسرو (عبدالعزیز نامی خواجه) ۶۲۹
خطاط ترمنذی (ابوبکر نجیب الدین) ۹۵	خسرو اصفهانی (ناصر الدین) ۲۱۶
خطاط هروی (فخر الدین) ۹۵	نی (ابوطاهر) ۲۲
خطابی ۶۶۳	خسرو بن امیر سیم الدین محمود دهلوی ۳-۴-۱۲۰، ۱۷۱-۱۸۵، ۱۹۶
خطابی (خواجه یونس ختایی) ۵۷۴	۲۸۸، ۲۹۶، ۵۲۱، ۵۳۵، ۵۵۲
خطابی (شاه اسمیل صفوی) ۱۵۱، ۴۳۶	۷۶۹، ۶۹۲، ۶۲۶، ۶۱۷، ۵۶۲
۴۸۴	خسرو بن هابد ابرقوهی (ابن معین) ۲۷۲، ۲۳۶
خطابی (صادق ختایی) ۶۱۰	خسرو درویش ۷۸۴، ۵۳۰
خطابی (علی اکبر) ۳۸۸	خسرو دهلوی ۳-۴-۱۲۰، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۸۸، ۲۹۶، ۵۲۱، ۵۳۵، ۵۵۲

خلوتیان ۷۸۳  
 خلوتی تبریزی (خواجہ عبدالرحیم بن  
 شمس الدین محمد اقطاعی مشرقی)  
 ۷۹۵، ۷۴۲  
 خلوتی شروانی (سیدیحیی) ۷۴۲  
 خلیفہ (سعدالدین) ۱۸۱، ۹۵  
 خلیفہ (میر) ۵۹۳  
 خلیفہ اسد اللہ ملولسی اصفہانی ۴۴۷،  
 ۸۲۶  
 خلیفہ زمان ۵۵۶  
 خلیفہ سلطان ۸۲۶، ۵۰۲  
 خلیفہ صدرالدین ۵۹۵  
 خلیفہ نیشاوری (احمد بن محمد بن حسن)  
 ۷۸۳  
 خلیل (سلطان) ۳۴۵، ۲۵۱  
 خلیل (صوفی) ۵۱۶  
 خلیل (میرزا) ۵۰۳  
 خلیل اتاترکی ۲۲۰  
 خلیل اللہ (برهان الدین شاہ) ۱۸۸  
 خلیل اللہ (نور الدین شاہ) ۷۹۸  
 خلیل اللہ بن سید محمود زیارتگاہی ۷۸۰  
 خلیل اللہ ثانی (شاہ) ۵۰۰  
 خلیل اللہ منجم کاشانی ۴۶۴  
 خلیل بن ابراہیم ۳۹۸  
 خلیل بن امیرانشاہ گورکان (سلطان نصیر-  
 الدین) ۲۹۶-۲۹۵  
 خلیل بن اوزون حسن ۷۹۳، ۷۳۳  
 خلیل بن میرانشاہ (سلطان) ۲۹۵، ۲۳۱-  
 ۲۹۶  
 خلیل پاشا ۷۹۹  
 خلیل نیریزی ۶۹۷  
 خلیل تیموری (سلطان) ۳۳۹  
 خلیل خان افشار ۴۷۴  
 خلیل خراسانی ۱۷۸  
 خلیل زرگر ۴۹۰  
 خلیل زرگر رشتی ۵۲۰  
 خلیل سلطان ۶۶۲  
 خلیل شروانی (جمال الدین) ۱۷۶-۱۷۷  
 خلیل شروانی (سلطان) ۵۶۳

خطایی (مولانا یوسف ختایی) ۶۳۹  
 خطیب (حافظ میر احمد) ۶۲۱  
 خطیب تبریزی (ولسی الدین محمد بن-  
 عبدالله) ۳۹۳  
 خطیب رستم مولوی ۲۵۸  
 خطیب زادہ ۸۱۱  
 خطیب گنجه ۷۳۹، ۱۰۸  
 خطیب ابوزید ۱۷۷-۱۷۸  
 خطیر الدین محمد بن عبدالملک گرگانی  
 ۷۹  
 خطیر جرفادقانی ۱۷۸  
 خطیری (ابوسعید) ۲۵  
 خفاف ۲۹، ۲۵  
 خلاصی کاشانی ۶۴۴  
 خلاق المعانی ر. کمال الدین اسمعیل  
 خلیج ۷۵۱  
 خلجی (سلسلہ) ۱۸۵  
 خلخال (شاہ قلی) ۵۸۱  
 خلف (آل) ۲۰۷، ۷۲  
 خلف (احمد) ۷۹  
 خلفا و غلی ۵۰۱  
 خلفای اربعہ ۳۷۳  
 خلفای اسمعیلی ۳۶۷  
 خلفای ثلاثہ ۶۷۵  
 خلفای راشدین ۶۱۰، ۳۷۳، ۳۷۳، ۹۲  
 خلفای فاطمی ۵۹  
 خلف نیریزی ۶۹۷، ۳۴۴  
 خلف فراش ۵۲۲  
 خلقی (میر محمد یوسف) ۵۳۴  
 خلقی بخاری ۳۴۴  
 خلقی بلخی ۵۷۹  
 خلقی تبریزی ۶۹۷  
 خلقی قلندر بلخی ۵۷۹  
 خلقی ہروی ۳۴۴  
 خلوتی ۷۹۶-۷۹۵، ۷۸۳، ۷۴۲، ۲۳۳  
 خلوتی (شیخ صدرالدین) ۷۸۲  
 خلوتی (عبدالرحیم) ۷۹۵، ۷۴۲  
 خلوتی (عزالدین) ۷۸۳  
 خلوتی (علاء الدین) ۷۹۶

ابن خواجه عبدالله احرار ۶۳۷.

۷۸۲

خواجه خواند ابواللیثی ۳۴۴

خواجه خیابانی (ملا) ۳۴۴

خواجه ریاضی ۵۲۴

خواجه زاده رحیمی کابلی ۶۵۱، ۵۶۰

خواجه شاپور فریبی طهرانی پسر خواجه

۵۱۳

خواجه عرب ۲۱۸

خواجه قباحه جراح ۵۲۴

خواجه قشم ۲۲۰

خواجه کلان ۷۸۴، ۳۸۴، ۲۴۷

خواجه کلان (مولانا محمد) ۵۷۷

خواجه کلان بیک ۶۱۲، ۵۴۷

خواجه کلان پخته سمرقندی ۵۹۰

خواجه کلان مجروحی ماوراءالنهری

۵۶۴

خواجه کلان هروی ۳۴۴

خواجه معظم ۵۵۲

خواجه ملا ۶۱۹، ۲۵۱، ۶۱۹، فضل الله بن روز-

بهان

خواجه ملاصفهانی ۶۱۹

خواجه مولانا بخاری ۶۳۴

خواجه مولانا خنجی ۶۱۹، ۲۵۱، فضل الله

ابن روزبهان

خواجه میرشاه جوپاری ۶۳۵

خواجه میرک خوارزمی ۵۸۴

خواجه میرک صدیقی بلخی ۶۲۶

خواجه نظام الملک ۸۱، نظام الملک

خوارزمشاهان ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۹۱، ۹۳-

۱۲۱-۱۲۰، ۱۱۵، ۱۱۲، ۱۰۴، ۹۴

۱۲۱-۱۲۰، ۱۱۵، ۱۱۲، ۱۰۴، ۹۴

۱۲۴، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۵۷، ۱۵۸-

۷۲۶، ۱۶۵، ۱۶۲

خوارزمی ۷۰۸

خواری تسریزی ۵۱۶

خواص خان (مهتر) ۸۱۲

خوافی ۱۷۸

خواند ابواللیثی (خواجه) ۳۴۴

خواندگار روم ۶۴۱

خلیل شیرازی ۱۸۱

خلیل عطار کاشانی ۶۷۵

خلیل نخجوانی ۶۹۸

خلیلی ۳۴۴

خمارتگین (رکن الدین) ۱۲۶

ختجریک جغتایی یا جفته ۵۴۵، ۵۴۹،

۸۲۴

۳۴۴ (ع)

خندان (سلطان محمد) ۳۴۵

خنگ سوار (حسین) ۸۲۴

خواجهگان (سلسله) ۲-۳، ۵۸۸، ۶۱۳،

۶۲۱

خواجهگی (جلال الدین کاشانی) ۷-۸،

۵۱۳

خواجهگی احمد ۴۰۰، ۵۲۷

خواجهگی بلخی ۶۳۱

خواجهگی سلطان احمد ۴۰۰، ۳۵۷

خواجهگی شرف شیرازی ۴۶۸

خواجهگی شیرازی (شریف) ۶۴۵

خواجهگی کاشانی (مولانا) ۵۷۷، ۵۸۴،

۶۱۲، ۵۸۸-۶۱۴، ۶۲۰، ۶۴۰

خواجه زاده کابلی ۶۵۰

خواجه کرمانی (کمال الدین ابوالعطا

محمود بن علی بن

۱۹۹، ۲۰۰-۲۰۸، ۲۰۰

خواجه (یادشاه) ۶۱۲، ۶۴۰، ۶۴۲-

خواجه آقامیر حمدانی ۵۲۴

خواجه اکبر ۷۸۴، ۳۸۴، ۲۴۷

خواجه اوحد سبزواری ۳۰۳-۳۰۴

خواجه برهان عبدالحمید ۳۰۷

خواجه بنده نواز ۱۹۶، محمد گیسو دراز

خواجه بهاء الدین ۳۳۳

خواجه بیکم ۳۵۰

خواجه جان یارسان ۵۸۵

خواجه جان جهود سمرقندی ۵۷۵

خواجه جان رهی نیشابوری ۵۳۹

خواجه جهان ر. عماد الدین محمود کراوان

خواجه جهان (امین الدین) ۵۲۳

خواجه خواند محمود بن خواجهگی خضر

داعی الی اللہ شیرازی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱، ۳۱۲  
 ۷۸۷، ۷۴۲  
 داعی اصفهانی (میرک) ۵۲۹  
 داعی انجدانی ۴۵۸-۴۵۹  
 داعی حسینی نسفی (شمس الدین) ۱۰۰  
 داعی دهلوی (شاه) ۶۷۶  
 داعی رازی (مرتضی) ۷۲، ۱۴۰  
 داعی سرخسی ۳۴۴-۴۵۱  
 داعی شیرازی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱، ۳۴۲، ۷۸۷  
 داعی مشهدی (محمد رضا) ۶۷۵  
 دامیردانش (میر) ۷۹۳  
 دانش (تقی) ۲۰۴  
 دانشمند (ابوالحسن ابیوردی) ۳۹۱ -  
 ۳۹۲، ۴۴۲-۴۴۳، ۸۲۶  
 دانش بخارایی ۵۶۹، ۶۲۵  
 دانہی نیشابوری ۵۳۵، ۵۵۹  
 دانیال (شاهزادہ) ۳۶۳، ۳۹۷، ۴۳۴  
 ۵۷۸، ۵۹۱، ۸۲۱، ۸۲۴، ۸۲۵  
 دانیال خرد ۴۳۴  
 داود (میان شیخ) ۵۴۰  
 داود بن ابوالفضل محمد بناکتی (فخر -  
 الدین ابوسلیمان) ۱۳۳، ۷۳۱  
 داود بن علی شاه آبادی ۸۱  
 داود خاکی کشمیری سہروردی ۴۰۶،  
 ۵۴۰، ۶۸۱  
 داود حوافی (رکن الدین) ۲۷۴  
 داود طایی ۶۳۰، ۷۵۳  
 داود قیسری ۷۵۷  
 داود کرمانی چونی دال ۵۴۰  
 دبیران قزوینی (نجم الدین) ۱۳۸، ۱۴۷،  
 ۱۸۱، ۲۴۶، ۷۳۰  
 دختر انوری ۵۹۱  
 دختر حسام الدین سالار ۷۵۱  
 دختر حکیم کاو ۱۷۹  
 دختر خطیب گنجه ۱۷۹  
 دختر سالار ۱۷۹  
 دختر مستی ۱۷۹  
 ستایہ ۱۷۹

خواندہ میں (غیاث الدین بن ہمام الدین بن  
 جلال الدین بن برہان الدین محمد  
 ہروی) ۲۴۰، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۵،  
 ۳۳۸، ۳۵۸  
 خواندہ ۳۶۷ رر خاوند و خاوندیان  
 خورشاہ بن قباد حسینی عراقی ۳۵۵  
 خورشیدی ۳۷، ۷۹  
 خوش طبع بالی ۵۰۷  
 خوش محمد عزیزان ۶۲۰  
 خوش مردان سبزواری (درویش بابا علی)  
 ۳۲۳  
 خوشی ناشکنندی ۵۶۴  
 خوفی (علافتی امینی) ۴۲۸  
 خوفی ہمدانی ۵۳۵  
 خوندمیر (غیاث الدین بن ہمام الدین بن  
 جلال الدین بن برہان الدین محمد  
 ہروی) ۲۴۰، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۵،  
 ۳۳۸، ۳۵۸  
 خوبشگی چشتی عبیدی (عبداللہ) ۲۰۶  
 خیابانی (ملا خواجہ) ۳۴۴  
 خیالی بخاری (احمد بن موسی) ۲۹۶، ۳۰۰  
 خیالی بردعی (شیخ احمد گلشنی زادہ)  
 ۷۰۴  
 خیام پور (دکتر عبدالرسول) ۴۵۸  
 خیام خراسانی (علاء الدین علی بن محمد  
 ابن احمد بن خلف) ۷۴۹  
 خیام نیشابوری (امام عمر) ۵۵، ۶۰، ۶۳،  
 ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۵۷،  
 ۳۹۷، ۴۱۲، ۵۰۰  
 خیر النساء بیکم ۴۷۴  
 حیری تمیزی ۶۹۸  
 دادا (روح الامین، امین الدین) ۲۶۶  
 دادبیک بن حبش بن آلتون تاق ۵۱  
 داراشکوہ ۳۷۰  
 داریوش ۱۰  
 داعی (شاه تاج الدین حسن) ۳۲۶  
 داعی استرابادی ۳۴۴

- دختر فضل الله نعیمی ۷۶۵  
دختر کاشغری ۷۹  
دختر نظام الدین استراپادی ۷۸۸  
دخلی اصفهانی (ملک احمد) ۵۳۹  
دخلی گیلانی ۶۰۰  
دده عمر روشنی بردعی ۷۹۶، ۷۰۳  
دراکول (ولاد) ۸۰۰  
دردرد استراپادی (علی) ۲۹۷  
دردی (میر ابراهیم) ۵۰۳  
دردی افشار ۵۰۷  
دردی سمرقندی ۴۱۱  
درفیروز فخری ۴۹  
درکی جولکی (آق بابا) ۶۷۵  
درمش خان ۴۳۸، ۳۷۷، ۲۷۸ ر. دورمش  
خان و دورمیش خان  
درو (شمس الدین) ۲۲۵  
دروود باشی بیهقی (نظام الدین احمد بن  
محمد بن احمد شجاع الدین) ۷۵۸  
دروستی (خواجہ محمد ارباب) ۶۰۲  
درویش ادریس بن یوسف ۸  
درویش اشرف ۷۸۷، ۳۰۹  
درویش بابا علی خوشمردان سبزواری  
۳۴۳  
درویش بیک ۳۴۴  
درویش پاشا ۴۹۸  
درویش پاشا بایز اغیج ۸۴۰  
درویش پاشا بن بایزید آقا ۸۴۰  
درویش توکلی بن اسمعیل بن حاجی توکلی  
اردبیلی ابن بزاز ۱۸۶، ۳۷۲  
درویش جمالی ۴۰۴  
درویش حافظ کی بلایی ۸۱۰، ۴۰۶  
درویش حسین سالک شیرازی ۴۶۷  
درویش حسین شیرازی (ملا) ۶۷۶  
درویش حمامی سمرقندی ۶۱۴  
درویش خان ۵۹۲، ۵۷۳، ۵۶۸  
درویش دهکی ۶۵۴، ۵۲۸، ۴۴۰، ۳۱۶  
درویش دیوانه (ملا) ۸  
درویش روغنگر ۳۴۴  
درویش روغنگری ۶۳۶
- درویش سرخسی ۳۴۴  
درویش صفایی کرمانی ۶۳۱، ۳۲۶  
درویش صوفی ۳۴۵  
درویش عبداللہ ترخان ۳۴۶  
درویش علی ابن چنگی هروی ۶۰۱  
درویش علی بن یوسف کوکهری ۱۶۴  
درویش علی بوزجانی ۸۱۵، ۷۲۱  
درویش علی شجاع ۳۴۵  
درویش علی کتابدار (امیر) ۳۴۹  
درویش فتح پوری (ملا) ۵۴۸  
درویش فرهادی ۲۲۶  
درویش قاسمی تونی ۳۰۴  
درویش کمالی ۷۸۴، ۵۳۰  
درویش محمد ۸۲۱  
درویش محمد بن دوست محمد بخاری ۸۴  
درویش محمد ترخان (امیر) ۲۹۰  
درویش محمد خراسانی ۳۴۷  
درویش محمد دهکی ۳۱۶، ۴۴۰، ۵۲۸،  
۶۵۴  
درویش محمد مرغینانی ۵۸۴  
درویش مرشدی ۳۴۴  
درویش مهدی (مولانا) ۳۴۴  
درویش مفتی (مولانا) ۸  
درویش منصور سبزواری ۳۳۴  
دستغیب شیرازی (امیر نظام) ۴۴۶  
دشتکی شیراز (خاندان) ۲۴۵، ۲۴۳  
دعوی دارقمی (رکن الدین) ۱۷۲، ۲۲۵  
دفایه ۲۵  
دقاق نیشابوری (ابوعلی حسن بن محمد)  
۲۴  
دقاقی حسینی بلیانی (معین الدین) ۶۶۰  
دقایقی مرورودی (شمس الدین محمد بن  
علی بن محمد) ۱۰۰  
دقیقی بلخی (ابوعلی محمد بن احمد) ۲۳  
۳۷، ۳۲  
دل (میر) ۳۴۸  
دلاورخان (قدرخان) ۱۹۴  
دلدار بیکم ۳۶۳  
دلنداری (امیر قاسم) ۳۴۴



دوغلات (محمد حسین میرزا) ۶۸۱  
 دوغلات (محمود خان) ۶۸۱  
 دوغلت (میرزا حیدر) ۴۸۰  
 دولت خان لودی (نواب) ۴۸۵  
 دولت سمرقندی ۶۷۶  
 دولت‌شاه بن پختی‌شاه سمرقندی ۲۵۵  
 ۶۶۲، ۳۴۳  
 دولت‌گرای خان اول ۴۹۰  
 دو تکرمل ۸۳۹  
 دهاروال (قاضی بدر محمد دهلوی) ۱۹۴  
 ۲۵۷  
 دهندا ابوالمعالی رازی ۸۶  
 دهدار (قیات‌الدین) ۳۰۷  
 دهدار شیرازی (احمد فانی) ۶۵۵، ۳۹۷  
 ۸۳۷، ۸۰۷، ۷۴۲، ۶۵۶  
 دهدار شیرازی (مبین‌الدین ابو محمد محمود  
 ابن محمد) ۶۵۶، ۳۹۷، ۷۰۹، ۷۴۲  
 ۸۳۷، ۸۰۷  
 دهستانی الویری (حسین بن اسعد) ۱۸۶  
 دهقان خوزی ۵۶  
 دهقان عمید کاسی ۱۰۰  
 دهلوی ۶۷۱  
 دیباچ مظفر سلطان (امیر) ۴۸۹  
 دیباچی سمرقندی ۴۸  
 دیری (جوآنمرد علی خان شیبانی) ۵۶۸  
 ۵۷۲، ۵۶۹ - ۵۷۳، ۵۸۵ - ۵۸۶  
 ۵۹۴  
 دیلمی ۵۶  
 دیلمیان ۴۷  
 دیلمی قزوینی ۲۳  
 اودموسس سلسله بقراطیان  
 ۱۰۶  
 دینار (جلال‌الدین ملک) ۲۸۲، ۱۱۸  
 دین‌الحی ۳۶۳ - ۳۶۴  
 دین‌شیعه ۳۶۸  
 دین، بیک از بیک ۸۱۶ -  
 ۸۱۷  
 دیوان صویه چهار ۳۵۷  
 دیوانه (حسین) ۳۴۴

دلشاد خاتون (زن امیر حسن ایلکان) ۲۰۲  
 ۲۱۶  
 دلشاد شروانی (محمود بن محمد) ۲۷۳  
 دماوندی ۸۲۲  
 دمیری ۴۰۲  
 دوانی (علامه جلال‌الدین محمد بن اسعد)  
 ۲۶۵ - ۲۶۷، ۲۷۶ - ۲۷۷، ۳۱۵  
 ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۹  
 ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۲۹، ۴۶۵، ۵۴۱  
 ۶۳۸، ۶۶۱ - ۶۶۳، ۶۹۱، ۷۰۶  
 ۷۷۹، ۷۴۲  
 دواپی ۲۴۴  
 دواپی سبزواری ۵۳۳  
 دواپی شیرازی (حکیم عین‌الملک) ۴۷۱  
 ۶۴۶، ۵۴۱  
 دواپی گیلانی ۶۷۶  
 دورمش خان ۶۶۷، ۲۴۱ ر. درمش خان  
 دورمش خان شاملو ۴۵۷ ر. درمش خان  
 دوری (میر سلطان بایزید هروی) ۴۱۹  
 ۵۴۵  
 دوری بلخی ۵۸۹  
 دوست (خواججه میر) ۶۳۵  
 دوست (مولانا) ۴۰۱  
 دوست اسقزاری ۳۴۴  
 دوست حسین ۳۴۴  
 دوست طارمی جغتایی (میر) ۳۴۴  
 دوستم ۵۷۳  
 دوست محمد ۸۱۳  
 دوست محمد (مولانا) ۶۳۰  
 دوست محمد (میرزا) ۶۳۶  
 دوست محمد حاجی (امیر) ۶۳۲  
 دوست محمد حالی سزواری ۸۳۵، ۵۵۸  
 دوستوم تورچی ۵۶۸  
 دوست میرک سمرقندی (مولانا) ۸  
 دوست هروی ۳۴۴  
 ۵۸۰  
 دوستی سمرقندی ۸۱۶، ۵۹۶  
 دوستی مروزی ۸  
 دوغلات ۶۸۱

ذوقی کاشانی (امیر محمد امین) ۰۹  
 ذهبی (سلسله) ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵  
 ذهنی تبریزی ۶۹۸  
 ذهنی کابلی ۳۴۴

رابعه قزدارى دختر کمزین العرب بنت  
 کعب ۲۱-۲۲  
 راتنه ۷۱۳  
 راجیوت ۶۶۹  
 رادویانی (محمد بن عمر) ۳۸، ۷۰، ۹۲،  
 ۷۱۷  
 رازی اسفهانى ۶۵۱  
 رازی برهانی (برهان السیدین عطاء الله)  
 ۳۲۳-۳۲۴  
 رازی بغدادی ۳۴۴  
 رازی شیرازی ۴۶۷  
 راستی تبریزی ۴۹۸، ۸۳۰  
 راشدی (حکیم) ۴۳  
 راصدزنگانی ۱۲۸  
 راضی (عبدالله) ۶۸۸  
 راعب تبریزی (کلعلی) ۵۱۹  
 راضی ۵۵۱  
 رافعی اسفراینی (عزیز الدین) ۹۵  
 رافعی قزوینی (امام الدین ابوالقاسم بن  
 ابوسعید) ۱۸۰  
 رافعی نیشابوری ۲۵  
 راقمی (مولانا) ۵۵۶  
 رامتین ۱۵  
 رامی اردوبادی ۵۱۹  
 رامی تبریزی (شرف الدین حسن بن محمد)  
 ۱۸۷  
 رامی هروی (میرا بوالخیر) ۵۸۳  
 راوندی (محمد بن علی بن سلیمان) ۸۸-  
 ۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵  
 رایگانی (عبد الحمید) ۲۲۱  
 رای منوهر ۶۶۰  
 رباعی (خواجه) ۵۲۴  
 رباعی مشهدی (شیخ) ۵۲۷

دیوانه بلخی ۳۴۴  
 دیوانه بیاضی بلخی ۵۹۷  
 دیوانه حسامی خبوقی ۶۰۹-۶۱۰  
 دیوانه شهدی غولنگانی ۶۰۲  
 دیوانه قیامت عراقی ۶۰۲  
 دیوانه محنتی بخاری ۵۷۷، ۵۸۵  
 دیوانه نقاش تبریزی ۶۹۸  
 دیوانه نیشابوری ۳۴۴، ۶۱۴  
 دیوانه هروی (شیخ عبدالله) ۳۴۶، ۳۴۹  
 دیوسالاران ۴۹۲  
 دیوسالاران ۴۶۸، ۶۹۵  
 دیولی ۷۹

### د

ذاتی هروی ۳۴۴  
 ذکری (میر تقی الدین محمد بن شرف الدین  
 علی حسینی کاشانی) ۳۷۹، ۴۴۴،  
 ۵۰۸-۵۰۹، ۵۰۵  
 ذوالرمه ۱۶۳  
 ذوالفقار بخاراى ۵۸۸  
 ذوالفقار ترکمان موصلو ۴۷۱  
 ذوالفقارخان جمعری ساوجی ۵۱۷  
 ذوالفقارخان چرکس ۶۸۴  
 ذوالفقار شروانی (قوام الدین حسین بن  
 صدر الدین علی) ۱۷۴، ۳۱۰  
 ذوالقدر ۳۸۲، ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۱۶، ۶۶۷،  
 ۸۰۱  
 ذوالقدر (حسین بیک) ۴۵۶  
 ذوالقدر (علیق بیک) ۶۵۵  
 ذوالقدر (قرا بیک) ۵۲۳  
 ذوالقدر (کلی) ۵۰۶  
 ذوالکمالین میر محمد باقر ۶۲۱  
 ذوالعوتین (زکی الدین بنجیری) ۷۴۵  
 ذوالنون ارفون (امیر) ۴۰۹، ۶۷۱،  
 ۸۲۹، ۶۸۱  
 ذوالنون خیارجی ۶۵۱  
 ذوالیمینین طاهر ۱۸  
 ذوقی ۵۶  
 ذوقی تونی ۶۷۶

رضیعی بخارایی (ابوالعباس) ۲۱  
 ربیع الدین ابوالقاسم هارون بن علی ظفر  
 دندان (خواجه) ۱۴۰  
 ربیع بن احمد اخوینی بخارایی (ابوبکر)  
 ۲۹  
 ربیعی ۵۶  
 ربیعی پوشنگی ۲۰۶-۲۰۷  
 ربیعی کاپلی ۵۴۹  
 رتن (ابوالرضا) ۷۴۶  
 رجایی (سیف الدین محمود اصفهانی)  
 ۸۳۰، ۵۰۰  
 رجب (ملك) ۷۵۹  
 رحمتی تبریزی ۶۹۸  
 رحمن قلی سلطان ۵۴۹  
 رحمی خواجه زاده کاپلی ۶۵۱، ۵۶۰  
 رحمی لاهیجی ۵۱۹  
 رحیم فرآش دهلوی ۶۷۶  
 رحیمی ۳۴۴  
 رحیمی (خان خانان) ۳۶۰، ۳۶۲، ۴۵۶  
 رحیمی جهود ۵۹۷  
 رحیمی غزنوی ۶۷۶  
 رحیمی هروی ۵۹۷  
 رخنه (یار محمد) ۳۴۴  
 رزق الله بن سعد الله مشتاقی دهلوی ۳۶۰،  
 ۷۹۸  
 رستم (آقا) ۶۸۲  
 رستم (کوسه) ۴۹۷  
 رستم (کیا) ۳۸۷  
 رستم بن اردشیر باوندی (نصرالدوله شمس-  
 الملوك) ۱۲۹  
 رستم بن جهانگیر ۴۹۱  
 رستم بن سالار بن محمد بن سالار ۲۶۲  
 رستم بن علی بن شهریار (شهنشاه فازی)  
 ۱۲۹  
 رستم بهادر خان شیبانی (ابوالمظفر)  
 ۶۰۴-۶۰۵  
 رستم بیک کوسه ۴۴۷  
 رستم پاشا ۳۸۰  
 رستم خان ۶۴۱

رستم خوریانی (خواجه) ۲۹۶-۲۹۷  
 رستم سمرقندی (میر) ۵۸۵  
 رستم علی (امیر) ۳۴۴  
 رستم مولوی (خطیب) ۲۵۸  
 رستم میرزا صفوی ۳۷۸  
 رسمی (سید محمد حسین لاهیجی) ۴۱۴  
 رسمی (فنفور) ۴۱۴  
 رسول ۲۳۶، ۲۳۲ - ۳۳۶، ۳۳۲، ۳۵۷  
 ۳۶۹، ۳۷۲-۳۷۳، ۶۴۰، ۷۰۱،  
 ۷۲۹، ۷۲۹، ۷۴۶، ۷۷۵، ۷۸۲ -  
 ۸۱۳-۸۱۴، ۸۲۸  
 رشیدی کازرونی ۳۴۴  
 رشکی همدانی (محسن بیک بن حسن بیک  
 لتک اردوبادی) ۳۶۷، ۵۳۲، ۸۲۸  
 رشید الدین ۴  
 رشید الدین ابوالفضل احمد بن محمد بن  
 احمد بن مهریز دمیبندی یزدی ۷۱۷،  
 ۷۲۸  
 رشید الدین احمد کازرونی ۳۴۳  
 رشید الدین عبدالرشید بن احمد جام  
 ۷۲۰  
 رشید الدین عبدالملك ۳۱۴  
 رشید الدین فضل الله بن ابوالخیر عماد-  
 الدوله یا ابوالخیر علی بن موفق الدوله  
 علی همدانی (خواجه) ۱۳۲-۱۴۴،  
 ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲،  
 ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۲،  
 ۲۱۷، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۶۰، ۴۴۹  
 ۶۵۳، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۴۹، ۸۲۷  
 رشید الدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل  
 عمادی بلخی وطواط ۴۸، ۷۰، ۷۴، ۸۲،  
 ۹۲، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۶۶، ۱۸۷  
 رشید الدین محمد بن محمود بن مسعود  
 اسفزاری ۱۰۰  
 رشید الدین محمد بید آوری ۳۲۰  
 رشید الدین محمد فضل الله بن ابوالخیر  
 عماد الدوله یا ابوالخیر بن موفق-  
 الدوله علی همدانی (خواجه) ۱۳۲-  
 ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۷

رضی اصفهانی (آقا) ۴۱۳  
 رضی الدین ابوالفضل حسن بن فضل طبرسی  
 ۳۷۴، ۳۷۱  
 رضی الدین ابو جعفر محمد نیشابوری ۹۹،  
 ۱۲۵  
 رضی الدین ابو عبد الله محمد بن عثمان امامی  
 هروی ۷۳، ۱۶۱، ۷۴۰، ۷۴۵  
 رضی الدین ابو نصر حسین بن ابو علی فضل  
 ابن حسین طبرسی ۳۷۳، ۳۷۱  
 رضی الدین استرآبادی ۱۹۱  
 رضی الدین بابا قزوینی ۱۷۴  
 رضی الدین بن طاهر ۸۰۳  
 رضی الدین بن محمد ۸۰۳  
 رضی الدین حسن بن فضل طبرسی (ابوالفضل)  
 ۳۷۴، ۳۷۱  
 رضی الدین خشاب ۱۰۲  
 رضی الدین عبدالغفور لاری ۱۱۶، ۲۵۵،  
 ۷۷۵، ۶۱۳  
 رضی الدین علی بن ابراهیم بن الیاس  
 تایبادی ۷۲۱  
 رضی الدین علی بن سعید بن عبدالجلیل  
 لالای خز نوی ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵-  
 ۷۴۶  
 رضی الدین علی بن طاووس حسینی ۳۷۱  
 رضی الدین قزوینی ۲۲۳  
 رضی الدین کیا (امیر سید) ۳۴۱  
 رضی الدین مؤید بن صالح ۲۲۶  
 رضی الدین نیشابوری ۹۹، ۱۲۵  
 رضی الکاتب (محمد بن احمد بن ابوبکر  
 مستوفی زاوی) ۱۳۲، ۱۵۷  
 رضی گنجہ ۱۷۸  
 رضی نیشابوری (شمس الدین) ۷۹  
 رضیہ گنجہ ۱۷۹  
 رعدی اوراتیہ ای ۵۷۸، ۵۸۲، ۵۹۵  
 رعمی (قاسم بیک) ۵۰۶  
 رفعتی تهریزی ۷۰۳  
 رفعتی قبادیانی (عوض محمد خان) ۶۰۱  
 رفقی ۳۴۴  
 رفیع ابهری ۱۸۱، ۷۷۲

۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۲،  
 ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۶۰، ۴۴۹،  
 ۶۵۳، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۹، ۸۲۷  
 رشید الدین مہدی (ابوالفضل) ۷۱۷،  
 ۷۲۸  
 رشید بروی ۱۷۸  
 رشید بیلقانی ۱۷۸  
 رشید خان ۶۳۷  
 رشید خان جغتایی ۲۲۶  
 رشید خواری ۱۷۸  
 رشید شروانی ۱۷۸  
 رشید کازرونی ۳۴۴  
 رشید گنجہ ۱۷۷-۱۷۸  
 رشید وزیر (خواجہ) ۶۵۳  
 رشید و طواط ۴۸، ۷۰، ۷۴، ۸۲، ۹۲، ۹۶،  
 ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۶۶، ۱۸۷  
 رشیدی ۶۵۱  
 رشیدی (اسمعیل) ۲۵  
 رشیدی اصفهانی (محمد رشید) ۶۷۶  
 رشیدی تبریزی (یار احمد بن حسین) ۲۵۷،  
 ۳۹۷، ۸۰۷  
 رشیدی سمرقندی (ابو محمد عبداللہ بن  
 محمد) ۹۷  
 رضا (امام) ۳۷۸  
 رضا (سید شرف الدین) ۷۹۶  
 رضا سنواری (امیر سید شرف الدین)  
 ۳۰۵  
 رضا شیرازی (حکیم شاہ) ۷۰۹  
 رضا قاری (حکیم شاہ) ۶۷۶  
 رضا قلی خان ہدایت ۲۴۰  
 رضا کیا (امیر سید) ۳۴۱  
 رضایی (میر سید جلال الدین صدر) ۵۳۷  
 رضایی سنواری ۳۴۴  
 رضایی کابلی ۵۸۲  
 رضایی کاشانی ۵۳۶، ۸۳۳  
 رضایی مشہدی (ملا محمد رضا) ۵۲۴  
 رضایی هروی (قاضی) ۶۱۸  
 رضایی مشہدی (میر محسن) ۵۵۲  
 رضی (امام) ۱۷۸

رکن الدین ابوالحکام احمد بن شرف -  
 الدین محمد بن احمد بن محمد علاء -  
 الدواء بیباکی سمنانی ۳ - ۴ ،  
 ۱۴۸، ۱۹۵، ۲۰۰، ۴۱۶، ۴۳۴،  
 ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۵۶، ۷۸۲  
 رکن الدین ابهری ۲۲۵  
 رکن الدین استرآبادی ۱۳۸  
 رکن الدین اسمعیلی ۸۰۳  
 رکن الدین بکرانی ۲۲۳  
 رکن الدین بن شرف الدین  
 آملی ۲۷۱  
 رکن الدین بن شهاب الدین امام ۷۷۲  
 رکن الدین بن میر حسین اوحدی اصفهانی  
 مراغی (یا اوحد الدین) ۱۷۳، ۱۹۹،  
 ۲۳۳، ۷۶۰  
 رکن الدین بیضاوی ۲۱۲  
 رکن الدین حبشی ۸۳۱  
 رکن الدین حسین بن عالم بن ابوالحسن  
 حسینی هروی ۱۶۹، ۲۱۴، ۲۴۲  
 رکن الدین خمارتگین ۱۲۶  
 رکن الدین داود خوافی ۲۷۳  
 رکن الدین دعوی دار قمی (قاضی) ۱۷۲،  
 ۲۲۵  
 رکن الدین رازی ۶۵۱  
 رکن الدین زیارتگاهی ۵۵۸، ۵۵۴  
 رکن الدین سجاسی ۱۷۳، ۷۳۶  
 رکن الدین شیرازی ۱۸۸  
 رکن الدین صابین بن شمس الدین محمود بن  
 رکن الدین صابین هروی ۲۰۸، ۲۶۲  
 رکن الدین طغناج خان ۲  
 رکن الدین عبدالرحمن بن احمد شارستانی  
 ۲۲۷  
 رکن الدین غورسانجی ۱۶۵ - ۱۶۶  
 رکن الدین فیروز بن شمس الدین الشمس  
 ۱۷۵، ۷۳۳  
 رکن الدین قیاسی ۱۸۱  
 رکن الدین قلج ارسلان چهارم ۷۵۱  
 رکن الدین قلی طغناج خان بن مسعود بن  
 حسین ۱۳۸

رفیع الدین ابراهیم بن نورالدین توفیق  
 شیرازی ۳۶۸، ۸۰۵  
 رفیع الدین ابهری ۱۸۱، ۷۷۲  
 رفیع الدین بکرانی ۲۲۲  
 رفیع الدین حسین (امیر) ۳۳۱  
 رفیع الدین حسین بن یوسف هروی ۸۰۸  
 رفیع الدین حیدر معمای طباطبایی رفیعی  
 کاشانی ۴۲۰، ۴۴۷، ۵۱۶، ۵۱۸،  
 ۶۵۰، ۶۷۲، ۸۱۹  
 رفیع الدین اسانی ۱۶۵، ۲۴  
 رفیع الدین محمد حلیفه ۵۰۲  
 رفیع الدین محمد محدث دهلوی ۱۹۶  
 رفیع الدین مرزبان فارسی ۸۹  
 رفیع الدین مسعود لثمائی ۱۶۵، ۲۴  
 رفیع الدین پشاوروی ۹۶  
 رفیع بخاری (مولانا) ۶۲۲  
 رفیع مروزی ۸۸  
 رفیع نسوی ۷۷۲  
 رفیعی (ابوالقاسم) ۹۱  
 رفیعی کاشانی (میرزا رفیع الدین حیدر  
 معمای طباطبایی) ۴۲۰، ۴۴۷،  
 ۵۱۶، ۵۱۸، ۶۵۰، ۶۷۲، ۸۱۹  
 رفیعی ۱۸۱  
 رفیعی آملی ۶۵۱  
 رفیعی تبریزی ۶۹۸  
 رفیعی شهدی (کمال الدین محمود) ۳۳۳،  
 ۸۱۶  
 رفیعی هروی (میر علی دوست) ۳۴۴  
 رفیعی یزدی ۵۳۴  
 رکن الدوله میرزا عبداللطیف بن الخبیت  
 ۲۳۲، ۲۴۶، ۲۴۸ - ۲۴۹، ۲۵۱،  
 ۲۶۹  
 رکن الدین (حاج) ۷۷۶  
 رکن الدوله الملا صاعد بن مسعود ۱۰۱،  
 ۲۳۰  
 رکن الدین ابوالفتح بن صدر الدین محمد  
 ۷۴۱  
 رکن الدین ابوالمظفر مرکیاری ۳۹ - ۵۰،  
 ۷۰، ۸۰، ۱۲۷

رنسنگ ۶۰۶	رکن الدین کرچی ۷۴۹
رواس ۲۲۶	رکن الدین محمد خوافی ۷۸۰
روح الامین امین الدین دادا ۲۲۶	رکن الدین محمود بن رشید الدین فضل الله
روح الدین عطار ۲۰۳	۷۳۱
روح الله قزوینی (قاضی) ۶۷۶	رکن الدین محمود بن ملک نسیر الدین
روح الله میرک خوشنویس هروی ۶۶۱	۱۵۷
روحانی ۲۲۶، ۳۴۴	رکن الدین محمود سنجانی خوافی (شاه)
روحانی (اصیل الدین) ۸۸	۷۲۴، ۶۸۸، ۳۱۷-۷۲۵
روحانی بخارا ای ۷۴۴	رکن الدین مسعود بن حسن قلیچ طمغاج خان
روحانی سمرقندی (ابوبکر بن محمد بن علی) ۷۸	۹۸
روحی ۸۰۹	رکن الدین مسعود بن صاعد بن مسعود
روحی (شمس الدین) ۶۱۳	۷۴۰
روحی (محمد) ۶۰۵	رکن الدین مسعود بن محمد امامزاده
روحی (مولانا) ۶۰۵	۱۰۰
روحی امارجانی ۵۲۹	رکن الدین مسعود ترکه ۳۴۷
روحی بخاری ۳۴۴، ۶۲۷	رکن الدین مسیح یامسیحای کلثانی ۶۶۲
روحی حکاک تبریزی ۵۲۹	رکن الدین میر آب ۱۶۶، ۱۸۱
روحی سمرقندی ۱۰۰	رکن الدین مهته ۶۲۵
روحی شارستانی ۹۹	رکن الدین نسیمی حسینی شیرازی ۲۲۱،
روحی طبیب بخارا ای ۶۰۹	۳۳۵-۳۳۶، ۷۶۵، ۷۸۹
روحی ولوالجی ۸۶	رکن الدین یحیی ۷۵۸
روحی هروی ۵۲۳	رکن الدین یحیی بن روزبهان ۲۱۶
روحی یازری ۳۴۴	رکن الدین یحیی بن محمد
رودکی (ابو عبد الله جعفر بن محمد سمرقندی)	۷۸۰
۱۸-۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۸	رکن الدین یحیی بن
۱۲۸	شیرازی ۲۸۳
روده (ابو محمد عبد الله بن محمد بلخی)	رکن السلطنه معصوم بیک صفوی ۲۹۲،
۴۵	۵۰۰، ۴۹۴
روده (تردی بیک خان) ۵۴۳، ۵۴۵، ۸۳۳	رکن یس قاضی ۱۷۸
روزافزون شاه ۷۹۵	رکن جهان (رکن صابن) ۲۰۸، ۷۶۲
روزبه ۳۴۹	رکن خوبی ۱۷۸
روزبهان بن ابونصر بقلی فسوی شیرازی	رکن صابن ۲۰۸، ۷۶۲
شطاح یا شطاح فارس ۱۰۹، ۷۲۱	رکنی ۱۸۱
۲۲۷	رمال (نصیر الدین محمد بن ابراهیم در
روزبهان صبری اردستانی ۴۶۰	عبدالله) ۱۵۱
روزبه بن عبد الله نکستی (ابو عبدالله) ۴۲	رمزی اصفهانی ۶۷۶
روزنامه چیان ۲۴۹	رموزی سمرقندی (میر اشرف) ۵۹۶
روسها ۴۹۰	رنجن (رزق الله بن سعد الله مشتاقی دهلوی)
	۷۹۸، ۳۶۰

ابن حسین قدامه موسوی صدر شرق (۸۴)	روسی ۲۰۶
رییس ساختی ۳۴۴	روشنی (طریقه) ۷۹۶
رییس شهاب الدین معایبی ۱۵۲۸، ۱۶۱۲، ۶۸۳	روشنی بردعی (دده عمر) ۷۹۶، ۷۰۳
رییس مجددالدین ابوالحسن علی بن محمد صمرانی سرخسی ۸۱	روشنی زاده (نعمت الله) ۷۹۶
رییسی ۱۷۸	روشنی حمدانی ۶۷۶
زاری مشهدی (محمد قاسم) ۶۵۱	روضه خوانی ۲۴۶
زاری هروی ۲۴۴	روغنی استرآبادی هروی ۴۲۲، ۸۲۰
زاکانیان قروین ۲۰۱	روملو (امیر سلطان) ۳۵۵
زاهد ۱۷۸	رومی (صفی الدین مصطفی) ۶۲۳
زاهد (محمد) ۶۱۰	رومی (صلاح الدین موسی قاضی زاده) ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۸۱، ۲۷۳، ۸۰۷
زاهد (محمد امین) ۵۶۴، ۵۷۰-۵۷۱، ۶۱۹، ۵۹۵، ۵۸۹، ۵۸۷	رومی (قاضی زاده) ۲۸۶
زاهد گیلانی (ابراهیم)	رومی (قوام الدین یوسف بن حسن قاضی زاده) ۲۸۱، ۲۷۳
بابک بن بندار کردی سنجانی (۲۱۲، ۴۸۲)	رومی (محمود بن محمد قاضی زاده) ۲۸۱، ۳۸۸
زاهدی ۷۹۸، ۳۴۴، ۳۴۱	رومی (موسی بن محمود قاضی زاده) ۲۳۹، ۸۰۷، ۲۶۹
زاهدی (عزیز الله) ۳۱۰	رومی شیرازی (مولانا میرزا حان) ۵۸۶
زایری تربتی ۵۸۰	روندیه ۱۶
زجاجی ۵۶	رونقی بخارایی (ابوالمؤید) ۱۹-۲۰
زجاجی نیشابوری (ابوعمر) ۲۲	رونقی بدخشانی ۶۳۸
زجری ۶۵۲	رهای خوافی هروی (شیخ سعد الدین) ۸۱۹، ۴۱۹
دراته - سرام بن یزدو ۱۷۲، ۷۱۶، ۸۴۳	رهای سبزواری ۶۷۶
زردشت ۱۷۳، ۹	رهای ماوراءالنهری ۲۴۴
زردشتیان ۱۷۲، ۲۸، ۱۲	رهای هروی (مولانا) ۵۶۲
زردشت ۷۴۳، ۷۱۶	رهای شهدی (شاه محمود) ۵۲۶
زردشتی ۱۶-۱۷	رهای نیشابوری (خواجه حان) ۵۲۹
زردشتیان ۶۶۹	ریاضی تربتی ۵۵۹، ۳۳۹
زرریس (اسعیل بن ابراهیم غزنوی) ۸۸	ریاضی زاوی ۳۴۴، ۶
زرکوب (نجم الدین ابوبکر محمد بن مودود) ۱۷۷-۱۷۶	ریاضی ساروجی مهولانی تربتی ۳۱۳
زرین قلم (شاه محمود نیشابوری) ۶۹۳	ریاضی سمرقندی ۳۳۹
زرین کتاب ۲۵	ریاضی سمرقندی (در گذشته در ۸۸۴) ۳۴۴
زکریا بن محمد انصاری ۷۸۱	ریاضی وصولی بدخشی ۵۹۳
	رنالیم ۷۴
	ریحانی طوسی ۸۸
	رییس خراسان (مجدالدین ابوجعفر علی

۱۶۱  
 زنگی شیرازی ۱۰۲  
 زنگی عجم قلندر کرمانی (جلال الدین)  
 محمود) ۷۲۰  
 زوزنی ۱۸۱  
 زوزنی (کمال الملك ابو جعفر محمد بن  
 احمد مختار) ۵۴  
 زوزنی (ملك عماد الدین) ۲۲۵  
 زهره (بنی) ۷۱۴  
 زهره بیگم ۶۷۹  
 زیار (آل) ۲۲، ۱۸ - ۴۵، ۲۳ - ۶۵، ۴۶  
 ۲۶۸  
 زیبایی هروی ۳۴۴  
 زینون (استاد) ۵۳۱  
 زید بن علی بن حسین ۲۳۹  
 زیدری (نور الدین محمد بن احمد بن علی  
 ابن محمد خرنندزی نسوی متشی)  
 ۱۱۷، ۹۴  
 زیدیه ۶۴۴  
 زیرکی تاشکندی ۵۶۰  
 زیرکی هروی ۳۴۴  
 زیری ۱۸۱  
 زیری فارسی (تاج الدین) ۷۹  
 زین (زین الدین خواجی شیخ) ۳۲۱، ۲۶۴  
 ۶۳۰ - ۶۲۹، ۶۱۵، ۴۱۹، ۳۲۸  
 ۸۰۹، ۷۷۸، ۷۱۸، ۶۵۵، ۶۴۳  
 زین الدین (مولانا) ۲۴۲  
 زین الدین ابوابراهیم اسمعیل بن  
 محمد بن احمد حسینی گرگانی ۹۲  
 ۷۲۷، ۱۴۴  
 زین الدین ابوبکر بن محمد خواجی ۲۶۴  
 ۶۲۹، ۶۱۵، ۴۱۹، ۳۲۸، ۳۲۱  
 ۸۰۹، ۷۷۸، ۷۱۸، ۶۳۴، ۶۳۰  
 زین الدین ابوبکر تایبادی (ملا) ۷  
 زین الدین ابوبکر جعفر بن اسمعیل ازرقی  
 هروی (ابوالمحاسن شرف الزمان)  
 ۷۴، ۵۳  
 زین الدین ابوبکر علی تایبادی ۲۲۱، ۷  
 ۷۹۹، ۷۶۶، ۲۳۱

زکریا بن محمد بن زکریا بن ابوبکر بن  
 علی ملتانی (بهاء الدین) ۱۵۶،  
 ۱۶۴ - ۱۶۵، ۱۶۹، ۷۳۱، ۷۳۸  
 زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (ابو-  
 یحیی) ۷۳۲، ۱۴۶  
 زکریا بن محمود قزوینی حکمونی (عماد-  
 الدین) ۷۳۲، ۱۴۶  
 زکریا حسینی ۳۹۴  
 زکریا کججی ۳۴۴  
 زکریا نسوی ۲۳۲  
 زکی (خواجہ) ۷۲  
 زکی اکاف ۱۷۸  
 زکی الدین عبدالله بن ابوتراب بن بهرام بن  
 زکی بن عبدالله بنجیری شیرازی ۷۴۵  
 زکی کاشغری (لطیف الدین) ۷۸، ۹۱  
 ۷۲۵، ۲۲۶  
 زکی مراغی ۷۲۵، ۲۲۶، ۱۷۸، ۹۱  
 زکی همدانی ۴۱۲  
 زلالی تبریزی ۶۹۸  
 زلالی خوارزمی ۶۴۴  
 زلالی کرمانی (درویش) ۳۲۶  
 زلالی گیلانی ۵۳۴  
 زلالی هروی ۶۴۴، ۳۴۴، ۳۲۶  
 زلفی بلخی ۵۸۹  
 زمان آملی ۳۳۸  
 زمانی آملی ۲۴۴  
 زمانی یزدی ۴۱۲  
 زمخشری ۹۲، ۱۰۲، ۱۴۷، ۱۹۱، ۱۹۷،  
 ۷۵۸  
 زنگی (خواجہ) ۷۲  
 زنگی (عماد الدین) ۷۲۶  
 زنگی (مجد) ۱۷۹  
 زنگی (محمود) ۳۴۷  
 زنگی اتا ۵۰، ۶۰، ۶۳۹  
 زنگی بن طاهر فریومندی (جلال الدین  
 ابویزید) ۱۹۴  
 زنگی بن طاهر فریومندی (وجیه الدین)



شعبان عطار همدانی ۲۱۸-۲۱۹، ۲۲۰	زین الدین ابو حامد محمد بن محمد نغزالی طوسی (امام حجة الاسلام) ۵۰، ۶۶، ۶۸-۶۹، ۲۲۹، ۲۷۰، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۰
۱۴۴	۷۳۹
زین الدین محمد بن محمد شاه فناری ۲۷۵	زین الدین ابو علی وافر سگری ۹۵ زین الدین جامی ۲۲۹ زین الدین خوارزمی ۵
زین الدین محمد کاتب ۷ زین الدین محمود اصفهانی ۶۷۷ زین الدین محمود بن عبدالجلیل واصفی تاشکندی هروی ۲۵۲، ۳۴۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۷۸	زین الدین خوافی ۲۶۴، ۳۲۱، ۳۲۸، ۴۱۹، ۴۱۵، ۶۲۹-۶۳۰، ۶۳۳، ۶۵۵، ۷۱۸، ۷۷۸، ۸۰۹
زین الدین محمود بن محمد هروی ۱۹۴ زین الدین محمود خوشتویس ۴۶۴ زین الدین مسعود نیکی اصفهانی ۵۱۱، ۵۲۲، ۶۴۳، ۶۵۹، ۸۳۲	زین الدین خوافی معروف بشیخ زین ۶۱۵، ۶۳۴، ۶۵۵
زین الدین نسوی ۷۴۷ زین الدین وفایی خوافی اکبر آبادی ۳۶۱، ۴۱۱، ۶۳۳، ۸۳۶	زین الدین راوندی ۸۸ زین الدین سعید طایبی ۸۸ زین الدین شیخ علی ۳۲۷، ۳۴۴ زین الدین صادق ۳۳۳، ۴۴۶
زین العابدین (سلطان) ۷۹۱ زین العابدین بن علی بن عبدالمؤمن عبیدی ۴۰۳	زین الدین صادق ۳۴۴ زین الدین صاعد ۳۴۴ زین الدین صاعد خوشانی ۹۵ زین الدین طبیب ۷۹۸ زین الدین عطار (حاج) ۱۹۳ زین الدین علی ۳۲۷، ۳۴۴
زین العابدین صادق ۴۴۶ زین العابدین عابد بیرمی لاری (شاه) ۱۸۰، ۷۰۸	زین الدین علی بن حسین انصاری ۱۹۳ زین الدین علی بن محمد قوشچی (یا علاء الدین) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶، ۳۷۵
زین العابدین علی عبیدی و نویدی شیرازی نیسا بوری ۳۸۵، ۴۰۳، ۴۴۴، ۸۰۷ زین العابدین علی فقیه ابن العقیه ۱۸۰، ۲۲۶	۳۸۸، ۴۰۳ زین الدین علی بیگ انجدانی ۵۱۷ زین الدین علی فقیه (ابن فقیه) ۱۸۰، ۲۲۶
زین العابدین منشی اردوبادی ۷۰۵ زین العابدین میرزا صفوی ۶۹۸ زین العابدین همدانی (خواجه) ۷۶۲ زین العباد عابد بیرمی لاری (شاه) ۱۸۰، ۲۰۸	زین الدین حای کلاه شیرازی ۲۴۴، ۲۶۹- ۷۲۰ زین الدین عربین سهالان ساوجی ۱۳۰ زین الدین فاخته کاشانی ۲۲۴ زین الدین قدسی ۴
زینب خانم ۴۸۴ زینسی علوی محمودی خراسانی ۳۶ زینتی بجاری ۶۲۷ زینتی بلیانی ۶۷۶ زینتی سنزواری ۶۷۷	زین الدین کلاه شیرازی ۳۴۴، ۷۶۹- ۷۷۰ زین الدین کیسه دوز ۳۴۴ زین الدین لبنانی ۱۸۱ زین الدین محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن

سادات زاوه ۳۴۹  
 سادات ذواره اردستان ۵۰۳  
 سادات سبزوار ۸۳۰  
 سادات محرقند ۶۱۱، ۵۹۶  
 سادات سمنان ۶۵۹  
 سادات سیفی حسنی ۴۳۰، ۴۹۷، ۴۳۳  
 ۸۲۳  
 سادات شیراز ۶۸۶، ۷۴۵، ۸۱۲، ۸۲۱  
 سادات طباطبایی ۵۵۳، ۴۳۱  
 سادات طباطبایی حسینی ۴۹۸  
 سادات عبدالوهابی ۴۹۸  
 سادات عریضی ۸۳۶  
 سادات علوی شیراز ۷۸۰  
 سادات علوی کرمان ۷۵۹  
 سادات علوی ماوراءالنهر ۶۳۱  
 سادات عوف طبری ۶۲۴  
 سادات فرغانه ۵۵۹  
 سادات قزوین ۶۵۴، ۳۵۴  
 سادات کسان ۶۴۶، ۶۵۰، ۸۳۱  
 سادات کاشان ماوراءالنهر ۶۳۸  
 سادات کالیبی ۶۴۵  
 سادات کرمان ۷۵۹، ۵۶۱  
 سادات کمانگر هرات ۶۶۱  
 سادات کیایی ۳۵۳  
 سادات گرگان ۳۴۹  
 سادات گرمسیر هندوستان ۵۶۷  
 سادات گورسرخ ۱۴۹  
 سادات ماوراءالنهر ۶۱۳، ۵۷۶  
 سادات مدینه ۷۹۱  
 سادات مشهد ۴۱۹، ۵۰۳، ۶۲۰، ۶۵۴  
 ۸۳۱  
 سادات معین ۵۹۴  
 سادات نوربخشی ۶۶۱، ۶۱۶  
 سادات نیشابور ۵۰۲  
 سادات هرات ۵۸۳، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۱۱  
 ۶۲۴، ۶۱۹  
 سادات یزد ۵۵۰، ۵۰۴  
 ساسانی ۱۵-۱۳، ۱۱  
 ساسانیان ۱۳، ۱۱-۱۴، ۳۰، ۳۸-۳۹

زینتی علوی محمودی خراسانی ۳۶  
 زینتی مشهدی (محمد حسین) ۵۳۴  
 زین خان کوکه کولکناش ۴۳۰، ۴۵۲  
 ۶۷۷، ۵۵۷، ۵۴۵  
 زین خوافی وفایی ۴۱۱  
 زینل (خواجه) ۵۹۱  
 زینی (سلسله) ۶۲۹  
 زینی (طریقه) ۶۳۰  
 زینی (مولانا) ۶۹۵  
 زینی بخارایی (مولانا) ۶۲۷  
 زینی سبزواری ۳۴۴

س

سابق اصفهانی (حاج مریدون) ۶۷۷  
 ساحیان ۴۱۸  
 ساحری تونی (محمد قاسم) ۶۷۷  
 سادات آله پنجبیر ۷۸۰، ۷۶۹  
 سادات اردستان ۶۴۳، ۴۶۰  
 سادات اسحق آباد نیشابور ۸۲۰  
 سادات اسدآباد همدان ۸۳۷  
 سادات اصفهان ۶۶۱، ۶۵۷، ۵۳۹  
 سادات اندخود ۶۰۳  
 سادات بخارا ۶۸۹، ۵۷۷، ۸۳۵  
 سادات بدخشان ۵۷۵  
 سادات بلخ ۵۹۵  
 سادات بهمان ۶۵۸  
 سادات تمریز ۶۹۴  
 سادات تربت ۶۵۷  
 سادات ترمذ ۶۳۴، ۶۴۹، ۷۳۶  
 سادات حسنی قزوین ۸۲۳  
 سادات حسینی آذربایجان ۸۳۸  
 سیبی فارس ۱  
 سادات حسینی مشهد ۵۴۲  
 سادات حصار ۵۹۴  
 سادات خراسان ۵۸۲، ۸۱  
 سادات دتکی شیراز ۲۴۳، ۲۴۵  
 سادات دوغلساد ۵۴۹  
 سادات رضوی ۸۳۷  
 سادات ری ۶۱۸

۶۵۶	۴۸۴،۲۳۳،۱۶۲،۱۲۸،۴۹
ساوی ۱۷۸	ساعدی خلجی ۵۶۸
سایل (ملا) ۶۲۵	ساغری هروی ۳۴۴
سایل نهاوندی (مولانا) ۸۳۲،۵۱۱	ساقی ۶۲۷
سایلی اسفراینی ۳۴۴	ساقی استراپادی (ملا سلطان محمد) ۴۶۴
سایلی خراسانی ۳۴۴	ساقی اصفهانی (میرزاشاه حسین) ۶۷۷
سایلی عراقی ۳۴۴	ساقی جزایری ۴۳۲
سایلی قرشی ۳۴۴	ساقی قزوینی (نصیرالدین) ۶۴۴
سبزواری ۵۳۸	ساقی نخشی ۳۴۴
سبط ابن الجوزی ۱۶۷	ساقی هروی ۳۴۴
سبکتگین ۲۲-۳۴،۴۵،۴۶،۵۶	ساکتی بخارایی (مولانا قاسم) ۳۴۶،
سبک خراسانی ۱۰۰	۶۰۹
سبک عراقی ۱۰۰، ۱۵۷-۱۵۸، ۱۶۱-	ساکتی سمرقندی ۳۴۴
۱۶۲، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۷۲	سالار (حسام الدین) ۷۵۱
سبک هندی ۹۹، ۲۳۵، ۲۵۳، ۴۱۷، ۴۲۹	سالار محمد ۴۶
سیاهی (فاضل بیک) ۶۴۴	سالار مرزبان ۴۷
سیاهی (میر ییغمورچی) ۳۴۴	سالاریان ۴۷
سیاهی اندجانی (خدادوست) ۵۴۷	سالک الدین محمد حموی یزدی ۳۲۵
سیهری (برهان نظام شاه) ۴۸۹	سالک شیرازی (درویش حسین) ۴۶۷
سیهری (شاه نظام) ۲۳۴	سالم (محمود بیک) ۵۰۵
سیهری (علی) ۱۰۰	سالم بیک ترکمان ۵۸۸
سیهری اصفهانی ۶۷۷	سالمی عراقی ۳۴۴
سیهری بخارایی ۲۰	سامان (آل) ۹۵
سیهری زوارچی یا زواره ای (میرزا بیک)	سامان (امیر) ۳۸۶
۷۰۸، ۵۲۳	سامانی ۲۴، ۲۷، ۳۳، ۳۹، ۴۹، ۷۴
سیهری هروی ۵۸۱	سامانیان ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۲،
سیهری هندوستانی ۳۴۴	۳۴، ۹۱، ۹۶، ۲۰۹، ۲۰۹، ۲۸۵، ۷۶۰
سیهسالار (وریدون بن احمد) ۷۳۸-	سامانی بخاری ۳۴۴
۷۳۹	سامانی نیشابوری (نظامی) ۱۰۰
سیهسالار (محمد حسین میرزا) ۲۶۴	سامری بن حیدری تریزی ۸۲۲، ۵۳۸
سپیدجامگان ۱۶	سامعی ۷۹۵، ۷۸۶
ستر باریک شیرازی (نجم الدین صابن-	سامغوری (عزالدین) ۷۳۸
الاسلام محمود بن صابن الدین لیا)	سام میرزا صفوی ۲۷۸، ۲۷۷-۳۷۸،
۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳	۳۸۴، ۴۶۹، ۴۳۸، ۳۸۴، ۵۰۸،
سجاوندی ۵۴۶	۶۵۱، ۶۵۳، ۶۷۳-۶۷۴، ۶۸۶،
سجایی استراپادی نجفی ۸۱۹، ۴۱۲	۸۲۹-۸۲۸، ۸۲۵، ۸۱۶، ۶۹۴
سجیان دکنی ۸۰۴	سامر دامغانی ۳۴۴
سحر آفرین ۷۷۲	سامی صفوی (سام میرزا) ۳۷۷
سخی کاشانی (میرزا ابوطالب) ۶۷۷	سامی قزوینی (عزیزالدین) ۶۴۴، ۶۴۲،

سراج الدین ابو محمد عبد المعطی بن ابوالفنا  
 محمود بن عبد المعطی لخمی اسکندری  
 ۷۱۸  
 سدیدالدین اهور کرماج ۱۸۱  
 سدیدالدین بیہقی ۸۸  
 سدیدالدین علی بن عمر معزی غزنوی ۷۸  
 سدیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب  
 غزنوی ۱۰۹، ۷۲۱  
 سدیدالدین محمد بن یحیی بن طاه - رہن  
 عثمان ہوفی بخارایی (یا نورالدین)  
 ۶۵، ۷۸، ۷۷، ۹۹ - ۱۰۰، ۲۷۹  
 ۸۱۶  
 سدیدالدین نصر اللہ بن برہان الدین خلیل -  
 اللہ طلاوسی ابرقوہی ۱۹۰  
 سدیدرازی (میر) ۵۰۲  
 سدیدطیب قزوینی ۳۴۴  
 سدیدطیب گیلانی (قرن ۹) ۳۴۴  
 سدید طیب گیلانی (قرن ۱۰) ۵۳۱  
 سراج (ابونصر) ۶۱  
 سراج اسدآبادی ۱۷۸  
 سراج الدین ۲۲۵  
 سراج الدین ابوالشایا محمود بن ابی بکر  
 ارموی (قاضی) ۱۵۰  
 سراج الدین ابوالمظفر بہادر شاہ دوم  
 ۳۵۱-۳۶۷، ۳۵۲  
 سراج الدین اصیلی ہروی ۳۴۳  
 سراج الدین بردری سیستانی (میر) ۲۲۶  
 سراج الدین بساطی سمرقندی ۲۱۴،  
 ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶  
 سراج الدین حسن شیرازی ۱۸۱  
 سراج الدین سراجی سگزی ۱۷۲، ۲۲۲  
 سراج الدین سگزی (سید) ۱۷۲، ۲۲۲  
 سراج الدین سیستانی ۴  
 سراج الدین عاروک بخارایی ۹۴  
 سراج الدین عثمان بن محمد مختاری  
 غزنوی ۷۷، ۷۷، ۸۰، ۸۲  
 سراج الدین علاءالملکی ۹۵  
 سراج الدین علی بن عثمان اوشی عرفانی  
 حنفی ۳۹۵

سراج الدین عمر بن علی ابن الملقن ۱۳۲  
 سراج الدین قمری آمدلی ۹۵  
 سراج الدین محمد بن منہاج الدین عثمان بن  
 ابراہیم بن عبد الخالق گوزگانی  
 لاهوری ۷۹  
 سراج الدین محمود بن خلیفہ ۷۲۱  
 سراج منہاج ۷۹  
 سراجی اسفراینی ۹۴  
 سراجی بلخی ۷۷۲  
 سراجی بلخی (معمین الدین) ۸۹  
 سراجی تیریزی ۵۰۹  
 سراجی خراسانی (جمال الدین محمد بن  
 علی) ۷۸  
 سراجی سگزی ۱۷۲، ۲۲۲  
 سر باد ۷۲  
 سر بداری ۲۰۱  
 سر بداران ۲۹۳، ۵۰۵  
 سر بداریان ۳۰۱  
 سرخ (امیر) ۲۳۳  
 سرخ سر ۳۵۰  
 سرخ علم ۱۶  
 سر دوزا ۱۸۱  
 سر کب ۱۵  
 سر کشر ۱۵  
 سرمدی اصفہانی (شریف) ۴۲۸، ۵۳۹  
 ۸۲۲  
 سرمدی اصفہانی فیضی (شریف) ۴۲۸  
 سرودی ۲۵  
 سرودی (مولانا) ۶۳۱  
 سرودی خوانساری قمی ۵۲۲  
 سروری (مصلح الدین مصطفی بن شعبان)  
 ۲۰۶، ۳۹۲، ۸۰۷  
 سروری بخارایی ۶۳۵  
 سروری بیرجندی ۳۴۴  
 سروری خراسانی ۳۴۴  
 سروری کاشانی (محمد قاسم بن حاج محمد)  
 ۳۹۷  
 سروشی بلخی ۵۸۷  
 سروی خوشتری (مالعینی) ۶۲۲

سعدالدين كافي بخارايبى ۸۸  
 سعدالدين محمد استرآبادى ۲۶۹  
 سعدالدين محمد بن مسعود بن محمد  
 كازرونى ۲۳۶  
 سعدالدين محمد بن معين الدين مؤيد بن  
 معين الدين ابوبكر عبداللہ بن نجم  
 ابوالحسن على بن جمال السنه معين  
 الدين محمد بن حمويه جوينى حموى  
 ۱۱۱، ۱۱۵ - ۱۱۶، ۱۷۶، ۱۸۱،  
 ۱۸۳، ۳۱۱، ۳۲۵، ۷۲۲ - ۷۲۴،  
 ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۴۵  
 سعدالدين محمد بن مؤيد بن حسن بن محمد  
 ابن حمويه حموى جوينى ر. سعدالدين  
 محمد بن معين الدين  
 سعدالدين محمود بن عبدالكريم شېستري  
 (يا نجم الدين) ۱۶۹، ۲۰۱ - ۲۰۲،  
 ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲،  
 ۷۵۲، ۷۵۵ - ۷۷۳  
 سعدالدين مسعود دولتيار بخارايبى ۹۳  
 سعدالدين مسعود نوکى غزنوى ۷۹  
 سعدالدين معلم ۴۹۸  
 سعدالدين نزارى قهستانى ۱۷۰  
 سعدالدين نصير ۲۲۵  
 سعدالدين نطنزى ۱۸۱، ۷۴۵  
 سعدالدين وراقى ۱۸۱  
 سعدالدين وراوينى ۱۴۰  
 سعدالله ۳۴۳  
 سعدالله (قاضى) ۷۰۱  
 سعدالله ترك دجلوى بخارى ۶۷۸  
 سعدالمالك فخرالدين مسعود بن امجد بن  
 محمود ۹۸  
 سعدالنبى ۲۲۶  
 سعد بن ابوبكر بن سعد بن زنگى ('تأبيك')  
 ۱۲۹، ۱۳۹ - ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۰،  
 ۱۶۲، ۱۶۶ - ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۹  
 سعد بن زنگى ('تأبيك ابوشجاع') ۱۰۱  
 ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۳  
 سعد بنها ۲۲۲، ۷۷۲  
 سعدرضى ۴

سرهندي (حاج ابراهيم) ۳۵۷  
 سريانى ۱۲، ۱۴، ۱۷  
 سري ترشيزى ۲۴۴  
 سري سقطى ۶۳، ۷۵۳  
 سري هروى ۳۴۴  
 سعادت بيك ۴۴۹  
 سعادت پسر مسعود سعد سلمان ۷۲۶  
 سعادت خازن ۱۲۷  
 سعد (امير نور) ۴۵۵  
 سعد (حافظ) ۲۲۶، ۳۴۴  
 سعد (خواجده) ۴۰۶  
 سعد (مولانا) ۳۴۴  
 سعدالحق (امر سعد حسنه، نصيبى نور بهتى  
 يزدي) ۳۴۴، ۳۴۸، ۶۶۱، ۷۱۱  
 سعدالدين احمد عزيز ۱۸۱  
 سعدالدين اسعد بن شهاب بخارايبى ۱۰۰  
 سعدالدين الاله ۶۷۸  
 سعدالدين بخارى سمرقندى ۱۰۰  
 سعدالدين بن بهاء الدين ۲۲۲  
 سعدالدين بن تاج الدين على ساوجى ۴،  
 ۱۸۱  
 سعدالدين بن حاجى عيان عياني ۳۲۹  
 سعدالدين بن سرفالدين (سعدشرف)  
 ۲۲۶  
 سعدالدين بهايى ۲۲۲، ۷۷۲  
 سعدالدين حموى يا حمويه ۱۱۱، ۱۱۵ -  
 ۱۱۶، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۳۱۱،  
 ۳۲۵ - ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۷،  
 ۷۴۳، ۷۴۵  
 سعدالدين خليفه ۹۵، ۱۸۱  
 سعدالدين رهايسى خوافى هروى ۴۱۹،  
 ۸۱۹  
 سعدالدين ساوجى ۱۸۱، ۴  
 سعدالدين سعيد بن محمد بن احمد فرغانى  
 ۱۵۳، ۷۶۳  
 سعدالدين سعيد هروى ۱۷۵  
 سعدالدين فرخ ۳۲۹  
 سعدالدين كاشمى ۵، ۲۴۶ - ۲۴۷، ۳۲۹،  
 ۷۸۴، ۳۸۴

۷۵۰، ۷۴۳  
 سعید بن هبة الله راوندی (قطب الدین)  
 ۷۲۹  
 سعید بیک خوارزمی (نور) ۲۴۴  
 سعیدخان (سلطان) ۷-۸، ۳۸۰، ۵۶۸،  
 ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۵ - ۵۸۶،  
 ۵۹۰  
 سعیدخان چغتایی ۶۸۱  
 سعیدخان کوهکن شیبانی (سلطان) ۳۸۰،  
 ۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۵ -  
 ۵۸۶، ۵۹۰  
 سعید خرازی (قاضی) ۶۳۸  
 سعید طایی (زین الدین) ۸۸  
 سعید شروانی ۱۷۸  
 سعید عباد بیعتی (شیخ) ۵۶  
 سعید کاپلی ۳۴۴  
 سعید کامل خلخالی (ملک) ۶۴۶  
 سعید گیلانی ۱۷۸  
 سعید گیلانی (خواجه) ۵۰۶  
 سعید نجار اوشی ۴  
 سعید نیشابوری (سعد) ۱۸۱  
 سعید هروی (سعد الدین) ۱۷۵  
 سعید هروی (میر) ۳۴۴-۳۴۵  
 سعیدی (ابوالفتح) ۷۵۳  
 سعیدی بدخشی ۶۷۸  
 سعیدی ۱۰۰  
 سقا (درویش بهرام) ۴۲۶، ۵۷۱، ۸۲۱ -  
 ۸۲۲  
 سقایی کاشانی ۵۲۱  
 سکاکی ۱۹۱  
 سکاکی (فغانی شیرازی) ۳۳۷  
 سکاکی سمرقندی ۲۴۵  
 سکندر (سلطان) ۴۰۳  
 سکندر بن قطب الدین (سلطان) ۱۹۵،  
 ۲۵۸، ۷۷۳  
 سکندر سوری ۴۷۵، ۵۵۴  
 سکندر سوری لودی ۶۶۸  
 سکندر شاه بن قطب الدین بن هلا الدین  
 (سلطان) ۱۹۵، ۲۵۸، ۷۷۳

سعید رعد گنجه ۱۷۸  
 سعید سعید نیشابوری ۱۸۱  
 قندی ۱۷۸  
 سعید شرف (سعد بن شرف الدین) ۲۲۶  
 سعید شیرازی معروف بسعد کل ۴۶۷  
 سعید صفار ۱۷۸  
 سعید عباد ۷۷۵  
 سعید کل (حافظ) ۲۲۶، ۳۴۴  
 سعید کل (سعید شیرازی) ۴۶۷  
 سعید گنجه ۱۷۸  
 سعید وراقی ۲۲۶  
 سعیدی (محمد صادق نهایی) ۷۲۸  
 سعیدی اردبیلی ۳۴۴  
 سعیدی شهر سبزی (قاضی) ۶۱۲  
 سعیدی شیرازی (مصلح الدین ابو محمد  
 هبة الله بن مشرف بن مصلح بن مشرف)  
 ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱ -  
 ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶،  
 ۱۸۳، ۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۹۰،  
 ۳۹۳، ۴۱۵، ۴۴۵، ۴۶۵، ۵۱۲،  
 ۶۲۶، ۶۹۷، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸،  
 ۸۱۱  
 سعید شیرازی جهرمی (قطب الدین هبة الله  
 ابن محیی بن محمود انصاری خزرچی)  
 ۲۶۱، ۲۹۶  
 سعیدی مشهدی ۳۴۴  
 سعیدی هندوستان (خسرو دهلوی) ۱۷۰  
 سعید ۳۸۶  
 (مال) ۸۱۵  
 سعید الدین متطبب سمرقندی ۴  
 سعید ایسکی باغی (قاضی) ۵۸۴  
 سعید بابی ۴  
 سعید بن محمد بن احمد فرغانی (سعد الدین)  
 ۱۵۳، ۷۶۳  
 سعید بن مطهر بن سعید بن علی باخرزی  
 (سینف الدین) ۷۰۳، ۷۱۵، ۱۷۴،  
 ۷۲۳، ۷۴۳، ۷۵۰  
 سعید بن مظفر فامندی باخرزی (سینف الدین  
 ابوالمعالی) ۷۰۳، ۷۱۵، ۱۷۴، ۷۲۳،

سلطان (محمد حاشم) ۵۷۷، ۵۸۳، ۵۹۷  
 سلطان (ملك سلطان محمد قمي) ۵۲۸،  
 ۶۱۳  
 سلطان (نواب محمد ولی) ۴۳۵  
 سلطان ابراهيم اميني هروي (امير) ۴۶۳،  
 ۶۶۶  
 سلطان ابراهيم ميرزا جاهي صفوي (ابو-  
 الفتح) ۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱،  
 ۵۱۲، ۵۲۷، ۶۵۵، ۸۲۹  
 سلطان احمد (خواجگي) ۳۵۷، ۴۰۰  
 سلطان احمد تمبل ۶۸۰  
 سلطان المشايخ، نظام الدين اوليا  
 سلطان بخت دختر دمشق خواجہ ۲۱۶  
 سلطان تها نيسري (حاجي) ۸۱۵  
 سلطان جلال الدين فرغانی (امير) ۵۵۹  
 سلطان حسن ميرزا صفوي ۴۹۲-۴۹۳  
 سلطان حسين بايقرا ۵۱۵ ر. حسين بايقرا  
 سلطان حسين ميرزا صفوي ۴۵۴، ۴۶۱،  
 ۴۹۱، ۵۰۷، ۵۳۲  
 سلطان حمزه ميرزا (ابوالمظفر) ۴۴۴،  
 ۴۷۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۲۹،  
 ۶۴۹، ۶۸۶، ۷۰۱  
 سلطان حيدر بيك ازبک ۴۵۳-۴۵۴  
 سلطان حيدر ميرزا صفوي ۴۷۲، ۴۹۴-  
 ۴۹۵، ۵۰۲، ۶۸۶، ۶۹۰  
 سلطان حيدريان ۴۹۵  
 سلطان خليل ۲۵۱، ۳۴۵  
 سلطان روملو (امير) ۳۵۵  
 سلطان سپلکی ۵۴۵-۵۴۶  
 سلطان سعيد خان کوهکن شيباني ۳۸۰،  
 ۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۵-  
 ۵۸۶، ۵۹۰  
 سلطان سليم (شاهزاده) ۵۴۲، ۶۵۵، ۶۶۸  
 سلطان سليمان محبي ۴۸۱  
 سلطان سليمان ميرزا صفوي ۴۹۴، ۸۱۴  
 سلطان سنجان ۷۲۵  
 سلطان پيشاني (عليقلي خان زمان  
 ازبک) ۴۱۴، ۴۵۲-۴۵۴، ۵۴۵-  
 ۵۴۷

سکندر شاه لودي (سلطان) ۴۰۴-۴۰۵،  
 ۶۶۸، ۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۲-۸۱۳،  
 ۸۳۸  
 سکندر شاه گجراتي ۸۳۹  
 سک لونند مشهدي ۵۸۸  
 سلاجقه روم ۲۵۳  
 سلاجقه کرمان ۱۱۸  
 سلاطين قور (ملوک الجبال) ۷۲۳، ۷۵۰  
 سلام الله بن علي مکري ۲۳۶  
 سلام الله کاتبی ۳۴۵  
 سلامت گرای ۳۹۰  
 سلام چشتي (شيخ) ۵۴۷  
 سلامي اردبيلي ۵۲۰  
 سلامي اصفهاني ۵۱۳-۵۱۴، ۵۲۳، ۶۴۸،  
 ۸۳۲  
 سلامي خراساني ۳۴۵  
 سلامي شيرازي (شاه بوترا بء  
 ۳۶۶  
 سلامي هروي ۳۴۵  
 سلجوق (آل) ۷۶۰  
 سلجوق خاتون ۷۹۶  
 سلجوق شاه بن سلجوق ۱۷۹  
 سلجوقيان ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۴۹-۴۴، ۵۴،  
 ۶۶، ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۹-۱۰۱، ۱۰۳،  
 ۱۰۷، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۸۷  
 سلجوقيان روم ۸۰، ۸۱، ۱۱۸-۱۱۹، ۱۲۸،  
 ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۰-۱۵۲، ۱۶۱  
 ۱۹۳، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۵۰-۷۵۱  
 سلجوقيان کرمان ۸۲، ۵۳  
 سلسله اسماعلي ۳۵۳  
 سلسله بهمني دکن ۱۹۰  
 سلسله خواجگان ۵۸۸  
 سلسله سوريها ۳۶۹  
 سلسله شيبانيان ۴۸  
 سلسله لوديها ۳۶۹  
 سلسله نعمت اللهی ۱۸۷  
 سلطان (عليقلي خان ازبک خان زمان  
 سيستاني) ۴۱۴، ۴۵۲-۴۵۴، ۵۴۵-  
 ۵۴۷، ۵۵۱، ۵۴۹، ۶۴۹

سلطان محمد هروی ۳۴۵  
 سلطان محمود بکچی ۳۴۵  
 سلطان محمودخان ۵۰۱  
 سلطان محمودخان بن مظفر ۴۸۹  
 سلطان محمود طبیب ۶۲۳  
 سلطان محمود میرزا ۳۴۵  
 سلطانم دختر موسی سلطان موصاوی  
 ترکمان ۴۹۴  
 سلطان مراد (شاهزاده) ۵۵۲  
 سلطان مراد سوم ۳۸۲، ۴۹۰ - ۴۹۱، ۴۹۸  
 سلطان مصطفی میرزا صفوی ۴۹۳ - ۴۹۴  
 سلطان ولد ۱۶۰، ۱۹۹، ۱۷۳۶، ۷۶۰  
 سلطان ولی (امیر) ۳۴۵  
 سلطانن ۲۳۶  
 سلطانن (کافن) ۵۱۱  
 سلفرشاه بن نورانشاه (نصرهالدین) ۳۷۰  
 سلفرشاه بن سعدزنگی ۱۷۹  
 سلماسی (ابراهیم) ۳۴۲  
 سلمان ۲۵  
 سلمان بن احمد شریف قالی (ابوذر) ۳۷۳  
 سلمان بن علاءالدین محمد ساوجی (جمال  
 الدین) ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۶، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۴۱  
 ۲۳۹، ۵۱۷، ۴۱۰  
 سلمان ثانی (عارفی هروی) ۳۰۲  
 سلمان جابری اصفهانی (میرزا) ۴۴۴،  
 ۴۶۱ - ۴۶۳، ۵۰۱، ۶۴۵  
 سلمان ساوجی ۴، ۲۰۲، ۲۰۶، ۳۳۵،  
 ۳۴۱، ۴۱۰، ۵۱۷، ۶۳۹  
 سلمان فرسی ۹۸  
 سلمانی اتاج ۷۵۹، ۳۳۶  
 سلمانی (فصیح) ۴۴۴  
 سلیم (چپانگیس) ۳۶۳، ۳۶۵، ۴۱۶ -  
 ۴۱۷، ۴۳۰  
 سلیم (سلطان) ۴۱۶  
 سلیم (شاهزاده سلطان) ۵۴۲، ۶۵۵، ۶۶۸  
 سلیم آل عثمان (سلطان) ۳۸۲، ۲۸۸،  
 ۳۹۰ - ۳۹۱، ۴۷۶ - ۴۷۷، ۴۸۲  
 ۵۱۸، ۶۲۸، ۷۰۴

۶۴۹، ۵۵۱، ۵۳۹، ۵۴۷  
 سلطاننشاء بن ایل ارسلان ۹۳۰، ۹۲۶، ۷۲۶،  
 ۷۳۱  
 سلطاننشاء محمود ایل ارسلان خوارزمشاه  
 ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳۰، ۹۱  
 سلطاننعلی او بی ۶۲۱، ۳۴۵ - ۶۲۲  
 سلطاننعلی بن صدرالدین موسی (خواجه)  
 ۷۹۳  
 سلطاننعلی بن محمد شهیدی ۶۵۲  
 سلطاننعلی تیموری ۶۷۹  
 سلطاننعلی قاینی ۳۴۵  
 سلطاننعلی گنابادی (ملا) ۷۱۵  
 سلطاننعلی شهیدی (مولانا) ۲۲۷، ۴۶۴،  
 ۵۲۵، ۶۲۱ - ۶۲۲، ۸۳۷  
 سلطاننعلی هروی ۳۴۵  
 سلطاننقرای قزوینی ۴۶۱  
 سلطاننم ۴۹۲، ۴۷۳ - ۴۹۴  
 سلطان محمد ۲۸۴  
 سلطان محمد (ملاک) ۴۹۵  
 سلطان محمد (میرزا) ۲۴۸، ۲۹۴  
 سلطان محمد بدخشانی بدحشی ۳۰۶، ۵  
 سلطان محمد بن درویش محمد بلخی ۳۹۸،  
 ۸۰۸  
 سلطان محمد خدا بنده ۴۹۲ ر . محمد  
 خدا بنده  
 سلطان محمد خندان ۳۴۵  
 سلطان محمد درستم داری (ملاک) ۴۹۵  
 سلطان محمد رشتی (امیر) ۸۴۱  
 سلطان محمد ساقی استرآبادی (ملا) ۴۶۴  
 سلطان محمد سلطان میلکی ۵۴۵ - ۵۴۶  
 سلطان محمد سوم آل عثمان ۴۹۰  
 سلطان محمد صدقی استرآبادی (مولانا)  
 ۶۴۴، ۶۵۳  
 سلطان محمد عزمی تبریزی ۷۰۱  
 سلطان محمد غوری هروی ۲۵۱، ۲۷۷،  
 ۳۷۶، ۴۲۸، ۸۲۵  
 سلطان محمد قمی متخلص بسطان (ملاک)  
 ۶۱۳، ۵۲۸  
 سلطان محمد وصالی تبریزی ۷۰۷



سلیمان (میرزا) ۶۸۳، ۶۷۵  
 سلیمان آل عثمان ۳۹۸، ۳۸۸، ۲۶۸، ۳۲۷-۴۳۶، ۴۷۸، ۴۷۲، ۳۵۲، ۳۴۰-۳۲۸، ۴۷۷، ۴۷۲  
 ۶۹۶  
 سلیمان بن سلیمان آل عثمان ۳۵۶، ۴۸۰-  
 ۴۸۱  
 سلیم چشتی (شیخ) ۴۲۶، ۵۵۸، ۶۴۵، ۸۲۹  
 سلیم شاه سوری ۸۱۰  
 سلیم فتح پوری چشتی (شیخ) ۳۷۲  
 سلیم نیشاپوری ۶۹۴  
 سلیمه سلطان ۶۶۸  
 سلیمی (حسن بن علی تونی) ۳۰۱-۳۰۲  
 سلیمی (سلطان سلیم) ۳۷۹  
 سماکی استرآبادی (فخرالدین محمد بن حسین حسینی) ۳۷۴  
 سماوی ۱۷۸  
 سماری (عبدالله انبی) ۸۱۴  
 سماء الدین ۴۰۵  
 سماء الدین کتبو (شیخ) ۸۰۹  
 سماء الله دهلوی (شیخ) ۳۱۲  
 سماپی (بابا) ۳۴۵  
 سماپی (محمد هاشم) ۴۲۷  
 سماپی کحال ۶۵۲  
 سمبولیسم ۱۵۷، ۷۵، ۲۲۹، ۳۵۳  
 سمرقندی ۶۴۴، ۶۸۷  
 سمک عیار ۱۳۳  
 سموی تمریزی ۶۹۸  
 سناء الدین ارقم فارسی (امیر) ۱۰۳  
 سنایی دامغانی (تاج الدین حسن استرآبادی صدر الحفاط) ۳۲۵  
 سنایی رواسی ۱۸۱  
 سنایی غزنوی (محمد الدین ابوالمعد مجدودین آدم) ۴۴۱، ۷۴، ۷۶-۷۷، ۱۶۰، ۴۴۵، ۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵-  
 ۷۴۶  
 سنباد ۱۶۶  
 سنت ۳۵۰، ۳۳۳، ۱۲۵، ۱۲۲، ۷۴، ۵۶  
 ۳۵۴، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۸۱، ۴۷۲

سلیمان (میرزا) ۶۸۳، ۶۷۵  
 سلیمان آل عثمان ۳۹۸، ۳۸۸، ۲۶۸، ۳۲۷-۴۳۶، ۴۷۸، ۴۷۲، ۳۵۲، ۳۴۰-۳۲۸، ۴۷۷، ۴۷۲  
 ۶۹۶  
 سلیمان بن سلیمان آل عثمان ۳۵۶، ۴۸۰-  
 ۴۸۱  
 سلیم چشتی (شیخ) ۴۲۶، ۵۵۸، ۶۴۵، ۸۲۹  
 سلیم شاه سوری ۸۱۰  
 سلیم فتح پوری چشتی (شیخ) ۳۷۲  
 سلیم نیشاپوری ۶۹۴  
 سلیمه سلطان ۶۶۸  
 سلیمی (حسن بن علی تونی) ۳۰۱-۳۰۲  
 سلیمی (سلطان سلیم) ۳۷۹  
 سماکی استرآبادی (فخرالدین محمد بن حسین حسینی) ۳۷۴  
 سماوی ۱۷۸  
 سماری (عبدالله انبی) ۸۱۴  
 سماء الدین ۴۰۵  
 سماء الدین کتبو (شیخ) ۸۰۹  
 سماء الله دهلوی (شیخ) ۳۱۲  
 سماپی (بابا) ۳۴۵  
 سماپی (محمد هاشم) ۴۲۷  
 سماپی کحال ۶۵۲  
 سمبولیسم ۱۵۷، ۷۵، ۲۲۹، ۳۵۳  
 سمرقندی ۶۴۴، ۶۸۷  
 سمک عیار ۱۳۳  
 سموی تمریزی ۶۹۸  
 سناء الدین ارقم فارسی (امیر) ۱۰۳  
 سنایی دامغانی (تاج الدین حسن استرآبادی صدر الحفاط) ۳۲۵  
 سنایی رواسی ۱۸۱  
 سنایی غزنوی (محمد الدین ابوالمعد مجدودین آدم) ۴۴۱، ۷۴، ۷۶-۷۷، ۱۶۰، ۴۴۵، ۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵-  
 ۷۴۶  
 سنباد ۱۶۶  
 سنت ۳۵۰، ۳۳۳، ۱۲۵، ۱۲۲، ۷۴، ۵۶  
 ۳۵۴، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۸۱، ۴۷۲

سهروردی (طریقه) ۵۴۰، ۶۲۰، ۷۴۶، ۷۵۸	۶۸۱، ۶۷۵، ۵۸۶، ۴۹۷، ۴۹۳ ۸۴۱، ۸۳۳
سهروردی (شهاب الدین) ر. شهاب الدین	سنجانی (قاضی) ۶۸۸
سهروردی (ضیاء الدین ابوالنجیب) ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۹۶، ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۷۶	سنجر بن ملکشاہ ۸۰، ۷۷، ۶۳، ۲، ۸۷ - ۸۰، ۹۶، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱ - ۱۳۱، ۴۱۹، ۷۷۱، ۷۲۸، ۷۲۵، ۷۲۰
سهروردی ۱۴۱	سنجر کاشانی (میر) ۶۷۲، ۴۲۰
سهمی بخاری (ملا) ۸۲۱، ۴۲۶	سنجر میرزا بن نعمت الله ۶۴۴
سہوی تبریزی (کمال الدین) ۸۳۷، ۷۰۳، ۶۵۹	سنجری خراسانی ۸۸
سہوی تبریزی (میر حسن) ۷۰۳، ۶۵۹، ۸۳۷	سنسکریت ۱۸۵، ۳۶۰، ۳۶۳ - ۳۶۵، ۸۱۳، ۴۱۸، ۳۶۹
سہیل بلخی (ابوالمک) ۷۲	سنقر بن مودود (اتابیک) ۱۰۱، ۷۲۳
سہیل خان ۶۰۳	سنکی (مولانا) ۶۱۸
سہیلی ۲۲۶، ۲۵	سی ۲۵۱، ۲۲۲، ۳۳۴، ۳۵۲، ۳۶۲
سہیلی جغتایی (نظام الدین احمد) ۲۴۷، ۳۰۷	۴۰۹، ۴۳۲، ۴۷۷، ۴۹۸، ۵۵۹
سیافی ۵۴۶	۶۱۶، ۶۳۱، ۶۸۲، ۷۰۳ - ۷۰۴، ۷۰۶
سیاقی (نظام الدین علی) ۷۱۰، ۳۵۸	سنيان ۵۶۲، ۳۲۹
سیاقی دهلوی ۸۲۴، ۵۴۶	سني حنفي ۴۷۷
سیاقی هروی (میرزا محمود) ۵۹۸ - ۵۹۹	سوادى هروى ۳۴۵
سیاوشانی شهابی (محمود بن اسحق) ۴۶۴، ۴۷۶	سواشيواريه ۴۸۹
سیخها ۴۸۴	سوايى ساوجى ۵۲۹
سید ۸	سوداوى (مير) ۶۲۸
سیدانا ۵۷۶، ۶۳۹	سودايى ۳۳۰
سیدانای (شیر خواجہ) ۵۹۶	سودايى ابيوردى (بابا) ۳۰۰
سیداجل ۱۷۸	سودايى احمدآبادى ۴۶۷
سید اخیسکتی ۴	سودى بسنوى ۲۰۶، ۸۱۸، ۸۴۰
سیدالرؤسا (معین الملک ابوالمحاسن) ۵۴	سورآبادى (ابوبکر عتيق بن محمد) ۱۱۷
سیدالشعرا لبیبی خراسانی ۷۶، ۳۶	سوزنى سمرقندى (شمس الدین ابوبکر بن علی بن سلیمان) ۹۸
سیدبخاری ۱۷۸	سوزى اصفهانى ۵۲۲
سید بن طاوس ۶۹۱	سوزى ساوجى (حسنعلی) ۵۲۸ - ۵۲۹
سیدبیمکم (شاه ملک) ۳۴۹	سوسنى هروى ۳۴۵
سیدچاربردی (میرسید) ۶۴۲	سولاغ ۴۹۶
سیدجنابدی (امیر) ۵۰۸	سونجاق ۷۳۰
	سهايى (عبدالوهاب) ۳۴۵
	سهراب عالمی دارایگردی (میرزا) ۴۷۰، ۸۲۹

- سینزاده منشی ۳۴۵  
سینسردان (برهان‌الدین محقق ترمذی)  
۷۳۶  
سینشاه کسبی ۶۱۷  
سینشاهی متخلص سیدی ۵۴۷  
سید شریف طاهر عزالدین ابوالمکارم  
حمزه بن زهره حلبی ۷۳۴  
سینشیرازی ۱۷۸  
سینغزنوی ۱۷۸  
سینقزوینی ۱۷۸  
سینکابل (میر) ۳۴۵  
سینمیرزا (شرف‌الدین شاه عبدالله) ۲۴۶  
۷۸۱  
سیندھای دهلی ۲۲۶  
سیدی (سیندھای) ۵۴۷  
سیدی (ملا) ۷۵۲  
سیرابی اکبر آبادی ۶۵۲  
سیری (خواجہ ابوالقاسم) ۸۲۴  
سیری استرآبادی ۵۳۳  
سیری صجاوندی غزنوی ۵۴۶  
سیری طهرانی ۸۳۷، ۶۵۲  
سیری هروی ۳۴۵  
ثانی (ابراہیم) ۳۴۲  
اسفرننگ ۷۱۸، ۲۲۵، ۹۳، ۷۴  
الحکما ۵۴۱  
ینالدوله ابوالقاسم محمود بن ابراهیم  
غزنوی ۴۳  
الدین (شاه) ۲۲۵  
الدین ابوالمحامد محمد فرغانی  
۷۴۷  
فالدین ابوالمعالی سعید بن مطهر بن  
سعد بن علی فاندی باخرزی (شیخ -  
المالم) ۱۱۵، ۷، ۳، ۱۷۴، ۱۷۳  
۷۵۰ ۷۳۳  
فالدین ابوالمعالی سعید بن مطهر  
فاندی باخرزی ۱۱۵، ۷، ۳، ۱۷۴  
۷۵۰، ۷۳۳، ۷۲۴  
سینفالدین ابوالمفاخر سعید بن مطهر  
فاندی باخرزی ۱۷۴
- فالدین احمد بن تاج‌الدین حسن استرا -  
بادی ۲۴۵  
فالدین احمد تفتازانی ۸۰۹، ۸۰۶  
سینفالدین اسفرننگی ۷۴، ۹۳، ۲۲۵،  
۷۱۹  
فالدین اعرج ۲۲۵، ۹۳، ۷۴، ۷۱۹  
سینفالدین اعرج اسفرننگی معروف بسیف  
اسفرننگ ۷۴، ۹۳، ۲۲۵، ۷۱۹  
فالدین باخرزی ۷، ۳، ۱۱۵، ۱۷۴،  
۷۵۰، ۷۴۳، ۷۲۴  
الدین بن داملا شاه عباس اخیکندی  
۸۱۶  
الدین بن شمس‌الدین محمد بن عمر بن  
عبدالعزیز مازہ ۹۸  
سینفالدین بن علاء‌الدین حسین جہان‌سوز  
۱۲۲، ۸۹  
سینفالدین بن محمد بن یعقوب سینی هروی  
۱۹۷  
سینفالدین تبریزی ۶۹۸  
سینفالدین حاجی بن نظام عقیلی ۶۵،  
۲۵۶  
سینفالدین حسینی قزوینی (قاضی) ۴۳۹  
سینفالدین دبیر ۹۵  
سینفالدین دهلوی (شیخ) ۶۷۸  
سینفالدین سعید بن مطهر بن سعید بن علی  
باخرزی ۱۱۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۷۴۳،  
۷۵۰  
الدین سمرقندی ۱۸۱  
سینفالدین صوفی ۱۷۴  
الدین فرامرزی بن قجرالدوله رستم‌بن  
حسام‌الدوله شہر یار بن قارن (قطب -  
الملوک عمادالدوله) ۸۲-۸۳  
سینفالدین محمود اسمعانی رجایی ۵۰۰،  
۸۳۰  
سینفالدین محمود بن سنجر ننجوانی ۱۸۴  
سینفالدین محمود شمس (امیر) ۱۷۰  
سینفالدین مظفر بتکچی ۴۴۶  
فالدین ہارون تغلیسی ۱۷۸  
فالدین هروی ۱۸۱

شادی آبادی (محمد بن داود بن محمد بن محمود) ۳۹۶  
 شادی بخارا بی ۶۰۹  
 شار ابونصر محمد بن اسد ۷۱۵  
 شارستانی (خاندان) ۲۳۷  
 شارل پنجم ۴۸۳  
 شارل کن ۴۸۳-۴۸۴  
 شافعی ۶۶، ۶۹، ۷۳، ۷۴ - ۱۲۶، ۷۴، ۷۰۶، ۱۵۸، ۳۸۹، ۴۰۸  
 ۸۱۸، ۷۲۷  
 شافعیان ۱۰۱-۱۰۲، ۳۹۵، ۶۸۴، ۷۴۱  
 شافعی ایران ۱۵۳  
 شافعی نیشابور ۱۴۹  
 شاکر بخاری ۲۵  
 شاملو ۴۵۹، ۴۸۲، ۵۱۵  
 شانه (شیخ) ۶۳۵  
 شانی تکلو (وجیه الدین نسف آقا) ۴۱۳، ۵۰۵-۵۰۶  
 شانی کاشانی ۳۴۵  
 شاه (شیخ) ۴۸۱، ۶۰۹  
 شاه ابوالمظفر (بارک) ۲۵۸  
 شاه ابوتراب عریضی حسینی سلامی  
 شیرازی ۳۶۶  
 شاه بورجا غزنوی (شهاب الدین علی) ۷۸  
 شاه اسفرتنگی ۷۷۲  
 شاه بخت ۶۷۸  
 شاه بداق خان ۶۷۸  
 شاه بدخشان (علی) ۳۴۷  
 شاد بردی بیات ۳۶۲  
 شاه بیک خان ۵۶۵، ۵۸۷، ۵۹۱  
 شاه بیک لنگ حصار ی (میرزا) ۵۸۳  
 شاه بیکی فنایی (آقا) ۶۵۶  
 شاه جمشید خان اسحاقی ۴۸۹، ۵۲۰  
 شاه جویماری (میر) ۶۳۵  
 شاه جهان ۳۵۷، ۳۹۸، ۶۵۰، ۸۳۸  
 شاه جهان (جهانگیر هاشمی) ۳۴۸، ۴۰۹-  
 ۴۱۰  
 شاه جهان شهاب الدین محمد ۲۵۷، ۳۹۸،  
 ۴۲۵، ۵۳۷، ۶۵۰، ۸۳۸

سیف الدین هندو ۱۸۱  
 سیف الله قاتل هلالی جغتایی ۷  
 سیم الملوك دماوندی شجاعی ۵۴۱  
 سیف الملوك طهرانی (خواجه) ۵۰۰  
 سیف خان صوبه دار گجرات ۵۳۷  
 سیفعلی ۳۶۱  
 سیمعلی بیک ۳۶۱  
 فرغانی ۷۳۷  
 بایزدوی ۱۵۲  
 سیفی ۱۷۸  
 سیفی (یادگار بیک) ۳۰۶  
 سیفی حسینی قزوینی (میر عبداللطیف) ۴۰۶  
 (میر عبدالعظیم) ۴۹۲  
 سیفی حسینی رازی (قاضی مسعود) ۸۲۲  
 سیفی حسینی قزوینی (سادات) ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۹۷، ۸۲۳، ۸۲۵  
 سیفی خراسانی ۳۴۵  
 سیفی سنایی (مولانا) ۶۳۷  
 سیفی عروسی بخاری ۴۹۳، ۶۲۰  
 سیفی قزوینی (خاندان) ۴۹۷، ۸۲۳، ۸۲۵  
 سیفی نیشابوری (بدیع الزمان علی بن احمد) ۹۵  
 سیفی هروی (سیف الدین بن محمد بن یعقوب) ۱۹۲  
 سسب محوری (ابوعلی) ۲۲، ۳۵  
 سمحوری (ابوالفرح سگری) ۳۵  
 سی نیشابوری ۲۹۸-۲۹۹، ۷۸۷  
 سیواسی (امیر اسمعیل بن حسین ثوری) ۲۶۳  
 سیور غتمش ۱۷۴  
 سیونج محمد سلطان ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۳۲

**ش**

شاپور (شاه) ۴۱۱  
 شاپور اول ۱۳۰۹  
 شاپور ذوالاکتاف ۹  
 شاپور فریمی طهرانی پسر خواجگی (خواجه) ۵۱۳

شاهزاده عبدالعظیم ۱۲۷، ۴۴۱، ۴۵۲، ۶۶۲، ۴۷۳	شاه جهانگیر هاشمی ۴۰۹، ۲۴۸، ۴۱۰- شاه حبیب شیرازی ۵۶۶
شاهزنده (زین العباد عابد پیرمی لاری) ۷۰۸، ۱۸۰	شاه حسین اردوبادی ۶۹۸
شاهزین العباد عابد پیرمی لاری (زین العباد) بدین ۷۰۸، ۱۸۰	شاه حسین اصفهانی (میرزا) ۳۴۳، ۳۶۷، ۶۹۵، ۵۰۱، ۴۶۷، ۴۴۶
شاهسار ۲۵، ۲۱۵	شاه حسین بیک بن میرزا شاه بیک اصفهانی (میرزا) ۳۴۳، ۳۶۷، ۴۴۶، ۴۶۷، ۸۲۹، ۵۱۰
شاه سلیمان صفوی ۲۵۳	شاه حسین شاقی اصفهانی (میرزا) ۶۷۷
شاهسنان خواگی ۳۱۷، ۶۸۸، ۷۲۴- ۷۲۵	شاه حسین کامی اویسی (کمال الدین) ۲۳۱، ۳۳۳
شاه سیف الدین ۲۲۵	شاه حسین کامی هروری ۳۳۷، ۵۶۳
شاه شار ۷۱۵	شاه حسین ولی ۳۴۸
شاه شبلی ۳۴۵	شاه خلیل الله (برهان الدین) ۱۸۸
شاه شجاع آل مظفر ۲۰۱ - ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۵۲، ۷۵۵ - ۷۵۶، ۷۷۳	شاه خلیل الله (نور الدین) ۷۹۸
شاه شجاع کرمانی ۵۹۹	شاه داعی الی الله شیرازی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱، ۷۴۲، ۷۸۷، ۷۸۷، داعی شیرازی
شاه شرف الدین ابوعلی سالار فخر الدین پانی پتی ۱۹۷، ۲۲۷، ر. شرف الدین ابوعلی	شاه داعی دهلوی ۶۷۶
شاه صدر دیلمی ۶۷۸	شاه داعی بلگرامی (میر عبدالواحد حسینی واسطی) ۶۴۴
شاه ضیاء الدین کرمانی (ملا) ۶۸۵	شاه داعی مولوی ۴۶۸، ۸۲۹
شاه طاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی دکتی ۳۶۷، ۳۶۸ - ۳۸۵، ۴۸۹، ۸۰۳، ۵۶۶	شاه رح (میرزا) ۵۹۵، ۶۰۱، ۷۱۷، ۷۷۱- ۷۷۴، ۷۷۴
شاه طاهر دکتی ۳۶۷ - ۳۶۸، ۳۸۵، ۴۸۹، ۸۰۳، ۵۶۶	شاه رح بن ابراهیم میرزا (میرزا) ۵۸۵، ۶۰۱، ۵۹۵
شاه عادل لاری ۶۱۶، ۸۳۶	شاه رخ بن تیمور ۲۳۱، ۲۳۶ - ۲۳۸، ۲۴۸ - ۲۶۱، ۲۵۳، ۲۵۰ - ۲۶۳، ۲۷۴ - ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۹، ۴۹۶
شاه عالم بخاری (مخدوم) ۵۴۱	۳۰۷ - ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۸ - ۳۲۹، ۳۴۹، ۳۴۹، ۴۵۱، ۷۷۱ - ۷۷۲، ۷۷۴ - ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۸۱ - ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۰ - ۷۹۱، ۷۹۴ - ۷۹۹
شاه علی قلندر هندی ۷۰۹	شاه رح خان مهر دار ۴۶۲
شاه علی ابورحان غزنوی (شهاب الدین) ۷۸	شاه رضا شیرازی (حکیم) ۷۰۹
شاه علی بن سلیمان کمال ۲۴۵	شاه رضا فارسی (حکیم) ۶۷۶
شاه علی بن عبدالعلی ۲۹۱	شاهزاده بزرگ ۵۵۵، ۵۶۸
شاه علی بن عبدالله ۸۱۶	شاهزاده پرویز ۴۱۴، ۵۱۴
شاه عنایت الله ۳۴۶	شاهزاده طیب هاشمی ۶۱۱
شاه عنایت الله دیلمی ۶۷۸	
شاه قازق بن کیخسرو استندار ملک عازندران (ابوالمعالی فخرالدوله) ۱۸۷	

شاه محمد (ملا) ۳۴۵  
 شاه محمد حسینی مکرری مکی (میر ابو -  
 المقاهر) ۵۹۹ - ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۴۸  
 شاه محمد خان ۶۵۵  
 شاه محمد خدا بنده ر. محمد خدا بنده  
 شاه محمد خواجه ۶۴۲  
 شاه محمد شاه آبادی (ملا) ۳۶۹  
 شاه محمد طیب (حکیم) ۲۹۹  
 شاه محمد قزوینی (حکیم) ۳۳۷  
 شاه محمد قورچی ۳۴۵  
 شاه محمد هروی ۳۴۵  
 شاه محمود بن امیر مبارزالدین ۱۸۴،  
 ۲۰۸  
 شاه محمود جان ۳۴۵  
 شاه محمود رهی مشهدی ۵۲۶  
 شاه محمود طهرانی ۳۴۵  
 شاه محمود نیشابوری زرین قلم ۶۹۳  
 شاه مراد ۱۶۵، ۸۲۴  
 شاه مرتضی (میر) ۵۰۴  
 شاه قورچی ۵۷۴  
 شاه ملک (سید بیگم) ۳۴۹، ۶۴۵  
 شاه ملک (امیر) ۴۵۵  
 شاه ملک معروف بسید بیگم ۳۴۹  
 شاه منصور ۲۰۵  
 شاه میر (هبه الله حسینی) ۲۶۳  
 شاه میر وزیر ۵۰۵  
 شاه نظام سیهری ۲۳۴  
 شاه نعمه الله ولی ۶۴، ۱۸۷، ۱۹۰ -  
 ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۵۷، ۲۸۳، ۲۹۴  
 ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۴۱  
 ۴۰۹، ۴۳۵، ۵۲۵ ر. نعمه الله  
 شاه نقشبندی (میرزا) ۶۴۰  
 شاه ولد بیگ ۳۴۵  
 شاه ولی ۶۴، ۱۸۷، ۱۹۰ - ۲۱۷، ۲۲۶  
 ۲۵۷، ۲۸۳، ۲۹۴، ۳۱۱، ۳۲۱  
 ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۵، ۴۰۹  
 ۵۰۰، ۵۳۵، ۶۴۴، ۷۳۲  
 ۷۵۳، ۷۹۸، ۸۱۸، ۸۲۸ ر. نعمه الله  
 شاه ویردی چمدان اوغلی متخلص بنیوری

شاه غریب میرزا تیموری ۲۳۲، ۲۲۱،  
 ۶۴۳ - ۶۴۴، ۶۹۱، ۷۸۸  
 شاه غیاث ۵۵۶  
 شاه فتح الله ۳۲۲، ۳۵۷  
 شاه فنایی بدخشی ۵۷۷  
 شاهفور (عماد الدین ابوالمظفر بن ظهیر -  
 الدین محمد اسفرائینی) ۱۱۷، ۲۷۳،  
 ۷۱۷ - ۷۲۶  
 شاهفور اسفرائینی (ابوالمظفر) ۷۲۶  
 شاهفور اشهری نیشابوری ۱۸۰  
 شاهفور بن طاهر بن محمد مظفر اسفرائینی  
 (ابوالمظفر) ۱۱۷، ۲۷۳، ۷۱۷،  
 ۷۲۶ - ۷۲۷  
 شاهفور بن طاهر بن مظفر اسفرائینی (ابو -  
 المظفر) ۱۱۷، ۲۷۳، ۷۱۷، ۷۲۶ -  
 ۷۲۷  
 شاه قاسم نوربخشی (سید) ۲۷۴  
 شاه قاسم انوار ۲۹۱ ر. قاسم انوار  
 شاه قاسم بن منصور ۳۱۲  
 شاه قدرت الله ۸۰۳  
 شاه قطب الدین شکر الله ۳۶۶  
 شاهقلی ایغور ۲۴۵  
 شاهقلی بیگ ۶۷۷  
 شاهقلی خان بن حمزه سلطان استاجلو  
 ۳۹۹  
 شاهقلی خان قارنجه اوغلی استاجلو ۴۹۶  
 شاهقلی خان نارنجی ۴۲۴  
 شاهقلی حلخال ۵۸۱  
 شاهقلی روملو (کور) ۳۸۶  
 شاهقلی سلطان ۵۰۱  
 شاهقلی سلطان بدخشی ۵۵۲  
 شاهقلی میر آخور ۲۸۵  
 شاه قوام الدین نقیب ۴۵۰  
 شاه قیام الدین ۶۱۶  
 شاه کریم سمرقندی ۴  
 شاه کسبی (سید) ۶۱۷  
 شاهک هروی ۳۴۵  
 شاهکی اصفهانی (امیر) ۷۱۱  
 شاه محمد (حکیم) ۲۷۶ - ۲۷۷

شرحی جامی (مولانا) ۵۹۳  
 شرف ۲۲۶  
 شرف (شرف الدین علی یزدی) ۲۳۹  
 شرف (شرف الدین یعقوب) ۲۶۷  
 شرف اعرج ۱۷۸  
 شرف الدین (اخئی) ۷۳۳  
 شرف الدین (مختار سلطان) ۵۳۳  
 شرف الدین ابراهیم بن روزبهان ثانی  
 ۷۳۷، ۷۳۱  
 شرف الدین ابوالحسن علی بن اسمعیل  
 شرف الدین ابوالفضل حبیب بن ابراهیم  
 متطبیب نفلسی ۱۲۸، ۷۳۷  
 شرف الدین ابوالفضل فضل الله را  
 ۱۴۴  
 شرف الدین ابوطاهر یحیی بن طاهر بن  
 عثمان صوفی ۹۹  
 شرف الدین ابوعلی بن سالار فخر الدین بن  
 سالار حسن بن سالار عزیز بن ابوبکر  
 غازی بن فارس بن عبدالرحمن بن  
 عبدالرحیم بن محمد دایک بن ابوبکر  
 حنیفه نعمان بن ثابت یاتی پتی ۱۹۷،  
 ۷۲۷  
 الدین احمد بن ایزدیار (عربدا لزجان)  
 ۸۹  
 شرف الدین احمد بن رشید الدین فضل الله  
 ۷۳۱  
 فراهی ۹۱  
 شرف الدین احمد بن یحیی منیری ۲۵۸،  
 ۷۷۶، ۷۲۵  
 شرف الدین انوشیروان بن خالد بن محمد  
 کاشانی ۱۱۸-۱۱۹، ۷۲۷  
 شرف الدین بوسیری ۲۴۹، ۲۵۲  
 شرف الدین یانی پتی قلندر (ابوعلی)  
 ۱۹۷، ۷۲۷  
 شرف الدین پنجدهی ۹۳  
 شرف الدین تمریزی (ملک الشعراء) ۲۲۵  
 شرف الدین حاج محمد فراهی ۳۲۷  
 شرف الدین حسن بن محمد رامی تبریزی

۴۹۵  
 شاه همدان ۱۹۵ ر علی ثانی  
 شاهی بیک ۶۷۸  
 شاهی ثانی ۴۶۰  
 شاهی سزواری (امیر آقعلک بن جمال-  
 الدین فیروز کوهی) ۲۳۵، ۳۰۱،  
 ۶۲۲، ۵۲۳، ۵۰۸  
 شاهی کالی ۶۴۵  
 شاهی متخلص سیدی (سید) ۵۴۷  
 شاتکاره ۷۶۷  
 شستری (محمود) ۱۶۹، ۲۰۱ - ۲۰۲،  
 ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲،  
 ۷۵۴، ۷۵۵-۷۷۳، محمود  
 شستری  
 شلی (شاه) ۳۴۵  
 شجاع (درویش علی) ۳۴۵  
 شجاع (آل مظہر شاه) ۲۰۱-۲۰۲، ۲۰۵،  
 ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۵۲، ۷۵۵-۷۵۶،  
 ۷۷۳  
 شجاع الدین امیر حسین ۴۰۲  
 شجاع الدین درود باش (نظام الدین احمد-  
 ابن محمد بن احمد) ۷۵۸  
 شجاع الدین فضل رقمی ۵۱۵  
 شجاع الدین کرمانی ۷۴۲  
 شجاع الدین محمود اصغہانی (میر) ۵۰۲  
 شجاع تبریزی ۵۸۱  
 شجاع شیرازی ۲۶۰  
 شجاع کاشانی ۵۰۹، ۵۳۳، ۸۳۱  
 شجاع کرمانی (شاه) ۵۹۹، ۱  
 ع کورد ۵۰۹  
 شجاعی (علی بن محمد شیخ العالم) ۵۶  
 شجاعی دماوندی (سید الملوك) ۵۴۱  
 شجاعی نسوی ۴۹  
 شہادیان ۴۶  
 شراری استرآبادی ۳۴۵  
 شراری همدانی (عبدی بیک) ۵۳۲  
 شرامی ۲۷۹  
 شریقی (حافظ) ۳۴۵  
 شریقی هروی ۳۴۵

شرف‌الدین محمد بن ابوبکر تسفی (حسام-  
الائمه) ۱۰۰  
شرف‌الدین محمد بن عمر فرقدی خراسانی  
۹۱  
شرف‌الدین محمد بن مسعود بن محمد  
مسعودی ۱۵۲  
دمسعودی مروزی  
حنفی ۱۵۲، ۱۲۵، ۹۹  
شرف‌الدین محمد نقیب النعمای ری ۸۴  
شرف‌الدین محمود بن عبدالله فرغانی ۱۹۵  
شرف‌الدین محمود بن عبدالله مرقی ۳  
شرف‌الدین مرتضی ۱۷۸  
شرف‌الدین مقل کرمانی ۷۴۹، ۲۲۵،  
۷۲۲  
شرف‌الدین ملکی ۱۸۱  
شرف‌الدین منیری ۷۷۶، ۷۲۵، ۲۵۸  
شرف‌الدین میرک (علاء‌الملک) ۸۸  
شرف‌الدین هارون بن صاحب‌دیوان جوینی  
۱۸۰، ۱۶۸، ۱۴۷  
شرف‌الدین یعقوب ۷۶۷  
شرف الزمان ابوالمحاسن زین‌الدین  
ابوبکر جعفر بن اسمعیل ازرقی هروی  
۷۴، ۵۳  
شرف الزمان حسن بن حکیم ملای اصفهانی  
متخلص بشقایبی (حکیم) ۵۱۴-۵۱۵،  
۵۱۷  
شرف‌الملک ۶۶  
شرف‌الملک محمد شاه بن حاجی زوزنی  
خوافی (فخر‌الدین) ۷۳۳  
برسوی ۱۲۵  
ن مؤید بن ابوالفتح بن غالب بغدادی  
خوارزمی (مجدالدین ابوسمید) ۸۵-  
۷۲۳، ۱۲۰، ۱۱۶-۱۱۵، ۹۳، ۸۶  
شرف بیلقانی ۱۷۸  
شرف تبریزی (میرزا) ۵۸۰  
شرف جریادقانی ۱۷۸  
شرف جهان‌سیفی قزوینی (میرزا) ۳۳۹،  
۸۲۵، ۷۰۲، ۶۷۶، ۶۵۴، ۵۰۹  
۸۳۲  
شرف جهان قزوینی (قاضی) ۳۳۹، ۵۰۹،

شرف‌الدین حسین بن خواجه معین‌الدین  
احراری (میرزا) ۵۶۶  
شرف‌الدین حسین طباطبایی ۶۷۷  
شرف‌الدین خان بن شمس‌الدین بدلیسی  
(امیر) ۳۸۱  
شرف‌الدین ختلی ۴  
شرف‌الدین خضر یزدی ۷۶۸-۱۸۱  
شرف‌الدین رضا (سید) ۷۹۶  
شرف‌الدین رضا سبزواری (امیرسید)  
۳۰۵  
شرف‌الدین رواد (شیخ) ۷۲۳  
شرف‌الدین شاه عبدالله  
۷۸۱، ۲۴۶  
شرف‌الدین شفرو ۱۰۲، ۷۳  
شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی (خواجه)  
۶۹۰  
شرف‌الدین عبدالقهار سمرقندی (یا شریف-  
الدین) ۳۲۹، ۵  
شرف‌الدین عبدالؤمن محمد بن فضل‌الله بن  
هبة‌الله بن محمد بن هبة‌الله شفرو  
اصفهان ۱۰۲، ۷۳  
شرف‌الدین علی باقی ۸۲۹، ۶۵۹، ۴۶۸  
شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی  
۷۹۰، ۷۸۰  
شرف‌الدین علی بن ضیاء‌الدین حسین بن  
شرف‌الدین علی بن شمس‌الدین رضی  
یزدی ۲۴۸-۲۳۹، ۳۱۹، ۳۶۸  
۸۲۵، ۷۹۰، ۷۸۰، ۷۷۵  
شرف‌الدین علی مخدوم ۳۴۶  
شرف‌الدین علی یزدی ۲۴۸، ۵-۲۴۹،  
۳۱۹، ۳۶۸، ۷۷۵، ۷۸۰، ۷۹۰  
۸۲۵  
شرف‌الدین فضل‌الدراجی حسینی (ابو-  
الفضل) ۱۸۱، ۱۴۴، ۱۰۲  
شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی ۱۰۲، ۱۴۴،  
۱۸۱  
شرف‌الدین قلندریان پتی (ابوعلی بن سالار  
فخر‌الدین) ۲۲۷، ۱۹۷



۲۶۰، ۲۶۶، ۲۷۳، ۲۸۶، ۳۴۰  
۳۵۰، ۳۷۲، ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۶۸  
۴۷۲، ۴۹۷، ۵۵۲، ۶۸۲، ۷۵۳  
۷۹۰

شریف الدین نورالله توره  
شوشتری (قاضی) ۶۶۲  
شریف امامی اصفهانی هروی ۴۲۰  
شریف امامی اصفهانی ۴۵۳  
شریف باقی سیرازی (میر سید) ۴۶۸  
۴۶۸-۴۶۹، ۴۹۷  
شریف تبریزی ۴۲۷، ۴۳۶، ۴۶۴، ۸۲۸  
شریف تانی (امیر سید) ۴۶۸، ۴۹۷  
شریف خواجگی شیرازی ۶۴۵  
شریف سرمدی اصفهانی ۴۲۸، ۵۳۹،  
۸۲۲

شریف سرمدی اصفهانی فیضی ۴۲۸  
شریف شریفی سمرقندی (میرزا) ۵۹۱  
شریف شیرازی ۳۲۷  
شریف صدر اندجانی (محمد) ۶۲۹  
شریف عبدالله یعنی (میر عرب) ۶۳۳  
شریف علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسین  
(عربی) ۱۳۰  
فارسی ۴۲۸  
ت. ب. عالی (ابوذر سلمان بن احمد)  
۳۷۳

شریف قزوینی ۴۵۹  
شریف کاشانی ۵۷۸  
شریف گرگانی (میر سید) ۴، ۱۹۰، ۱۹۸،  
۲۶۰، ۲۶۶، ۲۷۳، ۲۸۶، ۳۴۰،  
۳۵۰، ۳۷۲، ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۶۸،  
۴۷۲، ۴۹۷، ۵۵۲، ۶۸۲، ۷۵۳  
۷۹۰

شریف معمای (سید) ۳۳۵  
شریف مکه (برکات) ۴۷۸  
شریف مهدی عمده اتی ۶۸۲  
شریف هروی (نظام الدین) ۷۸۰  
شریفی (میرزا مخدوم) ۳۵۰، ۴۶۸،  
۴۷۳، ۴۹۷-۴۹۸  
شریفی (میر مرتضی) ۴۵۷، ۵۵۲، ۶۸۲

۶۵۴، ۶۷۶، ۷۰۲، ۸۲۵، ۸۳۲

شرف جهان منیری ۷۷۶  
شرف خیابانی ۳۴۵  
شرف زردوز تبریزی ۸۳۸، ۶۸۲  
شرف ساوی ۱۷۸  
شرفشاه (شمس الدین) ۲۲۶  
شرفشاه گیلانی (سید) ۲۲۴  
شرفشاهی (آهنک) ۲۲۵  
شرفشاه شیرازی (خواجگی) ۴۶۸  
شرف شیرازی (میرزا مخدوم) ۴۹۸  
شرف صالح ۱۷۸  
شرف محمد ۱۷۸  
شرف مرافی ۱۷۸  
شرف معمای ۳۲۷  
شرقی نیازی (مولانا محمد) ۶۳۶، ۵۰۰  
شرمی قزوینی (مولانا) ۴۶۱  
شروانشاه ۱۷۸  
شروانشاه (ابوبکر بن محمد) ۱۰۷  
شروانشاه (خاقان منوچهر) ۱۰۳، ۱۰۶-  
۱۰۷  
شروانشاه (محمد بن اخستان) ۱۰۵  
شروانشاهان ۱۰۷، ۷۷۵  
شروانشاه علاء الدین فربر ۱۷۶  
شروانشاه کیگوس بن کیقباد ۷۶۹  
شروانشاه منوچهر بن فریدون (ابوالهیجا)  
۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷-  
شروان گرای (مبارز الدین) ۴۰۷  
شریف (حسین بن حسن بن محمد حسینی  
حنفی دیار بکری آمدی) ۶  
شریف (امیر سید) ۴۶۸، ۳۴۵  
شریف (خواج) ۳۸۲  
شریف (قاضی محمد شریف) ۶۵۲  
شرف (میر) ۴۲۳  
شرف آملی ۴۲۸  
شریف الدین بن شمس الدین شوشتری ۶۶۲  
شریف الدین عبدالقهار سمرقندی (یا شرف-  
الدین) ۳۲۹، ۵  
شریف الدین علی بن محمد حسینی حنفی  
گرگانی (میر سید) ۴، ۱۹۰، ۱۹۸،

شکر الله شروانی ۳۴۵  
 شکر اوغلی ۵۰۵، ۵۳۲، ۸۳۱  
 شکر گنج (فریدالدین) ۱۱۳، ۱۵۵-  
 ۱۵۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۷۲۵، ۷۴۸  
 ۷۵۹  
 شکری (شکر الله بن صفی الدین عیسی)  
 ۸۴۱  
 شکری (مولانا) ۶۲۸  
 شکری هرودی ۳۴۵، ۶۲۸  
 شکسته (خط) ۲۲۸  
 شکیمی اصفهانی (ملا محمد رضا بن خواجه  
 عبدالله) ۴۲۳، ۵۳۲، ۸۲۰  
 شکیمی تبریزی (مقصود دہلی) ۵۰۶  
 شمال بخاری (خواجه) ۲۲۵  
 شمالی دهستانی ۸۶  
 شمشال سلطان ۸۲۹  
 شمس اسعد گنجہ ۱۷۸  
 شمس الاعالی علی بن اسد بن حادث (امیر  
 ابوالعالی) ۶۲  
 شمس الائمة حلوائی ۶۵۳  
 شمس الدوله طغان شاه بن الہارسلان ۴۹-  
 ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵  
 شمس الدوله قاضی بیک ایدقمش ۱۲۵  
 شمس الدین آذربایجانی ۷۲۹  
 شمس الدین ایراہیم ۱۹۲  
 شمس الدین ابن حسام ۳۴۳  
 شمس الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن  
 عبدالله بن ابراہیم بن عرشاہ دمشقی  
 حنفی عجمی (یا شہاب الدین ابو محمد)  
 ۲۷۹  
 شمس الدین ابوالفتح محمد بن اسحاق ولی الله  
 ابن شمس الدین محمد قادری ملتانی  
 ۴۰۵  
 شمس الدین ابوالفتح محمد بن محمد بن  
 محمود حافظی بخاری پارسا (یا جلال-  
 الدین) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-  
 ۲۲۱، ۲۸۰، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
 شمس الدین ابوالفضل عبدالوہاب (یا  
 تاج الدین) ۲۸۰

شریفی بافی شیرازی (امیر سید) ۴۴۸،  
 ۴۶۸-۴۶۹، ۴۹۷  
 شریفی بلخی (صاحب) ۳۰۴  
 شریفی تبریزی (سید معین الدین محمد)  
 ۶۹۹  
 شریفی سمرقندی (میرزا شریف) ۵۹۱  
 سریہ سیراری ۳۴۵، ۵۴۷، ۵۵۲  
 سریہی شہدی ۳۴۵  
 شست کله (احمد بن منوچہر) ۸۸  
 شطاح (ابو محمد روز بیان بن ابو نصر بقلی)  
 ۱۰۹  
 شطرنجی سمرقندی (علی) ۹۹  
 شعوبیہ ۱۶  
 شعوری بخاری (ملا) ۶۲۹  
 شعوری تبریزی ۶۹۹  
 شعوری ترقی ۵۴۷  
 شعوری کاشانی (شاگردہ چشم) ۶۵۲، ۶۸۲  
 شعوری کاشانی ۶۸۲  
 شعوری نیشاپوری ۵۲۷  
 شفای شہدی ۸  
 شغایی (محمد علی) ۳۴۵  
 شغایی اصفہانی (شرب الزمان حسن بن  
 حکیم ملا) ۵۱۴-۵۱۵، ۵۱۷  
 شغایی اصفہانی (مظفر بن محمد حسینی)  
 ۳۹۹، ۵۱۷، ۸۰۲، ۸۰۸  
 شہرہ (شرب الدین) ۷۴، ۱۰۲  
 شہرہ (عزیز) ۱۷۸  
 شغیی اردوبادی (ضیاء الدین) ۲۹۳  
 شغیی معمائی (امیر حسین) ۳۴۵  
 شتیق بلخی ۱۹  
 شکافی (حسین بن علی) ۴۰۱  
 شکر اوغلی ۵۰۵، ۵۳۲، ۸۳۱  
 شکر الله (شاه قطب الدین) ۳۶۶  
 شکر الله احمد اوغلی ۱۴۷  
 شکر الله بن احمد (مولی) ۲۷۲  
 شکر الله بن احمد اوغلی ۷۳۲  
 شکر الله بن امام شہاب الدین احمد بن امام  
 زین الدین زکی رومی ۲۳۹  
 شکر الله بن صفی الدین عیسی شکری ۸۴۱

۶۹۹ (ملا)  
 الدین جزری ۲۳۶، ۲۹۵  
 الدین جوینی ۲۴۱  
 شمس الدین حاجی بچہ پستی ۹۵  
 شمس الدین حکیم سمرقندی (سید) ۲۷۲  
 شمس الدین خالہ ۸۵-۸۶، ۹۴  
 شمس الدین خبیبی فہمی (میر) ۴۶۲، ۸۲۷  
 شمس الدین داعی حسینی نسفی ۱۰۰  
 شمس الدین درود ۲۲۵  
 شمس الدین رضی فیثا پوری ۷۹  
 شمس الدین روحی ۶۱۳  
 شمس الدین سمرقندی ۱۸۱  
 شمس الدین سہروردی ۷۳۲  
 شمس الدین سید حکیم سمرقندی ۲۷۲  
 شمس الدین شرفشاہ ۲۲۶  
 شمس الدین ششتی ۷۱۸  
 شمس الدین شمس خلف ۶۰۴-۶۰۵  
 شمس الدین صاحب دیوان جوینی ۸۰، ۲  
 ۹۴-۹۵، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳  
 ۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴  
 ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۳۲، ۷۴۰-  
 ۷۷۰، ۷۴۹، ۷۴۱  
 شمس الدین صابن محمود قاضی ۲۲۶  
 شمس الدین طمس ۹۳، ۷۴  
 شمس الدین عبدالکریم ابرقوہی ۱۸۱  
 شمس الدین عبداللہ بنجیری (ابو محمد)  
 ۷۶۹، ۷۶۱  
 شمس الدین عبدالوہاب (یا تاج الدین  
 ابوالفضل) ۲۸۰  
 شمس الدین عجمی گرگانی ۶۸۶  
 شمس الدین علی امیر) ۸۳۰  
 شمس الدین عای بن حسن ۹۸  
 شمس الدین فضل اللہ بن صدیق الدی  
 ۷۴۱  
 شمس الدین فساری ۲۷۵، ۲۸۰  
 شمس الدین فواس تریزی ۶۹۹  
 شمس الدین کاش ۲۴۶  
 شمس الدین کججی ۷۶۴

شمس الدین ابوالمظفر محمد شاہ بھمتی  
 ۷۷۶، ۲۵۹  
 شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قزاقوغلی  
 سبطا بن الجوزی ۱۶۷  
 شمس الدین ابوبکر بن مجد الدین حسن  
 یزدی ۷۷۵  
 شمس الدین ابوبکر کورت (ملک) ۲۱۹  
 شمس الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان  
 سوزنی سمرقندی ۹۸  
 شمس الدین ابو محمد احمد بن محمد بن  
 عبداللہ بن ابراہیم بن عربشاہ دمشق  
 ابن عربشاہ (یا شہاب)  
 الدین ابوالعباس) ۲۷۹  
 شمس الدین ابو محمد عبداللہ بنجیری  
 شیرازی ۷۶۹، ۷۶۱، ۷۷۰  
 شمس الدین احمد افلاکی ۸۱۷، ۱۳۳  
 شمس الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا  
 کمال پاشا زادہ یا ابن کمال پاشا  
 ۸۱۱-۸۱۰، ۳۹۵  
 شمس الدین احمد بن محمود قاضی زادہ  
 مفتی (یا بدر الدین) ۳۸۸  
 شمس الدین اقطع (قاضی) ۱۷۸  
 شمس الدین التمش (سلطان) ۱۵۲، ۹۷  
 ۱۷۰، ۱۷۲، ۷۱۹، ۷۴۴  
 شمس الدین الیاس میدانی ۱۷۸  
 شمس الدین باقانی بلخی ۱۰۰  
 شمس الدین بردعی حمدی ملا زادہ و بردعی  
 زادہ ۳۴۰  
 شمس الدین بن سراج الدین بن عقیب الدین  
 ۷۶۰، ۱۸۶  
 شمس الدین بن صفی الدین اردبیلی ۲۱۲  
 شمس الدین بن عزالدین کیشی (ملک)  
 ۷۵۰  
 شمس الدین بن کمال الدین محمد (مظفر)  
 الدین ابوالہازی) ۲۵۶  
 شمس الدین بن محمود بن علی چہر می ۲۸۳  
 شمس الدین بن ناصر الدین شیرازی ۲۲۴  
 شمس الدین تریزی ۱۵۹، ۲۱۴  
 شمس الدین تریزی معروف بشمسای صغیر

شمس الدین کرمانی (میر) ۶۷۴  
شمس الدین کیومرث ۷۵۱  
شمس الدین گلستانی ۲۲۶  
شمس الدین لغری ۸۸  
شمس الدین لاهیجی (قاضی) ۶۸۳  
شمس الدین لطیفی ۳۴۷  
شمس الدین ماوراءالنہری (مولانا) ۶۳۱  
شمس الدین محمد ۲۳۷  
شمس الدین محمد (میر) ۴۹۷  
شمس الدین محمد آنکہ غزنوی (میر)  
۵۴۹، ۴۴ - ۵۴۳، ۴۱۸  
شمس الدین محمد اسد ۳۲۹  
شمس الدین اصفہانی ۷۵۱  
شمس الدین محمد اندھانی (میرسربرہنہ)  
۳۲۷، ۵  
شمس الدین محمد بشکچی ۴۴۶  
شمس الدین محمد بخاری معمای ۲۳۳، ۵  
شمس الدین محمد بن ابوبکر کورت ۱۷۹،  
۲۰۶  
شمس الدین محمد بن احمد خفزی ۳۶۷،  
۸۴۱، ۸۳۸، ۳۸۵  
شمس الدین محمد بن اسحاق ولی اللہ بن  
شمس الدین محمد قادری ملتانی  
(ابوالفتح) ۴۰۵  
شمس الدین محمد بن اشرف حسنی سمرقندی  
۲۶۶  
شمس الدین محمد بن ایل طغان بردسیری  
کرمانی ۷۴۵، ۷۴۳، ۷۳۲، ۱۰۹  
شمس الدین محمد بن ابوالسیدین حافظ  
شیرازی ۲۰۵، شمس الدین محمد  
حافظ  
شمس الدین محمد بن بہاء الدین محمد  
جوینی صاحب دیوان ۲، ۸۰، ۹۴ -  
۱۳۵، ۹۵ - ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳،  
۱۶۱ - ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴،  
۱۸۰، ۱۸۴، ۲۲۲ - ۲۲۳، ۲۴۰ -  
۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰  
شمس الدین محمد بن خلیل الدین حضرت شاہ  
بن قطب الدین مسعود یزدی (امیر)  
۷۵۲، ۱۸۴، ۴

۷۶۷  
شمس الدین محمد بن حکیم کیشی ۱۳۸،  
۷۵۰  
شمس الدین محمد بن حمزہ فناری ۲۷۵،  
۲۸۰  
شمس الدین محمد بن شریف حسین گرگانی  
۲۷۳، ۳۲۷، ۷۵۳  
شمس الدین محمد بن طاهر قاضی تبادکاتی  
۲۱۸  
شمس الدین محمد بن طغان کرمانی برد -  
سیری ۱۰۹، ۷۲۲، ۷۴۳، ۷۴۵  
شمس الدین محمد بن عبدالکریم طبسی  
(قاضی) ۷۳، ۹۳  
شمس الدین محمد بن عبداللہ کاتبی نیشابوری  
ترشیزی (پهلوان) ۲۹۷ - ۲۹۹،  
۳۰۴، ۵۱۶، ۵۳۳، ۵۵۹  
شمس الدین محمد بن عبدالملک دیلمی  
۷۵۰  
شمس الدین محمد بن عزالدین عاذک بن  
یوسف محمد شیرین شمس ہنری تبریزی  
۲۰۹، ۲۳۵، ۷۶۲ - ۷۶۳  
شمس الدین محمد بن علاء الدین مسعود بن  
محمد بن علی اندخودی ۹۵  
شمس الدین محمد بن علی اسیری لاهیجی  
۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۲، ۷۶۱ - ۷۶۳،  
۷۸۹  
شمس الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی  
ہروردی ۱۰۰  
شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد  
تبریزی ۸۰، ۱۵۹ - ۱۶۰، ۱۷۳،  
۲۱۴، ۷۳۶ - ۷۴۴، ۸۰۳  
شمس الدین محمد بن علی کاشانی ۱۰۰،  
۲۱۶  
شمس الدین محمد بن علی واک، وی ۱۵۳  
شمس الدین محمد بن عمر بن عبدالعزیز مارہ  
۹۸  
شمس الدین محمد بن فخر الدین ہندوشاہ  
ابن سنجر بن عبداللہ صاحبی کیرانی  
نہجوانی ۴، ۱۸۴، ۷۵۲

شمس‌الدین محمد بن قیس راری ۱۲۹، ۱۴۰  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد حافظ شیرازی ۵-۴  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد ظاهر تبادکانی طوسی (قاضی) ۷۸، ۱  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری پارسا (یا جلال‌الدین ابوالفتح) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۲۱، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
شمس‌الدین محمد بن محمود آملی ۱۸۴  
الدین محمد بن محمود زابی (قاضی) ۹۵  
شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری ۳۰۱  
شمس‌الدین محمد بن مؤید بغدادی شمس خاله ۸۵-۸۶، ۹۴  
شمس‌الدین محمد بن میر شریف گرگانی ۲۷۳، ۳۲۷، ۷۵۳  
شمس‌الدین محمد بن نصیر سگزی ۹۱  
شمس‌الدین محمد بن هندو شاه منشی نخبجویانی ۴، ۱۸۴، ۷۵۲  
شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی اسیری نوربخشی لاهیجی ۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۲، ۷۴۱-۷۸۹، ۷۴۲  
شمس‌الدین محمد تازیگوی ۷۴۰  
شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی ۲۶۳، ۳۲۸  
شمس‌الدین محمد جوینی ۹۴  
الدین محمد حافظ شیرازی ۴-۵، ۱۰۱، ۱۵۹، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۲  
۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۵۶-۲۵۷  
۲۶۷، ۲۸۲، ۳۲۲-۳۳۳، ۳۵۳  
۳۹۳، ۴۱۳، ۴۲۳، ۴۴۶، ۴۶۱  
۴۶۶، ۷۵۶، ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۵  
۷۶۸-۷۷۰، ۷۷۳، ۷۹۳، ۸۰۲  
۸۱۸، ۸۲۳، ۸۴۰  
الدین محمد حروفی ۳۴۵  
الدین محمد خان اتکه‌غن نوی ۴۱۸

۵۴۹، ۵۴۴-۵۴۳  
شمس‌الدین محمد خفزی ۳۶۷، ۳۸۵، ۸۲۱، ۸۳۸  
شمس‌الدین محمد خوجانی ۱۸۱  
شمس‌الدین محمد شیرین مغربی ۲۰۹  
شمس‌الدین بن عزالدین  
شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی ۸۰، ۹۴-۹۵، ۱۳۵، ۱۳۶-۱۳۷، ۱۵۳، ۱۶۱-۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۸۰-۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۴۰-۲۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰  
شمس‌الدین محمد عجیبی گوزگانی ۹۱  
شمس‌الدین محمد عرب ۲۲۸  
الدین محمد عصار تبریزی ۲۰۳، ۳۴۱  
مس‌الدین محمد علمی لاری افضل خان ۶۴۵-۶۴۶  
شمس‌الدین محمد غزنوی اتکه‌خان اعظم (میر) ۴۱۸، ۵۴۳-۵۴۴، ۵۴۹  
شمس‌الدین محمد قهستانی ۶۱۹  
شمس‌الدین محمد کاتب بلخی ۹۵  
شمس‌الدین محمد کرمانی (امیر) ۴۴۴  
الدین محمد کلانتر (میر) ۶۷۸  
الدین محمد کهکین ۲۱۹  
الدین محمد کیشی ۱۳۸، ۷۵۰  
الدین محمد لطیفی ۳۴۷  
الدین محمد مبارکشاه بن الاغز سگزی (سید) ۷۸  
الدین محمد محلی ۲۴۷  
شمس‌الدین محمد محقق خفزی ۳۶۷، ۳۸۵، ۸۲۸، ۸۴۱  
شمس‌الدین محمد معمای بی بخاری ۲۳۳  
شمس‌الدین محمد منوکه نسفی ۹۵  
شمس‌الدین محمد هاشمی اصفهانی (امیر) ۶۴۷  
شمس‌الدین محمود بلخی ۹۵  
شمس‌الدین محمود شیرین مغربی ۲۰۹  
شمس‌الدین مسعود ۱۷۸  
شمس‌الدین مطهر بن احمد جام ۷۲۱

۱۲۹، ۱۴۰  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد حافظ شیرازی ۵-۴  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد ظاهر تبادکانی طوسی (قاضی) ۷۸، ۱  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری پارسا (یا جلال‌الدین ابوالفتح) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۲۱، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
شمس‌الدین محمد بن محمود آملی ۱۸۴  
الدین محمد بن محمود زابی (قاضی) ۹۵  
شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری ۳۰۱  
شمس‌الدین محمد بن مؤید بغدادی شمس خاله ۸۵-۸۶، ۹۴  
شمس‌الدین محمد بن میر شریف گرگانی ۲۷۳، ۳۲۷، ۷۵۳  
شمس‌الدین محمد بن نصیر سگزی ۹۱  
شمس‌الدین محمد بن هندو شاه منشی نخبجویانی ۴، ۱۸۴، ۷۵۲  
شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی اسیری نوربخشی لاهیجی ۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۲، ۷۴۱-۷۸۹، ۷۴۲  
شمس‌الدین محمد تازیگوی ۷۴۰  
شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی ۲۶۳، ۳۲۸  
شمس‌الدین محمد جوینی ۹۴  
الدین محمد حافظ شیرازی ۴-۵، ۱۰۱، ۱۵۹، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۲  
۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۵۶-۲۵۷  
۲۶۷، ۲۸۲، ۳۲۲-۳۳۳، ۳۵۳  
۳۹۳، ۴۱۳، ۴۲۳، ۴۴۶، ۴۶۱  
۴۶۶، ۷۵۶، ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۵  
۷۶۸-۷۷۰، ۷۷۳، ۷۹۳، ۸۰۲  
۸۱۸، ۸۲۳، ۸۴۰  
الدین محمد حروفی ۳۴۵  
الدین محمد خان اتکه‌غن نوی ۴۱۸

شمس ۷۱۸-۷۱۷ شمسی  
شمسی (امیر سیف‌الدین محمود) ۱۷۰  
شمسی اصفهانی ۲۲۶  
بدخشانفی ۲۴۵  
بغدادی ۵۳۴  
شمسی دهستانی ۹۵  
شمسی شروانی ۶۹۹  
شمسی ۲۵  
معنی (شارح دیوان حافظ) ۲۰۶  
شمسی (مولانا) ۸۱۷  
شوخی کهشدوز ۶۱۸  
شوریده هروی ۲۴۵  
شوقی (شیخ علی خواجه) ۶۴۱-۶۴۰  
شوقی اندخوینی ۶۱۸  
شوقی بخارایی ۶۰۸  
شوقی تبریزی ۸۳۷، ۶۵۳  
شوقی جیجکت‌تونی ۲۴۵  
شوقی داراجردی ۶۵۳  
شوقی هروی ۲۴۵  
شوقی یزدی ۸۲۷، ۶۵۲، ۴۶۹  
شوقی یزدی ۶۵۲  
شوکتی (میرزا قاسم) ۵۷۸  
شوکتی دهلوی (میرزا ابوالقاسم) ۴۶۹  
شهاب (مولانا) ۲۴۵  
شهاب اسفراینی ۱۷۸  
شهاب‌الدین ابن عرب‌شاه (ابوالعباس) ۲۷۹  
شهاب‌الدین ابوالحسن طلیح‌مروزی ۸۸  
شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن  
عبدالله بن ابی‌اهم بن عرب‌شاه دمشق  
حنفی صحنی ابن عرب‌شاه (یا شمس‌الد-  
ین ابو محمد) ۲۷۹  
شهاب‌الدین ابوالفتح  
امیرک سهروردی شیخ اشراق ۱۱۰  
شهاب‌الدین ابوجحفص عمر بن محمد بن عبدالله  
سعد بن  
نصر بن قاسم بن محمد بن عبدالله بن  
عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن  
ابوبکر بکری سهروردی ۱۴۱ ،  
۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲، ۴۲۹-

شمس‌الدین مکی (شیخ) ۱۸۸  
شمس‌الدین منصور بن محمد اوزجندی  
صدرالشریعه ۱۰۰  
شمس‌الدین هوی دراز ۷۴۱  
شمس‌الدین ولوالجی ۱۰۰  
شمس‌الدین هروی ۱۷۸  
شمس‌الدین هروی خوشنویس ۷۹۷، ۷۷۱  
الکرجی (صدر علی) ۱۸۱  
شمس‌الکفات ابوالقاسم احمد بن حسن  
میهندی ۴۵، ۳۵-۲۴  
شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر ۲۶۸، ۲۳  
المعالی محمد کیا گران ۲۷۱  
شمس‌الملوک رستم بن اردشیر باوندی  
(نصیر الدوله) ۱۲۹  
شمس‌توری ۴  
شمس‌اوحدی ۱۸۱  
شمس‌اهری ۱۷۸  
شمس‌ای صغیر (ملا شمس‌الدین تبریزی)  
۶۹۹  
شمس‌بخارایی ۹۴  
شمس‌پس‌ناصر ۲۲۴  
شمس‌پس‌ناصر ۲۲۴  
شمس‌تبریزی ۱۵۹، ۸۰-۱۶۰، ۱۷۳،  
۸۰۳، ۷۴۴، ۷۳۶-۷۳۵، ۲۱۴  
شمس‌حاسبی ۹۵  
شمس‌خاله ۸۵-۹۴، ۸۶  
شمس‌حلف (شمس‌الدین) ۶۰۴-۰۵  
شمس‌سازجی ۲۲۶  
شمس‌سراج‌غنیف ۱۸۶، ۷۶۰  
شمس‌عمر گتجه ۱۷۸  
شمس‌فخری ۱۴۸  
کافی ۲۲۶  
مغربی (محمد بن عزالدین بن عادل  
ابن یوسف تبریزی محمد شیرین)  
۷۶۳-۷۶۲، ۲۲۵، ۲۰۹  
منشی (شمس‌الدین محمد بن هندو  
شاه) ۷۵۲، ۱۸۴، ۴  
مس‌نجاشی ۱۷۸  
شمس‌وزیر ۲۶۲

۷۲۷، ۷۲۱، ۲۱۵، ۱۰۹  
 شهاب‌الدین زاوی ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۴۵، ۲۶۵  
 ۷۷۹  
 شهاب‌الدین سلیمان شاه پیر جم ایوانی ۱۵۸  
 ۱۸۰  
 شهاب‌الدین سهروردی ۱۴۱، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۳۲۹، ۴۳۰، ۶۲۹، ۷۲۲، ۷۲۴-۷۲۵، ۷۲۱، ۷۲۷-۷۲۸  
 ۷۳۶، ۷۴۳، ۷۴۱، ۷۳۸  
 شهاب‌الدین شاه علی ابورجا غزنوی ۷۸  
 شهاب‌الدین شهابی قزاق خجندی ۹۹-  
 ۱۰۰  
 شهاب‌الدین صابر بن اسمعیل ترمذی ادیب  
 صابر ۷۳۰-۸۳، ۸۴، ۷۱۹  
 شهاب‌الدین صاحب‌الشیفای ۷۹  
 شهاب‌الدین صیرفی ۷۳۲  
 شهاب‌الدین عبدالله آشپز ۳۴۱  
 شهاب‌الدین عبدالله بن زین‌الدین لطف‌الله  
 بن عبدالرشید بهداد فی خوافی حافظ  
 ابرو ۲۳۷-۲۳۸، ۷۷۴  
 شهاب‌الدین عبدالله بن شمس‌الدین مروارید  
 کرمانی ۶، ۲۵۹-۲۶۰، ۳۱۸، ۳۱۴، ۶۲۲، ۷۷۷  
 شهاب‌الدین عین‌الله بن حسام‌الدین بن  
 عماد‌الدین عمر بن کمان‌الدین صمصام  
 ابر شمس‌الد  
 نسبی ۷۸۵  
 شهاب‌الدین علی فرشی زخو طوی ۲۹۵  
 شهاب‌الدین عمر بن محمد بن عبدالله بکری  
 سهروردی ۱۴۱ ر شهاب‌الدین ابو-  
 حفص و شهاب‌الدین سهروردی  
 شهاب‌الدین عمیق بخاری ۹۶-۹۷  
 شهاب‌الدین خوری ۱۵۶  
 شهاب‌الدین فضل‌الدین بهاء‌الدین حسن بن  
 محمد یمان بن علی بن حسین بن  
 محمد بن هاشم بن حسن بن علی بن  
 هاشم بن محمد بن جعفر بن امام موسی  
 کاظم ۲۶۴  
 شهاب‌الدین کمال ۲۲۶

۷۲۵ - ۷۲۴، ۷۲۲، ۶۲۹، ۴۳۰  
 ۷۳۲، ۷۳۱، ۷۳۸-۷۲۷، ۷۳۱  
 ۷۴۶  
 شهاب‌الدین ابورجا علی غزنوی ۷۸  
 شهاب‌الدین ابوسعید کرمانی ۱۴۹  
 شهاب‌الدین ابوعبدالله فضل‌الله بن تاج-  
 الدین ابوسعید بن حسین بن یوسف  
 توران پستی ۱۵۳  
 شهاب‌الدین ابو محمد احمد بن محمد بن  
 عبدالله بن ایراهیم بن عرب‌شاه دمشقی  
 حنفی عجمی ابن عرب‌شاه (یا شمس-  
 الدین ابوالعباس) ۲۷۹  
 شهاب‌الدین احمد بن حجر عسقلانی ۱۲۲،  
 ۶۸۲  
 شهاب‌الدین احمد بن حجر هیثمی ۳۸۱،  
 ۸۲۹، ۸۱۹، ۳۹۴  
 شهاب‌الدین احمد بن مؤید شهابی نسوی  
 سمرقندی ۹۹  
 شهاب‌الدین احمد حقیری هروی ۳۲۶،  
 ۳۴۴  
 شهاب‌الدین احمد خان ۴۲۵، ۵۴۴  
 شهاب‌الدین اسمعیل بن احمد جام ۷۲۱  
 شهاب‌الدین اسمعیل حصاری ۳۲۹  
 شهاب‌الدین اصفهانی (شیخ) ۶۶۶  
 شهاب‌الدین امیرسید عبدالله بن محمد بن  
 عبدالصی بن علی طوسی برزنج آبادی  
 ۳۲۰، ۳۲۳، ۶۲۹، ۷۵۴، ۸۴۱  
 شهاب‌الدین بلیانی ۲۲۶  
 شهاب‌الدین بن جمال‌الدین بداونی (شهاب  
 مهمره) ۱۷۵، ۲۲۶  
 شهاب‌الدین بن شمس‌الدین عمر دولت آبادی  
 راوی ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۶۵، ۷۷۹  
 شهاب‌الدین بن کمال‌الدین سمنانی ۲۲۶  
 شهاب‌الدین خجندی ۱۸۱  
 شهاب‌الدین خیابانی ۲۹۵  
 شهاب‌الدین دولت آبادی ۲۴۵، ۲۵۴،  
 ۷۷۹، ۲۶۵  
 شهاب‌الدین روزبهان بن ابونصر بتلیسی  
 سرازری معروف بشطاح یا شطاح قارم

بداوتی (۱۷۵، ۲۲۶)  
 شهاب هروی ۳۴۵  
 شهابی ۷۶۹  
 شهابی (حسن بن علی) ۸۸  
 شهابی (محمود بن اسحق سیاوشانی) ۴۶۴  
 ۴۷۶  
 شهابی سعیدی (محمد صادق) ۷۲۸  
 شهابی غزال خجندی (شهاب الدین) ۹۹-  
 ۱۰۰  
 شهابی نسوی سمرقندی (شهاب الدین احمد  
 ابن مؤید) ۹۹  
 شهدی بدخشانی ۵۹۲  
 شهدی غولنکائی (دیوانه) ۶۰۲  
 شهرتی ورفزی تاشکندی ۵۷۷  
 شهرزوری (شمس الدین محمد بن محمود)  
 ۴۰۱  
 شهرستانی (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم)  
 ۴۵۰، ۱۲۶  
 شهرستانی (جمال الدین محمد بن محمود)  
 ۲۷۳  
 شهر نوش ملک مازندران (اسپید اسپیدان)  
 ۲  
 شهرة آفاق ۲۵  
 شهریار بن بهمنیار فارسی ۳  
 شهر بارزوزنی ۱۷۸  
 شهر یاری خراسانی ۹۵  
 شهفور ۷۲۷  
 شهباد شروانی ۷۸۳  
 شهر دان بن ابوالخیر رازی ۶۳، ۷۰، ۷۱۷  
 شهنشاه غازی رستم بن علی بن شهریار ۱۲۹  
 شهودی ۳۴۵  
 شهودی (میر حسین) ۵۳۷  
 شهودی یزدی (مولانا) ۵۶۲-۵۶۳  
 شهودی یزدی (میرزا محمد علی) ۶۸۳  
 شهیدان کربلا ۴۴۳  
 شهید بلخی ۳۱  
 شهید بن حسین وراق بلخی (ابوالحسن)  
 ۲۱  
 شهید ثالث (قاضی نورالله) ۳۸۱

شهاب الدین محمد بن ابو رشد رشید بن  
 محتاج ریسی ۷۹  
 شهاب الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد  
 منشی نسوی زیدری (یا مؤید الدین) ۲  
 شهاب الدین محمد بن الصائغ غزنوی ۹۵  
 شهاب الدین محمد بن همام ۹۵  
 شهاب الدین محمد چاچرمی ۲۸۶  
 شهاب الدین محمد شاه جهان ۳۵۷، ۳۹۸  
 ۸۲۸، ۶۵۰، ۵۳۷، ۴۳۵  
 شهاب الدین محمد علی بن جمال الاسلام  
 (شهاب منشی) ۲۶۰  
 شهاب الدین محمد ثقی ۱۰۰  
 شهاب الدین محمود شاه بهمنی ۷۹۷  
 شهاب الدین مسعود - پیر جانی ۱۹۷، ۲۳۵  
 شهاب الدین مظفر بن ابو ذر قیزدانی خوافی  
 مظفر خوافی ۷۷۰  
 شهاب الدین معمای قمی (رئیس) ۵۲۸،  
 ۶۸۳، ۶۱۲  
 شهاب الدین مقتول ۱۱۰  
 شهاب الدین ملک الحبال ۱۲۲، ۸۹  
 شهاب الدین مهره ۱۷۵، ۲۲۶  
 شهاب الدین هروی ۶۸۳  
 شهاب الدین یحیی بن حبیب بن امیرک  
 سیروودی شیخ اشراق (ابوالفتح)  
 ۱۱۰  
 شهاب الله خان ۴۵۶  
 شهاب اثر شیزی (علی) ۲۹۸، ۳۰۴  
 شهاب خواری ۱۷۸  
 شهاب دفتر خوان ۱۷۸  
 شهاب سرخسی ۱۷۸  
 شهاب کافندی ۱۷۸  
 شهاب کمال (شهاب الدین بن کمال الدین  
 سمنانی) ۲۲۶  
 شهاب مدون ۳۴۵  
 شهاب مرندی (قاضی) ۶۹۹  
 شهاب معمای ۳۴۵، ۵۷۰  
 شهاب منشی ۲۶۰  
 شهاب مؤید ۱۷۸  
 شهاب مهره (شهاب الدین بن جمال الدین)



شیخ فتح آباد (سیف الدین باخرزی) ۳  
 شیخ کرمانی ۱۷۸  
 شیخ بیک (احمد سهیلی) ۳۰۷، ۲۴۷  
 شیخ متقی (نور الدین علی بن حسام الدین)  
 ۴۰۲  
 شیخ بیک (احمد سهیلی جنتایی) ۲۴۷،  
 ۳۰۷  
 شیخی توپچی تبریزی (استاد) ۶۷۱  
 شیخی طبسی ۳۴۵  
 شیدا (کمال الدین ابوالفضل تبریزی  
 معروف بچلی بیک علمی) ۵۲۰  
 شیدای بلخی ۶۲۶، ۷  
 شیدای بلخی قدیم ۶۲۶  
 شیرازی ۶۸۹  
 شیرازی (سید) ۱۷۸  
 شیرازی (شاعر) ۷۴۳  
 شیرازی (لهجه) ۲۱۴  
 رخان ۷۷۲  
 شیر حواجه سیدانای ۵۹۶  
 شاه سوری ۶۷۲، ۵۴۴، ۴۷۵  
 شیر علی بن استاد محمد سبز بنایی هروی  
 (کمال الدین) ۳۱۰، ۷۶، ۶، ۳۴۳  
 ۶۸۲، ۵۵۹، ۳۴۵  
 شیر علی هروی ۳۴۵، ۳۱۰، ۷۶  
 شیر قلندر (بابا) ۳۵۸  
 شیری ۳۴۵  
 شیری سیالکونی ۶۸۳  
 شیری لاهوری (عبدالحی) ۸۱۹، ۴۱۸  
 شیرین (اولوس) ۵۹۳  
 شیرین چهر ۶۸۰  
 شیرین کار (نظام الدین احمد) ۳۴۳  
 شیطان ۶۶۳  
 شعبه ۴۰، ۴۲، ۷۲، ۸۴، ۸۷، ۱۲۵، ۱۲۶،  
 ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۸۳، ۲۲۹،  
 ۲۳۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۸۱، ۳۲۰،  
 ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۵۰، ۳۵۲،  
 ۳۶۱، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۰، ۳۸۶،  
 ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۳،  
 ۴۲۳، ۴۳۲، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۳

شهید سوم (قاضی نورالله) ۳۸۰  
 شهیدی قس ۷۹۰، ۳۳۷  
 شهیدی کاشغری (شاه ابوالعمالی) ۶۸۳  
 شیبانی (سلسله) ۲۵۲، ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰،  
 ۴۸۶، ۴۸۳، ۵۷۲، ۵۷۳  
 ۶۳۵، ۶۲۶، ۶۲۴، ۶۲۱، ۶۰۴  
 شیبانیان ۶۸۲، ۶۷۸، ۶۳۹، ۶۱۵، ۳۵۵  
 شیبانی خان ازبک (ابوالفتح محمد) ۵،  
 ۲۵۲، ۳۱۰، ۳۸۳، ۵۵۹، ۶۰۶،  
 ۶۰۹، ۶۱۷، ۶۲۶، ۶۲۳، ۶۷۸،  
 ۶۸۲  
 شیبک خان ۶۷۸، ۳۱۰  
 شیخ اشراق ۱۱۰  
 شیخ اطعمه (ابواسحق شیرازی) ۲۹۶  
 شیخ الاسلام فرغانه ۱۷۳  
 شیخ الجبال (ملک سید عزالدین عبدالعزیز)  
 ۲۲۵  
 شیخ العالم (سیف الدین باخرزی) ۱۷۴، ۲  
 شیخ العالم (علی بن محمد شحاصی) ۵۶  
 شیخاوند ۵۲۲  
 شیخاوند کان ۳۷۸  
 شیخ بابای طبیب فرغانی ۵۹۰  
 شیخ پورانی (میر) ۶۱۹  
 شیخ پیراگره ۵۵۴  
 شیخ جمالی ۴۰۴  
 شیخ خاوند ظهور ۶۱۱  
 شیخ زاده (طاهر بخاری) ۳۰۵  
 شیخ زاده انصاری ۳۴۵  
 شیخ زاده پورانی ۳۴۵  
 شیخ زاده عاشق ۱۹۴  
 شیخ زاده فدایی لاهیجی ۳۲۲  
 زاده لاهیجی ۷۸۹، ۷۴۲، ۲۲۶  
 افی ۴۱۹، ۳۲۸، ۳۲۱، ۳۶۴  
 ۶۱۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۴۳، ۶۵۵  
 ۸۰۹، ۷۷۸، ۷۱۸  
 شیخ سنجان ۷۲۵  
 شیخ شاه ۶۳۵  
 شیخ شاه ۶۰۹، ۴۸۱  
 شیخ عزیزان ۶۰۴

۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴،  
 ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۴۰-  
 ۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰  
 صاحب شبا نگاری ۷۶۷  
 صاحب شریعی بلخی ۳۰۴  
 صاحب عیار (حاج قوام الدین حسن شیرازی)  
 ۱۲۶، ۲۰۵، ۲۶۱، ۲۶۵  
 صاحب غز نوی (کمال الدین حسین حسینی)  
 ۹۵  
 صاحب کبود جامعه ۱۸۰، ۳۳۵  
 صاحبی ۲۲۶، ۷۷۲  
 صادق (رین الدین) ۲۳۴، ۴۴۶  
 صادق (زین العابدین) ۴۴۶  
 صادق (علی خان میرزا) ۵۰۱  
 صادق (محمد صادق خان) ۶۵۳  
 صادق (مولانا) ۸  
 صادق (میرزا) ۶۶۵  
 صادق اردو بادی (میرزا) ۵۰۳، ۸۲۱  
 صادق بیک افشار صادقی تبریزی ۴۵۷-  
 ۴۵۸، ۴۵۲، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰  
 ۷۴۰-۸۲۷، ۷۴۱  
 صادق ترکمان (میرزا) ۵۶۶  
 صادق حلوایی (بابا) ۸، ۶۷۱  
 صادق حلوایی سمرقندی ۵۴۷  
 صادق ختایی (خطایی) ۶۱۰  
 صادق سمرقندی (مولانا) ۵۸۷  
 صادق سمرقندی (مولانا محمد صادق)  
 ۶۵۳  
 صادق طارمی ۵۴۸  
 صادق بیک افشار کتابدار ۴۵۷-۴۵۸،  
 ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰، ۷۴۰-  
 ۸۲۷، ۷۴۱  
 صادق توزیوش ۳۴۵  
 صادق قایتی ۳۴۵  
 صادق قندهاری ۵۴۷  
 صادق کتابدار ۴۵۷-۴۵۸، ۵۲۳، ۵۲۵،  
 ۵۲۹-۵۳۰، ۷۴۰-۸۲۷، ۷۴۱  
 صاعد (آل) ۷۳  
 صاعد (زین الدین) ۳۴۴  
 صاعدین احمد جام (بدر الدین) ۷۲۱

۳۷۰-۳۷۲، ۴۷۷، ۴۸۲-۴۸۲،  
 ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۷-۴۹۸،  
 ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۶-۵۱۷، ۵۲۲-  
 ۵۲۴، ۵۵۱، ۵۶۲، ۶۱۶، ۶۴۷،  
 ۶۴۹-۶۶۲، ۶۶۴-۶۷۴، ۶۷۵،  
 ۶۸۱-۶۸۲، ۷۲۹، ۷۲۴، ۷۵۳،  
 ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۱۴، ۸۱۸  
 شیعه اثنی عشری ۸۰۴  
 شیعه تراش (قاضی نورالله) ۳۸۱  
 شیعی ۳۲۹  
 شیعیان ۳۷۷، ۵۶۲، ۶۶۴  
 شیونی قلندر ۳۴۵  
 صابر ۳۳۵  
 صابر اصفهانی ۶۴۵  
 صابری اسمعیل ترمذی (ادیب شهاب-  
 الدین) ۷۴، ۸۳-۸۴، ۷۱۹  
 صابر ترمذی (ادیب) ۷۴، ۸۳-۸۴، ۷۱۹  
 صابر شیرازی (آقامهدی) ۸۲۵  
 صابری عود نواز (استاد) ۶۸۳  
 صابری ۱۸۱، ۳۳۵  
 صابری ناشکندی ۵۹۲  
 صابونی (حافظ) ۴۶۱  
 صابونی (عبدالوهاب) ۲۹۳  
 صابونی قزوینی (حافظ) ۵۱۰  
 صاحب استرآبادی ۳۴۵  
 صاحب استیفایی (شهاب الدین) ۷۹  
 صاحب الزنج ۱۶  
 صاحب الهدایه (عماد الدین ابو احمد عبد-  
 الملك بن عصام بن ابوبکر بن محمد  
 ابن عبدالرحیم بن ابوبکر علی  
 سمرقندی) ۲۱۳-۲۱۴، ۲۳۵  
 صاحب بلخی ۳۴۵  
 صاحب بن عباد ۲۳  
 صاحب دارا استرآبادی (صیح الدین)  
 ۳۳۰  
 صاحب دیوان جوینی (شمس الدین) ۸۰،  
 ۹۴-۹۵، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳

۸۲۳، ۷۱۱	صاعد بن علی گرگانی (ابوالحسن) ۲۶۱، ۷۷۷
صانع فضلوئی ۲۵	صاعد بن محمد بن عبدالرحمن قاضی (ابو- الاعلا) ۲۹
صانعی ۱۷۸	صاعد بن مسعود (رکن الدین ابوالاعلا) ۷۴۰، ۱۰۱
صانعی یاخرزی (خواجه علاءالدین علی) ۳۴۵، ۳۲۴	صاعد خبوشانی (زین الدین) ۹۵
صانعی بلخی ۲۰	صاعدی اصفهانی (خواجه جلال الدین محمد) ۶۸۳
صایب تبریزی ۶۴۴	صاعدیان ۱۰۱، ۱۵۸، ۶۸۴، ۷۳۹
صایغ رازی ۵۶	صافی ۲۲۵
صاین (رکن) ۷۶۲، ۲۰۸	صافی (جلال الدین عبدالجلیل) ۸۱۵
صاین الاسلام محمود بن صاین الدین الیاس ابن سترباریک شیرازی (نجم الدین) ۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳	صافی اردوبادی (خواجه حاتم بیگ اعتماد- الدوله) ۶۳۹، ۶۸۴، ۶۹۴، ۶۹۹، ۸۳۷، ۷۰۵
صاین الدین ابو محمد علی بن افضل الدین محمد بن صدرالدین ابو حامد محمد ترکه اصفهانی ۱۶۴، ۲۷۴، ۲۹۸، ۴۴۹-۴۵۱، ۷۴۲، ۷۷۹	صافی اصفهانی ۵۳۹
صاین الدین شیرازی ۲۲۵	صافی بمی (امیر) ۴۶۹
صاین بن شمس الدین محمود بن رکن الدین صاین هروی (رکن الدین) ۲۰۸، ۷۶۲	صافی تبریزی ۶۹۹
صاین خان (اولوس) ۶۴۰-۶۴۱	صافی توزیوش ۳۴۵
صاین محمود (قاضی شمس الدین) ۲۲۶	صافی کوه صافی ۳۴۵
صاین مراغی ۱۷۸	صالح (امیر) ۶۱۷
صاینی (قوم الدین علی) ۳۴۵	صالح (تاج) ۱۷۷
صاحیان ۴۲۵	صالح (شرف) ۱۷۸
صباحی هروی ۶۸۴	صالح بدخشی ۶۰۲
صبایی ۶۸۴	صالح بیلقانی ۱۷۸
صبحی اوپوی ۳۴۵	صالح تبریزی (عیرزا) ۶۹۹، ۷۰۱
صبحی سارجی ۵۳۰	صالح ترمذی (شیخ) ۷۵۳
صبری (قاسم کوه بر) ۵۷۹، ۶۳۶	صالح جغتایی کابلی (میر محمد صالح) ۶۴۵
صبری اردستانی (میرروز، همان) ۴۶۰	صالح خراسانی ۳۴۵
صبری اصفهانی ۶۸۴	صالح دیوانه ۵۴۷
صبری خوارزمی ۲۴۵	صالح صالحی ماوراءالنهری ۶۱۳
صبری میانکالی (مولانا بابای) ۵۹۲	صالح مخلص بدخشان ۵۹۰
ضحی (میرحیدر) ۳۴۵	صالح مدرس حانقاه فتح پور (اعلا) ۵۴۸
صوحی جغتایی ۶۵۳	صالح مشهدی (مولانا محمد میرک) ۵۸۰، ۸۳۶
صوحی شیرازی ۳۴۵	الح مفتی (مولانا) ۶۳۲
صوحی کابلی ۶۲۱	صالح فدایی بخارایی ۵۹۵
صوزی ۸۳۱	صالح واحد البین (مولانا) ۸
	صالحی ماوراءالنهری (مولانا صالح) ۶۱۳
	صالحی هروی مشهدی (محمد میرک) ۴۳۲

خجندی ۱۰۳  
 صدرالدین علی بن نصیرالدین طوسی ۷۳۰،  
 ۷۴۹  
 صدرالدین علی فخری شوشتری ۲۲۶  
 صدرالدین علی کی ۲۲۵  
 صدرالدین علی یمنی ۲۹۲  
 صدرالدین عمر بن محمد خرم آبادی ۹۵  
 صدرالدین قونیوی ۱۱۶، ۱۴۱، ۱۴۷،  
 ۲۸۸، ۱۶۴، ۱۵۰  
 صدرالدین قیروانی ۲۲۵  
 صدرالدین محمد ۲۵۴، ۲۹۷  
 صدرالدین محمد (میر) ۴۱۴، ۵۰۵  
 صدرالدین محمد (نظام الملک) ۸۱، ۹۳  
 صدرالدین محمد اسکویی (میر) ۶۲۰،  
 ۷۰۳  
 صدرالدین محمد بن اسحق قونیوی ۱۱۶،  
 ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۶۴، ۲۸۸  
 صدرالدین محمد بن بهاءالدین زکریا  
 ۷۴۱  
 صدرالدین محمد دشتکی (امیر) ۳۸۵  
 صدرالدین محمد رواسی ۳۰۲  
 صدرالدین محمد شیرازی (میر) ۶۹۲  
 صدرالدین محمد صدرالعلما ۳۷۶  
 صدرالدین محمد کلامی لاری ۶۴۵-۶۴۶  
 صدرالدین ملک السادات نیشابوری ۹۵  
 صدرالدین موسی ۱۸۶، ۲۱۲، ۲۹۲،  
 ۷۶۷، ۳۰۸  
 صدرالدین نظام الملک محمد ۸۱، ۹۳  
 صدرالدین هروی ۶۱۰  
 صدرالشریعه ۱۷۸، ۳۹۴، ۷۳۴  
 صدرالشریعه اصغر ۱۵۴-۱۵۵، ۷۳۴  
 صدرالشریعه بحاری ۷۳۴  
 صدرالشریعه بن صدرالشریعه عبیدالله بن  
 محمود بخاری ۷۳۴  
 صدرالشریعه ثانی ۳۰۳، ۴۰۷، ۷۳۴  
 صدرالشریعه شمس الدین منصور بن محمد  
 اوزجندی ۰۰  
 صدرالشریعه عبیدالله بن محمود ۱۵۴  
 ۷۳۴

صبوری تبریزی (محمدحسین) ۷۰۰  
 صبوری همدانی ۵۱۲، ۵۴۷  
 صحابه ۱۲۶  
 صحابه رسول ۷۲۰  
 صحیفی شیرازی ۵۱۶  
 صدای کرمانی ۶۸۴  
 صدایی ۲۳۵  
 صدایی کرمانی ۶۸۴  
 صدر (عبدالحمید) ۵۵۶  
 صدر ابهری ۲۴۵  
 صدرا تا ۶۰۵  
 صدرالحفاظ حافظ تاج الدین حسن امیر آبادی  
 سنایی دامغانی ۲۲۵  
 صدرالدین (امیر) ۶۳۳  
 صدرالدین (خلیفه) ۵۹۵  
 صدرالدین (میر محمد) ۴۱۴، ۵۰۵  
 صدرالدین ابوالفتح محمد بن  
 جشتی دهلوی سید محمد گیسودراز  
 وخواجه بنده نواز ۱۹۶، ۳۰۶،  
 ۷۲۲، ۷۲۵، ۷۵۴  
 صدرالدین ابو حامد محمد ترکه (خواجه)  
 ۴۴۹، ۷۷۹  
 صدرالدین ابهری ۱۸۱  
 صدرالدین احمد خالیدی ۲۲۴  
 صدرالدین اسمعیل ابرقوهی (قاضی) ۷۵۵  
 صدرالدین اسمعیلی ۸۰۵  
 صدرالدین امینی هروی ۲۷۵، ۳۴۳  
 صدرالدین بن ابوالقاسم اسکویی ۶۷۰،  
 ۸۳۸  
 صدرالدین امیر سیف الدین ۸  
 صدرالدین بن خطیب ربیعی پوشنگی ۲۰۶  
 صدرالدین حموی (شیخ) ۷۲۴  
 صدرالدین خان معصوم بیگ ۵۳۰  
 صدرالدین حلوتی (شیخ) ۷۸۲  
 صدرالدین خوافی ۷۵۲  
 صدرالدین رواسی ۳۴۵  
 صدرالدین شیرازی ۲۶۷، ۸۴۱  
 صدرالدین صفوی (سید) ۳۸۶-۳۸۷  
 صدرالدین عبداللطیف بن محمد بن ثابت

صدر نظامی ۱۸۱  
 صدقه بن ابوالقاسم شیرازی ۷۵۵، ۱۳۳  
 صدقی استرا بادی (سلطان محمد) ۶۵۳، ۶۴۴  
 صدقی بدخشانی ۵۹۰  
 صدقی هروی ۲۴۵  
 صدوق ابن بابویه ۳۷۴  
 صدیق صدیقی هدایت کشمی بدخشانی  
 (خواجه) ۶۰۳-۶۰۴  
 صدیقی بلخی (شیخ الاسلام خواجه میرک)  
 ۶۲۶  
 صدیقی کشمی بدخشانی (خواجه) ۶۰۳-  
 ۶۰۴  
 صدیقی هاشمی (خواجه هاشم) ۶۱۱، ۶۲۶،  
 ۶۲۹  
 صرفی (یعقوب بن حسن گنابی عاصمی  
 کشمیری) ۳۷۲، ۳۷۰، ۴۷۰، ۶۲۲، ۸۲۹  
 صرفی زولیده موی ۵۳۰  
 صرفی ساوجی (صلاح الدین) ۴۳۲، ۵۱۷،  
 ۵۳۰  
 صفا (میرسید) ۸۰۲  
 صفانی هروی ۳۴۵  
 صفادار (امیر) ۲۲۵  
 صفاری مرغزی ۲۵  
 صفاریان ۱۸-۷۱۲، ۲۰-۷۱۳، ۷۶۰  
 صفای سهرندی ۶۸۴  
 صفایی تبریزی ۷۰۰  
 صفایی اسانی ۳۴۵  
 صفایی سمرقندی ۳۴۵، ۳۲۲  
 صفایی سمرقندی (نوروز) ۵۸۸  
 صفایی (درویش) ۳۲۲، ۶۳۱  
 صفایی کرمانی (مولانا) ۶۳۱  
 صفوة الدین پادشاه خاتون ۱۴۹، ۱۸۰،  
 ۷۳۳  
 صفوتی بردعی (سید علی) ۷۰۴  
 صفوی ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۷-۲۲۸، ۲۳۰-  
 ۲۳۱  
 ۴۰۷، ۴۸۷، ۴۵۲، ۳۵۰، ۳۲۱  
 ۴۰۸، ۴۲۹، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۵۲  
 ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۸۲-۴۸۳، ۴۸۶  
 ۴۹۱-۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۱

صدر الشریعه عبیدالله بن محمود محبوبی  
 بخاری ۷۳۴  
 صدر الشریعه عبیدالله بن  
 الشریعه برهان الدین محمود بن  
 صدر الشریعه احمد بن جمال الدین  
 ابوالمکارم عبیدالله محبوبی بخارایی  
 حنفی ۱۵۴-۱۵۵، ۱۶۶، ۲۸۸،  
 ۷۳۴، ۳۸۴  
 صدرالعلماء (صدرالدین محمد) ۳۷۶  
 صدرا ندجانی (محمد شریف) ۶۳۹  
 صدر بلخی ۷۷۲  
 صدر ترکه (افضل الدین) ۱۲۶، ۴۴۸-  
 ۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱  
 صدر جهان (امیر شمس الدین محمد هاشمی  
 اصفهانی) ۶۴۷  
 صدر جهان (رکن الدین ابوالعلا صاعد بن  
 مسعود) ۱۱۰، ۲۴۰  
 صدر جهان (رکن الدین مسعود بن صاعد بن  
 مسعود) ۷۴۰  
 صدر جهان (فیض الله بن زین العابدین بن  
 حسام بلیانی) ۲۴۲، ۷۷۴  
 صدر جهان پهبانی ۵۴۱  
 صدر خجندی ۱۷۸  
 صدر خواجه (شیخ) ۶۳۹  
 صدر خیابانی تبریزی ۷۰۰  
 صدر دیلمی (شاه) ۶۷۸  
 صدر دیوانه (مولانا) ۳۴۵  
 صدر زنگانی ۱۷۸  
 صدر شرق (مجدالدین ابو جعفر علی بن  
 حسین قدامه موسوی رئیس خراسان)  
 ۸۴  
 صدر علی شمس الکرچی ۱۸۱  
 صدر کاتب هروی ۳۴۵  
 صدر کرمانی ۱۷۸  
 صدر گیلان (مولانا عبدالرزاق) ۴۲۵،  
 ۵۴۲، ۸۲۰-۸۲۱، ۸۳۳  
 صدر لری بختیاری ۱۷۸  
 صدر مهذب الدین ۱۷۸  
 صدر نظام ۱۸۱

صفی الدین بن مسیح الدین فوشنگی  
۳۴۵  
صفی الدین جعفر نوربخش (شیخ) ۳۲۶،  
۶۱۸  
صفی الدین خراسانی ۶۸۴  
صفی الدین صفی نوربخش ۶۱۸  
صفی الدین عبدالوہاب ارغوی ۱۴۶ -  
۸۱۴، ۷۳۲، ۲۶۲، ۱۴۷  
صفی الدین عراقی ۱۰۰  
صفی الدین عیسیٰ قزوینی (قاضی) ۸۴۰ -  
۸۴۱  
صفی الدین محمد اصفہانی ۷۲۵  
صفی الدین محمد بن علی علوی ابن الطقطقی  
۱۸۴  
صفی الدین محمود بن احمد جام (یا اصیل -  
الدین) ۷۲۰  
صفی الدین مرتضیٰ بن داعی بن قاسم حسینی  
رازی (سید) ۷۲، ۱۳۰  
صفی الدین مصطفیٰ رومی ۶۲۳  
صفی الدین یزدی ۵۰  
صفی بیلقانی ۱۷۸  
صفی بیہقی ۲۴۵  
صفی چر بادقانی ۱۷۸  
صفی شروانی ۱۷۸  
صفی شیرازی (شیخ محمد) ۶۵۴  
صفی عالی ۲۲۶  
صفی قلی بیگ چرکس ۶۸۴  
صفی نوربخش (شیخ صفی الدین) ۶۱۸  
صفی نیشابوری ۷۷۲  
صلاح الدین احمد استاد (شیخ) ۷۲۳  
صلاح الدین حسن بلغاری ننجوانی ۷۲۴،  
۸۴۴  
صلاح الدین صفی ساوجی ۴۳۲، ۵۱۷،  
۵۳۰  
صلاح الدین موسیٰ بن محمد بن محمود قاضی  
زادہ رومی ۴۴۹، ۲۶۹، ۲۸۱، ۳۷۳،  
۸۰۷  
صلاح الدین یوسف بن ایوب پادشاہ ایوبی  
(ملک ناصر) ۷۲۲

۵۰۹، ۵۱۸، ۵۸۶، ۶۹۷، ۷۹۳،  
۸۲۹، ۸۱۸، ۸۱۳  
صفویہ ۲۱۲، ۲۹۲، ۲۵۲، ۲۵۵، ۳۵۸،  
۳۶۲، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۶ -  
۳۸۷، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۷، ۴۰۸،  
۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۵۱،  
۴۵۷، ۴۶۴، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۶،  
۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۱،  
۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۲۲،  
۵۲۴، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۵۹، ۵۸۳،  
۵۸۵، ۵۹۴، ۶۱۶، ۶۰۹، ۶۲۱،  
۶۶۷، ۶۷۴، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۹ -  
۷۰۰، ۷۰۲، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۶۵،  
۸۱۳، ۸۱۸، ۸۲۱، ۸۳۱، ۸۴۱  
صفی (ابوالعلا عبدالوہاب جاروتی) ۲۵۸  
صفی (شاہ) ۳۲۵  
صفی (فخر الدین علی بن حسین واعظ  
کاشفی) ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۸۳، ۲۸۵،  
۳۸۳، ۳۸۴، ۶۸۴، ۷۸۰، ۷۸۴،  
۸۰۶  
صفی امیر) ۵۳۴  
صفیا اصفہانی ۶۸۴  
صفی الدین ابوالصفا (میر) ۶۳۳  
صفی الدین ابوالفتح اسحاق بن امین الدین  
چمریل اردبیلی ر. صفی الدین  
اردبیلی  
صفی الدین ابوالمفاخر عبدالوہاب بن  
یوسف بن فاخر ارغوی ۱۴۶ - ۱۴۷،  
۲۶۲، ۷۳۲، ۸۱۴  
صفی الدین اردبیلی ۱۸۶، ۲۱۱، ۲۱۲،  
۲۹۲، ۳۴۹، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۸،  
۴۸۱، ۴۸۳، ۶۹۱، ۷۳۷، ۷۶۷،  
۸۱۸، ۷۹۳  
صفی الدین ارغوی ر. صفی الدین ابو -  
المفاخر  
صفی الدین اسحاق اردبیلی ر. صفی الدین  
اردبیلی  
صفی الدین الجی ۲۶۵  
صفی الدین ہستی ۹۵

صیرفی (قرن ۸) ۲۴۵  
 صیرفی (قرن ۱۰) ۴۶۵  
 صیرفی (شهاب الدین) ۷۳۲  
 صیرفی تبریزی ۵۲۷  
 صیرفی کشمیری ۶۴۸  
 صیرفی کوردی ۵۲۷  
 صیرفی همدانی (قاسم) ۵۲۳  
 صیرفی ہندی (قاضی) ۲۲۶  
 صیغی تبریزی ۵۸۰  
 صیقلی بروجردی ۵۲۷

ضمیفی ۳۴۹  
 ضیفی لنگ ۳۴۵  
 ضمیر حلوانی (تقی) ۶۵۴  
 ضمیری ۳۵  
 ضمیری اصفہانی (کمال الدین حسین)  
 ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۵۸، ۵۰۹، ۵۲۹  
 ۵۳۳، ۶۰۱، ۶۷۲، ۶۸۴، ۸۲۶  
 ۸۳۳

ضمیری بلگرامی (شیخ نظام) ۶۴۵  
 ی سمرقندی ۳۴۵  
 ضمیری ہمدانی ۳۴۵، ۵۱۰  
 ضیاء الدین ۸۱، ۹۵  
 ضیاء الدین ابوالفضائل عبداللہ بن محمد  
 میاجی ہمدانی عین القضاة ۶۹  
 ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۹۶، ۷۱۵، ۷۲۲  
 ۷۷۳

ضیاء الدین ابوالعمالی عبدالملک بن عبداللہ  
 ابن یوسف جوینی امام الحرمین ۶۱  
 ۷۴۱

ضیاء الدین ابوالنحیب، مد القاهر بن عبداللہ  
 سہروردی ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۹۶، ۷۲۵  
 ۷۲۶، ۷۴۴، ۷۷۶

ضیاء الدین ابوبکر احمد جامعی (عبد-  
 الملک) ۹۴-۹۵

ضیاء الدین ابومسلم عبدالسلام بن  
 ابن محمود کازرونی ۷۳۵

ضیاء الدین اردوبادی شفیعی ۹۲۳

صلاح بن مبارک بخاری ۲۸۴، ۱۹۲  
 صلائی اسفراینی (حسن بیگ) ۶۸۵  
 صندلی غزنوی (مجدالدین ابوالشجرى)  
 ۹۵

صندوی ۶۵۳  
 صنع اللہ نعمت اللہی ۱۹۰  
 شہدی ۵۳۳

صنعی تبریزی ۵۲۷-۵۲۸  
 صنعی نیشابوری (میر) ۵۰۲  
 صوفی ۲۲۶

صوفی (جن) ۶۸۰  
 صوفی (حسین) ۶۸۰

صوفی (درویش) ۳۴۵  
 صوفی (شیخ علی) ۸۰۹

صوفی (علی) ۹۱۱  
 صوفی اردستانی ۳۴۵

صوفی استرابادی ۳۴۵  
 صوفیان ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۲۶، ۴۴۱، ۴۵۱

۴۶۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۳۵  
 ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۹۸، ۷۹۶

۸۱۵، ۸۰۹  
 صوفی بخارایی ۶۳۵

صوفی خلیل ۵۱۶  
 صوفی عوض ۵۹۸

صوفی مازندرانی (ملا محمد) ۵۳۷-۵۳۸  
 ۸۳۳

صوفیہ ۱۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۵۰، ۳۷۰  
 ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲

۴۰۵، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۴۱، ۴۵۰  
 ۴۶۵-۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۱

۴۹۶، ۵۰۰، ۵۱۷، ۵۲۲، ۵۳۵  
 ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۲

۶۰۹، ۶۱۲، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۴۳  
 ۶۵۵، ۶۶۶، ۶۶۹، ۷۰۱، ۷۰۲

۷۰۸، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۷۱، ۷۷۳  
 ۸۱۸-۸۱۷، ۷۹۶

صیدلانی ۲۵  
 صیدی (میر) ۶۵۴

ضیاء الدین برنی ۱۸۵۰، ۷۶۹، ۷۶۰  
 ضیاء الدین بلخی ۹۴  
 ضیاء الدین مؤید الملک رجب برنی ۱۸۵۰، ۷۶۹، ۷۶۰  
 ضیاء الدین تبریزی ۷۶۹  
 ضیاء الدین جابری (میرزا) ۷۱۱  
 ضیاء الدین خجندی فارسی ۷۴۱، ۱۶۵  
 ضیاء الدین دوغ آبادی - ۱۰  
 ضیاء الدین سگزی ۹۵  
 ضیاء الدین شقیمی اردو بادی ۲۹۳  
 ضیاء الدین عبدالرافع بن ابوالفتح هروی ۹۱  
 ضیاء الدین عبداللطیف بن رشید الدین فضل الله ۷۳۱  
 ضیاء الدین عبدالؤمن بن صفی الدین بن عزالدین یا عزیز الدین بن محیی - الدین نعمت ۷۷۹، ۷۶۸  
 ضیاء الدین علی بن محمد بن صدر الدین محمد ۴۵۰  
 ضیاء الدین علی ترکز ۴۵۱ - ۴۵۲، ۴۹۹  
 ضیاء الدین عمر بن محمد بسطامی ۹۵  
 ضیاء الدین فندرسکی (میر) ۵۱۸  
 ضیاء الدین کابلی ۱۹۹  
 ضیاء الدین کاشانی ۷۱۱  
 ضیاء الدین کرمانی (ملاشاه) ۶۸۵  
 ضیاء الدین محمد ۴۴۹ - ۴۵۰  
 ضیاء الدین محمد بن ابونصر بن ابوشهید قرنوی ۹۵  
 ضیاء الدین محمد بن زین المعالی ابوالحسن علی بن حسین بن مظفر بن حسن بیهقی ۵۶  
 ضیاء الدین محمد بن مجد الدین حسن یزدی ۷۷۵  
 ضیاء الدین محمد بن محمود بن ضیاء الدین کرمانی ۳۰۸  
 ضیاء الدین محمد بهادر (میرزا) ۱۹۳  
 ضیاء الدین محمود کابلی ۹۵  
 ضیاء الدین مسعود ۷۷۵  
 ضیاء الدین مشهدی (ملک) ۷۶۸

ضیاء الدین میرم کرمانی ضیایی ۴۶۴  
 ضیاء الدین نخبشی ۱۸۵  
 ضیاء الدین یوسف امیری بدخشانی (خواجہ) ۳۰۳  
 ضیاء الدین یوسف بن احمد جام ۷۲۰  
 ضیاء الدین یوسف جامی ۲۵۶، ۲۱۹  
 ۲۸۷ - ۲۸۸، ۶۱۱، ۶۱۹  
 ضیای تبریزی ۳۴۵  
 ضیای شروانی (قاضی) ۷۸۳  
 ضیای هروی ۳۴۵  
 ضیایی ۳۴۵  
 ضیایی (کمال الدین ابوالقاسم) ۶۱۵  
 ضیایی اردبیلی اردو بادی ۷۸۸، ۳۱۸  
 ضیایی اردو بادی اردبیلی ۷۸۸، ۳۱۸  
 ضیایی بخارایی (قاسم) ۵۶۱  
 ضیایی کرمانی (ضیاء الدین میرم) ۴۶۴  
 طارمی جنتایی (دوست) ۳۴۴  
 طارمی محدث (ملا علی) ۸۳۴، ۵۶۸  
 طالب آملی ۶۹۰  
 طالب اصفهانی (ملا یابا) ۸۲۳، ۴۳۱  
 طالب ترمذی (میرزا حسن) ۶۸۵  
 طالب جاجرمی ۳۰۱، ۵  
 طالب گیلانی (یحیی خان) ۸۳۳، ۵۳۰  
 طالبه (مجد الدین) ۷۱۰، ۷۵۰، ۸۳۸  
 طالبی (مولانا) ۶۱۸  
 طالبی زنجانی (عبدالله بن حسین بن صالح) بایزید بن عامر بن دینار ۷۰۷  
 طالبی سمرقندی ۳۴۵  
 طالع (مجد) ۱۷۹  
 طالعی تیرگر ۶۱۴  
 طالعی سمرقندی ۳۴۵  
 طالعی شهدی ۳۴۵  
 طالعی یزدی ۵۴۸  
 طالقانی ۵۶۷  
 طامار ملکه گرجستان ۱۰۶  
 طامه الکبری ۱۱۵  
 طاهر (آل) ۱۸



طاهر محمد (خواجه) ۳۴۵  
 طاهر موسوی مشهدی (میرزا) ۵۸۱  
 طاهری (سلسله) ۷۱۳  
 طاهری ابیوردی ۳۰۶  
 طاهری استرآبادی ۳۴۵  
 طاهریان ۷۱۲-۷۱۵  
 طاهری بیغمی (محمد بن احمد بن علی بن محمد) ۷۵۸  
 طاهری هروی ۳۴۵  
 طاهری استرآبادی ۳۴۵  
 طاهری زیارتگاهی ۳۴۵  
 طباطبایی (سادات) ۵۵۲  
 طباطبایی حسینی (سادات) ۴۹۸  
 طباطبایی کاشانی (میرزا ابوطالب) ۴۴۷  
 ۷۱۹  
 طبخی قزوینی ۴۶۱  
 طبری (زیان) ۳۴۰  
 طبعی اصفهانی (حکیم عنایت الله) ۶۸۵  
 طبعی اصفهانی (میر محمد علی) ۶۸۶  
 طبعی سمرقندی (خواجه) ۵۸۱  
 طبیب فرغانی (شیخ نابا) ۵۹۰  
 طبیبی کاشانی (میر مظفر) ۶۸۵  
 طنخاری ۲۱  
 طرزی ششتری ۷۰۰  
 طرزی یزدی ۶۰۲، ۵۸۹  
 طرطری ۷۹  
 طریقه جشتی ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۹۶، ۱۹۷  
 ۲۱۷-۲۱۸، ۳۷۲، ۳۷۵، ۴۰۴  
 ۴۲۶، ۶۰۸، ۷۲۴، ۷۳۸، ۷۴۸  
 ۸۱۶  
 طریقه سهروردی ۲۶۴  
 طریقه شاه نعمت الله ولی ۵۳۵  
 طریقه شطار ۱۵۳، ۲۵۶  
 طریقه قادری ۱۳۱-۱۳۲  
 طریقه مولوی ۱۴۲، ۱۵۹، ۱۹۹، ۲۵۸  
 ۴۶۸  
 طریقه نقشبندی ۱۹۱-۱۹۲، ۳۷۰  
 طریقی ساوجبی (محمد) ۵۳۶، ۴۲۱  
 طنرایبی (جعفر) ۲۶۲، ۲۷۳

طاهر (خواجه ابوالفتح) ۷۲۳  
 طاهر (شاه) ۳۸۵، ۵۶۶  
 طاهر ابیوردی ۲۹۶  
 طاهر استرآبادی (سید) ۷۹۱  
 طاهرالدین محمد بن شمس الدین ابراهیم  
 بی ۲۸۳  
 طاهر انجدانی ۳۶۷، ۳۶۸-۳۸۵  
 ۴۸۹، ۵۶۶، ۸۰۳-۸۰۵  
 طاهر بخاری ۳۰۵  
 طاهر بن احمد ۳۷  
 طاهر بن رضی الدین ۸۰۳  
 طاهر بن رضی الدین دوم ۸۰۳  
 طاهر بن زنگی فریومندی (عزالدین) ۱۷۵  
 ۱۸۶  
 طاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی  
 دکنی (شاه) ۳۶۷، ۳۶۸-۳۸۵  
 ۴۸۹، ۵۶۶، ۸۰۳-۸۰۵  
 طاهر بن نصر الملك مظفر بن نظام الملك  
 (ناصر الدین ابوالفتح) ۸۱۰۲  
 طاهر بن فضل چنانسی (ابوالمظفر) ۲۳  
 ۳۷  
 طاهر بن محمد اسفراینی ملقب بشاهفور  
 (عماد الدین ابوالمظفر) ۱۱۷، ۱۸۰  
 ۲۷۳، ۷۱۷، ۷۲۶-۷۲۷  
 طاهر بن محمد خاتقاهی (خواجه فقیه ابو  
 نصر شیخ الاسلام) ۱۴۶  
 طاهر بن محمد فارابی (ظهیر الدین ابو-  
 الفضل) ۱۰۶، ۱۰۷-۱۰۹، ۹۳، ۷۴، ۷۲۰  
 ۸۰۲  
 طاهر بن مظفر وزیر (ابوالفتح) ۲، ۸۱  
 طاهر نغرشلی ۶۸۵  
 طاهر خسروی ۲۵  
 طاهر ذوالیمینین ۱۸  
 طاهر رازی (خواجه محمد طاهر) ۶۸۵  
 طاهر سلطان ۵۷۳  
 طاهر عریان همدانی ۲۳، ۷۱۵، ۷۲۲  
 طاهر فریومندی (عزالدین) ۱۷۵، ۱۸۶  
 طاهر فضل ۲۵  
 طاهر قاضی (مالا) ۶۳۸

۶۹۵، ۶۹۳ - ۶۸۹، ۶۸۷ - ۶۸۶  
 ۷۸۸، ۷۷۶، ۷۰۹، ۷۰۲، ۶۹۷  
 - ۸۲۰، ۸۱۶، ۸۱۴ - ۸۱۳، ۸۰۷  
 ۸۳۰ - ۸۲۸، ۸۲۶، ۸۲۳، ۸۲۱  
 ۸۳۲ - ۸۴۱، ۸۳۳ - ۸۳۲  
 طهماسب قلی بیگ عرشی ۵۰۰، ۸۳۰  
 طهماسب قلی بیگ عهدی ۵۰۰، ۸۳۰  
 طهماسب قلی فهمی طهرانی رازی ۴۲۶،  
 ۸۲۷، ۸۲۱  
 طهماسب قلی بیگ موصلویوزباشی ۴۶۳  
 طهماسبی کاشانی (حیدر) ۶۷۴ - ۶۷۵  
 طیان بمی کرمانی ۲  
 طیان ژاژخای ۲۵، ۲  
 طیان مرغزی ۲۵، ۲  
 طیب تربتی (حافظ) ۶۱۳  
 طیب حاشعی (شاهزاده) ۶۱۱  
 طیفور انجدهانی (ملک) ۴۵۸ - ۴۵۹،  
 ۸۲۷

ظ

ظافرالدین بن ناصرالدین یزدی ۷۳۳  
 ظافرالدین ظهیرالملک (خواجه) ۷۳۳  
 ظاهر اردبیلی (محمد کاظم) ۷۰۱  
 ظریفی ۲۲۶  
 ظریفی (حسن چلبی) ۸  
 ظریفی تبریزی ۷۰۱  
 ظریفی تونی ۳۴۵  
 ظریفی ساوجی (محمد بیک) ۵۳۶  
 ظریفی فارسی (محمد بیک) ۶۵۴  
 ظفر بن محمد بن عبدالله کافی همدانی (ابو-  
 المشایر) ۵۲  
 ظهور (شیخ خاوند) ۶۱۱  
 ظهوری (خواجه محمد علی) ۶۱۱  
 ظهوری تبریزی (علانیاز) ۵۲۵، ۶  
 ظهوری ترشیزی (نورالدین محمد) ۴۳۳،  
 ۸۲۶، ۴۴۵  
 ظهوری شیرازی ۵۱۵  
 ظهیرالدین ۱۲۸  
 ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم

طغرل بن ارسلان ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۵، ۱۴۵  
 طغرل بیک سلجوقی ۵۱، ۴۹ - ۵۲، ۸۰  
 ۱۰۵، ۱۰۲  
 طغرل دوم ۸۲  
 طغرل یاغی ۶۳  
 طنا تیمورخان ۲۰۸  
 طنا تیموریان ۲۰۱  
 طناخان (بینو ملک حسام الدین حسن بن  
 علی) ۴۹، ۸۶، ۱۷۳، ۷۳۱  
 طناشاه بن اب ارسلان (شمس الدوله)  
 ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵  
 طفتاح خان (رکن الدین) ۲  
 طفلی فتح پوری ۵۴۸  
 طفیلی (امیر حسین جلایر) ۳۰۹، ۷۶۳،  
 ۷۷۳  
 طفیلی آذربایجانی ۷۰۰  
 طفیلی حصاری ۵۶۷، ۳۴۵  
 طلحه مروزی (شهاب الدین ابوالحسن)  
 ۸۸  
 طنطرائی (معین) ۱۷۹  
 طوی بلخی (عرب) ۵۶۷  
 طوسی خراسانی ۶۴۵  
 طوطی ترشیزی (شهاب الدین علی) ۲۹۵  
 طوفی تبریزی ۵۰۹، ۸۳۱  
 طهرانی ۵۳۴  
 طهماسب صفوی (شاه) ۶، ۱۸۶، ۲۴۱،  
 ۲۷۸، ۲۷۲ - ۲۷۴، ۳۷۹ - ۳۸۴،  
 ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۱۰،  
 ۴۱۴، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۳۸ -  
 ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۱ -  
 ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۲۹ - ۴۷۱، ۴۷۵،  
 ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱ -  
 ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۶، ۵۱۱ - ۵۱۳،  
 ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱ -  
 ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۶، ۵۴۶،  
 ۵۶۴، ۵۷۱، ۵۸۰ - ۵۸۱، ۶۰۱ -  
 ۶۱۶، ۶۲۴، ۶۳۸ - ۶۴۲، ۶۶۴ -  
 ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۷۸ - ۶۸۳، ۶۸۴

۶۰۷. ظہیر الدین بابر  
 ظہیر الدین محمد بن شرف الدین  
 یزدی ۷۶۸  
 ظہیر الدین نصیر سگزی ۷۹  
 ظہیر الدین نیشابوری ۱۱۹۰۸۸  
 ظہیر الدین ولی نسوی ۱۰۰  
 ظہیر الدین یحیی سرخسی (سید) ۹۰  
 ظہیر الملک (خواجہ ظافر الدین) ۷۳۳  
 ظہیر خواجگی ۱۷۸  
 ظہیر سمرقندی ۶۰۴  
 ظہیر طوسی ۱۷۸  
 ظہیری (قطب الدین) ۳۲۹  
 ظہیری سمرقندی (بہا عالم الدین محمد) ۲۹  
 ۱۲۸، ۱۰۰  
 عابد اصغھانی ۶۵۴  
 عابد بیرمی (شاه زین العباد) ۷۰۸، ۱۸۰  
 عابد ترک (شیخ) ۶۲۰  
 عابد خیر آبادی (شیخ) ۵۶۴  
 عابد ہروی (میر) ۶۲۴  
 عادل (شاه طہماسب صفوی) ۴۷۲  
 عادل (عادل بن علی) ۳۹۵  
 عادل بن علی (عادل) ۳۹۵  
 عادل شاہ ۳۹۷، ۴۲۰، ۶۰۳، ۶۴۱، ۶۴۷  
 ۸۲۴  
 عادل شاہ (ابراہیم) ۴۶۸، ۴۲۰، ۴۲۳  
 ۸۲۶، ۸۰۵، ۴۴۵، ۴۳۴  
 عادل شاہ (سلطان یوسف) ۴۴۳، ۶۴۷  
 ۶۷۵  
 عادل شاہ (علی) ۳۶۸، ۴۲۳، ۶۵۵-۶۵۶  
 عادل شاہان (سلسلہ) ۳۶۸، ۶۴۷، ۶۷۵  
 عادل شاہ سلطان ۶۲۶  
 عادل شاہ وفاہی (سلطان اسمعیل) ۳۲۷  
 ۶۴۷  
 عادل گری خان تاتار ۴۷۳، ۴۰۵  
 عادل لاری (شاہ) ۶۱۶، ۸۳۶  
 عادل (شاہ اسمعیل دوم) ۴۷۳  
 عادل ختلاہی ۳۴۵

رید بن محمد بن حسین بیہقی ابن  
 فندق ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۴۹، ۳۱۷  
 ۷۲۷  
 ظہیر الدین ابوالفتح ابراہیم میرزا صفوی  
 ۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱، ۵۱۲  
 ۸۲۹، ۶۵۵، ۵۲۷  
 ظہیر الدین ابوالفضل طاہر بن محمد  
 قاریابی ۷۴، ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷-۱۰۶، ۷۲۰  
 ۸۰۲  
 ظہیر الدین ابوالمہتمم محمد بن مسعود بن  
 زکی غزنوی ۱۲۵  
 ظہیر الدین ابونصر سگزی ۴  
 ظہیر الدین بابر (ابوالقاسم) ۲۳۴، ۲۴۰  
 ۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۵  
 ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۸-۳۲۹  
 ۳۳۳، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۶۱، ۳۶۳  
 ۳۹۹، ۴۰۴-۴۰۵، ۴۱۱، ۴۲۵  
 ۴۵۳، ۴۷۲-۴۷۵، ۴۷۶، ۵۴۲  
 ۵۴۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۶۰۵-۶۰۹  
 ۶۱۴-۶۱۵، ۶۴۱-۶۴۲، ۶۴۵  
 ۶۵۷، ۶۶۵-۶۶۷، ۶۶۸-۶۷۰  
 ۶۷۷، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۳، ۷۰۸  
 ۸۰۸-۸۰۹، ۸۲۳، ۸۳۵-۸۳۶  
 ۸۳۹  
 ظہیر الدین بن نصیر الدین مرعشی حنفی  
 قوام الدین (سید) ۳۵۲  
 ظہیر الدین بہرام میرزا صفوی ۳۵۴، ۴۵۴  
 ۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۲۰، ۵۳۲  
 ۸۲۷، ۶۹۲  
 ظہیر الدین جدید ۲۵  
 ظہیر الدین راصد ۱۷۸  
 ظہیر الدین عبدالرحمن بن علی بن بزغش  
 شیرازی ۷۴۵-۷۴۶  
 ظہیر الدین عبداللہ شفرورہ ۱۰۲  
 ظہیر الدین عیسیٰ بن احمد جام ۷۲۱، ۷۲۸  
 ظہیر الدین کمیر بن اویس بن محمد لطیفی  
 اردبیلی قاضی زادہ ۲۵۴، ۲۸۱  
 ۸۰۶، ۳۸۲  
 ظہیر الدین محمد بابر پادشاہ ۳۳۳، ۶۰۵

عایشہ مرقیہ صمرقندی ۸۹	عارض (عبداللہ) ۲۵
عباد اللہ سلطان ۸	عارضی (عبداللہ) ۲۵
عباد بیہقی (شیخ سعید) ۵۶	عارضی قمی ۵۲۶
عباد دامغانی ۱۸۱	عارف (جلال الدین) ۶۰۵، ۱۳۲
عبادہ (سعد) ۷۷۵	عارف (خواجہ عبدالوہاب) ۶۳۹-۶۴۱
عیادی (امیر) ۸۴	عارف اردبیلی ۷۶۹
عباس (قاتل الغیبک) ۵	عارف اصفہانی ۶۵۴
عباس بن محمد رضا قمی ۹۰	عارف ایچی ۴۳۹
عباس بیگ ترکمان ۵۰۱	عارف بلوچ ۳۴۵-۳۴۶
عباس خان بن شیخعلی شروانی ۳۶۱	عارف ریوگری بخاری (خواجہ) ۷
عباس سلطان افشار ۵۰۰	عارف شیرازی ۶۵۴
عباس صفوی (شاه) ۲۳۴، ۲۲۸، ۲۵۸	عارف فرکی ۳۳۶
۳۹۶، ۳۸۷، ۳۸۱، ۳۷۹، ۳۵۹	عارف کابلی ہروی (عالم) ۵۴۸ - ۵۴۹،
۳۹۸، ۳۹۹، ۳۹۳، ۴۱۴، ۴۲۰	۸۳۳
۴۷۴، ۴۶۲، ۴۵۸، ۴۵۷، ۴۴۶	عارف گیلانی ۷۱۱
۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵	عارف ہروی (محمود) ۳۰۲-۳۰۳
۵۱۲، ۵۱۷، ۵۲۳، ۵۳۰، ۵۳۳	عاشق (شیخزادہ) ۱۹۴
۵۷۸، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۳۳، ۶۴۸	عاشق (کمال الدین ابوالخیر بلخی) ۸
۶۳۹، ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۸۵، ۶۹۹	عاشق بخارایی (مولانا کمال الدین) ۶۲۳
۷۰۰، ۷۰۵، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۵	عاشق صمرقندی (ابوالحیر) ۶۵۴
۸۲۷-۸۲۸، ۸۲۲	عاشقی تربتی ۶۸۵
عباس مروزی ۱۸، ۷۱۲	عاشقی ہروی ۳۳۶
عباسہ شہرستانی (معین الدین) ۷۵۶	عاصم ۲۶۱
عباسی (ابوالعباس) ۲۵	عاصم (قاسم) ۳۴۶
عباسی (جمال الدین) ۹۵	عاصمی کشمیری (یعقوب بن حسن گنایسی
عباسی (خلیفہ) ۷۱۳، ۷۲۹	صرفی) ۳۷۲، ۴۷۰، ۶۲۷، ۸۲۹
عباسی (سکہ) ۶۴۳	عاصمی ہروی ۳۴۶
عباسی گجراتی (عبداللطیف بن عبداللہ)	عاکفی ۳۴۶
۵۳۸، ۸۳۳	عالم بخاری (مخدوم شاہ) ۵۴۱
عباسی لمغانی ۲۵، ۷۱۵	عالم صمرقندی (خواجہ) ۱۸۱
عباسی لمغانی ۷۱۵	عالم عارف کابلی ہروی ۵۳۸-۵۴۹، ۸۳۴
عبدالاول بن علی الدین بن	عالمگیر ۶۷۷
زید پوری (سید) ۳۷۴	عالم ہروی ۳۴۶
عبدالباقی (میر) ۴۹۷	عالمی دارا بگردی (مولانا میرزا سہراب)
عبدالباقی (میرزا) ۴۳۹	۸۲۹، ۴۷۰
عبدالباقی بن علی بن عبدالحق (فرید الدین	عالی (صفی) ۲۲۶
ابو) ۳۲۵	عالی خان ۶۷۳
عبدالباقی کرمانی (میر) ۳۳۶	عامری (یوسف) ۵۶
عبدالباقی نھاوندی ۶۸۵	عایشہ سلطان ۴۷۹

- عبدالجبار بن حسن باحسين جمعی بیہقی  
(ابوالمظفر) ۵۵  
عبدالجلیل ۳۴۶  
عبدالجلیل (امام) ۱۱۰  
عبدالجلیل (موفق) ۱۷۹  
عبدالجلیل بن ابوالحسین بن ابوالفضل  
قزوینی رازی (نصیر الدین ابوالرشید)  
۱۲۵  
عبدالجلیل بن عبدالجمیل صافی (جلال-  
الدین) ۸۱۵  
عبدالجلیل بن محمد صافی (جلال الدین)  
۸۱۵  
عبدالجلیل بن نظام الدین یحیی بن عبد-  
الجلیل بن محمد بن عبدالباقی یزدی  
۱۹۱  
عبدالجمیل (امام) ۱۱۰  
عبدالحسین منشی الممالک (میرزا) ۷۰۵  
عبدالحق (نظام الدین) ۸۱۸  
عبدالحق اردبیلی (خواجہ شرف الدین)  
۶۹۰  
عبدالحق استرآبادی ۳۴۶  
عبدالحق بن سیف الدین بن سعد اللہ ترک  
بخاری صوفی محدث دہلوی حقی  
۱۳۲، ۳۶۰، ۳۶۹، ۶۷۸، ۷۹۸  
۸۰۵  
عبدالحق دہلوی ۱۳۲، ۳۶۰، ۳۶۹،  
۶۷۸، ۷۹۸، ۸۰۵  
عبدالحق محدث دہلوی ۱۳۲-۳۶۰، ۳۶۹،  
۶۷۸، ۷۹۷، ۸۰۵  
عبدالحق ہروی ۳۴۶  
عبدالحکیم طیب بخاری ۶۳۳  
عبدالحمید (خواجہ برہان) ۳۰۷  
عبدالحمید رایگانی ۲۲۱  
عبدالحمی (نصیر الدین) ۵۹۹  
عبدالحمی بن ابوالفتح حسینی ۷۸۱  
عبدالحمی بن ابوالفتوح حسینی ۷۷۸  
عبدالحمی بن جلالی حیاتی دہلوی ۸۰۹-  
۸۱۰  
عبدالحمی بن ضحاک گردیزی (ابوسعید) ۲
- عبدالحمی حبیبی ۷۱۳  
عبدالحمی خوشنویس (مولانا) ۲۹۹  
عبدالحمی شیری لاہوری، ۴۱۸، ۸۱۹  
عبدالحمی صدر (میر) ۵۵۶  
عبدالحمی مشہدی (میر) ۵۴۹  
عبدالحمی منشی (خواجہ) ۴۳۹  
عبدالخالق بن عبدالجمیل نجدوانی ۲،  
۱۱۰، ۲۲۰، ۲۵۲، ۲۷۲، ۷۷۵  
عبدالخالق فیروز شاہ ۶۷۹  
عبدالرافع بن ابوالفتح ہروی (ضیاء الدین)  
۹۱  
عبدالرحمن ۸۱۳  
عبدالرحمن (شاعر) ۱۷۸  
عبدالرحمن (ضد الدین) ۱۸۴  
عبدالرحمن (مولانا) ۴۴۹  
عبدالرحمن (نور الدین) ۲۲۵  
عبدالرحمن اسفرائینی (نور الدین) ۱۱۵،  
۷۳۳، ۷۴۵  
عبدالرحمن افضل خان (شیخ) ۳۶۴  
عبدالرحمن بن احمد شادستانی (رکن-  
الدین) ۲۳۷  
عبدالرحمن بن صوفی ۱۲۹  
عبدالرحمن بن عبدالجبار قاسمی ہروی  
(فقہ الدین ابونصر) ۱۹۷  
عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی (نور-  
الدین) ۷۷۷، ۷۸۲  
عبدالرحمن بن علی بن بزقش شیرازی  
(طہیر الدین) ۷۴۵-۷۴۶  
عبدالرحمن بن عمر صوفی (ابوالحسن)  
۷۱  
عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی (ابو-  
یزید) ۷۸۳  
عبدالرحمن بن محمد کسرقسی اسفرائینی  
(نور الدین ابومحمد) ۱۱۵، ۷۳۳،  
۷۴۵  
عبدالرحمن بن محمد نیشابوری (ابوالفتوح)  
۱۳۵  
عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن شمس-  
محمد جامی (عماد الدین یا

- عبدالرحیم مشہدی ۷۸۲  
عبدالرزاق اصہبھائی (جمال الدین) ۷۴-  
۱۷۴-۱۷۳، ۱۵۷، ۱۰۱، ۷۵  
عبدالرزاق بن جمال الدین اسحق سمرقندی  
(جمال الدین) ۳۲۹، ۲۵۰، ۵  
عبدالرزاق بن عبدالکریہ بن عبدالرزاق  
طبيب کرمانی ۲۷۳، ۲۵۷، ۱۹۰  
عبدالرزاق ترکی (قاضی) ۵۵  
عبدالرزاق حسنی حسینی ۷۵۶  
عبدالرزاق صدرگیلانی (مولانا) ۸۳۱  
عبدالرزاق عبدی و عبدی خراسانی (قاضی)  
۶۸۶  
عبدالرزاق کاشانی (جمال الدین) ۷۱۸،  
۷۹۵، ۷۵۸  
عبدالرزاق گیلانی (ملا) ۵۳۱  
عبدالرزاق ہروی ۳۴۶  
عبدالرسول خیام پور (دکتر) ۴۵۸  
عبدالرشید بن ابویوسف احمد ہروی ابو  
منصور بابوسف (ابو منصور) ۴۵  
عبدالرشید بن احمد جام (رشید الدین)  
۷۲۰  
عبدالرشید بن مسعود غزنوی ۲، ۶۴،  
۱۱۷  
عبدالرشید بن نوری باکوی ۷۳۲  
عبدالرؤف مناوی ۷۱۸  
عبدالرؤف ہروی ۷۸۱  
عبدالستار بن قاسم ۳۸۳  
عبدالسلام (قاضی) ۶۷۱  
عبدالسلام بخاری (خواجہ) ۶۴۱، ۶۳۴  
عبدالسلام بن احمد بن محمود کازرونی  
(ضیاء الدین ابو مسلم) ۷۳۵  
عبدالسلام بنا و معمار تریزی ۷۰۵  
عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوہی ۲۲۶  
عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن علی  
(ابوالکرم) ۲۴۳  
عبدالسلام پمامی کرمانی جبل عاملی (شیخ)  
۶۷۲، ۵۳۸  
عبدالسلام خواجہ ۶۳۳، ۶۳۱  
عبدالشہید (خواجہ) ۵۶۹-۵۷۰
- نورالدین ابوالبرکات) ۵۸، ۶،  
۱۵۵، ۱۶۴، ۱۶۹، ۲۴۶، ۲۴۸،  
۲۸۵، ۲۵۵-۲۸۹، ۲۸۷-۲۹۱،  
۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۰، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۴،  
۳۲۱-۳۲۲، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۲،  
۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۰۵، ۴۰۷،  
۴۱۵، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۶۶،  
۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۷،  
۵۶۹-۵۷۰، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۱۱،  
۶۱۵، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۴۵،  
۶۴۷، ۶۶۳، ۶۷۷، ۷۶۶، ۷۷۵-  
۷۷۷، ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۹۲، ۷۹۴،  
۸۲۶، ۷۹۶
- عبدالرحمن جامی و عبدالرحمن بن نظام -  
الدین  
عبدالرحمن حموی ۱۸۱  
عبدالرحمن خازنی ۶۳، ۶۰  
عبدالرحمن عراشی (شیخ) ۶۲۹  
عبدالرحمن عیاضی سرخسی ۵۳  
عبدالرحمن فضل اللہ (ابوالفضل) ۷۶۴  
عبدالرحمن قریشی مصری (نورالدین)  
۲۶۴  
عبدالرحمن لاهوری بلوچی ۵۴۵  
عبدالرحمن مشقی بخاری ۷، ۴۲۱،  
۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۵-۵۷۷، ۵۸۳،  
۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۰-۵۹۳، ۵۹۷،  
۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۸، ۸۳۶، ۸۰۸
- عبدالرحیم بن احمد جام (علاء الدین) ۷۲۰  
عبدالرحیم بن شمس الدین محمد اقطابی  
مشرقی خلوتی (خواجہ) ۷۹۵، ۷۴۲  
عبدالرحیم بن محمد شیرازی ۷۳۷  
عبدالرحیم بن منصور محتشم قہستان (ملک  
ناصر الدین ابوالفتح) ۱۳۷، ۱۳۹،  
عبدالرحیم خان خانان ۳۶۱-۳۶۲،  
۴۱۷، ۴۵۶، ۵۰۵، ۵۲۲-۵۲۳،  
۵۹۱، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۴۹، ۶۸۵،  
۶۹۰، ۸۰۲، ۸۲۴، ۸۳۱  
عبدالرحیم خلوتی ۷۴۲، ۷۹۵  
عبدالرحیم سلطان (برہان خان) ۵۶۸

عبدالعزيز گنجہ ۱۷۸  
 عبدالعزیز مراغی ۸۱۳  
 عبدالعزیز نامی معروف بنخواجہ خسرو  
 (خواجہ) ۶۲۹  
 عبدالعزیز نقاش (خواجہ) ۵۲۴-۵۲۵  
 عبدالعظیم (امامزادہ و شاہزادہ) ۱۲۷،  
 ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۷۳، ۴۶۲  
 عبدالعظیم سیفی حسینی (میر) ۴۹۲  
 عبدالعلی (ملا) ۶۲۴  
 عبدالعلی بن محمد بن حسین پیر جندی  
 نظام الدین) ۳۸۳-۸۰۶، ۳۸۴  
 عبدالعلی پیر جندی (نظام الدین) ۳۸۳-  
 ۸۰۶، ۳۸۴  
 عبدالعلی حاصلی خیر آبادی ۵۶۶  
 عبدالعلی خوشنویس ۶۳۶  
 عبدالعلی وزیر (ملا) ۶  
 عبدالغفار بن اسحق ۲۶۳  
 عبدالغفار تاشکندی مولانا زادہ (مولانا)  
 ۳۳۶، ۵۶۱، ۶۱۱  
 عبدالغفار سلطان ۵۷۳  
 عبدالغفور لاری (بدیع الدین ناری الدین)  
 ۱۱۶، ۲۵۵، ۶۱۳، ۷۷۵  
 عبدالغفور لاهیجی ۵۱۹  
 عبدالغنی بیک ہمدانی (میرزا) ۶۸۶-  
 ۶۸۷  
 عبدالغنی تفرشی (امیر) ۷۱۱  
 عبدالغنی ہمدانی ۶۳۶، ۸۳۷  
 عبدالقادر بداونی ۲۵۹، ۲۵۷ - ۲۶۰،  
 ۳۶۹، ۴۳۳، ۶۴۶  
 عبدالقادر بن ابوصالح عبداللہ چنگی دوست  
 ابن ابو عبداللہ بن یحییٰ الزاهد بن  
 داود بن موسیٰ بن عبداللہ بن موسیٰ -  
 الحسن بن عبداللہ المحض بن حسن المثنی  
 بن علی بن ابوطالب جیلی  
 گیلانی (محبی الدین ابو محمد) ۱۳۱  
 ۱۶۱، ۱۹۵، ۳۶۹ - ۳۷۰، ۴۰۵،  
 ۷۲۷، ۷۵۴  
 عبدالقادر بن حسر رویانی لاهیجی (نظام  
 الدین) ۲۷۰  
 عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی گویندہ  
 (کمال الدین و نظام الدین ابو الفضل)

عبدالشہید خاوند محمود بن خواجگی  
 خضر بن عبید اللہ احرار ۷، ۶۳۷،  
 ۷۸۲  
 عبدالصمد (معین الدین ابو المعالی) ۸۲  
 عبدالصمد بدخشانہ ۳۳۶  
 عبدالصمد بن افضل بن محمد ۳۶۵، ۸۱۷  
 عبدالصمد بن علی اصفہانی (نور الدین)  
 ۷۵۸  
 عبدالصمد تربتی (حوالا) ۶۳۰  
 عبدالصمد خان مصور ۶۵۲  
 عبدالصمد شیرین قلم (خواجہ) ۴۲۸  
 عبدالصمد مشہدی ۳۲۸، ۳۲۶  
 عبدالصمد مصری ۶۲۹  
 عبدالصمد نحوی ۶۰۳  
 عبدالعزیز ۷۲  
 عبدالعزیز ۷۷۲  
 عبدالعزیز (نجم الدین) ۱۷۹  
 عبدالعزیز اہری ۲۶۲  
 عبدالعزیز انصاری (محبی الدین) ۲۳۳  
 عبدالعزیز بن حسن جوئیوری (شیخ عزیر اللہ)  
 ۸۱۶  
 عبدالعزیز بن شہر ملک بن محمد واعظی ۱۹۰  
 عبدالعزیز  
 ۶۳  
 عبدالعزیز بن محمد افضل شیرازی (افضل -  
 الدین) ۲۳۶، ۲۸۰  
 عبدالعزیز بن منصور عسجدی مروزی ۳۶  
 عبدالعزیز بہادر خان (ابو الغازی) ۴۰۰،  
 ۵۷۹، ۶۰۵، ۶۰۵ ر. عبدالعزیز خان  
 عبدالعزیز جامی ۸۰۹  
 عبدالعزیز جوئیوری ۶۸۶  
 عبدالعزیز حکیم (خواجہ) ۳۴۹  
 عبدالعزیز خان عزیز شیبانی (ابو الغازی)  
 ۴۰۰، ۵۷۹، ۶۰۵، ۶۲۵ - ۶۲۶،  
 ۶۲۷، ۶۵۷  
 عبدالعزیز شیخ الجمال (ملک سید عز الدین)  
 ۲۲۵  
 عبدالعزیز کاشی ۷۵۷  
 عبدالعزیز کولی (قاضی) ۶۰۳

۸۱۷  
 عبدالکریم عطایی جونپوری ۶۸۶  
 عبدالکریم کاشانی (میرزا) ۵۱۸  
 عبدالکریم کریمی سمرقندی (بهاء الدین)  
 ۹۱  
 عبدالکریم محمد بن محمد بن فصیح الدین محمد بن  
 کریم الدین دشت بیاضی ۲۷۵، ۹۰  
 عبدالکریم منجم بلخی ۳۰۳  
 عبدالکریم نظامی (فصیح الدین) ۲۶۹  
 عبدالکریم نیشابوری (ملا) ۳۴۶  
 عبدالکریم حمدانی ۷۸۳  
 عبدالکریم حمدانی (علا) ۷۷۶  
 عبداللطیف (غلام) ۶۹۰  
 عبداللطیف بن الغ بیگ (رکن الدوله میرزا)  
 ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱،  
 ۲۶۹  
 عبداللطیف بن رشید الدین فضل الله  
 (ضیاء الدین) ۷۳۱  
 عبداللطیف بن عبداللہ عباسی گجراتی ۵۳۸،  
 ۸۳۳  
 عبداللطیف بن کوچکونجی خان بن ابو-  
 الخیر خان بن دولت شیخ بن ابراهیم  
 ابن یولادین منکو تیمور بن بداکول بن  
 جوجی بوغان بهادر بن شیبان بن  
 جوجی بن چنگیز شیبانی ۳۵۵،  
 ۴۸۷، ۵۸۶، ۶۰۳  
 عبداللطیف بن محمد بن ثابت خجندی  
 (صدر الدین) ۱۰۲  
 عبداللطیف بن هبة الله بن شغروه اصفهانی  
 (مجدالدین ابوالمجد) ۱۰۲  
 عبداللطیف بن میریحیی سیفی قزوینی  
 ۸۳۳  
 عبداللطیف جامی (شیخ) ۶۲۸  
 عبداللطیف خان ازبک (ابوالغازی) ۳۵۵،  
 ۴۸۷، ۵۸۶، ۶۰۴  
 عبداللطیف خوانی (شیخ) ۶۱۱  
 عبداللطیف سیفی حسنی قزوینی (میر)  
 ۴۰۶  
 عبداللطیف شروانی افلاطون ۳۰۳، ۸۵

۱۴۷، ۲۶۱، ۷۷۳، ۷۷۷ - ۷۷۸،  
 ۸۱۴، ۷۸۲  
 عبدالقادر بن محیی الدین اربلی قادری  
 ۱۳۳  
 عبدالقادر بن ملوکشاه بن حامد بدایونی  
 قادری ۳۵۷، ۳۵۹ - ۳۶۰، ۳۶۹،  
 ۶۳۶، ۴۳۳  
 عبدالقادر پسر نظامشاه ۳۶۸  
 عبدالقادر رهاوی ۵۸  
 عبدالقادر گوینده ر. عبدالقادر بن غیبی  
 عبدالقادر گیلانی ر. عبدالقادر بن ابوصالح  
 عبدالقادر نایینی یارسی ۱۸۱  
 عبدالقادر یمنی ۱۳۲  
 عبدالقاهر بن عبدالله سوروردی (ضیاء -  
 الدین ابوالنجیب) ۱۴۱، ۱۶۵،  
 ۱۹۶، ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۷۶  
 عبدالقدوس بن اسمعیل بن صفی الدین حنفی  
 کنگوهی (قطب العالم) ۳۷۵، ۴۰۴  
 عبدالقدوس سلطان شیبانی ۶۳۴  
 عبدالقهار سمرقندی (شریف الدین یاشرف  
 الدین) ۳۲۹، ۵  
 عبدالقهار هروی ۳۴۶  
 عبدالکافی ۱۸۱  
 عبدالکافی بن ابوالسراکات ۷۲۹  
 عبدالکبیر بن اویس قاضی زاده ۲۵۴،  
 ۲۸۱، ۳۸۲، ۸۰۶  
 عبدالکریم (مولانا) ۲۶۳  
 عبدالکریم ابرقوهی (شمس الدین) ۱۸۱  
 عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر  
 گیلانی (قطب الدین) ۱۹۵، ۷۵۴  
 عبدالکریم بن ابوبکر (ابوحنیفه) ۷۳۷  
 عبدالکریم بن احمد حاتمی هروی (امیر  
 ابوالفتح) ۴۱  
 عبدالکریم بن احمد هروی (ابوالفتح)  
 ۵۵  
 عبدالکریم بن سلیمان بن عبدالوهاب  
 کورانی ۳۹۳  
 عبدالکریم بن محمد تمیدهی ۲۴۱  
 عبدالکریم بن محمود قاضی احتیبار



عبداللطیف سجایی اورانیہ ای ۵۷۸

عبداللطیف یزدی ۷۵۴

عبدالله (امیر) ۲۱۲

عبدالله (سید) ۳۲۸

عبدالله (قوام الدین) ۲۰۵

عبدالله (مرشد الدین) ۷۸۱، ۲۴۶

عبدالله (میرزا) ۴۶۳-۴۶۲

عبدالله آشپز (شہاب الدین) ۳۴۱

عبدالله الہی سماوی (شیخ) ۸۱۴

عبدالله اعامی (خواجہ) ۴۲۳

عبدالله انصاری ۱۹۳، ۶۲، ۵۸-۵۷، ۵۲

۳۲۵، ۳۰۸، ۲۸۹، ۲۸۴، ۲۶۳

۵۶۷، ۳۵۹، ۳۵۲، ۳۳۲، ۳۲۸

۷۲۹، ۷۲۰، ۷۱۷، ۶۵۳، ۶۳۳

۷۸۱-۷۸۰-۷۵۸

عبدالله ارمانی (ائیر الدین) ۷۴۵، ۱۵۸

عبدالله بخاری (خواجہ) ۵۷۶

عبدالله بخاری (سلطان) ۳۴۶

عبدالله بلیانی کازرونی (اوحد الدین)

۷۱۰، ۲۸۲، ۱۸۱

عبدالله بن ابراہیم سلطان ۳۰۱

عبدالله بن ابوتراب بن بہرام بن زکی بن

عبدالله بنجیری شیرازی (زکی الدین)

۷۴۵

عبدالله بن ابو عبدالله منجی الثانی بن ابو-

حفص منجی الماضی بن عبدالله بن

یقطان اینجی خوزی ۷۴۹، ۵۶

عبدالله بن احمد جام (حمید الدین) ۷۲۱

عبدالله بن اللہ داد عثمانی تلمینی ۸۱۲، ۸۰۹

عبدالله بن جعفر طیار ۲۸۰

عبدالله بنجیری (ابو محمد شمس الدین)

۷۷۰-۷۶۹، ۷۶۱

عبدالله بن بہادر خان (ابوالغازی) ۳۷۵

عبدالله بن حسین بن صالح بن بایزید بن

ہامر بن دینار طالبی زرقانی ۷۰۷

عبدالله بن خالد ۷۲۲

عبدالله بن خواجہ شمس الدین مروارید

کرمانی (شہاب الدین) ۶، ۳۵۹-

۷۷۷، ۶۲۲، ۶۱۴، ۳۱۸، ۲۶۰

عبدالله بن زین الدین لطف اللہ بن عبدالرشید

بہدانی خوافی ہروی حافظ ابرو

(شہاب الدین) ۲۳۷-۲۳۸، ۲۳۳

عبدالله بن ضیاء الدین مسعود بلیانی کازرونی

(اوحد الدین) ۷۱۰، ۲۸۲، ۱۸۱

عبدالله بن عبدالحمی بن علی حسینی اسحاقی

۲۶۲

عبدالله بن عبدالرحمن بن عبداللطیف

حسینی دشتکی شیرازی شافعی ہروی

واعظ (اصیل الدین ابوالمقاسم)

۷۷۶، ۲۴۵، ۲۴۳

عبدالله بن عبدالرزاق اصفہانی (جمال-

الدین ابومحمد) ۷۴-۱۰۱، ۷۵

۱۷۳-۱۷۳، ۱۵۷

عبدالله بن علی ۴

عبدالله بن علی بن محمد کاشانی (ابوالقاسم)

۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱

عبدالله بن عمر بیضاوی (قاضی نصیر الدین یا

ناصر الدین ابوالخیر یا ابوسعید)

۷۴۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵، ۱۳۹

عبدالله بن کرام ۱۶

عبدالله بن محمد انصاری ہروی (شیخ -

الاسلام ابواسمعیل) ر عبدالله انصاری

عبدالله بن محمد بلخی رودہ (ابو محمد)

۴۵

عبدالله بن محمد بلخی فرخاری ۳۵

عبدالله بن محمد بن شاہوراسدی رازی دایہ

(نجم الدین ابوبکر) ۸۰، ۱۱۵،

۷۳۰، ۱۴۰

عبدالله بن محمد بن علی بن حسن بن علی

میانجی ہمدانی عین القضاة (ضیاء -

الدین ابوالفضائل یا ابوالمعالی)

۶۹، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۹۶، ۶۰۹،

۷۷۳، ۷۲۲، ۷۱۵

عبدالله بن محمد بن کیا مازندرانی ۷۸۰

عبدالله بن محمد رشیدی سمرقندی (ابومحمد)

۹۷

عبدالله بن محمد عبدالحمی بن علی طوسی

برزش آبادی (میر شہاب الدین)

۹۲۳

سلطان ر. عبدالله خان ازبک  
 عبدالله خان شیبانی ر. عبدالله خان ازبک  
 عبدالله خان عوض غازی ۴۸۸  
 عبدالله ختلانی (برهان الدین) ۱۶۴  
 ۷۴۱، ۳۲۹، ۲۸۴  
 عبدالله خویی (قاضی) ۷۰۱  
 عبدالله دیوانه هروی ۳۴۹، ۳۴۴  
 عبدالله رازی (قاضی) ۶۸۸، ۴۹۹  
 عبدالله رازی (قاضی) ۶۸۸  
 عبدالله راضی ۶۸۸  
 عبدالله روزبه نکستی (ابو عبدالله) ۴۲  
 عبدالله سلطان ۵۶۸، ۵۷۳  
 عبدالله سلطان پوری (مخدوم الملک)  
 ۶۴۶  
 عبدالله مندی ۳۹۴  
 عبدالله شبستری ۲۳۹، ۷۹۰  
 عبدالله شطاری ۲۴۶  
 عبدالله شفرو (ظہیر الدین) ۱۰۲  
 عبدالله طوسی ۳۰۴-۳۰۵  
 عبدالله عارضی ۲۵  
 عبدالله عمدی اصمہانی (میر) ۶۸۶  
 عبدالله قاتونی (میر) ۵۴۹  
 عبدالله قرشی ۴۹  
 عبدالله قزوینی ۳۴۶  
 عبدالله قسری ۱۷۸  
 عبدالله قطب ۲۲۱، ۳۹۶  
 عبدالله قطب شاہ ۴۳۵، ۵۳۲، ۵۵۷  
 عبدالله کاشغری ندایی (خواجہ) ۲۸۱  
 عبدالله کامل شیرازی (قوام الدین) ۶۸۸  
 عبدالله گیلائی ۲۴۶  
 عبدالله لاهوری ۵۵۱  
 عبدالله لسانی شیرازی (کمال الدین یا  
 وجیہ الدین) ۴۳۶، ۸۲۵، ۸۲۸  
 ۸۳۲  
 عبدالله مروارید کرمانی (خواجہ شہاب-  
 الدین) ۲۵۹-۲۶۰، ۳۹۸، ۶۱۴  
 ۷۷۷، ۶۲۲  
 عبدالله معروف بسید میرزا (مرشد الدین  
 شاہ) ۲۴۶، ۷۸۱

۸۴۱، ۷۵۶، ۶۳۹، ۳۲۳، ۳۲۰  
 عبدالله بن محیی بن محمود انصاری خوزجی  
 سعدی شیرازی جهرمی (قطب الدین)  
 ۳۹۶، ۲۶۱  
 عبدالله بن مسعود بن محمد بن علی بن  
 احمد بن عمر بن اسمعیل دقاق (ارح-  
 الدین ابو علی) ۳۷۹  
 عبدالله بن مشرف بن مصباح بن مشرف سعدی  
 شیرازی (مصباح الدین ابو محمد) ۳،  
 ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱-۱۶۲،  
 ۱۶۷-۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۳،  
 ۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۹۰، ۳۹۳،  
 ۴۱۵، ۴۳۵، ۴۶۵، ۵۱۲، ۶۲۶،  
 ۶۹۲، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۸۱۱  
 عبدالله بن معتز ۷۱۴  
 عبدالله بن مقفع ۱۱۸، ۱۲۹  
 عبدالله بن نصر بکری بغدادی (ایوب بکر)  
 ۱۳۲  
 عبدالله بن یقظان ایندجی خوزی ۱-۲  
 عبدالله بن یقظان خوزی (ابو حفص) ۱،  
 ۵۶، ۷۴۹  
 عبدالله ترخان (درویش) ۲۴۶  
 عبدالله چشمہ مالان ۳۴۶  
 عبدالله حسینی بلیانی کازرونی (اوحد الدین)  
 ۱۸۱، ۲۸۲، ۷۱۰  
 عبدالله حلوانی مشہدی ۶۳۹  
 عبدالله خان (میر) ۴۹۲  
 عبدالله خان ازبک (ابوالغازی) ۲-۸،  
 ۳۷۵، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۸۷-۴۸۸،  
 ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۶۰، ۵۶۸-۵۶۹،  
 ۵۷۲-۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵-۵۹۷،  
 ۶۰۱، ۶۰۴، ۶۰۵-۶۰۸، ۶۱۰،  
 ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۶۷،  
 ۶۷۲، ۶۷۴، ۶۹۰، ۸۳۶، ۸۲۰  
 عبدالله خان استاجلو (امیر) ۳۹۹  
 عبدالله خان اعتماد الدولہ ۴۳۴  
 عبدالله خان بن اسکندر خان بن جانی بیک  
 سلطان شیبانی ر. عبدالله خان ازبک  
 عبدالله خان بن سکندر خان بن جانی بیک

عبدالمؤمن بن صفی الدین بن عزیز الدین  
 یاعزالدین بن محیی الدین نعمت  
 (ضیاء الدین) ۷۷۹، ۲۶۸  
 عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی  
 (صفی الدین ابوالمقارن) ۱۴۶ -  
 ۸۱۴، ۷۳۲، ۲۶۲، ۱۴۷  
 عبدالمؤمن جاروتی (ابوالعلا) ۲۵۸  
 عبدالمؤمن خان ازبک ۷-۴، ۸۸۰، ۴۰۴، ۴۸۸، ۴  
 ۸۱۷، ۶۶۷، ۵۹۵، ۵۶۹  
 عبدالمؤمن محمد بن فضل الله بن هبه الله بن  
 محمد شفروہ (شرف الدین) ۲۴، ۱۰۲  
 عبدالمؤمن مؤمن هروی ۶۳۷  
 عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی ۵۲۷  
 عبدالواحد ابراهیم حسینی بلگرامی  
 ۷۴۲  
 عبدالواحد بلگرامی ۱۹۶، ۵۳۹، ۶۴۴  
 عبدالواحد حسینی واسطی شاهی بلگرامی  
 (میر) ۶۴۴  
 عبدالواسع بن عبدالجامع بن عمر بن ربیع  
 سلطانی جبلی غرستانی (سید مدعیہ -  
 الزمان) ۱۶۶، ۹۲، ۸۲، ۷۳، ۴۸، ۱۶۶  
 عبدالواسع شامی یاشنب قازانی معروف  
 بنظام شامی (نظام الدین) ۲۳۶، ۲۸۲، ۲۵۰  
 عبدالواسع نظامی باخرزی (حال الدین)  
 ۳۱۳  
 عبدالواسع نوری ۶۲۷  
 عبدالواسع هروی ۳۳۶  
 عبدالوہاب ۶۱۸  
 عبدالوہاب (تاج الدین) یا شمس الدین  
 (ابوالفضل) ۲۸۰  
 عبدالوہاب (عماد الدین) ۳  
 عبدالوہاب اسمراینی ۳۴۶  
 عبدالوہاب بن احمد بخاری (سید) ۸۱۲  
 عبدالوہاب بن حلال الدین محمد ہمدانی  
 ۸۱۷  
 عبدالوہاب بن علی حسینی استرابادی (سید)  
 ۳۷۱

عبدالله مورخ ۳۶۹  
 عبدالله مہدوی باوردی ۱  
 عبدالله مہنہ (خواجہ) ۶۲۰  
 عبدالله میرزا تیموری ۲۵۱  
 عبدالله وصفی (میر) ۵۵۶  
 عبدالله ہاتفی جامی ۳۱۴، ۳۹۰، ۴۱۰  
 عبدالله یقینی لاهیجی (قاضی) ۵۱۱  
 عبدالله یمنی (شریف) ۶۳۳  
 عبداللہیہ علویہ علاء دولویہ کبرویہ  
 (طریقہ) ۳۰۶  
 عبدالمجید (خواجہ برہان) ۳۰۷  
 عبدالمجید (فخر) ۱۷۸  
 عبدالمجید تبریزی ۲۲۵  
 عبدالمجید شروانی ۷۸۳  
 عبدالمحسن بن محمد حسینی ۷۵۶  
 عبدالمطی بن ابوالشام محمود بن عبدالمطی  
 لخمی اسکندری (سید الدین ابو -  
 محمد) ۷۱۸  
 عبدالمقتدر ۲۵۰  
 عبدالملک (رشید الدین) ۳۱۴  
 عبدالملک بن عبداللہ بن یوسف جوینی امام -  
 الحرمین (ضیاء الدین ابوالمعالی)  
 ۷۴۱، ۶۱  
 عبدالملک بن عصام بن ابومکر بن محمد بن  
 عبدالرحیم بن ابوبکر علی صاحب  
 الہدایہ سمرقندی (عماد الدین  
 ابواحمد) ۲۱۳ - ۲۲۵، ۲۱۴  
 عبدالملک بن نوح سامانی ۳۲  
 عبدالملک جوینی (امام الحرمین) ۶۱،  
 ۷۴۱  
 عبدالملک خواجہ ۶۳۹  
 عبدالملک سمرقندی (خواجہ) ۲۱۳ -  
 ۲۱۴  
 عبدالملک محمد برہانی نیشابوری ۵۱،  
 ۸۳  
 عبدالمؤمن (مولانا) ۳۴۶  
 عبدالمؤمن ارموی (صفی الدین) ۱۴۶ -  
 ۸۱۴، ۷۳۲، ۲۶۲، ۱۴۷  
 عبدالمؤمن بن ابراہیم بن رشید الدین  
 فضل الله (عماد الدین) ۷۳۱

- عبدالوهاب بن محمد حسینی حسنی معموری  
غنائی ۳۹۶
- عبدالوهاب سمرقندی ۳۴۶
- عبدالوهاب سہابی ۳۴۵
- عبدالوهاب مایونی ۲۹۳
- عبدالوهاب عارفی (خواجہ) ۶۳۹-۶۴۱
- عبدالوهاب مشہدی (قاضی) ۳۲۹
- عبدالوہابیہ (سادات) ۳۹۸
- عبدالہادی ۷۳۷
- عبدالہادی پارسا (خواجہ نظام الدین)  
۶۲۳
- عبدمنان قمی ۶۸۵
- عبدہ (خواجہ) ۴
- عبدہ (شیخ) ۱۷۸
- عبدی (زین العابدین علی) ۳۸۵، ۴۰۳
- ۸۰۲، ۴۴۴
- عبدی ابرقوھی ۴۷۰
- عبدی اصفہانی (میر عبداللہ) ۶۸۶
- عبدی بلخی ۶۲۶
- عبدی بیک شیرازی ہمدانی ۵۳۲
- عبدی بیک شیرازی ۸۲۹، ۴۷۱
- عبدی بیک نویدی اصفہانی (خواجہ) ۵۹۱
- عبدی تہریزی (درویش) ۷۰۱
- عبدی جنابدی ۵۱۲
- عبدی حراسانی (قاضی عبدالرزاق) ۶۸۶
- عبدی رازی ۴۷۱
- عبدی زامینی (حکیم) ۶۸۶
- عبدی شروانی ۷۰۱
- عبدی شیرازی (زین العابدین علی) ۴۴۴
- عبدی قزوینی تہریزی (محبی الدین محمد  
ابن عبدالاول) ۳۹۱
- عبدی گابدی ۴۷۰
- عبدی نیشابوری ۶۹۳، ۳۴۶
- عبری ۷۹۸
- عبوری گندم دانی ۶۰۲
- عبیری (جمال الدین) ۷۲۵
- عبداللہ (مؤید الملک ابوبکر) ۸۹، ۵۴
- عبداللہ احرار (ناصر الدین) ۲۶۳، ۷، ۵
- ۲۶۵، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۶، ۴۰۵
- ۶۲۳ - ۶۲۱، ۶۱۱، ۵۸۴، ۵۶۹
- ۷۸۱ - ۷۸۰، ۷۷۸، ۶۳۷، ۶۳۳
- ۸۴۱ - ۸۴۰، ۸۱۷، ۸۰۶، ۷۹۶
- عبداللہ من جبرئیل بن عبید اللہ بن یختیشوع  
طیب (ابوسعید) ۷۳۷
- عبداللہ بن حسام الدین بن عماد الدین عمر بن  
کمال الدین صمصام بن شمس الدین  
محمد بن نجم الدین نسفی (شہاب الدین)  
۷۸۵
- عبداللہ بن محمود (صدر الشریعہ) ۱۵۴،  
۷۳۴
- عبداللہ بن محمود بن شہاب الدین احرار  
(ناصر الدین) ر. عبداللہ احرار
- عبداللہ بن محمود محبوبی بخاری ۷۳۴
- عبداللہ بن محمود بن تاج الشریعہ برہان -  
الدین محمود بن صدر الشریعہ احمد  
ابن جمال الدین ابوالمکارم عبید اللہ  
محبوبی بخاری (صدر الشریعہ)  
۱۵۴ - ۱۵۵، ۱۶۶، ۲۸۸، ۳۸۴،  
۷۳۴
- عبداللہ بن مسعود حنمی (صدر الشریعہ)  
۱۵۴ - ۱۵۵، ۱۶۶، ۲۸۸، ۳۸۴،  
۷۳۴
- عبداللہ بن نظام الملک (مؤید الاماک  
ابوبکر) ۸۹، ۵۴
- عبداللہ بیک تاشکندی ۵۹۱
- عبداللہ خان ازبک (ابوالغازی) ۶ - ۸،  
۲۵۲ - ۲۵۳، ۲۸۵، ۳۳۳، ۳۳۸،  
۳۴۶، ۳۸۴ - ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۰۶ -  
۴۰۷، ۴۶۴، ۴۰۹، ۴۷۷، ۴۸۶،  
۶۱۳ - ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۵،  
۶۲۷ - ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۵، ۷۰۵
- عبداللہ خان شیبانی ر. عبید اللہ خان ازبک
- عبداللہ خویشکی چشتی عبیدی ۲۰۶
- عبداللہ زاکانی (نظام الدین) ۲۰۶، ۲۰۱
- عبداللہ سمرقندی ر. عبید اللہ احرار
- عبداللہ شاشی ۲۱۱
- عبداللہ نقشبندی (نصیر الدین) ۲۴۷،  
۸۱۷

۵۳۱، ۵۱۸، ۳۹۵، ۴۹۰، ۶۸۳  
 ۶۸۲، ۶۵۹، ۶۴۹، ۶۴۱، ۶۱۵  
 ۸۱۸، ۸۰۱، ۷۹۹، ۷۹۲، ۷۸۲  
 ۸۴۰، ۸۲۶  
 عثمانیان ۸۱۸، ۴۸۰، ۴۷۸، ۳۵۲  
 عجیبی خجندی ۹۵  
 عجزی تبریزی (حسن بیک) ۵۱۵، ۵۱۲  
 ۸۳۱-۸۲۲  
 عجم (علی) ۷۹۳  
 عجم اغلان ۸۴۰  
 عجمی (حبیب) ۷۵۳، ۶۳۰  
 عجیبی گرگانی (سولانا شمس الدین)  
 ۶۸۶  
 عجمی گوزگانی (شمس الدین محمد) ۹۱  
 عدال (میر) ۸۱۲  
 عدنی (محمود پاشا) ۸۰۱-۸۰۲  
 هند تبریزی ۱۸۱  
 عراقی (عبدالرحمن) ۶۲۹  
 عراقی (اسب) ۴۳۴  
 عراقی (خواجه ایوب) ۴۱۲  
 عراقی (فخرالدین ابراهیم بن بزرگ  
 مهر بن عبدالغفار جو الیقینی همدانی)  
 ۱۰۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۳، ۲۰۹  
 ۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۲۹، ۴۵۱  
 ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۳۱  
 عرب ۱۰-۱۱، ۱۳، ۱۸، ۲۶، ۳۲، ۴۷  
 ۱۱۰، ۵۲، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۶  
 ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۱  
 ۱۶۱-۱۶۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷  
 ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۴۴، ۲۶۸  
 عرب (شریعت عبداللہ میر) ۶۳۳  
 عربشاه (فخرالدین علاءالدوله) ۱۰۷  
 عربشاه یزدی ۷۴۵  
 عرب طویلی بلخی ۵۶۷  
 عرب کربلایی (امیر علی) ۶۸۶  
 عرب مشهدی (میرزا) ۶۸۶  
 عربی ۲-۶، ۷-۱۲، ۱۳-۱۶، ۱۷-۲۰  
 ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۴۷، ۲۰۶، ۲۰۹  
 ۲۴۹، ۲۷۲، ۲۸۱-۲۸۳، ۳۰۳

عیدزاکانی ۲۰۶، ۲۰۱  
 عبیدی (عبیدالله خویشکی جغتوی) ۲۰۶  
 عبیدی خراسانی ۳۳۶  
 عبیدی لاهوری ۵۴۹  
 عبیدیہ (ملوک) ۸۰۳  
 عتابی نجفی (سید محمد) ۴۳۲  
 عتبه الاصغر  
 عتبی (ابونضر محمد بن عبدالجبار) ۱۲۹  
 ۷۵۵، ۱۳۵  
 عتمی کاتب (محمد بن عثمان) ۷۸، ۳۵  
 عتیق بن محمد سور آبادی (ابوبکر) ۱۱۷  
 عتیقی تبریزی (جلال الدین) ۲۱۷  
 عتیقی تبریزی (قطب الدین) ۲۱۷، ۱۸۱  
 عتیقی شروانی ۵۲۲  
 عثمان (آ) ۱۳۴، ۱۹۸، ۲۲۹، ۲۵۴  
 ۲۶۲، ۲۷۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۵۱  
 ۴۵۲، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹-۴۸۳  
 ۴۹۰-۴۹۱، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۸  
 ۷۵۷، ۸۱۰، ۸۱۱-۸۴۰  
 عثمان بن ابراهیم بن حسین قلیج ارسلان  
 خان (نصره الدین) ۹۶-۹۹، ۹۷  
 عثمان بن احمد هروی حاجی هریوه (ابو-  
 الفضل) ۸۸  
 عثمان بن حرب سگزی (ناصر الدین) ۹۱  
 عثمان بن سراج الدین محمد بن منهاج الدین  
 عثمان بن عبدالخالق جوزجانی  
 (منهاج الدین ابو عمرو) ۱۳۵، ۷۱۳  
 ۷۱۴، ۷۳۰  
 عثمان بن عفان ۹۲، ۵۷  
 عثمان بن محمد مختاری غزنوی (سراج  
 الدین) ۷۴، ۷۷، ۸۰، ۸۲  
 عثمان خواجه سید اتایی (سید) ۶۳۱  
 عثمان قیس بن حافظ غلام شاه خان بن محمد  
 شرف الدین خان افغانی ۲۰۴  
 عثمان ماکی قزوینی (قاضی) ۱۸۱، ۲۲۳  
 عثمان مراغه ۱۷۸  
 عثمان هارونی (شیخ) ۱۵۴  
 عثمانی ۲۵۴، ۲۸۶، ۳۲۵، ۳۸۷، ۴۵۲  
 ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۰-۴۸۱

- عزالدین عبدالعزیز شیخ الجبال (ملک) - ۶۲۳، ۶۱۰، ۴۹۶، ۴۰۲، ۳۹۱  
 سید) ۲۲۵  
 عزالدین علوی، ۱۸۱  
 عزالدین علینقی بن شیخ ابوالعلا هاشم  
 طغایی کمره‌ای فراهانی شیرازی  
 اصفهانی (ملا) ۳۷۹، ۵۰۹، ۶۹۹  
 عزالدین کرچی ۲۲۳  
 عزالدین کسبی بخاری (قاضی) ۸  
 عزالدین کیگارمن سلجوقی ۸۰، ۱۵۰  
 ۷۵۱، ۱۶۱  
 عزالدین محمود بن علی کاشانی نطنزی  
 ۱۹۲، ۱۴۲  
 عزالدین محمود عشقی کاشانی ۴۴۴، ۴۷۰  
 ۸۲۹  
 عزالدین مسعود ۱۰۵  
 عزالدین مسعود بن روزبهان ثانی ۲۲۲  
 عزالدین مطهر بن عبدالله بن علی حسینی  
 ۴۱۵  
 عزالدین همدانی ۲۲۳  
 عزالدین یحیی (امیر) ۱۸۱  
 عزت (غیاث‌الدین) ۳۳۶  
 عز شروانی ۷۷۲  
 عزلی خلخالی (ملا دهم) ۷۰۱  
 عزمی بخارایی ۶۳۶  
 عزمی تبریزی (سلطان محمد) ۷۰۱  
 عزمی ماوراءالنهری ۶۲۹، ۶۳۶  
 عزیز ابوالبقا ۱۷۸  
 عزیزالدین ۱۸۱  
 عزیزالدین اردشیر استرابادی بختیاری  
 ۱۹۳  
 عزیزالدین رافی اسفراینی ۹۵  
 عزیزالدین سامی قزوینی ۶۴۲، ۶۴۴  
 ۶۵۶  
 عزیزالدین شروانی ۱۷۸  
 عزیزالدین محمد نسفی ۱۱۱، ۷۲۲  
 عزیزالله حضوری قمی ۴۳۲، ۴۵۹، ۸۲۳  
 عزیزالله زاهدی ۳۱۰  
 عزیزالله عبدالعزیز بن حسن جونپوری  
 ۸۱۶
- عربی قندزی ۵۸۹  
 عرتامی ۲۵  
 عرش (طهماسب قلی بیک عهدی) ۵۰۰  
 ۸۳۰  
 عرضی (محمد مؤمن) ۴۰۹  
 عرضی بخارایی ۵۸۸  
 عرفی شیرازی (سید جمال‌الدین محمد)  
 ۴۱۷، ۶۵۴، ۸۱۹، ۸۲۶  
 عرفی کمانگر تبریزی ۶۵۴  
 عروجی (تاج‌الدین فیروزشاه بن داودشاه  
 بهمنی) ۲۱۵، ۲۳۴، ۷۸۰، ۷۹۵  
 عروسی (یوسف) ۲۵، ۹۵  
 عروسی بخاری (سیفی) ۲۹۳، ۶۲۰  
 عریضی (سادات) ۳۰۵  
 عریضی (مؤیدالدین) ۲۳۰  
 عز اصفهانی ۱۷۸  
 عزالدین ابراهیم بن رشیدالدین فضل‌الله  
 (خواجه) ۷۳۱  
 عزالدین ابوالمکارم حمزه بن زهره حللی  
 ۷۴۴  
 عزالدین اسفراینی یورحسن ۱۸۰  
 عزالدین اصفهانی ۸۹  
 عزالدین بابویه ۱۸۱  
 عزالدین بن جعفر بن شمس‌الدین آملی  
 ۳۹۶  
 عزالدین بن جمال‌الدین کیشی (ملک)  
 ۷۵۰  
 عزالدین بن علی سرخسی ۸  
 عزالدین خلوتی (شیخ حاج) ۷۸۳  
 عزالدین شروانی ۱۰۸، ۱۷۸، ۷۷۲  
 عزالدین شفرو ۱۰۴  
 عزالدین شهری ۱۷۸  
 عزالدین طاهر بن زنگی فریومدی ۱۷۵  
 ۱۸۶  
 عزالدین طاهر فریومدی (خواجه) ۱۷۵  
 ۱۸۶

عشرتی یزدی ۴۷۰  
 عشقی (شیخ محمد صادق بن ابوالحسن شیخ  
 ابنزا  
 قلبی شیخ) ۶۲۸  
 عشقی (میر) ۳۴۶  
 عشقی تبریزی ۷۰۱  
 عشقی خان ترک ۸۳۴، ۵۴۹  
 عشقی سوخی فرغانی ۶۰۲  
 عشقی کاشانی (مولانا عزالدین محمود)  
 ۸۲۹، ۴۳۴، ۴۳۳  
 (سلسلہ) ۶۳۸  
 صبار تبریزی (خواجہ شمس الدین حاجی  
 محمد) ۳۴۱، ۲۰۲  
 عصام الدین ابرہیم ابن عربشاہ اسفراینی  
 ۸۱۵، ۶۳۰، ۶۲۳، ۴۱۶، ۷  
 عصامی (فخر الملک) ۳۲۵  
 عصامی سمرقندی (عبد الملک بن عصام بن  
 ابوبکر بن محمد بن عبدالرحیم بن  
 ابوبکر صاحب الہدایہ) ۲۱۴-۲۱۳،  
 ۲۲۵  
 صفوری (جمال) ۱۷۷  
 عصمت الدین بدیع الجمال ۱۹۲  
 عصمت اللہ بخاری (خواجہ) ۵۷۸  
 عصمت اللہ بن مسعود بخاری (خواجہ  
 فخر الدین) ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶،  
 ۷۹۰، ۷۸۷، ۵۷۸، ۳۰۰  
 عصمت اللہ بن محمود بن نعمہ اللہ سمرقندی  
 (لام) ۲  
 عصمت اللہ کوفی ۶۳۲  
 عصمت بخاری ۲۹۵، ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶، ۳۰۰،  
 ۷۹۰، ۷۸۷، ۵۷۸  
 عصمتی (نوی بی) ۳۴۹  
 عصمی (نظام الدین مودود بن احمد) ۸۱  
 عضدالدولہ (ابو یعقوب یوسف بن سبکتگین)  
 ۳۷، ۳۴  
 عضدالدولہ جمال الدین حسین بن فخر الدین  
 حسن اینچو ۳۹۷  
 عضدالدین ایچی (قاضی) ۱۸۳، ۱۸۸،  
 ۱۹۱، ۲۱۶، ۲۶۳، ۲۶۶-۲۶۷

عزیز اللہ عزیز سیفی حسنی ابھری  
 قزوینی (میر) ۸۲۳، ۶۵۴، ۴۳۰  
 عزیزان (جمال الدین) ۸  
 عزیزان (شیخ) ۶۰۴  
 عزیزان (علی رامیشی خواجہ) ۲۲۰  
 عزیزان (مولانا خوش محمد) ۶۲۰  
 عزیزخان (میر) ۴۹۲  
 عزیز شاہ ۸۰۵  
 عزیز شفر وہ ۱۷۸  
 عزیز عزیز ابھری قزوینی (میر) ۴۳۰،  
 ۸۲۳، ۶۵۴  
 عزیز عزیز قزوینی ۶۵۴  
 عزیز علی شروانی ۱۷۸  
 عزیز قلندر کاشانی ۶۸۶  
 عزیز کابلی ۳۴۶  
 عزیز کحال ۱۷۸  
 عزیز کمانچہ ای یا کمانچہ کش ۵۳۱  
 عزیز کو ککاش (میرزا) ۴۱۸، ۵۴۹،  
 ۶۵۳  
 عزیز کو کہ (خان اعظم میرزا) ۳۸۳،  
 ۴۲۶، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۳،  
 ۶۰۱، ۶۵۳، ۶۶۹  
 عزیز مستعلی ۲۴۵  
 عزیز مشکئی ۲۲۵  
 عزیز ابھری قزوینی (میر عزیز) ۴۳۰،  
 ۸۲۳، ۶۵۴  
 عزیز حسینی (سید حسن) ۷۲۵  
 عزیز سیفی حسنی ابھری قزوینی (میر  
 عزیز اللہ) ۸۲۳، ۶۵۴، ۴۳۰  
 عزیز شیبانی (ابوالغازی عبدالعزیز  
 خان) ۶۰۵  
 عزیز قزوینی (عزیز) ۶۵۴  
 عزیز مستعلی ۲۲۵، ۹۶  
 عزیز مشہدی کاشانی ۶۵۴  
 عسجدی مروزی (عبدالعزیز بن منصور)  
 ۳۶  
 عسکری (میرزا محمد) ۴۳۰، ۴۷۶، ۶۰۷،  
 ۸۱۹  
 عشرتی ہروی ۳۴۶

- عطاء یعقوب ۴۳  
 عطایی ۳۴۶، ۲۲۶  
 عطایی جونپوری (شیخ عبدالکریم) ۶۸۶  
 عطایی مشہدی (عطاء اللہ بن محمود بن  
 بن) ۲۲۴  
 عقیف الدین بن نور الدین کاشانی ۳۷۳  
 عقیف الدین سلیمان بن علی تلمسانی ۷۱۸  
 عقبہ  
 عکاشہ (جلال الدین فریدون) ۷۶۵، ۲۱۴  
 علاء شیرازی (حافظ) ۳۲۰  
 علامہ حلی ۷۰۱، ۶۶۳، ۳۷۴  
 علامہ دوانی (جلال الدین) ۲۶۵-۲۶۶،  
 ۳۵۶، ۳۱۸، ۳۱۵، ۲۷۷-۲۷۶  
 ۳۹۳، ۳۹۱، ۳۸۹، ۳۷۶، ۳۷۴  
 ۶۶۱، ۶۴۸، ۵۴۱، ۴۶۵، ۴۳۹  
 ۷۷۹، ۷۴۲، ۷۰۶، ۶۹۱، ۶۶۳  
 علامہ شیرازی (قطب الدین) ۱۴۷، ۳۸۹،  
 ۷۴۵، ۷۳۲  
 علامہ قوشچی ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸-  
 ۳۸۸، ۳۷۵، ۳۵۶، ۲۸۶، ۲۲۰  
 ۶۶۳، ۶۰۸، ۴۰۳  
 علامی (ابوالفضل بن مبارک) ۳۶۳-  
 ۵۳۲، ۴۳۱، ۴۲۵-۴۲۴، ۳۶۵  
 ۶۶۹، ۶۰۲، ۶۰۰، ۵۴۸  
 علامی (شیخ کمال الدین ابوالفضل تبریزی  
 چلبی بیگ) ۵۲۰  
 علاء الدولہ ابوکالیجار گرشاسب کاکوبہ  
 ۶۳  
 علاء الدولہ اتسز خوارزمشاہ ر اتسز  
 علاء الدولہ احمد بن شرف الدین محمد بن  
 احمد بن محمد بیابانکی سمتانی (رکن  
 الدین) ۳-۴، ۱۳۸، ۱۹۵، ۲۰۰،  
 ۷۸۳، ۷۵۶، ۷۳۳، ۷۲۱، ۶۳۴، ۴۱۶  
 علاء الدولہ احمد شاہ دوم ۱۹۰، ۲۵۹،  
 ۷۷۶  
 علاء الدولہ اسفرائینی ۲۵۵  
 علاء الدولہ اوزجندی ۱۰۰  
 علاء الدولہ بن یحیی بن عبداللطیف سیفی  
 کامی قزوینی (امیر) ۳۸۳، ۴۳۳
- ۳۸۵، ۳۵۶، ۲۸۳، ۲۷۳، ۲۷۰  
 ۷۰۵، ۳۹۳، ۲۹۱  
 عضد الدین عبدالرحمن ۱۸۴  
 عضدی ۶۶۳، ۱۷۸  
 عضدی مشکافی ۲  
 عطار (علاء الدین محمد بن محمد بخاری)  
 ۸۲۰، ۷۶۷، ۲۸۱، ۱۹۲  
 عطار (محمود) ۷۶۱  
 عطار تونی (فرید الدین محمد بن ابراهیم)  
 ۳۲۰  
 عطاردی خراسانی ۳۵  
 عطار نیشابوری (فرید الدین ابو حامد  
 محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن شعبان)  
 ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰، ۳۱۹،  
 ۲۹۰-۲۹۱، ۳۲۰، ۳۴۵، ۷۲۳  
 عطار ہمدانی (زین الدین محمد بن ابراهیم  
 ابن مصطفی بن شعبان) ۲۱۸-۲۱۹،  
 ۳۲۰  
 عظامک جوینی (علاء الدین) ۲، ۹۴،  
 ۱۲۶-۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۷۳۰،  
 ۷۴۹  
 عطاء اللہ (میرزا) ۴۶۲  
 عطاء اللہ بن حمام واعظ ہسروی ۳۹۶،  
 ۸۰۷  
 عطاء اللہ بن فضل اللہ (امیر) ۶۹۱  
 عطاء اللہ بن فضل اللہ حسینی دشتکی  
 شیرازی نیشابوری ۲۴۵  
 عطاء اللہ بن محمود بن حسین مشہدی عطایی  
 (جمال الدین) ۳۲۳، ۵  
 عطاء اللہ رازی (قاضی) ۴۷۱، ۴۹۹،  
 ۵۰۲  
 عطاء اللہ رازی ہسروی (برہان الدین)  
 ۳۲۳  
 عطاء اللہ نیشابوری (امیر برہان الدین)  
 ۳۲۴  
 عطاء اللہ ورامینی رازی (قاضی) ۴۷۱،  
 ۵۰۲، ۴۹۹  
 عطاء بن یعقوب کاتب رازی ناکوک (عمید  
 عطاء و عطاء یعقوب ابوالعلا) ۴۳



علاءالدین خلوتی ۷۹۶  
 علاءالدین خوارزمی ۱۰۳، ۱۷۸،  
 علاءالدین زرگر ۴  
 علاءالدین شاه ۳  
 علاءالدین عبدالرحیم بن احمد جام ۷۲۰  
 علاءالدین عظامک جوینی ۹۳، ۱۳۶،  
 ۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۷، ۷۳۰، ۷۳۹  
 علاءالدین علاء اودی (سید) ۵۳۹، ۶۴۲،  
 ۸۲۶  
 علاءالدین علی باخرزی صانعی ۳۲۴،  
 ۳۴۵  
 علاءالدین علی بن خواجہ کمال الدین  
 نعمت اللہ برزنی آبادی طوسی ۵۶۵  
 علاءالدین علی بن محمد بن احمد بن خلف  
 خیام خراسانی ۷۴۹  
 علاءالدین علی بن محمد قوشچی (یازین-  
 الدین) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸-  
 ۲۷۰، ۲۸۸، ۳۷۵، ۳۵۶، ۲۸۶، ۲۷۰،  
 ۶۶۳، ۶۰۸، ۴۰۳  
 علاءالدین علی بن یوسف فناری ۲۷۶  
 علاءالدین علی صانعی باخرزی ۳۲۴، ۳۴۵  
 علاءالدین عمادشاه ۴۸۹  
 علاءالدین فربرز (شروانشاه) ۱۷۶  
 علاءالدین کبودجامه ۱۲۸  
 علاءالدین کرب ارسلان آقسنقری ۱۰۵  
 علاءالدین کورت ۱۲۹  
 علاءالدین کرمانی ۳۴۹  
 علاءالدین کیقباد سلجوقی ۱۴۱، ۱۵۹،  
 ۱۶۱  
 علاءالدین لاری ۵۴۶  
 علاءالدین محمد ۱۳۷  
 علاءالدین محمد اسمعیلی ۱۳۷  
 علاءالدین محمد بن تکش خوارزمشاه ۹۴،  
 ۱۴۰، ۱۱۲  
 علاءالدین محمد بن جلال الدین محمد بلخی  
 ۷۳۶، ۵۴۳  
 علاءالدین محمد بن حافظ عماد الدین هروی  
 ابن عماد شیرازی (حافظ) ۲۱۷،  
 ۲۴۳-۲۶۵، ۵۴۲  
 علاءالدین محمد بن سلیمان ۹۸، ۱۲۲

۸۴۰، ۸۲۴-۸۲۳، ۸۰۶  
 علاءالدوله خپوشانی ۶۲۵  
 علاءالدوله خوارزمی ۵۸۳  
 علاءالدوله سمنانی ۳، ۱۳۸، ۱۹۵،  
 ۲۰۰، ۴۱۶، ۶۳۴، ۷۵۶، ۷۳۳  
 علاءالدوله عربشاه (فخرالدین) ۱۰۷  
 علاءالدوله علی بن فرامرز (امیر) ۸۲  
 علاءالدوله کاکویه ابو جعفر محمد بن دشمن  
 زیار ۳۱  
 علاءالدوله گرشاسب بن فرامرز بن کاکویه  
 ۸۱، ۶۳  
 علاءالدوله محمد برکت ۲۸۱  
 علاءالدوله میرزا ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۰۷-  
 ۳۲۸  
 علاءالدین ۷۵۶  
 علاءالدین (خواجہ) ۴۶۴  
 علاءالدین (ملک) ۱۷۸  
 علاءالدین آل عثمان ۷۹۹  
 علاءالدین احمد ۶۵۱  
 علاءالدین اتسز خوارزمشاه ر. اتسز  
 علاءالدین احمد بهمنی ۷۷۶  
 علاءالدین احمد دوم بهمنی ۱۹۰، ۲۵۹،  
 ۷۷۶  
 علاءالدین اودی ۵۳۹، ۶۴۲، ۸۳۶  
 علاءالدین اوزجندی ۱۰۰  
 علاءالدین بخاری (حسین) ۶۱۰  
 علاءالدین بن شیخ صفی الدین اردبیلی  
 ۳۱۲  
 علاءالدین پیر علی (امیر) ۲۳۶  
 علاءالدین پیغمک ۷۱۹  
 علاءالدین تبریزی ۸۱۳  
 علاءالدین ترکه (خواجہ) ۴۵۱  
 علاءالدین تکش خوارزمشاه ۹۰-۹۱،  
 ۹۳-۹۴، ۱۱۵، ۱۲۰، ۷۲۶  
 علاءالدین حارثی مروزی ۹۵  
 علاءالدین حسن سگزی ۱۵۴، ۷۶۶  
 علاءالدین حسین جهانسوز ۷۳، ۸۹  
 علاءالدین خراسانی (سید) ۲۶۹  
 علاءالدین خلجی ۱۷۱، ۱۷۶، ۷۵۲

علمی قلندر ہندی (شاہ) ۷۰۹  
 علمی لاری (افضل خان شمس الدین محمد)  
 ۶۳۵  
 علوان آق شہری (بابا نعمت اللہ) ۲۸۲  
 علوی ۶۳۱، ۷۵۹  
 علویان خراسان ۱۱۷  
 علویان شیراز ۳۹۷  
 علوی تبریزی (علاء) ۲۲۶  
 علوی نسوی ۴  
 علی ۶۵۴  
 علی (امیر سید علی) ۸۱۸  
 علی (حافظ) ۳۳۴، ۳۴۶  
 علی (حکیم) ۲۵۷  
 علی (زین الدین) ۳۲۷، ۳۴۴  
 علی (زین العابدین) ۴۴۴  
 علی (سلطان خواجہ) ۴۰۸  
 علی (سلطان میرزا) ۳۳۷  
 علی (شاعر قرن ۸) ۲۲۶  
 علی (شیخ) ۶۰۵  
 علی (غیاث الدین) ۲۴۶  
 علی (غیاث الدین میرزا) ۴۳۱  
 علی (فخر الدین) ۶۸۴  
 علی (کار کیا میرزا) ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۰  
 ۳۵۰، ۳۸۲  
 علی (مظہر الدین) ۳۴۶  
 علی (مولانا سید) ۶۳۶  
 علی (مولانا میر) ۵۲۵، ۶۵۹  
 علی (میرزا غیاث الدین) ۳۳۱  
 علی (میر شمس الدین) ۸۳۰  
 علی آزادی استرابادی (خواجہ) ۶۶۵  
 علی آصف خان (میرزا غیاث الدین) ۴۶۵  
 علی ابن چنگی ہروی (درویش) ۴۰۱  
 علی احمد نشانی دہلوی ۵۵۵، ۸۲۵  
 علی احمد نقیب خان قزوینی (غیاث الدین)  
 ۶۶۲، ۸۴۱  
 علی ادیبی شیرازی (بہا الدین) ۳۳۸  
 علی اصغر چشتی ۱۵۶  
 علی اصغر سمرقندی (میر) ۳۴۶  
 علی اصغر فنایی مشہدی ۶۵۶، ۸۳۷

علاء الدین محمد بن محمد بخاری عطار  
 ۱۹۲، ۲۸۱، ۷۶۲، ۸۲۰  
 علاء الدین محمد بن محمد نور بخش ۲۷۴،  
 ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۰۰،  
 ۷۸۸، ۸۱۲  
 علاء الدین محمد خلجی (سلطان) ۱۷۱،  
 ۱۷۶، ۷۵۲  
 علاء الدین محمد خوارزمشاہ ۱۵۹  
 علاء الدین محمد فقیر (شاہ) ۴۴۹  
 علاء الدین مسعود بن محمد بن علی اندخودی  
 ۹۵  
 علاء الدین منصور ۵۰۳  
 علاء الدین نور اللہ ۳۹۳  
 علاء الدین نیلی قاری سجزی دہلوی ۲۱۸،  
 ۷۶۶  
 علاء الدین ہندو (خواجہ) ۱۸۱  
 علاء الدینی بخاری (حسین) ۶۱۰  
 علاء الملک سہزواری ۳۴۶  
 علاء الملک شرف الدین میرزا ۸۸۹  
 علاء الملک ضیاء الدین ابوبکر احمد  
 جامعی ۹۳-۹۵  
 علاء اودی (میر سید علاء الدین) ۱۵۳۹،  
 ۶۴۲، ۸۳۶  
 علاء بلخی (سراج الدین) ۹۵  
 علاء بیک مشکی تبریزی ۷۰۵  
 علاء زیارت ۴  
 علاء شامی ۳۲۹  
 علاء علوی تبریزی ۲۲۶  
 علاء کرمانی ۲۷۲  
 علایی (میر سید علی ہمدانی) ۴  
 علایی کرہ رودی (فاضلی) ۶۸۷  
 علایی کرہ رودی (قاضی) ۷۱۱  
 علم الہدی (سید مرتضیٰ) ۱۳۰، ۱۴۴، ۷۲  
 علم الہدی ابوالقاسم علی بن حسین (شریف)  
 ۱۳۰، ۱۴۴، ۷۲  
 علمجن (میرزا) ۵۶۸  
 علمی (میر مرتضیٰ) ۵۴۹  
 علمی خراسانی ۳۴۶  
 علمی سرپلی (میر چوچک) ۵۹۵

- علی اصغر منصور ۵۲۴-۵۲۵  
علی اکبر بن حاج میرزا محمد جعفر  
لفوی یزدی ۹۰  
علی اکبر ترمذی (امیر سید) ۲۰۴  
علی اکبر ثابت هروی ۶۷۳  
علی اکبر ثانی خان هروی ۵۴۳  
علی اکبر خطابی ۳۸۸  
علی اکبر مشهدی ۴۹۹  
علی الاعلی (ابوالحسن) ۷۹۰، ۷۶۵  
علی اوبهی (سلطان) ۶۲۱، ۲۴۵  
علی بابا (جعفر) ۶۵۴  
علی باخرزی (رئیس شهید ابوالحسن علی  
ابن حسن) ۷۱۷، ۱۲۳، ۵۲  
علی باخرزی صانعی (خواجه علاءالدین)  
۳۲۴  
علی بادامیاری (خواجه) ۷۴۷  
علی باقعی (شرف الدین) ۴۶۸، ۶۵۹،  
۸۲۹  
علی بانیدی ۱۰۰  
علی بتکچی (غیاث الدین) ۴۴۶  
علی بخاری (خواجه) ۳۴۶، ۲۱۸  
علی بدخشی (میرزا) ۶۵۵  
علی بردعی (سید) ۷۰۳  
علی بن ابراهیم بن الیاس تایبادی (رضی-  
الدین) ۷۲۱  
علی بن ابراهیم کرمانی ۶۳  
علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین  
بیہقی ابن فندق (امام ظہیر الدین  
ابوالحسن) ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۹،  
۷۲۷، ۳۱۷  
علی بن ابوالعالی کریم الشرق (تاج الدین)  
۲  
علی بن ابوبکر احمد جامعی (بہاء الدین)  
۷۹  
علی بن ابوبکر بن علی یزدی (شرف-  
الدین) ۷۹۰، ۷۸۰  
علی بن ابوحفص بن فقیہ اصفہانی ۲  
علی بن ابوسعید کہجی ۳۶۴  
علی بن ابوطالب ۶۸، ۹۲، ۲۶۸، ۳۰۲
- ۷۳۳، ۷۳۰-۷۲۹، ۵۹۴، ۴۱۳  
۸۲۶، ۷۷۹  
علی بن ابوطالب طببرسی (ابو منصور) ۳۷۱،  
۳۷۴  
علی بن ابوعلی عثمانی جلابی ہجویری  
(ابو اسحق) ۶۵  
علی بن ابو نصر روز بہ شیبانی (اختیار الدین)  
۸۸  
علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ۲۶،  
۷۱۷، ۷۰، ۴۷، ۴۴، ۳۸، ۲۹  
علی بن احمد سیفی نیشابوری (بدیع الزمان)  
۹۵  
علی بن احمد قاضی شوشتری ۲۷۲  
علی بن احمد کاتب بدیع تائبک جوینی  
(مؤید الدولہ منہج الدین) ۸۸، ۲  
علی بن احمد نسوی استاد مختص (ابوالحسن)  
۲۰، ۶۳  
علی بن اسد بن حارث (امیر ابوالعالی  
شمس الاعالی) ۶۲  
علی بن اسمعیل اصفہانی (شرف الدین  
ابوالحسن) ۷۳۸  
علی بن افضل الدین محمد بن صدر الدین  
ابو حامد محمد تر کہ (صاین الدین)  
۱۶۴، ۲۷۴، ۲۹۸، ۴۴۹، ۴۵۱  
۷۷۹، ۷۴۲  
علی بناکتی (نظام الدین) ۱۴۳، ۷۳۳  
علی بن الحسین ۱۷۸  
علی بن بزغش بن عبداللہ شیرازی (تجیب-  
الدین ابوسعید) ۱۸۰، ۲۱۱-۲۱۲،  
۷۵۸، ۷۴۶  
علی بن بہاء الدین محمد جوینی ۷۴۱  
علی بن جعفر فرغانی بسطامی (ابوالحسن)  
۵۷، ۲۴  
علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی  
(معین السدین) ۱۴۲، ۱۸۴، ۲۵۷،  
۷۵۶، ۷۵۲  
علی بن جمال الاسلام یزدی (غیاث الدین)  
۲۵۰  
علی بن جولوغ فرخی سیستانی (ابوالحسن)

۷۴۶  
 علی بن سلطان محمد قاری هروی (نور)۔  
 السیدین ابوالحسن (۱۳۲، ۳۹۴)۔  
 ۳۹۵  
 علی بن سلیمان کمال (شاه) ۳۴۵  
 علی بن شمس الدین بن حاجی حسینی لاهیجی  
 ۳۸۳، ۳۵۲  
 علی بن شمس الدین علی یزدی (شرف الدین)  
 ۲۴۸-۲۴۹، ۳۱۹، ۳۶۸، ۷۷۵،  
 ۷۸۰، ۸۲۵، ۷۹۰  
 علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد بن  
 یوسف بن شریف بن  
 عبدالزاهد بن حسین الأصغر بن امام  
 زین العابدین حسینی همدانی علی  
 ثانی (امیر سید) ۱، ۴، ۱۹۵، ۳۱۸،  
 ۳۷۲، ۴۹۳، ۴۰۷، ۶۱۰، ۶۹۹،  
 ۷۲۴، ۷۵۳، ۷۷۳، ۸۱۵  
 علی بن صدر الدین موسی (خواجہ سلطان)  
 ۷۹۳  
 علی بن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین  
 علی بن شمس الدین رضی یزدی  
 (شرف الدین) ۲۴۸-۲۴۹، ۳۱۹،  
 ۴۶۸، ۷۷۵، ۷۸۰، ۸۲۵  
 علی بن طاوس حسینی (رضی الدین) ۳۷۱  
 علی بن طیفور بسطامی ۷۸۰  
 علی بن عبدالحمید بن علی دایه بیہقی  
 (ابوالحسن) ۵۵  
 علی بن عبدالسلام کاتب ۲۸۵  
 علی بن عبدالعالی ۴۷۱  
 علی بن عبدالعلی (شاه) ۲۹۱  
 علی بن عبداللطیف بغدادی ۱۳۲  
 علی بن عبداللہ ۷۲  
 علی بن عبداللہ (شاه) ۸۱۶  
 علی بن عبداللہ بن معاذ حلعی بخاری  
 ۱۲۲  
 علی بن عبداللہ سمہودی (نور الدین)  
 ۲۵۴  
 علی بن عثمان اوشی فرغانی حنفی (سراج)۔  
 الدین) ۳۹۵  
 علی بن عثمان خاقانی مروانی ۹۲، ۷۳

۲۲، ۲۶، ۳۲، ۳۶، ۳۸-۷۰، ۷۶،  
 ۸۴  
 علی بن حسام الدین بن قاضی عبدالملک بن  
 قاضی خان قرشی شیخ متقی (نور الدین)  
 ۴۰۲  
 علی بن حسن بن علی بن ابوطیب باخرزی  
 (رئیس شہید ابوالحسن) ۱۲۳، ۵۴،  
 ۷۱۷  
 علی بن حسن بن محمد بن ابوحنیفہ (ابو-  
 القاسم) ۱۳۵  
 علی بن حسن زواری (فخر الدین) ۳۷۱،  
 ۳۷۴  
 علی بن حسن وزیر (ابوالقاسم) ۱۲۹  
 علی بن حسین (شریف علم الہدی ابوالقاسم)  
 ۱۳۰  
 علی بن حسین (شمس الدین) ۹۸  
 علی بن حسین انصاری (زین الدین) ۱۹۳  
 علی بن حسین بن امیران حسینی ۸۱۴  
 علی بن حسین بن علی بن مہنا داودی حسینی  
 کرمانی (جمال الدین) ۶  
 علی بن حسین قدامہ موسوی صدر شرق  
 رئیس خراسان (مجدالدین ابوجعفر)  
 ۸۴  
 علی بن حسین واعظ کاشفی هروی (فخر الدین  
 صفی) ۲۴۷-۲۴۸، ۲۸۳، ۲۸۵،  
 ۳۸۳-۳۸۴، ۶۸۴، ۷۸۰، ۷۸۴،  
 ۸۰۶  
 علی بن حکیم ترمذی ۲۱۷، ۲۴۱  
 علی بن حمزہ بن ملک ہاشمی آذری طوسی  
 بیہقی (جمال الدین) ۲۹۳-۲۹۴،  
 ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۷۸۶، ۷۹۵،  
 ۷۹۸  
 علی بن حیدر صفوی ۴۸۲  
 علی بن خواجہ کمال الدین نعمت اللہ برزہ  
 آبادی طوسی (خواجہ علاء الدین)  
 ۵۶۵  
 علی بن رکن الدین (فخر الدین) ۱۲۹  
 علی بن سعید بن عبدالجلیل لالاغز نوی  
 (رضی الدین) ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵

۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۶، ۲۵۶-۳۷۵

۳۰۳، ۳۸۸

علی بن محمد مدائنی (ابوالحسن) ۱۸۶  
بک ترمذی (ابوالحسن)

۷۶، ۳۷، ۲۶، ۲۲

علی بن محمد نظام شامی ۷۸۲

علی بن محمد نیشابوری (ابوالنوارح)

۷۲-۷۱

علی بن محمود ۸۱۳

علی بن محمود حسینی (سید) ۸۱۶

علی بن محمود محمودی (حمیدالدین)

۷۹

علی بن ملک محمود (قطب الدین) ۷۷۸

علی بن ملک نصیرالدین میستانی (شاه)

۲۰۷

علی بن ملوک عنشی ۵۸۱، ۲۵۳

علی بن موسی الرضا ۷۳۸، ۲۷۲

علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد

طوس حسینی ۳۷۱

علی بن نصیرالدین طوسی (صدرالدین)

۷۴۹، ۷۳۰

علی بن نصیرالدین هارون بن ابوالقاسم

حسینی تبریزی قاسم انوار (سید

معین الدین) ۲۳۵، ۲۹۰-۲۹۲،

۳۲۵، ۳۴۰، ۴۰۹، ۴۵۱، ۵۰۸

۸۲۲، ۷۹۱، ۷۸۶

علی بن وحیدالدین محمد بن اسحاق انوری

ابوردی (اوحد الدین) ۸۰، ۸۱

۳۹۶، ۱۱۸، ۹۶، ۸۷

علی بن یوسف بن حریر لجمی شافعی (نور

الدین ابوالحسن) ۱۳۲

علی بن یوسف فناری (علاء الدین) ۲۷۶

علی بن یوسف کوکهری (درویش) ۲۸۴

علی بوزجانی (درویش) ۷۲۱، ۸۱۵

علی بهرامی سرخسی (ابوالحسن) ۳۵،

۸۸

علی بیک ۶۱۷

علی بیک (میرزا) ۵۲۰

علی بیک انجدانی (خواجه زین الدین)

۱۰۳-۱۰۴، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۷۴

۲۸۹، ۳۹۶، ۷۱۹-۷۲۰

علی بن عزیز الله طباطبایی حسینی ۳۵۹

علی بن عمادالدین استرآبادی ابن عماد

۲۶۱

علی بن عمر معزی غزنوی (سدیدالدین)

۷۸

علی بن عیسی اربلی (بهاء الدین) ۳۷۱

علی بن عیسی بن داود الجراح ۲۸

علی بن عیسی کمال نصرانی ۷۱۹

علی بن فرامرز (امیر علاءالدوله) ۸۳

علی بن قاسم برید الممالک ترک (امیر)

۷۹۷

علی بن قرا عثمان یا قرا یولغ (حسن بیک)

۷۹۳

علی بن محمد بستنی (ابوالفتح) ۳۹۵، ۴۵

علی بن محمد توحیدی بغدادی (ابو حیان)

۲

علی بن محمد بن احمد بن خلف خیام خراسانی

(علاء الدین) ۷۴۹

علی بن محمد بن صدر الدین محمد (ضیاء

الدین) ۴۵۰

علی بن محمد بن عبید الله شیرازی پاکویه

(ابو عبدالله) ۷۱۷، ۵۷، ۲

علی بن محمد بن محمد ترکه (صاین الدین)

۱۶۴، ۲۷۲، ۲۹۸، ۴۴۹-۴۵۱

۷۷۹، ۷۴۲

علی بن محمد تاج خلایوی (تاج الدین) ۲۱۰،

۷۶۳

علی بن محمد ترمذی ۷۹

علی بن محمد شجاعی (خواجه شیخ العالم)

۵۶

علی بن محمد صوفی نسا به ۶

علی بن محمد عمرانی سرحسی (رئیس

مجدالدین ابوالحسن) ۸۱

علی بن محمد فتیحی غزنوی ترمذی (حکیم)

۷۲۶

علی بن محمد قوشچی (زین الدین یا

علاء الدین) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶

- ۵۱۷  
 علی بیگ جلایر (امیر مبارزالدین) ۳۰۹  
 علی بیگ طاشلیق ۸۱۱  
 علی ییلدار یهلوان تبریزی (میرزا) ۶۹۴  
 علی پاشا ۲۶۲، ۲۷۳  
 علی پیل تن ۷۶۳  
 علی تاپبادی (زین الدین ابوبکر) ۲۲۱، ۷۹۹، ۷۶۶، ۲۳۱  
 علی تبریزی (میر) ۳۲۷  
 علی ترخان (امیر) ۶۳۴  
 علی ترخان (غیاث الدین) ۷۹۲  
 علی ترشیزی ۳۴۶  
 علی ترشیزی طوطی (شهاب الدین) ۲۹۵  
 علی ترکه (ضیاء الدین) ۴۵۱ - ۴۵۲، ۴۹۹  
 علی ترکه اصفهانی (صاین الدین) ۱۶۴، ۲۷۴، ۲۹۸، ۴۴۹ - ۴۵۱، ۷۳۲، ۷۷۹  
 علی ثانی، ۳۰۱، ۳۹۳، ۱۹۵، ۴۰۷، ۶۱۰، ۶۹۹، ۷۵۳  
 علی جابری (میرزا) ۴۶۱  
 علی جامی (حافظ) ۳۴۶، ۳۳۴  
 علی جلایر (میر) ۳۴۹  
 علی جنگی (میرزا) ۶۰۱  
 علی حسن ۱۷۸  
 علی حسن (رئیس) ۵۲  
 علی حسینی (میر) ۷۸۲  
 علی حسینی خطاط هروی (میر) ۳۳۸، ۴۶۳، ۶۵۲، ۷۸۲، ۷۹۷  
 علی حلاج ۵۱۱  
 علی حمزه بن علی ملک هاشمی آذری طوسی  
 بیهقی اسفراینی مروزی (جمال - الدین) ۲۹۳، ۵۰۳ - ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۷۸۶، ۷۹۵، ۷۹۸  
 علی خان (میرزا دیامیرزاده) ۵۵۳، ۸۳۴  
 علی خان اعظم (اعظم) ۶۳۹  
 علی خان بیگ ترکمان ۴۹۵  
 علی خان میرزا (قرن ۹) ۳۴۶
- علی خان میرزا (قرن ۱۰) ۵۰۱  
 علی خراسانی (حاج) ۳۴۶  
 علی خراسانی چنابدی طبیب (سلطان) ۳۹۸  
 علی خطاط (فخرالدین) ۶۸۴  
 علی خلیج (میرزا) ۳۴۶  
 علی خواجه حکمران بخارا ۲۸۵  
 علی خواجه شوقی ۶۴۰ - ۶۴۱  
 علی خوشمردان سیزواری (درویش بابا) ۳۲۳  
 علی خوشنویس (خواجه) ۳۴۶  
 علی دردزد استرابادی ۲۹۷  
 علی درویش بن عثمان ناشی ۲۶۱  
 علی دوانی (شیخ) ۲۶۶  
 علی دوستانی (نقی الدین) ۱۹۵  
 علی دوست رفیقی هروی (میر) ۳۴۴  
 علی رامیشنی خواجه عزیزان (خواجه) ۲۲۰  
 علی رای (خرد) ۴۳۱  
 علی زواری (فخرالدین) ۲۷۱، ۳۷۴  
 علی سیزواری (سید) ۶۷۸  
 علی مپهری ۱۰۰  
 علی ستایی ۷۳۲  
 علی سر بنداری (ملک) ۲۲۱  
 علی سلطاننیا کاتب السلطانی (میر) ۳۳۸، ۴۶۳  
 علی سمرقندی (خواجه) ۲۸۶  
 علی سیاقی (نظام الدین) ۷۱۰  
 علی سیاه پوش (خواجه) ۷۹۳  
 علی شاعر ۲۱۶  
 علی شاه ابدال عراقی هروی (بابا) ۳۲۲ - ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۶، ۷۹۶  
 علی شاه بن علامه الدین نکس خوارزمشاه (تاج الدین) ۱۴۲، ۹۱  
 علی شاه جامی ۶۲۴  
 علی شاه هروی (بابا) ۳۲۲ - ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۶، ۷۹۶  
 علی شجاع (درویش) ۳۴۵  
 علی شروانی (عزیز) ۱۷۸  
 علی شطرنجی سمرقندی ۹۹

- علیشکر بیک ۵۰۵، ۴۵۵  
علیشکر ترکمان ۳۶۱  
علی شمس الکرحی (صدر) ۱۸۱  
علی شهاب ترشیزی (خواجہ) ۳۰۴، ۲۹۸  
علیشیر (اسد العلماء) ۳۶۲  
علی شیرازی (خواجہ غیاث الدین) ۶۹۲  
علی شیرازی (شاہ مظفر الدین) ۷۴۲  
علی شیرازی نیشابوری (زین العابدین) ۸۰۷، ۴۴۴، ۴۰۳، ۳۵۸  
علیشیر خراسانی ۱۷۸  
علیشیر نوایی (میر نظام الدین علیشیر بن میر غیاث الدین گجکتنہ) ۲۳۳، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۳-۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۱-۲۴۲، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۳-۳۱۰، ۳۱۳-۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۷-۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۵-۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۰۹، ۳۷۷، ۳۴۹، ۳۶۶، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۷۰، ۳۹۱، ۳۹۸، ۴۱۷  
علی صانعی (علاء الدین) ۳۳۵، ۳۲۳  
علی صائینی (قوام الدین) ۳۴۵  
علی صفوتی بردعی (سید) ۷۰۴  
علی صوفی ۹۱  
علی صوفی (شیخ) ۸۰۹، ۵  
علی صیرفی کشمیری ۶۴۸  
علی طارمی محدث ۸۳۴، ۵۴۸  
علی طیب (درویش) ۶۲۲  
علی عادل شاہ ۶۵۶-۶۵۵، ۴۳۲، ۳۶۸  
علی عبدی (زین العابدین) ۳۰۳، ۳۸۵، ۴۴۴، ۸۰۷  
علی صبح (سید) ۷۹۳  
علی عرب کر بلائی (امیر) ۶۸۶  
علی عمران بن غیاث الدین علی بن علی امیران حسینی اصفہانی (غیاث الدین) ۸۱۵، ۲۶۱  
علی غزنوی (شہاب الدین ابورجا) ۷۸  
علی غوریانی (حافظ) ۳۲۶  
علی قحری شوشتری (صدر الدین) ۲۲۶  
علی فراش حریفی ساوجی ۵۳۶  
علی فقیہ (زین العابدین ابن فقیہ) ۱۸۰، ۲۲۶  
علی فناری (علاء الدین) ۲۷۶  
علی قاری (علاء) ۳۹۴، ۱۳۱، ۲۹۵  
علی قاینی (سلطان) ۳۷۵  
علی قرط اندکانی ۲۵  
علیقلی (کوسہ) ۴۹۳  
علیقلی بیک انیس شاملو ۴۲۳  
علیقلی بیک ذوالقدر ۶۵۵  
علیقلی خان ازبک خان زمان سیستانی ۵۴۵  
علیقلی خان اعظم شاملو ۴۹۹، ۶۶۷  
علیقلی خان بیکر بیک ۵۰۶  
علیقلی خان سیستانی متخلص سلطان (خان زمان خان) ۴۱۴، ۴۵۲، ۴۵۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۶۳۹  
علیقلی واقف خلخالی ۷۰۶-۷۰۷  
علی قوشچی (علاء) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۵۶، ۳۷۵، ۳۸۸، ۴۰۳، ۴۰۳، ۶۶۳  
علی کاتب مروی (میر) ۶۲۶، ۶۲۱، ۷  
علی کارکیا (میرزا) ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۰، ۳۵۰، ۳۸۲  
علی کاشانی (حکیم نظام الدین) ۶۶۲  
علی کتابدار (درویش) ۳۴۹  
علی کرکی (شیخ) ۳۷۵-۳۷۶  
علی کلاه شیرازی (زین العابدین) ۳۴۳، ۲۶۹-۲۷۰  
علی کلوی شوری بخاری ۳۴۶  
علی کبیرہ کبود چشم (خواجہ غیاث الدین) ۸۲۸  
علی کی (صدر الدین) ۲۲۵  
علی کیا (سید) ۳۸۶  
علی گلباری (سید) ۴۴۹  
علی لالای غزنوی (رضی الدین) ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵-۷۴۶  
علیم اللہ (شیخ) ۶۰۰  
علی مخدوم (شرف الدین) ۳۴۶  
علی مشہدی (نظام الدین) ۳۲۶  
علی مصور تبریزی جدایی (میر سید) ۴۲۳، ۸۲۰

عمادالدين ابوالقاسم عمر بیضاوی ۱۳۹  
 عمادالدين ابوالمظفر بن ظهیرالدين محمد  
 اسفراینی (امام) ۱۱۷، ۱۸۰،  
 ۷۲۷-۷۲۶، ۷۱۷، ۲۷۳  
 عمادالدين ابوالمظفر طاهر بن محمد  
 اسفراینی شاهفور ۱۱۷، ۲۷۳، ۷۱۷،  
 ۷۲۶-۷۲۷  
 عمادالدين ابوسعید نسیمی شیرازی (یا  
 نسیمالدين) ۳۳۵، ۳۳۶-۳۳۵،  
 ۷۸۹، ۷۶۵  
 عمادالدين ابوعبدالله محمد بن صفیالدين  
 ابوالفرج محمد بن قیسالدين  
 ابوالرجا کاتب اصفهانی ابن سی-  
 الزین ۱۱۹، ۳۴۶  
 عمادالدين احمد بن مبارزالدين ۱۹۸  
 عمادالدين اسمعیل بخاری (ملک) ۲۲۳  
 عمادالدين اسمعیل بن صدرالدين محمد  
 ۷۴۱  
 عمادالدين اکرم ۱۸۱  
 عمادالدين بغدادی ۳۸۵  
 عمادالدين بکرانی ۲۲۵  
 عمادالدين بن جمالالدين بخاری ۲۷۱  
 عمادالدين حروفی ۱۸۱  
 عمادالدين حسن (خواجہ) ۳۵۷  
 عمادالدين حسن بن علی بن محمد بن علی بن  
 محمد بن حسن طبرسی ماژندرانی  
 آملی (ابو احمد) ۱۵۳، ۷۳۴  
 عمادالدين زنگی ۷۲۶  
 عمادالدين روزنی (ملک) ۲۲۵  
 عمادالدين شیرازی (میر) ۶۸۶  
 عمادالدين عبدالرحمن جامی ر. عبدالرحمن  
 جامی  
 عمادالدين عبدالملک بن عصام بن ابوبکر بن  
 محمد بن عبدالرحیم بن ابوبکر  
 علی صاحب الهدایه سمرقندی ۲۱۳-  
 ۲۳۵، ۲۱۴  
 عمادالدين عبدالمسئوم بن ابراهیم بن  
 رشیدالدين فضل الله ۷۳۱  
 عمادالدين عبدالوهاب ۳

علی منجم سگزی (فریدالدين) ۹۵  
 علی مؤید (خواجہ) ۳۰۵، ۳۰۱  
 علی میرزا بن سلطان احمد میرزا بن سلطان  
 ابوسعید (سلطان) ۳۱۰  
 علی نظمی تبریزی (نظامالدين) ۵۵۶،  
 ۸۳۵  
 علی نقیب السادات ترمذ (مجدالدين  
 ابوالقاسم) ۱۲۶  
 علی نقی بن شیخ ابوالعلاء حاشم طغایی  
 کمروای گراہانی شیرازی اصفهانی  
 (ملاعزالدين) ۳۷۹، ۵۰۹، ۶۹۹،  
 علی نقی خان ۴۲۴، ۸۲۰  
 علی نقی کمروای (شیخ) ۳۷۹، ۵۰۹، ۶۹۹،  
 علی نویدی شیرازی (زین العابدین) ۳۸۵،  
 ۸۰۷، ۳۴۴  
 علی واطق قابینی (سید) ۳۲۹  
 علی وزیر (قنہ الملک ابوبکر) ۲۲۵  
 علی هروی (سلطان) ۲۴۵  
 علی هروی (میر) ۳۴۶، ۶۹۹  
 علی هروی کاشانی متخلص بنقی ۵۸۰  
 علی ہمدانی (میرسید) ۳۰۱، ۱۹۵، ۳۱۸،  
 ۳۷۲، ۴۰۷، ۴۹۳، ۶۱۰، ۶۹۹،  
 ۷۲۴، ۷۵۳، ۷۷۳، ۸۱۵  
 علی یزدی (شرفالدين) ۲۳۸، ۲۴۹،  
 ۳۱۹، ۴۶۸، ۷۷۵، ۷۸۰، ۷۹۰،  
 ۸۲۵  
 علی یمنی (صدرالدين) ۲۹۳  
 علی یوزی تکین (امیر) ۵۰  
 عمادالدوله سیدالدين فرامرزی بن فخر-  
 الدوله درستم بن حسام الدوله شهریار بن  
 قارن (نظمالملوک) ۸۲-۸۳  
 عمادالدوله ہمدانی (مجدالدين) ۲۲۴  
 عمادالدين (سید) ۴  
 عمادالدين ابواحمد عبدالملک بن عصام بن  
 ابوبکر بن محمد بن عبدالرحیم بن  
 ابوبکر علی صاحب الهدایه سمرقندی  
 ۲۱۳-۲۲۵، ۳۱۴  
 عمادالدين ابوالیرکات عبدالرحمن جامی  
 (یانورالدين) ر. عبدالرحمن جامی



- عمادالدین عراقی (سید) ۲۴۶  
 عمادالدین عمادی شهریاری یا غزنوی  
 ۸۲-۸۴  
 عمادالدین فاریابی ۷۲۱  
 عمادالدین فضل الله بن علاءالدین علی  
 والهی یرزش آبادی ملوسی ۵۶۵، ۳۲۲  
 ۶۱۰  
 عمادالدین فضلویه معروف بعماد لر ۱۸۱،  
 ۷۵۱، ۲۲۳  
 عمادالدین فقیه کرمانی ۲۰۲، ۲۰۹،  
 ۷۶۱، ۷۵۵  
 عمادالدین محمود بن محمد گیلانی محمود  
 قاون یا غاوان و یا کوان (خواجه)  
 ۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹،  
 ۷۹۸، ۷۹۵  
 عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی  
 ۳۹۹  
 عمادالدین مؤید بن احمد کاتب اسفراینی  
 ۹۵  
 عمادالدین نسیمی (سید) ۲۲۱، ۲۳۵-  
 ۷۸۹، ۷۶۵، ۲۳۶  
 عمادالدین یارک طبیب قزوینی (حکیم)  
 ۵۲۴  
 عمادالدین یوسف لرفضلوی ۱۸۱، ۲۲۳،  
 ۷۵۱  
 عماد الشرف ۱۷۸  
 عماد الملک ساوجی ۱۶۵  
 عماد بورسی ۱۷۸  
 (میر) ۸۲۵  
 عماد دبیر ۱۷۸  
 عماد رازی ۳۴۶  
 عماد زوزنی رودباری ۵۲  
 عماد شاه (علاءالدین) ۴۸۹  
 عماد شاهیان ۴۸۹  
 عماد شروانی ۱۷۸  
 عماد فارسی ۱۷۸  
 عماد فقیه کرمانی ۲۰۲، ۲۰۹، ۷۵۵،  
 ۷۶۱  
 عماد کاتب ۱۱۹، ۳۴۶
- عماد گنجه ۱۷۸  
 عماد لاری ۳۴۶  
 عماد (امیر حکیم عمادالدین یوسف فضلوی)  
 ۱۸۱، ۲۲۳، ۷۵۱  
 عماد محمود ۱۷۸  
 عماد موسوی مشهدی ۳۴۶  
 عماد یزدی ۳۴۶  
 عمادی شهریاری یا غزنوی (عمادالدین)  
 ۸۲-۸۴  
 عماد مروری (ابو منصور) ۲۶  
 عمده الملک عمیدالدین لوبکی (یا فخر-  
 الملک خواجه حکیم) ۱۷۹، ۱۷۵  
 عمده الملک منتجب الدین یزدی (ناصر-  
 الدین) ۱۲۴، ۱۴۹، ۷۳۳  
 عمر (پانجیب) ۱۷۷  
 عمر (بهاءالدین) ۳۲۹  
 عمر (قاجار الشریعه ابو عبدالله) ۷۳۴  
 عمر (جمال) ۱۷۷  
 عمر (قاضی) ۲۲۵  
 عمرانی شیرازی ۷۹۸  
 عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (تصرف-  
 الدین یا غیاث الدین ابوالفتح یا  
 ابوحفص) ۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷،  
 ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۵۷، ۳۹۷، ۴۱۳  
 عمر بن اسحق واثی لاهوری (ابوجعفر)  
 ۷۹  
 عمر بن امیرانشاه بن تیمور ۲۹۷  
 عمر بن حسین قرشی بکری راری (امام  
 فخرالدین) ۹۹، ۱۱۲-۱۱۳، ۱۳۸،  
 ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۲، ۴۰۳ - ۴۰۴،  
 ۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۹۹  
 عمر بن خطاب ۹۲  
 عمر بن سلان ساوجی (زین الدین) ۱۳۰  
 عمر بن عبدالعزیز مازره (حسام الدین) ۹۸  
 عمر بن عثمان (کافی الدین) ۱۰۳  
 عمر بن علی (سراج الدین ابن الملک)  
 ۱۳۲  
 عمر بن محمد بسطامی (ضیاء الدین) ۹۵  
 عمر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله

عمید الملک حبش ۱۷۴  
 عمید الملک رکن الدین صاین بن شمس الدین  
 محمود بن رکن الدین صاین هروی  
 رکن جهان یار رکن صاین (خواجہ)  
 ۷۶۲، ۲۰۸  
 عمید عطا ۴۳  
 عمید کاسی (دهقان) ۱۰۰  
 عمید کمال هروی (کمال الدین) ۸۵  
 عنایت ۲۲۶  
 عنایت (مولانا) ۶۳۴  
 عنایت اللہ (شاه) ۳۴۶  
 عنایت اللہ دیلمی (شاه) ۶۷۸  
 عنایت اللہ طبعی اصفهانی (حکیم) ۶۸۵  
 عنایت اللہ کاتب شیرازی ۵۴۹  
 عنایت تبریزی (میرزا) ۷۰۱  
 عنایت لاهیجی ۵۲۱  
 (ابوالعباس) ۲۵  
 عنبر اتا ۶۳۹  
 عنبسه ۶  
 عنبه ۶  
 عندلیب تبریزی (حافظ) ۲۰۲  
 عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس  
 ۷۳۸، ۶۵، ۴۵  
 عنصری بلخی (ابوالقاسم حسن بن احمد)  
 ۲۶-۳۵، ۳۲-۳۵، ۳۶-۳۸، ۷۶، ۸۳  
 ۳۹۰، ۱۰۱، ۹۲  
 عوض ۲۲۶  
 عوض (صوفی) ۵۹۸  
 عوض قازی (عبدالله خان) ۴۸۸  
 عوض محمدخان رفعتی قبادیانی ۶۰۱  
 عوطفری (سادات) ۶۳۴  
 عوفی (سدید الدین یا نور الدین محمد بن  
 یحیی بن طاهر بن عثمان بخارایی)  
 ۶۵، ۷۸، ۹۷، ۹۹ - ۱۰۰، ۲۷۹  
 ۸۱۶  
 عهدی (طهماسب قلی بیگ عرشی) ۵۰۰  
 ۸۳۰  
 عهدی (ملانور الدین محمد) ۶۳۸  
 عهدی باکویی ۲۰۲

ابن سعد بن حسین بن قاسم بن نصر بن  
 قاسم بن محمد بن عبداللہ بن عبدالرحمن  
 ابن قاسم بن محمد بن ابوبکر بکری  
 سهروردی (شہاب الدین ابوحفص)  
 ۱۴۱، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲  
 ۴۲۹-۶۲۹، ۷۲۲، ۷۲۴-  
 ۷۲۵، ۷۳۱، ۷۳۷-۷۳۸، ۷۴۱،  
 ۷۴۶، ۷۴۳  
 عمر بن محمد خرم آبادی (صدر الدین)  
 ۹۵  
 عمر بن محمود بلخی (حمید الدین ابوبکر)  
 ۱۱۸، ۸۷  
 زاحمد بن عبدالعزیز مازہ  
 بخارایی (تاج الدین) ۹۹  
 عمر بیضاوی (عماد الدین ابوالقاسم)  
 ۱۳۹  
 عمر خیام ر. عمر بن ابراهیم  
 عمر روشنی بردعی (دہ) ۲۰۳، ۲۹۶  
 عمر شیخ بن تیمور ۲۳۱، ۲۸۹، ۵۵۹  
 ۶۰۵  
 گنجہ (امیر) ۱۷۸  
 عمر گنجہ (شمس) ۱۷۸  
 عمر معدی کرب (سلطان) ۴۴۶  
 عمر مفتی الثقلین (نجم الدین ابوحفص)  
 ۱۲۲  
 عمرو بن سلمہ حداد (ابوحفص) ۱  
 عمرو بن لیث صفار ۱۹  
 عمرو زبیر (ناصر الدین) ۷۵۸  
 عمری (مرشد الدین) ۳۴۶  
 عمری سمرقندی ۶۰۷  
 عمیق بخارایی (شہاب الدین) ۹۶-۹۷  
 عمید ابوالفتح مظفر بن محمد تیشابوری  
 (خواجہ) ۵۲  
 عمید ابوالفوارس قناوزی (خواجہ) ۲۹-  
 ۱۲۸، ۳۰  
 عمید الدین لوبکی (عمدۃ الملک یا فخر-  
 الملک) ۱۷۵، ۷۹  
 عمید الملک ابونصر منصور بن محمد  
 کندری ۴۹-۵۰

- عهدی بدایونی (خواجہ محمد رحیم) ۶۴۶  
 عهدی بغدادی ۵۳۰  
 عهدی تبریزی ۷۰۲  
 عهدی تورانی ۶۵۵  
 عهدی خراسانی (قاضی عبدالرزاق) ۶۸۶  
 عهدی زامینی (حکیم) ۶۸۶  
 عهدی ساوجی ۵۲۶  
 عهدی شیرازی ۴۷۱  
 عهدی قرآکولی (نورالدین) ۵۷۶ ،  
 ۶۳۸  
 عهدی گنابادی ۴۷۰  
 عیار ۵۱۶ ،  
 عیاض (قاضی) ۷۷۴  
 (عبدالرحمن) ۵۲  
 عیانی (سعدالدین بن حاجی عیان) ۳۲۹  
 عیانی (معین الدین ابو محمد محمود بن  
 محمد دهنار شیرازی) ۳۹۷ ، ۶۵۶ ،  
 ۸۳۷ ، ۸۰۷ ، ۷۴۲ ، ۷۰۹ ، ۶۵۶ ، ۳۹۷  
 عیانی استرآبادی ۳۴۶  
 عیانی دهنار خفری شیرازی (معین -  
 الدین ابو محمد محمود بن محمد)  
 ۳۹۷ ، ۶۵۶ ، ۷۰۹ ، ۷۴۲ ، ۸۰۷ ،  
 ۸۳۷  
 عیانی شیرازی (میر) ۳۴۶  
 عیانی کابلی ۶۰۳  
 عیانی گتجه ۱۲۸  
 عیانی هروی ۵۱۹  
 عیسوی ۷۰۵  
 عیسی (قاضی) ۳۴۶ ، ۳۱۱ ، ۲۲۶  
 عیسی (قاضی مسیح الدین) ۷۰۹  
 عیسی بن احمد حجام (ظہیر الدین) ۷۲۱ ،  
 ۷۲۸  
 عیسی بن روزبهان ۲۱۵  
 عیسی بن علی (ابوالقاسم) ۳۸  
 عیسی بن معین الدین ابوالقاسم جنید بن  
 محمود بن محمد شیرازی ۱۹۸ ، ۲۵۶ ،  
 عیسی ترخان (میرزا) ۲۷۸ ، ۳۲۷ ، ۴۳۸ ،  
 ۶۹۰  
 عیسی ساوجی (مسیح الدین) ۳۴۲ ، ۷۹۶
- عیسی قزوینی (قاضی صفی الدین) ۸۶۰ -  
 ۸۴۱  
 عیسی شیرازی ۳۴۶  
 عیسی شیرازی (کلن) ۳۳۹  
 عیسی محتسب میانکالی حصاری (قاضی)  
 ۵۹۲ ، ۶۰۱ ، ۶۰۶ ، ۸۳۶  
 عیلامی ۱۰  
 دین القضاة ہمدانی (ابوالمعالی عبداللہ بن  
 محمد بن علی بن حسن بن علی میا نجفی)  
 ۶۹ ، ۱۱۱ ، ۱۳۹ ، ۱۹۶ ، ۶۰۹ ،  
 ۷۱۵ ، ۷۲۲ ، ۷۷۳  
 عین الملک (بابا) ۶۱۲  
 عین الملک (فخر الدین حسین بن ابوبکر  
 مری) ۱۵۱  
 عین الملک (ناصر الدین) ۱۸۱  
 عین الملک دواپی شیرازی (حکیم) ۴۷۱ ،  
 ۵۴۱ ، ۶۴۶  
 عینی سروی خوشتری ۶۲۲  
 عیوقی ۲۵ ، ۴۴ ، ۷۱۷ ، ۷۲۶  
 عیوقی (مجدالدین) ۹۵  
 غازان خان ۱۴۲ - ۱۴۳ ، ۱۵۲ ، ۱۷۵ ،  
 ۲۱۶ ، ۴۴۹ ، ۷۲۷ ، ۷۳۷ ، ۷۶۲  
 غازی (میرزا) ۴۲۰  
 غازی اسیری رازی (قاضی) ۴۲۹ ، ۵۰۳ ،  
 ۸۲۲  
 غازی بن قاضی مسعود سیفی اسیری رازی  
 (قاضی) ۴۲۹ ، ۵۰۳ ، ۸۲۲  
 غازی بن کیخسرو (ابوالمعالی فخرالدوله  
 شاہ) ۱۸۷  
 غازی بیک وقاری تعوی (میرزا) ۳۶۶ ،  
 ۶۹۰  
 غازی ترخان (میرزا) ۵۳۸  
 غازی خان ۴۶۴ ، ۸۱۵  
 غازی خان تکلومہر دارا ۶۹۱  
 غازی رازی (میر) ۴۲۹  
 غازی قلندر ۵۱۳ ، ۵۸۵  
 غازی قلندر ہروی ۵۸۵

غزالی ماوراءالنهری ۶۳۹  
 غزالی مروزی ۸۸، ۶۳۹  
 غزالی مشهدی ۴۱۴، ۳۶۳، ۴۱۵-۵۱۱، ۶۸۳، ۶۳۹، ۵۶۷، ۵۴۲، ۵۲۶  
 ۸۲۰، ۷۸۹، ۶۹۲  
 غزنوی ۵۵۰، ۵۴۶  
 غزنوی (سید) ۱۷۸  
 غزنوی (میر محمد خان) ۶۵۱  
 غزنوی (میر محمد خان کلان) ۵۵۰  
 غزنویان ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۳۷-۳۶، ۴۱، ۴۱  
 ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۶۴-۶۵، ۷۴-  
 ۹۱، ۷۹، ۱۱۷، ۱۳۵، ۳۶۰  
 ۷۲۶، ۷۵۵، ۷۶۰  
 غضائری رازی (محمد بن علی) ۳۶۰، ۲۶  
 ۴۵  
 غضنفر قعی (شجاع الدین) ۵۱۵  
 غضنفر کابلی ۶۴۸  
 غضنفر گله چاری یا گلچاری ۵۳۲، ۵۱۵  
 غضنفری ۳۴۶  
 غفاری (ابوذر) ۱۱۳  
 غلام (امیر مقصود) ۳۴۶  
 غلام عبداللطیف ۶۹۰  
 غلامی ۵۸۸  
 غلیج ۷۵۱  
 غلزایی ۷۵۱  
 غمزه (قاسم ساکن بخارایی) ۶۰۹، ۳۴۶  
 غمزه بخاری ۶۰۹، ۳۴۶  
 غمناک (حکیم) ۲۵  
 غنایی ۸۴۱  
 غنایی (عبدالوهاب بن محمد حسینی حسینی)  
 معموری ۳۹۶  
 غنی امینی خوفی ۴۲۸  
 غنی لاهیجی ۵۲۱  
 غنی همدانی (میرزا عبدالغنی بیک) ۶۸۶-  
 ۶۸۷  
 غواص ۲۵  
 غواص گنبدی ۴  
 غواصی خراسانی یا یزدی ۶۸۷  
 غوث اعظم ۱۳۱

غازی گرای خان دوم ۴۹۰  
 غالیان ۱۶  
 غانعی هروی (ابوسعبد محمد بن محمد)  
 ۱۲۸  
 غباری اردستانی (قاسم خان) ۶۴۳  
 غباری اسفراینی ۳۴۶  
 غباری اگرهی (قاسم علی خان) ۵۵۰،  
 ۶۴۳  
 غباری گیلانی ۵۲۶  
 غباری موی ناصراقی ۵۷۹  
 غباری نیشابوری ۵۷۹  
 غباری هروی ۳۴۶  
 غباری هروی (محمد امین) ۵۲۶  
 غباری یزدی ۵۳۴  
 غربتی حصاری بخاری ۴۳۱  
 غربتی لاهوری (ابوالعمالی) ۷۰۸  
 غرقی ۳۴۶  
 غریب (خواججه) ۵۶۹  
 غریب سبزواری ۳۴۶  
 غریب میرزا (شاه) ۲۳۲، ۲۲۱، ۶۴۳-  
 ۷۸۸، ۶۹۱، ۶۴۳  
 غریب نواز (سید) ۱۹۶  
 غریب یمینی (نظام الدین) ۷۵۶  
 غریبی بلیانی کازرونی ۷۱۰  
 غریبی خراسانی ۶۵۵  
 غریبی کاشانی ۵۱۸  
 غز ۷۴۹، ۸۹  
 غزال خجندی ۲۰۰  
 غزالی (نظام محمود طاهر) ۷۵۵  
 غزالی بلخی (برهان الدین میراسلام)  
 ۷۸۹، ۶۳۹، ۳۳۰  
 غزالی تبریزی ۶۳۹، ۵۲۵  
 غزالی چننگ مشهدی ۶۳۹، ۵۱۱  
 غزالی سمرقندی ۶۳۹، ۵۶۱  
 غزالی طوسی (حجه الاسلام امامزین الدین  
 ابوحامد محمد بن محمد) ۵۰، ۶۶،  
 ۶۸-۶۹، ۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶، ۷۱۹،  
 ۷۳۹  
 غزالی طوسی (محبی الدین) ۲۹۴

۷۶۶ غیاث الدین تغلقشاه ۱۷۱، ۷۵۹  
 غیاث الدین جمشید بن مسعود بن محمود  
 طبیب کاشانی ۲۵۰، ۲۶۸، ۷۷۹  
 غیاث الدین جمشید زواری ۳۷۱  
 غیاث الدین حسین بن فیروزشاه (امیر)  
 ۳۰۳  
 غیاث الدین حسینی علوی (سید) ۱۹۴  
 غیاث الدین سبزواری ۲۸۱  
 غیاث الدین سید احمد هروی ۲۷۲  
 غیاث الدین شیرازی (امیر) ۶۹۱  
 غیاث الدین صباغ ۳۴۶  
 غیاث الدین عزت ۳۳۶  
 غیاث الدین علی ۳۴۶  
 غیاث الدین علی (میرزا) ۴۳۱  
 غیاث الدین علی آصف خان میر بخشی  
 (میرزا) ۴۶۵  
 غیاث الدین علی احمد نقیب خان قزوینی  
 ۸۴۱، ۶۶۲  
 غیاث الدین علی بتکچی ۴۴۶  
 غیاث الدین علی بن جمال الاسلام یزدی  
 ۲۵۰  
 غیاث الدین علی ترخان ۷۹۲  
 غیاث الدین علی شیرازی (خواجہ) ۶۹۲  
 غیاث الدین علی عمران بن غیاث الدین  
 علی بن علی امیران حسینی اصفہانی  
 ۸۱۵، ۲۶۱  
 غیاث الدین علی کهرہ کبود چشم (خواجہ)  
 ۸۲۸  
 غیاث الدین کیخسرو بن قلج ارسلان بن  
 مسعود (ابوالفتح) ۱۱۹، ۱۲۵  
 غیاث الدین کیخسرو دوم ۱۵۲  
 غیاث الدین کیخسرو سلجوقی ۱۶۱، ۷۵۱  
 غیاث الدین محمد (میر) ۴۳۵، ۵۵۸  
 غیاث الدین محمد بزمی استرآبادی ۵۱۸  
 غیاث الدین محمد بن بایسنغر بن شاهرخ  
 ۳۰۹، ۲۳۹  
 غیاث الدین ،  
 خراسانی (ابوالیقین) ۷۸۵

غوثی (شیخ محمد مندوی) ۴۲۹، ۸۲۲  
 غوریان ۱۲۰-۱۲۱  
 غیاث (خواجہ) ۸۰۶  
 غیاث (شاه) ۵۵۶  
 غیاث استرآبادی ۵۲۴  
 غیاث الدین (خواجہ) ۳۸۲  
 غیاث الدین (مولانا) ۶۳۲  
 غیاث الدین (میر) ۶۸۷  
 غیاث الدین ابوالفتح بن سیف الدین ۹۰  
 غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلج  
 ارسلان مسعود ۱۱۹، ۱۳۵  
 غیاث الدین ابو حفص یا ابوالفتح عمر بن  
 ابراهیم خیام نیشاپوری ۵۵، ۶۰،  
 ۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۵۷،  
 ۴۱۳، ۲۹۷  
 غیاث الدین ابوشجاع محمد بن ملکشاہ بن  
 الب ارسلان ۴۹، ۵۱، ۶۹، ۸۰  
 غیاث الدین احمد خواجی ۲۶۰، ۲۶۴  
 غیاث الدین احمد هروی ۲۷۲  
 غیاث الدین اعتماد الدولہ ۳۸۲، ۵۱۳  
 غیاث الدین بایسنغر میرزا تیموری ۲۸،  
 ۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۸، ۲۶۲، ۲۹۲-  
 ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۰-۳۰۱، ۳۰۳،  
 ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۴۱-۳۴۲، ۳۶۱،  
 ۷۷۱، ۶۷۹-۷۷۲، ۷۹۵، ۷۹۷  
 غیاث الدین بحر آبادی ۶۲۰  
 غیاث الدین بزمی استرآبادی ۵۱۸  
 غیاث الدین بلبن ۳، ۲۵۱-۲۵۲  
 غیاث الدین بن محمد مطہب اصفہانی ۲۷۴  
 غیاث الدین بن ہمام الدین بن جلال الدین بن  
 برهان الدین محمد شیرازی خواند  
 میر یا خوندمیر هروی (خواجہ)  
 ۲۴۰، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۵، ۳۵۸،  
 ۴۳۸  
 غیاث الدین بیرام شاہ ۱۶۵  
 غیاث الدین پیر احمد خوافی (خواجہ)  
 ۲۶۴، ۲۶۰  
 غیاث الدین پیرشاہ خوارزمی ۲  
 غیاث الدین پیر علی کورت (ملک) ۲۰۹،

- غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله  
(خواجہ) ۱۴۷-۱۴۹، ۱۸۲، ۱۸۳،  
۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۶،  
۷۵۵، ۷۳۷، ۷۳۱
- غیاث الدین محمد بن سام غوری ۱۷۹، ۸۱،  
۷۲۸، ۱۲۲، ۹۱
- غیاث الدین محمد بن عزیز الدین یوسف  
سیلنی حسینی رازی هروی ۳۳۰
- غیاث الدین محمد بن علاء الدین هبة الله  
سبزواری غیاث طبیب ۲۷۳
- غیاث الدین محمد بن فخر الدین ۱۷۰
- غیاث الدین محمد دھار (خواجہ) ۳۰۷
- غیاث الدین محمد سبزواری ۳۰۳
- غیاث الدین محمد کجج تبریزی ۲۱۳،  
۷۷۵، ۷۶۳، ۶۵۵
- غیاث الدین محمد کججی ۲۱۳، ۶۵۵،  
۷۷۵، ۷۶۳
- غیاث الدین محمد کورت (ملك) ۱۷۹،  
۷۳۳، ۷۲۰، ۲۱۹
- غیاث الدین محمد نیشابوری ۳۴۶
- غیاث الدین محمد هروی ۳۴۶
- غیاث الدین مسعود بن کیکاوس (ملك)  
۷۵۱
- غیاث الدین مشهدی ۳۴۶
- غیاث الدین معروف بغیاث یا غیاثی  
استرا آبادی ۵۲۴
- غیاث الدین ملك الجبال (سلطان) ۸۹
- غیاث الدین منصور (میر) ۲۷۶، ۲۵۶،  
۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
۸۳۸، ۸۳۲
- غیاث الدین منصور بن امیر صدر الدین  
دشتکی ۳۷۵-۳۷۶
- غیاث الدین منصور بن صدر الدین شیرازی  
۸۳۸، ۶۹۲، ۳۵۶
- غیاث الدین منصور بن محمد شیرازی  
۴۶۷
- غیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحی  
بکری مکی ۶۴۸، ۵۹۹
- غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی ۲۷۶،  
۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
۸۳۸، ۸۳۲، ۸۲۵
- غیاث الدین همتی بلخی ۷۶۸
- غیاثی استرا آبادی ۵۲۴
- غیاث بلخی ۳۴۶
- غیاث بیک اعتماد الدوله (میرزا) ۵۱۳،  
۸۰۶
- غیاث بیک بن محمد شریف (اعتماد الدوله)  
۸۰۶، ۵۱۳
- غیاث شیرازی ۵۱۲
- غیاث طبیب (غیاث الدین محمد بن علاء -  
الدین هبة الله سبزواری) ۲۷۳
- غیاث هروی (میرسید) ۶۱۹
- غیاثی ۲۵
- غیاثی (مجیر) ۲۵
- غیاثی استرا آبادی ۵۲۴
- عیسی شیرازی ۲۲۵
- غیرتی شیرازی ۳۲۵، ۸۲۱
- غیری کرمانی ۷۰۸
- غیوری (شاهویردی چمدان اوغلی) ۴۹۵
- غیوری حصاری ۵۳۹، ۵۸۳
- غیوری کابلی (وردی جان بیک) ۶۵۵
- فاخته کاشانی (زیر الدین) ۲۲۴
- فاخر ۲۵
- فاخر رازی (ابوالمعاخر منجیک) ۸۵،  
۴۰۳
- قارابی (ابونصر) ۲۳، ۸۱۴
- فارس اردستانی (میر روزبهان صبری)  
۴۶۰
- فارس اصفهانی ۶۸۴
- فارسی ۱-۶، ۷-۱۲، ۱۳-۱۸، ۱۶-۱۸،  
۲۳، ۲۶-۲۷، ۲۰۱، ۲۰۳-۲۰۵،  
۲۰۷-۲۰۹، ۲۱۲-۲۱۷، ۲۱۹-

فارغی خوافی (ابوالواجد) ۱۵،۴۲۳	۲۲۲، ۲۲۸-۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۵
فارغی شیرازی (شیخ ابوالواجد) ۴۱۱	۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۴-۲۵۵، ۲۶۵
فارغی هروی (شیخ ابوالواجد) ۲۴۶	۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳-۲۷۵، ۲۸۵
۶۵۵	۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۲-۲۹۵، ۲۹۷
فاضل (خواجه) ۶۳۲	۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۹
فاضل اندجانی ۶۱۳	۳۲۱، ۳۲۶، ۳۲۸-۳۳۰، ۳۳۲
فاضل بیک سپاهی ۶۴۴	۳۳۵، ۳۴۵، ۳۴۹-۳۵۳، ۳۵۶
فاضل معنوی ۵۷۴	۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۸-۳۷۷
فاضل منشی کابلی ۵۹۷	۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲-۳۸۴، ۳۸۶
فاضل هروی ۲۵۷	۳۸۸-۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۷، ۳۹۹
فاضله سمرقندی ۱۷۹۴	۴۰۱-۴۰۹، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۴۳
فاضلی یعی (اعیر) ۴۶۹	۴۴۴، ۴۵۶، ۴۵۸-۴۷۲، ۴۷۵
فاضلی علایی کرهرودی ۶۸۷	۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۴-۴۹۰
فاطمه دختر شیخ زاهد گیلانی (بی بی)	۴۹۵-۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۶
۲۱۲	۵۰۷، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۲-۵۲۳
فاطمه همسر ارسلان بن طغرل ۱۰۷	۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۰-۵۴۱، ۵۴۵
فاطمی (خلعای) ۸۰۳	۵۷۲-۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳
فامی هروی (ثقة الدین ابونصر عبدالر)	۵۸۶، ۶۰۴-۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸
ابن عبیدالجبار ۱۹۷	۶۱۰-۶۱۴، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۴
فانی ر. علیشیر نوابی	۶۲۶-۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۴۰
فانی بخارایی ۵۹۵، ۵۶۹	۶۴۱، ۶۴۷، ۶۴۹، ۶۶۹-۶۷۰
فانی بخاری ۳۴۶	۶۹۱، ۶۹۶-۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳
فانی تبریزی ۵۲۸-۵۲۷	۷۰۵-۷۰۹، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۸
فانی خوارزمی (کمال الدین حسین) ۶۸۸-	۷۱۹، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۹، ۷۳۱
۶۸۹	۷۳۲، ۷۳۵، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۵
فانی رازی (محسن) ۶۵۸	۷۴۶-۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۰
فانی شیرازی دهدار (خواجه احمد) ۳۹۷،	۷۶۸-۷۶۹، ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۳
۶۵۵-۶۵۶، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۳۷	۷۸۵، ۷۸۷، ۷۹۱-۷۹۳، ۷۹۷
فانی هروی ۳۴۶	۷۹۸، ۸۰۱-۸۰۲، ۸۰۴، ۸۰۸
فایقی ۴۲۳	۸۱۰-۸۱۳، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۲
فایقی تبریزی ۷۰۲	۸۳۰-۸۴۰
فایقی شیرازی ۴۲۳	فارسی (ابن نصوص شیرازی) ۲۱۱
فتاحی نیشابوری (محمد یحیی بن سبک)	فارسی (شریف) ۴۲۸
۳۹۳، ۳۹۰، ۳۳۵، ۲۹۹، ۲۳۵	فارغ (کمال الدین ابوالفضل تبریزی معروف
۴۲۶	بچلیبی بیک علامی) ۵۲۰
فتح ۲۲۶	فارغی (قوام الدین) ۲۵۸
فتح الله (شاه) ۳۳۲، ۳۵۷	فارغی (محمد صالح دیوانه کابلی) ۴۲۷
فتح الله (معین الدین) ۳۴۶	فارغی بن میر مرتضی شیرازی (میر) ۴۲۳،
فتح الله بن احمد بن محمود شهرستانی	۸۲۰

ابن شمس الدين محمد بن علي حنفي  
٢٥٧

فخر الدين ابوالحسن بن احمد جام ٧٢٠  
فخر الدين ابوالعباس احمد بن ابوالخير  
زرکوب ملقب بمعين ١٨٦  
فخر الدين ابوبکر (قاضي) ٧٣٩  
فخر الدين ابوبکر ابهری ١٧٨  
فخر الدين ابوسليمان داود بن ابوالفضل  
محمد بن اکتی ٧٣١، ١٤٣  
فخر الدين ابو عبدالله

پکسری رازی (امام) ٩٩، ١١٢-  
١١٣، ١٣٨، ١٥٣، ١٤٥، ١٧٣،  
٣٠٣-٣٠٤، ٧٢٣، ٧٢٦، ٧٤١،  
٧٩٩

فخر الدين ابوالعباس احمد بن ابوالخير  
زرکوب معين ١٨٦  
فخر الدين احمد بن روزبهان بقلی ٧٢١  
فخر الدين اسعد گرگانی ٣٤٤، ٥١، ١٠٥  
فخر الدين الغ بلك اعظم همایون بارک  
ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المؤمنین  
(بعین الملك) ٧٣٩

فخر الدين ابو حنيفة مستوفی سبزواری (خواجه)  
٣٠٣-٣٠٤

فخر الدين بن حسن علی طبسی ٨٣٠  
فخر الدين بن رکن الدين بن شمس الدين  
کرت ٢٠٧

فخر الدين بن عز الدين فرید مشرف معاذک  
خراسان ٩٥

فخر الدين بن معين ١٨٠  
فخر الدين بهرام شاه ١٠٥  
فخر الدين حامدی ٣  
فخر الدين حسين بن ابوبکر اشعری (عين  
الملك) ١٥١

فخر الدين خالد بن ربيع طولانی مکی هروی  
٨٦

فخر الدين خالدی ٤  
فخر الدين خطاط هروی ٩٥  
فخر الدين خلاطی ٧٣٠  
فخر الدين دمراچی (قاضي) ١٠٢

٧٥٩، ٢٧٢، ٩٦٢

فتح الله تبریزی ٢٨٦  
فتح الله شیرازی (شاه) ٣٤٦، ٣٢٣، ٤٥٥-  
٦٥٦

فتح الله نجد رانی (خواجه قاضي) ٦٢٧  
فتح الله فتحی هروی ٥٧١

فتح الله قزوینی (فخر الدين) ٢٢٣  
فتح الله کاتب ٣٣٦

فتح الله کاشانی (ملا) ٣٧١، ٣٧٤  
فتح الله هروی ٢٤٦  
فتح بلخی ١٨١

ستانی سبزواری

٧٥٩، ٢٧٢، ٢٦٢

فتح بن علی بن محمد بنداری (قوام الدين)  
١١٩

فتح گرای ٣٩٠  
فتح مستوفی ٧٧٢  
فتحی اتدجانی ٣٣٦  
فتحی بن سید ابراهیم اندکانی تاشکندی  
٨

فتحی ترمذی (حکیم علی بن محمد) ٧٢٦  
فتحی حسینی ٣٧١  
فتحی شروانی ٧٠٢

فتحی قزوینی ترمذی (حکیم علی بن محمد)  
٧٢٦

فتحی هروی (مولانا فتح الله) ٥٧١  
فتنه نوز ٨٩

فتوت ٧٥٨

فتوحی مروزی (امیر الدين) ٨٧  
فخر (مولانا) ٢٤٦

فخرالدوله شاه غازی بن کیخسرو واستندار  
ملك معاز ندران (ابو المعالی) ١٨٧

فخر الدين (ملك) ١٧٨  
فخر الدين ابراهیم بن بزرك مهر بن

عبد الغفار جو الیقینی همدانی عراقی  
١٠١، ١٦٣-١٦٤، ١٧٣، ٢٠٩،

٢٦٢، ٢٨٤، ٢٨٧، ٢٢٩، ٣٥١،  
٧٣٦، ٧٣٩، ٧٤١

فخر الدين ابراهیم بن عماد الدين محمود



۷۲۸،۸۸  
 فخرالدین ،  
 ۷۵۷  
 فخرالدین محمد زائد خوانی سرخسی ۹۵  
 فخرالدین محمد شاه بن حاجی زوزنی (شرف  
 الملك) ۷۳۳  
 فخرالدین محمود بن امیر یمین الدین  
 طغرای فریومندی ابن یمین ۲۰۰۳-  
 ۷۶۱، ۲۲۶، ۲۰۱  
 فخرالدین مراغی ۷۳۰  
 فخرالدین مستوفی ۲۲۳، ۱۷۸  
 فخرالدین مسعود بن اسمعیل محمود (سعد  
 الملك) ۹۸  
 فخرالدین مسعود بن بهمن کرمانی ۸۹  
 فخرالدین مسعودی هرزی ۸۹  
 فخرالدین وزیر (سید) ۲۰۲  
 فخرالدین هروی ۳۴۶  
 فخرالدین هندوشاه ۲۲۶  
 فخرالدین  
 ۲۱۷، ۱۸۰  
 فخرالملك بن مؤید الملك ۶۰  
 فخرالملك بن نظام الملك ۱۳۷، ۷۰  
 فخرالملك عصامی ۲۲۵  
 فخرالملك عمیدالدین لوبکی (یا عمده-  
 الملك) ۱۷۵، ۷۹  
 فخرالنساء نسایی ۶۹۵، ۳۴۹  
 فخر بن کتی ۷۳۱، ۱۴۳  
 فخر خلخالی ۳۴۶  
 فخر رازی (امام) ۱۱۲، ۹۹-۱۱۳، ۱۱۳،  
 ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳، ۴۰۳- ۴۰۴،  
 ۷۹۹، ۷۴۱، ۷۳۶، ۷۲۳  
 فخر عالم ۴  
 فخر عبدالمجید ۱۷۸  
 فخر غوری ۱۷۸  
 قتلخ ۱۷۸  
 فخر گرگانی ۱۰۵، ۵۱، ۴۶  
 فخر گنجه ۱۷۸  
 فخر مدبر ۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹  
 فخر مراغه ۱۷۸

فخرالدین رازی (امام) ۱۱۲، ۹۹-۱۱۳،  
 ۱۳۸، ۱۵۲، ۱۶۵، ۱۷۳، ۴۰۳-  
 ۷۹۹، ۷۴۱، ۷۳۶، ۷۲۳، ۴۰۴  
 فخرالدین رئیس محمود ۲۲۶  
 فخرالدین سماکی ۵۰۲، ۴۶۰  
 فخرالدین شرف الملك محمد شاه بن حاجی  
 زوزنی خوانی ۷۳۳  
 فخرالدین عراقی ۱۰۱، ۱۶۲- ۱۶۴،  
 ۱۷۳، ۲۰۹، ۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۷،  
 ۳۲۹، ۳۵۱، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۱  
 فخرالدین عصمت الله بن مسعود بخاری  
 ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶، ۳۰۰، ۵۷۸،  
 ۷۹۰، ۷۸۷  
 فخرالدین علاءالدوله عربشاه (میرسید)  
 ۱۰۷  
 فخرالدین علی بن حسن زواری ۳۷۱  
 فخرالدین علی بن حسین واعظ هروی سفی  
 ۲۳۷-۲۳۸، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۳-  
 ۲۸۴، ۳۸۴، ۳۸۳، ۷۸۰، ۷۸۴، ۸۰۶  
 فخرالدین علی بن رکن الدین ۱۷۹  
 فخرالدین علی خطاط ۶۸۴  
 فخرالدین فتح الله قزوینی ۲۲۳  
 فخرالدین فخری اصفهانی ۱۴۸  
 فخرالدین فلانسی ۱۸۱  
 فخرالدین قوامی مطرزی گنجوی ۱۰۸  
 فخرالدین گیلانی ۱۸۱  
 فخرالدین مبارکشاه بن  
 ۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹  
 فخرالدین مبارکشاه قوری ۷۳۵  
 فخرالدین مبارکشاه محمد بن حسن بن  
 مدین ابوالفرج  
 ابن خلیل بن احمد بن ابو نصر بن خلف  
 ابن احمد بن شعیب بن طلحة بن عبد الله  
 ابن عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق  
 هروردی ۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹  
 شرا بادی  
 ۳۷۴  
 فخرالدین محمد بن طمی ۸۱۴  
 فخرالدین محمد بن محمود بن احمد نیشابوری

فرخی سیستانی (ابوالحسن علی بن جولوغ)  
۲۲، ۲۶، ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۷۰، ۷۶، ۸۴

فرخی سروانی ۷۲۵  
فرخی گرگانی ۴۹  
فردوس مطربہ ۲۲۴  
فردوسی طوسی (ابوالقاسم منصور بن حسن) ۱۹، ۲۸، ۳۲، ۳۸، ۴۱، ۴۷، ۵۴، ۸۴، ۱۵۹، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۱۸، ۷۱۶

فردی اردبیلی ۷۰۲  
فردی تبریزی ۷۰۲  
فردی تربتی ۶۱۴  
فرزدق یمنی ۷۹  
فرشتہ روی زمیں ۷۸۸  
فرعون ۵۴۲، ۶۶۳، ۶۷۰  
فرقتی تولکی (محمد شیرخان) ۵۸۵  
فرقتی خوشقانی (ابوتراب بیک) ۴۱۴، ۵۱۷

فرقدی خراسانی (شرف الدین محمد بن عمر) ۹۱  
فرقی ہروی ۵۳۳  
فرقی بزدی ۶۰۲  
فرنگیس خانم ۴۸۴  
فروغی اندخودی ۶۰۳  
فروغی تبریزی ۴۶۲  
فروغی سمرقندی ۶۳۸  
فروغی عطارقزوینی ۴۶۱  
فروغی قزوینی ۵۲۰  
نیشاپوری ۳۴۶

فرہاد (درویش) ۲۲۶  
فرہاد چہارم ۱۱  
فرہادی ماوراءالنہری ۳۴۶  
فریبز (شروانشاہ علاء الدین) ۱۷۶  
فریبی سمنانی ۵۰۴  
فریبی طہرانی (خواجہ شاپور یسر) ۵۱۳  
فریبی ماوراءالنہری ۶۲۹  
فریدالدہر ۲۵

فخر نقاشی ۱۷۸  
فخر وفادار (ابواسحق) ۲۱۵  
فخر ہروی ۱۷۸  
فخری ۳۷۶-۳۷۷  
فخری (شمس) ۱۴۸  
فخری اصفہانی (فخر الدین) ۱۴۸  
فخری شوشتری (صدر الدین علی) ۲۲۶  
فخری غواص ۱۷۶  
فخری ہروی (سلطان محمد) ۲۵۱، ۲۷۷، ۸۲۵، ۴۳۸، ۳۷۶

فدایی بلخی ۵۹۴  
فدایی تبریزی ۷۰۲، ۲۴۶  
فدایی لاهیجی (شیخ زادہ) ۲۲۲  
فراقی تبریزی (حافظ چرگر) ۶۹۵  
فراقی جوینی ۳۴۶  
فراقی طالقانی ۵۳۷  
فراقی ہروی (خواجہ ایوب) ۶۸۷  
فراگونہ ۶۷۰  
فرا لوی (ابو عبد اللہ) ۲۱  
فرامر زین خداداد بن عبد اللہ کاتب ارجانی ۷۵۵، ۱۳۳

فرامر زین فخر الدولہ رستمین حسام - الدولہ شہسویار بن قارن (قطب - الملوک عماد الدولہ سیف الدین) ۸۲ - ۸۳

فرانسہ (زبان) ۶۰۶، ۲۸۹، ۲۰۶  
فراہی (ابو نصر) ۲۷۵، ۹۰  
فرج اللہ ۶۵۶  
فرج اللہ بن شمس الدین ۷۴۱

فرجی تبریزی (بابا) ۸۱۰  
فرخ (سعد الدین) ۳۲۹  
فرخاری ۵۶  
فرخزادین مسعود بن محمود غزنوی ۳۶، ۶۴

فرخزاد بیک ترکمان ۵۰۱  
فرخشاہ کابل ۱۳  
فرخشاہ منشی ہروی ۵۹۹  
فرحی (مولانا) ۳۴۰

- فریدالدین ابوسعید عبداللیاقی بن عبدالحق  
۳۲۵
- فریدالدین احوں اصفہانی ۱۶۶، ۷۴
- فریدالدین جاجرمی ۱۰۰
- فریدالدین شکر گنج ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۵۶،  
۲۱۸، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۹
- فریدالدین عطار تونی ۲۲۰
- فریدالدین عطار نیشابوری ۱۱۳-۱۱۵،  
۱۲۱، ۱۶۰، ۱۹۰، ۲۹۰، ۲۹۱
- ۳۲۰، ۴۴۵، ۷۲۳
- فریدالدین عطار ہمدانی ۲۱۸-۲۱۹،  
۳۲۰
- فریدالدین علی منجم سگری ۹۵
- فریدالدین کاتب نسوی خرا-انی ۸۴
- فریدالدین شکر گنج ۱۱۳، ۱۵۵-۱۵۶،  
۲۱۸، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۹
- فریدالدین محمد بن ابراہیم ۳۲۰
- فریدالدین محمود بن بشار ہروی ۹۵
- فریدالدین مسعود بن جمال الدین سلیمان  
ابن شعیب بن محمود بن یوسف بن  
شہاب الدین فرخشاہ کابلی ابن فخر-  
الدین محمود بن سلیمان بن مسعود بن  
عبدالله واعظ الاصفہانی ابن ابو العتج  
واعظ الاکبر بن اسحق بن ناصر بن  
عبدالله بن عمر بن خطاب شکر گنج  
یا گنج شکر دہلوی ۱۱۳، ۱۵۵-  
۱۵۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۴۸،  
۲۵۹
- فرید الزمان احمد بن ایزدیار (شرف الدین)  
۸۹
- فرید بخاری (بخشی الملک شیخ) ۳۶۶
- فرید حوارزمی ۱۷۸
- فرید دبیر ۱۷۸
- فرید کافی (شرف الدین فرید الزمان احمد  
ابن ایزدیار) ۸۹
- فریدون بن احمد سیہ سالار ۲۳۸-۲۳۹
- فرون بن عکاشہ (جلال الدین) ۲۱۴، ۲۶۵
- فریدون خان دہلوی ۶۸۷
- فریدون سابق اصفہانی (حاج) ۶۷۷
- فریدون حسین میرزا تیموری ۴۴۰،  
۶۶۵
- فریدون کرمانی (امیر) ۵۶۱
- فریدون محمد ۵۵۹
- فریدون میرزا تیموری ۲۳۲، ۳۱۶
- فریفونیان ۷۱۵
- فریقی شہر سبزی (خواجہ ابوالبرکات ایوب)  
۶۱۲
- فسونی ۳۴۶، ۵۳۲
- فسونی (امام قلی بیگ) ۶-۵
- فسونی تبریزی (محمود بیگ بن عبداللہ)  
۵۱۴، ۵۲۲، ۸۳۲
- فسونی یزدی ۵۵۰
- فشاری ۳۴۶
- فصیح الدین ۱۸۱، ۳۴۶
- فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد بن  
نصیر الدین یحییٰ بن علاء الدین محمد  
ابن ظہیر الدین ابوالقاسم محمد بن  
جلال الدین محمد بن نصیر الدین  
ابوالقاسم بن ظہیر الدین محمد بن  
ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن  
ابوالقاسم بن جلال الدین محمد بن  
احمد بن ابونصر علی بن محمد بن  
علاء الدین عیسیٰ بن ابوبکر بن ابوالقاسم  
احمد بن محمد بن قتیبہ بن ابوامامہ  
صدی بن جلان بن وھب باھلی خوافی  
۲۲۸، ۷۷۴
- فصیح الدین بن عبدالکریم نظامی ۴، ۲۶۹
- فصیح الدین صاحب دارا استرآبادی ۳۳۰
- فصیح سلمان ۴۴۴
- فصیحی ۳۴۶
- فصیحی تدریزی ۲۰۲
- فصیحی رونی ۳۴۶
- فصیحی شیرازی ۵۶۴
- فصیحی گرگانی ۴۶، ۳۴۶
- فصیحی ہروی ۶۶۵
- فصیحی یزدی ۵۲۶
- فضای ہمدانی ۵۲۳
- فضل (ابوالعباس) ۷۲
- فضل (طاهر) ۲۵

فضل الله جلال الدين ابوالليثي ۲۹۰ ،  
 ۳۳۰  
 فضل الله جمال الدين احمد جمالي اردستاني  
 ۸۲۶، ۸۰۹، ۷۷۴، ۲۳۴، ۲۳۵  
 فضل الله جمالي دهلوي ۳۱۲، ۴۶۵، ۵۳۰،  
 ۸۱۰-۸۰۸، ۷۸۷  
 فضل الله جلال خوار (سيد) ۷۶۴  
 فضل الله خوارى (جلال الدين) ۱۰۳  
 فضل الله راجى حسيني (شرف الدين ابو-  
 الفضل) ۱۰۲، ۱۳۴، ۱۸۱  
 فضل الله شيرازى ۳۴۶  
 فضل الله فضلى قزوينى ۵۵۳  
 فضل الله قزوينى (شرف الدين) ۱۰۲، ۱۴۴،  
 ۱۸۱  
 فضل الله کرمانى ۳۴۶  
 فضل الله نعيمى اسرايادى تبريزى حروفى  
 (سيدشاه) ۲۱۴، ۳۴۸، ۷۶۴-۷۶۵،  
 ۷۷۱-۷۷۲، ۷۸۳-۷۸۴، ۷۸۶-۷۸۹  
 ۷۹۰  
 فضل الله والى برزى آبادى طوسى (عماد  
 الدين) ۳۲۲، ۵۶۵، ۶۱۰  
 فضل بن محمد لوكرى (ابوالعباس) ۵۴،  
 ۷۲۸، ۶۰  
 فضل خلخالى ۷۰۲  
 فضل مولى خان لکنهوى ۶۸۷  
 فضلون (امير) ۴۸  
 فضلوى (صانع) ۲۵  
 فضلوى هروى (بارع) ۵۵  
 فضلويه ۷۵۱  
 فضلويه عماد لى (عماد الدين) ۱۸۱، ۲۲۳،  
 ۷۵۱  
 فضلووى (عماد الدين يوسف لى) ۱۸۱،  
 ۷۵۱، ۲۲۳  
 فضلى بتغاراىى ۷۸  
 فضلى بيمى (امير) ۴۶۹  
 فضلى قزوينى (ملا فضل الله) ۵۵۳  
 فضلى نوشادى ۵۷۵  
 فضلى هروى ۴۴۶، ۵۵۹  
 فضولى (محمد بن سليمان بغدادى) ۲۳۶،

فضل الله (ابوالفضل عبدالرحمن) ۷۶۴  
 فضل الله ابوالليثى (خواجه جلال الدين)  
 ۲۹۰، ۳۳۰  
 فضل الله احمد جمالي اردستاني (جمال الدين)  
 ۸۲۶، ۸۰۹، ۷۷۴، ۲۳۴، ۲۳۵  
 فضل الله بن ابوالخير عماد الدوله يا ابو-  
 الخير عالى بن موقا الدوله على حمدانى  
 وزير (خواجه رشيد الدين) ۱۴۲-  
 ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۷،  
 ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۹،  
 ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۶۰،  
 ۴۴۹، ۶۵۳، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۶۹،  
 ۸۳۷  
 فضل الله بن ابوالخير محمد بن احمد ميهنى  
 (ابوسعيد) ۱-۲، ۲۴، ۵۶-۵۷، ۶۱-  
 ۶۲، ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۶۳، ۳۲۲، ۳۳۵،  
 ۳۴۲، ۶۱۹-۶۲۰، ۶۶۳، ۷۱۷،  
 ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۹۵  
 فضل الله بن ابومحمد نعيمى تبريزى ۷۶۴  
 فضل الله بن بهاء الدين حسن بن محمد يمانى  
 على بن حسين بن هاشم بن حسن بن  
 على بن هاشم بن محمد بن جعفر بن  
 امام موسى كاظم (شهاب الدين) ۷۶۴  
 فضل الله بن تاج الدين ابوسعيد بن حسين بن  
 يوسف توران پشتى (شهاب الدين ابو  
 عبدالله) ۱۵۳  
 فضل الله بن دوزبهان بن فضل الله ختجى  
 اصفهانى شيرازى (امين الدين ابو-  
 الخير) ۳۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹، ۵۲۳،  
 ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۶۳، ۷۲۲، ۷۷۵  
 فضل الله بن شرف الدين يعقوب (مجد الدين)  
 ۷۶۷  
 فضل الله بن صدر الدين محمد (شمس الدين)  
 ۷۴۱  
 فضل الله بن علاء الدين على برزى آبادى  
 طوسى (عماد الدين) ۳۲۲، ۵۶۵،  
 ۶۱۰  
 فضل الله بن محمد روزنى (كمال الدوله  
 ابوالرضا) ۵۴

فنای مشهدی (ملا علی اصغر) ۸۲۷، ۶۵۶  
 فنوس ۷۲  
 فنونی (جمال الدین) ۳  
 فوطه سمرقندی (حاج محمد) ۳۴۷  
 فهمی (شاه محمد خدا بنده) ۴۷۵  
 فهمی (میر شمس الدین خبیصی) ۴۶۳، ۸۲۷  
 فهمی استرآبادی ۵۵۱  
 فهمی بخارایی ۶۳۲  
 فهمی بدخشی ۵۷۵  
 فهمی سمرقندی ۵۵۰  
 فهمی طهرانی رازی (مسلاطه ماسب قلی) ۸۳۷، ۸۲۱، ۴۲۶  
 فهمی قزوینی (شاه قاسم) ۶۵۶  
 فهمی کاشانی ۸۲۷، ۵۴۹  
 فهمی هر مروزی ۴۵۹  
 فهمی بخارایی (مجدالدین) ۹۵  
 فهمی کاشانی ۷۸۴، ۵۳۰  
 فیاضی ۴۶۳  
 فیروزآبادی ۲۹۴، ۳۶۹، ۱۳۲  
 فیروزآبادی (مجدالدین) ۳۷۲  
 فیروزبن رجب ۷۵۶  
 فیروزبن شمس الدین التتمش (رکن الدین) ۷۴۴، ۱۷۵  
 فیروزبیک ۲۵۵  
 فیروزشاه ۱۷۵  
 فیروزشاه (عبد الخالق) ۶۷۹  
 فیروزشاه بن التتمش (رکن الدین) ۱۷۵، ۷۴۴  
 فیروزشاه بن داودشاه بهمنی (تاح الدین) ۷۹۵، ۷۸۰، ۴۳۴، ۲۱۵  
 فیروزشاه بن ملک رجب ۲۴۳  
 فیروزشاه تغلی ۷۶۸، ۷۵۹، ۷۵۶  
 فیروزشاه خلجی (جلال الدین) ۱۷۱، ۷۵۲-۷۵۱، ۷۲۹، ۱۸۶  
 فیروزشاه سلطان دهلی ۷۷۲  
 فیروز مشرقی ۱۹  
 فیروزه کابلی ۵۵۱  
 فیروزی (تاح الدین فیروزشاه بن داودشاه

۸۲۵  
 فضیل (شیخ) ۵۴۴  
 فضیل بن عیاض فندی خراسانی (ابوعلی) ۱  
 فضیل عیاض ۱  
 فطرتی کشمیری ۶۴۶  
 فنانی ۳۱۸  
 فنانی شیرازی ۴۲۷، ۳۱۵، ۲۲۵، ۶ - ۸۳۲، ۶۳۷، ۵۱۲، ۵۰۸، ۴۲۸  
 فنانی قراکولی ۵۶۴  
 فغفور (سید محمد حسین لاهیجی) ۴۱۴  
 فقیر سلطان ۵۹۴  
 فقیری بخارایی ۵۸۳  
 فقیری تبریزی ۵۳۱  
 فقیری هروی ۳۴۶  
 فقیهی مروزی ۸۸  
 فقیه یوسف ۱۷۹  
 فکری ۶۴۸  
 فکری (سید محمد جامه پاف) ۴۱۹  
 فکری (محمد رضا) ۸۰۲  
 فکری اردوبادی ۵۱۰  
 فکری تاشکندی (مولا ازاده) ۵۶۱  
 فکری محلاتی ۶۹۳  
 فکاری (مراد خان) ۵۰۱، ۴۹۵  
 فکاری سبزواری قزوینی (فاضی احمد) ۸۳۱، ۵۱۰  
 فکاری سمرقندی ۵۷۵  
 فلغزی (محمد) ۶۲۰  
 فلك الدین ابراهیم سامانی ۹۵  
 فلك المعالی منوچهر بن قابوس ۴۲  
 فلکی ۱۷۳  
 فلکی شروانی ۱۰۶  
 فنایی ۴۳۰  
 فنایی (آقا شاه بیکی) ۶۵۶  
 فنایی (امیر جمال الدین حسین) ۳۴۶  
 فنایی (خرد زرگر) ۴۳۰  
 فنایی بدخشی (شاه) ۵۷۷  
 فنایی جنتایی ۴۳۰  
 فنایی خلخالی (شیخ احمد) ۸۳۸، ۶۸۷

قادرى (عبدالقادربن ملو کشاه) ۳۵۹  
 قادرى بخاراىى ۵۶۵  
 قادرى قايى (مهدى قلى خان قادرقالو)  
 ۴۹۶  
 قارى ۱۸۱  
 قارى (حافظ کلان) ۶۲۱  
 قارى (ملاعلى) ۱۳۱، ۳۹۴-۳۹۵  
 قاسم (ملك) ۶۴۷  
 قاسم (مولانا جلال) ۸  
 قاسم ارسلان بخاراىى ۵۸۰، ۶۳۶، ۸۳۶  
 قاسم ارسلان مشهدى ۴۱۹، ۷، ۶۳۶، ۵۸۰  
 قاسم انوار (شاه) ۵، ۲۳۵، ۲۹۰-۲۹۲،  
 ۳۲۵، ۴۰۹، ۴۵۱، ۵۰۸،  
 ۷۸۶، ۷۹۱، ۸۲۲  
 قاسم بخاراىى ۶۳۶  
 قاسم بريدالممالك ترك ۷۹۷  
 قاسم بن محمد صفايى كاتب ۴۰۱  
 قاسم بن منصور (شاه) ۳۱۲  
 قاسم بيك ۶۸۰، ۸۰۴  
 قاسم بيك پوناك ۲۶۵  
 قاسم بيك خالتى تركمان ۴۶۶، ۶۵۰،  
 ۶۷۴، ۸۲۸  
 قاسم بيك حياتى قزلباش ۶۵۰  
 قاسم بيك رغمى ۵۰۶  
 قاسم بيك قسمى ۵۰۰  
 قاسم بيك هجرى ۵۰۲  
 قاسم پاشا ۳۹۲  
 قاسم توتى ۷۱۱  
 قاسم چنا بدى ۳۴۶، ۴۲۵، ۵۰۷  
 قاسم خان ۶۷۸  
 قاسم خان بن امير سيد قاسم بيك (امير)  
 ۳۶۶  
 قاسم خان غدارى اردستانى ۶۴۳  
 قاسم خان موجى بدخشى ۵۵۲  
 قاسم خان مير بحرى ۵۴۰، ۵۵۳، ۵۵۵  
 قاسم دلدارى (امير) ۳۴۴  
 قاسم ديوان بيكى (ميرزا) ۸  
 قاسم رازى (مولانا) ۶۵۱  
 قاسم رازى (مير محمد قاسم) ۶۵۶

بهمنى (۲۱۵، ۲۳۴، ۷۸۰، ۷۹۵،  
 فيض الاهورى ۶۸۷  
 فيض الله انجو (مير) ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۸  
 فيض الله بن زين العابدين بن حسام بليانى  
 صدر جهان (ملك الفضاة) ۲۴۲،  
 ۷۷۴  
 فيض الله صدر جهان ۲۴۲، ۷۷۴  
 فيض بخش (شاه قاسم) ۲۷۴، ۳۱۹  
 فيضى ۲۶۳  
 فيضى (الهداد بن اسد العلماء ليشير سرهندي)  
 ۳۶۲، ۳۶۶، ۸۰۳  
 فيضى (خواجه) ۵۶۹  
 فيضى (شريف سرمدى اصفهانى) ۲۲۸  
 فيضى (شيخ ابوالفيض) ۲۶۳-۲۶۴، ۴۱۷،  
 ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۶۶، ۵۳۰،  
 ۵۴۴، ۶۰۰، ۶۶۰، ۶۶۹، ۶۸۸،  
 ۸۱۹، ۸۰۳  
 فيضى اصفهانى (مير معزالدين محمد) ۴۲۸،  
 ۶۸۷  
 فيضى بلخى ۶۰۲  
 فيضى تربتى ۳۴۶، ۶۵۶  
 فيضى خيابانى (مولانا كمال الدين) ۶۱۳  
 فيضى دكنى ۳۶۲-۳۶۴، ۴۱۷، ۴۲۸،  
 ۴۲۲-۴۲۳، ۴۳۴، ۴۶۶، ۵۳۰، ۵۴۴،  
 ۶۰۰، ۶۶۰، ۶۶۹، ۶۸۸، ۸۰۳،  
 ۸۱۹  
 فيضى شروانى (سيد حسن واعظ) ۷۰۶  
 فيضى كردگر ۳۴۶  
 فيضى مروى ۲۴۶

## ق

قابلى ترشيزى ۳۴۶  
 قابوس بن وشمكير (شمس المعالى) ۲۳،  
 ۲۶۸  
 قاتل (ميرزا) ۶۱۵  
 قاجار ۴۸۲  
 قادر قالو ۴۹۶  
 قادرى ۷۹  
 قادرى (صوبه) ۴۰۵، ۵۴۰

قاسم اصفهانی ۲۴۶  
 قاسمی تونی (درویش) ۳۰۴  
 قاسمی حسینی (حسین بن اسمعیل) ۲۶۲  
 قاسمی خوانی ۶۵۶  
 قاسمی گنابادی (میرزا محمد قاسم بن عبدالله)  
 ۵۰۸-۵۰۷، ۴۲۵، ۴۱۰  
 قاسمی مازندرانی (قاسم) ۵۳۹  
 قاسمی ۸۰۳  
 قاشقال ۶۷۶  
 قاصری ۶۲۴  
 قاضی (مولانا) ۷  
 قاضی اختیار (حسن بن غیاث الدین) ۲۷۸،  
 ۵۸۵  
 قاضی اختیار (عبدالکریم بن محمود)  
 ۸۱۷  
 قاضی اسیری رازی (میر) ۴۲۹، ۵۰۳،  
 ۸۲۲  
 قاضی بیک ۶۴۹  
 قاضی آیدقمش (شمس الدوله) ۱۳۵  
 قاضی تغلیسی ۱۷۸  
 قاضی جهان تبریزی ۵۸۰  
 قاضی جهان شیرازی ۴۳۹، ۴۹۲، ۴۹۷  
 قاضی خان ۸۱۵، ۵۴۸  
 قاضی حان بدخشی ۵۵۱  
 قاضی خان ظفرآبادی (شیخ) ۸۱۶  
 قاضی زاده ۳۴۶  
 قاضی زاده (ظهیرالدین کبیر بن اویس بن  
 محمد لطیفی اردبیلی) ۲۵۴، ۲۸۱،  
 ۸۰۶، ۳۸۲  
 قاضی زاده (عبدالکبیر بن اویس) ۲۵۴،  
 ۸۰۶، ۳۸۲، ۲۸۱  
 قاضی زاده رومی ۲۸۶  
 قاضی زاده رومی (صلاح الدین موسی)  
 ۸۰۷، ۳۷۳، ۲۸۱، ۲۶۹، ۲۴۹  
 قاضی زاده رومی (قوام الدین یوسف بن  
 سیمی) ۲۸۱، ۲۷۳  
 قاضی زاده رومی (محمود بن محمد مریم  
 چلمی) ۲۸۸، ۲۸۱  
 قاضی زاده رومی (موسی بن محمود) ۲۴۹،

قاسم ساغرچی متخلص بمتشی و افشایی  
 ۵۸۶  
 قاسم ساکنی بخارایی ۶۰۹، ۳۴۶  
 قاسم شاه ۸۰۳  
 قاسم شوکتی (میرزا) ۵۷۸  
 قاسم شیخ ۵۶۹  
 قاسم صیرفی همدانی ۵۸۷  
 قاسم ضیایی (کمال الدین) ۶۱۵  
 قاسم ضیایی بخارایی ۵۶۱  
 قاسم عاصم ۳۴۶  
 قاسم علوی (جلال الدین) ۶۳۱  
 قاسم علی بیک حیدرآبادی اخگر ۱۹۶  
 قاسم علی خان غباری اگرهی ۶۴۳، ۵۵۰  
 قاسم علی قاینی ۷۸۱  
 قاسم فهمی قزوینی (شاه) ۶۵۶  
 قاسم فیض بخش (شاه) ۳۱۹، ۲۷۴  
 قاسم قاسمی اردستانی ۶۴۳  
 قاسم قاسمی مازندرانی ۵۳۹  
 قاسم قانونی ۴۹۲، ۸۳۰  
 قاسم کابلی ۶۲۷  
 قاسم کائی (مولانا) ۸  
 قاسم کاهی ۵۹۴، ۵۶۷، ۵۵۸، ۵۴۲، ۴۱۵،  
 ۸۱۹، ۵۹۶  
 قاسم کوه بر صبری ۶۳۶، ۵۷۹  
 قاسم گنابادی (میرزا) ۵۰۷، ۴۲۵، ۳۴۶  
 قاسم مذاقی (خواجه) ۸  
 قاسم مرجان سمرقندی ۵۹۱  
 قاسم مشهدی (ارسلان) ۴۱۹، ۵۸۰،  
 ۶۳۶  
 قاسم مشهدی (ملا) ۷۶۲  
 قاسم مفتی ۶۳۱  
 قاسم مودودی (خواجه) ۶۲۴  
 قاسم میان کالی کابلی ۴۱۵  
 قاسم میر بحری ۵۵۵، ۵۵۲، ۵۳۰  
 قاسم نوربخشی (سینشاء) ۲۷۴  
 قاسم ولدی (میرزا) ۳۴۶  
 قاسم هروی (میرزا) ۳۴۶  
 سم هندی ۴۲۷  
 قاسمی اردستانی (قاسم) ۶۴۳

قبولی یزدی ۷۹۲  
قتالی خوارزمی پوربای ولی ( پهلوان محمود) ۷۷۰  
قتلغ بوغا (حسام الدین) ۷۳۲  
قتلغ ترکان خاتون قراختایسی ۱۵۳ ، ۷۳۳  
قتلغ نگار ۶۰۵  
قتلوبغا ۱۸۱  
قتیلی بخارایی ۶۵۷  
قتیلی سمرقندی (مولانا ابوالحی) ۵۹۰  
قتیم بن العباس ۸۲۲  
قدرت الله (شاه) ۸۰۴  
قدرتی یزدی ۶۸۸  
قدرخان دلاورخان ۱۹۴  
قدرطفان خان (جلال الدین) ۹۸  
قدری سبزواری ۵۸۲  
قدری شیرازی ۴۲۳  
قدری ماوراهالنهری ۵۶۷  
قدسی (زین الدین) ۴  
قدسی ابطحی کربلایی سبزواری (میر حسین) ۵۵۶، ۵۲۸  
قدسی بخارایی ۶۱۰، ۵۹۴، ۵۸۰  
قدسی تفرشی ۵۰۵  
قدسی سنگنروری ۵۷۰  
قدسی مرقانگی ۶۳۸  
قدسی گیلانی (حکیم) ۶۸۸  
قدسی هروی ۳۴۷  
قدیمی هروی ۳۴۷  
قرا بک ۷۰۰  
قرا بوقه طوسی (خواجه منصور) ۳۰۴  
قرا بیک ذوالقدر ۵۲۳  
قراجه سلطان تکلو ۴۹۶  
قراجه ۱۷۸  
قراچین بیک (امیر) ۶۷۸  
قراختاییان کرمان ۱۷۹، ۱۴۹  
قراری ۵۵۸  
قراری گیلانی (نورالدین محمد بن عبد-الرزاق صدرگیلان) ۴۲۵، ۵۴۲، ۸۲۰-۸۳۳، ۸۲۱

۸۰۷، ۲۶۹  
قاضی زاده مفتی (شمس الدین یا بدرالدین احمد بن محمود) ۳۸۸  
قاضی سنجانی ۶۸۸  
قاضی صیرفی هندی ۲۲۶  
قاضی غازی اسیری رازی ۴۲۹، ۵۰۳، ۸۲۲  
قاضی لنگه ۵۳۳  
قاضی مراغه ۱۷۸  
قاضی نور اصفهانی ۳۵۹-۳۶۰  
قاضی نورالله شوشتری ۳۸۰-۳۸۱  
قالی (میرزا) ۶۲۸  
قامتی گیلانی ۵۲۱  
قانسوه غوری ۶  
قانعی طوسی (ملك الشعراء بهاء الدین احمد) ۱۶۱  
قانعی کابلی ۸  
قانونی (قاسم) ۴۹۳، ۸۳۰  
قانونی (میر عبدالله) ۵۳۹  
قانونی (سلطان سلیمان) ۴۷۹  
قاورد (آل) ۷۷  
قایل ۲۵  
قایم باهرالله ۷۱۹  
قایمی ۳۴۶  
قاینی وراق ۷۸  
قباجه (ناصرالدین) ۱۵۱، ۹۷، ۷۸  
قباحت جراح (خواجه) ۵۲۳  
قیادشروانی (شه) ۷۸۳  
قیاد قراویونلو ۷۹۴  
قبطیان ۱۷  
قبلة الكتاب (سلطان علی مشهدی) ۳۲۷، ۸۲۷، ۶۲۲-۶۲۱، ۵۲۵، ۴۶۴  
قبولی بخارایی ۶۰۹  
قبولی ترشیزی ۳۴۶  
قبولی رستم داری ۳۳۶  
قبولی سیروزی ۷۹۲  
قبولی قندزی ۳۴۷  
قبولی گرمینی ۶۳۶  
قبولی هروی ۳۴۷



عبدالکریم) ۲۴  
 قصاب آملی (ابوالعباس) ۶۲، ۵۷  
 قصاب امی ۳۱، ۲۵  
 قضای (ابوعبداللہ محمد) ۱۲۷  
 قضای ہروی ۶۲۷  
 قطان غزنوی (ابونصر محمد) ۱۵۱  
 قطان مروزی (ابوعلی حسن بن علی)  
 ۱۲۷  
 قطب (عبداللہ) ۳۹۶، ۲۶۱  
 قطب الدین ۴۱۷  
 قطب الدین ابوالفتح محمد بن شمس المعالی  
 مطہر بن احمد جام زندہ پیل ۷۳۷،  
 ۷۹۵  
 قطب الدین احمد جامی ۳۴۲  
 قطب الدین اصفہانی ۳۴۷  
 قطب الدین انوشنگین خوارزمشاہ ۱۷۴  
 قطب الدین ایبک ۱۵۲، ۷۲۶  
 قطب الدین بختیار بن کمال الدین احمد بن  
 موسی بن احمد بن کمال الدین محمد  
 ابن احمد بن اسحق بن معروف بن  
 احمد بن رضی الدین بن حسام الدین  
 ابن رشید الدین بن امام جعفر صادق  
 کاکی ارشی ۱۱۳، ۱۵۴، ۱۵۶،  
 ۱۹۷، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۴۸، ۸۰۵،  
 ۸۰۹  
 قطب الدین بن علاء الدین (سلطان) ۱۹۵  
 قطب الدین حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن  
 سلطان شاہ بن سلطان خان مالوری  
 ۸۱۸، ۴۰۸  
 قطب الدین حیدر زاوی ۴۰۸، ۸۱۸  
 قطب الدین خضر شاہ یزدی ۷۶۷  
 قطب الدین سرخسی ۱۰۰  
 قطب الدین سرخسی (خواجہ) ۶۴۹  
 قطب الدین سعید بن ہبہ اللہ راوندی ۷۲۹  
 قطب الدین شدہ باغ یزدی ۶۹۶  
 قطب الدین شکر اللہ (شاہ) ۳۶۶  
 قطب الدین شیرازی (علامہ) ۱۴۷، ۳۸۹،  
 ۷۳۲، ۷۴۵  
 قطب الدین ظہیری ۳۲۹

قرا سلطان شاملو ۳۷۷  
 قراسی قزوینی (تاج) ۱۷۷  
 قراضہ شیرازی (سید) ۳۲۷  
 قراقویونلو ۲۳۴، ۲۶۵، ۴۵۵  
 قرا یوسف ۷۷۳  
 قرا یوسف قراقویونلو ۷۹۴، ۷۹۷  
 قریبی (میر) ۵۰۳  
 قریب لاهیجانی (میر) ۵۰۴  
 قرداش تبریزی ۷۰۳  
 قرشی سمرقندی ۳۴۷  
 قرطاندکانی (علی) ۲۵  
 قرقیز ۵۹۷  
 قرقیزان ۶۸۱  
 قرمطیان ۱۶  
 قریحی ۲۵  
 قریش ۵۵۰  
 قریش (امیر) ۸۲۰  
 قریش خان ۵۷۸  
 قریع الدھر ۲۵  
 قریع الفرس ۲۵  
 قزاقان ۶۷۸-۶۸۱  
 قزل ارسلان ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸  
 قزلباش ۲۱۲، ۳۵۰، ۳۷۷، ۴۳۸، ۴۵۴،  
 ۴۶۲-۴۶۳، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۷۳-  
 ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۶-۴۹۷،  
 ۵۲۴، ۶۶۷  
 قزلباشان ۴۹۶  
 قزوینی ۶۷۳، ۶۶۳  
 قزوینی (سید) ۱۷۸  
 قزوینی (لہجہ) ۵۱۰  
 قسطلانی ۸۱۱  
 قسطلانی (ابوالعباس احمد) ۱۳۲  
 قسمی، سترابادی (ملا محمد علی) ۵۱۸  
 قسمی (قاسم بیک) ۵۰۰  
 قسیم بن ابی اہیم بزرگ مہر قایتی (ابو  
 منصور) ۴۱  
 قشم (خواجہ) ۲۲۰  
 قشیری ۱۲۵، ۶۱، ۵۸  
 قصاب آملی (ابوالعباس احمد بن محمد بن

قطب‌الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن  
سبط عبدالقادر گیلانی ۱۹۵، ۷۵۳  
قطب‌الدین عبداللہ بن محیی بن محمود  
انصاری خزرچی سعدی شیرازی  
چهرمی معروف بقطب‌محیی و عبداللہ  
قطب ۲۶۱، ۲۹۶  
قطب‌الدین عتیقی تبریزی ۱۸۱، ۲۱۷  
قطب‌الدین علی بن ملک محمود ۷۷۸  
قطب‌الدین قندهاری ۲۰۶  
قطب‌الدین کاشانی (قاضی) ۶۰۳  
قطب‌الدین محمد بن احمد جام ۷۲۰  
قطب‌الدین محمد بن نکش خوارزمشاه ۷۳،  
۱۲۱، ۱۱۵، ۱۱۲، ۹۴، ۹۲، ۷۸  
۱۲۴، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹  
۱۶۵، ۷۲۸، ۷۴۱  
قطب‌الدین محمد بن شمس‌الدین مطہر بن  
احمد جام ۷۳۷، ۷۹۵  
قطب‌الدین محمد بن عزالدین حسین ملک  
الجبالی ۹۰  
قطب‌الدین محمد خوارزمشاه ۷۳، ۷۸،  
۹۲، ۹۴، ۹۳، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۴،  
۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۶۵  
۷۲۸، ۷۴۱  
قطب‌الدین محمد قراختایی ۳۸۹، ۷۳۲،  
۷۴۹  
قطب‌الدین محمود بن شمس‌الدین شاه‌علی  
ابن شاہزادہ ۱۹۵  
قطب‌الدین محمود بن ضیا‌عالی‌الدین مسعود بن  
مصلح کازرونی شیرازی (علامہ)  
۱۴۷، ۳۸۹، ۷۳۲، ۷۴۵  
قطب‌الدین مسعود یزدی ۷۶۷  
قطب‌الدین مکی (علامہ) ۳۹۴  
قطب‌الدین مودودشاه برزنگی بن آقسنقر  
۸۱  
قطب‌الدین موسی (امام) ۱۳۲  
قطب‌الدین مؤید ۶۱۶  
قطب‌الدین میرحاج گنابندی اتسی ۳۲۱  
قطب‌الدین یزدی ۶۹۴  
قطب‌الزمان محمد بن ابوذاہر طبری

مروزی ۵۴  
قطب‌المالم عبدالقدوس بن اسمعیل صفی-  
الدین گنکوہی ۳۷۵، ۴۰۴  
قطب‌الملوک عمادالدولہ سیف‌الدین  
فرامرزی بن فخرالدولہ رستم بن حسام  
الدولہ شہریار بن قارن ۸۲-۸۳  
قطب‌اھری ۱۷۸  
قطب‌جامی ۷۹۵  
قطب سمرقندی ۳۴۷  
قطب سمنگانی ۵۶۳  
قطب‌شاه (محمدقلی) ۲۵۹، ۸۳۰  
قطب‌شاه دکتی (عبداللہ) ۲۶۱، ۳۹۶،  
۴۲۵، ۵۳۲، ۵۵۷  
قطب‌شاهیان (سلسلہ) ۳۵۹  
قطب‌محیی ۲۶۱، ۳۹۶  
قطبی ۱۸۱  
قطبی اھری (ابوبکر) ۲۸۳  
قطبی نجمی (ابوالہیجا اردشیر بن دیلم  
سیار) ۴۸، ۷۰، ۷۱۷  
قطبی ہروی ۳۴۷  
قطران ارموی تبریزی (ابو منصور  
قطران بن منصور) ۴۸، ۸۲، ۹۲،  
۱۶۶  
قطیفی (ابراہیم) ۳۸۰  
قلاشی ہروی ۳۴۷  
قل با باکو کلشاش (امیر) ۵۹۶  
قلج ارسلان ۷۳۷  
قلج ارسلان بن مسعود ۱۲۸  
قلج ارسلان چہارم (رکن‌الدین) ۷۵۱  
قلج ارسلان سوم ۷۵۱  
قلج‌خان الفتی ۴۵۲  
قلج‌طمنناح خان (رکن‌الدین مسعود بن  
س) ۹۸  
قلج‌طمنناح خان ابراهیم بن حسین (جلال-  
الدین) ۹۶، ۹۹  
قلج‌طہ‌تاج خان بن مسعود بن حسین (رکن  
الدین) ۱۲۸  
قلج‌محمدخان بلخی ۵۷۸  
قل محمد شیرغانی ۳۴۷

قوام‌الدین ابواسحاق بن ابوطاهر بن ابوجو-  
المعالی بنجیری شیرازی ۷۶۱،  
۷۷۰-۷۶۹

قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن علی در -  
گزینی طغرای ۱۱۱۰۸۳

قوام‌الدین ابوعلی حسن بن احمد بن اسحق  
نظام‌الملک طوسی ۵۴۰، ۵۴۵-  
۵۵۵، ۵۸۵، ۶۱۰، ۶۶۰-۶۶۷، ۶۹۹-۷۱۰،  
۷۲۷، ۷۳۲، ۱۶۳، ۱۳۷، ۷۳

قوام‌الدین بلخی ۶۲۶

قوام‌الدین بن شاه شمس‌الدین بن شاه قاسم  
نوربخشی (شاه) ۳۱۵، ۳۴۱

قوام‌الدین جعفر بیک آصف‌خان قزوینی  
(میرزا) ۳۵۷، ۳۳۱، ۴۶۵، ۴۴۲،  
۶۵۰

قوام‌الدین حسن شیرازی صاحب عیار  
(حاج) ۱۲۶، ۲۰۵، ۲۶۱، ۷۶۵

قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی زوالفقار  
شروانی (سید) ۱۷۴، ۴۱۰

قوام‌الدین عبدالله ۲۰۵

قوام‌الدین عبدالله کامل شیرازی ۶۸۸

قوام‌الدین علی صائینی ۳۴۵

قوام‌الدین فارغی ۲۵۸

قوام‌الدین فتح‌بن علی بن محمد بنداری  
۱۱۹

قوام‌الدین قوامی اصفهانی ۶۵۷

قوام‌الدین قوامی شیرازی ۶۵۷

قوام‌الدین محمد (امیر) ۳۷۱

قوام‌الدین محمد بن ابوبکر بن علی بزدی  
۷۸۱، ۷۹۰

قوام‌الدین محمد جعفر بیک مروستی قزوینی  
آصف‌خان (میرزا) ۲۵۷، ۴۳۱،  
۴۶۵، ۶۴۲، ۶۵۰

قوام‌الدین محمد بزدی ۷۸۱، ۷۹۰

قوام‌الدین مذهب بغدادی ۵۲۵

قوام‌الدین مؤید‌الملک ۱۳۲، ۱۷۵

قوام‌الدین نصرالله قوامی خوافی ۹۵،  
۳۲۲

قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی ۲۵۲،

قلندر ۵۶۲-۵۶۳، ۵۷۹، ۵۶۰، ۶۰۹، ۷۵۴

قلندر (ابوعلی) ۱۹۷، ۲۲۷

قلندر (غازی) ۵۱۳، ۵۸۵

قلندر (میر) ۳۴۷

قلندران ۳۴۷، ۶۶۶

قلندر کاشانی (سیدعزیز) ۶۸۶

قلندر کرمانی (ابوالوفا) ۵۳۵

قلندر کرمانی (جلال‌الدین محمود زنگی  
عجم) ۷۷۰

قلندر هروی (غازی) ۵۱۳، ۵۸۵

قلندر هندی (شاه علمی) ۷۰۹

قلندری ۳۵۷

قلی (میرزا) ۲۲۱

قلی بابا کوکلتاش (امیر) ۵۸۶

قلی بیک قورچی باشی ۴۶۲

قلیج‌خان ۴۳۲، ۶۶۷

قلیج‌خان ناظم کابل ۶۴۵

قلی جذبی ۴۲۴

قلیج محمدخان ۵۴۲

قلی‌خان بن حمزه سلطان استاجلو (شاه)  
۳۹۹

قلی‌خان نارنجی (شاه) ۴۲۴

قلی‌میلی هروی (میرزا) ۴۲۱، ۴۵۸،  
۸۲۰

قمر (نظام‌الدین اصفهانی) ۱۷۲

قمرالدین محمود اسکویی ۷۰۳

قمری (پهلوان بیک) ۴۹۶

قمری (طایفه) ۴۹۶

قمری آملی (سراج‌الدین) ۹۵

قمری اصفهانی (نظام‌الدین محمود) ۱۷۲

قمری گرگانی ۲۳

قمری ۱۸۱

قنادی ۲۲۴

قنبری نیشابوری ۳۰۵، ۶۸۸

قندی ۵۵۱

قنکر (حافظ) ۶۳۶

قواس تبریزی (شمس‌الدین) ۶۹۹

قوام ۷۸۵

قوام‌الدین ابراهیم فاروقی ۲۵۸

- کابلی (مولانا قاسم) ۶۳۷  
 کابلی (میر سید) ۳۴۵  
 کاتب (نجم الدین) ۱۳۸ ، ۱۴۷ ، ۱۸۱ ،  
 ۷۳۰ ، ۴۶۶  
 کاتب السلطان ۶۶۴  
 کاتب الملک (میر سلطان بایزید دوری  
 هروی) ۵۴۵ ، ۴۱۹  
 کاتب انقروی ( محمد بن ولی بن رضی -  
 الدین) ۳۳۹  
 کاتب یزدی ۶۵۷  
 کاتبی (مولانا قاسم) ۸  
 کاتبی (نجم الدین) ۱۳۸ ، ۱۴۷ ، ۱۸۱ ،  
 ۷۳۰ ، ۴۶۶  
 کاتبی شیرازی ۳۳۵  
 کاتبی نیشابوری ترشیزی (یهلوان شمس -  
 الدین محمد بن عبداللہ) ۲۹۷ -  
 ۵۵۹ ، ۵۲۳ ، ۵۱۶ ، ۳۰۴ ، ۲۹۹  
 کاتبی یزدی ۶۵۷  
 کاتولیک ۶۶۹  
 کارکیا (سید حسن) ۳۴۹  
 کارکیا (میرزا علی) ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، ۲۷۰ ،  
 ۴۸۲ ، ۳۵۰  
 کارکیا احمد پادشاه ۴۸۹  
 کاشانی ۶۸۵ ، ۵۸۰  
 کاشغری ۵۷۸  
 کاشف الدین ابوالمخاض محمد حموی  
 یزدی ۳۲۵  
 کاشفی ۳۳۸  
 کاشفی (ملاحسین واعظ) ۲۴۵ - ۲۴۶ ،  
 ۴۳۷ ، ۴۰۴ - ۴۰۳ ، ۳۰۷ ، ۲۸۵  
 ۷۸۴ ، ۷۷۵ ، ۶۸۴  
 کاظم کاظمی هروی (سید) ۳۳۰ ، ۷۷۶ ،  
 ۷۸۹  
 کاظمی هروی (سید کاظم) ۳۳۰ ، ۷۷۶ ،  
 ۷۸۹  
 کاغذی (شهاب) ۱۷۸

- قوام الدین نظام الملک محمد بن محمد  
 جنیدی ۲۲۳ ، ۱۷۲  
 قوام الدین تقیب (شاه) ۴۵۰  
 قوام الدین نوربخش (شاه) ۳۴۱ ، ۳۱۵  
 قوام الدین یوسف بن حسن حسینی قاضی  
 زاده رومی ۲۸۱ ، ۲۷۳  
 قوام الملک ۶۴۷  
 قوام الملک خراسانی ۹۵  
 قوام الملک نظام الدین ابونصر هبه الله  
 فارسی ۷۸  
 قوامی ۱۰۰  
 قوامی اصفهانی (میر قوام الدین) ۶۵۷  
 قوام الدین خوافی ۹۵  
 قوامی خوافی (میر قوام الدین نصر الله)  
 ۳۲۳  
 قوامی رازی (امیر شرف الشعراء) ۸۴ ،  
 ۱۰۸  
 قوامی شیرازی (میر قوام الدین) ۶۵۷  
 قوامی مطرزی گنجوی (فخر الدین) ۱۰۸  
 قوج خلیفه مهرداد ۴۹۳  
 قورچین (امیر بابا حسن) ۳۰۵  
 قورچی باشی ۴۶۳  
 قوسی ۵۵۱  
 قوسی اسفرانی ۳۴۷  
 قوسی تبریزی ۷۰۵ ، ۶۸۸ - ۷۰۶ ، ۸۳۸ ،  
 قوسی هروی ۳۴۷  
 قوشچی (اولوس) ۵۸۴  
 قوشچی (علامه محمد بن علی) ۲۵۰ ،  
 ۲۸۶ ، ۲۷۰ - ۲۶۸ ، ۲۶۲ ، ۲۵۶  
 ۶۰۸ ، ۴۰۳ ، ۳۸۸ ، ۳۷۵ ، ۳۵۶  
 ۶۶۳  
 قهرمان (میرزا عبدالرحیم خان خانان)  
 ۳۶۱  
 قهقهه وزیر ۳۶۲  
 قیام الدین (شاه) ۶۱۶  
 قیامت عراقی (دیوانه) ۶۰۲  
 قیدی شیرازی ۸۱۹ ، ۴۱۸  
 قیری بعدادی ۷۰۸

کاهی کابل (ملاقاسم) ۴۱۵، ۵۴۲، ۵۵۸، ۵۶۷، ۵۹۳، ۵۹۶، ۸۱۹

کبروی (طریقه) ۵۹۸، ۶۲۸، ۷۳۵-  
۷۴۷، ۷۵۳، ۷۸۸

کبرویان ۶۱۰

کبرویه (طریقه) ۶۳۵

کبودجامه (اسپهبدشاه نصره الدین) ۱۸۰،  
۳۳۵

کبودجامه (صاحب) ۱۸۰، ۳۳۵

کبودجامه (علاء الدین) ۱۷۸

کبیر الدین ۱۶۵

کبیر بن اویس بن محمد لطیفی اردبیلی  
(ظهیر الدین قاضی زاده) ۲۵۴، ۲۸۱،  
۳۸۲، ۸۰۶

کپک (مولانا) ۸

کپک میرزا ۶۴۰

کتبی (محمود) ۱۸۵، ۲۵۷

کتیر (خواجه ابوالقاسم) ۳۴

کتیری بخارایی ۶۱۰

کجج تبریزی (شیخ غیاث الدین محمد)  
۲۱۳، ۶۵۵، ۷۶۳، ۷۷۵

کججی (خواجه امیر بیک) ۳۱۴، ۴۶۴،  
۶۵۵، ۶۹۱

کچک بیک ۵۵۵

کچوم خان ۳۹۸

کرامیه ۱۶

کرامیه هرات ۱۱۲

کربارسلان آقسنقری (علاء الدین) ۱۰۵

کربلایی ۵۲۸

کرت ۷۶۶

کرت (آل) ۱۶۱، ۱۷۹، ۱۹۸، ۲۰۱،  
۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۹

کرجی (خاندان) ۲۲۲

کرجی قزوینی (مجدالدین) ۲۲۶

کرخی (ابواسحق ابراهیم اصلخوری) ۷۱،  
۷۷۱

کرد ۱۵۸، ۱۸۰، ۲۵۴، ۳۸۱ - ۳۸۲،  
۴۳۶، ۴۹۱، ۷۲۰

کردان ۳۵۵، ۴۱۰، ۴۲۳، ۸۳۰

کافرک (کافی خراسانی) ۵۰

کافرک غزنوی (جمال الدین فاء)  
۴۳

کافی (شمس) ۲۲۶

کافی (میرزا) ۷۰۳، ۸۳۱

کافی اردوبادی (میرزا) ۶۵۷، ۶۹۹

کافی الدین عمر بن عثمان ۱۰۳

کافی بخارایی (سعد الدین) ۸۸

کافی بن ابوالفرج رونی ۸۸

کافی خراسانی معروف بکافرک ۵۰

کافی ظفر همدانی ۵۲

کاکانوری (امین الدین) ۲۲۶

کاکای قزوینی ۴۶۱

کاکلتاش (میرمیران) ۵۰۰

کاکویه ابوجعفر محمد بن دشمن زیار  
(علاءالدوله) ۳۱

کامران (شیخ محمود میرزا) ۴۶۹

کامران (میرزا) ۳۶۳، ۳۸۰، ۴۶۶،  
۴۶۹، ۴۷۵، ۵۵۳، ۵۷۸، ۶۰۷-

۶۰۸، ۶۱۲، ۶۱۷، ۶۶۵، ۷۰۸

کامران پادشاه ۶۱۲

کامران کوهنمی (میرزا) ۴۹۴

کامل خلخالی (ملک سعید) ۶۴۶

کامل شیرازی (قوام الدین عیسی الله)  
۶۸۸

کامل کاشانی ۶۵۷

کامله بیکم ۶۸۸

کامی (امیرعلاءالدوله بن یحیی بن عبد-  
اللطیف سیفی قزوینی) ۳۸۳،  
۴۳۳، ۸۰۶، ۸۲۳-۸۲۴، ۸۴۰

کامیار (کمال) ۱۷۸

کامی اوبهی (کمال الدین شاه حسین)  
۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۷، ۵۶۳

کامی سیزواری ۴۳۳، ۵۲۲

کامی قمی ۵۵۱

کامی لاهیجانی ۴۹۹

کامی هروی (شاه حسین) ۳۳۱، ۳۳۳،  
۳۴۷، ۵۶۳

کاهی ۳۶۷

کلامی جفتایی ۵۵۱  
 کلامی لاری (صدرالدین محمد) ۶۴۵-  
 ۶۴۶  
 کلان (حافظ) ۶۳۲، ۲۹۶  
 کلان (خان) ۵۵۱  
 کلان (خواجه) ۷۸۴، ۳۸۴، ۲۳۷  
 کلان (محمد خواجه) ۵۷۷  
 کلان (میر) ۶۳۷  
 کلان بیک اندجانی (خواجه) ۶۱۲، ۵۳۷  
 کلان پخته سمرقندی (خواجه) ۵۹۰، ۷  
 کلان غزنوی (میر محمد خان) ۵۵۴، ۵۵۰،  
 ۶۵۱  
 کلان قاری (حافظ) ۶۲۱  
 کلان مجروحی ماوراءالنهری (خواجه)  
 ۵۶۳  
 کلان معمایی ۳۴۷  
 کلان هروی (خواجه) ۲۴۴  
 کلامی (افضل خان) ۶۴۶، ۵۵۱  
 کلایی ۶۴۶  
 کلعلی تبریزی ۵۲۰  
 کلعلی راغب تبریزی ۵۱۹  
 کلیمی ذوالقدر ۵۰۶  
 کل تیمورتاش ۵۷۵  
 کلدانی ۱۰  
 کلدانیان ۱۷  
 کل عیسی ۳۳۹  
 کلنگ (نوییدی بلخی) ۵۷۶، ۵۷۴، ۵۷۰،  
 ۵۹۴، ۵۸۷  
 کلوج وحید (ملا) ۶۴۷  
 کلهر ۴۷۱  
 کلیمی تبریزی پنبه دوز اوغلی ۷۰۳  
 کمال (شهاب الدین) ۲۲۶  
 کمال (قاضی) ۱۷۸  
 کمال ابن العزیز ۱۷۸  
 کمال اسعدزیاد ۱۷۸  
 کمال الاسلام خجندی ۱۷۸  
 کمال الدوله ابورضا فصل الله بن محمد  
 زوزنی ۵۴  
 کمال الدین (خواجه) ۶۲۸  
 کمال الدین ابراهیم شیروانی ۶۰۸

کردان اردلان ۲۵۵  
 کردان فارسی ۲۱۴  
 کردان مکر کومی حکار ۴۱۰  
 کردان یزد ۸۳۰  
 کرکس (نجم الدین) ۲۲۴  
 کرمانی ۵۳۸  
 کروریان ۳۳۰  
 کره بخارایی (باقی) ۵۶۶  
 کریم ۲۲۶  
 کریم الدین خواجه حبیب الله ساوجی ۲۳۱،  
 ۶۵۰، ۴۳۸، ۴۲۰، ۳۷۷، ۳۳۵  
 کریم الدین سیستانی (قاضی) ۲۲۶  
 کریم الدین نیشابوری ۷۳۸  
 کریم سمرقندی (شاه) ۳  
 کریم طوسی ۱۷۸  
 کریم نیشابوری ۱۷۸  
 کریمی سمرقندی (بهاء الدین عبدالکریم)  
 ۹۱  
 کسایی مروزی (مجدالدین ابوالحسن)  
 ۳۷، ۲۶  
 کسبی بخاری (قاضی فخرالدین) ۸  
 کسبی قزوينی ۲۵۷  
 کستن قرای ازبک ۸  
 کسری کاشانی (محمد قاسم) ۵۱۸  
 کسری گریه ۵۱۸  
 کشفی ۲۵  
 کشمیری ۷۹۱  
 کفایی گنجه ای ۲۳  
 کفری تربتی (میر حسین) ۶۵۷  
 کفری هروی (میر حسین) ۵۹۱  
 کلابادی (ابوبکر محمد بن ابراهیم) ۲۹  
 کلال (امیر) ۳  
 کلال (میر سید) ۲۳۰  
 کلامی اصفهانی ۵۱۳-۵۱۴، ۵۲۳، ۶۴۸،  
 ۸۳۲  
 کلامی اصفهانی (لطیف الدین احمد بن  
 محمد بن احمد بن محمد) ۱۷۶،  
 ۲۰۴  
 کلامی بخارایی ۶۲۸

۱۶۹۰، ۶۷۰، ۳۹۳، ۳۴۳، ۲۵۵

۸۳۸-۸۳۷، ۷۴۲، ۷۱۸

کمال‌الدین حسین ابیوردی ۳۳۱

کمال‌الدین حسین اردبیلی الهی ۱۶۹،

۶۹۰، ۶۷۰، ۳۹۳، ۳۴۳، ۲۵۵

۸۳۸، ۷۴۲، ۷۱۸

کمال‌الدین حسین الهی اردبیلی ۱۶۹،

۶۹۰، ۶۷۰، ۳۹۳، ۳۴۳، ۲۵۵

۸۳۸، ۷۴۲، ۷۱۸

کمال‌الدین حسین بن جمال‌الدین بن رشید-

الدین فضل‌الله ۷۳۱

کمال‌الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی

کبری ۲۲۲، ۲۴۲، ۳۰۷، ۴۳۱،

۴۷۰، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲-

۵۸۴، ۵۹۸، ۵۹۹-۶۳۰، ۶۸۸-

۷۸۸، ۶۸۹

کمال‌الدین حسین بن شرف‌الدین عبد-

الحق ابهری الهی اردبیلی ۱۶۹،

۶۹۰، ۶۷۰، ۳۹۳، ۳۴۳، ۲۵۵

۸۳۸، ۷۴۲، ۷۱۸

کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین اسمعیل

طیسی گازرگاهی هروی ۲۵۵، ۲۸۴،

۷۱۸، ۳۳۱

کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین حسین

ابن برهان‌الدین قلیچ انجذانی ۳۰۰

کمال‌الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی هروی

واعظ (یا معین‌الدین) ۲۴۵-۲۴۶،

۲۸۵، ۳۰۷، ۳۰۳، ۴۰۴-۴۳۷،

۷۸۴، ۷۷۵، ۶۸۴

کمال‌الدین حسین بن عبدالحق ابهری

اردبیلی ۳۹۳

کمال‌الدین حسین بن غیاث‌الدین محمد

شیرازی فارسی ابن غیاث یا کمال‌غیاث

۲۹۹

کمال‌الدین حسین حسنی حاجب غزنوی

۹۵

کمال‌الدین حسین بن زین‌الدین خوارزمی

۲۴۲، ۲۴۲، ۳۰۷، ۴۳۱، ۴۷۰،

۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۴-۵۸۴،

کمال‌الدین ابوقوهی ۱۸۱

کمال‌الدین ابوالخیر بلخی عاشق ۸

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی

ابن محمود مستر شادی خواجو

کرمانی ۱۹۹، ۴-۲۰۰، ۲۰۸،

۷۶۰

کمال‌الدین ابوالفضایل عبدالقادر بن

غیبی مراغی ۱۴۷، ۲۶۱، ۷۷۳،

۷۷۷-۷۷۸، ۷۸۲، ۸۱۴

کمال‌الدین ابوالفضل اسمعیل بن جمال-

الدین ابومحمد عبداللہ بن عبدالرزاق

اصفہانی (خلایقا العمانی) ۷۳، ۱۰۰،

۱۴۱، ۱۵۷-۱۵۸، ۲۳۹، ۲۹۸،

۷۳۹-۷۴۰، ۸۳۰

کمال‌الدین ابوالفضل تبریزی چلبی بیک

علامی ۵۲۰

کمال‌الدین ابوالقاسم ضیایی ۶۱۵

کمال‌الدین ابوعمر ابهری ۱۷۸

کمال‌الدین اسمعیل اصفہانی ر. کمال‌الدین

ابوالفضل

کمال‌الدین اسمعیل بکری ۵۹۹، ۶۴۸،

کمال‌الدین اسمعیل بن غیاث‌الدین منصور

ابن نصیر‌الدین عبدالحمی بکری مکی

۵۹۹، ۶۴۸

کمال‌الدین بهزاد هروی ۳۳۸، ۴۵۸،

۵۲۴-۵۲۵، ۷۹۷

کمال‌الدین تاشکنندی ۶۲۵

کمال‌الدین جعفر تریزی ۳۲۷، ۳۴۱،

۳۴۳، ۷۹۸

کمال‌الدین جعفر خطاط تبریزی ۳۲۷،

۳۴۱، ۳۴۳، ۷۹۸

کمال‌الدین حسن بن علاء‌الدین عطار

۷۶۷

کمال‌الدین حسن بن محمد بن فخر‌الدین

علی لاری ۳۵۶

کمال‌الدین حسین ۳۴۳

کمال‌الدین حسین (خواجہ) ۳۱۴

کمال‌الدین حسین ابهری اردبیلی ۱۶۹،

کمال الدین نومی ۲۵۲	۵۶۸-۵۶۶، ۲۳۰، ۲۸۸-۲۸۶
کمال الدین کوتاه پای نرمدی ۲۲۵، ۹۵	۷۸۸
کمال الدین لاری ۸۳۸	کمال الدین حسین ضمیری اصفهانی ۴۴۴
کمال الدین محتشم کاشانی ر.	۴۴۶، ۴۵۸، ۴۵۹، ۵۲۹، ۵۳۲
کمال الدین محمد ۳۴۷	۶۰۱، ۶۷۲، ۶۸۴، ۸۲۶، ۸۳۳
کمال الدین محمد بن جمال الدین ابوالروح	کمال الدین حسین فانی خوارزمی ۶۸۸-
لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر	۶۸۹
سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر	کمال الدین حسین فانی ۳۴۶
میهنی ۱۲۱	کمال الدین حسین فنوی ۸۰۶
کمال الدین محمد بن موسی بن عیسی بن علی	کمال الدین حسین گازر گاهی ۲۵۵، ۲۸۴،
دمیری شافعی مصری (ابوالبقا) ۲۷۷،	۲۳۱، ۷۱۸
۳۶۵	کمال الدین حسین هروی (خواجہ) ۵۹۸-
کمال الدین محمد وحشی بافقی ۴۳۴-	۵۹۹
۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵،	کمال الدین حسینی خوارزمی ۳۷۲
۵۱۹، ۵۲۳، ۵۸۵، ۶۴۹، ۶۵۹،	کمال الدین خجندی ۵، ۱۰۱، ۱۹۴،
۶۸۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۸، ۸۲۲،	۲۱۰-۲۱۱، ۲۹۶، ۳۴۱، ۳۵۳
۸۳۰، ۸۲۵	کمال الدین خوارزمی ۴۰۷
کمال الدین محمود بنراخان (خاقان)	کمال الدین زنجانی آذربایجانی ۱۸۱،
۸۱	۲۲۴، ۷۴۵
کمال الدین محمود بن علی بن عماد الدین	کمال الدین زیاد اصفهانی ۱۰۲
غجدوانی ۴۰۰	کمال الدین سمنانی ۱۴۹
کمال الدین محمود رفیقی مشهدی ۳۳۳،	کمال الدین شاه حسین کامی اویهی ۳۳۱،
۸۱۶	۳۳۳
کمال الدین مراغی ۱۰۸	کمال الدین شیر علی بیانی هروی ۷۶،
کمال الدین مزدقانی ۸۸	۳۱۰، ۳۴۳، ۴۴۵، ۵۵۹، ۶۸۲
کمال الدین مسعود خجندی ۱۰۱، ۱۹۴،	کمال الدین عاشق بخاراوی ۶۲۴
۲۱۰-۲۱۱، ۲۹۶، ۳۴۱، ۳۵۳،	کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی ۵،
کمال الدین مسعود شروانی ۲۶۶، ۳۳۲،	۲۵۰، ۳۲۹
۸۰۶	کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ۷۱۸،
کمال الدین میر حسین سهوی تبریزی	۷۵۸، ۷۹۵
۶۵۹، ۷۰۳، ۸۳۷	کمال الدین عبدالله لسانی شیرازی (یا
کمال الدین میر محمود نبغی ۶۲۴	وجه الدین) ۳۳۶، ۸۲۵، ۸۲۸،
کمال الدین نصر الله بن خلیل الله ابرقوی	۸۳۲
۳۳۱	کمال الدین عبدالواسع نظامی باخرزی
کمال الدین هلاکی همدانی ۴۶۰، ۵۴۱-	۳۱۳
۵۲۲، ۵۳۵	کمال الدین عمید کمال کمالی هروی ۸۵
کمال الملک ابو جعفر محمد بن احمد مختار	کمال الدین فیضی خیابانی ۶۱۳
روزنی ۵۴	کمال الدین قاسم ضیایی ۶۱۵
	کمال الدین کاشی ۲۲۵



بهادر بن ۶۰۴	جمال پاشا راده / شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا (۸۱۰-۸۱۱، ۳۹۵)
کوچو نجو بن ابوالخیر (ابوسمید) ۴۸۶	کمال تربتی (حافظ) ۶۱۴
کوراك ازبک ۵۷۴	کمال تربتی (شیخ) ۳۴۷، ۳۳۲
کورحسن یساول ۳۸۶	کمال تفلیسی ۱۷۸
کور شاهقلی روملو ۲۸۶	کمال چندی (بابا) ۷۳۶، ۱۱۵
کور لطیف ۳۴۷	کمال چندی ۱۰۱، ۱۹۴، ۲۱۰، ۲۱۱
کوسه رستم ۴۹۷	۳۵۳، ۳۴۱، ۲۹۶
کوسه علیقلی ۴۹۳	کمال عزیزی ۲۵
کوسه قالی ۲۳	کمال غیاث ۲۹۹
کوشککی قایینی ۸۹	کمال کامیار ۱۷۸
کوکبی (نجم الدین) ۶۱۷	کمال کجکولی ۳۳۲
کوکبی بخاری (ملاحسن) ۳۳۷، ۵۶۸	کمال کمال ۱۷۹
۶۲۳، ۵۷۴	کمال کنعانی ۱۷۹
کوکبی مروزی ۳۵	کمال کوه صافی ۳۴۷
کوکبی مشهدی ۳۴۷	کمال مجردی (خواجہ) ۶۲۲
کوکلکاش (امیر بابا) ۵۹۵	کمال مراغه (قاضی) ۱۷۹
کوکلکاش (خان اعظم) ۵۴۶، ۵۵۴	کمالی (درویش) ۷۸۴، ۵۳۰
۶۷۶	کمالی افصح ۵۱۲
کوکلکاش (مراد همدان) ۴۶۶، ۶۶۵	کمالی زیمانی ۷۱۰
کوکلکاش (یوسف علی) ۴۴۶	کمالی سبزواری ۵۱۲
کوکه اکبری (خان اعظم) ۵۴۶، ۵۵۴	کمالی سیف منجم یا زردی (محمد بن ابو عبدالله سنجر) ۱۵۲
۶۷۶	کمالی شرفاتی ۶۰۰
کوهساری طبری ۸۸	کمالی هروی (کمال الدین عمید کمال) ۸۵
کوهکن شبانی (سلطان سعید خان) ۵۷۱-	کمتری شیرازی ۵۲۹
۵۷۲	کنستانین یا لولوگ ۷۹۹
کوهی (بابا) ۷۱۷، ۵۷۰، ۲	کنگریان ۴۷
کیا (امیر سید رضا) ۳۴۱	کوثری اردبیلی ۵۳۰
کیا (امیر سید رضی الدین) ۳۴۱	کوثری بخاری ۳۴۷
کیا (سید علی) ۳۸۶	کوثری هروی ۳۴۷
کیا (نظام الدین سلطان یحیی) ۲۷۰	کوچ کانی خان (ابوالمنصور) ۳۹۸
کیا حسینی قزوینی ۵۶، ۲۵	کوچک (حکیم) ۶۹۶
کیارستم ۳۸۷	کوچک بیک ۳۴۷
کیاشاه ۸۰۳	کوچک علی بلخی ۱
کیاغضایری ۴۵، ۴۶، ۲۶	کوچک و نجی خان بن ابوالخیر خان بن دولت شیخ بن ابراهیم بن پولاد بن منکو تیمور بن بدآکول بن جوجی بوغان
کیا گرگانی (شمس المعالی) ۲۷۱	
کیا ملاطی حسینی (امیر) ۳۸۶	
کیایی (سلسله) ۳۸۶	

گوزالدين ۳۱۷	کيا بيان گيلان ۲۸۲
گوزالدين بيك ۶۹۶	کياي گيلان (سلسله) ۳۸۳
گوشاسب ۲۰	کبيک ترکستاني ۶۳۰
گوشاسب بن فراسوزبن کاکويه (علاءالدوله)	کبيک ميرزا ۲۳۱، ۲۳۱، ۲۳۴
۸۱، ۶۳	کبيک بي ۶۸۰
گوشاسب کاکويه (علاءالدوله ابو کاليجار)	کبخسرو بن قلج ارسلان مسعود (غياث)
۸۱، ۶۳	الدين ابوالفتح ۱۴۵، ۱۱۹
گرگين ميلاد ۶۱۶	کبخسرو دوم (غياث الدين) ۱۵۲
گرمي پروچودي ۵۳۴	کبخسرو سلجوقي (غياث الدين) ۱۶۱،
گسيل خراط ۱۸۱	۷۵۱
گشتاسب ۲۳	کبيقي بخارا بي (فاضي يابنده شتل) ۵۹۶
گشتاسب شاه ۱۲۹	کقيباد (معز الدين) ۱۷۰-۱۷۱، ۷۵۱
گلابي ۱۰۰	کقيباد بن کبخسرو بن قلج ارسلان (ابوالفتح)
گلپاري (سيد علي) ۴۴۹	۱۴۱
گلبدن بيگم ۳۶۳، ۴۷۶، ۴۶۸	کقيباد سلجوقي (علاء الدين) ۱۴۱، ۱۵۹،
گل چهره بيگم	۱۶۱
گلخني قمي يا تفرشي ۳۳۷	کيکوس بن اسکندر بن قابوس (عنصر
گلرخ (سکندر شاه لودي) ۸۳۹	المعالي) ۴۵، ۶۵، ۲۳۸
گلرخ بيگم ۴۷۶، ۶۵۷	کيکوس بن کقيباد (شروانشاه) ۷۶۹
گلستانه (شاه نظام) ۴۵۰	کيکوس پسر کبخسرو پسر دارا ۷۱۶،
گلستانه (محمود بن علي حسني) ۲۱۷،	۷۴۳
۷۶۵	کيکوس سلجوقي (عز الدين) ۸۰، ۱۵۰،
گلستانه (محمود بن محمود بن علي) ۲۱۷،	۷۵۱، ۱۶۱
۷۶۵	کيوک خان ۱۳۶
گلشاه بن هلال ۴۴	کيومرث (شمس الدين) ۷۵۱
گلشني ۳۴۷	
گلشني (طريقه) ۷۰۳-۷۰۴	گدي
گلشني بردعي (شيخ ابراهيم بن محمد بن	گدايي دهلوي کتب ۸۰۸، ۸۰۸، ۸۳۳
حاج ابراهيم بن شهاب الدين) ۷۰۳-	گدايي سمرقندي (آدمي) ۵۹۳، ۶۰۱
۷۰۴	گدايي هروي ۳۴۷
گلشني شبيثري ۷۰۴	گرامي (حافظ تائيش) ۶
گلشني کلثاني ۶۴۶	گرامي تبريزي ۷۰۳
گنجشکر (فريد الدين) ۱۱۳، ۱۵۵ -	گرامي سمرقندي (خواجه تولاک باقي)
۱۵۶، ۲۱۸، ۷۲۳، ۷۳۵، ۷۴۸	۵۹۷
۷۵۹	گرايان (سلسله) ۴۹۰
گورکانيان ۷۸۸	گراي خان بن دولت گراي خان (ابوالمظفر)
گورکن اوغلي ۵۲۷	۴۰۷
گورموخي (خط) ۴۸۶	گرجي ۴۹۳
گورميري (جلال الدين محمود بن ابو بکر	گرجيان ۱۰۶

لطف الله بن ابوسعید اسمعید بن ابو طا  
سعید بن ابوسعید ابوالخیر (ابوروح) ۶۲  
لطف الله بن ابو یوسف حلیمی (قاضی)  
۲۵۸

لطف الله جوینی ۵۸۴، ۵۷۷  
لطف الله چشتی ۸۱۷  
لطف الله سمرقندی ۷۳۲  
لطف الله نیشابوری، ۵، ۷۶۲، ۲۱۰  
لطفی (مولانا) ۷۹۸، ۲۳۲  
لطفی (میرزا) ۶۹۹  
لطفی بلخی ۵۶۷  
لطفی تاشکندی ۳۴۷  
لطفی شیرازی (قرن ۹) ۲۹۵  
لطفی شیرازی (قرن ۱۰) ۷۹۵، ۷۱۱  
لطفی طوقاتی ۸۱۰  
لطفی مشهدی ۳۴۷

لطفی منجم ۵۵۲  
لطفی هروی ۲۹۵  
لطیف ۲۳۷  
لطیف (کور) ۳۴۷  
لطیف الدین احمد بن محمد بن احمد بن  
محمد کلامی اصفهانی ۲۰۴، ۱۷۶  
لطیف الدین زکی کاشغری ۲۲۶، ۱۷۸، ۹۱  
۷۲۵

لطیف نقلیسی ۱۷۹  
لطیفی ۲۵۴  
لطیفی (شمس الدین محمد) ۳۴۷  
لطیفی اردبیلی (ظہیر الدین کبیر بن اویس  
ابن محمد لطیفی اردبیلی قاضی زاده)  
۸۰۶، ۳۸۲، ۲۸۱، ۲۵۴

لطیفی هروی ۳۴۷  
لعل بیک لعلی بدخشی (میرزا) ۵۵۲  
لعلی بدخشی (میرزا لعل بیک) ۵۵۲  
لعلی شاه بدخشان ۳۴۷  
لقایی استرآبادی ۵۵۱  
لقایی خراسانی ۳۴۷  
لقایی سمرقندی ۳۴۷  
لمعانی عباسی ۷۱۵، ۲۵  
لمعانی عباسی ۷۱۵

سمرقندی ۱۵۵

گوروفانک ۴۸۴  
گوشه کنار (محبی الدین) ۲۶۵  
گوهر شاد آغا ۲۹۷، ۲۳۸  
گوهر شاد بیکم ۳۵۰، ۳۳۹  
گیب (اوقاف) ۷۱۴  
گیتی (محمود) ۲۵۷، ۱۸۵  
گیتی شاه ۱۸۱  
گیسو (میر) ۶۱۳  
گیسودراز (سید محمد) ۷۲۲، ۴۰۶، ۱۹۶  
۷۶۸، ۷۵۴، ۷۲۵  
گیلان ۳۸۲، ۳۸۳  
گیلان شاه ۶۵  
گیلک ۲۹۲، ۲۲۵

## ل

لاچین ۱۷۰  
لاغر (قاضی احمد سیستانی) ۴۵۳، ۴۴۷  
۸۲۶، ۴۶۵  
لاغری (شمس الدین) ۸۸  
لااغزتوی (رضی الدین علی بن سعید بن  
عبدالجلیل) ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵ -  
۷۴۶

لاله (امیر سعید احمد) ۳۲۳  
لاله خاتون ۳۴۹  
لالی همدانی (حسن بیک) ۶۵۷  
لامعی برسوی (محمود بن عثمان) ۳۸۹ -  
۳۹۰

لامعی گرگانی (ابوالحسن بن محمد بن  
اسمعیل دهستانی) ۴۵ - ۴۶، ۵۰ -  
۵۱

لاهوری ۶۴۸  
لبیبی خراسانی ۷۶، ۳۶  
لدتی همدانی (حسین بیک) ۶۵۷  
لر ۴۹۱

لسانی ۵۲۹، ۵۱۸، ۵۱۶، ۴۲۷، ۳۳۰  
لسانی شیرازی (وجه الدین یا کمال الدین  
عبدالله) ۴۳۶، ۲۴۷، ۸۲۵، ۸۲۸  
۸۳۲

ماهم بيك ۵۴۴،۴۷۵  
 ماهی خانم قبریزی ۶۵۷  
 مایلی اردبیلی ۵۲۲  
 مایلی سراج بخارا بی ۶۱۰  
 مبارزالدین ۲۲۶  
 مبارزالدین شروان گرای ۴۰۷  
 مبارزالدین علی بیك جلاير (امیر)  
 ۳۰۹  
 مبارزالدین محمد بن مظفر ۱۸۴-۱۸۵  
 ۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۸، ۳۰۸  
 ۷۶۹، ۷۶۱-۷۶۰، ۷۵۲  
 مبارک (شیخ) ۳۵۹، ۳۶۳، ۶۰۰  
 مبارک خان توخالی ۴۵۶  
 مبارکشاه (معزالدین ابوالفتح) ۲۳۶  
 مبارکشاه بن حسین مرورودی (فخرالدین)  
 ۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹  
 مبارکشاه خاتمی ۷۱۰  
 مبارکشاه خلیج ۱۸۵  
 مبارکشاه غوری (فخرالدین) ۷۳۵  
 مبارکشاه  
 ابن سعید بن ابوالفرج بن خلیل بن  
 احمد بن ابونصر بن خلف بن احمد  
 ابن شعیب بن طلحة بن عبد الله بن  
 عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق مرو  
 رودی (فخرالدین) ۸۹، ۱۲۱،  
 ۷۲۷  
 مبارک کرمانی (سید) ۷۵۹  
 مبارک ناگوری (شیخ) ۳۵۹، ۳۶۳، ۶۰۰،  
 ۶۶۹  
 مبرد ۷۱۵  
 متاضاری ۵۷  
 متشهی (نظام) ۲۷۴  
 متصوفه ۱-۲، ۸، ۲۷۳، ۳۶۹، ۴۰۰، ۴۰۴،  
 ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۲۶، ۴۴۱، ۵۱۶، ۵۹۸،  
 ۶۲۵، ۶۷۰، ۶۷۶، ۷۰۷، ۷۰۹،  
 ۷۲۰، ۷۲۶، ۷۳۶، ۷۴۵، ۷۵۶،  
 ۷۵۹، ۷۶۱، ۷۷۲، ۷۸۱-۷۸۵،  
 ۸۱۷، ۷۹۲  
 متینی تبریزی ۷۰۴

لوایی سبزواری (پیرزاده) ۸۳۴، ۵۵۲  
 لودی (سلسله) ۸۳۹  
 لوکری (ابوالعباس) ۵۳، ۶۰، ۷۲۸  
 لوکری غزوانی (ابوالحسن) ۲۲  
 لؤلؤ سمرقندی ۱۷۹  
 لؤلؤی ۱۰۰  
 لولی هندوستانی ۷۰۸  
 لوند شهیدی (سگ) ۵۸۸  
 لون کرن ۵۴۳  
 لوی پادشاه مجارستان ۴۷۹  
 لهستانی ۲۰۶  
 لیلی ۱۱۵  
 لئون دهم (پاپ) ۳۷۸، ۳۸۳  
 ماتمی میانکالی ۵۶۷  
 مادها ۱-۱۱  
 مازه (آل) ۹۸-۹۹  
 مازیار ۱۶  
 ماکان بن کاکي ۲۲  
 ماکسیمیلین ۳۸۳  
 مالک بن انس ۱۱۰  
 مالک دیلمی (امیر) ۵۱۵، ۵۲۶، ۸۳۲  
 مالوقزوینی ۱۷۹  
 مامون خوارزمشاه (ابوالعباس) ۷۱۲  
 مامون عباسی ۱۸، ۱۲، ۷۳۸  
 مان پانی پتی (شیخ) ۸۱۶  
 مان سنگه (راجه) ۸۲۲  
 مانوی ۱۳  
 مانی تربتی ۳۴۷  
 مانی شیرازی ۳۱۷، ۴۴۵، ۸۲۶  
 مانی کاسه گر مازندرانی شهیدی ۳۱۲  
 ماه چیچک بیگم ارغون ۴۷۶  
 ماهر اردبیلی (محمدقلی) ۷۰۴  
 ماهر کشمیری ۶۴۸  
 ماهر کشمیری ۶۴۸  
 ماه فرودین ۲۷  
 ماهم ۴۲۸، ۴۳۹، ۵۴۴

مثالی (مولانا) ۳۴۷	۸۵-۸۴، ۹۴، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۲۰، ۷۲۳
مثالی بدخشی (مولانا نیازی) ۵۹۳، ۶۳۶	مجدالدین بن عطا ملک جوینی ۷۳۰
مجاهدالدین خوانساری ۴۴۳	مجدالدین بیهقی (ابوالبرکات) ۸۸
مجدالدین ابن رشید غزنوی ۷۹	مجدالدین ترمذی ۱۸۰
مجدالدین ابوالبرکات بیهقی ۸۸	مجدالدین حسن بن ضیاء الدین حسین یزدی
مجدالدین ابوالحسن علی بن محمد عمرانی	۷۷۵
سرخسی (رئیس) ۸۱	مجدالدین حسن یزدی ۷۷۵
مجدالدین ابوالحسن اسحاق کسائی مروزی	مجدالدین خوافی ۳۸۳
۳۷، ۴۶	مجدالدین طالبه ۷۱۰، ۷۵۰، ۸۳۸
مجدالدین ابوالشجرى صندلسی غزنوی	مجدالدین طیب کاشی ۱۸۱
۹۵	مجدالدین علی نقیب السادات ترمذی ۱۲۶
مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات	مجدالدین عماد الدوله همدانی ۲۲۴
ترمذی ۱۲۶	مجدالدین عیوقی ۹۵
مجدالدین ابوالمجدد عبداللطیف بن هیة الله	مجدالدین فضل الله بن شرف الدین یعقوب
ابن شفره اصفهانی ۱۰۲	۷۶۷
مجدالدین ابوالمجدد محدود بن آدم سنایی	مجدالدین فہیمی بخاراہی ۹۵
غزنوی ۴۴، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۱۶۰، ۴۴۵، ۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵-۷۴۶	مجدالدین فیروز آبادی ۳۷۲
مجدالدین ابوالمعالی محمد بن معتز بن	مجدالدین کاشی ۳۴۷
معتوش طاهر ۲۷۴	مجدالدین کرچی قزوینی ۲۲۶
مجدالدین ابوبدریل احمد بن محمد سجاولند	مجدالدین گیلانی ۲۱۲
۸۸، ۷۹، ۴۹	مجدالدین ماہری ۸۳۹
مجدالدین ابوجعفر علی بن حسین قندامہ	مجدالدین محمد (خواجہ) ۳۰۷، ۳۱۴
موسوی صدر شرقی رئیس خراسان	مجدالدین محمد بن عدنان سرخکشی ۱۰۰، ۲۵۶
۸۴	مجدالدین محمد پاییزی نسوی ۱۰۰
مجدالدین ابوعلی (خواجہ) ۴۴۶	مجدالدین نسوی ۹۵
مجدالدین ابونصر احمد بن محمود بن علی	مجدالدین همگری یزدی شیرازی ۷۲، ۱۶۲، ۷۲۳
نظامی ۷۴۳	۷۲۳
مجدالدین ابهری ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۴۳	مجدد الملک ۶۶
مجدالدین احمد بدیہی سجاولندی ۴۹	مجدد الملک بن صفی الملک ابوالعکرم یزدی
۸۸، ۷۹	۱۸۰
مجدالدین اسحاق کسائی مروزی (ابوالحسن)	مجدد الملک یزدی ۱۶۲
۳۷، ۴۶	مجدد تاییدی ۱۷۹
مجدالدین ایگی ۲۲۵	مجدد خواہی ۳۸۳، ۷۵۸
مجدالدین بابکر (قاضی) ۱۷۹	مجدد الفغانی (احمد بن عبدالواحد سرہندی)
مجدالدین باہری نسوی ۹۴	۸۱۲، ۲۷۰
مجدالدین بغدادی (ابو سعید شرف بن	مجدودی (جمال) ۱۷۷
مؤید بن ابوالفتح بن غالب خوارزمی)	مجدد زنگی ۱۷۹

محبتی حصارى ۶۸۹  
 محبتلی ۶۵۸  
 محبوبلی حکیمی طیبی ۳۲۱  
 محبوبیان ۷۳۴  
 محبوی حنفی (محمود بن عبدالشریعه  
 عبیدالله محبوبی) ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۷، ۷۳۴، ۴۰۷  
 محبی ۳۴۷  
 محبی (سلطان سلیمان) ۴۸۱  
 محترم (هاشم قصه خوان) ۴۲۷  
 محترم بیک ۵۵۳  
 محترم خانم سیستانی ۳۴۹  
 محترم سمرقندی (محمد هاشم) ۶۵۸  
 محاسب المالک (هادی) ۴۹۹  
 محتشم قهستان (ملک ناصرالدین ابوالفتح  
 عبدالرحیم بن منصور) ۱۳۷، ۱۳۹،  
 محتشم کاشانی (کمال الدین) ۲۱۲، ۴۴۳،  
 ۴۵۸-۴۵۹، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۱۷،  
 ۵۳۱، ۵۳۳، ۶۴۴، ۶۵۰، ۶۵۲-  
 ۶۵۳، ۶۵۸، ۶۸۲، ۸۰۵، ۸۲۴-  
 ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۳۳  
 محرابی کرمانی ۲۵۷  
 محرم کوکه ۶۱۷  
 محرمی اردبیلی ۵۱۹  
 محرمی استرابادی ۳۴۷  
 محرمی بخارایی ۵۷۱  
 محرمی خراسانی ۶۲۵  
 محرمی ماوراءالنهری ۶۳۵  
 محرمی هروی ۳۴۷  
 محروم رازی (امیر تراب) ۵۰۳  
 محرومی ۵۹۷  
 محزون سمرقندی ۶۰۰  
 محسن بن علی بن محمد بن دورد تنوخی  
 (قاضی ابوعلی) ۹۷  
 محسن بیک بن حسن بیک لنگ اردوبادی  
 رشکی همدانی ۴۶۷، ۵۳۰، ۸۲۸  
 محسن رضوی مشهدی ۵۵۲  
 محسن فانی رازی ۶۵۸  
 محسن فراهی ۳۵

مجدطالع ۱۷۹  
 مجدطایی ۱۷۹  
 مجدعلوی ۱۷۹  
 مجدگیلانی ۱۷۹  
 مجدود بن آدم سنایی غزنوی (مجدالدین  
 ابوالمجد) ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۶۰،  
 ۴۴۵، ۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵، ۷۴۶  
 مجد همگر یزدی شیرازی ۷۴، ۱۶۲،  
 ۷۷۲  
 مجدای نرمدی ۶۱۸  
 مجدای همدانی ۵۳۵  
 مجدوب (میر حیدر) ۳۴۴  
 مجردی (خواجه کمال) ۶۲۲  
 مجرم شاهلو (مرتضی قلی بیک) ۶۵۸  
 مجرمی اردبیلی ۵۱۹  
 مجرمی هروی ۳۴۷  
 مجروحی ماوراءالنهری (خواجه کلان)  
 ۵۶۴  
 مجلدی گرگانی ۵۶  
 مجلسی (میر شمس الدین محمد) ۳۴۷  
 مجلسی اصفهانی ۶۵۸  
 مجلسی بخارایی ۶۰۹  
 مجلسی تبریزی (حافظ) ۶۹۶  
 مجلسی هروی ۳۴۷  
 مجنون بن کمال الدین محمود رفیقی ۸۱۶  
 مجنون چپ نویس هروی ۶۲۳  
 مجنون مشهدی ۳۳۳  
 مجنون بلخی ۳۴۷  
 مجیبی بهبهانی ۶۵۸  
 مجید ۲۲۶  
 مجیرالدین بیلقانی ۱۰۷، ۷۴  
 مجیرالدین دامغانی ۱۸۱  
 مجیرالدین محمد بن معتز بن معشوش طاهر  
 (ابوالمعالی) ۲۷۴  
 مجیرالدین نجم بن محمد دهستانی ۹۹  
 مجیرغیائی ۲۵  
 محب ۲۲۶  
 محب الله (شاه) ۷۷۶  
 محب الله (مولانا) ۷۵۴

محمد (ملا) ۳۷۲	حسن همدا نی ۶۵۸
محمد (ملاشاه) ۳۴۵	حفوظجر فادقانی ۱۷۹
محمد (ملک سلطان) ۴۹۵	ترمذی (سید برهان الدین)
محمد (مولانا پیر) ۶۲۸	۷۳۶، ۱۵۹
محمد (میرزا سلطان) ۲۹۴، ۲۴۸	محقق کرکی ۳۷۱
محمد (میر رفیع الدین) ۵۰۲	محکم حصاری ۵۹۴
محمد (میر شمس الدین) ۴۹۷	محمد (ابوالشرف) ۲۳۶
محمد (میر صدر الدین) ۵۰۵، ۴۱۴	محمد (ابوصالح شیخ محمد حسن چشتی)
محمد (میر غیاث الدین) ۵۵۸، ۴۳۵	۱۹۶
محمد (نظام الدین) ۲۳۲	محمد (اتا بیگ نصرة الدین ابوبکر) ۱۰۵
محمد آگهی (مولانا جلال الدین) ۳۲۱	محمد (ازا صاحب سید محمد گیسو دراز)
محمد آل عثمان (ملطان) ۲۶۵	۷۵۴
محمد آملی (مولانا) ۳۴۷، ۳۳۸	محمد (امیر) ۴۳۸
محمد امیر ابراهیم بن محمد علی شریعتمداری	محمد (امیر تقی الدین) ۵۰۸
سینواری خراسانی (حاج) ۱۶۹	محمد (امیر صدر الدین) ۳۹۷، ۲۵۴
محمد ابوسعید (پهلوان) ۳۴۷	محمد (امیر قوم الدین) ۲۷۱
محمد ایوردی ۴۴۷، ۱۷۹	محمد (امیر معز الدین) ۴۳۵
محمد آتکه غزنوی (میر شمس الدین) ۴۱۸،	محمد (ترتیب دهندہ سیاست نامہ) ۶۶
۵۴۳-۵۴۹	محمد (جمال) ۱۷۷
محمد ادایی شیرازی ۳۳۸	محمد (حکیم شاه) ۲۷۶-۲۷۷
محمد ارباب درویتی (مولانا خواجہ)	محمد (خواجہ) ۶۵۸، ۶۳۲
۶۰۲	محمد (خواجہ مجد الدین) ۳۱۴، ۳۰۷
محمد اردبیلی ۱۷۹	محمد (درویش) ۸۲۱
محمد ازهری هروی (جلال الدین) ۹۵	محمد (سالار) ۴۶
محمد استرا بادی (امیر جلال الدین) ۳۷۵	محمد (سلطان) ۳۸۴
محمد استرا بادی (سعد الدین) ۲۶۹	محمد (شرف) ۱۷۸
محمد اسد (شمس الدین) ۳۲۹	محمد (شمس الدین) ۲۴۷
محمد اسکویی (امیر صدر الدین) ۶۷۰،	محمد (صدر الدین) ۳۹۷، ۲۵۴
۷۰۳	محمد (صدر الدین نظام الملک) ۸۱
محمد اسلام جویباری (خواجہ) ۴۰۶	محمد (ضیاء الدین) ۴۴۹-۴۵۰
محمد اسمعیلی (علاء الدین) ۱۳۷	محمد (طاہر) ۳۴۵
محمد اصفہانی (شمس الدین) ۷۵۱	محمد (علاء الدین) ۱۳۷
محمد اصفہانی (صفی الدین) ۷۲۵	محمد (غیاث الدین) ۵۵۸، ۴۳۵
محمد اکبر (جلال الدین) ۲۵۲، ۳۵۶-	محمد (فریدون) ۵۵۹
۲۶۱، ۲۶۲-۲۶۶، ۳۶۹، ۲۷۲،	محمد (قاضی) ۴۷۱
۳۷۵، ۲۷۷، ۳۸۱-۳۸۳، ۴۵۲-	محمد (قوام الدین) ۳۷۱
۴۵۳، ۴۵۵-۴۵۶، ۴۶۵-۴۶۷،	محمد (کمال الدین) ۳۴۷
۴۷۰، ۴۷۵، ۵۰۵، ۵۱۳-۵۱۴،	محمد (مرید معجی الدین حنفی) ۱۳۱
۵۲۰، ۵۲۳، ۵۲۷، ۵۲۲، ۵۲۶،	محمد (معز الدین) ۴۳۵

محمدانسی (مولانا شاه) ۴۲۷  
 محمد اوشی فرغانی (بهاء الدین) ۷۹  
 ۷۲۶  
 محمد ایلدگن ۱۰۳، ۷۳، ۱۰۶، ۱۰۸  
 ۷۴۱، ۱۳۰  
 محمد ایواغلی ۵۰۷  
 محمد ایوب ایوب تاشکندی ۶۰۴  
 محمد بابر (ظہیر الدین) ۳۳۳، ۶۰۵  
 ۶۰۷، ۶۰۷  
 محمد باقر بن عماد الدین محمود شیرازی  
 ۳۹۹  
 محمد باقر بن محمد (ابوالحسن) ۱۹۲  
 محمد باقر بن محمد علی (ابوالحسن) ۲۸۴  
 محمد باقر بن محمد علی (ابوالحسن)  
 ۸۱۷  
 محمد باقر داماد (میرزا) ۵۱۵  
 محمد باقر طوسی متخلص بباقر (میر)  
 ۶۲۵  
 محمد باقر یمینی (سید) ۶۳۳  
 محمد باقی تتوی (میرزا) ۶۹۰  
 محمد بایسنفر ۳۰۶، ۲۹۴  
 محمد بتکچی (خواجہ شمس الدین) ۴۴۶  
 محمد بخاری (ابو عبد اللہ) ۲۷۹  
 محمد بخاری معمای (شمس الدین) ۵  
 ۳۳۳  
 محمد بدخشان بدخشی (سلطان) ۳۰۶، ۵  
 محمد بدخشی ۵۵۹، ۳۳۳، ۳۳۱  
 محمد بدیع بدیع ہروی ۵۸۵، ۸۲۶  
 محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی  
 (ملیح) ۵۷۶، ۴۰۳  
 محمد بردعی ۳۴۰  
 محمد برکت علاء الدولہ ۷۸۱  
 محمد برہانی نیشابوری (امیر عبدالملک)  
 ۸۲، ۵۱  
 محمد یزعی استرابادی (خواجہ عباس)  
 الدین) ۵۱۸  
 محمد بن ابراہیم ۱۱۸

۵۵۵، ۵۵۳-۵۴۷، ۵۴۵-۵۳۹  
 ۵۷۵، ۵۶۹-۵۶۸، ۵۶۶، ۵۵۸  
 ۵۹۴-۵۹۲، ۵۸۸، ۵۸۴، ۵۸۰  
 ۶۴۱، ۶۳۵، ۶۰۲، ۶۰۰، ۵۹۷  
 ۶۴۴، ۶۴۲-۶۶۴، ۶۶۵  
 ۶۸۳، ۶۷۷-۶۷۳، ۶۶۹، ۶۶۷  
 ۸۱۵، ۷۴۴، ۷۱۰-۷۰۹، ۶۹۰  
 ۸۲۰، ۸۲۴-۸۲۲، ۸۲۰-۸۱۹  
 ۸۳۸، ۸۳۵-۸۳۳، ۸۳۱  
 محمد اکبر حسینی (سید پیری) ۱۹۷  
 محمد الامین تونسلی ۱۳۲  
 محمد الباقر ۸۰۵  
 محمد الکیا ۸۰۳  
 محمد امامی (قاضی) ۳۴۷  
 مد امامی اصفہانی (قاضی امام الدین)  
 ۶۷۰  
 محمد امکنکی (خواجہ) ۶۷۱  
 محمد امنی تبریزی (میرزا) ۵۲۹  
 محمد امیری (امیر) ۴۳۷  
 محمد امین (میرزا) ۵۳۴  
 محمد امین ازبک (میرزا) ۵۸۴  
 محمد امین بلخی ۳۴۲  
 محمد امین بن جمشید ۳۵۲  
 محمد امین بن حاج خلیل قونیوی ۲۵۳  
 محمد امین تبریزی (میرزا) ۶۹۲، ۵۳۰  
 محمد امین حشری تبریزی ۸۱۷  
 محمد امین ذوقی کاشانی ۷۰۹  
 محمد امین زاہد ۵۶۴، ۵۷۰-۵۷۱  
 ۶۱۹، ۵۹۵، ۵۸۹، ۵۸۷  
 محمد امین سلطان ترکمان ۵۰۱، ۴۹۵  
 محمد امین غباری ہروی ۵۲۶  
 محمد امین مستغنی کشمیری ۶۴۸  
 محمد ام  
 محمد امین مفتی (مالا) ۶۳۳، ۷  
 محمد امین ہتشی (میر) ۸  
 محمد امینی تبریزی ۶۹۲، ۵۳۰  
 محمد امینی زرگر تبریزی ۶۹۲، ۵۳۰  
 محمد اندجانی میرسر برہنہ (سید شمس)  
 الدین) ۳۲۷، ۵



یا زیدوی ۱۵۲  
 محمد بن ابو نصر بن ابو شهید خز نوی  
 (ضیاء الدین) ۹۵  
 محمد بن احمد بن ابوبکر بن احمد مستوفی  
 زاوی رضی الکاتب ۱۳۲، ۱۵۷  
 محمد بن احمد بن ابوبکر ما بیژن آبادی  
 ۱۳۳، ۱۵۳  
 محمد بن احمد بن علی بن محمد زیدری  
 خرنندزی نسوی (نور الدین) ۲، ۹۴،  
 ۱۱۷  
 محمد بن احمد بن علی بن محمد طاهری  
 بیغمی ۷۵۸  
 محمد بن احمد بن علی بن محمد منشی نسوی  
 زیدری (شهاب الدین یا مؤید الدین)  
 ۲  
 محمد بن احمد بن محمد ۷۲۴، ۷۲۷  
 محمد بن احمد بن محمد جامی ۲۸۹  
 محمد بن احمد بن محمد صوفی سمرقندی  
 ۱۹۷  
 محمد بن احمد بیرونی خوارزمی (ابو-  
 الریحان) ۳۰، ۱  
 محمد بن احمد جام (قطب الدین) ۷۲۰  
 محمد بن احمد خفزی (شمس الدین) ۳۶۷،  
 ۸۴۱، ۸۳۸، ۳۸۵  
 محمد بن احمد دقیقی بلخی (ابو علی) ۲۳،  
 ۳۷، ۳۲  
 محمد بن احمد مختار روزنی (کمال الملک  
 ابو جعفر) ۵۴  
 محمد بن احمد مراد آبادی فاروقی نقشبندی  
 مجددی (ابوالخیر) ۷۳۱  
 محمد بن احمد نیشابوری ۳۴۷  
 محمد بن اخیستان شروانشاه ۱۰۵  
 محمد بن اسحق قاینی (ابونصر) ۷۸  
 محمد بن اسحق قونیوی (صدر الدین)  
 ۱۱۶، ۱۴۱، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۶۴،  
 ۲۸۸  
 محمد بن اسحق ولی الله بن شمس الدین محمد  
 قادری ملتانی (شمس الدین ابوالفتح)  
 ۴۰۵

محمد بن ابراهیم (فرید الدین) ۳۳۰  
 محمد بن ابراهیم بن عبداللہ سجستانی  
 سیواسی رمال (نصیر الدین) ۱۵۱  
 محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن شعبان  
 عطار همدانی (زین الدین) ۲۱۸ -  
 ۳۲۰، ۲۱۹  
 محمد بن ابراهیم کلاباذی (ابوبکر)  
 ۲۹  
 محمد بن ابواسحق محمد بن ابراهیم بن  
 یعقوب کلاباذی بخاری (ابوبکر)  
 ۲۹  
 محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر  
 احمد شهرستانی شافعی اشعری (ابو-  
 الفتح) ۱۲۶، ۴۵۰  
 محمد بن ابوبکر ابراهیم بن مصطفی بن  
 شعبان عطار نیشابوری (فرید الدین  
 ابوجامد) ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰،  
 ۲۱۹، ۲۹۰-۲۹۱، ۳۲۰، ۴۴۵،  
 ۷۲۳  
 محمد بن ابوبکر بن ایوب ابن قیم الجوزیه  
 (ابو عبدالله) ۷۱۸  
 محمد بن ابوبکر بن علی بزدی (قوام الدین)  
 ۷۸۱، ۷۹۰  
 محمد بن ابوبکر کرت (شمس الدین) ۱۷۹،  
 ۲۰۶  
 محمد بن ابوبکر مستوفی قزوینی (زین-  
 الدین) ۱۴۴  
 محمد بن ابوبکر نسفی حسام الائمہ (شرف-  
 الدین) ۱۰۰  
 محمد بن ابورشاد رشید بن محتاج رئیس  
 (شهاب الدین) ۷۹  
 محمد بن ابوزید بن عربشاه بن ابوزید  
 مینی علوی ورامینی ابن عربشاه  
 ۲۴۵  
 محمد بن ابو طالب تیریزی همام طبیب  
 (همام الدین) ۷۸۲  
 محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (قطب-  
 الزمان) ۵۴  
 محمد بن ابو عبد اللہ منجر کمالی سیف منجم

محمد بن بهاء الدین محمد جوینی صاحب -  
 یوان (شمس الدین) ۹۲، ۸۰ - ۹۵،  
 ۱۳۵ - ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۶۱ -  
 ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۸۰،  
 ۱۸۴، ۲۲۲ - ۲۲۳، ۲۴۰ - ۲۴۱،  
 ۷۴۹، ۷۷۰  
 محمد بن بلبن (سلطان نصیر الدین) ۱۷۱،  
 ۱۷۵  
 محمد بن پیر علی برکلی ۸۱۲  
 محمد بن تاج الدین مسعود بخاراوی (نظام -  
 الدین) ۱۰۰  
 محمد بن تغلقشاه بن غیاث الدین تغلق ۱۷۰ -  
 ۱۷۱، ۱۸۵، ۲۰۳، ۷۵۵ - ۷۵۶،  
 ۷۵۹، ۷۶۸  
 محمد بن تقی بن محمد علوی بنجیری شیرازی  
 ۸۱۳  
 محمد بن تکش خوارزمشاه (علاء الدین)  
 ۱۳۰، ۱۱۲، ۹۴  
 محمد بن تکش خوارزمشاه (قطب الدین)  
 ۱۱۵، ۱۱۲، ۹۴، ۹۲، ۷۸، ۷۳  
 ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۴۰ - ۱۴۱،  
 ۱۵۹، ۱۶۵، ۲۲۸، ۲۴۱  
 محمد بن جریر طبری ۲۸  
 محمد بن جعفر ترشخی (ابوبکر) ۷۰،  
 ۱۲۰  
 محمد بن جلال الدین خضرشاه بن قطب الدین  
 مسعودیزدی (شمس الدین) ۷۶۷  
 محمد بن جلال الدین محمد بلخی (علاء -  
 الدین) ۵۴۳، ۷۳۶  
 محمد بن جلال بن سلیمان ۸۱۰  
 محمد بن جلال بن سلیمان قهستانی ۲۷۵  
 محمد بن جمال الدین ابوالروح  
 لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر  
 سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر  
 میهنی ۱۲۱  
 محمد بن جهانگیر (ملک) ۳۵۳  
 محمد بن حاج کامران استرآبادی ۲۵۶  
 محمد بن حاج مبارکشاه بن مبارک محمد  
 قزوینی ۲۷۶، ۲۹۱

محمد بن اسد (شار ابونصر) ۲۱۵  
 محمد بن اسعد بخاری ۷۵۸  
 محمد بن اسمعیل وزیر ۴۸  
 محمد بن اشرف حسنی سمرقندی (شمس -  
 الدین) ۲۶۶  
 محمد بن العاصغ غزنوی (شهاب الدین)  
 ۹۵  
 محمد بن امیر برهان الدین خاندشاه بن  
 کمال الدین محمود بلخی میرخواند  
 ر. میرخواند  
 محمد بن امیر جلال الدین خضرشاه بن امیر  
 قطب الدین مسعودیزدی (امیر شمس -  
 الدین) ۲۶۷  
 محمد بن امیر مبارز (امیر) ۲۵۴  
 محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن  
 ابراهیم دنیسری ۱۵۲  
 محمد بن ایندگن ۱۰۳، ۷۳، ۱۰۶ - ۱۰۸،  
 ۱۴۰، ۷۳۱  
 محمد بن ایل طغان کرمانی بردیسری  
 (شمس الدین) ۱۰۹، ۷۲۲، ۷۴۳،  
 ۷۴۵  
 محمد بن ایوب حاسب طبری (ابوجعفر)  
 ۲  
 محمد بن بایزید (سلطان) ۳۷۹  
 محمد بن بایسنغر بن شاهرخ (غیاث الدین  
 ابوالمظفر) ۳۰۹، ۲۳۹  
 محمد بن بدر جاجرمی ۱۷۶، ۲۰۴  
 محمد بن بدیع نسوی ۹۵  
 محمد بن برکات شریف مکه ۳۷۸  
 محمد بن برهان ۳۸۳  
 محمد بن برهان الدین ۲۸۲، ۷۷۸، ۷۸۰  
 محمد بن برهان الدین سمرقندی (محمد  
 قاضی) ۴۰۷، ۸۱۷  
 محمد بن بزرگ امید اسمعیلی ۷۲۹  
 محمد بن بعیت بن جلیس ۱۹  
 محمد بن بهاء الدین حافظ شیرازی (شمس -  
 الدین) ۲۰۵  
 محمد بن بهاء الدین زکریا (صدر الدین)  
 ۷۴۱

محمد بن حاج محمد سمرقندی ۳۱۹  
محمد بن حافظ عماد الدین هروی ابن عماد  
سیرازی (حافظ علاء الدین) ۳۱۷،  
۲۶۵، ۵۴۳، ۳۴۲  
محمد بن حجة الاسلام عیانی هروی ۸۱۴  
محمد بن حسام الدین خوانی قهستانی ابن  
حسام ۷۸۷، ۳۰۲، ۲۷۵، ۴۰۶  
محمد بن حسام هروی ابن حسام (جمال الدین)  
۲۷۵، ۲۱۳، ۲۰۶  
محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب ابن اسفندیار  
(بهاء الدین) ۱۳۶، ۱۲۹  
محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن خوزة  
مرقی کاشانی (افضل الدین) ۰۶۹،  
۷۳۲، ۴۵۰، ۴۴۹، ۲۴۴، ۱۴۵  
محمد بن منصور بن سعید بن  
ابوالفرج بن خلیل بن احمد بن ابو  
نصر بن خلف بن شعیب بن طلحة بن  
عبدالله بن عبدالرحمن بن ابوبکر  
صدیق مسرورودی (فخر الدین  
مبارک شاه) ۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹  
(ابوالفضل) ۶۱-  
۶۲  
محمد بن حسن طوسی (خواجه نصیر الدین  
ابوجعفر) ۱۵۸، ۱۵۲، ۱۳۷، ۱۳۵،  
۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۶۷، ۲۶۹-  
۰۳۸۵ - ۳۸۴، ۳۷۵، ۳۰۵، ۲۷۱  
۰۶۹۱، ۰۶۴۵، ۰۴۴۲، ۳۹۱، ۳۸۹  
۷۵۰، ۷۳۲، ۷۳۰، ۷۰۳  
محمد بن حسن نغندی طوسی امام ربانی  
(شیخ جمال الدین) ۷۲۳  
محمد بن حسین بن عبدالله بن پیر حسین بن  
شمس الدین قزوینی (نور الدین) ۳۸۰  
۴۰۶  
محمد بن حسین بن لطف الله ۲۴۱  
محمد بن حسین بن محمد حسین خراسانی  
(ابوالیقین غیاث الدین) ۷۸۵  
محمد بن حسین بیهقی (ابوالفضل) ۰۳۰،  
۷۱۲، ۱۸۵، ۶۵-۶۴  
محمد بن حسین حسینی سماک، استرابادی

(میر فخر الدین) ۳۷۴  
محمد بن حسین هروی ۱۱۷  
(شمس الدین) ۱۳۸،  
۷۵۰  
محمد بن حمزه فناری (شمس الدین) ۲۷۵،  
۲۸۰  
محمد بن خفیف شیرازی (ابو عبدالله) ۲۴،  
۷۲۱، ۷۱۷، ۲۸۳، ۲۱۶، ۵۷  
محمد بن داود بناکتی (تاج الدین ابوالفضل)  
۷۳۱  
محمد بن داود بن محمد بن محمود شادی  
آبادی ۳۹۶  
محمد بن درویش محمد مفتی بلخی (سلطان)  
۸۰۸، ۳۹۸  
محمد بن دشمن زیار (علاء الدوله کاکویه  
ابوجعفر) ۳۱  
محمد بن دوست محمد بخاری (درویش)  
۸۴۱  
محمد بن رشید الدین فضل الله (امیر فیاض  
الدین) ۱۴۷-۱۴۹، ۱۸۲، ۱۸۴،  
۰۱۹۹، ۰۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۶، ۰۷۳۱  
۷۵۵، ۷۳۷  
محمد بن رمضان فقیه زاهد (معین الدین)  
۷۲۵  
محمد بن زفر بن عمر ۰۷۰، ۱۲۰  
محمد بن زکریا رازی ۰۲۱، ۰۲۲، ۲۱۶  
محمد بن زین الدین حاجی بن احمد میرجان  
انیسی اسفرغابادی (شیخ وجیه الدین  
ابوالحسن) ۰۳۶۲، ۰۳۷۳، ۰۶۲۹-  
۶۳۰  
محمد بن زین المعالی ابوالحسن علی بن  
حسین بن مظفر بن حسین بیهقی  
(ضیاء الدین) ۵۶  
محمد بن سام (غیاث الدین) ۰۸۱، ۰۷۹، ۰۹۱،  
۷۲۸، ۱۲۲  
محمد بن سام فوری (معز الدین) ۱۵۱،  
۷۲۵، ۲۳۶  
محمد بن سرخ نیشابوری ۵۴  
محمد بن سعد الدین اسعد دوانی کاررونی

- احمد جامی (خواجہ معین الدین) ۲۶۷ - ۲۶۵ (علامہ جلال الدین) ۲۶۷ - ۲۶۵، ۳۱۸، ۳۱۵، ۲۷۷، ۳۵۶، ۳۹۳، ۲۹۱، ۳۸۹، ۳۷۶، ۳۷۴، ۶۶۳، ۶۶۱، ۶۴۸، ۵۴۱، ۴۶۵، ۷۷۹، ۷۴۲، ۷۰۶، ۶۹۱
- محمد بن سعد بن محمد نخبجویانی ابن الساجی (ابوالمحسن) ۷۷۱
- محمد بن سعید بیہقی ۱۹
- محمد بن سلامہ بن جعفر بن علی بن حکمون معری قضاعی (ابو عبد اللہ) ۷۲۹
- محمد بن سلطان حسینی (ملک) ۳۹۶، ۴۰۳
- محمد بن سلیمان (علاء الدین) ۱۲۲، ۹۸
- محمد بن سلیمان بسروی (آقا زادہ) ۲۷۲
- محمد بن سلیمان فضولی بغدادی ۴۳۶، ۸۲۵
- محمد بن سید مبارک بن محمد علوی کرمانی امیر خرد ۲۵۹
- محمد بن سیف الدین باخرزی (جلال الدین) ۷۴۴
- محمد بن شداد ۴۶۴
- محمد بن سرف الدین خضری زدی (ظہیر - الدین) ۷۶۸
- محمد بن شرف الدین علی حسینی کاشانی ذکری (تقی الدین) ۳۷۹، ۴۴۴، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۰۵
- محمد بن شریف حسینی گرگانی (میر شمس الدین) ۲۷۲، ۳۲۷، ۷۵۳
- محمد بن شمس الدین ابراہیم بمی (طاہر - الدین) ۲۸۳
- محمد بن شمس الدین ابوالمعالی مطہر بن احمد جام زندہ پیل (قطب الدین) ۷۹۵، ۷۳۷
- محمد بن شمس الدین صاحب دیوان حویٹی (بہاء الدین) ۱۵۳، ۱۶۲، ۷۵۰
- محمد بن شمس الدین مطہر بن شہاب الدین اسمعیل بن قطب الدین
- الدین مطہر بن معین الدین ابونصر
- ۲۱۹
- محمد بن شیخ ہروی ۲۸۲
- محمد بن صالح غزنوی (شہاب الدین) ۹۵
- محمد بن صدر الدین احمد بن علاء الدین حسن دبیر عبدوسی ملک اخستان ہندی (تاج الدین) ۷۵۵، ۷۶۱
- محمد بن صدیق بن محمد کججانی (ابو عبد اللہ) ۲۸۴
- محمد بن صلاح بن جلال بن کمال بن محمد انصاری سعدی عبادی شافعی لاری (مصلح الدین) ۳۵۵ - ۳۵۶
- محمد بن صفی الدین ابوالفرج محمد بن معین الدین ابوالرجا کاتب اصفہانی ابن اخی العزیز (عماد الدین ابو - عبد اللہ) ۱۱۹، ۳۴۶
- محمد بن طاہر ۷۱۲، ۷۱۴
- محمد بن طاہر بن بہرام سگزی (ابو سلیمان) ۱۲۴
- محمد بن طاہر بن عبد اللہ بن طاہر ۷۱۳ - ۷۱۴
- محمد بن طاہر حافظ ۷۱۸
- محمد بن طاہر قاضی تیمادکانی (شمس الدین) ۷۱۸
- محمد بن طغان کرمانی بردسیری (شمس - الدین) ۱۰۹، ۷۲۲، ۷۴۳، ۷۴۵
- محمد بن طوی (فخر الدین) ۸۱۴
- محمد بن عارف بن احمد عبدالحق رود - ولوی (شیخ) ۴۰۴
- محمد بن عبدالاول عبدی قزوینی تبریزی (محبی الدین) ۳۹۱
- محمد بن عبدالباقی شریفی شیرازی میرزا مختوم (امیر سید ابوالفتح) ۳۵۰، ۴۴۸، ۴۷۳، ۴۹۷، ۴۹۸
- محمد بن عبدالجبار عتمی (ابونضر) ۱۲۹، ۷۵۵، ۱۳۵
- محمد بن عبد الخالق بن معروف ۲۶۰
- محمد بن عبد الخالی میہنی (معین الدین) ۷۲۸

- محمد بن عبد الرحمن مقاریضی (ابو عبد الله) ۲
- محمد بن عبد الرزاق دنیلی ۸۱-۸۲
- محمد بن عبد الرزاق طوسی (ابو منصور) ۳۰، ۲۸
- محمد بن عبد الرزاق صدر گیلانی قراری گیلانی (نورالدین) ۴۳۵، ۵۴۲، ۸۲۰-۸۲۱، ۸۲۳
- محمد بن عبد الغفار وصالی قزوینی ۶
- محمد بن عبد الکریم انصاری (نصیرالدین) ۳۲۳
- محمد بن عبد الکریم بن علی بن سعد (ابو-بکر) ۷۳۵
- محمد بن عبد الکریم شهرستانی (ابو الفتح) ۴۵۰، ۱۲۶
- محمد بن عبد الکریم طبری (قاضی شمس-الدین) ۹۳، ۷۳
- محمد بن عبد الله بن پیر حسین بن شمس الدین قزوینی (نورالدین) ۳۸۰، ۴۰۶
- محمد بن عبد الله بن محمد ایچی حسنی حسینی صفوی (سید معین الدین) ۲۷۲
- محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعیم بن حکمی ضبی حاکم ابو عبد الله بن البیع (ابو عبد الله) ۷۸۳
- محمد بن عبد الله خطیب تبریزی (ولی الدین) ۳۹۴
- محمد بن عبد الله کاتبی نیشابوری (پهلوان شمس الدین) ۲۹۷-۲۹۹، ۳۰۴، ۵۵۹، ۵۲۳، ۵۱۶
- محمد بن عبد الله یافعی ۷۵۳
- محمد بن عبد الملك دیلمی (شمس الدین) ۷۵۰
- محمد بن عبد الملك گرگانی (خطیر الدین) ۷۹
- محمد بن عبد الملك معزی نیشابوری (ابو بکر) ۵۰-۵۱، ۵۴، ۷۴، ۸۲
- دالله علوی غزنوی (ابو المعالی) ۱۱۷، ۶۳
- محمد بن عثمان ۲۵
- محمد بن عثمان امامی هروی (رضی الدین ابو عبد الله) ۷۳، ۱۶۱، ۷۴۰، ۷۴۵
- محمد بن عثمان عقیبی کاتب ۷۸، ۳۵
- محمد بن عدنان سرخکتی (محمد الدین) ۲۵۶، ۱۰۰
- محمد بن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی محمد شیرین (شمس غربی) ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۶۲، ۷۶۳
- محمد بن عزالدین حسین ملک الجبال (قطب الدین) ۹۰
- محمد بن عزیز الدین یوسف سیلتی حسینی رازی هروی (سید امیر غیاث الدین) ۳۳۰
- محمد بن عطاء الله محمود ناگوری (قاضی حمید الدین) ۷۲۸، ۷۴۸
- محمد بن علاء الدین مسعود بن محمد بن علی اندخودی (شمس الدین) ۹۵
- محمد بن علاء الدین هبة الله سبزواری (غیاث الدین) ۲۷۴
- محمد بن علی (انا بیک ابوطاهر) ۷۳
- محمد بن علی آل امیران (نظام الدین) ۹۸
- محمد بن علی امیری لاهیجی (شمس الدین) ۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۴۱، ۷۴۲
- ۷۸۹
- محمد بن علی الناموس خواری ۱۹۴
- محمد بن علی بن ابوزید ورامینی ۳۷۱
- محمد بن علی بن ابوبکر کوفی ۱۵۱
- محمد بن علی بن ابو علی احمد بن ابوالحسن محمد بن ابو منصور الزبارة علوی حسینی بیهقی ۵۵
- محمد بن علی بن دانیال دهلوی نظام الدین اولیا و نظام الدین اولیا
- محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد ابن حسین بن همت راوندی (نجم الدین) ۸۸-۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵
- محمد بن علی بن سلیمان سوزنی سمرقندی (شمس الدین ابو بکر) ۹۸

محمد بن عمر فرقدی خراسانی (شرف الدین)

۹۱

محمد بن غازی ملطیوی ۱۱۸

محمد بن غیاث الدین بلین (سلطان نصیر -

الدین) ۱۷۵، ۱۷۱

محمد بن فخر الدین (غیاث الدین) ۱۷۰

محمد بن فخر الدین عبدالعزیز کوفی

بخارایی (برهان الدین ابو سعید)

۹۵

محمد بن فخر الدین هندو شاه بن سنجر بن

عبدالله صاحبی کیرانی ننجوانی ۴،

۷۵۲، ۱۸۴

محمد بن فصیح الدین محمد بن محمد کریم

الدین دشت بیاضی (قاضی عبدالکریم)

۲۷۵، ۹۰

محمد بن فضل الله موسوی خراسانی ۲۳۵،

۲۳۸

محمد بن قاسم ثقفی ۱۵۱

محمد بن قاضی مسافر (قاضی) ۶۷۱

محمد بن قلیج نظامی ۷۲

محمد بن قوام الدین عبدالله هروی (ناصر -

الدین) ۶۵

محمد بن قیس رازی (شمس الدین) ۱۲۹،

۱۴۰

محمد بن کمال الدین اسمعیل بن غیاث -

الدین منصور بن نصیر الدین عبدالرحی

حسبی بکری مکی (میرا ابوالمفاخر

شاه) ۵۹۹ - ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۸،

محمد بن مبارز (مظفر الدین) ۱۷۹

محمد بن مجدالدین حسن یزدی (ضیاء الدین)

۷۷۵

محمد بن محمد ۷۵۵

محمد بن محمد بن ابراهیم کازرونی حاج

هراسی (تاج الدین) ۲۳۶، ۷۸۱

محمد بن محمد امیری فخری هروی (سلطان)

۲۵۱، ۲۷۷، ۳۷۶، ۴۳۸، ۸۲۵

محمد بن محمد بخاری (خواجه بهاء الدین)

۲۲۰، بهاء الدین نقشبند

محمد بن علی بن ضیاء الدین مسعود کازرونی

(امین الدین) ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۶۲

محمد بن علی بن مالک بن ابونصر حقایقی

۷۰

محمد بن علی بن محمد بن عمر ظهیری کاتب

سمرقندی (بهاء الدین) ۲۹، ۱۰۰،

۱۲۸

محمد بن علی بن محمد دقایقی مرورودی

(شمس الدین) ۱۰۰

محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای ۱۸۲ -

۱۸۳

محمد بن علی بن ملک داد تبریزی (شمس -

الدین) ۸۰، ۱۵۹ - ۱۶۰، ۱۷۳،

۲۱۴، ۷۳۶، ۷۴۴، ۸۰۳

محمد بن علی جوینی (بهاء الدین) ۹۵

محمد بن علی رامیشنی ۲۲۰

محمد بن علی راوندی ۸۸ - ۸۹، ۱۱۹،

۱۴۵

محمد بن علی سراجی خراسانی (جمال -

الدین) ۷۸

محمد بن علی علوی ابن الطقطقی (صفی -

الدین) ۱۸۴

محمد بن علی فضاوی - ری رازی ۲۶، ۳۶،

۴۵

محمد بن علی فناری (محبی الدین) ۲۷۶

محمد بن علی قوشچی (حافظ) ۲۵۰، ۲۵۶،

۲۶۶، ۲۶۸ - ۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶،

۳۷۵، ۳۸۸، ۴۰۳، ۴۰۴، ۶۶۲،

محمد بن علی کاشانی (شمس الدین) ۱۰۰،

۲۱۶

محمد بن علی نوانداکی ۴۵۰

محمد بن علی واپکنوی (شمس الدین)

۱۵۳

محمد بن علی همدانی (سید) ۱۹۵، ۷۷۳

محمد بن عمر الخالد قرشی (جمال الدین

ابوالفضل) ۱۴۶

محمد بن عمر بن عبدالعزیز مازنی (شمس -

الدین) ۹۸

محمد بن عمر رادویانی ۳۸، ۷۰، ۹۲،

محمد بن محمد بخاری عطار (علاء الدین)  
 ۸۲۰، ۷۶۷، ۲۸۱، ۱۹۲  
 محمد بن محمد بن داود بناکتی (تاج الدین  
 ابوالفضل) ۷۳۱  
 محمد بن محمد بن سید جلال الدین بن  
 سید برهان الدین بن سید عبد الله بن سید  
 زین العابدین بخاری (خواجہ بہاء -  
 الدین) ۲۲۰ ر. بہاء الدین نقشبند  
 محمد بن محمد بن عبد الجلیل عمری بلخی  
 وطواط (رشید الدین) ۴۸، ۷۴، ۷۰،  
 ۹۳، ۸۲، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۶۶،  
 ۱۸۷  
 محمد بن محمد بن عبد الله بن نظام حسینی  
 یزدی ۱۸۷  
 محمد بن محمد بن عبد الله موسوی پیر کیا  
 ۳۱۸ ر. محمد نور بخش  
 اللہ بلعمی ۲۳۸، ۲۹،  
 ۷۶۰  
 محمد بن محمد بن محمد بن زنگی بخاری  
 ۱۲۰  
 محمد بن محمد بن محمد بن طاہر تہادکانی  
 طوسی (قاضی شمس الدین) ۷۸۱  
 محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری  
 یارسا (خواجہ جلال الدین یاشمس -  
 الدین ابوالفتح) ۵، ۱۰۲، ۱۰۵،  
 ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۸۰، ۶۲۳،  
 ۷۶۶، ۷۱۶  
 محمد بن محمد بن نصر وانکتی (قاضی)  
 ۱۲۲  
 محمد بن محمد جنیدی (نظام الملک قوام -  
 الدین) ۲۲۳، ۱۷۲  
 محمد بن محمد شاہ فناری (زین الدین)  
 ۲۷۵  
 محمد بن محمد غامی ہروی (ابو سعید)  
 ۱۲۸  
 محمد بن محمد غزالی طوسی (زین الدین  
 ابو حامد) ۵۰، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۳۲۹،  
 ۳۷۰، ۳۷۶، ۷۱۹، ۷۳۹  
 محمد بن محمد فارسی (تقی الدین ابوالخیر)

۴۴۶، ۳۸۶  
 محمد بن محمد قاینی (ابو نصر مناج) ۶۳  
 محمد بن محمد نور بخش (علاء الدین) ۲۷۴،  
 ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۶، ۴۰۰،  
 ۸۱۲، ۷۸۸  
 دآحلی (شمس الدین) ۱۸۳  
 محمد بن محمود ایچی (نجیب الدین) ۲۴۵  
 محمد بن محمود بنایعی بلخی ۳۵  
 محمد بن محمود بن احمد نیشا پوری (فخر -  
 الدین) ۷۲۸، ۸۸  
 محمد بن محمود بن ضیاء الدین کسمانی  
 (ضیاء الدین) ۳۰۸  
 محمد بن محمود بن علی سبط ناصر الدین  
 سمرقندی ۲۶۱  
 محمد بن محمود بن مسعود اسقنزاری  
 (رشید الدین) ۱۰۰  
 محمد بن محمود یوشنگی مسیحی (فخر -  
 الدین) ۷۵۷  
 محمد بن محمود تہانیسری چشتی (جلال -  
 الدین) ۳۷۵  
 محمد بن محمود زابی (شمس الدین) ۹۵  
 محمد بن محمود شہر زوری (شمس الدین)  
 ۴۰۱  
 محمد بن محمود شہرستانی (جمال الدین)  
 ۲۷۳  
 ازلی دھار قانی (معین  
 الدین ابو محمد) ۳۹۷، ۶۵۶، ۷۰۹،  
 ۷۴۲، ۸۳۷، ۸۰۷  
 محمد بن محمود غزنوی (امیر ابو احمد)  
 ۴۵، ۴۱، ۳۴  
 محمد بن مخلد سگزی ۱۹  
 محمد بن مراد بن محمد آل عثمان (سلطان)  
 ۳۹۸، ۳۳۹  
 محمد بن مسافر ۴۷  
 محمد بن مسعود بخارایی (نظام الدین)  
 ۱۰۰  
 غزنوی (ظہیر الدین  
 ابوالمحامد) ۱۲۵  
 محمد بن مسعود بن محمد آذرونی (سعد -

مصری شافعی (کمال الدین ابوالبقا)

۳۶۵، ۲۷۷

محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی (سدید)

الدین (۱۰۹، ۲۲۱)

محمد بن مؤید بغدادی (بهاء الدین) ۸۶،

۱۲۰، ۱۱۵، ۹۴

محمد بن مؤید بغدادی شمس خاله (شمس)

الدین (۸۵-۸۶، ۹۴)

محمد بن مؤمن ۸۰۳

محمد بن مؤید بن ابویبکر بن ابوالحسن بن

محمد بن حمویہ حموی (سعد الدین)

۱۱۱، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۲۶، ۱۸۱

۱۸۳، ۳۱۱، ۳۲۵، ۷۲۳-۷۲۴

۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۵

محمد بن میرزا علی ۲۶۱

محمد بن میر شریف گرگانی (شمس الدین)

۲۷۳، ۳۲۷، ۷۵۳

محمد بن میر علی برکلی هروی ۳۹۵

(جمال الدین)

۷۹

محمد بن نجم الدین محمد قاینی (جلال الدین)

ابو محمد (۷۸۵)

محمد بن نجیب بکران ۷۲۸

محمد بن نصیر (جلال الدین) ۹۱

محمد بن نصیر الدین جعفر حسینی مکی

(سید) ۲۴۳، ۲۶۴

محمد بن نصیر سگزی (شمس الدین) ۹۱

محمد بن همام (شهاب الدین) ۹۵

محمد بن هندو شاه منشی نخبجوی شمس

منشی (شمس الدین) ۴، ۱۸۴، ۷۵۲

محمد بن وصیف سگزی ۱۹

محمد بن ولی بن رضی الدین کاتب انقروی

۳۳۹

محمد بن یحیی (امام) ۱۳۹، ۷۴۹

محمد بن یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری

۲۳۵، ۲۹۹، ۳۲۵، ۳۹۰، ۳۹۳

۴۲۶

محمد بن یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی

الدین (۲۳۶)

محمد بن مسعود بن محمد مسعودی/شرف

الدین (۱۵۲)

محمد بن مسعود مسعودی مروزی بخاری

حنفی (شرف الدین) ۹۹، ۱۲۵

۱۵۲

محمد بن مسعود عملان (ابونصر) ۴۸

محمد بن مظفر (امیر مبارز الدین) ۱۸۴-

۱۸۵، ۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۸

۳۰۸، ۷۵۲، ۷۶۰-۷۶۱، ۷۶۹

محمد بن مظفر بن محتاج چغانی (ابوبکر)

۲۲

متز بن معنوش طاهر (محب الدین)

ابو المعالی (۲۷۴)

محمد بن معین الدین بن سعد الدین

سیسی اوحدی دقاقی بلیانی

(تقی الدین) ۳۷۹، ۵۳۷، ۶۵۷-

۶۵۸، ۸۰۲، ۸۰۵

الدین مؤید بن معین الدین

ابوبکر عبدالرحمن بن نجم الدین

علی بن جمال السنه معین الدین محمد

ابن حمویہ جوینی (سعد الدین) ۱۱۱،

۱۱۵-۱۱۶، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳،

۳۱۱، ۳۲۵، ۷۲۳-۷۲۴، ۷۳۱،

۷۳۲، ۷۴۵

محمد بن ملک شاه بن البارسلان (غیاث-

الدین ابوشجاع) ۴۹، ۵۱، ۸۰،

۸۲، ۸۵-۸۷، ۱۲۶

محمد بن منصور ۱۵۲

محمد بن منصور بن ابو عبدالله گرگانی

(ابوروح) ۷۱۹

بن ابوسعید بن ابوطاهر بن

ابوسعید بن ابوالخیر ۶۲، ۱۲۱

محمد بن متھاج الدین عثمان بن ابراهیم بن

عبدالحالق گوزگانی لاهوری (سراج

الدین) ۷۹

محمد بن مودود زرکوب ظاهری تبریزی

(نجم الدین) ۱۷۶-۱۷۷

محمد بن موسی بن عیسی بن علی دمیری



محمد ثبات کانی طوسی (شمس الدین) ۲۶۳،  
 ۳۲۸  
 محمد تبریزی (حاج) ۶۹۵  
 محمد تبریزی (خواجه جلال الدین)  
 ۶۹۴  
 محمد تبریزی (شیخ) ۳۴۷  
 محمد ترخان (امیر درویش) ۲۹۰  
 محمد ترخان سفیدونی نوری (ملا تورا الدین)  
 ۵۴۲  
 محمد ترکه (خواجه افضل الدین) ۱۲۶،  
 ۳۴۸-۳۴۹، ۳۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰،  
 ۸۲۱، ۷۱۱  
 محمد ترکه (خواجه صدر الدین ابو حامد)  
 ۷۷۹، ۴۴۹  
 محمد ترکه دوم (افضل الدین) ۴۵۱ -  
 ۸۲۱، ۵۲۰، ۴۹۹، ۴۵۲  
 محمد تستری (خواجه) ۱۷۴  
 محمد تغلق شاه هروری ۱۹۸  
 محمد تقی حسینی ۳۸۱  
 محمد تقی خراسانی (امیر) ۵۸۲  
 محمد تیمور ۶۸۱، ۶۷۹  
 محمد جاجرمی (شهاب الدین) ۲۸۶  
 محمد جامه باف (سید) ۴۱۹  
 محمد جامی (مولانا) ۶۱۵  
 محمد جرده (مولانا) ۷۹۸، ۳۴۲  
 محمد جعفر اکبر آبادی ۶۶۴  
 محمد جعفر بیک مروستی آصف خان (قوام-  
 الدین) ۳۵۷، ۴۳۱، ۴۶۵، ۶۴۲،  
 ۶۵۰  
 محمد جعفر کوکلتاش ۳۳۷  
 محمد جنیدی (نظام الملک نظام الدین ابو  
 سعید) ۲۲۳، ۱۷۲  
 محمد جوکی میرزا ۲۹۹  
 محمد جونا بن تغلق شاه ۲۰۳، ۷۵۹، ۷۶۸،  
 ۷۵۹، ۲۰۳ (سلطان)  
 ۷۶۸  
 محمد جوهری ۲۲۵  
 محمد جوینی (بهاء الدین) ۷۴۱  
 محمد جوینی (شمس الدین) ۹۴

بخارایی (سدید الدین یا نور الدین)  
 ۹۹، ۹۷، ۷۸، ۶۵، ۱۰۰، ۲۷۹،  
 ۸۱۶  
 محمد بن یحیی بن علی اسپری لاهیجانی  
 گیلانی نوربخشی (شمس الدین) ۱۶۹  
 ۷۸۹، ۷۴۲-۷۴۱، ۳۲۲، ۳۱۹  
 محمد بن یحیی بن یوسف دریمی تادفی حلبی  
 حنبلی ۴۰۵، ۱۳۲  
 محمد بن یحیی تادفی حلبی ۴۰۵، ۱۳۲  
 محمد بن یحیی نیشابوری (محبی الدین)  
 ۸۹  
 محمد بن یغمرور ۳  
 محمد بن یوسف (سلطان) ۳۵۰  
 محمد بن یوسف ایلاقی ۷۲۸  
 محمد بن یوسف حسینی دهلوی سد محمد  
 گیسو دراز و خواجه بنده نواز (سید  
 صدر الدین ابوالفتح) ۱۹۶، ۴۰۶،  
 ۷۵۴، ۷۲۵، ۷۲۲  
 محمد بن یوسف طبیب هروری ۲۸۲  
 محمد بهادر (میرزا ضیا عالدین) ۱۹۳  
 محمد بهادر خان (سلطان) ۲۳۷  
 محمد بهامد خانی ۲۳۸  
 محمد بیدآوازی (رشید الدین) ۳۲۰  
 محمد بیرام خان (نواب) ۴۵۵  
 محمد بیک امانی ۴۹۷  
 محمد بیک خلیفة الخلفایی ۵۰۲  
 محمد بیک ظریفی فارسی ۶۵۴  
 محمد بیک کرد ۴۹۱  
 محمد بیک مذاقی یا مذاقی ۴۹۶  
 محمد یار سا (خواجه جلال الدین یا شمس-  
 الدین محمد بن محمود حافظی بخاری)  
 ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۲۱،  
 ۷۶۶، ۷۱۶، ۶۲۳، ۲۸۰  
 محمد یاشا ۴۹۶  
 محمد یاشای وزیر ۳۵۶  
 محمد پاییزی نسوی (مجد الدین) ۱۰۰  
 خواجه قداحت جراح (میرزا)  
 ۵۲۴  
 محمد تازیگوی (شمس الدین) ۷۴۰

۶۸۳، ۶۵۵، ۶۵۳  
 محمد حموی یزدی (سالك الدين) ۲۲۵  
 محمد حموی یزدی (كاشف الدين ابوالمخاض)  
 ۳۲۵  
 تهریزی ۷۰۳  
 محمد حیدر افضلی بخارا پسی (خواجه)  
 ۶۰۸  
 محمد حیدر بن محمد حسین گورکان + ۳۸  
 محمد خاموش (شاه نظام الدین) ۲۷۸،  
 ۷۸۴  
 محمد خان (بیرم) ر. بیرام خان  
 محمد خان (شاه) ۶۵۵  
 محمد خان انکه غزنوی ۴۱۸، ۵۴۳-۵۴۴،  
 ۵۴۹  
 محمد خان ترکمان ۴۶۲  
 محمد خان حکمران هرات ۵۳۸  
 محمد خان شاپور (شاه) ۴۱۱  
 محمد خان شیبانی ۲۷۸، ۳۱۰، ۳۲۲،  
 ۷۸۸، ۳۳۴، ۳۳۱  
 محمد خان غزنوی (میر) ۶۵۱  
 محمد خان کلان (میر) ۵۵۴  
 محمد خان کلان غزنوی (میر) ۵۵۰  
 محمد خبوشانی (شیخ حاجی) ۳۲۲، ۳۳۴،  
 ۵۶۳، ۵۶۵، ۶۱۰-۶۱۱، ۶۲۵،  
 ۶۴۰، ۶۲۸  
 محمد خدا بنده (سلطان) ۲۷۹، ۳۲۱،  
 ۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۶۲-۴۶۳،  
 ۴۶۹، ۴۷۳-۴۷۵، ۴۹۲، ۴۹۴-  
 ۵۰۱، ۵۲۲، ۵۲۴-۵۲۵، ۵۲۹،  
 ۵۳۳، ۶۴۵، ۶۴۸، ۶۸۵، ۷۰۱،  
 ۸۲۳، ۸۲۷، ۸۳۱  
 محمد خدا یاد (امیر) ۳۰۴، ۳۳۴  
 محمد خراسانی ۳۴۷  
 محمد خراسانی (مولانا درویش) ۳۴۷  
 محمد خربنده الجایتو (سلطان) ۱۴۲،  
 ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۴، ۲۰۱،  
 ۲۱۶، ۲۲۲، ۴۴۹، ۷۳۳  
 محمد خفزی (شمس الدین) ۳۶۷، ۳۸۵،  
 ۸۳۸، ۸۴۱

محمد جهان پهلوان ۱۰۶  
 محمد جهانگیر (نور الدین) ۵۱۳ ر.  
 جهانگیر  
 محمد چرخگر هروی ۲۲۶  
 محمد حاجی بن محمد بن شیخ محمد جامی  
 ۲۶۳  
 محمد حاجی کابلی ۶۵۸  
 محمد حافظ شیرازی ۷۶۸ ر. حافظ شیرازی  
 محمد حروفی (شمس الدین) ۳۴۵  
 محمد حزنئی اصفهانی (ملا تقی الدین) ۶۴۴  
 بگری مکی (میر ابوالمفاخر  
 شاه) ۵۹۹-۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۸  
 محمد حسن پلاسی شیرازی ۷۷۶، ۲۸۴  
 محمد حسن بستنی (ابو صالح محمد) ۱۹۶  
 محمد حسن میرزا ۳۱۳  
 (میرزا) ۵۶۶  
 محمد حسین بقایی اگرهی ۲۲۹  
 محمد حسین بن احمد شامی ۴۰۲  
 محمد حسین بن محمد رضا طالقانی ۹۰  
 رنپوری ۸۱۶  
 خان ۵۵۴  
 محمد حسین خطاط ۸۲۷  
 زینتی مشهدی ۵۲۴  
 بپوری تبریزی ۷۰۰  
 محمد حسین قزوینی (خواجه) ۶۷۵  
 محمد حسین کرمانی (میرزا) ۶۷۴  
 محمد حسین گورکان ۳۸۰  
 محمد حسین لاهیجی (سید) ۴۱۴  
 محمد حسین میرزا دوغلات ۶۸۱  
 محمد حسین میرزا سپهسالار ۳۶۴  
 محمد حسین نظیری نیشابوری (حاج)  
 ۳۴۸، ۴۲۹، ۵۳۷، ۷۸۶، ۷۹۸،  
 ۸۲۲  
 محمد حسینی شیرازی (ابو سلیمان) ۷۵۸،  
 ۷۸۰  
 محمد حسینی کاشانی (تقی الدین) ۲۷۹،  
 ۴۴۴  
 محمد حکیم میرزا ۸۱۶، ۴۱۶، ۴۵۷، ۵۴۷،  
 ۵۵۱، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۹۵، ۵۹۷

محمد رضى يزدي (معز الدين) ۷۷۵  
 محمد رفيع الدين محدث دهلوی ۱۹۶  
 محمد رواسى (صدر الدين) ۳۰۲  
 محمد روحى ۶۰۵  
 محمد زاهد ۶۱۰  
 محمد زمان سلطان ۶۶۷  
 محمد زمان ميرزا ۶۷۲  
 محمد زمجى اسفزارى هروى (مبين الدين)  
 ۲۵۲  
 محمد زند خوانى سرخسى (فخر الدين)  
 ۹۵  
 محمد سبز معمار (استاد) ۶  
 محمد سنووارى (فيث الدين) ۳+۳  
 محمد سعيد خان ازبك بهادر خان ۴۵۳  
 محمد - عید میر حمله (امیر) ۴۳۵  
 محمد سلطان (سيونج) ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۳۲  
 محمد سلطان بن ابوسعيد خان شيبانى ۵۷۴  
 محمد سليم جهانگير (شاهزاده) ۸۳۰  
 محمد سماسى (خواجه بابا) ۲۲۰  
 محمد ستدوى قوئى ۴۲۹، ۸۲۲  
 محمد سوم آل عثمان (سلطان) ۴۹۰  
 محمد سيونج خان ۶۳۲  
 محمد شاطبى (امام) ۶۲۱  
 محمد شاه آبادى (علا شاه) ۳۶۹  
 محمد شاه انسى قندهارى ۴۵۳، ۸۲۷  
 ۸۳۵  
 محمد شاه بن تغلق ۲۲۵  
 محمد شاه بن حاجى روزنى خوانى (محر-  
 الدين شرق الملك) ۷۳۳  
 محمد شاه بن شمس الدين فنارى ۲۷۵  
 محمد شاه بهمنى (شمس الدين اوال مظفر)  
 ۷۹۵، ۷۷۶، ۲۵۹  
 محمد شاه ياد شاه دکن ۴۴۳  
 محمد شاه جهان (شهاب الدين) ۳۵۷  
 ۸۳۸، ۶۵۰، ۵۳۷، ۴۳۵، ۳۹۸  
 محمد شاه سوم بهمنى ۷۹۷  
 محمد شرقاوى ۸۰۴  
 محمد شرفى نيازى ۵۰۰، ۶۳۶  
 محمد شروانى (آقا) ۶۹۲

محمد خلیجى (علاء الدين) ۱۷۱  
 محمد خلیجه (میر رفیع الدين) ۵۰۲  
 محمد خلیل ۱۰۸  
 محمد خندان (سلطان) ۳۴۵  
 محمد خواجه (شاه) ۶۴۲  
 محمد خواجه کلان (مولانا) ۵۷۷  
 محمد خوارزمشاه (سلطان علاء الدين)  
 ۱۵۹  
 محمد خوارزمشاه (سلطان قطب الدين)  
 ۷۳، ۷۸، ۹۲، ۹۴، ۱۱۲، ۱۱۵  
 ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۴۰-۱۴۱  
 ۱۵۹، ۱۶۵، ۷۲۸، ۷۴۱  
 محمد خوانى (رکن الدين) ۷۸۰  
 محمد خوانى (نور الدين) ۶۱۱  
 محمد خوانى (شمس الدين) ۱۸۱  
 محمد خوشنويس (میر معز الدين) ۴۴۴  
 محمد دشتكى (امیر صدر الدين) ۳۸۵  
 محمد دوم بهمنى (ابوالنصر سلطان) ۶۴۶  
 محمد دوم عثمانى ۲۵۳، ۲۷۶  
 محمد دهدار (خواجه غياث الدين) ۳۰۷  
 محمد دهلوی (شيخ) ۵۵۵  
 محمد دهكى (درويش) ۳۱۶، ۴۴۰، ۵۲۸  
 ۶۵۴  
 محمد رازى (قاضى) ۴۷۱، ۴۹۹، ۵۰۲  
 ۶۸۸  
 محمد رحيم سلطان ۳۴۹  
 همدى بدایونى (خواجه) ۶۴۶  
 محمد رستم دارى ۶۵۸  
 محمد رشتى (امیر سلطان) ۸۴۱  
 محمد رشيد خان ۵۷۲  
 محمد رشيد رشيدى اصفهانى ۶۷۶  
 محمد رضا ۵۵۸  
 محمد رضا بن خواجه عبدالشکيبى اصفهانى  
 ۴۲۳، ۵۳۲، ۸۲۰  
 محمد رضا بن محمود نوعى خبوشامى ۴۳۴  
 ۵۹۱، ۸۲۴  
 محمد رضا داغى مشهدى ۶۷۵  
 محمد رضا رضایى مشهدى ۵۳۴  
 محمد رضا فکرى ۸۰۲

ابن شیخ بن محمد بن شیخ بن خدای قلی  
 شیخ عشقی ۶۲۸  
 محمد صادق خان صادق ۶۵۳  
 محمد صادق شهابی سعیدی قادری ۷۲۸  
 محمد صادق صادق سمرقندی ۶۵۳  
 محمد صادق قادری شهابی صدیقی ۱۳۱  
 محمد صادقی اصفهانی (خواجہ جلال الدین)  
 ۶۸۳  
 محمد صالح ۳۳۵  
 محمد صالح (میر) ۶۰۹  
 محمد صالح بن امیر عبداللہ بن امیر عبد  
 الرحمن بن شیخ خلیل اللہ اورسنجی  
 بدخشی ۴۰۳  
 محمد صالح بن امیر عبداللہ قادر ۸۱۷  
 محمد صالح بن بدر الدین بن محمد جزروانی  
 ۴۰۲  
 محمد صالح بیک ۵۰۲  
 محمد صالح جغتایی (امیر) ۴۵۵  
 محمد صالح دیوانہ کابلی فارغی ۴۲۷  
 محمد صالح ساغرچی (خواجہ) ۵۸۶  
 محمد صالح جغتایی کابلی ۶۴۵  
 محمد صالحی ہروی شہدی (میرک) ۴۳۲  
 ۸۲۳، ۷۱۱  
 محمد صدر (امیر جمال الدین) ۵۰۸  
 محمد صدر العلماء (صدر الدین) ۳۷۶  
 محمد صدر ہروی (قاضی برہان الدین)  
 ۶۱۵  
 محمد صفی (میرزا) ۴۳۵  
 محمد صفی شیرازی (شیخ محمد) ۶۵۴  
 محمد صقلی پاشا ۳۳۸  
 محمد صوفی مازندرانی (ملا) ۵۳۷-۵۳۸،  
 ۸۲۳  
 محمد طالب ۳۴۵  
 محمد طالب ہروی ۳۳۳  
 محمد طاہر (شیخ) ۶۳۳  
 محمد طاہر انصاری (خواجہ) ۶۳۳  
 محمد طاہر بن سید حسن نیسانی نقوی (سید)  
 ۳۶۶  
 محمد طاہر ترکستانی ۶۳۰

محمد شریف اندجانی ۵۸۴  
 محمد شریف جم شہدی ۶۵۰  
 محمد شریف رازی (خواجہ) ۸۰۶  
 محمد شریف شریف (قاضی) ۶۵۲  
 محمد شریف صدرا اندجانی ۶۳۹  
 محمد شریف نوایی کر بلائی ۵۵۶  
 محمد شریف وقوسی تبریزی ۵۱۲، ۸۳۲  
 محمد شریف وقوسی حسینی نیشاپوری ۳۵۷،  
 ۸۲۰، ۴۲۵  
 محمد شریف ہجری (میرزا) ۵۱۳-  
 ۸۳۲، ۶۵۱، ۵۱۴  
 محمد شریفی تبریزی (سید معین الدین)  
 ۶۹۹  
 محمد شفیع ہروی ۵۸۵  
 محمد شمال ۴  
 محمد سمس الدین ۸۰۳  
 محمد شوشتری (تقی الدین) ۴۲۸، ۸۲۲  
 محمد شیبانی (امام) ۲۸۵  
 محمد شیبانی بن شاہ بوداق شیبانی خان یا  
 شیبک خان (ابوالفتح) ۵، ۲۵۲،  
 ۳۱۰، ۴۸۳، ۵۵۹، ۶۰۶، ۶۰۹،  
 ۶۱۷، ۶۲۶، ۶۳۳، ۶۷۸-۶۸۲  
 محمد شیخ حسن محمد چشتی (ابو صالح)  
 ۱۹۶  
 محمد شیخ ہروی ۲۵۶  
 محمد شیرازی (میرزا) ۶۵۹  
 محمد شیرازی (میر صدر الدین) ۶۹۲  
 محمد شیر خان فرقتی تولکی ۵۸۵  
 محمد شیرنگی (امیر جمال الدین) ۴۴۶  
 محمد شیرین مغربی (شمس الدین محمد بن  
 عزالدین عادل بن یوسف تبریزی)  
 ۲۰۹، ۲۲۵، ۲۶۲-۲۶۳  
 محمد صاحب دیوان جوینی (شمس الدین)  
 ۸۰، ۹۴، ۹۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۷،  
 ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹،  
 ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۴، ۳۲۲-۲۲۳،  
 ۷۴۰-۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰  
 محمد صادق مفتی (مولانا) ۸  
 محمد صادق بن ابوالحسن بن شیخ بن الیاس

- محمد طاهر سبزواری ۳۵۷  
محمد طاهر طاهر رازی (خواجہ) ۶۸۵  
محمد طاهر عبداللہ ۷۱۳-۷۱۴  
محمد طایفی (ابوالقاسم) ۱۸۶  
محمد طبیب (حکیم شاہ) ۲۹۹  
محمد طبیب (میرزا) ۸۱۴  
محمد طبیب اردبیلی ۱۷۹  
محمد طرافای (السخ بیک بن شاهرخ)  
۲۴۹  
محمد طریقی ساوجی ۵۳۶، ۴۲۱  
محمد ظہوری ترشیزی (نورالدین) ۴۳۳،  
۸۲۶، ۴۴۵  
محمد ظہیر الدین بابر ۶۷۷ ر. بابر  
محمد عارف بقایی مشغولی اندکاتی ۴۰۳،  
۸۰۸، ۶۰۴، ۵۹۴، ۴۲۸  
محمد عارف قندھاری ۲۶۵-۲۶۶  
محمد عالم سمرقندی ۳۲۸  
محمد عبدہ کاتب ۲۵۰  
محمد عتایی نجفی (سید) ۴۳۲  
محمد عجیبی گوزگانی (شمس الدین) ۹۱  
محمد عرب (شمس الدین) ۳۲۸  
محمد عرفی شیرازی (سید جمال الدین)  
۸۲۶، ۸۱۹، ۶۵۳، ۴۱۷  
محمد عزمی تبریزی (سلطان) ۷۰۱  
محمد عسکری (میرزا) ۴۳۰، ۴۲۶، ۶۰۷،  
۸۱۹  
محمد عصار تبریزی (حاج شمس الدین)  
۳۴۱، ۲۰۳  
محمد علاء الدین ۸۰۳  
محمد علمی لاری افضل خان (شمس الدین)  
۶۴۵  
محمد علی بن جمال الاسلام شہاب منشی  
(شیاب الدین) ۲۶۰  
محمد علی تبریزی ۳۴۷  
محمد علی جلایر نثاری ۳۴۸  
محمد علی حسینی ۲۷۱  
محمد علی شفاوی ۳۴۵  
محمد علی شہودی یزدی (میرزا) ۶۸۳  
محمد علی شیرازی (میرزا) ۴۹۷
- محمد علی طبعی اصفہانی (میر) ۶۸۶  
محمد علی ظہوری (خواجہ) ۶۱۱  
محمد علی قسمتی استراپادی ۵۱۸  
محمد علی کاشانی ۶۱۲  
محمد علی ناصح ۹۴  
محمد علی ہروی ۳۴۷  
محمد علی یمنی ۱۳۲  
محمد عمر خلخالی ۷۰۶  
محمد عوض بخاری ۸۱۲  
محمد عوقی (سدید الدین یا نور الدین)  
۶۵، ۷۸، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۲۷۹،  
۸۱۶  
محمد عہدی (ملانور الدین) ۶۳۸  
محمد غدیری ۱۸۵  
محمد غزالی (زین الدین ابو حامد) ۵۰،  
۶۶، ۶۸، ۶۹، ۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶،  
۷۱۹، ۷۳۹  
محمد غنوی تکه (میر شمس الدین) ۴۱۸،  
۵۴۲-۵۴۹، ۵۴۴  
محمد غوث (شیخ) ۵۴۴  
محمد غوث الدین شافعی مدراسی ۱۳۲  
محمد غوریانی (نور الدین) ۳۲۶  
محمد فاتح آل عثمان (سلطان ابو الفتح)  
۲۳۹، ۲۶۹-۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۶-  
۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۹-۳۰۱  
محمد فخری بن امیر امیری ہروی (سلطان)  
۲۵۱، ۲۷۷، ۲۷۶، ۴۳۸، ۸۲۵  
محمد فراہی (شرف الدین حاج) ۲۲۷  
محمد فرغانی (سیف الدین ابوالمحامد)  
۷۴۷  
محمد فضل اللہ ر. رشید الدین محمد فضل اللہ  
محمد فلزی ۶۲۰  
محمد فلکی شروانی (نجم الدین ابوالتظام)  
۱۰۶  
محمد فوطہ سمرقندی (حاجی) ۳۴۷  
محمد فیضی اصفہانی (میر معز الدین) ۴۲۸،  
۶۸۷  
محمد قاسم اسپری ۶۴۹  
محمد قاسم بن حاج محمد سروری کاشانی

محمد قاسم بن عبد الله قاسمی (میرزا) ۴۱۰، ۵۰۸-۵۰۷، ۴۲۵	۳۹۷
محمد قاسم بن مظفر گنابادی (ملا مظفر) ۸۰۷، ۳۸۵	
محمد قاسم خان میربحر ۵۴۰، ۵۵۳، ۵۵۵	
محمد قاسم زاری مشهدی ۶۵۱	
محمد قاسم ساحری تونی ۶۷۷	
محمد قاسم قاسم رازی (میر) ۶۵۶	
محمد قاسم کسری کاشانی ۵۱۸	
محمد قاسم مستوفی ۴۲۰	
محمد قاسم و قاری بدخشان (خواجه) ۶۰۳- ۶۶۵، ۶۰۴	
محمد قاضی (محمد بن برهان الدین سمر- قندی) ۸۱۷، ۴۰۷	
محمد قاضی (مولانا) ۴۰۷، ۴۸۳، ۵۸۴، ۷۷۸	
محمد قاضی (میر نظام الدین) ۸	
محمد قاینی (مولانا جلال الدین) ۳۲۱	
محمد قباپی ۲۲۶	
محمد قرآختایی (قطب الدین) ۷۳۳، ۳۸۹، ۷۴۹	
محمد قزربی ۷	
محمد قزوینی (حکیم شاه) ۳۳۷	
محمد قضاعی (ابو عبدالله) ۱۲۷	
محمد قطان غزنوی (ابونصر) ۱۵۱	
محمد قلی تکلموهیلی هروی (میرزا) ۴۲۱، ۸۲۰، ۴۵۸	
محمد قلی قطب شاه ۸۳۰، ۳۵۹	
محمد قلی ماهر اردبیلی ۷۰۳	
محمد قلی منول حصاری ۳۶۱	
محمد قعی (ملا) ۶۵۲	
محمد قعی متخلص سلطان (سلطان) ۵۲۸، ۶۱۳	
محمد قباد (خواجه) ۶۲۲	
محمد قندهاری ۶	
محمد قوجانی (شیخ حاج) ۵۶۵، ۵۶۳	
محمد قورچی (شاه) ۳۴۵	
محمد قهستانی (مولانا شمس الدین) ۶۱۹	
محمد کاتب (حافظ حاجی) ۸۳۷، ۶۵۲	
محمد کاتب (زین الدین) ۷	
محمد کاتب بلخی (شمس الدین) ۹۵	
محمد کازرونی (خواجه) ۷۶۲	
محمد کازرونی صوفی (حاج نور الدین) ۳۳۶	
محمد کاشانی (قاضی) ۵۱۰	
محمد کاشغری ۲۸۶	
محمد کاظم ظاهر اردبیلی ۷۰۱	
محمد کامپوری (میر سید) ۱۹۶	
محمد کتفا ندجانی (خواجه) ۳۴۷	
محمد کجج تبریزی (غیاث الدین) ۲۱۳، ۷۷۵، ۷۶۳، ۶۵۵	
محمد کججی (غیاث الدین) ۲۱۳، ۶۵۵، ۷۷۵، ۷۶۳	
محمد کورت (عزالدین ابوالحسین) ۷۶۱	
محمد کورت (ملک غیاث الدین) ۱۷۹، ۲۱۹، ۷۳۳، ۷۲۰	
محمد کرمانی (افضل الدین) ۴۶۴	
محمد کرمانی (امیر شمس الدین) ۴۴۴	
محمد کسکنی (میر) ۵۰۳، ۸۲۰	
محمد کلامی لاری (صدر الدین) ۶۴۵- ۶۴۶	
محمد کلانتر (میر شمس الدین) ۶۷۸	
محمد کنبو (شیخ) ۵۴۳	
محمد کهبین (ملک شمس الدین) ۴۱۹	
محمد کیا بن ناصر کیا ۲۶۰	
محمد کیا گرگانی (شمس المال) ۲۷۱	
محمد کیای دوم (سلطان) ۲۵۲	
محمد کیشی (شمس الدین) ۱۳۸، ۷۵۰	
محمد گرای ۴۹۰	
محمد گران سمرقندی (سید) ۲۷۹	
محمد گلندام ۲۰۵	
محمد گیسو دراز (سید صدر الدین ابوالفتح محمد بن یوسف حسینی چشتی دهلوی) ۱۹۶، ۴۰۶، ۷۲۲، ۷۲۵، ۷۵۴	
۷۶۸	
محمد گیلانی (نور الدین) ۶۶۲	

- محمدطاهر سبزواری ۲۵۷  
محمدطاهر طاهر رازی (خواجہ) ۶۸۵  
محمدطاهر عبداللہ ۷۱۲-۷۱۴  
محمدطایفی (ابوالقاسم) ۱۸۶  
(حکیم شاہ) ۲۹۹  
محمدطیب (میرزا) ۸۱۴  
محمدطیب اردبیلی ۱۷۹  
محمدطرافعی (السخ یك بن شاهرخ)  
۲۴۹  
محمدطریق ساجی ۵۲۶، ۴۲۱  
محمدظہوری تریزی (نورالدین) ۴۳۳،  
۸۲۶، ۴۴۵  
محمدظہیرالدین بابر ۶۷۷ ر. بابر  
محمدعارف بقایں مشغولی آندکانی ۴۰۳،  
۸۰۸، ۶۰۴، ۵۹۴، ۴۲۸  
محمدعارف قندھاری ۳۶۶-۳۶۵  
محمدعالم سمرقندی ۳۲۸  
محمدعبدہ کاتب ۲۵، ۱  
محمدعتابی نجفی (سید) ۴۳۲  
محمدعجیبی گوزگانی (شمس الدین) ۹۱  
محمدعرب (شمس الدین) ۳۲۸  
محمدعرفی شیرازی (سید جمال الدین)  
۸۲۶، ۸۱۹، ۶۵۴، ۴۱۷  
محمدعزمی تیزی (سلطان) ۷۰۱  
محمدعسکری (میرزا) ۶۰۷، ۴۷۶، ۴۳۰،  
۸۱۹  
محمدعصار تریزی (حاج شمس الدین)  
۳۴۱، ۲۰۳  
محمدعلاء الدین ۸۰۳  
محمدعلمی لاری افضل خان (شمس الدین)  
۶۴۵  
محمدعلی بن جمال الاسلام شہاب منشی  
(شہاب الدین) ۲۶۰  
محمدعلی تیزی ۲۴۷  
محمدعلی جلازین نزاری ۳۳۸  
محمدعلی حسینی ۲۷۱  
محمدعلی شقایبی ۲۴۵  
محمدعلی شہودی یزدی (میرزا) ۶۸۳  
محمدعلی شیرازی (میرزا) ۴۹۷  
محمدعلی طبعی اصفہانی (میر) ۶۸۶  
محمدعلی ظہوری (خواجہ) ۶۱۱  
محمدعلی قسمتی استرا آبادی ۵۱۸  
محمدعلی کاشانی ۶۱۲  
محمدعلی ناصح ۹۴  
محمدعلی ہروی ۳۴۷  
محمدعلی یمشی ۱۳۲  
محمدعمر خٹخالی ۷۰۶  
محمدعوض بخاری ۸۱۲  
محمد عوفی (سدید الدین یا نور الدین)  
۶۵، ۷۸، ۹۷، ۹۹-۱۰۰، ۲۷۹،  
۸۱۶  
محمدعہدی (ملانور الدین) ۶۳۸  
محمدعہدیری ۱۸۵  
محمدغزالی (زین الدین ابو حامد) ۵۰،  
۶۸، ۶۹-۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶،  
۷۳۹، ۷۱۹  
محمدغزنوی آتکہ (میر شمس الدین) ۴۱۸،  
۵۴۳-۵۴۹  
محمدغوث (شیخ) ۵۴۴  
محمدغوث الدین شافعی مدراسی ۱۳۲  
محمدغوریانی (نور الدین) ۳۲۶  
محمدفاتح آل عثمان (سلطان ابو الفتح)  
۲۲۹، ۲۶۹-۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۶-  
۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۹-۷۹۹، ۸۰۱  
محمدفخری بن امیر امیری ہروی (سلطان)  
۲۵۱، ۲۷۷، ۳۷۶، ۴۳۸، ۴۵۰  
محمدفراہی (شرف الدین حاج) ۳۲۷  
محمدفرعانی (سیف الدین ابوالمحامد)  
۷۴۷  
محمدفضل اللہ ر. رشید الدین محمد فضل اللہ  
محمدفلزی ۶۲۰  
محمدفلکی سروانی (نجم الدین ابو النظام)  
۱۰۶  
محمدفوطہ سمرقندی (حاجی) ۳۳۷  
محمدفیضی اصفہانی (میر معز الدین) ۴۲۸،  
۶۸۷  
محمدقاسم اسیری ۶۴۹  
محمدقاسم بن حاج محمد سروری کاشانی

محمد قهستانی (مولانا شمس الدین) ۶۱۹	۳۹۷
محمد کاتب (حافظ حاجی) ۸۳۷، ۶۵۲	محمد قاسم بن عبد الله قاسمی (میرزا) ۴۱۰،
محمد کاتب (زین الدین) ۷	۵۰۸-۵۰۷، ۴۲۵
محمد کاتب بلخی (شمس الدین) ۹۵	محمد قاسم بن مظفر گنابادی (ملا مظفر)
محمد کازرونی (خواجہ) ۷۶۲	۸۰۷، ۳۸۵
محمد کازرونی صوفی (حاج نور الدین)	محمد قاسم خان میربحر ۵۳۰، ۵۵۳،
۳۳۶	۵۵۵
محمد کاشانی (قاضی) ۵۱۰	محمد قاسم زاری مشهدی ۶۵۱
محمد کاشغری ۲۸۶	محمد قاسم ساحری تونی ۶۷۲
محمد کاظم ظاہر اردبیلی ۷۰۱	محمد قاسم قاسم رازی (میر) ۶۵۶
محمد کامپوری (میر سید) ۱۹۶	محمد قاسم کسری کاشانی ۵۱۸
محمد کتف اندجانی (خواجہ) ۳۳۷	محمد قاسم مستوفی ۴۲۰
محمد کججج تبریزی (غیاث الدین) ۲۱۳،	محمد قاسم قاری بدخشانی (خواجہ) ۶۰۳-
۷۷۵، ۷۶۳، ۶۵۵	۶۶۵، ۶۰۴
محمد کجججی (غیاث الدین) ۲۱۳، ۶۵۵،	محمد قاضی (محمد بن برهان الدین سمر-
۷۷۵، ۷۶۳	قندی) ۸۱۷، ۴۰۷
محمد کورت (عزالدین ابوالحسین) ۷۶۱	محمد قاضی (مولانا) ۴۰۷، ۳۸۳، ۵۸۴،
محمد کورت (ملک غیاث الدین) ۱۷۹،	۷۷۸
۷۳۳، ۷۲۰، ۲۱۹	محمد قاضی (میر نظام الدین) ۸
محمد کرمانی (افضل الدین) ۴۶۳	محمد قایمی (مولانا جلال الدین) ۲۲۱
محمد کرمانی (امیر شمس الدین) ۴۳۴	محمد قہایمی ۲۲۶
محمد کسکنی (میر) ۵۰۳، ۸۳۰،	محمد قراختایی (قطب الدین) ۳۸۹، ۷۳۳،
محمد کلامی لاری (صدر الدین) ۶۴۵-	۷۴۹
۶۴۶	محمد قزوینی ۷
محمد کلانقر (میر شمس الدین) ۶۷۸	محمد قزوینی (حکیم شاه) ۳۳۷
محمد کنبو (شیخ) ۵۴۲	محمد قضاعی (ابو عبد الله) ۱۲۷
محمد کھین (ملک شمس الدین) ۲۱۹	محمد قطان غزنوی (ابو نصر) ۱۵۱
محمد کیا بن ناصر کیا ۲۶۰	محمد قلی تکلومیلی هروی (میرزا) ۴۲۱،
محمد کیا گرگانی (شمس المعالی) ۲۷۱	۸۲۰، ۴۵۸
محمد کیای دوم (سلطان) ۲۵۲	محمد قلی قطب شاه ۳۵۹، ۸۳۰،
محمد کیشی (شمس الدین) ۱۳۸، ۷۵۰،	محمد قلی ماهر اردبیلی ۷۰۳
محمد گرای ۴۹۰	محمد قلی منول حصاری ۳۶۱
محمد گرگانی سمرقندی (سید) ۲۷۹	محمد قمی (ملا) ۶۵۲
محمد گلندام ۲۰۵	محمد قمی متخلص بسطان (سلطان) ۵۲۸،
محمد گیسودراز (سید صدر الدین ابوالفتح	۶۱۳
محمد بن یوسف حسینی چشتی دهلوی)	محمد قناد (خواجہ) ۶۲۲
۷۵۴، ۷۲۵، ۷۲۲، ۴۰۶، ۱۹۶	محمد قنذہاری ۶
۷۶۸	محمد قوجانی (شیخ حاج) ۵۶۵، ۵۶۳،
محمد گیلانی (نور الدین) ۶۶۲	محمد قورچی (شاه) ۳۴۵



محمد منصور سرخسی (اعام) ۷۲۰  
 محمد متوکه نسفی (شمس الدین) ۹۵  
 محمد متوهر تومنی ۵۴۳، ۶۶۰  
 محمد موسی ده بیدی نقشبندی (خواجه)  
 ۳۶۳، ۴۷۲  
 محمد مولاکا خکی ۲۱۹  
 محمد مولوی بیستان (حاجی) ۶۶۰  
 محمد مؤمن بن میر علی حسینی استرابادی  
 (میر) ۵۰۲، ۸۳۰  
 محمد مؤمن بیک ۵۰۱  
 محمد مؤمن عرشی (میر) ۳۰۹  
 محمد مؤمن لنگه ۵۵۷  
 محمد مؤمن میرزا تیموری ۲۳۲، ۲۹۲،  
 ۳۴۷، ۳۷۷  
 محمد مهدی بن قاضی محمود حسینی (امیر)  
 ۶۲۸  
 محمد میان کالی (نجم الدین ابوالقاسم)  
 ۴۱۵  
 محمد میرزا (سلطان) ۳۳۳  
 محمد میرزا بن جهان شاه قراقویونلو ۷۹۴  
 محمد میرزا پسر شاه رخ گورکان (سلطان)  
 ۴۴۹  
 محمد میرک (نور الدین) ۶۱۵  
 محمد میرک صالح مشهدی ۵۸۰، ۸۳۶  
 محمد میرک صالحی هروی مشهدی ۴۲۲،  
 ۷۱۱، ۸۲۳  
 محمد میر یوسف (میر) ۳۴۷  
 محمد ناصر میرزا ناصری تیموری ۶۶۱  
 محمد نایب ۳۴۷  
 محمد نجفی (سید) ۵۵۷  
 محمد نسفی ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسفی (شهاب الدین) ۱۰۰  
 محمد نسفی (عزیز الدین) ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسوی ۷۲۶  
 محمد نصیری اردوبادی (قاضی) ۷۰۶  
 محمد نعمت آبادی ۳۴۷  
 محمد نقیب (شاه علاء الدین) ۳۴۹  
 محمد نقیب النقبای ری (شرف الدین) ۸۴  
 محمد نمکین هروی ۵۸۲

محمد لاهیجی (شیخ) ۳۲۲  
 محمد لطیفی (شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد مبارکشاه بن الاعز مگزی (سید شمس-  
 الدین) ۷۸  
 محمد مجلد خراسانی ۳۴۷  
 محمد مجلسی (میر شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد محروق ۶۰  
 محمد محقق خفری (شمس الدین) ۳۶۷،  
 ۳۸۵، ۸۳۸، ۸۴۱  
 محمد مخدوم قادری ۵۴۰  
 محمد مذهب کرمانی ۳۴۷  
 محمد مرادی بخارایی (ابوالحسین) ۲۱۸  
 محمد مرشدی زواره ای ۷۰۸  
 محمد مرخیتانی (درویش) ۵۸۴  
 محمد مسلمی (ابوالمعالی) ۷۲۸  
 محمد مزید طبیب ۶۲۰، ۶۲۲  
 محمد مشرف ۸۰۵  
 محمد مشک فروش شیرازی ۴۳۶  
 محمد معروف بنخواجه کلان ۵۷۷  
 محمد معروف بشیخ محمد حسن چشتی  
 ۱۹۶  
 محمد مصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی  
 بگری نامی ۳۵۸، ۸۰۲  
 محمد مصوم نامی (سید نظام الدین) ۳۵۸،  
 ۸۰۲  
 محمد عمایی (شمس الدین محمد بخاری)  
 ۳۳۳، ۵  
 محمد معین (سلطان) ۱۷۹  
 محمد معینی جوینی (خواجه معین الدین)  
 ۷۷۱  
 محمد مغربی (شیخ) ۲۰۹، ۲۸۱، ۴۳۵،  
 ۷۶۲-۷۶۳  
 محمد مفید مستوفی یزدی ۱۹۰  
 محمد مقیم مقیمی سبزواری ۵۵۴  
 محمد مکین ۳۹۴  
 محمد ملک السادات نیشابوری (صدر الدین)  
 ۹۵  
 محمد منشی (میر) ۶۳۱  
 محمد منشی اردوبادی (میرزا) ۳۹۹

-۴۵۳، ۴۱۶، ۴۱۲، ۲۸۲، ۲۵۹  
 ،۴۷۲، ۴۷۰ -۴۶۹، ۴۶۶، ۴۵۵  
 ،۵۵۰ -۵۴۹، ۵۴۴، ۴۷۶-۴۷۵  
 ،۵۶۰، ۵۵۷-۵۵۶، ۵۵۳-۵۵۲  
 -۶۰۷، ۵۷۱، ۵۶۷-۵۶۶، ۵۶۴  
 ،۶۳۵، ۶۳۰، ۶۱۳، ۶۱۱، ۶۰۸  
 ،۶۵۳، ۶۵۱ -۶۵۰، ۶۴۷، ۶۳۷  
 -۶۶۷، ۶۶۵، ۶۵۹-۶۵۷، ۶۵۵  
 ،۶۸۹، ۶۸۷، ۶۸۳، ۶۷۲، ۶۶۸  
 ،۸۰۲، ۷۷۶، ۷۵۹، ۷۵۴، ۷۰۸  
 -۸۳۳، ۸۲۹، ۸۰۹-۸۰۸، ۸۰۵  
 ۸۳۹، ۸۳۶، ۸۳۴  
 محمد هندال (میرزا ابو نصر) ۶۰۷، ۵۵۸  
 ۶۶۸  
 محمدی (خواجه) ۷۲  
 محمد یار سلطان ۶۳۱، ۸  
 محمدی بیک (خواجه) ۷۰۳  
 محمد یحیی (امام) ۷۴۹، ۱۴۹  
 محمد یحیی (خواجه) ۸۴۰، ۵۶۹  
 محمد یحیی بن سیدک فتاحی نیشابوری ۲۳۵  
 ۴۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰، ۳۳۵، ۲۹۹  
 محمد یحیی بن عبیدالله احرار ۷۷۸  
 محمدی خان کرد ۴۹۱  
 محمدیزدی (قوام الدین) ۷۸۱  
 محمد یوسف (امیر) ۵۵۸، ۳۴۷، ۳۲۶  
 محمد یوسف (میرزا) ۳۴۷  
 محمد یوسف بیک بن شاه بیک خان کابلی  
 ۸۳۴، ۵۵۴  
 محمد یوسف خان ۵۴۴  
 محمد یوسف خلقی (میر) ۵۳۴  
 محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی ۲۰۵  
 محمد یوسف کابلی ۸۳۴، ۵۵۴  
 محمد یوسف گدا ۲۱۶  
 محمد یوسف نیازی ۳۴۸  
 محمود (ابوالقاسم) ۷۵۶  
 محمود (برهان الشریعه) ۳۸۸، ۳۹۹  
 ۷۳۴، ۴۰۷، ۴۰۲  
 محمود (جمال الدین) ۳۸۹، ۳۴۷  
 محمود (سلطان) ۲۶۶

محمد نوربخش (سید) ۳۱۹-۳۱۸، ۲۷۴  
 ۸۱۲، ۷۸۸، ۴۰۰، ۳۲۶، ۳۲۲  
 محمد نوندا کی ۶۳۱  
 محمد نیشابوری (رضی الدین ابو جعفر) ۹۹  
 ۱۲۵  
 محمد نیشابوری (غیاث الدین) ۳۴۶  
 محمد وحشی بافقی (کمال الدین) ۴۳۴-  
 ،۵۱۵، ۵۰۰، ۴۵۸، ۴۳۸، ۴۳۵  
 ،۶۵۹، ۶۴۹، ۵۸۵، ۵۳۳، ۵۱۹  
 ،۸۲۲، ۷۰۸، ۶۹۶، ۶۹۴، ۶۸۲  
 ۸۳۰، ۸۲۵  
 محمد ورامینی (قاضی) ۴۴۱  
 محمد وزیر آذربایجان (میرزا) ۵۳۱  
 محمد وزیر خراسانی (خواجه) ۶۲۸  
 محمد وصالی تبریزی (سلطان) ۷۰۷  
 محمد وصالی رازی (قاضی) ۶۶۵  
 محمد ولی دشت بیاضی ولی ۵۰۸، ۴۵۸  
 ۸۲۷، ۶۶۰، ۶۵۶، ۵۸۸، ۵۸۰  
 محمد ولی سلطان (نواب) ۴۲۵  
 محمد هادی هادی پروجردی (میر) ۶۶۵  
 محمد هاشم (خواجه) ۵۶۹  
 محمد هاشم (مولانا) ۴۲۷  
 محمد هاشم سلطان ۵۹۷، ۵۸۳، ۵۷۷  
 محمد هاشم سمایی ۴۲۷  
 محمد هاشم شاه کرمانی (امیر ابو عبدالله  
 هاشمی) ۴۰۹  
 محمد هاشم محترم سمرقندی ۶۵۸  
 محمد هاشم مردمی (میر) ۴۹۹  
 محمد هاشم وافی ۴۲۷  
 محمد هاشمی اصفهانی (امیر شمس الدین)  
 ۶۴۷  
 محمد هروی (سلطان) ۳۴۵  
 محمد هروی (شاه) ۳۴۵  
 محمد هروی (غیاث الدین) ۳۴۶  
 محمد هروی (ملاحاج) ۳۴۷  
 محمد هروی (میر تقی الدین) ۶۷۳  
 محمد همام ۳۴۷  
 محمد همایون (نصیر الدین) ۱۹۵-۱۹۶،  
 ،۲۴۳، ۲۴۱ -۲۴۰، ۲۳۲، ۲۲۳

محمد منسور رسی (امام) ۷۲۰  
 محمد منوکه نسفی (شمس الدین) ۹۵  
 محمد منوهر توسنی ۵۴۳، ۶۶۰  
 محمد موسی ده بیدی نقشبندی (خواجہ)  
 ۲۶۳، ۲۷۲  
 محمد مولا کاخکی ۲۱۹  
 محمد مولوی میستانی (حاجی) ۶۶۰  
 محمد مؤمن بن میر علی حسینی استرآبادی  
 (میر) ۵۰۲، ۸۳۰  
 محمد مؤمن بیک ۵۰۱  
 محمد مؤمن عرشی (میر) ۴۰۹  
 محمد مؤمن لنگ ۵۵۷  
 محمد مؤمن میرزا تیموری ۲۲۲، ۲۹۳  
 ۳۳۷، ۳۷۷  
 محمد مهدی بن قاضی محمود حسینی (امیر)  
 ۶۲۸  
 محمد میان کالی (نجم الدین ابوالقاسم)  
 ۴۱۵  
 محمد میرزا (سلطان) ۳۲۳  
 محمد میرزا بن جهان شاہ قراقرق و نونو ۷۹۴  
 محمد میرزا پسر شاہ رخ گورکان (سلطان)  
 ۴۴۹  
 محمد میرک (نور الدین) ۶۱۵  
 محمد میرک صالح مشہدی ۵۸۰، ۸۳۶  
 محمد میرک صالحی ہروی مشہدی ۴۴۲  
 ۷۱۱، ۸۲۳  
 محمد میر یوسف (میر) ۳۴۷  
 محمد ناصر میرزا ناصری تیموری ۶۶۱  
 محمد نایینی ۳۴۷  
 محمد نجفی (سید) ۵۵۷  
 محمد نسفی ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسفی (شہاب الدین) ۱۰۰  
 محمد نسفی (عزیز الدین) ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسوی ۷۲۶  
 محمد نصیری اردو بادی (قاضی) ۷۰۶  
 محمد نعمت آبادی ۳۴۷  
 محمد نقیب (شاہ علاء الدین) ۴۴۹  
 محمد نقیب النقبای ری (شرف الدین) ۸۴  
 محمد نمکین ہروی ۵۸۲

محمد لاهیجی (شیخ) ۳۲۲  
 محمد لطیفی (شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد مبارک شاہ بن الاعز سگزی (سید شمس-  
 الدین) ۷۸  
 محمد مجلد خراسانی ۳۴۷  
 محمد مجلسی (میر شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد محروق ۶۰  
 محمد محقق خفزی (شمس الدین) ۳۶۷،  
 ۳۸۵، ۴۲۸، ۸۴۱  
 محمد مخدوم قادری ۵۴۰  
 محمد مذهب کرمانی ۳۴۷  
 محمد مرادی بخاراوی (ابوالحسین) ۲۱۸  
 محمد مرشدی زواری ۸۰۷  
 محمد مرغینانی (درویش) ۵۸۴  
 محمد مسلمی (ابوالصالی) ۷۲۸  
 ۶۲۰، ۶۲۲  
 مسرف ۸۰۵  
 محمد مشک فروش شیرازی ۴۳۶  
 محمد معروف بخواجہ کلان ۵۷۷  
 محمد معروف بشیخ محمد حسن چشتی  
 ۱۹۶  
 محمد معصوم بن سید صفای حسینی ترمذی  
 بکری نامی ۳۵۸، ۸۰۲  
 محمد معصوم نامی (سید نظام الدین) ۳۵۸،  
 ۸۰۳  
 محمد معیاری (شمس الدین محمد بخاری)  
 ۳۳۳، ۵  
 محمد معین (سلطان) ۱۷۹  
 محمد معینی جوینی (خواجہ معین الدین)  
 ۷۷۱  
 محمد مغربی (شیخ) ۲۰۹، ۲۸۱، ۲۳۵،  
 ۷۶۲-۷۶۳  
 محمد مفید مستوفی یزدی ۱۹۰  
 محمد مقیم مقیمی سبزواری ۵۵۳  
 محمد مکین ۳۹۴  
 محمد ملک السادات نیشابوری (صدر الدین)  
 ۹۵  
 محمد منشی (میر) ۶۳۱  
 محمد منشی اردو بادی (میرزا) ۴۹۹

۴۵۲، ۴۱۶، ۴۱۲، ۲۸۲، ۲۵۹ -  
 ۴۷۲، ۴۷۰ - ۴۶۹، ۴۶۶، ۴۵۵  
 ۵۵۰ - ۵۴۹، ۵۴۴، ۴۷۶ - ۴۷۵  
 ۵۶۰، ۵۵۷ - ۵۵۶، ۵۵۳ - ۵۵۲  
 ۶۰۷ - ۵۶۶، ۵۶۷ - ۵۷۱، ۵۶۴  
 ۶۳۵، ۶۳۰، ۶۱۳، ۶۱۱، ۶۰۸  
 ۶۵۳، ۶۵۱ - ۶۵۰، ۶۴۲، ۶۳۷  
 ۶۶۷، ۶۶۵، ۶۵۹ - ۶۵۷، ۶۵۵  
 ۶۸۹، ۶۸۷، ۶۸۳، ۶۷۳، ۶۶۸  
 ۸۰۲، ۷۷۶، ۷۵۹، ۷۵۴، ۷۰۸  
 ۸۲۳، ۸۲۹، ۸۰۹ - ۸۰۸، ۸۰۵  
 ۸۳۹، ۸۳۶، ۸۳۴  
 محمد هندال (میرزا ابو نصر) ۵۵۸، ۶۰۷،  
 ۶۶۸  
 محمدی (خواجہ) ۷۲  
 محمد یار سلطان ۸، ۶۳۱  
 محمدی بیک (خواجہ) ۷۰۳  
 محمد یحیی (امام) ۱۴۹، ۷۴۹  
 محمد یحیی (خواجہ) ۵۶۹، ۸۴۰  
 محمد یحیی بن سبکتگین قنوجی نیشاپوری ۲۳۵،  
 ۴۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰، ۳۳۵، ۲۹۹  
 محمد یحیی بن عبید اللہ احرار ۷۷۸  
 محمدی خان کرد ۴۹۱  
 محمد یزدی (قوام الدین) ۷۸۱  
 محمد یوسف (امیر) ۳۴۷، ۳۲۶، ۵۵۸  
 محمد یوسف (میرزا) ۳۴۷  
 محمد یوسف بیک بن شاه بیک خان کابلی  
 ۸۳۴، ۵۵۴  
 محمد یوسف خان ۵۴۳  
 محمد یوسف خلیفی (میر) ۵۳۴  
 محمد یوسف علی شاہ چشتی نظامی ۲۰۵  
 محمد یوسف کابلی ۵۵۴، ۸۳۴  
 محمد یوسف گدا ۲۱۶  
 محمد یوسف نیازی ۳۴۸  
 محمود (ابوالقاسم) ۷۵۶  
 محمود (برهان الشریعہ) ۳۸۸، ۴۹۹  
 ۷۳۴، ۴۰۷، ۴۰۲  
 محمود (جمال الدین) ۳۴۷، ۳۸۹  
 محمود (سلطان) ۲۶۶

محمد نور بخش (سید) ۲۷۴، ۳۱۸ - ۳۱۹،  
 ۸۱۲، ۷۸۸، ۴۰۰، ۳۲۶، ۳۲۲  
 محمد نوادا کی ۶۳۱  
 محمد نیشاپوری (رضی الدین ابو جعفر) ۹۹  
 ۱۲۵  
 محمد نیشاپوری (غیاث الدین) ۳۴۶  
 محمد وحشی باققی (کمال الدین) ۴۳۴ -  
 ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵  
 ۶۵۹، ۶۴۹، ۵۸۵، ۵۳۳، ۵۱۹  
 ۸۲۲، ۷۰۸، ۶۹۶، ۶۹۳، ۶۸۲  
 ۸۳۰، ۸۲۵  
 محمد ورامینی (قاضی) ۴۴۱  
 محمد وزیر آذربایجان (میرزا) ۵۳۱  
 محمد وزیر خراسانی (خواجہ) ۶۲۸  
 محمد وصالی تبریزی (سلطان) ۷۰۷  
 محمد وصالی رازی (قاضی) ۶۶۵  
 محمد ولی دشت بیاضی ولی ۴۵۸، ۵۰۸،  
 ۸۲۷، ۶۶۰، ۶۵۶، ۵۸۸، ۵۸۰  
 محمد ولی سلطان (نواب) ۴۳۵  
 محمد هادی هادی بروجردی (میر) ۶۶۵  
 محمد هاشم (خواجہ) ۵۶۹  
 محمد هاشم (مولانا) ۴۲۷  
 محمد هاشم سلطان ۵۷۷، ۵۸۳، ۵۹۷  
 محمد هاشم سمایی ۴۲۷  
 محمد هاشم شاه کرمانی (امیر ابو عبدالله  
 هاشمی) ۴۰۹  
 محمد هاشم محترم سمرقندی ۶۵۸  
 محمد هاشم مردعی (میر) ۴۹۹  
 محمد هاشم وافی ۴۲۷  
 محمد هاشمی اصفهانی (امیر شمس الدین)  
 ۶۴۷  
 محمد هروی (سلطان) ۳۴۵  
 محمد هروی (شاه) ۳۴۵  
 محمد هروی (غیاث الدین) ۳۴۶  
 محمد هروی (ملاحاج) ۳۴۷  
 محمد هروی (میر تقی الدین) ۶۷۳  
 محمد همام ۳۴۷  
 محمد هما یون (نصیر الدین) ۱۹۵ - ۱۹۶،  
 ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۴۰ - ۲۴۱، ۲۴۳

- محمود (سید) ۱۷۹  
 محمود (شیخ جلال الدین) ۳۷۳  
 محمود (عماد) ۱۷۸  
 محمود (فخر الدین رئیس) ۲۲۶  
 محمود (قاضی) ۶۲۲  
 محمود (ملک سلطان) ۴۶۵، ۴۴۷  
 محمود (مولانا شیخ) ۳۴۱  
 محمود (نجم الدین) ۲۱۳  
 محمود ازبک ۶۷۹  
 محمود اسکویی (امیر قمر الدین) ۷۰۳  
 محمود اشنوی یا اشنوی (تاج الدین) ۲۸۱، ۷۴۳، ۷۴۹  
 محمود اصفهانی (زین الدین) ۶۷۷  
 محمود اصفهانی (شیخ) ۶۲۹  
 محمود اصفهانی (میر شجاع الدین) ۵۰۲  
 محمود اصفهانی (سیف الدین) ۵۰۰، ۸۳۰  
 محمود الوراق ۷۱۴  
 محمود اردھی (نصیر الدین چراغ دہلی) ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴-۷۵۶، ۷۵۹  
 محمود ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان شام) ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱  
 محمود بتکچی (سلطان) ۳۴۵  
 محمود بخاری (سلطان) ۷۷۲  
 محمود بزمه نیشابوری (خواجہ) ۳۰۶  
 محمود بساخوانی ۳۲۴، ۵۲۰، ۷۸۴-۷۸۵  
 محمود سپیخانی ۷۸۵  
 محمود بفرخان (خاقان کمال الدین) ۸۱  
 محمود بلخی (شمس الدین) ۹۵  
 محمود بن ابراهیم غزنوی (سیف الدولہ) ۴۳  
 محمود بن ابوبکر ارموی (سراج الدین) ۱۵۰  
 محمود بن ابوبکر حسین بن جعفر فراہی (ابونصر) ۲۷۵، ۹۰  
 محمود بن ابوبکر سمرقندی گورمیری (جلال الدین) ۱۵۵  
 محمود بن احمد جام (صقی الدین یا اصیل-  
 الدین) ۷۲۰  
 محمود بن احمد نیشابوری (امام بیان الحق) ۷۲۸  
 محمود بن اسحق سیاوشانی شہابی ۴۶۴، ۴۷۶  
 محمود بن الحسن بغدادی (ابوالحسن) ۷۱۴  
 محمود بن الیاس شیرازی (نجم الدین) ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰  
 محمود بن امیر احمد قاری یزدی (نظام-الدین) ۲۲۰  
 محمود بن امیرخوند میر (میر) ۲۴۱، ۳۵۸  
 محمود بن امیر مبارز الدین (شاه) ۱۸۴، ۲۰۸  
 محمود بن امیر یمین الدین طفرای فریومدی ابن یمین (فخر الدین) ۲۰۰-۲۰۱، ۲۲۶، ۷۶۱  
 محمود بن بشار ہروی (فرید الدین) ۹۵  
 محمود بن پیر کرد بن امیر شروانی ۳۳۷  
 محمود بن جمال الدین وزیر اصفہانی ۷۶۰  
 محمود بن حامدی ۷۹۲  
 محمود بن حسن بغدادی (ابوالحسن) ۷۱۴  
 محمود بن حسن بن محمد فرکوی قادری ۷۱۸  
 محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی شاہ داعی (نظام السیدین) ۱۶۹، ۲۳۵، ۲۸۲، ۷۴۲، ۳۱۱  
 محمود بن حسن وراق ۷۱۲، ۳-۷۱۴  
 محمود بن حسن وراق نیشابوری (ابوالحسن) ۷۱۴  
 محمود بن خلیفہ (سراج الدین) ۷۲۱  
 محمود بن خواجگی خضر بن عبید اللہ احرار (خواجہ عبدالشہید خاوند) ۶۳۷، ۷۸۲  
 محمود بن خوند (میر) ۳۵۸، ۲۴۱  
 محمود بن رشید الدین فضل اللہ (رکن-  
 محمود (سید) ۱۷۹  
 محمود (شیخ جلال الدین) ۳۷۳  
 محمود (عماد) ۱۷۸  
 محمود (فخر الدین رئیس) ۲۲۶  
 محمود (قاضی) ۶۲۲  
 محمود (ملک سلطان) ۴۶۵، ۴۴۷  
 محمود (مولانا شیخ) ۳۴۱  
 محمود (نجم الدین) ۲۱۳  
 محمود ازبک ۶۷۹  
 محمود اسکویی (امیر قمر الدین) ۷۰۳  
 محمود اشنوی یا اشنوی (تاج الدین) ۲۸۱، ۷۴۳، ۷۴۹  
 محمود اصفهانی (زین الدین) ۶۷۷  
 محمود اصفهانی (شیخ) ۶۲۹  
 محمود اصفهانی (میر شجاع الدین) ۵۰۲  
 محمود اصفهانی (سیف الدین) ۵۰۰، ۸۳۰  
 محمود الوراق ۷۱۴  
 محمود اردھی (نصیر الدین چراغ دہلی) ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴-۷۵۶، ۷۵۹  
 محمود ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان شام) ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱  
 محمود بتکچی (سلطان) ۳۴۵  
 محمود بخاری (سلطان) ۷۷۲  
 محمود بزمه نیشابوری (خواجہ) ۳۰۶  
 محمود بساخوانی ۳۲۴، ۵۲۰، ۷۸۴-۷۸۵  
 محمود سپیخانی ۷۸۵  
 محمود بفرخان (خاقان کمال الدین) ۸۱  
 محمود بلخی (شمس الدین) ۹۵  
 محمود بن ابراهیم غزنوی (سیف الدولہ) ۴۳  
 محمود بن ابوبکر ارموی (سراج الدین) ۱۵۰  
 محمود بن ابوبکر حسین بن جعفر فراہی (ابونصر) ۲۷۵، ۹۰  
 محمود بن ابوبکر سمرقندی گورمیری (جلال الدین) ۱۵۵  
 محمود بن احمد جام (صقی الدین یا اصیل-

محمود بن علي بن عماد الدين هجدواني  
(كمال الدين) ۴۰۰

محمود بن علي بن محمود مستر شدي خواجه  
كرماني (كمال الدين ابوالعطا) ۴  
۱۹۹-۲۰۰، ۲۰۸، ۲۶۰

محمود بن علي جهرمي (شمس الدين) ۲۸۳  
محمود بن علي حسني گلستانه (سيد) ۲۱۷،  
۷۶۵

محمود بن علي كاشاني نظنزي (عزالدين)  
۱۹۲، ۱۴۲

محمود بن عمر بن محمود بن منصور سگزي  
ربنجنی (قاضي) ۴

محمود بن عمر جوهری زرگر هروی (ابو-  
المحامد) ۳۶

محمود بن عمر نجاتي نيشابوري (حميد-  
الدين) ۷۵۵

محمود بن قوام قاضي رالشتاني ۲۷۲

محمود بن محمد بن عبدالله (حكيم) ۷۸۲

محمود بن محمد بن قوام اردستاني ۲۷۱

محمود بن محمد بن ملكشاه ۹۶، ۷۱۷،  
۷۲۶-۷۲۷

محمود بن محمد جنيد ۲۱۵

محمود بن محمد چغميني ۶۶۳، ۶۹۱،  
۸۰۷، ۷۸۲

محمود بن محمد حيدر گورکن ۳۸۰

محمود بن محمد دلشاد شرواني ۲۷۳

محمود بن محمد دهنار عياني شيرازي  
(معين الدين ابو محمد) ۳۹۷، ۶۵۶،  
۸۳۷، ۸۰۷، ۷۰۹

محمود بن محمد قاضي زاده رومسي مریم  
چلبی ۳۸۸، ۲۸۱

محمود بن محمد گيلاني غاوان يا قاوان يا  
كاوان (خواجه عماد الدين) ۲۵۹،  
۳۳۰، ۷۸۴، ۷۷۶، ۷۸۹، ۷۹۵،  
۷۹۸

محمود بن محمد مير ۲۷۱

محمود بن محمد هروی (زين الدين) ۱۹۴  
محمود بن محمود بن علي گلستانه ۲۱۷،

هجواني (امير سيف الدين)

۱۸۴

محمود بن شمس الدين التتمش (ناصر الدين)  
۷۳۰

محمود بن شمس الدين شاه علي بن شاهزاده  
(قطب الدين) ۱۹۵

محمود بن شيخ محمد گيلاني (خواجه  
عماد الدين غاوان يا قاوان يا كاوان)  
۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹،  
۷۹۸، ۷۹۵

محمود بن صاين الدين الياس بن ستر ناريك  
شيرازي (نجم الدين صاين الاسلام)  
۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳

محمود بن صاين الدين الياس طيب شيرازي  
(نجم الدين) ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰

محمود بن صدر الشريه عبيدالله محوي  
حنفي ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۷،  
۷۳۴

محمود بن ضياء الدين محمد ۲۵۸

محمود بن ضياء الدين محمد كرماني  
(خواجه افضل الدين) ۳۰۸-۳۰۷

محمود بن ضياء الدين مسعود بن مصلح  
كازروني شيرازي (علامه قطب الدين)  
۱۴۷، ۳۸۹، ۷۳۲، ۷۴۵

محمود بن عبدالجليل واصفي تاشكندی  
هروی (زين الدين) ۲۵۳، ۳۴۸،  
۵۵۹-۵۷۸، ۵۶۰

محمود بن عبدالكريم شستري (سعد الدين  
يا نجم الدين) ۱۶۹، ۳۴۱، ۷۴۲

محمود بن عبدالله فرغاني (شرف الدين)  
۱۹۵

محمود بن عبدالله مرقسي (شرف الدين)  
۴

محمود بن عبدالملك بن ابوتوپه مروزي  
خوارزمي (تصير الدين ابوالقاسم)  
۱۳۰، ۸۸

محمود بن عثمان ۷۵۹

محمود بن عثمان لامعي برسوي ۳۸۹-

محمود (سید) ۱۷۹	الدین) ۷۲۰
محمود (شیخ جلال الدین) ۳۷۳	محمود بن احمد نیشابوری (امام بیان الحق) ۷۲۸
محمود (عماد) ۱۷۸	محمود بن اسحق سیاوشانی شهابی ۴۶۴
محمود (فخر الدین رئیس) ۲۲۶	۴۷۶
محمود (قاضی) ۶۲۲	محمود بن الحسن بغدادی (ابوالحسن) ۷۱۴
محمود (ملک سلطان) ۴۶۵، ۴۴۷	محمود بن الیاس شیرازی (نجم الدین) ۱۹۰، ۱۹۳
محمود (مولانا شیخ) ۳۴۱	۳۰۰، ۱۹۳
محمود (نجم الدین) ۲۱۳	محمود بن امیر احمد قاری یزدی (نظام - الدین) ۳۲۰
محمود ازبک ۶۷۹	محمود بن امیر خوند میر (میر) ۲۴۱، ۳۵۸
محمود اسکویی (امیر قمر الدین) ۷۰۳	محمود بن امیر مبارز الدین (شاه) ۱۸۴، ۲۰۸
محمود اشنوی یا اشنهوی (تاج الدین) ۲۸۱، ۷۴۳، ۷۴۹	محمود بن امیر بعین الدین طغرائی فریومدی ابن بعین (فخر الدین) ۲۰۰-۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۱
محمود اصفهانی (زین الدین) ۶۷۷	محمود بن بشار هروی (فرید الدین) ۹۵
محمود اصفهانی (شیخ) ۶۲۹	محمود بن پیر کرد بن امیر شروانی ۳۳۷
محمود اصفهانی (میر شجاع الدین) ۵۰۲	محمود بن جمال الدین وزیر اصفهانی ۷۶۰
محمود اصفهانی (سیف الدین) ۵۰۰، ۸۳۱	محمود بن حامدی ۷۹۳
محمود الوراق ۷۱۴	محمود بن حسن بغدادی (ابوالحسن) ۷۱۴
محمود اودهی (نصیر الدین چراغ دهلی) ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴-۷۵۶	محمود بن حسن بن محمد فرکوی قادری ۷۱۸
محمود ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان شاه) ۷۵۹، ۷۵۶	محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی شاه داعی (نظام السیدین) ۱۶۹، ۲۳۵، ۲۸۲، ۲۴۲، ۳۱۱
محمود ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان شاه) ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱	محمود بن حسن ذراق ۲۰۳-۲۱۴
محمود بتکچی (سلطان) ۳۴۵	محمود بن حسن ذراق نمشاپوری (ابوالحسن) ۷۱۴
محمود بخاری (سلطان) ۷۷۲	محمود بن خلیفه (سراج الدین) ۷۲۱
محمود برسه نیشابوری (خواجه) ۳۰۶	محمود بن خواجگی خضر بن عبید الله احرار (خواجه عبدالشہید خاوند) ۶۳۷، ۷۸۲
محمود بساخوانی ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-	محمود بن خوند (میر) ۲۴۱، ۳۵۸
۷۸۵ ر. محمود پسیخان	محمود بن رشید الدین فضل الله (رکن -
محمود بشرخان (خاقان کمال الدین) ۸۱	
محمود بلخی (شمس الدین) ۹۵	
محمود بن ابراهیم غزنوی (سیف الدوله ابوالقاسم) ۴۳	
محمود بن ابوبکر ارموی (سراج الدین ابوالفتایا) ۱۵۰	
محمود بن ابوبکر حسین بن جعفر فراہی (ابونصر) ۲۷۵، ۹۰	
محمود بن ابوبکر سمرقندی گورمیری (جلال الدین) ۱۵۵	
محمود بن احمد جام (صفی الدین یا اصل -	

محمود بن علي بن عماد الدين غجدواني  
(كمال الدين) ۴۰۰

محمود بن علي بن محمود مسترشدی خواجو  
کرمانی (كمال الدين ابوالعطا) ۴،  
۱۹۹-۲۰۰، ۲۰۸، ۲۶۰

محمود بن علي جهرمي (شمس الدين) ۲۸۳  
محمود بن علي حسنی گلستانه (سید) ۲۱۷،  
۲۶۵

محمود بن علي کاشانی نطنزی (عزالدين)  
۱۹۲، ۱۴۲

رسکزی  
رینجینی (قاضی) ۴

محمود بن عمر جوهری زدرگرهروی (ابو-  
المحامد) ۳۶

محمود بن عمر نجائی نیشاپوری (حمید-  
الدين) ۷۵۵

محمود بن قوام قاضی وائلستانی ۲۷۲

محمود بن محمد بن عبدالله (حکیم) ۷۸۲

محمود بن محمد بن قوام اردستانی ۲۷۱

محمود بن محمد بن ملکشاہ ۹۶، ۷۱۷،  
۷۲۶-۷۲۷

محمود بن محمد چنمنی ۶۶۳، ۶۹۱،  
۸۰۷، ۷۸۳

محمود بن محمد حیدر گورکن ۳۸۰

محمود بن محمد دلشاد شروانی ۲۷۳

محمود بن محمد دهدار عیانی شیرازی  
(معین الدين ابو محمد) ۳۹۷، ۶۵۶،  
۸۳۷، ۸۰۷، ۷۰۹

محمود بن محمد قاضی زاده رومی مریم  
چلبی ۲۸۸، ۲۸۱

محمود بن محمد گیلانی فاوان یا فاوان یا  
کاوان (خواجہ عماد الدين) ۲۵۹،  
۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹، ۷۹۵،  
۷۹۸

محمود بن محمد میرم ۲۷۱

محمود بن محمد نهروی (زین الدين) ۱۹۴

علی گلستانه ۲۱۷،

سجوانی (امیر سیف الدين)

۱۸۴

محمود بن شمس الدين التتمش (ناصر الدين)  
۷۳۰

محمود بن شمس الدين شام علی بن شاهزاده  
(قطب الدين) ۱۹۵

محمود بن شیخ محمد گیلانی (خواجہ  
عماد الدين فاوان یا فاوان یا کاوان)  
۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹،  
۷۹۸، ۷۹۵

محمود بن صاین الدين الیاس بن متر باریک  
شیرازی (تجم الدين صاین الاسلام)  
۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳

محمود بن صاین الدين الیاس طیب شیرازی  
(تجم الدين) ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰

محمود بن صدر الشریعہ عبیدالله محمودی  
حنفی ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۲،  
۷۳۴

محمود بن ضیاء الدين محمد ۲۵۸

محمود بن ضیاء الدين محمد کرمانی  
(خواجہ افضل الدين) ۳۰۸-۳۰۷

محمود بن ضیاء الدين مسعود بن مصلح  
کازرونی شیرازی (علامه قطب الدين)  
۱۴۷، ۳۸۹، ۷۳۲، ۷۴۵

محمود بن عبدالجلیل واصفی تاشکندی  
هروی (زین الدين) ۲۵۳، ۳۴۸،  
۵۵۹-۵۶۰، ۵۷۸

محمود بن عبدالکریم شستری (سعد الدين)  
یا نجم الدين) ۱۶۹، ۳۴۱، ۷۴۲

محمود بن عبدالله فرغانی (شرف الدين)  
۱۹۵

محمود بن عبدالله مرقسی (شرف الدين)  
۴

محمود بن عبدالملک بن ابوتوبه مروزی  
خوارزمی (تصیر الدين ابوالقاسم)  
۸۸، ۱۳۰

محمود بن عثمان ۲۵۹

محمود بن عثمان لامعی برسوی ۳۸۹-



۷۵۰-۷۴۹، ۷۴۳، ۲۸۱  
 محمود حفظی تبریزی (حاج) ۶۹۶  
 محمود حیدر ۴۵۰  
 محمود خان ۷۱۹  
 محمود خان (سلطان) ۵۰۱  
 محمود خان بن خان احمد خان ۳۸۷  
 محمود خان بن مظفر (سلطان) ۶۸۹  
 محمود خان دوغلات ۶۸۱  
 محمود خان والی دیار بکر (سلطان) ۴۱۰  
 محمود خجندی (جمال الدین) ۱۰۲  
 محمود خردی ۵۱۶  
 محمود خطاط ۱۸۱  
 محمود خطاط (خواجہ) ۶۵۹  
 محمود خوشنویس (زین الدین) ۴۶۴  
 محمود دوم بھمنی (سلطان) ۲۴۱  
 محمود دھدار شیرازی (معین الدین ابو-  
 محمد محمود بن محمد بیانی) ۳۹۷،  
 ۸۳۷، ۸۰۷، ۷۴۲، ۷۰۹، ۶۵۶  
 محمود رفیقی مشہدی (کمال الدین) ۳۳۳،  
 ۸۱۶  
 محمود رھی مشہدی (شاہ) ۵۲۶  
 محمود رنگی ۳۴۷  
 محمود رنگی عجم قلندر کرمانی (چارل-  
 الدین) ۷۷۰  
 محمود سبزواری ۳۴۷  
 محمود سر بنداری امیر ۴  
 محمود ساچوقی ۱۱۹  
 محمود سلطان ۳۱۰  
 محمود سلطان بن جانی بیک ۶۷۹-۶۸۰  
 محمود سلطان بن شاہ بوداق سلطان بن  
 ابوالخیر خان بن دولت شیخ اغلق بن  
 ابراہیم بن یولاد بن منگو تیمور بن  
 بداکول بن چوچی بنا بہادر بن شیبان  
 ابن چوچی بن چنگیز ۴۸۶  
 محمود سنجانی خوافی (شاہ رکن الدین)  
 ۷۲۴، ۲۱۷  
 محمود سیاقی ہروی (میرزا) ۵۹۸-۵۹۹  
 محمود سیستانی (شاہ) ۷۷۸  
 محمود شاہ ۸۰۵

۷۶۵  
 محمود بن مسعود شیرازی (عماد الدین)  
 ۳۹۹  
 محمود بن مظفر بن ابوتوبہ (نصیر الدین  
 ابوالقاسم) ۱۳۰، ۸۸  
 محمود بن مظفر بن عبدالملک بن ابوتوبہ  
 مروزی خوارزمی (نصیر الدین  
 ابوالقاسم) ۱۳۰، ۸۸  
 محمود بن ملکشاہ (ناصر الدین) ۸۰  
 محمود بن ملک نصیر الدین (رکن الدین)  
 ۱۵۷  
 محمود بن ہدایۃ اللہ افوشہای نطنزی  
 ۳۵۸  
 محمود بن یحیی بن عبداللطیف اودھی  
 چراغ دہلی (نصیر الدین) ۱۹۵-  
 ۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۶-۷۵۶،  
 ۷۵۹  
 محمود بن یمین الدین فریومندی ابن یمین  
 (فخر الدین) ۲۰۰، ۲۰۱-۲۲۶،  
 ۷۶۱  
 محمود بوزجانی (تاج الدین) ۷۲۱  
 محمود بیک بن عبداللہ فونئی تبریزی ۵۱۴،  
 ۸۳۲، ۵۳۲  
 محمود بیک سالم ۵۰۵  
 محمود بیک ظریفی ساوجی ۵۳۶  
 محمود پادشاہ سمرقند (سلطان) ۲۴۰  
 محمود پاشا عہدتی ۸۰۱-۸۰۲  
 محمود پیر لاس ۳۴۷  
 محمود پیسخانی ۲۲۴، ۵۲۰، ۷۸۴-۷۸۵  
 محمود بساخوانی  
 محمود بیارو گجراتی (ملک) ۵۴۱  
 محمود تبریزی (ملک) ۲۲۴، ۲۴۹  
 محمود تربتی ۳۴۷  
 محمود تربتی (سلطان) ۶۹۴  
 محمود جان (شاہ) ۳۴۵  
 محمود جوہری مستوفی (حمید الدین)  
 ۹۹  
 محمود چلبی ۸۱۱  
 محمود حداد اشنوی یا اشہی (تاج الدین)

۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹	محمود شاه (ابوالمظفر) ۳۹۸
۷۹۸، ۷۹۵	محمود شاه (جلال الدین) ۱۸۰
محمود قتالی خوارزمی پوربای ولی (پهلوان)	محمود شاه (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۷۵
۷۷۰	۲۲۲
محمود قمری نظام اصفهانی (نظام الدین)	محمود شاه آل مظفر ۷۵۲
۱۷۲	محمود شاه اول بایقرا ۲۵۴
محمود کابلی (ضیاء الدین) ۹۵	محمود شاه بن احمد شاه بن مظفر شاه
محمود کاتب هروی ۳۴۷	۲۳۲
محمود کاخکی قهستانی ۳۴۷	محمود شاه بن علاء الدین حسن کانکوی بهمنی
محمود کاوان یا قاوران یا غوان (عماد الدین)	۷۶۸، ۷۶۲-۷۶۱
۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹	محمود شاه بهمنی (سلطان) ۶۴۶
۷۹۸، ۷۹۵	محمود شاه بهمنی (شهاب الدین) ۷۹۸
محمود کتبی یا گیتی ۱۸۵، ۲۵۷	محمود شاه بیگار ۷۷۴
محمود کرمانی (حاج) ۲۲۵	محمود شاه دوم (ناصر الدین) ۱۳۵، ۱۷۵
محمود کوتوال ۲۲۳	۲۲۲
محمود گلستانه ۲۱۷، ۲۶۵	محمود شاه گجراتی ۲۴۲، ۷۷۴
محمود گیتی یا کتبی ۱۸۵، ۲۵۷	محمود شبستری ۱۶۹، ۲۰۱، ۲۰۲-۲۰۵، ۲۰۲
محمود گیلانی ۶۵۹	۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲، ۷۵۲
محمود لنگرودی ۳۴۷	۷۵۵-۷۷۲
محمود محوی منشی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱	محمود شمس (امیر سیف الدین) ۱۷۰
محمود محوی هندوستانی (میر) ۶۸۹	محمود شیرازی (خواجہ جلال الدین)
محمود مخلص نیشابوری (شاه) ۶۵۹	۴۳۹
محمود مذهب (نجم الدین) ۲۱۵	محمود شیرین مغربی (شمس الدین) ۲۰۹
محمود مرشد میر جان اسقرغایادی (جلال)	محمود طاهر غزالی (نظام) ۷۵۵
الدین) ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹	محمود طبیب (سلطان) ۶۳۳
محمود مرشدی ۶۵۹	محمود طهرانی (شاه) ۳۴۵
محمود مزدقانی ۷۵۳	محمود عارفی هروی ۲۰۲-۳۰۳
محمود مشکی تبریزی ۳۴۷، ۷۰۵	محمود عشقی کاشانی (عز الدین) ۴۴۳، ۴۷۰
محمود مظفر بن عبدالملک بن ابوتوبه	۸۲۹
(نصیر الدین ابوالقاسم) ۸۸، ۱۳۰	محمود عطار ۷۶۱
محمود معنی ۶۶۱	محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۲-۴۱، ۴۴-
محمود ملقب بمیرزا کامران (شیخ) ۴۶۹	۴۵، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۷۲، ۷۵، ۱۲۹
محمود منشی محوی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱	۱۳۵، ۱۵۶، ۳۵۱، ۴۱۹، ۷۱۵
محمود منور ۱۸۱	۷۲۶، ۷۴۶
محمود میرزا (سلطان) ۳۴۵، ۴۵۵	محمود ذوان یا قاوران یا کاوان (عماد الدین)
محمود میرزا تیموری (سلطان) ۲۳۲	۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود میرزا کامران (شیخ) ۴۶۹	۷۹۵-۷۹۸
محمود نجفی (مولانا کمال الدین میر)	محمود قاضی (شمس الدین صابن) ۲۲۶
۶۳۴	محمود قاوران یا غوان یا کاوان (عماد الدین)

۷۴۹، ۷۴۳، ۲۸۱ - ۷۵۰	۷۶۵
محمود حنفی تبریزی (حاج) ۶۹۶	محمود بن مسعود شیرازی (عمادالدین)
محمود حینر ۳۵۰	۳۹۹
محمود خان ۷۱۹	محمود بن مظفر بن ابوتوبه (نصیرالدین)
محمود خان (سلطان) ۵۰۱	ابوالقاسم ۱۳۰، ۸۸
محمود خان بن خان احمد خان ۳۸۷	محمود بن مظفر بن عبدالمملک بن ابوتوبه
محمود خان بن مظفر (سلطان) ۶۸۹	مروزی خوارزمی (نصیرالدین)
محمود خان دوغلات ۶۸۱	ابوالقاسم ۱۳۰، ۸۸
محمود خان والی دیار بکر (سلطان) ۴۱۰	محمود بن ملکشاہ (ناصرالدین) ۸۰
محمود خجندی (جمالالدین) ۱۰۲	محمود بن ملک نصیرالدین (رکنالدین)
محمود خرده بی ۵۱۶	۱۵۷
محمود خطاط ۱۸۱	محمود بن هدایة الله افوشه ای نطنزی
محمود خطاط (خواجہ) ۶۵۹	۳۵۸
محمود خوشنویس (زینالدین) ۴۶۴	محمود بن یحیی بن عبداللطیف اودهی
محمود دوم بهمنی (سلطان) ۲۴۱	چراغ دهلی (نصیرالدین) ۱۹۵ -
محمود دهن دار شیرازی (عمینالدین ابو -	۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴ - ۷۵۶،
محمد محمود بن محمد عیانی) ۳۹۷،	۷۵۹
۸۲۷، ۸۰۷، ۷۴۲، ۷۰۹، ۶۵۶	محمود بن یمین الدین فریومندی ابن یمین
محمود رفیقی مشہدی (کمالالدین) ۳۳۳،	(فخرالدین) ۲۰۰، ۲۰۱ - ۲۲۶،
۸۱۶	۷۶۱
محمود رهی مشہدی (شاه) ۵۲۶	محمود بوزجانی (تاجالدین) ۷۲۱
محمود زنگی ۲۴۷	محمود بیک بن عبداللہ فسوئی تبریزی ۵۱۴،
محمود زنگی عجم قلندر کرمانی (چارل -	۸۳۲، ۵۳۲
الدین) ۷۷۰	محمود بیک سالم ۵۰۵
محمود سبزواری ۳۴۷	محمود بیک ظریفی سارجی ۵۳۶
محمود سر بنداری (امیر) ۴	محمود پادشاہ سمرقند (سلطان) ۲۴۰
محمود سلجوقی ۱۱۹	محمود پادشاہ عدنی ۸۰۱ - ۸۰۲
محمود سلطان ۳۱۰	محمود پیرلاس ۳۴۷
محمود سلطان بن جانی بیک ۶۷۹ - ۶۸۰	محمود پیسخانی ۴۲۳، ۵۳۰، ۷۸۴ - ۷۸۵
محمود سلطان بن شاہ بوداق سلطان بن	ر. محمود بساخوانی
ابوالخیر خان بن دولت شیخ اغلقی بن	محمود بیارو گجراتی (ملک) ۵۴۱
ابراہیم بن پولاد بن منگو تیمور بن	محمود تبریزی (ملک) ۲۲۴، ۷۴۹
بداکول بن چوچی بنا بہادر بن شیبان	محمود تربتی ۳۴۷
ابن چوچی بن چنگیز ۴۸۶	محمود تربتی (سلطان) ۶۹۴
محمود سنجانی خوافی (شاه رکنالدین)	محمود جان (شاه) ۳۴۵
۷۲۳، ۲۱۷	محمود جوہری مستوفی (حمیدالدین)
محمود سیاقی ہروی (میرزا) ۵۹۸ - ۵۹۹	۹۹
محمود سیستانی (شاه) ۷۷۸	محمود چلبی ۸۱۱
محمود شاہ ۸۰۵	محمود حداد اشنوی یا اشہی (تاجالدین)

محمود شاه (ابوالمظفر) ۳۹۸	۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود شاه (جلال الدین) ۱۸۰	۷۹۸، ۷۹۵
محمود شاه (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۲۵	محمود قتالی خوارزمی پوربای وای (پهلوان) ۷۷۰
۲۲۲	محمود قمری نظام اصفهانی (نظام الدین) ۱۷۲
محمود شاه آل مظفر ۷۵۲	محمود کابلی (ضیاء الدین) ۹۵
محمود شاه اول بایقر ۲۵۴	محمود کاتب هروی ۳۴۷
محمود شاه بن احمد شاه بن مظفر شاه ۲۴۲	محمود کاخکی قهستانی ۳۳۷
محمود شاه بن علاء الدین حسن کافکوی بهمنی ۷۶۸، ۷۶۲-۷۶۱	محمود کاروان یا قاروان یا غوان (عماد الدین) ۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود شاه بهمنی (سلطان) ۶۴۶	۷۹۸، ۷۹۵
محمود شاه بهمنی (شهاب الدین) ۷۹۸	محمود کتبی یا کیتی ۱۸۵، ۲۵۷
محمود شاه بیگار ۷۷۴	محمود کرمانی (حاج) ۲۲۵
محمود شاه دوم (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۳۵	محمود کوتوال ۲۲۴
۲۲۲	محمود گلستانه ۲۱۷، ۲۶۵
محمود شاه گجراتی ۷۷۴، ۲۴۲	محمود گیتی یا کیتی ۱۸۵، ۲۵۷
۲۰۵، ۲۰۲-۲۰۱، ۱۱	محمود گیلاتی ۶۵۹
۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲، ۷۵۲	محمود لنگرودی ۳۴۷
۷۷۲، ۷۵۶-۷۵۵	محمود محوی منشی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱
محمود شمسی (امیر سیف الدین) ۱۷۰	محمود محوی هندوستانی (میر) ۶۸۹
محمود شیرازی (خواجہ جلال الدین) ۴۳۹	محمود مخلص نیشابوری (شاه) ۶۵۹
مغربی (شمس الدین) ۲۰۹	محمود مذهب (نجم الدین) ۲۱۵
محمود ظاهر غزالی (نظام) ۷۵۵	محمود مرشد میر جان اسفرغانی بادی (جلال الدین) ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹
محمود طبیب (سلطان) ۶۳۳	محمود مرشدی ۶۵۹
محمود طهرانی (شاه) ۳۴۵	محمود مزدقانی ۷۵۳
محمود عارفی هروی ۳۰۲-۳۰۳	محمود مشکئی تبریزی ۳۴۷، ۷۰۵
محمود عشقی کاشانی (عز الدین) ۴۴۴، ۴۷۰	محمود مظفر بن عبدالملک بن ابونوبه ۱۳۰، ۸۸
۸۲۹	(نصیر الدین ابوالقاسم) ۱۳۰، ۸۸
محمود عطار ۷۶۱	محمود منشی ۶۶۱
محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۲-۴۴، ۴۱	محمود ملقب بمیرزا کامران (شیخ) ۴۶۹
۴۵، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۷۲، ۷۵، ۱۲۹	محمود منشی محوی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱
۱۳۵، ۱۵۶، ۲۵۱، ۴۱۹، ۷۱۵	محمود متور ۱۸۱
۷۴۶، ۷۲۶	محمود میرزا (سلطان) ۳۴۵، ۴۵۵
محمود غوان یا قاروان یا کاروان (عماد الدین) ۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹	محمود میرزا تیموری (سلطان) ۲۳۲
۷۹۸-۷۹۵	محمود میرزا کامران (شیخ) ۴۶۹
محمود قاضی (شمس الدین صابین) ۲۲۶	محمود نجفی (مولانا کمال الدین میر) ۶۲۴
محمود قاروان یا غوان یا کاروان (عماد الدین)	

محبی الدین پسر قلیج ارسلان ۷۳۷  
 محبی الدین پیر محمد بن علاء الدین علی  
 فناری ۲۷۶  
 محبی الدین عباسی ۱۳۸  
 محبی الدین عبدالعزیز انصاری ۲۴۳  
 محبی الدین عبدالقادر گیلانی ر. عبدالقادر  
 محبی الدین غزالی طوسی (شیخ) ۲۹۴  
 محبی الدین گوشه کنار (مولانا) ۲۶۵  
 محبی الدین محمد بن عبدالاول عبیدی  
 قزوینی تبریزی ۳۹۱  
 محبی الدین محمد بن علی فناری ۲۷۶  
 محبی الدین محمد بن یحیی نیشابوری ۸۹  
 محبی الدین یحیی بن محمد نیشابوری  
 ۷۴۹

ودفرا:

بنوی ۱۲۶، ۲۹۴  
 محبی انصاری (محبی الدین عبدالعزیز)  
 ۲۴۳  
 محبی خوشنویس ۳۴۷  
 حسی: هستانی ۴  
 محبی شروانی ۳۴۷  
 محبی لاری ۲۱۸، ۷۸۸  
 محبی نیشابوری ۳۴۷  
 مختار بن ابو عبیده تقفی ۳۹۶  
 مختار سلطان شرف الدین ۵۳۳  
 مختاری غزنوی (سراج الدین عثمان بن  
 محمد) ۷۳، ۷۷، ۸۰، ۸۲  
 مختصر گنجه ۱۷۹  
 مختوم (محمد بن عبدالیاقی شربی) ۳۵۰  
 ۳۴۸، ۴۷۳، ۴۹۷، ۴۹۸  
 مختوم نیشابوری مدنی (میر) ۳۲۵  
 ۷۹۱  
 مخدوم (شرف الدین علی) ۳۴۶  
 مخدوم (امیر معین اشرف میرزا) ۳۵۰  
 ۴۴۸، ۴۶۹، ۸۱۵  
 مخدوم (معین الدین بن اشرف میرزا)  
 ۳۵۰، ۴۴۸، ۴۶۹، ۸۱۵  
 مخدوم (میر) ۵۷۵

محمود نقشبندی (خواجه) ۶۳۳  
 محمود نیشابوری (امام بیان الحق) ۷۲۸  
 محمود نیشابوری زرین قلم (شاه) ۶۹۳  
 محمود واصفی تاشکندی هروی (زین الدین)  
 ۲۵۳، ۳۴۸، ۵۵۹-۵۷۸، ۵۶۰  
 محمود وراق ۷۱۳، ۲۰-۷۱۴  
 محمود وراق مورخ ۷۱۲، ۳۰  
 محمود وراق هروی ۷۱۲  
 محمود هروی هیوی ۲۷۲  
 محمودی ۵۶، ۲۵  
 محمودی (سکه) ۸۲۰  
 محنتی اردبیلی ۷۰۵  
 محنتی بخاری (امیر دیوانه) ۵۷۷،  
 ۵۸۵  
 محنتی حصاری ۵۵۳، ۶۸۹  
 یا نکالی حصاری (قاضی) ۵۹۲،

۸۲۶

محنتی هروی ۳۴۷  
 محوری ۵۵۵  
 محوی (جمال) ۱۷۷  
 محوی (میر محمود منشی) ۴۲۲، ۸۴۱  
 محوی اسدآبادی همدانی (منیث) ۴۲۲،  
 ۸۲۰  
 محوی اصفهانی ۶۵۹  
 محوی بخارایی ۵۸۵  
 محوی بسطامی ۳۱۸  
 محوی خراسانی ۳۴۷  
 محوی عطار هروی ۳۴۷، ۷  
 محوی هروی ۳۴۷، ۷  
 محوی هندوستانی (میر محمود) ۶۸۹  
 حسی (قطب) ۲۶۱، ۳۹۶  
 محبی الدین (مولانا) ۳۴۷  
 محبی الدین ابن العربی ۱۱۶، ۱۶۴،  
 ۱۷۳، ۲۸۸، ۲۹۴، ۶۷۰، ۷۴۹،  
 ۷۸۴، ۷۵۷  
 محبی الدین ابوزکریا یحیی نوری ۴،  
 ۳۵۶  
 محبی الدین بن بدر الدین اناری ۸  
 محی الدین بن شیخ صفی الدین اردبیلی

مراد آق قویونلو (سلطان) ۲۵۱	مخدوم (میرزا) ۳۵۰، ۳۴۸، ۳۶۹، ۸۱۵
مراد آل عثمان (سلطان) ۲۷۴	مخدوم (یوسف) ۷۸۳
مراد بن سلیم آل عثمان (سلطان) ۴۰۷	مخدوم اشرف (میرزا) ۳۵۰، ۳۴۸، ۳۶۹، ۸۱۵
مراد بن یعقوب بن اوزون حسن (سلطان) ۲۳۴	مخدوم اعظم ۳۵۷، ۳۰۰-۴۰۱
مراد بیک ۵۰۱	مخدوم الملك ملا عبدالله سلطان پوری ۶۴۶
مراد بیک بایندر ترکمان ۶۶۷	مخدوم امیر سید ابوالفتح محمد بن عبد-
مراد پسر اکبر ۳۶۳	الباقی شریفی شیرازی (میرزا) ۳۵۰، ۳۴۸، ۳۷۳، ۳۹۷-۳۹۸
مراد خان فکاری ۴۹۵، ۵۰۱	مخدوم بن سید محمد بن بهاء الدین نیشابوری ۲۹۱، ۳۲۵
مراد دوم (سلطان) ۲۳۸-۲۳۹، ۷۹۹	مخدوم جهان بیان (سید جلال الدین) ۸۱۲
مراد سوم آل عثمان (سلطان) ۲۸۲-۳۹۰	مخدوم حمزه (شیخ) ۵۴۰، ۸۱۳
۳۹۸، ۴۹۱	مخدوم شاه عالم بخاری ۵۴۱
مراد عثمانی (سلطان) ۲۷۹، ۸۴۰	مخدوم شرف شیرازی (میرزا) ۳۹۸
مراد قزوینی (مال) ۶۴۳	مخدوم شریفی (میرزا) ۳۵۰، ۳۴۸، ۳۷۳، ۴۹۷-۴۹۸
مراد همدانم کوکه (میرزا) ۴۶۶، ۶۶۵	مخدوم قادری (محمد) ۵۴۰
مرادی استراپادی ۵۵۲، ۸۲۴	مخدوم نیشابوری (امیر) ۷۸۶، ۷۹۱
مرادی بافتی ۶۵۹	مخدوم گرگانی (ابو شریف احمد بن علی) ۵۶، ۲۳
مرادی بخارایی (ابوالحسین محمد) ۲۱	مخلص نیشابوری (شاه محمود) ۶۵۹
مراغه (قاضی) ۱۷۸	مخلص بدخشانی (مولانا) ۶۰۱
مراغی ۷۶۰	مخلص بدخشانی (مولانا صالح) ۵۹۰
مرتاض هروی (میر) ۲۳۴	مخلص بینسی (حسن) ۵۳۱
مرتضی (سید) ۱۷۹	مخلص سبزواری ۵۱۹
مرتضی اشرف الدین ۱۷۸	مدامی بدخشی ۵۵۳
مرتضی (میرشاه) ۵۰۴	مدامی همدانی حیدری ۵۵۴
مرتضی بن داعی بن قاسم حسینی رازی (سید) صفی الدین ۷۲، ۱۳۰	مدون (شهاب) ۳۴۵
مرتضی داعی رازی (سید) ۷۲، ۱۳۰	مدون بن محمد نیشابوری ۷۸۱
مرتضی سمنانی سیوستانی ۶۵۹، ۸۳۷	مدیحی ۳۴۷
مرتضی شریفی شیرازی ۴۵۷، ۵۵۲، ۶۸۲	مذاقی (خواجه قاسم) ۸
مرتضی علم الهدی (سید) ۷۲، ۱۳۰، ۱۴۴	مذاقی (محمد بیک) ۴۹۶
مرتضی علمی (میر) ۵۴۹	مذاقی اصفهانی ۶۴۸
مرتضی قلی بیک مجرم شاملو ۶۵۸	مذاهب اربعه ۱۲۷
مرتضی نظام شاه بحری ۴۴۳، ۸۳۱	مراد (شاه) ۴۱۶، ۸۲۴
مرتضی نظام شاه دیوانه ۴۳۳	د (شاهزاده سلطان) ۵۵۲
مرتضی منظمی زاده بندادی ۲۷۹	
مرجان سمرقندی (میرزا قاسم) ۵۹۱	
مردمی (میر محمد هاشم) ۳۹۹	
مردمی کاشانی (مولانا حاج) ۵۲۵	

مسعود (قاضی) ۳۱۵  
 مسعود بن ابن نصرتی ۱۸۰  
 مسعود اصقہانی ۶۵۹  
 مسعود امیدریازی ۲۱۵  
 مسعود بخارایی ۷۵۵  
 مسعود بخاری (خواجہ) ۲۹۶  
 مسعود بن ابراهیم غزنوی (جلال الدولہ)  
 ۷۷، ۶۳، ۴۲  
 مسعود بن احمد بن عبدالعزیز بن سارہ  
 بخارایی (تاج الدین) ۹۹  
 مسعود بن ارسلان (جہان پهلوان نصرانی)  
 الدین) ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲  
 مسعود بن اسعد بن محمود (اسعد الملک  
 فخر الدین) ۹۸  
 مسعود بن یحییٰ کرمانی (فخر الدین)  
 ۸۹  
 مسعود بن جمال الدین سلیمان بن شعیب  
 ابن محمود بن یوسف بن شہاب الدین  
 فرخشاہ کاپلی بن فخر الدین محمود بن  
 سلیمان بن مسعود بن عبداللہ واعظ  
 الاصفہین ابوالفتح واعظ الاکبر بن  
 اسحاق بن ناصر بن عبداللہ بن عمر بن  
 خطاب (فرید الدین شکر گنج با گنج  
 شکر دہلوی) ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۵۶  
 ۷۵۹، ۷۴۸، ۷۳۵، ۷۲۳، ۲۱۸  
 مسعود بن حسن قلی طمناح خان (رکن الدین)  
 ۹۸  
 مسعود بن خواجہ حسن بیک بروجردی  
 (خواجہ) ۵۲۲  
 مسعود بن روز بہان ثانی (عز الدین)  
 ۷۲۲  
 مسعود بن سعد بن سلمان ۴۲-۴۴، ۷۶  
 ۷۲۶، ۱۰۱، ۹۷  
 مسعود بن سعد شالی کوب (حمید الدین) ۷۹  
 مسعود بن شمس الدین محمد صاحب دیوان  
 ۷۴۱  
 مسعود بن صاعد بن مسعود (رکن الدین)  
 ۷۳۰  
 مسعود بن عثمان کوهستانی ۳۵۵

مرزبان (سالار) ۴۷  
 مرزبان بن جستان ۴۷  
 مرزبان بن رستم بن شروین باوندی ۱۴۰  
 مرزبان فارسی (رفیع الدین) ۸۹  
 مرشد الدین شاہ عبداللہ معروف بسید میرزا  
 ۷۸۱، ۲۴۶  
 مرشد الدین عبداللہ ۷۸۱، ۲۴۶  
 مرشد الدین عمری ۳۴۶  
 مرشد الدین قاضی ۱۸۱  
 مرشد بروجردی ۶۹۰  
 مرشد خراسان ۷۹۱  
 مرشد درویش یسوی ۴۰۶  
 مرشد قلی خان استاجلو ۴۹۶، ۶۶۷  
 مرشدی (محمود) ۶۵۹  
 مرشدی (مولانا درویش) ۳۴۴  
 مرشدی زوارہ ای (ملا محمد) ۷۰۸  
 مرصعی ۲۵  
 مرواریدی ۲۵  
 مروزی (زبان) ۳۴  
 مروزی ۳۴۷  
 مروزی (ابن علی) ۶۴۸  
 مریم چلبی (محمود بن محمد قاضی زادہ  
 رومی) ۳۸۸، ۲۸۱  
 مزدوقی (نظام الدین) ۲۲۵  
 مزید ترخان ۶۷۹  
 مزید طبیب (مولانا محمد) ۶۲۰، ۶۲۲  
 مسترشد باللہ عباسی ۱۱۹  
 مستعصم عباسی ۱۴۶، ۷۳۲  
 مستغنی کشمیری (ملا محمد امین) ۶۴۸  
 مستنصر باللہ فاطمی ۵۱  
 مستوفیان سبزوار (خاندان) ۳۰۳  
 مسرور بن محمد طالقانی (ابوالفضل)  
 ۴۱  
 مسرور خراسانی (ابوالفضل مسرور بن  
 محمد طالقانی) ۴۱  
 مسعود (خواجہ) ۳۴۷  
 مسعود (شمس الدین) ۱۲۸  
 مسعود (ضیاء الدین) ۷۷۵  
 مسعود (عز الدین) ۱۰۵

- مسعود بن علی بن عمر الصراف (ابو عبد الله) ۷۲۹
- مسعود بن کیکاوس (ملک فیات الدین) ۷۵۱
- مسعود بن محمد امامزاده (رکن الدین) ۱۰۰
- مسعود بن محمد بن علی اندخودی (علاء - الدین) ۹۵
- مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی ۷۷
- ۷۲۷، ۱۱۹، ۱۰۳، ۸۷ - ۸۶، ۸۴
- مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی ۱۵۵
- مسعود بن محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۶، ۴۱ - ۴۰، ۴۹، ۶۴، ۶۵
- مسعود بن نصرتی (ابن نصرتی) ۱۸۰
- مسعود بیک بخاری (احمد بن محمد نخشی) ۷۷۲ - ۷۷۳
- مسعود ترکمان ۳۴۷
- مسعود ترکه (خواجه رکن الدین) ۳۴۷
- مسعود خجندی (کمال الدین) ۱۰۱، ۱۹۴، ۲۱۰ - ۲۱۱، ۲۹۶، ۲۴۱، ۲۵۳
- مسعود دولتیار بخاری (سعد الدین) ۹۴
- مسعود رازی (امام) ۴۲
- مسعود رازی (قاضی) ۶۸۸
- مسعود سعد سلمان ۴۲ - ۴۴، ۷۶، ۷۹، ۹۷، ۱۰۱ - ۱۰۲، ۷۲۶
- مسعود سیرجانی (شهاب الدین) ۱۹۷، ۷۳۵
- مسعود سیفی حسینی رازی (قاضی) ۸۲۲
- مسعود شاه اینجو (جلال الدین) ۲۱۴، ۲۱۶
- مسعود شروانی (کمال الدین) ۲۶۶، ۳۳۲، ۸۰۶
- مسعود قمی (خواجه) ۳۱۶
- مسعود لئیانی (رفیع الدین) ۱۶۵، ۷۳
- مسعود مهندس نخب جوانسی (امیر الدین) ۱۰۸
- مسعود میرزا تیموری (سلطان) ۲۳۲
- مسعود نوکی غزنوی (سعد الدین) ۷۹
- مسعود نیکی اصفهانی (زین الدین) ۵۱۱، ۵۲۲، ۶۴۴، ۶۵۹، ۸۳۲
- مسعود وراقی ۳
- مسعود هروی (ملا نجم الدین) ۶۵۹
- مسعودی ۳۴۰
- مسعود یاقوتی چولاهه ۱۰۰
- مسعود یزدی (قطب الدین) ۷۶۷
- مسعودی مروزی ۱۹
- مسعودی مروزی (فخر الدین) ۸۹
- مسعودی هروی ۳۴۷
- مسکویه (ابو علی) ۱۲۳
- مسلمانان ۱۶، ۱۰۳، ۱۰۲، ۳۵۲، ۳۸۸
- مسلمانی ۳۶۳
- مسلمی (ابو المعالی محمد) ۷۲۸
- مسلمی اسفراینی ۳۴۷
- مسیب خان بن محمد خان شرف الدین اخلو تکلو ۴۹۳
- مسیب خان بن محمد خان تکلو ۴۶۰
- مسیب خان تکلو ۴۹۴
- مسیب خان شرف الدین اخلو تکلو ۴۹۳، ۴۹۶، ۸۳۱
- مسیب هروی ۳۴۷
- مسیح الدین حکیم ابو الفتح ۳۱۷، ۴۲۵، ۵۴۱، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶، ۸۳۳
- مسیح الدین عیسی (قاضی) ۷۰۹
- مسیح الدین عیسی ساوجی (قاضی) ۳۴۶، ۷۹۶
- مسیحایی ۵۹۰
- مسیحی (فخر الدین محمد بن محمود پوشنگی) ۷۵۷
- مسیحی یا مسیحایی کاشانی (حکیم رکن الدین) ۶۶۲
- مسیحی بلخی ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۸۹
- مسیحی تبریزی ۷۰۵
- مسیحی فوشبخی ۳۴۷
- مشتاق (شیخ رزق الله بن سعد الله دهلوی) ۳۶۰، ۷۹۸
- مشتری استرآبادی ۳۴۷
- تکلو ۷۰۷، ۸۳۱



مصطفی رومی (ملا) ۶۲۳، ۸  
 مصطفی رومی (مولانا صفی الدین) ۸،  
 ۶۲۳  
 مصطفی میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۳ -  
 ۳۹۴  
 مصعبی (ابوطیب) ۴۱  
 مصلح الدین ابومحمد عبدالله بن مشرق بن  
 مصلح بن مشرف سعدی شیرازی ۸، ۳،  
 ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲ -  
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۳،  
 ۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۹۰، ۳۹۳،  
 ۴۱۵، ۴۲۵، ۴۶۵، ۵۱۲، ۶۲۶،  
 ۶۹۲، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۸۱۱  
 مصلح الدین لاری ۳۵۵-۳۵۶  
 مصلح الدین محمد بن صلاح بن جلال بن  
 کمال بن محمد انصاری سعدی عبادی  
 شافعی لاری ۳۵۵-۳۵۶  
 مصلح الدین مصطفی بن شعبان سروری  
 ۲۰۶، ۳۹۲، ۸۰۷  
 مطرزی (جمال الدین) ۷۵۵  
 مطلق ۱۸۱  
 مطلق بدخشان ۵۸۹-۵۹۰  
 مطهر (سید) ۳۴۷  
 مطهر باخرزی (جمال الدین) ۳۱۳  
 مطهر بلخی (ابوالمعالی) ۷۳۷  
 مطهر بن احمد جام (شمس الدین) ۷۲۱  
 مطهر بن عبدالله بن علی حسینی (سید -  
 عز الدین) ۲۱۵  
 مطهر کره (سید) ۲۲۳، ۷۶۰  
 مطهری کشمیری ۴۲۶  
 مطیع بلخی (العبادال) ۳۱۷، ۷۸۸  
 مظفر (آل) ۱۳۴، ۱۸۲، ۱۸۴ - ۱۸۵،  
 ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸ -  
 ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۳،  
 ۲۶۸  
 مظفر اسفزاری (ابوحاتم) ۵۵، ۶۰، ۷۰،  
 ۱۲۷  
 مظفر الدین (ملک) ۲۲۴، ۷۴۹  
 مظفر الدین ابوالعازی شمس الدین بن  
 کمال الدین محمد ۲۵۶

مشرقی قمی ۵۲۲  
 مشربی مشهدی ۳۴۷  
 مشرف ۱۷۹  
 مشرف ممالک خراسان (فخر الدین بن  
 عزالدین فرید) ۹۵  
 مشرقی ۳۴۷  
 مشرقی (خواجہ عبدالرحیم بن شمس الدین  
 محمد اقطابی خلوتی تبریزی) ۷۴۲،  
 ۷۹۵  
 مشرقی (میرزا ملک) ۶۹۹  
 مشرقی مشهدی ۳۴۷  
 مشرقی هروی ۳۴۷  
 مشغولی (محمد عارف بقایی) ۴۰۳، ۴۲۸،  
 ۵۹۴، ۸۰۸، ۶۰۴، ۵۹۴  
 مشغولی (ملا بقایی) ۴۰۳، ۴۲۸، ۵۹۴،  
 ۸۰۸، ۶۰۴  
 مشفق (پیر مراد) ۲۰۶  
 مشفق بخاری (ملا عبدالرحمن) ۷، ۴۲۱،  
 ۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۳،  
 ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۷ -  
 ۶۰۰، ۶۰۴، ۸۰۸، ۸۳۶  
 مشفق بلخی ۲۵  
 مشفق سنهلی (شیخ مکهن) ۶۵۹  
 مشفق کاشانی کرباس فروش ۶۸۹  
 مشکان (ابونصر احمد بن عبدالصمد) ۳۰،  
 ۶۴-۶۵  
 مشکور ۲۵  
 مشکی اصفهانی ۵۲۱  
 مشکی تبریزی (علا بیک) ۷۰۵  
 مشکی تبریزی (میر محمود) ۴۳۷، ۷۰۵  
 مشهدی ۲۴۷، ۳۴۴، ۴۸۳، ۶۶۴، ۸۲۴  
 مشهدی (میرزا) ۶۳۴  
 مصری ۵۷۰  
 مصریان ۴۷۸  
 مصطفی بن سلطان سلیم (سلطان) ۳۹۲ -  
 ۳۹۳  
 مصطفی بن سلیمان (سلطان) ۳۳۸، ۴۸۰  
 مصطفی بن شعبان سروری (مصلح الدین)  
 ۲۰۶، ۳۹۲، ۸۰۷

- مظفرالدین ابونصر سلطان حسن بهادر  
۳۱۲
- مظفرالدین ازبک (انابیک) ۱۱۳۰، ۱۱۵۸،  
۷۲۹
- مظفرالدین باکلی خار ۷۵۵
- مظفرالدین جهانشاه بن یوسف قراقریونلو  
۲۲۴-۲۲۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵،  
۳۴۴، ۵۰۵، ۷۰۰، ۷۹۴-۷۹۵
- مظفرالدین حسرتی ۴۴۴
- مظفرالدین شیرازی ۱۶۹
- مظفرالدین علی شیرازی (شاه) ۷۴۲
- مظفرالدین محمد بن مبارز ۱۷۹
- مظفر بیکچی (سیفالدین) ۴۴۶
- مظفر برلاس ۶۱۷، ۶۲۷
- مظفر بن ابوزر قیزدانی خوافی مظفر  
خوافی (شهابالدین) ۷۷۰
- مظفر بن اردتیر عبادی (ابومنصور) ۷۵۷
- مظفر بن محمد حسینی شغابی اصفهانی  
۳۹۹، ۵۱۷، ۸۰۲، ۸۰۸
- مظفر بن محمد نیشابوری (خواجه عمید  
ابوالفتح) ۵۲
- مظفر بن محمود شاه (سلطان) ۷۸۸
- مظفر بیک رنگ رزگرمانی ۵۳۵
- مظفر پنجدهی ۳۵
- مظفر تبریزی ۱۷۹
- مظفر ترک ۶۲۵
- مظفر جمعی گناپادی ۸۸
- مظفر حسین میرزا تیموری ۳۰۸، ۳۴۶،  
۶۷۰-۶۷۱، ۶۸۰-۶۸۱
- مظفر خان بن جوامرد علی خان ۵۶۸،  
۵۷۲
- مظفر خوافی ۷۷۰
- مظفر سلطان ۳۸۶
- مظفر سلطان (امیر دیباج) ۴۸۹
- مظفر سلطان شیبانی ۵۷۳-۵۷۴
- مظفر شاه اول ۳۸۳
- مظفر شاه دوم ۳۸۳، ۸۳۹
- مظفر شاه سوم ۳۶۷
- مظفر شانکاره (شاه) ۷۶۷
- مظفر طیبی کاشانی ۶۸۵
- عمر علی پسر مولانا حیدر علی ۴۵۸
- مظفر علی نقاش تربتی ۵۲۵
- مظفر گناپادی (ملا محمد قائم بن مظفر)  
۳۸۵، ۸۰۷
- مظفر گوناپادی ۶۶۰
- مظفر معمار (خواجه) ۳۴۷
- مظفر هروری خاقانی دوم ۲۰۸-۲۰۹
- مظفری (قرن پنجم) ۲
- مظفری (قرن چهارم) ۲۵
- مظهرالدین علی ۳۴۶
- مظهر گجراتی ۱۸۰
- مظهر هندی ۱۸۰
- مظهری ۳۴۷
- مظهری کشمیری ۵۱۳، ۸۳۲
- معاذ بن جبل ۳۴۱
- معاذی تبریزی (اردشیر بن حسن) ۳۴۱
- معاشری ۲۵
- معتمد عباسی ۲۳۸
- معروف بنهادی ۷۷۱-۷۷۲
- معروف تبریزی ۵۲۷-۵۲۸
- معروف زاده ۸۱۱
- معروف کرخی ۶۳۰، ۷۵۳
- معروفی بلخی (ابوعبدالله) ۲۲
- معزالدین ۸۰
- معزالدین ابوالحسین محمد کرت ۷۶۱
- معزالدین ابوالفتح مبارکشاه ۲۳۶
- معزالدین اویس بهادر خان ایلخانی (سلطان)  
۱۸۴، ۱۸۷
- معزالدین خوافی ۲۴۷
- معزالدین سام غوری ۷۳۸
- معزالدین کاشانی ۵۰۴، ۸۳۱
- معزالدین کرت ۲۰۸-۲۰۹
- معزالدین کیقباد ۱۷۰-۱۷۱، ۷۵۱
- معزالدین محمد (امیر) ۴۳۵
- معزالدین محمد بن سام غوری ۱۵۱، ۲۲۶،  
۷۲۵
- معزالدین محمد خوشنویس ۴۴۴
- معزالدین محمد رضی یزدی ۷۷۵

- معزالدین محمد فیضی اصفهانی ۴۲۸، ۶۸۷
- معزالدین محمد کرک (ابوالحسین) ۷۶۱
- معزالدین یوسف (امیر) ۵۳۴
- معز السلطنه امیرانشاه بن تیمور ۲۱۰- ۷۵۶، ۲۱۱
- معزی ۳۴۷
- معزی غزنوی (سدیدالدین علی بن عمر) ۷۸
- معزی لنگ ۳۴۷
- معزی نیشابوری (امیر ابوبکر محمد بن عبدالملک) ۵۰- ۵۱، ۵۴، ۷۴، ۸۳
- معزی هروی ۸۳۴، ۵۵۳
- معصوم بن خواجه معین خان ۵۵۸
- معصوم بی غم کاشانی ۶۷۲
- معصوم بیک ۳۹۲، ۴۴۲، ۴۹۴، ۵۰۰
- معصوم بیک (صدرالدین خان) ۵۳۰
- معصوم بیک صفوی (رکن السلطنه) ۳۹۲، ۵۰۰، ۴۹۴
- معصوم بیک وکیل مطلق ۵۱۸
- معصوم خواجه (سید) ۶۲۸
- معصوم زیارتگاهی لاهوری ۵۵۵، ۵۵۸، ۸۳۵
- معصوم کاپلی ۵۴۲
- معصوم میرزا ۶۹۷
- معصوم نامی ۸۰۲، ۳۵۸
- معظم (خواجه) ۵۵۳
- معمار تبریزی (عبدالسلام بنا) ۷۰۵
- معمایی (امیر حسین شفیقی) ۳۴۵
- معمایی (جمشید) ۳۴۳
- معمایی (حسین حیدر نیشابوری) ۵، ۲۹۲-۲۹۳، ۳۴۳، ۴۴۴، ۶۳۱
- معمایی (سید شریف) ۳۲۵
- معمایی (شرف) ۳۲۷
- معمایی (شمس الدین محمد بخاری) ۵، ۳۳۳
- معمایی (شهاب) ۳۴۵، ۵۷۰
- معمایی (کلان) ۳۴۷
- معمایی (نظام الدین) ۳۱۳
- معمایی طباطبایی رفیعی کاشانی (امیر رفیع الدین حیدر) ۴۲۰، ۴۴۷، ۵۱۶، ۸۱۹، ۶۷۲، ۶۵۰، ۵۱۸
- معمایی قمی (رئیس شهاب الدین) ۵۲۸، ۶۸۳، ۶۱۳
- معمری گرگانی (ابوزرعه) ۲۲
- معموری غنایی (عبد الوهاب بن محمد حسینی) ۳۹۶
- معنوی بخارایی ۳۵
- معنوی جوئیوری ۶۸۶
- معین (سلطان محمد) ۱۷۹
- معین اصم ۱۶۵
- معین الدین (خواجه) ۶۲۷
- معین الدین آوی جوینی ۱۸۳
- معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن اسعد بن مظفر بن روزبهان ابن طاهر و اعظم عمری ربعی قرشی شیرازی ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۸۰، ۷۶۵
- معین الدین ابوالعالی عبدالصمد ۸۲
- عیانی دهدار شیرازی ۳۹۷، ۶۵۶، ۷۰۹، ۷۴۲، ۷۰۷، ۸۰۷، ۸۳۷
- معین الدین استرا یادی معینی ۵۱۸
- معین الدین اسمعیلی ۸۰۵
- معین الدین اشرف سمرقندی ۸۷، ۷۱۹
- معین الدین اشرف شیرازی ۴۲۸، ۴۶۹
- معین الدین بختیار ۱۷۹
- معین الدین بن اشرف میرزا مخدوم ۸۱۵
- معین الدین بن شرف الدین حاج محمد قراهی هروی ۵، ۱۵۳، ۲۴۲
- معین الدین پروانه ۱۶۴، ۷۴۱
- معین الدین جمال الاسلام محتسب یزدی ۲۶۷
- معین الدین حسن اشرف یا اشرفی سمرقندی (سید) ۸۷، ۷۱۹
- معین الدین حسن بن علی کاتب معین اصم ۱۶۵

شیرازی ۶۵۵،۳۹۷ - ۷۴۲،۶۵۶  
 ۸۳۷،۸۰۷  
 معین الدین محمد زمجی اسفزاری هروی  
 ۲۵۲  
 معین الدین محمد شریفی تبریزی ۶۹۹  
 معین الدین محمد معینی جوینی ۷۷۱  
 معین الدین معلم یزدی ۱۴۲، ۱۸۴،  
 ۷۵۶، ۷۵۲، ۲۵۷  
 معین الدین متیری ۸۱۷  
 معین الدین ناصر بن خسرو بن حارث بن  
 علی بن حسین بن علی  
 علی بن موسی الرضا (سید) ۷۱۸ ر.  
 ناصر خسرو  
 زالدین نطنزی ۲۸۴  
 معین الدین هروی ۱۵۴، ۲۴۲  
 معین الدین یزدی ۱۴۲، ۱۸۴، ۲۵۷،  
 ۷۵۶، ۷۵۲  
 معین الفقرا (احمد بن محمود) ۳۳۷  
 معین الملک ابوالمحاسن سیدالروسا ۵۴  
 معین الملک اصم ۱۶۵، ۸۹  
 معین الملک حسن بن علی کاتب ۱۶۵، ۸۹  
 معین خان (خواجه) ۵۵۸  
 معین شیرازی ۳۴۷  
 معین طنطرائی ۱۷۹  
 معین مسکین (معین الدین هروی) ۱۵۴،  
 ۲۴۲  
 معین هروی ۱۵۴، ۲۴۲  
 معینی ۱۵۴  
 معینی استرآبادی ۴۵۸  
 معینی استرآبادی (معین الدین) ۵۱۸  
 معین جوینی (معین الدین محمد) ۷۷۱  
 معینی شیرازی ۳۴۷  
 مع ۶۸۸  
 مغربی تبریزی ۲۰۹، ۲۸۱، ۲۳۵، ۷۶۲ -  
 ۷۶۳  
 مغول ۷۳ - ۷۴، ۸۰، ۸۷، ۹۴، ۹۷، ۱۱۱،  
 ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰ -  
 ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۷ -  
 ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۷،

معین الدین حسن بن غیاث الدین حسن  
 حسینی سگزی چشتی اجمیری ۱۵۳ -  
 ۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷،  
 ۷۴۸، ۷۳۸، ۵۴۱  
 معین الدین حسن سگزی چشتی (خواجه)  
 ۱۵۳ - ۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵،  
 ۷۴۸، ۷۳۸، ۵۴۱، ۵۳۷  
 معین الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی  
 هروی (یا کمال الدین) ۲۴۵ - ۲۴۶،  
 ۲۸۵، ۳۰۷، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۳۷،  
 ۷۸۳، ۷۷۵، ۶۸۴  
 معین الدین دقاقی حسینی بلیانی ۶۶۰  
 معین الدین سراجی بلخی ۸۹  
 معین الدین سگزی ۱۵۳ - ۱۵۴، ۱۸۱،  
 ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷، ۵۴۱، ۷۳۸،  
 ۷۴۸  
 معین الدین عباسه شهرستانی ۷۵۶  
 معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم  
 یزدی ۱۴۲، ۱۸۴، ۲۵۷، ۷۵۲،  
 ۷۵۶  
 معین الدین علی بن تصیر الدین هرون بن  
 ابوالقاسم حسینی تبریزی قاسم انوار  
 (سید) ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۳۵، ۵،  
 ۳۲۵، ۳۴۰، ۴۰۹، ۴۵۱، ۵۰۸،  
 ۷۸۶، ۷۹۱، ۸۲۲ ر. قاسم انوار  
 معین الدین فتح الله ۳۴۶  
 معین الدین فراهی ۳۲۷  
 معین الدین کاشانی ۲۵۰  
 معین الدین محمد بن رمضان فقیه زاهد  
 ۷۲۵  
 معین الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن  
 شهاب الدین اسمعیل بن قطب الدین  
 محمد بن شمس الدین مطهر بن معین -  
 الدین ابونصر احمد جامی ۲۱۹  
 معین الدین محمد بن عبدالخالق میهنی  
 ۷۲۸  
 معین الدین محمد بن عبداللہ بن محمد ایچی  
 حسینی صفوی ۲۷۲  
 معین الدین محمد بن محمود دندار فاتی

مقصود ابرقوهی ۵۰۳	، ۱۸۲، ۱۷۶-۱۷۵، ۱۷۳-۱۷۲
مقصود بناتبریزی ۷۰۵	، ۲۲۷، ۲۱۶، ۲۰۲، ۱۹۹-۱۹۸
مقصود بیک ناظر بیوتات ۵۱۷	، ۲۸۴، ۲۵۰-۲۴۸، ۲۳۳، ۲۳۰
مقصود بیک وزیر ۵۰۲	، ۷۴۴، ۷۲۷، ۷۲۳، ۷۲۰، ۳۶۱
مقصود تیرگر هروی ۷۸۹، ۳۲۴	۸۰۳، ۷۷۶، ۷۶۲
مقصود خرده فروش کاشانی ۸۳۲، ۵۱۶	منزل (اولوس) ۵۹۵
مقصود علی اصفهانی (ملک) ۵۳۹	منزل حصاری (محمدقلی) ۳۶۱
مقصود علی شکیبی ۵۰۶	منزل خانم ۳۴۹
مقصود علی هروی تبریزی ۸۰۸، ۴۰۱	منزلی ۲۷۹، ۲۳۳، ۱۶۱، ۱۴۲
مقصود غلام (امیر) ۳۴۶	منیث الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن
مقصود قزوینی ۵۵۳	شاهرخ ۳۸، ۲۳۱، ۲۴۸، ۲۶۰،
مقصود کازرونی ۳۴۷	۶۹۶، ۷۹۰-۳۲۰، ۳۰۰، ۲۹۶
مقصود هروی ۳۴۱	منیث الدین احمد بن شیخ اویس جلایر
مقنع ۱۶	(سلطان) ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۶،
مقیم (میرزا) ۵۵۱	۷۷۲-۷۷۱، ۷۶۴، ۲۶۴، ۲۶۲
مقیم سبزواری ۵۵۴	منیث محوی اسدآبادی همدانی ۴۲۲،
مقیم کازرونی ۳۴۷	۸۲۰
مقیم کینخسروی (میرزا) ۳۴۷	منیثی گنجوی ۱۰۸
مقیم بخاری ۳۴۷	مفتی الثقلین (نجم الدین ابو حفص عمر)
مقیم تبریزی (حسن بن شکر اوغلی)	۱۲۲
۸۳۱، ۵۰۵	مفتی بخاری (مولانا میر) ۶۳۴
مقیم ترشیزی ۳۴۷-۳۴۸	مفتی بلخی (سلطان محمد بن درویش محمد)
مقیم سزواری ۵۵۴	۸۰۸، ۳۹۸
مقیم هروی ۳۴۸	مفخر السادات ۵۲۶
مکتبی خراسانی ۲۲۱	مفضل بن سعد بن حسین مافروخی ۱۹۴
مکتبی شیرازی ۳۱۴، ۲۳۵، ۲۲۱	مفضل بن عمر ابهری (اثیر الدین) ۱۰۳،
مکهن مشقی سنبهلی (شیخ) ۶۵۹	۷۴۳، ۳۹۳، ۳۵۶، ۱۷۳، ۱۳۹
مکی پنجهپیری ۵۶	مفضل هنده ۶۲۴
مکین (محمد) ۳۹۴	مفلسی مشهدی ۳۴۷
ملا (حکیم) ۵۱۴	مقبل الدین ۱۰۰
ملا اصفهانی (خواجه) ۶۱۹	مقبل کرمانی (شرف الدین) ۲۲۵، ۷۴۹،
ملا حده ۶۲	۷۷۲
ملازاده (احمد بن محمود مدین العقرا)	مقبول قمی ۳۷۰
۲۳۷	مقتدر عباسی ۲۳۸، ۲۸
ملازاده (شمس الدین بردعی حمدی بردعی)	مهتم بالله ۷۲۹
زاده) ۳۴۰	مقدس اردبیلی (احمد بن محمد) ۳۹۶
ملازاده لاهیجانی ۶۱۷	مقدونیان ۱۱
ملاطی حسنی (امیر کیا) ۳۸۶	مقرر باکو ۱۷۹
ملا کلوج و حید ۶۴۷	مقصودی سارجی ۵۲۶

ملکی (شرف الدین) ۱۸۱	ملائیہ ۱، ۳۳۲
ملکی بیک سرکانی ۵۱۰، ۶۶۰	ملائی مولانا ایصفہانی (امین الدین ابو-
ملکی توسرکانی ۶۶۰	الخیر فضل اللہ بن روزبہان بن فضل اللہ
ملکی ہمدانی ۵۳۹	خنجی ایصفہانی شیرازی خواجہ)
ملوک الجبال غور ۸۹-۹۱	۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹، ۵۲۳، ۶۱۹،
ملولی ایصفہانی (خلیفہ میر اسد اللہ) ۴۴۷،	۶۳۷، ۶۶۳، ۷۲۲، ۷۷۵
۸۲۶	ملائی روم ۱۵۸ و جلال الدین بلخی
ملیح سریلی بخارا پی ۱۰۰	ملائی کتابدار ۴۲۷
ملیح سمرقندی (محمد بدیع بن محمد شریف)	ملقا پادی ۹۵
۵۷۶، ۴۰۳	ملک (شاه) ۳۴۹، ۴۵۵، ۶۴۵
ملیح باقی ۶۶۰	ملکا (سید بیگم شاہ ملک) ۳۴۹
معالیک ۶	ملک احمد دخلی ایصفہانی ۵۳۹
ممدوح (شیخ) ۷۲۸	ملک الجبال (شہاب الدین) ۸۹، ۱۲۲
مملان (ابونصر محمد بن مسعود) ۴۸	ملک الجبال (غیاث الدین) ۸۹
مناج (ابونصر محمد بن محمد قایمی) ۶۳	ملک الجبال (قطب الدین محمد بن عزالدین
من اللہ بن علی اللہ محمد حسینی ۳۰۶	سین ۹
منبری ۱۸۱	ملک السادات قیشاپوری (صدر الدین)
منتجب الدین بدیع کاتب جوینی (اتابیک)	۹۵
۸۸، ۲	ملک الکلام (ملک قمی) ۴۲۴
منجب الدین علی بن احمد کاتب بدیع	ملک یاکوزی ۳۴۸
اتابیک جوینی (مؤید الدین) ۸۸، ۲	ملک پیارو ۵۴۱
منتجب الدین عمدة الملک منشی یزدی	ملک جہانگیر رستم داری ۴۹۵
۱۲۴، ۱۴۹، ۷۳۳	ملک دینار (جلال الدین) ۱۱۸، ۲۸۲
منتصر (اسمعیل بن توح سامانی) ۳۲	ملک سلطان محمد رستم داری ۴۹۵
منجمہ (بی بی) ۱۴۹	ملکشاه (جمال) ۱۷۷
منجمہ (بیجہ) ۳۴۹	ملکشاه بن محمد سلجوقی ۷۱۹
منتجہوا کبر ۳۸۳	ملکشاه بن محمود ۱۰۱
منجیک ترمذی (ابوالحسن علی بن محمد)	ملکشاه سلجوقی (سلطان جلال الدین) ۲،
۲۳، ۲۶، ۳۷، ۷۶	۴۹، ۵۵-۶۶، ۶۷-۶۹، ۷۱،
منجیک فاخر رازی (ابوالفاخر) ۸۵،	۸۰، ۸۳، ۸۷، ۱۲۸
۴۰۳	ملکشاهی ۶۰
منجمہ کابل (میر) ۴۵۳	ملک طیفور انجداپی ملک ۴۵۸-۴۵۹،
منشوری سمرقندی (ابوسعید احمد بن	۸۲۷
محمد) ۳۷	ملک قمی (ملا) ۴۲۸، ۴۲۲، ۴۳۴، ۴۴۵،
منشی ۷۹۸	۸۲۴، ۸۲۶-۸۲۷
منشی (اشرف خان میر) ۵۴۲، ۵۵۴	ملک محمود پیارو گجراتی ۵۴۱
منشی (مولانا) ۳۴۲	ملک مشرقی (میرزا) ۶۹۹
منشی (میرزا قاسم ساغرجی انشایی) ۵۸۶	ملک مقصود علی ایصفہانی ۵۳۹
منشی اردوبادی (میرزا زین العابدین)	ملک ناصر صلاح الدین یوسف بن ایوب ایوبی
۷۰۵	۷۲۲

۴۱۴، ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷،  
 ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۵، ۶۹۲  
 منصور بن محمد کندری (عمید الملک ابو  
 نصر) ۴۹-۵۰  
 منصور بن ملامعین کاشانی ۸۰۶  
 منصور بن نصیرالدین عبدالجی بکری  
 مکی (غیاث الدین) ۶۴۸، ۵۹۹  
 منصور تبریزی ۶۳۵  
 منصور جرجانی ۳۴۸  
 (غیاث الدین) ۳۶۷، ۳۵۶،  
 ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
 ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
 ۸۳۸، ۸۳۲  
 منصور سبزواری (درویشی) ۳۳۴  
 منصور شیرازی (میر غیاث الدین) ۲۶۷،  
 ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴،  
 ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲،  
 ۸۳۸، ۸۳۲، ۸۲۵  
 منصور قرابوقه طوسی (خواجه) ۳۰۴  
 منصور گرمینی (امام) ۴  
 منصور مشهدی (خواجه) ۳۳۴  
 منصور ناصری مهینه (خواجه) ۶۱۹  
 منطقی (حسین بن معین الدین حسینی  
 ترمذی میبیدی) ۲۶۷-۲۶۸، ۶۶۳،  
 ۷۰۶، ۷۴۲، ۷۷۹، ۸۱۸  
 منطقی رازی ۲۳  
 منطری سمرقندی ۵۵۴  
 منعم خان ۵۷۵  
 منعم خان خانان ۵۴۴  
 منکبرلی (جلال الدین خوارزمشاه) ۹۲-  
 ۹۴، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۰،  
 ۱۴۹، ۱۶۵، ۷۳۵، ۷۴۱  
 منکلی گرای خان ۴۷۷، ۴۷۹  
 منکه ۲۷  
 منکلی بیک ۹۴  
 منکن بداونی (میان) ۵۵۰  
 منگیت‌ها ۶۷۹  
 منوچهر ۲۲۶  
 منوچهر بدیع تبریزی ۱۹۴

سی لممالک (میرزا عبدالحسین) ۷۰۵  
 سی بوداق قزوینی ۳۵۶  
 مسی جرفادقانی ۱۳۵  
 می شیرازی (ابوالفضل) ۳۹۸  
 مست، کابلی (فاضل) ۵۹۷  
 مہروی (فرخشاہ) ۵۹۹  
 منصور ۶۶۰  
 منصور (امیر) ۴۲۴  
 منصور (شاه) ۲۰۵  
 منصور (علاء الدین) ۵۰۳  
 منصور (میر غیاث الدین) ۲۶۷، ۳۵۶،  
 ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
 ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
 ۸۳۸، ۸۳۲  
 منصور اتا ۶۳۹  
 منصور بتکچی (خواجه) ۳۳۴  
 منصور بخشی (شاه) ۶۸۱  
 منصور بن امیر صدرالدین محمد شیرازی  
 دشتکی (امیر غیاث الدین) ۲۶۷،  
 ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴،  
 ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲،  
 ۸۳۸، ۸۳۲، ۸۲۵  
 منصور بن حسن فردوسی طوسی (ابوالقاسم)  
 ۱۹۰، ۳۲، ۳۸، ۴۱-۴۷، ۴۷،  
 ۵۴، ۸۴، ۱۵۹، ۲۰۷، ۷۱۵-۷۱۶،  
 ۷۱۸  
 منصور بن صدرالدین شیرازی (میر غیاث-  
 الدین) ۲۶۷، ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶،  
 ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶،  
 ۶۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵، ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور بن عظاملک جوینی ۷۳۰  
 منصور بن علی اسقزاری (مہذب الدین)  
 ۹۵  
 منصور بن محمد اوزجندی (شمس الدین  
 صدر الشریعہ) ۱۰۰  
 منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن  
 الیاس ۱۹۳، ۴۰۰، ۷۵۳  
 منصور بن محمد شیرازی (امیر غیاث الدین)  
 ۲۶۷، ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶،

موسوی مشهدی (میرزا طاهر) ۵۸۱  
 موسی (صدرالدین) ۱۸۶، ۲۱۲، ۲۹۲،  
 ۷۶۷، ۴۰۸  
 موسی (قطب الدین) ۱۳۲  
 موسی بن حامد حسنی قادری صوفی (شیخ)  
 ۳۶۹  
 موسی بن عمران ۲۳۲  
 موسی بن کاظم ۲۱۱، ۳۱۹، ۳۵۰، ۴۸۱  
 موسی بن محمد بن محمود قاضی زاده رومی  
 (صلاح الدین) ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۸۱،  
 ۸۰۷، ۳۷۳  
 موسی بن محمود قاضی زاده رومی ۲۴۹،  
 ۸۰۷، ۲۶۹  
 موسی خان ۶۷۸  
 موسی سلطان موصلوی ترکمان ۴۷۳،  
 ۴۹۴  
 موسی کاظم ۲۱۱، ۳۱۹، ۳۵۰، ۴۸۱  
 موسی کشمیری (قاضی) ۵۴۰  
 موسی هروی (خواجه) ۳۴۸  
 موصلوی ترکمان ۴۷۳، ۴۹۴  
 موفق الدین ابوطاهر خانونی ۸۷  
 موفق الدین سراج ۱۷۸-۱۷۹  
 موفق الدین یحیی ۱۸۱  
 موفق السراج ۱۷۸-۱۷۹  
 موفق بن علی هروی (ابو منصور) ۲۹  
 موفق عبدالجلیل ۱۷۹  
 موقری ۵۶  
 مولانا بخاری (خواجه) ۶۳۴  
 مولانا زاده عبدالغفار تاشکندی ۳۴۶،  
 ۶۱۱، ۵۶۱  
 مولانا زاده فکری تاشکندی ۵۶۱  
 مولانای اصفهانی (امین الدین ابوالخیر  
 فضل الله بن روز بهان بن فضل الله  
 خنجی اصفهانی معروف بخواجه  
 ملا یا خواجه) ۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹،  
 ۵۲۳، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۶۳، ۷۲۲،  
 ۷۷۵  
 مولوی (خضر بن مانی قرمانی) ۱۹۴  
 مولوی (جلال الدین محمد بلخی) ۸۰،

منوچهر بن شرفشاه ۱۸۰  
 منوچهر بن فریدون (ابوالهیجا شروانشاه)  
 ۱۰۶، ۱۰۳-۱۰۷  
 منوچهر بن قابوس (فلك المعالی) ۴۲  
 منوچهر شروانشاه (خاقان) ۱۰۳، ۱۰۶-  
 ۱۰۷  
 منوچهری دامغانی (ابوالنجم احمد بن  
 عوض بن احمد) ۴۲، ۴۵، ۷۶، ۸۸،  
 ۲۰۹  
 منور (شیخ نورالدین) ۲۲۳  
 منور (محمود) ۱۸۱  
 منوهر (رای) ۶۶۰  
 منوهر توسنی (محمد) ۵۴۳، ۶۶۰  
 منهاج الدین ابو عمرو عثمان بن سراج-  
 الدین محمد بن منهاج الدین عثمان  
 ابن ابراهیم بن صدق الخالق جوزجانی  
 لاهوری منهاج سراج ۱۳۵، ۷۱۳-  
 ۷۳۰، ۷۱۴  
 منهی (میر) ۵۰۳، ۸۳۰  
 لاهوری ۶۸۷  
 منیر مرغینانی ۵۵۹  
 منیری (شرف الدین) ۳۵۸، ۷۲۵، ۷۷۶  
 منیری (شرف جهان) ۷۲۶  
 منیری (معین الدین) ۸۱۷  
 موالی ۳۴۸  
 موالی لاری خراسان خان خراسانی ۶۴۸،  
 ۸۲۷  
 موجی بدخشی (قاسم خان) ۵۵۲  
 مودب، (ابوالقاسم) ۲۵  
 مودود بن احمد عصی (نظام الدین) ۸۱  
 مودود بن مسعود غزنوی ۴۲  
 مودود چشتی (شیخ) ۲۱۷، ۶۰۴، ۶۲۴،  
 ۷۲۰، ۷۲۴  
 مودود بن شاه بن زنگی بن آق سنقر (قطب-  
 الدین) ۸۱  
 مودودی (خواجه قاسم) ۶۲۴  
 موزون اگرهی ۵۵۴  
 موسوی مشهدی ۵۸۱، ۵۵۳  
 موسوی مشهدی (عماد) ۲۴۶



۸۴،۵۴  
 مؤيد الملك قوام الدين ۱۵۷،۱۳۲  
 مؤيد بن احمد كاتب اسفرايني (عماد الدين)  
 ۹۵  
 مؤيد بن صالح (رضي الدين) ۲۲۶  
 مؤيد بن محمد جاجرمي معروف بملك  
 مؤيد الدين جاجرمي (ابوالمعالي)  
 ۷۱۹  
 مؤيد ديوانه (خواجه) ۳۳۵  
 مؤيدزاده حاتمي ۸۱۱  
 مؤيد مهتوي (خواجه) ۲۲۳-۲۲۲  
 مؤيدمهينه (خواجه) ۶۱۹، ۱۸۱  
 مؤيدمهينه (شيخ) ۶۱۹  
 مهتر جوهر آفتابه جي ۳۶۶، ۳۶۲  
 مهتر خواص خان ۸۱۲  
 مهجوري سمرقندي ۵۸۴  
 مهدي عليا ۴۷۴  
 مهدي استرآبادي ۳۱۸  
 مهدي باوردي (عبدالله) ۱۰  
 مهدي صاير شيرازي (آقا) ۸۲۵  
 مهدي قلي خان قادورقايي معروف بقادر  
 قالو ۳۹۶  
 مهدي سمداني (شريف) ۶۸۲  
 مهذب الدين (صدر) ۱۷۸  
 مهذب الدين منصور بن علي اسفزاری  
 ۹۵  
 مهذب شرواني ۱۷۹  
 مهتاب كرخي ۱۷۹  
 مهذب نيشابوري ۱۷۹  
 مهرايي (ابو القاسم) ۲۵  
 مهري ۳۳۹  
 مهري زار ۶۳۷  
 مهيشي گنجوي ۸۵، ۸۸-۸۹، ۱۰۵،  
 ۷۳۹  
 مهمره (شهاب الدين) ۱۷۵، ۲۲۶  
 مملك خاتون ۹۶  
 مهتاب  
 مهين بانو سلطانم ۴۸۴  
 ميان بهوه هندو ۸۱۲-۸۱۳

۱۶۰، ۱۴۷، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۵۸-  
 ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۹۲، ۴۰۳، ۴۰۵،  
 ۴۰۷، ۴۶۸، ۵۳۲، ۶۶۴، ۷۰۳،  
 ۷۰۶، ۷۳۵-۷۳۸، ۷۴۰، ۷۹۲،  
 ۸۴۱، ۸۲۲، ۸۰۳  
 مولوي سيستاني (محمد) ۶۶۰  
 مولوي (طريقة) ۲۷۶، ۷۹۲  
 مولوي اختر محمد خان رامپوري حنفي  
 قادري نقشبندي مجددی ۱۵۳  
 مولوي سيستاني (حاج محمد) ۶۶۰  
 مؤمن (ملاحسين يزدي) ۴۳۵، ۴۹۹-  
 ۵۰۰  
 مؤمن استرآبادي (مير محمد) ۵۰۲،  
 ۸۳۰  
 مؤمن بيك (محمد) ۵۰۱  
 يزدي (ملا) ۴۳۵، ۴۹۹-  
 ۵۰  
 مؤمن ساغرجي (ميرزا) ۵۸۶  
 مؤمن سبزواري ۶۶۰  
 مؤمن سمرقندي ۳۴۸  
 مؤمن شاه ۸۰۳  
 مؤمن لنگه (محمد) ۵۵۷  
 مومن مستي ۸  
 مؤمن هروري (عبدالمؤمن) ۶۳۷  
 مؤمنيه ۸۰۵، ۸۰۳  
 مونس ۶۶۰  
 مؤيد (خواجه علي) ۳۰۵، ۳۰۱  
 مؤيد (شهاب) ۱۷۸  
 مؤيد (قطب الدين) ۶۱۶  
 مؤيد الدوله منتجب الدين علي بن احمد  
 كاتب بديع انا بيك جويني ۸۸۰۲  
 مؤيد الدين جاجرمي (ابو المعالي مؤيد بن  
 محمد جاجرمي ملك) ۷۱۹  
 مؤيد الدين عريضي ۷۳۰  
 مؤيد الدين محمد بن احمد بن علي بن محمد  
 منشي نسوي زيدري (ياشهاب الدين)  
 ۲  
 مؤيد الدين نسفي ۱۰۰  
 مؤيد الملك ابو بكر حبيد الله بن نظام الملك

میرزا بیک سپهری ژوارچی یا ژواره‌ای ۷۰۸،۵۲۳	میان جمال خان ناصحی بداونی ۵۵۰
میرزا بیک فندرسکی ۵۱۸	میان شیخ داود ۵۴۰
میرزا بیک هروی ۵۷۹	میان منگتن بداونی ۵۵۰
میرزا جان ۳۹۲، ۵۰۰، ۵۲۰	میبدی (قاضی حسین بن مبین الدین حسینی ترمذی) ۲۶۷ - ۲۶۸، ۲۶۳، ۶۶۳، ۷۰۶
میرزا جان (حبیب الله باغنوی) ۳۸۹، ۳۹۲	۸۱۸، ۷۷۹، ۷۴۲
۵۸۶، ۵۲۰، ۵۰۰، ۴۳۵	میخچه گر (مولانا) ۸
میرزا جان رومی شیرازی ۵۸۶	میر (میرزاده علی خان) ۸۳۴، ۵۵۲
میرزا جان شیرازی ۴۳۵، ۵۰۰	میرائی حفظی (حافظ) ۶۳۱، ۶۱۲
میرزا جانی ۴۲۰	میر اسلام فزالی بلخی (پسران الدین) ۷۸۹، ۶۳۹، ۲۳۰
میرزا خان خانان ۴۵۶، ۴۲۲	میران شاه بن تیمور گورکان (میرزا) ۲۱۹، ۲۵۶، ۲۶۲، ۳۳۱، ۶۰۵، ۷۶۴
میرزا دعلی خان ۸۲۴، ۵۵۲	۷۷۷
میرزاده علی خان ۸۳۴، ۵۵۲	میر بحر (محمد قاسم خان) ۵۴۰، ۵۵۲
میرزا شاه بیک لنگه حصار ۵۸۳	۵۵۵
میرزا شاه نقشبندی ۶۴۰	میر بحری ۵۵۵، ۵۵۳، ۵۴۰
میرزا علی کار کیا ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۰، ۳۵۰	میر بدخشانی ۶۳۹
۴۸۲	میر جان ۳۷۲
میرزا کامران کوهدمی ۴۹۴	میر جان (شیخ) ۶۲۹
میرزا مشهدی ۶۳۴	میر جان اسقر غابادی (وحید الدین ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن احمد انیسی) ۶۲۹، ۲۷۲، ۲۶۲ - ۶۳۰
میر سزواری ۳۴۸	میر حاج ۸
میر سمره نه (شمس الدین محمد اندجانی)	میر حاج انسی جنابدی (قلب السدین) ۳۲۱
۳۲۷، ۵	میر حمله (محمد سعید) ۴۳۵
میر سرخ ۳۳۳	میر خرد میانکالی ۵۸۱
میر سید ۴۱۰	میر خواب بین ۳۲۳
(نادر الملک) ۶۴۲	میر خواند ۲۳۹ - ۲۴۱
میر سیند شریف ۲۷۶ ر. شریف الدین علی	میر خواند ۲۳۹ - ۲۴۱
میر سینایی (حافظ) ۳۴۳	میر دلال ۲۴۸
میر شاه جویماری (خواجه) ۶۳۵	میر دوست (خواجه) ۶۳۵
میر شیخ پورانی ۶۱۹	میر دهلوی (میرزاد علی خان) ۵۵۳، ۸۳۴
میر عبد الله خان ۴۹۲	میر دیوانه محنتی بخاری ۵۸۵، ۵۷۷
۸۱۳	میر رباعی (فکری) ۴۱۹
میر عرب (شریف عبد الله یمنی) ۶۳۳	میرزا (حکیم) ۵۴۲
میر عزیز خان ۴۹۲	میرزا بیک ۳۴۸
میر قاضی اسیری ۴۲۹	
میرک (علاء الملک شرف الدین) ۸۸	
میرک (دور الدین محمد) ۶۱۵	
میرکای بخاری ۶۳۲	
میرک بخاری ۳۸۹	
میرک تبریزی ۳۴۸	

(حکیم) ۷۴۷،۷۱۵،۲۳  
 میلی ۸۲۱  
 میلی تبریزی ۷۰۵  
 میلی حصاری ۴۴۸  
 میلی هروی (میرزا محمدقلی تکلو) ۴۲۱،  
 ۸۲۰،۴۵۸  
 میمون بن نجیب واسطی ۶۰،۵۵  
 میمون شعرا ۵۲۵

ن

ابوالیسع ۲۲۹،۲۲۳،۹۳  
 ناتورالیسع ایران ۱۰۶،۱۰۱  
 ناتورالیسع عراقی ۲۲۳  
 ناجی ۸۰۳  
 ناجی اردوبادی ۵۱۶  
 ناجی کاشانی ۶۶۱  
 ناجی کرمانی ۶۱۴  
 نادرالملک (امیرسید جابرودی) ۶۴۲  
 نادرالملک (میر سیدعلی مصور جدایی  
 تبریزی) ۸۲۰،۴۲۴  
 نادری بخاری ۳۴۸  
 نادری بیک هروی سمرقندی ۵۶۱  
 نادری ترشیزی ۵۳۹  
 نادری سمرقندی ۵۵۰  
 نادری مروزی ۳۴۸  
 نازحی (شاهقلی خان) ۴۲۴  
 نازکی تبریزی ۷۰۵  
 نازکی خراسانی ۳۴۸  
 نازکی نهاوندی ۵۳۵  
 نازنینی سبزواری ۳۴۸  
 ناصح (محمدعلی) ۹۴  
 ناصح بن خلف بن سعد منشی جسرآدقانی  
 (أبوالشرف) ۱۳۵،۱۲۸  
 ناصحی ۱۸۱  
 ناصحی بدائی (میان جمال خان) ۵۵۰  
 ناصر ۱۷۹،۱۷۷،۳  
 ناصرالدین ۷۴۷  
 ناصرالدین ابوالحارث احمد بن سنجر بن  
 ملکشاه ۸۰

میرک ترکستانی (بابای) ۵۸۸  
 میرک حالی (حافظ) ۶۳۲  
 میرک حسین هروی ۶۳۵،۳۴۴  
 میرک خوارزمی (خواجه) ۵۸۴  
 میرک خوشنویس هروی (امیر روح الله)  
 ۶۶۱  
 میرک داعی اصفهانی ۵۲۹  
 میرک دیو ۴۹۲  
 میرک کرمانی ۲۰۹  
 میرک شیرازی ۳۴۸  
 میرک صالح مشهدی (محمد) ۵۸۰،  
 ۸۳۶  
 میرک صالحی هروی مشهدی (محمد) ۴۳۳،  
 ۸۲۳،۷۱۱  
 میرک صدیقی بلخی شیخ الاسلام (خواجه)  
 ۶۲۶  
 میرک نرگسی ابهری (ابوالمکارم) ۳۳۵،  
 ۷۸۹،۵۴۳  
 میرک نرگسی هروی (مولانا ابوالمکارم)  
 ۷۸۹،۵۴۳،۳۳۵  
 میرک نقاش اصفهانی (آقا) ۶۶۱  
 میرک وصالی بلخی ۵۹۴  
 میرک هروی (خواجه) ۳۴۸  
 میرک هروی (میرزا) ۶۶۱  
 میرم (مولانا محمدودین محمد) ۲۷۱  
 میرم بیک همدانی (خواجه) ۵۲۹  
 میرم خواجه ۶۴۱  
 میرم سیاه ۶۱۵،۳۴۷  
 میرم سیاه هروی ۳۵۹،۳۱۸  
 میرمفتی بخاری (مولانا) ۶۳۴  
 میرمنشی (اشرف خان) ۵۵۴  
 میرمفتی بخاری ۶۳۴  
 میرم کرمانی ضیایی (ضیاءالدین) ۴۶۴  
 میرمیران ۴۳۵  
 میرمیران کلتاش ۵۰۰  
 میرمیران یزدی ۶۴۳  
 میرمهدانی (خواجه آقا) ۵۲۴  
 میرزا ارشمیدس ۱۲۷  
 میرزایی بخاری ۲۵

ناصرالدين ابوالخير يا ابوسعيد عبدالله بن  
 عمر بيضاوى (يا نصيرالدين) ۱۳۹،  
 ۷۴۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵  
 ناصرالدين ابوالفتح طاهر بن فخرالملك  
 مظفر بن نظام الملك ۸۱، ۲  
 ناصرالدين ابوالفتح طاهر بن مظفر ۲،  
 ۸۱  
 ناصرالدين ابوالفتح عبدالرحيم بن منصور  
 م قهستان ۱۳۹، ۱۳۷  
 ناصرالدين ابوسعيد يا ابوالخير عبدالله  
 ابن عمر بيضاوى (يا نصيرالدين)  
 ۷۴۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵، ۱۳۹  
 ناصرالدين ابونصر مهتوى ۳۴۲، ۳۲۳  
 ناصرالدين احمد بن منجر بن ملكشاه  
 (ابوالحارث) ۸۰  
 ناصرالدين بچه اى ۱۷۶  
 ناصرالدين بن كيارقشاه ۷۵۱  
 ناصرالدين بغراخان ۶۲۹، ۱۷۱  
 ناصرالدين بن عمده الملك منتجب الدين  
 منشى يزدي ۷۳۳، ۱۴۹، ۱۲۴  
 ناصرالدين ترمذى (خواجه) ۶۴۹  
 ناصرالدين حسين بن مجدالدين محمد  
 ترجمان جعفرى رغدى ابن بوى  
 (امير) ۱۴۹  
 ناصرالدين حسين بن هبه الله بن حسين  
 خطيب ناصر خطيب شعموى ۲۱۴  
 ناصرالدين خسرو اصفهاني ۲۱۶  
 ناصرالدين سمرقندى ۳۴۸  
 ناصر بن طاهر بن مظفر وزير (ابوالفتح)  
 ۸۱، ۲  
 ناصرالدين عبدالرحمن بن منصور محتشم  
 قهستان ۱۳۷، ۱۳۹  
 ناصرالدين عبيدالله احرار ر. عبيدالله  
 احرار  
 ناصرالدين عثمان بن حرب سگزي ۹۱  
 ناصرالدين عمده الملك منتجب الدين  
 يزدي منشى ۷۳۳، ۱۴۹، ۱۲۴  
 ناصرالدين عمرو وزير ۷۵۸  
 ناصرالدين عين الملك ۱۸۱

ناصرالدين قباچه ۱۵۱، ۹۷، ۷۸  
 ناصرالدين محمد بن قوام الدين عبدالله  
 هرولى ۶۰۵  
 ناصرالدين محمود بن شمس الدين التتوش  
 ۷۳۰  
 ناصرالدين محمود بن ملكشاه ۸۰  
 ناصرالدين محمود شاه ۱۳۵، ۱۷۵، ۲۲۲  
 ناصرالدين محمود شاه دوم ۱۳۵، ۱۷۵،  
 ۲۲۲  
 ناصر بخارى ۲۰۹  
 ناصر بنوى ۴۱  
 ناصر بن خسرو بن حارث بن على بن - سين  
 ابن على بن محمد بن على بن موسى -  
 الرضا (سيد معين الدين) ۷۱۸  
 ناصر بن شمس غزنوى كافر ك (جمال الدين)  
 ۴۳  
 ناصر بن شمس كافر ك غزنوى (جمال الدين)  
 ۴۳  
 ناصر بن على درگزينى طنرايى (قوام) -  
 الدين ابوالقاسم) ۱۱۱، ۸۴  
 ناصر ترمذى (خواجه شاه سيد ناصر الدين)  
 ۶۴۹  
 ناصر جعفرى نسوى ۸۹، ۵۵  
 ناصر خسرو قباديانى مروزي (حميد الدين  
 ابو معين) ۴۸۰، ۴۷، ۲۸، ۵۴، ۵۸ -  
 ۶۲، ۵۹-۶۳، ۲۱۶، ۷۱۸  
 ناصر خطيب شعموى ۲۱۴  
 ناصر شيرازى ۱۷۶-۱۷۷  
 ناصر صلاح الدين يوسف بن ايوب ايوبى  
 (ملك) ۷۲۲  
 ناصر كاشانى ۱۸۱  
 ناصر الدين الله عباسى ۷۳۱، ۱۴۱  
 ناصر لغوى ۴۱  
 ناصر مسرانشاهى ۶۸۱  
 ناصر ميرزا بن عمر شيخ (يادگار) ۲۲۲،  
 ۶۶۱، ۶۰۸  
 ناصر مرزى مايبز نابادى ۳۴  
 ناصر هرولى (خواجه) ۷۸۰، ۶۸۴  
 ناصرى تيمورى (محمد ناصر مرزا)

نجائی تبریزی (مولانا حیدر) ۷۰۶  
 نجائی گیلانی ۵۵۶  
 نجائی نیشابوری (حمیدالدین محمود بن  
 عمر) ۷۵۵  
 نجاددی ۵۶  
 نجار ۲۵  
 نجار سافرجی ۱۰۰  
 نچدی (میر) ۵۰۴  
 نجفقلی خان ۶۹۴  
 نجم (قاضی) ۱۷۹  
 نجمالدین ۲۴۵  
 نجمالدین ابوالجناب احمد بن عمر بن  
 محمد بن عبدالله خیوقی خوارزمی  
 نجمالدین کبری ۱۱۵-۱۱۶، ۱۳۰،  
 ۱۶۵، ۱۷۳، ۲۴۲، ۲۵۶، ۷۲۳-  
 ۷۲۴، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۴  
 نجمالدین ابوالقاسم محمد میان کالی (سید)  
 ۴۱۵  
 نجمالدین ابوالنظام محمد فلکی شروانی  
 ۱۰۶  
 نجمالدین ابوبکر بن احمد جام ۷۲۰  
 نجمالدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن  
 شاهر اسدی دایه رازی ۱۱۵، ۸۰،  
 ۷۳۰، ۱۴۰  
 نجمالدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان  
 ابن محمد بن احمد بن حسین بن همت  
 راوندی ۸۸-۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵  
 نجمالدین ابوبکر محمد بن مودود طاهری  
 زرکوب تبریزی ۱۷۶-۱۷۷  
 نجمالدین ابو حفص عمر مفتی الثقلین  
 ۱۲۲  
 نجمالدین احمد بن عمر بن علی نظامی  
 عروسی سمرقندی (یا نظامالدین)  
 ۵۱، ۹۰، ۱۱۹، ۷۱۹  
 نجمالدین اسکویی ۳۴۸  
 نجمالدین برکیاف ۳۴۸  
 نجمالدین حسن بن علی سجزی دهلوی  
 (خواجہ) ۱۷۱  
 نجمالدین حسن کرمانی ۹۵

۶۶۱  
 ناصری سیواسی ۳  
 ناصری مہنہ (خواجہ منصور) ۶۱۹  
 ناطق دهلوی ۶۶۱  
 ناطقی (امیر) ۶۱۳  
 ناطقی مازندرانی (مولانا) ۵۶۷  
 ناظری (مولانا) ۶۳۸  
 ناظری بخارایی ۵۸۹-۶۳۸، ۵۹۰  
 ناظری مشهدی ۶۳۸، ۳۴۸  
 ناظمی تربتی ۵۷۹  
 ناکام بخارایی ۶۸۹  
 ناکوک (ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب  
 رازی) ۴۳  
 نالی سمرقندی ۵۷۹  
 نامی (سید نظامالدین محمد معصوم بن سید  
 صفایی حسینی ترمذی بکری) ۳۵۸،  
 ۸۰۲  
 نامی اردو بادی ۵۱۶  
 نامی بکری ۳۵۸، ۸۰۲  
 نامی تبریزی ۷۰۵  
 نامی تبریزی هروی ۷۰۵، ۵۶۱  
 نامی سیزواری ۳۴۸  
 نامی طهرانی (ملا فضل) ۶۸۹  
 نامی معروف بنخواجہ خسرو (خواجہ  
 عبدالعزیز) ۶۲۹  
 نانک ۴۸۴، ۴۸۶  
 نباقی تبریزی ۷۰۶  
 نبطی ۱۰  
 نبوی ۲۱۹  
 نزاری (محمد علی جلایر) ۳۴۸  
 نزاری (نقیب الاشراف خواجہ بہاءالدین  
 سید حسن بخاری) ۴۰۳، ۵۷۶، ۶۲۰  
 ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶  
 نزاری اصفہانی (نقی) ۶۶۱-۶۶۲  
 نزاری تبریزی ۵۰۸، ۶۵۷  
 نزاری تونی ۶۸۹  
 نثری گیلانی ۵۳۳  
 نجائی ۳۴۸  
 نجائی تاشکندی ۶۲۵

نجم الدين منجم ۱۸۱  
 نجم الدين نسفی ۷۸۲، ۷۸۵  
 نجم الدين يعقوبی ساوجی ۷۰۹، ۳۴۸  
 نجم الكاتبی ۱۸۱، ۱۳۸  
 نجم بن محمد دهستانی (مجیر الدین) ۹۹  
 نجم ثانی ۸۲۹، ۴۴۵، ۳۲۶، ۳۱۰  
 نجم طرفی ۱۷۹  
 نجم گنجه ۱۷۹  
 نجم يعقوبی ۷۰۹، ۳۴۸  
 نجمی ۲۲۵  
 نجمی (ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار قطبی) ۷۱۷، ۷۰، ۴۸  
 نجمی (خواجہ) ۳۴۸  
 نجمی شروانی ۷۰۶، ۳۴۸  
 نجمی کشمیری ۸۳۶، ۵۹۶  
 نجمی مشهدی ۳۴۸  
 نجومی هندی ۳۴۸  
 نجم الدین ابوبکر خطاط ترمذی ۹۵  
 نجیب الدین ابوسعید علی بن بزغش بن عبدالله شیرازی ۱۸۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۷۳۶، ۷۵۸  
 نجیب الدین جرفادقانی ۷۴، ۱۶۵ - ۱۶۶  
 نجیب الدین علی بن بزغش بن عبدالله شیرازی (ابوسعید) ۱۸۰، ۲۱۱ - ۲۱۲  
 ۷۵۸، ۷۴۶، ۲۱۲  
 نجیب الدین محمد بن محمود ایچی ۲۴۵  
 نجیب ترمذی ۱۷۹  
 سمرقندی (اصیل الدین) ۹۵  
 نجیبی فرغانی ۱۰۰  
 نجیبی ۱۸۰  
 نحاس اصفهانی (ابوالمعالی) ۵۱  
 نحوی (عبدالصمد) ۶۰۳  
 (بدر الدین) ۱۵۱  
 نخلی ۶۳۵  
 نخلی (حافظ تانیس) ۶  
 نداقی (محمد بیک) ۴۹۶  
 ندایی بخاری (مولانا صالح) ۵۹۵  
 ندایی کاشغری (عبدالله) ۲۸۱

نجم الدین حمید سیمگر ۱۷۹  
 نجم الدین دایه ۷۳۰، ۱۴۰، ۱۱۵، ۸۰  
 نجم الدین دبیران قزوینی ۱۳۷، ۱۳۸  
 ۷۳۰، ۲۶۶، ۱۸۱  
 نجم الدین رازی ۷۳۰، ۱۴۰، ۱۱۵، ۸۰  
 نجم الدین زرکوب ۱۷۶-۱۷۷  
 نجم الدین زرگر (امیر) ۴۴۵، ۳۱۷  
 نجم الدین ساوجی ۳۴۸  
 نجم الدین صابن الامام محمود بن صابن - الدین الیاس بن ستر باریک شیرازی ۳۰۷، ۳۰۷، ۱۵۳  
 نجم الدین طارمی ۲۸۴، ۲۷۸، ۲۵۶  
 نجم الدین عبدالعزیز ۱۷۹  
 نجم الدین کاتب یا کاتبی ۱۸۱، ۱۴۷، ۱۳۸، ۷۳۰، ۲۶۶  
 نجم الدین کبری ۱۱۵ - ۱۱۶، ۱۴۰، ۱۶۵، ۱۷۴، ۲۴۲، ۲۵۶، ۷۲۳ - ۷۲۴، ۷۴۳، ۷۴۶، ۷۵۴  
 نجم الدین کرکس ۲۲۴  
 نجم الدین کوکبی ۶۱۷  
 نجم الدین محمد بن مودود زرکوب طاهری تبریزی (ابوبکر) ۱۷۶ - ۱۷۷  
 نجم الدین محمد میان کالی (ابوالقاسم) ۴۱۵  
 نجم الدین محمود ۲۱۳  
 نجم الدین محمود بن الیاس شیرازی ۱۹۰، ۴۰۰، ۱۹۳  
 نجم الدین محمود بن صابن الدین الیاس ستر باریک شیرازی ۱۵۳، ۳۰۷ - ۳۰۸  
 نجم الدین محمود بن صابن الدین الیاس طبیب شیرازی ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰  
 نجم الدین محمود بن عبدالکریم شیشتری (یاسعد الدین) ۲۰۱، ۱۶۹، ۲۰۲ - ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲، ۷۷۳، ۷۵۶ - ۷۵۵، ۷۵۲  
 نجم الدین محمود مذهب ۲۱۵  
 نجم الدین مسعود هروی ۶۵۹

ابرقوهی (سیدالدین) ۱۹۰  
 نصرالله بن حسنعلی بن مجدالدین حسن  
 نافعجی ۷۸۵  
 نصرالله بن خلیل الله ابرقوهی (کمالالدین)  
 ۳۳۱  
 نصرالله بن عبدالؤمن سمرقندی ۷۵۸  
 نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی  
 شیرازی (ابوالمعالی نصیرالدین)  
 ۱۱۷، ۷۸  
 نصرالله غزنوی ۴  
 نصرالله قوامی خوافی (قوامالدین) ۹۵،  
 ۳۲۲  
 نصرالله واقف خلیجالی ۷۰۶  
 نصر بن احمد جام (برهانالدین) ۷۲۰  
 نصر بن احمد سامانی ۲۰-۲۲  
 نصر بن خلف (تاجالدین ابوالفتح) ۸۲  
 نصرهالدین (تاجالملوک) ۸۶  
 نصرهالدین ابوالخطاب  
 بهرامشاه ۱۷۲  
 نصرهالدین ابوبکر پیشکین ۱۰۵  
 نصرهالدین ابوبکر محمد ۱۰۵  
 نصرهالدین احمد (اتابیک) ۱۷۵، ۱۳۸  
 نصرهالدین احمد بن یوسف شاه بن شمس -  
 المدین الب ارغون بن نصرالدین  
 هزاراسب ۱۳۳، ۱۸۴  
 نصرهالدین بن ملک نصیرالدین ۱۵۷  
 نصرهالدین تاجالملوک ۸۶  
 نصرهالدین جهان پهلوان مسعود بن ارسلان  
 ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷  
 نصرهالدین حسن بیک ۲۶۷  
 نصرهالدین خسرو شاه بن بهرامشاه  
 (ابوالخطاب) ۱۷۲  
 نصرهالدین سلفرشاه بن تورانشاه ۲۷۰  
 نصرهالدین شاه یحیی آل مظفر ۷۸۵  
 نصرهالدین عثمان بن ابراهیم بن حسین  
 قلیج ارسلان خاقان ۹۶-۹۷، ۹۹  
 نصرهالدین عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری  
 (ابوالفتح یا ابوحفص غیاثالدین زیا)  
 ۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹

فدایی نیشابوری ۳۳۸  
 ندیمی (بهاءالدین برندق بخاری) ۲۹۶-  
 ۲۹۷  
 نذری کاشانی ۵۱۵  
 نرشنی (ابوبکر محمد بن جعفر) ۷۰،  
 ۱۲۰  
 نرگسی ابهری (ابوالمکارم عیرک) ۳۳۵،  
 ۷۸۹، ۵۳۳  
 نرگسی مراغی ۷۲۵  
 نرگسی مروزی ۳۳۸  
 نرگسی هروی ۲۳۵، ۳۳۸، ۳۴۸، ۷۸۹  
 نزار بن مستنصر اسمعیلی ۱۷۰، ۸۰۳  
 نزاری قهستانی (سعدالدین) ۱۷۰  
 نزاریه مؤمنیه اسمعیلیه ۸۰۵  
 ندایی (فخرالنساء) ۳۳۹، ۶۹۵  
 مشهدی ۵۱۳  
 نسف آقاشانی تکلو (وجهالدین) ۴۱۳،  
 ۵۰۵-۵۰۶  
 نسوی (ابوالحسن علی بن احمد) ۶۳،  
 ۷۰  
 نسیمالدین ابوسعید نسیمی شیرازی (یا  
 عمادالدین) ۳۳۵، ۳۲۱، ۳۳۶-۳۳۶،  
 ۷۸۹، ۷۶۵  
 نسیمی حسینی شیرازی ۳۲۱، ۳۳۵-  
 ۷۸۹، ۷۶۵، ۳۳۶  
 نسیمی فرخاری ۳۳۸  
 نسیمی گرگانی ۳۸  
 نسیمی نیشابوری ۲۱۳، ۲۲۵  
 نسیمی هروی ۳۳۸  
 نشاطی ۱۰۰  
 نشاطی دهلوی ۶۶۱  
 نشانی دهلوی (مولانا علی احمد) ۵۵۵،  
 ۸۳۵  
 نشناس ۲۵  
 نصاری ۱۷، ۸۰۰  
 نصرالله (حافظ) ۷۹۷  
 نصرالله بن احمد جام (برهانالدین)  
 ۷۲۰  
 نصرالله بن برهانالدین خلیل الله طاوسی

نصیر الدین طوسی ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۵۲،  
 ۱۵۸، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۶۷،  
 ۲۶۹-۲۷۱، ۳۰۵، ۳۷۵، ۳۸۴،  
 ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۱، ۴۴۲، ۴۶۵،  
 ۶۹۱، ۷۰۳، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۵۰  
 نصیر الدین عبدالحمی ۵۹۹  
 نصیر الدین عبدالله بن عمر بیضاوی (ابو-  
 سعید یا ابوالخیر ناصر الدین)  
 ۱۳۹، ۳۹۵، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۵  
 نصیر الدین عبیدالله نقشبندی ۲۴۷،  
 ۸۱۷  
 نصیر الدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله  
 سجستانی سیواسی رمال ۱۵۱  
 نصیر الدین محمد بن بلبن (سلطان) ۱۷۱،  
 ۱۷۵  
 نصیر الدین محمد بن عبدالکریم انصاری  
 ۳۷۳  
 نصیر الدین محمد بن غیاث الدین بلبن ۱۷۱،  
 ۱۷۵  
 نصیر الدین محمد هما یون ر. نصیر الدین  
 هما یون  
 نصیر الدین معروف بن نصیر ای همدانی  
 (خواجہ) ۵۳۲  
 نصیر الدین نصر الله بن محمد بن عبدالحمید  
 منشی شیرازی (ابوالمعالی) ۷۸،  
 ۱۱۷  
 نصیر الدین هما یون ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳،  
 ۲۳۲، ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۹،  
 ۲۸۲، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۵۳، ۴۵۴-  
 ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۵-  
 ۴۷۶، ۵۴۳، ۵۴۹، ۵۵۰-۵۵۲،  
 ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷-۵۶۰، ۵۶۴،  
 ۵۶۶-۵۶۷، ۵۷۱، ۶۰۷-۶۰۸،  
 ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۳۵، ۶۳۷،  
 ۶۴۲، ۶۵۰-۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵،  
 ۶۵۷-۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷-۶۶۸،  
 ۶۷۳، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۸،  
 ۷۵۴-۷۵۶، ۷۵۹، ۷۷۶، ۸۰۲،  
 ۸۰۵، ۸۰۸، ۸۰۹-۸۲۹، ۸۳۳-

۱۷۴، ۲۵۷، ۳۹۷، ۴۱۳  
 نصره الدین کیودجامه (شاه) ۳۴۵، ۱۸۰  
 نصره الدین مسعود بن ارسلان (جهان  
 پهلوان) ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷،  
 نصیب خان قزوینی ۶۶۲  
 (امیر) ۷۱۱  
 اندجانی ۶۱۳، ۷۱۱  
 نصیبی گیلانی (بابا) ۳۴۸، ۶۴۷، ۷۱۱  
 نصیبی نوربخشی یزدی (میر سید حسین)  
 ۳۴۶، ۳۴۸، ۶۶۱، ۷۱۱  
 (حیکم) ۵۱۴  
 میر (سعد الدین) ۲۲۵  
 نصیر ادیب (خواجہ) ۱۸۱  
 الدوله شمس الملوك رستم بن اردشیر  
 باوندی ۱۲۹  
 نصیر الدین (ملک) ۱۵۶-۱۵۷  
 نصیر الدین ابوالخیر یا ابوسعید عبدالله بن  
 عمر بیضاوی (یا ناصر الدین) ۱۳۹،  
 ۳۹۵، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۵  
 نصیر الدین ابوالرشید عبدالجلیل بن  
 ابوالحسین بن ابوالفضل قزوینی  
 رازی ۱۲۵  
 نصیر الدین ابوالقاسم محمود بن عبدالملک  
 بن ابوتوبه مروزی خوارزمی ۸۸،  
 ۱۳۰  
 نصیر الدین ابوالقاسم محمود بن مظفر بن  
 عبدالملک بن ابوتوبه مروزی خوارزمی  
 ۸۸، ۱۳۰  
 نصیر الدین ابوجعفر محمد بن حسن طوسی  
 ر. نصیر الدین طوسی  
 نصیر الدین ادیب ۴  
 نصیر الدین بن محیی بن عبداللطیف اودهی  
 ر. نصیر الدین چراغ دہلی  
 نصیر الدین چراغ دہلی ۱۹۵-۱۹۶،  
 ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴-۷۵۹،  
 نصیر الدین خلجی (سلطان) ۳۹۶  
 نصیر الدین خلیل بن امیرانشاہ گورکان  
 ۲۳۱، ۲۹۵-۲۹۶  
 نصیر الدین ساقی قزوینی ۶۴۴



نظام‌الدین احمد بن عمر بن علی نظامی  
عروضی سمرقندی (یسا نجم‌الدین)  
۷۱۹، ۱۱۹، ۹۰، ۵۱

نظام‌الدین احمد بن محمد بن احمد شجاع-  
الدین درودباشی بیهقی ۷۵۸

نظام‌الدین احمد بن محمد عقیق هروری دهلوی  
۸۰۲، ۴۷۱، ۴۶۶، ۳۵۹، ۳۵۷

نظام‌الدین احمد سهیلی جغتایی ۲۴۷،  
۳۰۷

نظام‌الدین احمد شیرین کار ۳۴۳

نظام‌الدین احمد کاتب جامی ۹۵

نظام‌الدین اردبیلی ۳۴۸

نظام‌الدین استرآبادی ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۴۶،  
۷۸۸

نظام‌الدین الیاس بن یوسف بن زکی بن  
مؤید گنجوی نظامی ر. نظامی  
گنجوی

نظام‌الدین اولیا (دهلوی) ۱۱۳، ۱۵۴،  
۱۵۶، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۶-

۱۹۷، ۲۱۸، ۲۴۰، ۵۴۴، ۷۳۵،  
۷۵۴-۷۵۵، ۷۵۹، ۷۶۶، ۷۶۹

نظام‌الدین پارسا (خواجہ) ۶۲۳

نظام‌الدین جندی ۴

نظام‌الدین حبیب‌الله حسینی ۲۷۱

نظام‌الدین حسن حسینی آملی ۲۱۵

نظام‌الدین خاموش ۲۷۸، ۷۸۴

نظام‌الدین خراسانی ۳۴۸

نظام‌الدین دربندی ۴

نظام‌الدین سلطان یحیی کیا ۲۷۰

نظام‌الدین شریف‌هروری ۷۸۰

نظام‌الدین عبدالحق ۸۱۸

نظام‌الدین عبدالملی بن محمد حس-  
بیر جندی ۲۸۳-۳۸۴، ۸۰۶

نظام‌الدین عبدالقادر بن حسن رویان-  
لاهیجی ۲۷۰

نظام‌الدین عبدالواسع شامی یا شمس‌غازانی  
نظام‌شامی ۲۳۶، ۲۵۰، ۷۸۲

نظام‌الدین عبدالهادی پارسا (خواجہ)  
۶۲۳

۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۹

نصیر‌الدین یوسف بن ظافر‌الدین یزدی  
۷۳۳

نصیر‌الملک ۳۶۸

الملک بن مؤید‌الملک بن نظام‌الملک  
۸۸

نصیرای همدانی (خواجہ نصیر‌الدین)  
۵۳۲

نصیر سگزی (ظہیر‌الدین) ۷۹

نصیر سیستانی ۴۴۷، ۴۵۳

نصیر گنجہ ۱۷۹

نصیر لنگ نیشابوری ۳۴۸

نصیر منشی همدانی ۸۶۰

نصیری اردوبادی (قاضی محمد) ۷۰۶

نظام ۵۵۰

نظام (حسن بن محمد نیشابوری قبی)  
۱۵۲

نظام (شاه) ۲۳۴

نظام (صدر) ۱۸۱

نظام (مترجم بوداسف و بلوہ) ۲۶۴

نظام (محمود طاهر غزالی) ۷۵۵

نظام (میرزا) ۴۶۲-۴۶۳

نظام استرآبادی ۲۱۳

نظام اصفہانی ۱۷۲

نظام‌الدین ۱۸۱

نظام‌الدین ابوالعلاء گنجوی ۱۰۳، ۱۰۷

نظام‌الدین ابوالفضائل عبدالقادر بن  
غیبی مراغی ۱۴۷، ۲۶۱، ۷۷۳،  
۷۷۷، ۷۸۲، ۸۱۴

نظام‌الدین ابوسعید محمد جنیدی (نظام-  
الملک) ۱۷۲، ۲۲۳

نظام‌الدین ابونصر ہبہ‌الله فارسی (قوام-  
الملک) ۷۸

نظام‌الدین احمد (میرزا) ۳۵۷، ۴۲۲،  
۴۲۸، ۴۳۲، ۵۴۴، ۵۵۲، ۵۵۶،  
۸۰۸

نظام‌الدین احمد اسکوی (میر) ۶۷۰،  
۷۰۳

نظام‌الدین احمد نخشبی (خواجہ) ۳۵۸

نظام الدین عبید زاکانی قزوینی ۲۰۱،  
 ۲۰۶  
 نظام الدین علی بناکشی ۷۳۲، ۱۴۳  
 نظام الدین علی سیاقی ۷۱۰  
 نظام الدین علیشیر بن غیاث الدین گچکنه  
 ۲۸۹ ر. علیشیر نوایی  
 نظام الدین علی کاشانی (حکیم) ۶۶۲  
 نظام الدین علی مشهدی ۳۲۶  
 نظام الدین علی نظمی تبریزی ۵۵۶،  
 ۸۳۵  
 نظام الدین غریب یمینی ۷۵۶  
 نظام الدین کاتب ۳  
 نظام الدین محمد ۲۴۲  
 نظام الدین محمد بن تاج الدین مسعود بخاری  
 ۱۰۰  
 نظام الدین محمد بن علی آل میران  
 ۹۸  
 نظام الدین محمد بن علی بن ذاتیالدهلوی  
 ۱۱۳ ر. نظام الدین اولیا  
 نظام الدین محمد بن مسعود بخارا بی  
 ۱۰۰  
 نظام الدین محمد خاموش ۷۸۴، ۲۷۸  
 نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی  
 حسینی ترمذی بهکری نامی ۳۵۸،  
 ۸۰۲  
 نظام الدین محمود بن امیر احمد قاری  
 یزدی ۳۲۰  
 نظام الدین محمود بن حسن حسینی شیرازی  
 واعظ شاه داعی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱،  
 ۷۸۲، ۷۴۲  
 نظام الدین محمود قمری اصفهانی قاضی  
 نظام ۱۷۲  
 نظام الدین مرزوقی ۲۲۵  
 نظام الدین معامی ۳۱۳  
 نظام الدین مودود بن محمد معصمی ۸۱  
 نظام الدین هاشمی (خواجہ) ۶۲۹  
 نظام الدین هاشمی کاشانی (میر) ۶۴۸  
 نظام الدین هروی ۲۲۱  
 نظام الدین وزیر ۱۶۶

نظرسہر سبزی ۶۰۰	نظامشاہ (حسین) ۳۸۹
نظری ۵۷۱	نظام شاہ بحری (مرتضی) ۸۳۱، ۳۴۳
نظمی تبریزی (نظام الدین علی) ۵۵۶، ۸۲۵	نظام شاہ بھمنی ۲۵۹، ۲۱۲، ۴۱۲، ۶۴۶، ۶۵۶
نظمی خراسانی ۳۴۸	۸۴۳، ۸۰۳، ۶۷۲
نظمی زادہ بغدادی (مرتضی) ۲۷۹	نظام شاہ دکنی (برہان الدین) ۳۵۵، ۳۶۷-
نظیر ۴۲۹	۸۰۳، ۶۵۶، ۳۸۹، ۳۷۳، ۲۶۸
نظیر الدین ہروی ۴۴۸	نظام شاہ دیوانہ (مرتضی) ۴۳۳
نظیری نطنزی ۶۴۹	نظام شاہی ۵۲۸، ۲۳۴
نظیری نیشاپوری (حاج محمد حسین) ۳۴۸، ۸۲۲، ۷۹۸، ۷۸۶، ۵۳۷، ۴۲۹	نظام شاہیان ۳۸۹
نعمان بن محمود بن امیل (خواجہ جلال) ۲۱۴	نظام ضمیری بلگرامی ۶۴۵
نعمہ اللہ ۷۶۳	نظام فاضل (مولانا) ۶۳۱
نعمۃ اللہ (بابا) ۳۴۸	نظام گلستانہ (شاہ) ۴۵۰+
نعمۃ اللہ باقی (شاہ) ۵۰۰	نظام متشہی ۲۷۳
نعمۃ اللہ بن عبد اللہ بن محمد بن عبد اللہ بن کمال الدین یحیی کوه پتانی کرمانی (سید نور الدین) ر. نعمۃ اللہ ولی	نظام محمود طاہر فرزالی ۷۵۵
نعمۃ اللہ بن علاء الدین قہستانی ہروی (خواجہ نعیم الدین) ۳۰۹	نظام ہروی ۳۴۸
نعمۃ اللہ بن محمود تنجوانی (شیخ بابا) ۷۴۲، ۳۴۸، ۲۸۲، ۱۶۹	نظامی (صدر) ۱۸۱
نعمۃ اللہ ثانی (نعیم الدین) ۸۲۸، ۱۹۰	نظامی (فصیح الدین بن عبدالکریم) ۴، ۲۶۹
نعمۃ اللہ روشی زادہ ۷۹۶	نظامی (مجدد الدین ابونصر احمد بن محمود ابن علی) ۷۴۴
نعمت اللہ علوان آقشہری (بابا) ۲۸۲	نظامی (محمد بن قلیج) ۷۲
نعمۃ اللہ ولی (شاہ) ۱۸۷، ۶۴، ۴، ۱۹۰، ۲۹۴، ۲۸۳، ۲۵۷، ۲۲۶، ۲۱۷	نظامی اٹیری ۸۹
۳۴۱، ۳۳۱، ۳۲۶، ۳۲۱، ۳۱۱	نظامی باخرزی (کمال الدین عبدالواسع) ۳۱۳
۵۳۵، ۵۰۴، ۵۰۰، ۴۳۵، ۴۰۹	نظامی بخاری ۱۷۹
۸۲۸، ۸۱۸، ۷۹۸، ۷۵۳، ۷۴۲، ۶۴۴	نظامی سامانی نیشاپوری ۱۰۰
نعمۃ اللہ یزدی (شاہ) ۶۴۴، ۵۰۰	نظامی عروض سمرقندی ۵۱، ۹۰، ۱۱۹، ۷۱۹
نعمۃ اللہی ۸۱۸، ۳۲۱	نظامی گنجوی ۱۰۴، ۷۴، ۵۲، ۴۴، ۱۰۶-
نعمت طبیب گیانی ۵۳۱	۳۱۲، ۲۲۹، ۲۰۰، ۱۷۱، ۱۰۸
نعمتی ۴۴۴	۵۱۹، ۴۴۵، ۴۳۵، ۴۱۳، ۴۱۰
نعمتیان ۸۱۸، ۴۰۸	۷۰۸، ۶۴۳، ۶۴۱، ۶۱۷، ۵۶۹
نعیم الدین نعمۃ اللہ بن علاء الدین قہستانی ہروی (خواجہ) ۳۰۹	۷۸۷، ۷۷۲، ۷۶۹، ۷۴۷، ۷۳۴
الدین نعمۃ اللہ ثانی ۸۲۸، ۱۹۰	۸۲۴، ۸۰۹، ۸۰۷، ۷۹۶، ۷۸۹
	۸۴۲، ۸۲۸
	نظامی منیری ۸۹
	نظامی نیشاپوری (حسن) ۱۷۱، ۱۵۲، ۳۳۶
	نظر سلطان استاجلو ۴۹۳-۴۹۳

نعمدی (میرزا) ۶۱۵	نعمی اشترابادی تبریزی (سید شاه
نمکین هروی (محمد) ۵۸۲	فضل الله) ۲۱۴، ۲۴۸، ۲۶۴-۷۶۵،
نواب دولت خان لودی ۴۸۵	۷۷۱، ۷۷۲، ۷۸۳-۷۸۶، ۷۸۹،
نواب عبدالدوله جمال الدین حسین بن	۷۹۰
فخرالدین حسن اینجو ۳۹۷	نعمی تبریزی (فضل الله بن ابو محمد)
نوابیحی مروزی (ابو عبدالله) ۲۲	۷۶۴
نوابی ر. علیشیر	شروانی ۱۷۹
نوابی خراسانی ۵۵۹، ۳۳۸	نقدی حصارى ۵۹۴
نوابی کر بلائی (میر محمد شریف) ۵۵۶	نقشبند ر. بهاء الدین محمد
نوح بن منصور ساہانی ۲۹، ۲۰، ۴۸، ۴۵،	نقشبند شیرازی (خواجہ غیاث الدین)
۷۱۶، ۱۲۰	۵۱۲
نوح بن نصر سامانی ۱۲۸، ۷۰، ۲۸	نقشبندی ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۹ - ۲۸۰،
نور اصفهانی (قاضی) ۴۵۹-۴۶۰	۳۸۰، ۳۸۳، ۳۹۰، ۴۰۵، ۴۷۱،
نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن	۷۸۲، ۷۸۴، ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۲۶،
احمد بن شمس الدین محمد جامی ر.	نقشبندیان ۳۸۴، ۳۹۲، ۴۲۳، ۷۱۶،
جامی	۷۸۳، ۸۱۳، ۸۱۷، ۸۴۰،
نورالدین ابوالحسن علی بن سلطان محمد	نقشبندیہ ۱۱۰، ۲۲۰ - ۲۲۱، ۲۳۶،
قاری ۱۳۲، ۳۹۴-۳۹۵	۲۴۸، ۲۶۳-۲۶۴، ۲۸۱، ۲۸۵،
نورالدین ابوالحسن علی بن یوسف بن	نقش دهلوی (مولانا حسین) ۵۵۵
جریر لحمی شافعی ۱۳۲	نقط (اهل) ۴۲۵، ۵۴۳
نورالدین ابو محمد عبدالرحمن بن محمد	نقط (علم) ۴۵۰
ابن محمد کسرفی اسفراینی ۱۱۵،	نقطوی ۵۲۱، ۵۲۰، ۵۴۳، ۷۰۹، ۷۶۵،
۷۳۳، ۷۴۵	۷۸۴
نورالدین احمد بن محمود بن ابوبکر	نقطویان ۵۲۱، ۵۳۰
صابونی بخاری نجفی ۷۲۹	نقی (علی هروی کاشانی) ۵۸۰
نورالدین اسفراینی ۱۱۵، ۷۳۳، ۷۴۵	نقیب (شاه قوام الدین) ۴۵۰
نورالدین اندمانی اصفهانی (قاضی)	نقیب الاشراف خواجہ سید بهاء الدین حسین
۷۱۱	نقاری بخاری ۳۰۳، ۵۷۶، ۶۲۰،
نورالدین بسطامی ۱۸۱	۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶،
نورالدین پورانی هروی ۶۱۹	نقیب خان ۳۵۷، ۴۲۲، ۵۵۳، ۶۸۹،
نورالدین ترخان دهلوی ۵۴۲	۸۱۵
نورالدین جعفر بدخشی ۷۵۴	نقیب خان قزوینی (غیاث الدین علی احمد)
نورالدین جہانگیر ۱۹۳، ۳۵۲، ۳۵۷،	۸۴۱، ۶۶۲
۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۹ - ۳۷۰،	نقیبی هروی ۳۴۸
۳۸۱-۳۸۳، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۷،	نقی نیازی اصفهانی ۶۶۲
۴۲۳، ۴۳۴، ۵۱۳، ۵۲۱، ۶۴۲،	نکویی بخاری ۵۶۹، ۵۹۰،
۶۶۲، ۶۸۴، ۶۹۰، ۸۰۸، ۸۲۱،	نکھتی (روزبه بن عبدالله) ۴۲
۸۳۵	نکبسا ۱۵
نورالدین شاه خلیل الله ۷۹۸	نکاهی کابلی ۵۹۰



۸۰۷،۴۴۴  
 نویدی طهرانی رازی ۶۶۴  
 نویدی کلنگ بلخی ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۶  
 ۵۹۴، ۵۸۷  
 نویدی گیلانی ۶۶۴  
 نویدی نیشابوری ۴۲۲، ۵۸۱، ۸۲۰  
 نویری ۷۱۴  
 نهائی ۳۴۹  
 نهائی اکبر آبادی ۶۶۴  
 نهائی اگرهی ۵۵۵  
 نهائی شیرازی ۳۴۹  
 نهائی ماوراءالنهری ۶۳۸  
 نیازخواجه ۷۷۸  
 نیازظهوری تبریزی (ملا) ۶  
 نیازی ۶۳۶، ۵۵۱  
 نیازی (محمدیوسف) ۳۴۸  
 نیازی (ملا) ۶۳۶  
 نیازی (مولانا محمد شرقی) ۶۳۶، ۵۰۰  
 نیازی اصفهانی (نقی) ۶۶۲  
 نیازی بخارایی (سیدحسن بن محمد) ۷،  
 ۸۳۵، ۶۳۶، ۵۵۶  
 نیازی سمرقندی ۶۳۶، ۵۵۸  
 نیازی کرمانی ۷۰۹  
 نیازی مثالی بدخشی ۶۳۶، ۵۹۳  
 نیسانی (سیدمحمد طاهر بن سیدحسن تقوی)  
 ۳۶۶  
 نیشابوری ۷۵۷  
 نیکی اصفهانی (ملا زین الدین مسعود)  
 ۶۵۹، ۶۳۴، ۵۲۲، ۵۱۱، ۳۴۸  
 ۸۳۲  
 نیکی کابلی ۵۸۳  
 نیلی قاری سجزی دهلوی (علاءالدین)  
 ۷۶۶، ۲۱۸  
 وانگر (احمد) ۵۵  
 وائقی نیشابوری ۶۶۴  
 وائقی هروی (ابن علی) ۶۶۴، ۵۵۶  
 واحدی ۷۹۸، ۶۶۴

نور سعید بیک خوارزمی ۳۴۴  
 نور محمد اخگری اندجانی ۶۰۱  
 نور محمد بن سیف الدین بن داملا شاه عباس  
 اخسیکتدی ۸۱۶  
 نورنگ خان ۵۵۸، ۴۲۱  
 نوروز احمد خان بن منجوق بن ابوالنیر  
 خان ۵۷۲، ۵۶۴، ۴۸۷  
 نوروز صفایی سمرقندی ۵۸۸  
 نور هروی ۳۴۸  
 نوری (امین الدین کاکا) ۲۲۶  
 نوری (عبدالواحد) ۶۲۷  
 نوری اصفهانی (قاضی نور) ۴۵۹-۴۶۰  
 نوری بیک خان نوری لاهوری ۶۶۴  
 نوری تبریزی ۷۰۶  
 نوری حسینی مرعشی شوشتری (قاضی  
 نورالله) ۲۵۱، ۳۸۰، ۳۸۱، ۶۶۲-  
 ۶۸۶، ۶۶۳  
 نوری آنداتی هروی ۳۴۸  
 نوری سفیدونی (نورالدین محمد ترخان)  
 ۸۳۳، ۵۴۲  
 نوری سمرقندی (اشرف) ۵۹۶  
 نوری لاهوری (نوری بیک خان) ۶۶۴  
 نوری مشهدی ۳۴۸  
 نوری هروی ۳۴۸  
 نوری هروی (قاضی) ۵۸۲  
 نوعی اصفهانی ۶۴۷  
 نوعی خبوشانی (شیخ محمد رضا بن محمود)  
 ۸۲۴، ۵۹۱، ۴۳۴  
 نوکی غزنوی (سعدالدین مسعود) ۷۹  
 نووی (محبی الدین ابوزکریا حبیبی) ۴،  
 ۳۵۶  
 نویدی (ملا) ۵۵۶  
 نویدی اصفهانی (خواجه عبیدی بیک)  
 ۵۹۱  
 نویدی بلخی کلنگ ۵۷۰، ۵۷۴، ۵۷۶  
 ۵۹۴، ۵۸۷  
 نویدی تربتی ۵۵۵  
 نویدی تونی ۶۱۴  
 نویدی شیرازی (زین العابدین علی) ۳۸۵،

وجیه الدین (شیخ) ۶۵۵  
 وجیه الدین بن نصرالله (شاه) ۸  
 وجیه الدین زنگی بن طاهر فسر یومدی  
 ۱۶۱  
 وجیه الدین سر بندار (خواجه) ۷۶۱  
 وجیه الدین عبدالله لسانی شیسرازی (با  
 کمال الدین) ۴۳۶، ۸۲۵، ۸۲۸،  
 ۸۳۲  
 وجیه الدین علوی گجراتی ۷۶۳، ۶۰۰  
 وجیه الدین نسف آقاشانسی تکلو ۴۱۳،  
 ۵۰۵-۵۰۶  
 وجیه الدین یوسف بن نصیر الدین طوسی  
 (خواجه) ۱۹۹، ۷۳۰  
 وحدتی هروی ۳۴۸  
 وحشی باقی (کمال الدین محمد) ۴۳۴-  
 ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵،  
 ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۸۵، ۶۳۹، ۶۵۹،  
 ۶۸۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۸، ۸۲۲،  
 ۸۳۰، ۸۲۵  
 وحشی چوشقانی ۵۱۷، ۸۳۳  
 وحید (ملا کلوج) ۶۴۷  
 وحید الدین ابوالحسن محمد بن زین-  
 الدین حاجی بن احمد انیسی اسفر-  
 غا بادی میرجان ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹-  
 ۶۳۰  
 وحید العصر ممتاز الزمن ۶۸۷  
 وحید تبریزی ۸۲۸  
 وحیدی تبریزی ۷۰۷، ۸۳۷  
 وحیدی قمی ۳۴۸، ۴۶۶، ۵۶۷، ۷۰۷  
 عی بلخی ۱  
 وداعی حصار ۵۹۳  
 وداعی هروی ۵۵۶  
 ورتیحی ۴  
 وردی جان بیک غیوری کابل ۶۵۵  
 ورقه بنت گلشاه ۴۴  
 وصال الحضرة ۱۴۳  
 وصال شیرازی ۴۳۵، ۸۲۵  
 وصال بدخشی ۵۹۳  
 وصال بلخی (میرک) ۵۹۴

واحدی (مولانا) ۳۴۲، ۶۶۴  
 واحدی هروی ۳۴۸، ۶۶۴  
 وارثی اردبیلی ۷۰۶  
 واصفی تاشکندی ه-روی (زین الدین  
 محمود بن عبدالجلیل) ۲۵۲، ۳۴۸،  
 ۵۵۹-۵۷۸، ۵۶۰  
 واصلی ۳۴۸  
 واصلی تبریزی ۷۰۶  
 واصلی مروزی کابل ۵۶۳، ۵۷۶-۵۷۷،  
 ۸۳۵، ۵۷۹  
 واعظ وقوعی هروی ۵۵۷  
 واعظی بلخی (حکیم ابوبکر بن محمد)  
 ۱۸۰، ۹۵  
 وافر سگزی (زین الدین ابوعلی) ۹۵  
 وافی ۵۵۸  
 وافعی (محمد هاشم) ۴۲۷  
 وافعی تبریزی (قاضی) ۵۳۵  
 وافعی قندهاری (ملا هاشم) ۸۳۵  
 وافعی هروی ۳۴۸  
 وافعی طوسی (ابن علی) ۶۶۴  
 وافعی مروزی (مولانا) ۵۸۲، ۶۱۸  
 وافعی هروی (ابن علی) ۵۵۶، ۶۶۴  
 واقف خان خالی (ملا علیقلی) ۲۰۶-۷۰۷  
 واقف خان خالی (ملا نصرالله) ۷۰۶  
 والهی اگرهی ۴۱۸، ۵۴۴  
 والهی بخارا ۶۰۹  
 والهی برزش آبادی (عماد الدین فضل الله)  
 ۳۲۲، ۵۶۵، ۶۱۰  
 والهی دانی ۵۷۶  
 والهی دانهی ۵۵۹  
 والهی سمرقندی ۳۴۸  
 والهی قمی ۴۵۹  
 والهی نیشابوری ۵۴۵  
 والهی هروی ۳۴۸  
 والی بیک یغمورچی ۸  
 واهب، دجاوندی ۵۸۴، ۶۰۲  
 وجهی اصفهانی ۵۳۵  
 وجهی سنجاری ۵۲۲  
 وجهی هروی تفرشی ۶۶۴

همایون گیلانی (امیر) ۸۲۱  
همایون میرزا باجری ۳۴۸، ۳۵۵، ۳۵۶،  
۳۶۱-۳۶۳، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۰

۴۱۱

همایون میرزا تیموری ۲۳۲  
همای سمرقندی ۳۴۸  
همای عراقی ۳۴۸  
همتی اصفهانی ۵۲۲  
همتی بلخی (غیاث الدین) ۲۶۸  
همدم بیگ ۵۵۲  
همدم کوکه کو کلتاش (میرزا مراد) ۴۶۶،  
۶۶۵

همدمی (میرزا بر خوردار) ۵۵۲  
همدمی جهرمی ۷۱۱  
همدمی مشهدی ۳۴۸  
همگریزدی شیرازی (مجدالدین) ۷۳،  
۷۷۲، ۱۶۲

هندال (ابونصر میرزا محمد) ۵۵۸، ۶۰۷،  
۶۶۸

هندو ۴۳۴، ۴۸۹، ۶۴۷، ۸۲۹  
هندو (سیف الدین) ۱۸۱  
هندو (علاء الدین) ۱۸۱  
هندو (میرزا) ۶۱۵

هندوان ۱۷، ۱۵۴، ۲۳۴، ۳۵۲، ۴۸۵،  
۵۵۴، ۵۹۱، ۶۶۹، ۸۱۵، ۸۲۵

هندو ترکستانی ۷۹۶  
هندوشاه (فخر الدین) ۲۲۶  
هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کیرانی  
نخجوانی ۱۸۴، ۷۵۲

هندی ۵۶۶، ۶۱۱، ۶۲۵، ۶۷۷، ۷۲۵،  
۸۱۳، ۷۸۶

هندی (زبان) ۱۴-۱۵، ۲۷، ۳۳، ۱۷۱،  
۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۴۸۶، ۵۴۲-  
۵۴۳، ۵۴۵، ۵۶۵، ۷۹۸

هوایی مشهدی ۳۴۸  
هوشنگ بن کاوس بن کیه باد (امیر) ۳۴۱  
هوشی خراسانی ۳۴۸  
هوشی سنغری دینوری ۵۲۳  
هولا کوخان ۱۳۴-۱۳۷، ۱۶۲-۱۶۳

۶۲۴، ۵۶۷-۶۲۵، ۶۷۴

هلالی ماوراءالنهری ۶۲۵  
هلیله ۳۵

همام (حکیم) ۲۲۵، ۲۵۷، ۵۴۱، ۸۳۳،  
۸۵۷

همام (محمد) ۳۴۷  
همام الدین تبریزی ۱۶۸، ۷۴۱  
همام الدین گلباری ۲۶۵، ۳۴۸  
همام الدین محمد بن ابوطالب تبریزی همام  
طیب ۷۸۲

همام تبریزی ۱۶۸، ۷۴۱  
همام طیب (همام الدین محمد بن ابوطالب  
تبریزی) ۷۸۲  
همایون (امیر) ۶۲۵  
همایون (میر) ۴۴۸

همایون (نصیر الدین) ۱۹۵، ۱۹۶-  
۲۲۳، ۲۳۲، ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۳،  
۲۵۹، ۲۸۲، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۵۳-  
۴۵۵، ۴۶۹، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۲

۴۷۵-۴۷۶، ۵۴۴، ۵۴۹-۵۵۰،  
۵۵۲-۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷-۵۶۰،  
۵۶۴-۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۱-۶۰۷،  
۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۲۰، ۶۳۵

۶۳۷، ۶۴۲، ۶۵۰-۶۵۱، ۶۵۳،  
۶۵۵-۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷-  
۶۶۸، ۶۷۳، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۸۹،  
۷۰۸-۷۵۴، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۷۶،  
۸۰۲، ۸۰۵، ۸۰۸، ۸۰۹-۸۲۹

۸۲۳-۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۹  
همایون اسغراینی ۳۱۱، ۳۳۵-۳۱۲،  
۴۶۱، ۶۱۳، ۶۲۵

همایون باریک (ابوبکر بن ابونصر ولی  
امیر المؤمنین یمین الملک فخر الدین  
الغ بلکا اعظم) ۷۳۹

همایون شاه بهمنی ۷۸۶، ۷۹۱، ۷۹۸  
همایون شاه ظالم ۷۸۶، ۷۹۱، ۸۹۸  
همایون ظهیر الدین بابر ۲۳۲، ۲۴۰-  
۲۵۹، ۲۶۱

همایون عراقی ۶۱۳، ۶۲۵



یتیمی تبریزی ۵۸۳	۸۰۲، ۷۳۲
می هروی ۵۸۳، ۵۲۴	هیبتی بودعی ۷۰۲
یحیی ۶۷۱	هیثمی (شهاب الدین احمد بن حجر) ۳۸۱،
یحیی (امیر عزالدین) ۱۸۱	۸۲۹، ۸۱۹، ۳۹۴
یحیی (خواجه) ۶۳۹	یادگار (امیر) ۹۶۵، ۳۴۹
یحیی (رکن الدین) ۷۵۸	یادگار بیک ۵۰۱
یحیی (ملا) ۳۱۸	یادگار بیک ترکمان ۵۸۶
(موفق الدین) ۱۸۱	یادگار بیک سیفی (امیر) ۳۰۶
یحیی (نظام الدین) ۱۸۱	یادگار حاکمی اگرهی ۴۲۹، ۴۱۸
یحیی آل مظفر (نعمه الدین شاه) ۷۸۵	یادگار خان مشهدی ۶۸۶
یحیی آملی ۷۱۱	یادگار محمد میرزا ۳۰۹
یحییای معصوم ۸۲۳	یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ بن ابوسعید
مکی ۲۷	ابن الخ بیک ۶۶۱، ۶۰۸، ۲۳۲
یحیی بن احمد بن عبدالله سهرندی ۲۳۶	یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی ۲۵۷،
یحیی بن بهاء الدین شروانی (سید) ۷۸۳	۸۰۷، ۳۹۷
یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی شیخ	یار بیک ۴۵۵
اشراق (شهاب الدین) ۱۱۰	یار علی بن عبدالله تبریزی ۳۹۷
یحیی بن روزبهان (رکن الدین) ۲۱۶	یار علی شیرازی ۷۸۰، ۲۶۳، ۱۶۴
یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری ۲۳۵،	یارک طیب قزوینی (حکیم عماد الدین)
۴۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰، ۳۳۵، ۲۹۹	۵۲۴
یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی (شرو-)	یار محمد رخنه ۳۴۴
الدین ابوطاهر) ۹۹	یار محمد سلطان بن رستم سلطان ۵۹۷
یحیی بن عبداللطیف حسینی سیفی قزوینی	یاری (حافظ) ۳۴۸
۰۸۲۷، ۸۲۲، ۸۰۲، ۳۸۳، ۳۵۴	یاری استرآبادی ۶۳۷، ۳۴۸
۸۴۰	یاری تبریزی ۷۰۷
یحیی بن محمد حسینی شیرازی (رکن الدین)	یاری خراسانی ۶۳۷
۷۸۰	یاری شیرازی ۶۳۷، ۳۴۸
یحیی بن محمد نیشابوری (یحیی الدین)	یاری هروی ۶۳۷، ۳۴۸
۷۴۹	یاری یزدی ۶۹۴
یحیی بن معین الدین چنید شیرازی (رکن)	یاقعی (محمد بن عبدالله) ۷۵۳
الدین) ۲۸۳	یاقع شافعی ۱۰۲
یحیی بن معین شیرازی ابن معین (قحر-)	یاقوت حموی ۳۶۰
الدین) ۲۱۷، ۱۸۰	یاقوت شاه ۳۶۲
یحیی بن ملک عزالدین علی (نظام الدین)	یاقوتی جولاهه (مسعود) ۱۰۰
۲۵۴	یاور ۳۶۶
یحیی تبریزی ۱۷۹	یتیمان (جاهی بخارایی) ۶۰۹، ۴۱۱
یحیی حکمران سمرقند (خواجه) ۶۷۹	سیم سلطان ازبک ۵۰۸، ۴۵۸
یحیی حاکم طاب گیلانی ۸۳۳، ۵۳۰	
خلوتی شروانی ۷۴۲	

۷۷۸  
 یعقوب خان چک ۳۷۲  
 یعقوب صرفی کشمیری ۲۷۲، ۴۷۰، ۴۲۷،  
 ۸۲۹  
 یعقوب لیث صفار ۱۹  
 یعقوبی خیاط (میر) ۵۰۴  
 یعقوبی ساوجی (شیخ نجم الدین) ۳۴۸،  
 ۷۰۹  
 یقینی جو بیاری ۶۳۵  
 یقینی شروانی ۷۰۷  
 یقینی لاهیجانی (قاضی عبدالله) ۵۱۱  
 یقینی هرری ۳۴۸  
 یلدوز (تاج الدین) ۹۱  
 یمنی (سید محمد باقر) ۶۳۳  
 یمنی سمنانی ۵۱۲  
 یمین الدین طغرائی فریومندی (امیر) ۲۰۰،  
 ۲۲۶  
 یمین الملك فخر الدین الخ بلكا اعظم  
 همایون باریک ابوبکر بن ابونصر  
 ولی امیر المؤمنین ۷۳۹  
 یمین سبط اصفهانی ۱۷۹  
 یمینی سمنانی ۵۱۲، ۸۳۲  
 یمینی غزنوی ۷۸  
 یمینی گرجی ۶۶۵  
 ینکی چریان ۴۷۸، ۴۸۰، ۷۵۷، ۷۹۹  
 ینی چریان ۴۷۸، ۴۸۰، ۷۵۷، ۷۹۹  
 یوزی تگین (امیر علی) ۵۰  
 یوسف ۷۱۸  
 یوسف (امیر معز الدین) ۵۳۴  
 یوسف (فقیه) ۱۷۹  
 یوسف اصفهانی ۵۲۸  
 یوسف امیری (جلال الدین) ۳۳۲، ۷۹۸  
 یوسف امیری بدخشان (مولانا ضیاء الدین)  
 ۳۰۳  
 یوسف بخاری (حسام الدین) ۱۹۲  
 یوسف بدیمی اندجانی ۳۲۳  
 یوسف برهان حاجی (خواجه) ۳۳۶  
 یوسف بن احمد بن محمد بن عثمان ۲۵۴  
 یوسف بن احمد جام (ضیاء الدین) ۲۲۰

یحیی سرحدی (ظہیر الدین) ۹۰  
 یحیی سبک فتاحی نیشابوری ۲۳۵، ۲۹۹،  
 ۳۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰، ۳۳۵  
 یحیی سیستانی ۳۴۸  
 یحیی شروانی (سید) ۷۹۶، ۷۰۳  
 یحیی فیروز آبادی ۱۸۱  
 قزوینی (امیر) ۴۳۳  
 یحیی قزوینی (قاضی) ۵۵۳  
 یحیی کیا (نظام الدین سلطان) ۲۷۰  
 یحیی گیلانی (قاضی) ۵۱۱، ۵۸۲، ۸۳۲  
 یحیی گیلانی (مولانا) ۵۱۱، ۵۸۲، ۸۳۲  
 یحیی لاهیجانی (قاضی) ۵۱۱، ۵۸۲،  
 ۸۳۲  
 یحیی نوری (یحیی الدین ابوزکریا) ۴،  
 ۳۵۶  
 یزدانی (ابوالحسن) ۵۵  
 یزدجردی ۶۶۵  
 یزدی ۱۸۱  
 یزید بن مزید شیبانی ۴۶  
 یسوی (احمد) ۴۰۶، ۴۰۵، ۶۲۲، ۶۳۹،  
 ۷۵۷، ۷۴۶  
 یسوی (طریقه) ۴۰۶-۴۰۷  
 یعقوب (شرف الدین) ۷۶۷  
 یعقوب آق قویونلو (سلطان) ۲۳۳، ۲۵۱،  
 ۲۵۳، ۲۸۶، ۳۰۷-۳۰۸، ۳۳۱،  
 ۳۳۶-۳۳۷، ۳۳۷، ۴۴۰، ۴۸۲،  
 ۵۱۰، ۵۲۵، ۶۴۷، ۶۹۶، ۶۹۸،  
 ۷۰۹، ۷۸۸، ۷۹۳، ۷۹۶، ۸۳۷  
 یعقوب اردبیلی ۷۰۷  
 یعقوب بن اوزون حسن ر. یعقوب آق  
 قویونلو  
 یعقوب بن حسن گنای غاصمی صرفی کشمیری  
 ۳۷۲، ۴۷۰، ۶۳۷، ۸۲۹  
 یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد فر نوری  
 چرخ ۲۶۳، ۷۲۸  
 یعقوب بن محمد بن طاوس ۲۶۹  
 یعقوب بیک (سلطان) ر. یعقوب آق قویونلو  
 یعقوب پسر یوسف خان کشمیری ۵۵۳  
 یعقوب چرخ سوری نقشبندی ۲۶۴

- یوسف بن ایوب ابوی (ملک ناصر صلاح الدین) ۷۲۲
- یوسف بن ایوب عمدانی (خواجہ ابو یعقوب) ۱۱۰، ۱۱۱، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۴۶
- یوسف بن جهان شاہ ۲۴۵
- یوسف بن حسن حسینی رومی قاضی زادہ (قوام الدین) ۲۷۳، ۲۸۱
- یوسف بن دارقاری (جمال الدین) ۷۱۸
- یوسف بن سبکتگین (عضد الدولہ) ۳۴، ۳۷
- یوسف بن ظافر الدین بزدی (نصیر الدین) ۷۳۳
- یوسف بن عبداللہ گورانی ۷۱۸
- یوسف بن قز اوغلی سبط ابن الجوزی (شمس الدین ابوالمظفر) ۱۶۷
- یوسف بن محمد بن شہاب اہلسی ترشیزی ۳۱۶، ۳۳۰، ۴۴۱، ۵۱۸، ۵۵۹
- یوسف بن محمد بن یوسف طبیب ہروی ۲۸۳، ۳۹۸، ۸۰۸
- یوسف بن محمد دربندی (امیر ثقہ الدین) ۷۸
- یوسف بن نصر کاتب (جمال الدین ابو المحاسن) ۷۸
- یوسف بن نصیر الدین طوسی (وجیہ الدین) ۱۹۹، ۷۳۰
- یوسف بن بہوب چرخ ۷۷۸
- یوسف بیگ استاجلو ۵۰۷
- یوسف ہسر سبکتگین (امیر ابو یعقوب عضد الدولہ) ۳۴، ۳۷، ۷۰۹
- یوسف تبیینی ۷۰۹
- یوسف ترکمنی دوز (درویش) ۵۳۰، ۷۸۴
- یوسف جامی (جلال الدین) ۷۸۱
- یوسف جامی (خواجہ ضیاء الدین) ۲۱۹، ۲۵۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۶۱۱، ۶۱۹
- یوسف خان ۴۶۲، ۶۸۵
- یوسف خان (میرزا) ۴۵۲
- یوسف خان افشار ۵۲۲
- یوسف خان رضوی (میرزا) ۸۲۴
- یوسف خان کشمیری ۵۵۳
- یوسف خان مشہدی ۶۸۶
- یوسف خان یوسف دہلوی (میرزا) ۶۶۵
- یوسف ختایی (خطایی) ۶۳۹
- یوسف دہخوار قانی (خواجہ) ۷۴۷
- یوسف دہلوی (میرزا یوسف خان) ۶۶۵
- یوسف شاہ (اتاپیک) ۸۲، ۱۵۰، ۱۷۴
- یوسف شاہ کاتب ۳۴۸
- یوسف عادل شاہ ۴۴۳، ۴۴۷، ۶۷۵
- یوسف عامری ۵۶
- یوسف عرضی ۹۵، ۲۵
- یوسف علی بیگ بن یار بیگ بن یسقلی بیگ بن علیشکر بہارلو ۴۵۵
- یوسف علی کوکلتاش (امیر) ۴۴۶
- یوسف فضلوی عماد لہ (حکیم امیر عماد الدین) ۱۸۱، ۲۲۳، ۷۵۱
- یوسف لہ فضلوی (عماد الدین) ۱۸۱، ۲۲۳، ۷۵۱
- یوسف محمد خان ۵۴۳-۵۴۴
- یوسف مخدوم ۷۸۳
- یوسف مروزی ۳۴۸
- یوسف ملحدتر کتھ دوز ۵۳۰، ۷۸۴
- یوسفی (یوسف بن محمد بن یوسف طبیب ہروی) ۲۸۳، ۳۹۸، ۸۰۸
- یوسفی خراسانی ۳۴۸
- یولقی بیگ انیسی شاملو ۴۲۳-۴۲۴، ۸۲۰، ۸۳۰
- یونانی ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۳۸، ۷۲۸، ۸۰۰، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۳۰
- یونانیان ۱۱، ۱۷، ۲۷۵
- یونس خان ۶۷۸
- یونس خان منول ۲۴۸
- یونس ختایی (خواجہ) ۵۷۴
- یہود ۱۷، ۱۳۲، ۲۹۸
- ییسو ۱۷۴
- یینمورچی سپاہی (میر) ۳۴۴



## فهرست نامهای جاها

<p>آستان امام هشتم ۵۶۲</p> <p>آستان حضرت رضا ۴۴۷</p> <p>آستان رضوی ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۹۹، ۵۰۸، ۵۴۶، ۶۸۱، ۶۹۲</p> <p>آستانه ۵۹۴</p> <p>آستانه امامزاده اسمعیل ۵۱۰</p> <p>آستانه رضوی ۴۶۳، ۵۲۴</p> <p>آستانه شاهی ۲۳۱</p> <p>آستانه علی بن ابی طالب ۵۹۴</p> <p>آسیای ۱۷۷، ۴۷۹</p> <p>آسیای صغیر ۳، ۱۴، ۱۷، ۵۹، ۸۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۰</p> <p>۲۵۲، ۳۰۶، ۴۹۷، ۷۳۵ - ۷۳۶، ۷۴۷، ۷۵۷، ۷۶۵</p> <p>آسیای غربی ۱۵، ۶۷</p> <p>آسیای عرب کزی ۱۵</p> <p>آسیر ۶۹۰، ۸۱۵</p> <p>آفرین کنت ۴۸۷</p> <p>آفسرا ۱۵۲</p> <p>آق شهر ۲۸۲</p> <p>آلبانی ۸۰۰</p> <p>آلمان ۴۸۳</p> <p>آماستریس ۸۰۰</p> <p>آمد ۲۵۶</p> <p>آمسارا ۸۰۰</p> <p>آمل (جیحون) ۶۲</p> <p>آمل (مازندران) ۱۲۹، ۴۱۳، ۲۹۷، ۵۳۷، ۷۲۴</p> <p>آناطولی، آناطولی ۲۳۹، ۴۷۸، ۴۹۸، ۷۹۹، ۸۱۱</p>	<p style="text-align: center;">آ</p> <p>آب شیرین ۶۰۲</p> <p>آب نهر خیابان شهید ۲۹۰</p> <p>آت میدان (سرای) ۸۴۰</p> <p>آدرنه ۲۷۶، ۲۷۹، ۴۷۷، ۴۷۸ - ۴۷۹، ۸۰۱، ۸۱۰ - ۸۱۱</p> <p>آذربایجان ۲، ۱۵، ۱۹، ۴۶ - ۴۸، ۷۸، ۸۲، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۲ - ۱۰۳، ۱۰۵ - ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۶۲ - ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۶۹ - ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۳ - ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۹۷ - ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۰۷ - ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۵ - ۳۱۸، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۵۰ - ۳۵۱، ۳۸۲، ۳۹۰ - ۳۹۱، ۴۰۵، ۴۲۷، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۲ - ۴۸۳، ۴۹۵ - ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۷ - ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۱ - ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۲۵، ۶۵۹، ۶۷۰ - ۶۷۱، ۶۹۱ - ۶۹۲، ۶۹۵ - ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۰ - ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۲۵، ۷۲۹ - ۷۳۰، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۶، ۷۶۳ - ۷۶۴، ۷۶۹، ۷۷۳ - ۷۷۴، ۷۸۸، ۷۹۳ - ۷۹۷، ۸۰۳، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۴۸</p> <p>آذربایجان شوروی ۱۰۴، ۱۰۷</p>
---	---

آنیوس ۸۰۰	اردبیل ۱۷۳-۱۷۴، ۴۸۰
آ ۵۱۱	ارتیمان ۵۰۴
آهنگران ۵۷۷	ارجیش ۴۸۴
	ارداک ۶۲۴
	اردبیل ۱۴۱، ۱۹۳، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۵۰
	۳۷۸-۳۷۹، ۳۹۲، ۴۴۲، ۴۸۲
	۵۱۳، ۶۹۱، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۶۷
	۸۲۸، ۷۹۶
	اردستان ۳، ۵۰۳، ۶۴۳
	اردو باد ۴۹۹
	ارژروم ۴۸۰
	ارزنجان ۵۰۵، ۴۷۷، ۸۰۰
	ارزوبه (کوچه) ۵۶
	ارس ۴۸۰، ۴۷۸
	ارسیار ۵۰۷
	ارغیان ۳۰۲
	ارگ قندهار ۶۷۰
	ارمنستان ۵۹، ۴۸۲
	ارهنگ وسردر ۳۰۳
	ارویا ۲۲۸، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲ - ۴۸۳
	۸۰۰
	ارومیه ۴۷۷، ۴۸۲، ۶۹۹
	اریسا ۶۸۸
	ازبکستان ۴۰۱، ۲۹۰، ۳۵۱
	ازمیر ۶۲۸
	ازهر (جامع) ۳۹۳
	ازه (دریای) ۸۰۰
	اسپانیا ۴۷۹، ۴۸۲
	استاد ۷۲۰
	استانبول ۱۹۴، ۲۲۹، ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۷۵ -
	۲۷۷، ۲۹۱، ۱۹۱، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۵۶
	۳۸۸، ۳۹۱-۳۹۲، ۴۰۷، ۴۷۸
	۴۸۱، ۴۹۰، ۴۹۸، ۵۱۸، ۶۷۱
	۶۷۶، ۷۹۲، ۸۰۱، ۸۱۱
	استخر ۴۶۹، ۴۸۲، ۴۹۲
	استراآباد ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۹۰، ۲۹۸
	۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۳۰، ۴۰۹
	۴۱۲، ۴۵۷، ۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۸
	۵۲۴، ۵۲۳، ۵۵۳، ۷۰۶، ۷۶۴
آبخاز ۵۲	
ابراهیم (کوه) ۷۲۳	
ابرقوه ۱۱۱، ۱۹۳، ۴۵۷، ۴۷۰، ۴۸۳	
۵۰۳، ۵۲۳، ۷۲۳	
ابندات ۷۶۳	
ابوگره (قلعه) ۴۲۲	
ابهر ۲۲۲، ۲۳۵	
ابیورد ۱، ۸۱، ۳۰۰، ۳۱۵، ۳۳۱، ۴۲۷	
اتتری ۲۶۵	
اترار ۶۷۹	
اتریش ۴۷۸-۴۸۱، ۴۸۲	
اتک ۵۴۳	
اجمیر ۱۵۴، ۵۲۳، ۵۲۷، ۵۴۱، ۸۲۳	
اجودهن ۱۵۶، ۲۱۸	
اجین ۲۲۲	
اچ ۵۴۰	
احمدآباد ۲۳۴، ۲۶۴، ۳۶۹، ۴۱۲، ۴۱۵	
۴۲۹، ۴۶۷، ۴۶۷، ۵۲۷ - ۵۳۸، ۵۴۱	
۶۵۸، ۷۷۶، ۷۷۷	
احمدآباد بیدر ۷۷۶-۷۷۷	
احمدنکر ۲۳۴، ۳۵۵، ۳۶۷ - ۳۶۸	
۴۲۳-۴۲۴، ۴۸۹، ۵۲۱، ۵۳۸	
۶۵۶، ۸۰۴، ۸۲۴	
اختیارالدین (قلعه) ۶۸۱	
اخیکت ۱۰۷	
اخی ۶۸۰	
اخلاصیه (مدرسه) ۲۹۴	
اخلاط ۴۸۴	
ادره ۲۷۶، ۲۷۹، ۴۷۶ - ۴۷۷، ۷۹۹	
۸۱۰-۸۱۱	
ادریس کوشکو ۲۵۴	
اراک ۱۶۳	
اران ۴۶-۴۸، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۳۶	
۱۷۷، ۲۱۱، ۳۴۱، ۳۸۲	

اعلم ۱۶۳	۸۲۰، ۷۹۷
أفريقا ۶۷۸، ۱۲۱، ۶۷۷	استرايادرسناق ۵۰۴
افغانستان ۴۸۵، ۳۷۶، ۳۵۴، ۱۲۱، ۷۵	استراخان ۴۸۸، ۴۸۶
۸۱۹، ۷۵۳، ۷۱۵، ۵۴۸، ۵۴۲	اسحق آباد ۸۲۰
اکبر آباد ۶۸۸، ۶۷۷، ۶۶۴، ۶۶۲، ۶۵۱	اسد آباد ۸۳۷، ۸۲۰، ۶۸۶
۸۲۸، ۸۳۶ - ۸۲۴، ۸۲۵	اسفراين ۹۷، ۱۶۶، ۲۹۳ - ۲۹۴، ۲۹۶، ۷۴۶
اگره ۳۶۳، ۳۶۱، ۳۵۹، ۳۵۷، ۲۴۰	۷۸۶
۴۱۶ - ۴۱۵، ۳۱۱، ۳۹۷، ۳۶۴	اسفرنگک ۹۲
۴۵۶، ۴۳۱، ۴۲۳ - ۴۲۲، ۴۲۰	اسفريس ۳۷۸
۵۴۳، ۵۲۲، ۴۷۰، ۴۶۷، ۴۶۵	اسفزار ۹۷
۶۲۴، ۶۰۶، ۵۹۴، ۵۵۵ - ۵۴۸	اسکندار ۸۰۱
۶۹۸، ۶۹۹ - ۶۶۸، ۶۶۴، ۶۶۲	اسکندريه ۶۶، ۱۷
۸۱۹، ۸۰۸، ۸۰۶ - ۸۰۵، ۷۸۵	اسکو ۶۷۰
۸۴۰، ۸۳۶ - ۸۳۵	اسکوب ۸۱۱
الجزيره ۱۵۹	اسلام آباد ۵۴۰
الشعر ۴۵۵	اسلامی (کشورهای) ۲۸۴
الخطاغ (دشت) ۳۸۷	اشکور ۳۸۷
الله آباد ۵۱۴، ۴۵۴، ۴۳۲، ۳۱۴، ۳۶۵	اصطخر ۴۹۲، ۴۸۲، ۴۶۹
المر ۱۶۲	اصطهبانات ۷۶۳، ۲۱۰
الموت ۱۳۶ - ۱۳۷، ۱۳۷، ۶۷۱، ۶۹۲، ۸۰۳	اصفهان ۳۶، ۳۶، ۴۲، ۵۲، ۵۶، ۶۰، ۶۶، ۷۲، ۷۷
۸۲۷، ۸۰۴	۱۰۶، ۱۰۴، ۱۰۲ - ۱۰۱، ۸۷، ۸۳
النجوق ۷۶۴، ۶۹۷	۱۰۷، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۷
النجك ۷۶۴	۱۶۱ - ۱۶۳، ۱۶۵ - ۱۶۶، ۱۶۶، ۱۷۲
النجه ۷۶۴	۱۷۳، ۱۷۵ - ۱۷۶، ۱۸۵، ۱۹۴
اليشتر ۴۵۵	۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۳۷
اماسيه ۷۹۲، ۴۸۰، ۴۷۸، ۳۹۳	۲۵۱، ۲۷۴ - ۲۷۵، ۲۹۸، ۳۱۷
امامزاده اسمعيل (آستانه) ۵۱۰	۳۲۵، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۷۱، ۳۸۲
امامزاده عبدالعظيم ۴۵۲، ۴۴۱	۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۱۳، ۴۱۴
امر تسر ۴۸۶	۴۲۳، ۴۳۱، ۴۴۴ - ۴۴۵، ۴۴۷
اممند ۷۶۳	۴۴۹، ۴۵۷، ۴۶۰ - ۴۶۱، ۴۶۷
امند ۷۶۳	۴۷۲، ۴۹۸ - ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۳
امينی (رباط) ۷۳۵	۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۸ - ۵۲۹، ۵۲۱
انبندان ۷۶۳	۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۳، ۶۴۸، ۶۵۱ -
انجوان ۵۴۷، ۵۱۷	۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۵
انزلمان ۴۶۰	۶۷۶، ۶۸۴ - ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۷
اندجان ۵۷۸، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۱	۷۰۶، ۷۱۰ - ۷۱۱، ۷۲۳، ۷۳۸
۷۴۸، ۶۱۲	۷۴۱، ۷۵۰، ۷۶۰، ۷۶۴، ۷۷۱
اندخود ۳۰۳، ۳۰۳، ۶۸۱	۷۹۲، ۸۰۵ - ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۲۳
اندکان ۷، ۴۰۳، ۵۶۳	۸۳۱ - ۸۳۲، ۸۳۸

۳۷۹، ۳۷۶ - ۳۷۵، ۳۶۷، ۳۵۹	اندیمان ۷۱
۳۹۴ - ۳۹۳، ۳۹۰ - ۳۸۹، ۳۸۷	اندیجان ۶۸۰، ۶۰۶
۴۱۴، ۴۱۲، ۴۰۸ - ۴۰۷، ۳۹۶	انکر ۵۶۶
۴۲۸، ۴۲۶ - ۴۲۴، ۴۲۰، ۴۱۸	انگدان ۵۱۷
۴۴۳، ۴۴۱، ۴۳۹، ۴۳۷، ۴۳۴	انگستان ۳۷۸
۴۵۹، ۴۵۶ - ۴۵۲، ۴۴۸، ۴۴۵	اوبه (ارویا) ۸۰۰
۴۷۹، ۴۷۷ - ۴۷۴، ۴۷۲ - ۴۷۱	اوبه (هرات) ۸۰۶، ۶۲۱، ۵۶۳، ۳۳۱
۴۹۱ - ۴۹۰، ۴۸۹ - ۴۸۳، ۴۸۰	اوده ۸۳۸، ۷۵۴، ۶۴۲
۵۳۳ - ۵۳۰، ۵۲۰، ۵۱۳، ۵۰۴	اورانپه ۵۷۸
۵۴۹ - ۵۴۷، ۵۴۳، ۵۴۱، ۵۳۸	اورگنج ۱، ۵۷۲، ۵۶۰، ۶۷۹ - ۶۸۰
۵۷۸، ۵۶۴، ۵۵۷ - ۵۵۴، ۵۵۱	۸۲۴
۶۰۲ - ۶۰۱، ۵۸۸، ۵۸۶، ۵۸۱	اورنگ آباد ۸۰۵
۶۴۷، ۶۴۴، ۶۲۸، ۶۰۷ - ۶۰۶	اورمیه ۱۴۶، ۴۸
۶۶۶ - ۶۶۴، ۶۵۶، ۶۵۴، ۶۴۹	اورسه ۸۲۲، ۸۰۸، ۷۵۹
۶۷۷، ۶۷۵، ۶۷۲ - ۶۷۱، ۶۶۸	اورتینتل کالج میگزین ۳
۷۳۴، ۶۹۷، ۶۸۵، ۶۸۳، ۶۸۱	اوش ۷۴۸، ۵۹۸
۷۶۸، ۷۵۶، ۷۴۹، ۷۴۷، ۷۳۹	اوغرجه ۶۶۰
۷۹۰، ۷۸۶، ۷۸۴، ۷۷۶، ۷۷۰	اومان ۱۵۸
۸۰۴ - ۸۰۱، ۷۹۸، ۷۹۵، ۷۹۲	اومر کوت ۶۶۷
۸۳۳، ۸۲۶، ۸۱۸	اھر ۱۶۳
ایروان ۶۹۴، ۴۸۰، ۳۹۹	ایتالیا ۸۰۱
ایسکی باغ ۵۸۴	ایج ۴۳۹، ۲۷۲
ایگه ۴۳۹	ایران ۱، ۱۴ - ۲۲، ۳۰، ۲۸ - ۳۷، ۳۴
ایلوغ ۵۶۳	۳۹، ۳۲، ۴۴، ۴۷ - ۵۱، ۵۳، ۵۶
ایواغلی ۵۰۷	۶۴، ۶۶، ۷۳، ۷۷ - ۸۰، ۸۳ - ۸۴
ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی	۸۷، ۹۱ - ۹۲، ۹۶ - ۹۸، ۱۰۱
۲۹۰	۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸ - ۱۱۶، ۱۱۸ -
ایواغلی ۰۷	۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۸ - ۱۳۷، ۱۴۰ -
ایوب (محلّه) ۲۵۴	۱۴۸، ۱۵۰ - ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷ -
	۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶ - ۱۷۰،
	۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۷ - ۱۹۰،
بابا کوهی (خانقاه) ۵۷	۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۴ - ۲۰۵، ۲۰۹ -
بابا مزید (حطیره) ۷۹۵، ۷۶۳	۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۶ - ۲۲۷،
بابا مزید (حطیره) ۷۹۵، ۷۶۳	۲۲۹ - ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۹ - ۲۴۱،
باخرز ۷۲۰، ۳۲۴	۲۴۸ - ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹،
بادامیار ۷۴۷	۲۶۴ - ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰ - ۲۷۷،
بادغیس ۱۶	۲۷۹، ۲۸۲ - ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷،
باران ۶۰۰	۲۸۹ - ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۴، ۳۰۱،
باری ۵۵۵	۳۱۲، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۴۹ - ۳۵۴،



۷۲۳، ۷۱۶، ۷۰۵، ۶۸۹، ۶۷۹	یاژ ۳۹
۷۴۴ - ۷۳۳، ۷۳۸، ۷۳۵ - ۷۳۴	باغ امید ۳۱۵
۷۸۹، ۷۷۸، ۷۷۲، ۷۶۷، ۷۵۵	باغ جهان آرای ۵۴۹، ۳۰۸
۸۲۵، ۸۲۱، ۸۰۸، ۸۰۳	بانه سرای ۴۹۰
۵۴۹، ۵۴۶، ۲۱۸، ۱۸۵، ۱۷۵	باغ زانان ۶۶۷، ۳۰۶
۶۳۷	باغستان ۷۷۸
۳۰۶، ۳۰۴ - ۳۰۳، ۲۶۱، ۵۹	باغ سفید ۵
۴۵۵، ۴۱۰، ۴۰۳، ۳۸۰، ۳۶۱	باغ فندهاری ۶۶۳
۵۵۷، ۵۵۳ - ۵۵۲، ۵۴۲، ۴۸۷	باغ نو (محلّه) ۳۸۹، ۱۹۰
۵۸۳، ۵۸۰، ۵۷۷، ۵۷۵ - ۵۷۴	باقق ۴۶۸، ۴۳۴
۵۹۵، ۵۹۳، ۵۹۰ - ۵۸۹، ۵۸۵	یاقر ۱
۶۶۶، ۶۵۵، ۶۰۸، ۶۰۳، ۶۰۱	باکو ۷۸۳، ۷۶۵ - ۷۶۴، ۷۰۲، ۴۸۴
۸۱۹، ۸۱۵ - ۸۱۴، ۷۱۸	یاگهولی ۱۹۷
بدلیس ۳۸۲	بالچ ۷۲۵
برار ۷۹۷، ۶۵۶، ۵۹۶، ۵۹۱، ۴۸۹	بالکان ۸۱۸
۸۲۴	بالین ۲۶۴
براهان ۴۶۰	بالین گما ۴۴۷
بردع ۷۹۶، ۷۰۳	باورد ۸۲۴، ۶۰۱
برده ۷۹۶، ۷۰۳	بایبورت ۴۹۷
بردوان ۸۲۲ - ۸۲۱	بتخانه بیجانگر ۵۴۶
برسه ۷۹۲	بتلیس ۴۸۳، ۴۷۹
برکشاد ۶۹۶	بجای پور ۶۴۷
بروجرد ۵۳۴، ۵۳۲، ۵۲۷	بوجه ۱۷۶
بروسه ۳۹۰ - ۳۸۹، ۲۷۶	بحر آباد ۷۲۴، ۱۱۶
برهان پور ۴۳۴، ۴۲۴ - ۴۲۳، ۴۰۲، ۳۵۷	بحر خزر ۴۷
۸۲۰، ۸۱۵، ۶۹۰	بحرین ۳۵۲، ۲۳۰، ۱۶ - ۱۵
بسطام ۷۲۰، ۲۹۷، ۵۷	بخارا ۲ - ۱۱۰، ۹۹ - ۹۷، ۹۳، ۷۸، ۸
بسنه ۸۱۸	۱۱۲، ۱۲۰، ۱۳۳ - ۱۳۴، ۱۳۴ - ۱۵۳
بشتینگان ۶۱	۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۹۲، ۲۲۰
بصره ۶۸۷، ۵۱۷، ۵۷	۲۲۱، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۲ - ۲۵۳
بنداد ۱۲۱، ۷۶، ۶۱ - ۶۰، ۴۵، ۱۷، ۴	۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۳، ۲۹۶ - ۲۹۷
۱۲۷ - ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۲۹، ۱۲۶	۳۱۸، ۳۳۸، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۳
۱۵۸، ۱۴۷ - ۱۴۶، ۱۴۱، ۱۳۹	۴۱۲، ۴۲۱، ۴۴۱، ۴۶۳، ۴۸۶
۱۷۳، ۱۶۶، ۱۶۳ - ۱۶۲، ۱۵۹	۴۸۷، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۸ - ۵۶۹
۲۰۲ - ۲۰۱، ۱۹۳، ۱۸۲، ۱۸۰	۵۷۱، ۵۷۶ - ۵۷۷، ۵۷۹ - ۵۸۱
۲۷۲، ۲۶۲، ۲۵۲، ۲۵۰، ۲۲۵	۵۸۵ - ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۹۱ - ۵۹۲
۴۳۶، ۴۳۴، ۳۸۷، ۲۸۶، ۲۷۳	۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۵ - ۶۰۶، ۶۰۸
۴۷۹، ۴۷۲ - ۴۷۱، ۴۵۷، ۴۴۸	۶۰۹، ۶۱۷، ۶۲۳ - ۶۲۶، ۶۳۸
۵۲۲، ۴۹۸، ۴۸۵ - ۴۸۳، ۴۸۰	۶۴۵، ۶۵۷، ۶۶۷، ۶۷۵ - ۶۷۸



تاج ۱۰۴  
 تاج پوره ۲۲۹  
 تاجیکستان ۷۷۸، ۷۶۷، ۷۵۳  
 تاشکند ۴۸۰، ۲۸۶، ۲۵۳، ۱۴۳  
 ۳۸۷-۴۸۸، ۵۵۹-۵۶۱، ۵۶۴  
 ۵۶۸-۵۷۷، ۵۷۳-۵۷۷، ۵۶۸  
 ۵۸۹-۵۹۲، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۱۲  
 ۶۳۰، ۶۸۰، ۷۷۸  
 تالقان ۵۸۴  
 تانده ۸۲۱  
 تاپاد ۲۲۱، ۱۴۲  
 تبادکان ۶۳۴  
 تیت ۵۹۴، ۴۳۱، ۳۸۰  
 تپنده ۷۶۶  
 تیریز ۳۸۰، ۷۲، ۱۰۴، ۱۰۶-۱۰۷  
 ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۶۱، ۱۶۸-۱۶۹  
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۶-۱۷۷، ۱۸۳  
 ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۱۰-۲۱۱، ۲۱۳  
 ۲۱۹، ۲۵۰، ۲۶۹-۲۷۰، ۲۸۴  
 ۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۲-۲۹۸، ۳۰۷  
 ۳۱۱، ۳۱۶-۳۱۷، ۳۳۱، ۳۳۹-  
 ۳۵۰، ۳۸۲-۳۸۳، ۳۹۱، ۳۹۹  
 ۴۰۶، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۳۶-۴۳۷  
 ۴۴۱، ۴۴۷، ۴۵۷-۴۵۸، ۴۶۲  
 ۴۶۷، ۴۷۲، ۴۷۷-۴۸۰، ۴۸۳  
 ۵۰۲، ۵۰۴-۵۰۶، ۵۰۹-۵۱۰  
 ۵۱۲، ۵۱۴-۵۱۶، ۵۱۹-۵۲۰  
 ۵۲۵، ۵۲۷-۵۲۹، ۵۳۱، ۵۶۱  
 ۵۶۷، ۵۸۲-۵۸۳، ۶۱۶، ۶۱۸  
 ۶۳۷، ۶۴۷، ۶۶۴، ۶۷۱، ۶۹۱-  
 ۶۹۷، ۶۹۹-۷۰۵، ۷۰۷، ۷۱۹  
 ۷۲۴-۷۲۵، ۷۳۰-۷۳۱، ۷۴۱  
 ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۶۳-۷۶۴  
 ۷۷۳، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸۸، ۷۹۴  
 ۷۹۶-۷۹۷، ۸۰۲، ۸۰۹-۸۱۰  
 ۸۱۳-۸۱۴، ۸۱۷، ۸۲۶، ۸۲۸  
 ۸۳۳، ۸۳۷-۸۳۸

بیلقان ۱۰۷، ۲  
 بیلقان میل لر ۱۰۷  
 بیمارستان انا بکی ۱۹۰  
 بیمارستان خوارزم ۱۲۳  
 بیمارستان دروازہ مسلم شیراز ۱۹۰  
 بین الدارین (محلہ) ۷۶۸  
 بین الطاقین ۵۷۰  
 بین النهرین ۷۷۳، ۴۸۳، ۴۷۲، ۲۶۵  
 پنیس ۵۳۱  
 پیہ پس ۳۸۶  
 پیر بیش ۴۹۳  
 پیحق ۱۹، ۶۴، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۴۵، ۳۰۴  
 پاتری ۵۹۶  
 پاریس ۷۳۷، ۷۱۵  
 پاطری ۴۸۹  
 پاکستان ۱۳۱  
 پالی پت ۱۹۷، ۶۰۶، ۸۳۹  
 پامین پا (بقعہ امام رضا) ۴۴۸  
 پتہ ۳۵۸، ۵۵۱  
 پتیالہ ۴۸۶  
 بیالی ۵۵۴  
 پیر تغال ۸۳۹  
 پیر شاور ۴۵۷  
 پیر ذہ سگری ۵۶۵  
 پیر ندہ ۳۶۷  
 پیسیخان ۷۸۴  
 پشاور ۵۵۴  
 پشتہ سرخاب ۶۱۸  
 پاک پتن ۱۵۶  
 پکی ۳۸۸  
 پل آبگینہ ۲۶۶  
 پنجاب ۳۳، ۱۱۳، ۳۶۲، ۴۱۸، ۴۷۶  
 ۴۸۶، ۵۴۳، ۶۶۸، ۸۳۸  
 پنج رود کد ۲۱  
 پندرہ ۷۵۶  
 پوشنگک ۲۰۶  
 پھانی ۵۴۱

نهایس ۸۱۵،۳۷۵

نبیین ۷۰۹

تیة یغرا بگرد ۶۱۸

تته ۳۵۶، ۲۶۶، ۴۱۰، ۴۲۰، ۵۵۰

۸۲۵، ۷۶۹، ۷۵۹، ۶۹۰، ۵۵۶

جاجرم ۳۰۱

تخت مزار ۲۸۷

جام ۲۸۵، ۲۱۹، ۱۶۱، ۱۰۸ - ۲۸۶

ترانسیلوانی ۴۸۰

۴۹۲، ۳۳۶، ۴۵۴، ۵۹۴، ۶۱۳

تریت ۲۷۸، ۱۰۹، ۲۳۲، ۴۱۹، ۵۲۵

۷۲۰، ۶۵۰

۶۸۵، ۶۵۷، ۵۹۱

جامع الازهر ۲۹۴

تریت حیدری ۲، ۳۱۳، ۷۲۵

جامع ساوه ۸۷

تریت شیخ جام ۴۷۱

جامع متیق شیراز ۱۰۹، ۱۵۰، ۲۲۰

تریت نجم الدین کبری ۱۱۵

جامع علیشیر ۲۴۶

قرشیز ۲۹۸، ۳۱۶

جامع هرات ۷۸۶

ترکستان ۷۲، ۷۴، ۱۱۴، ۲۰۳، ۳۲۷

جامع یزد ۲۴۸

۴۴۸، ۵۶۸، ۵۷۲ - ۵۷۴، ۷۱۹

جانپور ۴۵۴، ۷۸۵، ۸۲۸

۷۹۶، ۷۹۳، ۷۳۵

جبل عامل ۲۲، ۳۵۲، ۵۳۸

ترکستان (شهر) ۶۲۲، ۶۷۹

جبل قاسیون ۱۱۶

ترکستان چین ۷۹۳

جرون ۲۶۵ - ۲۶۷، ۴۱۱

ترکستان شرقی ۴۸۸

جزیره العرب ۵۹

ترکستان ۱ - ۸۱، ۲

جزیره ۵۲۲

ترکیه ۱۳۱، ۱۶۹، ۲۸۲، ۳۳۸، ۴۱۷

جلدوان ۸۰۴

۴، ۶۹۸، ۷۰۴، ۷۵۷، ۷۹۶

جماعت خانه حیدر چرخ ۵۱۹

ترمذ ۱۶، ۲۷، ۷۲، ۱۲۶، ۱۳۴، ۳۰۴

جن ۸۳۶

۳۵۸، ۶۳۴، ۶۴۹، ۷۳۶ - ۷۳۷

جنا باد ۷، ۵۰۷، ۶۸۹

تفت ۲۴۸

جنا بد ۷، ۵۰۸ - ۵۱۲، ۵۱۲

تفرش ۱۰۴، ۱۶۷، ۳۳۷، ۵۰۵، ۶۶۴

جنار ۷۹۷

تفلیس ۴، ۳۶

جنگلهای ایران ۳۸۷

تکاب هندوان ۵۹۸

جنید ۴۸۶

تکفور چایری ۸۰۱

جوزجانان ۵۸

تکیه چهل تنان ۲۹۶

جوسا ۵۴۴

تلبینه ۸۱۲

جولک ۶۷۵

تلوندی ۴۸۴

جون ۵۴۲

تنگ الله اکبر ۲۰۰

جوناگر ۳۶۱

توده ۳۵۹

جونپور ۲۶۵، ۳۷۲، ۴۱۹، ۴۵۲ - ۴۵۴

توران ۴۷۰، ۶۵۵

۵۵۱، ۶۰۶، ۸۱۶

توران پشت ۱۵۳

جونهم ۴۱۱

توقات ۱۶۳، ۸۰۰

جویبار ۶۰۹

نون ۳۰۲، ۳۰۴، ۴۲۰، ۴۶۶

جوین ۱۱۶، ۲۰۰، ۷۲۴

توی ۵۲۸، ۵۳۴

جهان آرا (باغ) ۵۴۹

تویسرکان ۵۰۴، ۵۱۰، ۵۲۸، ۵۳۴

۳۵۴، ۳۳۲ - ۳۳۱، ۳۹۱، ۴۰۸  
 ۳۶۹، ۳۶۷ - ۳۶۶، ۳۶۳، ۳۵۶  
 ۴۱۲، ۴۰۳، ۳۹۸، ۳۷۷، ۳۷۲  
 ۴۲۹، ۴۲۲ - ۴۲۱، ۴۱۹ - ۴۱۸  
 ۴۵۰، ۴۴۸، ۴۳۸، ۴۳۲، ۴۳۰  
 ۵۱۸، ۵۰۱، ۴۷۶، ۴۶۶، ۴۵۷  
 ۵۴۹، ۵۴۷ - ۵۴۶، ۵۳۶، ۵۳۲  
 ۵۷۰، ۵۶۴، ۵۵۶ - ۵۵۵، ۵۵۲  
 ۵۹۰، ۵۸۵، ۵۸۱، ۵۷۹، ۵۷۱  
 ۶۰۷، ۶۰۱ - ۶۰۰، ۵۹۶ - ۵۹۵  
 ۶۳۳، ۶۳۰، ۶۲۸، ۶۲۵، ۶۰۹  
 ۶۸۷، ۶۵۹، ۶۵۳، ۶۴۲، ۶۳۶  
 ۷۳۳، ۷۳۱، ۷۲۴، ۷۲۰، ۶۹۳  
 ۷۸۴، ۷۷۲، ۷۶۴، ۷۴۳، ۷۳۸  
 ۸۱۴، ۸۱۲، ۸۱۰ - ۸۰۹، ۷۸۶  
 ۸۳۷، ۸۳۴ - ۸۳۲، ۸۲۹، ۸۲۰  
 حجاز ۲۸۶، ۲۱۹، ۲۰۰، ۱۰۴، ۶۶، ۶۱  
 ۴۵۰، ۴۲۵، ۴۲۲، ۳۴۹، ۲۹۳  
 ۵۹۴، ۵۷۷، ۵۷۱، ۵۶۴، ۴۶۶  
 ۷۸۶، ۷۲۴، ۵۹۳  
 حرمین ۶۴۵، ۶۳۶، ۶۲۳، ۵۷۷، ۴۲۳  
 ۸۲۰، ۷۸۸، ۶۷۳، ۶۵۱  
 حصار ۵۹۷، ۵۹۴، ۵۹۲، ۵۸۰، ۵۷۷  
 ۶۰۹  
 حصارات ۷۷۸  
 حصارشادمان ۵۷۰، ۵۶۷، ۴۵۵، ۳۶۵  
 ۷۷۸  
 حصارفیروزه ۷۴۶  
 حصرموت ۶۳۳  
 حظیرة الشراء ۷۲۰  
 حظیرة القضاة ۷۲۰  
 حظیرة امام فخرالدین رازی ۷۹۹  
 حظیرة بابا مزید ۷۹۵، ۷۶۳  
 حظیرة بابا یزید ۷۹۵، ۷۶۳  
 حظیرة سلطان احمد میرزا ۲۴۶  
 حلب ۲۵۰، ۱۸۷، ۱۱۶، ۱۱۰، ۵۹، ۵  
 ۴۰۵، ۳۹۱، ۲۹۴، ۲۸۶، ۲۷۹  
 ۷۸۹، ۷۲۲، ۷۰۶، ۴۸۰، ۴۵۷

جهان وارغیان ۴۰۲  
 جیحون ۱۱۴، ۱۱۳، ۲۸۰، ۴۸۷، ۶۸۱  
 یلمیر ۸۳۳

ج

چاه ۲۰۳  
 چاکردبزه ۷۱۶  
 چالدران ۳۸۳، ۳۷۷  
 چالندر ۴۳  
 چتور ۶۰۳، ۵۹۱  
 چته ۳۸۰  
 چرباز ۶۰۸  
 چرتک ۷۷۹  
 چرخ ۲۶۴  
 چرنداب ۷۶۹، ۷۳۰، ۱۴۷  
 چشت ۷۲۵، ۲۱۷  
 چشمه مالان ۳۴۶  
 چغانیان ۲۲ - ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۳۸، ۷۶۷  
 ۷۷۸  
 چنهار ۴۱۱  
 چهارباغ ۵۶۸  
 چهارباغ مشهد ۶۹۳  
 چهارسوق هرات ۴۰۹  
 چهارسوی هرات ۳۲۴  
 چهارگنبد ۶۲۸  
 هل تنان (نکیه) ۲۹۶  
 چهل دختران ۵۶۵  
 چیتور ۶۰۶  
 ۷۹۳، ۲۸۸، ۲۷۰، ۱۴۲، ۱۴  
 بیون ۴۲۳  
 حاجی آباد ۱۳  
 حاجی ترخان ۲۷۹  
 حافظ ۴۴۶  
 حج ۱ - ۲، ۷، ۸، ۶۱، ۵۸، ۷۷، ۹۹، ۱۰۳ -  
 ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۱۰، ۲۱۲ -  
 ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۷۶، ۲۷۹ -  
 ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۷ -

خانقاہ میر سید علی ہمدانی ۱۹۵  
 خانقاہ میر علی شین ۳۲۳  
 خانقاہ نجم الدین کبریٰ ۷۲۴  
 خانقاہ نصیر الدین چراغ دہلی ۷۵۵  
 خانقاہ نقشبندیان استانبول ۳۹۲  
 خانقاہ نوریہ ۳۱۹  
 خاوران ۳۰۰  
 خاوران (دشت) ۷۴۷، ۸۱، ۶۱  
 خوبوشان ۸۲۴، ۴۳۳  
 خبیص ۸۲۷، ۴۶۳  
 ختا ۲۱۰، ۵۷۴، ۲۷۹، ۲۷۰، ۱۱۴  
 ختلان ۸۴۱، ۷۵۴، ۳۱۹، ۱۹۵  
 خجند ۴۴۸، ۲۱۰، ۱۶۵  
 حراب (محلہ) ۸۱۰  
 خرار ۵۸۴  
 خراسان ۶، ۴، ۱ - ۱۸، ۱۶، ۷ - ۲۷، ۲۰  
 ۳۲ - ۳۸، ۳۴، ۳۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷  
 ۴۹ - ۵۳، ۵۱، ۵۸، ۵۴، ۶۱، ۶۷  
 ۷۱ - ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۷  
 ۹۲ - ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۹  
 ۱۱۱ - ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸  
 ۱۲۰ - ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰  
 ۱۳۲ - ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۹  
 ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵ -  
 ۱۶۶، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱  
 ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۸  
 ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۷ - ۲۷۸  
 ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۸۹ - ۲۹۰، ۲۹۲  
 ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۱۱، ۳۱۳ - ۳۱۵  
 ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۳  
 ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۱، ۳۶۱  
 ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۲، ۳۹۸  
 ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۳۷ - ۴۳۸  
 ۴۴۰ - ۴۴۱، ۴۵۱، ۴۵۶، ۴۵۸  
 ۴۶۹ - ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۳  
 ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۱، ۴۹۶  
 ۵۰۷ - ۵۰۸، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۶  
 ۵۳۱، ۵۳۴ - ۵۳۶، ۵۵۸  
 ۵۵۹، ۵۶۵، ۵۸۰، ۵۸۸، ۵۹۴

حلہ ۷۳۰، ۱۳۶، ۵۱  
 حلیہ گران ۲۱۲  
 حوض شمسی ۷۰۵  
 حومان (محلہ) ۵۶  
 حیدرآباد ۳۳۵، ۴۱۷  
 خاک خواجہ عبدالوحید احمد ۲۴۶  
 خانبلی ۲۱۲  
 خاندیش ۵۹۳  
 خان شکر ریزان ۷۳۶  
 خانقاہ افضل الدین کرمانی ۳۰۸  
 خانقاہ اورگنج ۵۷۳  
 خانقاہ بہاء الدین نقشبند ۴  
 خانقاہ خلاصیہ ۲۳۹  
 خانقاہ خواجہ عبدالشہید ۵۶۹  
 خانقاہ زینی ماسری ۷۵۸  
 خانقاہ سعدی ۱۶۷  
 خانقاہ سلطانی ۱۰۹  
 خانقاہ سید محمد نور بخش ۳۱۹  
 خانقاہ شہرخ ۲۵۱  
 خانقاہ شرف الدین خضر یزدی ۷۶۸  
 خانقاہ شمس الدین تبادکانی ۳۲۸  
 خانقاہ شیخ حاج محمد قوجانی خوبوشانی  
 ۶۴۰، ۵۶۵  
 خانقاہ شیخ حسین خوارزمی ۵۹۸-۵۹۹  
 خانقاہ شیخ کجج تبریزی ۲۱۲  
 خانقاہ صلاحیہ ۲۷۹  
 خانقاہ عبید اللہ احرار ۷۷۸  
 خانقاہ عراقی ۱۶۴  
 خانقاہ علاء الدولہ سمنانی ۳  
 خانقاہ عماد فقیہ ۲۰۲، ۷۶۱  
 خانقاہ فتح پور ۵۳۸  
 خانقاہ قطب الدین بختیار ۷۴۸  
 خانقاہ کمال خجندی ۲۱۱  
 خانقاہ گلشنی مصر ۷۰۴  
 خانقاہ محمد امین زاہد ۵۷۰  
 خانقاہ محمود چلبلی ۸۱۱  
 خانقاہ مولانا جلال الدین ۱۵۹

خوردده ۸۳۲	،۶۱۷ ،۶۱۵ ،۶۱۱،۶۰۶،۵۹۶
خوریان ۲۹۷	،۶۲۹ ،۶۲۳ ،۶۶۲،۶۵۹،۶۴۲
خوزستان ۱۴،۱۶،۱۳۵۱،۳۲۸	،۷۲۰ ،۷۰۶ ،۶۹۸،۶۹۲،۶۸۶
خوسف ۳۰۲	-۷۳۶ ، ۷۲۹-۷۲۸،۷۲۶،۷۲۳
خوشتری ۶۲۲	-۷۷۶ ، ۷۵۸ ، ۷۵۴،۷۴۹،۷۳۷
خوقند ۲۲۸،۶۰۶	،۷۹۴ ، ۷۹۱ ، ۷۸۸،۷۸۶،۷۷۲
خوند ۸۰۳	،۸۱۷ ، ۸۰۹ ، ۸۰۶،۷۹۷-۷۹۶
خونکار چایبری ۸۰۱	۸۲۹،۸۲۵
خوی ۵۰۷، ۱، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۴، ۷۹۳	۳۱۴، ۲۹۰، ۲۸۵، ۲۰۸
خیابان بخارا ۶۱۹	خرده ۵۱۶
خیابان تبریز ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۶	خرقان ۵۷۲
خیابان هرات ۲۴۳، ۶۰۵، ۶۱۳	خرگرد ۲۰۸، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۱۴
خیابان ۶۵۱	خرم آباد ۳۹۱
خیب آباد ۵۶۴، ۵۷۹	خرندز ۲
خیسار (قلعه) ۲۰۷	خرواستان ۸۰۱
خیوق ۷۲۰	خضروان ۲۰۸
خیوه ۵، ۱۱۵، ۴۸۳، ۶۰۹، ۶۷۹، ۷۷۰	خضر ۸۰۷، ۸۴۱
	خلاصیه (خاتقاه) ۲۳۹
	خلاط ۴۸۳
اپل ۷۷۶	خلج ۵۶۸
داراب ۲۵۶	خلخال ۱۰۷
دارا بگرد ۴۳۹، ۴۶۹	خلیج فارس ۱۰، ۲۳۰، ۲۵۰
دارا بگرد ۴۳۹، ۴۶۹	خلیلیه ۷۹۹
دارالایتام ۲۶۵	خندان ۵۸۹
دارالحدیث ادرنه ۸۱۱	خواجه روشنایی ۵۷۵
دارالسلام ۸۰۸	خواجه یوسف ۲
دارالسیاده سلطانی ۲۴۶	خوار ۴۸۳
دارالسیاده کش ۸۳۶	خوارزم ۱، ۷۲، ۷۵، ۸۴-۸۵، ۹۲، ۹۴
دارالسیاده مبارزالدین محمد مظفر ۷۵۲	، ۹۷ ، ۱۱۲ ، ۱۱۵ - ۱۱۶ ، ۱۲۱
دارالسیاده تمیید ۱۸۴	، ۱۲۴ ، ۱۲۶ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۶۵
دارالفتح قیصریه ۷۳۷	، ۱۷۵ ، ۲۲۰ ، ۲۴۲ - ۲۴۳ ، ۲۷۹
دارد ۴۶۷	، ۳۱۸ ، ۳۲۱ ، ۴۰۰ ، ۴۸۳ ، ۴۸۷-
دارد اقل (قصر) ۸۰۱	، ۴۸۸ ، ۴۶۶ ، ۶۱۰ ، ۶۱۸ ، ۶۲۵
داغستان ۷	، ۶۳۹ ، ۶۷۹ - ۶۸۰ ، ۶۸۹ ، ۷۱۲
دالماسی ۴۷۹	۷۶۴
دامغان ۳۲، ۱۳۴	خواف ۲۰۶، ۲۰۸، ۳۱۲، ۳۴۹، ۷۲۴
دامن کوه ۵۴۳	۸۰۸، ۷۷۸، ۷۶۱
دانشگاه تبریز ۴۵۸	خوانده ۸۰۳
دانه ۵۴۵، ۵۵۹	خوجان ۴۳۳

۷۸۶ ، ۷۸۴ ، ۷۸۰ ، ۷۷۷-۷۷۶  
 ۸۰۸ ، ۷۹۹ - ۷۹۷ ، ۷۹۵ ، ۷۹۱  
 ۸۳۳ ، ۸۳۱ - ۸۳۰ ، ۸۲۴  
 دمامین ۷۳۵  
 دماوند ۵۱۱  
 دمدم ۶۹۹  
 دمشق ۱۶۴ ، ۱۴۹ ، ۱۴۶ ، ۱۱۶ ، ۱۷  
 ۳۸۳ ، ۳۵۲ ، ۲۸۶ ، ۲۷۹ ، ۱۷۳  
 ۷۶۳ ، ۷۳۲ ، ۷۲۴ ، ۴۰۶ ، ۳۹۱  
 ۸۱۴ ، ۸۱۰  
 میرقاچو ۴۶  
 دنداقتان ۶۳  
 دران ۲۶۶-۲۶۵  
 دیونیتزا ۸۱۱  
 دوشنبه ۷۷۸ ، ۷۶۷  
 دوخا باد ۵۴۹  
 دوگیری ۷۴۲  
 دولت آباد ۲۶۵ ، ۱۷۱  
 دهخوارقان ۷۴۷  
 دهستان ۲۹۷  
 ده شیخ ۵۷۸  
 دهک ۴۳ ، ۳۱۶ ، ۴۳۰  
 دهلی ۱۷۰ ، ۱۵۴ ، ۱۵۲ ، ۱۱۳ ، ۹۷  
 ۲۲۳ ، ۲۱۸ ، ۲۰۳ ، ۱۹۶ ، ۱۷۵  
 ۲۶۵ ، ۲۵۸ ، ۲۴۰ ، ۲۳۶ ، ۲۲۵  
 ۳۶۸ ، ۳۶۴ ، ۳۶۱-۳۶۰ ، ۳۱۲  
 ۴۰۹ ، ۴۰۵ - ۴۰۴ ، ۳۷۲ ، ۲۶۹  
 ۴۷۱ ، ۴۶۶-۴۶۵ ، ۴۵۶ ، ۴۲۳  
 ۵۴۳ ، ۵۴۰ ، ۵۳۷ ، ۵۱۱ ، ۴۷۵  
 ۶۴۵ ، ۶۰۶ ، ۵۹۹ ، ۵۵۳ ، ۵۵۱  
 ۶۷۱ ، ۶۶۸ ، ۶۶۲ ، ۶۵۹ ، ۶۴۶  
 ۷۲۸ ، ۷۲۰ ، ۷۱۹ ، ۶۸۹ ، ۶۸۷  
 ۷۵۴ ، ۷۵۲ - ۷۵۱ ، ۷۳۸ ، ۷۴۴  
 ۷۸۵ ، ۷۷۶ ، ۷۷۲ ، ۷۵۹ ، ۷۵۵  
 ۸۳۳ ، ۸۱۷ ، ۸۱۲ ، ۸۱۰ - ۸۰۹  
 دهنو ۷۶۷ ، ۵۹۷  
 دیار بکر ۴۸۴ - ۴۸۳ ، ۴۸۰ ، ۴۱۰  
 ۷۹۴ - ۷۹۳ ، ۷۷۹ ، ۷۲۴ ، ۴۹۸  
 دیبالپور ۱۵۶

داهول کوہ ۳۶۷  
 ۶۷۹  
 درب آستان ۳۵  
 دربار والاجاهی مدراس ۱۰۴  
 درب قبر قنبر ۷۲۷  
 دربند ۲۱۱ ، ۱۹۳ ، ۴۶ ، ۷  
 دردشت ۱۷۶  
 درس ۴۳۹  
 درشت ۶۱۶ ، ۲۷۴  
 درگاہ مسجد جامع اصفہان ۵۲۰  
 درگزین ۵۲۷  
 دروہست ۶۰۲  
 درویش آباد ۲۶۴  
 دریاچہ وان ۳۸۲  
 دریای ازہ ۸۰۰  
 دریای دروم ۴۹  
 دریای عمان ۷۹۴  
 دریای یونان ۸۰۱  
 دزک ۵۷۳  
 دزفول ۴۸۴ ، ۳۵۵  
 دشت ۲۷۹  
 دشت الغ طاغ ۴۸۷  
 دشت بیاض ۵۰۸ ، ۴۵۸  
 دشت خاوران ۷۴۷ ، ۸۱ ، ۶۱  
 دشت قبچاق ۵۷۳ ، ۲۱۱ - ۵۷۳ ، ۵۷۴ ، ۶۷۹  
 ۷۹۳ ، ۶۸۰  
 دکن ۲۹۴ ، ۲۶۵ ، ۲۵۹ ، ۲۴۲ ، ۱۹۰  
 ۳۶۷ ، ۳۶۴ - ۳۶۲ ، ۳۵۹ - ۳۵۸  
 ۴۱۲ ، ۳۹۷ ، ۳۷۳ - ۳۷۲ ، ۳۶۸  
 ۴۲۴ - ۴۲۳ ، ۴۱۸ - ۴۱۷ ، ۴۱۴  
 ۴۴۵ ، ۴۴۳ ، ۴۳۴ - ۴۳۲ ، ۴۲۸  
 ۵۰۵ - ۵۰۴ ، ۴۶۹ - ۴۶۸ ، ۴۶۶  
 ۵۲۲ ، ۵۲۰ ، ۵۲۱ ، ۵۱۸ - ۵۱۷  
 ۵۵۷ ، ۵۵۲ - ۵۵۱ ، ۵۴۶ ، ۵۳۸  
 ۶۴۲ ، ۵۹۶ ، ۵۹۳ ، ۵۹۱ ، ۵۶۶  
 ۶۵۵ - ۶۵۴ ، ۶۵۱ ، ۶۳۹ - ۶۴۵  
 ۶۷۵ ، ۶۷۲ ، ۶۶۸ ، ۶۶۰ ، ۶۵۸  
 ۷۶۸ ، ۷۶۲ - ۷۶۱ ، ۷۵۴ ، ۷۵۲



رودبار ۸۰۳	دیز آباد (رباط) ۲۹۰
رودس ۸۰۱، ۴۷۹-۴۷۸، ۳۹۰	دیلمستان ۴۷
رودشتین ۴۴۹	دیمون ۶۱۰
رودقات ۷۶۳	دینور ۵۲۳، ۴۵۵
رود گنگه ۲۳، ۲۴۰، ۲۴۴	دیو ۸۲۹
رودولی ۴۰۴	دیوان انشا ۷۲۶، ۷۴۹
روسیه ۴۷۷	دیوان چهره ۵۸۹-۵۹۰
روضه امیر المؤمنین علی ۲۶۷	دیوان صدارت ۷۰۱
روضه محمودی ۷۴۶	دیوان عدالت ۶۶۷
روم ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۴۷، ۱۴۹-۱۴۹	دیوان وزارت ۸۱۳
۱۶۲، ۱۶۴، ۱۵۸، ۱۵۱-۱۶۱	
۱۷۳، ۱۹۴، ۴۰۵، ۴۱۳، ۴۴۱	
۷۳۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۰-۷۵۰	
۷۹۱، ۷۵۱	راجیوت ۶۰۶
روملی ۴۹۸	رامجرد ۱۷۶
روملی حصار ۷۹۹	رامیثن ۲۲۰
رون ۴۲	راوند ۱۴۵
ری ۲۲، ۳۶، ۴۰، ۷۰، ۸۲، ۸۴-۸۶، ۱۰۱	راوی (رود) ۴۸۵
۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۵-۱۲۶	رای تشبور ۶۰۰
۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۶۶، ۲۷۴	رایجوردو آب ۴۸۹
۳۱۵، ۳۱۹، ۳۳۰، ۳۵۴، ۳۸۲	رایگان ۲۲۱
۴۰۰، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۹، ۴۵۲	رباط امینی ۷۳۵
۴۶۹، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۵	رباط خواجه ۵۷۳
۵۱۹، ۵۳۴، ۶۱۸، ۶۴۵، ۶۶۲	رباط دیز آباد ۲۹۰
۶۶۵، ۷۱۶، ۷۴۳	رباط سنگ بست ۲۹۰
	ربع رشیدی ۱۴۲، ۱۸۳
	رخ ۲
	رستاق ۷۵۳
زاخان ۳۰۶	رستاق القطن ۲۲۲
زامین ۶۸۶	رستمندار ۲۵۶، ۴۹۵، ۶۵۸
زاوه ۶، ۲۷۸، ۲۶۱	رشت ۳۸۷، ۴۸۲، ۴۹۰، ۵۱۹-۵۲۰
زاوه مهولات ۳۳۹، ۳۱۳	۸۴۱، ۷۷۶
زاویه مطفریه تبریز ۷۷۹، ۷۹۴، ۷۹۶	رشیدی ۷۳۱
زرافشان (رود) ۳۸۷	رصدخانه سمرقند ۲۳۲، ۲۴۹، ۲۶۸-
زرقان ۷۸۹	۳۸۸، ۲۶۹
زک (دز) ۵۷۳	رصدخانه مراغه ۱۳۷، ۱۴۷، ۳۷۵
زنجان ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۴۱، ۲۱۸، ۲۲۲	۷۳۰، ۳۸۸
۴۳۹، ۵۹۹، ۶۴۸، ۷۷۴	رنتهن پور ۸۰۹
زنوز ۷۴۹	روح ۶۱۳
زواره ۵۰۳، ۵۲۳	روح آباد ۷۵۶

سرندیب ۴۲۶، ۸۰۹، ۸۲۱، ۸۲۲	زور آباد ۷۲
سرونج ۴۲۳	زیارتگاه ۶۲۲، ۷
سروین ۸۲۰	زیدپور ۳۷۲
سرخند ۵۴۲، ۵۵۳، ۵۹۲	زیدر ۲
سری چند ۴۸۵	ژن ۸۰۰
سری سنگر ۸۱۳	
سرخند ۶۰۴	س
سفرزان ۶۴۰	سابا کس ۸۰۰
سفیدون ۵۴۲، ۶۴۵	ساجمون ۵۷۷
سکاکیه ۳	ساری ۴۲، ۲۹۷
سکر اول ۴۵۴	ساغرچ ۵۸۶
سکری (پر کنه) ۵۶۵	سامانه ۵۷۱
سکهر قدیم ۳۵۸-۳۵۹	سانبهر ۵۴۳
سلاونی ۴۷۹	ساوچیلغ ۴۹۳
سلطان پور ۴۸۵	ساوه ۸۷، ۱۳۰، ۱۳۷، ۲۰۲، ۲۱۳، ۳۱۳، ۴۴۹
سلطانیہ ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۷۲، ۷۳۱	۶۲۷، ۵۲۸، ۵۲۶، ۴۵۰
۷۳۳	سیران ۶۷۸-۶۷۹
سلماں ۲۰۱	سبزوار ۴۴، ۱۲۳، ۱۵۴، ۲۴۵-۲۴۶،
سلیمان شاه (میدان) ۷۳۱	۳۰۱-۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۶۴،
سمرقند ۷، ۸-۲۱، ۲۹، ۸۷، ۹۸-۹۸	۳۷۴، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۱۷، ۵۳۷-
۱۲۲، ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۹۱، ۲۱۳-	۸۰۹، ۷۲۶، ۷۰۱، ۶۷۸، ۵۳۸
۲۱۴، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۵۳-	سیلک ۵۴۵
۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۹، ۲۸۶-	سیلک ۵۴۵
۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷-	سجاوند ۴۵۷، ۴۵۴، ۵۸۴-
۳۰۰، ۳۱۰، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۳۰-	سختویہ (محلہ) ۴۱۷
۳۳۹، ۳۷۲، ۳۹۸، ۴۵۰، ۴۸۶-	سراب ۲۹۱
۴۸۸، ۴۶۲، ۵۶۸، ۵۷۵، ۵۸۴-	سرای ۱۰۵، ۲۱۱، ۲۷۹
۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۴، ۵۹۶، ۶۰۰-	سرای آت میدان ۸۴۰
۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۲۱-	سرستان ۷۹۹-۸۰۱
۶۲۳، ۶۲۶، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۴-	سریل ۵۱۰، ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۷۹
۶۵۳، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۱۶-	سرجم ۷۲۴
۷۱۹، ۷۵۳، ۷۷۷، ۷۷۸، ۸۰۳-	سرخاب (محلہ) ۵، ۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۷۴،
۸۲۶، ۸۳۲	۲۱۰، ۵۰۷، ۶۱۸، ۷۱۹، ۷۲۵،
سمی ۶۳۲	۷۳۳، ۷۴۴، ۷۶۳، ۸۲۵-۸۲۶
سمنان ۸۰۱، ۸۱۴، ۸۲۰، ۸۴۴، ۵۰۴، ۵۱۲-	سرخس ۱، ۱۶، ۸۱، ۶۷۳، ۷۲۰
۵۱۳، ۶۴۸، ۶۵۹، ۷۳۳، ۷۵۶	سرخیا بان ۵۹۲، ۵۸۶
سمندره ۸۰۰-۸۰۱	سرکلن ۵۰۴
سمنگان ۵۶۳	سرگنج ۳۲۷، ۴۱۵
سمیران ۴۸	سر میدان (محلہ) ۷۵۲

۱۹۵، ۱۷۹، ۱۷۲، ۱۵۶، ۱۵۴	سمیرم ۷۶۴
۴۶۵، ۴۵۸، ۴۵۴، ۴۴۷، ۲۵۴	سنا یاد ۴۴۷
۸۱۸، ۸۱۳، ۷۷۸، ۶۵۶، ۴۹۵	سنام ۶۳۷، ۱۷۵
سینوب ۸۰۰، ۴۹۰	سنیل ۵۵۰
سیواس ۶۷۷، ۱۴۷، ۱۴۱	سنبل ۵۵۰، ۴۵۲، ۴۳۰، ۳۵۹، ۲۱۸
سیوی ۶۵۰	۶۵۹
	سنجار ۵۲۲
	سنجان ۷۲۴
	سند ۸، ۳۳، ۷۸، ۹۷، ۲۷۸، ۲۵۹، ۳۶۶
شادمان (حصار) ۵۷۰، ۵۶۷، ۴۵۵، ۲۶۵	۳۷۷، ۴۰۹، ۴۲۳، ۴۲۸، ۴۵۵
شادوار ۵۹۰	۴۷۶، ۵۵۱، ۶۰۶، ۶۱۱، ۶۵۰
شاش ۷۷۸	۶۶۸، ۶۷۱، ۶۹۰، ۷۱۵، ۷۶۹
شام ۲۰۰، ۱۶۳، ۱۴۷، ۶۶، ۵۹، ۴۴	۸۲۵
۵۷۷، ۴۹۸، ۴۵۷، ۴۵۰، ۲۲۰	سنغر ۵۲۳
۷۴۶، ۷۲۴، ۷۰۸، ۶۳۷، ۶۰۷	سنگان ۳۰۰
۸۰۶	سنگ زور ۵۷۰
شام غازان ۲۵۰	سوب ۴۹
شاه آباد ۵۹۹، ۴۰۴	سو (قلعہ) ۴۳
شاه پر ۶۰۳	سوالک ۷۴۴
شاه جهان آباد (دہلی) ۴۶۵	سوح ۶۰۲
شاهر خیہ ۶۸۰، ۵۷۳، ۵۶۸	سودان ۵۹
شاهزادہ (بقعہ) ۵۲۶-۵۲۵، ۴۳۹	سور (بقناد) ۷۲۷
شاهزادہ عبدالعظیم (بقعہ) ۱۲۷، ۴۴۱	سوراب ۴۳۲
۶۶۲، ۴۷۳، ۴۵۳	سورت ۴۲۳، ۵۵۴، ۵۹۳، ۵۹۵، ۶۵۶
شاکارہ ۲۸۴، ۲۶۷، ۱۸۷، ۱۸۲، ۱۷۹	سوریہ ۵۹، ۱۱۵، ۱۲۹، ۲۲۰، ۳۵۲
شیرخان ۵۸۷، ۶۰۰	۴۰۵-۴۰۶، ۶۹۷، ۷۵۷، ۸۰۳
شہتر ۱۶۹	۸۰۵
شخونی ۵۴۲	سوفیا ۸۱۱
شروان ۱۰۷-۱۰۶، ۱۰۴-۱۰۳، ۴۶	سولمان ۳۱۹
۳۹۹، ۳۸۲، ۳۳۲، ۲۹۸، ۲۹۷	سومات ۳۶
۵۶۸-۵۶۷، ۵۶۳، ۴۸۴، ۴۸۲	سہ تمان مسجد جامع اصمہان ۵۱۶
۷۹۶، ۷۶۹، ۷۶۵-۷۶۴، ۷۱۰	سہرند ۶۸۹، ۶۶۸، ۶۴۶، ۴۵۵
۸۲۶	سہر نکک (نہر) ۴۵۶
شروز ۴۸۴	سہرورد ۱۴۱، ۱۱۰
شکر آب ۵۳۴، ۳۳۰	سہ گنبدان ۷۳۱
شکراو علی ۸۳۱	سیالکوٹ ۴۱۸
شکور ریزان (خان) ۷۳۶	سیحون ۶۸۷، ۱۱۴
شلاپور ۴۸۹	سیرام ۵۷۴، ۵۶۸
شماخی ۷۸۳، ۶۹۴، ۵۲۲، ۲۹۸، ۱۰۶	سیستان ۳۸-۳۷، ۲۶، ۲۰-۱۹، ۱۶
شازان ۲۵۰	۴۲-۴۳، ۷۲، ۷۵، ۸۲، ۹۰-۹۱

شوشی ۱۰۷

شهداد ۴۶۳

شهر سبز ۳۸۷، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۵،

۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۶، ۵۹۸-

۶۰۰

شهرستان ۱۲۶

شهر وزیر ۶۱۰

شهر یار ۸۲-۳۱۹، ۸۳

شیخ العالم ۳

شیر ۶۷۹

شیراز ۲، ۵۷، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۳۹، ۱۴۷،

۱۵۲-۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۶-۱۶۷،

۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۱، ۱۹۳،

۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۰۴-

۲۰۵، ۲۱۲-۲۱۷، ۲۳۶، ۲۴۳،

۲۴۵، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۶۴-۲۶۶،

۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۰،

۲۹۶، ۳۰۰-۳۰۱، ۳۰۵-۳۰۶،

۳۰۹-۳۱۱، ۳۱۲-۳۱۵، ۳۱۹-

۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۰،

۳۳۳-۳۳۵، ۳۵۵-۳۵۸، ۳۶۱،

۳۶۶-۳۶۸، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۵-

۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۷-

۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۳-۴۲۵، ۴۲۷،

۴۴۰، ۴۴۴، ۴۴۶-۴۵۰، ۴۶۱،

۴۶۷-۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۹۲،

۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۰-۵۲۱،

۵۲۶-۵۲۹، ۵۳۷، ۵۵۲، ۵۴۶، ۶۵۰،

۶۶۰-۶۶۱، ۶۸۶، ۶۸۹، ۶۹۱-

۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۷-۶۹۸، ۷۰۷،

۷۰۹-۷۱۱، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۳،

۷۳۵، ۷۳۷-۷۴۷، ۷۵۳، ۷۵۶،

۷۵۸-۷۶۱، ۷۶۲-۷۶۵، ۷۶۷،

۷۶۹-۷۷۰، ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۸۰،

۷۸۹، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۰۱، ۸۰۸-

۸۰۹-۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۱، ۸۲۲،

۸۳۸

عبادان ۱۴۱

صالحیه ۱۶۴

صاین قلعه ۴۹۶

صخره (قبه) ۷۴۲

صرح (محلّه) ۷۴۲

صلاحیه ۲۷۹

صوبه بهار ۳۵۷

صوفی آباد ۱۴۸، ۳

ضامن ۸

طابران ۶۷، ۳۹

طارم ۵۴۸، ۴۸، ۴۶

طاق اعلاى مدرسه الخ بیک ۵۸۸-۵۸۷

طاقو ۱۹۰

طالشی ۳۸۱

طالقان (خراسان) ۵۰

طالقان (ماوراءالنهر) ۵۶۷

طبرستان ۱۵-۱۶، ۴۲، ۸۶، ۱۱۲، ۱۲۹،

۱۴۰، ۲۹۸، ۷۲۴، ۷۸۱

طیس ۳۷۷، ۳۳۱، ۳۲۵، ۳۲۱، ۹۳

طنخارستان ۷۱

طرابلس ۵۹

طرابلس تمام ۴۹۸

طرابوزان ۴۷۷، ۸۰۰

طربنت ۶۳۵، ۶۱۶، ۳۱۵، ۲۷۴

طرفان ۵۸۲

طریق ۲۹۸، ۲۹۰

طغای بوغده ۵۹۴

طوس ۳۹، ۲۷-۳۹، ۴۰-۶۶، ۶۷-۶۹، ۱۳۳،

۱۳۷، ۲۹۲، ۴۱۹

طهران ۳۱۵، ۳۰۵، ۲۷۴، ۸۳، ۴۴۱،

۴۶۶، ۴۷۳، ۴۹۲-۴۹۳، ۴۴۵،

۷۷۲

طیبیان ۲۲۱

عتبات ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۳، ۵۱۳، ۵۲۰

۸۰۵، ۵۴۶

عثمانی (کشور) ۱۳۴، ۱۹۸، ۲۳۹، ۲۵۳-

۲۵۴، ۲۶۰-۲۶۱، ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۵۴

۲۳۸، ۲۷۹، ۲۷۶-۲۷۲، ۲۶۹

۲۸۷، ۳۸۳، ۳۷۸، ۳۵۱، ۳۴۵

۳۷۳، ۴۴۸، ۳۹۸، ۳۹۵، ۳۹۳

۴۹۱-۴۹۰، ۴۸۱-۴۸۰، ۴۷۷

۷۰۰، ۶۹۳، ۶۱۵، ۵۴۳، ۴۹۸

۷۵۷، ۷۰۸، ۷۰۶، ۷۰۴-۷۰۳

۸۱۰، ۸۰۱-۸۰۰، ۷۹۲، ۷۸۲

۸۴۰، ۸۱۷، ۸۱۴، ۸۱۱

عراق ۱۶، ۱۹، ۲۰-۲۳، ۲۹، ۷۳-۷۵

۸۱-۸۲، ۸۷، ۹۳، ۱۰۰-۱۰۱

۱۰۳-۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۹

۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۵

۱۳۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۹۸، ۲۳۶

۲۳۹، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۸

۲۶۰-۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۹

۲۹۷، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۸، ۴۴۹

۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۵-۴۵۷، ۴۶۶

۴۶۸، ۴۷۱، ۴۸۰، ۵۱۱، ۵۱۹

۵۲۳، ۵۳۵، ۵۵۶، ۶۷۱، ۶۹۱

۶۹۳، ۷۰۶، ۷۲۴، ۷۳۹، ۷۷۳

۷۷۶-۷۷۷، ۷۷۷، ۸۰۳، ۸۰۵

۸۱۳، ۸۲۰، ۸۳۳

عراق محم ۴۸۲، ۵۹۹، ۶۴۸

عراق عرب ۷۲، ۱۵۴، ۱۸۲، ۳۸۷، ۴۸۴

عراق فن ۷۹۴

عنان ۱۷۲، ۲۳۳، ۳۱۲، ۳۲۶، ۳۵۱

۴۱۶، ۴۷۶، ۵۳۸، ۷۵۶

عربی ۶۲۰

عشق آباد

علاء الدین پوره ۱۹۵

علم ۲۶۶

عایشکر ۴۵۵

عمان (دریای) ۶۹۴

عمد گاه هرات ۲۶۴، ۳۹۰، ۷۷۸

فجدوان ۱۱۰، ۴۰۰، ۴۰۶، ۶۲۱، ۶۲۷

۶۴۱

فرچستان ۲۴۰، ۳۸۴

غزال ۶۶

غزنی ۷۴۶

غزنین ۳۳، ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۴۴-۴۳، ۷۸

۹۷، ۱۱۷، ۱۴۳، ۱۵۲، ۲۶۴

۴۵۷، ۴۴۶، ۵۵۰، ۵۸۴، ۶۱۲

۷۲۸

غزنیو ۱۶۹

غور ۸۹-۹۱، ۷۶۰

غوریان ۴۶۲، ۵۹۶

غولنگان ۶۰۳

غزات پور (محلہ) ۲۱۸

فاراب ۲۸۶

فارس ۱۰۱، ۱۰۲-۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۵-۱۲۶

۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۹

۱۶۶، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۲، ۲۰۰

۲۰۸-۲۱۰، ۲۱۱-۲۱۳، ۲۱۷

۲۲۴، ۲۳۲، ۲۳۶-۲۳۷، ۲۶۰

۲۶۵-۲۶۶، ۲۷۲، ۲۸۳، ۲۹۹

۳۰۱، ۳۱۲، ۳۱۹، ۳۳۵، ۳۴۰

۳۵۱، ۳۷۸، ۳۹۶-۳۹۷، ۴۱۱

۴۳۹، ۴۴۵، ۴۴۵، ۴۶۱، ۴۶۷

۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۸، ۶۵۴، ۷۰۸

۷۱۰، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۷۳، ۷۷۶

۷۹۰، ۷۹۴، ۸۱۴، ۸۲۲-۸۲۳

۸۴۱

فاریاب ۱۰۶

فتح آباد ۳۶۴، ۴۶۴، ۶۲۱

فتح پور ۴۱۷، ۴۵۴، ۵۴۱-۵۴۳، ۵۴۸

۵۶۸، ۸۱۹، ۸۲۳

فتح پور سیکری ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۳۲

فرانسه ۴۷۸

فراه ۹۷، ۳۶۲، ۵۶۶

قتلگاہ ۸۰۶، ۳۷۸	فرجہ اعلا ۲۳۳
قدسوس ۸۰۵	فرخانہ ۱۷۳، ۱-۱۷۳، ۱۷۳-۳۸۷، ۵۵۹
قرا باغ ۳۸۰، ۴۷۸	۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۳، ۵۹۷، ۵۹۹
قرا جہ داغ ۳۷۸	۶۰۲، ۶۰۶، ۶۱۲، ۶۱۸، ۶۳۸
قرا کولہ ۵، ۳۱۸، ۵۶۴، ۵۷۶، ۶۱۰	۷۳۸، ۶۸۰
۶۷۹	قرید کوت ۴۸۶
قرا نگو طاق ۵۷۲	قریومند ۲۰۰، ۴
قرشی ۴۸۷، ۵۷۲، ۵۹۶	فسا ۱۰۹، ۷۲۱
قرم ۴۹۰	فلسطین ۵۹، ۶۶، ۴۰۵، ۷۵۶
قریم ۲۷۹، ۳۷۷، ۳۷۹، ۸۰۰	فلزہ ۵۹
قریہ مزدا خان ۱۱۲	فتارہ ۲۷۵
قزاقستان ۶۳۲	فیروزپور ۴۸۶
قزوین ۵۱، ۶۹، ۸۲، ۱۰۲، ۱۳۴، ۱۴۴	فیروز کوه ۱۶۶، ۳۸۴، ۶۸۱
۱۴۶، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۲۱-۲۲۲، ۲۲۴	فیروزہ (حصار) ۷۴۶
۳۱۶، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۵۳-۳۵۶	
۳۷۸، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۱۳	
۴۱۸، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۹-۴۴۰	قارص ۴۷۸
۴۴۸، ۴۵۲، ۴۵۷-۴۶۱، ۴۶۵	قاسمان ۶۸۹
۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۳-۴۷۴	قاسم پاشا (محلہ) ۳۹۲
۴۹۱-۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۷-۴۹۸	قاسیون (جبل) ۱۱۶
۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۷، ۵۲۰	قاروان ۷۷۶
۵۲۱، ۵۲۴-۵۲۷، ۵۳۰-۵۳۱	قاہرہ ۸، ۶، ۵۹، ۶۶، ۱۴۶، ۱۹۰، ۱۹۳
۵۳۵، ۵۶۴، ۵۶۷، ۵۷۱، ۶۴۲	۲۵۴، ۲۷۹، ۲۰۳، ۷۱۴
۶۴۴، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۶۰	قاین ۱۲۰، ۳۰۲، ۳۱۹، ۴۲۵، ۴۵۸
۶۷۲، ۶۹۴، ۷۰۰، ۷۰۲-۷۰۳	۸۱۸، ۵۰۸
۷۱۱، ۷۳۹، ۷۹۶، ۸۰۲-۸۰۴	قبادیان ۶۱، ۵۸
۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۵	قبادیان حصار ۵۷۳
۸۳۱، ۸۲۷	قبة المصطفیٰ ۷۰۳
قسا ۶۸۹	قہجاق (دشت) ۲۱۱، ۵۷۲-۵۷۳، ۶۷۹-
قسطنطنیہ ۸۰۱، ۷۹۹	۷۹۳، ۶۸۰
قصر داردا نل ۸۰۱	قبر تیمور ۷۵۳
قصر زر ۴۸۴	قبر جامی ۲۵۵
قصر عارفان ۲۲۰، ۴	قبرستان ابویوب انصاری ۶۷۲
قصر مسافر ۴۰۰	قبرستان شاہزادہ حسین ۵۲۵
قطب منار ۳۱۲، ۴۰۵	قبرستان قتلگاہ مشہد ۸۰۶
قطیف ۷۸۸	قبر عباس ۲۲۱
قفقاز ۳۸۲، ۴۹۶	قبر قنبر (درب) ۷۲۷
قلعہ اختیارالدین ۶۸۱، ۷۷۲	قمر مر سندھ سین خنگ سواد ۸۲۳-۸۲۳
قلعہ مولانا صدرالدین خواجہ ۷۵۲	قبة صخرہ ۷۲۴



۳۲۴، ۴۱۰ - ۴۰۹، ۲۸۷، ۳۵۱  
 - ۵۰۰، ۴۶۹ - ۴۶۸، ۴۶۳، ۴۳۵  
 ، ۵۲۸، ۵۳۵، ۵۰۵ - ۵۰۴، ۵۰۱  
 ، ۶۹۹، ۶۹۲، ۶۳۲، ۵۶۴، ۵۶۱  
 ، ۷۳۴، ۷۳۳، ۷۳۱، ۷۲۴، ۷۰۸  
 ، ۷۵۲، ۷۵۰ - ۷۴۹، ۷۴۵ - ۷۴۲  
 ، ۷۹۸، ۷۹۴، ۷۶۱، ۷۵۹ - ۷۵۸  
 ۸۲۰، ۸۰۵  
 کر مینه ۸، ۴۸۷، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۱،  
 ۶۲۶  
 کر نال ۵۴۲  
 کر واسی ۸۰۱  
 کر و شواتی ۸۰۱  
 کره ۷۵۲، ۲۲۳  
 کر هرود ۳۸۱، ۶۸۷، ۷۱۱  
 کریم ۴۹۰، ۸۰۰  
 کسبی ۶۱۷  
 کسرق ۷۴۵  
 کس ۸۳۶، ۶۲۸، ۵۷۲  
 کشی گاه (میدان) ۵۲۷  
 کتم ۶۰۳  
 کشمیر ۱۹۵، ۲۶۹، ۲۷۲، ۳۸۰، ۴۲۶،  
 ۴۲۰ - ۴۲۱، ۴۵۲، ۴۷۰، ۵۱۳،  
 ۵۴۰ - ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۹۶، ۶۶۰،  
 ۶۶۴، ۶۶۸، ۶۸۷، ۷۷۲، ۷۹۱،  
 ۸۲۴، ۸۱۳  
 کعبه ۲۹۴  
 ککویز ۳۹۱  
 کلاش ۹۸  
 کلا نور ۶۶۸  
 کلر که ۶۴۶  
 کلخوران ۲۱۹  
 کلکته ۶۸۷، ۳  
 کلسولی ۳۹۲  
 کما گران ۲۶۳  
 کمان گران ۵۹۰  
 کمجان ۱۶۳  
 کمیجان ۱۶۳  
 کنار ۲۹۵

کتابخانه رشیدالدین فضل الله ۱۴۲  
 کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا ۴۹۲  
 کتابخانه سلطان حسین بایقرا ۳۳۰  
 ۳۳۸  
 کتابخانه سلطنتی ۷۷۲  
 کتابخانه شاه اسمعیل ۳۳۸  
 کتابخانه شاه طهماسب ۶۷۱، ۶۹۳  
 کتابخانه شاه محمد خدابنده ۵۲۴  
 کتابخانه شاهی ۶۹۳  
 کتابخانه صدیقی شیرازی ۵۱۶  
 کتابخانه صفویه ۴۵۷  
 کتابخانه عمر بن سهلان ساوجی ۱۳۰  
 کتابخانه فخرالدین مبارکشاه ۷۲۷  
 کتابخانه فرهنگستان علوم جمهوری  
 ازبکستان ۴  
 کتابخانه مدرس شهنشاه غازی ۱۲۹  
 کتابخانه مراغه ۱۳۷  
 کتابخانه ملی پاریس ۷۱۵  
 کجج ۲۸۴، ۶۹۱، ۷۶۳  
 کججان ۲۸۴، ۶۹۱، ۷۶۳  
 کجور ۲۵۳، ۴۹۵  
 کجیل ۲۶۳، ۷۲۵  
 کچوچه ۷۶۵  
 کدکن ۱۱۳، ۲  
 کربال ۸۱۵، ۱  
 کربلا ۲۴۶، ۲۸۶، ۳۵۲، ۳۵۴، ۴۴۳،  
 ۴۸۰، ۵۱۷، ۵۳۸، ۶۶۰، ۶۸۷،  
 ۸۰۴، ۸۱۰، ۸۲۶  
 کرتاریور ۴۸۵  
 کج ۲۲۴  
 کرج (ساوچ بلاغ) ۴۹۳  
 کرد ۸۰۴  
 کردستان ۲۴، ۱۳۲، ۲۵۴، ۳۸۶، ۴۵۵،  
 ۴۷۸  
 کرمان ۶، ۲۰، ۳۳، ۵۳، ۷۷، ۸۲، ۱۱۸،  
 ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۹،  
 ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۲،  
 ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۵۷، ۲۶۹ -  
 ۲۷۰، ۲۸۳، ۳۰۷، ۳۲۵،



کند بادام ۵۹۰	کتابت ۶۸۶
کوالیار ۴۶۹	کند بادام ۵۹۰
کوب آباد ۶۵۵	کوالیار ۴۶۹
کوبنان ۱۸۷-۱۸۸-۷۹۸	کوب آباد ۶۵۵
کور ۸۲۱	کوبنان ۱۸۷-۱۸۸-۷۹۸
کورفو ۴۸۰	کور ۸۲۱
کوسویه ۷۹۹	کورفو ۴۸۰
کوشک گل افشان ۳۰۱	کوسویه ۷۹۹
کوفه ۱۱۴، ۴۸۰	کوشک گل افشان ۳۰۱
کوک میدان ۵۷۷	کوفه ۱۱۴، ۴۸۰
کو کوال ۴۱۸	کوک میدان ۵۷۷
کول ۶۰۳	کو کوال ۴۱۸
کوماگران ۲۶۳	کول ۶۰۳
کوه ابراهیم ۷۲۳	کوماگران ۲۶۳
کوه اشک ۷۹	کوه ابراهیم ۷۲۳
کوه بنان ۱۸۷-۱۸۸-۷۹۸	کوه اشک ۷۹
کوهستان یوسف زئی ۴۱۸	کوه بنان ۱۸۷-۱۸۸-۷۹۸
کوه کیلویه ۷۱۰	کوهستان یوسف زئی ۴۱۸
کهنه بوال ۱۱۳	کوه کیلویه ۷۱۰
کهنه بوال ۱۵۶	کهنه بوال ۱۱۳
کیج ۱۸۷، ۴۱۰، ۴۲۰	کهنه بوال ۱۵۶
کی آباد ۱۰۴	کیج ۱۸۷، ۴۱۰، ۴۲۰
۷۵۰	کی آباد ۱۰۴
	۷۵۰
	<b>گ</b>
گازر گاه مرات ۸، ۳۰۸، ۴۶۲، ۷۱۷، ۷۶۵	گازر گاه مرات ۸، ۳۰۸، ۴۶۲، ۷۱۷، ۷۶۵
گاوکا ۱	گاوکا ۱
گبزه ۸۰۱	گبزه ۸۰۱
گجرات ۸، ۲۲۳، ۲۵۵، ۳۳۷، ۳۵۷	گجرات ۸، ۲۲۳، ۲۵۵، ۳۳۷، ۳۵۷
گوزلو ۴۹۰	گوزلو ۴۹۰
گولاب ۷۷۳	گولاب ۷۷۳
گوک مسجد ۷۹۴	گوک مسجد ۷۹۴
گون آباد ۲۷۰، ۵۰۷	گون آباد ۲۷۰، ۵۰۷
گوی چای ۶۹۶	گوی چای ۶۹۶
گیلان ۱۵، ۴۷، ۱۳۱، ۱۵۴، ۲۱۱	گیلان ۱۵، ۴۷، ۱۳۱، ۱۵۴، ۲۱۱
۲۶۰-۲۵۹، ۲۵۳-۲۵۱، ۲۱۲	۲۶۰-۲۵۹، ۲۵۳-۲۵۱، ۲۱۲
۲۹۲، ۲۹۲، ۲۷۰، ۲۶۶-۲۶۵	۲۹۲، ۲۹۲، ۲۷۰، ۲۶۶-۲۶۵
۳۵۰، ۳۴۱، ۳۳۷، ۳۹۸-۲۹۷	۳۵۰، ۳۴۱، ۳۳۷، ۳۹۸-۲۹۷
	۸۴۰-۸۳۹، ۸۳۳

لکامہ ۵۵۱	-۳۸۶، ۳۸۳ - ۳۸۲، ۳۷۷، ۳۵۳
لنین (کالخوز) ۷۷۸	،۴۸۹ ،۴۸۷ ،۴۵۷،۴۰۵،۳۸۷
لوپک ۱۷۵	،۵۰۱ ،۴۹۹ ،۴۹۶،۴۹۴-۴۹۳
لودیانہ ۴۸۶	،۶۰۰ ،۵۸۲ ،۵۳۰،۵۲۱-۵۱۸
لوگر ۵۷،۵۴	،۷۷۶ ،۸۰۹ ،۷۰۷،۷۰۲،۶۴۴
	،۸۳۱ ،۸۲۳ ،۸۲۱،۸۰۳،۷۸۴
	۸۴۱،۸۲۳

ماجواریہ ۴۵۵	ل
مازندران ۱، ۲، ۱۰۱، ۱۸۶-۱۸۷، ۲۵۶	لار ۲۶۶، ۲۲۱، ۶۱۶، ۶۴۵، ۷۰۸، ۷۶۲،
،۳۹۲ ،۴۰۵ ،۳۵۳ ،۳۴۰ ،۳۱۲	۸۲۷
۸۳۱، ۷۲۶، ۶۸۲، ۶۵۸	لار (جزیرہ) ۶۱۶
ماسور آباد ۳۵۵	لارستان ۶۱۶
ماکو ۴۵۶	لارندہ ۱۹۹، ۱۲۱
مالوا ۴۲۳	لاہور ۳۲، ۳۳-۴۳، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴، ۲۵۷
مالوکرہ ۸۲۰	،۴۱۷ ،۳۹۸ ،۳۸۱-۳۸۰، ۳۵۸
مالوہ ۴۲۲، ۵۸۵، ۵۹۴، ۸۲۰	،۴۳۰ ،۴۲۸-۴۲۷، ۴۲۰-۴۱۹
مانڈل ۶۰۳	،۵۲۰ ،۴۸۴ ،۴۷۱ ،۴۵۶، ۴۵۳
مانہ ۱	،۵۵۲ ،۵۳۴ ،۵۴۲-۵۴۱، ۵۲۰
مانہ بابا ۱	،۶۰۶ ،۶۰۳ ،۶۰۰، ۵۶۸، ۵۵۵
ماوراءالنہر ۲، ۷، ۱۵، ۸-۱۶-۲۰، ۳۲-	،۶۶۲ ،۶۵۷ ،۶۵۳، ۶۴۷، ۶۴۴
،۹۹ -۹۶، ۹۳، ۷۷، ۷۵-۴۹، ۳۴	،۸۰۵ ،۷۷۶ ،۷۵۴ ،۶۸۳، ۶۶۸
،۱۲۲ ،۱۲۰-۱۱۹، ۱۱۲-۱۱۰	۸۳۵، ۸۲۵-۸۲۴، ۸۲۰
،۱۵۵ ،۱۴۰، ۱۲۹-۱۲۸، ۱۲۵	لاہور ۲۱۲، ۲۷۰، ۲۴۱، ۲۸۶-۲۸۷،
،۲۳۹ ،۲۱۸ ،۱۹۴، ۱۸۸، ۱۷۵	،۵۱۹ ،۵۱۱ ،۴۹۵، ۴۸۲، ۴۵۷
،۲۸۵ ،۲۶۱ ،۲۵۳-۲۵۱، ۲۴۲	۷۸۹، ۶۱۷، ۵۲۱
،۳۱۰ ،۳۰۳ ،۳۰۳، ۲۹۰-۲۸۹	لجسا ۲۳۰، ۲۵۲، ۷۸۸
-۲۵۱ ،۳۳۹ ،۳۳۳، ۳۳۰، ۳۱۸	لرستان ۷۳، ۸۲، ۱۲۹ ،۱۳۵ ،۱۴۴
،۳۹۸ ،۳۸۹ ،۳۷۵، ۳۵۵، ۳۵۲	،۱۸۴ ،۱۷۵ -۱۷۴، ۱۵۰-۱۳۸
،۴۰۶ ،۴۰۴ -۴۰۳، ۴۰۱-۴۰۰	،۴۹۱ ،۴۸۴ ،۴۴۹، ۲۸۴، ۲۳۱
،۴۸۳ ،۴۶۶ ،۴۳۱، ۴۱۹، ۴۱۱	۷۹۰، ۷۵۱، ۵۲۷
،۵۴۵ ،۵۴۳ -۵۴۱، ۴۸۸-۴۸۶	لر کوچک ۴۹۱
،۵۵۶ -۵۵۳، ۵۵۱-۵۵۰، ۵۴۷	لسوس ۸۰۰
،۵۷۲ -۵۶۹ ،۵۶۷، ۵۶۵-۵۵۹	لقمان پرندہ (مزار شیخ) ۳۲۷
-۵۹۲ ،۵۹۰-۵۸۳، ۵۸۱-۵۷۴	لکنہو ۷۵۶
-۶۰۳ ،۶۰۰ ،۵۹۷-۵۹۶، ۵۹۴	لہمان ۷۱۵
-۶۱۷ ،۶۱۵ ،۶۱۳-۶۰۸، ۶۰۵	لمنوس ۸۰۰
،۶۳۹ -۶۲۸، ۶۲۶-۶۲۱، ۶۱۸	لنجان ۱۶۵
،۶۸۲ ،۶۸۰ -۶۷۶، ۶۷۲، ۶۴۹	لنجان ۱۶۱
،۷۱۹ ،۷۰۴ ،۷۰۲ ،۶۸۹، ۶۸۶	

مدرسه عصرونه ۷۰۶	۸۲۱، ۸۱۷، ۸۰۸، ۷۳۴، ۷۲۳
مدرسه علی بیگ طاشلیق ۸۱۱	۸۴۱
مدرسه غیاثیه ۳۳۲	ماوراء سیحون ۱۶۴
مدرسه قاسم پاشا ۳۹۲	ماوراء قفقاز ۷۹۳
مدرسه قنمگاه ۶۹۳	ماهان ۷۵۲، ۱۸۸
مدرسه گوهرشاد آغا ۲۴۳-۲۴۴، ۲۹۴، ۳۳۲	مجارستان ۳۷۷، ۴۷۹-۴۸۰، ۴۹۰، ۷۹۹-۸۰۰، ۸۱۱، ۸۴۰
مدرسه گوهرشاد بیگم ۲۳۲، ۲۹۴	محدث آباد ۲۴۲
مدرسه گوهرشاد شهید ۲۳۸	محللات ۶۹۳
مدرسه گوهرشاد هرات ۲۴۳-۲۴۴	محلله ایوب ۲۵۴
مدرسه مستنصریه ۱۴۶	محلله خراب ۸۱۰
مدرسه مصطفی پاشا ۳۹۱	محلله سرمدیان ۷۵۲
مدرسه مغنیا ۳۹۱	مدراس ۸۰۵، ۱۰۴
مدرسه مولانا ۷۲۶	مدرسه اخلاصیه هرات ۴۹۲-۴۹۴، ۳۲۴، ۳۳۲
مدرسه مولانا حسن شاه بقال ۲۶۵	مدرسه ازنیق ۲۷۶
مدرسه مولانا محیی الدین گوشه کنار ۲۶۵	مدرسه افضل الدین مره
مدرسه میرزا ۴۶۲، ۵۲۴، ۶۲۲	مدرسه الخ بیگ ۵۸۷، ۵۸۸-۵۳۰
مدرسه میرزا سلطان ابوسعید ۳۲۳	مدرسه بایزید ۸۱۱
مدرسه میر عرب ۶۳۰	مدرسه کم ۲۶۵
مدرسه نصریه ۶۹۲	مدرسه جلالی ۷۵۵
مدرسه نظامیه ۶۷، ۱۶۷، ۷۵۰	مدرسه حافظ دیوان ۶۳۰
مدرسه نظامیه هرات ۲۸۶	مدرسه حلبیه ۲۷۶، ۸۱۱
مدینه ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۲۲۱	مدرسه خان ۵۸۶
۲۸۰، ۲۸۶، ۳۲۵، ۳۶۹، ۴۰۶	مدرسه حسرو پاشا ۳۵۶
۴۷۸، ۶۲۵، ۷۲۴، ۷۳۸، ۷۴۱	مدرسه خواجه کمال الدین ۶۲۸
۷۹۱، ۷۹۶، ۸۰۹	مدرسه دهل ۵۵۳
مراد آباد ۶۵۹	مدرسه زین الدین حوافی ۴۱۱
مرعه ۴۸۰، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۸۷	مدرسه سلطان ۶۲۰
۱۹۹، ۳۷۵، ۳۸۸، ۴۸۰، ۵۲۳	مدرسه سلطامی ۲۴۶، ۳۳۴
۷۳۰-۷۳۱، ۷۶۰	مدرسه سلطانی هرات ۱۸۳، ۲۴۵-۲۴۶
مراکش ۷۲	۳۳۴
مرزبانیه ۱۷۳	مدرسه شاه ۲۷۰
مرغاب ۶۸۱	مدرسه شاه بیگ خان ۵۸۷، ۵۹۱
مرغینا ۴۹، ۵۵۹، ۵۸۳، ۵۹۷، ۶۰۲	مدرسه شرفیه ۲۴۸
۶۰۶	مدرسه شیانی خان ۶۸۲
مره دیامیر ۵۳۷	۴۲۱
مریج (حصار) ۴۳	مدرسه عباسیه ۲۹۴
مرو ۲۲، ۲۲، ۵۴، ۶۱، ۷۲، ۸۱، ۹۷، ۱۲۶	مدرسه عبدالله خان ۵۹۲

مسجد جامع افضل الدین کرمانی ۳۰۸	۲۸۶ ، ۱۶۰ ، ۱۳۴ ، ۱۲۹ ، ۱۲۷
مسجد جامع بخارا ۵۸۸	۴۲۱ ، ۳۶۲ ، ۳۳۵ ، ۳۰۷ ، ۲۸۹
مسجد جامع بیکم ۷۸۹	۶۲۹ - ۶۲۸ ، ۵۶۸ ، ۴۶۶ - ۴۶۵
مسجد جامع شیراز ۷۵۸	۸۳۵ ، ۷۲۶ ، ۷۰۲ ، ۶۸۱
مسجد جامع عتیق اصفهان ۷۴۰	مروالرو ۴۱
مسجد جامع محله میرچقماق ۲۴۸	مزارات ، از ۲۵۶
مسجد جامع هرات ۴۵۱ ، ۲۹۰	مزار احمد خضرویه ۶۲۴ ، ۸
مسجد چهار سوق ۶۱۹	مزار ایوب انصاری ۷۸۹
مسجد حیدریه ۴۹۸	مردیوس سید ساله ۳۳۲
مسجد خلف تبریزی ۶۹۷	مزار ترک ۶۲۷
مسجد زین الدین خوافی ۳۱۱	مزار جامی ۶۴۷
مسجد زینب خاتون ۲۵۴	مزار حافظ ۴۴۰ ، ۳۰۱
مسجد سلیمانیه ۴۸۱	مزار خواجه ابو حفص ۶۲۷
مسجد فاتح ۸۰۱	مزار خواجه بهاء الدین نقشبند ۵۷۶ ، ۶۲۲
مسجد کبود ۷۹۳	مزار خوئی کار ۷۹۲
مسجد مصباح الدین سروری ۳۹۲	مزار سید علی عجم ۷۹۳
مسکو ۴۹۰	مزار فالدین باخرزی ۷
مشرقیه سادات ۷۴۲	مزار شاهزاده حسین ۴۳۹
مشهد ۱۱۴ ، ۷ ، ۲۲۸ ، ۲۴۶ ، ۲۸۹ ، ۲۹۹	مزار شریف ۵۹۴
۳۰۲ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۱۲ ، ۳۱۵	مزار شیخ جلال ۷
۳۱۹ - ۳۲۰ ، ۳۲۲ ، ۳۲۴ - ۳۲۵	مزار شیخ حسین خوارزمی ۵۷۷
۳۲۷ ، ۳۵۶ ، ۳۶۱ ، ۳۶۲ ، ۳۷۲	مزار شیخ سری ۱۴۱
۳۷۸ ، ۳۹۵ ، ۴۰۲ ، ۴۱۲ ، ۴۱۶	مزار شیخ علی صوفی ۵
۴۱۹ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ ، ۴۳۴ ، ۴۳۷	مزار شیخ فرید الدین عطار ۲۹۰
۴۳۸ ، ۴۴۷ ، ۴۴۸ ، ۴۵۲ ، ۴۶۱	مزار شیخ لقمان یرنده ۳۲۷
۴۶۳ ، ۴۹۹ ، ۵۰۳ ، ۵۰۵ ، ۵۱۱	مزار عباس ۲۸۰
۵۱۷ - ۵۱۸ ، ۵۲۶ ، ۵۲۷ - ۵۳۱	مزار عبدالله انصاری ۲۲۲ ، ۵۶۷
۵۳۳ - ۵۳۴ ، ۵۴۶ ، ۵۵۲ ، ۵۶۵	مزار عبیدالله احرار ۶۲۳
۶۰۲ ، ۶۱۷ ، ۶۲۴ ، ۶۴۴ ، ۶۵۲	مزار قثم بن العباس ۸۲۲
۶۵۴ ، ۶۵۸ ، ۶۸۱ - ۶۸۲ ، ۶۸۷	مرار میرداماد ۷۹۳
۶۸۸ ، ۶۹۳ ، ۶۹۹ ، ۷۰۱ ، ۷۰۳	مزار خان (قریه) ۱۱۲
۷۶۴ ، ۷۸۶ ، ۷۹۱ ، ۷۹۸ ، ۸۰۶	مسجد ای ۵۷۸
۸۲۴ ، ۸۲۶ ، ۸۳۰ - ۸۳۱	مسجد ارگ بخارا ۶۳۵
مصر ۶ ، ۵۲ ، ۵۹ ، ۷۲ ، ۷۴ ، ۱۶۴ ، ۱۷۰ ، ۱۸۸	مسجد اقصی ۷۲۴
۱۹۰ ، ۱۹۳ ، ۲۱۳ ، ۲۵۴ ، ۲۷۶	مسجد ایوب ۸۰۱
۲۷۷ ، ۳۸۲ ، ۳۹۴ ، ۴۰۶ ، ۴۵۰	مسجد بردی ۳۱۲
۴۷۸ ، ۷۰۳ - ۷۰۴ ، ۷۲۴ ، ۷۴۵	مسجد بزرگ هرات ۲۴۲
۷۵۷ ، ۷۶۳ ، ۷۷۳ ، ۷۹۶ ، ۸۰۱	مسجد جامع اصفهان ۴۶۰ ، ۵۱۴ ، ۵۱۶
۸۰۳ ، ۸۰۶ ، ۸۰۹ ، ۸۱۱	۵۲۱

مؤیدیه ۷۰۳	مصطفی آباد ۳۶۷
مهرانرود ۷۶۳، ۶۹۱، ۲۸۴	مصلی ۳۰۱
مهمانخانه ضحراالدین مبارکشاه ۷۲۷	مصیاف ۸۰۵
مهنه ۷۱۵، ۶۱۹، ۵۶۵، ۲۳۰، ۱	مظفریه تبریز (زاویه) ۷۹۶، ۷۹۳، ۷۷۹
مهنه (خراسان) ۱	معد آباد ۷۳۰
مهورات ۳۳۹، ۳۱۳	معلات ۳۹۴
میاتج ۱۱۱	مننسیا ۷۹۹، ۴۷۹، ۳۳۹
میان کال ۶۰۱، ۵۹۷، ۵۹۲، ۵۸۱، ۵۶۷	منولستان ۶۷۹-۶۷۸، ۲۷۹، ۱۴۲
میان کل ۴۸۷	مندان ۷۰۳
میانه ۱۱۱	مقبره بابا شیر قلندر ۳۵۸
میبد ۲۶۸، ۱۸۴	مقبره خواجہ احمد خسرویه ۶۲۷
میتن کلان ۵۹۹	مقبره گوهر شاد ۷۹۷
میدان اصفهان ۶۵۲	مقصودیه تبریز (محلہ) ۷۹۶
میدان سلیمان شاہ ۷۳۱	مکران ۴۲۰، ۳۱۰، ۱۸۷
میدان کشتی گاہ ۵۲۷	مکہ ۱، ۱۵۹، ۱۴۲ - ۱۴۱، ۱۱۴، ۶۱، ۱۶۴
میرچنماق (محلہ) ۲۴۸	۱ - ۲۷۶، ۲۲۱، ۱۸۸، ۱۷۲، ۱۶۴
میرسادات (محلہ) ۱۶۹	۲۵۶، ۲۹۲، ۲۸۶، ۲۸۰، ۲۷۷
میمنه ۳۸۷	۴۷۶، ۴۵۰، ۴۳۸، ۳۹۳، ۳۶۹
میوات ۶۰۸	۵۴۹، ۵۳۷، ۴۹۸، ۳۸۵، ۴۷۸
میمنه ۶۱، ۶۱-۶۲، ۳۲۲، ۳۲۴-۶۲۵	۶۲۳، ۶۰۷، ۵۹۹، ۵۸۱، ۵۷۱
	۷۲۴، ۶۹۸، ۶۹۳، ۶۴۸، ۶۲۸
	۸۲۹، ۸۱۴، ۸۰۹، ۷۴۱
ناگور ۸۲۸	ملاطیه ۱۵۹، ۱۲۱، ۱۱۰
نامق ۷۲۰، ۱۰۸	ملتان ۱، ۷۴۸، ۵۴۰، ۴۰۶، ۳۶۲، ۱۵۶، ۳
نامہ ۱۰۸	۸۱۲، ۸۰۹، ۷۸۵
نانکانہ ۴۸۴	ملطبه ۱۴۷، ۱۴۱، ۱۱۸
ناہبہ ۴۸۴	مسجدک ۳۷
نای ۴۳	مندمکرہ ۵۹۱
نایب ۸۰۹، ۲۰۹	مندو ۷۴۴
نجد ۳۱۲	منیر ۸۱۷، ۷۷۶
نجف ۴۱۷، ۴۱۲، ۳۹۶، ۳۸۷، ۲۸۶	مورہ ۸۰۰
۴۸۰، ۴۶۰ - ۴۵۹، ۴۳۵، ۴۳۲	مورہ ۸۰۰
۶۶۴، ۵۷۹، ۵۱۷	موستار ۸۴۰
نجفی ۶۲۴	موصل ۵۲۲، ۴۸۳، ۱۷۴، ۱۰۵، ۸۱
نخجوان ۷۳۴، ۶۹۸، ۴۸۰، ۳۹۹، ۴۶	۷۵۱
۷۶۴، ۷۵۲	مولتان ۳۶۲، ۱۶۴، ۱۱۳، ۷۸
نحتب ۷۲۲، ۶۲۴، ۱۲۲	مولداوی ۸۰۰، ۴۸۰
نراق ۴۴۳	موقان ۴۸۲، ۲۱۱
نرندہ ۵۹۴	مؤمن آباد ۸۱۶

واله (نهر) ۴۵۶	نزل آباد ۲۰۴
وان ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۷۲	نسا ۱-۲، ۵۱، ۱۲۶، ۴۳۷، ۶۱۷، ۶۴۰
وان (دریاچه) ۴۸۲	۷۴۷
وجیرستان ۴۳	نسف ۱۲۲، ۱۲۱، ۲۲۱، ۵۰۵، ۶۲۴، ۷۲۲
ورامین ۴۹۶	نصریه ۸۳+
ورجو (محلہ) ۴۵۷	نطنز ۵۶، ۴۶۰، ۶۶۱، ۸۳۲
وردیہ (محلہ) ۱۴۱	نظامیہ بغداد ۶۷، ۱۶۷، ۷۵۰
ورقز ۵۷۷	نظامیہ نیشاپور ۶۱
وزیر (شهر) ۶۱۰	نگرپون ۸۰۰
وٹاق ۱۶۵-۱۶۶	نگر کوت ۷۵۹
ونجر ۴۷۷، ۴۸۰، ۸۰۰-۱	نمازگاہ بھارا ۶۲۲
وہجا نگر ۴۸۹	نوبہ ۵۹
ویجویہ (محلہ) ۴۵۷	نور ۳۵۳
ویر کوپا ۵۳۹	نور (بخارا) ۶۲۷
وین ۴۷۹، ۴۴۳	نوریہ (خانقاہ) ۳۱۹

۵

ہارون ۱۵۴	نہاوند ۵۷، ۶۶، ۵۱۱، ۶۷۵
ہارون ولایت ۴۶۷	نہر جیل ۲۳۹
ہرات ۵-۸، ۱۶، ۴۱، ۴۵، ۴۹، ۵۳	نہ گوران (بقعہ) ۲۹۸
۵۷-۵۸، ۷۲، ۹۳، ۹۷، ۱۰۹	نیشاپور ۱-۲، ۵۱، ۲۷، ۶۰-۶۲، ۷۱
۱۱۲، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۶۱	۸۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۳-۱۱۴
۱۶۹، ۱۶۹، ۱۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۲۱	۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۹
۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۰-۲۴۲	۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۹۰، ۲۹۲
۲۴۵-۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۷۰	۲۹۸-۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۶
۲۷۱، ۲۷۴-۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۲	۳۲۰، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۴۰
۲۸۵-۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۵، ۲۹۸-۳۰۱	۳۲۹، ۳۴۴، ۵۰۲، ۵۴۵، ۷۱۳-
۳۰۳، ۳۰۵-۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۱-	۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۴۰، ۷۵۷
۳۳۲، ۳۳۶، ۳۴۷-۳۵۸، ۳۶۰	۸۲۰، ۷۹۱، ۷۶۳
۳۶۲، ۳۷۲، ۳۷۶-۳۸۴، ۳۷۸	نیفا ۱۳۱
۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۲-۴۰۵، ۴۰۳	نیماروت ۴۴۹
۴۰۸-۴۰۹، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۲۳	نیمارود ۴۴۹
۴۳۰، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۹	نیمان ۶۲۷
۴۵۱-۴۵۲، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۴	
۴۶۶، ۴۷۱، ۴۸۳، ۴۹۲، ۴۹۴	
۴۹۹، ۵۰۶، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۴	وابکنہ ۱۵۳
۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۷، ۵۵۶-۵۵۹	وارنا ۷۹۹
۵۶۱-۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۱، ۵۷۹	واسط ۱۴۶
۵۸۰، ۵۸۲-۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۹	والاشی ۸۰۰

.۷۲۶-۷۲۵.۷۲۰.۷۱۰-۷۰۹  
.۷۴۴.۷۴۱.۷۳۹-۷۳۸.۷۳۱  
.۷۶۲-۷۶۱.۷۵۹.۷۵۶.۷۴۶  
.۷۸۶.۷۸۰.۷۷۳.۷۶۹-۷۶۸  
.۸۰۸.۸۰۵-۸۰۴.۸۰۲.۷۹۵  
.۸۲۴-۸۲۰.۸۱۷-۸۱۵.۸۱۲  
-۸۳۶.۸۳۳.۸۳۱-۸۳۰.۸۲۷  
۸۴۱.۸۳۷

هندوان ۵۹۹-۵۹۸

هندوستان ۰۳.۲۲.۳۶.۳۴-۳۲.۳۰  
-۷۸.۷۵.۷۲.۶۵.۵۳.۴۹.۴۳  
-۱۰۴.۱۰۰.۹۷.۹۰.۸۱.۷۹  
.۱۳۲-۱۳۱.۱۲۸.۱۱۴.۱۰۶  
.۱۵۶.۱۵۴.۱۵۲-۱۵۱.۱۳۴  
.۱۷۲-۱۷۰.۱۶۶.۱۶۴-۱۶۳  
-۱۹۴.۱۹۰.۱۸۵.۱۷۶-۱۷۵  
.۲۲۳.۲۱۸.۲۱۵.۲۰۳.۱۹۸  
.۲۳۶.۲۳۴-۲۳۳.۲۳۱.۲۲۵  
-۲۵۰.۲۴۵.۲۴۳-۲۴۰.۲۳۸  
.۲۶۵.۲۵۹-۲۵۷.۲۵۴.۲۵۱  
.۳۳۰.۳۱۸.۳۱۲.۲۹۴.۲۸۴  
-۳۷۵.۳۷۳-۳۵۱.۳۳۷-۳۳۶  
-۳۹۸.۳۹۶.۳۸۳-۳۸۱.۳۷۹  
.۴۲۹-۴۲۸.۴۲۵-۴۰۱.۳۹۹  
.۴۵۷.۴۵۵.۴۵۲.۴۴۵.۴۴۳  
-۴۷۵.۴۷۲-۴۶۵.۴۶۱.۴۵۹  
.۵۱۱.۵۰۵-۵۰۴.۴۸۹.۴۷۶  
.۵۲۰.۵۱۸-۵۱۷.۵۱۴-۵۱۲  
-۵۳۷.۵۳۲.۵۲۰.۵۲۶-۵۲۳  
.۵۴۸-۵۴۵.۵۴۳-۵۴۲.۵۴۰  
.۵۶۹.۵۶۶-۵۶۵.۵۵۹-۵۵۰  
-۶۰۳.۵۹۶.۵۸۴.۵۷۸.۵۷۵  
.۶۱۸.۶۱۵.۶۱۲.۶۰۸.۶۰۶  
.۶۳۵-۶۳۳.۶۳۷.۶۳۲.۶۲۹  
.۶۵۸.۶۵۵.۶۵۳.۶۵۰.۶۴۸  
-۶۷۶.۶۷۲.۶۶۹.۶۶۳.۶۶۱  
-۷۰۷.۶۸۷-۶۸۵.۶۸۳.۶۷۸  
.۷۵۶.۷۴۶.۷۴۴.۷۳۵.۷۰۹  
-۷۹۸.۷۸۵.۷۷۶.۷۷۲.۷۶۱

-۶۱۱.۶۰۵.۵۹۹-۵۹۷.۵۹۱  
.۶۴۱.۶۳۳-۶۳۲.۶۲۷.۶۲۴  
-۶۵۵.۶۵۳-۶۵۲.۶۴۷.۶۴۴  
.۶۶۷-۶۶۶.۶۶۴.۶۶۱.۶۵۶  
.۶۷۷.۶۷۴-۶۷۳.۶۷۱-۶۷۰  
.۶۹۲-۶۹۱.۶۸۸.۶۸۱-۶۸۰  
.۷۴۳.۷۲۰.۷۱۷.۷۱۵  
.۷۷۲-۷۶۶-۷۶۵.۷۵۰  
.۷۸۲-۷۸۱.۷۷۸-۷۷۷.۷۷۴  
-۷۹۶.۷۹۴.۷۹۱.۷۸۶.۷۸۴  
.۸۱۵.۸۰۹-۸۰۸.۸۰۶.۷۹۹  
.۸۲۷-۸۲۶.۸۲۴.۸۲۰-۸۱۹  
۸۳۷-۸۳۶

هرزگ ۸۴۰

هرزکون ۸۴۰

هرمز ۴۵۹.۲۸۴.۲۷۰

هرموز ۷۶۲.۴۵۹

هزاراس ۶۳۵

هزارجریب ۴۹۷

همدان ۰۷.۵۲.۴۳.۱۱۹.۱۱۱.۱۰۷  
.۱۵۸.۱۴۵.۱۴۲-۱۴۱.۱۳۴  
.۲۶۱.۲۸۶.۲۳۷.۱۹۵.۱۶۴  
.۴۸۴.۴۸۰.۴۵۷.۴۵۵-۴۵۴  
.۵۱۱-۵۱۰.۵۰۵-۵۰۴.۵۰۲  
.۵۳۲.۵۲۹-۵۲۷.۵۲۴-۵۲۳  
.۵۵۲-۵۴۷.۵۴۵.۵۳۶-۵۳۴  
.۷۲۲.۷۱۱.۶۸۶.۶۷۵.۵۵۶  
۸۳۷.۸۲۸.۸۲۰.۷۳۱

هند ۰۲.۴۸۹.۴۸۵-۴۸۴.۸-۲

.۵۲۷.۵۲۱-۵۲۰.۵۱۷-۵۱۶  
.۵۴۴-۵۳۹.۵۳۷.۵۳۲.۵۳۰  
۵۷۱.۵۶۹-۵۶۶.۵۶۴.۵۵۳  
.۵۸۸.۵۸۵-۵۸۴.۵۸۱-۵۷۸  
-۶۰۷.۶۰۳-۵۹۹.۵۹۷-۵۹۱  
.۶۲۵.۶۱۴-۶۱۳.۶۱۱.۶۰۸  
.۶۵۸-۶۴۴.۶۴۲.۶۳۷.۶۳۳  
.۶۶۸-۶۶۷.۶۶۵-۶۶۴.۶۶۲  
-۶۸۲.۶۷۷-۶۷۵.۶۷۳-۶۷۲  
.۷۰۷.۷۰۳.۶۹۸.۶۹۳.۶۸۹

.۲۷۴ .۲۶۸ .۲۵۲.۲۳۸.۲۰۸  
.۲۸۲ .۲۵۶ .۲۲۵.۲۸۹.۲۸۴  
.۴۵۲-۴۵۱ .۴۳۵-۴۳۴.۴۲۱  
.۵۰۰ .۴۹۷ .۴۷۰.۴۶۸.۴۵۷  
.۵۵۰ .۵۱۳ .۵۱۲.۵۰۶.۵۰۴  
.۷۲۱ .۶۹۶ .۶۹۴.۶۶۱.۶۰۲  
.۸۳۰ .۸۰۶ .۷۶۸-۷۶۷.۷۴۰

۸۳۲

یمکان ۵۹

یمین ۴۰۵.۴۴۴.۴۰۵.۴۹۶.۷۵۶

ینکی شهر ۳۷۷

یوسف زئی ۴۱۸

یون ۵۸۹

یونان ۱۱۰.۵۹۰.۱۱۵.۱۱۰.۸۰۱

یونان (دریای) ۸۰۱

.۸۲۱ .۸۲۰ .۸۱۲.۸۰۵.۷۹۹

۸۲۹.۸۲۱.۸۲۹

هندو کتس ۶۰۷-۶۰۶.۹

هندیه ۵۴۱

هوینزه ۴۸۴

پور ۳۶۲

هیمود ۴۵۴

یار کند ۵۹۶.۵۸۲.۵۷۸.۵۷۲.۴۸۸

یاسر ۶۷۹.۶۳۲

یافت ۳۸۷

یسی ۶۳۲

یزد ۱۸۲ .۱۶۲.۱۵۳.۱۴۹.۸۳.۸۱

۲۰۲ .۱۹۴ .۱۹۲.۱۹۰.۱۸۴



## فهرست نامهای کتابها و رساله‌ها

	آ
آفات اللسان ۶۷	آثار ابن سینا ۳۱
آفاق نامه ۵۹	آثار احمدی ۲۴۵
آفاق و انفس ۱۸۹	آثار البلاد و اخبار العباد ۱۳۶، ۷۳۲
آفرین نامه ۲۱	آثار الملوك والانبیاء ۲۴۱
آمال الایمان ۳۷۶	آثار الوزراء ۶۵، ۲۵۶
آوازیه جبرئیل ۱۱۰	آثار علوی ۱۲۵
آیات الصنعه ۱۳۵، ۷۳۲	آثار علوی یا کائنات جو ۷۰، ۱۲۰
آیه الایات الفرقانی ۷۸۱	آداب البحت خواجه نصیر ۱۳۸
آیه الكرسي ۳۶۴	آداب البحت عضد الدین ایچی ۱۹۱، ۷۰۵
آیین اسکندری ۷۰۸	آداب البحت سعودی ۳۴۰
آیین اکبری ۳۶۵، ۶۶۹	آداب الحرب والشجاعه ۹۰، ۱۲۲
آیین نامه ۲۳۳	آداب الساکین ۴۰۱
آیینة سکندری ۱۷۱	آداب السفر ۱۲۳
آیینة سکندری (در حساب) ۲۴۷	آداب الصالحین ۳۷۰
آیینة وطوطی ۵۸۷	آداب الصدیقین ۴۰۱
ا	آداب الصوفیه ۶۷
ابطال الباطل ۲۵۱، ۲۸۱، ۶۶۳	آداب اللباس ۳۷۰
ابطال نهج الباطل و اهمال كشف العاطل	آداب المتعلمین ۱۳۸
۲۵۱	آداب المریدین ابوالنجیب سحروردی ۷۷۶، ۷۲۵، ۱۹۶
ابعاد و اجرام ۳۸۴	آداب المریدین نجم الدین کبری ۱۱۶، ۷۲۴
ابعاد و اجرام سماوی ۲۶۹	آداب المطالعه و المناظره ۳۷۰
ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار ۹۳	آداب المناظره ۸۰۶
ابنیه عن حقایق الادویه ۴۷، ۴۹	آداب حلوت ۱۸۸
اتراب القصاید فی امنی المعاصد ۳۹۴	آداب سفره ۱۹۵
اثبات العقل ۱۳۸	آداب سلطنت ۲۶۳
اثبات العقل العمال ۱۳۸	آدم پوری ۶۸۶
اثبات الفرقه الناجیه ۱۳۸	
اثبات الروح المحفوظه ۱۳۸	
اثبات النظر ۶۷	

احكام المحبين ٢٤٤  
 احكام دوازده خانه رمل ١٣٩  
 احكام قرانات ٢٣٨  
 احوال ابو عبد الله محمد بن صديق كنجي  
 ٢٨٤  
 احوال ائمه اثني عشر ٣٦٩  
 احوال خطوط مشحيه ١٣٨  
 احوال محمود قاروان ٧٧٦  
 احوال معاد ٣٦٨  
 احوال همايون بادشاه ٣٦٣، ٣٧٦  
 احوال نيم اي دوست يكي دو بينم (رساله در  
 شرح رباعي...) ٣٠١  
 احياء الملوك ٨١٣، ٢٥٤  
 احياء علوم الدين ٦٧-٦٨، ٣٧٠، ٧١٩  
 احياء في حل المعما ١٩٤  
 احياء و الانار ١٤٣  
 اخبار الاخيار ٧٨٠، ٧٥٨  
 اخبار الاخيار في احوال الابرار من اهل  
 هنما لديار ٨٠٥، ٣٧٠  
 اخبار الاصفيا ٨١٧  
 اخبار العالمين ٧١٧  
 اخبار بركيان ١٨٦  
 اختصار اصول اقليدس ١٢٧، ٧٠  
 اختصار صور الكواكب ٧١  
 اختلاجات ١٦٢  
 اختلاف ابى بكر بن عباس و حفص ٢٦١  
 اختلاف الاراد و النجاة من الاشرار ٦٧  
 اختلاف بين ائمة سنت ١٢٢  
 اختيارات العلاءيه في احكام السماويه ١١٣  
 اختيارات بديعي ١٩٢  
 اختيارات سماويه ١١٢  
 اختيارات مسير القم ١٣٨  
 اختيارات نجوم ٢٤٧  
 اخلاص (سورة) ٢٦٦  
 اخلاق ١١٣  
 اخلاق الابرار ٦٧  
 اخلاق الاشرار ٢٠١  
 اخلاق الانوار ٦٢  
 اخلاق المحسنين ٢٤٧

اثبات الواجب جديد ٢٦٦  
 اثبات الواجب حسيني خلدالي ٣٩٢  
 اثبات الواجب دواني ٦٦٣، ٦٩١، ٦٠٦  
 اثبات الواجب قديم ٢٦٦  
 اثبات تكلم خدا ٢٦٦  
 اثبات جوهر مفارق ١٣٨  
 اثبات واجب احمد ابيوردى ٤٤٣  
 اثبات و الوجود ١٣٨  
 اثبات واجب خفري ٢٨٥  
 اثبات واجب دشتكي ٣٧٦  
 اثبات واجب عربي دانشمند ٣٩٢  
 اثبات واجب فارسي دانشمند ٣٩٢  
 اثبات الجتية في اسماء الحنفية ٣٩٤  
 اثني المعاصر في مناقب عبدالقادر ١٣٢  
 اثر و اورد ٣٦٠  
 اجر الثقيل في سلوك المعيل ٤٠٢  
 اجوبة الاثني عشرية في توجيه الصلاة على  
 سيد البشر ٣٨٠  
 اجوبة الغزاليه في المسائل الاخرويه ٦٧  
 اجوبة المسكنه على الاسئلة المبيحه ٦٧  
 احتجاج على اهل اللجاج ٣٧١، ٣٧٤  
 احديه ١٨٩  
 احسن التواريخ حسن بيك حاكي ٣٧٨  
 سن التواريخ حسن زرمولو ٣٥٥، ٢٠٢  
 السير ٣٦٢  
 حسن القصص ٧١٨  
 سن القصص جويني ١٨٣  
 احسن القصص معن الدين فراهي ٢٤٢  
 احسن الكمار في معرفه ائمه الاطهار ٢٤٥  
 احسن الكمار في مناقب ائمه الاطهار ٣٧١  
 احقاق الحق ١، ٣٨١، ٦٦٣  
 احقاق الحقايق ٢٥١  
 احكام ٨١٠  
 احكام الاحكام ١١٣  
 احكام الدلال ٧٨١  
 احكام السلاطين ٢٧٣  
 احكام اللائيه في اعلام السماويه ١١٣  
 احكام القرانات ١٢٣  
 احكام الكتب ١٣٨

- اخلاق جلالی ۲۶۷  
 اخلاق شمسیه ۴۰۴  
 اخلاق ظهیری ۷۵۹  
 اخلاق ظهیریہ ۷۵۹  
 اخلاق محتشمی ۷۳۰  
 اخلاق محسنی ۴۰۴، ۲۴۷  
 اخلاق معزی ۷۵۶  
 اخلاق منصوری ۳۷۶  
 اخلاق ناصری ۱۳۷-۱۳۸  
 اخلاق حمایون ۲۷۸  
 اخوان الصفا ۱۱۵  
 ادات الفضلا ۲۵۷، ۱۹۴  
 ادب البحث ۸۰۶  
 ادب الصنیر ۱۳۹  
 ادب الوجیز ۱۳۹  
 ادوار صفی الدین ارموی ۲۶۲  
 ادوار عبدالقادر مراغی ۱۴۷  
 اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض  
 خليفة (رساله در شرح) ۴۰۱  
 اذکار ۳۷۳  
 اذکار چشتیه ۱۹۶  
 اراحه عن شدائد المساحه ۱۲۴  
 اربعین بیابی ۱۵۳  
 اربعین جامی ۲۸۷  
 اربعین عبداللہ نصاری ۵۸  
 اربعین علی ہمدانی ۱۹۵  
 اربعین فی ابواب علوم الدین ۳۷۰  
 اربعین فی اصول الدین ۱۱۳  
 اربعین مظلوم علی شیر ۲۹۱  
 ارتقای ویرا فنامہ ۱۳  
 اردای ویرا فنامہ ۱۷۳  
 ارسال المکاتیب والقضایل الی ارباب الکمال  
 والفضایل ۳۷۰  
 ارسال الی دنی الصلوۃ ۳۹۴  
 ارشاد امام الحرمین ۶۱  
 ارشاد روزیہان ۷۲۱  
 ارشاد شرح کافیہ ۲۶۵  
 ارشاد الاذہان ۳۹۶  
 ارشاد الزراعة ۳۵۷  
 ارشاد السالکین ۷۷۶  
 ارشاد المسلمین ۷۸۲  
 ارشاد زفان و دست بیعت ایشان ۴۰۲  
 ارشاد یہ ۲۸۷  
 ارکان الحج ۲۸۸  
 ازہیر الریاض الصریحہ و تفسیر الفاظ  
 المحاورۃ والشریعہ ۱۲۳  
 ازہار اشجار الاشعار ۱۲۳  
 اسئلۃ القرآن مع الاجوبہ ۱۲۳  
 اسئلۃ النصیر یہ ۱۳۸  
 اساس الاقتباس خواجہ نصیر ۱۳۹  
 اساس الاقتباس قاضی اختیار ۲۷۸  
 اساس التقدیس ۶۷  
 اساس القیاس ۱۱۳  
 اسالیب فی الخلاف القیابی ۶۱  
 اسامی الادویہ و خواصها و منافعها ۱۲۳  
 اسامی و ضامی الحدیث و احوالہم ۶۶۳  
 استخراج ۲  
 استخراجات ۲  
 استخراج یک درجہ ۲۶۹  
 استخراج ضمیر ۷۱  
 استقامت الشریعہ بطریق الحقیقہ ۱۹۶  
 استقامت نامہ ۷۷۵  
 استوانہ نامہ ۷۸۵  
 اسرار اتباع السنہ ۶۷  
 اسرار الاذکار ۱۲۳  
 اسرار الاولیا ۱۵۶  
 اسرار التنزیل ۱۱۳  
 اسرار التوحید فی مقامات ابی السعید ۶۲  
 ۷۲۳، ۱۲۱  
 اسرار الحج ۶۷-۶۸  
 اسرار الحکم ۱۲۳  
 اسرار الحکمہ ۵۵  
 اسرار الشہود ۳۱۹  
 اسرار الصلوۃ صابن الدین ترکہ ۲۷۵،  
 ۷۷۹، ۴۵۱  
 اسرار الصلوۃ عبدالحق دہلوی ۳۷۰  
 اسرار العارفین و سیر الطالبین ۷۳۱  
 اسرار الطالبین ۷۸۳

- اشارات ١٢٤، ١٢٤، ٨٢، ٧٣٥، ٥٢٠، ١٢٤، ٨٢  
 اشارات بحسب الحروف ١٨٩  
 اشارات بمكان وزمان آخرت ١٣٩  
 اشارات وتنبیها ٧٣٥  
 اشارة الثقال ٣١١  
 اشارت فاعه ٧٩١  
 اشباع در شرح قضية من لاوس ٧١  
 اشتر نامه عطار توشا بوری ١١٤  
 اشراط قيامت ١٨٩  
 اشرف في مسائل الخلاف ٦٧  
 اشراق النيرين ٣٩٧  
 اشرف الاسماء ١٨٩  
 اشرف التواريخ ٢١٦  
 اشعة اللمعات ١٦٤، ٢٨٧  
 اشكال التاميس ٢٧٢، ٦٩١  
 اشكال العالم ٢٨٥  
 اصح لتواريخ ٢٣٥، ٢٣٨  
 اصطلاحات شاه داعي ٣١١  
 اصطلاحات شاه ولي ١٨٨  
 اصطلاحات الصوفيه ٧٥٨  
 اصطلاحات درر البحار في معنى بيت العطار  
 ٣١١  
 اصطلاحات صوفيه شاه ولي ١٨٩  
 اصطلاحات صوفيه عبدالرزاق كاشاني  
 ٧٩٥  
 اصطلاحات صوفيه ميرسيد علي حسيني  
 ١٩٥  
 اصغر معما (رساله) ٢٨٩  
 اصلاح الوقايه في الفروع ٣٩٥، ٨١٢  
 اصول الدين ١٣٨  
 اصول العشر ١١٦، ٧٥٣  
 اصول العقايد ١٣٨  
 اصول الفقه ١٢٣  
 اصول الملاحم ١٢٨  
 اصول المنطقية ١٩١  
 اصول دين ١٩١  
 اصول عشر ٧٢٤  
 اصول وفروع ١١٢
- اسرار لعباده ١٢٤  
 اسرار المكنونه ٦٩  
 اسرار النقطه ٤  
 اسرار النكاح مخدوم اعظم ٣٠١  
 اسرار النكاح نجم الدين ١٩٠  
 اسرار الوحي ٧٨٣  
 اسرار انوار الالهيه ٦٧  
 اسرار علم الدين ٦٧  
 اسرار قاسمي ٢٤٧-٢٤٨، ٢٨٥، ٢٨٤  
 اسرار معاملات الدين ٦٧  
 اسرار نامه عطار ١١٤-١١٥  
 اسرار نامه فتاحي ٢٩٩  
 اسرار وحي ٣٠١  
 اسرار و خماری ٢٩٩  
 اسس المواهب السنیه في مناقب الصغويه  
 ١٨٦  
 اسطرلاب تقی الدين فارسي ٣٨٦  
 اسطرلاب شرف الدين علي بندي ٢٤٩  
 اسطرلاب قسيح الدين عبدالکریم ٢٦٩  
 اسطوره ١٣٨  
 اسکندر نامه ١٤  
 اسکندر نامه (قصه ذوالقرنين) ٣٤٥  
 اسکندر نامه ابوطاهر طوسي ٧١  
 اسکندر نامه بحري ١٠٥  
 اسکندر نامه بري ١٠٥  
 اسکندر نامه خاكي وسروشي بلخي ٥٨٢  
 اسکندر نامه خسرو دهلوي ٤  
 اسکندر نامه عبدالکافي ٧٢٩  
 اسکندر نامه نظامي ١٠٥، ١٧١، ٢٩١  
 ٣١٥، ٣٦٤، ٦٤٣  
 اسکندر نامه يانظفر نامه درويش اشرف  
 ٣١٠  
 اسلاميه ١٨٩  
 اسماء الاساتذہ ٣٦٩  
 اسماء الرجال والرواة المذكور في شرح-  
 المشكوة ٢٦٩  
 اسماء كوفي ١٨٩  
 اسمعيل نامه ٣١٥  
 سوة السكوه ٣١١

اقتباسات ٢٧٨	اضطراريه ٣٥٨
اقتباسات مختار الابرار ٥٨٥	اطباق الذهب في المواعظ والخطب ١٠٢
اقتصاد في الاعتقاد ٦٧	اطعمة المرضى ١٢٣
اقرب الطريق الى الله ١١٦	اطوار ثلاثه ٢٢٥
اقسام الحديث ٣٧٠	اطوار صوفيه ٢٧٥
اقسام الحكيمه ١٣٨	اطواق الذهب في المواعظ والخطب ٢٠٢
اقطاب ٦٨	اظهار الاسرار ٣٩٥
اقطار في الاصول ١٢٦	اها نه ٧٢١
اكبر نامه (تحفة فتحه) ٣٦٥، ٣٦١	اعتبار الاقبال والادبار ١٢٣
اكبر نامه الهداد ٣٦٦	اعتراضات عشره ٢٦٧
اكبر نامه هلامي ٣٦٤	اعتقادات احمد بن زنده بيل ١٠٩
اكسير اعظم ٥٩	اعتقادات صدوق ٣٧١، ٣٧٤
الجهه ٢٩٩	اعتقادات اهل سنت وجماعت ١٢٢
الجامع الامام علي علم الكلام ٦٧	اعتقاد الحكماء ١١٠
الف الانسانيه ٣٩٧	اعتقاد نامه احمد حجازي ٧٢
الف ليلة وليله ١٤، ٥٣	اعتقاد نامه جامي ٢٨٧
الفيه الشريف ٣٢٥	اعتقاديه مير سيد علي همداني ٤
الفيه وشلفيه ٥٣	اعتقاديه نصير الدين طوسي ١٣٨
الواح الهاديه ١١٠	اعتماد الكبير ٤٤٩
الوان يا هو ان الالوان ١٢٨	اعجاز البيان في تفسير ام القرآن يافى كشف
الموسار بمة چنگيزي ٢٥٠	بعض اسرار القرآن ١٥٠
المهامات ١٨٩	اعجاز القرآن ١٢٣
المهيات الستية العاليه على ابيات الشاطبيه	اعجاز خسروي ١٧١
٣٩٤	اعراض السياسه في اغراض الرياسه ١٠٠
المهي نامه عبدالله انصاري ٥٨	اعلام التقى ١٤٢
المهي نامه عطار ١١٤-١١٥	اعلام الهدى ١٤٢
ام الصفايح ٧٥٥	الاغذيه والاشربه ١٩٠
امالي ٦٧	اغراض السياسه في اغراض الرياسه ١٢٨
امالي الاشتياق في ليالي الفراق ١١١	اغراض الطبيه ومباحث الملائيه ١٣٤
اماميه ٢٩٣	افاده في اثبات الحشرو الاعاده ١٢٣
امانات في شرح الاشارات ١٢٤	افاده في كلمه الشهاده ١٢٣
امان الاختيار ٣٧١	افصل الفوائد ١٧١
امانه ٢٩٢	افعال العباد ٢٦٧
امتحان الاذكياء ٣٩٥	افعال الله سبحانه وتعالى ٢٦٧
امثله الاعمال النجوميه ٢٣	افكار الشريف ٣٢٥
امر العصمه ٦٦٣	افكار الصافيه في ترجمه كتاب الكافيه
املاء على مشكل الاحياء ٦٧	٣٧٠
امير حمزه ٣٢٤	افيونيه ٣٩٩
امينيه ٧	اقبال نامه ١٠٥
انا نقطه التي تحت الباء ٣٥١	

- انوار في كشف الاسرار ١٠٩  
التائبين ١٠٩  
انيس الطالبين بهاء الدين نقشبند ١٩٢  
انيس الطالبين قاسم صفائي ٣٠١  
انيس الطالبين وعدة السالكين خواجه احرار  
٢٢١، ١٩٢  
انيس الطالبين وعدة السالكين خواجه  
محمد يار سا ٧٤٤  
انيس الطالبين وعدة السالكين صلاح بن  
مبارك ٢٨٣  
انيس العابدین ٧٨٣  
انيس العارفين بديع تبریزی ١٩٤  
انيس العارفين جعفر طغرايي ٢٤٢  
انيس العارفين شكر الله زكي ٢٣٩  
انيس العارفين قاسم اردستاني ٤٣٣  
انيس العاشقين ٢٩٢  
انيس العشاق ١٨٢  
انيس المذنبين ١٠٩  
انيس الناس في الاخلاق ٢٤  
انيس الولا عظيمين ٧٨٢  
انيس الوجوده وجليس الخلو ٢١٧  
انيس في الوجوده ٤٧  
اوامر العلانية في امور العالين ١٤٩  
١٥٠  
اورايل شمسيه ٣٧٤  
اوراد ٣١١  
اوراد الاوقات ٧٨٣  
اوراد تاج نامه ٣١١  
اوراد وادعيه ٢٤٧  
اوراديه ١٩٥  
اوستا ١٠٠-١٣٠  
اوسط ١١٧  
اوصاف الاشراف ١٣٨-١٢٩  
اوقات الصلوة الخمس ٣٩٥  
اوقاف گيب ٧١٣  
اهر اوستودن ٢  
اهليت ٢٨٨  
ايمام والليالي ١٣٧  
ايجاز مفاتيح الاعجاز ٣٩٧
- انبان ملاقطب ١٤٨  
انتخاب التواريخ ٣٣٩  
انتخاب جامع رشیدی ٣٤٠  
انتخاب كعبه عرفان ٣٧٩  
انصار من الاشرار ١٢٣  
انساب نامه ١٣٣  
انسان الكامل ٧٢٣  
انسان الكامل في معرفة الاواخر والاول  
٧٥٤، ١٩٥  
انس اللفان من كلام عثمان بن عفان ٩٢  
انس الوحيد في تفسير آية العدل والتوحيد  
٤٤٣  
انس في روح القدس ٧٢٢  
انسيه ١٤٥  
انشاء المعنوه ٢٩٩  
انشاي ابو الفضل ٣٤٥  
انشاي شاه طاهر دكني ٣٤٨  
انشاي معين الدين اسفزاری ٢٥٢  
انعام ١٨٩  
انعطاف الشعاع وانعكاسه ١٣٨  
انفاس نفيه ٧٧٨  
انفصاليه ٤٤٣  
انقاذها لكين ٣٩٥  
انموذج العلوم (موضوعات العلوم) ٢٤٤  
انموذج العلوم امام فخر رازي ١١٣  
انموذج العلوم شاه طاهر دكني ٣٤٨  
انموذج العلوم قاضي نور الله ٤٤٣  
انموذج الفنون ٣٨٩  
انموذج دواني ٤٤٣  
انوار ٣١٩  
انوار التحقيق ٥٨، ٧٨٠  
انوار التنزيل واسرار التعاون ٢٨٢  
انوار الجليليه في احوال المشايخ الشاذليه  
٣٢٠  
انوار الميون في اسرار المكنون ٤٠٤  
انوار المفاهيم ١٣٢  
انوار الناظر ١٣٢  
انوار تجلي ٨٠٧  
انوار سهيلي ٢٤٧، ٣٢٧

بحر المعارف ٣٩٣  
 بحر المعاني ٢٦٤، ٢٤٣  
 بحر المعاني وصفوا الاغانى ١٢٢  
 بحر مسجور ٤٤٤  
 بحر مواج ٢٦٥  
 بتختيار نامه ١٣  
 بدايت ٨١٠  
 بداية المصبه ٢٤٣  
 بداية الهدايه ٦٧  
 بداية الوقايح ٢٥٣  
 بدايت حال الحسين بن منصور العلاج ونهايته  
 ٧١٧  
 بدايع ٦٣  
 بدايع سمدي ١٦٨  
 بدايع الازمان في وقايح كرممان ١١٨  
 بدايع الاسحار في صنايع الاشعار ٧٥٥  
 بدايع الافكار في صنايع الاشعار كاشفي  
 ٢٤٧  
 بدايع الافكار في صنايع الاشعار شكافي  
 ٤٠١  
 بدايع الانشاع ٨٠٨  
 بدايع الحرف في صنايع الشعر ٣٩٨  
 بدايع الصنايع ٢٢٤، ٦٨  
 بدايع الوسط ٢٩١  
 بدايع الوقايح ٥٦٠، ٥٥٩، ٢٥٣  
 بدر الشروح ٢٠٦  
 بديع الزمان في قصة حى بن يقظان ٢٥١  
 بديع الميزان ٨١٢  
 برازخ ١٨٩  
 براهين الهائله ٧٢٢  
 برائه القلم ٣٥٨  
 برده (قصيده) ٢٦٢  
 برزخ ١٨٨  
 برزو نامه ١٣  
 بروح ١١٠  
 برهان الاقوى في شرف التقوى ٤٠٢  
 برهان الحلى في معرفه الولي ٤٠٢  
 برهان العاشقين ١٩٦  
 برهان في اصول الفقه ٦١

ايساغوجي ١٧٣، ١٩١  
 ايقاظ الناكسين ٣٩٥  
 ايمان فرعون ٢٦٧  
 ايها الم الشريف ٢٢٥

## ب

بابا آدم ٤٠١  
 باب حادى عشر ٧٠١  
 بابر نامه ٢٣٤، ٢٣٦، ٣٦١، ٦٠٧، ٦٣٤، ٨١٦  
 ٨٢٩  
 بابر نامه (ترجمه) ٣٦١ - ٣٦٢، ٣٠٧، ٨١٦  
 ٨١٦  
 بارع ٢٩  
 بارع في التقويم ١٣٨  
 بارقات الالهيه ١١٠  
 باز نامه ٧١  
 باز نامه (جولت نامه) ٧٣٩  
 باز نامه على بن حسين حسيني ٥١٨  
 باغ ارم ٧٦٦، ١٣٠  
 باقيات الصالحات ٣٠٩  
 باقيات الصالحات فيما يغنى عن البنين و  
 يغنى عن البنات ٤٠٢  
 باء ١٩٠  
 بايستى ٢٨  
 بائيه ذوالرمه ١٦٢  
 بت خانه ٨٣٢، ٥٣٨  
 بحار الحقيقه ١٠٩، ٧٢٠  
 بحر الاسمار ٣٦٠  
 بحر الانساب ابن عنبه ٦  
 بحر الانساب امام فخر ١١٣  
 بحر الانساب سيد محمد مكي ٢٢٣  
 بحر الاوزان ٤٤٥  
 بحر الحقايق والمعاني ١٤١  
 بحر الدرر ٢٤٢  
 بحر السعاده ٢٣٦، ٧٨١  
 بحر الصنايع ٢١٠  
 بحر النرايب ٢٥٨  
 بحر الغرير في تقدير الماء الكثير ٦٦٣  
 بحر الفراسه للافظ في شرح ديوان حافظ ٢٠٦  
 بحر الفتاوى ٧٢٩

بنگه و باد ۴۳۷  
 بوداسف و بلوهر ۲۶۴، ۱۴  
 بودن حقیقت انسان منظر الهی ۱۸۸  
 بوستان ۳، ۱۶۸، ۲۹۸، ۳۹۳، ۴۱۵،  
 ۷۱۷، ۴۵۸، ۴۴۵  
 بوستان جنان ۳۸۵، ۴۴۴  
 بوستان خیال عبیدی ۳۸۵  
 بوستان خیال فخری هروی ۲۷۸، ۳۷۷،  
 ۴۳۹، ۳۸۵  
 بوسه ناعه ۲۳۷  
 بوتدهشن ۱۳  
 بهارستان ۲۸۷، ۶۱۱  
 بهایه ۱۹۲  
 بهجة الارواح ۲۶۸  
 بهجة الاسرار ۳۶۹  
 بهجة الاسرار فی مناقب الخوئیة ۱۴۲  
 بهجة الاسرار و معدن الانوار ۱۳۲  
 بهجة المباح ۴۴۵، ۸۲۸  
 بهجة التواریت ۲۳۹  
 بهجة الروح ۷۷۹  
 بهرام دستان ۳۸۰  
 بهرام شاهیه ۴  
 بهرام نامه ۱۴، ۱۰۵  
 بهرام و گلندام ۲۹۸  
 بهرام و ناهید ۵۱  
 بهروز و بهرام ۷۶  
 بهمن نامه آذری ۲۹۴، ۷۸۶، ۷۹۵،  
 ۷۹۸  
 بهمن نامه ایرانشاه بن ابوالخیر ۱۴، ۴۵،  
 ۶۳، ۷۱۷-۷۱۸  
 بهمن نامه جمالی مهر مجردی ۵۱  
 بیان ۱۸۹  
 بیان احوال حضرت مولانا محمد قاضی  
 ۴۰۷  
 بیان احوال علما و امرا ۴۰۱  
 بیان اسرار کلمه و صلوة و حج و غیره ۱۸۹  
 بیان اقطاب ۱۸۹  
 بیان الادیان ۱۱۷، ۶۳  
 بیان التصریف ۱۲۸

برهان فی قرائة القرآن ۱۱۳  
 برهان مآثر ۳۵۹  
 بزم آرای ۸۱۶  
 بزم و رزم ۱۹۳  
 بساتین الافس ۷۵۵  
 بساتین الانس و اساتین الحدس فی براهین-  
 النفس ۱۲۴  
 بستان العقل ۵۹  
 بستان العقول ۵۹  
 بستان العلماء ۷۵۵  
 بستان القلوب دوانی ۲۶۶  
 بستان القلوب سهروردی ۱۱۰  
 بسط ۶۷  
 بشارات فی شرح الاشارات ۸۲  
 بشارت نامه ابوالحسن علی الاعلی ۷۹۱  
 بشارت نامه سیداحق ۷۹۱  
 بشارت نامه شاه ولی ۱۸۹  
 بشر و هند ۱۴۶  
 بصائر النصیریة ۱۳۰  
 بصائر رفی، التفسیر ۷۲۸  
 بصائر یمینی ۷۲۸  
 بصیرة ۱۱۰  
 بطیخیه ۷  
 بعض فضایح الروافض ۱۲۵  
 بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح-  
 الروافض ۱۲۵  
 بعضی از مسائل جبر و مقابله ۶۰  
 بقیة البیان فی تفسیر القرآن ۱۴۲  
 بقاع النفس بعد فناء الجسد ۱۳۸  
 بقائیه ۷  
 بقیة نقیه ۱۷۰  
 بکائیه ۴۰۱  
 بلاغه التخفیه ۱۲۳  
 بلبل نامه عطار تونی ۳۳۰  
 بلبل نامه عطار نیشابوری ۱۱۴  
 بلقیس و سلیمان ۳۱۳  
 بلوغات ۱۸۹  
 بم نامه ۲۸۳  
 بناع المرفوع فی ترصیح مباحث الموضوع  
 ۳۷۰



بیان مذاہب در خلق افعال ۱۸۹  
 بیان معنی قابلیت ۲۵۱  
 بیان نفس ۱۸۸  
 بیان والبرهان ۱۱۳  
 بیخ چینی ۳۹۹  
 پیدای ۳۶۵  
 بیست باب اسطرلاب ۱۳۹  
 بیست باب خواجہ نصیر ۲۶۹، ۲۷۱ -  
 ۸۰۶، ۶۹۱، ۳۸۴، ۲۷۲  
 بیست باب نظام الدین بیسرجندی ۲۸۳،  
 ۸۰۷، ۳۸۳  
 بیس نامہ عطار تونی ۳۲۰  
 بیس نامہ عطار نیشابوری ۱۱۴  
 بیگلر نامہ ۳۶۶  
 یازند ۱۰  
 یازندہ مکتوب عبدالقادر گیلانی ۴۰۲  
 یس نامہ ۱۱۵  
 پنجاه باب سلطانی ۲۷۱  
 پنج رقمہ ۴۴۶  
 پنج گنج حسینی ہروی ۷۴۲  
 پنج گنج صرفی کشمیری ۸۲۹  
 پنج گنج نظامی گنجوی ۱۰۵  
 پنج نکات ۲۴۳  
 پند نامہ عطار ۱۱۴  
 پند نامہ عنصر المعالی کیکاوس ۷۳۸  
 پند نامہ غزالی ۶۹  
 پیشرو (آہنگ) ۶۰۱  
 پیل پای ۳۶۵

تاج التراجم فی تفسیر القرآن لاسلام اجم  
 ۲۲۷، ۲۷۳  
 تاج القصص ۷۱۸  
 تاج المائر ۱۵۲، ۱۷۱، ۳۳۶  
 تاج المصادر ۲۷، ۳  
 تاج المناقب ۶۷۰  
 تاج المناقب فی فضائل الائمہ ۶۹۱

بیان التزیل ۷۲۳  
 بیان الحقایق جمالی دہلوی ۸۹  
 بیان الحقایق رشید الدین فضل اللہ ۱۴۳  
 بیان الحقایق فسی احوال سید المرسلین  
 ۲۴۴  
 بیان الحق ۷۲۸  
 بیان الحق بضممان الصدق ۵۵  
 بیان الصناعات ۱۲۸  
 بیان الطب ۱۲۸  
 بیان القوانین ۶۷  
 بیان النفوس حلہ فی متحد فی المایہ و  
 الحقیقہ ۱۱۲  
 بیان النجوم ۱۲۸  
 بیان الواقع ۳۲۷  
 بیان انواع الحکم ۶۶۳  
 بیان تجلی ۱۸۹  
 بیان چہار کلمہ ۴۰۱  
 بیان حاجت الی الطب و آداب الاطبا و  
 وصایاہم ۱۴۷  
 بیان حروف ۱۸۹  
 بیان حقایق احوال سید المرسلین ۴۰۵  
 بیان حقیقت انہ الاول والآخر ۱۸۹  
 بیان حقیقت مثال و خیال مقصدہ و کیفیت  
 سبب و مقامات رؤیا و درجات خلق  
 در ادراک علوم و معانی ۱۸۸  
 بیان حقیقت و طریقت مجاز ۲۸۸  
 بیان خوش ۱۸۹  
 بیان روح ۲۴۲  
 بیان سجدات قرآن ۱۸۹  
 بیان سلسلہ ۷  
 بیان سلسلہ خواجگان ۴۰۱  
 بیان شرف و فضیلت انسان ۳۹۷  
 بیان صبیح کاذب ۱۳۹  
 بیان طریقہ النقشبندیہ ۲۷۲  
 بیان عدد حروف ۱۸۹  
 بیان علم توحید ۱۸۹  
 بیان عیان فی الحقایق ۳۱۱  
 بیان قلوب انسان ۱۸۹  
 بیان کلمہ طیبہ ۱۸۹

تاریخ سر بداران ۱۲۸  
 تاریخ سکندری ۳۸۳  
 تاریخ سلاجقه کرمان ۱۱۸  
 تاریخ سلاطین غور ۱۲۲  
 تاریخ سلجوقیان ۲۳۹  
 تاریخ سلسله نقشبندی ۸۱۷  
 تاریخ سلطان سلیم ۸۰۶  
 تاریخ سلیم شاه سوری ۸۱۰  
 تاریخ سیستان ۱۵۶، ۱۹۵  
 تاریخ شاه رخ ۲۳۸  
 تاریخ شاهنشاهی ۶  
 تاریخ شاهی ابوسعید کرمانی ۱۴۹  
 تاریخ شاهی عبداللهم و ارید ۲۶۰  
 تاریخ شیخ اویس ۲۸۳  
 تاریخ شیرشاهی ۳۶۱  
 تاریخ صدر جهان ۲۴۲  
 تاریخ سفاریان و سامانیان و غزنویان و  
 ملوک غور و آل سلجوق ۷۶۰  
 تاریخ صوفیان و تحقیق مذهب ایشان ۲۸۷  
 تاریخ طاهری ۳۶۶  
 تاریخ طبرستان ۱۲۹، ۱۳۶  
 تاریخ طبرستان و رویان و مازندران  
 ۲۵۲  
 تاریخ طبری ۲۸-۲۹، ۷۶۰  
 تاریخ طغتا تیمور ۲۳۸  
 تاریخ عثمانی ۸۱۱  
 تاریخ علایی ۱۷۱  
 تاریخ خازان خان ۲۱۶  
 تاریخ فتح هندوستان و نوادر آن زمان  
 ۸۳۶  
 تاریخ خیرالدین مبارکشاه ۸۹، ۱۲۲  
 تاریخ فرشته ۷۶۱  
 تاریخ فیروزشاهی شمس سراج عقیق ۱۸۶،  
 ۷۶۰  
 تاریخ فیروزشاهی ضیاء برنی ۳، ۱۸۵-  
 ۷۶۰، ۱۸۶  
 تاریخ قاضی برهان الدین مسعود بسواسی  
 ۱۹۲  
 تاریخ قاهره ۱۴۶

تاج نامه ۲۸۱، ۷۵۰  
 تاریخ آل چنگیز و تاریخ ختای ۲۵۶  
 تاریخ آل کرت ۱۹۸  
 تاریخ آل کرت حافظ ابرو ۲۳۸  
 تاریخ آل مظفر ۲۳۸  
 تاریخ ابوالخیر خان ۳۵۵  
 تاریخ اکبری الهداد فیضی ۳۶۲  
 تاریخ اکبری محمد عارف قندهاری  
 ۳۶۶  
 تاریخ الجانی و سلطان محمد خدا بنده ۱۵۱،  
 ۷۲۳-۷۲۳  
 تاریخ الحکما شهرزوری ۳۰۶  
 تاریخ الحکما شهرستانی ۱۲۶  
 تاریخ الفی ۲۵۷، ۳۵۹، ۳۶۶، ۶۴۲  
 تاریخ الهی ۶۶۸  
 تاریخ امیر اغوز شاه ۲۳۸  
 تاریخ امیر ولی بن شاه علی هندو ۲۳۸  
 تاریخ انبیا ۲۹۱  
 تاریخ ایلچی نظام شاه ۳۵۵  
 تاریخ بخارا ۷۰، ۱۲۰  
 تاریخ بدوئی ۳۶۰، ۳۶۹  
 تاریخ برامکه ۱۱۷  
 تاریخ برمکیان ۱۱۷  
 تاریخ بلعمی ۲۸-۲۹  
 تاریخ بیهقی ۴۴، ۶۵، ۲۳۸  
 تاریخ ترکستان ۱۰۰  
 تاریخ تغریبندی ۸۱۱  
 تاریخ تیمور ۷۹۰  
 تاریخ جدید یزد ۲۵۳  
 تاریخ جهان آرا ۸۴۲  
 تاریخ جهانکشای جوینی ۱۳۶، ۷۶۰  
 تاریخ جهانگیریه ۲۴۹  
 تاریخ حقی ۳۷۱  
 تاریخ خان ۲۵۲، ۳۸۲  
 تاریخ خیرات ۲۳۸  
 تاریخ رسول و ائمه ۸۱۳  
 تاریخ رشیدی ۲۸۰  
 تاریخ رویان ۱۸۷

تأثيه ٢٨٩	تاريخ قم ٢٥٧
تأثيه ابن الفارض ٤٥١	تاريخ كبير ٢٥٣، ٢٧٥
تبر المسبوك في نصايح الملوك ٤٨	تاريخ كشمير ٢٩١
تبصرة الاصطلاحات الصوفيه ١٩٧	تاريخ كمبه ٢٩٣
تبصرة المعارفين ٣٨٠	تاريخ گجرات ٣٦٧
ة العوام ٧٢، ١٣٠، ١٤٣	تاريخ گزیده احمد مستوفى ٦
تبصرة العوام في تفضيل مذاهب المعتين ١٣٠	تاريخ گزیده حمد الله مستوفى ١١٣٤
تبصرة العوام في معرفة مقامات ١٣٠	١٥٢
تبصرة المبتدى ١٥٠	تاريخ گیلان و دیلمستان ٢٥٢
تبصره ١٣٠	تاريخ ماوراء النهر ٨٤١
تبصيرات الخوارق ٤٠٦	تاريخ مبار کشاهى ٢٣٦
تبصيرات الحوارقات ٣٠٦	تاريخ محمد عارف قندهارى ٣٦٦
تبصير في الدين ١١٧	تاريخ محمدى ٢٣٨
تبيان الكبائر ٧٨٥	تاريخ محمود شاهى ٧٧٤
تبيينات ١١١	تاريخ محمود گيتى ٢٥٧
تبيينات الرافه في ما لله من ضيافه ٣٠٢	تاريخ محمود وراق ٧١٢، ٣٠
تتمه المواهب الشريفه جامع اصحاب ابى حنيفه ٧٢٧	تاريخ محمودى ٧٨٤
تتمه صوان الحكمة ١٢٣، ١٣٠، ١٤٩	تاريخ مدينه ٢٥٤
تجارب الامم ١٢٣	تاريخ مزارات بلخ ٨١٧
تجارب السلف ١٨٤	تاريخ معجم ١٠٢
تجارب شهر يارى ٢	تاريخ معصومى ٣٥٩
تجديد ٥٤٨	تاريخ ملوك عجم ٢٩١
تجربه او افى للجه الصافى ٤٠٢	تاريخ موسى ٢٤٢
تجريد العقايد ١٣٨، ٦٨٩	تاريخ ناصرى يا طبقات ناصرى ٦٤
تجريد الكلام ٣٠٠، ٣٨٩	تاريخ ناعه هرات ١٩٨
تجريد فى اصول الهندسه ٧١	تاريخ نيشابور ٧٨٣
تجريد فى الهندسه ١٣٨	تاريخ هرات ١٩٧
تجريد منطق ١٣٨	تاريخ هرات جامى ٢٨٧
تجليات ١٨٩	تاريخ همايون ٣٦٣، ٨٠٢
تجزيه الامصار وتجزيه الاصار ١٤٣	تاريخ همايون يا تذكرة الواقعات ٣٦٢
تجنيسات ٢٩٨	تاريخ همايون شاهى ٣٦٢، ٣٦٦
تجنيس اللغات ٢٨٧	تاريخ واسط ٧٧٥
تجنيس خط ٢٨٧	تاريخ و صاف ١٤٣
تحذير عن الوقوع فى الهلكه والبليه لمن شرع فى علم الحقايق بلا اهليه ٣٠٢	تاريخ يزد ٢٥٣، ٢٧٥
تحرير اقليدس ١٣٧، ٦٦٣، ٦٩١	تاريخ يمىنى ١٢٥، ١٣٥
تحرير المعايد ١٩١	تاريخ نلسلوك ٦٩، ١١١
	تاريخ الطاهر فى شهب ملك الطاهر ابى سعيد ٢٧٩
	تاويل السورة المباركه القاتحه ١٥٠

تحفة الحبيب ٢٨٧، ٢٧٧، ٢٣٨  
 تحفة الحساب ٢٧١  
 تحفة الحكماء ١٩٠، ٢٠٠  
 تحفة الخواطر وزبدة الضمائر ١٠٣  
 تحفة الدهوات ٣٧١  
 تحفة السادة ١٢٣  
 تحفة السعادة ٢٥٨  
 تحفة السعدية ١٢٧  
 تحفة السلاطين ٧٨٠  
 تحفة السلامية في الجواهر الإسلامية ٢٣٦  
 تحفة السلطان في مناقب النعمان ٣١٧  
 تحفة الشاهية ١٢٧  
 تحفة الشريف ٣٢٥  
 تحفة الصديق إلى الصديق من الامام ابن  
 صديق ٩٢  
 تحفة الصلوة ٢٢٧  
 تحفة المراقبين ١٠٣  
 تحفة العرفان ٧٢١، ٧٣٧  
 تحفة العشاق ٢٢٣  
 تحفة المقول ٦٦٣  
 تحفة العلية ٢٢٧  
 تحفة الفقير وهدية الحقيق ٢٣٩  
 تحفة القادريه ٧٢٨  
 تحفة القادريه في مناقب حضرت عونه  
 محبوبه ٧٢٧-٧٢٨  
 تحفة المحبين ٧٢٢  
 تحفة المرضيه للحضرة الرذوي ٣٩٥  
 تحفة المشتاق ٣١١  
 تحفة الملوك ٧٢، ٢  
 تحفة الملوك عليشير ٢٩١  
 تحفة النصاب ٢١٦  
 تحفة ٧٦٠  
 تحفة بو نصر خا تقاهي ١٣٦  
 تحفة ابرار و... ١٥٣  
 تحفة... ١٢٠  
 تحفة... ٣٦١  
 تحفة... ٧٨٢  
 تحفة در معرفت نفس ١٣٩  
 تحفة... ٣٧٩

تحرير الكرة المتحر ١٣٧  
 تحرير الكرة لما نالوا ١٣٧  
 تحرير الوجود المطلق ٣١١  
 تحرير طلوع وغروب ١٣٧  
 تحرير في التذكير ١٢٣  
 تحرير كتاب الاكروا و... ١٣٧  
 تحرير كتاب الليل والنهار ١٣٧  
 تحرير كتاب الماخوذات ١٣٧  
 تحرير كتاب المساكن ١٣٧-١٣٨  
 تحرير كتاب المعطيات ١٣٧  
 تحرير كتاب المفروضات ١٣٧  
 تحرير كتاب المناظر ١٣٧  
 تحرير كتاب ياسا فوجي ١٩١  
 تحرير كتاب جس من النيرين و...  
 ١٣٧  
 تحرير كتاب ظاهرات الفلك ١٣٧  
 تحرير كره واستوائه ١٣٧  
 تحرير مجسطى ١٣٧  
 تحرير معرفة مساحة اشكال البسيط  
 والكرويه ١٣٧  
 تحرير مطالع ١٣٧  
 تحرير حشيشه ٢٠٢  
 تحرير صلوة الجمعه ٣٨١  
 تحسين المظنون ٦٨  
 تحصيل التعرف في معرفته الفقه والتصوف  
 ٣٧٠  
 تحصيل الحق في الكلام ١١٣  
 تحصيل في علم النجوم ١٣٨  
 تحصيل الادله ٦٧  
 تحفة ١٣٦، ٧٦٠  
 تحفة الاحبا في مناقب آل عبا ٢٤٥  
 تحفة الاحباب حافظ اوبه ٢٠٢  
 تحفة الاحباب منشى يزدي ٣٩٨  
 تحفة الاحرار... ٢٤٤  
 تحفة الاحوان في خصائص الفتيان ٧٥٨  
 تحفة الاندلس في الحكمه العمليه ٢٦٢،  
 ٢٧٢، ٧٥٩  
 تحفة البرره ٧٢٣  
 تحفة الجلاليه في اسباب الظالميه ٦  
 تحفة الحاتميه ٨٠٧

تذكرة الملوك ٨٠٥، ٣٦٨	تحفة سلغري ١٥٣
تذكرة المنتهى ١٥٠	تحفة شاهي ١٤٨
تذكرة الواقات ٣٦٢	تحفة فتحية ٣٤٥
تذكرة الهيئه ٣٨٥	تحفة مرادي ٢٧٢
تذكرة ٢٥٨، ١٩٠	تحفة مظفرى ١٥٣
تذكرة آغاز وانجام ١٣٩	تحفة نصرتي ٧٨٥
تذكرة اوصاف خواجه محمد كجيجاني	تحفة نظاميه ٢٧٠
٧٧٥	تحقيقات أبو نصر يار ساد
تذكرة خضري ٣٨٥	تحقيقات شاه نعمه الله ولي ١٨٩
تذكرة خوشنويسان ٨١٣	تحقيق آية الغار ١، ٣٨، ٦٦٣
تذكرة دولتشاهي ٢٥٥	تحقين الأشاره الى تعميم البشاره ٣٧٠
تذكرة شاه طهماسب ٤٧٢	تحقيق الايمان ١٨٩
تذكرة طوفي تبريزي ٥٠٩	تحقين الكليات ١٩١
تذكرة مي خان ٥٢٧	تحقيق المراتب الهيه
تذكرة مير ابو البقا بقايي ٨٣١	تحقيق الوجود ٢٨٨
تذكرة نصيره ١٣٨-١٣٩، ٣٨٤	تحقيق قوس وقترح ١٢٩
تذكرة هفت اقليم ٣٨٢	تحقيق ما ثبت بالسنه من المال من ايام السنه
تذكرة همايون واكبر ٨٠٢	٣٧٠
تذكيرات ١٠٩، ٧٢٠	تحقيق مذهب صوفي ومتكلم وحكيم ٢٨٨
تذهب الاحكام ١، ٢٨١، ٦٦٣	تحقيق تقيض الوجود ١٣٠
براب نامه ٧٩١	تدبير يوم وليله ٧٢٧
بربيع الداير ١٣٨٥	تدليس ابليس ٦٧-٦٨
ترجمان البلاغه ٣٩، ٧٠، ٩٢، ٧١٧	تذكارا لنعم والعطايا في الصبر والشكر
ترجمان المترجم بعنتهى الارب في لغة الترك	الفقر والعطايا ٢٠٢
والمعجم والعرب ٢٧٩	تذكرة الاحباب ٨٠٧
ترجمان في لغة القرآن ١٩١	تذكرة الاشرفيه في الصناعات الطبيه
ترجمة الاحاديث ٢١٩، ٣٢٠	٧٢٧
ترجمة الاحاديث الاربعين في نصيحه الملوك	تذكرة الاوليا عطار ١١٣، ٣٢٠
والسلاطين ٣٧٠	تذكرة الاوليا محرابي كرماني ٢٥٧
ترجمة الاخبار العلويه ٣١١	تذكرة الاوليا محمد بن سرهان الدين
ترجمة الخواص ٣٧١	٨١٧
ترجمة الصواعق ٦٦٣	تذكرة الحكماء ٣٨٣
ترجمة المناقب ٣٧١	تذكرة الخوانين ٨١٦
ترجمة احياء العلوم ٧١٩، ٧٣٩	تذكرة الشعراء دولتشاه ٢٥٥، ٦٦٢
ترجمة ادب الصغير ١٣٩	تذكرة الشعراء ركن الدين خوافي ٧٨٠
ترجمة اربعين حديث ٢٨٧	تذكرة الشعراء صافي ٤٥٨
ترجمة اشارات وتنبيهات ٧٢٥	تذكرة العاشقين ٣٨٠
صول العشره ٧٢٤، ٧٥٤	تذكرة الكعالمين ٧١٩
مرصمة با بر ناعه ٣٦١-٣٦٢، ٦٠٧، ٦٣٤، ١٦٣٤	تذكرة المشايخ ٢٦٣

ترجمة طالبين وإيضاح ما لكين ٨١٢  
 ترجمة طبري ٢٨-٢٩  
 ترجمة قرويس ٧٢٨  
 ترجمة فارسي مختصر القديري ١٥٥  
 ترجمة فضائل بلخ ٧٣٩  
 ترجمة قرآن ٣٧٤  
 ترجمة قواعد عشر ٧٥٣، ٧٢٤  
 ترجمة كافي ٨٠٧  
 ترجمة كتاب أخلاق ناصر الدين محتشم ١٣٩  
 ترجمة مجالس النفايس ٢٧٧  
 ترجمة مختصر كورمبيري ١٥٥  
 ترجمة مسالك وممالك ١٣٩، ٢٦١، ٧٧١  
 ترجمة مكارم الأخلاق فخر الدين علي زواري ٣٧١  
 ترجمة مكارم الأخلاق نصير الدين انصاري ٣٧٣  
 ترجمة منافع الحيوان ٧٣٧  
 ترجمة منظوم جواهر اللغات مخصري ٧٥٨  
 ترجمة منظوم صد كلمة علسي بن أبي طالب ٣٠٩  
 ترجمة مها بهارت ٨١٥  
 ترجمة فزعة الأرواح ١، ٨٠٤، ٨٠٨  
 ترجمة نيك بنحويه ٢٤١  
 ترجمة وتلخيص مشارق الدراري ٧٦٣  
 ترجمة يميني ٢٣٨  
 ترجمة بند شمس الدين تبريزي ٢١٤  
 ترجمة بند علاء الدين اودي ٦٤٢  
 ترجمة بند نعيمی تبريزي ٢١٤  
 ترجمة بند نویدی تربتي ٥٥٥  
 ترسل الى التوسل ١٥١  
 ترسل عبد الله مرواريد ٢٦٠  
 ترسل كمال الدين ٥ بدالوا مع ٢١٤  
 ترسل نور الدين منشي ٢  
 ترسل يوسف برهان جامي ٣٣٤  
 ترغيب اهل السعادات على تكثير الصلاة على سيد الكائنات ٣٧٠  
 ترقى روح انساني ١١٢  
 تركيب بند شريف تبريزي ٨٢٨

٨١٦  
 ترجمة بوذا فسوفيلوهر ٢٤٤، ٢٥٠  
 ترجمة تاريخ تغريبدي ٨١١  
 ترجمة تاريخ طبري ٢٣٨، ٧٦٠  
 ترجمة تاريخ كشمير ٧٩١  
 ترجمة تاريخ نيشا بور ٧٨٣  
 ترجمة تاريخ يميني ١٢٥  
 ترجمة تازي مرزبان نامه ٢٨٠  
 ترجمه تذكرة الكحالين ٧١٩  
 ٢٨٠  
 ترجمة تركي تفسير ابواليث سم فند ٢٨٠  
 ترجمة تركي جوامع الحكايات ٢٧٩  
 ترجمة تركي شاهنامه ٩  
 ترجمة تركي منظوم تعبير قادري ٢٨٠  
 ترجمة تقويم البلدان ٨٠٧  
 ترجمه تقويم الصحة ٧٣٨  
 ترجمة جهل حديث ٢٨٧  
 ترجمة حسنيه ٨١٣  
 ترجمة دياتارون ٧٣٩  
 ترجمة ديوان علي بن أبي طالب اميني هروي ٦٤٤  
 ترجمة ديوان علي بن أبي طالب شوقي تبريزي ٨٣٧  
 ترجمة رسالة الادوار في حل الاوتار ٧٣٢  
 ترجمة رسالة الايقاع ٧٣٢  
 ترجمة رسالة الذهبية ٧٢٨  
 ترجمة رسالة السياسة ٧٣٨  
 ترجمة رسالة صحبي الدين ٣١١  
 ترجمة رشف التصايع الايمانية في كشف الفضايح اليونانية ١٨٥  
 ترجمة زبدة الآثار المنتخب من بهجة الاسرار ٣٧٠  
 ترجمة زبدة الحقايق ١٣٩  
 ترجمة شافية ٨٠٧  
 ترجمة صد كلمة علي بن أبي طالب ٣٩٩  
 ترجمة صد معاني مير حسين نيشابوري ٣٩٠  
 ترجمة صور الكواكب ١٣٩

تامة ٢٩٩  
 تعجيز الفلاسفة ١١٣  
 تعديل العلوم ١٥٥  
 تعديل المييار في نقد تنزيل الأفكار ١٣٨  
 تعديل الميزان ٢٧٦  
 تعرف لمذهب التصوف ٢٩  
 تعريف ٢٣٦  
 تعريفات ٢٠١  
 تعريفات شاه ولي ١٨٨  
 تعريفات مير سید شریف ١٩١  
 تعريفات العلوم و تجديدات الرسوم ١٩١  
 تعريفات مالادو پيازه ٢٠١  
 تعريف العلم ٢٦٦  
 تعريف عشق ٤٠١  
 تعريف كلام موافق ٢٦٧  
 تعريف كلمه صوفي ٤٠١  
 تعليقات بر خراجيه ٣٩٦  
 تعليقات بر شرح مختصر العضدي ٣٨٩  
 تعليقات بر شرح مختصر عضدي ٣٩٦  
 تعليقات بر گلشن راز ٧٩٥  
 تعليقات بر موافق ٢٥٦  
 تعليقات فضول بقراط ١٢٤  
 تعليقه على الانوار لعلم الابرار ٢٦٦  
 تعليقه ٦٧  
 تعليقه بر اصلاح الوقايه ٣٩٥  
 تعليقه بر حاشية سيد شريف بر منتهى السؤال  
 والاهل ٣٩٣  
 تعليقه بر رسالة الوضع ٢٧٠  
 تعيين مقدار طلاله ٦٠٠  
 تعلق نامه ١٧١، ٥٢١  
 تفسير التقيح في الاصول ٨١٢  
 تفاحه ارسطو ١٤٥  
 تفاسير ٤٨  
 تفاسير العقاقير ١٢٤  
 تقال ديوان حافظ ٢٥٦  
 تفرقه بين الاسلام والزندقيه ٦٧  
 تفریح الخاطر في مناقب عبد القادر ١٣١  
 تفسير آية الرؤيا ٦٦٣  
 آية الكرسي سماكي ٣٥٧

تركيب بند علام الدين اودي ٨٣٦  
 تركيب بقده مسدس قاسم بيك هجري ٥٠٢  
 تركيب بند مسدس نيكي اصفهاني ١١٥  
 تركيب معجزات ٨٢٨  
 تزوك بايري ٦٠٧، ٣٦٢  
 تزوك تيموري ٢٣٣  
 تزوير الوزير الخزير ٨٨  
 تسطيع الكره والمطالع ١٣٨  
 تسلسل ومسببات ٣١  
 تسلي القلوب ٤٠٧  
 تسلية الاخوان ١٣٦  
 تسلية المصاب لتيل الاجر والثواب في الصبر  
 ٣٧٠  
 تسليم ٢٩٥  
 المعزمين في شرح منازل السائرين  
 ٢٦٣  
 تسهيل التقويم ٤٠٣  
 تسهيل قمر ٢٧١  
 تشبيهات الواقعة في دعاء الصلوة ٢٦٧  
 تشبيه اقوال اهل الخلاف بالمشبهات المشهوره  
 عن ابليي ٦٦٣  
 تشريح ١٩٠  
 تشريح (در پرگار) ٣٨٤  
 تشريح الاعضاء ٣١  
 تشريح الافلاك ٦٦٣  
 تشريح البدن كمال غياث ٣٠٠  
 تشريح البدن منصور بن محمد ١٩٣،  
 ٧٥٣  
 تشريح منصورى ١٩٤، ٤٠٠، ٧٥٣  
 تثيريه ١٩٠  
 تصحيقات ٩٣  
 تصنيع اسطرلاب ٢٧٢  
 تصورات ١٣٩  
 تصور وتصدين شمسيه ١٩١  
 تصوف ٣٩٧  
 تصوف في آداب الخلوه ١٣٨  
 تصوف واهل و تحقيق مذهبهم ٢٨٨  
 صميم غزل حافظ ٧٩٣  
 رسالطاني ٧٥٥

تفسیر طاهری ۷۲۷  
تفسیر طبری ۲۸  
تفسیر عبد اللہ انصاری ۷۱۷، ۵۸  
تفسیر عراقی ۲۲۱، ۱۰۹  
تفسیر عربی و فارسی کمال الدین حسین  
اردبیلی ۶۹۱  
تفسیر فاتحہ ۱۱۳  
تفسیر فارسی خواجه عبد اللہ ۷۱۷، ۵۸  
تفسیر فارسی خواجه محمد پارسی ۲۸۱  
تفسیر فارسی کمال الدین حسین اردبیلی  
۶۹۱  
تفسیر قرآن کمال پاشا زادہ ۸۱۲  
تفسیر قرآن ناصر خسرو ۵۹  
تفسیر قلاقل ۲۶۶  
تفسیر کبیر ۲۸  
تفسیر کتاب الماخوذات فی اصول الهندسہ  
۸۱  
تفسیر گازر ۷۷۹  
تفسیر ناتمام جامی ۲۸۸  
تفسیر نجم الدین کبری ۱۱۶  
تفسیر یعقوب چرخچی ۴۷۰، ۲۶۵  
تفسیر (اویل سورہ ۱۸۹  
تفہیم فی صناعۃ التلخیص ۳۰  
تقریرات زین الدین خواہی ۷۷۸  
تقریرات سعد الدین کاشغر ۷۸۴، ۵  
تقسیم العلوم ۱۹۱  
تقویم ۳۸۴  
تقویم البلدان ۸۰۷  
تقویم الصحہ ۷۳۸  
تقویم العلامی ۱۳۸  
تقویم جلالی ۱۲۷، ۶۰، ۵۴  
تقویم و حركات افلاک ۱۳۹  
تکملہ الاخبار ۳۸۵  
تکملہ الصنائع ۳۲۴  
تکملہ اللطایف ۶۳  
تکملہ فی شرح تذکرہ ۳۸۵  
تکمیل الايمان و تنوید الايقان ۳۷۰  
تکمیل الصنائع ۲۲۴  
تہلیلیہ جامی ۲۸۸

تفسیر آية الكرسي علامی ۳۶۵  
تفسیر آية انما المرشدون نجس ۶۶۳  
تفسیر آية سبع بقرات سماں ۶۶۳  
تفسیر آية فمن براد الله ان يهديه يشرح صدره  
لاسلام ۶۶۳  
تفسیر آية يا بنی آدم خذوا زینتکم عنه  
۲۶۶  
تفسیر ادریس بن حسام الدین علی بدیمی  
۲۵۴  
تفسیر اسماء الله الحسنى ۲۶۶  
تفسیر القرآن ۶۷  
تفسیر الله نور السماوات ۱۸۹  
تفسیر امام بیان الحق نیشاپوری ۷۲۸  
تفسیر امام حسن عسکری ۳۷۱  
تفسیر بیضاوی ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۸۱، ۶۶۳،  
۷۷۹، ۷۰۵  
تفسیر حسینی ۲۴۶  
تفسیر حقایق القرآن ۱۱۱  
تفسیر زواری ۳۷۱  
تفسیر سورة اخلاص ۱۸۹  
تفسیر سورة التوحید و الاخلاص ۲۶۶  
تفسیر سورة الفتح ۳۶۵  
تفسیر سورة الملک ۸۱۲  
تفسیر سورة النحل تا آخر قرآن ۲۷۷  
تفسیر سورة بقرہ ۶۹۱  
تفسیر سورة فاتحہ جامی ۲۸۸  
تفسیر سورة فاتحہ سید محمد گیسو دراز  
۱۹۶  
تفسیر سورة فاتحہ معین الدین مروی ۲۴۲  
تفسیر سورة قل یا ایها الکافرون ۲۶۶  
تفسیر سورة والطین ۳۷۵  
تفسیر سورة هل اتی ۳۷۶  
تفسیر سورة یوسف ۶۲۳  
تفسیر سید عبدالوہاب بن احمد بخاری  
۸۱۲  
تفسیر شاخ فور اسفراہینی ۷۲۷، ۱۱۷  
تفسیر شاہی ۳۷۴  
تفسیر شیخ فیضی ۵۴۴  
تفسیر شیخ یعقوب چرخچی ۴۷۰، ۲۶۵



توحيد ٣٩٧  
توحيد خواص ١٩٦  
توحيد نامه ٢٩١  
توسل الرب التوسل ١٢٠، ٩٤، ٨٦  
توسل في اليقين والتوكل ٣٠٢  
توسيل المرید الى المراد بين احكام الاحزاب  
والاوراد ٣٧٠  
توضیحات ١٤٣  
توطئه ١٣١  
توقيع نظم و نشر - تفسیر شیخ فیضی  
٥٤٤  
توكل ١٨٩  
توكل على الرزاق المختار في ترك التدبير  
والاختيار ٤٠٢  
توكل وبعضی تحقیقات ١٨٨  
تولدت تبرا بمشرب تعليميان ١٣٩  
تصايف الملاسفه ٦٧  
تهذيب ٣٩٢، ٣٤٢  
تهذيب الاحكام ٣٨١، ٦٦٣  
تهذيب الاصول ٦٦٣، ٦٩١  
تهذيب الدلائل ١١٣  
تهذيب المنطق ٣٥٦، ٦٦٣  
تهذيب معصل افكار المتقنين والمشاخر  
٦٧  
يهورنامه ابن معين ٢٢٧  
يه ورنامه شرف الدين - لى يزدى ٢٢٩

**ت**

ثابته ابن الفارس ١٥٣، ١٩٢  
ثلاثيات بحارى ٣٩٤  
ثلجيه ١٩٠  
ثمرات ٢٩٤  
ثمرة الحمير ٣١١  
ثمره تائه برن ١٣٦  
نواقب ٨١٧

**ث**

تاجه الماده ٣٠٠  
جامع اوحدى ١٩٩

تهليلية دواني ٢٦٧  
تهليس ابليس ٦٧-٦٨  
تلخيص اقسام المذاهب الانام في علم الكلام  
١٢٦  
تلخيص الآثار وعجايب الملك القهار ٧٣٢  
تلخيص المحصل ١١٢-١١٣  
تلخيص المفتاح ٢٦٩  
تلخيص محمود بن محمد جنمى ٢٨٢  
تلويح ٢٧٦  
تاويحات ١٠٩  
تلويحات الحرميه ٣١١  
تمر نامه ٣١٣  
تمهيدات عين القضاة ١١٧، ٧٢٢، ٧٧٣  
تمهيدات مسعود بيك ٢٧٣  
تمهيد القواعد ٣٤٩، ٣٥١، ٣٥٩، ٧٧٩  
تميز فرقه الناجيه عن الفرق المالكين  
١١٧  
تنازع الفعلان ٥٩٥  
تنبيه الاحبه في علامات لهجه ٤٠٢  
تنبيه المعارف بما وقع في الموارد ٣٦٩  
تنبيه العارفين ٨١٠  
تنبيه العلماء ٣٠١  
تلى تمويه المشتبهين ١٢٣  
تنبيه الغافلين امام غزالي ٦٧  
تنبيه الغافلين بىر جمالى ٢٣٤  
تنبيه الغافلين احمد بن جلال الدين ٧  
تمهيد الغافلين وبستان العارفين ٣٣٠  
تنبيه الغافلين وتذكرة العارفين ٣٧٣  
تنزيل ٧٢٣  
تنزيل الافكار في تعديل الاسرار ٧٤٣  
تنزيه القرآن عن المطاعن ٦٧  
تنسوق نامه ايلخانى ١٣٩  
تنقيحات ١١٠  
تاريخ الادب والادب في ترجمه  
والنحل ٤٥٠  
دوار بى آل برمك ١٩١  
تورده نامه ٢٩٢  
توجيهات التشبيه الواقع في الصاذه ابى المر  
٣٧٠

- جام جم عبدی بیک نویدی ۶۸۹  
جام جمشیدی ۸۰۷  
جام جهان نما شمس مغربی ۷۶۳  
جام جهان نما منصور دشتکی ۳۷۶  
جام جهان نما نصیرالدین طوسی ۱۳۹  
جام سخن گوی ۷۹۲  
جامع اصحاب الشافعی ۷۷۷  
جامع الاصول ۱۵۰  
جامع الالخان ۷۸۲، ۷۷۷، ۲۶۲  
جامع الامثال ۲۵۶  
جامع البرکات فی منتخب شرح المشکاة  
۳۶۹  
جامع البیان فی تفسیر القرآن ۲۷۲  
جامع التصانیف ۱۴۲  
جامع التواریخ ابوالقاسم کاشانی ۷۳۴  
جامع التواریخ بیہقی ۶۴  
جامع التواریخ حسنی ۲۳۹  
جامع التواریخ رشیدی ۱۶۲-۱۶۳، ۱۵۱، ۱۳۳  
۷۳۴، ۲۶۰، ۲۳۸  
جامع الحساب بالتحسین والشراب ۱۳۸  
جامع الحقایق ۶۷  
جامع الحکمتین ۶۲، ۵۹، ۵۴  
جامع الستین ۲۴۶  
جامع الصغیر ۹۰، ۷۸  
جامع العلوم ۱۱۳  
جامع الفوائد محمود دھدار ۸۰۷  
جامع القوائد یوسف بن محمد ۲۸۲، ۳۹۹،  
۸۰۸  
جامع القرانات ۸  
جامع الکلم ۷۲۲  
جامع اللطایف ۱۸۹  
جامع المقامات ۱۹۲، ۴۰۱، ۷۶۶  
جامع الهدایہ فی علم الرمایہ ۷۵۹  
جامع فی تاریخ آل سبکتکین ۶۴  
جامع مفیدی ۱۹۰  
جام گیتی نما خواجہ نصیر ۱۳۹  
جام گیتی نما میبیدی ۲۶۸  
جاودان صغیر ۲۶۵  
جاودان کبیر ۷۶۵
- جاودان نامہ افضل الدین ۱۴۵  
جاودان نامہ فضل اللہ نعیمی ۷۶۵، ۷۷۱  
جاودان نامہ منظوم ۷۷۱  
جبر و اختیار خواجہ نصیر ۱۳۹  
جبر و اختیار دوانی ۲۶۷  
جبر و مقابله خیام ۶۰  
جرب القلوب الی دیار المحبوب ۳۶۹  
جرا ئقال ۳۱  
جراحی فی معجزات الائمة الاطهار ۷۲۹  
جرتقیل ۳۱  
جزئیات و کلیات ۱۸۵  
جفر ارحم ۳۸۰  
جلالیہ (رسالہ) ۷۳۵  
جلالیہ داود خاکی ۴۰۶  
جلالیہ محتشم ۴۴۳  
جلالیہ محمد خواری ۱۹۴  
جلاء الازھان ۷۷۹، ۲۷۲  
جلاء الخاطر ۱۳۱  
جلاء الروح ۲۸۹  
جلاء القلوب ۳۹۵  
جلاء صداء لشک فی الاصول ۱۲۳  
جلوة الامداح الجمالیہ فی حلتی العروس -  
العربیہ ۲۸۰  
جمالی ۱۱۱  
جمشید نامہ ۵۲۰، ۳۹۰  
جمشید و خورشید ۲۰۲  
جمع مختصر ۸۳۸  
جنایہ ۱۸۹  
جنہ الاثمار ۸۰۷  
جنگ نامہ ۴۵۸  
جنون المجانین ۳۲۲  
جواب اسئلة اثیر الدین الابھری ۱۳۹  
جواب اسئلة سید رکن الدین استرآبادی  
۱۳۸  
جواب اسئلة شمس الدین محمد کیشی ۱۳۸  
جواب اسئلة محیی الدین عباسی ۱۳۸  
جواب اسئلة نجم الدین دبیران ۱۳۸  
جواب اسئلة و لقرودت فی الروم ۱۳۸  
جواب سؤالات امیرزادہ اسکندر ۷۵۳

جهان دانش ۱۲۵، ۱۵۲  
 جهان گشا ۱۳۶، ۷۶۰  
 جهانگیر نامه ۱۴  
 جهان نامه ۲۲۸  
 جهان نما ۲۸۱

ج

جیح نامه ۱۵۱  
 شمه زندگانی ۷۸۷  
 چهار ارکان ۲۲۴  
 چهار انجیل ۷۳۹  
 چهار برادر ۱۹۶  
 چهار چشمه زندگانی ۳۱۱، ۷۸۷  
 چهار چمن ۳۱۱  
 چهار رساله در فواصل کواکب ۳۸۴  
 چهار عنوان ۱۴۵، ۶۹  
 چهار کلمه ۷  
 چهار مطلب ۳۱۱  
 چهار مقاله ۱۲۰، ۸۹، ۷۱۹  
 چهل حدیث و جواهر عقود و ایمان ۴  
 چهل صباح ۳۱۱  
 چهل مقام ۱۹۵  
 چوب چینی ۳۹۳

ح

حاشیه ۱۴۷  
 حاشیه الفوائد الضیائیة و اتباع الهوی  
 الصبائیة ۳۷۰  
 حاشیه القدسیه ۲۸۷، ۷۶۶  
 حاشیه اجدت تجرید الکلام ۲۶۶  
 حاشیه اعرافی ۶۶۳  
 حاشیه الهیات ۶۶۳  
 حاشیه امامت شرح تحریر قدوسی ۶۶۳  
 حاشیه نمودار معلوم ۶۶۳  
 حاشیه نوار شافیه ۲۶۶  
 حاشیه بخاری ۳۸۱  
 حاشیه بر آداب الحشمین شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر آداب البحث محمد حنفی ۷۰۵  
 حاشیه بر اثبات الواجب ۳۸۹

جواب سؤال از اسم اعظم و غیر ۱۸۹  
 جواب سه سؤالی که از خیام کرده اند ۶۰  
 جواب شبهات ایلیس ۶۶۳  
 جواب شیخ محمد مکی ۳۹۴  
 جواب امر آة الصفا ۷۰۹  
 جواب مکتوب امیر رضا ۲۷۵  
 جواب نامه ۱۱۵  
 جوامع الاحکام ۱۲۴  
 جوامع الحکایات و لوامع الروایات ۶۵،  
 ۲۷۹، ۹۷  
 الکلم ۱۹۷  
 جوامع اللغات و لوامع المصطلحات ۷۳۹  
 جواهر الاخبار ۲۵۶  
 جواهر الاسرار آذری ۲۹۴  
 جواهر الاسرار محمود دهن دار ۸۰۷  
 جواهر الاسرار و زواهر الانوار ۲۴۳  
 جواهر الاسلام ۷۸۰  
 جواهر الاسماء ۳۲۳  
 جواهر الانوار ۳  
 جواهر التفسیر لتحفة الامیر ۲۴۶  
 جواهر الثمینه ۴۰۲  
 جواهر الذات ۱۱۴، ۳۲۰  
 جواهر المجایب ۲۷۸، ۴۳۸، ۷۷۷  
 جواهر العرایس و اطایب النعایس ۷۳۴  
 جواهر العشاق ۱۹۶  
 جواهر القرآن ۶۷  
 جواهر القلاید و زواهر الفراید ۹۳  
 جواهر الکنوز ۳۱۱  
 جواهر اللغه زمخشری ۷۵۸  
 جواهر اللغه محمد بن یوسف ۲۸۲  
 جواهر اللغه یوسف بن محمد ۳۹۹  
 جواهر زواهر ۳۸۰  
 جواهر فریدی ۱۵۶  
 جواهر نامه عطار ۱۱۴  
 جواهر نامه محمد بن منصور ۱۵۲  
 جودیه ۳۱  
 جوهر فرد ۳۸۵، ۸۰۷  
 جهان آرا ۶۴۲  
 جهان افروز ۴۱۸

۳۷۶  
 حاشیه بر شرح حکمة العین میرک بخاری  
 ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح شمسیه ۷  
 حاشیه بر شرح طوالع ۳۲۲  
 حاشیه بر شرح عضدالدین ایچی ۲۶۶  
 حاشیه بر شرح عضدالدین ایچی بر منتهی  
 السؤال والامل ۳۹۳  
 حاشیه بر شرح عقاید ۸۱۵  
 حاشیه بر شرح عقاید از عذاب نا قبر ۸  
 حاشیه بر شرح قدیم تجرید ۲۷۳  
 حاشیه بر شرح کافی جامی ۶  
 حاشیه بر شرح مختصر الحندی ۳۸۱  
 حاشیه بر شرح مطالع باغ نوی ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مطالع میرزا جان ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مطالع میر سید شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر شرح ملات باحث فعل ۸  
 حاشیه بر شرح منتهی السؤال والامل ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مواقف باغ نوی ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مواقف فناری ۲۷۶  
 حاشیه بر شرح مواقف مسعود شروانی  
 ۳۳۲  
 حاشیه بر شرح میبیدی بر هدایه الحکمه  
 ۳۵۶  
 حاشیه بر شرح هندی بر کافی ۳۷۶  
 حاشیه بر شرح وقایع الروایه ۳۸۸  
 حاشیه بر شمسیه ابیوردی ۳۹۲، ۴۴۳  
 حاشیه بر شمسیه رکن الدین داود حواف  
 ۲۷۳  
 حاشیه بر طوالع ۳۶۸  
 حاشیه بر فراغ سجا وندی ۳۹۱  
 حاشیه بر کافی ۷۹۰  
 حاشیه بر کشاف میر سید شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر کشاف عن حقایق التنزیل ۱۴۷  
 حاشیه بر محاکمات ۳۸۹  
 حاشیه بر مطالع ۷۰۵  
 حاشیه بر مطالع الانوار ۳۸۹  
 حاشیه بر مطول باغ نوی ۳۸۹  
 حاشیه بر مطول حسن چلبی ۲۷۶

حاشیه بر اشارات دوانی ۲۶۶  
 حاشیه بر اشارات منصور دشتکی ۳۷۶  
 حاشیه بر اصطلاحات صوفیه ۲۹۵  
 حاشیه بر الهیات شرح تجرید ۳۸۵  
 حاشیه بر الهیات شفا ۳۶۸  
 حاشیه بر انوار التنزیل ۲۸۲  
 حاشیه بر اوایل شرح تجرید ۳۸۵  
 حاشیه بر ایسا عوجی ۳۴۰  
 حاشیه بر تجرید ۳۷۶  
 حاشیه بر تجرید الکلام ۳۹۳  
 حاشیه بر تفسیر بیضاوی شاه ظاهر ۳۶۸  
 حاشیه بر تفسیر بیضاوی عصام الدین ۷  
 حاشیه بر تلویح ۲۸۶  
 حاشیه بر تفتیح الاصول ۲۷۶  
 حاشیه بر توضیح و تلویح ۳۷۳  
 حاشیه بر تهذیب ۴۴۳  
 حاشیه بر تهذیب المنطق و الکلام ۲۹۳  
 حاشیه بر تهذیب منطق ۲۶۶  
 حاشیه بر حاشیه شرح مطالع ۳۸۹  
 حاشیه بر حاشیه عصام بر تفسیر بیضاوی  
 ۳۹۳  
 حاشیه بر حکمت العین میر سید شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر حکمت العین نجم الدین دبیران  
 ۱۴۷  
 حاشیه بر حواشی شرح تجرید میر سید شریف  
 ۷۹۰  
 حاشیه بر رساله زوراء ۳۷۶  
 حاشیه بر رشحات ۸۳۷  
 حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیر  
 ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح العقاید نسفی ۲۷۷  
 حاشیه بر شرح الملخص چمنینی ۸۰۷  
 حاشیه بر شرح تجرید ۱۹۱، ۲۶۶  
 حاشیه بر شرح تجرید ملا علی قوشچی ۲۶۶  
 حاشیه بر شرح تهذیب المنطق و الکلام ۳۷۳  
 حاشیه بر شرح جامی ۷  
 حاشیه بر شرح حکمة العین مسعود شروانی  
 ۳۳۲  
 حاشیه بر شرح حکمة العین منصور دشتکی

جلسيه ٩٤  
 حبيب السير في اخبار افراد البشر ٢٣١،  
 ٢٩١، ٣٥٨، ٣٣٨  
 حبيبه ١٨٩  
 حجة الابرار ٣٠٧  
 حجة البيضا في رداهل الطغى ١٣١  
 حجة الحق ٦٧  
 حجة الكلام ٣٧٦  
 حجه ٣٩٦  
 حدايق الانس ١٩٦  
 حدايق الانوار في حقايق الاسرار ١١٣  
 حدايق الحقايق شرف الدين تبريزي ١٨٧  
 حدايق الحقايق ميرجان ٣٧٣  
 حدايق الحقايق في كشف اسرار الدقايق ٢٣٢  
 حدايق الدقايق ٢٦٢  
 حدايق السحر في دقايق الشعر ٩٢٠، ٧٠،  
 ١٨٧  
 حدايق العجم ١٣٠، ١٤٠  
 حدود العالم ٣٠  
 حديقته الحقيقه ابو الفتح محمد جامي ٧٣٧  
 حديقته الحقيقه ابو المعالي مطور بلخي  
 ٧٣٧  
 حديقته الحقيقه سنابى ٧٦، ١٦٤، ١١٥،  
 ٤٤٥، ٥١٥، ٥٨١، ٦٢٧، ٦٨٣،  
 ٨٣٤  
 حديقه السعداء ٣٣٧  
 حديقه الشيعه ٣٩٦  
 حرز الامان ٣٩٨  
 حرز الامان من فتن الزمان ٢٤٨، ٢٨٥،  
 ٣٨٤  
 حرز اليعرب ملخص الحصين ٣٩٥  
 حروف اصلية ١٨٩  
 حروف مقطعات قرآنيه ١٨٨  
 حروف وروح ١٨٩  
 حروب بشائر الخيرات ١٣١  
 حساب ابن فندق ١٢٣  
 حساب خواجه نصير ١٣٩  
 حساب شرف الدين علي يزدي ٢٤٩  
 حساب عمر بن سهلان ١٣١  
 حساب مريم جلبى ٣٨٨  
 حساب ملا علي قوشجي ٢٧٠

حاشيه بر مطول ملا عالم مارق كابل ٥٤٨  
 حاشيه بر منتهى السؤال والامل ٢٦٦  
 حاشيه بر لفحات الانس ٧٧٥، ٢٥٦  
 حاشيه بر هداية الميريه ٨٢٦  
 حاشيه تحرير ٥٢٠  
 حاشيه تحرير اقليدس ٦٦٣  
 حاشيه تفسير بيضاوي ٦٦٣  
 حاشيه تهذيب الاصول علامه حلي ٦٦٣  
 حاشيه تهذيب المنطق دواني ٦٦٣  
 حاشيه تهذيب المنطق والكلام دانشمند  
 ٣٩٢  
 حاشيه جديد تحرير الكلام ٢٦٦  
 حاشيه جواهر شرح تحرير قوشجي ٦٦٣  
 حاشيه حاشيه مطول خطايي ٦٦٣  
 حاشيه خلاصه الاقوال علامه حلي ٦٦٣  
 حاشيه شرح تحرير ٦٨٩  
 حاشيه شرح جامي ٦٦٣  
 حاشيه شرح چنميني ٦٦٣  
 حاشيه شرح خطبه مواقف ٦٦٣  
 حاشيه شرح شمسيه ٦٦٣  
 حاشيه شرح مطالع ٧٩٠  
 حاشيه شرح هدايه ميدي ٦٦٣  
 حاشيه شهسيه ديران ٢٦٦  
 حاشيه شمسيه ميدي ٢٦٨  
 حاشيه عقايد عضد الدين ايجي ٢٩٣  
 حاشيه قديم تحرير الكلام ٢٦٦  
 حاشيه قواعد الاعداد ٦٦٣  
 حاشيه مختصر عضدي ٦٦٣  
 حاشيه مطالع ٢٦٦  
 حاشيه مطول تفتاراني ٦٦٣  
 حاشيه معاد شرح تحرير ٦٦٣  
 حاشيه ميرسيد شريف جرحاني ٢٦٦  
 حاشيه وتعليقات برسالة اثبات الواجب  
 دواني ٧٠٦  
 حاصل النجات ٢٥٨  
 حالات بهلوان محمد ابوسعيد ٢٩١  
 حالات سيد حسن اردشير ٢٩١  
 حالات وسخنان شيخ ابوسعيد ١٢١، ٦٢  
 حاوي في علم التداوي ١٩٠

حكمة العين ١٤٧، ١٩١، ٢٩٥، ٣٣٢  
 حكمة العين دواني ٢٦٦  
 حكمة العين ميرك بخاري ٣٨٩  
 حكمة المنيعه ٤٢٩  
 حكمة الموت ٣١  
 حكمة في مخلوقات الله ٦٨  
 حكم نامه ١٩٧  
 علاج نامه ٣٢٠  
 حل اشكال القمر ٢٧٠  
 حل التقويم ٣٨٦  
 حل المقال ٣٨١، ٦٦٣  
 حل المشكلات ٣١  
 حل لا يتحل ٣٩١  
 حل مطر ز ٣٤٩  
 حل ما ينحل ابو الحسن ابوردي ٤٤٣  
 حل ما ينحل خفري ٣٨٥  
 حل ما ينحل عبداللطيف شرواني ٨٥،  
 ٤٠٣  
 حل مشكل ٤  
 حل مشكلات الاشارات ١٣٨  
 حل مشكلات رسالة معينه وزبدة الالهيه  
 ١٣٩  
 حل مشكلات معينيه ٣١  
 حلية الحلل ٢٨٧  
 حلية العارفين ٤٠٦، ٨١٣  
 حوادث طبيعيه ٢٦٣  
 حواشي براقليدس ٢٧١  
 حواشي بر امور عامه موافق عضد الدين ايجي  
 ٣٩١  
 حواشي براوايل شرح حكمة العين ٣٨٥  
 حواشي بر تهافت خواجه زاده ٢٧٧  
 حواشي بر حاشية نهجريد ٣٩٠  
 حواشي بر حاشية شرح معالغ ٣٩١  
 حواشي بر شرح آداب شمس الدين محمد بن  
 اشرف سمرقندي ٢٦٦  
 حواشي بر شرح العقايد المضديه ٢٧٧  
 حواشي بر شرح نهجريد العقايد ٣٧٤  
 حواشي بر شرح نهجريد المنطق والكلام  
 ٣٧٤

حساب وجير ومقابله ١٣٨  
 حسنا ٣٩٢، ٤٤٣  
 حسن الاشعار في جميع الاشعار ٣٧٠  
 حسن زنان ٢٧٤  
 حسن وجان ٣٢٦  
 حسن ودل فتاحي ٣٩٠  
 حسن ودل مشفق ٧  
 حسن وعشق ٢٩٨  
 حسن وگل ٢٩٨  
 حسن يوسف ٥٤٣-٥٤٤  
 حسنيه ٨١٤  
 حسنيه ابوالفتوح رازي ١٢٧  
 (مقام) ٥٢٦  
 حصص الاقيا في قصص الانبياء ٧٢٩  
 حصن الحصين من كلام سيد المرسلين ٣٩٥  
 حصن حصين ٧٠٥  
 حظ الاوقر بالجمع الاكبر ٣٩٣  
 حظاير الشمس ١٩٦  
 حظيات ٤٥٨  
 حفظ صحت ٣٩٩  
 حقايق ١٨٩  
 حقايق احوال مصطفى ٢٢٤  
 حقايق الاخبار ٢٢١  
 حقايق التهليل ٢٤٩  
 حقايق العلوم لاهل المفهوم ٦٧  
 حقايق القرآن ١١١  
 حقايق وجود ٣١  
 حق اليقين شبري ١٧٠  
 حق اليقين مير سيد علي همداني ٤  
 حقيقة الروح ٦٧  
 حقيقة القوانين ٦٧  
 حقيقة محمدية ٨  
 حقيقت ايمان ٤  
 حقيقت و كيفيت سلسله موجودات وتلسل  
 اسباب مسببات ٣١  
 حقيه ٢٨١  
 حكمت اشراق ١١٠  
 حكمت الاشراق قطب الدين شيرازي ٢٦٣  
 حكمة الرشديه ٤٤٩

خسرو شیرین اشرف مراغی ۷۸۷  
 و دهلوی ۴  
 بن عبدالقمر وارید ۶  
 بن قاسم کوه برصیری ۵۷۹  
 ۵  
 زاجعفر قزوینی ۵۷۸  
 زاقاسم ساغرچی ۵۸۶  
 خسرو شیرین ندای بی بخارایی ۵۹۵  
 خسرو شیرین نظامی ۱۴، ۴۴، ۱۰۵، ۱۷۱،  
 ۲۰۲، ۳۶۳، ۴۱۷، ۴۳۵، ۴۳۵،  
 ۴۴۵، ۴۵۲-۴۵۸، ۵۰۵، ۵۱۵،  
 ۵۴۲، ۶۸۹، ۷۴۷، ۷۶۹، ۸۰۷،  
 ۸۴۲، ۸۲۸، ۸۰۹  
 خسرو شیرین نویدی نیشابوری ۵۸۱  
 خسرو گل ۱۱۳-۱۱۵  
 خصوصیات ملکات انسانی ۳۹۷  
 خضر خان ودولرانی ۱۷۱  
 خطاب الذهب الناقب وجواب الشهاب الناقب  
 ۲۸۰  
 خطای نامه ۳۸۸  
 خطبة البيان ۶۵۶  
 خطبة النراه ۱۲۵  
 خفیه الملائیه ۱۲۵  
 خفی علانی ۱۲۵  
 خلاص ۵۶  
 خلاصة الاخبار فی احوال الاخبار ۲۴۰  
 خلاصة الادوار فی مطالب الاحرار ۲۶۲  
 خلاصة الاشعار وزبدة الافکار ۳۷۹، ۵۰۹،  
 ۸۰۵  
 خلاصة الاقوال ۶۶۲  
 خلاصة الاوراد ۷۸۳  
 خلاصة الاوراد الامرید والمراد ۴۰۲  
 خلاصة التجارب ۴۷۴، ۴۰۰  
 خلاصة التصانيف ۶۸  
 خلاصة التنزیل ۷۶۵  
 خلاصة الحقایق ۷۲۱  
 خلاصة الحكایات ۲۴۲  
 خلاصة الزیجه ۱۲۳  
 خلاصة السلوك ۱۴۶

حواشی بر شرح هداية الحكمة ۳۷۴  
 حواشی بر فصل الخطاب ۶۵۶  
 حواشی بر کشف ۸۱۲  
 حواشی بر مطالع ۷۰۵  
 حواشی بر نفعات الانس ۶۵۶  
 حواشی تفسیر بیضاوی ۷۷۹  
 حواشی علی کلیات القانون ۱۲۸  
 حواشی و تعلیقات بر شرح مواقف ۶۹۱  
 حواشی و تعلیقات بر شرح هداية ۶۹۱  
 حوراعو الزوراء ۲۶۷  
 حورائیه ۲۶۳  
 حورائیه ابوسید ابوالخیر ۱۸۹  
 حورائیه شاه ولی ۱۸۹  
 حورائیه شاه ولی (رساله دیگر) ۱۸۹  
 حی بن یقظان ۷۱۶  
 حیدر تلبه ۵۱۵  
 حیدر نامه ۱۱۳  
 حیدری نامه ۱۱۳  
 حیوة الابرار ۲۹۰  
 حیوة الانسان ۲۷۷  
 حیوة الحيوان ۲۷۷، ۳۶۵، ۴۰۲  
 حیوة النفس ۱۵۰

ح

خاتمة الحیوة ۲۸۷  
 خاتمة روضة الصفا ۲۴۰  
 خاورستان ۳۸۳  
 خاوران نامه ۲۰۲، ۲۸۷  
 خاور نامه ۳۰۲  
 خدای نامه ۱۳، ۳۹۰  
 خجسته ناصری ۳۵  
 خجسته نامه ۳۵  
 خراجیه ۳۹۶  
 خردنامه اسکندری ۲۸۷  
 خزاین الفتوح ۱۷۱  
 خزاین الملوك ۸۰۷  
 خزاین ملکوت ۳۸۵، ۴۴۴  
 خسرو نامه ۱۱۴-۱۱۵

خوان حلیل ۴۴۶  
 خوانی نامه ۱۳  
 خیاط نامه عطار نونى ۳۲۰  
 خیاط نامه عطار نیشابوری ۱۴۴  
 خیبران حسان ۶۶۳  
 حیر الامور ۳۰۹  
 الیبیان ۸۱۳  
 حیر الزاد ۳۱۱  
 خیر المجالس ۷۵۴  
  
 داستان دینیک ۱۳  
 داستان ریدک و خسرو گوانان ۱۳  
 داراب نامه ابوطاهر طوسی ۲۵۶، ۷۱  
 داراب نامه ابوطاهر طوسی ۲۵۶، ۷۱  
 داراب نامه بینمی ۷۵۸  
 داستان امیر احمد و مهستی ۸۵، ۱۰۵، ۷۳۹  
 داستان حاتم طایی ۲۸۴  
 داستان معک عیار ۷۵۵، ۱۳۳  
 داستان قران حبشی ۷۱  
 داستان معصوم شاه معروف نگلریز ۱۸۵  
 دافعه الشقاق ۶۶۳  
 دانشنامه ۷۴۷، ۲۳  
 دانشنامه جهان ۸۱۵، ۲۶۱  
 دانشنامه علایی ۳۱  
 دانشنامه قورخان ۲۸۵  
 داودیه ۴  
 در الفاجر ۱۳۲  
 در العرید فی بیان قواعد التجرید ۳۷۰  
 العظیم فی خواص قرآن العظیم ۸۰۶  
 ۸۰۷  
 در دنیا نامه ۷  
 درة الاخبار و لمعه الانوار ۱۴۹، ۱۲۴  
 درة البهیة فی اختصار الرسالة الشمسیة  
 ۳۷۰  
 درة التاج نصره المدیاح ۱۴۷  
 درة الشمیة ۹۰  
 درة العاخره در تحقیق مذهب صوفیه و حکما  
 و متکلمین ۲۸۸

خلاصة الكلام ۷۵۶  
 خلاصة المقامات ۷۸۳، ۷۲۱  
 خلاصة المناقب ابوالمکارم بن علاء الملك  
 ۱۰۹  
 خلاصة المناقب نورالدين جعفر بندهشى  
 ۷۵۴  
 خلاصة المنهج ۳۷۴  
 خلاصة الوفا فی اخبار دارالمصطفى ۲۵۴  
 خلاصه در صرف و نحو ۲۵۸  
 خلاصة شفايى ۸۰۸  
 خلافت نامه ۱۳۹  
 خلد بن رین ۸۲۵، ۴۳۵  
 خلق اعمال ۱۳۹  
 خلق و البعث ۱۱۳  
 خلوت ۱۸۹  
 خلوه  
 حلیفه ۱۸۹  
 سم خانه ۴۲۰  
 خمربان ۲۹۹  
 حمیه ابر فارخ ۷۶۲  
 خمسة المتحیر بن ۲۹۰  
 حمیه اشرف مراغی ۷۸۷  
 خمسة امیر حیدر ترکمان ۶۱۷  
 دخلوی ۳۳۸، ۴  
 خمسة بی معنی خواجہ هدایت اللہ رازی ۶۴۳  
 خمسة عیانی هروی ۵۱۹  
 خمسة شیخ یعقوب صرفی ۸۲۹، ۴۷۰  
 خمسة متحیر ۵۵۹  
 خمسة نظامی ۱۰۵، ۲۹۰، ۴۹۸، ۳۱۴،  
 ۳۲۸، ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۱۷  
 ۶۸۹، ۶۱۷، ۵۱۹، ۴۷۱، ۱۴۹  
 ۷۸۷، ۷۷۲  
 حمیه فی اصول الدین ۱۱۳  
 جواب نامه ۷۸۵  
 جوابیم ۱۶۸  
 حوارات ۴۰۶  
 حواص القرآن ۶۸  
 حواص و طبایع و منافع چوب چینی ۳۹۹  
 خوان الاحوان ۵۹



- درة الفاخره في كشف علوم الآخرة ۶۸۰  
 درة المعاني ۷۷۱  
 درة الوشاح ۱۲۳  
 درة البشيعه في تمامات درة الشعينه ۹۰  
 درج ۶۸  
 درج الدرود درج الفرر في بيان ميلاد سيد  
 البشر ۲۴۴  
 درج الكافي ۲۰۹  
 درخت آسوريك ۱۳  
 درر الجواهر ۱۳۲  
 درر اسحاب و درر السحاب في الرمائل ۱۲۳  
 درر درر الفريد في معرفة التوحيد ۷۶۳  
 درر ضرر ۳۸۰  
 درو يشيه ۴  
 دره ۲۷۳  
 دري اي ابرار ۶۲۶، ۶۱۷، ۵۶۲، ۶۲۶-۶۲۷  
 دري تيم ۳۹۷  
 دستور اعظم ۵۹  
 دستة الزايرين ۲۳۶، ۲۸۰  
 دستور السالكين ۴۰۶، ۵۰۴  
 دستور اسلطنه ۳۹۸  
 دستور العلاج ۳۹۸  
 دستور العمل شرح زيج الغنيك ۲۸۱  
 دستور العمل في تصحيح الحدول ۲۷۱  
 دستور العمل و تصحيح الحدول ۳۸۸  
 دستور الكاتب في تعيين المراتب ۲، ۱۸۴،  
 ۷۵۲  
 دستور اللغة ۵۶  
 دستور المنجمين ۲۷۰  
 دستور الوزراء خوندمير ۲۴۰  
 دستور الوزراء منشي شيرازي ۳۹۸  
 دستور دبيري ۷۲۸  
 دستور عشاق ۲۹۹  
 دستور نامه ۱۷۰  
 دعاء توحيد ۱۵۰  
 دعوات ۷۲۹  
 دعوات الكواكب ۱۱۰  
 دفتر درر ۸۰۷، ۳۸۵  
 دفتر دلگشاي ۷۶۷  
 دفتر هفتهم منوي ۱۶۰، ۱۹۹  
 رفيع القدر ۶۶۳  
 دقايق الادهام ۱۲۶  
 دقايق الحقايق احمد دروي ۷۳۷  
 دقايق الحقايق عياني ۳۹۷  
 دقايق الحقايق كمال باشاراده ۸۱۱  
 دقايق الحقايق نصير الدين هيكل ۱۵۲  
 دقايق الشعر ۲۱۰  
 دلايل الاحجاز ۷۹۳  
 دلايل البون ۲۹۹  
 دلايل النبض ۳۹۹  
 دلايل فيروز شاهي ۷۶۸  
 دلي باي ۲۹۸  
 دلگشا ۲۰۱  
 دلوجان چشتي ۴۲۶  
 دلوجان عبداللہ انصاري ۵۸  
 دليل العارفين ۱۵۴، ۷۴۸  
 دليل الهدى ۳۷۶  
 دعيه القصر وعسرة اهل العصر ۵۳، ۱۲۳  
 دنيا مزرعة الآخرة ۴۰۱  
 دوست نامه ۷۲۸  
 دولت نامه ۷۳۹  
 ده باب ۲۹۸  
 ده باب تحنيسات ۲۹۸  
 ده ديوان ۲۳۷  
 ده فصل ۲۰۱  
 ده قاعده ۱۱۶، ۷۲۴، ۷۵۴  
 ده نامه ابن عماد ۲۱۷، ۵۴۳، ۷۶۵  
 ده نامه ابن تصوح ۲۱۱  
 ده نامه اوحدى ۱۹۹  
 ده نامه تدروي ۵۶۳  
 ده نامه عارف ۳۰۳  
 ده نامه عراق ۱۶۳  
 ده نامه عماد فقيه ۲۰۲  
 ده نامه كاتسي ۲۹۸  
 ده نامه محمود دبر سه ۳۰۷  
 دوحه ۱۲۷  
 ديا تسارون ۷۳۹  
 ديار بکريه ۶

دیوان امید آباد ۳۸۰  
 دیوان امید ۳۱۵، ۴۴۱  
 دیوان انوری ۸۲، ۳۹۶  
 دیوان اوحدی ۱۹۹  
 دیوان اهلی ترشیزی ۳۱۷  
 دیوان اهلی شیرازی ۴۴۰  
 دیوان باب ۶۰۷  
 دیوان بحر المعاد فی ارشاد العباد ۷۰۸  
 دیوان بدخشی ۳۰۰  
 دیوان بدرالدین کشمیری ۴۴۵  
 دیوان بدرچاچی ۱۶۲  
 دیوان بدرچاچی ۲۰۴  
 دیوان بدیمی تبریزی ۵۲۶  
 دیوان برگگی نسیزی ۶۹۳  
 دیوان بنایی هروی ۳۱۰  
 دیوان بیبرام خان ۴۵۶  
 دیوان بی نشان ۳۴۰  
 دیوان پوربهای جامی ۱۶۱  
 دیوان پیرقلی بیگ استاجلو ۵۰۷  
 دیوان ترکیبات و ترجیعات ۳۸۰  
 دیوان تقی الدین اوحدی ۳۸۰، ۸۰۶  
 دیوان ثنائی مشهدی ۴۱۶  
 دیوان جامی ۶۴۶  
 دیوان جسمی همدانی ۵۳۵  
 دیوان جلال طبیب ۲۱۳  
 دیوان جلال ضد ۲۰۲  
 دیوان جمال الدین اصفهانی ۱۰۲  
 دیوان جمالی اردستانی ۲۴۴  
 دیوان جمالی دهلوی ۴۰۵  
 دیوان جنید شیرازی ۲۱۶  
 دیوان جواهر و زواهر ۳۸۰  
 دیوان جهان شاه قراقریونلو ۷۹۴  
 دیوان جهان ملک خاتون ۲۱۶  
 دیوان حافظ ۲۰۵ - ۲۰۶، ۲۴۹، ۲۵۶،  
 ۲۸۲، ۳۱۰، ۴۶۱، ۶۴۸، ۸۱۸،  
 ۸۲۳، ۸۴۰  
 دیوان حالتی تریزی ۶۷۴  
 دیوان حالتی ترکمان ۴۶۶  
 دیوان حامدی ۷۹۳

دیباچه ابو منصور ۲۸  
 دیباچه باسنغری ۲۸، ۷۹۷  
 دیباچه جمال و کمال ۳۱۱  
 دیباچه کلیات سعدی ۱۶۸  
 دیده بیدار ۵۱۵  
 دینکرت ۱۳  
 دیوان آدمیت ۳۸۰  
 دیوان آذری طوسی ۲۹۴  
 دیوان آصفی ۳۰۹  
 دیوان آگهی قاینی ۳۲۱  
 دیوان آگهی یزدی ۶۴۳  
 دیوان آیتی هروی ۳۳۵  
 دیوان ابن حسام قهستانی ۳۰۲، ۲۰۶  
 دیوان ابن عماد ۷۶۵  
 دیوان ابن یمن ۲۰۱  
 دیوان ابواسحق اطعمه ۲۰۴، ۲۹۷  
 دیوان ابوالفتح بستی ۴۵  
 دیوان ابوالفرج رونی ۴۲  
 دیوان ابوعلی قلندر ۱۹۷  
 دیوان اثیر الدین اخسیکتی ۱۰۷  
 دیوان اثیر الدین اومانی ۱۵۸  
 دیوان احمد جام زنده پیل ۱۰۹، ۷۲۱  
 دیوان احمد فانی شیرازی دهدار ۶۵۶  
 دیوان ادایی شیرازی ۳۳۹  
 دیوان ازرقی ۵۳  
 دیوان اسیری لاهیجانی ۳۱۹  
 دیوان اشرف سمرقندی ۸۷  
 دیوان اشرف مراغی ۳۰۹  
 دیوان اشکی قمی ۴۳۱، ۸۲۳  
 دیوان اصطلاحات اهل صنایع و حرف ۲۹۳  
 دیوان اطعمه ۲۰۴، ۲۹۷  
 دیوان البسه ۳۲۰  
 دیوان المعارف ۷۲۲  
 دیوان الهی اردبیلی ۶۹۱  
 دیوان امام علی بن ابی طالب ۲۶۸، ۶۶۶،  
 ۸۳۷  
 دیوان امامی ۱۶۱  
 دیوان امانی کابلی ۴۵۳  
 دیوان امنی تبریزی ۵۲۹

دیوان ساقی استرآبادی ۴۶۴  
 ا دیوان سیهری زوارجی یا زواره ای ۵۲۳  
 دیوان سحابی استرآبادی ۴۱۲  
 دیوان سراج الدین سکزی ۱۷۲، ۲۲۳  
 دیوان سراج الدین قمری قزوینی ۲۰۶  
 دیوان سلطان ابراهیم میرزا ۸۳۰  
 دیوان سلطان حسین بایقر ۲۳۲، ۲۵۵  
 دیوان سلطان سلیم ۴۷۹  
 دیوان سلطان علی ۷۹۳  
 دیوان سلطان ولد ۱۹۹  
 دیوان صنایی ۷۶  
 دیوان سنجر کاشانی ۴۲۰  
 دیوان سوزنی ۹۹  
 دیوان سهیلی ۳۰۷  
 دیوان سید حسن عزیز حسینی ۷۲۵  
 دیوان سید حسن قزوینی ۷۷  
 دیوان سید محمد گیسو دراز ۱۹۶-۱۹۷  
 دیوان سید مطهر ۲۱۵  
 دیوان سیف الدین اسفرنگی ۹۳  
 دیوان سینفی بخاری ۲۹۳  
 دیوان شاپور فریبی طهرانی ۵۱۳  
 دیوان شاه اسماعیل ۴۸۴  
 دیوان شامولی ۱۸۸  
 دیوان شاهی ۳۰۱  
 ا دیوان شجاع تبریزی ۵۸۱  
 دیوان شراری همدانی ۵۳۳  
 دیوان شرف الدین شفره ۱۰۲  
 دیوان شرف الدین علی یزدی ۲۴۹، ۷۷۵  
 دیوان شرف جهان ۸۲۶  
 دیوان شریف تبریزی ۴۶۵، ۸۲۸  
 دیوان شمس الدین طیبی ۹۳  
 دیوان شمس الدین کاشانی ۲۱۶  
 دیوان شمس مغربی ۷۶۳  
 دیوان شوقی تبریزی ۸۳۷  
 دیوان شوقی یزدی ۸۳۷  
 دیوان شهیدی قمی ۳۳۷  
 دیوان شیخ ابوالقاسم کازرونی ۶۶۶  
 دیوان صابر ترمذی ۸۴  
 دیوان صادق سمرقندی ۵۸۷

دیوان حسن دهلوی ۱۷۲  
 دیوان حسین بایقر ۲۳۲، ۲۵۵  
 دیوان حسین بن حسن کاشانی ۲۴۳  
 دیوان حسین بن منصور حلاج ۲۴۳  
 دیوان حسین خوارزمی ۲۴۳  
 دیوان حسینی هروی ۷۴۲  
 دیوان حضور قمی ۴۶۰  
 دیوان حفیری تبریزی ۵۳۱  
 دیوان حکیم سوری ۲۰۴  
 دیوان حلیمی شروانی ۶۹۷  
 دیوان حیدر کلیچه یزی ۳۱۸  
 دیوان حیدری تبریزی ۲۷۲، ۸۲۲  
 دیوان خاقانی ۱۰۴، ۳۹۶  
 دیوان خاکی و مروشی بلخی ۵۸۷  
 دیوان خلاصی کاشانی ۶۴۴  
 دیوان خنجر بیک ۵۳۵  
 دیوان خواجو ۲۰۰  
 دیوان خواجه محمد شریف هجری ۵۱۴  
 دیوان خیالی بخاری ۳۰۰  
 دیوان خیام خراسانی ۷۴۹  
 دیوان در اصطلاحات اهل صنایع و حرف  
 ۲۹۵  
 دیوان در فر ۳۸۰  
 دیوان درویش بهرام سقا ۸۲۲  
 دیوان ذوالفقار شروانی ۱۷۴  
 دیوان رحمتی تبریزی ۶۹۸  
 دیوان رحیمی بهارلو ۳۶۲  
 دیوان رسایل جامی ۲۸۸  
 دیوان رستم خوریانی ۲۹۷  
 دیوان رشید الدین بیدآوازی ۳۲۰  
 دیوان رشید و طواط ۹۲  
 دیوان رضی الدین تیشابوری ۹۹  
 دیوان رفیع الدین لنبانی ۱۶۵  
 دیوان رکن صابین ۲۰۸  
 دیوان رموزی سمرقندی ۵۹۶  
 دیوان روح الدین عطار ۲۰۳  
 دیوان روزبهان ۲۱۶  
 دیوان روغنی ۴۲۲  
 دیوان ریاضی تربتی ۳۳۹

دیوان عمیق بخاری ۹۷  
 دیوان عنصری ۳۸  
 دیوان عیشی میانکالی ۵۹۲  
 دیوان عین الحیات ۳۸۰  
 دیوان غریبی بلیانی کازرونی ۷۱  
 دیوان غزلیات تقی الدین اوحدی ۳۸۰  
 دیوان غزلیات سعدی ۳  
 دیوان غزلیات فارسی و ترکی سادقی ۴۵۸  
 دیوان غزلیات و قصاید اسمیری ۳۱۹  
 دیوان غضایری رازی ۳۶، ۲۶  
 دیوان فارسی باخرزی ۵۲  
 دیوان فارسی علیشیر ۲۹۱  
 دیوان فارسی و ترکی یادشاه خواجه ۶۴۱  
 دیوان فتاحی ۲۹۹  
 دیوان فخرالدین صفی ۲۸۵  
 دیوان فخرالدین محمدنیشابوری ۷۲۸  
 دیوان فخری هروی ۴۳۹، ۲۷۸  
 دیوان فدایی لاهیجی ۳۲۲  
 دیوان فرخی ۳۹  
 دیوان فرقتی جوشقانی ۵۱۸  
 دیوان فریبی طهرانی ۵۱۳  
 دیوان فریدالدین احوول ۱۶۶  
 دیوان فصیحی تبریزی ۵۰۹  
 دیوان فضولی ۴۳۷  
 دیوان فغانی ۳۱۶، ۳۲۷، ۴۳۸  
 دیوان فلکی شروانی ۱۰۶  
 دیوان فهمی بدخشی ۵۷۵  
 دیوان فیضی ۳۶۴  
 دیوان فیضی بلخی ۶۰۲  
 دیوان قاسم انوار ۲۹۲  
 دیوان قاسم بیک حالتی ۴۶۶  
 دیوان قاسم قاسمی اردستانی ۶۴۳  
 دیوان قاسم کاهی ۴۱۵  
 دیوان قاضی ایسکی باغی ۵۸۴  
 دیوان قاضی نور ۴۶۰  
 دیوان قبولی ۲۹۲  
 دیوان قصاید اوحدی بلیانی ۳۸۰

دیوان سادقی افشار ۴۵۸  
 دیوان صبری اردستانی ۴۶۰  
 دیوان صبری میانکالی ۵۹۲  
 دیوان صرفی کشمیری ۸۲۹، ۳۷۲  
 دیوان صفی الدین صفی نوربخش ۶۱۸  
 دیوان ضمیری بلگرامی ۶۴۵  
 دیوان ضیاء خجندی ۱۶۵  
 دیوان طالب جاجرمی ۳۰۱  
 دیوان طالب گیلازی ۵۳۰  
 دیوان طوسی خراسانی ۶۴۵، ۳۰۵  
 دیوان طوفی تبریزی ۸۳۱، ۵۰۹  
 دیوان ظهوری ترشیزی ۴۴۵  
 دیوان ظهیر فاریابی ۱۰۷  
 دیوان عارفی ۳۰۳  
 دیوان عالم سمرقندی ۳۲۸  
 دیوان عبدالحق دهلوی ۸۰۵  
 دیوان عبدالقادر گیلازی ۱۳۱  
 دیوان عبدالله برزش آبادی ۳۲۰  
 دیوان عبدالواسع جبلی ۸۲  
 دیوان عبدی بیک شیرازی همدانی ۵۳۳  
 دیوان عبدی بیک شیرازی ۴۷۱  
 دیوان هبیدزاکانی ۳۰۱  
 دیوان عدنی ۸۰۲  
 دیوان عراقی ۱۶۴  
 دیوان صرفی ۴۱۷  
 دیوان عزیززی قزوینی ۴۳۰  
 دیوان عشقی خان ۸۳۴  
 دیوان عشقی خان ترک ۵۴۹  
 دیوان عصار تبریزی ۲۰۳  
 دیوان عصمت بخاری ۷۸۷، ۲۹۶  
 دیوان عطار ۱۱۴-۱۱۵  
 دیوان علاءالدین خیام خراسانی ۷۴۹  
 دیوان علی اکبر خان ثانی هروی ۵۴۴  
 دیوان علی بن ابی طالب ۲۶۸، ۶۶۶، ۸۳۷  
 دیوان علیشیر نوایی ۲۹۱  
 دیوان علیقلی خان اعظم شاملو ۶۶۷  
 دیوان علی نقی کمره‌ای ۵۰۹  
 دیوان عمادی شهریار ۸۳

- دیوان قسایدتقی‌الدین اوحدی ۳۸۰  
دیوان قساید و غزلیات اوحدی بلیانسی  
۳۸۰  
دیوان قساید و غزلیات سیفی عروضی  
۲۹۳  
دیوان قطران ۴۸  
دیوان قندمکرر ۳۸۰  
دیوان قوامی رازی ۸۴  
دیوان قوسی تبریزی ۸۳۸  
دیوان کاتبی ۲۹۸  
دیوان کبجج تبریزی ۷۶۳  
دیوان کسایبی مروزی ۳۷  
دیوان کمال‌الدین اسمعیل ۱۵۸، ۳۳۸  
دیوان کمال‌پاشا زاده ۸۱۱  
دیوان کمال‌خجندی ۲۱۱  
دیوان کوهی ۵۷  
دیوان گلشنی بردعی ۷۰۴  
دیوان لامعی برسوی ۳۹۰  
دیوان لامعی گرگانی ۵۰  
دیوان لسانی ۴۳۶  
دیوان لطف‌الله نیشابوری ۲۱۰  
دیوان مانی شهدی ۳۱۳  
دیوان ماهر اردبیلی ۷۰۴  
دیوان مجد خوانی ۷۵۸  
دیوان مجدهمگر ۱۶۲  
دیوان مجرم شاملو ۶۵۸  
دیوان «چچیل‌الدین بیلقانی ۱۰۷  
دیوان محتشم ۸۰۵  
دیوان محمد معصوم نامی تتوی ۳۵۹  
دیوان محمد یوسف گدا ۲۱۶  
دیوان محمود افروش‌های ۳۵۸  
دیوان محمود بیک سالم ۵۰۵  
دیوان محمود ذنگی عجم ۷۷۰  
دیوان محمود قافان ۷۷۷  
دیوان محنتی بخارا بی ۵۷۷  
دیوان محنتی میانکالی ۵۹۲  
دیوان مختاری ۷۷  
دیوان مختوم نیشابوری ۳۲۵  
دیوان مسعود بیک ۷۷۳  
دیوان مسعود سعد سلمان ۴۴  
دیوان مشفق بنخارا بی ۵۶۹  
دیوان مطهر بن عبدالله حسینی ۲۱۵  
دیوان مطهر کر ۲۲۳  
دیوان مظالم ۲۶۶  
دیوان مظهر کشمیری ۸۳۲  
دیوان معاذی تبریزی ۳۴۱  
دیوان معزی ۸۲  
دیوان معین‌الدین سکزی ۱۵۴  
دیوان مقطعات و مطایبات و اهاجی ۳۸۰  
دیوان معیمی ۵۰۵  
دیوان ملا کلوج رحید ۶۴۷  
دیوان ملا نصر الله واقف خلخالی ۷۰۶  
دیوان ملک قمی ۴۳۴  
دیوان منصور تبریزی ۶۳۷  
دیوان منوچهری ۴۲  
دیوان مهری ۳۴۹  
دیوان میررستم سمرقندی ۵۸۵  
دیوان میرزا پر خوردار همدی ۵۵۷  
دیوان میرزا بیک سپهری زوارچی یازواره‌ای  
۵۲۳  
دیوان میرزا قاسم ساغرچی منشی و انشایی  
۵۸۶  
دیوان میر کرمانی ۲۰۹  
دیوان میر محمدخان غزنوی ۶۵۱  
دیوان میرمخدوم نیشابوری ۷۹۲  
دیوان ناصر خسرو ۵۹  
دیوان نانک ۴۸۶  
دیوان نزاری تبریزی ۵۰۸  
دیوان نجیب‌چرفادقانی ۱۶۶  
دیوان نرگسی ۷۸۹  
دیوان نزاری ۱۷۰  
دیوان نسیمی ۷۸۹، ۳۳۶  
دیوان نصیرالدین طوسی ۳۰۵  
دیوان نظام‌الدین استرابادی ۴۴۶  
دیوان نظام‌الدین قمر ۱۷۲  
دیوان نظامی گنجوی ۱۰۶  
دیوان نظامی تبریزی ۵۵۶

ديوان نظيرى نيشابورى ۸۲۲، ۴۲۹  
ديوان نورالدين شوشترى ۶۶۴  
ديوان نورى اصفهانى ۴۶۰  
ديوان نورى سفيدونى ۵۴۳  
ديوان نوعى اصفهانى ۶۴۷  
ديوان نوعى خبوشانى ۴۳۴، ۸۲۴  
ديوان نويدى تربتى ۵۵۵  
ديوان نيكي اصفهانى ۵۱۱  
ديوان والهى بلخى ۵۲۶  
ديوان والهى قمى ۴۵۹  
ديوان وحشى باقى ۳۸۰، ۴۳۵، ۸۲۵  
ديوان وحيدى تبريزى ۷۰۷  
ديوان وقوعى تبريزى ۸۳۲  
ديوان ولى دشت بياضى ۵۰۸، ۴۵۸  
ديوان هاتفى ۳۱۴  
ديوان هجرى ۵۵۸، ۵۱۴  
ديوان هجرى جامى ۵۵۷  
ديوان همام تبريزى ۱۶۸  
ديوان همايون اسفراينى ۴۱۲، ۴۶۱  
ديوان يارى خراسانى ۶۳۷  
ديوان يحيى خان طالب گيلانى ۵۳۰

ذخاير الحكم ۱۲۳  
ذخيرة المعقبى فى ذم الدنيا ۸۱۵  
ذخيرة الملوك ۱۹۵، ۳۹۳  
ذخيرة خوارزمشاهى ۱۲۴، ۹۲  
ذروة الاولياء فى سيرة المصطفى ۲۳۶  
ذره و آفتاب ۵۸۷  
ذره و خورشيد ۴۲۵  
ذريعه الى مكارم الشريعة ۶۸  
ذكر ۴۰۱  
ذکرا ثبات المبدء والمعاد ۲۱  
ذکرا ثبات المعاد ۳۱  
ذکرا جازات الحديد فى القديم والحديث ۳۶۹  
ذكر الملوك فى اخبار سلاطين الهند ۳۷۰  
ذكر خفى المستجلب لاجرا لوفى ۱۴۸  
ذكر طريقة صوفيان بطريق خواجگان

۲۸۸  
ذكر يه ۱۹۵  
ذهاب المواب ۱۳۱  
ذوق (دور ساله) ۱۸۸  
ذوقيات ۱۸۸  
ذوقيات عقلية ومعقولات ذوقى ۳۹۷  
ذيل تاريخ طبرى ۲۳۸  
ذيل جامع التواريخ رشيدى ۲۳۸  
ذيل سير العباد الى المعاد ۲۴۵  
ذيل ظفر نامه شامى ۲۳۸  
راجه تارانگى ۳۶۹  
راجه تارانگينى ۳۶۹  
راجه ترنگينى ۳۶۰  
راحة الصدور وآية السرور ۸۰، ۸۸-۸۹،  
۱۴۵، ۱۱۹  
راحة القلوب حميد الدين ناگورى ۷۳۸  
راحة القلوب فريد الدين شكر گنج ۱۱۳  
راحة القلوب نظام الدين اوليا ۱۵۶، ۲۱۸،  
۷۶۶، ۷۳۵  
راحة المحبين ۲۱۸  
رازه ترنگ ۳۶۹  
راسته (رسالة) ۷  
راما يانا ۳۶۵  
راما بين ۳۶۵  
راه انجام نامه ۱۴۵  
راه نماى عقده گشاي ۸۱۶  
راى آراى ۷۲۸  
راى جهان آراى ۷۲۸  
رباب نامه ۱۹۷  
رباعيات ابو على قلندر ۱۹۷  
رباعيات اوصافيه واصنافيه ۸۰۶  
رباعيات خيام ۶۰  
رباعيات سحابى ۴۱۲-۴۱۳  
رباعيات سيد محمد فكرى ۴۱۹  
رباعيات شيخ يعقوب صرفى ۴۷۰  
ربط الحادث بالتقديم ۱۳۸  
ربط السور والآيات ۲۷۷

رسالة الشدد متعلقة بالعدد ٧٨٧  
رسالة الشرفيه فى تقاسيم العلوم اليقينية  
٧٣٨  
رسالة الشريفة فى النسب التأليفه ٧٣٣  
رسالة الفقر ٧٢٣  
رسالة القدس ٧٢٢  
رسالة المعاش ٧٨٨  
رسالة الملكيه ٣  
رسالة الندامه الي زاد القيامه ٧١٨.٦٠  
رسالة الهدى ٧٨٨  
رسالة فى الخضاب ٨١١  
رسالة فى العمل باسهل آة من قبل النجوم  
٧٧٩  
رسالة فى المحبه ٧٨٧  
رسالة فى تحقيق الالفاظ الفارسيه ٨١٢  
رسالة فى تحقيق لفظ الزنديق ٨١٢  
رساله فى تعريف السلطان ظل الله فى الارض  
٧٥٣  
رسالة فى جواب شيخ محمد مكيين ٣٩٤  
رسالة فى طبقات المجتهدين ٨١١  
رسالة فى طريق ذكر الخفى ٧٦٦  
رسالة فى لغة الفرس ٨١٢  
رسالة فى مدارج الوجود ومعارج الحدود  
٧٣٢  
رسالة فى مراتب الموجودات ٧٥٢  
رسالة ابعاد واجرام ٨٠٢  
رسالة استخراج ٢  
رسالة استخراجات ٢  
رسالة اسطرلاب قاسم على قايسى ٧٨١  
رسالة اعتقاديه ٤  
رسالة الهيات خفى ٨٤١  
رسالة انسانيه ٧٨١  
رسالة انسيه بهاء الدين نقشبندي ٧٦٦  
رساله برائى اميرزاده اسكندر ٧٥٣  
رساله برائى اميرزاده پير محمد ٧٥٣  
رساله بقائيه ٧  
رساله بهرام شاهيه ٤  
رساله بيروزى ومقاله نوروزى ٧٥٥  
رساله تربيت اثر بيدفيل ٧٥٣  
رساله جلاليه ٧٣٥  
رساله حرف ٧٥٣

رجع المجيب ٣٨٨  
رجع المعنطرات ٣٨٨  
رجع الأبرار ومختار الاخيار ١٩٧  
رجع المعارفين ١٢٢  
رجيعه ٢١٣  
رتبه الفاخره فى سلطنة الدنيا والآخره  
٣٠٢  
رجوع الشيخ الى صباه فى قوة الجاه ٨١٢  
رحل الرسول ٥٨  
رحيق التحقيق ٧٣٥  
رحيق المختوم لذوى العقول والفهوم  
١٣٢  
رحيقه ٢١٣  
رد الشيطان ٦٦٣  
رد النبوه ٥٢٠  
رد بر رساله در تحقيق عليه بودن حرف  
٢٦٧  
رد بر فصوص الحكيم ابن العربى ٣٩٤  
رد بر فلاسفه ٧٢٧  
رد بر مصادره اقليدس ١٢٨  
رد تصحيح ايمان فرعون ٦٦٣  
رد عصمة الانبياء ٦٦٣  
رد على بعض الاقوال شيخ احمد بن عبد الاحد  
سرهندي ٣٧٠  
رد على من طغى يارد على من طعن ٦٨  
رد مقدمات ترجمه الصواعق ٦٦٣  
رزق نامه حاج سلطان تها نيسرى ٨١٥  
رزق نامه عبدالقادر ربه اوني ٢٦٠  
رسالات بهايى ١٢٠  
رسالة ابي تجم الكاتبى فى اثبات واجب الوجود  
١٣٨  
رساله الادوار فى حل الاوتار ٧٣٢  
رساله الانس فى روح القدس ٧٢٢  
رساله الايقاع ٧٣٢  
رساله التنبيه على فطال جاهل والنبيه  
٨١٢  
رساله الذكر ٤٠١  
رساله النهبيه ٧٣٨  
رساله الساتر ٧٢٣  
رساله السياسه ٧٣٨

- رسالة المحسنية ۸  
رسالة حق اليقين ۴  
رسالة حقیقت ایمان ۴  
رسالة حل مشکل ۴  
رسالة خجسته ۳۵  
رسالة داوودیه ۴  
رسالة دایره ۷۱۰  
رسالة در اثبات بزرگی شیخ احمد جام  
۷۲۱  
رسالة در اثبات واجب خفري ۸۴۱  
رسالة در اصطلاحات صوفیه ۵۴۰  
رسالة در اصول حروفیه ۷۶۵  
رسالة در اصول وقواعد خط ۷۵۹  
رسالة در اعتقادات مذاهب ۷۶۰  
رسالة در امامت ۶۹۱  
رسالة در باب علمای دین ۴  
رسالة در بحر ان ۸۲۹، ۶۵۱  
رسالة در بیان طریق شطار ۱۱۶  
رسالة در بیان معنی ایمان اسلام ۲۵۳  
رسالة در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن  
۷۷۹  
رسالة در تحقیق آیه نور ۶۶۴  
رسالة در تحقیق انا نقطة التي تحت الباء  
۷۷۹  
رسالة در تحقیق سلسله جبریه ۸  
رسالة در تصوف ۷۸۲، ۵۴۴  
رسالة در تولد و تبرا ۷۳۰  
رسالة در حرمت نماز جمعه در ایام غیبت  
۶۶۴  
رسالة در حفظ الصحه ۸۲۹  
رسالة در حفظ صحت ۶۵۱  
رسالة در شق القمر ۷۷۹  
رسالة در صنایع شعر ۸۲۴  
رسالة در عروض و قافیه و صنعت شعر  
۸  
رسالة در عقاید و رسوم مردم تبریز ۵۲۹  
رسالة در علم حساب ۵۱۴  
رسالة در علم رمل خفري ۸۴۱  
رسالة در علم قافیه ۶۹۱
- رسالة در علوم ثلاثه ۷۵۳  
رسالة در فن قافیه ۲۸۸  
رسالة در قواعد خط ۸۱۶، ۷۳۷  
رسالة در قواعد معما ۶۳۱  
رسالة در معما ۸۲۹، ۶۵۱  
رسالة در مناقب عبیدالله احرار ۷۷۸  
رسالة در واجبات ترکی ۷۰۱  
رسالة در ویشیه ۴  
رسالة ذکر و فکر ۷۰۹  
رسالة در راسته ۷  
رسالة در بیبیه ۷۶۵  
رسالة در روحی آثار جانی ۵۲۹  
رسالة در فیه ۷۷۷  
رسالة شیبیه ۷  
رسالة صاحبیه ۷۲۲، ۱۱۱، ۲  
رسالة صفت الفقراء ۴  
رسالة صید ۷۸۱  
رسالة طریق شطار ۱۱۶  
رسالة عالیه ۵۴۰  
رسالة عروضی با بر ۶۰۷  
رسالة عشق ۳  
رسالة عقاید ۷۶۶  
رسالة علائیه ۷۲۲  
رسالة عینیه ۸۱۶  
رسالة غیریه ۸۱۶  
رسالة فریدون بن احمد سیهسالار ۷۳۹  
رسالة فلکیه ۷۸۰  
رسالة فنائیه ۷  
رسالة قدسیه بهاء الدین نقشبند ۱۹۲،  
۷۶۶  
رسالة قدسیه خواجه محمد یارسا ۱۹۲،  
۷۶۶، ۲۸۱، ۲۲۱  
رسالة قشیریه ۷۸۱  
رسالة لذات معینی استراپادی ۴۵۸،  
۵۱۸  
رسالة لذت ۵۱۸  
رسالة مبین ۶۰۷  
رسالة مشیبیه ۴



رسالة مصافحه ٦٢١	رموزات ١٨٩
رسالة معما ٢٠٠	رندوزاهه ٢٣٧
رسالة معماي شهاب معمايي ٧	روايح شرع ٢٧٣
رسالة معماي محمدقندهاري ٦	روايح ٢٦٥
رسالة معماي مير حسين ٦٣١	روح ١٨٩
رسالة معماي ميرزا جوجك ٥٨٧	روح الارواح ١٦٩
رسالة مقداريه ٨٣٠	روح القدس بيرجمالي ٨١٠، ٢٣٣
رسالة ملازاده ٢٣٧	روح القدس جمالي دهلوي ٨١٠
رسالة مناهيه ٣	روح القدس (از شرح الكنوز وكشف الرموز)
رسالة اموجليكه ٣	٢٣٣
رسالة موسيقى نجم الدين كوكبي ٦١٧	روح نامه ٣
رسالة نفسيه عرفي ٨١٩	روزنامه غزوات هندوستان ٢٥٠
رسالة وجوديه ٧٢٣	روشنايي نامه ٥٩
رسالة همدانيه ٣	روضات الجنات في اوصاف مدينه الهر،
رسالة يوحنا ١٢٧	٢٥٢
رسائل الاصحاح ١٧١	روضات الجنان و جنات الجنان ٣٨٣،
رسائل المتفرقه ابن فندق ١٢٣	٢٠٦
رسائل زين الدين خوافي ٧٧٨	روض البساتين في اخبار مولانا السيد
رسائل عربي رشيد و طواط ٩٣	عبدالقادر ١٣٢
رستم نامه ١٤	روض الجنان و روح الجنان ١٢٧
رسل نامه ٢٢٥	روض الظاهر في مناقب عبدالقادر ١٣٢
رشحات عين الحيوه ٢٤٨، ٢٨٥، ٣٨٤،	روضه الايرار ٢٧١
٨٣٧	روضه الاتقيا في ذكر الاوليا ٧٨٢-٧٨٣
رشد نامه ٢٠٤	روضه الاحباب في سيره النبي و آتال
رشديه ٢٠٤	والاصحاب ١٤١، ٢٤٠، ٢٤٥
رشيديه ١٩٠	روضه الازهار ٨٠٧
رشف النصايح الايمانيه في كشف فضايح	روضه الاصحاب ٢٦٢، ٣٧٣
اليونانيه ١٣٢، ١٨٥	روضه الانشا ٧٧٧
رضائيه ٣١١	روضه الانوار ٢٠٠
رضي نامه ٢٢٣	روضه الاوليا ٢٠٧
رفع شبهه مما س شدن زحل مكره نوات	روضه التسليم ١٣٩
٢٧١	روضه الجمال ٢٢٥
رقيات التشبيهات على خفايا المختلطات	روضه الجنان ٣٩٢
بالجد اول ١٢٤	روضه السلاطين ٣٧٦، ٨٢٥
ركنيه السجدتين ٦٦٣	روضه الشهداء ٢٢٦، ٢٣٧
رمز الوحي ١١٠	روضه الصفا ٨٠٧
رمل (رساله) ١٣٩	روضه الصفا في سيره الانبياء والملوك والخلفا
رمل (كتاب) ١١٢-١١٣	٢٣٩
رمل (منظومه) ٢٣٠	روضه الصفاي ناصري ٢٣٠

زاد العقويين ١٢٢  
 زايحة حامدي ٧٩٣  
 زبدة الأمار ٣٦٩  
 زبدة الإدراك في هيئة الافلاك ١٣٨  
 زبدة الأدوار ٢٦٢  
 زبدة الاسرار ٨٢٢  
 زبدة الألواح ٣٩٧  
 زبدة البيان في شرح آيات واحكام القرآن  
 ٣٩٦  
 زبدة التواريخ ابوالقاسم كاشاني ١٥١،  
 ٧٣٤  
 زبدة التواريخ باسنغري ٢٣٨  
 زبدة التواريخ حافظا برو ٧٧٤، ٢٣٨  
 زبدة التواريخ في ترجمة اشرف التواريخ  
 ٢١٦  
 زبدة الحقايق عزيز نسفي ١١٢  
 زبدة الحقايق عين القضاة ١١١، ١٣٩،  
 ٧٢٢، ١٩٣  
 زبدة السالكين ٤٠١  
 زبدة الطب ٧٢٧  
 زبدة الطريق ٢٨٤  
 زبدة الكلام ٣٥٧  
 زبدة النصر ونبذة العصر ١١٩  
 زبدة قوائين العلاج ٢٧٤  
 زجر النفس ١٤٥  
 ذرات فامة ١٧٣، ٧٢٣  
 ذند ١٠٥  
 زهدا لفاتح ٦٨  
 زهديات ١٠٩  
 زهره وخورشيد ٢٢٥  
 زورا ٢٦٧  
 زيغ اشرفي ١٥٢  
 زيغ الفاخر ٧١  
 زيغ ايلخاني ١٣٩، ١٥٢، ٢٧١  
 زيغ الغبيك ٥، ٢٥٠، ٢٦٨، ٢٧١، ٢٨٨  
 زيغ جامع سعيدي ٢٧١  
 زيغ خاقاني ٢٦٩  
 زيغ سلطاني محمود كازروني ١٤٨  
 زيغ سلطاني نجم الدين سترباريك ١٥٣

روضة الطالبين وعمدة السالكين ٦٨  
 روضة الطاهرين ٣٥٧  
 روضة العقول ١١٨  
 روضة القلوب ١٢٩  
 روضة المجاهدين ٨٠٧، ٣٩٦  
 روضة المحبين ٧٦٥، ٣١٧  
 روضة المذنبين ١٠٩  
 روضة المناظر ٧٥٠  
 روضة المنجمين ٦٣  
 روضة الناظر ١٣٢  
 روضة الناظر ونزهة الخاطر ٧٥٧  
 روضة الواعظين ٢٢٢  
 روضة اولي الالباب في التواريخ والانساب  
 ١٣٣  
 روضة اطهار ٨١٧  
 روضة بستان ٢٩٩  
 روضة خلد ٣٨٣، ٧٥٨  
 رياحين العقول ١٢٤  
 رياحين القلوب ٧٨٢  
 رياض الادوية ٢٨٢، ٣٩٩  
 رياض الافكار ٣٩٧  
 رياض الانشاء ٢٥٩  
 رياض الاوليا ٨١٧  
 رياض السير ٢٤٥  
 رياض الصالحين ٢٦٣  
 رياض الطالبين ٢٨٣  
 رياض العاشقين ٧٨٧  
 رياض الملوك في رياضات السلوك ٧٥٧  
 رياضة النفس ٦٨  
 رياض رضوان ٣٧٦  
 زاد الآخرة زواري ٣٧٢  
 زاد الآخرة غزالي ٦٨  
 زاد السالكين ٧٦  
 زاد المتقين في سلوك اليقين ٨٠٥، ٣٧٠  
 زاد المسافرين حسيني ١٦٩  
 زاد المسافرين ناصر خسرو ٥٩  
 زاد المشتاقين ٨١٣

سحاب المطر ۶۶۳  
 سحر حلال ۴۴۰  
 سحریات ۵۹  
 سخنان خواجہ یار سا ۲۸۸، ۲۶۶  
 سد سکندری ۲۹۱  
 سراج العوارین ۲۴۱  
 سراج السالکین و لطایف العارفین ۸۱۷  
 سراج السائیرین ۱۰۹، ۷۲۰  
 سراج العالچین ۴۴۵  
 سراج القلوب ۱۵۱  
 سراج المتعلمین ۷۸۲  
 سراج المسلمین ۲۹۱  
 سراجیہ ۷۵۳  
 سر سماء غیر متناہسی و حروف متناہسی  
 ۱۸۹  
 سر الاسرار ۳  
 سر البال فی اطوار سلوک اهل الحال ۱۴۸  
 سر البدایع ۷۲۸  
 سر المصون ۶۸  
 سر المکتوم فی اسرار النجوم ۶۸  
 سر لمکتوم فی مخاطبہ النجوم ۱۱۲  
 سر شربت و خنک بیت ۳۸  
 سر گشت ناصر خسرو ۵۹  
 سر مہ سلیمانی ۳۸۰  
 سر نامہ ۲۳۷  
 سر و تذرو ۶۸۹  
 سر یعہ الاثر فی انجیح المقاصد و کشف  
 الملعات ۱۳۸  
 سعادتنامہ (درانشا) ۴  
 سعادتنامہ (شیستری) ۱۷۰  
 سعدوسعید ۴۵۸  
 سعدیہ ۴۰۶  
 سعی لصفاء ۲۹۴  
 سفر ۱۱۵  
 سفر السعاده سید عبدالاول ۳۷۲  
 السعاده محمد بن حجه الاسلام عیانی  
 ۸۱۳  
 سفر نامہ جمالی دهلوی ۳۱۲، ۴۰۵  
 سفر نامہ روح ۴۴۷

زیج سنجرى ۴۳  
 زیج قیث الدین جمشید ۲۶۹  
 زیج قطبی ۱۵۳  
 زیج ملخص میرزایی ۲۷۰  
 زیج ملکشاہی ۶۰  
 زیج یمنی ۷۰  
 زین الاخبار ۲  
 زینۃ الاوراق ۸۰۷  
 زینت نامہ ۹۷

### س

ساختن اسطرلاب ۲۶۹  
 ساز و پیرایہ شاہان پرمایہ ۱۴۵  
 ساقی نامہ اقدسی ۵۱۷  
 ساقی نامہ امیددرازی ۴۴۱  
 ساقی نامہ یرتوی ۴۶۵  
 ساقی نامہ ثنائی ۴۱۷  
 ساقی نامہ شکیبی ۴۲۳  
 ساقی نامہ صوفی مازندرانى ۵۳۸  
 ساقی نامہ ظہوری ترشیزی ۴۴۵، ۸۲۶  
 ساقی نامہ عرفی ۴۱۷  
 ساقی نامہ غریبی بلیانی کازرونی ۷۱۰  
 ساقی نامہ ملا احمد استرآبادی ۶۶۶  
 ساقی نامہ نوعی ۸۲۴  
 سام نامہ ۱۴  
 سام نامہ خواجو ۲۰۰  
 سائر ۷۲۴  
 سیحہ الابرار ۲۸۷، ۴۴۵  
 سیحہ فی النصایح والحکم ۲۸۸  
 سیزیری ۷۲۱  
 سبۃ جامی ۲۸۷  
 سبۃ سیارۃ علیشیر ۲۹۱  
 سبۃ سیارۃ قاضی نور اللہ ۶۶۳  
 سبۃ نویدی و عہدی شیرازی ۴۴۴  
 ستہ ضروریہ ۲۹۱  
 ستہ ضروریہ طبیہ ۳۹۹  
 شینی ۱۱۳  
 سجنجل ۸۰۷  
 سجنجل الارواح ۱۱۶

- سفرنامه ناصر خسرو ۶۹  
سفرنامه نزاری ۱۷۰  
سفینه السکینه ۳۸۰  
سفینه مراد ۶۷۳  
سکینه السالکین ۱۱۶  
سلاح نامه علایی ۷۱  
سلامان و ایسال ۱۴  
سلامان و ایسال جامی ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰  
سلب اوصاف ۱۸۸  
سلجوقنامه ۱۵۰  
سلجوقنامه ظهیرالدین لیشابوری ۸۸،  
۱۱۹، ۲۳۸  
سلجوقنامه قانعی ۱۶۱  
سلسله الذهب ۲۸۷، ۵۴۹  
سلسله الصدیقین ۴۰۱  
سلسله العارفین ۳۸۳، ۷۷۸، ۷۸۰، ۸۱۷  
سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین ۲۶۴،  
۲۸۳  
سلسله النقشبندیه ۲۸۸  
سلسله نامه خواجگان نقشبند ۳۸۰،  
۴۰۶  
سلسله عالیہ ۷۸۱  
سلطان نامه ۷۲۸  
سلطانیہ ۱۴۳  
سلم السلوک ۱۸۵  
سلم السماوات ۸۱۳  
سلم السماء ۲۶۹-۲۷۰  
سلوان المطاع ۷۵۷  
سلوة الطالبین ۳۰۳  
سلوة العاشقین ۷۲۲  
سلوة العاشقین و سکنۃ المشتاقین ۱۴۸  
سلوة القلوب روزبهان ۷۲۲  
سلوة القلوب شاه داعی ۳۱۱  
سلوک سهروردی ۱۴۲  
سلوک شاه ولی ۱۸۹  
سلوک نجم الدین کبری ۱۱۶  
سلوک نوربخش ۳۱۹  
سلوک الرجال ۴۰۲  
سلوک الطريق اذا فقد الرفیق ۴۰۲
- سلوک الغزاة ۴۰۲  
سلوک الملوک ۲۵۲  
سليمان و بلقيس ۳۶۴  
سليمانیہ ۸۱۴  
سليم نامه ادایی ۳۳۹  
سليم نامه ادريس بدليسی ۲۵۴  
سماعیہ ۴۰۱  
سمرقندیہ ۱۰۹  
سقط العلی للحضرة العلیا ۱۴۹  
سمع الظہیر فی جمع الظہیر ۱۰۰، ۱۲۸  
سنگ عیار ۱۳۳، ۷۵۵  
سوم ابن فندق ۱۲۳  
سوم عماد الدین محمود شیرازی ۳۹۹  
سنابل ۵۴۰  
سنجریہ فی الکائنات المنصریہ ۱۳۱  
سندیادنامه ۱۱۴، ۲۱۰، ۲۹۰-۱۲۸، ۵۳، ۳۰  
سندیادنامه ظہیری سمرقندی ۱۰۰  
سندخرقه و سؤال و جواب سلطان سکندر  
۱۸۹  
سواد الاعظم ۷۱۶  
سواد العین خفزی ۳۸۵  
سواد العین دوانی ۲۶۷  
سواطع الالهام ۳۶۴  
سواطع المریخ ۲۴۷  
سؤال صاحب دیوان ۱۶۸  
سؤال و جواب ۱۸۹  
سؤال و جواب امام علی حکیم ترمذی  
۱۸۹  
سؤال و جواب بابا افضل ۱۴۵  
سؤال و جواب قاسم انوار ۲۹۲  
سؤال و جواب ملا عصمه الله ۷  
سؤال و جواب هندوستان ۳۸۸  
سوانح الايام فی مشاهدات العوام ۱۹۰  
سوانح فی معانی العشق ۱۱۱، ۶۹  
سورة آل عمران ۲۴۶  
سورة اخلاص ۴۲۸  
سورة يوسف ۱۸۳، ۲۴۴  
سوز و گداز احمد جام ۱۰۹  
سوز و گداز نوعی خوبشانی ۴۳۴، ۸۲۴



- شرح اثبات الواجب دوانی ۶۹۱  
شرح اربعین نووی فسیح الدین بن عبد-  
الکریم نظامی ۴  
شرح اربعین نووی مصلح الدین لاری  
۳۵۶  
شرح ارشاد الهادی تفتازانی ۲۷۳  
شرح ارشاد فی الفروع الشافعیة وتعلیقه  
۳۵۶  
شرح اسماء الله الحسنی شاه ولی ۱۸۹  
شرح اسماء الله الحسنی صدر الدین قونیوی  
۱۵۰  
شرح اسماء الله الحسنی فخر رازی ۱۱۲  
شرح اسماء الله میر سید علی همدانی ۴  
شرح اشارات شیخ اشراق ۱۱۰  
شرح اشارات فخر رازی ۱۱۲  
شرح اشعار امام علی بن ابی طالب ۸۱۸  
شرح اشکال التامیس سمرقندی ۶۹۱  
شرح اصطلاحات وسیط شیخ کمال الملک والدین  
بطریق الجدید ۱۸۹  
شرح اصول بزوی ۲۶۵  
شرح اصول کافی ۱۳۸  
شرح الاحادیث الاربعینیة ۱۵  
شرح التعرف لعنہب التصوف ۲۹  
شرح التفتیر ۸۱۲  
شرح التہافت ۱۳۸  
شرح العجب والامتار فی مقامات اهل الانوار  
۷۲۱  
شرح الحماسہ ۱۲۴  
شرح الشفا العوضوع لبیان شرف المصطفی  
۳۹۴  
شرح الشمسیہ ۳۷۰  
شرح الصدور بتفسیر آية النور ۲۷۰  
شرح الفصول البقرات ۱۹۰  
شرح القلب ۱۱۴  
شرح الکنوز وکشف الرموز ۲۴۴  
شرح الملخص جمعینی ۸۰۷  
شرح الموجز المعجز ۱۹۳  
شرح الموجز فی الطب ۲۷۲  
شرح الواصلین پیر جمالی ۲۴۴، ۳۱۲
- شرح الواصلین جمالی دهلوی ۴۰۵  
شرح الوقایہ ۳۹۵  
شرح الوقایہ صدر الشریعہ بخارایی ۱۵۵  
شرح الولد سرا جیہ ۴۰۱  
شرح الھیات تجرید ۳۹۶  
شرح ایساخوجی حکیم شاه محمد ۲۷۷  
شرح ایساخوجی سروری ۳۹۲  
شرح باب حادی عشر ۳۶۸  
شرح برزوراء ۲۶۷  
شرح بهشتی ۲۹۵  
شرح بوستان ۳۹۳  
شرح بیت حضرت امیر خسرو دهلوی  
۱۹۶  
شرح بیت قران السعدین خسرو دهلوی  
۲۸۸  
شرح بیٹی از حافظ ۲۶۷  
شرح بیٹی از گلشن راز ۲۶۷  
شرح بیتین از مثنوی مولوی ۲۸۸  
شرح بیست باب اسطرلاب ۳۸۴  
شرح بیست باب خواجہ نصیر از عبدالکریم  
نظامی ۲۶۹  
شرح بیست باب خواجہ نصیر از کمال الدین  
حسین اردبیلی ۶۹۱  
شرح بیست باب خواجہ نصیر از محمد بر سوی  
۲۷۲  
شرح بیست باب خواجہ نصیر از نظام الدین  
حسینی ۲۷۱  
شرح بیست باب عبدالعلی بیر جندی ۸۰۶  
شرح تجرید احمدنا پیوردی ۳۹۲، ۴۴۲  
شرح تجرید العفاید ۳۷۵  
شرح تجرید القواعد خواجہ نصیر ۱۹۱  
شرح تجرید خواجہ نصیر ۲۶۹-۲۷۰،  
۵۴۸  
شرح تجرید قوشچی ۲۶۶، ۶۶۳  
شرح تجرید کمال پاشا زادہ ۸۱۱  
شرح تجرید ملا علی قوشچی ۲۶۶، ۶۶۳  
شرح تجرید منصور دشتکی ۲۷۶  
شرح تجرید میر سید شریف ۷۹۰  
شرح تجرید اقلیدس ۶۹۱

- شرح خطبة مواقف ۶۶۲  
شرح داود بن علی شادیا بادی ۸۱  
شرح دایرة علی بن ابی طالب ۶۸  
شرح درالنظیم فی خواص قرآن العظیم ۸۰۶-۸۰۷  
شرح دعاء الصباح والمساء ۶۶۳  
شرح دیباچه طوابع الانوار بیضاوی ۲۶۷  
شرح دیباچه گلستان سندی ۳۹۰  
شرح دیوان حافظ بترکی ۳۹۳  
شرح دیوان حافظ سودی بسنوی ۲۰۶، ۸۱۸  
شرح دیوان حافظ شعی ۸۱۸  
شرح دیوان حافظ مصطفی سروری ۲۰۶  
شرح دیوان حضرت امیر ۲۶۸  
شرح دیوان علی بن ابی طالب ۲۶۸  
شرح رباعی ابوسمید ابوالخیر ۶۶۳، ۷۹۵  
شرح رباعیات جامی ۲۸۸  
شرح رباعیات دوانی ۲۶۷  
شرح رباعیات یعقوب چرخ ۲۶۵  
شرح رباعیات یعقوب صر فی ۴۷۰  
شرح رباعی حورائیه ۷۹۵  
شرح رساله الادوار شهاب الدین صیرفی ۷۳۲  
شرح رساله الادوار فی حل الاوتار ۷۳۲  
شرح رساله الادوار لطف الله صر قندی ۷۳۲  
شرح رساله الطیر ابن سینا ۳۱  
شرح رساله الطیر ابن فندق ۱۲۴  
شرح رساله الطیر زین الدین ساوجی ۱۳۰  
شرح رساله العلم ۱۳۸  
شرح رساله الوضع عضد الدین ایچی ۲۸۸  
شرح رساله فی جوهر المفارق ۲۶۷  
شرح رساله اثبات واجب دوانی ۳۹۳  
شرح رساله جعفریه ۳۶۸  
شرح رساله در بیان طریق شطار ۱۱۶  
شرح رساله ذوالاعتبار ۳  
شرح رساله زوراه ۳۵۶  
شرح رساله طریق شطار ۱۱۶
- شرح تخریر مجسطی ۳۸۴  
شرح تحفة العراقین مولوی حسن ۱۰۴  
شرح تحفة العراقین مولوی عبدالبادی ۱۰۴  
شرح تحفة العراقین مولوی کریم الدین ۱۰۴  
شرح تحفة العراقین میر محمد اسماعیل خان ابجدی ۱۰۴  
شرح تذکره النصیریه ۶۹۱، ۲۸۳  
شرح تشریح الافلاک ۶۶۳  
شرح تصریف عزیزی ۱۹۱  
شرح تصور و تصدیق شمسیه ۱۹۱  
شرح تلخیص محمد ۷۸۲  
شرح تمهیدات ۷۲۲، ۱۹۶  
شرح تہافت کمال پاشا زاده ۸۱۲  
شرح تہذیب اصول ۳۶۸  
شرح تہذیب الاصول علامہ ۶۹۱  
شرح تہذیب المنطق والكلام تفتازا ۲۶۷  
شرح ثلاثیات بخاری ۳۹۴  
شرح ثمرہ بطلموس ۱۳۹  
شرح جام جهان نما ی احمد بن موم ۷۶۳  
شرح جام جهان نما نعمت الله ۷۶۳  
شرح جام جهان نما وجیه الدین علوی ۷۶۳  
شرح جامی ۶۶۳  
شرح جوهر الاسلام ۷۸۰  
شرح جنمینی ۶۹۱، ۶۶۳  
شرح حال عرفا ۲۸۸  
شرح حدیث ۱۵۰  
شرح حدیث ابی ذر العقیلی ۲۸۸  
شرح حدیث اربعین ۲۸۸  
شرح حدیث الناس ۷۵۰  
شرح حکمت الاشراف ۲۶۳، ۱۴۷  
شرح حکمة العین ۳۳۲، ۲۶۸  
شرح خطبة البیان ۶۵۶  
شرح خطبة العزیدی ۶۶۳

- شرح رسالة علاءة قوشچی در تفصیل قوس -  
 الليل وقوس النهار ۶۰۸  
 شرح رسالة قشیریه ۷۸۱، ۱۹۶  
 شرح رسالة معمای جامی ۳۹۳  
 شرح رسالة معمای علی کر ۳۹۳  
 شرح رسالة میر حسین معمای ۶۳۱، ۳۹۳  
 شرح رسالة نجم الدین کبری ۲۵۶  
 شرح رسالة نفس الامر ۷۵۰  
 شرح رسالة هیئت علاء علی قوشچی ۴۵۶  
 شرح زیج الخ بیک ۳۸۴  
 شرح سراجیه ۷۵۳  
 شرح سقط الزند ۱۱۳  
 شرح سؤال کمیل از حقیقت ۱۸۸  
 شرح سورة یوسف ۱۲۶  
 شرح سی فصل بدد طبری ۲۷۱  
 شرح سی فصل علامه دوانی ۲۶۷  
 شرح شاقیه ابن حاجب ۲۲۰  
 شرح شبستان خیال ۳۹۳  
 شرح شش دفتر مثنوی ۶۶۴  
 شرح شعر البهتری و ابی تمام ۱۲۴  
 شرح شفای قاضی عیاض ۷۷۴  
 شرح شمایل ۳۹۴  
 شرح شمسیه ۶۹۱، ۶۶۳  
 شرح شمسیه در حساب ۸۰۷  
 شرح شمسیه سید محمد همدانی ۷۷۳  
 شرح شمعی ۲۰۶  
 شرح شواهد مطول ۶۸۹  
 شرح شواهد مفتی اللیب ۶۸۹  
 شرح شهاب الاخبار ابن فندق ۱۲۴  
 شرح شهاب الاخبار حسین بن علی رازی  
 ۱۲۷  
 شرح شهاب الاخبار قطب الدین راوندی  
 ۷۲۹  
 شرح صد کلمه علی بن ابی طالب رشید و طواط  
 ۹۲  
 شرح صد کلمه علی بن ابی طالب قطب الدین  
 راوندی ۷۲۹  
 شرح صد کلمه علی بن ابی طالب  
 میبدی ۷۷۹
- شرح صراط المستقیم ۳۶۹  
 شرح طوالع ۳۳۲، ۲۶۵  
 شرح طوالع الانوار ۳۷۶  
 شرح عضدی ۳۷۶  
 شرح عقاید العضدیه ۸۱۵، ۲۷۷، ۲۶۷  
 شرح عقاید اهل الاسلام ۷۸۲  
 شرح غزلی از حافظ ۲۶۷  
 شرح غنیه الطالبین ۳۷۱  
 شرح فارسی دعای اقلونی یا ثقاتی ان فی  
 قتلی حیونی ۷۵۰  
 شرح فارسی رسالة فی الموضع ۲۶۳  
 شرح فرایض دانشمند ۳۹۲  
 شرح فرایض سراجیه ۱۹۱  
 شرح فصوص الحکم بابا افضل ۱۳۵  
 شرح فصوص الحکم جامی ۲۸۸  
 شرح فصوص الحکم صابن الدین علی سرکه  
 ۳۵۱، ۲۷۵  
 شرح فصوص الحکم کمال الدین عبدالرزاق  
 ۷۵۸  
 شرح فصوص الحکم میر سید علی همدانی  
 ۷۵۳  
 شرح فصوص شاه ولی ۱۸۹  
 شرح فقه الاکبر ابو حنیفه ۱۹۶، ۳۹۴،  
 ۸۳۴  
 شرح فواید البهائیه ۳۸۵، ۲۸۳  
 شرح فواید النیائیه ۲۷۳  
 شرح قانون ۱۸۳  
 شرح قصیده التائیه فی احوال النفس ۲۶۷  
 شرح قصیده ابن الفارض ۲۷۵  
 شرح قصیده بدایع الاسرار فی صنایع الاشعار  
 ۷۵۵  
 شرح قصیده برده جامی ۲۸۸  
 شرح قصیده برده شرف الدین علی یزدی  
 ۲۴۹  
 شرح قصیده برده فضل الله بن روزبهان  
 ۲۵۲  
 شرح قصیده برده محمد بن جلال بن سلیمان  
 ۸۱۰  
 شرح قصیده نائیه ابن الفارض ۲۸۸



شرح گلشن راز عبدالرحیم خلوتی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز قاضی حسین میبیدی ۲۶۸، ۷۴۳  
 شرح گلشن راز کمال الدین حسین اردبیلی ۶۹۱، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز محمد بن یحیی بن علی لاهیجی ۱۶۹  
 شرح گلشن راز مظفر الدین علی شیرازی ۷۳۲، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز معین الدین محمد دهمدار ۷۴۲  
 شرح گلشن راز متسوب عبدالرحمن جامی ۱۶۹  
 شرح لمعات برهان الدین ختلانی ۱۶۴، ۷۴۱، ۲۸۴  
 شرح لمعات خاوری ۱۶۴  
 شرح لمعات درویش علی بن یوسف ۱۶۴  
 شرح لمعات شاه ولی ۱۸۹، ۱۶۴  
 شرح مائتة عامل ۲۸۸  
 حدوث العالم نمودج دوانی ۶۶۳  
 شرح مثنوی جامی ۲۸۸  
 شرح مثنوی حسین کاشفی ۲۴۷  
 شرح مثنوی سروری ۳۹۳  
 شرح مثنوی شاه داعی ۷۸۷، ۳۱۱  
 شرح محمد بن عبدالرزاق دنبلی ۸۱  
 شرح مختصر الاصول ۱۸۳  
 شرح مختصر الاصول ابن حاجب ۱۴۷  
 شرح مختصر الاصول عضدی ۱۹۱  
 شرح مختصر دیوان حافظ ۸۱۸  
 شرح مختصر عضدی ۶۶۳  
 شرح مخزن الاسرار ۲۸۸  
 شرح سراج الارواح سروری ۳۹۳  
 شرح سراج الارواح کمال یاشازاده ۸۱۴  
 شرح مروز الحکمه ۱۳۸  
 شرح مشکلات المقامات الحریری ۱۲۳  
 شرح مشکلات چغمینی ۳۸۵  
 شرح مشکلات گلستان سعدی ۸  
 شرح مشکلات دیوان حافظ ۲۰۶

شرح قصیده عطار ۲۸۸  
 شرح قواعد التوحید ۷۷۹  
 شرح کافیة جامی ۶  
 شرح کافیة حکیم شام محمد ۲۷۷  
 شرح کافیة رضی الدین استرآبادی ۱۹۱  
 شرح کافیة ملا علی قوشچی ۲۷۰  
 شرح کافیة میر سید شریف ۱۹۱  
 شرح کتاب النفس ارسطو ۳۱  
 شرح کلمات قصار طاهر عریان ۷۱۵، ۷۲۲  
 شرح کلمات قصار علی بن ابی طالب ۲۲۹  
 شرح کلمتی الشهاده ۲۶۷  
 شرح کلمة توحید ۳۹۸  
 شرح گلشن راز احمد بن موسی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز احمد فانی شیرازی دهمدار ۶۵۶  
 شرح گلشن راز ادریس بن حسام الدین بدلیسی ۷۳۲، ۴۵۴، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز اسیری ۷۴۲، ۳۴۱  
 شرح گلشن راز امین الدین تهریزی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز جلال الدین دوانی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز حاج محمد ابراهیم سبزواری ۱۶۹  
 شرح گلشن راز حسین بن اسمعیل قاسمی ۲۶۲  
 شرح گلشن راز سید یحیی خلوتی ۷۸۳  
 شرح گلشن راز شاه جلال بخاری ۸۱۲  
 شرح گلشن راز شاه داعی شیرازی ۷۴۲، ۷۸۷  
 شرح گلشن راز شاه نعمت الله ولی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز شجاع الدین کربالی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز شمس الدین اسیری لاهیجی ۷۴۲، ۳۴۱  
 شرح گلشن راز شیخ با نعمت الله نخجوانی ۷۴۲، ۲۸۲، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز شیخ زاده لاهیجی ۷۴۲، ۷۸۹  
 شرح گلشن راز صابن الدین علی ترکه ۴۵۱، ۷۷۹، ۷۴۲

- شرح مشکوة المعاصی ۸۳۴
- شرح مصابیح ۷۳۱
- شرح مطالع ۶۹۱، ۷۹۰
- شرح مطالع باغذوی ۳۸۹
- شرح مطالع ساقی استرابادی ۴۴۴
- شرح مطالع کمال الدین حسین خوارزمی ۶۸۹
- شرح مطالع میرسید شریف ۱۹۱
- شرح مطول ۱۹۱
- شرح معنیات میرحسین معصومی ۲۸۸، ۲۹۳
- شرح معنیہ ۲۸۸، ۲۹۳
- شرح معنی ۶۳۳
- شرح معانی الغیب ۲۸۸
- شرح مفتاح ۳۸۶
- شرح مفتاح العلوم ساکی ۱۹۱
- شرح مغسل دیوان حافظ ۸۱۸
- شرح مقاصد ۵۴۸
- شرح ملامت ۴۰۳
- شرح منار الانوار ۲۸۳، ۳۸۵
- شرح منازل السائرین ابراهیم حنبلی ۷۱۸
- شرح منازل السائرین ابو یعقوب یوسف همدانی ۲، ۷۱۸
- شرح منازل السائرین زین الدین خواری ۷۱۸
- شرح منازل السائرین سید الدین ابو محمد عبدالمعطی بن ابوالثنا محمود بن عبدالمعطی لخمی اسکندری ۷۱۸
- شرح منازل السائرین شمس الدین شبستری ۷۱۸
- شرح منازل السائرین شمس الدین محمد تبادکانی ۷۸۱
- شرح منازل السائرین عبدالرؤف مناوی ۷۱۸
- شرح منازل السائرین عقیب الدین سلیمان ابن علی تلمسانی ۸۱۸
- شرح منازل السائرین کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ۷۱۸، ۷۵۸
- شرح منازل السائرین محمود بن حسن بن محمد فرکاوی قادری ۷۱۸
- شرح منازل السائرین کمال الدین حسین ابن شهاب الدین اسمعیل طیبی گازی - گاهی هروی ۲۸۴، ۷۱۸
- شرح منازل السائرین یوسف بن عبداللہ کورانی ۷۱۸
- شرح مواقف عقد الدین ایچی ۱۹۱، ۳۳۲، ۶۹۱، ۵۶۱
- شرح نزہة الارواح ۵۴۰، ۷۴۲
- شرح نصاب الصبیان ابن حسام ۹۰
- شرح نصاب الصبیان عبدالکریم دشت بیاضی ۲۷۵
- شرح نصاب الصبیان محمد بن فصیح دشت بیاضی ۹۰
- شرح نصاب الصبیان محمد حسین طالقانی ۹۰
- شرح نصاب الصبیان محمد قہستانی ۲۷۵
- شرح نصاب الصبیان میرسید شریف ۹۰
- شرح نصاب الصبیان نظام بن کمال هروی ۲۷۵
- شرح نقایہ ۳۸۴
- شرح نقایہ مختصر الوقایہ ۲۸۸
- شرح نهج البلاغۃ ابوالحسن بیہقی ۲۴۷
- شرح نهج البلاغۃ الہی اردبیلی ۶۹۱
- شرح نهج البلاغۃ عزالدین آملی ۳۹۶
- شرح نهج البلاغۃ فتح اللہ کاشانی ۳۷۴
- شرح نهج البلاغۃ فخرالدین زواری ۳۷۱
- شرح نهج البلاغۃ قطب الدین راوندی ۷۲۹
- شرح نهج الدعوات ۶۹۱
- شرح ورد المریدین ۵۴۰
- شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی ۲۵۲، ۷۷۵، ۷۲۲
- شرح وقایہ محمد صالح جزوانی ۴۰۲
- شرح وقایہ ملامت ۱۵۵
- شرح ہدایہ اثیریہ ۲۷۳، ۲۴۰، ۶۹۱
- شرح ہدایہ کمال پاشا زادہ ۸۱۱
- شرح ہدایہ میبدی ۶۶۳، ۷۰۶
- شرح ہیاکل النور دوانی ۴۶۷، ۷۷۹
- شرح ہیاکل النور منصور دشتکی ۳۷۶
- شرح یسینی ۷۵۵
- شرح منازل السائرین محمود بن حسن بن

شمع و پروانه اهلی شیرازی ۳۹۰، ۳۴۰	شرحینا بیع ۷۶۸
شمع و پروانه خاککی و سروشی بلخی ۵۸۷	شرح یوسفی ۲۰۵
شمع و پروانه عبدالله شبستری ۳۴۰	شرف الانسان ۳۹۰
شمع و پروانه کمال الدین تاشکندی ۶۲۵	شرف الباهر ۱۳۲
شیر نامه ۳۶۶	شرف نامه احمد منیری ۲۵۸
شوا کل الحور ۷۷۹	شرف نامه شاهی ۴۸۸
شواهد النبوه ۳۹۰	شرف نامه شرف الدین بدلیسی ۳۸۲
شواهد النبوه لتقوية يقين اهل المشوه	شرف نامه نظامی ۱۰۵
۲۸۸	شرفیه صفی الدین ارموی ۱۴۷
شهاب الاخبار ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹	شرفیه منشی شیرازی ۳۹۸
شهر آشوب العتی عراقی ۴۵۲	شروط ۱۵۵
شهر آشوب سید کاظم کاظمی هروی ۷۸۹	شریفة النوریه ۱۸۹
شهر آشوب شقایبی اصفهانی ۵۱۵	شریفیه در معما ۳۲۵
شهر آشوب عزیز سیعی حسنی ۴۳۰	شریفیه میر سید شریف ۷۵۳
شهر آشوب لسانی شیرازی ۴۳۶	شش فصل ۲
شهر آشوب وحیدی قمی ۵۶۷	شطحیات ۱۰۹
شهرانکین برای مردم تبریز ۷۰۷	ب الامام ۱۵۰
شهریار نامه ۱۴	شعب الایمان ۲۷۲
شهریار نامه مختاری ۷۷	شفا ۱۳۰، ۵۲۰
شهنشاه نامه قاسمی ۵۰۸	شفاء الاسرار ۷۸۳
شیبانی نامه ۳۱۰	شفاء الاسقام ۲۷۳
شیبیه جلال الدین کاشانی ۷	شفاء السالك فی ارسال مالک ۳۹۴
شیبیه محتشم ۴۴۴	شفا علی الغلیل فی بیان مسأله التعلیل ۶۸
شیخ مستعان (قصه) ۲۹۱	شقای قاضی عیاض ۷۷۴
شیراز نامه ۱۸۶	شق القمر ۴۵۱
شیرین و خسرو خسرو دهلوی ۷۱	شقایق دقایق نعمانی ۷۸۰-۷۸۱
در ویش اشرف ۳۰۹	شکار نامه ۱۹۶
رین و خسرو محسن فانی رازی ۶۵۸	شکار نامه خسروی ۷۱-۷۲
شیرین و خسرو هاتمی ۳۱۵	شکایت نامه ۴۳۷
شیرین و فرهاد ۱۴	شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء الطدان
شیرین و فرهاد وحشی ۱۷۷، ۴۳۵، ۷۰۸	۱۱۱
۸۲۵	شمار نامه ۲
ص	شما یل النبی ۴۵۷، ۲۵۶
صاحبه ۲، ۱۱، ۱۱۱، ۷۲۷	شما یل ترمذی ۷۰۵
صاحبه سعدی ۱۶۸	شمس الآفاق ۷۸۴
صائیه ۴۴۴	الحسن ۷۵۹
صاحح المعجم ۱۸۴	شمسه و قبهه ۳۶۲
صاحح الفرس ۷۵۲	شمع دل افروز ۴۴۵
	امین الدین نزل آبادی ۳۰۴

صفوة الاخبار ٢٤١  
صفوة الصفا ٣٧٣  
صفوة اهل التحقيق ٢٤٤  
صفوة مشارب المشق ٧٢٢، ١٠٩  
صغير سمرغ ١١٠  
صلصلة الجرس ٥٤٩  
صلوة مسعودي ١٥٥  
صنايع الحسن ٨٢٥  
صنايع شمس ٢٠٩  
صندوق العمل ١١٠  
صنعت تطهير اسطرلاب ٣٢٦  
صوارم المهرقه ٦٦٣، ٣٨١  
صواعق المحرقه ٦٦٣، ٣٨١  
صوان الحكمة ١٢٤  
صوت (آهنگ) ٦٠١  
صور الاقاليه يا المسالك والممالك اصطخرى  
١٣٩، ٧١  
صور الكواكب ١٣٩  
صورت ومعنى ٤٢١  
صوفية نقشبندى ٨١٧  
صوله البازل الامون على ابن اللبون ١١١  
صيحه وصدأ ٢٦٦  
صيقل الارواح ١٦٠

### ض

ضوريات ٤٤٤  
ضوابط ٢٣٧  
ضوء ١٦٤  
ضوء المعاني ٧٧٩، ٤٥١، ٢٧٥  
ضياء الشهاب في شرح الشهاب ٧٢٩  
ضياء العقلى ٦٠  
ضياء القلوب ٢٩٨

### ط

طاعون وجواز فرار عنه ٢٥٤  
طالع مسائل ٣٨٦  
طالع نامه ٣٨٦  
طب الملوكى ٧٢٧  
طب سكندري ٨١٣

صباح اللغة ١٤٦  
صباح عجميه ٣٩٥  
صحايف السلوك ١٩٦  
صحبته نامه عمادقيه ٢٠٢  
صحبته نامه هماد نيرى ١٦٨  
صحت ومرض ٤٢٧  
صحيح السنن ٣  
صحيح بخارى ٣٧٢-٣٧٢، ٤٥١  
صحيفة الاخلاص ٨٠٧  
صحيفة الارقام ٨٢٤  
صحيفة العشاق ٤٣٠  
صحيفة الموده ارجوزه فى المكاتبات الى اعز  
واحبا به ٣٧٠  
صحيفة النور فى الحكمة ٣٨٦  
صحيفة لاريب ٤٤٣  
صحيفة شاهى ٢٤٧  
صدايات در معرفت اسطرلاب واثبات واجب  
١٣٩  
صد پند عبيدزادگانى ٢٠١  
صد پند طار ١١٥  
صد كلمة على بن ابى طالب ٩٢، ٢٨٨، ٣٠٩  
٧٧٩، ٧٢٩  
صد ميدان ٧١٧  
صدور خلق از حضرت حق ١٣٨  
صراح من الصحاح ١٤٤  
صراط المستقيم حسينى هروى ١٦٩  
صراط المستقيم محمد بن حجة الاسلام عيانى  
٨١٤  
صرف ٣٨٨  
صرف على اكبر ثابت هروى ٦٧٣  
صرف مير ١٩١  
صرف هوايى ٥٩٥  
صرف الملك ٤٠٣  
صغرى ١٩١، ٢٧٣  
صفات اثمانيه ٢٥٤  
صفات العاشقين ٤٠٩  
صفا نامه ٢٠٢  
صفت الفقراء ٤٤  
صفوة المشارب فى المشق ٧٢٢، ١٠٩

طوارق الانوار ١١٠  
طوالع ٣٦٥، ٣٣٢، ٧٣٠  
طوالع الانوار ٣٥٦  
طوالع التنوير ١١٦  
طوالع شمس ٧٣٨  
طوطى نامه ١٨٥  
طهارة الخمر ٣٩٦  
طبيبات ١٦٨  
طبر ابن سينا ١٢٣  
طبرغزالي ٦٨

### ظ

ظفر الاماني في مختصر الجرجاني ١٩١  
ظفر نامه ابن سينا ٣١  
ظفر نامه احمد آبار ٣٦٣  
ظفر نامه احمد حارون شاه ٢٣١  
ظفر نامه حمد الله مستوفى ١٣٣  
ظفر نامه شامى ٢٣٦، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٥٠  
ظفر نامه شرف الدين علي بن يزدى ٢٤١، ٢٤٨  
٢٩٥، ٣١٥، ٣٦٨، ٧٩٠  
ظفر نامه علي بن ملوك منشى ٢٥٣  
عادات السادات وسادات العادات ٣٤  
عارف الآثار ٨٠٨  
عالم آراى امينى ٢٥١  
عبارة الفصيحة في الوعظ والنصيحة ٢٠٢  
عباس نامه منظوم ٥١٢  
عبد الله نامه ٣٨٨  
عبد الله نامه حادى هروى ٥٨٩  
عبرت الناظرين ٧٥٧  
عبرت نما ٣٩٠  
عبر العاشقين ٧٢٣  
عنه الكتبه ٢  
عجالة الناسك في انتخاب المناسك ٢٠٢  
عجايب البلدان ٢٦١  
عجايب البلدان صاعد بن علي گرگاني ٧٧٧  
عجايب البلدان عبد العلي بيرجندى ٨٠٧  
عجايب العراق ٢٩٤

طب منصورى ٢٣، ٧١٥  
طب منظوم ٢٣٧  
طب نامى ٢٥٩  
طب يوسفى ٢٨٢  
طبقات اكبر شاهى ٣٥٧، ٣٥٩  
طبقات اكبرى ٢٥٩، ٣٦٦، ٥٣٤،  
٥٥٧  
طبقات الجلاليه ٢٦٧  
طبقات الشعراء في مدح الخلفاء والوزراء  
٧١٣  
طبقات الصوفيه ٥٨، ٢٢٨، ٧١٧  
طبقات الفتها ٨١٢  
طبقات المشايخ ٧١٧  
طبقات محمود شاهى ٢٣١  
طبقات محمودى ٦٣  
طبقات مسعودى ٦٤-٦٥  
طبقات ناصرى ١٣٥، ٧١٣  
طبيعيات ٦٠  
طراز الاياله ٣١١  
طراز الذهب ٧٣٩  
طراوة الطرايف في ترجمه كتاب الطرايف  
٣٧١  
طرايف في معرفة مذهب الطوايف ٣٧١  
طرايق الوسائل الى حدائق الرسائل ١٢٣  
طربخانه باخرزى ٥٣  
طربخانه رشيدى تبرى ٣٩٧، ٨٠٧  
طربخانه يار احمد تبرى ٢٥٧، ٨٠٧  
طرب نامه ٣٨٥  
طربى ١١٦  
طريق الافاده في شرح سفر السعاده ٣٦٩  
طريق التحقيق ٧٦  
طريق الفويم ٣٦٩  
طريققت ١١١  
طريقه النقشبنديه ٢٦٣  
طريققت نامه ٢٠٢  
طريق خوردن چوب چينسى و فوايد آن  
٣٩٩  
طغراى همايون ٢٩٣  
طليعه العلوم ٣٨٦، ٤٤٧

- عجائب المخلوقات ٢٩٣  
عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات ١٤٦  
عجائب المقدور في نواب آت تیمور ٢٧٩  
عجائب بلدان ٢٨٠٢٠  
عجائب صنع الله ٦٨  
عجائب سماويه ٢٦٢  
عقد الداعي ٣٧١  
عند شاهي ٣١  
عدم جواز اخذ الاجرة للقرائة ٣٩٥  
عدم نامه ٦٨٣  
عدن و حور ٥٨٥  
عرضه في الحكايات السلجوقيه ١٨٧  
عرض ١٠٩، ٧٢١  
عرض البيان في حقايق القرآن ٧٢١  
عرض النفايس ١٢٣  
عرض نامه ٧٦٥  
عرض ٢٦٦  
عرض نامه با افضل ١٤٥  
عرض نامه دواني ٢٦٦  
عرضات العاشقين ٣٧٩، ٦٦٠  
عرضان في خلق الانسان ٧٢١-٧٢٢  
عروة ٢٨٨  
عروة الوثقى شهابي ٧٦٩  
عروة الوثقى علاء الدولة سمناني ١٤٨  
عروة لاهل خلوة و جلوة ١٤٨، ٧٣٣  
عروض (رسالة) ٢٨٨  
عروض (رسالة در) ٥٩٣  
عروض (كتاب) ١٢٣  
عروض فارسي ١٢٧  
عروضيه ٢٩١  
عشاق نامه عبيدزادكاني ٢٠١  
عشاق نامه عراقی ١٦٤  
عشر الحلاليه ٢٦٧  
عشرة الكامله ٣٨١، ٦٦٣  
عشرت نامه ٣٣٩، ٣٤٦  
عشرة كامله ٦٦٤  
عشرة مبشره ١٨٥
- عشره ٢٦٧  
عشق ١١٠، ٣  
عشق حقيقي ١٩٦  
عشق نامه حسيني هروي ٧٣٢  
عشق نامه حميد الدين ناگوري ٧٣٨  
عشق نامه سنائي ٧٦  
عشق نامه شاه داعي ٣١١  
عشق و عقل ١٣١  
عشقيه ١٧١  
عشقيه (رسالة) ١٩٦  
عصمة الانبياء ٧٢٩  
عطاره في مدح و نبي الزناره ١٢٤  
عقايد (رساله) ٣٩٨  
عقايد (كتاب) ٢٨١، ٢٨١، ٧١٦  
عقايد روز بهان ٧٢١  
عقايد سيد محمدنا كبر حسيني ١٩٧  
عقايد الاماميه ٣٨١، ٦٦٣  
عقايد اهل الاسلام ٧٨٢  
عقايد شافعي ٢٩  
عقبات ١٩٥  
عقد الانامل ٣٧٠  
عقد اعلى في موقف الاعلى ٨٩، ١١٨، ١٤٦  
عقد العريد ٧١٥  
عقد القرين في علم التوحيد ٢٨٠  
عقد انامل ٢٣٩  
عقل نامه ٧٦  
عقل و عشق ١٦٨، ٣٠٤  
عقليه ١٩٥  
عقود الحواهر و نجوم الزواهر ١٢٣  
عقود اللثالي ١٢٣  
عقود اللثالي و سهود اللثالي ٩٣  
عقيدة المصباح ٦٨  
عقيدة اهل سنت ٦٨  
علاج الامراض ٢٨٢، ٣٩٩، ٨٠٨  
علاجه ٣٩٨  
علامات مهدي و عود ٢٠٢  
علائيه ٧٢٢  
علم و المعلومات ١٣٨  
علم اعداد ٢٤٧

- علم النفس ٢٦٧  
علم پيشين وپرين ٣١  
علم حروف ٣٥١  
علم رعل ٣٨٥  
علم قيافه ١٩٥  
علم مثلث ١٣٨  
علم واجب الوجود ١٢٦  
علم يونان ٥٩  
علمه ٢٤٧  
عليه في احاديث النبوه ٢٤٧  
عمدة الطالب في انساب آل أبي طالب ٦  
عمدة المحض ٢٤٤  
عمل (آهنگه) ٦٠١  
عنقودا الزواهر في نظم الجواهر ٢٧٠  
عنقودا لمختصر ٦٨  
عنقودا النصيحة ٢٨٠  
عنوان الحكم ٣٩٥  
عنوان الشباب ٣٠٩  
عنوان في سلوك النساء ٣٠٢  
عوارف المعارف ١٩٢، ٤٢  
عوارف الاسرار في غرايب الاسعار ٨١٧  
عوامل ١٩١  
عيار دانش ٣٦٥  
عين الحيوة ٣٨٠  
عين الشفا ٢٦٢  
عينيه ١٨٨، ٣٨٠  
عيون ١٨٩  
عيون والابهار ١٢٦
- ع
- غايه الامكان في درايه المكان ٢٨١، ٢٥٠  
غايه البحث عن معنى البعث في النبوه وما  
يتعلق بها ١١١  
غايه العروضين ٣٥  
غايه الفور في مسائل الدور ٦٨  
غايه القصوى ٦٨  
غايه الكمال في بيان افضل الاعمال ٣٠٢  
غايه المحاز ٣٥٨  
غايه المرام في علم الكلام ١٢٦
- غرايب الاخبار و نوادر الآثار ٢١٥  
غرايب الانشاء ٢٩٨  
غرايب الدنيا وعجايب الاعلا ٢٩٣  
غرايب الصغر ٢٩١  
غرايب الكلمه في رغايب الحكم ٩٣  
غرايب وعجايب هندوستان ٢٨٣  
غربة الغريبه ١١٠  
غرر الاقوال ودرر الامثال ٩٣  
غرر الاقيسه ١٢٣  
غرر الامثال ودرر الاقوال ١٢٣  
غرر وسير ٧٢٨  
غرفة المحض ٢٣٤  
غرة ٢٧٢  
غرة السير في دوله الترك و التتر ٢٨٠  
غرة الكمال ١٧٠  
غزائمه روم ٣٣٨  
غزليات قديم ١٦٨  
غزليات ميرسيد علي همداني ٤  
غزوات سلطان سليم ٢٥٤  
غسل الجمعه ٦٦٣  
غسله ٤٠٦  
غلطات السالكين ٧٢٢  
غنة الطالبين ٧٢٨  
غنية النزوع الى علمي الاصول والفروع  
٧٢٤  
غنيه اطالب طريق الحق ١٣١  
غوث اعظم ١٩٦  
غور الدور ٦٨  
غيات الامم في اثبات الطلم ٦١  
غيات المخلق في اتباع الحق ٦١  
غياثية محمود بن الياس ٤٠٠  
غياثية محمود بن احمد اردستاني ٢٧١-  
٢٧٢  
غياثية نجم الدين شيرازي ١٥٣، ١٩٠  
غيبه الناظر ١٣٢
- ف
- فاتحه الشباب ٢٨٧  
فاتحه المعلوم ٦٨

٧١٠  
 فتوحات شاهي هاتفي ٣١٥  
 فتوحات فيروز شاهي ضياء الدين برقي  
 ١٨٦  
 فتوحات فيروز شاهي فيروز بن رجب ٧٥٦،  
 ٧٦٠  
 فتوحات همايون ٣٥٨  
 فتوح الحرمين ٧٨٨  
 فتوح الروح ١٠٩  
 فتوح السلاطين ٢٢٥  
 فتوح المعجم ٤٩٧  
 فتوح النيب ١٣١-١٣٢، ٣٧٠، ٧٢٨  
 فتوح القدس ٧٥٣  
 فتوح القلب ٧٢٠  
 فتوح المشاهدين لترويح قلوب المجاهدين  
 ٣٩٠  
 فخرى ١٨٤  
 فخرى نامه ٧٦  
 فراسه ١١٣، ٣٠٣  
 فراغنامه ٢٠٢  
 فرامر ز نامه ١٤  
 فرايد السلوك ٧٢٩  
 فرايد السلوك في فضائل الملوك ١٢٠  
 فرايد في نقل العقائد ٣١١  
 فرايض بالجدول ١٢٣  
 فرايض سجاوندي ٣٩١، ٣٥٦  
 فرايض سراجيه ١٩١  
 فرايض منظوم ٦١٢  
 فرايض وشرح آن ٣٩٥  
 فرج بعد الشدة - حسين بن اسعد ١٨٦  
 فرج بعد الشدة محمد عوفي ٩٧  
 فرجه العالمين وفرجه الكاملين ١٤٨  
 فردوس التواريخ ٢٣٧، ٢٧٢  
 فردوس العارفين ٨٠٧  
 فردوس المرشديه في اسرار الصمديه ٧٥٩  
 فردوس خيال ٨٠٦  
 فرستامه ابن معين ٢٣٧  
 فرستامه شاه قلي ٢٨٥  
 فرستامه محمد بن محمد ٧٥٥

فاتحة الكتاب ٧٦٣  
 فاتحه (سورة) ٧٥٣  
 فارسنامه ١٢٦  
 فارسي هشت ٢٧٠  
 فاكهة الخلفاء ومفاكهة النظر فا ٢٧٩  
 فال السير ١٩١  
 فالنامه ٢٧٢  
 فالنامه عبيدزاد كافي ٢٠١  
 فايدة الاخلاص ٢٠٢  
 فتاوى ٦٨  
 فتح الابواب جمالي اردستاني ٢٢٤  
 فتح الابواب جمالي دهلوي ٨١٠  
 فتح الابواب وحقيقة الآداب ٢٢٥  
 فتح الرباني ١٣١  
 فتح الرحمن بفضائل الشهبان ٣٩٤  
 فتح العناية شرح كتاب النقاية ٣٩٤  
 فتح المبين لاهل اليقين ١٣٨  
 فتح المنان في تأييد مذهب النعمان ٣٧٠  
 فتح المنان في تفسير القرآن ١٤٧  
 فتح بيتاداد ١٣٩  
 فتح نامه ١٥١، ٣٦٨  
 فتح نامه عباس نامدار ٤٥٧  
 فتح وفتوح ٣٠٣  
 فتحه ٢٧٠  
 فتوة ١٤٨  
 فتوت ١٩٥  
 فتوت (كتاب) ١٧٧  
 فتوت نامه علاء الدولة سمناي ١٤٨  
 فتوت نامه كمال الدين عبدالرزاق ٧٥٨  
 فتوت نامه سلطاني ٢٢٧  
 فتوت نامه ناصري ١٧٧، ٣  
 فتوح ١٥٧، ١٣٢  
 فتوحات المكيه ٥٤٢، ٦٧٠، ٧٨٤  
 فتوحات اميني هروي ٢٧٥  
 فتوحات باجري ٣٦٢، ٦٠٧  
 فتوحات شاه اسمعيل ٦  
 فتوحات شاهي امير سلطان ابراهيم هروي  
 ٦٦٦  
 فتوحات شاهي نظام الدين علي سياقي



- فرست نامه ۲۴۴، ۸۰۹
- فرق بین الصالح و غیر الصالح ۶۸
- فرهاد نامه عارفی اردبیلی ۷۶۹
- فرهاد نامه لامعی برسوی ۳۹۰
- فرهاد و شیرین عرفی ۳۱۷
- فرهاد و شیرین علیشیر ۳۹۱
- فرهنگ ابراهیمی ابراهیم فاروقی ۲۵۸
- فرهنگ ابراهیمی سلطان ابراهیم میرزا ۸۳۰
- فرهنگ اسدی ۷۱۲
- فرهنگ اسکندری ۲۵۸
- فرهنگ چها نگیری ۳۹۷
- فرهنگ حلیمی ۲۵۸
- فرهنگ سروری ۳۹۸
- فرهنگ نامه حسین وفاقی ۴۰۴
- فرهنگ نامه فخری خواص ۱۷۶
- فصل الخطاب ۵، ۲۲۱، ۲۶۹، ۶۵۶
- فصل الخطاب فی کلام عمر بن الخطاب ۹۲
- فصوص الحکم ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۹، ۲۷۵، ۲۸۸، ۳۹۴، ۴۵۱، ۵۴۲، ۶۲۰، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۵۸
- فصول ۲۲۸
- فصول الاصول ۱۴۸
- فصول الخطب لنیل عالی الرتب ۳۶۹
- فصول الستة ۲۸۱
- فصول الغریبه فی اصول البریه ۶
- فصول بقراط ۱۲۳
- فصول فی الاصول ۱۴۸
- فصول نصیریہ ۱۳۹
- فضایح الاباحیه ۶۸
- فضایح الباطنیہ ۶۸
- فضایل الانام فی مکاتیب حجة الاسلام ۶۹
- فضایل القرآن ۶۸
- فضایل بلخ ۷۳۹
- صیله العقل ۸۱۰
- ققرات الخطیر ۷۷۸
- ققرات عبد الله کاشغری ۲۸۱
- ققرات عبید الله احرار ۷۷۸
- ققر سواد الوجه فی الدارین ۴۰۱
- وقه الاکبر ۱۹۶، ۳۹۴
- فكرة والمیرة ۶۸
- فلاح ۱۳۸
- فلاح شرح المراح ۸۱۲
- فن اصول الحدیث ۱۹۱
- فن المعام و اصوله و تصاریفه ۱۹۱
- فنایه ۷
- فن غریب معما ۲۶۸
- فواتح ۳۶۸
- فواتح الالهیه و مفاتیح الغیبیه الموضحة  
للكلم القرآنی و الحکم الفرقانیة  
۲۸۲
- فواتح السور ۶۸
- فواتح المسکیه ۷۸۳
- فواتح الولایه ۵۴۸
- فوام الصوام للقیام بالصیام ۳۹۴
- فوایح الجمال و فواتح الجلال ۱۱۶
- فواید ۱۳۸
- فواید الاخیار ۲۸۳، ۸۰۸
- فواید البهائیة ۳۸۵
- فواید السالکین ۱۵۶، ۷۳۸
- فواید الضیائیة ۲۸۸، ۶۱۱
- فواید المعایید ۱۴۸
- فواید العلائیة ۹۳
- فواید الفؤاد حسن بن علاء سگری ۷۵۵، ۷۶۶
- فواید الفؤاد علاء الدین نیلی ۱۵۴، ۳۱۸، ۷۶۶
- فواید المؤمنین الدین چشتی ۱۵۴
- فواید الفؤاد میر علاء الدین حسن ۷۶۶
- فواید العواید ۱۵۳
- نالکبر ۲۹۱
- فواید ثمانیه ۱۳۸
- فواید جمالی ۲۷۲
- فواید کنی ۷۷۶
- فواید عشر ۲۶۲
- فواید قیائی ۷۸۱
- فیصل التفرقة بین الاسلام و الزندقه ۶۸
- فیض النوال فی بیان الزوال ۲۴۷

قراضة طبيعيات محمد فاضل هروي ۱۲۸  
 قراضة طبيعيات محمد قاييني ۶۳  
 قران السمدین ۱۷۱  
 قران حبشی (داستان) ۷۱  
 قرائت عاصم ۲۶۱  
 قراين آیات القرآن ۱۲۳  
 قربة الى الله ۶۸  
 قره الميون ۴۰۴  
 قرعه نامه ۲۷۲  
 قرى العاشي الى معرفة الدوران والاعاشي  
 ۱۱۱  
 قسطاس المستقيم ۶۸  
 قشيري (رسالة) ۱۲۵  
 قشيري ۱۹۶  
 قمايندي ۱۶۸  
 قصر عارفان ۳  
 قصص الانبياء ابواسحق ابراهيم بن منصور  
 ۷۱۸  
 قصص الانبياء ابوالحسن احمد نسايي ۶۳  
 قصص الانبياء احمد بن منصور نجفتي  
 ۶۳  
 قصص الانبياء اسحق نيشا دوری ۶۴  
 قصص التنزيل ۲۳۲  
 قصة چهاربرادر ۱۹۴  
 قصة حورزاد ويزاد ۷۵۱  
 قصة ذوالقرنين ۴۴۵  
 قصة شيخ صنمان ۳۹۱  
 قصة موسى والخضر ۱۲۶  
 قصة يوسف ۷۱۸  
 قصيدة ابن الفارض ۲۷۵  
 قصيدة نرد ۸۱۰۳۲۸  
 قصيدة نائية ابن الفارض ۷۸۸  
 قصيدة جلاليه ۵۴۰  
 قصيده در حفظ الصحة ۲۸۲  
 قصيدة مصنوع يادشاه خواجه ۶۳۱  
 قصيدة مصنوع سلمان سارحي ۶۳۹  
 قضاو القدر ۱۱۳  
 قطع الانوار ۲۶۹  
 قطع اليد ۳۹۱

فيض باري ۳۷۲  
 فيوضات ۱۸۸  
 فيوضات اربانية في اوراد القادريه ۱۳۱  
 فيه ما فيه ۱۹۹، ۱۶۰

## ق

قاپوس نامه ۶۵، ۴۶، ۲۶۰، ۲۳۸  
 قاسميه ۲۵۸  
 قاصد و صود ۵۸۷  
 قاموس اللغه ۳۹۴  
 قانون ۱۸۳  
 قانون اعظم ۵۹  
 قانون الادب ۱۲۸  
 قانون الرسول ۶۸  
 قانون الصور ۴۵۷، ۸۲۷  
 قانون الكلي ۶۸  
 قانون نامه ۴۸۱، ۸۰۱  
 قانون نامه چين و ختا ۲۷۰، ۸۱۸  
 قانون همايون ۲۴۱  
 قدرت نامه ۲۴۴  
 قدس (رسالة) ۲۸۱، ۲۲۱  
 قدسية جهاز الدين نقشبندي ۱۹۲، ۷۶۶  
 قدسية روزبهان ۷۲۲  
 قدسية شطاح ۱۰۹  
 قدسية غزالي ۶۸  
 قدسية محمد يارما ۱۹۲، ۲۲۱، ۲۸۱،  
 ۷۶۶  
 قدوري فارسي ۱۵۵  
 قرآن ۷، ۷، ۱۷، ۷۶، ۸۸، ۱۱۱، ۱۱۷، ۲۰۵،  
 ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۷۷، ۲۸۵، ۳۶۴،  
 ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۸۴، ۳۹۴،  
 ۴۱۲، ۴۸۱، ۴۹۳، ۵۳۷، ۵۴۹،  
 ۵۶۷، ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۸، ۶۲۱،  
 ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۷، ۶۹۱،  
 ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۲، ۷۶۸،  
 ۷۷۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۲  
 قرا بادين ۳۹۹  
 قرا بادين شفايي ۵۱۵  
 قراضة في الطبيعيات ۳۱

كارنامه ربيعي بوشنگي ۲۰۷  
 كارنامه قاسمي ۵۰۸  
 كاشف الاسرار ومطلع الانوار  
 كافرون (سورة) ۲۶۶  
 كافي في العرويين والقوافي ۱۳۰، ۱۴۰  
 كافية ابن حاجب ۱۹۱، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۸۸  
 ۸۰۷، ۷۹۰، ۳۵۶  
 كافية اتفاقيه ۳۸۰  
 كامل ابن ابيس ۲۷۸  
 كامل التعبير ۱۲۸  
 كامل التواريخ ۲۵۶  
 كامل الصناعه ۳۲۴  
 كامل بهائي ۱۵۳  
 كامل حالتي ۸۱۴  
 كامل مبرد ۷۱۵  
 كامله ۱۱۳  
 كينات جو ۱۲۷  
 كبرى ۱۹۱، ۲۷۳  
 كبرى الاحمر في الكيه بياعالا كبر لمن يقن  
 بالقضاء والتقدر ۴۰۲  
 كتاب ابوالحسن در مناقب بهاء الدين نقشبندي  
 ۱۹۲  
 كتاب ادوار ۱۴۷  
 كتاب اشعار ابن فندق ۱۲۳  
 كتاب الاحاديث ۳۶۰  
 كتاب الادعيه ۲۸۴  
 كتاب الارشاد ۷۲۱  
 كتاب الارشاد في معرفه الاعداد ۷۸۲  
 كتاب الاشراف ۳  
 كتاب الاعانه ۲۲۱  
 كتاب الاعتقاد ۲۸۸  
 كتاب الاغاني ۷۱۴  
 كتاب التصفيه في احوال المتصوفه ۷۵۷  
 كتاب التنزيل ۷۲۳  
 كتاب الجرائح في معجزات الائمة الاطهار  
 ۷۲۹  
 كتاب الدعوات ۷۲۹  
 كتاب الشعروالشعراء ۷۱۴  
 كتاب العرفان في خلق الانسان ۷۲۱-

قلاقل ۲۶۶  
 قلايد الجواهر ۳۰۵، ۱۳۳  
 قلب الاليف ۳۶۹  
 قلب المنقلب ۷۴۴، ۷۲۴  
 قلب وروح ۳۱۱  
 قلم قدرت ۳۸۰  
 قلميه ۲۶۷  
 قلندرنامه حسين هروي ۷۴۲  
 قلندرنامه عبدالله انصاري ۵۸  
 قلها تيه ۳۱۱  
 قل هو الله احد ۱۸۸  
 قند من علماء سمرقند ۱۲۲  
 قندمكرر ۳۸۰  
 قواطع السواطع ۳  
 قواعد الاحكام ۳۷۴  
 قواعد الانشاء ۲۵۹  
 قواعد البحث ۱۹۱  
 قواعد التوحيد ۴۴۹، ۷۷۹  
 قواعد العشره ۶۸، ۷۲۴  
 قواعد العقايد ۱۲۸  
 قواعد العمل ۲۷۱  
 قواعد عشره ۷۲۴، ۷۵۳  
 قواعد علامه ۶۶۳  
 قوافي (رساله) ۲۸۸  
 قوافي (كتاب) ۱۲۸  
 قوافي نامه ۸  
 قوانين الملاح ۲۲۴  
 قوس ۱۵۸  
 قول الجميل في الرد على من فير انجيل  
 ۶۸  
 قول السديد في خلف الوعيد ۳۹۴  
 قهرمان نامه ۷۱  
 قسامت نامه ۲۹۱  
 ك  
 كاسيه ۳۳۹  
 كار نامه ۹۱  
 كار نامه ارتخشير با بكان ۱۳  
 كار نامه بلخ ۷۶

كشف الاسرار ومكاشفات الانوار ٧٢١  
 كشف المحاب ٢٨٤، ٢٢٩  
 كشف الحقائق ١١٢، ١٥٢  
 كشف الحقيقة في بيان عوالم الكثرة والوحدة  
 ٣١٩  
 كشف السروق وكوكب في مستندات حكم النصوص  
 ١٥٠  
 كشف الصراط ٧٢٣  
 كشف العوار ٢٨١، ٦٦٣  
 كشف النعمه ٣٧١  
 كشف النواحيض في احوال الانبياء ٧٢٩  
 كشف الفناع عن اسرار شكل القطاع ١٣٨  
 كشف المحجوب - كزى ٥٩، ٢٨  
 كشف المحجوب - محويرى ٩٥  
 كشف المراتب ٣١١  
 كشف علوم الآخره ٦٨  
 كشف كشاف ٧٦١، ٧٧٠  
 كشف والتبيين في ضرور الخلق اجمين  
 ٦٨  
 كشكول ٣٨١  
 كشكول قاضي نور الله ٦٦٣  
 كعبه الحرمين ٢٨٠  
 كعبه ديدار ٢٨٠  
 كعبه عرفان ٣٧٩، ٨٠٦  
 كفاية التعليم في صناعه الشنجيم ١٢٥  
 كفايت الطب ١٢٨  
 كفايت المتدى ٣٩٥  
 كفايه اهل اليقين في طريق المتو المين ٢٠٢  
 كفايه في علم الهيئه ١٢٥، ١٥٢  
 كفاية في فروغ الشافيه ١٢٦  
 كفايت مجاهديه ١٩٤، ٤٠٠  
 كفاية منصورى ١٩٤، ٢٧٦، ٤٠٠  
 كلام الحق للخلق والفرق بين الالهام والوحى  
 والحديث القدس ١٨٨  
 كلمات باقيه ٣١١  
 كلمات عليّه غرا ٢٢١  
 كلمات قدسيه ٢٨٧  
 كلمات قسار رسول اكرم ٧٢٩  
 كلمات قصار طاهر عريان ٧١٥، ٧٢٢

٧٢٢  
 كتاب العقايده ٧٢١  
 كتاب اللواحق ٧٢٨  
 كتاب المعامات ٨  
 كتاب المناهج ٧٢١  
 كتاب المنبه ٧٢٧  
 كتاب المنشور من الحكايات والسؤالات  
 ٧١٨  
 كتاب الموضح في المذاهب الاربعه ٧٢١  
 كتاب الميسور ٧٣١  
 كتاب النواقض في الرد على الروافض ٣٩٨  
 كتاب حساب ١٣١  
 كتاب در علم حروف ٧٧٩  
 كتاب - مدينه السدين در مناقب شاه ولي  
 ١٩٠  
 كتاب شافى ٢٧  
 كتاب عبدالعزيز بن شيرملك در مناقب شاه  
 ولي ١٩٠  
 كتاب عقايد ٢٩، ٢٨١، ٧١٦  
 كتاب في التحليل ٧٢٧  
 كتاب في الحساب ١٢٣  
 كتاب في الرمل ١١٣-١١٤  
 كتاب في القياس ٧٢٧  
 كتاب في طبيعه الافيون ٨١٢  
 كتاب معين الاولياء ١٥٤  
 كعالي ٣٩٩  
 كراهة ارشيدس ١٣٨  
 كرت نامه ٢٠٧  
 كرمى نامه ٢٩١  
 كرمبا ١٦٨، ٣  
 كسر الديوتين ٦٨  
 كشاف عن حقايق التنزيل ١٢٧ - (١٩١)  
 ٢٧٦، ٨١٢  
 كشف استار جواهر الحكم المستعرجه  
 الموروثه من حوامع الكلم ١٥٠  
 كشف الاحتجاج ٣٧١، ٣٧٤  
 كشف الارواح ٢٤٤، ٨١٠  
 كشف الاسرار ١٨٩  
 كشف الاسرار وهدية الابار ٧١٧، ٧٢٩

کنز الحقایق ناصر خسرو ۵۹  
کنز الحکمه ۷۵۸  
کنز الدقایق و میزان الحقایق ۴۴۴  
کنز الرموز ۱۶۹، ۳۹۷، ۷۴۲  
کنز السالکین ۵۸  
کنز العده ۶۸  
کنز القافیه ۳۵  
کنز الله لی ۷۷۲  
کنز اللطایف ۲۶۰  
کنز اللغات ۲۶۰  
کنز اللغه ۲۶۰  
کنز المراد ۵۸  
کنوز الاعمال ۷۸۳  
کنوز الحقایق فی رموز الدقایق ۲۴۳  
کنوز الحکمه ۱۰۹  
کنوز القلوب و رموز الغیوب ۲  
کنوز المعتمین ۳۱  
که المراد فی علم و قوف الاعداد ۲۴۹، ۲۶۹  
کواکب الباهره من نجوم الزاهره ۸۱۱  
کواکب التواقف ۳۹۷  
کوش نامه ۴۸  
کون و تکلیف ۶۰  
کیفیت المعاد ۱۱۲  
کیفیت حدوث الحروف ۱۱۲  
کیمیاء السعاده ۶۸  
کیمیاء القلوب ۳۳۷  
کیمیای سعادت ۶۸

### گی

گر شمس نامه ابوالمؤید بلخی ۲۸  
گر شمس نامه اسدی ۱۴، ۲۶، ۴۷، ۴۰  
گشایش نامه ۷۳  
گشایش و درحایش ۵۹  
گل افشان ۳۱۵  
گلریز ۱۸۵  
گلزار ابرار ۴۲۹  
گلزار اعرامیم ۴۴۶  
گلزار نامه ۲۶۳

کلمات قصار علی بن ابی طالب ۷۲۹  
کلم التامه و الحکم الصالحه ۹۳  
کلمه سبحان الله ۱۸۹  
کلمتی الشهاده ۲۸۸  
کل مولود یولد علی الفطره ۴۰۱  
کلیات ابن یمن ۲۰۱  
کلیات خسرو دهلوی ۱۷۰  
کلیات خواجو ۲۰۰  
کلیات داهی شیرازی ۳۱۱  
کلیات سعدی ۱۶۸  
کلیات سلمان ساوجی ۲۰۳  
کلیات سیف فرغانی ۸۴۷  
کلیات شقایب اصفهانی ۵۱۵  
کلیات شمس تبریزی ۱۶۰  
کلیات شمس مغربی ۲۱۰  
کلیات عبیدالله احرار ۲۶۴  
کلیات علم توحید ۷۶۳  
کلیات عماد فقیه ۲۰۲  
کلیات ناصر بخاری ۲۰۹  
کلیات وجود ۶۰  
کلیله و دمنه ۱۳، ۲۱، ۳۰، ۷۸، ۱۱۷-  
۱۱۸، ۱۶۱، ۲۴۷، ۲۷۹، ۳۶۵،  
۷۲۹  
کمالان الالهیه ۳۷۶  
کمال نامه خواجو ۲۰۰  
کمال نامه محمود دلشادشروانی ۲۷۴  
کمالیه ۲۲۰  
کمیلیه ۱۸۹، ۲۱۱  
کنت کنزاً مخفیاً فاحیت ادا عرف ۴۰۱  
کنز الاسرار عطار تیشابوری ۱۱۵  
کنز الاسرار عطار همدانی ۲۱۹  
کنز الاشتها ۲۰۵  
کنز الالجان ۲۶۲، ۲۷۷  
کنز التعف ۱۹۴  
کنز الحواهر ۷۸۸  
کنز الحقایق جمالی ۸۱۰  
کنز الحقایق عطار تونی ۳۲۰  
کنز الحقایق عطار همدانی ۲۱۹  
کنز الحقایق قتالی خوارزمی ۷۷۱

لبايات الاشارات ۱۱۳  
 لبايات الالباب ۷۸، ۷۷، ۹۷، ۸۱۶  
 لبايات معنوي في انتخاب معنوي ۲۳۷  
 لبايات الالباب ۷۵۷  
 لبايات في علم الاعراب ۳۹۵  
 لبايات تاريخ ۳۵۴، ۴۳۳، ۸۲۷  
 لبس الحرير ۶۶۳  
 لب لبايات معنوي ۲۴۷  
 لحنه ۷۷۷  
 لذات ۴۵۸  
 لذات النساء ۱۸۵  
 لسان الطير ۲۹۱  
 لسان الغيب حيدري تبريزي ۴۲۷  
 لسان الغيب عطار توني ۳۲۰  
 لسان الغيب عطار نيشابوري ۱۱۴  
 لسان الغيب وحيد تبريزي ۸۲۸  
 لطايف اشرفي ۷۵۶  
 لطايف الاعلام في اشارات اهل الالهام ۱۵۰  
 لطايف البيان ۱۰۹  
 لطايف التصوف ۱۸۸  
 لطايف الحقايق ۱۴۳  
 لطايف الحكمه ۱۵۱  
 لطايف الرشديه ۱۹۰  
 لطايف اطوايف ۲۴۸، ۲۸۵، ۳۸۴  
 لطايف المعارفين ۸۱۷  
 لطايف المعارف ۴۳۷  
 لطايف راه روشن ۳۱۱  
 لطايف غياثي ۱۱۳  
 لطايف في الاصولين ۳۳۸  
 لطايف قدوسيه ۴۰۴  
 لطايف نامه ۲۷۸، ۲۹۱، ۳۷۷، ۴۳۸  
 لطايف نامه با مجموعه اللطائف ۳۹۰  
 لطيفة المعارف ۷۶  
 لغات تركي بفارسي ۲۹۱  
 لغت حليمي ۲۵۸  
 لغت فرس اسدي ۴۸، ۷۰  
 لمحات ۱۱۰  
 لمحات في شرح اللغات ۱۶۴، ۲۶۴، ۷۸۰  
 لغات ۱۶۴، ۱۸۹، ۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۷

گلستان ۱۶۸، ۱۸۳، ۲۸۲، ۳۸۳  
 گلستان ۸۱۱، ۷۵۸، ۶۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰  
 گلستان ارم ۵۶۹  
 گلشن ابرار ۲۹۸  
 گلشن اشعار ۸۰۸  
 گلشن توحيد ۴۶۸، ۸۲۹  
 گلشن راز ۱۱۶۹، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۸۲  
 گلشن ۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۴۱، ۳۹۷  
 گلشن ۴۰۳، ۴۵۱، ۴۵۴، ۶۵۶، ۶۹۱  
 گلشن ۸۱۲، ۷۹۵  
 گل و بلبل خاكي و سوشي بلخي ۵۸۷  
 گل و بلبل عطار ۱۱۳  
 گل و خسرو ۱۱۴  
 گل و سنبل ۶۶۳  
 گل و مل ۴۰۳  
 گل و نوروز احمد بن يوسف ۲۱۳  
 گل و نوروز جامي ۲۸۸  
 گل و نوروز خواجو ۲۰۰  
 گل و نوروز مخدوم اعظم ۴۰۱  
 گل و هرمز ۳۲۰  
 گنج اسرار ۲۷۴  
 گنج روان ۳۱۱  
 گنجنامه عبدالله انصاري ۵۸  
 گنجنامه مخدوم اعظم ۴۰۱  
 گنجينه راز ۲۶۴  
 گوهر شاهوار ۶۶۳  
 گوهر نامه ۲۰۰  
 گوی و چوگان طالب جاجرمي ۳۰۱  
 گوی و چوگان عارفی ۲۰۳  
 گوی و چوگان عربي کمانگر تبريزي ۶۵۴  
 گوی و چوگان لامعي برسوي ۳۹۰  
 گهر نامه ۲۰۰  
 گيهان شناخت ۱۳۷  
 ل  
 لاله الاالله ۲۸۸  
 لادننه ۱۴۸  
 لباب ۶۸

ليلي ومجنون موجي بدخشي ٥٥٢  
 ليلي ومجنون نظامي ٣٦٤، ١٠٥، ٣٧٣،  
 ٤٩٣، ٣٣٧، ٧٠١، ٧٠٨، ٧٩٦،  
 ٨٠٧

ليلي ومجنون هاتفي ٣١٥  
 ليلي ومجنون هلالی ٤٠٩

م

ما ناقلت من عبارات مطول ٢٧٠  
 ماتم سراي ٤٣٥  
 مآثر الملوك ٢٤١  
 ماخذ ٦٨  
 مادج وممدوح ٥٨  
 مالابد ملهبا امام ابوحنيفة ٣٠٣  
 مالابد منه في المذهب ٢٤٧  
 ماد قيمان ٨٣٦  
 ماهيت نفس ٣١  
 مباحث المعاديه في مطالب المعاديه ١١٢  
 مباحث المشرقيه ١١٣  
 مباحث والشكوك ١٢٥  
 مبادئ موجودات ١٣٥  
 مبادئ والنايات ٦٨  
 مبحث الوجود ٣٧٠  
 مبدأ الاول وصفاته ٣٩٣  
 مبدأ ومعاد ابن سينا ٢١  
 مبدأ ومعاد شيخ اشراق ١١٠  
 مبدأ ومعاد عزيز الدين نسفي ١١٢  
 مبین ٦٠٧  
 مبین المعین في شرح الاربعین ٣٩٥  
 منقلمن التصريف ١١١  
 مثلثات لغت ٥٢٦  
 مشمن هشت در هشت وجهار در چهار  
 ٥٢٦  
 مثنوی بحررمل فضایی عمدانی ٥٢٣  
 مثنوی حیدر تلمبه ٥١٥  
 ٥٤٩ ک  
 مثنوی طریقه سلسله خواجگان ٥٨٨  
 مثنوی عشقی خان ترک ٥٤٩  
 مثنوی فیضی بلخی ٦٠٢

٧٨٠٠٧٣١، ٤٥١، ٣٢٩  
 لمعات التنقيح في شرح مشكات المصابيح  
 ٣٦٩

لمعه ٣١١  
 لمعه در نکاح دایم و متعه ٣٩٦  
 لمعه في صلوة الجمعة ٦٦٣  
 لوازم الامکنه ٦٠  
 لوازم الدين ٧٠١  
 لوا مع ٢٨٨

لوا مع الاشراف في الحكمة العملية والمنزلية  
 والمدنية في مكارم الاخلاق ٢٦٧  
 لوا مع الانوار ١١٠  
 لوا مع الانوار الى معرفة ائمة الاطهار  
 ٣٧١

لوا مع البينات ١١٣  
 لوا مع التوحيد ٢٢١  
 لوا مع الشمس ٢٤٧  
 لوا مع درهيت ٣٧٦  
 لوا مع جامي ٢٨٩، ٣٢٩  
 لوا مع شاه ولي ١٨٩  
 لوا مع عين القضاة ١١١، ٧٢٢  
 لوا مع القمر ٢٣٧  
 لوح محفوظ ٣٨٠  
 لوح مسطور ٤٤٤  
 لومة اللائم ١١٦  
 ليلاتي ٣٦٤  
 ليلة الجراة ٣٧٠

ليلي ومجنون بدر الدين كشميري ٣٤٥  
 ليلي ومجنون جامي ٢٨٧  
 ليلي ومجنون خسرو ١٧١  
 لياي ومجنون درويش اشرف ٣١٠  
 ليلي ومجنون زمانی يزدي ٤١٣  
 ليلي ومجنون صر في كشميري ٨٢٩  
 ليلي ومجنون عطار نيشابوري ١١٥  
 ليلي ومجنون عليشير ٢٩١  
 ليلي ومجنون فصولي ٤٣٧  
 ليلي ومجنون قاسمي ٤١٠، ٥٠٨  
 ليلي ومجنون محمود بيك سالم ٥٠٥  
 ليلي ومجنون مكثبي ٣١٢

مثنوى معنوى ١٦٠، ١٩٧	مثنوى معنوى ١٦٠، ١٩٧
مثنوى معنوى الخفى ٧٠٣	مثنوى مولوى ٨، ٢٤٣، ٢٤٧، ٢٦١، ٢٨٨
مثنوى مولوى ٨، ٢٤٣، ٢٤٧، ٢٦١، ٢٨٨	٢٧٠، ٢٩٢-٢٩٣، ٣٠٣، ٣٠٧
مثنوى بهای ابوعلی قلندر ١٩٧	٣٧٠، ٣٧٤، ٣٧٨، ٣٨١، ٣٨٤، ٣٨٧
معارفه ٣٥٨	مثنوى بهای ابوعلی قلندر ١٩٧
مجالس العشاق ٢٣٢، ٢٨٣، ٢٨٥، ٢٨٧	معارفه ٣٥٨
مجالس المؤمنین ٦٦٤، ٣٨١	مجالس العشاق ٢٣٢، ٢٨٣، ٢٨٥، ٢٨٧
مجالس النفايس ٢٢١، ٢٧٧، ٢٩١، ٢٩٥	مجالس المؤمنین ٦٦٤، ٣٨١
٣٠٣، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣١٣-٣١٤	مجالس النفايس ٢٢١، ٢٧٧، ٢٩١، ٢٩٥
٣١٦، ٣٧٧، ٣٢٨، ٣٢٧، ٣٢٧، ٣١٧	٣٠٣، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣١٣-٣١٤
مجالس پنجگانه ١٦٨	٣١٦، ٣٧٧، ٣٢٨، ٣٢٧، ٣٢٧، ٣١٧
مجالس سبعة ١٦٠	مجالس پنجگانه ١٦٨
مجالس مرتبه ٢٣٢	مجالس سبعة ١٦٠
مجامع الامثال، وبيدایع الاقوال ١٢٣	مجالس مرتبه ٢٣٢
مجتبى فى سيرة المصطفى ٢٣٣	مجامع الامثال، وبيدایع الاقوال ١٢٣
مجتبى من كتابها لمجتبى فى سيرة المصطفى ٢٣٣	مجتبى فى سيرة المصطفى ٢٣٣
مجموعات التجليات ٣٠٩	مجتبى من كتابها لمجتبى فى سيرة المصطفى ٢٣٣
محسنى ٣٩٢، ٣٤٢	٢٣٣
مجلس آراى شهابى ٩١	مجموعات التجليات ٣٠٩
مجلس محمد بن عبدالكريم شهرستاني ١٢٦	محسنى ٣٩٢، ٣٤٢
مجمع الابكار ٣١٧	مجلس آراى شهابى ٩١
مجمع الاخبار ٣٥٧	مجلس محمد بن عبدالكريم شهرستاني ١٢٦
مجمع الاسرار ١٨٨	مجمع الابكار ٣١٧
مجموع الاشعار ٣٤٥	مجمع الاخبار ٣٥٧
مجمع الانساب ١٨٣	مجمع الاسرار ١٨٨
مجمع البحرين شمس الدين ابراهيم ١٩٢	مجموع الاشعار ٣٤٥
مجمع البحرين شمس الدين سكرى ٩١	مجمع الانساب ١٨٣
مجمع البحرين كاتبى ٢٩٨	مجمع البحرين شمس الدين ابراهيم ١٩٢
مجمع التواريخ ٢٣٨، ٧٧٤	مجمع البحرين شمس الدين سكرى ٩١
مجمع الخواص ٤٥٧-٤٥٨، ٥٢٥	مجمع البحرين كاتبى ٢٩٨
مجمع الرباعيات ٧٣٧	مجمع التواريخ ٢٣٨، ٧٧٤
مجمع الغرائب ٨٠٨، ٣٩٨	مجمع الخواص ٤٥٧-٤٥٨، ٥٢٥
مجمع القابدة والبرهان ٣٩٤	مجمع الرباعيات ٧٣٧
مجمع الفرس ٢٩٨	مجمع الغرائب ٨٠٨، ٣٩٨
مجمع الفضلاء ٣٠٣، ٨٠٨	مجمع القابدة والبرهان ٣٩٤
	مجمع الفرس ٢٩٨
	مجمع الفضلاء ٣٠٣، ٨٠٨
مجمع القواعد ٣٢٥	
مجمع اللطائف ٢٠٩	
مجمع اللطائف يا مجموع اللطائف ١٨٨	
مجمع النوادر ١٢٠، ٩٠	
مجمع الهدى ٣٧١	
مجملة الاقوال فى الحكم والامثال ٧٣٥	
مجملة التواريخ والقصص ١٢٣	
مجملة فصيحى ٢٣٨	
مجموع التواريخ ٨١٦	
مجموع اللطائف ١٨٨	
مجموع اللغات ٣٦٥	
مجموع الحساب ٧٠٦	
مجموع الفرس ٢٥٨	
مجموع اللطائف ٣٩٠	
مجموعه تاريخى ٧٧٣	
مجموعه حافظ ابرو ٢٣٨، ٧٧٣	
مجموعه رباعيات بايا افضل ١٤٥	
مجموعه سلطاني ٧٧	
مجموعه مكاتبات واقادات ٧٧٨	
مجموعه مكاتبات ابوعلی قلندر ١٩٧	
مجموعه منشآت سيد وطواط ٩٢	
مجنون وليمى ٨٠٧	
محاسن اصفهان ١٩٤	
محاسن الادب ٣٧٣	
محاضر ١٥٥	
محاضر السير فى احوال خير البشر ٣١١	
محاكمة اللغتين ٢٩١	
محبته نامه ابن نصوص ٣١١	
محبته نامه احمد جام ١٠٩	
محبته نامه بيدلان ٢٠٢	
محبته نامه خوارزمى ٧٠٨	
محبته نامه شاه ولي ١٨٩	
محبته نامه عبدالقادر صارى ٥٨	
محبته نامه عماد فقيه ٢٠٢	
محبته نامه فضل الله نعمى ٧٦٥	
محبته نامه مير مخدوم نيشابورى ٧٩٢	
محبوب ١١٦	
محبوب الاولياء ١١٦	
محبوب الحمائل فى كشف المسائل ٢٧٠	





مراجع الارواح ٣٩٣  
 مرشد الر موزا ٣١١  
 مراقبه ١٩٦  
 مرتضوى ٧١  
 مرج البحرين الجمع بين الطريقتين ٣٧٠  
 مرزبان نامه ١١٨، ١٤٠، ٢٧٩، ٢٨٠  
 مرشدا الامين الى موعظة اليقين ٢٨  
 مرشدا السالكين ٤٠١  
 مرشديه في احكام صفات الالهيه ١٥٠  
 مرصدا العباد من العبد الى المبدأ ١٣١  
 مرصدا الاثنى في استخراج اسماء الله الحسنى  
 ٢٤٧  
 مرض معروف بآتشك ٣٩٩  
 مرضى الراضى ٢٦٨  
 مرقاة ٥٦  
 مرقاة المغناطيس لمشكوة المصابيح ٣٩٤  
 مرغوب القلوب ٢١٣  
 من كتابات المشاهير ٣٩٩  
 من كزادوار ٣٦٤  
 مروج الاوراق ٢٢٤  
 مرهمهاومعاجين ٢٩٩  
 مزارات ٢٤٢  
 مزارات شيراز ٢٤٤  
 مزارات هرات ٧٧٢  
 مزيه اللسان الفارسى على ساير اللسنه ماخله  
 العربيه ٨١٢  
 مساطير ١٣٨  
 مسائل خلق الاعمال ٢٤٧  
 مسائل الاخيار ٨٢٩  
 مسائل التوحيد ٧٢١  
 مسائل العارفين ٧٥٨  
 مسائل الممالك جيبها نى ٢٨٥  
 مسائل الممالك عبد الرحيم مشهدى ٧٨٢  
 مسائل ممالك ٧٧٧، ٧٦٠  
 مسائل والممالك ابن خرداذبه ٧٧٧  
 مسائل وممالك (صور الافانم) ١٣٩  
 مسائل وممالك اصطخرى ٧٧١، ٧٧٠  
 مسائل وممالك عبدالمولى بيرجندى ٢٨٣،  
 ٣٨٥

مذكر الاصحاب ٥٧٦، ٣٠٣  
 مرآة ٨١٠  
 مرآة الادب فى المعانى والبيان ٢٨٠  
 مرآة الادوار فى مرقاة الاخبار ٢٥٦  
 مرآة الافراد ٢٤٤  
 مرآة الافلاك ٣٩٢، ٤٢٣  
 مرآة الانسان ٤٠٤  
 مرآة الايمان ٣٧٩  
 مرآة التايبين ١٩٥  
 مرآة الجمال ٧٧٥  
 مرآة الحبيب ٢٢٢  
 مرآة الحق ٣٢٧  
 مرآة الحقايق ٢٧٦  
 مرآة الرجال ٣٩٨  
 مرآة الصحة ٢٧٢  
 مرآة الصفا فخر الدين زوارى ٢٧١  
 مرآة الصفا مخدوم اعظم ٣٠١  
 مرآة الصفا فى صفات المصطفى ٢٢٧  
 مرآة العارفين شمس مغربى ٧٦٣  
 مرآة العارفين مسعود بخاراى ٧٥٥  
 مرآة العارفين مسعود بيك ٧٧٣  
 مرآة العارفين مسعود ميرجانى ١٩٧،  
 ٧٢٥  
 مرآة الملويه ٢١١  
 مرآة الفقر ٨١٠  
 مرآة المحققين ١٧٠  
 مرآة المعانى ٣١٢، ٤٠٥  
 مرآة الناظرين ٧١٨  
 مرآة الوجود ٣١١  
 مراتب ١٨٨-١٨٩  
 مراتب (رسالة) ١٨٩  
 مراتب التقوى ١٥٠  
 مراتب الموجودات ١٩١  
 مراتب رنديه ١٨٩  
 مراتب فقر ١٨٩  
 مراتب وجود شاه ولى ١٨٨  
 مراتب وجود شمس مغربى ٧٦٣  
 مراتب مسكندرى ٣٨٢  
 مراتبى ١٦٨

مصادر اقليدس ١١٢  
 مصادر اقليدس ١٣٨  
 مصارع المصارع ١٣٨  
 مصارع ١٢٦  
 مصالب النواصب ٦٦٣  
 مصابب النواصب ٣٨١  
 مصباح الارواح احمد نخجواني ٧٥٨  
 مصباح الارواح اوجده الدين كرماني ١٧٣،  
 ٧٢٢، ٧٢٣، ٧٢٤  
 مصباح الارواح بيضاوي ٧٣٠  
 مصباح الارواح بيرجمالي ٢٤٤، ٣١٢،  
 ٣٠٥، ٧٧٤  
 مصباح الارواح شمس الدين محمد بن ايل  
 طنان ٧٢٢، ٧٢٣، ٧٢٤  
 مصباح الشريعة ١  
 مصباح الضمير من مصباح التفسير تيسير  
 ٧٣١-٧٣٢  
 مصباح القلوب نزل ابادي ٣٠٤  
 مصباح الهداية ومفتاح الكفاية ١١٢،  
 ١٩٢  
 مصباح كفعمي ٢٦١  
 مصطلحات اهل الاثر على شرح تنبيه الفكر  
 ٣٩٤  
 تانامه ١١٤-١١٥  
 مضاف الى بدايع الازمان في وقايع كرماني  
 ١١٨  
 مضحكات ١٦٨  
 مطارحات ١١٠  
 مطالب العاليه ١١٣، ٢٧٦  
 مطالب الهية سبعة ٧٣٢  
 مطالع ٧٠٥  
 مطالع الانوار سراج الدين ارموي ١٥١،  
 ٢٨٩  
 مطالع الانوار عفيف الدين كاشاني ٣٧٣  
 مطالع الفجر ٤٤٥  
 مطلب الاعلى في شرح اسماء الله الحسنی و  
 صفاته العلى ٣٧٠  
 مطلع الاعتقاد ٨٢٥  
 مطلع الانوار ١٧١

مسائل و مسائلك يا عجايب البلدان ٢٦١  
 مسألة رؤيت باري تعالى عن اسمه وكرامات  
 اوليا ١٩٦  
 مسامره في اخبار خوارزم ٣٠  
 مسائل الشمسون ١١٣  
 مسائل الفنون ٢٦٧  
 مسائل سبعة ١٣٥  
 مستدرک ٧٨٣  
 مستصفى ٦٨  
 مستظهير ٦٨  
 مستقى ٢٢٣  
 مستورات ٧٥٢  
 مستوي ٥٩  
 مسح على الرجلين وغسلها ٦٦٣  
 مسرة القلوب في دفع الكروب ٢٧٠  
 مسلك المتقين ٧٢٢  
 مسلك المارقين ٢٨١  
 مسلم السلاطين ٦٨  
 مشاهير في بيته ٧  
 مشارب الاذواق ١٩٥  
 مشارب التجارب وغوارب الغرايب ١٢٣  
 مشارق ٣٩٢، ٤٤٣، ٨٢٦  
 مشارق الدراري الزهر في كشف حقايق نظم  
 الدرر ٧٦٣  
 مشاهد ٣١١  
 مشتهر في نقض المعتبر ١٢٤  
 مشرب الارواح ١٠٩  
 مشكلات اقليدس ٦٠  
 مشكوة ٤٥٧  
 مشكوة الانوار ٦٨  
 مشكوة المحبين ٧٧٥  
 مشكوة المصائب ٣٩٤  
 مشكوة جمالي دهلوي ٨١٠  
 مشهوريه في التصور والتصوير ١٨٩  
 مشيبيه ٤  
 مصابيح ٣٩٤، ٦٢٣، ٧٣١  
 مصابيح الجنان ١٤٨  
 مصابيح الستة ١٥٣، ٢٦٢  
 مصادر ٦٥

مراجع النبوة ٢٣٢	مطلع الانوار اليه في الحلية الجليلة النبوية ٣٦٩
مراجنة ابن سينا ٣١	مطلع السعدين ٣٢٩، ٢٥١
مراجنة عطار تونى ٢٢٠	مطلوب المؤمنين ١٣٩
مراجنة عطار نيشابورى ١١٤	مطلوب كل طالب من كلمات على بن ابي طالب ٩٢
مراجيه ٧٨٨	مطول ١٩١، ٢٨٦، ٣٥٦، ٤٢٥، ٤٦٣
مرب في معاير اشعار العرب ١٣٠	٦٨٩
مرفت ١٨٩	مظهر اسرار ٨٠٧
معرفة المذاهب ٧٥٥	مظهر الآثار ٤١٠
معرفة النفس ٣١١	مظهر العجايب عطار تونى ٣٢٠
معرفة اهل الدنيا ٤٠٢	مظهر العجايب عطار نيشابورى ١١٤
مرفت تقويم ١٣٩	مظنون به على اهل ٦٨
معرفة ذات الحلق والكره و الاسطرلاب ١٢٤	معاذ ٣١
مرفت روح ١٨٩	معارج ١١٠
مملقات سبع ٦٥	معارج القدس ٦٨
معلومات ٨١٠	معارج النبوة في مدارج الفتوة ٢٣٢
معلومات اسرار القلوب ومفهومات انوار ٢٣٥	معارج نهج البلاغه ١٢٣
معا ٤٠٠	معارف برهان الدين ترمذى ٢٣٧
معاى سيفى عروضى ٢٩٣	معارف بها عالم الدين ولد ١٢١
معاى شاه طاهر دكنى ٣٦٨	معارف سلطان ولد ١٩٩
معاى صغير ٢٨٨	معارف العقليه والحكمة الالهيه ٦٨
معاى كبير ٢٨٨	معاش السالكين اسيرى ٣١٩
معاى متوسط ٢٨٨	معاش السالكين نور بخش ٧٨٨، ٣١٩
معاى ثودونه بنام حضرت رسالت ٢٩١	معالجات الاختياريه ١٢٣
معاهاى جامى ٧٩٣	معالم التنزيل ١٢٦
معميات جامى ٢٨٩	معالم فى الاصول ١١٣
معميات فارسى عيشير ٢٩١	معالم فى الكلام ١١٣
معميات فى اسماء الله الحسنى ٢٩١	معتبر ١٢٣
معميات قاضى ميبندى ٢٦٨	معتقد الاماميه ٧٣٤
معميات محتشم ٤٤٤	معتد فى المعتقد ١٥٣
معنى اسماء الله الحسنى ٣٩٠	معجم البلدان ٣٦٠
معنى لفقرفخرى وكادا لفقران يكون لغرا ١٨٩	معجم فى آثار ملوك المعجم ١٤٣
معنى عدالت ٢٦٦	معجم فى معاير اشعار المعجم ١٣٠، ١٣٠
معنى قوله انا نقطة تحت الباء ٢٦٧	معدن الشفا ٨١٣
معنى هشى ١٨٨	مراج الاعمال ٢٤٣
معوذتين (سوره) ٢٦٦	مراج السالكين ٦٨
معاير الاشعار ١٣٩	مراج المشفقين ٤٠١
	مراج الكاملين ٤٤٥

مفتاح الكنوز ٢٨٣	معيان الافكار ٣٧٦
مفتاح الكنوز على حافظ الرموز ٢٠٦	معيان المقول ٣١
مفتاح المعاني ٥١٤	معيان العلم ٦٨
مفتاح المدايق ٣٩٧	معيان جمالي ١٢٩
مفتاح المفتاح ١٣٧	معيان نصرتي ١٣٨
مفتاح النجاة ١٠٩، ٧٢٠	معين الاولياء ١٥٣
مفتاح النجات في خواص السور والايات ٣٩٠	معينيه ١٣٩
مفتاح النجاة ٣٧١	منازى النبي ٨٢٩، ٣٧٣
مفتاح بيست باب اسطرلاب ٢٧١	مغنى للبيب ٦٨٩
مفتاح كنوز ارباب قلم ٣٩٨	مفاتيح الاسرار ٢٩٣
مفتاح مفاتيح ٣٨٠	مفاتيح الاسرار ومصايح الابرار ١٢٦
مفردات ابن بيطار ٧٩٣	مفاتيح الامجاز ٧٣٢، ٣١٩
مفردات درفن معما ٢٩١	مفاتيح المعجم ٢٣٨
مفردات «مصومي» ٣٥٩	مفاتيح القيب مشرقى ٧٩٥
مفصحة عن منتهى الافكار ومبدا اختلاف الامم ١٥٠	مفاتيح الغيب معروف بتفسير ١١١
مفصل الخلاف ٦٨	مفاتيح القلوب ومصايح القلوب ٢٠٠
مفيد للمستفيد ١٣٥	مفاتيح الكلام في مدايح الكرام ١٧٤
مقاصد الادوار ٧٨٢	مفاتيح الكلم ومصايح الظلم ٩٣
مقاصد الالجان ٢٦٢، ٧٧٧	مفاتيح الكنوز ٢٣٧
مقاصد السالكين ٧٣٣، ٧٣٧	مفاتيح النجوم ومصايح العلوم ١٢٥
مقاصد الفلاسفة ٦٨	مفاحص ٢٧٥، ٤٥١
مقالات حاج بكتاش ولي ٧٥٧	مفاوضات ١٣٨
مقالات شمس الدين تيريزى ٧٣٦	مفتاح ابواسحقى ١٤٩
مقالات علاء الدولة سمناى ١٣٨	مفتاح الايواب ١٨٩
مقالات وحكايات ٣٥٨	مفتاح الاستخراج ٣٩٢
مقالة الابرار ٧٥٨، ٢٨٠	مفتاح البدايع ٧٠٧
مقالة في عمل دائرة نسبتها الى دائرة الموصوف ٧١	مفتاح التفاسير ١٤٣
مقالة في ضايل امير المؤمنين على ٧٣٠	مفتاح التوحيد ٢٦١
مقاليد العلوم في الحدود والرسوم ١٩١	مفتاح الحساب ٢٦٩
مقامات ٢٢١	مفتاح الطالبين ٤٠٠
مقامات (يا مقولات) ٥٨	مفتاح العاشقين ٧٥٤
مقامات ابونصر مشكان ٦٥	مفتاح العلوم ١٩١
مقامات احمد ترخستاى ٧٢١	مفتاح الغيب جامى ٢٨٩
مقامات احمد جام ٧٢١	مفتاح الغيب صدر الدين قونيوى ١٥٠
مقامات الظايرين باليد ١٤١	مفتاح الفتوح خسرو دهلوى ١٧١
مقامات امير كلال ٣	مفتاح الفتوح عطار نيشابورى ١١٥
	مفتاح الفتوح عطار همدانى ٢١٩
	مفتاح الفتوح لفتح ابواب النصوص ٣٦٩
	مفتاح الفيض ٧٨٥

مکاتیب سید محمد گیسو دراز ۱۹۶  
 مکاتیب عبداللہ قطب ۲۶۱  
 مکاتیب عبدالقادر گیلانی ۱۳۱  
 مکاتیب عین القضاة ۱۱۱  
 مکاتیب قاسم انوار ۲۹۲  
 مکاتیب مولوی ۱۶۰  
 مکاتیب و تقریرات یا با افضل ۱۴۵  
 مکارم الاخلاق خوند میر ۱۹۱، ۲۴۱  
 مکارم الاخلاق رضی الدین ابونصر حسن  
 طبرسی ۳۷۱، ۳۷۳  
 مکارم الاخلاق رضی الدین نیشابوری ۹۹  
 مکارم الاخلاق منسوب بنصیر الدین طوسی  
 ۱۳۹  
 مکارم الاخلاق نور بخش ۷۸۸  
 مکارم الکریم ۳۷۱  
 مکاشفات ۱۴۸  
 مکاشفات شامولی ۱۸۸  
 مکاشفة القلوب ۶۸  
 مکاشفة ۱۸۹  
 مکتوبات اشرفی ۷۵۶  
 مکتوبات عبدالقدوس ۴۰۴  
 مکتوبات عین القضاة ۱۱۱  
 مکتوبات قدوسیہ ۴۰۴  
 مکتوبات میر سید علی ہمدانی ۴  
 مکتون ۶۸  
 مکتون الحدیث ۷۲۱  
 ملتمس الاحیاء ۲۱۵، ۲۵۶  
 ملج البلاغہ ۱۲۳  
 ملحقات صراح ۱۴۶  
 ملحمہ دانیال ۱۲۸  
 ملخص فی الحکمہ ۱۱۳  
 ملفوظات تیمور ۲۳۳  
 ملفوظات سید محمد گیسو دراز ۷۵۴  
 ملفوظات صاحبقران ۲۳۳  
 ملل والنحل ۱۲۶، ۴۵۰  
 ملمعات ۱۶۸  
 مناجات عبداللہ نصاری ۵۸  
 مناجات عبداللہ کاشغری ۲۸۱  
 مناجات نامہ علی شیر ۲۹۱

مقامات بدیع الزمان ۱۱۸  
 مقامات ابونصر مشکان ۳۰  
 مقامات پیر ۸۲۹  
 مقامات تاج الدین بوزجانی ۷۲۱  
 مقامات حریری ۱۱۸-۱۱۹  
 مقامات حسینی ۲۷۸  
 مقامات حضرت مخدوم اعظم ۴۰۱  
 مقامات حمیدی ۱۱۸، ۸۷  
 مقامات درویش علی بوزجانی ۷۲۱،  
 ۸۱۵  
 مقامات رضی الدین تابیادی ۷۲۱  
 مقامات ژندہ بیل ۷۲۱  
 مقامات شہ زین العباد عابد پیرمی ۷۰۸  
 مقاومات ۱۱۰  
 مقایس السماع ۷۲۲  
 مقبل نامہ ۱۰۵  
 مقتل حضرت امام حسین ۳۹۰  
 مقدمہ الصلوٰۃ ۶۸۹  
 مقدمہ بر دیوان حافظ ۲۴۹  
 مقدمہ ظفر نامہ ۲۴۹  
 مقصد اطوار ۶۴۱  
 مقصد اقصی ۱۱۲  
 مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی شیخ متقی  
 ۴۰۲  
 مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی غزالی  
 ۶۸  
 مقصد الاقبال السلطانیہ و مرصد الاعمال  
 الخاقانیہ ۷۷۴، ۲۴۴  
 مقصد الاقصی فی ترجعہ المستقصی ۲۴۳  
 مقنعة ۱۳۸  
 مقنع فی الحساب الہندی ۷۱  
 مقولات ۵۸  
 مقولات عشر ۱۳۸  
 مکاتبات ابوالفضل ۳۶۵  
 مکاتبات رشیدی ۱۴۳  
 مکاتبات علامی ۳۶۵  
 مکاتیب احمد منیری ۲۵۹، ۷۷۶  
 مکاتیب پیر جمالی ۲۴۵  
 مکاتیب حسن صباح ۷۳۰

- منارات السائرين الى حضرة الله ١٤١  
منار الانوار ٣٨٥  
منازل السائرين عبد الله انصاري ٥٨، ٢٤٢،  
٧٨١، ٧٥٨، ٧١٨، ٣٣٢، ٣٢٨  
منازل السائرين عزيز نسفي ١١٢  
منازل العارفين ٦٨  
مناصب حج ٢٨٩  
مناظرات امام فخر رازي ١١٢  
مناظر الانشاء ٢٥٩  
مناظر المحاضر للمناظر الحاضر ٧٣٣  
مناظرة آسمان وزمين ٥١٠  
مناظرة اطعمه ٢٠٥  
مناظرة بهار وشتا ٣٩٠  
مناظرة سيخ و مرغ ٥١٠  
مناظرة شمس و قمر و تبغ و قلم ٣١٦  
مناظرة شمع و پروانه ٥١٠  
مناظرة عقل و عشق ١٠٤٥، ٧٧٩  
مناظرة نفس و روح ٣٩٠  
مناقب الحيوان ٧٣٧  
مناقب ١٨٩  
مناقب الامام شافعي ١١٣  
مناقب السادات ٢٤٥  
مناقب الشعراء ٨٢٤  
مناقب الشيخ عبدالقادر ١٢٢  
مناقب الصوفيه ٧٥٧  
مناقب الطاهرين ١٥٣  
مناقب العارفين ١٤٣، ٨١٧  
مناقب اوحد الدين كرماني ٧٤٣  
مناقب اويس قرني ٣٩٠  
مناقب جلال الدين مولوي ٢٨٩  
مناقب شاه ولي سديد الدين ١٩٠  
مناقب شاه عبدالعزيز ١٩٠  
مناقب شيخ الاسلام عبد الله انصاري ٢٨٩  
مناقب عبد الله انصاري ٧١٨  
مناقب عبيد الله احرار ٧٨١  
مناقب ٤  
مناقب ٧٢١  
مناقب الدرجات في شرح كتاب النجاة ١٢٤  
مناقب الزهره ٢٤٧
- مناهي والآيات ١٢٦  
مناهي والبيان ١٢٦  
مناهي عطار ٢٤٧  
منتحل ٦٨  
منتخبات امثال و اشعار تازي ٧٣٨  
منتخب التواريخ حسن بيك شيرازي ٣٥٨  
منتخبه بالتواريخ عبدالقادر بداوني ٣٥٧،  
٣٣٣، ٣٦٠  
منتخبه بالتواريخ مهدي ٢٨٣  
بالصناعه ٢٢٤  
الفرس ٢٣  
منتخبه في معالم حقيقة النفس وما يتصل بذلك  
١٣٨  
منتخب حل التقويم ٣٨٦  
منتخب سفر السعاده ٣٧٢  
منتخب كتاب الحيل ٧٠  
منتخب مشنوي معنوي ٨٤١، ٣٧٠  
منتهى الادراك في مدارك الافلاك ٣٨٥،  
٨٤١  
منتهى السؤال والامل ٣٨٩، ٣٩٢  
منحول ٦٨  
ابراهيم سلطان ٧٩٠  
منشآت ادريس بدليسي ٢٥٤  
منشآت تركي ٢٩١  
منشآت جامي ٢٨٩  
منشآت خان احمد خان ٣٨٨  
منشآت خواجه جهان ٢٥٩  
منشآت شاه ولي ١٨٩  
منشآت شاه طاهر دكني ٣٦٨  
منشآت شرف علي بن ابوبكر يزدي ٧٨١  
منشآت شرف الدين علي يزدي ٢٤٩  
منشآت صاين الدين تركه ٧٧٩  
منشآت عبد الله مرواريد ٧٧٧، ٢٦٠  
منشآت فارسي و تركي صادقي ٣٥٨  
منشآت قاضي ميدي ٢٦٨  
منشآت قاضي نور الله ٦٦٣  
منشآت قوام الدين ابوبكر يزدي ٧٩٠  
منشآت لامعي برسوي ٣٩٠  
منشآت نصر الله سمرقندي ٧٥٨

منهاج الرعايا ٢٣٩  
 منهاج العابدين ٧٨٢  
 منهاج العابدين الى جنة رب العالمين  
 ٦٨  
 منهاج العارفين ٦٨  
 منهاج المبين ١٣٥  
 منهاج المسالك ١٥١  
 منهاج المسترشدين ٦٨  
 منهاج المشكاة ٢٦٣  
 منهاج الولاية ٢٣٧  
 منهاج الابرار ٣٠٩  
 منهاج الاعلى ٦٨  
 منهاج الحسوب في عمل حساب الهندسي ١١١  
 منهاج الرشا ٢٧٣  
 منهاج السالكين ٧٢٢  
 منهاج الصادقين في الزام المخالفين ٣٧٤  
 منهاج الفصاحة في شرح نوح البلاغه ٦٩١  
 منهاج المحققين ٢٩٨  
 منهاج در عبادات ١٥٣  
 منية الفضلا في تاريخ الخلفاء والوزراء  
 ١٨٣  
 منية المتكلمين وغنية المتعلمين ٩٣  
 مؤاخذات ١٣٨  
 موارد الشوارد ١٤٨  
 موارد الكلم ٣٦٥  
 مواطن ٧٧٥  
 موافقا ١٩١، ٣٣٢، ٣٦٥، ٦٦٣  
 مواهب الاعمال النجومية ١٢٤  
 مواهب الرحمانية في مراتب الاخلاق السنية  
 والمقامات العرفانية ١٣١  
 مواهب الزحل ٢٤٧  
 مواهب الشريفة في مناقب ابي حنيفة  
 ٣١٧  
 مواهب الهية ١٨٣، ٢٥٧، ٧٥٦  
 مواهب عليه ٢٤٦  
 مواهب الباطنية ٦٨  
 موايد الانعام ٦٦٣  
 موجودات واقسام آن ١٣٩  
 موجلكيه ٤

منشآت نصير اي ممداني ٥٣١  
 منشور شاهي ٤٤٤  
 منشور مبارك ٧٨١  
 منصورى ٧١٥، ٢٣  
 منطبق جامي ٢٨٨  
 منطبق شهرستاني ٢٧٣  
 منطبق عمر بن سهلان ١٣١  
 منطبق مير سيد شريف ١٩٣  
 منطبق الاسرار ١٠٩  
 منطبق الطير ١١٤-١١٥، ٢٩١، ٢٤٥، ٢٤٥  
 منطبق الكلبير ١١٣  
 منطبق ثغافا ٢٧٦  
 منطبق فارسي ٣١  
 منظر الابصار ٦٨٨  
 منظر الانسان في ترجمة وفيسات الاعيان  
 ٢٥٥  
 منظورا تظار ٨١٩  
 منظومات صابيته ٢٧٥  
 منظومة اثر انگيز بروسه ٣٩٠  
 منظومة اختيارات مسير القمر ١٣٩  
 منظومة بحر متقارب ٣٩٩  
 منظومة جامي ٢٨٨  
 منظومة جلاليه در تفسير نوروزيه ٩١  
 منظومة خضر خان ودولراني ١٧١  
 منظومة خواجه عبدالقادر غري ٢٨١  
 منظومه در باره آمدن جنال اوغلي ٢٠٥  
 منظومه در تاريخ ماوراءالنهر ٨٤١  
 منظومه در تجويد ٢٦١  
 منظومه در خط ٦٥٢  
 منظومه در مخارج حروف ٢٦١  
 منظومة فرايد ٣٩٩  
 منظومة مثلثات ثنت ٥٢٦  
 منظومة مدخل ١٣٩  
 منظومة مولود زردشت ٧١٦، ٧٤٣  
 منقبت الجواهر ٧٥٣  
 منقبت اويس قرني ٣٩٠  
 منقذ من الضلال ٦٨  
 متكوك وسجلات نيمور ٢٢٣  
 منهاج ٧٢٠



موزيقي ٢٨٨	موزيقي ٢٨٨
موسى والنضر (قصه) ١٢٤	موزيقي ٢٨٨
موشح فى المذاهب الاربعه ٧٢١	موسى والنضر (قصه) ١٢٤
موشروگر به ٢٠١	موشح فى المذاهب الاربعه ٧٢١
موضوعات العلوم ٢٦٦	موشروگر به ٢٠١
موضوعات العلوم (رساله) ٢٧٠	موضوعات العلوم ٢٦٦
مولود زردشت (منظومه) ٧٢٣، ٧١٦	موضوعات العلوم (رساله) ٢٧٠
مولود نامه ٣٣٦	مولود زردشت (منظومه) ٧٢٣، ٧١٦
مونس الابرار ٢٠٢	مولود نامه ٣٣٦
مونس الاحباب ٢٦٠	مونس الابرار ٢٠٢
مونس الاحرار فى دقايق الاشعار كلامي ١٧٦	مونس الاحباب ٢٦٠
مونس الاحرار فى دقايق الاشعار محمد بن بدر جاجرى ٢٠٣	مونس الاحرار فى دقايق الاشعار كلامي ١٧٦
مونس الارواح ١٥٤	مونس الاحرار فى دقايق الاشعار محمد بن بدر جاجرى ٢٠٣
مونس العابدین ٢٦١	مونس الارواح ١٥٤
مونس العشاق ٧٢٥	مونس العابدین ٢٦١
مونس العوارف ١٥٢	مونس العشاق ٧٢٥
مها بهار ته ٢٦٠، ٢٦٤ - ٣٦٥، ٣١٨	مونس العوارف ١٥٢
٨١٥، ٦٥٨	مها بهار ته ٢٦٠، ٢٦٤ - ٣٦٥، ٣١٨
مهج الدعوات ٦٩١	٨١٥، ٦٥٨
مهنب الاسماء ٤	مهج الدعوات ٦٩١
مهر افروز ٨١٠	مهنب الاسماء ٤
مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز ٢٤٢	مهر افروز ٨١٠
مهر القلوب ٨٠٩	مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز ٢٤٢
مهر قلوب ٢٢٢	مهر القلوب ٨٠٩
مهر و ما ٢٠٥	مهر قلوب ٢٢٢
مهر و محبت ٥١٥	مهر و ما ٢٠٥
مهر و مشترى ٢٠٣	مهر و محبت ٥١٥
مهر و مكتوب ٦٦٦	مهر و مشترى ٢٠٣
مهر و وفا ٥٠٥	مهر و مكتوب ٦٦٦
مهمان نامه بخارا ٢٥٢	مهر و وفا ٥٠٥
مهيه العلم و العالم و المعلوم ١٣٨	مهمان نامه بخارا ٢٥٢
مهيج الاشواق ٢٢٢	مهيه العلم و العالم و المعلوم ١٣٨
ميامن الاكتساب فى قواعد الاحتساب ٢٤٧	مهيج الاشواق ٢٢٢
٢٤٧	ميامن الاكتساب فى قواعد الاحتساب ٢٤٧
ميامن المشتري ٢٤٧	٢٤٧
مى خانه ٥٢٧	ميامن المشتري ٢٤٧
مير و وزير ٨٢٢	مى خانه ٥٢٧
ميزان الادب ٧٠٥	مير و وزير ٨٢٢
ميزان الاوزان ٢٩١	ميزان الادب ٧٠٥
ميزان الحقايق ٨١٠	ميزان الاوزان ٢٩١
ميزان الحكمة ٧٠	ميزان الحقايق ٨١٠
ميزان العمل ٦٨	ميزان الحكمة ٧٠
ميه ابن الفارض ٢٨٩، ١٩٥	ميزان العمل ٦٨
ن	ميه ابن الفارض ٢٨٩، ١٩٥
ناز و نياز ٦٢٧	ناز و نياز ٦٢٧
ناظر و منظور جمالى اردستانى ٧٧٥	ناظر و منظور جمالى اردستانى ٧٧٥
ناظر و منظور و حش ٨٢٥، ٣٣٥	ناظر و منظور و حش ٨٢٥، ٣٣٥
ناموس ٣٩٣	ناموس ٣٩٣
ناموس اعظم ١٩٥	ناموس اعظم ١٩٥
نامه تنسر ١٢٩	نامه تنسر ١٢٩
نامه خرد افزا ٣٦٠	نامه خرد افزا ٣٦٠
نامه نامى خوندنمير ٢٤١	نامه نامى خوندنمير ٢٤١
نامه نامى سيد اسحق ٧٩١	نامه نامى سيد اسحق ٧٩١
نايه ٢٨٨	نامه نامى سيد اسحق ٧٩١
نبيه ابن سينا ٣٢	نايه ٢٨٨
نبوت ١١٣	نبيه ابن سينا ٣٢
نبوت ابن سينا ٣١	نبوت ١١٣
نثار الملك ٢٥٨	نبوت ابن سينا ٣١
نثر اللثالى ٧٢٩	نثار الملك ٢٥٨
نثر اللثالى فى كلام امير المؤمنين على ٩٢	نثر اللثالى ٧٢٩
٩٢	نثر اللثالى فى كلام امير المؤمنين على ٩٢
نجات الارواح ٨١٢	٩٢
نجات الرشيد ٣٦٠	نجات الارواح ٨١٢
نجات الطالبين ٨١٢	نجات الرشيد ٣٦٠
نجات القارى ٧	نجات الطالبين ٨١٢
نجاسه الخمس ٦٦٣	نجات القارى ٧
نجاسه ماء القليل بالعلاقات ٣٨١	نجاسه الخمس ٦٦٣
نجم القرآن فى تاويلات القرآن ١٤٨	نجاسه ماء القليل بالعلاقات ٣٨١
نجم الهدى ٣١٩	نجم القرآن فى تاويلات القرآن ١٤٨
نخبة السماء ٦٨٥	نجم الهدى ٣١٩
نخبة الفكر فى مصطلح اهل الاثر ٢٩٤	نخبة السماء ٦٨٥
ندامه الى زاد القيامه ٧١٨، ٦٠	نخبة الفكر فى مصطلح اهل الاثر ٢٩٤
ندامت نامه ٧١٨	ندامه الى زاد القيامه ٧١٨، ٦٠

نصوح في تحقيق الطور المخصوص ١٥٠	نزهة الأرواح ١٦٩، ٥٣٠، ٧٤٢
نصيحة التامة للخاصة والعامه ٤٠٢	نزهة الأرواح وروضه الأفراح في تواريخ الحكماء المتقدمين والمتأخرين
نصيحة الخواص ٢٢٢	٨٠٨، ٤٠١
نصيحة السالكين ٧	نزهة الحقائق في تقويم كواكب ٢٦٩
نصيحة الملوك ٦٨	نزهة الخاطر في ترجمة سيدي الشريف عبدالقادر ١٢٢، ٣٩٤
نصيحت خليفه عصر ١٨٨	نزهة السامانيه ٧٦٣
نصيحت سيد بهان الدين خليل الله ١٨٨	نزهة العاشقين على بن محمود ٨١٣
نصيحت سيد نور الدين شاه خليل الله ١٨٨	نزهة العاشقين محمد بن محمد زنگي ١٢١
نصيحت ملوك ١٦٨	نزهة العثمان ونهضة المشتاق ١١١
نصيحت نامه خواجه نصير ١٣٩	نزهة القلوب ١٤٣
نصيحت نامه شاه ولي (دور ساله) ١٨٩	نزهة المجالس ١٦٩
عنصر المعالي ٦٥	نزهة المجالس في الرباعيات ١٧٦-١٧٧
نصيحت نامه غزالي ٦٩	نزهة الناظر ١٣٣
نصيريه اسمعيل بن محمد شيرازي ١٥٠	نزهت نامه عالي ٦٣
نصيريه خواجه نصير ١٣٨	نسايم الأسحار ٧٨٧
نظام التواريخ ١٤٠	نسايم الأسحار من لطايم الاخبار ١٤٩، ٧٣٣
نظام وسر انجام ٣١١	٧٤٢
نظر السليم ٦٦٣	نسايم التوثيق ١٣١
نظم الجواهر ٢٩١	نسايم القادريه ١٣١
نظم الدرر ٢٨٩	نسايم المحبه ٢٩١
نعت ومنقبت ٨١٠	نسايم گلشن ١٦٩، ٣١١، ٧٨٧
نعم المعيار والمقياس بمعرفه مرانب الناس ٤٠٢	نسبت خرقة احمد شاه بهمنى ١٨٩
نعمتها وخوشبها ولدتها ١٣٩	نسبت خرقة خودومعنى اعيان ١٨٨
نغمات السماويه ١١٠	نسبت ميان افراد ٣٩٧
نفايس الأرقام ٣٩٧	نسخ جهان آرا ٣٥٤، ٨٣٢
نفايس العرايس ٦٣	نسخه عثمان خان ٢٠٤
نفايس الفنون في عرايس العيون ١٨٣	سيم المقربين ٧١٨، ٧٨١
نفايس المآثر ٣٨٢، ٤٣٣	تشائيه خمار ٣٨٠
نفثه المصدر زيدر ٩٤، ٧	نثر الامان في الامصار والاطوان ٣٧١
نفثه المصدر صاين الدين تركه ٤٥١	نصايح الاولاد ٢٢٤
نفثه المصدر وتحفة المشكور ١٥٠	نصايح الصبيان ٢٧٥، ٩٠
نفثه المصدر وفتور زمان الصدور وسدور	نصايح الملوك ٦٨
زمان الفتور ١١٨	نصايح خطاب بنظام الملك ٥٨
نفحات الالهيه القدسيه ١٥٠	نصح الوافي للقلب الشافي ٤٠٢
نفحات الانس من حضرات القدس ٥٨، ٢٥٦	نصرة القتره وعمره الفطره ١١٩
٢٨٩، ٢٩١، ٢٩٠، ٢٣٣، ٦٥٦	نصرة نامه ٢٣٣، ٨١٠
	نصوص في بحر التحقيق وجواهر الفصوص

نوادر الشباب ٢٩١  
 نوادر المعارف ٢٧٢، ٢٦٣  
 نواقض في الرد على الروافض ٣٩٨  
 نور اعلى نور ٨١٠، ٧٧٥  
 نور الانور ٦٦٤  
 نور الحقائق ٧٢١  
 نور الشمع ٦٨  
 نور العلوم ٥٧  
 نور العين ٦٦٤  
 نور العيون ابوروح گر كافي ٧١٩  
 نور العيون مسعود بنخارايي ٧٥٥  
 نور الهدى ٤٠٤  
 نور بنخشيد ٣١٩  
 نورس ٣٣٣  
 نوروزنامه ٦٠  
 نور و مرآة ١٨٨  
 نورية السلطانية في بيان قواعد السلطنة و  
 احكامها و اركانها و اسبابها و آلياتها  
 ٣٧٠  
 نوريه ١٨٩  
 نوم نامه ٧٦٤  
 فونيه ٣٩٥  
 نهايت ٨١٠  
 نهايت اعجاز ٤٤٤  
 نهاية الادب ٧١٢  
 نهاية الادراك ١٤٨  
 نهاية الادراك في درايه الافلاك خواجه نصير  
 ١٣٨  
 نهايه الادراك في درايه الافلاك محمود  
 كازروني ١٤٧  
 نهايت الاقدام ١٢٦، ٦٦٤  
 نهاية الايجاز ١١٣  
 نهايت الحكمة ٢٤٤  
 نهاية العقول ١١٣  
 نهايه الكمال ١٧٠  
 نهاية المسؤل في درايه الرسول ٢٣٦  
 نهاية المطلب في درايه المذهب ٦١  
 نهج البلاغه ٢٤٧، ٣٧١، ٢٧٤، ٣٩٦،  
 ٧٢٩، ٦٩١

٧٧٥  
 نفحات الربانية ١٥٠  
 نفحات الرحمانية وثمرات التجليات الا-  
 خصاصيه ١٥٠  
 نفحات السالكين ٣٠١  
 نفحات في الاصول الكلية ١١٠  
 نفخ روح آدمي ١٨٩  
 نفس ١١٣  
 نفس ارسطو ١٣٥  
 نفس و نكات ١٨٨  
 نفسيه ١٨٩  
 نفس و اثبات ١٣٩  
 نقاوة الآثار في ذكر الاخبار ٣٥٨  
 نقاوة الادوار ٨١٤  
 نقدا المحصل ١٣٨  
 نقدا النصوص في شرح نقش الفصوص ٢٨٩  
 نقش باس (آهنگ) ٦٠١  
 نقش بديع ٤١٥  
 نقض ١٢٥  
 نقض معالم ١٥٣  
 نقطه ٢٧٥  
 نقطه القديسيه ١٣٨  
 نقل عشاق ٤٤٤  
 نفود الزواهر و عقود الجواهر ٩٣  
 نقيض مطلقه ١٣٠  
 نكات (چهار رساله از شاه ولي) ١٨٨ -  
 ١٨٩  
 نكات الحق الحقيقه من باب معارف الطريقه  
 ٢٧٠  
 نكات له شق و المحبه في تطيب قلوب الاحبه  
 ٣٧٠  
 نكات عشر ١٨٩  
 نكارستان جويني ١٨٣  
 نكارستان قاضي احمد غفاري ٨٣٢، ٣٥٤  
 نكارستان كمال پاشا زاده ٨١١  
 نل و دمن ٣٦٣  
 نمكدان حقيقت ٥١٥  
 نوادر الاخبار ٦٨  
 نوادر التبادر ١٥٢

وجود موجود ۲۸۸  
 وجودیه ۷۲۲  
 وجود النور المعانی نظم الدر ۱۹۲  
 وجود قرآن ۷۲۷  
 وجه المتاعه ۴۳۰  
 وجه دین ۵۹  
 وجیز ۶۸  
 وجیزه آداب البحت ۷۰۵  
 ودا (اثر و) ۳۶۰  
 ورد المریدین ۶۰۶، ۵۴۰  
 ورفات فی اصول الفقه ۶۱  
 ورفه وگلشاه ۴۴، ۷۱۷، ۷۲۶  
 وسایل الرسایل ودلائل الغضایل ۲  
 وسط الحیوة ۱۷۰  
 وسیط ۶۸  
 وسیلة الشفاعات ۸۱۵  
 وسیلة المقاصد ۲۵۸  
 وسیلة النجاة ۳۷۱  
 وشاح ۱۵۵  
 وشاح دمیة القصر ۱۲۳  
 وصایا القدسیه ۷۷۸  
 وصایای بقراط حکیم و حکمای یونان  
 ۷۳۸  
 وصایای عبدالحق دهلوی ۳۷۱  
 وصایای عبد الخالق عجدوانی ۲۵۲، ۷۲۲،  
 ۷۷۵  
 وصایای نظام الملک ۶۶  
 وصلت نامه عطارتونی ۳۲۰  
 وصلت نامه عطار نیشابوری ۱۱۴  
 وصول الی الله ۱۱۶  
 وصیت العارفین ۷۷۸  
 وصیت نامه اسمعیل گرگانی ۷۲۷  
 وصیت نامه عطار ۱۱۴  
 وضع ۲۶۳  
 وظایف ۳۷۰  
 وعلیه ۶۸  
 وفيات الاعیان ۲۵۴-۲۵۵، ۳۸۲  
 وقایه الروایه فی مسایل الهدایه ۴۰۲،  
 ۴۰۷  
 وقایع شاه معین الدین چشتی ۱۵۴

نهج الحق و کشف الصدق ۲۵۱، ۳۸۱  
 نهج الرشاد ۲۶۴  
 نهج الرشاد فی الاصول ۱۲۳  
 نهر و صین ۳۸  
 نهمپهر ۱۷۱  
 نی نامه ۲۸۸  
 واردات شاه ولی ۱۸۹  
 واردات عبدالله انصاری ۵۸  
 واردات نوربخش ۳۱۹  
 واردات غیبیه ۱۹۵  
 واسطه العقد ۲۸۷  
 وافی فی تعداد القوافی ۲۰۳  
 واقعات باهری ۳۶۲، ۶۰۷  
 واقعات تیمور ۲۳۳  
 واقعات مشتاقی ۳۶۰  
 واقعة الحقایق ۴۰۱  
 والدیہ ۲۶۴  
 وامق و عذرا ۱۴، ۳۸، ۴۶، ۴۸، ۳۷۳  
 وامق و عذرا ی اسیری تربتی ۵۲۳  
 وامق و عذرا ی صر فی کشمیری ۳۷۳، ۸۲۹  
 وامق و عذرا ی منصری ۳۸، ۳۹۰  
 وامق و عذرا ی فصیحی ۴۶، ۳۴۶  
 وامق و عذرا ی قسمتی استر ابادی ۵۱۹  
 وامق و عذرا ی قطران ۴۸  
 وامق و عذرا ی لامعی برسوی ۳۹۰  
 وامق و عذرا ی نوعی خبوشانی ۴۳۴  
 وحدت وجود ۲۸۸  
 وجود با با نعمت الله ۲۸۲  
 وجود جامی ۲۸۸  
 وجود خیام ۶۰  
 وجود شاه ولی ۱۸۸  
 وجود قاسم انوار ۲۹۲  
 وجود محدود اعظم ۴۰۱  
 وجود میر سید علی ۱۹۵  
 وجود العاشقین ۱۹۶  
 وجود مطلق ۴۴۹

هفت اورنگ درویش اشرف ۳۱۰	وقایه ۶۳۲
هفت باب ابواسحق ۸۱۶	وقتبوالا بعداء ۶۸۵
هفت باب سیدنا ۷۲۹، ۱۳۹	وقیبه فر منکر القریبه ۱۷۳
هفت بند حسن کاشی ۶۳۳، ۲۱۲	ولایت نامه ۷۵۷
هفت پیکر ترجمه هفت منظر هاتقی ۳۹۰	ولایه ۳۱۱
هفت پیکر نظامی ۱۰۵، ۱۷۱، ۱۵۱، ۳۶۳	ولدنامه ۱۹۷
هفت حصار ۵۸	ولی نامه ۳۲۰
هفت دفتر ۸۰۷	ویس و رامین ۳۹۰، ۱۰۵، ۵۱، ۱۴
هفت کشور ۳۶۳	
هفت گنبد ۸۰۷، ۲۹۱، ۱۰۵	هادی ۱۴۶
هفت منظر ۳۱۵، ۳۹۰	هادی الاسرار ۲۳۷
هفت وادی ۱۱۴	هادی فی المروع ۱۲۵
هما و همایون ۲۰۰	هادیه ۱۵۰
همایون نامه شهاب متشی ۲۶۰	ها ۱۸۸
همایون نامه یا احوال همایون پادشاه ۳۶۳، ۳۷۶	هایم ۱۱۶
همایون نامه یا قانون همایون ۲۴۱	هدایت ۸۱۰، ۱۸۹
همدانیه ۴	هدایه الاحوان ۲۸۲
هوان الالوان ۱۲۸	هدایه الحکمه ۱۷۳، ۳۵۶
هندسه ۱۱۲	هدایه الخیر ۴۰۰
هیا کل النور ۱۱۰	هدایه العلماء بن ۱۱۶
هیا کل فارسیه ۱۱۰	هدایه المتعلمین ۲۹، ۲۱۶
هیلاج نامه ۱۱۴	هدایه المرید فی شرایط العبید ۶۸
هیئت خواجه نصیر ۱۳۹	هدایه المعرفه ۲۴۳
هیئت منصور دشتکی ۳۷۶	هدایه ربی ۳۰۲
هیئت نظام الدین بیرجندی ۳۸۴	هدایت نامه ۲۰۹
	هدایه ۶۳۳
	هدایه اذین به ۲۶۸، ۸۲۶
یا تکار زریران ۱۳	هدایه سیدی ۶۶۳، ۷۰۶
یادگار ۷۲۷	هزار اسانه ۱۴
یادگار زریران ۱۳	هزار هزار ۱۹۸، ۲۱۵، ۲۵۶
یاسا ۲۳۳	هزایاب سندی ۳
یا قوت التأویل فی تفسیر التذویل ۶۸	هشت بهشت ادیس بدایین ۲۵۴
یزدان شناخت ۱۱۱، ۷۲۲	هشت بهشت خسرو دهاوی ۱۷۱، ۴
یعقوب و یوسف ۳۸۰	هشت در هشت رعایتی اورانیه ای ۵۷۸
یمینی ۷۵۵	هشت در هشت سمعت بخارا ۵۷۸
ینا بیع ۷۶۸	هفت اختر ۳۸۵
ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار ۲۴۳	هفت اولیم ۳۸۲
ینبوع الحیان ۱۴۵	هفت اورنگ جامن ۲۸۷

یوسف وزلیخای کمال پاشا زاد ۸۱۱  
یوسف وزلیخای محمود بیگ سال ۵۰۵  
یوسف وزلیخای مسعود قمی ۳۱۶  
یوسف وزلیخای معین الدین آوی چوپنی  
۱۸۳  
یوسف وزلیخای معین الدین فراهی ۲۴۲  
یوسف وزلیخای حقیقی ۸۳۱  
یوسف وزلیخای منسوب بفر دوسی ۴۱  
۷۱۸، ۷۱۶-۷۱۵، ۵۴  
یوسف وزلیخای موجی بدخشی ۵۵۲

یواقیت الحکم ۱۳۱  
یوحنا (رساله) ۱۳۷  
یوسف وزلیخای ابوالمؤید بلخی ۷۱۵، ۲۰  
یوسف وزلیخای امانی ۷۱۷، ۵۳، ۴۱، ۲۳  
یوسف وزلیخای بنتیاری آهوازی ۲۳،  
۷۱۵  
یوسف وزلیخای جامی ۲۸۷  
یوسف وزلیخای جمالی اردستانی ۲۴۴  
یوسف وزلیخای شمسی ۷۱۸-۷۱۷  
یوسف وزلیخای عمیق بخارایی ۹۷